

جنبش کارگری و مروری بر اعتصابات و اعتراضات کارگران در ایران!

روزشمار کارگری ماههای اردیبهشت و خرداد سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

گردآورنده و تدوین:

امیرجوهری لنگرودی

Roorshomar_k@yahoo.com

مهر ۱۳۹۲ برابر با اکتبر ۲۰۱۳

یادداشت گردآورنده :

دوستان - یاران و رفقای عزیز

ماه اردیبهشت یاد آورشطحی از تحركات مربوط به کارگران در آستانه روز جهانی کارگر (اول ماه مه) بوده که هر ساله نمود معین خود را بر روزشمار کارگری این ماه بجا می گذارد.

دو سطح نمایش نیروی رنج و کار در ایران خود را در هیاکل تشکل های وابسته و مستقل بنمایش می گذارد. از سویی نمایش حکومتی ها که تبلور آنها باید در سیمای عوامل خانه کارگری ها - شوراهای اسلامی کار و انجمن های اسلامی طی سال هایی اخیر در برپایی هفته نمایش کارگری بره می اندازند. این بالماسکه ضدکارگری از بردن کاروان انسانی بر سر مقبره آقا که لاکن در حیاتش "خدا را هم کارگر" می نامید شروع می شود و تا ساز و کارهای تکراری هر ساله جماران ولی فقیه که گفتارش آبخور مال اندوزان و سرمایه دارانی ایست که با اجرای اصل ۴۴ برای خصوصی کردن اموال دولتی، تمام قد در برابر کارگران ایستاده اند تا کارازگرده آنان گیرند و جان بستانند. حکومتیان در معیت کارگر نمایی همچون علیرضا محجوبی دبیر اول خانه کارگر و سخنگوی پارلمان کارگری، طی سال هاس اخیر با لماسکه یاد شده را به نمایش در می آورند که هیچ پیوندی با مناقع کارگران ایران نداشته و ندارد. بلکه بازویی ایست در راستای حمایت از سازماندهندگان آن نمایش، بمثابه بختکی برای پرنمودن جیب های خود و موقعیت تراشی برای تریبون آفرینان مجلسی و سنگ کارگر را به سینه زدن آنها برای هیچ.

از سوی دیگر، تشکل های مستقل کارگری با همه محدودیت تراشی و مانع آفرینی های حکومتیان، تلاش های ارزنده ای از خود در زنده نگذاشتن نام و هویت این روز که همانا تقویت مبارزه و بروز مطالبات بی پاسخ مانده کارگران در امر

همبستگی ملی و بین‌المللی ایست، در تمام این ماه‌ها فعالان کارگری در اشکال مختلف به صف می‌گردند تا نمایش مستقل خود را بر فراز تشکل‌های خود ساخته حکومتیان، به نمایش گذارند و در این راه همواره با پرداخت هزینه‌های چندی این تقلا و تلاش خود را به ثمر می‌رسانند.

امسال، در آستانه روز جهانی کارگر، زیر فشار فزاینده نارضایتی و اعتراض‌های کارگری، مجلس لایحه به اصطلاح اصلاح "قانون کار" کذایی را به دولت احمدی‌نژاد بازگردانید. این اقدام، آن هم درست در گرماگرم نزاع‌ها و درگیری‌های جناحی و بی‌ثباتی سیاسی رژیم، این واقعیت را آشکار می‌سازد که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در صورت روی آوردن به مبارزه سازمان‌یافته و متشکل، حتی در اوضاع بس نامساعد سیاسی، فضای اختناق و سرکوب، و کاربرد فشار از سوی ارگان‌های امنیتی، می‌توانند به مبارزه برای تامین منافع خود و عقب‌راندن ارتجاع حاکم ادامه دهد. علاوه بر این، در پی بالا گرفتن نارضایتی از میزان حداقل دستمزدها و همزمان با آن فعالیت جنبش کارگری موجود به خصوص سندیکاها و تشکل‌های مستقل در این ارتباط، و تاکید بر اینکه، از همه روش‌های اعتراضی از جمله شکایت به دادگاه و اعتصاب بهره خواهند بُرد، دولت ضدکارگری احمدی‌نژاد و حاکمیت مرتجع دست به مانورهای فریبکارانه مختلفی زده‌اند. از جمله این مانورهای فریبکارانه، به دستور ویژه رییس‌جمهور به وزارت کار برای برگزاری نشست فوق‌العاده "شورای عالی کار" می‌توان اشاره کرد. خبرگزاری مهر، ۹ اردیبهشت ماه، گزارش داد: «با درخواست کارگران، دستور رییس‌جمهور و تایید وزارت تعاون، کار و رفاه، به زودی نشست فوق‌العاده عالی کار به منظور افزایش حق مسکن و حق بُن نقدی سال جاری مشمولان قانون کار برگزار می‌شود، با این حال گمانه‌ها از افزایش ۵ برابری حق مسکن و رشد ۱۵ هزار تومانی بن ماهیانه حکایت دارد.» این نکته ظریف اما پراهمیت را نیز باید افزود که، بنابر "قانون"، افزایش حق مسکن از اختیارات "شورای عالی کار" نیست! به هر روی، نفس وادار شدن حاکمیت ضد کارگری و دولت به انجام مانور در خصوص مطالبات کارگری، نشانه بارز وجود نیرویی با ظرفیت و توان و امکانات معین در صحنه مبارزه اقتصادی - اجتماعی و سیاسی در تحولات زندگی اجتماعی کارگران و زحمتکشان است، که اتفاقاً زنجیره وسیع ضد کارگری موجود در سرمایه داری حاکم، از به فعل درآمدن این نیرو و امکانات آن هراس دارند. افزون بر این در خرداد ماه با توجه به روندهای حساس سیاسی کشور، در آستانه انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری، برای مهار اعتراض‌های کارگری و جلوگیری از تبدیل شدن این اعتراض‌ها به اهرمی برای بازسازی بدنه اجتماعی "جنبش توده ای"، با درس آموزی از خیزش ضد استبدادی مردم در خرداد ۸۸، تمان عناصر تبلیغات و مانورهای فریبکارانه دولت، مجلس، و جناح‌های ارتجاع حاکم را شاهدهیم. به فاصله ی اندک پس از دستور ویژه احمدی‌نژاد برای برگزاری نشست "فوق‌العاده شورای عالی کار"، اعلام شد: «میثاق‌نامه حمایت ملی از کار و تامین اجتماعی تدوین شد.» در پی آن، و با حمایت دولت، طرح ارایه سبد ویژه به کارگران در صدر خبرها قرار گرفت. خبرگزاری مهر، ۱۱ اردیبهشت ماه، نوشت: «رییس هیات مدیره کارفرمایان خدماتی کشور اظهار داشت... سازمان تامین اجتماعی از طریق پیش‌بینی و تهیه سبد معیشتی و سبد کالا، از کارگران و مشمولان قانون کار حمایت کند...» همه آنچه در بالا بدان‌ها اشاره شد، گویای این واقعیت است که جنبش کارگری و تحریکات و اعتراضات، اعتصابات و بویژه خواست‌های اقتصادی و مطالباتی آنان را - برخلاف سال‌های گذشته - به راحتی نمی‌توانند نادیده بگیرند. مضمون این رویدادها به دلیل رشد نسبی جنبش کارگری و بالا رفتن سطح آگاهی طبقاتی این جنبش است. نظری اجمالی به موضع‌گیری‌ها و اعلامیه‌های صادر شده از سوی سندیکاها و تشکل‌های مستقل کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر در امسال، و خواسته‌های که در این موضع‌گیری‌ها و اعلامیه‌ها بدان‌ها اشاره و بر آن‌ها تاکید شده است، که تماماً در روز شمار کارگری ثبت شده است؛ تأیید کننده این واقعیت است.

گزارش عمومی زیرگوشه ای از نمود این تلاش در داخل کشور و زیرچکمه حکومتگران ضد کارگراست که در روز شمار کارگری آمده است :

به نوشته سایت خودنویس به قلم فریبرز سروش در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۹۲ آمده است : روز جهانی کارگر در ایران در حالی برگزار شد که از یک سو، شورای تامین و از سوی دیگر، نیروی انتظامی با بکارگیری شیوه های خود سعی در هرچه محدودتر کردن تجمعات کارگری در شهرهای گوناگون داشتند.

مطابق برنامه از پیش تعیین شده، قرار بود تجمعات کارگری در سراسر کشور در ساعت پنج عصر برگزار شود. عده ای برای این باورند که گزینش این ساعت اتفاقی نبوده و دست شورای تامین در کار بوده است تا اگر کار به اغتشاش کشید، در عصر که مدارس و دانشگاه ها تعطیل است، خیلی راحت بتواند موضوع را جمع کنند. با این وجود بر اساس خبرهای رسیده از گوشه و کنار کشور دامنه ای اعتراضات کارگری آنقدر گسترده بوده که به ساعت تعیین شده اعتنایی نکنند و با استفاده از تنها روز سال که به نامشان ثبت شده، صدای خود را به گوش مسوولان برسانند.

در **شیراز** از ساعات اولیه صبح تعداد زیادی از کارگران با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر با در دست داشتن پلاکاردهایی اعتراض خود را نسبت به شرایط موجود ابراز داشتند، روی یکی از این تابلوها نوشته شده بود: «کارگر روز بیکاری ات مبارک». بر اساس اخبار منتشر شده، با افزوده شدن تعداد کارگران در مقابل فرمانداری، تعداد زیادی از ماموران نیروی انتظامی با حضور در منطقه تجمع اعتراضی کارگران به محاصره خود در آوردند، برخی خبرهای تایید نشده نیز از بروز درگیری و زدوخورد میان کارگران و ماموران حکایت دارد.

در **قزوین** نیز بیش از هشت هزار کارگر با تجمع در ورزشگاه یادگار امام این شهرستان و با سر دادن شعارهایی بر علیه سیاست خصوصی سازی و فروش کارخانه های دولتی به اشخاص حقیقی، به وضعیت حاکم بر زندگی خود اعتراض کردند.

در پایتخت نیز بزرگترین و برجسته ترین حرکت متعلق به **سندیکای** کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه بود، به گونه ای که بر اساس گزارش ها اعضای این سندیکا علی رغم تمامی فشارها از ساعات اولیه صبح با حضور در ترمینال های اتوبوسرانی به رانندگان و کارگران این روز با با اهدای هدایای تبلیغاتی سندیکا تبریک گفته و سپس به میدان آزادی رفتند تا در مقابل وزارت کار تابلوی سندیکای خود را بالا بردند، با کارگران دیگر سرود خواندند و سپس به دیدار کودکان کار رفتند. حضور ماموران امنیتی لباس شخصی که مرتباً در حال فیلم برداری و عکاسی از افراد بودند در مراسم یاد شده گزارش شده است.

گزارش های رسیده از **تبریز** هم گویای آن است که کارگر این شهر مهم و صنعتی از ساعات اولیه روز با تجمع در مقابل اداره کار، ضمن گرامی داشت روز جهانی کارگر، علیه اخراج های گسترده، بیکاری و فقر کارگران اعتراض کردند. همین گزارش حاکی از آن است که تعداد زیادی از موتور سوران لباس شخصی، ماموران نیروی انتظامی و بسیج در حال مانور و گشت زنی در اطراف اداره کار تبریز بوده اند.

از **سنندج**، مرکز استان کردستان نیز خبر رسید که مراسم روز کارگر در این شهر با دخالت ماموران انتظامی- امنیتی به زد و خورد و درگیری کشیده شده است. تجمع اعتراضی کارگران سنندجی در مقابل کمیته امداد این شهر شکل گرفت و سپس سردادن شعارهای اعتراضی و بالا بردن پرچم های سرخ رنگ کارگری باعث مداخله ماموران شد که نتیجه ی آن درگیری و بازداشت پنج نفر گزارش شده است.

از شهرهای دیگر نیز گزارش‌هایی مبنی بر تجمعات توأم با اعتراض کارگران مخابره شده است، اهواز، شیراز، بندرعباس، قائم شهر، مشهد، پاره، همدان زاهدان و بندر بوشهر از جمله این شهرها هستند. تعدادی از کارگران و زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر کرج نیز با تجمع در سالن دوازده زندان روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

گفتنی است در حالی که رقم خط فقر برای خانوارها از جانب بانک مرکزی یک میلیون و پانصد هزار تومان اعلام شده، حداقل دستمزد کارگران در سال جاری چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر هم میزان تورم در کشور سی و یک درصد و میزان افزایش حقوق کارگران بیست و پنج درصد بوده است که همین موضوع باعث بروز مشکلات عدیده معیشتی - خانوادگی و در نتیجه عدم رضایت کارگران کل کشور از شرایط موجود شده است. اضافه نمایم؛ این همه ما وقعه گزارش حادثه شده در روز جهانی کارگر (اول ماه مه) در ایران نیست. چرا که امسال در جای جای کردستان بزرگ، تحرکات روز جهانی کارگر در اردیبهشت ماه برابر اول ماه مه، بازتاب وسیعتری داشته است. می توان گفت: روزشمار کارگری اردیبهشت ماه، بدقت و وسواسی ویژه، تمامی عناصر خبری این ماه را در سطوح مختلف جمع آوری نموده که می تواند بشکل مستقل مورد داوری و کارشناسی آماری قرار گیرد.

در چنین هنگامی است که می توان در پیشانی یاد داشت روز شمار کارگری این دو ماه (اردیبهشت و خرداد ۹۲) از مولفه های گوناگونی از جمله: نبودن امنیت شغلی کارگران - گسترش تحریم ها علیه فرودستان سراسر ایران - رشد روز افزون تورم و گرانی کالا های مورد مصرف مردم - تعطیلی بیشمار واحد های تولیدی صنعتی - بیکاری های گسترده - حقوق های معوقه در دو سطح کارخانه های بخش دولتی و خودمانی شده صنایع تولیدی - اختلاس و چپاول اموال موسسات و بنگاههای گوناگون از جمله سازمان تامین اجتماعی و جابجایی مدیریت آن در سطح مدیران امنیتی - حوادث حین کار و مرگ و میرناشی از آن - بازنشستگان و دشواری گذران آنان - دشواری های زنان کارگر و پرستاران و معلمان - خشکسالی و تخریب محیط زیست - ویرانی زندگی کشاورزان - طومارنویسی و نامه ها و اعتراضات گوناگون جمعی کارگران و غیره ... صحبت داشت.

- فقدان امنیت شغلی کارگران؛ بدلیل پرشماری فراهم می آید. که حاصل آن خانه خرابی و گسترش فقر، تعطیلی واحد های تولیدی و افزایش بیکاری است. بنگاههای کاریابی و تحمیل قرارداد های سفید امضاء و موقت بر کارگران در مقابل عدم وجود بیمه بیکاری و حوادث حین کار، خود بیش از هر چیز دامن گستر عدم امنیت شغلی کارگران است که آسیب های وحشتناکی بر روزمره گی گذران کارگران بر جای گذاشته است.

***- فقدان امنیت شغلی عامل افزایش حوادث کار؛** به نوشته خبرگزارها ی دولتی از قول يك فعال کارگری در خرم دره، تسلط قرارداد موقت و پیمانی در بازار کار را یکی از عوامل بروز حوادث حین کار ذکر کرد و از امنیت شغلی کارگران به عنوان مهم ترین عامل افزایش کیفیت محصولات تولیدی نام برد. کاظم خلجی با بیان مطلب فوق گفت: در شرایط نا مساعد اقتصادی، در حالی که تولید با مشکلات جدی مواجه شده، امنیت شغلی کارگران بیش از هر زمان دیگری به خطر افتاده است. (روزشمار کارگری؛ خبرگزاری دولتی ایلنا، دوم اردیبهشت ۹۲)

تحریم ها :

حدود چند سال از افزایش ابعاد و شدت تحریم‌های امپریالیستی علیه ایران می‌گذرد؛ تاثیرات بجا مانده از گسترش تحریم‌ها در عرصه‌های مختلف اقتصادی کشور از جمله ی و مهم‌ترین بخش آن را می‌توان به محدود شدن خرید نفت ایران، از قبل تحریم نظام بانکی و مبادلات مالی بین‌المللی دانست. تحریم‌ها علیه صنایع کلیدی، همچون صنعت پتروشیمی، ممانعت برای واردات دارو و منع واردات مجموعه‌ای از مواد خام صنایع کشور و ابزار تولیدی، و منع واردات کالاهای خاص خود را عیان ساخت. همین حد نه حاکمیت بلکه گلوی مردم را فشرد و همچنان می‌فشارد.

همین گسترش تحریم‌های نفتی و کاهش درآمدهای ارزی ایران و نیز جلوگیری از دسترسی به درآمد حاصل از فروش نفت، باعث شده تا در بسیاری موارد برای وارد کردن کالاهای مورد نیاز کشور، مبادله‌ی تهاتری یا پایاپای صورت پذیرد؛ که این امر در رابطه با هندوستان و تا حدی کشور چین در دوره گذشته معنی پیدا کرده است. امری که عملاً ایران را در مسیر رسیدن به سرنوشت فاجعه بار مردم عراق در طرح «برنامه نفت در برابر غذا» یا «اقتصاد مقاومتی» که دو نام متفاوت برای یک نمایش و سناریوی واحد است، قرار می‌دهد. در سطح جهان، تحریم بانک مرکزی ایران و تحریم نقل و انتقال ارز از طریق شرکت‌های واسط، باعث شده تا حدود ۹۰ درصد تجارت خارجی در ایران مختل شود و همین امر منجر به گرانی کالاهای مصرفی و نایاب شدن برخی کالاهای خاص و حیاتی، از جمله دارو، آمپول و سرنگ گشته است. از این رو می‌توان گفت: عیان‌ترین سویی فشار گسترش تحریم‌ها بر توده‌ی مردم در کمیاب و نایاب شدن اقلام دارویی نمود می‌یابد؛ تا جایی که تا کنون شمار قابل توجهی از بیمارانی که توان خرید دارو از بازارهای «غیرقانونی» یا بازار سیاه را نداشته‌اند، عملاً جان خود را از دست داده‌اند. چرا که خرید دارو از بازار سیاه و آزاد با آنچنان قیمت بالایی همراه است که زحمتکشان و محرومین و بی‌چیزان جامعه که گسترش انواع بیماری‌ها در میان آنان نیز بیشتر از طبقه دارا و بالای جامعه و اقشار میانی است، با تنگدستی حاکم بر آنان، نتوانند داروهای لازم و مورد نیاز خود را تهیه نمایند. این واقعیت خود به طور نمادین نشان می‌دهد که چگونه تحریم‌های اقتصادی با مرگ تدریجی مردم پیوند یافته‌اند. نتیجه آنکه؛ ما شاهد اثرات مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها بر وضعیت اقتصادی و معیشتی کارگران و فرودستان جامعه هستیم و اخبار آن در روزشمار دو ماهه تا حد زیادی مشهود است.

در برابر گسترش تحریم‌ها ما با رشد سرسام آور تورم در جامعه روبرو هستیم. از یکطرف قیمت‌های کالاهای مصرفی روزانه مردم از نان - تخم مرغ - انواع میوه - چای - قند و شکر - روغن و انواع گوشت، افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی ویزیت پزشکان و هزینه‌های کمرشکن درمان و غیره... بطور روزمره افزایش یافته‌اند؛ و از سوی دیگر به دلیل گرانی، کمیاب شدن مواد اولیه و تجهیزات فنی لازم برای تولید، سطح تولید داخلی کاهش یافته و روند پیشین تعطیلی یا نیمه تعطیل شدن کارخانه‌ها و کارگاهها تشدید شده است. این نتایج منفی علاوه بر افزایش قیمت کالاهای مصرفی، به سهم خود نرخ بیکاری و ناامنی شغلی را افزایش داده است. نمونه‌های گزارش شده در روزشمار کارگری بیان همین واقعیت است:

***- دنیای اقتصاد، ۷ اردیبهشت‌ماه ۹۲، به نقل از غضنفری، وزیر صنعت و تجارت، همراه با هشدار به شورای رقابت که مرجع تصمیم‌گیری برای تعیین قیمت‌های خودرو است، نوشت: "اگر نمی‌خواهند با لشکر بیکاران مواجه شوند، نگرانی این وزارتخانه را از وضع موجود صنعت خودرو جدی بگیرند." دنیای اقتصاد در ادامه مطلب و با اشاره به شرایط بحرانی خودروسازان، می‌نویسد: "حال در شرایطی قرار داریم که شورای رقابت با توجه به اختیارات رئیس جمهور حرف اول را در تعیین قیمت‌ها می‌زند و امروز و فردا کردن این شورا در ابلاغ دستورالعمل قیمت‌گذاری، فعالیت**

زنجیره خودروسازی کشور را با اخلاص مواجه کرده است. در این بین مسئولان وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت هم اکنون با خودروسازان و قطعه سازان کشور همصدا شده و کاهش قیمت ها را عامل ورشکستگی صنعت خودرو کشور می خوانند"

***- خبرگزاری دولتی کار ایران -** ایلنا ۵ خرداد ۹۲ آمده است : نایب رییس انجمن همگن مصالح ساختمانی خانه صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان با اشاره به فعالیت ۴۰۰ واحد تولید آجر که حدود ۲۰ هزار نفر در آن مشغول به کار هستند گفت: با صنعتی شدن ساختمان ها، قسمت زیادی از محصولات کارخانه های آجر بی استفاده می ماند که در آینده تعطیلی سایر کارخانه های آجر را به دنبال خواهد داشت.

***- معاون اتحادیه کفاشان استان اصفهان گفت:** سال گذشته بیش از ۵۰۰ کارگاه کفایشی در اصفهان تعطیل شد. (روزشمار کارگری؛ خبرگزاری دولتی ایلنا، اول اردیبهشت ۹۲)

***- تولید ناشران به یک سوم کاهش یافته است.** علی اکبر تورانیان (عضو هیئت مدیره ی انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی) از کاهش حجم کاری ناشران خبر می دهد و در بسیاری از موارد این کاهش را تا یک سوم عنوان می کند. (روزشمار کارگری؛ خبرگزاری دولتی ایلنا، دوم اردیبهشت ۹۲)

***- فاطمه جمال پور:** گزارش ها از تعطیلی ۱۲۰۰ واحد تولیدی در سال ۹۰ خبر می دهد، برآورد می شود در سال ۹۱ هم تعداد واحدهای تعطیل شده بیش از این باشد، در سال های ۸۹ و ۸۸ هم ۷۰۰ و ۵۰۰ واحد تولیدی تعطیل شده اند. آمارها از میانگین بیکاری سالانه ۲۰۰ هزار کارگر هشت سال اخیر حکایت می کند. (به نقل از روزشمار کارگری؛ به نوشته روزنامه شرق، ۱۱ اردیبهشت ۹۲)

- در رابطه با بیکار سازی گسترده حداقل این یک نمونه بیانگر عمق فاجعه است که در مطبوعات و خبرگزاری های رسمی بازتاب یافته است

***- اخراج روزانه حداقل ۸۰ تا ۱۰۰ کارگر قراردادی از فازهای مختلف عسلویه طی دوماه اخیر.**

از واسطه اسفند تا بحال در مجموع از تمامی فازهای مجتمع عسلویه در خوزستان، حدود ۵۰۰۰ کارگر بدلیل افت تولید و از دور خارج شدن واحدهای کار، اخراج شده اند، به گفته یکی از کارگران این مجتمع گازرسانی در حال حاضر روزانه بطور متوسط حدود ۸۰ تا ۱۰۰ کارگر اخراج میشوند، کارگر مذکور می گفت همین الان در کنار صف، کارگرانی ایستاده ام که امروز با آنها تصفیه حساب میکنند که اخراجشان بکنند (روزشمار کارگری؛ خبرگزاری دولتی ایلنا، ۷ اردیبهشت ۹۲)

***- سایت های خبری در اول اردیبهشت ۹۲ خبر داده است :** کارخانه ماشین سازی بروجرد در شروع سال جدید بطور کامل تعطیل شد و کارگران آن اخراج شدند، یک فعال کارگری گفت بدلیل نبود مواد اولیه و یا افزایش قیمت مواد اولیه و

عدم ورود آن از خارج و نبودن بازار ، کارخانه ماشین سازی بوجود که ۵۰۰ کارگر به صورت دوشیفته در آن کار میکردند بطور کامل تعطیل شده و هم اکنون فقط ۱۰-۱۵ کارگر صرفاً برای نگهداری کارخانه باقی مانده اند .

***- گزارش تکان دهنده از بیکاری ۳۵ درصدی در هویزه، بزرگترین میدان نفتی منطقه ؛ گزارش ها و تصاویر ارسالی از سفر محمود احمدی نژاد به اهواز و هویزه حاکی از اعتراض شدید شهروندان عرب این منطقه می باشد. به گزارش تارنمای «کمپین صلح فعالان در تبعید»، مردم شهر هویزه به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به اقلیم اهواز و حضور در شهر هویزه، در ۲۱ آوریل ۲۰۱۳، با برافراشتن پلاکاردهایی در محکومیت مصادره زمین های کشاورزی شهروندان عرب از سوی دولت ، خواهان توقف این سیاست های غیر انسانی شدند. همچنین مردم معترض با سردادن شعارهایی خواستار موضع گیری احمدی نژاد در قبال بیکاری فراگیر در این شهر و توقف مصادره زمین های شهروندان عرب شدند.**

یکی از شهروندان هویزه می گوید : احمدی نژاد در دو دوره ریاست جمهوری اش چند بار به این شهر سفر کرده بود و وعده وعیدهای زیادی به مردم داده که هیچکدام آنها محقق نشده است. گفتنی است شهرستان هویزه با وجود اینکه بزرگترین میدان نفتی منطقه را داراست اما مردم این شهر از نسبت بیکاری بالای ۳۵ درصد رنج می برند. با خشک شدن رودخانه کرخه به دلیل ساختن سد های بزرگ بر روی آن و انتقال آب آن به دیگر شهرها و همچنین انهدام وسیع تالاب هور العظیم توسط شرکت نفت، مردم چهل روستای واقع در اطراف این تالاب منبع حیات خود را از دست داده اند و شماری زیادی از این روستاها خالی از سکنه شده است. (روزشمار کارگری؛ سایت اصلاح طلب جرس در سوم اردیبهشت ۹۲)

***- حامل های انرژی ۳۸ درصد گران می شود ؛ مجلس با رد درخواست ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی دولت، برای هدفمندی یارانه ها ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد پیش بینی کرد. کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی روز گذشته حول هدفمندی یارانه ها به بحث پرداخت و در نهایت به دولت مجوز داد که ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد از محل هدفمندی یارانه ها کسب کند.**

این در حالی است که دولت در لایحه بودجه درخواست درآمد ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی را ارائه کرده بود که نمایندگان مجلس با آن مخالفت کردند. نمایندگان معتقدند که قبول درخواست دولت موجب افزایش ۵ برابری قیمت ها می شود چراکه درآمد دولت از هدفمندی یارانه ها در سال گذشته ۲۸ هزار میلیارد تومان بوده است و رسیدن به رقم ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نیازمند افزایش قابل توجه قیمت ها است. بر این اساس روز گذشته نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق مجلس سقف درآمد هدفمندی یارانه ها را ۵۰ هزار میلیارد تومان در نظر گرفت که ۶ هزار میلیارد تومان کمتر از رقم آن در بودجه سال گذشته است. (روزشمار کارگری؛ برپایه خبر اقتصاد، سوم اردیبهشت ۹۲)

گسترش تحریم ها و واگذاری بخش های مختلف صنعت ، از یک طرف زرمزه واگذاری صنعت نفت و گاز را به شرکت های خارجی و بخش های خصوصی (عمدتاً سپاه پاسداران – مافیای قدرت و آقا زاده ها) در دستور کار دولت گذاشته است و از طرف دیگر واردات بیرویه نیز دامن زنده و رشکستگی تولیدات داخلی را بیش از هر چیز در رشته های مختلف تولید خودروسازی و غیره دامن زد. در این رابطه آمده است : « سازمان خصوصی سازی در فروردین ماه سال جاری ۵۶ هزار و ۷۹۲ میلیارد ریال سهم دولتی را واگذار کرد.» (به نقل از روزشمار کارگری ، خبرگزاری دولتی کار

ایران - ایلنا، اردیبهشت ماه ۹۲) به عبارت دیگر، کانون و انحصارهای پرقدرت اقتصادی با استفاده از رانت، این سهام دولتی را تصاحب کرده‌اند. در زمینه واگذاری ها ایضا در روزشمار کارگری اردیبهشت ماه آمده است : « پای قراردادهای مشارکت در تولید به صنعت نفت باز شد. مدیرعامل شرکت نفت فلات قاره با اشاره به پیشنهاد جدید گازی هند به ایران از آمادگی واگذاری قراردادهای مشارکت در تولید نفت و گاز به خارجی‌ها خبر داد... اجرای این تیپ قراردادهای نفتی در سطح شرکت ملی نفت ایران پذیرفته شده‌است. این مقام مسئول با یادآوری اینکه در حال حاضر اجرای قراردادهای مشارکت در تولید در دستور کار شرکت ملی نفت ایران قرار دارد، خاطرنشان کرد، از این رو مذاکراتی را هم با برخی از شرکت‌های خارجی آغاز کرده‌ایم.» (روزشمار کارگری ؛ خبرگزاری دولتی مهر، ۳ اردیبهشت ماه ۹۲) در همین رابطه براساس قرارداد مشارکت تولید، دولت جمهوری اسلامی میدان نفتی و یا گازی را به شرکت‌های خصوصی خارجی و داخلی واگذار می‌کند، و این شرکت‌ها با سرمایه‌گذاری کردن، بنابر مفاد و محتوای قرارداد، در تمام زمینه‌ها از جمله؛ توسعه میدادین ، بهره‌برداری، فروش محصول اعم از میدان های نفتی و یا گازی ، سهام و شریک می‌شوند. سهم دولت و شرکت‌ها به نسبت توافق دو طرف تعیین می‌شود. در تمام مدت اجرای این نوع قراردادها، شرکت‌های خصوصی نفتی- به ویژه انحصارهای فراملی- در دوره های معین ، همواره مالکیت چاه‌ها و میدان های نفت و گاز نیز شریک و سهام اند. و این در حالیستکه پس از پیروزی انقلاب بهمن، - عملا این نوع قراردادها در کشور ممنوع و غیرقانونی اعلام گردید-، اما پس از شکست انقلاب و سیطره تام و تمام ارتجاع ، حاکمیت سرمایه و اعمال سیاست های نئولیبرالی در عرصه اقتصاد ، خاصه بعد از اجرای برنامه "تعدیل اقتصادی" در دولت هاشمی رفسنجانی به این سو، برنامه تغییر قراردادهای نفتی به موازات برنامه خودمانی سازی صنایع گوناگون در دستور کار حاکمیت اسلامی و دولت های مطبوع آن قرار گرفت.

در این میان بخشی از برنامه آزاد سازی اقتصادی، که به دستور " صندوق بین‌المللی پول " و "بانک جهانی " در دولت های قبلی نتوانست اجراء گردد ، از سوی دولت احمدی‌نژاد و به نام "هدفمندی یارانه‌ها " به اجرا درآمده است. در این زمان خصوصی سازی صنایع راهبردی و کلیدی از جمله صنعت ملی نفت ایران بر سر زبان ها افتاد. آنچه برنامه خصوصی‌سازی صنعت ملی نفت ایران را به اولویت اصلی سیاست گذاری مقام های "وزارت نفت" تبدیل کرده است، اثرات ویرانگر تحریم‌های امپریالیستی است به دیگر سخن، ارتجاع حاکم با بهانه کردن تحریم‌ها ، برشتاب خصوصی سازی عرصه های صنایع تولیدی و کاربردی افزوده‌اند، از یکطرف سپاه پاسداران و بخش های قدرتمند آقا زاده ها و صاحبان قدرت ، بنیاد هایی همچون آستان قدس رضوی - بخش های پادگانی اقتصاد - حوزه علمیه ها - سرمایه داران بخش خصوصی وابسته به روحانیت و زیرعبای آنان در کنار واسطه ها و دلالان انگل صفت دست به سوء استفاده های کلان بردند و دهها پروژه ریز و درشت را بالا کشیدند. از طرف دیگر انحصارهای امپریالیستی همه و همه از این موضع‌گیری‌ها دولت استقبال کردند . به همین علت نیز مدیران ارشد شرکت نفت از مذاکره با " خارجی‌ها" برای سرمایه گذاری میدان‌های نفت و گاز و بستن قراردادهای مشارکت در تولید، سخن به میان آوردند. یکی از شرط های اصلی شرکت‌های بزرگ نفتی برای حضور در بازار پُرسود ایران (پس از حل و فصل مشکلات موجود بین‌شان و فراهم سازی پیش زمینه رفع تحریم‌ها) مشارکت در تولید و سهام شدن در مالکیت میدان‌ها نفتی و تولیدی است. برنامه "خصوصی‌سازی" صنعت ملی نفت ایران، به طور جدی و گام به گام در حال اجراست. این برنامه با حق حاکمیت ملی، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور مغایر است! رشد نقدینگی ، بالا رفتن قیمت ارزهای خارجی ، بازار سیاه آن ، به پول شویی و خروج پول از کشور انجامید که همچنان این موضوع در سطح بازار ارز و بورسیه ها با نواسانات چندی روبرو است . جدا از این ، همچنین کاهش فروش نفت، موجب کاهش تخصیص منابع و سرمایه‌گذاری دولت در پروژه‌های

اقتصادی شده است، که این امر نیز در کنار افت سرمایه‌گذاری خارجی، به رشد بیکاری و هرچه دشوارتر شدن وضعیت اشتغال شتاب بیشتری داده است.

بدین ترتیب تحریم‌های گسترده امپریالیستی و مقاومت احمقانه رژیم اسلامی در برابر آن و ادعای مسخره سردمداران نظام اسلامی، مبنی بر اینکه این تحریم‌ها کمترین گزند را متوجه اقتصاد ما نخواهد کرد. عملاً پیشروی فزاینده تخریب و دامن گستر کردن فقر سراسری و عمومی موارد زیر را بر مردم تحمیل کرده‌اند: کوچک شدن سبد غذایی خانواده‌ها و دامن گستر و همه گیر شدن سوء تغذیه عمومی در جامعه، کاهش دسترسی به کالاهای ضروری، افزایش بیکاری و دشوارتر شدن شرایط اشتغال، کاهش سطح ایمنی در محیط‌های کار، کاهش سطح بهداشت و درمان عمومی، ناامنی و فقدان امنیت شغلی و غیره؛ به گونه‌ای که فشار حاصل از این شرایط، دشواری‌های معیشتی موجود را به سمت مرزهای بحرانی سوق داده است:..... اینکه حاکمیت در تبلیغات رسمی خود تحریم‌ها را بی‌تاثیر اعلام می‌نمود، بهانه‌ای شد برای این تصمیم دولت ایالات متحده آمریکا و کشورهای معظم سرمایه داری جهانی همسو در سطح اتحادیه اروپا، تا با تشدید تحریم‌ها، فشارها را به حدی برسانند که دیگر قابل کتمان نباشد. بدین ترتیب، سیاست‌های حاکمیت موجب افزایش هرچه بیشتر فشار کم‌رشدن تحریم‌ها بر مردم سراسر کشور گردید. در این بین، با تسلط فوق امنیتی رژیم بر ارکان عمومی جامعه، عملاً عدم وجود حداقلی از نظارت‌های دموکراتیک جامعه بر عملکرد نظام سیاسی جمهوری اسلامی، این امکان را فراهم کرده است تا حاکمیت بتواند با تخصیص دلخواه منابع ملی، از یک طرف بر شدن سربکوبگری خود بیافزاید. و از سویی دیگر از تأثیرات تحریم‌ها بر منافع اقتصادی و دستگاه سیاسی و اهداف راهبردی خود بکاهد. علاوه بر این، شرایط تحریم سبب فرجه تر شدن انحصارهای قدرتمند اقتصادی گشته است که به دلیل برخورداری از روابط سیاسی- اقتصادی ویژه با کشورهای متحد، می‌توانند تحریم‌ها را دور بزنند. این انحصارها که مافیای اقتصادی- نظامی حاکمیت را تشکیل می‌دهند، در کنار همه‌ی مجاری رسمی رانت خواری‌های خود، همچنین قادرند با تسلط مطلق بر مجاری ورود و خروج کالاها و اسکله‌ها و گمرکات کشور، از مجرای اقتصاد نیمه رسمی و زیرزمینی نیز سودهای سرشاری کسب کنند. از این رو، با قاطعیت می‌توان گفت: که بر خلاف ادعاهای دولت‌های تحریم کننده امپریالیستی، فشارهای خرد کننده ی تحریم‌ها - به مانند کشور عراق در دوره حاکمیت صدام حسین -، نه بر کل حاکمیت، بلکه صرفاً بر گرده‌ی اکثریت فرودست جامعه تحمیل شده است..... در عوض و در عمل، دولت از این فشارها به عنوان دستمایه ای برای پیشبرد شتابان و اجرای وسیع‌تر «اصلاحات» اقتصادی ساختاری بهره برده است، که مهمترین شاخص‌های تاکتونی آن عبارتند از: تداوم خصوصی‌سازی افسارگسیخته، حذف یارانه‌ها و کاهش حمایت‌های حقوقی- قانونی از کارگران (در راستای خلع ید از نیروی کار). پیامد مستقیم این رویکرد، تحمیل فشار مضاعف بر طبقات فرودست جامعه و تشدید و گسترش فلاکت و فقر در بین کارگران و زحمتکشان و محرومان بوده است.

اما آنچه در زمینه واردات بیرویه باز در عرصه‌های گوناگون صنایع کالایی و مصرفی در این دوره مورد بحث است. بازتابش در یکی از مطبوعات درون کشور در رابطه با صنعت خود رو سازی نمود داشته است. بطوری که در مقاله ای با عنوان " پایکوبی قطعات چینی در خطوط تولید ایرانی " نوشته است: « خودروسازان نه تنها طی همه این سال‌ها کوششی برای خودکفا شدن این صنعت انجام نداده‌اند، بلکه برای بالا بردن سودهای حاصل از چپاول دست به اقدام‌هایی زده‌اند که هیچ ارتباطی با صنعت خودروسازی نداشته است. بر اساس کدام معیار اقتصادی خودروسازان باید کاغذ وارد بکنند؟ در ادامه مقاله آمده است: « دو سال پیش بود، در نمایشگاه قطعات و مجموعه‌های خودروسازی، قطعاتی به نمایش درآمد که ساخت داخل نبودند اما روی بسته بندی آنها تولید ایران درج شده بود. ... حدود دو سال از آن روزها

گذشته است و اکنون تب و تاب گرانی خودروها، پای استفاده از قطعات چینی در خطوط تولید خودروسازان را به میان کشیده است، قطعاتی وارداتی که با گرانی ارز، صرفه خود را از دست داده اند و هزینه های تولید را به شدت بالا کشیده اند.» در ادامه به نقل از شریف حسینی، عضو هیئت رئیسه مجلس، در همین ارتباط می گوید: «در تحقیق و تفحص از خودروسازان باید سراغ مقصران و اشخاصی که سودهای کلان به جیب زده اند و به عنوان تولید کننده با خودروسازان قرارداد منعقد کرده اند، برویم.» نوشته در ادامه اضافه می کند: «زمانی که قیمت ارز ۱۲۲۶ تومان بود، برای خودرو سازان وارد کردن قطعات از چین و استفاده از قطعاتی که در قبال قیمت پایین، کیفیت چندانی نداشتند، به صرفه تر بود و همین امر باعث شد به جای سفارش قطعات به خودروسازان ایرانی، قطعات چینی وارد خطوط تولید شد» (به نقل از روزنامه کارگری؛ روزنامه بهار، ۱۵ اردیبهشت ماه ۹۲) وارد کردن قطعات ماشین آلات از چین به مانند وارد کردن سرم چینی - لوازم خانگی و برقی - دارویی - بیمارستانی و تکنولوژی رسانه ای همه و همه اقتصاد کشور را تا به امروز به گل نشانده است. در رابطه با خودروسازان می توان گفت: «وضعیت خودروسازی بر بستر سیاست های ضد ملی و انحصارطلبانه حاکمیت اسلامی تا امروز به پیش برده شده و کشور را به لبه پرتگاه رسانده است، در حالی که این صنعت در طول تمامی این سالها محلی امن برای چپاول های نجومی بوده است. به گسترش دزدی ها و اختلاس های پنهان نیز انجامیده است. امیر آبادی نماینده قم در مجلس اسلامی در همین ارتباط، موضوع زیر را افشا می کند که: "شرکت های خودروسازی در ایام نوسانات قیمت خودرو با فروش ۶۰۰ هزار خودرو حدود ۳ هزار میلیارد تومان به جیب زدند و با این پول ها به جیب دلالان رفت." پور مختار، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس، در مناظره با نجفی منش، عضو هیات مدیره انجمن قطعه سازان، نیز می گوید: "کجای قانون و منطق اعلام شده است که خودروسازان از سود حاصل از فروش خودرو بروند، بانک بخرند یا ساختمان سازی بکنند؟ این موضوع در تحقیقات مجلس مشخص شده است که خودروسازان اقدام به خرید بانک های خصوصی کرده اند" (خبرآنلاین، ۶ اردیبهشت ماه ۹۲)

با همه این تفاسیل و در چنین بالبشویی باید گفت: تا اینجا بخت با ما یار بود که عضویت کشور ما در سازمان تجارت جهانی (WTO) عقب افتاد. چرا که هنوز اقتصاد ایران در عرصه آزاد سازی ها به دلخواه سرمایه داری مرکزی جهانی عمل نکرده است و در این رابطه ما باید هنوز و پیوسته حالا حالاها امتیاز بدهیم. حذف یارانه ها - گسترش فقر - حذف قانون کار و افزایش بیکاران - واردات آزاد و ویران کردن صنایع داخلی و قبول بیکارسازی های میلیونی و سرانجام تبدیل کشور به ویرانه ای دست آموز جهانی سازی بر پایه نقشه سازمان جهانی تجارت، احتمالاً مرگ جامعه ما را برای آنان رقم خواهد زد. مگر آنکه مقاومتی توده ای و بسیج گر، همه این چرخش به راست را در هم ریزد و طرحی نو در انداخته شود.

طومارها و نامه های اعتراضی

در دوره دوم ماهه مورد گزارش ما، شاهد ارسال نامه ها، طومارها و شکایات چندی توسط فعالین کارگران، معلمان و بازنشستگان به مسئولین و نهاد های گوناگون برای طرح خواست ها و مطالبات بی پاسخ مانده شان بوده ایم.

-* از جمله ؛ هفت تشکل صنفی کارگران ساختمانی در نامه‌ای به رییس فراقسیون کارگری مجلس نسبت به ادامه‌ی رویه غیر قانونی سازمان تامین اجتماعی در خصوص اعمال سهمیه بندی برای بیمه ی کارگران ساختمانی هشدار دادند. این نامه توسط انجمن صنفی «گچ کاران»، «آسفالت کار و عایق کاران»، «جوشکاران»، «آرماتوربندان»، «سنگ کاران» و «کاشی کاران» استان تهران به همراه انجمن صنفی «کارگران ساختمانی» پاکدشت امضا شده است .

این هفت تشکل کارگری در نامه خود آورده اند: در صورت ادامه ی سهمیه ی بندی بیمه کارگران ساختمانی ، تجمع اعتراضی می کنیم.

به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است «در صورتی که توجهی به بیمه ی کارگران ساختمانی صورت نگیرد تا پایان موعد انتخابات صبر می کنیم و پس از آن در مقابل ساختمان مجلس، سازمان تامین اجتماعی و دیوان عدالت اداری تجمع خواهیم کرد.»

در این نامه با اشاره به اینکه در سال جاری مقرر شده بود سهمیه ی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی به طور کل برداشته شود، آورده شده است: سالانه از ۲۰۰ هزار کارگر ساختمانی که واجد شرایط بیمه ی تامین اجتماعی بودند ۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر در تهران بیمه می شدند که این تعداد در سال جاری به ۳ هزار نفر رسیده است.

به گفته ی این تشکل های کارگری، کارگران ساختمانی به هر شعبه ای از سازمان تامین اجتماعی مراجعه می کنند از مسئولین بیمه می شنوند که سهمیه ای وجود ندارد و در بعضی از شعبات بیش از ۱۰ دقیقه ثبت نام صورت نمی گیرد و حتی در بعضی از شعبات نام نویسی هم نبوده است

-* اعتراض بازنشستگان به ناهماهنگی نرخ مستمری و تورم، با امضای طومار صورت گرفت .در حالی که در دومین ماه از سال ۹۲ به سر می بریم، اعتراضات کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی به میزان افزایش مستمری خود ادامه دارد.در تازه ترین این اعتراضات بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران بازنشسته با امضای طوماری اعتراضی، خواستار «افزایش حقوق سال ۹۲» بر مبنای «نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی» شده اند.(به نقل از روزشمار کارگری ، خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، ۵ اردیبهشت ماه ۹۲)

نکته مرکزی این بحث این است ؛ با گسترش بحران اقتصادی و ورشکستگی واحدهای تولیدی، سنگین ترین فشارها را به کارگران کشور وارد آورده است. دولت ها همواره خود را نجات دهنده ی اقتصاد و بهبود وضعیت زندگی کارگران اعلام می دارند ولی در جهت وراستای منافع مال اندوزان و سرمایه داری حرکت می کنند. ارسال نامه ها و طومارهای اعتراضی یک سویه کارگران به وزیر کار نشان می دهند که تا زمانی که خود کارگران و تشکل های مستقل شان وارد عمل نشوند گرهی از مشکلات کارگران باز نخواهد شد. فشار جمعی کارگران، دفاع کارگران متشکل از حقوق شان و تلاش شان برای تغییر شرایط زندگی شان، همواره می تواند شرایطی را بوجود آورد که بر متن آن بتوان به وضعیت نابسامان کنونی پایان داد. وضعیتی که زیر فشار تحریم های اقتصادی و سوءاستفاده های باندهای مافیائی قدرت و کارفرمایان وابسته به نهادها و ارگان های حاکم، زندگی کارگران و خانواده های شان را به روز سیاه نشانده است. درست است که ارسال نامه به وزیر کار و شرح مشکلات کارگران می تواند در آگاهی رسانی جمعی نقش مفیدی داشته باشد اما

تنها ، کشاندن این سیاست فشار به پائین و بردن آن به میان توده های کارگر است که قدرت تاثیرگذاری آن و امکان تغییر شرایط به نفع کارگران را بوجود خواهد آورد.

در برابر این سیاهی وضعیت کارگران، برپایه اخبار روز شمار کارگری دو ماهه مورد شمارش، ما شاهد عدم توجه مسئولین قضایی کشور و زندانبانان آنان بروضعیت رضا شهابی - بهنام ابراهیم زاده - شاهرخ زمانی - محمد جراحی و معلم زندانی عبدالرضا قنبری و بازداشت و احضار تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی از جمله ؛ تاووم بازداشت غالب حسینی و علی آزادی فعالین کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و عدم پاسخگویی مشخص از جانب مسئولین مربوطه نگرانی خانواده ها و دوستان آنان را نسبت به وضعیت نامشخص و همچنین وضعیت سلامتی این فعالین کارگری تشدید کرده است. در تاریخ ۸ اردیبهشت ۹۲ آمده است : خلیل کریمی صبح امروز احضار، بازجویی و بلافاصله برایش در دادگاه انقلاب سنندج پرونده سازی شد و قرار است فردا مورد محاکمه قرار بگیرد.

همچنین احضار فعالین کارگری در شهر سقز آقایان محمد عبدی پور، جمیل راست خدیو، عمر شاکری و اسماعیل نیازی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر سقز طی تماس های تلفنی تهدید شده اند که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت نکنند. جدا از موارد فوق بازداشت فعالان کارگری و شهروندان توسط نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در تظاهرات روز جهانی کارگر شهر سنندج بطوری که روز ۱۱ اردیبهشت نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی به راهپیمایی کارگران و مردم آزادیخواه در شهر سنندج حمله کردند. نیروهای گارد ویژه نیروی انتظامی و مامورین امنیتی برای جلوگیری از گسترش راهپیمایی روز جهانی کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعداد ۱۶ نفر از فعالان کارگری و شهروندان را بازداشت کردند.

اسامی عدادی از بازداشت شده گان ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر به شرح ذیل است

۱- نسترن محمدی- ۲ تیمور امجدی - ۳- صادق کرمی - ۴- بختیار چتانی - ۵- بختیار فاتحی کرجو - ۶- ارسلان یعقوبی- ۷- محسن محمودی - ۸- جلیل محمدی- ۹- فواد زندی- ۱۰- آزاد زمانی - سخنگوی انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران که امروز با توجه به آزادی آنها با وصول وثیقه های کلان، اعتراض کمیته هماهنگی برپایه دفاع از موجودیت خود و فعالیتشان همچنان ادامه دارد. تایید حکم اخراج سه فعال کارگری در شرکت واحد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۳ اردیبهشت ۹۲ آمده است : با رای هیات حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال غرب تهران یکی از فعالان مستقل صنفی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از کار اخراج شد . به گزارش ایلنا، «حسن سعیدی» از رانندگان شرکت واحد تهران که ۱۳ سال سابقه کار در این شرکت را دارد، در حالی با رای هیات حل اختلاف اداره کار اخراج شد که تمامی سه عضو گروه کارگری هیات حل اختلاف با اخراج وی مخالف بودند. صدور این حکم اخراج در حالی است که چندی پیش دو نفر دیگر از کارگران شرکت واحد به نامهای « وحید فریدونی» و « ناصر محرمزاده» نیز با حکم هیات حل اختلاف به ترتیب پس از ۹ و ۱۴ سال کار در این مجموعه از کار اخراج شده بودند .

لازم به ذکر است ؛ در پیوند با سلسله تهاجمات به زندگی و معیشت کارگران، پیوسته تحرکات اعتراضی از طریق خانواده ها و کمیته های مدافع رضا شهابی- بهنام ابراهیم زاده و شاهرخ زمانی در درون کشور و در خارج از کشور توسط فعالان نهاد های همبستگی و دهها گروهبندهای مختلف و همچنین اعلامیه ۲۳ جریان چپ و کمونیست که بعد از نشست کلن و فرانکفورت که با حضور نمایندگان احزاب و سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست، صادر شد، همه این اعتراضات در کنار

یکدیگر، و بیشمار حرکات خیابانی، برپایی شبهای همبستگی و کمک مالی جمع کردن ها و غیره در خارج از کشور، وجه موثری از اعتراضات این دوره برای آزادی فعالان دستگیر شده را معنی بخشید که تماما در روز شمار کارگری این دوره انعکاس یافته است. **گردهم آئی اعتراضی فعالان سیاسی و مدافعین به حقوق کارگران ایران در همراهی به فراخوان کلکتیو سندیکاهای فرانسوی در ژنو در مقابل سازمان جهانی کار و شرکت موثر فعالان ایرانی تاجر رسانه ای زیادی از خود بجا گذاشت این امر به مضمون همبستگی بین المللی روابط بین فعالین کارگری مستقل و جنبش اتحادیه ای از اهمیت زیادی برخوردار می باشد.**

روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه)

مهمترین خواسته ها و مواضع کارگران ایران در سال ۱۳۹۲

به نوشته سایت خودنویس به قلم فریبرز سروش در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۹۲ آمده است: روز جهانی کارگر در ایران در حالی برگزار شد که از یک سو، شورای تامین و از سوی دیگر، نیروی انتظامی با بکارگیری شیوه های خود سعی در هرچه محدودتر کردن تجمعات کارگری در شهرهای گوناگون داشتند.

مطابق برنامه از پیش تعیین شده، قرار بود تجمعات کارگری در سراسر کشور در ساعت پنج عصر برگزار شود. عده ای بر این باورند که گزینش این ساعت اتفاقی نبوده و دست شورای تامین در کار بوده است تا اگر کار به اغتشاش کشید، در عصر که مدارس و دانشگاه ها تعطیل است، خیلی راحت بتواند موضوع را جمع کنند. با این وجود بر اساس خبرهای رسیده از گوشه و کنار کشور دامنه ای اعتراضات کارگری آنقدر گسترده بوده که به ساعت تعیین شده اعتنایی نکنند و با استفاده از تنها روز سال که به نامشان ثبت شده، صدای خود را به گوش مسوولان برسانند.

در **شیراز** از ساعات اولیه صبح تعداد زیادی از کارگران با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر با در دست داشتن پلاکاردهایی اعتراض خود را نسبت به شرایط موجود ابراز داشتند، روی یکی از این تابلوها نوشته شده بود: «کارگر روز بیکاری ات مبارک». بر اساس اخبار منتشر شده، با افزوده شدن تعداد کارگران در مقابل فرمانداری، تعداد زیادی از ماموران نیروی انتظامی با حضور در منطقه تجمع اعتراضی کارگران به محاصره خود در آورند، برخی خبرهای تایید نشده نیز از بروز درگیری و زدو خورد میان کارگران و ماموران حکایت دارد.

در **قزوین** نیز بیش از هشت هزار کارگر با تجمع در ورزشگاه یادگار امام این شهرستان و با سر دادن شعارهایی بر علیه سیاست خصوصی سازی و فروش کارخانه های دولتی به اشخاص حقیقی، به وضعیت حاکم بر زندگی خود اعتراض کردند.

در پایتخت نیز بزرگترین و برجسته ترین حرکت متعلق به **سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه** بود، به گونه ای که بر اساس گزارش ها اعضای این سندیکا علی رغم تمامی فشارها از ساعات اولیه صبح با حضور در ترمینال های اتوبوسرانی به رانندگان و کارگران این روز با با اهدای هدایای تبلیغاتی سندیکا تبریک گفته و سپس به میدان آزادی رفتند تا در مقابل وزارت کار تابلوی سندیکای خود را بالا بردند، با کارگران دیگر سرود خواندند و سپس به دیدار کودکان کار رفتند. حضور ماموران امنیتی لباس شخصی که مرتباً در حال فیلم برداری و عکاسی از افراد بودند در مراسم یاد شده گزارش شده است.

گزارش های رسیده از **تبریز** هم گویای آن است که کارگر این شهر مهم و صنعتی از ساعات اولیه روز با تجمع در مقابل اداره کار، ضمن گرامی داشت روز جهانی کارگر، علیه اخراج های گسترده، بیکاری و فقر کارگران اعتراض کردند.

همین گزارش حاکی از آن است که تعداد زیادی از موتور سوران لباس شخصی، ماموران نیروی انتظامی و بسیج در حال مانور و گشت زنی در اطراف اداره کار تبریز بوده‌اند.

از **سندج**، مرکز استان کردستان نیز خبر رسید که مراسم روز کارگر در این شهر با دخالت ماموران انتظامی- امنیتی به زد و خورد و درگیری کشیده شده است. تجمع اعتراضی کارگران سندجی درمقابل کمیته امداد این شهر شکل گرفت و سپس سردادن شعارهای اعتراضی و بالا بردن پرچم های سرخ رنگ کارگری باعث مداخله ماموران شد که نتیجه ی آن درگیری و بازداشت پنج نفر گزارش شده است.

از شهرهای دیگر نیز گزارش‌هایی مبنی بر تجمعات توام با اعتراض کارگران مخابره شده است، اهواز، شیراز، بندرعباس، قائم شهر، مشهد، پاره، همدان زاهدان و بندر بوشهر از جمله این شهرها هستند. تعدادی از کارگران و زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر کرج نیز با تجمع در سالن دوازده زندان روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

گفتنی است در حالی که رقم خط فقر برای خانوارها از جانب بانک مرکزی یک میلیون و پانصد هزار تومان اعلام شده، حداقل دستمزد کارگران در سال جاری چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر هم میزان تورم در کشور سی و یک درصد و میزان افزایش حقوق کارگران بیست و پنج درصد بوده است که همین موضوع باعث بروز مشکلات عدیده معیشتی - خانوادگی و در نتیجه عدم رضایت کارگران کل کشور از شرایط موجود شده است.

بدون تردید برشماری محورهای مطالباتی شمارش شده در اطلاعیه، بیانیه ها و نامه های فعالین کارگری حتی از زندان ها، بیان اشکار مهمترین خواسته ها و مواضع کارگران را طی سال ۱۳۹۲ بیان می دارد.

این مجموعه بشکل وسیعتری در روزشمار کارگری اردیبهشت ماه تماما شمارش شده است که در زیر نمونه هایی از آن قید می گردد .

بیانیه مشترک:

سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران و حومه

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران و حومه

میرم‌ترین این خواسته‌ها عبارت‌اند از :

1 - پرداخت فوری حقوق و دستمزد معوق کارگران شاغل در همه‌ی بخش های اقتصاد اعم از بخش خصوصی و غیرخصوصی و تعیین حداقل دستمزد بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز و با نظارت فعال تشکل های مستقل کارگری.

2 - تأمین مسکن مناسب برای همه‌ی حقوق‌بگیران و تأمین کار برای همه‌ی بیکاران و همگانی کردن استفاده از مقرری بیمه‌ی بیکاری برای همه‌ی بیکاران

3- واگذاری سازمان تأمین اجتماعی به صاحبان واقعی آن و اداره‌ی آن توسط نمایندگان واقعی کارگران

4- بیمه کردن همه‌ی شاغلان و بیکاران و کنترل و نظارت تشکل های صنفی کارگران بر صحت اجرای آن و پرداخت حق بیمه‌ی کارگران توسط کارفرمایان

5- برچیدن بساط نظامیان و عناصر امنیتی از واحدهای تولیدی و مؤسسات اقتصادی و کارگاه‌ها و به رسمیت شناختن تشکل های کارگری و هرگونه اعتراض کارگران برای احقاق حق خود

6- حذف برنامه‌ی اصلاح قانون کار از دستور کار مجلس و دولت

7- لغو مصوبه‌ی خارج کردن کارگاه‌های زیر 10 نفر از شمول قانون کار

- 8- رفع محدودیت از سندیکاها ، اتحادیه‌های کارگری و هرگونه تشکل و مراسم کارگری به‌ویژه قانونی کردن تعطیلی روز جهانی کارگر به‌عنوان روز مبارزه‌ی کارگران علیه ستم طبقاتی
- 9- الزام کارفرمایان به پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر و رفع هرگونه تبعیض در محیط کار اعم از تبعیض جنسیتی ، تابعیتی ، قومیتی ، عقیدتی و...
- 10- حمایت از خانواده‌های نیازمند و جلوگیری از کار کودکان زیر 18 سال
- 11- کنترل کارگاه‌ها و همه‌ی محیط‌های کار در زمینه‌ی رعایت بهداشت، ایمنی کار و حمایت از جان کارگران در برابر سود کارفرمایان
- 12- برخورداری تمامی بازنشستگان و مستمری‌بگیران از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه‌ی اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی
- 13- آزادی حق اعتصاب برای کارگران و زحمتکشان به‌عنوان سلاح برنده علیه بیداد کارفرمایان صاحب قدرت
- 14- قطع سرکوب اعتراضات کارگری و مردمی، لغو مجازات اعدام ، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط زندانیان کارگری و دیگر فعالان اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود در جامعه
- 15- حذف قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قراردادهای جمعی با نظارت و مدیریت تشکل‌های مستقل کارگری
- 16- واگذاری بنگاه‌های اقتصادی خصوصی شده به کارگران شاغل در همان واحد اقتصادی و جلوگیری از غارت این واحدها توسط مدیران حریص، آزمند و بی‌کفایتی که این واحدها را تا آستانه‌ی تعطیلی و ورشکستگی کشانده‌اند.
- 17- آزادی بیان و قلم و هرگونه تشکل برای کارگران و فعالان اجتماعی بدون محدودیت
- 18- رفع قوانین تبعیض‌آمیز و محدودیت اشتغال و تحصیل برای زنان ، کارگران غیر ایرانی ، اقلیت‌های قومیتی و عقیدتی و...
- 19- حذف هزینه‌های آموزش و پرورش ، آموزش عالی و مهارت‌آموزی در سطح کشور و نیز حذف هزینه‌های درمان تمام حقوق‌بگیران و بیکاران و خانواده هاشان در تمام بیمارستان‌ها
- 20- لغو جهت‌گیری‌های اقتصادی مبتنی بر توصیه‌ی نهاد های اقتصاد امپریالیستی – بانک جهانی ، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی- و رفع محرومیت عمومی ناشی از این سیاست‌ها که تا کنون قربانی‌های بسیاری از جامعه گرفته است.
- « پاینده باد اول ماه مه، روز رزم مشترک کارگران جهان»

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همانند دیگر سندیکا های کارگری جهان که خواسته ها و اعتراضات خود را در چنین روزی اعلام می کنند، بخشی از مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام می نماید.

- 1- آزادی فوری و بی قید شرط آقای رضا شهابی راننده زحمت کش شرکت واحد و عضو هیئت مدیره سندیکا از زندان و درمان وی تا سلامتی کامل و بازگشت بکار و پرداخت همه ی حق و حقوق معوقه ایشان از تاریخ بازداشت.
- 2- بازگشت بکار فوری رانندگان زحمت کش شرکت واحد آقایان حسن سعیدی ، وحید فریدونی، ناصر محرم

زاده، که به علت پی گیری حقوق همکاران خود در سال گذشته با پرونده سازی و اعمال روش های غیر قانونی از کار معلق شده و هم اکنون در شرایط سخت اقتصادی بسر میبرند.

3- رعایت شأن و منزلت انسانی کارگران و پایان بخشیدن به رفتارهای غیر قانونی پلیسی امنیتی علیه فعالیت سندیکایی کارگران و آزادی همه ی زندانیان مدافع و فعال حقوق کارگری.

4- تامین امنیت شغلی و جلوگیری از اخراج کارگران به ویژه فعالان حقوق کارگری و لغو قراردادهای سفید امضاء و موقت کارگری.

5- تجدید نظر در حداقل دستمزد سال 92 متناسب با گرانی کمر شکن و تورم روز افزون ، و تامین معاش خانواده در حد استانداردهای یک زندگی انسانی متناسب با نیازهای خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش و پرورش.

6- جلوگیری از کار کودکان به ویژه در امور خدمات جمع آوری و باز یافت زباله توسط باندهای خلاف کار و سازمانهای خدماتی شهرداری که روز بروز در حال گسترش است.

7- پایان بخشیدن به تمامی بی عدالتی های مخالف حقوق انسانی و اجرای بی کم و کاست حقوق مردمی که از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی و جوامع حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و رعایت آنها از وظایف حکومتگران می باشد.

در پایان یادآور می شود سندیکای کارگران شرکت واحد حق خود می داند که در صورت عدم رسیدگی عادلانه به خواست هایش توسط مسئولان داخل کشور، با همکاری سندیکاها و اتحادیه های جهانی و به استناد حقوق بین المللی کارگری شکایت های خود را در نشست سالانه سازمان جهانی کار مطرح و از طریق ارگان های این سازمان پی گیری و احقاق حق نماید.

با آرزوی گسترش عدالت آزادی و صلح جهانی
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

اردیبهشت 92

رضا شهابی زکریا کارگر و راننده ی دربند- عضو هیأت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد
زندان اوین اندرزگاه ۳ سالن ۱ اتاق ۳

ما کارگران خواستار :

- 1- افزایش دستمزدها بر اساس ماده ۴۱ قانون کار .
- 2- تشکیل تشکل های مستقل و مورد نظر کارگران و به رسمیت شناختن این تشکل ها توسط دولت .
- 3- حق اعتصاب و اعتراض و تجمع و راهپیمایی .
- 4- تضمین امنیت شغلی همه ی کارگران به ویژه لغو هر گونه قرارداد موقت و سفید امضاء و حذف واسطه های پیمانکاری.
- 5- متوقف کردن اخراج ها و بیکار سازی های گسترده .
- 6- لغو سه جانبه گرایی که همیشه در نهایت به نفع سرمایه داران بوده است .
- 7- ایجاد کار برای هر کارگر آماده به کار و بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار .

- ۸- تساوی حقوق زن و مرد و رفع هر گونه ستم به زنان به ویژه ستم مضاعف کارفرمایان بر زنان کارگر .
 - ۹- پایان دادن به دستگیری کارگران و آزادی بی قید و شرط تمام کارگران زندانی و بازگشت به کار همه آنها یا پرداخت ۵۰ درصد حقوق طبق ماده ۱۷ قانون کار و پرداخت حق بیمه به همسر و فرزندان تا زمان رفع محکومیت .
 - ۱۰- لغو کار کودکان و ایجاد شرایط مادی و روحی مناسب برای رشد کودکان آسیب دیده و بی سرپرست .
 - ۱۱- گنجاندن روز کارگر در تقویم کشوری به عنوان روز تعطیل رسمی .
 - ۱۲- توقف خشونت ها و تبعیض دولتی و غیر دولتی علیه کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان و برخورداری کامل آنها از حقوق شهروندی و کارگری .
 - ۱۳- لغو احکام ناعادلانه قضایی شامل اعدام، شلاق، جریمه، حبس، تبعید و غیره علیه فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی .
 - ۱۴- لغو مجازات مرگ .
- هستیم .

در نهایت به شورای امنیت سازمان ملل و بویژه قدرتهای غربی و آمریکا اعلام می کنیم که ما کارگران ضمن محکوم کردن سیاستهای جنگ طلبانه و ماجراجویانه جناحهایی از دولت ایران، خواستار لغو تحریم های اقتصادی که مستقیماً خانواده های طبقه کارگر و مردم زحمتکش را نشانه گرفته هستیم و هر گونه طرح و بحث و لفاظی دوباره حمله نظامی و حتی اندیشیدن به این بلای خانمانسوز را شدیداً محکوم می کنیم و با تمام توان و امکانات خود در برابر هر گونه تجاوز احتمالی به کشور و جامعه ایران ایستادگی می کنیم.

زنده باد کارگر
 زنده باد اتحاد کارگران
 زنده باد آزادی و برابری
 پاینده باد جنبش کارگری

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت روز جهانی کارگر

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است : اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز رزم مشترک همه کارگران و رنجبران و استثمارشوندگان جهان است؛ این روز فرصتی است تا یک بار دیگر صف واحد طبقاتی را علیه سود پرستان ستمگر تشکیل دهیم و صدای رسای طبقه کارگر را به گوش جهانیان برسانیم ...

مبرمترین این خواستهها عبارتاند از :

- 1- پرداخت فوری حقوق و دستمزد معوق کارگران شاغل در همه بخش های اقتصاد اعم از بخش خصوصی و غیرخصوصی و تعیین حداقل دستمزد بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز و با نظارت فعال تشکل های مستقل کارگری.
- 2- تأمین مسکن مناسب برای همه حقوق بگیران و تأمین کار برای همه بیکاران و همگانی کردن استفاده از مقرری بیمه بیکاری برای همه بیکاران
- 3- واگذاری سازمان تأمین اجتماعی به صاحبان واقعی آن و اداره آن توسط نمایندگان واقعی کارگران

- 4- بیمه کردن همه‌ی شاغلان و بیکاران و کنترل و نظارت تشکل های صنفی کارگران بر صحت اجرای آن و پرداخت حق بیمه‌ی کارگران توسط کارفرمایان
 - 5- برچیدن بساط نظامیان و عناصر امنیتی از واحدهای تولیدی و مؤسسات اقتصادی و کارگاه‌ها و به رسمیت شناختن تشکل های کارگری و هرگونه اعتراض کارگران برای احقاق حق خود
 - 6- حذف برنامه‌ی اصلاح قانون کار از دستور کار مجلس و دولت
 - 7- لغو مصوبه‌ی خارج کردن کارگاه‌های زیر 10 نفر از شمول قانون کار
 - 8- رفع محدودیت از سندیکاها ، اتحادیه‌های کارگری و هرگونه تشکل و مراسم کارگری به‌ویژه قانونی کردن تعطیلی روز جهانی کارگر به‌عنوان روز مبارزه‌ی کارگران علیه ستم طبقاتی
 - 9- الزام کارفرمایان به پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر و رفع هرگونه تبعیض در محیط کار اعم از تبعیض جنسیتی ، تابعیتی ، قومیتی ، عقیدتی و...
 - 10- حمایت از خانواده‌های نیازمند و جلوگیری از کار کودکان زیر 18 سال
 - 11- کنترل کارگاه‌ها و همه‌ی محیط های کار در زمینه‌ی رعایت بهداشت، ایمنی کار و حمایت از جان کارگران در برابر سود کارفرمایان
 - 12- برخورداری تمامی بازنشستگان و مستمری‌بگیران از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه‌ی اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی
 - 13- آزادی حق اعتصاب برای کارگران و زحمتکشان به‌عنوان سلاح برنده علیه بیداد کارفرمایان صاحب قدرت
 - 14- قطع سرکوب اعتراضات کارگری و مردمی، لغو مجازات اعدام ، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط زندانیان کارگری و دیگر فعالان اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود در جامعه
 - 15- حذف قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قراردادهای جمعی با نظارت و مدیریت تشکل های مستقل کارگری
 - 16- واگذاری بنگاه‌های اقتصادی خصوصی شده به کارگران شاغل در همان واحد اقتصادی و جلوگیری از غارت این واحدها توسط مدیران حریص، آزمند و بی‌کفایتی که این واحدها را تا آستانه‌ی تعطیلی و ورشکستگی کشانده‌اند.
 - 17 - آزادی بیان و قلم و هر گونه تشکل برای کارگران و فعالان اجتماعی بدون محدودیت
 - 18 - رفع قوانین تبعیض‌آمیز و محدودیت اشتغال و تحصیل برای زنان ، کارگران غیر ایرانی ، اقلیت های قومیتی و عقیدتی و...
 - 19 - حذف هزینه‌های آموزش و پرورش ، آموزش عالی و مهارت‌آموزی در سطح کشور و نیز حذف هزینه‌های درمان تمام حقوق‌بگیران و بیکاران و خانواده هاشان در تمام بیمارستان‌ها
 - 20 - لغو جهت‌گیری های اقتصادی مبتنی بر توصیه‌ی نهاد های اقتصاد امپریالیستی - بانک جهانی ، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی- و رفع محرومیت عمومی ناشی از این سیاست‌ها که تا کنون قربانی های بسیاری از جامعه گرفته است.
- « پاینده باد اول ماه مه، روز رزم مشترک کارگران جهان »
کانون مدافعان حقوق کارگر

سندیکای کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه سندیکای کارگران خبازی های مریوان و سروآباد

ضمن تبریک این روز به آحاد مردم زحمتکش؛ نسبت به معیشت اسفبار و غیر انسانی کارگران بطور عام و کارگران خباز بطور اخص معترض بوده و خواهان احقاق مطالبات خود هستیم.

1. برسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل رسمی در ایران و برپایی مراسم های این روز بطور مستقل.

2. ما کارگران خباز، تعیین حداقل دستمزد 487 هزار تومان برای کارگران را توهین به شان کارگران می دانیم و خواهان لغو جلسات سه جانبه برای تعیین حداقل دستمزدها هستیم.

3. ما کارگران خباز افزایش دستمزدهای خود را بر اساس گران شدن قیمت نان غیر قانونی دانسته و خواستار احتساب دستمزدهای خود بر اساس تورم واقعی در کشور می باشیم.

4. ما خواهان اجرایی کردن کامل قانون مشاغل سخت و زیان آور، برای کلیه کارگران شاغل در این صنف می باشیم و خواستار آن هستیم تا کارگران خباز از بازنشستگی پیش از موعد بهره مند گردند.

5. ما خواهان امنیت شغلی کارگران در کارگاههای زیر پنج نفر می باشیم.

6. ما کارگران خباز لایحه اصلاحیه قانون کار را حمله ای آشکار به معیشت کارگران می دانیم و خواستار عدم اجرای این لایحه هستیم.

7. ما کارگران خباز تشکل های مستقل کارگری را حق قانونی خود می دانیم و خواستار برسمیت شناخته شدن تشکلات مستقل کارگری از طرف دولت هستیم.

8. ما کارگران خباز هر گونه اهانت به کرامت انسان علی الخصوص زنان را در جامعه محکوم می کنیم و خواستار احتساب حقوق متساوی برای زن و مرد در جامعه هستیم.

9. ما ضمن محکوم کردن کار کودکان خواهان برچیده شدن این عمل غیر انسانی در اجتماع هستیم.

10. مدیریت درمان تامین اجتماعی استان به وعده خود وفا کند و درمانگاهی که قرار بود برای 13 هزار بیمه شده اصلی شهرستانهای مریوان و سروآباد احداث کند را عملی کند.

زنده باد روز همبستگی طبقاتی کارگران

اردیبهشت 1392

کارگران شهر سنندج

ما کارگران سنندج بخشی از خواست ها و مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می داریم:

1- به رسمیت شناختن روز جهانی کارگر به عنوان تعطیل رسمی، و حق برگزاری آزادانه ی مراسم های این روز.

2- لغو حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار برای سال 92، و افزایش حداقل دستمزدها برابر و متناسب با تورم واقعی در جامعه.

3- به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل های مستقل و خود ساخته ی کارگری، و منع تعقیب و پیگرد فعالین کارگری.

4- لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قرارداد دسته جمعی و دائم، و همچنین انحلال شرکت های دلالی و کارفرمایی.

- 5- پرداخت به موقع حقوق و دستمزدها، و جرم دانستن به تعویق انداختن آن، و پرداخت خسارت ناشی از آن به کارگران.
 - 6- ایجاد شغل برای کلیه ی افراد آماده به کار، و ممنوعیت اخراج و بیکارسازی، و پرداخت بیمه ی بیکاری کافی به کلیه ی کارگران بیکار و آماده به کار.
 - 7- منع کار کودکان، و تلقی به کار گیری کار آنان به مثابه ی جرم.
 - 8- پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر زن و مرد.
 - 9- ایجاد امنیت شغلی و همچنین تضمین محیط امن و بهداشتی در محل کار برای کارگران.
 - 10- ایجاد فضای امن و به رسمیت شناختن کار کارگران مهاجر، و منع تبعیض و اخراج آنان.
 - 11- آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران پیشرو و فعالین کارگری در بند از جمله رضا شهابی- شاهرخ زمانی- محمد جراحی- بهنام ابراهیم زاده- رسول بدایعی- پدram نصراللهی- علی آزادی- غالب حسینی و ...
- گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگران
کارگران شهر سنندج- اول ماه مه 2013

همچون دفعات پیشین آنچه در این مجموعه به نظر تان می رسد، گردآمده از منابع گوناگون از جمله :
 خبرگزاری های دولتی ایران (ایلنا - ایسنا - مهر - سایت آفتاب، وسایت فرارو، سلامت نیوز...) و سایت های اصلاح طلب (کلمه - جرس - اعتماد وسحام نیوز...) و تشکل ها، نهادها وسایت های مستقل مانند : (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه، جمعی از فعالان کارگری ایران خودرو، کانون مدافعان حقوق کارگر، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، ، خبرنامه مازندران، سایت میدان زنان، کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ، کمیته دفاع از رضا شهابی - کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده - کانون صنفی معلمان تهران، کردستان میدیا، وغیره) در داخل وخارج وهمینطور امکانات خبررسانی های خارج از کشور (تارنمای چشم انداز کارگری- سایت روشنگری- پیام ، افق روشن، وبلاگ کارگری راه کارگر، سایت خبری راه کارگر وغیره ...) وخبرهای دریافتی به ایمیل آدرس روز شمار کارگری فراهم آمده وبه نظر تان می رسد.
 اضافه نمایم؛ علاقمندان به روز شمار کارگری، برای دست یابی به آرشیو روز شمار کارگری سال های پیشین و جداول استخراج و جمع بندی آن ها ، می توانند با آدرس ایمیل روز شمار کارگری ایجاد ارتباط نمایند تا لینک های آنان خالصانه در اختیارشان قرار دهم . باید از بابت تاخیر این دوره روز شمار کارگری در انتشار به موقع آن از همه شما عمدتا به دلیل در هم ریختن چندین باره کامپیوترم همراه بوده است از شما ها عذرخواهی نمایم. لینک روز شمار کارگری فروردین ماه ۱۳۹۲ در زیر آمد است :

http://www.rahekgar.net/labor_iran/2013-04-30_446_roozshomar-1-1392.pdf

خوشحال می گردم که فعالان کارگری، مدافعان حقوق کارگران وهرانکس که روز شمار به دستش می رسد، بتواند نکته نظرها وانتقادات سازنده وموثر خود را بر سر این مجموعه کار با من در میان نهد .

بیش از هر چیز از دریافت ایمیل های شما خرسند گشته وخواهم آموخت .

با دوستی و رفاقت

امیرجوهری لنگرودی

Rooshomar_k@yahoo.com

اخبار و گزارشات کارگری اردیبهشت سال ۱۳۹۲

مشکلات زندانبانان سنندج از رساندن دارو به علی آزادی

به نوشته سایت هرانا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است: علی آزاد فعال کارگری بازداشت شده در سنندج در وضع وخیم جسمی بسر میبرد و از خدمات درمانی و دارویی محروم است. علی آزادی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، که مدت ۴۵ روز است به اتهامات واهی در بازداشت اداره اطلاعات سنندج به سر میبرد، طی تماسی تلفنی با همسرش خبر از اتمام بازجوییهای خود داد، و ادامه بازداشتش را غیر قانونی اعلام کرد. بنا به گزارش تارنمای کمیته هماهنگی، چهارشنبه شب (۲۸ فروردین)، وی طی این تماس همچنین خبر از وضعیت وخیم جسمی خود و امتناع مسئولان امنیتی بازداشتگاه اداره اطلاعات از ارائه خدمات درمانی و دارویی به خود را داد، و از شرایط غیر بهداشتی بازداشتگاه نیز ابراز ناراحتی کرده بود، که این وضعیت موجبات نگرانی خانواده، دوستان و دیگر فعالان کارگری شده است.

تعطیلی شرکت رادیو و تلویزیون شهاب

به گزارش سایت ایران کارگر آمده است: یک فعال کارگری به سایت ایران کارگر خبر داد که شرکت رادیو تلویزیون شهاب تعطیل شده و قرار است که این کارخانه به محل دیگری جابجا شود. تولیدی رادیو تلویزیون شهاب یکی از شناخته شده ترین شرکت های تولیدی دستگاه های صوت و تصویر بوده که اکنون به بهانه جابجاشدن موقعیت کارخانه بطور کامل تعطیل گردید. در این کارخانه بیش از 700 کارگر دو شیفت کاری 24 ساعه تولید کننده انواع محصول صوتی و تصویری اشتغال داشتند اما اکنون تنها 45 کارگر تنها در یک شیفت کاری در حال حفظ و نگهداری دستگاههای این کارخانه به صورت نیمه وقت به کار اشتغال دارند.

اخراج 80 کارگر کارخانه نساجی

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال کارگری گفت کارخانه نساجی بروجرد در ابتدای سال جاری حدود 80 کارگر خود را اخراج نمود و به این ترتیب تمامی کارگران رسمی این کارخانه اخراج شدند،

او افزود سیاست کارخانه ها، اخراج و یا باز خرید کارگران رسمی و بکارگیری کارگران قراردادی ویا روزمزد میباشد، او گفت دولت ومصوبه مجلس دست کارفرما وتولید کننده را جهت اخراج کارگران باز گذاشته است.

گرانی نان سفره را کوچکتر می کند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال کارگری با اشاره به انتشار خبر حتمی بودن افزایش قیمت نان در روزهای آینده به نقل از مقامات دولتی، نسبت به کوچک تر شدن سفره معیشتی کارگران هشدار داد.

حمید حاج اسماعیلی در این باره به ایلنا گفت: یکی از مشکلات اصلی کارگران تامین معیشت و کالاهای اساسی زندگی است. افزایش قیمت نان در روزهای آینده، سفره معیشتی کارگران را کوچکتر از گذشته می کند. وی تصریح کرد: اصرار جامعه کارگری در زمان مذاکرات شورای عالی کار برای تعیین سبد معیشتی متشکل از کالاهای اساسی به همین دلیل بود. این فعال کارگری افزود: ما اصرار داشتیم تا در کنار افزایش دستمزد، کالاهای اساسی بایارانه و به صورت ماهانه و منظم در اختیار کارگران قرار گیرد. حاج اسماعیلی در پایان اظهار داشت: شرایط اقتصادی کشور به گونه ای است که تمام حقوق کارگران صرف هزینه تامین کالاهای اساسی زندگی می شود.

ماشین سازی بروجرد در شروع سال جدید بطور کامل تعطیل شد

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 خبر داده است: کارخانه ماشین سازی بروجرد در شروع سال جدید بطور کامل تعطیل شد و کارگران آن اخراج شدند، يك فعال کارگري گفت بدليل نبود مواد اولیه و یا افزایش قیمت مواد اولیه و عدم ورود آن از خارج و نبودن بازار، کارخانه ماشین سازی بروجرد که 500 کارگر به صورت دوشیفته در آن کار میکردند بطور کامل تعطیل شده و هم اکنون فقط 10-15 کارگر صرفا برای نگهداری کارخانه باقی مانده اند.

آخرین وضعیت پرونده جواد لاریجانی / 20 هکتار باغ پسته و ماجرای چاه آب

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در اول اردیبهشت 92 آمده است: يك سال از اتهام زمین خواری به معاون قوه قضائیه می گذرد. هر چند با دستور رئیس دستگاه قضا پرونده بدون پارتي بازی در حال بررسی است اما برخی رسانه های دولتی اعلام کرده اند چاه های عمیق حفر شده در زمینهای محمد جواد لاریجانی موجب از بین رفتن محصولات کشاورزی مردم ورامین شده است.

خبرگزاری مهر- گروه اجتماعی: محمدجواد اردشیر لاریجانی سیاستمدار، ریاضی دان و نظریه پرداز 62 ساله که سالهاست به عنوان معاون بین الملل و دبیر ستاد حقوق بشر قوه قضائیه فعالیت می کند. چند ماهی است که از سوی مخالفان و متقدانش انگشت اتهام زمین خواری و سوء استفاده از اموال بیت المال به سویش نشانه رفته است. اتهامی که هر چند هنوز اثبات نشده ولی برای برادر رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس موجب تشکیل پرونده شده است.

علی لاریجانی: سند دارید رو کنید!

ماجرای پرونده جواد لاریجانی زمانی قوت گرفت که در تیرماه 91 برخی سایتهای خارج از کشور اسناد جدیدی از این پرونده منتشر کردند. اسنادی 12 برگی که نشان می داد محمد جواد لاریجانی 342 هکتار زمین در ورامین را غصب کرده است. در همین حال علی لاریجانی رئیس مجلس در دفاع از برادرش گفت: «کدام زمین خواری؟ هر کس سندی دارد به قوه قضائیه بدهد تا بررسی شود».

دستور رئیس قوه قضائیه برای بررسی پرونده برادر بدون پارتي بازی

يك ماه بعد از مطرح شدن این پرونده و اظهارات رئیس مجلس این بار علیرضا آوایی رئیس دادگستری استان تهران در مورد این پرونده سخن گفت و اظهار داشت: چند ماه قبل ریاست محترم قوه قضائیه با من صحبت کرد و گفتند «چنین پروندهای وجود دارد. تقاضای موکد من از شما این است که پیگیری کنید تا این پرونده به سرعت رسیدگی شود». رئیس قوه قضائیه تاکید کردند که مطلقا ملاحظه هیچ کدام از ما را نکنید و این برای خود من هم جالب بود زیرا يك تعارف نبود بلکه يك تاکید صادقانه بود. صحبت رئیس قوه قضائیه این بود که مثلا اگر کسی از بستگان من یا برادر من احيانا پروندهای دارد چرا باید حیثیت همه و مسئولین نظام زیر سوال برود برای اینکه چند هکتار زمین گرفته شده یا نشده است. لذا من بلافاصله یکی دو روز بعد از این موضوع، رییس دادگاه جوادآباد را دعوت کردم و پیام و مطالبه رییس قوه قضائیه را نیز به او گفتم و حدود شش بار هم با ایشان تماس گرفتم.

پاسخ جواد لاریجانی در مورد پرونده زمین خواری

اما بعد از این حاشیه ها 7 آذرماه 91 بود که این بار محمد جواد لاریجانی خود لب به سخن گشود در نشست خبری به اما و اگرها و حرف و سخن های مطرح شده در مورد پرونده زمین خواری اش گفت: شکایتی از سوی یکی از نهادهای دولتی علیه من مطرح شده بود. این شکایت ابتدا رد و مجددا مطرح شد. قضات محترم دیدند بهتر است دوباره بررسی شود و من هم مثل هر شهروند دیگری شرکت کردم و از خود دفاع کردم. ما

لاریجانی‌ها ضمن اینکه برادر هستیم ولی در رابطه با کار برادر و این‌ها نمی‌شناسیم. جواد لاریجانی با بیان اینکه شاید در حال حاضر بالغ بر 150 هزار پرونده این‌چنینی مطرح باشد، گفت: یکی از مسائل اصلی کشاورزی، مساله عدم تنسيق اسناد مالکیتی است و خوشبختانه با همتی که ریاست قوه قضائیه و اداره ثبت اسناد و املاک کشور کردند، برای زمین‌های کشاورزی هم اسناد مالکیت صادر می‌شود و این زمین‌ها هویت پیدا می‌کنند. البته چون ما در یک پروسه قضایی هستیم من نباید درباره آن صحبت کنم و سخنگوی قوه قضائیه در این باره صحبت خواهد کرد و ان‌شاءالله وقتی که کار قضایی‌اش تمام شد یک روز به مزرعه می‌رویم و من در آنجا به شما آبگوشت می‌دهم.

سایت دولت: چاه‌های باغ پسته جواد لاریجانی کشاورزی ورامین را دچار مشکل کرده است بعد از این سخن‌ها چندین بار هم موضوع پرونده جواد لاریجانی در جلسه سخنگوی قوه قضائیه مطرح شد ولی پاسخ‌ها تکراری بود که این پرونده در حال رسیدگی است. تا اینکه 27 فروردین ماه سال جاری (1392) خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به نقل از چند کشاورز ورامینی اعلام کرد که حفر 72 حلقه چاه برای چند باغ پسته متعلق به آقای "ل" بسیاری از زمین‌های کشاورزی ورامین را خشک کرده است. این کشاورزان مدعی شدند که باغ‌های پسته‌ای که در منطقه سالاربه و سیاه کوه به نام باغ آقای-ل- احداث شده تاثیر بسیار زیادی بر روی کشاورزی شهرستان ورامین داشته و مشکلات عدیده‌ای برای کشاورزان این منطقه به وجود آورده است. این چاه‌ها همگی در یک مسیر قرار دارند و تمامی آب‌های زیرزمینی این منطقه را برای آبیاری بیش از پنج هزار هکتار باغ پسته‌ای که در اراضی ملی احداث نموده‌اند استحصال می‌کنند. در این منطقه هیچ فرد عادی نمی‌تواند مجوز چاه بگیرد ولی این آقا چاه دارد.

یک منبع آگاه: تنها چاه قانونی باغ‌های پسته ورامین متعلق به محمد جواد لاریجانی است هر چند اظهارات کشاورزان روز بعد در روزنامه دولت منتشر شد و بسیاری از سایتهای داخلی و خارجی هم این خبر را اعلام کردند ولی یک منبع آگاه نزدیک به خانواده لاریجانی در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: این موضوع به هیچ عنوان صحت ندارد.

وی اظهار داشت: حقیقت ماجرا این است که در کل منطقه ورامین 2 هزار هکتار باغ پسته و بیش از یکصد چاه آب وجود دارد که بیشتر آنها غیرقانونی است و تنها چاه محمد جواد لاریجانی قانونی است. این منبع آگاه گفت: مساحت زمینهای آقای جواد لاریجانی 20 هکتار است نه هزاران هکتار که فقط یک چاه در این زمینها وجود دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، هر چند اظهارات این منبع آگاه به برخی شایعات پایان می‌دهد ولی افکار عمومی در انتظار برگزاری دادگاه و نتایج بررسی‌ها در مورد پرونده برادر رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس هستند. نتیجه‌ای که همانند دادگاه فساد و بیمه می‌تواند سلامت قوه قضائیه را بار دیگر به منحصه ظهور بگذارد.

گزارش خبری آکسیون اعتراضی گوتنبرگ (سوئد)

به اول ماه مه (روزهمبستگی جهانی کارگران) ۱۳۹۲ نزدیک می‌شویم و پیشاپیش فرارسیدن این روز را به همه کارگران ایران و جهان تبریک می‌گوییم.

بدنیال اطلاعیه مشترک (ضمیمه شماره یک) سازماندهندگان آکسیون اعتراضی روزیکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در شهر گوتنبرگ بشکل یک حرکت ایستاده اعتراضی در میدان یرن توریت برگزار گردید. نیروهای امضاء کننده اطلاعیه مشترک از لحظاتی پیشتر در میدان جمع آمدند و آرام آرام جمعیت شرکت کننده بهم پیوستند. میدان یرن توریت با عکس‌های فعالان کارگری زندانی و زندانیان سیاسی و بندرول‌ها و پلاکاردهای گوناگون اراسته شده بود. اطلاعیه سوئدی فراخوان مشترک نیز دورمیدان توسط تنی چند از فعالان امضاء کننده حرکت به دست رهگذاران سوئدی داده می‌شد تا اطلاع‌رسانی شود. حرکت در ساعت مقرر توسط آقای مسعود از فعالان "اتحاد فدائیان کمونیست" به نمایندگی از جمع برگزار کننده شروع، وی ابتداء امر به جمعیت حاضر خوش آمد گفت. اعلام داشت که تجمع امروز ما در پاسخ به فراخوان "هیئت هماهنگی شورای نمایندگان احزاب و سازمان‌ها نیروهای چپ و کمونیست" (ضمیمه شماره ۲) سازمان داده شد. ابتداء به یاد همه جانب‌اختگان راه آزادی و سوسیالیسم سکوت اعلام میداریم و بعد متن اطلاعیه

مشترک را به اطلاع میرسانم . از نمایندگان شرکت کننده در حرکت اعتراضی امروز و همینطور جمعی از دوستان پناهجویام خود را ادا خواهند نمود. از اینرو مسعود اطلاعیه مشترک را قرائت نمود . بعد از آقای حبیب سطنانی نماینده "حزب کمونیست ایران" خواست که پیام حزب را ادا نماید. بعدا نیز از آقای توفیق محمدی دبیر "انجمن پناهندگان ایرانی - گوتنبرگ" برای جمع به زبان سوئدی صحبت داشت و شعارهای به زبان فارسی و سوئدی ادا نمود. پس آنگاه بهزاد سهرابی فعال کارگری به میکروفون دعوت شد تا پیام فعالان کارگری داخل کشور (ضمیمه شماره ۳) را که ایران بدین مناسبت تدوین شده بود را ادا نماید. بهزاد سهرابی پیام آقایان علی نجاتی ، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه/محمد عبدی پور فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری./جهانگیر محمود ویسی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را برای اجتماع کننده گان در میدان قرائت کرد که با استقبال حاضرین روبرو گردید. سپس خانم پروانه حاجیلو از جانب فعالان " کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ" ضمن صحبتی کوتاه ومبنی بر آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی وزندانان سیاسی ، در تحکیم تحرکات موازی ما با جنبش درون کشور و استمرار این تحرکات تاکید نمود و پس آنگاه ترانه سرودی را ادا کرد که با استقبال جمع روبرو شد. آنگاه امیرجوهری از فعالان "سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" طی صحبت کوتاهی با اشاره به پیام فعالان کارگری داخل کشور تاکید داشت؛ مشکلات موجود در مقابل کارگران ایران در آستانه اول ماه مه از ما برخوردار و بر جستگی بخشیدن به انتقال مشکلات کارگران به فعالان کارگری جامعه میزبان راطلب می نماید. باشد که در همین میدان و در روز اول ماه مه در صفی متحد عمل نماییم. پس آنگاه فیروز فعال سیاسی از جانب "شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران- گوتنبرگ" ، پیامی را قرائت نمود. آنگاه کاوه الیاسی فعال "حزب کمونیست ایران"، متن سوئدی پیام حزب را ادا نمود. دانشجوی اخراجی آقای شهریار کاشانی صحبت کوتاهی داشت و جمهوری اسلامی را عامل فساد و مشکلات جامعه معرفی کرد و آزادی زندانان سیاسی ایران را خواستار گردید. دیگر پناهجوی سیاسی آقای مسعود خانی نیز صحبت داشتند و خواهان آزادی کارگران زندانی ایران شدند. خانم شیرین شیخ زاده فعال سیاسی و فعال حقوق زنان به مشکلات پناهندگان اشاره داشت و خواهان تنگ تر شدن روابط سیاسی دولت سوئد و رژیم اسلامی ایران و بسته شدن سفارت جمهوری اسلامی شدند. خانم مژگان تکبیری به اوج دسگیری روزنامه نگاران و وبلاگ نویسان اشاره داشت و خواستار آزادی آنان در آستانه اول ماه مه در کنار آزادی کارگران زندانی شد.

سپس رفیق مسعود گرداننده آکسیون اعتراضی اعلام داشت: تریبون حرکت مشترک ما برای بیان نظرات خانم ها و آقایان عزیز و دوستان گرامی شرکت کننده آزاد و بازاست . چندین شعار سرداده شد بعنوان آخرین نفر دیگر بار از خانم پروانه حاجیلو دعوت نمود که ترانه سرود کارگری را بخواند . بار دیگر جمعیت حاضر با طرح شعارهای سرنگونی رژیم اسلامی و شعار آزادی زندانان کارگر و زندانان سیاسی به زبان سوئدی و فارسی، آکسیون را به پایان بردند .

لازم به یاد آوری قبل از انتشار این گزارش که مورد تأیید سازماندهندگان این اقدام مشترک است، گزارشات نصف ونیمه از حرکت روزیکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ شهر گوتنبرگ در سطح این و آن سایت و رسانه های مجازی انتشار پیدا نمود که از درجه اعتبار ساقط است. باشد که دوستان تنظیم کننده گزارشات، امانت دار آنچه که اتفاق افتاد باشند که ارج و اهمیت کار جمعی استوار بماند.

از جانب سازماندهندگان آکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد)

ضمیمه شماره 1

اطلاعیه مشترک
آکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد)
باهمه توان از هفته دفاع از کارگران زندانی و امر آزادی زندانان سیاسی پشتیبانی نماییم!

انسان های آزاده، فعالین مدافع حقوق کارگران، احزاب ، سازمان های انقلابی و مدافعین حق پناهندگی در پاسخ به فراخوان هیئت هماهنگی شورای نمایندگان احزاب ، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست و در پیوند با تحرکات هفته دفاع از کارگران زندانی (روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل) برای آزادی فعالین کارگری و در دفاع از مطالبات

برحق کارگران ایران، در آکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد) ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر فعالانه و متحدانه شرکت کنیم.

رژیم سرمایه داری اسلامی ایران هر روز بساط تازه ای درمی افکند. دکتر فریبرز رئیس دانا را پس از سپری شدن دوره محکومیت اش آزاد می سازد. همزمان رضا شهبابی، عضو سندیکا شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که جهت معالجه درمرخصی بوده است باردیگر به زندان می کشاند. درهمین حال محمد جراحی که تحت معالجه شیمی درمانی قرار دارد، همچنان در زندان مرکزی تیریز زندانی است. همچنین با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نکرده است و او باید خود را به زندان معرفی نماید. این درحالی است که فرزند بیمارش نیما در بیمارستان محک هم چنان تحت شیمی درمانی است و به همراهی پدرش سخت نیازمند است. شاهرخ زمانی از کمیته پیگیری، پدram نصرالهی از فعالین کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و تنی چند از دستگیر شدگان هشت مارس امسال حامد محمود نژاد، خالد حسینی و وفا قادری به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی برای آخرین دفاعیات در شعبه ۵ بازرسی بیدادگاه سنندج حاضر شدند و چند تنی از دستگیر شدگان هشت مارس تا حالا با قرار وثیقه های چند ده میلیون تومانی آزاد گشتند.

به این ترتیب در آستانه اول ماه مه روز جهانی کارگر، سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها در ایران، تعرض همه جانبه جدیدی را بر علیه کارگران سازمان داده اند. درهمین راستا، ما امضاء کنندگان این اعلامیه مشترک برای مدافعه از کارزار بین المللی هفته دفاع از کارگران زندانی (روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل) در دفاع از مطالبات بی پاسخ مانده کارگران، به نشانه همبستگی با جنبش کارگری ایران، برای آزادی فوری و بدون قید و شرط فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی همه شما آزادی خواهان را فرامیخوانیم و دست خود را برای همکاری بسوی همه پیش می آوریم تا به همراه یکدیگر در آکسیون اعتراضی یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در میدان یرن توریت- گوتنبرگ (سوئد) ساعت ۱ تا ۳ بعد از ظهر فعالانه و متحدانه شرکت کنیم.

کارگران در بند و کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!
زنده باد همبستگی بین المللی با جنبش کارگری ایران!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی و زنده باد سوسیالیسم!
امضاء کنندگان:

اتحاد فداییان کمونیست واحد گوتنبرگ
حزب کمونیست ایران واحد گوتنبرگ
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- واحد گوتنبرگ
کانون همبستگی با کارگران ایران- گوتنبرگ
شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران- گوتنبرگ
انجمن پناهندگان ایرانی گوتنبرگ (سوئد)
جمعی از فعالین مستقل چپ مدافع حقوق کارگران

ضمیمه شماره 2

فراخوان
هفته دفاع از کارگران زندانی

کارگران و آزادی خواهان

رژیم جمهوری اسلامی ایران همزمان با هجوم به معیشت کارگران و گسترش فقر و بی حقوقی برای خانواده کارگری و کل جامعه، موج دستگیری کارگران را شدت بخشیده است. هم اکنون ده ها فعال کارگری و سیاسی در زندان ها بسر می برند. غالب حسینی، علی آزادی، شریف ساعد پناه، شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم نژاد، پدram نصرالهی، رضا شهبابی، محمد جراحی و فریبرز رئیس دانا و.... و دهها کارگر و فعال سیاسی دیگر.

برای اعتراض به دستگیری ها و حمله به جنبش کارگری روزهای ۱۵ تا ۲۲ آوریل امسال را هفته دفاع از جنبش کارگری اعلام میکنیم و روز شنبه ۲۰ آوریل را در این هفته کارگری به روز حرکت سراسری اختصاص میدهیم. در این هفته به هر طریق ممکن اعم از اکسیون یا پیکت یا نمایشگاه ومراجعه به نهادهای کارگری درمحل زیست و کارخود صدای اعتراض کارگران و زندانیان سیاسی را علیه سرمایه و جمهوری اسلامی رساتر میکنیم کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

هیات هماهنگی شورای نمایندگان احزاب ، سازمانها، و نهادهای چپ و کمونیست
۲۲ فروردین ۱۳۹۲ برابر با ۱۱ آوریل ۲۰۱۳

ضمیمه شماره 3

پیام فعالان کارگری از داخل کشور کارگران و فعالین جنبش کارگری در خارج از کشور؛

جامعه‌ی ایران در آستانه فلاکت قرار گرفته است. فقر مطلق، بیکاری، استثمار، تبعیض جنسی و ملی، اعتیاد و فساد، گرانی و تورم افسار گسیخته، وجود روز افزون کودکان کار و خیابان، تن فروشی و دیگر مصائب نظام طبقاتی، فراتر از هر زمانی افزایش یافته است.

نظام سرمایه داری ایران با بحران های عمیق اقتصادی و سیاسی دست به گریبان است، بحران هایی که با فشار تحریم های امپریالیستی و سیاست های هژمونی خواهی منطقه یی حاکمیت ، سلامت جسمی و روحی فرودستان را به مخاطره انداخته است. مردم ستمدیده و میلیون ها کارگر و زحمتکش در میانه ی میدان این بحران ها مانند قربانیان، نظاره گر مرگ تدریجی خود هستند.

امروز هرانسان آگاه و مبارزی می داند راه نجات از این زنده گی شوم ، اتحاد طبقاتی و ایجاد صف مستقل جنبش طبقه ی کارگر است. کما اینکه باور توهم آمیز کارگران ایران به یکی از جناح های سرمایه داری حاکم در روند مبارزه ی طبقاتی و به پشتوانه ی رادیکالیسم جنبش چپ و مستقل کارگری در حال شکسته شدن است. میلیون ها انسان کارگر و زحمتکش در بدترین شرایط ممکن به زندگی خود ادامه می دهند و با دلی پر از امید به افقی دیگر می اندیشند. به دنیایی عاری از کار مزدوری واستثمار! نظام سرمایه داری ایران نه تنها راه برون رفتی برای عبور از بحران و تامین معاش و آزادی کارگران و زحمتکشانش ندارد ، بلکه در تلاش است به شیوه ی سیاست های نئولیبرالی ریاضت اقتصادی در همه جای جهان سرمایه زده ، خسارات ناشی از بحران را بر زنده گی فرودستان آوار کند. برنامه یی که به توصیه ی نهادهای سرمایه سالاری همچون صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در چارچوب سیاست های تعدیل ساختاری از سال ها پیش آغاز شده و در جریان طرح ضد کارگری هدفمند سازی یارانه ها و حذف همان خدمات اندک دولتی و در قالب ارزان سازی نیروی کار، از قدرت خرید توده ها به شدت کاسته و طبقه ی کارگر را به زیر خط فقر رانده است.

در مقابل این تهاجم کم سابقه ، جنبش کارگری هیچ وقت ساکت نبوده و با وجود پراکنده گی و عدم انسجام تشکیلاتی ، تنها جنبشی بوده که در سخت ترین شرایط به این مناسبات اعتراض کرده و به دفاع از فرودستان جامعه برخاسته است.

پیشاپیش این جنبش فعالین و پیشروانی قرار دارند که بارها زندانی شکنجه و یا همچون جمال چراغ ویسی اعدام شده اند .

پیشروانی که اخراج ،احضار و تهدید می شوند، اما هیچ وقت تسلیم این زور گویی ها نشده اند. فعالینی که فداکارانه و با جسارت تمام در سخت ترین شرایط از حقانیت کارگران دفاع کرده ودفاع از منافع طبقاتی کارگران را امر خود می دانند.

فعالین و پیشروانی که باور دارند با حضور میلیونی کارگرمتشکل و سازمان یافته شده می شود به این استثمار پایان داد .

حاکمان سرمایه برای دفاع از منافع خود و ترس از حضور سازمان یافته جنبش کارگری نوک حمله خود را به سوی پیشروان و فعالین این جنبش نشانه رفته اند. دستگیری کارگران و فعالین کارگری از جمله : **هادی**

تنومند، قاسم مصطفی پور، ابراهیم مصطفی پور، جمال مینا شیری، محمد کریمی، واحد سیده، محمد مولانایی، یوسف آب خرابات، وفا قادری، خالد حسینی، بهزاد فرج الهی، حامد محمود نژاد، وادامه بازداشت محمد جراحی و شاهرخ زمانی، پدram نصرالهی، غالب حسینی و علی آزادی و بازگرداندن رضا شهبابی به زندان اوین نمونه های بارزی از این سرکوب هاست.

دفاع از پیشروان جنبش کارگری وظیفه عاجل تمام انسان هایی است که باور به آزادی و برابری دارند. باید صدای رسای تمام کارگران در بند بود. اعتراض به دستمزد های چندین برابر زیر خط فقر بدون فریاد آزادی تمام زندانیان ممکن نخواهد شد. خواست ایجاد تشکل های مستقل کارگری و سایر مطالبات واقعی طبقه ی کارگر از جمله افزایش دستمزد و حق اعتصاب و انحلال شورای سه جانبه کار مزدوری و لغو قوانین ضد کارگری همچون اصلاحیه ی قانون نیم بند کار و تامین اجتماعی و غیره بدون دفاع از پیش گامان این جنبش بی معنا خواهد بود. باید به نیروی خود به این دستگیر ها اعتراض کرد و خواستار آزادی فوری زندانیان کارگر و دیگر زندانیان سیاسی شد.

ما به سهم خود از تمامی افراد و نهاد ها و سازمان هایی که صدای اعتراض کارگران هستند تشکر می کنیم. پیروز باد مبارزه طبقاتی کارگران

علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه محمد عبدی پور فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری. جهانگیر محمود ویسی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1 اردیبهشت 1392

لینک ویدیویی: آکسیون اعتراضی به دستگیر و سرکوب جنبش کارگری در ایران

روزیکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳ در شهر گوتنبرگ

https://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=gtESmRSVnLQ

فراخوان

هم صدا و هم گام با کارزار جهانی آزادی کارگران در بند

سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها در ایران، تعرض همه جانبه جدیدی را بر علیه کارگران سازمان داده اند. در ادامه این تعرضات به سطح معیشت و حقوق کارگران، رژیم جمهوری اسلامی، بر دامنه سرکوب و پیگرد فعالین کارگری افزوده و تعدادی از هم طبقه ای های ما را در روزهای پایانی اسفند ماه گذشته و پیش از نوروز دستگیر کرده است.

از این رو، ما همگام با سایر احزاب، سازمانها، نهادهای مدافع کارگران و همه کسانی که از منافع طبقه کارگر دفاع می کنند، شنبه ۲۰ آوریل از ساعت ۱۲ تا ۱۴ در میدان Kultorvet واقع در مرکز شهر در خیابان مرکز خرید Kbmagergade نزدیک ایستگاه قطار Nrreport Station تجمع کرده و به طور یکپارچه و متحد همزمان با اعتراضاتی که در چندین کشور اروپایی و کانادا برگزار می گردد، اعتراض خود را به این گونه اعمال ضد کارگری رژیم اعلام کرده و آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران و فعالین جنبش کارگری از زندانهای جمهوری اسلامی را خواستاریم.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد همبستگی بین المللی در دفاع از کارگران ایران
زنده باد اتحاد و همبستگی سراسری کارگران ایران
زنده باد سوسیالیسم

آوریل ۲۰۱۳

فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - دانمارک

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران - کمیته دانمارک
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران - راه کارگر- دانمارک
میز کتاب کپنهاک
کمیته بین‌المللی برای حمایت از زندانیان سیاسی ایران
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - دانمارک
کانون پوینده

تجمع کارگران کاشی رویال سمنان در مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است: صبح امروز کارگران کارخانه کاشی رویال سمنان در اعتراض به اقدام کارفرما که از صبح دیروز شنبه کارخانه را تعطیل اعلام کرده است، مقابل استانداری این استان تجمع کردند.

حبیب الله محقق، دبیر خانه کارگر سمنان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۳۰ کارگر کارخانه کاشی رویال سمنان صبح امروز یکشنبه -یکم اردیبهشت ماه سال ۹۲- در اعتراض به تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما و عدم دریافت دو ماه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. او افزود: کارفرمای این واحد تولیدی صبح دیروز درب کارخانه را به روی کارگران خود بسته و از ورود ۳۰ کارگر خود به کارخانه ممانعت می‌کند.

او در خاتمه تصریح کرد: به گفته این کارفرما، هدف از این اقدام او، بی‌توجهی مسئولان نسبت به درخواست‌هایش بوده و گفته است تا زمانی که مسئولان بویژه مسئولان استانی به خواسته‌هایش بی‌توجه باشند، کارخانه را همچنان تعطیل کرده و از ورود کارگران به کارخانه ممانعت خواهد کرد.

پایان پیام

اعتراض کارگران کارخانه قند قهستان

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از استان خراسان جنوبی، کارگران کارخانه قند قهستان واقع در اسد آباد 5 ماه حقوق عقب مانده طلب دارند. این کارخانه که بیش از 130 کارگر دارد، بارها بخاطر مشکلات معیشتی خود شکایت و اعتراض کردند ولی تا کنون به درخواستهای واقعی این کارگران توجهی صورت نگرفته است.

جمع 27 روز متوالی کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به 27 ماه عدم دریافت حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است: همزمان با سفر محمود احمدی‌نژاد به اهواز، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر این شهر صبح امروز در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

بنابه همین گزارش، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز گفت: جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که ۲۷ ماه است به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند همزمان با سفر رئیس دولت به شهر اهواز صبح امروز - یکشنبه- برای دومین روز متوالی در سال جدید با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان استانی نسبت به مشکلاتشان مقابل استانداری شهر اهواز تجمع کردند.

او با اشاره به اینکه هدف از تجمع امروز کارگران قند اهواز دیدار با رئیس دولت و هیئت همراه است، اظهار داشت: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن

مصوبه‌ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره‌ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد.

وی در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد.

نماینده حقوقی کارگران قند اهواز در این زمینه اضافه کرد: متأسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی‌گیرند.

نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده‌ای را برای بررسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده‌اش ترسیم کنند تا آنان نیز در سال جدید با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده‌ای را برای خانواده‌های خود ببرند.

اعتراض کارگران قند اهواز همزمان با سفر احمدی‌نژاد به خوزستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است: همزمان با سفر محمود احمدی‌نژاد به اهواز، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر این شهر صبح امروز در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

حسن لویمی، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در این زمینه به خبرنگار ایلنا گفت: جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که ۲۷ ماه است به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند همزمان با سفر رئیس دولت به شهر اهواز صبح امروز - یکشنبه- برای دومین روز متوالی در سال جدید با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان استانی نسبت به مشکلاتشان مقابل استانداری شهر اهواز تجمع کردند.

او با اشاره به اینکه هدف از تجمع امروز کارگران قند اهواز دیدار با رئیس دولت و هیئت همراه است، اظهار داشت: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه‌ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره‌ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد.

این فعال کارگری در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد.

نماینده حقوقی کارگران قند اهواز در این زمینه اضافه کرد: متأسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی‌گیرند.

نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده‌ای را برای بررسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده‌اش ترسیم کنند تا آنان نیز در سال جدید با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده‌ای را برای خانواده‌های خود ببرند.

عدم دریافت شش ماه حقوق کارگران پروفیل ساوه

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از ساوه کارگران پروفیل ساوه نسبت به عدم دریافت 6 ماه حقوق معوقه کارگران و عدم پایبندی رستمی مدیر عامل این شرکت به وعده های داده شده معترض هستند، یکی از کارگران در این رابطه گفت رستمی بدلیل اینکه با سپاه بد نام قرارداد و پروژه کاری دارد هیچ مشکلی در رابطه با درآمد و تولید و فروش ندارد و اگر تصمیم به پرداخت مطالبات کارگران داشته باشد اینکار در کمتر از نصف روز بسادگی حل خواهد شد. اما بدلیل سیاست های ضد مردمی و اینکه کارگر در این نظام ارزشی کنونی جایی ندارد عملاً تا کنون هر بار که اعتصاب و اعتراض کردیم حقوقمان را دادند و تا فریاد کارگران بلند نشود کسی به کارگر اهمیتی نمیدهد. لازم به یاد آوری است که رستمی صاحب این شرکت، محصولات شرکت لوله سازی صفا را برای پروژه های مختلف سپاه پاسداران در عسلویه تولید میکند.

جمعی از کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا/ یزد در اول اردیبهشت 92 آمده است: جمعی از کارگران «شرکتی» اداره کل راه آهن یزد ظهر امروز در اعتراض به عدم تغییر وضعیت شغلی خود در مقابل استانداری یزد تجمع کردند.

این کارگران که تعداد آنها در حدود ۱۰۰ نفر بود، با برافراشتن پارچه نوشته‌ای اعلام کردند که خواستار اجرای دستور رئیس جمهوری درخصوص تغییر وضعیت قرارداد کاری از شرکتی به قرارداد مستقیم هستند. این کارگران پیش از این طی طوماری خواستار تغییر وضعیت قرارداد خود تا پایان فروردین ماه شده بودند.

تحصن کارکنان وزارت کشور و جلوگیری از ورود استاندار کهگیلویه به ساختمان استانداری

برپایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری آمده است: جلسه کارکنان متحصن استانداری کهگیلویه و بویراحمد و فرمانداری بویراحمد با استاندار برگزار و بدون نتیجه ای مشخص پایان یافت.

به گزارش سایت استان یک منبع آگاه در این زمینه گفت: تحصن کارکنان وزارت کشور(استانداری و فرمانداری) از ساعت ۷ صبح و جلوی در ورودی استانداری شکل گرفته بود و به مدت یک ساعت نیز از ورود استاندار به محل کارش جلوگیری شده بود؛ اما با وساطت فرمانده نیروی انتظامی استان این تجمع در محل نمازخانه استانداری و تا ساعت ۱۱ ظهر ادامه پیدا کرد.

بنا به این گزارش؛ با توافق صورت گرفته، چند نفر به نمایندگی از کارکنان متحصن و وساطت آقای سردار عادل‌ی در دفتر استاندار با وی جلسه ای برگزار کردند که موارد مورد اعتراض به این شرح بود که با استاندار مطرح شد:

۱-عدم پرداخت مطالبات کارکنان و پیگیری تا حصول نتیجه

۲- عدم پیگیری مطالبات عمرانی استان

۳- برخورد نامناسب شخص استاندار با کارکنان زیر مجموعه

۴- بی توجهی به مسایل رفاهی و مشکلات کارکنان و ایجاد محدودیتهای بی دلیل برای آنها

۵- ضعف مدیریتی استاندار و نارضایتی از شیوه مدیریتی وی

در پایان نیز جلسه بدون نتیجه ای خاص به اتمام رسید.

این منبع همچنین گفت: این تجمع به هیچ وجه سیاسی نیست و کارکنان متحصن یادآوری کردند که اگر این روند ادامه پیدا کند و خواسته های آنان نیز نادیده گرفته شود در آینده این گونه تجمع ها تکرار خواهد شد.

تجمع بازنشستگان پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است: امروز ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم فروش و یا واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان، در مقابل ساختمان وزارت نفت واقع در خیابان طالقانی تهران تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان با بر افراشتن پارچه نوشته‌هایی در اعتراض به مدیریت فعلی پالایشگاه آبادان از «رستم قاسمی» وزیر نفت خواستند تا به مشکلات آنان رسیدگی کند.

در یکی از این پارچه نوشته‌ها اشاره شده بود «ما کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان خواستار اجرای مصوبه دولت و مجلس شورای اسلامی در جهت فروش و واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان با عمر بالای بیش از ۷۰ سال هستیم»

اولین اعتصاب بزرگ کارگری در سال جدید، تولید در کارخانه نورد لوله صفا را متوقف کرد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در اول اردیبهشت 92 آمده است: از اولین ساعات صبح امروز صد کارگر اخراجی کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به اخراج و عدم پرداخت حقوق شان بطور اعتراض آمیزی وارد این کارخانه شدند و با پیوستن همه کارگران به آنان، تولید در این کارخانه متوقف شد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح دیروز کارفرمای این کارخانه با عدم تمدید قرارداد صد نفر از کارگران دست به اخراج آنان زد و برای تسهیل اخراجهای بیشتر، قرارداد شش ماهه و یکساله 1100 کارگر دیگر را فقط بمدت یکماه تمدید نمود. همه اینها در حالی است که قرار بود بیستم فروردین ماه قسمتی از مطالبات معوقه این کارگران پرداخت شود اما کارفرمای این کارخانه نه تنها در روز بیستم فروردین به وعده خود عمل نکرد بلکه در اقدامی برای به تمکین واداشتن کارگران صد نفر از آنان را اخراج و قرارداد مابقی کارگران را بمدت یکماه تمدید کرد.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال ورود اعتراض آمیز صد کارگر اخراجی به داخل کارخانه نورد لوله صفا و پیوستن دیگر کارگران به آنان که از صبح امروز منجر به آغاز اعتصابی متحدانه در این کارخانه شد مدیران کارخانه تلاش کردند با تهدید کارگران، آنان را وادار به شکستن اعتصاب کنند اما با واکنش شدید کارگران مواجه شدند که در مواردی به درگیریهای شدید لفظی ما بین کارگران و مدیران کارخانه کشیده شد.

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا با پیوستن کارگران شیفت شب به اعتصاب تا لحظه دریافت این خبر (19 عصر) همچنان ادامه دارد.

تجمع کارگران کاشی رویال سمنان مقابل استانداری در اعتراض به تعطیلی کارخانه وعدم دریافت دو ماه حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت ۹۲ آمده است: بیش از ۳۰ کارگر کارخانه کاشی رویال سمنان صبح امروز یکشنبه یکم اردیبهشت ماه سال ۹۲ - در اعتراض به تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما وعدم دریافت دو ماه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری سمنان تجمع کردند.

براساس این گزارش، از صبح دیروز شنبه کارخانه کاشی رویال سمنان ازجانب کارفرما تعطیل اعلام شده است.

پروین محمدی: ارتباطی میان مزد با بیکاری کارگر و تعطیلی کارخانه‌ها وجود ندارد

به نوشته سایت آوای کار در تاریخ اول اردیبهشت ۱۳۹۲ آمده است: یک فعال مستقل کارگری نسبت به یادداشت «هادی حق شناس» یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی در یکی از روزنامه‌های اصلاح طلب پیرامون اعتراض کارگران نسبت به مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار واکنش نشان داد.

به گزارش «ایلنا»، روز شنبه (۲۴ فروردین) (هادی حق شناس نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در روزنامه بهار با اشاره به تلاش کارگران برای بازنگردی در رقم دستمزد سال جاری، مدعی شد که در صورت افزایش دستمزدها احتمال اخراج کارگران و تعطیلی واحدهای تولیدی افزایش می‌یابد.

همچنین وی با این پرسش که «در صورت افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی دستمزدها، نهادهای صنفی کارگری چگونه افزایش بهروی بنگاه و نیروی کار را تضمین خواهند کرد؟»، نوشته بود: با افزایش مزد هزینه تولید بیشتر شده و کارفرمایان برای تامین هزینه‌ها ناگزیر به تعدیل نیرو و یا کاهش فعالیت‌های خود خواهند شد.

در پی این اظهارات «پروین محمدی» از فعالان مستقل کارگری گفت: در شرایط کنونی اقتصادی هیچ ارتباطی میان مزد کارگران با بیکاری کارگر و تعطیلی کارخانه‌ها وجود ندارد و چنین استدلال‌هایی تنها باعث ترساندن کارگران از پی‌گیری‌های حقوق صنفی قانونی‌شان می‌شود.

این فعال کارگری که سال گذشته یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی به پایین بودن دستمزدها بود با بیان اینکه کارگران را نباید تحمیق کرد، افزود: امروز واضح و مبرهن است که تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج و بیکاری کارگران دلایلی دیگر دارد و نمی‌توان افزایش مزد کارگران را عامل این مسائل دانست.

به گفته محمدی در حال حاضر به دلیل نبودن ثبات اقتصادی، قیمت کالا و خدمات در حالی چند برابر شده که دستمزد کارگران توسط دولت و کارفرما ثابت مانده است.

وی با بیان اینکه تا پیش از اجرای قانون هدفمند سازی پارانه‌ها هزینه نیروی کار تا ۱۳ درصد هزینه تمام شده تولید برآورد می‌شد، گفت: از زمان آزاد سازی قیمت‌ها این توازن برهم خورده است زیرا از یکسو قیمت کالاها چند برابر شده و از سوی دیگر مزد کارگران ثابت مانده است.

این فعال صنفی کارگری با یادآوری اینکه ممانعت و مخالفت دولتمردان و کارفرمایان با واقعی شدن دستمزد کارگران حتی با اصول اقتصاد آزاد مبنی بر تعیین قیمت‌ها در بازار عرضه و تقاضا منافات دارد، گفت: کارگران هم می‌خواهند نیروی انسانی خود را مانند عرضه کنندگان کالا به قیمت واقعی بفروشند.

محمدی با بیان اینکه حتی نمی‌توان مدعی شد که با افزایش و واقعی شدن دستمزدها تورم در جامعه ایجاد خواهد شد، گفت: آثار مخرب تورم و نقدینگی به زمانی مربوط می‌شود که مزد بگیران بیشتر از تامین هزینه نیازهای اساسی خود درآمد داشته باشند.

وی گفت: در حال حاضر مزد بیگران حتی به اندازه تامین معاش خود درآمد ندارند و برای همین است که خواهان واقعی شدن دستمزدها هستند.

محمدی با بیان اینکه کارگران می‌خواهند که حداقل قدرت خرید امروز آن‌ها به اندازه زمان پیش از هدفمند سازی پارانه‌ها ترمیم و تقویت شود، گفت: تجربه اجرای هشت سال سیاست‌های اقتصادی دوران جنگ تحمیلی نشان داد که با ثابت ماندن مزد، بیکاری و اخراج کارگران از بین نمی‌رود.

وی یادآور شد: در سالهای جنگ دستمزد کارگران به دلایل مختلف افزایش پیدا نکرد و در عمل ثابت اما در همین دروان روند اخراج کارگران همچنان ادامه یافت.

این فعال مستقل کارگری افزود: متأسفانه مسئولان تصور می‌کنند که کارگران افرادی بی‌اطلاع و ناآگاه هستند که می‌توان با وعده یا ترساندن آن‌ها را قانع کرد و این در حالی است که امروز به دلیل دسترسی به اطلاعات، آگاهی کارگران نیز افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه دست‌کم گرفتن نیروی کار باعث سرخوردگی طبقه کارگر و ایجاد بی‌اعتمادی آن‌ها نسبت به مسئولان می‌شود، گفت: مقامات مسئول نباید تصور کنند که می‌توانند از جامعه کارگری استفاده ابزاری کنند.

وی در ادامه به بخشی از اظهارات اخیر رئیس دولت در استان سمنان انتقاد کرد و گفت: وقتی آقای احمدی‌نژاد در سخنان خود گفت که «عده‌ای می‌خواهند که مردم ایران برای آن‌ها کارگری کنند» بصورت ناخواسته حرمت جامعه کارگری ایران را زیر سوال برد.

محمدی گفت: از این جمله اینطور استنباط می‌شود که منظور از کارگری همان بیگاری، بردگی یا کار اجباری است و این درحالی است که صرفه نظر از اهمیت مقام و جایگاه کارگر در آموزه‌های اخلاقی، شخص رئیس دولت نخستین بار از کسوت و پوشش کارگران برای جلب توجه افکار عمومی استفاده کرده بود

کارگران پیمانی در امیدیه حداق 3 ماه تا 6 ماه حقوق معوقه طلب دارند

به گزارش سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از امیدیه اهواز، بیش از 4000 کارگر پیمانی با شرکت های مختلف پیمانی طرف قرارداد با شرکت نفت و همچنین وزارت نیرو به کار اشتغال دارند. اما این کارگران از دریافت به موقع دستمزدهای خود محروم هستند، این گزارش می افزاید شرکت های پیمانی بین سه ماه تا 6 ماه از پرداخت حقوق کارگران امتناع کرده و برای سود دهی بیشتر از این پولهای کارگران استفاده میکنند.

شاپور احسانی راد

اول ماه مه یازده اردیبهشت 92 روزاعتراض متحدانه کارگران برای افزایش دستمزدها

اول ماه مه یازده اردیبهشت درسراسرجهان روز جشن شادی و پایکوبی کارگران، روزاتحاد وهمبستگی طبقاتی جهانی کارگران و روزاعتراض و کیفر خواست علیه نظام سرمایه داری است. در ایران بیش از سی سال از یورش نظام سرمایه داری به شوراهای کارگری که از دل انقلاب 57 بر آمدند میگذرد. در این مدت در طول هشت سال جنگ دستمزد ما کارگران را منجمد کردند و با رواج قراردادهای اسارت بار موقت سالهاست با تعرضی حریصانه، کار و معاش و زندگی فردی و اجتماعی ما را به نابودی کشانده اند. توهین، تحقیر، استثمار شدید، بیکاری، اخراج، سرکوب و بگیر و ببند کارگران متعرض به شرایط هر روزه ما تبدیل شده است اما ما کارگران روی پای خود ایستاده ایم و هرگز تسلیم نشده ایم. جوهرکشمکش طبقاتی این قوه محرکه تاریخ با سوخت و سازخود، شعله های امید به زندگی و رهایی را هر دم برای ما فروزانتر بر افروخته و کوره شرایط مصیبت بار

سی سال گذشته اگرچه ما را لاغر اما چالاک و آبدیده کرده است و در این سالها بویژه از دهه هشتاد به این سو هر روزه بر عمق و دامنه تجمعات و اعتصابات و اعتراضات کارگری افزوده شده است. امسال شورای عالی کار به غیر قانونی ترین شکلی با زیر پا گذاشتن ماده 41 قانون کار و با نا دیده انگاشتن تورم واقعا موجود و حق حیات شرافتمندانه یک خانوار 4 نفره، زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری را بطور بی سابقه ای در معرض تباهی قرار داد و شاخص فلاکت را به بیش از 45 درصد رساند. از نظر ما این مصوبه هیچگونه توجیه اقتصادی و اجتماعی و قانونی ندارد و فقط منفعت طلبی و تخلف مجریان حامی سرمایه و دشمنی آنها را به طبقه کارگر نشان میدهد مجربانی که خود قانون را دور زدند و تخلف کردند و دغلكاران به کارگران توصیه می کنند به قانون (دیوان عدالت اداری) شکایت کنید ما کارگران خواهان محاکمه مجریان متخلف، لغو مصوبه حداقل مزد و به رسمیت شناختن یک میلیون و پانصد هزار تومان بعنوان حداقل مزد برای برخورداری از حداقلی از رفاه هستیم. ما کارگران و خانواده هایمان مطلقا نمی توانیم در شرایطی که هزینه های زندگی بیش از شش برابر افزایش یافته و موج گرانی رسمی و غیر رسمی بطور تصاعدی در حال بالا رفتن است با این دستمزدها زندگی را تحمل کنیم و خاموش بمانیم. اکنون برای ما کارگرانی که به علت استیصال و درماندگی برای گذران زندگی هر روزه صد دفعه می میریم و زنده میشویم یازده اردیبهشت 92 رنگ و بوی تازه ای دارد. برای ما کارگران ایران اول ماه مه گرامی داشت یک خاطره یا بزرگداشت یک رویداد تاریخی صرف نیست. زمان عمل است، روز به میدان آمدن کارگران به خیابانهاست و روز نمایش مصممانه و پر قدرت ما بعنوان یک نیروی اجتماعی برای از بین بردن اختلاف طبقاتیست. در این روز باید کارگران به خیابانها بیایند و این روز را به روزی بزرگ برای تحقق مطالبات خود بدل کنند. ما کارگران ایران در این روز پرشکوه با اعتراض علیه دستمزد 487 هزارتومانی، علیه بیکاری، علیه سیر صعودی قیمتها و علیه تبعیض و نابرابری یک بار دیگر انسانیت خود را در صفوفی متحد و یکپارچه فریاد خواهیم زد.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران زنده باد اول ماه مه

تجمع کارکنان استانداری کهگیلویه و بویراحمد

به گزارش کینا نیوز، در اول اردیبهشت 92 آمده است: جمعی از کارکنان استانداری استان کهگیلویه و بویراحمد به دلیل اعتراض نسبت به حقوق و مزایای خود در محل استانداری تجمع کردند. این کارکنان نسبت به حقوق و مزایا کارمندی خود معترض هستند که با حضور در محل استانداری نسبت به این موضوع تجمع و گلایه کردند.

اجتماع کارگران کارخانه فارسیت دورود در فرمانداری در اعتراض به عدم پرداخت 5 ماه حقوقشان و اخراج کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در اول اردیبهشت 92 آمده است: صبح امروز 40 نفر از کارگران کارخانه فارسیت درودبا تجمع در فرمانداری خواستار رسیدگی به مشکلاتشان از جمله عدم پرداخت مطالبات و اخراج کارگران پیمانکار بالای ده سال سابقه کار، شدند. براساس این گزارش، این کارگران سوء مدیریت مدیرعامل و مدیران ارشد شرکت فارسیت، عدم حضور آنان در محیط کار جهت پاسخگویی لازم به کارگران و افکار عمومی، عدم پرداخت مطالبات و همچنین تصمیم به اخراج کارگران پیمانکار بالای ده سال سابقه کار را از جمله مشکلات این کارخانه ذکر کردند. بنابر این گزارش بعد از مذاکرات امروز این کارگران با مسئولان در فرمانداری، مدیران کارخانه فارسیت وعده داده اند که طلب يك ماه کارگران را که گفته می شود پنج ماه است حقوقی دریافت نکرده اند به آنها پرداخت کنند.

کارگران با دستمزد تعیین شده تنها یک هفته امکان زندگی دارند

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 1 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از کرمان کارگران کارخانه ها و شرکت های مختلف نسبت به میزان دستمزد تعیین شده برای سال 92 معترض هستند. یکی از کارگران

در این رابطه به سایت ایران کارگر گفت با تورم موجود در ایران 400 هزار تومان کفاف يك هفته مخارج را می دهد. یکی دیگر از کارگران خبر داد ، عملاً هیچ درآمدی نداریم و حتی خرج خانه را نمیتوانیم در بیاوریم. خیلی از کارخانه های داخلی که مواد اولیه آنها از خارج تامین میشد یا تعطیل شده و یا نیمه تعطیل شده اند

ماشین سازی بروجرد در شروع سال جدید بطور کامل تعطیل شد

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است : کارخانه ماشین سازی بروجرد در شروع سال جدید بطور کامل تعطیل شد و کارگران آن اخراج شدند، يك فعال کارگری گفت بدلیل نبود مواد اولیه و یا افزایش قیمت مواد اولیه و عدم ورود آن از خارج و نبودن بازار ، کارخانه ماشین سازی بروجرد که 500 کارگر به صورت دوشیفته در آن کار میکردند بطور کامل تعطیل شده و هم اکنون فقط 10-15 کارگر صرفاً برای نگهداری کارخانه باقی مانده اند.

تجمع کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری برای تبدیل وضعیت از شرکتی به قرارداد مستقیم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است : حدود 100 نفر از کارگران «شرکتی» اداره کل راه آهن یزد ظهر امروز در اعتراض به عدم تغییر وضعیت قرارداد کاری از شرکتی به قرارداد مستقیم مقابل استانداری یزد تجمع کردند. این کارگران پیش از این طی طوماری خواستار تغییر وضعیت قرارداد خود تا پایان فروردین ماه شده بودند.

درگیری مسلحانه در بیابان های اهواز و متحد شدن عشایر در مقابل نیروهای انتظامی

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است : در اهواز عده ای از جوانان بدنبال هجوم نیروهای سرکوبگر انتظامی به محلات مختلف به بیابان ها و نزدیک مرز رفته اند. مطابق خبر رسیده درگیری بین این عده از جوانان که مسلح بوده اند با مأموران نیروی انتظامی رخ داده است. در جریان این درگیریها چند تن از مردم کشته شده اند. چند تن از مأموران انتظامی نیز به دست مردم کشته شدند. عشایر خلفی ، خسرجی ، کعبی با هم برای مقابله با نظام متحد شده اند.

افت کیفیت لاستیک در کارخانه لاستیک سازی

به نوشته سایت ایران کارگر از سیرجان در تاریخ 1 اردیبهشت 92 آمده است : يك جفت لاستیک چینی 315 معادل 3 میلیون تومان میباشد در حالیکه قبلاً همین لاستیک 800 الي 850 هزار تومان خرید و فروش می شد . لاستیک خارجی که يك میلیون تومان بود در حال حاضر 5 میلیون تومان شده است. بخصوص که بدلیل نوسانات نرخ دلار و مشکلاتی که شرکت های لاستیک سازی در تامین مواد اولیه مشکل دارند ، میزان چسب خیلی کمتر و نامرغوب استفاده میکنند و کیفیت محصولات لاستیک کرمان بشدت افت کرده و بدلیل تهدیداتش ، رانندگان از محصولات داخلی بی کیفیت استفاده نمیکنند . از آنجا که رانندگان با توجه به افت در آمد ، عملاً توان پذیرش این مجموعه هزینه ها را ندارند لاجرم این تنش روی عموم مردم در تصادفات جاده ای و مشکلات مشابه آن سر شکن میشود.

تجمع های اعتراضی کارگران در ۷ شهر در ۵ روز اخیر

برپایه خبرهای رسیده در اول اردیبهشت 92 آمده است : تجمع اعتراضی کارگران فولاد زاگرس در پی دریافت پیامکی از کارفرما

بیش از یکصد و بیست کارگر کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از ۲۶۰ کارگر این کارخانه دیروز (۲۶ فروردین ماه) در اعتراض به تعطیلی کارخانه طی یک ماه اخیر و عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران که با سوابق کار ۱۰ تا ۲۰ سال در آستانه بیکاری قرار دارند نسبت به نابودی امنیت شغلی‌شان معترض‌اند. کارگران مدعی شده‌اند کارفرما بدون تعیین زمان مشخصی تنها به آنان گفته است فعلاً بر سر کار خود حاضر نشوید.

یکی از کارگران این واحد تولیدی که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت اظهار کرد: بیش از ۲۶۰ کارگر شاغل در این مجموعه تولیدی علاوه بر اینکه از بهمن ماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند، بعد از پایان تعطیلات نوروزی نیز از ورودشان به کارخانه جلوگیری شده است.

نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: به دستور کارفرما حراست کارخانه بعد از تعطیلات نوروزی در تاریخ ۱۶/۱/۹۲ از ورود کارگران جلوگیری به عمل آورده است.

این کارگر اضافه کرد: مجدداً بعد از این تاریخ از سوی کارفرمای کارخانه پیامکی برای کارگران ارسال شد مبنی بر اینکه «تا پایان ماه (۳۰/۱/۹۲) بر سر کار خود حاضر نشوید تا به شما اطلاع داده شود.»

این فعال کارگری ادامه داد: پس از دریافت این پیامک ۱۲۰ کارگر به نمایندگی از سایر کارگران در اعتراض به این اقدام کارفرما در مقابل فرمانداری تجمع کردند و بعد از دیدار با فرماندار، این مقام مسئول قول داد امنیت شغلی کارگران حفظ خواهد شد و دلیل بلاتکلیفی کارگران را مشخص نشدن اعضای هیئت مدیره از سوی تامین اجتماعی عنوان کرد.

نماینده کارگران در پایان گفت: از مسئولان می‌خواهیم پیش از اینکه این واحد نیز بطور جدی‌تری دچار مشکل شود بداد کارخانه و کارگران برسند.

تجمع بازنشستگان پالایشگاه آبادان در مقابل وزارت نفت

امروز ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در اعتراض به عدم فروش و یا واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان، در مقابل ساختمان وزارت نفت واقع در خیابان طالقانی تهران تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، ۳۰ تن از کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان با بر افراشتن پارچه نوشته‌هایی در اعتراض به مدیریت فعلی پالایشگاه آبادان از «رستم قاسمی» وزیر نفت خواستند تا به مشکلات آنان رسیدگی کند.

در یکی از این پارچه نوشته‌ها اشاره شده بود «ما کارکنان شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان خواستار اجرای مصوبه دولت و مجلس شورای اسلامی در جهت فروش و واگذاری منازل سازمانی پالایشگاه آبادان با عمر بالای بیش از ۷۰ سال هستیم»

تجمع کارگران کارخانه نساجی اصفهان سیمین نو مقابل مجلس در اعتراض به عدم بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه کار

به گزارش ۲۷ فروردین جام جم، جمعی از کارگران کارخانه نساجی سیمین نو اصفهان با تجمع مقابل مجلس خواستار احقاق حقوق خود و بازنشستگی با ۲۰ سال سابقه کار شدند.

براساس این گزارش، این کارگران که تعدادشان به حدود ۵۰ نفر می‌رسد به نمایندگی از ۲۰۰ کارگر این کارخانه مقابل مجلس تجمع کردند.

کارگران معترض گفتند: براساس قانون بازنشستگی، حدود ۴۰۰ کارگر این کارخانه با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شده‌اند اما از بازنشستگی حدود ۲۰۰ کارگر خودداری می‌کنند.

کارگران افزودند: مسئولین کارخانه می‌گویند که علاوه بر ۲۰ سال سابقه کار باید ۱۰ سال هم سختی کار داشته باشید در حالی که این شرط برای کارگرانی که قبلاً بازنشسته شده بودند لحاظ نشده بود.

کارگران با تجمع مقابل مجلس خواستار رسیدگی به اعتراض خود هستند.

تجمع کارکنان منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد جلوی استانداری

به گزارش ۲۶ فروردین کبنا نیوز، جمعی از نیروهای شرکتی مشغول در اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کهگیلویه و بویراحمد در جلوی محل استانداری تجمع کردند.

براساس این گزارش، بنقل از تهرادی تجمع کنندگان، طبق مصوبه ای هئیت دولت، نیروهای شرکتی باید تبدیل وضعیت شوند و در برخی از استانها این مصوبه اجرا شده است، ولی متأسفانه در منابع طبیعی این کار صورت نگرفته است.

همچنین این کارکنان افزودند، حقوق و مزایا مرتب پرداخت نمی‌گردد، از سابقه کار بالای ۱۰ سال برخوردار هستیم که همچنان بلا تکلیف هستیم.

یکی از این کارکنان که از مأموران یگان حفاظت جنگل های استان است به قول خودش در یکی از مأموریت های کاری از ناحیه کمر دچار صدمه گردید و با مشکلات عدیده ای روبرو است.

تجمع کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری

جمعی از کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری تجمع کردند

به گزارش ایلنا از یزد، جمعی از کارگران «شرکتی» اداره کل راه آهن یزد ظهر امروز در اعتراض به عدم تغییر وضعیت شغلی خود در مقابل استانداری یزد تجمع کردند.

این کارگران که تعداد آنها در حدود ۱۰۰ نفر بود، با برافراشتن پارچه نوشته‌ای اعلام کردند که خواستار اجرای دستور رئیس جمهوری در خصوص تغییر وضعیت قرارداد کاری از شرکتی به قرارداد مستقیم هستند.

این کارگران پیش از این طی طوماری خواستار تغییر وضعیت قرارداد خود تا پایان فروردین ماه شده بودند.

تجمع کارگران کاشی رویال سمنان در مقابل استانداری

صبح امروز کارگران کارخانه کاشی رویال سمنان در اعتراض به اقدام کارفرما که از صبح دیروز شنبه کارخانه را تعطیل اعلام کرده است، مقابل استانداری این استان تجمع کردند.

حبیب الله محقق، دبیر خانه کارگر سمنان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۳۰ کارگر کارخانه کاشی رویال سمنان صبح امروز یکشنبه -یکم اردیبهشت ماه سال ۹۲- در اعتراض به تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما و عدم دریافت دو ماه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری سمنان تجمع کردند.

او افزود: کارفرمای این واحد تولیدی صبح دیروز درب کارخانه را به روی کارگران خود بسته و از ورود ۳۰ کارگر خود به کارخانه ممانعت می‌کند.

او در خاتمه تصریح کرد: به گفته این کارفرما، هدف از این اقدام او، بی‌توجهی مسئولان نسبت به درخواست‌هایش بوده و گفته است تا زمانی که مسئولان بویژه مسئولان استانی به خواسته‌هایش بی‌توجه باشند، کارخانه را همچنان تعطیل کرده و از ورود کارگران به کارخانه ممانعت خواهد کرد.

اعتراض کارگران قند اهواز همزمان با سفر احمدی‌نژاد به خوزستان

همزمان با سفر محمود احمدی‌نژاد به اهواز، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر این شهر صبح امروز در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

حسن لویمی، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در این زمینه به خبرنگار ایلنا گفت: جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که ۲۷ ماه است به سبب بلا تکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند همزمان با سفر رئیس دولت به شهر اهواز صبح امروز - یکشنبه- برای دومین روز متوالی در سال جدید با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان استانی نسبت به مشکلاتشان مقابل استانداری شهر اهواز تجمع کردند.

او با اشاره به اینکه هدف از تجمع امروز کارگران قند اهواز دیدار با رئیس دولت و هیئت همراه است، اظهار داشت: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه‌ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره‌ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد.

این فعال کارگری در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیئت دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد.

نماینده حقوقی کارگران قند اهواز در این زمینه اضافه کرد: متأسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی‌گیرند.

نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده‌ای را برای بررسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده‌اش ترسیم کنند تا آنان نیز در سال جدید با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده‌ای را برای خانواده‌های خود ببرند.

گزارشی از کارگران مجروح حادثه انفجار 29 فروردین معدن فردوس

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در اول اردیبهشت 92 آمده است: موج این انفجار به حدی بود که باعث پاره شدن گوش همچنین خونریزی داخلی چشم تعدادی از آسیب‌دیدگان شد. شکستگی استخوان‌ها هم از دیگر جراحتهای وارده به حادثه‌دیدگان بود.

به گزارش 1 اردیبهشت مهر، وقوع انفجار در معدن فردوس سیرجان، باعث مجروح شدن 15 نفر از کارگرانی شد که در نزدیکی محل انفجار بودند.

پس از وقوع انفجار در معدن فردوس که روز چهارشنبه هفته گذشته رخ داد؛ در اثر این انفجار نابهنگام تعداد مجروحان به 15 نفر رسید.

بعد از وقوع این حادثه، مصدومان بلافاصله به بیمارستان غرضی انتقال داده شده و در این بیمارستان برای ساعاتی کد بحران اعلام شد.

رئیس بیمارستان غرضی، در این باره گفت: موج این انفجار به حدی بود که باعث پاره شدن گوش همچنین خونریزی داخلی چشم تعدادی از آسیب دیدگان شد. شکستگی استخوان‌ها هم از دیگر جراحتهای وارده به حادثه دیدگان بود.

مسعود حاج محمدی ابراز داشت: در انفجارهای اینچنینی پارگی ریه و روده و پارگی گوش از جراحتهایی است که افراد را تهدید می‌کند که در این حادثه به علت فاصله‌ای که حادثه دیدگان با محل انفجار داشتند از جمله صدمات وارده، آسیب گوش و متورم شدن گوش همگی این افراد بود. وی در ادامه بیان داشت: بعد از پذیرش کارگران، در این بیمارستان کد بحران اعلام و رسیدگی به مجروحان آغاز شد و این کارگران تحت درمان پزشکان این بیمارستان قرار گرفتند. تعدادی از این مجروحان به علت پارگی ریه و خونریزی داخل چشم به بخش جراحی و دیگر مصدومان در بخش‌های مربوطه تحت درمان لازم قرار گرفتند.

عدم دریافت 6 ماه حقوق و کارگران پروفیل ساوه

به نوشته سایت ایران کارگر در اول اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از ساوه کارگران پروفیل ساوه نسبت به عدم دریافت 6 ماه حقوق معوقه کارگران و عدم پایبندی رستمی مدیر عامل این شرکت به وعده‌های داده شده معترض هستند، یکی از کارگران در این رابطه گفت رستمی بدلیل اینکه با سپاه بد نام قرارداد و پروژه کاری دارد هیچ مشکلی در رابطه با درآمد و تولید و فروش ندارد و اگر تصمیم به پرداخت مطالبات کارگران داشته باشد اینکار در

کمتر از نصف روز بسادگی حل خواهد شد. اما بدلیل سیاست‌های ضد مردمی و اینکه کارگر در این نظام ارزشی کنونی جایی ندارد عملاً تا کنون هر بار که اعتصاب و اعتراض کردیم حقوقمان را دادند و تا فریاد کارگران بلند نشود کسی به کارگر اهمیتی نمیدهد. لازم به یاد آوری است که رستمی صاحب این شرکت، محصولات شرکت لوله سازی صفا را برای پروژه‌های مختلف سپاه پاسداران در عسلویه تولید میکند

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز همزمان با سفر رئیس دولت به خوزستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است: همزمان با سفر محمود احمدی‌نژاد به اهواز، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر این شهر صبح امروز (یکشنبه یکم اردیبهشت ماه) در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.

حسن لویمی، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در این زمینه به ایلنا گفت: جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که ۲۷ ماه است به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند همزمان با سفر رئیس دولت به شهر اهواز صبح امروز یکشنبه برای دومین روز متوالی در سال جدید با در دست داشتن پلاکاردها در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان استانی نسبت به مشکلاتشان مقابل استانداری شهر اهواز تجمع کردند.

او با اشاره به اینکه هدف از تجمع امروز کارگران قند اهواز دیدار با رئیس دولت و هیئت همراه است، اظهار داشت: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود به شیراز برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه‌ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره‌ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد.

این فعال کارگری در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیئت دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد.

نماینده حقوقی کارگران قند اهواز در این زمینه اضافه کرد: متأسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از

طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی‌گیرند. نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده‌ای را برای بررسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده‌اش ترسیم کنند تا آنان نیز در سال جدید با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده‌ای را برای خانواده‌های خود ببرند.

اولین اعتصاب بزرگ در سال جدید، تولید در کارخانه نورد لوله صفا رامتوقف کرد

به نوشته سایت هرانا در اول اردیبهشت 92 آمده است: از اولین ساعات صبح روز اول اردیبهشت صد کارگر اخراجی کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به اخراج و عدم پرداخت حقوقشان بطور اعتراض آمیزی وارد این کارخانه شدند و با پیوستن همه کارگران به آنان، تولید در این کارخانه متوقف شد. بنا به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران، صبح دیروز کارفرمای این کارخانه با عدم تمدید قرارداد صد نفر از کارگران دست به اخراج آنان زد و برای تسهیل اخراج‌های بیشتر، قرارداد شش ماهه و یکساله ۱۱۰۰ کارگر دیگر را فقط بمدت یکماه تمدید نمود. همه این‌ها در حالی است که قرار بود بیستم فروردین ماه قسمتی از مطالبات معوقه این کارگران پرداخت شود اما کارفرمای این کارخانه نه تنها در روز بیستم فروردین به وعده خود عمل نکرد بلکه در اقدامی برای به تمکین واداشتن کارگران صد نفر از آنان را اخراج و قرارداد مابقی کارگران را بمدت یکماه تمدید کرد. بدنبال ورود اعتراض آمیز صد کارگر اخراجی به داخل کارخانه نورد لوله صفا و پیوستن دیگر کارگران تولیدی به آنان که از ساعات صبح منجر به آغاز اعتصابی متحدانه در این کارخانه شد مدیران کارخانه تلاش کردند با تهدید کارگران، آنان را وادار به شکستن اعتصاب کنند اما با واکنش شدید کارگران مواجه شدند که در مواردی به درگیری‌های شدید لفظی ما بین کارگران و مدیران کارخانه کشیده شد. اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا با پیوستن کارگران شیفت شب به اعتصاب تا لحظه ۷ بعد از ظهر همچنان ادامه داشته است.

افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی ویزیت پزشکان/هزینه های کمرشکن درمان

به نوشته روزنامه شرق در اول اردیبهشت 92 آمده است: هزینه‌های درمانی طی ۱۱ سال اخیر به‌طور سرسام‌آوری افزایش یافته است.

به نوشته روزنامه شرق، تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی در بخش دولتی در سال جاری در مقایسه با تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی در سال ۱۳۸۳، ۴۰۰ درصد و تعرفه‌های پزشکان عمومی در بخش خصوصی در سال جاری در مقایسه با سال ۱۳۸۳، ۷۰۰ درصد افزایش داشته است. افزایش قابل‌توجهی که به شکل نگران‌کننده زمینه‌ساز افزایش پرداخت هزینه‌های درمانی از سوی مردم می‌شود.

بر اساس اطلاعات موجود قیمت ویزیت پزشکان عمومی در بخش دولتی در سال ۱۳۸۳، هزار و ۱۰۰ تومان بود که در سال جاری به پنج‌هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است. همچنین ویزیت پزشکان عمومی در بخش خصوصی در سال ۱۳۸۳، هزار و ۴۴۰ تومان بود که در سال جاری به ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان رسیده است. افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی تعرفه‌های درمانی پزشکان عمومی از سال ۸۳ تا به امروز در حالی است که میزان افزایش تعرفه‌ها در میان پزشکان متخصص، فوق متخصص و روان‌پزشکان نیز با افزایش بسیار زیادی همراه بوده است.

به‌طوری‌که تعرفه‌های پزشکان متخصص در بخش دولتی از سال ۸۳ تا به امروز ۳۰۰ درصد و در بخش خصوصی ۴۵۷ درصد، تعرفه پزشکان فوق‌تخصص در بخش دولتی از سال ۸۳ تا به امروز ۲۸۰ درصد و در بخش خصوصی ۶۰۱ درصد و همچنین تعرفه روان‌پزشکان در بخش دولتی از سال ۸۳ تا به امروز در بخش دولتی ۴۳۶ درصد و در بخش خصوصی ۶۹۱ درصد افزایش داشته است.

در مجموع تعرفه پزشکان عمومی در بخش دولتی و خصوصی از سال ۸۳ تا ۹۲، ۵۵۰ درصد، متخصص ۷۵۷ درصد، فوق تخصص ۸۸۱ درصد و روان‌پزشک ۱۱۲۶ درصد افزایش یافته است.

در این شرایط بر اساس بررسی «شرق» اگر این افزایش بسیار زیاد هزینه‌های درمانی را با میزان افزایش حقوق کارمندان و کارگران مقایسه کنیم، هزینه‌های تحمیلی به مردم در دولت‌های نهم و دهم بیش از پیش مشخص می‌شود. به طوری که بر اساس آمار مندرج در روزنامه رسمی ارگان دولت «ایران» (در تاریخ ۲۲ فروردین سال ۹۲) حقوق کارمندان از سال ۱۳۸۴ آغاز فعالیت دولت نهم تا به امروز ۱۰۸ درصد افزایش یافته است و حقوق کارگران از سال ۱۳۸۴ تا به امروز ۱۵۳ درصد افزایش یافته است که به هیچ وجه مطابقتی با میزان افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی هزینه‌های درمانی نداشته است.

هزینه‌هایی که قرار بود کاهش پیدا کند .
افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی تعرفه پزشکان از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۲ در حالی که به شکل مستقیم منجر به افزایش سرسام‌آور هزینه‌های درمانی برای مردم شده است که بر اساس قانون برنامه پنجم توسعه دولت موظف است هزینه‌های درمانی پرداخت شده از جیب مردم را کاهش دهد و به زیر ۴۰ درصد برساند. هم‌اکنون بر اساس آمارهای دولتی مردم بیش از ۷۵ درصد از هزینه‌های درمانی را از جیب خود پرداخت می‌کنند. هم‌اکنون بر اساس آمار ارایه شده از سوی نماینده سازمان بهداشت جهانی در خاورمیانه در اکثر کشورهای دنیا، سهم مردم از پرداخت هزینه‌های سلامت در حدود ۱۸ درصد است اما این عدد در کشور ما بیش از ۵۴/۸ درصد است که با احتساب منابع بیمه‌ای این عدد به بالای ۷۰ درصد می‌رسد .

هدفمندی یارانه‌ها و افزایش هزینه‌های درمان
دلایل متعددی را می‌توان برای افزایش ۴۰۰ تا ۷۰۰ درصدی هزینه‌های درمانی در دولت‌های نهم و دهم ذکر کرد، اما در صدر آنها اجرای قانون هدفمندی یارانه، سهم اندک مراکز درمانی و وزارت بهداشت از بودجه عمومی کشور و عدم تعیین تعرفه‌های درمانی واقعی برای بهداشت و درمان کشور، سه دلیل اصلی افزایش بالای هزینه‌های درمانی طی سال‌های اخیر است. به طوری که تعرفه‌های درمانی از سال ۸۳ تا ۸۹ به طور میانگین سالانه ۱۰ تا ۱۵ درصد افزایش داشته است که پس از سال ۱۳۸۹ هم‌زمان با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها این میزان به ۲۵ تا ۳۵ درصد رشد سالانه رسید .

افزایش هزینه‌های کمرشکن درمان
هزینه‌های کمرشکن درمانی اصطلاحی است که کارشناسان حوزه سلامت برای توصیف وضعیت آن دسته از افرادی که کار می‌برند که بر اثر پرداخت هزینه‌های سنگین درمان، دچار شرایط اقتصادی دشوار می‌شوند. بر اساس آمار دولتی در حال حاضر ارزیابی می‌شود، درصدی در حدود ۷/۵ تا ۱۰ درصد از افراد جامعه در این وضعیت قرار دارند و پرداخت هزینه‌های سنگین درمان بیماری‌های سخت و صعب‌العلاج، در شرایط عادی برای آنها ممکن نیست و مجبورند با فروش وسایل زندگی و، هزینه‌های درمان را تامین کنند .
در سال‌های ۸۸ تا ۸۹ آماري که در ارتباط با خانواده‌هایی که توان پرداخت هزینه‌های سنگین درمان بیماری‌های سخت را نداشته و ناگزیر با فروش وسایل زندگی به زیر خط فقر رفته‌اند، در حدود ۲/۵ تا ۴ درصد از کل جمعیت کشور اعلام شده بود. اما این آمار در سال‌های ۹۰ تا ۹۱ به مرز ۷/۵ درصد رسیده است .

وزارت کشور به درخواست برگزاری اول ماه مه پاسخ نداده است

به نوشته سایت هرانا در اردیبهشت ماه آمده است : دبیر کل خانه کارگر در خصوص مراسم روز ۱۱ اردیبهشت ماه (روز جهانی کارگر) گفت: حدود ۱۰ روز پیش از طرف ستاد بزرگداشت هفته کارگر درخواست برگزاری تجمع روز اول ماه مه برای وزارت کشور فرستاده شد که تاکنون پاسخی به آن داده نشده است. وی بایان اینکه ستاد بزرگداشت هفته کارگر خواهان برگزاری مراسم تجمع و راهپیمایی در روز ۱۱ اردیبهشت ماه است گفت: با توجه به تجربیات سالهای گذشته امسال حتی در مورد تعیین و انتخاب محل مراسم پیشنهادی نکردیم و تصمیم گیری را به وزارت کشور محول کردیم. رئیس فراکسیون کارگری مجلس گفت: کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با تبدیل ارز مرجع به ارز مبادلاتی قدرت خرید کارگران و سایر مزد بگیران را به نصف تقلیل داد. به گزارش ایلنا، علیرضا محجوب با اعلام این مطلب در نشست خبری مربوط به اعلام جزئیات برنامه‌های هفته کارگر سال ۹۲ گفت: کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با تبدیل ارز مرجع به ارز مبادلاتی قدرت خرید کارگران و

سایر مزد بگیران را به نصف تقلیل داد که با این اقدام من درآوردی ارز تامین دارو و غذا تا دو برابر گران‌تر خواهد شد. وی از جایگزین شدن ارز مرجع با ارز مبادلاتی به عنوان تلخ‌ترین اقدام کمسیون تلفیق مجلس یاد کرد و گفت: با این اقدام سفره آحاد مردم از فقیر و غنی گرفته تا شهری، روستایی، کارمند، کارگر و بازنشسته چند برابر کوچک‌تر خواهد شد. دبیرکل خانه کارگر بایان اینکه قیمت‌ها از قانون ظروف مرتبطه تبعیت کرده و افزایش می‌یابند در نتیجه این اقدام کارگران و مزد بگیران ۵۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست خواهند داد. وی گفت: هرچند از نظر ریالی بر مبلغ مزد افزوده شده است اما قدرت خرید کارگران سیر نزولی داشته است، بطوری که گزارش ۱۴ فروردین ماه مرکز آمار ایران از تورم نقطه به نقطه نشان می‌دهد که کارگران در یک سال گذشته حداقل ۴۰ درصد قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. به گفته محجوب با افزایش نرخ تورم از ۲۱ درصد به ۳۱ درصد رتبه جدید ایران در میان کشورهای تورم‌زا از مقام ششمی تغییر یافته و بعد از کشور بلاروس در مقام دوم قرار می‌گیرد. دبیر کل خانه کارگر با یادآوری اینکه در حال حاضر در اقتصاد جهانی میانگین تورم کشورها از ۴ درصد به ۲ درصد رسیده است، گفت: در چنین شرایطی داشتن تورم ۲ رقمی رو به‌رشد ایران نشان می‌دهد که اقتصاد کشور بیمار است. وی با یادآوری اینکه ۲۵ سال پیش نرخ تورم در کشور مانند پرو ۱۳ هزار درصد می‌شد و حتی نرخ تورم در برخی کشورهای همسایه ایران تا ۱۲۵ درصد نیز می‌رسید گفت: اکنون دواي مهار تورم اقتصادی سال‌ها قبل پیدا شد بطوری که اکنون این معضل مانند بیماری مالاریا ریشه‌کن شده است. محجوب در خصوص ادعای دولت مبنی بر درآمد ۴۸ میلیارد دلاری از محل صادرات غیر نفتی گفت: این اظهارات جنبه اغواگرانه دارد زیرا در عمل اثری از این پول در بازار عرضه و تقاضا مشاهده نمی‌شود و در عمل بانک‌ها به متقاضیان خرید دلار پیشنهاد استفاده از ارزهای خارجی جایگزین مانند یین و یوان را می‌دهند.

بدون شرح

رئیس فراکسیون کارگری در نطق میان دستور: مجلس صدای اعتراض کارگران به دستمزد را بشنود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است: رئیس فراکسیون کارگری مجلس گفت: مسئولان به جای کوچک‌نمایی میزان تورم به فکر چاره‌ای برای کاهش فشار موجود بر زندگی افراد باشند.

به گزارش ایلنا، علیرضا محجوب در نشست علنی امروز (یکشنبه ۱ اردیبهشت) مجلس در نطق میان دستور خود با اشاره به تنگناهای معیشتی کارگران در سال ۹۲ و افزایش ناچیز حقوق بدون توجه به شرایط دشوار تورم و گرانی قیمت‌ها، گفت: در حالی که بیش از 200 هزار نفر از تاخیر و عدم پرداخت حقوق رنج می‌برند تورم فزاینده و کشنده که با امواج لجام گسیخته قیمت‌های وحشی همراهی می‌شود امان همه مزدگیران را طاق کرده است.

دبیر کل خانه کارگر در ادامه در توصیف تاثیر شرایط تورمی بر زندگی فقرا سخنی از مرحوم «عالی نسب» را با این مضمون یادآوری کرد که «تورم مالیاتی است که اغنیا به میل خود علیه فقرا وضع می‌کنند». محجوب با اشاره به این گفته افزود: در برابر فقرا که به تعبیر اقتصاددانان تورم عزای آنهاست، اغنیا به مدد ثروت‌های افسانه‌ای ناشی از تورم هر روز و شب جشن می‌گیرند.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در ادامه اظهار داشت: من در شگفتم چرا وقتی در بهمن سال 1391 مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی گزارش خود را منتشر کرد و طی این گزارش با نرخ تورم 5/21 درصد سال 2112 ایران را در رتبه ششم، بد حال ترین و تورمی ترین اقتصادها قرار داده است، چرا کسانی که باید حتی با چنین شایعه‌ای پرچم عزا برای اقتصاد ملی به دست گیرند اینچنین سرد و بی تفاوت از کنار موضوع عبور می‌کنند و علیرغم سفارشات موکد مقام معظم رهبری در مورد تورم و گرانی از خود هیچ حرکتی نشان نمی‌دهند و فقط به توجیه وضع حاضر و کوچک‌نمایی تورم و گرانی و طبیعی جلوه دادن این تورم اکتفا می‌کردند.

محبوب ادامه داد: اگر به تاریخ و گذشته تورم از سال های قبل از جنگ جهانی و تشدید نقش پول کاغذی در اقتصاد ایران در سال های بعد نظری بیفکنیم، آثار تورم را به شکل فحطی و مرگ و میر ملاحظه می کنیم که در آن سال های دشوار و در جریان حوادث سال های بعد و حتی بروز بیماری تورم، علیرغم دانش و علمی که بر آن می بالند در کنار اقتصاددانان دولتی تقریباً نظارگران بی طرف باشند! شگفتا از دولت و مجلس که تماشا می کنند تا ایران قهرمان تورم جهانی گردد.

دبیرکل خانه کارگر با استناد به آخرین داده های مرکز آمار ایران که فروردین سال 1392 منتشر شد، گفت: آمار و ارقام ماه های آغازین و پایانی سال 92 و شاخص 937 مواد خوراکی و تورم نقطه به نقطه بالای 40 درصد و تورم 5/31 درصد و رشد قیمت 58 موارد خوراکی در اسفند ماه 91 که خود مهمترین موضوع سبد هزینه کارگران و سفره فقرا و بیکاران است، موید این نکته است.

محبوب تصریح کرد: با این اعداد و ارقام رتبه واقعی اقتصاد ایران در رتبه دوم پرتورم ترین ها قرار خواهد گرفت و این یعنی تورم افسارگسیخته، وضعیت فوق تورمی و صحیح آن ورود به دوره ابر تورم است.

نماینده مردم تهران با اشاره به شعار تعیین شده برای سال جاری گفت: بانک مرکزی، وزیر محترم اقتصاد «حماسه اقتصادی» یعنی اینکه تورم را سامان کنیم!

رئیس فراکسیون کارگری خطاب به همکارانش در مجلس گفت: آیا این وضعیت و این واقعیت ها نباید ما را نگران کند در حالی که با شاخص پایه 100 در سال 1381 هشت بار قیمت مواد خوراکی بزرگتر شده است و قیمت های کل حدود 6 برابر شده اند؟

محبوب پرسید: آیا حرکت بانک مرکزی برای کوچک نمایی با تغییر سال پایه شاخص قیمت ها از 81 به 1383 سوال برانگیز نیست؟ چه چیز باید گم شود! یعنی اگر شاخص بالاتر از 600 به عدد 300 تنزل پیدا کند وضع قیمتی به سامان می شود؟

دبیرکل خانه کارگر ادامه داد: به جای بازی با اعداد، تورم را مهار کنیم. فقرا کمتر غارت شوند سیر ثروتمندتر شدن اغنیا در بخش خدمات و سوداگری کنده شود.

محبوب با بیان اینکه غالب اقتصاددانان منصف، سود طلبی بیش از اندازه صاحب ثروت در اقتصاد ایران را یکی از دلایل اصلی تورم از سال 1350 تا اکنون می دانند، گفت: آیا با تشویق به خریدن آجیل مشکل گرانی حل شده یا آنکه اداره اقتصاد به صورت غیر نفتی و وصول و تکیه بر مالیات آن هم از صاحب ثروت چاره کار است؟ امیدوارم که سیاست تحریک تقاضا متوقف و ترجیح سیاست انبساط پولی بر انقباض مالی و پولی متوقف شود! آیا کسانی که در جایگاه مجری اقتصاد ملی نشسته اند و علیه انضباط مالی هستند و حتی از تظاهر به آن خودداری می کنند، می توانند حماسه اقتصادی خلق کنند؟ امیدواریم توجه کنند حماسه یعنی حل مشکلات اقتصادی و گرانی و مهار تورم، نه افتخار به 5 برابر کردن قیمت حامل های انرژی و توزیع بیشتر یارانه نقدی.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس در ادامه نطق میان دستور خود در صحن علنی مجلس، به تشریح دلایل اعتراض کارگران به مصوبه مزدی سال جاری پرداخت و گفت: در سال 1392 بر اثر افزایش قیمت ارز که در اثر عدم مدیریت کافی و مهار تقاضا پیش آمد کرد، به کاهش قدرت خرید عمومی یا همان کاهش ارزش پول ملی انجامید که زنجیره تورم و گرانی را کامل کرد تا حداقل پول ملی 40 درصد از قدرت خرید حقیقی خود را از دست بدهد و در نتیجه سفره های کارگری خالی تر از قبل و محیط کار ناامن تر و شرایط معیشتی دشوارتر گردد. در برابر این همه مشکلات فقط برای کارگران تصمیم شورای عالی کار مطابق ماده 41 باقی مانده بود که اعلام افزایش 25 درصد به حداقل حقوق در حالی متوسط این افزایش با توجه به بند یک بخشنامه افزایش دستمزد برای سایر سطوح مزدی 10 درصد به انضمام یک پایه و مبالغی افزایش به حقوق و مزایای که به زحمت میانگین آن به 18 درصد می رسد تا کارگران و مشکلات شان بیشتر شود و این به معنی آن بود که کارگران به رغم نظر

کمیته های دستمزد کانون شوراهای اسلامی کار و تلاش های نمایندگان کارگر در شورای عالی انجمن های صنفی کارگران و کانون عالی مجتمع نمایندگان کارگر و کمیته دستمزد خانه کارگر و فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی که باید از همگی به خاطر نشر حقایق و کوشش هایشان در زمینه افزایش دستمزد به دستاوردهای قابل دفاع نرسیده اند لذا تقدیر کنم اعلام می کنم برابر نظرات اعلامی همین عزیزان در مورد افزایش دستمزد سال 92 مطابق ماده 41 و بند اول آن انجام نگرفته است لذا از همگان می خواهم با توشه های علمی و عملی تا رسیدن به نتیجه مطلوب به تلاش ها ایشان مجدانه ادامه دهند.

دبیرکل خانه کارگر همچنین درباره پی گیری قانونی کارگران و تشکل های کارگری درباره دستمزد از جمله شکایت علیه شورای عالی کار، گفت: در این وضعیت دشوار کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران و بسیاری از اتحادیه ها و کانون های مستقل کارگری با تقدیم شکایت علیه شورایی عالی کار بلحاظ آنکه دستمزد اعلامی را برخلاف بند 1 ماده 41 به قانون فعلی کار می دانند تلاش قانونی خود را برای احقاق حقوق کارگران استمرار بخشیده اند.

محبوب در ادامه بخشی از متن شکایت نامه یکی از تشکل های کارگری که به دیوان عدالت اداری ارسال شده است را در صحن علنی مجلس قرائت کرد:

«با توجه به بررسی های بعمل آمده و ارائه گزارشات مربوط به سبد هزینه خانواده 4 نفره در شهرداری تهران ماهه دوم سال 91 که حکایت از نوسانات شدید قیمت اقلام مصرفی داشت این انتظار می رفت شورای عالی کار با توجه به وضعیت سخت معیشتی کارگران نسبت به افزایش حداقل دستمزد بر اساس تورم اعلام شده بانک مرکزی به میزان 30 / 2 درصد در اسفند ماه 91 اقدام نماید گرچه نرخ واقعی تورم در جامعه خیلی بیش از تورم اعلام بانک مرکزی می باشد، متناسفانه آنچه مصوب شد افزایش 25 درصدی می باشد که برخلاف ماده 41 قانون کار و تکلیف موضوع ماده 167 قانون کار می باشد... حتی اگر بپذیریم طبق ماده 168 قانون کار میزان جهت مصوبات و تصمیمات شورای عالی کار با اکثریت آراء می باشد، بدین معنا نیست که اکثریت حق دارند حقیقت را منکر شوند مثلا ماست سفید است اکثریت می گویند سیاه استم»

دبیرکل خانه کارگر پس از قرائت این بخش از شکایت نامه کانون شوراهای اسلامی کار تهران، گفت: بنابراین به نمایندگی از جامعه بزرگ کارگری و در آستانه روز کارگر از مجلس محترم شورای اسلامی می خواهم با توجه به اعتراضات مختلفی که به وضع حاضر دستمزدها از ماه ها پیش آغاز شده است، مجلس محترم به وظیفه نظارتی و خطیر تاریخی خود عمل کند تا موجب شادی و خوشحالی میلیونها کارگر را فراهم آورد. از این رو باید تصمیم ناقص، کامل گردد و شورای عالی کار ملزم به جبران در تصمیم گیری مطابق نظر اعلامی مرکز آمار ایران که مطابق قانون برنامه پنجم صورت گرفته است گردد.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس در خاتمه به طرح خواسته ای از اداره کنندگان سازمان تامین اجتماعی پرداخت و خطاب به آنان گفت: انتظار دارم تا مبلغ دریافتی برای همسان سازی حقوق مستمری بگیران را یارانه تلقی نکرده و با تصحیح اشتباهات گذشتگان این مبلغ که برای اجرای همسان سازی حقوق مستمری بگیران است یعنی تطابق حقوق فعلی را با حقوق زمان آغاز بازنشستگی تخصیص داده شده بود که در موافقتنامه های مبادله شده و برخی نوشته ها جلوه یارانه بخود گرفته بود بجای خود عودت داده و صرف همسان سازی گردد انتظار دارد که قانون ماده 10 نوسازی صنایع بعد از دو سال تعطیلی خلاف قانون هر چه سریعتر اجرا شده و شایان ذکر است که اکنون گزارش این تخلف در انتظار قرائت مطابق ماده 236 آئین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در صحن علنی است تا با تصمیم مجلس یا مقامات قضایی مشکل حل شود.

پایان پیام

روز جهانی کارگر را جشن بگیریم

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: ما کارگران ایرانی در چه شرایطی زندگی می‌کنیم و چه راهی برایمان باقی مانده است. همکاران شرافتمند، کارگران زحمتکش ایرانی- با هزاران درود بر شما ملت ما، به خصوص ما کارگران در آستانه دو رخداد مهم قرار گرفته ایم. یکی اول ماه می، روز جهانی کارگر، که مربوط به همه ما کارگران هست و سمبلی از مبارزات کارگری برای احقاق حداقل حقوق مان می باشد. دیگری انتخابات مربوط به حاکمیت، یعنی نمایش انتخاب رئیس جمهور برای این نظام می باشد. آیا این انتخابات ربطی به ما دارد؟ جواب این حرف را همکار قهرمانمان، کارگر شهید ستار بهشتی به خوبی داده است. «33 سال است که با همین وعده‌ها در جا مانده ایم، و در باتلاق این نظام فاسد فرو می‌رویم، همچون سال 76 و به اسم اصلاحات. بهتر است این بار خود را بیرون بکشیم، و راه آزادی را بیابیم.» بنا براین برگزاری چنین انتخاباتی، فقط صحنه نمایش جنگ باندهای درونی و مختلف این نظام است که همگی دست در دست یکدیگر در چپاول و سرکوب ما کارگران وحدت نظر دارند. پس این نمایش انتخاباتی، از اساس ربطی به ما زحمتکشان ندارد. در چه شرایطی زندگی می‌کنیم؟ و چگونه حقوق ما پایمال می‌شود؟

در شرایطی که به اسم جبهه و جنگ 8 ساله، در تورم 30-40 درصدی، حتی یک ریال به حقوق کارگران اضافه نکردند و حدود 10 میلیون کارگر و زحمتکش را در خط فقر مطلق نگه داشتند و این تنها کارگران نیستند که زیر خط فقرند بلکه بالای 90 درصد جامعه ایران اعم از کارگر و کارمند و کاسب و... زیر فقر قرار گرفته‌اند، در شرایطی که در 24 سال گذشته، بیش از 2 میلیون کارگر را از کارخانه‌ها، بدون کمترین حقوق اخراج کردند، در حالی که سالانه نزدیک به 800 هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند...

در شرایطی که روزانه صدها کارگر از کارخانه‌ها اخراج و به لشکر بیکاران می‌پیوندند (رسانه‌های حکومت) در شرایطی که خط فقر معادل یک میلیون و 850 هزار تومان در ماه است، 4 میلیون نفر در خط بقا، در مرگ و زندگی دست و پا می‌زنند (روزنامه مردمسالاری 4 دیماه 91)

در شرایطی که در سال 1391، هر روز بطور متوسط، 5 کارگر جان خود را در حوادث ناشی از کار، از دست داده‌اند و این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل 12 درصد رشد داشته است (ایلنا 28 اسفند 91)

در شرایطی که تورم در سال 2012 در ایران 110 درصد بوده است (24 دی 91) استیوهانکه متخصص ابرتورم یا تورم حاد) و خانواده کارگران در حسرت سیر شدن، شب را به روز می‌رسانند ...

در شرایطی که دیگر چیزی از تولید ملی باقی نمانده و حداکثر ظرفیت تولید در شهرک‌های صنعتی 40 درصد است و از هر 10 واحد تولیدی 8 واحد وضعیت بحرانی دارند (ایلنا 2 اسفند 91)

در شرایطی که بیش از یک میلیون و 40 هزار زن سرپرست خانوار در کشور وجود دارد که درآمدی ندارند (ایلنا 28 دی 91)

در شرایطی که تعداد کارتون خوابها و کودکان خیابانی با سرعت سرسام آوری در حال گسترش است، متقابلا

در شرایطی که پرونده‌های بزرگتر از فساد 3 هزار میلیاردی کشف می‌شود (رسانه‌های حکومتی اسفند 91)

در شرایطی که حکومت سالیانه 100 میلیارد دلار درآمد نفتی داشته، نزدیک به 50 میلیارد دلار درآمد مالیاتی و... دارد این پولها خرج چه چیزی میشود؟ جنگ در سوریه برای این که بشار اسد سرپا بماند! ساختن خانه در ونزوئلا برای مردم این کشور! برای مردم را در ایران سرکوب کند! ساختن راه و جاده در لبنان! دادن پول به حزب الله لبنان! و...

در شرایطی که قصرهای جدیدی در شهرهای مختلف ایران برای آقاها و آقازاده‌ها در حال تزیین با مرمرهای ایتالیایی و سرامیکهای اسپانیا است،

برای ما کارگران چه راهی برای گرفتن حداقل حقوقمان باقی مانده است؟

1. ماه اردیبهشت را که یازدهم آن مصادف با روز جهانی کارگر است، در همه واحدهای کاری و شهرها، ماه اعتراض علیه بیدادگری و چپاول و ظلم و ستمی که در تاریخ میهن ما علیه کارگران نظیر نداشته، قرار بدهیم.

2. همچنانکه کارگر پیشتاز، شهید ستار بهشتی گفته است، «از دوستان خود تقاضا دارم درباره انتخاب شیوه مبارزه و راه آن با دقت عمل کنند»

3. بنابراین برای ما هیچ راهی جز اعتراض و رساندن فریادهای حق طلبانه‌مان باقی نمانده است. در غیر این

صورت هم ذلت را خواهیم داشت و هم زیر بارهای گران زندگی و معیشت، له خواهیم شد .
4. از امروز در هرجایی که هستیم، باید دست به اعتراض بکشاییم. ما هیچ چیزی جز حداقل حقوق خود که تماماً ناشی از دسترنج و حیات خودمان هست، نمی خواهیم. ما باید امنیت شغلی داشته باشیم. ما باید حق ایجاد تشکلهای صنفی و سندیکایی داشته باشیم. ما باید مابازاء کاری که انجام داده ایم و می دهیم، حقوقمان را دریافت کنیم. باید قدرت خرید ما حداقل به قدرت خرید سال 1357 برسد بقیه پیشکش آقایان باد .

گران شدن نان حتمی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است : مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران از قطعی بودن افزایش قیمت نان خبر داد .
بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، «عباس قبادی» با اعلام اینکه قیمت خرید تضمینی گندم طی امروز و فردا مشخص می شود، اظهارداشت: در حال حاضر گندم کشاورزان را به صورت علی الحساب کیلویی ۵۵۰ تومان خریداری می کنیم. قیمت پیشنهادی برای خرید تضمینی گندم بین ۶۵۰ تا ۸۰۰ تومان برای هرکیلو گرم است .
مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران در پاسخ به این سوال که آیا با افزایش قیمت گندم، نان گران می شود، گفت: طبعاً قیمت نان گران می شود.

یک کارشناس کارگری هشدار داد: وخیم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران با افزایش قیمت نان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است : در پی انتشار خبر حتمی بودن افزایش قیمت نان در روزهای آینده، یک کارشناس مسائل کارگری نسبت به وخیم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران در صورت گرانی نان هشدار داد.

علیرضا حیدری در این باره به ایلنا گفت: نان یک کالای ضروری پرمصرف است و از نظر اهمیت نخستین کالا در سبد هزینه مصرفی کارگران محسوب می شود.

وی یادآور شد: در سالهای گذشته همواره با افزایش بهای کالای های ضروری چون مواد پروتئینی، لبنیات، انواع گوشت و میوه و سبزیجات، کارگران به دلیل ضعف قدرت اقتصادی نان را جایگزین این کالاها کرده اند. به گفته این کارشناس مسائل کارگری با توجه به کاهش قدرت خرید کارگران چنانچه قیمت نان در سال ۹۲ تغییر کند باید شاهد کاهش تدریجی نان از سفره مزدبگیران بود.

حیدری تاکید کرد چنانچه نان نیز مانند گوشت، میوه و سبزی از سفره کارگران خارج شود، هیچ کالایی برای جایگزین شدن وجود ندارد. دبیر سابق کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: به همین دلیل دولت باید قیمت نان را کنترل کرده و در شرایط تورمی کنونی مانع افزایش بهای آن بشود.

این فعال کارگری گفت: چنانچه در سال ۹۲ حداقل درآمد یک خانواده متوسط کارگری را ۵۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم، بابت سهم هزینه هر یک از اعضای خانواده ماهانه ۱۲۵ هزار و روزانه سه هزار تومان اختصاص می یابد.

حیدری بایان اینکه این مبلغ سرانه بر مبنای دلار مبادله ای ۲۵۰۰ تومانی معادل حدود یک دلار خواهد شد، گفت: این مبلغ با تعریف های جهانی که از خط فقر می شود بسیار مطابقت دارد. طبق تعریف سازمان ملل درآمد روزانه یک تا دو دلار معیار فقیر بودن افراد تلقی می شود.

تحصن کارگران کارخانه «فارسیت» در فرمانداری دورود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اول اردیبهشت 92 آمده است : تعد اد ۴۰ نفر از کارگران کارخانه فارسیت دورود با تحصن در فرمانداری خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شدند .
به گزارش ایلنا، کارگران معترض با انتقاد از سوء مدیریت مدیرعامل و مدیران ارشد شرکت فارسیت، عدم حضور آنان در محیط کار جهت پاسخگویی لازم به کارگران و عدم پرداخت مطالبات آنها را عامل تحصن خود عنوان کرده‌اند .

متحصنین نسبت به تصمیم مدیران ارشد این کارخانه در اخراج کارگران پیمانکار بالای ده سال سابقه کار معترض‌اند .

در همین رابطه عبدالله قائد رحمتی کارشناس سیاسی - امنیتی فرمانداری دورود در گفتگو با خبرنگار ایلنا، وقوع این تحصن را تایید کرده است .

بنابر این گزارش، بعد از مذاکرات امروز کارگران با مسئولان فرمانداری، مدیران کارخانه فارسیت وعده داده‌اند که طلب کارگران را که گفته می‌شود پنج ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند به آنها پرداخت کنند.

کشته شدن کارگر ساختمانی در خیابان دماوند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است : بر اثر ریزش دیوار ساختمانی در خیابان دماوند تهران، یک کارگر ساختمانی ۲۷ ساله جان خود را از دست داد .
به گزارش ایلنا، طبق بررسی آتشنشانی تهران دلیل ریزش آوار گودبرداری غیر اصولی عنوان شده است که بر اثر آن بخشی از دیوار ساختمان ریزش کرد و کارگر ۲۷ ساله تبعه افغانستان زیر آوار مدفون شد.

مصدومیت دو کارگر بر اثر سقوط در چاه آسانسور

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است : دو کارگر درحین کار از طبقه همکف ساختمانی در حال ساخت به داخل چاهک آسانسور در طبقه منفی سه سقوط کردند .
به گزارش ایلنا، بعد از ظهر روز گذشته (31 فروردین ماه) دو کارگر درحین کار در طبقه همکف ساختمانی در حال ساخت در بزرگراه همت به داخل چاهک آسانسور در طبقه منفی سه سقوط کردند و از ناحیه پا و کمر به شدت زخمی شدند .

بر اساس این گزارش، یکی از کارگران پیش از رسیدن گروه‌های امداد و نجات از داخل چاهک خارج و به مراکز درمانی منتقل شده بود و دیگری از سوی این ماموران با استفاده از تجهیزات ویژه نجات از داخل چاهک آسانسور خارج و تحویل عوامل اورژانس شد.

تجمع کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است : جمعی از کارگران راه آهن یزد مقابل استانداری تجمع کردند .

به گزارش ایلنا از یزد، جمعی از کارگران «شرکتی» اداره کل راه آهن یزد ظهر امروز در اعتراض به عدم تغییر وضعیت شغلی خود در مقابل استانداری یزد تجمع کردند .

این کارگران که تعداد آنها در حدود ۱۰۰ نفر بود، با برافراشتن پارچه نوشته‌ای اعلام کردند که خواستار اجرای دستور رئیس جمهوری در خصوص تغییر وضعیت قرارداد کاری از شرکتی به قرارداد مستقیم هستند .
این کارگران پیش از این طی طوماری خواستار تغییر وضعیت قرارداد خود تا پایان فروردین ماه شده بودند.

تجمع کارگران کاشی رویال سمنان در مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است : کارگران کارخانه کاشی رویال سمنان در اعتراض به اقدام کارفرما که از صبح دیروز شنبه کارخانه را تعطیل اعلام کرده است، مقابل

استانداری این استان تجمع کردند .
حبيب الله محقق، دبیر خانه کارگر سمنان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بیش از ۳۰ کارگر کارخانه کاشی رویال سمنان صبح امروز یکشنبه -یکم اردیبهشت ماه سال ۹۲ - در اعتراض به تعطیلی کارخانه از سوی کارفرما و عدم دریافت دو ماه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری سمنان تجمع کردند .
او افزود: کارفرمای این واحد تولیدی صبح دیروز درب کارخانه را به روی کارگران خود بسته و از ورود ۳۰ کارگر خود به کارخانه ممانعت می کند .
او در خاتمه تصریح کرد: به گفته این کارفرما، هدف از این اقدام او، بی توجهی مسئولان نسبت به درخواست هایش بوده و گفته است تا زمانی که مسئولان بویژه مسئولان استانی به خواسته هایش بی توجه باشند، کارخانه را همچنان تعطیل کرده و از ورود کارگران به کارخانه ممانعت خواهد کرد.

اعتراض کارگران قند اهواز همزمان با سفر احمدی نژاد به خوزستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است : همزمان با سفر محمود احمدی نژاد به اهواز، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر این شهر صبح امروز در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند .
حسن لوبمی، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در این زمینه به خبرنگار ایلنا گفت: جمعی از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که ۲۷ ماه است به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته اند همزمان با سفر رئیس دولت به شهر اهواز صبح امروز - یکشنبه- برای دومین روز متوالی در سال جدید با در دست داشتن پلاکاردهایی در اعتراض به بی توجهی مسئولان استانی نسبت به مشکلاتشان مقابل استانداری شهر اهواز تجمع کردند .
او با اشاره به اینکه هدف از تجمع امروز کارگران قند اهواز دیدار با رئیس دولت و هیئت همراه است، اظهار داشت: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد .
این فعال کارگری در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد .
نماینده حقوقی کارگران قند اهواز در این زمینه اضافه کرد: متأسفانه بانک های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی گیرند .
نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری های انجام شده، بانک های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است .
این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده ای را برای بررسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده اش ترسیم کنند تا آنان نیز در سال جدید با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده ای را برای خانواده های خود ببرند.

وخیم تر شدن وضعیت معیشتی کارگران با افزایش قیمت نان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است : در پی انتشار خبر حتمی بودن افزایش قیمت نان در روزهای آینده، یک کارشناس مسائل کارگری نسبت به وخیم تر شدن وضعیت

معیشتی کارگران در صورت گرانی نان هشدار داد .
علیرضا حیدری در این باره به ایلنا گفت: نان یک کالای ضروری پرمصرف است و از نظر اهمیت نخستین کالا در سبد هزینه مصرفی کارگران محسوب می‌شود .
وی یادآور شد: در سالهای گذشته همواره با افزایش بهای کالاهای ضروری چون مواد پروتئینی، لبنیات، انواع گوشت و میوه و سبزیجات، کارگران به دلیل ضعف قدرت اقتصادی نان را جایگزین این کالاها کرده‌اند .
به گفته این کارشناس مسائل کارگری با توجه به کاهش قدرت خرید کارگران چنانچه قیمت نان در سال ۹۲ تغییر کند باید شاهد کاهش تدریجی نان از سفره مزدبگیران بود .
حیدری تاکید کرد چنانچه نان نیز مانند گوشت، میوه و سبزی از سفره کارگران خارج شود، هیچ کالایی برای جایگزین شدن وجود ندارد .
دبیر سابق کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور گفت: به همین دلیل دولت باید قیمت نان را کنترل کرده و در شرایط تورمی کنونی مانع افزایش بهای آن بشود .
این فعال کارگری گفت: چنانچه در سال ۹۲ حداقل درآمد یک خانواده متوسط کارگری را ۵۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم، بابت سهم هزینه هر یک از اعضای خانواده ماهانه ۱۲۵ هزار و روزانه سه هزار تومان اختصاص می‌یابد .
حیدری باین بیان اینکه این مبلغ سرانه بر مبنای دلار مبادله‌ای ۲۵۰۰ تومانی معادل حدود یک دلار خواهد شد، گفت: این مبلغ با تعریف‌های جهانی که از خط فقر می‌شود بسیار مطابقت دارد. طبق تعریف سازمان ملل درآمد روزانه یک تا دو دلار معیار فقیر بودن افراد تلقی می‌شود.

گران شدن نان حتمی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت ۹۲ آمده است : مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران از قطعی بودن افزایش قیمت نان خبر داد .
بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، «عباس قبادی» با اعلام اینکه قیمت خرید تضمینی گندم طی امروز و فردا مشخص می‌شود، اظهارداشت: در حال حاضر گندم کشاورزان را به صورت علی‌الحساب کیلویی ۵۵۰ تومان خریداری می‌کنیم. قیمت پیشنهادی برای خرید تضمینی گندم بین ۶۵۰ تا ۸۰۰ تومان برای هرکیلو گرم است .
مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران در پاسخ به این سوال که آیا با افزایش قیمت گندم، نان گران می‌شود، گفت: طبعاً قیمت نان گران می‌شود.

کارگر مقتول عامل حادثه فولاد یزد معرفی شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت ۹۲ آمده است : اداره کل کار استان یزد، کارگر کشته را مقصر حادثه فولاد یزد معرفی کرد .
به گزارش ایلنا از یزد، مدیر روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد درخصوص نتایج بررسی حادثه فولاد یزد گفت: این حادثه به علت بی‌احتیاطی فرد فوت شده بوده و خسارت و مستمری وی نیز پرداخت می‌شود .
مصطفی سلمانی‌پور افزود: چون این حادثه ناشی از کار (در حین انجام کار) بوده است، طبق قانون تامین اجتماعی، هم بیمه و هم مستمری به خانواده کارگر فوت شده پرداخت می‌شود .
وی گفت: کارگر فوت شده راننده بیل مکانیکی بوده و مواد زائد مذاب را جابه جا می‌کرده است که بر اثر بی‌احتیاطی در محلی که آب وجود داشته، مواد مذاب تخلیه می‌شود که در نتیجه موجب سرد و گرم شدن مواد و وقوع حادثه شده است .
وی درخصوص چگونگی حادثه هم گفت: مواد پس از سرد و گرم شدن به شکل گلوله در آمده و پرتاب می‌شود که یک گلوله شیشه بیل مکانیکی را شکسته، به سر راننده برخورد می‌کند و به فوت وی منجر می‌شود.

از وعده ارائه خدمات دندان‌پزشکی تا تعدیل ۱۸۰ کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است: یک سال پس از مطرح شدن وعده ارائه خدمات دندان پزشکی به کارگران کارخانه «فروآلیاژ ازنا»، این کارگران با مشکلات عجیبی مواجه شده‌اند.

به گزارش ایلنا، اردیبهشت ماه سال 91 بود که به کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا وعده داده شد که به زودی در محل کار آنها یک مطب دندانپزشکی راه اندازی خواهد شد. بر این اساس قرار بود تا از طریق انعقاد یک تفاهم‌نامه همکاری میان کارفرمای شرکت فروآلیاژ با شرکتی به نام «بهبود آذین گستر» خدمات دندان پزشکی به کارگران و خانواده‌های آنها ارائه شود.

بنا بر ادعای کارگران فروآلیاژ، در نهایت این تفاهم‌نامه همکاری امضا شد و به موجب آن هر ماهه مبلغی از حقوق آنها کاسته شود بی‌آنکه خدماتی به کارگران و اعضای خانواده‌های آنها ارائه شود. به گفته کارگران این وضعیت همچنان ادامه داشت تا اینکه در پاییز سال گذشته سه نفر پزشک برای اجرای این طرح در محلی خارج از شهر مستقر شدند که به دلیل دوری مسافت، محدود بودن زمان مراجعه به روزهای پنجشنبه و جمعه، کثرت مراجعه کنندگان و نبود امکانات اولیه مانند روشنایی معابر، کارگران نتوانستند از این خدمات استفاده کنند.

کارگران فروآلیاژ می‌گویند این وضعیت سرگردانی برای مدت نزدیک به یک سال ادامه داشت تا اینکه به تازگی به آنها گفته شده است به دلیل غیر معتبر بودن شرکت ارائه دهنده خدمات دندان پزشکی تفاهم‌نامه امضا شده غیر قابل اجراست.

تکذیب امضای تفاهم‌نامه

این اظهارات درحالی است که مسئولان شرکت «بهبود آذین گستر» به ایلنا می‌گویند که به عنوان مجری ارائه دهنده خدمات بهداشت دهان و دندان هیچ تفاهم‌نامه‌ای را با کارخانه فروآلیاژ ازنا امضا نکرده‌اند. به گفته خانم فرجی، مدیرعامل کنونی شرکت بهبود آذین گستر با اعلام اینکه شرکت متبوعش هیچ تفاهم‌نامه‌ای را با کارخانه فروآلیاژ ازنا امضا نکرده است، در خصوص ادعای نارضایتی کارگران این کارخانه گفت: مدیرعامل سابق این شرکت بدون اجازه، از جانب خود و بطور شخصی قراردادی را با کارخانه فروآلیاژ امضا کرده است اما از نظر قانونی و حقوقی هیچ مسئولیتی متوجه شرکت بهبود آذین گستر نیست. وی گفت: این شرکت طبق اسناد قانونی، یک شرکت معتبر و فعال است که در زمینه ارائه خدمات بهداشت دهان و دندان با سازمان‌ها و نهادهایی چون بیمه ایران و دفاتر پیشخوان قرارداد همکاری دارد. وی با بیان اینکه مجموعه تحت مدیریت وی با دولت یک قرارداد کلی در خصوص فعالیت در شهرستان‌ها منعقد کرده است؛ تاکید کرد در حال حاضر تنها بصورت آزمایشی در تهران مشغول فعالیت هستیم. هرچند بنا بر ادعای مدیرعامل، این شرکت هیچ تفاهم‌نامه همکاری با کارخانه فروآلیاژ منعقد نکرده است و از این بابت هیچ مسئولیتی ندارد اما در این میان نمی‌توان نسبت به وضعیت کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا بی‌تفاوت بود.

این کارگران که سال گذشته شاهد تعدیل حدود 180 نفر از همکاران خود بودند مدعی‌اند که همزمان با گرانی‌های سال گذشته هر ماه مبلغی از حقوق آنها بابت ارائه خدمات دندان پزشکی کسر شده است بدون آنکه خدماتی ارائه شود.

تعطیلی بیش از 500 کارگاه کفاشی در اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ اول اردیبهشت 92 آمده است: معاون اتحادیه کفاشان استان اصفهان گفت: سال گذشته بیش از 500 کارگاه کفاشی در اصفهان تعطیل شد. محمد نایب‌پور، معاون اتحادیه صنف کفاشان اصفهان با بیان اینکه تولیدکنندگان کفش انگیزه‌ای برای توسعه فعالیت خود ندارند، به ایلنا گفت: ابتدای سال 91 با افزایش نرخ ارز، نرخ مواد اولیه وارداتی که اغلب از کشورهای اروپایی و چین وارد کشور می‌شدند به طرز چشم‌گیری افزایش یافت و افزایش 30 تا 40 درصدی نرخ زیره کفش و مواد اولیه منجر به رشد 60 درصدی قیمت نهایی کفش شد و با کاهش قدرت خرید مردم، در ایام پایانی سال استقبال خوبی از خرید کفش ایرانی نشد.

معاون اتحادیه صنف کفاشان اصفهان با اشاره به اینکه کارگاه‌های تولید کفش در تهران، اصفهان و تبریز هنوز برنامه خاصی برای افزایش تولید ندارند افزود: متأسفانه به دلیل نوسانات قیمتی سال گذشته همه تولیدکنندگان این صنف برای تولید مردد هستند .
وی در خاتمه با بیان اینکه در سال گذشته بیش از ۵۰۰ کارگاه تولید کفش در اصفهان تعطیل شد تصریح کرد:
اگر در هر کارگاه هم ۵ نفر مشغول بوده باشند می‌بینیم تعداد زیادی از این افراد یا بیکار شده‌اند و یا در کارهای خدماتی نظیر رانندگی مشغول شده‌اند.

بیکاری بزرگ‌ترین چالش آینده گفت‌وگو با بایزید مردوخ

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ دوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: کارنامه عملکرد دو دولت احمدی‌نژاد، درخشان یا خاکستری، در ماه‌های آتی در اختیار رییس‌جمهوری جدید قرار می‌گیرد. با توجه به شرایط نامساعدی که در سال‌های اخیر بر اقتصاد ایران تحمیل شد یا موقعیت‌هایی بسیار طلایی همچون افزایش درآمدهای نفتی مشمول حال دولت احمدی‌نژاد شد. اشتغالزایی سه‌برابر برنامه‌ریزی‌ها، توزیع برابر درآمد و ارتقای سطح زندگی دهک‌های پایین از وعده‌هایی بود که او در این دوران داده بود. اکنون ماحصلش پیش روی دولت آینده است. دکتر بایزید مردوخ، استاد علوم اقتصاد، در گفت‌وگو با «شرق»، از چالش‌های پیش روی دولت آینده می‌گوید:

با توجه به کارنامه دولت نهم و دهم، مهم‌ترین چالش‌هایی که در انتظار دولت آینده است، چیست؟
اشتغال مهم‌ترین مساله اقتصادی و اجتماعی کشور در دوران معاصر است. آمار بالای بیکاری جوانان و زنان - که سهم دارندگان تحصیل‌کرده در سیستم آموزش عالی چشمگیر است - نشان می‌دهد که با وجود توان در ارتقای سطح سواد در کشور، اما سرمایه‌گذاری دولت و خانواده‌ها برای فرزندان و کشور نتیجه مطلوب را نداشته است. اکنون بسیاری از آنها در انتظار آینده‌ای هستند که هنوز روشن نیست. حل این مساله مشکل نیست؛ بلکه باید به علل و عوامل آن پرداخت. در شرایطی که نیاز به سرمایه‌گذاری جدید در تولید و اشتغال وجود دارد، آمارهای بیکاری حاکی است که سرمایه‌گذاری‌ها کافی نبوده است.

البته دولت وعده ایجاد دومیلیون شغل را داده بود. به نحوی که نرخ بیکاری به صفر برسد.
بیشترین تمرکز دولت در بخش عمرانی و زیربنایی بوده که البته خوب است؛ اما از بخش‌های تولید و کشاورزی تا حدودی غافل ماندیم. اکنون بخش تولید، نگران کمبود نقدینگی است و همین مساله کارخانه‌ها را به تعطیلی کشانده و بهره‌وری را کاهش داده که همین مساله بخشی از نیروی بیکار را تشکیل داده است. در حالی که باید فضای کسب و کار آماده می‌شد، کاهش مقررات دیوانسالاری برای طرح‌های سرمایه‌گذاری و افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و صنعتی از مهم‌ترین اقداماتی است که باید برای اشتغالزایی صورت می‌گرفت اما نسبت به آن بی‌توجهی شد و دولت آینده باید با دقت نظر بیشتری به آن بپردازد.

قانون هدفمندی یارانه‌ها از جمله قوانینی بود که بسیاری نسبت به آن معترض بودند و در هر حال فاز اول آن اجرایی شد و فاز دوم همچنان معطل مانده، صورت و شیوه اجرای فاز دوم به چه نحو باید باشد؟
هدفمندی و متعادل‌سازی قیمت‌ها بسیار مناسب است؛ اما شرط و شروطی دارد و ادامه آن بستگی به تعیین منابع پرداختی دارد. مبالغ نقدی از کجا قرار است پرداخت شود. اگر از طریق گرانی برق و گاز باشد، هزینه‌های آن با افزایش قیمت‌ها و تورم، دوباره به مردم باز می‌گردد. تاکنون این شیوه درمانگر مناسبی نبوده است.

یعنی پرداخت‌های نقدی حذف شود؟
هیچ‌کس مدعی حمایت از اقشار کم‌درآمد نیست، اما در عین حال که به بخش‌های کم‌درآمد کمک می‌شود و هزینه‌های افزایش‌یافته را باید گروه‌های دیگر پرداخت کنند. اقتصاد ایران نیازمند رونق و تکاپو است. با ایجاد شغل و کسب درآمد، افراد، امکان فعالیت، کار و کسب درآمد دارند و این یک نوع حمایت است.

غیر از پرداخت‌های نقدی، بخش تولید شرط گذاشته بود که فاز دوم در شرایطی باید اجرا شود که این بار از تولید حمایت شود. این حمایت‌ها باید به چه صورت باشد که تولید آسیب‌دیده از فاز اول هدفمندی، این بار تقویت شود؟ پرداخت‌های نقدی چه به بخش تولید داده شود و چه به مصرف‌کننده، باعث تورم می‌شود. البته در فاز اول هم اعلام شد که به تولید پرداخت شده است اما در هر حال نباید به تولید پول نقد پرداخت کرد. اگر قابلیت کسب نداشته باشد و نتواند فعالیت کنند و سودآوری داشته باشند، هر درآمد و مبالغ نقدی که تحت عناوین یارانه یا تسهیلات به آنها داده شود، آن محصول فروش نخواهد داشت چون توان رقابت ندارد. در واحدهای تولیدی ابتدا باید با بررسی علمی، واحدهای بیمار را شناسایی کرد. در سال 1345 سازمان گسترش و نوسازی تاسیس شد و با معرفی صنایع مشکل‌دار به این سازمان و تحلیل مسایل و مشکلات و تشخیص دلیل ناکارآمدی (مدیریتی یا تکنولوژی) راه‌های احیای آن بررسی شد و در شرایطی که امکان نداشت، خط تولید را تغییر می‌دادند. اکنون نیز باید چنین سازمانی در همه استان‌ها با داشتن اختیار تشکیل شود و به بررسی واحدها پردازد؛ زیرا بانک توان تشخیص این مساله را ندارد.

ستون سرگشاده، هر روز به بازتاب نظرات صاحب‌نظران اقتصادی می‌پردازد که مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی پیش‌روی دولت آینده را به بحث می‌کشد.

افزایش بهای نان مهر تائیدی بر شکایت کارگران از مزد ناعادلانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران می‌گوید: اقدام دولت در خصوص افزایش بهای نان نشان می‌دهد که کارگران حق داشتند به پایین بودن دستمزدها اعتراض کنند.

حسن حبیبی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: نان یکی از کالاهای استراتژیک محسوب می‌شود که در گذشته دولت بابت آن یارانه پرداخت می‌کرد.

وی بایان اینکه از زمان حذف یارانه‌ها قیمت نان چند بار تغییر کرده است، گفت: گران شدن مجدد بهای نان، پیگیری‌های حقوقی کارگران برای لغو مصوبه دستمزدهای شورایعالی کار را توجیه می‌کند.

این مقام کارگری افزود: این اقدام دولت نشان می‌دهد که افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد پاسخگوی هزینه خانواده‌های کارگری نیست و مزدبگیران همچنان تحت فشار اقتصادی هستند.

حبیبی بایان اینکه دولت با این کار حقانیت شکایت کارگران را نشان داد، گفت: از آنجا که کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در اعتراض به نحوه افزایش مزد سال ۹۲ شکایتی را در دیوان عدالت اداری مطرح کرده است، از گروه‌های کارگری انتظار داریم تا از فرصت هفته کارگر استفاده کرده و در راستای منافع کارگران این اقدام حقوقی را حمایت و تایید کنند.

دبیر کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران همچنین در خصوص ادامه پیگیری‌های حقوقی این کانون برای ابطال مصوبه دستمزدهای شورایعالی کار گفت: کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران با رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس صحبت‌هایی داشته و در این رابطه به زودی نامه‌ای نیز خطاب به این کمیسیون ارسال خواهد شد.

حبیبی افزود: از آنجا که کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی بیش از هر کمیسیون دیگری با مسائل مربوط به کارگران درگیر است، انتظار داریم در خصوص عدم اجرای مواد ۱۶۷، ۴۱ و ۸ قانون کار به شورای عالی کار و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تذکر دهد.

وی بایان اینکه کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در ادامه پیگیری‌های خود قصد مراجعه به کمیسیون اصل ۹۰ را نیز دارد، گفت: بطور کلی مجلس شورای اسلامی می‌تواند با تفسیر صحیح از مواد یاد شده قانون کار صحت ادعای کارگران را ثابت کند.

این مقام کارگری گفت: با این حال امیدواریم که با توجه به وضعیت اقتصادی، قضات دیوان عدالت اداری هرچه زودتر به دادخواست کارگران رسیدگی کنند.

باورها و نابورها- خالد حسینی عضو کمیته همahنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است : امروز و در عصر حاضر هر انسانی که بر روی این کره خاکی می زید حق دارد با دنیای پیرامونش ارتباط داشته باشد و بهتر آن را بشناسد. در عصری که آن را عصر ارتباطات نامیده اند، انسان ها را نمی توان بدون برقراری ارتباط با محیط پیرامون خود تصور کرد. اما ما در کشوری زندگی می کنیم که متاسفانه بر این عرصه از زندگی ما می تازند و انسان ها را از بدیهی ترین حق شان منع می کنند، می گیرند، می زنند، دستبند و پابند می کنند تا مبادا دنیای پیرامونش را کنکاش کند،

اما غافل از آن اند که نمی توان عقاید و و باورها را غل و زنجیر کرد، باورهایی که والاتر از آن است که بتوان با وسایل و ابزار سرکوب سرمایه داران به زنجیر کشیده شود و نیست و نابودش کنند، این ابزارها شاید مقطعی بر جسم ها اثر بگذارد اما خللی در باورها ایجاد نمی کند.

انسان ها حق دارند خارج از چارچوب کذایی که دولتهای سرمایه داری برای آن ها تعریف کرده است، بیاندهند و آن را ابراز دارند بدون اینکه کسی بتواند برای آنها مشکل پیش بیاورد. چون ما معتقدیم که تاریخ تمام جوامع، تاریخ مبارزه طبقاتی بوده است. مبارزه ای که انسان ها جدایی از جنسیت، رنگ و نژاد و ملیت برای رهایی از یوغ استثمار سرمایه داران تا به امروز نیز با انحاء مختلف ادامه داشته است. کشور ما نیز مستثنی از این امر نبوده و از طرق متفاوت، طبقه کارگر علی رغم فراز و فرودهای فراوان علیه تمامی نابرابری های اجتماعی که در قبال انسان ها به طور عام و بی حقوقی هایی که صد البته جنبه قانونی نیز به خود گرفته و گریبان گیر کارگران شده بطور اخص، معترض بوده و برای بهبود و تغییر شرایط موجود، دست به اقداماتی نیز زده اند. ما بر این امر واقفیم که این ستیز طبقاتی ادامه خواهد داشت تا اینکه دنیایی بی طبقه بوجود آید و استثمار انسان از انسان برافتد و دیگر هیچ کالایی برای کسب سود و ارزش افزوده تولید نشود و فقط تولید برای رفاه جامعه باشد و کارگران به اندازه توانشان کار و به اندازه نیازشان برداشت کنند.

کسانی که در نیمه های شب با حمله به منزل کارگران و فعالین کارگری آنها را دستگیر می کنند، به چه هدفی دست به چنین اقداماتی می زنند؟ در حالی که هنوز خستگی کار روزانه بر شانه های شان سنگینی می کرد. آیا براستی نمی دانند که باورها را نمی توان از اذهان پاک کرد؟! آیا نمی دانند ما 99 درصدی ها که ثروت و سامان این جهان را تولید می کنیم، می توانیم بیاندهیم و با اتکاء به نیروی خود آنها را به چالش بکشیم و «طرحی نو در اندازیم»؟ و همصدا با هم طبقه ای هایمان هر چه رساتر فریاد بزیم «کارگران جهان متحد شوید». آری فریاد می زنیم که باورهایمان و اهدافمان، انسانیت مان است و می سزاییم «چه خوش است برسر هدف مردن، چه حیف است انسان هدفمند در بستر مردن». آری ما کارگران مانیفیست طبقه کارگر را خواهیم نوشت و کارگران را به حق خواهی و سرمایه داران را به بازگشت به هویت انسانی خود فرا می خوانیم، هویتی که انسان ها را برابر تلقی می کند و هیچ انسانی برتر از دیگری نیست، دیگر حق هیچ کس لگدمال نخواهد شد، دیگر انسانی نخواهد بود که از دسترنج دیگران برای خود جاه و جلالی بسازد. دنیایی که در آن آرزوهایمان محقق شود بطوری که هیچ قدرتمندی توان آن را نداشته باشد که باورها را اسیر سلول های مخوف زندان کند. باورها و اندیشه هایی که یاغی از استثمار و نابرابری و یاغی از توحش سرمایه داران هستند.

هم زمان!

بیاید باورهایمان را فریاد بزیم و اعلام کنیم که دنیای دیگری نیز امکان پذیر است. فریاد برآوریم که چرا تولید کنندگان اصلی تمامی نعمات جامعه، خود از ابتدایی ترین امکانات رفاهی محروم اند. بیاید اندیشه هایمان را بر هر آنچه قابل خواندن باشد، جاری کنیم حتی بر دیوار سلولهای زندان، تا نسل های آینده بدانند که کارگران و فعالین کارگری نمی خواستند باورهایشان را با خود به خاک بسپارند. بیاید با هم فریاد بزیم که کار کودکان ممنوع باید گردد، فریاد بزیم که زن و مرد در تمامی عرصه های اجتماعی باید برابر باشند، و نگاه ابزاری به زنان باید برچیده شود. آری تا زنده ایم فریاد می زنیم که انسان ها با هم برابرند.

هشدار نسبت به آغاز موج اخراج کارگران قراردادی در سمنان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر سمنان با بیان اینکه اخراج کارگران قرار دادی و خدماتی در این استان بعد از گذشت یک ماه از سال آغاز شده است، نسبت به عواقب روی آوردن برخی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی کشور به اخراج نیروی کار هشدار داد.

حبیب الله محقق در این باره به ایلنا گفت: با گذشت یک ماه از سال جدید بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران قرار دادی و پیمانی واحدهای مختلف تولیدی سمنان با سوابق یک تا ۱۲ سال با مراجعه به خانه کارگر نسبت به اخراج خود از سوی کارفرما، معترض بوده و از این نهاد کارگری خواسته‌اند پی گیر مطالباتشان باشد. این فعال کارگری با اشاره به اینکه در روزهای اخیر شاهد اخراج بیش از ۵۰ نفر از کارگران قرار دادی کارخانه «مهره سازان» سمنان بوده‌ایم، گفت: مالکان این واحد صنعتی نیز به بهانه عدم دریافت مطالبات خود از کارخانه‌های خودرو، برای کاهش هزینه‌های جاری تولید، بیش از ۵۰ نفر از کارگران قرار دادی خود را اخراج کرده‌اند.

به گفته محقق، نبود نظارت بر کار واحدهای تولیدی و خدماتی از سوی بازرسین اداره کار باعث شده تا تعداد زیادی از نیروهای شاغل در این استان در حال اخراج باشند، از این رو جامعه کارگری از مسئولان می‌خواهد تا نظارت خود را بر کارفرمایان بیشتر کنند. این فعال کارگری در این زمینه ادامه داد: اگر نظارت کافی بر عملکرد کارفرمایان نباشد، مدیران واحدهای صنعتی می‌توانند کارگران خود را بدون هیچ بهانه‌ای اخراج کنند.

دبیر خانه کارگر سمنان در ادامه به ذکر مثالی پرداخت و گفت: کارگری با ۱۲ سال کار مستمر در واحد تولیدی «ماشین لنت» زمانی که پی گیر مطالبان معوقه خود شده بود، از سوی کارفرما به سرعت اخراج شد. محقق ادامه داد: هم اینک این کارگر به همراه تعداد زیادی از کارگران اخراجی واحدهای دیگر به خانه کارگر مراجعه کرده است. این فعال کارگری اظهار داشت: این وضعیت در حالی است که بسیاری از کارگران به دلیل عدم دریافت حقوق مناسب با مشکلات فراوان مالی روبرو هستند و برخی کارفرمایان نیز به بهانه ترس از شکایت کارگران به مراجع قانونی، با آنها قراردادهای یکسویه سفید امضاء منعقد کرده و به همراه آن تعهدات محضری نیز اخذ می‌کنند.

پایان پیام

هم گرسنگی از بی پولی و هم ترک تحصیل فرزندان

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کارگران در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان، در رابطه با روز جهانی کارگر از بی مقدار بودن ارزش کارگر در نظام کنونی اظهار نارضایتی کرده و گفت کارگران با این تورم کنونی حتی توان پرداخت کرایه منزل و تامین خرید خورد و خوراک روزانه خانواده خود را ندارند. فشار بر گرده کارگران بسیار بالا است بطوریکه برخی از کارگران توان تامین مخارج تحصیل فرزندان خود را هم ندارند. در مورچه خورت کارگران بخاطر ناتوانی در تامین شهریه و پول ثبت نام فرزندان، به ناچار مانع ادامه تحصیل آنها می‌شوند.

**بر اثر گودبرداری غیر اصولی رخ داد
کشته شدن کارگر ساختمانی در خیابان دماوند**

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت 92 آمده است : بر اثر ریزش دیوار ساختمانی در خیابان دماوند تهران، يك کارگر ساختمانی ۲۷ ساله جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، طبق بررسی آشنانشانی تهران دلیل ریزش آوار گودبرداری غیر اصولی عنوان شده است که بر اثر آن بخشی از دیوار ساختمان ریزش کرد و کارگر ۲۷ ساله تبعه افغانستان زیر آوار مدفون شد.

پایان پیام

دیدار اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان با بهنام و نیما ابراهیم زاده

به گزارش پایگاه خبری در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است : خانواده بهنام ابراهیم زاده، اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و تعدادی از کودکان کار و خیابان این جمعیت واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران، امروز دوشنبه در بیمارستان محک با نیما فرزند بیمار، زندانی در بند بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند. اعضای جمعیت به همراه خود تعدادی از کودکان کار این مرکز را نیز برای دیدن فرزند کارگر معترض زندانی بهنام ابراهیم زاده به بیمارستان محک آورده بودند و از نزدیک با نیما این فرزند طبقه کارگر دیدن کردند. نیما در کنار فعالین حقوق کودک و کودکان کار بیش از یک ساعت سپری کرد. هریک از کودکان ضمن معرفی خود از نحوه کار کردن و اینکه از چند سالگی مجبور بودند به کار مشغول شوند صحبت کردند. جبار کودکی بود که در این دیدار از کار سخت و طاقت فرسای خود و اینکه چگونه توانسته در کنار فعالین این مرکز هم کار کند و هم دیپلم خود را بگیرد توضیحاتی داد. دیگر کودک این جمعیت به نام کبیر از کار و دستفروشی در مترو و خیابانها و اینکه هم کار می کند و در س می خواند صحبت کرد.

نیما نیز از مریضی خود و اینکه چگونه در نبود پدر به مریضی دچار شده اما شجاعانه با این مریضی مقابله می کند و در کنار این سعی دارد تحصیل و درس خود را نیز ادامه بدهد برای فعالین کودک و کودکانی که به دیدن نیما آمده بودند توضیح داد.

اعضای جمعیت دفاع از کودکان و کودکان کار این مرکز از زحمات بیدریغ بهنام و اینکه همواره حتی در درون زندان صدای کودکان بوده نهایت تشکر و قدر دانی خودشان را ابراز داشته و برای نیما عزیز نیز آرزوی بهبودی هرچه سریعتر کردند و بار دیگر بر حمایت همه جانبه برای بهبودی نیما تاکید کردند و همواره بر حمایتهای خود از این خانواده ادامه خواهند داد.

بهنام ابراهیم زاده به گرمی از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و کودکان این مرکز استقبال کرد.

بدون شرح

دبیر کل خانه کارگر اعلام کرد:

تقاضای مجوز برای راهپیمایی در روز جهانی کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت 92 آمده است : رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی گفت: کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با تبدیل ارز مرجع به ارز مبادلاتی قدرت خرید کارگران و سایر مزد بگیران را به نصف تقلیل داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب با اعلام این مطلب در نشست خبری مربوط به اعلام جزئیات برنامه‌های هفته کارگر سال ۹۲ گفت: کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی با تبدیل ارز مرجع به ارز مبادلاتی قدرت خرید کارگران و سایر مزد بگیران را به نصف تقلیل داد که با این اقدام من درآوردی ارز تامین دارو و غذا تا دو برابر گران‌تر خواهد شد. وی از جایگزین شدن ارز مرجع با ارز مبادلاتی به عنوان تلخ‌ترین اقدام کمیسیون تلفیق مجلس یاد کرد و گفت: با این اقدام سفره آحاد مردم از فقیر و غنی گرفته تا شهری، روستایی، کارمند، کارگر و بازنشسته چند برابر کوچک‌تر خواهد شد.

محجوب با بیان اینکه تنها کسانی که بیش از اندازه ثروتمند هستند می‌توانند تبعات تورمی ناشی از جایگزین شدن ارز مبادلاتی با ارز مرجع را تحمل کنند، گفت: انتظار داشتیم که مسئولان با سفره مردم بازی نکنند اما در عمل مسئولان با سوء مدیریت، دامن زدن به تقاضای کالاهای لوکس و ریزش بی‌حساب نقدینگی باعث ایجاد چنین وضعی شدند.

دبیرکل خانه کارگر بایان اینکه قیمت‌ها از قانون ظروف مرتبطه تبعیت کرده و افزایش می‌یابند در نتیجه این اقدام کارگران و مزد بگیران ۵۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست خواهند داد. وی گفت: هرچند از نظر ریالی بر مبلغ مزد افزوده شده است اما قدرت خرید کارگران سیر نزولی داشته است، بطوری که گزارش ۱۴ فروردین ماه مرکز آمار ایران از تورم نقطه به نقطه نشان می‌دهد که کارگران در یک سال گذشته حداقل ۴۰ درصد قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. وی با بیان اینکه با تصمیم روز گذشته کمیسیون دیگر تنها و تنها مجلس مسئول فقیر شدن مردم خواهد بود و چنانچه از این پس افراد بیمار به دلیل ناتوانی در خرید دارو جان خود را از دست بدهند هیچ کس جز مجلس مقصر نیست.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس نهم بایان اینکه با جایگزینی ارز مبادله‌ای به جای ارز مرجع شرایط به نفع ثروتمندان مصادره می‌شود گفت: این اقدام مانند حذف یارانه‌ها اقدامی غیر اصولی و مخرب است.

به گفته محجوب با افزایش نرخ تورم از ۲۱ درصد به ۳۱ درصد رتبه جدید ایران در میان کشورهای تورمزا از مقام ششمی تغییر یافته و بعد از کشور بلاروس در مقام دوم قرار می‌گیرد.

دبیر کل خانه کارگر با یادآوری اینکه در حال حاضر در اقتصاد جهانی میانگین تورم کشورها از ۴ درصد به ۲ درصد رسیده است، گفت: در چنین شرایطی داشتن تورم ۲ رقمی رو به رشد ایران نشان می‌دهد که اقتصاد کشور بیمار است. وی با یادآوری اینکه ۲۵ سال پیش نرخ تورم در کشور مانند پرو ۱۳ هزار درصد می‌شد و حتی نرخ تورم در برخی کشورهای همسایه ایران تا ۱۲۵ درصد نیز می‌رسید گفت: اکنون دواي مهار تورم اقتصادی سال‌ها قبل پیدا شد بطوری که اکنون این معضل مانند بیماری مالاریا ریشه‌کن شده است. این عضو مجلس شورای اسلامی بایان اینکه مهار تورم و اداره بازار ارز برای بانک مرکزی ساده‌ترین کار ممکن بوده است، گفت: کسانی که نمی‌توانند از عهده یک کار ساده برآیند چرا به ضعف خود اعتراف نمی‌کنند و به نفع افراد توانمند کنار نمی‌روند.

محجوب با یادآوری اینکه در ایران دولت در آن واحد هم بزرگ‌ترین عرضه کننده و متقاضی بازار ارز است، گفت: سال ۸۰ وقتی که موضوع یکسان سازی ارز مطرح شد گفتم که این اقدام بیهوده است و در عمل خود دولت است که نرخ دلار را تعیین می‌کند. وی گفت: از یکسو برای اینکه بهای ارز در بازار بصورت شناور تعیین شود قانون می‌نویسند و از سوی دیگر به نام کنترل بازار عرض با قانونی دیگر وظیفه تعیین قیمت را به صحن علنی مجلس می‌سپارند.

محجوب در خصوص ادعای دولت مبنی بر درآمد ۴۸ میلیارد دلاری از محل صادرات غیر نفتی گفت: این اظهارات جنبه اغواگرانه دارد زیرا در عمل اثری از این پول در بازار عرضه و تقاضا مشاهد نمی‌شود و در عمل بانک‌ها به متقاضیان خرید دلار پیشنهاد استفاده از ارزهای خارجی جایگزین مانند یورو و یوان را می‌دهند. وی بایان اینکه وقتی درآمد ارزی کم می‌شود دولت باید عرضه و تقاضا را همزمان کنترل کند، گفت: در عمل دولت تنها عرضه را کنترل و تقاضا را رها کرده است.

محجوب با بیان اینکه حتی برای کنترل بازار ارز هیچ تغییری در تعرفه کالاهای لوکس وارداتی ایجاد نشده است و حتی مالیاتی برای مصرف این ونه کالاها وضع نشده است، گفت: ارز مرجع نه برای خرید کالای لوکس یا تخصصی که برای تهیه کالاهای ضروری مانند دارو و غذا اختصاص داشت.

رئیس ستاد هفته کارگر بایان اینکه در چنین شرایطی جامعه کارگری ایران به استقبال هفته کارگر سال ۹۲ می‌رود گفت: ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر است و در این روز کارگران جشنی متفاوت با سایر جشن‌ها را برگزار می‌کنند.

دبیر کل خانه کارگر با بیان اینکه بر خلاف تمامی جشن‌ها ماهیت جشن روز اول ماه مه انتقادی و اعتراضی برای بیان مشکلات است گفت نمی‌توان از کارگران انتظار داشت که در این روز تنها به تمجید پردازند. وی افزود: امروز کارگران ستم دیده‌ترین گروه اجتماعی هستند زیرا تنها بر اساس آمارهای سازمان جهانی کار امروز پیش بینی می‌شود که در آفریقای مرکزی و بخشی از آسیای جنوبی حدود ۵۰۰ میلیون کارگر زندگی می‌کنند که کف درآمد روزانه آن‌ها بطور سرانه ۸۳ سنت و در نهایت ۲ دلار است. وی درخصوص چگونگی بزرگداشت مراسم هفته کارگر سال ۹۲ گفت: این مراسم با هماهنگی اعضای ستاد هفته کارگر طبق سنت هرساله از ۵ تا ۱۱ اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد.

دبیر کل خانه کارگر در خصوص مراسم روز ۱۱ اردیبهشت ماه گفت: حدود ۱۰ روز پیش از طرف ستاد بزرگداشت هفته کارگر درخواست برگزاری تجمع روز اول ماه مه برای وزارت کشور فرستاده شد که تاکنون پاسخی به آن داده نشده است. وی بایان اینکه ستاد بزرگداشت هفته کارگر خواهان برگزاری مراسم تجمع و راهپیمایی در روز ۱۱ اردیبهشت ماه است گفت: با توجه به تجربیات سالهای گذشته امسال حتی در مورد تعیین و انتخاب محل مراسم پیشنهادی نکردیم و تصمیم‌گیری را به وزارت کشور محول کردیم.

محبوب گفت: چنانچه با درخواست ستاد موافقت نشود، مراسم روز جهانی کارگر مانند سالهای گذشته از طریق اجتماع در اماکن مختلفی چون خانه کارگر برگزار خواهد شد. وی درعین حال با یادآوری پیامی که در سال ۵۸ از سوی امام خمینی در خصوص روز جهانی کارگر صادر شده بود گفت: امیدواریم که همگان این پیام را آویزه گوش خود بکنند و به همین دلیل از همه دستگاه‌های اجرایی انتظار داریم که با اتخاذ سیاست درست تبلیغاتی به این مناسبت از کارگران خود تحلیل کنند.

پایان پیام

نه تنها شغل نداریم، کارخانه هم تعطیل شد

به نوشته سایت ایران کارگردرتاریخ ۲ اردیبهشت ۹۲ آمده است: به گزارش دریافتی از شهر کرد یکی از فعالین کارگری در رابطه با فرارسیدن روز جهانی کارگر به مناسبات ضد کارگری موجود اعتراض کرد و توضیح داد که دستمزدهای کارگران بسیار پایین است و اساساً کفاف مخارج زندگی روزانه کارگران را نمیدهد، گرانی بیداد میکند، پارتی بازی غوغا میکند. علیرغم ادعاها و شعارهایی که داده میشد فشار بر گرده کارگران روز بروز بیشتر شده و هیچ جا شغل جدید ایجاد نشده است. کارخانه جدیدی احداث نکرده اند و بلکه برعکس همه کارخانه‌های موجود و براه کشور نیز بدلیل سیاستهای غلط اقتصادی و چپاول تعطیل گردیدند. کارخانه‌های تولیدی قطعات خودرو، ماشین‌سازی‌ها، نساجی‌ها همه تعطیل و یا در حال تعطیلی هستند. این واقعیت کنونی در شهرکرد بیانگر روند پسرقت جامعه کارگری و شرایط کارگران ایران است.

فقدان امنیت شغلی عامل افزایش حوادث کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: یک فعال کارگری در خرم‌دره تسلط قرارداد موقت و پیمانی در بازار کار را یکی از عوامل بروز حوادث حین کار ذکر کرد و از امنیت شغلی کارگران به عنوان مهم‌ترین عامل افزایش کیفیت محصولات تولیدی نام برد.

کاظم خلجی با بیان مطلب فوق به ایلنا گفت: در شرایط نامساعد اقتصادی، در حالی که تولید با مشکلات جدی مواجه شده، امنیت شغلی کارگران بیش از هر زمان دیگری به خطر افتاده است.

دبیر خانه کارگر خرم دره ادامه داد: وقتی با بروز هر مشکلی در اقتصاد، کارگران به جهت نداشتن امنیت شغلی بیشترین ضربه را با اخراجشان می‌پذیرند، امنیت روانی در محیط کار سلب می‌شود. در این وضعیت، کار مستمر با دستگاه‌هایی که کار با آنها نیازمند تمرکز است بسیار خطرناک خواهد بود بطوری که در سال گذشته شاهد بودیم آمار حوادث ناشی از کار رشد چشمگیری داشت و در هر روز سال به طور متوسط پنج کارگر جان خود را در هنگام کار از دست دادند. وی در ادامه با اشاره به ناعادلانه بودن انعقاد قرارداد موقت یا پیمانی با کارگرانی که ماهیت شغلی‌شان مستمر است، افزود: زمانی که کارگر جوان مشاهده می‌کند همکاری که سال‌های متمادی با قرارداد موقت در یک واحد تولیدی مشغول به کار بوده در یک روز تنها با اراده کارفرما شغلش را از دست می‌دهد، طبیعی است که دیگر انگیزه‌ای برای تولید کیفی نداشته باشد.

خلجی همچنین به دستمزد مصوب سال جاری اشاره کرد و پرسید: در شرایط سخت اقتصادی که بهای کالاهای مصرفی روزانه تغییر می‌کند، نمی‌توان از کارگران انتظار داشت با امنیت روانی زندگی خانواده خود را تامین کنند و شاهد کاهش فجایع ناشی از کار در کشور باشیم.

پایان پیام

دادن یارانه به تولید کننده فقط شعار تبلیغاتی است، باور نکنید

به نوشته سایت ایران کارگردرتاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است: مدیر يك مرغداری در تهران گفت دولت بارها و بارها بما گفته است که بشما یارانه تعلق میگیرد و وضعتان خوب خواهد شد، ولی همیشه شعار میدهند. در حال حاضر قیمت ذرت که 598 تومان بوده به 788 تومان رسیده یا سویا کیلویی 978 تومان بوده و در حال حاضر کیلویی 1600 تومان شده است. دولت هم ارز مرجع به تولید کننده نمیدهد و همین موضوع باعث ورشکستگی تولید کننده میشود. اینها به دروغ فقط برای شعار تبلیغاتی میگویند که به تولید کننده یارانه میدهیم ولی همه اش دروغ است.

چرخ تولید نچرخد اولین قربانی کارگران هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین گفت: اگر چرخ کارخانه و تولید نچرخد اولین قربانی آن کارگران هستند.

عید علی کریمی پیش از ظهر امروز در نشست خبری به مناسبت گرامیداشت هفته کارگر با اشاره به نامگذاری امسال به نام سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» افزود: با توجه به تحریمهای اقتصادی، نوسانات نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها همه مسوولین باید برای تحقق شعار حماسه اقتصادی نقش آفرینی و تلاش صادقانه کنند. وی ادامه داد: خانه کارگر اعتقاد راسخی به تکیه بر تولید ملی در اقتصاد کشور دارد بنابراین پیشنهاد می‌دهیم کارگروه‌های تخصصی از همه اقشار اعم از کارفرمایان، کارگران، دیگر مسئولین اقتصادی و تامین اجتماعی، صنایع و تجارت تشکیل شود تا راهکارهای تحقق حماسه اقتصادی را در بخش‌های مختلف به صورت علمی بررسی کنند.

همایش بزرگ کارگران استان قزوین ۱۰ اردیبهشت در الوند

دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین با گرامیداشت هفته کارگر اعلام کرد: از پنجم تا یازدهم اردیبهشت ماه هر سال هفته کارگر است که برای هر روز نامی انتخاب شده و همسو با آن نام نیز برنامه‌هایی تدارک دیده شده است.

کریمی افزود: پنجشنبه اولین روز هفته کارگر به نام «روز کارگران و تجدید میثاق با امام (ره) و ولایت» مزین شده است که نمایندگان کارگران سراسر کشور در این روز در مرقد امام (ره) حاضر خواهند شد و در شهرها نیز نسبت به عطف‌افشانی گلزار شهدا اقدام خواهند کرد. وی ادامه داد: روز جمعه ششم اردیبهشت ماه نیز به نام «روز کارگران و معنویت» نامگذاری شده است که با حضور کارگران در میعادگاه‌های نمازجمعه اجرایی می‌شود که در صورت موافقت ائمه جمعه نمایندگان کارگران قبل از خطبه‌ها سخنان کوتاهی برای مردم خواهند داشت.

کریمی بیان کرد: شنبه هفتم اردیبهشت ماه نیز به عنوان «روز کارگران و امنیت شغلی» است که شاهد گردهمایی نمایندگان کارگران قراردادی و پیمانی خواهیم بود.

رئیس پیشین کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین ادامه داد: روز یکشنبه هشتم اردیبهشت ماه نیز به عنوان «روز کارگران زن»، روز دوشنبه پنجمین روز هفته کارگر با نام «روز تشکلهای کارگری» و سه شنبه دهم اردیبهشت ماه شاهد تجمع بزرگ کارگران و بازنشستگان استان قزوین در سالن تالار شهر شهر الوند در ۹:۳۰ صبح و با سخنرانی استاندار و دونفر از نمایندگان استان قزوین خواهیم بود و در روز پایانی هفته کارگر شاهد برگزاری همایش سراسری کارگران در تهران هستیم.

خانه کارگر قزوین برای افزایش دستمزدها به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کند

کریمی در بخش دیگر این نشست خبری با اظهار اینکه افزایش حداقل حقوق سال ۹۲ خواسته بحق جامعه کارگری را در پی نداشت، افزود: با توجه به افزایش قیمت‌ها که بخشی ناشی از تحریم‌ها و بخشی نیز ناشی از فقدان نظارت کافی و مستمر دولت بر قیمت هاست، افزایش ۲۵ درصدی حقوق مشکلی از کارگران را حل نمی‌کند. وی با اظهار اینکه براساس آمار نهادهای دولتی میزان تورم در بهمن و اسفند ۹۱ به ترتیب ۳۱ و ۳۹ درصد بود، تصریح کرد: بنابراین براساس قانون کار که میزان حقوق باید متناسب با نرخ تورم افزایش یابد نیز محقق نشد و این حق جامعه کارگری و حتی تک تک کارگران است که از مجاری قانونی به ویژه دیوان عدالت اداری پیگیر حقوق خود باشند.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین با اظهار اینکه قیمت دارو، مسکن، پوشاک، حبوبات، مواد غذایی و پروتئینی و... از ۳۰ تا ۲۰۰ درصد در سال گذشته افزایش داشته است، گفت: در این بین قشر متوسط جامعه به قشر ضعیف تبدیل شد که باید تدبیری برای این وضعیت اندیشیده شود.

افزایش حقوق سال ۹۲ کارگران سناریو بود

کریمی با اظهار اینکه دولت با نوشتن سناریو، افزایش حقوق ۲۵ درصد را به نمایندگان کارگری تحمیل کرد، افزود: گرچه وزارت کار اعلام کرد دخالتی نمی‌کند ولی براساس سناریو خود که تاکید بر اینکه صنعت و اقتصاد مشکل دارد، کار خود را کرد. وی با اظهار اینکه وضعیت معیشتی و حقوق در بین بازنشستگان از شاغلین هم بدتر است، افزود: جامعه کارگری به عملکرد سرپرست وزارت کار انتقاد دارند که در تصمیمات سه جانبه گرایی را در نظر نمی‌گیرد و نظراتش را با نوشتن سناریو به جامعه کارگری کشور تحمیل می‌کند.

شرکت آومتک آخر فروردین ۴۵ کارگر خود را تعدیل کرد

رئیس پیشین کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفت: شرکت آومتک قزوین در پایان فروردین ماه ۹۲ حدود ۴۵ کارگر خود را تعدیل کرد. وی افزود: مدیر آومتک بدهی ۱۰۰ میلیاردی ریالی دولت و وزارت نیرو را عامل اخراج کارگران می‌داند و می‌گوید اگر این بدهی تامین نشود یا وام نگیریم کارگران بیشتری اخراج خواهند شد.

کریمی افزود: این شرکت ۲۰۰ کارگر دیگر هم دارد که مسوولین دولتی استان برای حل موضوع فکر کنند. وی ادامه داد: از ۳۲۰۰ واحد تولیدی و صنعتی استان تنها یک هزار واحد به اندازه ظرفیت اسمی کار می‌کنند و بقیه واحدها مشکل دارند. وی ادامه داد: فقدان نقدینگی، سومدیریت، تاخیر دریافت وام، فروش محصولات، بالا بودن قیمت تمام شده محصولات نسبت به محصولات مشابه وارداتی و... مشکلات اصلی صنعت استان است.

پایان پیام

ریزش دیوار مرگ یک کارگر جوان را رقم زد

به گزارش پایگاه خبری ۱۲۵، در ۲ اردیبهشت ۹۲ آمده است: شب گذشته در شرق به غرب خیابان دماوند، نرسیده به خیابان سبلان، خیابان نبیان، نبش کوچه باغشاهی ریزش دیوارساختمان بدلیل گودبرداری مرگ کارگر جوانی را رقم زد.

امیر مهدیانی مدیر منطقه سه عملیات که از اوایل دقایق وقوع حادثه در محل حضور داشت در این باره گفت: در محل حادثه زمینی به مساحت تقریبی ۲۰۰ متر مربع و به عمق ۵ متر برای احداث ساختمان جدید گودبرداری شده بود و کارگران برای برپایی فونداسیون در حال کار بودند که ناگهان دیوار قبلی ساختمان در ضلع شرقی فرو می‌ریزد و یکی از کارگران در میان خاک و سنگ و آجر گرفتار می‌شود.

وی افزود: آتش نشانان به محض رسیدن با ایمن سازی محل حادثه و بکارگیری وسایل ویژه نجات اقدام به آواربرداری کردند و بعد از مدتی کارگر جوانی را به نام کریم-ع ۳۰ ساله (از تبعه افغان) را از زیر آوار خارج کردند. مهدیانی خاطر نشان کرد: آتش نشانان بلافاصله کارگر مصدوم را تحویل امدادگران اورژانس دادند که متأسفانه مرگ وی توسط آنان تأیید شد.

نماینده آستانه اشرفیه در مجلس: دولت اراده‌ای برای حل مشکل چای و کشاورزان ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: نماینده مردم آستانه اشرفیه در مجلس شورای اسلامی با ابراز انتقاد شدید از دولت بدلیل عدم پرداخت ۸ میلیارد تومان مطالبات چای کاران، تأکید کرد: در دولت اراده‌ای قوه برای حل مشکل چای و چای کاران وجود ندارد.

محمد حسین قربانی، نماینده آستانه در دیدار با جمعی از مردم این شهرستان و در واکنش به واگذاری امور چای به استاندانان گیلان در دولت‌های نهم و دهم، اظهار کرد: در دولت اراده قوه برای حل مشکل چای، چای کاران و کشاورزان وجود ندارد. اگر این اراده قوی در دولت وجود داشت به طور یقین روز به روز از میزان تولید چای ایرانی کاسته و کشاورزان با مشکلات عدیده‌تر مواجه نمی‌شدند.

این مقام مسئول، خاطر نشان کرد: متأسفانه ما تا به امروز این اراده را ندیده‌ایم و از سوئی دیگر با همه فشاری که قبل از عید نوروز ۹۲ در کارگروه‌ها، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت راهبردی ریاست جمهوری وارد آمد، مطالبات چای کاران پرداخت نشد. وی میزان مطالبات چای کاران را از دولت ۸ میلیارد تومان عنوان کرد که قرار بود قبل از عید نوروز توسط معاونت راهبردی ریاست جمهوری پرداخت شود ولی تا دو روز قبل که من به اتفاق نماینده رودسر و املش در مجلس با فشاری که به این معاونت آوردیم، قول داده بود تا یکشنبه بپردازد.

عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس در ادامه، تصریح کرد: با پیگیری انجام شده توسط بنده از دو روز قبل تا امروز، متأسفانه این مطالبات به چای کاران پرداخت نشده است.

قربانی پنجاه، پرداخت نکردن ۸ میلیارد تومان مطالبات چای کاران را نشان دهنده و نمونه بارزی از عدم اراده‌ای قوی در دولت جهت حل مشکل چای و چای کاران و کشاورزان دانست و متذکر شد: دولت امسال نیز اختیارات

خود در حوزه چای را به استاندار گیلان تفویض کرده است. وی تاکید کرد: معاونت راهبردی ریاست جمهوری، وزارت جهاد کشاورزی، بانک‌های عامل به مصوبه هیئت دولت که پای آن امضای دو وزیر و معاون اول رئیس جمهوری درج شده، بعد می‌خواهد به امضای استاندار و کارگروه کشاورزی گیلان عمل کند. این مسئول، ابراز کرد: در واگذاری اختیارات امور چای توسط دولت به استاندار گیلان تردید دارم چون تفویض اختیار به استانداران وقت هم ثمر بخش نبوده است.

قربانی پنجاه، خاطر نشان کرد: اگر مصوباتی که در گیلان به عنوان رئیس کارگروه چای استان که متولی آن استاندار است، بها داده شود و اجرائی گردد، من اعتقاد دارم می‌شود چای را مدیریت کرد. وی در پایان از تهیه طرحی مشترک خود با همکاری نماینده مردم لاهیجان و سیاهکل جهت تصویب در کمیسیون تلفیق مجلس جهت اختصاص یک ردیف برای مدیریت چای در کشور خبر داد تا با تصویب آن هرساله هنگام درو و برداشت چای، کشاورزان با دغدغه و مشکلات مواجه و بعد یکسال از تحویل محصول نتوانند مطالبات خود را دریافت کنند.

پایان پیام

نوشدارو بعد از مرگ

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است: در پی تجمع‌های اعتراضی و شکایت متعدد کارگران اخراج شده از کارخانجات شهرکرد صبح روز شنبه 31 فروردین ماه سال 92 یک اکیپ 5 نفره از کارشناسان اداره کار به کارخانجات و شرکت‌های ورشکست شده سر زدند و ضمن صحبت با کارفرمایان و مدیران شرکت‌ها خواستار پرداخت حقوق کارگران شدند، این در حالیست که تمامی این شرکت‌ها بدون استثنا ورشکست شده و در حال حاضر فعالیت تولیدی ندارند و کارگران اخراجی به این دلیل اخراج و حقوق خود را دریافت نکرده‌اند که شرکت تولید نداشته است. حالا اداره کار بدون یک بررسی ساده برای راضی کردن کارگران اخراجی یک گروه را به این شرکت‌ها می‌فرستد تا با کارفرمایان مذاکره کنند. چند نفر از کارگران که به عنوان نماینده در این مذاکرات حضور داشتند صریحاً اعلام کردند این حرکت از طرف اداره کار عوامفریبی و سرپوش گذاشتن بر واقعیات است، زیرا هدف ما این بود که دولت توجهی به شرکت‌های ورشکسته داشته باشد و با دادن تسهیلات و یا کمک‌های بلاعوض تولید را رونق دهد تا در پی آن حقوق کارگران هم پرداخت شود وگرنه وقتی تولید نیست و کارفرمایان نقدینگی ندارند از کجا میتوانند چندین ماه حقوق معوق را پرداخت کنند، این کارگران این حرکت‌های نمایشی را فریب‌دیگری از دولت در نزدیک انتخابات دانسته‌اند و اعلام کردند ضمن آنکه دیگر در این مذاکرات شرکت نمیکنند بلکه قصد دارند یک تجمع بزرگ کارگری در حمایت از تولید و کارگر شکل دهند

بعد از گذشت یکماه هنوز کارگاه شیمی قیطان شروع به کار نکرده است

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کارگران کارگاه شیمی قیطان در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان روزیکشنبه اول اردیبهشت ماه گفت: کارگاه شیمی قیطان در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان که مواد شوینده تولید میکند بعد از گذشت یکماه از سال هنوز شروع بکار نکرده است. این کارگر ضمن برشمردن مشکلات خود گفت: در شرایط سخت معیشتی که داریم حقوق‌های ما با تاخیر پرداخت میشود، وی همچنین گفت دلیل عدم فروش تولیدات، در شرایط فعلی، کارگران این کارگاه روزانه در شرکت حاضر میشوند اما تولیدی انجام نمیشود و یک نوع بلاتکلیفی وجود دارد

دولت پیش از روز کارگر کسری دستمزد را جبران کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در دوم اردیبهشت 92 آمده است : دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان اظهارامیدواری کرد تا فرارسیدن روز جهانی کارگر، دولت اقدام مناسبی برای جبران کسری دستمزد کارگران انجام دهد.

اصغر برشان ضمن دعوت از کارگران برای شرکت در مراسم روز جهانی کارگر، به ایلنا گفت: هفته کارگر، فرصت مناسبی برای طرح مسایل و مشکلات جامعه کارگری است و امیدواریم که دولت‌مردان در راستای تحقق خواسته‌های کارگران، از جمله واقعی ساختن دستمزد اقدام جدی انجام دهند.

عضو اسبق شورای عالی کار در ادامه خواستار حفظ و توسعه اشتغال موجود، ارائه تسهیلات مناسب در جهت تقویت تولید و کمک به کارفرمایان و همچنین دفاع از سرمایه‌گذارانی شد که در راستای اشتغال آفرینی اقدام می‌کنند شد و گفت: کارگران امیدوارند که در این هفته، دولت اقدام مناسبی برای تامین کسری تامین معیشت کارگران انجام دهد و خبرهای خوشی در این باره بشنوند. وی مهم‌ترین خواسته‌های جامعه کارگری را افزایش رقم ریالی کمک هزینه مسکن و اختصاص بن خرید کالاهای اساسی عنوان کرد و ادامه داد: در حال حاضر ستاد بزرگداشت هفته کارگر تشکیل شده و قرار است به زودی برنامه‌های بزرگداشت این هفته در استان اصفهان را اعلام کند.

پایان پیام

اتحادیه ها و سندیکاهای در این مملکت قدرت اجرایی ندارند همه چیز دست سپاه پاسداران است

به نوشته سایت ایران کارگر - 2 اردیبهشت 92 آمده است : مسئول يك مرغداری در تهران گفت در حال حاضر اتحادیه مرغداری ها هیچ قدرت اجرایی ندارد حتي صادرکردن پروانه کسب که مسئولیت اصلی اتحادیه است را دولت خودش دست گرفته و سازمانی به نام سازمان مهندسی کشاورزی آن را صادر میکند و همه اهرمهای اجرایی کار نیز دست سپاه پاسداران است.

نشست کارگران در اعتراض به تعیین نرخ دستمزد

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است : يك فعال کارگری در پاکدشت از تشکیل نشست فوق العاده تشکل های کارگری در دوشنبه جاری خبر داد و افزود نمایندگان کارگری با شکایت و بیانیه های متعدد اعتراض شان را نسبت به تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران اعلام داشتند. این فعال کارگری ضمن ضرورت تجدیدنظر در مصوبه دستمزد سال جاری، در ضرورت بررسی و تامین حق مسکن کارگران گفت در سال گذشته با افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد کارگران، شرایط روحی کارفرمایان به گونه‌ای نبود که بحث افزایش حق مسکن را مطرح کنیم و بهمین دلیل این مساله به سال جاری موکول شد. افزایش حق مسکن باید بگونه‌ای باشد که تبعیض میان کارکنان دولت و کارگران را از بین ببرد. ده سال است که کارگران مشمول قانون کار ماهیانه تنها ۱۰ هزار تومان بعنوان حق مسکن دریافت می کنند و در همه این سالها این مبلغ ثابت مانده و هیچ افزایشی پیدا نکرده است

اجاره‌های آپارتمان در محلات کارگر و کارمندان تهران در فروردین ۱۳۹۲

به نوشته سایت آوای کاردر تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۹۲ آمده است :

نام محله در تهران	مترمربع - مترمربع	اجاره‌بها - تومان
-------------------	-------------------	-------------------

نواب - رودکی	۳۶	۷۵۰۰۰۰
شهرک ژاندارمری	۴۰	۶۱۰۰۰۰
آزادی - دامپزشکی	۳۵	۵۱۰۰۰۰
سبلان	۴۰	۷۰۰۰۰۰
پیروزی	۳۶	۶۰۰۰۰۰
رودکی	۳۵	۴۶۵۰۰۰
رودکی محله در تهران	۴۰	۵۶۵۰۰۰
میدان جمهوری	۴۵	۱۰۵۰۰۰۰
رودکی	۴۴	۹۹۰۰۰۰
خیابان قزوین	۴۲	۶۰۰۰۰۰
استاد معین	۴۱	۵۲۷۰۰۰
پیروزی	۴۳	۶۶۰۰۰۰
سپه - اسکندری	۵۰	۹۳۰۰۰۰
فردوس	۵۰	۱۰۸۰۰۰۰
جنت آباد	۵۰	۱۰۵۰۰۰۰
۱۶ متری امیری	۴۹	۶۶۰۰۰۰
نارمک	۵۰	۷۰۰۰۰۰
پیروزی	۵۰	۱۰۳۰۰۰۰
تهران پارس	۵۰	۱۱۰۰۰۰۰
سبلان	۵۱	۹۰۰۰۰۰
اکباتان	۵۵	۱۱۰۰۰۰۰
نظام آباد	۵۵	۸۷۰۰۰۰
دامپزشکی	۶۰	۱۴۰۰۰۰۰
پونک	۵۶	۱۳۰۰۰۰۰
بلوار فردوس	۶۵	۱۳۰۰۰۰۰
شهدا	۶۵	۱۱۲۰۰۰۰
نواب - بریانک	۶۵	۹۶۰۰۰۰

سبلان شمالی	۷۰	۱۱۰۰۰۰۰
میدان قزوین	۷۰	۱۱۸۰۰۰۰
خیابان خراسان - خاوران	۷۳	۷۵۰۰۰۰
شادمان	۷۵	۱۲۰۰۰۰۰
فرجام	۵۰	۱۰۵۰۰۰۰
اکباتان	۵۵	۱۱۰۰۰۰۰
دامپزشکی	۶۰	۱۴۰۰۰۰۰
شهدا	۶۵	۱۱۲۰۰۰۰
میدان قزوین	۷۰	۹۰۰۰۰۰
مجیدیه	۶۸	۱۳۰۰۰۰۰
شهر زیبا	۶۶	۱۱۰۰۰۰۰
مترو پیروزی	۷۰	۱۲۰۰۰۰۰
نیروی هوایی	۴۵	۹۶۰۰۰۰
خاوران - هاشم‌آباد	۷۳	۷۵۰۰۰۰
استاد معین - توس	۴۱	۵۷۰۰۰۰۰

توضیح «آوای کار»: اجاره‌بهاها از روزنامه همشهری استخراج شده‌اند. اکثریت قریب به اتفاق آپارتمان‌ها به‌طور رهن - اجاره به اجاره داده می‌شوند. در محاسبات جدول بالا، مبلغ متوسط رهن در هر ماه محاسبه شده است تا مبلغ خالص اجاره ماهیانه به‌دست آید. معمولاً دوسوم تا نیمی از اجاره به‌صورت رهن و بقیه به‌طور ماهانه توسط مستاجر پرداخت می‌شود.

تنها در چنین شکلی است که کارگران و کارمندان جزء مستاجر قادر به پرداخت چنین اجاره‌هایی می‌شوند. اجاره‌نشینی در شهرک‌های کارگرنشین حاشیه شهر تهران مانند شهرک‌های محور جاده ساوه و خیابان خراسان، تفاوتی ۱۰ تا ۲۰ درصدی با میانگین اجاره‌های مناطقی مانند خیابان قزوین و پیروزی دارند. یک کارگر معمولاً از ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان به‌صورت نقد بابت اجاره می‌پردازد که از ۳۰ تا ۵۰ درصد دستمزد ماهانه وی را می‌بلعد. بسیاری از کارگران مجرد یا متاهل در کنار خانواده پدری خود زندگی می‌کنند.

پرداخت چنین اجاره‌هایی برای اکثر کارگران و کارمندان غیرممکن است. چنان‌که مشاهده می‌شود چنین اجاره‌هایی گاه تا دو برابر حقوق یک کارگر یا کارمند را تشکیل می‌دهند. زندگی در خانه‌های فرسوده یا بی‌کیفیت کارگری یا زندگی به اتفاق خانواده پدری یا مادری در یک ساختمان، راه‌حل دردناکی است که بسیاری از کارگران بناگزیر به آن رو می‌آورند و تازه خود را نسبت به دیگرانی که چنین امکانی ندارند، خوش شانس محسوب می‌کنند. پرداخت هزینه مسکن بدون تردید بزرگترین باری است که بردوش کارگران و کارمندان جوان سنگینی می‌کند و آن‌ها را به‌شدت در تنگنا قرار می‌دهد. نکته بسیار مهم، افزایش جهشی اجاره‌ها در سال گذشته است که به‌دنبال افزایش جهشی قیمت‌ها، شامل اجاره نیز شد که این فشار را بر دوش اقشار پایین جامعه مضاعف کرده است. داشتن خانه و کاشانه مناسب حق کارگران و کارمندان است.

تولید ناشران به یک سوم کاهش یافته است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 اردیبهشت 92 آمده است: علی اکبر تورانیان (عضو هیئت مدیره‌ی انجمن فرهنگی ناشران دانشگاهی) از کاهش حجم کاری ناشران خبر می‌دهد و در بسیاری از موارد این کاهش را تا یک سوم عنوان می‌کند.

تورانیان با اعلام قطعی شدن حضور ۶۴۰ ناشر دانشگاهی در بیست و ششمین دوره‌ی نمایشگاه کتاب تهران، به ایلنا گفت: این تعداد نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است. همچنین تعداد کتاب‌های حاضر در این دوره ۵۲ هزار عنوان است که ۲۲ هزار جلد از آن‌ها، چاپ‌های اول در مدت ۲ سال اخیر هستند. او با ذکر این مطلب که محل استقرار ناشران دانشگاهی در این دوره تغییر کرده و به قسمتی رفته که سابقاً در اختیار ناشران کتاب‌های لاتین بود، ادامه داد: متراژ کل سطح اختصاص یافته به بخش ناشران دانشگاهی در نمایشگاه پیش رو، ۷ هزار مترمربع است. این متراژ برای ناشران دانشگاهی کافی نیست و دست ناشران دانشگاهی برای ارائه‌ی آثار خود با توجه به این متراژ، بسته است. در مورد تغییر محل بخش دانشگاهی هم، خود ناشران دانشگاهی نظر مثبتی راجع به این کار ندارند، اما این تصمیم توسط کمیته‌ی برگزاری نمایشگاه گرفته شده و ما تابع این نظر هستیم.

عضو هیئت مدیره‌ی انجمن ناشران دانشگاهی در توضیح نحوه‌ی اختصاص غرفه به ناشران هم گفت: هر ناشر به ازای هر ۶ کتابی که در نمایشگاه عرضه می‌کند، یک متر مربع غرفه دریافت می‌کند. این تعداد کتاب، مربوط به آثار چاپ اولی نیست، چون به دلیل مشکلات پیش پای تولید کتاب و به خصوص گرانی کاغذ، کتاب‌های چاپ اول کمتر از قبل شده و این مشکل همچنان ادامه دارد.

تورانیان ادامه داد: به دلیل همین مشکلات، چیزی که در روند تولید شاهد آن هستیم، کاهش تولیدات ناشران به نصف و حتی یک سوم قبل است. به همین ترتیب تیراژها هم کمتر از قبل شده و در حالی که سابقاً تیراژ کتاب‌های حوزه‌ی دانشگاهی بین ۲ تا ۳ هزار نسخه بود، امروز رقم متوسط تیراژ ۱۰۰۰ نسخه است و البته کتاب‌های دانشگاهی با تیراژهای ۵۰۰، ۲۰۰ و حتی ۵۰ نسخه‌ای هم منتشر می‌شوند. به دلیل هزینه‌های زیاد تولید، این روزها بسیاری از ناشران به سمت چاپ کتاب در تیراژهای محدود و با دستگاه ریسوگراف روی آورده‌اند. دلیل چاپ با این تیراژ، تعهدات و قراردادهای ناشران است که کتاب فقط در بازار ارائه شود و هیچ سود اقتصادی برای ناشر در پی ندارد....

به گفته‌ی این عضو هیئت مدیره‌ی انجمن ناشران دانشگاهی، مسئولان باید از ناشران ممنون باشند که با وجود تمام مشکلات، به دلیل رسالتی که در این راستا بر عهده‌ی خود می‌بینند و عشقی که به کار خود دارند، ایثارگرانه به کار در این حوزه ادامه می‌دهند و سعی می‌کنند خلاء کتاب احساس نشود. او ادامه داد: به هر حال تولید کتاب در چنین وضعیتی بسیار سخت و سنگین است و عمدتاً ناشران سعی می‌کنند کتاب‌های تجدید چاپی که احتیاج به فیلم و زینک و حروفچینی مجدد ندارند، را منتشر کنند. تورانیان استقبال مردم را از بیست و ششمین دوره‌ی نمایشگاه کتاب تهران را مثل گذشته دانست و گفت: مردم همواره استقبال شایانی از این نمایشگاه کرده‌اند و طبق آمارها، سال گذشته ۶ میلیون نفر از نمایشگاه کتاب تهران بازدید کردند. امسال هم به این دلیل که ناشران بسیاری از کتاب‌ها را در بازار ارائه نکردند و در تلاش هستند که آن دسته کتاب‌ها را به نمایشگاه برسانند، استقبال مردم مناسب خواهد بود، اما باید از آن‌ها حمایت شود و مثلاً بن‌های کاغذی و کارتی به دانشجویان اختصاص داده شود تا با توجه به قیمت بالای کتاب، مردم بتوانند خرید کنند.

او با مقایسه‌ی این دوره از نمایشگاه با دوره‌های قبل گفت: ناشران ما با توجه به آمار و ارقام، بسیاری از کتاب‌ها را منتشر نکرده‌اند و ناشری که تا سال قبل ۱۰۰ عنوان کتاب را به شکل سالانه منتشر می‌کرد، امسال ۳۰ عنوان کتاب منتشر می‌کند و به همین ترتیب می‌توان گفت تولید کتاب یک سوم شده است. در این مدت تسهیلاتی به ناشران تعلق نگرفته است؛ وام با سود ۳۰ درصد جابجایی تولید کتاب نیست. ناشران تا چندی پیش برای مثلاً ۴ هزار بند کاغذ، ۱۰۰ میلیون تومان پرداخت می‌کردند و امروز برای همین مقدار باید ۴۰۰ میلیون تومان بپردازند. این اتفاق در شرایطی است که قیمت کتاب‌ها ثابت است و کالای ناشران، بر اساس تورم قیمت گذاری نمی‌شود و به این ترتیب، سرمایه‌ی ناشران روز به روز کمتر می‌شود. این ناشر ادامه داد: اگر برای این بخش فکری نشود، بخش عمده‌ای از ناشران را از دست می‌دهیم. همین

روزها بسیاری از ناشران در حال خروج از این صنف هستند، چون با سرمایه‌ای که در این راه گذاشته‌اند، می‌توانند در خیلی از کارهای دیگر مثل ساخت و ساز و البته برخلاف میل باطنیشان، درآمدزایی بهتری داشته باشند. امروز بسیاری از ناشران را از دست می‌دهیم، اما کسی این جریان را آسیب‌شناسی نمی‌کند. او به نمایشگاه کتاب‌های تخصصی دانشگاهی اشاره کرد و گفت: متأسفانه دوره‌ی پنجم این نمایشگاه به دلایل بسیاری در سال گذشته برگزار نشد. دوره‌ی چهارم این نمایشگاه به عنوان الگویی برای سایر نمایشگاه‌های کتاب و بر اساس استانداردهای بین‌المللی برگزار شد. نزدیک ۲۰۰ میلیون تومان از مطالبات ناشران از همان دوره‌ی چهارم از سوی وزارت ارشاد پرداخت نشد و یک سال و نیم از آن زمان گذشته است. تورانیان از تکثیر غیرقانونی آثار دانشگاهی به عنوان یکی دیگر از مشکلات این حوزه نام برد و توضیح داد: در حال حاضر و به سادگی، کتاب‌هایی که ناشران برای تولید آن هزینه‌های زیادی را پرداختند، به صورت غیرقانونی چاپ و تکثیر می‌شود و هیچ کس به فکر آن‌ها نیست. این اتفاق حتی در دانشگاه‌ها هم رخ می‌دهد و جای تأسف دارد و باعث عدم احساس امنیت ناشران می‌شود. ما بارها از قوه‌ی قضائیه درخواست کردیم تا همان طور که با توزیع فیلم‌هایی که به صورت غیرمجاز تکثیر می‌شوند برخورد کردند، در مورد کتاب‌ها هم رفتار کنند، اما هیچ حرکتی در این زمینه انجام نشده است. امروز ناشری که ۱۰۰۰ نسخه از یک کتاب را منتشر می‌کند، امیدی به فروش کامل آن ندارد، چون بسیاری آن را با قیمت کمتر و به صورت غیرقانونی تهیه می‌کند. عضو هیئت مدیره انجمن ناشران دانشگاهی در آخر گفت: سال گذشته رهبر معظم انقلاب از نمایشگاه کتاب بازدید کردند و رهنمودهایی را مطرح کردند که هنوز مورد توجه قرار نگرفته است. این بحث‌ها باید با جدیت دنبال شود، چون مباحثی راهبردی بودند. باید از همین الان برای آینده برنامه‌ریزی کنیم، چون با این وضعیت کار برای سال آینده از این هم سخت‌تر می‌شود.

تجمع اعتراضی کارگران راه آهن یزد

به نوشته سایت ایران کارگر در دوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: : روز دوشنبه ۲ اردیبهشت حوالی ظهر حدود ۱۰۰ نفر از کارگران راه آهن یزد در مقابل استانداری تجمع اعتراضی برپا کردند. درخواست کارگران این بود که شغلشان ثبات ندارد و خواستار قرارداد مستقیم با راه آهن در خصوص کارشان شدند و خواستار پاسخگویی استاندار به خواسته شان بود. این کارگران همراه خود پلاکاردی داشتند که خواسته شان را روی آن نوشته بودند.

کارگران شرکت اندیشمندان در منطقه دارخوین پیگیر وصول سه ماه حقوق خود هستند

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ ۲ اردیبهشت ۹۲ آمده است: به گزارش دریافتی از اهواز، نزدیک به ۷۰۰ کارگر در شرکت پیمانکاری اندیشمندان ۳ ماه حقوق و مطالبات خود و همچنین عیدی امسال را هنوز دریافت نکرده‌اند، یکی از کارگران ضمن ابراز نارضایتی در این باره گفت همه کارگران از این وضعیت به تنگ آمده و مشکل دارند اما کسی به خواسته‌ها و مطالبات آنها توجهی ندارد. وی افزود که در آستانه عید تعدادی از کارگران از بابت عدم پرداخت حق و حقوقشان توسط پیمانکار اعتراض کردند اما بلافاصله اخراج گردیدند. این کارگر اضافه کرد که متأسفانه با شرایطی که حاکم کرده‌اند کارگر حتی حق نفس کشیدن و زندگی کردن را نیز ندارد. شرکت اندیشمندان یک شرکت خدماتی وابسته به شرکت نفت میباشد.

کارگر زندانی نمی‌تواند کنار فرزند سرطانی باشد

مصاحبه با بهنام ابراهیم زاده

به گزارش روزآنلاین در ۲ اردیبهشت ۹۲ آمده است: پس از سه سال محرومیت از مرخصی، بالاخره به او اجازه دادند به مرخصی بیاید؛ آن هم بر بالین کودک بیمارش. کودک ۱۳ ساله‌ای که در غیاب پدر، مبتلا به سرطان شده است. حال می‌گوید وزارت اطلاعات با تمدید مرخصی‌اش مخالفت کرده و تنها امیدش به دادستانی است تا چند روزی بیشتر بر بالین فرزندش بماند.

بهنام ابراهیمزاده، فعال کارگری از خرداد ۸۹ بازداشت و به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده است. او در مصاحبه با "روز" می گوید که حضور در کنار فرزندش که شیمی درمانی می شود حق او به عنوان پدر و حق کودک اوست و پسرش از نظر روحی به شدت به حضور او نیاز دارد.

آقای ابراهیمزاده توضیح میدهد: برای تمدید مرخصی به دادستانی رفتم. آقای خدابخشی مرا پیش دادستان فرستاد اما او گفت وزارت اطلاعات مخالفت کرده است. شرایط را توضیح دادم گفتند بروید تا چند روز دیگر خبر میدهم. حالا تمام نگرانی ام این است که با بازگشت من به زندان نیما چه وضعیتی پیدا میکند؟ او وقتی شنید با تمدید مرخصی مخالفت شده دچار تشنج شد. او کودک ۱۳ ساله ای است که شیمی درمانی می شود و روزها و شب های سختی را پشت سر میگذارد و به حضور من به شدت نیاز دارد. تمام سه سال گذشته من محروم از مرخصی بودم، بعد از این هم که درباره ستار بهشتی شهادت دادیم ملاقات های حضوری ام هم قطع شد. حالا سر بیماری نیما و زیر فشار افکار عمومی به من مرخصی داده اند ولی با بازگشت من به زندان این بچه به شدت ضربه میخورد.

او در توضیح وضعیت کنونی فرزندش می گوید: ۳ ماه پیش گفتند نیما به یک بیماری خونی دچار شده از نوع آی ال ام. قبلا هیچ مشکلی نداشت، کودکی سالم و شاد بود وبلاگ می نوشت و پرتحرک بود اما یکباره چنین بیماری ای آن هم سرطان. نمیدانم برای من جای سؤال است که چرا؟ فکر میکنم همه اینها برمیگردد به فشارهایی که روی خانواده ما بوده و هست که روی این بچه هم تاثیر داشته. پدرم و برادرم را که دستگیر کردند بعد خود مرا. مرخصی نبود، ملاقات حضوری نبود و... کلا شرایطی که وجود داشت تاثیر خیلی بدی روی بچه من گذاشته است. او در حال حاضر شیمی درمانی می شود و همراه با تعویض خون، مدام آزمایشات مختلفی روی او انجام می شود و در وضعیت مساعدی نیست، بخصوص از وقتی شنیده به زندان برمیگردم دچار استرس و تشنج شدید شده.

بهنام ابراهیمزاده، عضو کمیته پی گیری شکل های کارگری و از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان است که به محاربه متهم شده بود. از او می پرسیم دلیل بازداشت شما چه بود؟ می گوید: من کارگر یک شرکت تولید لوله های پلی اکریل هستم. فعالیت های اجتماعی دارم، عضو کمیته پی گیری شکل های کارگری هستم و عضو جمعیت کودکان کار و خیابان. در واقع مسئول مصاحبه با این کودکان و پیدا کردن خانواده های آنها و انعکاس مسائل آنها در سایت مان بودم. تمام فعالیت های من در راستای کودکان و کارگران بود اما اتهاماتی که به من زدند هیچ ارتباطی با فعالیت هایم نداشت.

این فعال کارگری توضیح میدهد: ۲۲ خرداد ۸۹ از میدان انقلاب به سمت آزادی می رفتم که توسط لباس شخصی ها بازداشت شدم. موقع بازداشت هم ضرب و شتم شدید کردند طوریکه قفسه سینه و پای چپام آسیب دید. مرا به بند ۲۰۹ منتقل کردند در این بند هم مورد ضرب و شتم قرار گرفتم و اتهام های ناروایی چون ارتباط با سازمان مجاهدین خلق زدند. یک خبرنگاری با من تماس گرفته بود برای مصاحبه اما آنها میگفتند او سرپل سازمان مجاهدین خلق بوده. بعد اتهامات دیگری نظیر عضویت در تشکل های غیر قانونی، شرکت در تجمعات و سلب آسایش عمومی و همچنین توهین به مقدسات زدند. من هیچ یک از این اتهامات را قبول نداشتم و کاملا ناروا بودند. ۸۰ روز در انفرادی در بند ۲۰۹ بودم که دست به اعتصاب غذا زدم و بعد مرا به بند ۲۵۰ منتقل کردند. در دادگاه به من اتهام محاربه زدند و قاضی صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب مرا به ۲۰ سال حبس تعزیری، ۱۰ سال تبعید به زندان رجایی شهر و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی محکوم کرد.

دیوان عالی کشور اما این حکم را نقض کرده است، آقای ابراهیمزاده می گوید: من رسماً اعلام برائت کردم از سازمان مجاهدین خلق. نه ارتباطی با آنها داشتم نه اصلاً قبولشان دارم. یک نفر ناشناس، یعنی با اسم یک خبرنگار با من تماس گرفته بود و من از همه چیز بی خبر بودم. دیوان عالی کشور حکم را نقض کرد و این بار به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب فرستاد و قاضی مقیسه هم مرا به ۵ سال حبس تعزیری و ۵ سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی محکوم کرد. این را هم توضیح بدهم که در دادگاه اول در شعبه ۱۵ نه خودم امکان دفاع

یافتم و نه وکیل داشتم اما در دادگاه دوم وکیل داشتم و وکیل توانست از من دفاع کند. تقریباً دو ماه دیگر هم می شود سه سال که زندان هستم و دو سال دیگر از محکومیت ام باقی میماند.

می پرسیم با توجه به بیماری فرزندان آیا تقاضای آزادی مشروط کرده اید؟ این فعال کارگری میگوید: در دادگاه و بعد از آن در زندان بارها به من می گفتند تقاضای عفو بنویس اما من کاری نکرده بودم که تقاضای عفو بنویسم. بعد از قضیه بیماری نیما تقاضای آزادی مشروط کردم که در کنار او باشم اما موافقت نکردند.

آقای ابراهیم زاده می گوید: من هنوز یک کارگر زندانی هستم که به او مرخصی داده اند و چند روز یکبار این مرخصی تمدید می شود اما این بار گفته اند وزارت اطلاعات با تمدید مرخصی ام مخالفت کرده. من امروز از همه انسان های آزادیخواه در ایران و جهان میخواهم من و خانواده ام را حمایت کنند، نیما من به پدر نیاز دارد به حضور پدرش نیاز دارد.

او در پایان با اشاره به نزدیک بودن روز جهانی کارگر میگوید: محمد جراح که بیماری سرطان جانش را به خطر انداخته، رضا شهبانی، پدram نصرالهی، رسول بدایعی نباید زندان باشند. جای ما کارگران زندان نیست. روز جهانی کارگر را تبریک میگویم به همه کارگران و امیدوارم روز آزادی کارگران زندانی باشد.

یادداشت کارگری اول ماه مه گذشت، اما...! رضا سپردودی

به نوشته وبلاگ کارگری راه کارگر آمده است: اول ماه مه روز جهانی کارگر گذشت. فعالان و تشکل های مستقل کارگری داخل کشور در این روز هر قدر که در توان داشتند و هر جا که شرایط را فراهم دیدند اقدام و اعتراض کردند. از اقدام ابتکاری سندیکای شرکت واحد در گرامی داشت روز کارگر تا تظاهرات در سنج و وجود جو بسیار شدید پلیسی و امنیتی و تجمع در برابر مجلس در تهران. متقابلاً امنیتی ها و سرکوبگران نیز بشدت فعال بودند تا با دستگیری و تهدید و ارباب فعالین کارگری جلوی هر گونه اعتراضی را بگیرند. خانه کارگری ها هم مراسم شان را در ورزشگاه خیرالعمل با حضور ایادی خودشان برگزار کردند که صدایی هم بیرون نیاید. بهانه شان این بود که وزارت کشور اجازه راه پیمایی نداده است. این ها آنقدر ترسو و بزدل هستند که حتی حاضر نشدند در دفتر رسمی شان برنامه بگذارند. اگر مجوز بهانه نبود، دفتر رسمی که دیگر مجوز نمی خواست؟ جز این بود که می ترسیدند کارگران به همین بهانه در اطراف خیابان ابوریحان تجمع کنند و صدای اعتراض شان را نتوانند خفه کنند؟

اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و روز دادخواهی طبقه کارگر در سراسر جهان علیه بیدادگری های سرمایه و متحدانش گذشت، اما دادخواهی کارگر ایرانی با دستمزدی که چندین برابر زیر خط فقر است منحصر به اول ماه مه نمی تواند باشد. معادله ای که امسال در برابر کارگران گذاشته اند زندگی نیست، هزار بار مردن و زنده شدن است؛ یک جهنم تحمل ناپذیر است که جایی برای سکوت باقی نگذاشته است.

اول ماه مه گذشت، اما مبارزه برای حق تشکل مستقل، حق برخورداری از دستمزدی که بتوان با آن زندگی کرد، حق برخورداری از امنیت شغلی، مبارزه با شرکت های غارتگر پیمانی و قراردادهای برده دارانه کار و بالاخره اعتراض، تحصن و اعتصاب علیه عدم پرداخت دستمزدها همچنان ادامه خواهد یافت. جز این نمی تواند باشد. جز این راهی وجود ندارد. با این که هر صدای حق خواهی کارگران بیرحمانه و وحشیانه سرکوب می شود و فعالین کارگری تحت آزار و پیگرد و تعقیب قرار می گیرند، با این که دشمنان طبقه کارگر در لباس دوست همچنان توطئه می کنند و از هیچ ترفندی برای مصادره نارضایتی کارگران و زحمتکشانشان فروگذار نیستند، با این که تامین یک لقمه نان شیرین جان کارگر را می مکد و توش و توانی برایش باقی نمی گذارد، و با این که طبقه کارگر و مبارزان مستقل کارگری در شرایط بسیار دشواری قرار گرفته اند، اما در همین شرایط هم می توان

بسوی تقویت اراده جمعی کارگران گام برداشت. اگر دسته دسته کارگران را از کارخانه ها اخراج می کنند، می توان اراده این بخش از نیروی کار را که محلات فقیرنشین حاشیه شهر زیستگاه اصلی شان است در سطح محلات سازمان داد. در حالی که تحت تاثیر بحران فروپاشی اقتصادی، فشار بیرحمانه تحریم ها و عوارض برچیدن یارانه ها روز به روز بیکاری گسترش می یابد، سازماندهی بیکاران حلقه ای است که می تواند این نیروی عظیم را که اکنون در پراکندگی قدرتی از خود ندارد به صحنه اقدام بکشاند. در حالی که نارضایتی در میان مزد و حقوق بگیران بخش بهداشت و درمان و خدمات عمومی و شهری بشدت گسترده و فراگیر است، می توان با تمرکز بر سازماندهی مستقل خواست ها و مطالبات این بخش مهم و حساس کارگری، با سیاست جنایتکارانه باندهای مختلف حاکمیت در انداختن تمامی هزینه بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان کشور مقابله کرد و آنها را به عقب نشینی واداشت؛ می توان نارضایتی گسترده از حداقل دستمزدها را به کارزاری توده ای برای اعمال فشار بر رژیم و به عنوان ابزاری در خدمت تشکل یابی کارگران ناراضی تبدیل کرد. حمایت از خواست های بازنشستگان، مبارزه علیه کار کودکان، کمک به ایجاد تشکل های مستقل در میان زنان کارگر، مقابله با طرح های مختلف رژیم در زمینه تجاوز بیشتر به حقوق کارگری، گسترش همسویی و اتحاد عمل مبارزاتی در زمینه مطالبات کارگری در سطوح مختلف، همه و همه حوزه های عمل و اقدام است که درست با همان شدت و حدتی که پیش از اول ماه مه مطرح بودند حالا هم هستند.

جمعه سوم ماه می ۲۰۱۲

يك روز ديگر با کودکان محك در بیمارستان محك

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است : آنجا بیمارستان کودکان سرطانی است جای که فرزندم نیمای عزیز در آن بستری است . طی این چند ماه شاید خیلی ها آنهاي که از دور فقط خبر ما را پیگیری کرده اند تا حدودی از درد ها ورنج های ما مطلع بوده اند اما در تهران آنهاي که لحظه به لحظه ودم به دم درکنارمان بوده اند به خوبی می دانند که درطول این چند ماه ما چه روزهای سخت ودهشناکی را سپری کرده ایم ومی کنیم.وقتی به روزهای گذشته واوایل روزهای که به مرخصی آمده بودم می اندیشم چیزی در خاطراتم ندارم جز اینکه همچون حالا با تمام وجودم برای نجات جان تنها فرزندم در تلاش بودم واینکه چگونه می توانم نیمای عزیزم را نجات دهم.تازه این تنها غم من نبود غم دهها کودک دیگر که از نزدیک در بیمارستان محك نظاره گره مرگ تدریجی شان بودم و خانواده های آنها به شدت مشکل دارو قرص داشتند وهمچنان هم دارند.وقتی خودم روزها وشبها به دنبال قرص وداروي برای نیمای عزیزم در سطح شهرتهران وگاه شهرستانها می گردم یاد سخنان رئیس جمهور وشخص دوم مملکت آقای احمدی نژاد می افتم که مدتها پیش گفت مامشکل دارو قرص نداریم من برای پیدا کردندارو قرصهای نیما بارها به نا صر خسرو جاههای دیگر شهر تهران رفتم اماحتی آزاد هم پیدا نکردم. حرص وجوش ونفرت وتنفر

سراپای وجودم را فرا می گیرد که در مملکتی که این همه ثروتهای ملی نهفته است باید کمبود دارو داشته باشیم وشاهد مرگ تدریجی عزیزانمان باشیم. کودکان کار وزنان تن فروش داشته باشیم. مسیر رفت آمد من گاهی مواقع با مترو است مترویی شهرری به تجریش داخل مترو باور کن بااینکه عزیزترین کسم در بستر بیماری است اما وقتی این کودکان وزنان ودختران جوان دستفروش را میبینم در این وضعیت کار می کنند قلبم بیشتر مجروح می شود من آنها رادرك میکنم چرا که من هم عضوی از این طبقه ام من سواربهترین ومدل بالا ترین ماشین ماکسیما وبنز bmwنمیشم من سفرهای خارجی نمی رم چرا که من نیز بافقر وفلاکت ونداری ودر خانواده کارگری بزرگ شدم وبه خوبی درد جامعه را می فهم اوضاع وخیم است ووخیم؛

مردم به شدت از وضع موجود می نالند در مترو خیابان وبیمارستان وبازار واماکن عمومی وغیره حرفها همه دیگر یکی شده این چه وضعی است که ما داریم آقا همیشه با این هزینه های سرسام آور وتورم زندگی کرد. طبقه پایین جامعه خصوصا بیشتر از همه کارگران زیر فشار وسختی اند. از انتخابات حرف می زنند چه انتخاباتی سی سال است چه گلی بر سر ما زده اند که حالا بزندانترندهای انتخاباتی دیگر کارآیی ندارد مردم به شدت معترضند وناراضی اند.

هر لحظه شورش گرسنگان شاید سر بلند کند. اما درد من یکی دوتا نیست دردآور از آن اینکه بعضی مواقع وقتی دویای این کودکان کار را معلق رو هوا می بینم که در سطل اشغال دنبال اشیاء ویا خوراکی می گردند از

كودك زير چهار سال گرفته تا هيچده ساله و دختر جوان وزن سالخورده و مردان مسن در راهروهاي مترو و خيابان غم و غصه تامامي آن كودكاني كه در مسير رفت و آمد بيمارستان شهرري به دارآباد و بيمارستان محك مجبور ندان آور خانه باشند براي تامامي ندارد. وضعيت اعتياد و مواد مخدر وروي آوردن جوانان اين مملكت هم بخشي ديگر از معضلات جامعه است كه گريبانگيرش هستيم.

چه كسي بايد جوابگوي اين وضعيت باشد معلوم نيست؛ اما برگرديم به روزها و لحظه هاي بيمارستان محك؛ از روز اول شنبه يعني اول ارديبهشت واي كه چه روزهاي من به همراه همسر با استرس سپري كردم. از لحظه اي كه نيمه متوجه شد كه باتمديد مرخصي ام دستگاه امنيتي و قضايي مخالفت کرده و ايت و پلاكت هاي بدنش پايين آمد و بارها تشنج كرد در طي چند روز نيمه بارها اي تي و پرتو درماني؛ راديو تراپي؛ شد از بيمارستان محك به بيمارستان سينا اطهر درتجربيش منتقل شد و سيني اسكن و آزمايش هاي ديگر روش صورت گرفت.

امروز نيمه سيمو لاتور و پرتو درماني شد اين كار به مدت هفت روز در هفت نوبت طبق گفته پزشك معالج نيمه خانم قاليپايان ادامه دارد. فردا باز ما بيمارستان محك بايد در كنار نيمه باشيم نمي دانم اين وضع كي تامامي پيدامي كند سرطان نيمه درد دارد. هزينه هم دارد. بهنام ابراهيم زاده تهران ارديبهشت 92

117 كارگر اين كارخانه اخراج شدند- كارگران نورد لوله صفا به اعتصاب خود پايان دادند

به نوشته سايت اتحادييه آزاد كارگران ايران درسوم ارديبهشت 92 آمده است: 1200 كارگر كارخانه نورد لوله صفا كه بدنبال اخراج بيش از 100 نفر از كارگران و عدم پرداخت بخشي از دستمزد معوقه خود از صبح روز اول ارديبهشت ماه دست به اعتصاب زده بودند بعد از ظهر ديروز و پس از اينكه دستمزد معوقه بهمن ماه سال گذشته خود را دريافت كردند و كارفرما وعده پرداخت دستمزد اسفند ماه سال گذشته را در طی روزهای آینده داد از صبح امروز سوم ارديبهشت بر سر كارهای خود بازگشتند. در رابطه با اخراج 117 نفر از اين كارگران نيز يكي از آنان به سايت اتحاد اظهار داشت: ما از كار در اين كارخانه و عدم پرداخت دستمزدهايمان خسته شده ايم. وضعيت در اين كارخانه غير قابل تحمل است، من خودم تاكنون 5 بار اخراج شده و هر دفعه بر سر كار بازگشته ام اما ديگر نميتوانيم ادامه دهيم. در كارخانه نورد لوله صفا همه كارگران با قراردادهای موقت مشغول بكار هستند و كارفرما هر بار كه خواسته، توانسته است با پايان مدت قرارداد كارگران براهتي و بدون اينكه اين كارگران به لحاظ قانونی دست شان به جايی بند باشد اقدام به اخراج آنان كند. اغلب اين كارگران كه بطور مرتب و در طی سالهای گذشته از كار خود اخراج شده اند تا 20 سال سابقه كار داشته اند. اتحادييه آزاد كارگران ايران

دبير خانه كارگر كرمان:

كارگران توان پرداخت افزايش قيمت مسكن مهر را ندارند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 اردیبهشت 92 آمده است: يك فعال کارگری در کرمان ناتوانی دولت در کنترل قیمت‌ها و افزایش نرخ مصالح ساختمانی را مانع احداث واحدهای مسکن مهر کارگران در این استان دانست.

«عباس كاريخش» دبير خانه كارگر كرمان دلایل افزایش قیمت در پروژه‌های مسکن مهر را افزایش قیمت مصالح ساختمانی عنوان کرد و به ایلنا گفت: این در حالی است که بنیه مالی اعضای تعاونی‌های مسکن مهر کارگران کرمان ضعیف است و توان پرداخت مبالغ بیشتری را ندارند. وی خواستار کنترل دولت برای تعدیل قیمت‌ها شد و تاکید کرد: هم اکنون سازندگان مسکن مهر کارگری در کرمان با مشکل مواجه شده‌اند و این مساله بر روند احداث واحدها تاثیر منفی گذاشته است. او گفت: قیمت تمام شده هر متر مربع از این واحدها حدود ۶۰۰ هزار تومان است و این مبلغ بیش از رقمی است که دولت به انبوه سازان ابلاغ کرده است.

دبیر خانه کارگر کرمان با بیان اینکه دولت از اعضای تعاونی‌های مسکن مهر خواسته است مبالغ اضافی به بهانه افزایش قیمت‌ها به پیمانکاران پرداخت نکنند، اظهار داشت: به عنوان مثال قیمت یک کیلو گرم پروفیل در سال ۸۹ ششصد تومان بود، این رقم هم اکنون به دو هزار و ۷۰۰ تومان افزایش یافته است، با این حال چطور می‌توان بدون حمایت دولت با قیمت‌های مصوب شده، واحد مناسبی ساخت و تحویل کارگران داد. وی در خاتمه سخنان خود با تأکید بر اینکه در اجرای مسکن مهر در کرمان باید طوری عمل شود که مردم راضی باشند، از همه مدیران خواست با عمل به تعهداتشان، کارگران را در جهت خانه دار شدن کمک کنند.

پایان پیام

گزارش تکان دهنده از بیکاری ۲۵ درصدی در هویزه، بزرگترین میدان نفتی منطقه

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در سوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: گزارش‌ها و تصاویر ارسالی از سفر محمود احمدی نژاد به اهواز و هویزه حاکی از اعتراض شدید شهروندان عرب این منطقه می‌باشد. به گزارش تارنمای «کمپین صلح فعالان در تبعید»، مردم شهر هویزه به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به اقلیم اهواز و حضور در شهر هویزه، در ۲۱ آوریل ۲۰۱۳، با برافراشتن پلاکاردهایی در محکومیت مصادره زمین‌های کشاورزی شهروندان عرب از سوی دولت، خواهان توقف این سیاست‌های غیر انسانی شدند. همچنین مردم معترض با سردادن شعارهایی خواستار موضع‌گیری احمدی نژاد در قبال بیکاری فراگیر در این شهر و توقف مصادره زمین‌های شهروندان عرب شدند. یکی از شهروندان هویزه می‌گوید: احمدی نژاد در دو دوره ریاست جمهوری اش چند بار به این شهر سفر کرده بود و وعده وعیدهای زیادی به مردم داده که هیچکدام آنها محقق نشده است.

گفتنی است شهرستان هویزه با وجود اینکه بزرگترین میدان نفتی منطقه را داراست اما مردم این شهر از نسبت بیکاری بالای ۲۵ درصد رنج می‌برند. با خشک شدن رودخانه کرخه به دلیل ساختن سدهای بزرگ بر روی آن و انتقال آب آن به دیگر شهرها و همچنین انهدام وسیع تالاب هور العظیم توسط شرکت نفت، مردم چهل روستای واقع در اطراف این تالاب منبع حیات خود را از دست داده‌اند و شماری زیادی از این روستاها خالی از سکنه شده است. از دیگر معضلات مردم عرب هویزه مصادره زمین‌های کشاورزی آنها است. شرکت دولتی مسکن مهر با غارت صدها هکتار از زمین‌های کشاورزان عرب نقش به‌سزایی در افزایش فشار بر کشاورزان عرب به منظور مهاجرت از این منطقه ایفا کرده است. اخیراً دولت ایران مراحل اولیه تاسیس یک شرکت پتروشیمی با نام «پتروشیمی آزادگان» را به پایان رسانده و اقدام به مصادره زمین‌های مردم قبیله بنی‌ساله در اطراف هویزه کرده است. خشم شهروندان هویزه موجب شد احمدی نژاد و هیئت وزیرانش در دیدار از اهواز با شمار اندکی از استقبال‌گران روبرو شوند.

مشاور کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران کشور: اصلاح قانون کار به ناآرامی‌های کارگری منجر می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۳ اردیبهشت ۹۲ آمده است: مشاور کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران کشور، «لایحه اصلاح قانون کار» را زمینه‌ساز «حذف کلی قرارداد دائم از بازار کار» عنوان کرد که در نهایت منجر به «ناآرامی‌های اجتماعی» می‌شود.

غلامرضا توکلی در گفتگو با ایلنا خواستار ارائه تعاریف شفاف و غیر قابل تغییر از عناوین و مضامین عنوان شده در قانون کار شد و به ذکر دو مثال پرداخت. او گفت: ماده ۷ قانون کار که مربوط به کارموقت و دائم است نه تنها تعریف صحیحی از آن در قانون فعلی دیده نمی‌شود بلکه باعث رای معروف دیوان عدالت اداری شده است. وی

ادامه داد: این رای باعث شده است تا پرونده قراردادهای دائم برای همیشه بسته شود و در کارهایی که طبع آن جنبه دائم دارد قرارداد موقت بسته شود. این مساله به خاطر عدم تعریف گویا و شفاف از این عناوین است.

این فعال کارگری با اشاره به «حذف کلی قرارداد دائم از بازار کار» بیان کرد: وضعیت لایحه قانون کار در مجلس از این هم بدتر است. همه موارد را حذف کرده‌اند و یک تبصره جای آن قرارداده‌اند که به معنای حذف کلی قرارداد دائم از بازار کار است.

توکلی افزود: مورد دوم عدم تعریف روشن از تشکلهای کارگری است که منجر به تحمیل تشکلهایی به کارگران شده است که کارفرما در تعیین ساختارش دخالت دارد. در حالی که تشکلهای کارگری باید بدون دخالت کارفرمایان و از طریق کارگران انتخاب شود. در لایحه جدید قانون کار این مشکل به قوت خود باقی است.

مشاور کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران کشور، لایحه قانون کار را زمینه ساز «ناآرامی‌های کارگری» دانست و گفت: امنیت شغلی کارگران در این قانون به طور کامل از بین می‌رود و زمانی که کارگر امنیت شغلی نداشته باشد قدرت اجرایی قانون کار نیز از بین می‌رود. کارگر تا بخواهد از حق بیمه خود دفاع کند وی را تعدیل می‌کنند. همه اختیارات به کارفرمایان سپرده شده است. قدرت اخراج کارگران در عمل به صورت مطلق به کارفرمایان سپرده شده است. وی تصریح کرد: کار به جایی رسیده که نظام استاد - شاگردی که مربوط به دوران پیش از مشروطه و قاجار است احیا می‌شود.

توکلی با تاکید بر لزوم اصلاح اصولی قانون کار ادامه داد: قانون کار باید به شکلی اصلاح شود که به نیازهای جامعه کارگری پاسخ دهد و حقوقی که در آن برای کارگران تعیین می‌شود به دست کارگر برسد و امکان عدم رعایت آن از سوی کارفرما وجود نداشته باشد. اصلاح قانون کار بدین ترتیب بهترین هدیه‌ای است که می‌توان به کارگران داد. وی با مترقی خواندن قانون تامین اجتماعی تصریح کرد: مدیران سازمان تامین اجتماعی در تکاپو بودند تا پیش نویسی را برای تغییر قانون تامین اجتماعی آماده کنند. کارگران صاحبان اصلی سازمان تامین اجتماعی هستند اما در اداره و مدیریت و تصمیم‌گیری‌های سازمان تامین اجتماعی حضور کم‌رنگی دارند. این حضور باید پررنگ و چشمگیر باشد.

به گفته این فعال کارگری حق سنوات کارگرانی که برای دستیابی به حقوق خود اخراج شده‌اند یا به دلایلی با کارفرما قرارداد سفید امضا بسته‌اند باید به گونه‌ای باشد که کارفرما رعایت قانون را به اخراج آن‌ها ترجیح دهد.

مشاور کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران کشور در پایان با اشاره به لزوم حل مساله «انعقاد قرارداد موقت در کار دائم» اظهار داشت: همیشه حداقل حقوق کارگران با هزینه‌های زندگی فاصله فاحشی داشته که پر کردن این فاصله نیازمند اقتصاد قوی و دولت کارآمد است اما گوش شنوایی در دولت‌های نهم و دهم برای شنیدن مطالبات کارگری وجود ندارد زیرا در غیر اینصورت مساله انعقاد قرارداد موقت در کار دائم تا کنون حل شده بود.

پایان پیام

مجلس 70 هزارمیلیارد تومان درآمد دولت را کاهش داد افزایش «پارانه نقدی» در تعلیق

به نوشته روزنامه شرق در 3 اردیبهشت 92 آمده است: گروه اقتصاد: مجلس پیشنهاد دولت مبنی بر 120 هزارمیلیارد تومان درآمد از محل هدفمندشدن پارانه‌ها را نپذیرفت و در مقابل، درآمد 50 هزارمیلیارد تومانی را برای دولت مصوب کرد. با این مصوبه، قیمت حامل‌های انرژی 38 درصد رشد خواهد داشت. درواقع، بنزین آزاد 700 تومان باید 966 تومان شود. این در حالی است که معاون وزیر نفت چند روز قبل گفته بود که قیمت

تمام‌شده بنزین برای وزارت نفت 1200 تا 1300 تومان است. درواقع، مجلس هم درآمد هدفمندی مورد نظر دولت را کاهش داده است و هم اینکه افزایش قیمت بنزین را بالاتر از هزار تومان مجاز نساخته است. نظر دولت بر این بود که قیمت بنزین 450 درصد افزایش یابد. در خصوص درآمد هدفمندی، دولت در سال‌جاری پیشنهادش را نسبت به گذشته سه‌برابر بیشتر مطرح کرده بود که این خود یعنی افزایش قیمت حامل‌های انرژی و مجلس با کاهش و تقلیل آن به 50 هزارمیلیارد تومان، سال 92 را برای اجرای فاز دوم هدفمندی پارانه‌ها مناسب نمی‌بیند؛ زیرا در آن شرایط، قیمت بنزین تا چهار یا پنج‌هزار تومان افزایش می‌یافت. سال گذشته مجلس، دولت را از اجرای فاز دوم در پایان سال منع کرد و پس از آن، اجرای آن را تا پس از برگزاری انتخابات به تأخیر انداخت. در همین خصوص، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه 92 با اشاره به تصویب درآمد 50 هزارمیلیارد تومانی از محل اجرای هدفمندی پارانه‌ها در لایحه بودجه 92 گفت که پیش‌بینی این میزان درآمد از محل هدفمندی پارانه‌ها، به معنی رشد 38 درصدی قیمت حامل‌های سوخت است. دیروز جعفر قادری، به «ایسنا» گفت: «در سال گذشته 42 هزارمیلیارد تومان از محل هدفمندی پارانه‌ها درآمد کسب شد که 28 هزارمیلیارد تومان از محل افزایش درآمد قیمت‌ها و 14 هزارمیلیارد تومان از محل بودجه تأمین می‌شد. مجلس این درآمد را به 50 هزارمیلیارد تومان افزایش داد؛ البته پیشنهاد دولت برای هدفمندی در سال 92، 120 هزارمیلیارد تومان بود.» به گفته او، بر اساس مصوبه کمیسیون برنامه و بودجه از درآمد 50 هزارمیلیارد تومانی پیش‌بینی شده برای هدفمندی پارانه‌ها در سال 92، 11 هزار و 200 میلیارد تومان از محل بودجه و 38 هزار و 800 میلیارد تومان از محل افزایش قیمت‌ها تأمین می‌شود؛ بنابراین ما رشد 38 درصدی در قیمت حامل‌های سوخت را پیش‌رو خواهیم داشت. سخنگوی کمیسیون تلفیق گفته بود: «البته هنوز مشخص نشده که چطور رشد قیمت حامل‌های سوخت، تقسیم می‌شود، ممکن است برخی حامل‌های انرژی مثل بنزین و سی. ان. جی رشد بیشتری داشته باشند و گازوییل رشد قیمت کمتری پیدا کند و این موضوع به تصمیم دولت برمی‌گردد.» قادری درباره احتمال افزایش پارانه نقدی خانوارها با توجه به پیش‌بینی افزایش درآمد هدفمندی در سال‌جاری گفت: «هنوز درباره نحوه توزیع این درآمد در کمیسیون تصمیم‌گیری نشده؛ اما به نظر نمی‌رسد کمیسیون بنا داشته باشد میزان پارانه نقدی را افزایش دهد.» همچنین ایرج ندیمی، دبیر کمیسیون تلفیق لایحه بودجه 92، نیز گفته بود: «این کمیسیون در جریان بررسی بخش مربوط به هدفمندی پارانه‌ها در لایحه بودجه درآمد 50 هزارمیلیارد تومانی از محل اجرای هدفمندی پارانه‌ها را مصوب کرد.» به گفته او، پیش‌ازاین دولت 120 هزارمیلیارد تومان را در لایحه برای درآمد هدفمندی پیشنهاد کرده بود. حرکت دیروز مجلس نشان می‌دهد که اراده مجلس بر این است که دولت آینده با تدبیر و تعمق بیشتری فاز دوم را شروع کند. برخلاف مدل دولت که می‌خواست با اجرای چندماهه فاز دوم هدفمندی پارانه‌ها، تبعات و مشکلات افزایش قیمت حامل‌های انرژی را برای دولت بعدی به‌ارث بگذارد.

در کنگره انجمن صنفی کارگران ساختمانی مطرح شد: اعتراض کارگران ساختمانی به سوءاستفاده از سهمیه بیمه‌شان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 اردیبهشت 92 آمده است: در کنگره انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی استان تهران، کارگران نسبت به فقدان نظارت و سوءاستفاده از سهمیه بیمه‌شان برای افراد متفرقه اعتراض کردند.

به گزارش سایت ایلنا، در این جلسه مشکلات کارگران ساختمانی در خصوص استفاده از مزایای بیمه‌های اجباری مطرح شد و «محمد باقری»، رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان تهران از اعتراض اعضای این انجمن نسبت به نحوه عملکرد شعبات تأمین اجتماعی خبر داد. وی گفت: شعبات تأمین اجتماعی تنها برای مدت کوتاهی نسبت به نام‌نویسی از کارگران ساختمانی دارای کارت مهارت ساختمانی اقدام کردند و این درحالی است که تعداد زیادی از کارگران ساختمانی با وجود داشتن کار مهارت فنی از مزایای بیمه تأمین اجتماعی محروم هستند. این مقام صنفی بایان اینکه کارگران ساختمانی مخالف واگذاری سهمیه بیمه خود به افراد غیر کارگر و متفرقه

هستند گفت: در این کنگره برای چندمین بار پیشنهاد شد که مسئولان وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی قبل از تشکیل پرونده ابتدا صحت صلاحیت کارگران متقاضی را از انجمن‌ها جویا شوند.

گفتنی است در این کنگره آقایان محمد باقری، احمد رضا احمد یاری، احمد زارع، حسین ناطق، گلشن دوست به عنوان نمایندگان کارگران ساختمانی در کنگره سراسری خانه کارگر انتخاب شدند.

پایان پیام

گزارش مراسم یاد مان بهزاد کاظمی در دومین سال خاموشی او

برپایه گزارش رسیده به روزشمار کارگری آمده است: روز یکشنبه ۲۱ آوریل ۲۰۱۳، در دومین سال خاموشی بهزاد کاظمی (علیرضا) حدود ۳۰ نفر از رفقا، دوستان و آشنایان بهزاد در مراسمی غیر رسمی، در آرامگاه او در لندن گرد آمدند و یاد او را گرامی داشتند. آرامگاه بهزاد با گل و تصاویری از او تزیین شده بود. بر سنگی ستاره نشان که از روز قبل بر آرامگاه نصب شده بود، شعر کوتاه و زیبایی از سیروس بینا حک شده بود. سیروس بینا آن شعر را به یاد بهزاد و برای او سروده بود.

در آغاز ایوب رحمانی از یاران بهزاد، ضمن خوش آمد گویی به حاضرین، از بهزاد و مبارزات او یاد کرد. او گفت: " درگذشت بهزاد به راستی نا به هنگام بود. اگر عمر متوسط زندگی برای مردان در این کشور را مبنی قرار دهیم، بهزاد حداقل ۲۰ سال زودتر رفت؛ و درد بیشتر این است که بهزاد هنگامی خاموش شد که در اوج خلاقیت نظری و پراتیک خود قرار داشت. با رفتن بهزاد حفره و خلا ای در همه عرصه‌هایی که بهزاد در آنجا حضور و فعالیت داشت، ایجاد شد که به این زودی‌ها پر نخواهد شد. بهزاد به عنوان یک سوسیالیست انقلابی و فعال کارگری به ویژه در دهه پایانی عمر خویش، بطور همزمان و پیگیر در چندین عرصه، فعالیت می کرد. حضور و فعالیت او در "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران" در شناساندن جنبش کارگری ایران به تشکلات کارگری در انگلستان و ایجاد همبستگی بین المللی کارگری، بسیار موثر بود. در همان حال، بهزاد از پایه گذاران و فعالین اتاق اینترنتی اتحاد سوسیالیست‌ها بود که یک از محبوب ترین و پر بارترین تریبون‌ها در زمینه مباحث نظری بشمار می رفت. در کنار این‌ها بهزاد از بنیان گذاران نشریه پژوهش‌های سوسیالیستی "سامان نو" بود و بار اصلی انتشار نشریه را بدوش می کشید. پیش برد همزمان و موثر این همه کار، تنها می تواند از عهده کسی بر آید که هدف زندگی اش را انجام همین کارها تعریف کرده باشد. و بهزاد چنین کسی بود. و او این همه کار را با شوق انجام می داد، شوقی که پایان نداشت."

ایوب رحمانی در ادامه سخنان خود گفت: "ما در پایان اطلاعیه ای که از سوی واحد انگلستان اتحاد بین المللی، به مناسبت دومین سال خاموشی بهزاد منتشر کردیم، نوشتیم که بهزاد "چراغ رابطه" بود. این استعاره، برگرفته از شعر کوتاهی است از فروغ فرخزاد با عنوان، "پردنده مردنی است". فروغ در این شعر از دلنگی، "شب" و تاریکی "چراغ‌های رابطه" حرف می زند. و شعر این گونه به پایان می رسد: " پرواز را به خاطر بسپار / پرنده مردنی ست ". زندگی و مرگ بهزاد به ناگاه این شعر را در ذهن تداعی می کند. بهزاد ارتباطات گسترده ای داشت و به درستی و به خوبی از این ارتباط‌های وسیع بهره می گرفت. چراغ‌های رابطه را روشن کرد و خود چراغ رابطه ای شد در جدال با پراکندگی، خاموشی، یاس و تاریکی. او به سهم خودش و با تمام توان سعی می کرد که پرتوی بر راهی بیافکند که رهایی از سرمایه و آینده سوسیالیستی را در آن می دید. بهزاد پرنده بود و مانند هر پرنده ای، مانند همه ما، فنا شدنی بود. او نیز در زندگی و مبارزه مثل همه ما بی اشتباه و خطا نبود. او گاه در اوج‌ها پرواز می کرد و گاه در سطوح پایین. من اینجا نمی خواهم که بیش از این در این مورد صحبت کنم، اما به نظر من بهزاد در سال‌های آخر زندگی اش، در اوج‌ها پرواز کرد و مدام نیز اوج بیشتری گرفت. آری پرنده مردنی است و ما پرواز را به خاطر می سپاریم؛ بهزاد را در اوج‌هایش به خاطر می سپاریم."

ایوب رحمانی سپس ترجمه فارسی شعری که سیروس بینا به انگلیسی برای بهزاد سروده و بخشی از آن روی سنگ بهزاد حک شده است را خواند: " پنداشتی که من / در منتهای فاصله / و در قفای این سنگ سیاه / به خوابی ابدی فرو رفته ام؟ / نه، عزیزم- من در یاد تو بسیار زنده ام / وقتی که ما- من و تو- / با برشی از نان /

و جرعه ای از آزادی/ هنوز مصرانه/ بازتاب خواسته های انسانیم/ وقتی که گام های استوار تو با یاد شیرین من/ هر دو- / در گستره ای شکوهمند/ گذشته را به آینده پیوند می زنند."

سپس تعدادی دیگر از یاران بهزاد طی سخنانی از او یاد کردند: علی خدري از فعالين کارگري، از اهميت جنبش کارگري و از تلاش ها و نقش بهزاد در تقويت اين جنبش سخن گفت. ليلا پرنياي از فعالين سازمان زنان هشت مارس، از حمايت ها و پشتيباني بهزاد از مبارزات زنان، ياد کرد. علي اشرافي از همکاران نشریه سامان نو، در سخنانی کوتاه تاکید کرد که جای انسانهایی چون یداله خسروشاهی و بهزاد کاظمی تا مدت ها خالی خواهد ماند.

سپس حاضرین، سرود انترناسیونال را بطور دستجمعی خواندند و با نوشیدن جرعه ای شراب، یاد بهزاد را زنده نگاه داشتند.

در پایان مراسم، همه حاضرین به آرامگاه یداله خسرو شاهی که در چند قدمی بهزاد است، رفتند و نسبت به این فعال برجسته جنبش کارگري ایران، ادای احترام کردند. بهزاد و یداله دو یاری بودند که سالها در کنار هم مبارزه کردند و سر انجام نیز در کنارهم آرمیدند.

اتحاد بین المللی درحمايت از کارگران در ایران که مهمترین بخش فعاليتش حمايت همه جانبه از مبارزات طبقه کارگر و جنبش مستقل کارگري ایران و تقويت همبستگی بين المللی کارگري است، وجود انسانهایی شريف همچون بهزاد کاظمی در کنار خود را مایه مباهات می داند. چراغ عمر بهزاد کاظمی دیری نپایید و زود خاموش شد، اما زندگی و مبارزات او همچنان به ما قوت قلب می دهد و تا مدت ها روشنی بخش راهمان خواهد بود. در دومین سالگرد فقدان رفیق بهزاد کاظمی، یاد او را گرامی می داریم و به احترام اش از جا بر می خیزیم.

لینک به ویدئو و عکس:

http://www.etehadbinalmelali.com/html_2013/2_ordibehesht_92_behzad.html
http://www.etehadbinalmelali.com/html_2013/2_ordibehesht_92_behzad_2.html

اتحاد بین المللی در حمايت از کارگران در ایران-۲۲ آوريل ۲۰۱۳

يك فعال کارگري در شوشتر انتقاد کرد: تکرار وعده حل مشکلات کارگران خوزستان در سفر استانی دولت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۹۲ آمده است: بعد از ظهر روز یکشنبه، اول اردیبهشت ماه، محمود احمدی نژاد در دور سوم سفر استانی خود به خوزستان در دیدار با نمایندگان کارگران واحدهای بحرانزده، وعده رفع مشکلات این کارگران را برای چندمین بار تکرار کرد.

سید علی علیزاده، دبیر خانه کارگر شوشتر در این زمینه به ایلنا گفت: تعدادی از کارگران واحدهای بحران زده استان خوزستان همچون قند و تصفیه شکر اهواز، کاغذ سازی کارون شوشتر، کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر و مجتمع کشت و صنعت هفت تپه و سایر واحدها برای پی گیری حقوق خود همزمان با ورود رئیس دولت و هیئت همراه در مقابل استانداری اهواز تجمع کرده بودند.

این فعال کارگري با اشاره به اینکه کارگران با در دست داشتن پارچه و دست نوشته هایی از رئیس جمهوری خواستار رفع مشکلاتشان شده بودند، افزود: دیدار نمایندگان این واحدها با هیئت دولت باز هم با وعدهای پی گیری و رفع مشکلات از سوی مسئولان کشوری خاتمه یافت.

این فعال کارگري با اشاره به ضعف مدیران استان خوزستان، گفت: بی توجهی این مسئولان به استیفای حقوق کارگران حوزه خود باعث شده عده زیادی از آنان به محض شنیدن ورود رئیس جمهور سریعاً خود را آماده دیدار و بازگو کردن مشکلات صنفی خود به دولت کنند.

او افزود: مدیران استانی به صدای کارگرانی که برای مطالبات خود بارها و بارها تجمعات اعتراض آمیز داشته‌اند اعتنایی ندارند و اگر هم صدایی به گوش آنان رسیده نسبت به آن بی‌توجه بوده‌اند.

دبیر خانه کارگر اضافه کرد: طی این چند روز کارگران به قصد دیدار با رئیس جمهور و یا یکی از مسئولان همراه برای مطرح کردن مشکلاتشان در مقابل استانداری اهواز حضور پیدا کرده‌اند تا شاید رئیس دولت دستور نهایی حل مشکلاتشان را بدهد.

او در خاتمه با اشاره به افزایش مشکلات واحدهای تولیدی و به تبع کارگران خوزستانی، اظهار داشت: مشکلات کارگران کارخانه قند و تصویه شکر اهواز، لوله سازی خوزستان، کاغذ سازی کارون شوشتر و سایر واحدهای تولیدی همچنان ادامه دارد و کارگران امیدوارند رئیس دولت در این دوره از سفرهای استانی خود به مشکلات آنان رسیدگی کند.

پایان پیام

حامل های انرژی 38 درصد گران می شود

برپایه خبر اقتصاد ایرانی در تاریخ 3 اردیبهشت 92 آمده است: مجلس با رد درخواست 120 هزار میلیارد تومانی دولت، برای هدفمندی یارانه ها 50 هزار میلیارد تومان درآمد پیش بینی کرد. کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی روز گذشته حول هدفمندی یارانه ها به بحث پرداخت و در نهایت به دولت مجوز داد که 50 هزار میلیارد تومان درآمد از محل هدفمندی یارانه ها کسب کند. این در حالی است که دولت در لایحه بودجه درخواست درآمد 120 هزار میلیارد تومانی را ارائه کرده بود که نمایندگان مجلس با آن مخالفت کردند. نمایندگان معتقدند که قبول درخواست دولت موجب افزایش 5 برابری قیمت ها می شود چراکه درآمد دولت از هدفمندی یارانه ها در سال گذشته 28 هزار میلیارد تومان بوده است و رسیدن به رقم 120 هزار میلیارد تومان نیازمند افزایش قابل توجه قیمت ها است. بر این اساس روز گذشته نمایندگان عضو کمیسیون تلفیق مجلس سقف درآمد هدفمندی یارانه ها را 50 هزار میلیارد تومان در نظر گرفت که 6 هزار میلیارد تومان کمتر از رقم آن در بودجه سال گذشته است. نمایندگان مجلس بر این اساس بدون آنکه به موضوع میزان افزایش قیمت انواع حامل های انرژی ورود کنند، میانگین 38 درصدی را برای افزایش نرخ حامل ها در نظر گرفتند تا چگونگی رشد قیمت برای هر یک از حامل ها بر اساس این فرمول توسط دولت تعیین شود. اگر دولت بخواهد همین 38 درصد را برای هریک از حامل های انرژی پیاده کند، از ابتدای تیرماه قیمت بنزین سهمیه ای لیتری 550 تومان و بنزین آزاد لیتری یک هزار تومان خواهد شد. البته پیشنهاد دولت رقم بالاتری است و معلوم نیست که در رایزنی های بعدی قوه مجریه و مقننه و در بررسی مجدد در صحن علنی چه سرنوشتی برای یارانه ها رقم زده شود.

حمایت ۱۰۰ نماینده کارگری از شکایت علیه مزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 3 اردیبهشت 92 آمده است: درحالی که در دومین ماه از سال 92 به سر می‌بریم اعتراض‌های بی‌سابقه کارگری به رقم مزدی مصوب شورای عالی کار همچنان ادامه دارد. در تازه‌ترین این اعتراضات 100 نفر از نمایندگان کارگری در شوراها و کارخانه‌ها و صنوف شهر ری با امضای طوماری در حمایت از شکایت کارگران علیه دستمزد، خواستار توجه به «خواست‌های قانونی کارگران» و «افزایش مزد» بر مبنای «نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی» شده‌اند.

به گزارش ایلنا، در این طومار که به امضای 100 نماینده کارگری در شهر ری رسیده است افزایش 25 درصدی حداقل مزد سال 92 بر خلاف ماده 41 قانون کار عنوان شده که هیچ گونه همخوانی با تورم فعلی ندارد.

امضا کنندگان طومار مذکور همچنین خواستار «اجرای دقیق افزایش حقوق سال ۹۲» شده‌اند.

در متن این طومار که به امضای نمایندگان کارگری شوراهای اسلامی کار در کارخانه‌هایی همچون انرژی، ایرانیت، برنا الکترونیک، آهنگری نوین، سازمان مدیریت پسماند شهر ری و... رسیده است، کارگران معترض آورده‌اند: «ما نمایندگان کارگران در شوراهای اسلامی کار به حمایت از خواسته قانونی کارگران کارخانجات و صنوف شهرستان ری خواستار افزایش مزد بر مبنای تورم که از سوی بانک مرکزی بالای ۲۵ درصد اعلام شده، طبق ماده ۴۱ قانون کار هستیم و افزایش مزد ۲۵ درصد و حداقل مزد که هیچ همخوانی با تورم و ماده ۴۱ را ندارد اعتراض داریم و خواستار اجرای دقیق افزایش حقوق سال ۹۲ می‌باشیم».

ماده ۴۱ قانون کار که مورد اشاره کارگران قرار گرفته است، به معیارهای تعیین دستمزد کارگران می‌پردازد و شورای تعیین مزد (شورای عالی کار) را موظف می‌کند که هر سال دستمزد کارگران را بر اساس نرخ تورم و سبدهزینه خانوار چهار نفره تعیین کنند. کارگران معتقدند افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد با تصویب مزد ۴۸۷ تومانی برای سال جاری با این معیارهای قانونی منطبق نیست.

طومار اخیر که توسط جمعی از نمایندگان کارگری در واحدهای صنعتی شهرستان ری تهیه شده است، در حمایت از اقدام تشکل‌های رسمی و مستقل کارگری است که در ماه گذشته با شکایت از مصوبه مزد شورای عالی کار به دیوان عدالت اداری صورت گرفت. ناظران این حجم از اعتراضات به مزد را بی سابقه توصیف می‌کنند.

افزایش دستمزد کارگران آهن آلات فروش های شهر سنندج

بر پایه خبرقید شده در سایت کمیته هماهنگی ... در سوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: بر اساس گزارش رسیده کارگران آهن آلات فروشی های سطح شهر سنندج پس از اینکه با گذشت یک ماه از سال جدید دستمزدهایشان افزایش نیافته بود، طی فراخوانی از دیگر کارگران شاغل در آهن آلات فروشی ها خواسته بودند در اعتراض به ثابت ماندن دستمزدهای خود نسبت به سال ۹۱ در روز شنبه مورخ ۹۲/۱/۳۱ در مقابل اتحادیه آهن فروشان تجمع کنند. با خبردار شدن کارفرمایان از اینکه کارگران قصد دارند تجمع کنند به آنها قول داده شد که روز شنبه دستمزدهای آنها را افزایش خواهند داد. اما روز شنبه وعده کارفرمایان مقرر نگردید و بار دیگر کارگران تهدید به تجمع در روز یکشنبه مورخ ۹۲/۲/۱ کردند؛ اما قبل از اینکه کارگران دست به اقدامی عملی بزنند نرخ جدید دستمزد کارگران از سوی کارفرمایان به قرار زیر ابلاغ گردید:

- میل گرد از قرار هر کیلو از ۱۰ تومان به ۱۲ تومان افزایش

- تیر آهن ۱۴ تا ۲۰ هر شاخه از ۱۲۰۰ تومان به ۲۰۰۰ تومان افزایش

- تیر آهن ۲۴ و ۲۷ هر شاخه از ۳۰۰۰ هزار تومان به ۵۰۰۰ هزار تومان افزایش یافت.

(لازم به ذکر است که در مغازه های آهن فروشی کارگر بر اساس میزان وزن آهنی که خریدار می خرد مزد دریافت می کند)

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۸۵ در شهرستان ساوه رخ داد:

بیکاری ۸۵ نفر از کارگران قدیمی نورد لوله صفا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۳ اردیبهشت ۹۲ آمده است: تعداد ۸۵ نفر از کارگران با سابقه کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به تمدید نشدن قرار داد کاریشان از سوی کارفرما در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.

نماینده کارگران کارخانه نورد لوله صفا با اشاره به سوابق ۱۰ تا ۱۲ ساله این کارگران، به ایلنا گفت: قرارداد ۸۵ نفر از نیروهای قدیمی و با تجربه این واحد تولیدی پس از خاتمه قرارداد به دستور کارفرما تمدید نشده است و این کارگران در اعتراض به فقدان امنیت شغلی و تحمیل قرارداد موقت با وجود ماهیت استمراری کارشان دست به تجمع زدند.

این کارگر همچنین ادامه داد: کارفرمای این واحد تولیدی در سال جدید ۹۵ درصد از قراردادهای کارگران خود را یکماهه تمدید کرده است و اعلام کرده که بدلیل مشکلات اقتصادی ناچار است هر ماه تعدادی از کارگران خود را اخراج کند. او به شایعه‌ای که در بین کارگران پخش شده است اشاره کرد و گفت: گفته می‌شود کارفرما در تلاش است برای کاهش هزینه‌های کارخانه به مرور تعداد ۴۰۰ نفر از نیروهای قراردادی پر سابقه را تعدیل کند. به گفته این کارگر، در سال گذشته کارگران کارخانه نورد لوله صفا شش ماه حقوق معوقه طلب داشتند که بخشی از این معوقات اخیرا پرداخت شده است اما هم اکنون کارگران حقوق ماه‌های اسفند و فروردین خود را دریافت نکرده‌اند.

گفتنی است کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به يك کارفرما تعلق دارد و مجموعاً حدود ۲۵۰۰ کارگر در آنها مشغول به کارند.

پایان پیام

موج دوم بیکاری از راه می‌رسد- ورود کارجویان دهه 70 به بازار کار

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 3 اردیبهشت 92 آمده است: از بین رفتن تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار و تاخیر چندساله در ورود کارجویان متولد دهه 60 به بازار کار باعث انباشته شدن تقاضاهای شغل در کشور تا 3 میلیون نفر شده است، با این حال به زودی باید منتظر ورود کارجویان دهه 70 به بازار کار و ایجاد موج دوم بیکاری پس از موج بیکاری دهه شصتی‌ها باشیم.

کارشناسان اقتصادی و بازار کار و همچنین مقامات دولتی می‌گویند رشد یکباره جمعیت کشور در دهه 60 باعث انباشته شدن صدها هزار تقاضا برای کار در دهه های 80 و 90 شده به نحوی که باعث از بین رفتن تعادل عرضه و تقاضای نیروی کار در کشور شده و در حال حاضر برای هر فرصت شغلی ده ها و بلکه صدها جوان تحصیل کرده داوطلب می‌شوند.

رشد یکباره و جهشی جمعیت کشور در دهه 60 و تبدیل شدن به یک کشور جوان باعث شد تا امروز دست کم در 70 درصد خانواده ها جوانانی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه ها به سن کار برسند و بازار کار با یک هجوم ناخواسته ای از جویندگان کار مواجه کنند.

با این حال آماده نبودن فضا و یا به عبارتی ناتوانی بنگاه های فعال در بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی در جذب کارجویان بی شمار و گرایش به استفاده از تکنولوژی به جای نیروی فیزیکی کار و دلایلی از این دست باعث ورود نامتوازن کارجویان به بازار کار در یکی دو دهه اخیر شده است.

در واقع به تعدادی که کارجویان به سن کار رسیدند، بازار کار بستر لازم برای جذب آنها را فراهم نکرد و این مسئله خود به خود باعث تاخیر صدها هزار جوان برای ورود به فضای اشتغال شد. به بیان دیگر، جوانانی که باید در 5 سال اول دهه 80 وارد بازار کار می شدند، به دلیل برخورد کردن با کمبود فرصتهای شغلی در نیمه دوم دهه 80 و با تاخیر چندساله موفق به ورود در عرصه کار شدند و این مسئله باعث بالا رفتن سن کارجویان در ورود به اشتغال و انباشته شدن بیکاری در کشور شد.

تقریباً می‌توان گفت 4 دولت اخیر کشور به صورت جدی با مسئله بیکاری جوانان و کارجویان متولد دهه 60 و یکی دو سال اواخر دهه 50 مواجه شده اند و با وجود شعارهای فراوانی که در این زمینه داده شد، اما تاکنون این پدیده نامیمون در کشور باقی مانده و هنوز هم 3 میلیون جوان (طبق آمار رسمی مرکز آمار ایران) و 5 میلیون بنا به تحلیل های غیررسمی کارشناسان بازار کار؛ شانس ورود به بازار کار را پیدا نکرده اند.

با اینکه دو سال است کشور به دهه 90 وارد شده، اما هنوز تعداد زیادی از جوانان متولد دهه 60 به بازار کار وارد نشده اند و این مسئله باعث کشیده شدن تقاضای کار دهه شصتی ها به دهه 90 شده است و مقامات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می گویند موج تقاضا و ترافیک برای ورود به بازار کار دست کم تا سال 94 نیز ادامه خواهد داشت.

در صورت ادامه روند فعلی اشتغال زایی در کشور، به زودی متولدین سال های اول دهه 70 نیز خود را برای ورود به بازار کار آماده می کنند در حالی که هنوز دهه شصتی های بیشماری هستند که در جستجوی شغل خواهند بود.

از نتایج نامناسب دیگر از بین رفتن تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار کشور می توان به گسترش چشمگیر مشاغل کاذب، زیرزمینی و مواردی از این دست اشاره کرد که اساساً ماهیت شغلی برای افراد به همراه ندارند و فعالان در این بخش صرفاً برای گذراندن امور روزمره خود و تأمین معیشت حداقلی به این وادی وارد می شوند. شاید تعداد افرادی که مشاغل کاذب را به عنوان شغلی ایده آل و مناسب بدانند و با علاقه در این بخش فعالیت داشته باشند بسیار انگشت شمار باشد که خود این مسئله نشان می دهد ورود به این عرصه صرفاً به دلیل ناامیدی از ورود به مشاغل رسمی و مناسب و همچنین وجود صدها هزار تقاضای کار در کشور باشد. همچنین در این بخش نباید از ناپایداری بخشی از مشاغل موجود و کاهش امنیت شغلی در بسیاری از واحدها غافل ماند، چرا که این مسئله خود به تنهایی باعث خروج بخش قابل توجهی از کارجویان پس از یک دوره اشتغال و پیوستن آنها به صف بیکاری می شود.

بالا رفتن هزینه تأمین مواد اولیه، ورود تکنولوژی های جدید به بنگاه ها و کاهش نیاز به حضور فیزیکی افراد، افت بهره وری نیروی کار به دلیل دستمزدهای پایین، واردات بی رویه کالاهای بی کیفیت خارجی، فعالیت واحدها با ظرفیت پایین و غیرفعال بودن بخش قابل توجهی از توان تولید به دلیل مشکلات نقدینگی، رشد جهشی هزینه های انرژی پس از اجرای فاز اول هدفمندی پارانه ها و مسائلی از این دست علاوه بر دامن زدن به ناپایداری مشاغل در بسیاری از واحدهای کشور، بیکاری بخشی از شاغلان فعلی را نیز رقم زده است.

کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران

به نوشته سایت ایران خبر در اردیبهشت 92 آمده است: کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران در آستانه روز جهانی کارگر با انتشار بیانیه ای فعالیت خود را آغاز کرد. در فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران" از کلیه افرادی که نگران آینده ایران و خواهان آزادی تشکلهای مستقل کارگری و عدالت اجتماعی و آزادی کارگران مبارز در بند هستند، درخواست شده است تا به هر شکل و شیوه ممکن، از اول اردیبهشت ۱۳۹۲ تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ صدای همه کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان، به ویژه کارگران در بند باشند. در فراخوان «کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران» برای آشکار شدن وضعیت کار و زندگی کارگران در ایران، گزارش کوتاهی از وضعیت معیشت کارگران - حوادث کار - بیکاری کارگران - کارگران زندانی - زنان کارگر - کودکان کار و کارگران افغان، ضمیمه ای پیوست شده است. به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، متن کامل فراخوان «کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران» که در تاریخ اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ منتشر شده، به شرح زیر است: فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران"

روز جهانی کارگر گرامی باد! اول ماه مه ۲۰۱۲-۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

مردم آزاده جهان، هموطنان عزیز ایرانی

اجرای سیاست های ضد ملی و ضد کارگری مقامات مسوول جمهوری اسلامی ایران، زندگی و معیشت میلیون ها کارگر و خانواده های کارگری در ایران را به خطر انداخته است. سیاست های تعدیل اقتصادی، حذف پارانه ها، خصوصی سازی و رشد اقتصاد انگلی، موجب تعطیلی بسیاری از مراکز تولیدی شده و تولید صنعتی و کشاورزی را به سمت فعالیت های غیرمولد برده است. گزارش های کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی به نقل از پایگاه خبری کارگر نیوز در ۲۶ شهریور ۹۱، نشانگر آن است که ۵۰ درصد واحدهای تولیدی در ایران تعطیل و یا در شرف تعطیلی اند و اکثر واحدهای تولیدی بزرگ، با کمتر از ۳۰ درصد ظرفیت مشغول به کارند.

بی‌توجهی به بحران اشتغال، وضعیت معیشت کارگران و تعیین دستمزدی به میزان یک سوم خط فقر اعلام شده در سال جاری، بدون حق تشکل مستقل کارگری، اعتراض و اعتصاب و دفاع از حقوق کارگران، کار و زندگی کارگران، این مهم‌ترین سرمایه ملی و موثرترین نیروی اجتماعی را، با دشواری‌های بی‌سابقه‌ای روبرو کرده است.

فقدان ایمنی محیط کار و وسایل مناسب کار، موجب رشد فزاینده حوادث ناشی از کار شده است. بنا به گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه ۵ کارگر جان خود را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی، ممانعت از فعالیت‌های متشکل و مستقل کارگران در سندیکاها و تشکل‌های کارگری، سرکوب کارگران و فعالان کارگری به جرم حق طلبی و دفاع از حقوق صنفی و قانونی، موجب بازداشت و شکنجه و صدور احکام سنگین برای ده‌ها نفر از کارگران پیشرو شده است.

کارگران ایران با همه فشارها و محدودیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، همواره، نیروی عظیمی در مقابله با ظلم و استثمار بوده و هستند.

به همین دلیل به شدیدترین شکل، سرکوب می‌شوند. ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس و منتقد سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی ایران، نمونه‌ای از کارگران آگاه و مبارز ایرانی است که متأسفانه یک هفته پس از بازداشت در سال گذشته، بر اثر شکنجه به قتل رسید.

با تاکید بر ضرورت اجرای تعهدات ملی و بین‌المللی از جمله تعهدات پذیرفته شده جمهوری اسلامی ایران، در مقاله نامه‌های شماره ۹۸ و ۸۹ سازمان بین‌المللی کار ILO در مورد آزادی تشکل‌های کارگران و معلمان، «کمپین بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران ایران» برای همدلی و همراهی با کارگران ایران از کلیه افرادی که نگران آینده ایران و خواهان آزادی تشکل‌های مستقل کارگری و عدالت اجتماعی و آزادی کارگران مبارز در بند هستند، درخواست می‌نماید، به هر شکل و شیوه ممکن، از اول اردیبهشت ۱۳۹۲ (۲۱ آوریل ۲۰۱۳ تا اول ماه می ۲۰۱۳) ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ (در یک همبستگی جهانی، صدای همه کارگران ایران اعم از کارگران شاغل، کارگران بیکار، زنان کارگر، کودکان کار، کارگران افغان، به ویژه کارگران در بند باشیم. کمپین بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران ایران ۹۲/۲/۱

جهت آشکار شدن وضعیت دشوار کار و زندگی کارگران در ایران، گزارش کوتاهی از وضعیت معیشت کارگران - حوادث کار - بیکاری کارگران - کارگران زندانی - زنان کارگر - کودکان کار و کارگران افغان، پیوست است.

-وضعیت معیشت کارگران در ایران-

کارگران در ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

اول دی ماه سال ۱۳۹۱ یکی از اعضای شورای عالی کار، سازمانی وابسته به دولت، در گفتگو با خبرگزاری دولتی پانا، خط فقر در ایران را یک میلیون و پانصد هزار تومان برای خانوار ۴ نفری اعلام کرده است. با توجه به نرخ تورم که توسط بانک مرکزی و مرکز آمار ایران اعلام شده، نرخ تورم کالاهای مصرفی و خدماتی در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۱ به بیش از ۳۱ درصد رسیده و این نرخ تورم در مورد کالاهای مصرفی بیش از ۴۰ درصد اعلام شده است. با توجه به این نرخ تورم، خط فقر در آغاز سال ۱۳۹۲، حدود یک میلیون و هفتصد هزار تومان در ماه برآورد می‌شود. با مقایسه این رقم با حداقل دستمزد تعیین شده در سال ۱۳۹۲ از سوی شورای عالی کار، یعنی رقم چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در ماه، می‌توان تا حدودی به عمق فاجعه پی برد. در موارد بسیاری حتی این رقم ناچیز نیز به موقع پرداخت نمی‌شود و گاه، ماه‌ها به تعویق می‌افتد. برای نمونه می‌توان به ۲۳۰۰ کارگر کارخانه‌های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه اشاره کرد که در آستانه سال نو ۱۳۹۲، نه تنها عیدی و پاداش خود را دریافت نکرده‌اند، بلکه حقوق سه ماه پایان سال آنان نیز به تعویق افتاده است و یا کارگران راه

سازی کهگیلویه و بویر احمد که تا اسفند سال ۱۳۹۱، به مدت هفت ماه از حقوق و مزایای خود محروم بوده‌اند. زندگی در چنین شرایطی به مثابه مرگ تدریجی برای کارگران و خانواده‌های کارگری است. این در شرایطی است که روند تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران از سوی شورای عالی کار، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، حتی مطابق با ماده ۴۱ قانون کار نیست. ضمن آنکه در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر که ایران نیز آن را امضا کرده، آمده است: «هرکس حق دارد از سطح معیشتی کافی برای سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری بهره‌مند گردد و حق دارد به هنگام بیکاری، بیماری، از کارافتادگی، بیوه‌گی و سالخورده‌گی یا فقدان وسیلهٔ امرار معاش و گذران زندگی که خارج از اختیار وی است تامین گردد».

-حوادث حین کار

مرگ تدریجی تنها خطری نیست که کارگران را تهدید می‌کند. مرگ ناگهانی در اثر سوانح کار، یکی از موارد مهمی است که هر ساله جان هزاران کارگر را می‌گیرد و چون اغلب کارگران در کارگاه‌های کوچک‌دون هیچ گونه نظارتی اشتغال دارند، خانواده‌های کارگرانی که در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می‌دهند، فاقد بیمه‌های حمایتی هستند. براساس گزارشات سازمان پزشکی قانونی، روزانه ۵ کارگر در اثر حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می‌دهند و این نرخ هر ساله رو به افزایش است چنان که در سال ۱۳۸۹ تعداد تلفات ناشی از حوادث کار، ۱۲۹۰ نفر گزارش شده، در حالی که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ۱۵۰۷ نفر بالغ گردیده است. بر اساس آمارها و گزارش‌های رسمی، حوادث ناشی از کار، دومین علت مرگ و میر در ایران است.

سقوط از بالای ساختمان‌های مرتفع در هنگام کار، انفجار معادن، آتش سوزی در محل کار، ریزش ساختمان در محل کار، و سقوط در چاه‌های عمیق عمده‌ترین دلایل حوادث کار هستند که در تمام موارد به دلیل فقدان ایمنی محیط کار و نبود وسایل مناسب کار رخ داده است. در عین حال، در گزارش‌های خبرگزاری ایلنا و نیز تشکل‌های کارگری از «اهمال» بازرسان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی سخن گفته شده است. در مورد حوادث حین کار، نمونه‌های بیشماری از این دست وجود دارد از جمله آتش سوزی در آذرماه سال ۱۳۹۰ در کارخانه فولاد غدیر یزد که طی آن ۱۸ کارگر جان خود را از دست دادند و عده‌ای نیز تا نیمی از بدنشان در آتش سوخت. در اسفند ماه سال گذشته، انفجار معدن یال شمالی ذغال سنگ در طبس جان ۸ کارگر را گرفت. در شماری از این حوادث، پیگیری‌های قضایی تا کنون، به نتیجه نرسیده است.

-اخراج کارگران و بحران اشتغال

اغلب کارگران در ایران، بر اساس قراردادهای موقت، پیمانی، روزمزدی، ساعتی و سفیدامضا به کار گرفته می‌شوند. این کارگران فاقد بیمه‌های بیکاری و دوران بیماری یا آسیب دیدگی هستند. این قراردادها، اخراج و بی‌کارسازی انفرادی یا گروهی آنان را، برای کارفرمایان بسیار آسان کرده است. با توجه به تحریم‌های فزاینده اقتصادی علیه ایران و سیاست‌های ضد ملی حکومت جمهوری اسلامی ایران و افزایش سرسام آور نرخ ارز در ایران زندگی مردم به ویژه کارگران بسیار دشوارتر شده است.

بسیاری از کارفرمایان به سبب پیوندهایی که با دستگاه حکومتی دارند، همواره از نرخ دولتی ارز برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات بهره‌مند هستند و در بسیاری از موارد، فروش ارزهای رانتی یا سرمایه گذاری در امور تجاری، از تولید کالا، سودآورتر شده است در نتیجه، کارفرمایان، بدون هیچ نظارتی کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی را تعطیل و کارگران را اخراج می‌کنند. بنا بر اظهارات رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، از اول ماه مه ۱۳۹۰ تا تاریخ مشابه در سال ۱۳۹۱، بیش از یکصد هزار نفر کارگر از کار اخراج شده‌اند.

-کارگران زندانی

با وجود به رسمیت شناخته شدن حق کارگران برای ایجاد انجمن‌های صنفی و سراسری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، دولت، با تشکل‌های مستقلی که توسط خود کارگران و برای پیگیری خواسته‌های به حقشان تشکیل شده، به شدت به مقابله برخاسته است و کارگران پیشرویی را که در ایجاد سندیکاها و تشکل‌های

کارگری تلاش نموده‌اند، تحت تعقیب و آزار قرار می‌دهد. نمونه‌های آن را می‌توان در سرکوب خشن «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، «سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اهواز»، «سندیکای کارگران نقاش»، «اتحادیه کارگران آزاد» و «کمیته پیگیری برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری»، مشاهده کرد. بسیاری از اعضای این تشکلهای به زندانهای طویل‌المدت محکوم شده‌اند و هم‌اکنون برخی از آنان در زندان به سر می‌برند. شاهرخ زمانی محکوم به ۱۱ سال، رضا شهبابی ۶ سال، محمد جراحی ۵ سال، بهنام ابراهیمزاده ۵ سال و پدram نصرالهی به ۱۸ ماه حبس محکوم شده‌اند. (بهنام ابراهیمزاده تا زمان تهیه گزارش در مرخصی به سر می‌برد) علاوه بر اینان شمار زیادی از فعالان کارگری و مدافعان حقوق معلمان در زندانهای جمهوری اسلامی در بندند و بسیاری دیگر نیز با وثیقه‌های سنگین به طور موقت تا تشکیل دادگاه، آزاد شده‌اند.

تعدادی از کارگران زندانی از جمله محمد جراحی و شاهرخ زمانی به شدت بیمار هستند و به مراقبت‌های پزشکی احتیاج دارند.

اسامی کارگران و معلمان در بند: شاهرخ زمانی - محمد جراحی - بهروز علامه‌زاده - بهروز نیکوفرد - علیرضا سعیدی - غالب حسینی - علی آزادی - پدram نصرالهی - رسول بداعی (عضو کانون صنفی معلمان -) عبدالرضا قنبری (عضو کانون صنفی معلمان -) مهدی فرحی شانديز - شريف ساعد پناه - مظفر صالح نيا وضعیت زنان کارگر

زنان کارگر، در جامعه مردسالار ایران از تبعیض‌های چندگانه تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی رنج می‌برند و اولین قربانیان وضعیت بحرانی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی در ایران هستند. زنان کارگر، علاوه بر اینکه مشاغل کم درآمد و پر زحمت با ساعات کار طولانی و غیرقانونی در اختیار دارند و در شرایط کار مساوی با مردان دستمزد کمتری دریافت می‌کنند، در صف اول اخراج‌ها نیز قرار دارند. افزایش نرخ بیکاری زنان، به نقل از سایت مرکز آمار ایران، از ۳۳ درصد در سال ۸۴ به ۴۳ درصد در سال ۹۰ نشانگر این واقعیت است.

زنان کارگر در آمارهای رسمی پنج درصد کل کارگران را تشکیل می‌دهند و چون اغلب در بخش غیر رسمی شاغل هستند، در آمارها جایی ندارند و نادیده گرفته می‌شوند. هر چند آنان در بخش رسمی نیز از حقوق اولیه قانونی خود نیز بهره‌مند نمی‌شوند و طبق قانون کار امتیازاتی که ظاهراً برای کمک به زنان کارگر، در نظر گرفته شده، موجب شده است تا کارفرماها به استخدام زنان کارگر، رغبتی نشان ندهند و برای فرار از قانون مرخصی زایمان، حق شیردادن، ایجاد شیرخوارگاه و مهدکودک، از استخدام زنان کارگر سرباز زنند و یا هنگام عقد قرارداد کار از کارگر زن تعهد گیرند که طی زمان قرارداد حق حامله شدن ندارند.

بر اساس ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگاه‌های کوچک کمتر از ۱۰ نفر، از مقررات قانون کار مستثنی هستند. بنا بر گزارش‌های موجود، کارگران شاغل در این بخش که اکثریت کارگران زن را تشکیل می‌دهند، بدون هیچ گونه حق بیمه درمانی، بیمه بازنشستگی، مرخصی سالانه، مرخصی زایمان، با کار طاقت فرسا و ساعات کار طولانی و دستمزد اندک و بدون هیچ نظارتی در رعایت ایمنی کار و بهداشت محیط، مشغول به کارند.

بخش بزرگی از زنان کارگر نیز به مشاغل خانگی روی آورده‌اند که اغلب با کودکان و همراه با خانواده خود با ساعات کار بسیار طولانی به تولید خانگی می‌پردازند و دولت نیز هیچگونه نظارتی بر این بخش تولیدی ندارد. علاوه بر این، با تصویب «طرح دور کاری» دولت، مشوق کارفرماها برای این نوع بهره‌کشی و افزایش فشارهای جسمی، روحی، روانی و انواع خشونت علیه زنان نیز می‌باشد.

متأسفانه به این کارگران باید کارگران تن فروش را هم اضافه نمود که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شود، این بخش از کارگران زن ضمن اینکه هیچ گونه حق و حقوقی ندارند، در معرض خطر دستگیری و زندان و اعدام نیز هستند.

-کودکان کار

کار کودکان زیر ۱۵ سال، بر اساس ماده ۷۹ قانون کار، ممنوع است. آمار دقیقی از کودکان کار در دست نیست

ولی طبق آمارهای غیر رسمی بنا به گزارش سایت دولتی مشرق و مرکز پژوهش‌های مجلس در ۱۷ مهر ۱۳۹۱، از ۳ میلیون و ۲۶۵ هزار کودک بازمانده از تحصیل، به نظر می‌رسد، حدود ۳ میلیون نفر، کودکان کار هستند.

کودکان کار، اغلب در کارگاه‌های کوچک مشغول به کارند. و یا به مشاغل خانگی و یا دستفروشی در خیابان‌ها، روی آورده‌اند. با توجه به نرخ ۴۰ درصدی تورم و فقر خانوارهای محروم جامعه ایران، تعداد این کودکان رو به افزایش است.

در شرایط کنونی، به ویژه با افزایش میزان اخراج کارگران از واحدهای صنعتی و شرکت‌ها، زنان و کودکان در فقر و بی‌پناهی و بی‌قانونی رها شده‌اند و افزایش آمار تن فروشی زنان و خردسالان، کاهش سن معتادان و افزایش بی‌سوادی و کم‌سوادی از پیامدهای آشکار آن است.

- کارگران افغان

وضعیت کارگران افغان و به طور کلی، کارگران مهاجر در ایران به شدت اسفناک است. از حدود دو میلیون کارگر افغان ساکن در ایران، بیش از ۱۴۰۰۰۰۰ نفر آنان، یعنی بیش از دو سوم، فاقد مدارک قانونی کار هستند و با اینکه سال هاست در ایران مشغول به کارند، دولت به وضعیت اقامت آنان توجه نمی‌کند. این شرایط، باعث شده است، این کارگران حتی از آن بخش ناچیز حقوقی که دیگر کارگران برخوردارند، محروم باشند. دستمزد این کارگران در مقایسه با کارگران رسمی بسیار پایین‌تر و شرایط کاریشان دشوارتر است و از هیچ گونه بیمه درمانی، بازنشستگی و یا حوادث نیز برخوردار نیستند. فرزندان آنان از مدرسه و آموزش محروم هستند و برایشان برگه‌های هویت صادر نمی‌شود و در شرایط بسیار سختی روزگار می‌گذرانند.

کاهش ۵/۶ درصدی قدرت اقتصادی کارگران بازنشسته

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۳ اردیبهشت ۹۲ آمده است: کمیته بیمه و درمان خانه کارگر نسبت به «افزایش غیر قانونی مستمری کارگران بازنشسته»، «جایگزین کردن بیمه‌های مکمل با قانون الزام» و «احتمال توقف آخرین مرحله از همسان سازی مستمری کارگران بازنشسته» واکنش نشان داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، صبح امروز سومین جلسه کمیته بیمه و درمان خانه کارگر در سال ۹۲ با موضوع بررسی نحوه افزایش مستمری کارگران بازنشسته، اجرای آخرین مرحله از همسان سازی مستمری کارگران بازنشسته و کیفیت خدمات درمانی بیمه مکمل «شرکت بیمه دی» تشکیل شد.

نقض ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی

در نشست امروز، اعضای کمیته بیمه و دستمزد خانه کارگر با بیان اینکه طبق ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی باید در سال ۹۲ مستمری کارگران بازنشسته و ازکارافتاده به اندازه تورم مورد تایید مراجع رسمی افزایش یابد، یادآور شدند: بانک مرکزی به عنوان یک مرجع رسمی و قانونی نرخ تورم سال گذشته را ۵/۳۱ درصد اعلام کرده است.

بر این اساس اعضای کمیته بیمه و دستمزد خانه کارگر معتقدند که افزایش ۲۵ درصدی مستمری‌های بازنشستگان و از کارافتادگان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی مبنای قانونی نداشته و مدیرعامل و هیات امنای سازمان به دلیل کاهش ۵/۶ درصدی قدرت اقتصادی مستمری‌بگیران مرتکب تخلف شده‌اند.

بیمه مکمل غیر قانونی است

در ادامه جلسه امروز کمیته بیمه و درمان خانه کارگر مسئله تمدید قرارداد بیمه تکمیلی کانون بازنشستگان تامین اجتماعی با شرکت بیمه دی مورد بحث و انتقاد قرار گرفت. به باور اعضای این کمیته از آنجا که به موجب قانون الزام، مراکز ملکی سازمان تامین اجتماعی موظفند که به بیمه شدگان خدمات درمانی مستقیم و رایگان ارائه کنند، استفاده از بیمه‌های مکمل اقدامی بی‌مورد است که تنها باعث مسکوت ماندن قانون الزام شده است. اعضای این کمیته همچنین با غیر منطقی خواندن خدمات بیمه مکمل دی افزودند: بر اساس تفاهم امضا شده شرکت بیمه دی تنها پرداخت بخشی از هزینه‌های درمانی را متعهد شده‌است و پرداخت باقی مانده هزینه درمان برعهده بیمه شده است. منتقدان این قرارداد با بیان اینکه بطور متوسط فرایند درمان زمانبر است افزودند: در بسیاری از مواقع بیمه شده با هدف استفاده از خدمات بیمه مکمل به یک مرکز درمانی خصوصی مراجعه کرده و تا چند هفته در آنجا بستری می‌شود بی‌آنکه بداند شرکت بیمه تنها بخش کوچکی از هزینه درمان و بستری شدن او را پرداخت می‌کند.

در سال گذشته صورت گرفت: بازنشستگی بیش از ۲ هزار کارگر مشاغل سخت و زیان آور در لرستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 3 اردیبهشت 92 آمده است: مدیرکل تعاون کار و رفاه اجتماعی لرستان از بازنشسته شدن سه هزار و ۳۵۳ کارگر مشاغل سخت و زیان آور طی سال گذشته در این استان خبر داد.

به گزارش ایلنا، «حامد ویسکرمی» با اعلام این خبر در جمع خبرنگاران گفت: سه هزار و ۹۹۷ درخواست بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور توسط کمیته تعیین و تطبیق مشاغل سخت و زیان آور رسیدگی شده است. وی اظهار داشت: تعداد بازنشستگان مشاغل سخت و زیان آور لرستان در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰، ۸۷ درصد افزایش موارد داشته است که این امر نشان از دقت و سرعت کمیته در بررسی پرونده‌های متقاضیان است.

وی تصریح کرد: در مورد بررسی و تشخیص مشاغل سخت و زیان آور و استانداردسازی محیط کار طبق ماده ۷۶، تمامی کارگرانی که دارای ۲۰ سال سابقه متوالی یا ۲۵ سال سابقه متناوب در مشاغل سخت و زیان آور باشند می‌توانند تقاضای بازنشستگی خود را به اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی لرستان ارائه دهند.

پایان پیام

طرح همسان سازی باید کامل اجرا شود

موضوع احتمال توقف اجرای مرحله آخر از اجرای طرح همسان سازی مستمری بیمه شدگان تامین اجتماعی از دیگر مسائلی بود که در جلسه امروز کمیته بیمه و درمان خانه کارگر به آن اشاره شد. به باور اعضای این کمیته طبق قانون بودجه سال ۸۸ دولت موظف بوده است تا طی چهار سال، هر سال بابت همسان سازی مستمری بازنشستگان منابع مالی جدیدی را در اختیار سازمان تامین اجتماعی قرار دهد. این کمیته با انتقاد از اظهارات اخیر مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی مبنی بر اینکه در صورت عدم تخصیص بودجه ممکن است اجرای آخرین مرحله از همسان سازی متوقف شود، افزودند: طبق قانون مسئولان سازمان تامین اجتماعی موظف بودند تا در زمان تهیه پیش نویس لایحه بودجه مطالبات سازمان را پیگیر شوند و به همین دلیل این مسئله جز تعهدات دولت بوده و نمی‌توان به بهانه لحاظ نشدن منابع در بودجه اجرای همسان سازی را متوقف کرد.

حایگزین کردن ارز مبادلاتی با ارز مرجع غیر قانونی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 3 اردیبهشت 92 آمده است : اقدام چند روز پیش کمیسیون تلفیق در خصوص جایگزین کردن ارز مبادلاتی با ارز مرجع آخرین موضوع جلسه امروز کمیته بیمه و درمان خانه کارگر بود.

اعضای این کمیته با نكوهش این اقدام مجلس شورای اسلامی یادآور شدند که با این اقدام هزینه دارو و درمان تا دوبرابر قیمت افزایش خواهد یافت و به همین دلیل از این پس هم متقاضیان خدمات درمانی و هم شرکت‌های بیمه با مشکلات جدی مواجه خواهند شد.

پایان پیام

يك خبر تلخ ديگر از پارس جنوبي

برپایه خبر دریافتی به روزشمار کارگری در 3 اردیبهشت 92 آمده است : بنا به اطلاعات رسیده، در تاریخ 92/1/30 رئیس کنترل کیفیت و 300 نفر از کارگران پارس جنوبی در پروژه ی پتروشیمی مروارید از مسمومیت غذایی بیمار شدند. مهندس "کارآمد" مالک و مدیر "شرکت محورسازان" که پیمانکار این پروژه و تحصیل کرده ی آلمان است، سعی دارد تا با کم ترین هزینه برای غذای پرسنل و کم کردن امکانات حداقلی کارگاه، بیشترین سود را نصیب شرکت پیمانکاری خود کند. این سودمحوری موجب استفاده از موادغذایی فاسد (تخم مرغ تاریخ مصرف گذشته) برای شام کارگران شده که علاوه بر مسمومیت منجر به مرگ جوان 30 ساله ی مسوول QC (کنترل کیفیت) شرکت، 300 نفر از کارگران را نیز دچار بیماری کرد. پس از این ماجرا سه روز است که کارگران از حاضر شدن در محل کار امتناع می کنند. مدیر شرکت پیمانکاری در پی آن است که مرگ این پرسنل را خودکشی بنمایاند و این مساله کارگران را عصبانی تر کرده است. حذف امکانات کارگری در کارگاه دم دستی ترین ابزار برای کارفرمایان سود اندیش شده و تا کنون بیشترین آسیب را برای زحمتکشان به بار آورده است. عدم نظارت تشکل های کارگری بر وضعیت کار به تداوم این فجایع منجر خواهد شد.

ایلنا گزارش می‌دهد؛ وقوع روزانه ۵ حادثه کار در صنعتی‌ترین استان کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 3 اردیبهشت 92 آمده است : در استان اصفهان با بیش از ۸ هزار واحد صنعتی ریز و درشت که داعیه صنعتی‌ترین استان کشور را دارد هر روز به صورت میانگین ۵ حادثه کار رخ می‌دهد که منجر به از دست رفتن سلامت و در مواردی جان کارگرانی می‌شود که در برابر دغدغه معیشت، سلامت کمترین نگرانی آنهاست.

سقوط از ارتفاع، برخورد جسم با فرد، فرو ریختن شی، زمین خوردگی، برق گرفتگی و سوختگی مهم‌ترین حوادثی هستند که هر روز مواردی از آنها در کارگاه‌های بزرگ و کوچک استان اصفهان کارگران را به کام خود می‌کشد.

بر اساس آمارهای رسمی که اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان منتشر کرده، در قطب صنعتی کشور بیش از ۸ هزار واحد صنعتی فعالیت می‌کنند که با وجود ۶۰ بازرس ایمنی کار، امکان سرکشی به این کارگاه‌ها و بازرسی تجهیزات فنی آنها وجود ندارد، اما بر اساس قانون باید در تمام کارخانه‌هایی که بیش از ۵۲ نفر در آنها شاغل هستند، کمیته حفاظت ایمنی تشکیل شود تا آگاهی کارگران را درباره رعایت نکات ایمنی بالا ببرد و دیگر نیاز به حضور بازرسان نباشد.

با این وجود هر روز در گوشه و کنار استان، اخبار تلخی درباره وقوع حوادث کار منتشر می‌شود که حکایت از بی‌توجهی به شعار «اول ایمنی بعد کار» در محیط‌های کسب و کار است.

یکی از جنجال بر انگیزترین و ناگوارترین این حوادث، هفته گذشته در ورزشگاه نقش جهان اصفهان رخ داد که باعث شد دو کارگر جان خود را از دست بدهند.

جداسازی غیر اصولی و نایمنی جرثقیل ۲۰ تنی

رئیس اداره بازرسی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی اصفهان، اظهار نظر درباره علت دقیق و فنی این حادثه را نیازمند زمان بیشتری دانست و افزود: اطلاعات اولیه که از این حادثه به دست آمده حکایت از آن دارد که سازندگان این مجموعه ورزشی با یک شرکت سازنده جرثقیل‌های سنگین و عظیم ۲۰ تنی قرارداد بسته بودند و با اتمام عملیات اجرای بخشی از ورزشگاه، قرار بود این جرثقیل دمونتاز و به جای دیگری منتقل شود. امیر مسعود حاجی رستم با اشاره به استفاده از چند جرثقیل موبایل با تناژ ۳۵، ۴۰، ۱۰۰ و ۱۸۰ برای جداسازی سازه بزرگتر، گفت: این جرثقیل‌ها با تعدادی بلوک سیمانی ثابت شده بودند تا تعادل خود را حفظ کنند اما زمان دمونتاز کردن متاسفانه در حال انجام فرایند جابه جایی، چهار بلوک سیمانی فروریخته و تعادل یکی از جرثقیل‌ها به هم می‌خورد و دوکارگر که در ارتفاع ۴۰ متری بالای جرثقیل‌ها بوده‌اند، به زمین سقوط می‌کنند.

وی دلیل اصلی وقوع این حادثه را انجام روال دمونتاز به شکل غیر ایمن و غیر اصولی بیان کرد و ادامه داد: این کار باید در زمان طولانی‌تر و با دقت بیشتری انجام می‌شده که متاسفانه رعایت نکردن این نکات منجر به مرگ دو کارگر پیمانکار دمونتاز جرثقیل عظیم شده است.

هزار و ۸۸۱ کارگر سال ۹۱ حادثه دیده‌اند

رئیس اداره بازرسی کاراز شکایت خانواده این متوفیان به مراجع قضایی خبر داد و گفت: بعد از تکمیل گزارش‌های نهایی، پرونده به مراجع انتظامی و قضایی فرستاده می‌شود که این کار حداقل یک ماه زمان نیاز دارد. وی با اشاره به وقوع هزار و ۶۴۴ حادثه کار در سال ۹۱ تصریح کرد: در این حوادث هزار و ۸۸۱ نفر دچار آسیب شدند که این آمار در مقایسه با سال ۹۰ که هزار و ۷۰۹ حادثه رخ داده و هزار و ۹۹۰ نفر حادثه دیده‌اند، کاهش نشان می‌دهد.

حاجی رستم از فوت ۷۷ کارگر بر اثر حوادث ناشی از کار در سال گذشته خبر داد و گفت: ۱۹۷ نفر نیز دچار قطع عضو، ۱۱۲ نفر نقص عضو، ۷۲۳ مورد شکستگی و ۸۲ نفر سوختگی شده‌اند که فقط آمار حوادث سوختگی در مقایسه با سال ۹۰ رشد ۵ نفری را نشان می‌دهد.

رشد روزافزون حوادث کار

رئیس اداره بازرسی استان با اشاره به رشد روزافزون حوادث کار متناسب با جمعیت شاغلان و بالارفتن نرخ دیه گفت: افزایش نرخ دیه باعث می‌شود کارگران حتی حوادث کوچک را نیز به اداره کار گزارش دهند و از کارفرمایان شکایت کنند اما در گذشته بسیاری از این دست حوادث به صورت کدخدامنشی و با توافق بین کارگر و کارفرما حل می‌شد.

وی از اظهار نظر درباره وضعیت ایمنی کارگاه‌های تولیدی استان خودداری کرد و اظهار داشت: نمی‌توان آمار دقیقی در این زمینه اعلام کرد چون شرایط این واحدها هر روز متغیر است.

کارفرمایان بی‌تخصص رد صلاحیت شوند

حاجی رستم با تاکید بر لزوم استفاده از کارگران متخصص و باتجربه در کارهای سخت و پیچیده، گفت: کارفرمایان نیز در چنین مواردی باید از تخصص و تجربه کافی برخوردار باشند به همین دلیل موضوع تایید صلاحیت کارفرمایان در اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان، روال جدیدی است که در دستور کار قرار گرفته و امیدواریم تاثیر قابل توجهی در ایمنی محیط‌های کسب و کار داشته باشد. وی از ممنوعیت واگذاری کار به کارفرمایان رد صلاحیت شده خبر داد و افزود: تکمیل این سامانه اطلاعاتی باید به مرور زمان اتفاق بیفتد و احتمالاً یکی دو سال طول می‌کشد.

در هر حال نیروی کار، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سرمایه یک کشور به شمار می‌رود و از آنجا که بر اساس آمار رئیس اداره اورژانس پیش بیمارستانی شهرستان اصفهان، بیشترین مصدومان حوادث کار در سال گذشته از گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال و بیشترین علت درخواست کمک بعد از بیماری‌ها، سقوط از ارتفاع و برخورد جسم با فرد بوده، رسیدگی به این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جان باختن زن کارگر در پی سقوط از طبقه چهارم ساختمان

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ، در 3 اردیبهشت 92 آمده است : صبح امروز در محدوده "اشرفی اصفهانی"، یک زن نطافت چپ از بلندی یک ساختمان سقوط کرده و جان خود را از دست داد. سرهنگ فرهاد نائبی، رییس کلانتری 140 باغ فیض، ضمن اشاره به خبر مذکور، گفت: "در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی 110 مینی بر اینکه یک کارگزن ، هنگام تمیز کردن شیشه های یک منزل، از طبقه چهارم یک ساختمان به پایین سقوط کرده است، تیمی از ماموران گشت انتظامی برای بررسی موضوع وارد عمل شدند.

وی بیان داشت: "در بررسی های انجام شده مشخص شد که متوفی "اعظم" نام دارد و هنگام تمیز کردن شیشه های یک ساختمان در این محدوده دچار سانحه شده و پس از اینکه پایش از روی چهارپایه که روی آن ایستاده بود، دچار لغزش شده و به پایین سقوط کرده و جان باخته است. سرهنگ نائبی افزود: "ماموران انتظامی این کلانتری موضوع را به اورژانس اطلاع داده و با حضور پزشک امداد مشخص شد که این کارگزن، ثانیه هایی پس از سقوط دچار ضربه مغزی شده و در دم جان سپرده است.

اعتصاب کارگران لوله صفا

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ آمده است : تعداد ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که بدنبال اخراج بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران و عدم پرداخت بخشی از دستمزد معوقه خود از صبح روز اول اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زده بودند بعد از ظهر دیروز و پس از اینکه دستمزد معوقه بهمن ماه سال گذشته خود را دریافت کردند و کارفرما وعده پرداخت دستمزد اسفند ماه سال گذشته را در طی روزهای آینده داد از صبح امروز سوم اردیبهشت بر سر کارهای خود بازگشتند.

در رابطه با اخراج ۱۱۷ نفر از این کارگران نیز یکی از آنان به سایت اتحاد اظهار داشت: ما از کار در این کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهایمان خسته شده ایم. وضعیت در این کارخانه غیر قابل تحمل است، من خودم تاکنون ۵ بار اخراج شده و هر دفعه بر سر کار بازگشته ام اما دیگر نمیتوانیم ادامه دهیم.

در کارخانه نورد لوله صفا همه کارگران با قراردادهای موقت مشغول بکار هستند و کارفرما هر بار که خواسته، توانسته است با پایان مدت قرارداد کارگران براحتهی و بدون اینکه این کارگران به لحاظ قانونی دست شان به جایی بند باشد اقدام به اخراج آنان کند. اغلب این کارگران که بطور مرتب و در طی سالهای گذشته از کار خود اخراج شده اند تا ۲۰ سال سابقه کار داشته اند.

سه ماه پس از تجمع هفت روزه کارگران در تهران؛ کارگران نی بر اجازه دیدار با احمدی نژاد را نیافتند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 3 اردیبهشت 92 آمده است : همزمان با دور سوم سفرهای استانی رئیس جمهور به استان خوزستان نمایندگان کارگران دو واحد تولیدی کشت و صنعت «کارون شوشتر» و «هفت تپه» خواستار محقق شدن وعده های سه ماه پیش مسئولان نهاد ریاست جمهوری برای رفع مشکلاتشان شدند.

نماینده کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر در این باره به ایلنا گفت: همزمان با دور سوم سفر استانی هیئت دولت به استان خوزستان کارگرانی نی بر (کارگرانی که به کار تخصصی بریدن نی شکر اشتغال دارند) برای پی گیری وعده هایی که مسئولان نهاد ریاست جمهوری در سفرهای گذشته و همچنین تجمع هفت روزه شان در مقابل ساختمان این نهاد در تهران داده بودند، سعی کردند به نحوی با رئیس جمهور دیدار داشته باشند که این اجازه داده نشد. این فعال کارگری با اشاره به ارسال نامه کارگران به رئیس دولت، گفت : پس از گذشت سه ماه از خاتمه تجمع هفت روزه کارگران نی بر در تهران بدلیل وعده هایی که مسئولان

نهاد ریاست جمهوری در خصوص دریافت مطالبات صنفی به کارگران داده بودند، نمایندگان کارگران فصلی نی بر دو واحد تولیدی کشت و صنعت کارون شوشتر وهفت تپه همچنان پی گیر مطالبات محقق نشده خود هستند.

گفتنی است، کارگران نی بر علاوه بر درخواست اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه ای خود شده بودند.

نماینده کارگران در خاتمه این گفتگو، با بیان اینکه برای رفع مشکلات بیوند بیمه ای کارگران منتظر نظر نهایی هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی هستیم، اظهار داشت: این در حالیست که بودجه اختصاص یافته از ۲۵ میلیارد به ۷۰ میلیارد تومان افزایش یافته است و دو شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه، آمادگی خود را در پرداخت این مبلغ اعلام کرده اند.

پایان پیام

تجمع کارگزاران مخابرات روستایی جلوی مجلس در اعتراض به عدم پرداخت ۱۴ ماه حقوق و مزایا

به گزارش خبرگزاری مجلس در تاریخ 4 اردیبهشت 92 آمده است : امروز چهارشنبه تعدادی از کارگزاران مخابرات روستایی کل استان کشور به دلیل پرداخت نشدن ۱۴ ماه حقوق و مزایای خود، جلوی مجلس تجمع کردند. براساس این گزارش، تعدادی از کارگزاران مخابرات روستایی کل استان کشور به علت پرداخت نشدن ۱۴ ماه حقوق و مزایای خود و به اجرا در نیامدن مصوبه سال ۸۸ مجلس مبنی بر طرح بیمه کارگزاران مرکز مخابرات روستایی، امروز چهارشنبه (۴ اردیبهشت ماه) جلوی مجلس تجمع کردند. یکی از این کارگزاران در مورد دلیل تجمع روبروی مجلس، گفت: در سال ۸۸ طرح مذکور در مجلس شورای اسلامی، به تصویب رسید اما متأسفانه شرکت مخابرات ایران هنوز اقدام به اجرای این مصوبه نکرده است. وی، ادامه داد: با توجه به تأکیدی که از سوی قوه مقننه برای اجرای این مصوبه انجام شده اما ۳ سال است که اجرای طرح بیمه کارگزاران مرکز مخابرات روستایی، با چالش های متعددی همراه بوده است. این کارگزار با بیان اینکه استمرار بیمه و ساماندهی قراردادهای کارگری از جمله خواسته های تجمع کنندگان است، افزود: بسیاری از این افراد ۱۴ ماه است که از حق بیمه و پرداخت حقوق و مزایا بی بهره اند و این برای بار ششم است که جلوی درب مجلس جمع شده ایم اما متأسفانه به نتیجه مطلوب دست پیدا نکردیم.

ازرس اتحادیه کارگران قراردادی بندر امام طرح کرد: درخواست پرداخت طلب ۵۰ هزار تومانی کارگران پتروشیمی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 4 اردیبهشت 92 آمده است: بازرس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام بر لزوم بازگرداندن طلب ۵۰ هزار تومانی بیش از ۲۵۰ کارگر پتروشیمی منطقه ویژه بندر امام از تأکید کرد.

جهاد لطیفی در این باره به ایلنا گفت: مسئولان منطقه ویژه بندر امام، پولی را که کارگران به حساب تعاونی ریختند و بعدها به دلایلی این تعاونی ها کنسل شد باز نمی گردانند. وی ادامه داد: از خردادماه سال ۹۱ تعاونی تشکیل دادیم. بیش از ۲۵۰ کارگر جمع شدیم و نفری ۵۰ هزار تومان به حساب تعاونی ریختیم. وی با اشاره به بخش نامه صادر شده در آبان ماه مبنی بر برچیده شدن تمامی تعاونی ها در سطح منطقه ویژه بندر امام افزود: یک سال است نامه نگاری می کنیم که اگر نمی خواهید تعاونی ها باشند پول کارگران را بازگردانید اما توجهی به این خواست منطقی نمی کنند.

پایان پیام

تجمع اعتراضی صد ها کارگر اخراجی با ورود احمدی نژاد در اصفهان

به نوشته سایت ایران کارگر - صبح روز چهارشنبه 4 اردیبهشت 92 آمده است : ساعتی قبل از ورود احمدی نژاد به اصفهان بیش از پانصد کارگر اخراجی با در دست داشتن پلاکارد هایی اعتراضی در میدان شهر تجمع کردند. قبل از حضور احمدی نژاد معاونت عمرانی استاندار در دیدار با کارگران در میدان امام قصد داشت آنها را از تجمع در میدان منصرف کند و به آنها گفت اگر میدان را ترک کنید اجازه میدهم ده نفر از نمایندگان شما با احمدی نژاد یک جلسه یکساعته برگزار کنند. اما کارگران اخراجی که هر کدام ماههاست حقوق نگرفته اند تسلیم نشدند. بنابراین یکی از کارگران ، معاونت عمرانی استاندار هنگام ترک تجمع با ناراحتی و عصبانیت به کارگرانی که او را از هر طرف احاطه کرده بودند. گفت : شما به دیدار کسی آمدید که عامل مشکل شماست و این گفته با تشویق کارگران مواجه شد. نهایتاً بعد از ورود احمدی نژاد، طومار اعتراضی کارگران همراه با صدها نامه شکایت به نماینده احمدی نژاد داده شد.

بازار آهن فروشان تهران بطور کامل دراعتصاب قرار گرفت

به نوشته سایت ایران کارگرآمده است : به گزارش رسیده از تهران؛ آهن فروشان بازار شادآباد تهران روز چهارشنبه بطور کامل دست به اعتصاب زدند و مغازه های خود را بستند. آهن فروش در شادآباد ضمن تایید این خبر گفت: تعدادی از آهن فروشان بازار شادآباد از روز شنبه دست به اعتصاب زدند و کرکره های خود را در اعتراض به افزایش مالیات به 6 درصد از سوی اداره مالیات ؛ پایین کشیدند. اعتصاب آهن فروشان از صبح چهارشنبه کامل شد و کلیه مغازه های آهن فروشی در بازار شادآباد به نشانه اعتراض مغازه های خود را بستند.

دبیر خانه کارگر ساوه و زرنديه: مجال طرح مطالبات در گرو همبستگی کارگران است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 4 اردیبهشت 92 آمده است: يك فعال کارگری در ساوه و زرنديه از هفته کارگر به عنوان فرصتی برای طرح و پی گیری مطالبات معوقه کارگران نام برد و گفت: این هفته فرصتی است تا یاد و خاطره کسانی که برای آزادی نیروی کار و تثبیت هشت ساعت کار در روز جانفشانی کردند را گرامی بداریم.

«مهدی زمانی»، دبیر خانه کارگر ساوه و زرنديه در این باره به ایلنا گفت: کارگران واحدهای تولیدی در طول سال خواسته های مختلفی را مطرح کردند که به دلیل پراکندگی مطالبات توجه جدی به مشکلات کارگران نشد. اما می توان از هفته کارگر بعنوان فرصتی برای هماهنگی کارگران و طرح این مطالبات به صورت یکپارچه استفاده کرد. وی همچنین از تشکیل اولین جلسه ستاد بزرگداشت هفته کارگر در شهرستان ساوه و زرنديه در سال 92 در محل اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی خبر داد.

زمانی در تشریح برنامه های هفته کارگر شهرستان ساوه اظهار داشت: دیدار با مسئولین تشکلات کارگری با ائمه جمعه و نماینده ولی فقیه در استان، حضور کارگران در نماز جمعه، گردهمایی نمایندگان کارگران، تجلیل از زنان کارگر نمونه، گردهمایی تشکلهای، انجمن ها و شوراهای کارگری، نشست مشترک تشکلهای کارگری و کارفرمایی، عیادت از کارگران بیمار، جشنواره نشان خدمت به قانون کار و اجتماع کارگران استان را از برنامه های مهم هفته کارگر در این شهرستان است.

پایان پیام

سخنی با کارگران عزیز

به نوشته در سایت ایران کارگر در اردیبهشت 92 آمده است : داشتم دردها و رنج ها را میخواندم ، داشتم به سختی های زندگی در این دوران با زورگویان و ستمگران فکر میکردم ، داشتم خبرخودکشی ها را می خواندم به ناگهان احساس کردم توان تحملرا دیگر ندارم. تا این که به خبر اعتراضات و تجمعات کارگری رسیدم ابتدا شمعی در درونم روشن شد که به زبان عام میگویند امید چیزی که هنگام خواندن دردها درونم خاموش شده بود . بخودم گفتم انسان بسا والاتر از این چیزهاست، مگر ندیدیم در تمامی قرون چگونه همین کارگران و دردکشیدگان حق خود را از حلقوم دیکتاتورهای زمان بیرون کشیدند ، مگر ندیدیم هرکارگری با فریادش به داد کارگر دیگر می رسید، مگر ندیدیم همبستگی کارگران کمر ظالمان را شکست ، مگر ندیدیم حکومتی بخاطر وحدت کارگران سرنگون شد . پس چه شد از قدم برداشتن باز ایستادم ؟ !

یک مرتبه غرورم به فریاد آمد که : آری آری ما کارگران نان فرومایگان را نمی خوریم ونخواهیم خورد، ما به چوب ذلت و زور تن نمی دهیم . شاید در رویدادهای زندگی خود نقشی نداشته باشیم ولی در اینکه چگونه آنها را تغییر بدهیم مؤثر هستیم .(سخنی از نیچه) این جمله مرا بخودم آورد که هر دردی از یک طرف خشم مرا زیاد میکند و هر درمانی عشق مرا به هموعانم ،هموطنانم ومیهنم زیاد میکند. پس حق ندارم بنشینم و زانوی غم بغل بگیرم. که راهی نداریم ، نه بخدا درمان در دستان پینه بسته خودمان ودر قدمهای استوار خودمان نهفته است .آری این روزها همه جا سخن از گرمی داشت روز جهانی کارگر است ، نقش من وما چیست ؟

-میتوان بیرون گود نشست و گفت لنگش کن !!

-میتوان اشک و آه سر داد که دیگر کاری نمیتوان کرد!!

-میتوان کینه بدل گرفت دندان خصم بر جگر خسته بست و بس !!

-میتوان بند زندگی روزمره شد وگامی بسوی بهروزی برداشت!!

-میتوان به یاد گذشته در دنیای حسرت وچه کنم .. نشست

واما...

-میتوان از دشمن نهراسید و زندگی خویش را تغییر داد که همان پاره کردن زنجیراست.

-میتوان پرشور و برانگیخته و با استحکام وهبستگی و وحدت خود عاملی وانگیزشی برای برخاستن دیگران

شد .مثل ستار بهشتی ، رضا شهابی و....

-بله بله شاید سالها شکست ولی آیا میدانید موفقیت روی ستون شکست شکل می گیرد ؟(سری

چینموی)

-آری ما باید کسانی شویم که بقول کولستو " بجای اینکه صلیب را روی گور خود بگذاریم آنرا لنگر کشتی

پیروزی خود کنیم"

بیاید در روز جهانی کارگر به آنچه امیدی به آن نداریم امیدوارتر باشیم که همان همبستگی کارگران واعتراضات

گسترده کارگری بخصوص در این روز می باشد و به نظام خامنه ای که برای درب حکومتش یک لولا بیش نمانده

است نشان بدهیم اهل ذلت و پستی نیستیم و با تمام توان خود قصد براندازی این نظام را داریم وهر روز

درهرجا با هر فریادی این روزهای آخر را برایش تبدیل به کابوس کنیم.

ایران کارگر

با اتمام قرارداد کاری؛

۱۰ کارگر شرکت هواپیمایی نصر آسمان بیکار شدند

اخراج 10 کارگر شرکت هواپیمایی نصر آسمان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 4 اردیبهشت 92 آمده است : کارگراخراجی شرکت هواپیمایی نصر آسمان: کارفرمایان خصوصی با دور زدن قانون کار، حقوق نیروی کار را نادیده می گیرند. با توجه به اینکه قراردادهای نیروهای خدماتی در این شرکت یکسویه و سفید امضاء است، ما اطلاعی از پایان قرار دادکاریمان نداشتیم.

به گزارش 4 اردیبهشت ایلنا، شرکت خدماتی نصر آسمان وابسته به هواپیمایی آسمان قرار داد ۱۰ نفر از نیروهای شرکتی خود را با سوابق ۷ تا ۱۳ سال بعد از اتمام قرارداد کاریشان تمدید نکرد.

برپایه این گزارش، یکی از کارگران اخراجی با اعلام این خبر گفت: شرکت تعاونی خدماتی نصر آسمان وابسته به هواپیمایی آسمان قرارداد ۱۰ نفر از نیروهای قرار دادی خود را به دلیل آنچه از سوی کارفرما کاهش بودجه عنوان شده است، تمدید نکرده است. این کارگر با اشاره به سوابق بالای کارگران اخراج شده، افزود: سابقه کار این نیروهای خدماتی حداقل ۷ و حداکثر ۱۳ سال بصورت مستمر بوده و این شرکت در طول سالهای خدمت کارگران تنها دو بار قرارداد منعقد کرده و باقی سالها بطور یکسویه با دریافت برگه‌های قرارداد سفید امضاء کارگران را به کار می‌گرفته است. او با اشاره به اینکه کارفرمایان خصوصی با دور زدن قانون کار، حقوق نیروی کار را نادیده می‌گیرند، اضافه کرد: با توجه به اینکه قراردادهای نیروهای خدماتی در این شرکت یکسویه و سفید امضاء است، ما اطلاعی از پایان قرار دادکاری‌مان نداشتیم. پایان پیام

اعتراض و شکستن شیشه های چند نانویی در اهواز

به نوشته سایت ایران کارگر - روز ۴ اردیبهشت ۹۲ آمده است: در اهواز مردم خشمگین شیشه دو نانویی را در مرکز این شهر بدلیل استفاده نانویی های نان لوآش این شهر بجای جوش شیرین از ماده خطرناک جوهر قند که برای سلامتی انسان بسیار مضر است، شکستند. تا هم مسئولین متوجه بی لیاقتی خود شوند و هم نانویی ها حواسشان به کارشان باشد. آری فقط با همین اعتراضات و رساندن خشم خود میتوانیم به خواسته های خود برسیم. هرچیزی را باید بر سر این نظام خراب کرد.

واکنش کارگران و کشاورزان به حضور احمدی نژاد در اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۴ اردیبهشت ۹۲ آمده است: در حالیکه قرار بود سخنرانی رئیس دولت ساعت ۱۰ صبح امروز در میدان امام اصفهان آغاز شود رئیس جمهور دقایقی پیش وارد میدان امام شد و برای مردم سخنرانی کرد.

خبرنگار ایلنا در اصفهان از حضور جمعی از کارگران صنعتی و کشاورزان اصفهانی در میدان امام خبر می‌دهد که با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار رسیدگی به وضعیت خود هستند.

از جمله آنها کشاورزانی بودند که با در دست داشتن دست‌نوشته و پلاکارد اعلام می‌کردند: «ما دیگر توان معیشت نداریم به داد ما برسید». کارگران موقت و پیمانی شرکت فولاد مبارکه اصفهان نیز با در دست داشتن پلاکاردهایی از رئیس دولت تقاضا کردند تا موضوع استخدام آنها در فولاد مبارکه را پیگیری کند. با اینکه تعداد جمعیت حاضر در میدان امام کمتر از دوره‌های قبلی سفرهای استانی دولت بود و حتی نیمی از مکان آماده شده برای جمعیت هم پر نشده بود، شعارهایی در هنگام سخنرانی شنیده می‌شد که حکایت از گلایه مردم از گرانی و وضعیت بیکاری داشت.

پایان پیام

کارگردان کارخانه راسل تابلو نگران اخراج واز دست دادن کارشان هستند

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: خبرهای دریافتی از تهران حاکی است که بیش از ۹۰ کارگر کارخانه راسل تابلو واقع در منطقه شهر ری اکنون به مدت ۴ ماه هست که حقوق نگرفته اند، یکی از کارگران شرکت مذکور گفت: علاوه بر حقوقهای معوقه حق اولاد و همچنین حق مسکن به کارگران این کارخانه نداده اند و از این بابت کارگران معترض میباشند. این شرکت تولید کننده تابلوهای برقی میباشد

شرکت و کارخانه گرانونیت در آستانه سال جدید تعطیل شد

به نوشته سایت ایران کارگر در 4 اردیبهشت آمده است: يك فعال کارگري در شهر همدان گفت: روز چهارشنبه 4 اردیبهشت شرکت و کارخانه گرانونیت در آستانه سال جدید بطور کامل تعطیل شد. این مجتمع صنعتي بیش از 700 کارگر رسمي و 150 کارگر قراردادي داشت. بازهم کارگري با دست خالي به خانه اش مي رود. در این نظام کسي هم پاسخگوي نیست . تنها راه اعتراضات گسترده است.

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) به مناسبت هفته معلم (اردیبهشت ۹۲)

به نام خداوند جان و خرد
از میرزا حسن خان رشديه ، بنيانگذار مدارس جديد در ايران که کلاس هایش مورد هجوم کهنه پرستان بود ، تا دکتر خانعلی که در تجمع اعتراضی معلمان (۱۲ اردیبهشت سال ۴۰) به ضربه گلوله استبداد به شهادت رسید . از ۱۲ اردیبهشت ۵۸ که استاد مطهری با تیر چهل و تعصب مذهبی در خون غلتید تا اسفند ماه ۸۵ که تجمعات اعتراضی معلمان با نام حفظ امنیت مورد هجوم قرار گرفت ، معلمان یکی از بازیگران اصلی رو در روی تاریخی آگاهی و چهل ، عدالت و نا برابری ، راستی و نادرستی محسوب می شوند.
ما ضمن گرامیداشت تلاش‌های همه معلمانی که برای رشد و آگاهی فرزندان این کشور گام برداشته اند مطالبی را به عرض می رسانیم.
شاید باور این سخنان کمی دشوار باشد اما طی سالهای اخیر و در ورای شعارها و وعده هایی که هر ساله تکرار می شود ، نه تنها وضعیت آموزش و پرورش ، فضاهاى آموزشی ، کیفیت تعلیم و تربیت و معیشت و منزلت معلمان بهبود نیافته ، بلکه با انجام برخی اقدامات نسنجیده و کم اهمیت ، از جمله اجرای شتاب زده طرح به اصطلاح تغییر ساختار آموزشی ، اعلام پر سر و صدای گسترش مدارس قرآنی که در حد نصب یک تابلو در ورودی مدارس باقی ماند ، حذف مردودی به منظور کاهش آمارى افت تحصیلی ، تعطیلی پنجشنبه های مدارس ، حذف پیک نوروزی و ... که توسط وزیر آموزش پرورش با نام پرطمطراق تحول بنیادین به خورد جامعه داده می شود ، فضای بی ثبات و نگران کننده ای ایجاد گردیده که بیم آن می رود که ادامه این روند هزینه‌های جبران نا پذیری را به نظام تعلیم و تربیت و معلمان که در خط مقدمه این جبهه هستند تحمیل نماید .
بارها گفته ایم و باور داریم که مقام و منزلت معلمان با وعده و شعار ارتقا نمی یابد و آنچه در روزهای هفته معلم در تریبون‌ها ، رسانه‌ها و برنامه های رسمی این هفته ، تحت عنوان گرامیداشت هفته معلم عنوان میشود از آنجایی که با نادیده گرفتن حقوق واقعی و حتی حداقلی این قشر همراه است حاصلی جز یاس و بدبینی به دنبال نخواهد داشت.
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما در تصمیم گیری ها و تصمیم سازی ها کوچک ترین توجهی به رای و نظر کارشناسان ی آن ها ننمود .
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما حق حضور در تشکل های صنفی مردم نهاد و سندیکاها را که از حقوق مسلم و مصرح در قانون اساسی است از آنها سلب نمود .
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما با حذف سرانه مدارس و درگیر نمودن معلمان و مدیران با مسائلی همچون مشکل آب ، برق و گاز مدارس موجب تحقیر ، تخفیف و تضعیف جایگاه معلمان و مدیران مدارس گردید.
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما آن ها را از حق انتخاب مدیران به صورت شورایی ، تشکیل مجلس معلمان و یا ایجاد نظام معلمی محروم نمود .
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما با ایجاد و گسترش فضای امنیتی و حراستی ، راه هرگونه انتقاد و حتی نو آوری را به صرف مغایرت با دیدگاه مدیران ارشد مسدود نمود .
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما با ادامه اجرای لیجوجانه و برنامه ریزی نشده ی اردوی راهیان نور که تا کنون هیچ بررسی علمی برای تعیین میزان تاثیر گذاری معنوی و اخلاقی آن صورت نگرفته است ، دانش آموزان و آینده سازان این کشور را به کام مرگ فرستاد .
ما معتقدیم که نمی توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما با بی تدبیری و تامین نکردن نیازهای حداقلی

مدارس موجب بروز حوادث دل خراش هم چون آتش سوزی بروجن و شین آباد شد که اثر مخربش به این زودی ها از تن و جان پسران و دختران معصوم و قلب مادران داغدار و دل میلیون ها ایرانی زدودنی نخواهد بود. ما معتقدیم که نمی‌توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما برای انتخاب وزیر آموزش پرورش شأن جامعه آگاه و بزرگ فرهنگیان را مورد ملاحظه قرار نداد.

ما معتقدیم که نمی‌توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما آنان را از حق نظارت بر بزرگ ترین بنگاه اقتصادی یعنی صندوق ذخیره فرهنگیان که از سرمایه های خود آنان شکل گرفته است محروم نمود . ما معتقدیم که نمی‌توان از مقام و منزلت معلمان سخن گفت اما با تحمیل شرایط نا مطلوب و اسفبار اقتصادی ، تورم لجام گسیخته و در نتیجه کاهش قدرت خرید که هر ساله بلکه هر روز شاهد آن هستیم ، این قشر فرهیخته را به فعالیت‌هایی که هیچ سنخیتی با پیشه معلمی ندارد وادار نمود و در نهایت گناه افت تحصیلی و هزاران مصیبت اجتماعی و آموزشی دیگر را به گردن این قشر مظلوم انداخت . ما می پرسیم که مسئولیت وضعیت نا بهنجار کنونی آموزش پرورش و معلمان به عهده چه کسانی است و چرا اقشار زحمتکش و محرومی همچون معلمان می‌بایست تاوان این بی تدبیری ها و سو مدیریت هارا پرداخت نمایند ؟

ما حق خود می‌دانیم در حالی که منابع رسمی تورم را بیش از ۳۰ درصد اعلام می کنند و آموزش پرورش با کسری چند هزار میلیارد تومانی بودجه در ساله ۹۲ مواجه است و در پرداخت حق التدریس معلمان و پاداش بازنشستگان تاخیر می‌کند نسبت به افزایش ۲۵ درصدی حقوق درآستانه ی انتخابات ریاست جمهوری مشکوک باشیم و آن را سیاسی و انتخاباتی تلقی نماییم.

ما شعارهای برخی مسئولان را که با ادعای ایجاد رفاه ، آوردن پول نفت بر سر سفره‌های مردم ، کمک به اقشار محروم و کم درآمد ، رفع تبعیض و ... اقتصاد کشور را به بن بست کشاندند از یاد نبرده ایم لذا باور داریم که خروج از بن بست کنونی جز با اصلاح جهت گیری های موجود از جمله ، اصلاح مدیریت‌ها و رهایی از ساختار متمرکز و یک سویه کنونی ، احترام گذاردن حقیقی به علم و مقام معلم ، فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای مشارکت سازمان یافته معلمان در امر آموزش پرورش ، دور شدن از سیاست زدگی ، اجرای بی نقص قوانین به ویژه قانون نظام هماهنگ (مدیریت خدمات کشوری) ، رفع تبعیض ، رفع موانع فعالیت تشکل‌های صنفی و در نهایت آزادی بی قید و شرط همکارانی همچون رسول بدافی ، سید محمود باقری ، محمد داوری ، عبدالله مومنی و ... که هدفی جز اعتلای آموزش و پرورش و دفاع از حقوق همکارانشان نداشته اند امکان پذیر نمی‌باشد

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) اردیبهشت 92

تجمع تاکسیرانان ارومیه در برابر استانداری

به نوشته سایت ایران - کارگر آمده است : رانندگان تاکسی در ارومیه در مقابل استانداری این شهر تجمع کردند. روز 3 اردیبهشت تعداد زیادی از رانندگان تاکسی که به مبلغ پایین کرایه و مشخص نشدن نرخ سال جدید اعتراض داشتند در مقابل استانداری تجمع کردند. استاندار با دیدن این وضعیت به آنها قول داد طی روزهای آینده نرخ جدید را اعلام کند.

گونی بافی بوشهر با بیش از 150 کارگر تعطیل شد

به نوشته سایت ایران کارگر در چهارم اردیبهشت آمده است : يك فعال کارگري در بوشهر از تعطيلي کارخانه گوني بافي این شهر خبر داد و افزود صنعت نساجي و ریسندگي در ایران بطور کامل دفن شده و بدلیل ورود منفعت زا و ارزان قیمت ولي پر در آمد محصولات چيني زمينه و توان رقابت براي تولید کنندگان داخلي نگذاشتند و بهمین دلیل عملا کارخانه هاي نيمه فعال هم چاره اي جز تعطيلي کارخانه ندارند ، کارخانه گوني بافي بوشهر يکي از این کارخانه هاي تعطیل شده میباشد که 150 کارگر آن بازخريد و يا اخراج شدند

تذکرات کارگری در جلسه امروز مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 4 اردیبهشت 92 آمده است: در جلسه امروز مجلس شورای اسلامی، تعدادی از نمایندگان به مسئولان دولتی بصورت جداگانه تذکراتی دادند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در جلسه امروز مجلس نمایندگان همچون سبحانی‌نیا، حسین‌زاده، خضری، فتاحی، محجوب و عزیزی در خصوص لزوم پرداخت حقوق ۱۳ ماهه معوقه کارگران مخابرات روستایی آذربایجان غربی به وزیر ارتباطات تذکر دادند.

زارع نماینده آباده نیز در خصوص توضیح علت عدم افزایش حقوق بازنشستگان متناسب با نرخ تورم به رئیس جمهوری تذکر داد.

جعفری نماینده خلخال نیز به وزیر صنعت، معدن و تجارت و امور اقتصاد و دارایی در خصوص تعطیلی کارخانه سیمان خلخال و بلا تکلیفی آن تذکر داد. گفتنی است، جهانگیرزاده عضو هیأت رئیسه مجلس تذکرات کتبی نمایندگان به مسئولان اجرایی را قرائت کرد.

پایان پیام

جان باختن 6 کارگر ساختمانی به دلیل برق گرفتگی در اردبیل در سال گذشته

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 4 اردیبهشت 92 آمده است که؛ مدیر عامل شرکت برق منطقه ای اردبیل از مرگ شش کارگر ساختمانی به دلیل برق گرفتگی و بی توجهی به ایمنی محیط کار در این استان خبر داد.

بنا بهمین گزارش، علیرضا علیزاده پیش از ظهر چهارشنبه در حاشیه جلسه شورای فنی استان اردبیل با یادآوری مرگ این کارگران ساختمانی در سال گذشته به علت برق گرفتگی خواستار توجه ویژه دستگاههای اجرایی به موضوع ایمنی کار شد.

به گفته وی در حال حاضر نزدیک به 50 درصد سوانح ایمنی در محیط های کار مربوط به سیستمهای برق رسانی است.

وی با تاکید به کوتاهی شهرداری ها در اطلاع رسانی مربوط به ایمنی کار بویژه در زمینه برق اضافه کرد: عدم رعایت نکات ایمنی، نصب ناردست داربستهای فلزی و استفاده نادرست و غیر ایمن از ماشین آلات سنگین در مجاورت سیستمهای برق رسانی موجب بروز این حوادث است.

علیزاده تاکید کرد: با توجه به آمار قابل توجه مرگ و میر کارگران ساختمانی ضروری است اطلاع رسانی این حوزه براساس برنامه ریزی مدون و در کوتاه ترین زمان ممکن آغاز شود.

اعتصاب در بازار آهن تهران

به نوشته سایت ایران کارگر در چهارم اردیبهشت 92 آمده است: در ادامه اعتصاب بازار آهن در اعتراض به وضعیت مالیات و بالا رفتن مالیات بر ارزش افزوده، روز سه شنبه 3 اردیبهشت ماه نیز بخشی از بازار آهن تهران تعطیل بود. آهن فروشان از سایر بازاریان خواسته اند که به اعتصاب آنها بپیوندند. بخصوص در این ایام که به روز جهانی کارگر یعنی همبستگی کارگران نزدیک می شویم تنها با یکی شدن میتوانیم حق خود را بگیریم.

فرق وزارت کار برای رای دزدی

به نوشته سایت ایران کارگر - 5 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش یکی از فعالین کارگری در تهران، امروز به گفته سپاه و بسیج تعدادی از مزد بگیران نظام جلوی وزارت کار همایش تبلیغاتی برقرار کردند و هدفشان این بود که بتوانند از کارگران به نفع خود رای جمع کنند. این فعال کارگری گفت کارگران هیچ توجهی به این کار

نکردند فقط کسانی در این برنامه شرکت کردند که از خود نیروهای سپاه و بسیج بودند. این هم مدل جدیدی از دزدی رای است. هرکس بنوعی می‌خواهد کرسی قدرت را بگیرد تا بهتر بتواند مردم را چپاول کند.

امنیت شغلی خواسته کارگران ایرانی در روز جهانی کارگر است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 اردیبهشت 92 آمده است: نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام «امنیت شغلی» را مهم‌ترین مطالبه کارگران در روز جهانی کارگر خواند.

«عباس رضایی» در این باره به ایلنا گفت: کارگران مسائل غیر قابل حل بی‌شماری دارند اما برخلاف شعارهایی که داده می‌شود منافع آنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شود. کارگران به دنبال مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی هستند. وی با انتقاد از «برخورد سیاسی با تشکلهای صنفی کارگری» افزود: متأسفانه اجازه نمی‌دهند تشکلهای کارگری در تصمیم‌گیری‌های مختلف نقش ایفا کنند و در برابر آنها می‌ایستند. وی در ادامه بر لزوم «اجرای بدون تنازل قانون کار، رعایت بهداشت حرفه‌ای و مسائل ایمنی کارگران» تأکید کرد.

رضایی در ادامه با اشاره به نوپا بودن اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام، گفت: در اواخر سال گذشته با برگزاری همایشی در منطقه، شروع به کار اتحادیه را به صورت رسمی اعلام کردیم و اکنون «بهبود شرایط اقتصادی و فرهنگی کارگران» منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر از اهداف اصلی این تشکل کارگری به شمار می‌رود. نایب رئیس هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان بر لزوم «تبدیل قراردادهای» کارگران پیمانی به وضعیت رسمی تأکید کرد.

پایان پیام

پاسخ مسئولین دولتی به آهن فروشان اعتصابی

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش رسیده از تهران؛ بدنبال اعتصاب آهن فروشان بازار شادآباد تهران که از ابتدای هفته تا کنون در جریان است؛ در مقابل اعتراض آهن فروشان اعتصابی به اخذ مالیاتی از آهن فروشان و تعیین جریمه‌های سنگین برای آنان؛ آهن فروشان روز سه شنبه با بی‌احترامی و هتاک‌های مسئولین اداره مالیات روبرو شد. به آهن فروشان گفته اند؛ شما که عرضه ندارید کار کنید همان بهتر که مغازه تان را ببندید و هر غلطی می‌خواهید بکنید، این گزارش می‌افزاید: آهن فروشان بعد از این برخورد ناجوانمردانه مسئولین اداره مالیاتی خشمگین شده و تصمیم گرفتند تمام مغازه‌ها را ببندند، آنها اعلام کرده اند بهیچوجه زربار زور اداره مالیات نخواهند رفت و تا تعیین تکلیف خواسته‌هایشان اعتصاب خود را ادامه خواهند داد.

دبیر اتحادیه کارگران قراردادی تأکید کرد: لزوم تلاش برای نجات کارگران از شرایط فعلی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور در آستانه روز جهانی کارگر، «بهبود وضعیت معیشتی کارگران» را از مطالبات مهم آنان در این روز دانست.

«رجبعلی شهبسوزی» در این باره به ایلنا گفت: شرایط اقتصادی نامناسب کشور، بیشترین فشار را بر جامعه کارگری وارد می‌کند. کارگران در نوک پیکان تاثیر پذیری از تحریم‌های اقتصادی غرب قرار دارند.

وی با اشاره به لزوم تلاش برای «نجات کارگران» از شرایط فعلی افزود: دولت باید تلاش کند تا با کنترل قیمت‌ها و مهار تورم، شرایط اقتصادی کارگران را بهبود دهد. افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم واقعی می‌تواند بخشی از مشکلات جامعه کارگری را حل کند. وی با اشاره به افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد در سال ۹۲ تصریح کرد: هزینه معیشت کارگران سرسام آور است و مزد ۹۲، پاسخگوی نیازهای جامعه کارگری نیست. اعتراضات بی‌سابقه کارگران به مزد سال جاری ناشی از همین موضوع است.

دبیر اتحادیه کارگران قراردادی در پایان از پرداخت «حقوق کمتر از حداقل قانونی» به کارگران انتقاد کرد و نسبت به رواج این مساله هشدار داد.

پایان پیام

اعلام موجودیت واحد آلمان «اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران»

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است که؛ ما جمعی از فعالین جنبش کارگری ایران در آلمان که در راه همکاری، همپاری و سازمانیابی طبقه کارگر ایران در راه سازماندهی تشکل مستقل خود برای تقویت و گسترش جنبش کارگری مبارزه می‌کنیم؛ اکنون با گردآمدن به دور رفقای «اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران» و پیوستن به این رفقا تلاش خود را در صفوفی بزرگ‌تر پی می‌گیریم. ما براین پاوریم، ظرفی را که بنیان‌گذاران «اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران» و در راس آن رفیق فقید یدالله خسروشاهی بنا نهاده‌اند؛ این امکان را برای همه رهروان راه طبقه کارگر فراهم آورده‌اند؛ که با وجود اختلافات موجود در جنبش کارگری؛ بتوان با گسترش کارزار عملی و فکری از یگانگی آن در مقابل مزدوران سرمایه در عرصه ملی و بین المللی، دفاع کرد. ما در همدلی و همپاری با فعالین جنبش کارگری در ایران و برای حمایت از مبارزه‌ای که در راه منافع طبقه کارگر به پیش می‌برند، در کنار رفقای «اتحاد»؛ همچنان صدای رسایشان در آلمان خواهیم بود. و برای جلب همبستگی طبقاتی طبقه کارگر آلمان و مبارزین راه عدالت و سوسیالیسم از جنبش کارگری ایران، تلاش خواهیم کرد.

گسترده تریاد مبارزات طبقه کارگر ایران
زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - آلمان
۲۰۱۳.۰۴.۲۰

بدون شرح

بدون حمایت از کارگران خلق حماسه اقتصادی ممکن نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 5 اردیبهشت 92 آمده است: ستاد مرکزی گرامیداشت هفته کارگر به مناسبت آغاز هفته کارگر با صدور بیانیه‌ای، ضمن اشاره نامگذاری سال جاری با عنوان «حماسه سیاسی و اقتصادی»، اصلیتین رکن برای خلق یک حماسه را نیروی انسانی دانست.

در این بیانیه با تاکید بر نقش کارگران در حماسه اقتصادی آمده است: سرمایه دار ایرانی بدون نیروی کارآمد امکان کمترین تولید را نخواهد داشت، چه برسد به حماسه بزرگ اقتصادی. پس عدم تلاش جدی در سنگ‌اندازی برای احقاق حقوق کارگران و سعی وافر در بی‌محتوا کردن قوانین کار و تامین اجتماعی، کمترین

ارجی است که صاحبان سرمایه برای کارگران عزیز کشورمان و شروع استوار برای حماسه عظیم امسال خواهند داشت.

در بخش دیگری از این بیانیه به نقش رهبر فقید انقلاب در تصویب قانون کار اشاره شده و با یادآوری عزت‌مندی نیروی کار در سال‌های نخست تصویب این قانون، آمده است: پنجم اردیبهشت یادآور روزهایی است که بسیاری می‌کوشیدند که با تعطیلی قانون کار و خرده‌گیری بر مصوبات مجلس شورای اسلامی مانع از احقاق حقوق کارگران گردند. امامی که به نام و یاد او در این روز گرد هم خواهیم آمد با دستور بررسی این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام راه را بر احقاق حقوق کارگران گشودند، فصل جدیدی از روابط کار بنیان نهاده شد، کارگران در ماه‌ها و سال‌های اول تصویب قانون کار خود را در اوج عزت و افتخار یافتند.

متن کامل فراخوان ستاد مرکزی گرامیداشت هفته کارگر به مناسبت آغاز هفته کارگر در ادامه می‌آید:

پنجم اردیبهشت سرآغاز هفته‌ای است که باید تمام روزها و ساعات آن به تعبیر حضرت امام (ره) صرف تکریم و تعظیم مقام کاروکارگر گردد.

روز پنجم اردیبهشت روز تجدید میثاق با امامی است که هنوز ندای رسای او در حمایت از کارگران طنین انداز هر گوش شنواست. او که یک موی کوخ نشینان را با تمام کاخ نشینان و هیبت و شکوه زندگی مادی آنان عوض نمی‌کرد.

همه ساله ۵ اردیبهشت را در کنار او و مرقد او به پاس او که هرچه می‌توانست در حق کارگران کوتاهی نکرد، به تجدید میثاق دوباره می‌نشینیم....

در آن صورت است که این اندوخته هم تولید ملی را تضمین خواهد نمود هم حماسه اقتصادی را که کارگران نقش بیشتری در آن دارند را پررنگ‌تر خواهد ساخت. البته این همه وقتی میسر می‌شود که همگان پیام نوروزی امسال مقام رهبری را به درستی درک نموده و در قوانین بوجه و هدفمندی پارانه‌ها به کار گیرند.

۵ اردیبهشت یادآور روزهایی است که بسیاری می‌کوشیدند که با تعطیلی قانون کار و خرده‌گیری بر مصوبات مجلس شورای اسلامی مانع از احقاق حقوق کارگران گردند. امامی که به نام و یاد او در این روز گرد هم خواهیم آمد با دستور بررسی این موضوع در مجمع تشخیص مصلحت نظام راه را بر احقاق حقوق کارگران گشودند، فصل جدیدی از روابط کار بنیان نهاده شد، کارگران در ماه‌ها و سال‌های اول تصویب قانون کار خود را در اوج عزت و افتخار یافتند. اگر چه بعدها کوشش‌های فراوان برای بیراهه بردن آن و سوء استفاده از آن به زیان کارگران جریان پیدا کرد. اما باید از مجاهدت مقام معظم رهبری در هنگام ریاست جمهوری برای تعیین یک گروه متبخر از وزرا جهت پیش نویس این قانون قدردانی و یادآوری کنیم.

حضور در مرقد امام راحل شروع هفته‌ای است که کارگران یک هدف کلی را نشانه می‌گیرند و یک هدف صنفی سرلوحه نمودن حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی و پیگیری خواسته‌های صنفی خود....

پایان پیام

روستاهای اطراف درود فاقد آب آشامیدنی است

به نوشته سایت ایران کارگر در اردیبهشت ماه 92 نوشت: بر اساس گزارش دریافتی یکی از اهالی روستای دهنو گفت این روستا بیش از 6 هزار نفر جمعیت دارد و روستاهای اطراف آن فاقد آب آشامیدنی است. وی گفت از دوسال پیش که آب لوله کشی سراب را به محل دیگری منتقل کرده و در این محل چاه حفاری کردند ما آب آشامیدنی نداریم، آب چاه گل آلود و پراز گچ است و در مواقعی که باران می‌آید ما مجبوریم که آب لجن استفاده کنیم، یکی دیگر از اهالی روستای پیر اباد گفت روستای ما و روستای دهنو و دریان که مجموعاً بیش از 11 هزار نفر جمعیت دارد نه تنها آب بهداشتی بلکه هیچ امکان بهداشتی نیز ندارد و در سطح روستاها زباله انباشت شده است، نه بهداشتی و نه آبی نه جاده‌ای، روستاهای ما روستاهای فراموش شده هستند.

نگرانی کارگران خدماتی فرودگاه لامرد از شایعه تغییر قرارداد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: حدود ۳۰ نفر از نیروهای خدماتی فرودگاه لامرد در استان فارس نسبت به تغییر وضعیت قراردادی‌شان از مستقیم به شرکتی ابراز نگرانی کردند.

براساس این گزارش، یکی از کارگران خدماتی فرودگاه لامرد در این باره گفت: فرودگاه شهرستان لامرد در استان فارس قصد دارد قرارداد حدود ۳۰ نفر از نیروهای خدماتی قرار داد مستقیم خود را تا پایان خرداد ماه مجدداً تغییر وضعیت داده و به پیمانکار بسپارد.

او با بیان اینکه تبدیل وضعیت این نیروها از قرارداد مستقیم به شرکتی بعد از مصوبه هیئت دولت خلاف قانون است، گفت: این سی کارگر از خرداد ماه سال گذشته طبق مصوبه هیئت دولت از قرارداد شرکتی به قرار داد مستقیم تبدیل وضعیت شده‌اند و بعد از یازده ماه به آنان گفته شده است پس از اتمام قرارداد (خردادماه) مجدداً باید پیمانکار خصوصی کار کنند.

این کارگر که به نمایندگی از همکارانش سخن می‌گفت، اظهار داشت: این کارگران در بخش‌های تاسیسات، سوخت‌گیری، تعمیرات فرودگاه لامرد با ده سال سابقه مشغول به کار هستند.

او همچنین گفت: بعد از یازده ماه از اجرای مصوبه هیئت دولت در فرودگاه لامرد هنوز یک نسخه از قرارداد کاری که با فرودگاه منعقد کرده‌اند، به دستمان نرسیده است.

بنابراین گزارش، گفته می‌شود این تغییر وضعیت قرار داد مختص نیروهای خدماتی این فرودگاه (لامرد) نیست بلکه قرار است تمامی نیروهای خدماتی در کل فرودگاه‌های کشور مجدداً تغییر وضعیت (از قرار داد مستقیم به شرکتی) شوند.

احمد توکلی: مردم «اشکنه» هم نمی‌توانند بخورند «گرانی» داد مجلس را هم درآورد

به نوشته روزنامه شرق در 5 اردیبهشت 92 آمده است: زمزمه گرانی در شهر پیچیده و پس از اعتراض برخی از روحانیون درباره گرانی‌های گسترده، این بار نوبت به رسانه‌های اصولگرا رسیده تا دست از ممانعت با دولت بردارند و پس از سکوتی طولانی این بار صریح‌تر از پیش به مساله گرانی‌ها بپردازند؛ گرانی‌ای که این روزها با زندگی همه شهروندان از طبقات اجتماعی مختلف گره خورده است. اما نکته این است که این گرانی فزاینده رویه‌رشد یک‌شبه از دل زمین بیرون نیامده و اغلب نیروهای اصولگرای حاضر در قدرت به شکلی در بروز و ایجاد آن دست‌اندرکار بوده‌اند، از سکوت مجلس هشتمی‌ها درباره اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها و عدم نظارت در حین اجرای آن گرفته تا سکوت برخی از دستگاه‌های نظارتی درباره هرگونه سوال و تذکر به شخص احمدی‌نژاد. حتی مجلس نهم نیز تا همین چند ماه پیش به شکل جدی به مساله گرانی‌ها وارد نشده بود و جسته و گریخته تذکری درباره گرانی داده می‌شد. حالا که گوشت قرمز یک‌شبه 60 درصد و روغن نباتی 35 درصد گران شده به قول احمد توکلی مردم دیگر اشکنه هم نباید بخورند؛ اشکنه‌ای که پختن آن به یک فاشق روغن نیاز دارد. حالا در روزهای پایانی عمر دولت، دولت از یارانه 250 هزار تومانی خبر می‌دهد و نمایندگان از وضعیت مردمی که حالا حتی توان مالی‌شان به خوردن اشکنه هم نمی‌رسد. با این همه مثل همیشه متضرران این مردمی هستند که هر روز باید پای خط خبر بنشینند تا از گرانی کالا و محصولی جدید مطلع شوند. در همین زمینه احمد توکلی، خواستار تشکیل جلسه فوق‌العاده برای بررسی گرانی کالاهای اساسی است. او در تذکری از لاریجانی خواست تا جلسه بعدی مجلس را به بررسی موضوع گرانی کالاهای اساسی با حضور وزرای مربوطه اختصاص دهد. علی لاریجانی نیز به پیشنهاد او پاسخ مثبت داده و از وزرای مسوول دعوت کرد تا درباره گرانی‌ها به مجلس گزارش دهند. به گفته توکلی، در حال حاضر سه ماه است که برای کالاهای اساسی ارز تخصیص داده نمی‌شود و یک ماه است به بهانه ناهماهنگی سیستم دیجیتال آن کالاهای اساسی که با خون و دل ارز گرفته‌اند ترخیص نمی‌شود. متأسفانه در حال حاضر که تنها تصمیم تغییر نرخ ارز برای کالاهای اساسی گرفته شده است گوشت به یکباره 60 درصد و روغن 35 درصد گران شده است؛ این دیگر هرچ‌ومرج بازار

ماشین نیست که زندگی روزمره را داغان نکند. مردم گوشت و حبوبات نخورند «اشکنه» هم نباید بخورند که یک قاشق روغن می‌خواهد؟» او سوالی را پیش روی مسوولانی قرار می‌دهد که بی‌توجه به مساله گرانی تب مسایل انتخاباتی رهاپشان نمی‌کند: «اطلاعات تغییر نرخ ارز را چه کسانی به صاحبان منفعت می‌دهند که آنها گوشت وارد کرده یا روغن در انبار ذخیره می‌کنند؟ اینها چه منفعتی می‌برند؟» توکلی همچنین از وعده احمدی‌نژاد برای پرداخت یارانه 250 هزار تومانی انتقاد دارد و می‌گوید: «رییس‌جمهوری نمی‌گوید که این کار را می‌خواهد با 9 برابر کردن قیمت سوخت، آب و برق انجام دهد. به داد مردم برسید؛ مردم بیشتر از این تحمل گرانی را ندارند.» مصباحی‌مقدم، عضو هیات‌رییسه مجلس نیز پیش از این تاکید داشت «که قطعاً امام زمان تورم 20 درصدی، گرانی‌ها و خیلی اشتباهات را بر ملت نمی‌پسندد.» اما در میان مجلس هم هنوز هستند افرادی که مساله گرانی هنوز برای آنان دغدغه‌آفرین نیست و بر این باورند که موج گرانی در طول تحریم‌های بین‌المللی به وجود آمده است. غلامعلی حدادعادل پیش از این درباره مساله گرانی‌ها گفته بود: «دولت کنونی پنج سال پیش هم کشور را اداره می‌کرد ولی موج گرانی از زمانی شدت گرفت که تحریم علیه ایران شدیدتر شد.» در همین زمینه محمد قسیم عثمانی، نماینده بوکان نیز این سوال را پیش روی احمدی‌نژاد قرار می‌دهد که «پاسخ هشت سال بی‌کفایتی دولت را چرا این‌طور پاسخ می‌دهید؟ چه کسی گفته می‌خواهد پدرت را در بیاورد؟ چرا به مردم نمی‌گویی؟ هشت سال مردم را سر کار گذاشته‌ای و اکنون سفرهای انتخاباتی به راه انداخته‌ای؟ چرا می‌خواهی مردم را در مقابل نظام قرار دهی؟ گفتید نگذاشتند کار کنید، چه کسی نگذاشته کار کنید؟ شما گفتید می‌توانید یارانه 250 هزار تومانی به مردم بدهید، چرا آن طرفش را نمی‌گویید که در این صورت سه برابر 250 هزار تومان از مردم خواهی گرفت.» اکنون و هرچند دیر هنگام خبر گرانی به مجلس هم رسیده و «داد» برخی از نمایندگان را در آورده است. جدای از اینکه مصوبات مجلس هم در پیدایش تورم فعلی، کم‌تاثیر نبوده و سوای آنکه مشخص نیست که منتقدان با انگیزه انتخاباتی و فشار بر دولت، انگشت بر «گرانی» گذارده‌اند یا واقعا نگران تاثیر سیاسی و اجتماعی تورم بر معیشت مردم هستند، باید عزم مجلس برای مهار «گرانی» را به فال نیک گرفت و در انتظار تبدیل «شعار»‌های آنان به تدابیر «عملی» باقی ماند.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی خواستار شد: رعایت خطوط قرمز کارگران با ابطال مصوبه مزدی شورای عالی کار

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور، «ابطال مصوبه مزدی شورای عالی کار» را از مهمترین مطالبات کارگران در روز جهانی کارگر امسال خواند.

«مهدی نجفپور» در این باره به ایلنا گفت: مهمترین مطالبه کارگران، بازنگری در رقم دستمزدی است که شورای عالی کار برای سال 92 مصوب کرده است. کارگران به مزد 487 هزار تومانی معترض‌اند و دو دلیل قانونی برای اعتراض خود دارند. وی در تشریح اولین دلیل گفت: افزایش 25 درصدی مزد 92 با نرخ رسمی تورم اعلام شده که بیش از 30 درصد است هیچ‌گونه همخوانی ندارد. این مساله، ماده 41 قانون کار را نقض کرده است. وی دومین دلیل اعتراض قانونی کارگران به رقم مصوب مزد 92 را «معیشت خانوار کارگری» عنوان کرد و افزود: مطابق تحقیقاتی که اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور انجام داده است، قیمت اقلام اساسی مانند نان، گوشت، برنج و روغن بالای 50 درصد افزایش داشته‌اند.

نجفپور با بیان این مطلب که «بالغ بر 1300 کالا در سبد محاسبه نرخ تورم رسمی قرار دارد»، بیان کرد: جامعه کارگری بسیاری از این کالاها را استفاده نمی‌کند. تعدادی از این کالاها لوکس هستند و احتمالاً کارگران، اسم آنها را حتی نشنیده باشند. آنچه برای جامعه کارگری اهمیت دارد قیمت اقلام اساسی زندگی است. وی با اشاره به شکایت کارگران از مزد 92 در دیوان عدالت اداری گفت: کارگران در اعتراض به این مساله به دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند. امیدواریم دیوان با بررسی دقیق این موضوع، مصوبه مزدی را ابطال کند.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور از دیگر دغدغه‌های اصلی جامعه کارگری به مساله «اصلاح قانون کار» اشاره کرد و اظهار داشت: ماده ۱۰۱ قانون ۵ ساله برنامه چهارم توسعه و ماده ۲۵ قانون ۵ ساله برنامه پنجم توسعه، دولت را ملزم کرده است تا پیش از ارائه پیش نویس اصلاح قانون کار به مجلس، سند ملی کار شایسته را با رعایت سه جانبه گرایی تدوین کند که اینطور نشده است. وی تصریح کرد: برخی از تغییراتی که در لایحه قانون کار اتفاق افتاده است از خطوط قرمز کارگران محسوب می‌شود. برای مثال در ماده ۴۱ قانون کار، علاوه بر معیارهایی نظیر نرخ تورم و معیشت خانوار کارگری، معیار سومی به نام شرایط اقتصادی کشور اضافه شده است که دست شورای عالی کار را باز گذاشته تا هر رقمی که می‌خواهد تصویب کند.

عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور در پایان بر لزوم «رعایت خطوط قرمز کارگران» از سوی دولت و مجلس تاکید کرد.

پایان پیام

تعطیلی شرکت هوراش تولیدی مواد غذایی میگو

به نوشته سایت ایران کارگردر اردیبهشت ۹۲ آمده است: بر اساس اخبار دریافت شده از بوشهر، شرکت هوراش، تولید کننده مواد غذایی میگو تعطیل اعلام شد. این شرکت در بوشهر واقع شده و بیش از ۸۰ کارگر داشت باز هم خبر بیکاری کارگری که سفره اش خالی است. باید در برابر همه اینها ایستاد و روز جهانی کارگر را تبدیل به اعتراضات گسترده کرد.

آخرین اخبار از وضعیت غالب حسینی و علی آزادی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ ۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: به گزارش رسیده تداوم بازداشت غالب حسینی و علی آزادی فعالین کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و عدم پاسخگویی مشخص از جانب مسئولین مربوطه نگرانی خانواده ها و دوستان آنان را نسبت به وضعیت نامشخص و همچنین وضعیت سلامتی این فعالین کارگری تشدید کرده است. لازم به ذکر است که بازجویی این دو فعال کارگری به پایان رسیده و مسئولین اداره اطلاعات از ارجاع پرونده آنان به مراجع قضایی سرباز زده؛ و از پاسخگویی لازم و قانونی به خانواده های آنان خودداری می نمایند. مسئولین امنیتی با شدیدترین و اهانت آمیزترین وجه ممکن با خانواده ها برخورد نموده و مراجع قضایی، خصوصاً قاضی مربوطه با توجه به هماهنگی اداره ی اطلاعات با آنان مدام خانواده ها را تهدید به بازداشت می نماید؛ و پی گیری خانواده ها نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزان خود را شایسته ی اشد برخورد و مجازات می داند.

کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن ادامه ی بازداشت غالب حسینی و علی آزادی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این دو فعال کارگری و همچنین سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

با امضای طومار صورت گرفت:

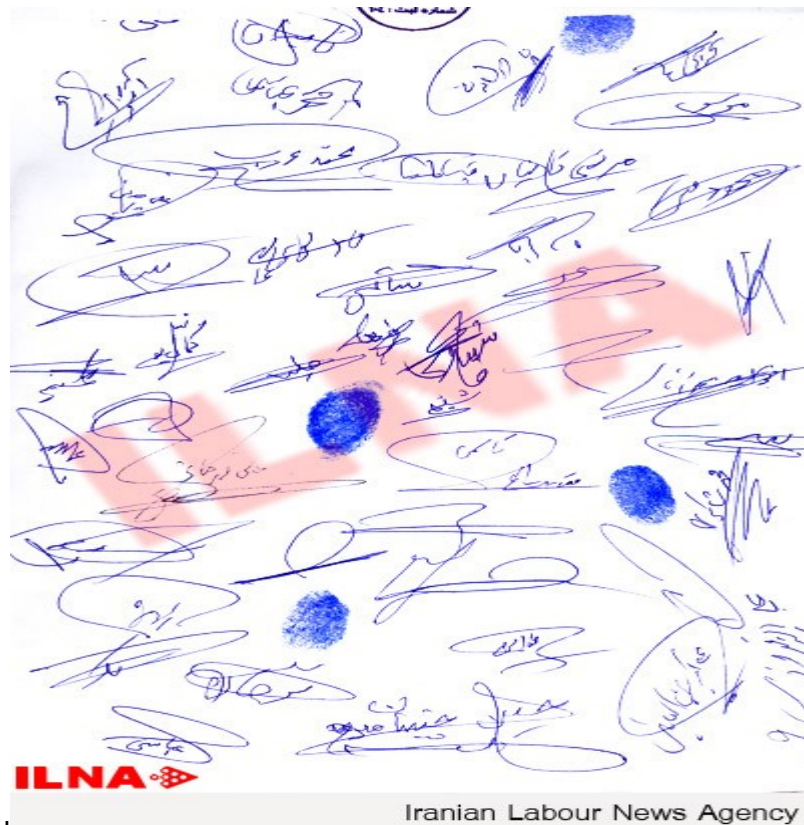
اعتراض بازنشستگان به ناهماهنگی نرخ مستمری و تورم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ ۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: در حالی که در دومین ماه از سال ۹۲ به سر می‌بریم، اعتراضات کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی به میزان افزایش مستمری خود ادامه دارد. در تازه‌ترین این اعتراضات بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران بازنشسته با امضای طوماری اعتراضی، خواستار «افزایش حقوق سال ۹۲» بر مبنای «نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی» شده‌اند.

در این طومار که به امضای بیش از ۱۵۰ کارگر بازنشسته سازمان تامین اجتماعی رسیده است، افزایش ۲۵ درصدی حداقل حقوق سال ۹۲ بر خلاف ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی عنوان شده که هیچ گونه همخوانی با تورم فعلی ندارد. در متن این طومار، کارگران معترض آورده‌اند: «ما کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی خواستار افزایش حقوق بر مبنای تورم که از سوی بانک مرکزی بالای ۳۵ درصد اعلام شده، طبق ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی هستیم و به افزایش حقوق ۲۵ درصد که هیچ همخوانی با تورم و ماده ۹۶ ندارد اعتراض داریم و خواستار اجرای دقیق افزایش حقوق سال ۹۲ می‌باشیم»

ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی که مورد اشاره کارگران قرار گرفته است، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می‌کند میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازمیاندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیأت وزیران به همان نسبت افزایش دهد. طومار اخیر که توسط جمعی از کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی امضا شده است در ادامه حرکت تشکلهای رسمی و مستقل کارگری است که در ماه گذشته با شکایت از مصوبهٔ مزد شورای عالی کار به دیوان عدالت اداری صورت گرفت. ناظران این حجم از اعتراضات به مزد را بی‌سابقه توصیف می‌کنند





پایان پیام

عدم پرداخت حق بیمه کارگران بازنشسته شهرداری

به نوشته سایت ایران کارگر در اردیبهشت 92 آمده است: هویزه - کارگرانی که چند ماه است بازنشسته شده اند دلیل عدم پرداخت حق بیمه از طرف شهرداری بیش از سه ماه است که حقوق بازنشستگی آنان پرداخت نشده است. کسی نیست بگوید این کارگران از کجا باید سفره خود را پرکنند و پاسخ زن و فرزند خود را بدهند. بیخود نیست نظام از برگزاری مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر می ترسد چون پاسخی به شعارها و اعتراضات مردم ندارد

آخرین اخبار از وضعیت غالب حسینی و علی آزادی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .. در تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است که: به گزارش رسیده تداوم بازداشت غالب حسینی و علی آزادی فعالین کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و عدم پاسخگویی مشخص از جانب مسئولین مربوطه نگرانی خانواده ها و دوستان آنان را نسبت به وضعیت نامشخص و همچنین وضعیت سلامتی این فعالین کارگری تشدید کرده است. لازم به ذکر است که بازجویی این دو فعال کارگری به پایان رسیده و مسئولین اداره اطلاعات از ارجاع پرونده آنان به مراجع قضایی سرباز زده ؛ و از پاسخگویی لازم و قانونی به خانواده های آنان خودداری می نمایند. مسئولین امنیتی با شدیدترین و اهانت آمیزترین وجه ممکن با خانواده ها برخورد نموده و مراجع قضایی، خصوصاً قاضی مربوطه با توجه به هماهنگی اداره ی اطلاعات با آنان مدام خانواده ها را تهدید به بازداشت می نماید؛ و پی گیری خانواده ها نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزان خود را شایسته ی اشد برخورد و مجازات می داند.

کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن ادامه ی بازداشت غالب حسینی و علی آزادی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این دو فعال کارگری و همچنین سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

بازاریان تهران قادر نخواهند بود که مالیات شش در صد برارزش افزوده به دولت بپردازند

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش یکی از کسبه بازار تهران وی گفت دولت تعیین کرده است که بعد از سه ماهه اول سال مغازه داران در همه اصناف مختلف مشمول پرداخت مالیات شش درصد بر ارزش افزوده خواهند بود و دولت پس از سه ماه اول آنرا اخذ خواهد کرد ، ولی نکته اینجاست که نه کسبه میتوانند مالیات شش درصدی روی جنس های خود بکشند و از خریدار پولش را بگیرند و نه کسی از کسبه توان پرداخت مالیات شش درصد افزوده را به دولت دارد . بهمین دلیل وضعیت بازار آشفته و کسبه نگران هستند. مردم و بازاریان منتظر این هستند که در ایام انتخابات به خیابانها بریزند و خواسته های خود را با فریاد بگویند.

نگرانی کارگران خدماتی فرودگاه لامرد از شایعه تغییر قرارداد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: حدود ۳۰ نفر از نیروهای خدماتی فرودگاه لامرد در استان فارس نسبت به تغییر وضعیت قراردادی شان از مستقیم به شرکتی ابراز نگرانی کردند. یکی از کارگران خدماتی فرودگاه لامرد در این باره به ایلنا گفت: فرودگاه شهرستان لامرد در استان فارس قصد دارد قرارداد حدود ۳۰ نفر از نیروهای خدماتی قرار داد مستقیم خود را تا پایان خرداد ماه مجدداً تغییر وضعیت داده و به پیمانکار بسپارد .

او با بیان اینکه تبدیل وضعیت این نیروها از قرارداد مستقیم به شرکتی بعد از مصوبه هیئت دولت خلاف قانون است، گفت: این سی کارگر از خرداد ماه سال گذشته طبق مصوبه هیئت دولت از قرارداد شرکتی به قرار داد مستقیم تبدیل وضعیت شده‌اند و بعد از یازده ماه به آنان گفته شده است پس از اتمام قرارداد (خردادماه) مجدداً باید پیمانکار خصوصی کار کنند.

این کارگر که به نمایندگی از همکارانش سخن می‌گفت، اظهار داشت: این کارگران در بخش‌های تاسیسات، سوخت‌گیری، تعمیرات فرودگاه لامرد با ده سال سابقه مشغول به کار هستند.

او همچنین گفت: بعد از یازده ماه از اجرای مصوبه هیئت دولت در فرودگاه لامرد هنوز یک نسخه از قرارداد کاری که با فرودگاه منعقد کرده‌اند، به دستمان نرسیده است.

شایعه سراسری بودن تغییر قرارداد کارگران فرودگاه

دبیر خانه کارگر شهرستانهای لامرد در خصوص ادعای کارگران خدماتی این فرودگاه گفت: طی روزهای اخیر تعدادی از کارگران خدماتی فرودگاه لامرد با مراجعه به نهادهای کارگری این شهرستان از جمله خانه کارگر، نسبت به تغییر مجدد وضعیت قرارداد کاری‌شان بعد از گذشت یازده ماه قرارداد مستقیم با فرودگاه، اعتراض کردند.

«عبدالرضا روحی» در خصوص وضعیت قرار داد این کارگران افزود: قرار داد این کارگران پیش از خرداد سال گذشته (۹۱) شرکتی بوده و بعد از آن بدنبال مصوبه دولت با خود فرودگاه قرارداد مستقیم امضاء کرده‌اند.

این فعال کارگری با بیان اینکه مسئولان دولتی باید به این موضوع رسیدگی کند، گفت: گفته می‌شود این تغییر وضعیت قرار داد مختص نیروهای خدماتی این فرودگاه (لامرد) نیست بلکه قرار است تمامی نیروهای خدماتی در کل فرودگاه‌های کشور مجدداً تغییر وضعیت (از قرار داد مستقیم به شرکتی) شوند.

اطهار بی‌اطلاعی معاون اداری فرودگاه

در همین زمینه، «زمانی» معاونت اداری مالی فرودگاه لامرد در خصوص ادعای کارگران خدماتی این فرودگاه، به ایلنا گفت: این موضوع یک شایعه است و ما کاملاً از این موضوع بی‌اطلاع هستیم و هنوز بخشنامه‌ای در این زمینه به واحد اداری فرودگاه ابلاغ نشده است.

پایان پیام

قاتلی که آزادانه در شهر قدم میزند

به نوشته سایت ایران کارگر، روز پنجشنبه 5 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از معاونت‌های سابق استانداری اصفهان با وارد کردن ضربه به سر کارگر خود، او را به قتل رساند اما بعد از دو ساعت آزاد شد و اکنون آزادانه در خیابان قدم میزند، فرد قاتل در زمان خاتمی بعد از آنکه در زمان معاونت خود در استانداری توانست در یک اختلاس میلیاردی شرکت کرده و بعد از آنهم با دادن رشوه‌ای کلان به قاضی پرونده خود و شرکایش را نجات دهد حالا چند نمایندگی بزرگ سایپا را در سراسر استان اصفهان و چهار محل مدیریت میکند، این فرد که ساکن اصفهان است علاوه بر آنکه همواره در مظان اتهام‌های مالی بوده از نظر اخلاقی نیز همیشه مشکل داشته است اما هیچ وقت محکوم نشده است. اما روز جمعه 6 اردیبهشت به ویلاي خود در شهر ابریشم اصفهان می‌رود در آنجا به دلیل نامعلومی با کارگر و نگهبان ویلا درگیر می‌شود کارگر که حسینعلی نام دارد به کوچه می‌گریزد او هم به دنبالش به کوچه می‌آید و در مقابل چشمان ده‌ها نفر با یک آچار لوله‌گیر بزرگ به سر او ضربه می‌زند بلافاصله کارگر غرق در خون می‌شود و در حالیکه مردم برای کمک آمده بودند قاتل سوار اتومبیل خود شده و می‌گریزد. نیمه شب گذشته او برای چند ساعت بازداشت می‌شود و بعد از آن با دستور قاضی آزاد می‌شود خانواده مقتول که درگیر مراسم عزاداری بودند هنوز برای شکایت به پاسگاه نرفته‌اند ولی به نظر می‌رسد باز هم این فرد از قانون گریخته است. کاری که سالها پیش جلال‌الدین فارسی انجام داد.

رییس کانون شوراهای کار استان خبر داد:

تاخیر در پرداخت حقوق کارگران ۶۰ واحد تولیدی در قزوین

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: رییس کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفت: پرداخت حقوق و دستمزد کارگران ۶۰ واحد تولیدی استان قزوین از ۲ تا ۲۴ ماه به تعویق افتاده است.

محمد احمدی در نشست خبری به مناسبت هفته کارگر با اشاره به نامگذاری امسال از سوی مقام معظم رهبری به نام «حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی»، گفت: جامعه کارگری می‌تواند در تحقق این ایده نقش مهم و با اهمیتی ایفا کند و بدون شک نقش و وظیفه خود را نیز در این رابطه مانند سایر عرصه‌ها به خوبی انجام خواهند داد. وی خاطرنشان کرد: با حمایت از تولید داخلی می‌توان زمینه تحقق ایده سال گذشته با عنوان تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را نیز فراهم کرد.

عضو شورای عالی کار کشور در خصوص اصلاح قانون کار نیز گفت: تشکلهای کارگری و کارفرمایی نشست‌های متعدد در خصوص اصلاح ۶۵ ماده قانون کار برگزار کردند که روی ۷ ماده به توافق نرسیدم اما وزارت کار همان پیش نویس اولیه را بدون لحاظ نظرات گروه‌های کارگری و کارفرمایی برای اصلاح به مجلس فرستاد.

احمدی اظهارکرد: در حال حاضر لایحه اصلاح قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس با حضور نمایندگان گروه‌های کارگری و کارفرمایی با هدف ارتقای وضعیت صنعت و منافع کارگران در حال بررسی است. وی در خصوص اصلاح قانون تامین اجتماعی نیز بیان کرد: افزایش سن بازنشستگی براساس الگوی کشورهای پیشرفته می‌باشد و گروه‌های کارگری با توجه به تفاوت‌های موجود با افزایش سن مخاف است.

رییس کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین افزایش حق بیمه کارگران را با توجه به شرایط اقتصادی غیرموجه خواند، افزود: در حال حاضر از حقوق کارگر و کارفرما حدود ۳۰ درصد به تامین اجتماعی پرداخت می‌شود که باید توجه کرد که تامین اجتماعی چه خدماتی می‌دهد. وی با اظهار اینکه مراکز ملکی تامین اجتماعی با نیاز ۲۰ سال پیش ساخته شده است افزود: در درمانگاه‌های ملکی تنها یک دارو به بیمار می‌دهند که جوابگوی سلامت کامل بیمه شدگان نیست.

احمدی اظهار کرد: در حال حاضر ۶۰ کارخانه تولیدی استان قزوین از ۲ تا ۲۴ ماه به کارگران خود حقوق نداده‌اند. وی افزود: واگذاری اشتباه و غیر کارشناسی به افراد بی‌انگیزه یکی از مشکلات این کارخانه هاست. او در ادامه با بیان اینکه برخی واحدهای تولیدی استان در پرداخت حقوق کارگران خود دچار مشکلاتی هستند، از مسوولین خواستار توجه و پیگیری برای حل مسایل و مشکلات این واحدها شد.

احمدی به برنامه‌های مربوط به گرامیداشت هفته کارگر در استان قزوین اشاره کرد و گفت: غبارروبی و عطرافشانی گلزار شهدا و تجدید پیمان با آرمان‌های شهیدان سرافراز انقلاب اسلامی، دیدار با خانواده معظم شهدا، دیدار با نماینده ولی فقیه در استان، گردهمایی تشکلات کارگری و تجلیل از نخبگان کارگری و کارفرمایی را از مهم‌ترین این برنامه‌ها برشمرد. وی در خصوص انتخابات شوراهای شهر نیز گفت: افرادی که تمایل دارند کانون شوراهای از آنان حمایت کنند باید در هیات مدیره حضور یافته و نظرات و دیدگاه‌های خود را در خصوص موارد مختلف و دغدغه جامعه کارگری بیان کنند و در صورت مطابقت دیدگاه‌ها و خواست تشکل از آنان حمایت می‌شود.

پایان پیام

کارگران نورد لوله صفا به اعتصاب خود پایان دادند

بر پایه نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 5 اردیبهشت 92 آمده است: ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که بدنبال اخراج بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران و عدم پرداخت بخشی از دستمزد معوقه خود از صبح روز اول اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زده بودند بعد از ظهر دوشنبه و پس از اینکه دستمزد معوقه بهمن ماه سال گذشته خود را دریافت کردند و کارفرما وعده پرداخت دستمزد اسفند ماه سال گذشته را در طی روزهای آینده داد از صبح امروز سوم اردیبهشت بر سر کارهای خود بازگشتند. در رابطه با اخراج ۱۱۷ نفر از این کارگران نیز یکی از آنان به سایت اتحاد اظهار داشت: ما از کار در این کارخانه و عدم پرداخت دستمزدهایمان خسته شده ایم. وضعیت در این کارخانه غیر قابل تحمل است، من خودم تاکنون ۵ بار اخراج شده و هر دفعه بر سر کار بازگشته ام اما دیگر نمیتوانیم ادامه دهیم. در کارخانه نورد لوله صفا همه کارگران با قراردادهای موقت مشغول بکار هستند و کارفرما هر بار که خواسته، توانسته است با پایان مدت قرارداد کارگران براحتی و بدون اینکه این کارگران به لحاظ قانونی دست شان به جایی بند باشد اقدام به اخراج آنان کند. اغلب این کارگران که بطور مرتب و در طی سالهای گذشته از کار خود اخراج شده اند تا ۲۰ سال سابقه کار داشته اند.

بدون شرح

محجوب در اولین روز از هفته کارگر: افزایش رقم مزد سال ۹۲ خواسته بحق کارگران است

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنادر تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کل خانه کارگر با اشاره به «لحاظ نشدن شاخص تورم» در مصوبهٔ مزدی شورای عالی کار بر لزوم «تجدید نظر» در رقم مزد سال ۹۲ تاکید کرد. به گزارش ایلنا، «علیرضا محجوب» در مراسمی که به مناسبت هفته کارگر با حضور جمع زیادی از کارگران شاغل و بازنسنشته تهرانی در آرامگاه رهبر فقید انقلاب برگزار می‌شد، گفت: مشکلات معیشتی به جامعه کارگری فشار می‌آورد و اعتراضات آنها به جاست.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس همچنین از کانون شوراهاى اسلامی کار تهران و همهٔ کسانی که از مصوبهٔ مزدی شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند، قدردانی کرد و افزود: تورم افسار گسیخته و گرانی کالاهای اساسی زندگی، واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. وی افزود: امام می‌گفت خداوند عالم هم کارگر است و بدین ترتیب بالاترین ارزش‌ها را برای کارگران قائل بود.

محجوب با اشاره به طرح همسان سازی حقوق بازنشستگان بیان کرد: بودجهٔ این طرح تصویب شده ولی اینکه مدیران سازمان تامین اجتماعی، همسان سازی را پرداخت یارانه دولت تلقی کنند درست نیست.

وی ادامه داد: هدف مجلس از تصویب این طرح، بهبود وضعیت بازنشستگان با توجه به تورم و کاهش ارزش پول ملی بوده است. دبیر کل خانه کارگر تهران در پایان با اشاره به ارقام ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در تورم نقطه به نقطه شهری و روستایی بر شرایط نامناسب اقتصادی کشور تاکید کرد.

پایان پیام

خبرگرانی و تورم در شرایط انتخاباتی

به نوشته سایت ایران کارگر - 6 اردیبهشت 92 آمده است: يك شهروند از یاسوج: درمورد گرانی و تورم گفت خیلی از گرانی ها را خود همین احزاب و گروه ها رقم می زنند وبابی ثباتی بازارمیخواهند طرفهای انتخاباتی خودشان را پیش چشم مردم خراب کنند که این مسئله باعث گرانی و فشار اقتصادی روی افشارکم درآمد جامعه می شود. مثلاً همین شرکتهای خودروسازان با افزایش چند برابری خودرو باعث فشار خیلی زیادی

به افراد کم درآمد جامعه وارد کرده و باعث شده که مردم باوام های در صد بالا خود رو خریداری کنند و از طرف دیگر احمدی نژاد دولت به خودروسازان فشار میاوند برای کاهش قیمت خودرو و این وسط تنهاکسانی متضرر میشوند مردم عادی که برای مثال اوج تورم در مورد یک سواری پراید که 19 میلیون خریده شده و حالا بعد از 2 ماه نفر بخواهد آن را بفروشد باید 13 میلیون بدهد و هیچکسی هم جوابگوی مشکلات مردم نیست.

کارخانه دستمال کاغذی مبارک تعطیل و کارگران آن اخراج شدند

به نوشته سایت ایران کارگر در 6 اردیبهشت 92 آمده است: : به گزارش یک فعال کارگری استان بوشهر، کارخانه دستمال کاغذی مبارک که از کارخانه های خوشنام و معتبر در بوشهر بود، اکنون تعطیل و همه کارگران این شرکت اخراج گردیدند. این فعال کارگری اضافه کرد در کارخانه مبارک بیش از 200 کارگر به تولید دستمال کاغذی اشتغال داشتند که اکنون با تعطیلی کارخانه از کار اخراج و به خیل بیکاران کشور اضافه شدند.

قاتل کهریزک می گوید

مدیرعامل تامین اجتماعی در گفتگو با ایلنا: نمی توانیم مستمری بازنشستگان را متناسب با نرخ تورم افزایش دهیم

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 اردیبهشت 92 آمده است: مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی بابت این که صندوق تامین اجتماعی یک صندوق بین النسلی است، گفت: نمی توان همه منابع این صندوق را برای افزایش مستمری ها اختصاص داد.

سعید مرتضوی در حاشیه مراسم هفته کارگر به خبرنگار ایلنا گفت: امسال در مقایسه با سالهای دیگر مستمری های کارگران بیمه شده بازنشسته و از کار افتاده بیشترین میزان افزایش را تجربه کرده است.

وی افزود: اگر منابع مالی صندوق تامین اجتماعی بابت افزایش مستمری های سال جاری اختصاص یابد سازمان در سالهای آینده نمی تواند به تعهدات بیمه ای و درمانی بین النسلی خود عمل کند.

مدیرعامل صندوق تامین اجتماعی بابت این که مستمری های سال 92 مطابق مواد 96 و 111 قانون تامین اجتماعی افزایش یافته است، گفت: در قانون تامین اجتماعی نرخ تورم به عنوان معیاری برای افزایش مستمری بیمه شدگان بازنشسته و از کار افتاده تعیین شده است.

مرتضوی گفت: سازمان تامین اجتماعی به دلیل محدودیت منابع و حجم بالای تعهدات نمی تواند مستمری های کارگران بازنشسته و از کار افتاده خود را به اندازه نرخ تورم افزایش دهد.

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در پاسخ به پرسش های دیگر خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه «با وجود ادعای پرداخت تمامی مطالبات تامین اجتماعی از جانب دولت چه محدودیت مالی دارید و مگر دولت مطالبات معوقه سازمان تامین اجتماعی را نپرداخته است؟» و «چرا با وجود تصویب مجلس هنوز وضعیت منابع مالی اجرای مرحله چهارم همسان سازی مستمری های سازمان تامین اجتماعی مشخص نیست؟» گفت: پاسخ هر کدام از این پرسش ها بسیار مفصل است و موقعیت مکانی و زمانی فعلی برای اینکار مناسب نیست، حتما در اولین فرصت مناسب به این مسائل پاسخ خواهیم داد. بنابر مشاهدات خبرنگار ایلنا سعید مرتضوی مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی و اسدالله عباسی سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای مدت کوتاهی در مراسم اولین روز هفته کارگر حضور داشتند و در این مدت کوتاه مرتضوی بارها از سوی کارگران بازنشسته و از کار افتاده

در مورد پایین بودن مستمری‌های سال ۹۲ و لحاظ نشدن نرخ تورم در افزایش‌های سال جدید مورد پرسش قرار می‌گرفت و هر بار در پاسخ خود می‌گفت: حرف شما درست است اما چنین پرداخت برای سازمان مقدور نیست امیدواریم هرچه زودتر تورم پایین آمده و مهار شود و شرایط بهبود یابد.

پایان پیام

در گیری شدید در فولاد مبارکه

به نوشته سایت ایران کارگر 6 اردیبهشت 92 آمده است: یک شرکت تولیدی که سهام آن خصوصی است و در محوطه فولاد مبارکه در زمینه تولید قطعات فولادی فعالیت میکند بعلت مشکلات اقتصادی حاکم بر ایران بیش از 5 ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده است. بهمین علت صبح روز سه شنبه سوم اردیبهشت تعداد 30 نفر از کارگران معترض در محوطه کارگاه مقابل حسین ظفري (مدیر عامل شرکت و یک سرتیپ بازنشسته سپاه پاسداران) را گرفته و او را برای عدم پرداخت حقوق زیر سوال بردند. ظفري که بشدت از حرفهای کارگران آشفته شده بود، با سلاح کمری به سمت کارگران نشانه روی کردند. اما کارگران در برابر او ایستادند و به وی حمله ور شده و او را به سختی گوشمالی دادند.

ما دائم درد می کشیم

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: یکی از کارگران از اصفهان روز جمعه 6 اردیبهشت گفت: گرانی بیداد میکند، همه چیز روزانه گران میشود اما من که ماهانه 400 هزار تومان حقوق میگیرم، 150000 هزار تومان ماهانه قسط دارم با 250000 تومان در این شرایط گرانی چکار کنم. وی که ضمن برشمردن مشکلاتش نسبت به وضعیت خدمات درمانی معترض بود میگفت: همسرم را دکتر بردم، برای امپول 250 میلی نسخه نوشته بودند اما موقع خرید گفتند فقط 500 میلی داریم که هر کدام 12000 تومان بود یعنی برای هر امپول 6000 تومان باید اضافی بدهم، برای تزریق هم پول جدا برای ویزیت هم همینطور، از کجا بیاورم؟ حقوقم کفاف 10 روز را نمیدهد. وضعیت خیلی خراب است مردم دارند درد میکشند، مردم بچه هایشان را به حراج گذاشتند این وضعیت مملکت است.

بر خلاف آمارهای پزشکی قانونی: سرپرست وزارت کار مدعی کاهش ۳۰ درصدی حوادث کار شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 6 اردیبهشت 92 آمده است: در حالی که سازمان پزشکی قانونی کشور در اسفندماه سال گذشته به استناد آمار موجود در خصوص روند رو به رشد تلفات حوادث ناشی از کار هشدار داده بود، سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با برشمردن تلاش‌های صورت گرفته در وزارتخانه متبوع‌اش از «کاهش ۳۰ درصدی حوادث حین کار» خبر داد.

اسدالله عباسی در سخنرانی پیش از خطبه‌های نماز جمعه تهران که به مناسبت هفته کارگر صورت می‌گرفت، گفت: ارتقاء فرهنگ تعاون، کار، تولید و استفاده از تولیدات داخلی، گسترش منابع انسانی از طریق آموزش‌های مهارتی، ایجاد تعادل در بازار کار و تنظیم روابط کار بر مبنای سه جانبه‌گرایی، مأموریت‌های اصلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است. وی در ادامه صحبت‌های خود، مشارکت دادن کارگران و کارفرمایان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، ساماندهی نظام تأمین اجتماعی و گسترش دامنه پوشش بیمه‌ها، مدیریت بازار کار، ارتقاء شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی کارگران، افزایش بازرسی‌ها در جهت ارتقاء ایمنی کارگران و کاهش حوادث حین کار، پیگیری و حمایت از واگذاری سهام عدلت، توسعه فضاهای فرهنگی، ورزشی و رفاهی، نظارت بر حسن اجرای حقوق بنیادین کار، بهبود روابط میان کارگران و کارفرمایان و توسعه تشکلهای کارگری را از دیگر اهداف وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی به شمار آورد.

این مقام دولتی با بیان این مطلب که «در حوزه تامین اجتماعی نزدیک به ۳۷ میلیون نفر تحت پوشش قرار دارند که از ابتدای شروع به کار دولت فعلی، افزایش ۳۳ درصدی نشان می‌دهد» عنوان کرد؛ در حوزه تعاونی در ۸ سال دولت نهم و دهم بیش از ۱۰۰ هزار واحد تعاونی به ثبت رسیده و تعداد اعضای تعاونی‌ها از ۱۳ میلیون نفر به ۴۶ میلیون نفر رشد پیدا کرده که منجر به ایجاد ۵/۱ فرصت شغلی شده است.

عباسی در ادامه به تاسیس بانک توسعه تعاون و راه اندازی صندوق حمایت از سرمایه گذاری با سرمایه ۵/۱۲ میلیارد تومانی در جهت حمایت از تعاونی‌ها اشاره کرد. وی تصریح کرد: با تعامل بیش از ۸ هزار تشکل کارگری و کارفرمایی، بستر مناسبی برای رعایت سه جانبه گرایی ایجاد کرده‌ایم.

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به «کاهش ۳۰ درصدی حوادث حین کار و کاهش ۵۰ درصدی زمان رسیدگی به شکایات» اظهار داشت: افزایش تعداد خانه‌های بهداشت کارگران، حمایت از واحدهای مشکل دار با هدف صیانت از اشتغال و احداث بیش از ۷۰۰ هزار واحد مسکونی در قالب طرح مسکن مهر از جمله خدمات دولت دهم برای کارگران محسوب می‌شوند.

این مقام دولتی افزود: در طول ۸ سال گذشته به اندازه ۷۵ درصد کل زیر بناهای آموزشی موجود در کشور، بناهای آموزشی جدید ایجاد شده و به بهره برداری رسیده است. او ادامه داد: در حوزه رفاه اجتماعی با پیگیری طرح پزشک خانواده و پوشش بیش از ۱۵۰ قلم داروی بیماری‌های صعب‌العلاج، افزایش خانوارهای بیمه شده صندوق روستاییان و عشایر از ۱۷۳ هزار نفر به ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در دولت‌های نهم و دهم و افزایش پوشش بیمه‌ای زنان سرپرست خانوار سعی در خدمت رسانی داشته‌ایم.

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پایان با اشاره به پرداخت مطالبات ۱۰۰۰ میلیارد تومانی بازنشستگان از پیش از سال ۷۹ بعد از ۱۰ سال اظهار داشت: پرداخت ۱۸۳۰ میلیارد تومان مطالبات ناشی از اجرای طرح خدمات درمانی و اجرای بیمه طلایی درمان برای بیش از ۱ میلیون بازنشسته از خدمات دولت به بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی کشور است.

پایان پیام

بزودی میوه فروش ها ورشکست می شوند

به نوشته سایت ایران کارگر 6 اردیبهشت 92 آمده است : از اول اردیبهشت ماه پیش فصل جدیدی در گرانی میوه ها آغاز شده است انواع میوه ، صیفی جات و سبزیجات روند صعودی قیمت داشته اند و در بیشتر موارد افزایش قیمت‌ها بالای 60 درصد بوده است. مردم که از ماه ها پیش توان خرید میوه را از دست داده اند حالا دیگر اصلا از خیابانی که در آن میوه فروشی هست عبور نمیکنند تا مبادا دلشان بخواهد چیزی را که می‌بینند و قادر به خرید آن نیستند بخرند. قیمت گوجه افزایش داشته است، موز به هر کیلو 8 هزار تومان رسیده است . با این اوضاع و با توجه به اینکه آمار رسمی نشان میدهد مغازه های میوه فروشی بیش از 85 درصد مشتریهای خود را از دست داده اند بزودی همه آنها تعطیل شده و هزاران نفر در این حرفه بیکار میشوند.

کارخانه های مختلف شرکت پلیمر در بوشهر تعطیل شد

برپایه خبردریافتی در اردیبهشت 92 آمده است : به گزارش دریافتی از دیلم اگرچه شاه لوله گاز به روسیه از شهر بندری دیلم میگذرد اما مردم این شهر کپسول گاز را به 2 برابر قیمت میخرند، اخیرا بدلیل شدت یافتن فقر، صیادان و کارگران بیکار شده از گمرک و بندر توان خرید مایحتاج روزمره زندگی ، از آب آشامیدنی که باید هر 20 لیتر را 500 تومان بخرند، تا قیمت‌های افسار گسیخته سایر وسایل اولیه زندگی که بر دوش آنها سنگینی می‌کند

و توان تأمین آن را ندارند. خیرها حاکی از رشد سرقت کپسول گاز در این شهر بندری است، یکی از کارگران بندر گفت لوله اصلی صدور گاز به روسیه از شهر ما میگذرد ولی مردم این شهر هنوز گاز ندارند.

اعتراض کارگران اداره برق منطقه ای اصفهان

بر پایه خبردریافتی در تاریخ 6 اردیبهشت 92 آمده است: صبح روز سه شنبه سوم اردیبهشت ماه بیش از یکصد و پنجاه نفر از کارگران قراردادی اداره برق منطقه ای شهر اصفهان بعد از تجمعی یکساعته مقابل دفتر مدیریت، طوماری را امضا و برای وزارت نیرو ارسال کردند. این کارگران علیرغم آنکه در یک شرکت دولتی شاغل هستند بیش از 5 ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

بیمه رانندگان را 25 درصد افزایش داده اند ولی کرایه ها ثابت مانده است

به نوشته خبردریافتی، آمده است: یکی از رانندگان تاکسی از شهر اصفهان روز جمعه 6 اردیبهشت گفت: در شرایط معیشتی سختی بسر میبریم، از اول صبح تا آخر شب کار میکنم، حتی نهار هم خانه نمیروم ولی باز نمیتوانم خرج زندگی راتامین کنم، وی ضمن ابراز نگرانی از ادامه گرانی ها گفت: روغن ماشین را 15000 تومان میخریدیم، الان باید 28000 تومان بخریم، یا لاستیک خودرو که 160000 تومان بود الان 340000 تومان شده است. وی در ادامه صحبت هایش ضمن نارضایتی از ارگانها ی مربوطه گفت در این وضعیت تورم، بیمه رانندگان را هم 25% افزایش دادند اما کرایه ها همچنان ثابت است،

هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران:

با بازگرداندن لایحه اصلاحی قانون کار از مجلس شورای اسلامی یک موفقیت مهم برای اعتراضات سراسری کارگران ایران رقم خورد

بدنبال اقدام دولت برای وارد کردن اصلاحات ضد کارگری تر در قانون کار و ارسال آن جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی، هزاران کارگر در سراسر کشور در طومار اعتراضی خود خواهان کنار گذاشتن این لایحه ضد کارگری شدند و در پی آن به فاصله کمی از ارسال این لایحه به مجلس شورای اسلامی، هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران دست به تجمعی اعتراضی در مقابل مجلس زدند و طی ملاقاتی با مسئولین آن، مصرانه بر باز پس فرستادن این لایحه تأکید گذاشتند. همزمان با این تجمع، کارگران شرکت واحد تهران نیز با تحویل طوماری دو هزار نفری به وزارت کار و مجلس شورای اسلامی مخالفت خود را با این لایحه اعلام کردند و در ادامه 50 نفر از کارگرانی که در جمع آوری طومار سی هزار نفری در تهران همکاری داشتند به اتفاق هماهنگ کنندگان طومار در محل وزارت کار دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی به خواستهای مطرح شده در طومار اعتراضی، منجمله باز پس گرفتن لایحه اصلاحی قانون کار شدند. همچنین کارگران شرکت واحد تهران نیز در 14 اسفند ماه سال گذشته با تجمع در محل وزارت کار خواهان باز پس گرفتن این لایحه ضد کارگری از مجلس شورای اسلامی شدند.

این اعتراضات در شرایطی ادامه داشت که فعالین و دیگر نهادهای کارگری نیز در ابعادی وسیع به نقد معترضانه این لایحه ضد کارگری پرداختند و با توجهی که خبرنگاران و مسئولین شریف برخی رسانه ها در کشور به اعتراضات کارگران در مخالفت با این لایحه نشان دادند فضایی عمومی بر علیه این لایحه ضد کارگری شکل گرفت.

امروز این اعتراضات و فضایی که بر علیه این لایحه ضد کارگری شکل گرفت به ثمر نشست و لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار از مجلس شورای اسلامی بازگردانده شد. این یک موفقیت مهم برای اعتراضات سراسری کارگران ایران است. اما این مبارزه هنوز به اتمام نرسیده است، قرار است بار دیگر این لایحه پس از اصلاحاتی از سوی وزارت کار جهت تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. لذا ما کارگران باید با اتکا به سنتی که در سال گذشته برای پیشبرد مبارزه ای سراسری در پیش گرفتیم گامهای مهم دیگری را برای تحقق خواست هایمان در یک بعد ملی و بویژه برای تجدید نظری فوری در حداقل مزد مصوب برداریم و با مبارزه ای

متحد و سراسری اجازه ندهیم حقوق انسانی مان بیش از آنچه که تاکنون پایمال شده است مورد تعرض قرار بگیرد.

موفقیت ما کارگران ایران در بازگرداندن لایحه ضد کارگری اصلاحی قانون کار یک گام مهم در گسترش مبارزه سراسری ماست. ما این موفقیت را که حاصل زحمات تک تک کارگران در سراسر کشور است صمیمانه به عموم آنان تبریک میگوئیم و بار دیگر بر عزم و اراده خود برای گسترش و تعمیق مبارزات سراسری کارگران ایران برای دست یابی به مطالبات بر حق شان پای می فشارم.

همهانگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران: شاپور احسانی راد - جمیل محمدی - شیث امانی - شریف ساعد پناه - پروین محمدی - جعفر عظیم زاده

هفتم اردیبهشت ماه 1392

خصوصی سازی نباید به بهای قربانی شدن کارگران انجام شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک گفت: خصوصی سازی به معنای واقعی و درست آن در کشور انجام نشده است، اما در هر شکل و حالتی، خصوصی سازی نباید به بهای قربانی شدن کارگران انجام شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، حسن روحانی، در دیدار با جمعی از کارگران، توجه به وضع معیشتی این قشر موثر جامعه و نیز حمایت از آنان در چارچوب تشکلهای صنفی برای رشد و تعالی کشور را ضروری خواند.

روحانی در این دیدار، با بیان اینکه هیچ کس به اندازه خود کارگران نمی تواند از منافع آنها حمایت کند، تقویت تشکلهای کارگری موجود و تلاش در جهت کارآیی بیشتر تشکلهای جدید و تخصصی را، به طوری که بتوانند کلیه کارگران کشور را در حوزه های مختلف نمایندگی کنند، برای تضمین امنیت شغلی و ارتقاء وضع معیشتی آنان امری مفید و حتی ضروری دانست و خواستار توجه به سازوکارهایی شد که اعضا در تعیین جهت گیری چنین نهادهایی نقش اصلی را ایفا نمایند.

عضو مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: استقلال تشکلهای صنفی از احزاب و تشکلهای سیاسی و نیز تمرکز آنها بر ارتقاء کیفیت زندگی کارگران، اعم از کارگران خدماتی، صنعتی و عمرانی است که باید بر آن تاکید کرد.

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک بیان کرد: توسعه و گسترش تشکلهای مستقل کارگری در تمام مناطق کشور، مهم و در دست یابی به مطالبات کارگران و تسهیل ارتباطات آنان، موثر خواهد بود. وی افزود: بدون توجه به نقش مهم کارگران در فرایندهای رشد و توسعه اقتصادی، امکان دست یابی به توسعه همه جانبه و مبتنی بر عدالت وجود ندارد.

عضو مجلس خبرگان رهبری، کارگران را قربانی اصلی رکود اقتصادی سالهای اخیر که ناشی از ناکارآمدی مدیریت اقتصادی کشور و تحریم هاست، دانست و گفت: کارگران نباید برای تامین مطالبات خود صرفاً دل به عملکرد دولت ها ببندند؛ بلکه تشکلهای صنفی کارگری، به عنوان نهادهای مدنی و حلقه های واسط بین مردم و دولت، می توانند نقش مهمی را ایفا نموده، و در بهبود زندگی آنان موثر باشند. وی همچنین با بیان اینکه تشکلهای صنفی کارگری، نه تنها مانع رشد و توسعه تولید نیستند بلکه در شرایط حساس می توانند به کمک اقتصاد کشور بیایند، گفت: باور دارم که تشکلهای صنفی کارگری، ضمن آنکه در حمایت مادی و معنوی از کارگران موثرند، در مذاکرات بین کارگران و کارفرمایان، نقش مهمی را ایفا می کنند که در نهایت، برآیند آن، امری مثبت و موثر خواهد بود.

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، با اشاره به اینکه محدود سازی تصدیگری دولت در اقتصاد و افزایش مشارکت بخش خصوصی، برای کشور، امری اجتناب ناپذیر است، گفت: «مطمئن باشید اگر خصوصی سازی به

درستی و به طور واقعی صورت می‌گرفت، همه افراد، اعم از کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و کارگران از آن سود می‌بردند. وی با بیان ابراز نگرانی کارگران با توجه به تجارب پیشین آنان از خصوصی سازی گفت: گرچه اعتقادی ندارم که خصوصی سازی به معنای واقعی و درست آن در کشور انجام شده است، اما در هر شکل و حالتی، خصوصی سازی نباید به بهای قربانی شدن کارگران انجام شود.

رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک، همچنین با اشاره به لزوم ایجاد ساز و کارهای طرح مشکلات کارگری با دولت، گفت: اگر سازوکار مربوط به این موضوع با استفاده از تشکلهای متنوع و مستقل، سامان نیافته و قانونی نشود، و مطالبات پیگیری نشوند و کارگران همچنان برای احقاق حقوق خود، محل مناسب، مطمئن و مورد اعتمادی نیابند، قطعاً ناخشنودی و تأثیر منفی ناشی از عدم پاسخگویی به مطالباتشان، می‌تواند مشکل آفرین باشد، لذا باید این موضوع را جدی گرفت.

روحانی، برخورد نامناسب با مطالبات به حق کارگری را اشتباهی بزرگ دانست و گفت: برخورد نامناسب با کارگران در بیان مطالبات فقط پاک کردن صورت مساله می‌باشد. وی گفت: حل مشکلات کارگران، تأثیری عمیق و مثبت در کاهش مشکلات جامعه خواهد داشت و اهتمام به حل مشکلات کارگران، به ویژه مسائل معیشتی آنان، باید دغدغه همه دولت‌ها و مسئولان باشد و مطالبات کارگری باید مورد توجه مسئولین قرار گیرد.

پایان پیام

احتمال تعطیلی مغازه داران خیابان جمهوری

بر پایه خبر دریافتی آمده است: به گزارش رسیده از یکی از کسبه پارچه فروش بازار تهران، مغازه داران خیابان جمهوری تهران در اعتراض به مالیات شش درصد بر ارزش افزوده تصمیم دارند مغازه های خود را تعطیل کنند. این بازاری افزود: در ادامه تعطیلی بازار آهن شادآباد مغازه داران خیابان جمهوری هم قصد جدی دارند که مغازه های خود را تعطیل کنند.

تعویق ۱۶ ماه حقوق کارگران مجتمع دامداری مهاباد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: مجتمع دامداری مهاباد از جمله مجموعه‌های تولیدی بحران‌زده کردستان است که کارگرانش با وجود سوابق کار ۱۷ تا ۲۶ ساله، ۱۶ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند.

نماینده کارگران مجتمع دامداری مهاباد می‌گوید: ۴۳ کارگر این مجتمع دامداری ۱۶ ماه است که به بهانه کمبود منابع مالی حقوق دریافت نکرده‌اند.

او در تشریح جزئیات مشکلات کارگران این واحد تولیدی، افزود: این معوقات مربوط به پنج ماهه اول سال ۹۰ و ۹۱ به همراه عیدی و پاداش بوده و در سال جاری نیز کارگران هنوز هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند.

این کارگر اضافه کرد: با واگذاری مجتمع بزرگ دامداری به بخش خصوصی، مشکلات کارگران این واحد تولیدی آغاز شد بطوری که اینک کارفرما بدون توجه به معیشت کارگران و خانواده‌هایشان از پرداخت ۱۶ ماه حقوق آنان کوتاهی می‌کند.

او با اشاره به سوابق ۱۷ تا ۲۶ ساله کارگران این مجتمع کشتارگاهی اظهار داشت: امنیت شغلی کارگران با افزایش مشکلات این مجتمع کشتارگاهی بیش از پیش به خطر افتاده است به طوری که دو نفر از کارگران با سوابق بیش از ۱۷ سال بدلیل اعتراض به افزایش مشکلات کارگران، با پایان قرار داد کاری اخراج شده‌اند.

گفتنی است مجتمع دامداری مهاباد وابسته به شرکت غدیر سبز، داری زیر مجموعه‌های صنعتی همانند هما مرغ، سردخانه زمزم، و کشت صنعت مهاباد است که پس از سال ۸۶ با بروز برخی نوسانات در بازار و آغاز واردات گسترده گوشت، با واگذاری به بخش خصوصی، از نظر تامین منابع مالی با ۲۱۷ کارگر دچار مشکل شد که در نهایت این کارگران به مرور تعدیل و هم اکنون ۴۳ کارگر این مجتمع به علت عدم دریافت ۱۶ ماه حقوق معوقه با مشکلات معیشتی عیدیه ای روبرو شده‌اند.

مرگ 26 کارگر کردستانی بر اثر حوادث حین کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: بنا به گزارش يك سامانه اینترنتی مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان از مرگ ۲۶ کارگر در سال گذشته بر اثر حوادث ناشی از کار خبر داد. مصطفی باغبانیان گفت: در سنندج، بیشترین حوادث ناشی از کار را در بخش ساختمان خواند و گفت: بیش از ۶۰ درصد از سوانح و حوادث مربوط به حوادث ناشی از کار مربوط به بخش ساختمان است. وی تصریح کرد: تعداد حوادث ناشی از کار در کردستان طی سال گذشته مجموعاً ۲۳۶ مورد بوده است. باغبانیان بیشترین حوادث را مربوط به شهرستان سنندج دانست و افزود: براین اساس ۱۳۰ نفر در شهرستان سنندج دچار حوادث ناشی از کار شده‌اند. مدیرکل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان ادامه داد: در سال گذشته، ۲۶ مورد از حوادث منجر به فوت کارگر شده، ۲۱ مورد نقص عضو و ۱۴ مورد قطع عضو به وجود آمده که ۱۴۹ مورد از صدمات به بخش ساختمان مربوط است. باغبانیان در پایان با بیان اینکه بر اساس حکم قانون کار هر کس در هر جایی که کار می‌کند باید بیمه باشد، بیمه شدن کارگران را امری ضروری دانست و گفت: تمام کارفرمایان باید کارگران را بیمه نمایند، تا اگر احیاناً مشکلاتی در این زمینه به وجود آمد، آن‌ها را بر طرف کنیم.

هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران:

با بازگرداندن لایحه اصلاحی قانون کار از مجلس شورای اسلامی یک موفقیت مهم برای اعتراضات سراسری کارگران ایران رقم خورد

برپایه ایمیل رسیده به روزشمار کارگری در 7 اردیبهشت 92 آمده است: بدنبال اقدام دولت برای وارد کردن اصلاحات ضد کارگری تر در قانون کار و ارسال آن جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی، هزاران کارگر در سراسر کشور در طومار اعتراضی خود خواهان کنار گذاشتن این لایحه ضد کارگری شدند و در پی آن به فاصله کمی از ارسال این لایحه به مجلس شورای اسلامی، هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران دست به تجمعی اعتراضی در مقابل مجلس زدند و طی ملاقاتی با مسئولین آن، مصرانه بر باز پس فرستادن این لایحه تاکید گذاشتند. همزمان با این تجمع، کارگران شرکت واحد تهران نیز با تحویل طوماری دو هزار نفری به وزارت کار و مجلس شورای اسلامی مخالفت خود را با این لایحه اعلام کردند و در ادامه 50 نفر از کارگرانی که در جمع آوری طومار سی هزار نفری در تهران همکاری داشتند به اتفاق هماهنگ کنندگان طومار در محل وزارت کار دست به تجمع زدند و خواهان رسیدگی به خواسته‌های مطرح شده در طومار اعتراضی، منجمله باز پس گرفتن لایحه اصلاحی قانون کار شدند. همچنین کارگران شرکت واحد تهران نیز در 14 اسفند ماه سال گذشته با تجمع در محل وزارت کار خواهان باز پس گرفتن این لایحه ضد کارگری از مجلس شورای اسلامی شدند. این اعتراضات در شرایطی ادامه داشت که فعالین و دیگر نهادهای کارگری نیز در ابعاد وسیع به نقد معترضانه این لایحه ضد کارگری پرداختند و با توجهی که خبرنگاران و مسئولین شریف برخی رسانه‌ها در کشور به اعتراضات کارگران در مخالفت با این لایحه نشان دادند فضایی عمومی بر علیه این لایحه ضد کارگری شکل گرفت.

امروز این اعتراضات و فضایی که بر علیه این لایحه ضد کارگری شکل گرفت به ثمر نشست و لایحه ضد کارگری اصلاح قانون کار از مجلس شورای اسلامی بازگردانده شد. این یک موفقیت مهم برای اعتراضات سراسری کارگران ایران است. اما این مبارزه هنوز به اتمام نرسیده است، قرار است بار دیگر این لایحه پس از اصلاحاتی از سوی وزارت کار جهت تصویب در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. لذا ما کارگران باید با اتکا به سنتی که در سال گذشته برای پیشبرد مبارزه ای سراسری در پیش گرفتیم گام‌های مهم دیگری را برای تحقق خواست هایمان در یک بعد ملی و بویژه برای تجدید نظری فوری در حداقل مزد مصوب برداریم و با مبارزه ای متحد و سراسری اجازه ندهیم حقوق انسانی مان بیش از آنچه که تاکنون پایمال شده است مورد تعرض قرار بگیرد.

موفقیت ما کارگران ایران در بازگرداندن لایحه ضد کارگری اصلاحی قانون کار یک گام مهم در گسترش مبارزه سراسری ماست. ما این موفقیت را که حاصل زحمات تک تک کارگران در سراسر کشور است صمیمانه به

عموم آنان تبریک میگوئیم و بار دیگر بر عزم و اراده خود برای گسترش و تعمیق مبارزات سراسری کارگران ایران برای دست یابی به مطالبات بر حق شان پای می فشارم. هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران: شاپور احسانی راد - جمیل محمدی - شیث امانی - شریف ساعد پناه - پروین محمدی - جعفر عظیم زاده هفتم اردیبهشت ماه 1392

افزایش دو ساعت کار بدون دستمزد به کارگران قراردادی

به نوشته سایت ایران کارگر -7 اردیبهشت 92آمده است : يك کارگر قراردادي که دريك واحد توليدي دريکي از شهرکهاي صنعتي تهران کار میکند گفت طی چند روز اخيره آنها گفته شده که ازاین به بعد بجای 10ساعت کار بایداز صبح تا غروب 12ساعت کاربکنند وهمزمان زمان قرارداد کار با این کارگران بجای سه ماهه تبدیل به قراردادهای يك ماهه شده ،کارگرمذکورمیگفت با این وضعیت آخوندهای ظالم وحاکم به نام جمهوری اسلامی ، تا فرق سرما را استثمار میکنند و هر روزکه برای کارمیرویم ،امیدی به اینکه روز بعد عذرمارا نخواهند نداریم.

بدون شرح

مجلس لایحه اصلاح قانون کار را به دولت بازمیگرداند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است : رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی گفت: لایحه ای که دولت برای اصلاح قانون کار تدوین کرده است مورد تایید گروه های کارگری و کارفرمایی نیست.

«علیرضا محجوب» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در جلسه ای که هفته گذشته به منظور بررسی لایحه اصلاح قانون کار در کمیسیون اجتماعی مجلس برگزار شد، نمایندگان گروه های کارگری و کارفرمایی به اتفاق اعلام کردند که مواد این لایحه مورد تایید آنها نیست . وی گفت: به همین دلیل کمیسیون اجتماعی مجلس ضمن بازگرداندن لایحه ارسالی دولت، از سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواست تا به منظور بررسی این لایحه، هرچه زودتر جلسه شورایی عالی کار را تشکیل دهد . دبیرکل خانه کارگر بایان اینکه طبق قانون برنامه پنجم توسعه، دولت موظف است تا لایحه اصلاح قانون کار را بر مبنای توافق تشکلهای کارگری و کارفرمایی تهیه و برای تصویب به مجلس ارسال کند، گفت: واکنش نمایندگان کارگری و کارفرمایی به لایحه ارسالی دولت نشان می دهد که دولت برخلاف قانون برنامه عمل کرده است . محجوب ادامه داد: مجلس زمانی بررسی لایحه اصلاح قانون کار را دستور کار خود قرار می دهد که بداند دولت طبق قانون برنامه و با مشارکت گروه های اجتماعی لایحه اصلاح قانون کار را تدوین کرده است . رئیس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی بایان اینکه لایحه اصلاح قانون کار تنها شامل پیشنهادات دولت است گفت: در این لایحه حداقل هفت مورد وجود دارد که شرکای اجتماعی درباره آنها به توافق نرسیده اند.

پایان پیام

نقد «زنگنه» بر کارنامه هشت ساله دولت:
هیچیک از فازهای «پارس جنوبی» تکمیل نشد

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 7 اردیبهشت 92 در گفتگو با وزیر سابق نفت مهندس زنگنه آمده است: علی اکرمی: انقلاب نفتی و بهره‌برداری 35 ماهه از فازهای پارس جنوبی هم دیگر اعتباری ندارد و رسماً گفته شد که نمی‌توان در این مدت پالایشگاه گازی را به تولید رساند. این در حالی است که رویکرد اصلی دولت دهم در نفت همین شعار بود که پرسروصدا مانند دیگر تبلیغات دولتی مطرح شد اما امروز بی‌سروصدا «نمی‌شود» اعلام کرد. در واقع در این روزهای پایانی دو دولت احمدی‌نژاد روشن می‌شود که در این هشت سال هیچ فاز پارس جنوبی به اتمام نرسید و بماند که هیچ فازی در این دولت شروع نشد که به اتمام برسد. افتتاح فازهای 6 تا 10 هم مشخص شد که تا مقدار زیادی تبلیغاتی بود و هنوز این دو پروژه نقصان‌هایی برای تکمیل شدن دارند. این در حالی است که به گفته بیژن زنگنه سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در این دولت بیشتر از قبل بوده اما نتیجه‌گرفتن و به بهره‌برداری رساندن...! زنگنه همچنین معتقد است: «در این دوره از مدیریت کشور موازنه‌ها نه تنها به ضرر تولید، بلکه حتی به ضرر اقشار فرودست جامعه با شعار حمایت از فرودستان بهم ریخته شد که امیدوارم مردم در خاطرشان بماند.» گفت‌وگوی «شرق» با مهندس زنگنه، وزیر سابق نفت در آخرین روزهای سال 91 انجام شد که در پی می‌آید:

یک سوال تکراری و همیشگی، وضعیت صنعت نفت و انرژی کشور را چگونه می‌بینید؟

الان برداشت عمومی این است که وضعیت عمومی صنایع ما از جمله در تولید نفت و در صنایع وابسته آن در شرایط بدی است و این دیگر نیاز به تخصص هم ندارد البته فشارها و شرایط خارجی هست اما مشکل بزرگ‌تر شرایطی است که در این سال‌ها خارج از اراده مدیران و کارشناسان این صنعت بر آن تحمیل شده و تحریم‌ها هم مزید بر علت شده تا امروز که مشکلات نمود پیدا کرده است.

وضعیتی که به وجود آمده و فارغ از به وجود آورنده آن یا فارغ از درصدی که به سوءمدیریت‌ها و تحریم‌ها می‌دهید راهکاری برای اصلاح در کوتاه مدت دارد؟

راهکار دارد اما راهکارش فقط در صنعت نفت نیست، راهکار اصلی و تعیین کننده، اصلاح شرایط محیطی حاکم بر صنعت نفت است و اگر این شرایط محیطی را اصلاح کنند نتیجه آن را در صنعت نفت هم خواهیم دید و تحولات هم رخ خواهد داد البته اینها تئوری هم نیست. در عمل صنعت نفت ایران در دوران 76 تا 84 یک دوره طلایی و درخشان توسعه را طی کرد و این دورانی نیست که فقط یک‌بار به وقوع پیوسته باشد، بلکه قابل تکرار است. توسعه پتروشیمی‌ها، توسعه پارس جنوبی، توسعه تولید و توزیع گاز و...

چیزی که الان در پتروشیمی داریم ماحصل آن زمان است.

اینکه باید در صنعت نفت چه کار کرد؟ راهبردها و رویه‌های آن مشخص است. اما اول شرایط محیط صنعت و پارادایم‌های ناکارآمد را که توسط دولت فعلی در اداره کشور حاکم شده است، باید اصلاح کرد. از دستاوردهای مثبت این دوره مدیریت در کشور این بوده که نخبگان فهمیدند روش‌های شعاری و احساسی و نیز قشری‌گرایی ما را به جایی نمی‌رساند و نه تنها بهبودی در زندگی مردم پدید نمی‌آورد که ما را عقب هم می‌اندازد. اخیراً رییس دولت، در ماه‌های آخر دولت‌شان در مجلس رهنمودهایی می‌دهند که جای سوال دارد که چرا خودشان در مدت هشت سال به این شعارها عمل نکردند؟ رفتارهای این دولت شبیه برخی رفتارهای اول انقلاب است که ما گاهی برخی از این شعارها را در سال 1358 می‌دادیم و سال 1360-1361 هم فهمیدیم که اشتباه بوده و آنها را کنار گذاشتیم، منتها ایشان بعد از هشت سال ریاست بر دولت و آشنایی با مسایل کشور هنوز همان صحبت‌های سال 58 را مطرح می‌کنند. نظیر اینکه بگذاریم دامها وارد جنگل‌ها شوند یا اینکه کشور ما زمین و آب زیاد دارد و باید از آن استفاده کرد، همین بحث‌هایی بود که موجب وارد شدن لطمات جبران‌ناپذیری به منابع آب‌های زیرزمینی ما شد. این پارادایم حاکم بر دولت و سرمشق کشورداری در حوزه بخش‌های اقتصادی و صنعتی باعث آسیب جدی به کشور شده است. در این دوره از مدیریت کشور موازنه‌ها نه تنها به ضرر تولید، بلکه حتی به ضرر اقشار فرودست جامعه با شعار حمایت از فرودستان به هم ریخته شد که امیدوارم مردم اینها را در حافظه تاریخی خود نگه دارند و فراموش نکنند.

به یک دوره درخشان در صنعت نفت و گاز ایران اشاره کردید و وزیر نفت فعلی هم چندی پیش گفت ما 250 میلیارد دلار در حوزه نفت و گاز سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، آیا می‌توانید مقایسه‌ای میان آن سرمایه‌گذاری و این انجام دهید؟

ریز عددی که ایشان مطرح کردند در اختیار کارشناسان قرار نگرفته و من در جریان آنالیز آن نیستم ولی در کل قبول دارم که الان چند برابر زمان ما سرمایه‌گذاری می‌شود. ولی سوالی که دولت باید جواب دهد این است که چرا این سرمایه چندبرابری، بازدهی کمتری دارد؟ ما برای اجرای هر فاز پارس جنوبی یک میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌کردیم و الان برای انجام همان کار بین سه تا چهار میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام می‌شود. آیا قیمت‌های جهانی سه تا چهار برابر شده است؟ به دلیل تحریم است؟ یا دلیل دیگری دارد؟ ما در فازهای 4 و 5 پارس جنوبی در عرض 43 ماه یک فاز را از صفر به تولید رساندیم اما فازهای 9 و 10 پارس جنوبی که هشت سال پیش با پیشرفت 60 درصد به این دولت تحویل شد، هنوز به اتمام نرسیده است. گویا اینها هم مانند قنات حاج میرزا آغاسی است که برای مملکت گازی ندارد اما برای برخی نان دارد. ما برای بیش از 30 هزار نفر در عسلویه و برای 20 هزار نفر در بندر امام اشتغال مستقیم ایجاد کرده بودیم. پنج فاز پارس جنوبی را تکمیل کردیم و پنج فاز را با پیشرفت فیزیکی بالای 60 درصد تحویل دادیم.

الان با توجه به تحریم‌ها شرایط هم مناسب‌تر است برای اینکه به جای فروش نفت ایران که مورد همه گونه تحریم است، آیا زمان اجرایی کردن شعار اقتصاد بدون نفت نیست؟

من هم با این استراتژی موافقم اما نه با حذف نفت از منابع ایران. بلکه با رشد دادن سایر بخش‌های صنعتی و صادراتی، الان نفت سهمی حدود 40 درصد از تولید ناخالص ملی و 70 درصد سهم صادرات ما را تشکیل می‌دهد و اگر ما اقتصاد کشور را با نرخ رشد هشت درصدی مصوب در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه دهیم و صنعت نفت هم در کل با نرخ 2، 3 درصدی رشد کند (که البته نرخ معقولی است)، پس از 15 سال به جایی می‌رسیم که سهم نفت در تولید ناخالص ملی زیر 20 درصد باشد. بودجه عمومی هر کشور به دو بخش جاری و عمرانی تقسیم می‌شود، باید منابع تامین‌کننده بودجه عمومی کشور از منابعی به جز صادرات نفت تامین شود و بعد آنچه از نفت حاصل می‌شود را برای توسعه کشور هزینه کنیم.

اصل را باید بر این گرفت که چگونه رشد اقتصادی را بهبود ببخشیم. اگر بخواهیم کاری کنیم که وزن نفت در صادرات کشور کاهش یابد، خوب روش اصلی آن همین است که برنامه‌ریزی کنیم برای صادرات محصولات پتروشیمی و محصولات با ارزش افزوده بالاتر نفتی و نیز تولید و صادرات دیگر محصولاتی که در تولید آنها مزیت داریم. اگر امروز 18 میلیارد دلار تولید مواد پتروشیمی داریم، این نتیجه برنامه‌ریزی و تلاش شبانه‌روزی است که در سال‌های 76 تا 84 انجام شد. سال 76 این میزان یک میلیارد دلار بود. در سال‌های اخیر هم که احداث واحدهای جدید پتروشیمی تقریباً متوقف شده. اگر بتوانیم صادرات مواد پتروشیمی را تا 40 میلیارد دلار برسانیم و 50 میلیارد دلار هم از سایر بخش‌ها، صادرات داشته باشیم نظیر محصولات صنعتی، صادرات خدمات و... در آن صورت سهم نفت در تراز بازرگانی خارجی کشور به زیر 30 درصد می‌رسد و این یعنی اقتصاد بدون نفت. برای توسعه تمامی بخش‌های کشور می‌توانیم از درآمد حاصل از نفت و سایر منابع بودجه‌ای استفاده کنیم و در مقابل برای توسعه صنعت نفت از منابع خارجی بهره بگیریم و با رشد سایر بخش‌ها سهم نفت را در اقتصاد کم کنیم نه اینکه مابقی بخش‌ها توسعه نیابند و شعار اقتصاد بدون نفت را بدهیم.

با آن چیزی که به عنوان سیاست‌های انرژی ایران در سال‌های اخیر منعکس شده شما تا چه حد موافقت یا نقد دارید؟ و سیاست‌گذاری‌های کلان انرژی را فارغ از اجرا چگونه می‌بینید؟

چیزی که شامل سیاست‌های جدید باشد در این سال‌ها اعلام نشده، هر چیزی که اجرا می‌شود حداقل در گفتار، همان سیاست‌هایی است که در برنامه‌های تنظیم شده تا سال 1384 تهیه و عرضه شده بود اما این مشکلاتی که در صنعت نفت رخ داده ناشی از استراتژی توسعه صنعت نفت ایران نیست، مشکل بی‌ثباتی مدیریتی و بی‌اقتدار کردن وزارت و وزیر نفت است.

مشکل آنجاست که کسانی در دولت، وزیر نفت بله‌قربان‌گو می‌خواهند که هر کس را از خارج سیستم به او تحمیل کردند بپذیرد، اما وزیر نفت برای پیشبرد سیاست‌های نفتی باید اقتدار داشته باشد. تخصص‌ستیزی و کارشناس‌ستیزی که از بیرون به وزارت نفت تحمیل شده، تحقیر نهاد مدیریت در کل کشور است که اکنون بعد از هشت سال موجب ناکارآمدی سیستم اداری و اجرایی دولت شده است.

آقای مهندس زنگنه در دوران وزارت، شما به تکیه بیش از اندازه به شرکت‌های خارجی در توسعه صنایع نفت و گاز

ایران و بی‌توجهی به صنعتگران داخلی متهم بودید، به‌خصوص تیمی که در وزارت نفت به نام جنوبی‌ها مطرح می‌شدند همیشه چنین انتقادی را به شما داشتند، در این مورد توضیح می‌دهید؟

به نظر من مشاوران، تجهیزات‌سازان و سایر شرکت‌هایی که در صنعت نفت فعالیت می‌کردند باید به این سوال پاسخ دهند که امروز وضعیتشان از آن روز بهتر است یا نه؟ اکنون که دولت مدعی است سرمایه‌گذاری در صنعت نفت بیشتر شده و شرکت‌های خارجی هم هیچ انگیزه و تمایلی برای حضور در بازار ایران ندارند، آیا شرکت‌های داخلی توسعه یافته‌اند و از شرایط موجود راضی هستند؟ ما در آن زمان اگرچه شرکت‌های خارجی را وارد بازار ایران می‌کردیم اما الزامی هم برای آنها داشتیم تا از توان پیمانکاران و تجهیزات‌سازان و سایر شرکت‌های داخلی در پروژه‌هایی که می‌گیرند استفاده کنند تا همزمان شرکت‌های داخلی هم آموزش ببینند و در سال‌های بعد جایگزین آنها شوند. برنامه ما این بود که طی 10 سال صدمیلیارد دلار کار را به پیمانکاران داخلی واگذار کنیم. مهندسان مشاور نظیر سازه، نارگان و چگالش که از مطرح‌ترین مهندسان مشاور صنعت نفت هستند گزارش دهند که چه مقدار سازمان خود را در هشت سال اخیر توسعه داده‌اند؟ پیمانکاران و کارخانه‌هایی که با وزارت نفت همکاری می‌کردند گزارش دهند که آیا در دوره اخیر نیروی انسانی اضافه کرده‌اند یا کارگران و مهندسان خود را تعدیل کرده‌اند؟ سندیکای سازندگان تجهیزات صنعت نفت گزارش بدهند که در این دوره بر سر سازندگان تجهیزات چه آمده است؟

در بیانیه يك تشکل مستقل کارگری عنوان شد: شرایط امروز کارگران در سه دهه گذشته بی‌سابقه بوده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: در آستانه روزانه جهانی کارگر جمعی از فعالان مستقل صنفی با انتشار بیانیه‌ای نسبت به پایین بودن مزد و وضعیت وخیم معیشتی کارگران اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، در این بیانیه که از سوی گروهی از هماهنگ‌کنندگان طومار سال گذشته کارگران برای بازبینی و افزایش دستمزدها نوشته شده، آمده است: از سال گذشته به این سو، ماه و فصلی در این مملکت نبوده است که هزینه‌های زندگی به چندین برابر افزایش پیدا نکرده باشد. با اینحال هنوز چند صباحی از آغاز سال جدید نگذشته است که بار دیگر قیمت گوشت و برخی دیگر از اقلام غذایی سر به فلک کشید و از هم اکنون طرح مربوط به افزایش قیمت نان و حامله‌های انرژی و حذف ارز مرجع برای کالاهای وارداتی به عنوان سرآغازی دیگر برای چندین برابر شدن هزینه‌های زندگی است.

نویسندگان این بیانیه که از اعضای اتحادیه آزاد کارگران هستند با انتقاد از تعیین مبلغ ۴۸۷ هزار تومان به عنوان حداقل مزد سال ۹۲ متذکر شده‌اند: دولت همیشه و در هر حالی بهای هر کالایی را که اختیار قیمت گذاری آن بدست‌اش بوده افزایش داده است و به تبع آن بخش خصوصی و صاحبان سرمایه نیز قیمت کالاها و خدمات تولیدیشان را بالا برده‌اند. اما زمانی که نوبت به زندگی و بقا ما کارگران در این مملکت رسیده است دولت نه تنها هیچ مسئولیتی برای تامین معاش میلیون‌ها خانواده کارگری برای خود قائل نشده است بلکه با هر آنچه که در ید قدرتش بوده، تلاش نموده است تا هزینه‌های بحران اقتصادی موجود را به گرده ما کارگران بیاندازد، بطوریکه دولت خود راسا با اخذ ارزش افزوده شش درصدی از هر آن چیزی که با حداقل مزد کنونی بر سر سفره‌های خالی کارگران قرار می‌گیرد هر روزه مشغول [...] از این حداقل مزد ناچیز و خفت بار ما کارگران است.

به اعتقاد این فعالان مستقل صنفی در شرایطی که حداقل مزد جدید حتی برای پراخت اجاره بهای محقرانه‌ترین و دورافتاده‌ترین مسکن‌ها کافی نیست، دولت با تعیین مبلغ ۴۸۷ هزار تومان به عنوان حداقل مزد نشان داد که نه تنها هیچ ارزشی برای برخورداری کارگران از حق داشتن زندگی انسانی قائل نیست بلکه قصد دارد تا به منظور تامین منافع اقتصادی یک اقلیت ناچیز کل هزینه‌های مربوط به اشتباهات اقتصادی خود را بر دوش کارگران سرازیر کند.

نویسندگان این بیانیه با تاکید بر اینکه «برای ما کارگران هیچ مصلحتی بالاتر از تامین معیشتمان که عین شرافتمان است وجود ندارد». یادآور شده‌اند: سال گذشته با جمع آوری طوماری اعتراضی در سطحی

سراسری نشان دادیم که چون دیگر تحمل وضعیت موجود را نداریم و نمی‌توانیم بیش از این شاهد فقر و فلاکت و تباهی زندگی خود و خانواده‌هایمان باشیم، در نتیجه دست در دست هم نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شدیم.

این گروه از فعالان صنفی کارگری در ادامه بیان خود باینکه بدون ذره‌ای تردید شرایط مصیبت بار کنونی کارگران در سه دهه گذشته بی‌سابقه بوده است آورده‌اند: دولت و دست اندرکاران حکومتی باید بدانند که دیگر ذره‌ای تحمل برای ما کارگران جهت تداوم وضعیت مشقت بار کنونی باقی نمانده است. این گروه کارگری در خاتمه بیانیه خود از روز جهانی کارگر به عنوان فرصتی مناسب برای اعلام اعتراض دوباره جامعه کارگری ایران به وضعیت معیشتی کنونی و طرح خواسته‌های قانونی خود یادکرده‌اند.

پایان پیام

حقوق کارگران چه شد ؟

به نوشته سایت ایران کارگر -7 اردیبهشت 92آمده است : کارخانه گچ خراسان واقع در حومه مشهد که بیش از 1500کارگر دارد اکنون در وضعیت بحرانی قرار دارد و کارفرمای این کارخانه تا کنون 7 ماه است

که از پرداخت حقوق کارگران امتناع میکند ، یکی از کارگران این کارخانه در این رابطه گفت تعدادی از کارگران که به این وضعیت به مدیریت اعتراض کردند از کار اخراج شدند و هنوز به آنها نیز حقوقشان داده نشده ، کارخانه گچ خراسان تعدادی از کارگران خود را بدلیل نداشتن بودجه اخراج کرد. به گزارش دریافتی از مشهد بیش از 100 کارگر شرکت دولتی " دشت به ساز" و اقع در منطقه کوهسنگی مشهد 4 ماه حقوق معوقه دارند کارگران این شرکت بیمه نیستند و این گزارش می افزاید کارگرانی که پیگیر حقوقشان شدند از کار بیکار شدند

کوچکترین حرکت کارگران هزاران نتیجه به همراه دارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است : در زمانه‌ای که شرایط اقتصادی کشور عرصه را هر روز بر مردم به خصوص افشار کارگر به اندازه‌ای تنگ می‌کند که توجه آن‌ها بیشتر به تهیه نان معطوف می‌شود و از قضا درست در همین شرایط مرکزهای نمایشی با افزایش بهای بلیت آثار نمایشی محکم‌تر بر این طبل می‌کوبد، گویا رفته رفته باید ارتباط بخش مهمی از ترکیب جمعیتی کشور با هنر تئاتر را کاملاً قطع شده محسوب کنیم. هادی مرزبان کارگردان صاحب سبک و معتبر تئاتر اعتقاد دارد «کارگران از دهه ۴۰ برای گرفتن حق خود ایستادگی کردند و امروز یکی از ستون‌های اجتماعی ما محسوب می‌شوند. این تاثیرگذاری در حدی است که کوچکترین حرکت آنها هزاران نتیجه به همراه خواهد داشت. این کارگردان می‌پرسد چرا نباید امکانی فراهم شود تا هنرمندان تئاتر بتوانند مانند گذشته نمایش‌های خود را در کارخانه‌ها روی صحنه ببرند.» گفتگو با او را در ادامه می‌خوانید:

کارگران در نمایشنامه‌های اکبر رادی چه جایگاهی دارند؟

کارگران در آثار رادی برخلاف آنچه ما در بسیاری از آثار ادبی کلاسیک تا مدرن خود صحبت می‌کنیم؛ مطرح می‌شوند. در این آثار ما وقتی می‌گوییم کارگر گویا از فردی صحبت می‌کنیم که تنها قرار است کار پیدی انجام بدهد و از بازو نان بخورد. اعتقاد دارم جامعه ما با کارگران معنا پیدا می‌کند و اگر قرار باشد طیف‌های گوناگون جامعه را بررسی کنیم قشر کارگری ما چه از نظر کیفیت و چه از نظر کمیت در راس هرم قرار می‌گیرند. اگر به آثار مرحوم رادی هم دقت کنید همواره باهوش‌ترین، زیرک‌ترین کارکترها و آن دسته از افرادی که قهرمان قصه می‌شوند و یا قابلیت قهرمانی دارند؛ کارگران هستند.

به عنوان مثال اگر به نمایش «پلکان» که در ماه‌های اخیر اجرا شد نگاه کنید، به نوعی عکس‌العمل کارگران رانشان می‌دهد. در سراسر نمایش افراد زیادی توسط شخصیت "بلبل" استعمار می‌شوند اما تنها گروهی که

در برابر این ظلم مقاومت می‌کند کارگران هستند. این اتفاق را در صحنه چهارم نمایش می‌بینیم که کارگر ساختمانی وارد اتاق "بلبل" تازه به دوران رسیده می‌شود و منطقی‌ترین صحبت را بیان می‌کند. به اعتقاد من؛ زیباترین کلمات توسط "بالاجه" کارگر بیان می‌شود که به "بلبل" می‌گوید: وقتی تو در تهران و شهرهای دیگر در ویلاهای خود به خوش‌گذرانی مشغول بودی، سلیمان اینجا در حال زحمت کشیدن بود، امروز که بیمار است تو حق نداری چنین رفتاری با او داشته باشی و حقوق او را نادیده بگیری.

به کدامیک از کارکنهای نمایش "پلکان" علاقه بیشتری حس می‌کنید؟

به نظرم هر هنرمندی از موزیسین گرفته تا نقاشی و سینما و ادبیات و... وقتی اثری خلق می‌کند در کار خود یک نورچشمی دارد، در این نمایش هم کارکن بالاجه نورچشمی من است. البته همه کارکنها برای من مثل انگشت‌های دست هستند. اما صحبت‌های تند و تیز بالاجه موجب می‌شود برایم شخصیت عزیزتری داشته باشد.

در صحنه‌ای که اشاره کردید شاهد هستیم قدرت و قانون هم از افراد تازه به دوران رسیده که به استثمار دیگران مشغول هستند؛ حمایت می‌کند و پلیس در دفتر کار حضور دارد اما اصلا طرف کارگر را نمی‌گیرد.
سرمایه‌دارها و صهیونیست‌های پولدار می‌زنند. اینها هستند که بر سیاست ایالات متحده و یا به نوعی بر سرنوشت جهان تاثیر می‌گذارند، چرا؟ تنها به این دلیل که پولدار هستند. در نمایش ما هم همین اتفاق می‌افتد و "بلبل" تازه به دوران رسیده یادگرفته است چگونه قانون و قوه قهریه را در خدمت خود داشته باشد.

باتوجه به شناختی که شما از مرحوم رادی دارید، دیدگاه این نویسنده درباره کارگران چه بود؟

سال ۶۳ که نمایش پلکان را روی صحنه بردیم، بحث‌های زیادی توسط دوستان روشنفکر مطرح شد که کارکن بالاجه اصولا خود رادی را نمایندگی می‌کند. عده‌ای هم اعتقاد داشتند این جمله‌ها به یک کارگر ساختمانی تعلق ندارد و رادی به زور این جمله‌ها را در دهان او قرار داده است. اما رادی با قدرت در برابر این صحبت‌ها مقاومت می‌کرد و می‌گفت: خیر؛ چه کسی گفته یک کارگر نمی‌تواند این جملات را بیان کند؟ کارگر هم می‌تواند مطالعه کند، می‌تواند وارد سیاست شود و جهان پیرامون خود را تحلیل کند و نگاه جامعه‌شناسانه داشته باشد، چه بسا بهتر از من، چرا؟ به این دلیل که کارگر خود در متن جامعه حضور دارد. پس دلیل نمی‌شود چون فرد کارگر است نتواند این جملات را بیان کند. در کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ این بیشتر کارگران بودند که در صحنه حضور داشتند، در تمام ادوار تاریخی همینطور بوده است. اما افراد دیگر صبر می‌کنند وقتی کار نزدیک به نتیجه می‌شود صاحب می‌شوند.

کارکن کارگری که دو یا سه دهه قبل توسط اکبر رادی خلق شده چقدر با زمان خود نزدیکی داشته است؟

بسیار زیاد؛ به عنوان مثال شما اگر به دهه ۳۰ توجه کنید بیشتر با کارگران بله قربان‌گو مواجه می‌شوید که دقیقا در آثار رادی نمود پیدا کرده است. در دهه ۴۰ است که این روند به سمت تغییر گام برمی‌دارد و با مقاومت‌های کارگران نسبت به زیاده‌خواهی‌های کارفرما مواجه می‌شوید. دقیقا مشابه آنچه در نمایش پلکان اتفاق می‌افتد و در چند صحنه نخست شما می‌بینید کارگران زبردست "بلبل" استثمار می‌شوند، از صحنه چهارم و در جریان ورود به دوران بساز بفروشی است که آن‌ها ایستادگی می‌کنند و اتفاقا دلایل بسیار منطقی مطرح می‌شود؛ حرف حسابی هم می‌زنند که می‌گویند ما در این شرایط کار نمی‌کنیم. گذشته ازاینکه کار نمی‌کنند در لحظه آخر به اتاق "بلبل" هم می‌ریزند و اعتراض می‌کنند. همین حرکت کارگران موجب می‌شود "بلبل" به عنوان نماد افراد سودجوی تازه به دوران رسیده از ترس کارگران برای دومین مرتبه سگته می‌کند.

بعد از این سال‌ها که از نوشته شدن نمایش "پلکان" می‌گذرد، با توجه به شرایط کارگران امروز چقدر ناچار به تغییر متن شدید؟

اصلا نیازی به تغییر دادن نداشت، چون شرایط هنوز برای کارگران سخت است. امروز افتخار می‌کنم بگویم از تمامی اقشار به تماشای نمایش من می‌نشینند. طرف با همسر و فرزند خود از امامزاده حسن به تماشای نمایش می‌آید و پس از پایان اجرا جلوی درب خروجی جلوبیم را می‌گیرد و از من انتقاد می‌کند.

انتقاد تماشاجی به چه چیز بود؟

اعتقاد داشت اسکندر دوچرخه‌ساز باید می‌رفت و حق خود را از "بلبل" می‌گرفت. اگر نگرفت از بی‌عرضگی‌اش بوده و گریه کردن چه فایده‌ای دارد؟ خب نویسنده متن چاره ندارد برای رسیدن به این مرحله گام به گام پیش برود، مگر نه انتقاد این تماشاجی کاملا منطقی بود.

چرا در حالی که نمایش‌هایی مثل "پلکان" یا "مرده ریگ" با مضامین تلخ و کارگری روی صحنه می‌روند و با استقبال مخاطبان هم مواجه می‌شوند. عده‌ای همچنان اعتقاد دارند تنها راه فروش نمایش به قهقهه انداختن تماشاجی است؟ این صحبت نگرانی من را بیشتر می‌کند. این روزها شاهد هستیم خیلی بیشتر راجع به تئاتر آزاد صحبت می‌شود، ما باید نگران گرایش تئاتر کشور به سوی ابتذال باشیم. نگران هستیم که بخاطر فروش بیشتر کیفیت آثار مغفول واقع شود و توجه بیشتر به گیشه باشد، در این میان سرنوشت و آینده تئاتر چه می‌شود. همینجا بهترین وقت است بگویم پاسخگویی به این سوال و مسئولیت آنچه بر تئاتر می‌گذرد برعهده مسئولان و مدیران کلان کشور قرار دارد.

مدیران باید از خود سوال کنند که ما تئاتر می‌خواهیم یا نه؟ اگر می‌خواهیم باید حمایت کنیم، تئاتر در هیچ کجای دنیا حتی کشورهای بسیار پیشرفته دنیا نمی‌تواند روی پای خود بایستد. اگر می‌شنوید مردم برای دیدن یک نمایش صف کشیده‌اند فکر نکنید با اثر عجیب و غریبی مواجه هستید، خیر هزار جور محتوای ناجور دارد. در کشورهای مثل ما که به ارزش‌های اخلاقی و دینی توجه زیادی وجود دارد باید بسیار مراقب تئاتر باشیم، گاهی شاهد هستیم ارزش تئاتر در حال از بین رفتن است. شما می‌بینید یک اثر ساخته می‌شود تبلیغات سرسام آور هم حول آن به راه می‌افتد بعد که به تماشای کار می‌روید از خودتان سوال می‌کنید آیا این تئاتر است؟ انسان گاهی احساس می‌کند به عصمت و حرمت تئاتر تجاوز می‌شود و عظمت آن زیر سوال می‌رود.

تئاتر ما شناسنامه و هویتی دارد که باید از حفاظت کنیم. من هرکجای جهان که سفر کنم می‌گویم هادی مرزبان هستیم و تئاتر ایرانی کارگردانی می‌کنم. به خاطر دارم چندین سال قبل در جشنواره تئاتر فجر دانیال حکیمی و من به عنوان بازیگر و کارگردان برگزیده انتخاب شدیم و پس از آن به جشنواره تئاتر فرایبورگ آلمان دعوت شدیم. در این کشور نمایشی به کارگردانی یک ایرانی روی صحنه می‌رفت که دو نفر در آن ایفای نقش می‌کردند و هر آنچه از رفتار زشت و ناپسند تصور کنید روی صحنه اتفاق افتاد. پس از پایان اجرا وقتی کارگردان پیش ما آمد و نظرم را پرسید از او انتقاد کردم که چرا همه‌جا عنوان می‌شود کار ایرانی روی صحنه رفته است؟ تئاتر ما یک عصمت و هویتی دارد که هر کجای جهان به روی صحنه برود باید آن هویت را حفظ کند، همه باید مراقب هویت تئاتر ایران باشیم.

شورای نظارت و ارزشیابی که معتقد است سفت و سخت مراقبت می‌کند، پس شما نگران چه هستید؟

همه چیز که ممیزی نیست، اصلا ممیزی چه فایده‌ای دارد؟ ما کاری که انجام می‌دهیم را بلد هستیم، ممیزی و کارهای این شکلی دردی را دوا نمی‌کند، باید به وضعیت تئاتر رسیدگی شود. باور نمی‌کنید من حتی در آخرین روزهای اجرای نمایش "پلکان" شبها از نگرانی خواب نداشتم، به هر حال با تعداد زیادی هنرمند حرفه‌ای کار می‌کنم که باید پاسخگوی آن‌ها باشم. گیشه یک حدی را جبران می‌کند و جوابگوی هنرمندی مثل دانیال حکیمی، ایرج راد، علی رامز، صدرالدین حجازی، روح‌الله کمانی، امیریل ارجمند و... نخواهد بود. واقعا امیدوار هستم آقای آشنا به قول خود مبنی بر حمایت از نمایش "پلکان" وفا کنند، تا به این لحظه که حتی نیمی از رقم برآورد را هم دریافت نکردیم. اگر این اتفاق نیفتد هیچ راهی باقی نمی‌ماند جز اینکه تئاتر را ببوسم بگذارم کنار و اعلام کنم با این وضعیت دیگر نمی‌توانم کار کنم.

آیا هنرمند تئاتر ایرانی اصلا دغدغه طرح مشکلات، سختی‌ها و یا زیبایی‌های زندگی کارگران را دارد؟

کارگر برای من نماد انسانی است که تمام عمر کار کرده و زحمت کشیده اما هیچ گاه به حق خود نرسیده است. شخصا دوران بلوغ سنی خود را در محلی پشت سر گذاشتم که کارگری بود. آسمان تاریک بود وقتی سوت کارخانه به صدا در می‌آمد و من شاهد بودم کارگران با یک کف دست نان بربری پیچیده شده در پارچه به سمت کارخانه می‌دویدند و تا ساعت ۹ شب که مجدد سوت کارخانه زرده می‌شد کار می‌کردند. این کارگر فقط

کار می‌کرد تا زنده بماند، من این درد را از آنجا با خود همراه آوردم، نه اینکه از خانواده ثروتمندی آمده باشم خیر، همواره گفته‌ام که فقر و گرسنگی را به خوبی درک می‌کنم. از کودکی باور کردم اسباب بازی‌ها باید برای بچه‌های همسایه باشد و باور کرده بودم که من نباید داشته باشم، اصلاً به خود حق نمی‌دادم داشته باشم. در کودکی فکر می‌کردم فقط بچه همسایه می‌تواند دوچرخه داشته باشد و اگر دوست داشت به من هم بدهد تا با آن دوری بزنم، بگذریم... کارگران از دهه ۴۰ برای گرفتن حق خود ایستادگی کردند و امروز یکی از ستون‌های اجتماعی ما محسوب می‌شوند، کوچکترین حرکت آنها هزاران نتیجه به همراه خواهد داشت.

آیا کارگران امروز به حق خود رسیده‌اند؟

خیر.

شرایط اقتصادی کارگران و اوضاع تئاتر امروز ما به گونه‌ای است که گویا دیگر نباید انتظار داشته باشیم کارگران در سالن نمایش حضور پیدا کنند، در حالی که سه دهه قبل این گروه‌ها تئاتری بودند که برای اجرا به کارخانه‌ها می‌رفتند. نظر شما در این رابطه چیست؟

سال‌ها قبل گروه‌هایی بودند که وقتی ما اثری تولید می‌کردیم تعدادی کارخانه را مشخص می‌کردند تا برای کارگران آنها بلیت نیم‌ریزها در نظر بگیریم و خود من همواره طرفداران اختصاص تسهیلاتی برای حضور بیشتر کارگران در سالن‌های نمایش بوده‌ام اما نمی‌دانم واقعا چه اتفاقی افتاده که چند سال است دیگر از جریان‌ها مشابه خبری نیست و متأسفانه محرومیت و فاصله این قشر از تئاتر بیشتر شده است. یک زمان اگر تئاتری را در سالن نمایش اجرا می‌کردیم پس از آن اثر در تعدادی کارخانه هم به روی صحنه می‌رفت، زمانی کارخانه‌ها گروه تئاتر داشتند اما نمی‌دانم چگونه شد این برنامه‌ها متوقف شده است. البته تمام اینها مجدد به مدیران کلان کشور بازمی‌گردد و آنها هستند که باید برای این امور برنامه داشته باشند. وقتی ما حاضر هستیم چنین اتفاقی بیفتد و در کارخانه‌ها اجرای نمایش داشته باشیم چرا نباید این امکان فراهم شود؟ چرا نباید بتوانیم نمایش خود را در یک کارخانه در تهران یا نقاط دیگر کشور به نمایش بگذاریم؟ تئاتری که اصلاً متعلق به کارگر است. حتی اینجا رسماً اعلام می‌کنم آمادگی دارم هر گروه تئاتر یا بازیگرانی که در کارخانه‌ها علاقه به اجرای نمایش داشته باشند را سرپرستی کنم تا جایی که نمایش‌نامه مورد نظرشان اجرا شود.

مضمون کلی که در آثار اکبر رادی مطرح می‌شود چیست و آیا علاقه‌مند هستید برای اجرای این آثار به کارخانه‌ها بروید؟

رادی اصولاً فریاد عدالت‌خواهی و فقر می‌زند، در تمام کارهایی که از مرحوم رادی روی صحنه برده‌ام این مضامین وجود داشته و بسیار به اجرای آثاری از این دست علاقه دارم. چراکه نه من از خدا می‌خواهم چنین امکانی فراهم شود و آثار نمایشی به خصوص متون اکبر رادی را در کارخانه‌ها اجرا کنم.

آیا مرکزهای نمایشی علاقه به اجرای چنین آثاری دارد؟

(با خنده) آنها را دیگر نمی‌دانم، به قول معروف پیدا کنید پرتقال فروش را...! آنها هستند که باید برای اجرای آثار از این دست تمایل نشان بدهند. مثلاً چرا من برای تلویزیون کم کار می‌کنم؟ برای اینکه چند مرتبه شده پیشنهاد آفرینش یک اثر هنری را به آنها دادم و بسیار هم استقبال کردند اما وقتی برای امور نهایی به دیدن مدیر اقدام کردم دیدم مدیری که اتفاقاً زمانی در نمایش من از یک طرف صحنه به طرف دیگر می‌رفته و شاگردم بوده امروز من را سه ساعت پشت درب اتاق خود نگه می‌دارد که البته ایراد ندارد، می‌گوییم حالا مدیر شده و... اما بعد از این همه ساعت تازه به من می‌گوید ما باکس برنامه را نداریم. بعد از یک سال می‌بینم همان اثر با نام دیگری توسط فردی دیگر کار شد. خوب وقتی چنین رفتاری می‌بینم دلم می‌شکند و عطایش را به لقایش می‌بخشم. من فردی نیستم که پیش مدیر بروم و التماس کنم، اصلاً عادت ندارم؛ دلیلی ندارد خواهش و تمنا کنم، تئاتر کار می‌کنم که کار خودم را انجام بدهم. همین الان هم اگر مسائل مالی نمایش «پلکان» درست حل نشود این کار را هم می‌بوسم می‌گذارم کنار چون تحمل انسان حدی دارد.

آقای فراهانی اعتقاد داشتند ما امروز حتی نمی‌توانیم یک دیگ آبگوشت را در نمایش نشان بدهیم چون ممیزها بیان می‌کنند امکان دارد شائبه‌هایی به وجود بیاورد، دیگر چه برسد به اجرا در کارخانه‌ها، آیا شما در اجرای متون اکبر رادی با این مشکلات مواجه شده‌اید؟

با احترام به صحبت‌های سرور و دوست عزیزم آقای فراهانی باید بگویم من خوشبختانه از این مشکلات نداشته‌ام و کارم را انجام داده‌ام، اما نمی‌توانم به کارخانه بروم و التماس کنم که کارم را آنجا اجرا کنم، اما اگر امکانات فراهم باشد از خدا می‌خواهم چنین اتفاقی بیفتد.

گفتگو از: بابک احمدی

اخراج روزانه حداقل 80 تا 100 کارگر قراردادی از فازهای مختلف عسلویه

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 7 اردیبهشت 92 آمده است: طی دوماه اخیر از اواسط اسفند تا بحال در مجموع از تمامی فازهای مجتمع عسلویه در خوزستان، حدود 5000 کارگر بدلیل افت تولید و از دورخارج شدن واحدهای کار، اخراج شده اند، به گفته یکی از کارگران این مجتمع گازرسانی در حال حاضر روزانه بطور متوسط حدود 80 تا 100 کارگر اخراج میشوند، کارگرمذکور میگفت همین الان در کنار صف، کارگرانی ایستاده ام که امروز با آنها تصفیه حساب میکنند که اخراجشان بکنند

تعویق ۱۶ ماه حقوق کارگران مجتمع دامداری مهاباد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: مجتمع دامداری مهاباد از جمله مجموعه‌های تولیدی بحران‌زده کردستان است که کارگرانش با وجود سوابق کار ۱۷ تا ۲۶ ساله، ۱۶ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند.

نماینده کارگران مجتمع دامداری مهاباد می‌گوید: ۴۳ کارگر این مجتمع دامداری ۱۶ ماه است که به بهانه کمبود منابع مالی حقوق دریافت نکرده‌اند.

او در تشریح جزئیات مشکلات کارگران این واحد تولیدی، افزود: این معوقات مربوط به پنج ماهه اول سال ۹۰ و ۹۱ به همراه عیدی و پاداش بوده و در سال جاری نیز کارگران هنوز هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند.

این کارگر اضافه کرد: با واگذاری مجتمع بزرگ دامداری به بخش خصوصی، مشکلات کارگران این واحد تولیدی آغاز شد بطوری که اینک کارفرما بدون توجه به معیشت کارگران و خانواده‌هایشان از پرداخت ۱۶ ماه حقوق آنان کوتاهی می‌کند.

او با اشاره به سوابق ۱۷ تا ۲۶ ساله کارگران این مجتمع کشتارگاهی اظهار داشت: امنیت شغلی کارگران با افزایش مشکلات این مجتمع کشتارگاهی بیش از پیش به خطر افتاده است به طوری که دو نفر از کارگران با سوابق بیش از ۱۷ سال بدلیل اعتراض به افزایش مشکلات کارگران، با پایان قرار داد کاری اخراج شده‌اند.

گفتنی است مجتمع دامداری مهاباد وابسته به شرکت غدیر سبز، داری زیر مجموعه‌های صنعتی همانند هما مرغ، سردخانه زمزم، و کشت صنعت مهاباد است که پس از سال ۸۶ با بروز برخی نوسانات در بازار و آغاز واردات گسترده گوشت، با واگذاری به بخش خصوصی، از نظر تامین منابع مالی با ۲۱۷ کارگر دچار مشکل شد که در نهایت این کارگران به مرور تعدیل و هم اکنون ۴۳ کارگر این مجتمع به علت عدم دریافت ۱۶ ماه حقوق معوقه با مشکلات معیشتی عدیدة ای روبرو شده‌اند.

اعتصاب کارگران شوشتر وارد هشتمین روز خود شد

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ 7 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از شوشتر، کارگران قسمتهای فضای سبز، موتوری، آتش نشانی، خدمات و.. شهرداری شوشتر در اعتراض به امتناع شهرداری شوشتر از پرداخت دستمزد 11 ماه گذشته دست از کار کشیده و در اعتصاب بسر میبرند، یکی از کارگران در این رابطه گفت از آنجا که کارمان خدمات رسانی به مردم و همشهریان مان هست و ما هم به اینکار خدایسندانه و

مردمی علاقه مند هستیم اما دولت به شهرداری ها رسیدگی لازم نمیکند و عملاً از این منش انسانی ما سواستفاده شده و با ندادن حقوق و دستمزد ها میخواهند ما را بجان مردم بیندازند و دلسوزیمان در کار خدمات رسانی را خدشه دار کنند . اما تا رسیدن به مطالباتمان اعتصاب خود را ادامه خواهیم. لازم به یاد آوری است که تعداد کارگران شهرداری بیش از 150 نفر می باشد که حدود 50 نفر از آنها در اعتصاب میباشند.

کاهش ۴/۹ درصدی مقرری بگيران بیمه بیکاری در بوشهر

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است : معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر از کاهش ۴/۹ درصدی مقرری بگيران بیمه بیکاری در این استان خبر داد.

به گزارش ایلنا، «حمیدرضا پناه» معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر گفت: تعداد کل مقرری بگيران بیمه بیکاری استان در مقایسه با سال گذشته با وجود مشکلات متعدد واحدهای تولیدی و صنعتی ۴/۹ درصد کاهش داشته است.

این مقام دولتی در ادامه افزود: سال گذشته تعداد کل مقرری بگيران بیمه بیکاری استان یک هزار و ۹۶۵ نفر بوده و با پیگیری صورت گرفته واحدهای اجرایی و ستادی با تشکیل و فعال کردن کارگروه های رسیدگی به وضعیت اشتغال پنهان مقرری بگيران در سال ۹۱، تعداد ۲۷۸ نفر شناسایی و مقرری آنان قطع شد.

وی گفت: این اقدام به دلیل محدودیتهای منابع و مشکلات صندوق بیمه بیکاری و بر اساس ماده ۸ قانون بیمه بیکاری در مورد افرادی صورت گرفت که به صورت همزمان از مقرری بیمه بیکاری استفاده کرده و اشتغال پنهان آنان محرز شده یا مجدداً حسب طرحهای اشتغال مجدد اعم از خوداشتغالی یا از طریق بخش کارفرمایی مشغول به کار شده بودند.

به گفته معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر، بیمه بیکاری یکی از اشکال حمایتی از نیروی کار در کشور است که از طریق گسترش تأمین اجتماعی نقش بسزایی در بازار کار و ایجاد شرایط انعطاف پذیری در آن ایفا می کند.

وی گفت: بیکار از منظر قانون بیمه بیکاری، بیمه شده ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و همواره آماده کار باشد و بیمه شدگان بیکار در صورت احراز شرایط مندرج در قانون بیمه بیکاری استحقاق دریافت مقرری بیمه بیکاری را دارند.

پایان پیام

بیانیه جمعی از کارگران شهرداری شوشتر

برپایه خبر دریافتی در تاریخ کارگر 7- اردیبهشت 92 آمده است : روز جهانی کارگر را به روز دادخواهی کارگران تبدیل کنیم. ما جمعی از کارگران شهرداری شوشتر که در هشتمین روز اعتصاب هم هستیم روز جهانی کارگر را به همه کارگران میهنمان تبریک عرض میکنیم . امسال در شرایطی به روز جهانی کارگر را گرامی خواهیم داشت که متأسفانه یکسال دستمزدها و حقوق کارگران شهرداری پرداخت نشده و همه کارگران بر خلاف قانون پیمانی هستیم و در هر اعتراضی کارگران بازهم بیشتری از کار اخراج شده و بخصوص با تورم افسارگسیخته کنونی روز بروز در فقر و تهیدستی بیشتری فرو رفته ایم ولی هیچ دادخواهی بر این قشر محروم پیدا نمیشود . لذا به این وسیله همه کارگران میهنمان را به فریاد خواسته ها و مطالبات حقه خود در روز جهانی کارگر فرا میخوانیم ، امید که ریشه ستم و بهره کشی از میهنمان برکنده شود روز جهانی کارگر مبارک، جمعی از کارگران شهرداری شوشتر

۱۰ کارگر شرکت هواپیمایی نصر آسمان بیکار شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: شرکت خدماتی نصر آسمان وابسته به هواپیمایی آسمان قرار داد ۱۰ نفر از نیروهای شرکتی خود را با سوابق ۷ تا ۱۳ سال بعد از اتمام قرارداد کاریشان تمدید نکرد.

به گزارش ایلنا، یکی از کارگران تعدیل شده با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت تعاونی خدماتی نصر آسمان وابسته به هواپیمایی آسمان قرارداد ۱۰ نفر از نیروهای قرار دادی خود را به دلیل آنچه از سوی کارفرما کاهش بودجه عنوان شده است، تمدید نکرده است.

این کارگر با اشاره به سوابق بالای کارگران تعدیل شده، مدعی شد: سابقه کار این نیروهای خدماتی حداقل ۷ و حداکثر ۱۳ سال بصورت مستمر بوده و این شرکت در طول سالهای خدمت کارگران تنها دو بار قرارداد منعقد کرده و باقی سالها بطور یکسویه با دریافت برگه‌های قرارداد سفید امضاء کارگران را به کار می‌گرفته است.

او با اشاره به اینکه کارفرمایان خصوصی با دور زدن قانون کار، حقوق نیروی کار را نادیده می‌گیرند، اضافه کرد: با توجه به اینکه قراردادهای نیروهای خدماتی در این شرکت یکسویه و سفید امضاء است، ما اطلاعی از پایان قرار دادکاریمان نداشتیم.

گفتنی است، پی گیری خبرنگار ایلنا برای دریافت پاسخ مدیران شرکت خدماتی نصر آسمان تا لحظه تنظیم این خبر بی‌نتیجه مانده است.

درخواست پرداخت طلب ۵۰ هزار تومانی کارگران پتروشیمی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: بازرس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام بر لزوم بازگرداندن طلب ۵۰ هزار تومانی بیش از ۲۵۰ کارگر پتروشیمی منطقه ویژه بندر امام از تاکید کرد.

جهاد لطیفی در این باره به ایلنا گفت: مسئولان منطقه ویژه بندر امام، پولی را که کارگران به حساب تعاونی ریختند و بعدها به دلایلی این تعاونی‌ها کنسل شد باز نمی‌گردانند.

وی ادامه داد: از خردادماه سال ۹۱ تعاونی تشکیل دادیم. بیش از ۲۵۰ کارگر جمع شدیم و نفری ۵۰ هزار تومان به حساب تعاونی ریختیم.

این فعال کارگری با اشاره به بخش نامه صادر شده در آبان ماه مبنی بر برچیده شدن تمامی تعاونی‌ها در سطح منطقه ویژه بندر امام افزود: یک سال است نامه نگاری می‌کنیم که اگر نمی‌خواهید تعاونی‌ها باشند پول کارگران را بازگردانید اما توجهی به این خواست منطقی نمی‌کنند.

شرایط امروز کارگران در سه دهه گذشته بی‌سابقه بوده است

در آستانه روزانه جهانی کارگر جمعی از فعالان مستقل صنفی با انتشار بیانیه‌ای نسبت به پایین بودن مزد و وضعیت وخیم معیشتی کارگران اعتراض کردند.

به گزارش ایلنا، در این بیانیه که از سوی گروهی از هماهنگ‌کنندگان طومار سال گذشته کارگران برای بازبینی و افزایش دستمزدها نوشته شده، آمده است: از سال گذشته به این سو، ماه و فصلی در این مملکت نبوده است که هزینه‌های زندگی به چندین برابر افزایش پیدا نکرده باشد. با اینحال هنوز چند صباحی از آغاز سال جدید نگذشته است که بار دیگر قیمت گوشت و برخی دیگر از اقلام غذایی سر به فلک کشید و از هم اکنون طرح مربوط به افزایش قیمت نان و حامله‌های انرژی و حذف ارز مرجع برای کالاهای وارداتی به عنوان سرآغازی دیگر برای چندین برابر شدن هزینه‌های زندگی است.

نویسندگان این بیانیه که از اعضای اتحادیه آزاد کارگران هستند با انتقاد از تعیین مبلغ ۴۸۷ هزار تومان به عنوان حداقل مزد سال ۹۲ متذکر شده‌اند: دولت همیشه و در هر حالی بهای هر کالایی را که اختیار قیمت گذاری آن بدست‌اش بوده افزایش داده است و به تبع آن بخش خصوصی و صاحبان سرمایه نیز قیمت کالاها و خدمات

تولیدیشان را بالا برده‌اند. اما زمانی که نوبت به زندگی و بقا ما کارگران در این مملکت رسیده است دولت نه تنها هیچ مسئولیتی برای تامین معاش میلیون‌ها خانواده کارگری برای خود قائل نشده است بلکه با هر آنچه که در ید قدرتش بوده، تلاش نموده است تا هزینه‌های بحران اقتصادی موجود را به گرده ما کارگران بیاندازد، بطوریکه دولت خود راسا با اخذ ارزش افزوده شش درصدی از هر آن چیزی که با حداقل مزد کنونی بر سر سفره‌های خالی کارگران قرار می‌گیرد هر روزه مشغول [...] از این حداقل مزد ناچیز و خفت بار ما کارگران است .

به اعتقاد این فعالان مستقل صنفی در شرایطی که حداقل مزد جدید حتی برای پراخت اجاره بهای محقرانه‌ترین و دورافتاده‌ترین مسکن‌ها کافی نیست، دولت با تعیین مبلغ ۴۸۷ هزار تومان به عنوان حداقل مزد نشان داد که نه تنها هیچ ارزشی برای برخورداری کارگران از حق داشتن زندگی انسانی قائل نیست بلکه قصد دارد تا به منظور تامین منافع اقتصادی یک اقلیت ناچیز کل هزینه‌های مربوط به اشتباهات اقتصادی خود را بر دوش کارگران سرازیر کند .

نویسندگان این بیانیه با تاکید بر اینکه «برای ما کارگران هیچ مصلحتی بالاتر از تامین معیشتمان که عین شرافتمان است وجود ندارد». یادآور شده‌اند: سال گذشته با جمع آوری طوماری اعتراضی در سطحی سراسری نشان دادیم که چون دیگر تحمل وضعیت موجود را نداریم و نمی‌توانیم بیش از این شاهد فقر و فلاکت و تباهی زندگی خود و خانواده‌هایمان باشیم، در نتیجه دست در دست هم نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شدیم .

این گروه از فعالان صنفی کارگری در ادامه بیانیه خود باینکه بدون ذره‌ای تردید شرایط مصیبت بار کنونی کارگران در سه دهه گذشته بی‌سابقه بوده است آورده‌اند: دولت و دست اندرکاران حکومتی باید بدانند که دیگر ذره‌ای تحمل برای ما کارگران جهت تداوم وضعیت مشقت بار کنونی باقی نمانده است. این گروه کارگری در خاتمه بیانیه خود از روز جهانی کارگر به عنوان فرصتی مناسب برای اعلام اعتراض دوباره جامعه کارگری ایران به وضعیت معیشتی کنونی و طرح خواسته‌های قانونی خود یاد کرده‌اند.

کارفرمای چینی «الیاف نیشابور» قوانین کار ایران را اجرا نمی‌کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است : «محمد عمارلو» دبیر خانه کارگر نیشابوراز رعایت نشدن قوانین کار توسط کارفرمای چینی کارخانه الیاف نیشابور خبر داد.

وی به ایلنا گفت: کارفرمای خارجی کارخانه الیاف نیشابور بدون در نظر گرفتن شرایط تعیین شده در قانون کار ایران، از نیروی ۸۰۰ کارگر ایرانی استفاده می‌کند.

عمارلو بیان داشت ؛ در نیشابور از جمله قوانین کار ایران که توسط کارفرمای کارخانه الیاف نیشابور رعایت نمی‌شوند را حق مرخصی، عائله‌مندی و اضافه کاری ذکر کرد و پرسید چگونه یک کارفرمای خارجی در کشورمان بدور از چشم بازرسان کار اینگونه با کارگران خود برخورد می‌کند؟

عمارلو با بیان آنکه ۴۹ درصد از سهام این کارخانه، متعلق به کارفرمای چینی است، گفت :کارفرمای این کارخانه علاوه بر اینکه با درخواست مرخصی هیچ کارگری موافقت نمی‌کند، در صورت غیبت به ازاء هر روز ۳۰ هزار تومان از حقوق کارگر غایب کسر می‌کند.

عمارلو اضافه کرد: این عمل کارفرما در حالی است که اگر تعداد ایام غیبت یک کارگر به سه روز در ماه برسد علاوه بر کسر ۹۰ هزار تومان از دستمزد، آن کارگر تهدید به اخراج نیز می‌شود. او همچنین اظهار داشت: ۸۰۰ کارگر این کارخانه در سال فقط روز اول فروردین و روز عاشورا تعطیل هستند و مابقی ایام سال حتی جمعه‌ها برای دریافت مرخصی با کارفرمای چینی خود دچار مشکل هستند.

دبیر خانه کارگر با بیان اینکه کارگران برای رسیدگی به مشکلات روزمره زندگی خود نمی‌توانند از مرخصی قانونی استفاده کنند، افزود: وضعیت کارگران در این کارخانه بسیار غیر انسانی است، و مشکلات روحی و جسمی بسیاری را برای کارگران بوجود آورده است.

پایان پیام

رئیس کانون شوراهای کار البرز طرح کرد: بازنگری رقم مزد ۹۲ در صورت حکم دیوان عدالت اداری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 7 اردیبهشت 92 آمده است: يك مقام کارگری در استان البرز با اشاره به شکایت تعدادی از کارگران و تشکلهای صنفی علیه دستمزد، گفت: در صورت صادر شدن رای به نفع جامعه کارگری در دیوان عدالت اداری، می‌توانیم با پشتوانه‌ای قانونی برای تشکیل مجدد جلسه شورای عالی کار به منظور احقاق حق از دست رفته جامعه کارگری اقدام کنیم.

«علی اصلانی» رئیس کانون شوراهای اسلامی استان البرز در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه «با وجود اعتراضات بی‌سابقه جامعه کارگری به دستمزد ۹۲ چرا تا کنون جلسه فوق العاده شورای عالی کار تشکیل نشده است»، گفت: از آنجایی که ما قصد داریم اعتراضات خود را در چارچوب قانون پیش ببریم، منتظر رای دیوان عدالت اداری هستیم که اگر رای به نفع جامعه کارگری از دیوان بیرون بیاید؛ مسیر پیگیری اعتراضات به حق جامعه کارگری در تشکیل مجدد شورای عالی کار و احقاق حق این قشر آسیب پذیر در این شورا هموار خواهد شد. وی افزود: عمده تمرکز ما در پیگیری اعتراضات جامعه کارگری در شورای عالی کار افزایش حق مسکن کارگران در سال ۹۲ خواهد بود.

علی اصلانی در ادامه در خصوص مشکلات معیشتی که مجددا در هفته‌های گذشته با بالا رفتن قیمت کالاهای اساسی در کشور گریبان گیر این قشر آسیب پذیر شده است، ادامه داد: متأسفانه در سال جدید نه تنها قیمت‌ها متناسب با تورم اعلام شده بانک مرکزی پیش نرفت بلکه در روزهای اخیر نیز به خصوص در بحث اقلام اصلی سبد خانوار مردم کالایی مثل روغن نباتی بیش از ۴۰٪ افزایش قیمت داشته است.

وی در ادامه با انتقاد مجدد از نرخ تورم لحاظ شده در دستمزد ۹۲ و تخیلی خواندن آن بیان داشت: وقتی قیمت روغن به عنوان یکی از کالاهای اساسی در سبد خانوار مردم، ظرف مدت چند روز به یکباره بیش از ۴۰٪ گران می‌شود ما چگونه می‌توانیم خود را راضی کنیم که دستمزد کارگران حتی با نرخ تورم بانک مرکزی همخوانی نداشته باشد.

اصلانی در ادامه با اشاره به مشکلات کارفرمایان در روند تولید، گفت: با توجه به مشکلات اقتصادی و تورمی حال حاضر از کارفرمایان هم نمی‌شود انتظار داشت که یک تنه تمامی مشکلات کارگران را گردن بگیرند و در این میان دولت به عنوان مسئول اصلی؛ از زیر بار مسئولیت قانونی خود شانه خالی کند. وی در توضیح این مسئله گفت: وقتی به یکباره ظرف مدت چند روز قیمت کالایی مثل روغن؛ ۴۰ تا ۴۵٪ گران می‌شود آن کارفرمایی که مشغول تولید مواد غذایی است چگونه می‌تواند جواب گوی هزینه‌های تحمیلی و افسار گسیخته تولید بنگاه خود ناشی از افزایش مواد اولیه و دیگر مخارج تحمیلی باشد که تازه آن موقع مکلف هم شود تا آب در دل کارگرانش تکان نخورد.

اصلانی افزود: دولت به جای بار کردن هزینه‌های اضافی مثل بیمه‌های تکمیلی که بعضی از کارفرمایان به دلیل ضعف دولت و سازمان تامین اجتماعی به صورت خود جوش با صرف هزینه‌هایی از ۳۰ میلیون تا ۱۵۰ میلیون در سال؛ برای بنگاه خود هزینه می‌کنند؛ باید پا به میدان بگذارد و با دادن تسهیلات و یارانه‌های ویژه‌ای چه به کارفرمایان و چه کارگران این بار اضافه را از روی دوش کارفرمایان بردارد تا آنها بتوانند در آرامش اقتصادی

بهتری با کارگران خود تعامل کنند. وی در ادامه ضمن اشاره به بحث بیمه‌های تکمیلی در این خصوص گفت: متأسفانه نقش بیمه‌های تکمیلی به دلیل کم‌رنگ شدن خدماتی که بیمه تأمین اجتماعی حتی در مراکز خود از بیمه شدگان تحت پوشش خود دریغ می‌کند پر رنگ شده است که من به نمایندگی بخشی از جامعه کارگری اعلام می‌کنم که اگر بیمه‌های تکمیلی بخواهد موجبات کم‌رنگ شدن خدماتی را که بیمه تأمین اجتماعی مکلف است انجام دهد را فراهم کند؛ ما این بیمه و به ظاهر خدمات ویژه را نمی‌خواهیم.

اصلانی در پایان در خصوص برگزاری راهپیمایی روز کارگر گفت: تا این لحظه هیچ موافقتی با برگزاری این راه پیمایی نشده است که گمان می‌کنم امسال هم مثل سال قبل این میتینگ در ورزشگاه شیرودی با حضور جمعی از کارگران و مسئولان جامعه کارگری برگزار شود.

پایان پیام

لزم ابطال مصوبهٔ مزدی شورای عالی کار

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: با گذشت بیش از یک ماه از اعلام رقم مزد سال 92، اعتراض کارگران و تشکلهای رسمی و مستقل کارگری به آن همچنان ادامه دارد. این اعتراضات که با اقدام یک تشکل کارگری در شکایت از مصوبهٔ مزد 92 به دیوان عدالت اداری کلید خورد و در ادامه، موجی از اعتراضات و شکایتها از سوی کارگران و سایر تشکلهای کارگری را به راه انداخت، با طومار 100 امضایی نمایندگان کارگری شوراهای اسلامی کار کارخانه‌ها و صنوف شهر ری وارد مرحله جدیدی شده است.

در این باره، عضو هیئت مدیره اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی کشور رقم مزد 92 را ناقض مادهٔ 41 قانون کار می‌داند و مهم‌ترین مطالبه کارگران در روز جهانی کارگر را «ابطال مصوبهٔ مزدی شورای عالی کار» عنوان می‌کند.

«مهدی نجف‌پور»، دو دلیل قانونی را برای اعتراضات کارگران بیان می‌کند و به ایلنا می‌گوید: افزایش 25 درصدی مزد 92 با نرخ رسمی تورم اعلام شده که بیش از 30 درصد است هیچ‌گونه همخوانی ندارد. این فعال کارگری، دومین دلیل اعتراض قانونی کارگران به رقم مصوب مزد 92 را «معیشت خانوار کارگری» عنوان می‌کند و معتقد است «قیمت اقلام اساسی مانند نان، گوشت، برنج و روغن بالای 50 درصد افزایش داشته‌اند»

همچنین «رجبعلی شهسوار» از فعالان کارگری معتقد است «بهبود وضعیت معیشتی کارگران» از مطالبات مهم آنان در روز جهانی کارگر است. وی دلیل «اعتراضات بی‌سابقهٔ کارگران به مزد سال جاری» را هزینهٔ سرسام آور معیشت زندگی کارگران می‌داند.

هفتاد و پنج لیون تومان از کشاورزان روستای لک بخش بهار همدان را بالا کشیدند

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 8 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کشاورزان از همدان: کشاورزی ما روبه نابودی است، در همدان امسال خشکسالی آمده، نه آب رودخانه داریم نه آب قنات هست امسال بامشکل جدی روبرو هستیم. این کشاورز در ادامه گفت 5 سال است درخواست کردیم که آب رودخانه را برای ما به سمت کشاورزی بیاورند. پارسال آمدند یک کیلومتر را جدول بندی کردند و رفتند، گفتند کار تمام شده است، وقتی پیگیری شد مشخص شد همان یک کیلومتری که جدول زده و نیمه کاره ول کردند رفتند را کار تمام شده اعلام کردند. در صورتیکه کاری انجام نشده و 75 میلیون تومان بودجه را که برای اینکار اختصاص داده شده بود را بالا کشیدند و کشاورزی ما دارد نابود میشود.

هیچ ارتباطی میان مزد کارگران با بیکاری کارگر و تعطیلی کارخانه‌ها وجود ندارد

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری نسبت به یادداشت «هادی حق‌شناس» یکی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی در یکی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب پیرامون اعتراض کارگران نسبت به مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار واکنش نشان داد. به گزارش ایلنا، روز شنبه (۲۴ فروردین) هادی حق‌شناس نماینده سابق مجلس شورای اسلامی در روزنامه بهار با اشاره به تلاش کارگران برای بازنگردی در رقم دستمزد سال جاری، مدعی شد که در صورت افزایش دستمزدها احتمال اخراج کارگران و تعطیلی واحدهای تولیدی افزایش می‌یابد.

همچنین وی با این پرسش که «در صورت افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی دستمزدها، نهادهای صنفی کارگری چگونه افزایش بهروزی بنگاه و نیروی کار را تضمین خواهند کرد؟»، نوشته بود: با افزایش مزد هزینه تولید بیشتر شده و کارفرمایان برای تامین هزینه‌ها ناگزیر به تعدیل نیرو و یا کاهش فعالیت‌های خود خواهند شد. در پی این اظهارات «پروین محمدی» از فعالان مستقل کارگری گفت: در شرایط کنونی اقتصادی هیچ ارتباطی میان مزد کارگران با بیکاری کارگر و تعطیلی کارخانه‌ها وجود ندارد و چنین استدلال‌هایی تنها باعث ترساندن کارگران از پی‌گیری‌های حقوق صنفی قانونی‌شان می‌شود.

این فعال کارگری که سال گذشته یکی از هماهنگ‌کنندگان طومار اعتراضی به پایین بودن دستمزدها بود با بیان اینکه کارگران را نباید تحمیق کرد، افزود: امروز واضح و مبرهن است که تعطیلی کارخانه‌ها و اخراج و بیکاری کارگران دلایلی دیگر دارد و نمی‌توان افزایش مزد کارگران را عامل این مسائل دانست. به گفته محمدی در حال حاضر به دلیل نبودن ثبات اقتصادی، قیمت کالا و خدمات در حالی چند برابر شده که دستمزد کارگران توسط دولت و کارفرما ثابت مانده است. وی با بیان اینکه تا پیش از اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها هزینه نیروی کار تا ۱۳ درصد هزینه تمام شده تولید برآورد می‌شد، گفت: از زمان آزاد سازی قیمت‌ها این توازن برهم خورده است زیرا از یکسو قیمت کالاها چند برابر شده و از سوی دیگر مزد کارگران ثابت مانده است.

این فعال صنفی کارگری با یادآوری اینکه ممانعت و مخالفت دولتمردان و کارفرمایان با واقعی شدن دستمزد کارگران حتی با اصول اقتصاد آزاد مبنی بر تعیین قیمت‌ها در بازار عرضه و تقاضا منافات دارد، گفت: کارگران هم می‌خواهند نیروی انسانی خود را مانند عرضه کنندگان کالا به قیمت واقعی بفروشند. محمدی با بیان اینکه حتی نمی‌توان مدعی شد که با افزایش و واقعی شدن دستمزدها تورم در جامعه ایجاد خواهد شد، گفت: آثار مخرب تورم و نقدینگی به زمانی مربوط می‌شود که مزد بگیران بیشتر از تامین هزینه نیازهای اساسی خود درآمد داشته باشند.

وی گفت: در حال حاضر مزد بیگران حتی به اندازه تامین معاش خود درآمد ندارند و برای همین است که خواهان واقعی شدن دستمزدها هستند. محمدی با بیان اینکه کارگران می‌خواهند که حداقل قدرت خرید امروز آنها به اندازه زمان پیش از هدفمند سازی یارانه‌ها ترمیم و تقویت شود، گفت: تجربه اجرای هشت سال سیاست‌های اقتصادی دوران جنگ تحمیلی نشان داد که با ثابت ماندن مزد، بیکاری و اخراج کارگران از بین نمی‌رود.

وی یادآور شد: در سالهای جنگ دستمزد کارگران به دلایل مختلف افزایش پیدا نکرد و در عمل ثابت اما در همین دروان روند اخراج کارگران همچنان ادامه یافت. این فعال مستقل کارگری افزود: متأسفانه مسئولان تصور می‌کنند که کارگران افرادی بی‌اطلاع و ناآگاه هستند که می‌توان با وعده یا ترساندن آنها را قانع کرد و این در حالی است که امروز به دلیل دسترسی به اطلاعات، آگاهی کارگران نیز افزایش یافته است.

وی با بیان اینکه دست کم گرفتن نیروی کار باعث سرخوردگی طبقه کارگر و ایجاد بی‌اعتمادی آنها نسبت به مسئولان می‌شود، گفت: مقامات مسئول نباید تصور کنند که می‌توانند از جامعه کارگری استفاده ابزاری کنند. وی در ادامه به بخشی از اظهارات اخیر رئیس دولت در استان سمنان انتقاد کرد و گفت: وقتی آقای احمدی‌نژاد در سخنان خود گفت که «عده‌ای می‌خواهند که مردم ایران برای آنها کارگری کنند» بصورت ناخواسته حرمت جامعه کارگری ایران را زیر سوال برد.

محمدی گفت: از این جمله اینطور استنباط می‌شود که منظور از کارگری همان بیگاری، بردگی یا کار اجباری است و این درحالی است که صرفه نظر از اهمیت مقام و جایگاه کارگر در آموزه‌های اخلاقی، شخص رئیس دولت نخستین بار از کسوت و پوشش کارگران برای جلب توجه افکار عمومی استفاده کرده بود.

تورم و گرانی کشاورزی را هم نابود کرده است

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 8 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کشاورزان شالیکار رشت گفت: گرانی بیداد میکند. کشاورزی روبه نابودی است. مثلاً کود شیمیایی را که حدود 3000 تومان میخریدیم الان 22500 تومان و در بازار آزاد هم 50000 تومان میخریم. قیمت سم علف کش که دو سال پیش 600 تومان بود الان 9800 تومان شده است. در این وضعیت کشاورز چه کار میتواند بکند؟ در این شرایط امکان زندگی کردن نیست. این کشاورز بعد از برشمردن مشکلاتش گفت: کار را کشاورز میکند اما سودش را دلال ها میبرند، از قبل برداشت را با قیمت کم میخرند بعد چندین برابر میفروشند ولی کشاورز همان درحد کارگر برایش میماند کسی هم نیست به این وضعیت رسیدگی کند.

خراج بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت جبل بندرعباس

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: بیش از هزار نفر از پرسنل شرکت «جبل بر» بندرعباس، شغل خود را در این شرکت از دست دادند. برپایه این گزارش، در نامه روابط عمومی این شرکت، آمده است: بیش از هزار نفر از پرسنل شرکت جبل بر در بندرعباس و حومه به علت بی توجهی مسئولان استان هرمزگان شغل خود را از دست دادند. روابط عمومی شرکت جبل بر در ادامه با بیان این مطلب که «پروژه و کار این شرکت باید تا پایان سال 92 ادامه پیدا می کرد» عنوان کرده است: به علت بی توجهی مسئولان استان هرمزگان به مساله اشتغال، این شرکت از سال 91 فعالیتش پایان یافته و تمامی کارکنان خود را مرخص کرده است. در بخشی از نامه آورده شده است: ایجاد شغل در هرمزگان بزرگترین نعمتی است که دولت از استان هرمزگان دریغ کرده است. «چه میزان باید هزینه شود تا صد شغل ایجاد شود. بیش از هزار نفر از جوانان استان هرمزگان به علت بی اعتنائی مسئولان دولت بیکار شدند.» روابط عمومی این شرکت در پایان نامه، بیکاری کارگران خود را حاصل کم توجهی مسئولان اعلام کرده است و با اشاره به گزارش این مساله به دفتر ریاست جمهوری از بی نتیجه بودن آن خبر داده است.

در شهرستان دره شهر ایلام 15 نفر از کلاس 20 نفره بدون انگیزه هستند

به نوشته سایت ایران کارگر. 8 اردیبهشت 92 آمده است: بر اساس گزارشی از دره شهر ایلام 75 درصد دانش آموزان در درس و تحصیل بی انگیزه هستند، بیکاری اعضای خانواده یکی از عوامل بی انگیزگی در درس و تحصیل دانش آموزان شده است، شادابی و طراوتی در دانش آموزان دیده نمی شود. وقتی نیازهای اولیه فرهنگیان بر آورده نشده است روحیه ای برای کمک به دانش آموزان و حل این مشکلات آنان در کار نیست.

فرصت روز کارگر برای دستیابی به مزد عادلانه

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: در حالی که بیش از یک ماه از اعلام مزد ۴۸۷ هزار تومانی از سوی شورای عالی کار می گذرد، ابطال مصوبه مزدی این شورا به عنوان مهم ترین مطالبه کارگران در روز جهانی کارگر عنوان می شود. به گزارش ایلنا، در سال جاری با توجه به شرایط اقتصادی نامناسب کشور و تورم افسار گسیخته ای که بیشترین فشار اقتصادی را متوجه جامعه کارگری کرده است، مزد ۴۸۷ هزار تومانی تعیین شده از سوی شورای عالی کار موجب افزایش نارضایتی ها از وضع موجود شده است. فعالان کارگری معتقدند روز جهانی کارگر فرصت مناسبی برای کارگران به وجود آورده است تا مطالبات خود را در بستری تاریخی مطرح کنند. این روز که یادمان قیام کارگران آمریکائی در اول ماه مه ۱۸۸۶ در شیکاگو است با طرح مطالبات کارگران گره خورده است.

واکنش کارگران و کشاورزان به حضور احمدی نژاد در اصفهان

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: در حالیکه قرار بود سخنرانی رئیس دولت ساعت ۱۰ صبح امروز در میدان امام اصفهان آغاز شود رئیس جمهور دقایقی پیش وارد میدان امام شد و برای مردم سخنرانی کرد.

خبرنگار ایلنا در اصفهان از حضور جمعی از کارگران صنعتی و کشاورزان اصفهانی در میدان امام خبر می‌دهد که با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار رسیدگی به وضعیت خود هستند. از جمله آنها کشاورزانی بودند که با در دست داشتن دست‌نوشته و پلاکارد اعلام می‌کردند؛ «ما دیگر توان معیشت نداریم به داد ما برسید»

کارگران موقت و پیمانی شرکت فولاد مبارکه اصفهان نیز با در دست داشتن پلاکاردهایی از رئیس دولت تقاضا کردند تا موضوع استخدام آنها در فولاد مبارکه را پیگیری کند.

با اینکه تعداد جمعیت حاضر در میدان امام کمتر از دوره‌های قبلی سفرهای استانی دولت بود و حتی نیمی از مکان آماده شده برای جمعیت هم پر نشده بود، شعارهایی در هنگام سخنرانی شنیده می‌شد که حکایت از گلایه مردم از گرانی و وضعیت بیکاری داشت.

پاسخ کارگران لامپ الوند: کارفرما هیچ‌گاه قصد تولید نداشت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: جمعی از کارگران کارخانه لامپ الوند قزوین با ارسال نامه‌ای که به امضای اکثریت آنان رسیده است، به اظهارات مدیرعامل این کارخانه پاسخ دادند.

کارگران لامپ الوند ادعای مدیرعامل در خصوص دریافت حقوق بدون کار، فروش دستگاه‌ها و... را «واهی» خوانده و آورده‌اند: شرکت لامپ الوند یکی از بزرگ‌ترین و مجهزترین شرکت‌های لامپ سازی خاورمیانه بوده که بیش از ۵۵۰ نفر کارگر استخدامی داشت اما با واگذاری ناصحیح به مدیر نابلد فعلی مشکلات آغاز شد. در نامه کارگران لامپ الوند همچنین به اجرای طرح اصلاح ساختار در این کارخانه اشاره شده و خطاب به کارفرما آمده است: با گرفتن میلیاردها ریال وام و فرستادن ۸۳ نفر از کارگران به بیمه بیکاری، در دو مرحله زیان هنگفتی به صندوق بیمه بیکاری وارد شد اما کاری صورت نگرفت.

کارگران لامپ الوند در بخش دیگری از این نامه به ادعای کارفرما مبنی بر اینکه «کارگران از سال ۱۳۸۵ کار نکرده‌اند و بدون فعالیت حقوق گرفته‌اند» اشاره شده و آمده است: در این چند سال مدت ۱۸ ماه به بیمه بیکاری رفته بودیم. بعد از بیمه بیکاری در دو مرحله به کارگاهی در شهر صنعتی لیا مشغول کار بودیم و بعد چند نفر در لیا مستقر و چند نفر دیگر در لامپ الوند کارهای خدماتی انجام می‌دادند. کارگران تاکید کرده‌اند: حقوق مجانی نگرفته‌ایم و در هر ساعت هر کاری باشد انجام می‌دهیم ولی متأسفانه کاری وجود ندارد.

این کارگران در خصوص فروش دستگاه‌های شرکت نیز آورده‌اند: آیا فروش دفتر مرکزی در تهران و فروش ۲۸ واحد مسکونی در الوند و قطع درختان ۴۰ ساله و فروش آنها و قطعه بندی کردن زمین شرکت نیز بدلیل فرسوده بودن بوده است. باید به ایشان یاد آور شد که با فروش همان دستگاه فرسوده که با نابلدی و یا نیت قبلی انجام شد، سابقه کار سخت و زیان آور کارگران از بین رفت و کارفرما باعث نابود کردن حق حقوق کارگران شد.

کارگران کارخانه لامپ الوند قصد کارفرمای فعلی از خرید کارخانه را نه به قصد تولید که تقسیم و فروش زمین‌های این واحد تولیدی دانسته‌اند و در خصوص ادعای «زیان دیدن» کارفرما تصریح کرده‌اند: اگر کارفرما در این شرکت زیان دیده، خوب چرا برای فروش، ماده ۱۲ قانون کار اعمال را نمی‌کند و برای سود بیشتر زمین‌های شرکت را قطعه بندی می‌کند و بهترین قطعه‌اش را برای خودش نگهداشته تا واحدهای تجاری، اداری و بانک درست کند؟

و در بخش پایانی این نامه آمده است: در خصوص داشتن ۵ واحد تولیدی، ایشان به خاطر ناآشنایی با صنعت، فرق کارگاه با واحد بزرگ تولیدی را اشتباه گرفته است. سه کارگاه کوچک در شهر صنعتی لیا بوده که ۲ واحد آن به علت سوء مدیریت به فروش رفته و یک واحد دیگر تولید نیم بند دارد. در خصوص انحلال شرکت با توجه به موارد اشاره شده بالا و فروش آن در قطعات کوچک آیا به جز تابلوی شرکت چیز دیگری برای انحلال وجود دارد؟

آثار بحران اقتصادی بر کارگران شهرک صنعتی قهرآباد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از جدی‌ترین اقداماتی که برای شکوفایی صنعتی می‌توان انجام داد، جمع‌آوری صنایع مرتبط در یک مجموعه است. تاسیس شهرک‌های کوچک و بزرگ صنعتی از جمله سیاست‌های اقتصادی در دولت‌های محمد خاتمی و اکبر هاشمی بود که در دوران ثبات اقتصادی بخش مهمی از بار تولید و ایجاد اشتغال در کشور را به عهده داشت. اما اینک با تشدید بحران اقتصادی، آثار رکود در این شهرک‌ها به دلیل تجمع صنایع بیش از هر کجای دیگر به چشم می‌خورد.

گروه کارگری ایلنا در آستانه روز جهانی کارگر به سراغ یک شهرک صنعتی در استان کردستان رفته است. سید محمد صالح حسینی، یک فعال کارگری در «شهرک صنعتی قهرآباد سقز» شرایط این مجموعه صنعتی را بحرانی توصیف می‌کند و می‌گوید: هم اکنون تمامی ۶۰ واحد تولیدی در این شهرک به دلیل کمبود سرمایه در گردش با بحران روبرو هستند.

او تعداد کارگران شاغل در این شهرک صنعتی را ۳۰۰ نفر اعلام می‌کند و می‌افزاید: بحران اقتصادی به همراه فقدان نظارت بر کارفرمایان و حمایت نشدن صنایع توسط دولت باعث شده دستمزد و حقوق کارگران مطابق قواعد قانون کار پرداخت نشود و یا با تاخیرهای طولانی پرداخت شود و تعدادی از کارگران نیز بیکار شوند.

حسینی با تأکید بر لزوم افزایش حمایت و نظارت مسئولان استانی، تعدادی از این واحدهای بحران زده را نام می‌برد: واحدهایی همانند نوشابه سازی و فوم کردستان، قند نکراز و... در این شهرک با بحران مواجه بوده و در انعقاد قرار داد کار و پرداخت حقوق به کارگران طبق قانون کار عمل نمی‌کنند.

این کارگر با مرور وعده‌های دولت در خصوص توسعه صنایع و ایجاد اشتغال در کردستان، می‌گوید: بر خلاف وعده‌های مسئولان دولتی که می‌گویند با توسعه صنعت، شغل ایجاد کرده‌ایم، طبق مشاهدات نیروهای بومی در سالهای اخیر بیکاری در شهرستان سقز رشد داشته و شغل پایداری هم ایجاد نشده است.

این فعال کارگری در ادامه پیچیدگی و زمان‌بر بودن بروکراسی (کاغذبازی اداری) را از دیگر مشکلات صنایع در این شهرک صنعتی عنوان کرد و گفت: واحدهای صنعتی سقز با کمبود سرمایه در گردش مواجه‌اند و به دلیل پیچیدگی روند اعطای تسهیلات، بسیاری از واحدهای صنعتی این شهرستان توان تهیه مواد اولیه تولید را ندارند.

وی مشکل مدیریتی و بی‌مسئولیتی بعضی کارفرمایان را نیز در وقوع بحران موثر دانست و گفت: در شرایط بحرانی حاضر که کارگران هم همچون کارفرمایان متضرر می‌شوند، تعداد زیادی از کارفرمایان بعد از خاتمه قرارداد کارگران، اقدام به تمدید قرار داد نمی‌کنند و بدون در نظر گرفتن سودی که کارگران در دوران رونق و ثبات اقتصادی به آنها رسانده‌اند، در دوران بحران بی‌کارشان می‌کنند.

پایان پیام

پاهایی که رمق ایستادن ندارند(گزارشی درباره بیمه تکمیلی دی با بازنشستگان تامین اجتماعی)

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 8 اردیبهشت 92 آمده است: پارک روبروی بیمه دی در خیابان ایرانشهر(پارک هنرمندان) تنها مکانی است که بازنشستگان تامین اجتماعی می‌توانند دمی در آن آسوده باشند، چراکه دغدغه حضورهای متوالی و عدم ارائه پاسخ و پرداختهای به موقع بیمه دی حسابی بازنشستگان را کلافه کرده است.

حضور بیش از حد جمعیت بازنشستگان از گرگ و میش صبح جلوی درب بیمه دی برای اینکه بتوانند حداقل تا پایان وقت اداری روزی که پیش رو دارند نوبتی داشته و بلکه بتوانند هزینه‌های درمانی پرداخت شده‌اشان را

پیگیری کنند، آن هم به این امید که شاید امروزشان مانند سایر مراجعات روزهای قبلی‌شان نباشد، علت ازدحام است.

راه پله‌های بیمه دی این روزها به علت ازدحام بیش از حد بازنشستگان تامین اجتماعی بی شباهت به یک استادیوم ورزشی نیست؛ مهم تر از همه اینکه جایی برای نشستن جز پارک روبروی شرکت بیمه‌گر وجود ندارد و به سختی می‌توان با کارکنان برای دریافت پاسخ سوال خود دیالوگ داشت، چراکه لایه‌هایی از جمعیت در ردیف‌هایی ایستاده، جلوی میزها را پوشش داده‌اند.

بیمه تکمیلی دی که قرار بود از مهرماه سال 91 تا مهرماه امسال هزینه‌های درمان دو میلیون و 300 هزار بازنشسته تحت پوشش سازمان بیمه تامین اجتماعی را پرداخت کند، این روزها یا به هیچ وجه حال و روز خوشی ندارد یا حال و روز خوشی برای بازنشستگانی که پس از پرداخت‌های ماهیانه حق درمان خود به این بیمه، منتظر دریافت پرداخت‌های بیمه تکمیلی دی هستند، باقی نگذاشته است.

یکی از مراجعان که به علت مشکل ضربان قلب در مرکز قلب تهران حدود 500 هزار تومان پرداخت کرده است، می‌گوید: بیمارستان به این علت که بیمه دی پرداخت‌های خود را انجام نداده است، هزینه را متقبل نشد و از من خواست با مراجعه به بیمه دی هزینه صرف شده را دریافت کنم، اما از شه‌ریور تا کنون و پس از شش بار مراجعه، هیچ پاسخی دریافت نکرده‌ام.

شعب بیمه دی اتوبوس و مترو نیست تا جوانان با برخاستن صندلی خود را به یک فرد کهنسال بدهند، اینجا اکثر افراد پیر و فرتوت هستند و تنها بازنشسته معلولی که سومین مرتبه است در خیابان ایرانشهر حاضر می‌شود، صندلی یکی از دیگر بازنشستگان که شرایط جسمی بهتری دارد تعارف می‌شود و او نیز بی درنگ می‌پذیرد، چراکه ایستادن در این سالن به معنای ساعتها انتظار سرپایی است.

وی کارمند بازنشسته کارخانه ابریشم کرمان است که به گفته خودش در اثر فشار کار دچار مشکل انحراف و دیسک کمر شده تا جایی که پای راستش نیز فلج شده است.

هزینه عکس‌های درمانی وی 450 هزار تومان است، اما پس از سه بار حضور طی 70 روز گذشته نه تنها پاسخی دریافت نکرده است، نمی‌داند چند روز دیگر مهمان صندلی‌های پذیرای سالمندان است.

ایجاد ردیف و حق تقدمی برای معلولان بازنشسته، تنها درخواست این زن از مسئولان است.

خانمی تقریباً 55 ساله که پس از فوت شوهرش حال خود مستمری‌بگیر و تحت پوشش تامین اجتماعی است سوژه جالبی است که این را پس از گفت‌وگو با وی متوجه شدم.

MRI وی در درمانگاه شهرداری منطقه پنج، 50 هزار تومان برایش هزینه داشته است، اما پس از شش یا هفت بار مراجعه و پرداخت 20 هزار تومان بابت هزینه‌های ایاب و ذهاب از بیمه تکمیلی دی پاسخی دریافت نکرده است.

اما ماجرای کارت بانک‌های دی نیز در نوع خود مثال زدنی است. پس از اینکه بیمه تکمیلی دی از بازنشستگان تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی می‌خواهد تا با افتتاح حساب در بانک دی و دریافت کارت بانک دی هزینه کرد درمان را از طریق امور بانکی به حسابشان واریز کنند، اما تا کنون هیچ مبلغی به این حساب‌ها واریز نشده است.

بازنشستگان معتقدند تا زمانی که به صورت حضوری در این مکان (بیمه دی) حضور نیابند هیچ مبلغی را دریافت نخواهند کرد، این در حالی است که این شعبه از بیمه دی تنها 200 هزار تومان از هزینه‌های درمان را آنهم در قالب وجه نقد به مراجعه کنندگان پرداخت می‌کند، بنابراین مراجعانی که فیش‌هایی با مبالغ بالاتر در پرونده آن‌ها درج شده باشد، باید مجدداً به شعبه دیگر بیمه دی واقع در خیابان گاندی مراجعه کنند.

در این بین به هیچ روی نمی‌توان از نظام سنتی و یدی ارباب رجوع در این سازمان بیمه‌گر گذشت. اعلام نوبت مراجعه کنندگان به صورت کلامی و با داد و فریاد، طبقه اول و راهروهای بیمه را به بازاری متلاطم شبیه کرده است، به طوری که پس از اعلام نوبت توسط مسئول یکی از شعبه‌ها، این بازنشستگان هستند که شماره فرد را با صدایی بلندتر فریاد می‌زدند تا او را از سررسیدن نوبت خود آگاه کنند.

یکی دیگر از دلایل ازدحام بازنشستگان تامین اجتماعی در شعبه‌های بیمه دی حضور مراجعان از

شهرستان‌های استان تهران در شعبه‌های بیمه دی در شهر تهران است، زیرا بسیاری از این افراد از شهرری و اسلام شهر در این مکان حضور می‌یابند.

یکی دیگر از این بازنشستگان که از شهرری می‌آید بابت یک آزمایش کبد خود 30 هزار تومان پرداخت کرده است، اما پس از شش ماه آمد و رفت در بیمه دی و هزینه 40 هزار تومانی بابت کرایه، هنوز موفق به دریافت هزینه درمان خود نشده است.

یکی دیگر از بازنشستگانی که با او گفت‌وگو کردم به شدت خواستار بازرسی توسط مسئولان ذیربط است و می‌گوید: تا زمانی که بازرسان و مسولان در این مکان حضور نیابند اوضاع به همین صورت خواهد بود. این بازنشسته شرکت پارس خودرو با اشاره به اینکه بابت هزینه‌های آزمایشگاهی همسرش 200 هزار تومان پرداخت کرده است، اظهار می‌کند: از مهرماه سال گذشته تا کنون در حال پرداخت حق بیمه به بیمه تکمیلی دی هستیم و اکنون که باید آنها نیز هزینه‌های درمان را پرداخت کنند این اتفاق رخ نمی‌دهد و باید بازرسان در این شعبه حضور یابند تا اوضاع نابسامان آن را بهبود بخشند.

وی چهار ماه است که برای دریافت هزینه‌های خود به سازمان بیمه‌گر می‌آید، اما پاسخی دریافت نمی‌کند. دیگری نیز هشت ماه پیش 150 هزار تومان را بابت عکس برداری از زانوهایش هزینه کرده است، اما از آن زمان تا کنون پس از شش بار مراجعه موفق به دریافت هزینه نشده است و نمی‌داند تا چه زمانی باید در این راه پله‌های پر ازدحام حضور یابد.

تعدیل بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت «جبل بر»

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: بیش از هزار نفر از پرسنل شرکت «جبل بر» بندرعباس، شغل خود را در این شرکت از دست دادند.

به گزارش ایلنا، در نامه‌ای که روابط عمومی این شرکت برای خبرگزاری کار ارسال کرده، آمده است: بیش از هزار نفر از پرسنل شرکت جبل بر در بندرعباس و حومه به علت بی‌توجهی مسئولان استان هرمزگان شغل خود را از دست دادند.

روابط عمومی شرکت جبل بر در ادامه با بیان این مطلب که «پروژه و کار این شرکت باید تا پایان سال ۹۲ ادامه پیدا می‌کرد» عنوان کرده است: به علت بی‌توجهی مسئولان استان هرمزگان به مساله اشتغال، این شرکت از سال ۹۱ فعالیت‌اش پایان یافته و تمامی کارکنان خود را مرخص کرده است. در بخشی از نامه آورده شده است: ایجاد شغل در هرمزگان بزرگ‌ترین نعمتی است که دولت از استان هرمزگان دریغ کرده است. «چه میزان باید هزینه شود تا صد شغل ایجاد شود. بیش از هزار نفر از جوانان استان هرمزگان به علت بی‌اعتنایی مسئولان دولت بیکار شدند»

روابط عمومی این شرکت در پایان نامه، بیکاری کارگران خود را حاصل کم توجهی مسئولان اعلام کرده است و با اشاره به گزارش این مساله به دفتر ریاست جمهوری از بی‌نتیجه بودن آن خبر داده است.

پایان پیام

دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز: تامین هزینه زندگی با مزد کارگری جادوگری است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز گفت: کارگران و بازنشستگان با حقوق دریافتی فعلی در مواجهه با هزینه‌های سنگین زندگی جادوگری می‌کنند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در تبریز، کریم صادق‌زاده که در همایش بزرگ کوهپیمایی کارگران و بازنشستگان استان آذربایجان شرقی به مناسبت هفته کارگر برگزار شد سخن می‌گفت، با اشاره به حداقل حقوق تعیین شده برای

سال جاری افزود: در شرایط فعلی که طبق آمار رسمی تورم بیش از ۳۱ درصد است، حداقل حقوق کارگران ۲۵ درصد افزایش داشته است.

دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز با انتقاد از مجریان قانون ادامه داد: چطور عده‌ای بعد از گذشت ۳۴ سال از انقلاب شکوه‌مند اسلامی به خود اجازه می‌دهند فرمایشات عالی قدر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران که در آن سال‌ها گفته بود: «من یک موی این کوه نشینان را به شما کاخ نشینان نمی‌دهم» را کم رنگ کنند و سال به سال شاهد سقوط منزلت و جایگاه کارگران در جامعه باشیم. وی افزود: ما بارها تاکید کرده‌ایم که از دولت نه یارانه می‌خواهیم و نه عیدانه! ما فقط حق خود را می‌خواهیم. امروزه عدم وجود امنیت شغلی موجب شده تا کارگر نتواند حرفش را بزند.

صادق‌زاده تصریح کرد: امروز دست‌هایی پنهانی در جامعه وجود دارد تا روز اول ماه مه (روز جهانی کارگر) را از تقویم‌ها حذف کند، دلیل حضور ما در این مکان این است که به مسئولان نشان دهیم جامعه بزرگ کارگری و بازنشسته وجود دارد و باید به این جامعه ارج بگذارند.

دبیر اجرایی خانه کارگر تبریز در ادامه با انتقاد از فیش‌های حقوقی صادره برای کارگران اظهار داشت: وجود مبالغی همچون ۱۰ هزار تومان حق مسکن و یک هزار ریال حق خواربار به جامعه کارگری توهین است که انتظار داریم در این شرایط با توجه به گرانی و تورم موجود فکری اساسی شده و گامی در راستای بهبود وضعیت معیشت کارگران بردارند.

پایان پیام

حضور گسترده دلان در تمام عرصه‌های اقتصادی

به نوشته سایت پارلمان در تاریخ ۸ اردیبهشت ۹۲ آمده است: عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با تأکید بر اینکه حضور دلان در تمامی عرصه‌ها و تأثیرگذاری بر قیمت‌ها ناشی از بی‌برنامه‌گی وزارتخانه‌های دولت است، گفت: متأسفانه خواب دولت و مسئولان اجرای، بیداری دلان را موجب شده است.

به گزارش «خانه ملت»، بهروز نعمتی در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصادی این خبرگزاری، با بیان اینکه باز بودن دست دلان قیمت کالاهای اساسی مردم را هر روز به سمتی می‌کشد، افزود: دولت برنامه مشخصی برای دادن کارها به افراد اهل نداشته و این خود حضور گسترده دلان و سودجویان را فراهم می‌کند.

نماینده مردم اسدآباد در مجلس شورای اسلامی با بیان این مطلب که معمولاً دلان در جایی حضور پیدا می‌کنند که سود زیادی در آن نهفته باشد، تصریح کرد: در بحث‌های خدماتی حاشیه سود زیاد بوده و سودجویان به دلیل وجود سود فراوان در این مسیر حرکت می‌کنند.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با تأکید بر اینکه حضور دلان در تمامی عرصه‌ها و تأثیرگذاری بر قیمت‌ها ناشی از بی‌برنامه‌گی وزارتخانه‌های دولت است، گفت: متأسفانه خواب دولت و مسئولان اجرای بیداری دلان را موجب شده است.

این نماینده مردم در مجلس نهم با یادآوری قیمت خرید تضمینی گندم در سال گذشته که ۵۴۰ تومان بود، افزود: در سال جاری این نرخ در حدود ۸۵۰ تومان بسته خواهد شد و این در حالی است که ناعادلانه بودن تعیین قیمت خرید تضمینی گندم پای واردات با نرخ بالای ۱۳۰۰ تومان را به کشور باز می‌کند که این خود دست سودجویان را بازتر از قبل می‌کند.

وی ادامه داد: متأسفانه مجموعه وزارت صنعت، معدن و تجارت به علت نداشتن برنامه مدون و مشخص چه در بخش صنعت و تجارت موجبات حضور سودجویان در تمامی عرصه‌ها را فراهم کرده است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از فعالیت جدی نمایندگان در مجلس برای کنترل گرانی‌ها و کوتاه کردن دست دلالان سخن به میان آورد و گفت: مجلس شورای اسلامی با احضار وزیر به کمیسیون‌های تخصصی و تحقیق و تفحص از سازمان‌های مختلف وظیفه نظارتی خود را برای تنظیم بازار به خوبی انجام می‌دهد.

بدون شرح

محجوب در دیدار با رئیس مجلس: قدرت خرید کارگران به وسیله تورم در حال نابودی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 8 اردیبهشت 92 آمده است: دبیرکل خانه کارگر گفت: مهم‌ترین نگرانی ما قدرت خرید کارگران است که به وسیله تورم در حال نابودی است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب در دیدار با رئیس مجلس شورای اسلامی که به مناسبت هفته کارگر صورت گرفت، اظهار داشت: از آقای لاریجانی تشکر می‌کنیم که تا امروز در مجلس پای تصمیمات و مصوبات کارگری مانده و هر طرح و لایحه‌ای که به مجلس آمده در جایی که احساس کرده خطری متوجه کارگران است با نشان دادن راه درست به مجلس مانع از این شده که حقی از این قشر زحمت کش ضایع شود.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس با اشاره به افزایش مشکلات واحدهای تولیدی در کشور گفت: متأسفانه مشکلات کارگران فراوان و وضعیت معیشتی آن‌ها دشوار شده است. کنترل تورم نیز دیگر دست کسی نیست و ما را به هر طرفی که می‌خواهد می‌کشاند. خصوصاً برای کسانی که درآمد ثابت و کوچک دارند یا دستمزد می‌گیرند این وضع بسیار دشوارتر است.

این عضو کمیسیون اجتماعی مجلس با تأکید بر اینکه مشکل تورم در اکثر کشورها حل شده است اما ما هنوز با این مشکل دست و پنجه نرم می‌کنیم، تصریح کرد: مهم‌ترین دغدغه ما در حال حاضر وضع معیشتی نیروی کار در سال آتی است. شدت تعطیلی واحدهای تولیدی بحران دار نیز نسبت به سال گذشته افزایش یافته که این هشدار به همه ماست.

محجوب با اشاره به شوک‌هایی که دولت به بازار وارد می‌کند گفت: اگر این امر مراقبت نشود با مساله‌ای همانند بازار روغن مواجه می‌شویم که مردم به فروشگاه‌ها هجوم آورده و محتکرین انبارها را پر کردند. همه اینها شوک‌هایی است که دولت وارد می‌کند. بازار با تلنگری می‌شکند که این شکستن به مثابه شکستن کمر فقرا و کارگران است. ما می‌خواهیم مجلس راهبری کند تا خطرات کمتری متوجه مردم و کشور شود.

پایان پیام

جدال کارگر با مرگ در زیر خروارها خاک

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 8 اردیبهشت 92 آمده است: ریزش دهانه چاهی در یک کارگاه ساختمانی سبب محبوس شدن کارگری در زیر خاک شد.

سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این باره گفت: حادثه ریزش چاه در ساعت 16:43 به آتش نشانی اطلاع داده شد و پس از آن آتش نشانان ایستگاه 84 و نجات سه به محل حادثه واقع در خیابان ونک، خیابان آرات اعزام شدند.

وی ادامه داد: آتش نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند که تعدادی از کارگران ساختمانی مشغول حفر چند حلقه چاه در یک محل محل گودبرداری شده بودند که این حادثه رخ داد و یکی از کارگران در عمق حدود سه متری چاه محبوس شد.

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه تا لحظه مخابره این خبر عملیات آتش نشانان برای خارج کردن این کارگر از زیر آوار همچنان ادامه داد، به ایسنا گفت: محل وی شناسایی شده و آتش نشانان امیدوارند تا دقایقی دیگر این کارگر افغان را از زیر خاک خارج کنند.

بدون شرح

دبیر کل حزب اسلامی کار:

۹ هزار بدهکار بانکی نشان‌دهنده سیاست‌های غلط اقتصادی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کل حزب اسلامی کار وجود «بیش از ۹ هزار بدهکار بانکی» که اجازه خروج از کشور ندارند را نشانه به کارگیری سیاست‌های غلط در اداره کشور دانست.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «حسین کمالی» در همایشی که به مناسبت روز جهانی کارگر از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر برگزار شد گفت: در حال حاضر بیش از ۹ هزار نفر ممنوع الخروج از کشور داریم که اکثر آنها بدهکار بانکی هستند. وی در ادامه با انتقاد از به کارگیری سیاست‌های غلط در اداره کشور افزود: نزدیک به ۲ میلیون بیکار در کشور داریم. چه برنامه‌ای برای آنها ریخته شده است؟ بیمه بیکاری تنها به کسانی که سابقاً شاغل بوده‌اند اختصاص می‌یابد که محدودیت‌های خاص خود را نیز دارد.

وزیر کار دولت‌های هاشمی و خاتمی با اشاره به صحبت‌های رئیس دولت دهم مبنی بر ایجاد بیش از ۵/۶ میلیون فرصت شغلی، بیان کرد: آقای احمدی‌نژاد نمی‌گوید در ۸ سال گذشته چند فرصت شغلی از بین رفته است. جمعیت فعال کشور (جمعیت بیکار به علاوه جمعیت شاغل) در عرض ۵ سال گذشته، ۵۵۰ هزار نفر افزایش داشته است. با توجه به آمار مذکور، ایجاد اشتغال در کجا رخ داده است؟

کمالی با انتقاد از خروج کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار عنوان کرد: قانون کار با پیروزی انقلاب در دفاع از جامعه کارگری تصویب شد و حق اخراج را از کارفرمایان گرفت و به دادگاه سپرد اما با گذشت زمان شرایط بدتر می‌شود و خروج کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از شمول قانون کار و شرایطی که برای بیمه کارگران وضع می‌شود نشانگر این مساله است. وی ادامه داد: در اوایل انقلاب پیشنهاد شد شورایی متشکل از کارگران و کارفرمایان در کارخانه‌ها تشکیل شود تا در مورد مسایل اقتصادی با یکدیگر مشورت کنند اما یکی از مسئولان وقت در واکنش به پیشنهاد مذکور، کارگران را به «اسب عساری» تشبیه کرد که چیزی نمی‌فهمند.

به گفته آقای کمالی درآمد نفتی ایران در ۸ سال گذشته، ۱۱۰۰ میلیارد دلار بوده است.

وزیر کار دولت‌های هاشمی و خاتمی تصریح کرد: پول نفت در زمان طاغوت میان زمین داران و خواص توزیع می‌شد. همین اتفاق بعد از انقلاب به شکل دیگری رخ می‌دهد و دولت، پول نفت را میان کارخانه داران توزیع می‌کند. او ادامه داد: اگر بخواهند به کارگری وام دهند چندین وثیقه از او می‌خواهند و حتی ضمانت کارگر برای کارگر را قبول نمی‌کنند و می‌گویند ضامن باید کاسب باشد در حالی که پول نفت به کسانی داده می‌شود که معلوم نیست چگونه آن را خرج می‌کنند و در پایان هم بازگردانده نمی‌شود.

دبیر کل حزب اسلامی کار در پایان با مقدس خواندن «شک علمی» و لزوم آگاهی جامعه کارگری از تحولات اطراف خود اظهار داشت: جامعه کارگری در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو باید هوشیار باشد و در مورد

سخنانی که می‌شنود تحقیق کند. آگاهی نیاز اصلی جامعه کارگری است. در مورد همه چیز تردید کنید. تردید خوب است زیرا انسان را از ساده لوحی خارج می‌کند. شک علمی مقدس است و شما را به راه‌های درست می‌رساند.

پایان پیام

بدون شرح **رئیس فراکسیون کارگری مجلس:** **بیکاری زنان گرانگه تمامی مشکلاتشان است**

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس فراکسیون کارگری مجلس نرخ بالای بیکاری زنان را گرانگه مسائل و مشکلات آنان خواند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «علیرضا محجوب» در همایشی که به مناسبت روز جهانی کارگر از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر برگزار می‌شد گفت: نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان و نرخ مشارکت آنها یک چهارم مردان است و این اصلیتین مساله زنان کارگر است. وی در ادامه با تاکید بر اهمیت توجه به مساله بیکاری زنان در کنار حقوق و معیشت آنان افزود: باید به سمتی حرکت کنیم که محدودیت‌ها برداشته شود و درب‌های بازار کار به روی زنان باز کنیم.

نماینده مجلس نهم شورای اسلامی تصریح کرد: نرخ بیکاری ۲۵ درصدی زنان به هیچ عنوان قابل قبول نیست و این در حالی است که نرخ بیکاری برای زنان بین ۱۵ تا ۲۵ سال بیش از ۳۵ درصد است.

دبیرکل خانه کارگر در پایان واقعیت اقتصادی کشور را دردناک خواند و بر لزوم توجه به مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی تاکید کرد.

پایان پیام

دبیر خانه کارگر بندر عباس خبر داد: **تعطیلی کارخانه و بیکاری بیش از ۸۰ کارگر زرین قشم**

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: کارخانه زرین قشم استان هرمزگان به سبب آنچه کارفرما کمبود نقدینگی و مرغوب نبودن خاک عنوان می‌کند، دچار مشکلاتی در روند تولید شده و هم اکنون ۸۰ کارگر آن از آغاز سال جاری بیکار شده‌اند.

«محمد دریانوس» دبیر خانه کارگر بندر عباس با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۸۰ کارگر کارخانه زرین قشم، تولید کننده آجرهای سفالی به سبب تعطیلی این واحد تولیدی در آغاز سال جاری بیکار شده‌اند.

او ادامه داد: به ادعای کارفرما، این کارخانه به سبب مشکلاتی نظیر کمبود نقدینگی و مرغوب نبودن خاک، دچار مشکل شده و اکنون به ناچار از ادامه تولید باز مانده است. وی در ادامه اظهار داشت: بدنبال تعطیلی کارخانه بیش از ۸۰ کارگر با سابقه هم اکنون بیکار شده و بدنبال پی گیری مطالبات خود از راه‌های قانونی هستند.

این فعال کارگری در بندرعباس با اشاره به اینکه کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی را تحت الشعاع قرار داده است، توضیح داد: این کارگران تنها با اعتراض نمی‌توانند مطالبات خود را دریافت کنند و به همین دلیل مسوولین باید راه چاره‌ای بیابند و مشکلات این کارگران که منبع درآمد دیگری ندارند را حل کنند.

پایان پیام

اذیت و آزار مامورین به زنان آمل

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است: آمل در حال حاضر یکی از گران ترین شهرهای مازندران است و با حقوق ماهی 800 هزار تومان به سختی میشود زندگی کرد. از طرفی هم با گرم شدن هوا و طرح خود ساخته امنیت باصلاح اخلاقی دوباره شروع شده است و برای زنان مشکلات زیادی از طرف یگانهای منفور امر به معروف و نهی از منکر ایجاد میکنند که باعث خشم زنان و مردم شریف آمل گردیده است.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان: نیمی از جمعیت مازندران زیرخط فقر زندگی میکنند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار مازندران گفت: بدلیل فاصله دستمزد کارگران با نرخ تورم بیش از نیمی از جمعیت استان مازندران بطور رسمی زیرخط فقر زندگی می کنند.

به گزارش ایلنا از ساری، میرعلی شیر افکن در دیدار نهادهای کارگری و بازنشستگی این استان با استاندار مازندران ضمن اشاره به نامگذاری سال جدید گفت: کارگران همواره در همه عرصه های انقلاب ثابت نموده اند که از همه چیز خود برای این نظام می گذرند و حال نوبت مسئولین است که برای حیات کارگران و ادامه زندگی شرافتمندانه آنان از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

شیر افکن با ارائه گزارشی از عملکرد کانون شوراهای اسلامی کار کارخانجات مازندران خبر از ۶۲ شورای فعال کارگری در استان داد و افزود: با یاری و همت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی این تعداد در حال افزایش است.

وی در پایان با اشاره به اینکه تعداد بیمه شدگان اصلی در تامین اجتماعی مازندران بالغ بر ۵۲۰ هزار نفر در سطح استان است، یادآور شد: در شرایط کنونی بیش از نیمی از جمعیت استان مازندران زیر پوشش تامین اجتماعی هستند و این تعداد با توجه به اینکه بلحاظ کم بودن دستمزد از حداقلها بهره می برند در زیرخط فقر زندگی می کنند.

پایان پیام

نماینده کارگران نساجی مازندران در حضور فرماندار: یادی از کارگرانی که در زمان تعطیلی نساجی مازندران جان باختند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده کارگران نساجی مازندران گفت: کارگران نساجی مازندران طی سه سال گذشته در اسفناک ترین شرایط ممکن گذران زندگی می کنند.

به گزارش ایلنا از ساری، «محمد نوبخت» شامگاه یکشنبه در دیدار نهادها و فعالان جامعه کارگری با استاندار مازندران از تعدادی از همکارانش یاد کرد که با تعطیلی کارخانه «نتوانستند زیر این همه فشار زندگی دوام بیاورند و امروز زیر خروارها خاک مدفون شده اند». او گفت: همکارانی هم هستند که به واسطه همان فشارها اینک در بستر بیماری قرار گرفته اند. نماینده کارگران نساجی مازندران با ابراز تشکر از حمایت های مسئولین استان در خصوص بازنشستگی تعدادی از این کارگران و راه اندازی مجدد کارخانه گفت: کارگران نساجی مازندران از ۴ الی ۲۵ ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند و عده ای هم که بازنشسته شده اند نتوانسته اند از سنوات بازنشستگی خود بهره ببرند.

نماینده کارگران نساجی مازندران گفت: متأسفانه از سوی سرمایه‌گذار جدید شرکت هیچ برنامه‌ای برای مطالبات کارگران و چگونگی پرداخت آن ارائه نشده است. وی افزود: در کنار این بی‌توجهی‌ها به دنبال مراجعات مکرر ما برای رفع این مشکل نیز تا کنون جواب قانع‌کننده و قابل ملاحظه‌ای دریافت نکرده‌ایم.

نویخت اضافه نمود: از مسئولین استان انتظار داریم که با توجه به شرایط تورم و بی‌ارزش شدن ریال، نسبت به پرداخت مطالبات کارگران و بازنشستگان به صورت جدی وارد عمل شوند.

نماینده کارگران و بازنشستگان نساجی مازندران افزود: متأسفانه سرمایه‌گذاران از آوردن نقدینگی متناسب با تعهدات امتناع می‌کنند و با فروش املاک و محصولات تولیدی به هزینه جاری می‌پردازند و اصلاً توجهی به معوقات کارگران ندارند. وی مشکلات مالی کارگران نساجی با توجه به تورم فزاینده و گرانی‌های افسارگسیخته را نگران‌کننده دانست و گفت: درخواست ادامه حمایت‌های استاندار محترم را داریم تا در وضعیت نامناسب مالی گره‌ای از کار کارگران نساجی باز شود.

این فعال جامعه کارگری در ادامه با بیان اینکه متأسفانه بسیاری از ضایعات کارخانه به بیرون منتقل شده و از سرنوشت آن‌ها و وضعیت مالی آن‌ها اطلاعات خاصی در دست نیست گفت: هیچ برنامه خاصی در این مورد وجود ندارد و ما ضمن تقدیر از حمایت شما در جهت جلوگیری از خروج بی‌رویه ضایعات از شرکت خواستار رسیدگی به این مسئله هستیم.

نویخت همچنین خواستار تشکیل کمیته‌ای ۳ جانبه با حضور مدیریت شرکت، دولت و نمایندگان کارگران شد و ابراز داشت: امیداریم در قالب این گفتگوی سه جانبه بتوانیم با مدیریت منابع مالی و رایزنی‌های مداوم به وضعیت فعلی سروسامانی بدهیم. وی افزود: درخواست ما این است که ارائه هرگونه تسهیلات، بخصوص تسهیلات ارزی و بازگشایی ال سی برای سرمایه‌گذار منوط به اجرای تعهدات او در قبال کارگران، مخصوصاً در مورد حقوق‌ها باشد. وی بیان داشت: اگر بازگشایی ال-سی و تعویق در سرمایه‌گذاری گذار ایجاد شود شرکت به بحرانی دیگر دچار خواهد شد که این خواست هیچ کس نیست. نویخت اضافه کرد: خواست ما این است که کمیته‌ای که در سال گذشته جهت نظارت بر امر احیا تشکیل شد، مجدداً تشکیل شود تا با دقت و هم‌اندیشی کارها را به سرانجام برسانیم.

در پایان وی با اشاره به تلاش‌های فرماندار قائمشهر در جهت حل مشکلات فی بین بانک و شرکت، آن‌ها را ناکافی دانست و گفت: متأسفانه ما همچنان بابت برخی از اقساط به بانک بدهکاریم، لذا خواستار مساعدت مسئولین تا حل کامل این مشکل هستیم.

پایان پیام

اعتصاب غذای کارکنان یکی از شرکت‌های استان کرمانشاه

به نوشته پیک ایران- 9 اردیبهشت 92 آمده است: کارکنان یکی از شرکتهای مهم کرمانشاه هفته گذشته را به نشانه اعتراض به عدم پرداخت بموقع حقوق و همچنین ضعف مدیریت، اعمال تبعیض و توهین بعضی مدیران به زبردستان دست به اعتصاب غذا زدند. در روزهای گرامیداشت روز جهانی کارگری تنها راه رسیدن به هدف و خواسته خود اعتراضات گسترده و همبستگی کارگران است

کارگران زندانی؛ قربانیان تلاش برای اعاده حق

مژگان مدرس علوم

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است : : فعالین کارگری در شرایطی بازداشت می شوند که کارگران از نظر درآمد در شرایط اسفباری به سر می برند .

بسیاری از این کارگران به اتهام تلاش و عضویت در تشکل های مستقل کارگری که در قوانین ایران نیز مورد تایید قرار گرفته است به احکام سنگین و زندان های طویل المدت در تبعید محکوم شدند.

شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهروز علامه زاده، بهروز نیکوفرد ، علیرضا سعیدی، غالب حسینی، علی آزادی، پدرام نصرالهی، مهدی فرحی شاندیز و مظفر صالح نیا از جمله فعالین کارگری در بند هستند. رضا شهابی نیز چندی پیش در پی عدم تمدید مرخصی به زندان بازگشت .

ربابه رضائی خاطرنشان کرد که همسر در طی مدتی که در مرخصی بود توانست مشکلات جسمانی را که در زندان به آن دچار شده را رسیدگی کند و تحت نظر پزشک متخصص قرار بگیرد اما متأسفانه با ادامه درمان او موافقت نشد. نگرانی ما هم از این است در طی این مدت که مشکلات گردن و دندانهایشان زیر نظر پزشک متخصص در حال خوب شدن بود دوباره با شرایط زندان به حالت اول بازگردد .

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران در 22 خرداد ماه 89 بازداشت شد و ماهها در بند 209 زندان اوین در بلاتکلیفی بسر برد. نهایتاً پس از 22 ماه حبس و آزار و اذیت، به شش سال حبس تعزیری و پنج سال ممنوعیت از فعالیت محکوم شد.

هچنین به گفته نزدیکان محمد جراحی، کارگر زندانی و عضو کمیته پی گیری ایجاد تشکل های کارگری، وی در حالیکه با مشکلات بیماری سرطان در زندان بسر می برد در درمان خود با ممنوعیت های زیادی از سوی مسئولین قضایی روبرو است.

شاهرخ زمانی، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری و سندیکای کارگران نقاش از جمله دیگر فعالین در بند است که در خرداد سال نود هنگام ورود به تبریز برای دیدار پدر و مادر خود توسط اداره اطلاعات تبریز بازداشت شد. شاهرخ زمانی در شعبه یک دادگاه انقلاب تبریز به اتهام تبلیغ علیه نظام و تشکیل دسته سوسیالیستی به یازده سال حبس محکوم شد. این فعال کارگری کلیه اتهامات عنوان شده علیه خود را در دادگاه رد و بر صنفی بودن کلیه فعالیت های خود تاکید کرد. قاضی پرونده در پاسخ به سوال زمانی که بر اساس چه چیزی حکم صادر کرده، گفته است: "بنده در سلسله مراتب، یک فرمانبردار بیش نیستم".

زرین نجاتی مادر شاهرخ زمانی دغدغه های فرزند در بندش را اینچنین شرح می دهد: شاهرخ از پانزده و شانزده سالگی کارگری را شروع کرد و از همان جوانی مشکلات این صنف را دید و سعی می کرد کاری انجام بدهد. خودش کارگر نقاش بود و خیلی ناراحت وضعیت معیشتی کارگران بود. قبلاً هم بخاطر همین دغدغه هاش بازداشت شده بود، تا اینکه این بار آخر برای دیدن ما آمده بود تبریز و با یک بهانه دیگر بازداشتش کردند. فقط جرمش این بود که می گفت چرا حقوق کارگران کم است؟ چرا نمی توانند تشکیلات مستقل و صنفی داشته باشند؟ چرا اخراج می شوند؟ چرا حقوق ماهها پرداخت نمی شود. بعد هم که به جرم فعالیت های صنفی به یازده سال زندان محکوم شد. به همه جا از دفتر رهبری، دیوانعالی نهاد حقوق بشر و دادگستری گرفته تا مراجع قضایی دیگر رفتیم، اما هیچ کمکی نکردند فقط در دیوانعالی کشور گفتند که در حق او اجحاف شده و بی گناه است .

نمی دانید وضعیت اقتصادی ایران الان چطور است؟ همه چیز ده برابر شده و حتی مواد غذایی که اگر از سفره مردم برداشته شود سلامتی اشان بخطر می افتد اما کی هست که به این مسائل توجه کند؟ امسال هم که حقوق را بیست درصد اضافه کردند اما هنوز ما چیزی دریافت نکردیم. از رادیو و تلویزیون هم می گویند تحریم است و کار آمریکا است. خب، چرا همه بار تحریم روی دوش قشر کم درآمد و کارگران باشد؟ بیاید ببینید بعضی چه زندگی هایی دارند. فاصله طبقاتی هم کار آمریکا است؟ ثروتمندها پولدارتر شده اند و فقرا فقیرتر. کارگرهای مثل ما هم که این وضعیتمان است که با تمام این گرانی ها باید زندگی بخور و نمیر را سر کنیم. از آن طرف هم غصه شاهرخ در زندان را بخوریم. بچه هایش خرج درس دارند و خانمش کار می کند اما مگر حقوقش چقدر است؟ بخدا پسر ما را آزاد کنند که بیاید بالای سر بچه هاش ما به همین حقوق کارگری راضی هستیم. الان هم با وجود مشکلات جسمی مرخصی نمی دهند و از موقعی که به زندان اوین منتقل شده ملاقات حضوری هم نداریم و هر چه پیگیری کردیم که ما از راه دور می آیم حداقل ملاقات حضوری داشته باشیم، موافقت نمی کنند. البته فرزند من تنها یکی از کارگران بی گناه است. من این روز را به همه کارگران تبریک می گویم و سالی با روزهای بدون رنج و سرافرازی برایشان آرزو می کنم.

نگرانی مادر شاهرخ زمانی از شرایط سلامت فرزندش در شرایطی عنوان می شود که این فعال کارگری پس از بازداشت تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفت. او آن طور که خودش گفته است در اداره اطلاعات بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم تهدید به مرگ شده است. آزارهای دیگری از جمله مسمومیت، قرار دادن در کنار افراد عادی مبتلا به ایدز، وادار کردن افراد نامتعادل روانی، جانی و خطرناک به درگیری با او... از موارد شکنجه های اعمال شده علیه اوست.

در این حال گزارشها حاکی است که میزان فشارهای وارده بر فعالین کارگری از سوی نیروهای امنیتی روز به روز در حال افزایش است. این فعالین برای استعفا از عضویت در کمیته هماهنگی تحت فشار هستند تا از فعالیت های خود دست بردارند. فعالین کارگری می گویند که ایجاد تشکل های مستقل کارگری را برای دفاع از مطالبات و خواسته های کارگران را حق خود می دانند. از سوی دیگر، خانواده های فعالین کارگری نیز در پیگیری های خود تهدید می شوند که در خصوص وضعیت زندانیان خود اطلاع رسانی نکنند. برخی از این خانواده ها در تماس جرس با آنها با بیان این مطلب و ترس از قطع ملاقات های شیشیه ای تنها به این جمله بسنده کردند: "روز جهانی کارگر بر تمامی کارگران زحمتکش مبارک باد!"

اعتصاب آهن فروشان تهران با موفقیت پیش رفت

به نوشته سایت ایران کارگر 9 اردیبهشت 92آمده است: به گزارش دریافتی؛ اعتصاب آهن فروشان بازار شادآباد تهران پس از گذشت يك هفته با موفقیت بازاریان و با عقب نشینی اداره مالیات و استانداری تهران به پایان رسید و از صبح روز یکشنبه آهن فروشان مغازه های خود را باز کردند. یکی از آهن فروشان اعتصابی روز یکشنبه گفت: اعتصاب آهن فروشان بازار شادآباد بعد از یک هفته ایستادگی بالاخره به نتیجه رسید. بعد از یک هفته بی احترامی و فحاشی مامورین و مقامات اداره مالیات به آهن فروشان اعتصابی سر انجام معاون استاندار تهران با نمایندگان اعتصابی روز شنبه وارد مذاکره شد. در این مذاکره استانداری اعلام کرد که کلیه جرائم مالیاتی آهن فروشان که به میلیونها تومان میرسد صرف نظر شده و دیگر جریمه ای از آهن فروشان اخذ نخواهد شد.

با وجود اشتغال ۵۰۰ کارگر: کارخانه زمزم شرق تهران منحل می شود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: با صدور حکم انحلال کارخانه نوشابه سازی زمزم شرق تهران، فعالیت این کارخانه با بیش از ۵۰۰ کارگر به زودی متوقف می شود. يك منبع آگاه در کارخانه نوشابه سازی زمزم شرق تهران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارخانه نوشابه سازی زمزم شرق تهران وابسته به بنیاد مستضعفان، با آنکه در آمد سالانه و بازار بسیار خوبی برای فروش محصولات خود دارد، با درخواست مدیران بالادستی این بنیاد و حکم قضایی در حال انحلال است.

بنا بر ادعای این منبع آگاه، دلیل انحلال این کارخانه سودده، موقعیت تجاری خوب این زمین وسیع کارخانه در شرق تهران است که می توان از این زمین برای ایجاد بازارچه های تجاری استفاده کرد.

او اضافه کرد: از سوی کارفرمایان گفته می شود امنیت شغلی کارگران با انتقال آنان به کارخانه زمزم غرب تهران حفظ می شود، اما این وعده از واقعیت بدور است و هیچ تضمینی برای حفظ اشتغال بیش از ۵۰۰ کارگر بعد از انحلال یک کارخانه وجود ندارد.

این منبع آگاه در کارخانه زمزم شرق تهران تصریح کرد: چرا مسئولان با دستان خود کارخانه موفق و پردرآمدی را که برای کشور بهره وری اقتصادی و ایجاد اشتغال کرده است با سیاست های اقتصادی غلط خود حتی بدون توجه به سرنوشت نیروهای کار آن، منحل می کنند تا زمینه ورود رقبای خارجی را به کشور فراهم کنند. او در ادامه افزود: این واحد به عنوان یک واحد نمونه و موفق مسئولیت نظارت بر تعداد دیگری از کارخانه های زمزم

جمله زمزم غرب تهران، زمزم آبادان، زمزم کرمان، زمزم اهواز و... را بر عهده دارد که با انحلال کارخانه شرق تهران مدیریت این واحدها به خود آنان سپرده خواهد شد.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری شوشتر در مقابل ساختمان شهرداری

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش دریافتی از شوشتر، کارگران قسمتهای موتور، آتش نشانی و فضای سبز شهرداری شوشتر در نهمین روز اعتصاب خود مقابل شهرداری شوشتر تجمع اعتراضی کرده و خواهان دستمزد 11 ماه گذشته خود شدند. کارگران با پلاکارد و دست نوشته هایی مطالبات خود و اعتراض نسبت به رویه دولت را بیان کرده بودند. تعداد کارگران شهرداری بیش از 150 نفر می باشد که حدود 50 نفر از آنها در اعتصاب میباشند. هنوز به خواسته های کارگران زحمتکش شهرداری پاسخی داده نشده است.

سراب وعده به بازنشستگان محسن ایزدخواه، کارشناس حوزه تامین اجتماعی

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است: داشتن یک نظام تامین اجتماعی قوی و کارآمد می تواند علاوه بر اینکه موجب آرامش خاطر میلیون ها نفر افراد تحت پوشش به لحاظ پیری، از کارافتادگی، درمان و بازنشستگی شود به نحوی می تواند دولت ها را در زمینه فراهم کردن توسعه پایدار و حرکت به سمت شکل گیری سرمایه های انسانی و اجتماعی یاری رساند. بر این اساس کارکردهای تامین اجتماعی و حمایت های دولت روی یکدیگر یک اثر تعاملی و فزاینده خواهد داشت. بر این اساس بسیاری از تئوری های توسعه گسترش تامین اجتماعی را هم هدف توسعه و هم ابزار توسعه می دادند و معتقدند کارآمدی تامین اجتماعی می تواند اکثر حوزه های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده و بالعکس ناکارآمدی و بی توجهی دولت ها به این مقوله اساسی و نسبتا مدرن حتی می تواند حوزه امنیت ملی را به شدت تحت تاثیر قرار دهد. بر اساس چنین رویکردی اصول مختلف قانون اساسی به مقوله تامین اجتماعی در ابعاد مختلف توجه کرده و تقریبا تمام دولت های بعد از انقلاب حتی در دوران جنگ تحمیلی به این مساله مهم و گسترش آن بی توجه نبودند. انتظار می رفت با روی کار آمدن دولت های نهم و دهم که همواره شعار محوری خود را عدالت گستری و مهرورزی اعلام می کردند به مقوله تامین اجتماعی و خصوصا صندوق تامین اجتماعی به عنوان بزرگترین و گسترده ترین نهاد بیمه ای کشور بیش از سایر دولت ها توجه کنند اما آنچه که در طول هشت سال گذشته اتفاق افتاده درست برخلاف شعارهای داده شده صورت گرفته است و از چند جنبه صندوق تامین اجتماعی مورد آسیب جدی نظام تصمیم گیری کشور قرار گرفته:

1- به علت عدم پایبندی دولت به قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تصویب اساسنامه صندوق تامین اجتماعی در مغایرت با قانون و از طرفی عدم آگاهی از جایگاه این صندوق مناسفانه در طول هشت سال گذشته هفت بار مدیرعامل و تقریبا دیگر ارکان این صندوق دچار تغییر و تحول شده اند که بی ثباتی در مدیریت و عدم داشتن حتی برنامه ریزی کوتاه مدت این صندوق را به لحاظ پیشی گرفتن مصارف بر منابع آن در سخت ترین وضعیت مالی در طول یک دهه گذشته قرار داده است.

2- تورم بالا، وضعیت رکود تورمی، رشد اقتصادی در حد صفر و پایین تر، شکل گیری لشکر سه میلیونی بیکاران، در کنار آثار تخریبی هدفمندی یارانه ها، فاصله گرفتن نرخ پایین شکل گیری سرمایه و کاهش شدید فعالیت عمرانی موجب شده که فعالیت درآمدی تامین اجتماعی به شدت تحت تاثیر قرار گیرد به طوری که برآورد می شود حداقل در سه سال گذشته این صندوق با کسر بودجه ای نزدیک به یکصد هزار میلیارد ریال مواجه شده است و پیش بینی می شود این کسری در سال 92 به تنهایی بالغ بر 50 هزار میلیارد ریال شود.

3- اصلی ترین منبع درآمدی صندوق تامین اجتماعی ناشی از وصول حق بیمه از کارگران، کارفرمایان و دولت است. برآورد می شود که بدهی قطعی شده کارفرمایان که تقریبا از یک میلیون و 200 هزار کارگاه متمرکز می باشد حدود 20 هزار میلیارد تومان است که در مقابل بدهی دولت که پیش بینی می شود تا پایان سال 92 بالغ بر

500 هزار میلیارد ریال می‌شود بسیار ناچیز است. متأسفانه دولت با وجود تکالیف قانونی که در برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین قانون ساختار نظام جامع رفاه، تعیین شده است همتی برای پرداخت دیون خود به کار نبرده است به طوری برآورد می‌شود که در طول هشت سال گذشته در خوشبینانه‌ترین حالت حداکثر یک صد هزار میلیارد ریال از دیون خود را به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت کرده است و همین مساله موجب شده که به رغم افزایش قابل توجه 25 درصدی به حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران این سازمان برخلاف صندوق بازنشستگی کشوری و همچنین صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح نتوانسته است این افزایش را در فروردین و حتی اردیبهشت ماه سال جاری اعمال کند.

و این ناتوانی در تأمین منابع مالی صندوق تأمین اجتماعی در حالی است که متأسفانه بودجه صندوق تأمین اجتماعی هنوز فرآیند تصویب خود را در هیات امنای طی نکرده و ثانیاً برخلاف وعده مدیرعامل صندوق تأمین اجتماعی در اوایل دی ماه سال گذشته در مراسم نکوداشت مهندس خلیلی، که گفته بود «نمی‌توان با بال‌بال زدن در پایان هر ماه حقوق و مستمری را پرداخت کرد و حداقل شش ماه حقوق و مستمری بازنشستگان و حقوق‌بگیران را در بانک رفاه ذخیره احتیاطی شده» این تاخیر در پرداخت‌ها رخ داده است. همچنین معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی در پانزدهم اسفند سال گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی مدعی شد ذخیره ارزی قابل توجهی فراهم شد که ارزش ریالی آن در حال حاضر حداقل یک صد هزار میلیارد ریال است که این ادعا در نامه مجموعه هیات‌مدیره صندوق تأمین اجتماعی خطاب به معاون اول رییس‌جمهوری نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

با این توصیف این ادعاها با آنچه که آقای مرتضوی در چند روز گذشته خبرگزاری «ایلنا» گفته است که به دلیل محدودیت منابع و حجم بالای تعهدات نمی‌تواند مستمری کارگران، بازنشستگان و... را به اندازه نرخ تورم باوجود تکلیف قانونی افزایش دهد بسیار فاصله دارد. مسوولان مربوطه و به ویژه مدیریت عالی تأمین اجتماعی باید بدانند که دادن وعده‌های غیرعملی علاوه بر اینکه زمینه‌های بی‌اعتمادی به سخنان و وعده‌های مسوولان را فراهم می‌کند موجب بالارفتن سطح انتظار بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران از صندوق تأمین اجتماعی می‌شود که امروز در وضعیت بسیار خطیر مالی قرار دارد و از سوی دیگر سایر دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی تصمیم‌گیری را حساس می‌کند که بیش از گذشته جهت اندک منابع مالی و شرکت در سرمایه‌گذاری این صندوق تصمیم‌گیری کنند.

اتحادیه زنان کارگر خواستار خاتمه استعمار همه جانبه نیروی کار شد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: اتحادیه سراسری زنان کارگر در بیانیه‌ای اعتراضی به مناسبت روز جهانی کارگر با انتقاد از نرخ تورم و وضعیت اقتصادی کشور خواستار پایان همه جانبه استعمار نیروی کار شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در ابتدای این بیانیه آورده شده است: از ابتدای انقلاب تا کنون هر زمان کارگران خواستند در مورد معاش خود اعتراض کنند به بهانه جنگ و اقتصاد ناپایدار محکوم به سکوت بودند.

در ادامه این بیانیه با اشاره به تورم افسار گسیخته‌ای که دامن گیر کشور شده آمده است: با توجه به تأثیر وضعیت نرخ تورم و اقتصاد کشور بر شرایط معاش نیروی کار نیز سوال ما از کارفرمایان این است که دستمزد کنونی نیروی کار، دستمزد واقعی آنان است؟

این تشکل کارگری در بخشی از بیانیه اعتراضی خود به مساله افزایش نا عادلانه حداقل مزد کارگران در سال جاری اشاره کرده و آورده است: مگر در سال 91، 25 درصد افزایش تورم داشتیم که شما 25 درصد دستمزدها را افزایش داده‌اید؟

اتحادیه سراسری زنان کارگر در پایان این بیانیه خواستار افزایش دستمزد به دلار، فضای باز فعالیت اجتماعی و سیاسی، امنیت شغلی، پایان همه جانبه استعمار نیروی کار، جلوگیری از تعدیل نیروهای کار زن در ارگان‌های

دولتی، اجرای مساوی مزایای بیمه‌ای برابر با مردان و همسان سازی حقوق کارگران بازنشسته تامین اجتماعی شده است.

پایان پیام

محسن صادقی فعال کارگری بازداشت شد

به نوشته سایت ایران کارگر 9 اردیبهشت 92 آمده است: صبح روز پنجشنبه 5 اردیبهشت محسن صادقی کارگر اداره برق اصفهان توسط ماموران امنیتی اصفهان بازداشت و روانه مکان نامعلومی شد. با نزدیک شدن به روز جهانی کارگر و شکل گیری برخی برنامه های اعتراضی حکومت برای آنکه این اعتراضات را در نطفه خفه کند شروع به دستگیری برخی از فعالین کارگری کرده است. محسن صادقی که سال گذشته بیش از 300 نفر از کارگران قراردادی وزارت نیرو را در غالب یک تشکل کارگری منسجم نمود و آنها را برای یک اعتصاب آماده کرد از همان موقع وقت و بیوقت توسط نهاد های امنیتی احضار و مورد بازجویی قرار میگیرد. همسر محسن روز 5 شنبه در محل کار او حاضر شد و تمام همکاران او را تشویق نمود تا در یک حرکت اعتراضی که او میخواست برای روز کارگر برنامه ریزی کند شرکت کنند.

تکذیبیه سندیکا

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=444&Itemid=10

تکذیبیه

همانطور که در گذشته از طریق بیانیه های سندیکا اعلام شده است، اعلام می داریم: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هیچ عضو، عضو هیئت مدیره، نماینده و رابطی در خارج از کشور ندارد و کلیه ادعاهای مطرح شده را کذب محض می داند و به صراحت تکذیب میکند. باز هم یاد آور می شویم کلیه مطالب سندیکا از طریق سایت رسمی این نهاد مستقل کارگری به آدرس:

www.syndicavahed.asia و ایمیل syndicavahed@gmail.com : به اطلاع عموم

خواهد رسید.

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

اردیبهشت

پرونده سازی برای اخراج فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

بر پایه خبررسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است: بمناسبت نزدیکی اول ماه مه روز جهانی کارگر و بدلیل اینکه این روز علاوه بر جشن کارگران روز اقدام اعتراض به هر شکل، در برابر اجحاف حقوق کارگران است. مطالبی را از پرونده سازی علیه فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی طی سال 91 به نظر کارگران و علاقمندان پیگیر این حوزه می‌رساند. همچنین امید دارد مسئولان ارشد که به بهانه عدم اطلاع، اظهار میدارند از این موانع و مشکلات.....

پرونده سازی برای اخراج فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه طی سال 1391 از طرف مسئولان شرکت واحد و شهرداری

بمناسبت نزدیکی اول ماه مه روز جهانی کارگر و بدلیل اینکه این روز علاوه بر جشن کارگران روز اقدام

اعتراض به هر شکل، در برابر اجحاف حقوق کارگران است. مطالبی را از پرونده سازی علیه فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی طی سال 91 به نظر کارگران و علاقمندان پیگیر این حوزه میرساند. همچنین امید دارد مسئولان ارشد که به بهانه عدم اطلاع، اظهار میدارند از این موانع و مشکلات بی اطلاع هستند و در صورت اطلاع موانع را برطرف مینمایند درصد رفع مشکلات پیش روی کارگران، اقدامات موثر از طرف ایشان صورت پذیرد.

در روز کارگر سال 1388 آقای امانی جانشین معاونت مالی اداری شهرداری تهران اعلام کرد که از ابتدای سال، ده درصد بعنوان حق جذب، حقوق کارگران شهرداری تهران افزایش می یابد. (تصویر پیوست یک) که کلیه کارگران شهرداری و شرکت ها و سازمانهای تابعه این افزایش حقوق را دریافت کردند بجز کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، شهرداری تهران علی رغم تمام پیگیری های مدیر عامل پیش از آقای پیمان سنندجی و شورای اسلامی کار وقت شرکت واحد، (تصاویر پیوست دو) حاضر به اعمال افزایش حقوق مزبور برای کارگران شرکت واحد نشدند. در سال 89 و نیمه اول سال 90 در دیدارهای گاه و بیگاه پیمان سنندجی مدیر عامل شرکت واحد با کارگران که در پایانه ها و دیگر نقاط صورت می گرفت. کارگران اعتراض خود را به ایشان میرساندند ولیکن ایشان تلاش داشت با بحث های انحرافی، پیگیری کارگران را از این خواسته متوقف سازد. خود من در دیدارهایی که با ایشان در جمع کارگران داشتم شنیدم که میگفت مدیریت امروز شرکت واحد کاستی های مدیریت سابق را رفع میکند و از پرداخت بیمه و مالیات معوق سالهای قبل سخن میگفت که نمیدانم در صورت صحت گفتار ایشان به لحاظ اینکه حق بیمه و مالیات کارگران هر ماه از فیش حقوقی آنان کسر میشود چه منتهی بر کارگران داشت. در نیمه دوم سال 90 حق مسکن کارمندان شهرداری تا سقف 294000 تومان افزایش یافت (تصویر پیوست سه) همچنین کارگران مطلع شدند که کارگران شهرداری معادل یکماه دستمزد و مزایا را بعنوان پاداش شش ماهه اول و پاداش شش ماهه دوم سال دریافت میکنند که این پاداش به کارگران شرکت واحد پرداخت نشد. بالاخره از نیمه دوم سال 90 کارگران بر آن شدند تا در خواست افزایش حقوق، حق مسکن و دریافت پاداش شش ماهه اول و دوم را منسجم و با رعایت خط قرمزهای حاکم بر جامعه تا حصول نتیجه پیگیری نمایند. کار با ارسال طومارهایی برای مسئولان مختلف در شرکت واحد، سازمان ترافیک و حمل و نقل شهرداری تهران، شهردار تهران و شورای شهر، رئیس جمهور (تاویر پیوست چهار) شروع و با پیگیری تلفنی دسته جمعی همکاران از دفاتر مسئولان ذیربط و سامانه نظارتی 1888 شهرداری تهران ادامه داشت. یکبار نیز گروهی 50 نفره از کارگران در محل ملاقات های مردمی سامانه 1888 با جانشین مدیریت سازمان حمل نقل دیدار و در این زمینه گفتگو داشتند. که ایشان در آن موقع قول پیگیری از طریق شهردار را به کارگران دادند ولیکن بعدا حتی دیگر حاضر به ملاقات با نمایندگان کارگران معترض نشدند! این در حالی بود که حدود ده ماه از شروع پیگیری کارگران برای دریافت حق جذب، افزایش حق مسکن و پاداش شش ماهه اول و دوم سال میگذشت. لذا اینبار کارگران تصمیم گرفتند با حضور دسته جمعی مقابل شهرداری تهران برای پیگیری مطالباتشان با شهردار دیدار داشته باشند. و با اینکه کارگران بسیار آرام و منظم فقط برای دیدار با شهردار تهران در مقابل شهرداری حاضر بودند ولیکن از لحظات اولیه حراست، و بازرسی شرکت واحد و شهرداری و پلیس امنیت در محل حاضر بودند. نهایتا مقرر شد نمایندگانی از کارگران با آقای امانی جانشین معاونت مالی اداری شهرداری ملاقات داشته باشند البته در این جلسه معاون منابع انسانی شرکت و مسئولانی از معاونت منابع انسانی و حراست شهرداری و پلیس امنیت حاضر بودند. آقای امانی در شروع جلسه گفت که به حراست و بازرسی شرکت واحد و شهرداری اعلام میکنم که با شما برخورد کنند و از کار اخراج می شوید و از طریق نیروهای امنیتی باید تحت تعقیب قضایی قرار گیرید. ولیکن نهایتا قرار شد قرار شد که ده درصد حق جذب از ابتدای سال 91 پرداخت گردد و حق مسکن نیز ابتدای سال 92 افزایش یابد. (در سال 92 حق سکن از 10 هزار تومان به 100 هزار تومان افزایش یافت) و چنانچه شهرداری مبلغی بعنوان پاداش 6 ماهه اول و دوم سال به کارگران پرداخت میکند این مبلغ به کارگران شرکت واحد نیز پرداخت گردد ولیکن به آن عمل نشد لذا کارگران همچنان خود را طلب کار این پاداش میدانند. و معاون منابع انسانی شرکت واحد در جمع کارگران حاضر و موارد توافق را از جانب آقای

امانی به ایشان اعلام نمود، و اما در خصوص تهدید آقای امانی به اخراج لازم بذکر است آقای ناصر محرم زاده از برج پنج و در جریان اعتراضات با پرونده سازی از طرف مدیران اخراج شده بود و آقای وحید فریدونی روز قبل از جلسه با آقای امانی در جریان اعتراضات افزایش حقوق اخراج و حسن سعیدی نیز با شدت گرفتن جریان پرونده سازی از مورخ 91/08/22 اخراج شد. و در آینده مطالب ریز پرونده سازی این سه نفر منتشر خواهد شد.

بدون شرح

رئیس فراکسیون کارگری مجلس: بیکاری زنان گرانیگاه تمامی مشکلاتشان است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس فراکسیون کارگری مجلس نرخ بالای بیکاری زنان را گرانیگاه مسائل و مشکلات آنان خواند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «علیرضا محجوب» در همایشی که به مناسبت روز جهانی کارگر از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر برگزار می‌شد گفت: نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان و نرخ مشارکت آنها یک چهارم مردان است و این اصلیتین مساله زنان کارگر است. وی در ادامه با تاکید بر اهمیت توجه به مساله بیکاری زنان در کنار حقوق و معیشت آنان افزود: باید به سمتی حرکت کنیم که محدودیت‌ها برداشته شود و درب‌های بازار کار به روی زنان باز کنیم.

نماینده مجلس نهم شورای اسلامی تصریح کرد: نرخ بیکاری ۲۵ درصدی زنان به هیچ عنوان قابل قبول نیست و این در حالی است که نرخ بیکاری برای زنان بین ۱۵ تا ۲۵ سال بیش از ۳۵ درصد است.

دبیرکل خانه کارگر در پایان واقعیت اقتصادی کشور را دردناک خواند و بر لزوم توجه به مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و سیاسی تاکید کرد.

پایان پیام

عضو هیئت مدیره خبرگزاری کار انتقاد کرد: پرداخت نیمی از حقوق قانونی زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: عضو هیئت مدیره خبرگزاری کار ایران از پرداخت دستمزدی کمتر از حداقل قانونی به زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک انتقاد کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «افشین حبیب‌زاده» در همایشی که به مناسبت روز جهانی کارگر از سوی اتحادیه سراسری زنان کارگر برگزار می‌شد گفت: شاید سال‌ها قبل حضور زنان در دانشگاه‌ها را محدود به چند رشته خاص می‌دیدیم اما امروز آنها در تمام حوزه‌ها ورود پیدا کرده‌اند که امیدوار کننده است.

وی با اشاره به سوءاستفاده از زنان کارگر در کارگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر افزود: در کارگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر دستمزد بسیار پایینی به کارگران زن پرداخت می‌شود که بعضاً به نصف حداقل مزد مصوبه شورای عالی کار هم نمی‌رسد.

حبیب‌زاده در پایان با اشاره به دلایل مختلفی که زنان را وادار به کار در کارگاه‌های کوچک زیر ۱۰ نفر کرده است اظهار داشت: چنین پدیده‌ای شایسته نظام جمهوری اسلامی نیست و رسیدگی به این مساله باید در اولویت مسئولان قرار بگیرد.

پایان پیام

در آستانه اول ماه مه بیش از 1000 کارگر شرکت صدرای بوشهر دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است: در آستانه روز جهانی کارگر از صبح امروز دهم اردیبهشت ماه بیش از 1000 نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه شرکت صدرای بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماههای بهمن و اسفند سال گذشته و فروردین ماه امسال خود دست به اعتصاب زدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در پی این اعتصاب بزرگ نماینده های شرکتهای پیمانکاری با حضور در میان کارگران از آنان خواستند تا به اعتصاب خود پایان دهند اما کارگران بطور متحدانه ای بر تحقق خواست شان مبنی بر پرداخت دستمزدهای معوقه خود پای فشردند و حاضر به پایان این اعتصاب نشدند. بدنبال این وضعیت مسئولین شرکتهای پیمانکاری برای شکستن اعتصاب کارگران اقدام به تعطیلی کارگاه ها کردند و در این راستا شرکت ساحل سازان جنوب با فراخواندن سرویس ایاب و ذهاب کارگران، آنان را مجبور به ترک محل کارخانه نمود تا بدینوسیله کارگران ناچار به بازگشت بکار شوند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران علیرغم فشارهایی که شرکتهای پیمانکاری برای شکستن اعتصاب کارگران بعمل آورده اند این اعتصاب همچنان ادامه دارد. اتحادیه آزاد کارگران ایران

دبیر خانه کارگر بندر عباس خبر داد: تعطیلی کارخانه و بیکاری بیش از ۸۰ کارگر زرین قشم

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: کارخانه زرین قشم استان هرمزگان به سبب آنچه کارفرما کمبود نقدینگی و مرغوب نبودن خاک عنوان می‌کند، دچار مشکلاتی در روند تولید شده و هم اکنون ۸۰ کارگر آن از آغاز سال جاری بیکار شده‌اند.

«محمد دریانوس» دبیر خانه کارگر بندر عباس با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۸۰ کارگر کارخانه زرین قشم، تولید کننده آجرهای سفالی به سبب تعطیلی این واحد تولیدی در آغاز سال جاری بیکار شده‌اند.

او ادامه داد: به ادعای کارفرما، این کارخانه به سبب مشکلاتی نظیر کمبود نقدینگی و مرغوب نبودن خاک، دچار مشکل شده و اکنون به ناچار از ادامه تولید باز مانده است.

این فعال کارگری در ادامه اظهار داشت: بدنبال تعطیلی کارخانه بیش از ۸۰ کارگر با سابقه هم اکنون بیکار شده و بدنبال پی گیری مطالبات خود از راه‌های قانونی هستند.

این فعال کارگری در بندرعباس با اشاره به اینکه کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی را تحت الشعاع قرار داده است، توضیح داد: این کارگران تنها با اعتراض نمی‌توانند مطالبات خود را دریافت کنند و به همین دلیل مسوولین باید راه چاره‌ای بیابند و مشکلات این کارگران که منبع درآمد دیگری ندارند را حل کنند.

پایان پیام

غارث اموال کارخانه نساجی قائم شهر توسط مدیران کارخانه

برپایه گزارش آمده در سایت ایران کارگر آمده است: گزارش رسیده از قائم شهر مدیران کارخانه نساجی قائم شهر بعد از تعدیل و اخراج این کارگران و تعطیل کردن کارخانه در حال حاضر مشغول غارت اموال این کارخانه هستند. بنا به گزارش دریافتی؛ این کارخانه که مدت‌ها است تعطیل شده مدیران کارخانه تحت عنوان ضایعات وسایل کارخانه حتی تیرآهن و آهن آلات کارخانه را می‌فروشند. مدیران کارخانه فروش وسایل و سرمایه کارخانه را با محمل این که داریم می‌فروشیم تا خرج کارگران کنیم؛ غارت می‌کنند. یک کارگر این کارخانه در این خصوص گفت: مطمئناً مقامات دولتی پشت مدیران کارخانه هستند و اجازه دادند که بفروشند. بزرگان تصویب می‌کنند و کوچکترها هم اجرا می‌کنند. در حال حاضر از 1600 کارگر کارخانه نساجی قائم شهر فقط 200 نفر کارگر باقیمانده اند و بقیه اخراج و تعدیل شدند.

رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان: نیمی از جمعیت مازندران زیر خط فقر زندگی میکنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 9 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار مازندران گفت: بدلیل فاصله دستمزد کارگران با نرخ تورم بیش از نیمی از جمعیت استان مازندران بطور رسمی زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

به گزارش ایلنا از ساری، میرعلی شیر افکن در دیدار نهادهای کارگری و بازنشستگی این استان با استاندار مازندران ضمن اشاره به نامگذاری سال جدید گفت: کارگران همواره در همه عرصه‌های انقلاب ثابت نموده‌اند که از همه چیز خود برای این نظام می‌گذرند و حال نوبت مسئولین است که برای حیات کارگران و ادامه زندگی شرافتمندانه آنان از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

شیر افکن با ارائه گزارشی از عملکرد کانون شوراهای اسلامی کار کارخانجات مازندران خبر از ۶۲ شورای فعال کارگری در استان داد و افزود: با یاری و همت اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی این تعداد در حال افزایش است.

وی در پایان با اشاره به اینکه تعداد بیمه شدگان اصلی در تامین اجتماعی مازندران بالغ بر ۵۲۰ هزار نفر در سطح استان است، یادآور شد: در شرایط کنونی بیش از نیمی از جمعیت استان مازندران زیر پوشش تامین اجتماعی هستند و این تعداد با توجه به اینکه بلحاظ کم بودن دستمزد از حداقل‌ها بهره می‌برند در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

پایان پیام

ملاقات خانواده های فعالین کارگری در بند با دادستان استان کردستان

به نوشته سایت هماهنگی ... در تاریخ 10 اردیبهشت 92 آمده است: طبق گزارش رسیده روز دوشنبه 92/2/9 خانواده های فعالین کارگری بازداشتی علی آزادی و غالب حسینی، پس از مراجعات متعدد و هر روزه ی خود به دادرسی انقلاب سنندج، جهت پیگیری وضعیت عزیزان خود، طی ملاقاتی با دادستان استان کردستان خواستار رسیدگی هر چه سریع تر مراجع قضایی به پرونده ی عزیزانشان شدند. در این دیدار خانواده های فعالین بازداشتی با وقوف کامل از حقانیت فعالیت های کارگری عزیزان خود، در نهایت شجاعت ادامه ی بازداشت آنان را به منزله ی نفی و نادیده انگاشتن قوانین ملی و بین المللی آزادی تشکل های کارگری دانسته، و فعالیت تشکل های صنفی و کارگری را به عنوان بخشی از آزادی های انکار ناپذیر افراد هر جامعه تلقی و معرفی

نمودند، و مؤکدا خواهان به رسمیت شناخته شدن این بخش از آزادی های افراد در روابط و مناسبات جاری کشور و لغو محدودیت ها و ممنوعیت های موجود، با توجه به قانونی بودن آن دست از فعالیت ها شدند. در ادامه ی این دیدار همسر غالب حسینی با ارائه ی اسناد و مدارک پزشکی کودک خردسالش (هدیه حسینی) به دادستان، و تشریح وضعیت بغرنج فرزند دلبندهش، با توجه به ناراحتی مضمن و دردناک او در ناحیه ی سر، ادامه ی معالجات پزشکی او را منوط به حضور و رضایت غالب حسینی دانست. و نهایتن ادامه ی بازداشت شوهرش را پایمال نمودن آشکار حقوق و نیازهای اولیه ی فرزندانش در بهره مندی از مهر و محبت پدری دانست.

در پایان این دیدار دادستان استان کردستان بیانات ارائه شده ی خانواده ها را بودار قلمداد نموده، و خطوط آن را موازی با خطوط جریانات و احزاب اپوزیسیون تلقی نمود. و با دستوری مؤکد به معاونین خود، حکم ممانعت از حضور خانواده های فعالین کارگری بازداشتی به دادستانی را ابلاغ نمود، تا بار دیگر آشکارا و به صراحت هر چه بیشتر بر مناسبات و قوانین ضد کارگری موجود مهر تاییدی دوباره بگذارند .

کمیته هماهنگی ضمن محکوم نمودن ادامه ی بازداشت این عزیزان و دیگر فعالین کارگری ، و تقبیح هر سطحی از تهاجمات انجام گرفته به صفوف فعالین و تشکل های کارگری، خواهان پایان بخشیدن به کلیه ی محدودیت های اعمال شده علیه فعالین پیشرو و تشکل های کارگری و اجتماعی بوده، و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی فعالین کارگری و سیاسی در بند را در اسرع وقت خواستار است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

به سبب توسعه بی برنامه شهر؛ کارخانه «رنگ کهر» با ۱۰۰ کارگر در آستانه تعطیلی مجدد

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 10 اردیبهشت 92 آمده است : کارخانه «رنگ کهر» بوشهر به دلیل دریافت اخطارهای متعدد زیست محیطی با بیش از ۱۰۰ کارگر در آستانه تعطیلی قرار گرفته است.

«سید موسی میر جهانمردی»، دبیر خانه کارگر بوشهر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: سازمان محیط زیست به دلیل آلاینده بودن تولید در کارخانه رنگ کهر اخطارهای جدی را به کارفرمای این واحد تولیدی برای انتقال کارخانه داده است.

او افزود: فعالیت این کارخانه که از ۲۰ سال گذشته در محیطی بدور از سکنه آغاز شده بود، هم اکنون به دلیل توسعه بی برنامه شهر و احاطه شدن توسط ساختمانهای مسکونی، «آلاینده» محسوب می شود و به همین دلیل از سوی سازمان محیط زیست تهدید به توقیف شده است.

اواضافه کرد: در گذشته نیز فعالیت این کارخانه به دلیل آلاینده گی از سوی کارشناسان اداره محیط زیست، به مدت دو سال با حکم قضایی متوقف شده بود.

این فعال کارگری ادامه داد: با پی گیری مالکان کارخانه و ارائه تعهدات زیست محیطی، این کارخانه مجددا راه اندازی شد اما با واکنش اعتراضی شهروندان، و فشار شهرداری، مسئولان محیط زیست مجددا فشار بر این واحد تولیدی را تشدید کرده اند.

او گفت: با وجود اینکه مسئولان بر جابجایی این واحد تولیدی تاکید دارند اما مشکلات مالی و اقتصادی این امکان را برای جابجایی کارخانه به کارفرما نمی دهد.

دبیر خانه کارگر بوشهر با تاکید بر لزوم تامین امنیت شغلی کارگران این واحد تولیدی از سوی دولت، ادامه داد: حدود یکصد کارگر این کارخانه به علاوه نگرانی هایی که به واسطه دریافت نکردن حقوق در شش ماه گذشته

(آبان ۹۱) متحمل شده‌اند هم اکنون با تهدید دولت مبنی بر توقف تولید و تصمیم کارفرما برای تعطیلی کارخانه، نگرانی تامین معیشت‌شان دوجندان شده است.

پایان پیام

در آستانه روز کارگر صورت گرفت: تجمع کارگران شهرداری اهواز در مقابل دفتر پیمانکار

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در ۱۰ اردیبهشت ۹۲ آمده است: صبح امروز ۸۰ نفر از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه دو اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات یک سال گذشته خود در مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری دست به تجمع زدند.

یکی از کارگران حاضر در این تجمع به خبرنگار ایلنا گفت: صبح امروز کارگران خدماتی فضای سبز منطقه دو ناحیه ۲ شهرداری اهواز در اعتراض به معوقات حقوقی خود دست از کار کشیده و در پارک کوثر اهواز، مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان تجمع کردند.

او افزود: در این تجمع کارگران خواستار پرداخت مطالبات قانونی خود همانند دو ماه حقوق اسفند (۹۱) و فروردین (۹۲) به همراه سنوات و عیدی سالهای ۹۰ و ۹۱ و پاسخ قاطع مسولان شرکت پیمانکاری «ساحل سبز خوزستان» در این زمینه شده‌اند. این کارگر اضافه کرد: پیمانکار این کارگران مدعی است قرارداد کارگرانی که دارای سوابق کار سه تا ۱۵ سال هستند ساختگی است و هیچ گونه مطالبه‌ای به کارگران ندارد و ادعاهای کارگران کذب است.

همچنین این کارگر اظهار داشت: عدم پرداخت حق بیمه تعدادی از کارگران، حق لباس، عدم دریافت فیش حقوقی در ۱۵ سال گذشته از دیگر مطالبات کارگران فضای سبز شهرداری منطقه دو اهواز است.

عدم دریافت حقوق محدود به کارگران فضای سبز شهرداری نیست

آقایار حسینی، دبیر خانه کارگر اهواز درباره مطالبات کارگران شهرداری اهواز گفت: حدود ۸۰ نفر از کارگران خدماتی فضای سبز منطقه دو شهرداری اهواز به دلیل عدم دریافت دو ماه حقوق و عیدی و سنوات سالهای ۹۰ و ۹۱ با پیمانکار خود دچار مشکل شده‌اند.

این فعال کارگری با اشاره به مراجعه این کارگران به خانه کارگر برای پی‌گیری مطالبات‌شان، اضافه کرد: خانه کارگر هم طی جلساتی که با مسئولان شهرداری منطقه دو برگزار کرد به طرح مطالبات کارگران پرداخت اما علی‌رغم قول‌هایی که این مسئولان و کارفرمای شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان در خصوص پرداخت مطالبات کارگران دادند، کارگران شاهد اقدام عملی در جهت رفع مشکلات‌شان نبودند.

او در خاتمه تصریح کرد: عدم دریافت حقوق مختص کارگران فضای سبز شهرداری اهواز نیست بلکه بسیاری از نیروهای خدماتی فضای سبز در سایر شهرداری‌های استان نیز با مشکل عدم دریافت حقوق مواجه بوده و همیشه چندین ماه حقوق خود را با تاخیر دریافت می‌کنند.

پایان پیام

خبر تکمیلی در رابطه با احضار فعالین کارگری شهر سنندج

بر طبق آخرین خبر دریافتی، وفا قادری، کورش بخشنده و خالد حسینی از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت بایستی خود را به ستاد خبری اداره اطلاعات

سنندج معرفی کنند. همچنین بر اساس این گزارش خالد حسینی و وفا قادری علاوه بر احضار، تلفنی تهدید شده اند که در مراسم اول ماه مه حضور نیابند. همچنین فردین میرکی دیگر عضو کمیته که دیروز به ستاد خبری احضار شده بود تا ساعت ۱۲ مورد بازجویی قرار گرفته بود و از وی خواسته شده بود که در مراسم روز کارگر شرکت نکند.

کمیته ی هماهنگی برگزاری مراسم های مستقل روز جهانی کارگر را از حقوق کارگران دانسته و ممانعت از برگزاری مراسم اول ماه مه توسط کارگران را محکوم می نماید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

وسط اداره کار غرب تهران صورت گرفت: تایید حکم اخراج سه فعال کارگری در شرکت واحد

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در ۱۰ اردیبهشت ۹۲ آمده است: با رای هیات حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال غرب تهران یکی از فعالان مستقل صنفی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از کار اخراج شد.

به گزارش ایلنا، «حسن سعیدی» از رانندگان شرکت واحد تهران که ۱۲ سال سابقه کار در این شرکت را دارد، در حالی با رای هیات حل اختلاف اداره کار اخراج شد که تمامی سه عضو گروه کارگری هیات حل اختلاف با اخراج وی مخالف بودند.

صدور این حکم اخراج درحالی است که چندی پیش دو نفر دیگر از کارگران شرکت واحد به نامهای «وحید فریدونی» و «ناصر محرمزاده» نیز با حکم هیات حل اختلاف به ترتیب پس از ۹ و ۱۴ سال کار در این مجموعه از کار اخراج شده بودند.

بنابر ادعای سعیدی دلیل اخراج او و فریدونی حضور در اجتماعی بود که پاییز سال گذشته از سوی گروهی از کارگران شرکت واحد به منظور پیگیری وعده مسئولان شهرداری در خصوص افزایش مزایای نقدی کارگران این شرکت در مقابل ساختمان شهرداری برگزار شد.

وی بابت این حکم اخراج ناصر محرمزاده نیز به دلیل انجام فعالیت های صنفی بیشتر صادر شده بود، افزود: هرچند پس از این اجتماع مطالبات مربوط به دستمزد و حق مسکن کارگران شرکت واحد طبق مصوبه شورای شهر افزایش یافت اما مسئولان شرکت واحد او و دیگر همکارش را از کار تعلیق کردند.

به گفته این راننده شرکت واحد، هیات حل اختلاف به استناد نظر موافق و مثبت کمیته انضباطی و شورای اسلامی کار شرکت واحد، اخراج وی و دیگر همکارش را تایید کرده است.

سعیدی در عین حال با یادآوری اینکه در سالهای گذشته وی به اتفاق دیگر همکاران اخراجی اش در مراجع تشخیص و حل اختلاف وظیفه دفاع از حقوق کارگران را برعهده داشته اند، گفت: بعید و دور از ذهن است که یک کارگر با وجود آشنایی با قوانین مرتکب چنان تخلف بزرگی بشود که شورای اسلامی کار و کمیته انضباطی به عنوان نهادهای مدافع کارگران، اینگونه با اخراج او موافقت کنند.

سعیدی همچنین از نحوه رسیدگی این پرونده در هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار انتقاد کرد و گفت: در نحوه روند تشکیل جلسات هیات حل اختلاف، حضور الزامی تمامی اعضا و اتخاذ تصمیمات از برخی جهات مغایر با قانون بود و باعث اجحاف حقوق قانونی ما شد. وی درعین حال گفت: از آنجا که ما معتقدیم که هیچ تخلفی انجام نداده ایم نسبت به رای صادره اعتراض کرده و از طریق مراجع قانونی برای بازگشت به کار خود اقدام خواهیم کرد.

اظهارات شرکت واحد:

در پی طرح این ادعا خبرنگار ایلنا در تماس با مسئولان شرکت واحد تلاش کرد تا صحت این ماجرا را جویا شود. احمدی از مسئولان روابط عمومی شرکت واحد با بیان اینکه در این شرکت هیچ کارگری بی دلیل اخراج نشده است گفت: افرادی که مدعی هستند اخراج شده‌اند، در تشکلی غیر قانونی به نام سندیکا فعالیت دارند. وی با یادآوری اینکه مطابق قانون کار هیچ تشکلی به نام سندیکا اجازه فعالیت ندارد، گفت: بنابراین چه در محیط‌های کار و چه در فضای رسانه‌ای مدیران نمی‌توانند چنین نهادی را به رسمیت شناخته و در قبال آن‌ها پاسخگو باشند.

در عین حال این مقام مسئول در شرکت واحد تاکید کرد که طبق قانون مدیران مسئول این شرکت خود را در قبال پاسخگویی به نهادهای قانونی متعهد و موظف می‌دانند. احمدی با بیان اینکه بطور کلی ایجاد و عضویت در تشکل غیرقانونی که باعث ایجاد تنش در محیط کار می‌شود برخورد قانونی می‌طلبد، گفت: در شرکت واحد با این افراد هیچ برخورد غیر قانونی صورت نگرفته و هیچ کسی اخراج نشده است. وی افزود: ترک کار کسانی که مدعی احجاف حقوق خود هستند با رای کمیته انضباطی، تشخیص اداره کار و یا از طریق طرح‌های انگیزشی صورت گرفته است.

پایان پیام

جزئیات کشته شدن دو کارگر در معدن کوشک بافق

در حالی که رسانه‌ها از وقوع حادثه ریزش معدن در بافق استان یزد و کشته شدن دو کارگر در شامگاه دو شنبه خبر می‌دهند، یک منبع کارگری در این معدن علت حادثه را سقوط از نردبان و زمان حادثه را سه و نیم بعد از ظهر دیروز اعلام کرد.

عصر روز گذشته دو کارگر در حین کار در معادن سرب روی کوشک بافق بر اثر سقوط از ارتفاع ۴۰ متری جان خود را از دست دادند.

علی خانی، عضو شورای کارگری معدن سرب روی کوشک بافق در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: عصر دیروز (حدود ساعت سه و نیم) دو کارگر در حین کار مشغول بالا رفتن از دبیل (وسیله نردبانی شکل) در معادن سرب روی بودند که ناگهان با لغزش پای یکی از کارگران و افتادن بر روی کارگر دوم، هر دو آنان از ارتفاع ۴۰ متری سقوط می‌کنند و بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست می‌دهند. او افزود: این دو کارگر به نام‌های «جواد غنی‌پور» و «حسین زراشکی» هر دو متاهل و اهل شهرستان بهاباد هستند که در شیفت عصر معدن کوشک مشغول کار بودند.

این نماینده کارگران در معادن سرب روی در ارتباط به سوابق کار این دو کارگر عنوان کرد: این کارگران از خرداد ماه سال ۹۰ بصورت قرار دادی در این معدن مشغول بکار شده بودند. به گفته وی بعد از حادثه کشته شدن این دو کارگر، نیروهای امدادی و پلیس، در محل حادثه حاضر شدند و اقدامات لازم را انجام داده‌اند و هم اکنون اجساد این کارگران در سردخانه بافق نگهداری می‌شود و قرار است راس ساعت چهار عصر امروز اجساد این کارگران تشییع شود.

این عضو شورای کارگری معدن سرب روی همچنین تصریح کرد: علت حادثه از سوی نمایندگان پزشکی قانونی و بازرسی اداره کار در دست پی گیری است و هنوز نتیجه‌ای از کار بازرسی آنان اعلام نشده است.

گفتنی است معدن سرب و روی کوشک در فاصله ۴۵ کیلومتری بافق قرار دارد که در حال حاضر به دو صورت روباز و تونل از آن سنگ استخراج می‌شود. این معدن ۲۰۰ متر عمق دارد و در آن ۴۰ کیلومتر تونل حفر شده است.

پایان پیام

آخرین خبر از اعتصاب بیش از هزار کارگر شرکت صدرا در بوشهر از زبان یکی از کارگران و نکاتی مهم از استثمر و حشیانه کارگران صدرا

برپایه مطلب آمده در سایت اتحادیه کارگران آزاد ایران می‌خوانیم: امروز کارگران تا پایان وقت از اعتصاب دست نکشیدند چیزی که جالب بود برای اولین بار تمام کارگران صدرا با هم متحدانه دست به اعتصاب زدند فکر میکنم پیمانکاران با وعده و وعید می‌خواهند کارگران را از فکر اعتصاب فردا منصرف کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - دهم اردیبهشت ماه 1392

استثمر کارگران صدراي بوشهر

با عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر و آرزوی رسیدن کارگران به حقوق اساسی خود برابر با استانداردهای بین‌المللی، به عرض میرساند: کارگران صدراي بوشهر سالهاست که زیر جور پیمانکاران حق و حقوقشان پایمال میشود و متاسفانه هیچ نظارتی هم بر اعمال و رفتار ایشان وجود ندارد بطوریکه تا جایی پیش رفته اند که قوانین مخصوص خود را بر شرکت حاکم کرده اند و این جزیره صنعتی را به صورت ملوک الطوایفی اداره میکنند. از جمله این موارد: ۱- بهره کشی بی اندازه از کارگران بطوری که چهار نفر از کارگران زیر بار فشار پروژه جانشان را از دست داده اند، و عده زیادی هم دچار نقص عضو و از کار افتادگی شده اند قابل ذکر است که مکرراً کارگران را مجبور به ۱۸ ساعت کار شبانه روزی میکنند.

۲- پرداخت نکردن حقوق و عیدی و سنوات، در حالی که هم اکنون کارگران حقوق بهمن، اسفند و فروردین را دریافت نکرده اند. بماند که عیدی را که با مبلغ بسیار پایین ۲۵۰۰۰۰ تومان می‌پردازند که هنوز هم پرداخت نکرده اند و سنواتی که اصلاً پرداخت نمیکنند

۳- جرعت اعتراض کارگران نسبت به شرایطشان را با اخراج سازی گسترده گرفته اند قابل توجه است که وضعیت کارگران پیمانی از لحاظ امنیت شغلی بسیار اسف بار است و با کمترین اعتراض مسبب اخراج خود میشوند کما اینکه دی ما سال قبل نیز چنین اخراج سازی را در مورد کارگران پیمانی معترض انجام دادند.

من ... توفیق

اتحادیه آزاد کارگران ایران - دهم اردیبهشت ماه 1392

رئیس اتحادیه زنان کارگر آذربایجان شرقی: زنان اولین قربانیان تعدیل نیرو در بازار کار هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 10 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس اتحادیه زنان کارگر استان آذربایجان شرقی تأکید کرد: زنان در بازار کار همچنان قربانیان صف اول هستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در تبریز، «سیما اصغری» که در نشست تخصصی با محوریت قانون کار و با همکاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی در محل خانه کارگر تبریز برگزار شد، گفت: زنان در بازار کار اولین قربانیان تعدیل نیرو، دستمزدهای نابرابر و تبعیض جنسیتی هستند.

این فعال کارگری گفت: مطرح شدن کاهش ساعات کاری و کار از راه دور برای زنان از طرف دولت و تأیید مجلس، در شرایطی که در حال رکود اقتصادی هستیم ضربه‌ای سنگین برای زنان شاغل است.

سیما اصغریافزود: در بازار کار - به خصوص شرکتهای خصوصی - زنان از مزایای قانون کار از جمله حق اولاد محروماند و فقط به دستمزد پایه بسنده می‌کنند. وی ادامه داد: ما تصور می‌کردیم زنانی که به مجلس راه می‌یابند با عضویت در فراکسیون زنان از زنان حمایت خواهند کرد در حالی که متأسفانه می‌بینیم که از زنان حمایتی نمی‌شود و این باعث دلسردی زنان شاغل شده است.

اصغری با اشاره به نیاز زنان کارآفرین به حمایت گفت: به دلیل شرایط اقتصادی و عدم حمایت، تعداد زنان کارآفرین روبه کاهش است. وی با اشاره به فرمایش امام خمینی (ره) که مبدا از زنان به عنوان کالا استفاده کنید گفت: متأسفانه نگاهی به جراید و نیازمندی‌ها نشان می‌دهد که عکس این سخن در جامعه عملی می‌شود و این یک ضربه بزرگ به جامعه زنان است.

پایان پیام

اعتصاب و تجمع کارگران شوشتر

برپایه مطلب آمده در سایت ایران کارگر در 10 اردیبهشت 92 می‌خوانیم: برای دهمین روز متوالی ادامه دارد. ایران کارگر - 10 اردیبهشت 92- به گزارش دریافتی از شوشتر، اعتصاب و تجمع کارگران معترض شهرداری شوشتر برای دهمین روز متوالی ادامه دارد

این کارگران که تعدادشان بالغ بر 80 نفر می‌باشد در مقابل اداره آتش نشانی شوشتر تجمع اعتراضی بر پا کردند. کارگران به جان آمده می‌گفتند که توان خرید نان خالی را ندارند و هم از بابت معیشتی و هم از بابت روحی و روانی در وضعیت اسفناکی به سر می‌برند.

تجمع کارگران شهرداری اهواز در مقابل دفتر شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 10 اردیبهشت 92 آمده است: صبح امروز ۸۰ نفر از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه دو اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات یک سال گذشته خود در مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری دست به تجمع زدند. براساس این گزارش، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: صبح امروز کارگران خدماتی فضای سبز منطقه دو ناحیه ۲ شهرداری اهواز در اعتراض به معوقات حقوقی خود دست از کار کشیده و در پارک کوثر اهواز، مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان تجمع کردند. او افزود: در این تجمع کارگران خواستار پرداخت مطالبات قانونی خود همانند دو ماه حقوق اسفند (۹۱) و فروردین (۹۲) به همراه سنوات و عیدی سالهای ۹۰ و ۹۱ و پاسخ قاطع مسولان شرکت پیمانکاری «ساحل سبز خوزستان» در این زمینه شده‌اند. این کارگر اضافه کرد: پیمانکار این کارگران مدعی است قرارداد کارگرانی که دارای سوابق کار سه تا ۱۵ سال هستند ساختگی است و هیچ‌گونه مطالبه‌ای به کارگران ندارد و ادعاهای کارگران کذب است. همچنین این کارگر اظهار داشت: عدم پرداخت حق بیمه تعدادی از کارگران، حق لباس، عدم دریافت فیش حقوقی در ۱۵ سال گذشته از دیگر مطالبات کارگران فضای سبز شهرداری منطقه دو اهواز است.

بقای نظام پیمانکاری کارکنان در شرکت گازاستان مرکزی

به گزارش خبر پانا نیوز، در 10 اردیبهشت 92 آمده است: 59 نفر از نیرو انسانی امور خدماتی و پشتیبانی شرکت گاز استان مرکزی توسط شرکت های پیمانکاری تامنی نیروی انسانی تامین می‌شود. برپایه این گزارش، با وجود صدور مصوباتی توسط دولت و معاونت منابع انسانی مبنی بر امضای قرارداد مستقیم با کارکنان واجد شرایط و حذف تدریجی نظام پیمانکاری تامین نیروی انسانی، شرکت گاز استان مرکزی مناقصه ای برای تامین نیروی انسانی در انجام امور خدماتی و پشتیبانی برگزار نمی‌کند.

به گزارش روابط عمومی شرکت گاز استان مرکزی، مرحله انتخاب پیمانکار انجام امور خدماتی و پشتیبانی در سطح شرکت گاز استان مرکزی با حضور اعضاء کمیته مناقصات این شرکت انجام شد. در این مناقصه تعداد 6 پیمانکار با ارائه قیمت پیشنهادی به رقابت پرداختند که شرکت «نیرو گستر بهروش» با مبلغ پیشنهادی 8 میلیارد و 817 میلیون ریال به عنوان برنده این مناقصه انتخاب شد و انجام امور خدماتی و پشتیبانی در سطح شرکت گاز استان مرکزی به شرکت برنده ی مناقصه واگذار شد. شایان ذکر است تامین نیروی انسانی 59 نفر در قالب انجام امور خدماتی به مدت یکسال شمسی به برنده مناقصه واگذار شد.

اعتصاب کامیونداران در پایانه شهر کرد

به نوشته سایت ایران کارگر - 10 اردیبهشت 92 آمده است: صبح روز یکشنبه 8 اردیبهشت بیش از یکصد راننده کامیون در مقابل پایانه باربری شهرکرد تجمع کرده و کامیون های خود را نیز در یک صف کیلومتری پارک نمودند. به گفته یکی از رانندگان به تازگی شرکت های حمل و نقل مبلغی حدود 10 درصد از بارنامه کسر میکنند و بحساب دولت واریز میکنند. این برداشت به دستور معاونت عمرانی استاندار انجام میشود و علت آن هزینه های نگهداری پایانه و نوسازی آن عنوان میشود. این در حالیست که در پایانه شهرکرد هیچ نوسازی انجام نشده است و اصلاً چنین هزینه هایی بر عهده رانندگان نیست. این تجمع پس از یک ساعت با وساطت مسئولین پایانه و وعده هایی که گفته شد استاندار برای حذف این مبلغ داده است پایان یافت و نمایندگان کامیون داران اعلام نمودند در صورتی که به وعده های دولت عمل نشود دست به اعتصاب میزنند.

به دلیل عدم تأمین بار مالی توسط دولت، قانون نوسازی کارگران در کشور مسکوت مانده است

به گزارش برگزاری دولتی فارس، در 10 اردیبهشت 92 آمده است: محسن نیرومند معاون روابط کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان گفت: کارفرمایان براساس ماده 10 قانون نوسازی و نوسازی اجازه بازنشسته کردن کارگران با سابقه 25 سال خدمت را دارند و همچنین نیمی از حق بیمه پنج سال مازاد این کارگران توسط دولت و نیم دیگر آن را نیز کارفرمایان باید پرداخت کنند. وی با بیان اینکه البته در ازای این بازنشستگی یک نفر کارگر جدید نیز باید استخدام شود، تصریح کرد: برای اجرای این مصوبه شرط سنی مطرح نیست اما طی دو سال گذشته این قانون به دلیل عدم تأمین بار مالی 50 درصد حق بیمه توسط دولت مسکوت مانده بود. وی با تأکید بر اینکه اما طی سه ماه گذشته پیگیری های بسیاری در زمینه اجرای قانون نوسازی کارگران صورت گرفت، ادامه داد: در حال حاضر نیز ابلاغ اجرای این دستورالعمل به سازمان تأمین اجتماعی انجام شده است و امیدواریم که طی سه ماه ابتدای امسال این قانون اجرا شود و کارگران بسیاری با استفاده قانون نوسازی بازنشسته شوند. همچنین کارگران جدید جایگزین کارگران بازنشسته شوند.

اخذ سفته از کارمندان یک دستگاه برای تمدید قرارداد

به گزارش روزنامه خراسان، آمده است: بر اساس دستور مسئولان اداری یکی از وزارتخانه های اقتصادی، مقرر شده برای تمدید قرارداد کارمندانی که مدت قانونی فعالیت آنها به پایان رسیده، یک فقره سفته به مبلغ کل قرارداد تحویل بخش اداری این وزارتخانه شود تا در صورت عدم انجام تعهدات یا بروز خسارت، وزارتخانه با بررسی نوع و میزان خسارت راسا و بدون شکایت به مراجع مربوطه، اقدام به جبران خسارت خود کند.

چگونه با حقوق 400 هزار تومان سرکنم؟

به نوشته خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در 10 اردیبهشت 92 آمده است: از خیابان که رد می شوم کارگران فضای سبز را می بینم و تصمیم می گیرم با آنها گفت و گو کنم شاید ناگفته هایی برای گفتن داشته

باشند. سه نفر از آنها با وجود خستگی که از چهره‌شان پیداست به سوالاتم پاسخ می‌دهند. آنها بیش از همه از کارفرمایان شکایت دارند و معتقدند بیشتر مشکلات آنها از کارفرمایان نشأت می‌گیرد. همچنین از نبود بیمه تکمیلی، از کار کردن در روزهای تعطیل و این‌که دستمزد آن به صورت مضاعف حساب نمی‌شود، از بستری شدن در بیمارستان به خاطر شغل‌شان و بی‌اهمیتی این موضوع برای کارفرمایان گله دارند. یکی از آنها سوالی از من پرسید که من پاسخی برای آن نیافتم؛ این‌که با داشتن سه فرزند پسر چگونه با حقوق 400 هزار تومان سر کنم؟ گفت‌وگو با کارگران به پایان رسید اما این پرسش‌ها که هنگامی که خط فقر فعلی کشور یک میلیون و 500 هزار تومان باشد گرفتن حقوق 500 هزار تومانی را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ چه علم و منطقی پشت این تصمیم‌گیری‌ها نهفته است؟ و چگونه می‌توان پاسخ قانع‌کننده‌ای برای این سوال‌ها یافت؟ هنوز بی‌پاسخ مانده‌اند....

پس از 6 سال هنوز به درخواست سوخت آژانس تاکسی جواب داده نشد

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: مطابق خبر رسیده از شهرستان لالی از استان خوزستان، آژانس‌های تاکسیرانی این شهرستان، با اینکه از سال 86 درخواست داده اند که برای آنها کارت سوخت در نظر گرفته شود، اما کارگزاران رژیم آخوندی بعد از گذشت 6 سال هنوز هیچ پاسخی به آنها نداده اند و رانندگان زحمتکش آژانس‌های این شهر سوخت را به قیمت بازار آزاد تهیه می‌کنند. یکی از رانندگان آژانس در این مورد می‌گفت که «از ما سوال می‌کنند که وقتی کرایه‌های تاکسی‌های آژانس در لالی اینقدر کم است پس شما چطور کار می‌کنید و مخارج زندگی‌تان را تامین می‌کنی؟ ما مجبوریم حتی ماهی صد هزار تومان هم که درآمد مان می‌شود باز مجبوریم

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری: تا کی باید دید و شنید و هیچی نگفت؟

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: این روزها اخراج و بیکاری و نبود درآمد کافی و گرانی نان به خوبی لمس می‌شود که مهم‌تر از همه گرانی نان است یعنی اصلی‌ترین قلم سبد غذایی کارگران و کشاورزان و طبقه محروم جامعه؛ این افزایش قیمت‌ها و تورم سبب پدید آمدن مشکلات بسیاری برای کارگرانی شده است که اجاره نشین و فاقدخانه و مسکن هستند. آنها باید افزون بر تهیه هزینه اجاره مسکن هزینه‌های خوراک و پوشاک و درس و مدرسه و دانشگاه فرزندان‌شان را تامین کنند. بعد از مطرح شدن مسئله افزایش قیمت رسمی حامل‌های انرژی؛ نان هم به اقلام موردبررسی اضافه شده تا جایی که خبرها حاکی از قطعی بودن افزایش قیمت آن در سال جاری حکایت می‌کند. در حالی که اقتصاد ایران زیر بار تورم پنجاه درصدی فعالیت‌هایش را آغاز کرده افزایش نان و برخی از اقلام دیگر را نیز در پی داشته است. این افزایش قیمت‌ها در حالی آغاز شده که اقتصاد ایران در شرایط فعلی آماده پذیرش بار تورمی جدید ناشی از افزایش قیمت‌ها نیست. این افزایش قیمت‌ها که براساس برنامه پنجم توسعه و البته بر اساس مواد تصویب شده در برنامه اجرایی قانون هدفمندی صورت می‌گیرد در حالی است که طبق آخرین آمار ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران؛ نرخ تورم نقطه به نقطه در پایان سال گذشته به پنجاه درصد رسید و نگرانی‌های پیرامون افزایش تورم در سال جاری را بیش از پیش تشدید کرد. به طور کلی مثلث گرانی و بی‌پولی ضلع تورم به زبان ساده گرانی مستمر به وضعیت نگران‌کننده‌ای تبدیل شده است. هر شوک تورمی ناشی از افزایش ادواری نرخ ارز مصرف‌کننده ایرانی را هر روز با قیمت‌های بالاتر و جدیدی روبرو می‌کند. گرانی و تورم و روند صعودی تورم اخیراً مهمترین مشکلات اقتصادی روزمره مردم است. این نوسانات پی‌درپی نرخ ارز و گرانی مستمر موجب آشفتگی محیط و فضای کسب و کار و در نتیجه حاکم شدن فضای عدم اطمینان در حوزه فعالیت‌های اقتصادی شده است. باید پذیرفت که مسئولان امور کشور را رها کرده‌اند و بی‌تدبیری‌ها و نوابسامانی‌ها ارزش ریشه در سوء مدیریت و عدم استقلال بانک مرکزی و تحریم‌های حاضر و این آشفتگی را دو چندان کرده است این وضع منظر روانی جامعه را بهم زده و امنیت کارگران را به خطر

انداخته و این یعنی بی ثباتی های اقتصادی نه تنها بر معیشت خانوادگی ایرانی خصوصا کارگران و طبقه متوسط اثر منفی گذاشته بلکه موجب از هم گسیختگی و انشقاق آنها نیز شده است. نگرانی توده عظیم مردم کارگران و کارمندان و پرستاران و... از بیکاری و گرانی و تعطیلی هرروزه کارگاهها و بنگاه ها و کارخانه ها، کمبود دارو افزایش هزینه های درمان و تحصیل و دانشگاه و حتی غذا و پوشاک و مسکن و شهریه ها، اجاره بها قشر کم در آمد و حتی متوسط را نشانه گرفته است. در این میان نه از تدبیری خبری هست و نه از تلاش برای قطع سود جویان؛ گویی موضوعی به نام گرانی و رفاه و معیشت مردم و خصوصا کارگران را باید نادیده و حل نشده باقی گذاشت. سیاست های آقای احمدی نژاد فقرا را فقیر تر و پولدار ها را پولدار تر کرده است و شاخص فقر و فلاکت به شدت افزایش یافته است. سؤال اینجاست که آیا ما کارگران باید همچنان این فقر و فلاکت وسیع روزی و گرانی و درد ورنج هرروزه و شرمندگی راجلوی همسر و فرزندمان خود تحمل کنیم. آیا باید همچنان دید و شنید و هیچی نگفت؟ تهران اردیبهشت 92

سه مشکل اساسی تاکسیرانان شهرستان لالی خوزستان

به نوشته خبر آمده در سایت ایران کارگر در تاریخ 10 اردیبهشت 92 می خوانیم: یکی از صاحبان آژانس شهرستان لالی از استان خوزستان اطلاع داد که: « ما سه مورد مشکل اصلی داریم.» اولین آن که ارجحیت دارد و مهمترین آنست، بحث کارت سوخت است که هیچ آژانسی در لالی ندارد. اگر داشته باشند فقط دو آژانس دارند. مشکل دوم موضوع بیمه است که رانندگان بیمه نیستند. مشکل بعدی اینست که وقتی کسی بیمه درخواست میکند یا هر موضوع دیگر دو سال طول می کشد که پاسخ بدهند

قانون مدافعان حقوق کارگر: در سوگ مرگ بیش از 300 کارگر در بنگلادش

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: انگار مرگ کارگران برای نظام سرمایه داری به امری عادی تبدیل شده است و این نظام ضدانسانی دیگر برای مرگ کارگران حساسیت چندانی ندارد. همگان شاهد بودند که همزمان با مرگ بیش از سیصد کارگر بر اثر سودطلبی سرمایه داری، انفجاری کوچک در یکی از ایالت های امریکا در رسانه های سرمایه داری چقدر سروصدا برپا کرد. اگر مرگ یک انسان برای سرمایه داران تا به این اندازه اهمیت دارد، چرا مرگ بیش از سیصد انسان حساسیتی را برنمی انگیزد؟ حوادثی که بارها تکرار می شود. آیا کسانی که در قتل این کارگران و در قتل بیش از 100 نفر در چند ماه پیش در همین کشور، در آتش سوزی ساختمانی مشابه، یا قتل بیش از 40 کارگر در آفریقای جنوبی و... دست دارند، بدتر از عاملان قتل چند نفر در عملیات انفجاری ایالت بوستون نیستند؟ و یا آنکه قتل انسانها در حوادث مختلف تفاوت می کند؟ نظام سرمایه داری که در تقسیم جدید مناسبات کار خود در صحنه جهانی، صنایع خاصی را به کشورهای دیگر واگذار می کند، تنها در فکر تولید با هزینه های پایین تر و سود بیشتر و استفاده از کارگران ارزان تر است. بخش وسیعی از پوشاک های تولید شده با مارک های معروف (شرکت های آمریکایی وال - مارت، کلون کلین، گپ، شرکت سوئدی اچ اند ام، شرکت ایندیتکس که تولید کننده برند زارا) در کارگاه های عقب مانده در ساختمان های فرسوده ای تولید می شوند که در کشور بنگلادش قرار دارند. حقوق متوسط کارگرانی که در این کارگاه های فرسوده و مخروبه مشغول به کارند کمتر از 50 سنت در روز است. (بسیار کمتر از قیمت یکی از تولیدات این شرکت ها) ساعات کار طولانی 12 ساعته در این کارگاه ها امری عادی است و سودهای کلان صاحبان سرمایه از این کارگاه ها سبب می شود تا نظام سرمایه داری چشم خود را به هر گونه اجحاف و بی حقوقی کارگران ببندد و تنها به سود خود بپاندیشد.

این قتل‌ها و کشتارها خود دادخواستی علیه سرمایه‌داری و نظام ضدانسانی آن است. باشد که بار دیگر ثابت شود که کارگران را برای مقابله با این نظام وحشیانه، چاره‌ای جز وحدت، تشکیلات و پاگیری جنبش‌های مدافع حقوق خود نیست...

قانون مدافعان حقوق کارگر
دهم اردیبهشت ماه 1392

فعالان کارگری در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کردند افزایش دوبرابری بیکاری زنان

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 10 اردیبهشت 92 آمده است: فاطمه جمال‌پور: «بیکاری زنان طی هشت سال گذشته و در طول دولت‌های نهم و دهم دو برابر شده است. نرخ اشتغال کارگران زن نسبت به کل آمار کارگران در سال‌های اخیر از 15 تا 17 درصد در نوسان است؛ آماري که در عین افزایش ورود زنان به بازار کار، تغییر نکرده است.» علیرضا محبوب، دبیرکل خانه کارگر، با اعلام این خبر به «شرق» می‌گوید: «خانه کارگر مرجع رسمی اعلام نرخ اشتغال و بیکاری نیست؛ اما بیکاری، به‌خصوص درباره زنان، افزایش یافته است و آمار رسمی مرکز آمار می‌گوید بیکاری زنان در سال‌های اخیر دو برابر شده است.» حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر، درباره اعلام نشدن آمارهای رسمی در زمینه بیکاری زنان و وضعیت اشتغال آنها به «شرق» می‌گوید: «دولت فعلی نسبت به سایر دولت‌ها پنهان‌کار است و این موضوع سبب شده تا گروه‌های اجتماعی روابط کار نتوانند آمار دقیقی از نرخ بیکاری و دسته‌بندی آن به دست آورند.» وی ادامه می‌دهد: «اما به‌طور کلی شرایط کار به سمت کارهای سخت و افزایش ساعات کار سوق یافته، میزان اخراج زنان افزایش یافته و قدرت جذب مردان بیشتر شده است.» صادقی تاکید می‌کند: «اینها همه سبب شده تا استعمار کارگران زن افزایش یابد و حتی در کارگاه‌های کوچک مشاهده می‌شود که کارگران زن، کار مشخص و تعریف‌شده‌ای ندارند و از شاگردپادویی تا دگمه‌زنی و دوخت و... را انجام می‌دهند و این شرایط، بهره‌برداری و سوءاستفاده از کارگران زن نسبت به مردان را افزایش داده است.» اینها همه در حالی است که در سال‌های اخیر احمدی‌نژاد وعده‌های مختلفی در حمایت از زنان شاغل داده است. حالا گوش زنان از وعده‌های احمدی‌نژاد پر شده است؛ از وعده افزایش مرخصی تا نیمه وقت شدن کار و غیره. وعده‌هایی که نه تنها برای آنها نان نشده، بلکه دودش به چشم آنها رفته است. بدبینی و کم‌تمایلی کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار نسبت به استخدام زنان، در اولویت‌های بعدی قرارگرفتن زنان در استخدام‌ها نسبت به مردان و در عوض آن، در اولویت اخراج‌ها و تعدیل‌ها قرار گرفتن، تبعات این وعده‌های ریاست‌جمهوری برای زنان بوده است؛ آن هم در شرایط تعطیلی پرتعداد کارگاه‌ها. پروین محمدی، عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران، نیز در این باره به «شرق» می‌گوید: «درست است که آمار رسمی از دوبرابری آمار بیکاری کارگران زن حکایت می‌کند، اما این موضوع سبب شده است که کارگران اخراج‌شده به سمت کارگاه‌های زیر پنج نفر و کارگاه‌هایی سوق یابند که از شمول قانون کار خارج است؛ ساعات‌های طولانی کار را متحمل شوند و وضعیت معیشتی خانواده‌های فرودست و اعتیاد و اقتصاد بحرانی موجب شده زنان بیشتری سرپرست خانوار شده یا وارد بازار کار شوند.» وی در ادامه تاکید می‌کند: «شرایط فعلی باعث سوءاستفاده کارفرمایان از زنان شده است و در حال حاضر 70 درصد زنان کارگر در شرایط نامساعدی مشغول به کار هستند و این موضوع شامل زنان تحصیلکرده شاغل در بیمارستان‌ها، معلمان حق‌التدریس و ساعتی مراکز آموزشی هم می‌شود و حتی دختران لیسانسه با ساعتی 1500 تومان مزد، تدریس و بدون بهره‌مندی از بیمه مشغول به کار هستند.» محمدی در ادامه می‌گوید: «بسیاری از تولیدی‌های لباس‌دارای چنین شرایطی هستند و به‌راحتی از زیر بار قانون کار شانه خالی می‌کنند.» به گفته این عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران میانگین حقوق این کارگران 200 تا 250 هزار تومان و ساعات کاری آنها بیش از 10 ساعت است و حتی در برخی از این کارگاه‌ها کارفرما میزان تولید را ملاک خروج روزانه کارگران قرار می‌دهد.

دلایلی اعراب در گندمزارهای ایران
7 میلیون تن گندم گم شد

به نوشته روزنامه شرق، به قلم اعظم گلبری در روز سه شنبه تاریخ 10 اردیبهشت 92 آمده است: براساس آمار، سال گذشته 10 میلیون تن گندم در کشور تولید شد که از این میزان گندم تنها سه میلیون تن آن در سیلوها انبار شده است. تکلیف مابقی گندمها که حدود هفت میلیون تن برآورد می‌شود، مشخص نیست. برخی از آگاهان و فعالان این بخش می‌گویند، احتمالاً این هفت میلیون تن گندم یا خوراک دام شده یا به خارج از کشور قاچاق شده است. محمدرضا امیری کهنوج معتقد است، این هفت میلیون تن اختلاف میان آمار تولید و ذخیره گندم کشور، به خوراک دام تبدیل شده و درصدی از آن نیز به خارج از کشور روانه شده است. چندی پیش این عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس در گفت‌وگو با خانه ملت به انتقاد از نرخ خرید تضمینی گندم پرداخت. امیری کهنوج گفت: «کشاورزان جنوب استان کرمان پیگیر میزان نرخ خرید تضمینی گندم توسط دولت بودند که بعد از اینکه متوجه تعیین نرخ ۷۲۰ تا ۷۵۰ تومان خرید تضمینی توسط دولت شدند، اعلام کردند کشورهای حاشیه خلیج فارس در حال حاضر هر کیلو گندم را با قیمت هزارتومان خریداری می‌کنند.» نماینده مردم کهنوج، منوجان، رودبار جنوب، قلعه گنج و فاریاب در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در جنوب کرمان بالغ بر ۱۰۰ هزار تن گندم تولید می‌شود، افزود: «امروز خبردار شدیم که از کشورهای حاشیه خلیج فارس گندم کشاورزان جنوب استان کرمان را با نرخ هزار تومان خریداری می‌کنند.» وی در این گفت‌وگو عنوان کرده بود سال گذشته برای تامین نیاز کشور مجبور به واردات گندم شدیم که علت به وجود آمدن این نیاز کمبود تولید گندم نبود بلکه دلیل این واردات تعیین نرخ پایین خرید تضمینی گندم از کشاورزان بود و بسیاری از گندم تولیدی یا خوراک دام یا اینکه به خارج از کشور صادر شد. امیری کهنوج در گفت‌وگو با «شرق» توضیحات تکمیلی را در مورد بازار گندم و پیش‌بینی‌های خود از آینده این بازار داد. وی گفت: «گندم کرمان جزو اولین برداشت‌های گندم کشور محسوب می‌شود و با توجه به عدم هم‌پوشانی قیمت خرید تضمینی گندم؛ گندمکاران گفته‌اند که خواهان فروش محصولات خود به خارج از کشور هستند.» این عضو کمیسیون کشاورزی پیش‌بینی کرد: «با وجود پایین بودن قیمت خرید تضمینی گندم و عدم رضایت گندمکاران، امسال هم مجبور به واردات خواهیم بود.» این عضو کمیسیون کشاورزی افزود: «در سال گذشته تولید گندم در کشور حدود 10 میلیون تن بود که کل نیاز کشور را پوشش می‌داد اما از این میزان گندم تنها سه میلیون تن در سیلوها ذخیره شد.» امیری کهنوج ادامه داد: «پیش از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها، مصرف سرانه گندم کشور بین 12 تا 13 میلیون تن بود که بعد از اجرای این قانون با صرفه‌جویی‌هایی که اتفاق افتاد، به حدود 10 میلیون تن کاهش پیدا کرد.» این عضو کمیسیون کشاورزی افزود: «یعنی در سال گذشته میزان تولید و مصرف گندم متقارن شد اما به دلیل عدم مدیریت درست در جذب تولیدات داخلی، مجبور به واردات شدیم.» به گفته وی از 10 میلیون تن گندم تولیدشده تنها سه میلیون تن به سیلوهای کشور رسیده است. امیری کهنوج افزود: «در عین حال حدود هفت میلیون تن از گندم‌های تولید داخل به دامداری‌ها فروخته شد یا اینکه به خارج از مرزها ارسال شدند.» به گفته وی در حال حاضر مشتریانی از کشورهای امارات متحده عربی، قطر و عراق بر سر گندمزارهای ایران رقابت می‌کنند. این نماینده مردم در مجلس تاکید کرد: «سال گذشته با وجودی که ما مجبور شدیم گندم خارجی را به قیمت بالاتر از قیمت خرید تضمینی داخلی بخریم، اما دولت امسال هم قیمت توجیه‌پذیری را برای خرید تضمینی گندم در نظر نگرفته و به احتمال قوی سناریوی کمبود تولید داخل برای تکافوی نیاز کشور تکرار می‌شود و دوباره مجبور به واردات می‌شویم.» به گفته این نماینده سال گذشته محموله‌های گندم از کشورهای استرالیا و هند وارد کشور شده‌اند. وی با اشاره به مشکلات مدیریتی، خاطرنشان کرد: «اگر این مشکلات اصلاح نشود در بسیاری از محصولات استراتژیک مثل گندم، ذرت، جو و علوفه دام در آینده دچار چالش می‌شویم.»

گواهی برای صادرات ندادیم

محمد صنعتی، دبیر اتاق بازرگانی کرمان نیز در گفت‌وگو با «شرق» ضمن اظهار بی‌اطلاعی از خبر فروش گندم کرمان به کشورهای حاشیه خلیج فارس عنوان کرد که صادرات گندم ممنوع است. وی گفت: «اصلاً در جریان صادرات گندم نیستیم و از موضوعی که شما به نقل از آقای امیری کهنوج اعلام می‌کنید خبر ندارم.» وی می‌افزاید: «اتاق بازرگانی کرمان برای فروش گندم گواهی میدا صادر نکرده است و اگر هم فروش به کشورهای خارجی بوده از طریق پبله‌وران صورت گرفته نه تجار.»

“بیش از ۸۰۰۰ هزار کارگرمعترض در قزوین شعار میدهند ” کارگر اتحاد، اتحاد

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر از قزوین آمده است که؛ تجمع کارگران قزوین در ورزشگاه موسوم به یادگار امام ادامه دارد .

کارگران تعدادشان به حدود ۸۰۰۰ نفر میرسد. پلاکاردهایی که کارگران در دست دارند بقرار زیر است :

ما کارگران کارخانه چینی البرز خواهان نقض انحلال کارخانه هستیم .
ما کارگران چینی البرز ۷ ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم .
ما عیدی سالهای ۸۷ و ۸۸ را دریافت نکرده ایم .
شعارهای آنان بقرار زیر است :
کارگر اتحاد اتحاد .
حمایت از کارگر حمایت از اسلام است .

احاطه کارگران معترض شیراز توسط نیروی انتظامی

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر از شیراز آمده است که؛ تجمع کارگران مجتمع گوشت شیراز و سایر کارگران در مقابل استانداری به بیش از ۲۰۰۰ نفر رسیده است . بیش از هزار نفر از کارگران مخابرات راه دور هم که ۱۳ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند در این تجمع شرکت دارند و دست به اعتراض زده اند. نیروی انتظامی زیادی کارگران تجمع کننده را احاطه کرده است.

اعتصاب سراسری در دانشگاه آزاد مرکز در حمایت از روز جهانی کارگر

خبرنگار آژانس ایران خبر ، دانشگاه آزاد مرکز؛ امروز دانشگاه آزاد مرکز ساعت ۱۲ ظهر در حمایت از روز جهانی کارگر اعتصاب سراسری دارند. دانشجویان عزم کرده اند به هر قیمت اتحاد خود را با کارگران زحمتکش میهن نشان دهند.

کارگران شهرداری دزفول چهار ماه حقوق عقب افتاده دارند

برپایه خبر دریافتی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۹۲ آمده است : کارگران شهرداری دزفول که با پیمانکار کار میکنند پس ماه ها کار و زحمت این ماه حقوق دی ماه سال قبل خودشان را گرفته اند و تاکنون ۴ ماه حقوق عقب افتاده دارند. کسی نیست بگوید این ها چگونه امرار معاش بکنند ؟ چگونه پاسخ زن و فرزندان خود را بدهند .

توقف اعتراض آمیز تعدادی از اتوبوس های تهران

روز پنجشنبه ۹ اردیبهشت ماه اتوبوسهای تند رو شرکت اتوبوس رانی تهران معروف به بی .آر.تی در اعتراض به ادامه تعلیق یکی از همکارانشان از ساعت ۰۹:۰۰ صبح تا بعد از ظهر اقدام به روشن کردن چراغ اتوبوسهای خود نمودند .
آقای عبدالله حسینی که با ۱۸ سال سابقه کار در شرکت اتوبوسرانی تهران، کار او از ۷,۵ ماه پیش به تعلیق در آمده بود. او در طی این مدت بدون حقوق و مزایا در شرایط سخت مالی بسر می برد و این مسئله باعث ایجاد مشکلاتی مالی زیادی در خانواده شده بود .
آقای حسینی در طی این مدت علیه حکم سرکوبگرانه تعلیق شکایت کرد و پس از ۷,۵ ماه تلاش اداره کار رای به بازگشت بکار او داد. او هنگامی که صبح امروز در محل کارش در سامانه ۱ اتوبوس رانی تهران حاضر شده بود توسط سعید نیسانی سرپرست این سامانه علیرغم داشتن حکم بازگشت به کار از ادامه کار او ممانعت کرد. اداره کار همچنین در رای مزبور شرکت اتوبوس رانی تهران را موظف به پرداخت تمامی حقوق و مزایای ۷,۵ ماه اخیر او نموده بود .
آقای حسینی از اعضاء و فعالین سندیکائی شرکت واحد تهران می باشد و یکی از دلایل اخراج او از کار به این دلیل بوده است .
پیش از این خانم فرحناز شیری از اولین بانوان راننده در شرکت اتوبوس رانی تهران که در بدو اشتغال با بهره

گیری گسترده تبلیغاتی همراه بود از اسفند ماه گذشته از کار خود تعلیق شده است و علیرغم پیگیریهای مستمر ولی تاکنون از بازگشت به کار او خوداری می کنند .
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، موج گسترده اخراج کارگران که در موارد متعدد به خاطر فعالیت‌های سندیکایی و دفاع از حقوق خود و کارگران صورت می گیرد را محکوم می کند و از سازمان جهانی کار و کمیسر عالی حقوق بشر خواستار اقدامات عملی برای پایان دادن به سرکوب کارگران در ایران است

اعتراض کارگران در جلسه شوراهای عالی کار شهرستان پاکدشت

به نوشته سایت ایران کارگر 11 اردیبهشت 92 آمده است: جلسه کانون شوراهای عالی و با شرکت رئیس اداره کار ، رئیس اداره بیمه و معاون بیمه و درمان تشکیل شد ، در حین سخنرانی رئیس اداره کار و مقامات حکومتی کارگران معترض از کارخانه های مختلف تهران ضمن رد ادعاهای مطرح شده واقعیت ها و مشکلاتی که خودشان و جامعه کارگری با آن دست به گریبان است را مطرح کردند که جلسه حالت اعتراضی گرفت و موجب نگرانی برگزار کنندگان جلسه شد . سخنرانان تلاش کردند با وعده و وعیدهای مختلف خشم کارگران را فرو بنشانند . ولی یقین داشته باشند که دیگر مردم درد کشیده فریب این وعده وعید را نمی خورند. ساکت نمی نشینند.

ایلنا ۲ ماه پس از حادثه گزارش می دهد: سرنوشت خانواده های قربانیان پس از فاجعه یال شمالی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 11 اردیبهشت 92 آمده است : با گذشت بیش از چهار ماه از کشته شدن هشت کارگر در حادثه ریزش معدن یال شمالی واقع در شهرستان طبس، خانواده های قربانیان از عدم پرداخت دیه، پایین بودن مبلغ مستمری ها و عملی نشدن قول مسئولان برای استخدام فرزندان ارشد کارگران قربانی گلایه دارند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در بیست و هشتم آذرماه سال گذشته حادثه ای تلخ در طبس اتفاق افتاد که خاطره آنروز هنوز از خاطر معدنکاران طبس و خانواده های قربانیان کمرنگ نشده است. در آن روز بدلیل ریزش معدن یال شمالی هشت نفر از کارگران معدنچی کشته شدند.
جمعی از نمایندگان کارگری شهرستان طبس به همراه مسئولان استانی در هفته کارگر با خانواده های قربانیان معدن یال شمالی دیدار کردند و در جریان مشکلات خانواده های این کارگران قرار گرفتند.

در این دیدار خانواده های کارگران قربانی اسماعیل عابد، محمود عابد، جواد باقرزاده و اسماعیل رحیمیان از مستمری ۴۵۰ هزار تومانی برقرار شده از سوی تامین اجتماعی در حالی که برخی از کارگران قربانی بالغ بر ۱۵ سال سابقه کار در تونل را داشته اند ابراز نارضایتی کردند.

به گفته بازماندگان، تاکنون نه تنها وعده های مسئولان در مورد اشتغال فرزندان ارشد ذکور کارگران قربانی عملی نشده است بلکه حتی دیه های جانباختگان این حادثه نیز پرداخت نشده است.

در این دیدار فرزند یکی از قربانیان نامه ای را نشان داد که در آن فرماندار طبس خطاب به «امینی» معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت خواسته است تا با توجه به قول مساعد وزیر مبنی بر بکارگیری فرزندان ذکور خانواده های قربانیان دستور استخدام آنان داده شود.

بر این اساس، معاون وزیر صنایع نیز در تاریخ هشتم فروردین ماه سال ۹۲ در نامه ای این موضوع را به «مهندس نوری» مدیرعامل شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران ارجاع داده است که از آن تاریخ تا کنون هنوز دستوری برای استخدام این افراد صادر نشده است.

دبیر خانه کارگر طبس نیز در این دیدار گفت: در تمام مدت پیگیر حقوق این افراد بودم و امیدوارم خانواده‌های آنان از ما راضی باشند.

«غلامرضا محمدی» بابیان اینکه کارگران قربانی معدن یال شمالی در راه به دست آوردن قوت حلال بوده جان دادند، وعده داد که تا سال آینده یک قطعه زمین به صورت تعاونی و با یک سوم قیمت در اختیار خانواده‌های قربانیان قرار گیرد. همچنین «حمیدرضا صولتی» معاون اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی نیز وعده داد: برای تامین رفاه خانواده‌های بازمانده هرکمی که از دستمان ساخته باشد انجام خواهیم داد.

صولتی درخصوص ناراضی‌های خانواده‌ها از میزان مستمری برقرار شده تامین اجتماعی قول داد این موضوع را از اداره تامین اجتماعی پیگیری کند.

پایان پیام

گزارشی از تجمع اعتراضی بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کشتی‌سازی بندر عباس

در اعتراض به عدم امنیت شغلی و اخراج، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران شرکت کشتی‌سازی بندرعباس در مقابل استانداری بندرعباس، تجمع کردند. در این شرکت تاکنون ۳۰ نفر از کارگران را اخراج و از چند روز پیش، کارت حضور و غیاب آنها را غیرفعال کرده اند. این شرکت ۱۵ روز پیش هم ۱۸ کارگر را اخراج کرد.

مسئولان شرکت قصد دارند نیمی از نیروهای این شرکت را تعدیل کنند و از کارگران می‌خواهند که پس از اخراج با پیمانکاران قرارداد ببندند. مسئولان این شرکت به ازای هر کارگر ماهانه یک میلیون تومان به پیمانکاران پرداخت می‌کنند و پیمانکاران نیز با کسر ۶۵۰ هزار تومان از این مبلغ، ۲۵۰ هزار تومان به هر کارگر حقوق می‌دهند.

این درحالی است که کارگران این شرکت می‌گویند ساخت ۵ فروند کشتی در این شرکت آغاز شده و علتی برای تعدیل نیرو وجود ندارد.

گزارشی از ترس و وحشت حکومت دیکتاتوری از روز جهانی کارگر و تمهیدات امنیتی

آژانس ایران خبر، تهران گزارش داد: فراخوان گروه‌های کارگری برای تجمع در روز جهانی کارگر موجب شده است که میدان هاوخیابان‌های مرکزی شهر تهران از صبح امروز امنیتی شوند. دهها دستگاه خودروی متعلق به پلیس همراه با یگان‌های موتور و خودرویی گارد ویژه در میدان انقلاب و خیابان‌های انقلاب ولی عصر و آزادی حضور دارند.

پیاده‌روهای خیابان‌های کارگرشمالی و جنوبی و خیابان آزادی و انقلاب به ویژه در اطراف میدان انقلاب مملو از نیروی انتظامی و گارد ویژه است. چهره‌ی تهران یک بار دیگر مانند روزهای پس از انتخابات شده است همه جا مأمور دیده می‌شود. مزدوران باتوم بدست‌های حکومتی حرکات مردم را زیر نظر گرفته اند و اجازه‌ی توقف مردم در پیاده‌روها را نمی‌دهند.

جو سنگین امنیتی در اطراف میدان انقلاب دیده می‌شود و با نزدیک شدن به ساعات برگزاری تجمع این جو ملتهب‌تر و امنیتی‌تر می‌شود.

یازدهمین روز اعتصاب کارگران و تحصن در برابر شهرداری شوشتر

برپایه خبررسیده دریافتی در تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است: برای یازدهمین روز متوالی اعتصاب و تحصن و تجمع کارگران معترض شهرداری شوشتر در مقابل ساختمان موتور شهرداری شوشتر ادامه دارد.

این کارگران ضمن تهیه طوماری اعتراضی فقط خواهان نزدیک يك سال دستمزد پرداخت نشده خود هستند . کارگران تهدید کردند که اگر این مشکلاتمان حل نشود ، مقابل استانداری خوزستان خواهیم رفت .

تجمع کارگران سنندج به درگیری با نیروی انتظامی کشیده شد

آژانس ایران خبر، سنندج خبر می دهد: صد نفر از کارگران و مردم عادی جلوی کمیته امداد تجمع کردند ، این تجمع بدلیل شعارهای اعتراضی مردم، به درگیری با نیروی انتظامی و دستگیری ۵ نفر از مردم معترض از سوی مزدوران سرکوبگر نظام انجامید. به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر ، شب گذشته نیز تجمعات در سنندج به درگیری انجامید.

شکایت کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به دستمزدهای پاهین و خلاف قانون

برپایه خبر دریافتی در تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است : کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی طومار اعتراضی به دیوان عالی به اصطلاح عدالت در اعتراض به وضعیت پایین بودن دستمزدهای خود نوشتند و در این شکایت گفتند که دستمزدهای تعیین شده در سال 92 را که خلاف تورم اعلام شده میباشد را قبول ندارند . کارگران میخواستند تجمع اعتراضی کنند ولی دولت آنها را تهدید کرد که در صورت تجمع به ضرب و شتم آنها میپردازد. دولت یقین داشته باشد روز در برابر ضرب و شتم مردم و گوشمالی قرار خواهند گرفت . به یقین روز حسابرسی فرا میرسد .

مردم مترصد فرصتی برای شروع تظاهرات در میدان انقلاب

آژانس ایران خبر، تهران آمده است : در روز جهانی کارگر میدان انقلاب تقریباً به محاصره ی کامل نیروهای انتظامی و نظامی درآمده است . در حالی که تا ساعت ۲ وضعیت در اطراف میدان انقلاب اندکی خوب بود، از ساعت ۲ به بعد ده دستگاه خودروی نیروهای انتظامی و امنیتی این میدان را به محاصره ی کامل درآورده اند و اکنون که ساعت ۳/۳۰ بعد از ظهر روز شنبه یازدهم اردیبهشت است بیش از ۵۰ دستگاه انواع خودروی متعلق به نیروی انتظامی و امنیتی در شمال، جنوب ، غرب و شرق میدان انقلاب استقرار یافته اند. گروهی از نیروهای کارگری که قصد تجمع در میدان انقلاب را داشتند با ممانعت نیروهای پلیس مواجه شدند. اجازه ی توقف به هیچ رهگذری داده نمی شود و خیابان های انقلاب و آزادی و کارگر شمالی و جنوبی در محدوده ی میدان انقلاب و بزرگی امنیتی دارد. برخی از مغازه های اطراف میدان انقلاب به دستور پلیس در حال تعطیل کردن و بستن مغازه های خود هستند. گروه زیادی از مردم در پیاده روهای اطراف میدان انقلاب مشغول پرسه زدن هستند و مترصد فرصتی اند که اعتراض خود را نشان دهند. شکل های کارگری که با عدم مجوز رژیم برای برگزاری مراسم رسمی با مخالفت روبرو شده است کارگران را تشویق کرده اند که در میدان انقلاب تجمع کرده و به سمت وزارت کار حرکت کنند. به هر حال با توجه به نزدیک شدن به ساعت ۴ فضای امنیتی در حال تشدید شدن است .

برگزاری تجمع اعتراضی کارگران چینی حمید، در مسجد حسینیہ عشق علی قم

به گزارش آژانس ایران خبر از تهران آمده است : تجمع اعتراضی کارگران چینی حمید، در مسجد حسینیہ عشق علی قم برگزار شد ، جلسه با سخنرانی طالبی، رئیس خانه کارگر قم شروع شد. او حتی اجازه صحبت کردن و اعتراض به کارگران را نمیداد. علی رغم اینکه طالبی تریبون را در دست داشت و اجازه صحبت به کارگران را نمیداد ولی کارگران بلند شدند و حرفهایشان را زده و نسبت به شرایط کنونی کارگران اعتراض کردند . طالبی وقتی اعتراضات کارگران را دید ، به دلیل حضور فیلمبردار از صحنه برای ساکت کردن کارگران گفت : با اجتماع شما در جلوی استانداری، رسانه های خارج از کشور میگویند که در ایران دارد انقلاب میشود و به شما میخندند که نمیدانید اینگونه اعتراضات ربطی به استانداری ندارد .

کارگران باز هم اعتراض کرده و نگذاشتند طالبی حرفش را بزند و برخی از آنها میگفتند :
- شما با چه استدلالی میگویید که بخاطر تیر رسانه های خارجی افراد باید از حقشان بگذرند؟ پس در این

مملکت هر بلایی سر هر کسی آمد، صدایش در نیاید که یک وقت رسانه های خارجی چیزی نویسند!؟ به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر، کارگران معترض که از برخورد طالبی به تنگ آمده بودند گفتند: نظامی که با تجمع کارگران برای گرفتن حقیقت این چنین احساس خطر کرده و از نیروهای گارد ویژه در مقابل کارگران استفاده میکند، بنظر شما آیا صلاحیتی برایش میشود قائل شد؟ یکی از کارگران معترض به خبرنگار آژانس ایران خبر گفت: "چند ی پیش وقتی کارگران معترض به همراه خانواده هایشان در جلوی استانداری قم تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند ماموران گارد ویژه دخالت کرده و فرمانده آنها خطاب به چند کارگری که جلودار کارگران معترض بودند گفتند وظیفه ما جلوگیری از ایجاد بی نظمی و تشنج هست و کاری نداریم که حق با شماست یا نه. ۵ دقیقه به شما مهلت میدهیم که متفرق بشوید، و گرنه مامورین فرقی بین زن و مرد قائل نمیشوند که کارگران هم از ترس به خطر افتادن خانواده هایشان متفرق شدند."

به جای حل مشکلات کارگران ، پول ها را خرج تبلیغات خود می کنند

به گزارش رسیده به روزشمار کارگری آمده است : در استان مازندران و بطورخاص در شهر قائمشهر در انزجار از هزینه های تبلیغات انتخاباتی و تکرار وعده و وعده های تکراری بخصوص به کارگران محروم نساجی مازندران، کارگران شریف این خطه واکنش خود را با بی اعتنایی ابراز کرده و میگفتند درحوالی روز جهانی کارگر بجای حل و فصل مشکلات سالپانه کارگران ، بین چه پولهایی را خرج تبلیغات خود میکنند و نسبت به این وضعیت معترض بودند ، یکی از کارگران گفت اگر نصف این هزینه های تبلیغاتی را بجای حرف زدن مفت، صرف کارگران و راه اندازی صنایع میکردند ما دچار چنین بدبختی هایی نمیشدیم.

هدیه ی روز کارگر: ۷ ساعت اضافه کار!

آژانس ایران خبر، تهران آمده است : به کارمندان شرکت متروی تهران بعنوان هدیه ی روز کارگر صرفا ۷ ساعت اضافه کار تعلق می گیرد. این عمل مسئولان باعث افزایش نارضایتی ها در سال ۸۹ شده و بیشتر صحبتها نیز پیرامون پوچ و مسخره خواندن صحبت های علی خامنه ای درخصوص همت و کار مضاعف می باشد.

عدم پرداخت مطالبات، بازنشستگان واگن پارس را به تجمع واداشت

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در شنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۲ آمده است :عدم تعهد مسئولین به وعده ها و تأخیر در پرداخت مطالبات بازنشستگان در آستانه هفته کارگر، منجر به تجمع اعتراض آمیز ۴۰۰ کارگر بازنشسته شرکت واگن پارس در ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ی گذشته گردید تا کارگران این شرکت برای پیگیری تحقق وعده ها و پرداخت مطالبات ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان، صدای اعتراض خود را به گوش مسئولین برسانند . به گزارش ایلنا، نمایندگان کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس پیرامون اولین اجتماع کارگران در سال ۸۹ بدنبال درخواست های قبلی در سال ۸۸ با اشاره به سپری شدن زمان تعیین شده از سوی مسئولین برای پرداخت مطالبات بازنشستگان واگن پارس اظهار داشتند یکشنبه هفته گذشته به نمایندگی از سوی کارگران و برای یادآوری قول های فراموش شده برای ملاقات با آقای "رازای" مدیرعامل شرکت به تهران رفتیم ولی ایشان از ملاقات با ما اجتناب نموده و مسئول دفتر ایشان ما را برای پیگیری مشکلات به نزد "میرزائی" مدیر مالی و تشکیلاتی شرکت هدایت کرد. میرزائی که این مشکل را زائیده چالش ها و مسائل موجود بین شرکت زیمنس و رجا می دانست با اظهار این که واگن های ترانست ساخته واگن پارس آماده تحویل است اما بدلیل مشکلات موجود بین زیمنس و رجا مدت هاست در زیر آفتاب مانده پرداخت مطالبات بازنشستگان را منوط به فروش رفتن این واگن ها عنوان کرد .

مداحی و رحیمی نمایندگان کارگران بازنشسته واگن پارس که کارگران را قربانیان مشکل مالی زیمنس و رجا می دانند در ادامه افزودند: با توجه به اینکه مشکل کارگران را در دفتر مدیرعامل حل نشده یافتیم برای دادرسی به دفتر ریاست جمهوری مراجعه و ضمن اعلام مسائل و مشکلات واگن پارس از این نهاد درخواست پیگیری

نمودیم و پیام کارگران را برای اجتماع در مقابل مجلس و یا دفتر ریاست جمهوری در صورت عدم تحقق خواسته هایشان مطرح کردیم. که با توجه به عمیق بودن مشکلات کارگری واگن پارس از دفتر نهاد ریاست جمهوری نامه ای برای وزارت صنایع داده شده و پیگیری این موضوع را از وزیر صنایع و معادن خواستند تا آنها با رایزنی با مدیر عامل واگن پارس، رزازی تا روز یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه نسبت به پرداخت مطالبات اقدام نمایند. نمایندگان کارگران بازنشسته شرکت واگن پارس با بیان اینکه صبر و تحمل کارگران و خانواده هایشان به پایان رسیده اظهار داشتند در صورت عدم تحقق این وعده ۷۰۰ کارگر بازنشسته و خانواده هایشان در مقابل مجلس شورای اسلامی آنقدر می نشینند تا به حقوق صنفی خود دست یابند.

تجمع اعتراضی ۱۵۰۰ نفر از مردم و کارگران مقابل استانداری شیراز

به گزارش خبرنگار آژانس ایران خبر از شیراز، حدود ۱۵۰۰ نفر از مردم و کارگران به دعوت اتحادیه کارگران در گرامیداشت روز جهانی کارگر، مقابل استانداری شیراز تجمع کردند، تعدادی از این کارگران مربوط به کارخانه مخابرات راه دور هستند. این کارخانه مدتی است تعطیل شده و تکلیف کارخانه هنوز مشخص نیست.

قاجاق گازوئیل تنها راه ارتزاق جوانان بیکار استان هزمزگان

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۹۲ آمده است: یکی از شهروندان شهرستان بستک از استان هزمزگان خبر داد که اکثر جوانان این شهر بدلیل بیکاری، به کار قاجاق گازوئیل روی آورده اند. زیرا این تنها کاری است که میتوانند انجام دهند تا بتوانند مخارج خود و خانواده شان را در بیاورند. لازم به توضیح است که مطابق خبری که داشتیم، رژیم آخوندی در جاده های جنوب کشور به نیروی انتظامی دستور تیر به خودروهایی که گازوئیل قاجاق میکند داده است. این هم شیوه دیگری برای کشتن جوانان میهن است

بیانیه ۷۷

شاهرخ زمانی در زندان گوهردشت نیست!

به قرار اطلاع، صبح امروز هنگامی که دختر شاهرخ زمانی، کارگرنزدانی در زندان گوهردشت کرج برای ملاقات با پدر خود به سالن ملاقات این زندان مراجعه کرده است، مسولان سالن ملاقات به وی گفته اند که پدرت این جا نیست و او را به دادگاه برده اند. این در حالی است که به شاهرخ زمانی روز گذشته ۱۰ اردیبهشت از سوی مقامات زندان گفته شده بود که وی امروز صبح به دادگاهی در تهران خواهد رفت، بدون این که از جزئیات اتهام و شعبه ی دادگاه به وی چیزی بگویند. شاهرخ زمانی اعلام کرده بود که در این دادگاه حاضر نخواهد شد و آنرا غیرقانونی می داند. اظهارات مسولان سالن ملاقات مبنی بر انتقال وی به دادگاه موجب نگرانی خانواده و دوستان این فعال کارگری مبنی بر پرونده سازی جدید علیه این فعال کارگری شده است. خانواده وی در صدد هستند تا با پیگیری از دادگستری تهران علت این مساله و محل نگهداری شاهرخ زمانی را دریا بند که تا این لحظه پاسخی نگرفته اند. شاهرخ زمانی پیش تر نیز بدون اطلاع قبلی و بدون حکم دادگاه از زندان تبریز به زندان یزد و پس از بازگرداندن به زندان تبریز به زندان گوهردشت منتقل شده بود. اخبار تکمیلی متعاقباً منتشر خواهد شد. کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی این اقدام کارگزاران رژیم را ابزاری برای اعمال سرکوب هر چه بیشتر طبقه ی کارگر دانسته و ضمن محکوم کردن این پرونده سازی واهی، تمامی فعالین کارگری و انسان های آزادی خواه و انقلابی را برای اقدام متحد علیه اقدام غیر قانونی و غیر انسانی جمهوری اسلامی فرامی خواند.

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر
پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

سکوت ده سال شکست؛ بیانیه ای در نقد سیاست های اقتصادی چند سال گذشته

به گزارش سایت خبرآنلاین در 11 اردیبهشت 92 آمده است: شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور با بیش از ۴۰ هزار شرکت عضو، سکوت ۱۰ ساله اش را شکست و نسبت به شرایط موجود کشور ابراز نگرانی کرد.

به گزارش خبرآنلاین، در بیانیه ای که از سوی این شورا منتشر شده، آمده است: علیرغم گذشت چندین سال از پردرآمدترین سالهای نفتی، سطح نازل تولید ملی و رشد اقتصادی پایین و گاهی منفی، شایسته این ملت نیست. در این دوران اهداف سند چشم انداز 20 ساله ایران جدی انگاشته نشد. برنامه پنج ساله چهارم به کناری گذاشته شد و فرصت حاصل از ابلاغ سیاستهای اجرایی اصل 44 قانون اساسی تبدیل به ضد خود شد و با عمومی سازی گسترده، فضا برای فعالیت بخش خصوصی تنگتر و بسته تر شد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: به باور ما باید سیاستی اتخاذ کرد که مشارکت فعال در اصلاح جامعه جزئی از زندگی جاری و عادی مردم شود. سیاست از پایین به بالا، طرح انتظارات عقلایی و مشارکت در بهبود شرایط، نسبت به ایراد انتقادات بی هدف که موجب توسعه فضای یاس و دلمردگی است، ترجیح دارد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: توسعه مشارکت، تاکید بر حق شهروندی و فراهم آوردن زمینه های بالندگی شهروندی خلاق، مشارکت جو و فعال، راهبردهایی هستند که ریشه در قانون دارند و موجب جلوگیری از رکود و انفعال اجتماعی و حفظ پویایی جامعه و توسعه و تعالی مستمر آن می شود. از این رو، ما بر توسعه نقش نهادهای اجتماعی اعم از حرفه ای، صنفی، تخصصی، ملی، محلی و همچنین تشکلهای مردم نهاد به منظور توسعه قاعده جامعه مدنی تاکید داریم.

شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی، حرفه ای کشور در پایان بیانیه خود تصریح کردند: ما در جهت همکاری نهادهای اجتماعی و حضور فعال در جریان تصمیم سازی، سیاست گذاری های ملی تلاش خواهیم کرد و براین باوریم که سیاستمداران، دولتمردان و تمام علاقه مندان به سرنوشت ملی و اعتلای ایران بستر را برای فعالیت ها و گروهایی چون ما فراهم خواهد آورد. توسعه ملی ایران اسلامی نیازمند گفت وگویی مستمر و طی فرآیندهای اجماع سازی است، بنابراین نهادهای اجتماعی و آحاد شهروندان به ویژه کسانی که قدرت خلق ارزش افزوده در هر حوزه ای از دانش فرهنگ و اقتصاد را دارند باید زمینه یک گفت وگویی مثبت اجتماعی را فراهم آورند.

شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه ای کشور متشکل از 16 انجمن بزرگ فعال در عرصه های مختلف عمرانی و ساختمانی و با عضویت بیش از 40 هزار شرکت، تلاش دارد تا برنامه های تدوین شده در زمینه حقوق شهروندی، تدوین استراتژی رقابت پذیری، گفتگومان مشترک در زمینه بهبود تولید ملی، و حضور موثر در حوزه های تصمیم گیری و تصمیم سازی را به عنوان یک رویکرد جدید به سیاست گذاری ملی و مهمترین مطالبه انجمن های فعال در حوزه عمران کشور مطرح و پیگیری کند.

صبح امروز ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، ماموران زندان گوهردشت کرج، شاهرخ زمانی، کارگر زندانی در این زندان را به بهانه‌ای به دفتر زندان کشانده و او را به زور سوار اتومبیلی کرده و به شعبه‌ی بازپرسی عمومی و انقلاب واقع در پارک‌شهر تهران منتقل کرده‌اند. بازپرس بر پایه‌ی گزارش دو نفر از زندانیان اتهام توهین به رهبری را به وی تفهیم کرد.

شاهرخ زمانی در دفاع از خود اتهام وارده را رد کرده و خطاب به بازپرس گفته است، این‌که شما بر پایه‌ی گزارش دو جاسوس و در روز جهانی کارگر مرا به این‌جا کشانده‌اید و این اتهام واهی را بر من وارد می‌کنید، خود نشانه‌ای محکم است از این‌که چطور در خدمت سرمایه‌داران بوده و علیه کارگران هستید. وی گفت این اقدام شما در واقع پاپوش دوختن دوباره برای من و برای سرکوب بیش‌تر طبقه‌ی کارگر است.

ماموران زندان در بازگشت از دادگاه، شاهرخ زمانی را به مدت دو ساعت به بند قرنطینه و سپس به بند ۴ سالن زندان گوهردشت منتقل کرده‌اند.

شایان ذکر است دختر شاهرخ زمانی صبح امروز برای ملاقات با پدرش به زندان گوهردشت مراجعه کرده بود که ماموران در پاسخ او گفته بودند پدرت این‌جا نیست و او را به دادگاه برده‌اند. وی در پی شنیدن این خبر دچار نگرانی و اضطراب شدیدی می‌شود که با اعلام همبستگی گسترده‌ی سایر زندانیان و خانواده‌های آن‌ها مواجه شد.

کمیته‌ی حمایت از شاهرخ زمانی این اقدام کارگزاران رژیم را ابزاری برای اعمال سرکوب هر چه بیش‌تر طبقه‌ی کارگر دانسته و ضمن محکوم کردن این پرونده‌سازی واهی، تمامی فعالین کارگری و انسان‌های آزادی‌خواه و انقلابی را برای اقدام متحد علیه اقدام غیر قانونی و غیر انسانی جمهوری اسلامی فرامی‌خواند.

پیش به سوی اتحاد بیش‌تر برای فشار بیش‌تر

پیش به سوی اعتراضات گسترده‌تر با شعار

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۲/۲/۱۱

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

**سه جانبه‌گرایی در حوزه کار
محمد عطاردیان . دبیرکل کانون انجمن‌های کارفرمایی**

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است : وضعیت امروز کارفرمایان و فضای کسب و کار، نیازی به شرح و تفصیل ندارد! نابسامانی‌های تولید، عدم حمایت از بخش خصوصی، فقدان استراتژی اشتغال در حوزه کلان و نبود راهکارهای ایجاد آن از یک سو و بستن دست کارفرمایان برای توسعه بنگاه‌های تولیدی، همه و همه سبب شده است وضع موجود پدید آید. تلاش عمده کارفرمایان، حمایت از کارگران است اما متأسفانه در حوزه حمایت دولتی، کاستی‌های روزافزون دیده می‌شود. در حوزه کار و تولید، کارگر و کارفرما، لازم و ملزوم یکدیگرند. اما بر طبق باورهای نادرست گذشته که همچنان در فرهنگ برخی اقشار تهنشین شده است، کارفرما همواره در حال ظلم کردن به کارگر است! البته «روز کارگر»، روز کارگر است و روز کارفرما نیست. دهم تیر به عنوان روز صنعت معرفی شده است که تلاش می‌شود در آن از زحمات کارفرمایان و چهره‌هایی که با استفاده از سرمایه و ثروت شخصی خود، سعی در تولید مولد در کشور دارند، تقدیر شود اما این روز بر خلاف

روز کارگر، ابعاد بین‌المللی ندارد. به هر تقدیر برای بهبود وضعیت معیشتی و سطح زندگی کارگران، اتخاذ سیاست‌های درست اقتصادی و استفاده از شیوه‌های نوین در جهان برای تولید کارآمد، اجتناب‌ناپذیر است. اینکه راهکار جامع برای درمان بیماری اقتصاد اندیشیده شود و سیاست‌های درست در این حوزه برای حمایت از صنعت و خدمات در پیش گرفته شود، تنها خواسته کارفرمایان نیست. کارگران نیز نیک می‌دانند این روند به ایجاد اشتغال مولد می‌انجامد که وظیفه آن در تمام دنیا بر عهده بخش خصوصی است و دولت در این زمینه، فاقد عملکرد مثبت است. وضعیت موجود با همکاری سه‌جانبه دولت، کارفرما و کارگران قابل حل است. گفت‌وگوهای دوجانبه میان تشکلهای کارگری و کارفرمایی همواره وجود دارد و درک متقابل از شرایط ویژه فعلی اقتصادی نیز حاصل شده است. مشکل ما تنگناهایی است که در بخش دولتی ایجاد می‌شود.

چالش‌های کارگران حسین راغفر . اقتصاددان

به نوشته روزنامه شرق در 11 اردیبهشت 92 آمده است : امروز در پایان هشت سال دولت برخاسته از اصولگرایان، نیروی کار در کشور در شرایط دشواری قرار دارد. سیاست‌های اقتصادی این دوره به دلایل گوناگون از جمله فقدان سرمایه‌گذاری کافی، محدودیت‌های دسترسی به فناوری در بخش تولید و نیز فقدان نهادهای حامی توسعه، وجود ساختارهای انحصاری قدرتمند در تولید، منافع وارداتی ذی‌نفوذان، با وجود درآمدهای نزدیک به یک‌هزار میلیارد دلاری نفت و گاز طی این دوره، سبب به حاشیه‌رفتن نیروی کار و فرارگرفتن در معرض انواع ویروس‌های اقتصادی - اجتماعی اعم از فقر و آسیب‌های روانی، تزلزل خانواده‌ها، افیون اعتیاد و ورود به تشکلهای جرم و جرایم و اقتصاد زیرزمینی شده است. تجربه جوامع صنعتی در مواقع بروز بحران‌های کارگری و بیکاری نیروی کار، فراهم کردن فرصت‌های نهادی مشارکت ذی‌نفعان از جمله خود نیروی کار و ایجاد نهادهایی بوده است که امکان مشارکت و مداخله برای مقابله با چالش‌های اقتصادی را فراهم کنند. اتحادیه‌های صنفی نیروی کار و تمهید سرمایه‌داری به‌عنوان بخشی از نهادهای تثبیت‌گر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ارزیابی شدند. موج نئولیبرالیسم تاچری و ریگانی با ریشه‌کنی این بنیادها در آمریکا و بریتانیا، ضمن تغذیه عوامل بی‌ثباتی اجتماعی - اقتصادی در این کشورها، بحران‌های اقتصادی را جهانی کرد و به همین دلیل پایان بحران‌های کنونی این کشورها در افق زمانی کوتاه‌مدت مشاهده نمی‌شود.

جهانی‌شدن وسیله مبادله نابرابر و ناعادلانه سرمایه‌داری جهانی با «جهان پیرامونی» بوده است. جهانی‌شدن اقتصاد از طریق سیاست‌های موسوم به تعدیل ساختاری، وسیله این مبادله نابرابر بوده است. باورود امواج سیاست‌های تعدیل ساختاری به ایران، یکی از اصلی‌ترین سرمایه‌های رایج در کشور به حاشیه رانده شد و آن روحیه همدردی و احساس تعاون‌جمعی بود که در دوره هشت سال جنگ تحمیلی به اصلی‌ترین سرمایه فرهنگی کشور بدل شده بود. فرهنگ جمعی تحلیل رفت و فردگرایی افراطی فراگیر شد. اوج سیاست‌های نئولیبرال را در دوره هشت‌ساله دولت‌های موسوم به اصولگرا شاهد هستیم که در آن بنیان‌های تولید، هدف قرار گرفت و به دنبال آن نیروی کار، بازنده اصلی این موج جدید نومحافظه‌کاری در ایران شد. امروز بحران نیروی کار، یک بحران جهانی است. شعار «والاستریت را اشغال کنید» - که شعار اصلی جنبش اعتراضی والاستریت است - ناظر به کنترل کاخ سفید توسط اصحاب ثروت و سرمایه در والاستریت است. در ایران طی این هشت سال، سیاست‌های نئولیبرال، چالش‌های بزرگی را برای دولت‌های بعدی به میراث نهاده است. از جمله بزرگ‌ترین آنها بیکاری و از بین بردن فرصت‌های اشتغال در کشور است که اصلی‌ترین آسیب‌دیدگان آن، نیروی کار کنونی و نسل‌ها هستند. از دیگر سو، نگاه سیاسی به تشکلهای صنفی کارگری، فرصت‌های همکاری اجتماعی آسیب‌دیدگان را برای فراهم کردن تمهیداتی جمعی و اشکالی از پوشش‌های بیمه‌ای توسط خود تشکلهای صنفی، تقریباً منتفی کرده است. امروز نیروی کار در ایران، با کمترین امکان دفاع در معرض اشکال مختلف آسیب‌های روحی و پیامدهای اقتصاد زیرزمینی است. راه برون‌رفت از این چالش خودخواسته در اقتصاد ملی، توجه به نیازهای تولید و بازگرداندن اعتماد به صاحبان سرمایه‌های تولیدی است که از جمله آسیب‌دیدگان سیاست‌های نومحافظه‌کاری در ایران بودند. توجه به تولید، اصلاح فضای کسب و کار کشور و جایگزینی یک

فضای رقابتی به جای انحصارهای قدرتمند سیاسی- اقتصادی و تنظیم کلیه سیاست‌های اقتصادی- اجتماعی حول تامین نیازهای تولید، تنها راه‌حل پیش‌روی اقتصاد کشور است.

کارگران نانوايي 25 درصد افزايش دستمزد فروردين را دريافت نکردند

به نوشته ایمنای به تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است؛ طی گزارشی از عدم دریافت 25 درصد افزایش دستمزد کارگران نانوايي های کشور در سال جدید خبر داد. براساس این گزارش، 4 هزار کارگر نانوايي اصفهان 25 درصد افزایش دستمزد خود در فروردین 92 را دریافت نکردند. این گزارش می افزاید، کارفرمایان نانوايي ها اعلام کردند تا زمانی که افزایش قانونی نرخ نان از سوی دولت اعمال نشود قادر به پرداخت 25 درصد حقوق کارگران خود در سال جدید نیستند.

سالانه 200 هزار کارگر بیکار و بیش از 3 هزار واحد تولیدی تعطیل شده‌اند معیشت کارگران در هشت سال گذشته

به نوشته روزنامه شرق در 11 اردیبهشت 92 آمده است: **فاطمه جمال‌پور:** گزارش‌ها از تعطیلی 1200 واحد تولیدی در سال 90 خبر می‌دهد، برآورد می‌شود در سال 91 هم تعداد واحدهای تعطیل شده بیش از این باشد، در سال‌های 89 و 88 هم 700 و 500 واحد تولیدی تعطیل شده‌اند. آمارها از میانگین بیکاری سالانه 200 هزار کارگر هشت سال اخیر حکایت می‌کند.

30 ماه حقوق معوقه، تعدیل 200 کارگر، بازخريد کارگران، شش‌ماه حقوق معوقه، تعدیل 70 درصد نیروها، سه‌سال حقوق معوقه، 20 ماه حقوق معوقه و مزایا و عیدی سال 86 تاکنون، بلاتکلیفی و بیکاری کارگران، ضعف مدیریت، بدهی به بانک‌ها، تامین اجتماعی، استفاده از مرخصی اجباری و... از جمله نکاتی است که در هنگام ورق‌زدن لیست شرکت‌ها و واحدهای بحران‌دار سال 90-91 به چشم می‌خورد که خود مشتکی است نمونه خروار. اما تنها اینها نیست، در سال‌های اخیر تورم نسبت به افزایش حقوق کارگران شتابی فزاینده داشته چنانچه در سال گذشته رشدی بیش از دوبرابری پیدا کرد. اینها در کنار افزایش قیمت مسکن سپید غذایی خانوارهای کارگر را از مواد مغذی بیش از پیش تهی کرد و آنها را به حاشیه شهرها راند و کار به آنجا رسید که کارگران در زمینه میزان افزایش حقوقشان به دیوانعالی عدالت اداری شکایت کرده‌اند اما سرپرست وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این زمینه گفت: در رابطه با بحث شکایت، بیشتر جنبه‌های فرعی و رسانه‌ای کار دنبال می‌شود، چون در صورتی شکایت قابل طرح است که ما فرآیند تعیین دستمزد را به صورت قانونی انجام نداده باشیم، ما در این بخش هر چیزی را که عین قانون بوده، اجرا کردیم و برخی کارگران هم حقوق یک تا دومیلیونی دریافت می‌کنند.

حسین محجوب، دبیرکل خانه کارگر و نماینده مجلس درباره روند فزاینده بیکاری کارگران، تعطیلی کارخانجات و تاثیر این اتفاقات بر معیشت کارگران به سوالات «شرق» پاسخ گفته است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

ارزیابی‌تان از وضعیت معیشت کارگران و خانواده‌هایشان در پایان عمر دولت دهم چیست؟

با توجه به اینکه همه دنیا توانسته‌اند تورم را کنترل کنند و تورم بیماری‌ای است که در همه دنیا ریشه‌کن شده است با این حال در منطقه، کشور ما بالاترین تورم را دارد این در حالی است که 10 سال پیش در صدر جدول قرار نداشتیم و یکی از علت‌های این امر، این است که تمهیدات تورمی بوده است، به جای اینکه ضد تورم باشد. در سنوات گذشته تا 20، 30 سال پیش تورم، بیماری ناشناخته اقتصادی بود؛ راه‌های سخت برای کنترل آن وجود داشت، اما الان راه‌ها برای مقابله با تورم بسیار آسان شده اما از همین راه‌های آسان پرهیز می‌شود و تمهیدات به کار رفته به جای مقابله با تورم، تورم‌زا بوده است. بنابراین در چنین شرایطی، وقتی تورم نقطه به نقطه مرکز آمار 40 درصد می‌شود یعنی کارگران 40 درصد قدرت خرید از دست می‌دهند، این در حالی است که حقوق کارگران تنها 18 یا 19 درصد افزایش یافته و این یعنی کارگران حدود یک‌سوم از قدرت خرید خود را از دست می‌دهند؛ در نتیجه باید هر سال به مواد خوراکی ارزان‌تر روی بیاورند، پوشاک ارزان‌تر بخرند، خانه‌های ارزان‌تر

بگیرند و به حاشیه شهرها رانده می‌شوند. در حال حاضر جفت و جور کردن دخل و خرج کودکان، نابغه می‌خواهد. این در حالی است که درخواست کارگران اجرای بند یک ماده 43 قانون است یعنی پرداخت حقوقی برابر با نرخ تورم.

از سوی دیگر از زمان اجرای هدفمندی یارانه‌ها، فشار برای نپرداختن معیشت متناسب با تورم روی کارگران افزایش یافت، در حالی که یارانه به‌عنوان سیاست جبرانی پرداخت می‌شود و ارتباطی به تورم ندارد.

شکایت کارگران به دیوانعالی عدالت اداری به کجا رسید؟

این شکایت به نظر ما قانونی است و باید رسیدگی شود. مجلس هم به نظر ما علاوه بر دیوانعالی عدالت اداری باید رسیدگی و اعلام نظر کند حقوق‌ها باید حداقل 31 درصد و برابر با نرخ تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی افزایش یابد.

وضعیت اشتغال و بیکاری در این هشت سال چگونه بوده است؟ آیا شما آماری دارید که بگوید چه تعداد واحد تجاری و کارگاه در این هشت سال تعطیل شده است؟

از سوی دولت در سال‌هایی اعلام شده که اشتغال زیادی ایجاد شده است و این در حالی است که حداقل در آمار تأمین اجتماعی این افزایش دیده نمی‌شود. نمی‌توانیم بگوییم این اشتغال ایجاد نشده اما آمار رسمی مرکز آمار هم تنها کاهش یک‌دهم درصدی بیکاری را نشان می‌دهد و با توجه به برداشت سویی که باعث شد استاندارد اشتغال را از یک روز به یک ساعت تقلیل دهند، نرخ بیکاری بسیار بیشتر از این است که در حال حاضر اعلام می‌شود. یکی از مشکلات در زمینه اشتغال، اقدامات غیرکارشناسی در زمینه اعلام نرخ اشتغال است. در سال 88 دولت درخواستی به واحدهای تولیدی نوشت مبنی بر اینکه شرکت‌هایی که می‌خواهند استمهال بطلبند درخواست خود را اعلام کنند و چهارهزار واحد درخواست استمهال کردند پس بنابراین حداقل چهارهزار واحد مدعی هستند وضعیتشان بد است. آمار واحدهایی که در شرف تعطیلی هستند یا تعطیل شده‌اند در سال 90 حداقل 1200 واحد بود. در سال‌های 88 و 89 هم 700 و 500 واحد تولیدی تعطیل شده‌اند. همچنین تخمین زده می‌شود در سال 91 آمار واحدهای تعطیل‌شده یا در شرف تعطیلی تشدید شده است و در این سال‌ها سالانه 200 هزار کارگر شغلشان را از دست داده‌اند.

علت این موضوع را چه می‌دانید؟

بی‌توجهی به صنعت و تولید علت این موضوع است. در گذشته و تا سال 80 اگر یک واحد تولیدی تلنگر می‌خورد کار به هیات دولت و شورای اقتصاد می‌کشید، اما در حال حاضر، قطار قطار واحد تولیدی تعطیل می‌شوند اسمی هم برده نمی‌شود؛ کارخانجات پرآوازه الان مثل مرده‌های بی‌نشان شده‌اند. سرعت مرگ و تعطیلی کارخانجات به دلیل بی‌توجهی به مساله تولید، بیش از تولید بوده است. تولید ملی هرروز از سفرها و سبب خرید خانوار غیب می‌شود و این در حالی است که باید از تولید حمایت شود و واحدهای تولیدی وضع بسیار نگران‌کننده‌ای دارند.

آیا گزارشی از وضعیت معیشت کارگران بیکار شده دارید؟

کارگران با سابقه تا 36 ماه می‌توانند از بیمه بیکاری استفاده کنند اما در مجموع، کارگران بیکار شده وضعیت دشواری دارند، چراکه در حال حاضر گوشت، مرغ و ... از سفره کارگران شاغل هم غیب شده است. رشد فزاینده بیکاری در حالی اتفاق می‌افتد که قانون بیکاری مسکوت مانده و صندوق بیمه بیکاری تأمین اجتماعی به این صندوق، بدهی‌های زیادی را تحمیل کرده است. بر اساس آمار تأمین اجتماعی، کارگران جمعیتی 10 میلیونی دارند که این 10 میلیون نفر به اتفاق خانواده‌هایشان جمعیتی 39 میلیون نفری را تشکیل می‌دهند و این یعنی دخل و خرج نیمی از جمعیت کشور با هم نمی‌خواند. بررسی مقایسه‌ای «شرق» از درصد افزایش حقوق و نرخ تورم سال‌های 76 تا 91 نشان می‌دهد تا سال 86 همواره درصد افزایش حقوق، بیش از تورم بوده است. در سال 87، درصد افزایش حقوق و نرخ تورم برای اولین بار در این سال‌ها برابر شد و البته در سال‌های 90 و 91 نرخ تورم افزایش بیش از دوبرابر درصد افزایش حقوق یافت و این در حالی بود که هیچ سیاستی برای حمایت از کارگران اتخاذ نشد. اینها همه در حالی است که سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره بازبودن پرونده تعیین حداقل دستمزد سال‌جاری و اینکه چه تغییری قرار است در مزایای جانبی کارگران برای

سال جاری اعمال شود؟ گفت: حداقل دستمزد تعیین شده برای سال جاری کف حمایت‌ها است و ما کارگرانی داریم که به لحاظ نوع تخصص و مهارتی که دارند بین یک تا دو میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند. سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پاسخ به سوال دیگری درباره شکایت صورت گرفته از سوی برخی گروه‌های کارگری درباره تخلف در تعیین حداقل دستمزد 487 هزار و 125 تومانی سال جاری، گفت: در رابطه با بحث شکایت، بیشتر جنبه‌های فرعی و رسانه‌ای کار دنبال می‌شود، چون در صورتی شکایت قابل طرح است که ما فرآیند تعیین دستمزد را به صورت قانونی انجام نداده باشیم، ما در این بخش هر چیز که عین قانون بوده را اجرا کردیم. عباسی، تاکید کرد: با اینکه کار تعیین حداقل دستمزد امسال، انجام شده باز هم در اینجا قانون باید برای ما مشخص کند و چیزی نیست که از جای دیگری آمده باشد. دیوان عدالت اداری در صورتی کار را بررسی می‌کند که نرخ تعیین شده باشد و آن نرخ پرداخت نشود و خلاف آن صورت گیرد، نه اینکه نرخ تعیین و ابلاغ شده، هر سال نیز همین‌گونه بوده و حال به اینصورت درآمده باشد. ما باید راه‌های دیگری را برای حمایت از کارگران پیدا کنیم. سرپرست وزارت رفاه تنها به ذکر یافتن راه‌هایی دیگر برای حمایت از کارگران بسنده کرده است و وعده‌ای که مشخص نیست کی، چگونه و با کدام اعتبارات تامین می‌شود اما هرچه هست این وعده‌ها برای هزارها کارگر بیکار شده و خانواده‌هایشان و دیگر کارگران نان نمی‌شود و باید دید دیوانعالی عدالت اداری در بررسی شکایت کارگران چه حکمی صادر می‌کند و آیا رشد ناچیز حقوق کارگران بالاخره به پای تورم می‌رسد؟

نگذاریم بهنام ابراهیم زاده را به زندان بازگردانند، فرزند بیمارش به شدت نیازمند حضور پدر است.

این روزها در حالی که خانواده ی ابراهیم زاده به شدت درگیر بیماری نیما هستند و در تکاپوی مداوم برای تهیه ی دارو و بستری کردن او به سر می برند، موضوع عدم تمدید مرخصی بهنام ابراهیم زاده و بازگرداندن وی به زندان، برایشان رنج و عذابی مضاعف شده است. نیما در شرایطی نیست که بتواند استرس، اضطراب و شوک های عاطفی را تاب بیاورد. بدن ضعیف او به شدت آسیب پذیر است و هرگونه ضربه ی روانی می تواند روند بهبودی او را دچار اختلال کند و او را در وضعیت خطرناک قرار دهد. امروز ضمن گرامیداشت روز کارگر، از تمامی مسئولان قضایی مرتبط با پرونده ی بهنام ابراهیم زاده تقاضا می کنیم، وضعیت اضطراری و حساس این پدر زحمتکش و تنها فرزندش را جدی بگیرند. این روزها نیما، نیاز حیاتی به پدر دارد و بازگرداندن او به زندان یعنی قطع کردن داروهای نیما و روند درمان او و وارد آوردن شوک های روانی شدید به کودکی که سه ماه تمام است با همه ی توان می جنگد تا فقط و فقط بتواند زنده بماند. از شما می خواهیم با تمدید قطعی مرخصی وی تا زمان بهبودی فرزندش، نگذارید کودکان قربانی تصمیمات بزرگترها شوند و خدای ناکرده فاجعه ای دیگر به بار آید. ما همچنین از کلیه ی رسانه های خبری، فعالان حقوق بشر، فعالان رسانه ای، خانواده های زندانیان سیاسی و جامعه ی پزشکی داخل و خارج از ایران، خواهشمندیم «نیما» را با سرطان تنها نگذارید. سرطان هم درد دارد و هم هزینه. صدای نیما و یاری رسان او باشید. او می خواهد زنده بماند...

کمپین حمایت از کودکان والدین زندانی
اول می ۲۰۱۳ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

با برگزاری کنگره: اعضای شورای مرکزی خانه کارگر انتخاب شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است: «علیرضا محجوب»، «علی ربیعی» و «حسین کمالی» به عنوان اعضای شورای مرکزی خانه کارگر انتخاب شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در هفتمین کنگره سراسری خانه کارگر که در مرکز علمی کاربردی این تشکل کارگری در تهران برگزار شد، علیرضا محجوب، علی ربیعی و حسین کمالی با اکثریت آرا به عنوان اعضای شورای مرکزی

خانه کارگر انتخاب شدند بر اساس این گزارش، «حسن صادقی»، «عبدالرحمان تاج الدین» و «سهیلا جلودارزاده» به عنوان شورای نظارت این تشکل کارگری برگزیده شدند.

پایان پیام

بررسی آماری «شرق» از 8 سال گذشته مشخص کرد سبقت تورم از حقوق معلمان

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است: تورم جاری در کشور طی هشت سال اخیر، با سرعت بالاتری نسبت به میانگین حقوق معلمان پیشروی کرده است. بررسی «شرق» نشان می‌دهد تورم طی هشت سال اخیر در مجموع 164 درصد، حقوق کارگران 150 درصد و حقوق معلمان 108 درصد افزایش داشته است. 12 اردیبهشت مصادف است با روز معلم. در این روز اکثر مسوولان سعی دارند در همایش‌ها و جشن‌ها از کرامت جایگاه معلمان سخن بگویند. اظهاراتی که در نوع خود درست است اما نان و آبی برای معلمان نمی‌شود. بررسی «شرق» نشان می‌دهد، میزان افزایش حقوق فرهنگیان طی هشت سال اخیر در زمان فعالیت دولت نهم و دهم بارها از سرعت افزایش تورم در جامعه جا مانده است. بدتر آنکه حقوق فرهنگیان در مقایسه با سایر کارمندان دولت، میانگین درآمد شغل‌های آزاد در جامعه و کارگران به مراتب پایین‌تر است.

افزایش فاصله حقوق معلمان و نرخ تورم در دولت دهم

اگرچه میانگین دریافتی حقوق فرهنگیان همواره طی 30 سال اخیر مورد انتقاد فرهنگیان بوده است، اما کارنامه دولت نهم و دهم نشان می‌دهد این دولت نه تنها کمک شایانی به افزایش میزان حقوق معلمان نکرده، بلکه زمینه‌ساز کاهش میزان حقوق معلمان در مقایسه با کارگران شده است. حتی بحث افزایش حقوق معلمان در دولت نهم به یکی از چالش‌برانگیزترین مسایل در حوزه آموزش و پرورش تبدیل شد، به طوری که پس از برکناری محمود فرشیدی و انتصاب علیرضا علی‌احمدی به عنوان وزیر آموزش و پرورش، او با اظهارنظری جنجالی عنوان کرد: برای کیفیت شرعی بودن دریافت حقوق معلمان در فصل تابستان باید از مراجع تقلید، استفتا بگیریم. اظهارنظری که باعث شد موجی از اعتراضات از سوی جامعه فرهنگیان به سمت مدیریت علیرضا علی‌احمدی روانه شود. پس از آن در دولت دهم نیز با ورود حمیدرضا حاجی‌بابایی، نماینده سابق مجلس که در فراکسیون فرهنگیان سال‌ها سنگ فرهنگیان را به سینه می‌زد و خواستار افزایش حقوق آنها بود، فرهنگیان شاهد افزایش و ترمیم حقوق خود نبودند. به طوری که بررسی میزان افزایش حقوق فرهنگیان در سال 88 همزمان با وزارت حاجی‌بابایی در آموزش و پرورش نشان می‌دهد فاصله تورم و میزان حقوق معلمان بیش از گذشته افزایش یافت، به طوری که در سال 85 تورم عمومی در کشور 11 درصد و افزایش حقوق فرهنگیان 14 درصد بود؛ در حالی که در سال 1389 همزمان با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها تورم در کشور 30 درصد و میزان افزایش حقوق معلمان 15 درصد بود.

سال 92 بالاترین درصد افزایش حقوق معلمان

بررسی درصد افزایش حقوق معلمان طی هشت سال اخیر نشان می‌دهد بیشترین میزان افزایش حقوق معلمان مربوط به سال 92، تا 25 درصد، سال 88، با 18 درصد و سال 85، با 14 درصد است. این در حالی است که درصد افزایش تورم در سال‌های 92، 88 و 85 به ترتیب 30، 10 و 11 درصد بوده است. از سوی دیگر افزایش درصد حقوق معلمان در سال 92 به میزان 25 درصد، گرچه در ظاهر میزان بالاتری را نسبت به سال‌های قبل داشته است اما در مقایسه با تورم سال جاری آن قدر هم تأثیری در معیشت فرهنگیان ندارد؛ چراکه در سال جاری تورم به میزان 30/5 درصد افزایش داشته و در واقع تأثیر زیادی در معیشت فرهنگیان ندارد.

سهم بالاتر کارگران از افزایش حقوق در مقایسه با فرهنگیان

طی هشت سال اخیر کارگران در افزایش حقوق خود اوضاع بهتری نسبت به فرهنگیان داشته‌اند، گرچه درصد حقوق آنها نیز از درصد افزایش تورم جا مانده است. بر اساس بررسی «شرق» کارگران طی هشت سال اخیر در مجموع شاهد افزایش 150 درصدی حقوق خود بوده‌اند که تنها 14 درصد از میزان افزایش تورم پایین‌تر است.

در حالی که درصد افزایش حقوق فرهنگیان طی هشت سال اخیر 108 درصد و تورم 164 درصد افزایش داشته است. به عبارت دیگر درصد افزایش حقوق فرهنگیان طی هشت سال اخیر 56 درصد کمتر از میزان افزایش تورم (طی هشت سال اخیر) بوده است.

نکات نگران‌کننده بودجه 92

افزایش 25 درصدی حقوق معلمان امیدوارکننده، و کاهش اعتبارات سازمان نوسازی مدارس نکته نگران‌کننده‌ای در بودجه سال 92 وزارت آموزش و پرورش است. بر اساس بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تغییرات هزینه عمومی آموزش و پرورش از مقایسه لایحه بودجه سال 1392، با شش درصد افزایش نشان می‌دهد که این میزان رشد تحت‌تأثیر افزایش حقوق مستمر معلمان بوده است. هرچند افزایش 31/2 درصدی حقوق مستمری معلمان در لایحه بودجه سال 1392 به‌عنوان نکته مثبت این لایحه، احتمال دغدغه‌های مربوط به حقوق و دستمزد این قشر زحمتکش و فداکار را کاهش می‌دهد، اما کاهش 47/9 درصدی بخش سایر هزینه‌های عمومی در این سال، انجام بسیاری از فعالیت‌های کیفی و اداری آموزش و پرورش را با موانع جدی مواجه خواهد کرد. حذف ردیف‌های مستقل سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش که به موجب قانون تاسیس شده‌اند و جمعیت آنها ذیل ردیف بودجه 127500 سبب تمرکز بیشتر سازمانی گردیده و قدرت برنامه‌ریزی، مدیریت و تصمیم‌گیری سازمان‌های تابعه را تضعیف کرده است. لازم به ذکر است این اقدام، این امکان را به دستگاه اجرایی می‌دهد تا با استفاده از اختیارات قانونی مانند ماده (79) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، اعتبارات دستگاه‌های زیرمجموعه را در طول سال تغییر دهد. پیشنهاد می‌شود در این خصوص همانند قانون بودجه سال 1391 دستگاه‌ها دارای ردیف مستقل شوند. انتزاع برخی ردیف‌ها و زیرواحدها و بخش‌های وابسته به دستگاه‌های تابعه سبب پراکندگی و ازهم‌گسیختگی در سازمان‌ها گردیده و ضمن اینکه مقایسه و ارزیابی دو بودجه (قانون سال 1391 و لایحه سال 1392) را دشوار نموده، مدیریت و برنامه‌ریزی و نظارت دستگاه مربوط را با مشکل مواجه کرده است.

در بیانیه انجمن‌های صنفی کارگران ایران عنوان شد: بی‌اثر شدن قانون کار با احیای نظام استاد و شاگردی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است: «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران با صدور بیانیه‌ای از بی‌اثر شدن قانون کار با «احیای نظام استاد و شاگردی» ابراز نگرانی کرده است.

به گزارش ایلنا، در این بیانیه با اشاره به «بحران‌های اقتصادی در جهان و منطقه به ویژه کشور ایران» آورده شده است: «سفره کارگران روز به روز تهی‌تر می‌شود و تورم لجام گسیخته که گریبان گیر کارگران ایران شده باعث کاهش قدرت خرید و ظهور فقر واقعی در خانواده آنان شده است. این تشکل رسمی کارگری در ادامه با انتقاد از «غفلت از مشارکت کارگری و کارفرمایی در تغییرات قانون کار و تأمین اجتماعی» اشاره کرده است «تک‌روی‌های حوزه روابط کار، باعث نگرانی جامعه کارگری شده است».

در بخشی از بیانیه آمده است: «اساس حیات جامعه کارگری در امنیت شغلی، معیشت و آزادی تشکلات خلاصه می‌شود ولی با وجود پافشاری دولت‌های این موارد روز به روز به قهقرا می‌رود و کار تا جایی ارتقاء یافته که نظام‌های پوسیده استاد و شاگردی به دلایل غیر منطقی بها داده شده و بیم آن می‌رود که با اجرای اینگونه مقررات، قوانین حداقل کار به کل کان لم یکن گردد».

پایان پیام

کارگران ایرانی از بسیاری از حقوق اساسی کارگری از جمله حق تشکیل اتحادیه مستقل محروم اند

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است که یک سازمان مدافع حقوق بشر دولت ایران را به نقض فزاینده حقوق کارگران این کشور متهم کرده است. در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، سازمان دیده بان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای، با متهم کردن دولت ایران به نقض همه جانبه حقوق کارگران در این کشور، گفته است که دهها تن از کارگران و فعالان اتحادیه های مستقل کارگری در جمهوری اسلامی "به خاطر سخن گفتن در دفاع از حقوق کارگران" بازداشت و زندانی شده اند. موضوعات مرتبط

سیاست ایران

این سازمان از دولت ایران خواسته است تا "به این سرکوب پایان دهد و با نزدیک شدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، مدافعان حقوق کارگران را آزاد کند". این بیانیه می افزاید که با آغاز دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، تهاجم به حقوق کارگران در ایران شدت گرفت و نیروهای امنیتی به ارباب و بازداشت غیرقانونی تعداد روزافزونی از کارگران مبادرت کردند و آنان را با انگیزه های سیاسی، تحت پیگرد قرار دادند و به محاکمه های غیرمنصفانه کشاندند. دیده بان حقوق بشر در بیانیه خود می نویسد که سرکوب حق تشکیل سندیکاها کارگری و مدافعان حقوق کارگران در ایران مانع از آن شده است تا آنان بتوانند بر سیاست های کارگری دولت و شرایط کار تأثیری بگذارند در حالیکه وخامت اوضاع اقتصادی ایران بسیاری از مردم را به دامان فقر افکنده است. براساس این بیانیه، در ایران تشکیل اتحادیه کارگری مستقل ممنوع است و دهها تن از فعالان کارگری تنها به جرم تلاش برای برخورداری از حق تشکل، زندانی شده اند و بسیاری دیگر با سپردن وثیقه در خارج از زندان و در انتظار رسیدگی دادگاه های انقلاب به پرونده هایشان به سر می برند. دیده بان حقوق بشر می نویسد که روز ۱۵ آوریل - پانزده روز پیش - رضا شهابی، از رهبران سندیکایی در ایران، در خاتمه مرخصی استعلاجی، به زندان اوین احضار شد تا دوره محکومیت شش سال حبس خود را به اتهام "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی" و "تبانی علیه امنیت ملی" بگذراند. آقای شهابی خزانه دار و از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، یک اتحادیه مستقل کارگری در ایران است که اعضای آن بارها هدف تهاجم دولت ایران قرار گرفته اند. در اوایل ماه مارس نیز، مقامات امنیتی هفت تن از فعالان سرشناس کارگری را در سنندج، مرکز استان کردستان ایران بازداشت و ظاهراً آنان را به فعالیت علیه امنیت ملی متهم کردند.

این بیانیه یادآور می شود که قانون کار ایران حق تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل از شورای اسلامی کار را، که یک نهاد مورد تأیید دولت است، به رسمیت نمی شناسد اما کارگران کوشیده اند به تشکل و فعالیت در چارچوب چند اتحادیه مستقل مبادرت ورزند که از آن جمله می توان به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران مجتمع شکر هفت تپه و اتحادیه مستقل کارگران ایران اشاره کرد.

در عین حال، از سال ۲۰۰۵ به بعد، دولت ایران بارها به ارباب، احضار، بازداشت، محاکمه و محکومیت کارگران مرتبط با این تشکل های مستقل مبادرت کرده است.

تحریم و وخامت شرایط کارگران

دیده بان حقوق بشر با اشاره به پرداخت نشدن دستمزد کارگران در تعدادی از واحدهای تولیدی ایران، می نویسد که حدود ۸۰ درصد از کارگران ایران به صورت روزمزد یا با قراردادهای استخدام موقت و به شکلی غیررسمی مشغول به کار هستند و در نتیجه، با محدودیت حقوق مادی و محرومیت از حمایت و امنیت شغلی مواجه اند.

کارگر ساختمانی

اکثر کارگران ایران بدون داشتن قراردادهای دائم و رسمی به کار مشغولند و حمایتی از آنها به عمل نمی آید

محرومیت از حقوق کارگری به خصوص در مورد گروه های آسیب پذیرتر مانند زنان، کودکان و مهاجران افغان

مصدق بیشتری دارد به نحوی که کارفرمایان در اخراج کارگران، برای زنان اولویت قایل می شوند تا در هزینه های مربوط به بیمه درمانی و مرخصی زایمان صرفه جویی کنند.

در سال های اخیر، شمار کارگران زیر پانزده سال در ایران افزایش قابل توجهی یافته و براساس گزارشی که مرکز پژوهش های مجلس در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲ منتشر کرد، بیش از ۹۰ درصد از سه میلیون و دویست و پنجاه هزار کودک محروم از تحصیل مشغول به کار هستند. این در حالی است که ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی، استخدام افراد زیر این سن را ممنوع اعلام کرده است.

دیده بان حقوق بشر با اشاره به تحریم های اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا و آمریکا علیه برنامه های هسته ای ایران، به نقل از فعالان کارگری می نویسد که این تحریم ها باعث وخامت بیشتر شرایط کارگران ایران شده است.

طی چند سال اخیر، بر میزان تعطیلی واحدهای تولیدی و اخراج کارگران افزوده شده و براساس آمار رسمی، حدود پنجاه درصد از واحدهای تولیدی، خط تولید را متوقف کرده یا در آستانه توقف خط تولید هستند و کارخانه های بزرگتر نیز با حدود ۳۰ درصد ظرفیت فعالیت می کنند. به گفته رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، بین ماه مه سال ۲۰۱۱ تا ماه مه ۲۰۱۲، بیش از یکصد هزار کارگر ایرانی بیکار شده اند.

دیده بان حقوق بشر در این بیانیه، اسامی تعدادی از فعالان کارگری را که در زندان به سر می برند منتشر کرده و یادآور شده است که براساس ماده ۲۲ معاهده بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ معاهده بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کارگران از حق تشکیل و عضویت در اتحادیه های کارگری برخوردارند.

ایران این دو معاهده را امضا کرده اما اگرچه عضو سازمان بین المللی کار است، تا کنون از امضای کنوانسیون های این سازمان در مورد حمایت از حق آزادی سازماندهی و تشکیل نهادهای کارگری و تعیین حداقل سن کار خودداری ورزیده است.

روز اول ماه مه، روز بین المللی کارگر است و در بسیاری از کشورهای جهان، مراسمی به همین مناسبت برگزار می شود.

در ایران نیز در سال های پیشتر، نهادهای کارگری مورد تایید حکومت راهپیمایی هایی را به این مناسبت برگزار می کردند اما در سال های اخیر، دولت مجوز برگزاری چنین اجتماعاتی را نداده است.

روز سه شنبه، ۱۰ اردیبهشت (۳۰ آوریل)، خبرگزاری کار ایران گزارش کرد که با وجود اینکه تنها یک روز به روز جهانی کارگر باقی مانده، وزارت کشور هنوز به درخواست صدور مجوز برای برگزاری راهپیمایی در این روز پاسخی نداده است.

پس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام: پیشنهاد شکایت از مزد ۹۲ در رسانه های کارگری طرح شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۹۲ آمده است: رئیس هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام بر نقش رسانه ها در آگاه سازی جامعه کارگری از حقوق بنیادین خود تاکید کرد.

«منوچهر یار احمدی» در این باره به ایلنا گفت: شکایت از مزد ۹۲ برای اولین بار در رسانه‌های کارگری مطرح شد. کارگران از مزد ۹۲ ناراضی بودند و می‌دانستند یک جای کار می‌لنگد. بیان مشکلات جامعه کارگری و اطلاع رسانی درباره آن‌ها، باعث شد تا کارگران از ابزارهای قانونی که برای اعتراض به مصوبه شورای عالی تعیین دستمزد در اختیار دارند آگاه شوند. وی ادامه داد: اعتراض کارگران به رقم مزد ۹۲ و شکایت از آن در دیوان عدالت اداری، ابتدا از طریق رسانه‌ها مطرح شد و در مرحله بعدی، تشکل‌ها و اتحادیه‌های کارگری این مساله را پیگیری کردند. وی مهم‌ترین اقدام تشکل تازه تاسیس کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام را پیش‌قدم شدن در شکایت از مزد ۹۲ در دیوان عدالت خواند.

گفتنی است اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام اولین تشکل کارگری بود که برای شکایت از مصوبه ی شورای عالی کار در دیوان عدالت اقدام کرد و سپس پنج تشکل دیگر از جمله کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران به حرکت صنفی پیوستند.

یار احمدی در تشریح چگونگی تشکیل اتحادیه کارگری متبوع خود با اشاره به وقوع اعتصابات کارگری در منطقه ویژه ماهشهر در اواخر سال ۸۹ و اوایل سال ۹۰ بیان کرد: فشار کارفرمایان به آستانه تحمل کارگران رسیده بود. در ۲۵ فروردین سال ۹۰، یک اعتراض صنفی گسترده با استفاده از ماده ۱۴۱ قانون کار در منطقه صورت گرفت که در پی این حرکت بیش از ۱۰ کارخانه پتروشیمی از کار افتادند. وی تصریح کرد: بعد از اعتراض صنفی گسترده ابتدای سال ۹۰، امکانات رفاهی بهتری در اختیار کارگران بندر امام قرار گرفت اما راضی کننده نبود. فعالان کارگری منطقه به این فکر افتادند که اگر در قالب اتحادیه به کارهای صنفی بپردازند می‌توانند با فعالیت در سایه قانون، با هزینه کمتر، دستاوردهای بیشتری داشته باشند.

گفتنی است، در تاریخ ۱۸ بهمن ماه سال ۹۱، مجمع عمومی اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام با حضور ۴۶ فعال کارگری از بیش از ۲۵ کارخانه پتروشیمی در منطقه تشکیل شد و اعضای هیئت مدیره این تشکل کارگری با برگزاری انتخابات بدین سمت برگزیده شدند.

پایان پیام

پرداخت مطالبات معوق بازنشستگان تا پایان اردیبهشت

به نوشته روزنامه شرق به نقل از خبرگزاری دولتی فارس در ۱۲ اردیبهشت ۹۲ آمده است: سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از پرداخت مطالبات معوقه بازنشستگان تا پایان اردیبهشت جاری خبر داد. اسدالله عباسی با اعلام این خبر در لاهیجان افزود: «مطالبات بازنشستگان از سال ۱۳۷۹ باقی مانده که سال گذشته دوهزار و ۵۰۰ میلیون تومان به صورت سهام واگذار شد و تا پایان اردیبهشت امسال نیز مبلغ ۱۲۰ میلیارد تومان به حساب بازنشستگان واریز می‌شود.» همچنین وی گفت: «پرداخت معوقات چایکاران نیز از جیب دولت بوده است»، افزود: «اگرچه جای خشک این منطقه توانایی تامین نیاز کشور و حتی صادرات را دارد اما دست‌هایی در منطقه نگذاشته‌اند که این سرمایه ملی رشد پیدا کند.»

روز جهانی کارگر و "نهضت" توخالی عوامفربان رضا سپیدرودی

هیچ کجا به اندازه بزنگاه عمل برای شناخت واقعی نیت و مقاصد گروه‌ها و جریان‌ها و جریانات مختلف مدعی حمایت از کارگران اهمیت ندارد. از مصادیق بسیار روشن و قابل توجه در این زمینه "برنامه ای" است که "خانه کارگر" به جای روز جهانی کارگر به نام "هفته کارگر" براه انداخته است. این جریان از اول سال جاری به کمک رسانه‌ها و تشکل‌های وابسته اش غوغا براه انداخته و از کارگران خواسته است، به بیان تبلیغاتی خودشان، "به نهضت" شکایت از حداقل دستمزد پیوندند. در واکنش به این قیل و قال تبلیغاتی تاکید شد که این طرح با هدف منفعل و

امیدوار نگاه داشتن کارگران و جلوگیری از جهت گیری نارضایتی عمیق شان از وضعیت دستمزدها به سمت حرکت ها و اقدامات مستقل تدارک شده و عملا هیچ سودی برای کارگران ندارد. هدف این است که هیچ صدایی از کارگران بلند نشود و در عوض ماهها منتظر بمانند تا در شرایطی که انتخابات و جایجایی قدرت دولتی هم در راه است شاید دیوان عدالت اداری چند ماه بعد رایبی که معلوم نیست حتی اگر به فرض به نفع شاکیان باشد عملا چه دردی از دردهای کارگران دوا می کند صادر نماید. این واقعیت که خانه کارگر هیچ نقشه ای جز مصادره نارضایتی کارگران در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ندارد از "برنامه ای" که برای "هفته کارگر" تدارک دیده اند هم معلوم می شود. می خواهند کارگران را در روز اول زیر نام "کارگر، ولایت، امام و شهدا" بر سر قبر خمینی ببرند و جارو به دستشان بدهند که قبر کارگران شهید را قبار رویی کنند. برای نشان دادن اطاعت شان از ولی فقیه دو روز را به نام "کارگر، نماز، وحدت و حماسه سیاسی" و «کارگر، صیانت از کار، تولید ملی و حماسه اقتصادی» نام گذاشته اند. حالا این که این نام چه به درد کارگر گرسنه می خورد معلوم نیست و این دو روز تا جایی که از "برنامه" خانه کارگر برمی آید قرار است صرفا با همین دو عدد عنوان پر شود. عنوان چهارمین روز "کارگر، مهارت آموزی و نشاط اجتماعی" اعلام شده و گفتند کارگران و خانواده هایشان پیاده روی کنند ولی اعلام نشده که امسال قرار است کارگران را برای شنیده نشدن صدایشان در کدام ده کوره ای به "پیاده روی" ببرند. البته در همین روز "ورزش صبحگاهی در مراکز کارگری" را هم اضافه کرده اند تا کارگرانی که ماههاست حقوق نگرفته اند به نشاط اجتماعی گرفتار آیند. عنوان برنامه دو روز بعد "کارگر، سلامت و خانواده" و همچنین "کارگر، فرهنگ کار و تعاون" است و سرانجام یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر را هم "کارگر و بصیرت فاطمی" نام گذاشته اند چون روز تولد فاطمه زهرا دختر پیامبر اسلام وهمچنین سالروز تولد خمینی است.

چنان چه آشکارا دیده می شود این برنامه طوری تهیه و تنظیم شده که هیچ روزنه ای برای اعتراض مستقل کارگران باز نماند و هیچ حرکتی مستقل از خانه کارگر و سیاست ها و برنامه هایش اصولا امکان پذیر نباشد. این اولین سال نیست که خانه کارگر چنین برنامه هایی در روز جهانی کارگر تهیه می بیند. بردن کارگران سر قبر خمینی و دیدار با امام جمعه ها و دادن چند تا مدال تقلبی و نشان های بی ارزش دیگر در مراسم فرمایشی در سالن های کوچک در بسته به ایادی خودشان به عنوان کارگر سال هاست که سیاست خانه کارگر است. در واقع جلوگیری از شنیده شدن صدای کارگران و مطالبات واقعی آنها فلسفه وجودی خانه کارگر است و "برنامه" های هفته کارگرش هم هر سال بر همین مینا تهیه می شود. ریاکاری وابستگان این تشکل و جنجال آنها در هفته های اخیر بر سر حداقل دستمزد را از همین منظر هم می توان دید. تشکل های شبه دولتی که به کارگران فراخوان شکایت از حداقل دستمزد به دیوان عدالت اداری داده اند، اگر ریگی به کفش نداشتند و اگر واقعا قصد داشتند به دولت و شورای عالی کار فشار موثر وارد کنند که مصوبه خود را پس بگیرد، علیرغم برخورداری از حاشیه امن، مسلما چنین فرصت یازده اردیبهشت را سلاخی نمی کردند. آن هم در شرایطی که با فرا رسیدن پایان دوره احمدی نژاد حالا هر کس از هر موضعی و به هر دلیلی یکی هم برسر آنها می زند و دهن کجی به این دارودسته و انتقاد از آنها در فضای رقابت های جناحی بازار گرمی دارد. آنها می دانند که ابعاد نارضایتی کارگران از وضعیت فاجعه بار کنونی در حدی است که اگر فضایی برای جاری شدن پیدا کند بسرعت غیر قابل کنترل خواهد شد. نه فقط خانه کارگر که سایر جناح های رژیم هم این واقعیت را می دانند که اگر ذره ای تسمه سرکوب را شل کنند، اوضاع ممکن است از کنترل شان خارج شود. آنها مایلند نارضایتی کارگران را به سود مقاصد گروهی خود مصادره کنند مشروط به این که چیزی به خود کارگران نرسد و آنها فقط نردبان جاه طلبی و قربانی رقابت های سیاسی باندهای قدرت شوند. اما با پیگیری سازمان یابی مستقل کارگری همروند با روشنگری در باره عملکردها و مقاصد باندها و جناح های مختلف درون و حاشیه رژیم، می توان سیاست مصادره جویی آنها را عقیم گذاشت.

احضار ها در آستانه اول ماه مه

احضار فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی به ستاد خبری اداره ی اطلاعات شهر سنندج

بر اساس گزارش رسیده، طی چند روز گذشته و در آستانه ی اول ماه مه، نیروهای امنیتی اداره ی اطلاعات شهر سنندج اقدام به احضار و بازداشت موقت تعدادی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی و اتحادیه آزاد کارگران ایران نموده، و صراحتن آنان را از شرکت در مراسم روز جهانی کارگر منع و برحذر داشتند؛ و با خط و نشان کشیدن و تهدید این فعالین به عدم حضورشان در روز کارگر، حقوق حقه ی کارگران و فعالین کارگری را نادیده گرفته و آنان را در صورت حضورشان در مراسم تهدید به بازداشت نمودند. در این راستا احضار خلیل کریمی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران، کورش بخشنده و فردین میرکی از اعضای کمیته هماهنگی تنها بخش کوچکی از موج گسترده ی تهدید و ارباب فعالین کارگری می باشد. زیرا با تماس های تلفنی با بسیاری از فعالین و تهدید آنان به بازداشت، سیاست اهانت آمیز پایمال نمودن حقوق اولیه ی کارگران را در اجرای روز جهانی کارگر به اجرا در آورده اند.

کمیته هماهنگی ضمن گرامی داشت مجدد اول ماه مه به تمامی کارگران ایران و جهان، هر گونه سیاستی را جهت تشدید فشار به کارگران و فعالین کارگری جهت ممانعت از برگزاری روز جهانی کارگر را قوین محکوم نموده، و برگزاری مراسم های گرامی داشت مستقل کارگری را حق بی چون و چرا و غیر قابل انکار کارگران می داند، و با تمام قوا از مطالبات جنبش کارگری دفاع نموده، و بر حقانیت آنها پای فشاری می نماید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری- 92/2/10

76 بیانیه

احضار شاهرخ زمانی به دادگاهی در تهران

در آستانه ی روز جهانی کارگر، شاهرخ زمانی کارگر زندانی در زندان گوهردشت به دادگاه احضار شد.

به قرار اطلاع، صبح امروز به شاهرخ زمانی ابلاغ شده است که بایستی فردا چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه در دادگاهی در تهران حاضر شود. این در حالی است که علت و شعبه ی دادگاه احضار کننده به وی گفته نشده است.

شاهرخ زمانی در پاسخ به این مساله اظهار داشته است که در این دادگاه حاضر نخواهد شد. وی گفته است که ابتدا به ساکن و بدون ارتکاب به هیچ عملی دستگیر، محاکمه و به ۱۱ سال زندان محکوم شده است و همچنان معترض حکمی است که موجب زندانی شدن وی شده است. از سوی دیگر پرونده ی وی در شعبه ی اول دادگاه انقلاب تبریز در جریان بوده و هیچ دلیلی برای احضار به دادگاهی در تهران وجود ندارد و وی این احضاریه را غیرقانونی می داند و در دادگاه حاضر نخواهد شد. این اقدام کارگزاران در حقیقت اوج اقدامات خودسرانه در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی را نشان می دهد.

از طرفی این نوع احضار، بدون اعلام هیچ اتهام و شعبه ی دادگاه موجب نگرانی خانواده و دوستان این فعال در بند کارگری از وجود توطئه ای در پس این احضار شده است.

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی در آستانه ی روز جهانی کارگر اعمال فشار بر فعالین کارگری را افزایش داده است، به نظر می رسد در همین راستا به نظر می رسد جمهوری اسلامی درصدد است تا پرونده ی جدیدی را علیه شاهرخ زمانی بگشاید تا او را هر چه بیشتر تحت فشار قرار دهد.

کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی ضمن محکومیت این اقدام ضدکارگری خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط شاهرخ زمانی و سایر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در بند است و از تمامی نیروهای انقلابیو فعالین کارگری می خواهد تا با شرکت هر چه همیسته تر و باشکوه تر در مراسم روز جهانی کارگر در سراسر جهان اعتراضات خود را به این اعمال ضدانسانی ابراز دارند.

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر

پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

بازداشت و پرونده سازیهای واهی بر علیه فعالین کارگری در آستانه اول ماه مه

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 8 اردیبهشت 92 آمده است: خلیل کریمی صبح امروز احضار، بازجویی و بلافاصله برایش در دادگاه انقلاب سنندج پرونده سازی شد و قرار است فردا مورد محاکمه قرار بگیرد.

دیروز و بدنبال احضاریه کتبی اداره اطلاعات سنندج، خلیل کریمی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از ساعت 8 صبح امروز از سوی چندین مامور امنیتی در این اداره مورد بازجویی قرار گرفت. در این بازجویی ها مامورین امنیتی با اعلام اینکه وی در حال هماهنگی برای برگزاری مراسم اول ماه مه در شهر سنندج است، تلاش کردند با وارد کردن اتهامات واهی به او و غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران خلیل کریمی را وادار به استعفا از اتحادیه بنمایند. اما خلیل با تاکید بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و عدم استعفایش از آن، بر حق کارگران جهت برگزاری مراسم اول ماه مه تاکید کرد.

بدنبال این بازجویی ها که توأم با تشکیل پرونده و قید اتهامات واهی در آن بود خلیل کریمی ساعت 12/30 ظهر توسط مامورین امنیتی به شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنندج منتقل و همانجا پرونده ای برایش تشکیل شد و در ادامه به ایشان ابلاغ گردید فردا راس ساعت 9 صبح جهت محاکمه در این شعبه دادگاه حاضر شود. خلیل کریمی امروز احضار، بازجویی و بلافاصله برایش در دادگاه انقلاب سنندج پرونده سازی شد و قرار است 20 ساعت پس از تشکیل پرونده مورد محاکمه قرار گیرد.

چنین برخورد عاجلی با کارگران معترضی که هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی شان مرتکب نشده اند نشان از دستپاچگی دشمنان طبقه کارگر در برخورد به خواستها و مطالبات کارگران و حق مسلم آنان برای برپایی مراسم روز جهانی کارگر دارد، وگرنه در این مملکت احضار و بازداشت و بازجویی و محاکمه بزرگترین اختلاس گران مالی و یا پرونده های ریزتر اینگونه فسادها و سایر ناهنجاریهای اجتماعی تا ماهها به دراز میکشد اما آنجا که پای کارگر و حق خواهی اش در میان است مامورین امنیتی ثانیه ای را نیز از دست نمیدهند و ماموریت خود را با سرعتی بالا و باور نکردنی به سرانجام میرسانند!!

اما و بدون تردید اینگونه برخوردها با کارگران معترض و اعضای تشکلهای مستقل کارگری نه تنها قادر نخواهد شد مانعی در برابر حق خواهی میلیونها کارگر ایجاد کند بلکه جایگاه جنبش کارگری ایران را به مثابه اصیل ترین و مهم ترین جنبش حق خواهی مردم ایران بیش از پیش تثبیت خواهد کرد و بر عمق و دامنه ی نفرت و انزجار کارگران از وضعیت موجود خواهد افزود.

احضار فعالین کارگری در شهر سقز

بر طبق گزارش رسیده طی دیروز و امروز (9 و 10 اردیبهشت) محمد عبدی پور، جمیل راست خدیو، عمر شاکری و اسماعیل نیازی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر سقز طی تماس های تلفنی تهدید شده اند که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت نکنند. طی این تماس ها به این فعالین تاکید شده است که در روز 11 اردیبهشت بایستی در خانه های خود مانده و در غیر این صورت حضور آنها در بیرون از خانه به منزله شرکت در اول ماه مه تلقی شده و با آنها با شدت تمام برخورد خواهد شد.

این تهدید ها در حالی صورت می گیرد که برگزاری و شرکت در مراسم های مستقل روز جهانی کارگر از ابتدایی ترین خواست ها و مطالبات کارگری است که باید دولت ها به آن احترام بگذارند. این روز متعلق به طبقه کارگر جهانی است و کارگران و پیشروان کارگری باید بدون ترس و تهدید و ارباب بتوانند آنچه که خود شایسته می دانند در این روز به مناسبات نابرابر و تبعیض آمیز نظام سرمایه داری اعتراض نمایند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری هر گونه تهدید کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را قویا محکوم کرده و خواهان پایان یافتن این تهدید ها می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-10 اردیبهشت 1392

خبر تکمیلی در رابطه با احضار فعالین کارگری شهر سنندج

بر طبق آخرین خبر دریافتی، وفا قادری، کورش بخشنده و خالد حسینی از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت بایستی خود را به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج معرفی کنند. همچنین بر اساس این گزارش خالد حسینی و وفا قادری علاوه بر احضار، تلفنی تهدید شده اند که در مراسم اول ماه مه حضور نیابند. همچنین فردین میرکی دیگر عضو کمیته که دیروز به ستاد خبری احضار شده بود تا ساعت ۱۳ مورد بازجویی قرار گرفته بود و از وی خواسته شده بود که در مراسم روز کارگر شرکت نکند.

کمیته ی هماهنگی برگزاری مراسم های مستقل روز جهانی کارگر را از حقوق کارگران دانسته و ممانعت از برگزاری مراسم اول ماه مه توسط کارگران را محکوم می نماید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲

اخراج کارگران سیمرغ اصفهان در آستانه روز کارگر

به نوشته سایت ایران کارگر - 10 اردیبهشت 92 آمده است: روزیکشنبه 8 اردیبهشت ساعت 11 صبح صاحبان شرکت تولید تخم مرغ سیمرغ اصفهان با حضور در بین کارگران بیش از 40 نفر از آنها را اخراج و 20 نفر

از آنها را نیز به عنوان کارگر مازاد معرفی نمودند و اعلام کردند پس از یک دوره دو ماهه که تولید این دوره پایان یافت اخراج میشوند و در مجموع 60 نفر از کارگران اخراج گردیدند. این شرکت 4 ماه است که حقوق پرسنل خود را پرداخت نکرده است در حالی که کارگران امید داشتند برای روز کارگر به عنوان پاداش مبلغی دریافت نمایند. لازم به ذکر است بیش از 80 درصد از سهام این شرکت متعلق به یک شرکت وابسته به سپاه پاسداران منفور است که از قضا وضع مالی خوبی هم دارد ولی حاضر نیست در این شرایط وخیم برای پرداخت حقوق کمکی به این شرکت پرداخت نماید

احضار خلیل کریمی و فشار بر فعالان کارگری در آستانه روز جهانی کارگر

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است که: با نزدیک شدن روز جهانی کارگر، نهادهای امنیتی و حکومتی به زور تهدید و بازداشت و حبس غیر قانونی و ایجاد رعب و وحشت می خواهند مانع از حق طلبی کارگران و نمایندگان راستین آنان شوند؛ و در همین راستا خلیل کریمی از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران احضار، بازجویی و بلافاصله برایش در دادگاه انقلاب سنندج پرونده سازی شد. به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران به دنبال دریافت احضاریه کتبی اداره اطلاعات سنندج در روز شنبه هفتم اردیبهشت ماه، خلیل کریمی عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از ساعت ۸ صبح یکشنبه هشتم اردیبهشت ماه از سوی چندین مامور امنیتی در این اداره مورد بازجویی قرار گرفت. در این بازجویی ها مامورین امنیتی با اعلام اینکه وی در حال هماهنگی برای برگزاری مراسم اول ماه مه در شهر سنندج است، تلاش کردند با وارد کردن اتهامات واهی به او و غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران، خلیل کریمی را وادار به استعفا از اتحادیه کنند. که خلیل کریمی با تاکید بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و عدم استعفایش از آن، بر حق کارگران جهت برگزاری مراسم اول ماه مه تاکید کرده است.

به دنبال این بازجویی ها، ساعت ۱۲:۳۰ ظهر خلیل کریمی توسط مامورین امنیتی به شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب سنندج منتقل و همانجا برای وی پرونده ای تشکیل شد و در ادامه به او ابلاغ شد که روز دوشنبه نهم اردیبهشت راس ساعت ۹ صبح جهت محاکمه در این شعبه دادگاه حاضر شود. و به این ترتیب خلیل کریمی در یک روز احضار، بازجویی و بلافاصله برایش در دادگاه انقلاب سنندج پرونده سازی شد و بنا شد ۲۰ ساعت پس از تشکیل پرونده مورد محاکمه قرار گیرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران در گزارش خود با تاکید بر اینکه «چنین برخورد عاجلی با کارگران معترضی که هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی شان مرتکب نشده اند نشان از دستپاچگی دشمنان طبقه کارگر در برخورد به خواستها و مطالبات کارگران و حق مسلم آنان برای برپایی مراسم روز جهانی کارگر دارد»، در تایید آن به ناکارایی همین سیستم در برخورد با اختلاس و فساد اقتصادی چنین اشاره کرده است: «وگرنه در این مملکت احضار و بازداشت و بازجویی و محاکمه بزرگترین اختلاس گران مالی و یا پرونده های ریزتر اینگونه فسادها و سایر ناهنجاریهای اجتماعی تا ماهها به دراز میکشد اما آنجا که پای کارگر و حق خواهی اش در میان است مامورین امنیتی ثانیه ای را نیز از دست نمیدهند و ماموریت خود را با سرعتی بالا و باور نکردنی به سرانجام میرسانند!»

این اتحادیه در ادامه تاکید می کند: «اما و بدون تردید اینگونه برخوردها با کارگران معترض و اعضای تشکلهای مستقل کارگری نه تنها قادر نخواهد شد مانعی در برابر حق خواهی میلیونها کارگر ایجاد کند بلکه جایگاه جنبش کارگری ایران را به مثابه اصیل ترین و مهم ترین جنبش حق خواهی مردم ایران بیش از پیش تثبیت خواهد کرد و بر عمق و دامنه ی نفرت و انزجار کارگران از وضعیت موجود خواهد افزود.»

از سوی دیگر به گزارش تارنمای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، تداوم بازداشت غالب حسینی و علی آزادی فعالان کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی که هر دو با اتهامات واهی در نیمه دوم اسفند ماه ۱۳۹۱ بازداشت و در حبس نگاه داشته شده اند، و عدم پاسخگویی مشخص از جانب مسئولین مربوطه نگرانی خانواده ها و دوستان آنان را نسبت به وضعیت نامشخص و همچنین وضعیت سلامتی آنان تشدید کرده است.

لازم به ذکر است که بازجویی این دو فعال کارگری به پایان رسیده و مسئولین اداره اطلاعات از ارجاع پرونده آنان به مراجع قضایی سرباز زده ؛ و از پاسخگویی لازم و قانونی به خانواده های آنان خودداری می نمایند. مسئولین امنیتی با شدیدترین و اهانت آمیزترین وجه ممکن با خانواده ها برخورد نموده و مراجع قضایی، خصوصاً قاضی مربوطه با توجه به هماهنگی اداره ی اطلاعات با آنان مدام خانواده ها را تهدید به بازداشت کرده و پی گیری خانواده ها نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزان خود را شایسته ی اشد برخورد و مجازات می داند

فهرست مطالب مربوط به روز جهانی کارگر ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

تاریخچه روز اول ماه مه 11 اردیبهشت

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است که؛ روز جهانی کارگر یادبود شورش کارگران آمریکائی در اول ماه مه ۱۸۸۶ در شیکاگو است که هر سال در بسیاری از کشورهای جهان جشن گرفته می شود. حزب های کمونیست و سوسیالیست و اتحادیه های کارگری در بسیاری از کشورهای جهان این روز را با برگزاری تظاهرات و راهپیمائی های خیابانی برگزار می کنند. دهها سال است که به این مناسبت در این روز، در کشورهای مختلف (به استثنای ایالات متحده، کانادا و چند کشور کوچک) مراسم ویژه برگزار می شود. ایالات متحده و کانادا نخستین دوشنبه هر سپتامبر (شهریور ماه) را به عنوان «روز کارگر» برگزار می کنند. مناسبت اول مه به عنوان روز کارگر به این لحاظ بوده است که در چهارم ماه مه سال ۱۸۸۶، و در چهارمین روز اعتصاب و تجمع کارگران آمریکایی در شهر شیکاگو، پلیس به روی آنان آتش گشود که شماری کشته، عده ای مجروح و بعداً چهارتن نیز

اعدام شدند. کارگران اعتصابی خواستار تعدیل شرایط کار و کاهش ساعات روزانه کار از ده ساعت به ۸ ساعت بودند. قرار بود که اول ماه مه ۱۸۸۶ در آمریکا (ایالات متحده)، کاهش ساعات کار به هشت ساعت در روز، به اجرا درآید که چنین نشد و در نتیجه، کارگران در گوشه و کنار این کشور دست به تظاهرات زدند و در یک‌هزار و دوست کارخانه و کارگاه، اعتصاب صورت گرفت. شمار کارگران معترض شهر شیکاگو بیش از سایر شهرها و حدود ۹۰ هزار تن بود. در چهارمین روز تظاهرات شیکاگو، کارگران اعتصابی و هوادارانشان در «میدان بیده = Haymarket» جمع شده و از اینجا به حرکت درآمده بودند. سخنرانان آنان بر یک گاری بزرگ سوار بودند و شعار می‌دادند. پس از طی مسافتی، پلیس اطراف این گاری (چهارچرخه) را گرفت و خواست که تظاهرکنندگان متفرق شوند که ناگهان انفجاری صورت گرفت، یک مامور پلیس کشته شد و چند کارگر و پلیس نیز مجروح شدند. این حادثه سبب شد که پلیس دست به تیراندازی به سوی جمعیت بزند و کشتار صورت گیرد. آمار کشته‌شدگان اعلام نشده‌است ولی اسامی انبوه مجروحان در دست است. پلیس با اعمال خشونت موفق شد جمعیت را پراکنده سازد. در پی این حادثه، هشت تن به عنوان مسبب دستگیر شدند که پنج نفر از آنان کارگر مهاجر آلمانی و یکی هم آلمانی تبعه آمریکا بود. دادگاه یکی از این دستگیرشدگان را به ۱۵ سال حبس محکوم کرد و بقیه محکوم به اعدام شدند که فرماندار ایالت مجازات دو تن از آنان را به حبس ابد تخفیف داد. یکی از محکومان به اعدام، پیش از اجرای حکم خودکشی کرد و چهار نفر دیگر به دار آویخته شدند. با رسیدن اخبار مربوط به این تظاهرات، کشتار و اعدام به سایر کشورها، در گوشه و کنار جهان مراسم یادبود برگزار و هر سال هم تکرار شد که به تدریج اول ماه مه، روز جهانی کارگر عنوان گرفت.

روایت دیگری از تاریخچه پیدایش روز جهانی کارگر

به نوشته سایت طرفداران جنبش سبز آوای کار در ۸ اردیبهشت ۹۲ آمده است: در سال‌های اواخر قرن نوزدهم، یکی از عمده‌ترین خواست‌های کارگران آمریکا، محدود کردن ساعات کار روزانه بود. سازمان‌های کارگری موجود می‌کوشیدند تا ساعات کار را به ۸ ساعت در روز کاهش دهند. تنها سازمان کارگری موجود در آمریکا در آن سال‌ها، سازمان شوالیه‌های کار بود. این سازمان در سال ۱۸۶۹ پایه‌گذاری شده بود و همه شهروندان آمریکا به استثنای بانکداران، وکلا و الکلی‌ها می‌توانستند به عضویت این سازمان درآیند. تعداد اعضای این سازمان به نسبت کمیت کارگران که به ۱۵ میلیون نفر بالغ می‌شد، بسیار ناچیز بود.

بر طبق اساسنامه، فعالیت این سازمان در سطح محلی محدود بود و بنابراین این سازمان نمی‌توانست مانند یک سندیکا، که تمامی کارگران را در سطح ملی در برمی‌گیرد، عمل کند.

از این رو اتحادیه‌های حرفه‌ای گوناگون تصمیم گرفتند تا یک سندیکای بین‌المللی تشکیل دهند. بین‌المللی به این معنا که این سندیکا بتواند از حقوق کارگران آمریکا و کانادا دفاع کند. این سندیکا، فدراسیون سندیکاهای صنفی و تجاری نامیده شد و به هنگام برگزاری نخستین کنگره در اکتبر سال ۱۸۸۴، قریب به ۲۰۰۰۰۰ نفر عضو داشت.

کنگره این فدراسیون یک تصمیم تاریخی گرفت و قطعنامه‌ای را تصویب کرد که در نوع خود بی‌نظیر بود. کنگره تصمیم گرفت تا یک جنبش عمومی را برای محدود کردن ساعات کار روزانه به ۸ ساعت سازمان دهد و قرار بر این شد که اجرای ۸ ساعت کار در روز از اول ماه مه سال ۱۸۸۶ عملی گردد.

ویژگی نو و نمونه‌وار و سازمان‌یافتگی این تصمیم از همان ابتدا آشکار بود. پیش از این رسم بر این بود تا برای شروع اعتصابی جهت اعتراض به میزان دستمزد، شب پیش از اعتصاب، در جلسه‌ای رای‌گیری به عمل آید. اما این بار روند کار به‌گونه دیگری بود.

برای تدارک این جنبش، ۱۸ ماه، یعنی از اکتبر ۱۸۸۴ تا اول ماه مه ۱۸۸۶، زمان در نظر گرفته شده بود. تصمیم گرفته شد تا طی این مدت جلسات بیشماری تشکیل شود و تبلیغات فراوانی انجام پذیرد و نیز تصمیم گرفته

شده بود تا بیشترین تبلیغات در روزهای جشن آمریکا، مانند روز استقلال، روز تولد واشنگتن و مانند آن انجام پذیرد، کمک مالی جمع آوری شود و اعضای جدیدی به صفوف فدراسیون جذب شوند.

کشتار شیگاگو

کارفرمایان تا روز شنبه، اول ماه مه، فرصت داشتند تا روزانه کار را به ۸ ساعت کاهش دهند. از اوایل ماه آوریل، چند هزار نفر از کارگران به خواست ۸ ساعت کار روزانه دست یافته بودند، اما در وجه عمده، کارفرمایان حاضر به مذاکره با سندیکاها نبودند.

در روز سوم ماه مه سال ۱۸۸۶ در حدود ۵۰۰۰ اعتصاب در سراسر آمریکا بوقوع پیوست و ۳۵۰۰۰۰ نفر در این اعتصابات شرکت کردند.

قدرت حاکمه مضطرب از گستردگی اعتراضات، سیاست همیشگی خود یعنی خرابکاری و تحریک را به کار گرفت.

روز اول ماه مه، پلیس به روی تظاهرکنندگان آتش گشوده بود و ۹ نفر را به قتل رسانده بود. در روز سوم ماه مه در شیگاگو نیز ۶ نفر توسط پلیس کشته شدند. فردای آن روز تظاهرات اعتراض آمیزی برگزار شد. در حین تظاهرات بمبی منفجر شد و ۱۰ نفر کشته و تنی چند زخمی شدند. سپس پلیس به سوی تظاهرکنندگان شلیک کرد و در اثر تیراندازی حداقل ۱۰ نفر کشته شدند.

پس از آن دستگیری سندیکالیست‌ها و فعالین و افراد مترقی آغاز شد و کارفرمایان، افراد اعتصابی را از کار اخراج کردند.

بعدها در سال ۱۸۸۹، در کنگره پاریس انترناسیونال دوم، با الهام از تصمیم فدراسیون در چند سال گذشته، روز اول ماه مه، به عنوان روز تظاهرات عمومی کارگران در سراسر جهان اعلام شد.

اول ماه مه (11 اردیبهشت) روز جهانی کارگر

روزی که در راه است به پیشوازش برویم

امیرجواهری لنگرودی

اول ماه مه هر سال، یاد آور حادثه ای است که در سال ۱۸۸۶، در شیکاگوی آمریکا رخ داد. در این روز، پلیس به صفوف چندین صد هزار نفری کارگران که خواهان هشت ساعت کار بودند، شلیک کردند و شش کارگر را بخون غلطانند و مزدوریشان را در پیش چشمان جهانیان به نمایش گذاشتند.

امسال (۱۳۹۲) در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر (اول ماه مه) در سطح جهان از آمریکا و کانادا گرفته تا روسیه، چین، انگلیس، آلمان، فرانسه، اسکانديناوی و اروپای مرکزی ایتالیا، پرتغال، اسپانیا، یونان، قبرس و استرالیا و در سطح آمریکا لاتین آرژانتین و برزیل و... و در جوامع پیرامونی، همچون دیروز همواره کارمندی دسترنج کارگران به تاراج می رود، این جنگ نابرابر کار و سرمایه شاخص درگیری همین دونیرو (کار و سرمایه) در صحنه اجتماعی و نبردهای خیابانی و دستگیری‌ها، زندان و تبعید است. در ایران و در جهنم جمهوری اسلامی نیز به همین، حاصل همه دسترنج کارگران به تاراج می رود.

اول ماه مه نشانگر این است که بعد از گذشت ۱۲۷ سال از کشتار کارگران در شیکاگو (ایالات متحده آمریکا) از سال ۱۸۸۶ به اینطرف، هنوز آن دشمنی و عداوت پایه ای بین دو قطب سرمایه و کار و با صاحبان سرمایه و کارگران مزدی تداوم داشته و دارد. هنوز که هنوز است کارگران مجبورند برای گذران زندگی، نیروی کار خود را در یک یا چند رابطه ساده بفروشند و برای بقاء خود تلاش و مبارزه نمایند. در تمامی این سال‌ها، هنوز کارگران کمتر کنترل و تاثیر تعیین کننده ای بر چرخه تولید ندارند و از یکطرف فاقد شکل‌های مستقل در سطح بین المللی هستند و از طرفی دیگر در ایران نیز بدلیل اقتدار دولت رانتی و سرکوب‌خشن، دستگیری‌ها و زندان‌شدن‌ها و تبعید به ناگزیر فعالان کارگری، با همه تلاش‌ها و روند مبارزاتی‌شان، همچنان از حداقل شکل مستقل خویش

محرمانه. همچنان موجودیت تشکل سندیکاهای شناخته شده کارگری موجود (سندیکای کارگران شرکت واحد - سندیکای کارگران هفت تپه) و دیگر تشکل های مستقل، از جانب حکومتگران به رسمیت درنیامده اند. هنوز نوع اجتماع اعتصابی و مطالباتی، و خود نفس اعتصاب و هرسطح سازمانیابی تشکل مستقل کارگری درایران ممنوع است. تمامی مطالبات اعلام شده کارگران با مقاومت و سرکوب سرمایه داری حاکم اسلامی، بی پاسخ مانده و هنوز فعالان شناخته شده کارگری بخاطر راه انداختن تشکل مستقل خود سندیکا و کمیته هماهنگی و کمیته پیگری و مدافعه از حقوق کارگران و جانبداری از آن در زندانند.

امسال روز رزم و جنبش همبستگی کارگران جهان (اول ماه مه) را در شرایطی درایران برگزار می کنیم که فعل و انفعالات جنبش کارگری ایران تا حدی در مرکز توجه محافل، مجامع و گروه بندی های سیاسی درآستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفته است. آنهایی که تا دیروز به محور تدریجی طبقه ی کارگر و استخالی آن در درون افشار، لایه های اجتماعی متوسط جامعه می اندیشیدند و با پوزخند شادمانانه در برابر جنبش های فزون طلبانه تکنولوژیک زمینه را برای محو طبقه ی کارگر فراهم یافته می دیدند. همه آنان امروز مجبورند که ادعای ریشخندان و خیال پردازانه دیروزی خود را پس بگیرند و برای این طبقه ی اجتماعی جای ویژه ای در معادلات اقتصادی و سیاسی جامعه منظور نمایند.

امسال در شرایطی به طرف اول ماه مه، روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) می رویم که بخش هایی از کارگران از پیش اعلام داشته اند که این روز، فرصت ویژه ای برای اعتراض جمعی ما در برابر نرخ دستمزدها است. آنها اعلام داشته اند: **«کارگران این بی حقوقی و توهین به خود را نخواهند پذیرفت و بدون شک اعتراض خود را همچنانکه تا به امروز اعلام داشته اند متجددانه به شیوه های مختلف و به طور جدی بروز خواهند داد. کارگر این حق را برای خود محفوظ می داند که اعلام نماید انسان است و مانند انسان می خواهد زندگی کند. تولید می کند و حق دارد از تولید خود، از دسترنج خود نیز بهره ببرد و در رفاه زندگی کند و از زندگی لذت ببرد. کسی که چرخ تولید رفاه و آسایش و امنیت را به حرکت در می آورد خود سزاوارترین است که از همه آنها بهره مند شود و در رفاه و آسایش و امنیت باشد. اگر کسی فرار است جبران کمبودها و اختلالات تولید را بکند آن کارفرماست که بانی و باعث کمبودهاست نه کارگر. ...»** (بخش های از اعلامیه انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه ۱۳۹۱/۱۲/۲۵)

امسال در شرایطی به جانب روز جهانی کارگرمی رویم که درایران فعالان کارگری همچنان در زندانند. لیست زندانیان شناخته شده کارگری از جمله: **شاهرخ زمانی - محمد جراحی - خالد حسینی - شریف ساعد پناه - بدرام نصرت الهی - رسول بدافی - علی آزادی - بهزاد فرج الهی - دکتر اقتصاد و مدافع حقوق کارگران فریبرز رئیس دانا و دیگرانی چند ... در زندانند. علی نجاتی را به محکمه بیدگاه می برند. متعاقب آن نیز تعدادی با سپردن وثیقه های چند ده میلیونی آزاد شدند. جدا از این هنوز که هنوز است آزادی بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی و ... تعیین تکلیف نشده است**

امسال نیز چون سال های گذشته درایران بر پاداشتن روز همبستگی جهانی جزممنوعه ها است. تنها یکی و دو سال پس از پیروزی قیام بهمن بود که کارگران توانستند با شرکت میلیونی خود در تظاهرات اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، نیروی شگرف و تعیین کننده شان را به نمایش بگذارند. اما علیرغم سرکوب های وسیع کارگران درایران، در تمامی سال های حکومت سپاه و ضد کارگری اسلامی ایران ویگپرو بندها؛ این روز (اول ماه مه) هیچگاه از جانب کارگران تعطیل نشد و آنان این روز را همواره و به اشکال مختلفی در کوه، صحرا، در زندان و محیط کارخانه جشن گرفتند و همبستگی خود را با جانباختگان این روز در پهنه جهان اعلام داشتند.

امسال در شرایطی به جانب اول ماه مه می رویم که کارگران به تعطیلی این روز با دریافت حقوق، اجازه راه پیمایی داشتن برای طرح مطالبات بی پاسخ مانده خود، می اندیشند و برای آن چاره جویی می نمایند.

امسال در شرایطی بطرف اول ماه مه می رویم که تحریم های گسترده کشورهای معظم سرمایه داری، - هر یک به سهم خویش - اقتصاد ورشکسته و بحرانی ایران را نشان کرده و شرایط بس سخت و جانکاهی را برگردانده کارگران کشور ما تحمیل کرده است. امروز گسترده گی این تحریم ها هر روز رو بغزونی می رود و در مقابل واردات بیرویه با نظارت اسکله های تحت کنترل سپاه پاسداران عامل اصلی تعطیلی صنایع و کارخانجات و بیکارسازی های مزمن است.

بیایم اول ماه مه امسال را به روز اعتراض برای آزادی همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام فعالان سیاسی هم وطن عرب کشورمان بدل سازیم . این روز را به روزخشم و اعتراض عمومی مردم ایران د برابر رژیم سرمایه داری حاکم بدل کنیم و به تقویت و تحکیم یکپارچه مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران و صفوف فشرده کارگران در راستای پاسخگویی به مبارزات آنان در روز اول ماه مه ، روز تجلی اراده تاریخی کارگران بدل سازیم و به امروزگونی این نظام ضد کارگری یاری رسانیم. مستحکم تریاد اتحاد بین المللی کارگران

پیوند نجات بخش کارگر و معلم به مناسبت روز جهانی کارگر و روز معلم در ایران

فریبرز رئیس دانا

به نوشته سایت اخبار روز در تاریخ 7 اردیبهشت 92 آمده است : این پیش انگاشت که سوسیالیسم از طریق رهایی کارگران به دست خود می تواند پدیدار شود حاکی از آن است که طبقه کارگر تنها گروه اجتماعی است که نه تنها در مقابله با استثمار سرمایه داران منافع بلاواسطه ای دارد بلکه از نیروی جمعی برای پایان دادن به استثمار برخوردار است. همچنین این پیش انگاشت می رساند که امکان رهایی راستین بدون مبارزه، یا از راه فعالیت وکالتی و خیراندیشانه یا پذیرفتن اصلاح طلبی، به عنوان حد نهایی مبارزه، اصلاً وجود ندارد. هرچقدر هم ایجاد کنش سوسیالیسمی از راه آگاه سازی مردم دشوار باشد، باز هیچ ماده و مصالح دیگری نیز وجود ندارد که از آن بتوان چنین جنبشی را پدید آورد. هیچ سوسیالیستی هم که بخواهد هم با واقع گرایی و هم با ارزش های دموکراتیک سازگار باشد، بدون آن آگاهی میسر نخواهد شد. یا سوسیالیسم بدین سان پدیدار خواهد شد، یا اصلاً پدیدار نخواهد شد.

اِن میک سینز وود

فریبرز رئیس دانا - ویژه ی اخبار روز

کسانی که زمانی به نقش ویژه ی خود در جامعه ی مدرن - یعنی جامعه ای که به قول ایشان دیگر در آن طبقه ی کارگر وجود ندارد زیرا خیلی از کارها اتوماتیک، رباتیزه و کامپیوتری شده است و کارگران دولت مند شده اند - فخر می فروختند، بیش از ۵ سال است از روح جهان شمول به خشم آمده ی طبقه ای که گویا وجود نداشته است، به خود می لرزند. آنها تقریباً همان کسانی اند که با فروپاشی اتحاد شوروی مست شده بودند، عربده می کشیدند و سوسیالیسم را همان حکومت اتحاد شوروی معرفی می کردند که آن هم مرده است. آنها اکنون به سردرد و خماری فردای آن بدمستی دچار شده هذیان می گویند و همان شبخ سرگردان را در این حال نزار بر بالای سر خود می بینند، شبیحی که واقعیت دارد و از چیزی ساخته شده نیست جز طبقه کارگر و محرومان، شبیحی آمیخته با خواست جهانی عدالت، مبارزه با دیکتاتوری بورژوازی، درخواست دموکراسی راستین و حذف دموکراسی ریاکارانه ی امپریالیستی و کاپیتالیستی و دیکتاتوری مقدس شده ی عوام فریبانه و عنداللزوم رعب آور. شبیحی که تمام آسمان حقیر مال و منال دارانی را که ستاره بختشان با الماس های درخشان تلالو می زد، پوشانده است. شبیحی از جنس آموزگاران و دبیران فروپایه و محروم، کارکنان خدماتی جزء، کارکنان بخش های فنی و اداری، فروشندگان و خرده فروشان و دوره گردان، مددکاران، پاسبانها، پرستاران، زارعان و دامداران خرد و به ویژه طبقه ی کارگر صنعتی، ساختمانی، کشاورزی و معدنی. شمار اینان در جهان بین ۲ تا ۲,۵ میلیارد نفر تخمین زده می شود. آنها با خانواده هایشان در حدود ۵/۵ میلیارد نفرند.

در برابر اینان طبقه ی حاکم جای گرفته است. مرکب از اشراف زادگان، ملک داران، قضات رده ی بالا، نظامیان عالی مرتبه، مدیران دولتی و خصوصی، تکنوکرات ها، بوروکرات های وابسته به آنها، روحانیان بلند پایه، شاهان و شاهزادگان، سیاستمداران و وکلای عالی منصب، استادان پرتفاخر، توابع سیاسی توفیق یافته، بانکداران، بازاریان، سهامداران ارشد، کارخانه داران، روسای موسسات دولتی، نهادها و بنگاه های ویژه و نزول خواران آشکار و پنهان. آنان یا سودهای کلان می برند یا بهره ی مالکانه می گیرند یا حقوق های هنگفت دریافت می دارند. در سازمان های مالی و بانکی ای که به عنوان عاملان مفسد و میانجی های اصلی بحران بزرگ آمریکا و اروپا (که از سال ۲۰۰۷ تاکنون ادامه دارد و مثل شعله های آتش جنگل با حضور آتش نشانان ناتوان

همچنان از هر جهت شعله می‌کشد) شناخته شده‌اند، حقوق متوسط مدیران رده‌های کاملاً بالا بیش از هزار برابر حقوق متوسط کارکنان رده‌ی پایین همان واحدهاست. در ایران ۳۵ تا ۴۰ هزار نفر هستند که درآمد خالص ماهانه‌اشان بیش‌تر از ۲۵۰ میلیون تومان است و ۱۰۰ هزار نفر درآمدشان ماهانه بیش از ۱۵۰ میلیون تومان است. اما ۴٫۵ میلیون نفر بیکار با درآمد صفر و در حدود ۰٫۵ تا ۱ میلیون نفر بیکار با درآمد بخور نمیر زندگی می‌کنند و با دلهره و رنج بر منابع ناپایدار تکیه دارند. حداقل دستمزد در سال گذشته (۱۳۹۱) با تمام اضافه‌ها و مزایا در حدود ۴۸۰ هزار تومان بود در حالی که کرایه‌ی یک خانه‌ی قدیمی یک اتاقی در دورترین نقاط حاشیه‌ای شرق و جنوب و جنوب غربی یا در شهرهای واقع در ۵۰ کیلومتری تهران ماهانه کمتر از ۳۰۰ هزار تومان نبود. دستمزد متوسط ۶۰ درصد از کارگران کمتر از خط مطلق فقر، یعنی کمتر از میزانی است که برای بقای زندگی در این کشور لازم است. بیش از ۲۵ درصد از معلمان نیز زیر چنین خط فقری به سر می‌برند. سال گذشته ۷۳ درصد از خانوارهای شهری هزینه‌ای کمتر از هزینه‌ی متوسط ماهانه‌ی خانوارهای شهری، یعنی ۹۵۰ هزار تومان، داشته‌اند. با آن که تعداد واحدهای مسکونی از تعداد خانوارها بیشتر است بیش از ۲۰ درصد از مردم خانه‌ای ندارند که سه چهارم آنان مردم بسیار کم‌توش و توانند. محرومیت مصرفی پایینی‌ها با ولع مصرفی بالایی‌ها همراه است. مثلاً مصرف گوشت ماهی در میان اغنیا ۱۸۰ برابر مصرف فقیران است. هزینه‌های مسافرت داراها (به استثنای خریدهای استثنایی که از خارج می‌کنند یا خانه و ویلا و اتوموبیل که در خارج دارند) ۲۲۰ برابر نادارها است.

در جهان ما ۲٫۱ میلیارد نفر در زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند. شمار گرسنگان جهان به ۸۵۰ میلیون نفر بالغ می‌شود که بیشتر شامل کودکان و زنان است. همه‌ی این‌ها در معرض مرگ ناشی از ناداری قرار دارند. در مدت زمانی که این یادداشت را می‌خوانید، صدها نفر از آنان جان داده‌اند. آنان که سوسیالیست‌ها، کارگران و چپ‌ها را به احساساتی‌گری متهم می‌کنند، و در واقع خصلت انسانی آنان را به استهزا می‌کشند، یادشان باشد احساساتی نشوند چون چند تن هم از سرمایه‌داران گرامی و پول و پله‌داران محترم در این فاصله از شدت پرخوری ترکیده‌اند. فقط ضایعات مواد غذایی در جهان ثروتمند می‌تواند فقر غذایی را از بین ببرد.

گزارش‌ها برآورد که ۲۷۵ میلیون کودک کار و خیابان در جهان سرگردانند. آنان که احساساتی نمی‌شوند و به اصلاحات و گام به گام بازی و پرهیز از آرمان‌گرایی امید بسته‌اند تا وضع بینوایان سر و سامان بیابد - خودشان که معمولاً به سامانند - می‌توانند عزیزدردانه‌های خود را لحظه‌ای چون گنجشکان بی‌پناه در خیابان‌های دود زده و فسادآلود تهران ول شده در نظر آورد. عجله نکنید! گزارش‌های تحقیقی موثق برآورد که به زودی شمار جمعیت زاغه‌نشین، حاشیه‌نشین و فقیرنشین اکثریت جمعیت شهری جهان را تشکیل خواهد داد. در ایالات متحده خیابان خوابی گسترده، البته نه به اندازه‌ی شبه جزیره‌ی هند و قاره‌ی آفریقا - وجود دارد. ۴۵ میلیون نفر از مردم آمریکا از کوچک‌ترین امکانات بیمه‌ای محرومند. مانند چپ‌گرایان احساساتی نشوید، اما، ارتش آمریکا در فاصله‌ی جنگ دوم جهانی تاکنون ده‌ها میلیون از مردم را مستقیماً کشته است و صدها میلیون نفر هم مستقیم و نامستقیم با انواع مداخله‌های دولت آمریکا به خاک هلاکت افتاده‌اند. هزینه‌های نظامی آمریکا بیش از دو برابر درآمد ملی ایران است.

در این وانفسا نشان دادن این که طبقه‌ی کارگر و متحدان اصلی آنان، یعنی معلمان و کارکنان خدماتی مردمی و بخشی از دهقانان وظیفه‌ی تاریخی نجات بشریت و نجات مردم سرزمین خودشان را از فقر و بیگانگی و اسارت و از چنگال ستمگران بومی و جهانی دارند، مشکل نیست. اشتباه نکنیم شعار سوسیالیست‌ها این نیست که یک طبقه جای همه را بگیرد. نگذاریم مبلغان و دروغ‌زنان نظام نکتی سرکوب و غارت و بهره‌کشی و بیگانه‌سازی انسان، دیکتاتوری پرلتاریا را به عنوان نظامی خودکامه و خودکامه‌تر از دموکراسی‌های تحمیلی و دروغین به ما معرفی کنند. دیکتاتوری پرلتاریا فقط به معنای آن است که به جای آن که سرمایه‌داری و ستمگران کارگزار این نظام فرمان خود را برای نگه داشتن جامعه به وضع نابسامان امروز «دیکته» کنند باید طبقه‌ی در کار باشد که فرمان‌رهایی از قید ستم طبقاتی را دیکته کند و خود را نیز منحل کند، زیرا دنیای تمایزها و تبعیض‌ها بالاخره باید به پایان برسد. فقر و بی‌عدالتی و خودکامگی باید با هم بمیرند. یکی یکی و گام به گام و مصلحت‌اندیشانه امکان ندارد. وراجی بی‌ثمر نصیحت‌گویان و ماست‌مالی‌کاران شاید هنوز رواج و کاربرد دارد، اما نه برای کارگران و مبارزان سوسیالیست، باید با آن زیاده

گرایان نیز به مقابله برخاست.

باری، فرمان عملی و نظریه‌ی اجتماعی آن باید مبتنی بر نیروی اجتماعی گسترده‌ای باشد که جز رهایی همگانی راه دیگری ندارد؛ آن نیروی اجتماعی که ناگزیر است بستیزد تا غل و زنجیر از پای جامعه و افراد بگشاید؛ نیرویی که متخصصان و روشنفکران خود را از دستگاه قدرت پول و سیاست حاکم گدایی نمی‌کند و به روشنفکران و متخصصان مردمی و وفادار دموکراسی واقعی دل می‌بندد. این نیرو ستیز می‌کند نه این‌که عاشق جنگ باشد بلکه برای آن‌که از امنیت و حیثیت انسانی دفاع کند. تضاد طبقاتی که برای منتظرالکرسی‌های خوش بر احوال عامل خشونت و جنگ افروزی است، اختراع محرومان و سوسیالیست‌ها نیست بلکه واقعیت اجتماعی است و از تحمیل قدرت‌های اقتصادی و سیاسی - که البته با توجیه‌گری شبه روشنفکران وابسته همراه است - بر آزادی و برابری مردم ناشی می‌شود. تضاد طبقاتی دست‌ساز چپ‌ها نیست، ناشی از بهره‌کشی مالکان سرمایه در نظام موجود است. کسانی که از خشونت نهفته در واقعیت تضاد طبقاتی رو ترش می‌کنند و به هر ستیزه‌ای در تاریخ ایران با دیده‌ی انسان‌های والا می‌نگرند خودشان در هر کجا مصدر کار بوده‌اند نه تنها در برابر نظام وحشت و سرکوب و کشتار بی‌تفاوت مانده‌اند که بخش حیاتی سازمان سیاسی و اقتصادی و بوروکراتیک همان نظام بوده‌اند. گویا کشتن انقلابی خوب است به شرط آن‌که از طرف مصلحان حاکم باشد نه از سوی ستم‌دیدگان. باری کارل مارکس گفته بود:

طبقه‌ای باید بروز کند که زنجیرهایش ریشه‌ای است. طبقه‌ای در جامعه‌ی مدنی که طبقه‌ای از همین جامعه‌ی مدنی نیست. طبقه‌ای که وجودش به منزله‌ی نفی و انحلال همه‌ی طبقه‌هاست. قلمرویی از جامعه که ماهیتی عام دارد زیرا رنج‌های همگانی دارد و در پی درمان‌جویی خاص خودش نیست زیرا ستمی که به او روا می‌شود، ستمی خاص نیست بلکه عام است. باید حوزه‌ای در جامعه شکل گیرد که برای خود خواستار منزلتی ویژه نیست بلکه تنها باید شأن انسانیت را خواستار باشد. طبقه‌ای باید باشد که به طور خلاصه از آن رو وجود دارد که انسان تام و تمام در جامعه وجود ندارد و فقط با دستگاه‌های همگانی و کامل انسانی می‌تواند خود را هم‌رستگار کند. این‌گونه انحلال و تحول در جامعه در مقام یک طبقه‌ی خاص، همان طبقه‌ی کارگر است.
(نقد فلسفه‌ی حق هگل)

گرچه طبقه‌ی کارگر معنایی چونان یک گروه اجتماعی دارد، اما این طبقه در کنش اجتماعی بر حسب شرایط تاریخی متحدان و هم‌سرنوشت‌هایی داشته است: دهقانان، سربازان اجباری، طبقه‌ی متوسط زیر فشار، مبارزان مردمی ضدامپریالیست، کارکنان خدماتی و جز آن. در ایران نیاز واقعی و متحدان کارگری یک‌پارچه هرچه باشد، این تقارن تاریخی روز جهانی کارگر با روز معلم، تقارن معنی‌داری شده است. قریب یک میلیون معلم زحمت‌کش ۵.۲ میلیون کارکنان فنی واداری رده‌های پایین، ۲ میلیون کارگر کشاورزی و زارعان کم‌توش و توان، ۲.۵ میلیون کارگر بیکار، ۱.۵ میلیون افشار فقیر غیرکارگری بیکاری و نزدیک به ۱۰ میلیون کارگر شاغل، اکثریت بالقوه توانمندی در این جامعه‌اند. معلمان و کارگران استخوان‌بندی مهم این توانمندی و میانجی جدی و آگاهی‌پذیر و آگاهی‌بخش برای تبدیل آن به نیروی بالفعل است.

روز جهانی کارگر که یکی از گرامی‌ترین و پرخواهان‌ترین روزهای سال برای بیش از ۱۲۰ سال در جهان و برای میلیاردها کارگر بوده است از خیلی جهات پرتفردارتر از اعیاد مذهبی جهان است. این روز هم جشن است هم گرامی‌داشت و هم تجدید پیمان و هم زمان نمایش قدرت و خویش‌تن‌باوری. این روز فقط یک جشن سنتی نیست و در سالیان سال در خطه‌های ستم‌دیده، نه تنها امکان و اجازه‌ی بروز نیافته است بلکه با خشونت، سرکوب، آزار و تعقیب روبرو شده است. این کارها از سوی دولت‌هایی صورت گرفته است که در هیچ یک از شادمانی‌های سرمایه‌داری و روزهای پیروزی سیاسی آنان بر اراده‌ی مردم جز مساعدت و همدلی و واگذار کردن رسانه‌ها در خدمت آنان کاری نکرده‌اند. بدین سان این روز که فقط برای چند سال در ایران فرصتی یافت تا نمایش شکوه‌مند ارزش آفرینان واقعی جامعه باشد، در روزگار ما، روز یادآوری مأموریت تاریخی زحمت‌کشان برای جامعه‌ای عاری از دیکتاتوری پول و سلاح و ریاکاری است.

روز معلم که من از آن یاد می‌کنم به سال ۱۳۴۰ و روز کشته شدن دکتر خانعلی دبیر دبیرستان کلهر برمی‌گردد. به روز کشته شدن معلمی که در اعتراض به وضع اسفبار اقتصادی و شغلی معلمان، به همراه

بیش از ده هزار از دیگر معلمان، در میدان بهارستان تهران گرد آمده بودند. آنان حقوق بخور و نمیر بیشتر و منزلت اجتماعی خود را مطالبه می‌کردند. معلمان موفق شدند پس از ترمیم بخشی از حقوق خود، روز ۱۲ اردیبهشت را روز معلم نام‌گذاری کنند و دولت وقت هم آن را به رسمیت شناخت. روز معلم بدین سان ۱۷ سال پیش از روز ترور آیت‌الله مطهری توسط یک گروه مذهبی رقیب و تندرو نام‌گذاری شده است، آن هم زیر فشار اعتراض و با همت خود معلمان.

سرزمین ما کهکشانی‌های سوخته‌ی مبارزات دموکراتیک، کارگری و سوسیالیستی را در خود نهفته دارد. خورشید که برآید، این سوختگان باز روشن می‌شوند. در آسمان هم اختران به جای مانده‌ی بی‌شمار می‌تابند تا آن شبی را به رویای بیداری کامیاب مبدل کنند.

من با سیاهی دو چشم سیاه تو

خواهم نوشت

بر هر کرانه‌ی این باغ

دستی همیشه منتظر دست دیگر است

چشمی همیشه هست که نمی‌خوابد

(خسرو گل‌سرخ‌ی)

بیانیه کانون نویسندگان ایران بمناسبت اول ماه مه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، گرامی باد!

بر پایه خبر رسیده به روزشمار کارگری در ۹ اردیبهشت ۹۲ آمده است: اول ماه مه یاد آور روزی است که در آن کارگران شیکاگو در آمریکا جان خود را فدا کردند تا بعدها در سراسر جهان به جای شانزده، چهارده، یا ده ساعت کار روزانه، ۸ ساعت کار کنند. زمان ظرفی است که توانایی‌های انسان در قالب آن شکوفا می‌شود و کارگران شیکاگو بدین سان می‌خواستند اوقات فراغت داشته باشند تا بتوانند استعدادها و ظرفیت‌های انسانی و فرهنگی خود را نیز رشد دهند.

در جهان امروز و به ویژه در جامعه‌ی کنونی ایران، این مسئله بیش از هر زمان دیگر موضوعیت دارد. کارگران ایران- اعم از یدی و فکری- چنان در بند ابتدایی‌ترین نیازهای اقتصادی گرفتار آمده‌اند که حتی اگر کار شبانه را هم به کار روزانه بیفزایند باز هم از پس نیازهای روزمره‌شان بر نمی‌آیند. آنان به هر زبان به ما می‌گویند اینک بیش از هر زمان دیگر به فراغت نیاز دارند تا بتوانند روزنامه بخوانند، کتاب بخوانند، فیلم ببینند، موسیقی گوش دهند، مسافرت بروند، تفریح کنند، اوقات بیشتری را با اعضای خود بگذرانند و سرانجام از چنان فرصتی برخوردار شوند که بتوانند فارغ از سرکوب‌های معمول، تشکل‌های مستقل خود را برپا دارند و با تکیه بر آنها برای خواست‌های انسانی‌شان مبارزه کنند.

در چنین شرایط طاقت فرسا و اسارت باری، مناسبت اول ماه مه امسال را مغتنم می‌شماریم و ضمن گرامی داشت این روز، همصدا با کارگران سراسر جهان اعلام می‌کنیم که ما به اوقات فراغت نیاز داریم.

کانون نویسندگان ایران

۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

اطلاعیه شماره ۵۰

قطعنامه پیشنهادی رضا شهبابی برای روز جهانی کارگر قطعنامه روز جهانی کارگر (۱ مه) - زندان اوین

اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران علیه نظام سرمایه داری را به همه کارگران جهان تبریک عرض می‌کنم و یاد و نام کسانی را که در راه مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر با سرمایه دار جان‌شان را از دست داده‌اند گرامی می‌دارم.

رسم و سنت اول ماه مه، حضور گسترده کارگران در خیابان و اعلام کیفرخواست طبقه کارگر علیه سرمایه دار

در ملاء عام است. ستون و پایه این سنت را کارگران شیکاگو، در اعتصابات خونین ماه مه ۱۸۸۶ که خواست ۸ ساعت کار در روز را به سرمایه داران قبولانند، گذاشتند. به همین خاطر کارگران سرتاسر جهان به پاس گرامی داشت سنت مبارزات و مقاومت کارگری، همه ساله به خیابان می آیند و مراسم خود را برگزار می کنند. اما کارگران ایران از برگزاری چنین تجمعاتی محرومند، آن هم به این دلیل که راهپیمایی یا برگزاری جشن اول ماه مه نیاز به مجوز دولت دارد و تجربه نشان داده است که دولت سرمایه دار چنین مجوزی به کارگران نمی دهد. متأسفانه در کشور ما، کارگران برای آمدن به خیابان و طرح مطالبات خود در ملاء عام باید هزینه های سنگینی بپردازند همان گونه که در سال ۸۸ در پارک لاله و همه ساله در سنندج و سقز، کارگران تعقیب و دستگیر و محکوم به حبس و جریمه و شلاق شدند.

اکنون ما محکوم شده ایم این روز بزرگ را برگزار نکنیم ولی ما کارگران باید تلاش کنیم مثل خیلی کشورهای دیگر، مراسم اول ماه مه را در سطح گسترده تر در خیابان ها برگزار کنیم. این کار تنها با اتحاد عمل و همبستگی عمومی کارگران در تمام حوزه های کاری به دست می آید؛ پس کارگران برای رسیدن به یک زندگی شرافتمندانه و انسانی و برگزاری روز جهانی کارگر متحد شوید.

دوستان و هم طبقه ای های عزیز!

می خواهم به مسایل و مشکلات کارگران ایران که هر روز با آنها دست و پنجه نرم می کنند اشاره کنم. واقعیت این است که کارگران در ایران به مثابه لشکر عظیم محکومین، متشتت و پراکنده، بی تشکل و بی افق، شاهد و نظاره گر تهاجم و غارت بی امان سرمایه داری به سفره خالی خویش هستند، نظاره گر تعطیلی کارخانجات، اخراج های دسته جمعی، قراردادهای موقت و سفید امضاء، استقرار بیش از پیش شرکت های پیمانکاری، خصوصی سازی از هر نوعی و دستمزد ماهانه ۴۸۹ هزار تومان آن هم در صورتی که با تاخیر پرداخت نشود، هستند. یک خانواده ۴ نفره کارگری بی مسکن، با این مبلغ و با این گرانی سرسام آور و تورم افسار گسیخته، فقط می تواند حداکثر ۱۰ روز دوام بیاورد. این در حالی است که خط فقر نسبی در کشور، یک میلیون و سیصد و پانزده هزار تومان توسط کارشناسان دولتی اعلام شده است. به این ترتیب نظاره گر فروپاشی قانون گرم خانواده بودن، محرومیت از تحصیل فرزندان، کار کودکان و دست فروشی خانوادگی، اعتیاد، فحشاء و تن فروشی زنان و دختران را باید به اینها افزود.

این زندگی نکبت بار با چهره غم بار کودکان کارگر، تداوم خویش را هر روز و هر روز با سماجت و گستاخی هر چه افزون تری به رخ کارگران می کشد. امروز کارگران از هم می پرسند که آیا نقطه پایانی به این زندگی نکبت بار خواهد بود؟ امروز دیگر رویای کارگران، آرزوی نه یک زندگی مرفه و مدرن به سبک آفازاده ها، بلکه امنیت شغلی است. کارگر نمی خواهد اخراج شود، می خواهد یک شیفت کار کند، می خواهد دستمزدش تا آخر برج کفاف زندگی اش را بدهد، می خواهد شرمندۀ فرزندانش نشود، می خواهد با یک شیفت کاری هزینه درمان و خوراک و پوشاک و تفریح و تحصیل فرزندانش را تامین کند، می خواهد در حد امکان شب عید را در کنار خانواده بدون شرمندگی و بدون ترس از طلبکار سر کند. کارگری که سه شیفت در شبانه روز کار می کند، بچه هایش با پارک و سینما، تفریحات کودکانه، هدایای رنگارنگ و سفر سال نو بیگانه می شوند، مطالعه ی روزنامه و کتاب در زندگی اش جایی ندارد. کارگران در ایران اعتصاب می کنند، جاده می بندند، خودسوزی و خودکشی می کنند که حقوق و مزایای ماه ها به تعویق افتاده ی خود را به چنگ آورند تا شرمندۀ ی خانواده نشوند. اما متأسفانه امروزه مصایب و مشکلات، به واقعیت زندگی روزمره کارگران تحمیل شده است.

نظام سرمایه داری در ایران به غیر از مسائل و مشکلات معیشتی و بیکاری، کارگران را با معضل بزرگی به نام زندگی قسطی مواجه کرده، کارگران از مسکن مهر گرفته تا اتومبیل لیزینگی و لوازم خانگی قسطی و خوراک و پوشاک و هزینه ی تحصیل قسطی و غیره دست به گریبان گشتند، ولی با این وجود کارگر از ترس سر و صدای طلبکار و توقیف مسکن و ماشین و غیره توسط عوامل نظام سرمایه داری مجبور است تحت هر شرایطی کار کند و به نوعی ذلت را بپذیرد، اما هم طبقه های زحمتکش و شریف تنها ره رهایی از این ذلت و استثمار، اتحاد و همبستگی و متشکل شدن کارگران در همه حوزه های کارگری است.

ما کارگران خواستار :

۱- افزایش دستمزدها بر اساس ماده ۴۱ قانون کار .

- ۲- تشکیل تشکل های مستقل و مورد نظر کارگران و به رسمیت شناختن این تشکل ها توسط دولت .
- ۳- حق اعتصاب و اعتراض و تجمع و راهپیمایی .
- ۴- تضمین امنیت شغلی همه ی کارگران به ویژه لغو هر گونه قرارداد موقت و سفید امضاء و حذف واسطه های پیمانکاری.
- ۵- متوقف کردن اخراج ها و بیکارسازی های گسترده .
- ۶- لغو سه جانبه گرایی که همیشه در نهایت به نفع سرمایه داران بوده است .
- ۷- ایجاد کار برای هر کارگر آماده به کار و بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار .
- ۸- تساوی حقوق زن و مرد و رفع هر گونه ستم به زنان به ویژه ستم مضاعف کارفرمایان بر زنان کارگر .
- ۹- پایان دادن به دستگیری کارگران و آزادی بی قید و شرط تمام کارگران زندانی و بازگشت به کار همه آنها یا پرداخت ۵۰ درصد حقوق طبق ماده ۱۷ قانون کار و پرداخت حق بیمه به همسر و فرزندان تا زمان رفع محکومیت .
- ۱۰- لغو کار کودکان و ایجاد شرایط مادی و روحی مناسب برای رشد کودکان آسیب دیده و بی سرپرست .
- ۱۱- گنجاندن روز کارگر در تقویم کشوری به عنوان روز تعطیل رسمی .
- ۱۲- توقف خشونت ها و تبعیض دولتی و غیر دولتی علیه کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان و برخورداری کامل آنها از حقوق شهروندی و کارگری .
- ۱۳- لغو احکام ناعادلانه قضایی شامل اعدام، شلاق، جریمه، حبس، تبعید و غیره علیه فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی .
- ۱۴- لغو مجازات مرگ .

هستیم .

در نهایت به شورای امنیت سازمان ملل و بویژه قدرتهای غربی و آمریکا اعلام می کنیم که ما کارگران ضمن محکوم کردن سیاستهای جنگ طلبانه و ماجراجویانه جناحهایی از دولت ایران، خواستار لغو تحریم های اقتصادی که مستقیماً خانواده های طبقه کارگر و مردم زحمتکش را نشانه گرفته هستیم و هر گونه طرح و بحث و لفاظی دوباره حمله نظامی و حتی اندیشیدن به این بلای خانمانسوز را شدیداً محکوم می کنیم و با تمام توان و امکانات خود در برابر هر گونه تجاوز احتمالی به کشور و جامعه ایران ایستادگی می کنیم.

زنده باد کارگر

زنده باد اتحاد کارگران

زنده باد آزادی و برابری

پاینده باد جنبش کارگری

رضا شهابی زکریا کارگر و راننده ی دربند- عضو هیأت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد

زندان اوین اندرگاه ۳ سالن ۱ اتاق ۳

ساعت ۲۲/۳۰ مورخه ۸/۲/۱۳۹۲

کمیته ی دفاع از رضا شهابی- ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی :

رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده - لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی- هه ساره ابراهیمی- شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیل احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی - علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربابه آذریان - حسن آذریان- حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلیا آذریان - توفیق اسدی - طیب اسدی- محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسماعیلی - امیر اسلامی- سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه - مهرداد امین وزیری -

جلال امینی - عباس اندریانی - ریحانه انصاری - صدیق امجدی - رقیه اصولی - اسماعیل بازافکن - حسین باقری
 -امیر باقری-امین باقری- فرهاد برنا- فرزاد برنا- سینا برنا- تورج برنا- مریم بختیاری - کوروش بخشنده -هوشیار
 بهمنی - شادی بهرامی - گلباغ بهمنی - سمیه بهشتی زاد - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبدالله
 بلواسی- ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیار پورعباد - برهان پیر خضرانی - جلال پیروتی - حسین پیروتی -
 رحمان تنها - وحید تیطاخی - یوسف جاهدی - قنبر جبارپور- سونیا جبار پور- سحر جبار پور- شبنم جبار پور- محمد
 چرتاب - سعدی چمنی-فرهاد حاتمى -شوان حبیبی - ایوب حسن زاده -مجید حسن زاده-حسین حسن آبادی
 - محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمن حسینی - نیشتمان حسینی - همدم حسینی- ٹاکو
 حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی- صباح حیدری - غالب حسینی - عبدالله
 حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی - محسن حسینی تبار - دلیر حشمتی - حسن حقیقی- ابوالفضل
 حکمتی- غلامعلی حکمتی- علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا
 خورشیدی- خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا - سوسن رازانی - منیره
 رحینی - غلام رزمی- افروز رزمی-احمد رزمی-بهمن رزمی -فاطمه رزمی -علیرضا رزمی- فاطمه رفیعی - ربابه
 رضایی - فریبا رضایی -نوراله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی - فریبرز رئیس دانا - بیژن
 رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی -ظہیر رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم
 رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری -حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراز روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی - بیژن
 زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندگی - بهمین زندگی - شریف ساعد پناه - سومنا ساعد
 پناه - کیوان ساعد پناه - یعقوب سیک خیز- صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی -
 حسن سعیدی -هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی -علی سهرابی - نیما سهرابی- طلپعه
 سلامی - مسعود سلیم پور - خالد ساعدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب
 سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی -حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی -
 کیوان شریفی- شهرام شمشیری- زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا -حسن شهابی
 زکریا - پڑمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا- محمد امین شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمین
 شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا -عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی-
 بهرام شهابی- شهرام شهابی-مسعود شهابی-محمودشهابی- آریاشهابی- آریناشهابی - آنتیا شهابی - محمد
 شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی-علی شوقی-
 عباس شوقی - میناشوقی- سمیه شوقی شندی- بهاره صابری - نظام صادقی - منیژه صادقی - مریم صادقی
 - نجیبه صالحزاده -محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبدالله صمدی - مهرداد صبوری -یدالله
 صمدی - مادر صمدی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی- رسول صمدی -مهران صمدی - مهرداد صمدی -
 منوچهر صمدی - مهدی صمدی - مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی-علی صمدی - شاهو صفیاری-
 فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی- رها ضیائی - محمد عبدی پور - مرضیه عبدی -
 سیوان عبدی - فرزاد عبدی- ربیوار عبدالهی - فواد عبدالهی - محمد عزیزى - علیرضا عسگری - سروش علیپور
 - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فاتحی - سیروس فتحی - کوروش فتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی -
 چینی فیضی- حبیب فتحنائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الہی - کاظم فرج الہی - کژال فاتحی
 - مریم قاسملو - پڑمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور- یداله قطبی - محمود قلی زاده - صالح قهرمانی-
 عبدالله کاظمی - فہیمہ کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیہ کمانگر - ناصر کمانگر - مرتضی
 کمساری - شاهرخ کریمی - رحمان کریمیان - چیمین کیخسروی -علی کریمی - شهناز گلزاری - شعلہ گودرزی
 - محمد گویلیان - اقبال لطیفی -شهناز لرکی - بردیا مارابی - افسانہ ملا زینل - فرید مجیدی - مینا موحد -جلیل
 محمدی - علی محمدی-عباس محمودی-مجید محمودی - فیروز محمدزاده- شمس الدین مرادی - زاهد
 مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مریوانی - مسعود مریوانی - صباح ملکی -
 کمال ملکی -مجید ملکی -نادر ملکی- ستار ملایی - سیروان مجیدی - ایوب مجیدی - احد محمودی -جہانگیر
 محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختارپور - محمد مولانایى - فردین میرکی - محمد
 امین میرکی - شریفہ محمدی- منیره محمدی- نوشین محمدی - ہدی محمدی - مریم میرکی - بهمین محمدی
 - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فردین مهدی - عمر مینایی -کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا -
 خبات مرادی - مازیار مهرپور - دیاکو مردوخی - نسرین محمدی -علیرضا موثقی- منیره موحد- سیاوش موحد-

نادر نادری- شاپور نادری - جهانگیر نادری - جهانپور نادری - جهانسوز نادری - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامداری - نقشین ناصری - فردین نگهدار - هوشیار نجاری - نامق نیکدل- پدram نصرالهی - گوهر ناصری - افشین ندیمی پور - علی اکبر نظری - صدیقه نظری - سید رضا نعمتی پور- آرمان نوری زاد - لیلانیکو خصال- محمدعلی نیکوخصال- حسین نظیف کردار- آزاد ورمزیار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی -جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمیپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی - پروین یوسفی نژاد

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد به مناسبت روز جهانی کارگر

برپایه اعلامیه رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 9 اردیبهشت 92 آمده است : اول ماه مه، روز جهانی کارگر، که به پاسداشت یاد و خاطره تابناک کارگرانی که در حمله پلیس شیکاگوبه تظاهرات حق طلبانه کارگری حدود یکصدو بیست سال پیش کشته شدند، و از این روی از سوی اتحادیه ها و سازمان های جهانی کارگری آن دوران به عنوان نماد اتحاد و همبستگی جنبش گسترده و دیر پای دادخواهی کارگران جهان پایه گذاری شده است. بر همه ی کارگران وزحمتکشان و همکاران شریف گرامی باد....

زنده باد جنبش اول ماه مه، زنده باد جنبش دادخواهی کارگری

اول ماه مه، روز جهانی کارگر، که به پاسداشت یاد و خاطره تابناک کارگرانی که در حمله پلیس شیکاگوبه تظاهرات حق طلبانه کارگری حدود یکصدو بیست سال پیش کشته شدند، و از این روی از سوی اتحادیه ها و سازمان های جهانی کارگری آن دوران به عنوان نماد اتحاد و همبستگی جنبش گسترده و دیر پای دادخواهی کارگران جهان پایه گذاری شده است. بر همه ی کارگران وزحمتکشان و همکاران شریف گرامی باد.

به مناسبت روز جهانی کارگر سندیکا ها و اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف تلاش میکنند توجه وسیع افکار عمومی و رسانه ها را به دادخواهی کارگری افزایش داده و بر خلاف مراسم تبلیغاتی حکومتی و دولتی، بی عدالتی های اجتماعی را افشاء و به صورت اعتصاب، راه پیمایی، تجمع اعتراضی، گرد همایی، سرود خوانی، اطلاعیه و دیگر روش ها، اعتراضات خود را اعلام و حقوق خود را طلب می نمایند. و در همین این راستا از عموم کارگران ایران دعوت می شود سازمانهای سندیکائی خود را ایجاد و در چنین روزهایی اعتراضات و خواست های خود را به مسئولان اعلام نمایند.

با اینکه تاریخ بزرگداشت اول ماه مه در ایران حدود صد سال سابقه دارد، اما متأسفانه به علت سرکوب های پلیسی، امنیتی و کارشنکی های دولتی و بر خلاف ادعاهای گوش خراش مسئولان در حمایت از کارگر و همچنین همگانی نبودن تعطیلی روز جهانی کارگر، تا کنون بزرگداشتی شایسته ی مقام میلیونها کارگرو زحمت کش ایرانی در اول ماه مه برگزار نشده است. البته با وجود همه ی این مشکلات و موانع گوناگون، سندیکای کارگران شرکت واحد همواره با سخت کوشی و همدلی و اتحاد و پذیرش خطرات به سهم خود این روز را گرامی داشته است.

سندیکای کارگران شرکت واحد همانند دیگر سندیکا های کارگری جهان که خواسته ها و اعتراضات خود را در چنین روزی اعلام می کنند، بخشی از مهمترین خواسته های خود را بدین شرح اعلام می نماید.

1- آزادی فوری و بی قید شرط آقای رضا شهبانی راننده زحمت کش شرکت واحد و عضو هیئت مدیره سندیکا از زندان و درمان وی تا سلامتی کامل وبازگشت بکار و پرداخت همه ی حق و حقوق معوقه ایشان از تاریخ بازداشت.

2- بازگشت بکار فوری رانندگان زحمت کش شرکت واحد آقایان حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصر محرم زاده، که به علت پی گیری حقوق همکاران خود در سال گذشته با پرونده سازی و اعمال روش های غیر قانونی از کار معلق شده و هم اکنون در شرایط سخت اقتصادی بسر میبرند.

3- رعایت شأن و منزلت انسانی کارگران و پایان بخشیدن به رفتارهای غیر قانونی پلیسی امنیتی علیه فعالیت سندیکائی کارگران و آزادی همه ی زندانیان مدافع و فعال حقوق کارگری.

4- تامین امنیت شغلی و جلوگیری از اخراج کارگران به ویژه فعالان حقوق کارگری و لغو قراردادهای سفید امضاء و موقت کارگری.

5- تجدید نظر در حداقل دستمزد سال 92 متناسب با گرانی کمر شکن و تورم روز افزون، و تامین معاش خانواده در حد استانداردهای يك زندگی انسانی متناسب با نیازهای خوراك، پوشاك، مسكن، بهداشت و آموزش و پرورش.

6- جلوگیری از کار کودکان به ویژه در امور خدمات جمع آوری و باز یافت زباله توسط باندهای خلاف کار و سازمانهای خدماتی شهرداری که روز بروز در حال گسترش است.

7- پایان بخشیدن به تمامی بی عدالتی های مخالف حقوق انسانی و اجرای بی کم و کاست حقوق مردمی که از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی و جوامع حقوق بشری به رسمیت شناخته شده و رعایت آنها از وظایف حکومتگران می باشد.

در پایان یادآوری شود سندیکای کارگران شرکت واحد حق خود می داند که در صورت عدم رسیدگی عادلانه به خواست هایش توسط مسئولان داخل کشور، با همکاری سندیکاها و اتحادیه های جهانی و به استناد حقوق بین المللی کارگری شکایت های خود را در نشست سالانه سازمان جهانی کار مطرح و از طریق ارگان های این سازمان پی گیری و احقاق حق نماید.

با آرزوی گسترش عدالت آزادی و صلح جهانی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوسرانی تهران و حومه

اردیبهشت 92

بیانیه «آوای کار» به مناسبت روز جهانی کارگر

به نوشته سایت طرفداران جنبش سبز «آوای کار» در تاریخ 8 اردیبهشت 92 آمده است : فرا رسیدن روز جهانی کارگر (اول ماه مه، ۱۱ اردیبهشت) را به همه کارگران و مردم زحمتکش ایران تهنیت می گوید و خود را در مبارزه آنان برای دستیابی به حقوق حقه خویش سهیم می داند.

کارگران و زحمتکشان میهن ما در شرایطی به استقبال این روز مهم می روند که در نتیجه سیاست های خانمان برانداز اقتصادی – آزادسازی قیمت ها، خصوصی سازی های بی رویه، واردات گسترده، عدم حمایت از تولیدات داخلی، و غیره – همراه با فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم های اقتصادی دشمنان مردم ایران، از یک سو، و سرکوب خشن تشکلهای و فعالان کارگری و مجموعه جنبش آزادیخواهانه و عدالت جویانه مردم (جنبش سبز) به دست صاحبان قدرت در حکومت، از سوی دیگر، از همه حقوق اساسی خود محرومند و هر روز با فقر و گرسنگی و بیکاری و عدم امنیت جانی و شغلی

دست و پنجه نرم می‌کنند.

نگاهی به برخی واقعیت‌های جامعه ایران ابعاد گسترده فاجعه‌ای را که امروز کارگران و مردم میهن ما با آن روبه‌رو هستند آشکار می‌سازد:

— نرخ تورم در کشور اکنون به حد ۶۰ درصد رسیده است و افزایش روزمره قیمت کالاهای اساسی مصرفی و خدماتی هر روز قدرت خرید ناچیز کنونی مردم را کاهش می‌دهد و آنان را به شکلی فزاینده به‌زیر خط فقر می‌راند.

— بیکاری، به‌ویژه در میان زنان و جوانان، در کشور بیداد می‌کند. نرخ رسمی بیکاری اعلام شده از سوی دولت به‌هیچوجه سطح بیکاری واقعی را بازتاب نمی‌دهد. بر اساس برآوردها مختلف، نزدیک به یک‌چهارم نیروی کار ایران بیکار است. نرخ بیکاری در میان زنان از این نیز بسیار بیشتر است و به رقمی بالاتر از ۴۰ درصد رسیده است.

— امنیت شغلی در ایران وجود خارجی ندارد. کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر از پوشش قانون کار خارج‌اند. قراردادهای استخدامی کارگران عمدتاً موقت، پیمانی و روزمزدی هستند و اغلب به‌صورت سفیدامضاء بسته می‌شوند. بنگاه‌های تولیدی کشور به‌دلیل سیاست‌های اقتصادی اعمال شده، تحریم‌های اقتصادی و مشکلات ارزی یکی پس از دیگری ورشکست می‌شوند و هر روز تعداد بیشتری از کارگران را به خیل بیکاران کشور می‌افزایند. کارگرانی هم که کار خود را همچنان حفظ کرده‌اند با تأخیرهای طولانی در دریافت دستمزد خود روبه‌رو هستند.

— و بر بستر چنین وضعیت فاجعه‌باری است که حکومت، در تخلف صریح از اصول قانون اساسی و اصل ۴۱ قانون کار، از تعیین حداقل دستمزد در انطباق با نرخ تورم و افزایش هزینه زندگی کارگران سر باز می‌زند. در حالی که خط فقر رقمی معادل یک میلیون و هفتصد هزار تومان برآورد می‌شود، شورای عالی کار حداقل دستمزد سال ۱۳۹۲ را در حد کمتر از یک سوم خط فقر، یعنی ۴۸۷ هزار تومان تعیین کرده است.

— و همه اینها در شرایطی اتفاق می‌افتد که هرگونه اقدام کارگران در جهت ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری در دفاع از حقوق خود با سرکوب خشن حکومت روبه‌رو است و هر روز بر تعداد فعالان کارگری در زندان‌ها افزوده می‌شود.

متأسفانه برخی، به‌دلیل نبود سازمان‌دهی کافی در جنبش کارگری برای ایجاد تغییر در شرایط دشوار کنونی، راه حل را در شکایت بردن به همان نهادهای بالای حکومتی که خود باعث و بانی وضعیت کنونی بوده و هستند جست‌و‌جو می‌کنند. در حالی که راه حل واقعی برای خروج از بحران کنونی، ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، سازمان‌دهی کارگران و ایجاد فشار از پایین، و پیوند دادن همه نهرهای جنبش مردمی، از جنبش سبز گرفته تا جنبش کارگری، جنبش زنان و دانشجویان، به یکدیگر و ایجاد نیروی کافی برای تأثیرگذاری است. در غیاب یک چنین پیوند همه‌جانبه در پایین، که بتواند با ایجاد نیروی لازم بر مراکز بالای قدرت حکومتی تأثیر بگذارد، هیچ آمیدی به بهبود اوضاع نمی‌توان داشت.

امروز کارگران ایران، با دست‌های از پشت بسته، درگیر یک مبارزه نابرابر با نهادهای حکومتی و کارفرمایان دولتی و خصوصی بر سر دستیابی به حقوق بنیادی خود، از جمله حق تشکل، تعیین حداقل دستمزد، لغو قراردادهای موقت و پیمانی، توقف اخراج‌ها و تضمین اشتغال، دفاع از حق قانونی اعتصاب و تجمع، آزادی زندانیان سیاسی و فعالان کارگری و سندیکایی، پایان حصر رهبران نمادین جنبش سبز و ... هستند. زمان آن رسیده است که جنبش سبز نیز، بر اساس تعهد همیشگی خود به دفاع از حقوق سیاسی، اقتصادی و مدنی همه مردم، فعالانه این مبارزه برحق کارگران را تقویت کند و با طرح

مستقیم خواست‌های آنان به‌عنوان خواست‌های یک بخش مهم از مجموعه جنبش سبز مردم ایران، و اعلام حمایت و شرکت علنی در اعتصابات و تجمع‌های اعتراضی آنان، راه را برای دستیابی همه مردم ایران به حقوق اساسی خویش هموار سازد.

بدین امید که روز کارگر سال جاری نقطه آغاز حرکت متحدی باشد که بتواند به خواست‌های مشترک کارگران و مردم ایران جامه عمل بپوشاند.

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر
با خواست تجدید نظر فوری در حداقل مزد و در اعتراض به گرانی، مراسم اول ماه مه را بر پا خواهیم داشت

اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است. این روز یک روز بسیار مهم و سرنوشت ساز برای ما کارگران است. این روز، روز به خیابان آمدن و اعتراض کارگران در سرتاسر جهان به بی عدالتی و نابرابری است. ما نیز در ایران، باید و حق داریم همچون کارگران سرتاسر جهان در این روز به خیابانها بیایم و نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نمیشود که هر روزه هم هزینه های زندگی چندین برابر شود و هم با تعیین حداقل مزدی معادل سه چهار برابر زیر خط فقر، گرسنگی بیش از پیشی را بر ما تحمیل کنند و هم سکوت و خاموشی را. ما این سکوت را درسال گذشته با طوماری سی هزار نفری و بر پایی تجمعاتی اعتراضی در هم شکستیم و...

امسال ما کارگران ایران در شرایطی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر میرویم که در آخرین روزهای سال گذشته و در حالیکه سبد هزینه یک خانوار چهار نفره یک میلیون و هشتصد هزار تومان اعلام شده بود شورایعالی کار دولت جمهوری اسلامی با تصویب حداقل مزد 487 هزار تومانی نشان داد که نه تنها انسان بودن و حق ما کارگران برای برخورداری از یک زندگی انسانی برایشان هیچ معنایی ندارد بلکه در صدد آن هستند تا بی رحمانه تر از هر زمانی کل هزینه های بن بست اقتصادی موجود را که خود مسبب آن بوده اند بر دوش ما کارگران سر ریز کنند و با چپاول بیش از پیش سفره های خالی میلیونها خانواده کارگری، اقتصاد بحران زده موجود را در راستای تامین منافع اقلیتی ناچیز سر پا نگاه دارند.

از سال گذشته به این سو، ماه و فصلی در این مملکت نبوده است که هزینه های زندگی به چندین برابر افزایش پیدا نکرده باشد، با اینحال هنوز چند صباحی از آغاز سال جدید نگذشته است که بار دیگر قیمت گوشت و برخی دیگر از اقلام غذایی سر به فلک کشید و از هم اکنون طرح مربوط به افزایش قیمت نان و حاملهای انرژی و حذف ارز مرجع برای کالاهای وارداتی سرآغاز دیگری از چندین برابر شدن هزینه های زندگی را در طول هفته ها و ماههای آینده کلید زد.

دولت همیشه و در هر حالی بهای هر کالایی را که اختیار قیمت گذاری آن بدست اش بوده است افزایش داده است و به تبع آن بخش خصوصی و صاحبان سرمایه نیز قیمت کالاها و خدمات تولیدی شان را بالا برده اند. اما زمانی که نوبت به زندگی و بقا ما کارگران در این مملکت رسیده است دولت نه تنها هیچ مسئولیتی برای تامین معاش میلیونها خانواده کارگری برای خود قائل نشده است بلکه با هر آنچه که در ید قدرتش بوده، تلاش نموده است تا هزینه های بحران اقتصادی موجود را از گرده ما کارگران بیرون کشد، بطوریکه دولت خود راسا با اخذ ارزش افزوده شش درصدی از هر آن چیزی که با حداقل مزد کنونی بر سر سفره های خالی کارگران قرار میگیرد هر روزه مشغول چپاول و غارت از این حداقل مزد ناچیز و خفت بار ما کارگران است.

اینان خود بیش از همه ما کارگران و مردم ایران میدانند که حداقل مزد 487 هزار تومانی معادل اجاره بهای آلودگی در فقیر نشین ترین محلات مراکز استانها در سراسر کشور نیز نیست اما با عوامفریبانه ترین اشکالی، قانونی را که خود وضع کرده اند و می باید بر اساس آن حداقل مزد کارگران را تعیین کنند

زیر پا میگذارند و آنجا نیز که ما کارگران دست به اعتراض میزنیم و همچون کارگران سرتاسر جهان در صدد برپایی تجمعات خیابانی در اعتراض به وضعیت مصیبت بارمان بر می آئیم، قانون و هزار و یک مصلحت دیگر را پیش میکشند تا ما کارگران به هر درجه از فقر و گرسنگی که منافع شان ایجاب میکند تن در دهیم.

اما برای ما کارگران هیچ مصلحتی بالاتر از تامین معیشت مان که عین شرافت مان است وجود ندارد. ما در سال گذشته با جمع آوری طوماری اعتراضی در سطحی سراسری نشان دادیم که میتوانیم دست در دست هم نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نشان دادیم که دیگر تحمل وضعیت موجود را نداریم، نشان دادیم کاسه صیرمان لبریز شده است و دیگر حاضر نیستیم بیش از آنچه که تاکنون تن به فقر و فلاکت سپرده ایم نظاره گر تباهی زندگی خود و خانواده هایمان شویم. بدون ذره ای تردید شرایط حاضر یکی از مصیبت بارترین شرایطی است که ما کارگران ایران بطور بی سابقه ای در طی سی سال گذشته با آن مواجه بوده ایم. شیرازه های هیچ جامعه ای در هیچ جای دنیا بر روی پایه ای که امروزه ما کارگران و مردم ایران به لحاظ معیشتی بر روی آن قرار گرفته ایم قابل دوام نیست، اینرا باید دولت و دست اندرکاران حکومتی بدانند و نیز بدانند که دیگر ذره ای تحمل برای ما کارگران جهت تداوم وضعیت مشقت بار کنونی باقی نمانده است. کارگران و همکاران در سراسر کشور!

اینک اول ماه مه روز جهانی کارگر در راه است. این روز یک روز بسیار مهم و سرنوشت ساز برای ما کارگران است. این روز، روز به خیابان آمدن و اعتراض کارگران در سرتاسر جهان به بی عدالتی و نابرابری است. ما نیز در ایران، باید و حق داریم همچون کارگران سرتاسر جهان در این روز به خیابانها بیائیم و نسبت به وضعیت مشقت بارمان معترض شویم. نمیشود که هر روزه هم هزینه های زندگی چندین برابر شود و هم با تعیین حداقل مزدی معادل سه چهار برابر زیر خط فقر، گرسنگی بیش از پیشی را بر ما تحمیل کنند و هم سکوت و خاموشی را. ما این سکوت را در سال گذشته با طوماری سی هزار نفری و برپایی تجمعاتی اعتراضی در هم شکستیم و به یقین اینک نیز قادریم در دفاع از زندگی و شرافت مان دست به اعتراضات گسترده تری بزنیم. اول ماه مه امسال برای ما کارگران ایران چنین روزی خواهد بود، روز اعتراض به تورم و گرانی و روز اعتراض به حداقل مزد مصوب با خواست تجدید نظر فوری در آن.

زنده باد اول ماه مه - زنده باد همبستگی و اتحاد سراسری کارگران ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران - هفتم اردیبهشت ماه 1392

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت روز جهانی کارگر

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است : اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز رزم مشترک همه کارگران و رنجبران و استثمارشوندگان جهان است؛ این روز فرصتی است تا یک بار دیگر صف واحد طبقاتی را علیه سود پرستان ستمگر تشکیل دهیم و صدای رسای طبقه کارگر را به گوش جهانیان برسانیم که : "ما کارگران و زحمتکشان با زوی پر توان و تعیین کننده مسیر تاریخ آینده ی جهانیم و بیداد را به هر طریق ممکن به باد فنا خواهیم سپرد و دوش به دوش زنان و مردان کارگر همه ی کشورهای جهان ، روند فاسد و روبه زوال نظم سرمایه داری را که عامل همه ی بحران های انسانی و اجتماعی است ، سد خواهیم کرد؛ تا دیگر هیچ مادری برای سیر کردن فرزند خود مجبور به تن فروشی نشود و هیچ پدری برای درمان فرزند بیمار خود به التماس زار نزند و هیچ کودکی برای سیر کردن خود سطل زباله را زیر و رو نکند و هیچ کجای طبیعت قربانی سود اقلیت شکمباره و سیری ناپذیر نگردد."

کارگران و زحمتکشان ایران نیز بیش از یک قرن است که همگام و دوشادوش همه ی رنجبران جهان علیه بیداد طبقه ی سرمایه دار و نظم سرمایه داری مبارزه می کنند. در مبارزه ی بی امان با این نظام به غایت مرتجع و سرکوب گر پیروزی های بزرگی نیز به دست آورده و از شکست ها نیز تجربه های گران بهایی کسب کرده اند که در مبارزه ی آتی چراغ راهشان خواهد بود. درک بحران های ساختار نظم مسلط بر جهان که همه ی ارکانش با

خون ستم دیدگان و استثمارشوندگان رنگین شده چندان دشوار نیست. این ساختار که تا کنون به کام اقلیت يك درصدی سرمایه‌داری بوده با تکانه‌های بحران‌های جدی آماده‌ی فروریزی است. وحدت طبقاتی و همگامی با زحمتکشان جهان، سازمان‌پذیری و تشکل، جدی‌ترین سلاح ما علیه این بیداد طبقاتی است با این سلاح است که می‌توان و باید این ساختار مبتنی بر سود يك درصدی‌ها را در جهان و ایران به چالش کشید. فعالان و مدافعان حقوق کارگر در پی آن‌اند که با درک شرایط و توازن قوای طبقاتی خواسته‌های کارگران و زحمتکشان ایران را در این رزم طبقاتی اعلام کنند و از همه‌ی باورمندان به برابری و رفع ستم طبقاتی می‌خواهند که با حمایت از این مبارزه به تعمیق آن یاری رسانند.

مبهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت‌اند از:

1- پرداخت فوری حقوق و دستمزد معوق کارگران شاغل در همه‌ی بخش‌های اقتصاد اعم از بخش خصوصی و غیرخصوصی و تعیین حداقل دستمزد بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز و با نظارت فعال تشکل‌های مستقل کارگری.

2- تأمین مسکن مناسب برای همه‌ی حقوق‌بگیران و تأمین کار برای همه‌ی بیکاران و همگانی کردن استفاده از مقرری بیمه‌ی بیکاری برای همه‌ی بیکاران

3- واگذاری سازمان تأمین اجتماعی به صاحبان واقعی آن و اداره‌ی آن توسط نمایندگان واقعی کارگران

4- بیمه کردن همه‌ی شاغلان و بیکاران و کنترل و نظارت تشکل‌های صنفی کارگران بر صحت اجرای آن و پرداخت حق بیمه‌ی کارگران توسط کارفرمایان

5- برچیدن بساط نظامیان و عناصر امنیتی از واحدهای تولیدی و مؤسسات اقتصادی و کارگاه‌ها و به رسمیت شناختن تشکل‌های کارگری و هرگونه اعتراض کارگران برای احقاق حق خود

6- حذف برنامه‌ی اصلاح قانون کار از دستور کار مجلس و دولت

7- لغو مصوبه‌ی خارج کردن کارگاه‌های زیر 10 نفر از شمول قانون کار

8- رفع محدودیت از سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری و هرگونه تشکل و مراسم کارگری به‌ویژه قانونی کردن تعطیلی روز جهانی کارگر به‌عنوان روز مبارزه‌ی کارگران علیه ستم طبقاتی

9- الزام کارفرمایان به پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر و رفع هرگونه تبعیض در محیط کار اعم از تبعیض جنسیتی، تابعیتی، قومیتی، عقیدتی و...

10- حمایت از خانواده‌های نیازمند و جلوگیری از کار کودکان زیر 18 سال

11- کنترل کارگاه‌ها و همه‌ی محیط‌های کار در

زمینه‌ی رعایت بهداشت، ایمنی کار و حمایت از جان کارگران در برابر سود کارفرمایان

12- برخورداری تمامی بازنشستگان و مستمری‌بگیران از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه‌ی اقتصادی و رفع

هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تأمین اجتماعی و خدمات درمانی

13- آزادی حق اعتصاب برای کارگران و زحمتکشان به‌عنوان سلاح پرنده علیه بیداد کارفرمایان صاحب قدرت

14- قطع سرکوب اعتراضات کارگری و مردمی، لغو مجازات اعدام، آزادی فوری و بی‌قیدوشرط زندانیان

کارگری و دیگر فعالان اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگرد‌های قضایی علیه آنان و برچیده شدن فضای

امنیتی موجود در جامعه

15- حذف قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قراردادهای جمعی با نظارت و مدیریت

تشکل‌های مستقل کارگری

16- واگذاری بنگاه‌های اقتصادی خصوصی شده به کارگران شاغل در همان واحد اقتصادی و جلوگیری از

غارت این واحدها توسط مدیران حریص، آزمند و بی‌کفایتی که این واحدها را تا آستانه‌ی تعطیلی و ورشکستگی کشانده‌اند.

17- آزادی بیان و قلم و هرگونه تشکل برای کارگران و فعالان اجتماعی بدون محدودیت

18- رفع قوانین تبعیض‌آمیز و محدودیت اشتغال و تحصیل برای زنان، کارگران غیر ایرانی، اقلیت‌های

قومیتی و عقیدتی و...

19- حذف هزینه‌های آموزش و پرورش، آموزش عالی و مهارت‌آموزی در سطح کشور و نیز حذف هزینه‌های

درمان تمام حقوق‌بگیران و بیکاران و خانواده‌هایشان در تمام بیمارستان‌ها

20 - لغو جهت‌گیری های اقتصادی مبتنی بر توصیه‌ی نهاد های اقتصاد امپریالیستی - بانک جهانی ، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی- و رفع محرومیت عمومی ناشی از این سیاست‌ها که تا کنون قربانی های بسیاری از جامعه گرفته است.
« پاینده باد اول ماه مه، روز رزم مشترک کارگران جهان»
کانون مدافعان حقوق کارگر

بیانیه در گرامیداشت اول ماه مه

جمعی از کارگران محلات غفور- کمیز- حاجی آباد شهر سنندج

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 9 اردیبهشت 92 آمده است : اول ماه مه، روز رزم جهانی طبقه ی کارگر بر علیه نظام سرمایه محور سرمایه داری در سراسر جهان است. روزی که کارگران سراسر گیتی در صفوفی تنیده و به هم پیوسته و با گام هایی مطمئن و استوار رژه رفته، و کیفرخواست خود را بر علیه ساختارهای انسان ستیز سرمایه داری اعلام می کنند. امسال در شرایطی روز اول ماه مه را جشن می گیریم که دامنه ی بحران های فراگیر اقتصادی فقر و فلاکت بی سابقه ای را به طبقه ی کارگر جهانی تحمیل نموده است، در مقابل اعتراضات کارگران در بطن چنین بحرانی جهت مواجهه با تهاجم گسترده و همه جانبه ی سرمایه داری به سطح زندگی و معیشت کارگران افزایش یافته است، تا بتواند همبستگی طبقاتی خود را در سراسر جهان در روزی همانند اول ماه مه به نمایش بگذارند.

در ادامه ی این بحران های زنجیره ای، و با تشدید و تداوم تحریم های اقتصادی بر علیه ایران، سرمایه داری ایران نیز با تهاجمات گسترده، جهت هر چه بی حقوق تر کردن کارگران، حداقل دستمزد امسال را با ۲۵٪ افزایش نسبت به سال ۹۱ معادل ۴۸۷ هزار تومان تعیین کرده، در حالی که تورم و گرانی سراسر اور میلیون ها خانواده ی کارگری را صد درصد به زیر خط فقر رانده و محکوم به مرگ تدریجی نموده است.

خصوصی سازی ها و قراردادهای موقت و سفید امضا دست کارفرمایان را باز گذاشته است تا هر روز کارگران را به صورت گسترده و دسته جمعی از کار اخراج و به ارتش ذخیره ی بیکاران پیوند دهند، تا با اتکاء به نیروی حاصل از آن، تعرض گسترده تری به سطح معیشت کارگران بنمایند و از حقوق حقه ی کارگران بکاهند.

دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر گاهن یکسال و حتی بیشتر هم پرداخت نمی شود، و هر روز بندهایی از قانون کار و بیمه ی تأمین اجتماعی را به نفع کارفرمایان اصلاح و تغییر می دهند. گرانی و بیکاری گسترده کودکان را به علت فقر و تنگدستی خانواده هایشان مجبور به ترک تحصیل نموده و روانه ی خیابان ها و بازار بی رحم کار نموده است، و به این ترتیب آشکارا نقاب از چهره ی ظالمانه ی سرمایه برداشته شده، و زندگی کارگران و فرودستان جامعه بیش از پیش در معرض نابودی قرار گرفته است .

کارگران و هم رزمان! نظام جهانی سرمایه داری تنها در سایه ی اتحاد و همبستگی جهانی طبقه ی کارگر محکوم به شکست خواهد بود، در نتیجه طبقه ی کارگر، از جمله کارگران ایران نیز باید خود را جهت مصاف و تقابل طبقاتی آماده کرده، و با اتکا به دانش طبقاتی و تشکل های خود ساخته و مستقل، راه را برای رسیدن به دنیای آزاد و برابر و عاری از هر گونه استثمار انسان به دست انسان هموار نماید.

در پایان ما جمعی از کارگران محلات شهر سنندج صمیمانه ترین تبریک های خود را نثار تمامی کارگران جهان، به خصوص کارگران ایران می نمایم، و همگام و هم دوش با تمام انسان های مبارز، خواست و مطالبات خود را رساتر از هر روزی در اول ماه مه فریاد می زنیم...

گرامی باد اول ماه مه

گرامی باد همبستگی طبقاتی کارگران جهان

۹/۲/۹۲ -

فراخوان جمعی از کارگران سنندج به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر

کارگران، زنان و مردان زحمت‌کش!

روز اول ماه مه برابر با 11 اردیبهشت، روز جهانی کارگر، روز اعلام نارضایتی به شرایط بیکاری، فقر و گرانی و مشکلات اجتماعی است. در این روز تمام کارگران در سرتاسر دنیا دست از کار کشیده و به خیابان‌ها می‌آیند و خواست و مطالبات خود را فریاد می‌زنند. ما کارگران سنندج نیز همدوش و همگام با هم‌طبقه‌ای‌هایمان در روز جهانی کارگر، چهارشنبه 11 اردیبهشت راس ساعت 7 عصر در خیابان فردوسی نیش ناصر خسرو حضور بهم می‌رسانیم!

جمعی از کارگران سنندج-10 اردیبهشت 92

فرمانداری سنندج از قبول برگه خواست اتحادیه آزاد کارگران ایران برای صدور مجوز برپایی مراسم روز جهانی کارگر خودداری کرد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: روز هفتم اردیبهشت ماه جاری مسئولین اتحادیه آزاد کارگران ایران برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در شهر سنندج خواهان صدور مجوز قانونی از سوی فرمانداری این شهر شدند اما مسئولین این فرمانداری از پذیرش این خواست خودداری کرد. متن اصلی برگه خواست صدور مجوز قانونی اتحادیه آزاد کارگران ایران جهت گرامیداشت روز جهانی کارگر در شهر سنندج: <http://www.eteahdyh.com/?page=news&nid=2958>

رضا رخشان: روز جهانی کارگر روز ماست

در حالیکه تنها چند روز دیگر به اول ماه مه مانده است با اینهمه برای من کارگر این روز (یعنی روز جهانی کارگر) حکم تحویل سال نو کاریمان است. روزیست که پایان سالیست که رفته، توام با موفقیتها ویا شکستها و مشکلات ویا کامیابی های احتمالی، در سال کاری که گذشته است. همچنین آغاز سالیست که امیدواریم بهبودی وسیع وعمیقی در زندگی ما کارگران همراه باشد. اگر در سرتاسر جهان واز ملل و کشورهای گوناگون جهت مشخص نمودن گذرایام از سالنامه هایی چون، میلادی، شمسی، سال چینی وهندی وغیره استفاده میشود اما روز جهانی کارگر یگانه تقویم مشترک تمامی کارگران جهانست. که این خود به تنهایی گواه همبستگی تمامی توده های کارگران است. بعبارت دیگر، شیئیت وماهیت مادی کارگران آنچنان به هم نزدیک است که از تمامی مرزهای سیاسی وتاریخی وفرهنگی گذر می نمایند که این خود ناشی از ذات طبقاتی مشترک، درد مشترک و راه حل‌های مشترک برای رفع تمامی معضلات این طبقه عظیم است. همانطور که میدانیم، تقویم روز جهانی کارگر با کشته شدن دوازده کارگر ساکن در آمریکا بوجود آمد. یعنی کشته شدن تعدادی کارگر خاص در یک کشور معلوم. اما همین رخ داد، تبدیل به روزی شد که تمامی کارگران دنیا، کارگر بودن خویشتن را جشن می گیرند چرا که در همه جا بر اساس این مناسبات، عارضه ای ثابت و مشابه در روابط کار وسرمایه است. یعنی همانا تضاد منافع طبقه سرمایه داری با منافع طبقه کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار. این تضاد باتمامی ابعادش در مناسبات حاکم بر جهان ما (سرمایه داری) بر قرار است. در چنین مناسباتی، طبقه سرمایه داری که مالک منابع ثروت سر شاری میباشد طبیعتست که منابع قدرت را هم با خود همراه میسازد. تا از منافع او حمایت کند. از طرفی دیگر، کارگران با فقدان منابع یاد شده و همچنین در نتیجه تضاد منافع او با سرمایه داری، بر خورد این دو، که هر کدام خواهان سهم بیشتری از سودیست که از ارزش افزوده ناشی از تاثیر نیروی کار کارگر ویا ابزار تولید و نیروی مولد کارفرما که همگی در خدمت تولید و یا تولید کالا خدماتی هستند بر خورد این دو سوی نامتجانس (از منظر پایگاه طبقاتی) گاه صورت بسیار خشن و بیرحمانه ای بخود می گیرد در چنین مناسباتی خب طبیعتیست که کارگران همیشه قربانی میشوند. بعبارت دیگر، هر گونه حرکت وجنبش توده طبقه کارگر برای تغییر وبهبود شرایط زندگی، با جواب محکم ودندان شکن سرمایه داری تا دندان مسلح مواجه میشود. همانطور که کشته شدن این دوازده کارگر شیکاگویی بر گرفته ازین روابط بسیار جدی و گاه بیرحمانه در سیستم سرمایه داری بشمار می رود. با اینهمه، هر چند متاسفانه این

عده کارگر مظلومانه کشته شدند باینحال روزی را برای تمامی کارگران جهان به یادگار گذاشتند که برای منه کارگر، تنها روزیست که احساس بودن وغرور می کنم. ازینکه من یک کارگر هستم. اگر تمامی روزهای دیگر سال با تحقیر و استثمار نیروی کار من(کارگر)همراه است با این همه. اول ماه مه، فقط روز ما کارگران است. روزیست که کارگر با افتخار سر خود را بالا می گیرد و می گوید این روز، فقط روز منست. همانطور که گفتیم تمامی مصائب ومشکلات کارگران مشترک میباشد. همانطور که راه مبارزه با این دشواریها و درگیری با سرمایه داری هم مشابه است. که مراد همانا همبستگی طبقاتی کارگران است. تک تک ما کارگران از حیث منابع ثروت وقدرت، جهت ایجاد موازنه قدرت، در روابط خود با کارفرما، بسیار ضعیف و ناتوان هستیم. راز غلبه بر چنین وضعی در اتحاد وهمبستگی کارگران نهفته شده است. همچنین نکته امیدوارکننده مبارزه طبقاتی کارگران اینست که، هر دستاوردی که کارگران در گوشه ای از گیتی بدست آوردند بر روی زندگی دیگر کارگران تاثیر مستقیم می گذارد. با این حال، متأسفانه بسیاری از دستاوردهای مبارزه طبقاتی کارگران جهان، هنوز به ما نرسیده است. فی المثل، من وقتی به سندیکاهای قدرتمند فرانسه نگاه می کنم حسرت می خورم. چراکه ما هیچ سندیکایی نداریم که از زندگانیمان محافظت کند. وقتی که ملا حظه میشود که این روز مهم در اکثر کشورها با شدت و حدت فراوان، بعنوان یکی از اعیاد رسمی کشورشان، با برپایی جشنهای گسترده، توأم با کارناوالهای بزرگ کارگری برسمیت شناخته شده است اما در کشور ما نه تنها این روز تعطیل نمیشود بلکه کارگران حتی نمیتوانند در بین خودشان این مناسبت را جشن بگیرند. بازهم حسرت میخورم. فی المثل در بسیاری از شهرهای مکزیک هر ساله کسانی که توانسته اند کار خود را حفظ کنند وهمچنان کارگر باقی مانده اند، به جشن وشادی وپاکویی درین روز می پردازند..

با توجه به مسائل گفته شده، یعنی برگزاری جشن وشادی وهمچنین تعطیلی روز جهانی کارگر وایجاد سندیکاهای قدرتمند کارگری، با اینکه تا رسیدن به سقف آرمانهای کارگرمیان فاصله بسیار داردبا اینهمه در مناسبات بیرحمانه و خشنی که در عالم سرمایه داری حاکم است تمامی دستاوردهای یاد شده با دادن هزینه های گزاف به دست آمده است هزینه هایی مانند، اخراج، زندان وحتی جان کارگر. اگر سرمایه دار تنها به تحصیل سود بیشتر می اندیشد تا به داشته های بیشمار خود، بازهم بیافزاید. اما کارگران برای رسیدن به یک زندگی انسانی وشرافتمندانه مبارزه می کند که در بعضی موارد حتی مجبور شده اند که جان خود را هم هزینه کنند.

اگر ما همچنان جز تحقیر شدگانیم. اگر در سرتاسرجهان همچنان استثمار میشودیم. اگر هنوز هم تاوان می دهیم. اگر همچنان در حسرت رسیدن به یک زندگی انسانی، مانده ایم. با وجود همه اینها، اول ماه مه روز ما کارگران است. روزیست که ما از مرزهای نیستی، پوچی وحقارت خود گذر کردیم تا به همگان فریاد بر آوریم که روز جهانی کارگر روز ماست..

رضارخشان- 1392/2/8

بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری : روز اول مه، روز 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر را گرامی میداریم

اول ماه مه روز ما کارگران و همه مردم به جان آمده از توحش سرمایه داری حاکم است. روز اعتراض ما علیه فقر و گرانی و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر است. اول ماه مه را همه با همه در صفی سراسری و جهانی گرامی بداریم. اول ماه مه روز نه تنها ما کارگران، بلکه روز معلمان، پرستاران، بازنشستگان وهمه مردم است. روز اعتراض علیه بردگی جنسی و بیحقوقی زن است. روز اعتراض علیه استفاده از کار کودک و خارج ماندن چند میلیون کودک از چرخه تحصیل است. روز اعتراض علیه اعتیاد و همه مصائب این جهنم سرمایه داری حاکم است. و روز همه انسانهاییست که قربانی توحش سرمایه داری هستند. در این روزمهم حول همه خواستههایمان برای داشتن یک زندگی انسانی گرد آییم و بااعلام صدای اعتراضمان به این جهان وارونه این روز بزرگ اعتراضمان راگرامی بگیریم. اعلام کنیم که به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر تن نمیدهیم.

اعلام کنیم که به اینهمه بیحقوقی و محرومیت تن نمیدهیم. اعلام کنیم که کارگر زندانی و زندانی سیاسی باید آزاد شود و به این ترتیب با قطعنامه هایمان و با اعلام خواسته هایمان سرود آزادی و برابری را سر دهیم. اول مه روز ما کارگران است. ما که نمیخواهیم استثمار باشد و با پایان یافتن این بردگی کار، میدانیم که جهانی آزاد خواهد شد. از همین رو در اول مه پرچم رهایی کل جامعه را بدست گرفته و با خواسته های سراسری توده مردم به جان آمده از فقر و فلاکت و برای آزادی و برابری اول مه را جشن میگیریم. معیشت، منزلت حق مسلم ماست زندگی باد اول مه روز جهانی کارگر. بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری اردیبهشت 92 دهم اردیبهشت ماه 1392

تجمع اعتراضی کارگران بعد از سخنرانی وزیر کار در مشهد

به گزارش سایت خبرگزاری هرانا در 10 اردیبهشت 02 آمده است: عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر کار و امور اجتماعی در اولین همایش کشوری روز بسیج کارگری و تجلیل از شهدای کارگر که روز گذشته در مشهد برگزار شد، به تفسیر آیه سوم سوره بقره و تبیین مفهوم غیب و ایمان پرداخت و به دلیل اینکه در این همایش که به مناسبت روز کارگر برگزار شده بود سخنی درباره وضعیت کارگران به زبان نیاورد مورد اعتراض قرار گرفت. به گزارش ایسنا، بعد از سخنرانی وزیر کار و امور اجتماعی، گروهی از کارگران با اجتماع در محوطه مجتمع "آیه ها" نسبت به سخنان وزیر و بی توجهی به مشکلات کارگران اعتراض کردند. یکی از کارگران در این خصوص گفت: انتظار داشتیم از وزیر حرف های بهتری در مورد بهبود اوضاع کارگران بشنویم اما وی در سخنانش حتی یک کلمه در مورد کارگر نگفت. کارگر دیگری ادامه داد: وقتی وزیر بهداشت یا آموزش و پرورش حرف می زنند، بخشی از صحبت هایشان در خصوص مزده به پرستاران و معلمان است اما وزیر کار صحبت کرد و از کارگر هیچ نگفت. محمد کریمی گفت: حداقل انتظار ما از وزیر کار این بود که پس از تفسیر قرآن به بازگویی برخی مشکلات کارگران و ارائه راه حل در این خصوص بپردازد. وی مدعی شد: متأسفانه در کشور ما برای کارگر هیچ ارزشی قایل نیستند و دلیل بنده برای ادعای مکاتبات و نامه نگاری هایی است که از فروردین 88 با وزارت کار داشتم اما به سرانجام نرسیده است. این تجمع کارگران بعد از دقایقی بدون حضور مسوولان پایان یافت.

بدون شرح

رئیس اتحادیه پیشکسوتان کارگری انتقاد کرد: 5 سال محرومیت از برگزاری راهپیمایی حق طلبانه روز کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 10 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری از حضور «مدیران اتوبوسی» بر مسند ریاست سازمان تامین اجتماعی که «دانش بیمه ای» ندارند انتقاد کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «حسن صادقی» در هفتمین جشنواره اعطای نشان خدمت به قانون کار که به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار می شد گفت: سازمان تامین اجتماعی به حیاط خلوت دولت تبدیل شده است. چرا این سازمان با توجه به تورم 31 درصدی اعلام شده از سوی بانک مرکزی، افزایش 25 درصدی مستمری بازنشستگان را به دولت پیشنهاد می دهد؟ وی با اشاره به استدلال مدیران سازمان تامین اجتماعی

که می‌گویند «دولت توان پرداخت بیش از این میزان افزایش مستمری را به بازنشستگان کشوری و لشگری ندارد» بیان کرد؛ این مساله چه ربطی به بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی دارد؟ آقای مرتضوی باید ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی را اجرا کند در غیر این صورت، راه شکایت برای بازنشستگان باز است. راین فعال کارگری، وضعیت معیشت کارگران در «دولت جنگ» را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: کارگران در آن دوران، ۳۰۰ تومان به عنوان بن کارگری دریافت می‌کردند و با همان مقدار به راحتی زندگی خود را می‌چرخاندند.

صادقی با انتقاد از کسانی که زمانی «ته مانده لیوان آب احمدی‌نژاد را شفا بخش می‌دانستند» و اینک گذشته خود را فراموش کرده‌اند و در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم نامزد انتخابات شده‌اند، اظهار داشت: من حاضر در «صدا و سیما غیر ملی و حزبی» که به جای رصد مشکلات کارگران ایرانی، مشکلات کارگران اروپایی را پوشش می‌دهد، با آنان مناظره کنم.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان کارگری در پایان اظهار داشت: ۵ سال است که از برگزاری راهپیمایی‌های حق طلبانه محروم هستیم. امسال در صورتی که مجوز راهپیمایی به ما ندهند اجتماع خواهیم کرد و کارگران با حضور خود، روز کارگر سال ۹۲ را سبز می‌کنند.

پایان پیام

بیانیه مشترک سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران وحومه هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران وحومه صدایی که طنین انداز است و خاموشی نمی‌گیرد

روز جهانی کارگر برای طبقه کارگر معنای خاصی دارد. در این روز همه ی مزدبگیران در سراسر گیتی همبستگی خود را با راهپیمایی های گسترده فریاد زده ، تا تاکیدى باشد بر اتحاد هر روزه کارگران. از سال ۱۸۸۶ که کارگران شیکاگویی برای ۸ ساعت کار و دستمزدی عادلانه به رگبار بسته شدند و رهبران شان پس از محاکمه ای نمایشی در بیدادگاه محکوم به مرگ شدند، تا به امروز هنوز هم کارگران برای دستمزدی عادلانه در ازای ۸ ساعت کار مبارزه می کنند. آنچه اسپایز، کارگر قهرمان شیکاگویی به سرمایه داران گفت، امروز به حقیقت پیوسته است. در ۱۱ نوامبر (۲۱ آبان) ۱۸۸۶ اسپایز درحالی که به طرف سکوی اعدام می رفت با صدای بلندی گفت: «صدایی که امروز می خواهید به سکوت وادار کنید، روزی در جهان طنین انداز خواهد شد» امروز بعد از گذشت ۱۲۷ سال این صدا پر شورتر از همیشه در سراسر جهان طنین انداز شده است. هرچند این صدا پس از بیست سال آن هم در سال ۱۲۸۵ با تولد اولین سندیکا به همت کارگران چاپخانه ها و راد مرد این عرصه محمد پروانه در ایران انعکاس یافت. ولی اولین گرامیداشت اول ماه مه ، بعد از ۳۶ سال میسر شد. خواسته هایی که در سال ۱۳۰۱ در اولین گرامیداشت اول ماه مه عنوان شده است، باز هم خواست ما بعد از ۹۲ سال است: آزادی داشتن سندیکا - آزادی بیان و مطبوعات- آزادی اعتصاب و راهپیمایی- داشتن قانون کار و تامین اجتماعی مترقی- شرکت در تصمیم گیری ها از جمله تغییر قانون کار و رفع بیکاری - جلوگیری از اخراج کارگران- شرکت فعال در امور کارخانه ها در جهت بهبود وضعیت کاری کارگران و واحدهای تولیدی و خدماتی- شرکت در تصمیم گیری های کلان برای داشتن قوانین مترقی و انسانی برای طبقه کارگر و همه مزد بگیران و مردم ایران- داشتن نمایندگان واقعی کارگری در مجلس- بودن نمایندگان واقعی زحمتکشان در هیات مدیره سازمان تامین اجتماعی، شورای عالی کار، وزارت کار....

اما دوستان! همگی این خواسته ها قابل دستیابی است، اگر کارگران و همه مزدبگیران درسندیکاهای کارگری متشکل شده باشند.

پدران و مادرانمان برای دستاوردهایی که امروز برایمان بسیار عادی است راه پُر فراز و نشیبی را از سر گذرانده اند. هنوز هستند پدرانی که فراموش نکرده اند زمانی که در سال ۱۳۲۵ کارگران وزحمتکشان خواستار ۸

ساعت کار و تعطیلی روز جمعه با حقوق، تعطیلی سالیانه با حقوق، بازنشستگی و... تلاش می کردند، بودند بسیاری از عقب مانده های فکری که عنوان می کردند که: «مگر می شود روز جمعه کار نکرد و مزد گرفت. در خانه بخوابی حقوق بگیری به عنوان تعطیلی سالیانه. کار کرده ای و حقوقت را گرفته ای حالا می خواهی کار نکنی پول حرام بگیری به عنوان بازنشستگی. می خواهند تنبلی را رواج بدهند، اینها کافرنند، این از خدای خبرها پول مفت و باج خواهی را به بچه های ما یاد می دهند.»

اما دوستان زمستان رفت و روسیاهی به آنانی ماند که چنین به دیروزگی به دامان سرمایه آویخته بودند. اما هنوز کارهای بسیاری مانده. هنوز هم بیکاری، اخراج، دستمزدهای ناچیز، قانون کار و تامین اجتماعی مورد حمله سرمایه داری در سراسر جهان قرار دارد. نهادهای سرمایه داری که قصد دارند کارگران را به بردگی بگیرند مانند صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، با هماهنگی سرمایه داری داخلی کشورها برای دزدیدن نان خانواده های کارگری متحد شده اند. پاسخ طبقه کارگر و همه مزدبگیران جهان به این حمله ها همبستگی، اعتصاب، همدردی، سازماندهی برای تصاحب نهادهای قدرت است. در کوبا، ویتنام، قبرس، حکومت ها در دست طبقه کارگر است. در اکثر کشورهای اروپایی مانند فرانسه، آلمان، انگلیس، سوئیس، سوئد، فنلاند، روسیه و کشورهای آمریکای جنوبی مانند نیکاراگوئه، پرو، برزیل، ونزوئلا، و آفریقای جنوبی... کارگران در مجلس و در حکومت دارای وکیل و وزیر هستند. در ۲ سال اخیر فدراسیون سندیکاهای کارگری ت-ژ-ت فرانسه توانسته است اکثر نهادهای مردمی از جمله شوراهای و شهرداری را تصاحب کند و در برابر خواسته های سرمایه داری کشورش نه تنها ایستادگی، بلکه آنها را در جهت اعمال سیاست های ضد کارگری به عقب نشینی وادار کند. دوستان کارگر! از این تجربیات و تجربیات پیشکسوتان کارگری کشورمان درس گرفته دست هایمان را به هم پیوند زنیم. اعضای هیات های مدیره سندیکاهای کارگری ایران!

سالها از بازگشایی و فعالیت سندیکاهای کارگری شرکت واحد - هفت تپه - فلزکار مکانیک - نقاش - اتحادیه پروژه ای می گذرد. متأسفانه ما جز در مواردی کوتاه تلاشهایمان پراکنده بوده است و از حمایت یکدیگر بصورت قاطع و متحد برخوردار نبوده ایم. در سال جاری کوشش هایمان را افزون کرده و امیدواریم در سال جدید مبارزاتمان را پیرامون دستمزد های حقیرانه، گرانی، بیکاری، حقوق های عقب افتاده، قانون کاری مترقی و به سود زحمتکشان و قانون تامین اجتماعی در حد شخصیت کارگران ایران، آزادی زندانیان کارگری و از همه مهمتر آزادی برپایی و فعالیت آزادانه سندیکاهای کارگری متحد شویم. بیایید امسال را به هم اندیشی و همپوشانی و همبستگی کارگری در عرصه اعلام خواسته های مشترک در عرصه مبارزه با دستمزدهایی حقیرانه، پیش نویس ارتجاعی قانون کار و تامین اجتماعی تبدیل کنیم. متحد شویم و سرمشقی قدرت مندانه از تلاش های کارگری و سندیکایمان در پهنه جامعه به نمایش بگذاریم.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران و حومه

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران و حومه

۱۰/۲/۱۳۹۲

برگزاری مراسم روز جهانی کارگزار طرف سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

امروز مورخ 92/2/11 اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد علیرغم فشارها و تمام سختی های پیش رو از اولین ساعات کاری در جمع همکاران خود حضور پیدا کردند و با توجه به فشار های کار فرما و عوامل حراست که مرتب از اعضای رانندگان سندیکایی عکس و فیلم تهیه می کردند. تا شاید با رعب و وحشت از استقبال همکاران جلوگیری کنند، اما خوشبختانه نه تنها موفق نشدند بلکه رانندگان از نمایندگان واقعی خود استقبال بیشتری کردند. اعضای سندیکا با پخش شربینی به استقبال همکاران خود رفتند و در چندین پایانه با رانندگان و کارگران شرکت واحد دیدار کردند و روز کارگر را تبریک گفتند و در آخر به پایانه آزادی که یکی از بزرگترین پایانه های اتوبوسرانی تهران است مراجعه کرده و با استقبال با شکوه رانندگان روبرو شدند که با تجمع رانندگان و راهپیمایی در محل پایانه آزادی مراسم اول ماه مه را با حمل پلاکاردی که اول ماه مه را از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد تبریک گفته بود انجام دادند. در این مراسم بادر خواست آزادی رضا شهبانی عضو هیئت مدیره سندیکای زندانی از رئیس قوه قضائیه با جمع آوری امضاء از طرف رانندگان پایان رسید.

بعد از مراسم اول ماه مه اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به دیدار بچه های کودکان کار رفتند و مورد استقبال مسئولین جمعیت کودکان کار و بچه های کودکان کار قرار گرفتند که با گرفتن عکس و خواندن سرودهای به مناسبت جشن اول ماه مه این دیدار پایان رسید .

اتحادیه آزاد کارگران ایران: به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر از دقایقی پیش تجمع هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در اعتراض به حداقل مزد مصوب و گرانی در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز شده است

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است : از دقایقی پیش تجمع هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران به مناسبت اول ماه مه و در اعتراض به حداقل مزد مصوب و گرانی در مقابل مجلس شورای اسلامی آغاز شده است. این تجمع با همراهی تعدادی از کارگران امضا کننده طومار آغاز شده است و کارگران دیگری نیز در حال پیوستن به تجمع کنندگان هستند.

آماده باش یگان های ویژه رژیم در سنندج برای جلوگیری از تجمع و تظاهرات به مناسبت روز جهانی کارگر

گزارش 1

آماده باش یگان های ویژه رژیم در سنندج برای جلوگیری از تجمع و تظاهرات به مناسبت روز جهانی کارگر یگان های ویژه انتظامی و نیروهای امنیتی در سطح شهر سنندج برای مقابله با تظاهرات و تجمع کارگران و مردم به مناسبت روز جهانی کارگر به حالت آماده باش درآمده اند.

از صبح امروز چهارشنبه 11 اردیبهشت یگان های ویژه موتور سوار نیروی انتظامی و سپاه پاسداران در خیابانهای اصلی شهر سنندج برای جلوگیری از تجمع کارگران و مردم دست به مانور زده اند. نیروهای انتظامی و بسیجی ها در خیابانهای انقلاب ، بلوار 28 دی ، خیابان طالقانی ، خیابان فردوسی ، میدان آزادی ، میدان کوهنورد ، ششم بهمن و جلو باغ سپیدار خیابان کشاورز مستقر شده اند. این نیروها از تجمع مردم ممانعت میکنند. فعالان کارگری را تعقیب و با تلفن آنها را تهدید میکنند که حق ندارند به مناسبت روز جهانی کارگر فعالیت بکنند.

درحالیکه ، تهدید فعالان کارگری ادامه دارد و نیروهای رژیم از چند روز قبل از اول ماه مه روز جهانی کارگر به حالت آماده باش درآمده اند. اما فعالان کارگری و دست اندرکاران اول ماه مه مصمم هستند که روز جهانی کارگر را برگزار کنند. انبوهی از اعلامیه ها ، تراکت و اوراق قطع نامه به مناسبت اول ماه در شهر سنندج پخش شده است. دست اندرکاران اول ماه در اطلاعیه های خود از مردم خواسته اند امروز بعدازظهر در خیابان فردوسی و مرکز شهر سنندج به مناسبت اول ماه شرکت کنند.

نیروهای رژیم اسلامی هراسان از تجمع کارگران و مردم آزادیخواه شهر سنندج نیروهای سرکوبگر را به خیابانها آورده اند. اکنون مردم و کارگران به طرف مرکز شهر راه افتاده اند. خیابانهای شهر شلوغ است ، نیروهای امنیتی و انتظامی به کارگران و جوانان هشدار میدهند که از تجمع خودداری کنند. گروههای جوانان را تعقیب میکنند و به آنها هشدار میدهند که از جمع شدن باهم خودداری کنند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران-11 اردیبهشت 1392

راهپیمایی کارگران و مردم آزادیخواه شهر سنندج به مناسبت روز جهانی کارگر

گزارش شماره 2

امروز 11 اردیبهشت کارگران و مردم آزادیخواه شهر سنندج روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. کارگران و مردم آزادیخواه شهر سنندج بعد از ظهر امروز در یکی از محلات کارگری شهر تجمع و بسمت میدان آزادی دست به راهپیمایی زدند. ابتدا حدود سیصد نفر از کارگران تجمع کردند، پاسخگرانی یکی از کارگران درمورد گرانی ، تورم و سطح پایین دستمزدها مراسم شروع شد. دراین راهپیمایی کارگران و مردم شهر سنندج پرچم سرخ آزادی

و برابری را برافراشتند ، پلاکاردها و تراکتهای کارگران جهان متحد شوید در صف اول تظاهرات قرار داشت . کارگران و مردم آزادیخواه با شعار شورای کارگری آزادی برابری، از مرکز محله غفور خیابان هجیج به طرف میدان آزادی حرکت کردند. مردم و کارگران شهر دسته دسته به تظاهرات می پیوستند. شعار دستمزدهای ناچیز دولت سرمایه دار خجالت خجالت توسط کارگران فریاد می شد. نیروهای امنیتی و گارد ویژه سراسیمه از نقاط مختلف به محل آمدند و به صفوف تظاهرات کننده گان حمله کردند. اما کارگران تا مسیر سه راه خیابان فجر ؛ خیابان حسن آباد و قائم مقام فراهانی راهپیمایی کردند. نیروهای رژیم تظاهرات کننده گان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعدادی از کارگران و شهروندان را دستگیر کردند و با خود بردند. در این راهپیمایی که متشکل از زنان و مردان آزادیخواه بود، صدها تراکت و بیانیه در میان مردم توزیع شد. بر اساس گزارش دریافتی تعداد دستگیر شده گان 16 نفر است. مردم با شادی و شور از مراسم اول مه صحبت میکنند و اخبار آن در سطح شهر پیچیده است. نیروهای رژیم در خیابانها دست به مانور و گشت زده اند و شهر را به پادگانی نظامی تبدیل کرده اند. این مراسم باشکوه در حالی برگزار شد که رژیم وارگانهای سرکوبگرش از چندروز قبل در حال آماده باش بودند. ولی اراده مردم آزادیخواه و کارگران تقلابی رژیم را نقش بر آب کرد. راهپیمایی توسط کمیته برگزاری اول مه سنندج که متشکل از فعالین شورایی، فعالان کارگری ، کمیته هماهنگی و اتحادیه آزاد کارگران سازماندهی شده بود. تصاویر ، فیلم و گزارش تکمیلی در اسرع وقت منتشر میشود

آزاد زمانی
انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران-11 اردیبهشت 1392

کارگران روز بیکاری خود را گرامی داشتند

به نوشته سایت خودنویس به قلم فریبرز سروش در تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است : روز جهانی کارگر در ایران در حالی برگزار شد که از یک سو شورای تامین و از سوی دیگر نیروی انتظامی با بکار گیری شیوه های خود سعی در هر چه محدودتر کردن تجمعات کارگری در شهرهای گوناگون داشتند.

مطابق برنامه از پیش تعیین شده، قرار بود تجمعات کارگری در سراسر کشور در ساعت پنج عصر برگزار شود. عده ای بر این باورند که گزینش این ساعت اتفاقی نبوده و دست شورای تامین در کار بوده است تا اگر کار به اغتشاش کشید، در عصر که مدارس و دانشگاهها تعطیل است، خیلی راحت بتواند موضوع را جمع کنند. با این وجود بر اساس خبرهای رسیده از گوشه و کنار کشور دامنه های اعتراضات کارگری آنقدر گسترده بوده که به ساعت تعیین شده اعتنایی نکنند و با استفاده از تنها روز سال که به نامشان ثبت شده، صدای خود را به گوش مسوولان برسانند.

در **شیراز** از ساعات اولیه صبح تعداد زیادی از کارگران با تجمع در مقابل فرمانداری این شهر با در دست داشتن پلاکاردهایی اعتراض خود را نسبت به شرایط موجود ابراز داشتند، روی یکی از این تابلوها نوشته شده بود: «کارگر روز بیکاریات مبارک». بر اساس اخبار منتشر شده، با افزوده شدن تعداد کارگران در مقابل فرمانداری، تعداد زیادی از ماموران نیروی انتظامی با حضور در منطقه تجمع اعتراضی کارگران به محاصره خود در آوردند، برخی خبرهای تایید نشده نیز از بروز درگیری و زدو خورد میان کارگران و ماموران حکایت دارد. در **قزوین** نیز بیش از هشت هزار کارگر با تجمع در ورزشگاه یادگار امام این شهرستان و با سر دادن شعارهایی بر علیه سیاست خصوصی سازی و فروش کارخانه های دولتی به اشخاص حقیقی، به وضعیت حاکم بر زندگی خود اعتراض کردند.

در پایتخت نیز بزرگترین و برجسته ترین حرکت متعلق به **سندیکای** کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه بود، به گونه ای که بر اساس گزارشها اعضای این سندیکا علی رغم تمامی فشارها از ساعات اولیه صبح با حضور در ترمینال های اتوبوسرانی به رانندگان و کارگران این روز با با اهدای هدایای تبلیغاتی سندیکا تریک گفته و سپس به میدان آزادی رفتند تا در مقابل وزارت کار تابلوی سندیکای خود را بالا بردند، با کارگران دیگر سرود خواندند و سپس به دیدار کودکان کار رفتند. حضور ماموران امنیتی لباس شخصی که مرتباً در حال فیلم برداری و عکاسی از افراد بودند در مراسم یاد شده گزارش شده است.

گزارش‌های رسیده از **تبریز** هم گویای آن است که کارگر این شهر مهم و صنعتی از ساعات اولیه روز با تجمع در مقابل اداره کار، ضمن گرامی‌داشت روز جهانی کارگر، علیه اخراج‌های گسترده، بیکاری و فقر کارگران اعتراض کردند. همین گزارش حاکی از آن است که تعداد زیادی از موتور سوران لباس شخصی، ماموران نیروی انتظامی و بسیج در حال مانور و گشت زنی در اطراف اداره کار تبریز بوده‌اند.

از **سنندج**، مرکز استان کردستان نیز خبر رسید که مراسم روز کارگر در این شهر با دخالت ماموران انتظامی-امنیتی به زد و خورد و درگیری کشیده شده است. تجمع اعتراضی کارگران سنندجی درمقابل کمیته امداد این شهر شکل گرفت و سپس سردادن شعارهای اعتراضی و بالا بردن پرچم‌های سرخ رنگ کارگری باعث مداخله ماموران شد که نتیجه‌ی آن درگیری و بازداشت پنج نفر گزارش شده است.

از شهرهای دیگر نیز گزارش‌هایی مبنی بر تجمعات توأم با اعتراض کارگران مخابره شده است، اهواز، شیراز، بندرعباس، قائم شهر، مشهد، پاره، همدان زاهدان و بندر بوشهر از جمله این شهرها هستند. تعدادی از کارگران و زندانیان سیاسی در زندان رجایی شهر کرج نیز با تجمع در سالن دوازده زندان روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

گفتنی است در حالی که رقم خط فقر برای خانوارها از جانب بانک مرکزی یک میلیون و پانصد هزار تومان اعلام شده، حداقل دستمزد کارگران در سال جاری چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر هم میزان تورم در کشور سی و یک درصد و میزان افزایش حقوق کارگران بیست و پنج درصد بوده است که همین موضوع باعث بروز مشکلات عدیده معیشتی - خانوادگی و در نتیجه عدم رضایت کارگران کل کشور از شرایط موجود شده است.

مراسم روز کارگر؛ تجمع اولیه کارگران شیراز در مقابل استانداری آغاز شد

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس آمده است: در حالیکه طبق فراخوان اعلام شده، قرار است مراسم روز جهانی کارگر، راس ساعت ۱۷ امروز توسط کارگران و برخی حامیان سبز آنها - همزمان با تهران- در مقابل ادارات کار در شهرستانها صورت پذیرد، صبح امروز تعدادی از کارگران تجمع اولیه و اعتراض خود را در مقابل استانداری فارس در خیابان آزادی شیراز آغاز کردند.

به گزارش اخبار واصله از شیراز، هسته اولیه تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی تاکید کرده بودند که اخراج کارگران، آن‌ها را به "سرنوشت سیاه" دچار می‌کند. همچنین در پلاکارد دیگری نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمی‌نشینیم."

یکی از کارگران حاضر در این تجمع خاطرنشان کرده است حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است که حقوق نگرفته است.

گزارش مذکور که از طرف یکی از خبرنگاران مستقل استان ارسال شده همچنین می‌افزاید "این کارگر که نام خود را اعلام نکرد، تاکید کرد بیش از دو ماه است که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده‌اند."

لازم به ذکر است کارگران این واحد صنعتی و همچنین کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران، دی ماه سال گذشته و به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به شیراز، با حضور در محل سخنرانی رئیس دولت دهم (مقابل ورزشگاه حافظیه)، خواستار توجه هیأت دولت به مشکلات واحدهای صنعتی شده بودند. گزارش‌های تکمیلی متعاقباً ارسال خواهد شد.

بدون شرح

محبوب در مراسم روز جهانی کارگر مطرح کرد:
مه‌ار تورم و افزایش مزد، مهم‌ترین خواسته جامعه کارگری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 11 اردیبهشت 92 آمده است: دبیرکل خانه کارگر مهم‌ترین خواسته جامعه کارگری را مهار تورم و افزایش مزد عنوان کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب در مراسم روز جهانی کارگر که در ورزشگاه شهید معتمدی برگزار می‌شد گفت: تورم نقطه به نقطه و تورم شهر و روستا که مرکز آمار ایران مطابق برنامه پنجم توسعه اعلام کرده است ۴۰ و نیم درصد است. وی ادامه داد: افزایش مزد ۲۵ درصدی پاسخگوی تورم سال گذشته هم نیست، تورم سال ۹۲ که جای خود دارد.

رئیس فراکسیون کارگری مجلس فلسفه روز کارگر را محدود کردن ساعت کاری و ۸ ساعت در روز عنوان کرد و اظهار داشت: در بسیاری از میادین ۸ ساعت کاری کارگران رعایت نمی‌شود و این مساله نیازمند نظارت است. وی با اشاره به عملکرد غیرقابل قبول سازمان تأمین اجتماعی در مورد بیمه کارگران ساختمانی بیان کرد: کارمندان سازمان تأمین اجتماعی بدانند که اگر هنگام مراجعه کارگران ساختمانی از ثبت نام آنها برای بیمه خودداری کنند از آنها شکایت می‌شود و بایستی در انتظار محاکمه باشند. دبیرکل خانه کارگر در پایان با تأکید بر لزوم اجرای ماده ۱۰ قانون نوسازی صنایع از پی گیری مجلس برای معرفی مدیران سازمان تأمین اجتماعی به محاکم قضایی خبرداد.

پایان پیام

امام جمعه و استاندار قزوین روز جهانی کارگر را تبریک گفتند

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر - در قزوین آمده اسنت: نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه قزوین و استاندار در پیام مشترکی فرا رسیدن روز جهانی کارگر را به کارگران کشور و استان تبریک گفتند. به گزارش خبرگزاری مهر در قزوین، آیت الله باریک بین نماینده ولی فقیه و امام جمعه قزوین و احمد عجم استاندار با صدور پیام مشترکی فرا رسیدن روز جهانی کارگر را به کارآفرینان و تلاشگران عرصه تولید و صنعت تبریک گفتند.

در این پیام آمده است: در تعالیم گرانقدر و ارزشمند اسلام؛ کار و کارگر دارای منزلت و ارزشی والاست تا جایی که پیامبر مهر و رحمت (ص) به دستان کارگر بوسه می زند تا همگان ببینند و بدانند که رسول خدا بالاترین ارزش را برای کوشش و تلاش و همت شما کارگران قائل است و امام عظیم الشان ما نیز به تاسی از آن یگانه روزگار به دست کارگر بوسه می زند و بر آن بوسه افتخار می کند.

در ادامه این پیام همچنین آمده است: اینجانبان ضمن گرامیداشت هفته کارگر و تبریک این ایام فرخنده بر همه کارگران تلاشگر و پیشگامان تولید و خودکفایی، امیدواریم در پناه خداوند متعال و در ظل توجهات حضرت ولیعصر(عج) و با نصب العین قرار دادن منویات مقام معظم رهبری(مدظله العالی) ولی امر مسلمین در سالی که به نام جهاد اقتصادی نامگذاری شده است با تلاش، همت و کار مضاعف در جهت شکوفایی اقتصاد کشور و استان همواره موفق و موید باشید.

صدها نفر از کارگران تبریزی با تجمع در مقابل اداره کار روز جهانی کارگر را گرامی داشتند

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران"، صدها نفر از کارگران و مردم در مقابل اداره کار شهر تبریز تجمع کردند و ضمن گرامیداشت روز جهانی کارگر علیه اخراجهای گسترده، بیکاری و فقر اعتراض کردند.

روز شنبه ۱۱ اردیبهشت ماه صدها نفر از کارگران و مردم تبریز در مقابل اداره کار تبریز در خیابان خمینی، نیمه راه راه آهن برای گرامی داشت روز جهانی کارگر تجمع کردند. کارگران علیه اخراجهای گسترده، بیکاری و فقر

اعتراض می کردند .
این تجمع از حوالی ساعت ۱۱:۰۰ صبح آغاز شده است و تا لحظه ارسال گزارش صدها نفر در آن شرکت دارند و هر لحظه بر تعداد شرکت کنندگان افزوده می شود. مراسم گرامیداشت روز جهانی کارگر علیرغم حضور گسترده نیروهای سرکوبگر همچنان ادامه دارد .
نیروهای سرکوبگر انتظامی ، سپاه پاسداران، بسیج و لباس شخصی در منطقه حضور گسترده ای دارند. بنابه گفته شاهدان عینی بیش از ۴۰ خودروی نیروهای سرکوبگر در آنجا مستقر شده اند. همچنین تعداد زیادی از نیروهای موتور سوار که باتون بدست هستند در منطقه در حال گشت زدن هستند. مامورین لباس شخصی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران حضور گسترده ای دارند.

تجمع کارگران شیرازی مقابل استانداری فارس؛ کارگر، روز بیکاری ات مبارک

برپایه گزارش رسیده آمده است : ساعت ۱۰ صبح امروز ۱۱ اردیبهشت (اول می) کارگران در شیراز به مناسبت روز کارگر، تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع که در دقایق اولیه نزدیک به پنجاه کارگر در آن حضور داشتند در مقابل استانداری فارس در خیابان آزادی شیراز در حال برگزاری است .
تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی تاکید کرده بودند که اخراج کارگران، آن ها را به "سرنوشت سیاه" دچار می کند. همچنین در پلاکارد دیگری نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمی نشینیم".
یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت که حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است که حقوق نگرفته است. این کارگر که نام خود را اعلام نکرد، تاکید کرد بیش از دو ماه است که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده اند .
کارگران این واحد صنعتی ۲۲ فروردین گذشته و پنجم اردیبهشت نیز مقابل دفتر مجتمع صنعتی گوشت تجمع کرده بودند .
همچنین اول دی ماه سال گذشته و به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به شیراز، کارگران این واحد صنعتی و کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران با حضور در مقابل ورزشگاه حافظیه، محل سخنرانی رئیس دولت دهم، خواستار توجه هیأت دولت به مشکلات این واحدهای صنعتی شده بودند .
کارکنان مجتمع گوشت فارس در همین روز در ورزشگاه حافظیه، به دلیل وابسته بودن این واحد صنعتی به وزارت جهاد کشاورزی، با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار توجه وزیر جهاد کشاورزی به وضعیت خود شده بودند.

دبیر تشکل کارگری شاکی از مزد ۹۲: صدمه به کارگران تمامی جامعه را مصدوم می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 11 اردیبهشت 92 آمده است : دبیر کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران در مراسم روز جهانی کارگر گفت: اگر کارگران به عنوان ستون فقرات و خیمه گاه جامعه صدمه ببینند همه جامعه صدمه خواهد دید.

حسن حبیبی با اعلام این مطلب در جمع کارگران ورزشگاه شهید معتمدی گفت: مجلس، قوه قضاییه و دولت بدانند که اگر قرار است جامعه اقتصادی فعال داشته باشد باید ابتدا امنیت کارگران به مثابه ستونهای جامعه تضمین شود. وی با انتقاد از روندی که در اسفند ماه سال گذشته به تصویب دستمزد منجر شد، گفت: برخلاف انتظار و تصور ما رقم مناسبی در شورای عالی کار تصویب نشد و این نشان می دهد که مسئولان هنوز خصوصیات جامعه کارگری را درک نمی کنند.

حیبی با اشاره به سخنان اخیر سرپرست وزارت کار که شکایت علیه دستمزد را سیاسی عنوان کرده بود، گفت: حضرات، کارگران را به سیاسی کاری متهم می‌کنند. کارگران باید در سیاست حضور داشته باشند اما هیچ‌گاه سیاسی کار نیستند زیرا سیاسی کاری منحصر در اختیار زر و زور و تزویر است. وی ادامه داد: کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار تهران پیش از اعلام مبلغ نهایی مزد، هزینه ۱۸ قلم کالای اساسی را برای یک خانواده ۴ نفره مبلغی بالغ بر ۷۵۰ هزار تومان اعلام کرده بود و این در حالی بود که اگر بر اساس سبد هزینه حداقلی و تورم نقطه به نقطه محاسبه می‌کردیم حداقل هزینه‌های یک خانواده ۴ نفره بالغ بر ۲۵ میلیون ریال می‌شد. آن زمان اعلام کردیم و از شورای عالی کار خواستیم که همین مبلغ ۷۵۰ هزار تومان را به عنوان حداقل مزد به کارگران بدهند.

حیبی گفت: از آنجا که شورای عالی کار به این خواسته کارگران توجهی نکرد در نتیجه کانون شوراهای عالی اسلامی کار استان تهران بر آن شد تا از طریق اقامه دعوی در دیوان عدالت اداری برای ارسال مصوبه مزد اقدام کند. او افزود: افزایش دستمزد بر اساس ماده ۴۱ قانون کار حق مسلم کارگران است و به همین دلیل کارگران امسال علیه مصوبه شورای عالی کار اقامه دعوا کردند. وی همچنین در خصوص پیش نویس اصلاح قانون کار که در ماه‌های گذشته از سوی دولت به مجلس ارسال شده است گفت: این پیش نویس با رویکردی سرمایه دارانه تهیه شده است به طوری که هیچ حقی برای کارگران قائل نشده است.

حیبی با بیان اینکه کارگران قانونی می‌خواهند که رویکرد آن حمایت از نیروی کار باشد گفت: هر قانونی غیر از این از نظر کارگران باطل و غیرقانونی است. وی با یادآوری اینکه پیش نویس تهیه شده مورد تایید نمایندگان کارگری نیست گفت: انتظار ما این است که در لایحه اصلاح قانون کار حداقل حمایت‌های قانون فعلی لحاظ شود. او با انتقاد از اینکه دولت کنونی حق تجمع و اجتماع از کارگران سلب شده است گفت: در این چند سال حتی اجازه ندادند که به مناسبت روز جهانی کارگر تجمع و راهپیمایی کنیم. وی تاکید کرد: اعتراض و اعتصاب صنفی حق مسلم نیروی کار است که باید از سوی مسئولان به رسمیت شناخته شود.

حیبی در خاتمه فراکسیون کارگری مجلس خواست که در مورد اصلاح مصوبه مزد، اصلاح لایحه قانون کار و به رسمیت شناختن حق اعتراض قانونی مطالبات جامعه کارگری را پیگیری کند. بنا به مشاهده خبرنگار ایلنا، زمانی که حیبی در خصوص قانونی بودن ادعای کارگران برای افزایش مزد صحبت می‌کرد جمعیت حاضر در ورزشگاه معتمدی یک صدا وی را تشویق کردند.

پایان پیام

گزارشی از مراسم روز کارگر در خانه کارگر

خبرنگار آژانس ایران خبر، تهران می‌نویسد: مراسم روز کارگر که در خانه کارگر در ورزشگاه خیرالعمل برگزار شده بود، ساعت ۱۱ تمام شد. حدود ۳۵۰۰ نفر شرکت کننده داشت. یک قطعه نامه ۱۰ ماده ای هم قرائت شد.

در قطعه نامه بر ضرورت حمایت بر حقوق کارگران، مقابله با بیکاری کارگران ایرانی، جلوگیری از نقض حقوق کارگران و بر اجرای بیمه تامین اجتماعی کارگران تاکید شد. در بین قرائت قطعه نامه کارگران شروع به اعتراض کردند.

یکی از کارگران به جان آمده به ناگاه پشت تریبون پرید و بی مقدمه گفت: ما مشکل داریم، ما بدبخت هستیم، ما کارگران ساختمانی یکسال است نه حقوقی داریم و نه شغلی داریم و زن و بچه های ما نان میخواهند ما از وزیر کار و رئیس خانه کارگر میخواهیم به وضع ما رسیدگی کند. در بیرون محل حدود ۵۰ نفر از نیروهای انتظامی مستقر شده بودند که مانع از گسترش هرگونه اعتراضی شوند.

کارگران یک سری پلاکاردها در سالن در دست داشتند، روی برخی پلاکاردها نوشته بود:

ما دو سال است حقوق نگرفتیم
۲۰ سال کار کردیم و هنوز بلاتکلیف هستیم
لازم به ذکر است که وزیر کار هم قرار بود در این تجمع شرکت کند ، گویا بخاطر جو متشنج و اعتراضی، جرأت شرکت در مراسم را پیدا نکرد.

در روز کارگر مقابل مجلس رخ داد: تجمع کارگران در اعتراض به مزد ناعادلانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 11 اردیبهشت 92 آمده است : همزمان با روز جهانی کارگر جمعی از کارگران صبح امروز با در دست داشتن پارچه نوشته‌هایی در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان که مضمون پارچه نوشته‌های آنها اختلاف فاحش بین دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی و خط فقر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی بود، ضمن اعتراض به گسترش شکاف طبقاتی در جامعه خواستار بازبینی دستمزدهای سال جدید شدند.

این کارگران که در سال گذشته نیز در اعتراض به ناعادلانه بودن دستمزدهای تعیین شده، طومار ۳۰ هزار امضایی را خطاب به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی امضا کرده بودند امسال و در ادامه پیگیرهای خود در این تجمع حاضر شدند.

تجمع کنندگان بابت اینکه با وجود حمایت همه جانبه و گسترده کارگران سراسر کشور از در خواست برای افزایش مزد، مسئولان مربوطه در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هیچگاه به این خواسته توجهی نکردند، افزودند: واکنش منفعلانه مسئولان درحالی است که هم اکنون پنج هزار کارگر دیگر نیز با امضای طومار یاد شده حمایت خود را از درخواست برای افزایش مزد اعلام کرده‌اند.

این کارگران افزودند: از آنجا که این روزها نمایندگان مجلس بدون توجه به نگرانی کارگران در کمیسیون تلفیق بودجه تلاش می‌کنند تا که بطور قانونی مجوز افزایش قیمت کالاهای اساسی را صادر کنند، درآستانه اولین سالگرد امضای طومار اعتراضی کارگران در مقابل مجلس حاضر شده‌ایم تا اعتراض مزد بگیران را به نمایندگان مجلس بگوییم.

پایان پیام

تجمع کارگران شیرازی مقابل استانداری فارس شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

به گزارش سایت خبرگزاری هرانا آمده است که؛ ساعت ۱۰ صبح امروز ۱۱ اردی بهشت ماه (اول مه) کارگران در شیراز به مناسبت روز کارگر، تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع که در دقایق اولیه نزدیک به پنجاه کارگر در آن حضور داشتند در مقابل استانداری فارس در خیابان آزادی شیراز در حال برگزاری است .
به گزارش کلمه، تجمع کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی تاکید کرده بودند که اخراج کارگران، آن ها را به "سرنوشت سیاه" دچار می کند. هم چنین در پلاکارد دیگری نوشته شده بود: "کارگر، روز بیکاریت مبارک، تا حق خود را نگیریم از پا نمی نشینیم ."

یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت که حدود چند ماه است از مجتمع صنعتی گوشت فارس اخراج شده و هفت ماه است که حقوق نگرفته است. این کارگر که نام خود را اعلام نکرد، تاکید کرد بیش از دو ماه است که مجتمع صنعتی گوشت فارس به دلیل خصوصی سازی تعطیل شده و نزدیک به ۱۲۰۰ کارگر این واحد صنعتی از کار بیکار شده اند .

کارگران این واحد صنعتی ۲۲ فروردین گذشته و پنجم اردیبهشت نیز مقابل دفتر مجتمع صنعتی گوشت تجمع کرده بودند .

هم چنین اول دی ماه سال گذشته و به هنگام سفر محمود احمدی نژاد به شیراز، کارگران این واحد صنعتی و

کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران با حضور در مقابل ورزشگاه حافظیه، محل سخنرانی رئیس دولت دهم، خواستار توجه هیأت دولت به مشکلات این واحدهای صنعتی شده بودند . کارکنان مجتمع گوشت فارس در همین روز در ورزشگاه حافظیه، به دلیل وابسته بودن این واحد صنعتی به وزارت جهاد کشاورزی، با در دست داشتن پلاکاردهایی خواستار توجه وزیر جهاد کشاورزی به وضعیت خود شده بودند.

روزکارگر مبارک باد

فریاد کن ، ای کارگر
شیخ پلید کینه جو ، از خون تو سازد وضو
خود را رها ، از چنگ این شیاد کن ، ای کارگر
کس نیست در فکر تو در این شهر پر مکر و فریب
خود را بدست خویشتن، آزاد کن ، ای کارگر
تا حق خود گیری از این خصمان استثمارگر
عزمت قوی ، چون آهن و فولاد کن ، ای کارگر
این رسمهای کهنه تبعیض و استثمار را
زیر و زبر، از ریشه و بنیاد کن ، ای کارگر
بر جای این دنیای پر اندوه زور و بردگی
دنیائی از صلح و صفا ، ایجاد کن ، ای کارگر
آنگاه ، با دستان خود، با دولت شورائیت
این خانه ویرانه را ، آباد کن ، ای کارگر

هزاران نفر از کارگران قزوین روز جهانی کارگر را گرامی داشتند

بنابه گزارشات رسیده به فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، هزاران نفر از کارگران قزوین برای گرامیداشت روز جهانی کارگر تجمع کردند و علیه اخراج کارگران و سایر مشکلات کارگری دست به اعتراض زدند . روز شنبه ۱۱ اردیبهشت از حوالی ساعت ۰۹:۰۰ صبح هزاران نفر از کارگران قزوین در ورزشگاه یادگار امام تجمع کردند و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند. نمایندگان کارگران طی سخنرانیهای خود خواستار پایان دادن به قرار دادهای موقت و رسمی شدن کارگران، حق بیمه، و سایر مشکلات کارگری شدند. در این راستا کارگران اقدام به دادن شعارهایی علیه شرایط فاجعه بار کارگران سر دادند. این تجمع تا ساعت ۱۳:۰۰ ادامه داشت . همچنین از صبح امروز نیروهای سرکوبگر در نقاط مختلف شهر قزوین مستقر شدند که از جمله آنها چهار راه و میادین شهر بود . آنها با خودروها و ماتورهای خود در سطح شهر گشت می زدند. حضور نیروها سرکوبگر در سطح شهر بی سابقه گزارش شده است.

بیانیه اول ماه مه ۲۰۱۲ ما بردگان قرن بیست و یکم نخواهیم شد

فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری از تمام سازمان های اتحادیه ای کارگری در جهان می خواهد جهت بزرگداشت روز جهانی کارگر و شهدای طبقه کارگر، در تمام کشورها و قاره ها ، فعاليتها و راهپیمایی ها را به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۲ سازماندهی کنند. هدف فدراسیون، براساس قطعنامه جلسه شورای روسا در ۷ الی ۸ مارس ۲۰۱۲ در لیما - پرو، این است که شعار " شیکاگو راه را به ما نشان داد" در کنار شعارهای مربوط به هر سازمان اتحادیه ای مطرح شده مورد استفاده قرار گیرد.

جنبش بین المللی اتحادیه ای کارگری جهت حافظت و دفاع از روز جهانی کارگر در برابر تلاش های دولت های سرمایه داری، کارفرمایان، نهادهای گوناگون و سازمان های غیر دولتی جهت درهم شکستن این روز یا

دگرگون کردن و اصلاح معنای آن ، مسئولیت سنگینی برعهده دارد. اول ماه مه برای طبقه کارگر در سطح بین المللی، نماد نقش غیرقابل جایگزینی است که کارگران در جامعه و تولید برعهده دارند، نشانه ای است از دستاوردهای مهم و پیروزمندانه مبارزه طبقاتی در تاریخ، نماد این حقیقت که تمام این حقوق نتیجه مبارزات خونین است. هیچکدام از این دستاوردها به کارگران تقدیم نشده. اول ماه مه روز یادبود و ادای احترام به شهدای طبقه کارگر است که جان خود را در اعتصابات سرسختانه و قاطعانه کارگران آمریکا در شیکاگو (۱۸۸۶) فدا کردند. آنها در راستای مبارزات بر سر ساعات کار در بسیاری از کشورها در سراسر جهان در قبل و پس از اعتصابات شیکاگو، طی تاریخ مبارزه طبقاتی تا امروز، خواستار ۸ ساعت کار، ۸ ساعت اوقات فراغت و ۸ ساعت استراحت بودند. ما به شهدای طبقه کارگر در تمام قاره ها که توسط دولت های ضد مردمی و ضد کارگری سرمایه زندانی، شکنجه، و کشته شدند و به جبر از صحنه محو شدند ادای احترام می کنیم.

روز جهانی کارگر درسی برای نسل های جدید است که اصول طبقه کارگر، نظیر انترناسیونالیسم پرولتری، وحدت طبقاتی، و ارزش غیر قابل جایگزین مبارزات قاطعانه با رویکرد طبقاتی را، شامل می شود. بیش از هر چیز، اول ماه مه روز مبارزه است. روزی که طبقه کارگر در سطح بین المللی در خیابان ها برای نبرد برای حقوق کار و حقوق اجتماعی معاصر گرد هم می آید، برای حق ساعات کاری کمتر با حقوق های شایسته شأن انسان که در ۱۸۸۰ واقعبینانه بود و نمی تواند در عصر پیشرفت های تکنولوژیکی غیر واقعبینانه باشد!

امروز، در حالی که سرمایه داری در بحران های عمیق اش بسر می برد و در تمام طیف ها چهره ظالمانه، بربرمنشانه و سفاک خود را آشکار کرده و هر اونس از حق کارگران و دیگر اقشار مردم را توقیف و مصادره می کند، امروز که رقابت انحصارات جنگ ها و مداخلات جدید امپریالیستی را خلق می کند، امروز که خشونت دولتی، سرکوب مبارزات اجتماعی و کارگری و نقض آزادی اتحادیه های کارگری در سطح بین المللی بالا گرفته ، بگذار:

- شیکاگو راه را به ما نشان دهد - نه به بردگی سرمایه داری معاصر
- ما برای جهانی بدون استثمار انسان از انسان مبارزه می کنیم
- در اول ماه مه، فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری همبستگی انترناسیونالیستی خود را با مردم کوبا، فلسطین، سوریه، لبنان، مالی، کلمبیا، ونزوئلا و... ابراز می کند.

برگردان: بابک پاکزاد

جلوگیری از برگزاری مراسم روز کارگر در سقز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 اردیبهشت 92 آمده است : يك فعال کارگری در سقز، با اعلام جلوگیری از برگزاری مراسم روز کارگر در این شهر، اظهار کرد: اجرای مراسم روز کارگر در فضای باز حق همه کارگران جهان است .

«سید محمد صالح حسینی» با اشاره به برگزاری مراسم روز کارگر در شهرستان سقز به ایلنا گفت: برگزاری مراسم روز کارگر در فضای باز حق همه کارگران است و ما در این روز تلاش می کنیم مشکلات صنفی خود را به گوش مسئولان برسانیم .

او افزود: خانه کارگر سقز برای برگزاری مراسم روز کارگر همانند سالهای گذشته درخواست صدور مجوز کرده بود که متأسفانه با بی اعتنایی مسئولان استانی به درخواست کارگران، اجرای این مراسم صبح امروز در محیطی بسته بدون دخالت نمایندگان کارگری برگزار شد .

او اضافه کرد: برگزاری مراسم روز کارگر با حضور مسئولان غیر مرتبط دولتی در محیطی بسته که اطلاعات و تسلطی بر مسائل کار و مشکلات کارگری ندارند هیچ جذابیت و سودی برای کارگران ندارد .

به گفته دبیر خانه کارگر سقز، خواسته کارگران، دریافت مطالبات صنفی شان است که متأسفانه نگاه امنیتی

شدید و حساسیت‌های سیاسی خاص مانع برگزاری این مراسم از سوی تشکلات رسمی کارگری همانند خانه کارگر شد.

تشنج در جلسه پیشکسوتان جامعه کارگری تهران

به نوشته سایت ایران کارگر 11 اردیبهشت 92 آمده است: جلسه پیشکسوتان به مناسبت روز جهانی کارگر که روز سه شنبه 10 اردیبهشت 92 در سالن دانشگاه علمی کاربردی خانه کارگر واقع در خیابان طالقانی روبروی وزارت راه و ترابری از ساعت 0900 تشکیل شده بود، با اعتراض کارگران و بازنشستگان به شرایط اسفبار معیشتی کنونی در جامعه کارگری به تشنج کشیده شد، در این جلسه که حدود 800 نفر شرکت کرده بودند تعدادی از بازنشستگان و کارگران معترض در هنگام سخنرانی، سخنرانان حکومتی با بیان مشکلات و مسایلی از قبیل عدم اجرای طرح همسان سازی، پایین بودن سطح دستمزد ها و عدم تناسب با نرخ تورم، نادیده گرفته شدن سنوات بحق بازنشستگان، شدت فقر حاکم بر جامعه کارگری و رشد معضلات اجتماعی و ... جلسه را از روند آرام برنامه ریزی شده خارج کردند.

در آستانه اول ماه مه بیش از ۱۰۰۰ کارگر شرکت صدای بوشهر دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 10 اردیبهشت 92 آمده است: در آستانه روز جهانی کارگر از صبح امروز دهم اردیبهشت ماه بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران شرکت‌های پیمانکاری زیر مجموعه شرکت صدای بوشهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماه‌های بهمن و اسفند سال گذشته و فروردین ماه امسال خود دست به اعتصاب زدند.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در پی این اعتصاب بزرگ نماینده های شرکت‌های پیمانکاری با حضور در میان کارگران از آنان خواستند تا به اعتصاب خود پایان دهند اما کارگران بطور متحدانه ای بر تحقق خواست شان مبنی بر پرداخت دستمزدهای معوقه خود پای فشردند و حاضر به پایان این اعتصاب نشدند. بدنبال این وضعیت مسئولین شرکت‌های پیمانکاری برای شکستن اعتصاب کارگران اقدام به تعطیلی کارگاهها کردند و در این راستا شرکت ساحل سازان جنوب با فراخواندن سرویس ایاب و ذهاب کارگران، آنان را مجبور به ترک محل کارخانه نمود تا بدینوسیله کارگران ناچار به بازگشت بکار شوند.

بنا بر آخرین گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران علی‌رغم فشارهایی که شرکت‌های پیمانکاری برای شکستن اعتصاب کارگران بعمل آورده اند این اعتصاب همچنان ادامه دارد.

آخرین خبر از اعتصاب بیش از هزار کارگر شرکت صدرا در بوشهر از زبان یکی از کارگران و نکاتی مهم از استنمار وحشیانه کارگران صدرا

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 10 اردیبهشت 92 آمده است: امروز کارگران تا پایان وقت از اعتصاب دست نکشیدند چیزی که جالب بود برای اولین بار تمام کارگران صدرا با هم متحدانه دست به اعتصاب زدند فکر میکنم پیمانکاران با وعده و وعید میخواهند کارگران را از فکر اعتصاب فردا منصرف کنند.

استنمار کارگران صدرا بوشهر

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 10 اردیبهشت 92 آمده است: با عرض تبریک به مناسبت فرا رسیدن روز جهانی کارگر و آرزوی رسیدن کارگران به حقوق اساسی خود برابر با استانداردهای بین المللی، به عرض میرساند: کارگران صدرا بوشهر سالهاست که زیر جور پیمانکاران حق و حقوقشان پایمال میشود و متأسفانه هیچ نظارتی هم بر اعمال و رفتار ایشان وجود ندارد بطوریکه تا جایی پیش رفته اند که قوانین مخصوص خود را بر شرکت حاکم کرده اند و این جزیره صنعتی را به صورت ملوک الطوائفی اداره میکنند. از جمله این موارد: ۱- بهره کشی بی اندازه از کارگران بطوری که چهار نفر از کارگران زیر بار فشار پروژه جانشان را از

دست داده اند، و عده زیادی هم دچار نقص عضو و از کار افتادگی شده اند قابل ذکر است که مکرراً کارگران را مجبور به ۱۸ ساعت کار شبانه روزی میکنند.

۲- پرداخت نکردن حقوق و عیدی و سنوات ، در حالی که هم اکنون کارگران حقوق بهمن ، اسفند و فروردین را دریافت نکرده اند. بماند که عیدی را که با مبلغ بسیار پایین ۲۵۰۰۰۰ تومان میپردازند که هنوز هم پرداخت نکرده اند و سنواتی که اصلاً پرداخت نمیکند

۳- جرعت اعتراض کارگران نسبت به شرایطشان را با اخراج سازی گسترده گرفته اند قابل توجه است که وضعیت کارگران پیمانی از لحاظ امنیت شغلی بسیار اسف بار است و با کمترین اعتراض مسبب اخراج خود میشوند کما اینکه دی ما سال قبل نیز چنین اخراج سازی را در مورد کارگران پیمانی معترض انجام دادند.

من ... توفیق

بیانیه کارگران صدراى بوشهر به مناسبت روز جهانی کارگر
به نام خداوند روزی دهنده

حق گرفتنی است نه دادنی

با عرض شادباش به مناسبت روز جهانی کارگر و آرزوی رسیدن کارگران به حقوق اساسی خود . ما کارگران صدراى بوشهر نیز مانند دیگر کارگران ایران و دنیا این روز فرخنده را گرامی میداریم و اعلام میکنیم: در برابر ظلم و جور ساکت نمی نشینیم و فریاد بر می آوریم که هم صدا با دیگر همدردان جامعه کارگری حق خودمان را از حلقوم سرمایه داران بیرون میکشیم و به دولت اعلام میکنیم، اگر میخواهید خدمت گذاری کنید شعار دادن و پو پولیست بازی را به کناری بگذارید و افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران را که مانند آب سردی بر پیکر نیمه جان جامعه کارگری بود را لغو و بجایش متناسب با تورم به حقوق کارگر بیفزایید و اینقدر اعلام نکنید به مصلحت نیست. مگر موقعی هزینه های زندگی را به چندین برابر افزایش دادید به مصلحت بود . به هر حال فکری عاجل کنید که در این چند صباح عمر دولتتان نامی نیک از خود به یادگار بگذارید تا بلکه خداوند و ملت از سر اشتباهات شما بگذرند اگر غیر این کنید نام دولت خود را بعنوان بزرگترین ضربه زننده بر پیکر جامعه ایران در تاریخ ثبت کرده اید. و از نمایندگان مجلس میخواهیم که با اعزام هیئت تحقیق و تفحص به صدرا از شرایط استثمار ۲۰۰۰ هزار کارگر که برابر با بیست هزار خانوار است تحقیق به عمل آورند

کارگران صدراى بوشهر

عین گزارش کارگران صدرا از تداوم اعتصاب در این شرکت
بیش از هزار کارگر شرکت صدرا در روز جهانی کارگر همچنان در اعتصاب هستند

نمایندگهای پیمانکار با حضور در جمع کارگران خواستار شکستن اعتصاب شدند که کارگران امتناء کردند پیمانکاران هم کارگاه ها را تعطیل کردند و دست به حربه تفرقه میان کارگران میزنند بعوان مثال شرکت ساحل سازان جنوب سرویس های ایاب و ذهاب آنان را فرا خواندند و آنها را مجبور به ترک شرکت کردند در ضمن امروز هم یک ایمل از طرف علیرضا محجوب آمد که در آن گفته بود در حال پیگیری مسئله کارگران صدرا است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

مراسم روز کارگر با شعار مرگ بر دیکتاتور در مقابل وزارت کار

بنابه گزارشات رسیده به "فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران"، هزاران نفر از کارگران و مردم تهران در مقابل وزارت کار مراسم گرامی روز جهانی کارگر را با شعار مرگ بر دیکتاتور آغاز کردند .

روز شنبه از ساعت ۱۶:۰۰ به وقت تهران هزاران نفر از کارگران و مردم تهران از چند جهت به سوی وزارت کار در حال حرکت هستند. حوالی ساعت ۱۷:۳۰ تعدادی از کارگران و مردم در خیابان جیحون اقدام به سر دادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور نمودند که با یورش و حشियانه گارد ویژه مواجه شدند. همزمان با آنها ماشینها اقدام به بوق زدن ممتد نمودند. هر لحظه بر تعداد جمعیت افزوده می شود . نیروهای سرکوبگر گارد ویژه، نیروی انتظامی ، سپاه پاسداران، لباس شخصیها و بسیجی ها منطقه را به صورت پاداگان در آورده اند. امام مردم بصورت دسته های چند صد نفره در آنجا حضور دارند. نیروهای موتور سوار گارد ویژه و لباس شخصیها در حال گشت زدن و ایجاد رعب و وحشت هستند . اما کارگران و مردم به اقدامات سرکوبگرانه آنها توجهی ندارند و قصد برگزاری گسترده این مراسم را دارند فضا منطقه بسیار متشنج می باشد .

ظهر امروز تعدادی از کارگران در مقابل مجلس تجمع کرده بودند که با یورش و حشियانه گارد ویژه مواجه شدند و در گیری شدید بین آنها و کارگران ایجاد شد که منجر به شعار دادن کارگان علیه دیکتاتوری حاکم شد.

برگزاری مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در شهر نرده

به گزارش رسیده بعداز ظهر روز دوشنبه نهم اردیبهشت ماه مراسمی با حضور تعدادی از کارگران و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در گرامی داشت روز جهانی کارگر در خارج از شهر نرده برگزار شد.

مراسم ابتدا با پخش سرود انترناسیونال، سرود همبستگی طبقه کارگرشروع شد. سپس حاضرین به یاد جانباختگان راه آزادی و طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اختیار کردند. در ادامه یکی از اعضای کمیته هماهنگی طی سخنانی تاریخچه اول ماه مه و مسائل کارگری ایران و جهان را مورد بحث قرار داد. با قرائت مطلبی بنام "رو به آینده" توسط یکی از حاضرین مراسم ادامه پیدا کرد. همچنین طی مقاله ای کار کودکان در کارگاههای آجرپزی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و در پایان یکی از اعضای کمیته هماهنگی به بررسی فقر و فلاکت عمومی و معضلات و مشکلات طبقه کارگر پرداخت و همچنین بحث آزاد قسمت دیگری از برنامه های گرامی داشت اول ماه مه در نرده بود. پخش شعر و سرود در میان برنامه ها انجام گرفت و مراسم با پخش شیرینی و در میان شادی و سرورشرکت کنندگان به پایان رسید.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-11 اردیبهشت 1392

بیانیه کارگران صدراي بوشهر به مناسبت روز جهانی کارگر

به نام خداوند روزي دهنده
حق گرفتني است نه دادني

با عرض شادباش به مناسبت روز جهانی کارگر و آرزوي رسیدن کارگران به حقوق اساسي خود . ما کارگران صدراي بوشهر نیز مانند دیگر کارگران ایران و دنیا این روز فرخنده را گرامی میداریم و اعلام میکنیم: در برابر ظلم و جور ساکت نمي نشینیم و فریاد بر مي آوریم که هم صدا با دیگر همدردان جامعه کارگري حق خودمان را از حلقوم سرمایه داران بیرون میکشیم و به دولت اعلام میکنیم، اگر میخواهید خدمت گذاري کنید شعار دادن و پو پولیست بازی را به کناري بگذارید و افزایش ۲۵درصدي حقوق کارگران را که مانند آب سردی بر پیکر نیمه جان جامعه کارگري بود را لغو و بجایش متناسب با تورم به حقوق کارگر بیفزایید و اینقدر اعلام نکنید به مصلحت نیست. مگر موقعی هزینه هاي زندگي را به چندین برابر افزایش دادید به مصلحت بود . به هر حال فکري عاجل کنید که در این چند صباح عمر دولتتان نامي نيک از خود به یادگار بگذارید تا بلکه خداوند و ملت از سر اشتباهات شما بگذرند اگر غیر این کنید نام دولت خود را بعنوان بزرگترین ضربه زننده بر پیکر جامعه ایران در تاریخ ثبت کرده اید. و از نمندگان مجلس میخواهیم که با اعزام هیئت تحقیق و تفحص به صدرا از شرایط استثمار ۲۰۰۰هزار کارگر که برابر با بیست هزار خانوار است تحقیق به عمل آورند

کارگران صدراي بوشهر

عین گزارش کارگران صدرا از تداوم اعتصاب در این شرکت

بیش از هزار کارگر شرکت صدرا در روز جهانی کارگر همچنان در اعتصاب هستند نماینده‌های پیمانکار با حضور در جمع کارگران خواستار شکستن اعتصاب شدند که کارگران امتناء کردند پیمانکاران هم کارگاه‌ها را تعطیل کردند و دست به حربه تفرقه میان کارگران میزنند بعوان مثال شرکت ساحل سازان جنوب سرویس‌های ایاب و ذهاب آنان را فرا خواندند و آنها را مجبور به ترك شرکت کردند در ضمن امروز هم يك ایمل از طرف علیرضا محجوب آمد که در آن گفته بود در حال پیگیری مسئله کارگران صدرا است. اتحادیه آزاد کارگران ایران - 11 اردیبهشت ماه 1392

تشدید فضای امنیتی در سنندج

به نوشته سایت ایران کارگر -13 اردیبهشت 92آمده است : نیروهای اطلاعات شهر سنندج با مستقر شدن در خیابانهای این شهر با اقداماتی نظیر ممانعت از تجمع جوانان در خیابان‌ها، کنترل رفت و آمد شهروندان، در 11 اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر، فضای این شهر را کاملاً بحالت آماده باش و امنیتی تبدیل کردند. براساس گزارش ماموران امنیتی شهر سنندج با تشدید فضای امنیتی روز، 11 اردیبهشت ماه، روز جهانی کارگر، با مستقر کردن نیروهای نظامی در تمام نقاط این شهر فضایی کاملاً امنیتی را در این شهر بوجود آورده اند. براساس این گزارش، بیش از صد دستگاه خودروی یگان ویژه و یگان امداد در داخل شهر سنندج بصورت آماده باش در حال گشت زنی می باشند. این گزارش همچنان می افزاید که تک تیراندازهایی نیز در بلندای ساختمان‌های مراکز شهر مستقر شده اند. در همین راستا نیروهای اطلاعات شهر سنندج با مستقر شدن در خیابانهای این شهر با اقداماتی نظیر ممانعت از تجمع جوانان در خیابان‌ها، کنترل رفت و آمد شهروندان، در 11 اردیبهشت، روز جهانی کارگر، به منظور جلوگیری از ایجاد هرگونه آشوب و اعتراضات مردمی، فضای این شهر را کاملاً بحالت آماده باش و امنیتی تبدیل کرده اند.

قطع نامه کارگران شهر سنندج در گرامی داشت اول ماه مه (روز جهانی کارگر)

امسال در شرایطی مراسم اول ماه مه را برگزار می کنیم که سرمایه داری جهانی با توجه به تداوم بحران ذاتی خود همچنان و به اشکال مختلف طبقه ی کارگر را متحمل فشارهای سنگین برآمده از ساختار فرسوده ی خود نموده است. سیستم سرمایه داری که در طول حیات خویش، و با توجه به خصلت طبقاتی اش و با در نظر داشتن ولع سیری ناپذیرش نسبت به کسب سود، به هیچ وجه حاضر به چشم پوشی از منافع کلان طبقاتی خود نبوده و نخواهد بود، به اشکال مختلف سعی در خروج از گرداب بحران اقتصادی، و برون رفت از چالش‌های مالی خویش نموده، تا به نحوی تداوم حیات خود را در سایه ی هر چه بی حقوق تر کردن طبقه ی کارگر بازتولید نماید. اخراج و بیکارسازی‌های گسترده، حقوق‌های چند برابر زیر خط فقر، افزایش ساعات کار، کاستن از استانداردهای زندگی و خدمات اجتماعی تنها بخشی از یورش وسیع سرمایه به زندگی و معیشت توده ی کارگران می باشد که فقر و فلاکت بیشتر را برای آنان به ارمغان آورده است. شکاف عمیق طبقاتی که محصول بی چون و چرای سرمایه داری می باشد هر روز در حال عمیق تر شدن است. نظام سرمایه سالار ثروت بی کران را در همسایگی فقر بی کران قرار داده، و بی اعتنا به شرایط زیستی فرودستان زمینه ی همزیستی نامسالمت آمیز آنان را یکجا فراهم نموده و با این کار عملن بر تمامی نیازهای رنجبران و محرومان مهر بطلان نهاده است.

نظام سرمایه محور ایران به موازات سیاست‌های شرکای جهانی خود، و در ادامه ی برنامه‌های ضد کارگری خویش، با تعیین دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، با توجه به متناسب نبودن آن با نرخ واقعی تورم به وضوح مرگ تدریجی را به کارگران و زحمت کشان تحمیل نموده، و سرنوشت آنان را به دست گردباد تند اقتصادی سپرده است.

در مقابل تمامی این بی حقوقی‌ها حامیان سرمایه در ایران با بر نتابیدن هر گونه اعتراضی نسبت به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، سعی در خفه نمودن تمامی فریادهای حق طلبانه ی زمینه ساز اعتراضات توده ای نموده، تا شاید بدین وسیله از طغیان توده‌های به ستوه آمده از فقر و فلاکت جلوگیری به عمل آورد. در راستای

همین سیاست غیر دموکراتیک و ضد انسانی، صفوف فعالین کارگری و تشکل های کارگری را در بدترین حالت مورد آماج سهمگین ترین حملات خود قرار داده، و با تهدید، تعقیب و به زندان افکندن فعالین پیشرو، مانع گسترش پژواک آوای حق طلبانه و برابری خواهانه ی آنان در رستاخیز کارگران و زحمت کشان می گردند. کارگران و زحمتکشان! طبقه ی کارگر با توجه به وخامت روز افزون شرایط اقتصادی، و یورش گسترده سرمایه داری به سطح زندگی و معیشت خود، چاره ای به جز اتحاد و همبستگی طبقاتی و متشکل شدن در صفوفی به هم تنیده در تشکل های مستقل و خود ساخته و سراسری را ندارد. پس بیائید در روزاول ماه مه (روز جهانی کارگر)، روز کیفرخواست طبقه ی کارگر بر علیه نظام سرمایه داری و مشقات حاصل از آن، هم صدا و هم آوا و رساتر از هر زمانی، دوشادوش تمامی هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان به طرح خواست ها و مطالباتمان بپردازیم و این روز را گرمی بداریم.

لذا ما کارگران سنندج بخشی از خواست ها و مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می داریم:

- 1- به رسمیت شناختن روز جهانی کارگر به عنوان تعطیل رسمی، و حق برگزاری آزادانه ی مراسم های این روز.
- 2- لغو حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار برای سال 92، و افزایش حداقل دستمزدها برابر و متناسب با تورم واقعی در جامعه.
- 3- به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل های مستقل و خود ساخته ی کارگری، و منع تعقیب و پیگرد فعالین کارگری.
- 4- لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قرارداد دسته جمعی و دائم، و همچنین انحلال شرکت های دلالی و کارفرمایی.
- 5- پرداخت به موقع حقوق و دستمزدها، و جرم دانستن به تعویق انداختن آن، و پرداخت خسارت ناشی از آن به کارگران.
- 6- ایجاد شغل برای کلیه ی افراد آماده به کار، و ممنوعیت اخراج و بیکارسازی، و پرداخت بیمه ی بیکاری کافی به کلیه ی کارگران بیکار و آماده به کار.
- 7- منع کار کودکان، و تلقی به کار گیری کار آنان به مثابه ی جرم.
- 8- پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر زن و مرد.
- 9- ایجاد امنیت شغلی و همچنین تضمین محیط امن و بهداشتی در محل کار برای کارگران.
- 10- ایجاد فضای امن و به رسمیت شناختن کار کارگران مهاجر، و منع تبعیض و اخراج آنان.
- 11- آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران پیشرو و فعالین کارگری دربند از جمله رضا شهبابی- شاهرخ زمانی- محمد جراحی- بهنام ابراهیم زاده- رسول بداعی- پدram نصراللهی- علی آزادی- غالب حسینی و ... گرمی باد اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگران کارگران شهر سنندج- اول ماه مه 2013

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در زندان گوهردشت کرج

کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی: پیش از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، مراسمی با حضور نزدیک به ۸۰ زندانی در گرامیداشت روز جهانی کارگر در سالن ۱۲ زندان گوهردشت کرج برگزار شد. این مراسم که از ساعت ۹:۱۵ دقیقه صبح آغاز و تا ساعت ۱۰:۴۵ دقیقه پیش از ظهر ادامه داشت با خواندن مقالات، سرودها و اشعار مختلفی از طرف زندانیان همراه بود.

در ابتدای مراسم سه مقاله با مضامین «مبارزات طبقه ی کارگر در وضعیت کنونی سرمایه داری»، «وضعیت کارگران و طبقه ی کارگر» و «شهادت طبقه ی کارگر» از طرف زندانیان قرائت شد. در ادامه نیز مقاله ای برای معرفی تاریخچه ی روز جهانی کارگر و مبارزات صورت گرفته در این روز خوانده شد. سپس خالد حردانی، نامه ی بسیار زیبایی را که از زبان پدرش، کارگر کارخانه ی فولاد اهواز، خطاب به طبقه ی کارگر نوشته بود خواند و پس از او نیز رسول بداعی فعال صنفی معلمان و زندانی سیاسی مقاله ای در رابطه با وضعیت معلمان قرائت کرد. در ادامه زندانیان با همخوانی دو سرود انقلابی، یاد مبارزان و شهادت طبقه ی کارگر را گرمی داشتند. سپس شاهرخ زمانی، فعال کارگری دربند، سرود «به پیش، به سوی سوسیالیزم» را خواند.

پس از اجرای این سروده‌ها یکی از زندانیان مقاله‌ای در رابطه با تاریخچه‌ی جنبش کارگری در ایران قرائت کرد. این مقاله تأکید داشت که تنها راه نجات کارگران، وحدت و تشکیلات است. در ادامه نیز یکی از اعضای در بند پ.ک.ک. مقاله‌ای را در رابطه با شهدای سوسیالیست خواند.

همچنین زندانیان دو پلاکارد را برای این مراسم تهیه کرده بودند که روی آن‌ها نوشته شده بود: «کارگران جهان متحد شوید!» و «کارگران جز زنجیرهای اسارتشان چیزی برای از دست دادن ندارند!» همچنین تصویری نیز از سوی زندانیان تهیه شده بود که روی آن دو کارگر که یکی مشعل (نماد آگاهی) و دیگری چکش (نماد ادامه‌ی مبارزه) در دست داشتند طراحی شده بود.

در پایان نیز شعر زیبای پریا کهندل، دختر زندانی سیاسی صالح کهندل که در اسفند ماه سال گذشته برای پدرش سروده بود خوانده شد.

در طی این مراسم یاد شهدای آرمان طبقه‌ی کارگر از جمله خسرو روزبه، همایون کتیرایی، بیژن جزنی و موسی خیابانی گرامی داشته شد.

کمیته هم‌هانگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری: «گرامی باد اول ماه مه، روز جهانی کارگر»

اول ماه مه، (یازده اردیبهشت) روز جهانی کارگر و روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی این طبقه، برای اعتراض به نابرابری و بهره‌کشی موجود در نظام‌های سرمایه‌داری و برپایی دنیایی عاری از ستم و بهره‌کشی طبقاتی است. روز جهانی کارگر همچنین روز تجمع میلیونی کارگران، برای بیان خواست‌ها و مطالبات طبقاتی این طبقه، جهت بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و رهایی آنان از مشقات و نابرابری‌های پیشمار نظام سرمایه‌داری است. در چنین روزی، میلیون‌ها کارگر در سرتاسر جهان دست از کار می‌کشند و به خیابان‌ها می‌آیند تا خشم و انزجار خود را نسبت به مصائب و مشقاتی که نظام سرمایه‌داری برای مردم کارگر و بخش وسیعی از بشریت موجود به ارمغان آورده است فریاد کنند. کارگران در این روز در سرتاسر دنیا گرد می‌آیند تا نشان دهند که علی‌رغم تفاوت‌هایی در نژاد، زبان، ملیت و مذهب، یک طبقه واحد و جهانی هستند که همگی در یک چیز مشترکند. آنان فاقد ابزار تولیدند و تنها از طریق فروش نیروی کار خویش به صاحبان سرمایه در قبال دریافت مزد، امرار معاش می‌کنند.

پیام روز جهانی کارگر و تظاهرات کارگران در این روز، در جای‌جای این کره خاکی و در اقصا نقاط دنیا در عین حال نشان از آن دارد که: کارگران، اکثریت آحاد جامعه را تشکیل می‌دهند که اگر یک روز و تنها یک روز دست از کار بکشند، جهان هستی از حرکت باز می‌ماند و همه چیز متوقف می‌شود. تظاهرات میلیونی کارگران در روز جهانی کارگر همچنین مبین این حقیقت است که: خیل عظیم تولیدکنندگان رفاه و ثروت در جوامع انسانی، اگر به صورت یک طبقه متحد و متشکل شوند و بویژه خود را به دانش و آگاهی طبقاتی مجهز نمایند، اساساً این قابلیت و توانایی را دارند که علاوه بر بهبود شرایط کار و معیشت خویش و خیل عظیمی از انسان‌های روی زمین، نقش پیشرو و تعیین‌کننده‌ای را در الغای نظام جهنمی سرمایه و ایجاد جامعه‌ای آزاد و فارغ از ستم و استثمار طبقاتی بازی نمایند.

کارگران امسال نیز در سرتاسر دنیا مراسم روز جهانی کارگر را در شرایطی برگزار می‌کنند که نظام سرمایه‌داری را بحرانی عمیق و فزاینده احاطه کرده است. بحرانی که در تاریخ حیات این نظام - اگر نه بی‌سابقه - کم سابقه بوده و می‌رود تا بیش از هر زمان دیگری هستی و موجودیت آن را به زیر سؤال ببرد. بحرانی که با همه‌ی عظمت و بزرگی خود، ثبات و به اعتباری بقای نظام سرمایه‌داری را مورد تردید قرار داد و گنبدی این نظام را پس از فروپاشی بلوک شرق و ادعای پایان تاریخ به نمایش گذاشت.

سرمایه‌ها اما همه‌ی تلاش خود را به کار می‌بندد تا برای پیشگیری از تعمیق و تشدید بحران‌های مبتلابه نظام، با استفاده از سیاست‌های "نئولیبرالیستی" و اقدامات ضدکارگری و سرمایه‌محوری، چون تحکیم "اقتصاد بازار" و اعمال برنامه‌ی "ریاضت اقتصادی" - که در واقع تاوان پیامدهای ویرانگر بحران سرمایه، از جیب توده‌های کارگر و مردم ستم‌دیده‌ی این گونه جوامع است - حتی المقدور تبعات بحران‌های

نظام سرمایه داری را متوجه توده های کارگر و مزد بگیران تحت ستم و استثمار در سرتاسر جهان نموده و یکی بعد از دیگری، آن ها را بر سر کارگران خراب نماید. لذا از مدت ها پیش، متناسب با عمق و گسترش بحران، تهاجم همه جانبه ای را به سطح زندگی و معیشت طبقه کارگر آغاز نموده و به اشکال مختلف، در صدد بازپس گیری دستاوردهای سال ها تلاش و مبارزه کارگران برای بهبود زندگی برآمده است.

سرمایه جهانی و انحصارات مالی آن همواره تلاش می کنند تا با تشدید استثمار طبقه کارگر در داخل مرزها، از طریق اخراج و بیکارسازی کارگران و ایجاد عدم امنیت شغلی برای طبقه کارگر و به دنبال آن، پایین نگه داشتن سطح دستمزدها، و در بیرون از مرزها، با راه انداختن مسابقه تسلیحاتی و تجاوز نظامی به برخی از کشورها در مناطق مختلف جهان، به منظور استفاده از نیروی کار ارزان مردم، تأمین بازارهای فروش برای کالاهای خود و در یک کلام غارت هرچه بیش تر منابع مردم آن کشورها، حتی المقدور سودآوری سرمایه را تضمین نموده، از شدت و حدت بحران های دامنگیر نظام، بکاهند. اگر چه در همه جا به طور اجتناب ناپذیر و روزافزونی با مقاومت و اعتراض کارگران و توده های مردم به جان آمده (اکثریت آحاد جامعه) مواجه گشته و حساب های شان یکی بعد از دیگری غلط از آب در آمده می آید.

ایران نیز کشوری سرمایه داری است که قوانین منحوس و نابرابر این نظام جهنمی، در آن جریان داشته و با شدت و حدت هر چه تمام تر در آن اعمال و اجرا می شود. کارگران ایران امسال نیز در شرایطی به استقبال اول ماه می روند که سرمایه داران حاکم بیش از هر زمان دیگر طبقه کارگر را آماج تهاجم خود قرار داده است. سرمایه در ایران، درهماهنگی با سرمایه داری جهانی و نهادهای مالی آن، از جمله "صندوق بین المللی پول" و "بانک جهانی"، در جهت تأمین شرایط مطلوب برای سودبری و انباشت سرمایه، کارگران را به شدیدترین و بی رحمانه ترین شکل ممکن استثمار می کند و به فقر و خانه خرابی می کشاند. علاوه بر این، پیامدهای طرح به اصطلاح "هدفمند کردن یارانه ها" (حذف یارانه ها از کالاهای اساسی و مورد نیاز توده های مردم) و "تحریم های اقتصادی" اعمال شده از جانب برخی از دولت های سرمایه داری متروپل و همچنین تبعات بحران جهانی سرمایه، خود مزید بر علت شده، طبقه کارگر ایران را سخت در مضیقه و تنگنا قرار داده و شرایط طاقت فرسایی را به این طبقه تحمیل کرده است.

تعیین حداقل دستمزد کارگران، به میزان یک چهارم زیر خط فقر، توسط یکی از نهادهای سرمایه داری، با نام "شورای عالی کار" (متشکل از نمایندگان بخش خصوصی و دولتی سرمایه، به اضافه باز هم نمایندگان انتصابی هر دو بخش آن، این بار با نام "نمایندگان کارگران") و عدم پرداخت حتی همان دستمزدهای ناچیز و به تعویق انداختن آن ها برای ماه های متمادی؛ حذف سوبسیدها (یارانه ها) - که در واقع بخشی از دستمزدهای پرداخت نشده کارگران است - از بسیاری از کالا های اساسی مردم؛ به تعطیلی کساندن کارخانه ها و کارگاه ها، همراه با اخراج و بیکارسازی های گسترده کارگران، عمدتاً برای مطامع سودپرستانه و زیاده خواهی های سرمایه داران؛ تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت های پیمانکاری بر سرنوشت خیل عظیمی از کارگران (بیش از هشتاد درصد آنان) و از این طریق ایجاد عدم امنیت شغلی در مراکز کار و تولید؛ رشد فزاینده و همه روزه حوادث کار و در واقع تبدیل مراکز کار و تولید به قتلگاه کارگران؛ سقوط ارزش پول کشور و تورم لجام گسیخته ناشی از آن و در این ارتباط گرانی سرسام آور کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم، از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان؛ وضعیت معیشتی وخیم و فلاکت بار بازنشستگان و در این رابطه، ناکارآمدی انواع بیمه های اجتماعی؛ و ... تنها بخش هایی از مصائب و بی حقوقی هایی است که کارگران و توده های مردم ستم دیده با آن مواجه هستند. به این سیاهه البته می توان تهاجم گسترده به جنبش های مختلف اجتماعی؛ سرکوب تشکل ها و اعتراضات کارگران، زنان و دانشجویان و دستگیری و زندانی کردن فعالان هر یک از این جنبش ها؛ سرکوب آزادی های دمکراتیک و سیاسی؛ ستم و استثمار مضاعف نسبت به زنان و کارگران مهاجر؛ بی کاری و بی حقوقی جوانان، کودکان و اجرای احکام ضدانسانی سنگسار و اعدام و... را نیز اضافه کرد که همه و همه نشان از ماهیت ضدکارگری و ضدبشری نظام سرمایه داری دارد. این وضعیت البته سال هاست که در ایران سرمایه داری رواج داشته و زندگی را بر توده کارگران و مردم ستم دیده و زحمتکش این دیار تباہ کرده است. سرمایه داری بحران زده در سال های اخیر با تشدید استثمار؛ بیکارسازی و اخراج کارگران؛ کاهش خدمات درمانی و بهداشتی و بویژه پایین نگه داشتن سطح دستمزدها، تنها بر شدت و دامنه آن افزوده است.

بی جهت نیست در شرایطی که حتی آمارهای رسمی و حکومتی، میزان تورم موجود را بیش از 31 درصد و برای کالاهای اساسی تا 40 درصد اعلام می کنند، دستمزد کارگران تنها 25 درصد افزایش می یابد و باز هم بدون علت نیست در حالی که خط فقر از جانب بانک مرکزی و برخی از دیگر نهادهای حکومتی بیش از یک میلیون و پانصد هزار تومان برآورد می شود "شورای عالی کار" (بخوان شورای عالی سرمایه) حداقل حقوق کارگران را برای سال 92 تنها چهار صد هشتاد و هفت هزار تومان تعیین می نماید. طبیعی است که این مقدار دستمزد به هیچ وجه تناسبی با مخارج و حداقل های زندگی کارگران نداشته و تنها موجب فقر و خانه خرابی بیش تر کارگران و نابودی و مرگ تدریجی آنان و خانواده های شان را فراهم خواهد آورد. ناگفته پیداست که کارگران بهیچوجه نمی توانند در قبال این همه ستم و بی حقوقی ساکت بنشینند و تنها شاهد و ناظر خاموش و "سر به راه" وقایع و اتفاقات پیرامونی خود باشند. کارگری را که بر اثر حرص و ولع سیری ناپذیر سرمایه و سودجویی بی حد و حصر مشتی سرمایه دار به روز سیاه نشسته است، نمی توان صرفن با حربه ی تهدید و ارعاب و سرکوب و زندان، بر سر جای خود نشانده، وادار به سکوت کرد. کارگران قطعاً در مقابل این بی عدالتی ها و تعرضات ساکت نخواهند نشست. همان گونه که تا کنون ساکت نشسته اند. آنان بارها و بارها اعتراض خود را نسبت به شرایط سخت و ذلت بار زندگی نشان داده و همواره به دفاع از موجودیت و حرمت خویش برخاسته اند. اگر چه هر گونه اعتراض و حق طلبی آنان همواره با تهدید و بازداشت و زندان پاسخ گرفته است.

آری ما کارگران در مقابل این وضعیت ضد انسانی و فلاکت بار و گسترش لحظه به لحظه عمق و دامنه آن سکوت نخواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که بیش از این حق حیات و هستی ما را به تباهی بکشانند. از نظر ما تداوم وضعیت موجود، سوق دادن زندگی و معیشت میلیونها کارگر و خانواده هایشان از خط فقر به خط مرگ است. ما تعرض به زندگی و معیشت خود را بر نخواهیم تافت و متحد و یکپارچه در مقابل فقر و فلاکت و بی حقوقی اجتماعی تحمیل شده بر خود و خانواده هایمان ایستادگی خواهیم کرد. ما تولید کنندگان اصلی ثروت و نعمت در جامعه هستیم. داشتن یک زندگی انسانی، مطابق با بالاترین استانداردهای حیات بشر امروز، حق مسلم ماست. برای تحقق آن ما تمامی موانع پیش روی خود را، با اتکا به مبارزه و قدرت اتحاد و همبستگی مان و همچنین برپایی تشکل های مستقل و طبقاتی، از سر راه بر خواهیم داشت. باید به وضعیت موجود خاتمه داده شود. ما کارگران دیگر تحمل اینهمه بی حقوقی و بی حرمتی به زندگی و معیشت خود را نداریم. ما اعلام می کنیم که متحد و یکپارچه در مقابل آن ایستادگی خواهیم کرد.

1- در حالی که میزان تورم اعلام شده توسط نهاد های رسمی دولتی (بانک مرکزی جمهوری اسلامی) در سال 91 ، بیش از 31 درصد و خط فقر، بیش از یک میلیون و پانصد هزار تومان در ماه برآورد شده است، به اصطلاح "شورای عالی کار" بر چه اساسی و با کدام معیار منطقی و قانونی، حداقل دستمزد کارگران را در سطح تورم 25 درصدی و میزان آن را چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان تعیین و اعلام می نماید؟ از جنبه های ضد کارگری و ضد انسانی این اقدام هم که بگذریم ، این کار حتی با قوانین مصوب و مورد پذیرش خود حکومت (ماده 41 قانون کار جمهوری اسلامی) نیز خوانایی و مطابقت ندارد! این عمل آشکارا سرمایه دارانه این نهاد ضد کارگری، همانا تحمیل مرگ تدریجی بر میلیون ها خانواده کارگری و در واقع توهین به مقام و منزلت کارگران است. با توجه به گرانی سرسام آور کالاها و تورم موجود، این میزان دستمزد حتی کفاف مخارج چند روز کارگران و مزدبگیران تحت ستم و استثمار را هم نمی دهد. بر این اساس ما کارگران ضمن رد شیوه "سه جانبه گرایی" تعیین دستمزد، توسط یک نهاد سرمایه داری" (شورای عالی کار) و انحلال این "شورا"، خواهان اعتراض و مبارزه متشکل و سازمانیافته ی کارگران سراسر ایران برای افزایش دستمزد ها، براساس اعلام نظر و برآورد نمایندگان واقعی و منتخب آنان، در تشکل های مستقل کارگری، مطابق با نرخ واقعی تورم هستیم.

2 - برپایی تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض و اعتصاب، تجمع و راهپیمایی و حق آزادی بیان و نشر امروزه جزء حقوق مسلم و خدشه ناپذیر ما کارگران و همه ی آحاد مردم در جامعه است. لذا ما کارگران خواهان برخورداری از تمامی این حقوق، به ویژه حق ایجاد تشکل های مستقل و آزاد کارگری هستیم و برای دستیابی به آن و دیگر حقوق سیاسی و اجتماعی، به عنوان حقوق مسلم خود به صورت متشکل تلاش و مبارزه خواهیم کرد.

3 - ما کارگران خواهان لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء و اساسن کارهای بدون قرارداد و همچنین حذف شرکت های پیمانکاری، که نتیجه ای جز سود جویی بیش تر برای سرمایه داران و عدم امنیت شغلی،

دستمزدهای پایین و حذف یا ناتمام ماندن وضعیت بیمه ای و از این طریق استثمار و فشار بیش تر برای کارگران ندارد هستیم. بر همین اساس، از کارگران شرکت های پیمانکاری و کارگرانی که با قراردادهای موقت مشغول به کار میشوند و نیز کارگران اخراجی می خواهیم با ایجاد تشکل های خود در برابر این وضعیت به مبارزه پردازند.

4 - دستمزدهای معوقه کارگران و خسارت های ناشی از آن باید فوراً و بدون هیچ عذر و بهانه ای به کارگران پرداخت شوند. عدم پرداخت دستمزدهای معوقه در واقع جرم آشکاری است که می بایست مورد پیگرد قضائی قرار گرفته و خسارات ناشی از آن به کارگران پرداخت شود.

5 - اخراج و بیکارسازی کارگران توسط سرمایه داران در واقع یکی از راه های انداختن بار بحران سرمایه، بر دوش های کارگران است. ما خواهان اقدامات دسته جمعی و متحد همه ی بخش های کارگری، علیه موج بیکارسازی ها و اخراج کارگران و مزدبگیران تحت ستم و استثمار و در همین رابطه پرداخت بیمه ی بیکاری مکفی، تا زمان اشتغال مجدد این کارگران بر سر کار می باشیم. بدون تردید، هر گونه تلاش و مبارزه برای پیشگیری و یا خنثی نمودن اخراج و بیکارسازی کارگران و نیز تلاش برای بازگشت به کار آنان، باید به شیوه های جمعی و سازمانیافته انجام گیرد تا حتی المقدور نتایج مطلوبی به بار آورد.

6 - ما کارگران خواهان اختصاص انواع بیمه های تأمین اجتماعی، از جمله بهداشت و درمان رایگان، بیمه های بازنشستگی و بیکاری و...، به اکثریت قریب به اتفاق توده کارگران و مزدبگیران جامعه هستیم. به باور ما، استفاده از مزایای بیمه های تأمین اجتماعی امروزه جزء حقوق مسلم و خدشه ناپذیر کارگران و عموم مردم زحمتکش و تحت ستم جامعه به شمار می آید و پرداخت آن به عموم مردم کارگر نیز در ردیف پاسخ گویی به نیازها و ضروریات اولیه و مسلم هر جامعه ای است. بیمه های تأمین اجتماعی اگر می خواهد که به نحو مطلوبی از آن استفاده شود می بایست که به دست نمایندگان منتخب و واقعی خود کارگران و تمامی مردم زحمتکش جامعه اداره شود.

7 - ما خواهان برابری کامل حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی، و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه آنان می باشیم. ما خود را در مبارزه زنان برای رسیدن به حقوق کامل شان با مردان، سهیم و ذینفع دانسته و از تمامی کارگران و توده های مردم عدالت طلب و آزادیخواه جامعه می خواهیم که برای به کرسی نشاندن این خواسته ها و به طور مشخص مطالبات ویژه زنان، به عنوان نیمی از جامعه و از این طریق، ایجاد پیوند میان جنبش کارگری و جنبش زنان، به صورت متحد و متشکل، دست به فعالیت و مبارزه بزنند.

8 - ما کارگران خواهان قطع فوری و بدون قید و شرط هرگونه اعمال فشار نسبت به کارگران و فعالان کارگری، و همین طور، فعالان دیگر جنبش های اجتماعی و به طور مشخص قطع تعقیب، تهدید، احضارهای مکرر و بازداشت و زندانی کردن آن ها می باشیم. ما همچنین خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه ی کارگران زندانی از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدram نصرالهی، رضا شهابی، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری و ... و تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و همراه با آن، لغو احکام صادره علیه فعالان کارگری و فعالان سایر جنبش های اجتماعی و توقف پیگردهای امنیتی و قضایی، نسبت به آنان هستیم.

9 - ما ضمن تأکید بر اتحاد و همبستگی بخش های مختلف طبقه کارگر و اعلام حمایت قاطعانه از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر بخش های این طبقه، به سهم خود از مبارزات عدالت طلبانه و برحق آنان برای احقاق حقوق مسلم خود دفاع نموده و برای دستیابی به آن حقوق و مطالبات، به صورت متحد و متشکل تلاش و مبارزه خواهیم کرد.

10 - ما بخشی از طبقه کارگر جهانی هستیم و به سهم خود از حقوق و حرمت انسانی همه ی کارگران و بشریت عدالت طلب و آزادی خواه دفاع می کنیم. لذا اکیدن با اخراج و تحمیل انواع ستم و بی حقوقی نسبت به کارگران ملیت های مختلف، و به طور مشخص کارگران مهاجر افغانی مخالفیم و آن را محکوم می کنیم. کارگران مهاجر افغان در ایران، تحت شرایط بسیار سخت و ناسف باری زندگی می کنند و از ابتدائی ترین حقوق انسانی خویش محرومند. ما ضمن محکوم کردن هر گونه ستم و تبعیض نسبت به این کارگران، خواهان رعایت حرمت آنان و برخورداری شان از حقوق کامل شهروندی با مردم ایران می باشیم.

ما همچنین ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان، از جمله "جنبش اشغال وال استریت" و دیگر اعتراضات

کارگری و مردمی در کشورهای اروپایی و آمریکا، خود را متحد طبقاتی تمامی بخش های طبقه کارگر، در سرتاسر دنیا دانسته و بیش از هر زمان دیگر بر همبستگی بین المللی طبقه کارگر برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم. ما در عین حال خواستار تقویت سازمانیابی و مبارزات هدفمند و با برنامه توسط این کارگران هستیم.

11 - پدیده کودکان کار به شکل غیر قابل تصویری در حال گسترش است. نظام سرمایه داری با هدف پایین نگه داشتن سطح دستمزدهای کارگران و سودآوری بیش تر و بیش تر، تحت عناوین و بهانه های مختلف، این پدیده (کار کودکان) را در سرتاسر دنیا گسترش می دهد. کار کودکان باید ممنوع شود و هر طرحی برای رسمیت بخشیدن به این، تحت هر عنوان و بهانه ای می بایست محکوم گردد. همه ی کودکان (افراد زیر 18 سال) باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین و نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی، از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی رایگان و یکسانی برخوردار باشند.

12 - اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

زنده باد همبستگی و اتحاد بین المللی طبقه کارگر - زنده باد اول ماه مه
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
1392/2/10

پیام علامرضا غلامحسینی عضو سابق سندیکای کارگران شرکت واحدتوسرانی تهران و حومه در رابطه با اول ماه مه 1392

اول ماه می روز یاد اوری جان سپردن کارگران معدن در شیکاگو، روز فریاد اعتراضی به ظلم و ستم علیه کارگران که به ارمغان آورندگان رفاه اجتماعی اسایش و آرامش روحی برای تمامی طبقات اجتماعی هستند می باشد اول ماه می روزاعلام همبستگی هم طبقه ای هایم علیه جهل و سرمایه داری حکام مستبد در سرتاسر دنیا می باشد

اول ماه می روز اعلام انزجاراز دولت ضد کارگری و ضد حقوق ایران که کارگران مبارز و مبارزان کارگری رادراسارت نگه می دارد تا خوش خدمتی خود را به اربابان سرمایه داری جهان به اثبات برساند می باشد

اول ماه می روز جشن وپایکوبی کارگران در سرتاسر نه به خاطر شاد بودنشان بلکه به خاطر نشان دادن صداقت شان در راه مبارزه تا رسیدن به جهانی عاری از اختلاف طبقاتی جهانی عاری از بی حقوقی کارگران جهانی عاری ازخشونت انسانی علیه انسان جهانی عاری از استثمار و بهره کشی جهانی عاری از کار کودکان جهانی عاری از کارهای تباه که توسط حاکمان و سرمایه داری جهانی انجام می شود می باشد

اول ماه می روزی است که اگر من و شما ساکت بنسینیم دوستان در بندمان آقایان رضا شهابی شاهرخ زمانی عبدالرضا قنبری رسول بداقی علی ازاد غالب حسینی بهنام ابراهیم زاده محمد جراحی و هزاران زندانی کارگر و سیاسی در سرتا سر دنیا علاوه بر رنج زندان اندوه تنهایی را احساس خواهند کرد

اول ماه می روزی است که من و ما هم طبقه ای هایم در سرتاسر دنیا با بر گزاری جشن اعتراض و همبستگی خود را اعلام می کنیم تا خط بطلانی باشد بر تنهایی هایمان

اول ماه می روز جهانی کارگر بر شما دوست عزیز وگرامی مبارک باد

غلامرضا غلامحسینی عضو سابق سندیکای کارگران شرکت واحد

زنده باد اتحاد سوسیالیستی کارگران

علی نجاتی:گرامی باد 11 اردیبهشت (اول ماه مه) روز برافراشته شدن پرچم برابری تمام کارگران!

اول ماه مه فرا می رسد. اول ماه مه (11 اردیبهشت) روز برافراشته شدن پرچم سرخ برابری تمامی کارگران مبارک باد!

باردیگر روز اول ماه مه 11 اردیبهشت روز جهانی کارگران در راه است. در این روز کارگران سراسر جهان از همه ملیت ها، قوم ها و نژادها دست از کار می کشند و جشن می گیرند و فریاد اعتراض خود را به نابرابری حاکم نظام سرمایه داری اعلام می کنند.

اگر کارگران امریکا در روز اول ماه مه در سال 1886 در خیابانهای شیکاگو فریاد هشت ساعت کار، هشت ساعت تفریح و استراحت و هشت ساعت خواب را سر دادند؛ امروز در چهار گوشه جهان کارگران در اول ماه مه بر علیه ریاضت کشی اقتصادی و گسترش فقر و فلاکت و دیگرنا بسامانی های دنیای سرمایه داری به اعتراض بر می خیزند.

در شرایطی به روز جهانی کارگرنزدیک می شویم که ما کارگران در ایران با مشکلات بسیاری از جمله دستمزدهای پایین و زیر خط فقر و افزایش سرسام آورگرانی و تورم، وجود قراردادهای موقت و سفید امضا، نداشتن امنیت شغلی و ایمنی در محیط کار، تعطیلی مراکز صنعتی، نداشتن حق اعتصاب و ایجاد تشکل های مستقل کارگری و برگزاری آزادانه مراسم اول ماه مه 11 اردیبهشت محروم هستیم و همچنان کارگران و فعالین کارگری را به دلیل طرح این خواسته های به حق خود دستگیر محاکمه و زندانی می کنند.

در آستانه اول ماه مه (11 اردیبهشت) روز همبستگی بین المللی کارگران فرارسیدن این روز را به همه کارگران و خانواده های آنان تبریک و شادباش می گویم. امیدوارم ما کارگران با برگزاری با شکوه این روز بتوانیم خواسته های خود را در برابر جهان سرمایه داری رساتر از همیشه طرح کرده و با اتحاد و همبستگی برای رسیدن به یک زندگی سالم و عاری از فقر و تبعیض و شایسته انسانهای امروزی تلاش و کوشش کنیم.

به امید آزادی تمامی زندانیان و کارگران زندانی
پیش به سوی اتحاد و همبستگی طبقاتی

علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه
1392 /2/11 خورشیدی

پیام پدram نصرالهی فعال کارگری در بند به مناسبت اول ماه مه

کارگران، زحمتکشان و هم طبقه ای های گرامی!

در شرایطی اول ماه مه را جشن می گیریم که حامیان سرمایه و عاملان فقر و فلاکت مردم در ایران بیش از هر زمان دیگری با یورش های گسترده ی خود صفوف فعالین پیشرو جنبش کارگری را در احاطه ی جنون قهرآمیز خویش قرار داده، و با تهاجمات وسیع خود به تشکل های مستقل و برخاسته از بطن مبارزات کارگری، و اعمال محدودیت های همه جانبه بر علیه آنان که به مثابه ی کاتالیزور و موتور محرکه وظیفه ای جدای از تسریع روند مبارزاتی و ارتقاء سطح دانش و آگاهی طبقاتی کارگران ندارند، سعی در ایجاد گسست و فاصله میان این تشکل ها با بدنه ی طبقه ی کارگر داشته، تا شاید استخوان بندی پیوند ارگانیک و تنگاتنگ میان آنان را در هم بشکنند، و بدین وسیله در غیاب دانش و آگاهی طبقاتی کارگران و عدم درک و شناخت کافی آنان از حقوق و مطالبات برحق خویش، اشکال جدید ترفندهای دیکتاتوری درنده ی سرمایه جهت ممانعت از خروش خلق های به ستوه آمده از فقر و نابرابری را بیازمایند. جنبش کارگری نیز به مثابه ی پیشروترین و رادیکال ترین جریان و جنبش اجتماعی ایران، تاریخ مبارزاتی پرفراز و فرودی را پشت سر گذاشته، و در طول حیات خویش بارها و به اشکال مختلف مورد سهمگین ترین ضربات کوبنده ی عوامل سرمایه قرار گرفته است، اما هر بار با تکیه بر ظرفیت های عظیم درون خود و با بهره مندی از عناصر خلاق و آگاه مانع زمین گیر شدن مبارزات کارگران بر علیه مناسبات و ساختارهای موجود شده و عملن افق های روشن تری را در پیشروی مبارزات رنجبران و محرومان از منظر رهایی انسان از قید مناسبات موجود کاویده و نمایانده است.

در شرایطی که سرمایه داری به منظور جلوگیری از تعمیق بحران مالی و اقتصادی بر تشدید فشار بر کارگران و فعالین کارگری می افزاید، کارگران ناگزیرند در این شرایط پر رنج و شکنج جهت رهایی از دوزخ سرمایه داری و عبور از باتلاق مصائب سرمایه، رخوت کنونی را پشت سر گذاشته، و در صفوفی متشکل و به هم تنیده و مسلح به دانش طبقاتی، سنگر پیکار خود را جهت نبرد سرنوشت سازشان با نظام بردگی مستحکم نمایند، و با اتکاء به اتحاد و همبستگی خود، در این گردباد سرمایه سالار پا به پای گسترش افق اندیشه ی کارگری،

سینه‌ی تاریکی‌ها را شکافته و نوید رفاه و عدالت و آزادی را به همراه افق‌های روشن‌تر به فرودستان بشارت دهند.

طبقه‌ی کارگر به خاطر تضاد دائمی منافعی با سرمایه‌داری ذاتی از پتانسیلی اعتراضی نسبت به مناسبات موجود برخوردار بوده، و دشمن خود را سرمایه به مثابه یک رابطه‌ی اجتماعی، و سیستم و نظام سرمایه‌داری می‌داند. لیکن مبارزات طبقاتی کارگران تا پیروزی نهایی و محو و نابودی کامل تمامی ارکان سرمایه‌ادامه خواهد داشت؛ پس‌گزیری جدای از اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران در فراروی مبارزات آنان جهت نیل به اهداف انسان‌محورشان وجود نداشته، و تشکل‌های حوزه‌ای زمینه‌ساز چنین اتحادی خواهد بود. لذا کارگران ایران با قبول این باورداشت و تلاش برای ایجاد بسترهای مناسب آن، گام‌های بلندی را برای رهایی از قید مناسبات موجود برداشته، و دستیابی به دنیای آزاد و برابر را محقق خواهند نمود.

کارگران! در چنین شرایط حساسی که نظام سرمایه‌داری خود بر لبه‌ی تیغ نابودی قرار گرفته است، لزوم یکپارچگی هرچه بیشتر کارگران بیش از هر زمان دیگری احساس می‌گردد. پس بهتر است در روز اول ماه روز همبستگی جهانی طبقه‌ی کارگر فرصت را غنیمت شمرده، و با همگامی و هم‌آوایی با تمامی کارگران جهان، مارش همبستگی طبقاتی مان را رساتر از هر زمان دیگری طنین انداز شویم، و فریادهای ضد سرمایه را به گوش جهانیان برسانیم.

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی طبقاتی کارگران
پدرام نصراللهی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی- زندان مرکزی سنندج 92/2/9

برپایی مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۲ در زندان تبریز

کانون مدافعان حقوق کارگر؛ چهارشنبه یازده اردیبهشت ۱۳۹۲ برابر با اول ماه مه ۲۰۱۳ زندانیان زندان تبریز روز جهانی کارگر را جشن گرفتند. در این جشن مختصر که به همت محمد جراحی برپا شد، در بند هشت کار درمانی زندان تبریز، شیرینی توزیع شد.

قابل ذکر است که زندانیان این بند، کارگران تحت متادون درمانی هستند و در زندان هم، در کارگاه‌های کفاشی و تریکوبافی کار می‌کنند. شرایط کاری و دستمزد در کارگاه‌های زندان تبریز، در مقایسه با کارگاه‌های بیرون زندان، بسیار وخیم است. یکی از دلایل تبعید شاهرخ زمانی از زندان تبریز به زندان یزد و سپس رجایی شهر، اعتراض وی به این شرایط وخیم بود.

محمد جراحی، در پیامی از زندان تبریز، روز جهانی کارگر را به کارگران و فعالان کارگری، به خصوص شاهرخ زمانی و رضا شهابی، تبریک گفت.

محمد جراحی، که در زندان به سرطان تیروئید مبتلا شده، هم اکنون تحت پرتو درمانی قرار دارد. علیرغم تجویز پزشکان معالج، که طی دوره درمان، استراحت مطلق در منزل را تجویز کرده‌اند، مقامات زندان و دادگستری تبریز، از مرخصی استعلاجی محمد جراحی، جلوگیری کرده‌اند.

برگزاری مراسم روز جهانی کارگراز طرف سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه

امروز مورخ ۱۱/۲/۹۲ اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد علیرغم فشارها و تمام سختی‌های پیش‌رو از اولین ساعات کاری در جمع همکاران خود حضور پیدا کردند و با توجه به فشارهای کار فرما و عوامل حراست که مرتب از اعضای رانندگان سندیکایی عکس و فیلم تهیه می‌کردند، تا شاید با رعب و وحشت از استقبال همکاران جلوگیری کنند، اما خوشبختانه نه تنها موفق نشدند بلکه رانندگان از نمایندگان واقعی خود استقبال بیشتری کردند. اعضای سندیکا با پخش شربینی به استقبال همکاران خود رفتند و در چندین پایانه با رانندگان کارگران شرکت واحد دیدار کردند و روز کارگر را تبریک گفتند و در آخر به پایانه آزادی که یکی از بزرگترین پایانه‌های اتوبوسرانی تهران است مراجعه کرده و با استقبال با شکوه رانندگان روبرو شدند که با تجمع رانندگان و راهپیمائی در محل پایانه آزادی مراسم اول ماه مه را با حمل پلاکاردی که اول ماه مه را از طرف سندیکای کارگران شرکت واحد تبریک گفته بود انجام دادند. در این مراسم بادر خواست آزادی رضا شهابی عضو هیئت

مدیره سندیکای زندانی از رئیس قوه قضائیه با جمع آوری امضاء از طرف رانندگان بپایان رسید . بعد از مراسم اول ماه مه اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد به دیدار بچه های کودکان کار رفتند و مورد استقبال مسئولین جمعیت کودکان کار و بچه های کودکان کار قرار گرفتند که با گرفتن عکس و خواندن سرودهای به مناسبت جشن اول ماه مه این دیدار بپایان رسید .

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سندیکای کارگران خباز در سنندج

بنابر گزارش آمده در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ ۱۲ اردیبهشت آمده است : بر اساس گزارش دریافتی روز ۱۱ اردیبهشت از ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰ حدود ۱۰۰ نفر از کارگران خباز در محل سندیکا مراسم روز کارگر را برگزار کردند. در این مراسم ابتدا عمر شعبانی بازرس سندیکا تاریخچه ای کوتاه از اول ماه مه ارائه داد و سپس قطعنامه مشترک کارگران خباز سنندج و مریوان خوانده شد که مورد استقبال کارگران قرار گرفت. سپس محی الدین الله مرادی درباره مشکلات کارگران علی الخصوص مسکن آنها سخنانی را ایراد کرد. در ادامه این مراسم امیر شهبابی رییس هیئت مدیره با بیان مشکلات کارگران روز جهانی کارگر را مهم ارزیابی کرد و گفت تنها با اتحاد و همبستگی خود می توانیم گام های عملی برای رفع نابرابری ها برداریم و صفوف خود را مستحکم تر کنیم. این مراسم در میان شادی حاضرین و با قدردانی از ۵۰ کارگر خباز با اهداء شاخه گل و تقدیر نامه به پایان رسید.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد شکل های کارگری.

آخرین اخبار در مورد دستگیرشدگان اول ماه مه سنندج

به گزارش رسیده بعد از برگزاری روز جهانی کارگر در شهر سنندج فضای شهر بسیار امنیتی است و بسیاری از فعالین کارگری و کارگران طی تماس های تلفنی تهدید شده اند. بر اساس این خبر بختیار چتانی از دستگیر شدگان اول ماه مه با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردید. همچنین نسترن محمدی از دستگیر شدگان اول ماه مه روز ۱۳ اردیبهشت با گذاشتن سند آزاد شد. لازم به ذکر است که روز ۱۲ اردیبهشت ۲ تن از فعالین کارگری آرام زندی و فردین قادری که سند برای آزادی نام برده تهیه کرده بودند در راه مراجعه به سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در حالی که سوار بر تاکسی بودند به همراه راننده تاکسی مذکور توسط مامورین امنیتی دستگیر شده و به حفاظت اطلاعات منتقل شدند. راننده تاکسی فوق بعد از ۲ ساعت بازجویی آزاد گردید که مجدداً شنبه ۱۴ اردیبهشت به حفاظت اطلاعات فراخوانده شد و بعد از ۲ ساعت بازجویی و بادادن تعهد آزاد گردید . همچنین آرام زندی روز ۱۴ اردیبهشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردید و قرار بر این شده است که فردین قادری نیز ۱۵ اردیبهشت با همان قرار وثیقه آزاد گردد
۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

اطلاعیه

بازداشت فعالان کارگری و شهروندان توسط نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در تظاهرات روز جهانی کارگر شهر سنندج

روز 11 اردیبهشت نیروهای سرکوبگر رژیم اسلامی به راهپیمایی کارگران و مردم آزادیخواه در شهر سنندج حمله کردند. نیروهای گارد ویژه نیروی انتظامی و مامورین امنیتی برای جلوگیری از گسترش راهپیمایی روز جهانی کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند و تعداد 16 نفر از فعالان کارگری و شهروندان را بازداشت کردند. غروب روز 11 اردیبهشت خانواده بازداشت شده گان برای کسب اطلاع از فرزندانشان به مراکز امنیتی و انتظامی رژیم در شهر سنندج مراجعه کردند اما مقامات دولتی از محل بازداشت آنها اظهار بی اطلاعی کردند. صبح امروز 12 اردیبهشت خانواده ها از محل نگهداری فرزندانشان در ستاد خبری نیروی انتظامی و اداره اطلاعات باخبر شدند و در محل این ارگانها تجمع و خواستار آزادی فرزندانشان شده اند. تلاش خانواده ها برای آزادی فرزندانشان در جریان است.

علاوه بر آن ، ارگانهای امنیتی رژیم امروز در ادامه تعقیب فعالان کارگری به تاکسی حامل مسافری در مسیرانتهای خیابان ششم بهمن بسوی بهاران تیراندازی کردند و بعد از محاصره تاکسی در حدفاصل هتل شادی و دانشگاه علوم پزشکی سه نفر از فعالان کارگری به با اسامی فردین قادری ، آرام زندی و شاهپور حبیب را با ضرب و شتم از تاکسی بیرون کشیدند و با خود بردند. همچنین نیروهای امنیتی برای دیگر مسافران و اهالی محل ایجاد ترس و مزاحمت کردند.

اسامی بازداشت شده گان 11 اردیبهشت روزجهانی کارگر به شرح ذیل است

1. نسترن محمدی
2. تیمور امجدی
3. صادق کرمی
4. بختیار چتانی
5. بختیار فاتحی کرجو
6. ارسلان یعقوبی
7. محسن محمودی
8. جلیل محمدی
9. فواد زندی

آزاد زمانی - سخنگوی انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران

12 اردیبهشت 1392

گزارش مراسم اول ما مه در سالن 12 زندان رجایی شهر

در سال 1886 در چنین روزهایی کارگران پس از ماه ها تظاهرات، 8 ساعت کار روزانه را بر دولت و طبقه ی حاکم تحمیل کردند و با تصویب بین الملل دوم کارگری در سال 1889 یک می به روز همبستگی بین المللی کارگران شناخته شد و کارگران هم این روز را گرامی می دارند روز چهارشنبه 11/2/92 برابر با 1 می سال 2013 به مناسبت روز کارگر سالن 12 بندها زندان رجایی شهر چنین گرامیداشتی با مدیریت رسول بداعی برگزار شد در این جشن گروه ها، احزاب، ادیان، مذاهب و قوم های گوناگون بدون توجه به نوع تفکر مذهب، قوم و حزب خویش روز کارگر را گرامی داشتند در این جشن سرودهای انقلابی و قومی و ملیتی به صورت تکی و گروهی خوانده شد و زندانیان سیاسی سالن 12 شعار، آواز، مقالات و خواسته های خود را در استقبال از این روز خواندند، سرود سرآمد زمستون با اجرای جعفر ابراهیمی و چند بیت در قالب گروه ... که در بیشتر جشن ها و آیین های داخلی برنامه اجرا میکنند خوانده شد و زندانیان توی سالن در پی خوانده شدن ابیات در زیر آمده دست زدند:

من با توام، تو نیز، با منی

عهد تو را حس میکنم

شب موندنی نیست، گریه نکن

این چشمان، برای اشک ریختن نیست، گریه نکن

چشم عسلی ، آسمانی ، آهوپی من

شب، زمستان موندنی نیست ، گریه نکن

در افق، بهار را|| نگاه کن

فردا بهاره، بی خیاله بغض و کینه

فردا جهان بهتر همیشه برامون

سرود سوسیالیسم برکن بنان دشمن، سرودی بود که توسط شاهرخ زمانی در فضای سالن 12 در ساعت 22 شب طنین انداز شد.

شعر کاوه آهنگر سروده سعید رضایی بخشی دیگر از برنامه بود که توسط ایشان به سمع حاضرین رسید، رضایی در بخشی از سروده ی خود گفت:

گر کاوه و آرش نیی ،

اما چون او آزاده ای،

کس بهر فردا مهیا شود بیرق او چرم گوهرنشان شود

میگویمت آخر کلام ، آن تیر با جان و تن بافشان.

شعر پدرم کارگر بود سروده خالد حردانی توسط وی خوانده شد، خالد حردانی در بخشی از سروده خود گفت:

و من امروز آمده ام،

در کنار تو، از درون توشه های اندیشه ی بشر

گل یاس پدر را،

به تو ای کارگر،

ای معلم لحظه های زندگی،

تقدیم کنم.

همچنین دو مقاله ی مبارزاتی انقلابی با موضوع تاریخچه ی شکل های کارگری در ایران و بزرگداشت اول ماه می توسط شاهرخ زمانی خوانده شد در بخشی از این مقاله آمده بود: نظام سرمایه داری با تشدید فاصله و تضاد طبقاتی که در تاریخ بشری بی سابقه می باشد، دچار بحران ساختاری عظیمی مخصوصاً در کشور های کانونی شده است و تلاش میکند با نابودی تمام دست آوردهای مبارزاتی کارگران و ستم کشان مانند تامین اجتماعی، بهداشت و درمان، آموزش، خدمات عمومی و تشدید بهره کشی چند گانه بار بحران را بر دوش توده ها بی اندازد و در بخشی دیگر از مقاله ای دوم در مورد تاریخچه ی مبارزات کارگران ایران آمده است: مبارزات و شکل های کارگری از صد سال پیش تاکنون شروع شده است و در قسمتی دیگر گفت شورای متحد کارگری در سال 1323، چهل و پنج اعتصاب و در سال 1327، چهل اعتصاب بزرگ را سازماندهی کرد در اواسط سال 1325 شورای متحده با 186 اتحادیه با مجموع 135 هزار عضو اقدام کرد، در این اعتصابات خواستار افزایش دستمزد متناسب با تورم، بهبود وضع مسکن، 8 ساعت کار در روز، آزادی دموکراتیک و پیوند میان جنبش های اجتماعی و آزادی برگزاری روز کارگر، آزادی تشکلهای سندیکایی کارگری، مذاکره و برقراری قراردادهای دسته جمعی تاکید کرد. مقاله ی دیگری درباره ی چگونگی تلاش نظام سرمایه داری در اجتماع کارگران توسط ناصح یوسفی خوانده شد که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

آخرین سرود دایه دایه وقت جنگه بود، توسط رسول بداغی و با هم آوایی حاضرین خوانده شد، در حین خواندن سرود دایه دایه حاضرین به وجد آمده و با کف زدن ها طولانی خوانندگان را همراهی کردند

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1389/2/12

مراسم روز جهانی کارگر در مریوان

به گزارش رسیده به سایت کمیته ی هماهنگی در 12 اردیبهشت 92 آمده است : به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر (اول ماه مه)، چهارشنبه 11 اردیبهشت جمعی از فعالین کارگری شهر مریوان از ابتدای روز به میان کارگران ساختمانی در سطح شهر و شهرک صنعتی و اکثر خیابانهای داخل شهر و همچنین به کوره پزخانه های آجرپزی "بیه کره" رفتند و با پخش کردن شیرینی و صحبت با کارگران و تبریک این روز به آنان این روز را گرامی داشتند. همچنین در روستای دزلی نیز تعدادی از فعالین کارگری با پخش شیرینی در میان کارگران و صحبت با آنان در رابطه با روز کارگر این روز را گرامی داشتند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

حمله نیروهای ویژه پلیس به اعتصاب کارگران کارخانه ذوب مس خاتون آباد

به نوشته ماهان نیوز آمده است : نیروی یگان ویژه پلیس به اعتصاب کارگران کارخانه ذوب مس خاتون آباد در حومه شهر بابک در استان کرمان حمله کرده است. کارگران اعتصابی در اعتراض به عملی نشدن وعده های مسئولان مس درباره استخدام این نیروها از روز از روز چهارشنبه چهارم اردیبهشت تا روز گذشته با بستن دروازه ورودی این مجتمع دست به اعتراض زدند. جمعیت اعتصاب کنندگان بالغ بر ۲۰۰ نفر بوده است. کارگران معترض با بستن دروازه ورودی مجتمع مس خاتون آباد مانع از ورود هرگونه مواد اولیه و کنسانتره به این مجتمع تولیدی شدند که این امر تعطیلی موجب تعطیلی کارخانه شده است. شب یکشنبه با حمله نیروهای نظامی یگان ویژه کارگران پراکنده شده اند ولی همچنان در داخل مجتمع تحصن کرده و دست به اعتصاب زدند و خواستار احقاق حق خود هستند. آن طور که ماهان نیوز گزارش داده این کارگران معترض که در دو مجتمع مس خاتون آباد و میدوک تعدادشان بالغ بر ۲۴۰۰ نفر می شود، از حدود ۲ سال قبل بدنبال مصوبه دولت مبنی بر تعطیلی شرکت های واسطه ای و پیمانی و کار زیر نظر خود دستگاه ها و شرکت های اصلی، از شرکت های مختلف به مجموعه شرکت سرمایه گذاری مس سرچشمه پیوستند. شرکت سرمایه گذاری مس نیز طبق قراردادی که با این افراد بسته است وعده استخدام این نیروها را بعد از گذشت یک سال از مدت قراردادهایشان داده است که با گذشت حدود ۱۸ ماه از زمان وعده داده شده هنوز خبری از استخدام رسمی این کارگران نیست. کارگران مجتمع های مس در استان کرمان از حقوق واقعی خود بهره مند نیستند و سال هاست که اعتراض های مختلفی برای احقاق حقوق شان از سوی کارگران و کارکنان مجتمع های مس و حتی بازنشستگان این شرکت صورت می گیرد. کارگران مس خاتون آباد خاطرات تلخی از حمله نیروهای نظامی به تجمعات اعتراضی شان دارند. در تاریخ چهارم بهمن ۱۳۸۲، نیروی انتظامی به تجمع اعتراضی کارگران معدن ذوب مس خاتون آباد حمله کرده بود که در نتیجه آن چهار کارگر با نام های "ریاحی، مومنی، جاویدی، مهدوی و یک دانش آموز با نام پورامینی" کشته شدند.

برگزاری مراسم اول ماه مه (روز جهانی کارگر) در شهر نقده

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است : به گزارش رسیده بعد از ظهر روز دوشنبه نهم اردیبهشت ماه مراسمی با حضور تعدادی از کارگران و اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در گرامی داشت روز جهانی کارگر در خارج از شهر نقده برگزار شد. مراسم ابتدا با پخش سرود انترناسیونال، سرود همبستگی طبقه کارگر شروع شد. سپس حاضرین به یاد جانباختگان راه آزادی و طبقه کارگر یک دقیقه سکوت اختیار کردند. در ادامه یکی از اعضای کمیته هماهنگی طی سخنانی تاریخچه اول ماه مه و مسائل کارگری ایران و جهان را مورد بحث قرار داد. با قرائت مطلبی بنام "رو به آینده" توسط یکی از حاضرین مراسم ادامه پیدا کرد. همچنین طی مقاله ای کار کودکان در کارگاه های آجرپزی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و در پایان یکی از اعضای کمیته هماهنگی به بررسی فقر و فلاکت عمومی و معضلات و مشکلات طبقه کارگر پرداخت و همچنین بحث آزاد قسمت دیگری از برنامه های گرامی داشت اول ماه مه در نقده بود.

پخش شعر و سرود در میان برنامه ها انجام گرفت و مراسم با پخش شیرینی و در میان شادی و سرور شرکت کنندگان به پایان رسید.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

برپایی مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۲ در زندان تبریز

چهارشنبه یازده اردیبهشت ۱۳۹۲ برابر با اول ماه مه ۲۰۱۳ زندانیان زندان تبریز روز جهانی کارگر را جشن گرفتند. در این جشن مختصر که به همت محمد جراحی برپا شد، در بند هشت کار درمانی زندان تبریز، شیرینی توزیع شد. قابل ذکر است که زندانیان این بند، کارگران تحت متادون درمانی هستند و در زندان هم، در کارگاه های کفاشی و تریکوبافی کار می کنند. شرایط کاری و دستمزد در کارگاه های زندان تبریز، در مقایسه با کارگاه های بیرون زندان، بسیار وخیم است. یکی از دلایل تبعید شاهرخ زمانی از زندان تبریز به زندان یزد و سپس رجایی شهر، اعتراض وی به این شرایط وخیم بود. محمد جراحی، در پیامی از زندان تبریز، روز جهانی کارگر را به کارگران و فعالان کارگری، به خصوص شاهرخ زمانی و رضا شهابی، تبریک گفت. محمد جراحی، که در زندان به سرطان تیروئید مبتلا شده، هم اکنون تحت پرتو درمانی قرار دارد. علیرغم تجویز پزشکان معالج، که طی دوره درمان، استراحت مطلق در منزل را تجویز کرده اند، مقامات زندان و دادگستری تبریز، از مرخصی استعلاجی محمد جراحی، جلوگیری کرده اند.
برگرفته از وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر- ۲ مه ۲۰۱۳

گزارش تکمیلی مراسم گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر در مقابل مجلس شورای اسلامی

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 اردیبهشت 92 آمده است : امروز 11 یازده اردیبهشت ماه، هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران همگام با میلیونها کارگر در سرتاسر جهان، اول ماه مه روز جهانی کارگر را با برپائی تجمعی اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی گرامی داشتند. در این تجمع که با همراهی بیش از 50 نفر از کارگران شاغل و بازنشسته (همکاران طومار سی هزار نفری کارگران) کارخانه های مختلف منجمله کارگران ایران خودرو، کیمیدارو، کشتی سازی، پارس الکترونیک، بیمارستانهای تهران، شرکت مینو، فولاد خوزستان، پتروشیمی ماهشهر، کارگران ساختمانی، تهران شیمی، شرکت های صنایع فلزی شماره 1 و 2 ، لاستیک البرز و برخی دیگر از مراکز صنعتی برگزار شد تجمع کنندگان با اعتراض به گرانی های سرسام آور خواهان لغو مصوبه حداقل مزد مصوب و تجدید نظر فوری در آن شدند.
این تجمع از ساعت 10 صبح با برافراشتن پارچه نوشته ها و پلاکاردهایی از سوی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری آغاز شد و تا ساعت 13 ظهر ادامه داشت. بر روی این پلاکاردها نوشته شده بود: یک درصد تامین تامین، 99 درصد گرسنه گرسنه - اول ماه مه (11 اردیبهشت) روز جهانی کارگر گرامی باد- کارگران اتحاد اتحاد - خط فقر 1500000 تومان دستمزد کارگر 487000 تومان - دفاع از معیشت مان عین شرافتمان است - اعتراض سی هزار کارگر به حداقل مزد و اصلاحات ضد کارگری در قوانین کار و تامین اجتماعی. در طول این تجمع خبرنگاران خبرگزاریهای فارس، ایلنا و خبرگزاری خانه ملت حضور پیدا کردند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این تجمع اعتراضی مسئولین امنیتی مجلس به کارگران تجمع کننده اعلام کردند مجلس تعطیل است به همین دلیل از آنان خواسته شد تا دلیل تجمع و خواسته های خود را بصورت مکتوب اعلام کنند. در ادامه این تجمع کارگران خواهان مطرح شدن خواست خود مبنی بر توقف گرانیها و تجدید نظر فوری در حداقل مزد در هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی شدند که این خواسته ها با تنظیم صورتجلسه ای با شرکت یکی از مشاورین رئیس مجلس شورای اسلامی از سوئی و پروین محمدی و اشرف بنائی به نمایندگی از سوی کارگران تجمع کننده مکتوب شد و مقرر گردید هفته آینده با بازگشائی مجلس شورای اسلامی در اختیار هیات رئیسه مجلس قرار گیرد و پروین محمدی، اشرف بنایی و شاپور احسانی راد به نمایندگی از سوی کارگران تجمع کننده پیگیر آن در مجلس شورای اسلامی شوند.
در این تجمع مامورین امنیتی دو نفر از کارگران جوانی را که اقدام به تصویر برداری از تجمع کرده بودند بازداشت کردند که یکی از آنها آزاد شد اما مامورین انتظامی نفر بعدی را همچنان تحت بازداشت نگه داشتند که همین

امر باعث شد کارگران تجمع کننده با ادامه تجمع خود خواهان آزادی وی شوند و پایان تجمع خود را منوط آزادی این کارگر کنند. بدنبال این وضعیت مامورین انتظامی کارگر دستگیر شده را آزاد کردند اما دوربین و کارت شناسائی وی ضبط گردید که مقرر شد یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران به همراه این کارگر در هفته آینده پیگیر دریافت دوربین و کارت شناسائی وی شوند.

از نکات بسیار مهم گرامیداشت روز جهانی کارگر در مقابل مجلس شورای اسلامی نقش بارز زنان کارگر بازنشسته و شاغل در این تجمع بود. این زنان که تعداد آنان حدود ده نفر بود پیشاپیش دیگر کارگران تجمع کننده در مقابل مجلس قرار داشتند و آنان را در طول تجمع نمایندگی میکردند.

در این تجمع بدلیل محدودیتهای موجود، کارگران شرکت کننده در جمعهایی چند نفره از کارخانه های خود حضور پیدا کرده بودند و بدلیل اعمال محدودیتهای پلیسی فقط چند تصویر از آغاز این تجمع گرفته شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

گرامی باد ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) بیانیه به مناسبت روز جهانی کارگر

کارگران صدراى بوشهر

با عرض شادباش به مناسبت روز جهانی کارگر و آرزوی رسیدن کارگران به حقوق اساسی خود . ما کارگران صدراى بوشهر نیز مانند دیگر کارگران ایران و دنیا این روز فرخنده را گرامی میداریم و اعلام میکنیم: در برابر ظلم و جور ساکت نمی نشینیم و فریاد بر می آوریم که هم صدا با دیگر همدردان جامعه کارگری حق خودمان را از حلقوم سرمایه داران بیرون میکشیم و به دولت اعلام میکنیم، اگر میخواهید خدمت گذاری کنید شعار دادن و پولیست بازی را به کناری بگذارید و افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران را که مانند آب سردی بر پیکر نیمه جان جامعه کارگری بود را لغو و بجایش متناسب با تورم به حقوق کارگر بیفزایید و اینقدر اعلام نکنید به مصلحت نیست. مگر موقعی هزینه های زندگی را به چندین برابر افزایش دادید به مصلحت بود . به هر حال فکری عاجل کنید که در این چند صباح عمر دولتتان نامی نیک از خود به یادگار بگذارید تا بلکه خداوند و ملت از سر اشتباهات شما بگذرند اگر غیر این کنید نام دولت خود را بعنوان بزرگترین ضربه زننده بر پیکر جامعه ایران در تاریخ ثبت کرده اید. و از نمایندگان مجلس میخواهیم که با اعزام هیئت تحقیق و تفحص به صدرا از شرایط استثمار ۲۰۰۰ هزار کارگر که برابر با بیست هزار خانوار است تحقیق به عمل آورند

۱۱/۲/۱۳۹۲

برگزاری مراسم اول مه در میدان هلو شهر سقز

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت برابر با ۱ مه مراسم در میدان هلو مقابل پاساژ ماد در شهر سقز برگزار شد. جمعی از کارگران شهر سقز که از قبل توسط اداره اطلاعات سقز به صورت تلفنی تهدید شده بودند که از منزل خارج نشوند و به مجرد اینکه از منزل خارج شوند دستگیر خواهند شد. با این وصف جمعی از کارگران از ساعت ۷ بعدازظهر به طرف پارک کودک در خیابان شهدا حرکت کردند و بعد از آن مسیر به طرف میدان آزادی و میدان هلو به شکل راه پیمای حرکت کردند. در مسیر راه نیروهای لباس شخصی به دنبال کارگران به راه افتادند. در جلو پاساژ ماد بالاتر از بانک ملی واقع در میدان هلو یکی از ماموران لباس شخصی به محمود صالحی حمله ور شد که مورد خشم مردم و کارگران حاضر در آن مسیر قرار گرفت. بعد از این واقعه، محمود صالحی به سخنرانی پرداخت و علت حمله مامور را این چنین تعریف کرد: مردم شریف و آزاده شهر سقز امروز روز کارگر است و از دیروز تا این لحظه خانه ما در محاصره نیروهای لباس شخصی قرار دارد و از وقتی که ما از منزل خارج شدیم ، توسط این ماموران تعقیب می شویم و به هر کجا که سر زدیم این ماموران مزاحم ما شدند. این اذیت و آزار ماموران تنها به این دلیل است که ما کارگر

هستیم و می خواهیم روز جهانی کارگر را برگزار کنیم که این اشخاص مانع مراسم ما می شوند. به این ترتیب ماموران لباس شخصی وقتی حضور گسترده مردم را دیدند از آن نقطه دور شدند و مراسم به پایان رسید..

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

گرامی داشت اول ماه مه روز جهانی کارگر در شهر سقز

بر اساس گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : امروز ۱۱ اردیبهشت ماه ساعت ۷ بعدازظهر، جمعی از کارگران و فعالین کارگری در شهر سقز، مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند. با توجه به تهدید های مکرر فعالین کارگری در شهر سقز، کارگران و فعالین کارگری در ۵ کیلومتری شهر سقز در منطقه "کافی جشنی" اقدام به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر کردند. قبل از برگزاری مراسم مامورین اطلاعاتی طی تماسی با محمد عبدی پور مجددا با تهدید خواستند که از برگزاری مراسم ممانعت بعمل آورند اما کارگران و فعالین کارگری مراسم مستقل خود را برگزار کردند. مراسم در حالی برگزار شد که مامورین تمام منطقه را به محاصره خود در آورده بودند و به کارگران تذکر داده شده بود که ما شما را با دوربین تحت کنترل داریم و باید سریعاً منطقه را تخلیه کنید. مراسم با شادباش روز جهانی کارگر و پخش شیرینی در میان حاضرین به پایان رسید.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

توسط جمعی از فعالان مستقل صنفی: برگزاری مراسم روز کارگر در جمع کودکان کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است : روز گذشته جمعی از فعالان مستقل صنفی کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به مناسبت روز جهانی کارگر مراسمی را برگزار کردند.

به گزارش ایلنا، این مراسم با پخش شیرینی در میان کارگران و رانندگان در چند پایانه اتوبوسرانی پایتخت از جمله پایانه آزادی برگزار شد و شرکت کنندگان که تابلو نوشته‌هایی با مضامین روز جهانی کارگر در دست داشتند این روز را به یکدیگر تبریک گفتند.

روز گذشته همچنین فعالین صنفی شرکت واحد در ادامه ویژه برنامه‌های روز جهانی کارگر به دیدار کودکان یکی از انجمن‌های حمایت از کودکان کار و خیابان رفتند و در کنار این کارگران کوچک، آنان را در شادمانی و سرودخوانی همراهی کردند.

پایان پیام

مراسم روز کارگر در شهرستان پاوه و شهرهای هم جوار نوسود، نودشه

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است : گرامی باد روز جهانی کارگران! کارگران و فعالین کارگری، هم طبقه ایهای تحت ستم! همچنان که آگاهید امروز در شرایطی به پیشواز روز کارگر رفتیم که بحران اقتصادی سیاسی و اجتماعی عمیقی که سرمایه داری ایجاد نموده است عرصه زندگی را بر کارگران دشوارتر نموده و ویرانگرهای جبران ناپذیری را بر ما تحمیل نموده اند. علیرغم همه شرایط سختی که بر ما روا داشته اند ما کارگران و فعالین کارگری شهرستان پاوه و شهرهای همجوار به اطلاع می رسانیم همگام با همه کارگران جهان این روز را به شکلی توده ای برگزار نمودیم. کارگران و فعالین کارگری با حضور خود در اکثر مراکز کارگری همچون خبازبها، کارگران رفت گر، برق وکارگران سد داریان و بخشی ازکارگران ساختمانی و... ضمن گفتگو و احساس

همدردی مشترک در مورد مسائل کارگری با پخش شیرینی این روز را گرامی داشته و با ابتکار خویش فضایی متحدانه و توده ای و طبقاتی را ایجاد نمودند. نظام سرمایه داری فکر می کند با تداوم سرکوب می تواند خواسته های کارگری را خفه نماید؛ اما واقعیت ها خلاف آن را نشان خواهد داد. ضمن درود به همه هم طبقه ای هایمان، کارگران و فعالین کارگری شهرستان پاوه، قطعنامه روز کارگر کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را به تصویب رسانده و این ابتکار را با جشن وشادی به پایان رساندند. جمعی از کارگران و فعالین کارگری شهرستان پاوه کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

مراسم روز جهانی کارگر در مریوان

به گزارش رسیده به کمیته ی هماهنگی ... در 12 اردیبهشت 92 آمده است : به مناسبت فرارسیدن روز جهانی کارگر (اول ماه مه)، چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت جمعی از فعالین کارگری شهر مریوان از ابتدای روز به میان کارگران ساختمانی در سطح شهر و شهرک صنعتی و اکثر خیابانهای داخل شهر و همچنین به کوره پزخانه های آجرپزی "بیه کره" رفتند و با پخش کردن شیرینی و صحبت با کارگران و تبریک این روز به آنان این روز را گرامی داشتند. همچنین در روستای دزلی نیز تعدادی از فعالین کارگری با پخش شیرینی در میان کارگران و صحبت با آنان در رابطه با روز کارگر این روز را گرامی داشتند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

گزارشی از تهران

دراول ماه مه رو زجهانی کارگر ۹۲ بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری وعضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری با گل وشیرینی به دیدار کارگران شهرک صنعتی حسن آباد فشافویه بزرگترین شهرک صنعتی در خاورمیانه، رفت. دیروز یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده جنبش کارگری ایران در شهرک صنعتی حسن آباد تهران به دیدارکارگرانی رفت که در این روز مشغول کار بودند. بهنام در این دیدارضمن تبریک روز کارگر با کارگران پیرامون برخورد کارفرمایان ودستمزدهای دریافتی وقانون کار وتشکل یابی ومتشکل شدن گفتگو کرد. اکثر این کارگران از وضعیت دستمزدها ی پایین وبرخورد کارفرمایان ووضعیته بهداشتی وفشارهای اقتصادی وتورم وگرانی سراسام آورومشکلات کارگله مند وناراضی بودند. بهنام با کارگران از چگونگی متشکل شدن برای رسیدن به خواسته ها ی جامعه کارگری واینکه شما کارگران باید به خوبی قانون کار خوانده باشید وآگاه باشید ومتشکل شوید تادر مقابل کارفرمایانی که کارگران را مورد استثمار واجحاف قرار میدهندبایستید ،برای رسیدن به خواسته های طبقه کارگر تنها راهش متشکل شدن است ، از نزدیک گفتگو کرد. بهنام ابراهیم زاده به هنگام دیدار با کارگران باگل وشیرینی به سراغ کارگران رفت. کارگران نیز به گرمی از این فعال کارگری استقبال کردند.همچنین دیروز فعال کارگری ابراهیم مددی به همراه دیگر اعضای سندیکای شرکت واحد واتوبوسرانی تهران به دیدار کودکان کار وخیابان در جمعیت دفاع از کودکان کاروخیابان واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران رفتند.

اعتراضات کارگری

بیش از هزار کارگر شرکت صدرا در روز جهانی کارگر همچنان در اعتصاب هستند

بر پایه خبر رسیده از اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 اردیبهشت آمده است : نمایندهای پیمانکار با حضور در جمع کارگران خواستار شکستن اعتصاب شدند که کارگران امتناء کردند پیمانکاران هم کارگاه ها را تعطیل کردند و دست به حربه تفرقه میان کارگران میزنند بعوان مثال شرکت ساحل سازان جنوب سرویس های ایاب و ذهاب آنان را فرا خواندند و آنها را مجبور به ترك شرکت کردند در ضمن امروز هم يك ایمل از طرف علیرضا محجوب آمد که در آن گفته بود در حال پیگیری مسئله کارگران صدرا است.

روایت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در سال ۱۳۵۸ در ایران

یک (برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سال 58 شاید از این نظر قابل توجه باشد که همه‌ی شخصیت‌های مذهبی و انقلابی، برگزاری این مراسم را گرامی داشته و برخی نیز خود در این مراسم شرکت کرده بودند. بهشتی در تجمع بزرگ کارگران در میدان امام حسین تهران سخنرانی کرد و هاشمی رفسنجانی در اجتماع کارگران آبادانی، از استعمار کارگران در رژیم پهلوی سخن گفت. آیت‌الله خمینی نیز به مناسبت این روز پیامی فرستاد، آن‌گونه که آیت‌الله شریعتمداری و منتظری نیز چنین کردند.

گروه‌های چپ همچون سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز مراسم‌های متعددی به مناسبت روز جهانی کارگر برگزار کردند که شاید مهم‌ترین‌شان، راهپیمایی بزرگ کارگران از مقابل خانه‌ی کارگر به طرف میدان سپه بود. اولین مراسم روز کارگر بعد از انقلاب ۵۷ در فضای خروشان انقلابی برگزار شد. این باشکوه‌ترین تجمع کارگران بود. میلیون‌ها زن و مرد کارگر در این روز در شهرهای مختلف ایران، روز همبستگی جهانی خود را با برپائی ده‌ها مراسم و راهپیمایی جشن گرفتند.

فقط در تهران، بیش از نیم میلیون نفر در تظاهرات اول مه شرکت کردند. کارگران در پیشاپیش صفوف تظاهرات شعارهای طبقاتی و انقلابی خود را حمل می‌کردند، شعارهای «**قانون کار رژیم شاه باید ملغی شود**»، «**قانون کار با شرکت نمایندگان کارگران باید نوشته شود**»، «**دو روز تعطیلی و ۴۰ ساعت کار در هفته**»، «**مزد برابر در ازای کار برابر برای زنان و مردان**»، «**مبارزه کارگران شاغل از مبارزه کارگران بیکار جدا نیست**»، از جمله شعارها و مطالبات کارگران بود.

نکته‌ی مهم این اجتماع، تلاش برخی گروه‌های اسلامی در برهم زدن راهپیمایی بود، به نوشته‌ی روزنامه‌ی کیهان «در مسیر راهپیمایی عده‌ای با دادن شعارهای مذهبی به آنان نزدیک شدند و چندبار درگیری‌های مختصری روی داد که سپس به آرامش منجر شد.» در بخش دیگری از گزارش روزنامه‌ی کیهان آمده است: «آنها با نظم حرکت می‌کردند و بیشتر شعارهای‌شان پیرامون اتحاد و همبستگی کارگران بود. کسانی که در حاشیه‌ی خیابان جمهوری حرکت می‌کردند، با صدای بلند صلوات می‌فرستادند. در نزدیکی چهارراه استانبول، گروهی چند پلاکارد هم بالا بردند و با شعار «مرگ بر کمونیست» راه آنان را سد کردند و روی زمین نشستند. راهپیمایان نیز به اجبار روی زمین نشستند. سرانجام چند پاسدار مسلح وساطت کردند و گروه معترض را از راهپیمایان دور کردند. ولی هنگامی که راه پیمایان کارگر وارد خیابان فردوسی شدند و به طرف میدان سپه حرکت کردند، این گروه دوباره خود را به ابتدای صف رساندند و در نتیجه بی‌نظمی‌هایی در صفوف پیدا شد.» خبرنگار دیگر کیهان نیز مشاهدات خود از این وقایع را چنین ثبت کرده است: «در خیابان بهارستان، سه راه ژاله، یک گروه صد نفری در حالیکه شعارهایی علیه کمونیست می‌دادند، مانع راهپیمایی کارگران شدند. بعد از دقایقی چند که صف طویل کارگران از راهپیمایی بازماند، گروهی از این عده تصمیم گرفتند از سمت راست کارگران میانبر بزنند و پشت سر کارگران شعار بدهند. این‌ها در حالیکه شعار «الله اکبر» می‌دادند، جلوی کلانتری ۹ نیز توقف کردند و عده‌ای از آنها روی زمین نشستند و مانع راهپیمایی کارگران شدند. در حالیکه شعار «حزب فقط حزب الله...» سر میدادند، سعی کردند وارد صفوف کارگران شوند. اما کارگران در حالیکه دست‌های‌شان را زنجیر کرده بودند، مانع از ورود این عده به صفوف خود شدند»

در حالیکه افراد وابسته به حاکمیت و گروه‌های تندروی مذهبی قصد داشتند مراسم جریان‌های چپ را برهم زنند، به دعوت حزب نوظهور جمهوری اسلامی، مراسمی در میدان امام حسین برگزار شد. زنان و مردان کارگر با سرویس‌ها و اتوبوس‌های کارخانه از ۵ مسیر اعلام شده، به تدریج در میدان امام حسین و خیابان‌های اطراف اجتماع کردند. بخشی از خبر را از روزنامه‌ی کیهان بازمی‌خوانیم: «راهپیمایان در گروه‌های مجزای چند هزار نفری حرکت خود را آغاز کردند. در میدان انقلاب (۲۴ اسفند سابق)، هشت هزار کارگر کارخانه‌های قرقره‌ی زیبا، بنز خاور، سازمان گوشت، پارس متال، گروه صنعتی ملی، پریتون واخن، ارج و کارخانه‌های دیگر، اولین گروهی بودند که به سمت میدان امام حسین به راه افتادند. در پی این گروه صف راهپیمایان بیش از سه کیلومتر امتداد داشت و در پیشاپیش، اعضای حزب جمهوری اسلامی ایران و روحانیون در حرکت بودند. در این راهپیمایی عکس‌هایی از امام خمینی، آیت‌الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر ایران و شهدای انقلاب دیده می‌شد.»

در ساعت ۹:۱۵ دقیقه‌ی صبح ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸، صدها نفر در میدان امام حسین گرد هم آمدند. ابتدا نمایندگان از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، پاسداران انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی مهندسين،

کارگران صدا و سیما و کفش ملی ، انجمن اسلامی معلمان و جمعی از شوراهای اسلامی کارگران کارخانجات ، پیام‌هایی قرائت کردند و سپس ابوالحسن بنی‌صدر ، سید محمد بهشتی و هانی الحسن (نماینده‌ی سازمان آزادی‌بخش فلسطین در ایران) به سخنرانی پرداختند . هانی الحسن که گویا آن روزها با دیدن شور انقلابی ایرانیان اختیار از کف داده و جملات باریط و بی‌ربط رادر پس هم ردیف می‌کرد ، در بخشی از سخنرانی‌اش می‌گوید : « ما می باید پیرو امام خمینی باشیم . آنچه امام می گوید اسلام است و آنچه امام قبول می کند ، قبول کنیم و آنچه امام رد می کند رد کنیم ... شما کارگران مردم ایران را با ما کردید و مصر موقتا از ما جدا شد . اما مصر به زودی زود انشا الله جزو ما خواهد بود . **امام دیروز هدیه ای بزرگ به ما و کلیه ی کارگران جهان تقدیم کرد و آن قطع روابط ایران و مصر بود** و این بزرگترین هدیه ای بود که بما داده شد و ما به این دلیل بسیار سپاسگزاریم . » هانی الحسن در انتهای سخنان عجیبش افزود : « برادران کارگر مسلمان ، آزاد ساختن کارگران یعنی آزاد ساختن بیت المقدس و کسی که برای آزاد ساختن بیت المقدس کاری نکند ، نمی تواند کارگری را آزاد کند ! »

بهشتی نیز در سخنرانی خود ، تلویحاً به تأثیر گروه‌های غیراسلامی چپ بر کارگران اشاره کرد و گفت : « ای کارگر مسلمان ! آگاه باش هیچ شعاری ، هیچ وسوسه ای ، تو را از انتخاب راه راست و صراط مستقیم اسلام بسوی جامعه‌ی پرسعادت و جامعه‌ی بدون تبعیض توحیدی ، ذره ای منحرف نکند . انقلابی انقلاب است که بر متن جامعه تکیه داشته باشد . و تجربه‌ی تاریخی این چندده سال به همه‌ی کاوشگران نشان داد که تنها ، انقلابی در ایران مردمی ، خلقی ، توده‌ای ، عمومی و همگانی است که آرمانش تنها و تنها از اسلام باشد . »

خمینی در پیام خود به مناسبت روز جهانی کارگر در سال 1358 ، با این گفته که خدا هم کارگر است به استقبال این روز رفت و درباره برگزاری مراسم گفت : « اختصاص یک روز به کارگران شاید ، به لحاظ تشریفات و تعظیم باشد . والا هر روز ، روز کارگری و کارگران است ، بلکه عالم از کار و کارگر تشکیل شده است . اینکه ما یک روز را اختصاص بدهیم به کارگر ، مثل این است که یک روز را اختصاص بدهیم به نور ، یک روز را اختصاص بدهیم به خورشید . هر روز نور هست و روز نور هست ، هر روز روز خورشید است . لکن شاید این برای یک تشریفات و تعظیمی باشد . از این جهت مضایقه نیست . » آیت‌الله خمینی در بخش دیگری از پیام خود می‌گوید : « دیگر اختناق ها نیست ، دیگر فشارها نیست ، دیگر چپاولی نیست . امروز کشور مال شماست و شما مسئولیت آن را مستقیم دارید . اگر چنانچه در این مسئولیت کوشش نکنید ، اگر چنانچه در این امری که بر عهده‌ی شماست کوشش نکنید و آن دینی که در کشور خودتان و اسلام دارید ادا نکنید ، شما مسئول هستید ... اسلام عزیز است که برای شما ارج قائل است و برای شما حق قائل است و حقوق شما را به شما رد خواهد کرد . بگذارید اسلام تحقق پیدا کند . »

این فراز پایانی پیام آیت‌الله خمینی ، سی و چهار سال بعد ، در آستانه‌ی روز جهانی کارگر ، صورتی تراژیک به خودمی‌گیرد .

دو) حاکمیت همواره سعی دارد این روز را از مضمون و محتوا تهی سازد ، طوریکه از دو سو مورد حمله واقع می‌شود: گرایش‌های کاپیتالیستی و حافظان وضع موجود حتی در درون جنبش کارگری ، اول ماه مه را صرفاً به یک « جشن کارگری » تبدیل کرده و جوهر مبارزاتی آن را گرفته‌اند و از سوی دیگر ، حاکمیت با دو بازوی ضدکارگری خود یعنی **خانه کارگر و شورای اسلامی** کار اول ماه مه را به روز تبلیغاتی انتخابات پارلمانی و حزبی‌شان تبدیل می کنند . از این رو تأکید بر مضمون و محتوای سیاسی - طبقاتی اول ماه مه و جایگاه آن در درون جنبش کارگری سوسیالیستی امری مهم و ضروری است .

اول ماه مه سال ۱۸۸۶ میلادی ، پلیس شیکاگو با حمله به تظاهرات گسترده کارگران که برای هشت ساعت کار در روز و حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری برپا شده بود ، آنان را به خاک و خون کشید . چند روز بعد از این واقعه دادگاه چند تن از رهبران کارگران را محاکمه و به مرگ محکوم کرد . یکی از رهبران کارگران اعتصابی ، پس از اعلام رای در برابر دادگاه چنین گفت : « کارگران اینک دریافته‌اند که می‌توانند با اتحاد و همبستگی و مبارزه جمعی بر مشکلات خود فائق آیند . آنان بر قدرت عظیمی که در اتحادشان نهفته است آگاهند ، به همین دلیل کارفرمایان با تمام توان می‌کوشند تا اتحاد کارگران را بشکنند ؛ ما کارگران گردهم آمدیم تا اندکی از حقوق خود را باز پس گیریم ؛ اما از دادگاه و زندان سر در آوردیم . این است معنای برابری و عدالت در جامعه ما ؟ امروز اگر

صدای حق طلبانه ما را با گلوله خفه می‌کنید، مطمئن باشید که این صداها از این پس خاموش شدنی نیست، بلکه هر روزی طنین آن رساتر خواهد شد».

رهبران کارگران شیکاگو جان باختند؛ اما حقانیت مبارزه و گفته‌هایشان، سال ۱۸۸۹ میلادی در کنگره بین‌المللی کارگران در پاریس، با نامیدن روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) به عنوان روز جهانی کارگر اثبات شد. کنگره مؤسس انترناسیونال دوم، قطعنامه‌ای صادر کرد که در آن تمام کارگران جهان را به اعتصاب و تظاهرات در اول ماه مه ۱۸۸۰، فراخواند. در این روز، کارگران اروپا، آمریکا و نیز چند کشور آمریکای لاتین به این فراخوان پاسخ مثبت دادند. در این روز فقط در هایدپارک لندن نیم میلیون کارگر تجمع کرده بودند که فردریش انگلس نیز در آن حضور داشت. از آن تاریخ اول ماه مه، به عنوان روز جهانی کارگر گرامی داشته می‌شود

پاورقی:

یک) بانی شورای اسلامی کار دولت اصلاحات بود و برای اینکه بتواند به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید بر طبق مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار - آی ال او - به جای دادن اجازه برای بازفعالیت‌های سندیکاها و تشکلهای کارگری، شورای اسلامی کار بنا نهادند.

دو) نقل قول‌های مربوط به مراسم اول ماه مه ۱۳۵۸ به تمامی برگرفته از روزنامه کیهان ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ است

سه) مآخذ مورد استفاده:

<http://passionofanna.wordpress.com>

<http://www.kargaran-iran.com>

قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسب اول ماه مه ۲۰۱۳ – ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

برپایه مطلب آمده در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ۹۲ آمده است یک بار دیگر اول ماه مه روز جهانی کارگر از راه رسید. بیش از یکصد سال است که در این روز میلیونها کارگر در سرتاسر جهان فریاد عدالت خواهی سر میدهند تا نوید بخش رهایی جامعه ی بشری از درد و رنج و مصائبی باشند که مالکیت اقلیتی ناچیز بر ثروتهای عظیم اجتماعی بر میلیاردها انسان تحمیل کرده است.

فقر و بیکاری و بی خانمانی، جنگ و کشتار، تن فروشی تا کار کودکان برای لقمه ای نان و گرسنگی میلیاردها انسان در سرتاسر جهان تا مرگ روزانه ی هزاران کارگر در نتیجه سوانح ناشی از کار، تا سرکوب و زندان و به گلوله بستن کارگران و دهها جنایت و مصیبت دیگر، همه و همه صحنه ها و تصاویری تکانهنده از سیمای جهانی است که انسان قرن ۲۱ در آن زندگی میکند.

در ایران نیز شرایط به همینگونه و حتی مصیبت بارتر از آن چیزی است که در سطح جهانی شاهد آنیم. کارگران ایران امروزه بطور بی سابقه ای در بدترین شرایط معیشتی در طی سه دهه گذشته قرار گرفته اند. تورم و گرانی و بی حقوقی کارگران بیداد میکند. شرایط حاضر آنچنان غیر انسانی است که گذشته از فقر و فلاکت موجود و تحمیل دستمزد زیر خط فقر بر کارگران، همین دستمزد نیز تا ماهها پرداخت نمیشود و بی هیچ شرم و پرده پوشی، گرسنگی مطلق بر هزاران خانواده کارگری تحمیل میگردد، هر روزه صدها و هزاران کارگر بسادگی و بدون هیچ تاملی از کار خود اخراج میشوند، اما و با اینحال دولت در صدد اصلاح قانون کار برای تسهیل اخراج کارگران نیز بر میاید، هزینه های زندگی بی آنکه چشم اندازی برای جلوگیری از چندین برابر شدن آن وجود داشته باشد بطور دائمی و افسار گسیخته ای در حال افزایش است با اینحال حداقل مزدی که برای گذران زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری به تصویب میرسد چنان ناچیز و خفت بار است که حتی کفاف اجاره بهای آلودگی را نیز در فقیر نشین ترین محلات شهرها نمیدهد و در یک کلمه، زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری با سرعت بالائی در حال رانده شدن از خط فقر به خط مرگ است.

از نظر کسانی که امروزه در ایران شرایط طاقت فرسای کنونی را بر میلیونها کارگر تحمیل کرده اند، کارگر برده ای است که هم باید دستمزدش سه چهار برابر زیر خط فقر باشد و هم باید در سکوت و خاموشی به فقر و گرسنگی تن دردهد. اما و با تمام فشارهای اقتصادی و روانی و علیرغم همه محدودیتها و ممنوعیتها و سرکوبی حق خواهی کارگران، آنان هیچگاه تسلیم شرایط موجود نشده اند و با عزمی راسخ در دفاع از حق حیات شان قدم در راه بر پائی تشکلهای مستقل خود گذاشته و هر لحظه و هر روزه با اعتصاب و تجمع به دفاع از زندگی و معیشت خود برخاسته اند. این مبارزات بویژه طی سالهای گذشته از آنچنان برجستگی بر خوردار بوده است که در شرایط حاضر و بر بطن کل معادلات اقتصادی اجتماعی موجود، جنبش کارگری اصلی ترین و عظیم ترین جنبشی است که امروزه رهایی از قید هر گونه بی عدالتی در ایران با آن گره خورده است و مطالبات کارگران تبدیل به نماینده انسانی ترین خواستهایی شده است که مردم ایران در طول یک قرن گذشته برای آن جانفشانی کرده اند.

لذا ما کارگران این مطالبات را یکبار دیگر در گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر با صدائی رساتر از همیشه فریاد میزنیم و خواهان تحقق فوری آنها برای برون رفت از وضعیت مصیبت بار کنونی هستیم:

- 1- سهم کارگران از زندگی، معیار پیشرفت، انسانیت و رفاه و خوشبختی در هر جامعه ای است. از نظر ما حداقل مزد مصوب در شورابعالی کار تحقیر معیشتی میلیونها خانواده کارگری بود، این مصوبه باید فوراً ملغی شود، تورم و گرانی باید متوقف گردد و حداقل مزد کارگران باید بر اساس اجرای بی کم و کاست ماده 41 قانون کار تعیین شود.

- 2- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، تجمع، راهپیمائی، آزادی احزاب و آزادی بیان و مطبوعات باید به عنوان حقوق خدشه ناپذیر کارگران و عموم توده ها مردم ایران به رسمیت شناخته شوند

- 3- ما با محکوم کردن تداوم سیاست بازداشت و اعمال فشار بر کارگران معترض، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران دربند و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگردهای قضایی بر علیه آنان هستیم

- 4- کلیه لوایح اصلاحی دولت بر قوانین کار و تامین اجتماعی باید به کنار گذاشته شود و هر گونه تغییری در این قوانین باید با دخالت مستقیم و بلاواسطه نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران صورت بگیرد
- 5- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، اجرای فوری بیمه تمامی کارگران ساختمانی، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استانداردهای بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

- 6- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه يك جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

- 7- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با يك زندگی انسانی برخوردار شوند. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد مردم ایران میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران در سراسر کشور هستیم

- 8- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی شئونات زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

- 9- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی حداکثری آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم
- 10- کار کودکان باید بر بیافتد و تمامی کودکان باید جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از تامین اجتماعی گسترده و امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان برخوردار شوند

- 11- ما با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی نقاط جهان، سرکوب این اعتراضات و بند و بست دولتها از بالای سر مردم، تحریمهای اقتصادی و ایجاد فضای جنگی از سوی هر نیرو و دولتی را بویژه در منطقه بحران زده خاورمیانه قویاً محکوم میکنیم

12- کارگران مهاجر در ایران از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم هستند. ما با محکوم کردن هر گونه ستم و تبعیض نسبت به کارگران مهاجر، خواهان برخورداری آنان از حقوق برابر شهروندی با مردم ایران هستیم
13- ما از اعتراضات کارگری در کشورهای اروپایی و سایر نقاط جهان قویا حمایت میکنیم، خود را متحد آنان میدانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید می کنیم
14- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد
زنده باد همبستگی سراسری کارگران ایران - زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر
اتحادیه آزاد کارگران ایران - اول مه 2013-
سیزدهم اردیبهشت ماه 1392

برگزاری مراسم روز کارگر در جمع کودکان کار

روز گذشته جمعی از فعالان مستقل صنفی کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به مناسبت روز جهانی کارگر مراسمی را برگزار کردند .
به گزارش ایلنا، این مراسم با پخش شیرینی در میان کارگران و رانندگان در چند پایانه اتوبوسرانی پایتخت از جمله پایانه آزادی برگزار شد و شرکت کنندگان که تابلو نوشته‌هایی با مضامین روز جهانی کارگر در دست داشتند این روز را به یکدیگر تبریک گفتند .
روز گذشته همچنین فعالین صنفی شرکت واحد در ادامه ویژه برنامه‌های روز جهانی کارگر به دیدار کودکان یکی از انجمن‌های حمایت از کودکان کار و خیابان رفتند و در کنار این کارگران کوچک، آنان را در شادمانی و سرودخوانی همراهی کردند.

بیانیه زندانیان سیاسی زندان مرکزی زاهدان به مناسبت روز جهانی کارگر

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ جمعه 13 اردیبهشت -1392 آمده است : زندانیان سیاسی زندان مرکزی زاهدان طی بیانیه ای روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران ایران تبریک گفتند و خواستار آزادی تمامی کارگران زندانی در ایران شدند. این بیانیه جهت انتشار در رسانه ها در اختیار « فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران» قرار داده شده است. متن بیانیه به قرار زیر می باشد: اینجانبان زندانیان سیاسی زندان زاهدان روز اول ماه می روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران و زحمتکشان دنیا به خصوص طبقه کارگر کشور ایران تبریک عرض می نمایم و تأسف شدید خود را از اخراج بی رویه کارگران و تعطیلی کارخانجات و مراکز تولیدی که باعث رکود اقتصادی و سرخوردگی در جامعه ایران شده است اعلام می نمایم . مهمترین دغدغه فکری مان امروزه موج شدید بیکاری در بین جوانان برومند ایرانی علی الخصوص فارغ التحصیلان دانشگاهی که هر روز نیز به آمار آنان افزوده می گردد می باشد و متأسفانه در این برهه زمانی که موج شدید بیکاری در حال غوغاست و اکثر مشاغل نیز متأسفانه در صورت اشتغال زایی ، ناپایدار بوده و ثبات شغلی در جامعه وجود ندارد ، تعدادی از فعالین کارگری و اعضای جمعیت دفاع از حقوق کارگران ایران با اتهامات واهی و بی اساس دستگیر و روانه زندان می گردند تا کسی نتواند درد این طبقه مظلوم و بی دفاع را به گوش جهانیان برساند . اینک اینجانبان به عنوان فعالین و زندانیان سیاسی از مقامات محترم سازمان ملل و کمیساریای عالی حقوق بشر درخواست داریم تا از مقامات دولت ایران آزادی زندانیان کارگر را خواستار گردند . زندانیان سیاسی زندان زاهدان

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

امضاکنندگان : ایرج محمدی، محمد امین آگوشی، امیر طالب، احمد پولادخانی، حبیب ریگی، عبدالوهاب ریگی، عبدالغنی گنگوزه ای ، فرید شجاعی ، عبدالخالق شاهوزهی، حامد وکالت، عابد بمپوری ، اسحاق کلکلی، ناظر ملازهی، بشیراحمد ملازهی، عمادالدین ملازهی ، هوشنگ شهناواری، سلمان میامی، خالد شه بخش، گل محمد شه بخش ، محمد پاک نیت

پیش بسوی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر- سندیکای کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه - سندیکای کارگران خبازی های مریوان و سروآباد

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است : یازدهم اردیبهشت مصادف است با اول ماه مه (روز جهانی کارگر)، روزی که کارگران آمریکایی در سال 1886 به پا خواستند و خواهان برسمیت شناخته شدن حقوق انسانی خود شدند که متأسفانه آماج تهاجم وحشیانه سرمایه داران و حامیان سرمایه در آمریکا قرار گرفتند. از آن زمان تاکنون کارگران بنا به خصلت طبقاتی خود هر ساله و در سراسر جهان این روز را گرامی می دارند و آن را نماد مبارزات طبقاتی خود قرار می دهند. در این روز کارگران که اکثریت جامعه بشری را تشکیل می دهند، علیه تمامی نابرابری های اجتماعی هم صدا با هم فریاد می زنند و خواهان بر افتادن استثمار انسان از انسان هستند. کارگرانی که برای زنده ماندن چیزی جز فروش نیروی کارشان را در قبال اندک مزدی ندارند، در حالی که تمامی ثروت و سامان این کره خاکی را تولید می کنند در شرایط بس اسفباری بسر می برند. امسال ما کارگران ایران نیز در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می رویم که تورم، بیکاری، اخراج سازی های گسترده، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و دهها و صدها معضل دیگر زندگی کارگران و خانواده هایشان را به ورطه سراسیمگی انداخته است و روز به روز نیز این فشارها افزایش می آید.

کارگران!!

همبستگی کارگری، ضرورتی است برخاسته از هستی و موجودیت طبقاتی کارگران، چرا که کارگران در سراسر جهان تحت ستم واحدی قرار دارند، توسط طبقه واحدی استثمار می شوند و اهداف و منافع آنها در سراسر جهان مشترک اند همان گونه که منافع سرمایه داری در سراسر جهان در هم تنیده شده و سرمایه داری جهانی با اینکه فرهنگ ها، زبان ها و ملیت های متفاوت دارند، هیچ گاه منافع مشترک شان را فراموش نمی کنند و خود را یک خانواده بزرگ می دانند و برای استثمار هر چه بیشتر کارگران و پایمالی حقوق آنها و برای اینکه منافع خود را در مقابل هم نبینند سازمان ها و نهادهای تجارت جهانی درست می کنند. به همین خاطر ما کارگران خباز در سنندج و مریوان در راستای همبستگی و اتحاد طبقاتی خود امسال طی بیانیه ای مشترک ضمن تبریک این روز به آحاد مردم زحمتکش؛ نسبت به معیشت اسفبار و غیر انسانی کارگران بطور عام و کارگران خباز بطور اخص معترض بوده و خواهان احقاق مطالبات خود هستیم.

1. برسمیت شناخته شدن روز جهانی کارگر به عنوان روز تعطیل رسمی در ایران و برپایی مراسم های این روز بطور مستقل.
2. ما کارگران خباز، تعیین حداقل دستمزد 487 هزار تومان برای کارگران را توهین به شان کارگران می دانیم و خواهان لغو جلسات سه جانبه برای تعیین حداقل دستمزدها هستیم.
3. ما کارگران خباز افزایش دستمزدهای خود را بر اساس گران شدن قیمت نان غیر قانونی دانسته و خواستار احتساب دستمزدهای خود بر اساس تورم واقعی در کشور می باشیم.
4. ما خواهان اجرایی کردن کامل قانون مشاغل سخت و زیان آور، برای کلیه کارگران شاغل در این صنف می باشیم و خواستار آن هستیم تا کارگران خباز از بازنشستگی پیش از موعد بهره مند گردند.
5. ما خواهان امنیت شغلی کارگران در کارگاههای زیر پنج نفر می باشیم.
6. ما کارگران خباز لایحه اصلاحیه قانون کار را حمله ای آشکار به معیشت کارگران می دانیم و خواستار عدم اجرای این لایحه هستیم.
7. ما کارگران خباز شکل های مستقل کارگری را حق قانونی خود می دانیم و خواستار برسمیت شناخته شدن تشکلات مستقل کارگری از طرف دولت هستیم.
8. ما کارگران خباز هر گونه اهانت به کرامت انسان علی الخصوص زنان را در جامعه محکوم می کنیم و خواستار احتساب حقوق متساوی برای زن و مرد در جامعه هستیم.
9. ما ضمن محکوم کردن کار کودکان خواهان برچیده شدن این عمل غیر انسانی در اجتماع هستیم.
10. مدیریت درمان تامین اجتماعی استان به وعده خود وفا کند و درمانگاهی که قرار بود برای 13 هزار بیمه شده اصلی شهرستانهای مریوان و سروآباد احداث کند را عملی کند.

زنده باد روز همبستگی طبقاتی کارگران

اردیبهشت 1392

سندیکای کارگران خبازی های شهر سنندج و حومه
سندیکای کارگران خبازی های مریوان و سروآباد

درشش سال اخیر کارگران از برگزاری جمع و راهپیمایی قانونی د روز جهانی کارگر منع شده اند. سایه دولت بر برنامه ها سنگینی می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران با بیان اینکه در سالهای اخیر سایه دولت بر هفته کارگر سنگینی کرده است، خواستار واگذاری برگزاری مناسبت‌های کارگری به کارگران شد.

«حسن حبیبی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: امسال برای ششمین سال متوالی کارگران از برگزاری تجمع و راهپیمایی قانونی در روز جهانی کارگر منع شدند. وی با بیان اینکه به دلیل سنگینی سایه دولت بر ویژه برنامه‌های هفته کارگر، این برنامه‌ها مطلوب نبودند خواستار به رسمیت شناختن حقوق کارگران از جمله برگزاری راهپیمایی در چارچوب قوانین کشور شد. حبیبی در این باره توضیح داد: مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی کارگران می‌توانند از حق شهروندی خود برای تشکیل اجتماعات و راهپیمایی استفاده کنند. وی در عین حال یادآور شد که به موجب بند «ه» ماده ۷۲ قانون برنامه پنجم توسعه دولت ایران موظف است قوانین کار و تامین اجتماعی را به نحوی اصلاح کند که هم تشکلهای صنفی تقویت شوند و هم حق قانونی اعتراض صنفی برای آنها تضمین شود.

در مراسم فرمایشی روزکارگر فقط روسا و مدیران کارخانه ها حضور داشتند و به همدیگر لوح تقدیر دادند.

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی کاشان گفت: درحالی که شهرستان کاشان بیش از ۱۷ هزار و ۵۰۰ نفرکارگر بازنشسته و ۵۰ هزار کارگر شاغل دارد، متأسفانه برگزاری مراسم تجلیل از کارگران درسالنی با حضور بالغ بر ۱۵۰ نفر از روسای ادارات، کارشناسان و مدیران کارخانجات در شأن جامعه کارگری کاشان نبود.

«حسین حداد» درحاشیه برگزاری مراسم تجلیل از تلاشگران عرصه کار و تولید در گفتگو با خبرنگار ایلنا در کاشان، ضمن انتقاد نسبت به نحوه برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سالن اسبق اداره تعاون کاشان گفت: در شهرستانی که بیش از ۹۰ درصد جمعیت آن کارگری است، جای تأسف دارد که مراسم تجلیل از کارگران آن هم در روز جهانی کارگر در سالنی کوچک با حضور بالغ بر ۱۵۰ نفر از روسا و کارشناسان ادارات، مدیران کارخانجات و عده‌ای خاص برگزار شود. وی در ادامه گفت: ضمن اعتراض کتبی کارگران و بازنشستگان شهرستان کاشان نسبت به نحوه برگزاری این مراسم، از مسئولین استانی و کشوری می‌خواهیم نسبت به برگزاری چنین مراسم‌های تحقیر آمیزی که درشان جامعه کارگری نیست در اسرع وقت رسیدگی کنند.

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان کاشان ضمن احترام و قدردانی از کلیه کارفرمایان و روسای ادارات شهرستان کاشانگفت: روز 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر است، نه روز تجلیل از کارمندان و روسا!

حداد ادامه داد: در مراسمی که به ادعای برگزارکنندگان، همایش تجلیل از تلاشگران عرصه کار و تولید است حتی اجازه ندادند نماینده کارگران مشکلات جامعه کارگری را عنوان کند.

رئیس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شهرستان کاشان در پایان، مراسم اولین همایش تجلیل از تلاشگران عرصه کار و تولید در شهرستان کاشان را یک مراسم تبلیغی و تشریفاتی عنوان کرد و گفت: به تنها موضوعی

که در این مراسم پرداخته نشد مشکلات کارگران، صنعتگران و فلسفه روز جهانی کارگر بود به طوری که از خود رئیس اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی این شهرستان نیز در این مراسم با اهداء لوح تقدیر تجلیل به عمل آمد.

فراخوان انجمن همبستگی کارگران ایران

برای تبدیل مراسم روز جهانی کارگر به مراسم احقاق حقوق علیه رژیم زورگو

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است که؛ انجمن همبستگی با کارگران روز جهانی کارگر به همه کارگران میهن تبریک میگوید. کارگران و زحمتکشان و همه دوست داران عدالت و آزادی که فقر و ستم و بیداد را بر نمی تابید! اگر چه تمامی کارگران زیر فشارهای انبوه و کمر شکن معضلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رنج می برند و به گفته حتی مقامات رژیم سالیان است که با کارگران بصورت برده های نوین رفتار میشود اخراج از کار و عدم امنیت شغلی، بیکاری در اثر تعطیلی و ورشکستگی کارخانه ها، برگه های سفید امضاء، حقوق های معوقه، سطح بسیار پایین دستمزد که حتی در سال 92 نیز یک چهارم خط فقر اعلام شده بانک مرکزی است، حذف مزایای شغلی، برخوردار نبودن از حق تشکیل یابی، برخوردار نبودن از مینیمم های آزادی اجتماعات و... هزاران معضل و مشکل دیگر طاقت این قشر محروم را طاق کرده و البته این تنها بخش کوچکی از بحران کارگری جامعه ما را تشکیل میدهند. بحران و تعطیلی کارخانه ها و کارگاهها و واحد های تولیدی و صنعتی بصورت بی سابقه ای همه شهرها و استانهای کشور را در بر گرفته و حتی کارخانه ها و تولیدی های دولتی هم از این معضل در امان نبوده اند، اصلی ترین نتیجه این وضعیت وخامت بار، به صورت اخراج های فله ای و گسترده بر کارگران تحمیل میشود. و تبعات و انعکاس آن را بصورت تجمعات اعتراضات کارگران به جان آمده در شهرهای مختلف میهنمان در این ایام شاهد هستیم

شدت تورم و فقر و بیکاری، افسارگسیخته تر از هر دوران دیگر، فشارش را روی اقشار مختلف و طبقات کم در آمد و محروم جامعه وارد نموده است به گونه ای که اولیه ترین مایحتاج زندگی مردم به دلیل تورم و قیمت های سرسام آور کنونی عرصه را بر افشار ضعیف و کم در آمد تنگ کرده است. این بحران ها شرایط معیشتی را برای کارگران بصورت انفجاری در آورده است. از سوی دیگر کارگران میهن، هیچ آمیدی به بهبود شرایط خود نمی بینند به ویژه این که در اثر سیاست های میهن برباد ده این حاکمیت صنایع ملی ما در حال نابودی است، صنعت نساجی کشور تقریباً از بین رفته، لوازم برقی داخلی مدت هاست افول یافته است. صنعت قند و شکر ایران در رکود کامل به سر می برد. تولیدی های چای هم اکنون در بدترین وضعیت خود در ایران به سر می برند و خلاصه هیچ صنعتی نیست که به علت سیاست های ضد مردمی و ضد تولیدی و ضد کارگری این حاکمیت در امان مانده باشد، در چنین شرایطی بر همه وجدانهای بیدار بویژه بر کارگران میهنمان است که این همه ستم و بی عدالتی را بر نتابیده و روز جهانی کارگر را به روز حق طلبی و خروش و اعتراض کارگران تبدیل کنیم. سران چپاولگر و دین فروش و گرگهایی که در لباس میش در آمده و با مستضعف پناهی، تیشه بر ریشه جامعه کارگری نهادند را رسوا و طرد کنیم.

در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر

سازمان دیده بان حقوق بشر، دولت ایران را به نقض فزاینده حقوق کارگران این کشور متهم کرده است

برپایه نوشته سایت ایران کارگر در 11 اردیبهشت 92 آمده است که؛ یک سازمان مدافع حقوق بشر دولت ایران را به نقض فزاینده حقوق کارگران این کشور متهم کرده است. در آستانه اول ماه مه، روز جهانی کارگر، سازمان دیده بان حقوق بشر با انتشار بیانیه ای، با متهم کردن دولت ایران به نقض همه جانبه حقوق کارگران در این کشور، گفته است که دهها تن از کارگران و فعالان اتحادیه های مستقل کارگری در جمهوری اسلامی "به خاطر سخن گفتن در دفاع از حقوق کارگران" بازداشت و زندانی شده اند. این سازمان از دولت ایران خواسته است تا "به این سرکوب پایان دهد و با نزدیک شدن اول ماه مه، روز جهانی کارگر، مدافعان حقوق کارگران را آزاد

کند. این بیانیه می افزاید که با آغاز دوره ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، تهاجم به حقوق کارگران در ایران شدت گرفت و نیروهای امنیتی به ارباب و بازداشت غیرقانونی تعداد روزافزونی از کارگران مبادرت کردند و آنان را با انگیزه های سیاسی، تحت پیگرد قرار دادند و به محاکمه های غیرمنصفانه کشاندند. دیده بان حقوق بشر در بیانیه خود می نویسد که سرکوب حق تشکیل سندیکاها و کارگری و مدافعان حقوق کارگران در ایران مانع از آن شده است تا آنان بتوانند بر سیاست های کارگری دولت و شرایط کار تأثیری بگذارند در حالیکه وخامت اوضاع اقتصادی ایران بسیاری از مردم را به دامان فقر افکنده است. براساس این بیانیه، در ایران تشکیل اتحادیه کارگری مستقل ممنوع است و دهها تن از فعالان کارگری تنها به جرم تلاش برای برخورداری از حق تشکل، زندانی شده اند و بسیاری دیگر با سپردن وثیقه در خارج از زندان و در انتظار رسیدگی دادگاه های انقلاب به پرونده هایشان به سر می برند.

به گزارش بی بی سی فارسی دیده بان حقوق بشر می نویسد که روز ۱۵ آوریل - پانزده روز پیش - رضا شهابی، از رهبران سندیکایی در ایران، در خاتمه مرخصی استعلاجی، به زندان اوین احضار شد تا دوره محکومیت شش سال حبس خود را به اتهام "تبلیغ علیه جمهوری اسلامی" و "تبانی علیه امنیت ملی" بگذراند.

آقای شهابی خزانه دار و از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، یک اتحادیه مستقل کارگری در ایران است که اعضای آن بارها هدف تهاجم دولت ایران قرار گرفته اند. در اوایل ماه مارس نیز، مقامات امنیتی هفت تن از فعالان سرشناس کارگری را در سنج، مرکز استان کردستان ایران بازداشت و ظاهراً آنان را به فعالیت علیه امنیت ملی متهم کردند. این بیانیه یادآور می شود که قانون کار ایران حق تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل از شورای اسلامی کار را، که یک نهاد مورد تأیید دولت است، به رسمیت نمی شناسد اما کارگران کوشیده اند به تشکیل و فعالیت در چارچوب چند اتحادیه مستقل مبادرت ورزند که از آن جمله می توان به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران مجتمع شکر هفت تپه و اتحادیه مستقل کارگران ایران اشاره کرد. در عین حال، از سال ۲۰۰۵ به بعد، دولت ایران بارها به ارباب، احضار، بازداشت، محاکمه و محکومیت کارگران مرتبط با این تشکل های مستقل مبادرت کرده است. تحریم و وخامت شرایط کارگران دیده بان حقوق بشر با اشاره به پرداخت نشدن دستمزد کارگران در تعدادی از واحدهای تولیدی ایران، می نویسد که حدود ۸۰ درصد از کارگران ایران به صورت روزمزد یا با قراردادهای استخدام موقت و به شکلی غیررسمی مشغول به کار هستند و در نتیجه، با محدودیت حقوق مادی و محرومیت از حمایت و امنیت شغلی مواجه اند. اکثر کارگران ایران بدون داشتن قراردادهای دائم و رسمی به کار مشغولند و حمایتی از آنها به عمل نمی آید محرومیت از حقوق کارگری به خصوص در مورد گروه های آسیب پذیرتر مانند زنان، کودکان و مهاجران افغان مصداق بیشتری دارد به نحوی که کارفرمایان در اخراج کارگران، برای زنان اولویت قایل می شوند تا در هزینه های مربوط به بیمه درمانی و مرخصی زایمان صرفه جویی کنند.

در سال های اخیر، شمار کارگران زیر پانزده سال در ایران افزایش قابل توجهی یافته و براساس گزارشی که مرکز پژوهش های مجلس در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۲ منتشر کرد، بیش از ۹۰ درصد از سه میلیون و دویست و پنجاه هزار کودک محروم از تحصیل مشغول به کار هستند. این در حالی است که ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی، استخدام افراد زیر این سن را ممنوع اعلام کرده است. دیده بان حقوق بشر با اشاره به تحریم های اقتصادی و مالی اتحادیه اروپا و آمریکا علیه برنامه های هسته ای ایران، به نقل از فعالان کارگری می نویسد که این تحریم ها باعث وخامت بیشتر شرایط کارگران ایران شده است.

طی چند سال اخیر، بر میزان تعطیلی واحدهای تولیدی و اخراج کارگران افزوده شده و براساس آمار رسمی، حدود پنجاه درصد از واحدهای تولیدی، خط تولید را متوقف کرده یا در آستانه توقف خط تولید هستند و کارخانه های بزرگتر نیز با حدود ۳۰ درصد ظرفیت فعالیت می کنند. به گفته رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، بین ماه مه سال ۲۰۱۱ تا ماه مه ۲۰۱۲، بیش از یکصد هزار کارگر ایرانی بیکار شده اند.

دیده‌بان حقوق بشر در این بیانیه، اسامی تعدادی از فعالان کارگري را که در زندان به سر می‌برند منتشر کرده و یادآور شده است که براساس ماده ۲۲ معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ معاهده بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کارگران از حق تشکیل و عضویت در اتحادیه‌های کارگري برخوردارند.

ایران این دو معاهده را امضا کرده اما اگرچه عضو سازمان بین‌المللی کار است، تا کنون از امضای کنوانسیون‌های این سازمان در مورد حمایت از حق آزادی سازماندهی و تشکیل نهادهای کارگري و تعیین حداقل سن کار خودداری ورزیده است.

روز اول ماه مه، روز بین‌المللی کارگر است و در بسیاری از کشورهای جهان، مراسمی به همین مناسبت برگزار می‌شود.

در ایران نیز در سال‌های پیشتر، نهادهای کارگري مورد تایید حکومت راهپیمایی‌هایی را به این مناسبت برگزار می‌کردند اما در سال‌های اخیر، دولت مجوز برگزاری چنین اجتماعاتی را نداده است.

اول ماه مه، روز جهانی کارگر

به نوشته سایت عصرنو در سوم اردیبهشت ۹۲ آمده است: شبکه‌ی همبستگی برای حقوق بشر در ایران، شامل ۲۸ نهاد دموکراتیک و مدافع حقوق بشر با انتشار اطلاعیه‌ی مشترکی به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر رفته‌اند. در این اطلاعیه‌ی مشترک آمده است:

فرارسیدن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز جهانی کارگر را به کارگران و زحمتکشان جهان تبریک می‌گوییم. این روز تاریخی که در بیشتر کشورهای جهان به عنوان تعطیل رسمی پذیرفته شده است، بیانگر همبستگی بین‌المللی نیروهای کار و کارگری است. در روز اول ماه مه، تشکل‌های کارگری در حین ابراز همبستگی بین‌المللی با یکدیگر با تأکید بر مطالبات دموکراتیک و حق طلبانه خود و در مبارزه با قدرتهای بازدارنده محلی و جهانی، همگام و متحد در همایش‌های سراسری شرکت می‌کنند. امسال، اول ماه مه در حالی برگزار میشود که بحران کم‌نظیر اقتصادی در سطح جهان ادامه دارد. بحرانی که بیش از هرچیز مولود فعالیت‌های سودجویانه و غیرکنترل‌شده از جانب سرمایه‌های مالی در سه دهه گذشته بوده و تأثیرات خانمان‌براندازی در زندگی اکثریت مردم، به ویژه زحمتکشان و محرومان گذاشته است.

بیکاری گسترده، کاهش میزان تولید، افزایش قیمت کالاها، عدم امنیت شغلی، اتخاذ سیاست‌های صرفه‌جویانه دولتی و لغو بسیاری از برنامه‌های رفاهی، بالا رفتن مالیات‌ها و پائین آوردن سطح دستمزدها، نتایج مستقیم این بحران جهانی سرمایه‌داری بوده است. آثار این بحران عمیق اقتصادی و سیاست‌های محافظه‌کارانه (و نه توسعه‌گرایانه) مالی در زندگی طبقات محروم جامعه، به مراتب مخرب‌تر بوده و از جمله به افزایش شدید فقر و فاصله عظیم طبقاتی در سطح دنیا منجر شده است. آنچه امروز در کشورهای اسپانیا، پرتغال، ایرلند، یونان، قبرس... نمونه‌های بارزی از نتایج سیاست‌های نئولیبرالیسم در قبال تداوم بحران جهانی در چند سال گذشته است.

مناسفانه مبارزات آزیخواهی (بهار عربی) مردم که از دو سال پیش در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه آغاز شد و با سقوط حکومت‌های خودکامه، رسیدن به تحولات دموکراتیک و پیشرفته را نوید می‌داد، به خاطر نبود سازماندهی لازم در میان افراد و گروه‌های دمکرات، سکولار و مترقی، قدرت یافتن جریان‌های اسلامی-فشاری - افراطی در عرصه سیاسی و حکومتی، و دخالت مستقیم و غیرمستقیم نیروهای خارجی، امکان برون‌رفت از بحران سیاسی و اقتصادی در این جوامع نیز در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. در کشورمان ایران، به دلیل اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نادرست و غیرمردمی از طرف حکومتگران و سیستم رانت‌خواری، به رغم وجود منابع عظیم طبیعی و انسانی، ناعدالتیهای اقتصادی، محرومیت و فقر بیش از گذشته افزایش یافته است. فقدان یک برنامه اقتصادی در راستای افزایش تولید داخلی و تحریم‌های اقتصادی که از طرف بخش عمده‌ای از جامعه جهانی برای مقابله با سیاست‌های ماجراجویانه هسته‌ای از

طرف جمهوری اسلامی، اعمال شده اند، باعث سقوط ارزش پول در کشور و گرانی های طاقت فرسا و غیرقابل کنترل و کاهش در قدرت خرید و تهیه معاش روزانه برای اکثریت قاطع مردم، به ویژه کارگران و طبقات محروم گشته اند.

تعویق در پرداخت طولانی مدت حقوق به کارگران در بخش های دولتی و خصوصی و حداقل دستمزد آنان که هیچ رابطه معقولی با نرخ تورم ندارد، باعث گسترش فقر شدید و گرسنگی واقعی، به ویژه در بین طبقات زحمتکش و حقوق بگیر جامعه گردیده است. روزی نیست که در مقابل مجلس و مراکز کار و نهادهای اجتماعی شاهد اعتراضات کارگرانی که خواستار پرداخت حقوق عقب افتاده شان هستند نباشیم. متأسفانه، برخورد مسئولان جمهوری اسلامی به مطالبات بر حق کارگران و گروه های مدافع آنها، همواره همان ادامه سیاست سرکوب و توسل به دستگیری و شکنجه فعالین مستقل کارگری و سندیکائی میباشد. همچنین عدم پایبندی حکومت به امضاء میثاق بین المللی منع بهره کشی از کودکان و رعایت نکردن موازین قانونی، باعث بهره کشی از کودکان در وسیع ترین و دردناکترین شکلش در ایران شده است. اقتصاد ایران بیش از پیش در انحصار بخش های نظامی قرار گرفته و سپاه پاسداران در جایگاه یکی از عمده ترین کارفرماها، بخش های سودآور اقتصادی را تحت کنترل خود درآورده است. بسیاری از سران سپاه به سرمایه داران بزرگی تبدیل گشته اند و از طریق غارت و چپاول دارائی ملی، ثروت عظیم چندین میلیاردی به جیب زده اند. اقتصاد کشور توسط مجموعه ای از حکومتگران، وابستگان آنها و مسئولان رده بالای سپاه کنترل می شود. اتخاذ سیاستهای اقتصادی ضد ملی در راستای منفعت جویی برای خودیها، باعث ایجاد یک سیستم رانتی (غیر مولد) و فاسد گشته است. سلطه روابط انگلی و انحصاری در صنایع و موسسات بزرگ، همراه با ادامه تحریم های فلج کننده از خارج، کشور را در آستانه ورشکستگی کامل اقتصادی قرار داده است که وجود تورم ۳۱ درصدی یکی از نشانه های آشکار آن است.

کارگران ایران در طول سی و چهار سال حکومت استبدادی-مذهبی جمهوری اسلامی همواره از یکی از اولیه ترین حقوق دمکراتیک خود، یعنی حق تشکیل سندیکاها، مستقل کارگری محروم بوده اند و فعالین کارگری همواره بازداشت، شکنجه و به زندان محکوم شده اند. ادامه سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و پاسخ ندادن به خواسته های حق طلبانه کارگران و زحمتکشان، هرگونه توهمی را در باره ماهیت ضد مردمی این نظام زوده است. حکومتگران در ایران از پیوند خوردن اعتراضات صنفی-سیاسی کارگری با حرکت های مطالباتی دیگر طبقات و اقشار جامعه هراس دارند و برای مقابله با وسعت یافتن جبهه مبارزات مردم برای آزادی و دمکراسی، همواره به تشدید موازین امنیتی و سرکوبگرانه متوسل می شوند. شبکه «همبستگی برای حقوق بشر در ایران» همگام با کارگران و زحمتکشان ایران خواستار موارد زیر میباشد:

پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و افزایش حقوق حداقل و متناسب با نرخ تورم در کشور؛ امنیت شغلی؛ لغو قراردادهای موقت؛ رفع تبعیض جنسی، قومی و مذهبی در محیط کار؛ بهره مندی زنان از مرخصی زایمان با حقوق و حق برخورداری از مهد کودک رایگان؛ برای کار مساوی، دستمزد مساوی با مردان برای زنان؛ به رسمیت شناختن حق تشکل های مستقل کارگری و حق اعتصاب؛ پذیرش قوانین و استانداردهای بین المللی و تدوین و تصویب قانون کار جدید با شرکت مستقیم نمایندگان واقعی کارگران و اجرای آن؛ حقوق انسانی برای کارگران مهاجر و خانواده هایشان؛ تعطیل رسمی اول ماه مه و برداشتن محدودیت برای برگزاری مراسم در این روز ارزشمند تاریخی برای کارگران.

همچنین، ما همراه با کارگران ایران، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، حق اعتراض و تجمع، آزادی بیان و مطبوعات، رفع هرگونه تبعیض جنسی، قومی و مذهبی، ممنوعیت کار کودکان و حمایت از حقوق آنان و بهره مندی هایشان از آموزش رایگان هستیم. مطالباتی که در طی ۳۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی پاسخی به آنان داده نشده است.

ما از نهادها و انجمن های حقوق بشری، مدنی - سیاسی دعوت می کنیم تا همگام و هماهنگ با تشکل های کارگری در جهان، با شرکت در همایش های بین المللی به مناسبت بزرگداشت روز کارگر و از طریق برگزاری کنفرانس، سمینار، راهپیمائی و هر اقدام ابتکاری دیگر، این روز مهم را گرامی داشته و در تماس و ارتباط با مراکز و ارگانهای دمکراتیک کارگری در سطح جهان، اعتراض فعالین کارگری و مدنی ایران را در مورد نقض حقوق کارگران، زحمتکشان و دیگر اقشار جامعه، هرچه رساتر در سطح جهان منعکس کنند.

همبستگی برای حقوق بشر در ایران
اگر به عنوان یک نهاد می‌خواهید این فراخوان را امضا کنید، با ایمیل زیر تماس بگیرید :
free.iran.for.all.iranians@gmail.com

امضاء کنندگان:

- ۱- اتحاد برای ایران - بلژیک
- ۲- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - امریکای شمالی
- ۳- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - نیویورک
- ۴- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - شیکاگو
- ۵- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - لوس آنجلس
- ۶- بنیاد اسماعیل خوبی - اتلانتا
- ۷- کمیته مستقل ضد سرکوب شهروندان ایرانی - پاریس
- ۸- فدراسیون اروپرس - بلژیک
- ۹- کانون ایران آزاد
- ۱۰- مادران پارک لاله ایران
- ۱۱- حامیان مادران پارک لاله - ایتالیا
- ۱۲- حامیان مادران پارک لاله - دورتموند
- ۱۳- حامیان مادران پارک لاله - ژنو
- ۱۴- حامیان مادران پارک لاله - هامبورگ
- ۱۵- حامیان مادران پارک لاله - اسلو/ نروژ
- ۱۶- حامیان مادران پارک لاله - لوس آنجلس/ ولی
- ۱۷- جنبش سبز کاردیف
- ۱۸- صدای موج سبز - لندن
- ۱۹- انجمن همبستگی ایرانیان - دالاس
- ۲۰- کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - شیکاگو
- ۲۱- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - مونترال
- ۲۲- مادران صلح - مونترال
- ۲۳- اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران - تورانتو
- ۲۴- انجمن فرهنگی ایران و سوئیس
- ۲۵- جمعیت دفاع از حقوق مردم ایران - اتریش
- ۲۶- جامعه مدافعان حقوق بشرو دموکراسی - هامبورگ
- ۲۷- شورای مدافعان حقوق بشر بدون مرز- سوئد
- ۲۸- خانه همبستگی مهر- کلن

نهاد های همبستگی با جنبش کارگر در ایران - خارج از کشور، اول ماه مه را با همبستگی گسترده طبقاتی هر چه با شکوهرتر برگزار نمایم!

بر پایه ایمیل دریافتی از نهاد های همبستگی با جنبش کارگر در ایران - خارج از کشور آمده است : اول ماه مه در سرتاسر جهان، یادآور سنت مبارزه علیه سرمایه داری جهانی، یادآوری مقاومت و ایستادگی کارگران برای کسب حداقل ترین و بدیهی ترین حقوق انسانی شان می باشد.

روز جهانی کارگر و همه ی روزهای دیگر که طبقه کارگر برای بقایش چاره ای جز جدال طبقاتی ندارد، نشانه ی از خون و جان و عمر و هستی این طبقه است؛ کارگران تولید کنندگان تمامی ثروت ها و نعمت ها و رفاه در

جامعه ی بشری هستند و با کار خود حیات جامعه ی انسانی را تضمین میکنند، اما خود هیچ بهره ای از این نعمات و ثروت ها نمیرند.

طبقه کارگر ایران برای به دست آوردن مطالبات خود و براندازی نظام انگل وار سرمایه داری نیک میداند که نه تنها در روز جهانی کارگر بلکه هر روز باید بیش از پیش با اعتراض گسترده و با سازماندهی مبارزاتی به سوی ایجاد تشکل های طبقاتی خود قدم بردارد.

در شرایط بحرانی جامعه ایران ، بدون طبقه کارگر و بسیج کارگران، سخن از آزادی و رهایی از زیر سلطه یک رژیم مستبد و سرکوبگر، از سنخ جمهوری اسلامی نمی تواند در میان باشد. مسایل و منافع طبقه کارگر ایران در واقع بیان خواست های نان و آزادی برای آحاد مردم ایران است و هر تحول و دگرگونی در این زمینه، ناگزیر و تاریخاً منوط به مبارزه این طبقه است. مبارزات جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش زنان، دانشجویی و جوانان در پیوند با جنبش کارگری است که می تواند به حقانیت خود دست یافته و به خواسته های بر حق خود نائل شوند. درست به این دلیل است که جناح های مختلف بورژوازی در داخل و خارج می کوشند کارگران را از ایفای وظایف تاریخی خود منحرف ساخته، آن ها را به عنوان وسیله ای برای تحقق اهداف خویش که چیزی جز حفظ نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی نیست، مورد استفاده قرار دهند.

در این شرایط رژیم سرمایه ایران بار سنگین بحران و تورم را بر گرده کارگران و زحمتکشان انداخته، و آنها را به "کار مضاعف" نیز دعوت میکنند! کارگرانی که دیگر نای کار کردن در ساعات متمادی و کارهای اضافه بر شغل خود را ندارند و با اینهمه کار و زحمت از پس خرج بخور و نمیر خانواده شان بر نمی آیند.

سرمایه داری اسلامی، با تعرض مستقیم به هستی اکثریت عظیم جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان، با ایجاد فشارهای اقتصادی، تورم و گرانی سرسام آور، و با تعیین بی شرمانه حداقل دستمزدها به میزان زیر خط فقر که بگفته خود حامیان این حکومت ضد کارگری بیش از شصت درصد از طبقه کارگر را شامل میشود، زندگی و هستی بخش وسیعی از کارگران را در معرض خطر و نابودی قرار داده است. هر چند اعتراض بخشی از کارگران به ویژه کارگران سندیکای شرکت واحد در جلو سازمان کار و امور اجتماعی در اعتراض به افزایش دستمزدها که هنوز زیر خط فقر و یا در واقع می توان گفت نزدیک خط مرگ می باشد نه تنها هشدار به دولت و حامیان سرمایه بود، در ضمن این پیام را به همراه داشت که کارگران برای احقاق حقوق خود باید به نیروی طبقاتی خود اتکاء داشته باشند.

از طرف دیگر بحرانهای اقتصادی-سیاسی بین المللی جمهوری اسلامی که با تحریم های اقتصادی کشورهای امپریالیستی به اوج خود رسیده است، مشخصاً کارگران و طبقات فرودست را آماج عارضه های ناشی از این بحرانها قرار داده و هزینه جدال های رژیم های سرمایه داری و رقابت های ضد بشریشان را آنان باید پرداخت نمایند، همه این موارد در کنار شرایط وخیم عمومی طبقه کارگر طی سال های اخیر یعنی دستمزدهای به شدت زیر خط فقر، اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزد میلیون ها کارگر، تحمیل قرار دادهای موقت و سفید امضاء و حاکم کردن شرکت های پیمانکاری بر سرنوشت کارگران و بازداشت و زندانی کردن آنان تا سرکوب تشکل ها و اعتراضات کارگری و همه و همه عملاً خیل عظیم کارگران را در موقعیتی قرار می دهد که بیش از هر زمان دیگری باید ضرورت متشکل شدن در تشکل های توده ای و طبقاتی اشان را دریابند.

نزدیک شدن اول ماه مه و مسئله انتخابات دولتی وحشتی در دل حامیان سرمایه انداخته است، و تنها راه چاره را مثل همیشه در موج جدیدی از بگیر و ببندهای فعالین کارگری جستجو نموده و بهمین دلیل بسیاری از کارگران تحت پیگرد قرار گرفته اند و یا در زندان به سر می برند. همزمان با آزادی رییس دانا، رضا شهابی، عضو سندیکای شرکت واحد که جهت معالجه در مرخصی بود، با تمدید نشدن مرخصی اش به زندان بازگشت. در ادامه همبستگی طبقاتی با رضا شهابی تعداد زیادی از فعالین کارگری و اعضای سندیکای شرکت واحد به

همراه خانواده هایشان، سرود خوانان با آرزوی آزادی اش، او را بدرقه کردند.

با ادامه مرخصی بهنام ابراهیم زاده نیز موافقت نشده است و هنگامی که وی برای تمدید مرخصی مراجعه کرده به وی ابلاغ شده که غیبت هم دارد و باید هر چه زودتر خود را به زندان معرفی کند. در همین حال با مرخصی محمد جراحی که تحت پرتو درمانی قرار دارد هم موافقت نشده است. و هنوز هم شاهرخ زمانی و دهها کارگر دیگر در شرایط بشدت غیر انسانی در زندانها بسر می برند. تعدادی از کارگران کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری که به جرم شرکت در مراسم هشت مارس دستگیر شده بودند هنوز در زندان بسر میبرند. هر چند مبارزه و همبستگی مردم سنجده همراه با خانواده این کارگران دستگیر شده در جلو دادگاه انقلاب اسلامی و زندان چشمگیر و قابل تحسین است و لرزه بر تن جانپان و مزدوران جمهوری اسلامی انداخته است، اما هنوز از آزاد شدن سه نفر از این کارگران مبارز خبری نیست.

این فشار به کارگران و پیشروان زندانی این طبقه در زندانها نه تنها در رزم راسخ آنها بر علیه نظام سرمایه خلی ایجاد نخواهد نمود، بلکه این استقامت و ایستادگی را در عقاید شان محکم و استوار نموده که برای حقوق از دست رفته خود و همطبقه ایپایشان باید وارد کارزار جدی تری شوند.

امروز باز هم کارگران هستند که می توانند در مقابل تهدیدها و سرکوبهای خونین سدی نیرومند ایجاد کنند. مقتدر ترین نیروهای سرکوبگر نظامی نیز در مقابل اراده متحد طبقه ای که چرخ تولید را با اعتصابات سراسری خود می خواباند ناتوان خواهند ماند.

رهای طبقه کارگر امر خود طبقه کارگر و فقط بدست خود طبقه ممکن است. اگر کارگران منفعتی در جدال طبقات حاکم دارند، این نه در حمایت از این یا آن جنبش غیر کارگری، بلکه در این است که طبقه کارگر نیرومند تر، متشکل تر و آماده تر برای به دست گرفتن امور جامعه از دل این تحولات بیرون بیایند. این باید هدف طبقه کارگر در اوضاع سیاسی ایران باشد. و این مهم را جلوی پای طبقه کارگر ایران می گذارد، که در اول ماه مه امسال همراه با همبستگی طبقاتی در متحقق شدن این اهداف نهایت تلاش و مبارزه را بنماید.

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران جهان

مرگ بر نظام سرمایه جمهوری اسلامی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور

اردیبهشت 1392 / مه 2013

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

اول ماه مه

روز جهانی کارگران گرامی باد

اول ماه مه روز تعطیلی است و برگزاریمراسم اول ماه مه بدون دخالت دولت و نیروهای نظامی حق مسلم ما! پیش بسوی ایجاد سازمانها، تشکلهای و نهادهای کارگری!

شنبه 4 مه 2013

ساعت 19:00 بوقت اروپای گرامی

پیام، خبر، گزارش، شعر ، موزیک ...
پالتاک، ایران ، اول ماه مه 2013

Paltak-Asia and pacific-Ira3Avale Mahe May 201

زنده باد همبستگی جهانی ایران

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

**سمینار جنبش کارگری بمناسبت اول مه
سخنرانی، بحث و پرسش و پاسخ**

اوضاع سیاسی و موقعیت جنبش کارگری

اسیاست کارگری در قبال جدالهای درون حکومتی
کارگران و آلترناتیو سازی
فقر و بیکاری و گرسنگی
مسائل اساسی طبقه کارگر در اوضاع کنونی

سخنرانان:

فاتح شیخ، حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست
صدیق اسماعیلی، حزب کمونیست ایران
یدی شیشوانی، اتحاد فدائیان کمونیست
صالح احمدیان، هسته اقلیت

جمعه ۲۶ آپریل، ساعت ۵ بعدازظهر

در آ. ب. اف مرکزی، طبقه سوم

ABF - Sveavägen 41, Beskow salen, Fredag 26 april, kl. 17.00 - 21.00

از عموم علاقه مندان برای شرکت در این جلسه دعوت میکنیم

شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم

Tel: 072- 837 94 51

**پیام «انجمن همبستگی بین المللی کارگران» ترکیه به کارگران اعتصابی سیتروئن در اولنه
(فرانسه) به مناسبت اول ماه مه**

برادران و خواهران عزیز همطبقه ای،

درودهای ما را با گرم ترین احساس همبستگی پذیرا باشید. برایتان آرزوی پیروزی در اعتصاب مصممانه ای را داریم که چندین ماه است مشغول آن هستید، و همچنین اول ماه مه را نیز تبریک می گوئیم. انجمن ما (انجمن همبستگی بین المللی کارگران) که متشکل از کارگران مبارز صنایع مختلف است، اعتقاد دارد که حملات بورژوازی در سطح جهانی تنها از طریق دست یافتن به اتحاد بین المللی طبقه کارگر، به عقب رانده می شود.

ما در وب سایت خود (www.uidder.org) مبارزه شما را از نزدیک دنبال و تلاش می کنیم که صدای شما شنیده گردد.

برادران و خواهران، شما در مبارزه خود تنها نیستید. ما به عنوان برادران و خواهران شما در ترکیه نیز با حملات مشابهی رو به رو هستیم و تلاش می کنیم که به شیوه ای سازمان یافته و مصممانه با آن ها مقابله کنیم؛ ما با تمام وجود در جبهه شما قرار داریم و از مبارزه تان حمایت می کنیم.

خوشحال خواهیم شد گزارش ها و نامه هایی را که مایل به ارسال آن ها به ما هستید، بر روی وب سایت خود منتشر نماییم.

زنده باد مبارزه طبقاتی!

مبارزه سازمان یافته کارگران، ضربه ای به سرمایه خواهد بود!

زنده باد اتحاد بین المللی مبارزه طبقه کارگر!

انجمن همبستگی بین المللی کارگران (UID-DER)

24 آوریل 2013

<http://www.uidder.org>

ترجمه: فعالین شبکه همبستگی کارگران ایران (IWSN)

<http://www.iwsn.org>

فراخوان برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در ترکیه

جهت همبستگی بیشتر به سیل خروشان طبقه کارگر جهانی پیوندیم

روز جهانی کارگر، روزگرمیداشت مبارزات کمون پاریس، 1886 شیکاگو، انقلاب اکتبر و دوپست سال تاریخ مبارزه انقلابی طبقه کارگر در اقصا نقاط جهان است، روز دفاع و خواست آزادی و برابری اجتماعی و اقتصادی است، روز دفاع از حقوق خود و هم طبقه ای هایمان و دفاع از مطالبات، مبارزات و دستاوردهایمان است، روز حمایت از زندانیان سیاسی و رهبران بازداشت شده طبقه کارگر است، روز اعلام انزجار و اعتراض به گرانی، فقر و فلاکت، سرکوب و استبداد و اعتراض به استثمار و نابرابری اجتماعی و اقتصادی است.

روز جهانی کارگر، روز اوج نبرد و مبارزه میان کار و سرمایه است. روز افزایش افشای جنایات سرمایه داری علیه بشریت است، روز همبستگی آزادیخواهان، انقلابیون، نیروهای دمکراتیک در جهت مقاومت و هجوم به نظام ضدبشری سرمایه داری از جمله جمهوری اسلامی ایران است.

روز جهانی کارگر، روزی است که اعلام می داریم تمام بدبختی و فلاکت بشریت حاصل وجود نظام سرمایه داری در جهان و جمهوری سرمایه داری ارتجاعی اسلامی در ایران است...

با شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در تمامی دنیا ضمن اعلام همبستگی با مبارزات بی وقفه طبقه کارگر و جنبش های ضد سرمایه داری ، به تعرضات روزافزون علیه زندگی مردم اعتراض خواهیم کرد.

در این راستا کمیته حمایت از شاهرخ زمانی و جمعی از فعالان سیاسی ایرانی پناهنده در ترکیه از تمامی نیروهای فعال ، انقلابی ، آزادیخواه ، برابری طلب و فعالین کارگری و سیاسی برای شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در شهر استانبول ترکیه دعوت به عمل می آورند .

دوستان و رفقا بیایید دوشادوش کارگران و زحمتکشان ترکیه اعتراضات خود علیه سرمایه داری و جمهوری اسلامی را یک صدا فریاد بزنیم .

وعده دیدار ما روز چهارشنبه اول می ساعت 9 صبح آکسارای استانبول

برای هماهنگی بیشتر با کمیته حمایت از شاهرخ زمانی و افراد زیر تماس برقرار نمایید .

علی افشاری (در ترکیه)	اشرف عبودزاده بریپی (روبا)
حسین حمیدی	حمیدرضا کوهینی تفرشی
مرتضی شریفی	ایده ترابی بابا اسکندری
شجاع ابراهیمی	-اندیشه ترابی بابا اسکندری
محمد اشرفی	-الیاس ترابی بابا اسکندری

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/2/4

www.chzamani.blogspot.com

freeshahrookh@gmail.com

بیانیه هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مناسبت روز جهانی کارگر زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر

اول ماه مه، روز جهانی کارگر امسال در شرایطی فرا می رسد که تشدید همه جانبه بحران، زندگی کارگران و زحمتکشان را تباه کرده و فقر، بیکاری و فقدان امنیت شغلی را گسترش داده است. سقوط شتابان ارزش پول ملی در یک سال اخیر، تورم لجام گسیخته، ورشکستگی واحدهای تولیدی و اخراج کارگران واحدهای صنعتی برخی از مهم ترین سرفصل های این بحران هستند. کاهش شدید درآمدهای نفتی در اثر تحریم های ویرانگر امپریالیستی، نبود چشم اندازی روشن در پایان دادن به مناقشه با غرب بر سر برنامه هسته ای، تعمیق شکاف های درون حاکمیت و تشدید رقابت باندهای مافیایی در آستانه انتخابات، که شکل گیری اراده ای واحد و اجرای برنامه ای تحقق پذیر برای برون رفت یا حتی مهار بحران اقتصادی را ناممکن ساخته، ادامه سیاست جنایتکارانه انداختن بار اصلی بحران بر دوش کارگران و زحمتکشان که نابودی سیستم اولویت بندی واردات کالاهای اساسی از طریق حذف عملی ارزش مرجع و جایگزین کردن آن با ارزش مبادلاتی نمونه آن است، یا گرانی قیمت نان که غذای اصلی طبقات محروم است، همه و همه علائمی هستند که نشان می دهند بحران همچنان رو به گسترش است و حرکت در مسیر فروپاشی اقتصادی شتاب بیشتری می گیرد. تا جایی که به وضعیت کارگران و مزد و حقوق بگیران برمی گردد توجه به بحران فروپاشی اقتصاد کشور از چهار منظر اهمیت اساسی دارد

اول - هیچ یک از جناح های رژیم توان اجرای هیچ برنامه ای را در جهت بهبود وضعیت اساسی این بخش از جامعه ندارند. مثلاً در حالی که پایه نفتی اقتصاد ایران زیر فشار روزافزون تحریم ها فرو می ریزد، ابتدایی ترین شرط جایگزینی بخش صنعت با نفت، درهم شکستن قدرت باندهای مافیایی "برادران قاچاقچی" سپاه است که مطابق آمارهای رسمی بیش از یک سوم کل اقتصاد کشور را از طریق واردات قاچاق تحت کنترل خود دارند و از متحدان اصلی دستگاه ولایت فقیه هستند. به عبارت دیگر تغییر پایه اقتصاد به جراحی بزرگ سیاسی در نظام حاکم مشروط است در حالی که برنامه های جناح های رژیم علیرغم وعده های انتخاباتی آنها حفظ نظام و جلوگیری از سقوط آن است. جناح های حامی سرمایه داری پیرامونی در ایران به هر رنگی که درآیند جز تشدید بهره کشی و برنامه های ریاضت اقتصادی و تحمیل فلاکت و بی حقی ارمغانی برای کارگران و زحمتکشان ندارند

دوم - با کاهش شدید درآمدهای نفتی و تشدید محاصره اقتصادی و حذف رانت انرژی ارزان در اثر برچیدن یارانه ها، نیروی کار ارزان به عنوان منبع اصلی تامین سود کارفرمایان که دولت در راس آنها و بزرگ ترین آنهاست، باقی مانده است. از اینجاست که پا به پای تعمیق بحران شاهد عمومی تر شدن پدیده شوم دستمزدهای معوقه، قراردادهای برده دارانه سفید امضا، حداقل دستمزدهای زیر خط فقر که حتی همان هم پرداخت نمی شود، نابودی بقایای حقوق کارگری در زمینه خدمات بیمه ای، استخدام، شرایط کار، بازنشستگی، همچنین افزایش کار کودکان، محرومیت های فزاینده تر و دستمزدهای ناچیزتر برای کار زنان و تبدیل مراکز تولید به قتلگاه کارگران و افزایش سوانح کار هستیم

سوم - برچیدن یارانه ها در ترکیب با تحریم های جنایت کارانه اقتصادی قدرت های امپریالیستی و بحران ناکارایی و فساد مدیریتی، در کنار گسترش شکاف طبقاتی و فلاکت و تهیدستی عموم مردم، بیش از هر حوزه ای به بخش صنعت آسیب زده است. در گام اول کارگاه های کوچک تولیدی که از قدرت کمتری برای مقابله با پیامدهای تحریم و حذف یارانه ها برخوردار بوده اند نابود شده و یا بشدت تحلیل رفته اند و اکنون در گام دوم، بحران به سمت صناعی چون خودروسازی ها، ذوب آهن، پتروشیمی، نفت و همه صنایع پایین دستی آنها در حال گسترش است. برای درک تاثیرات ویرانگر این آسیب، کافی است توجه داشته باشیم که ساختار نیروی کار بخش صنعت ایران بر صنایع کوچک استوار است و حدود 80 درصد صنایع کشور را در بر می گیرد. کارگران کارگاه های کوچک را رسماً و قانوناً به "فانون جنگل" سپرده اند و این کارگران در رده اول قربانیان فروپاشی صنعت قرار گرفته اند.

چهارم - ناتوانی رژیم در مهار بحران اقتصادی، رشد روزافزون سرخوردگی از گرایش هایی که همچنان خواستار اصلاحات در چهارچوب حاکمیت هستند، پا به پای عمیق تر شدن بحران و گسترش فلاکت و خشم و نارضایتی کارگران و مزدبگیران و تقویت احتمال خیزش های خودانگیخته فرودستان و لگدمال شده گان، جنبش کارگری را به یکی از محورهای سرمایه گذاری سیاسی طیفی از جریانات غیر کارگری تبدیل کرده است. اعلام حضور در قالب کارزارهای حمایتی و بر پایه بخشی از مطالبات کارگری، تشکیل گروه های معطوف به مسایل کارگری و تلاش برای سوار شدن بر نارضایتی کارگران و تبدیل آنها به ابزار خود در رقابت های سیاسی با حاکمیت از جلوه های آشکار این سرمایه گذاری است. جنبش کارگری در حالی به میدان رقابت میان نیروهای مستقل چپ و کارگری با گرایش های راست و غیرکارگری تبدیل می شود که زیر فشار طاقت فرسای بحران اقتصادی، طبقه کارگر هر چه بیشتر به خط مبارزه برای بقا و تامین یک لقمه نان رانده می شود، فعالان کارگری با سرکوب بیرحمانه دستگاه های امنیتی روبرو هستند، سطح سازمان یابی کارگری اندک است و قدرت رسانه ای گرایش های غیر کارگری آشکارا قوی تر است.

در شرایط بشدت نامساعد موجود، جنبش مستقل کارگری به شرطی می تواند پیشروی کند که در الویت ها، راهکارها و مطالباتش مشخصات بحران کنونی و تاثیرات آن را در نظر بگیرد.

الف: با تعطیلی واحدهای تولیدی و اخراج گسترده کارگران، تبدیل شدن شهرک های صنعتی به مناطق متروکه، رشد بیکاری و افزایش مشاغل موقت و ناپایدار و بدون محل کار ثابت، سازماندهی این بخش از نیروی کار ناگزیر به سطح محیط زیست و محلات کارگری و محروم انتقال می یابد. گسترش فلاکت همچنین نقش زنان زحمتکش خانوارهای کارگری در چرخش معاش خانواده و حضور آنان در اعتراضات کارگری را افزایش داده است. محلات کارگری هم محیط زیست و هم اغلب محیط کار این زنان است. از این رو سازماندهی زنان کارگر بخش مهمی از سازماندهی در محلات است که توجه به آن در ایجاد سنگرهای مقاومت و پایداری در شرایط بحرانی کنونی در محیط های کارگری از اهمیت اساسی برخوردار است.

ب: جنبش کارگری تنها جنبش کارگران صنعتی برنشسته، یا جنبش کارگران واحدهای کوچک، یا صرفاً واحدهایی که فعالان مستقل و کارگران پیشرو در آنها حضور دارند، نیست. جنبش کارگری جنبش مزد و حقوق بگیران است. کارگران بخش های حمل و نقل شهری و بین شهری، ریلی و آبی، کارگران بخش کشاورزی، بخش خدمات شهری، معلمان و کارمندان آموزش و پرورش و پرستاران بخشی از طبقه کارگر هستند که بدون سازمان یابی آنها جنبش کارگری نمی تواند به جنبش اکثریت عظیم برای منافع اکثریت تبدیل شود. در برابر شکاف های مصنوعی و کاذبی که سرمایه و ارتجاع حاکم در میان بخش های مختلف اردوی کار پدید می آورد، تسلیم نشویم. گسترش کلان شهرها و پیچیدگی روزافزون روابط اجتماعی سهم و جایگاه بخش خدمات و قدرت عمل آن در جنبش کارگری را ارتقا داده است. از این رو کنشگری آگاهانه در مسیر سازمان یابی مستقل نیروی کار بخش خدمات، ناگزیر است با این جایگاه هماهنگی و تناسب یابد.

ج: رژیم جمهوری اسلامی تنها بار اصلی بحران را به دوش کارگران و زحمتکشان نینداخته، بلکه پا به پای آن هر صدای حق خواهی و اعتراض به فقر و فلاکت و فرودستی را بیرحمانه سرکوب می کند. مبارزه متحد علیه سرکوب فعالان کارگری و برای آزادی بی قید و شرط همه فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی از مهم ترین و اصلی ترین الزامات گسترش همگرایی و همبستگی همه نیروهای کارگری است.

د: لغو اعدام، برابری کامل زنان و مردان، لغو کار کودکان، پرداخت دستمزد منطبق با نرخ تورم، برچیده شدن بساط شرکت های پیمانی، آزادی کامل اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، تجمع، بیان و مطبوعات و در راس همه آزادی ایجاد تشکل های مستقل سندیکایی و کارگری، همچنان از خواست های اساسی جنبش کارگری و در عین حال پایه های سطوح متفاوتی از اتحاد عمل، بویژه در میان تشکل های مستقل کارگری و احزاب و نیروهای چپ است که شکل گیری آنها متناسب با فراگیری دامنه بحران و موقعیت عمومی رژیم، می تواند آرایش عمومی جبهه کار در برابر سرمایه و حکومت سیاه استبدادی را تقویت کند.

ح: بازنشستگان، کودکان کار و بیکاران سه گروه بزرگ قربانیان بحران فروپاشی اقتصادی هستند. از این رو مبارزه برای افزایش مستمری بازنشستگان منطبق با نرخ تورم، حق تشکل مستقل بازنشستگان و برخورداری از بیمه درمانی کامل، مقابله با همه شکل های کار کودکان، گسترش فعالیت های مستقل در ایجاد نهادهای همیاری در حوزه حقوق و شرایط زندگی کودکان در کنار حمایت هر چه موثرتر از تلاش ها و مبارزات تشکل های مستقل موجود حامی حقوق کودک، همچنین حق برخورداری از بیمه کامل بیکاری در ایام بیکاری برای همه بیکاران و تمرکز بر سازماندهی بیکاران، از کانون های مهم مبارزاتی جنبش کارگری است.

ف: اگر چه کارگران بزرگ ترین قربانیان بحران کنونی و فروپاشی اقتصادی هستند، اما تنها قربانیان آن نیستند. جنبش کارگری به شرطی جنبش امید به آینده است که با آرزوها، خواست ها و مبارزات همه هم سرنوشتان این جنبش پیوند یابد. با یک گل بهار نمی شود. بدون پیوند مبارزات کارگری، دانشجویی، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم و بدون تکیه بر همبستگی جهانی نیروی کار نمی توان بر غول استبداد و سرمایه پیروز شد.

در اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی جهانی همه استثمار شده گان و قربانیان ستم و جنایت و بهره کشی سرمایه، ندای حق خواهی کارگران و زحمتکشان هر چه رساتر باد.

زنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

شنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۹۲ برابر با ۲۷ آوریل ۲۰۱۳

زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی کارگران!

کمیته دفاع از آزادی و برابری در ایران - وین

با فرارسیدن یازدهم اردیبهشت ماه برابر با اول ماه مه خاطره مبارزات کارگری علیه ستم سرمایه داری زنده می شود و حرکت همبسته کارگران در خیابانهای تسخیر شده کشورهای جهان هشدار می دهد که سرمایه داران خواهد بود.

اول ماه مه نه تنها روز همبستگی بین المللی کارگران جهان که روز اعتراض عمومی کارگران به مناسبات ناعادلانه موجود است. در این روز کارگران در سراسر جهان نفرت و انزجار خود را از فقر و نابرابری اقتصادی و اجتماعی موجود اعلام می کنند.

روز اول ماه مه همچنین تجلی توان بی پایان کارگران جهان در همبستگی آنان است.

اگر چه پاسخ رژیم جمهوری اسلامی به خواست های برحق کارگران همواره اخراج، حبس، شکنجه و سرکوب بوده است، اما خود واقفند که کارگران همچنان به مقاومت و مبارزه جهت دفاع از مطالبات خود از جمله تشکل یابی مستقل خویش ادامه می دهند. از اینروست که رژیم تشکل های کارگری را آماج حملات مستبدانه خود قرار داده، نمایندگان آنان را در سلولهای زندانهای مخوف به اسارت کشیده اند.

مطالبات انسانی و صنفی کارگران هنوز پابرجاست و تا تحقق آنها از پای نخواهند نشست. برخی از این خواستها از این قرار اعلام شده اند:

۱- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکل های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، راهپیمایی، آزادی احزاب، تجمع و آزادی بیان و مطبوعات. این خواسته ها باید ضمن برچیده شدن کلیه نهادهای دست ساز دولتی از محیط های کار و زندگی، به عنوان حقوق خدشه ناپذیر اجتماعی کارگران و عموم مردم ایران به رسمیت شناخته شوند.

۲- ما جامعه ای را که اقلیتی صاحب ثروت و سرمایه های کلان باشند و اکثریتی هم نان شب نداشته باشند بر نخواهیم تافت. از نظر ما افزایش ۲۵٪ درصدی دستمزدها بویژه با توجه به اجرای طرح هدفمندی یارانه ها و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اهانت به منزلت انسانی و حق حیات کارگران است. ما تعیین چنین سطح دستمزدی را تحمیل بیش از پیش فقر و فلاکت مطلق بر میلیونها خانواده کارگری میدانیم و با رد شیوه کنونی تعیین دستمزدها مصرانه خواهان توقف اجرای طرح قطع یارانه ها و تعیین دستمزدها توسط نماینده های واقعی کارگران بر اساس بالاترین استانداردهای زندگی بشر امروز هستیم.

۳- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضاء، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استاندارد های بهداشت و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم.

۴- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود.

۵- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.

۶- به رغم اینکه سازمان تامین اجتماعی با دسترنج و پول کارگران به یکی از نهادهای دارای ثروت نجومی در ایران تبدیل شده است اما این سازمان با قرار گرفتن در چرخه سود و سودآوری سرمایه تنها به فکر کاهش

- خدمات درمانی و دریافت فرانشیز از کارگران بیمار است. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد جامعه میدانیم و خواهان اداره این نهاد بدست نماینده های منتخب کارگران در سراسر کشور هستیم .
- ۷ - ما ضمن محکوم کردن هر گونه تعرض به اعتراضات کارگری و مردمی، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران زندانی و دیگر زندانیان جنبش های اجتماعی، توقف فوری پیگرد های قضایی علیه آنان و بر چیده شدن فضای امنیتی موجود هستیم .
- ۸ - ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم .
- ۹ - ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از يك زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم .
- ۱۰ - کار کودکان باید ملغی گردد. برخورداری کودکان و والدین آنها از تامین اجتماعی گسترده و کامل، امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی باید برسمیت شناخته شود .
- ۱۱ - ما دگرگونی خواهی را حق مسلم تمامی انسانها در سرتاسر جهان میدانیم و با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی کشورهای خاورمیانه، هر گونه سرکوب اعتراضات مردمی و بند و بست دولتها برای سمت و سو دادن به تغییرات از بالای سر مردم و دست اندازی و دخالت از سوی آنها در سرنوشت مردم کشورهای خاورمیانه را قویا محکوم میکنیم .
- ۱۲ - ما بخشی از کارگران جهان هستیم و اخراج و تحمیل هرگونه تبعیض بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیتها را به هر بهانه ای محکوم میکنیم .
- ۱۳ - ما ضمن قدردانی از تمامی حمایت های بین المللی کارگری و مردمی از مبارزات کارگران در ایران و حمایت قاطعانه از اعتراضات و خواسته های کارگران در سراسر جهان خود را متحد آنان می دانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری تاکید می کنیم .
- ۱۴ - اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام شود و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد .
- ما ضمن حمایت از این خواست ها و اعتراض به سرکوب تشکل ها و نمایندگان کارگران کشورمان از سوی جمهوری اسلامی، آزادی بی قید و شرط کلیه فعالان کارگری و زندانیان سیاسی را خواهانیم.

دورتموند - روز جهانی کارگر گرامی باد !

بر پایه خبررسیده به روز شمار کارگری در 5 اردیبهشت آمده است : شغل و حقوق بازنشستگی خوب و تامین اجتماعی از خواسته های امسال فدراسیون اتحادیه های کارگری آلمان در بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر در آلمان می باشد.

حامیان مادران پارک لاله - مادران صلح دورتموند، برای خبر رسانی در مورد شرایط کارگران و خواسته های به حق آنان، امسال نیز به همراه سندیکاها کارگری، گروه ها و فعالان مختلف زنان در دورتموند، در این برنامه که هر ساله هزاران نفر در آن شرکت می کنند و شامل راهپیمایی و سخنرانی نماینده های مختلف اتحادیه ها، نهادها، گروه ها و شخصیت های مختلف سیاسی و جشن می باشد، شرکت خواهند داشت .

ما حامیان مادران پارک لاله دورتموند نیز ضمن حمایت از فراخوان شبکه همبستگی برای حقوق بشر در ایران و فراخوان "کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران"، به مناسبت گرامیداشت روزی جهانی کارگر خواهان آزادی همه کارگران و فعالان کارگری و معلمان از جمله: « شاهرخ زمانی ،محمد جراحی، بهروز علامه زاده، بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی، غالب حسینی، علی آزادی، پدram نصرالهی، (رسول بداغی (عضو کانون صنفی معلمان، (عبدالرضا قنبری) عضو کانون صنفی معلمان، مهدی فرحی شاندیز، شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا» می باشیم.

ما حامیان مادران پارک لاله ضمن تاکید بر سه خواسته همیشگی خود، " از حقوق و خواسته های انسانی کارگران و معلمان دفاع می کنیم و خواستار لغو فوری احکام جاری اعدام و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و کارگران و معلمان می باشیم.

ما هر گونه فشار بر کارگران، معلمان، دانشجویان، وکلا، فعالین حقوق بشر، اقلیت ها، زنان، کودکان، مادران پارک لاله، مادران خاوران و حامیان آنان را که برای اعتراض به ابتدایی ترین حقوق خود مورد تعرض قرار گرفته اند و در زندان بسر می برند، به شدت محکوم می کنیم."

ما حامیان مادران پارک لاله ایران در شهر دورتموند آلمان، با تقدیم برنامه امسال خود به مادر و خانواده شجاع ستار بهشتی و به یاد این انسان شریف و کارگر ویلاگ نویس قهرمان که جان خود را زیر وحشیانه ترین شکنجه های قرون وسطایی از دست داد، برگزار خواهیم کرد. زنده باد همبستگی همه انسان های آزادیخواه و حق طلب در جهان حامیان مادران پارک لاله - مادران صلح دورتموند

دیدار ما روز چهارشنبه اول ماه مه ۲۰۱۳، ساعت ۱۰،۳۰ صبح در خیابان کمپ سر خیابان ودپوت در مرکز شهر دورتموند برای سخنرانی ساعت ۱۱ شروع راهپیمایی بطرف پارک وستفالن و تا ساعت ۱۸ در مراسم جشن روز کارگر در پارک وستفالن

آدرس: von der Kampstraße / Ecke Weddepoth zum Westfalenpark
Westfalenpark- An der Buschmühle 3 - 44139 Dortmund

اول ماه مه مبارک باد

علی مبارکی _ فعال کارگری _ نماینده سابق سندیکای پروژه ای آبادان

در آستانه اول ماه مه قرار داریم. روزی که کارگران جهان با مشتش گره کرده درمحل کار، خیابان وگردهمایی های مختلف به نابرابری، استثمار و بی حقوقی روزافزون فریاد اعتراض سر میدهند.

سرمایه داری جهانی که آزمندانه در جستجوی سود و غارت هر چه بیشتر است جهان و تمام امکانات آن را به خدمت گرفته تا امنیت انباشت سرمایه به هر قیمتی تامین و تداوم یابد.

این کارگران وزحمتکششان در کشورهای مختلف جهان هستند که برای گذران زندگیبا سختی و مشقات فراوان دست و پنجه نرم میکنند.

کارگران وزحمتکششان کشورهای اروپایی و امریکایی که روزگاری بخاطر مبارزات منسجم خود با همراهی روشنفکران، اندیشمندان و انسانهای برابری طلب و آزادی خواه در مرز امنیت نسبی قرار گرفته بودند امروز در شرایط سخت ناگواری قرار دارند، بحران ظاهری و ساخته خود نظام سرمایه داری، ورشکستگی اقتصادی یا به تعریفی دیگر انتقال سرمایه به کشورهای دیگر برای استفاده از نیروی کارگران و بدست آوردن مواد اولیه و امکانات ارزانتر و درتحمیل بدهی های فراوان به اقتصاد و زحمتکششان آن کشورها که طبق تبلیغات سرمایه داران و رسانه های وابسته روزی بهشت موعود بود اکنون به جهنمی سیاه بدل شده است. وضعیت کارگران دریونان، اسپانیا، پرتغال، ایتالیا، فرانسه حتی انگلیس و آلمان بسیار بحرانی است، کشورهای کوچکتر اتحادیه اروپا و کشورهای حوزه بالکان بمراتب سیاه تر است!

کارگران وزحمتکششان در کشورهای بسیار فقیرتر مانند بنگلادش، پاکستان، هند، چین و بسیار دیگری از کشورها در آفریقا و امریکای لاتین در شرایط برده داری مشغول بکارند و روزانه تعداد زیادی از آنان نیز قربانی حوادث کار شده جان خود را از دست میدهند، جانی که برای سرمایه داران یا برده داران نوین هیچ ارزشی ندارد.

کارگران وزحمتکششان در کشورهای عربی که طی دوسال گذشته

بغض فروخته از نابرابری و فقر و فلاکت تحمیل شده به خود را با سرنگونی حاکمان وابسته و نوکر سرمایه جهانی بنمایش گذاشته اند، متأسفانه بعلت نداشتن تشکلات مستقل، منسجم و سراسری در نهایت مغلوب سیاست های سرمایه جهانی شده و عقبگرد مهلکی به آنان تحمیل شده است.

کارگران و زحمتکشان در کشورهای مثل عراق و افغانستان و برخی کشورهای حوزه بالکان با رویای رسیدن به آزادی و برابری، که زمانی در ناآگاهی هجوم و تجاوز کشورهای سرمایه داری به کشور خود را حرکتی آزادیبخش تلقی و تبلیغ میکردند و متأسفانه بدون باور بر نقش اساسی خود و دخیل بستن به سرمایه داری غارتگر جهانی، اکنون بر تلی از خاک سیاه و ویرانه های جنگ و تجاوز نشسته و بدنبال برنامه های سیاست بازار سمایهداری جهانی افتاده و درگیر جنگهای قومی، مذهبی و ناسیونالیستی شده اند، بهانه ای که حضور ارتش حافظ سرمایه جهانی در این کشورها را برای آنان توجیه و مطلق میکند.

اما در ایران وضعیت به مراتب وخیم تر است! ایران که به تایید اکثر قریب به اتفاق محققین و اندیشمندان دارای ثروت های بالفعل و بالقوه عظیم نفت و گاز، معادن سرشار و بکر، و نیروی کار متناسب اقتصادی است با وجود یک نظام سرمایه داری وحشی، انگلی و غارتگر طی حدود سی و سه سال گذشته در سیاهترین دوران سیاسی و اقتصادی قرار دارد! کارگران، مزد بگیران و زحمتکشان ایران در بی حقوقی مطلق بسر برده و از ابتدایی ترین حقوق خود نیز محروم میباشند.

کارگران و زحمتکشان ایران امسال در حالی به استقبال اول مه ماه میروند که شرایط کار و زندگی ناشی از غارتگری، سرکوب و بی عدالتی مجالی برای دستیابی به یک زندگی عادی انسانی را به آنان نمی دهد. کار و زندگی زیر خط فقر شدید، تعطیلی روزافزون صنایع و نابودی اقتصاد و تولید، عدم امنیت شغلی و اضطراب و ترس از پایان قرارداد کاری، بیکاری و عدم امیدواری به آینده، و هزاران تبعات دیگر شرایط سختی است که در مقابل آنان در نتیجه بخش عظیم جامعه و فعالین و آگاهان کارگری قرار داده است.

مسلمان بزرگترین فشار و آسیب از جانب حاکمیت های سرمایه داری به کارگران و زحمتکشان ایران و جهان تحمیل شده و میشود، ما که در حرکت های اعتراضی و در نتیجه جایجایی قدرت از دویخش سرمایه داری غارتگر (شاهنشاهی به اسلامی) در سال ۵۷ اصلیترین نیروی انسانی تاثیر گذار و تعیین کننده بودیم در این جایجایی قدرت سهمی بجز فقر و ناکامی بیشتر نصیبمان نشد، در نتیجه به این تجربه تاریخی و تلخ رسیدیم که بعلت نبود تشکلات منسجم و سراسری خودمان، فقط جاده صاف کن جناح های مختلف سرمایه داری و هرجربانی که بنام ما به قدرت برسد میشویم، نیروهایی که از ما در هر شرایطی فقط سود میبرند.

در آن زمان فعالین آگاه جنبش کارگری فریاد میزدند باید تشکلات مستقل خود را ایجاد کنیم ولی متأسفانه عوامل بسیاری مانع از آن شد، حکومت سرمایه داران اسلامی بعنوان جناح غالب و برنده در جنگ قدرت، با تسخیر تشکلات خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار در صنایع و کارخانجات را بوجود آوردند و در برخی مراکز و کارخانجات که کارگران توانسته تشکلات مستقلی را در یک شرایط خلاء قدرت بوجود آورده بودند را با استفاده از شعارهای فریبکارانه در مورد کارگران متوهم و در موارد بسیار با سرکوب و درندگی و وحشی گری خود در استفاده از زور و قوه قهریه به مقابله با هر تشکل مستقلی برخاسته و آنرا بخاک و خون کشیدند. نمایندگان کارگری، دانشجویی، معلمین، دانشگاهیان و حتی وکلای آنان را به زندان افکنده، بسیاری نیز اعدام و ترور شدند. همه اینها از عدم قدرت گیری و سراسری شدن تشکلات آگاه، مستقل و منجسم و سراسری حکایت داشت، سرمایه داران متشکل و سازمان یافته به همه چیز رسیدند اما ما نیروی اصلی غیر متشکل سرکوب و ناتوان شدیم. اگر روزی طبقه کارگر بداند که چه انسانهایی در این راه آگاهانه جان خود را از اولین حکومت کارگری جهان با نام کمون پاریس تا کنون فدا نموده اند به ارزش این آگاهی و استقلال طبقاتی پی خواهد برد.

اما خوشبختانه طی حدود ده سال اخیر که مجموعه تجربیات تاریخی فعالین کارگری ایران منجر به سرلوحه قرارگرفتن ایجاد تشکلات مستقل توسط خود کارگران بوده، آنها توانستند با شجاعت و فداکاری جوء خفقان حاکم را شکسته و چند تشکل کارگری را بوجود آورند هرچند که تاوان سختی از این بابت به فعالین وسازمانده گان این تشکلات تحمیل شده ومیشود اما سرفصل بزرگی از تاریخ جنبش کارگری ایران وشناساندن این جنبش به جهانیان رقم خورده است، تلاش دوسویه فعالین کارگری داخل وفعالین تبعیدی در خارج از کشور این گام اساسی را رقم زده است،مبارزات کارگران ومزدبگیران وزحمتکشان در ایران سمت وسویی آگاهانه گرفته و امید است که جناح های مغلوب اما سرکوبگر وفریکار رژیم اسلامی وسرمایه داری جهانی نتوانند در اراده و آگاهی آنان تاثیرگذاشته و آنان را به دنباله روی از خود بکشانند.

طبقه کارگر ایران زنان ومردان فعال ومبارز آن بخصوص در اول مه امسال برای به عقب راندن سرمایه داران غارتگر و ویرانگر حاکم برایران کاری مهم واساسی پیش روی خود دارد، باید یکپارچه تر از گذشته مبارزه آنان که برای بقاءاست، با خواسته هایی که دارند مانند آزادسازی فعالین زندانی،ایجاد وگسترش تشکلات مستقل، افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت وسفید امضاء وگسترش تامین اجتماعی را دردستور کارخود قراردهند. هرچند فعالین کارگری در تلاش برای انجام این امورهستند اما در عین حال باید مواظب فریبکاری ودسیسه های فرصت طلبانه جناح های رقیب شکست خورده سرمایه داری درون حکومت وجناح قدرت از دست داده حکومتیان گذشته که در جنگ قدرت بزیر کشیده شده اندباشند، آنان با بهره گیری از تمامی امکات و تجربیات سرمایه داری جهانی سعی در به انحراف کشاندن جنبش کارگری را در برنامه خود دارند. طبقه کارگر ایران باید برای استقلال خود اهمیت فراوانی قائل شده و با اتکا به نیروی خویش، خود وجامعه را از ننگ نابرابری، استثمار وغارت و جنگ وسرکوب نجات دهد.

مافعالین کارگری که در تبعید بسر میبریم باید کماکان وظیفه خود بدانیم که همچنان در کنار طبقه کارگر ایران بوده ومثل گذشته پشتیبانی و جلب حمایت های بین المللی از مبارزات آنان را فراهم نماییم.

ما همچنان در حرکت های اعتراضی اول مه که در سراسر جهان توسط کارگران کشورهای مختلف در جریان است شرکت خواهیم نموده وخوهران تقویت هرچه بیشتر همبستگی کارگران جهان برای مقابله بانابرابری، ظلم، بیحقوقی وسرکوب درجهان خواهیم شد.

چاره کارگران وزحمتکشان ایجاد تشکلات مستقل است.

اساسی ترین گام در شرایط فعلی ایجاد تشکلات مستقل کارگری ودیگر اقشار مزدبگیر وزحمتکش جامعه است کارگران ومزدبگیران وزحمتکشان در ایران باید در این راه اقدامات بیشتری انجام دهند ودولت سرکوبگر را وادار به پذیرش آن کنند، با ایجاد تشکلهای مستقل و پیوندو سراسری شدن این تشکلات است کهآنان میتوانند برای حقوق پایه ای خود وکسب قدرت سیاسی نقش تعیین کننده ایفاء نموده تا مثل گذشته بعنوان لشکرسیاهی جناهای سرمایه داری مورد بهره کشی مضاعف قرار نگیرند.

به امید آنروز

زنده باد اول مه مبارزه وهمبستگی جهانی کارگران / نابود باد نظام سرمایه داری در کل جهان

نابودباد نظام سرمایه داران وحشی وغارتگر اسلامی ایران / برقرارباد آزادی،عدالت، برابری

=====

توجه شما را به شعر بسیار زیبایی از برتولت برشت جلب میکنم

تو می‌گویی: مدت دراز امیدوار بودم.دیگر نمی توانم

امیدوار باشم

به چه دل بسته ای؟

به اینکه جنگ، آسان است؟

این سخن مقبول نیست

روزگار ما از آنچه می انگاشتی بدتر است

روزگار ما چنین است:

اگر ما کاری را شجاعانه انجام ندهیم معدومیم

اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچ کس از ما انتظار ندارد

از دست رفته ایم

دشمنان منتظرند

تا خسته شویم

هنگامی که نبرد در شدیدترین مرحله است

و جنگجویان در خسته ترین حال

جنگجویانی که خسته ترند

شکست خوردگان صحنه ی نبردند

برتولت برشت

سوییس -۲۰۱۳- آپریل

به مناسبت اول ماه مه ۲۰۱۲

پاریس : یوسف اردلان

همه می‌دانند که روز اول ماه مه چه روزیست، روز کارگر، سالگرد روزی که قریب به چهارصد هزار کارگر از هزارو دویست کارخانه و کارگاه آمریکا در سال 1886 دست به اعتصاب و تظاهرات زدند و خواهان قانون هشت ساعت کار در روز بودند تظاهرات شیکاگو عظیم ترین آنها بود که بالغ بر نود هزار کارگردران شرکت داشت، بازهم همه می‌دانند که سه روز بعد از آن در طی توطئه سرمایه داران با ایجاد یک انفجار و کشته شدن ده ها کارگر و هفت

پلیس اعتصاب به خون کشیده شد و پنج رهبر سندیکائی آن زمان را به اتهام عاملین انفجار به دار آویخته شدند. هیئات که این درخواست بعد از 127 سال هنوز در بخشی از جهان جامه عمل نبوشیده است.

توطئه سرمایه داران و دغل کاری آنان در طنز تاریخ بازتاب پیدا میکند، سه نفر از 5 نفر رهبر کارگران جان باخته آلمانی بودند، حکومت پوپولیست ونژاد پرست هیتلر برای اولین بار روز اول ماه مه را تعطیل عمومی اعلام کرد و پس از آن در سال 1941 حکومت خود فروخته فرانسه تحت حاکمیت آلمان نازی این روز را در فرانسه به عنوان روز کارگر برسمیت شناخت و تعطیل رسمی شد. اما با شکست نازیها و آزادی فرانسه برای چند سال این تعطیلی رسمی از بین رفت، ولی در سال 1957 مجدداً به دلیل قدرتی که حزب کمونیست فرانسه که جبهه مقاومت ضد نازی را رهبری کرده بود و در دولت جدید فرانسه قدرت داشت، روز اول ماه مه تعطیل رسمی شد که همراه با تظاهرات کارگری در فرانسه برگزار می شود. تفاوت به رسمیت شناختن اول ماه مه از طرف نژاد پرستان در سالهای 1933 و 1941 با به رسمیت شناخته شدن 1957 بسیار قابل توجه است. یعنی سرمایه داران هیچ فرصتی را که بتوانند عوام فریبی کنند، از دست نمی دهند در آن زمان کمونیستها، در آلمان اگرچه سرکوب شدند ولی از اعتبار توده ای برخوردار بودند، بنا بر این حزب فاشیست نازی هم خود را سوسیالیست می نامید و می خواست از اعتبار سوسیالیستها برای عوام فریبی استفاده کند و در رژیم فرانسه تحت استیلای آلمان توسط دولت (ویشی) به همچنین با سوء استفاده از اعتبار کمونیستها اول ماه مه را تعطیل رسمی اعلام کردند.

و اما در سال 1957 دولت فرانسه در مقابل قدرت حزب کمونیست فرانسه (قدرت جنبش مقاومت در مقابل نازیسم) و پذیرش مردم فرانسه روز اول ماه مه بعنوان تعطیل رسمی، دقیقاً آن چیزی است که تفاوت شکل و محتوا را می رساند. همان تفاوت دانه فلفل و خال مهریوان است که هر دو جان سوزند اما این کجا و آن کجا.

سرمایه داران و کارفرمایان، در تمام جهان تا آنجا که بتوانند، از توطئه فشار و کشتار کارگران کوتاهی نمی کنند. از کار برده وار صنایع ذغال سنگ و الماس و طلا در قاره آفریقا (به یاد بیاوریم اعتصابات به خون کشیده شده معدن چیان طلای آفریقای جنوبی در شهریور - سپتامبر سال گذشته)، تا کار ارزان و بدون ایمنی کارگران آسیائی (در آتش سوزی دو کارخانه کفش و پارچه بافی در لاهور و کراچی 314 کارگر در آتش سوختند. 11 سپتامبر 2012).

انتر ناسیونال دوم، که سال 1889 در صدمین سال انقلاب فرانسه در پاریس برگزار شد، روز اول ماه مه را به عنوان روز هم بستگی مبارزات کارگران جهان نام گذاری کرد و پذیرش عام یافت.

شاید در آن دوران توضیح رابطه سرمایه دار صنعتی و کارگر و هم بستگی کارگران صنعتی اروپا و آمریکا زیاد مشکل نبود، امروزه اما با ادغام سرمایه جهانی و پیچیدگی های بسیار غامض آن، ساده نیست که رابطه کارگر کفاش، یا پارچه بافی که در تحت سرمایه کارخانه دار اروپائی در آتش می سوزد، ثمره کارش سر از کردستان عراق در می آورد و بوسیله کولبر کرد آخرین قطرات ارزش افزوده به جیب دلال و بازاری تحت حمایت پاسداران می رود، را به سادگی توضیح داد. و با چگونگی رشد نرخ تورم را برای همان کولبر بتوان روشن کرد.

با جهانی شدن و وحدت سرمایه (هر چند در بحران شدید) و سرمایه داران روبروئیم، جنایت و توطئه سرمایه داران گسترتر و پیچیده تر شده است، هیئات به گونه ای وارونه، با پراکندگی مبارزات کارگری و ستمکشان مواجهیم، در این دو بیست سال شاهد انقلابات بزرگ و مبارزات پیروزمند و شکست های کمر شکن بوده ایم که به ما می آموزد، هنوز راه درازی در پیش داریم.

آنچه با برجاست جدال بین تولید کنندگان برای بهره گیری از ثمره کارشان از طرفی و از طرف دیگر آنانی که با تمام قوای مشروع و نامشروع دولتی و غیر دولتی نظری و فرهنگی، کماکان بر تصاحب ثمره کار بشر مولد اصرار می ورزند. این جدال که جدال طبقاتی مولد و استثمارگر است پنهان و آشکار در جریان است.

کم نیستند کسانی که فریاد(اگر پا از گلیم ادب بیرون گذاشته نشود و گفته نشود زوزه!) می‌کشند که کمونیس‌م مرده است، در حالی که همه چیز کماکان بر سر جای خود قرار دارد. موتور حرکت جامعه بر اساس همین قانون ساده مبارزه برای بهره‌مند شدن از ثمره کار خود و استثمار نشدن از طرفی و ثمره کار دیگران را تصاحب کردن از طرف دیگر است.

جهان ساخته دست بشر است، انسانی که جهان را می‌سازد (با تمام پیچیدگی که در روابط تولید و سازماندهی آن وجود دارد) کارگر است، تمام ثروت و سامان این جهان نتیجه کار انسان است، بهره‌وری از این ثروت و سامان اما غیر انسانی است، بی نصیب ترین انسانها، تولیدکنندگان همین ثروت و سامان هستند.

اگر فریاد کشان ضد کمونیس‌م ، در توضیح مختصر و روشن و عامه فهم این روابط ناتوانند تقصیر از فهم آنها ست، نه حرکت تاریخ، با پاک کردن صورت مسئله هیچ چیز حل نمی‌شود.

مشکل دیگر وقتی نمایان می‌شود که تا اندازه‌ای به نیروی حرکت تاریخ پی برده شود ولی در کلیت آن بماند، یعنی به شعارهای راهبردی بسنده کرده و در ذهن تضاد کار و سرمایه را حل کند، بدون اینکه ویژگی های حرکت سرمایه در شرایط مختلف مد نظر باشد. در واقع مشکل ترین گره کار هم همین جاست یعنی دریافتن حرکت (یا قانون مندی) جامعه‌ای مشخص در شرایط مشخص.

در یافت شیوه‌ها (تاکتیک‌ها) و راهبرد (استراتژی) های گونه‌گون است که پراکندگی سیاسی را موجب می‌شود .

اشاره شد که کلیات سرچای خود هستند، امور واقع و یا جزئی است که نادیده گرفته می‌شود ، چرا که امور واقع فراوانند و در، پرداختن به تقدم و تاخر هر امری شک و اختلاف و سردرگمی بوجود می‌آید.

کلیات برای معرفی و درک چارچوب مطلب ارائه شد، می‌خواهم به معرفی بخش بظاهر کوچک اما بسیار ویژه‌ی کارگران " کرد ایران" به پردازم، بیکاری در کردستان بیداد می‌کند، از بس اعداد قلابی و به خورد ماداده‌اند حتا از آوردن رقم خودداری می‌کنم همین بس که به رای‌العین می بینیم که سخت ترین کارها (کارشاق در کوره‌های آجر پزی، کار در مرغداریهای متعفن و کارهای ساختمانی)، باربری در بندرگاهها و... را عمدتا کردها به عهده دارند، پر واضح است که اگر در زادگاهشان راهی برای امرار معاش بود این چنین راه درازی را برای فروختن نیروی کارشان طی نمی‌کردند، نکته پنهانی که در این پروسه نهفته است، این است که متوجه "کرد" بودن خود هم می‌شوند، و در می‌یابند که انسانی درجه دوم اند و شاید اصلا انسان به حساب نیایند، چون کارهایی را که اینان می‌کنند، هیچ تنابنده اهل آن مناطق که کرد نیستند حاضر به انجام آن نیستند، گویا حکمتی در کار است و این داغ لعنت خوردگان تقدیرشان این است.

در کردستان اما حکایتی غم‌انگیزتر جریان دارد، فقر، بیکاری، عدم امنیت در پدیده کولبری تبلور یافته است . در این باره گزارشات [1] و فیلمهای چه سینمایی (زمانی برای مستی اسپها) ویا مستندی مثل " مر زنا امیدی" از نیما سروستانی، [2] بازتاب نمونه‌هایی از رنج و ستمی است که در کردستان، "کردستان ناشناخته" جریان دارد.

قدمت مبادلات مرزی به قدمت زندگی ساکنین این منطقه است که در شرایط مختلف فرمهای گونه‌گونی را داشته است. در گذشته‌ای نه‌چندان دور لااقل بعد از جنگ اول جهانی [3] "کاروان‌هایی" از سلیمانیه تا رشت و انزلی آمد و شد می‌کرده‌اند که اجناسی که از طرف روسیه و هم چنین محصولاتی چون برنج و ماهی دودی و... را به کردستان عراق می‌برده‌اند و از آن سو ادویه، منسوجات هندی و محصولات دیگری که انگلیسیها می‌آورده‌اند از طریق کردستان، زنجان و قزوین به گیلان (رشت) می‌برده‌اند. "کاروانچی‌گری" در این دوران گویای رشادت و ماجراجویی های جوانان سلحشور بوده است که در ترانه‌های فلکلور کردی هنوز رد پائی دارد.

این پدیده در زمان حکومت پهلوی و تغییر شرایط وازبین رفتن کاروانها، مبادلات مرزی که از مرزهای گمرک عبور نمی کرد در کردستان "قاچاق" نامیده می شد و کسانی که جنس غیر گمرکی جابه جا می کردند "قاچاقچی" نامیده می شدند. این توضیحات از این رو بیان می شود که کلمه "قاچاق" یا "قاچاقچی" در زبان کردی حاوی هیچ بار منفی ای نیست و قاچاق به معنی از حیطه قدرت دولت نماندن بود و بس مثل کسی که قاچاق می شد یعنی فراری می شد و... برعکس کلمه "قاچاق" در زبان فارسی که منظور حاملین مواد مخدر است. این تشابه کلمه در خیرهای معمولی جهت نادرستی به مبادلات مرزی که مطلقن مواد مخدر در آن نبوده است می داد.

و اما پس از سرنگونی حکومت پهلوی و برسر کار آمدن حکومت اسلامی. از طرفی ناتوانی حکومت مرکزی در استیلا بر کردستان و وجود جنبش مقاومت خلق کرد و جنگ صدام و خمینی عملن سالها مرزی وجود نداشت و کالاهای در منطقه ای از بانه تا سردشت مبادله می شد و در زمانی که هنوز فعالیت پیشمرگه ها وجود داشت یکی از منابع درآمد پیشمرگه ها "مالیات" یا به لفظ کردی آن "بارانه" بود.

با تحکیم جمهوری اسلامی و امنیتی شدن منطقه بدلیل کمبودهای کالاهای مصرفی در کردستان و اجبار مبادلات مرزی این پدیده ادامه یافت، و مشکلات خاص خود را به همراه داشت با بوجود آمدن ایالت کردستان در عراق و عقب نشینی نیروهای پیشمرگ به آن سوی مرز و به کنار گذاشتن فعالیت مسلحانه (طبیعی هم بود چرا که دلیل وجودی پیشمرگ دفاع در برابر هجوم حکومت بود، وقتی که از منطقه قابل دفاع خارج شده اند دیگر عملیات مسلحانه پیشمرگ دلیل وجودی خود را از دست می دهد.)

با استیلا پاسداران و سپاه "محمد رسول الله" و قدر قدرت شدن سپاه پاسداران در کردستان (استانهای کردنشین) از طرفی به بهانه امنیتی بودن و ترس از نفوذ پیشمرگ، و از طرف دیگر انحصار طلبی سپاه بر گمرکات در تمام مرزها (دریائی، زمینی و هوائی)، حتی مبادلات اندک مرزی را هم بر نمی تابد، به بهانه های واهی نفوذ پیشمرگ اما در واقع ابدی کردن انقطاع روابط مرزی دست به احداث کیلومترها دیوار پیش ساخته دقیقن از همان مدل دیواری که اسرائیل به دور غزه کشیده است. احداث کیلومترها خندق مین گذاری شده و کاشت مین تا آنجا که ممکن بوده است. گزارش کمپین حقوق بشر در کردستان بازتاب گوشه کوچکی از این فاجعه است.

ولی از آنجا که موجود بودن کالاهای متنوع قابل عبور از ایالت کردستان به بازار ایران عینیت دارد و از طرفی فقر و بی کاری مفرط در کردستان بی داد می کند، این دو عامل شرایط مساعدی را برای سودجویان بوجود آورده است، سودجویانی که همواره مترصد پدیده های این چنینی هستند با بکار گیری بیکاران و زحمتکشانی که برای ارتزاق شرافتمندانه، سخت ترین کارها را تحمل می کنند از همین کاروانچیهای سلحشور صد سال پیش که میخواستند پایه حکومت شورائی در گیلان باشند، بنا به احتیاج کولبر رنج کشیده ساخته اند. این خود بیانگر شرایط وحشتناک کردستان تحت حاکمیت حکومت اسلامی است. تا، در، بر همین پاشنه می گردد و حکومت اسلامی برقرار است از بین رفتن آسیب های اجتماعی این چنینی بردوام خواهد بود.

عمق فاجعه و تحقیر این مردمان و زادبومشان آنجا آشکار تر میشود که در فصل تابستان و پائیز که آتش سوزی جنگلها اتفاق می افتد، گالن های بنزین که بار اسبها و قاطرهاست و به دست اجامر جمهوری اسلامی می افتد را آتش میزنند حیوانات بی چاره هراسان سر به جنگل میگذارند و زنده می سوزند و جنگل را می سوزانند. سال گذشته شاهد چندین آتش سوی بزرگ از این نوع بودیم که از تلاش حامیان محیط زیست مریوان که برای خاموش کردن آتش میکوشیدند جلوگیری شد و حتی آنها را بازداشت کردند!

مضاف بر این، پدیده رنج آورد یگری که از دیده ها پنهان است، کارگران کرد ایرانی در ایالت فدرال کردستان عراق است، آنجا هم داستان خود را دارد مسئله رانت نفتی و زمین خواری و ساختمان سازی عامل اخیر کارگران آواره به دنبال کار ساختمانی را بسوی خود جلب می کند، طبیعی است که ابتدا باید اجازه اقامت گرفت و اجازه کار پس از شرط و شروط و کاغذبازیها، دویدن دنبال کار بدون هیچ امنیت و یا قانون کار!، همین زمستان گذشته یک کارگر "کرد ایرانی" در خیابانهای سلیمانیه بر اثر سرما جان باخت. (کولبرها ضرورتا احتیاج به برگ اقامت ندارند چون

قاچاقی کار می‌کنند!). و اما نکته قابل توجهی که در این تراژدی وجود دارد تحقیر دوگانه‌ایست که برای زحمتکشان داغ لعنت خورده به ناروا وارد می‌شود. در ایالت کردستان (کردستان عراق) این کارگران به تحقیر "ایرانی" نامیده می‌شوند همان تحقیری که در ایران بعنوان "کرد" می‌بینند شاید کمی اغراق باشد مشابه آن نگرشی است که "ایرانیان" نسبت به افغانها دارند. داغ لعنت خورده و یا به زبان کردی (بهش مهینهت) ازین گویاتر نمی‌شود. **کرد تحقیر شده در ایران و ایرانی تحقیر شده در کردستان!** در هر کجا باشد تحقیر می‌شود، هنگامه غربی است!

تأخیرات اسلامی در ایران باشد این فاجعه‌های اجتماعی بردوام خواهد بود. در این روزاوم ماه مه با روحیه ای انترناسیونالیستی در تداوم تلاشمان قدم در راه ساختن دنیائی فارغ از ستم و جهل و فقر و استثمار برداریم. تا زمانی که حکومت‌های مشئومی مثل حکومت اسلامی ایران وجود دارد این امر امکان پذیر نیست، پس دست در دست هم برای سرنگونی حکومت اسلامی بکوشیم.

اول ماه مه 2013

یادداشت کارگری روز کارگر سال ۹۲ و "طرح یک مساله" مریم محسنی

سال گذشته، سالی سخت برای فعالان کارگری و سالی بسیار سخت برای طبقه کارگر ایران بود. از همان ابتدای سال 91 (در خرداد ماه شاهد یورش ماموران امنیتی به اجتماع اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بودیم که صرفا به منظور برپایی مجمع عمومی سالیانه خود دور هم گرد آمده بودند. در جریان این یورش اکثریت اعضا مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شدند. تحت پیگرد قرار دادن، پرونده سازی، دستگیری و بازداشت فعالان کارگری در همه سال گذشته همچنان ادامه داشت.

سال گذشته سالی بسیار سخت برای طبقه کارگر بود. بسیاری از کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی مختلف که به واسطه سیاست های اقتصادی ویرانگرانه جمهوری اسلامی در سال های گذشته بیکار شده و یا با ماه ها حقوق و دستمزدهای عقب افتاده، خود و خانواده هایشان با فشار و مشکلات اقتصادی بسیار دست و پنجه نرم می کردند با اعمال تحریم های مرگبار کشورهای امپریالیستی، برآستی در بدترین شرایط معیشتی و فلاکت بار قرار گرفتند. وضع به جایی رسیده که امروز دیگر طرح مطالبات رفاهی و معیشتی در مقابل به دست آوردن نان برای زنده ماندن تا حدودی رنگ می بازد. افزایش قیمت ها که سر باز ایستادن ندارد هر روز قربانیان بسیاری از مردم ما می گیرد و مسلم آن که بیشترین قربانیان را هم کارگران و زحمتکشان و خانواده های آنها تشکیل می دهند.

برای داشتن تحلیلی درست از جنبش کارگری هیچ چیز مهم تر از بررسی مشخص حرکات اعتراضی کارگران نیست. بررسی اعتراضات کارگران در سطح واحدهای تولیدی مختلف در سال گذشته به طور محسوسی کاهش و افت را نشان می دهد. گسترش فلاکت و بیکاری بر دامنه اعتراضات کارگری تاثیر منفی گذاشته است. یعنی درست در شرایطی که با اعمال تحریم های اقتصادی، فقر و فلاکت عمومی گسترش یافته، مقاومت کارگران نیز کاهش پیدا کرده و این معنایی جز تحلیل رفتن بنیه ی مبارزاتی کارگران و ضعیف شدن طبقه کارگر ندارد. این واقعیتی است که اگر به آن توجه نکنیم، قادر به راهگشایی مبارزات کارگری نیستیم. زیرا تشکل یابی کارگری از درون اعتراضات کارگری برمی آید. البته تشکل یابی کارگری مهم ترین عرصه ای بوده که فعالان کارگری به درستی بر روی آن خم شده اند و ثمرات و دستاوردهای آن اکنون مقابل ماست، اما کافی است تناسب آهنگ متشکل شدن کارگران را با وضعیت و کلیت طبقه کارگر در نظر آورد و کاهش دامنه اعتراضات کارگری را لحاظ کرد تا ضعف ما در این حوزه بیشتر مشخص شود. این درست مثل آن می ماند که فعالان کارگری روز به روز مهارت خود را در شنا کردن در دریا افزایش داده اند و به درستی توانسته اند ماهرانه

حتی در دریای طوفانی شنا کنند، اما این دریایی است که هر روز از عمق آن کم شده و رو به خشکی می گذارد. تمام شواهد و آمارها نشان می دهد که میزان کارگران شاغل در کارخانجات به طرز محسوسی کاهش یافته است. هر روز کارخانه های بیشتری تعطیل می شوند و کارگران شاغل آن به خیل بیکاران می پیوندند. به طوری که ما امروز با پدیده " کارگر شاغل دیروز، کارگر بیکار امروز" مواجهیم.

کارنامه فعالان کارگری در سال های گذشته به راستی که درخشان بوده است و در عرصه های مختلف مبارزاتی، شاهد رشادت ها، فداکاری ها و همچنین داشتن هوشیاری انقلابی بوده و هستیم. در استواری و دلاوری شان همین بس که در سیاه چال ها حماسه می آفرینند. آوازه مقاومت هایشان جهانی شده و در بیرون از زندان سرسختی و پافشاری شان بر فعالیت های کارگری، افکار عمومی مترقی را به حقانیت مبارزه برای احقاق حقوق کارگران جلب کرده است. و هوشیاری شان این که، پروژه از نفس انداختن جنبش کارگری را عقیم ساخته و نسلی جدید از فعالان کارگری پا به عرصه مبارزه گذارده است که امروز با اطمینان می توان گفت: تداوم مبارزه و ادامه کاری فعالیت های کارگری به روندی برگشت ناپذیر تبدیل شده است. با این همه باید به ضعف مهم جنبش کارگری که نداشتن استراتژی و راهکارهایی متناسب با شرایط فروپاشی صنعت و وضعیت جدید است نیز پرداخت. سه مولفه مهم وضعیت جدید، تحریم های کشورهای امپریالیستی، رو به اضمحلال رفتن بخش صنعت کشور و سوم و مهم تر از همه پیامدهای فضای مبارزاتی جنبش ضد استبدادی مردم بعد از انتخابات 88 است؛ جنبشی که به مثابه یک سونامی ارکان رژیم را به لرزه درآورد. هر چند این جنبش فروکش کرد اما نارضایتی از رژیم و باور به تغییر در میان مردم و اعماق می جوشد. هنوز شور مبارزاتی از سر هزاران جوان مبارز بیرون نرفته و آنها مترصد فرصت برای خلق دوباره حماسه های شورانگیز هستند. صدها نفر از آنها آماده سازمان دهی در مسیر جنبش مبارزه برای تغییر اوضاع و قدرت گیری طبقه بالنده هستند. در شرایطی که هر لحظه امکان به هم ریختن اوضاع می رود بیشتر از هر زمان لازم است جنبش کارگری و فعالان آن بر این ضعف مهم جنبش کارگری خم شده، مساله نداشتن استراتژی و راهکارهایی متناسب با شرایط کنونی را در جنبش کارگری درمیان خود به بحث بگذارند.

گرامی باد اول ماه مه ، روز جهانی کارگر

با بزرگداشت اول ماه مه 2013 ، یاد همه مبارزینی را که برای بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان ، مبارزه کرده اند گرامی می داریم .

سرمایه بیش از هر زمان دیگر ، خصلت جهانی پیدا کرده است .سرمایه جهان را ، در می نوردد و هر جا موقعیت مناسب پیدا کند ، بساط استثمار خود را پهن می کند .موقعیت مناسب برای سرمایه ، به مفهوم دستمزد ناچیز ، کارگران متفرق و فقدان تشکیلات سندیکایی و اتحادیه ای ، کمبود محدودیت های زیست محیطی و قوانین دست و پا گیر حفاظت در محیط کار و فقدان آزادی های دموکراتیک می باشد.

سرمایه مرز های نژادی و مذهبی و ایدئولوژیک را نادیده می گیرد و برای کسب سود بیشتر ، بساط غارت و استثمار را در گوشه و کنار جهان پهن می کند .به بهای بیکار شدن کارگران بومی ، سرمایه همچون انگل در بنگلادش و ویتنام و مکزیک ، به جان کارگران می افتد .کارگران در شرایط بسیار نامساعد در محیط های آلوده و محل های نا امن در قبال دریافت مبلغی ناچیز ، نیروی کار خود را در اختیار وال مارت و پریمارک و نایکی و جنرال موتورز و کرایسلر و فورد می گذارند .فاجعه اخیر در بنگلادش و فرو ریختن ساختمان فرسوده بر سر کارگران دوزنده لباس ، گوشه بسیار کوچکی از جنایات روزمره سرمایه داران علیه کارگران است .

کارگران در مبارزه علیه اجحافات وارده از طرف سرمایه داران و دولت ها و نیروهای سرکوب طرفدار آنان ، ساکت نبوده ، و در مسیر افشای جنایات سرمایه داران بهای گزافی پرداخته اند .بهایی که در برخی موارد به قیمت جان آنها تمام شده است .خود اول ماه مه ، یاد آور بخون تپیده شدن کارگرانی است که در سال 1886 در شیکاگو جمع شده بودند تا از " 8 ساعت کار در روز" دفاع کنند .پلیس هوادار سرمایه ، پس از یک انفجار

مشکوک به سمت کارگران آتش گشود و 12 تن از کارگران را به قتل رساند. دادگاه‌های فرمایشی که متعاقب این اقدام برگزار شد به این جنایت ابعاد گسترده تری داد و رهبران کارگران را به جرم ایجاد بلوا به مرگ محکوم کرد.

127 سال از جنایت کشتار کارگران در شیکاگو گذشته است. انترناسیونال دوم، سه سال پس از این حادثه تصمیم گرفت با بزرگداشت مبارزه کارگران شیکاگو، اول ماه مه را بعنوان روز جهانی همبستگی کارگران جشن بگیرد. کارگران ایرانی نیز در طول سال‌های دیکتاتوری سیاه رژیم شاه و دیکتاتوری توامان مذهبی و سرمایه جمهوری اسلامی از جشن گرفتن این روز، علیرغم دشواری‌های بسیار، غافل نمانده‌اند.

امسل کارگران ایرانی در شرایط بسیار دشوار خفقان جمهوری اسلامی به استقبال اول ماه مه می‌روند. در حالی که تورم رو به افزایش، امان کارگران و زحمتکشان را بریده است و در کالاهای اساسی مورد نیاز خانواده‌ها تا 70 درصد افزایش قیمت گزارش می‌شود، فشار پلیسی رژیم بر کارگران آگاه‌تر از پیش شده است. رهبران کارگری مثل رضا شهبازی که تنها به جرم سازماندهی صنفی کارگران به زندان محکوم شده است حتی مجال مرخصی لازم برای معالجه بیماری‌های متعدد ناشی از اقامت در زندان را نمی‌یابند. ترس و وا همه جمهوری اسلامی، همانند همه رژیم‌های سرمایه‌داری از تشکل مستقل کارگران برای به چالش کشیدن بساط استثمار است. در جایی که مافیای برادران لاریجانی و بابک زنجانی‌ها و رعیت‌ها و خاتم‌الانبیا‌ها و عسگر اولادی‌ها و محصولی‌ها قوه‌های قضاییه و مجریه و مقننه را در اختیار دارند چه جای تعجب است که زبان منصور اسانلو بریده شود و رضا شهبازی قبل از اتمام معالجه به اوین برگردانده شود.

در اول ماه مه 2013 یاد همه فعالین کارگری را که برای بهبود زندگی کارگران تلاش کردند و با نادیده گرفتن مشقات ناشی از ترور سرمایه‌داران و رژیم‌های حامی آنان خود را به خطر انداختند گرامی بداریم. یاد آگوست اسپایز و یارانش که در پی تیراندازی شیکاگو اعدام شدند، و اقبال مسیح پاکستانی، کودکی که برای ممنوعیت کار کودکان در پاکستان تلاش می‌کرد و توسط ایادی سرمایه‌داران به قتل رسید را گرامی می‌داریم.

در استانه اول ماه مه 2013 برای همه فعالین کارگری که برای رهایی از یوغ سرمایه‌تلاش می‌کنند آرزوی موفقیت می‌کنیم. آزادی زندانیان فعال کارگری را خواستاریم.

همبستگی با کارگران ایران. لوس آنجلس

اول ماه مه 2013

گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی کارگران جهان انجمن دوستی ایرانی‌ها - آلمانی‌ها، اشتونگارت

جهت گرامیداشت این روز و همبستگی با مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ایران و جهان
از ساعت 11 تا 14 روز اول ماه مه در محل
Marktplatz Stuttgart
گرد هم می‌آییم

زندانی سیاسی آزاد باید گردد
لغو کامل مجازات اعدام
کارگر زندانی آزاد باید گردد

Deutsch- Iranische Völkerverfreundschaftsinitiative – Stuttgart

گزارش برگزاری جشن اول ماه مه

صندوق همبستگی با کارگران ایران - کانادا

جشن اول ماه مه که از طرف صندوق همبستگی با کارگران ایران - کانادا فراخوان داده شده بود در 27 آوریل با حضور بیش از صد نفر برگزار شد. این برنامه ابتدا با سرود انترناسیونال آغاز شد و پس از خوشامد گویی مجری با سخنرانی حسن گلزاری از طرف صندوق همبستگی ادامه یافت که بر جایگاه اول ماه مه و اهمیت مبارزه برای فرارفتن از نظام سرمایه داری و تقویت همبستگی بین المللی کارگران و ضرورت ارایه کمک مالی به جنبش مستقل کارگری ایران تاکید نمود. سپس سه ویدیو کلیپ کوتاه در باره اول ماه مه و وضعیت کارگران در ایران و کودکان کار اجرا شد. بدنبال صرف شام برنامه با دی جی و تا پاسی از شب رفته ادامه داشت. همانطور که از قبل اعلام شده بود عایدات این جشن تماماً برای کمک به جنبش مستقل کارگری ایران است و از اینرو مبلغ 1047 دلار عاید صندوق همبستگی با کارگران ایران شد. در زیر گزارش مالی جشن اول ماه مه را ملاحظه می کنید، اما لازم به تاکید است که بر اساس تجربیات قبلی هزینه های این برنامه برای 150 نفر بود که به علت وجود برنامه های دیگر در سطح شهر طی ماههای اخیر حضور این تعداد ممکن نشد .

گزارش مالی برنامه اول ماه مه

درآمدها:

1- بلیطهای پیش فروش	2080.00 دلار
2- بلیطهای فروخته شده در محل برنامه	925.00 دلار
3- درآمد رافل	146.00 دلار
4- درآمد فروش مشروب	200.00 دلار
5- کمکهای مالی	200.00 دلار
جمع کل درآمدها	3551.00 دلار

هزینه ها:

1- کرایه سالن	1483.63 دلار
2- اجازه سرو مشروب	75.00 دلار
3- غذا	800.00 دلار
4- نوشابه، چپس و گل	65.34 دلار
5- چاپ بلیط	80.00 دلار
جمع کل هزینه ها	2503.97 دلار
عایدات این برنامه	1047.03 دلار
صندوق همبستگی با کارگران ایران - کانادا	

اطلاعیه احزاب ، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در رابطه با اول ماه مه ۲۰۱۳

جهانی عاری از ستم و استثمار ممکن است

وقتی که رود خروشان مبارزات کارگران به هم پیوندند ، دنیای دیگری ممکن است. جهانی عاری از استثمار و فقر و سرشار از آزادی و رفاه . جهان وارونه را باید دگرگون کرد . طبقات را از میان برداشت و برسر نوشت خود حاکم شد. کارگران پیام آوران این دنیای ممکن اند . تجمعات انقلابی کارگران شبخ این آرزوست که برجوامع طبقاتی ظاهر میشود و سرمایه داران و طرفداران سلطه و استثمار را به وحشت میاندازد. ترس از انقلاب، ترس

ازبهم ریختن این نظم ظالمانه کهن، ترس از دست دادن ناز و نعمت که با خون دل کارگران فراهم شده، ترس از کارگران، موجب دستگیریها و حملات جنون آسا به تجمعات کارگری می شود. همیشه، و از جمله در اول ماه مه شاهد این اقدامات جنون آمیز سرمایه داران بوده ایم. در حال حاضر در بسیاری نقاط کارگران حق تجمع و برگزاری اول ماه مه را ندارند. بحرانها و فقر دامنگیر تر میشوند و سرکوب کارگران شدت بیشتری می یابد. ریاضت اقتصادی این نسخه سرمایه داری جهانی برای کارگران جهان و بهبود حال سرمایه ها، آخرین رمق را از تن و نان را از سفره کارگران می رباید. تقویت گرایشات ضد کارگری از سوی سرمایه جهانی تدارک خاموش کردن نیروی کار در فرودای تحولات اجتماعی است.

در ایران، جمهوری اسلامی در همدستی با سرمایه جهانی مدل ریاضت اقتصادی را به بهای ازهم پاشیدن کانون نه چندان پر رونق هزاران خانواده کارگری و اخراجهای بی امان و عدم پرداختمزدها پیش برده است. در آغاز سال جدید، خامنه ای، سال نود و دو را "سال حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی" نامید و بدون شک این "حماسه" اسم رمزی است برای حکومت سرمایه داری ایران، که بیش از هر زمان دیگر، کارگران و زحمتکشان و دیگر متحدان فرودست ایشان را سرکوب کنند و برای طبقه سرمایه دار، حماسه ای بیافرینند. آنان پیشاپیش این حماسه را کلید زده اند حداقل دستمزد سال آینده کارگران و مشمولان قانون کار را، با ۲۵ درصد افزایش نسبت به سال ۹۱، معادل ۴۸۶ هزار و ۲۵۰ تومان تعیین کرده اند؛ بخش قابل توجهی از کارگران و زحمتکشان از همین حداقل حقوق نیز محرومند. با توجه به تورم افسارگسیخته که گاه تا ۱۱۰٪ تخمین زده میشود، معنای این افزایش قبول کاهش ۸۵ درصدی مقدار دستمزد واقعی است. دستمزدهای معوقه چندین ماهه کارگران و محروم بودن کارگران از هرگونه بیمه و تأمین اجتماعی به یک مسئله عادی در زندگی کارگران و زحمتکشان بدل شده است؛ کارگران از حق ایجاد تشکل های مستقل صنفی- سیاسی خود، حق اعتصاب، اعتراض و تجمع محرومند؛ هرچه عمیق تر شدن بحران سرمایه داری و انفجار تورم و گرانی سراسر آور و کاهش ارزش پول، و نتایج تحریمهای رو به افزایش، زندگی کارگری را به شدت در تنگنا قرار داده است. محصول این هجوم به معیشت کارگران، گسترش بیکاری، افزایش کودکان کار و خیابانی، خانه نشینی هرچه بیشتر زنان، افزایش حجم کارخانگی، تن فروشی و فقر است. پرواضح است که سهم زنان علاوه بر دستمزد ۳۰٪ کمتر از مردان از این بلایای سرمایه داری بیش از هر گروه اجتماعی دیگر است. با افزایش تحریم های اعمال شده توسط قدرت های امپریالیستی و نتایج خانمان براندازان بر روی زندگی کارگران و زحمتکشان و بحران سرمایه داری در ایران، پیش بینی وخامت هر چه بیشتر مصائب اجتماعی دشوار نیست.

با این همه مبارزات کارگران، زنان و آزادیخواهان در ایران هرگز خاموشی نگرفته است و هم از این روست که هم اکنون دهها فعال کارگری در زندان بسر می برند. برگزاری اول ماه مه در شرایط متفاوت وزیر سرکوب عنان گسیخته، ایجاد تشکل های کارگری از طریق مبارزات مستقیم و بدون اجازه رژیم، اعتراضات و اعتصابات پی در پی، کمترین «جرم» این کارگران زندانی و جنبش کارگری ایران از دیدگاه رژیم است. اینها نشان میدهد که حرکت بسوی تشکل یابی و وحدت طبقه کارگر همچنان سیر خود را طی میکند. اول ماه مه نشان دادن این همبستگی و رزم مشترک کارگریست. در هر کجا هستیم برای اداره سیاست و اقتصاد بدست کارگران و یک راه حل کارگری و شورایی پرچم خواسته های کارگری را برافرازیم و برای جهانی عاری از استثمار و طبقات خود را متشکل کنیم.

جهانی عاری از فقر و مسکنت و استثمار و بردگی و سرشار از آزادی و رفاه و حاکمیت بر سرنوشت خویش میسر است برایش مبارزه کنیم.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی!

زنده باد سوسیالیسم!

۲۵ آوریل ۲۰۱۳ برابر با ۵ اردیبهشت ۱۳۹۲

اسامی امضاء کنندگان

- ۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
- ۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
- ۳- اتحاد فدائیان کمونیست
- ۴- پیوند در خدمت وحدت کمونیست های ایران
- ۵- جمعی از چپ های کلن - آلمان
- ۶- حزب رنجبران ایران
- ۷- حزب کمونیست ایران
- ۸- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان(اقلیت)
- ۹- سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) - کمیته مرکزی
- ۱۰- سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) -هیئت اجرایی
- ۱۱- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران-استکهلم
- ۱۲- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه-هامبورگ
- ۱۳- کانون همبستگی با کارگران ایران-گوتنبرگ
- ۱۴- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان
- ۱۵- هسته اقلیت
- ۱۶- میز کتاب دانمارک
- ۱۷- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال ، کانادا

فرخنده باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

برپایه اطلاعات رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ اردیبهشت 92 آمده است : در سال ۱۳۹۱ وضعیت معیشتی کارگران ایران رو به وخامت نهاد. از طرفی شاهد بحران اقتصادی فزاینده ای هستیم که در اثر پافشاری رژیم جمهوری اسلامی برحق داشتن انرژی هسته ای و ۲۰ درصدی غنی سازی اورانیوم و تحریم های وسیع سازمان ملل بر علیه ایران موجب کم شدن تولیدات کارخانه ها و کارگاه های بزرگ، و بسته شدن بسیاری از کارگاه های کوچک و متوسط که منجر به اخراج صدها کارگر و بیکاری آنان شده است و از طرف دیگر شاهد پایین آمدن ارزش ریال و گرانی نیازمندی های عمومی و عدم توانمندی خرید کارگران، تهیدستان و کارمندان هستیم. در این چند سال اخیر فاصله طبقاتی در ایران افزایش یافته و هر سال دامنه آن گسترش می یابد.

بهزاد سازنده در تاریخ دوم آذر ماه ۱۳۹۱ به ایلنا گفت که بیش از ۶۵ واحد تولید چای در کشور به سبب سیاست گذاری های غیر کارشناسانه دولت در خرید برگ سبز از چای کاران، تعطیل شده اند. در شمال کشور هم اکنون ۱۱۵ کارخانه به صورت نیمه فعال در حال تولید با حداقل ظرفیت هستند. همچنین معاون اتحادیه کفاشان استان اصفهان، محمد نایب پور، در تاریخ ۲۰، ۴، ۲۰۱۳ اعلان کرد که سال ۹۱ با افزایش نرخ ارز و نرخ مواد اولیه بیش از ۵۰۰ کارگاه کفاشی در اصفهان تعطیل شده است. او گفت که ۴۰ درصد زیره کفش و مواد

اولیه که از اروپا و چین وارد کشور می‌شدند به طرز چشم‌گیری افزایش قیمت یافت که موجب افزایش ۶۰ درصدی به قیمت نهایی کفش شده و با کاهش قدرت خرید مردم روبروست. از حدود دیمه فعالیت کارخانه اتاقسازی ماهوت واحد سلیماس متوقف شده و ۵۰ کارگر آن بیکار شده‌اند و شماری از کارگران بیکار شده واحدهای تولیدی به اجبار به کارهای فصلی، از جمله کارهای ساختمانی روی می‌آورند. این‌ها نمونه‌هایی از وضعیت اشتغال در جمهوری اسلامی است.

شورای عالی کار، نمایندگان دولت و کارفرمایان و کارگران، در آخرین نشست خود در ماه اسفند ۹۱ مبلغ ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان را به عنوان دستمزد کارگران در سال آینده تعیین کرد. این رقم ۹۷ هزار تومان به دستمزد کارگران در سال گذشته افزایش یافته است. در حالی که بر اساس آمارهای رسمی، خط فقر یا هزینه تأمین حداقل نیازهای یک خانواده چهار نفری نزدیک به یک و نیم میلیون تومان برآورد شده است، این شورای تعیین مزد کمتر از یک سوم این مبلغ را به عنوان دستمزد کارگران در سال ۹۲ در نظر گرفته است. مسئول کانون انجمن‌های صنفی کارگران استان اصفهان با اعلام این مطلب به این‌ها گفت: دستمزد سال ۹۲ کارگران نسبت به سال گذشته ۲۵ درصد افزایش یافته که هیچ همخوانی و تناسبی با تورم موجود کشور ندارد.

مبارزه کارگران برای احقاق حق خود از سالهای ۱۳۶۰ برای رژیم جمهوری اسلامی به یک موضوع امنیتی تبدیل شده است و هر حرکت مستقل کارگری با دستگیری و زندان مواجه می‌شود. به گزارش العربیه در تاریخ ۲۸ خرداد ۹۱، نیروهای امنیتی با حمله مسلحانه به خانه‌ای که فعالان کارگری در آن گرد هم آمده بودند، حاضران را که ۵۰ نفر بودند، با ایجاد رعب و وحشت، با ضرب و شتم دستگیر کردند. فعالان کارگری از شهرهای مختلف ایران برای بحث و گفتگو جهت ایجاد یک شورای مستقل کارگری در خانه یکی از کارگران در کرج گرد هم آمده بودند. در اثر اعتراضات افکار عمومی جهانی و نهادهای کارگری و حقوق بشری، بسیاری از دستگیرشدگان در روزهای بعد آزاد شدند. ولی تعدادی از این فعالان از جمله غالب حسینی، خالد حسینی، بهزاد فرج‌اللهی، وفا قادری، علی آزادی، حامد محمودنژاد، شریف ساعد پناه و صالحی هنوز در زندانند. همچنان رسول بدایعی، عبدالرضا قنبری، پدram نصراللهی، محمد جراحی، رضا شهبابی و بسیاری دیگر از فعالان کارگری که در سالهای قبل دستگیر شده‌اند، همچنان در زندانند.

کارگران و زحمتکشان در مبارزات روزمرشان به تجربه در یافته‌اند که در این نظام نه تنها هر روز به فقر و بی‌حقوقی‌شان افزوده می‌شود بلکه این نظام نه می‌خواهد و نه می‌تواند به خواسته‌های برحقشان پاسخ دهد.

علیرغم تهدیدهای رژیم و جو امنیتی در سراسر ایران، کارگران در روز اول ماه مه امسال هم در کارخانجات و کارگاه‌های سراسر ایران گردهمایی برگزار خواهند کرد.

ما از خواست کارگران برای آزادی تشکیلات مستقل کارگری دفاع کرده و آزادی فوری همه فعالان زندانی کارگری را خواهانیم.

زنده باد روز اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان
کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین

Kupg_iran@yahoo.de

28.04.2013

**بیانیه اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران
به مناسبت اول مه ۲۰۱۳**

بر پایه اعلامیه رسیده به روز شمار کارگری آمده است که: در سالی که گذشت همزمان با تداوم بحران جهانی سرمایه داری، شاهد تعمیق و هر چه گسترده شدن سیاست‌های ریاضت اقتصادی و حمله به

دستاوردهای کارگران در سراسر جهان از جمله در جهان غرب بودیم. در اتحادیه اروپا، سرمایه داری یونان برای پنجمین سال متوالی به رشد منفی خود ادامه داد. در این کشور از آغاز بحران اقتصادی تا کنون میلیون ها نفر از کار بیکار شده اند، نرخ رسمی بیکاری به بیش از 27 درصد رسیده است. یعنی از هر سه نفر واجد کار یک نفر بیکار است. در همان حال کاهش دستمزد کسانی که هنوز بر سر کارند، همچنان ادامه دارد. کاهش شدید خدمات اجتماعی و رفاهی، اکثریت بزرگی از مردم یونان را به آستانه فلاکت رانده است. در اسپانیای بحران زده نیز نرخ رسمی بیکاری به 27 درصد رسیده و تعداد بیکاران از مرز 6 میلیون نفر گذشته است. طبق آمارهای رسمی در صد بیکاری بین جوانان به بیش از 50 درصد رسیده است. اقتصاد انگلستان برای چندمین سال متوالی با رکود روبرو بوده، و تعداد بیکاران این کشور به دو و نیم میلیون نفر افزایش یافته است. از آغاز بحران در اواخر سال 2007 تاکنون دستمزدهای واقعی در این کشور رسال سیر نزولی داشته است. در حالی که نرخ رسمی تورم از سوی بانک مرکزی 9/2 درصد اعلام شده، حداقل دستمزد، توسط دولت، تنها یک درصد افزایش یافت. اقتصاد فرانسه این دومین اقتصاد منطقه یورو زمین گیر شده و بیش از 3/5 میلیون نفر به بیکاری محکوم شده اند. در یک کلام اقتصاد منطقه پولی یورو و اتحادیه اروپا در رکود دست و پا می زند.

در مواجهه با رکود و بحران اقتصادی، طبقات حاکم، تقریباً در همه کشورها، با تداوم و تشدید سیاست ریاضت اقتصادی، یعنی خصوصی سازی، کاهش دستمزدها، بیکارسازیهای گسترده، و حمله به خدمات رفاهی و اجتماعی با همه توان در تلاش اند که بار بحران اقتصادی سرمایه داری را بر دوش طبقه کارگر و محروم ترین لایه های اجتماعی قرار دهند. در اروپای شمالی و در اسکانندیناوی بقایای دولت رفاه و همه دستاورد رفاهی که ناشی از دهها سال مبارزه طبقه کارگر بوده، مورد هجوم قرار گرفته و در معرض نابودی است. در مواردی حتی با تصویب قوانین ضدکارگری عملاً موانع جدی بر سر راه ایجاد و گسترش تشکلات کارگری قرار داده اند. از جمله میتوان به تصویب قانون ضدکارگری "حق کار" در ایالت میشیگان امریکا اشاره کرد که امکان تعمیم آن به ایالت های دیگر و نیز به کانادا وجود دارد. همه اینها به واقع به معنای اعلام جنگ آشکار طبقاتی از سوی طبقات حاکم علیه طبقه کارگر است.

در سال گذشته همچنین شاهد گسترش ابعاد سرکوب علیه کارگران و فعالین کارگری بودیم. یک نمونه به شدت وحشیانه و جنایت کارانه آن را در اگوست سال گذشته در آفریقای جنوبی دیدیم. پلیس تا دندان مسلح آفریقای جنوبی در برنامه ای از پیش تدارک دیده شده به دستور مقامات بالای دولتی، به کارگران اعتصابی معادن پلاتین ماریکانا هجوم برد و به روی کارگران آتش گشود. دهها معدنچی در این کشتار وحشیانه قتل عام شدند. بعد از قتل عام نیز به منظور سرپوش نهادن بر ابعاد جنایت و شکست دادن کارگران اعتصابی، شاهدان این کشتار و فعالین کارگری مورد تهدید و پیگرد قانونی قرار گرفتند. این کشتار وحشیانه نشان داد، که اگر چه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی برافتاد، اما بدلیل بقاء و حفظ سرمایه داری، کارگران همچنان و به شدت استثمار و سرکوب می شوند و آنگاه نیز که برای رسیدن به حقوق اولیه خود دست به اعتصاب و اعتراض می زنند توسط نیروهای سرکوبگر دولت سرمایه داری به قتل می رسند. قتل عام معدنچیان آفریقای جنوبی یک بار دیگر نشان داد در چهارچوب مناسبات استثمارگرانه سرمایه داری، کارگران و مردم محروم جهان به آزادی و برابری واقعی و به زندگی ای که در شان انسان باشد دست نخواهند یافت.

اما جنایت سرمایه داری و دولت های حامی این نظام، فقط به سرکوب و کشتار مستقیم کارگران محدود نمی شود. سالی که گذشت باز هم شاهد تداوم کشتار کارگران از بنگلادش و پاکستان تا دیگر نقاط جهان در کوره های آدم سوزی بودیم که نامش را محیط کار گذاشته اند. سرمایه داران به ویژه در حوزه های فوق ارزان نیروی کار با دولت هایی که جان کارگران برایشان کمترین اهمیتی ندارد، در ولع کسب سود بیشتر، با زیر پا گذاشتن حقوق اولیه کارگران، و عدم رعایت حداقل استانداردهای ایمنی محیط کار، موجبات کشتار عمومی کارگران در کارخانه ها و محیط های کار را فراهم می آورند.

آمارها نشان میدهد که بطور متوسط هر سال بیش از دو میلیون زن و مرد، جان خود را به دلیل حوادث و بیماری های مرتبط با کار، از دست می دهند. کارگران جهان، بطور متوسط هر سال با بیش از ۲۷۰ میلیون حوادث ناشی از کار روبرو هستند. در هر ۱۵ ثانیه یک کارگر در جهان، و یا ۶۰۰۰ کارگر در هر روز، بر اثر کار و یا حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست می دهند. تعداد کسانی که در اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست میدهند از تعداد کسانی که در جبهه های جنگ کشته می شوند، بمراتب بیشتر است.

اما جنایت های سرمایه داری جهانی و دولت های آن به همین جا خلاصه نمی شود. سیاست های جنگ طلبانه و درگیری های نظامی در بخشهای مختلف جهان و از جمله در منطقه خاورمیانه، هر ساله صحنه های هولناک از کشتار عمومی می آفریند؛ صحنه هایی که در آن کودکان، سالمندان و زنان و مردان غیرنظامی سلاخی و تکه تکه می شوند؛ و همه این جنگ طلبی ها و جنگ افروزی ها از سوی قدرت های سرمایه داری و رسانه های مزدور آنان بطور بی شرمانه "نبرد برای دموکراسی" و "آزادی" و "دخالت های پیشگیرانه و انسانی" نام می گیرد و توجیه می شود.

سرمایه داری جهانی در همان حال اصلی ترین عامل تخریب محیط زیست است. آلودگی هوا، آلودگی دریاها و رودخانه ها، تخریب جنگل ها و مراتع و گرمایش زمین، - که گفته می شود باعث خشک سالی ها در مناطقی و باران های غیر موسمی و سیلاب های بی سابقه و ویران گر در مناطق دیگر است- آینده انسان و دیگر موجودات زنده در کره زمین را در معرض خطر جدی قرار داده است.

در سالی که گذشت در ایران نیز شاهد تشدید مصائب فوق به اشکال گوناگون بودیم. سرکوب علیه طبقه کارگر ایران و حمله به سطح زندگی و معیشت کارگران تشدید شد. با وجود بی حقوقی مطلق طبقه کارگر ایران، از جمله عدم حق ایجاد تشکل مستقل و اعتصاب، رژیم جمهوری اسلامی ایران تصمیم گرفت که همان قوانین نیم بند خودش را نیز به زیان کارگران و برای تحمیل بی حقوقی بیشتر تغییر دهد. نمونه بارز آن پیشنهاد تغییر لایحه قانون کار است که امنیت شغلی کارگران را باز هم بیشتر مورد هجوم قرار می دهد و به کارفرمایان در استثمار بیشتر کارگران و اخراج دل خواهی آنان قدرت به مراتب بیشتری می بخشد.

فعالین کارگری همچنان در زندان بسر می برند و در سال گذشته تعداد دیگری از فعالین کارگری به جمع کارگران زندانی اضافه شد. تجمع ها و تشکل های کارگری مورد سرکوب بیشتری قرار گرفتند. مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در ماه ژوئن در کرج مورد هجوم وحشیانه قرار گرفت. در هفته های اخیر تعدادی دیگر از فعالین کارگری در کردستان دستگیر و زندانی شدند و بطور کلی صد ها کارگر مورد تعقیب، اذیت و آزار و نیز شکنجه واقع شده اند.

عدم پرداخت دستمزد ها توسط کارفرمایان همچنان ادامه و گسترش یافت. کارفرمایان به سادگی دستمزد دزدی کردند. تعداد قابل توجهی از کارگران ماهها و در پاره ای موارد بین یک تا دو سال است که دستمزد و مزایای شان را دریافت نکرده اند.

بحران اقتصادی در کشور و رکود در اکثر واحدهای تولیدی تشدید شده و بسیاری از مراکز تولیدی پایین تر از ظرفیت تولیدی خود فعالیت می کنند. امنیت شغلی میلیون ها کارگر در معرض خطر جدی قرار دارد. این در شرایطی است که 80 تا 90 درصد کارگران با قرار داد موقت به کار مشغولند و از امنیت شغلی واقعی بر خوردار نیستند. بیکاری گسترده و میلیونی نهادینه شده و به یک بلای مزمن اجتماعی تبدیل شده است. طبق آمارهای دولتی سه میلیون نفر در ایران بیکارند و نرخ بیکاری در میان جمعیت بین 15 تا 24 سال به 25 درصد رسیده است. آمار و ارقام واقعی اما بسیار گسترده تر از آمار رسمی است.

فقر و فلاکت تحمیل شده به کارگران و بطور کلی اکثریت مردم ایران و شکاف بین اقلیت ثروتمند و اکثریت مردم به حدی است که در تاریخ سی و چند سال اخیر سابقه نداشته است. میلیون ها خانواده به زیر خط فقر مطلق کشیده شده اند و از عهده تامین ابتدایی ترین نیازهای خود بر نمی آیند. در حالی که آمار دولتی، تورم سال گذشته را 32 درصد اعلام کرده، تورم واقعی بسیار بیش از 50 درصد است. در همین شرایط شورای عالی کار مرکب از نمایندگان کارفرماها، دولت و نمایندگان کانون شورای ها اسلامی کار - این تشکل دولتی ضد کارگر و وابسته به رژیم - در اسفند سال گذشته حداقل دستمزد سال 92 را بی شرمانه 487 هزار تومان تعیین کرد در حالی که خط فقر حداقل یک و نیم میلیون تومان در ماه می باشد.

تشدید سرکوب سیاسی و جو خفقان از یک طرف و تداوم سیاست های ریاضت کشی اقتصادی و در نتیجه گسترش بیشتر فقر و فلاکت و شیوع انواع ناهنجاری های اجتماعی از طرف دیگر، و در همان حال وجود انواع باند های مافیایی اقتصادی و فساد گسترده مالی و اداری، عملا شرایط زندگی را برای اکثریت مردم طاقت فرسا و تحمل ناپذیر کرده است.

از سوی دیگر تحریم اقتصادی ایران توسط دولت آمریکا و متحدین آن، بر وخامت اوضاع افزوده است. افزایش سرسام آور دارو و مواد غذایی یکی از عوارض این سیاست اقتصادی ضد انسانی است.

اما همه اینها را که بر شمرديم تمام واقعيت جهان امروز نيست. در مقابل اين هجوم گسترده به سطح معيشت و زندگي کارگران و مردم محروم، همه جا مقاومت و مبارزه در اشکال گوناگون وجود داشته است. در اروپا، اعتصاب هاي عمومي، و تظاهرات هاي بزرگ کارگري در يونان و اسپانيا، نمونه هاي برجسته واکنش طبقه کارگر و مردم به هجوم بوژوازي بوده است. کشتار معدنچيان اعتصابي توسط رژيم آدمکش آفريقاي جنوبي، باعث اعتراضات وسيع در آفريقاي جنوبي و نيز در اقصى نقاط جهان شد. دولت آفريقاي جنوبي و صاحبان معادن، اعتصاب معدنچيان را با آتش و خون پاسخ دادند، اما تداوم اعتصاب و همبستگي جهاني با معدنچيان اعتصابي باعث شد که آنان به بخشي از خواسته هاي خود دست يابند و کارفرما ها مجبور به افزايش 20 درصدی دستمزد ها شدند.

کشتار کارگران در آتش سوزي کارگاه نساجي در بنگلادش اعتراضات اجتماعي و فشار گسترده براي اقدامات قانوني را به دنبال داشت و کماکان کارزارهاي بين المللي عليه وضعيت فاجعه بار کارگران در بنگلادش فعال مي باشند. در تقابل با سياست رياضت اقتصادي انواع گوناگون جنبش هاي اجتماعي و تحركات راديکال در خيابانهاي جهان و در محيط هاي کار صورت گرفت. کارگران و تشکلات کارگري، سازمانها و نيروهاي مترقي و معترض، توحش شرکت ها و دولت هاي سرمايه داري و سياست هاي جنگ طلبانه آنها را به چالش کشيدند. در ايران با وجود تمام سرکوب ها، کارگران و فعال کارگري کماکان مقاومت کردند. اعتراضات و مبارزه کارگران به شيوه و اشکال مختلف، از اعتصاب گرفته تا تجمع و تظاهرات در مقابل نهادهای دولتي تا تهيه طومار براي افزايش دستمزد ها ادامه يافت. دستگيري، پيگرد قانوني و حبس فعالين کارگري توسط رژيم، نه تنها باعث مرعوب شدن آنان نشده بلکه بيان، نقد، و اعتراض آنها تيز و تند تر شده است.

با اين وجود مي دانيم که طبقه ما هنوز و کماکان غول خفته اي است که سرمايه داري تمام هم و غمش آن است که اين غول از جا بر نخيزد و توفان به پا نکند؛ و ميدانيم که جنبش کارگري جهاني با انواع و اقسام موانع عملي و نظري از درون و بيرون روبروست که بدون پرداختن به آنها نمي تواند هجوم گسترده سرمايه داري را خنثي کند و به سوي اهداف خويش گام بر دارد.

اتحاد بين المللي به عنوان يک کارزار همبستگي بين المللي کارگري، در آستانه اول ماه مه، روز جهاني کارگر، با اعتماد و اطمينان به درستي اهداف خود در حمايت از طبقه کارگر ايران و نيز در تقويت همبستگي جهاني کارگري، در سال پيش رو کماکان با تمام توان تلاش خواهد کرد. جنبش کارگري عليرغم نشيب و فرازهايش همچنان بزرگترين و عظيم ترين جنبش اجتماعي در جهان است. ما خود را بخش کوچکی از اين جنبش مي دانيم و در پيشروي آن به سوي اهداف اش که به چالش کشيدن و سرنگوني سرمايه داري جهاني است، ادای سهم خواهيم کرد.

زنده باد روز جهاني کارگر

زنده باد اتحاد و همبستگي جهاني طبقه کارگر

اتحاد بين المللي در حمايت از کارگران در ايران

۲۷ آوريل ۲۰۱۳

هفتم اردیبهشت ماه 1392

حمایت از کارگران ایرانی در مراسم روز جهانی کارگر در کانتون زولتورن سوئیس

مراسم روز جهانی کارگر در کانتون زولتورن سوئیس امسال با حمايت از فعالين دريند کارگري در ايران همراه بود.

اين مراسم که با همکاري اتحاديهی کارگري کانتون و حزب سوسياليت برگزار می شود، با يک راهپيمايي يک ساعته آغاز و سپس با سخنراني دبیر کل اتحاديهی کارگري کانتون زولتورن و حزب سوسياليسنت و نمايندگان کارگران جوان ادامه يافت. در طول مراسم عکسهايي از فعالين کارگري دريند در ايران در محل نصب و درطول تظاهرات نيز شعارهايي در اتحاد بين المللي کارگران همراه با حمل تصاویر کارگران زندانی سر داده شد.

سخنرانان با اشاره به بحران روزافزون سرمايه داري خواستار اتحاد طبقهی کارگر در مبارزه براي احقاق خود شدند.

در تمام طول مراسم شرکت کنندگان با اعلام همبستگی با کارگران و به خصوص فعالین کارگری زندانی در ایران پتیشنی را خطاب به عفو بین الملل برای اتخاذ اقدام فوری جهت آزادی شاهرخ زمانی، فعال کارگری دربند امضا کردند.

اول ماه مه روز طبقه‌ی کارگر و سمبل مبارزه‌ی این طبقه برای رهایی بشر از بردگی سرمایه و استثمار

اول ماه مه روز طبقه‌ی کارگر و سمبل مبارزه‌ی این طبقه برای رهایی بشر از بردگی سرمایه و استثمار است. اول ماه مه روز پرولتاریای انترناسیونالیست است که می‌داند تنها راه رهایی خود و بشریت "انقلاب پرولتری" بین‌المللی است. اول ماه مه کارگران پیشرو، متحد و متشکل، در برابر صفوف سرمایه‌داری آرایش می‌یابند تا جلوه‌ای از مبارزه‌ی طبقاتی برای براندازی نظام ستم و استثمار را به نمایش بگذارند. در سالی که پشت سر گذاشتیم گرداب بحران مالی سرمایه‌داری، بخش‌های بیشتری از دنیا را در خود فرو برد و میلیون‌ها کارگر و زحمتکش را به فقر و بیکاری و نداری بیش از پیش، پرتاب کرد و رکود اقتصادی برخی از کشورها از جمله یونان، اسپانیا و ایتالیا و ... را به شرایط انفجار خشم توده‌ها رساند، اما سرمایه همچنان برای سودزایی خود بار عظیم استثمار و ستم را بر گرده‌ی کارگران و توده‌های زحمتکش چین، هند، برزیل و بنگلادش و ... نهاده و برای عبور از این شرایط بحرانی از هیچ جنایتی فروگذار نیست. از غارت و چپاول منابع، تا تخریب محیط زیست، تا فوق استثمار برده‌وار و تا سرحد مرگ و ... تا جنگ‌افروزی‌های جنایت‌کارانه در خاورمیانه و شمال آفریقا برای مهار خشم توده‌ها و تغییر رژیم‌های محافظ سرمایه‌ی جهانی به نام مردم و به نفع سرمایه‌داری جهانی.

در سال گذشته ابعاد ویرانی و فقر در ایران هم گسترش غیرقابل باوری داشت. از هم پاشیدگی درونی هیأت حاکمه‌ی ایران از یک‌سو و فشارهای همه‌جانبه‌ی بین‌المللی از سوی دیگر باعث شده که روند رشد بحران در ایران سرعتی مافوق تصور داشته باشد. افزایش بی‌سابقه‌ی شکاف طبقاتی، نبود و کمبود مایحتاج اولیه‌ی مردم در اثر تحریم، تورم مهارنشده‌ی، تعطیلی‌های گسترده‌ی صنایع پایه‌ای و ورشکستگی کارگاه‌های کوچک و ویرانی کشاورزی از یک‌سو و رانت‌خواری و باندهای جناح‌های مختلف حکومت اسلامی بر سر سرمایه‌های کشور از سوی دیگر، پایه‌های اقتصادی و زندگی روزمره‌ی مردم را به "وضعیت بودن و نبودن" رسانده است. اقتصاد ایران که با زد و بندهای دولتی، نظامی و مذهبی به‌طور تمام و کمال در سرمایه‌ی جهانی تنیده است نیز با ویرانی زندگی کارگران، حقوق بگیران و اقشار تحت ستم، ضامن سودزایی سرمایه‌ی جهانی است. در چنین شرایطی است که علیرغم تضادهای درونی و بیرونی حاکمیت در آن شاهد این هستیم که ده‌ها فعال کارگری در زندان هستند، زندانیان زیادی در انتظار اجرای حکم اعدام هستند، فعالین سیاسی و بخش عظیمی از نیروی جوان و تحصیل‌کرده‌ی آن مجبور به خروج از کشور یا تحمل بیکاری در داخل کشور هستند، جوانان فقیر و عاصی با عناوین واهی اعدام می‌شوند، زنان بیش از پیش تحت ستم قرار می‌گیرند و ... نشان می‌دهد که تبعیض جنسیتی و فرودستی زنان، تبعیض نژادی، ملی، مذهبی و ... برای سرنگونی این حکومت به تضاد اصلی پرولتاریا و بورژوازی گره خورده است.

در سالی که پشت سر گذاشتیم طنین دل‌انگیز شورش‌ها و خیزش‌های کارگران، تهیدستان، زنان و جوانان و ... علیه نظم موجود را بلندتر از قبل شنیدیم هرچند انتظارمان برای به وقوع پیوستن یک انقلاب واقعی حاصلی نداد اما ما شاهد مقاومت و مبارزات مهمی در سرتاسر دنیا بودیم. اعتصابات و اعتراضات بزرگ کارگران و حقوق بگیران در شهرهای اروپا، خیزش زنان در مقابل مرتجعین اسلامی و غیراسلامی از خاورمیانه و شمال آفریقا تا هند، شورش کارگران مصر و تونس در برابر مرتجعین نظم کهن و ... نمونه‌های امیدبخشی هستند که این فضای تیره و تاریک را روشن می‌کنند اما کافی نیستند. در ایران نیز کارگران و زحمت‌کشان چاره‌ای ندارند به جز تشکل و وحدت حول آلترناتیوی که منافع حداکثری آنان را تامین کند. آلترناتیوی که مطالبات اولیه و منافع اساسی کارگران را به رهایی آنان از یوغ سرمایه و نظام سرمایه‌داری گره بزند. چنین آلترناتیوی نیاز به مبارزه‌ی آگاهانه، پیوند با دیگر جنبش‌های اجتماعی، ارتقای دانش و تئوری‌های انقلابی، اتحاد و همت بالای پیشروترین کارگران، روشنفکران طبقه‌ی کارگر و کمونیست‌ها دارد. نیاز به این پیشروان بتوانند افق انقلاب کمونیستی و دولت سوسیالیستی را برای کارگران و تمام توده‌ها تعریف، روشن و ترسیم نمایند. نیاز به این

دارد که این زنان و مردان پیشرو، هم‌طبقه و هم‌سرنوشت بتوانند میان قطب‌های پوسیده و ارتجاعی موجود؛ صفوف پراکنده‌ی کمونیست‌ها، سوسیالیست‌ها و نیروهای رادیکال و مترقی را متشکل سازند و موضع انقلاب را اتخاذ کنند. چنین موضعی فقط با مرزبندی قاطع با جناح‌های رنگارنگ رژیم اسلامی و با دخالت‌های نظامی و غیرنظامی امپریالیست‌ها جایگاه خود را در جامعه باز می‌کند. طبقه‌ی کارگر دو راه بیشتر ندارد: ادامه وضع موجود؟! یا تغییر انقلابی وضع موجود؟!

بنابراین در این روز در اتحاد با مبارزه‌ی طبقه‌ی بین‌المللی‌مان فریاد می‌زنیم:
پرولتاریا هیچ چیز برای از دست دادن ندارد جز زنجیرهای پایش!
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد اول ماه مه؛ روز جهانی کارگر!
زنده باد مبارزات کارگری در سراسر جهان!
زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی!
کمیته‌ی دفاع از مبارزات مردم ایران - بلژیک
کمیته‌ی جوانان بلژیک

0486484365

Youth Committee of Belgium

<http://committeebe.blogspot.com>

committeebe@gmail.com

مارش پرشور کارگران در اول ماه می ۲۰۱۳ در چهار گوشه‌ی ایران و جهان + عکس سایت خبری راه کارگر

جشن اول ماه می امسال در چهار گوشه ایران و جهان، به رزمی پرشور علیه سیاست‌های جهان‌خوارانه سرمایه داری تبدیل شد. در این مارش‌های کارگری، شعارها عمدتاً علیه سیاست‌ها و برنامه‌های ریاضت‌کشانه‌ی اقتصادی دولت‌ها بود که زندگی توده‌های کار و زحمت را نابود کرده و در آن سوی دیگر سرمایه داران و بانکداران و حامیان‌شان به سودهای کلان دست می‌یابند. اول ماه می امسال در حالی برگزار شده که صد‌ها کارگر زن و مرد در زیر آوار ساختمان هشت طبقه کارگاه‌های ریسندگی و بافندگی در داکا- بنگلادش جان دادند تا سودهای کلان سرمایه داران این کشور و کنسرن‌های بین‌المللی بیشتر و بیشتر شود. اما مارش کارگری امسال نشان داد که دوران سیاست‌های چپ‌اولگرانه سرمایه داری بسر رسیده است و مردم برای زندگی شایسته انسانی حاضر به تحمل این همه تحقیر و توهین و رنج و استثمار را نیستند. آن می‌دانند که «جهانی دیگر ممکن است». لینک این مطلب را در آرشیو سایت خبری راه کارگر ملاحظه نمایید

<http://rahekgargar.wordpress.com/2013/05/02/109860/>

خسته از بیان مشکلات زنان کارگر

برپایه خبر دریافتی در 12 اردیبهشت 92 آمده است: مسوول اتحادیه زنان کارگر سراسر کشور بالا رفتن نرخ بیکاری در کشور مهم‌ترین دلیل افزایش دوبرابری بیکاری زنان است؛ زیرا شرایط استخدام سخت شده، و فرصت‌های شغلی برای زنان و مردان برابر نیست. از سوی دیگر آمار زنان جویای کار به دلیل پایین آمدن سطح درآمد خانواده و کافی نبودن درآمدها افزایش یافته است. از آنجایی که نرخ بیکاری از روی آمار افراد جویای کار محاسبه می‌شود، نرخ بیکاری زنان دو برابر شده است. دختران و زنان زیادی برای کمک به اقتصاد خانواده به دنبال پیدا کردن فرصت شغلی هستند. این موضوع باعث می‌شود این زنان به دلیل نیاز مالی خانواده و نبود شغل مناسب مجبور شوند به درآمد کمتر، نداشتن بیمه تأمین اجتماعی و... بسنده کنند. حاصل آن چیزی می‌شود که در حال حاضر در کارگاه‌های کوچک و شرکت‌های پیمانکار می‌گذرد. در عین حال نظارت‌ها ضعیف

است و این زنان یا اطلاعاتی از حقوق خود ندارند یا در صورت مطلع بودن و مراجعه برای گرفتن حقوقشان به جایی که نمی‌رسند هیچ، شغل خود را هم از دست می‌دهند. به همین دلیل مجبور می‌شوند هر شرایط شغلی تن دهند و برای حداقل ناچیزی مشغول به کار شوند. در طول دولت نهم و دهم هم تنها وعده‌هایی ارایه شد که به تصویب نرسید و بر استخدام زنان اثر منفی روانی گذاشت. در حال حاضر با توجه به پایین آمدن ارزش پول ملی و رشد حداقلی حقوق‌ها و افزایش تورم، وضعیت معیشت جامعه کارگری بسیار بد است و در طبقه دوم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در این میان زنان وضعیت معیشت بسیار بدی دارند؛ چراکه باید با حقوق ناچیز زندگی را اداره کنند و واقعا در می‌مانند. به‌ناچار به حاشیه شهرها می‌روند و فاصله محل کار تا زندگی آنها روزبه‌روز افزایش می‌یابد. نتیجه آن چیزی است که در چهره زنان حاضر در مترو می‌بینیم؛ زنان افسرده خودخوری که شرایط سخت را تحمل می‌کنند تا زندگی آبرومندانه‌ای داشته باشند. در حال حاضر بزرگ‌ترین مشکل برای زنان داشتن شغل شرافتمندانه است. زنان بسیاری در خانه به پاک کردن سبزی، قالیبافی و... برای درآمد ماهیانه صد هزار تومان روی می‌آورند و درآمد سالانه یک میلیون تومان برای زنان قالیباف در حالی است که شعار عدالت با این غلظت در جامعه ادا می‌شود، اما خبری از اجرای آن نیست. در لایه‌های زیرین جامعه اتفاقات بدی در حال وقوع است که کسی آنها را نمی‌بیند و ما هم از بیان مشکلات این طبقات خسته شده‌ایم.

بزرگداشت مقام معلم شیرزاد عبداللهی . کارشناس آموزش و پرورش

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است : روز 12 اردیبهشت برابر با دوم ماه می میلادی، از جنبه تاریخی یادآور اعتصاب معلمان در اردیبهشت 1340 است. 52 سال پیش در این روز، ماموران شهربانی، به تجمع آرام معلمان در میدان بهارستان حمله کردند. یک معلم جوان به نام ابوالحسن خانعلی دبیر فلسفه دبیرستان جامی با گلوله مستقیم سرگرد ناصر شهرستانی، رییس کلانتری میدان بهارستان، به قتل رسید. این اتفاق منجر به اعتصاب ده روزه معلمان تهرانی شد. با اوج گرفتن راهپیمایی‌ها و اعتراضات معلمان و پشتیبانی دانشجویان و دانش‌آموزان، جعفر شریف امامی که در اسفند 39 از مجلس رای اعتماد گرفته بود، استعفا داد و شاه، سیاستمدار کهنه‌کار و اصلاح‌طلب، علی امینی را مامور تشکیل کابینه کرد. شاه علاقه‌ای به امینی و دیگر سیاستمداران قدیمی نداشت و تحت فشارهای داخلی و توصیه‌های رییس‌جمهور دموکرات آمریکا «جان. اف. کندی» برای انجام اصلاحات مجبور به انتخاب امینی شد. به دنبال این تغییرات معلمان با وعده افزایش حقوق توسط دولت جدید، به مدارس بازگشتند. اتفاق مهم دیگر، انتخاب محمد درخشش، رییس باشگاه مهرگان و نماینده معلمان معترض، به عنوان وزیر آموزش و پرورش بود. کابینه علی امینی که با شعار مبارزه با فساد اداری روی کار آمده بود، بعد از 14 ماه سقوط کرد و با انتخاب اسدالله علم به نخست‌وزیری، فضای نسبتاً باز سیاسی که بعد از 28 مرداد 32 بی‌سابقه بود، جای خود را به دیکتاتوری فردی شاهانه داد. علاوه بر وابستگی به دربار، نیروهای مخالف رژیم مانند حزب توده و جبهه ملی دوم، با طرح مطالبات فراتر از توان دولت و ایجاد سوءظن به دولت امینی، باعث بی‌ثباتی اوضاع و تضعیف دولت شدند. اما 12 اردیبهشت چگونه روز معلم شد؟ معلمان تهرانی که هر روز در مقابل باشگاه مهرگان در خیابان لاله‌زار حاضر می‌شدند، در اجتماع چند هزار نفری خود در روز دوشنبه 18 اردیبهشت سال 40، در قطعنامه‌ای روز 12 اردیبهشت را به مناسبت شهادت ابوالحسن خانعلی روز معلم اعلام کردند. هزاران نفر از معلمان بعد از پایان این تجمع برای برگزاری مراسم شب‌هفت مرحوم خانعلی روانه گورستان ابن‌بابویه در شهر ری شدند. با سقوط کابینه امینی، درخشش هم از وزارت فرهنگ کنار رفت. حوادث سال 40 ابتدا یک رویداد صنفی و محدود بود، اما به دلیل آمادگی فضای عمومی جامعه، تبدیل به یک جنبش سیاسی با پیامدهای مهمی مانند سقوط کابینه و انحلال مجلسین شورا و سنا شد. بعد از سقوط کابینه امینی و روی کار آمدن اسدالله علم که خود را با افتخار، غلام خانه‌زاد شاه می‌نامید، باشگاه مهرگان تقریباً تعطیل شد و دیگر اجازه برگزاری جلسات و تجمعات خیابانی به معلمان ندادند. با باز شدن فضای سیاسی در سال 56، تعدادی از معلمان که هنوز خاطرات سال 40 را در حافظه خود ضبط کرده بودند، کوشیدند که اتحادیه صنفی معلمان را تشکیل دهند، اما موفق نشدند. با گسترش فضای انقلابی در کشور،

معلمان نیز مانند کارگران و اقشار دیگر تمایلی به تشکیل کانون‌ها و انجمن‌های صنفی و غیرسیاسی از خود نشان ندادند.

در دو سال آخر رژیم سابق و به‌خصوص در سال 57 تنها گفت‌وگوهای سیاسی در سطح جامعه گفت‌وگوهای انقلابی برای سرنگونی رژیم شاه بود. در پاییز همین سال، انجمن اسلامی معلمان به همت بزرگانی مانند محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر تشکیل شد.

انجمن اسلامی در واقع وظیفه سازماندهی معلمان برای فعالیت‌های سیاسی و برپایی نظام جمهوری اسلامی را بر عهده داشت. با آغاز اعتصاب معلمان در آبان 57 پتانسیل عظیم معلمان و دانش‌آموزان در خدمت انقلاب قرار گرفت. در نخستین بهار آزادی و در آخرین ساعات روز 11 اردیبهشت 58، آیت‌الله مرتضی مطهری استاد دانشکده الهیات با شلیک گلوله تروریست‌های گروه فرقان به شهادت رسید. شخصیت فرهنگی و آموزشی استاد و تقارن شهادت او با روز 12 اردیبهشت باعث شد که روز معلم به عنوان یک مناسبت انقلابی در تقویم بعد از انقلاب ثبت شود. با تثبیت و آرام شدن فضای مدارس در نخستین سال‌های انقلاب، روز معلم تبدیل به مناسبتی رسمی و آیینی شد که توسط مقامات آموزش و پرورش برگزار می‌شود و معلمان نقش کمرنگ و حاشیه‌ای در برگزاری این روز برعهده دارند. برای اجرای مراسم «هفته معلم»، هر ساله ستادی به نام «ستاد بزرگداشت مقام معلم» در وزارتخانه و ادارات آموزش و پرورش تشکیل می‌شود. مهم‌ترین برنامه‌های این روز انتخاب «معلمان نمونه» و آوردن آنها به تهران و دیدار با مقامات کشور و اهدای جوایزی به آنها و برگزاری هزاران جلسه سخنرانی توسط مسوولان آموزش و پرورش است. در این جلسات، معلمان اغلب نقش شنونده را دارند. برخوردهای رمانتیک و بیان سخنان و تعبیرات تکراری در وصف مقام معلم؛ برای اغلب معلمان خوشایند نیست. در واقع مسوولان از مقام موجودی انتزاعی سخن می‌گویند که شباهت چندانی به معلمان واقعی که زیر بار تورم نفس‌شان به شماره افتاده است ندارد. هدایایی هم که در سطح مدرسه توسط دانش‌آموزان یا مدیران مدارس به معلمان داده می‌شود، از نگاه بسیاری از معلمان تحقیرکننده است.

معیشت کارگران ایران در 8 سال گذشته

برپایه مطلب رسیده به روز شمارکارگری در تاریخ 12 اردیبهشت 92 به نوشته فاطمه جمال‌پور آمده است: گزارش‌ها از تعطیلی 1200 واحد تولیدی در سال 90 خبر می‌دهد، برآورد می‌شود در سال 91 هم تعداد واحدهای تعطیل شده بیش از این باشد، در سال‌های 89 و 88 هم 700 و 500 واحد تولیدی تعطیل شده‌اند. آمارها از میانگین بیکاری سالانه 200 هزار کارگر هشت سال اخیر حکایت می‌کند.

30 ماه حقوق معوقه، تعدیل 200 کارگر، بازخرید کارگران، شش‌ماه حقوق معوقه، تعدیل 70 درصد نیروها، سه سال حقوق معوقه، 20 ماه حقوق معوقه و مزایا و عیدی سال 86 تاکنون، بلا تکلیفی و بیکاری کارگران، ضعف مدیریت، بدهی به بانک‌ها، تامین اجتماعی، استفاده از مرخصی اجباری و... از جمله نکاتی است که در هنگام ورق زدن لیست شرکت‌ها و واحدهای بحران‌دار سال 90-91 به چشم می‌خورد که خود مشتکی است نمونه خروار. اما تنها اینها نیست، در سال‌های اخیر تورم نسبت به افزایش حقوق کارگران شتابی فزاینده داشته چنانچه در سال گذشته رشدی بیش از دوبرابری پیدا کرد. اینها در کنار افزایش قیمت مسکن سبب غذایی خانوارهای کارگر را از مواد مغذی بیش از پیش تهی کرد و آنها را به حاشیه شهرها راند و کار به آنجا رسید که کارگران در زمینه میزان افزایش حقوقشان به دیوانعالی عدالت اداری شکایت کرده‌اند اما سرپرست وزارتخانه تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این زمینه گفت: در رابطه با بحث شکایت، بیشتر جنبه‌های فرعی و رسانه‌ای کار دنبال می‌شود، چون در صورتی شکایت قابل طرح است که ما فرآیند تعیین دستمزد را به صورت قانونی انجام نداده باشیم، ما در این بخش هر چیزی را که عین قانون بوده، اجرا کردیم و برخی کارگران هم حقوق یک تا دومیلیونی دریافت می‌کنند.

حسین محجوب، دبیرکل خانه کارگر و نماینده مجلس درباره روند فزاینده بیکاری کارگران، تعطیلی کارخانجات و تاثیر این اتفاقات بر معیشت کارگران به سوالات «شرق» پاسخ گفته است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید: ارزیابی‌تان از وضعیت معیشت کارگران و خانواده‌هایشان در پایان عمر دولت دهم چیست؟
با توجه به اینکه همه دنیا توانسته‌اند تورم را کنترل کنند و تورم بیماری‌ای است که در همه دنیا ریشه‌کن شده است با این حال در منطقه، کشور ما بالاترین تورم را دارد این در حالی است که 10 سال پیش در صدر جدول

قرار نداشتیم و یکی از علت‌های این امر، این است که تمهیدات تورمی بوده است، به جای اینکه ضد تورم باشد. در سنوات گذشته تا 20، 30 سال پیش تورم، بیماری ناشناخته اقتصادی بود؛ راه‌های سخت برای کنترل آن وجود داشت، اما الان راه‌ها برای مقابله با تورم بسیار آسان شده اما از همین راه‌های آسان پرهیز می‌شود و تمهیدات به کار رفته به جای مقابله با تورم، تورم‌زا بوده است. بنابراین در چنین شرایطی، وقتی تورم نقطه به نقطه مرکز آمار 40 درصد می‌شود یعنی کارگران 40 درصد قدرت خرید از دست می‌دهند، این در حالی است که حقوق کارگران تنها 18 یا 19 درصد افزایش یافته و این یعنی کارگران حدود یک‌سوم از قدرت خرید خود را از دست می‌دهند؛ در نتیجه باید هر سال به مواد خوراکی ارزان‌تر روی بیاورند، پوشاک ارزان‌تر بخرند، خانه‌های ارزان‌تر بگیرند و به حاشیه شهرها رانده می‌شوند. در حال حاضر جفت و جور کردن دخل و خرج کودکان، نایب می‌خواهد. این در حالی است که درخواست کارگران اجرای بند یک ماده 43 قانون است یعنی پرداخت حقوقی برابر با نرخ تورم.

از سوی دیگر از زمان اجرای هدفمندی یارانه‌ها، فشار برای پرداختن معیشت متناسب با تورم روی کارگران افزایش یافت، در حالی که یارانه به‌عنوان سیاست جبرانی پرداخت می‌شود و ارتباطی به تورم ندارد. شکایت کارگران به دیوانعالی عدالت اداری به کجا رسید؟

این شکایت به نظر ما قانونی است و باید رسیدگی شود. مجلس هم به نظر ما علاوه بر دیوانعالی عدالت اداری باید رسیدگی و اعلام نظر کند حقوق‌ها باید حداقل 31 درصد و برابر با نرخ تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی افزایش یابد.

وضعیت اشتغال و بیکاری در این هشت سال چگونه بوده است؟ آیا شما آماری دارید که بگوید چه تعداد واحد تجاری و کارگاه در این هشت سال تعطیل شده است؟

از سوی دولت در سال‌هایی اعلام شده که اشتغال زیادی ایجاد شده است و این در حالی است که حداقل در آمار تأمین اجتماعی این افزایش دیده نمی‌شود. نمی‌توانیم بگوییم این اشتغال ایجاد نشده اما آمار رسمی مرکز آمار هم تنها کاهش یک‌دهم درصدی بیکاری را نشان می‌دهد و با توجه به برداشت سوپی که باعث شد استاندارد اشتغال را از یک روز به یک ساعت تقلیل دهند، نرخ بیکاری بسیار بیشتر از این است که در حال حاضر اعلام می‌شود. یکی از مشکلات در زمینه اشتغال، اقدامات غیرکارشناسی در زمینه اعلام نرخ اشتغال است. در سال 88 دولت درخواستی به واحدهای تولیدی نوشت مبنی بر اینکه شرکت‌هایی که می‌خواهند استمهال بطلبند درخواست خود را اعلام کنند و چهارهزار واحد درخواست استمهال کردند پس بنابراین حداقل چهارهزار واحد مدعی هستند وضعیتشان بد است. آمار واحدهایی که در شرف تعطیلی هستند یا تعطیل شده‌اند در سال 90 حداقل 1200 واحد بود. در سال‌های 88 و 89 هم 700 و 500 واحد تولیدی تعطیل شده‌اند. همچنین تخمین زده می‌شود در سال 91 آمار واحدهای تعطیل‌شده یا در شرف تعطیلی تشدید شده است و در این سال‌ها سالانه 200 هزار کارگر شغلشان را از دست داده‌اند.

علت این موضوع را چه می‌دانید؟

بی‌توجهی به صنعت و تولید علت این موضوع است. در گذشته و تا سال 80 اگر یک واحد تولیدی تلنگر می‌خورد کار به هیات دولت و شورای اقتصاد می‌کشید، اما در حال حاضر، قطار قطار واحد تولیدی تعطیل می‌شوند اسمی هم برده نمی‌شود؛ کارخانجات پرآوازه الان مثل مرده‌های بی‌نشان شده‌اند. سرعت مرگ و تعطیلی کارخانجات به دلیل بی‌توجهی به مساله تولید، بیش از تولید بوده است. تولید ملی هرروز از سفرها و سبب خرید خانوار غیب می‌شود و این در حالی است که باید از تولید حمایت شود و واحدهای تولیدی وضع بسیار نگران‌کننده‌ای دارند.

آیا گزارشی از وضعیت معیشت کارگران بیکار شده دارید؟

کارگران با سابقه تا 36 ماه می‌توانند از بیمه بیکاری استفاده کنند اما در مجموع، کارگران بیکار شده وضعیت دشواری دارند، چراکه در حال حاضر گوشت، مرغ و ... از سفره کارگران شاغل هم غیب شده است. رشد فزاینده بیکاری در حالی اتفاق می‌افتد که قانون بیکاری مسکوت مانده و صندوق بیمه بیکاری تأمین اجتماعی به این صندوق، بدهی‌های زیادی را تحمیل کرده است. بر اساس آمار تأمین اجتماعی، کارگران جمعیتی 10 میلیونی دارند که این 10 میلیون نفر به اتفاق خانواده‌هایشان جمعیتی 39 میلیون نفری را تشکیل می‌دهند و این یعنی دخل و خرج نیمی از جمعیت کشور با هم نمی‌خواند. بررسی مقایسه‌ای «شرق» از درصد افزایش حقوق و نرخ تورم سال‌های 76 تا 91 نشان می‌دهد تا سال 86 همواره درصد افزایش حقوق، بیش از تورم بوده

است. در سال 87، درصد افزایش حقوق و نرخ تورم برای اولین بار در این سالها برابر شد و البته در سالهای 90 و 91 نرخ تورم افزایش بیش از دوبرابر درصد افزایش حقوق یافت و این در حالی بود که هیچ سیاستی برای حمایت از کارگران اتخاذ نشد. اینها همه در حالی است که سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره بازبودن پرونده تعیین حداقل دستمزد سال جاری و اینکه چه تغییراتی قرار است در مزایای جانبی کارگران برای سال جاری اعمال شود؟ گفت: حداقل دستمزد تعیین شده برای سال جاری کف حمایتها است و ما کارگرانی داریم که به لحاظ نوع تخصص و مهارتی که دارند بین یک تا دومیون تومان حقوق دریافت می کنند. سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پاسخ به سوال دیگری درباره شکایت صورت گرفته از سوی برخی گروه های کارگری درباره تخلف در تعیین حداقل دستمزد 487 هزار و 125 تومانی سال جاری، گفت: در رابطه با بحث شکایت، بیشتر جنبه های فرعی و رسانه ای کار دنبال می شود، چون در صورتی شکایت قابل طرح است که ما فرآیند تعیین دستمزد را به صورت قانونی انجام نداده باشیم، ما در این بخش هر چیز که عین قانون بوده را اجرا کردیم. عباسی، تاکید کرد: با اینکه کار تعیین حداقل دستمزد امسال، انجام شده باز هم در اینجا قانون باید برای ما مشخص کند و چیزی نیست که از جای دیگری آمده باشد. دیوان عدالت اداری در صورتی کار را بررسی می کند که نرخ تعیین شده باشد و آن نرخ پرداخت نشود و خلاف آن صورت گیرد، نه اینکه نرخ تعیین و ابلاغ شده، هر سال نیز همین گونه بوده و حال به این صورت درآمده باشد. ما باید راه های دیگری را برای حمایت از کارگران پیدا کنیم. سرپرست وزارت رفاه تنها به ذکر یافتن راه هایی دیگر برای حمایت از کارگران بسنده کرده است و وعده ای که مشخص نیست کی، چگونه و با کدام اعتبارات تامین می شود اما هر چه هست این وعده ها برای هزارها کارگر بیکار شده و خانواده هایشان و دیگر کارگران نان نمی شود و باید دید دیوان عدالت اداری در بررسی شکایت کارگران چه حکمی صادر می کند و آیا رشد ناچیز حقوق کارگران بالاخره به پای تورم می رسد؟

عضو سابق شورای عالی کار: شکایت به دیوان، مانع سایر اعتراضات قانونی به مزد نیست

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال کارگری در اصفهان با اشاره به ثبت شکایت نمایندگان جامعه کارگری در دیوان عدالت اداری علیه دستمزد سال جاری، گفت: کارگران باید در کنار شکایت خود با انجام فعالیت های صنفی، پی گیر مطالبه قانونی خود باشند.

«اصغر برشان» با بیان اینکه ابطال مصوبه مزدی شورای عالی کار، مهم ترین مطالبه کارگری در روز جهانی کارگر بود، به ایلنا گفت: شکایت کارگران بر تخلف وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و شورای عالی کار در تعیین افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد در سال جاری علاوه بر اینکه از سوی مراجع قانونی طی مسیر می کند از سوی سایر مراجع و نهادها همانند کمیسیون اصل 90 مجلس نیز قابل پی گیری است.

عضو سابق شورای عالی کار ضمن غیر قانونی خواندن مصوبه شورای تعیین مزد، افزود: دولت قبل از طرح شکایت نمایندگان کارگری در دیوان عدالت اداری باید دو مسیر اجرایی و قانونی که یکی «افزایش کمک هزینه مسکن کارگران» و دیگری «اختصاص سبد کالای یارانه ای» است را برای تامین معاش کارگران در مصوبه مزدی در نظر می گرفت.

دبیر خانه کارگر اصفهان در ادامه با بیان اینکه کارگران منتظر واکنش دولت به مطالبات خود هستند، گفت: راه نخست برای تصحیح دستمزد، افزایش بر اساس نرخ تورم است و راه دوم تعیین دستمزد بر اساس سبد حداقل معیشت است.

این فعال کارگری با تاکید بر اینکه اتحاد کارگران باید در همه جوانب حفظ شود، اظهار داشت: همه شاکیان حقیقی و حقوقی که با طرح دعوی بر علیه مصوبه ناعادلانه دستمزد، به دیوان عدالت اداری شکایت کرده اند

علاوه بر اینکه باید در جریان روند رسیدگی به پرونده خود باشند، در کنار شکایت خود ساکت ننشسته و اعتراض خود را از طرق مختلف قانونی به گوش مسئولان برسانند.

برشان افزود: با توجه به اینکه مصوبه شورای عالی کار مخالف قانون کار است و در شرایط سخت تورمی قادر به تامین زندگی کارگران نیست، همچنان خواستار ابطال بخشنامه فوق و برگزاری مجدد جلسه شورای عالی کار بر مبنای رعایت اصل سه جانبه گرایی و با رویکرد «افزایش واقعی» هستیم.

به گفته این فعال کارگری، کارگران در کنار شکایت خود در دیوان عدالت اداری، با طرح مسائل واحد صنفی در خصوص افزایش کمک هزینه مسکن و اختصاص سبد کالا و بن کارگری از طریق نمایندگان مجلس و رسانه‌ها، می‌توانند حقوق مسلم صنفی خود را پی‌گیری کنند.

پایان پیام

حکم اخراج سه فعال کارگری "شرکت واحد" تایید و قطعی شد

با رای هیات حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال غرب تهران یکی از فعالان مستقل صنفی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از کار اخراج شد. بنا به گزارش ایلنا، "حسن سعیدی" از رانندگان شرکت واحد تهران که ۱۳ سال سابقه کار در این شرکت را دارد، در حالی با رای هیات حل اختلاف اداره کار اخراج شد که تمامی سه عضو گروه کارگری هیات حل اختلاف با اخراج وی مخالف بودند. صدور این حکم اخراج در حالی است که چندی پیش دو نفر دیگر از کارگران شرکت واحد به نامهای "وحید فریدونی" و "ناصر محرمزاده" نیز با حکم هیات حل اختلاف به ترتیب پس از ۹ و ۱۴ سال کار در این مجموعه از کار اخراج شده بودند. به گفته سعیدی دلیل اخراج او و فریدونی حضور در اجتماعی بود که پاییز سال گذشته از سوی گروهی از کارگران شرکت واحد به منظور پیگیری وعده مسئولان شهرداری در خصوص افزایش مزایای نقدی کارگران این شرکت در مقابل ساختمان شهرداری برگزار شد. وی با بیان اینکه حکم اخراج ناصر محرمزاده نیز به دلیل انجام فعالیت‌های صنفی پیش‌تر صادر شده بود، افزود: هرچند پس از این اجتماع مطالبات مربوط به دستمزد و حق مسکن کارگران شرکت واحد طبق مصوبه شورای شهر افزایش یافت اما مسئولان شرکت واحد او و دیگر همکارش را از کار تعلیق کردند. به گفته این راننده شرکت واحد، هیات حل اختلاف به استناد نظر موافق و مثبت کمیته انضباطی و شورای اسلامی کار شرکت واحد، اخراج وی و دیگر همکارش را تایید کرده است. سعیدی در عین حال با یادآوری اینکه در سالهای گذشته وی به اتفاق دیگر همکاران اخراجی‌اش در مراجع تشخیص و حل اختلاف وظیفه دفاع از حقوق کارگران را برعهده داشته‌اند، گفت: بعید و دور از ذهن است که یک کارگر با وجود آشنایی با قوانین مرتکب چنان تخلف بزرگی بشود که شورای اسلامی کار و کمیته انضباطی به عنوان نهادهای مدافع کارگران، اینگونه با اخراج او موافقت کنند. سعیدی همچنین از نحوه رسیدگی این پرونده در هیات‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار انتقاد کرد و گفت: در نحوه روند تشکیل جلسات هیات‌حل اختلاف، حضور الزامی تمامی اعضا و اتخاذ تصمیمات از برخی جهات مغایر با قانون بود و باعث اجحاف حقوق قانونی ما شد. وی در عین حال گفت: از آنجا که ما معتقدیم که هیچ تخریفی انجام نداده‌ایم نسبت به رای صادره اعتراض کرده و از طریق مراجع قانونی برای بازگشت به کار خود اقدام خواهیم کرد.

تنها اهرم ما برای گرفتن حق و حقوق اعتراض و اعتصاب است

به نوشته سایت ایران کارگر پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ آمده است: یک فعال کارگری: برای اعتراض به مصوبه حداقل مزد از اهرم‌های اعتصاب و اعتراض نیز استفاده می‌کنیم. هفته گذشته «سهراب فنبری» و «فتح الله بیات» به ترتیب به عنوان «حقوق‌دان و فعال کارگری در منطقه صنعتی غرب تهران» و «رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمان‌کشور»، به بحث و تبادل نظر در رابطه با مزد ۹۲، پیامدهای زیان بار آن برای جامعه کارگری و سرنوشت شکایت از مزد در دیوان عدالت اداری پرداختند.

رقم تعیین شده برای دستمزد کارگران در سال ۹۲ با واکنش شدید کارگران و در ادامه تشکلهای مستقل و رسمی کارگری رو به رو شده است. تا به امروز حداقل ۶ تشکل کارگری از شکایت به دیوان عدالت اداری در اعتراض به نقض معیارهای قانونی تعیین مزد سال جاری خبر داده‌اند. ناظران از این مساله به عنوان «نقض شکایت علیه مزد نا عادلانه» یاد می‌کنند.

تعدادی از رانندگان تاکسی بیستم تهران اعتصاب کردند

به نوشته سایت ایران کارگر در روز پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۲ آمده است: تعداد زیادی از تاکسیرانان شرکت تاکسی بیستم تهران روز سه شنبه ۱۰ اردیبهشت در اعتراض به تخلفات این شرکت مقابل دفتر مدیرعامل تاکسیرانی تهران داخل سازمان تاکسیرانی تجمع کردند. این رانندگان با تجمع در مقابل دفتر مدیرعامل تاکسیرانی تهران از مظفر درخواست کردند تا به مشکلاتشان در خصوص پرداخت حق شارژ اضافی پاسخ داده شود. خواسته این تاکسیرانان پرداخت حداقل شارژ آبانماه بود. این اعتراضات پس از ساعتها تجمع با حضور نماینده مدیرعامل و وعده‌های مکرر برای حل و فصل آنها خاتمه یافت. طبق قانون مصوب شورای اسلامی شهر تهران رانندگان تاکسی بیستم دار و یا تلفنی، مجازند طبق قانون مصوب ۱۰ درصد از درآمد خود را بابت شارژ آبانماه پرداخت کنند. بنابراین رانندگان معترض درخواست شرکت تاکسی بیستم بیش از این میزان است و حال آنکه این حق شارژ به ازای خدمات باید به آنان داده شود در حالی که این شرکت هیچ سرویسی به آنان ارائه نمی‌دهد.

کارگران نانویی ۲۵ درصد افزایش دستمزد فروردین را دریافت نکردند

برپایه خبر رسیده در ۱۱ اردیبهشت ۹۲ آمده است: هزار کارگر نانویی اصفهان ۲۵ درصد افزایش دستمزد خود در فروردین ۹۲ را دریافت نکردند. کارفرمایان نانویی ها اعلام کردند تا زمانی که افزایش قانونی نرخ نان از سوی دولت اعمال نشود قادر به پرداخت ۲۵ درصد حقوق کارگران خود در سال جدید نیستند.

ادامه اعتراض اعضای شرکت تعاونی مسکن تعمیرکاران اتومبیل سنندج

برپایه خبر دریافتی آمده است: صبح روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت تعمیرکاران معترض سنندجی به همراه زن و بچه‌های خود در زمین‌هایی که پیشتر وعده‌ی واگذاری آنها به تعمیرکاران داده شده بود حضور یافته و به وسیله لودر و گریدر اقدام به تسطیح این اراضی کردند. پس از حضور معترضین شهردار و مأمورین شهرداری و همچنین نیروهای یگان ویژه انتظامی در محل اعتراض حضور یافتند و قریب به ۶۰۰ نفر از تعمیرکاران معترض شهرک تعمیرکاران سنندج و خانواده‌هایشان، نیروهای انتظامی و مأموران شهرداری را از زمین‌های خود بیرون کردند. این زمین‌ها در پشت میدان تره‌بار سنندج واقع شده است. یکی از تعمیرکاران معترض اعلام کرده: "حدود ۱۲ سال پیش، شرکت تعاونی تعمیرکاران سنندج مبلغ یک میلیون و نیم وجه نقد را جهت واگذاری زمین از تعمیرکاران اخذ کرده، اما تا کنون از واگذاری این زمین‌ها خودداری کرده‌اند". پیشتر نیز تعمیرکاران معترض با چندین بار تجمع اعتراضی در مقابل استانداری و فرمانداری نسبت به عدم این واگذاری اعتراض خود را اعلام کرده و هر بار وعده‌های مسئولین روبرو شده بودند. تعمیرکاران معترض به همراه خانواده‌هایشان تا ساعات ۹ شب حاضر به تخلیه زمین‌های مذکور نشده‌اند.

جان باختن يك کارگر در اثر ریزش سنگ

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: هفته گذشته کارگری در شهر جدید پردیس جان خود را در اثر ریزش سنگ در معدن از دست داد. این کارگر نامش علي کاکانهال و از کارگران تخصصی محسوب میشود.

زمان حادثه وی در تونل فاز 9 و 11 شهر جدید پردیس در حین فعالیت در داخل تونل بدلیل ریزش سنگ دچار آسیب دیدگی جدی در ناحیه سر گردید و جان خود را از دست داد

اخراج و بیکارسازی

در آستانه روز جهانی کارگر نمایندگی ایران خودرو دهگلان، تمامی پرسنل خود را اخراج کرد اتحادیه آزاد کارگران ایران: در آستانه روز جهانی کارگر، نمایندگی ایران خودرو در دهگلان (سنندج) به علت لغو نمایندگی خود از طرف ایران خودرو تمامی پرسنل خود را اخراج کرد. در این نمایندگی ایران خودرو، ۱۰ نفر کارگر مرد و ۲ زن کارگر مشغول به کار بودند که هر کدام میانگین دارای ۲ سال سابقه کار در این مکان را داشتند به نقل از کارگران این نمایندگی به آنان پیشنهاد شده است تا از این به بعد به صورت آزاد و پیمانی، با این کارفرما ادامه ی کار دهند. ولی کارگران این پیشنهاد را نپذیرفتند و همگی قرار است امروز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت برای تنظیم شکایت از کارفرما به اداره ی کار شهرستان مربوطه مراجعه کنند ویژه دستگیری و اعتراضات علیه دستگیری فعالین کارگری

بازداشت جلیل محمدی و حامد محمودی نژاد

به گزارش رسیده، جلیل محمدی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در سنندج پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت توسط مامورین امنیتی دستگیر شده است. همچنین از ساعت ۸ شب پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی در شهر سنندج ناپدید شده است و تاکنون خبری از وی در دست نیست و احتمالاً نامبرده هم دستگیر شده است. حامد محمودی نژاد در ۱۷ اسفند ۹۱ در آستانه ۸ مارس دستگیر شده و به تازگی با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردیده بود. همچنین جلیل محمدی در ۲۶ خرداد ۹۱ در مجمع عمومی کمیته ی هماهنگی در کرج دستگیر شده بود و بعد از حدود ۲ ماه بازداشت با حکم يك سال تعلیقی آزاد گردیده بود. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن محکوم کردن دستگیری این فعالین خواهان آزادی فوری آنان و همچنین آزادی غالب حسینی، علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

بیانیه ۷۸- تفهیم اتهام به شاهرخ زمانی کارگر زندانی: توهین به رهبری

صبح امروز ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، ماموران زندان گوهردشت کرج، شاهرخ زمانی، کارگر زندانی در این زندان را به بهانه‌ای به دفتر زندان کشانده و او را به زور سوار اتومبیلی کرده و به شعبه‌ی بازپرسی عمومی و انقلاب واقع در پارک‌شهر تهران منتقل کرده‌اند. بازپرس بر پایه‌ی گزارش دو نفر از زندانیان اتهام توهین به رهبری را به وی تفهیم کرد. شاهرخ زمانی در دفاع از خود اتهام وارده را رد کرده و خطاب به بازپرس گفته است، این‌که شما بر پایه‌ی گزارش دو جاسوس و در روز جهانی کارگر مرا به این‌جا کشانده‌اید و این اتهام واهی را بر من وارد می‌کنید، خود نشانه‌ای محکم است از این‌که چطور در خدمت سرمایه‌داران بوده و علیه کارگران هستید. وی گفت این اقدام شما در واقع پایوش دوختن دوباره برای من و برای سرکوب بیش‌تر طبقه‌ی کارگر است. ماموران زندان در بازگشت از دادگاه، شاهرخ زمانی را به مدت دو ساعت به بند قرنطینه و سپس به بند ۴ سالن ۱۲ زندان گوهردشت منتقل کرده‌اند. شایان ذکر است دختر شاهرخ زمانی صبح امروز برای ملاقات با پدرش به زندان گوهردشت مراجعه کرده بود که ماموران در پاسخ او گفته بودند پدرت این‌جا نیست و او را به دادگاه برده‌اند. وی در پی شنیدن این خبر دچار نگرانی و اضطراب شدیدی می‌شود که با اعلام همبستگی گسترده‌ی سایر زندانیان و خانواده‌های آنها مواجه شد. کمیته‌ی حمایت از شاهرخ زمانی این اقدام کارگزاران رژیم را ابزاری برای اعمال سرکوب هر چه بیش‌تر طبقه‌ی کارگر دانسته و ضمن محکوم کردن این پرونده سازی واهی، تمامی فعالین کارگری و انسان‌های آزادی‌خواه و انقلابی را برای اقدام متحد علیه اقدام غیر قانونی و غیر انسانی جمهوری اسلامی فرامی‌خواند. پیش به سوی اتحاد بیش‌تر برای فشار بیش‌تر! پیش به سوی اعتراضات گسترده‌تر با شعار! کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد! کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

نا امنی محیط کار ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار در بخش ساختمان

سال گذشته ۹۹۶ حادثه ناشی از کار در استان خراسان رضوی رخ داد که حدود ۵۰ درصد این حوادث در بخش ساختمان اتفاق افتاده است.

حقوق و دستمزدهای پرداخت نشده ادامه تعویق مطالبات کارگری در «نساجی درخشان» و «پوشش گستر» کارخانه نساجی درخشان هم اکنون حدود ۳۰ کارگر دارد که عمده این کارگران از سال ۸۳ تا کنون مطالبات خود را نگرفته‌اند. محل این کارخانه در پی تغییر ساختار منتقل شده و هم اکنون مشغول فعالیت است. این واحد تولیدی در زمینه دوخت انواع روکش صندلی خودرو برای یکی از شرکت‌های بزرگ خودروسازی فعالیت داشت که به ظاهر در پی اختلاف با این شرکت و بدهی معوقه به سازمان تامین اجتماعی و نظام بانکی، از فعالیت آن کاسته شده است. هم اکنون تعداد کارگران این واحد تولیدی از ۴۰۰ نفر به ۴۰ نفر کاهش یافته است، باقیمانده کارگران این واحد تولیدی نزدیک به یک سال حقوق و مزایای معوقه طلبکار هستند.

تاخیر ۱۰ ماهه در پرداخت حقوق کارگران فضای سبز شوشتر

در حالی که شکایت کارگران علیه مزد ناعادلانه به صدر اخبار رسانه‌ها رسیده است و کارشناسان اقتصادی تامین معاش خانواده‌های متوسط چهار نفره را با دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی، ناممکن ارزیابی می‌کنند، کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری شوشتر طی ده ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند.

مزد و معیشت کارگران و گرانی سرسام آور

گزارش زیر از یکی از اطاق‌های فکری مجلس است. اینروزها از گوشه‌های مختلف صداهایی از طرف مزدوران جمهوری اسلامی و آیت الله‌ها شنیده میشود. ما بارها در اینرابطه گزارش و "گفتمان" های این مزدوران غارتگر را منعکس کرده ایم. گزارش زیر در مورد دوره جدید تك نرخی شدن ارز و افزایش قیمت ها است. (ك.ك) در حالی که تعیین مزد ۴۸۷ هزار تومانی برای سال جاری جامعه کارگری را در تامین کالاهای اساسی زندگی با مشکل رو به رو کرده است، بررسی تک نرخی شدن ارز از سوی کمیسیون تلفیق مجلس نهم شورای اسلامی نگرانی کارگران را افزایش داده است. در همین رابطه يك استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفتگو با ایلنا، تک نرخی شدن ارز را منجر به افزایش ناگهانی قیمت کالاهای اساسی زندگی دانست که زندگی را برای کارگران دشوارتر می‌کند. مهدی تقوی در این باره گفت: ثابت شدن نرخ دلار، قیمت کالاهای اساسی زندگی را به یکباره افزایش می‌دهد. وی در ادامه تک نرخی شدن ارز را به معنای افزایش قیمت دلار دانست و افزود: هم اکنون کالاهای اساسی مانند دارو با دلار ۱۲۵۰ تومانی وارد کشور می‌شوند. این اقتصاددان با بیان این مطلب که «قیمت دلار در اتاق معاملات ۲۵۰۰ تومان و نرخ آزاد آن به بیش از ۳۵۰۰ تومان می‌رسد» بیان کرد: با این شرایط مشخص است تک نرخی شدن دلار به معنای افزایش قیمت دلار دولتی است و کالاهای اساسی زندگی نیز با دلار گران وارد کشور می‌شوند. وی در تشریح دلیل این اقدام احتمالی گفت: به دلیل تحریم‌های گسترده غرب علیه ایران، دلار کم آمده است و این کمبود باید به گونه‌ای جبران شود. برای همین نیز دلار را با قیمت بیشتری به مردم می‌فروشند تا هزینه‌های جاری دولت تامین شود. این کارشناس اقتصادی در پایان از تفکرات نتولیرالیستی حاکم بر دولت و مجلس فعلی انتقاد کرد.

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در بند کار-درمانی زندان مرکزی تبریز

بنا به گزارش رسیده به کمیته‌ی حمایت از شاهرخ زمانی، دیروز، مصادف با روز جهانی کارگر، محمدجراحی‌کارگر زندانی در بند کار - درمانی زندان مرکزی تبریز برای هم‌بندان خود که هم‌هشان در زندان، کارگر می‌کنند، مراسمی در گرامی داشت اینروز برگزار کرد و از زندانبه‌همه یکارگران، زحمت‌کش‌انوبه‌ویژه به رفیقش شاهرخ زمانیسلامودرودفرستاد.

بند کار - درمانی زندان مرکزی تبریز یکی از بندهای سه‌گانه‌ی متادون این زندان است که زندانیان به طوری غیر انسانی در آن استنثار می‌شوند. زندانیان این بند روزانه ۸ ساعت در کارگاه زندان کار کرده و در ازای آن تنها ۲ هزار تومان دست‌مزد دریافت می‌کنند در حالی که تولیدات آن‌ها به فروشگاه‌های بزرگ در مناطق مرکزی تبریز مانند چهارراه آبرسان به قیمت هنگفت فروخته می‌شود.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/2/12

گرامی داشت اول ماه مه روز جهانی کارگر در شهر سقز

بر اساس گزارش رسیده به سایت کمیته ی هماهنگی ... آمده است : امروز 11 اردیبهشت ماه ساعت 4 بعدازظهر، جمعی از کارگران و فعالین کارگری در شهر سقز، مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کردند. با توجه به تهدید های مکرر فعالین کارگری در شهر سقز، کارگران و فعالین کارگری در 5 کیلومتری شهر سقز در منطقه "کافی جشنی" اقدام به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر کردند. قبل از برگزاری مراسم مامورین اطلاعاتی طی تماسی با محمد عبیدی پور مجددا با تهدید خواستند که از برگزاری مراسم ممانعت بعمل آورند اما کارگران و فعالین کارگری مراسم مستقل خود را برگزار کردند. مراسم در حالی برگزار شد که مامورین تمام منطقه را به محاصره خود در آورده بودند و به کارگران تذکر داده شده بود که ما شما را با دوربین تحت کنترل داریم و باید سریعاً منطقه را تخلیه کنید. مراسم با شادباش روز جهانی کارگر و پخش شیرینی در میان حاضرین به پایان رسید. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-12 اردیبهشت 1392

راهپیمایی اجیر شدگانی تحت عنوان کارگر

به نوشته سایت ایران کارگر -در روز کارگر 11 اردیبهشت 92 آمده است : در شهرکرد نیروهای حکومتی نفراتی را تحت عنوان کارگر جمع کرده و به اصطلاح یک راهپیمایی دولتی تحت پوشش صدها پلیس انجام داد . در این راهپیمایی تعداد 60 نفر تحت عنوان کارگر که همه آنها از بسیجی های بدنام بودند با چفیه در راهپیمایی شرکت کردند . از طرف معاون استاندار احمدی نژاد بعنوان هدیه بهر کدام از این 60 نفر يك کارت داده شده که حاوی مبلغ 100 هزار تومان بود که بتوانند از بانک ملت بگیرند . این در حالیست که بیش از 90 درصد کارگران استان چهارمحال حقوق معوقه دارند و یا حقوقی دریافت نکردند. برای اینکه کرسی ریاست جمهوری را بگیرند پول و حقوق حقه کارگران را به جیره خواران می دهند.

مراسم روز کارگر در شهرستان پاوه و شهرهای هم جوار نوسود، نودشه گرامی باد روز جهانی کارگران

به نوشته سایت کمیته ی هماهنگی ... آمده است : کارگران و فعالین کارگری، هم طبقه ایهای تحت ستم! همچنان که آگاهید امروز در شرایطی به پیشواز روز کارگر رفتیم که بحران اقتصادی سیاسی و اجتماعی عمیقی که سرمایه داری ایجاد نموده است عرصه زندگی را بر کارگران دشوارتر نموده و ویرانگریهای جبران ناپذیری را بر ما تحمیل نموده اند. علیرغم همه شرایط سختی که بر ما روا داشته اند ما کارگران و فعالین کارگری شهرستان پاوه و شهرهای همجوار به اطلاع می رسانیم همگام با همه کارگران جهان این روز را به شکلی توده ای برگزار نمودیم. کارگران و فعالین کارگری با حضور خود در اکثر مراکز کارگری همچون خبازیها، کارگران رفت گر، برق و کارگران سد داریان و بخشی از کارگران ساختمانی و... ضمن گفتگو و احساس همدردی مشترک در مورد مسائل کارگری با پخش شیرینی این روز را گرامی داشته و با ابتکار خویش فضایی متحدانه و توده ای و طبقاتی را ایجاد نمودند. نظام سرمایه داری فکر می کند با تداوم سرکوب می تواند خواسته های کارگری را خفه نماید؛ اما واقعیت ها خلاف آن را نشان خواهد داد.

ضمن درود به همه هم طبقه ای هایمان، کارگران و فعالین کارگری شهرستان پاوه، قطعنامه روز کارگر کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را به تصویب رسانده و این ابتکار را با جشن وشادی به پایان رساندند.

جمعی از کارگران و فعالین کارگی شهرستان پاوه
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-12 اردیبهشت 1392

[HTTP://WWW.AZADI-B.COM/J/2013/05/POST_137.HTML](http://www.azadi-b.com/j/2013/05/post_137.html)

بیانیه ی جمعی از زندانیان بند ۲۵۰ درباره فساد در ساختار اداری زندان اوین

در شرایطی که در نتیجه ی اجرای بی امان سیاست های تعدیل ساختاری در قالب طرح هایی چون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ و طرح هدفمندی یارانه ها شاهد فقر و نگون بختی بخش های گسترده تری از جامعه به ویژه اقشار زحمتکش و کارگر در کشور می باشیم؛ و در حالی که هر روز مردم تحت فشار بیکاری فزاینده و تورم لجام گسیخته قدرت خرید خود را بیش از پیش از دست می دهند و پس انداز و دارایی های اندکشان که با هزاران امید و البته محنت فراوان اندوخته اند، در مقابل چشمانشان دود میشود و به هوا می رود و به خاک سیاه می نشینند، نظریه پردازان و مجریان طرح های خصوصی سازی و عاشقان سینه چاک بازار آزاد برای کنترل عواقب هولناک طرح هایشان راه حلی در چنته ندارند جز سرکوب و ارباب لعنت خوردگان و قربانیان این نظم ناعادلانه. حاصل پیشبرد سیاست هایی از این دست در دو دهه ی گذشته چیزی نبوده جز فقر و فلاکت برای انسان هایی که می توان انبوهی از آنان را در حاشیه ی شهر ها و در حالی یافت که از حداقل های یک زندگی انسانی از جمله حق اشتغال، آموزش، بهداشت و مسکن محرومند. سهم این بخش های به حاشیه رانده شده از اجتماع که از قربانیان اصلی آسیب های اجتماعی و جرایم سازمان یافته می باشند چیزی نیست جز برخوردهای خشونت بار و در نهایت جداسازی آنها از جامعه و جمع آوری تعداد بیشماری از آنها در زندانهای کشور.

ما جمعی از زندانیان سیاسی زندان اوین که همواره منتقد وضع موجود بوده ایم، و به همین اتهام هم در زندان می باشیم، شاهدانی هستیم بر بسط و گسترش این سیاست ها تا اعماق زندان های کشور؛ زندانیانی که به نوعی قربانی اجرای این سیاست ها در جامعه بوده اند، بار دیگر درون زندان ها مورد استثمار و بهره کشی و سرکوب از جانب مسئولین زندان و پیمانکاران متعدد بخش خصوصی قرار می گیرند.

چندی پیش در بازدید جمعی که خود را نمایندگان مردم معرفی می کردند و در گزارشی که متعاقب آن در رسانه ها منتشر کردند، زندان اوین را به عنوان هتل پنج ستاره توصیف نمودند، حال آنکه ما خود هر روز شاهد نقض گسترده ی حقوق زندانیان از سوی مسئولین زندان اوین می باشیم. غذای فاقد کیفیت زندان اوین که هر روز از روز پیش بدتر می گردد و تقریباً غیرقابل خوردن می باشد، شاهد خوبی است بر این مدعا. برخلاف آنچه در آیین نامه ی سازمان زندان ها تصریح شده در جیره ی غذایی زندان از میوه و سبزیجات تازه و تخم مرغ خیری نیست و گوشت به ندرت در غذاها یافت می شود و غالباً فاقد کیفیت و غیرقابل خوردن می باشد. با این که بارها کم و بی کیفیت بودن غذا توسط زندانیان و نمایندگان آنها کتبا و شفاهاً به مسئولین زندان اعلام گردیده است، تا کنون هیچ ترتیب اثر جدی ای به این ماجرا داده نشده است و کار به جایی کشیده که در این مدت اخیر چندین مورد سنگ و حتی میخ در غذای زندان مشاهده شده است.

در این بین برای زندانیان چاره ای نمی ماند جز تهیه ی مایحتاج حیاتی خود -از قبیل میوه، سبزیجات تازه، لبنیات و مواد پروتئینی- در حد وسیع و توان از فروشگاه زندان برای جلوگیری از مرگ تدریجی. اما فروشگاه زندان نیز وضع بهتری ندارد و به طور معمول اقلام بی کیفیت و در مواردی فاقد استانداردهای لازم را به چندین برابر قیمت عرضه می کند. در این مورد نیز شکایات متعدد زندانیان از اعمال خلاف قانون پیمانکار نزد مسئولین زندان اوین و حتی سازمان تعزیرات حکومتی راه به جایی نبرده؛ و جالب آنکه اخیراً زندانیان به خاطر پافشاری بر خواست های برحقشان نزدیک به دو ماه است که با عدم ارائه ی اجناس ضروری و مورد نیاز -که ذکر آن رفت- از سوی پیمانکار مواجه شده اند. این مسئله، کلیه ی زندانیان و به ویژه زندانیان بیمار و افراد مسن و کم درآمد را در

معرض خطر سوءتغذیه و تهدید جدی سلامتی‌شان قرار داده است. اما با تمامی این اوصاف اعتراضات زندانیان از یک سو و پیگیری های مستمر وکیل منتخب بند ۳۵۰ (جناب آقای سعید مدنی) از سوی دیگر، نه تنها باعث نشد تا مسئولان زندان رویه‌ی خود را تغییر دهند، بلکه با به رسمیت نشناختن آقای مدنی به عنوان وکیل منتخب زندانیان بند ۳۵۰ به بهانه‌ی اعتراض زندانیان نسبت به حوادث روز دوشنبه (۹۲/۲/۲) سالن ملاقات که موجب آزار و اذیت خانواده زندانیان شد، ایشان را به همراه ۹ تن دیگر از زندانیان به سلول انفرادی انتقال داده‌اند. در این بین مسئولین زندان اوین که به نظر می‌سد افسون پیمانکار، هوش از سرشان ربوده است با سکوت و عدم توجه به خواست های زندانیان سعی در تضمین سودهای میلیاردی پیمانکار دارند در مورد سلامت و بهداشت زندانیان نیز وضع به مراتب تکان دهنده است: پزشک عمومی طرف قرارداد زندان هر روز تعداد مشخصی از بیماران را ویزیت می‌نماید و افراد بسیاری که در زندان و به خاطر عوارض ناشی از آن دچار بیماری های جدی می باشند، باید با حال زار انتظار مراجعه‌ی نامعلوم پزشک متخصص را بکشند و به ناچار درد و رنج را تحمل نمایند. بگذریم که حضور دیرهنگام پزشکان متخصص نیز در اغلب موارد کمکی به درمان بیماری ها یا اختلالات زندانیان نکرده و بعضاً با تجویزهای غریب و نامربوط یا صرفاً تجویز مسکن‌های قوی همراه بوده است.

کلینیک داندانپزشکی زندان که فاقد هرگونه امکانات اولیه‌ی بهداشتی می‌باشد به جز برای کشیدن دندان برای سایر خدمات هزینه های گزاف طلب می‌کند، که در موارد متعددی علیرغم صرف هزینه‌های گزاف و خطر نگران کننده‌ی انتقال امراض خطرناک نتیجه بخش هم نبوده است؛ و طی بخشنامه‌ای که اخیراً صادر شده است زندانیانی که خواهان درمان در شرایط بهداشتی و مناسب می‌باشند چاره‌ای ندارند به جز درمان در یک مرکز دولتی که وضع بهتری از کلینکی زندان ندارد یا مراجعه به یک درمانگاه خصوصی طرف قرارداد زندان که اجمالاً این مرکز نیز جهت برخورداری از یک بازار وسیع و انحصاری به منظور ارائه‌ی خدمات نامناسب شامل الطاف ویژه مسئولین زندان اوین می‌باشد و بالعکس!

به راستی چه شده است که مسئولین زندان اوین تا این حد پیگیر وضعیت زندانیان شده‌اند و دائماً در جستجوی پیمانکارانی برای ارائه‌ی خدمات مورد نیاز زندانیان می‌باشند؟! زندانیانی که هیچگونه منبع درآمدی ندارند و خانواده‌های آنان برای گذراندن زندگی روزمره‌ی خود تحت فشارهای طاقت فرسا قرار دارند. با این تفاسیر پر واضح است که تمامی مسئولیت سلامت جسمی و روانی زندانیان برعهده‌ی سازمان زندان‌هاست و هیچ مسئولیتی -اعم از هزینه‌های تغذیه و بهداشت و درمان- متوجه خانواده‌های ایشان نیست (رویه‌ای که البته تا کنون به سبب فساد در سیستم اداری زندان اوین به گونه‌ای ناعادلانه بر دوش خانواده‌های زندانیان افتاده است؛ فسادی که مسبوق به سابقه می باشد و در این رابطه تاکنون چندین پرونده قضایی گشوده شده است که اخبار آن نیز در رسانه‌های عمومی منتشر شده). لذا ما اعلام می‌داریم کلیه‌ی عواقب ناشی از این شرایط متوجه مسئولین سازمان زندان‌ها و کلیه‌ی نهادهای ذی‌ربط می باشد. امضاءکنندگان به ترتیب: عبدالفتاح سلطانی، رضا شهبابی زکریا، سعید متین پور، فریدون صیدی‌راد، سعید جلالی‌فر، مهدی خدایی، یاشار دارالشفاء، سروش ثابت، سعید حائری، وحید علیقلی‌پور، داور حسینی وجدان. اردیبهشت ماه ۱۳۹۲
زندان اوین - بند ۳۵۰

سرمایه جنایتی دیگرآفرید! نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور

با فرارسیدن ماه مه حادثه‌ی دلخراش رخ داد که نه تنها جامعه بنگلادش را تکان داد بلکه انعکاس آن در سطح جهان تن‌ها را لرزاند و قلبها را بدرد آورد. این بار هم سرمایه جهانی در اتحاد با سرمایه داران بنگلادشی برای سود آوری هر چه بیشتر جنایتی را آفریدند که برگ دیگری از تاریخ سراپا ننگین سرمایه داری را رقم زد. روز چهارشنبه 24 آوریل، ساختمان چند کارخانه پوشاک در داکا پایتخت بنگلادش در اثرعدم استانداردهای ایمنی ریزش نمود، به هنگام ریزش ساختمان 3122 کارگر، که بیشتر آنها زن بودند، زیر آوار ماندند. کارگران کارخانه از عدم ایمنی محیط کار و ترکی که در ساختمان کارخانه ایجاد شده بود مطلع بودند. آنها ضمن اعتراض از وارد شدن به کارخانه سر باز زدند اما آنها با ارباب مزدوران سرمایه روبرو شده و آنها را به اخراج از کار تهدید نمودند و با اعمال زور آنها را به سر کار باز گرداندند. در این تراژدی که سرمایه عامدانه و آگاهانه برای سود

بیشتر آفرید تا کنون بیش از 400 نفر جان خود را از دست داده اند. بیش از 1000 نفر زخمی شده و هنوز تعداد زیادی زیر آوار دفن شده اند و تلاش برای نجات آنها ادامه دارد. بطور حتم تعداد قربانیان این حادثه دلخراش رو به افزایش است. در میان اینان عده ای جراحت شان شدید بوده و برخی از آنها دست و پا پایشان قطع شده است. ساختمان به نام صاحب آن محمد سهیل رعنا، «رعنا پلازا» خوانده می شود. در مجتمع رعنا 5 کارگاه دوزندگی پوشاک وجود داشت که از فروشگاه های زنجیره ای پوشاک است که برای کشورهای غربی از جمله: آمریکا، کانادا، انگلیس و اسپانیا.... سفارش می گرفتند و برایشان لباس صادر می کردند.

صاحبان این مجتمع رعنا دست در دست مقامات پلیس، فرماندهان نظامی، وزرا، نمایندگان مجلس و سایر مقامات توانسته اند از طریق استثمرت شدید کارگران صاحب میلیاردها دلار ثروت شوند. صاحبان این کارخانه با اتکاء به همین حمایت های ارگان های حامی سرمایه و سرکوبگر، اختارهای روزهای سه شنبه و چهارشنبه کارگران، مبنی بر وجود ترک در دیوارها را نادیده گرفتند و از طریق عوامل خود فروخته و با تهدید به اخراج، کارگران را وادار نمودند تا در محل های کار خود باقی بمانند. شواهد حاکی بر این است که ساعتی پیش از فروریختن ساختمان کارگران قصد خارج شدن را داشته اند، اما حامیان سرمایه با کمک مزدوران سرکوبگرشان ازخارج شدن کارگران ممانعت بعمل آورده اند.

دو روز بعد از این فاجعه دلخراش در حالیکه غم و اندوه سراسر داکا را فرا گرفته بود و میلیونها انسان در ناباوری از دست دادن عزیزانشان بسر می بردند. هزاران کارگرعلیه این اعمال ضد انسانی و کارگری جیره خواران سرمایه جهانی و شرکای رشوه خوار حامی سرمایه بنگلادش به خیابان های داکا ریختند. کارگران معترض کارفرما و تمام دستگاه فاسد حکومتی که از سرمایه های جهانی برای سودهی هر چه بیشتر از طریق استثمرت کارگران ارزان حمایت می کنند را مسئول فاجعه دانسته و خواهان دستگیری و مجازات رعنا و تمام شرکای آن در داخل حکومت هستند. این اولین بار نیست که چنین فاجعه دلخراشی در رابطه با طبقه کارگر بنگلادش اتفاق می افتد، سال گذشته بود که در کارخانه و سالن های «مد تزارین» در حومه داکا آتش سوزی مهیبی در گرفت. 111 کارگر زن در شعله های آتش سوختند و جان خود را از دست دادند. بنگلادش بعد از چین دومین تولید کننده پوشاک در جهان است. سرمایه داری جهانی از طریق سرمایه داری بنگلادش با استثمرت نیروی کار ارزان کارگران، سرمایه های نجومی اندوخته اند. این در حالی است که به هر کارگر کارخانه پوشاک بنگلادش در ماه 37 دلار در ازای 15 ساعت کار طاقت فرسا تعلق می گیرد، جنایتکاران سرمایه در نبود تشکلهای کارگری جان و هستی هزاران انسان را با تحمیل بدترین شرایط کاری و عدم رعایت استانداردهای ایمنی به سوی مرگ و نابودی سوق داده و می دهند.

میلیونها کارگر صنایع نساجی بنگلادش علیرغم دست زدن به مبارزات و اعتراضات وسیع به دلیل فقدان تشکل های طبقاتیشان قادر نشده اند کارفرمایان جنایتکار را وادارند تا مسایل ایمنی را در محیط کار کارگران رعایت کنند. دولت های سرمایه داری داخلی و خارجی از طریق کارفرمایان خود فروخته، مسبب این جنایات هولناک بشری هستند. در قبل چنین نیروی کار ارزانی است که سرمایه جهانی که این روزها با طرح های ریاضت اقتصادی شان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری جان و هستی کارگران را مورد تعرض قرار داده اند. طبقه کارگر بنگلادش برای مبارزه برعلیه این جنایات بشری که سرمایه داری برای انباشت بیشتر سرمایه آفریده است، با متشکل شدن و در اتحاد با طبقه کارگر جهانی خواهد توانست استثمرت شدید و حملات وحشیانه سرمایه داران داخلی و خارجی را متوقف نموده و استقلال طبقاتی خود را حفظ نماید.

مه 2013

مرگ بر سرمایه جهانی

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور

NHKOMMITTEHAMAHANGI@GMAIL.COM

HTTP://NAHADHA.BLOGSPOT.COM/

BOLTANXABERI@GMAIL.COM

HTTP://WWW.YOUTUBE.COM/USER/NAHADHAYHAMBASTEGY

دراول ماه مه روز جهانی کارگر 92 بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری وعضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری با گل و شیرینی به دیدار کارگران شهرک صنعتی حسن آباد فشافویه بزرگترین شهرک صنعتی در خاورمیانه، رفت.

دیروز یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده جنبش کارگری ایران در شهرک صنعتی حسن آباد تهران به دیدار کارگرانی رفت که در این روز مشغول کار بودند. بهنام در این دیدار ضمن تبریک روز کارگر با کارگران پیرامون برخورد کارفرمایان و دستمزدهای دریافتی و قانون کار و تشکل یابی و متشکل شدن گفتگو کرد. اکثر این کارگران از وضعیت دستمزدهای پایین و برخورد کارفرمایان و وضعیت بهداشت و فشارهای اقتصادی و تورم و گرانی سرسام آور و مشکلات کارگله مند و ناراضی بودند. بهنام با کارگران از چگونگی متشکل شدن برای رسیدن به خواسته های جامعه کارگری و اینکه شما کارگران باید به خوبی قانون کار خوانده باشید و آگاه باشید و متشکل شوید تا در مقابل کارفرمایانی که کارگران را مورد استثمار و اجحاف قرار میدهند بایستید، برای رسیدن به خواسته های طبقه کارگر تنها راهش متشکل شدن است، از نزدیک گفتگو کرد. بهنام ابراهیم زاده به هنگام دیدار با کارگران با گل و شیرینی به سراغ کارگران رفت. کارگران نیز به گرمی از این فعال کارگری استقبال کردند. همچنین دیروز فعال کارگری ابراهیم مددی به همراه دیگر اعضای سندیکای شرکت واحد و اتوبوسرانی تهران به دیدار کودکان کار و خیابان در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران رفتند.

روز کارگر "ی که گذشت"

کاظم فرج الهی

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 12 اردیبهشت 92 آمده است: یک صد و بیست و هفت سال از روز اعتراض کارگران شیکاگو گذشت. اعتراض به شرایط ظالمانه ای که بر کار و زندگی آنان حاکم بود و از جمله "طولانی بودن روز کار تا ده ساعت و بیشتر"؛ کارخانه ها را تعطیل کرده و به خیابان ها آمدند. اعتراضی که در روزهای اول تا سوم با هجوم پلیس و به قتل رساندن بیش از ده نفر و در روز چهارم پس از توطئه چینی عوامل سرمایه و ایجاد انفجاری مشکوک، صف های کارگران به گلوله بسته شد و تظاهرات مسالمت آمیز و خواسته های برحق کارگران مورد سرکوبی خونین و وحشیانه قرار گرفت. شمار زیادی کشته و مجروح شده و به زعم پلیس عده ای از سازماندهندگان اعتراض بازداشت و پس از محاکمه ای ظالمانه به اعدام محکوم شدند. کارگران شیکاگو و دیگر شهرهای آمریکا با هدایت و راهبرد تشکل ها و سازمان های خود و در راس آن ها "فدراسیون کار آمریکا" برای کاهش رسمی ساعات کار روزانه به هشت ساعت و انسانی شدن شرایط کار و زندگی شان، پیش از این، چهارده ماه سازمان یافته تلاش کرده بودند. هرچند این تلاش ها در آن زمان به ثمر نرسید و کارگران سرکوب شدند اما مبارزات آنان در سطحی جهانی ادامه یافت. کنگره پاریس که موسس

انترناسیونال دوم بود برای نکوداشت قیام اول ماه مه کارگران شییکاگو، در سال ۱۸۸۹ این روز را "روز جهانی کارگر" و "روز همبستگی بین المللی کارگران" نام گذاری کرد و از آن پس کارگران سراسر جهان به رغم تمام مخالفت های دنیای سرمایه داری در دوره های مختلف، به خیابان ها آمده این روز را جشن می گیرند. سرانجام در کنفرانس سال ۱۹۱۹ سازمان بین المللی کار که در واشنگتن برگزار شد مقوله نامه شماره یک این سازمان تصویب و بر قانونی و اجباری بودن روز کار هشت ساعته بطور رسمی مهر تایید زده شد. ماده بیست و سه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز که در دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید ضمن اشاره به حق همگان در داشتن کار و شغل مناسب بر این نکته تاکید دارد: هر کسی که کار می کند حق دارد مزد مناسب و رضایت بخشی دریافت دارد که زندگی او و خانواده اش را موافق حیثیت و کرامت انسانی تامین کند و...".

اما روز کارگران ایران در سال ۱۳۹۲ چگونه بود؟ کارگران "یکم ماه می" روز جهانی کارگر را در حالی پشت سر گذاشتند که:

یک) از داشتن هر نوع تشکل مستقل و آزاد کارگری محروم هستند. تشکل های (سندیکا، اتحادیه و...) مستقل کارگری در ایران وجود ندارد. چند تشکل کوچک هم که در چند سال اخیر به همت برخی از کارگران تشکیل شده به رسمیت شناخته نشده و زیر فشارها و محدودیت های بسیار قرار دارند. مسئولان و فعالان آن ها بازداشت و اخراج گشته و کارگران از عضویت در آن ها به شدت منع می شوند. بر اساس قانون کار موجود تنها دو نوع تشکل کارگری به رسمیت شناخته می شود: شوراهای اسلامی کار که جنبه ای ایدئولوژیک آن ها بر صنفی بودنشان می چربد و مهم تر آن که مختلط بوده حضور و رای نماینده مدیریت در آن ها اجباری است. دیگر تشکل رسمی انجمن های صنفی کارگری است. استقلال این انجمن ها حتی در شکل ظاهر هم به رسمیت شناخته نمی شود. بر اساس آخرین آیین نامه اجرایی تشکیل و فعالیت انجمن های صنفی مصوب هیات وزیران این انجمن ها حتی حق تنظیم اساسنامه هایشان را هم بطور مستقل ندارند؛ حضور و دخالت نمایندگان وزارت کار در مجامع عمومی و انتخابات هیات مدیره این انجمن ها برای به رسمیت شناخته شدن آن ها شرط لازم است.

دو) نتیجه ای نبود استقلال و آزاد نبودن تشکل های کارگری چنین می شود که برگزیدگان تشکل های رسمی در آخرین نشست شورای عالی کار در اسفند ماه ۱۳۹۱ مصوبه دستمزد را امضاء میکنند. طبق این مصوبه حداقل حقوق ماهیانه ای یک کارگر ایرانی ۴۸۶ هزار تومان تعیین شد. آمار و نظر کارشناسان معتبر گواه بر این است که در شرایط اقتصادی موجود و نبود نظارت کافی بر کارگاه ها بیش از ۸۰٪ کارگران حقوقی کمتر و یا بیشینه معادل این حداقل تصویب شده دریافت می کنند.

در شرایط کنونی و وضعیت و سطح قیمت کالای مصرفی، بررسی های میدانی و نظر کارشناسان بر این است که یک خانوار کارگری با این حقوق ماهیانه فقط ۱۰ روز آن هم در حد خط فقر و چه بسیار پایین تر از آن میتواند گذران کند! برای گذران بقیه روزهای ماه اگر اقبالی داشته باشد باید به اضافه کاری و انجام کارهای دوم و سوم پردازد در غیر این صورت یا باید از بسیاری از ضروریات اولیه زندگی صرف نظر کند و یا به کسب درآمدهای خلاف پردازد (متاسفانه). واقعیت این است که تصمیم و تصویب شورای عالی کار در مورد دستمزد سال ۱۳۹۲ نقض ماده ۴۱ قانون کار، خلاف اصل ۲۸ و ۲۹ قانون اساسی و در تضاد با ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مهمتر از همه برخلاف منافع مستقیم و حیاتی تمامی کارگران است. اگر این تشکل ها واقعا کارگری و مستقل هستند (که نیستند) چگونه برگزیدگان و نمایندگان این تشکل ها که در حقیقت باید وکلای کارگران باشند - که در حقیقت نیستند) چنین تصمیمی را تایید و امضا می کنند. با این توصیف کارگران ایران در عمل هنوز روز کار ۸ ساعته را هم ندارند. بیشترین شمار کارگران اگر اقبالی داشته باشند برای تامین یک زندگی نزدیک و یا در بهترین حالت در حد خط فقر مجبور به انجام کار بیش از ۸ ساعت و گاه دو شیفت در روز هستند و این پدیده خود بر دامنه بیکاری می افزاید.

سه) در نتیجه ای تسلط قراردادهای موقت کار، قراردادهای سفید امضا و حضور پررنگ های پیمانکاری بر بازار کار و افزون بر آن وجود جمعیت نزدیک به پنج میلیونی بیکاران، کارگران ایرانی از امنیت شغلی و پوشش حمایتی قانون کار محرومند. بدتر آن که گروهی در تلاش هستند با تغییر قانون کار به زیان کارگران همین پوشش و حمایت قانونی ولی ناچیز کنونی را باز هم کم رنگ تر کنند.

چهار) با افزایش هرروزه و سرسام آور قیمت دارو، هزینه های درمانی و خدمات بهداشتی و پزشکی و خارج

شدن شمار هر روز بیشتری از داروها و خدمات از لیست حمایت های بیمه ای تامین اجتماعی ، دسترسی کارگران به خدمات بهداشتی و درمانی هر روز کم و کمتر میشود. پیدایش و گسترش هرچه بیشتر بیمه های تکمیلی (بخوان بیمه های تحمیلی) دست آویز و توجیهی شده است برای کاهش خدمات و یا افزایش قیمت باز هم بیشتر خدمات بهداشتی و درمانی بیمه های اجباری!

این شماره ها و لیست موارد نابسامانی وضعیت موجود طبقه کارگر را با ارائه شواهد و مستندات همچنان می توان ادامه داد .

بیش از یکصد سال است که کارگران جهان در همه جا و همه کشورها در این روز کار را تعطیل کرده به خیابان ها می آیند و ضمن گرمای داشت یاد و خاطره شهدای این روز، کسب دستاورد های طبقه کارگر در سطح جهانی که نتیجه سالها مبارزه و پیگیری و جانفشانی بوده و بخشی از آن در قالب مقابله نامه های سازمان بین المللی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر متبلور و تا حدودی تثبیت شده است را جشن میگیرند و راه های رسیدن به وضعیت بهتر و جهانی سعادت مند انسانی تر را بررسی می کنند اما کارگران ایران هنوز از داشتن حق تشکل آزاد و مستقل، حق هشت ساعت کار روزانه ، دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و درمانی مناسب و کافی ، حق اعتصاب و حق آمدن به خیابان و برگزاری این جشن بین المللی محرومند.

تورم و مشکلات رانندگان خودروهای سنگین

به نوشته سایت ایران کارگر – 13- اردیبهشت 92 آمده است : یکی از شهروندان همدانی که راننده خودروهای سنگین است گفت : مشکلات مارانندگان که درمسیرهای طولانی تردد داریم زیاد ، وضعیت خرابیجاده ها که خطر جانی دارد یا بلحاظ امنیتی خطرناک شده است، یا گرانی سوخت و قطعات . دوسال پیش که 600هزارتومان کرایه میگیرفتم ، میتوانستم خرج خانه ام را تامین کنم و پس انداز هم داشته باشم اما الان با يك میلیون ودویست هزارتومان حتی خرج خانه را نمیتوانم تامین کنم چون عمده کرایه ای که میگیرم خرج سوخت و مسایل دیگر ماشین میشود . قبلا برای سوخت 20000 تومان میدادم اما الان همان مسیر را باید 220 هزارتومان پول سوخت بدهم ، یا تعویض روغن که مدتی پیش 95000 تومان بود ، شد 120000 تومان ، همه چیز قیمتش چند برابر شده است اما کرایه های ما ازپارسال تاکنون 300هزارتومان افزایش داشته که با تورم موجود و خرجی که برای ماشین میشود برای تامین هزینه های زندگی چیزی نمیمانند.

در این مملکت جاده ها امنیت ندارند

به نوشته سایت ایران کارگر -13 اردیبهشت 92 آمده است : یکی از رانندگان خودروهای سنگین گفت : وضعیت جاده هادراین مملکت ناامن است ، حتی نمیتوان برای استراحت درجاده توقف کرد در بعضی ازمحورها

که گردنه دارد، در حال حرکت هم از ماشین ها باربلند میکنند ، این وضعیت خوبی نیست و چنین کارها کمتر سابقه داشته است اما الان مردم چیزی ندارند و فقر بیداد میکند به این راه کشیده میشوند . این راننده بعضی از محورها را که در آنها ناامنی است برشمرد وگفت : محورهایی اهواز ، اندیمشك ، خرم آباد ، کرمانشاه و... رانندگان مشکل دارند ، این مملکت کارش به کجا رسیده که مردم به چنین وضعیتی کشیده شدند و روز بروز هم اوضاع بدتر میشود.

کارگران شرکت تعمیرات دیزل راه آهن مشهد در اعتراض به عدم دریافت حقوق اسفند ماه سال گذشته و همچنین عیدی

ایران کارگر -13 اردیبهشت 92- کارگران شرکت تعمیرات دیزل راه آهن مشهد در اعتراض به عدم دریافت حقوق اسفند ماه سال گذشته و همچنین عیدی و حقوق فروردین ماه 92 ، صبح 11 اردیبهشت دست به اعتصاب نامحدود زدند و در سر کار حاضر نشدند . بدنال آن تنشی که در اثر این اعتصاب در سیستم راه آهن مشهد ایجاد شد ، مقامات حکومتی ذیربط دستپاچه شده و از ارگانهای مختلف برای خاتمه دادن به این اعتصاب

دخالت کردند. سر انجام کارگران معترض پس از چك و تدقیق ادعاهای انجام شده مبنی در حل مشکلات کارگران در پرداخت دستمزد این کارگران، که به موفقیت دست یافته بودند حاضر شدند. سر کار برگردند. یکی از کارگران گفت بازهم اثبات شد که حق گرفتاری است.

تایید حکم اخراج سه فعال کارگری در شرکت واحد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 13 اردیبهشت 92 آمده است: با رای هیات حل اختلاف اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شمال غرب تهران یکی از فعالان مستقل صنفی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از کار اخراج شد.

به گزارش ایلنا، «حسن سعیدی» از رانندگان شرکت واحد تهران که ۱۳ سال سابقه کار در این شرکت را دارد، در حالی با رای هیات حل اختلاف اداره کار اخراج شد که تمامی سه عضو گروه کارگری هیات حل اختلاف با اخراج وی مخالف بودند. صدور این حکم اخراج در حالی است که چندی پیش دو نفر دیگر از کارگران شرکت واحد به نامهای «وحید فریدونی» و «ناصر محرمزاده» نیز با حکم هیات حل اختلاف به ترتیب پس از ۹ و ۱۴ سال کار در این مجموعه از کار اخراج شده بودند.

بنابر ادعای سعیدی دلیل اخراج او و فریدونی حضور در اجتماعی بود که پاییز سال گذشته از سوی گروهی از کارگران شرکت واحد به منظور پیگیری وعده مسئولان شهرداری در خصوص افزایش مزایای نقدی کارگران این شرکت در مقابل ساختمان شهرداری برگزار شد. وی با بیان اینکه حکم اخراج ناصر محرمزاده نیز به دلیل انجام فعالیت‌های صنفی پیشتر صادر شده بود، افزود: هرچند پس از این اجتماع مطالبات مربوط به دستمزد و حق مسکن کارگران شرکت واحد طبق مصوبه شورای شهر افزایش یافت اما مسئولان شرکت واحد او و دیگر همکارش را از کار تعلیق کردند.

به گفته این راننده شرکت واحد، هیات حل اختلاف به استناد نظر موافق و مثبت کمیته انضباطی و شورای اسلامی کار شرکت واحد، اخراج وی و دیگر همکارش را تایید کرده است. سعیدی در عین حال با یادآوری اینکه در سالهای گذشته وی به اتفاق دیگر همکاران اخراجی‌اش در مراجع تشخیص و حل اختلاف وظیفه دفاع از حقوق کارگران را برعهده داشته‌اند، گفت: بعید و دور از ذهن است که یک کارگر با وجود آشنایی با قوانین مرتکب چنان تخلف بزرگی بشود که شورای اسلامی کار و کمیته انضباطی به عنوان نهادهای مدافع کارگران، اینگونه با اخراج او موافقت کنند. سعیدی همچنین از نحوه رسیدگی این پرونده در هیات‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار انتقاد کرد و گفت: در نحوه روند تشکیل جلسات هیات حل اختلاف، حضور الزامی تمامی اعضا و اتخاذ تصمیمات از برخی جهات مغایر با قانون بود و باعث اجحاف حقوق قانونی ما شد. وی در عین حال گفت: از آنجا که ما معتقدیم که هیچ تخلفی انجام نداده‌ایم نسبت به رای صادره اعتراض کرده و از طریق مراجع قانونی برای بازگشت به کار خود اقدام خواهیم کرد.

اظهارات شرکت واحد:

در پی طرح این ادعا خبرنگار ایلنا در تماس با مسئولان شرکت واحد تلاش کرد تا صحت این ماجرا را جویا شود. احمدی از مسئولان روابط عمومی شرکت واحد با بیان اینکه در این شرکت هیچ کارگری بی دلیل اخراج نشده است گفت: افرادی که مدعی هستند اخراج شده‌اند، در تشکلی غیر قانونی به نام سندیکا فعالیت دارند. وی با یادآوری اینکه مطابق قانون کار هیچ تشکلی به نام سندیکا اجازه فعالیت ندارد، گفت: بنابراین چه در محیط‌های کار و چه در فضای رسانه‌ای مدیران نمی‌توانند چنین نهادی را به رسمیت شناخته و در قبال آن‌ها پاسخگو باشند.

در عین حال این مقام مسئول در شرکت واحد تاکید کرد که طبق قانون مدیران مسئول این شرکت خود را در قبال پاسخگویی به نهادهای قانونی متعهد و موظف می‌دانند. احمدی با بیان اینکه بطور کلی ایجاد و عضویت در تشکل غیرقانونی که باعث ایجاد تنش در محیط کار می‌شود برخورد قانونی می‌طلبد، گفت: در شرکت واحد با این افراد هیچ برخورد غیر قانونی صورت نگرفته و هیچ کسی اخراج نشده است.

وی افزود: ترک کار کسانی که مدعی احجاف حقوق خود هستند با رای کمیته انضباطی، تشخیص اداره کار و یا از طریق طرح‌های انگیزشی صورت گرفته است.

چهار میلیون جوان بیکار گزارش شده است

خبرگزاری حکومتی روز 13 اردیبهشت به نقل از زیك کارشناس حکومتی نوشت: در حال حاضر در کشور حدود چهار میلیون جوان بیکار وجود دارد که دو میلیون و 700 هزار نفر آنها تحصیلات لیسانس یا بالاتر داشته و مابقی نیز تحصیلات دیپلم و یا زیر دیپلم دارند.

تجمع کارگران شهرداری اهواز در مقابل دفتر پیمانکار

صبح امروز ۸۰ نفر از کارگران فضای سبز شهرداری منطقه دو اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات یک سال گذشته خود در مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری دست به تجمع زدند. یکی از کارگران حاضر در این تجمع به خبرنگار ایلنا گفت: صبح امروز کارگران خدماتی فضای سبز منطقه دو ناحیه ۳ شهرداری اهواز در اعتراض به معوقات حقوقی خود دست از کار کشیده و در پارک کوثر اهواز، مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان تجمع کردند. او افزود: در این تجمع کارگران خواستار پرداخت مطالبات قانونی خود همانند دو ماه حقوق اسفند (۹۱) و فروردین (۹۲) به همراه سنوات و عیدی سالهای ۹۰ و ۹۱ و پاسخ قاطع مسولان شرکت پیمانکاری «ساحل سبز خوزستان» در این زمینه شده‌اند. این کارگر اضافه کرد: پیمانکار این کارگران مدعی است قرارداد کارگرانی که دارای سوابق کار سه تا ۱۵ سال هستند ساختگی است و هیچ گونه مطالبه‌ای به کارگران ندارد و ادعاهای کارگران کذب است. همچنین این کارگر اظهار داشت: عدم پرداخت حق بیمه تعدادی از کارگران، حق لباس، عدم دریافت فیش حقوقی در ۱۵ سال گذشته از دیگر مطالبات کارگران فضای سبز شهرداری منطقه دو اهواز است. عدم دریافت حقوق محدود به کارگران فضای سبز شهرداری نیست. آقایار حسینی، دبیر خانه کارگر اهواز درباره مطالبات کارگران شهرداری اهواز گفت: حدود ۸۰ نفر از کارگران خدماتی فضای سبز منطقه دو شهرداری اهواز به دلیل عدم دریافت دو ماه حقوق و عیدی و سنوات سالهای ۹۰ و ۹۱ با پیمانکار خود دچار مشکل شده‌اند. این فعال کارگری با اشاره به مراجعه این کارگران به خانه کارگر برای پی‌گیری مطالبات‌شان، اضافه کرد: خانه کارگر هم طی جلساتی که با مسئولان شهرداری منطقه دو برگزار کرد به طرح مطالبات کارگران پرداخت اما علی‌رغم قول‌هایی که این مسئولان و کارفرمای شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان در خصوص پرداخت مطالبات کارگران دادند، کارگران شاهد اقدام عملی در جهت رفع مشکلات‌شان نبودند. او در خاتمه تصریح کرد: عدم دریافت حقوق مختص کارگران فضای سبز شهرداری اهواز نیست بلکه بسیاری از نیروهای خدماتی فضای سبز در سایر شهرداریهای استان نیز با مشکل عدم دریافت حقوق مواجه بوده و همیشه چندین ماه حقوق خود را با تاخیر دریافت می‌کنند.

نگاهی به زندگی «خاور» در شاهرود آهنگ چرخ خیاطی؛ شادی لباس زنانه

بر پایه مطلب رسیده آمده است: کوچه‌ها از بازی کودکان خالی نیست و هر دری که باز می‌شود، سه، چهار کودک قدونیم‌قد با وسیله‌های ارزان، بیرون می‌پرند تا مادرانشان در خلوت خانه، کاری از پیش ببرند. دکل‌های دیده‌بانی، سیم‌خاردهای حاشیه پادگان و کامیون‌ها و تاکسی‌های پارک‌شده، شکل و شمایل این کوچه‌ها را کامل می‌کند. اینجا شاهرود است. محله «مهدی‌آباد»، جایی که بومی‌ها به آن، «آخر سیم» می‌گویند. محدوده مردمان کم‌بضاعت و کودکان همیشه زخمی‌شده از در و دیوار. «خاور» خیاط قدیمی مهدی‌آباد است. تابلو خیاطی زنگ‌زده‌ای، در خانه‌اش را مشخص می‌کند ولی زنان محل همیشه نشانی‌اش را می‌گویند: انتهای کوچه بیستم، جایی که صدای چرخ سینگر می‌آید. خودش تعریف می‌کند: وقتی دختر بچه بودم همیشه دوست

داشتم دامن‌های رنگارنگ بپوشم که جنسش چیت‌گلداز بود و مادرم همیشه برای زنان فامیل می‌دوخت. کم‌کم از 10 سالگی شروع کردم به قیچی دست گرفتن و کشیدن الگوهای از دامن‌های مختلف و چسباندن آنها به یک دفتر بزرگ. هنوز این دفتر را دارم و هر وقت دلم برای مادرم تنگ می‌شود، آن را ورق می‌زنم. خلاصه از 20 سالگی، شده بودم خیاط محله‌مان و مرا با دوخت خوب برای دامن‌های مختلف می‌شناختند. به دلیل همین، خیلی‌ها هنوز ترجیح می‌دهند لباس‌های نامزدی و عروسی‌شان را من بدوزم چون برای زن‌ها شکل قرار گرفتن دامن لباس عروس خیلی مهم است. خاور درباره کارش توضیح می‌دهد: خانم دو اتاق دارد که یکی را برای خیاطی گذاشته‌ام. همه‌چیز در محله ما خیلی ساده است و من نمی‌توانم مثل خیاطی‌های بالاشهر شاهرود، هر وسیله گرانی را بخرم. همه چیزم همین‌هاست: سه قیچی، دو اتو، یک رگال جوشکاری‌شده برای لباس‌های آماده، کاغذهای الگو، سه عدد متر و تا دلتان بخواهد پارچه. شاید هم اگر کسی واقعا خیاط باشد همین‌ها کافی باشد. ما که یاد نگرفته‌ایم با کامپیوتر و مدل‌های اجق‌وجق مشتری‌ها را گول بزنیم. کارم را مردم تن‌همدیگر می‌بینند و می‌آیند پیشم. بیشتر وقت‌ها اسم کسی را می‌آورند که برایش لباسی دوخته بودم، آن وقت خودم کاملاً می‌دانم که مشتری‌ام چه مدل لباسی می‌خواهد.

او درباره احساسش به کار با پارچه‌ها و دوختن لباس برای زنان می‌گوید: چون مادرم را خیلی دوست داشتم و او همیشه لباس‌های بلند و چین‌دار و رنگی می‌پوشید، به این نوع لباس‌ها احساس خاصی دارم. انگار شکل مادرهاست، به خصوص اگر از جنس نخی یا چیت باشد. خلاصه من فکر می‌کنم پوشیدن لباس‌های خوب برای زنان خیلی اهمیت دارد. هرکدام از ما بالاخره بچه‌هایی داریم که باید حس مادری به آنها بدهیم و نمی‌شود نامرتب لباس بپوشیم یا اینکه همه‌مان قوم‌و خویش و دوستانی داریم که مرتب‌بودن و شخصیت و نجابت ما را از روی لباس‌هایمان می‌فهمند و هرچقدر زنانه‌تر لباس بپوشیم، قدیمی‌ها بیشتر خوششان می‌آید؛ مثلاً خود من اصلاً دوخت شلوار را قبول نمی‌کنم و می‌گویم زن باید در خانه، زنانه لباس بپوشد.

خاور به هزینه دوخت لباس‌های مختلف اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: بیشترین هزینه مربوط به دوخت لباس عروس می‌شود که ۲۰۰ هزار تومان می‌گیرم. البته به صورت قسطی، چون بیشتر مشتری‌های لباس عروس از روستاهای اطراف، مثل میامی، پویه، کوهان و بکران می‌آیند و نمی‌توانند همه هزینه را یکجا بدهند. من هم با آنها کنار می‌آیم چون کار عروس خیر و برکت می‌آورد و مهم نیست همه پولش همان اول دستگیرت شود. او می‌گوید: از وقتی شوهرم را از دست دادم، دستانم با چرخاندن دسته چرخ خیاطی پول درآورد، یک دخترم را عروس کرده‌ام و با خریدن یک چرخ خیاطی جدید، دیگر غمی ندارم. روزی من و بچه‌هایم با قیچی‌های خیاطی‌ام بریده می‌شود و مهم این است که در شادی همه زنان مهدی‌آباد، در عروسی‌ها، شریکم

تعدیل بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت «جبل بر»

بیش از هزار نفر از پرسنل شرکت «جبل بر» بندرعباس، شغل خود را در این شرکت از دست دادند. به گزارش ایلنا، در نامه‌ای که روابط عمومی این شرکت برای خبرگزاری کار ارسال کرده، آمده است: بیش از هزار نفر از پرسنل شرکت جبل بر در بندرعباس و حومه به علت بی‌توجهی مسئولان استان هرمزگان شغل خود را از دست دادند.

روابط عمومی شرکت جبل بر در ادامه با بیان این مطلب که «پروژه و کار این شرکت باید تا پایان سال ۹۲ ادامه پیدا می‌کرد» عنوان کرده است: به علت بی‌توجهی مسئولان استان هرمزگان به مساله اشتغال، این شرکت از سال ۹۱ فعالیت‌اش پایان یافته و تمامی کارکنان خود را مرخص کرده است.

در بخشی از نامه آورده شده است: ایجاد شغل در هرمزگان بزرگ‌ترین نعمتی است که دولت از استان هرمزگان دریغ کرده است. «چه میزان باید هزینه شود تا صد شغل ایجاد شود. بیش از هزار نفر از جوانان استان هرمزگان به علت بی‌اعتنایی مسئولان دولت بیکار شدند»

روابط عمومی این شرکت در پایان نامه، بیکاری کارگران خود را حاصل کم‌توجهی مسئولان اعلام کرده است و با اشاره به گزارش این مساله به دفتر ریاست جمهوری از بی‌نتیجه بودن آن خبر داده است.

در حالی که شکایت کارگران علیه مزد ناعادلانه به صدر اخبار رسانه‌ها رسیده است و کارشناسان اقتصادی تاکنون معاش خانواده‌های متوسط چهار نفره را با دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی، بسیار سخت و در مواردی ناممکن

ارزیابی می‌کنند، کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری شوشتر طی ده ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند.

تاخیر ۱۰ ماهه در پرداخت حقوق کارگران فضای سبز شوشتر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۴ اردیبهشت ۹۲ آمده است: در حالی که شکایت کارگران علیه مزد ناعادلانه به صدر اخبار رسانه‌ها رسیده است و کارشناسان اقتصادی تامین معاش خانواده‌های متوسط چهار نفره را با دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی، بسیار سخت و در مواردی ناممکن ارزیابی می‌کنند، کارگران خدماتی و فضای سبز شهرداری شوشتر طی ده ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند.

«سید علی علیزاده» یک فعال کارگری در شوشتر با اعلام اعتراض کارگران به تعویق ده ماهه حقوق، به ایلنا گفت: این کارگران در روزهای گذشته به مدت دو روز در اعتراض به بی‌توجهی مسئولان شهرداری دست از کار کشیدند.

او افزود: خودداری شهرداری شوشتر در پرداخت دستمزد کارگران، آنان را از تامین حداقل‌های زندگی ناتوان کرده است.

این فعال کارگری با بیان اینکه شهرداری شوشتر از منش انسانی کارگران سوءاستفاده می‌کند، افزود: از آنجا که کار این کارگران خدمات رسانی به مردم است، توقف کار طبیعتاً در تمیزی شهر هم تاثیر می‌گذارد. به همین دلیل کارگران از انجام اعتراضات صنفی پرهیز می‌کنند.

بازداشت جلیل محمدی و حامد محمودی نژاد

به گزارش رسیده، به سایت کمیته ی هماهنگی ... در ۱۴ اردیبهشت ۹۲ آمده است: جلیل محمدی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در سنندج پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت توسط مامورین امنیتی دستگیر شده است. همچنین از ساعت ۸ شب پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی در شهر سنندج ناپدید شده است و تاکنون خبری از وی در دست نیست و احتمالاً نامبرده هم دستگیر شده است. حامد محمودی نژاد در ۱۷ اسفند ۹۱ در آستانه ۸ مارس دستگیر شده و به تازگی با قرار وثیقه ۵۰ میلیون آزادی گردیده بود. همچنین جلیل محمدی در ۲۶ خرداد ۹۱ در مجمع عمومی کمیته ی هماهنگی در کرج دستگیر شده بود و بعد از حدود ۲ ماه بازداشت با حکم يك سال تعلیقي آزادی گردیده بود. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن محکوم کردن دستگیری این فعالین خواهان آزادی فوری آنان و همچنین آزادی غالب حسینی، علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

بازداشت محمد احيایی، فعال کارگری معترض در کرج

به نوشته سایت هرانا در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۲ آمده است: در ادامه احضار و بازداشت فعالان کارگری و سندیکایی، محمد احيایی، فعال کارگری یکی از شرکت‌های خودروسازی اطراف تهران، روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه بازداشت شد. بنا به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، بعد از ظهر روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه ۹۲، محمد احيایی هنگام خروج از محل کار، به دفتر کارخانه فرا خوانده شده و مورد سوال و جواب چند مامور لباس شخصی قرار گرفته و سپس بازداشت و توسط ماموران مذکور منتقل شده است. بر اساس گزارش‌ها، محمد احيایی و چند تن از فعالان کارگری معترض دیگر، چند ماه گذشته نیز در اعتراض به حقوق معوقه خود و بحث واگذاری کارخانه به نهادهای خاص، قصد اعتصاب داشتند، که با برخورد شدید حراست و حضور ماموران انتظامی در محل کارخانه مواجه شدند. ماموران امنیتی روز شنبه همچنین محل سکونت آقای احيایی را مورد تفتیش قرار داده، ضمن ارباب و اهانت به خانواده وی، برخی وسایل از جمله کامپیوتر را ضبط کرده‌اند. هنوز از محل نگهداری و وضعیت آقای احيایی خبری منتشر نشده و مراجعات مکرر خانواده و دوستان

وی به دادگاه انقلاب کرج یا زندانهای استان، بدون نتیجه باقی مانده است. طی روزهای گذشته، در جریان موج بازداشت فعالان کارگری، محمد قاسم خانی و بهرام سعیدی، دو فعال کارگری تهران، همچنین آرام زندی، فردین قادری، شاهپور حسینی و جلیل محمدی در سنج بازداشت شده‌اند.

مهلت يك هفته‌ای وزیر نفت برای رفع مشکل کارگران پتروشیمی تبریز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کمیسیون اجتماعی برای رفع مشکل کارگران پتروشیمی تبریز به وزیر نفت مهلت یک هفته‌ای داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از آذربایجان شرقی، محمد اسمعیل سعیدی که در مراسم تجلیل از کارگران نمونه پتروشیمی تبریز سخن می‌گفت، خاطر نشان کرد: زمانی که مشکل عقد قرارداد مستقیم با کارگران پتروشیمی مطرح شد در ابتدا با معاون وزیر نفت صحبت کردیم که وی ادعا کرد پتروشیمی تبریز به بخش خصوصی واگذار شده است. اما با تحقیقی که بنده انجام داده‌ام هیات مدیره شرکت پتروشیمی تبریز هم اکنون از ترکیب دولتی برخوردار است.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس افزود: در پیگیری موضوع از وزیر نفت برای مشکل کارگران پتروشیمی تبریز و سایر پتروشیمی‌های کشور سوال شد که متعاقب آن چندین جلسه تشکیل شد و در نهایت به این جمع بندی رسیدیم که شرکت تعاونی مستقل توسط کارگران تشکیل شود. وی با اظهار تعجب از اینکه همچنان مشکل کارگران پتروشیمی تبریز رفع نشده است، گفت: در آن جلسه مسئولان پتروشیمی قول دادند و باید به تعهداتشان عمل کنند. من از اکنون مهلت یک هفته‌ای برای رفع این مشکل می‌دهم که در غیر این صورت وزیر نفت باید در مجلس پاسخگوی این موضوع باشند.

سعیدی افزود: ما به تعهدات ارزش قائل هستیم. بار اول احترام می‌گذاریم و اگر آنان بخواهند با روش دیگری حرکت کنند ما هم شیوه جدیدی را در پیش می‌گیریم. وی با بیان اینکه همچنان نسبت به نیروی کار و کارگران بی‌مهری وجود دارد گفت: کشور در شرایط خاصی قرار دارد و ما مشکل اشتغال داریم. اما نباید این موضوع که نیروی جدید کاری با شرایط پایین‌تری حاضر به همکاری است سبب شود تا حق و حقوق کارگران شاغل نادیده گرفته شود. سعیدی رعایت حقوق کارگران در بحث واگذاری‌ها و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را یادآور شد و گفت: نباید پس از نقل و انتقال حقوقی از کارگران ضایع شود.

دبیر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در ادامه به موضوع بررسی لایحه قانون کار در این کمیسیون اشاره کرد و گفت: امید است کارشناسان صاحب نظران و فعالان جامعه کارگری با ارایه نقطه نظرات این کمیسیون را در این زمینه یاری کنند. وی توجه به موضوع بیمه‌ها و مشاغل سخت و زیان آور که برخی از کارگران در این زمینه با آن مشکل دارند را از دیگر اولویت‌های کاری خود خواند و با اشاره به نرخ دستمزدها گفت: حق و حقوق کارگران باید نسبت به تورم تعیین شود که در کمیسیون در این خصوص صحبت‌هایی شده است.

این گزارش حاکی است کارگران شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمی تبریز از مدت‌ها قبل پیگیر اجرای بخشنامه دولت در زمینه عقد قرارداد مستقیم با پتروشیمی هستند که تاکنون نتیجه نداده و در نهایت مسئولان پتروشیمی با تشکیل شرکت تعاونی مستقل کارگران پتروشیمی و واگذاری پیمان به این شرکت موافقت کرده‌اند که آن‌هم تاکنون نتیجه‌ای نداده است.

پایان پیام

جوان اهوازی در اعتراض به بیکاری مقابل استانداری خودسوزی کرد

به نوشته منابع حقوق بشری در اهواز اعلام کردند: جوان عرب اهوازی به نام مهدی مجدم که ماه گذشته در مقابل مقر استانداری در شهر اهواز خودسوزی کرده بود در بیمارستان طالقانی این شهر درگذشت. گفته شده است این جوان 37 ساله پس از ناکامی در یافتن کار در اقدامی اعتراض آمیز هنگام خروج استاندار از ساختمان محل کارش در مقابل چشمان وی و همراهانش دست به خودسوزی زد. کریم دحیمی فعال حقوق بشر ساکن لندن در تماس با العریبه نت فارسی اعلام کرد " بر اساس گزارش هایی که منابع محلی ارائه کرده اند مهدی مجدم بیشتر به صورت پیمانی در شرکت نفت کار می کرد اما تلاش های مستمر او برای یافتن کار بی نتیجه ماند و در پی آن به منظور اعتراض ابتدا خواهان دیدار با استاندار شده بود ولی وقتی که با مخالفت حراست استانداری روبرو گردید هنگام خروج حجازی از ساختمان خودسوزی کرد".

دحیمی گفت: " فقر مزمن و معضل بی کاری که بر اساس اظهارات مسئولان دولتی از 30% گذشته است از مشکلات عمده ای است که جوانان عرب در اهواز با آن روبه رو هستند".

به گفته او: " با وجود مشکل بیکاری مسئولان محلی سیاست های تبعیض آمیزی را به اجرا می گذارند و از استخدام جویندگان بومی کار ، خودداری می کنند".

وضعیت کارگران قراردادی شرکت نفت آبادان

به نوشته سایت ایران کارگر -13 اردیبهشت 92- کارگران قراردادی شرکت نفت تحت فشار زیادی هستند ولی حق هیچگونه اعتراضی ندارند. این کارگران قراردادی یکماهه هستند، در صورت هرگونه اعتراض درجا اخراج میشوند. بنابر این گزارش رئیس پالایشگاه آبادان که مزدوری به اسم رحیمی است، عامل فشار و ظلم زیادی بر روی کارگران بوده که مورد تنفر کارگران میباشد

سهم زنان از مدیریت شهر تهران آذر تشکر . جامعه شناس

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 14 اردیبهشت 92 آمده است: در جلسه دهم اردیبهشت شورای شهر تهران، طرحی از سوی کمیسیون اجتماعی فرهنگی ارایه شد که در سطح بین المللی به عنوان یکی از مهمترین سیاستگذاری های برابری خواهانه در زمینه مشارکت زنان مطرح است. متأسفانه به دلیل عدم شناخت و آگاهی کافی از جایگاه، زمینه و ضرورت های اجتماعی موضوع از سوی ارایه دهندگان، این طرح از تمرکز مناسب بر یکی از مهمترین بحث ها درباره زنان یعنی بحث سهمیه بندی بازماند و باز هم مانند بسیاری دیگر از طرح ها از محتوای تحول گرای خود خالی شده و به توصیه ای مبهم و شعاری مبدل شد. به این ترتیب، فرصتی دیگر برای سیاستگذاری هوشمندانه بر اساس همراهی سیاستگذاران با مسیر جامعه از دست رفت. از این پس این طرح نیز مانند هزاران طرح توصیه ای دیگر، در حد حرف باقی خواهد ماند و هیچ الزامی برای هیچ سازمانی در مجموعه مدیریت شهری ایجاد نخواهد کرد. ارایه دهندگان در تبصره چهار «طرح الزام شهرداری تهران به تدوین برنامه جامع آموزش توانمندسازی و سازماندهی زنان برای مشارکت در حفظ ارتقا و مدیریت سلامت و محیط زیست شهری» راه عملی مشارکت زنان در مدیریت محلی را ارایه داده بودند. شهرداری در این تبصره موظف شده بود طرحی را تدوین کند که به موجب آن طی پنج سال، هر سال 10 درصد از توان زنان در مدیریت شهری استفاده شود به طوری که در پایان پنج سال سهم زنان در مدیریت شهری به 50 درصد برسد. علی الظاهر طراحان به قصد یا بدون قصد، توزیع برابر فرصت های مدیریتی، کارشناسی و اجرایی زنان و مردان را در مدیریت شهر تهران در موضوعات مربوط به محیط زیست و سلامت شهر، به عنوان یک هدف میان مدت پنج ساله مدنظر داشته اند. سرنوشت این طرح و مباحث مطرح شده در جلسه علنی شورای شهر تهران نمونه ای است که نشان می دهد تا چه حد سیاست های سطح محلی از واقعیت های جامعه شهری و تحولات اجتماعی آن به دور مانده و این درحالی است که انتظار می رود سیاست گذاری های سطح محلی نسبت به سیاست های ملی، واقع گرایانه تر بوده و دچار انسداد های مرسوم در سیاست های ملی نباشد. همان طور که گفته شد بحث سهمیه بندی به نفع زنان در مناصب و کرسی های ملی و محلی یکی از مهمترین سیاست های عملی برای دسترسی زنان به فرصت های برابر، در دو، سه دهه گذشته در سراسر جهان است. به عنوان نمونه در کشور

فرانسه سهمیه 50 درصد زنان برای کرسی‌های نمایندگی پارلمانی به بحث‌های درازدامن فلسفی-سیاسی انجامید. در کشور هندوستان نیز کرسی‌های حکومت محلی موضوع سهمیه‌بندی زنان قرار گرفت. این کشور به پشتوانه تاریخ طولانی سهمیه‌بندی‌های طبقاتی به نفع گروه‌های محروم، توانست با اجرای سهمیه‌بندی 30 درصدی به نفع زنان در شوراهای محلی، از کشورهای پیشتاز در زمینه چنین سیاست‌هایی در سطوح محلی باشد. اکنون در شوراهای محلی سراسر هند، پانچایات‌ها، زنان 30 درصد کرسی‌ها را در دست دارند و در هر دوره انتخابات محلی یک‌سوم کرسی‌های نمایندگی محلی را پر می‌کنند. ارزیابی محققان اجتماعی پس از بررسی چند دوره اجرای سیاست سهمیه‌بندی به نفع زنان در کشور هند نکات مهمی را دربردارد. از جمله یکی از این ارزیابی‌ها که برای مقایسه شرایط امروز ایران آموزنده است، این است که کاستی‌های اجرای سیاست سهمیه‌بندی در این کشور به پیش افتادن امر سیاسی از امر اجتماعی مربوط دانسته شده است، یعنی نظام سیاسی و حقوقی در حالی به زنان امتیاز سهمیه‌بندی داده که آنها هنوز توانایی استفاده از آن را نداشته‌اند. زنان از سطح سواد، قدرت تصمیم‌گیری و آزادی فردی و اجتماعی لازم برای استفاده از سهمیه‌بندی برخوردار نبوده‌اند. نتیجه چنین مشکلی آن بوده که مردان از سهمیه زنان بهره برده و با ویتن کردن حضور آنان همچنان قدرت پنهان حکومت‌های محلی باشند. در ایران اما قصه دیگری جاری است. این بار، دومی است که موضوع سهمیه‌بندی به نفع زنان در ادبیات سیاسی ایران مطرح می‌شود.

یک‌بار حزبی اصلاح‌طلب، موضوع سهمیه‌بندی در پست‌های خود را برای زنان مطرح کرد و این بار موضوع در شورای شهر تهران برای استفاده از توانمندی زنان در مباحث محیط‌زیست و ارتقای سلامت شهری مطرح می‌شود. مباحث مطرح‌شده در جلسه علنی دهم اردیبهشت شورای شهر درباره تبصره چهار نشان می‌دهد که در ایران گویی برعکس هند، سیاستگذاری‌ها از آنچه در بدنه جامعه رخ می‌دهد، عقب‌تر است. مخالفان تبصره چهار که قایل به سهمیه 50 درصدی برای حضور و مشارکت زنان در مدیریت شهری بود، دو استدلال مهم داشتند که من این دو استدلال را گفتمان «جنس لطیف» و گفتمان «مسابقه شایستگی» می‌نامم. در گفتمان «جنس لطیف» در مقابل فراهم کردن زمینه مشارکت اجتماعی-سیاسی زنان با ژستی حمایتی وانمود می‌شود که امور اجتماعی و سیاسی از جنس امور خشن و کثیف است و چون زنان لطیف‌تر از آنی هستند که به کار کثیف، سطح پایین و آلوده اجتماعی وارد شوند، نباید برای آنان در زمینه امور عمومی سهمی قایل شد. ناگفته نماند که گاه جنس لطیف، تعبیر تعارف‌آمیز برای موجودی نادان و ناتوان است. این گفتمان همیشه زنان را در بهترین حالت همچون مرواریدی در صدف تلقی کرده و با دادن امتیازات رتوریک به آنها، امتناع از تقسیم قدرت را در لفافه‌ای از حمایت‌های پدرسالارانه پنهان می‌کنند. این استدلال در اغلب موارد با کاریکاتوری کردن ماجراها سعی می‌کند یک مطالبه سیاسی را شوخی جلوه داده و چشم بر تغییرات و واقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی زنان بپوشد. باید به مدعیان این استدلال گفت چه بخواهید و چه نخواهید به یمن سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی سال‌های اخیر، دیگر از آن جنس لطیف نادان اثری باقی نمانده است. زنان شهری دیگر موجوداتی سخت‌جان و آگاه هستند. اگر کسانی که بر کرسی شورای یک شهر بزرگ تکیه زده‌اند، نمی‌توانند واقعیت زنان جوان کارگر در کارگاه‌های کوچک و مخفی شهری، واقعیت پاهای و نگاه خسته زنان فروشنده‌ای که هر روز تمام شهر را در می‌نوردند تا لقمه نانی به دست آورند، واقعیت عدم رعایت شأن زنان در محیط‌های اداری آراسته، دستمزدهای ماهی 90 هزارتومانی در همین شرایط اقتصادی، آماده‌شدن‌های عجولانه و بدبودهای زن‌های بچه‌بغل در صبح‌های شلوغ متروها و اتوبوس‌ها و واقعیت صورت‌های مستاصل زنان که به زور رنگ و لعاب درماندگی خود را انکار می‌کنند و... را ببینند، نمی‌توانند این واقعیت را ببینند که زنان طبقه متوسط شهری در همه شهرهای بزرگ به‌خصوص در شهری مانند تهران دیگر به دلیل برخورداری از دانش و تحصیلات و به دلیل جنگیدن در جنگی نابرابر در حوزه اقتصاد، هم آگاه شده‌اند و هم سخت‌جان، اگر نمی‌توانند همه اینها را ببینند، کافی است به درون خانه‌های خود نگاهی بیندازند تا ببینند که حتی در خانه‌هایشان هم از آن «جنس لطیف» و از آن موجود بی‌دست و پا و سربه‌راهی که فقط به کار غزل‌های قدما می‌خورد، دیگر اثری نمانده است. دسته دوم برای فرار از تقسیم قدرت به استدلال‌های آراسته‌تری چنگ می‌زنند: شایسته‌سالاری، تخصص و کارآمدی. این گروه تصور می‌کنند که شایستگی چیزی است که همه آدم‌ها چه زن و چه مرد برای به دست آوردنش به یک اندازه شانس دارند. آنها خود را طرفدار اصل شایسته‌سالاری نشان می‌دهند و اینکه هر که شایسته‌تر است امتیاز داشته باشد. این استدلال البته مثل استدلال قبلی کمی هم رنگ تعارف می‌گیرد. این استدلال نیز چشم بر شرایط نابرابری می‌بندد که زنان در آن مجبور به رقابت هستند. این واقعیت که زنان و مردان در جامعه

ایرانی بر یک خط مسابقه نایستاده‌اند؛ واقعیتی را که زنان گاهی حتی در ساختارهای حاکم بر محیط‌های روشنفکری و آکادمیک هم به‌خوبی درک و لمس می‌کنند چه برسد به سطوح پایین‌تر فعالیت‌های اجتماعی زنان. به‌علاوه سیاست‌های اجتماعی- اقتصادی دولت که به نام حفظ و تکریم خانواده و امنیت جامعه، اولویت تحصیل و اشتغال را به مردان می‌دهد و زنان را روزبه‌روز از محیط‌های اجتماعی و عمومی عقب می‌راند، چگونه ممکن است خط مسابقه واحدی برای زنان و مردان فراهم آورده باشد که بتوان به اتکای آن استدلال کرد که هر که شایسته‌تر از امتیاز بیشتر برخوردارتر. سواى این دو استدلال که در همه مقاطعی که قرار است سهمی به زنان واگذار شود ترجیع‌بند تکراری امتناع از تقسیم قدرت است، نکته مهم دیگر نگاه ارایه‌دهندگان این طرح است؛ نگاهی که به تحلیل جامعه‌شناختی از تغییرات اجتماعی- اقتصادی جامعه شهری و از تحلیل تعداد چشمگیر زنان تحصیلکرده بیکار که ظرفیت بی‌نظیر کار اجتماعی در سطوح محلی را با خود به انزوا برده‌اند، مجهز نبود؛ نگاهی که سعی کرد بیشتر به شیوه سنتی استدلال با اتکا به متون مقدس، به‌جای استدلال بر سر حقانیت یک تحول و نیاز اجتماعی موضوع را مطرح کرده و از آن دفاع کند. در جلسه شورای شهر بزرگی مانند تهران با فرصت‌های مدیریتی و اجرایی وسیع و در میان موافقان و مخالفان تبصره چهار، زنان جامعه شهری امروز حضور نداشتند. زنان سخت‌جان و کوشنده امروز جامعه شهری که در چنبره سیاستگذاری‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی روزبه‌روز بیشتر گرفتار می‌شوند و ظرفیت آنها تحلیل می‌رود و به هیچ انگاشته می‌شوند در جلسه شورای شهر تهران غایب بودند. چه زنان توانا و تحصیلکرده‌ای که در بیکاری و افسردگی روزگار می‌گذرانند و جامعه استفاده‌ای از آنان نمی‌کند و چه آنها که تنها یا با مردان زندگی خود در تحمل فشار زندگی سهیم می‌شوند اما همچنان بار زندگی از گرده‌های آنان بزرگ‌تر است و بدون هیچ احساس ارتقایی در زندگی شخصی و اجتماعی خود معنا و حق خود به شهر و زندگی را به‌مرور از یاد می‌برند. جای همه زنان توانمند جامعه شهری در میان نمایندگان‌شان در شورای شهر خالی بود تا از نیاز به مشارکت در اداره شهر خود بگویند و از تحول اجتماعی که آنان را شایسته چنین مشارکتی کرده است و از توانایی بی‌نظیر چانه‌زنی، نهادسازی و ایجاد اعتماد در سطوح محلی. از حق خود به شهر خود بگویند و از اینکه کرسی‌های تصمیم‌گیری در محله و شهر خودشان، هبه‌ای نیست که بشود چانه زد که آیا شایستگی دریافت آن را دارند یا نه، بلکه حق آنهاست. حقی که زندگی در شهر برای آنها ایجاد کرده است؛ حق به شهر.

صنایع پوشش به بخش دولتی بازگشت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده کارگران گروه کارخانجات صنایع پوشش ایران از واگذاری مجدد مدیریت سه کارخانه «ریسندگی پوشش»، «حوله و بلوجین» و «مخمل پوشش» به شرکت سرمایه‌گذاری آتیه دماوند خبر داد.

این کارگر با اشاره به اینکه حذف مدیریت خصوصی کارخانه باعث بهبود وضعیت کارگران شده است، به ایلنا گفت: شرکت صنایع پوشش که به بخش خصوصی واگذار شده بود با توجه به عدم اجرای تعهدات مندرج در قرارداد، با رعایت و اعمال موارد قانونی، به شرکت سرمایه‌گذاری آتیه دماوند بازگشت.

این نماینده کارگران افزود: مشکلات مدیریت و نداشتن منابع مالی کافی برای راه اندازی کارخانه و پرداخت نکردن حقوق کارگران باعث شد دولت با بازگرداندن مجدد مدیریت کارخانه به شرکت آتیه دماوند بخش عمده‌ای از مشکلات این کارخانه را کاهش دهد.

این کارگر با بیان اینکه مجموعه صنایع پوشش ایران سالهاست در سایه حوادث مختلف دستخوش بحران‌های شدید مدیریتی، تولیدی و مهم‌تر از همه بحران تخریب ناشی از حادثه برف ۱۳۸۳ شده است، اظهار داشت: بخش زیادی از این کارخانه به دلیل خسارت‌های برف آن سال هنوز بازسازی نشده و بخش‌هایی که سالم مانده‌اند اموال و دستگاه‌های آن توسط طلب کاران مصادره شده یا به غارت رفته‌اند.

او با طرح این سوال که چرا دولت مسئولیت رسیدگی به کارخانه‌ای را که نبض اشتغال و اقتصاد استان محسوب می‌شود به اشخاصی واگذار می‌کند که صلاحیت نگهداری از آن را ندارند گفت: این کارخانه در گذشته ۳۸۰۰ نیروی کار فعال داشته است که با واگذاری آن به بخش خصوصی به مرور این کارگران به حدود ۱۰۰ نفر تقلیل یافته‌اند.

او همچنین گفت: ۱۰۹ کارگر این کارخانه که تا پایان سال ۹۱ شش ماه حقوق نگرفته بودند، با تصمیم شورای

تامین و رای به بازگشت مدیریت کارخانه به آتیه دماوند، هم اکنون بخش عمده‌ای از حقوق معوقه خود را دریافت کرده‌اند.

به گفته نماینده کارگران، در این دوره که بخش خصوصی مدیریت کارخانه را بر عهده داشته است هر ماهه از حقوق کارگران برای پرداخت بیمه کسر می‌شده ولی به حساب تامین اجتماعی واریز نمی‌شده است. او در این زمینه اضافه کرد: هم اکنون ۱۰۹ کارگر رسمی این کارخانه شرایط بازنشستگی با قوانین مشاغل سخت و زیان آور را دارا هستند که به واسطه پرداخت نشدن بیمه آنان شرایط بازنشستگی برای آنان سخت شده است.

این کارگر در خاتمه گفت: با حمایت بیش‌تر دولت از کارخانجات صنایع پوشش ایران که در گذشته یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های تولیدی در کشور و منطقه خاورمیانه بوده است، می‌توان زمینه اشتغال بیش از هزار نیروی جویای کار این استان را فراهم کرد.

بازداشت جلیل محمدی و حامد محمودی نژاد

به گزارش رسیده، جلیل محمدی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در سنندج پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت توسط مأمورین امنیتی دستگیر شده است. همچنین از ساعت ۸ شب پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی در شهر سنندج ناپدید شده است و تاکنون خبری از وی در دست نیست و احتمالاً نامبرده هم دستگیر شده است. حامد محمودی نژاد در ۱۷ اسفند ۹۱ در آستانه ۸ مارس دستگیر شده و به تازگی با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردیده بود. همچنین جلیل محمدی در ۲۶ خرداد ۹۱ در مجمع عمومی کمیته ی هماهنگی در کرج دستگیر شده بود و بعد از حدود ۲ ماه بازداشت با حکم يك سال تعلیقی آزاد گردیده بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن محکوم کردن دستگیری این فعالین خواهان آزادی فوری آنان و همچنین آزادی غالب حسینی، علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۲

ادامه اعتراض اعضای شرکت تعاونی مسکن تعمیرکاران اتومبیل سنندج

به گزارش گُردپا، در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۹۲ آمده است: دو روز پیش تعمیرکاران معترض سنندجی به همراه خانواده‌هایشان نیروهای انتظامی و مأموران شهرداری را از زمین‌های خود بیرون کردند. بنا بهمین گزارش، صبح روز پنج‌شنبه تعمیرکاران معترض سنندجی به همراه زن و بچه‌های خود در زمین‌هایی که پیشتر وعده‌ی واگذاری آنها به تعمیرکاران داده شده بود حضور یافته و به وسیله لودر و گریدر اقدام به تسطیح این اراضی کردند.

پس از حضور معترضین شهردار و مأمورین شهرداری و همچنین نیروهای یگان ویژه انتظامی در محل اعتراض حضور یافتند و قریب به ۶۰۰ نفر از تعمیرکاران معترض شهرک تعمیرکاران سنندج و خانواده‌هایشان، نیروهای انتظامی و مأموران شهرداری را از زمین‌های خود بیرون کردند.

این زمین‌ها در پشت میدان تره‌بار سنندج واقع شده است. یکی از تعمیرکاران معترض اعلام کرده: "حدود ۱۲ سال پیش، شرکت تعاونی تعمیرکاران سنندج مبلغ یک میلیون و نیم وجه نقد را جهت واگذاری زمین از تعمیرکاران اخذ کرده، اما تا کنون از واگذاری این زمین‌ها خودداری کرده‌اند".

پیشتر نیز تعمیرکاران معترض با چندین بار تجمع اعتراضی در مقابل استانداری و فرمانداری نسبت به عدم این واگذاری اعتراض خود را اعلام کرده و هر بار وعده‌های مسئولین روبرو شده بودند. تعمیر کاران معترض به همراه خانواده‌هایشان تا ساعات ۹ شب حاضر به تخلیه زمین‌های مذکور نشده‌اند.

تاخیر در پرداخت مطالبات کارگران در نساجی درخشان و پوشش گستر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اردیبهشت 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان یزد از ادامه به تاخیر افتادن پرداخت مطالبات کارگران باقیمانده «نساجی درخشان» و «پوشش گستر» اردکان خبر داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از یزد، حسین خلیلی با اعلام این مطلب گفت: کارخانه نساجی درخشان هم اکنون حدود ۳۰ کارگر دارد که عمده این کارگران از سال ۸۳ تا کنون مطالبات خود را نگرفته‌اند. وی با اعلام اینکه با پیگیری‌های انجام شده حدود ۳۰ درصد از مطالبات این کارگران تا شب سال نو پرداخت شده است، افزود: محل این کارخانه در پی تغییر ساختار منتقل شده و هم اکنون مشغول فعالیت است. این مقام کارگری همچنین در خصوص وضعیت کارخانه پوشش گستر اردکان گفت: این واحد تولیدی در زمینه دوخت انواع روکش صندلی خودرو برای یکی از شرکت‌های بزرگ خودروسازی فعالیت داشت که به ظاهر در پی اختلاف با این شرکت و بدهی معوقه به سازمان تامین اجتماعی و نظام بانکی، از فعالیت آن کاسته شده است.

خلیلی با بیان اینکه هم اکنون تعداد کارگران این واحد تولیدی از ۴۰۰ نفر به ۴۰ نفر کاهش یافته است، گفت: باقیمانده کارگران این واحد تولیدی نزدیک به یک سال حقوق و مزایای معوقه طلبکار هستند.

مسئول کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان یزد همچنین از دستور اخیر استانداری برای پرداخت مطالبات معوقه کارگران این استان خبر داد. وی گفت: در روز نهم اردیبهشت ماه به مناسبت هفته کارگر با استاندار یزد دیداری داشتیم که در این دیدار شخص استاندار از اداره کار خواست تا بطور جدی پیگیر وصول مطالبات معوقه کارگران باشد. به گفته این مقام کارگری در استان یزد به غیر از کارخانه‌های درخشان و پوشش گستر اردکان سایر واحدهای تولیدی این استان در پرداخت مطالبات معوقه خود با مشکل چندانی مواجه نیستند. وی با بیان اینکه به دلیل مسائل مربوط به تحریم‌های اقتصادی، جهش بهای ارز و افزایش تورم بیشتر واحدها در تامین مواد اولیه خود با مشکلاتی مواجه هستند، افزود: به همین دلیل بیشتر واحدهای تولیدی یزد نهایتاً تا دو ماه مطالبات کارگران خود را با تاخیر پرداخت می‌کنند.

به گفته خلیلی صرف نظر از تاخیر رد پرداخت مطالبات کارگران هم اکنون بیشتر واحدهای تولیدی تحت تاثیر وضعیت اقتصادی موجود با ظرفیت پاهین تری فالیته می‌کنند. بطوری که هم اکنون تعداد نوبت های کاری این واحدها از سه شیفت به یک شیفت کاهش یافته است.

مسئول کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان یزد تصریح کرد: در صورتی که مسئولان اداره کار به دستور استانداری عمل کنند مسئله پرداخت مطالبات معوقه در ۹۰ درصد واحدهای مسئله دار برطرف خواهد شد.

این مقام کارگری گفت: ۱۰ درصد دیگر شامل واحدهایی هستند که در جریان مشکلات اقتصادی اخیر با بحران‌های جدی‌تری مواجه هستند

مسکن مهرهایی که متراژشان آب رفت!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 14 اردیبهشت 92 آمده است: متقاضیان واحدهای 122 متری مسکن مهر در شهر جدید پردیس در زمان تحویل واحدها متوجه شدند که متراژ آپارتمانهای تحویل داده شده به آنها 90 و 105 متری است و به همین جهت واحدهای خود را تحویل نگرفتند.

برپایه این گزارش، صبح امروز جمعی از متقاضیان مسکن مهر پردیس که برای تحویل واحدهای 122 متری به شرکت عمران پردیس مراجعه کرده بودند، در کمال ناباوری به آنها واحدهای 90 متری و 105 متری معرفی شد که اعتراض شدید آنها را به دنبال داشت.

براین اساس، شرکت عمران شهر جدید پردیس چندی پیش با پیامک، مالکان این واحدها را دعوت می کند که برای صبح امروز در پردیس حاضر شوند و واحدهای خود را تحویل بگیرند. مطابق با قراردادی که این متقاضیان با شرکت عمران پردیس داشتند قرار بود که آپارتمانهای 125 مترمربعی در فاز 8 شهر پردیس در منطقه دره بهشت به آنها واگذار شود.

اما این متقاضیان در هنگام انتخاب و تحویل واحدها متوجه می شوند که متراژ آنها 90 متری یا 105 متری است با وجودی که از این متقاضیان آورده واحدهای 122 متری گرفته شد و تاکنون 70 درصد پول واحدها را هم پرداخت کرده اند.

یکی از این متقاضیان، اظهار داشت: از امروز ساعت 6 صبح در این محل حاضر شدیم اما مسئولان تا ساعت 10 صبح ما را معطل نگه داشتند و وقتی هم که برای تحویل واحدها آمدند، متوجه شدیم که متراژ واحدها کمتر از قرارداد و آورده ای است که پرداخت کرده ایم.

وی افزود: ما جزو اولین متقاضیان مسکن مهر در پردیس بودیم؛ به همین جهت هم آپارتمان هایی با متراژهای بالا را انتخاب کردیم اما الان می بینیم که آن واحدها را به ما تحویل ندادند. به گفته این متقاضی، تاکنون پاسخ مشخصی به آنها داده نشده است و متقاضیان هم از تحویل واحدها خودداری کردند.

رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس خبر داد: طرح افزایش مجدد دستمزد کارگران در دستور کار مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اردیبهشت 92 آمده است: رییس کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه مطابق قانون، افزایش حقوق کارگران باید بر اساس نرخ تورم صورت می گرفت، گفت: مجلس بررسی طرح افزایش مجدد حقوق کارگران و کارمندان بر اساس نرخ تورم را در دستور کار دارد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از تبریز، رضا رحمانی که در آیین تجلیل از خادمین کارگران، کار، تولید و صنعت آذربایجان شرقی و تشکلات کارگری استان سخن می گفت، اظهار داشت: تامین نیازهای اساسی کارگران، نخستین رویکرد برای تحقق حماسه اقتصادی است.

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس شورای اسلامی یکی از راهکارهای رفع این معضل را افزایش مجدد حقوق کارگران و کارمندان در سال عنوان کرد و گفت: مجلس بررسی طرح افزایش مجدد حقوق کارگران و کارمندان بر اساس نرخ تورم را در دستور کار دارد. وی به اصلاح قانون کار که در دستور کار کمیسیون اجتماعی مجلس قرار دارد اشاره کرد و گفت: بایستی پیگیری های لازم را در این زمینه داشت تا به نتایج مطلوب و به سود جامعه کارگری رسید.

رحمانی از عملی نشدن اجرای قانون بازنشستگی در ۲۵ سال از سوی دولت انتقاد کرد و گفت: شرایط به گونه ای شده که عده ای از کارگران به دیوان عدالت اداری شکایت کرده و این نهاد نیز به نفع آنها رای صادر کرده است.

این نماینده مجلس تاکید کرد: به نفع کشور نیست که کارگران تک تک اقدام به شکایت کنند و خواستار احقاق حقوق خود شوند، چرا که این امر هزینه های فراوانی برای کشور در پی دارد. وی با تاکید بر اینکه حماسه اقتصادی و موفقیت در این حوزه از طریق تولید و صنعت صورت خواهد گرفت اظهار داشت: کارگران سربازان خط مقدم حماسه اقتصادی هستند و باید افتخار کنند که حماسه اقتصادی به دست آنان رقم می خورد.

پایان پیام

اقتصاد ایران زیر چادر اکسیژن

برپایه خبر رسیده آمده است: ایران با نرخ تورمی که رسماً 40 درصد و به طور غیر رسمی تا 70 درصد ذکر شده، در بین کشورهای دنیا، ایران با حدود یکصد میلیارد دلار درآمد نفتی، یکی از سه کشوری است که بالاترین نرخ تورم را در جهان دارند، چه توضیح صرفاً اقتصادی برای این وضعیت وجود دارد؟ اقتصاد ایران زیر چادر اکسیژن اقتصاد دانه‌ها توضیحات مختلفی در باره تورم در ایران می‌دهند. یکی از اقتصاد دانان ایران، در یادداشتی در روزنامه حکومتی شرق، نابودی تولید بر اثر سیاست‌های مخرب دولت احمدینژاد را علت اصلی میدانند و مینویسد: «بخش‌های مختلف کشور اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طول فعالیت دولتهای نهم و دهم خسارات زیادی دیده که جبران آن در صورت برنامه‌ریزی، شاید در طول عمر چهار دولت بعدی، (یعنی تا 16 سال دیگر) امکان‌پذیر خواهد بود». وی می‌افزاید: «در طول دولتهای نهم و دهم، اشتغال و اشتغالزایی روند معکوس داشت و برنامه‌های اشتغالزایی کشور متوقف شده و... به دلیل اجرای برخی سیاست‌های نادرست، به خیل بیکاران کشور افزوده شد.»

خبرگزاری رویتر بر تحریم‌های بانکی و افزایش هزینه واردات مواد غذایی به عنوان یکی از علل مؤثر در گرانی این کالاها انگشت می‌گذارد و در گزارشی مینویسد: ایران برای واردات روغن خوراکی مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافی است. شرکت "ویلمار اینترنشنال" یکی از بزرگترین شرکت‌های محصولات کشاورزی جهان و شرکت "موه اینترنشنال" که هر دو سنگاپوری هستند و با رژیم ایران قرارداد درازمدت فروش روغن خوراکی دارند، اکنون برای هر تن روغن صادراتی به ایران بیشتر از 30 دلار حق‌العمر و هزینه دریافت می‌کنند.

رویتر توضیح می‌دهد که اگرچه فروش مواد غذایی به ایران در فهرست تحریم‌های غرب نیست، با این حال به قطع دسترسی رژیم ایران به سیستم مالی جهانی و تحریم‌های بانکی هزینه تجارت با ایران را افزایش داده است، موضوعی که در نرخ تورم بالای 30 درصدی ایران در سال گذشته نیز تأثیر داشته است. بر اساس این گزارش، فروشنده‌های مواد غذایی جهان به صورت گسترده از معامله با ایران اجتناب می‌کنند، ریسک افت ارزش برابری ریال نسبت به دلار بالاتر می‌رود و بانک‌های خارجی به خاطر ترس از بدنام شدن از انجام عملیات تبادلات مالی با رژیم ایران خودداری می‌کنند.

اقتصاد دان دیگری در روزنامه حکومتی اعتماد، ادامه طرح هدفمندی یارانه‌ها و افزایش باز هم بیشتر قیمت کالاها بر اثر آن را اجتناب‌ناپذیر میدانند و می‌گویند: «چاره‌ی جز تحمل این مسائل نیست؛ اقتصاد کشور را نمی‌توان زیر چادر اکسیژن نگه داشت که هر زمان که چادر آن برداشته شود بیمار آن خواهد مرد.»

سرپرست اداره کل کار خراسان رضوی گفت: کارگران ساختمانی قربانی ۵۰ درصد از حوادث ناشی از کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اردیبهشت 92 آمده است: سرپرست اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی خراسان رضوی گفت: ۵۰ درصد حوادث ناشی از کار در این استان طی سال گذشته مربوط به بخش ساختمان است.

محمد سنجرى افزود: سال گذشته ۹۹۶ حادثه ناشی از کار در استان رخ داد که حدود ۵۰ درصد این حوادث در بخش ساختمان اتفاق افتاده است. وی دلیل این امر را سطح مهارت و سواد پایین کارگران شاغل در این بخش دانست و گفت: علاوه بر این افزایش ساخت و ساز در استان و افزایش فعالیت در این زمینه و کار در ارتفاع از دیگر عوامل تأثیر گذار بر افزایش حوادث ساختمانی است. وی با بیان اینکه شاخص حوادث کار در خراسان رضوی طی سال گذشته نسبت به سال قبل از آن هفت درصد کاهش داشته است، گفت: شاخص حوادث در هر استان بر مبنای جمعیت کارگری تحت پوشش بیمه و بر اساس یک فرمول واحد مشخص می‌شود.

سنجرى اظهار داشت: با توجه به جمعیت ۶۷۰ هزار نفری کارگر بیمه شده در خراسان رضوی و براساس فرمول مزبور، شاخص حوادث کار در این استان در سال ۱۳۹۰ عدد ۱۵۹ بوده است که این رقم در سال گذشته هفت درصد کاهش یافت. وی تأکید کرد: نیروی انسانی در هر مجموعه‌ای ارزشمندترین سرمایه است و نیروی انسانی ماهر و توانمند نقش اساسی در افزایش بهره‌وری و ارتقای کیفی و کمی تولیدات و محصولات در هر

واحد تولیدی را دارد. وی افزود: لذا وظیفه همه کارفرمایان بر اساس ضوابط و مقررات صیانت از نیروی کار مجموعه تولیدیشان است به این معنا که اول باید شرایط ایمن را فراهم کنند و سپس انتظار کار مناسب را داشته باشند. وی گفت: در راستای نظارت بر نحوه عملکرد کارفرمایان در خصوص اجرای زیرساختهای ایمنی پارسال ۳۲ هزار بازرسی از کارگاههای تولیدی و کارخانجات استان انجام شد.

سنجری افزود: همچنین ۴۹ هزار نفر ساعت در استان آموزش ایمنی از طریق مرکز تحقیقات، تعلیمات و حفاظت و بهداشت کار استان در واحدها و کارخانجات تولیدی فراگرفتند. وی با بیان اینکه پارسال حدود ۱۷۸ کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار در محل کارگاههای تولیدی استان تشکیل شده است، گفت: هم اینک در مجموع ۹۷۸ کمیته حفاظت فنی و بهداشت کار در سطح استان وجود دارد.

سنجری افزود: حوادث منجر به فوت در استان نیز در سال گذشته در مقایسه با مدت مشابه پارسال ۲۹ درصد کاهش داشته است.

پایان پیام

سندی که متحول نیست « نگاهی به وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان کارگر » جعفر ابراهیمی

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/05/blog-post_4.html#more

کانون مدافعان حقوق کارگر- آموزش و پرورش رایگان و همگانی جزء حقوق بنیادین کودکان است. امری که با خصوصی‌سازی‌های گسترده و سیاست‌های غلط هر روز بیش از پیش از دسترس فرزندان کارگران و زحمتکشان دورتر می‌شود. ترک تحصیل گسترده‌ی نزدیک به 4 میلیون کودک در سن تحصیل و بی‌علاقگی به ادامه‌ی تحصیل در میان بسیاری از نوجوانان و بیگاری گسترده‌ی نزدیک به 30 درصد در میان تحصیل‌کردگان گواه این امر است.

در کنار این سیاست‌های ناکارآمد، فضای خشن و تنبیهات بدنی در مدارس (این تنبیهات که به کرات گزارش شده و در برخی موارد آن‌قدر شدید بوده که به نقص عضو دانش‌آموزان انجامیده و هیچ‌گوش شنوایی هم در این زمینه وجود ندارد) با فقر و تنگ‌دستی جامعه‌ی کارگری همراه شده و بیش از پیش این دانش‌آموزان را از محیط‌های آموزشی فراری می‌دهد.

در چنین وانفیسایی، آنان که از اموال همین کارگران و زحمتکشان استفاده می‌کنند و به عنوان متخصص آموزشی حقوق‌های کلان می‌گیرند، به جای چاره‌جویی و کاستن از جو رعب و وحشت در محیط‌های آموزشی و کنار گذاردن آموزش‌های اجباری ایدئولوژیک، راه‌حل‌های سودآوری را ارائه می‌دهند که تنها به کالایی شدن و سودپرستی هر چه بیشتر دست اندرکاران آموزش و پرورش می‌انجامد. مقاله‌ی زیر که برای کانون مدافعان حقوق کارگر ارسال شده، بیانگر آن است که چگونه طرح‌هایی این‌چنینی، به جای برون‌رفت از مشکلات آموزشی، تنها به باز کردن دکانی جدید برای سودآوری بیشتر دست‌اندرکاران آموزشی منجر خواهد شد.

"تحول بنیادین نظام آموزشی" نام سندی است که می‌گویند 500 پژوهشگر در تدوین چندین ساله‌ی آن نقش داشته‌اند، سندی که متولیان آن در وزارتخانه‌ی آموزش و پرورش بر بی‌نظیر بودنش تاکید دارند و اینکه این سند بر معضلات آموزش در ایران چیره خواهد شد. ولی مستقل از بیانیه‌ها و نقطه نظرات موافق با این سند که بیشتر گرایش سیاسی بر آنها غالب است، باید موفقیت این سند تحول را در عمل و در بین مخاطبان و ذینفعان آن مورد ارزیابی قرار داد.

تقریباً یک‌سال از اجرای سند تحول می‌گذرد و ساختار نظام آموزشی در سال تحصیلی جاری (91-92) مبتنی بر این سند تغییر کرده است. برخی معتقدند پیامدهای این تغییرات بنیادین در بلندمدت خود را نشان خواهد داد،

اما پیش از اتمام سال تحصیلی نیز می‌توان تأثیرات منفی این سند را بر ساختار خانواده‌های کم‌درآمد، مورد ارزیابی قرار داد. این نوشته کوتاه در پی نقد محتوایی و یا آرایه راهکاری برای بهبود اجرایی شدن سند تحول نیست، بلکه نگارنده می‌کوشد بر اساس تجربه و مشاهدات خود آسیب‌ها و مشکلات طبقات فرودست جامعه را در ارتباط با اجرایی شدن سند، مورد ارزیابی قرار دهد که مبتنی بر خصوصی‌سازی بخشی از آموزش عمومی است.

در سایه‌ی اجرای سند تحول در سال تحصیلی 91-92، مردودی از پایه اول دبیرستان حذف گردید تا کارآمدی سند بیشتر نمایان گردد، بی‌آنکه تبعات این تغییر مورد ارزیابی جدی قرار گیرد. اصلی‌ترین مخاطبان این تغییر، دانش‌آموزان، والدین دانش‌آموزان، معلمان و تمام افرادِ درگیر در فرآیند آموزش هستند. دولت با تبلیغ شکل صوری این تغییر در پی تبیین آن است که با حذف مردودی مدت دوره تحصیل کاهش می‌یابد و برای خانواده‌ها و دولت در هزینه‌های تحصیل فرزندان صرفه‌جویی می‌شود، اما به نظر می‌رسد در واقعیت امر تنها از هزینه‌های دولت کاسته می‌شود و دولت با اجرای این طرح در پی تحمیل هزینه‌های بخش آموزش عمومی به خانواده‌ها است.

حال ببینیم چگونه و با چه مکانیزمی دولت وظیفه و هزینه‌ی خود را در عرصه آموزش عمومی بیشتر از گذشته به خانواده‌ها محول می‌کند؟ با اجرای این تغییر و با حذف مردودی در پایه اول دبیرستان، دانش‌آموزان سال اول با هر تعداد درس افتاده (تجدیدی) می‌توانند به سال دوم بروند و انتخاب رشته نمایند، به همین منوال در سال دوم نیز با هر تعداد درس افتاده به سال سوم راه می‌یابند. اما دانش‌آموزان می‌باید برای ورود به دوره‌ی پیش‌دانشگاهی تمام درس‌های افتاده از پایه اول تا سوم را پاس نمایند تا موفق به اخذ دیپلم و جواز ورود به پیش‌دانشگاهی گردند. دقیقاً در همین اجبار اخذ دیپلم، دولت تمام هزینه‌های آموزش ناشی از افت تحصیلی را به دوش خانواده‌ها می‌اندازد و بر هزینه خانوارها می‌افزاید. مستقل از اینکه افزایش دانش‌آموزانی که با دروس افتاده وارد پایه بالاتر می‌شوند چه تأثیرات مخربی بر فرآیند یادگیری و آموزش دارد و چگونه گرایش به ترک تحصیل را در پایه دوم و سوم، قبل از امتحانات دیپلم، در بین دانش‌آموزان بالا می‌برد، ما شاهد معضلات فراوانی برای دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان هستیم، به عنوان نمونه اگر دانش‌آموزی در امتحانات نهایی دیپلم قبول نشود یا به عبارتی در مدت مشخص در مدرسه روزانه دیپلم نگیرد، باید برای ادامه تحصیل و گرفتن دیپلم در مدارس بزرگسال/ شبانه ثبت‌نام نماید و با ثبت‌نام در کلاس‌های نیمه‌حضور و غیرحضور دیپلم بگیرد. در سال‌های گذشته که مردودی در پایه دوم حذف گردید، تعداد زیادی دانش‌آموزان که از سال دوم و سوم دبیرستان درس مانده داشتند، به خاطر فرسایشی شدن و قبول نشدن در امتحانات دیپلم، ترک تحصیل کردند. فاصله گرفتن از فضای مدرسه و پایین بودن کیفیت آموزش در مدارس شبانه انگیزه تحصیل را از آنان می‌گیرد. با حذف مردودی از پایه اول، معضلات فوق‌الذکر افزایش می‌یابد چرا که تعداد درس‌های افتاده افزایش می‌یابد و دانش‌آموزان منفک از محیط مدرسه و هم‌شاگردی‌ها، انگیزه کافی برای ادامه تحصیل احساس نمی‌کنند، این در حالی است که فرزندان خانواده‌های کارگری و کم‌درآمد با معضلات بیشتری روبرو هستند، این خانواده‌ها قادر به تأمین هزینه‌های ثبت‌نام در کلاس‌های شبانه نیستند.

اما طیف خاصی از دانش‌آموزان در شهرهای اقماری کلان‌شهر تهران و در مناطق جنوب شهر وجود دارند که در طی تحصیل در مدارس روزانه، کارگران پاره‌وقت محسوب می‌شوند و به محض پایان کلاس‌ها در شیفت مخالف سرکار می‌روند. این دانش‌آموزان را می‌توان "دانش‌آموز/کارگر" یا برعکس "کارگر/دانش‌آموز" نامید. تعداد دانش‌آموز/کارگرها به دنبال هدفمندی یارانه‌ها در خانواده‌های کم‌درآمد افزایش یافته‌است. چرا که کارگر/دانش‌آموزها مجبورند به واسطه تورم بالا و گرانی کالاهای اساسی، برای تأمین هزینه‌های جاری زندگی دوشادوش سایر اعضای خانواده کار کنند. این دانش‌آموزان به محض عدم قبولی در امتحانات دیپلم در مدارس روزانه به کارگر تمام‌وقت تبدیل می‌شوند، تعدادی از آنها ترک تحصیل دائمی می‌کنند و تعدادی نیز به شوق ادامه تحصیل و استفاده از معافیت تحصیلی در مدارس بزرگسال/شبانه با هزینه‌های بالا ثبت‌نام می‌کنند. این کارگر/دانش‌آموزان حتی فرصت درس خواندن نیز ندارند و باید هر تعداد بار که درسی را می‌افتند دوباره انتخاب واحد نمایند [1] و هزینه آن را به حساب دولت واریز نمایند. آنان کار می‌کنند تا هزینه‌ای را بپردازند که وظیفه‌ی دولت است و در حالی که ادعا می‌شود تحول اخیر بر مبنای آموزش برای همه [2] و عدالت [3] در آموزش عمومی تدوین شده است!

برای عریان شدن "عدالت" مد نظر طراحان نظام جدید از یک مثال استفاده می‌کنم که بی‌شک مثال مناسبی

برای کسانی نیست که فرزندان‌شان در مدارس غیرانتفاعی یا دولتی با امکانات خاص مانند شاهد، نمونه‌ی دولتی و استعدادهای درخشان تحصیل می‌کنند، کسانی که پیش از این به خاطر برخورداری از منابع مالی و ثروت و استفاده از رانتهای متداول قادر بوده‌اند برای فرزندان خود معلم خصوصی بگیرند یا در کلاس‌های فوق‌برنامه مدرسه یا آموزشگاه‌ها ثبت‌نام نمایند، تغییرات فوق به لحاظ هزینه‌ای برای این دسته از افراد مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند. مثال زیر اما اکثریت جامعه‌ی ایران را شامل می‌شود، اکثریتی که در مدارس دولتی عادی با سرانه‌ی مشخص و محدود تحصیل می‌کنند. حال دانش‌آموزی را تصور کنید که امسال (91-92) در پایه دوم تحصیل می‌کند و با 4 درس [4] افتاده از سال اول به سال دوم راه یافته است. این دانش‌آموز باید ضمن قبولی دروس سال دوم آن 4 درس را نیز امتحان دهد. حال اگر قبول نشود و در پایه دوم هم 4 درس افتاده و در پایه سوم نیز 4 درس افتاده داشته باشد با 12 درس افتاده به عنوان دیپلم ردی به مدارس شبانه معرفی می‌شود. با این حساب دولت هیچ هزینه‌ای برای درس‌های افتاده این دانش‌آموز پرداخت نمی‌کند. او برای گرفتن دیپلم باید تمام هزینه‌هایش را متقبل شود.

اما موضوع به اینجا ختم نمی‌شود. نگاهی به ساختار مدارس بزرگسال نشان می‌دهد که دولت به دیده‌ی درآمدزایی نیز به مدارس شبانه نگاه می‌کند، اولاً جواز تاسیس یک واحد مدرسه بزرگسال به هر معلمی داده نمی‌شود حتی اگر سابقه آموزشی موفق هم داشته باشد. اکثر صاحبان این مدارس افراد مورد وثوق مدیران کل ادارات هستند که غالباً سابقه‌ی مدیریتی در سطح مدرسه و اداره دارند. این افراد باید برای مدرسه خود کادر اداری و آموزشی تامین کنند و دستمزد آنان را از طریق پولی بپردازند که از دانش‌آموزان می‌گیرند. با این حساب دولت خود را از پرداخت هزینه‌های حق التدریس نیز معاف می‌کند. حتی دولت بابت مدارس که در اختیار صاحبان مدارس شبانه قرار می‌دهد، اجاره بها نیز دریافت می‌نماید تا درآمدی نیز داشته باشد. گویی متولیان نظام آموزش و پرورش این انتقاد را پذیرفته‌اند که وزارتخانه متبوعشان درآمدزا نیست و آنان نیز می‌کوشند این درآمد را از خانواده‌ها کسب نمایند. این نوع درآمدزایی، واگذاری و تامین اعتبار، در دل خود مستعد نوع خاصی از فساد اداری مانند فروش نمره و تقلب گسترده در امتحانات است. صاحبان مدارس شبانه اگر بخواهند هم نمی‌توانند دانش‌آموزان را کالایی ببینند، کالایی از جنس تعداد درس افتاده.

این تنها گوشه‌ای از تأثیرات نظام آموزشی جدید بر زندگی افراد کم‌درآمد جامعه است، تأثیرات مخربی که باید آنها را در قالب سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و بیانیه‌های ماموریت توجیه نمود تا دولت فریب از درآمدهای نفتی با خیالی آسوده، بخش خصوصی را در عرصه آموزش عمومی فریب‌تر کند. البته آن قسمت از بخش خصوصی که به واسطه وفاداری، از رانت [5] ویژه‌ای برخوردارند، چرا که در غیاب یک آموزش برابر و پیشرو، این نوع دادوستد منابع و منافع چندسویه صاحبان قدرت و ثروت را تامین و بازتولید می‌نماید.

در صورتبندی اجتماعی نظام سرمایه‌داری وظیفه‌ی اصلی مدرسه و نظام آموزشی بازتولید مناسبات سلطه است. در ایران نیز همواره نظام آموزشی در راستای بازتولید مناسبات طبقه‌ی مسلط عمل نموده است. لذا معضلات و کاستی‌های موجود در نظام آموزشی متأثر از غلبه تمام عیار نگاه کارکردی و محافظه‌کارانه به نظام آموزشی و نهاد مدرسه در گذشته است. نتیجه اینکه برای غلبه بر معضلات و نابسامانی‌های ساختاری نظام آموزشی نمی‌توان نظریه‌های لیبرالی را با روتوش "آموزش برای همه"، "عدالت" و "فرصت برابر" به خورد جامعه داد. تغییر بنیادین در نظام آموزشی از مسیر دموکراتیزه کردن ساختار آن با اولویت و تکیه بر نیازها و خواست‌های طبقات فرودست جامعه و معلمان امکان‌پذیر است. و تشکل‌یابی معلمان در این مسیر امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

[1] - البته معافیت تحصیلی دانش‌آموزان محدود است.

[2] - سند تحول راهبردی، نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم انداز، (سند مشهد مقدس)، مصوب هشتصدویست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، 1389/5/2، هدف کلان سوم: گسترش و تامین همه جانبه‌ی عدالت تربیتی؛ در نظام تربیت رسمی و عمومی، ص 33.

[3] - همان منبع، بیانیه ماموریت، ص 18

[4] - این مثال با دانش‌آموزانی با هر تعداد درس افتاده از یک تا 10 درس متصور است.

[5] - در نظام‌های اقتصادی مدرن مدیران داران سرمایه داران بواسطه اعمال سلطه کارفرما بر سایر کارکنان توسط این مدیران از درآمد بیشتری برخوردارند این درآمد بیشتر به خاطر نیروی کار مدیریتی است که

نوعی رانت وفاداری است اما در این نوشته رانت وفاداری مدیران نه به واسطه توانمندی های مدیریتی، بلکه به خاطر وابستگی و وفاداری سیاسی و ایدئولوژیک به سیستم حاکم است. برای مطالعه در مورد نحوه شکل گیری رانت وفاداری مراجعه کنید به کتاب طبقه و کار در ایران اثر سهراب بهداد و فرهاد نعمانی، ص 48

دبیر خانه کارگر استان خبر داد: طلب ۸۴ میلیاردی تامین اجتماعی از صنایع لرستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال کارگری در خرم آباد از طلب ۸۴ میلیارد تومانی صندوق تامین اجتماعی استان لرستان از کارخانه‌ها، صنایع و ادارات دولتی استان لرستان خبر داد.

«پیمان نادرینیا» با اعلام خبر فوق به ایلنا گفت: بیشترین طلب این صندوق مربوط به چهار کارخانه بزرگ این استان است که باید صاحبان این صنایع هرچه سریع‌تر طلب خود را به تامین اجتماعی پرداخت کنند. او با انتقاد از عملکرد برخی ادارات دولتی در زمینه پرداخت حق بیمه کارگران خود، عنوان کرد: برخورد قانونی با کارفرمایانی که نسبت به پرداخت طلب خود به صندوق تامین اجتماعی کوتاهی می‌کنند حق سازمان است از این رو این صاحبان صنایع قبل از آنکه زیان مالی بیشتری به منابع مالی صندوق تامین اجتماعی وارد کنند باید بدهی‌های خود پرداخت کنند.

پایان پیام

بازداشت جلیل محمدی و حامد محمودی نژاد

به گزارش رسیده، در تاریخ 14 اردیبهشت 92 آمده است: جلیل محمدی از فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی در سنج پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت توسط مامورین امنیتی دستگیر شده است. همچنین از ساعت ۸ شب پنج شنبه ۱۲ اردیبهشت حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی در شهر سنج ناپدید شده است و تاکنون خبری از وی در دست نیست و احتمالاً نامبرده هم دستگیر شده است. حامد محمودی نژاد در ۱۷ اسفند ۹۱ در آستانه ۸ مارس دستگیر شده و به تازگی با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد گردیده بود. همچنین جلیل محمدی در ۲۶ خرداد ۹۱ در مجمع عمومی کمیته ی هماهنگی در کرج دستگیر شده بود و بعد از حدود ۲ ماه بازداشت با حکم يك سال تعلیقی آزاد گردیده بود. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ضمن محکوم کردن دستگیری این فعالین خواهان آزادی فوری آنان و همچنین آزادی غالب حسینی، علی آزادی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد.

گزارشی از وضعیت نیروی کار پروژه ای

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/05/blog-post_17.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر - در تاریخ 15 اردیبهشت 92 آمده است: انسان برای تامین نیازمندی‌های حیاتی خود و برای تداوم زندگیش وابسته به همپاری اجتماعی است. بدون این گونه مناسبات، زندگی بشر و تداوم آن، امکان پذیر نیست. انسان برخلاف دیگر موجودات با فرد گرایی و زندگی بدون ارتباطات اجتماعی، بدون کار و تولید نعمات مادی نمی‌توانست در موقعیت برتر امروزش قرار گیرد. تکنولوژی‌های مدرن و دانش بالنده، نانو تکنولوژی، کوانتوم و ... و ... برآیند مناسبات کار و تولید است.

ولی بشر در رابطه با خود، با هم نوعش، نتوانسته بر کاستی‌های مناسبات اجتماعی، بر فاصله‌ی طبقاتی، فقر و بیداد و عدم وجود آزادی اندیشه در اکثریت کشورهای در حال توسعه دست یابد. این نابهنجاری‌ها در رابطه با مناسبات کار و حقوق قانونی نیروی کار، بیشتر از همه جنبه‌های دیگر نمود دارد.

اردوگاه کار پروژه‌های نفتی

قبل از مناسبات اقتصادی دولت رفاه یا اقتصاد کنیزی، مناسبات اقتصادی جهان با اعتقاد به اصول لیبرالیسم، به عدم دخالت دولت در امور اقتصادی باور داشت و عمل می‌نمود، همراه با آزادی رقابت و آزادسازی اقتصاد و بازار. عوارض چنین عملکرد اقتصادی، بزرگ‌ترین جنایات تاریخ بشر را (استفاده از گازهای مرگبار و بمباران هسته‌ای) در جنگ‌های اول و دوم جهانی در پی داشت. جنگ‌هایی که میلیون‌ها کشته و معلول از میان زحمت‌کشان به جا گذاشت. ساختار سرمایه‌داری به این گونه چهره راستین و بدون ماسک خود را به نمایش درآورد. در حقیقت اقتصاد کنیزی برای حل بحران‌ها و نابهنجاری‌های دوره‌ای این ساختار کاربردی گردید. پس از سپری شدن مدت زمانی، بحران‌ها در اشکال نوینی بروز کردند و سرمایه‌داری را به چالش گرفتند. با این شرایط سرمایه‌داری به سوی نئولیبرالیسم گرایش یافت.

این بار به جای لشگریان استعمارگر، کارخانه‌های تولیدی را از آمریکا و اروپا به سرزمین‌های فقرزده‌ای فرستادند که در آن یا قانون کاری برای دفاع از حقوق نیروی کار وجود ندارد، یا اگر داشته باشد، اجرا نمی‌شود. در دوران استعمار با اسلحه ثروت‌های مردم جهان را غارت می‌کردند، اینک با صدور کارخانه، بدون حقوق مناسب و تامین اجتماعی نیروی کار و به این صورت کار و جانانشان را می‌ربایند. پس از چند دهه، با وجود معیار ارزش‌های سرمایه‌داری ((کسب سود هر چه بیشتر، به هر قیمتی)) باز بحران‌ها تشدید شدند. آن هم به خصوص در آمریکا و اروپا، ولی تئوریسین‌های نئولیبرالیسم وطنی به رغم تداوم این بحران‌ها هنوز نئولیبرالیسم را تبلیغ می‌کنند. برآیند این تبلیغات پذیرش این مناسبات اقتصادی در ایران پس از جنگ است. ما امروز شاهد شکل‌گیری عوارض این پذیرش هستیم:

بیکاری فزاینده، گرانی و فاصله بزرگ طبقاتی.

وضعیت امروزی کارگران پروژه‌های

امروزه، نه دولت و نه بخش خصوصی نیروی کار پروژه‌های صنایع نفت و پتروشیمی ایران را آموزش فنی نمی‌دهند و در این راه هیچ هزینه‌ای صرف نمی‌کنند. جوشکاران دارای کد تخصص که امروزه در این صنایع تکنیکی‌ترین عملیات جوشکاری را انجام می‌دهند، با سخت‌کوشی و هزینه و استعدادهای خود در این موقعیت قرار دارند. جوشکاران استنلس، کاپرنیکل، 6GR و آلومینیوم و جوش CO2 و فیترها که می‌باید ریاضیات را تا حدود پایان دوره‌ی دبیرستان به خوبی بدانند و به صورت کار بردی بتوانند از آن استفاده کنند و به این ترتیب بتوانند واحدهای کوچک و بزرگ پالایشگاه‌ها را بسازند، همگی نسبت به کارگران کره‌ای، چینی و فیلیپینی که به جای کارگران فنی و بیکار ایرانی در پارس جنوبی با حقوق‌های 4 میلیون تومانی کار می‌کنند، در استانداردهای جهانی، کیفیت کاری بالاتر و تجربه‌ی بیشتری دارند. بی‌تردید در جوامعی که انسان و رفع نیاز انسان محور فعالیت اقتصادی باشد در کنار تولید و تکنولوژی پیشرفته درک شایسته‌ای از کار و نیروی کار نیز ایجاد می‌شود و سرمایه‌های انسانی را در چنین جوامعی با هیچ یک از منابع طبیعی یا طلا و .. قابل مقایسه نمی‌دانند. در چنین جوامعی نیروی کار صنعتی، سرمایه بی‌بدیل محسوب می‌شود. با تاسف بسیار اما این سرمایه‌های انسانی در ایران نه فقط سرمایه محسوب نمی‌شوند بلکه مشتکی ((عمله‌جات)) خوانده می‌شوند که وجود یا عدم وجودشان برای ساختار دلالی - نئولیبرالیسم بی‌ارزش است. زیرا با دلارهای نفتی می‌توانند "عمله‌جات" مورد نیاز را از چین و فیلیپین و ... وارد کنند. لذا تعجب آور نیست که با مصوبات، هر روز کارگران را از یکی از حقوق‌شان محروم می‌کنند. با تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی علاوه بر بیکاری گسترده، کارگاه‌های زیر ده نفر از قانون کار معاف شدند. این یعنی میلیون‌ها خانوار کارگری نه بازنشستگی دارند نه تامین اجتماعی و نه امنیت شغلی و خانم‌هایی با مدرک فوق لیسانس که در واحدهای زیر ده نفر، مانند آژانس‌ها کار می‌کنند، باید حقوق 150 هزار تومانی دریافت کنند و با بند "ز" مصلحت نظام، کارفرماها، هر کارگری را که اراده کنند،

می‌تواند اخراج نمایند. با کارمزد پیشنهادی دولت، کارمزد منعطف، برای همیشه حداقل حقوق از میان می‌رود. در حقیقت این قوانین تصویب شده و در حال تصویب، سرمایه‌های ملی انسانی ما را به تدریج با گرسنگی به کام فقر و اعتیاد و فساد و مرگ می‌کشاند.

تاثیر نگرش نئولیبرالیسم بر کار و زندگی یک نیروی کار پروژه‌ای

یک نیروی کار پروژه‌ای در اردوگاه کارش، 23 روز و برای کارگران 24 روز با بدترین شرایط بهداشتی، غذایی و وسایل خواب به سر می‌برد. با روزی 12 ساعت کار برای ساخت پالایشگاه یا پتروشیمی‌ها. به دلیل این که پروژه در حال ساخت می‌باشد، امکانات ایمنی برای حفظ جان نیروی کار بسیار محدود است و به دلیل زمان بندی کار، کار با سرعت و شتاب صورت می‌گیرد که این نیز ایمنی شرایط کار را به شدت کاهش می‌دهد. از سوی دیگر آلودگی‌های صوتی، گازی، شیمیائی بسیار بالا همراه با فشار روزی 12 ساعت کار ممتد. پیمانکاران بی‌توجه به توان متوسط نیروی کار مقدار کار هر فرد را در روز مشخص می‌کنند و کارگران مجبورند، سرعت و شتاب را به کار بیفزایند. این شیوه ی کار از نظر روحی نیروی کار را فرسوده می‌کند. وجود اوضاع جغرافیایی خاص مانند پارس جنوبی مزید بر علت است. گرما، شرجی بودن هوا و آلودگی‌های شدید گازی به گونه‌ای که در روزهایی که هوا وارونه می‌شود، با تنفس بوی ادرار (آمونیاک) را استشمام می‌شود و گوشه‌های لب و چشم به سوزش می‌افتد. در این شرایط افرادی که حساسیت دارند دچار مشکل جدی می‌شوند. عوارض دراز مدت این آلودگی‌ها، سوی دیگر این واقعیت است.

حالا چنین فردی می‌خواهد برای 6 روز به مرخصی برود که یک روز آن در راه رفت و یک روز در راه برگشت هدر می‌رود. این انسان باید در هر ماهی تنها 4 روز به تربیت فرزندان و همیاری با همسرش بپردازد. آن هم در صورتی که به این واقعیت توجه نکنیم که او یک جسد خسته را به خانه می‌رساند، نه یک انسان شاد و سرحال که 4 روز حق دارد به خانواده‌اش رسیدگی کند. در سوی دیگر، همسر این نیروی کار پروژه‌ای پس از 23 روز تنهایی و سرکله زدن با گرانی و تورم انتظار دارد همسرش بیاید و کمی از مشکلات خانه را سبک کند. ولی با کسی روبرو می‌شود که تنها قادر است بخوابد و خستگی و فرسودگی را برای خانواده‌اش به ارمغان آورده است. این شرایطی غیرقابل تحمل و نابهنجار است که در عمل به اختلافات و درگیری‌هایی خانوادگی و در نهایت به جدایی و متارکه می‌انجامد. هر دو هم حق دارند. هیچ يك مقصر نیستند. این وضعیت نابهنجار کار و اجتماع نئولیبرالیسم زده است که زندگی آن‌ها را به چالش گرفته و از هم می‌پاشد. ولی هردو از این واقعیت بی‌خبرند و از آن بیگانه. از این رو در جستجوی گناه یکدیگر، اختلافات‌شان تشدید می‌گردد.

با روند نئولیبرالیستی حاکم این روند هر روز بیشتر تشدید می‌شود، در حالی که شرایط کار و درآمد یک نیروی کار باید به گونه‌ای باشد که بتواند از مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش، تامین اجتماعی و بازنشستگی بهره‌مند گردد و اوقات فراغتی داشته باشد، که بتواند نیروی کار آینده را باز تولید نماید. در این صورت بازده کار او، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی بسیار بالا خواهد رفت و پرت تولید، به شدت کاهش می‌یابد. عدم امنیت شغلی، عدم تامین نیازهای اولیه و حیاتی، نیروی کار را نسبت به کار بی‌تفاوت و کارگزی می‌کند.

پیشنهاد اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای به این نارسائی‌های قانونی

طبق قانون کار جمهوری اسلامی و طبق مقوله نامه‌های بین المللی که جمهوری اسلامی آنها را تأیید نموده است، روزانه کار 8 ساعت است و در روز نباید بیش از دو ساعت اضافه کاری وجود داشته باشد، آن هم نه هر روز، زیرا از نظر بهداشت جهانی کار، اضافه کار ممتد عوارض دراز مدت روانی را در پی دارد. در حالی که کارگر پروژه‌ای روزی 12 ساعت کار می‌کند، یعنی هر روز 4 ساعت اضافه کاری. میزان کار کارگر در 2 هفته برابر 168 ساعت می‌شود که 56 ساعت آن اضافه کاری است. محاسبه این 56 ساعت اضافه کار بر اساس ضریب قانونی‌اش برابر با 78/4 ساعت کاری است که در این صورت جمع کارکرد 2 هفته‌ای یک کارگر پروژه‌ای 190/4 ساعت کاری می‌شود که نسبت به 176 ساعت کاری ماهانه‌ی کارهای سخت (که کار پروژه‌ای هم جزو آنهاست) 14 ساعت بیشتر است و نسبت به 192 ساعت کاری کارهای معمولی تنها 1/6 ساعت کمتر است. اگر تعطیلات رسمی سالانه را محاسبه کنیم که کارگران دیگر از آنها استفاده می‌کنند ولی کارگر پروژه‌ای تمام

آن روزها را کار می‌کند، می‌بینیم یک نیروی کار پروژه‌ای طی دو هفته کار بیش از ساعات کار موظف در یک ماه کاری را کار کرده است، آن هم با توجه به سختی و آلودگی‌های کارش.

از این رو ما نیروی کار پروژه‌ای پیشنهاد می‌دهیم که کار ماهانه ما می‌باید دو هفته کار و دو هفته مرخصی (با روزانه 12 ساعت کار) باشد تا این حالت اردوگاهی کار ازمیان برود. با توجه به پرشدن ساعت کاری یک ماه کارگران پروژه ای، باید کلیه حقوق و مزایا و سختی کار یک ماه کامل به نیروی کار پروژه‌ای پرداخت گردد.

ما بابت ارزش بسیار بالای کارمان (تکنیک تولید کارخانه تولیدی) و بابت سختی‌ها و دشواری‌های آن تقاضایی نداشته‌ایم، بلکه تنها انتظار داریم به این موارد قانونی کار نیروی کار پروژه‌ای توجه شود و انتظار داریم، با توجه به این موارد اعلام شده، به این موارد نقض صریح قانون رسیدگی شود.

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

92/2/15

عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادیاران ساختمانی استان تهران:

فرصت ۲۰ دقیقه‌ای برای ثبت نام بیمه غیر قابل قبول است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است: عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادیاران ساختمانی استان تهران از ساز و کار ثبت نام کارگران ساختمانی برای بیمه تأمین اجتماعی انتقاد کرد.

«محمد باقری» در این باره به ایلنا گفت: در سال گذشته، سایت ثبت نام بیمه تأمین اجتماعی برای کارگران ساختمانی تنها ۲۰ دقیقه فعال بود و بعد از آن بسته شد که این مساله باعث نارضایتی شدید و گسترده کارگران ساختمانی بوده است. مسئولان سازمان تأمین اجتماعی اعلام کردند در همین فرصت ۲۰ دقیقه‌ای ظرفیت ثبت نام پر شده است. وی ادامه داد: ما در سطح کشور تاکنون بیش از ۲ میلیون کارت مهارت دریافت کرده‌ایم که متأسفانه تعداد قلیلی از آن‌ها جزء کارگران ساختمانی نبوده و مانع از حضور نفرات واقعی بوده‌اند.

این فعال کارگری با اشاره به تفاهم نامه بین انجمن‌های صنفی و سازمان فنی حرفه‌ای استان تهران منعقد شده است افزود: کارگرانی که تاکنون نتوانسته‌اند کارت مهارت دریافت کنند به انجمن‌های مربوطه مراجعه کنند.

رئیس انجمن صنفی گچ کاران استان تهران به کارفرمایان توصیه کرد تا به جای مهاجرین افغان از کارگران ایرانی استفاده کنند. باقری با اشاره به مشکلاتی که کارگران ساختمانی پس از اتمام کار جهت دریافت دستمزد خود با آن مواجه هستند بیان کرد: کارگران ساختمانی به دلیل عدم آگاهی و عدم آشنایی با قوانین کار و همچنین نداشتن سواد کافی و نداشتن قرارداد شفاف از سوی کارفرمایان مورد ظلم و از دست دادن حق حقوق خود قرار می‌گیرند.

عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادیاران ساختمانی استان تهران در پایان با اشاره به اینکه استعلام کارت مهارت دو ماه زمان می‌برد، خواستار تمدید دو ماهه دفترچه بیمه کارگران ساختمانی که اعتبار کارت مهارت آن‌ها پایان یافته است شد. گفتنی است هر سال ۲۰۰ هزار نفر به عنوان کارگر ساختمانی در سطح کشور وارد سیستم بیمه تأمین اجتماعی می‌شود. تاکنون ۶۰۰ هزار نفر در ۳ ساله گذشته بیمه شده‌اند.

لازم به ذکر است در سال جاری، معرفی افراد جهت بیمه کارگران ساختمانی از طریق معرفی انجمن‌های مربوطه بوده که پس از نامه صدور گواهی اشتغال به کار این امر می‌سر خواهد شد.

پایان پیام

نایب رئیس هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام: لغو قرارداد کار در مناطق آزاد اقتصادی به کارفرما سپرده شده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است: نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام بر لزوم رعایت مقابله نامه‌ها و توصیه نامه‌های سازمان بین المللی کار در مناطق آزاد اقتصادی تاکید کرد.

عباس رضایی در این باره به ایلنا گفت: قوانین اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران با آنچه در قانون کار آمده متناقض و نیازمند اصلاح است. وی در ادامه با اشاره به ماده ۳۴ مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد افزود: مطابق ماده ۳۴، لغو قرارداد کار حتی با صدور حکم بازگشت به کار از سوی اداره کار منطقه آزاد به کارفرما سپرده شده است.

این ماده قانونی اشاره می‌کند: «هرگاه اخراج کارگر از سوی هیأت رسیدگی موجه شناخته نشود، کارفرما رامخیر خواهد کرد تا کارگر را به کار برگردانده و حقوق ایام بلا تکلیفی وی را بپردازد و یا آنکه در قبال هر سال خدمت حقوق ۴۵ روز وی را به عنوان خسارت اخراج بپردازد.»

به گفته آقای رضایی، ماده ۳۴ تمام سابقه کارگر و سنوات او را نادیده می‌گیرد. این فعال کارگری از عدم وجود آیین نامه طرح طبقه بندی مشاغل، مشاغل سخت و زیان آور و پاداش افزایش تولید در قوانین مربوط به کار منطقه ویژه انتقاد کرد. وی تصریح کرد: به باور ریاست اداره کار منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، آنچه در قوانین مربوط به کار مناطق آزاد ذکر نشده است وجاهت قانونی ندارد و بر همین اساس نیز تشکل های کارگری را به رسمیت نمی‌شناسد. رضایی با اشاره به ماده ۵۱ قوانین اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، چنین استدلالی را بی پایه و اساس خواند.

ماده ۵۱ می‌گوید: «مقابله نامه‌ها و توصیه نامه های سازمان بین المللی کار در مناطق آزاد لازم الرعایه می‌باشد»

نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان اظهار داشت: به رسمیت شناختن تشکل های کارگری و سندیکاها از سوی دولت از اساسی ترین بندهای مربوط به مقابله نامه ها و توصیه نامه های سازمان بین المللی کار است.

پایان پیام

جزئیات منتشر نشده از پشت پرده های افزایش قیمت روغن

برپایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری آمده است: سلسله اتفاقاتی که پس از انتشار خبر گرانی روغن اتفاق افتاد و گزارش هایی که جزئیات ماه ها پیش از این گرانی را فاش کرد، چراهای بسیاری را در ذهن مردم برانگیخت. انجمن روغن نباتی کشور با انتشار خبری در سایت رسمی خود از کاهش 10 درصدی قیمت انواع روغن مصرفی خانوار - و نه روغن مصرفی کارخانه ها - خبر داد؛ پیش از این 35 درصد قیمت روغن گران شده بود. در حالی دبیر انجمن روغن ایران از کاهش 10 درصدی قیمت خبر داده است که این کالای اساسی هفته گذشته 35 درصد گران شده بود. افزایش قیمت محصولات روغن مصرف در واقع با کاهش 10 درصدی قیمت آن هم فقط برای مصرف خانوار، این محصول مصرفی برای خانواده های ایرانی 25 درصد افزایش قیمت دارد؛ حالا دیگر گرانی 35 درصدی قیمت روغن برای کارخانه ها و تولیدی ها بماند که براسا گفته تولیدکنندگان موجب گرانی

50 درصدی انواع کیک و کلوچه و شیرینی و کنسرو و . . . خواهد شد. جالب آن است که علت گرانی روغن در هفته گذشته حذف ارز مرجع اعلام شده بود که با مخالفت دولت و با تصریح شخص معاون اول رئیس جمهور، ارز مرجع به واردات کالاهای اساسی از جمله روغن برگشت اما . . . ما مصوبه می‌خواهیم اما عجیب آن است که قیمت روغن ریالی پایین نیامد و این در حالی بود که مسئولان انجمن روغن نباتی با انتشار قیمت افزایش یافته روغن در سایت رسمی خود و رد هرگونه کاهش قیمت اعلام کردند که مصوبه‌ای مبنی بر لزوم کاهش قیمت از سوی دولت دریافت نکرده‌اند تا قیمت را کاهش دهد؛ در حالی که برای افزایش قیمت تنها یکی، دو ساعت پس از انتشار خبر تکذیب شده حذف ارز مرجع این انجمن بدون مصوبه و ابلاغیه و بخشنامه، تشکیل جلسه داد و روغن را 35 درصد گران کرد. برای افزایش قیمت از خیلی قبل‌تر برنامه داشتیم جالب آن بود که رئیس اتحادیه قنادان نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها با صراحت تمام اعلام کرد که پیش از حذف ارز مرجع هم برای افزایش قیمت روغن برنامه داشتیم و اختصاص دوباره ارز مرجع هم قیمت روغن را کاهش نخواهد داد.

در این میان جالب‌تر آن بود که با انتشار گزارش‌ها و کشف انبارهایی روشن شد که ماه‌ها پیش از انتشار خبر حذف ارز مرجع، بسیاری از سودجویان این کالای اساسی را احتکار کرده بودند.

انبارهایی که ماه‌ها قبل پر از روغن شد

این که چگونه این سودجویان از افزایش قیمت اطلاع داشته‌اند و چگونه کسی مثل رئیس اتحادیه قنادان می‌گوید قبل از حذف ارز مرجع هم در فکر افزایش قیمت بوده‌اند و انبارها چگونه پر شده است جای سؤال دارد.

با این وجود هنوز قیمت روغن کاهش نداشته است و احتکار بسیار گسترده سودجویانی که یک ماه مانده به انتخابات ریاست جمهوری بازار را ملتهب کرده‌اند تا سیاه‌نمایی کنند، هنوز جای سؤال و بدبینی است. . . .

استمداد بهنام ابراهیم زاده از جامعه جهانی

برپایه خبردریافتی در 15 اردیبهشت 92 آمده است: اینجانب بهنام ابراهیم زاده پدر نیما ابراهیم زاده، در حال حاضر تحت استرس و فشار روانی شدیدی قرار دارم زیرا دستگاه قضایی و امنیتی به شدت تلاش می‌کنند که مرا به زندان برگردانند و از این رو فرزند بیمار من در وضعیت روحی بسیار بدی قرار گرفته است. اکنون بار دیگر دوره درمان فرزندم شروع شده و او طی پروسه درمان نیاز مبرمی به حضور من در کنار خودش دارد. حتی پزشکان بیمارستان محک بر این موضوع تأکید و پافشاری کرده‌اند که چون فرزندم در آستانه سن بلوغ قرار دارد، در وضعیت بسیار حساسی است و برای پیشرفت درمان و بهبودی سریع به حضور پدر نیاز دارد. اما مقامات قضایی به شدت تلاش می‌کنند که مرا به زندان برگردانند و فرزندم را از وجود من در کنارش محروم کنند.

امروز شب چهاردهم اردیبهشت که برای پیگیری تمدید مرخصی خود به دادستانی مراجعه کردم، آقای خدابخشی قاضی ناظر بر زندان، طی نامه‌ای خطاب به پزشک قانونی تهران تأکید کرد که باید پزشک قانونی تأیید کند که شما بایستی ضرورتاً در کنار فرزند خود بمانی. من به ایشان یادآوری کردم که درست چندروز قبل، نامه پزشکان بیمارستان محک، خطاب به مقامات مربوطه مبنی بر این که بهنام ابراهیم زاده با توجه به وضعیت ویژه فرزندش باید در کنار او بماند را به شما تحویل دادم، اما ایشان همچنان پافشاری کردند که باید پزشکان خودمان در پزشکی قانونی نیز این مسئله را تأیید کنند. گویا دستگاه قضایی تمام توان خود را به کار انداخته تا مرا از تنها فرزندم جدا سازد و با این کار مطمئناً جان فرزندم به خطر خواهد افتاد.

بدین وسیله من بهنام ابراهیم زاده، با توجه به وضعیت وخیم جسمی و روحی تنها فرزندم که بیش از سه ماه است در بستر بیماری به سر می‌برد، از تمامی سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشری و انسانیست، اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری، تمامی انسان‌های آزادیخواه و مترقی که قلبشان برای آزادی و انسانیت و بشریت می‌تپد و همچنین تمامی هم‌طبقه‌ای‌هایم در سر تا سر جهان می‌خواهم که ما را یاری کنند و نگران دستگاه

قضایي مرا به زندان برگرداند و جان فرزندم، نیماي عزیز که در جدال با بیماری سخت اش به من نیاز مبرم دارد، به خطر بیافتد.

ما به کمک شما عزیزان نیاز داریم.
بهنام ابراهیم زاده اردیبهشت 92

تلاش مقامات قضایی وامینیتی برای برگرداندن بهنام ابراهیم زاده به زندان با وجود وخیم بودن حال نیما فرزند این فعال کارگری زندانی

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری زندانی که هم اکنون در مرخصی به سر میبرد امروزشنبه ۱۴ اردیبهشت ماه طبق قرار قبلی به دادستانی تهران مراجعه کرد که در آنجا قاضی ناظر بر زندان نامه‌ای خطاب به پزشک قانونی تهران نوشته که باید فردا آن را تحویل پزشک قانونی بدهد تا پزشک قانونی تأیید کند که حال نیما مساعد نیست و پدرش باید در کنارش بماند، این در حالی است که بهنام ابراهیم زاده چند روز پیش نامه پزشکان بیمارستان محک را مبنی بر این که ماندن بهنام در کنار فرزند بیمارش تأثیر مثبتی در روحیه نیما دارد را تحویل مقامات قضایی داده بود اما امروز قاضی ناظر تأکید کرده در صورتی بهنام میتواند بیرون از زندان و در کنار نیما باشد که پزشکی قانونی تأیید کند نه پزشکان بیمارستان محک! این در حالی است که نیما تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری زندانی از چند ماه پیش به دلیل ابتلا به سرطان خون در بیمارستان محک تهران بستری شده است.

یک فعال مستقل کارگری:

استقلال نهادهای صنفی مهمترین دغدغه کارگران است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است یک فعال مستقل کارگری می‌گوید هرچند در اجتماعات روز جهانی کارگر به مسئله اعتراض و شکایت علیه دستمزها اشاره شد اما نبود تشکلهای مستقل صنفی همچنان مسئله کلیدی جامعه کارگری است.

کاظم فرج الهی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: اینکه برخلاف سالهای گذشته برگزار کنندگان مراسمهای هفته کارگر در تجمعات محدود خود به مسئله ناعدلانه بودن دستمزدهای تعیین شده اشاره کردند بسیار قابل تامل است.

وی افزود: با این حال نباید فراموش کردن که برای کارگران ایران همچنان کلیدیترین مسئله نبود امکان فعالیت تشکلهای مستقل صنفی کارگری است.

این فعال صنفی کارگری بابیان اینکه مسئله فقدان تشکلهای صنفی بسیار مهم است، گفت: در حال حاضر به دلیل نبود نهادهای مستقل صنفی، نمایندگان کنونی کارگران حقوق صنفی و وظیفه دفاع از حقوق کارگران را فراموش کرده و باور کرده‌اند که حضور یا عدم حضور آنها بی‌تأثیر است.

وی همچنین با اشاره به اینکه در غیاب نهادهای مستقل صنفی کارگری، هیچ اتحاد صنفی در میان کارگران وجود ندارد گفت: این مسئله باعث سوء استفاده کارفرمایانی شده است که در سالهای اخیر با پرداخت مزد ناچیز جویندگان کار را به کار می‌گیرند.

فرج الهی تصریح کرد: با توجه به وخیم‌تر شدن وضعیت اقتصادی کشور جای خالی تشکلهای مستقل کارگری بیشتر از گذشته احساس می‌شود.

وی افزود: در صورت فعالیت نهادهای مستقل صنفی، کارگران ایران می‌توانند بصورت سازماندهی شده برای افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی خود فعالیت کنند.

پایان پیام

چهار میلیون جوان همچنان جویای کار

افزایش سن ازدواج ۸ میلیون جوان

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس به نقل از خبرگزاری دولتی مهر در 15 اردیبهشت 92 آمده است: ایجاد اشتغال به ویژه در میان نسل جوان و جویای کار در دولت دولت نهم و دهم جزو اصلی‌ترین شعارهای انتخاباتی محمود احمدی نژاد بود. او حتی وعده داد نرخ بیکاری را به صفر برساند. اما بر اساس آمارهای رسمی مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در سال 1384 (سال به روی کار آمدن دولت نهم) 11.5 درصد بوده که در سال 1391، به 12.2 درصد رسیده است. در این میان در حالی مسئولان از وجود دو میلیون جوان بیکار خبر می دهند که کارشناسان این تعداد را تا چهار میلیون برآورد می کنند.

به گزارش مهر، هشت سال از پیروزی محمود احمدی نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال 84 می گذرد و در این مدت شعارها و وعده وعید های فراوانی از سوی رئیس دولت های نهم و دهم مطرح شده است که بخش قابل توجهی از آنها از جمله حل معضل بیکاری و ایجاد اشتغال در میان نسل جوان بود که تاکنون محقق نشده است.

ایجاد اشتغال به ویژه در میان نسل جوان و جویای کار کشور به نوعی یکی از اصلی ترین محورهای شعار تبلیغاتی محمود احمدی نژاد در سال 1384 بود که آمارهای رسمی سازمان آمار و همچنین آمارهای غیررسمی سازمان های مردم نهاد حاکی از آن است که وعده های داده شده هیچ کدام به سرانجام نرسیده است. بخشی از وعده های رئیس دولت در طول هشت سال گذشته برای ریشه کنی بیکاری:

این در شرایطی است که براساس نتایج اعلام شده مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در سال 1384، (سال به روی کار آمدن دولت نهم) 11.5 درصد بوده است، اما این آمار در سال 1391، به 12.2 درصد رسیده است.

محمد تقی حسن زاده رئیس مرکز مطالعات و پژوهش های وزارت ورزش و جوانان درباره ایجاد فرصت های شغلی برای جوانان می گوید: «کمترین میزان ایجاد اشتغال برای جوانان در دهه 80 و بیشترین مربوط به سال 1375 بوده است. نرخ بیکاری در سال 1375، 14.8 درصد بود که این عدد در سال 1390 به 26.9 در میان جوانان 15 تا 24 سال می رسد»

او با بیان اینکه بیشترین نرخ بیکاری مربوط به سال 1380 است، توضیح می دهد: «جمعیت جوان کشور از سال 1375 تاکنون در حدود 45 درصد رشد داشته است که با توجه به این افزایش باید زمینه های ایجاد اشتغال برای این جمعیت نیز فراهم می شد تا شاهد افزایش سن ازدواج در میان جوانان کشور نباشیم»
حسن زاده درباره تعداد جوانانی که هم اکنون به عنوان جمعیت جوان بیکار کشور شناخته می شوند، توضیح می دهد: «براساس نتایج سرشماری سال 1390، یک میلیون و 973 هزار و 817 نفر از جمعیت جوان کشور در فاصله سنی 15 تا 29 سال بیکار هستند و باید فرصت های شغلی برای آنها ایجاد شود»

افزایش سن ازدواج ۸ میلیون جوان ایرانی

این مقام مسوول درباره پیامدهای افزایش نرخ بیکاری در میان جمعیت جوان کشور می گوید: «افزایش نرخ بیکاری دلایل مختلفی همچون دلایل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد. همچنین نوسانات قیمت نفت، اقتصاد جهانی و ... نیز تاثیر مستقیمی در افزایش یا کاهش نرخ بیکاری و ایجاد اشتغال در یک جامعه دارد. بنابراین مسوولان باید همواره برای ریشه کنی بیکاری اقدام به یک برنامه ریزی با ثبات کنند که هیچ کدام از این عوامل تاثیری در افزایش بیکاری به ویژه در میان قشر جوان نداشته باشد.»

به گفته رئیس مرکز مطالعات و پژوهش های وزارت جوانان، افزایش سن ازدواج در میان جوانان از جمله پیامدهای بیکاری در میان جوانان است که خود می تواند زمینه ای برای افزایش آسیب های اجتماعی در کشور باشد. چرا که پایه تشکیل زندگی شغل و درآمد و تامین مسکن و هزینه های زندگی از سوی مرد است و اگر

فرصت های شغلی برای جوانان به ویژه مردان ایجاد نشود، انگیزه های ازدواج و تشکیل خانواده در میان آنها از بین خواهد رفت.

او بیان می کند که از ۲۲ میلیون نفر جمعیت جوان کشور، بیشترین جمعیت جوان کشور در سنین ۲۵ تا ۲۹ سال که بهترین سن ازدواج است قرار دارند که هشت میلیون و ۶۷۲ هزار و ۵۸۴ نفر از جوانان در رده سنی ۲۵ تا ۲۹ سال هستند. در این رده سنی جمعیت مردان بیشتر از زنان بوده و این خود هشدار می باشد به مسوولان و کارشناسان برای تاخیر در سن ازدواج است.

4 میلیون جوان بیکار در کشور

اعلام یک میلیون و ۹۷۳ هزار جوان بیکار در شرایطی است که آمارهای سازمان های مردم نهاد نشان می دهد که در حدود چهار میلیون جوان بیکار در کشور وجود دارد.

مجید ابهری آسیب شناس مسائل اجتماعی معتقد است: « نبود آمار دقیق جوانان بیکار منجر به عدم اتخاذ سیاستگذاریهای جدی برای خروج از بحران بیکاری جوانان می شود. در حال حاضر آمارهای غیررسمی سازمانهای مردم نهاد، از وجود چهار میلیون جوان بیکار خبر می دهد که دو میلیون و ۷۰۰ هزار نفر آنها تحصیلات لیسانس یا بالاتر داشته و مابقی نیز تحصیلات دیپلم و یا زیر دیپلم دارند.»

او توضیح می دهد: « بسیاری از مسئولان اعلام آمار دقیق بیکاری را نوعی سپاه نمایی فضای جامعه عنوان می کنند، این در حالی است که اعلام آمار دقیق بیکاری جوانان، منجر به اتخاذ سیاستهای منطقی برای اشتغال زایی در کشور می شود و مانع از رشد مشاغل کاذب در کشور خواهد شد. بیکاری این روزها به معضلی اجتماعی نه تنها برای ایران بلکه برای مردم تمام دنیا تبدیل شده است و نباید از ارائه آمار بیکاری از سوی مسوولان و نهادهای رسمی ابا داشت.»

این آسیب شناس درباره پیامدهای اجتماعی بیکاری جوانان می گوید: « سرخوردگی، افسردگی جوانان تحصیل کرده، افزایش آمار اعتیاد، کاهش آمار ازدواج و موالید، بالا رفتن سن ازدواج، ضد ارزش شدن تحصیل برای دانش آموزان و عدم انگیزه برای ادامه تحصیل آنها از جمله پیامدهای بیکاری در میان نسل جوان کشور است.»

وعده های دولت برای کاهش نرخ بیکاری در حد شعار باقی ماند

اما در این میان عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی چندی پیش از افزایش نرخ بیکاری در دولت های نهم و دهم انتقاد کرده و گفته بود: « رشد نرخ بیکاری در میان جمعیت جوان کشور متأثر از اجرای ناصحیح فاز نخست قانون هدفمندسازی یارانه ها است. وعده های دولت برای کاهش نرخ بیکاری در طول هشت سال گذشته در حد شعار باقی ماند و اکنون اشتغال برای مردم و مسئولان کشور تبدیل به معضل شده است.» به گفته ابراهیم نکو، نبود فرصت های مناسب شغلی در کشور موجب شده بسیاری از اقشار جامعه از حقوق طبیعی خود محروم شوند. نبود اشتغال متناسب در کشور با نارضایتی قشر جوان همراه بوده است و همین مسئله هزینه های هنگفتی را بر جامعه تحمیل می کند.

این نماینده مجلس با بیان اینکه دولت به منظور کاهش نرخ بیکاری و جلوگیری از بروز تبلیغات منفی ناشی از آن در کشور، وعده هایی داده بود که متأسفانه هیچ یک از وعده ها تحقق نیافت، می گوید: « با توجه به افزایش نرخ بیکاری مجلس در صدد است در بودجه سال ۹۲ نگرشی ویژه بر مقوله اشتغال داشته باشد.»

ریشه کندی بیکاری و ایجاد فرصت های شغلی برای جوانان کشور تنها یکی از کارهای بر زمین مانده دولت دهم به حساب می آید و اکنون که رئیس جمهور در آخرین بهار دولتش است، بد نیست تا سایر وعده های تحقق نیافته همچون تامین مسکن برای همه مردم جامعه، دادن سهام عدالت به اقشار بی بضاعت، شایسته سالاری، رنگین کردن سفره های مردم با پول نفت، پرداخت یک میلیون تومان به هر نوزاد ایرانی، رویای ویلا ۱۰۰۰ متری را مرور کند.

وزیر نیرو: کشور را نمی توان با این وضع اداره کرد

به نوشته روزنامه شرق از قول خبرگزاری دولتی ایسنا در ۱۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: وزیر نیرو هشدار داد: با پرداخت سوبسید به برق و آب نمی توان کشور را اداره کرد؛ تا وقتی که دولت بنا بر هر مصلحتی یارانه به بخش برق می دهد ما متأسفانه توفیق پیدا نمی کنیم در بخش انرژی های نو اقدام موثری انجام دهیم، هرچند که این

موضوع جزو برنامه دیده شده است. مجید نامجو در پاسخ به چرایی توسعه نیروگاه‌های حرارتی در کشور با توجه به هدف‌گذاری برای استفاده از انرژی‌های نو برای تولید برق گفت: اصل قضیه به اقتصاد برق برمی‌گردد. تا وقتی که قیمت‌های یارانه‌ای داشته باشیم و قیمت انرژی در کشورمان ارزان باشد هیچ وقت هیچ سرمایه‌گذاری انگیزه پیدا نمی‌کند در حوزه انرژی‌های نو و به‌کارگیری انرژی‌های خورشیدی، بادی و آب سرمایه‌گذاری کند. وی با اشاره به سرمایه‌گذاری سنگین مورد نیاز در بخش انرژی‌های نو اظهار کرد: بازگشت سرمایه وقتی منطقی است که قیمت انرژی واقعی باشد. تا وقتی که دولت به بخش برق یارانه می‌دهد نمی‌توانیم در بخش انرژی‌های نو اقدام موثری انجام دهیم، هرچند که انرژی‌های نو جزو برنامه است و سرمایه‌گذاران را نیز بسیار برای ورود به این حوزه تشویق کرده‌ایم و موضوع را مدام پیگیری می‌کنیم. وزیر نیرو در ادامه تاکید کرد: سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری باید هم تضمین فروش برق خود را داشته باشد و هم محاسبات پکیج اقتصادی که سرمایه‌گذار می‌بندد پاسخگو باشد؛ در حال حاضر این پکیج اقتصادی جوابگو نیست و هیچ بانکی رغبت پیدا نمی‌کند که وام دهد. نامجو با بیان اینکه موضوع مذکور از اساسی‌ترین مشکلات وزارت نیرو در بخش برق است، گفت: تا وقتی که موضوع هدفمندی یارانه‌ها حل‌وفصل نشود و قیمت‌ها به نرخ واقعی نزدیک نشوند این معضل را در کشور خواهیم داشت. وی با تاکید بر اینکه قانون افزایش قیمت در مجلس تصویب شده است، گفت: باید بین دولت و مجلس توافقی صورت گیرد و این کار ملی بزرگ (هدفمندی یارانه‌ها) انجام شود. ما باید از این مرحله عبور کنیم؛ کشور را با این وضع نمی‌شود اداره کرد. وزیر نیرو با اشاره به لزوم رعایت حال مردم و نبود گرانی در کشور گفت: باید بخش دیگر را هم دید، ما تا کی می‌خواهیم به این وضع ادامه دهیم؟ نامجو افزود: کاش ما در مرحله اول این بحث را تمام کرده بودیم و الان مسایلمان چیز دیگری بود اما همراهی نشد. دولت هم تلاش می‌کند در پنج سالی که قانون باید اجرا شود، طرح هدفمندی را عملیاتی کند.

تجمع گروهی از کارگران نساجی اصفهان در مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است: همزمان با برگزاری جلسه صبح امروز رای اعتماد وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تعدادی از کارگران نساجی اصفهان در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. نماینده تجمع کنندگان در خصوص علت این تجمع به ایلنا گفت: ما می‌خواهیم طبق قانون مشاغل سخت و زیان آور با ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته شویم اما متأسفانه طبق قانون اجرا نمی‌شود. وی با بیان اینکه در جمع ما کارگران ایثارگری هستند که در دوران جنگ سابقه اسارت در زندان‌های رژیم بعث عراق را دارند گفت: ما چیزی جز اجرای قانون نمی‌خواهیم. نماینده مدیریت نساجی اصفهان نیز که به منظور پیگیری مطالبات کارگران نساجی در این تجمع حاضر بود به خبرنگار ایلنا گفت: متأسفانه سازمان تامین اجتماعی طبق مقررات و قوانین عمل نمی‌کند و می‌خواهد از ما پول بیشتری بگیرد و بخاطر همین موضوع کارگری که باید با سابقه ۲۰ سال بازنشسته شود را تحت فشار قرار می‌دهد. بنابر مشاهده خبرنگار ایلنا، کارگران حاضر در این تجمع خواستار دیدار با علیرضا محجوب رئیس فراکسیون کارگری مجلس شدند.

پایان پیام

گزارشی از وضعیت وخیم زنان کارگر

به نوشته سایت آوای کار - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ آمده است: در میان اخبار کارگری، به نمونه‌هایی از این قبیل برخورد می‌کنیم: «اعتراض به افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد، تاخیر و عدم پرداخت مزد بیش از ۲۰۰ هزار نفر، تجمع کارگران رویال سمنان در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم دریافت دو ماه حقوق در مقابل استانداری، افزایش قیمت نان و کوچک‌تر شدن سفره کارگران، تعطیلی بیش از ۵۰۰ کارگاه کفاشی اصفهان از

سال گذشته تاکنون، تجمع کارگران اداره کل راه آهن یزد در اعتراض به عدم تغییر وضعیت قراردادشان داد در مقابل استانداری و...»

یک خبر کوچک هم درباره زنان به چشم می‌خورد که خبرگزاری "ایسنا" اواخر فروردین منتشر کرد که نمونه‌ای است از موارد مشابه در بسیاری کارخانه‌های دیگر: «کارخانه سیمان لارستان دو نفر از کارگران زن خود را با ۶ سال سابقه کار، بعد از مرخصی زایمان اخراج کرده است. بسیاری از زنان کارگر، سرپرست خانوار هستند و به حمایت بیشتری نیاز دارند تا بتوانند قانون خانواده را حفظ کنند.»

بنا بر این گزارش عده زنان کارگر در این واحد تولیدی ۱۰ نفر بوده و حالا که دو نفرشان به این شیوه اخراج شده‌اند، بقیه کارگران دست به عصا راه می‌روند و "نگران باردار شدن هستند."

نتیجه خبر هم این است که «اگر این رفتار با کارگران زن در سایر واحدهای تولیدی باب شود، عواقب بدی برای جامعه خواهد داشت.»

"فرزندآوری" با عواقب

برای تشویق زنان به بچه‌دار شدن یا آن طور که مسئولان می‌گویند "فرزندآوری" دائم تبلیغ و طراحی می‌شود. حتی قرار

است گروه‌های مشوق که تعدادشان ۱۵۰ هزار نفر اعلام شده است، خانه به خانه بروند و زوجها را تشویق به "فرزندآوری" کنند.

این گروه احتمالاً نگران "عواقب بدی" که این تشویق‌ها می‌تواند برای زنان کارگر به بار آورد نیستند. یعنی نمونه‌ای که در کارخانه سیمان لارستان و رخ داد و استثناء هم نبود.

اما شاید پرسش مهم‌تر این باشد که زنان کارگر، در صورت مواجهه با این برخوردها، چه مکانیسم‌هایی برای احقاق حقوق خود دارند؟

پروین محمدی، عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران به دوپچه وله می‌گوید: «نظارت وزارت کار بر بسیاری از کارگاه‌ها، بخصوص کارگاه‌های کوچک صفر است، بسیاری از زنان کارگر به سادگی و بی هیچ مانعی بعد از ازدواج و یا بچه دار شدن اخراج می‌شوند. ظهور پیمانکاران در بازار کار ایران به محو شدن هرگونه نظارت بر عملکرد کارفرمایان منتهی شده و آن‌ها می‌توانند آزادانه و هرطور که دلشان بخواهد با زنان کارگر رفتار کنند. بخصوص تصویب ماده ۱۹۶ که کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر را از شمول قانون کار خارج کرد، بهانه‌ی خوبی بود که پیمانکارها تعدادشان را زیاد کنند، ولی تعداد کارگرانشان را از ۱۰ نفر بیشتر نکنند.»

او تاکید می‌کند که در این زمینه ظلم به زن و مرد کارگری که از شمول قانون خارج است یکی است «با این تفاوت که چون مردان مقاومت و اعتراض می‌کنند و بیشتر از قانون خبر دارند، کمتر تن می‌دهند، ولی کارفرمایان زورشان به زنان می‌رسد و می‌توانند با درسر کمتری این خلاف‌ها نسبت به آن‌ها اعمال کنند.»

یک جامعه بزرگ و بیکار

سال گذشته در دومین نشست سازمان زنان حزب اسلامی کار اعلام شد که تنها ۱۱ درصد زنان ایرانی شاغل‌اند و سهم بیش

از ۸۰ درصد آن‌ها خانه‌داری است. همچنین از ۲۴ میلیون شاغل موجود در ایران، فقط ۵ میلیون نفر و از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر بیکار کشور نیز یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر زن می‌باشند.

به عبارتی آمار زنان بیکار کشور ۳۴ درصد است. امسال از سوی مقام های دولتی، نرخ بیکاری ۱۲ درصد اعلام شده است، به این ترتیب نرخ بیکاری در میان زنان، حدود سه برابر میانگین جامعه است.

این وضعیت بحرانی در حالی گزارش شده که به گفته مقام های وزارت کار در آینده با درخواست دو و نیم برابری زنان برای حضور در بازار کار مواجه خواهیم شد.

حوزه های محدود برای اشتغال زنان

در حال حاضر، مهم ترین حوزه های اشتغال زنان در ایران، صنایع داروسازی و یا بیمارستان ها هستند که بخش اندکی از زنان متقاضی کار را پوشش می دهند. زنان بیشتر جذب کارهای فروشندگی و تولیدی های پوشاک، نساجی و شرکت های خدماتی می شوند. در این بخش ها، علاوه بر این که امکان رعایت حقوق زنان کاهش پیدا می کند، بحران اقتصادی هم موج می زند. در طول دو سال گذشته، بسیاری از کارخانه ها ورشکسته شدند، بزرگترین کارخانه کفش، یعنی کفش ملی بسته شد، بخش بزرگی از نساجی ها تعطیل و همراه با آن، زنان بسیاری بیکار شدند.

۸۰ درصد فروشنده ها را زنان تشکیل می دهند. وضعیت دستمزد این گروه اسفبار است. پروین محمدی می گوید: «خبر دارم که در سال گذشته ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان مزد دریافت می کردند. بیمه نیستند و ساعات طولانی سر کار هستند و تعطیلی ندارند و هر چه صاحب کار بگوید همان است.»

به گفته عضو اتحادیه آزاد کارگران، دستمزد مربیان مهد کودکها، با این که باید از طرف بهزیستی نظارت شود، زیر حداقل است. او می گوید که کارفرما به راحتی می تواند از زیر بار نظارت فرار کند: «خود من که حدود ۲۵ سال پیش مدت ۵ سال در مهدکودک کار کردم، شاهد این قضیه بودم که بیمه نمی کردند و هر وقت مامور بهزیستی می آمد، ما را نشان نمی دادند که پاسخگو نباشند. تازه این وضعیت ۲۵ سال پیش بود وای به حال الان که به طور رسمی این کار مد شده است.»

شرایط کاری زنان در تولیدی های لباس هم بهتر از این نیست: «آنها هم با ساعات بیشتر از قانون کار با مزد کم تر از حداقل کار می کنند. بیمه نیستند و برای این که از آنها کار بیشتری بکشند برای شان هر روز تعدادی لباس تعیین می کنند که تا هر ساعتی آن تعداد را تولید نکرده اند، نباید دست از کار بکشند.»

زن بودن و در دسر "حقوق ویژه"

در ایران معمولا چون بر "تفاوت های" زن و مرد خیلی تاکید می شود، در حرف هم تلاش می شود که "رعایت" این تفاوت ها بشود و زنان از "حقوق ویژه ای" برخوردار شوند تا "بهشت زیر پای مادران" نلرزد. به عنوان نمونه تصویب قوانینی در مورد کاهش ساعات کار زنان سرپرست خانوار یا افزایش دوره استراحت زایمان که در یک سال گذشته بارها از سوی مسئولان دولت اعلام شده است.

پروین محمدی می گوید: «پز این را می دهند که برای زنان شاغل امکانات بهتری به وجود می آورند. مثلا کاهش ساعات کار زنان سرپرست خانواده و یا زنانی که فرزند خردسال دارند و یا قانون افزایش دوره استراحت برای زایمان. ولی نتیجه همه این کارها این می شود که زنان یا از ترس اخراج دم بر نمی آورند و حتی این را پنهان می کنند که ازدواج کرده اند، یا اگر بخواهند واقعا از این "تسهیلات" استفاده کنند، اخراج می شوند. این قوانین باعث بیکاری بیشتر زنان می شود.»

زنان و "نهضت شکایت علیه مزد نا عادلانه"

این روزها مهم ترین خبر، اعتراض به افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران است. اتحادیه آزاد کارگران در ابتدای سال جاری در سایت خود نوشت که شورای عالی کار در آخرین روزهای سال ۹۱ حداقل دستمزد کارگران را با ۲۵ درصد افزایش ۴۸۷ هزار تومان تعیین کرد. این اتحادیه از اعتراض شدید کارگران به "افزایش اندک" خبر داد.

خبرگزاری ایلنا نیز نوشت که «رقم تعیین شده برای دستمزد کارگران در سال ۹۲ برای نخستین بار طی سال‌های گذشته با واکنش شدید کارگران و تشکل‌های رسمی و مستقل کارگری رو به رو شده است».

گزارش ادامه می‌دهد که ۶ تشکل کارگری به نقض معیارهای قانونی تعیین مزد سال جاری به دیوان عدالت اداری شکایت

کرده‌اند. ناظران از این مساله به عنوان «نهضت شکایت علیه مزد ناعادلانه» یاد می‌کنند.

اما آیا همین حداقل دستمزد هم برای زنان رعایت می‌شود و صدای زنان چقدر در این اعتراض‌ها منعکس است؟

پروین محمدی به دوپچه‌وله می‌گوید: «از زنان اعتراض خاص و خبرسازی ندیدم. متأسفانه هرچه نان و بقای خانواده‌ها را بیش‌تر گرو می‌گیرند، بیش‌تر می‌توانند کارگران را به تمکین وا دارند، چرا که کوچکترین عکس‌العملی می‌تواند با خطر اخراج روبرو شود و چون کار به این آسانی بدست نمی‌آید و بیمه بیکاری هم افراد را پوشش نمی‌دهد، اعتراض بخصوص در میان زنان به شکل چشم‌گیری کاهش می‌یابد».

از این گذشته ساختار نهادهای محدود مدافع حقوق کارگران در ایران مردانه است و زنان در لایه های مدیریتی کمتر مشارکت داده می‌شوند و اعتراض‌ها اغلب از سوی مردان بیان می‌شود.

مردسالاری، از کارخانه تا کارخانه

در جامعه‌ای که «مردانگی» ارزش به شمار می‌رود، بدرفتاری، بی‌احترامی و دست‌اندازی به حریم زن، کارچندان سختی نیست. شاید این بخش از مشکلات محیط کار، یکی از کربه‌ترین مسایلی باشد که زنان با آن سروکار پیدا می‌کنند. به‌ویژه برای قشری از زنان که به حقوق خود آگاهی کمتری دارند و برای گذران زندگی باید به هر قیمتی کار کنند.

پروین محمدی درباره این بخش از زنان می‌گوید که بیشتر آن‌ها زمانی به بازار کار وارد می‌شوند که در خانواده به‌تنگنا برخورد کرده باشند: «یا طلاق گرفته، یا شوهرمعتاد است، یا شوهر فوت کرده و زن باید سرپرستی خانواده را به عهده بگیرد. این پدیده به‌ویژه در محیط‌های خرده‌پا چنان گسترش پیدا کرده که جزو ویژگی‌های کار کارگران زن به حساب می‌آید و اگر کارفرما خدمات جنسی بخواهد باید تمکین کنند».

مشکل زنان کارگر تنها به محیط کار ختم نمی‌شود. آن‌ها وقتی به خانه می‌رسند، تازه کارخانه در انتظارشان است و شاید شوهری که از سختی‌های زندگی کلافه است.

بیکاری زنان ایران در دوران احمدی‌نژاد دوبرابر شد

دبیرکل خانه کارگر با استناد به گزارش مرکز آمار می‌گوید شمار زنان بیکار در سال‌های اخیر دوبرابر شده است. به گفته‌ی یک فعال کارگری، زنان اولین قربانیان اخراج‌ها، دستمزدهای نابرابر و تبعیض جنسیتی هستند.

علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر می‌گوید میزان اشتغال زنان کارگر به نسبت تعداد کل کارگران در سال‌های اخیر بین ۱۵ تا ۱۷ درصد در نوسان بوده و این مسئله نشان می‌دهد ورود زنان به بازار کار افزایشی نداشته است.

روزنامه شرق در گزارشی که سه‌شنبه (۱۰ اردیبهشت/۳۰ آوریل) منتشر شد از قول محجوب نوشت که میزان بیکاری زنان طی هشت سال گذشته و در طول دولت‌های نهم و دهم دو برابر شده است.

زنان در صف اول قربانیان بازار کار

رئیس اتحادیه زنان کارگر استان آذربایجان شرقی، سیما اصغری معتقد است، زنان در بازار کار همچنان قربانیان صف اول هستند. او می‌گوید در بازار کار، به ویژه در شرکت‌های خصوصی، زنان از مزایای قانون کار از جمله حق اولاد محروماند و فقط به دستمزد پایه بسنده می‌کنند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا (سه شنبه ۱۰ اردیبهشت) اصغری در نشست‌هایی که در خانه کارگر تبریز برگزار شد گفت: «مطرح شدن کاهش ساعات کاری و کار از راه دور برای زنان از طرف دولت و تأیید آن از سوی مجلس، در شرایطی که در حال رکود اقتصادی هستیم ضربه‌ای سنگین برای زنان شاغل است.»

دولت محمود احمدی‌نژاد از ارائه آمار و اطلاعات جامع و شفاف در مورد وضعیت اشتغال زنان خودداری می‌کند. حسن صادقی، معاون دبیرکل خانه کارگر، درباره علت این امر به روزنامه شرق می‌گوید: «دولت فعلی نسبت به سایر دولت‌ها پنهان‌کار است و این موضوع سبب شده تا گروه‌های اجتماعی روابط کار نتوانند آمار دقیقی از نرخ بیکاری و دسته‌بندی آن به دست آورند.»

دلسردی از نمایندگان زن مجلس

برپایه گزارش ایلنا معاون دبیرکل خانه کارگر اعتقاد دارد که به‌طور کلی شرایط به سمت کارهای سخت و افزایش ساعات کار سوق یافته، میزان اخراج زنان افزایش یافته و قدرت جذب مردان بیشتر شده است. صادقی در ادامه می‌افزاید: «این‌ها همه سبب شده تا استثمار کارگران زن افزایش یابد و حتی در کارگاه‌های کوچک مشاهده می‌شود که کارگران زن، کار مشخص و تعریف‌شده‌ای ندارند و از شاگردپادویی تا دگمه‌زنی و دوخت و... را انجام می‌دهند و این شرایط، بهره‌برداری و سوءاستفاده از کارگران زن نسبت به مردان را افزایش داده است»

رئیس اتحادیه زنان کارگر آذربایجان شرقی از نمایندگان زن مجلس گلایه دارد که برای بهبود شرایط زنان شاغل تلاشی نمی‌کنند: «ما تصور می‌کردیم زنانی که به مجلس راه می‌یابند با عضویت در فراکسیون زنان از زنان حمایت خواهند کرد در حالی که متأسفانه می‌بینیم که از زنان حمایتی نمی‌شود و این باعث دلسردی زنان شاغل شده است»

یکی دیگر از علت‌های افزایش شمار زنان بیکار، بالا رفتن میزان تقاضای کار زنان، به ویژه زنان تحصیلکرده عنوان می‌شود. در حالی که شمار فارغ‌التحصیلان زن و مرد در بسیاری از رشته‌ها یکسان است بازار کار آمادگی جذب زنان کمتری را دارد.

«شرایط نامساعد ۷۰ درصد شاغلان زن»

به گفته‌ی سیما اصغری به دلیل شرایط اقتصادی و عدم حمایت تعداد زنان کارآفرین روبه کاهش است. یکی دیگر از مشکلات زنان کارگر تعطیلی کارگاه‌های بزرگ تولیدی و اجبار آن‌ها به کار در کارگاه‌های کوچکی عنوان می‌شود که مشمول قانون کار نیستند.

پروین محمدی، عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران به روزنامه شرق گفته است: «درست است که آمار رسمی از دو برابر شدن آمار بیکاری کارگران زن حکایت می‌کند، اما این موضوع سبب شده که کارگران اخراج‌شده به سمت کارگاه‌های زیر پنج نفر و کارگاه‌هایی سوق یابند که از شمول قانون کار خارج است؛ ساعات‌های طولانی کار را متحمل شوند و وضعیت معیشتی خانواده‌های فرودست و اعتیاد و اقتصاد بحرانی موجب شده زنان بیشتری سرپرست خانوار شده یا وارد بازار کار شوند.»

محمدی وضعیت ۷۰ درصد زنان شاغل را «نامساعد» توصیف می‌کند و از جذب بسیاری از زنان در کارگاه‌هایی نظیر تولیدی‌های پوشاک سخن می‌گوید که به گفته‌ی او «به راحتی از زیر بار قانون کار شانه خالی می‌کنند.»

عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران خاطر نشان می‌کند: «میانگین حقوق این کارگران ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و ساعات کاری آن‌ها بیش از ۱۰ ساعت است و حتی در برخی از این کارگاه‌ها کارفرما میزان تولید را ملاک خروج روزانه کارگران قرار می‌دهد»

یک کارگر ساختمانی زیر آوار محبوس شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در ۱۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: یک کارگر ساختمانی هنگام خاکبرداری از ساختمانی واقع در ابتدای خیابان شریعی زیر آوار محبوس شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «احمد فیروزکوهی» ساعاتی پیش هنگام خاکبرداری از ساختمانی واقع در ابتدای خیابان شریعی کوچه میر جمالی با ریزش آوار بر سرش، محبوس شد.

هنوز خبری از چگونگی وضعیت سلامت این کارگر ساختمانی در دست نیست.

پایان پیام

تجمع اعتراضی سپرده گذاران مسکن در دزفول

برپایه خبر سایت ایران کارگر آمده است: در دزفول شمار زیادی از مردمی که با پرداخت ۱۲ میلیون تومان بعد از سه سال هنوز هیچ مسکنی دریافت نکرده اند دست به تجمع اعتراضی زدند. این مردم که در برابر ساختمان عمران دزفول تجمع کرده بودند گفتند همه اش وعده های دروغ در مورد تحویل دادن مسکن مهر می‌دهند اما هیچ خبری نیست.

سخنگوی «کمیسیون تلفیق» خبر داد: احتمال کاهش «پارانه» یا حذف چند «دهک»

به نوشته روزنامه شرق در ۱۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها با مصوبه دیروز کمیسیون تلفیق وارد مرحله تازه‌ای شد. بر این اساس احتمال کاهش یارانه نقدی یا حذف برخی از افراد پردرآمد از فهرست دریافت درآمد قوت گرفت. با این وصف، دولت آینده با دو سناریو درخصوص فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها روبه‌رو خواهد بود. به گزارش ایسنا، جعفر قادری، سخنگوی کمیسیون تلفیق در تشریح مصوبه این کمیسیون درخصوص بند ۵۶ لایحه بودجه مربوط به مصارف هدفمندی یارانه‌ها می‌گوید: پیشنهادات مختلفی در کمیسیون مطرح بود اما همه اعضا اصرار داشتند که در این رابطه مستند بر اساس قانون عمل شود، یعنی ۱۰ درصد درآمد هدفمندی تا مبلغ پنج هزار میلیارد تومان برای کمک به بخش سلامت اختصاص یابد و از ۴۵ هزار میلیارد تومان باقیمانده ۵۰ درصد یعنی معادل ۲۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای یارانه نقدی خانوارها، ۳۰ درصد معادل ۱۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای کمک به بخش تولید و ۲۰ درصد یعنی تا مبلغ ۹ هزار میلیارد تومان به بودجه عمومی دولت اختصاص می‌یابد. البته براساس تبصره بند ۵۶ لایحه بودجه، دولت می‌تواند تا ۱۰ درصد از اعتبارات مربوط به هر کدام از ردیف‌ها را به ردیف‌های دیگر اختصاص دهد؛ یعنی دولت مختار است که ۱۰ درصد از تولید یا ۱۰ درصد از سهم دولت را به یارانه نقدی اضافه کند.

سناریو اول

یارانه نقدی که هر ماه به ازای هر نفر ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان است با منابعی که هم‌اکنون در بودجه پیش‌بینی شده، به ۲۵ هزار و ۳۰۰ تومان کاهش می‌یابد. افزایش ۱۰ درصدی از منابع عمرانی بودجه یا تولید به یارانه نقدی باز هم چندان تأثیری در مقدار آن نخواهد داشت. در صورتی که دولت ۱۰ درصد منابع تولید را به یارانه نقدی اختصاص دهد، یک هزار و ۳۵۰ میلیارد تومان بر ۲۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان منابع این بخش افزوده می‌شود که یارانه ۷۴ میلیون ایرانی را به ۲۶ هزار و ۸۵۸ تومان افزایش می‌دهد و در صورتی که دولت ۱۰ درصد بودجه عمرانی خودش را که معادل ۹۰۰ میلیارد تومان است به منابع یارانه نقدی بیفزاید، یارانه هر نفر معادل ۲۳ هزار و ۴۰۰

تومان خواهد بود. در تمامی این روش‌ها حداقل و حداکثر یارانه پرداختی به ازای 74 میلیون نفر ایرانی 23/4 و 26/8 هزار تومان خواهد بود که در مقایسه با رقم قبلی حدود 20 هزار تومان کمتر است که با توجه به شرایط موجود و تورم 30/5 درصدی پایان سال 91 فشار مضاعفی را بر مردم وارد می‌کند.

سناریو دوم

در این سناریو امکان دارد دهک‌های پردرآمد از فهرست دریافت یارانه نقدی حذف شوند. آنگونه که قادری می‌گوید: «سال گذشته عملکرد 12 ماهه، 42 هزار میلیارد تومان بوده یعنی اگر قرار باشد براساس سال گذشته عمل شود، یا دهک‌ها کم می‌شوند یا یارانه نقدی کاهش می‌یابد که این ممکن است در عمل، مشکلاتی ایجاد کند. چراکه اگر دولت بخواهد مبلغ 45 هزار و 500 تومان را به 5 یا 6 دهک اختصاص دهد باید حداقل 2 یا 3 دهک را حذف کند.» از ابتدای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، کارشناسان با پرداخت یارانه مساوی به تمام دهک‌ها مخالف بودند و حالا با طرح دوباره حذف 2 یا 3 دهک پردرآمد از فهرست دریافت یارانه نقدی ضمن تایید آن، معتقدند، این روش نیاز به اصلاحاتی دارد که بدون آنها حمایت‌ها عادلانه نخواهند بود. حسین راغفر، کارشناس اقتصادی و طراح نقشه فقر ایران در گفت‌وگو با «شرق» به تحلیل این سناریوها می‌پردازد و می‌گوید: «حذف دهک‌های مرفه از فهرست دریافت یارانه‌ها از همان فاز اول باید انجام می‌شد اما به دلیل اینکه دولت دهم با اهداف سیاسی اجرای یارانه را در دستور کار قرار داد به تمامی دهک‌ها یارانه نقدی پرداخت کرد. حالا فرصتی پیش آمده که دولت بعدی که مجری فاز دوم خواهد بود، این رویه را اصلاح کند.» اما دولت در اجرای فاز اول نتوانست افراد کم‌درآمد و پردرآمد را از هم تفکیک کند به همین دلیل به 74 میلیون نفر یارانه پرداخت کرد. عدم وجود راهکاری برای شناسایی دهک‌ها، این بار نیز به عنوان نکته کلیدی مطرح است اما راغفر با رد این گفته‌ها می‌گوید: «پرداخت یارانه در بسیاری از کشورها به کار گرفته شده و دارای روش‌های مشخص است. در واقع نیازی نیست که ما روش خاصی را برای شناسایی دهک‌ها از هم ابداع کنیم بلکه می‌توانیم از روش‌های رایج در این زمینه استفاده کنیم.» او برای حل این معضل پیشنهاد می‌دهد، ارگان‌ها و مراکزی راه‌اندازی شوند تا از طریق فرم‌های ازپیش تعیین‌شده اطلاعات افراد در تمامی زمینه‌ها را دریافت کنند. حتی آنها می‌توانند از میان چندین نوع سبد حمایتی که ترکیبی از کالا، خدمات و یارانه نقدی است، سبد حمایتی مورد نیاز خود را انتخاب کنند. برای نمونه خانوارهایی که تعدادی فرزند در حال تحصیل دارند، می‌توانند از سبد حمایتی آموزشی، بهداشتی و حمل و نقل استفاده کنند. وی در ادامه به توضیحات خود می‌افزاید که افراد دهک‌های فقیر می‌توانند به چندین طبقه تقسیم شوند که طی آن افراد کاملاً محروم از افراد به نسبت محروم، تشخیص داده شوند. دولت در فاز اول، روش بسیار ساده‌ای را در پیش گرفت در حالی که روش‌های پیچیده‌تری در زمینه تشخیص افراد نیازمند یارانه با انواع و اقسام سبدهای حمایتی را ممکن می‌کند. او با اشاره به وضعیت فقر در جامعه و کاهش درآمد افراد، یارانه‌ها و حتی میزان آن را محور وعده‌های انتخاباتی کاندیداهایی می‌داند که با وعده افزایش یارانه‌ها به دنبال به دست آوردن رای مردم و به‌ویژه دهک‌های پایین هستند.

آخرین اخبار در مورد دستگیرشدگان اول ماه مه سنندج

برپایه خبر انعکاس یافته در سایت کمیته هماهنگی ... در 15 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش رسیده بعد از برگزاری روز جهانی کارگر در شهر سنندج فضای شهر بسیار امنیتی است و بسیاری از فعالین کارگری و کارگران طی تماس‌های تلفنی تهدید شده‌اند. بر اساس این خبر بختیار چتانی از دستگیر شدگان اول ماه مه با قرار وثیقه 50 میلیونی آزاد گردید. همچنین نسترن محمدی از دستگیر شدگان اول ماه مه روز 13 اردیبهشت با گذاشتن سند آزاد شد. لازم به ذکر است که روز 12 اردیبهشت 2 تن از فعالین کارگری آرام زندی و فردین قادری که سند برای آزادی نام برده تهیه کرده بودند در راه مراجعه به سازمان حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی در حالی که سوار بر تاکسی بودند به همراه راننده تاکسی مذکور توسط مامورین امنیتی دستگیر شده و به حفاظت اطلاعات منتقل شدند. راننده تاکسی فوق بعد از 2 ساعت بازجویی آزاد گردید که مجدداً شنبه 14 اردیبهشت به حفاظت اطلاعات فراخوانده شد و بعد از 2 ساعت بازجویی و با دادن تعهد آزاد گردید. همچنین آرام زندی روز 14 اردیبهشت با قرار وثیقه 50 میلیونی آزاد گردید و قرار بر این شده است که فردین قادری نیز 15 اردیبهشت با همان قرار وثیقه آزاد گردد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تجمع بازنشستگان پالایشگاه نفت ایران در مقابل وزارت نفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است: تعدادی از بازنشستگان پالایشگاه نفت ایران در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. به گزارش خبرنگار ایلنا؛ امروز یکشنبه - 15 اردیبهشت ماه سال 92 - جمعی از بازنشستگان پالایشگاه نفت ایران در مقابل وزارت نفت تجمع کردند. بر اساس این گزارش، علت تجمع این بازنشستگان در مقابل وزارت نفت، تاخیر در دریافت مطالباتشان عنوان شده است و گفته می‌شود که تجمع کنندگان خواستار پیگیری وضعیت مطالباتشان از مسئولان هستند.

پایان پیام

روند ویرانی در خودروسازی

به نوشته روزنامهخ بهار در تاریخ 15 اردیبهشت 92 آمده است: روند ویران سازی در خودروسازی در مقاله ای با عنوان "پایکوبی قطعات چینی در خطوط تولید ایرانی" نوشته است: «خودروسازان نه تنها طی همه این سالها کوششی برای خودکفا شدن این صنعت انجام نداده‌اند، بلکه برای بالا بردن سودهای حاصل از چپاول دست به اقدام‌هایی زده‌اند که هیچ ارتباطی با صنعت خودروسازی نداشته است. بر اساس کدام معیار اقتصادی خودروسازان باید کاغذ وارد بکنند؟»

در ادامه مقاله آمده است: «دو سال پیش بود، در نمایشگاه قطعات و مجموعه‌های خودرو، قطعاتی به نمایش درآمد که ساخت داخل نبودند اما روی بسته بندی آنها تولید ایران درج شده بود. ... حدود دو سال از آن روزها گذشته است و اکنون تب و تاب گرانی خودروها، پای استفاده از قطعات چینی در خطوط تولید خودروسازان را به میان کشیده است، قطعاتی وارداتی که با گرانی ارز، صرفه خود را از دست داده‌اند و هزینه‌های تولید را به شدت بالا کشیده‌اند.» در ادامه به نقل از شریف حسینی، عضو هیئت رئیسه مجلس، در همین ارتباط می‌گوید: «در تحقیق و تفحص از خودروسازان باید سراغ مقصران و اشخاصی که سودهای کلان به جیب زده‌اند و به عنوان تولید کننده با خودروسازان قرارداد منعقد کرده‌اند، برویم.» نوشته در ادامه اضافه می‌کند: «زمانی که قیمت ارز ۱۲۲۶ تومان بود، برای خودرو سازان وارد کردن قطعات از چین و استفاده از قطعاتی که در قبال قیمت پایین، کیفیت چندانی نداشتند، به صرفه تر بود و همین امر باعث شد به جای سفارش قطعات به خودروسازان ایرانی، قطعات چینی وارد خطوط تولید شد.» به گزارش خبرگزاری مهر، ۲۱ فروردین‌ماه، امیر آبادی، نماینده قم در مجلس، نیز در این ارتباط گفت: «مهاجرت بسیاری از طراحان و مهندسان داخلی به شرکت‌ها و کارخانجات خودروسازی خارجی ناشی از بی کفایتی خودروسازان داخلی می‌باشد.» بنابراین آن چیزی که هم اکنون نمی‌توان کتمان کرد وضعیت خودروسازی بر بستر سیاست‌های ضد ملی است که به لبه پرتگاه رسیده است، در حالی که این صنعت در طول تمامی این سالها محلی امن برای چپاول‌های نجومی بوده است. امیر آبادی در همین ارتباط این موضوع را افشا می‌کند که: «شرکت‌های خودروسازی در ایام نوسانات قیمت خودرو با فروش ۶۰۰ هزار خودرو حدود ۳ هزار میلیارد تومان به جیب زدند و این پول به جیب دلالتان رفت.» پور مختار، رئیس کمیسیون اصل نود مجلس، در مناظره با نجفی منش، عضو هیات مدیره انجمن قطعه‌سازان، نیز می‌گوید: «کجای قانون و منطق اعلام شده است که خودروسازان از سود حاصل از فروش خودرو بروند، بانک بخرند یا ساختمان سازی بکنند؟ این موضوع در تحقیقات مجلس مشخص شده است که خودروسازان اقدام به خرید بانک‌های خصوصی کرده‌اند» (خبرآنلاین، ۶ اردیبهشت‌ماه)

سایت فرآرو، در مطلبی با عنوان: "تکرار سونامی افزایش قیمت خودرو"، به ارتباط دولت و خودرو سازان پرداخته است و می‌نویسد: "چتر حمایتی دولت بر سر خودروسازان آنقدر وسیع است که در این سالها خودروسازان در مقابل تمامی این حمایت‌ها نه تنها به کیفیت محصولات خود توجهی نشان نداده‌اند، بلکه علیرغم شعار تولید ملی با افزایش قیمت ارز معلوم شده است که برخی از این خودروهای به اصطلاح ملی تا ۷۰ درصد به قطعات وارداتی وابسته هستند." احمد نعمت بخش، دبیر انجمن خودروسازان، در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، ۹

اردیبهشت‌ماه، با تایید قطعات وارداتی از چین، تفسیری متفاوت دارد و در مورد میزان این واردات می‌گوید: "آمار و ارقام کاملی ندارم. در نامه‌ای که به روسای کمیسیون‌ها نوشتم قید کردم که با سرکوب‌های مالی ایجاد شده و عدم اجازه افزایش قیمت خودرو، خودروسازان نمی‌توانند قیمت قطعه سازان را متناسب با افزایش هزینه‌های آنها، افزایش دهند. به همین خاطر قطعه سازان مجبورند بعضی از قطعات را از چین تهیه کنند." وی در بخشی دیگر از سخنانش می‌گوید: "حدود ۳۰ درصد قطعه سازان ورشکست شده‌اند. سال گذشته خودرو سازان حدود ۸ هزار نفر و قطعه سازان حدود ۱۰۰ هزار نفر تعدیل نیرو داشتند. بقیه قطعه سازان نیز زیر ظرفیت مشغول فعالیت هستند." وارد کردن قطعه از چین از سال‌ها پیش در جریان بوده است و بر اساس داده‌های آورده شده در بالا، به دلیل افزایش قیمت ارز، این واردات با مشکل مواجه شده‌اند، اما نعمت بخش این موضوع را برعکس کرده و می‌گوید به دلیل شرایط جدید، مجبور شده‌اند اخیراً قطعه‌هایی را از چین وارد کنند.

عباسی با ۲۰۰ رای موافق وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی شد

به گزارش سایت ایرنا در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: نمایندگان مجلس اسلامی به اسدالله عباسی برای تصدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی رای اعتماد دادند. به گزارش خبرنگار سیاسی ایرنا، در رای گیری که برای اخذ رای اعتماد به عباسی در جلسه علنی امروز (یکشنبه) مجلس شورای اسلامی انجام شد، وی از مجموع ۲۵۲ رای اخذ شده توانست با کسب ۲۰۰ رای موافق، ۴۰ رای مخالف و ۱۲ رای ممتنع، تصدی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را به عهده گیرد. در پی استیضاح عبدالرضا شیخ الاسلامی وزیر سابق تعاون، عباسی با حکم احمدی نژاد از ۱۶ بهمن ماه ۹۱ سرپرستی این وزارتخانه را به عهده گرفت.

در آستانه روز جهانی کارگر نمایندگی ایران خودرو دهگلان، تمامی پرسنل خود را اخراج کرد

بر پایه خبر اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: در آستانه روز جهانی کارگر، نمایندگی ایران خودرو در دهگلان (سندج) به علت لغو نمایندگی خود از طرف ایران خودرو تمامی پرسنل خود را اخراج کرد. در این نمایندگی ایران خودرو، ۱۰ نفر کارگر مرد و ۲ زن کارگر مشغول به کار بودند که هر کدام میانگین دارای ۲ سال سابقه کار در این مکان را داشتند. به نقل از کارگران این نمایندگی به آنان پیشنهاد شده است تا از این به بعد به صورت آزاد و پیمانی، با این کارفرما ادامه ی کار دهند. ولی کارگران این پیشنهاد را نپذیرفتند و همگی قرار است امروز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت برای تنظیم شکایت از کارفرما به اداره ی کار شهرستان مربوطه مراجعه کنند.

تجمع کارگران شرکت سیمین اصفهان مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۹۲ آمده است: جمعی از کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی سیمین اصفهان با تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی خواستار اجرای قانون بیمه در مورد بازنشستگی کارکنان این شرکت شدند. به گزارش ایسنا، تجمع‌کنندگان می‌گفتند که قانون بیمه در مورد بازنشستگی آنها اجرا نمی‌شود و علیرغم اینکه دولت هزینه‌های لازم را به این شرکت پرداخت کرده اما شرکت سیمین اصفهان از اجرای قانون بیمه در مورد بازنشستگی کارکنان این شرکت امتناع می‌کند. این کارگران در تجمع مقابل مجلس همچنین از نمایندگان خواستند که به وضعیت آنها رسیدگی کنند و بر اجرای قانون بیمه در مورد آنها نظارت داشته باشند.

ادامه اعتصاب کارگران شرکتهای ایران صدرا در بوشهر

برپایه خبر دریافتی آمده است : بیش از هزار کارگر شرکتهای پیمانکاری وابسته به شرکت ایران صدرا که در اعتراض به 3 ماه حقوق پرداخت نشده دست به اعتصاب زده بودند، همچنان در اعتصابند. سالهاست سپاه پاسداران، شرکت ایران صدرا را چپاول کرده و در اختیار خود گرفته است. در روزهای اخیر عوامل منفور سپاه پاسداران، بارها کارگران را تهدید کرده تا چنانچه به اعتصاب ادامه دهند اخراج خواهند شد اما کارگران گفتهاند تا رسیدن به حقوقشان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

مطالبات کارگران کارخانه کنف به ۲۲ ماه رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است : نماینده کارگران شرکت کنف کار رشت اعلام کرد: ۲۵ کارگر کارخانه کنف کار رشت ۲۲ ماه حقوق معوقه از کارفرما خود طلب دارند. او با اشاره به بلاتکلیفی کارگران و کارخانه گفت: کارفرمای کارخانه کنف کار رشت به دلیل آنچه که سوء مدیریت اعلام می‌شود ۲۲ ماه از حقوق و سنوات کارگران شاغل و بازنشسته را نپرداخته است. او در تشریح جزئیات مشکلات کارخانه کنف کار رشت افزود: کارخانه کنف کار در سال ۸۴ به بهانه خسارات ناشی از بارش برف سنگینی آن سال بارید به بخش خصوصی واگذار شد و ۲۴۰ کارگر آن برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره کار معرفی شدند. او اضافه کرد: پس از اتمام مقرری بیمه بیکاری طبق ضوابط باید کارگران مشغول کار می‌شدند، اما متأسفانه مدیریت این واحد از راه اندازی مجدد کارخانه سرباز زده و برای ماه‌ها حقوق کارگران خود را نپرداخت. نماینده کارگران افزود: در تمام این مدت بیشتر کارگران کنف کار به مرور بازنشسته شدند بطوری که هم اکنون تعداد کارگران این کارخانه به ۲۵ نفر رسیده است. این کارگر ارزش ریالی معوقات حقوقی کارگران را ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان عنوان کرد و افزود: علاوه بر ۲۲ ماه حقوق معوقه ۲۵ کارگر که سهم هر کدام بالغ بر ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان می‌شود، هیچ کدام از کارگران بازنشسته نیز ریالی بابت سنوات دریافت نکرده‌اند. او عمده مشکلات کارخانه کنف کار را بعد از خصوصی سازی مشکلات مدیریتی و مالکیتی کارخانه عنوان کرد و گفت: از سال ۸۴ که به بخش خصوصی واگذار شد مالکان آن چندین بار تغییر کرده‌اند بطوری که اکنون که کارگران نمی‌دانند که مالک اصلی کارخانه کیست و باید مطالبات خود را چه کسی پیگیری شوند. این کارگر در خاتمه با اشاره به تجمعات مکرر بازنشستگان و شاغلین در مقابل نهادهای مختلف استانی تصریح کرد: تا کنون وعده‌های زیادی از طرف مسئولان به ما داده شده و هیچ نتیجه‌ای مبنی بر متقاعد کردن کارفرما برای پرداخت حقوق کارگران به دست نیامده است.

مرگ سرویسکار میانسال در بالابز

به گزارش پایگاه خبری 125، در 15 اردیبهشت 92 آمده است : ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران، ساعت 10:47 دقیقه دقیقه امروز با دریافت خبر وقوع این حادثه، بلافاصله آتش‌نشانان ایستگاه 45 و گروه نجات 8 را به بزرگراه لشکری، خیابان جهاد اعزام کرد. حسین حسین بیگی رئیس ایستگاه 45 در این باره گفت: در بزرگراه لشکری، خیابان جهاد، یک سرویس کار میانسال در هنگام سرویس بالابز به دلیل نقص فنی و حرکت بالابز در بین دیواره و سقف منفی یک گرفتار شده بود. وی افزود: آتش‌نشانان بی درنگ با جابجا کردن بالابز به صورت دستی و برپا کردن کارگاه مناسب در محل حادثه مرد 65 ساله را از بین دیواره آزاد کردند که با معاینه اولیه عوامل اورژانس مرگ وی تایید شد.

جزئیات کامل گرانی‌ها در فروردین

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر از قول مرکز آمار ایران در تاریخ 15 اردیبهشت 92 آمده است که : مرکز آمار ایران با اعلام نتایج حاصل از محاسبات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در فروردین ماه سال 1392 و سال 1391 براساس سال پایه جدید (سال 1390)، گزارش داد: نرخ تورم نقطه به

نقطه در فروردین ماه به 38.7 درصد رسید، ضمن اینکه نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به فروردین ماه سال 92 معادل 29.8 درصد اعلام شد که رشد نشان می‌دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، در گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری آمده است؛ شاخص قیمتها و نرخ تورم از جمله مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی هستند که مورد توجه برنامه ریزان و تصمیم گیران هم در حوزه بخش عمومی و هم در حوزه بخش خصوصی است. لذا دقت در اندازه گیری و به روزرسانی نحوه ماسبه آن از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. در همین خصوص یکی از اقدامات اساسی که بایستی انجام شود، تغییر سال پایه در اندازه گیری شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی است.

با گذشت زمان و با تغییراتی که در شرایط زندگی اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه، از جمله تغییر در الگوی مصرف (ترکیب سبد مصرفی) خانوارها، تغییرات درآمدی (قدرت خرید افراد)، نیازهای جدید و تولید و عرضه کالاهای جدید، لازم است که در دوره های زمانی معینی، سال پایه شاخص مذکور نیز بهنگام شود.

به همین منظور در مرکز آمار ایران که به استناد ماده 54 قانون برنامه پنجم به عنوان مرجع اصلی آمار رسمی کشور از جمله نرخ تورم شناخته شده است، این موضوع مورد توجه بوده و با مطالعات و بررسی هایی که از سوی کارشناسان مرکز در یک فرایند زمانی حدوداً چهار ساله انجام شده است. سال پایه شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارها (مبنای محاسبه نرخ تورم کشور) مورد تجدیدنظر قرار گرفت و از سال پایه 1381 به سال پایه 1390 تغییر یافت. گزارش پیوست نتایج حاصل از محاسبات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری کشور در فروردین ماه سال 1392 و سال 1391 براساس سال پایه جدید (سال 1390) می باشد که برخی از نتایج حاصله به شرح ذیل می باشد:

1- شاخص کل (بر مبنای 100=1390) در فروردین ماه سال 1392 عدد 155.1 را نشان می دهد که نسبت به ماه قبل 3.2 درصد افزایش داشته است. افزایش شاخص کل نسبت به ماه مشابه سال قبل (تورم نقطه به نقطه) 38.7 درصد می باشد. درصد تغییرات شاخص کل (نرخ تورم شهری) در دوازده ماه منتهی به فروردین ماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 29.8 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اسفند 91 (28.6) افزایش یافته است.

2- شاخص گروه عمده «خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات» در این ماه به رقم 194.5 رسید که نسبت به ماه قبل 7.1 درصد افزایش نشان می دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی ها» در ماه مورد بررسی به عدد 193.0 رسید که نسبت به ماه قبل 7.4 درصد افزایش نشان می دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی ها» نسبت به ماه مشابه سال قبل 59.0 درصد افزایش نشان می دهد و نرخ تورم دوازده ماهه این گروه 46.8 درصد است. شاخص گروه در دوازده ماه منتهی به فروردین ماه 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل 47.8 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اسفند 91 (45.8) افزایش یافته است.

3- شاخص گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» در فروردین ماه 92 به رقم 141.5 رسید که 1.5 درصد نسبت به ماه قبل افزایش نشان می دهد. میزان افزایش شاخص گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» نسبت به ماه مشابه سال قبل 30.4 درصد بوده است و نرخ تورم دوازده ماه منتهی به فروردین ماه سال 1392 نسبت به دوره مشابه سال قبل این گروه 23.5 درصد است که نسبت به تورم دوازده ماهه منتهی به اسفند 91 (22.6) افزایش یافته است.

4- شاخص کل (بر مبنای 100=1390) در سال 1391 عدد 128.6 را نشان می دهد که نسبت به سال قبل (تورم سالانه) 28.6 درصد افزایش داشته است.

5- شاخص گروه عمده «خوراکی، آشامیدنی ها و دخانیات» در سال 91 به رقم 145.8 رسید که نسبت به

سال قبل (تورم سالانه) 28.6 درصد افزایش داشته است.

5- شاخص گروه عمده «خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات» در سال 91 به رقم 145.8 رسید که نسبت به سال قبل (تورم سالانه) 45.8 درصد افزایش نشان می دهد. شاخص گروه اصلی «خوراکی ها» در سال مورد بررسی به عدد 145.0 رسید که نسبت به سال قبل 45.0 درصد افزایش نشان می دهد.

6- شاخص گروه عمده «کالاهای غیرخوراکی و خدمات» در سال 91 به رقم 122.6 رسید که 22.6 درصد نسبت به سال قبل افزایش نشان می دهد.

برای دریافت متن کامل گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری "اینجا" را کلیک کنید. http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/reports/nerkh_tavarom.pdf

آتش سوزی کارگاه چاپ در خیابان 15 خرداد، 4 کارگر را راهی بیمارستان کرد

به گزارش پایگاه خبری 125، در 15 اردیبهشت 92 آمده است: به گفته محمد اصفهانی (مدیر منطقه یک عملیات)؛ در خیابان 15 خرداد، خیابان عودلاجان، یک منزل مسکونی قدیمی دیده می شد که دود و آتش زیادی از آن زبانه می کشید و پس از بررسی های اولیه معلوم شد از این مکان به عنوان کارگاه چاپ سیلک استفاده می شد.

وی افزود: استفاده از مواد و مایعات قابل اشتعال و رسیدن حرارت و شعله به آن باعث آتش سوزی و سرایت به اطراف شده بود و 4 کارگری که درون این کارگاه خانگی در حال کار بودند، بر اثر آتش سوزی دچار سوختگی شدند.

در این آتش سوزی، چهار کارگر که دو نفر از آنها تا 50 درصد دچار سوختگی شده بودند برای اعزام به مراکز درمانی، به سرعت تحویل امدادگران اورژانس شدند.

شرکت رادیو تلویزیون شهاب روند تعطیلی کامل را طی میکند

به نوشته سایت ایران کارگر خبر داده است: یک فعال کارگری خبر داد شرکت رادیو تلویزیون شهاب به صورت نیمه تعطیل در آمده و کارگران باقیمانده در شرکت نیز نگران اخراجند. تولیدی رادیو تلویزیون شهاب یکی از معتبر ترین شرکت های تولیدی دستگاه تلویزیونی به صورت نیمه تعطیل درآمد و 45 کارگر باقیمانده تنها از ساعت 0800 الی 1200 در کارخانه جمع میشوند و به نظافت و سرویس و رسیدگی تجهیزات مشغولند، لازم به یادآوری است که در این کارخانه بیش از 700 کارگر دو شیفت کاری 24 ساعته به تولید اشتغال داشتند

تایید بازداشت حامد محمودی نژاد توسط نیروهای امنیتی

به گزارش رسیده، امروز یکشنبه 15 اردیبهشت خانواده ی حامد محمودی نژاد فعال کارگری و از اعضای کمیته ی هماهنگی پس از مراجعه به ستاد خبری اطلاعات سنندج مطلع شدند که وی در بازداشت این اداره به سر می برد.

لازم به ذکر است حامد محمودی نژاد به همراه جلیل محمدی روز پنج شنبه 12 اردیبهشت توسط نیروهای حفاظت اطلاعات بازداشت شده است.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن بازداشت جلیل محمدی و حامد محمودی نژاد، خواهان آزادی فوری این فعالین و همچنین آزادی غالب حسینی، علی آزادی و پدرام نصرالهی و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

افزایش قیمت 12000 تومانی یک تن آجر طی 10 روز

به نوشته سایت ایران کارگر- 15 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از شهروندان اصفهانی که در کار ساختن سازی کار میکند در مورد افزایش سرسام آور مصالح ساختمانی گفت: افزایش افسارگسیخته مصالح ساختمانی باعث راکد شدن کارها شده است، برای مثال یک تن آجر که 10500 تومان بود طی 10 روز اخیر 12500 تومان افزایش داشته است و سایر مصالح هم بهمین شکل میباشد و این موضوع باعث شده اکیپهایی که کار ساختمانی میکردند کارشان تعطیل شود. این شهروند همچنین در مورد افزایش کرایه خانه گفت: خانه ای که یکسال پیش اجاره اش 150000 تومان بوده اجاره اش امسال 400000 تومان شده است، یعنی طی یکسال 300 هزار تومان افزایش داشته است و مردم بامشکلات زیادی مواجه هستند و راه و چاره ای هم نیست، روز بروز هم اوضاع وخیم تر میشود.

نامه شاهرخ زمانی به سازمان ملل

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

از: شاهرخ زمانی

به: بانکی مون، ناوی پیلان و احمد شهید

موضوع: زندانیان سیاسی در خطر مرگ تدریجی قرار دارند

جنابان بانکی مون، و احمد شهید ریاست سازمان ملل کمیته حقوق بشر و گزارشگر ویژه حقوق بشر و خانم

ناوی پیلای کمیسر عالی سازمان ملل

سلام و درودهای گرم و صمیمانه من و تمام مبارزان دربند عقیدتی، سیاسی، صنفی و مدنی را از زندانهای

جهنمی جمهوری اسلامی پذیرا باشید.

انبوه یارانم طی نامه های متعدد در مورد نقض حقوق اولیه و قانونی از جمله در چارچوب قوانین تمامی

نهادهای حقوق انسانی که قبلاً چندین بار برای آن مقامات عالی قدر ارسال نموده ایم و لیکن علیرغم

درخواستهای گوناگون توسط شما و نهادهای زیربط هیچ تأثیری در رفتار خشونت آمیز، غیرقانونی و ضد بشری

جمهوری اسلامی نگذاشته است به طوری که هیچکدام از مسئولین حکومت کوچکترین احترام و پایبندی به

میثاق های جهانی ندارند.

در تأیید فوق آیت اله صادق لاریجانی رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی در 14 اردیبهشت امسال ضمن حمله

به تمامی حقوق انسانی و دفاع از حکم اعدام و دیگر قوانین فوق ارتجاعی مانند سنگسار، قصاص، تازیانه

، قطع دست و پا و... اعلام کرده و گفته است: ما حقوق بشر وارداتی نمی خواهیم.

با اینکه حقوق بشر با 30 ماده، از مهمترین میثاق های بین المللی و دست آورد های تاریخی انسانها است

او (صادق لاریجانی) بدون توجه به نهاد و قوانین حقوق بشری مورد امضا و تأیید جمهوری اسلامی، تأکید کرد ما

هر چه مایل باشیم، خواهیم کرد، این اعتراف مقام اول قوه قضاییه عین واقعیت است، حقیقتاً "سران و ماموران

این نظام هر عمل ضد انسانی را که بخواهند انجام می دهند.

دستگیری بدون حکم، کارگران، زنان، دانشجویان، خبرنگاران، وکلا، کارگردانان، روزنامه نگاران، وبلاگ نویسان

و تمامی دگراندیشان و صدور حکمهای سنگین سفارشی اداره اطلاعات، تهدید و بازداشت های مخفیانه و

اعدامهای فله ای روزمره، فقط بخش بسیار کوچکی از اعمال ضد انسانی حکومت جمهوری اسلامی است که

به بیرون درز می کند و تماماً مورد تأیید، تأکید و از افتخارات اجرایی صادق لاریجانی رئیس قوه قضاییه می

باشند، که یکی از آمرین و عاملین اجرایی ضد انسانی موارد فوق است.

ما جمعی از زندانیان سیاسی رجایی شهر طی نامه آخری در فروردین ماه به شما عالی جنابان موارد قانونی

زندانیان کشور را یادآوری کردیم از جمله در نامه ای 15 ماده ای به نام جان زندانیان در خطر است با امضای

صالح کهندل، خالد حردانی و شاهرخ زمانی ضمن اشاره به موارد مشخص تأکید کردیم هدف جمهوری

اسلامی با اعمال شدیدترین شکنجه روحی و جسمی، کشتن و نابودی 250 زندانی عقیدتی سیاسی می

باشد، که به نمونه های آن در سال گذشته اشاره کردیم پس از آن نامه، تنها طی یک ماه افرادی مانند

علیرضا کرمی خیرآبادی و محمد شهبازی تحت فشارهای رژیم جان باختند این کشته شده ها غیر از 6 نفر هموطنان سنی مذهب است که مستقیمان توسط رژیم اسلامی با اجرای حکم اعدام به قتل رسیده اند . عالی جنابان، زندان رجایی شهر با 250 زندانی سیاسی ، عقیدتی ، مدنی و صنفی با حدود 45 زندانی حبس ابد و زندانیانی با حبسهای سنگین از 5 سال تا 40 سال گورستان مرگ تدریجی انسانها و حقوق مردم می باشد این زندانیان از کوچکترین حقوق قانونی حتی قوانین مصوب خود رژیم از جمله قوانین مصوب سازمان زندانها محرومند از فضای زندگی 2 متری به جای 15 متر ، مرخصی ، ملاقات حضوری، هواخوری دو ساعته به جای 10 ساعت ، نبود کار در بیرون و داخل ، عفو و آزادیهای مشروط ، موردی و عمومی ، عدم دسترسی مطلق به امکانات آموزشی و ورزشی و تفریحی موجود در زندان ، وضعیت درمانی اسفبار که طی 7 ماه 6 نفر به علت بیماریهای پیش پا افتاده مرده اند و تقریباً همه زندانیان دچار سوء تغذیه و مبتلا به انواع بیماریهای ویروسی به دلیل آلودگی محیط هستند، قطع تلفن ، قطع مطلق تغذیه مفید و جایگزینی سوپای حیوانی و چیزهایی که قابل خوردن نیستند و مستقیماً" به ظرف آشغال ریخته می شوند، توزیع علنی مواد مخدر و قرص های روانگردان توسط اداره اطلاعات برای نابودی زندانیان ، یورش و حمله بیش از صد نفری به همراه ضرب و شتم به صورت روزمره در بندهای 14 گانه به طوری که در یکی از این یورشها به بند سیاسی در اردیبهشت امسال نامق محمودی پیرمرد 62 ساله زخمی شد، شکنجه علنی و کتک کاری هر روزه مخصوصاً" در بندهای عادی که چندین نفر دچار جراحات سنگین شدند، از جمله رسول ... و شهرام احمدی زندانی اعدامی که به دلیل ضرب و شتم دچار خونریزی داخلی شده است.

پرونده سازی های مجدد با اتهامات دروغین برای زندانیان توسط اداره اطلاعات، مانند سیف زاده وکیل دانشجویان زندانی ، خالد حردانی مبارز اهوازی، هوشنگ رضا شریفی بوکانی و شاهرخ زمانی فعال کارگری و... و تهدید آشکار علیه فعالین کارگری، از جمله شاهرخ زمانی درست روز کارگر امسال به اتهام توهین به رهبری به دادگاه نیابتی احضار و مورد محاکمه قرار گرفت، خالد حردانی به همین جرم توسط دادگاه انقلاب مجدداً محاکمه شد.

تمامی حکمها به سفارش اداره اطلاعات پیش از جلسه دادگاه بدون کوچکترین دلیل قضایی و دادگاههای صالحه تعیین شده است که در دادگاه های نمایشی و بدون وجود هیئت منصفه، بدون حضور وکیل مدافع به صورت غیر علنی و چند دقیقه ای که حتی به زندانی اجازه دفاع داده نمی شود قرائت و ثبت می گردد. در 4 اردیبهشت امسال 8 نفر قربانی پرونده سازی و اتهامات اداره اطلاعات توسط قاضی مزدور اطلاعات بزرگی در کمتر از 70 دقیقه بدون کوچکترین اجازه صحبت در دفاع از خود محاکمه شدند. خود من هم بدون کوچکترین مدرک به 11 سال زندان محکوم شدم وکیل من وقتی از قاضی سوال کرد که آقای قاضی شما با استناد به کدام ماده قانونی و اسناد و مدارک موجود در پرونده سفارش اداره اطلاعات را به عنوان حکم تأیید و صادر کردید رئیس شعبه یکم دادگاه انقلاب آقای حلمیر (مامور اداره اطلاعات با کد 11 که قبل از قاضی شدن بازجو و شکنجه گر بوده است) گفت: بنده در سلسله مراتب پیچیده کنونی یک فرمانبردارم . یک کارشناس دیوان عالی در برابر سماجت مادرم که وضع پسر من چگونه خواهد بود؟ تاکید کرده بود من چیزی در پرونده پسر شما که قاضی با استناد به آن بتواند حکم صادر کند ندیدم، با این حال 18 ماه است به دنبال اعتراض من تا همین امروز پرونده من در شعبه 29 دیوان عالی که معروف به شعبه اداره اطلاعات است خاک می خورد.

آقای سیف زاده قاضی و وکیل، در جهت اثبات غیرقانونی بودن اعمال قوه قضاییه ، غیرقانونی بودن دادگاههای انقلاب و محاکمات فرمایشی تحت نظارت قوه قضاییه را تاکید صد در صد ضدیت با حقوق بشر می داند. رسول بداغی معلم مبارز و مدافع حقوق صنفی معلمان، همچنین مدافع تحصیل رایگان برای دانشجویان و دانش آموزان است که با چنین اتهامی محاکمه شده و به شش سال حبس تعزیری محکوم شده است . زندان رجایی شهر تبعیدگاه وزارت اطلاعات در سراسر کشور است، صالح کهندل از زندان اوین، خالد حردانی از زندان اهواز و شاهرخ زمانی از زندان تبریز و... به این زندان تبعید شده اند .

عالی جنابان به طوری که جناب احمد شهید به وفور در گزارشات اخیر خود در مورد نقض حقوق بشر آورده و آقای صادق لاریجانی علناً" تاکید کرد که جمهوری اسلامی به حقوق بشر وارداتی اعتقاد ندارد و همینطور آقای دولت آبادی دادستان کل علناً" در مورد زندانیان سیاسی مخصوصاً" رجایی شهر گفته بود : اعدام لطف بزرگی به این زندانیان است ما آنها را ذره، ذره خواهیم کشت اعدام و کشته شدن بیش از 10 نفر در یک ماه گذشته

به طور نمونه علیرضا کرمی خیرآبادی و محمد شهبازی، شهرام احمدی و... از نتایج اعمال ضد انسانی مقامات جمهوری اسلامی می باشد لذا برای جلوگیری از این کشتار هدفمند و علنی نیاز به مبارزه دائمی و استقامت آگاهانه است که شما می توانید با اعزام کمیته حقیقت یاب و اقدامات پیشگیرانه با دعوت به اعتراض و تجمع نهادهای جهانی حامی حقوق انسان ها و اقدام مشترک ملت‌ها علیه زندان و شکنجه توسط جمهوری اسلامی، بخصوص با اقدامات دیپلماتیک جلوی کشتار زندانیان را بگیرید.

از تلاش‌های شما صمیمانه قدردانی می کنم
شاهرخ زمانی

بدون شرح

رئیس مجلس در جمع اعضای مجمع نمایندگان کارگران: استخدام موقت کارگران نباید رواج یابد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس مجلس شورای اسلامی در دیدار با جمعی از نمایندگان کارگران از استمرار استخدام کارگران قراردادی در بنگاه‌های اقتصادی انتقاد کرد و با اشاره به تاکید قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه بر تدوین سند کار شایسته، بر تهیه تدوین این سند از سوی دولت تاکید کرد.

ایلنا علی لاریجانی در دیدار اعضای هیات رئیسه و رؤسای مجامع استان‌های مجمع عالی نماینده کارگران کشور با رئیس مجلس شورای اسلامی که به مناسبت هفته کارگر برگزار شد، گفت: طریق راهبردی کشور باید به گونه‌ای باشد، که جامعه کارگری احساس رضایت کند.

وی اظهارداشت: جامعه کارگری کشور نقشی اثرگذار و تعیین کننده در اقتصاد کشور برعهده دارند. وی با اشاره به سخنان شهید مطهری مبنی بر اینکه تحقق نظام اسلامی بدون تحقق اقتصاد سالم امکان پذیر نیست، افزود: اقتصادی سالم است که پویا بوده و در آن تولید وجود داشته باشد و در صورتیکه تولید متوقف و نیازهای اقتصادی از منابع دیگری تامین شود، آن اقتصاد سال نوده و دچار بیماری است.

علی لاریجانی ادامه داد: متأسفانه در حال حاضر اقتصاد دچار بیماری است، چراکه تولید با مشکل روبرو است، اقتصاد پویایی خود را از دست داده و رکود در بخش تولید حاکم شده است.

وی با یاد کردن از تحریم‌ها بر علیه جمهوری اسلامی ایران به عنوان ظلمی که بر ملت ایران تحیل شده است، اظهارداشت: مسؤلان باید متوجه باشند اگر قرار است تحریم‌ها را به فرصت تبدیل کنیم، باید تولید در کشور فعال باشد، چراکه در غیراینصورت نقدینگی موجب تورم و بیماری اقتصادی می‌شود.

رئیس مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه کارگران رکن اصلی تولید هستند، تصریح کرد: بر این اساس در تعریف وظایف دولت، مجلس، تشکلهای صنفی و بالاخص وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید همت کرده تا کارخانه‌ها و مراکز تولید فعال و پویا باشند و گرفتار مسائل روزمره نشوند.

وی گفت: اگر تولید متوقف شود، کارگران دچار مشکل می‌شوند و برای جلوگیری از این اتفاق نیاز به نگاه تخصصی است، موضوعی که موجب شده تا مقام معظم رهبری بر ایت مهم تاکید کنند.

لاریجانی با اشاره به اینکه غربی‌ها به دنبال پیدا کردن نقطه ضعفی از ایران هستند تا با دستاویز قراردادن آن جمهوری اسلامی را تحت فشار قراردهند، اظهارداشت: در چنین شرایطی ما نباید با رفتار اشتباه خود به آنها نشان دهیم که در کجا با ضعف روبرو هستیم.

وی ادامه داد: اگر کارخانه‌ها و مراکز تولید در کشور فعال باشند و معیشت کارگران تامین شود، آنها مأیوس می‌شوند و این محور تحول در عرصه بین المللی است.

رئیس مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه ارتباط با اقتصادهای بین المللی مشروط براینکه موجب وابستگی اقتصاد کشور نشود، مشکل ساز نیست، افزود: با توجه به این مهم باید بر روی نیازهای داخلی که اقتصاد می‌تواند تامین کند تاکید کرد.

وی تصریح کرد: مسؤلان و مجامع کارگری باید به این موضوع اهتمام داشته باشند که اگر قرار است از منابع

بانکی و صندوق توسعه ملی استفاده شود، این منابع در قالب واو در اختیار صنایع و بنگاه‌های اقتصادی قرارگیرد تا به رونق تولید کمک کند.

علی لاریجانی با بیان اینکه در تخصیص بودجه نیر باید تولید در اولویت باشد، افزود: به منظور تحقق این مهم باید آرامش کارگران نیز مورد توجه قرارداشته باشد.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر در بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی از یک مورد که در قانون برای موارد استثناء پیش بینی شده است، استفاده شود، مطرح کرد: استفاده از قرارداد موقت برای عقد قرارداد با کارگران برای مواردی استثناء پیش بینی شده است و نباید رواج یابد.

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه در مجلس عموم نمایندگان بر حل مشکلات کارگران تاکید دارند، اظهارداشت: با توجه به اینکه تدوین سند کارشایسته در برنامه‌های چهارم و پنجم دیده شده است و از زمانی که قانون برای تهیه آن تعیین کرده، گذشته این مهم باید مورد توجه و پیگیری قرارگیرد.

لاریجانی در پایان ضمن ابراز امیدواری برای تغییر شرایط سخت کنونی به شرایط مطلوب، بار دیگر تاکید: همانطور که مقام معظم رهبری فرموده‌اند استراتژی تولید باید به طرف پویایی حرکت کند.

در این دیدار همچنین آرش فراز دبیرکل مجمع عالی نماینده کارگران کشور ضمن اشاره به جایگاه و خدماتی که توسط این تشکل صنفی کارگری به مخاطبین آن ارائه می‌شود، افزود: مجمع عالی نماینده کارگران کشور علاوه بر فعالیت در حوزه روابط کار و تامین اجتماعی، به عنوان نماینده جامعه کارگری در ترکیب سه جانبه همراه با کارفرمایان و دولت حضور داشته و همچنین در ارائه خدمات مشاوره‌ای به مخاطبین خود فعال است.

وی گفت: جامعه کارگری امیدوار است که مجلس شورای اسلامی نسبت به احقاق حقوق کارگران، ایشان را یاری داده و برخی کوتاهی‌های دولت خصوصاً در تکمیل و تحول لایحه اصلاح قانون کار را جبران کند. فراز با بیان اینکه بی‌توجهی به این لایحه موجب دگرگونی در حوزه روابط کار می‌شود، اظهارداشت: در حالی که دولت باید نظر کارگر و کارفرما را همزمان در این لایحه مدنظر قراردهد، اینگونه نشده و دولت تنها بر این موضوع تاکید می‌کند که تکلیف قانونی خود برای ارائه این لایحه را انجام داده است.

وی ادامه داد: در خصوص تهیه سند کارشایسته که در قانون برنامه‌های چهارم و پنجم پیش بینی شده اما از سوی دولت مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، به مجلس شورای اسلامی نیز انتقاد داریم که چرا به دولت برای کوتاهی در انجام این وظیفه قانونی تذکر نداده است.

دبیرکل مجمع عالی نماینده کارگران کشور همچنین با اشاره به مصوبه احیاء نظام استاد و شاگردی که توسط دولت ابلاغ شده است، افزود: مشمولین این قانون از حمایت قانون کار و تامین اجتماعی خارج شده و مورد حمایت هیچ قانون دیگری قرار نمی‌گیرند و این به معنی بازگشت به سال‌های پیش از تصویب قانون کار و تامین اجتماعی و تضييع حقوق کارگرانی است که در قالب این مصوبه مشغول به فعالیت هستند.

وی در پایان با اشاره به اینکه نباید به منظور ایجاد شغل حقوق اجتماعی و شهروندی افراد را تضييع نمود، اظهار داشت: از مجلس شورای اسلامی می‌خواهیم به هر نحو ممکن مانع این اجرای مصوبه دولت شود.

پایان پیام

خودسوزی جوانی به خاطر اخراج از کار

برپایه خبردریافتی در تاریخ 15 اردیبهشت 1392 آمده است: کارگری معروف به محمود، جوان 37 ساله‌ای که در اعتراض به عوامل حکومتی، در برابر استانداری خوزستان خودسوزی کرد، درگذشت. مهدي که از شرکت نفت اخراج شده بود

و با فقر و بیکاری دست به گریبان بود، به دلیل بی‌اعتنایی کارگزاران نظام به اعتراضات او و سایر کارگران، در روز 27 فروردین هنگام خروج حجازی، استاندار منصوب شده توسط احمدی نژاد در خوزستان از محل استانداری، خود را به آتش کشید. مهدي سرانجام پس از 18 روز بر اثر شدت سوختگی جان باخت.

اخباری چند از فلزکار

* به پایه اخبار انعکاس یافته در سایت گزارشگران در تاریخ 16 اردیبهشت 92 آمده است: برگزاری اول ماه مه در بندرسیرف از طرف کارگران پارس جنوبی که همراه با سخنرانی بدین مناسبت بود. در این سخنرانی از طرح مشکلات و مطالبات کارگران در این روز صحبت شد. این جشن که با پایکوبی همراه بود با سازماندهی از طرف سیروس شجاعی کارگر پارس جنوبی صورت گرفته بود.

* کارخانه محورسازان درجاده کرج سازنده قطعات مورد نیاز ایران خودرو، پس از عید ۱۲۰ کارگر خود را اخراج کرده

و خط تولید شماره ۲ مکانیزه خود را نیز تعطیل کرده است.

* کارخانه شتاب از کارخانه های محوری ایران خودرو درجاده کرج و سازنده قطعات یدکی ایران خودرو ۱۶۰ کارگر خود را بعد از عید اخراج کرده و در حال حاضر در رکود به سر می برد تا تعیین تکلیف مبلغ خودرو.

* فشار و سرعت کار در کارخانه پاکشوما بیشتر از قبل شده، که این مسئله باعث اعتراض کارگران این شرکت شده است. تولید این شرکت روزانه ۱۴۰۰ دستگاه انواع ماشین های لباسشویی و ظرفشویی در مدل های مختلف است. در سال گذشته ۱۰ کارگر از این شرکت اخراج شدند.

* اخراج ۶۰ کارگر در شرکت ربات ماشین کمال شهر. ۲۰ نفر از کارگران بطور قطعی و به ۴۰ نفر دیگر هم وعده بازگشت بکار در اردیبهشت داده شده است. قابل ذکر است که این وعده در صورتی تحقق خواهد یافت که خط تولید جمع شده در اردیبهشت دایر شود.

* در کارخانه ایران خودرو خطوط تولیدی نیمه تعطیل بوده و یک شیف کاری نیز اخراج شده اند. این نیمه تعطیلی فرصتی را فراهم کرده که کارگران دورهم نشستند و در مورد مسایل روز گفتگو کنند. از جمله حذف ارز مرجع از کالاهای اساسی، دستمزدها و اخراج. قسمت رنگ ال ۹۰ با ۳۰ درصد ظرفیت کار می کند. کلیه مدل های پژو تولید ندارند. ایران خودرو منتظر اعلام قیمت مبلغ خودروهاست تا تولید را شروع کند. آنچه مسلم است تا زمانی که قیمت های پیشنهادی کارخانه های خودروسازی به مردم ایران تحمیل نشود این رکود در خطوط تولیدی ادامه دارد.

حسین راغفر: آمار بیکاری ۲۰ درصد است

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس به نقل از روزآنلاین در 16 اردیبهشت 92 آمده است: اگر چه آمار های رسمی حکایت از میزان بیکاری ۱۲,۲ درصدی دارد اما حسین راغفر، کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه اعتقاد دارد برآورد کارشناسان مستقل از میزان بیکاری رقمی فراتر است.

به گزارش خبرآنلاین، راغفر با اعتقاد بر اینکه بازار کار در ایران به گونه ای بوده که در سال های گذشته شاهد رشد بیکاری بودیم گفت: « بیکاری در چند سال گذشته افزایش پیدا کرده است. علیرغم آمار رسمی، آمار های کارشناسان مستقل نشان می دهد در خوشبینانه ترین حالت میزان بیکاری حال حاضر ایران ۲۰ درصد است.»

او گفت: « متأسفانه آمارها نشان می دهد در هر خانواده دو نفر کار می کنند ولی بازم هزینه های زندگی چنان افزایش یافته که کفاف زندگی آنها را نمی دهد. در برآوردهای اقتصادی اگر در هر خانواده دو نفر مشغول کار باشند باید سطح فقر کاهش پیدا کند ولی در حال حاضر چنین نیست.»

وی ادامه داد: « از سوی دیگر مهاجرات در میان طبقه متوسط گسترش یافته به این جهت که جوانان به دنبال جایی می گردند که شغل و منزلت داشته باشند. بنابراین باید به آن سوی مرزها مهاجرت کنند. اثرات چنین اتفاقی در بلند مدت برای اقتصاد کشور زیان بار است»

آب و هوای بد منطقه در مزد کارگران پتروشیمی محاسبه شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: عضو هیئت مدیره اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام از میزان دستمزد کارگران منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر انتقاد کرد و آن را «ناچیز» خواند.

«علی‌رضا ملکوتی» در این باره به ایلنا گفت: دستمزد ۷۰۰ هزار تومانی کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام با تورم افسارگسیخته‌ای که دامن گیر کشور شده و قامت جامعه کارگری را خم کرده است، هیچ گونه نسبتی ندارد. وی افزود: این در حالی است که آب و هوای بسیار بد منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر و فضای آلوده‌ای که در مجتمع‌های پتروشیمی این منطقه وجود دارد بایستی در مزد کارگران محاسبه شود.

این فعال کارگری از تفاوت شرح کار که مجتمع‌های پتروشیمی مختلف بندر امام وجود دارد انتقاد کرد.

ملکوتی در پایان تصریح کرد: میان کارگران مجتمع‌های پتروشیمی بندر امام در پرداخت پاداش و مزایایی همچون بدی آب و هوا، تفاوت وجود دارد. دامنه این تبعیض بعضاً به کارگران یک کارخانه ی خاص نیز می‌رسد.

پایان پیام

«مرکز آمار» اعلام کرد تورم فروردین؛ 8/29 درصد

به نوشته روزنامه شرق در تاریخ 16 اردیبهشت 92 آمده است: بالاخره وعده‌ها محقق شد و مرکز آمار ایران، به صورت رسمی مسوولیت اعلام نرخ تورم را به دست گرفت. گزارش این مرکز از مهم‌ترین شاخص اقتصادی که دیروز بر درگاه این مرکز منتشر شد، در نوع خود جالب و قابل توجه است. تورمی که دو سال از اوج گرفتن آن می‌گذرد و همچنان هم رو به بالا گام برمی‌دارد. با این گزارش رو به نزول نشان داده شده است. مرکز آمار ایران که تورم سال گذشته را با یک درصد بیشتر نسبت به بانک مرکزی 31/5 درصد اعلام کرده بود در این گزارش تورم 12 ماه منتهی به فروردین سال 92 را 29/8 درصد اعلام کرد که 1/7 درصد نسبت به اسفند سال گذشته کاهش یافته است. روند نزولی آمار تورم در شرایطی اعلام می‌شود که کارشناسان اقتصادی با توجه به تزریق بی‌رویه نقدینگی در سال گذشته، تورم سال جاری را به شدت افزایشی می‌دانند. دولت دهم در سال گذشته 108 هزار میلیارد تومان نقدینگی به اقتصاد تزریق کرد که در تاریخ اقتصادی ایران سابقه نداشته است. بر این اساس نقدینگی از 352 هزار میلیارد تومان در پایان سال 90، به 460 هزار میلیارد تومان در پایان سال 91 رسید که رشدی معادل 30/8 درصد را نشان می‌دهد. در واقع افزایش حجم نقدینگی از مهرماه سال گذشته آغاز شد و تا این لحظه هم ادامه دارد. از آنجایی که افزایش نقدینگی شش تا 9 ماه بعد اثرات مخرب خود را نشان می‌دهد، در سال جاری باید منتظر افزایش نرخ تورم باشیم. حالا در چنین اوضاع و احوالی مرکز آمار ایران خبر از کاهش هر دو نرخ تورم، یعنی میانگین 12 ماه منتهی به فروردین 92 و نرخ تورم فروردین 92، در مقایسه با ماه مشابه سال قبل داده است و همین نکته در گام نخست، اصالت و درستی آمار این مرکز را زیر سوال می‌برد.

این مرکز تورم نقطه به نقطه فروردین سال جاری را هم اعلام کرده که این نیز در روندی نزولی قرار دارد. مرکز آمار ایران نرخ تورم نقطه به نقطه فروردین سال جاری را 38/7 درصد اعلام کرد در حالی که همین مرکز این نرخ را برای اسفند سال گذشته 40/6 درصد اعلام کرده است.

مهدی تقوی، کارشناس اقتصادی، در گفت‌وگو با «شرق» روند افزایشی تورم در ماه‌های آتی را تایید کرده و می‌گوید: «از زمانی که قانون هدفمندی یارانه‌ها اجرا شد، رکود تورمی با شدت بیشتری نمود پیدا کرد ضمن اینکه در این بازه زمانی، قیمت دلار افزایش یافت و به رکوردهای جدیدی رسید. همین چند عامل، به اضافه افزایش شدید نقدینگی در سال گذشته، روند تورم را صعودی‌تر از همیشه کرد و این افزایش برای ماه‌های آینده نیز پیش‌بینی می‌شود.»

پویا جبل‌عاملی هم که کارشناس اقتصادی است، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «نقدینگی آثار خود را از شش ماه تا دو سال نمایانگر می‌کند و حتماً این دوره نباید شش تا 9 ماه باشد. اما نکته قابل‌تامل این است که

هیچ عامل و نشانه‌ای دال بر کاهش نرخ تورم در سال گذشته دیده نشده است. در سال گذشته دولت حجم زیادی از نقدینگی را روانه بازار کرد و به همین دلیل هم به نظر نمی‌رسد آن‌گونه که مرکز آمار ایران اعلام کرده، تورم نزولی شده باشد.»

البته مرکز آمار ایران در خلال این گزارش از تغییر سال پایه محاسبه تورم خبر داده که شاید همین مساله نیز منجر به کاهش تورم شده است. با این حال جیل‌عاملی این گفته را تا حدودی در کاهش نرخ تورم موثر می‌داند اما در کل معتقد است میزان تاثیر تغییر سال پایه در نرخ تورم چندان قابل‌توجه نیست.

تورم خوراکی‌ها، 46/8 درصد

در گزارش مرکز آمار ایران از شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری آمده است: شاخص قیمت گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در فروردین‌ماه سال 92 به رقم 194/5 رسید که نسبت به ماه قبل از آن (اسفند) 7/1 درصد افزایش یافت. همچنین شاخص قیمت گروه اصلی خوراکی‌ها در فروردین‌ماه گذشته به 193 رسید که نسبت به ماه قبل 7/4 درصد افزایش داشت.

لذا شاخص قیمت گروه اصلی خوراکی‌ها نسبت به ماه مشابه سال قبل، 59 درصد افزایش یافت و نرخ تورم 12 ماهه این گروه به 46/8 درصد رسید.

مطابق گزارش مرکز آمار ایران، شاخص گروه عمده خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات نسبت به ماه مشابه سال قبل، 60/4 درصد افزایش یافت و درصد تغییرات این گروه در 12 ماه منتهی به فروردین سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل، 47/8 درصد است که نسبت به تورم 12 ماهه منتهی به اسفندماه 91، 45/8 درصد، افزایش یافت.

تورم غیرخوراکی‌ها 23/5 درصد

بر این اساس، شاخص قیمت گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات در فروردین‌ماه 92 به 141/5 رسید که 1/5 درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت.

همچنین میزان افزایش شاخص قیمت گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات، نسبت به ماه مشابه سال قبل، 30/4 درصد بوده و نرخ تورم 12 ماهه منتهی به فروردین‌ماه سال 92 نسبت به دوره مشابه این گروه، 23/5 درصد است که نسبت به تورم 12 ماهه منتهی به اسفندماه 91، 22/6 درصد افزایش یافته است.

بر اساس این گزارش، شاخص قیمت گروه عمده «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات» در سال 91 به رقم 145/8 رسید که نسبت به سال قبل (تورم سالانه) 45/8 درصد افزایش یافته است.

شاخص قیمت گروه اصلی خوراکی‌ها نیز در سال مورد بررسی به 145 افزایش یافته که این افزایش نسبت به سال قبل نزدیک به 45 درصد بوده است. همچنین شاخص قیمت گروه عمده کالاهای غیرخوراکی و خدمات در سال 90 به رقم 122/6 رسید که 22/6 درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

بانک مرکزی خبر داد تورم فروردین؛ 3/32

تسنیم: بانک مرکزی اعلام کرد، طبق محاسبات این بانک نرخ تورم فروردین‌ماه 32/3 درصد شده است. بانک مرکزی در خصوص نرخ تورم فروردین‌ماه سال جاری، گزارش داد، شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در سال 1391 نسبت به سال 1390 (نرخ تورم سال 1391) معادل 30/5 درصد افزایش داشته است. نرخ تورم در 12 ماه منتهی به فروردین‌ماه 1392 نسبت به 12 ماه منتهی به فروردین‌ماه 1391 معادل 32/3 درصد است. نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی در سال گذشته در فواصل زمانی مختلف عبارت است از نرخ تورم فروردین 21/8 درصد، اردیبهشت 22/2 درصد، خرداد 22/4 درصد، تیر 24/9 درصد، مرداد 23/5 درصد، شهریور 24 درصد، مهر 21/9 درصد، آبان 26/1 درصد و آذرماه به 27/4 درصد و دی‌ماه 27/8 درصد، بهمن 29/8 درصد و اسفند 30/5 درصد. مرکز آمار نیز البته امروز با اعلام نتایج حاصل از محاسبات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری در فروردین‌ماه سال 1392 و سال 1391 براساس سال پایه جدید (سال 1390)، گزارش داد: نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در فروردین‌ماه به 38/7 درصد رسید و نرخ تورم در 12 ماه منتهی به فروردین‌ماه سال 92

معادل 29/8 درصد اعلام شد. بررسی ارقام مربوط به تغییرات قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری در سال 91 طبق گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد در فروردین سال گذشته نسبت به دوره مشابه سال قبل از آن (سال 90) نرخ تورم 26/4 درصد، در اردیبهشت 26/2، خرداد 26، تیر 25/9، مرداد 25/9، شهریور 25/9، مهر 26/4، آبان 27/2، آذر 27/9، دی 28/8، بهمن 30/2 و اسفند 31/5 درصد افزایش یافته است.

بازداشت محمد قاسم خانی و بهرام سعیدی، دو فعال کارگری در تهران و کرج

به نوشته سایت سیاسی، خبری خاوران از قول کمیته گزارشگران حقوق بشر در تاریخ 16 اردیبهشت 92 آمده است: در جریان موج بازداشت فعالان کارگری، محمد قاسم خانی و بهرام سعیدی، دو فعال کارگری، روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه، یک روز بعد از تحصن اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی بازداشت شده اند. به گزارش کمیته گزارشگران حقوق بشر، محمد قاسم خانی، فعال کارگری کارخانه ایران خودرو، روز پنجشنبه بعد از ورود به محل کار خود، توسط چند تن از ماموران لباس شخصی مجهز به بیسیم، متوقف و در حالیکه قصد مقاومت داشت، با زور به محل حراست کارخانه منتقل و سپس به خودروی ماموران انتقال داده می شود. بهرام سعیدی، دیگر فعال کارگری آن کارخانه و از شرکت کنندگان در تحصن روز چهارشنبه (اول ماه مه) مقابل مجلس نیز، روز پنجشنبه هنگام خروج از سرویس و ورود به محل کار، به دفتر کارخانه فرا خوانده و توسط چند مامور لباس شخصی دستگیر می شود.

این در حالی است که ماموران امنیتی همان روز منزل محمد قاسم خانی را مورد تفتیش و بازرسی قرار داده و بخشی از وسایل وی را ضبط و با خود منتقل کرده اند. همچنین منزل آقای سعیدی در کرج نیز مورد بازرسی قرار گرفته است.

بر اساس گزارش مذکور هنوز از محل بازداشت و وضعیت این دو فعال کارگری معترض، خبری منتشر نشده است.

بعد از آنکه دولت با صدور مجوز برای برگزاری مراسم روز جهانی کارگر مخالفت کرد، تعدادی از فعالان کارگری، کنشگران سندیکایی و همچنین کارگران معترض، در محل های مختلف دست به تجمعاتی زده و نسبت به وضعیت موجود و شرایط حاکم اعتراض خود را نشان داده بودند، که از جمله گروهی از آنان روز چهارشنبه (۱۱ اردیبهشت، اول ماه مه) در مقابل مجلس تجمع کردند، که بلافاصله نیروهای امنیتی و گارد حفاظت مجلس، آنها را به زور از محل متفرق ساختند.

منابع حقوق بشری گزارش داده اند که طی روزهای اخیر، چهار تن از فعالین کارگری به نامهای آرام زندی، فردین قادری، شاهپور حسینی و جلیل محمدی در سنج بازداشت شده اند.

عدم پرداخت حق بیمه کارگران صنایع چوب پونل

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر شهرستان پاکدشت اعلام کرد: کارفرمای کارخانه صنایع چوب پونل پاکدشت حق بیمه حدود ۷۰ کارگر خود را طی یکسال گذشته پرداخت نکرده است.

«عوض سلطانی» با اشاره به ماده ۳۶ قانون تامین اجتماعی که کارفرمایان را موظف به پرداخت حق بیمه کارگران خود می‌کند به ایلنا گفت: ایجاد فاصله بیمه‌ای در سوابق کارگران در حالی رخ داده که کارفرما به بهانه پرداخت حق بیمه، ماهانه مبالغی را از حقوق کارگران کسر می‌کرده اما پولی به حساب تامین اجتماعی واریز نشده است و در این شرایط در طول این مدت هیچ سابقه بیمه‌ای برای کارگران در سازمان به ثبت نرسیده است.

او سابقه کار این کارگران را از ۷ تا ۲۷ سال عنوان کرد و افزود: با توجه به عدم پرداخت حق بیمه کارگران در

یکسال گذشته، اداره تامین اجتماعی شهرستان نیز دفترچه درمانی کارگران این کارخانه را بعد از پایان فروردین ماه سال ۹۱ تمدید نکرده و این کارگران برای دریافت خدمات درمانی در درمانگاهها و بیمارستانهای تابعه با مشکل مواجه شده‌اند.

این فعال کارگری با اشاره به بازگشت بکار ۲۰ کارگر صنایع چوب پونل که به بهانه انحلال کارخانه از سوی کارفرما تعدیل شده بودند، گفت: بلاحاط قانونی در مدتی که کارگران پیگیر بازگشت به کار خود بوده‌اند هم وظیفه کارفرماست تا حق بیمه‌شان را پرداخت کند. دبیر خانه کارگر پاکدشت در پایان افزود: مسئولان استانی و شهرستانی نسب به مشکلات کارگران این واحد تولیدی آگاه هستند اما در این زمینه اقدام قابل ملاحظه‌ای انجام نمی‌دهند.

حذف یارانه 28 هزار تومانی نان که فقط یکبار واریز شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: مهرمحمد رضا فرزین در مورد پرداخت یارانه نقدی نان در سال 92 گفت: امسال یارانه نقدی جداگانه ای مانند سال گذشته به نان خواهیم داد، سال گذشته با توجه به افزایشی که در قیمت نان اتفاق افتاده یارانه نقدی جداگانه ای به عنوان یارانه نان به حساب سرپرستان خانوار واریز شد، اما به دلیل اینکه امسال قیمت نان افزایش نیافته است، بنابراین یارانه ای نیز برای آن واریز نخواهد شد.

افزایش بیماری روانی در بین کارکنان صنعت نفت

به گزارش سایت پانا نیوز در تاریخ 16 اردیبهشت 92 آمده است: مدیر اچ.اس.ای صنایع پتروشیمی: بیماری‌های روانی در کل جامعه به شکل معنا داری افزایش پیدا کرده و همین آمار در سطح کارکنان صنعت نفت نیز خود را نشان داده است.

به گزارش پانا نیوز به نقل از سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، قدرت اله نصیری در مراسم افتتاحیه دومین جشنواره سلامت این هاب پتروشیمی، هدف از برگزاری این جشنواره را ارتقای سلامت بین کارکنان و خانواده های پتروشیمی بیان کرد و گفت: نتایج معاینات طب دوره ای کارکنان پتروشیمی بیانگر ضرورت تلاش بیشتر در زمینه ی ارتقای سطح سلامتی ایشان خصوصا در زمینه بیماری‌های غیر واگیر است. مدیر بهداشت، ایمنی و محیط زیست شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به اینکه عدم پیشگیری مناسب از بیماری‌ها منجر به افزایش چشمگیر هزینه های درمان می شود، تصریح: آمارها نشان می دهد که بیماری‌های روانی در سطح کل جامعه به شکل معنا داری افزایش پیدا کرده و همین آمار در سطح کارکنان صنعت نفت نیز خود را نشان داده است. دومین جشنواره سلامت این هاب پتروشیمی توسط شرکت ملی صنایع پتروشیمی و سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی با همکاری 20 شرکت پتروشیمی در بندر ماهشهر برگزار شده است.

لغو قرارداد کار در مناطق آزاد اقتصادی به کارفرما سپرده شده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام بر لزوم رعایت مقابله نامه‌ها و توصیه نامه‌های سازمان بین المللی کار در مناطق آزاد اقتصادی تاکید کرد.

عباس رضایی در این باره به ایلنا گفت: قوانین اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تامین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران با آنچه در قانون کار آمده متناقض و نیازمند اصلاح است. وی در ادامه با اشاره به ماده ۳۴ مقررات اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تامین اجتماعی در مناطق آزاد افزود: مطابق ماده ۳۴، لغو قرارداد کار حتی با صدور حکم بازگشت به کار از سوی اداره کار منطقه آزاد به کارفرما سپرده شده است.

این ماده قانونی اشاره می‌کند: «هرگاه اخراج کارگر از سوی هیأت رسیدگی موجه شناخته نشود، کارفرما رامتخیر خواهد کرد تا کارگر را به کار برگردانده و حقوق ایام بلا تکلیفی وی را بپردازد و یا آنکه در قبال هرسال

خدمت حقوق ۴۵ روز وی را به عنوان خسارت اخراج بپردازد.»
به گفته آقای رضایی، ماده ۳۴ تمام سابقه کارگر و سنوات او را نادیده می‌گیرد.
این فعال کارگری از عدم وجود آیین نامه طرح طبقه بندی مشاغل، مشاغل سخت و زیان آور و پاداش افزایش تولید در قوانین مربوط به کار منطقه ویژه انتقاد کرد.
وی تصریح کرد: به باور ریاست اداره کار منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر، آنچه در قوانین مربوط به کار مناطق آزاد ذکر نشده است وجاهت قانونی ندارد و بر همین اساس نیز تشکل های کارگری را به رسمیت نمی‌شناسد.
رضایی با اشاره به ماده ۵۱ قوانین اشتغال نیروی انسانی، بیمه و تأمین اجتماعی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران، چنین استدلالی را بی‌پایه و اساس خواند.
ماده ۵۱ می‌گوید: «مقاله نامه‌ها و توصیه نامه های سازمان بین المللی کار در مناطق آزاد لازم‌الرعایه می‌باشد.»

نایب رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام در پایان اظهار داشت: به رسمیت شناختن تشکل های کارگری و سندیکاها از سوی دولت از اساسی ترین بندهای مربوط به مقاله نامه ها و توصیه نامه های سازمان بین المللی کار است.

کابوس اجاره خانه

به گزارش روزنامه «خراسان» از وضعیت اجاره مسکن در تهران در ۱۶ اردیبهشت ۹۲ آمده است: همه حساب و کتاب های زندگی اش به هم می ریزد، وقتی صاحبخانه از پشت تلفن می گوید یا باید ۴۰۰ هزار تومان روی اجاره اش بگذارد یا این که خانه را تخلیه کند. حال کسی را دارد که یک سطل آب یخ روی سرش ریخته اند، مبهوت است و نمی داند باید چه تصمیمی بگیرد. با این اوصاف باید ماهانه یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان کرایه خانه بدهد و این جدای از اقساط ماهانه ای است که باید پرداخت کند. زن و شوهر کفش آهنی به پا می کنند و راهی بنگاه های مسکن می شوند. رفت و آمدی دو هفته ای که در آخر نتیجه اش می شود ماندن در همان خانه و افزودن ۴۰۰ هزار تومان به اجاره آقای موچر.
گرانی اجاره بهای ساختمان در تهران پایه پای گرانی مسکن پیش می رود و هر سال این مستاجر ها هستند که با پیشنهاد های سرسام آور صاحبخانه ها مواجه می شوند. آن ها مجبورند مبالغی هنگفت را به عنوان اجاره بها به صاحبخانه ها بپردازند. در این بین اما باید مستاجر باشی و موعد تخلیه خانه اجاره ای ات رسیده باشد تا حال و روز اجاره نشین ها را درک کنی.

زوج جوانی برای پیدا کردن یک آپارتمان ۸۰ متری برای رهن و اجاره به بنگاه مسکنی در خیابان پاتریس لومومبا حوالی خیابان ستارخان آمده اند. مشاور املاک با حالتی قیمت ها را اعلام می کند که گویی هر فردی توان پرداخت چنین مبالغی را نداشته باشد جرمی مرتکب شده است! همراه زن و مرد از بنگاه خارج می شوم و از وضعیت اجاره ها می پرسم. قیمت های رهن کامل برای یک آپارتمان ۸۰ متری بین ۸۰ تا ۸۵ میلیون تومان است گویا اجاره ها برخلاف تاکید سازمان تعزیرات، جهش چشمگیری داشته است. مرد جوان می گوید: یک ماه دیگر موعد تخلیه خانه ای است که در آن سکونت داریم. یک آپارتمان ۸۰ متری را خرداد سال قبل ۶۰ میلیون تومان رهن کردیم ولی امسال صاحبخانه ۲۵ میلیون روی رهن خانه اش گذاشته است. زن صحبت های همسرش را ادامه می دهد و می گوید: اگر بخواهیم با همان مبلغی که سال قبل خانه اجاره کردیم امسال هم مستاجری کنیم، باید از خانه ۸۰ متری به یک آپارتمان ۶۰ متری برویم چون رهن و اجاره یک آپارتمان ۶۰ متری در این منطقه ۳۰ میلیون تومان رهن و ماهانه ۶۵۰ هزار تومان اجاره است. حتی چند محله پایین تر هم رفتیم و یک آپارتمان ۶۰ متری با ۲۵ میلیون تومان رهن و ماهانه ۶۰۰ هزار تومان اجاره پیدا کردیم. ماهانه ۶۰۰ هزار تومان اجاره دادن کار ساده ای نیست در حالی که نزدیک به ۷۰۰ هزار تومان اقساط داریم و کلی هم خرج خورد و خوراک و پوشاک و رفت و آمدمان می شود. با این شرایط یکی از ما دونفر باید حقوقش را برای اجاره خانه کنار بگذارد.

با این پول پیش باید مسکن مهر اجاره کنی

برای بررسی وضعیت اجاره مسکن در غرب تهران سری هم به بولوار فردوس می زنم. خانم جوانی همراه دختر خردسالش در یکی از بنگاه های مسکن بولوار فردوس در جست وجوی خانه ای برای رهن و اجاره است. آپارتمانی ترجیحا دو خوابه. مشاور مسکن اول از بودجه ای که برای این کار کنار گذاشته اند می پرسد. وقتی زن می گوید ۱۵ میلیون پول پیش دارم و می توانم ماهانه ۴۰۰ هزار تومان هم اجاره دهم با چهره ای حق به جانب می گوید: نداریم. الان با این پول باید بروی مسکن مهر اجاره کنی!

زن که اعتماد به نفسش را از دست داده می پرسد خب قیمت ها چقدر است؟ شما بگو شاید بتوانیم پرداخت کنیم. مشاور املاک با ناراحتی پرونده آپارتمان های اجاره ای اش را ورق می زند و می گوید: بولوار فردوس، ۷۵ متری ۱۵ میلیون رهن ماهی یک میلیون و ۵۰ هزار تومان اجاره. بولوار فردوس غرب ۸۰ متری، ۲۰ میلیون رهن ماهی ۸۰۰ هزار تومان اجاره. گویا قیمت ها با جیب مستاجر همخوانی ندارد چون تشکر می کند و از بنگاه مسکن بیرون می رود.

۱۰۰ میلیون تومان رهن یک آپارتمان در شمال شهر

قیمت ها اما در مناطق شمالی شهر سر سام آور است و هرکسی توان کرایه خانه و آپارتمان در این مناطق را ندارد. برای سر درآوردن از قیمت ها در این مناطق نباید از بودجه ات حرفی بزنی باید بگویی هرچه باشد توان پرداختش را دارم. در این شرایط مشاوران مسکن حاضرند پرونده هایشان را برایت جست وجو کنند. بنگاه مسکن در خیابان دولت است اما مشاوران مسکن تمام پرونده های مناطق یک و ۳ شهرداری را دارند. یکی از پرونده ها مربوط به آپارتمانی در خیابان اندرزگو است آپارتمانی ۶۰ متری و به قول آقای مشاور با تمام امکانات که صاحبخانه با ۲۰ میلیون تومان رهن و ماهانه یک میلیون و ۷۵۰ هزار تومان اجاره به بنگاه سپرده است. در حالی که برای من به دنبال آپارتمانی شیک و تمام امکانات می گردد آقای میانسالی برای اجاره خانه اش به بنگاه مراجعه می کند و می گوید: در یکی از خیابان های فرعی دولت یک آپارتمان ۷۵ متری دارد. مشاور املاک قیمتی برای خانه اش نمی گذارد و بدون هیچ پیش زمینه ای می گوید: چقدر برای رهن و اجاره در نظر گرفته اید؟ مرد یک کلام می گوید: ۱۰۰ میلیون رهن کامل. تبدیل هم می کنم و به ازای هر یک میلیون ۳۰ هزار تومان اجاره می گیرم. در پرونده تان ثبت کنید امکانات کامل، فوق العاده شیک.

مشاور املاک بلافاصله پس از رفتن مرد می گوید: خانه این آقا را ببینید اگر خوش تان آمد برایتان تخفیف می گیرم. شاید بتوانم رهنش را تا ۹۰ میلیون هم پایین بیاورم.

البته یک آپارتمان هم در منطقه ولنجک هست که صاحبخانه ۹۰ میلیون رهن برایش در نظر گرفته. متراژش هم ۸۵ متر است.

در مسیر سری هم به خیابان آفریقا می زنم تا از قیمت های این منطقه هم مطلع شوم. مشاور املاک به سرعت پرونده هایش را برایم فهرست می کند. ۸۰ متر دو خوابه ۳۰ میلیون رهن ماهانه دو میلیون تومان اجاره. ۵۰ متر یک خوابه ۲۰ میلیون رهن یک میلیون و ۴۵۰ هزار تومان اجاره.

برای تکمیل شدن اطلاعاتم تصمیم می گیرم سری هم به مناطق مرکزی و جنوبی تر شهر بزنم. پایین تر از میدان منیریه و در محله امیریه وارد یکی از بنگاه های مسکن می شوم. این جا برخلاف مشاوران مسکن شمال شهر، مشخصات آپارتمان های فروشی و اجاره ای را پشت شیشه زده اند. آپارتمان ۴۵ متری در محله امیریه ۱۴ میلیون رهن ۲۵۰ هزار تومان اجاره. ۵۵ متر یک خوابه ۱۸ میلیون رهن ماهانه ۳۰۰ هزار تومان اجاره. در همین حین پسر جوانی وارد بنگاه می شود و می گوید با ۲۰ میلیون چیزی برای رهن دارید. برای عروس و داماد. مشاور سرش را بالا می آورد و می گوید ۵ میلیون بگذار روی پولت تا یک ۲۵ متری نقلی برایت اجاره کنم. پسر تشکر می کند و راهش را می کشد و می رود. سری هم به بنگاه های مسکن حوالی میدان بهارستان می زنم. قیمت ها در این مناطق هم تفاوت چندانی با مناطق دیگر شهر ندارد برای رهن و اجاره یک آپارتمان ۵۶ متری آن هم بدون پارکینگ و انباری، صاحبخانه ۵ میلیون تومان رهن و ماهانه ۵۰۰ هزار تومان اجاره در نظر گرفته است.

باید از تهران بروم

یکی از متقاضیان که به گفته خودش به تمام بنگاه های مسکن منطقه سر زده می گوید: خیلی از صاحبخانه ها حاضر به اجاره خانه های شان نیستند و منتظرند تا با توجه به این که فصل نقل و انتقال از یک ماه دیگر شروع می شود و قیمت اجاره بها بالاتر می رود خانه هایشان را به قیمت بالاتری اجاره دهند. تمام این منطقه را گشته ام و تنها دو مورد آپارتمان ۸۰ متری برای اجاره پیدا کرده ام. یکی ده میلیون رهن ماهی یک میلیون تومان اجاره و دیگری ۱۵ میلیون رهن و ماهانه ۹۰۰ هزار تومان اجاره. با این شرایط فکر کنم باید از تهران برویم. چون به هیچ وجه نمی توان از پس اجاره های سرسام آور در تهران برآمد.

هنوز چهره تازه دامادی که می خواست با ۲۰ میلیون تومان خانه ای رهن کند و زندگی اش را شروع کند مقابل چشمانم است. مرد جوانی که معلوم بود نتوانسته است با تمام پس اندازش خانه ای برای اجاره پیدا کند. به راستی در این آشفته بازار مسکن در تهران و دیگر کلان شهرها که هر فردی برای خانه اش خود اجاره تعیین می کند تکلیف مستاجرها و جوانانی که می خواهند تشکیل خانواده دهند چیست؟ ای کاش مسئولان خود را جای مردمی می گذاشتند که پایان هر ماه کابوس اجاره خانه و پایان هر سال کابوس پیدا کردن خانه ای جدید کانون خانواده شان را پرتلاطم می کند.

گرانی سرباز ایستادن ندارد و قیمت مواد خوراکی و خدمات حیاتی همچنان رو به افزایش است

به گزارش سایت خبرگزاری دولتی مهر در 16 اردیبهشت 92 آمده است: دکتر رضا حسین پور معاون دفتر بیمه های سلامت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به خبرگزاری مهر گفت: «قیمت مواد دندانپزشکی 8 برابر شده است.» وی تحریم ها و تغییرات ناگهانی نرخ ارز را علت افزایش افزایش 7 تا 8 برابری قیمت مواد دندان پزشکی ذکر کرد و گفت: «بیش از ۹۰ درصد هزینه های خدمات دندانپزشکی از جیب مردم پرداخت می شود. براساس گزارش «خبر آنلاین»، مهدی چمران رییس شورای شهر تهران نیز افزایش 30 درصدی نرخ کرایه تاکسی در سال 92 را به طور رسمی ابلاغ کرد و گفت که از سوی فرمانداری تهران هیچ اعتراضی در مهلت مقرر قانونی پیش بینی شده صورت نگرفته است. خبرگزاری ایلنا گزارش مرکز آمار ایران در مورد نرخ تورم در فروردین ماه سال جاری را منتشر کرد که نشان می دهد نرخ تورم شهری در 12 ماه منتهی به فروردین ماه سال 92 نسبت به دوره مشابه سال قبل بیست و نه ممیز هشت درصد است که نسبت به تورم 12 ماه منتهی به اسفندماه 91، بیست و هشت ممیز شش درصد افزایش یافته است. همچنین آمار شاخص گروه عمده خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات نسبت به ماه مشابه سال قبل شصت ممیز چهار درصد را افزایش را نشان می دهد و درصد تغییرات این گروه در 12 ماه منتهی به فروردین ماه سال 92 نسبت به دور مشابه سال قبل چهل و هفت ممیز هشت درصد است که نسبت به تورم 12 ماهه منتهی به اسفندماه 91، حدود چهل و پنج ممیز هشت درصد افزایش یافته است.

نبود جراح کودک در 13 استان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از اعضای هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان نسبت به بغرنج شدن وضعیت کودکان کار در ایران هشدار داد و خواستار توجه هر چه بیشتر مسوولان ذی ربط در این زمینه شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، علی اکبر اسماعیل پور روز سه شنبه در نشست خبری که به مناسبت روز جهانی کارگر ترتیب داده شده بود یادآور شد: انجمن حمایت از حقوق کودکان به عنوان یک نهاد مدنی وظیفه دارد که مطابق با روال هر سال نگاهی به دردمندترین و بدترین نوع اشتغال در کشور که اشتغال کودکان است توجه کند. کودکانی که بدون بهره مندی از حداقل های حقوق انسانی، رفاهی و ایمنی در محیط های نامناسب به اشتغال جانفرسا مشغول بوده و هدف اصلی تبهکاران اقتصادی نیز سود اندوزی بیشتر از همین محل است.

وی افزود: شاید سود حاصل از زحمت این کودکان و نوجوانان باعث شده است که تمام قوانین و لوائح موجود دردی از دردهای بیشمار این کودکان کار دوا نکند.

قوانینی که یکدیگر را نقض می‌کنند این فعال حقوق کودکان با مقایسه شرایط کودکان کار طی سال کارگرنه شرایی سال گذشته و امسال اظهار داشت: متأسفانه شرایط این کودکان بگرنج و شدیدتر شده است و مسئولان باید در این زمینه فکر اساسی کنند.

اسماعیل پور تاکید کرد: کشور ما در سال ۱۳۷۳ پیمان نامه جهانی حقوق کودکان را که بر ممنوعیت اشتغال کار کودکان در ماده ۳۲ تکیه دارد پذیرفته و در سال ۱۳۸۰ نیز مقابله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار را که بر ممنوعیت اشتغال کودکان و تلاش برای شناسایی و محو بدترین نوع اشتغال کودکان اختصاص داشت را امضا کرده است ضمن اینکه ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران نیز بر ممنوعیت اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال دلالت دارد اما متأسفانه تمام قوانین موجود در تناقض کامل و روشن با یکی از قوانین مصوب شده در مجلس ششم شورای اسلامی است.

وی در مورد این قانون افزود: طبق این قانون مصوب، بازرسی از کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر کارگر، ممنوع شده است در حالیکه اکثر کودکان در همین کارگاه‌های مخفی و زیر زمینی کوچک مشغول به کار سخت هستند.

این عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان ادامه داد: از یک سو وزارت کار موظف است که برای حمایت از این کودکان که در کارگاه‌های مخفی و غیر استاندارد کار می‌کنند برابر با قوانین اقدام و با کارفرماهای متخلف برخورد کند.

افزایش روز افزون کودکان کار با افزایش فشارهای اقتصادی این فعال حقوق کودکان در پاسخ به سوال خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه آیا اعداد و ارقام رشد کمی کودکان کار نسبت به سال گذشته دسترسی وجود دارد یا خیر خاطر نشان ساخت: متأسفانه آمارهای موجود، اعداد و ارقام قابل اتکایی نیستند و تنها آمار رسمی به آمار سرشماری سال ۸۵ اختصاص دارد که طبق آن یک میلیون و ۶۰۰ تا یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار در کشور وجود دارد در حالیکه به طور حتم اگر این آمار را مبنای خود قرار دهیم، به طور حتم وضعیت کار کودکان اسفناک‌تر خواهد بود.

به گفته وی، شواهد نشان می‌دهد که تا به امروز متولیان اقسام آشکار اشتغال کودکان همچون شهرداری تهران، بهزیستی و... در وظایف خود در قبال این کودکان ناتوان بوده و حضور پر شور کودکان کار و خیابان در سطح خیابان‌ها نشان از آن دارد که انواع طرح‌های ساماندهی اجرا شده برای این کودکان ناقص یا ناکارآمد بوده‌اند.

اسمائیل پور اضافه کرد: وضعیت نا به سامان صنایع، بیکاری روزافزون، وضعیت نامناسب بخش کشاورزی و دامداری نشان می‌دهد که با وجود تورم و هزینه‌های سرسام آور زندگی، فشار مضاعفی به خانواده‌های کم درآمد و ضعیف جامعه وارد آمده و در نتیجه بار سنگین تامین بخشی از هزینه‌های بالای زندگی بر دوش کودکان کار خواهد افتاد در نتیجه روز به روز شاهد افزایش این کودکان در سطح خیابان‌های شهرهای کوچک و بزرگ خواهیم بود.

به گفته وی، طی سال‌های گذشته هزینه‌های میلیاردی زیادی صرف طرح‌های ناقص مربوط به ساماندهی کودکان کار و خیابان شد که به دلیل نداشتن مطالعه و پژوهش جدی در مورد آن‌ها و نداشتن پشتوانه دقیق علمی و منطقی، تمام طرح‌ها ناقص و فاقد کارایی لازم بود و تنها به منظور پاک کردن چهره و ظاهر شهر از وجود این کودکان به اجرا درآمد.

انتقاد از شورای شهر تهران و شهر دوستدار کودک اسمائیل پور، عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در ادامه با انتقاد از یکی از مصوبات شورای شهر تهران که بر این اساس تهران به هر دوستدار کودک نام گرفت، تصریح کرد: برای یک جامعه انسانی باید شرم‌آور و اسفناک باشد که در کلان شهری مثل تهران که داعیه دوستدار کودکی دارد، سال‌های سال است که در زیر پوست شهر پنهان و آشکارش، کودکان زیادی مورد بهره‌کشی و خشونت قرار گرفته و فریاد رسی ندارند.

وی بدترین نوع اشتغال کودکان را کار زباله‌گردی دانست و ادامه داد: متأسفانه در شهر تهران کودکان زباله‌گرد همچنان در معرض بسیاری از خطرات و بیماری‌ها قرار دارند و جسم و روان آن‌ها به شدت مورد تهدید است.

قوانین بی‌شمار اما ناکارآمد هستند به گزارش خبرنگار ایلنا، مونیکا نادی، یکی دیگر از اعضای هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان نیز در این نشست به تمامی قوانین مربوط به کودکان کار اشاره کرد و یادآور شد: قانون اساسی به صورت کلی منع بهره‌کشی از کار دیگران را مطرح کرده و قانون کار نیز، به صورت کلی کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع دانسته و به کارگماردن این افراد را مستلزم مجازات دانسته است به طوری که برای کار کودکان در سنین ۱۵ تا ۱۸ سال شرایط خاصی همچون آزمایشات پزشکی در بدو استخدام و... را مد نظر قرار داده است از سوی دیگر پیمان نامه جهانی حقوق کودکان و کنوانسیون ممنوعیت بدترین اشکال کار کودکان رامنع کرده و بر منع بهره‌کشی از کودکان تأکید داشته است.

نادی، اضافه کرد: اگر چه قوانین بسیار زیاد هستند اما متأسفانه کارآمدی لازم را در اجرا نداشته و پاسخگوی وضعیت فعلی کشور ما در مورد این کودکان نیستند.

تکلیف لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان مشخص شود وی با اشاره به لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان ادامه داد: در این لایحه اشاره‌ای مختصر به کار کودکان هم شده است و نقطه خوب آن این است که در تعریف بهره‌کشی از کودکان نه تنها عدم رعایت قانون کار نوعی بهره‌کشی تلقی شده است بلکه به کار گماردن کودکی که کار، برای سلامتی جسمی و اخلاقی‌اش مضر بوده و او را از تحصیل محروم کند نیز نوعی بهره‌کشی تلقی شده است. به همین واسطه بهره‌کشی از کودکان که در گذشته تعریف مشخصی نداشت، با وجود این لایحه شفاف شده و به تعریف روشنی رسیده است که بر این اساس تخطی از آن مجازات ۲ تا ۵ سال تعیین شده و در این لایحه هر کار و اشتغالی که وضعیت جسمانی کودک را تهدید کند، وضعیت مخاطره آمیز تلقی شده است ضمن اینکه، در این لایحه به مراجعی از جمله بهزیستی و نیروی انتظامی اختیار عمل داده شده است.

این عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در این ارتباط تأکید کرد: ما مصرانه از مجلس شورای اسلامی درخواست رسیدگی و بررسی سریع این لایحه را داریم چرا که وضعیت این لایحه هنوز روشن نشده و البته با وجود تصویب آن، هنوز هم خلاءهای اجرایی زیادی در این زمینه وجود دارد و هنوز نحوه برخورد با این کودکان در این لایحه مسکوت مانده است.

به گفته وی، متأسفانه طرح‌های اجرایی موجود در زمینه ساماندهی کودکان کار و خیابان با وجود برخی از معضلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و... ناموفق و جوابگو نبوده‌اند.

چرا کودکان از ماموران بهزیستی و شهرداری فراری هستند به گزارش خبرنگار ایلنا، مینو اعرابی، روان‌شناس و عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان نیز در این نشست خبری با اشاره به مشکلات کودکان کار گفت: کار در سن کودکی از نظر روان‌شناسی، رشد کودکان را با وقفه روبه‌رو کرده و او را از یک مرحله مهم از رشد خارج و محروم می‌سازد.

وی افزود: لازم است با در نظر گرفتن آسیب‌های روانی در میان این کودکان، چنانچه نمی‌توان شرایط کار کودکان را از بین برد، فرصت‌هایی برای بازی کودک، پرورش خلاقیت و آموزش به این کودکان در کنار کار آنها در خیابان یا کارگاه‌ها، مهیا کرد.

این فعال حقوق کودکان در ادامه با انتقاد از خشونت ماموران شهرداری و بهزیستی در اجرای طرح‌های ظربتی و فوری آنها برای جمع‌آوری و ساماندهی این کودکان و نیز موازی‌کاری سازمان‌های مختلف گفت: متأسفانه رفتار این ماموران با کودکان کار بسیار خشونت‌آمیز است و اگر این سازمان‌ها ادعای حل معضل کودکان کار را دارند، چرا این کودکان با دیدن این مامورها نگران شده و پا به فرار می‌گذارند؟

مشکلات کارگری قزوین در اولیت قرار گیرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده مردم، قزوین در مجلس، قزوین را استانی کارگری برشمرد و خواستار در اولویت قرار گرفتن رفع مشکلات این حوزه شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا در قزوین، «داود محمدی» با بیان این مطلب در همایش کارگران استان قزوین که به مناسبت روز جهانی کارگر در دانشگاه اسلامی کار البرز برگزار شد؛ درخصوص انتقاد کارگران نسبت به عدم پیگیری مشکلات‌شان افزود: در راستای رفع مشکلات این قشر از جامعه ابتدا فراکسیون کارگری را تشکیل دادیم و بیش از ۲۰ نشست با وزیر صنعت، معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان تامین اجتماعی برگزار کرده‌ایم.

این نماینده مجلس مدعی شد: برای رفع مشکلات کارگری به طور اساسی در مجلس قوانینی را طرح کردیم که از جمله آنها می‌توان به رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، قانون تامین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر و طرح ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی در ارتباط با کارهای سخت و زیان‌آور اشاره کرد.

محمدی ادامه داد: با وجود تنگناهای اقتصادی موجود در کشور، در شرایط قطع وابستگی به نفت و تنگناهای موجود برای انجام کارهای معیشتی، عمرانی و حقوق جاری کارکنان، توانسته‌ایم ۳۴ میلیارد تومان برای اجرای قانون نوسازی و بهسازی صنایع استان در برنامه بودجه بگنجانیم و این امر را با جدیت دنبال می‌کنیم که در کمیسیون تلفیق لایحه آن حذف نشود و به صحن علنی مجلس وارد شود.

پایان پیام

دستگیری جلیل محمدی و حامد محمود نژاد

جلیل محمدی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری از روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت در شهرسندج توسط نیروهای امنیتی دستگیر و تاکنون هیچ‌گونه خبری از وی در دست نیست. همچنین حامد محمود نژاد دیگر عضو کمیته هماهنگی نیز که صبح همان روز برای خرید مصالح ساختمانی از منزل خود در سندج خارج شده بود در مسیر برگشت ناپدید شده و خانواده ایشان پس از مراجعات متعدد به مراکز مختلف، خبری از ایشان به دست نیآورده و در نگرانی به سر می‌بردند، سرانجام مقامات امنیتی تایید کردند که ایشان نیز جزء دستگیر شدگان می‌باشند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری روز جهانی کارگر را از ابتدایی‌ترین حقوق کارگران می‌داند که همه ساله در همه دنیا به اشکال مختلف برگزار می‌شود حال آنکه در کشور ما همه روزه اخبار احضار، دستگیری و سرکوب کارگران و فعالین کارگری به انحاء مختلف به گوش می‌رسد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری دستگیری این دو عضو کمیته را محکوم و خواهان آزادی فوری آنها و همه کارگران، فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می‌باشد.

محکومیت دستگیری جلیل محمدی و حامد محمود نژاد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 16 اردیبهشت 92 آمده است: جلیل محمدی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری از روز پنجشنبه 12 اردیبهشت در شهرسنندج توسط نیرو های امنیتی دستگیر و تاکنون هیچ گونه خبری از وی در دست نیست. همچنین حامد محمود نژاد دیگر عضو کمیته هماهنگی نیز که صبح همان روز برای خرید مصالح ساختمانی از منزل خود در سنندج خارج شده بود در مسیر برگشت ناپدید شده و خانواده ایشان پس از مراجعات متعدد به مراکز مختلف، خبری از ایشان به دست نیاورده و در نگرانی به سر می بردند، سرانجام مقامات امنیتی تایید کردند که ایشان نیز جزء دستگیر شدگان می باشند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری برگزاری روز جهانی کارگر را از ابتدایی ترین حقوق کارگران می داند که همه ساله در همه دنیا به اشکال مختلف برگزار می شود حال آنکه در کشور ما همه روزه اخبار احضار، دستگیری و سرکوب کارگران و فعالین کارگری به انحاء مختلف به گوش می رسد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری دستگیری این دو عضو کمیته را محکوم و خواهان آزادی فوری آنها و همه کارگران، فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می باشد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

يك فعال کارگری در یاسوج طرح کرد: کارگران در انتظار نتیجه شکایت علیه مزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: يك فعال کارگری در یاسوج اعلام کرد: جامعه کارگری مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد نیز همانند سایر کارگران کشور منتظر صدور رای دیوان عدالت اداری در خصوص تصویب مزد غیرقانونی هستند.

«علیرضا جنتی» ضمن تاکید بر غیر قانونی بودن مصوبه مزدی سال ۹۲، به ایلنا گفت: شورای عالی کار در تعیین نرخ دستمزد کارگران موظف به اجرای قانون بود، اما آنچه این شورا مصوب کرد مغایر با مولفه ها و معیارهای ماده ۴۱ قانون کار مبنی بر تناسب افزایش دستمزد و نرخ تورم بوده است.

دبیر خانه کارگر یاسوج با بیان اینکه افزایش حداقلی مزد به هیچ وجه نمی تواند پاسخگوی نیازهای کارگران باشد، افزود: جامعه کارگری استان مدعی است حداقل دستمزد حتی جوابگوی هزینه اجاره بهای مسکن هم نیست، در حالی که در دو سال اخیر تمامی هزینه های زندگی چندین برابر افزایش یافته اند.

جنتی به افزایش نگرانی ها در کارگران و خانواده های ایشان اشاره کرد و گفت: در شرایط فعلی ضروری است دولت مردان در خصوص نگرانی های معیشتی خانواده های کارگری واکنش مسئولانه ای داشته باشند و برای جبران شکاف عمیق موجود میان مزد و تورم هر چه زودتر چاره اندیشی کنند.

به گفته دبیر خانه کارگر یاسوج، کافی نبودن دستمزد بویژه برای کارگرانی که در شرایط سخت و زیان آور محیط کار، دچار بیماری های شغلی هستند باعث شده است که این کارگران در روند درمان خود دبا مشکل مواجه شوند. وی باینکه کارگران نباید برای درمان بیماری های شغلی خود دغدغه های مالی داشته باشند اظهار داشت: از تامین اجتماعی انتظار می رود مراکز درمانی را به گونه ای در نظر بگیرد که کارگران بیمه شده با مشکلات کمتری جهت دارو و درمان خود مواجهه شوند.

پایان پیام

پارانه نان حذف شد

به گزارش سایت خبرگزاری دولتی مهر در 16 اردیبهشت 92 آمده است: پارانه نان حذف شد. در حالی که تورم و گرانی بیداد می کند، دبیر ستاد برچیدن پارانه ها از حذف پارانه نان در سال 92 خبر داد. محمد رضا فرزین به خبرگزاری مهر گفت:

امسال پارانه نقدی جداگانه ای مانند سال گذشته به نان نخواهیم داد، سال گذشته با توجه به افزایشی که در قیمت نان اتفاق افتاده پارانه نقدی جداگانه ای به عنوان پارانه نان به حساب سرپرستان خانوار واریز شد، اما به دلیل اینکه امسال قیمت نان افزایش نیافته است، بنابراین پارانه ای نیز برای آن واریز نخواهد شد. عدم پرداخت پارانه نان به بهانه گران نشدن قیمت نان در سال جدید در حالی است که قیمت نان کاهش نیافته است که حذف پارانه آن را توجیه کند. همچنین و بیش از نیمی از درآمد واقعی جمعیت محروم کشور در اثر تورم و سقوط ارزش پول در یک سال اخیر نابود شده است.

یک کارگر ساختمانی زیر آوار محبوس شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: یک کارگر ساختمانی هنگام خاکبرداری از ساختمانی واقع در ابتدای خیابان شریعتی زیر آوار محبوس شد. به گزارش خبرنگار ایلنا، «احمد فیروزکوهی» ساعاتی پیش هنگام خاکبرداری از ساختمانی واقع در ابتدای خیابان شریعتی کوچه میر جمالی با ریزش آوار بر سرش، محبوس شد. هنوز خبری از چگونگی وضعیت سلامت این کارگر ساختمانی در دست نیست.

مرگ تعمیرکار ۶۵ ساله آسانسور در خیابان جهاد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اردیبهشت 92 آمده است: یک کارگر سرویس کار هنگام تعمیر آسانسور به دلیل نقص فنی، جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه روز گذشته (پانزدهم اردیبهشت ماه) در بزرگراه لشکری، خیابان جهاد هنگامی رخ داد که کارگر ۶۵ ساله ای که مشغول سرویس بالابر بود، به علت نقص فنی دستگاه آسانسور در بین دیواره و سقف طبقه منفی ساختمان گرفتار شد و جان خود را از دست داد. این گزارش حاکی است، با حضور گروه های امداد نجات، این کارگر میانسال که بین سقف و دیوار گرفتار شده بود، آزاد و جسدش به گروه های اورژانس تحویل داده شد.

پایان پیام

کارگزاران مخابرات روستایی مقابل مجلس تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: جمعی از کارگزاران مخابرات روستایی مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. کارگزاران مخابرات روستایی خواستار استمرار بیمه و عقد قرار داد مستقیم با خود شرکت های مخابرات ایران طبق ضوابط و شرایط قانون مستقیم هستند.

به گفته تجمع کنندگان در حال حاضر حدود دو هزار نفر به عنوان کارگزاران مخابراتی در روستاهای مشغول کار هستند.

تجمع کنندگان که از استانهای اصفهان و خراسان رضوی آمده بودند از نمایندگان مجلس به ویژه از اعضای کمیسیون‌های اجتماعی، صنایع و معادن و تلفیق و هیات رئیسه مجلس خواستند که به تقاضای آنها رسیدگی کنند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگزاران مخابرات روستایی خواستار استمرار بیمه و عقد قرار داد مستقیم با خود شرکت های مخابرات ایران طبق ضوابط و شرایط قانون مستقیم هستند.

همچنین کارگزاران روستای استان اصفهان خواستار بیمه و عقد قراردادهای مستقیم با شرکت‌های مخابرات با ضوابط قانون هستند. کارگزاران ادارات مخابرات خراسان رضوی نیز با در دست داشتن پلاکاردی که روی آن نوشته بودند، وکلای ملت آفرین باد بر همت و ادراکتان، در این تجمع حضور داشتند.

گفتگو با وحید فریدونی و مجید سعیدی درباره صدور حکم اخراجشان از کار

به نوشته سایت آرمان آمده است: دو عضو سندیکای کارگری شرکت اتوبوسرانی تهران از صدور حکم اخراج از کار خود خبر می‌دهند؛ گفت‌وگوی آرمان را با وحید فریدونی و مجید سعیدی درباره چالش‌های مواجهه با صدور این احکام در ادامه می‌خوانید:

با توجه به صدور حکمی که برای شما صورت گرفته آیا امیدواری برای برگشت آن دارید؟
فریدونی: اگر از لحاظ قانونی با ما برخورد شود ما مطمئن هستیم که می‌توانیم به سر کار خود برگردیم. یعنی اگر با عدالت رفتار شود و همه چیز براساس قانون باشد ما اسناد و مدارک کافی برای بازگشت داریم. هیات حل اختلاف به طور قانونی 9 نفر عضو دارد که با 7 نفر می‌تواند تشکیل جلسه بدهد. در روزی که جلسه رسیدگی به پرونده من بود همزمان سه پرونده دیگر بررسی شد که همه ما به فاصله 10 دقیقه در آن جلسه وارد اتاق شدیم و اعضای آنها هم ثابت بودند. در رای‌هایی که برای سه پرونده به امضا رسیده حدود 14 تا 15 فرد مختلف امضا کرده‌اند که هیچ کدام را در آن جلسه ندیدیم. یعنی امضایی که برای پرونده من از طرف نماینده کارگر شده سه شخص متفاوت با کسی است که پیش از من وارد جلسه شد و همین‌طور پرونده بعد از من. سعیدی: ایرادی که به این پرونده می‌توانیم بگیریم و پیش از شروع جلسه هم می‌توانیم آنرا عنوان کنیم این است که ما درخواست کرده بودیم رای آن فی‌المجلس صادر شود یعنی پس از تشکیل جلسه هیات برای ایشان تصمیم بگیرد و اعضای هیات آنرا امضا کنند. این درخواست را به این دلیل داشتیم که پیش از این برابر مقررات اتفاق افتاده، هیات در روز جلسه تصمیم نگرفته است و یک یا دو ماه بعد رای انشا شده و اعضای هیات حل اختلاف درحالی‌که از پرونده چیزی در ذهن شان نبود رای را امضا کردند. برای همین امر از دادگاه خواستیم که رای فی‌المجلس صادر شود. اما متأسفانه رای که صادر شده و امضایی که برای ایشان شده است نیمی از آنها همان افرادی نیستند که در جلسه حضور داشتند. نماینده اداره کار حق یک رای دارد و مشخص نیست که چرا ایشان نمی‌گذارند که اعضا در لحظه رای را امضا کنند و یک ماه بعد امضاها گرفته می‌شود. نماینده دادگستری که امضایش پای رای هست ظاهراً آن روز در جلسه رسیدگی حضور نداشته است.

به جز این موارد چه ایرادات دیگری در روند رسیدگی به پرونده با آن مواجه شدید؟
فریدونی: مساله دیگر این است که ما وقتی از وزارتخانه و اداره کار اقدام می‌کنیم استعلام می‌کنیم؛ متوجه می‌شویم کسی که عضو علی‌البدل شورا است و تا زمانی که اعضای اصلی شورای اسلامی کار هستند را ندارد وارد این پرونده شده است. این درحالی است که حتی در صورتی‌که اگر شورای اصلی نباشد اعضای علی‌البدل اول، دوم و همین‌طور تا آخر می‌توانند حاضر شوند. این آقایان بدون اینکه کسی از شورا استعفا داده باشد نفر سوم اعضای علی‌البدل را در کمیته شورای انضباط کار و شورای اسلامی کار می‌آورند و ایشان حکم اخراج بنده را امضا می‌کند. ما حتی نامه‌هایی را پیدا کردیم که نشان می‌دهد شرکت واحد به اداره کار استان به تاریخ‌های مختلف نامه نوشته و ادعا کرده‌اند برخی اعضا استعفا داده‌اند درحالی‌که در نامه‌هایی که به تاریخ‌های بعد از این وجود دارد امضا‌هایی از همین آقایان مستعفی هست که نشان می‌دهد آنها در تاریخ مورد نظر استعفا نداده و بر کار خود باقی بودند.

این نشان می‌دهد که برخی اعضا هم راضی به اخراج نیستند؟

سعیدی: این نشان می‌دهد که اعضای شورا راضی به اخراج ایشان نبودند. آقایان بین اعضای علی‌البدل کسی را پیدا کرده‌اند که حکم اخراج ایشان را بپذیرد. اعضای نمایندگان کارگرمیته انضباط کار برابر استعلام از اداره کار دو نفر بودند که به طور قانونی می‌توانستند رای به اخراج بدهند که یکی از آنها آقای حبیب ا... متین بوده است. چون آقای متین راضی به اخراج نبوده و آنها از ایشان دعوت نکردند برای حضور در جلسه و به همین دلیل از عضو سوم علی‌البدل شورای اسلامی کار خواسته‌اند که به جای ایشان رای اخراج را امضا کند. در ادامه ما شکایت‌هایمان را شروع کردیم مبنی بر وجود صورت جلسات صوری که اعضای اصلی از شورای اسلامی کار رفته‌اند و به این دلیل از اعضای علی‌البدل استفاده شده است. در همین حال آنها از عضو علی‌البدل سوم شورای اسلامی کار برای امضای رای کمیته انضباط کار استفاده کرده‌اند درحالی‌که برابر قانون ابتدا باید عضو علی‌البدل اول و دوم وارد شورا شوند و در غیر این صورت و در صورت استعفای اعضای علی‌البدل اول و دوم عضو سوم می‌تواند حضور داشته باشد. با این کار اداره کار استان زیر سوال است و آقایان لذا برای توجیه‌نامه‌ای به اداره کار استان به تاریخ چند ماه قبل از این جلسه حذف آماده کرده که نفر دوم عضو علی‌البدل از کار استعفا داده و این درحالی است که در همه نامه‌های بعدی پس از این نامه ایشان امضا وجود دارد. در نامه‌های پیش از این اثری از استعفای ایشان نیست. مهم‌تر از آن نامه استعفای آقای متین است که شرکت واحد به اداره کار استان داده است و نشان نمی‌دهد ایشان از کار استعفا داده بلکه نامه به این قرار است که «ایشان درخواست کرده است در شغل خود (پشت فرمان) خدمت کند» درواقع این نماینده استعفا نداده است. این اصل عین قانون است که عضو می‌تواند هم در محل کارش مشغول به کار باشد و هم عضو شورا باشد و درباره پرونده‌ها اعلام نظر کند.

فریدونی: الان انتقاد ما به شورای حل اختلاف و هیات تشخیص است که باید قانونی عمل کند. سوال ما این است که چرا وزارت کار باید چنین خارج از قانون عمل کند؟ اگر قانون چیزی را فصل‌الخطاب قرار داده و قانونگذار آن را مصوب کرده ما باید همه تابع آن باشیم. قانون فعلی می‌گوید که نفر سوم عضو شورای علی‌البدل حق ورود به شورا را تا زمانی‌که اعضای اصلی و اعضای اول و دوم علی‌البدل هستند ندارد، به چه دلیل رئیس هیات حل اختلاف این قانون را دور می‌زند؟ به چه دلیل رایی که بنا به درخواست ما باید فی المجلس صادر شود این رای را صادر نمی‌کند؟

مشکلاتتان را در کجا پیگیری می‌کنید؟

ما می‌خواهیم این مساله را در دیوان عدالت اداری پیگیری کنیم. در آنجا دیگر پرونده براساس مدارک رسیده بررسی می‌شود. اما برای ما هنوز این موضوع جای سوال است که اداره کار استان چه چیزی را دارد از دست می‌دهد یا چه چیزی را می‌خواهد به دست بیاورد که مقاومت می‌کند؟

این شیوه فقط در برابر شماست؟

سعیدی: شرکت واحد به دلیل اینکه در حال خصوصی‌سازی است نیاز به این دارد که به مرور کارگران را بازخرد کند و درحال حاضر هم این کار را با استفاده از نقطه ضعف افراد انجام می‌دهد. الان ما 11 هزار نیرو هستیم که حداقل 4 هزار نفر باید تعدیل شوند. شرکت واحد به دنبال این است که کارگران را تعدیل کند و اداره کار استان را با این توجیهات تحت تاثیر داده که مثلا اگر این کارگران معترض نباشند روند تعدیل نیرو در شرکت واحد متوقف خواهد شد و کارگران در شغل خود باقی می‌مانند. امروز دلایل و مدارک نشان می‌دهد که ما باید بازگشت به کار شویم اما رئیس اداره کار استان و شمالغرب تهران می‌گویند تشخیص می‌دهم که اگر شما نباشید این کارگاه بهتر اداره می‌شود. این سیاست اداره کار استان تهران باعث شده است که کارگران منفعل را از کارگاهها حذف کنند. سیاست اداره کار استان معتقد است اگر کارگران معترض نباشند پایداری کار بیشتر می‌شود درحالی‌که اینگونه نیست. متاسفانه اداره کار با توجه به اینکه نفوذ زیادی دارد می‌تواند لابی‌گری هم بکند که یا بازگشت به کار یا اخراج صادر شود. مثلا در پرونده بنده سه نماینده کارگری هیات حل اختلاف رای بازگشت به کارم را امضا کرده‌اند ولی ما به صورت اتفاقی متوجه شدیم که به نمایندگان فشار می‌آورند و اقداماتی انجام می‌دهند که برای رای اخراج صادر شود و در نهایت رای اخراج داده شده است.

بدهی معوق واحدهای تولیدی به بانکها حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: **رییس اتاق ایران گفت: میزان بدهی‌های معوق بانکها که به موجب اجرای ماده ۲۹ تقسیط مجدد شده‌اند، به ۱۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان رسیده است.**

به گزارش ایلنا، محمد نهاوندیان با اشاره به جزئیات سی و یکمین جلسه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی گفت: معاون ارزی بانک مرکزی در این نشست گزارشی از وضعیت تحقق مصوبه تعهدات ارزی ارائه داد. بر این اساس در اجرای این مصوبه، ابهاماتی درخصوص کالاهایی که ترخیص نشده بودند وجود داشت که به کمک ابلاغ بخش‌نامه دیگری رفع ابهام شد و به این دست کالاها نیز ارز لازم اختصاص یافت و این مسأله آرامش نسبی در بازار ارز را به دنبال داشته است.

وی افزود: طبق این گزارش، درجه تحقق تعدادی از بانک‌های کشور در رابطه با این مصوبه کمتر بوده است؛ بنابراین مقرر شد جلسات ویژه‌ای در بانک مرکزی با حضور بخش ارزی و نظارتی این بانک تشکیل شود و با همکاری اتاق و وزارت صنعت، معدن و تجارت در رفع مشکلات این بانک‌ها اقدام شود. اگر تشخیص داده شود که در اجرای این بخش‌نامه تخلفی از سوی بانک‌ها صورت گرفته است، برخورد لازم با آن بانک خواهد شد.

محمد نهاوندیان، رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران باره موضوعات مطرح شده در این نشست، نهاوندیان همچنین گفت: دستور جلسه بعدی نشست، به مرحله دوم اجرای قانون هدفمندی اختصاص یافت.

وی با تاکید بر نقش برنامه‌های بلندمدت در تدوین سیاست‌های پولی و مالی، خاطرنشان کرد: اگر هر آنچه که در برنامه چهارم و پنجم توسعه درخصوص ارز مطرح شده بود، عملیاتی می‌شد وضعیت اقتصادی مطلوب‌تری را پس از اجرای مرحله اول قانون هدفمندی شاهد بودیم.

رییس اتاق ایران با اشاره به گزارش ارائه شده از سوی بانک مرکزی در رابطه با اجرای ماده ۲۹ قانون بودجه ۹۱ درخصوص تقسیط مجدد بدهی‌های معوق واحدهای تولیدی، تصریح کرد: اجرای این قانون باعث رشد ۵۰ درصدی عمل‌کرد بانک‌ها نسبت به سال ۹۰ در این رابطه شده است. در حال حاضر میزان بدهی‌های معوق که به موجب اجرای ماده ۲۹ تقسیط مجدد شده‌اند، به ۱۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

وی همچنین گفت: قرار شده گزارش دو ماهه از عملکرد فعالیت‌های کارگروه متشکل از اقتصاددانان، اتاق ایران و دستگاه‌های ذیربط در اختیار این شورا قرار گیرد که براساس آن افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی بی‌دلیل قیمت نهاده‌ها توسط شرکت پشتیبانی وام و نوسانات اخیر قیمت روغن در بازار به دلیل برخی ناهماهنگی‌های اجرایی، مورد توجه قرار گرفتند و مقرر شد پی‌گیری‌های لازم در این خصوص انجام شود.

تاخیر شش ماهه در پرداخت حقوق کارگران آب‌گرم پارس آباد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 17 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران یکی از شرکت‌های مرتبط با آب و فاضلاب روستایی پارس آباد که در بخش‌های بهره‌برداری بویژه به عنوان آبدار در روستاهای این شهرستان فعالیت می‌کنند، از شش ماه پیش تاکنون حقوقی دریافت نکرده‌اند.

براساس این گزارش، بیش از 45 نفر از کارگران ایراتور و آبداران اداره آب فاضلاب روستایی شهرستان پارس آباد از بی توجهی در پرداخت حق و حقوق خود ابراز نارضایتی کردند.

این عده که عمدتاً آبداران روستایی شهرستان پارس آباد هستند، با ارسال نامه‌ای سرگشاده از فرماندار این شهرستان خواستار رسیدگی و پرداخت سریع حقوق خود شدند.

این کارگران اعلام کرده‌اند که از آذرماه سال 91 تاکنون حق و حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و از پرداخت سبب حمایتی به انضمام عیدی، پاداش و مواردی مشابه بی‌نصیب مانده‌اند.

این عده تاکید داشتند که با تاخیر در پرداخت حقوق مشکلات مالی و اقتصادی زیادی گریبان آنها و خانواده‌هایشان را گرفته است.

یکی از این کارگران با اشاره به سختی کار و کمبود حقوق و مزایا گفت: با این وجود حقوق ناچیز کارگران که از قشر کم درآمد منطقه محسوب می شوند، طی این مدت پرداخت نشده و این افراد تحت فشار قرار دارند. وی با اشاره به وضعیت تورم و مشکلات اقتصادی موجود عدم دریافت حقوق طی این مدت را موجب تحمل مشکلات زیادی دانست و یادآور شد که انتظار داریم مسئولان آبفای روستایی استان و نیز سایر مسئولان استان و شهرستان به این مهم رسیدگی کنند.

بنابراین گزارش، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان اردبیل با تأیید این مطلب عدم تأمین اعتبارات را دلیل اصلی این مشکل برشمرد.

پرویز عباسی با بیان اینکه این تعداد تحت نظر شرکت پیمانکار بهره برداری فعالیت می کنند، متذکر شد: اعتبارات این بخش باید از محل اعتبارات استانی تأمین می شد که به دلیل عدم تأمین کامل و 100 درصدی، پرداخت صورت وضعیت پیمانکار به تاخیر افتاده است.

وی تصریح کرد: پیمانکار مربوطه نیز به این دلیل قادر به پرداخت حقوق کارگران که عمدتاً آبداران روستایی هستند، نبوده و حقوق این کارگران با تاخیر مواجه شده است.

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب روستایی استان با اشاره به پرداخت حقوق آذرماه کارگران آبفای روستایی پارس آباد، افزود: از اول بهمن تاکنون که چهار ماه را شامل می شود حقوق این افراد پرداخت نشده است.

اعتراض کارگران ایران خودرو برای دریافت حق سنوات هنگام بازنشستگی

به گزارش جمعی از کارگران خودرو ساز آمده است: در روز سه شنبه 17 اردیبهشت در کارخانه ایران خودرو حدود 200 نفر از کارگرانی که در آستانه بازنشستگی هستند برای اعتراض به بلا تکلیفی خود (در خصوص نحوه ی محاسبه و پرداخت حق سنوات در زمان بازنشستگی) و به خصوص نسبت به شایعه پرداخت سالی یک ماه، در کارخانه شمالی، در مجاورت دفتر مدیرعامل (نجم الدین)، گرد آمدند. مدیریت ایران خودرو در این سالها این پرداخت را از سالی 3 ماه به 1/5 ماه تنزل داده است.

یکی از کارگران به نمایندگی از طرف بقیه و با متنی تایپ شده، که در آن درخواست شده بود: « با توجه به سالها کار و زحمت و تورم موجود، حداکثر ممکن به ما پرداخت شود» به دفتر مدیریت رفت و بعد از چند دقیقه با دفتردار او بازگشت. با دخالت نیروهای حراست، قرار شد که فقط دو نماینده به کارخانه جنوبی (ساختمان کارگزینی کل) مراجعه کنند. بعد از مشورت بین کارگران، تصمیم بر این شد که حدود 30 نفر با مینی بوس به کارخانه جنوبی بروند.

در بدو ورود، مشعل چیان، یکی از مدیران شرکت گفت: آیا به مصلحت نبود که فقط دو نفر به نمایندگی می آمدید که کارمندان این واحد، که برای شما کار می کنند، بتوانند به کارشان برسند؟

پس از آن بین مشعل چیان، و جمع 30 نفری کارگران گفنگوهای رده بدل شد که مهمترین آنها از این قرار بود: - ماه هاست یک نفر یک نفر به اینجا می آییم و شما بدون جواب صریح و شفاف به هرکس چیزی می گوئید. اصلاً ما می خواهیم که در نشریه کارآمد، اطلاع رسانی شود، تا بدانیم تحت چه شرایطی، چه وقت و به خصوص با پرداخت چه مقدار پول بازنشسته می شویم. چرا در این مدت پاسخ گویی شما متناقض و این همه طولانی شده است.

- مشعل چیان در جواب گفت: شما نگران نباشید. مدیران شرکت به فکر شما هستند و با سازمان تأمین اجتماعی در حال مذاکره هستند. شما که می دانید وضع شرکت خوب نیست. چند نفر از کارگران خودشان به ما گفته اند که سالی یک ماه می خواهند تا زودتر بازنشسته شوند. ما تمام مسائل را به دو نفر نماینده شما ابلاغ می کنیم و اگر تجمع کنید به جای من کسان دیگری با شما صحبت خواهند کرد!

- جواب ما چنین بود: اگر وضع شرکت خراب است پس چرا نجم الدین در نشریه کارآمد می گوید که وضع خوب است.

- مشعل چیان در جواب گفت: این برای حفظ آبروست و گرنه همه می دانند وضع خراب است. - ما مدیران شرکت را به خوبی می شناسیم آنها فقط به فکر خودشان هستند، باید نظرات ما را به گوش نجم الدین برسانید. او که هیچ وقت در میان کارگران پیدایش نمی شود.

- نجم الدین هم مثل بقیه مدیرها است. او بدون واسطه بقیه مستقیماً باید نظرش را بگوید.
- بعد از سالها خدمت صادقانه حالا که وقت عروسی دخترم است باید سرم را پایین بیاورم و چندرغاز بگیرم.
- ما در جبهه زیر گلوله و خمپاره بوده ایم و جنازه ها را به دوش کشیده ایم، ما از مجروح شدن و خون دادن نمی ترسیم.
کارگران با روحیه بسیار بالا و حالت تهاجمی جواب مشعل چیان را می دادند و بالاخره قرار شد اگر در نشریه کارآمد بعدی خبری نشد، این بار با تعداد زیادتری جمع شوند.
کارگران بین خود قرارداهای لازم را برای پخش خبر در میان کارگران، و جمع آوری نیرو، گذاشتند و متفرق شدند.
گفتنی است در این جمع 200 نفری به جز کارگرانی که در نوبت بازنشستگی بودند، کارگران جوان نیز شرکت داشتند.
فردای آن روز یعنی چهارشنبه تعدادی کارگر بدون اطلاع از حرکت روز قبل، در کارگزینی کل جمع شدند و آنان نیز درخواست کردند تا نظرات مدیریت به طور شفاف در کارآمد درج شود و در غیر این صورت آنها نیز با تعداد زیادتری تجمع خواهند کرد.

کارگزاران مخابرات روستایی مقابل مجلس تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: صبح امروز (17 اردیبهشت) جمعی از کارگزاران مخابرات روستایی مقابل مجلس تجمع کردند.
برپایه این گزارش، کارگزاران مخابرات روستایی خواستار استمرار بیمه و عقد قرار داد مستقیم با خود شرکت های مخابرات ایران طبق ضوابط و شرایط قانون مستقیم هستند.
به گفته تجمع کنندگان در حال حاضر حدود دو هزار نفر به عنوان کارگزاران مخابراتی در روستاهای مشغول کار هستند.
تجمع کنندگان که از استانهای اصفهان و خراسان رضوی آمده بودند از نمایندگان مجلس به ویژه از اعضای کمیسیونهای اجتماعی، صنایع و معادن و تلفیق و هیات رئیسه مجلس خواستند که به تقاضای آنها رسیدگی کنند.

بی خبری از دستگیرشدگان روز کارگر در سنندج

سایت ملی - مذهبی در تاریخ 17 اردیبهشت 92 نوشت: وضعیت نامشخص دستگیر شدگان روز جهانی کارگر در سنندج باعث افزایش نگرانی نسبت به وضعیت این افراد شده است. بنا بر این گزارش از وضعیت بازداشت شدگان روز جهانی کارگر در سنندج هیچ خبری وجود ندارد.
به گزارش سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، خانواده های این بازداشت شدگان گفتند: نزدیک به یک هفته از بازداشت فرزندانمان می گذرد اما هیچ خبری از آنها نداریم حتی تماس تلفنی نیز نداشتند و نگران آنهایم.
زاهد بنفشی، شیرکو کردی، حمید طالی مرادی، فرزاد حسین پناهی و محمد لطیفی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر در سنندج هستند.

ساکنان جم با چشم، دندان و کلیه های خود خداحافظی کردند

به نوشته سایت پانا نیوز در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: هر چند رئیس سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت معتقد است که 80 درصد کارکنان صنعت نفت از عملکرد سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت رضایت کامل دارند اما یکی از کاربران پانا نیوز، تاکید می کند که امکانات درمانی بهداشت و درمان صنعت نفت در شهرک جم در پایین ترین و ضعیف ترین سطح قرار دارد.
پانا نیوز روز گذشته دوشنبه 16 اردیبهشت ماه 1392 با انتشار خبری به نقل از دکتر محمد جواد کیان رئیس سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت اعلام کرده بود: 80 درصد کارکنان صنعت نفت از عملکرد سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت رضایت کامل دارند.

با گذشت 24 ساعت از این خبر یکی از کاربران که در "شهرک جم منطقه عسلویه" سکونت دارد، مطلبی را در پاسخ به اظهارات رئیس سازمان بهداشت و درمان صنعت فنت مطرح کرد که شرح کامل آن به دنبال آمده است: مطلبی رو در سایت وزین خود درج نمودید تحت عنوان "کیان با رد نتایج برخی از نظرسنجی‌ها و انتقادها؛ 80 درصد کارکنان از بهداشت و درمان نفت رضایت کامل دارند" احتراماً در خصوص مطلب فوق خواهشمند است جوابیه ذیل رو در راستای روشن سازی افکار عمومی درج فرمایید.

" دو سال پیش همسرم دچار بیماری با علائم مشکوک به سنگ کلیه شد. چندین بار به پزشکان عمومی و متخصص بیمارستان جم مراجعه کردیم.

بار اول پزشک متخصص داخلی پس از تجویز و بررسی آزمایش و سونوگرافی و مشورت با یک پزشک جراح بدون اینکه علائمی از سنگ یا عفونت مشاهده کند مسکن تجویز کرد و از اظهار نظر در مورد علت بیماری خودداری کرد و در مراجعات بعدی و ارائه نتایج آزمایش و سونوگرافی پزشک متخصص زنان آن بیمارستان در تشریح علت، به ذکر این موضوع پرداخت که علائم می تواند نشانگر یکی از بیماری‌های سنگ کلیه، عفونت مجاری ادراری یا سرطان باشد!

این در حالی است که آزمایش و سونوگرافی، سنگ کلیه و عفونت را منتفی نشان می داد و سخنان پزشک دلهره و شوک بزرگی به ما وارد کرد.

ما که از پزشکان بیمارستان نا امید شدیم برای درمان به شیراز و تهران مراجعه کردیم و مشخص شد که بیماری یک عفونت ساده ادراری بوده است و البته سونوگرافی مجدد در مراکز درمانی غیر وابسته به صنعت نفت نشان دهنده شن کلیه ها هم بود که در بیمارستان توحید تشخیص داده نشده بود.

این موضوع و گلایه خود را یک بار با مسئول بیمارستان صنعت نفت وقت مطرح کردیم که ایشان کمبود منابع مالی را دلیل آن ذکر کردند و اینکه پزشکان متخصص حاذق حاضر به کار در این منطقه با روزی یک میلیون تومان نیستند!

سوال اینجاست که مگر نفراتی که در این منطقه کار می‌کنند ارزششان برای وزارت نفت چقدر است که حتی لیاقت استفاده از متخصص در حد متوسط را هم ندارند؟

جالب تر اینکه هر تخصصی معمولاً بیشتر از دو هفته در ماه وجود ندارد مثلاً متخصص چشم در ماه دو هفته حضور دارد و چنانچه کسی دچار مشکل اورژانسی شود باید به شیراز و یا بوشهر که مسافتی چهار ساعته را با شهر جم دارند مراجعه کند!!!

از امکانات دیگر و خدماتی ارزشمندی! که برای حدود سه هزار خانواده صنعت نفت در این شهرک گنجانده شده است، درمانگاه دندانپزشکی آن است که به هیچ عنوان خانواده های استفاده کننده از خدمات این مرکز راضی نیستند و تنها دلیل آن استفاده از نفراتی است که به هیچ عنوان تجربه و مهارت کافی، حتی در ترمیم جزئی دندان را نیز ندارند. جالب تر اینکه برخی از این عزیزان مدعی انجام کارهایی در حد متخصصین متبحر هستند.

از موارد این چنینی به کرات توسط ساکنین مورد گلایه قرار می گیرد و می تواند به صورت کتابچه خاطرات هزاران صفحه ای در آید. اما به نظر می رسد سامانه ای در گوش مسئولان تعبیه شده است که همه اطلاعات را به شکل معکوس درآورده و سپس ارزیابی می کند.

حال پیشنهاد ما به مسئولان سازمان بهداشت و درمان صنعت نفت این است که برای اثبات ادعای خود گاهی با دکل کردن از تهران، به این منطقه عملیاتی هم سری بزنند و خود و عزیزانشان را به دست‌های پرتوان متخصصان توانمند این بیمارستان بسپارند. باشد که از خوان نعمتی که برای کارکنان زحمتکش این مجموعه گسترده اند بی نصیب نمانند.

صف شکر در بوشهر

بر پایه خبر منعکس شده در سایت روشنگری در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: «خلیج فارس»؛ پس از اینکه طی سال گذشته در بوشهر مقابل مراکز توزیع مرغ و برنج با نرخ دولتی صف ایجاد شد، به تازگی این اتفاق برای شکر رخ داده است.

اوایل اردیبهشت ماه و به دنبال انتشار خبر حذف ارز مرجع برخی کالاهای وارداتی نظیر شکر، قیمت هر کیلوگرم شکر در بازار آزاد به ۳ هزار تومان رسید، از این رو دولت به منظور تنظیم بازار، به توزیع برخی اقلام ضروری با نرخ مصوب اقدام نموده است.

از ابتدای هفته جاری نیز در شهر بوشهر برخی مراکز، شکر با نرخ هر کیلوگرم ۱۴۵۰ تومان توزیع می کنند. این در حالی است که نرخ هر کیلوگرم شکر در بازار آزاد ۲۹۰۰ تومان است که با نرخ مصوب دولت، ۱۴۵۰ تومان فاصله قیمت دارد.

حالا توزیع شکر با نرخ مصوب در برخی مراکز تعیین شده در شهر بوشهر - از جمله مرکز خرید خیابان چمران - منجر به ایجاد صف شده است. به نظر می رسد مشخص نبودن زمان دقیق توزیع شکر با نرخ مصوب و همچنین فاصله قیمتی پیش آمده میان آن با بازار آزاد، باعث تشکیل صف مقابل چنین مراکزی شده است.

اگرچه به نظر می رسد اگر همشهریان به اندازه نیاز واقعی شان نسبت به خرید شکر یا کالاهای با نرخ مصوب اقدام کنند، شاهد صف های دراز برای خرید این کالاها نخواهیم بود و افراد بیشتری قادر به دریافت آن خواهند بود.

جز تصویر ماقبل آخر که مربوط به صف شکر در شهر خورموج در اواخر پارسال است، مابقی مربوط به بعد از ظهر دوشنبه هفته جاری مقابل یکی از مراکز توزیع شکر با نرخ مصوب شهر بوشهر می باشد.

افزایش 19 درصدی مرگ ناشی از حوادث کار در سال گذشته جان باختن 1795 کارگر در حوادث ناشی از کار در سال 1391-

به نوشته سایت سلامت نیوز در تاریخ 17 اردیبهشت 92 به نقل از گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی کشور، آمده است: با ادامه روند رو به رشد مرگ های ناشی از حوادث کار در کشور، آمار تلفات حوادث ناشی از کار در سال گذشته نسبت به سال قبل از آن 19.1 درصد افزایش یافت. بنابراین گزارش، در سال گذشته یک هزار و 795 نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که این رقم در مقایسه با سال قبل از آن که تعداد فوتی های حوادث کار یک هزار و 507 نفر بود، 19.1 درصد بیشتر شده است.

در حالی که در سال 1390 با بیشترین تعداد تلفات حوادث ناشی از کار (در مقایسه با ده سال قبل از آن) مواجه بودیم، اما در سال 1391 نیز با رشد 19.1 درصدی این آمار، روند افزایش مرگ های حوادث ناشی از کار افزایش یافت.

بر اساس این گزارش از کل تلفات حوادث ناشی از کار در سال گذشته یک هزار و 770 نفر مرد و 25 نفر زن بودند. همچنین مطابق سال های گذشته سقط از بلندی با 790 مورد و برخورد اجسام سخت با 369 مورد در صدر دلایل مرگ حوادث ناشی از کار قرار داشتند.

در سال گذشته استان های تهران با 271 فوتی، اصفهان با 143 فوتی و خراسان رضوی با 107 فوتی بیشترین آمار تلفات حوادث ناشی از کار را داشته اند. بر اساس آمارهای موجود شهریور سال گذشته با 177 فوتی و فروردین با 109 فوتی به ترتیب بیشترین و کمترین تلفات حوادث کار را در سال گذشته داشته اند.

یادآور می شود در بهمن ماه سال گذشته آمار تلفات حوادث ناشی از کار با 133.9 درصد بیشترین رشد را نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن داشته و از 59 مورد به 138 مورد رسیده است.

وضعیت اقتصادی خردکننده در ایران نویسنده: حمزه ع

برپایه مطلب دریافتی آمده است: مابا پوست و گوشت خودشون احساس میکنند، اما نظام حاکم ادعا میکند که این شرایط ناشی از بحران اقتصادی که تمام دنیا رو فرا گرفته، واقعیت چیه؟ و وضعیت اقتصادی اجتماعی

ایران در مقایسه با وضعیت سایر کشورها به چه صورته؟ و آمار و ارقام در این باره چه می گوید؟ سقوط 62 پله‌ی «شاخص کیفیت زندگی» در ایران، طی 5 سال! رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس گفت «شاخص کیفیت زندگی» در ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان از رتبه ۸۸ به رتبه ۱۵۰ «تنزل پیدا کرده است».

ارسالان فتحی‌پور با اشاره به این که «شاخص کیفیت زندگی» به صورت سالانه بین ۱۹۴ کشور جهان ارزیابی و منتشر می‌شود، اشاره کرد که «کیفیت زندگی مردم ایران از رتبه ۸۸ در سال ۲۰۰۵ به رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۰ سقوط کرده است». رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس افزود: «متأسفانه این رتبه‌بندی نشان می‌دهد که هزینه زندگی در ایران، ۷۱ درصد افزایش پیدا کرده است» و «حتی گرجستان و جمهوری آذربایجان دو پله بالاتر از ایران ایستاده‌اند. پیش از این منابع خبری حکومتی از رشد ۸۱ درصدی «شاخص فلاکت» در دوران ۸ ساله‌ی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد گزارش داده بودند. از سوی دیگر، مرکز پژوهش‌های مجلس نیز اعلام کرد که «رشد اقتصادی ایران در سال جاری بین هفت دهم تا منفی ۴ درصد و نرخ تورم حدود ۳۲ درصد برآورد می‌شود». این در حالی است که سایر منابع رسمی، میزان تورم را در حال حاضر ۴۰ درصد و منابع مستقل از حاکمیت، آن را ۶۰ تا ۷۰ درصد ارزیابی میکنند. در میان کالاهای مختلف، مسکن، رتبه اول را در تورم دارد. مصطفی قلی خسروی، رئیس اتحادیه مشاوران املاک ایران اعلام کرد که افزایش قیمت مسکن از افزایش نرخ تورم پیشی گرفته است، به گفته وی در ۳۳ سال گذشته، این سومین جهش بزرگ قیمت مسکن بوده است. خسروی می‌افزاید: متوسط قیمت هر متر مربع زمین ساختمان مسکونی کلنگی در تهران از نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۴ تا نیمه سال ۱۳۹۱ یعنی طی ۷ سال گذشته، دست کم چهارصد درصد افزایش داشته و ۴ برابر شده است.

کارشناسان اقتصادی افزایش لجام‌گسیخته میزان نقدینگی، نبود سرمایه‌گذاری در رشته‌های تولیدی و نابسامانی اقتصادی را از مهم‌ترین دلایل انفجار قیمت در بازار مسکن می‌دانند.

رییس ستاد هدفمندی یارانه خبر داد حذف یارانه «نان»

به نوشته روزنامه شرق، به قلم بهناز جلالی‌پور در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۹۲ آمده است: رییس ستاد هدفمندی یارانه در این هفته دوبار اخبار یارانه‌ای اعلام کرده است. در خبر نخست خبر از پرداخت نقدی به ازای هر نفر ۲۵۰ هزار تومان با بنزین ۲۱۶۰ تومان و ۱۰۶۰ تومانی داد. هنوز ۲۴ ساعت از خبر خوش اولیه‌اش نگذشته، روز گذشته اعلام کرد که در سال جاری یارانه نان از پرداخت‌های نقدی خانوارها حذف خواهد شد. با حذف این یارانه ماهانه ۲۲۲ میلیارد تومان در حساب دولت باقی خواهد ماند؛ حسابی که ممکن است در آستانه انتخابات، بخشی از منابع پرداخت یارانه‌های ۲۵۰ هزار تومانی را تأمین کند. فرزین در حالی در این روزها در مورد یارانه‌ها و تغییر در روند اجرا و پرداخت‌ها صحبت می‌کند که دولت در روزهای پایانی خود به سر می‌برد و بودجه سال ۹۲ نیز به دلیل تاخیر در ارایه هنوز تصویب نشده است. در همین حال، روز گذشته علی لاریجانی، رییس مجلس گفته است: «با توجه به اینکه فقط چند ماه تا پایان دولت دهم باقی نمانده، بهتر است که شیوه پرداخت یارانه‌ها به همان صورت ادامه پیدا کند، زیرا جدا کردن دهک‌ها کار مشکلی است و چالش برانگیز می‌شود.» به گفته او، اولین اقدام مجلس پس از تشکیل دولت جدید این است که یک بحث تخصصی بین مجلس و دولت در خصوص نحوه اجرای هدفمندی یارانه‌ها انجام پذیرد تا قانون حمایت از تولید ملی به درستی انجام شود. این اظهار نظر صریح رییس مجلس نشان می‌دهد که هرگونه تغییری تا پایان این دولت، اتفاق نخواهد افتاد. این موضوع را پیش از این نیز مجلس به دولت اعلام کرده بود و حتی اجرای فاز دوم را به دلیل آنکه هیچ‌گونه شایبه سیاسی و تبلیغاتی و انتخاباتی پیدا نکند، معلق نگه داشته بود. با این حال دولت در سال جدید چند رویه متفاوت در خصوص یارانه‌ها و ارز مرجعی که به کالاهای اساسی پرداخت می‌شد، اتخاذ کرده و ارز مرجع برخی کالاها را حذف کرده است.

برداشت انتخاباتی دولت از محل حذف یارانه‌ها

ابراهیم نکو، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس در گفت‌وگو با «شرق»، در خصوص رفتار دولت می‌گوید: «موضوع اساسی چرایی این رفتار دولت در آستانه انتخابات است.» او با بیان اینکه دولت‌ها به دنبال اهداف سیاسی هستند و طبیعی است که در آستانه انتخابات سال ۹۲ به دنبال گزینه‌ای باشد که خود مطرح کرده است،

می‌گوید: «دولت با حذف ارز مرجع و یارانه نان، موجب نارضایتی مردم خواهد شد و اهدافی را در این میان دنبال می‌کند.» به گفته نکو، دولت با حذف ارز مرجع و یارانه نان، با نزدیک شدن به زمان انتخابات در صورتی که کاندیدای موردنظرشان تایید شود، با پرداخت سود سهام، یارانه بیشتر یا کمک‌های غیرنقدی به اقشار کم‌درآمد، نشان می‌دهد که اگر در جایی دیگر یارانه و ارز مرجع را حذف کردیم، این بار خدمتی دیگر را برای آسودگی زندگی ارایه می‌کنیم. عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، با بیان اینکه دولت با بودجه سه‌دوازدهمی کنونی و با تورمی که وجود دارد، توان اداره کلیه امور خود را ندارد، می‌گوید: «در چنین شرایطی دولت برای پوشش همه هزینه‌ها، چاره‌ای جز حذف ارز مرجع برخی کالاها برای رسیدگی به وظایفش و رسیدن به اهداف سیاسی خود ندارد. ممکن است دولت با افزایش قیمت ارز و طلا، نیز بخش دیگری از خلأهای خود را پر کند تا راهی برای برنده شدنش باشد.»

به گفته او در صورتی که کاندیدای دولت مورد تایید قرار بگیرد و به انتخابات راه پیدا کند، دولت از منافی که کسب کرده ممکن است در اردیبهشت‌ماه با واریز مبلغ 250 هزار تومان، به نفع خود استفاده کند یا با عناوین دیگری مانند هدیه، از این منابع استفاده کند. در حالی که دولت کنونی از ادامه اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها منع شده، اما دولت با ارایه برنامه‌ها و لایحه‌هایی، تکالیفی برای دولت بعدی بر جای می‌گذارد که ممکن است مخالف با برنامه‌های رییس دولت آینده باشد. نکو، کار دولت بعدی را بسیار سخت می‌داند و می‌گوید: «دولت بعدی به سختی می‌تواند مردم را برای حذف یارانه‌های نقدی و اختصاص آن به بخش تولید و اشتغالزایی در جهت ایجاد درآمد پایدار توجیه کند. آن دولت بسیار سخت می‌تواند تبعات منفی دولت کنونی را از ذهن مردم پاک کند.» به گفته او، دولت بعدی باید با یک مدیریت منحصربه‌فرد آرامش را به مردم بازگرداند و با برنامه‌ای اصولی مردم را نسبت به برنامه‌های خود خوشبین کرده تا به زودی درآمدهای پایدار حاصل شود.

نفت سر سفره نیامد، یارانه نان قطع شد

شعارهای گسترش رفاه و آسایش دولت، در سال پایانی نه‌تنها تحقق پیدا نکرده که در این روزها به نظر می‌رسد زندگی عادی و طبیعی را بر مردم سخت کرده است. این نکته را نماینده مجلس نیز تایید می‌کند. امید کریمیان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «دولت زمانی که می‌خواست بر مسند بنشیند، مدعی بود که نفت را بر سر سفره‌های مردم می‌برد. نفت را نیاورد، حالا می‌خواهد یارانه نان را به عنوان قوت لایموت مردم از آنان بگیرد.» او، با بیان اینکه «پیش‌بینی می‌شد ارز مرجع و یارانه‌ها حذف شود، اما گمان نمی‌شد این حذف و تعدیل از نان شروع شود»، می‌گوید: «در شرایطی که هنوز برخی کالاها لوکس که مورد نیاز اقشار آسیب‌پذیر نیست، یارانه دریافت می‌کنند، دولت با حذف یارانه نان که رقم قابل‌توجهی برای دولت نیست اما در زندگی مردم تاثیر دارد، آنها را دچار ضرر و نارضایتی می‌کند.»

به گفته کریمیان، «دولت باید پاسخ دهد که درآمد حاصل از حذف یارانه نان را می‌خواهد صرف چه اموری کند و در کجا آن را هزینه کند.» هرچند رقمی که از حذف یارانه نان حاصل می‌شود، در سناریوی یارانه 250 هزار تومانی فقط شامل 888 هزار نفر خواهد بود، در این ماه‌ها دولت ارز مرجع برخی کالاها اساسی را نیز حذف کرده و با تغییر قیمت طلا و ارز نیز می‌تواند رقم دیگری درآمد برای خود کسب کند و در نهایت اهداف سیاسی انتخاباتی خود را پیش ببرد.

کریمیان در خصوص پرداخت‌های 250 هزار تومانی که دولت، سناریوی آن را مطرح کرده، می‌گوید: «دولت باید مشخص کند که منابع این پرداخت‌ها کجاست؟ جیب خود یا مردم؟ نمی‌تواند با پرداخت 250 هزار تومان و افزایش تورم و قیمت‌ها، موجب شود معادل 500 هزار تومان از جیب مردم کسر شود.» به گفته او، ممکن است دولت بخواهد با اعلام این نظرات بگوید که قصد پرداخت یارانه‌های نقدی بالایی را دارد اما مجلس مخالفت می‌کند و در نتیجه با این مخالفت مجبور به حذف یارانه نان نیز هستیم و از این طریق موجب اختلاف شود. احتمال دیگری که کریمیان می‌دهد، مظلوم‌نمایی‌ای است که دولت در آستانه انتخابات انجام می‌دهد تا مدعی شود این دولت قصد ارایه خدمات بیشتری به مردم را داشته و چنین برنامه‌های جذابی دارد و به این طریق آرای مردم را کسب کند.

او می‌گوید: «بخش عمده رای‌دهندگان را گروه‌های آسیب‌پذیر تشکیل می‌دهند و ممکن است با جلب نظر آنان دولت بتواند به اهداف خود برسد. درحالی که مجلس با پیش‌بینی این اهداف و برنامه‌های دولت، مانع هرگونه اقدام اشتباه دولت می‌شود تا هزینه اضافی بر مردم و دولت بعدی تحمیل نشود.»

یارانه نان که معادل سه هزار تومان برای هر نفر بود، برای 74 میلیون نفر یارانه بگیر، معادل 222 میلیارد تومان در ماه بود که ظرف 9 ماه در سال گذشته پرداخت شد. اکنون دولت با بهانه اینکه قیمت نان در سال جاری ثابت مانده و نیازی به پرداخت آن سه هزار تومان نیست، قصد حذف این رقم از کل 45 هزار و 500 تومان را دارد. این رقم هر چند، چندان قابل توجه نیست، اما حذف یکباره آن می‌تواند «شوک روانی» در جامعه به خصوص اقشار آسیب‌پذیر، ایجاد کند.

باز هم ریزش آواربازهم مرگ یک کارگر جوان

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: امروز ریزش دیوار ساختمان گودبرداری شده در خیابان پاسداران، خیابان کوهستان یکم، کارگر جوانی را زیر خاک و سنگ مدفون کرد. علی‌امینی معاون منطقه سه عملیات در این باره گفت: با رسیدن آتش نشانان به محل حادثه زمینی به مساحت تقریبی 350 متر مربع مشاهده می‌شد که برای احداث ساختمان گودبرداری شده کارگران در آن در حال ایجاد فونداسیون بودند که ناگهان بخشی از دیوار خاکی شمال زمین بر روی یک کارگر فرو می‌ریزد. وی افزود: آتش نشانان به محض رسیدن با ایمن‌سازی محل حادثه به سرعت اقدام به خاک برداری کرده و بدن کارگر 30 ساله بنام فیض‌م را از زیر خاک و سنگ خارج کردند. که متأسفانه امدادگران اورژانس حاضر در محل پس از معاینه، فوت کارگر را تایید کردند.

مرگ سیمبان شوشتري بر اثر اتصال برق

به گزارش روزنامه خراسان، در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس شرکت توزیع برق شوشتري گفت: مرگ سیمبان شوشتري بر اثر اتصال برق بوده است. براساس این گزارش، رضا غضنفری روز گذشته اظهار داشت: سیمبان شرکت توزیع برق شوشتري در حال هرس درخت بوده است که دچار حادثه شده و جان خود را از دست داده است. وی با اشاره به شرایط وقوع این حادثه دلخراش گفت: این حادثه دلخراش به دلیل خیس بودن درخت هرس شده و افتادن آن روی سیم‌های برق فشار قوی اتفاق افتاده است.

یک کارشناس اقتصادی هشدار داد: دریافت مالیات پنهانی از مردم با تک نرخی شدن ارز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: یک کارشناس اقتصادی، تک نرخی شدن ارز که از سوی کمیسیون تلفیق مجلس نهم شورای اسلامی دنبال می‌شود را به معنای دریافت مالیات نانوشته و پنهانی از مردم خواند.

«علیرضا حیدری» در گفتگو با ایلنا اظهار داشت: تک نرخی شدن ارز بدان معناست که دولت به صورت نانوشته از مردم مالیات دریافت می‌کند. وی تصریح کرد: با تک نرخی شدن ارز، تمام کالاها چه آن‌ها که با دلار ۱۲۵۰ تومانی وارد می‌شود چه آن‌ها که از طریق فرآیند تولید به دست مردم می‌رسد گران خواهند شد.

حیدری با بیان اینکه «با تک نرخی شدن ارز، قیمت کالاهای اساسی که در سبد معیشت خانوار کارگری قرار دارد تا دو برابر افزایش می‌یابد» افزود: آثار سوء تک نرخی شدن ارز بر دوش کارگران خواهد بود زیرا آن‌ها درآمدی که متناسب با افزایش ناگهانی قیمت‌ها باشد ندارند.

این فعال کارگری در پایان اظهار داشت: بودجه کشور دارای دو ستون درآمد و هزینه است که باید با یکدیگر مطابقت داشته باشد. دولت برای تامین کسری بودجه، با همکاری کمیسیون تلفیق به دنبال افزایش قیمت دلار در بازار است.

تجمع اعتراضی کارگران نساجی اصفهان در مقابل مجلس

بر پایه خبر سایت کارگرماده است: گروهی از کارگران کارخانه نساجی اصفهان که مشمول بازنشستگی هستند، در برابر مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران گفتند با اینکه طبق قانون میبایست ما را بازنشسته کنند ولی وزارت کار برای چپاول و اخاذی بیشتر، حاضر به این کار نیست.

خبر پرابهام واردات گوشت گاو از قطب جنوب

به نوشته روزنامه شرق در 17 اردیبهشت 92 آمده است: شوک خبری آلودگی گوشت‌های وارداتی فراموش نشده که دیروز ایسنا، خبری مبنی بر واردات گوشت گاو از منطقه قطب جنوب منتشر ساخت. طرح این مساله در حالی صورت گرفت که در سایت گمرک، آماري در این باره وجود ندارد. ایسنا در گزارش خود آورده براساس آمار گمرک در سال گذشته 411 هزار و 791 دلار قطعات گوشت بی‌استخوان یخزده از نوع گاو از منطقه آنتارکتیکا (قطب جنوب) وارد ایران شد. این خبرگزاری مدعی شد که محموله گوشت وارداتی از قطب جنوب از طریق گمرک شهید رجایی ترخیص و وارد کشور شده است. ایسنا در گزارش خود آورده است: «در حالی آمار گمرک ایران حاکی از واردات گوشت از قطب جنوب است که براساس آمارهای منتشر شده، تاکنون ایرانیان انگشت‌شماری توانسته‌اند به این منطقه سفر کنند. واردات بی‌رویه برخی کالاها و در عین حال واردات از برخی کشورها و مناطق کم نام و نشان طی چند سال گذشته مورد انتقاد بسیاری از کارشناسان قرار گرفته است. قطب جنوب یا جنوبگان، جنوبی‌ترین قاره جهان محسوب می‌شود که مساحت آن به بیش از 14 میلیون کیلومتر مربع می‌رسد. همچنین این منطقه براساس آمار سال 2011 بالغ بر 4 هزار و 490 نفر جمعیت داشت. قطب جنوب سردترین، خشک‌ترین و بادخیزترین قاره جهان است.» در عین حال سازمان دامپزشکی اعلام کرد: «این واردات مورد تایید و نظارت ناظران شرعی و بهداشتی سازمان دامپزشکی نیست.» به گفته مدیرکل دفتر قرنطینه و امور بین‌الملل سازمان دامپزشکی «نظارت شرعی بر این واردات صورت نگرفته و در صورت ورود به بازار مورد تایید سازمان دامپزشکی نخواهد بود.» صمد یگانه به ایسنا گفت: «واردات گوشت قرمز به صورت رسمی و با تایید و نظارت ناظران شرعی سازمان دامپزشکی تنها از کشورهای استرالیا، برزیل، پاکستان و هندوستان صورت می‌گیرد و مابقی محموله‌های گوشت وارداتی مورد تایید سازمان دامپزشکی نیست.» اما انتشار این خبر و واکنش سازمان دامپزشکی در حالی رخ می‌دهد که گزارش آماري گمرک و همین‌طور اظهار نظر رییس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، واردات گوشت گاو از منطقه قطب جنوب را رد می‌کند. سایت گمرک در گزارش آماري ضمن ارایه مبادی واردات گوشت قرمز آمار کلی را در این باره منتشر کرده است. طبق گزارش گمرک واردات گوشت از کشورهای اتریش، استرالیا، امارات، ایرلند، برزیل، ترکیه، عمان، لهستان، مالزی، مغولستان و هلند صورت می‌گیرد و از قطب جنوب وارداتی در این باره انجام نمی‌شود. طبق گزارش گمرک در سال گذشته حدود 61 میلیون و 28 هزار و 224 کیلوگرم گوشت از این مبادی وارد کشور شده است. به گزارش این مرکز ارزش وارداتی گوشت‌ها از این مبادی 198 میلیون و 288 هزار و 252 دلار است. مجیدرضا حریری، رییس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران در گفت‌وگو با «شرق» نیز با استناد به گزارش گمرک، واردات گوشت از قطب جنوب را رد می‌کند. حریری می‌گوید: «این خبرگزاری با استناد به گزارش گمرک ادعا می‌کند که گوشت یخزده گاوی از قطب جنوب وارد شده است، من گزارش گمرک را خوانده‌ام اما به چنین موضوعی برخورد کرده‌ام.» این عضو اتاق بازرگانی اضافه می‌کند: «این در حالی است که گمرک در گزارشات خود، از نام کشورها به عنوان مبادی و مقاصد تجاری استفاده می‌کند و اسامی مناطق را در گزارش خود نمی‌آورد.» حریری می‌افزاید: «آمار تجاری کشور بیانگر این موضوع است که عمده واردات گوشت از کشورهای برزیل، استرالیا و نیوزیلند انجام می‌شود.»

در عین حال یک عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی از بررسی این موضوع در جلسات آتی خبر داد. «علی ایرانی‌پور» در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «از طریق اخبار و رسانه‌ها در جریان واردات گوشت یخزده گاوی از قطب جنوب قرار گرفتیم، برای بررسی بیشتر در جلسات آینده کمیسیون آن را بررسی خواهیم کرد.»

وی عنوان می‌کند: «سلامت مردم و جامعه از اولی‌ترین اموری است که باید به آن توجه کرد، اگر کمیسیون از بررسی به این یقین برسد که این گوشت‌ها مجوز سازمان دامپزشکی را ندارند و احتمال به خطر افتادن سلامت جامعه وجود دارد، مجلس هیچ‌گونه چشم‌پوشی نخواهد کرد و با متخلفان برخورد جدی خواهد شد.» در همین باره یکی از بازاریان می‌گوید: «تاکنون واردات گوشت قرمز از قطب جنوب در کشور مطرح نیست و بعید می‌دانم که با وجود کشورهای چون برزیل و هند واردکنندگان به دنبال واردات از این منطقه باشند.»

مردم از فرط خشم به هرکس که از انتخابات صحبت کند اعتراض میکنند

به نوشته سایت ایران کارگر 17 اردیبهشت 92- یکی از شهروندان شاهین شهری گفت کسی نمیتواند از انتخابات صحبت کند من با هر کسی که صحبت میکنم فحش و ناسزا میدهد. در پاسخ بهسئوال خبرنگار ایران کارگر که پرسید بنظرت مردم با این گرانی‌ها چه میکنند؟ این هموطن گفت: مردم آنقدر بدبخت هستند که متاسفانه ناچار به خودفروشی و مواد فروشی می‌شوند دیگر کسی مساله اش انتخابات و این حرفها نیست. البته این دردها و مشکلات روز به روز به خشم مردم می‌افزاید و روزی سر همین نظام خراب می‌شود

له شدگی دست کارگر 55ساله

به گزارش مرکز اورژانس تهران، در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: ظهر امروز سه شنبه 92/2/17 در شهرستان رباط کریم داخل کارگاهی دست چپ آقا 55 ساله ای بین دستگاه پرس قرار گرفت و از ناحیه آرنج به پایین دچار له شدگی گردید، بنا به اوضاع وخیم مجروح و احتیاج به مرکز تجهیز جهت ترمیم بافت‌های آسیب دیده، اورژانس شهرستان رباط کریم از مرکز اورژانس تهران درخواست امداد هوایی نمود. ساعت 13:36 مرکز اورژانس تهران پس از دریافت پیام درخواست بی درنگ بالگرد امداد هوایی را به محل حادثه اعزام و پزشک و کارشناس امداد هوایی، مجروح را تحویل گرفته و با انجام اقدامات مناسب پزشکی به بیمارستان امام خمینی تحویل دادند.

نفت سر سفره نیامد - یارانه قطع شد

به نوشته سایت دویچه وله در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: دولت درصدد حذف یارانه نان است! یک نماینده مجلس ایران می‌گوید، احمدی‌نژاد زمانی که می‌خواست بر مسند بنشیند، مدعی بود که نفت را بر سر سفره‌های مردم می‌برد. نفت را نیاورد، حالا می‌خواهد یارانه نان را از آنان بگیرد.

دو هفته پیش از این احمد توکلی، یکی از نمایندگان اصول‌گرای مجلس با انتقاد از موج تازه گرانی در ایران در نشست علنی مجلس گفت: «به داد مردم برسید، کمر مردم و تولید از این گرانی‌ها شکسته است. مردم گوشت نخورند، حبوبات نخورند، اشکنه هم نخورند که یک قاشق روغن می‌خواهد؟»

احمد توکلی این حرف‌ها را زمانی گفت که قیمت گوشت ۶۰ درصد و روغن ۳۵ درصد افزایش یافته بود. اکنون روزنامه شرق خبر داده که دولت درصدد حذف یارانه نان است. به این ترتیب مشکل از اشکنه با یک قاشق روغن نیز فراتر می‌رود و شامل نان خالی سفره مردم نیز می‌شود.

محمدرضا فرزین دبیر ستاد هدفمندی یارانه‌ها روز دوشنبه (۱۶ اردیبهشت/۶ مه) خبر داد که در سال جاری یارانه نان از پرداخت‌های نقدی خانوارها حذف خواهد شد.

روزنامه شرق در شماره روز سه‌شنبه (۱۷ اردیبهشت/۷ مه) در گزارشی در این باره نوشت، شعارهای گسترش رفاه و آسایش دولت احمدی‌نژاد نه تنها تحقق پیدا نکرده که در این روزها به نظر می‌رسد زندگی عادی و طبیعی را بر مردم سخت کرده است.

به نوشته شرق این نکته را نماینده مجلس نیز تایید می‌کند. امید کریمیان، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، در گفت‌وگو با شرق می‌گوید: «دولت زمانی که می‌خواست بر مسند بنشیند، مدعی بود که نفت را بر سر سفره‌های مردم می‌برد. نفت را نیاورد، حالا می‌خواهد یارانه نان را به عنوان قوت لایموت مردم از آنان بگیرد»

امید کریمیان گفته است: «پیش‌بینی می‌شد ارز مرجع و یارانه‌ها حذف شود، اما گمان نمی‌شد این حذف و تعدیل از نان شروع شود. در شرایطی که هنوز برخی کالاهای لوکس که مورد نیاز اقشار آسیب‌پذیر نیست، یارانه دریافت می‌کنند، دولت با حذف یارانه نان که رقم قابل توجهی برای دولت نیست، اما در زندگی مردم تاثیر دارد، آن‌ها را دچار ضرر و نارضایتی می‌کند.»

یارانه نان معادل سه‌هزار تومان برای هر نفر در یک ماه بود. با حذف آن دولت معادل ۲۲۲ میلیارد تومان در ماه درآمد خواهد داشت. امید کریمیان، نماینده مجلس خواستار آن شده که «دولت پاسخ دهد که درآمد حاصل از حذف یارانه نان را می‌خواهد صرف چه اموری کند و در کجا آن را هزینه کند؟»

برداشت انتخاباتی دولت از محل حذف یارانه‌ها

در مورد چرایی حذف ارز مرجع و یارانه نان توسط دولت، ابراهیم نکو، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس به شرق گفته است دولت اهداف انتخاباتی از این کار دارد. «دولت با حذف ارز مرجع و یارانه نان، موجب نارضایتی مردم خواهد شد و اهدافی را در این میان دنبال می‌کند»

به گفته نکو، با نزدیک شدن به زمان انتخابات در صورتی که کاندیدای مورد نظرشان تایید شود، با پرداخت سود سهام، یارانه بیشتر یا کمک‌های غیرنقدی به اقشار کم‌درآمد، نشان می‌دهد که اگر در جایی دیگر یارانه و ارز مرجع را حذف کردیم، این بار خدمتی دیگر را برای آسودگی زندگی ارایه می‌کنیم.

به گفته این نماینده مجلس، در صورتی که کاندیدای دولت (برای انتخابات ریاست جمهوری) مورد تایید قرار بگیرد و به انتخابات راه پیدا کند، دولت از منافعی که کسب کرده ممکن است در اردیبهشت‌ماه با واریز مبلغ ۲۵۰ هزار تومان، به نفع خود استفاده کند یا با عناوین دیگری مانند هدیه، از این منابع استفاده کند.

فشار به خانواده جوانی که در اهواز خودسوزی کرد

برپایه خبر سایت کارگر آمده است: مأموران منفور اطلاعات در وحشت از تأثیرات برانگیزاننده خودسوزی مهدی مجدم، اقدام به فشار به خانواده این کارگر جانباخته کرده‌اند. مادر مهدی گفت از اداره اطلاعات فشار آورده‌اند که فرزندت که خود را جلو استانداری به آتش کشیده، اقدامی علیه امنیت نظام انجام داده است. عوامل اطلاعات همان روز پدر و برادر مهدی را دستگیر کردند و برادرش همچنان در زندان است. جانباختن این کارگر که در اعتراض به اخراجش از شرکت نفت و بیکاری و فقر صورت گرفته موجی از خشم نسبت به نظام را در میان جوانان منطقه برانگیخته است.

مصالح ساختمانی گران شد

به نوشته سایت ایران کارگر 15 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از شهروندان اصفهانی که در کار ساختمانی سازی کار میکند درمورد افزایش سرسام آور مصالح ساختمانی گفت: افزایش افسارگسیخته مصالح ساختمانی باعث راکد شدن کارما شده است، برای مثال یک تن آجرکه 10500 تومان بود طی 10 روز اخیر 12500 تومان افزایش

داشته است و سایر مصالح هم بهمین شکل میباشد و این موضوع باعث شده اکیپهایی که کارساختمانی میکردند کارشان تعطیل شود. این شهروند همچنین درمورد افزایش کرایه خانه گفت: خانه ای که یکسال پیش اجاره اش 150000 تومان بوده اجاره اش امسال 400000 تومان شده است، یعنی طی یکسال 300 هزار تومان افزایش داشته است و مردم بامشکلات زیادی مواجه هستند و راه و چاره ای هم نیست، روز بروز هم اوضاع وخیم تر میشود

نماینده کارگران کارخانه خاور رشت: کارخانه خاور رشت به بخش دولتی بازگشت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده کارگران کارخانه خاور اعلام کرد: با بازیگری این واحد تولیدی از کارفرمای خصوصی، کارخانه خاور رشت به بانک صنعت و معدن واگذار شد.

این کارگر با اعلام خبر فوق به ایلنا گفت: با توجه به اینکه کارخانه ریسندگی خاور گیلان بعد از ایام تعطیلات نوروز از بخش خصوص به بخش دولتی (شرکت آتیه دماوند وابسته به بانک صنعت و معدن) واگذار شده است در آینده نزدیک شاهد تحولات مثبتی در بخش کارگری این کارخانه و همچنین ایجاد اشتغال جدید خواهیم بود.

او در تشریح جزئیات مشکلات کارخانه تصریح کرد: این کارخانه از سال 83 به بخش خصوصی واگذار شد و از همان زمان کارگران این کارخانه سرگردان و آواره شدند و دستمزد آنها مدت‌ها بود که به تعویق افتاده بود. وی با بیان اینکه «چندین سال است که شرکت ریسندگی خاور دچار بحران شده است و کارگران آن بلامتکلیف و سرگردانند»، ادامه داد: بسیاری از کارگران که بیش از 20 سال و برخی دیگر حدود 30 سال سابقه خدمت داشتند و طبق قانون بایستی بازنشسته می‌شدند، با مدتها تاخیر موفق به بازنشستگی شدند.

این کارگر اظهار داشت: خوشبختانه با حذف بخش خصوصی و بازگشت مجدداً کارفرمای دولتی، علاوه بر پرداخت مطالبات کارگران، تعداد زیادی از کارگرانی که شرایط بازنشسته شدن داشتند هم اکنون بازنشسته شده‌اند. او با بیان اینکه در حال حاضر حدود 80 کارگر در دوشیفت کاری مشغول تولید هستند، گفت: این کارخانه هم اکنون ظرفیت اشتغال حدود 180 کارگر را دارد و در آینده نزدیک صاحبان این کارخانه سعی می‌کنند نیروهای بیشتری جذب کنند.

پایان پیام

دبیر خانه کارگر گیلان: واگذاری کارخانه‌های بحرانی به دولت، کارگران را امیدوار کرده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال کارگری در استان گیلان گفت: وضعیت واحدهای تولیدی‌ای که در گذشته با واگذاری به بخش خصوصی دچار بحران شده بودند، پس از بازگشت به دولت رو به بهبود است.

«حسن ایزدی» دبیر خانه کارگر گیلان از نحوه واگذاری کارخانجات دولتی به بخش خصوصی انتقاد کرد و به ایلنا گفت: در استان گیلان عمده مشکلات کارگری در کارخانه‌هایی مشاهده می‌شود که در گذشته به بخش خصوصی واگذار شده بودند.

ایزدی در این باره افزود: در سالهای گذشته بخش مهمی از صنایع استان در کمال بی‌دقتی به بخش خصوصی واگذار شد و در نتیجه اشتغال و منبع درآمد تعداد بسیار زیادی از کارگران نیز به دست افرادی بیگانه با صنعت و تولید افتاد که در نتیجه چنین مدیریتی، شاهد مشکلات بی‌سابقه‌ای در بخش کارگری استان بودیم.

او سرنوشت تعداد انگشت‌شماری کارخانه‌های واگذار شده را متفاوت دانست و با ذکر مثال‌هایی اظهار داشت: در سالهای ابتدایی خصوصی سازی صنایع، تعداد بسیار کمی از این کارخانه‌ها همانند «توشیبا» و «پارس توشه‌ط» بصورت کارشناسی شده واگذار شدند بطوری سرمایه‌گذاران به سبب تخصصی که در صنعت داشتند موفق شدند اعتراضات کارگری را به حداقل برسانند.

دبیر خانه کارگر گیلان ادامه داد: با این حال عمده واحدهای صنعتی بدون رعایت ضوابط کارشناسی به بخش خصوصی واگذار شدند و به همین دلیل افرادی که آگاهی چندانی از صنایع نداشتند وارد عرصه معامله صنایع دولتی شدند و از همان روز اول به دنبال دریافت تسهیلات، کاهش نیرو و در نهایت دامن زدن به مشکلات کارگری استان شدند.

این فعال کارگری با یادآوری واگذاری مجدد مدیریت این کارخانه‌ها به دولت گفت: امیدواریم دولت با حذف بخش‌های خصوصی ناموفق صنایع، روند حمایتی خود را از صنایع را ادامه دهد.

پایان پیام

سقوط مرگبار کارگر میانسال به اعماق چاه

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 17 اردیبهشت 92 آمده است: بنقل از مهدی بیاتی افسرآماده منطقه یک عملیات: امروز در خیابان مجاهدین اسلام، خیابان صادقی، یک کارگر میانسال که برای لایروبی چاه آب منزل مسکونی در حال رفتن به داخل چاه بود به داخل چاه 57 متری سقوط می‌کند و بدلیل گازگرفتگی جان‌ش را از دست می‌دهد.

تجمع اعتراضی سپرده‌گذاران مسکن در دزفول

برپایه خبر ایران کارگرآمده است: در دزفول شمار زیادی از مردمی که با پرداخت 12 میلیون تومان بعد از سه سال هنوز هیچ مسکنی دریافت نکرده‌اند دست به تجمع اعتراضی زدند. این مردم که در برابر ساختمان عمران دزفول تجمع کرده بودند گفتند هم‌هاش وعده‌های دروغ در مورد تحویل دادن مسکن مهر می‌دهند اما هیچ خبری نیست.

انحلال صنایع اسوه ایران و بیکاری 53 کارگر رسمی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: واحد تولیدی صنایع اسوه ایران واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین به دلیل آنچه از سوی کارفرما «زیان ده بودن کارگاه» عنوان شده است، منحل اعلام شد و 53 کارگر رسمی این واحد تولیدی نیز به بیمه بیکاری معرفی شدند. رئیس شورای اسلامی کار کارگران صنایع اسوه ایران با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: با اعلام روزنامه رسمی، انحلال کارخانه به مدیران و کارگران ابلاغ شده است.

«نعمت دوامی» با اشاره به اینکه انحلال کارخانه باعث افزایش نگرانی کارگران در تامین معاش خانواده‌های‌شان شده است، اضافه کرد: کارفرما در اواخر اسفند ماه با صدور اعلامیه‌ای کارخانه را از تاریخ یکم فروردین سال 92

تعطیل اعلام کرد و از کارگران خواسته بود بعد از ایام تعطیلات (۹۲/۱/۲۰) برای تصویه حساب به واحد حسابداری مراجعه کنند.

این فعال کارگری مدعی شد: در اطلاعیه ای که از سوی کارفرما به کارگران ابلاغ شده دلیل انحلال کارخانه کاهش فروش محصولات و گران شدن مواد اولیه تولید ذکر شده است و این در حالیست که کارفرما با تغییر نام کارخانه به صنعت اسوه ایرانیان، سعی دارد کارخانه را مجدداً راه اندازی کند.

دوامی با اشاره به فروش بیش از هشت هزار تن ورق های فولادی که در انبارهای این واحد تولیدی ذخیره شده بودند، گفت: مواد اولیه تولید در حالی به دلیل افزایش ناگهانی نرخ فولاد فروخته شدند که می توانستند کفاف سالها تولید را بدهند.

دوامی همچنین در مورد کاهش سفارشات تولید کارخانه گفت: این واحد تولیدی فروش و سفارش کاری خوبی دارد بطوری که در شش ماهه تابستان و پیاپی سال گذشته ۱۰۵ مورد سفارش تولید دریافت کردیم که همه این سفارشها هم اکنون ساخته شده و آماده تحویل است.

رئیس شورای اسلامی کار صنایع اسوه ایران با بیان اینکه تعداد زیادی از کارگران این کارخانه در شرف بازنشستگی قرار دارند، ادامه داد: بیکاری تعداد ۵۳ نفر از کارگران رسمی با سوابق بین ۲۰ تا ۲۴ سال کار مستمر در کارخانه صنایع اسوه ایرانیان اکنون تمامی کارگران منطقه را نگران امنیت شغلی شان کرده است. او در خاتمه همچنین اظهار داشت: این کارگران سالها در محیطی آلوده که از سوی اداره بهداشت نیز تایید شده است کار کرده اند و به انواع بیماریهای ریوی مبتلا شده اند. با این حال در سنین پیری چگونه می توانند بدنبال کار دیگری باشند.

کارخانه رخشان با 500 کارگر تعطیل شد

به نوشته سایت ایران کارگر 17 اردیبهشت 92 آمده است: کارخانه رخشان که بزرگترین تولید کننده کمربند ایمنی در کشور است، بعلت عدم پرداخت طلب از شرکتهای ایران خودرو و سایپا به مبلغ 15 میلیارد تومان تعطیل شد. و کارگران آن هم بیکار شده اند.

در جلسه کمیته بیمه و درمان خانه کارگر عنوان شد: لزوم افزایش مستمری بازنشستگان طبق قانون بودجه سال 88

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: اعضای کمیته بیمه و درمان خانه کارگر در جلسه امروز خود نسبت به عدم اجرای تبصره ماده 39 قانون بودجه سال 88 اعتراض کردند.

علیرضا حیدری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: جلسه امروز کمیته بیمه و درمان خانه کارگر با موضوع اعتراض به عدم اجرای کامل قانون همسان سازی مستمری کارگران بازنشسته و از کار افتاده بیمه شده سازمان تامین اجتماعی برگزار شد. وی گفت: به موجب تبصره ماده 39 قانون بودجه سال 88، دولت می بایست در همان سال مبلغ 2500 میلیارد تومان بابت همسان سازی مستمری کارگران بیمه شده اختصاص می داد.

به گفته این فعال کارگری در سال 88 به دلیل عدم پیگیری مسئولان وقت سازمان تامین اجتماعی منابع لازم برای اجرای این ماده از قانون بودجه اختصاص نیافت و در نتیجه قرار شد تا این قانون طی 4 سال اجرایی شود.

حیدری باینکه از آن زمان تاکنون دولت هر سال مبلغی در حدود 600 میلیارد تومان بابت همسان سازی مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی اختصاص داده است، گفت: امسال و در آخرین محله از اجرای این ماده قانون بودجه باخبر شده ایم که به دلیل فراهم نبودن منابع ممکن است مستمری بازنشستگان افزایش نیابد. وی

بایادآوری اینکه طبق قانون دولت می بایست این افزایش را در همان سال 88 لحاظ می کرد، گفت: نه دولت و نه سازمان تأمین اجتماعی نمی توانند به بهانه فراهم نبودن منابع از اجرای قانون طفره برونند.

مسئول کمیته بیمه و درمان خانه کارگر همچنین از اعتراض به عدم اجرای ماده 96 قانون تأمین اجتماعی به عنوان یکی دیگر از موضوعات مطرح شده در جلسه امروز کمیته بیمه و درمان خانه کارگر یاد کرد و گفت: مطابق این ماده قانونی سازمان تأمین اجتماعی موظف است تا مستمری بازنشستگان را مطابق نرخ تورم افزایش دهد. وی بابت این که در سال جاری چنین اقدامی صورت نگرفته است، گفت: بیمه شدگان بازنشسته نمی توانند قویل کنند که سازمان به دلیل کمبود منابع قادر به پرداخت مستمری بر اساس نرخ تورم نیست.

حیدری همچنین از اعتراض مجدد کمیته بیمه و درمان خانه کارگر نسبت به انعقاد قرارداد بیمه مکمل برای کارگران بازنشسته خبر داد. وی افزود: از نظر کمیته بیمه و درمان طبق قانون الزام سازمان تأمین اجتماعی مکلف است که به بیمه شدگان خدمات درمانی رایگان ارائه کند.

حیدری گفت: براین اساس استفاده از بیمه مکمل به منزله خرید خدمات درمانی بوده که جزئی از وظایف سازمان تأمین اجتماعی محسوب می شود. وی گفته کمیته بیمه و درمان ضمن آنکه معتقد است استفاده از بیمه مکمل هیچ توجیه اقتصادی برای شخص بیمه شده ندارد اعلام می دارد که در صورت نیاز سازمان تأمین اجتماعی باید خود با شرکت های ارائه دهنده بیمه مکمل وارد مذاکره بشود.

پایان پیام

سومین روز اعتصاب کارگران شرکت صدرا

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: بنابر گزارش دریافتی از بوشهر، اعتصاب کارگران شرکت صدرا بوشهر روز شنبه کماکان ادامه دارد. این گزارش می افزاید کارگران شرکت صدرا که اساساً کارگران شرکت های پیمانی میباشند در اعتراض به پرداخت نشدن سه ماه حقوق عقب افتاده خود از روز سه شنبه دهم اردیبهشت ماه در اعتصاب میباشند.

اعتراض کارگران ایران خودرو برای دریافت حق سنوات هنگام بازنشستگی

کارگر خودرو ساز

در روز سه شنبه ۱۷ اردیبهشت در کارخانه ایران خودرو حدود ۲۰۰ نفر از کارگرانی که در آستانه بازنشستگی هستند برای اعتراض به بلا تکلیفی خود (در خصوص نحوه ی محاسبه و پرداخت حق سنوات در زمان بازنشستگی) و به خصوص نسبت به شایعه پرداخت سالی یکماه، در کارخانه شمالی، در مجاورت دفتر مدیرعامل (نجم الدین)، گرد آمدند. مدیریت ایران خودرو در این سالها این پرداخت را از سالی ۳ ماه به ۵/۱ ماه تنزل داده است.

یکی از کارگران به نمایندگی از طرف بقیه و با متنی تایپ شده، که در آن درخواست شده بود: « با توجه به سالها کار و زحمت و تورم موجود، حداکثر ممکن به ما پرداخت شود» به دفتر مدیریت رفت و بعد از چند دقیقه با دفتردار او بازگشت. با دخالت نیروهای حراست، قرار شد که فقط دو نماینده به کارخانه جنوبی (ساختمان کارگزینی کل) مراجعه کنند. بعد از مشورت بین کارگران، تصمیم بر این شد که حدود ۳۰ نفر با مینی بوس به کارخانه جنوبی بروند.

در بدو ورود، مشعل چیان، یکی از مدیران شرکت گفت: آیا به مصلحت نبود که فقط دو نفر به نمایندگی می آمدید که کارمندان این واحد، که برای شما کار می کنند، بتوانند به کارشان برسند؟ پس از آن بین مشعل چیان، و جمع ۳۰ نفری کارگران گفتگوهای ردو بدل شد که مهمترین آنها از این قرار بود:

- ماه هاست یک نفر یک نفر به اینجا می آیم و شما بدون جواب صریح و شفاف به هرکس چیزی می گوید. اصلا ما می خواهیم که در نشریه کارآمد، اطلاع رسانی شود، تا بدانیم تحت چه شرایطی، چه وقت و به خصوص با پرداخت چه مقدار پول بازنشسته می شویم. چرا در این مدت پاسخ گویی شما متناقض و این همه طولانی شده است.

- مشعل چیان در جواب گفت: شما نگران نباشید. مدیران شرکت به فکر شما هستند و با سازمان تامین اجتماعی در حال مذاکره هستند. شما که می دانید وضع شرکت خوب نیست. چند نفر از کارگران خودشان به ما گفته اند که سالی یک ماه می خواهند تا زودتر بازنشسته شوند. ما تمام مسائل را به دو نفر نماینده شما ابلاغ می کنیم و اگر تجمع کنید به جای من کسان دیگری با شما صحبت خواهند کرد!

- جواب ما چنین بود: اگر وضع شرکت خراب است پس چرا نجم الدین در نشریه کارآمد می گوید که وضع خوب است.

- مشعل چیان در جواب گفت: این برای حفظ آبروست و گرنه همه می دانند وضع خراب است.

- ما مدیران شرکت را به خوبی می شناسیم آنها فقط به فکر خودشان هستند، باید نظرات ما را به گوش نجم الدین برسانید. او که هیچ وقت در میان کارگران پیدایش نمی شود.

- نجم الدین هم مثل بقیه مدیرها است. او بدون واسطه بقیه مستقیما باید نظرش را بگوید.

- بعد از سالها خدمت صادقانه حالا که وقت عروسی دخترم است باید سرم را پایین بیاندازم و چندرغاز بگیرم.

- ما در جبهه زیر گلوله و خمپاره بوده ایم و جنازه ها را به دوش کشیده ایم، ما از مجروح شدن و خون دادن نمی ترسیم.

کارگران با روحیه بسیار بالا و حالت تهاجمی جواب مشعل چیان را می دادند و بالاخره قرار شد اگر در نشریه کارآمد بعدی خبری نشد، این بار با تعداد زیادتری جمع شوند.

کارگران بین خود قرارهای لازم را برای پخش خبر در میان کارگران، و جمع آوری نیرو، گذاشتند و متفرق شدند. گفتنی است در این جمع ۲۰۰ نفری به جز کارگرانی که در نوبت بازنشستگی بودند، کارگران جوان نیز شرکت داشتند.

فردای آن روز یعنی چهارشنبه تعدادی کارگر بدون اطلاع از حرکت روز قبل، در کارگزینی کل جمع شدند و آنان نیز درخواست کردند تا نظرات مدیریت به طور شفاف در کارآمد درج شود و در غیر این صورت آنها نیز با تعداد زیادتری تجمع خواهند کرد.

پایان موفقیت آمیز اعتصاب کارگران شرکت صدرا

به نوشته سایت ایران کارگر 17 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران پیمانی شرکت صدراي بوشهرکه در اعتراض به امتناع پیمانکاران از پرداخت سه ماه حقوق معوقه شان، از روز سه شنبه دهم اردیبهشت در اعتصاب بودند روز یکشنبه 15 اردیبهشت پس از دریافت مطالبات خود بسر کار بازگشتند. و بار دیگر این موضوع به اثبات رسید که حق گرفتنی است.

مرگ کارگر سرویس کار در بین آسانسور

به نوشته سایت هرانا در 17 اردیبهشت 92 آمده است: کارگر سرویس کار در بین آسانسور گیرکرد و کشته شد. پس از حضور آتش نشانان در محل حادثه مشخص شد که یک سرویس کار میانسال هنگام سرویس یکدستگاه بالابر به دلیل نقص فنی و حرکت بالابر در بین دیواره و سقف منفی یک گرفتار شده است که آتش نشانان با جابجا کردن بالابر به صورت دستی و برپا کردن کارگاه مناسب در محل حادثه مرد ۶۵ ساله را از بین دیواره آزاد و خارج کردند. با معاینه اولیه این کارگر زحمت کش میهنمان، مرگ وی توسط عوامل اوزانس تایید شد.

اعتراض به بیکاری، گرانی و تعطیلی کارخانه هادرجیان سفراحمدی نژاد به مازندران

به گزارش سایت مازندنومه، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: در طول مسیر جاده ساری- نکاعده ای از جوانان با فریاد بیکاری، گرانی مراتب اعتراض خود را نسبت به وضع موجود نشان دادند. برخی از کارگران که در طول مسیر به تعطیلی کارخانه ها اعتراض کرده بودند در مکان سخنرانی هم حاضر شدند و خواهان بررسی مشکلاتشان شدند.

دکتر اقتصاد حسین راغفر: آثار تورمی تک نرخی شدن ارز معیشت کارگران را تهدید می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 18 اردیبهشت 92 آمده است: یک کارشناس اقتصادی با تاکید بر آسیب نیروی کار در صورت تک نرخی شدن ارز، این طرح را منجر به افزایش تورم و قاچاق سوخت دانست.

حسین راغفر در گفتگو با ایلنا اظهار داشت: تک نرخی شدن ارز، تورم بزرگی را دامن می زند که منجر به کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت ارز می شود. بدین ترتیب دولت در سال آینده مجبور می شود یارانه ها را افزایش دهد. وی با بیان اینکه «با کاهش ارزش پول ملی، جاذبه های قاچاق افزایش می یابد» افزود: دوسال پیش، وقتی قیمت بنزین به لیتری ۴۰۰ تومان افزایش پیدا کرد معادل ۲۰ سنت می شد. در حال حاضر، بنزین لیتری ۱۲ سنت شده است. بنابراین دولت مجبور خواهد شد برای جلوگیری از قاچاق سوخت، قیمت آن را افزایش دهد.

گفتنی است به باور برخی کارشناسان اقتصادی، وقتی یک کالا در داخل، قیمت اش با خارج از کشور متفاوت است و به عنوان مثال در داخل سه برابر خارج از کشور و یا برعکس می شود این امر باعث قاچاق کالا خواهد شد و شرایط را نامتعادل می کند. به گفته ی استاد دانشگاه الزهرا، «دولت کسری بودجه بزرگی دارد و از طریق تک نرخی شدن ارز و در نتیجه افزایش قیمت آن در بازار، می خواهد مساله ی خود را حل کند».

حسین راغفر در پایان با تاکید بر آسیب دیدن نیروی کار با تک نرخی شدن ارز و لزوم افزایش دستمزد کارگران گفت: تک نرخی شدن ارز باعث افزایش شدید قیمت ها می شود و آنها که درآمد ثابتی دارند و حقوق بگیران آسیب بیشتری می بینند و مسیبان آسیب نیروی کار باید مسئولیت حل مشکلات معیشتی را بر عهده بگیرند.

گرانی رسمی و گرانی غیر رسمی در ایران

برپایه خبر دریافتی آمده است : گرانی سرسام آور تا نزدیک به دو برابر جان مردم را به لب رسانده است. يك دانشجوي دختر: هزینه ها خیلی بالاست کتابها يعني کتابي که من چند ماه قبل اگه ميخریدم 5 تومن بود الان دارم تو نمایشگاه مي خرم دوازده تومن.» قیمت کالاها و خدمات مصرفی در فروردین ماه ۲۸,۷ درصد نسبت به فروردین ماه سال 1390 افزایش یافت. مرکز آمار اعلام کرد: شاخص کل افزایش قیمتها در فروردین ماه بالغ بر 55 درصد است که نسبت به ماه گذشته ۲,۲ افزایش نشان می دهد. اما فاجعه آنجاست که قیمت ضروری ترین کالاهای مورد نیاز مردم نزدیک به دو برابر شده است. مرکز آمار نیز قیمت گروه عمده «خوراکی ها، آشامیدنیها» در ماه فروردین را بالغ بر 94 درصد اعلام کرد. در چندماه گذشته مؤسسان مهدهای کودک، خودسرانه شهریه ها را از 50 تا 150 هزار تومان افزایش داده اند... در فروردین خبر از سي تا چهل درصد گراني بود، در اردیبهشت به پنجاه درصد رسیده، اما علاوه بر گران کردن کالاها به طور رسمي، يك روش ديگرهم براي زدن از جيب مردم بكار ميروند و آن گراني غير رسمي و به شیوه کلاهبرداری های گوناگون است. يك هموطن ميگويد: مردم بخوبي مي دانند نظام در اين گرانيهاي غير رسمي و حيله گريهاي براي اخذ و چاپیدن مردم دست دارد. بنابراین خشم و نفرت مردم سرانجام فوران خواهد کرد. « ديگه به قول خودمان جان به لبشان رسیده بخاطر گرانيها. هم گراني مسکن، هم گراني ارزاق هم گراني خدمات، همه چيز. هر دفعه به يه ساز و آوازي مردم رو مي رقصونند. مثلا يه اتوموبيل در حين سفر نوروزي عبور ميکنه چهار دفعه آمار ازش ميگيرن. اين حرکتهاست، اين کاراست. اين دروغهاست که مردمو به، براي مردم ديگه حناشان رنگ نداره اين آفایان. قوه مجريه. فقط به دنبال کثافتکاری خودشونند.»

انحلال صنایع اسوه ایران و بیکاری 53 کارگر رسمی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: واحد تولیدی صنایع اسوه ایران واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین به دلیل آنچه از سوی کارفرما «زیان ده بودن کارگاه» عنوان شده است، منحل اعلام شد و 53 کارگر رسمی این واحد تولیدی نیز به بیمه بیکاری معرفی شدند.

ایران در رتبه ۲۱ بیکاری جهان

به نوشته سایت آسمان دیلی نیوز از قول روزنامه همشهری در تاریخ 18 اردیبهشت 92 آمده است: ایران رتبه ۲۱ نرخ بیکاری جهان را در اختیار دارد و پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی کشور هم در سال جاری میلادی منفی باشد.

به گزارش همشهری، صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش خود از چشم‌انداز اقتصادی جهان اعلام کرد: نرخ بیکاری ایران در پایان سال ۲۰۱۲ میلادی ۱۲٫۵ درصد برآورد و پیش‌بینی شده که نرخ بیکاری در سال جاری و آینده میلادی به ترتیب به ۱۴٫۷ و ۱۳٫۱ درصد برسد.

همچنین رشد اقتصادی ایران در سال گذشته میلادی منفی ۱٫۹ و در سال ۲۰۱۲ منفی ۱٫۳ درصد و در سال آینده هم مثبت ۱٫۱ درصد شود.

در خیابان پیروزی تهران اتفاق افتاد: دفن دو کارگر ساختمانی بر اثر تخریب غیر اصولی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: صبح امروز دو کارگر افغان بر اثر ریزش آوار در حین تخریب همزمان دو واحد مسکونی در خیابان پیروزی تهران دچار سانحه شدند.

به گزارش ایلنا، سید جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این باره گفت: پس از اعلام وقوع این حادثه، ستاد فرماندهی آتش‌نشانان ایستگاه 31 را به محل حادثه واقع در خیابان پیروزی، خیابان یکم نیروی هوایی اعزام کرد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران ادامه داد: آتش‌نشانان پس از حضور در محل متوجه شدند که دو منزل مسکونی به مساحت تقریبی هر کدام 100 مترمربع در مجاورت یکدیگر در حال تخریب بود که ناگهان بخش‌هایی از این ساختمان بر سر دو کارگر افغان ریزش کرد. وی با بیان اینکه یکی از کارگران تا پیش از رسیدن آتش‌نشانان توسط مردم از زیر آوار خارج شده‌اند، خاطر نشان کرد: آتش‌نشانان پس از حضور در محل، کارگر دیگر را که حدود 25 سال سن داشت، زنده از زیر آوار خارج و برای انتقال به مراکز درمانی، به عوامل اورژانس مستقر در محل تحویل دادند.

ملکی علت این حادثه را بی‌احتیاطی حین تخریب دو ساختمان اعلام کرد و گفت: آتش‌نشانان در ساعت 11:45 به عملیات خود خاتمه دادند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران به پیمانکاران و مالکان منازل که قصد تخریب و نوسازی واحدهای خود را دارند، هشدار داد: همواره نسبت به رعایت اصول ایمنی در ساختمان‌های خود حساس باشند و هیچ‌گاه از نیروهایی که فاقد مهارت لازم در تخریب هستند، استفاده نکنند.

وی همچنین با تأکید بر ضرورت نظارت پیمانکار بر روند تخریب ساختمان گفت: بخش اعظمی از حوادث ساختمانی از جمله حادثه‌هایی هستند که به راحتی با اقدامات و تمهیدات ایمنی قابل پیشگیری خواهند بود.

پایان پیام

تعطیلی آهنگریها بخاطر افزایش قیمت سرسام آور آهن آلات

به نوشته سایت ایران کارگر -18 اردیبهشت 92 آمده است: يك آهنگر از شهرستان رشت گفت: آهن آلات سرسام آور گران شده و کار ما تقریباً خوابیده و بیکار شدیم. برای مثال: پروفیل 40*40 که 17000 تومان بود به 35000 تومان، ورق حلبی که برای ساختن کرکره استفاده میشود از ورق 4000 تومان به 14000 تومان و نوعی هم 20000 تومان، پرچ از 4000 تومان به 12000 تومان و تیغه متری 40000 تومان به 80000 هزار تومان افزایش پیدا کرده است. وی در اعتراض به این وضعیت گفت: مردم توان خرید ندارند و ما هم با این وضعیت توان خرید نداریم و بیکار شدیم. برای تامین مخارج زندگی نمیدانیم چکارکنیم؟ روزها به محل کار میایم و می نشینیم و شب دست خالی برمیگردیم.

عضو فراکسیون کارگری اعلام کرد: وجود کارمند 9 میلیونی در تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده ارومیه در مجلس از انجام تحقیق و تفحصی جدید در سازمان تامین اجتماعی برای عاری شدن این سازمان از آنچه «سیاست بازی» می خواند خبر داد.

به گزارش ایلنا، نادر قاضی پور نماینده مردم ارومیه در جلسه علنی صبح امروز مجلس به عنوان یکی متقاضیان تحقیق و تفحص از عملکرد سازمان تامین اجتماعی اظهار داشت: استفاده از ارز مرجع برای صنایع پتروشیمی تحت پوشش و فروش محصولات به نرخ ارز آزاد، پرداخت پاداش های غیر متعارف به مدیران و اعضای هیئت مدیره، نوع انتصابات و عدم رضایت جامعه تحت پوشش خدمات تامین اجتماعی از جمله سرفصل های این تحقیق و تفحص است.

این عضو هیئت رئیسه فراکسیون کارگری با بیان اینکه یک کارمند عالی رتبه شرکت ساختمانی تامین اجتماعی ماهانه هشت تا 9 میلیون تومان حقوق می گیرد، گفت: ما متقاضیان تحقیق و تفحص از سازمان تامین اجتماعی، می خواهیم این سازمان عاری از سیاست بازی باشد.

وی افزود: فراکسیون کارگری مجلس به عنوان مدافع حقوق کارگران، این تحقیق و تفحص را پیگیری می کند.

قاضی پور ادامه داد: یکی از اعضای شرکت های وابسته به تامین اجتماعی بابت حضور در هر جلسه 750 هزار تومان پول می گیرد، آیا این شرعی است، این سزاوار نیست که از حق کارگران چنین دستمزدهایی پرداخت شود.

نماینده ارومیه در خاتمه خاطر نشان کرد: 50 درصد کارگران فاقد مسکن هستند و اگر تامین اجتماعی پول دارد بهتر است پول هایش به سمت تامین مسکن کارگران برود.

پایان پیام

افزایش 116 درصدی مرگ ناشی از حوادث کار در مازندران

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: هوشنگ علیزاده رئیس مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای سوادکوه با اشاره به آمار نگران کننده مرگ ناشی از حوادث کار، اظهار کرد: افزایش 116 درصدی مرگ ناشی از حوادث کار در مازندران که توسط مسئولان مرتبط اعلام شد، جای نگرانی و جست‌وجو دارد.

این بار در پاسداران: ریزش ساختمان باز هم جان کارگری را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: ریزش سازه نگهبانی و دیواره‌های یک محل گودبرداری شده در شمال پایتخت، جان کارگری را گرفت.

بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، شامگاه گذشته کارگران مشغول فعالیت در یک زمین گودبرداری شده واقع در خیابان پاسداران تهران بودند که ناگهان سازه نگهبان و خاک‌های پشت آن تخریب و بر سر یک کارگر 28 ساله افغان ریزش کرد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی با اشاره به اجرای عملیات نجات برای خارج کردن این کارگر از زیر خوارها خاک، گفت: آتش‌نشانان پس از خارج کردن این کارگر، وی را به عوامل اورژانس تحویل دادند که آنان پس از بررسی علایم حیاتی، مرگ وی را تایید کردند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه نمی‌توان در خصوص غیراصولی بودن گودبرداری در این محل اظهارنظر کرد، گفت: ایمن‌سازی نامناسب و عدم رعایت اصولی در سازه‌های نگهبان و شمع‌بندی، علت وقوع این حادثه بود. به گفته وی، آتش‌نشانان در ساعت 12:42 بامداد امروز به عملیات خود در این محل خاتمه دادند.

پایان پیام

اخراج پنج کارگر و عدم پرداخت یکماه حقوق کارگران

برپایه خبر رسیده آمده است: 45 کارگر کارخانه روشن نگین رشت که تولید کننده شیشه های نشکن و با ایمنی می باشد بیش از یکماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. همچنین بدلیل گرانی مواد اولیه پنج کارگر این کارخانه طی چند روز اخیر اخراج شده اند و تولید این کارخانه بشدت افت پیدا کرده است.

جوبه های دار را بشکنیم

هاشم شعبانی نژاد 32 ساله، هادی راشدی 40 ساله، محمد علی عموری نژاد 36 ساله، سید جابر البوشوکه 29 ساله و سید مختار البوشوکه 27 ساله

سه سال پیش در چنین روزی قلب فرزاد کمانگر و ۴ ستاره درخشان آسمان ایران را تنها به دلیل داشتن عشق به مردم و برابری و صلح سرد کردند، فکر می‌کنید ما در تکرار این کشتارها کاملاً بی‌گناهییم؟ فکر می‌کنید یک صدا و یک هدف مخالفت‌مان را با اعدام، این شنیع‌ترین عمل ضد انسانی اعلام داشته ایم؟ آن عزیزان را سر بردار کردند و امروز اکثر ما گریه می‌کنیم و آه میکشیم! و ... دوستان، رفقا، گریه نکنیم، سازماندهی بکنیم. زندگی حق مسلم آدمی است. اگر همت نکنیم، پنج انسان دیگر، این بار اما از خطه خوزستان را در همین روزها بالای دار می‌برند. جلوی این کار را در هر کجا و موقعیتی که هستیم بگیریم. نگذاریم تاریخ دلشکستگی ما تکرار شود. فردا دیر است و خاموشی هر کدام از ما، به مفهوم تأیید این جنایات است. به فکر زنده‌ها باشیم که فردا مرده نامیمشان.

با امضای این پتیشن و ارسال آن به تمامی دوستان و آشنایان، به عنوان یک حداقل تلاش، حرکت اعتراضی وسیعی را برای جلوگیری از این جنایت و نجات جان عزیزان هموطن عربمان در خوزستان، سازماندهی کنیم. پتیشن:

من اعدام این جوانان را یک ترور دولتی وحشیانه می دانم و قویاً خواهان لغو فوری و بدون قید و شرط آن هستم.

زنده باد زندگی!
مرگ بر مرگ!

نام:

نام خانوادگی:

شغل:

کشور:

آدرس ایمیل:

کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - کلن

در خیابان مجاهدین اسلام تهران رخ داد: مرگ مقنی میان سال بر اثر سقوط از چاه 57 متری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: یک کارگر مقنی بر اثر سقوط از ارتفاع 57 متری چاه ساختمانی واقع در خیابان مجاهدین اسلام تهران جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، کارگر میان سالی به منظور لایروبی چاه یک منزل مسکونی در حال رفتن به داخل چاه بود، به دلیل نبود تجهیزات ایمنی و نداشتن مسیر عبور مطمئن از ارتفاع 57 متری سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

بر اساس این گزارش، به گفته گروه های امداد و نجات علاوه بر مصدومیت شدید این کارگر در اعماق چاه، او دچار گاز گرفتگی نیز شده است.

پایان پیام

کابوس بی آبی و خشکسالی برای ایران

به نوشته سایت ایرنا در 18 اردیبهشت 92 آمده است: نتایج یک گزارش علمی که به تازگی منتشر شده بیانگر کابوسی دهشتبار برای کشور ماست: در سده آینده مناطق خشک کره زمین باز هم خشکتر شده و بیابانها بیابانتر می شوند. هشتاد درصد مساحت کشور ما را مناطق خشک تشکیل داده و دست کم نیمی از گستره ایران نیاز بیابان است.

بر اساس این گزارش در این پژوهش که توسط ناسا انجام شده پیش بینی شده است که در سده آینده در حالی که مناطق خشک بارش کمتری نسبت به متوسط معمول خود دریافت می کنند میزان بارش در مناطق مرطوب و پر باران جهان بیشتر از مقدار کنونی خواهد شد.

یکی از پژوهشگران سازمان ناسا گفته است: «شدت بارش باران در مناطق مرطوب و از سوی دیگر دوره های خشکسالی در مناطق خشک، تشدید و طولانی تر خواهند شد و بروز این دو پدیده از نظر جوی و فیزیکی با یکدیگر ارتباط دارند»

پژوهش های جدید سازمان ناسا در مورد میزان و نحوه بارش باران در سطح کره زمین که در شماره آینده مجله «تحقیقات جغرافیایی» منتشر خواهد شد اطلاعات دریافت شده توسط چهارده الگوی پیش بینی تغییرات جوی

کره زمین را بررسی کرده است.

هر چند برخی از این الگوها پیش‌بینی کرده بودند که در مناطق مرطوب کره زمین مثل مناطق استوایی میزان بارش باران افزایش و در مقابل بارش باران در مناطق خشک کاهش خواهد یافت، اما تحقیقات اخیر توسط سازمان ناسا اولین پژوهش همه جانبه در مورد بارش باران در کل جهان و از جمله در اقیانوس‌ها است. طبق پژوهش جدید ناسا هر چند تمام چهارده مورد از الگوهای پژوهشی قبل که در مورد میزان بارش باران در مناطق مختلف زمین انجام شده اند در برخی از جزئیات با یکدیگر تفاوت دارند ولی در مورد میزان متوسط افزایش و یا کاهش بارندگی نتیجه گیری آنها یکسان است.

نقطه مشترک تمامی این تحقیقات این است که متناسب با افزایش هر درجه فارنهایت در گرمای جو زمین میزان بارندگی در مناطق مربوط حدود چهار درصد افزایش می‌یابد و در مقابل در مناطق خشک کره زمین دوره‌های خشکسالی و فقدان بارندگی حدود ۱۰٪ درصد طولانی‌تر خواهند شد. یک پروفیسور علوم جوی در دانشگاه واشینگتن نیز اخیراً در مطالعات خود به این نتیجه رسیده است که یکی از دلایل اصلی کاهش میزان بارندگی در نواحی جنوب غربی آمریکا و منطقه مدیترانه افزایش دی اکسید کربن در جو کره زمین است.

دلیل علمی این تغییرات جوی این است که جو کره زمین همزمان با افزایش درجه حرارت می‌تواند میزان بیشتری از بخار آب را در خود حفظ کند ولی بخش بیشتری از این بخار آب در بخش‌های مربوط انباشته می‌شوند و بنابراین بارندگی کمتری نصیب بخش‌های خشک کره زمین می‌شود. سرعت وقوع یک چنین تغییرات شدیدی در الگوی بارندگی در جو کره زمین به میزان تولید گاز دی اکسید کربن بستگی دارد ولی پژوهشگران ناسا می‌گویند که تحقیقات و پیش‌بینی‌های تخمینی آنها مربوط به قرن آینده است.

شرح عکس: تصویر نقشه مناطق رودروی بیابانزایی در سراسر جهان را نشان می‌دهد. همچنانکه می‌بینیم ایران در قلب این مناطق قرار داشته و میزان آسیب پذیری آن در برابر این پدیده "خیلی شدید" ارزیابی شده است.

آمار وحشتناک سازمان جهانی بهداشت از مرگ و میر بر اثر آفت کش ها- کارگران مزارع بیشتر در معرض خطرند

به نوشته سایت سلامت نیوز در تاریخ 18 اردیبهشت 92 آمده است: یک عضو هیات علمی انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور با اشاره به مرگ و میر سالانه 220 هزار نفر در کشورهای در حال توسعه طبق آمار سازمان جهانی بهداشت، نسبت به خطرات مواجهه با سموم خصوصاً در کارگران و ساکنینی که در نزدیکی مزارع سکونت دارند، هشدار داد و از سرطان و پارکینسون به عنوان عوارض تماس طولانی مدت با آفت کش ها نام برد.

خدیجه رحمانی گفت: «استفاده از آفت کش ها در تولید فرآورده های غذایی سالم خطراتی را برای سلامتی به دنبال دارد حتی ممکن است مواجهه کوتاه مدت فرد با این سموم نیز خطراتی را برای وی به دنبال داشته باشد.»

وی ادامه داد: «سازمان جهانی بهداشت (WHO) ارزیابی کرده است که سالانه 3 میلیون مسمومیت ناشی از سموم حشره کش ها در جهان اتفاق می افتد که از این تعداد تا 220 هزار مرگ ناشی از این سموم در کشورهای در حال توسعه رخ می دهد که بیشتر برمی گردد به کارگرانی که در مزارع و باغات مشغول به کارند و از این سموم استفاده می کنند.»

کارگران مزارع بیشتر در معرض خطرند

این عضو هیات علمی انستیتو تحقیقات تغذیه ای و صنایع غذایی کشور افزود: «کارگرانی که در مزارع، محصولات کشاورزی را سمپاشی می کنند بیشتر در معرض خطر هستند که یکی از دلایل مهم آن عدم شیوه صحیح کاربرد سموم و عدم استفاده از عوامل محافظتی در برابر آلودگی سموم است.»

وی با بیان اینکه اثرات سموم ممکن است اثرات حاد کوتاه مدت و یا اثرات مزمن طولانی مدت باشد، گفت: «اساساً آفت کش ها حاوی دو ترکیب فعال و غیرفعال هستند. ترکیب فعال موجب از بین رفتن آفت می شود و

ترکیب غیرفعال به عنوان عامل کمکی برای بخش فعال است که بیشتر مطالعات بر روی عامل فعال صورت گرفته است گرچه ممکن است عامل غیرفعال نیز در طولانی مدت اثرات سوء خود را برجای گذارد به عنوان مثال حلال هایی که به این عنوان به کار برده می شود از طریق پوست یا استنشاق می تواند اثرات سمی داشته باشد.»

مرگ جنین زنان باردار ساکن در نزدیک مزارع

رحمانی گفت: «در سال 2007 مرور سیستماتیکی بر روی آفت کش ها انجام شد که مشخص کرد لنفوم غیرهوچکین (نوعی سرطان) و نیز لوسمی (سرطان خون) ارتباط مثبتی با مواجهه فرد با آفت کش ها داشته است و نتیجه گرفته شد که مصرف آن باید کاهش پیدا کند همچنین شواهد قوی مبنی بر اثرات نورولوژیکی و اختلالات نقائص تولد و یا حتی مرگ جنین در اثر مواجهه زنانی که در مزارع کار می کردند یا ساکن در مزارع بوده و یا در نزدیکی مزارع سکونت داشتند نشان داده شده است.»

وی خاطر نشان کرد: «اثرات حاد آفت کش ها بر روی کارگرانی است که کار سمپاشی را انجام می دهند که ممکن است به صورت دردهای شکمی، گیجی، سردرد، تهوع، استفراغ، مشکلات پوستی و چشمی بروز کند.»

ابتلا به سرطان در اثر مواجهه با آفت کش ها

عضوهیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی از ابتلا به سرطان در کارگران مزارع به عنوان اثرات طولانی مدت تماس با آفت کش ها نام برد و گفت: «در مطالعات متعددی ابتلا به سرطان به عنوان یکی از اثرات مواجهه با آفت کش ها نشان داده شده و نوعا سرطان های لوسمی، لنفوم ها، سرطان های مغز، کلیه، پستان و پروستات، پانکراس، کبد، ریه و سرطان پوست از جمله سرطان هایی است که با استفاده از آفت کش ها ارتباط داشته است.»

وی تاکید کرد: «خطر ابتلا به سرطان در اثر مواجهه با آفت کش ها هم در مورد افرادی است که از نظر شغلی با آفت کش ها تماس داشته اند و هم در ساکنینی است که در این مناطق و در نزدیکی مزارع در مواجهه با این مواد قرار گرفته اند.»

افزایش 70 درصدی احتمال بروز پارکینسون در اثر تماس با سموم

این کارشناس ارشد تغذیه از اثرات نورولوژیکی به عنوانی یکی دیگر از اثرات طولانی مدت تماس با آفت کش ها نام برد و گفت: «شواهد قوی مبنی بر خطر پیشرفت بیماری پارکینسون بر اثر مواجهه با آفت کش ها وجود دارد. در یک مطالعه مقایسه ای، افرادی که با آفت کش ها مواجهه داشته اند را با افراد غیرمواجهه ای بررسی کردند. دیده شد در افرادی که با سموم مواجهه داشته اند خطر بروز این بیماری 70 درصد بیشتر بوده است. همچنین خطر دمانس (زوال عقل) و خطرات اختلالات تولد و نقایصی که هنگام تولد بروز می کند، مرگ جنین و همچنین نازایی در مردان بر اثر تماس با آفت کش ها گزارش شده است.»

خبری مهم برای کارگران دولت:

شکایتی که به هماهنگی حقوق کارگران دو دستگاه دولتی منجر شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: به تازگی بخشنامه ای توسط نهاد ریاست جمهوری صادر شده است که بر اساس آن باید هرچه سریع تر نسبت به هماهنگی در حقوق و مزایای کارمندان رسمی و پیمانی دو دستگاه دولتی اقدام شود که این خبر می تواند برای کارگران موقت و پیمانی دستگاه های مختلف دولتی مهم تلقی شود.

به گزارش ایلنا به نقل از روزنامه خراسان، پس از اعتراضات متعدد کارمندان یکی از دستگاه های ادغام شده به مدیران ارشد دولتی نسبت به تفاوت حقوق و مزایای خود با کارمندان دستگاه دیگری از قوه مجریه که مشمول ادغام شده است، طی روزهای اخیر بخشنامه ای از سوی نهاد ریاست جمهوری به دو معاونت رییس جمهور ابلاغ شده که بر اساس آن باید هرچه سریع تر نسبت به هماهنگی در حقوق و مزایای کارمندان رسمی و پیمانی دو دستگاه مذکور اقدام شود.

يك فعال كارگري در طيس: دولت در روزهای پایانی اش قانون تعیین مزد را اجرا کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 18 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر طیس ضمن بیان اینکه مطالبه رسمی و قانونی کارگران در خصوص افزایش نرخ دستمزد همچنان بی پاسخ ماندن است، خواستار تسریع در بازنگری مجدد این مصوبه طبق وعده وزیر کار شد.

«غلامرضا محمدی» با بیان اینکه کارگران منتظر تحقق وعده دولت هستند، به ایلنا گفت: قطعا یکی از مطالبات جدی کارگران تجدید نظر در خصوص مصوبه دستمزد است که پیشتر مورد تأیید وزیر کار نیز قرار گرفت و ایشان در هفته کارگر وعده برگزاری جلسه‌ای ویژه در شورای عالی کار به منظور افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران را دادند.

این فعال کارگری افزود: با وجود آنکه اکنون سه روز از نیمه شهریور گذشته است، دولت بجای توجه به مطالبات صنفی کارگران، سعی دارد قوانین مربوط به نیروی کار را به نفع سرمایه داری تغییر دهد.

او اضافه کرد: با توجه به بالا رفتن نرخ تورم و صراحت داشتن ماده 41 قانون کار در خصوص افزایش دستمزد مطابق با تورم، انتظار می‌رود دولت در روزهای پایانی اش به قانون تن دهد.

تماس تلفنی مقامات قضایی با خانواده بهنام ابراهیم زاده

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 18 اردیبهشت 92 آمده است: در حالی که بهنام ابراهیم زاده به شدت درگیر وضعیت تنها فرزند بیمارش است تا جان فرزندش را از این بیماری مهلك که قریب به چهار ماه است گرفتار آن شده نجات بدهد وحتی پیدا کردن دارو های که پزشکان برای نیما تجویز می کنند نیز به سختی می توانند در داخل کشور پیدا کنند.

در کنار همه اینها، امروز چهارشنبه هیجدهم اردیبهشت بهنام پرونده کامل پزشکی نیما فرزند بیمارش را تحویل پزشک قانونی تهران داده تا پزشک قانونی نظر بدهد که لازم و ضروری است بهنام در کنار فرزندش بماند یا نماند.

امروز مقامات قضایی در تماس تلفنی با پدر بهنام تاکید کرده اند که بهنام شنبه بیست و یکم اردیبهشت باید خود را به دادستانی معرفی کند این در حال است که هنوز پزشک قانونی تهران هیچ نظری مبنی بر ماندن یا نماندن بهنام نداده و این موضوع به روز شنبه موکول شده است در کنار همه اینها شروع درمان مجدد نیما فرزند این کارگر معترض زندانی بار دیگر آغاز شده و این با توجه به اینکه نیما در آستانه سن بلوغ قرار دارد و حساسیت وضعیت نیما و بیماری وی اگر بهنام را به زندان برگردانند این برخورد در روند بهبودی نیما تأثیر بسیار منفی در پی خواهد داشت .

باید متحذانه برای نجات جان نیما فرزند این کارگر زندانی و اینکه نگذاریم بهنام را به زندان برگردانند تلاش کنیم . این خانواده شایسته بهترین و بیشترین حمایتها می باشند . تنهایشان نگذاریم . دوستان و رفقای بهنام

فرصت خواهی یک ماهه وزارت کار از دیوان عدالت

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 19 اردیبهشت 92 آمده است: عضو کمیته دستمزد شورایی عالی کار با اعلام نامه نگاری دیوان عدالت اداری با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره شکایت از تخلف در تعیین حداقل مزد امسال کارگران، گفت: وزارت کار یک ماه مهلت دارد تا دفاعیات خود درباره عملکرد شورایی عالی کار برای تعیین حداقل مزد 487 هزار تومانی را ارائه کند. حسین حبیبی، در گفت و گو با مهر، از جدیدترین اقدامات صورت گرفته درباره شکایت از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد تخلف در تصویب افزایش 25 درصدی حداقل دستمزد سال جاری خبر داد و گفت: دیوان عدالت اداری با ارسال نامه ای به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به این وزارتخانه یک ماه مهلت داد تا دفاعیات خود درباره روش تعیین حداقل دستمزد امسال کارگران و مشمولان قانون کار را ارائه کند. عضو کمیته دستمزد شورایی عالی کار اظهار کرد: هم اکنون پرونده شکایت از دستمزد کارگران در روال قانونی خود دنبال می شود و دیوان عدالت اداری پس از دریافت دادخواست کارگران، به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای ارائه دفاعیه زمان داده است. حبیبی خاطرنشان کرد: پس از اتمام مهلت ارائه دفاعیات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و ارسال آن به دیوان عدالت اداری، دیوان رای نهایی خود درباره شکایت کارگران را صادر خواهد کرد. وی با اشاره به اینکه برای ارائه یکسری مستندات و بیان برخی موارد درخواست حضور در دیوان عدالت اداری به منظور بررسی شکایت کارگران از دستمزد 92 را نیز داریم، افزود: در هر صورت، هر رایی که از سوی دیوان عدالت اداری داده شود باید به مرحله اجرا درآید. این مقام مسوول کارگری رای دیوان عدالت اداری را فصل الخطاب دانست و درباره اظهار نظر برخی گروه های کارفرمایی درباره عدم اجرای افزایش دوباره دستمزد امسال کارگران بیان کرد: اجرای قانون کار در اینباره باید مدنظر قرار گیرد.

در استان بوشهر؛

22 هزار کارگر ساختمانی و فصلی برای سهام عدالت ثبت نام کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر از واگذاری دعوت نامه سهام عدالت کارگران فصلی و ساختمانی استان بوشهر خبر داد.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر، حسین حیدری گفت: این اداره کل در مرحله اول ثبت نام سهام عدالت کارگران فصلی و ساختمانی که در سال 90 صورت گرفت اقدام به ثبت نام 38 هزار و 350 نفر از این کارگران نمود که از این تعداد 26 هزار و 532 نفر به تأیید وزارت متبوع رسیدند. وی افزود: در مرحله دوم و از تاریخ 16/10/91 اطلاع رسانی لازم از طریق رسانه و همچنین ارسال پیام کوتاه صورت پذیرفت که بدنبال آن واجدین شرایط با مراجعه به ادارات تعاون، کار و رفاه اجتماعی محل ثبت نام مرحله اول نسبت به تهیه و تکمیل فرم اقدام نمودند. توزیع و تحویل فرم ها هر کدام در دو مرحله ده روزه انجام گرفت و تعداد 21 هزار و 944 فرم پس از جمع آوری و بازبینی، جهت انجام مراحل بعد به سازمان امور اقتصادی و دارایی استان بوشهر ارسال گردید.

حیدری اظهار داشت: در روز جهانی کار و کارگر طی آیینی با حضور استاندار بوشهر مرحله بعدی فرایند دریافت سهام عدالت با ارائه فرم های دعوت نامه به دو نفر از کارگران استان آغاز گردید.

پایان پیام

"علی آزادی" آزاد شد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است: روز پنجشنبه ۱۹/۲/۹۲ «علی آزادی» فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی، پس از ۶۳ روز بازداشت در اداره ی اطلاعات، با قرار وثیقه ی ۵۰ میلیون تومانی از زندان



مرکزی سنندج آزاد شد. وی در یکی از میادین سنندج مورد استقبال با شکوه جمع کثیری از مردم، دوستان، فعالین کارگری و خانواده اش قرار گرفت و تا منزلش همراهی شد. گفتنی است که «غالب حسینی» دیگر عضو بازداشتی کمیته هماهنگی نیز در همین روز به زندان مرکزی سنندج منتقل شد. ولی همچنان خبری از وضعیت «جلیل محمدی» و «حامد محمودی نژاد» در دسترس نیست.

کمیته ی هماهنگی ضمن تیریک آزادی «علی آزادی» به مردم آزادی خواه و برابری طلب و خانواده ی او، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی از جمله غالب حسینی، جلیل محمدی، حامد محمودی نژاد، پدرام نصر اللهی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و ... می باشد.

کار کودکان در بازار مسگرهای یزد

به نوشته سایت ایران کارگر -19 اردیبهشت 92 آمده است : در بازار قدیمی یزد نزدیک به 10 مغازه مسگری وجود دارد که اکثر کارگران آنها کودکان تشکیل میدهند . در هر مغازه ۴ تا ۵ کودک ۱۰ تا ۱۵ ساله از ساعت ۷ صبح تا ۸ شب کار میکنند که ۳ هزار تومان بابت 12 ساعت کار بگیرند . این کودکان سخت ترین قسمت کار در مسگری که شامل ساییدن مس و سفیدکاری میباشد را بر عهده دارند .

موج گسترده بازداشت ها پس از روز کارگر
کاوه قریشی
kawe.qoraishy(at)gmail.com

به نوشته سایت روزآنلاین در 19 اردیبهشت 92 آمده است : در ادامه احضار و بازداشت فعالان کارگری که در روزهای پس از روز کارگر شدت گرفته بود، منابع خبری و حقوق بشری از افزایش و شدت گرفتن بازداشت کارگران خبر داده اند. محمود صالحی، فعال کارگری ضمن تشریح وضعیت چند تن از این کارگران در مصاحبه با روزمی گوید میزان برخورد با فعالان کارگری امسال بیش از هر سال دیگری بوده است.

بازداشت های اخیر بیشتر در شهرهای تهران، کرج و سنندج صورت گرفته اند.

وبسایت کمیته گزارشگران حقوق بشر از بازداشت محمد احیایی، فعال کارگری یکی از شرکتهای خودروسازی اطراف تهران، در روز شنبه ۱۴ اردیبهشت ماه خبر داده و نوشته این فعال کارگری هنگام خروج از محل کار، به دفتر کارخانه فرا خوانده شده و پس از سؤال و جواب ماموران لباس شخصی بازداشت شده است.

محمد احیایی و چند فعال کارگری دیگر، در ماه های گذشته در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه خود و بحث واگذاری کارخانه به نهادهای خاص، قصد اعتصاب داشتند، که با برخورد شدید حراست و حضور ماموران انتظامی در محل کارخانه مواجه شدند.

این کمیته همچنین گزارش داده است که محمد قاسمخانی و بهرام سعیدی، دو فعال کارگری دیگر نیز روز پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت ماه، یک روز بعد از تحصن اعتراضی کارگران در مقابل مجلس شورای اسلامی بازداشت شده اند.

این دو، از فعالان کارگری کارخانه ایران خودرو هستند و روز پنجشنبه پس از ورود به محل کار خود دستگیر شده اند.

در روزهای گذشته همچنین چهار تن از فعالان کارگری به نامهای آرام زندی، فردین قادری، شاهپور حسینی، جلیل محمدی، حامد محمودی نژاد، نسترن محمدی و بختیار چتانی در سنندج بازداشت شده اند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری طی بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این بازداشتها اعلام کرده از میان بازداشت شدگان، نسترن محمدی، بختیار چتانی و آرام زندی هر یک با وثیقه های ۵۰ میلیون تومانی به صورت موقت آزاد شده اند.

محمود صالحی، فعال کارگری در ایران از اعضای این تشکل به روز می گوید بازداشت جلیل محمدی و حامد محمودی نژاد ارتباطی با برگزاری مراسم غیر حکومتی روز جهانی کارگر در سنندج نداشته است.

حامد محمودی نژاد که به تازگی پس از سپری کردن دوران محکومیت از زندان آزاد شده بود، هنگام خروج از خانه برای خرید و جلیل محمدی نیز در داخل یک خودروی شخصی به محاصره نیروهای امنیتی در آمده و پس از بازداشت به اداره اطلاعات سنندج منتقل شده اند.

کنترل تردد کارگران در محل زندگی

اول ماه مه، مصادف با ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر با حضور میلیون ها کارگر در نقاط مختلف جهان برگزار شد. اما در ایران که برای ششمین سال پیاپی از برگزاری راهپیمایی سالانه کارگران در تهران ممانعت به عمل آمد، کارگران ناگزیر شدند در ورزشگاهی در جنوب شهر و در حضور مسئولان دولتی به طرح خواسته‌هایشان بپردازند.

در این تجمع، علیرضا محجوب، دبیرکل تشکل حکومتی خانه کارگر، مهار تورم و افزایش دستمزد را مهم‌ترین خواسته‌های جامعه کارگری ایران خواند.

در همین حال اما گروه محدودی از کارگران در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی در میدان بهارستان تجمع کردند. براساس گزارش ها، در این گردهمایی اعتراضی کارگران خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیت دستمزد، گرانی و تورم در کشور شدند.

همزمان در دیگر شهرهای کشور هم کارگران، خارج از مراسم های حکومتی برای بزرگداشت روز جهانی کارگر، در قالب تجمعات محدودی خواستار رسیدگی به وضعیت کارگران شدند. از جمله تجمعاتی در شهرهای مختلف استان کردستان برگزار شد که دستگیری کارگران را در پی داشت.

محمود صالحی فعال کارگری در مورد تفاوت برخوردهای امسال با سالهای گذشته، می‌گوید: "برخوردهای امسال شدید تر بود. فعالان از روزهای قبل از روز کارگر تحت فشار بودند. تهدید شده بودند که به خیابان نیابند و در مراسم های دولتی شرکت کنند".

آقای صالحی که خود او نیز امسال بیش از سالهای گذشته تحت فشار قرار گرفته، اشاره می‌کند که در روزهای منتهی به اول ماه مه، دو مامور به صورت تمام وقت در کوچه محل زندگی اش رفت و آمد های وی را به وسیله دوربین کنترل کرده‌اند. در همین فاصله نیز چندین بار احضار و تهدید شده است.

نماینده کارگران کارخانه شهاب:

سپاه‌نمایی کالای داخلی، ابزار تبلیغ واردکنندگان است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از نمایندگان کارگری در کارخانه شهاب گفت: وادرات بی رویه محصولات مشابه تولید داخل و تبلیغات گسترده توسط صدا و سیما و همچنین در سطح شهر، موجب کاهش توان رقابت از تولید کنندگان داخلی شده است.

این فعال کارگری که نخواست نامش فاش شود با اعلام کاهش تولید محصولات کارخانه شهاب، به ایلنا گفت: واردات بی رویه کالاهای خارجی در سالهای اخیر تأثیرات منفی بسیاری بر فروش محصولات این کارخانه و به تبع اشتغال کارگران گذاشته است.

او با اشاره به اینکه 420 کارگر کارخانه شهاب نگران امنیت شغلی‌شان هستند، افزود: تعطیلی چرخه های تولید موجب تشدید این نگرانی و در ادامه مشکلات اجتماعی ناشی از آن می‌شود.

به گفته این کارگر کارخانه شهاب، بخش قابل توجهی از محصولات وارداتی، امکان تولید در داخل کشور را دارند که این مقدار می تواند زمینه اشتغال بسیاری از کارگران بیکار را فراهم کند.

نماینده کارگران کارخانه شهاب ادامه داد: با وجود آنکه کیفیت محصولات کارخانه شهاب (تولید کننده انواع تلویزیون و مانیتور) در حد محصولات مشابه خارجی و در برخی موارد از کیفیت بیشتری برخوردارند، اما تمایل خریداران داخلی به سمت محصولات خارجی است.

او همچنین یکی دیگر از عوامل کاهش فروش محصولات این کارخانه را کاهش توان مالی خریداران عنوان کرد و افزود: تبلیغات عامل اصلی خرید برندهای خارجی در کشور است و یکی از روش‌های تبلیغی، سیاه نمایی درباره کیفیت محصولات ارزان‌تر داخلی است تا به این طریق گرانی محصولات‌شان را توجیه کنند.

این کارگر در خاتمه عدم برنامه ریزی و سرمایه گذاری مطلوب و بی توجهی به بخش تولید از سوی دولت را مهمترین عامل بحران در واحد های تولیدی داخلی دانست و اظهار کرد: ضروری است ساختار و سیستم اقتصادی ترمیم شده و سرمایه گذاری در حوزه تولید با بینش توسعه اقتصادی و اجتماعی همراه باشد.

پایان پیام

اعتراض کارگران شهرداری شیراز نسبت به عدم دریافت حقوق

به نوشته سایت ایران کارگر در 19 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران شهرداری منطقه 8 شیراز نسبت به عدم دریافت حقوق خود ابراز نارضایتی کردند. بیش از 100 کارگر که با شرکتهای پیمانکاری در قسمت فضای سبز بکار خدمات دهی اشتغال دارند، هنوز پیمانکار شرکت مربوطه حقوق فروردین ماه کارگران را به آنها پرداخت نکرده است.

دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی استان تهران:

هدف از شکایت به دیوان، تغییرات جزئی در مصوبه مزدی نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار و یکی از شاکیان مصوبه مزدی شورای عالی کار معتقد است: با وجود انتشار خبر تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای عالی کار در نیمه دوم اردیبهشت ماه، وزارت کار هنوز زمان قطعی برگزاری این جلسه را اعلام نکرده است.

«حسن حبیبی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: هرچند از اعضای گروه کارگری شورای عالی کار شنیده‌ایم که ممکن است جلسه فوق‌العاده شورای عالی کار در هفته پیش‌رو برگزار شود، اما وزارت کار به عنوان متولی این شورا هنوز اعلام نکرده است.

این مقام کارگری با یادآوری اینکه طبق گفته وزیر کار قرار است، موضوع این جلسه فوق العاده بررسی امکان افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران در سال 92 باشد، گفت: در حال حاضر کارگران از اعضای شوراعالی کار انتظار دارند که مصوبه فعلی دستمزدهای سال 92 را باطل کرده و براساس معیارهای ماده 41 قانون کار مزد جدیدی را تعیین کند. وی گفت: به همین دلیل کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار در اعتراض به عدم اجرای تبصره‌های ماده 41 قانون کار شکایتی را در دیوان عدالت اداری علیه مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار مطرح کرده است.

حیثی تأکید کرد که برای تشکل متبوعش ملاک و معیار همچنان نحوه تعیین مزد است و افزایش سایر حقوق ریالی کارگران نمی‌تواند در پیگیری‌های حقوقی این تشکل کارگری تردیدی ایجاد کند. وی یادآور شد: اکنون آقایان درحالی‌عده احتمال افزایش حق مسکن و حق خوار و بار را می‌دهند که خودشان تا همین چند ماه پیش (قبل از اعلام مصوبه مزد) مدعی بودند که به دلیل اجرای پروژه مسکن مهر موضوع امکان افزایش حق مسکن کارگران منتفی است.

دبیر کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در عین حال یادآور شد: در شرایطی که به دلیل ضعف نظارتی بازرسان کار و تأمین اجتماعی در بسیاری از کارگاه‌ها از جمله کارگاه‌های 10-15 نفره صنفی همین حداقل مزد مصوبه پرداخت نمی‌شود و کارگران از همه حقوق قانونی خود بی‌اطلاع هستند، افزایش حق مسکن یا حق خواروبار قانع‌کننده نیست.

پایان پیام

اعتراض کارگران پیمانی شهرداری اهواز

به نوشته سایت ایران کارگر - در 19 اردیبهشت 92 آمده است: يك فعال خبري در اهواز گفت: مشکلات کارگران شهرداری و عدم دریافت مطالبات و حقوق معوقه کارگران ادامه دارد. پس از یک هفته، هنوز کارگران پیمانی شهرداری اهواز حقوق دریافت نکرده‌اند و معترضند و همه شهروندان اهواز از روی باقیماندن زباله‌ها در خیابانها مطلع میشوند که کارگران مظلوم شهرداری حقوقشان را دریافت نکرده‌اند.

مشکل در ادامه پرداخت یارانه پویا جیل‌عاملی . کارشناس اقتصادی

به نوشته روزنامه شرق در 19 اردیبهشت 92 آمده است: دولت کنونی دغدغه توسعه اقتصادی نداشت و در سخنرانی‌ها و کلام نیز هیچ‌گاه حرفی از توسعه اقتصادی کشور زده نشد. این دولت هدفش توسعه عدالت و توزیع درآمد نقدی و پول بین مردم بود و در این سالها در همین راستا حرکت کرده است. از این رو، کشور نیازمند دولتی است که دغدغه توسعه داشته باشد.

در این سالها تورم به مرزهایی رسیده که اگر کنترل نشود، مخرب خواهد بود و به دلیل آنکه در این سالها به آن دامن زده شده، روی تولید و رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی گذاشته است. رشد اقتصادی که بر اساس آمارهای رسمی، اکنون به عددی منفی رسیده است، موجب رکود اقتصادی شده و حالا نرخ سرمایه‌گذاری ناخالص از استهلاک آن کمتر و نرخ سرمایه‌گذاری خالص منفی شده است. با توجه به این شرایط اکنون کنترل تورم و خروج از رکود اقتصادی از مهمترین چالش‌هایی است که دولت آتی با آن روبه‌روست.

از دیگر مشکلاتی که دولت بعدی با آن روبه‌رو خواهد بود، یارانه‌های نقدی است که دولت دهم ظرف یکسالونیم اخیر پرداخت کرده است. با توجه به شیوه‌ای که دولت کنونی برای اصلاح قیمت‌ها اتخاذ کرده و در این سالها نیز پی گرفته است، اگر دولت بعدی قصد اصلاح قیمت حامل‌های انرژی را داشته باشد، اولین سوال مردم، میزان دریافتی‌شان از محل این اصلاح خواهد بود و پول نقد مطالبه می‌کنند. دولت آینده باید به صورت شفاف و صریح اعلام کند که آثار کلی این پرداخت‌ها و تبعات و آسیب‌هایی که در این سالها به کشور زده چه بوده و در صورت ادامه چه عواقب دیگری متوجه آنان و تولید خواهد شد. همچنین دولت باید میزان درآمدهای نفتی کشور را در نظر بگیرد و سپس در خصوص ادامه پرداخت‌ها تصمیم‌گیری کند که آیا باید این پرداخت‌ها

متوقف شود و یا تنها به گروه‌های خاصی تعلق گیرد. در شرایطی که کشور به دلیل این پرداخت‌های نقدی گرفتار حجم بالای نقدینگی و تورم شده است، دولت بحث پرداخت‌های 250 هزار تومانی برای یارانه‌ها را مطرح می‌کند که غیرواقعی بودن آن مانند ادعای نبودن خورشید در آسمان است. دولت باید از ادبیات پرداخت‌های نقدی خارج شود. موضوع و مشکل ارز باید هر چه سریع‌تر حل شود. هر چند به نظر می‌رسد برای کنترل شوک‌های ارزی نیازمند راه‌حل‌های سیاسی هستیم که با استفاده از این ابزار سیاسی در نهایت می‌توانیم رشد و توسعه اقتصادی را نیز افزایش داده و بهبود بخشید. احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی که اساس نظارت بر بودجه، از تدوین تا هزینه را از بین برد، باید یکی از الزامات دولت جدید باشد. مدیریت درآمد و توازن بودجه نیاز به سازمان برنامه و بودجه دارد. در این سال‌ها دولت با عادت بر کسری بودجه، همواره روی پایه پولی و تورم کشور تأثیر می‌گذاشت که این روند باید متوقف شود. در دورانی که موضوع توسعه اقتصادی کشور دغدغه بود، سند چشم‌انداز 20 ساله تدوین شد که در این سال‌ها از آن عدول شد. در این سال‌ها به‌رغم آنکه برنامه‌های توسعه‌ای کشور تدوین می‌شد و وجود داشت، اما به دلیل آنکه عدالت و توزیع پول نقد در اولویت بالاتری برای دولت قرار داشت، به توسعه دست نیافتیم. اکنون نمی‌توان مدعی شد که با چه نوع برنامه‌ای به توسعه خواهیم رسید و شاید بتوان گفت وجود برنامه در شرایطی که دولت دغدغه توسعه نداشته باشد، چندان مهم نیست. اگر برنامه‌ای مانند برنامه اول و سوم توسعه اقتصادی که بسیار متریقی بود و اجرایی نیز شد، نوشته شود و دولت جدید نیز در عمل به‌واقع خواهان توسعه باشد، می‌توان به اهداف پیش‌بینی شده دست یافت. یکی از ایرادات برنامه‌های توسعه‌ای نداشتن قید اجرایی است. دولت‌ها به دلیل روابط خاصی که با مجلس دارند، مورد سوال قرار نگرفته یا از جواب منطقی شانه خالی می‌کنند. با توجه به شرایط کنونی ایران و جهان و روابط موجود، حتی با حضور یک فرد باهوش نیز نمی‌توان به وضعیت اقتصادی که ایران در سال 84 داشت، بازگشت. در چنین چارچوبی نمی‌توان آمیدی به توسعه داشت. با بهبود ارتباطات می‌توان به جذب سرمایه‌های خارجی امیدوار بود. در آن شرایط موقعیت ایران ظرف سه تا چهار سال تغییر کرده و به سمت بهبود در کنترل تورم و رشد مثبت اقتصادی گام برمی‌دارد.

يك کارشناس کارگری:

وعده افزایش حقوق کارگران شعاری برای تصاحب کرسی وزارت بود

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: يك کارشناس مسائل کارگری، وعده‌ی برگزاری جلسه‌ی ویژه شورای عالی کار به منظور افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران را «شعاری برای تصاحب کرسی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی» از سوی سرپرست وقت این وزارتخانه دانست.

«محمدرضا عمادی» در این باره به ایلنا گفت: سردادن شعارهای جذاب برای کسب قدرت در کشور، همه گیر شده و تجربه ثابت کرده بیشتر صحبت‌هایی که پیش از رسیدن به قدرت انجام می‌شود وعده‌های تو خالی است.

پیش از این، «اسدالله عباسی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هفته‌ی کارگر از تشکیل جلسه ویژه شورای عالی کار به منظور بررسی امکان افزایش حق مسکن و حق خوار و بار در نیمه دوم اردیبهشت ماه خبر داده بود. گفتنی است طرح این وعده پیش از رای اعتماد مجلس نهم شورای اسلامی برای سپردن وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به وی صورت گرفت.

به گفته‌ی آقای عمادی، «در صورتی که وعده‌ی برگزاری جلسه‌ی ویژه شورای عالی کار به منظور افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران عملی شود آقای عباسی فردی متفاوت از سیستم به شمار می‌رود.»

این کارشناس کارگری در پایان اظهار داشت: حتی در صورتی که افزایش حق مسکن از سوی شورای عالی کار مصوب شود نیازمند موافقت هیئت دولت است.

برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در زندان اوین

به نوشته سایت اخبار روز - گزارش دریافتی در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: چهارشنبه هفته گذشته، مصادف با روز جهانی کارگر، با برگزاری مراسمی به همین مناسبت در داخل بند ۲۵۰ توسط زندانیان سیاسی همراه شد تا به این وسیله اعلام همبستگی ای با جنبش های طبقه کارگر در سراسر جهان و به ویژه ایران گردد.

مراسم با همخوانی سرود «خون ارغوان ها» توسط زندانیان در حیاط بند آغاز شد و در ادامه با دکلمه ی شعر از سعید سلطانیور (شانه به شانه با فلز تاوان، زمین کوان) ادامه یافت. سپس آقای رضا شهابی، کارگر عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به ایراد سخنانی در رابطه با وضعیت کارگران در ایران پرداخت. شهابی با بیان اینکه "امروز برای آگاهی از وضعیت کارگران ایران، دیگر چندان نیازی به اپوزیسیون نیست و نگاهی به روزنامه های وطنی خود گویای عمق فاجعه است" صحبت خود را در سه بخش ادامه داد:

در بخش اول شهابی با مروری بر وضعیت کارگران از ابتدای انقلاب تا به امروز گفت مدیریت های انقلابی و جنگی و سازندگی و اصلاح طلب و اصولگرا، فصل مشترک عملکرد تمامی دولت های پس از انقلاب را در برخورد با طبقه کارگر، در سه مقوله دانست:

۱- موقتی سازی

۲- بیکار سازی

۳- بی نوا سازی

در بخش دوم، ایشان ضمن اشاره به مقاومت های طبقه کارگر ایران علیه هجمه ی ضد کارگری تمام این سالها، از تجربه بازگشایی سندیکاها به عنوان مقاومت سازمان یافته ی طبقه کارگر ایران پس از جنگ علیه جریان تعدیل ساختاری یاد کرد و به عنوان مثال به ذکر گوشه ای از تلاش های موفق سندیکای شرکت واحد برای بازپس گیری حقوق معوقه کارگران اشاره کرد و دستاوردهای سندیکای اتوبوس رانی را برای جامعه کارگران ایران عبارت از سه مورد زیر دانست:

۱- الهام بخشیدن به دیگر بخش های طبقه کارگر و مردم در به نتیجه رسانیدن مطالبات شان در صورت متشکل و پایدار بودن در پیگیری مطالبات

۲- ارتقای سطح فرهنگی کارگران به ویژه در نحوه برخورد با خانواده های شان

۳- افزایش ۵۰ درصد دستمزد

شهابی در پایان با ذکر اینکه "تجربه به ما ثابت کرده که هیچکس به داد کارگران نمی رسد مگر خود کارگران" و اینکه "اگر در این سالها وضع طبقه کارگر بدتر شده، به این دلیل نیست که فقط خواسته به نیروی خودش متکی باشد، بلکه برعکس، آنجایی ضرر کرده است که به نیرو و توان خودش شک کرده و افسارش را به دست این کاندیدا و آن کاندیدا داده است" اعلام مطالبات ۱۴ گانه ی خود، از جمله لغو قرارداد موقت، حق بهره مندی از تشکل مستقل و لغو تحریم ها ضمن درود به همه کارگران و آرزوی اتحاد هرچه بیشتر یاد و خاطره شهید کارگر ستار بهشتی را گرامی داشت.

در ادامه، مراسم با اجرای قطعات موسیقی و تئاتر و سرود "رود" ادامه یافت و دست آخر با شیرینی و شربتیی که خود زندانیان درست کرده بودند از دیگر همبندیان پذیرایی شد.

نماینده بوشهر در شورای عالی استان:

چرا وزارت نفت حاضر نیست بیمارستان فوق تخصصی در بوشهر ایجاد کند!

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده بوشهر در شورای عالی استان با بیان اینکه بوشهر دارای پالایشگاه های متعدد گازی و نیروگاه اتمی است، گفت: متأسفانه

وزارت نفت حاضر نیست یک بیمارستان فوق تخصصی برای مردم این شهر که دائماً در معرض آلودگی پالایشگاه هستند ایجاد کند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، ابراهیم مرادی شصت و هفتمین جلسه شورای عالی استان ها با اشاره به اینکه اهمیت و جایگاه بوشهر بر هیچ کس پوشیده نیست، اظهار کرد: وجود بیش از 10 هزار شرکت عظیم پتروشیمی، پالایشگاه های متعدد گازی، 5 فرودگاه و غیره بیانگر اهمیت بوشهر است اما سوال اینجا است آیا روند توسعه و عدالت در زیرساخت ها شهر بوشهر مورد رضایت مردم است. وی ادامه داد: در زمان آغاز فعالیت نیروگاه اتمی بوشهر بیمارستان مجهز راه اندازی شد که در زمان جنگ نیز منشا خیر بود، اما وزارت نفت در حال حاضر یک بیمارستان فوق تخصصی برای پرسنل بر مردم این استان دایر نمی کند.

نماینده بوشهر در شورای عالی استان با بیان این که تا کی مردم بوشهر باید دود و دم پالایشگاه ها را شاهد باشند، تصریح کرد: در زمان زلزله در بوشهر مردم تنها متوجه آمدن زلزله شدند اینکه زمین لرزید اسباب و اثاثیه مردم از بین رفت اما صحبت این جا است که در مناطق زلزله زده همچون شبیه همبازی کودکان سنگ و کلوخ شده است و چادرهای سفید هلال احمر در برابر گرمای سوزان بوشهر دوامی ندارند با آمدن سیل مردم زلزله زده حداقل های زندگی خود را نیز از دست داده اند.

مرادی با اشاره به اینکه شهر شبیه تنها شهر ایران است که خط اینترنت بانک و پمپ بنزین ندارد، گفت: با وجود تلاش های مکرر موفق نشدیم تا یک انتن موبایل در این شهر دایر کنیم و با توجه به سختی زندگی بسیاری از این منطقه مهاجرت کردند. وی ادامه داد: در حادثه اخیر تنها حضور نیروهای نظامی و انتظامی بخشی از مشکلات مردم را حل کرد اما متأسفانه با بارش های اخیر خسارات زیادی به مردم وارد شد از این رو از شورای شهر تهران و سایر کلان شهر های ایران درخواست می کنم که کمک های نقدی خود را به زلزهدگان و سیل زدگان شهر شبیه دریغ نکنند.

پایان پیام

کارخانه ساخت مواد شیمیایی اصفهان همزمان با افتتاح دچار حریق شد

به گزارش خبرنگار دولتی مهر از اصفهان، در 19 اردیبهشت 92 آمده است: ساعت هشت و بیست دقیقه صبح امروز (پنجشنبه) کارخانه ساخت مواد شیمیایی یلدا شیمی در جاده اصفهان - شهرضا که قرار بود کار خود را به طور رسمی آغاز کند، همزمان با استارت رآکتورهایش با آتش سوزی به نسبت مهیبی روبرو شد تا حدی که حرارت شدید شعله های آتش از چند صد متری نیز حس می شد. در حال حاضر آتش نشانی، اورژانس و نیروی انتظامی در محل حاضر هستند و شرایط تحت کنترل آنها است. هنوز از تلفات احتمالی این حادثه خبری در دست نیست

کارگران معترض عسلویه با اعتصاب و تحصن توانستند بخشی از حقوق خود را دریافت کنند

به نوشته سایت ایران کارگر -19 اردیبهشت 92 آمده است: در مجتمع پارس جنوبی تنها از شرکت پتروشیمی فاز 12 حداقل 50 کارگر اخراج شدند. بهانه اخراج این کارگران غیبت در ساعت کاری بود. شرکت های پیمانکاری برای بکارگیری کارگران بیکار شده و کم توقع تر، کارگران شاغل را به بهانه های واهی از کار اخراج می کنند و دستمزدها و حقوقهایشان را پرداخت نمی کنند.

عضو شورای عالی استانها:

کارخانه های کشور در سایه وعده ایجاد 2500 شغل تعطیل شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است : نماینده استان آذربایجان شرقی در شورای عالی استانها گفت: عواملی که قانون گریزی و زیرپا گذاشتن قانون و خودسری را اساس کار خود کردند، بزرگترین ضربه را به انقلاب خواهند زد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، قادر جويا امروز (پنجشنبه) در شصت و هفتمین اجلاس عمومی شورای عالی استانها در نطق پیش از دستور، اعلام کرد: دولت وعده ایجاد دو هزار و 500 را اعلام کرد، اما متأسفانه نه تنها اشتغالی ایجاد نشد بلکه شاهد تعطیلی کارخانه‌ها نیز بودیم. وی ادامه داد: با برگزاری همایش، سخنرانی و بنرزدن و مقدمه درمورد حماسه سیاسی و اقتصادی، حماسه‌ای ایجاد نخواهد شد. لازمه سازندگی توسعه سیاسی و اقتصادی و لازمه پیشرفت و عدالت عمل به قانون است تا زمانی که خود را مقید به اجرای قانون نکرده ایم مشکل خواهیم داشت.

نماینده استان آذربایجان شرقی در شورای عالی استانها، تأکید کرد: عواملی که قانون گریزی و زیرپا گذاشتن قانون و خودسری را اساس کار خود کردند، بزرگترین ضربه را به انقلاب و اسلام که حاصل خون شهدا، تبعید و شکنجه های امام راحل و یاران صدیق امام است را خواهند زد.

پایان پیام

تداوم اذیت و آزار و بازداشت کارگران و سرکوب فعالیت‌های کارگری در هفته های اخیر

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری در 19 اردیبهشت 92 آمده است : تداوم اذیت و آزار و تعقیب قانونی کارگران و سرکوب فعالیت‌های کارگری در هفته های اخیر موجب شده است که تعداد دیگری از فعالین کارگری توسط نیروهای امنیتی دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار بگیرند. در سنج بدنبال راهپیمایی کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر تعدادی از شرکت کنندگان در این تظاهرات بازداشت شدند و فضای شهر سنج به خصوص به شدت امنیتی شده است و بسیاری از فعالین کارگری مورد تهدید قرار گرفته اند. بنا به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری اکثریت دستگیر شدگان اول مه با قید ضمانت آزاد شده اند.

همچنین از تاریخ دوم ماه مه جلیل محمدی و حامد محمود نژاد در شهر سنج بازداشت شده اند و تا کنون خبر موثقی از وضعیت آنها در دسترس نیست. شاهرخ زمانی در روز اول مه به زور توسط ماموران از زندان گوهردشت به دادگاه برده شد و اتهام واهی توهین به "رهبری" به وی تفهیم شد. همزمان بهنام ابراهیم زاده تحت فشار برای بازگشت به زندان با وجود بیماری شدید و معالجات تنها فرزندش قرار گرفته است. رضا شهبابی را نیز با وجود پایان نیافتن معالجاتش مجبور به بازگشت به زندان نمودند. غالب حسینی و علی آزادی با وجود پایان بازجوییها بدون حکم و بدون هیچگونه دلیلی در بازداشت نگاه داشته شده اند و دیگر فعالین کارگری از جمله پدram نصرالهی، محمد جراحی و رسول بدافی کماکان محبوس هستند.

ما ضمن محکوم نمودن اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری در ایران و تلاش برای آزادی فعالین کارگری در بند، به این واقعیت تأکید داریم که با وجود جو شدید امنیتی در سراسر کشور، کارگران در شهرها و مناطق مختلف ایران مراسمهای اول ماه مه خود را به مناسبت روز جهانی کارگر به هر نحو توانستند برگزار کردند، از جمله باید به تظاهرات و راهپیمایی در خیابانهای سنج اشاره کرد که در شرایطی برگزار گردید که ماموران رژیم با تهدید و ارباب همه نیروی خویش را بکار برده بودند در هیچ مرکز کار و شهری حرکتی اعتراضی صورت نگیرد. در عین حال لازم به تأکید است برای گسترش این مبارزات باید فضای امنیتی و اقدامات سرکوبگرانه حکومتی را به عقب نشاند و با اتکا به اتحاد طبقاتی و تشکلات مستقل کارگری و جنبش کارگری در ایران و جهان به مبارزه برای دستیابی به کلیه مطالبات و خواستهای کارگران ادامه داد.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۸ مه ۲۰۱۳

کارگران شهرداری شیراز نسبت به عدم دریافت حقوق خود معترضند

به نوشته سایت ایران کارگر -19 اردیبهشت 92آمده است : کارگران شهرداری منطقه 8 شیراز نسبت به عدم دریافت حقوق خود ابراز نارضایتی کردند. بیش از 100 کارگر که با شرکتهای پیمانکاری در قسمت فضای سبز بکار خدمات دهی اشتغال دارند ، هنوز پیمانکار شرکت مربوطه حقوق فروردین ماه کارگران را به آنها پرداخت نکرده است.

يك فعال مستقل کارگری:

وعده‌های تبلیغاتی از فشارهای اجتماعی نمی‌کاهند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است يك فعال مستقل کارگری، وعده‌ی برگزاری جلسه‌ی ویژه شورای عالی کار به منظور افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران را «قول تبلیغاتی» خواند که بر خلاف تصور عاملانش، «فشارهای اجتماعی» را کاهش نمی‌دهد.

«پروین محمدی» در این باره به ایلنا گفت: کارگران بار گرانی و تورم افسارگسیخته‌ی فعلی را بر دوش خود احساس می‌کنند و نمی‌توان با قول‌های تبلیغاتی از نارضایتی‌های اجتماعی کاست.

پیش از این، «اسدالله عباسی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هفته‌ی کارگر از تشکیل جلسه ویژه شورای عالی کار به منظور بررسی امکان افزایش حق مسکن و حق خوار و بار در «نیمه دوم اردیبهشت ماه» خبر داده بود.

محمدی با اشاره به «ژست کارگری» مسئولان فعلی وزارت کار افزود: امیدواریم وعده‌هایی که به کارگران داده می‌شود تحقق پیدا کند تا منجر به افزایش بی‌اعتمادی‌ها نشود.

نایب رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران تصریح کرد: حتی اگر حق مسکن و حق خوار و بار کارگران افزایش یابد درمانی بر دردهای معیشتی کارگران نخواهد بود. به گفته‌ی خانم محمدی، «حق مسکن 10 هزار تومانی، حق خوار و بار 600 تومانی و حق اولادی که تنها 10 درصد حقوق کارگران را شامل می‌شود مضحك است.»

این فعال مستقل کارگری در پایان تاکید کرد: کارگران به موجودیت مزد 487 هزار تومانی و تمام بندهای الحاقی به آن معترض‌اند.

پایان پیام

جنبش کارگری و چالش‌های پیش رو

علیرضا ثقفی

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/05/blog-post_9.html#more

شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۲

لب فروبندید ای همدردی‌هان تنها بر لب ، در واژه
ای تهی در خون‌هاتان از همدردی‌ها

من نه دورم از اندیشه‌ی آسان‌تر همدردی‌تان
ای شما همدردی را خواهان ، تنها در بی‌خطری
ای شما همدردی را خواهان ، اما خواهان‌تر ، سود خود را

سعید سلطان‌پور

نفوذ طرفداران سرمایه‌داری در جنبش کارگری سابقه‌ای دیرینه دارد که اگر بخواهیم به تاریخچه آن بپردازیم می‌توان آن را همزاد جنبش کارگری دانست. این نفوذ و تلاش در جهت تسلط در آوردن جنبش کارگری در کشورهای مختلف و در زمان‌های گوناگون اشکال متفاوتی داشته است و در کشور خودمان نیز از ایجاد دسته‌های فاشیستی گرفته تا نهادهای دولت ساخته، همواره تلاش داشته‌اند تا کارگران را با نام دفاع از حقوق‌شان تحت کنترل و تسلط در آورند. آنچه این امر را برای کارگران پیچیده‌تر می‌کند ورود اپوزیسیون‌های دولتی در لباس طرفداری از حقوق کارگران و موضع‌گیری جناح‌های مغلوب سرمایه‌داری به نفع کارگران است. جناح‌های مغلوبی که تا زمان قدرت داشتن هیچ‌گونه حرکتی به نفع کارگران انجام نداده‌اند و گویا تنها پس از خلع شدن از قدرت به یاد کارگران و زحمتکش‌شان افتاده‌اند و در این میان نسل‌های جدید با ناآگاهی و گسست اجباری از نسل‌های قدیمی‌تر در معرض آسیب زودباوری این مدعیان طرفداری از حقوق کارگران قرار دارند. اما طرفداران وضع موجود و آنان که می‌خواهند شرایط کنونی کارگران و زحمتکش‌شان را به هر ترتیب حفظ کنند چگونه می‌توانند طرفدار حقوق کارگران باشند. امروزه بسیاری طرفدار حقوق کارگران شده‌اند. صدای آمریکا به طرفداری از کارگران ایران برنامه می‌گذارد و بنگاه سخن‌پراکنی بی‌بی‌سی سینه‌چاک حقوق کارگران می‌شود و گروه‌های سلطنت‌طلب و اصلاح‌طلب‌های گوناگون خود را مدافع حقوق کارگران می‌دانند، همه از آزادی تشکل‌های کارگری و حقوق پایمال‌شده‌ی کارگران صحبت می‌کنند و... هر چند این خیل عظیم طرفداری از حقوق کارگران بیانگر حقانیت مبارزه‌ی آنان برای به‌دست آوردن حقوق از دست‌رفته‌شان است و این امر را اثبات می‌کند که حتی آنان که در گذشته خود کارنامه‌ی درخشانی در پایمال‌کردن حقوق کارگران داشته‌اند، اکنون که دستشان از قدرت کوتاه است به‌دست اندازی به حقوق کارگران و زحمتکش‌شان و افشار تحت ستم اذعان می‌کنند. اما هوشیاری جامعه کارگری باید در آن باشد که اصول خدشه‌ناپذیر دفاع از حقوق کارگران را بشناسد و در هر تحولی این اصول را سرلوحه‌ی خواسته‌های خود قرار دهد تا بار دیگر به مسلخ سرمایه‌داری کشیده نشود و از نیروی عظیم طبقه کارگر در جهت قدرت‌طلبی این یا آن جناح سرمایه‌داری سوءاستفاده نشود که در آخر کار سرمایه‌داران همچنان مسلط بر صحنه بمانند و کارگران و زحمتکش‌شان تنها شاهد دست‌به‌دست شدن قدرت باشند. در حقیقت ما باید بتوانیم اصول دفاع از حقوق کارگران را به گونه‌ای روشن و واضح بیان کنیم و آن اصول را سرلوحه هر گونه حرکت کارگری قرار دهیم تا صف مدعیان فرصت‌طلب دفاع از حقوق کارگران و زحمتکش‌شان را از جبهه اصلی جدا کنیم و به قول آن شاعر دهان دوخته «فرخی یزدی که در حدود هفتاد و پنج سال پیش با درایت و تیزبینی در باره حقوق زحمتکش‌شان گفت:

کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود
این دو صف را کاملاً از هم جدا باید نمود

توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود
در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای

و اگر شاهد آن هستیم که پس از این‌همه سال هنوز این دو صف کاملاً از هم جدا نیستند آن را باید به عوامل زیر مربوط بدانیم ۱- تغییرات روزمره در زندگی، کار و تحولات اجتماعی با سرعت فراوان و همچنین جایجایی خیل عظیم نیروی کار در سطح جهانی و منطقه‌ای دائماً این صفوف را به بالا و پائین و یا به یمن و یسار می‌کشاند. ۲- این جایجایی همراه با سرکوب و کشتار و بیرون راندن مبارزان صفوف کارگران از درون آنان و ورود خیل عظیم نیروی جدید کار به بازار کار مانع از انتقال تجربه گذشتگان به تازه‌واردان جدید عرصه نیروی کار می‌شود. ۳- عرصه مبارزه طبقاتی هر روز تغییر کرده و سرمایه‌داران و نهادهای مدافع آنان این عرصه را به راه‌های جدیدی می‌کشاند و با واردکردن ترفندها و استفاده از فناوری‌های جدید آن چنان صحنه را تغییر می‌دهند که بدون هشیاری طبقاتی درک آن به‌وسیله نسلی که تازه وارد بازار کار شده بسیار مشکل است. در نتیجه بر فعالین کارگری و مبارزان عرصه نیروی کار است تا در هر زمان و در هر مقطع این صفوف به‌هم‌ریخته را منظم کرده و معیارهای مشخص دفاع از حقوق کارگران و زحمتکش‌شان و افشار تحت ستم را در هر دوره بیان

کنند.
با مشخص شدن معیارهای معین دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان در هر مقطع زمانی است که می‌توان به مدعیان دروغین طبقه کارگر *گفت که:
برو این دام بر مرغ دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه

به همین جهت وظیفه ما پرداختن به این معیارها و روشن کردن صفوف است.
الف- اولین مسئله و روشن‌ترین آن عبارت از این است که چگونه می‌توان طرفدار نظم و نظام سرمایه‌داری بود و از حفظ و تداوم این نظام به هر ترتیب دفاع کرد و هم زمان از حقوق کارگران و زحمتکشان صحبت کرد و خود را طرفدار حقوق آنان دانست. نظام سرمایه‌داری چگونه قادر به حل مشکلات است و اگر توانائی حل مشکلات را دارد، پس چگونه است که هر روز با گسترش فقر، گرسنگی و جنگ‌های خانمان‌برانداز و لشکرکشی‌ها در سراسر جهان مواجه‌ایم.

کارگران و زحمتکشان تحت شدیدترین فشارها هستند، بار گران زندگی و فقر را به دلیل حاکمیت روابط سرمایه‌داری تحمل می‌کنند درعین‌حال با آگاهی، سر باز یک جناح سرمایه‌داری علیه جناح دیگر نمی‌شوند. جناح‌های مختلف سرمایه‌داری چه در کشور ما و چه در سایر کشورها نشان داده‌اند که در دوران حاکمیت خود بیشترین تجاوزگری‌ها را به حقوق کارگران و زحمتکشان انجام داده‌اند؛ هر یک در زمان حاکمیتشان در پایداری حقوق مردم تحت ستم از دیگران پیشی گرفته‌اند و آن هنگام که اعتراضات مردم از بی‌عدالتی و فقر و گرسنگی بالا گرفته است، جای خود را به دیگری داده‌اند تا آنکه چند صباحی در قالب اپوزیسیون به سیاست‌های حاکم انتقاد کنند و جناح مغلوب تحت سپر جناح غالب به بازسازی خود پردازد.
آنان اگر به گونه‌ای واقعی طرفدار حقوق کارگران و زحمتکشان هستند باید در درجه اول بنیان نظام سودمحور را که هیچ‌چیز جز سود سرمایه را محور اصلی خود نمی‌داند زیر سؤال ببرند. آیا تاکنون این مدعیان امروزین طرفداری از حقوق کارگران، حتی برای یک بار هم که شده، سودمحوری نظام سرمایه‌داری را زیر سؤال برده‌اند؟

ب - چگونه می‌توان طرفدار حقوق کارگران بود و از خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت حمایت کرد. طرفداران امروزین حقوق کارگران، دولت فعلی را - و دولت‌های فعلی را در کشورهای دیگر - از آن جهت مورد انتقاد قرار می‌دهند که خصوصی‌سازی را خوب اجرا نکرده است و اگر کار به دست اپوزیسیون حکومتی و جناح دیگر حاکمیت باشد، کار به مراتب بهتر انجام می‌شود.

اولاً که همگان به روشنی می‌دانند که خصوصی‌سازی‌ها در دوران همین به اصطلاح اصلاح‌طلبان و طرفداران اقتصاد بازار آزاد پایه‌گذاری شد. در ثانی امروزه همه جناح‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری از اصلاح‌طلب و سلطنت‌طلب و ملی‌گرایان از هر نوع، طرفداران سینه‌چاک خصوصی‌سازی هستند و اسم رمز دفاع از خصوصی‌سازی کافی است تا طرفداران نظام سرمایه‌داری خودشان را از مخالفان آن نظام جدا کنند. زیرا که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت حرفش در یک کلام مشخص است و آن این است که: هرکس پول بیشتری دارد باید از آموزش و پرورش و بهداشت بهتری برخوردار باشد.

این شعار اصلی طرفداران خصوصی‌سازی است و در دو دهه گذشته که این شعار در تمام کشورهای تحت نظام سرمایه‌داری به اجرا در آمده است خیل عظیم کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و در یک کلام آنان که مجبور به فروش نیروی کارشان برای گذران زندگی هستند، تحت شدیدترین فشارها و محرومیت‌ها قرار گرفته‌اند. بسیاری از خانواده‌های کارگری، چه در ایران و چه در کشورهای دیگر که این طرح‌ها پیاده شده مجبور شده‌اند فرزندانشان را از ادامه تحصیل بازدارند و هر روز تحصیلات عالی، بیشتر به سرمایه‌داران و صاحبان ثروت و قدرت و وابستگان آنان اختصاص یافته است و در نتیجه خیل عظیم کودکان کار ۱ و خیل عظیم خانواده‌های زیر خط فقر و ناتوان از تأمین بهداشت و آموزش و پرورش ۲ هم چنان با خصوصی‌سازی‌ها در حال افزایش و استفاده از بهترین امکانات آموزشی و بهداشتی برای عده‌ای خاص است. این اقلیت ناچیز اما صاحب قدرت و سرمایه و فرمانروایان سرکوب، علاوه بر کالایی شدن این دو مقوله در حقیقت امکانات آموزشی و بهداشتی را در خدمت کارهای عجیب و قریب سرمایه‌داران قرار می‌دهند تا فرهنگ سرمایه‌داری و انگلی را رواج دهند. آنها هزینه‌های زیادی صرف انگل‌وارگی خود می‌کنند. هزینه‌هایی نظیر زیبایی و تناسب‌اندام... و یا انواع داروهای مختلف افزایش و کاهش سایزهای اندام تناسلی که بخش عظیمی از بودجه‌های آموزش و پرورش و بهداشت را در

جوامع مختلف به خود اختصاص می‌دهد. در حقیقت خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت سبب شده است تا امکانات پیشرفت دست‌آوردهای بشری و علوم کسب‌شده و اکتشافاتی که با جان‌فشانی نیروی کار در سراسر تاریخ به دست آمده است بجای آنکه صرف بهبود زندگی انسان‌ها شود، به مصارف عیاشی‌ها و خوش‌گذرانی‌های خارق‌العاده برسد و انگل‌وارگی را تبلیغ و ترویج کند. استفاده از انواع مواد افیونی مضر برای سلامتی انسان‌ها و زندگی انسانی، تنها در دستان عده‌ای قلیل برای خوش‌گذرانی و رواج آنها در میان طبقات فرودست به‌جان‌آمده از فشارهای اقتصادی برای بی‌تفاوت کردن آنان و جلوگیری از گسترش اعتراض، در حقیقت بخش بزرگی از دست‌آوردهای انسان‌ها را صرف نابودی زندگی انسان‌ها می‌کند. علاوه بر آن بودجه‌های عظیم آموزش و پرورش در دانشگاه‌ها و مراکز علمی صرف به اصطلاح علوم تبلیغاتی بازاریابی و... می‌گردد و بودجه‌هایی عظیم‌تر صرف ساخت سلاح‌های کشتار انسان‌ها.

آیا تا به حال هیچ‌کدام از این جناح‌های سرمایه‌داری به‌جای دادن شعار خصوصی‌سازی و کم‌کردن بودجه دولت‌ها به طور جدی خواهان جلوگیری از بودجه‌های کلان نظامی و امنیتی و لغو آنها شده‌اند. چرا وقتی به کارگران و زحمتکشان می‌رسند خواهان صرفه‌جویی هستند، اما زمانی که به بودجه‌های نظامی و پلیسی و امنیتی می‌رسند همه طرفداران سینه‌چاک صرفه‌جویی، هیچ حرفی از آن به میان نمی‌آورند.

ج - چگونه می‌توان طرفدار حقوق کارگران بود و از آزادسازی قیمت‌ها و یا به زبان وطنی هدفمند کردن یارانه‌ها حمایت کرد. این طرح که اجرای آن در سراسر کشورهای تحت حاکمیت نظام سرمایه‌داری، به‌عنوان مکمل خصوصی‌سازی مطرح بوده است، تنها معنایش اجازه دادن به سرمایه‌دار در اححاف هر چه بیشتر به کارگران و زحمتکشان بطور خاص و نیروی کار بطور عام است. طرفداران این طرح که خواهان واگذاری همه چیز به بازار آزاد هستند در حقیقت خواهان آن هستند که دارندگان سرمایه و آنها که فاقد هرگونه سرمایه‌ای هستند در شرایطی با یکدیگر به مبادله پردازند که همه قوانین و نظم و نظام جامعه و نیروهای نظامی و امنیتی در خدمت سرمایه‌داری هستند. آزادسازی قیمت‌ها خواهان آن است که تنها ارزش و معیار ارزش‌ها، می‌بایست سودآوری هر نوع فعالیت اقتصادی و اجتماعی باشد.

آزادسازی قیمت‌ها درحالی‌که تورمی لجام‌گسیخته را بر قیمت کالاها تحمیل می‌کند، از کارگران و زحمتکشان می‌خواهد که نیروی کار خود را ارزان تر بفروشند و با ریختن خیل عظیم نیروی بیکار شده به بازار، از آنان می‌خواهد و در حقیقت به آنان تحمیل می‌کند که نیروی کار خود را هر چه ارزان‌تر در خدمت سرمایه‌داران قرار دهند که نمونه‌های آن را در همه کشورها شاهد هستیم. پس چگونه می‌تواند کسی هم طرفدار حقوق کارگران و فروشندگان نیروی کار باشد و هم از آزادسازی قیمت‌ها دفاع کند و همه چیز را به بازار آزاد واگذارد.

د- موارد دیگری را نیز می‌توان بر شمرد که در آن بتوان معیارهای جدائی صفوف کارگران و زحمتکشان را از مدعیان فریبکار جدا کرد. از آن جمله، دفاع مطلق از حق ایجاد تشکل‌های کارگری، صنفی و اتحادیه‌ای، حقوق زنان، حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، آزادی مطلق اندیشه و بیان، حق اشتغال و مسکن و... است که فهرستی بلندبالا است و در همه این زمینه‌ها می‌توان صفوف کارگران و زحمتکشان از مدعیان دروغین و رنگارنگ جدا نمود. ولی در این مختصر می‌توان به همین موارد بسنده کرده تا مدعیان بتوانند تا حدودی تکلیف خود را روشن کنند و کارگران و زحمتکشان و فروشندگان نیروی کار نیز آنان را بیشتر بشناسند.

زمینه‌های نفوذ افکار سرمایه‌داران در میان کارگران و زحمتکشان

اما چگونه است که این افکار غیر کارگری و در حقیقت افکار دفاع از نظام سرمایه‌داری می‌تواند در میان کارگران نفوذ کند و در حقیقت جایگاهی هر چند جزئی برای خود بیابد. به زبان دیگر چه چیز آنان را به طمع می‌اندازد که گمان کنند به راحتی می‌توانند خود را مدافع حقوق کارگران و زحمتکشان جا بزنند.

اولین مساله آن است که در میان کارگران و زحمتکشان اقشار مختلف وجود دارد، در میان آنان که نیروی کار خود را می‌فروشند یکسانی و یکدستی وجود ندارد. بسیاری از آنان که نیروی کار خود را می‌فروشند و در صف کارگران و زحمتکشان قرار دارند، با گرفتن امتیازات و حقوق‌های بالا، در حقیقت به وسیله سرمایه‌داران اغوا می‌شوند و خود نیز به نوعی در خدمت سرمایه‌داری و حفظ کلیت وضع موجود درمی‌آیند. از طرف دیگر همین دارندگان امتیاز و مبلغان نظام سرمایه‌داری این چنین باور دارند که گویا تنها با افزایش حقوق و بالا رفتن دریافتی آنان زندگی بر وفق مراد خواهد بود. این نوع تفکر تبلیغ‌شده از طرف مبلغان سرمایه‌داری را می‌توان هم در میان رده‌های بالای کارگری و هم در میان بوروکرات‌های اتحادیه‌ای در سراسر جهان مشاهده کرد. بوروکراتیسم

اتحادیه‌ای و یا آنان که از طریق مبارزات کارگری در جایگاه ممتازی قرار گرفته‌اند، کمتر نگران زندگی آینده کارگران هستند، همان‌گونه که کارگران با شغل‌های رسمی سرپرستی، یا متخصصان مورد نیاز سرمایه‌داری با حقوق‌های کلان تطمیع می‌شوند. بوروکرات‌های اتحادیه‌ای با امتیازاتی که از موقعیت خود به دست می‌آورند، زمینه‌ای هستند تا آنکه جناح‌های سرمایه‌داری بتوانند از آنان برای به‌سازش کشاندن مبارزه طبقاتی و جنبش کارگری استفاده کنند. از همین جا است که موقعیت‌های رهبری سندیکائی و اتحادیه‌ای نباید دائمی باشد و کارگران برای آنکه بتوانند از نفوذ افکار سرمایه‌دارانه در میان تشکل‌های خود جلوگیری کنند و هر زمان با معیارهای کارگری خواسته‌های خود را بیان کنند، از دائمی شدن موقعیت‌های خاص اتحادیه‌ای و سندیکائی برای افراد معین جلوگیری کنند و اجازه ندهند نوعی رهبری دائمی و یا نوعی تصمیم‌گیرندگی بی‌چون‌وچرا در میان رهبران اتحادیه‌ای و کارگری برقرار شود و مدام موقعیت‌های بااهمیت را به چالش بکشند و هرچه بیشتر بدنه‌های کارگری را وارد خواسته‌ها و مطالبات کارگری خود کنند. علاوه بر آن نباید به هیچ عنوان از نظام شورایی در تصمیم‌گیری‌ها غافل شد. امری که فقدان آن می‌تواند زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های فردی و تسلیم‌طلبی‌ها و بده‌بستان‌های تعاملی با محافل سرمایه‌داری فراهم کند.

در این زمینه ضرورت جلسات مشورتی و شورایی دائمی و دخالت مستقیم کارگران در تصمیم‌گیری‌ها امری ضروری است، چرا که مهم‌ترین مانع افتادن به دام بوروکراتیسم و سازش‌کاری، چنین ضروریاتی است. این تلاش از جانب فعالان کارگری به‌خصوص در دوره اخیر صورت گرفته و باید در این زمینه عمیق‌تر و هوشیارانه‌تر حرکت کرد.

مورد دیگری که اهمیتش کمتر از اولی نیست، وظایف فعالان کارگری و مدافعان باتجربه حقوق کارگران است؛ آنان که دستی در مبارزات گذشته و فعلی کارگران دارند. وظیفه آنان است تا هر چه بیشتر و مدام بر مرزهای مشخص میان نظام سرمایه‌داری و منافع کارگران تاکید کنند و مدام خواسته‌های کارگری را در مسائل مشخص اجتماعی و سیاسی برای کارگران بازگو کرده و دام‌های گسترده سرمایه‌داری را در پیش روی کارگران هر چه بیشتر خنثی کنند. اینچنین با آگاهی دادن دائمی، از قرار گرفتن رهبری عمومی سندیکاها و اتحادیه‌ها به دست اقشار مرفه‌تر کارگری و تسلیم‌شدگان به فرهنگ سرمایه‌داری جلوگیری کنند. زیرا که قرار گرفتن رهبری کلان در دست اقشار ممتاز کارگری همواره این خطر را به همراه دارد که با گرفتن امتیازات اندک به سازش با سرمایه‌داری رسید.

توهم‌زدایی در میان زحمتکشان

مطلب دیگری که می‌توان به این نوشته اضافه کرد آن است که بر اثر ناآگاهی و خیل نیروهای جدید کارگری گاه اینچنین تلقی می‌شود که کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته بهشت برین کارگران است. این مطلب به دو جهت می‌تواند به صورت توهم در اذهان بعضی ایجاد شود. یکی آن‌که در این کشورها با مبارزات طولانی حداقل‌هایی از آزادی‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد و مردم آنها در پوشیدن لباس و ارتباطات اجتماعی دچار محدودیت چندانی نیستند. دیگر آنکه در آن کشورها و جوامع حداقلی از آزادی‌های تشکل‌های صنفی و سیاسی وجود دارد و برای عضویت در یک سندیکا یا اتحادیه و یا حزب سیاسی مجازات‌های زندان، شکنجه و محکومیت‌های جزائی وجود ندارد.

این امری درست است و جامعه ما تا رسیدن به آن دست‌آوردها فاصله زیادی دارد. اما این امر را نباید از نظر دور داشت که سرمایه‌داری در مکان‌ها و موقعیت‌های متفاوت ترفندهای مختلفی برای حفظ حاکمیت خود دارد. نظام سرمایه‌داری در آفریقا یک شیوه حاکمیت را دنبال می‌کند و در آمریکا شیوه دیگر را و در شرایط مختلف این شیوه‌ها متفاوت است.

دزدی، فساد، رشوه، اختلاس، سرکوب پلیسی، شکنجه و زندان، اعمالی است که سرمایه‌داری برای حفظ نظام خود به وجود آورده و به حاکمان دست‌دومی همانند کشور ما آموزش داده است. تفتیش عقاید، سرکوب مخالفان و انحراف مبارزات مردمی و... همه و همه از ابتکارات و اختراعات همین نظام سرمایه‌داری است، که به مزدورانش در سراسر جهان آموخته است.

مبارزات کارگران در سراسر جهان و برخوردهای سرکوبگرانه و پلیسی در چند سال گذشته به خوبی این امر را اثبات کرده است که در آنجا که بحث بر سر منافع اساسی نظام سرمایه‌داری است، پلیس و نیروهای سرکوبگر از همه توان‌شان در همه نقاط جهان برای تداوم تسلط سرمایه استفاده می‌کنند و در این امر تفاوت

چندانی میان بر خورد با کارگران معادن آفریقا و یا مبارزان ضد سرمایه‌داری در آمریکا نیست. تنها شیوه‌های اعمال، پیشرفته‌تر و عقب‌مانده‌تر است. به همان‌گونه که تکنولوژی سرمایه‌داری در تمام قلمرو حاکمیت این نظام یکسان نیست، تکنولوژی سرکوب هم پیشرفته و عقب‌مانده دارد و در این زمینه سهم مردم ما هم عقب‌مانده‌ترین شیوه‌ها شده است، درست آن‌گونه که تکنولوژی تولید ما هم عقب‌مانده‌ترین تکنولوژی‌ها است، افکار حاکمان ما نیز عقب‌مانده‌ترین افکار در برخورد با مردم است. اما همان‌گونه که می‌دانیم «اصل»، استثمار و بهره‌کشی از نیروی کار و کارگران است. اما این تفاوت شیوه‌های سرکوب در ایران و کشورهای دیگر زمینه‌ای است برای همان عوام‌فریبی و نفوذ جناح‌هایی از سرمایه‌داری در میان کارگران که با هوشیاری و درایت فعالین کارگری، زمینه‌ای برای گسترش نخواهد داشت. اما باید در این زمینه کار فراوان انجام شود. زیرا این تفاوت آشکار است که می‌تواند نیروهای طرفدار سرمایه‌داری از جناح‌های مغلوب را به طمع بیاندازد تا کارگران و زحمتکشان و مردم به‌جان‌آمده از سرکوب درازمدت و غیرانسانی را در توسل به هر وسیله‌ای تشویق کند و از آنجا که جناح‌های مختلف سرمایه‌داری دارای توان ارتباطی و تبلیغاتی بالائی هستند، آنان همواره نسبت به مدافعان حقوق کارگر در موقعیت برتری قرار می‌دهد، فاصله‌ای که باید تنها با تلاش بی‌وقفه و جان‌فشانی‌های مداوم فعالان کارگری و با اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر، پر شود.

اتحاد و همبستگی‌ای که دست یافتن به آن با گذر از مرزهای سخت فرقه‌گرایی در درون صفوف کارگران و فعالان کارگری امکان‌پذیر است و باید با تجدید شجاعت‌ها و از خودگذشتگی‌های کارگران و زحمتکشان در مبارزات دو قرن اخیر بدان دست‌یافت.

* بسیار شنیده‌شده که در محافل اصلاح‌طلبان فعلی و سینه‌چاکان دیروزین سرمایه‌داری گفته‌شده «ما بلدیم زیر تابوت فعالان کارگری سینه بزنیم» آن‌ها که به اصطلاح خود، می‌خواهند با هزینه کارگران و زحمتکشان قدرت چانه‌زنی در بالا را بیابند و از کارگران و جنبش کارگری نردبانی برای رسیدن به خواسته‌های خود بسازند، باید بدانند که این مسائل، کهنه و قدیمی شده و برای سوارشدن بر دوش کارگران کمی دیر شده و در همراهی با کارگران اولین گام، تجدیدنظر در دفاع از سرمایه‌داری است. هرچند سرمایه‌داران ترفند‌های خود را دارند اما بر فعالان کارگری و کارگران فعال است که این ترفندها را بشناسند.

کانون مدافعان حقوق کارگر

۱ طبق آخرین آمارها بیش از سیصد میلیون کودک کار و خیابان در جهان وجود دارد
۲ طبق آخرین آمارها بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون نفر به آموزش و پرورش و بهداشت دسترسی ندارند

افزایش 31 و نیم درصدی کرایه تاکسی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: با افزایش تورم نرخ کرایه تاکسی‌ها هم افزایش یافت و مدیرعامل سازمان تاکسیرانی گفت: برچسب نرخ‌های کرایه تاکسی‌ها در سال 92 از شنبه 21 اردیبهشت نصب می‌شوند.

به گزارش مهر، میثم مظفر با اشاره به ابلاغ مصوبه نرخ کرایه‌های تاکسی در سال 92 شورای اسلامی شهر تهران به شهرداری و فرمانداری تهران تصریح کرد: بر همین اساس برچسب نرخ‌های جدید از روز شنبه 21 اردیبهشت 92 بر تاکسی‌ها نصب و نرخ‌های جدید اجرایی می‌شود.

مظفر با بیان اینکه افزایش هزینه‌ها در سال جدید دلایل مختلفی دارد که ما قصد ریشه‌یابی آن را نداریم، گفت: این افزایش هزینه‌ها در زندگی برخی اقشار جامعه از جمله تاکسیرانان نمود بیشتری دارد و متأسفانه زندگی تاکسیرانان را با چالش جدی مواجه کرده است. به گفته وی افزایش هزینه‌های تامین قطعات خودرو، افزایش قیمت خودرو، استهلاک خودرو و تعمیرات و خدمات علاوه بر معیشت بر رانندگان تاکسی تحمیل شده است.

وی با اشاره به موافقت شورای شهر تهران با افزایش ۳۱ و نیم درصدی کرایه ها تاکسی در سال ۹۲ خاطرنشان کرد: این در حالیست که دولت هم مابه ازایی برای افزایش هزینه ها پرداخت نکرده است و رانندگان باید از درآمدها هزینه های مازاد سال جدید را پرداخت کنند.

مظفر در عین حال تصریح کرد: این افزایش نرخ-۳۱ و نیم درصد- معادل نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی برای سال جدید است.

تعطیلی کارخانه کاشی کاشانه کازرون و بیکار شدن 300 کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس بتاريخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: طی گزارشی از تعطیلی کارخانه کاشی کاشانه کازرون و بیکار شدن 300 کارگر این کارخانه خبر داد.

این گزارش، عامل پلمب شدن این کارخانه را بانک تجارت عنوان کرده و می افزاید: با وجود اینکه سرمایه گذار حاضر است چرخه تولید را در کارخانه های تعطیل راه بیندازد اما با کارشکنی بانک تجارت روبه رو می شود. براساس این گزارش، بانک تجارت با برشمردن تاریخچه راه اندازی شرکت کاشی کاشانه کازرون که در سال 1368 صورت گرفته است، ایجاد این واحد تولیدی را در قالب عقد مشارکت مدنی تسهیلاتی با این بانک عنوان کرده است و تعطیلی این کارخانه را توسط مراجع قضایی اعلام کرده و علت آن را عدم بازپرداخت تسهیلات دریافتی دانسته است.

این گزارش کارخانه های ساسان چشمه، پارس خرما و کویر موتور را از جمله کارخانه های دیگر تعطیل شده و یا رو به تعطیلی شهرستان کازرون برشمرد.

احتیاط؛ کارگران مشغول مبارزه با مرگ هستند

نیوشا صارمی

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 19 اردیبهشت 92 آمده است: اگر در ماه های اخیر پیگیر اخبار اجتماعی و حوادث بوده باشید حتما خبرهای زیادی از مرگ یا نقص عضو کارگران در حین انجام کار دیده و شنیده اید.

کارگرانی که این روزها علاوه بر غم نان و تامین معاششان باید بیش از پیش نگران سلامتی شان باشند. چرا که آخرین آمارهای منتشر شده، از رشد 19 درصدی تلفات ناشی از حوادث کار در سال 91 نسبت به سال 90

خبر می دهد.

به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی کشور، در سال گذشته یک هزار و ۷۹۵ نفر در حوادث ناشی از کار، جان خود را از دست دادند که این رقم در مقایسه با سال قبل که تعداد

فوتی های حوادث کار، یک هزار و ۵۰۷ نفر بود، 19.1 درصد بیشتر شده است. این در حالی است که پیش تر اعلام شد بررسی های سازمان پزشکی قانونی کشور در ۱۰ سال گذشته، نشان می دهد طی این مدت ۹

هزار و ۶۲۵ نفر بر اثر حوادث کار در کشور جان باخته اند که بیشترین میزان آن در سال 1390 بوده است. حالا سال 91، رکورد سال 90 را هم شکسته و لقب "مرگبارترین سال برای کارگران" را به خود اختصاص داده است.

این آمار وقتی نگران کننده تر می شود که بدانیم این ارقام، تنها مربوط به کارگرانی است که از بیمه تامین اجتماعی برخوردار بوده اند و چه بسا کارگرانی که در کارگاه های کوچک در حین کار جان باخته اند و خبرش هرگز

رسانه ای نشده است. از این جهت شاید لقب "مرگ خاموش" که فعالان کارگری آن را به کار می برند کلمه مناسبی برای جان باختن کارگرانی باشد که خبرهایشان کمتر در رسانه ها بازتاب پیدا می کند.

آمار مرگ کارگران؛ هر سال بیشتر از سال قبل

نگاهی گذرا به آمار مرگ و میر کارگران در محیط کار این واقعیت را پیش رویمان می گذارد که تعداد کسانی که در حین کار جانانشان را از دست داده اند سال به سال بیشتر شده است. پیش تر خبرگزاری ایلنا اعلام کرده بود متوسط مرگ کارگران در سال ۹۱ روزانه پنج نفر بوده است. بر اساس آخرین گزارش های سازمان پزشکی

قانونی، سقوط از ارتفاع، بیشترین علت مرگ و میر ناشی از حوادث کار در ایران عنوان شده است. پس از سقوط از ارتفاع، اصابت اجسام سخت، برق‌گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن به ترتیب رتبه‌های دوم تا چهارم مرگ‌آورترین حوادث حین کار را به خود اختصاص داده‌اند.

فعالان کارگری بارها عدم تامین امنیت کارگران در حین کار ابراز نگرانی کرده‌اند. پنج‌تشل کارگری ایران هم در آذرماه سال گذشته، با انتشار بیانیه‌ای نسبت به افزایش حوادث کار در ایران هشدار داده بودند. در این بیانیه عدم رعایت ملاحظات ایمنی و همچنین عدم تصویب و اجرای قوانین حمایتی لازم، "جنایت علیه نیروی کار" توصیف شده بود. این بیانیه با تاکید بر اینکه حوادث کار "دومین عامل مرگ و میر در ایران بعد از تصادفات است"، خواستار "ایجاد تشکلهای مستقل کارگری قدرتمند" برای تامین حقوق کارگران و بهبود شرایط کار شده بود.

شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل و رییس کانون مدافعان حقوق بشر، نیز در نامه‌ای به احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشری ایران، با انتقاد از افزایش مرگ و میر کارگران به دلیل حوادث ضمن کار نوشت: "علت این امر را می‌توان در فقدان امکانات و وسایل ایمنی، نبود برنامه‌های آموزشی لازم و ساعات کار طولانی که منجر به پایین آمدن تمرکز کارگران می‌شود، ذکر کرد".

برخی از کارشناسان مسائل کارگری هم کارفرمایان را مقصر اصلی در اکثر حوادث ضمن کار می‌دانند و معتقد هستند سهل‌انگاری، آموزش ندادن صحیح به کارگران و رعایت نکردن استانداردهای ایمنی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها با انگیزه کاهش هزینه‌های احتمالی از جمله قصور کارفرمایان هستند. چنانچه "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران" در بیانیه‌ای، با متهم دانستن کارفرمایان و دولت، نوشته است: "آنها از هزینه امکانات ایمنی و بهداشتی در محیط کار صرفه‌جویی می‌کنند تا سود بیشتری به دست آورند".

اول ایمنی بعد کار

"اول ایمنی، بعد کار" شعار خوش رنگ و لعابی است که در گوشه و کنار شهرها دیده می‌شود. اما اخبار و آمارها حکایت دیگری دارند. حکایت زحمت‌کشانی که از حق "ایمنی" در حین کار محروم هستند. کسانی که در کارگاه‌ها و کارخانه‌های ناامن بیشترین ساعات روزشان را سپری می‌کنند تا چرخ زندگی را به سختی بچرخانند. عواملی همچون فقدان حداقل آموزش به کارگران، فقدان امکانات ایمنی و بهداشتی، ساعت کار طولانی و متعاقباً خستگی مفرط و پایین آمدن تمرکز در حین کار، نور ناقص، تهویه نامطلوب، لباس خطرناک و نبود آموزش و ... تنها چند مورد از دلایلی است که مرگ خاموش کارگران را رقم می‌زند.

از سوی دیگر به رسمیت شناخته شدن تشکلهای کارگری و دادن اجازه فعالیت و پیگیری حقوق کارگران از مطالبات اساسی کارگران و فعالان کارگری است که توسط جمهوری اسلامی نادیده گرفته می‌شود. خواسته‌ای که می‌تواند صدای کارگران را به گوش جامعه برساند. چنانچه در این ارتباط، ناصر برهانی، رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، به خبرگزاری ایلنا گفته است: "تشکلهای صنفی کارگری می‌توانند با ملزم کردن شرکای اجتماعی به ارتقا استانداردهای محیط کار از میزان بروز چنین حوادثی بکاهند".

شرایط کارگران دشوارتر شده است کار، بدون بیمه و مزایا

به نوشته روزنامه شرق، به قلم اعظم گلبری در 19 اردیبهشت 92 آمده است: استخدام با حداقل حقوق، شرط امروز اکثر کارفرمایان برای استخدام است. در بازار کار تفاوتی بین دستمزد کارگر ساده و کارگر ماهر وجود ندارد و کارفرمایان همه را به یک دید می‌بینند. به گونه‌ای که دیگر «اوستا کار» در بازار کار کشور حرمت و احترامی ندارد و حقوق و مزایای کارگر ساده برای او در نظر گرفته می‌شود. در حالی که قبلاً همه دنبال استخدام اهل فن و افراد باتجربه بودند، امروز، دیگر کارفرمایی طالب استخدام افراد ماهر نیست و ترجیح می‌دهد که به جای کارگر ماهر، کارگر مبتدی یا نیمه‌ماهر را به کار بگیرد تا حقوق زیادی پرداخت نکند. اتفاق نظری که بین کارفرمایان در دستمزد هم وجود دارد، جالب توجه است. آنها به اتفاق، دستمزد پایه که تازه به 480 هزار تومان افزایش یافته، به جوینده کار پیشنهاد می‌دهند. کارفرمایان اعلام می‌کنند که دیگر توان پرداخت حقوق‌های بالا

به همراه مزایا را ندارند. حذف بیمه و مزایایی دیگر از شرایط استخدامی، از دیگر شاخصه‌های مهم بازار کار کشور است. از طرف دیگر برخی از کارفرمایان برای اینکه خود را از پرداخت جرایم بیمه‌ای هم معاف کنند، دست به ترفندهایی می‌زنند، از جمله اینکه در برخی مشاغل و حرف که نیاز به نیروی جوان ندارند، افراد مسن و بازنشسته را به کار می‌گیرند. بعضی از کارفرمایان حتی سیاست‌های دوران تست و گذار، تعیین می‌کنند. به گونه‌ای که دوماه تا سه‌ماه را به عنوان دوران آموزشی در نظر می‌گیرند و می‌گویند که بعد از اتمام زمان آزمایشی، کارگر خود را بیمه می‌کنند اما پیش از اتمام دوران آموزشی به بهانه‌ای کارگر خود را اخراج می‌کنند. این دسته از کارفرمایان که طبق اظهار نظر جویندگان کار، کم نیستند، به بهانه عدم رضایت از کارگر، از پرداخت حقوق توافقی هم سر باز می‌زنند و دستمزد کمتری را نسبت به آنچه توافق کرده بودند، می‌پردازند. کارفرمایانی که کارگران فنی با نیروی بدنی بالا نیاز دارند، کارگران استخدامی خود را بیمه می‌کنند، اما مزایای دیگر چون ناهار، هزینه‌های ایاب و ذهاب، کارانه، اضافه کار و... را پرداخت نمی‌کنند. کارگاه‌های این مشاغل، عموماً در خارج از شهر هستند اما مزیت سرویس در اکثر استخدام‌ها گنجانده نشده است. ساعت کاری که کارفرمایان برای کارگران در نظر می‌گیرند، بیش از هشت ساعت است. در این طور مشاغل معمولاً تفاوتی میان دستمزد و حقوق کارگران ساده و ماهر در نظر گرفته نمی‌شود. یکی از تراشکاران که آگهی استخدام برای به خدمت گرفتن یک کارگر ماهر داده بود، میزان حقوق در نظر گرفته شده برای کارگرانش را 480 هزار تومان اعلام می‌کند و می‌گوید: «طبق قانون وزارت کار 480 هزار تومان می‌دهم، بعد از دوماه مشروط بر اینکه مطمئن شوم از عهده کار برمی‌آید و نمی‌رود بیمه هم می‌کنم.» وی در پاسخ به این سوال که چرا برای کارگر ماهر، کف قیمت را در نظر گرفته است، می‌گوید: «کارگر کارگر است، وزارت کار براساس سطح سواد حقوق تعیین می‌کند، اما در شغل ما سواد مهم نیست، مهارت مهم است.» این کارفرما ساعت کاری خود را بین 7 صبح تا 6 بعدازظهر اعلام می‌کند. یکی دیگر از کارفرمایانی که به دنبال استخدام یک سرایدار نگهبان است، در توضیحات شرایط کاری که در نظر گرفته می‌گوید: «دنبال یک زوج مسن و بازنشسته می‌گردم که ضمن نگهبانی امور سرایداری هم انجام دهند.» به گفته وی چنین زوجی حدود 800 هزار تومان، به همراه غذا و محلی برای زندگی کردن در نظر گرفته شده است. در عین حال یکی از تولیدکنندگان پوشاک هم برای تکمیل کادر خود، متقاضی کارگر ساده است و برای او 450 هزار تومان بدون بیمه و دیگر مزایا در نظر گرفته است. این کارفرما عنوان می‌کند که ترجیح می‌دهد یک کارگر زن استخدام کند، وی می‌گوید: «ساعت کاری ما از 7 صبح تا 7 عصر است و این کارگر باید ضمن کمک به برشکار و دوزندگان، کارگاه را هم نظافت کند.» از این دست استخدام‌ها در بازار کشور به وفور دیده می‌شود اما دستمزدهایی که برای کارگران ساده در مشاغل انبارداری یا سرایداری در نظر گرفته می‌شود، بیش از سایرین است. حداقل دستمزد در این دو گروه 600 هزار تومان و سقف آن یک میلیون تومان در نظر گرفته شده است. آنها در این مشاغل به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کنند و شاید به همین دلیل حقوق آنها از دیگر کارگران بیشتر است. دسته دیگری از کارگران خانگی که به شغل پرستاری مشغول‌اند هم نسبت به کارگران فنی و حرفه‌ای حقوق بالایی می‌گیرند. هزینه یک کارگر که به عنوان پرستار منزل استخدام می‌شود، بین 600 هزار تومان تا 800 هزار تومان است. به برخی از مستخدمان در این شغل نیز، جا و مکان برای زندگی به همراه غذا داده می‌شود اما آنها هم از بیمه شدن محروم‌اند. با وجودی که این گروه از جویندگان کار به عنوان پرستار منزل استخدام می‌شوند، معمولاً کارهای دیگری چون رفت و روب و آشپزی کارفرمای خود را هم انجام می‌دهند. ساعت کاری آنها هم از شش تا 24 ساعت متغیر است و براساس ساعت کار، دستمزدشان هم تغییر می‌کند. با وجودی که دستمزد این کارگران بیشتر است اما چون آنها باید از طرف آژانس‌های کاریابی تأییدیه داشته باشند و ضمانت‌نامه‌ای از طرف آنها ارائه کنند، درصدی از حقوقشان کسر و به آژانس‌ها تعلق می‌گیرد. آژانس‌های کاریابی بابت کاریابی و ضمانت آنها پنج تا 25 درصد از حقوق این گروه را مطالبه می‌کنند.

نظارت کافی نیست

برای تحلیل این رفتار در بازار کار با دست‌اندرکاران کارگری و کارفرمایی کشور به گفت‌وگو نشستیم. علی‌اکبر عیوضی مشاور کانون شورای اسلامی کار استان تهران، رفتار کارفرمایان را در برابر کارگران این‌گونه تحلیل می‌کند که به علت عدم نظارت کافی بر بازار کار، کارفرمایان به اجازه خود از قانون عدول می‌کنند. وی در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «نظارت مسوولان اجرایی ضعیف است و از طرف دیگر اطلاعات کارفرمایان در باب

قوانین استخدامی کم است.» وی می‌افزاید: «اطلاعات و قوانینی که بین کارگر و کارفرما قرار دارد به اندازه کافی اطلاع‌رسانی نشده است و عدم وقوف افراد به این موارد هم، در این فضا مزید بر علت شده و فضا را برای بروز کارشکنی و تخلفات درخصوص حقوق و مزایا ایجاد می‌کند.» به گفته عیوضی استخدام و به کارگیری افراد بدون بیمه کردن ممنوع است و بیمه تامین اجتماعی، جرایمی را برای متخلفان اعمال می‌کند. وی عدول از حداقل دستمزد را هم خلاف قانون دانسته و می‌گوید: «اگر کارفرمایی دستمزدی پایین‌تر از حداقل دستمزد هم به کارگزارانش بدهد خلاف کرده و طبق قانون مجازات خواهد شد.» وی عنوان می‌کند: «در حالی کارفرمایان از پرداخت حقوق مکفی و بیمه کردن کارگران خود سر باز می‌زنند و عنوان می‌کنند که امروز کسب و کارشان از رونق لازم برخوردار نیست، شواهد بیانگر این است که امروز صنوف تولیدی و خدماتی از درآمد خوبی برخوردارند.»

رکود در بازار کسب و کار خانه کرده

محمد عطاردیان دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنعتی کارفرمایی ایران نیز در مقام دفاع از رفتار کارفرمایان در بازار کار می‌گوید: «تخلفاتی که در باب کارفرمایی دیده می‌شود، معمولاً در کسبه، حرف و بازاریانی دیده می‌شود که تحت نظارت شورا نیستند.» وی می‌گوید: «این تخلفات در صنوفی رخ می‌دهد که تحت نظارت اتحادیه‌های صنفی کار می‌کنند که در نهایت وزارت بازرگانی بر آنها نظارت دارند و تحت نظارت ما نیستند.» دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنعتی کارفرمایی ایران در تحلیل رفتار این گروه از فعالان بازار می‌گوید: «با افزایش هزینه‌های تولید، رکود کاری در بازار نمود پیدا کرده است. کارفرمایان سعی دارند تا با پایین آوردن هزینه‌های تولیدشان به فعالیت خود ادامه دهند، برای همین در استخدام خود حداقل دستمزد و حقوق را در نظر می‌گیرند.» عطاردیان در آسیب‌شناسی بروز این اتفاقات در بازار کار کشور می‌گوید: «با وجودی که دسته‌ای از کارفرمایان از پرداخت حقوق قانونی به کارگران امتناع می‌کنند و نظارت مراجع دولتی هم در این باره صورت نمی‌گیرد، اختلافات بین کارفرما و کارگر بالا می‌گیرد و دود این اختلافات به چشم همه می‌رود.»

پزشکان در بخش تلنگ چاه بهار محل کار را ترک کردند

به نوشته سایت ایران کارگر -19 اردیبهشت 92 آمده است: مردم منطقه محروم تلنگ از توابع شهرستان چاه بهار از نظر امکانات بهداشتی و درمانی بشدت در رنج هستند. بنا به خبر دریافتی از هفته اول اردیبهشت، پزشکان این بخش محل کار خود را ترک کرده و علیرغم پیگیریها و مکاتبات مردم با مدیران شبکه بهداشت چابهار تاکنون به محل کار خود برنگشته اند. علاوه بر آن تنها خودرویی درمانگاه این بخش ربوده شده و این مرکز از داشتن آمبولانس هم محروم است. متأسفانه در هفته دوم اردیبهشت یک زن روستایی به دلیل نفس تنگی شدید و عدم حضور پزشک در درمانگاه این بخش جان خود را از دست داد. دهستان تلنگ با 2650 خانوار فاقد پزشک است در حالیکه این دهستان منطقه‌ای مستعد برای شیوع انواع بیماریهای عفونی از جمله اسهال و مالاریا است.

قیمت مسکن اطراف حرم امام رضا متری ۱۰۰ میلیون تومان

به نوشته سایت آسمان دیلی نیوز در 19 اردیبهشت 92 آمده است: رییس اتحادیه مشاورین املاک مشهد گفت: از آغاز سال جاری افزایش قیمت مسکن توسط مالکان انجام شده است.

ایسنا نوشت: صادق عابدزاده گفت: از ابتدای سال تا نیمه‌های اردیبهشت بازار مسکن دچار رکود و سردرگمی شده و پیش‌بینی می‌کنیم که این وضعیت تا ۲۰ اردیبهشت ادامه داشته باشد. وی اضافه کرد: حداقل قیمت مسکن در اطراف حرم مطهر دو میلیون و حداکثر قیمت آن ۱۰۰ میلیون تومان به ازای هر متر است.

عابدزاده افزود: قیمت املاک در حاشیه شهر به صورت وکالتی از متری ۵۰۰ هزار تومان به بالا و در برج‌های مسکونی و تجاری بین ۱۳ تا ۱۴ میلیون تومان به ازای هر متر است.

وی در خصوص مشکل صنف مشاورین املاک تصریح کرد: عدم تغییر نرخ‌نامه ما در طول ۱۱ سال گذشته، یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما است و همین موضوع باعث شده است که هیچ‌گونه همخوانی بین درآمد و هزینه‌ها وجود نداشته باشد.

نارضایتی مغازه داران پوشاک بازار اصفهان

به نوشته سایت ایران کارگر -19 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش رسیده از بازار مرکزی اصفهان؛ مغازه داران و فروشندگان پوشاک از اوضاع کساد بازار و نبود مشتری بشدت ناراضی هستند. یک مغازه دار فروشنده پوشاک در بازار اصفهان در این خصوص گفت: از نیمه فروردین تا امروز هیچ فروش جدی نداشته ایم. قیمت مواد خوراکی و هزینه های سرسام آور برق، آب و سوخت دیگر توانی برای مردم نگذاشته و کسی رغبت به خرید پوشاک ندارد. امسال در مقایسه با سال گذشته در همین ماه 70 درصد افت فروش داشته ایم.

پادداشت کارگری

شمار روز افزون بیکاران کشور و ضرورت سازمانیابی مریم محسنی

به نوشته وبلاگ کارگری راه کارگر آمده است: رقم هر دم فزاینده بیکاران یکی از نتایج فاجعه بار سیاست های جمهوری اسلامی است. فارغ التحصیلان بیکار، کارگران بیکار شده کارخانجات و زنان در صف اول قربانیان بازار کار و در صف اول وعده های دروغین حکومتی هستند. افزایش دو برابری نرخ بیکاری در میان زنان، بیکاری در میان سه چهارم فارغ التحصیلان کشور، و بیکار شدن ده ها هزار کارگر کارخانه های ورشکسته و تعطیل شده، مسئله بیکاری را به یک معضل جدی در ایران تبدیل کرده است. مرکز آمار ایران که، البته به آمارش نمی توان اعتماد کرد، نرخ بیکاری در سال گذشته را بیش از 2 میلیون ونهصد هزار نفر اعلام کرد. براساس این آمار نرخ بیکاری بین 20 تا 30 درصد است. هم چنین به گفته معاون آموزش متوسطه آموزش و پرورش سه چهارم فارغ التحصیلان کشور بیکار هستند. در چنین وضعیتی چه می توان کرد؟

نخست آن که هیچ راه حلی از بالا در نظام جمهوری اسلامی برای حل معضل بیکاری وجود ندارد. راه حل های تاکنونی اعم از طرح ساماندهی دوره اصلاحات و طرح بنگاه های زود بازده دوره هشت ساله احمدی نژاد نه تنها برای حل مشکل بیکاری چاره جویی نبوده بلکه تنها به رقم بیکاران کشور افزوده است. تمام وعده های دولت های مختلف در جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته جلوی بیکاری را بگیرد بلکه میزان بیکاری را به مرزهای فاجعه باری رسانده است. بنابراین در شرایطی که کاهش موثر بیکاری در چهارچوب طرح های دولتی تصورناپذیر است تنها سازماندهی از پایین می تواند راهگشا باشد.

دوم این که گسترش بحران اقتصادی و رشد فلاکت، دیگر چشم اندازی برای فارغ التحصیلان کشور به منظور یافتن جایگاهی در میان سلسله مراتب بالای اجتماعی باقی نگذاشته است. آنها بیش از پیش با کارگران هم سرنوشت می شوند و این هم سرنوشتی با بخش های مختلف طبقه کارگر زمینه های مشترک و مساعدی برای سازمانیابی و ایجاد تشکل بوجود می آورد. امروز تنها راه ممکن برای بخش بزرگی از فارغ التحصیلان بیکار این است که برای مبارزه جمعی علیه بیکاری و به منظور سازمانیابی و ایجاد پیوند میان خود و هم سرنوشتان شان به اقشار پایین جامعه نزدیک شوند. به همان نسبت که به رقم بیکاران افزوده می شود، ضرورت و امکان سازمانیابی نیز افزایش می یابد. هرچند که ایجاد تشکل در جمهوری اسلامی که رژیم می تشکل ستیز است، معمولاً با مانع سرکوب مواجه می شود، اما وجود تشکل های مستقل کارگری که در همین سالهای اخیر ایجاد شده اند نشان می دهد، که ایجاد تشکل امری غیر ممکن نیست. ایجاد تشکل های مستقل بیکاران می تواند بخش وسیعی از خانواده ها را که در میان خود جوانان بیکار دارند به پشتیبانی کشانده و سرکوب این تشکل ها را مشکل تر کند. پیش روی براساس منطق سازمانیابی توده ای، می تواند شمار وسیعی از بیکاران را گرد

آورده و سرکوب بیکاران معترض و خواهان کار را برای جمهوری اسلامی دشوار نماید. نمونه تجمع کارگران کارخانه های تعطیل شده و یا رو به تعطیلی در مقابل ادارات و مجلس، گویای این مسئله است. به رغم انگیزه ی سرکوب دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی برای شناسایی کارگران پیشرو و فعال در این تجمعات، و سرکوب چنین حرکات اعتراضی، جمهوری اسلامی در شرایط کنونی، اساساً قادر به جلوگیری از همه شکل های بیان نارضایتی از بیکاری نیست.

سوم آن که ترکیب جمعیتی جامعه بیکاران کشور امروز بسیار متنوع تر از گذشته است. این تنوع شناخت تفاوت در زمینه ظرفیت های سازمانیابی بخش های مختلف بیکاران را پراهمیت ساخته است. مثلاً زنان سرپرست خانوار در محلات کارگری آن گونه سازمان نمی یابند که فارغ التحصیلان بیکار. زنان در محلات کارگری به خاطر حساسیت نسبت به سرنوشت خانواده پتانسیل بالایی جهت پیشبرد سازماندهی امر مطالبات رفاهی مربوط به محل زندگی خود دارند. برای فارغ التحصیلان بیکار، در مرحله اول، پیوندهای عمیق و آشنایی های دوران تحصیل در زمینه سازمان یابی می تواند نقش مهم تری داشته باشد تا صرفاً محل زیست. در حالی که برای کارگران بیکار شده کارخانه ها و کارگاه های ورشکسته کوچک، علاوه بر مکان ها و پاتوق های شناخته شده، محلات کارگری و زحمتکش نشین مکان مناسبی برای ایجاد ارتباط است.

در شرایطی که آلترناتیوهای ارتجاعی خود را سامان می دهند و مصادره نارضایتی ها در جهت هدف های خود را در مرکز توجه قرار داده اند، توده بزرگ و انبوه بیکاران اگر نخواهند قربانیان خاموش و بی صدا بمانند، راهی جز سازمان یابی مستقل ندارند. پنجشنبه نوزدهم اردیبهشت ماه 92

بیش از 6 ماه تاخیر در پرداخت حقوق کارگران شهرداری مرودشت

به نوشته سایت ایران کارگر -19 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران شهرداری مرودشت 6 ماه حقوق دریافت نکرده اند و در وضعیت معیشتی ناگواری بسر میبرند. میزان دستمزد کارگران زحمتکش شهرداری همان حداقل دستمزد است که یک چهارم خط فقر میباشد. اما همین حقوق نیز بعضاً تا 6 ماه به تاخیر می افتد که موجب نارضایتی کارگران گردیده است.

زدوبند بر سر واردات کیسه های خون غیراستاندارد

به نوشته سایت نامه نیوز در 19 اردیبهشت 02 آمده است: حسین تامینی، عضو کمیسیون بهداشت مجلس می گوید وزارت بهداشت «نظارت چندانی» بر فرآورده های خونی ندارد، «بخش اعظم کیسه های خون غیراستاندارد» هستند و به همین علت شمار زیادی از بیماران تالاسمی و هموفیلی «درگیر مشکلات جسمی شدیدی» شده اند.

به گزارش (پنجشنبه ۱۹ اردیبهشت) سایت «نامه نیوز» آقای تامینی گفته که «بخش اعظم کیسه های خون غیراستاندارد بوده و معلوم نیست وزارت بهداشت بر چه اساسی از شرکت های غیرمعتبر خرید می کند.» به گفته وی «تعدادی از شرکت های تجهیزات پزشکی، با برخی از مسئولان این وزارتخانه {بر سر واردات کیسه های خون غیراستاندارد} زد و بند کرده اند.» تامینی «رانت بازی ها» را موجب ایجاد «مشکلات جسمی شدیدی» برای «بخش عمده ای از بیماران تالاسمی و هموفیلی» اعلام کرده است. وی افزوده است: «این اتفاق در حالی صورت گرفته که ایران چند کارخانه کیسه خون دارد، اما نمی دانیم چرا مسئولان وزارت بهداشت فعالیت کارخانه های داخلی را چندان جدی نمی گیرند.» دوم اردیبهشت ماه نیز عابد فتاحی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفته بود به علت «فقر مالی» سازمان انتقال خون، بیماران در ایران خون کم کیفیت دریافت می کنند.

آقای فتاحی افزوده بود: «کمبود بودجه موجب شده که سازمان انتقال خون اقدام به خرید محصولات بی کیفیت کند.»

کارخانه ساخت مواد شیمیایی اصفهان همزمان با افتتاح دچار حریق شد

به گزارش خبرنگار دولتی مهر از اصفهان، در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است: ساعت هشت و بیست دقیقه صبح امروز (پنجشنبه) کارخانه ساخت مواد شیمیایی یلدا شیمی در جاده اصفهان - شهرضا که قرار بود کار خود را به طور رسمی آغاز کند، همزمان با استارت رآکتورهایش با آتش سوزی به نسبت مهیبی روبرو شد تا حدی که حرارت شدید شعله های آتش از چند صد متری نیز حس می شد. در حال حاضر آتش نشانی، اورژانس و نیروی انتظامی در محل حاضر هستند و شرایط تحت کنترل آنها است. هنوز از تلفات احتمالی این حادثه خبری در دست نیست

به مناسبت حمله ی ۱۹ اردیبهشت به سندیکای شرکت واحد

داوود رضوی از فعالان سندیکایی داخل کشور

بر پایه خبر رسیده آمده است : چرا ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و عوامل نیروهای امنیتی با هماهنگی و شدت کامل به محل دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد حمله ور شدند؟

بعد از انقلابی که در سال ۵۷ در کشور بوجود آمد و سهم بسزائی که کارگران و سندیکاهای کارگری در سرنگونی حکومت سلطنتی داشتند، کارگران نقش و حضور و تاثیرگذاری خودشان را در مسائل اجتماعی و سیاسی نشان دادند و در واقع این قدرت تعیین کننده را به نمایش گذاشتند. و به همین دلیل تشکل های مستقل ازاد کارگری مختلفی بعد از انقلاب در کارگاه ها و کارخانه در کشور شکل گرفت و از آنجا که بیشتر این تشکل ها و فعالین کارگری از نظر حکومت از گروه های چپ محسوب می شدند و از نظر حاکمیت همخوانی با انقلاب اسلامی نداشتند، سرکوب گسترده ای در دهه ۶۰ با تشکل ها و سندیکا های کارگری صورت گرفت. بطوری که فعالین کارگری یا به زندان رفتند و یا از کشور گریختند، و بستری از قبل آماده شد برای حضور تنها تشکل کارگری مورد حمایت حاکمیت بنام خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار که یکی از عوامل خانه کارگر بودند، بهترین گزینه برای جامعه کارگری مورد تایید حکومت بودند، هم از منافع دولت و هم از منافع کار فرما حمایت می کردند و در اصل بازوی مشورتی مدیریت یا کارفرما بودند. و در واقع هیچ اطلاعاتی در مورد حقوق کارگران و قانون کار نداشتند و بهترین فرمانبردارهایی بودند که می توانستند از رشد و آگاهی کارگران نسبت به حقوقشان جلوگیری کنند. آن ها در اکثر کارخانه ها بجای نماینده واقعی کارگران منصوب شدند.

بطور نمونه در شرکت واحد هم شوراهای اسلامی کار، خودش را جایگزین سندیکای شرکت واحد کرد. با آشفتگی که در دوران جنگ و فضای حاکم بود هر اعتراضی با سرکوب شدید و بنام ضدانقلاب برخورد می شد. به همین دلیل خانه کارگر و مجموعه های دست ساز آنها شورای اسلامی کار به میدان آمدند و بدون هیچ نفس کشی شروع به چاپیدن کارگران و دست آورد های آنها که با زحمات پیشکسوتان سندیکایی و فعالان کارگری در طی سالها بدست آمده بود کردند.

از این رو شوراهای اسلامی کار با همکاری پلیس امنیت و مدیریت شرکت واحد در دهه ۷۰ در شرکت واحد شکل گرفت و از همان ابتدا بدون برگزاری مجمع و بدون نظر کارگران، کار خودشان را به عنوان نمایندگان کارگران و رانندگان در شرکت واحد آغاز کردند و از آنجایی که قبلا با وزارت کار و دیگر نهاد های امنیتی هماهنگ بودند از نظر قانونی هم با مشکلی مواجه نشدند. برخورد کارگران آگاه با این نمایندگان خود خوانده هزینه ای چون زندان و اخراج در پی داشت، به همین دلیل سالها حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد با توجه به اینکه نزدیک به ۱۷ هزار تن بودند پامال می شد و از کمترین امکانات رفاهی و بهداشتی و

معیشتی برخوردار بودند، و هر زمان هم چند تن از رانندگان اعتراضی می کردند بلافاصله با همکاری شوراهای اسلامی کار و حراست شرکت واحد و مدیریت از کار بیکار می شدند و هیچ حق و حقوقی هم به آنها تعلق نمی گرفت.

به همین جهت اواخر سال ۸۴ که با همکاری هیئت موسسین سندیکاها جلساتی در محل خبازان تهران واقع در میدان حسن آباد شکل گرفت. در مدت زمان کوتاهی مرتب به تعداد رانندگان شرکت واحد که در این جلسات شرکت می کردند افزوده می شد و در همین جلسات رانندگان با اندک زمانی اطلاعات حقوقی کارگری ارزشمندی بدست آوردند که دیگر چون سابق از کارفرما بیم نداشتند و با جسارت تمام در مقابل شوراهای شرکت واحد ایستادگی کردند و خواهان برکناری این نمایندگان منصوب شده از طرف کارفرما بودند. رانندگان خواستار برگزاری انتخابات سندیکا در شرکت واحد شدند و همین باعث شد که عوامل امنیتی و شوراهای اسلامی کار و عوامل پایه گذار و بلندپایه خانه کارگر حتی خود آقای محجوب نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی به فکر چاره بیافتند و قبل از تشکیل سندیکا شرکت واحد این سندیکا نوپا را در نطفه خفه کنند به همین دلیل و با توجه به اینکه شکل گیری سندیکای شرکت واحد احتمال شکل گیری سندیکاهای کارگری دیگر را به ارمغان خواهد آورد، خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و عوامل امنیتی و با همکاری مدیریت شرکت واحد در روز روشن در حضور گسترده نیروهای پلیس که نظارگر بودند با تعدادی عوامل چماقدار که شعارهای مرگ بر منافق سر می دادند در ساعت ده صبح ۱۹ اردیبهشت سال ۸۴ به محل خبازان واقع در حسن آباد دفتر سندیکای کارگران شرکت واحد حمله ور شدند و بعد از شکستن و خرد کردن شیشه ها و زخمی کردن اعضای سندیکا و سرقت تمام اموال سندیکا براحتی سوار بر اتوبوسهای آماده شده از قبل شدند و به خیال از بین بردن و خفه کردن سندیکا به مناطق اعزامیشان راهی شدند و با پخش شربنی این سرکوب را جشن گرفتند.

غافل از اینکه کارگران در همان زمان کوتاه به آگاهی لازم رسیده بودند و این بار حاضر شدند هزینه زندان و اخراج را با جان و دل بخرند. و دیگر شعارهای تکراری و بی محتوای چماقدارها و عوامل گروه فشار تاثیری بروی کارگران آگاه نگذاشت و افکار عمومی داخل و حتی در دنیا این عمل ضدکارگری را محکوم کردند. کارگران و رانندگان شرکت واحد سالها به دنبال این فرصت بودند که ماهیبت این زالو صفتان را که با از بین بردن و نادیده گرفتن حقوق دیگران زندگی را سپری میکنند آشکار کنند که این خود برگی برنده برای رانندگان سندیکایی، و برگی ننگین در پرونده عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار است که تا تاریخ زنده باشد به ماندگار خواهد ماند و پاک نخواهد شد. این اقدام ضد کارگری نتیجه ای معکوس داد و باعث گردید کارگران و رانندگان بیشتری از سندیکا استقبال کنند، و در مورخ ۱۳ خرداد ۸۴ اولین مجمع کارگران سندیکایی در همان محل خبازان برگزار گردید.

هر چند که تا کنون این فشارها و اخراج های اعضای سندیکا ادامه دارد و در حال حاضر سه تن از اعضای راننده این سندیکا از کارشان اخراج گردیده اند و چندین تن از اعضای هیئت مدیره و فعال هنوز بعد شش سال بیکاری با توجه به بازگشت بکار به حق و حقوقشان نرسیده اند، اما اتحاد و همبستگی رانندگان و کارگران شرکت واحد منسجم تر شده و هرگز همکاران خود را تنها نگذاشته و همواره یاریشان می دهند. با سپاس و درود بر تمام کارگران و رانندگانی که تا به امروز بخاطر تشکیل این سندیکا صدمات و هزینه های زیادی پرداخته اند و هنوز همچون کوهی استوار در راه حقوق کارگران تلاش و ایستادگی می کنند. با درود به همه عزیزانی که در این سالها سندیکای شرکت واحد و اعضایش را یاری رسانده و یاری می کنند. ما همچنان تا بر پای ایجاد تشکیل سندیکاها و تشکل های مستقل کارگری به مبارزه خود ادامه خواهیم داد. به امید پیروزی و آزادی همه کارگران.

با آرزوی آزادی رضا شهبانی عضو هیئت مدیره سندیکای زندانی شرکت واحد و دیگر فعالان کارگری در بند.

راننده ای فریاد می زند، یکسال پیگیر سوخت دریافت کارت سوخت هستم ولی جوابی نمی گیرم

به نوشته سایت ایران کارگر - 19 اردیبهشت 92 آمده است : يك راننده آژانس در شهرستان طالش: براي تامین بنزین برای کارمشکل دارم ، تماما با بنزین آزاد کار میکنم که کارروانه ام برای هزینه بنزین مصرف میشود و برای هزینه زندگی ام دیگر چیزی نمی ماند. کارت سوخت بنزین ام آسیب دید و باطل شد بیش از یکسال است که

این موضوع را دنبال میکنم اما سیستمی وجود ندارد که به این پیگیریها جواب دهد. ما همچنان با این مشکلات دست و پامیزنیم. يك راننده دیگر در پاسخ به گزارشگر ایران کارگر گفت: مشکل جدي معيشتي داريم. توان تامین مخارج خانواده را ندارم، از صبح برای کار میایم تا شب کار میکنم اما دخل با خرج نمیخواند. برای هر سرویس 1500 تومان کرایه میگیرم ولی برای رفت و برگشت این سرویس، دولیتر بنزین یعنی 1400 تومان مصرف میشود. هر روز هم وضع بدتر میشود»

روز جهانی کارگر، ترفندهای سرمایه‌داری و تجاربی که باید مرور کرد

یاور

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/05/blog-post_5597.html#more

اول ماه مه، روایت‌گر دو واقعیت هم‌زاد و دو تضاد آشتی‌ناپذیر است. نبردی که از نظر زمانی فراتر از ده‌ها سال و بیش از قرن‌ها پیش رفته است. نبردی که از يك سو بیان‌گر مبارزه به حق طبقه کارگر، برای به دست آوردن حقوق اقتصادی-سیاسی و انسانی‌اش است، حقوقی که در کشورهای پیشرفته صنعتی غربی به صورت ظاهری وجود دارد ولی فاقد درون‌مایه و سرشت برابری‌خواهی است. در حقیقت پوستین‌پوشی است از میش بر تن گرگ. لعابی است شیرین بر زهری تلخ و مرگ‌بار که به تدریج جان و هستی کارگر را از او می‌گیرد. درحالی‌که برای کارگران کشورهای خرافه زده عقب‌رانده شده از نظر علمی و صنعتی، همان فرم بی درون‌مایه، به يك آرمان و آرزو تبدیل شده است. در این میدان، مبارزه‌ای خونین تداوم دارد. نبردی که رد خون آن از همه کشورهای سرمایه‌داری بزرگ چون فرانسه با انقلاب‌های متعدد و سرکوب ددمنشانه از سوی جبهه سرمایه، قتل‌عام‌های خیابانی کارگران تا کمون پاریس و پیروزی 70 روزه طبقه کارگر انجامید؛ یا چون آلمان بین دو جنگ جهانی اول و دوم که طبقه کارگر با جهان‌بینی علمی‌اش توانست در انتخابات پارلمانی، یعنی به وسیله همان ابزاری که آن را یکی از مهم‌ترین ارزش‌های لیبرالیستی می‌دانند، به پیروزی قاطع در همه ایالات آلمان برسد. ولی جبهه سرمایه در عمل نشان داد حتی با معیار و ارزش‌های خودساخته‌اش هم نمی‌تواند پیروزی جبهه کار را بپذیرد. از این رو تهاجم وحشیانه نهادهای سرکوب‌گرش (ارتش) آغاز شد. رهبران بزرگ چپ آلمان چون روزا لوکزامبورگ پس از دستگیری بدون محاکمه ترور شدند. کشتار، زندان و خفقان، فضای اجتماعی را برای ظهور نازیسم هیتلری آماده نمود. طبقه کارگر آلمان بسیار دیر متوجه شد که بدون اتحاد همه‌ی گروه‌های کارگری (فاجعه‌ای که از دهه 50 تا به امروز دامان چپ ایران را رها نکرده است)، قادر به شکستن ماشین استبداد پنهان سرمایه‌داری جهانی نخواهد بود. آنها به آن شناخت از سرشت سرمایه‌داری نرسیده بودند که بنیادش بر نگرش ماکیاولیستی قرار دارد و تاوان این عدم شناخت را با مرگ و نابودی خود دادند. رد خون کارگران از اسپانیا قبل از آغاز جنگ جهانی دوم نیز گذشت. پیروزی قاطع چپ و نمایندگان طبقه کارگر در اسپانیا و به دست گرفتن دولت به وسیله سوسیالیست‌ها باعث تهاجم ارتش به فرماندهی فرانکو، (با کمک همه‌ی ارتش‌های سرمایه‌داری از جمله ارتش هیتلر)، به نیروهای مردمی شد که با انتخابات آزاد، آن هم با اکثریت قاطع به حاکمیت رسیده بودند.

در این میان لیبرال‌ها برای بی‌گناه نشان دادن ساختار سرمایه، گناه این کشتارهای وسیع مردمی را به گردن افراد می‌اندازند. فرانکو، بیسمارک و هیتلر و... را مقصر نشان می‌دهند. درحالی‌که فرد خود، معلول يك علت کلی است، که سیستم سرمایه‌داری است. رد خون کارگران تا آن سوی اقیانوس‌ها کشیده شده تا آمریکا. نظامی که مناسبات اجتماعی‌اش را با نسل‌کشی سرخ‌پوستان، سیاهان و آسیایی‌ها (ویتنامی‌ها و کره‌ای‌ها و...) پیش برده و ده‌ها تجاوز به اقصا نقاط جهان را در کارنامه‌اش دارد. آری همه مردم دنیا طعم بمب‌های آتش‌زا و گلوله‌های غنی‌شده از اورانیوم آمریکایی را چشیده‌اند، چه مستقیم چه غیرمستقیم. به وسیله ژاندارم‌های آشکارش مثل شاه ایران، عربستان و قطر و اسرائیل یا نیروهای به ظاهر مخالفش، ولی دست‌ساخته‌اش، چون طالبان، القاعده، سلفی‌های متعصب مذهبی یا ژنرال‌های چکمه‌پوشش چون پینوشه و نیز حمایت پنهان و آشکارش از رهبران مذهبی خرافه‌پرستی چون دالائی لاماها. این نبرد خونین تا مبارزه علیه وال‌استریت تداوم یافت و از این به بعد شاهد اشکال جدیدی از این نبرد بی‌پایان خواهیم بود.

سوی دیگر این نبرد تاریخی ساختار سرمایه‌داری است که آزادی و دمکراسی و نگرش مردم را تا مرحله‌ای تحمل می‌کند که مردم در دام ترفندهای ماکیاولیستی این سیستم اسیر باقی بمانند و مانند

سوسیالدمکرات‌های بعد از انترناسیونال دوم در آرزوی تدریجی تبدیل سرمایه‌داری به سوسیالیسم از خود و واقعیت‌های تاریخی - اقتصادی بیگانه باشند.

تاریخ سرمایه‌داری سراسر تجاوز و وحشیانه و ددمنشانه به حقوق کارگران خود و دیگر خلق‌های جهان بوده و هست؛ که هر بار در یک فرم و صورت‌بندی جدیدی این جنایات را سامان داده‌اند. یک بار به نام استعمار، به نام بردن تمدن و مدنیت به سرزمین‌های دیگر، به نسل‌کشی و غارت ثروت‌های آنها پرداخته‌اند. و زمانی دیگر با استعمار نو، با وابسته کردن اقتصادی به خود، و امروزه به نام حقوق بشر و مبارزه با تروریسم و تحمیل راه اقتصادی نئولیبرالیسم به همه‌ی کشورها. چه کسی مسئولیت دخالت در امور کشورهای دیگر را برای سرمایه‌داری جهانی تعیین نموده است؟ آیا این ساختار امپریالیستی است که این نوع عملکرد ضد بشری را غیرقابل اجتناب می‌کند؟ آیا حلقه سلطنت ابدی بر جهان را دستان نامرئی قدرت‌های ماوراءالطبیعه به‌دست آورده‌اند؟ تا مانند پدران تاج‌دار و بی‌تاج تحمیلی و به نام خدا به نسل‌کشی و ویرانی و غارت ملت‌ها بپردازند و آزادی و استقلال ملت‌ها را به خاطر رضایت‌بخش خصوصی (دلالت‌ها و واسطه‌های رانت‌خوار) به کشتارگاه زمانه، راهی کنند؟ شاید همین روزها شاهد ظهور پسر خدا در کالبد یک رئیس‌جمهور آمریکائی باشیم! (بازگشت مسیح برای گسترش داد) سرمایه‌داری که با زمین‌گیر کردن مذهب به قدرت رسید، اینک برای حفظ بازارهای جهانی کالاهایش و تداوم سود ناشی از آن، به مدافع سرسخت مذاهب خرافی در جهان عقب‌رانده شده، تبدیل شده است. (متحد آدمکش‌های صهیونیست و خرافه‌پرستان عربستان و قطر و...)

در عصر سلطه‌ی فئودالیسم بر ایران که بافرهنگ قرون‌وسطایی و نگرش‌های ایلاتی بر جامعه‌ی ما حکم می‌راند، شاهد یک استثنا تاریخی بوده‌ایم. ایران اگر چه یک کشور پیشرفته صنعتی تولید کالایی نبوده و نیست و همچنان گرفتار عقب‌مانده‌ترین شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری، یعنی تولید مواد خام و فعالیت در عرصه‌ی بازرگانی و دلالتی است، پدیده‌ای استثنائی از مبارزات طبقه کارگر را در تاریخ خود به ثبت رسانده است. پدیده‌ای که با شرایط عینی جامعه در انطباق نبوده از این‌رو به پیروزی کامل و قاطعی نرسید، ولی توانست جامعه‌ای به خواب‌رفته را با گام‌های بلند به جلو براند. قبل از انقلاب مشروطیت به دلیل شرایط اجتماعی از هم‌گسیخته، فقر و قحطی و فساد و بیماری، کشاورزان و زحمت‌کشان شهری و صنعت‌گران و پیشه‌وران خرد، مجبور به مهاجرت‌های بزرگی به سوی بازار کار روسیه و دیگر کشورها شدند. (مانند شرایط امروز ایران که جوانان، این سرمایه‌های با ارزش کشور گروه‌گروه به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند) در صنایع نفت و معدن روسیه این مهاجران به کارگر صنعتی تبدیل شدند. با شناخت از توسعه و پیشرفت صنعت در جهان و با آشنایی از آموزه‌های نسبی از جهان‌بینی طبقه کارگر، به ایران بازگشتند و همه‌ی توان خود را برای آزادی و عدالت اجتماعی به‌کار گرفتند. پس از شکست مشروطه اول که با آغازی مسالمت‌آمیز و پایانی خونین به پیروزی رسیده بود، قتل‌عام انقلابیون آغاز شد. پیروزی استبداد مدیون روحانیون مشروعه خواه و نیروی نظامی استعمار روسیه تزاری بود. ولی سوسیالدمکرات‌ها شکست را نپذیرفتند و با مبارزه‌ای خونین مشروطه دوم را به پیروزی رساندند. ایران غیر صنعتی به‌دست ایرانیانی که کارگر صنعتی صنایع کشورهای بیگانه بودند، با اراده و جان‌برکف دست نهادن، آزادی و مشروطه را در کشوری فئودالی با جهان‌بینی واپس‌گرا و خرافی‌اش به پیروزی رساندند؛ و این در دنیا یک پدیده‌ای استثنائی است که تاریخ‌نویسان به اصطلاح غیرجانبدار (بخوانید: شرمند از بیان وابستگی‌هایشان به ساختار سرمایه)، با وارونه کردن همه‌ی وقایعی که به جنبش کارگری ایران و دستاوردهای آن مربوط می‌شود، نیروی جوان جامعه را از شناخت تجربه تاریخی مادران و پدران‌شان محروم می‌کنند. چون منافع طبقاتی اربابانشان به خطر می‌افتد. پرداختن به جنبش کارگری ایران نیازمند یک کار تحقیقی و آکادمیک است، بدین‌جهت به تحولات ایران پس از جنگ هشت‌ساله می‌پردازیم.

عملکرد دولت‌های پس از جنگ و پذیرش اقتصاد آمریکایی نئولیبرالیسم با نام وطنی‌تعدیل‌ساختاری و خصوصی‌سازی، ایران را به یک حاشیه‌ی حقیر اقتصاد آمریکایی تبدیل می‌کند. فرآیند این شیوه پیشنهادی صندوق بین‌المللی پول، بحران‌های اقتصادی، بیکاری گسترده و فاصله طبقاتی را ابعادی فزاینده داده است. پی‌آمد این مناسبات ما را به سوی یک بحران اجتماعی عمیق می‌کشاند. از این‌رو نهادهای سرمایه‌داری جهانی برای آینده و در اختیار گرفتن این بحران‌ها برنامه‌ریزی خاصی را پی گرفته‌اند. از جمله رسانه‌های آمریکایی چون رادیو فردا برنامه‌های کارگری هفتگی را تدارک دیده است. صدای اعتراض کارگران ایران، چون در خود ایران تریبونی ندارد، از بلندگوهای آمریکایی پخش می‌شود.

از سوی دیگر اصلاح‌طلب‌ها که در حاکمیت 8 ساله خود بی‌اعتنا به حقوق قانونی کارگران که قانون اساسی آن

را تأیید نموده است، راه سرکوب و پایمال کردن حقوق کارگران را (سرکوب و قتل چند کارگر معدن در کرمان و...) در برنامه‌های خود گنجانده و بدان عمل کردند. ولی اینک به یک باره تغییر موضع دادند و سایتی بنام آوای کار تدارک دیده‌اند و خود را مدافع حقوق کارگران ایران معرفی می‌کنند. آن‌هایی که خود پیشتاز اقتصاد نئولیبرالیستی هستند، به مناسباتی اعتقاد دارند که حداقل حقوق را نفي می‌کنند، قوانین کار را غیرضروری می‌دانند و دور می‌ریزند، دست سرمایه‌داران را برای برده کردن کارگران باز گذاشته‌اند (روندی که عوارض آن جامعه را به این ورطه امروزین انداخته است) خود را مدافع طبقه کارگران نشان می‌دهند. آیا این گروه تصور می‌کنند مردم فراموش کرده‌اند که «کارگاه‌های زیر ده نفر توسط دولت آقای خاتمی، رهبر اصلاح‌طلب‌ها و با تصویب مجلس ششم که اکثریت قاطع آن اصلاح‌طلب بودند، از شمول قانون کار و تأمین اجتماعی معاف شدند؟» بدین طریق «بزرگ‌ترین گروه کار در کشور» از حداقل حقوق دور شدند که خود فاصله بعیدی با حداقل زندگی برای یک خانواده کارگری دارد، به گونه‌ای که قدرت خرید آن‌ها نسبت به حداقل حقوق 60 درصد سقوط کرده است. بدین‌جهت یک خانم فوق‌لیسانس با دانستن کامل یک زبان خارجی در یک آژانس در شهرهای بزرگ حقوقی معادل 150 هزار تومان دریافت می‌کند و کارگران نیز باید با چنین دستمزدهایی زندگی کنند. اکنون با بورس‌بازی روی ارز و دلار و سقوط ارزش ریال، آن قدرت خرید حقیرانه هم نیست و نابود می‌شود. سردمداران و کارشناسان اقتصادی اصلاح‌طلب، حاکمیت را محکوم می‌کنند که خصوصی‌سازی را به خوبی مدیریت نکرده‌اند و به این دلیل دچار بحران شده‌ایم و مدعی شده‌اند که آن‌ها می‌توانند شیوه‌ی درستی را پیاده کنند. این نگاه بیان‌گر این واقعیت است که این عالی‌جنابان درک نمی‌کنند که این مناسبات چه پیامدهای گریزناپذیری دارد. علت بحران‌ها در سرشت این ساختار است نه در چگونگی اجرای آن، به گونه‌ای که امریکا و اروپا هم نتوانسته‌اند خود را از عوارض بحران‌هایش دور نمایند. دولت‌های پس از جنگ با گزینش مناسبات نئولیبرالیستی، یا به قول اقتصاددان انگلیسی کینز «اقتصاد قمار خانه‌ای» به‌جای آن نوع از مناسبات اقتصادی که بخشی از مطالبات مردم در انقلاب بهمن 57 بود، بزرگ‌ترین صدمات را به جامعه کارگری ایران وارد نمودند، صدماتی که پیامدهای آن همه جامعه را فرا خواهد گرفت. اصلاح‌طلب‌ها برای اعاده‌ی حیثیت ابتدا باید این مناسبات اقتصادی ضد کارگری و ضد توسعه صنعتی-علمی را نفي کنند و آن چنان راه رشد اقتصادی را پیشنهاد بدهند که بهره‌کشی انسان از انسان در آن جایی نداشته باشد؛ پس از آن شاید بتوانند گوش شنوایی در طبقه کارگر ایران بیابند. آخر این چگونه درکی از طبقه‌ی کارگر و نیروهای اجتماعی است که میلیون‌ها خانوار کارگری را از حداقل خدمات درمانی- و مزایایی چون بازنشستگی، تأمین اجتماعی و خدمات ناچیز پزشکی و حداقل حقوق زیر خط فقر محروم کرده‌اند، اما به یک باره تریبون و مدافع طبقه کارگر ایران بشوند و انتظار داشته باشند از طرف جامعه‌ی کارگری هم پذیرفته شوند. آیا این هم یک ترفند ماکیاولیستی برای بهره‌برداری‌های سیاسی نیست؟

سخن کوتاه می‌کنیم. امروز اول ماه مه روز جهانی ماست. روزی است که طبقه کارگر امریکا شاهد تهاجمی وحشیانه به حقوق و مطالبات انسانی خود شد، حقوقی که طبق قوانین لیبرالی آمریکا به رسمیت شناخته شده است، حق اعتصاب و تظاهرات مسالمت‌آمیز، یکی از حقوق قانونی آن‌هاست. ولی سود پرستان سرمایه‌داری جهانی، کارگران را به گلوله بستند تا به دنیا بفهمانند اعتراض حتی قانونی به سرمایه‌داری چه عواقبی را در پی دارد. در این روز درون‌مایه و سرشت این ساختار از پشت ماسک آزادی‌خواهی، دموکراسی و حقوق بشری‌اش هویدا شد و آن سوی چهره جبهه‌ی سرمایه با همه کراهتش نمایان گردید. کشتاری که داغ ننگی است بر پیشانی امپریالیسم امریکا، ساختاری که برای صدور بحران‌های دوره‌ای اقتصادی‌اش به دیگر کشورها، به بهانه‌ی حقوق بشری که خود آن را رعایت نمی‌کند و حتی امروز با گلوله‌های غنی‌شده از اورانیوم (در جنگ عراق و یوگسلاوی) و بمباران‌های شیمیایی (در جنگ ویتنام) هستی یک ملت و محیط‌زیست را به‌کلی نابود می‌کند.

برخی ساده‌اندیشان در ایران امیدوارند و تصور می‌کنند چنین ساختاری دموکراسی را برای ایران به ارمغان خواهد آورد! نگرش نادرستی که بی‌توجه به تجربه‌های تاریخی مردم ما و دیگر مردم جهان است و... به امید شناخت علمی همه‌ی نیروی‌های کار (ذهنی و یدی) مولد از تجارب و واقعیت‌های اقتصادی - تاریخی قرن حاضر.

تعطیلی کارخانه کاشی کاشانه کازرون و بیکار شدن 300 کارگر

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 20 اردیبهشت 92 آمده است: از تعطیلی کارخانه کاشی کاشانه کازرون و بیکار شدن 300 کارگر این کارخانه خبر داد.

این گزارش، عامل پلمب شدن این کارخانه را بانک تجارت عنوان کرده و می افزاید: با وجود اینکه سرمایه گذار حاضر است چرخه تولید در کارخانه های تعطیل شده را راه بیندازد اما با کارشکنی بانک تجارت روبه رو می شود.

بر اساس این گزارش، بانک تجارت با برشمردن تاریخچه راه اندازی شرکت کاشی کاشانه کازرون که در سال 1368 صورت گرفته است، ایجاد این واحد تولیدی را در قالب عقد مشارکت مدنی تسهیلاتی با این بانک عنوان کرده است و تعطیلی این کارخانه را توسط مراجع قضایی اعلام کرده و علت آن را عدم بازپرداخت تسهیلات دریافتی دانسته است.

این گزارش کارخانه های ساسان چشمه، پارس خرما و کویر موتور را از جمله کارخانه های دیگر تعطیل شده و یا رو به تعطیلی شهرستان کازرون برشمرد.

بیانیه زندانیان سیاسی زندان زاهدان به مناسبت هفته معلم

به نوشته سایت هرانا آمده است: بیانیه زندانیان سیاسی زندان زاهدان به مناسبت هفته معلم و گرامی داشت معلمان آزادیخواهی همچون جانباخته راه آزادی فرزاد کمانگر که بوسه بر طناب دار زد ولی تسلیم رژیم ولی فقیه نگردید. این بیانیه جهت انتشار در اختیار «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» قرار داده شده است. متن بیانیه به قرار زیر می باشد: اینجانبان زندانیان سیاسی زندان زاهدان هفته معلم را به فرهنگیان ایران که متولیان واقعی تربیت جوانان ایرانی هستند تبریک عرض نموده و بوسه بر دست این قشر زحمتکش فرهنگی می زنیم و در این هفته لازم است از معلمان وطن پرست و آزادیخواهی مثل مرحوم فرزاد کمانگر آن معلم اهل کردستان و سایر کسانی که جان خودشان را به خاطر ملت شریف ایران فدا نموده اند و بوسه بر طناب دار زندان تجلیل نماییم. همچنین در این هفته از مقامات محترم حقوق بشر تقاضا می کنیم که آزادی معلمان زندانی بخصوص معلم شریف و زحمتکش آقای محمد امین آگوشی را از زندانهای ایران خواستار گردند. زندانیان سیاسی زندان زاهدان - اردیبهشت 1392

امضاکنندگان: ایرج محمدی، محمد امین آگوشی، امیر طالب، احمد پولادخانی، حبیب ریگی، عبدالوهاب ریگی، عبدالغنی گنگوزه ای، فرید شجاعی، عبدالخالق شاهوزهی، حامد وکالت، عابد بمپوری، اسحاق کلکلی، ناظر ملازهی، بشیر احمد ملازهی، عمادالدین ملازهی، هوشنگ شهنازی، سلمان میامی، خالد شه بخش، گل محمد شه بخش، محمد پاک نیت

مبارزات فعالین جنبش کارگری ایران مرعوب احکام ضد کارگری رژیم نخواهد شد. نویسنده: سیروان پرتونوری عضو تشکل کارگران ساختمان سازی در کردستان

سال جدید 1392 برای کارگران بیش از هر سال دیگری سال تشدید فقر و فلاکت و سال اعتراضات بی وقفه بود، در وضع موجود با وجود تورم و گرانی بی سابقه، زندگی کارگران بیش از سالهای گذشته در معرض شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار گرفته است، چنین وضعیتی در همان اوایل سال بر زندگی مشقت بار کارگران سایه انداخته، که عدم پرداخت بقوق دستمزد کارگران و بیکاری و اخراج گسترده در سال جدید بیش از هر سال دیگری به موضوع اعتراضات کارگری تبدیل شده است.

تحمیل وضعیت به غایت ضد انسانی فوق به کارگران و دفاع عریان تر پاسداران دولتی سرمایه از کارفرمایان و صاحبان کار، از طریق گسیل نیروهای سرکوب به تجمعات کارگری، چنان دست صاحبان سرمایه را در تعرض به کارگران باز کرده که برخی از آنان پایه ی تحمیل شرایط به غایت برده واری را برای استخدام کارگران پی ریزی کرده اند. اما از سوی دیگر کل واقعیت زندگی کارگران در شرایط موجود در تحمیل شرایط برده وار فوق بر آنان خلاصه نمیشود چرا که کارگران ایران علیرغم تلاش زبونانه صاحبان سرمایه و رژیم اسلامی برای محدود کردن دامنه اعتراضات کارگری، با جسارت بیشتری به مصادف وضعیتی رفته اند که بیش از سه دهه است که از سوی رژیم ضد کارگری اسلامی بر آنان تحمیل شده است. گواه واقعیت برای این ادعاها اعتصابات پی در پی کارگران

در مراکز تولید و برگزاری باشکوه مراسم های مستقل اول ماه مه در سطح سراسری و تجمعات بی وقفه و مصممانه آنها برای رسیدن به خواست و مطالباتشان تنها نمونه هایی بارزی از تعمیق و گسترش کم سابقه اعتراضات کارگری در یکسال گذشته بوده که از این بعد هیچ نیرویی را یارای سرکوب و توقف آن نخواهد بود. در طول چند سال اخیر اگر چه در اثر رشد و مبارزات و اعتصابات کارگری و پا به میدان گذاشتن دیگر جنبش های اجتماعی از جمله جنبش کارگری و دیگر جنبش های توده ای، دیوار اختناق و سرکوب رژیم اسلامی ترک برداشته، اما سرکوب و خفقان سیاسی و تعقیب و بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی کماکان یکی از ارکان حاکمیت رژیم اسلامی برای مقابله با این مبارزات بوده است که نمونه بارز آن زندانی کردن فعالین کارگری پدرام نصرالهی، سید غالب حسینی، جلیل محمدی، حامد محمودی نژاد، رضا شهبابی، شاهرخ زمانی و بسیاری دیگر از فعالین کارگری که در سیاه چالهای مخوف رژیم تنها به جرم مبارزات کارگری زندانی شده اند است. این کارگران تنها به جرم دفاع از مطالبات و خواست های بر حق کارگری و در دفاع از آزادی اعتصاب و ایجاد تشکل های کارگری خود توسط نیروهای سرکوبگر رژیم به زندان محکوم شده اند و در حال حاضر در سیاه چالهای مخوف رژیم به سر می برند. دستگاه سرکوبگر اسلامی و جنایتکاران اطلاعات و سپاه پاسداران این رژیم که در طول حاکمیت سیاه و ننگین خود از مبارزات بر حق کارگران و دیگر جنبش های اجتماعی هراسان و خشمگین بوده اند، میخواهند با اتخاذ چنین تاکتیک هایی که در طول سابقه حاکمیت این رژیم هار و درنده چیز تازه ای نبوده و نیست استفاده کنند تا بلکه بتوانند از این طریق جلوی اعتراضات رادیکال و کارگری این فعالین را بگیرند، رژیم اسلامی با چنین کارهایی و صدور حکم های این چنینی میخواهد ضعف و ناتوانی خود را در برابر شور و شوق مبارزاتی کارگران و اتحاد و همبستگی طبقاتی شان جبران کند، آنها میخواهند با صدور حکم زندان برای این فعالین، کارگران آگاه و پیشرو را از مبارزات رادیکال و بر حق خود دور نگه دارند و آنها را با چنین حکم هایی ترسانده و زهره چشم از آنها بگیرند، که شاید اهرمی باشد برای عقب نگه داشتن مبارزات کارگران. نیروهای سرکوبگر رژیم سرمایه اسلامی تصور می کنند با چنین تاکتیک هایی قادر به تغییر فضای موجود به نفع خود و حاکم کردن فضای ترس و وحشت در سطح فعالین کارگری می باشند، اما علیرغم میل آنها نه زندان نه شلاق و نه اعدام و نه هیچ دستگاه و ماشین سرکوبی نمیتواند کارگران ایران و کردستان را از مبارزه برای برقراری جامعه ای آزاد و برابر دور نگه دارد طبقه کارگر کردستان از آن چیزی که رژیم فکرش را در سر دارد، آگاه تر و رادیکال تر است که با چنین حکم هایی از مبارزه بر حق خود عقب نشینند و دست از مبارزات کارگری خود بر علیه نظم سرمایه بر دارند. نمونه بارزش مبارزات جسورانه فعالین کارگری و برگزاری مراسم های با شکوه اول ماه مه در اکثر شهر های ایران و بخصوص برگزاری باشکوه مراسم اول ماه مه سرخ در یکی از خیابان های شهر سنندج بود. کارگران با جسارت و مبارزات بی وقفه خود در این روز خواهان آزادی دیگر هم سرنوشتان خود در زندان و خواهان به رسمیت شناختن حق اعتصاب و اعتراض و ایجاد تشکل های مستقل کارگری خود شدند. فعالین کارگری با شعار نان مسکن آزادی خواست و مطالبات خود را به حامیان سرمایه ابلاغ نمودند و برای دست یابی به چنین زندگی انسانی که حق هر انسانی می باشد شدند. دستگیری تعدادی از فعالین کارگری در شهر سنندج و فشار و تماس تلفنی با آنها و تهدید کردن این فعالین به زندان و حاکم کردن فضای خفقان پلیسی در شهر سنندج از وهم و ترس هایی است که رژیم جمهوری اسلامی از اعتراضات کارگری در سر دارد. این جانیان ضد انسانی همان جنایتکارانی هستند که به فرمان خمینی جلاد شهر سنندج را 24 روز در زیر گلوله و راکت باران قرار دادند همان جنایتکارانی هستند که جان هر انسانی را در کردستان در مقابل کلید بهشت که ارمغان خدایان زمین بود می گرفتند، همان جنایتکارانی هستند که دهها و صد ها انسان کمونیست و شرافتمند را در زندانهای سیاه و مخوف خود مورد سختترین شکنجه و اذیت و آزاد و در نهایت اعدام میکردند، همان جانیانی هستند که قصد ترور مجید حمیدی را داشتند، همان جلادانی هستند که رهبر مبارز کارگری محمود صالحی را زیر سختترین شکنجه و آزاد قرار دادند، همان هایی هستند که دهها فعال کارگری، دانشجویی، زنان و مخالفین سیاسی را در سیاهچالهای خود نگاه داشته و احکام شلاق، زندان و اعدام برای آنها صادر کرده اند. ما همگی انسانهای مبارز دوش به دوش دیگر هم طبقه ای های خود که برای پایان دادن به تمامی ظلم و نابرابری های نظم سرمایه و برای از بین بردن این رژیم هار و درنده داریم مبارزه میکنیم باید پیگیرانه و متحدانه همگام با مردم ایران و کردستان بر علیه حکم زندان و شلاق و لغو آن باید متحدانه در سطح جهانی اعتراض کرده و تمامی سازمانهای انسان دوست و کارگری که منافع جدا از منافع طبقه کارگر ندارند باید از این حرکت پشتیبانی کرده و صدای این فعالین کارگری را به گوش تمامی

نهاد های انسان دوست در سطح بین المللی برسانیم و باید برای لغو این احکام از هر حرکت و اعتراضی دریغ نکنیم رمز پیروزی ما کمونیستها اتحاد و همبستگی طبقاتی مان است .

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ برگزار میکند : سمینار پنجم شورا

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران- گوتنبرگ- سوئد

برپایه اطلاعاتی رسیده به روزشمار کارگری آمده است : شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ برگزار میکند:

در جهت روشننگری در سطح جنبش کارگری در ایران ، سلسله مباحثاتی را میان سازمانها و جریانهای سیاسی چپ و فعالین منفرد با نگرش سوسیالیستی ، کارگری برگزار میکند.

1- ارزیابی کنونی از جنبش کارگری

2- تشکل یابی کارگران در ایران

3- کار علنی و قانونی و غیر علنی....

4- وظایف جنبش سوسیالیستی در قبال جنبش کارگری

5- تحزب گرایی و افق حزب کارگری ، کمونیستی در ایران

سمینار پنجم شورا: با شرکت محمد حسین مهرزاد از اتحاد سوسیالیستی کارگری و رفیق عباس منصوران از فعالین سوسیالیست کارگری.

زمان : شنبه هجدهم ماه مه 2013 میلادی از ساعت 12الی 16

مکان : سالن اجتماعات هاگا بیو

از همه علاقمندان دعوت میکنیم در این سمینار و پرسش و پاسخ حضور بهم رسانید.

شورای دفاع از جنبش کارگری در ایران - گوتنبرگ

کارخانه مواد شیمیایی اصفهان سوخت

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 20 اردیبهشت 92 آمده است : ساعت هشت و بیست دقیقه صبح روز پنجشنبه 19 اردیبهشت در یک کارخانه ساخت مواد شیمیایی در شهرک رازی اصفهان، همزمان با افتتاح کارخانه آتش سوزی مهیبی رخ داد و کارخانه دچار حریق گشت. کارخانه مزبور ساخت مواد شیمیایی یلدا شیمی در جاده اصفهان - شهرضا واقع شده که قصد داشت روز پنجشنبه بطور رسمی کار خود را آغاز کند، همزمان با استارت رآکتورهایش با آتش سوزی نسبتاً مهیبی مواجه شد تا حدی که حرارت شدید شعله های آتش از چند صد متری نیز حس می شد.

سید محمد باقر محمدی فرماندار شهرضا پیرامون جزئیات کارخانه ساخت مواد شیمیایی یلدا شیمی در جاده اصفهان - شهرضا که روز پنجشنبه رخ داد گفت : این کارخانه قرار بود صبح امروز کار خود را به طور رسمی آغاز کند، همزمان با استارت رآکتورهایش با آتش سوزی به نسبت مهیبی روبرو شد.

بی خبری از وضعیت «حلیل محمدی» و «حامد محمودی نژاد»

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 20 اردیبهشت 92 آمده است : با گذشت 8 روز از دستگیری «حلیل محمدی» و «حامد محمودی نژاد»، از اعضای کمیته ی هماهنگی و علیرغم مراجعات متعدد خانواده های آنان به اداره ی اطلاعات برای گرفتن خبری از آنان، هنوز خبری از وضعیت آنان در دسترس نیست و خانواده ها با بی توجهی وعدم پاسخگویی مسئولین مواجه می شوند. خانواده ها خواهان ملاقات حضوری با فرزندانشان و همچنین ارجاع پرونده ها به دادگاه هستند؛ شایان ذکر است که در این مدت، بازداشت شدگان هیچگونه تماسی با خانواده ی خود نداشته اند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، ادامه ی بازداشت این فعالین کارگری و همچنین نقض حقوق انسانی بازداشت شدگان و حتی ندادن اجازه ی تماس به ایشان را محکوم می کند و خواهان آزادی بی قید و شرط «جلیل محمدی» و «حامد محمودی نژاد» و تمامی کارگران و فعالین کارگری در بند و زندانیان سیاسی می باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تعطیلی کارخانه کاشی کاشانه کازرون و بیکار شدن 300 کارگر

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 20 اردیبهشت 92 آمده است: از تعطیلی کارخانه کاشی کاشانه کازرون و بیکار شدن 300 کارگر این کارخانه خبر داد.

این گزارش، عامل پلمب شدن این کارخانه را بانک تجارت عنوان کرده و می افزاید: با وجود اینکه سرمایه گذار حاضر است چرخه تولید در کارخانه های تعطیل شده را راه بیندازد اما با کارشکنی بانک تجارت روبه رو می شود. براساس این گزارش، بانک تجارت با برشمردن تاریخچه راه اندازی شرکت کاشی کاشانه کازرون که در سال 1368 صورت گرفته است، ایجاد این واحد تولیدی را در قالب عقد مشارکت مدنی تسهیلاتی با این بانک عنوان کرده است و تعطیلی این کارخانه را توسط مراجع قضایی اعلام کرده و علت آن را عدم بازپرداخت تسهیلات دریافتی دانسته است.

این گزارش کارخانه های ساسان چشمه، پارس خرما و کویر موتور را از جمله کارخانه های دیگر تعطیل شده و یا رو به تعطیلی شهرستان کازرون برشمرد.

فرا خوان :

گسترش فعالیت به مناسبت سالگرد دستگیری...

برپایه خبررسیده از "کمیته حمایت از شاهرخ زمانی" به روزشمار کارگری در 20 اردیبهشت 92 آمده است : قابل توجه دوستان و رفقا ی انقلابی :

ضمن تشکر و قدر دانی از تمامی دوستان ، رفقا و تشکل ها و نهاد های داخلی و جهانی که تا کنون کمک و حمایت های بسیاری در جهت دفاع از حق آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بخصوص شاهرخ زمانی و محمد جراحی انجام داده اند، اعلام می داریم تا آزادی زندانیان همچنان باید به مبارزه خود ادامه دهیم و مبارزه و تلاش های خود را هر روز بیش از پیش متحد و گسترده تر نمایم.

به سالگرد دستگیری شاهرخ زمانی و دوستان او در سال 1390 نزدیک می شویم جمهوری سرمایه داری اسلامی در راستای سرکوب سیستماتیک و برنامه ریزی شده کارگران مبارز، شاهرخ زمانی کارگر نقاش عضو هیات باز گشایی سندیکا ی نقاشان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری (به 11 سال زندان محکوم شده است) ، محمد جراحی کارگر اخراجی عسلویه و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری (به 5 سال زندان محکوم شده)، سید بیوک سیدلر کارگر شرکت قطار های صبا (تیرنه شده است) ، نیما پوریعقوب دانشجو و فعال کارگری (به 6 سال زندان محکوم شده است ولی از ایران توانست خارج شود) ، ساسان واهبی وش دانشجو و فعال کارگری (به 6 ماه زندان محکوم و زندان را تمام کرده آزاد شد) را در تاریخ 1390/3/17 دستگیر کرده و اقدام به پرونده سازی با اتهامات دروغین علیه آنها نمود، طی 4 ماه اعمال انواع شکنجه آنها را بدون مدرک و اسناد لازم (از جمله حتی شاهرخ برگه های باز جویی را به دلیل اینکه همه اتهامات دروغ بودند امضا نکرده است) در دادگاه فرمایشی تحت ریاست قاضی بی اختیاری، (طبق اعترافات خود قاضی) محاکمه کرده و به 22 و نیم سال زندان محکوم نمود، طی مراحل محاکمه در دادگاه بدوی، دادگاه تجدید نظر خواهی ، دادگاه دیوان عالی و دادگاه اجرای احکام فقط 117 روز یعنی کمتر از 4 ماه طول کشید چنین عجله ای با توجه به عرف دادگاه های ایران تماما" نشان دهنده فرمایشی بودن دادگاه های فوق است و نشان می دهد که حکم های فوق بدون توجه به پرونده ها و مدارک و دفاعیات متهمین ، فقط بر پایه اتهامات

ساختگی و دروغین و حتی بدون قرائت پرونده ها در دادگاه های تجدید نظر و دیوان عالی بر قرار و صادر و تأیید شده است. حتی پس از اتمام دادگاه ها و تثبیت حکم ها باز از سر زندانیان دست بر نداشته اند و شاهرخ را از بندی به بند دیگر و از زندانی به زندان دیگر حتی بدون حکم دادگاه های فرمایشی تبعید کرده و همچنان شکنجه های روحی و روانی و ایجاد خطر ادامه داشته و دارد، و اخیراً او را باز به دادگاه دیگری احضار کرده و طبق پرونده سازی جدیدی با اتهام دروغین دیگری با عنوان توهین به رهبری می خواهند تحت محاکمه مجدد قرار بدهند چرا که کارگران مبارز حتی در زندان نیز همچنان می رزمند و دشمن در مقابل روحیه مستحکم و اراده راسخ آنها شکست خورده است. برای مقابله با حکومت سرمایه داری اسلامی به عنوان دشمن کارگران و کسب آزادی کارگران مبارز و زندانیان سیاسی ما در کمیته حمایت از شاهرخ زمانی از تمامی فعالین می خواهیم تلاش و فعالیت خود را به مناسبت سالگرد دستگیری او و دوستانش افزایش بدهند .

در این راستا از تمامی کارگران ، فعالین کارگری ، کمونیستها و سوسیالیستها ، نهادها و سازمانهای مختلف می خواهیم در صورتی که قصد انجام کاری ولو کوچک دارند جهت هماهنگی و تاثیرگذاری و پربار شدن تاثیرات کارهای اجرایی موارد اجرایی خود را به ما نیز اطلاع دهند .

با توجه به اینکه سال قبل کمیته حمایت از شاهرخ زمانی به مناسبت سالگرد دستگیری شاهرخ و دوستانش دفترچه شعری تنظیم و تقدیم جنبش کارگری کرد، ([http://chzamani.blogspot.com/p/blog-](http://chzamani.blogspot.com/p/blog-page_13.html))
ما همسال نیز در نظر داریم چنین کارهایی را انجام دهیم در نتیجه از تمامی دوستان و رفقا می خواهیم کارهای مختلف خود را در این راستا برای ما ارسال نمایند تا آنها را تنظیم و طی دفترچه هایی منتشر نماییم در رابطه با موارد زیر می توانید آثاری تهیه و ارسال نمایید :

- 1- شعر در رابطه با شاهرخ ، محمد جراحی و دیگر کارگران
 - 2- مقاله در مورد شاهرخ زمانی ، محمد جراحی و کارگران زندانی و زندانیان سیاسی
 - 3- مقاله یا شعرهایی در مورد زندان و زندانیان
 - 4- داستان کوتاه در مورد زندانیان ، طنز و کاریکاتور
 - 5- نقاشی یا آثار هنری دیگر در رابطه با زندانیان سیاسی
 - 6- مطالبی در رابطه با نقد و انتقاد در مورد عملکرد کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
 - 7- مطالبی در رابطه با کارهای انجام شده و کارهایی که باید انجام می شد و یا کارهایی که باید انجام شود
 - 8- پیشنهادهایی که می تواند کمک و حمایت از زندانیان کارگری و سیاسی را بهتر و ثمربخش تر نماید
 - 9- کلیپ هایی در رابطه با شاهرخ زمانی و دیگر زندانیان
 - 10-تنظیم کارهای عملی میدانی در کشورها و شهرهای مختلف برای تشدید و گسترش اعتراضات در جهت حمایت از زندانیان
 - 11-تهیه گزارشات مفید و مختصر از کارهای انجام شده تا کنون و کارهای که در حال انجام هستند
 - 12-جمع آوری کمک های مالی برای شاهرخ زمانی و محمد جراحی
 - 13-دیگر کارهایی که دوستان و رفقا تشخیص می دهند که می تواند کمکی در جهت حمایت و آزادی شاهرخ زمانی و دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باشد
 - 14-لازم به ذکر است که دوستان داخل کشور می توانند به تشخیص خود با نام مستعار مطالب خود را ارسال نمایند و در صورت ممکن اعتراضاتی در تاریخ های 17 تا 20 خرداد برگزار نمایند.
 - 15-ما از تمامی دوستان ، رفقا ، سازمانها و نهادهای کارگری و آزادیخواه و نهادهای بین مللی و احزاب و سازمانهای کارگری تمامی جهان می خواهیم با برنامه ریزی های متمرکز و متحدانه به دستگیری ، شکنجه ، محاکمه و زندانی کردن و پرونده سازی های دروغین علیه کارگران، بخصوص شاهرخ زمانی و دوستش محمد جراحی هرچه بیشتر آماده شوند.
- با ایجاد اکسیونها ، سمینارها و تجمع ها در مقابل نهادهای حقوق بشر و سفارت خانه های جمهوری اسلامی دست به اعتراضات گسترده بزنیم.

همچنین از تمامی کارگران و تشکل های توده ای و سیاسی کارگران و نهادهای حمایتی و آزادیخواهی ایران و جهان می خواهیم به آکسیون اعتراضی به آل ای او (13 ژوئن) پیوسته و موضوع حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی بخصوص شاهرخ زمانی و محمد جراحی را نیز هر چه بیشتر پیش ببریم .

نوشتن و ارایه ولو یک بیت شعر یا یک صفحه مطلب حمایتی یا انتقادی از طرف هر دوست و رفیقی می تواند ضمن شرکت شما در حمایت از آزادیخواهی و حمایت از جنبش کارگری باعث حمایت گسترده از شاهرخ و دوستانش شود و در نبرد میان انقلابیون و جمهوری اسلامی ارتجاعی یک گام به جلو باشد .

دوستان و رفقا :

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.

حمایت های کوچک ، حتی ارایه یک پیشنهاد می تواند دریای بیکرانی از حمایتها را به بار آورد و آنگاه شاهد آزادی عزیزان زندانی خواهیم شد .

از نظر ما هر گام کوچک در این جهت قابل تقدیر و قدردانی و بسیار مثبت و ثمربخش خواهد بود .

توضیح : 1-دوستان و رفقا می توانند مطالب خود را منتشر نمایند ولی لازم است قبل یا بعد از انتشار نسخه ای از آن را جهت درج در دفترچه های سالگرد دستگیری شاهرخ زمانی و دوستانش برای کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ارسال نمایند تا بتوانیم به مطالبی که در این رابطه نوشته شده اند دسترسی داشته باشیم .

توضیح 2 - لازم است تمامی اعضای کمیته حمایت از شاهرخ زمانی در اطلاع رسانی ، توضیح و تشریح و جمع آوری آثار منتشر شده در جهت موضوعات این فراخوان هر چه بیشتر فعال گردند

توضیح 3 - از تمامی دوستان و رفقا می خواهیم در بالای آثار خود و هم چنین در قسمت موضوع ایمیل ارسالی خود که به منظور سالگرد دستگیری شاهرخ و دوستانش تهیه کرده اند بنویسند " مبارزه سیاسی نباید حرم محسوب شود " و همچنین مهلت ارسال برای آثار مورد نظر از امروز تا تاریخ 17/3/1392 در نظر گرفته شده است

توضیح 4 - شاهرخ و دوستانش در تاریخ 17 تا 19/3/1390 دستگیر شدند در تاریخ 27/5/1390 دادگاه برگزار شد حکم در تاریخ 6/6/1390 صادر و در تاریخ 27/6/1390 ابلاغ گردید و در همین تاریخ اعتراض کتبی داده شد شاهرخ در تاریخ 27/7/1390 با 200 میلیون وثیقه موقتا" آزاد شد و محمد جراحی نیز با وثیقه 100 میلیون در تاریخ 11/7/1390 موقتا" آزاد گردید و در تاریخ 25/10/1390 هر دو نفر مجددا" دست گیر شدند هم اکنون شاهرخ زمانی در بند 4 سالن 12 زندان گوهر دشت به سر می برد و محمد جراحی در بند کاردرمانی زندان مرکزی تبریز زندانی است.

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر
پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

مرکز پژوهش های مجلس: رشد اقتصادی، منفی ۲ و تورم ۲۲ درصد

به نوشته سایت دولتی مهر در تاریخ 20 اردیبهشت 92 آمده است: : مرکز پژوهش‌های مجلس پیش بینی کرد نرخ تورم سال جاری ۳۲ درصد، نرخ رشد اقتصادی بین ۰,۷ تا منفی ۴ درصد و نرخ رشد نقدینگی بیش از ۲۰ درصد باشد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نکات مهم و محورهای تصمیم‌گیری لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را مورد بررسی قرار داد. دفتر مطالعات برنامه و بودجه این مرکز در این گزارش پس از تشریح شرایط اقتصادی کشور مأموریت‌های بودجه را به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای سیاستگذاری اقتصادی در شرایط کنونی بررسی کرده و سپس با راهبردهای اصلی دولت در تهیه و تنظیم لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مورد مقایسه قرار داده است.

دهه ۱۳۸۰ و دو سال اول دهه ۱۳۹۰ شمسی را از نظر اقتصادی می‌توان به ۳ دوره متفاوت می‌توان تقسیم کرد، در این تقسیم‌بندی میانگین منابع حاصل از صادرات نفت، میانگین نرخ‌های رشد اقتصادی، بیکاری و تورم و ارزش نفت خام مصرفی در داخل کشور (به قیمت نفت خام صادراتی) و صادرات و واردات آمده است.

طبق گزارش‌های موجود مشخصه چهار سال اول دهه ۱۳۸۰، بالاتر بودن نرخ رشد اقتصادی و کمتر بودن واردات نسبت به سال‌های بعد است. مشخصه‌های اصلی ۶ سال بعدی (سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۹) رشد بیش از دو برابری منابع حاصله از صادرات نفت و جهش واردات به همین میزان نسبت به چهار سال اول است. مشخصه دو سال اخیر (۱۳۹۰-۱۳۹۱) نیز نوسان شدید متغیرهای اقتصاد کلان به ویژه کاهش نرخ رشد اقتصادی و افزایش شدید نرخ تورم بوده است. لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ در شرایطی تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است که پیش‌بینی‌ها درباره وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی در سال جاری مطلوب نیست. پیش‌بینی‌های انجام شده حاکی از آن است که نرخ رشد اقتصادی بین ۰,۷ تا منفی ۴ درصد، نرخ تورم حدود ۳۲ درصد و نرخ رشد نقدینگی بیش از ۲۰ درصد باشد.

خشکسالی و بیکاری در استان همدان

برپایه خبر رسیده آمده است: یک راننده کامیون از همدان: مشکلات ما در این استان هرروز بیشتر میشود، از جمله اینکه کار نیست، خشکسالی هست، وضعیت کشاورزی خراب است، ساکنین شهرستان‌های اطراف همدان برای کار و تامین مخارج زندگی به استان‌های دیگر مانند اصفهان، تهران، جنوب میروند، من با کامیون کار میکنم هرماه یک میلیون و دویست هزار تومان قسط دارم و الان هفت ماه است که قسط ماشینم را نتوانستم بدهم. ما ۲۴ ساعته کار میکنیم اما بدلیل گرانی نیمی از درآمد ما خرج گازوییل، روغن، لاستیک و... خودرو میشود و توان تامین هزینه زندگی را نداریم و هرروز هم وضع بدتر میشود.

هزینه سرسام آور هزینه پزشک در شیراز

به نوشته دانشجو آنلاین - یک شهروندان شیرازی در 21 اردیبهشت آمده است: بعد از مراجعه به بیمارستان حافظ جهت ویزیت توسط دکتر روانپزشک، دیدم که برای 5 روز هفته معادل 87 هزار تومان باید بدهم. یعنی من ماهانه بایستی فقط 347 هزار تومان پرداخت کنم. این هزینه به غیر از هزینه داروهای است که باید بپردازم. این شهروند که خودش یک معلم بازنشسته است اضافه میکند که «حقوق ماهیانه من که بازنشسته آموزش و پرورش هستم، فقط 700 هزار تومان است. بهمین دلیل از خیر ویزیت توسط دکتر روانپزشک گذشتم

کاهش تولید ایران خودرو دیزل بر مشکلات صنفی کارگران افزوده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران -ایلنادر تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است : یکی از نمایندگان کارگران کارخانه ایران خودرو دیزل از کاهش تولیدات این کارخانه به دلیل واردات بی رویه خودرو و به تبع افزایش مشکلات صنفی نیروی کار در این واحد تولیدی انتقاد کرد.

این فعال کارگری در کارخانه ایران خودرو دیزل که نخواست نامش فاش شود، با بیان اینکه واردات خودروهای سنگین چینی آثار زیانباری را برای تولید کنندگان داخلی به همراه داشته است، گفت: واردات مستقیم و قانونی کامیون و اتوبوس‌های چینی زمینه کاهش تولید محصولات داخلی را فراهم کرده و امنیت شغلی شش هزار کارگر در این کارخانه را به خطر انداخته است.

به گفته این کارگر، تولید انواع کامیونت، کامیون، کشنده و اتوبوس در کارخانه ایران خودرو دیزل نسبت به مدت مشابه سال گذشته بسیار کاهش یافته است به طوری که خط تولید تعدادی از این محصولات تقریباً غیر فعال شده است.

او با اشاره به تاخیر در پرداخت دستمزد کارگران گفت: با کاهش تولیدات کارخانه به سبب کمبود منابع مالی هر ماهه دستمزد کارگران با تاخیر چندین روزه به کارگران پرداخت می‌شود.

این کارگر افزود: با وجود اینکه در کارخانه ایران خودرو دیزل خط تولید و نیروی کار انواع خودروهای سنگین روز دنیا همانند اتوبوس، کامیون و... وجود دارد، اما متأسفانه سیاست گذاری‌های غلط دولت باعث شده همه این نیروها و امکاناتی که در کارخانه وجود دارد بلا تکلیف و غیر قابل استفاده باقی بمانند.

او تأکید کرد: کارخانه‌های تولید کننده خودروهای سنگین که هم اکنون غیر فعال‌اند در صورت دریافت سفارش کار تولیدی می‌توانند هر کدام زمینه اشتغال بیش از دو هزار نفر را به صورت مستقیم فراهم کنند.

نماینده کارگران کارخانه ایران‌خودرو دیزل در این زمینه با ذکر مثالی اضافه کرد: دولت با اجرای طرح خطوط تندرو در تهران تعداد زیادی اتوبوس از کشور چین وارد کرده و این در حالی است که چندین کارخانه ی تولید کننده اتوبوس در کشور وجود دارد که منتظر گرفتن سفارش کار هستند و در حال حاضر نیروی کار و تجهیزات آنان بلا استفاده مانده است.

او ادامه داد: علاوه بر کاهش سفارش دهندگان داخلی برای تولید، این کارخانه در حال حاضر صادراتی هم ندارد و مدیران این کارخانه سعی دارند با وارد کردن برخی محصولات وارداتی به نوعی کمبودهای مالی این کارخانه را با فروش آنها جبران کنند.

به گفته این کارگر در حال حاضر این کارخانه دو هزار وانت (پی کاپ) پیش فروش کرده است که مشکلات گمرکی و نقدینگی مانع از ورود این محصولات شده است.

این نماینده کارگران در کارخانه ایران‌خودرو دیزل بر تسریع حمایت دولت از خودرو سازان تأکید کرد و گفت: حداقل کاری که دولت برای حمایت از صنایع داخلی کشور از جمله تولید کنندگان خودرو های سنگین می‌تواند انجام دهد این است که بخشی از کالاهایی که به کارخانه‌های خارجی سفارش میدهد را به تولید کنندگان داخلی اختصاص دهد و به این ترتیب زمینه گسترش تولیدات داخلی و اشتغال نیروی کار را فراهم کند.

کارگری در کرج قربانی ریزش آوار شد

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است : معاون مرکز فوریت‌های پزشکی استان البرز گفت: یک کارگر بر اثر ریزش آوار در کرج جان خود را از دست داد.

آرش رحمتی در این باره گفت: این حادثه صبح روز جمعه در حسین‌آباد مهرشهر کرج اتفاق افتاد. مصدومان این حادثه دو تن بودند که بعد از انجام اقدامات اولیه درمانی به بیمارستان شریعتی منتقل شدند.

معاون مرکز فوریت‌های پزشکی استان البرز با بیان اینکه متأسفانه یکی از مصدومان حادثه بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد. گفت: فرد فوت‌شده کارگر ساختمانی بود و حین انجام کار جان خود را از دست داد.

وی علت این امر عدم رعایت اصول ایمنی در ساخت و ساز دانست و تأکید کرد: رعایت اصول ایمنی و توجه به استانداردهای تعیین‌شده موثرترین راه برای جلوگیری از وقوع حوادث به شمار می‌رود .

در به در به دنبال داروی ضد افسردگی

به نوشته سایت ایران کارگر در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است: مادر یکی از بیماران اعصاب و روان برای تهیه داروی ضد افسردگی به چندین داروخانه در شیراز مراجعه میکند. این دارو پیدا نمی شود. نهایتاً یک داروی تاریخ گذشته به اینمادر تحویل فروخته می شود. در این نظام قرون وسطایی ببینید چه میکنند جوانان ایران در زنجیر زیر فشار فقر و بیکاری... مبتلا به افسردگی می شوند و بعد از آن هم فشارهای تهیه دارو و درمان. آنوقت این حاکمان از سرو کول هم بالا می روند که قدرت را کسب کنند. مطلقاً به فکر مردم و جوانان نیستند

تمام جامعه از تشدید اخراج کارگران متضرر می شوند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنادر تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده آستانه اشرفیه در مجلس از کاهش امنیت شغلی کارگران انتقاد کرد و گفت: در شرایطی که هر روز شاهد افزایش تهدیدات شغلی کارگران هستیم از وزرای کار و صنعت انتظار داریم تمهیداتی برای توقف این روند بیاندیشند.

به گزارش خبرنگار ایلنا از آستانه اشرفیه، «محمد حسین قربانی پنجاه» در جریان دیدار با تعدادی از کارگران این شهرستان به ارزیابی خود از وضعیت اشتغال و کارگران کشورمان پرداخت و اظهار کرد: فضای امروز اقتصادی ایران ناشی از تحریمها و نیز کاهش رشد اقتصادی دنیا، دارای رکود است. وی با اذعان بر این که وجود تحریمها و کاهش رشد اقتصادی در دنیا سبب کاهش تولید در شهرکهای صنعتی و واحدهای تولیدی کشورمان شده است، خاطر نشان کرد: در حال حاضر، بسیاری از کارگران کارخانجات بیکار شده اند و آن فضای خوبی که در گذشته برای آنان مهیا شده بود را از دست داده اند.

قربانی با بیان این که بخش عظیمی از جامعه ما کارگری است، تصریح کرد: تعطیلی شهرکهای صنعتی و واحدهای تولیدی در شهرهای کوچک، سبب شده بسیاری از کارگران از نعمت کار محروم شوند و مشکلات روحی و روانی برای جامعه کارگری و در ادامه برای تمامی جامعه به وجود بیاید.

وی تاکید کرد: بسیاری از کارخانجات واگذار شده، طبق اصل 44 قانون اساسی به جای این که خصوصی سازی شوند به حالت فامیلی درآمده اند و این امر سبب شده، کسانی که مدیریت این واحدها را در دست گرفته و سرمایه گذاری کرده اند، بسیاری از کارگران را از محل کار خود اخراج کنند.

پایان پیام

تعداد زیادی افغانها توسط نیروهای سرحدی ایران کشته و مجروح شد

به گزارش آژانس خبری پژواک (پژواک، ۲۱ ثور ۹۲)، در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است: تعداد زیادی از افغان هایی که میخواستند به هدف کار وارد ایران شوند، از سوی نیروهای سرحدی آنکشور هدف قرار گرفته، که از اثر آن تعداد زیادی کشته و مجروح شده و از جمع ۳۵۰ نفر، حدود ۱۵۰ تن مفقود گردیده است. صمدیار ولسوال جوبین فراه، به آژانس خبری پژواک گفت که قبل از ظهر روز گذشته، یک گروه حدود ۳۰۰ نفری افغان ها، مورد حمله مسلحانه نیروهای سرحدی ایران قرار گرفتند، که به هدف کارگری وارد خاک ایران شده بودند.

به گفته منبع، آنها بدون پاسپورت و ویزه، به هدف کار به سوی ایران حرکت کرده بودند. وی افزود که باشندگان مناطق مختلف کشور شامل این گروه هستند و با داخل شدن از منطقه تشمیکیه در جوبین به خاک ایران، مورد حمله قرار گرفته اند.

وی گفت که در نتیجه حمله، افغان های زیادی کشته و مجروح گردیده؛ اما تعداد دقیق آنها تاکنون معلوم نیست. عبدالرحمن ژوندی سخنگوی والی فراه، آمار دقیق تلفات را مشخص نکرده گفت که از جمع این گروه ۳۰۰ نفری، ۲۰۰ تن آنها دوباره به کشور خود بازگشته اند.

داکتر عبدالحکیم رسولی آمر شفاخانه مرکزی فراه می گوید که تاکنون از جمع آنها ده زخمی به شفاخانه آورده شده و وضعیت صحتی آنها قابل اطمینان است.

خدایداد باشنده ولسوالی شیندند هرات که برادر و خُسر وی در حمله جراحت برداشته و در این شفاخانه بسترهستند، گفت که برادر و خسر وی، دیروز در گروه ۳۵۰ نفری، از منطقه خاکریز جوبین وارد خاک ایران شدند. وی افزود که نیروهای سرحدی ایران، در این منطقه بر افغان ها گلوله باری کرده و تعداد زیادی از آنها کشته و مجروح گردیده است.

وی گفت که از این گروه، ۱۵۰ تن که شامل ۵۰ زخمی هستند، دوباره به افغانستان برگشت نموده و متباقی تاکنون (ساعت ۸ صبح) مفقود اند.

عبداللطیف ۱۷ ساله نیز یکی از مجروحین این حادثه است که اکنون در شفاخانه فراه بستر است. وی گفته های خدایداد را تایید کرد و گفت که کاکای وی نیز در بین افراد مفقود شده قرار دارد. موصوف نیز از تلفات دقیق ناشی از این حمله، معلومات نداشت.

نامهٔ جمعی از کارگران ایرانی، خطاب به فعالین کارگری مصر

جمعی از کارگران ایرانی

به نوشته سایت افق روشن در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است: متن زیر، چندی پیش جهت به اشتراک گذاشتن تجارب جنبشهای کارگری ایران در انقلاب ۵۷، به همراه احتذارها و هشدارهایی، از جانب جمعی از کارگران ایرانی، خطاب به فعالین کارگری مصر، نگاشته شد، و ترجمه ی عربی آن که ذیل متن می آید نیز، به منظور به اشتراک گذاری به برخی سایتهای کارگری مصر ارسال گردید، اما متأسفانه پاسخی دریافت نشد، لذا از کلیه ی دوستانی که با جهت گیری این متن موافقت دارند و مطرح نمودن این گفتمان را در فضای جاری مصر اقدام مثبتی می دانند، تقاضا می شود از تلاش برای به اشتراک گذاری آن دریغ نوزند:

مبارک رفت و مرسی اینک مجری قوانین حاکم بر ساز و کار جامعه ی مصر خواهد بود. قوانینی که به همت ارتش و سایر جناح های راست به تمامی از آن دفاع شده بود. مبارزات مردم مصر علیه رژیم مبارک اگرچه منجر به تغییراتی در روینای سیاسی جامعه مصر گردید اما در پس همه مرگ برها و زنده بادها آنچه به وقوع پیوست، زد و بندهای دسته جات سیاسی منتفع از ثروت های اجتماعی مصر بود که دگرذیسی در توزیع آن را طلب می نمود. طبقه کارگر مصر همپای طبقات دیگر و مانند هر انقلاب دیگری، در صف اول مبارزه حضور پیگیری از خود نشان داده است و قطعاً رژیم مبارک چمبره بر ارکان جامعه مصر را رها نمی نمود اگر انبوه کارگران پیگیرانه و شجاعانه در اعتراضات شرکت نکرده بود.

در انقلاب مصر نیز به مانند تمام انقلابهای بزرگ جهان، طبقه ی کارگر تا براندازی استبداد حاکم با تمام گروهها و اقشار سیاسی و اجتماعی دیگر هم راستا و هم هدف بود، اما آنچه که از فردای سرنگونی رژیم مبارک دارای اهمیت گردید و با پایمردی طبقه ی کارگر مصر در ادامه ی اعتراضات و اعتصابات گسترده ی خود بناست که اهمیت خود را حفظ نماید این نکته است که چگونه این طبقه خواهد توانست به مثابه ی طبقه ای برای خود، راه هدف نهایی را در راستای مبارزه بر ضد مناسبات سرمایه داری در پیش بگیرد.

همچنانکه مارکس می گوید: "در جامعه ای که بر تضاد آشتی ناپذیر طبقات بنا نهاده شده اگر می خواهیم در عمل و در حرف از بردگی جلوگیری کنیم باید وجود جنگ را بپذیریم."

امروز همچنانکه جناحهای مختلف بورژوازی در مصر بر سر چگونگی تقسیم قدرت و ساختار روینای سیاسی با یکدیگر نزاع می کنند، مبارزات پرولتاریا در قالب اعتصابات و تظاهرات هرروزه، حضور خود را بیشتر و بیشتر می گسترده. فقر به ما کارگران مبارزه را آموخته است، آموخته است که اگر از یگانه ابزار خود که همانا اتحادی است که در قالب اعتصابات مجسم می شود، بهره نبریم، زنده نخواهیم ماند.

این حرکت که در دسامبر ۲۰۰۶ با اعتصابات گسترده بر سر افزایش حداقل دستمزد آغاز شد، تا انقلاب و

سرنگونی مبارک پیش رفت و امروز بسیار متشکل تر اما همچنان در همان نقطه ایستاده است و پرچم مطالبات خود را در قالب افزایش حداقل دستمزدها و آزادی اعتصابات بلند کرده است. آنچه که حائز اهمیت است این نکته است که رشد جهشی آگاهی طبقاتی حاصل از انقلاب می بایست دیدگاه رادیکالتر و انقلابی تری را برای طبقه ی کارگر مصر به همراه آورده باشد و مبارزه ی امروز آنان را به مبارزه ای ضد سرمایه داری بدل نموده باشد و نه تلاشی برای چانه زنی بر سر حداقل دستمزد.

اگر شرایط رفاه نسبی بهتر کارگران کشورهای پیشرفته این امید را در دل کارگران کشورهای پیرامونی روشن کرده که می توانند به دنبال حاکم نمودن جناحی از بورژوازی باشند که با چانه زنی بر سر حداقل دستمزد شرایط رفاهی خود را بهبود دهند، مهمترین گام پیش رو در ارتقای آگاهی این جنبش آن است که این خیال خام را از سر به در کنند. آن شرایط احتمالا بهتر رفاهی، بر شانه های طبقه ی کارگر جهانی و علی الخصوص کشورهای پیرامونی استوار است. قوانین عام سود سرمایه اجازه نخواهند داد که چنین شرایطی در کشورهای پیرامونی و علی الخصوص خاورمیانه و آفریقا که به عنوان منبع انرژی و نیروی کار ارزان در عرصه تولید جهانی اعمال نقش می کنند، برقرار شود. بدیهی است که در مقابل سرمایه ی جهانی، طبقه ی کارگر به مثابه ی یک کل، ابژه ی استثمار است و در این میان هر جا که نا آگاه تر و تشکل نیافته تر باشد محل استثمار بیشتری خواهد بود.

دولت آینده ی مصر به دست هرکه باشد، در ها را به روی بازار جهانی ببیش از پیش خواهد گشود، سیاستهای اقتصاد نئولیبرالیستی - را که تنها یکی از حربه های سرمایه داری برای قرار دادن بار بحران های اقتصادی بر شانه های هر روز ناتوانتر طبقه ی کارگر جهانی است - را تمام و کمال به اجرا خواهد گذاشت، سوبسیدها را از روی غذا، انرژی و کالاهای اساسی به طور کامل حذف خواهد نمود و فشار اقتصادی بر دوش طبقه ی کارگر مصر - که اکثریت قاطع جمعیت این کشور را تشکیل می دهند- روز افزون خواهد شد.

امروز، مانند همیشه جناحهای مختلف بورژوازی خواهند کوشید با انواع گرایشهای قومی، ملی و مذهبی و زیر چتر دفاع از منافع ملی مبارزات طبقاتی کارگران را متشتت ساخته و از هدف اصلی خود که باید تنها و تنها ، مبارزه ی ضد سرمایه داری و نشانه رفتن مناسبات تولید سرمایه داری باشد، منحرف سازند. ممکن است سوسیالیستهای انقلابی در این گیر و دار کارگران را به توقف اعتصابها تشویق نمایند یا در راستای رفهمای اجتماعی و اصلاحات فراگیر از جناح بورژوازی حاکم دفاع نمایند. اما طبقه ی کارگر آگاه و امروز در صحنه ی مصر می باید تجارب تاریخی مبارزات طبقه ی کارگر جهانی را توشه ی راه خود کرده و بتواند در این میان پرچم خود را بلند کند. این نوشته تلاشی است تا تجربه ی شکست جنبش کارگری ایران در انقلاب ۵۷ را که مشابهت های بسیاری با انقلاب مصر دارد، به برادران اکنون در صحنه ی ما انتقال دهد. طبقه ی کارگر ایران در انقلاب ۵۷ ، علیرغم اینکه تمام ستونهای انقلاب و بر اندازی رژیم شاهنشاهی را بر شانه های خود حمل کرد، شکست خورد. چرا که ما به جای مبارزه ی ضد سرمایه داری مبارزه ی ضد رژیمی کردیم. ما بورژوازی ناکارآمد نظام شاهنشاهی را با بورژوازی کارآمدتری در استثمار هرچه بیشتر نیروی کار جایگزین کردیم.

در شرایط خلا قدرت منسجم دولتی پس از انقلاب، که از یک سو جناحهای گوناگون بورژوازی بر سر کسب قدرت در جدال بودند و از سوی دیگر گرایشهای خود انگیزته ی کارگری در راستای ایجاد شوراهای و اسکان بی خانمانها در خانه های خالی از سکنه، در حال شکل گیری بود، ما وقت خود را بر سر دفاع از گرایشهای گوناگون جناحهای مختلف سرمایه داری تلف کردیم، در زیر چتر مبارزه با امپریالیسم، در دفاع از بورژوازی ملی، با حاکمیت همسو شدیم و نهایتا کلیه ی گرایشهای خود انگیزته و رادیکال کارگری به سبعمانه ترین شکل ممکن توسط جناح حاکم سرکوب شد.

پس از هر انقلابی بحث بر سر کسب قدرت سیاسی است و همواره جناحهای ضد انقلابی وجود دارند که دستاوردهای طبقه ی کارگر را به نفع خود تصاحب کنند. طبقه ی کارگر مصر امروز باید با قاطعیت تمام خط خود را تبیین کرده و پرچم خود را برافرازد و انقلاب خود را از چنگال اردوگاه ضد انقلاب، مرکب از ارتش، دولت بورژوازی (اخوان المسلمین) و احزاب و جنبشهای مختلف اسلامی و ناسیونالیستی بیرون بکشد.

و در آخر آنکه سرمایه ی امروز سرمایه ی جهانی است و لذا مبارزه بر ضد آن، مبارزه ای جهانی. کسانی که ادعای مبارزات ضد سرمایه داری را در جهان دارند باید به آنها گفت که در رابطه با جنبش های طبقه کارگر مصر، یونان و غیره کجایید. امروز این وظیفه بر شانه های پیشروان کارگری سنگینی می کند که تحلیلی از اوضاع جهانی داشته باشد. جنبش ضد سرمایه داری گرچه به صورت خود به خودی در آمریکا شروع شد و در

کشورهای اروپایی به صورت مقطعی سربرآورد. اما اکنون در یونان و مصر به صحنه آمده در حالی که فاقد یک سر آگاه و افقی برای نفی کار مزدی و سرمایه داری است. وظیفه جهت دادن به این جنبش ها در جهت نفی سرمایه داری بر دوش پیشروان کارگری چه در خود این کشورها و چه در سراسر جهان است. امروز انواع رفورمیسم با انواع گرایش های بورژوایی از چپ و راست در صحنه مبارزات کارگری حضور دارد و برای به انحراف کشیدن جنبش کارگری از هیچ کوششی دریغ نمی کند. پیشروان ضد سرمایه داری که روی نبود افق نفی مناسبات سرمایه و کار و بستری فاقد آگاهی لازم تکیه می کند، اکنون میدان جنبش هایی نظیر یونان و مصر آماده پذیرش حضور فعال آنان است. و باید به آنان گفت:

" بیار آنچه داری ز مردی و زور، که دشمن به پای خود آمد به گور "

گرایش به جنبش ضد سرمایه داری نمی تواند تنها به نوشتن در سایت ها اکتفا کند. مبارزه با رفورمیسم، که اکنون چون پیچکی به جان مبارزات کارگری در سراسر جهان افتاده است، تنها در میدان مبارزات اجتماعی صورت می گیرد. اگر این نگرش امروز آماده حضور در بستر مبارزات طبقاتی نیست باید این سؤال را پرسید که با یک دیدگاه مسلکی صرف چه تفاوتی دارد.

در پایان، مناسب دانستیم که نوشته ی کوتاه مارکس درباره ی شکل های کارگری، به این منظور که نشان دهد، چگونه تنها افق ممکن و متصور مبارزات کارگری، نفی نظام سرمایه داری است و در غیر این صورت، کلیه ی مبارزاتی که پا را، یا بهتر بگوئیم، نگاه را از چهارچوب مناسبات سرمایه داری فراتر نمی گذارند، در دراز مدت از پس دو دوتا چهارتای منطق سود بر نمی آیند و دستاوردهایشان با بروز بحران های اقتصادی، یکی پس از دیگری زیر پا گذاشته می شود:

دربارهٔ شکل کارگری - مارکس - ترجمه محسن حکیمی

کارل مارکس

ترجمه محسن حکیمی

اقتصاددانان [سرمایه داری] درست می گویند آنگاه که برضد شکل های کارگری اظهار نظر می کنند:

۱- هزینه های شکل کارگری برای کارگران عمدتاً بیش از افزایش دریافتی هایی است که آن ها می خواهند از طریق تشکل به دست آورند. تشکل های کارگری در درازمدت نمی توانند در مقابل قوانین رقابت ایستادگی کنند. آن ها ماشین های جدید، تقسیم کار جدید و انتقال از یک محل تولید به محل تولید جدید را با خود به همراه می آورند. پیامد همهٔ این ها کاهش دستمزد است.

۲- اگر تشکل های کارگری موفق شوند که بهای [نیروی] کار در یک کشور را در چنان حد بالایی نگه دارند که سود سرمایه داران این کشور نسبت به میانگین سود در کشورهای دیگر به گونه ای چشمگیر آفت کند، یا از رشد سرمایه در این کشور جلوگیری کند، این امر باعث رکود و پسرفت صنعت می شود و کارگران را همراه با کارفرمایان شان نابود می کند. زیرا، همان گونه که دیده ایم، زندگی کارگر همین است. هنگامی که سرمایهٔ تولیدی رشد می کند زندگی کارگر رو به وخامت می گذارد، و آنگاه که این سرمایه زوال می یابد یا راکد می شود کارگر در همان ابتدای کار نابود می گردد.

۳- این ایرادهای اقتصاددانان بورژوا، همان گونه که گفته ایم، همه درست است؛ اما فقط در چهارچوب دیدگاه آنان درست است. اگر مسئلهٔ تشکل های کارگری واقعاً همان می بود که علی الظاهر هست، یعنی اگر هدف این تشکل ها تثبیت دستمزد می بود، اگر رابطهٔ بین کار و سرمایه رابطه ای ابدی می بود، این تشکل ها در برخورد با ضرورت چیزها درهم شکسته می شدند. اما آن ها [نه وسیلهٔ تثبیت دستمزد بلکه] وسیلهٔ متحد ساختن طبقهٔ کارگر و آماده کردن کارگران برای برانداختن کل جامعهٔ کهنه و تضادهای طبقاتی آن هستند. و از این دیدگاه، کارگران حق دارند اگر بختند به استادان باهوش بورژوایی که هزینهٔ این جنگ داخلی را از نظر تعداد کشتگان و مجروحان و خسارت های مالی به رخ آنان می کشند. کسی که می خواهد دشمن اش را شکست دهد دربارهٔ هزینه های جنگ با او بحث نمی کند. و اقتصاددانان می توانند میزان بیگانگی کارگران با این کوتاه فکری را از این واقعیت دریابند که بیشتر این تشکل های کارگری را کارگرانی درست کرده اند که دستمزدشان بیشتر از کارگران دیگر است و این که کارگران هرچه قدر بتوانند از دستمزدهایشان می زنند تا صرف ایجاد

تشکل های سیاسی و صنعتی و برآوردن نیازهای این جنبش کنند. و وقتی نوع دوستی آقایان بورژوا و اقتصاددانان شان گاه آنان را چنان خیرخواه و نیکوکار می کند که اندکی چای یا مشروب یا قند و شکر و گوشت به حداقل دستمزد یعنی به کمترین حد زندگی کارگران اضافه می کنند، واکنش کارگران تا حد شرم آوری برای آنان غیرقابل درک می شود آنگاه که می بینند کارگران بخشی از همان حداقل دستمزد را صرف هزینه جنگ با بورژوازی می کنند و حداکثر لذت زندگی را از فعالیت انقلابی شان می برند.

نوشته کارل مارکس
ترجمه محسن حکیمی از منبع زیر:

Marx and Engels on the Trade Unions, edited with an introduction and notes by Kenneth & 36 Lapidés, International Publishers, 1987, p. 35

۴۰۰ کارگر ساختمانی در تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شان تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 21 اردیبهشت 92 آمده است: یک عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادیاران ساختمانی استان تهران اعلام کرد که حدود ۴۰۰ کارگر ساختمانی در مسجد سیدالشهدا، در تهران پارس در شهر تهران تجمع کرده اند. به گزارش ایلنا، محمد باقری گفت: دلیل تجمع عصر جمعه این کارگران، اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات بیمه ای و نبودن یک چارچوب مشخص برای پرداخت دستمزدشان بوده است. او اشاره کرد که این ۴۰۰ کارگر همچنین به عدم رسیدگی نهادهای دولتی به خواسته هایشان معترض بوده اند.

کارگران و انتخابات

به نوشته کانون مدافعان حقوق کارگر در 21 اردیبهشت 92 آمده است: عبدالله وطن خواه - کانون مدافعان حقوق کارگر: در ابتدا باید بگویم چنانچه به دنبال بررسی سیاسی کارانه و با نگاهی اپوزیسیون محور هستید، این مطلب و ما را رها کنید و به دنبال مطالبی بروید که مخالفان حاکمیت فعلی و سابق و آینده در انواع و اقسام جرایم کاغذی و الکترونیکی و نوین، قلمی می کنند؛ و نمذ نامرغوب کارگرانه ی ما را بگذارید تا خود در صورت توان از آن برای خویش کلاهی ساخته و دو دستی آن را بچسبیم و شکرگزار باشیم که: کلاه داریم، پس هستیم؛ و این تاکید در آغاز یعنی مطلب پیش روی با قلمی کارگرانه نوشته شده و مهر و نشان سواد کارگری مان را به همراه داشته و اعتقاد بر این داریم که خود باید پی جوی منافع خود با استدلال و پیکار خود باشیم.

انتخابات در ظاهر، گزینش دسته جمعی فردی است که: مسئولیت اجرایی مقام و منزلتی را برای تصاحب و جایگاه خویش ساختن و یا به قول شعاری آقایان: جهت خدمت گذاری به مردم! در نظر گرفته است. در ایران اسلامی برای حضور در شورای شهر و روستا، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و پست ریاست جمهوری انتخابات برگزار نموده وعده ای از مردم در آن شرکت کرده و به دلیل و یا دلایلی فرد یا افرادی را جهت تصرف مقامی انتخاب می کنند.

به رغم غرغره های مردودین گزینش اولیه ی افراد، اعتقاد داریم در همه جای این دنیای مثلاً دموکراتیک و آغشته به دموکراسی، نیز برای کسب مقامی در پارلمان یا ارگان های دیگر حکومتی، جدای از در آب نمک خواباندن و پرورش دادن، نوعی گزینش اولیه توسط حاکمان صورت می گیرد تا عناصر ضدحاکمیت به مقام حاکمیتی راه نیافته و خواب حاکمان را آشفته نسازد. از این رو در هیچ جا به چنین عناصری، اگر سرکوب نشده باشند، برای تصاحب قدرت، امکاناتی داده نمی شود. پس با در بوق و کرنا کردن مسایلی از این دست هیچ دسته و گروه و حزب و جریانی چه داخلی و چه خارجی نمی تواند انتظار فریب ما کارگران را داشته یا عضویت افتخاری سیاهی لشکر شدن به ما اعطا کند. به همین جهت اجازه دهید تا خودمان با درک و شناخت و توان کارگری خودمان به خود انتخابات نگاه انداخته و باید و نبایدهای خویش را بیان کنیم که ناشی

از منافع کارگری‌مان است، زیرا نه با تشویق حاکمان شرکت در انتخابات را "وظیفه" دانسته و نه با هوچی‌گری مخالفان رنگارنگ تحریم انتخابات را عملکردی "انقلابی" به حساب می‌آوریم. ما به طبقه‌ی فرمان‌بران و نه به طبقه‌ی فرمان‌دهندگان تعلق داریم؛ زیرا بر طبق تعریف قانون کار از "ما"، ما به فرموده و به حساب کارفرما، این یا آن کار را در ازای دریافت دستمزد انجام می‌دهیم و منافع ما گرچه ظاهراً ناشی از امنیت استقرار سود فرمان‌دهندگان (وجود کار) است اما در هر امر منفعتی جداگانه است که باید ساز آن را خود کوک کنیم تا نصیبی برده و نان را وادار به حضور بر سر سفره کنیم. به قولی ما به "شیفتگان قدرت" رأی نمی‌دهیم اما یافتن "تشنگان خدمت" نیز در این وانفسای بر فرض وجود چنین تشنگانی کاری است کارستان که تنها شاید به خاطر دارا بودن شاقول و شم طبقاتی‌مان که محوریتی مستقیم با گرایش جذب ریزمغذی‌های منافع ما دارد، بتوانیم از عهده‌ی آن برآیم.

چند ماه است که فضای عمومی و حاکم در کشور جدای از گرانی‌های کمرشکن، فضای انتخاباتی است، چه توسط کسانی که اعتقاد به زود بودن ایجاد چنین فضایی دارند و چه توسط کسانی که مستقیم و غیرمستقیم بر این آتش و التهاب می‌افزایند. افرادی بانام‌های متعدد، تشکیل باند و گروه و جبهه داده و در باب ایرادات حاکم بر کشور سخنرانی منتقدانه نموده و برای جلوه‌گری بیشتر خود بر سر دولت می‌زنند. باکمی زیر و رو کردن مطالب مطروحه در نشریات همه‌ی نقطه‌نظرات کاندیداهای رسمی و غیررسمی پست ریاست جمهوری، معلوم و مشخص می‌شود و می‌فهمیم چند نفر احساس مسوولیت کرده‌اند و چند نفر را هم گروه‌هایی برای رسیدن به احساس تکلیف هل می‌دهند تا زبان باز کرده و با احساس تکلیف خود بدان رسیده، آن را بیان کرده اعلام کاندیداتوری نمایند. همان طور که می‌دانید کارگران کاری به کار این فضاسازی‌ها جهت گرم و داغ کردن یا سرد و خاموش کردن تنور انتخابات نداشته و ندارند. مگر، آری مگر، اینکه احساس کنیم! یا بشنویم! یا بخوانیم! که یکی از کاندیداهای حاضر یا اینک غایب و فردا حاضر، برنامه‌ای برای دولت آینده‌اش نوشته و در آن برنامه، فصل یا صفحه یا پاراگراف و یا حتی خطی به ما کارگران پرداخته و مطالبات بر حق کارگری‌مان را مطرح نموده و راهکاری بنا به سلیقه و جایگاه خویش برای رسیدن ما به مطالبات‌مان طرح و پیشنهاد کرده باشد. سعه‌صدر داشتن یعنی همین!

با این که می‌دانیم به دلیل قوانین حاکم، هیچ‌کدام از کاندیداها از جنس ما کارگران نیستند و غم‌ما را ندارند، اما همین که ما را ببینند و مطالبات‌مان را بدانند و درحد خود مطرح کننده‌ی خواسته‌های ما باشند و ما بلافاصله چون آهن‌ربایی که در انبار گاه سوزن را می‌یابد و جذب می‌کند چنین فردی را دیده و مطرح می‌کنیم. مثلاً جناب آقای کمالی که ظاهراً از طرف خانه‌ی کارگر به‌عنوان کاندیدای ریاست جمهوری مطرح‌شده و در مراسم بزرگداشت تصویب قانون کار گفت: کارگران ایران لایق تشکیل دولت هستند و دیگر خاموش شد و نامی به‌عنوان کاندید از ایشان نیست. آری کلامی گفتن و گریختن، به‌کار ما نمی‌آید. ما به دنبال کاندیدایی هستیم که دست‌کم بر طبق همین قانون اساسی موجود مجری قانون بوده و عمیقاً و صراحتاً از اولویت مواد و اصولی در قانون اساسی جانب‌داری کند که جزو وظایف حاکمان حقوق انکارناپذیر مردم است؛ مثلاً صراحتاً خواستار اجرای کامل اصل قانون ۴۳ قانون اساسی باشد و نه مثل بسیاری چشم بر این اصل بسته و اجرای اصلی بعدی را که متأخرتر است، اولویت داده و دواتش به اصل ۴۴ قانون اساسی بچسبد و به این بهانه مدافع خصوصی‌سازی باشد و با ایجاد دفتر تام‌الاختیار و اجرای قوانین بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی باعث حذف پارانه‌ها و بسته شدن کارخانه، گشودن مرزها به روی هر آشغالی به نام واردات حتی میوه‌های بی‌مزه و دسته بیل ناقابل و افزایش سپاه بیکاران شود. خواهان استقرار و تداوم امنیت شغلی کارگران باشد یعنی قراردادهای موقت و سفید امضا از روی کارهای با ماهیت دائم برچیده شود، جلوی اخراج به هر بهانه کارگران گرفته شود. لایحه‌ی تغییر اصلاح قانون کار و تأمین اجتماعی را مثل ما کارگران، ضدکارگری و برخلاف قانون اساسی و قانون کار اعلام کند و در برنامه‌ی دولت خود تلاش در راستای اجرای بهتر فصل ششم قانون کار و آزادی تشکل‌های کارگری را گنجانده و عملاً خواهان عدم دخالت دولت و دیگر ارگان‌های قدرت در امور تشکیلات کارگری بر طبق قانون بوده و گام بر دارد و به آزادی سازمان‌یابی کارگران احترام بگذارد.

بد نیست همین جا که بحث آزادی پیش‌آمده یادآور شویم بسیاری گروه‌ها و جریان‌های چپ و میانه و راست و لیبرال و رادیکال اعتقادشان بر این است که: ما کارگران چیزی از آزادی نمی‌فهمیم و اصولاً نمی‌دانیم آزادی خوردنی است یا پوشیدنی. برای اطلاع این عالی‌جنابان سرخ و سیاه و سبزپوش باید گفت: ما کارگران

اصلی‌ترین نیروی محرکه‌ی اجتماع بشری بوده و به دلیل جایگاه طبقاتی خویش عمیق‌تر و دقیق‌تر با مفهوم کاملاً انسانی‌تری، آزادی و عدالت اجتماعی را با پوست و گوشت خود درک و لمس می‌کنیم و برای همه‌ی انسان‌های روی زمین آرزومندِ آنیم. ابزار شناخت ما از آزادی صرفاً ناشی از منافع شخصی و تنها برخاسته از سلول‌های خاکستری ذهن هدایت‌شده‌مان نیست. برای شناخت آزادی تک‌تک سلول‌ها و یاخته‌ها و حواس پنج‌گانه‌ی ما در کارند، کاری سترگ چنان عمل دم و بازدم برای زیستن بدون وقفه‌ی ای تا دم حیات. از این‌رو کاربرد واژه‌ی آزادی توسط شماییان معمولاً ما را غلغلکی نمی‌دهد، زیرا بیشتر از حد تصور شما شاهد استفاده‌ی ابزاری از واژه‌ی آزادی بوده‌ایم و هستیم، مثل بازار آزاد، دنیای آزاد و ... ما به نیات غیرانسانی و استثمارگراییانه و زیاده‌طلبانه‌ای که در پشت واژه‌ها خوابیده‌اند، می‌اندیشیم و با خواندن سطور نانوشته درک می‌کنیم که: از سرمایه‌داری جهانی هستید، در کنار سرمایه‌ی جهانی هستید یا علیه سرمایه‌ی جهانی. آری چون بر عکس شماییان قبل از هر چیز نیازمند خوردن و پوشیدن و سرپناه داشتن یعنی امرارمعاش هستیم امکانات اولیه‌ی زیستن برای ما اولویت داشته و پس از "بودن" است که "آزادی برای که؟" برای ما مطرح می‌شود، آزادی فرمان‌بران یا فرمان‌دهندگان؟ شانه‌های خسته‌ی ما با این بار گران زندگی طاقت به دوش کشیدن شماییان را دیگر ندارد! پس ما را از "سرباز پیاده"ی خود ساختن معاف کنید تا مجالی برای یافتن و بزرگ‌نمایی و خواستن اصول بنیادین حقوق بین‌الملل کار و قانون اساسی و قانون کار، برای رسیدن به منافع خویش داشته باشیم و رمق مانده‌ی خود را صرف آن کنیم.

بحث ما بر سر انتخابات بود و شرکت یا عدم شرکت ما کارگران، ما در این بحث بیشتر طالب بیان خواسته‌ها و مطالبات‌مان هستیم تا روشن سازیم چه خواسته‌های اساسی داریم و با توجه به جمعیت بیش از ۳۰ میلیونی خود اگر کاندیدایی به حق برایمان بمرید چگونه برایش تب کنیم و توان به آرزو رساندنش را داریم. ما با درک درست‌تر و ملموس‌تر از شرایط عینی و ذهنی حاکم بر جامعه‌ی خود ایران، نه افغانستان و پاکستان و پرتغال و رومانی و انگلستان، به طور طبیعی فراگرفته و می‌گیریم در راستای منافع عمومی خویش حرکت کنیم. از این‌رو با هر شعار دهان‌پرکنی جذب کاندیداها نمی‌شویم و به شیوه‌ی خود دنبال مطالبات برحق و زمین‌مانده‌ی خویش هستیم و در برنامه‌ی آنان می‌گردیم تا شاید اینک هنگام آن است که خواسته‌هایمان را فهرست‌وار برشمرده تا راه گریز (من چه می‌دانستم) را بر هر کاندیدایی بسته و روشنایی روز را نشانشان دهیم.

- ۱- ایران یکی از ۱۹۸ کشوری است که قول و قرارهای نوشته‌ی شده‌ای را در سازمان بین‌المللی کار امضا کرده که نام این قرار و مدارهای نوشته و پذیرفته‌شده مقاوله‌نامه است اجرای همه‌ی مفاد این مقاوله‌نامه‌ها به‌خصوص مقاوله‌نامه‌های بنیادین که به‌عنوان حقوق بنیادین و بین‌المللی کار شناخته‌شده‌اند، خواست اولیه ماست زیرا بر طبق این مقاوله‌نامه‌هایی که توسط سازمان بین‌المللی کار تصویب و به رسمیت شناخته‌شده و اعضای متعهد به اجرای آن می‌باشند آزادی ایجاد تشکلهای کارگری بدون اجازه و دخالت دولت و تنها با ثبت تشکل دلخواه، تأیید و تأکید شده و فشار به کارگران برای پذیرش عضویت در آن یا خروج از این تشکلهای غیرقانونی است و کار کودکان ممنوع بوده و باید در ازای کار برابر به کارگر زن و مرد مزد برابر پرداخت شود.
- ۲- اصلاح فصل ششم قانون کار در راستای تسهیل ایجاد تشکیلات کارگری و تصریح در ممنوعیت دخالت دولت و ارگان‌های قدرت در آن بر طبق مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی کار.
- ۳- به رسمیت شناختن عملی روز جهانی کارگر به طور علنی و شفاف و آزادی عملی و قانونی کارگران برای تعطیلی و جشن گرفتن در این روز در هر کوی و برزن که بخواهند.
- ۴- عمل به قانون کار در تعیین سالانه دستمزد و جلوگیری از تخلف بانک مرکزی یا مرکز آمار در ارائه دروغین نرخ تورم و محاسبه‌ی امرارمعاش، خانواده‌ی ۴ نفره و نرخ واقعی تورم در تعیین افزایش دستمزدها.
- ۵- مخالفت با لایحه‌ی ارسالی به مجلس به نام لایحه‌ی اصلاح قانون کار و نیز قانون تأمین اجتماعی و ضد کارگری دانستن این لوایح ضد انقلابی.
- ۶- تصویب قوانینی که کارگران در شوراهای عالی مربوط به خود دست بالا را داشته باشند به نسبت جمعیتی که دارند در جامعه؛ زیرا شورای عالی کار، شورای عالی کار کارگران است نه شورای عالی کار دولت که خود بزرگ‌ترین کارفرماست. دولت و کارفرمایان سازمان‌های بالادستی بسیاری در اختیاردارند، پس شورای عالی کار برای کارگران.

۷- لغو قراردادهای سفید امضا.

۸- لغو قراردادهای موقت در کارهای غیرفصلی.

۹- واگذاری سازمان تأمین اجتماعی به صاحبان اصلی آن یعنی کارگران و نمایندگان واقعی آنان و بازرسی ادواری بیمه از کارخانه‌ها و دقت در دریافت حق بیمه‌ی کارگران از کارفرمایان تا در هنگام بحران‌های ناشی از فلاکت، تأمین اجتماعی پشت کارگران را خالی نکند که تازه معلوم شده کارفرما چند سالی است که حق بیمه را پرداخت نکرده است.

تولید ملی درگیر جنگ داخلی و خارجی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 21 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر تهران واردات بی رویه محصولات صنعتی را عامل نابودی انگیزه تولیدگران ایرانی دانست.

«اسماعیل حق پرستی» با اشاره به واردات بی سابقه کالا طی هشت سال اخیر، به ایلنا گفت: دولت با بی توجهی به تولید کنندگان داخلی ناخواسته باعث وابستگی اقتصادی به کشورهای بیگانه شده است.

این فعال کارگری با اشاره به مشکلات تولیدکنندگان در داخل و خارج کشور، افزود: وقتی صاحبان سرمایه و تولید کنندگان علاوه بر تحمل تحریم‌های خارجی، باید در بازار داخل نیز با تولیدکنندگان خارجی که هیچ محدودیتی ندارند رقابت کنند، نتیجه این رقابت از پیش معلوم است.

دبیر خانه کارگر تهران ادامه داد: در شرایط سخت اقتصادی، وقتی از منابع مالی کشور برای ساخت کارخانه ای هزینه می‌شود و آن کارخانه نیروی انسانی متخصص جذب می‌کند، چرا برخی مسئولان بجای حمایت از این تولیدات سفارش کالاهای خود را به کارخانه های خارجی می‌دهند.

حق پرستی در خاتمه با بیان اینکه تنها راه حمایت از تولید کنندگان داخلی کاهش واردات است اظهار داشت: با کاهش واردات کالاهایی که ضرورتی به واردات آنان نیست می‌توانیم از صاحبان صنایع و کار آفرینان حمایت کنیم.

اعتصاب تاکسی داران و رانندگان در سنندج

برپایه خبری رسیده به روزشمار کارگری در 21 اردیبهشت 92 آمده است: امروز شنبه ۲۱ اردیبهشت تاکسی داران و رانندگان تاکسی در سنندج دست به اعتصاب زدند. مسیر اصلی اعتصاب خیابان فردوسی بود که در ساعاتی از روز مسیر ویژه عبور تاکسی کاملاً مسدود شده بود. در همین خیابان نیروهای امنیتی دخالت کردند و به رانندگان هشدار دادند که آگه خیابان را باز نکنند، بهشان برخورد میکنند. تعدادی از اعتصابیون با پلیس جر و بحث طولانی را داشتند که منجر به ضرب و شتم و دستگیری چند نفر از آنها شد. مسیر طولانی میدان اقبال به میدان فیض آباد مملو از تاکسی های زرد رنگ خاموش بود که توجه تمام عابرین شهر را جلب میکرد. حدود یک ساعت پیش با مراجعه خانواده های دستگیر شدگان به نیروی انتظامی های سنندج، محل بازداشت آنها را پیدا کردند و تا این لحظه ۳ نفر از آنها آزاد شده اند. هفته پیش تاکسی داران در خیابان سعدی سنندج جلو اتحادیه تاکسیرانی تجمع کردند و خواسته هایشان را به این اتحادیه رسانند و هشدار دادند که در صورت بر آورده نکردن خواسته هایشان روز شنبه اعتصاب خواهند کرد. گرانی سر سام آور قطعات یدکی، بنزین و گاز، و بالا رفتن نرخ کرایه تاکسی دلیل اصلی این اعتصاب بود. با بالا رفتن دلار در ایران، قیمت قطعات یدکی خارجی و حتی ایرانی در عرض چند ماه پیش تقریباً دو برابر شده است. گزارش از بختیار پیرخضری

گزارش ایلنا از مشکلات روستائیان «نوده بام»؛ جدال بر سر چراگاه / شهرک صنعتی که گاز ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 21 اردیبهشت 92 آمده است: در شمال شرقی استان خراسان شمالی، حد فاصل بخش‌های «بام» و «صفی آباد» اسفراین روستایی واقع است که «نوده بام» نام دارد و براساس اطلاعات دانشنامه ویکی پدیا شمار ساکنان اش تا 2250 نفر و 570 خانوار برآورد می‌شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، اهالی این روستا که تا به امروز بیشتر به حرفه کشاورزی، باغداری، دامداری و کارگری مشغول بوده‌اند به تازه‌گی در زندگی حرفه‌ای خود با مشکلی عجیب روبرو شده‌اند. مشکلی که باعث تشدید مهاجرت جوانان جوینده کار از روستا به شهرها شده است و چنانچه برای آن چاره‌اندیشی نشود در آینده به خالی شدن این روستا و هدر رفتن ظرفیت‌های شغلی بومی در این منطقه از کشور می‌انجامد.

به گفته عضو شورای اسلامی روستای «نوده بام»، تصاحب و تجزیه چراگاه و زمین‌های کشاورزی اهالی روستا از جانب نهادهای دولتی از یکسو و از سوی دیگر آماده نبودن شهرک صنعتی تازه تاسیس «بام» باعث شده است تا اشتغال و فعالیت اقتصادی اهالی روستا به ویژه جوانان با بحران مواجه شود.

«مسلم رستمی» در این باره توضیح می‌دهد: در حال حاضر از یکسو سیاست‌های نادرست سازمان امور عشایر، دامداران روستا را نسبت به ادامه این حرفه بی‌انگیزه کرده است و از سوی دیگر سازمان منابع طبیعی نیز با رویه‌ای مشابه کار کردن را برای کشاورزان این روستا سخت و ناممکن کرده است.

وی افزود: اعمال این محدودیت‌ها در حالی است که به دلیل نبودن لوله کشی گاز متان در دهستان بام، هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نیست تا در شهرک صنعتی این منطقه فعالیت اقتصادی کند و در نتیجه اهالی روستای بام به ویژه جوانان روستا ناچارند تا برای یافتن کار زادگاه خود را ترک کنند.

تقسیم ناعادلانه چراگاه‌ها

به گفته رستمی در حال حاضر سازمان امور عشایر چراگاه‌های متعلق به اهالی روستای «نوده بام» را بطور ناعادلانه‌ای میان عشایر منطقه تقسیم کرده است و به همین دلیل دامداران روستای نوده برای تغذیه دام‌های خود با مشکل روبرو هستند. وی با بیان اینکه مسئله واگذاری چراگاه‌های روستای نوده بام اسفراين به عشایر منطقه موضوع جدیدی نبوده و سالهاست که اهالی روستا در مجاروت عشایر منطقه زندگی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیزی دارند، گفت: به تازگی بهره‌برداری بیش از اندازه عشایر از چراگاه‌ها و عدم نظارت مسئولان سازمان امور عشایر باعث دغدغه اهالی نوده شده است.

این عضو شورای اسلامی روستای نوده اسفراين با یادآوری اینکه عشایر منطقه دارای چراگاه‌هایی مجزا و اختصاصی در مجاروت چراگاه روستای نوده بام هستند، گفت: سازمان امور عشایر برای استفاده عشایری که بومی منطقه هستند مجوزهای 45 روزه ای را صادر کرده‌است که به موجب این مجوزها عشایر «رستم» و «حاج عباس» می‌توانند در مجموع سالانه 1500 راس دام سبک خود را برای چرا به چراگاه‌های روستا ببرند.

وی با بیان اینکه درعمل عشایر نامبرده در مدت تعیین شده بیش از 6 هزار راس دام را وارد چراگاه‌ها می‌کنند گفت: به دلیل نبود نظارت از سوی سازمان امور عشایر نه تنها از چراگاه استفاده بیش از حد می‌شود بلکه در بیشتر مواقع دام‌های عشایر وارد چراگاه‌های روستای نوده بام می‌شوند.

رستمی با بیان اینکه تاکنون ورود دام‌های عشایر به چراگاه‌های روستا به بهانه‌ای برای وقوع نزاع و برخوردهای منجر به تشکیل پرونده قضایی شده‌است، یادآور شد: اهالی روستای نوده بام بیش از 5 هزار راس دام سبک دارند بطوری‌که دامداری یکی از راه‌های اصلی اشتغال جوانان این روستا محسوب می‌شود.

عضو شورای اسلامی کار نوده بام اسفراين با بیان اینکه چراگاه اهالی روستا زمینی به مساحت 21 کیلومتر مربع است، گفت: متأسفانه درپی اختلافی که بر سر نحوه تقسیم و استفاده از چراگاه‌ها بین روستاییان و عشایر منطقه به وجود آمده است جوانان روستا دیگر انگیزه‌ای برای دامداری ندارند و ترجیح می‌دهند که برای یافتن کار عازم شهرها شوند.

زمین‌های کشاورزی یا منابع طبیعی

عضو شورای اسلامی روستای نوده بام اسفراين همچنين مدعی شد که سازمان منابع طبیعی با اعلام زمین های کشاورزی اهالی روستا زمین های منابع طبیعی مشکلاتی را برای کشاورزان نوده بام ایجاد کرده است.

به گفته رستمی در حال حاضر سازمان منابع طبیعی، زمین های را در محدوده روستای نوده بام جزء منابع طبیعی اعلام کرده است که تا يك دهه قبل اهالی روستا بصورت دیمی در آن زمین ها بادام، جو و گندم می کاشتند.

این مقام مسئول در روستای نوده بام افزود: مشکل اصلی اهالی روستا نا معین بودن مرز میان زمین های کشاورزی و زمین های منابع طبیعی است، بطوری که کشاورزان اهالی روستا بارها به اتهام دخل و تصرف در زمین های دولتی توسط سازمان منابع طبیعی مورد پیگرد قانونی قرار گرفته اند. وی با بیان اینکه در بیشتر موارد کشاورزان بعد از کاشت محصول در زمین های که سالهاست در اختیار و مالکیت آنها قرار دارد تحت پیگرد ماموران منابع طبیعی قرار می گیرند، گفت: سازمان منابع طبیعی به این کشاورزان نه تنها حق برداشت محصول را نمی دهد بلکه آنها را به جرم تجاوز و تصرف جرمه می کند.

رستمی ادامه داد: به این کشاورزان نه تنها بابت هزینه ای که برای کشت محصول شده است خسارتی تعلق نمی گیرد بلکه از طریق دادگاه به پرداخت خسارت های بین 200 هزار تومان تا 3 میلیون تومان نیز محکوم می شوند. وی افزود: هرچند در حال حاضر برای کشاورزانی که در زمین های پایین دستی روستا بصورت آبی فعالیت کشاورزی می کنند محدودیتی وجود ندارد اما در عمل فعالیت کشاورزی بصورت دیمی در مقایسه با فعالیت کشاورزی بصورت آبی نیازمند هزینه اولیه کمتری است و تمامی اهالی کشاورز روستای نوده بام قادر به فعالیت کشاورزی بصورت آبی نیستند.

این عضو شورای اسلامی کار روستای نوده بام یادآور شد: در شیوه کشاورزی آبی، تنها هزینه آبیاری و حق آبه تا بیش از 10 میلیون تومان می رسد که پرداخت آن برای همه کشاورزان میسر نیست. وی مدعی شد که با محدودیت های به وجود آمده برای کشاورزان دیم کار روستای نوده بام، خانواده های این کشاورزان نیز برای تامین معاش خود با مشکل روبرو شده اند بطوری که جوانان این خانواده ها ترجیح می دهند در جستجوی آینده شغلی خود به شهرها مهاجرت کنند.

شهرک صنعتی که گاز ندارد

رستمی همچنین با اشاره به مجوزی که در چند سال گذشته برای احداث يك شهرک صنعتی در دهستان بام صادر شده بود، گفت: عملیات ساخت این شهرک از حدود سه سال پیش خاتمه یافته است اما به دلیل نبود خطوط گاز رسانی در عمل این شهرک فعال نیست.

این مقام مسئول در شورای اسلامی روستای نوده بام گفت: سرمایه گزاران برای شروع فعالیت های صنعتی نیازمند گاز شهری هستند و به همین دلیل از سرمایه گذاری در این شهرک صنعتی استقبال نمی کنند. وی افزود: این درحالی است که هدف از صدور مجوز برای ساخت شهرک صنعتی بام ایجاد اشتغال برای ساکنان بومی منطقه بوده است.

رستمی با بیان اینکه دهستان بام مشتمل بر 30 روستا بوده و در حال حاضر بیش از 15 هزار نفر در این دهستان زندگی می کنند گفت: غیر فعال بودن شهرک صنعتی بام دلیل دیگری است تا اهالی این منطقه به ویژه جوانان تحصیل کرده ترجیح بدهند که در جستجوی کار و تامین معاش راهی شهرها بشوند.

مهاجرت روستاییان به شهرها

عضو شورای اسلامی روستای نوده بام بایبان اینکه در حال حاضر یکی از دغدغه اصلی اهالی دهستان بام به ویژه جوان ساکن روستای نوده بام تامین معاش و یافتن کار است، گفت: اگر اهالی منطقه برای کار در بخش کشاورزی، دامداری و حتی صنعتی با مشکلاتی که یاد شد روبرو نبودند حداقل در این ناحیه انگیزه مهاجرت به شهرها کاهش میافت. وی بایبان اینکه تمامی روستاییانی که در جستجوی آینده بهتر عازم شهرها می‌شوند موفق نمی‌شوند، گفت: امروز بیکاری و تامین معاش مسئله‌ای فراگیر است بطوری که حتی در شهرها نیز برای همه کار وجود ندارد.

رستمی بایبان اینکه به همین دلیل بیشتر افرادی که از روستا به شهرها می‌آیند در بهترین حالت به کارهای موقتی چون باربری و ساختمانی مشغول می‌شوند، گفت: هم به دلیل ماهیت کار و هم به دلیل نبود نظارت کافی برای کسانی که در این مشاغل مشغول کار هستند آینده روشنی وجود ندارد.

این مقام مسئول در دهستان بام با یادآوری اینکه صرفه نظر از نامشخص بودن آتیه شغلی در شهرها بخش قابل توجهی از مهاجرین روستایی ناخواسته در گیر ناهنجاری‌های محیط شهری شده و در نهایت با عنوانهایی مجرم و معتاد و ولگرد قربانی اجتماع شهرها می‌شوند، گفت: به همین دلیل بهتر است که مسئولان برای کاهش این قربانیان و جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها در جامعه از همان زمینه اشتغال جوانان را در همان مناطق روستایی فراهم کنند.

پایان پیام

اعتراض صد ها نفر از کارگران شرکت بیمه

به نوشته سایت ایران کارگر- 22 اردیبهشت 92 آمده است : تعدادی از کارگران شرکت بیمه که بعد از سالها هنوز وضعیت کاریشان مشخص نیست، به نمایندگی از همکاران خود در مقابل وزارت کار تجمع کردند . خواهان رسیدگی به وضعیت بیمه کاری خود بودند. گذشت آن دوره که مردم در برابر این زورگویی ساکت می نشستند . حال دیگر صبري نمانده است .

زدو بند برسر واردات کیسه های خون غیر استاندارد وغفلت نظارت وزارت بهداشت

برپایه خبر سایت هرانا در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است : بر اساس گفته عضو کمیسیون بهداشت مجلس، وزارت بهداشت نظارت چندانی بر فرآورده‌های خونی ندارد، "بخش اعظم کیسه‌های خون غیراستاندارد"، هستند و به همین علت شمار زیادی از بیماران تالاسمی و هموفیلی "درگیر مشکلات جسمی شدیدی" شده‌اند. به گزارش «نامه‌نیوز»، حسین تامینی می گوید: بخش اعظم کیسه‌های خون غیراستاندارد بوده و معلوم نیست وزارت بهداشت بر چه اساسی از شرکت‌های غیرمعتبر خرید می‌کند. وی خاطرنشان می کند: واردات کیسه‌های خون غیراستاندارد، موضوع بسیار مهمی بود که موجب شد کمیسیون وزارت بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، وزیر بهداشت را به کمیسیون احضار کند. نمایندگان این کمیسیون انتقادات بسیار تندی را به آقای وزیر داشتند، چراکه این اولین بار نبود که بیماران هموفیلی و تالاسمی از بی‌توجهی مسئولان این وزارتخانه آسیب‌های جدی می‌دیدند. ما از وزیر بهداشت خواستیم به جای اینکه کارهای سیاسی و تبلیغاتی در این وزارتخانه انجام دهد، به فکر مشکلات جدی بیماران باشد، اما متأسفانه وزارت بهداشت در بسیاری از موارد مربوط به بیماران کوتاهی کرده است. نبود تجهیزات پزشکی استاندارد، کمبود و گرانی دارو، مشکلات بیماران خاص، واردات فرآورده‌های خونی غیراستاندارد، داروهای چینی و ضعف‌های مربوط به بیمارستان‌ها به ویژه بیمارستان‌های دولتی، از جمله مشکلات عمده وزارت بهداشت است مسئولان آن نسبت به این موضوعات بی‌توجهی می‌کنند. مثل هر موضوع دیگر غیرمسئولانه از کنارش رد می‌شوند. .

متأسفانه وزارت بهداشت نظارت چندانی بر فرآورده‌های خونی ندارد. بخش اعظم کیسه‌های خون

غیراستاندارد بوده‌اند و معلوم نیست وزارت بهداشت بر چه اساسی از شرکت‌های غیرمعتبر خرید می‌کند. آنطور که مشخص شد، تعدادی از شرکت‌های تجهیزات پزشکی، با برخی از مسئولان این وزارتخانه زد و بند می‌کنند. همین رانت‌بازی‌ها موجب شده هم‌اکنون بخش عمده‌ای از بیماران تالاسمی و هموفیلی، درگیر مشکلات جسمی شدیدی شوند. این اتفاق در حالی صورت گرفته است که ایران چند کارخانه کیسه خون دارد، اما نمی‌دانیم چرا مسئولان وزارت بهداشت فعالیت کارخانه‌های داخلی را چندان جدی نمی‌گیرند.

بررسی تاثیرات افزایش کرایه تاکسی: حلقه محاصره معیشتی کارگران تنگ‌تر می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 21 اردیبهشت 92 آمده است: در حالی که سخنان وزیر جدید تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص تشکیل جلسه فوق العاده شواری عالی کار برای بررسی احتمال افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران هنوز در حد وعده و شعار باقیمانده است، از صبح امروز کرایه تاکسی‌ها در پایتخت مطابق با رشد نرخ رسمی تورم، 31 درصد افزایش یافت.

به گزارش خبرنگار ایلنا، براساس مصوبه‌ای که در آخرین روزهای کاری اسفند ماه سال گذشته در شورای شهر تهران به تصویب رسید، از صبح امروز شنبه 21 اردیبهشت ماه کرایه‌های حمل و نقل در ناوگان تاکسیرانی شهر تهران 31 درصد گرانتر شد.

کار در بخش حمل و نقل به عنوان حرفه ای خدماتی تلقی می‌شود، بنابراین موافقت شورای شهر تهران با افزایش کرایه تاکسی‌ها ادعای گران شدن هزینه‌های هزینه‌های زندگی که مورد استناد کارگران برای افزایش دستمزد مطابق با نرخ تورم است را نیز تایید می‌کند.

بنابر ادعای مسئولان سازمان تاکسیرانی با توجه به افزایش هزینه‌های مربوط به تعمیر و نگهداری خودرو، افزایش کرایه تاکسی برای تامین معاش 80 هزار راننده تاکسی در شهر تهران اقدامی ضروری است.

افزایش هزینه کرایه تاکسی هر چند برای شهروندان ایرانی به ویژه مزد بگیران و افراد کم درآمد چندان خوشایند نیست، اما نشان می‌دهد که بخشی از مسئولان کشور باتوجه به واقعیت‌های اقتصادی جامعه از جمله نرخ تورم در خصوص چگونگی افزایش کرایه‌ها تصمیم گرفته‌اند.

این همه درحالی است که در مقطعی که اعضای شورای شهر تهران در جلسه خود سرگرم تصویب افزایش 31.5 درصدی کرایه تاکسی بودند، اعضای شورای عالی کار در جلسات تعیین دستمزد خود تنها با افزایش 25 درصدی حداقل مزد کارگران، و در سایر سطوح تا 17 درصد در بخشهای مختلف صنعتی، خدماتی و کشاورزی موافقت کردند و باعث شدند تا شش شکل کارگری با طرح شکایتی در دیوان عدالت اداری، ابطال مصوبه دستمزد سال 92 را خواستار شوند.

اعتراض گسترده کارگران به نحوه تعیین دستمزدها تا آنجا پیش رفت که سرانجام اسدالله عباسی سرپرست وقت و وزیر کنونی تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هفته کارگر گفت: در نیمه دوم اردیبهشت ماه شورای عالی کار برای بررسی امکان افزایش حق مسکن و حق بن کارگران تشکیل جلسه خواهد داد.

هرچند با وجود گذشت شش روز از آغاز نیمه دوم اردیبهشت ماه هنوز این وعده وزیر کار محقق نشده است اما تازه‌ترین آمار و گزارش‌های منتشر شده از سوی مراجع رسمی نشان می‌دهد فاصله نرخ تورم از نرخ افزایش مزد در حال افزایش است.

هفته گذشته مرکز آمار ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی به عنوان مراجع رسمی در گزارش‌هایی جداگانه و متفاوت نرخ تورم را با 2.5 درصد اختلاف به ترتیب ۳/۳۲ و ۸/۲۹ درصد گزارش کرده بودند.

افزایش 19 درصدی حوادث کارگری در حین کار

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: "به گزارش سازمان پزشکی قانونی کشور، در سال گذشته یکهزار و 795 نفر در حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند. این رقم در مقایسه با سال قبل از آن که تعداد فوتی‌های حوادث کار یکهزار و 507 نفر بود، 19 و یک دهم درصد بیشتر شده است". کاهش شدید الزامات ایمنی در محیط‌های کار که توسط عوامل حکومتی و با هدف سودجویی بیشتر ایجاد شده علت اصلی افزایش مرگ کارگران در هنگام کار است

یک مقام کارفرمایی مدعی شد: کارشکنی کارگران رسمی عامل انحلال صنایع اسوه ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 21 اردیبهشت 92 آمده است: در پی انتشار خبر «انحلال صنایع اسوه ایران و بیکاری 53 کارگر رسمی» که در تاریخ 18 اردیبهشت ماه سال جاری، مدیر تسویه این واحد تولیدی در تماس با ایلنا توضیحاتی را در این خصوص ارائه داد.

امامیان با اعلام اینکه علت انحلال کارخانه «صنایع اسوه ایران» کاهش فروش و تراز نبودن درآمدها با هزینه‌ها بوده است، به خبرنگار ایلنا گفت: صرف نظر از مشکلات اقتصادی ناشی از گران شدن انرژی و اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها، کم‌کاری کارگران رسمی و تشویق سایر کارگران قراردادی به کار نکردن باعث به وجود آمدن این وضعیت شده است. وی بابیان اینکه کارخانه صنایع اسوه ایران تا آخر سال 91 به مدت 36 سال در زمینه تولید انواع دیگ بخار و شوفاژ فعالیت داشت، گفت: برخلاف اظهارات فردی که خود را مسئول شورای اسلامی کار و نماینده کارگران معرفی کرده است، در این کارخانه تنها 14 کارگر رسمی مشغول کار بوده اند.

او ادامه داد: کارگران رسمی با کم‌کاری و تشویق کارگران قراردادی دیگر باعث شدند تا کارخانه نتواند به موقع سفارش‌های مشتریان خود را تحویل دهد و در نتیجه کارخانه منحل شد.

امامیان گفت: ممانعت کارگران رسمی از همکاری در این واحد تولیدی در حالی است که کارگران قراردادی در حالت طبیعی همواره به اندازه حقوقی که می‌گرفتند کار می‌کردند.

مدیر تسویه کارخانه صنایع اسوه ایران همچنین بابیان اینکه کارگران رسمی این واحد تولیدی هر یک کمتر از 20 سال سابقه کار داشتند، افزود: چنانچه هرکدام از این کارگران رسمی از نظر سوابق واجد شرایط بودند بدون شک به جای آنکه به بیمه بیکاری معرفی شوند بازنشسته می‌شدند.

به گفته امامیان از آنجا که در پی انحلال کارخانه صنایع اسوه ایران، امکانات، ابزار تولید و فضای کارخانه به سرمایه‌گذاری جدید واگذار شده است، از ابتدای اردیبهشت ماه این واحد تولیدی تحت عنوان صنعت اسوه ایرانیان فعالیت خود را در همان زمینه تولید دیگ بخار و شوفاژ آغاز کرده است و در همین رابطه تاکنون تعداد هشت نفر از کارگران قراردادی کارخانه قبلی دوباره به کار سابق خود بازگشته‌اند.

این مقام کارفرمایی در کارخانه منحل شده صنایع اسوه ایران افزود: چنانچه این واحد تولیدی جدید در فعالیت خود موفق شود نه تنها امکان جذب تمامی کارگران قراردادی تعدیل شده وجود دارد بلکه ممکن است حتی تعدادی از کارگران دائمی نیز به شرط کار کردن استخدام شوند.

مدیر تسویه واحد کارخانه صنایع اسوه ایران همچنین در خصوص سایر ادعاهای مسئول شورای اسلامی کار این واحد منحل شده گفت: برخلاف اظهارات این شخص در زمان انحلال، موجودی مواد خام کارخانه به اندازه 8

هزار تن ورق فولادی نبوده و کارخانه برای تولید 105 دیگ بخار سفارش نداشته است. وی افزود: در حال حاضر سرمایه گذار جدید متعهد شده است تا از محل فروش مواد خام باقیمانده و تکمیل سفارشات قبلی مطالبات مربوط به بازخریدی و پرداخت سنوات کارگران سابق را تامین کند.

پایان پیام

اعتصاب گسترده رانندگان تاکسی در شهر سنندج

برپایه خبر انعکاس یافته در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است: بنا به گزارش رسیده روز شنبه 21 اردیبهشت 92 رانندگان تاکسی شهر سنندج با خاموش کردن ماشینهای خود از ابتدای خیابان نبوت تا چهارراه سیروس دست به اعتصاب زدند و در مقابل تاکسیرانی تجمع کردند. این اعتصاب از ساعت 9 صبح شروع شده و تا ساعت 11 به مدت 2 ساعت ادامه داشت. شایان ذکر است که در سطح شهر همزمان در چند خیابان دیگر از جمله خیابان شاهپور، فردوسی، فیض آباد و... رانندگان دست از کار کشیدند و مابقی رانندگان از سوار کردن مسافران امتناع کردند. در ساعات اولیه ی اعتصاب، نیروهای انتظامی و اطلاعاتی برای متفرق کردن اعتصاب کنندگان در آنجا حضور پیدا کردند و رانندگان را تهدید به توقیف خودرو و مجوز حمل مسافر کردند که با مقاومت رانندگان و ادامه ی اعتصاب روبرو شدند که سرانجام مامورین سازمان تاکسیرانی اقدام به کندن شماره پلاک تعدادی از تاکسی ها نمودند.

در پی گرانی روز افزون مایحتاج زندگی مردم و مخصوصا کارگران، خواستههای رانندگان تاکسی صدور نرخ کرایه تاکسی سال 92 متناسب با نرخ تورم و گرانی، بازگشت یارانه ی قطعات مصرفی که مدتی است از طرف سازمان تاکسیرانی قطع شده، کاهش قیمت سوخت، استخدام رانندگان با دستمزد ماهیانه و ساعات کاری مشخص و همچنین زوج و فرد کردن تاکسی ها برای کاهش ترافیک و سهولت در ارائه خدمات به مردم بوده است.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

میراث ۲ میلیون بیکار برای دولت جدید

به نوشته سایت سخام نیوز به نقل از خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 21 اردیبهشت 92 آمده است: با وجود ادعای ریشه کنی بیکاری، سیاستهای اشتغال زایی دولتهای نهم و دهم چنگی به دل نزد و با صرف میلیاردها تومان هزینه و پرداخت تسهیلات بانکی برای ایجاد اشتغال، پرونده حل نشده ۲ میلیون بیکار به دولت یازدهم سپرده می شود.

به گزارش خبرنگار مهر، ریشه کن کردن بیکاری یکی از بزرگترین و در عین حال مهم ترین وعده هایی بود که در زمان فعالیت دولتهای نهم و دهم داده شد و این موضوع در سفرهای استانی هیئت دولت به دفعات مطرح شده است.

مقامات دولتی در پاسخ به درخواست های فراوان جوانان در استان ها برای کار، همواره اعلام می کردند که در این زمینه برنامه های بزرگی در دست اجرا است و تا پایان کار دولت دهم یعنی تا کمتر از ۳ ماه آینده؛ بیکاری در کشور برای همیشه ریشه کن خواهد شد.

با این حال، ادعای دولت درباره ایجاد میلیون ها فرصت جدید شغلی در سال های اخیر چندان برای خانواده ها ملموس نبود و در این زمینه نیز مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اعلام می کردند به دلیل بزرگ بودن حجم بیکاری و بالا بودن تعداد بیکاران کشور؛ ایجاد فرصت های جدید شغلی به وضوح قابل لمس نیست ولی جریان اشتغال زایی در کشور ادامه دارد و اقدامات موثری هم در دست انجام است.

وعده بزرگ ریشه کنی بیکاری

متاسفانه آنچه که امروز و پس از ۸ سال فعالیت دو دولت نهم و دهم در بخش بازار کار و اشتغال کشور به گواه آمارهای مستند مرکز آمار ایران مشاهده می شود، نه تنها ریشه کن شدن بیکاری نیست بلکه هنوز هم حدود ۲ میلیون نفر جوان در کشور مترصد ورود به فضای بازار کار هستند و در این زمینه از سوی بسیاری از آنها تلاش هایی صورت می گیرد.

موضوع بیکاری جوانان به ویژه در بخش فارغ التحصیلان امروز به یکی از آزار دهنده ترین مسائل و موضوعات در خانواده ها تبدیل شده به گفته کارشناسان بازار کار، در شرایط فعلی کمتر خانواده های را می توان در کشور دید که در آن یک یا چند جوان بیکار وجود نداشته باشد.

هرچند نمی توان این ادعا را مطرح کرد که بیکاری ۲ میلیون کارجوی جوان تنها در زمان فعالیت دولت های نهم و دهم به وجود آمده است، اما اصرار این دولت ها به اجرای برنامه های یکنواخت اشتغالی که یک طرف بانک ها و یک طرف نیز متقاضیان کار قرار داشته اند باعث اتلاف منابع بسیار زیادی شده است. این مسئله در جریان راه اندازی و گسترش بنگاه های کوچک زودبازده به خوبی خود را نشان داده است.

زودبازده ها اولین گام و بزرگترین طرح دولت نهم برای مقابله با پدیده بیکاری در کشور بوده است، از این طریق حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان منابع بانکی به صدها هزار طرح اشتغال زایی کوچک در کشور تسهیلات پرداخت شد، اما گزارش منتشر شده از سوی دولت در سال گذشته نشان داد که بیش از ۶۰ درصد هدف زودبازده ها در کشور محقق نشده است و بخش قابل توجهی از منابع بانکی با وجود ادعای کنترل شدید دولت، به انحراف رفته است.

اشتغال زایی میلیونی

مقامات دولتی معتقدند دولت توانسته است در بازار کار حدود ۵ میلیون فرصت جدید شغلی ایجاد کند و از این طریق جوانان بسیار زیادی امکان ورود به بازار کار کشور را پیدا کرده اند. قضاوت منطقی این است که نباید گفت به صورت مطلق دولت هیچگونه شغلی ایجاد نکرده و همه منابع صرف شده در این بخش به انحراف رفته است، اما مجموعه اقدامات و آمارهای ارائه شده از سوی استان ها درباره عملکردهای سالیانه اشتغال زایی؛ نتوانسته است نیاز واقعی بازار کار را پوشش دهد.

ادعاهای ثابت نشده ای نیز درباره آمارسازی دولت و استان ها درباره تحقق سهم اشتغال زایی سالیانه وجود دارد و زیرمجموعه های دولتی از معنای اشتغال زایی تعبیر مختلفی را ارائه کرده اند. به عبارتی مطرح شده است که دولت در زمان ارائه تسهیلات بانکی به طرح ها، وعده اشتغال زایی آن طرح را در قالب آمار عملکرد نهایی جمع آوری و مطرح کرده در حالی که بسیاری از طرح ها ممکن است در نیمه راه متوقف شده باشند و یا آن تعداد وعده داده شده اشتغال زایی، اساساً محقق نشده باشد.

گواه نوعی شکست در برنامه های اشتغال زایی دولت در ۸ سال گذشته، آمارهای مستندی است که مرکز آمار ایران از تعداد بیکاران و شاغلان کشور ارائه کرده است به نحوی که تعداد بیکاران کشور در سال ۸۴ (آغاز فعالیت دولت نهم) ۲ میلیون و ۶۷۴ هزار و ۸۶۶ نفر بوده است و این تعداد در پایان سال گذشته به ۲ میلیون و ۹۴۴ هزار و ۱۵۸ نفر افزایش یافته است!

آمارهای بیکاری

همچنین تعداد شاغلان کشور در اولین سال فعالیت دولت نهم ۲۰ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۵۷۹ نفر بوده که در پایان سال ۹۱ به ۲۱ میلیون و ۱۶۰ هزار و ۸۸۷ نفر رسیده است و در این فاصله ۸ ساله، آمار شاغلان تنها ۵۴۲ هزار و ۳۰۸ نفر افزایش نشان می دهد.

یک نکته حائز اهمیت دیگر که در بحث اختلاف نظر بازار کار با دولت در ایجاد میلیون ها فرصت جدید شغلی وجود دارد، جا به جایی هایی است که در بازار کار به صورت معمول صورت می گیرد. به عبارتی برخی منتقدان سیاست های اشتغالی دولت می گویند، دولت حتی آمارهای جا به جایی نیروها در بازار کار را نیز به عنوان

فرصت جدید شغلی تلقی کرده و در آمارها گنجانده است، در حالی که واقعا چنین اتفاقی نیافتاده و تنها فردی از شغلی موجود به شغل موجود دیگری نقل مکان کرده است.

نه تنها تعداد بیکاران کشور از سال 84 تا پایان 91 در حدود 3 میلیون نفر حفظ شده بلکه در سال 89 این تعداد به 3 میلیون و 218 هزار و 329 نفر بالغ شد که نسبت به همه سال های فعالیت دولت های نهم و دهم آمار بالاتری محسوب می شود. با این حال، هیچگاه دولت نتوانست تعداد بیکاران کشور را در یکسال از 2 میلیون و 392 هزار و 179 نفر کمتر کند.

جدول 8 ساله تعداد بیکاران کشور

(ارقام به میلیون نفر)

سال	تعداد بیکاران
84	2674866
85	2642648
86	2486238
87	2392179
88	2839971
89	3218329
90	2877608
91	2944158

جدول 8 ساله تعداد شاغلان کشور

(ارقام به میلیون نفر)

سال	تعداد شاغلان
84	20618579
85	20841420
86	21092477
87	20500310
88	21000704
89	20656693
90	20510025
91	21160887

زندگی میلیونها خانواده کارگری چگونه میگذرد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است: از اوایل سال گذشته به این سو و با گرانی های سرسام آوری که طی دو سال گذشته بوجود آمده است مسئله معیشت میلیونها خانواده کارگری و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بیش از هر زمان دیگری در مرکز توجه همگان قرار گرفته است و بیش از همیشه این سوال مطرح است که کارگران با این دستمزدها چگونه زندگی میکنند. برای پاسخ به این سوال آنرا بی هیچ مقدمه ای با یک مربی آموزش رانندگی، یک راننده تاکسی، یک کارگر جوان و یک کارگر میانسال در میان گذاشتم.

حسن محمدی مربی آموزش رانندگی در این باره می گوید : من ماهیانه تقریباً 650 هزارتومان می گیرم، ماشین هم مال خودم نیست ماهی 400 هزارتومان کرایه خانه می دهم با 4 میلیون پول پیش، خوب با این حقوق، سهم من از زندگی فقط غصه و حسرت است من باید جوابگوی همه کم و کاستیهای خانواده ام باشم، اما هیچکس جوابگوی من نیست من از 7 صبح تا 7 شب هرچه گاز می دهم به گرد پای گرانی و تورم نمی رسم. حقوق من ثابت، اجناس هی بالا میرن، بچه ها بزرگتر میشن و خرجشون هم بیشتر، من مانده ام با این حقوق چکار کنم فقط امید من اینه که هرچه زودتر این وضعیت تغییر کند.

جمال 15 سال راننده تاکسی است او می گوید: در جا که هیچ، حس می کنم عقب عقب می روم با اینکه از 7 صبح تا 11 شب کار میکنم، سهم من از زندگی کلاچ، ترمز، دنده و مسافره و 15 ساعت کار، این هم شد زندگی؟ می گوید 42 سال دارد، موهایش ریخته، ته ریشش بیشتر به سفیدی می زند و سنش را بالاتر نشان می دهد. ادامه می دهد تا حالا با هزار و یک بدبختی و قرض و بدهی 20 میلیون تومان خرج بچه ام کرده ام، متولد شد قلبش مشکل داشت هفت سال است، هنوز مراقبت لازم دارد دیگر چیزی در زندگی ندارم، من مانده ام و یک ماشین فکسنی، حالا ساعت 4 است و من فقط 20 هزارتومان کارکردم اول صبح لاستیک ترکاندم، 40 هزارتومان هم جریمه شدم، دیگه نمی دونم چکارکنم. مسافری را سوار می کند به او می گویم جواب سئوالم را ندادی چپ چپ نگاه می کند و می گوید پس اینها قصه کرد شبستری بود برات خواندم، در خودم فرو می روم و او زیر لب غرولند می زند، سوسک هم این طور زندگی نمی کند!

یاور کارگر لوله سازی صفا 45 سالش است، تاکنون در چند جا کارکرده 20 سال سابقه کار دارد. سئوال را اینطور پاسخ می دهد دستمزد نقش اصلی را در زندگی اکثر کارگران دارد چون درآمد دیگری ندارند من چند سالی است از کرایه خانه راحت شدم گفتم نفسی می کشم ولی اقساط وامها و هزینه اب، برق، گاز، تلفن و این گرانی ها نفسم را بریدن، ده روزه حقوق ماهیانه ام ته می کشد آن هم بشرطی که سر ماه حقوق را بدهند، سه ماهه که حقوق نگرفتیم. همسرم خیاطی میکند ولی باز هم نمیرسیم، امسال 25 درصد مزد را بالا بردند ولی اجناس هم چند برابر شدند گوجه 2000 بادمجان 2500 قارچ 6000 سیب زمینی 1800، دیگه نمی دونیم چی بخوریم، گوشت و میوه که به دهان ما حرام شده، دخترم سال دوم دبیرستانه، استعداد خوبی داره، دوست داره دانشگاه بره، همین حالا هم شرمند شدم، آینده اش چه خواهد شد؟ خیلی نگرانم.

احسان 23 ساله، کارگر یک تعمیرگاه فنی است، اهمیت و نقش مزد در زندگی اش را این طور بیان می کند: دوسال پیش سربازی را تمام کردم یک سال دنبال کار گشتم و آخر سر مجبور شدم اینجا کار کنم، سال پیش 250 هزارتومان می گرفتم و امسال که تجربه ام زیاد شده 100 هزارتومان به حقوقم اضافه شده و بیمه شدم. از 8 صبح تا 9 شب، جوشکاری، سنگ زنی، برشکاری، با اسید، اب باطری و تعمیرات هم سر و کار دارم. خوب 13 ساعت کار به این سختی، فقط 350 هزارتومان؟ حتی از مزد قانون کار هم کمتره، کرایه رفت و امد فقط ماهی 60 هزارتومان می شود، خوب با این حقوق که حالا حتی خرج خوراکم هم نمی شود من می توانم آینده ای داشته باشم؟ این هم از روزگار جوانی ما، دریغ از دلخوشی و تفریح، آرزوهای همه برباد رفت، فقط دلم خوشه بیکار نیستم!
جمیل محمدی

بازداشت و زندانی نمودن کارگران محکوم است! - علی نجاتی

با درود به همه کارگران و فعالین و پیشروان کارگری، در حالیکه کارگران و زحمتکشان جهان ۱۱ اردیبهشت ماه مصادف با اول ماه مه روز جهانی کارگر را در اکثر کشورها جشن می گیرند، حضور کارگران و فعالین کارگری در ایران در این مراسم جرم محسوب می شود و از برگزاری این روز ممانعت به عمل می آید. برگزاری این روز نمایش قدرت کارگران و پیروزی نسبی آنها بر دنیای نابرابر سرمایه داریست؛ که کارگران توانسته اند آن را بر سرمایه داران تحمیل نمایند. در اکثر کشورها این روز را گرامی می دارند. در ایران علی رغم اینکه روز جهانی کارگر در قانون کار به ظاهر به رسمیت شناخته شده است، اما کارگران و فعالین کارگری که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت می کنند، دستگیر و زندانی می شوند. این بازداشت و زندانی شدن ها برای خانواده ها هم مشکلات زیادی را موجب می شود. باید به این دستگیریها خاتمه داده شود. پس به عنوان یک کارگر وظیفه خود می دانم ارباب و دستگیری و زندان کردن کارگران و فعالین

کارگری را محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط همه زندانیان از جمله کارگران زندانی همچون رضا شهابی، جلیل محمدی، حامد محمودی نژاد، محمد جراحی، رسول بوداگی، پدram نصرالهی، شاهرخ زمانی و زندانیان سیاسی هستیم. به امید پیروزی تمامی کارگران علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه ۱۳۹۲/۲/۲۵

خلف وعده تامین اجتماعی: کاشان با 75 هزار بیمه شده، فاقد بیمارستان تخصصی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: در شهرستان کاشان با دارا بودن بیش از 75 هزار بیمه شده اصلی و 20 هزارمستمری بگیر تنها يك کلینیک تحت پوشش تامین اجتماعی وجود دارد که در این مرکز تنها پزشک عمومی و آزمایشگاه از ساعت 8 صبح تا 12 ظهر فعالاند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در کاشان، پس از واگذاری بیمارستان شهید بهشتی تامین اجتماعی این شهرستان به دانشگاه علوم پزشکی، يك کلینیک تخصصی به نام بوعلی در این شهر افتتاح شده است، اما این کلینیک فاقد پزشک متخصص است و انجام سونوگرافی هفته‌ای یک روز انجام می‌شود و خانواده‌های کارگران کاشان با وجود پرداخت ماهانه 30 درصد از حقوق خود به سازمان تامین اجتماعی، در صورت بیماری ناچارند به مطلب‌های خصوصی مراجعه کنند.

بر اساس این گزارش، ساخت بیمارستانی که قرار بود جایگزین بیمارستان شهید بهشتی تامین اجتماعی شود نیز با وجود وعده‌های مسئولان هنوز به مرحله راه‌اندازی نرسیده است.

پایان پیام

تجمع کارگران فولاد زاگرس مقابل فرمانداری قروه در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود و نداشتن هیچ گونه قراردادکاری

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ 22 اردیبهشت 92 آمده است: بیش از یکصد و پنجاه کارگر شرکت پیمانکاری «خوان گل» وابسته به کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از ۲۷۳ کارگر این کارخانه (۲۱ اردیبهشت ماه) در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند. این کارگران که دارای سوابق کاری بین ۱۰ تا ۲۰ سال هستند نسبت به تهدید امنیت شغلی‌شان معترض بوده و مدعی هستند پیمانکار علاوه بر پرداخت نکردن سه ماه حقوق (از بهمن ماه سال ۹۱) هیچ گونه قراردادی با آنان امضاء نمی‌کند. یکی از کارگران این واحد تولیدی که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت اظهار کرد: بیش از ۲۷۳ کارگر شاغل در این مجموعه تولیدی علاوه بر اینکه از بهمن ماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند، هیچ گونه قرار دادی نیز با کارفرمای خود ندارد. نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: از سال ۸۶ با واگذاری بخشی از فعالیت کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به شرکت پیمانکاری خوان گل مشکلات کارگران افزون تر شد. او با بیان اینکه نداشتن قرار داد کاری نگرانی این کارگران را به سبب افزایش مشکلات شغلی‌شان افزایش داده است، افزود: این کارخانه از مرداد ماه سال گذشته فعالیت تولیدی ندارد و کارگران آن فقط برای حضور و غیاب در کارخانه حضور پیدا می‌کنند. این کارگر درباره سایر مشکلات کارگران افزود: بخش دیگری از مشکلات کارگران شرکت پیمانکاری خوان گل مربوط به سوابق کاری و بیمه ای کارگران است. با آنکه از سوی کارفرما به کارگران گفته می‌شود که سوابق بیمه ای سخت و زیان آور آنان مرتباً واریز می‌شود ولی زمانی که کارگران پی گیر سوابق خود در تامین اجتماعی می‌شوند هیچ سابقه‌ای مبنی بر سخت و زیان آور بودن شغل ثبت نشده است. او با اشاره به تجمعات مکرر کارگران در مقابل فرمانداری قروه اظهار داشت: کارگران در اعتراض به دریافت مطالبات صنفی خود بارها در اعتراض به کارفرما در مقابل نهاد های

دولتی تجمع کرده اند و مسئولان این نهادها بارها قول داده اند امنیت شغلی کارگران را حفظ کنند اما تاکنون در این زمینه هیچ اقدام مثبتی مشاهده نشده است. مدیر عامل شرکت پیمانکاری خوان گل در پایان سخنان خود درباره بلا تکلیفی کارگران گفت: این شرکت با وجود اینکه تولید ندارد مرتباً حقوق و سایر مزایای کارگران خود را پرداخت کرده است و در این مورد نمی توان گفت کارگران بلا تکلیف هستند چرا که مرتباً بر سر کار خود حاضر هستند.

اعتصاب کارمندان و خبرنگاران روزنامه شهروند بدلیل عدم پرداخت حقوقشان

به گزارش تهران پرس، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: کارمندان و خبرنگاران روزنامه شهروند بخاطر دریافت نکردن حقوق خود از پیش از سال جدید دست به اعتصاب زده اند. برپایه این گزارش، خبرنگاران و پرسنل فنی روزنامه شهروند که تعدادشان بیش از 60 نفر است بخاطر بدقولی های مدیر مسئول و سایر مسئولان روزنامه در پرداخت حقوق 2 ماه گذشته دست به اعتصاب زده اند. یک منبع آگاه در این روزنامه گفت: مسئولان هر بار ادعا کرده بودند که حقوق ما را پرداخت خواهند کرد ولی هر بار با دروغ های آنان روبرو شده ایم. وی در ادامه افزود: از صبح امروز همه سرکار خود حاضر شده اند ولی کسی کار نمی کند و مدیر مسئول روزنامه نیز تهدید کرده است در صورتی که خبرنگاران به کار خود ادامه ندهند روزنامه را با اخبار تلکسی پر خواهد کرد و هیچ حقوقی به آنان نخواهد داد. بنابراین گزارش خبرنگاران روزنامه شهروند در بلا تکلیفی بسر می برند و تا دریافت حقوق خود دست از اعتصاب نمی کشند. گفتنی است شهروند از روزنامه های حامی دولت می باشد و این اتفاقات ظاهراً زمینه ساز تغییرات اساسی در این روزنامه در آستانه انتخابات می باشد.

بازرس اتحادیه کارگران پتروشیمی بندر امام: مزایای کارگران تبدیل قرارداد شده پرداخت نمی شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: بازرس اصلی اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام نسبت به عدم پرداخت مزایای کارگران تبدیل قرارداد شده انتقاد کرد. به گزارش ایلنا ناصر احمدی در این باره گفت: به کارگران قرارداد موقتی که از زیر نظر پیمانکاری خارج شده و به صورت مستقیم با کارفرمایان قرارداد بسته اند هیچ گونه مزایایی تعلق نگرفته و حقوقشان افزایش نیافته است. وی در ادامه به عدم پرداخت مزایایی همچون نفت کار، حق پرواز و حق جذب اشاره کرد.

این فعال کارگری در پایان از نصف شدن عیدی کارگران تبدیل قرارداد شده انتقاد کرد و افزود: عیدی کارگران قرارداد موقت دو برابر پایه حقوق بود اما به کارگرانی که مشمول تبدیل قرارداد شده اند عیدی کارمندی معادل ۴۰۰ هزار تومان پرداخت شده است.

بندردیلم با 32000 جمعیت بیمارستان ندارند

به نوشته سایت ایران کارگردر تاریخ 22 اردیبهشت 92 آمده است: مردم شهر بندری دیلم فاقد اولیه ترین امکانات عمومی و بهداشتی هستند. این شهر که دومین بندرگاه مهم تا قبل از انقلاب 57 بود، اکنون بحالت نیمه تعطیل در آمده و فراموش شده است. یکی از شهروندان بندردیلم می گوید مردم بندر دیلم با بیش از 32000 جمعیت هیچ بیمارستانی ندارند و تنها مرکز اورژانس این شهر فاقد اولیه ترین الزامات پزشکی بوده و حتی تخت ندارد. این در حالی است که در همه تبلیغات انتخاباتی وعده های سر خرمن برای خرید رای مردم داده میشود.

عدم پرداخت مزایای کارگران تبدیل قرارداد شده پتروشیمی بندر امام

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: به کارگران قرارداد موقتی که از زیر نظر پیمانکاری خارج شده و به صورت مستقیم با کارفرمایان قرارداد بسته‌اند هیچ گونه مزایایی از جمله نفت کار، حق پرواز و حق جذب تعلق نگرفته و حقوقشان افزایش نیافته است. بنابراین گزارش، عیدی کارگران قرارداد موقت دو برابر پایه حقوق بود اما به کارگرانی که مشمول تبدیل قرارداد شده‌اند عیدی کارمندی معادل 400 هزار تومان پرداخت شده است.

کارخانه «فارسیت» دورود نیمه تعطیل است

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 22 اردیبهشت 92 آمده است: سرپرست فرمانداری دورود با اشاره به آخرین وضعیت کارخانه «فارسیت» دورود گفت: هم‌اکنون این کارخانه نیمه تعطیل است. حسن احمدی امروز در رابطه با مشکلات کارخانه نیمه تعطیل فارسیت دورود گفت: از سال‌های قبل بحث حذف آزیست از خط تولید این کارخانه مطرح شد، ولی به هر دلیلی شرکت فارسیت دورود موفق به حذف مواد آزیستی در سیستم تولید خود نشد. وی افزود: طی چهار سال اخیر با توجه به ممنوعیت ورود آزیست به کشور و بلوکه شدن مواد خریداری شده در گمرک، خط تولید لوله و ورق فارسیت در این شرکت با مشکل مواجه شده است و بعد از گذشت چند ماه متوقف شد.

سرپرست فرمانداری دورود خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه نیروهای مشغول به کار در این کارخانه نزدیک به 500 نفر هستند، با توقف خط تولید مواد فارسیتی این شرکت با چالش مواجه شد که پس از کش و قوس‌های فراوان و با توجه به مقروض شدن این شرکت و عدم پرداخت بهای گاز، برق، بیمه و... شرکت توانست یک خط تولید خود را با مواد نانو آزیستی راه‌اندازی کند که این خط تولید فقط قادر به پاسخگویی به 30 تا 40 نفر از کارگران شرکت است و مابقی نیز باید از فروش محصولات این شرکت ارتزاق کنند که خود باعث می‌شود، هر روز و هر ماه مشکلات این شرکت بیشتر شود.

احمدی تصریح کرد: پی‌گیری‌هایی برای رفع این مشکلات به عمل آمده که از جمله آن‌ها می‌توان به فروش سهام کارخانه فارسیت از شرکت لوله و الیاف بهراد، کمک تأمین اجتماعی در خصوص پرداخت بیمه بیکاری برخی کارکنان، پرداخت درصدی از حقوق کارکنان آن شرکت و نیز بازنشسته کردن کارگران واجد شرایط به این مجموعه بود.

افزایش بیش از 90 درصدی کشته شدگان حوادث کار در کرمانشاه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: پزشکی قانونی استان کرمانشاه اعلام کرد: در سال گذشته مرگ ناشی از حوادث کار در استان 90.6 درصد افزایش یافته است. به گزارش ایلنا، پزشکی قانونی کرمانشاه روز یکشنبه گزارش داد: 61 نفر سال گذشته در استان بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که این رقم در سال قبل از آن (سال 1391) 32 نفر بوده است. براساس این گزارش، در سال 1390 در استان کرمانشاه 31 مرد و یک زن و در سال 1391، 57 مرد و سه زن در حوادث کار جان باختند.

مرگ ناشی از حوادث کار، حداقل دوبرابر شده است

بر پایه خبر سایت خبری راه کارگر در 22 اردیبهشت 92 آمده است: محیط کار به محل پرخطر و نا امنی برای کارگران تبدیل شده است. بی توجهی دولت اسلامی به سلامت شهروندان در کلیه زمینه‌ها از جمله محیط کار از یکطرف و نبود مقاومت سازمانیافته بدلیل گسترش روزافزون فقر و بیکاری، سرکوب اعتراضات و همچنین دستگیری فعالین کارگری از طرف دیگر، مجموعاً عوامل اصلی افزایش فاجعه بار آمار حوادث ناشی از کار هستند.

بنابر اعلام پزشکی قانونی استان کرمانشاه، در سال گذشته مرگ ناشی از حوادث کار در این استان، بیش از نود درصد افزایش یافته است. بر اساس این گزارش که امروز یکشنبه منتشر شد، 61 نفر در این استان در سال گذشته بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که این رقم در سال قبل از آن (سال 1391) 32 نفر بوده است.

البته آمار منتشره در استان بوشهر، نشاندهنده ی وضعیت بمراتب فاجعه بار تری است. بنابر اعلام اداره کل پزشکی قانونی استان بوشهر؛ در سال گذشته 46 نفر در استان بوشهر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند، در حالی که این رقم در سال قبل از آن 20 نفر بوده است. قابل توجه است که این گزارشات به رشد آمار سوانح در محیط کار و معلولیت‌های ناشی از آنها، که خانواده ی کارگری را به خاک سیاه مینشانند، هیچ اشاره ای ندارند.

تجمع کارگران فولاد زاگرس مقابل فرمانداری قروه در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود نداشتن هیچ گونه قراردادکاری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: بیش از یکصد و پنجاه کارگر شرکت پیمانکاری «خوان گل» وابسته به کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از 273 کارگر این کارخانه دیروز (21 اردیبهشت ماه) در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

این کارگران که دارای سوابق کاری بین 10 تا 20 سال هستند نسبت به تهدید امنیت شغلی‌شان معترض بوده و مدعی هستند پیمانکار علاوه بر پرداخت نکردن سه ماه حقوق (از بهمن ماه سال 91) هیچ گونه قراردادی با آنان امضاء نمی‌کند.

یکی از کارگران این واحد تولیدی که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت اظهار کرد: بیش از 273 کارگر شاغل در این مجموعه تولیدی علاوه بر اینکه از بهمن ماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند، هیچ گونه قرار دادی نیز با کارفرمای خود ندارد.

نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: از سال 86 با واگذاری بخشی از فعالیت کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به شرکت پیمانکاری خوان گل مشکلات کارگران افزون تر شد. او با بیان اینکه نداشتن قرار داد کاری نگرانی این کارگران را به سبب افزایش مشکلات شغلی‌شان افزایش داده است، افزود: این کارخانه از مرداد ماه سال گذشته فعالیت تولیدی ندارد و کارگران آن فقط برای حضور و غیاب در کارخانه حضور پیدا می‌کنند.

این کارگر درباره سایر مشکلات کارگران افزود: بخش دیگری از مشکلات کارگران شرکت پیمانکاری خوان گل مربوط به سوابق کاری و بیمه ای کارگران است. با آنکه از سوی کارفرما به کارگران گفته می شود که سوابق بیمه ای سخت و زیان آور آنان مرتباً واریز می شود ولی زمانی که کارگران پی گیر سوابق خود در تامین اجتماعی می شوند هیچ سابقه‌ای مبنی بر سخت و زیان آور بودن شغل ثبت نشده است.

او با اشاره به تجمعات مکرر کارگران در مقابل فرمانداری قروه اظهار داشت: کارگران در اعتراض به دریافت مطالبات صنفی خود بارها در اعتراض به کارفرما در مقابل نهاد های دولتی تجمع کرده اند و مسئولان این نهادها بارها قول داده اند امنیت شغلی کارگران را حفظ کنند اما تاکنون در این زمینه هیچ اقدام مثبتی مشاهده نشده است.

مدیر عامل شرکت پیمانکاری خوان گل در پایان سخنان خود درباره بلاتکلیفی کارگران گفت: این شرکت با وجود اینکه تولید ندارد مرتباً حقوق و سایر مزایای کارگران خود را پرداخت کرده است و در این مورد نمی توان گفت کارگران بلا تکلیف هستند چرا که مرتباً بر سر کار خود حاضر هستند.

مرگ یکی از کارگران شرکت آب و فاضلاب درشازند در اثر ریزش خاک کانال

برپایه خبر رسیده در 22 اردیبهشت 92 آمده است: ریزش خاک کانال آب در شهرستان شازند مرگ کارگر 57 ساله را رقم زد. یکی از کارگران شرکت آب و فاضلاب این شهر حین حفاری کانال فاضلاب در اثر ریزش خاک

کانال در زیر آوار مانده که با تلاش مامورین انتظامی و عوامل اورژانس و آتش نشانی محل خاکبرداری و کارگر فوق را از زیر آوار بیرون آورده ولی متاسفانه پس از خروج مشخص شد وی فوت کرده است.

مرگ یکی از کارگران شرکت آب و فاضلاب درشازند در اثر ریزش خاک کانال

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 22 اردیبهشت 92 آمده است: معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان مرکزی اعلام کرد: ریزش خاک کانال آب در شهرستان شازند مرگ کارگر 57 ساله را رقم زد. براساس این گزارش، به نقل از معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان، در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد یکی از کارگران شرکت آب و فاضلاب این شهر حین حفاری کانال فاضلاب در اثر ریزش خاک کانال در زیر آوار مانده که با تلاش مامورین انتظامی و عوامل اورژانس و آتش نشانی محل خاکبرداری و کارگر فوق را از زیر آوار بیرون آورده ولی متاسفانه پس از خروج مشخص شد وی فوت کرده است.

طی سال گذشته رخ داد: مرگ 95 کارگر بر اثر حوادث کار در فارس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی استان فارس اعلام کرد: مرگ و میر حوادث ناشی از کار در این استان سال گذشته 13/6 درصد کاهش یافت.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا به نقل از این روابط عمومی پزشکی قانونی استان فارس، در سال گذشته 95 نفر در استان فارس بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند در حالی که این رقم در سال قبل از آن 110 نفر بود.

از کل فوتی‌های ناشی از حوادث کار سال گذشته استان فارس 90 نفر مرد و پنج نفر زن بودند این در حالی است که در سال 1390 تمامی 110 نفری که بر اثر حوادث ناشی از کار در این استان فوت کردند، مرد بودند.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران در مقابل فرمانداری قروه

بر پایه خبر رسیده به سایت خبری راه کارگر در 22 اردیبهشت 92 آمده است: بر اساس گزارشات، دیروز شنبه، بیش از یکصد و پنجاه کارگر شرکت پیمانکاری «خوان گل» وابسته به کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از 273 کارگر این کارخانه در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

این کارگران که دارای سوابق کاری بین ۱۰ تا ۲۰ سال هستند نسبت به تهدید امنیت شغلی‌شان معترض بوده، مدعی هستند پیمانکار علاوه بر عدم پرداخت حقوق سه ماهه گذشته، از تمدید قرارداد آنها نیز سر باز میزند. نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: از سال 86 با واگذاری بخشی از فعالیت کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به شرکت پیمانکاری خوان گل مشکلات کارگران افزون تر شد.

دبیر کمیسیون اجتماعی مجلس:
نقش تشکل‌های کارگری باید باز تعریف شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفت: وجود و فعالیت تشکلهای و اتحادیههای کارگری یکی از بسترهای لازم برای نهادینه کردن مردمسالاری دینی به شمار می‌رود.

به گزارش خبرنگار ایلنا از تبریز، «محمد اسماعیل سعیدی» که در نخستین همایش تجلیل از فعالان جامعه کارگری آذربایجان شرقی سخن می‌گفت با بیان اینکه تحقق مطالبات قانونی کارگران، باید در اولویت قرار گیرد، اظهار داشت: باید نقش تشکلات مردم نهاد کارگری در احقاق مطالبات و تحقق تصمیمات این حوزه تبیین شود.

وی بر ضرورت بازتعریف از جایگاه این تشکلات تأکید کرد و گفت: باید موانع حمایت از تشکلات کارگری رفع و شفاف سازی کاملی در این زمینه صورت گیرد.

سعیدی با بیان اینکه تاکنون نقش تشکلهای مردم نهاد در تصمیم گیری‌ها به خوبی مشخص نشده است، گفت: قانون باید این جایگاه را به طور کامل مشخص کرده و مسئولین بدانند که این نهادها تا چه میزان می‌توانند به ایفای نقش بپردازند.

دبیر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی به لایحه اصلاح قانون کار اشاره کرد و گفت: اصلاح قانون کار به صورت لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شده و هم اکنون در کمیسیون اجتماعی مطرح است و بایستی موارد اصلاحی در بازنگری این قانون بصورت کارشناسی شده و فنی بررسی شود که برای رسیدن به این منظور از تمامی فعالان این حوزه انتظار می‌رود نظرات و پیشنهادات خود را به کمیسیون اجتماعی مجلس ارایه کنند.

پایان پیام

اطلاعیه شماره ۵۱

متن سخنرانی رضا شهبابی به مناسبت روز جهانی کارگر در زندان اوین

بر پایه ایمیل دریافتی به روزشمار کارگری آمده است که: با سلام و عرض ادب به هم بندگان عزیز! امروز 11 اردیبهشت مصادف است با اول ماه می روز جهانی کارگر. من این روز بزرگ را به هم طبقه ای هایم در سراسر دنیا، بخصوص کارگران و مردم شریف و زحمتکش ایران و شما هم بندگان عزیزم تبریک عرض می‌کنم. یک بار دیگر روز جهانی کارگر فرا رسید! همیشه در حالت تعقیب و گریز و باتوم در خیابان و این بار هم در زندان. از صحبت های تشریفاتی معمولی مثل تاریخچه این روز و سابقه ی برگزاریش در ایران که بگذریم - که البته دانستن اش به جای خودش مهم و آموزنده است- من این فرصت رو غنیمت می شمارم تا به دو نکته اشاره کنم:

اول اینکه امروز دیگر برای مطلع شدن از اوضاع اسف بار کارگران ایران، چندان احتیاجی به رجوع کردن به اپوزیسیون و رسانه های بیگانه نیست؛ کافیه به صفحات روزنامه ها رجوع کنید یا خیلی ساده تر از اون پای اخبار 20:30 بنشینید - حالا که نزدیک انتخاباته اصولگرا و اصلاح طلب یک بار دیگر مدافع حقوق کارگران شدند. اما چه فایده که وضع حداقل دستمزد و حقوق معوقه و حق داشتن تشکل مستقل توی این سی و چند سال به مدد مدیریت های به اصطلاح انقلابی، جنگی، سازندگی، اصلاح طلب و اصولگرا هیچ تغییر چشمگیری نکرده. توی دهه اول بعد از انقلاب ما سیاست اخراج و تصفیه کارگران معترض و آگاه به حقوق خودشون رو از محل کارشون داشتیم و ایجاد تشکل های فرمایشی مثل خانه کارگر (که اسم درستش خانه محجوبه) تا شوراهای اسلامی کار. در مورد خانه کارگر جهت اطلاع بگم که تشکل هایی که بر اساس ماده 10 احزاب در وزارت کشور به ثبت برسه اون تشکل یک تشکل حزبی و سیاسی است. بنابراین چون خانه کارگر بر اساس ماده 10 قانون احزاب و با بودجه این احزاب داره تغذیه می شه و در وزارت کشور به ثبت رسیده است یک تشکل کاملاً حزبی و سیاسی است و نمی تواند یک تشکل صنفی باشد و متأسفانه ما می بینیم که تا به امروز در لوای دفاع از

حقوق کارگر و با لباس کارگری کاملاً در جهت منافع سرمایه داری حرکت کرده است و به ضرر منافع طبقاتی . توی دهه دوم ما شاهد کلید خوردن طرح تعدیل ساختاری و از پی اون خصوصی سازی ها و واگذاری ها و برون سپاری های گسترده ی بنگاه های دولتی بودیم. که نتیجه مستقیم اش برای طبقه کارگر عبارت بود از: موقتی شدن قراردادهای کاری، بازخریدهای اجباری، اخراج و بیکاری های گسترده کارگران و در مقابلش کارگران برای بقای خودشان ناچار شدن به کارهای سیاه رو بیان. توی این دوران پاسخ دولت به اعتراضات گسترده مردمی نسبت به تورم 50٪ و بیکاری های گسترده نظیر اعتراضات اسلام شهر، چیزی جز گلوله و باتوم نبود. در دولت اصلاحات هم با تداوم سیاست های تعدیل در قالب خارج کردن کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار (در دی 81) که این به نوبه خود یک ضربه مهلک و جبران ناپذیری را به کارگر و طبقه کارگر زد این سیاستها تداوم یافت. تنها خارج شدن کارگر از شمول قانون کار نبوده است. خانواده هایی متضرر شدند، خانواده هایی از تامین اجتماعی محروم شدند ، خانواده هایی و فرزندان اینها از حق تحصیل و از حقوق شهروندی محروم شدند که به دنبال آن افزایش تصاعدی رقم کودکان کار و خیابان بود و بحران در خانواده ها. و این حمله را به اسم افزایش اشتغال جا زدند و در برابر اعتراضات گسترده ی مردمی و کارگری، بار دیگر گلوله نصیب کارگران شد. (مثل مورد سرکوب کارگران خاتون آباد در زمستان 82)

در دولت فخریه ی عدالت محور احمدی نژاد هم رویه های گذشته در شکل خشن تری ادامه پیدا کرد. احمدی نژاد در واقع آخرین قسمت از سریال تعدیل ساختاری بود که با هدفمند کردن یارانه ها و واگذاری بنگاه های تولیدی، تیر خلاص را به طبقه کارگر شلیک کرد. یک عده می گفتند که احمدی نژاد برآمده از بطن مردم است و متعلق به طبقه ی کارگر است به نوعی رئیس جمهور چپ گرا است، به مردم خدمت خواهد کرد و کارگران به نون و نوا خواهند رسید. ولی عملاً دیدیم که احمدی نژاد بر عکس این گفته ها عمل کرد و اتفاقاً تا جایی که جا داشت ما توی این دولت دستگیر شدیم و حبس کشیدیم؛ با برگزاری هر گونه تجمع برخورد شدیدی کرد که نمونه اش اعتصاب 4 دی سندیکای کارگران شرکت واحد و تجمع روز جهانی کارگر در سال 88 در پارک لاله بود. همچنین خصوصی سازی ها سرعت بی سابقه ای یافت و با قدرت هر چه تمام اصل 44 قانون اساسی را به اجرا گذاشتند. آقای احمدی نژاد کاملاً در راستای سیاست های بانک جهانی و صندوق بین المللی پول قدم برداشت به همین خاطر تنها دولتی بود که به پاس قدردانی و تشکر، دو تا تقدیر نامه از بانک جهانی دریافت کرد. در مجموع 3 سیاست در تمامی سال های پس از انقلاب و به ویژه از بعد از جنگ توسط کلیه ی دولت ها به گونه ای سیستماتیک علیه کارگران در جریان بود: 1- موقتی سازی 2- بی کارسازی 3- بی نوا سازی؛ یعنی از بین بردن هر شکلی از راه حل برای برخورداری از حداقل های انسانی از طریق نپرداختن حقوق تا ممنوعیت بهره مندی از تشکل – به همین خاطر است که امروز طبقه ی کارگر ایران، بزرگترین بخش جمعیتی را تشکیل می ده و این مسئله مهمیه که فعالان سیاسی و اجتماعی ما در جریان مبارزه با وضع موجود باید بهش توجه کنن. که وقتی از اکثریت مردم ایران حرف می زنیم به واقع چه کسانی منظورمونه !

دومین نکته تجربه ی سندیکا به مثابه ی مقاومت سازمان یافته ی طبقه کارگر ایران پس از جنگ در برابر این هجمه ی ضد کارگری، کارگران ساکت ننشستند و غریزی و یا آگاهانه برای احقاق حقوقشون به پا خاستند. در این میان توی دهه 80 چهره های با تجربه و فعالین قدیمی کارگری به فکر احیای یکی از سنت های مبارزاتی طبقه ی کارگر در سال های پیش از انقلاب افتادند: یعنی سندیکا. از این رو هست که من می خواهم به سندیکا اشاره کنم چون مهمترین جلوه ی مقاومت سازمان یافته ی طبقه کارگر ایران در دوران پس از جنگ بوده است .

ما زمانی اقدام به احیای سندیکا کردیم که پیش تر در سال 47 شرکت واحد دارای 3 سندیکا بود: 1- سندیکای رانندگان 2- سندیکای تعمیرکاران 3- سندیکای بلیط فروشان. اما به دنبال عملکرد غیر قانونی و منفعت طلبانه ی شوراهای اسلامی کار از دور سوم به بعد که حدوداً از سال 72 تا 83 ادامه داشت باعث شد جمعی از کارگران قدیمی و فعالان کارگری با ایجاد هیات بازگشایی سندیکاهای کارگری، اقدام به تشویق کارگران برای ایجاد تشکل های مستقل کنند. این کارگران قدیمی و فعالان کارگری اقدام به آموزش و آگاه سازی کارگران در ارتباط با سندیکا کردند. نتیجه ی این آموزشها این شد که به موجب 8500 امضایی که برای احیای سندیکای شرکت واحد جمع آوری شده بود، هیات بازگشایی در سال 84 به فکر برگزاری مجمع عمومی افتاد. البته این کار یکی و دو شبه انجام نشد بلکه با آموزش رو در رو، پخش جزوات آموزشی و ... در بین کارگران در سرویسها و خطوط و صحبت در باره مطالبات انباشته شده باعث شد که تعدادی زیادی رو به سندیکا آوردند و سندیکای

شرکت واحد تشکیل شود .

پس از یک دوره مذاکرات با کارفرمایان و نهادهای مسئول به منظور احقاق حقوق معوقه ی کارگران و عدم پاسخ مناسب از سوی مسئولین، سندیکا اقدام به انجام یک سلسله اعتراضات که مجموعاً 5 واحد بود شامل شد. اول چراغ روشن کردن همراه با توضیح دوم عدم دریافت بلیط سوم آموزش اعتصاب و در راستای آن اعتصاب دی ماه چهارم اعتراض بهمن ماه پنجم حضور 10 هزار نفری در استادیوم آزادی دستاورد سندیکا؛ 1- الگویی برای دیگر کارگران و ایجاد سندیکاهای کارگری مانند نیشکر هفت تپه و فلزکار و مکانیک و 2- سرمشقی برای مردم که اگر متحد باشند و پیگیر، نتیجه می گیرند. 3- افزایش 50 درصدی حقوق 4- دستاورد فرهنگی و دگرگونی روابط کارگران با خانواده شان بود. و به خاطر همین تاثیرات هم بوده است که تا به امروز همسران این راننده ها پا به پای شوهرانشان دارند مبارزه می کند و به خاطر همین آگاهی بوده که تعدادی از همسران راننده های شرکت واحد و اعضای هیئت مدیره چادر به کمر بسته در جلوی منطقه 6 شرکت واحد در روز اعتصاب ایستادند و کتک خوردند و حتی همسر یکی از همکارانمان که باردار بود دچار مشکل شد. خوب جواب اینها را کی می خواست بدهد. برای همین ایستاده ایم. با قدرت در موضع خودمان ایستاده ایم و دنبال حق خودمان هستیم. همان حق ایجاد تشکل مستقل کارگری و سندیکا و دفاع از حقوق انسانی خودمان .

تجربه به ما ثابت کرده که هیچکی به داد کارگران نمی رسه مگر خودشون. اگر توی این سال ها وضع طبقه کارگر بدتر شده به این دلیل نیست که فقط خواسته به نیروی خودش متکی باشه، بر عکس ما اونجایی ضرر کردیم که به نیرو و توان خودمون شک کردیم و افسارمون را دادیم به دست این کاندیدا و اون کاندیدا. تجربه سندیکا به ما و همه مردم نشان داد که اگر اراده کنیم و پی گیر باشیم می توانیم. ایراد و اشکال اگر هست، فارغ از سرکوب، بر می گرده به تاکتیک های مبارزاتی ما و نه استراتژیمون که عبارت باشه از رهایی طبقه کارگر توسط خود طبقه کارگر. ما معتقدیم این شعار را باید در دستور کار قرار داد و تا تحقق اش لحظه ای از پا ننشست و ناامید نشد. بر این اساس من به عنوان یک کارگر خواهان: ۱- افزایش دستمزدها بر اساس ماده ۴۱ قانون کار ۲- تشکیل تشکل های مستقل و مورد نظر کارگران و به رسمیت شناختن این تشکل ها توسط دولت. ۳- حق اعتصاب و اعتراض و تجمع و راهپیمایی. ۴- تضمین امنیت شغلی همه ی کارگران به ویژه لغو هر گونه قرارداد موقت و سفید امضاء و حذف واسطه های پیمانکاری. ۵- متوقف کردن اخراج ها و بیکارسازی های گسترده. ۶- لغو سه جانبه گرایی که همیشه در نهایت به نفع سرمایه داران بوده است. ۷- ایجاد کار برای هر کارگر آماده به کار و بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار. ۸- تساوی حقوق زن و مرد و رفع هر گونه ستم به زنان به ویژه ستم مضاعف کارفرمایان بر زنان کارگر. ۹- پایان دادن به دستگیری کارگران و آزادی بی قید و شرط تمام کارگران زندانی از جمله غالب حسینی، علی آزادی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهنام ابراهیم زاده ... و بازگشت به کار همه آنها یا پرداخت ۵۰ درصد حقوق طبق ماده ۱۷ قانون کار و پرداخت حق بیمه به همسر و فرزندان تا زمان رفع محکومیت. ۱۰- لغو کار کودکان و ایجاد شرایط مادی و روحی مناسب برای رشد کودکان آسیب دیده و بی سرپرست. ۱۱- گنجاندن روز کارگر در تقویم کشوری به عنوان روز تعطیل رسمی. ۱۲- توقف خشونت ها و تبعیض دولتی و غیر دولتی علیه کارگران مهاجر به ویژه کارگران افغان و برخورداری کامل آنها از حقوق شهروندی و کارگری. ۱۳ - لغو احکام ناعادلانه قضایی شامل اعدام، شلاق، جریمه، حبس، تبعید و غیره علیه فعالین کارگری، سیاسی و اجتماعی. ۱۴ - لغو مجازات مرگ. هستیم .

در نهایت به شورای امنیت سازمان ملل و بویژه قدرتهای غربی و آمریکا اعلام می کنیم که ما کارگران ضمن محکوم کردن سیاستهای جنگ طلبانه و ماجراجویانه جناحهایی از دولت ایران، خواستار لغو تحریم های اقتصادی که مستقیماً خانواده های طبقه کارگر و مردم زحمتکش را نشانه گرفته هستیم و هر گونه طرح و بحث و لفاظی درباره حمله نظامی و حتی اندیشیدن به این بلا ی خانمانسوز را شدیداً محکوم می کنیم و با تمام توان و امکانات خود در برابر هر گونه تجاوز احتمالی به کشور و جامعه ایران ایستادگی می کنیم .

نان من کو؟
کار من کو؟
تشکل مستقل من کو؟
با درود به همه کارگران و گرامی داشت یاد و خاطره ی تمام مبارزان کارگر و فعالین کارگری به ویژه شهید کارگر ستار بهشتی که ازهم بندگانم بود

زنده باد کارگر !
زنده باد اتحاد کارگران !
زنده باد آزادی و برابری !
زنده باد جنبش کارگری !

رضا شهابی- زندان اوین ۱۱/۲/۹۲
کمیته ی دفاع از رضا شهابی- ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲
k.d.shahabi@gmail.com
www.k-d-shahabi.blogspot.com

لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی :

رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده - لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی- هه ساره ابراهیمی- شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیل احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی - علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربابه آذریان - حسن آذریان- حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلا آذریان - توفیق اسدی - طیب اسدی- محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسماعیلی - امیر اسلامی- سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه - مهرداد امین وزیری - جلال امینی - عباس اندریانی - ریحانه انصاری - صدیق امجدی -رقیه اصولی- اسماعیل بازافکن - حسین باقری -امیر باقری-امین باقری- فرهاد برنا- فرزاد برنا- سینا برنا- تورج برنا- مریم بختیاری - کوروش بخشنده -هوشیار بهمنی - شادی بهرامی - گلباغ بهمنی - سمیه بهشتی زاد - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبدالله بلواسی- ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیار پورعباد - برهان پیر خضرانی - جلال پیروتی - حسین پیروتی - رحمان تنها - وحید تیطاخی - یوسف جاهدی - قنبر جبارپور- سونیا جبار پور- سحر جبار پور- شبنم جبار پور- محمد چرتاب - سعدی چمنی-فرهاد حاتمی -شوان حبیبی - ایوب حسن زاده -مجید حسن زاده-حسین حسن آبادی - محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمن حسینی - نیشتمان حسینی - همدم حسینی- ناكو حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی- صباح حیدری - غالب حسینی - عبدالله حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی - محسن حسینی تبار - دلیر حشمتی - حسن حقیقی- ابوالفضل حکمتی- غلامعلی حکمتی- علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا خورشیدی- خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا - سوسن رازانی - منیره رحینی - غلام رزمی- افروز رزمی-احمد رزمی-بهمن رزمی -فاطمه رزمی -علیرضا رزمی- فاطمه رفیعی - ربابه رضایی - فریبا رضایی -نوراله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی - فریبرز رئیس دانا - بیژن رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی -ظهير رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری -حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراز روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی - بیژن زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندی - بهمین زندی - شریف ساعد پناه - سوما ساعد پناه - کیوان ساعد پناه - یعقوب سبک خیز- صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی - حسن سعیدی -هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی -علی سهرابی - نیما سهرابی- طلیعه سلامی - مسعود سلیم پور - خالد ساعدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی -حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی - کیوان شریفی- شهرام شمشیری- زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا -حسن شهابی زکریا - پژمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا- محمد امین شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمین شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا -عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی- بهرام شهابی- شهرام شهابی-مسعود شهابی-محمودشهابی- آریاشهابی- آریناشهابی - آنتیا شهابی - محمد شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی-علی شوقی- عباس شوقی - میناشوقی- سمیه شوقی شندی- بهاره صابری - نظام صادقی - منیژه صادقی - مریم صادقی - نجیبه صالحزاده -محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبدالله صمدی - مهرداد صبوری -یدالله

صمدی - مادر صمدی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی - رسول صمدی - مهران صمدی - مهرداد صمدی - منوچهر صمدی - مهدی صمدی - مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی - علی صمدی - شاهو صفیاری - فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی - رها ضیائی - محمد عبدی پور - مرضیه عبدی - سیوان عبدی - فرزاد عبدی - ربیوار عبدالهی - فواد عبدالهی - محمد عزیزی - علیرضا عسگری - سروش علیپور - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فاتحی - سیروس فاتحی - کوروش فاتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی - چینی فیضی - حبیب فتحنائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الهی - کاظم فرج الهی - کژال فاتحی - مریم قاسملو - پژمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور - یداله قطبی - محمود قلی زاده - صالح قهرمانی - عبدالله کاظمی - فهیمه کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیه کمانگر - ناصر کمانگر - مرتضی کمساری - شاهرخ کریمی - رحمان کریمیان - چیمین کیخسروی - علی کریمی - شهناز گلزاری - شعله گودرزی - محمد گویلیان - اقبال لطیفی - شهناز لرکی - بردیا مارابی - افسانه ملا زینل - فرید مجیدی - مینا موحد - جلیل محمدی - علی محمدی - عباس محمودی - مجید محمودی - فیروز محمدزاده - شمس الدین مرادی - زاهد مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مریوانی - مسعود مریوانی - صباح ملکی - کمال ملکی - مجید ملکی - نادر ملکی - ستار ملایی - سیروان مجیدی - ایوب مجیدی - احد محمودی - جهانگیر محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختارپور - محمد مولانای - فردین میرکی - محمد امین میرکی - شریفه محمدی - منیره محمدی - نوشین محمدی - هدی محمدی - مریم میرکی - بهمن محمدی - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فردین مهدی - عمر مینایی - کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا - خبات مرادی - مازیار مهرپور - دیاکو مردوخی - نسرین محمدی - علیرضا موثقی - منیره موحد - سیاوش موحد - نادر نادری - شاپور نادری - جهانگیر نادری - جهانپور نادری - جهانسوز نادری - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامداری - نقشین ناصری - فردین نگهدار - هوشیار نجاری - نامق نیکدل - پدram نصرالهی - گوهر ناصری - افشین ندیمی پور - علی اکبر نظری - صدیقه نظری - سید رضا نعمتی پور - آرمان نوری زاد - لیلانیکو خصال - محمدعلی نیکوخصال - حسین نظیف کردار - آزاد ورمزیار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی - جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمیپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی - پروین یوسفی نژاد

پزشکی قانونی استان بوشهر اعلام کرد: افزایش 100 درصدی مرگ‌های ناشی از کار در بوشهر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در 22 اردیبهشت 92 آمده است: اداره کل پزشکی قانونی استان بوشهر اعلام کرد: در سال گذشته 46 نفر در استان بوشهر بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی بوشهر، در سال گذشته مرگ‌های حوادث ناشی از کار در استان بوشهر افزایش یافت.

در سال گذشته 46 نفر در این استان بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند، در حالی که این رقم در سال قبل از آن 20 نفر بود.

بر اساس این گزارش در سال 1390 در استان بوشهر همگی 20 فوتی مرد بودند، در حالی که در سال 1391، 45 مرد و یک زن در حوادث کار این استان جان باختند.

پایان پیام

اعتراض اقتصاددانان به انحلال دانشکده اقتصاد دانشگاه شریف

به نوشته سایت آسمان دیلی نیوز در 22 اردیبهشت 92 آمده است: پنجاه و پنج نفر از اقتصاددانان ایران، در نامه‌ای به رضا روستاآزاد، رییس دانشگاه صنعتی شریف، ابراز نگرانی کرده‌اند که دانشکده اقتصاد این دانشگاه در معرض انحلال قرار گرفته است.

در بخشی از این نامه که روزنامه "شرق" آن را منتشر کرده، تاکید شده است: «چنین تصمیم‌های شتاب‌زده و فاقد پشتوانه اندیشگی و سیاست‌گذاری منطقی، بسیار خسارت‌بار و پرهزینه است. بدون شکل‌گیری حلقه‌ها و مکاتب فکری متعدد، انتظار هیچ پویایی در هیچ دانشی را نمی‌توان داشت.»

زمزمه انحلال دانشکده اقتصاد دانشگاه شریف از سال 89 به گوش رسید. از جمله دلایلی که وزارت علوم طرح می‌کرد، این بود که شریف، دانشگاه علوم ریاضی و فنی است و دانشکده‌ای بر پایه تدریس علوم انسانی برای یک دانشگاه فنی تعریف نشده است.

رضا روستاآزاد، رییس این دانشگاه خبر انحلال آن را در خرداد سال 1390 تکذیب کرده و قول "حفاظت از یادگار دکتر مشایخی و ایجاد شرایط بالندگی" آن را داده بود.

دکتر علی‌نقی مشایخی بنیان‌گذار این دانشگاه آن را در سال 1378 تاسیس کرد. او در گفتگو با روزنامه "آرمان"، بر نقش این دانشکده در جلوگیری از مهاجرت نخبگان و جذب افراد موفق تاکید کرده و افزوده است: «دانشگاه‌های فنی حتما باید دانشکده اقتصاد داشته باشند. برای این موضوع دیر هم کرده‌ایم.»

در نامه سرگشاده 55 اقتصاددان ایرانی نیز آمده است که تجربه روشن جهانی حاکی از وجود رشته‌های اقتصاد و مدیریت در غالب دانشگاه‌های صنعتی معتبر در کشورهای مختلف است. امضاکنندگان این نامه پرسیده‌اند: «وزارت علوم که همه دانشگاه‌ها را برای برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی بسیج کرده و چه هزینه‌ها که در این راه نکرده است، چگونه است که یک دانشکده با بیش از یک‌دهه سابقه را که سرمایه ارزشمند علمی و فرهنگی جامعه محسوب می‌شود، بدون دلایل متقن تعطیل می‌کند.» سعید سهراب‌پور، رییس قبلی دانشگاه صنعتی شریف نیز پیش از این به خبرگزاری مهر گفته بود: «امروزه پیوندی ناگسستنی میان رشته‌های مهندسی و علم اقتصاد به وجود آمده و تجربه راه‌اندازی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف هم موید این نکته است.»

نامه سرگشاده 55 اقتصاددان ایرانی در مورد انحلال احتمالی دانشکده اقتصاد شریف پس از بالا گرفتن زمزمه‌ها پیرامون منع این دانشکده از پذیرش دانشجو نوشته می‌شود. امضاکنندگان این نامه، چنین تصمیمی را "غلط، نهادسوز و اندیشه‌ستیز" خوانده و از کلیه کسانی که نقشی و تلاشی برای توقف فعالیت این دانشکده داشته‌یا در صدد جلوگیری از این اقدام هستند، خواسته‌اند که برای ممانعت از این تصمیم، واکنشی جدی نشان دهند.

غالب حسینی آزاد شد!

به گزارش سایت کمیته هماهنگی... در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است: عصر دوشنبه 92/12/23 «غالب حسینی» فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی، پس از 54 روز بازداشت در اداره ی اطلاعات، با فید وثیقه ی 150 میلیون تومانی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد. وی در میان استقبال پر شور جمع کثیری از مردم و فعالین کارگری و خانواده اش، تا منزل همراهی شد. خبر دیگری حاکی از آن است که «جلیل محمدی» دیگر عضو بازداشتی کمیته ی هماهنگی، طی تماس کوتاه تلفنی با خانواده اش از سلامت خود خبر داده است؛ اما همچنان از «حامد محمودی نژاد» عضو دیگر کمیته ی هماهنگی خبری در دسترس نیست.

کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی غالب حسینی به تمام مردم آزادی خواه و برابری طلب و خانواده ی او، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

تجمع کارگران فولاد زاگرس

بر پایه خبر رسیده آمده است : از 273 کارگر شرکت پیمانکاری «خوان گل» وابسته به کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس، یکصد و پنجاه تن آنان به نمایندگی سایر کارگران، روز شنبه (21 اردیبهشت) در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

وضعیت موجود سندیکای کارگران شرکت واحد و اعضای و شرایط تشکل های دولتی کارگری در ایران

در سالی که گذشت سندیکای کارگران شرکت واحد به اتکای اعضای خود چندین مرحله اعتراضاتی را جهت حقوق و مزایای کارگران شرکت واحد سازماندهی کردند از جمله اعتراضات حضوری در مقابل شهرداری و وزارت کار و اداره کار شمال غرب که این اعتراضات با تشکیل جلسات متعدد سندیکا با حضور و تصمیم جمعی کارگران و رانندگان سندیکا و اعضای هیئت مدیره پایه گذاری گردیده، که بازتاب آن اضافه شدن 18 درصد حقوق کارگران و اضافه شدن حق مسکن تا صد درصد برای کارگران بوده در این دستاوردها سه تن از اعضای فعال سندیکایی بنام های آقایان حسن سعیدی و ناصر محرم زاده و وحید فریدونی با پرونده سازی اعضای شورای اسلامی کار و مدیریت شرکت واحد و حراست و همکاری عوامل وزارت کار که در هیات حل اختلاف نفوذ زیادی دارند و در کل از زیر مجموعه های وزارت کار می باشد از کارشان بطور غیر قانونی اخراج گردیده و فقط مبنای اخراج را عضویت در سندیکای شرکت واحد ارزیابی کرده اند و در حال حاضر منتظر رای دیوان عدالت اداری هستند و با توجه به اینکه چندین نماینده کارگران در حل اختلاف رای اخراج نام بردگان را تایید نکرده اند اما باز هم رای به اخراج از کار اعضای سندیکایی در هیات حل اختلاف تایید گردیده. دو مورد از اعتراضات سندیکای کارگران شرکت واحد مربوط به کل کارگران کشور می باشد که سندیکای شرکت واحد در سال گذشته پی گیری کرده 1- طوماری جهت اعتراض به لایحه ضد کارگری که قرار بود در مجلس شورای اسلامی تصویب شود که بیش از 2000 امضاء جهت لغو این لایحه ضد کارگری از رانندگان و کارگران شرکت واحد جمع اوری گردید و به ثبت وزارت کار گردید و سپس با همکاری جمعی از رانندگان و اعضای سندیکا در مجلس شورای اسلامی به ثبت رسید و طبق نامه رسمی که از طرف مجلس به ادرس یکی از اعضای سندیکای شرکت واحد فرستاده شد قول و قرار رسیدگی داده شد که در مجمع لایحه ضد کارگری از مجلس برگردانده شده، لازم به توضیح است که دیگر تشکل کارگری هم به این تغییر قانون کار اعتراضاتی داشته اند و طومارهایی جهت مخالفت به این لایحه ضد کارگری انجام داده اند. 2- اعتراضاتی جهت تعیین دستمزد عادلانه در سال 92 سندیکای شرکت واحد داشته که هم طومارهایی جهت امضاء و ثبت در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بوده و هم اعتراضی جمعی در محل این وزارت خانه که با مسئولینش در حضور تجمع کنندگان شرکت واحد که اکثراً از رانندگان سندیکایی شرکت واحد بوده صورت گرفته که این اعتراضات همچنان ادامه دارد

وضعیت موجود سندیکای کارگران شرکت واحد

همانطور که مطلع هستید سندیکای کارگران شرکت واحد در يك فضای امنیتی و سرکوب فعالیت می کند و عوامل کارفرما و حراست و شوراهای اسلامی کار که به اصطلاح نماینده قانونی کارگران شرکت واحد محسوب می شوند . از پشتیبانی و همکاری عوامل پلیس و نیروهای امنیتی نیز برخوردار هستند و با این امکانات که هر زمان بخواهند می تواند از کار اعضای فعال سندیکایی در شرکت واحد جلوگیری کند و یا آنها را حتی دستگیر کنند از امکانات فرا قانونی برخوردار هستند و مرتب اعضای سندیکای کارگران شاغل در شرکت واحد را با احضار به حراست (نیروهای امنیتی شرکت واحد) تحت فشار قرار می دهند متأسفانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هم که همه ساله در جلسات سالانه (سازمان جهانی کار) شرکت می کند بطور گسترده و یکطرفه از اخراج و فشارهایی که به رانندگان و کارگران شرکت واحد وارد می شود حمایت می کند و با توجه به ملاقات

های مختلف و نامه نگاری های اعضای سندیکا با مسئولین وزارت کار نه تنها هیچ اقدامی جهت مساعدت و بازگشت بکار این رانندگان سندیکایی انجام نداده اند حتی از آنها حمایت هم کرده اند با توجه به تقلبات گسترده در انتخابات نمایندگی شورای های اسلامی کار در شرکت واحد و با توجه به استنادهای تهیه شده از طرف نمایندگان سندیکایی به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اداره استان کار متاسفانه اراده ای قدرتمند در این مسائل در جریان است که نمی خواهد سندیکای کارگران شرکت ادامه حیات بدهد. در حال حاضر سندیکای شرکت واحد علیرغم تمام فشارها به فعالیت های خود ادامه داده و هر چند عوامل امنیتی اجازه داشتن دفتر و یا محلی ثابت را برای برگزاری جلسات سندیکا نمی دهند، اما بطور مرتب جلسات سندیکایی در محل خانه های شخصی کارگران برگزار می شود و تمام تصمیمات و حرکت های اعتراضی کارگران شرکت واحد بصورت جمعی و در همین منازل شخصی کارگران گرفته می شود. سندیکای کارگران شرکت واحد تصمیم دارد که مجمع دوم خود را برگزار کند اما متاسفانه چند سالی است که هر زمان تصمیم به برگزاری این مجمع گرفته شده از سوی عوامل امنیتی برخورد شده بطور نمونه دستگیری آقای ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکا که منجر به بازداشت و زندانی شدن وی گردید، حال سندیکا در حال بررسی است تا راهی با هزینه های حداقلی برای برگزاری مجمع باز کند. رضا شهابی یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که توسط دادگاه انقلاب به تحمل شش سال زندان محکوم گردیده و 5 سال محروم از فعالیت های سندیکای و پرداخت 7 میلیون جریمه نقدی که مدت سه سال از محکومیت خود را سپری کرده و بتازگی از زندان به مرخصی پزشکی آمده بود تا به مدوای خود که در اثر ضرب و شتم بازداشت و نگهداری وی 19 ماه بطور انفرادی در بند 209 بوجود آمده بود پردازد بعد از گذشت چند ماه بدون اینکه درمان وی قطعی شده باشد به زندان اوین بازگردانده شد که با حمایت و بدرقه جمعی از رانندگان و کارگران سندیکایی شرکت واحد تا زندان اوین از وی استقبال شد که آزادی و درمان و بازگشت بکار رضا شهابی از خواسته های مهم سندیکای کارگران شرکت واحد از سازمان جهانی کار می باشد.

وضعیت اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد :

1- رضا شهابی از اعضای هیئت مدیره سندیکا که در حال حاضر در زندان اوین در حال سپری کردن محکومیت شش ساله خود است 2-- آقایان حسن سعیدی و ناصر محرم زاده و وحید فریدونی سه تن از اعضای این سندیکا از کارشان به علت فعالیت های سندیکایی اخراج گردیده اند و در حال حاضر در شرایط سخت اقتصادی بسر می برند که پرونده نامبردگان در دیوان عدالت اداری در جریان است. 3- آقایان اکبر پیر هادی و حسن کریمی که از اعضای هیئت مدیره سندیکا و حسین کریمی سبزواری عضو فعال سندیکا که بیش از شش سال به علت فعالیت های سندیکایی از کار اخراج گردیده بودند بعد از سالها پی گیری توانستند از دیوان عدالت اداری رای بازگشت بکار بگیرند و بکار خود بازگرداند اما در اقدامی بی سابقه از سوی ادارات کار که از زیر مجموعه های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می باشد از تمام حق و حقوق معوقه و سابقه بیمه خود محروم گردیده که با تلاشهای انجام شده هنوز نتیجه ای نگرفته اند. تعدادی از اعضای سندیکای شاغل هم بطور مرتب به حراست شرکت واحد (عوامل امنیتی شرکت واحد) و مدیریت شرکت واحد و کمیته های انضباطی احضار می شوند و مورد تهدید واقع می شوند

فعالیت های سندیکا در سال 92

سندیکای کارگران شرکت واحد در ماه گذشته بطور مرتب هر هفته جلسات سندیکایی را برگزار کرد و در مورد اول ماه مه روز جهانی کارگر تصمیم گرفت که کارهای انجام شده در این روز بدین شرح است

1- تنظیم و صدور قعطنامه ای به مناسبت روز جهانی کارگر

2- تهیه کردن خودکاري که بروی آن تبریک اول ماه مه و عبارت سندیکای کارگران شرکت واحد حک شده و هدیه آن به رانندگان و کارگران شرکت واحد همراه با تهیه شیرینی و پخش آن در پایانه ای اتوبوسرانی

3- تهیه پلاکاردی با ارم سندیکا و راهپیمایی و تجمع با پلاکارد در محل پایانه آزادی به مناسبت برگزاری اول ماه مه، اعضای سندیکا به اتفاق بخشی از کارگران به استقبال رانندگان و کارگران در محل پایانه ها رفتند و این روز را به رانندگان و کارگران تبریک گفتند

4- ملاقات اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با کودکان کار که بخشی از کارگران کوچک جامعه کارگری محسوب می شوند و با سرود خوانی و پخش شزینی این روز را در محل جمعیت کودکان کار جشن گرفتند.

وضعیت تشکل های کارگری در ایران

آنچه که ما تاکنون در مورد شرایط تشکل های دولتی در ایران برداشت کرده ایم و مشا هده شده در واقع تشکل هایی مثل شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر بیشتر کارشان حزبی است و اساسا نمی توان گفت تشکل کارگری و در اصل به هیچ عنوان مستقل و استقلال تشکیلاتی ندارند بطوری که حتی در قوانین جدید اساسنامه این تشکل ها در وزارت کار تنظیم می شود و اعضای آن در مورد اساسنامه تهیه شده هیچ اختیاری ندارد و اساسا این تشکل ها از بالا تعیین می شوند و به همین منظور بیشتر در خدمت کارفرما و دولت هستند و گوش به فرمان هستند و با توجه به شرایط موجود و رعایت مصلحت حق و حقوق کارگران را زیر پا می گذارند و بیشتر مصلحت بالا دستی ها را مد نظر قرار می دهند تا حقوق اساسی کارگران . و حتی از شکل گرفتن تشکل های کارگری مستقل جلوگیری می کنند و در اصل با امکانات دولتی از جمله در اختیار داشتن عوامل امنیتی و نفوذ در دادگاه ها و ادارات کار و وزارت کار به سرکوب تشکل هایی چون سندیکا ها می پردازند و از نیروی کارگری که در اختیار دارند جهت استفاده در منافع دولتی و کارفرمایی استفاده می کنند بطور مثال حمله به سندیکای کارگران شرکت واحد در مورخ 84/2/19 که با امکاناتی از جمله حضور و حمایت پلیس و عوامل بلند پایه خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار که تدارکات این سرکوب را با هماهنگی کارفرمای و حراست شرکت واحد انجام شده بود. اساسا شرایط موجود جامعه کارگری بیانگر وضعیت موجود این تشکل های دولتی است .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - اردیبهشت 92

تجمع 150 راننده شرکت واحد مقابل شهرداری تهران

به گزارش سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است : صبح امروز 150 راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران همراه با خانواده های خود در اعتراض به افزایش قیمت 25 هزار تومانی هر متر از مجتمعی که در آن سکونت دارند، مقابل شهرداری تهران تجمع کردند.

براساس این گزارش، تجمع کنندگان که در مجتمعی 164 واحدی در شهر ورامین سکونت دارند به افزایش قیمت هر متر از این مجتمع از 450 به 475 هزار تومان اعتراض داشتند.

«محمدرضا عابدی» از رانندگان ناراضی گفت: مسکن شرکت واحد، 12 واحد تجاری مجتمع را برداشته است که قرار بود با راه اندازی آنها و درآمدی که از این طریق بدست می آید دستمزد نگهبان و خرج های جانبی دیگر تامین شود.

به گفته آقای عابدی، 12 واحد مذکور به حال خود رها شده اند و مسکن شرکت واحد در این رابطه پاسخگو نیست.

همچنین کارگران معترض، نسبت به نبود آب آشامیدنی و عدم امنیت منطقه ای که مجتمع مسکونی در آن واقع شده است نگران بودند.

علی علوی - کارگر صدرا: پاک کردن صورت مسئله و حل دلخواهی آن توسط صدرا ی بوشهر

برپایه گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است : حضرات زمانی که پروژه ای توسط کارگران به اتمام میرسد در کنارش می ایستند و عکس یادگاری میگیرند و گوسفند ذبح میکنند و مصاحبه میکنند که ما این کردیم و آن کردیم و توانستیم و پیروز شدیم و افتخار آفریدیم و شکست دادیم . غافل از اینکه صورت مسئله را فراموش کرده اند .

صورت مسئله چیست یا در واقع کیست؟! صورت مسئله، کورش استوار کارگر رسمی خود صدراست که از قضا چند ماهی هم به بازنشستگی ندارد که متاسفانه با يك جرثقیل خراب به ارتفاع برده میشود و در اثر سقوط جانش را از دست میدهد

امیر امینی جوشکار تازه نامزد کرده ای است که با شرایط نا ایمن در حین کار بر اثر برق گرفتگی جانش را در برابر دیدگان دو برادرش از دست میدهد .

بهرام جمال شکری، کارگر ساده مظلومی است که لوله بر رویش می افتد و روی زمین سوزان جهنمی صدرا بدون اینکه تا ده دقیقه کمکی به او برسد خون از او میروود و ذره ذره جان میدهد در حالی که خانواده اش چشم انتظار آمدنش بودند .

اسماعیل قاسمی نژاد کارگری که از فاصله دور برای کار به صدرا می آید اما میان لوله های عظیم گیر می افتد و جانش را از دست میدهد .

احمد رغبت است که تازه دو ماه از ازدواجش میگذشت و فقط به خاطر اینکه آقایان کاری را که ۸ ساعت وقت میبرد ۲ ساعته میخواستند میان لوله ها گیر افتاد که خوشبختانه زنده ماند اما دیگر نمیتواند کاری که از یک جوان بر می آید را انجام دهد.

صورت مسئله: قطع انگشت، شکستن دست و پا و برق گرفتگی های متعدد است .
و باز صورت مسئله دیر و نامنظم دادن حقوق ، ندادن عیدی و سنوات ، بهره کشی بی اندازه و ساعات طولانی کار و پائین بودن مزد کارگران صدراست .

و خلاصه اینکه آقایان صورت مسئله را پاک کرده اند و خود به خود جواب را بدست می آورند .
حل مسئله:

ما توانستیم و شکست دادیم و پیروز شدیم و افتخار آفریدیم و این کردیم و آن کردیم.!!!!
علی علوی- کارگر صدرا

تعطیلی کارخانه اخشان شیراز و بیکاری 500 کارگر

به گزارش سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است : طی گزارشی، از تعطیلی کارخانه تولید کمریند ایمنی خودرو «اخشان شیراز» با وجود بیکاری 500 کارگر خبر داد.
برپایه این گزارش، عدم پرداخت مطالبات توسط خودروسازان و بد حسابی آنها، عامل تعطیلی این کارخانه بوده است.

تورم در ایران بالا می گیرد

به نوشته سایت ایران کارگر -23 اردیبهشت 92 آمده است : نرخ تورم در ایران 30 درصد زیاد شده ، حقوق شاغل ها را 25 درصد افزایش میدهند ، در صورتی که طبق قانون دولت ، باید حقوق را همطراز با تورم سالانه (نه ماهیانه حتی) افزایش بدهند. این تورم فشاری است به مردم وبخصوص قشر کارگر از این بابت رنج می برد و این نظام میگوید کو کدام تورم!!

اعتراض سندیکای شرکت واحد به حضور نمایندگان حکومت ایران در نشست سالانه سازمان جهانی کار

از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ITF

موضوع: شکایت سندیکای کارگران شرکت واحد از عدم اجرای مقررات حقوق بنیادین کار به ویژه مقابله نامه ۸۷ و ۹۸ توسط وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی

سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان عضو ITF از آن نهاد کارگری معتبر بین المللی در خواست می نماید که موضوع شکایت این سندیکا را از عدم رعایت حقوق بنیادین کار بویژه مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ در جمهوری اسلامی ایران در نشست سالانه سازمان بین المللی کار مطرح و پی گیری نموده ، با توجه به سابقه پنجاه ساله عضویت کشور ما در آن نهاد بین المللی و الزام مسئولان کشورها به اجرای این حقوق و با توجه به عدم رعایت این مقررات به ویژه حق آزادی تشکیل سندیکا های مستقل کارگری از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران ، افرادی که به عنوان نماینده کارگران ایران به آن مجمع اعزام شده اند، نمایندگان واقعی میلیونها کارگر ایران محسوب نشده و نمی توانند آن مجمع اعتبار نامه دریافت نمایند.

بطور مثال این نمایندگان در جریان سر کوبی ها و اخراج های اعضای سندیکای شرکت واحد در سالیان گذشته و از جمله اخراج آقایان ابراهیم مددی ، حسن سعیدی ، حسین کریمی سبزواری ، ناصر محرم زاده ، وحید فریدونی ، علی نوریانی ، خانم فرحناز شیرینی و زندانی شدن آقای رضا شهابی و نقض حقوق آقایان اکبر پیر هادی و حسن کریمی هیچگونه همکاری و حمایتی از این کارگران انجام نداده اند و بلکه با مراجع

دولتی و امنیتی علیه سندیکای شرکت واحد و اعضایش فعالیت نموده اند
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
اردیبهشت ۹۲

زمین‌های خیابان غرضی را به 288 کارگر شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان تحویل نمی دهند!؟

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است: مدیرعامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان گفت: فروشنده زمین‌های خیابان غرضی باید نسبت به تحویل این زمین‌ها به کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان التزام پیدا کند.

اصغر بیات امروز با اشاره به اینکه پرونده زمین‌های کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان از 17 سال گذشته تاکنون در اصفهان در جریان است، اظهار کرد: وضعیت این پرونده هنوز مشخص نشده است و کارگران این شرکت تعاونی هنوز به حقوق قانونی و شرعی خود دست نیافته‌اند.

وی با بیان اینکه حدود 17 سال گذشته حدود 72 هزار متر زمین برای 288 نفر از کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان خریداری شده است، اضافه کرد: اما هنوز وعده و وعیدهای ارائه شده مبنی بر تحویل این زمین‌ها به کارگران این شرکت تعاونی عملیاتی نشده است.

مدیرعامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان با تأکید بر اینکه این کارگران پس از سال‌ها هنوز صاحب‌خانه نشده‌اند و در وضعیت خانه به دوشی به سر می‌برند، تصریح کرد: اجرای کامل قانون از مهم‌ترین خواسته‌های این افراد است.

وی با اشاره به اینکه در حال حاضر رسیدگی به این پرونده به یکی از کارشناسان دادگستری اصفهان واگذار شده است، ادامه داد: فروشنده زمین‌های خیابان غرضی باید نسبت به تحویل این زمین‌ها به کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان التزام پیدا کند.

بیات با بیان اینکه در حال حاضر مدارک و اسناد این کارگران مبنی بر مالکیت آنها نسبت به این زمین‌ها موجود است، تأکید کرد: کارشناس رسیدگی به این پرونده نیز عنوان کرده است که با توجه به اسناد و مدارک قانونی موجود درصدد احقاق حقوق قانونی کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان هستیم.

وی با تأکید بر اینکه همچنین عدم مطرح شدن این پرونده به صورت مجدد در دادگاه در دستور کار این کارشناس دادگستری قرار دارد، افزود: البته کارگران شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان هیچ اعتمادی به فروشنده این زمین‌ها مبنی بر تحویل زمین‌های خیابان غرضی اصفهان به مالکان اصلی ندارند.

مدیرعامل شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان گفت: کارگران این شرکت تعاونی تمام خواسته‌های قانونی خود را مبنی بر دریافت این زمین‌ها مطرح کرده‌اند و قانون باید به تمام مطالبات این کارگران پاسخ بدهد و اجبار فروشنده زمین‌های خیابان غرضی به تحویل این زمین‌ها به 288 کارگر شرکت تعاونی مسکن قدس اصفهان از مهم‌ترین خواسته‌های قانونی این افراد به شمار می‌رود.

ضرورت اصلاح اساسنامه برای افزایش سطح معیشت کارگران بازنشستگان 92/01/20

<http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/05/200192.html>

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 23 اردیبهشت 92 به نقل از کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است: (تا کنون بیش از 470 نفر از بازنشستگان تأمین اجتماعی این اصلاحات را تأیید و درخواست برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده برای تصویب آن نموده‌اند .)

هر سال و هر ماه شاهد عمیق تر شدن فاصله بین حقوق دریافتی بازنشستگان و هزینه‌ها هستیم . امروزه خط فقر از 2/000/000 تومان گذشته است ؛ فقر غذای اصلی در سر سفره هر حقوق‌بگیری است . میزان افزایش حقوق بازنشستگان هیچ‌گاه به پای تورم واقعی نمی‌رسد . تورم یعنی جاروب کردن امکانات و هستی حقوق‌بگیران و متمرکز کردن در دست سرمایه‌داران است . مرکز آمار ایران تورم سال 91 را حدود 41 درصد اعلام کرده است اما برای ما به‌عنوان مصرف‌کننده کاملاً ملموس است که تورم واقعی بالاتر از آن است ؛

در حالی که افزایش حقوق بازنشستگان 25% در سال 92 اعلام شده است . اولین وظیفه نمایندگان و هیأت مدیره ها آن است که سطح حقوق و سطح زندگی بازنشستگان را حفظ کند ؛ آنان باید روش‌هایی را اتخاذ کنند این هدف را عملاً محقق کنند یعنی نه تنها سطح حقوق و سطح معیشت و بیمه بازنشستگان کاهش نیابد بلکه بهبود هم پیدا کند و اگر قادر به این کار نبود یعنی رسالت و ضرورت حضور خود را زیر سؤال برده است .

مشکلات دیگر ؛ کاهش حمایت های بیمه‌ای از کارگران بازنشسته و بخصوص لایحه جدید تأمین اجتماعی همگی به مشکلات کارگران بازنشسته می‌افزاید . یکی از پایه‌های تأمین اجتماعی ؛ یعنی بیمه کامل و تکمیلی از عهده سازمان تأمین اجتماعی برداشته شده و بعهده بخش خصوصی ؛ با تحمیل هزینه به کارگران بازنشسته و پوشش اندک بیمه نسبت به آنان قرار گرفته است و هیأت مدیره نه تنها اقدام جدی در مورد حل این مسائل نداشته بلکه از این سیاست های مدیریت تأمین اجتماعی حمایت نموده‌اند ؛ این در حالی است که بازنشستگان کشوری بیمه طلایی دریافت می‌کنند .

بخش های زیاد اساسنامه در تضاد با قوانین جاری و مفاد قوانین کار ؛ تأمین اجتماعی و قانون اساسی است . تغییرات لازم در اساسنامه برای حفظ و ارتقاء سطح معیشت بازنشستگان به شرح زیر ضروری است .

الف) ضرورت تغییرات اساسنامه و تأکید بر سطح معیشت کارگران بازنشسته :

عمده‌ترین وظیفه هیأت مدیره قانون مذکور اقدام در جهت تأمین و ارتقاء سطح معیشت و بیمه کارگران بازنشسته است و لذا پیشنهاد می‌شود در ذیل ماده 21 اساسنامه در مورد وظیفه هیأت مدیره تأکید شود :
1-..وظیفه اصلی هیأت مدیره ؛ افزایش سطح حقوق و قدرت خرید حقوق کارگران بازنشسته و افزایش دریافتی مطابق افزایش سطح زندگی و تورم سالانه و ایجاد خط رفاه برای کارگران بازنشسته است

2- اضافه شدن یک تبصره به بند یک مبنی بر آنکه ؛ هیأت مدیره موظف است اقدامات جدی برای استمرار و ارتقاء حقوق تأمین اجتماعی کارگران بازنشسته به عمل آورد و علیه کلیه قوانین ؛ مقررات و اموری که سطح معیشت ؛ بیمه و تأمین اجتماعی بازنشستگان را تضعیف کند ؛ اقدامات لازم را با مشارکت کارگران بازنشسته از جمله برگزاری مجمع فوق‌العاده به عمل آورد .

3- بند (ج) به ماده 11 اساسنامه اضافه شود ؛ برای بررسی عملکرد هیأت مدیره و بازرسی در سال قبل و ارزیابی اثربخشی عملکرد آنان بالأخص در میزان افزایش مستمری کارگران بازنشسته ؛ می‌بایست در ابتدای هر سال مجمع عمومی فوق‌العاده تشکیل شود و در صورت عدم تأیید اثربخشی فعالیت هیأت مدیره ؛ مجمع فوق‌العاده "عدم صلاحیت" آنان را اعلام می‌نماید . همچنین مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص کلیه موضوعاتی که در سطح تأمین اجتماعی و بیمه‌ای و مستمری کارگران بازنشسته مؤثر است ؛ می‌بایست تشکیل شود . مجمع عمومی فوق‌العاده با درخواست هیأت مدیره یا بازرسی و یا درخواست تعدادی کارگران بازنشسته که کمتر از تعداد شرکت‌کنندگان در آخرین مجمع عمومی نباشد تشکیل می‌شود .

ب) ضرورت تغییرات در محتوای اساسنامه :

1- طبق ماده یک دستورالعمل تأسیس قانون های کارگران و مدیران بازنشسته مؤکداً آمده است ؛ که منظور از بازنشسته در این دستورالعمل کارگران و مدیرانی است که قبل از بازنشستگی طبق مقررات قانون کار ؛ به کار اشتغال داشته و بر اساس مقررات جاری بازنشسته شده باشند . و لذا ضروری است تنها بازنشستگانی که مشمول قانون کار بوده‌اند عضو قانون بوده و در مجامع عمومی شرکت نمایند اما آنان موظف به پیگیری تمام حقوق بازمندگان و از کارافتادگان می‌باشند .

2- ماده 7 بند سوم یکی از شرایط انتخاب شوندهگان ؛ حداقل داشتن سواد "خواندن و نوشتن" ذکر شده است در صورتی که بخش‌هایی از کارگران امروزه دارای تحصیلات کارشناسی و بالاتر بوده و اکثریت کارگران دارای تحصیلات "پایان متوسطه" می‌باشند و لذا حداقل سطح سواد برای انتخاب شوندهگان لازم است حداقل "سوم متوسطه (سوم راهنمایی)" تعیین شود .

3- در ماده 17 تجدید انتخاب هیأت مدیره برای دوره‌های بعد را نامحدود می‌داند درحالی‌که در " قانون تعاون" انتخاب هیأت مدیره را فقط برای دو دوره مجاز می‌داند و برای دور سوم می‌بایست فرد کاندیدا 75 درصد کل آراء را کسب نماید ؛ و لذا ضروری است که حداکثر برای عضویت هیأت مدیره دو دوره متوالی مجاز و برای دور سوم مشروط گردد .

4- با توجه به متوسط عمر انسان در ایران که 70 سال است و بازنشستگی از سن حدود 45 سالگی شروع و حداکثر 60 ساله بازنشست می‌شود ضروری است که در ماده 7 بند سوم داشتن حداکثر 72 سال برای کاندیدا شدن عضویت در هیأت مدیره قید شود. این امر برای پیگیری جدی مشکلات کارگران بازنشسته ضروری است .
د (مغایرت در مضامین اساسنامه با قوانین جاری :

.تضاد اساسنامه با مشارکت کارگران بازنشسته : علی‌رغم وجود حدود 400/000 بازنشسته در تهران ؛

اساسنامه حضور 350 نفر بازنشسته ؛ یعنی کمتر از یک هزارم کارگران بازنشسته را برای برگزاری مجمع عمومی کافی می‌داند . به عبارت دیگر با 350 نفر می‌توان سرنوشت چهارصد هزار کارگر بازنشسته به همراه خانواده‌های آنان را رقم زد . لذا باید با منطقه‌ای شدن و تشکیل کانون در هر یک از شعبات و تغییر اساسنامه زمینه را برای مشارکت کارگران بازنشسته مهیا نمود .

ج - تغییر غیرقانونی اساسنامه بدون تصویب مجمع عمومی :

1-.. هیأت مدیره در اطلاعیه در 90/11/12 مجمع عمومی فوق‌العاده برگزار نمود تا دو موضوع در اساسنامه تغییر داده شود . اما هشت مورد دیگر اساسنامه را بدون تصویب مجمع عمومی به طور غیرقانونی تغییر داده‌اند که می‌بایست لغو شود

ما امضاء کنندگان درخواست اعلام برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده لغایت پایان فروردین‌ماه 1392 جهت اصلاح موارد مطروحه در جهت برآوردن منافع کارگران بازنشسته را می‌نماییم تا سطح حقوقمان افزایش یابد .

جمعی از کارگران بازنشسته

کارگران بازنشسته محترم

سال‌هاست که افزایش سطح زندگی و تورم حقوق ما را می‌بلعد . ارزش حقوق دریافتی ما دیگر نه هر سال ؛ بلکه هر روز در حال کاهش است . در سال 91 افزایش مواد غذایی بیش از 100 درصد ؛ خود رو بیش از 100 درصد و لوازم‌خانگی بیش از 200 درصد افزایش یافته است . در مقابل این تورم در چند سال اخیر بین 10 تا 20 درصد حقوق کارگران بازنشسته افزایش یافته است که به معنی کاهش قدرت خرید آنان و حرکت به سمت فقر و فلاکت آنان است

از طرف دیگر بازنشستگان پراکنده بوده و متحد نیستند و نمی‌توانند حق مسلم خود را به دست آورند و هیأت مدیره کانون نیز عملاً هیچ کاری انجام نمی‌دهد و حتی مشوق طرح های ضد کارگری از جمله لایحه جدید تأمین اجتماعی شده‌اند . هیأت مدیره کانون هیچ‌گونه تأثیرگذاری در تعیین میزان حقوق ندارند و حقوق ما توسط یک هیأت دولتی و مرکب از وزرا ؛ معاونین و مدیران دولتی تعیین می‌شود .

خط فقر هم اکنون حدود دو میلیون تومان در ماه است درحالی‌که متوسط حقوق دریافتی ما پانصد هزار تومان یعنی چهار برابر کمتر از خط فقر است و پس از سی سال کارگران می‌بایست با انواع و اقسام ؛ فقر ؛ بیماری ؛ درماندگی و از دست رفتن عزت نفس زندگی کنیم .

ما کارگران بازنشسته خواسته‌های خود را به دولت ؛ وزارت تعاون ؛ کار و تأمین اجتماعی ؛ مدیران دولتی

سازمان تأمین اجتماعی اعلام می‌کنیم و هیأت مدیره کانون موظف به اجرای و پیاده‌سازی آنهاست :

1- افزایش حقوق سال 92 به میزان حداقل صد در صد

2- اجرای نظام همسان‌سازی حقوق کارگران بازنشسته با بازنشستگان کشوری و لشکری

3- لغو و پس گرفتن اصلاحیه قانون تأمین اجتماعی توسط این سازمان

4- انجام بیمه تکمیلی توسط سازمان تأمین اجتماعی

جمعی از کارگران بازنشسته

عدم پرداخت حقوق و مطالبات کارگران شرکت کشتی‌سازی "اروندان" به مدت هشت ماه

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است: مدیرعامل شرکت کشتی‌سازی اروندان از عدم پرداخت حقوق و مطالبات کارکنان شرکت به مدت هشت ماه خبرداد و سازمان تأمین اجتماعی خواست تا به تعهدات خود در قبال این شرکت عمل کند.

ارسالان غمگین ضمن اشاره به اینکه شرکت کشتی‌سازی اروندان در اسفند ماه سال 88 به سازمان تأمین اجتماعی واگذار شد، گفت: متأسفانه سازمان تأمین اجتماعی تاکنون هیچگونه اقدام اساسی در خصوص رفع مشکلات این شرکت که متأثر از بلاتکلیف ماندن آن در طول سه سال اخیر (از زمان واگذاری تا تشکیل هیئت مدیره جدید) بوده انجام نداده است.

وی گفت: عدم پرداخت حقوق و مطالبات کارکنان شرکت به مدت هشت ماه، توقیف و یا فروش عمده تجهیزات شرکت توسط پیمانکاران، توقیف و یا انجام اقدامات حقوقی برای توقیف و فروش مابقی تجهیزات باقیمانده، رکود کامل پروژه های شرکت، طرح شکایت از سوی بانکها و متقاضیان شناورها از شرکت و قطعی آب، برق، تلفن و اینترنت شرکت از جمله مشکلاتی بود در ابتدای شروع به کار با آن مواجه شدیم.

وی از بدهی 60 میلیارد تومانی این شرکت به سازمان گسترش، بانکها، پیمانکاران، کارکنان و... که رقم این بدهی ها به 34 مورد می‌رسد به عنوان یکی از مشکلات فراروی این شرکت نام برد و افزود: متأسفانه برخی از پیمانکاران برای جبران مطالبات خود اقدام به فروش بخش اعظمی از تجهیزات این شرکت کردند که این مسئله ضربه سنگینی به شرکت وارد کرد.

غمگین در بخشی از سخنان خود با اشاره به انتخاب و شروع به کار هیئت مدیره جدید از 25 بهمن ماه سال 91 تاکنون اظهار کرد: در زمان شروع به کار هیئت مدیره جدید با مشکلات عدیده ای مواجه بودیم که رفع آنان نیاز به حمایت مالی سازمان تأمین اجتماعی به عنوان متولی شرکت کشتی‌سازی اروندان داشت که متأسفانه این حمایتها صورت نگرفت و تنها در یک مورد آن هم به شکل نیم‌مدار انجام شد.

مدیرعامل شرکت کشتی‌سازی اروندان عدم حمایت مالی سازمان تأمین اجتماعی از این شرکت را به عنوان چالش اساسی این شرکت نام برد و گفت: مسئولان سازمان تأمین اجتماعی و شستا باید از باور ایجاد شده در شرکت کشتی‌سازی اروندان و نیز برنامه کاری ارائه شده حمایت کنند و این را بدانند که شرکت به سمت سوددهی در حال پیشروی است و باید همراهی و پشتیبانی شود.

تعطیلی کارخانه اخشان شیراز و بیکاری 500 کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است: یک عضو شورای شهر شیراز با اعلام تعطیلی کارخانه تولید کمر بند ایمنی خودرو «اخشان شیراز» با وجود اشتغال 500 کارگر، تعطیلی کارخانه‌ها را فاجعه‌ای برای استان فارس دانست. به گزارش ایلنا، «احمد رضا نقیب زاده» در نطق پیش از دستور خود در صحن علنی شورای شهر شیراز، با اشاره به روند تعطیلی کارخانه‌های استان فارس در سالیان اخیر

افزود: کارخانه اخشان آخرین موردی است که در ادامه تعطیلی سریالی کارخانجات فارس تعطیل شده است. این عضو شورای شهر شیراز تعطیلی کارخانه‌ها را فاجعه‌ای نامید که نشان دهنده لزوم توجه و حمایت بیشتر از صنایع موجود است. وی افزود: تعطیلی کارخانه اخشان به عنوان یکی از سه کارخانه تولید کننده کمر بند ایمنی در کشور با ۵۰۰ نفر شاغل، نشان دهنده بحران (اقتصادی) این استان است. نقیب زاده در پایان با بیان اینکه «عدم پرداخت مطالبات توسط خودروسازان و بد حساسی آنها، عامل این تعطیلی‌ها آن بوده است»، افزود: ادامه چنین روندی که پس از تعطیلی کارخانه های «آی تی تی» و «آزمایش» اتفاق افتاده حکایت از لزوم اتخاذ تدابیر موثر برای صیانت از فعالیت های تولیدی موجود است چرا که افزایش بیکاری از اصلی ترین پیامدهای چنین وقایعی است و مهاجرت و ناهنجاری های اجتماعی در شهر شیراز را به همراه خواهد داشت.

رئیس اتاق بازرگانی خرم آباد: نرخ بیکاری در لرستان دو برابر نرخ بیکاری کشور است

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خرم آباد گفت: در حال حاضر نرخ بیکاری در لرستان دو برابر نرخ بیکاری کشور است که این امر به دلیل عدم سرمایه گذاری کافی در استان است.

به گزارش مهر، حسین سلاحورزی شامگاه یکشنبه در جمع خبرنگاران با بیان اینکه متأسفانه سال گذشته ایام خوبی برای اقتصاد کشور و به خصوص بخش خصوصی نبود اظهار داشت: در این راستا بخش خصوصی با مشکلات عدیده و فراوانی روبرو بود. وی با اشاره به وضعیت اقتصادی بخش خصوصی در استان لرستان عنوان کرد: بخش تولید و اشتغال لرستان متأسفانه در حال حاضر با مشکلات عدیده ای مواجه است.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خرم آباد بیان داشت: علیرغم همه تلاشهای صورت گرفته در بخشهای مختلف برای حمایت و تقویت تولید استان اما متأسفانه هنوز شاهد مشکلات فراوانی در این حوزه هستیم.

سلاحورزی همچنین به معضل بیکاری در استان اشاره کرد و بیان داشت: در حال حاضر نرخ بیکاری در لرستان دو برابر نرخ بیکاری کشور است که این امر به دلیل عدم سرمایه گذاری کافی در استان و بی توجهی به این استان است. وی ادامه داد: در صورت عدم تقویت بخش خصوصی در استان شاهد استمرار وضعیت بیکاری در لرستان خواهیم بود.

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خرم آباد به دیگر مشکلات پیش روی سرمایه گذاری در استان اشاره کرد و بیان داشت: عدم وجود سیستم حمل و نقل مناسب، نبود زیرساخت ها، عدم ارائه بسته های تشویقی و ترغیب کننده به سرمایه گذاران موجب ایجاد شکاف در روند توسعه یافتگی و سرمایه گذاری استان شده است.

احتمال گران شدن مجدد بهای گندم و نان

به نوشته سایتسحام نیوز به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است: یک عضو کمیسیون کشاورزی مجلس گفت: در حال حاضر زمزمه هایی در مورد افزایش قیمت گندم و به تبع آن نان در مجلس و بین نمایندگان شنیده می شود.

هدایت الله میر مراد زهی عضو کمیسیون کشاورزی مجلس نهم در گفت و گو با ایلنا در مورد اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها از سوی دولت، گفت: اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها زمانی از نظر من تاثیر گذار و مطلوب است که هم منبع پرداخت‌های یارانه‌ای مشخص شود و همچنین به تورم و اقتصاد کشور لطمه دیگری وارد نکند.

وی افزود: اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اگر موجب افزایش تورم و نرخ آب و برق از یک سو و سخت شدن معاش مردم از سوی دیگر شود، نه تنها عقلانی نیست بلکه باید جلوی آن گرفته شود.

میر مراد زهی در ارتباط با تصویب ۱۵ درصدی تسهیلات کشاورزی از صندوق توسعه ملی، اظهار داشت: متأسفانه در لایحه بودجه برای بخش کشاورزی بودجه‌ای اختصاص نیافته بود، لذا دو کمیسیون کشاورزی و تلفیق برای بیرون آمدن از تک محصولی بودن بخش کشاورزی پیشنهاد ارایه تسهیلات به کشاورزان از صندوق توسعه ملی را مطرح کردند که در نهایت با موافقت در صحن مجلس روبرو شد.

وی تصریح کرد: در صورت اجرای این طرح اعتبارات آب، برق و گاز به کشاورزان داده خواهد شد که اتفاق خوشی در سال حماسه اقتصادی است.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس در ارتباط با خرید تضمینی گندم گفت: دولت باید گندم را به نرخ جهانی از گندم کاران خریداری کند تا انگیزه‌ای برای ادامه کار تولیدکنندگان باشد، متأسفانه در سال گذشته نرخ مصوبه گندم ۳۰۰ تومان بود در صورتیکه گندم‌های وارداتی با مبلغ ۷۰۰ تومان خریداری شده بود و همین امر باعث ناراضایتی گندم‌کاران شد.

وی اضافه کرد: در حال حاضر زمزمه‌هایی مبنی بر گران شدن گندم و به تبع آن نان هم در مجلس شنیده می‌شود و ممکن است مجلس افزایش نرخ گندم را تصویب کند.
دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۲

منصور اسانلو در مصاحبه با روز:

تهدید به قتل شده ام

آرش بهمنی

[a.bahmani\(at\)roozonline.com](mailto:a.bahmani@roozonline.com)

منصور اسانلو، از فعالان جنبش کارگری و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، چندی است که از کشور خارج شده است. در این مدت حواشی فراوانی پیرامون او به وجود آمده؛ از اطلاعیه‌های سندیکای شرکت واحد درباره برکناری او تا همکاری‌اش با برخی گروه‌های سیاسی و مسابلی پیرامون زندگی شخصی‌اش. اسانلو در گفت‌وگو با "روز"، می‌گوید که همچنان عضو سندیکاست، گرچه برکناری‌اش از پست رییس هیات مدیره را حرکتی هوشمندانه می‌داند، وابستگی به گروه‌های سیاسی را رد می‌کند و می‌گوید که وزارت اطلاعات اخیراً با ارسال ایمیلی، وی را تهدید به قتل کرده است. این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

آقای اسانلو، چند ماهی از خروج شما از کشور می‌گذرد. به نظر می‌رسد در این مدت به صفت فعال جنبش کارگری فعالیت‌های خود را ادامه دهید. تصور می‌کنید چه تفاوت‌هایی میان فعالیت شما در داخل و خارج وجود دارد؟ و آیا تصور می‌کنید الان که از کشور خارج شده‌اید، می‌توانید نقشی در فعالیت‌های جنبش کارگری ایران در داخل کشور داشته باشید یا خیر؟

من در تمام سال‌های گذشته یک کارگر بودم؛ چه در شرکت واحد و چه قبل از آن که در یک شرکت بافندگی مشغول به کار بودم و چه سال‌های پیش از این‌ها که عملاً درگیر مسایل کارگری بودم. فامیل ما هم همیشه با ظلم و ستم و ارباب و خان درگیر بوده و این ارثیه‌ای است که به من هم رسیده است. در نهایت در شرکت واحد هم همراه با دیگر کارگران، اقدام به راه‌اندازی سندیکا کردیم. در حال حاضر هم من عملاً راهی جز این ندارم. باید این راه را ادامه دهم و امیدوارم بتوانم از طریق امکاناتی که در این‌جا وجود دارد... درس‌ها و آموزش‌هایی را که در بدترین شرایط دیکتاتوری گرفتیم، به دیگران منتقل کنیم. ضمن این‌که می‌توانیم از کمک دوستان سندیکا که پیش از من از کشور خارج شده‌اند، بهره ببریم و فکر می‌کنم چون روابطی با داخل کشور داریم و اعتمادی که بخش زیادی از جامعه به ما کرده، امیدوارم که بتوانیم در راه رسیدن به هدف خود موفق باشیم. نه فقط جنبش کارگری - که بدترین نوع زندگی به آن‌ها تحمیل شده - که وضعیت کشور را درست کنیم که امروز در

شرایطی است که تحریم‌ها و احتمال جنگ ممکن است کشور را با وضعیت بدتری روبه‌رو کند و تنها راه برون رفت از این وضعیت، همین تشکل‌یابی از پایین است. ضمن این‌که باید از تشکل‌هایی که در حال حاضر وجود دارد، حمایت مالی و سازمانی و تشکیلاتی و رسانه‌ای کرد.

این تشکل‌یابی در داخل البته به نظر نمی‌رسد به همین راحتی باشد...

به هر حال این تنها راهی است که داریم. لازم است که تشکل‌ها در همه اقصاء به وجود بیایند و تلاش کنیم که این تشکل‌ها به هم بیوندند و یک نیروی بزرگ ملی را تشکیل دهند تا بتوان اوضاع را سر و سامان داد. در خارج هم لازم است که حمایت همه‌جانبه‌ای از آن‌ها صورت بگیرد. این کار شدنی هم هست، چون هسته‌های اولیه در داخل شکل گرفته است و همه در حال حفظ آن هستند. مثل رضا شهبازی که با شجاعت به زندان باز می‌گردد، یا شاهرخ زمانی یا محمد جراحی یا ابراهیم مددی که این همه سال در زندان بود و باز هم به کار خود ادامه می‌دهد یا افشین اسانلو که جزء هیات موسس رانندگان بیابانی است و دیگر زحمتکشانی که ممکن است نام برخی از رفقا را به خاطر نیاورم. هستند کسانی در داخل که فعالیت و مقاومت می‌کنند و از آرمان‌هایی که داشتند، دست نکشیده‌اند. این مساله به نظر من می‌تواند هسته مرکزی خلایی را که در جامعه ما پیرامون اتحاد میان مردم وجود دارد، پر کند و مردم می‌توانند هر جایی که کار می‌کنند، با دوستان، همکاران و همسایه‌های خود، درباره مشکلات صحبت کنند و از درون این صحبت‌ها نوعی تشکل‌های محلی و خانوادگی ایجاد و فعال‌تر شود. من هم به این‌جا آمده‌ام و با صدا و جانم، امیدوارم بتوانم کمکی بکنم به ادامه این راه تا این صدا و درد و رنج‌هایی که مردم و زحمتکشانی در داخل دارند، منعکس کنم و سهم کوچکی برای بهتر شدن وضعیت کشورم داشته باشم.

با توجه به تجربیات سندیکا و دیگر تشکل‌های مشابه، تصور می‌کنید شرایط عینی این مساله در داخل فراهم است؟

یا باید در ناامیدی غوطه‌ور شویم یا باید به این باور برسیم که درد مشترکی که داریم - گرانی و تورم و سرکوب و زندان و ظلم و ستم و فساد مالی و شرایط دشوار زحمتکشانی و دزدی اطرافیان خامنه‌ای و سپاه و یک درصد جامعه - با شکستن ترس مردم و سازمان‌دهی و اتحاد شکسته می‌شود. به هر حال این اتفاق افتاده است. مثلاً در همین سندیکای شرکت واحد به هر حال با وجود سرکوب و فشار ما موفق شدیم. ما نه تنها بار را بر دوش دیگران نینداختیم، بلکه بار اجتماعی را هم تحمل کردیم. به هر حال اگر امتیازی هم به کارگران شرکت واحد داده شد، به دلیل وجود همین سندیکا بود. سندیکا الان در بدنه نفوذ دارد و این واقعیت عینی است. در مجموعه‌های دیگری هم کار تشکل‌یابی شده، به هر حال موفقیت‌هایی وجود داشته. مثلاً تجمعات چند سال پیش معلمان در بهارستان. درست است که زندانی شدند، هزینه دادند، اما به هر حال برای مجموعه معلم‌ها امتیازهای خوبی به همراه آوردند. این نتیجه تشکل‌یابی و اتحاد معلمان بود. اگر حکومت بداند که این حرکت‌ها ادامه پیدا کند و ترسی از هزینه وجود ندارد، مجبور است که امتیاز بدهد. شاید چون من قسمت امیدوارکننده واقعیت‌ها را می‌بینم، فکر می‌کنم که می‌شود. گرچه کار می‌برد و کار سختی هم می‌برد.

شما و دیگران فعالان خارج از کشور فکر می‌کنید چه کمکی می‌توانید به این مساله بکنید؟ منظورم البته فارغ از بحث رساندن صدا به خارج از کشور است.

مردم و هم‌میهنان ما و دوستان و زندانیان ما، وقتی می‌بینند که ما این‌چنین از زندانیان دفاع می‌کنیم - به عنوان افرادی که در متن مبارزه بوده‌ایم، هزینه دادیم، اخراج شدیم، زندان رفتیم - و کسی نیستیم که از خارج می‌گوییم لنگش کن، طبیعتاً راضی و خوشحال می‌شوند. وقتی مردم صدای خود و دردهای خود را می‌بینند، اولاً امیدوار می‌شوند که کسانی هستند که صدای آن‌ها را به دیگران می‌رسانند. باید تجربیات‌مان را در سازماندهی و آموزش و کار فرهنگی در اختیار دیگران بگذاریم و... این مسایل می‌تواند بسیاری از موانع را از میان ببرد و به کارگران کمک کند. اگر این‌ها موثر نبود، غیرممکن بود که جمهوری اسلامی میلیون‌ها دلار را برای کنترل تلفنی، فیلترینگ اینترنت، پارازیت‌اندازی و... هزینه و پیام‌رسانی را قطع کند. در چند روز گذشته نخستین پیام تهدیدآمیز وزارت اطلاعات هم به من رسیده است.

شما درباره اعتماد مردم به خود صحبت کردید. این در حالی است که به نظر می‌رسد این اعتماد به شما حداقل در سندیکای شرکت واحد - که عضو آن بودید - وجود ندارد. بیانیه‌هایی دادند که شما عضو هیات مدیره نیستید و حتی اسمتان هم از سایت حذف شده است.

من از سال ۸۵ که بعد از هفت ماه از انفرادی بند ۲۴۰ بیرون آمدم، نظرم را درباره فردی که در حال حاضر سایت را در اختیار دارد، بیان کردم. این فرد کسی است که با سرهنگ عبداللهی، از اعضای وزارت اطلاعات، همکاری می‌کند و این سایت از سال ۱۳۸۷ که من در زندان بودم، راه‌اندازی شده است. پیش از خروج من از ایران هم این سایت اساساً فعال نبود و حداکثر تنها اعلامیه فوت یا مراسم ختم منتشر می‌کرد. یعنی هیچ خبر و اطلاعاتی درباره کارگران شرکت واحد در این سایت منتشر نمی‌شود. در نتیجه این سایت مورد تایید نیست و به نظر من تحت کنترل وزارت اطلاعات است.

شما مستندات هم در این زمینه دارید؟

این تنها حرف من نیست. دوستان دیگر هم پیش از من در این باره سخن گفته‌اند. حتی یکی از دوستان که پیش از این در هیات مدیره بوده، چند سال پیش در یکی از سایت‌ها مطلبی در همین زمینه نوشته بود. این شخصی که درباره او صحبت می‌کنم، اگر قرار باشد که ما درباره او صحبت کنیم، داستان‌های زیادی دارد که دوستان داخل هم می‌دانند، گرچه صلاح نیست من این‌جا مسایل را باز کنم. دوستان این مستندات را از طریق افرادی چون رضا شهبانی هم در اختیار دارند. خود سایت هم زمانی که همه ما زندان بودیم، راه افتاد و این فرد از سایت استفاده شخصی خود را می‌کند. در این سایت حتی چند عدد از تبصره‌های اساسنامه را هم حذف و بعد منتشر کرده است. به هر حال زمانی بود که ماها در زندان بودیم و این آقا ترکتازی کرده و هر چه خواسته روی سایت قرار داده. دوستان داخل هم با این شخص درگیری زیادی داشتند.

درباره بیانیه علیه من هم طبیعی بود که صادر شود، البته کمی لحن تند و احساسی داشت. چون من از کشور خارج شده بودم، ممکن بود فعالیت‌ها یا اظهارنظرهایی بکنم که به بهانه من، دوستان را مورد آزار و اذیت قرار دهند. پس کاملاً کار درستی بوده که این کار را نکنند.

یعنی شما می‌گویید که اخراج‌تان از سندیکای شرکت واحد کار درستی بود؟

نه. نه این‌که مرا از سندیکا اخراج کنند یا عضو هیات مدیره نباشم. چون طبق اساسنامه سندیکا - که براساس آن مجمع عمومی بالاترین رکن سندیکاست - همه ما کسانی که از مجمع عمومی رای گرفته‌ایم، تا زمانی که خودمان عضویت‌مان را لغو نکنیم، عضو هیات مدیره خواهیم بود. پس هیات مدیره می‌توانست در چارچوب رای‌گیری داخلی و تقسیم کاری که انجام شده بود، اعلام کند که من دیگر رییس هیات مدیره نیستم.

هیات مدیره در صورتی که طبق اساسنامه رسمیت داشته باشد، می‌تواند بنا بر تقسیم کارهایی که در جلسه هیات مدیره انجام شده، فرد را برکنار کند، حق‌شان هم هست. اما کسانی که با رای مجمع عمومی آمده‌اند، و استعفا نداده‌اند، امکان ندارد توسط هیات مدیره اخراج شوند. از زمان مجمع عمومی سندیکا ما عضو هیات مدیره هستیم. طبق اساسنامه باید هر دو سال یک بار مجمع عمومی تشکیل شود، اما چون حکومت فشارها را افزایش داده، این امکان به وجود نیامده است. شاید اگر مجمع عمومی برگزار می‌شد، شاید امثال ما اصلاً در آن نبودیم. اما تا زمانی که مجمع برگزار نشده، ما عضو هیات مدیره هستیم. فقط مجمع عمومی می‌تواند کسی را از سندیکا اخراج کند.

شما در این جلسه حضور داشتید یا در جریان برگزاری آن بودید یا خیر؟

من نمی‌خواهم خیلی وارد این بحث شوم، چون فکر می‌کنم کار دوستان‌ام در برکناری من از ریاست هیات مدیره درست بوده. چون ممکن است تبعات کارهای من، گریبان آن‌ها را هم بگیرد. گرچه خود من به این مساله اعتقادی ندارم. اما اساساً جلسه‌ای نبوده. طبق اساسنامه ۱۹ نفر عضو هیات مدیره ما هستند که باید دو سوم آن‌ها مصوبه‌ای را تایید کنند تا اجرایی شود. آن‌طور که من اطلاع دارم حداکثر شش یا هفت نفر در جلسه حضور داشته‌اند که اگر قرار باشد اساسنامه را درباره آن‌ها اجرا کنیم، فقط دو نفرشان می‌توانند عضو هیات

مدیره باشند، در جلسه حضور داشته باشند. با این حال اشکالی ندارد، من خودم را رییس هیات مدیره سندیکا نمی‌دانم، اما نمی‌توانند مرا از هیات مدیره یا سندیکا اخراج کنند.

این سوال را از آن جهت پرسیدم که در بیانیه دلیل اخراج شما تخلفات و مسایل این چنینی ذکر شده بود. می‌خواستم بدانم این تخلفات از نظر دیگر اعضای سندیکا چه بوده؟

بیانیه‌ای که زیر فشار منتشر شده، غیر از این چه می‌تواند بگوید؟ این اطلاعیه در شرایط فشار و بحرانی و عصبی، و شرایطی که خود من حاضر نبوده‌ام صادر شده و بعضی از افراد مسایل شخصی را وارد آن کردند. ولی این تخلفات باید طبق اساسنامه بیان شود، نه براساس نظرهای شخصی و فردی. این‌ها کلی‌گویی و در شرایط فشار و عصبی بودن صادر شده.

یعنی شما می‌فرمایید صدور این بیانیه‌ها و برکناری شما از ریاست هیات مدیره کار درستی بوده؛ اما بیانیه زیر فشار بوده، سایت سندیکا در اختیار نیروهای امنیتی است و اخراج شما از سندیکا هم غیرقانونی است؟
بله.

**يك فعال کارگری در خراسان جنوبی:
کارگران از ترس اخراج به مزد غیرقانونی تن می‌دهند**

به گزارش خبرگزاری دولتیکار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر خراسان جنوبی اعلام کرد: با گذشت حدود سه ماه از صدور بخشنامه مزدی شورای عالی کار، بسیاری از کارگاه‌های بحران‌زده در این استان مطابق قانون به کارگران خود دستمزد پرداخت نمی‌کنند.

«محمد حسین براتی» در این باره به ایلنا گفت: با وجود آنکه دستمزد مصوب شورای عالی کار جوابگوی نیازهای اولیه خانوار کارگری نیست، کارفرمایان مدعی اند بدون حمایت دولت قادر نیستند دستمزد قانونی را به کارگران خود بپردازند.

او اضافه کرد: هم اکنون اکثر کارگاه‌های کوچک استان به بهانه کمبود منابع مالی و با سوء استفاده از بحران موجود از کارگران بهره کشی کرده و رقمی کمتر از حداقل دستمزد قانونی را به آنان می‌پردازند.

این فعال کارگری با بیان اینکه قانون کار در این کارگاه‌ها (به ویژه کوچک) اجرا نمی‌شود اظهار داشت: با توجه به اینکه نرخ بیکاری در خراسان جنوبی بویژه مناطق مرزی این استان بالاست نیروی کار از ترس از دست دادن شغل خود به هر پیشنهاد مزدی که از سوی کارفرمایان ارائه می‌شود جواب مثبت می‌دهند.

به گفته براتی، استان خراسان جنوبی فرصت‌های شغلی خوبی را در زمینه کشاورزی و معادن داراست اما حدود 15 سال است به سبب خشکسالی‌های پی در پی کشاورزی و دامداری در این استان از رونق افتاده است.

دبیر خانه کارگر خراسان جنوبی در خاتمه افزود: بزرگترین معضل این استان رشد بی رویه جمعیت و افزایش نرخ بیکاری است که در این زمینه مسئولان طی سال‌های گذشته هیچ برنامه ریزی انجام نداده اند.

پایان پیام

**پیام تبریک به مناسبت آزادی غالب حسینی و علی آزادی از اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی
برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری**

سرانجام بعد از دو ماه بازداشت و بلا تکلیفی دو تن از فعالین کارگری شهر سنندج روز پنج شنبه ۱۹ اردیبهشت ماه علی آزادی با قرار وثیقه آزاد شد و امروز دوشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه هم غالب حسینی دیگر فعال کارگری عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری با قرار وثیقه سنگین از زندان مرکزی شهر سنندج آزاد شد

ضمن تبریک آزادی این فعالین کارگری مبارز به خانواده عزیزشان همچنین تمام هم طبقه ای‌هایم در سراسر جهان خواستار آزادی دیگر فعالین کارگری و کارگران زندانی هستیم که تنها جرمشان دفاع از حقوق خود و هم طبقه ائی‌هایشان است

بهنام ابراهیم زاده کارگر و فعال کرگری و فعال کودکان زندانی
اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

تجمع 150 راننده شرکت واحد مقابل شهرداری تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است : صبح امروز 150 راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران همراه با خانواده های خود در اعتراض به افزایش قیمت 25 هزار تومانی هر متر از مجتمعی که در آن سکونت دارند، مقابل شهرداری تهران تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، تجمع کنندگان که در مجتمعی 164 واحدی در شهر ورامین سکونت دارند به افزایش قیمت هر متر از این مجتمع از 450 به 475 هزار تومان اعتراض داشتند.

«محمدرضا عابدی» از رانندگان ناراضی به خبرنگار ما گفت: مسکن شرکت واحد، 12 واحد تجاری مجتمع را برداشته است که قرار بود با راه اندازی آنها و درآمدی که از این طریق بدست می‌آید دستمزد نگهبان و خرج های جانبی دیگر تامین شود. به گفته آقای عابدی، 12 واحد مذکور به حال خود رها شده‌اند و مسکن شرکت واحد در این رابطه پاسخگو نیست.

همچنین کارگران معترض، نسبت به نبود آب آشامیدنی و عدم امنیت منطقه ای که مجتمع مسکونی در آن واقع شده است نگران بودند.

پایان پیام

پاک کردن صورت مسئله و حل دلبخواهی آن توسط صدرای بوشهر

علی علوی - کارگر صدرا

به نوشته سایت اتحادیه ازاد کارگران ایران در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است : حضرات زمانی که پروژه ای توسط کارگران به اتمام میرسد در کنارش می ایستند و عکس یادگاری میگیرند و گوسفند ذبح میکنند و مصاحبه میکنند که ما این کردیم و آن کردیم و توانستیم و پیروز شدیم و افتخار آفریدیم و شکست دادیم . غافل از اینکه صورت مسئله را فراموش کرده اند. صورت مسئله چیست یا در واقع کیست؟! صورت مسئله، کوریش استوار کارگر رسمی خود صدراست که از قضا چند ماهی هم به بازنشستگی ندارد که متأسفانه با يك جرثقیل خراب به ارتفاع برده میشود و در اثر سقوط جانش را از دست میدهد. امیر امینی جوشکار تازه نامزد کرده ای است که با شرایط نا ایمن در حین کار بر اثر برق گرفتگی جانش را در برابر دیدگان دو برادرش از دست میدهد . بهرام جمال شکری، کارگر ساده مظلومی است که لوله بر رویش می

افتد و روی زمین سوزان جهنمی صدرا بدون اینکه تا ده دقیقه کمکی به او برسد خون از او می‌رود و ذره ذره جان میدهد در حالی که خانواده اش چشم انتظار آمدنش بودند.

اسماعیل قاسمی نژاد کارگری که از فاصله دور برای کار به صدرا می‌آید اما میان لوله های عظیم گیر می‌افتد و جانش را از دست میدهد. احمد رغبت است که تازه دو ماه از ازدواجش می‌گذشت و فقط به خاطر اینکه آقایان کاری را که ۸ ساعت وقت میبرد ۲ ساعته میخواستند میان لوله ها گیر افتاد که خوشبختانه زنده ماند اما دیگر نمیتواند کاری که از يك جوان بر می‌آید را انجام دهد. صورت مسئله: قطع انگشت، شکستن دست و پا و برق گرفتگی های متعدد است.

و باز صورت مسئله دیر و نامنظم دادن حقوق، ندادن عیدی و سنوات، بهره کشی بی اندازه و ساعات طولانی کار و پائین بودن مزد کارگران صدراست. و خلاصه اینکه آقایان صورت مسئله را پاك کرده اند و خود به خود جواب را بدست می‌آورند. حل مسئله: ما توانستیم و شکست دادیم و پیروز شدیم و افتخار آفریدیم و این کردیم و آن کردیم!!!!

يك فعال کارگری در خراسان جنوبي: کارگران از ترس اخراج به مزد غیرقانونی تن می‌دهند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر خراسان جنوبي اعلام کرد: با گذشت حدود سه ماه از صدور بخشنامه مزدی شورای عالی کار، بسیاری از کارگاه‌های بحران‌زده در این استان مطابق قانون به کارگران خود دستمزد پرداخت نمی‌کنند.

«محمد حسین براتی» در این باره به ایلنا گفت: با وجود آنکه دستمزد مصوب شورای عالی کار جوابگوی نیازهای اولیه خانوار کارگری نیست، کارفرمایان مدعی اند بدون حمایت دولت قادر نیستند دستمزد قانونی را به کارگران خود بپردازند.

او اضافه کرد: هم اکنون اکثر کارگاه‌های کوچک استان به بهانه کمبود منابع مالی و با سوء استفاده از بحران موجود از کارگران بهره کشی کرده و رقمی کمتر از حداقل دستمزد قانونی را به آنان می‌پردازند.

این فعال کارگری با بیان اینکه قانون کار در این کارگاه‌ها (به ویژه کوچک) اجرا نمی‌شود اظهار داشت: با توجه به اینکه نرخ بیکاری در خراسان جنوبي بویژه مناطق مرزی این استان بالاست نیروی کار از ترس از دست دادن شغل خود به هر پیشنهاد مزدی که از سوی کارفرمایان ارائه می‌شود جواب مثبت می‌دهند.

به گفته براتی، استان خراسان جنوبي فرصت‌های شغلی خوبی را در زمینه کشاورزی و معادن داراست اما حدود 15 سال است به سبب خشکسالی های پی در پی کشاورزی و دامداری در این استان از رونق افتاده است.

دبیر خانه کارگر خراسان جنوبي در خاتمه افزود: بزرگترین معضل این استان رشد بی رویه جمعیت و افزایش نرخ بیکاری است که در این زمینه مسئولان طی سال‌های گذشته هیچ برنامه ریزی انجام نداده اند.

پایان پیام

**قانون کار نادیده گرفته می‌شود
بهنام ابراهیمزاده**

http://kanoonmodafean1.blogspot.se/2013/05/blog-post_5796.html#more

بر پایه مطلب آمده در وبلاک مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است: تعیین دستمزد کارگران بر اساس ماده چهل و یک قانون کار مهمترین اقدام شورای عالی کار است که هر ساله در نیمه دوم سال در قالب برگزاری نشست های مشترک بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولت دنبال می شود. تصویب حداقل دستمزد کارگران از آن روی مورد اهمیت است که حداقل 45 درصد شاغلان کشور در بخش های مختلف را در بر می گیرد. پایین ماندن حداقل دستمزد کارگران در یکی - دو دهه اخیر افزایش فاصله هزینه های معیشت کارگران با نرخ تورم و بالا رفتن قیمت اقلام مصرفی خانواده ها، از بین رفتن امنیت قراردادهای کار و همچنین بیکاری وسیع، گسترده و اخراج های بی رویه، تعطیلی گسترده بنگاه ها و کارگاه ها و سفره تهی کارگران در سال جاری در کنار افزایش تورم؛ اثرات جبران ناپذیری بر زندگی کارگران دارد و نیز فشارهای روحی - روانی فراوانی برای کارگران و خانواده هایشان پدید آورده است شعارهای دولت برای رفع مشکلات کارگران با عملکرد دولت مطابقت ندارد.

بیکاری و فقدان درآمد کافی و گرانی ها به خوبی لمس می شود. مهم تر از همه، گرانی نان، اصلی ترین کالای سبد غذایی، کارگران و کشاورزان و مردم فرودست است. باینکه ماده 41 قانون کار برای افزایش حقوق و دستمزد، یک چارچوبی را تعیین کرده است، ولی افزایش بی سابقه فاصله بین حداقل دستمزد و سبد هزینه های خانوار و همچنین افزایش بی رویه و افسارگسیخته قیمت ها در بازار و سود طلبی بی حد و حصر صاحبان سرمایه همراه با جلوگیری از ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، باعث شده تا دولت هر ساله حرف آخر را در مورد تعیین حداقل دستمزدها بزند. اعلام نرخ تورم از سوی بانک مرکزی که «بیش از 40 درصد» نیز شده است، باید یکی از پایه ها و مبنای اساسی تعیین دستمزد سالانه کارگران باشد، به نحوی که در صورت رعایت ماده 41 قانون کار حداقل دستمزد باید به میزان نرخ تورم واقعی در سال افزایش یابد. ولی متأسفانه نه تنها تاکنون این چنین نشده بلکه با وجود فاصله زیاد میان نرخ تورم واقعی با نرخ رسمی، نه تنها نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی هرگز در تعیین حداقل دستمزدهای نهایی کارگران لحاظ نشده، بلکه «تأمین معیشت خانوار کارگری به عنوان رکن دوم ماده 41 قانون کار» نیز نادیده گرفته شده و به صورت کلی بین حداقل دستمزد تعیین شده در شورای عالی کار برای سال جاری که به میزان «480 هزار تومان» است و حداقل دستمزد واقعی؛ بیش از صد درصد اختلاف و شکاف وجود دارد. اجرای برنامه موسوم به قانون هدفمندی یارانه ها سیاست های نادرست افزایش نرخ ارز و تغییر روزبه روز قیمت ها در سبد معیشت خانوار به صورت کلی مسائل جدیدی را در حوزه دستمزد کارگران مطرح کرده است و باعث بروز مشکلات فراوانی برای جامعه کارگران و حقوق بگیران شده است. کارگران برای تأمین حداقل معیشت و با توجه به نرخ های رسمی و غیررسمی تورم و گرانی ناچارند چند جا کار کنند، زندگی خرج و مخارج دارد. تأمین مسکن و هزینه های تحصیلی فرزندان، تأمین هزینه خورد و خوراک، پوشاک و هزینه های درمان و... آن هم با خط فقر فعلی که حتی اعلام آن هم شرمندگی به بار می آورد. حال این کارگران هستند و یک قانون کار. قانون کاری که باید در جهت منافع کارگران گام بردارد اما متأسفانه در ایران قانون کار کاملاً نادیده گرفته می شود و در همه موارد به نفع کارفرمایان تفسیر می شود. برخی از اقتصاددانان حکومتی چنین توجیه می کنند که افزایش دو برابری حقوق کارگران باعث می شود تا همین کارگاه هایی که به صورت نیم بند با گرانی مواد اولیه تاب آورده اند به یکباره تعطیل شوند و اقتصاد کشور از حرکت باز ایستد اما انگار وضعیت معیشتی کارگران و خانواده هایشان چندان مهم نیست. آنها بیشتر به فکر سود سرمایه داران هستند و حتی بیشتر به آن فکر می کنند که سود سرمایه داران افزایش یابد.

زیرا:

اولاً افزایش حقوق به میزان تورم، ذره ای از سود کارفرمایان نمی کاهد زیرا که با گران شدن کالاها، سرمایه داران آن را جبران می کنند.

دوم آنکه، حقوق کارگر و مزد بگیر يك بار در اول سال تعیین می شود و تا آخر سال ثابت می ماند در حالی که کالاها روزبه روز گران می شود و سرمایه داران روزبه روز استفاده بیشتر می برند اما دیگر تا آخر سال دستمزد کارگران را افزایش نمی دهند. سرمایه داران از گرانی کالاها در طول سال از فروردین تا اسفند سود می برند، اما کارگران از این سود بهره ای ندارند، بلکه تنها مطابق تورم «سال قبل»، حقوق شان افزایش یافته است. و سوم آنکه حقوق کارگر تنها بخش کوچکی از هزینه های تولید را شامل می شود که تأثیر آن بر سود و زیان کارفرمایان بسیار ناچیز است و به این اقتصاددانان باید گفت: این مقدار حرص سود سرمایه داران را نخورید زیرا

سرمایه‌داران در همین سال‌های گذشته آن چنان سودهای کلانی برده‌اند که با افزایش اندک حقوق کارگران، کارگاه‌ها را نه تنها تعطیل نمی‌کنند، بلکه با ترفندهای جدید سودهای خود را افزایش هم خواهند داد.

دبیر سندیکای کاغذ و مقوای کشور: صنعتگران در گرداب تحریم‌های داخلی گرفتار شده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر سندیکای کاغذ و مقوای کشور با اشاره به قرارداد 50 میلیون دلاری وزارت آموزش و پرورش برای واردات کاغذ کتب درسی، گفت: این قرار داد به معنای فلج کردن صنایع تولیدی کاغذ در ایران است.

به گزارش ایلنا از ساری، «سید طاهر شبیری» در این باره افزود: صنعتگران داخلی توانسته‌اند تحریم‌های خارجی را دور بزنند اما متاسفانه در گرداب تحریم‌های داخلی افتاده شده‌اند.

دبیر سندیکای کاغذ و مقوای کشور با اشاره به توقف گشایش LC ریالی توسط بانک‌ها، اظهار کرد: کمبود مواد اولیه واقعی است که توسعه صنایع چوب و کاغذ کشور را با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو کرده است و رفع آن نیازمند شناخت پتانسیل‌ها، بررسی موانع فراروی این صنایع و تدوین برنامه‌های جامع و اصولی است.

شبیری با اشاره به واردات 70 درصد کاغذ روزنامه مورد نیاز کشور و رشد قیمت کاغذهای وارداتی، اظهار داشت: با وجود افزایش قیمت مواد اولیه، محصولات داخلی منطبق با مصوبه سازمان حمایت و قیمت‌های مصوب عرضه می‌شود.

پایان پیام

غالب حسینی آزاد شد!

بر پایه گزارش رسیده عصر دوشنبه ۲۲/۲/۹۲ «غالب حسینی» فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی، پس از ۵۴ روز بازداشت در اداره ی اطلاعات، با قید وثیقه ی ۱۵۰ میلیون تومانی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد. وی در میان استقبال پر شور جمع کثیری از مردم و فعالین کارگری و خانواده اش، تا منزل همراهی شد. خبر دیگری حاکی از آن است که «جلیل محمدی» دیگر عضو بازداشتی کمیته ی هماهنگی، طی تماس کوتاه تلفنی با خانواده اش از سلامت خود خبر داده است؛ اما همچنان از «حامد محمودی نژاد» عضو دیگر کمیته ی هماهنگی خبری در دسترس نیست.

کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی غالب حسینی به تمام مردم آزادی خواه و برابری طلب و خانواده ی او، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران و فعالین کارگری زندانی و زندانیان سیاسی می باشد.

زندگی میلیونها خانواده کارگری چگونه میگذرد

حمیل محمدی

به نوشته سایت اتحادیه ازاد کارگران ایران در تاریخ 23 اردیبهشت 92 آمده است: از اوایل سال گذشته به این سو و با گرانی های سرسام آوری که طی دو سال گذشته بوجود آمده است مسئله معیشت میلیونها خانواده کارگری و دیگر اقشار زحمتکش جامعه بیش از هر زمان دیگری در مرکز توجه همگان قرار گرفته است و بیش از همیشه این سوال مطرح است که کارگران با این دستمزدها چگونه زندگی میکنند. برای پاسخ به این سوال آنرا بی هیچ مقدمه ای با یک مربی آموزش رانندگی، یک راننده تاکسی، یک کارگر جوان و یک کارگر میانسال در میان گذاشتم.

حسن محمدی مربی آموزش رانندگی در این باره می گوید : من ماهیانه تقریبا 650 هزارتومان می گیرم، ماشین هم مال خودم نیست ماهی 400 هزارتومان کرایه خانه می دهم با 4 میلیون پول پیش، خوب با این حقوق، سهم من از زندگی فقط غصه و حسرت است من باید جوابگوی همه کم و کاستیهای خانواده ام باشم، اما هیچکس جوابگوی من نیست من از 7 صبح تا 7 شب هرچه گاز می دهم به گرد پای گرانی و تورم نمی رسم. حقوق من ثابت، اجناس هی بالا میرن، بچه ها بزرگتر میشن و خرجشون هم بیشتر، من مانده ام با این حقوق چکار کنم فقط امید من اینه که هرچه زودتر این وضعیت تغییرکند.

جمال 15 سال راننده تاکسی است او می گوید: در جا که هیچ، حس می کنم عقب عقب می روم با اینکه از 7 صبح تا 11 شب کار میکنم، سهم من از زندگی کلاچ، ترمز، دنده و مسافره و 15 ساعت کار، این هم شد زندگی؟ می گوید 42 سال دارد، موهایش ریخته، ته ریشش بیشتر به سفیدی می زند و سنش را بالاتر نشان می دهد. ادامه می دهد تا حالا با هزار و یک بدبختی و قرض و بدهی 20 میلیون تومان خرج بچه ام کرده ام، متولد شد قلبش مشکل داشت هفت سال است، هنوز مراقبت لازم دارد دیگر چیزی در زندگی ندارم، من مانده ام و یک ماشین فکسنی، حالا ساعت 4 است و من فقط 20 هزارتومان کارکردم اول صبح لاستیک ترکاندم، 40 هزارتومان هم جریمه شدم، دیگه نمی دونم چکارکنم. مسافری را سواری می کند به او می گویم جواب سئوالم را ندادی چپ چپ نگاهم می کند و می گوید پس اینها قصه کرد شبستری بود برات خواندم، در خودم فرو می روم و او زیر لب غرولند می زند، سوسک هم این طور زندگی نمی کند!

یاور کارگر لوله سازی صفا 45 سالش است، تاکنون درچند جا کارکرده 20 سال سابقه کاردارد. سئوال را اینطور پاسخ می دهد دستمزد نقش اصلی را در زندگی اکثر کارگران دارد چون درآمد دیگری ندارند من چند سالی است از کرایه خانه راحت شدم گفتم نفسی می کشم ولی اقساط وامها و هزینه اب، برق، گاز، تلفن و این گرانی ها نفسم را بریدن، ده روزه حقوق ماهیانه ام ته می کشد آن هم بشرطی که سر ماه حقوق را بدهند، سه ماهه که حقوق نگرفتیم. همسرم خیاطی میکند ولی باز هم نمیرسیم، امسال 25 درصد مزد را بالا بردند ولی اجناس هم چند برابر شدند گوجه 2000 بادمجان 2500 قارچ 6000 سیب زمینی 1800، دیگه نمی دونیم چی بخوریم، گوشت و میوه که به دهان ما حرام شده، دخترم سال دوم دبیرستانه، استعداد خوبی داره، دوست داره دانشگاه بره، همین حالا هم شرمند شدم، آینده اش چه خواهد شد؟ خیلی نگرانم.

احسان 23 ساله ، کارگر یک تعمیرگاه فنی است، اهمیت و نقش مزد در زندگی اش را این طور بیان می کند: دوسال پیش سربازی را تمام کردم یک سال دنبال کار گشتم و آخر سر مجبور شدم اینجا کار کنم، سال پیش 250 هزارتومان می گرفتم و امسال که تجربه ام زیاد شده 100 هزارتومان به حقوقم اضافه شده و بیمه شدم. از 8 صبح تا 9 شب، جوشکاری، سنگ زنی، برشکاری، با اسید، اب باطری و تعمیرات هم سر و کار دارم. خوب 13 ساعت کار به این سختی، فقط 350 هزارتومان؟ حتی از مزد قانون کارهم کمتره، کرایه رفت وامدم فقط ماهی 60 هزارتومان می شود، خوب با این حقوق که حالا حتی خرج خوراکم هم نمی شود من می توانم آینده ای داشته باشم؟ این هم از روزگار جوانی ما، دریغ از دلخوشی و تفریح، آرزوهای همه بر باد رفت، فقط دلم خوشه بیکار نیستم ! پایان

دبیر شوراهای اسلامی کار تهران: کارفرمایان برای جلوگیری از افزایش مزد تهدید به اعتصاب کرده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 23 اردیبهشت 92 آمده است : دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران در پاسخ به اظهارات برخی کارفرمایان که مدعی شده بودند در صورت ابطال مصوبه کنونی و افزایش مزد سال 92 تمام یا بخشی از کارگران خود را تعدیل و اخراج خواهند کرد، گفت: تعدیل و اخراج کارگران پدیده جدیدی نیست. سالهاست که کارفرمایان به بهانه‌های مختلف کارگران خود را تعدیل و کارخانه ها را تعطیل می‌کنند.

«حسن حبیبی» که تشکل صنفی متبوعش یکی از اولین شاکیان مزد 92 در دیوان عدالت اداری است، در این باره به ایلنا گفت: صرف نظر از تاثیر مشکلات اقتصادی بر محدود شدن فعالیت بنگاه‌های تولیدی و تعدیل نیروی کار، این اقدام کارفرمایان به نوعی اعتراض به وضع موجود از طریق توقف تولید (اعتصاب) محسوب می‌شود.

دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران افزود: کارفرمایان در حالی به راحتی به ابزارهای صنفی برای توقف تولید دسترسی دارند و از آنها استفاده می‌کنند که چنین اختیاری از کارگران سلب شده است.

وی یادآور شد: چنانچه کارگران يك واحد تولیدی بخواهند در اعتراض به وضع ناعادلانه اقتصادی حرکتی اعتراضی انجام دهند، مجریان قانون با آنها به عناوین مجرمانه برخورد می‌کند. به گفته حبیبی، این محدودیت در حالی است که هم به موجب اصول 27 قانون اساسی، ماده 142 قانون کار و هم براساس ماده 73 قانون برنامه پنجم توسعه کارگران می‌توانند از حق قانونی اعتراض و اعتصاب صنفی بهرمنند شوند.

حبیبی در پایان گفت: در شرایطی که به دلیل خصوصی سازی روز به روز بر تعدا مشمولان قانون کار اضافه می‌شود به نفع حاکمیت است که حق اعتراض برای کارگران را به رسمیت بشناسد تا توانایی کارگران در مذاکره و چانه زنی با توانایی کارفرمایان برابر شود.

پایان پیام

کارگران شهرداری بندر عباس تا 9 ماه حقوق معوقه دارند

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: کارگران شهرداری بندر عباس که توسط شرکت های پیمانکاری بکار گرفته شده و کارهای خدماتی این شهر را انجام میدهند اکنون بعضا تا 9 ماه حقوق معوقه طلب دارند و تا کنون مراجعات و اعتراضات کارگران بی پاسخ مانده است.

گزارشی از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در بند ۳۵۰ اوین

برپایه مطلب منتشر شده توسط مجله هفته در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۲ آمده است که: چهارشنبه هفته گذشته، مصادف با روز جهانی کارگر، با برگزاری مراسمی به همین مناسبت در داخل بند ۳۵۰ توسط زندانیان سیاسی همراه شد تا به این وسیله اعلام همبستگی ای با جنبش های طبقه کارگر در سراسر جهان و به ویژه ایران گردد.

مراسم با همخوانی سرود «خون ارغوان ها» توسط زندانیان در حیاط بند آغاز شد و در ادامه با دکلمه ی شعر از سعید سلطانپور (شانه به شانه با فلز تاوان، زمین کوان) ادامه یافت.

سپس آقای رضا شهبابی، کارگر عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به ایراد سخنانی در رابطه با وضعیت کارگران در ایران پرداخت. شهبابی با بیان اینکه «امروز برای آگاهی از وضعیت کارگران ایران، دیگر چندان نیازی به اپوزیسیون نیست و نگاهی به روزنامه های وطنی خود گویای عمق فاجعه است» صحبت خود را در سه بخش ادامه داد:

در بخش اول شهبابی با مروری بر وضعیت کارگران از ابتدای انقلاب تا به امروز گفت مدیریت های انقلابی و جنگی و سازندگی و اصلاح طلب و اصولگرا، فصل مشترک عملکرد تمامی دولت های پس از انقلاب را در برخورد با طبقه کارگر، در سه مقوله دانست:

۱- موقتی سازی

۲- بیکار سازی

۳- بی نوا سازی

در بخش دوم، ایشان ضمن اشاره به مقاومت های طبقه کارگر ایران علیه حمله ی ضد کارگری تمام این سالها، از تجربه بازگشایی سندیکاها به عنوان مقاومت سازمان یافته ی طبقه کارگر ایران پس از جنگ علیه جریان تعدیل ساختاری یاد کرد و به عنوان مثال به ذکر گوشه ای از تلاش های موفق سندیکای شرکت واحد برای بازپس گیری حقوق معوقه کارگران اشاره کرد و دستاوردهای سندیکای اتوبوس رانی را برای جامعه کارگران ایران عبارت از سه مورد زیر دانست:

۱- الهام بخشیدن به دیگر بخش های طبقه کارگر و مردم در به نتیجه رسانیدن مطالبات شان در صورت متشکل و پایدار بودن در پیگیری مطالبات

۲- ارتقای سطح فرهنگی کارگران به ویژه در نحوه برخورد با خانواده های شان

۳- افزایش ۵۰ درصد دستمزد

شهابی در پایان با ذکر اینکه "تجربه به ما ثابت کرده که هیچکس به داد کارگران نمی رسد مگر خود کارگران" و اینکه "اگر در این سالها وضع طبقه کارگر بدتر شده، به این دلیل نیست که فقط خواسته به نیروی خودش متکی باشد، بلکه برعکس، آنجایی ضرر کرده است که به نیرو و توان خودش شک کرده و افسارش را به دست این کاندیدا و آن کاندیدا داده است" اعلام مطالبات ۱۴ گانه ی خود، از جمله لغو قرارداد موقت، حق بهره مندی از تشکل مستقل و لغو تحریم ها ضمن درود به همه کارگران و آرزوی اتحاد هرچه بیشتر یاد و خاطره شهید کارگر ستار بهشتی را گرامی داشت.

در ادامه، مراسم با اجرای قطعات موسیقی و تئاتر و سرود "رود" ادامه یافت و دست آخر با شیرینی و شربتیی که خود زندانیان درست کرده بودند از دیگر همبندیان پذیرایی شد.

نرخ بلیت اتوبوس، مینی بوس و سواری برون شهری 20 درصد افزایش یافت

احمدرضا عامری در گفتگو با خبرگزاری دولتی مهر در سه شنبه 24 اردیبهشت 92 با اشاره به افزایش تعرفه حمل و نقل برون شهری، اظهار داشت: براساس تصمیم دولت، نرخ بلیت اتوبوس، مینی بوس و سواری برون شهری 20 درصد و کرایه حمل بار کامیون 25 درصد افزایش پیدا کرده است.

رئیس اتحادیه تعاونی های مسافربری با بیان اینکه افزایش هزینه شرکتهای حمل و نقل بیش از این رقم بوده است، گفت: ما انتظار افزایش رقم بیش از این را داشتیم اما باید مصرف کننده را هم در نظر گرفت، زیرا مسافران توان پرداخت بیش از این رقم را ندارند.

وی در خصوص پیشنهاد این اتحادیه به دولت در خصوص افزایش نرخها، افزود: ما پیشنهاد خاصی را به دولت نداده بودیم و دولت با در نظرگرفتن هزینه های شرکتهای و حقوق مصرف کننده این رقم را تعیین کرده است.

عامری با بیان اینکه حمل و نقل جاده ای مظلوم ترین بخش حمل و نقل است، تصریح کرد: حمل و نقل در شرایط کنونی وضعیت مناسبی ندارد و افزایش هزینه ها در این مدت خیلی بالا بوده است اما امکان افزایش بیش از ای ارقام هم نیست.

رئیس اتحادیه تعاونی های مسافربری افزود: قیمتها در سایر بخشها هر روز تغییر می کند و نوسان قیمت بالایی دارد اما حمل و نقل جاده ای باید نرخ ثابتی داشته باشد.

تجمع کارگران شهرداری جلوی شهرداری شهر کرد

به نوشته سایت ایران کارگر صبح روز سه شنبه 24 اردیبهشت بیش از 100 کارگر شهرداری های استان چهار محال که به صورت قرار دادی و زیر نظر پیمانکار در شهرداری ها کار میکنند بعلت عدم دریافت 4 ماه حقوق مقابل استانداری تجمع کردند. این کارگران با در دست داشتن پلاکاردهای ما گرسنه ایم در مقابل استانداری 4 ساعت تجمع کردند. یکی از نمایندگان کارگران متنی را توسط یک بلند گوئی دستی خواند که در آن به وضعیت نابسامان معیشتی کارگران اشاره شده بود.

تجمع کارگران فولاد زاگرس / وعده پرداخت بخشی از حقوق معوقه

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اردیبهشت ماه 92 آمده است: بیش از یکصد و پنجاه کارگر شرکت پیمانکاری «خوان گل» وابسته به کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به نمایندگی از 273 کارگر این کارخانه دیروز (21 اردیبهشت ماه) در اعتراض به عدم دریافت حقوق سه ماهه گذشته خود در مقابل فرمانداری قروه تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران که دارای سوابق کاری بین 10 تا 20 سال هستند نسبت به تهدید امنیت شغلی شان معترض بوده و مدعی هستند پیمانکار علاوه بر پرداخت نکردن سه ماه حقوق (از بهمن ماه سال 91) هیچ گونه قراردادی با آنان امضاء نمی کند. یکی از کارگران این واحد تولیدی که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می گفت اظهار کرد: بیش از 273 کارگر شاغل در این مجموعه تولیدی علاوه بر اینکه از بهمن ماه سال گذشته حقوقی دریافت نکرده اند، هیچ گونه قرار دادی نیز با کارفرمای خود ندارد.

نماینده کارگران فولاد زاگرس در تشریح جزئیات مشکلات این کارگران افزود: از سال 86 با واگذاری بخشی از فعالیت کارخانه ذوب آهن فولاد زاگرس به شرکت پیمانکاری خوان گل مشکلات کارگران افزون تر شد. او با بیان اینکه نداشتن قرار داد کاری نگرانی این کارگران را به سبب افزایش مشکلات شغلی شان افزایش داده است، افزود: این کارخانه از مرداد ماه سال گذشته فعالیت تولیدی ندارد و کارگران آن فقط برای حضور و غیاب در کارخانه حضور پیدا می کنند.

این کارگر درباره سایر مشکلات کارگران افزود: بخش دیگری از مشکلات کارگران شرکت پیمانکاری خوان گل مربوط به سوابق کاری و بیمه ای کارگران است. با آنکه از سوی کارفرما به کارگران گفته می شود که سوابق بیمه ای سخت و زیان آور آنان مرتباً واریز می شود ولی زمانی که کارگران پی گیر سوابق خود در تامین اجتماعی می شوند هیچ سابقه ای مبنی بر سخت و زیان آور بودن شغل ثبت نشده است. او با اشاره به تجمعات مکرر کارگران در مقابل فرمانداری قروه اظهار داشت: کارگران در اعتراض به دریافت مطالبات صنفی خود بارها در اعتراض به کارفرما در مقابل نهاد های دولتی تجمع کرده اند و مسئولان این نهادها بارها قول داده اند امنیت شغلی کارگران را حفظ کنند اما تاکنون در این زمینه هیچ اقدام مثبتی مشاهده نشده است.

نماینده کارگران در پایان گفت: از مسئولان می خواهیم پیش از اینکه این واحد نیز بطور جدی تری دچار مشکل شود بداد کارخانه و کارگران برسند.

برشمار کودکان کاراضافه شده است

به نوشته سایتسحام نیوز به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 اردیبهشت 92 آمده است: سحام نیوز: یک فعال اجتماعی کودکان کار و خیابان می گوید: در نتیجه وخامت اوضاع اقتصادی تعداد بیشتری از کودکان روانه بازارهای غیر رسمی کار شده اند.

حسین میربهراری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به دلیل افزایش غیر متعارف هزینه های زندگی و نا کافی بودن دستمزدهای تعیین شده، از ابتدای سال جاری عرضه و تقاضا برای اشتغال کودکان افزایش یافته است.

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افزود: برهمن اساس ابتدای امسال شمار بیشتری از کودکان خانواده‌های مستمند و نیازمند برای تامین معاش خانواده از مدارس راهی محیط‌های کاری شده‌اند بطوری که در برخی موارد شمار کودکان کار در خانواده‌های کم درآمد افزایش یافته است.

این فعال اجتماعی بابیان اینکه این کودکان به دلیل کم توانی یا ناتوانی سرپرست خانواده به عنوان کمک خرج وارد مناسبات اقتصادی می‌شوند، گفت: بصورت عرفی درآمد کودکان کار از یک سوم تا یک دوم درآمد یک کارگر بالغ و معمولی متغیر است.

وی گفت: براین اساس و با توجه به حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی مصوب شورایی عالی کار، درآمد هر کودک کار بسته به نوع کار بطور متوسط از ۱۶۰ تا ۲۵۰ هزار تومان متغیر است که این پول در بیشتر مواقع به سرپرست کودک پرداخت می‌شود.

به گفته این عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان هرچه کار کودکان سخت‌تر باشد درآمد آنها نیز بیشتر خواهد بود اما هیچگاه درآمد آنها با کارگران بالغ برابری نمی‌کند و این درحالی است که این کودکان در محیط‌های کار پا به پای کارگران بالغ فعالیت می‌کنند.

وی افزود: برخلاف تصور عامه مردم حرفه بیشتر کودکان کار نه دست فروشی در کنار خیابان که انجام کارهای طاقت فرسا و سخت در کارگاه‌های غیر رسمی و دورافتاده است.

این فعال اجتماعی با بیان اینکه چون طبق قوانین جاری اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال عملی مجرمانه تلقی می‌شود گفت: به همین دلیل کودکان کار در زمان کار از هیچ حق بیمه‌ای و حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.

وی یادآور شد: از آنجا که کودکان کار در حکم نیروهای ارزان قیمت تلقی می‌شوند، در بیشتر مواقع کارفرمایان به تخصص و مهارت تجربی آنها توجهی ندارند و پس از رسیدن به سن قانونی آنها را از محیط کار طرد می‌کنند.

به گفته میربهراری تنها در مواقعی که سودجویان قصد دارند از کودکان کار به عنوان سرپوشی برای پنهان کردن اعمال مجرمانه خود استفاده کنند درآمد این کارگران کوچک بصورت غیرعادی افزایش چشمگیری پیدا می‌کند.

وعده پرداخت بخشی از حقوق معوقه

در این زمینه «محمدرضا امامی» مدیر عامل شرکت پیمانکاری خوان گل معوقات حقوقی ۲۷۳ کارگر این شرکت را یک ماه و نیم ذکر کرد و گفت: بخش زیادی از معوقات حقوقی کارگران امروز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه به حسابشان واریز می‌شود.

او افزود: از شهریور ماه سال گذشته (۹۱) تولید کارخانه به سبب تعمیرات اساسی کوره بلند متوقف شده است و ادامه این تعمیرات به سبب فراهم کردن بخشی از مصالح همانند آجرهای نسوزی که باید از خارج از کشور وارد شود زمان بر شده است و امکان دارد تا سه ماه آینده هم تولید از سر گرفته نشود. او با اشاره به اینکه سهام این کارخانه (فولاد زاگرس) به صندوق بازنشستگی کشور واگذار شده است، تصریح کرد: با واگذاری سهام این واحد تولیدی به صندوق بازنشستگی اعضای هیئت مدیره تغییر کرده‌اند. او در مورد قرار داد کارگران اضافه کرد: با مشخص شدن اعضای هیئت مدیره، هفته آینده با کارگران قرار داد کاری منعقد می‌شود و سایر مشکلات هم به مرور رفع خواهد شد. مدیر عامل شرکت پیمانکاری خوان گل در پایان سخنان خود درباره بلاتکلیفی کارگران گفت: این شرکت با وجود اینکه تولید ندارد مرتباً حقوق و سایر مزایای کارگران خود را پرداخت کرده است و در این مورد نمی‌توان گفت کارگران بلا تکلیف هستند چرا که مرتباً بر سر کار خود حاضر هستند.

افزایش بیش از ۹۰ درصدی کشته شدگان حوادث کار در کرمانشاه

خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 اردیبهشت 92 آمده است پزشکی قانونی استان کرمانشاه اعلام کرد: در سال گذشته مرگ ناشی از حوادث کار در استان 6, ۹۰ درصد افزایش یافته است . به گزارش ایلنا، پزشکی قانونی کرمانشاه روز یکشنبه گزارش داد: ۶۱ نفر سال گذشته در استان بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند که این رقم در سال قبل از آن (سال ۱۳۹۱) ۳۲ نفر بوده است . براساس این گزارش، در سال ۱۳۹۰ در استان کرمانشاه ۳۱ مرد و یک زن و در سال ۱۳۹۱، ۵۷ مرد و سه زن در حوادث کار جان باختند.

کارگران کارخانه سیمان درود نسبت به عدم دریافت یکسال سنوات خود معترضند

به نوشته سایت ایران کارگر-25 اردیبهشت 92 آمده است : کارگران کارخانه سیمان درود که هفته گذشته در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود در مقابل فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی داشتند خواهان یکسال سنوات پرداخت نشده خود هستند. این کارگران اعلام کرده اند که در صورت بی توجهی به خواسته هایشان دست به تجمع اعتراضی دیگر خواهند زد.

مرگ ۹۵ کارگر بر اثر حوادث کار در فارس

روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی استان فارس اعلام کرد: مرگ و میر حوادث ناشی از کار در این استان سال گذشته ۱۳/۶ درصد کاهش یافت . بر اساس گزارش دریافتی ایلنا به نقل از این روابط عمومی پزشکی قانونی استان فارس، در سال گذشته ۹۵ نفر در استان فارس بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست دادند در حالی که این رقم در سال قبل از آن ۱۱۰ نفر بود . از کل فوتی های ناشی از حوادث کار سال گذشته استان فارس ۹۰ نفر مرد و پنج نفر زن بودند این در حالی است که در سال ۱۳۹۰ تمامی ۱۱۰ نفری که بر اثر حوادث ناشی از کار در این استان فوت کردند، مرد بودند.

شهروندان اصفهان متقاضی مسکن در مقابل دفتر شرکت اجتماع اعتراضی داشتند.

به نوشته سایت ایران کارگر-25 اردیبهشت 92 آمده است : شهروندان متقاضی مسکن مهر اصفهان که در مسکن مهر شهر اصفهان ثبت نام کرده و مبلغ 20 میلیون تومان واریز کرده اند، روز شنبه 21 اردیبهشت بعد از درخواست 10 میلیون دیگر از آنها در مقابل دفتر این شهر تجمع کردند؛ بابت مسکن مهر اصفهان تاکنون 20 میلیون تومان از متقاضیان پول دریافت کرده اند که بعد از 2 سال به علل مختلف از این واحدها خبری نیست. حالا از آنها خواسته اند مبلغ 10 میلیون تومان اضافه بخاطر افزایش قیمتها پرداخت کنند..

تجمع ۴۰۰ کارگر ساختمانی در اعتراض به نظام مند نبودن پرداخت مزد

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اردیبهشت ماه 92 آمده است : عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادیاران ساختمانی استان تهران از تجمع روز گذشته ی ۴۰۰ کارگر ساختمانی در مسجد سیدالشهدا واقع در خیابان شریعتی محله ی تهرانپارس خبر داد . «محمد باقری» در این باره به ایلنا گفت: ۴۰۰ کارگر ساختمانی، عصر جمعه مورخ ۲۰ اردیبهشت ماه سال جاری در اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات بیمه ای و نبود یک چارچوب مشخص برای پرداخت مزدشان، در مسجد سیدالشهدا واقع در محله ی تهرانپارس تجمع کردند .

به گفته ی این فعال کارگری، این کارگران نسبت به عدم رسیدگی نهادهای دولتی به خواسته هایشان معترض‌اند.

رئیس شورای عالی کار: ناعادلانه بودن مزد فقط نظر کارگران است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اردیبهشت ماه 92 آمده است: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: شرط افزایش حق مسکن و بن نقدی کارگران، توافق در نشست شورای عالی کار است.

اسدالله عباسی عصر روز گذشته در حاشیه مراسم معرفی کارآفرینان برتر جوان درباره موضوع شکایت از دستمزد امسال کارگران به خبرنگاران گفت: موضوع دستمزد سال 92 که در شورای عالی کار مصوب شد با اجماع دیدگاههای شرکای اجتماعی کار بوده است و اگر اظهار نظری از سوی کارگران در این خصوص انجام می شود دیدگاه خودشان است. وی در عین حال از برگزاری نشست شورای عالی کار در روزهای پایانی اردیبهشت ماه خبر داد و گفت: در صورت توافق میزان حق مسکن و خواربار کارگران افزایش خواهد یافت.

عباسی همچنین درباره بازگشت لایحه اصلاح قانون کار به دولت گفت: با توجه به اینکه لایحه تنظیم شده در خصوص قانون کار با اجماع دیدگاه کارگران و کارفرمایان بوده بنابراین بعید می دانم لایحه اصلاح قانون کار به دولت بر گردد و لایحه در مجلس مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پایان پیام

چشم روشنی دولت جمهوری اسلامی، صف کره هم تشکیل شده است

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: به دنبال کمبود کره در فروشگاهها، علاوه بر صفهای برنج و روغن و گوشت و نان، صف کره هم تشکیل شد. علت این امر را رئیس انجمن صنایع لبنی بیش از پنجماه انبار کردن 18 هزار تن کره در گمرکات کشور عنوان کرد. بانک مرکزی میخواهد با يك اقدام چپاولگرانه به جاي اختصاص ارز مرجع 1226 تومانی برای آزادسازی این کرهها ارز مبادلهای 2450 تومانی بگیرد و تاوان سیاستهای ضد مردمی دولت را در این مورد هم از جیب مردم بپردازد.

يك كارگر ساختمانی در كرج جان خود را از دست داد

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اردیبهشت ماه 92 آمده است: روز گذشته یک کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار در كرج جان خود را از دست داد . بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، این حادثه صبح روز جمعه در حسین آباد مهرشهر كرج در حالی رخ داد که کارگران مشغول کار در يك ساختمان نیمه کاره بودند . این گزارش می‌افزاید: مصدومان این حادثه دو نفر بودند که با ورود نیروهای امدادی به بیمارستان شریعتی منتقل شدند اما یکی از مصدومان حادثه بر اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد . گفتنی است معاون مرکز فوریت‌های پزشکی استان البرز دلیل وقوع این حادثه را «رعایت نکردن اصول ایمنی ساخت و ساز» ذکر کرده است.

مزایای کارگران تبدیل قرارداد شده پرداخت نمی‌شود

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در اردیبهشت ماه 92 آمده است: بازرس اصلی اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام نسبت به عدم پرداخت مزایای کارگران تبدیل قرارداد شده انتقاد کرد . «ناصر احمدی» در این باره به ایلنا گفت: به کارگران قرارداد موقتی که از زیر نظر پیمانکاری خارج شده و به

صورت مستقیم با کارفرمایان قرارداد بسته‌اند هیچ گونه مزایایی تعلق نگرفته و حقوقشان افزایش نیافته است .
وی در ادامه به عدم پرداخت مزایایی همچون نفت کار، حق پرواز و حق جذب اشاره کرد .
این فعال کارگری در پایان از نصف شدن عیدی کارگران تبدیل قرارداد شده انتقاد کرد و افزود: عیدی کارگران
قرارداد موقت دو برابر پایه حقوق بود اما به کارگرانی که مشمول تبدیل قرارداد شده اند عیدی کارمندی معادل
۴۰۰ هزار تومان پرداخت شده است.

تجمع اعتراضی کارگران پیمانی شرکت گاز شهر شوش

برپایه خبر دریافتی آمده است : کارگران پیمانی شرکت گاز شهر شوش که بیش از ده سال است بصورت
شرکتی با شرکت گاز کار میکنند، در اعتراض به عدم استخدام رسمی در مقابل ساختمان شرکت گاز این شهر
تجمع کردند.

رئیس کانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران: نظر کارگران معیار نا عادلانه بودن «مزد» است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 اردیبهشت ماه 92 آمده است : رئیس هیئت مدیره کانون
عالی انجمن های صنفی کارگران ایران بر اهمیت قضاوت کارگران در مورد عادلانه یا نا عادلانه بودن مزد 92 تاکید
کرد.

غلامرضا خادمی زاده در این باره به ایلنا گفت: اگر گفته می شود مزد 92 نا عادلانه است نظر کارگران و تشکل
های مستقل و رسمی کارگری است و قرار نیست که معیار نا عادلانه بودن نظر مسئولان دولتی باشد.

روز گذشته « اسدالله عباسی »، بر اجماع دیدگاه های شرکای اجتماعی در تصویب مزد 92 از سوی شورای
عالی کار تاکید کرد و گفت « اگر اظهار نظری از سوی کارگران در این خصوص انجام می شود دیدگاه خودشان
است».

به گفته ی آقای خادمی، این کارگران هستند که باید نسبت به عادلانه یا نا عادلانه بودن مزد قضاوت کنند.

این فعال کارگری در پایان با اشاره به تورم بی سابقه ای که دامنگیر کشور شده است، اظهار داشت: تعیین مزد
92 بر خلاف ماده 41 قانون کار صورت گرفته و با واقعیت های اقتصادی کشور همخوانی ندارد.

پایان پیام

اخراج کارگران تعاونی 163 کارخانه آسفالت در سندج

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 24 اردیبهشت آمده است : بر اساس گزارش دریافتی، کارفرمای
کارخانه آسفالت سندج پنج نفر از کارگران خود به اسامی فرامرز احمدی، فرشاد رسولی، محمدکریم زمانی،
برهان ریاضی و شخصی به نام چنگیز را که همگی راننده این شرکت بودند و هر کدام دارای یک تا هفت سال
سابقه کار بودند، از کار خود اخراج کرد.

اخراج این کارگران در شرایطی صورت می گیرد که کارفرمای این شرکت آقای بهاء الدین ملایی در تاریخ
92/2/22 از امضای بیمه بیکاری این کارگران در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی سندج خودداری کرده و عملاً
این کارگران تاکنون موفق به دریافت حقوق و مزایای قانونی خود نشده اند.

لازم به ذکر است که در تعاونی 163 کارخانه آسفالت هم اکنون 50 نفر در شرایط سختی مشغول به کار
هستند که بنا به آخرین خبرها حدود 5 ماه است که کارفرما از دادن نهار به کارگران خودداری می کند. از سوی

دیگر کارگران این کارگاه در فصل کاری که از اوایل هر سال شروع می شود روزانه به طور میانگین 15 ساعت کار می کنند، و همچنین کارفرما از دادن حقوق 17 روز اول هر سال به کارگران امتناع می ورزد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

وضعیت اقتصادی نظام را ببینید و صف 300 تا 400 نفری برای برنج هندی

بر پایه گزارش رسیده آمده است : روز چهارشنبه 25 اردیبهشت در مقابل فروشگاه اتکا تعداد 300 تا 400 نفر در صف بودند. علت تشکیل این صف خریدن برنج هندی بوده است. لازم به توضیح است که پیش از این مردم از این نوع برنج که کیفیت بسیار پایینی دارد مصرف نمی کردند. حال ببینید وضعیت اقتصادی این نظام به کجا رسیده است که مردم مجبور هستند به این شکل برای نامرغوب ترین چیز مدت طولانی در صف بایستند آنوقت خامنه ای و دولت و ... برای کسب کرسی چگونه پول مردم را خرج میکنند.

رئیس انجمن صنفی بناهای سفت کار استان تهران: «کسبه» هم خود را «کارگر ساختمانی» جامی زنند

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 24 اردیبهشت ماه 92 آمده است : رئیس انجمن صنفی بناهای سفت کار استان تهران از نحوه ی گزینش کارگران ساختمانی برای ثبت نام سهام عدالت از سازمان خصوصی سازی انتقاد کرد.

حسین ناطق در این باره به ایلنا گفت: در حالی که تا کنون حدود 2 میلیون کارت مهارت از سوی سازمان فنی و حرفه ای کشور برای کارگران ساختمانی صادر شده است بیش از 3 میلیون نفر برای دریافت سهام عدالت از سازمان خصوصی سازی ثبت نام کرده اند. وی تصریح کرد: یکی از معیارهای دریافت سهام عدالت به همراه داشتن کارت مهارت از سوی مراجعہ کنندگان است. به گفته آقای ناطق، بسیاری از ثبت نام کنندگان از کسبه و بازاریان بوده اند که خود را کارگر ساختمانی معرفی می کنند.

این فعال کارگری در پایان با بیان این مطلب که سایت سازمان تامین اجتماعی همه ساله در 15 اردیبهشت ماه به منظور ثبت نام کارگران ساختمانی برای ثبت نام بیمه باز می شد از مدیران این سازمان خواست تا نسبت به تاخیر به وجود آمده در سال جاری پاسخگو باشند.

گفتنی است با اینکه بیش از يك هفته از نیمه ی اردیبهشت ماه می گذرد سازمان تامین اجتماعی برای ثبت نام بیمه ی کارگران ساختمانی اقدامی نکرده است.

پایان پیام

تجمع کارگران کاشی سازی درسمان مقابل کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت 6 ماه حقوق ومطالباتشان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 25 اردیبهشت 92 آمده است : کارگران سمنانی از به تعویق افتادن بیش از شش ماه حقوق و مزایای خود در واحدهای تولیدی گله دارند و امروز نیز شمار زیادی از کارگران یک واحد تولیدی کاشی در سمنان مقابل این واحد تولیدی تجمع کردند و از ادامه کار تا زمان دریافت مطالباتشان دست کشیدند. یکی از کارگران این واحد تولید کاشی که مقابل در ورودی کارخانه ایستاده است و لباس کار بر تن، نمی داند باید به داخل واحد تولید باز گردد یا همچنان به اعتراضش ادامه دهد، می گوید: ما هر روز صبح زود به کارخانه می آیم که کار کنیم و لقمه ای نان حلال برای خانواده مان ببریم؛ قصد ما فرار از کار نیست.

وی می‌افزاید: مسئولان کارخانه از زمانی که حقوق آنان ماه سال 91 را آن هم با هزار التماس و خواهش داده‌اند، دیگر پرداختی نداشته‌اند و با توجه به شرایط اقتصادی جامعه و گرانی‌هایی که هر روز بیشتر از قبل می‌شود، سؤال ما این است که باید چطور بدون حقوق زندگی کنیم.

این کارگر که با زبان مازندرانی با اطرافیانش سخن می‌گفت و مشخص بود اصالتاً بومی سمنان نیست، ادامه می‌دهد: خانواده خرج دارد و برای تامین هزینه‌های منزل و فرزندانم، مجبور هستم پس از ساعت کاری در کارخانه به کارهای دیگری بپردازم تا نان بخورم و نمیری به خانه ببرم؛ شرایطمان خیلی سخت شده و دیگر نمی‌توانیم با این وضع ادامه دهیم.

وی تصریح می‌کند: ما مشکلی با کار نداریم؛ اصلاً آمده‌ایم که کار کنیم؛ حقوقمان را بدهند، دوباره با قوت سر کارمان برمی‌گردیم اما با این شرایط نمی‌دانیم باید چه تصمیمی بگیریم.

یکی دیگر از کارگران که تلفن همراهش را در دست چپش گرفته و دائماً راه می‌رود، وقتی خبرنگار ماهه سراغش می‌رود، با نوعی تعجب نگاهی می‌کند و می‌گوید: شما از کجا آمده‌اید؟ مأمور جایی هستید یا برای درآوردن آمار کارگران اینجا آمده‌اید؟

وی که با همین روحیه نخواست نامش در گزارش ذکر شود، اظهار داشت: کدام نیروی اداری یا کاری در شرایط فعلی حاضر است شش ماه حقوق و مزایا نگیرد؛ عیدی و سنوات سالانه‌اش را ندهند؛ حق مسکن و بن کارگری را دریافت نکند و باز هم به ادامه کارش بپردازد.

او اعتقاد دارد: کارخانه فروش خوبی دارد؛ خط‌های تولید فعال است و ما در حال آماده‌سازی محصولات تولیدی برای فروش هستیم؛ کالاهای موجود در انبارها همه فروخته شده اما باز هم حقوقمان را درست و به‌موقع نمی‌دهند.

این مرد میان‌سال که حالا کمی آرام‌تر از چند دقیقه قبل سخن می‌گوید، می‌افزاید: اگر فروش کارخانه خوب نبود یا خطوط تولید تعطیل می‌شد، ما حرفی نداشتیم و صبر می‌کردیم تا اوضاع درست شود؛ اما وقتی می‌بینیم کارخانه فروش دارد و حق ما نمی‌دهد، نمی‌توانیم اوضاع را تحمل کنیم.

یکی دیگر از کارگران با گرمی خاصی درد و دلش را می‌گوید و می‌افزاید: کارخانه قبلاً بیش از 300 نفر نیروی کار داشت که امروز تنها حدود 140 نفر از آنها مانده‌اند؛ مسئولان کارخانه بقیه را به دلایل مختلف که یکی از مهم‌ترین آنها شرکت در این تجمع‌هاست، بیرون کرده‌اند.

او ادامه می‌دهد: واحد تولیدی ما هم‌اکنون در سه شیفت کاری با این نیروها در حال کار است و تولید خوبی هم داریم؛ گذشته از پرداخت حق و حقوق و مزایای رسمی ما، مدیران کارخانه چند ماه است که حق بیمه کارگران را هم نداده‌اند.

این کارگر می‌افزاید: وقتی برای درمان به یکی از بیمارستان‌ها مراجعه کردم، متوجه شدم که دفترچه بیمه‌ام اعتبار ندارد و باید هزینه‌های درمان را آزاد بپردازیم؛ این در حالی است که حق بیمه هر ماه از فیش حقوق ما کم می‌شود اما آن را به حساب تامین اجتماعی نمی‌ریزند.

وی باز هم تأکید می‌کند: فروش کارخانه خیلی خوب است؛ حتی صادرات هم داریم ولی نمی‌دانیم چرا حقوق ما را نمی‌دهند. تامین اجتماعی به علت پرداخت نشدن حق بیمه، شماری از تولیدات کارخانه را که حدود 10 هزار متر مربع کاشی بود، برچسب مزایده زده بود؛ اما مدیران کارخانه تمام برچسب‌ها کنده و آن کاشی‌ها را هم فروختند؛ پس مشکل، فروش نیست.

آخرین کارگری که خبرنگار ما چند دقیقه قبل از حضور نیروهای اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و کلانتری به سراغش رفت و گفت‌وگویش را از ترس ضبط نوشته‌ها و مستنداتش خیلی سریع تمام کرد، فردی بود که به قول خودش سابقه طولانی کار در این واحد تولیدی داشت.

این کارگر از قطع گاز کارخانه به علت پرداخت نکردن بدهی قبلی خبر داد و گفت: مأموران شرکت گاز هر روز به کارخانه مراجعه کرده و اظهارهای لازم را ارائه می‌کنند؛ دیروز هم که کار را یک‌سره کرده و گاز را قطع کردند.

وی افزود: این کارخانه بزرگ تولید کاشی بدهی‌های قابل توجهی به شرکت‌های آب، برق، گاز و . . . دارد و تلفن‌ها هم به علت بدهی قطع شده است.

گفت‌وگوی نیمه تمام با این کارگر را با این نکته پی می‌گیریم که قطع گاز این واحد تولیدی بزرگ سمنان در حالی صورت گرفته است که استاندار سمنان و مسئولان استانی چندی قبل در قالب بخشنامه‌ای، شرکت گاز استان سمنان را موظف کرده بودند تا از هرگونه قطعی گاز صنایع بدون هماهنگی خودداری کند.

گله‌ها و اعتراض‌های کارگران سمنانی در حالی مطرح شد که خبرنگار ما برای بررسی بیشتر موضوع، به سراغ قائم مقام و معاون اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان رفت. قائم مقام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان گفت: معوقه حقوق در واحدهای تولیدی استان سمنان وجود دارد و همواره از گذشته نیز شاهد آن بوده‌ایم و این امر، چیز جدیدی نیست. غنیان اضافه کرد: اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان در اجرای قانون مشکلی ندارد و در صورتی که کارگران برای دریافت مطالبات خود دادخواست رسمی ارائه دهند، مسئله پیگیری می‌شود. وی تصریح کرد: پس از صدور رأی از سوی اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان، دادگستری مسئله را پیگیری می‌کند و ما در حوزه تنظیم روابط کار مشکلی نداریم. سخنان قائم مقام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان در حالی مطرح می‌شود که بر اساس عرف، در صورتی کارگر دادخواست دریافت حق و حقوقش را ارائه می‌دهد که بخواهد ترک کار کند و در این صورت دست کارفرمایان برای تضييع بخش قابل از مطالبات کارگران باز می‌ماند؛ تامین اجتماعی هزار مانع بر سر دریافت بیمه بیکاری پیش روی کارگر می‌گذارد و سنوات کاری کارگران نیز پس از حضور در واحد تولیدی جدید در حقوقشان محسوب نخواهد شد. قائم مقام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان همچنین می‌گوید: معوقه حقوق در واحدهای تولیدی استان سمنان از 10 سال پیش هم وجود داشته است و این امر چیز جدیدی نیست. نکته خوبی که قائم مقام اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان سمنان در زمینه صدور رأی در یک هفته و امتناع کارگران به علت حفظ موقعیت شغلی هر چند نامناسبشان مطرح کرد، از چند زاویه قابل بررسی و البته نقد است. باید واکاوی کرد که در چنین شرایطی صدور یک برگه رأی تا چه اندازه می‌تواند گره‌های کور مشکلات کارگری را بگشاید؟ یکی از کارگران ترک کار گفته از همین واحد تولیدی، سه روز پیش در تماس با دفتر خبرگزاری در استان سمنان مطرح می‌کرد که رأی پرداخت حق و حقوقش را مهر ماه سال گذشته دریافت کرده است؛ اما خیری از حساب و کتاب نیست. وی می‌گفت: بارها برای دریافت مطالباتم به دفتر مرکزی کارخانه در تهران مراجعه کرده‌ام؛ اما نه رئیس کارخانه به دفتر می‌آید و نه کسی پاسخگوست.

اطلاعیه پشتیبانی درباره اعتصاب کارگران نیشکرهفت تپه

از روز ۱۳۹۲/۲/۲۵ (دیروز) کارگران نیشکرهفت تپه جهت دستیابی به حقوق و اجرای طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زده اند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران و هیات بازگشایی کارگران نقاش و تزئینات تهران ضمن همبستگی با این کارگران، اعلام می‌دارد که متأسفانه هنوز قولهای داده شده به رهبران سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه مبنی بر پرداخت ۵/۲ سال معوقه های آنان به دست فراموشی سپرده شده است. امیدواریم که رهبران اعتصاب ضمن هوشیاری و همبستگی درحین مذاکرات آنچنان تدابیری را اتخاذکنند که به خواستههای خود دست یابند با آرزوی موفقیت برای کارگران اعتصابی نیشکرهفت تپه از کلیه کارگران و سندیکاهای کارگری می‌خواهیم که به این اعتصابیون در راه تحقق خواستههای کارگیشان کمک کنند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران

يك فعال کارگری در این استان: انحلال دو کارخانه بزرگ قزوین غیرقانونی است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 اردیبهشت ماه 92 آمده است: يك فعال کارگری در قزوین با غیر قانونی خواندن مراحل انحلال دو کارخانه بزرگ این استان، خواستار بررسی دلایل انحلال کارخانه‌های «صنایع اسوه ایران» و «لامپ الوند» از سوی مسئولان استانی شد.

«عید علی کریمی» دبیر خانه کارگر قزوین مدعی «سوری» بودن انحلال این دو کارخانه شد و گفت: انحلال صنایع اسوه ایران و کارخانه لامپ الوند به ترتیب با 32 و 53 کارگر که اکثر آنان با سوابق بالا در آستانه بازنشسته شدن هستند، خلاف قانون است.

این فعال کارگری ادامه داد: در اطلاعیه ای که از سوی کارفرمای این دو کارخانه به کارگران ابلاغ شده دلیل انحلال کارخانه کاهش فروش محصولات و گران شدن مواد اولیه تولید ذکر شده است با این حال یکی از کارفرمایان با تغییر نام کارخانه به صنعت اسوه ایرانیان، و دیگری با ادعای انتقال کارخانه به شهرک صنعتی لیا و فروش املاک و مستقلات، کارخانه همچنان به تولید خود ادامه می دهند.

کریمی با بیان اینکه انحلال این دو کارخانه سبب بیکاری کارگران آنان شده است اظهار داشت: تکلیف نهایی کارگران این دو کارخانه که دارای سوابق بالایی هستند هنوز مشخص نیست و کارفرمایان این دو کارخانه پیش از انحلال باید شرایط بازنشسته شدن کارگرانی که در شرف بازنشسته شدن بودند را فراهم می کردند.

او در خاتمه با بیان اینکه مسئولان پی گیر شرایط فعالیت این کارخانه ها بعد از اعلام انحلال باشند اظهار داشت: در صورت عدم پی گیری های مراجع قانونی، امکان افزایش انحلالهای سوری در میان سایر کارخانه های که شرایط مشابه این کارخانه ها را دارند رواج می یابد.

پایان پیام

بازداشت و زندانی نمودن کارگران محکوم است!- علی نجاتی

برپایه خبردریافتی در 25 اردیبهشت 92 آمده است : با درود به همه کارگران و فعالین و پیشروان کارگری، در حالیکه کارگران و زحمتکشان جهان 11 اردیبهشت ماه مصادف با اول ماه مه روز جهانی کارگر را در اکثر کشورها جشن می گیرند، حضور کارگران و فعالین کارگری در ایران در این مراسم جرم محسوب می شود و از برگزاری این روز ممانعت به عمل می آید.

برگزاری این روز نمایش قدرت کارگران و پیروزی نسبی آنها بر دنیای نابرابر سرمایه داریست؛ که کارگران توانسته اند آن را بر سرمایه داران تحمیل نمایند. در اکثر کشورها این روز را گرامی می دارند. در ایران علی رغم اینکه روز جهانی کارگر در قانون کار به ظاهر به رسمیت شناخته شده است، اما کارگران و فعالین کارگری که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت می کنند، دستگیر و زندانی می شوند. این بازداشت و زندانی شدن ها برای خانواده ها هم مشکلات زیادی را موجب می شود. باید به این دستگیریها خاتمه داده شود. پس به عنوان یک کارگر وظیفه خود می دانم ارباب و دستگیری و زندان کردن کارگران و فعالین کارگری را محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط همه زندانیان از جمله کارگران زندانی همچون رضا شهبابی، جلیل محمدی، حامد محمودی نژاد، محمد جراحی، رسول بوداگی، پدram نصرالهی، شاهرخ زمانی و زندانیان سیاسی هستم. به امید پیروزی تمامی کارگران علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه

در شمال شرقی تهران رخ داد: نجات سه کارگر در پی انفجار کارگاه کفاشی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 92 آمده است : شامگاه گذشته بر اثر وقوع انفجار در يك کارگاه کفاشی واقع در شمال شرق تهران سه کارگر محبوس شدند و با تلاش نیروهای امدادی این کارگران نجات یافتند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، پس از حضور آتش نشانان در محل، مشاهده شد که در زیرزمین یک ساختمان دو طبقه مسکونی، کارگاهی به مساحت تقریبی 70 مترمربع قرار دارد که در آن فعالیت‌های مربوط به کفاشی انجام می‌شود.

بنابراین گزارش کارگران در این کارگاه مشغول به کار بودند که ناگهان یک انفجار خفیف رخ داد و پس از آن تمامی کارگاه شعله‌ور شد. آتش نشانان در مرحله اول همزمان با قطع گاز ساختمان و ایمن‌سازی، سه کارگر را که در میان شعله‌های آتش محبوس شده بودند، بدون آسیب دیدگی خارج و به فضای باز منتقل کردند.

استفاده از چسب کفاشی و تینر در مجاورت اجاق خوراک‌پزی، سبب وقوع این حادثه عنوان شده است.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه از ساختمان‌های مسکونی نباید به عنوان محلی برای فعالیت‌های کارگاهی و تولیدی استفاده کرد، افزود: به هیچ عنوان نباید در کارگاه‌هایی مانند کفاشی و... که از مواد اشتعال‌زا در آن استفاده می‌شود، از لوازم گازسوز غیراستاندارد استفاده کرد.

پایان پیام

پرداخت نشدن حقوق دو ماه کارگران فاز 4 پارس جنوبی

بر پایه خبر دریافتی آمده است: تعداد زیادی از کارگران پارس جنوبی فاز 4 روز چهارشنبه 25 اردیبهشت به دلیل پرداخت نشدن حقوق دو ماه گذشته شان دست به اعتراض زده و دست از کار کشیدند. کارگران پارس جنوبی که اکثراً از شهرهای دیگر هستند و پول را ماهانه برای خانواده هاشان می فرستند از این موضوع شکایت دارند و خانواده هاشان در وضعیت بسیار بدی زندگی میکنند.

گزارشی از اردوی کودکان کار در جمعیت دفاع از کودکان کاروخیابان با حضور بهنام ابراهیم زاده واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران

دیروز چهارشنبه 25 اردیبهشت ما ه اعضای جمعیت دفاع از کودکان کاروخیابان کودکان این جمعیت را به گلگشتی در اطراف تهران دریاچه مصنوعیچیتگر بردند تعداد این کودکان بالغ بر هشتاد کودکي بودند که در جمعیتدفاع از کودکان کار وخیابان علاوه بر اینکه مشغول درس وتحصیل هستند کارهم می کنند این کودکان دیروز یکی از شادترین روزهای خود را در کنار اعضا وفعالین کودک با خوشی وشادی سپری کردند هماهنگ کنندگان این گلگشتاقایان علی هاشمی واکبر یزدی؛ وبهنام ابراهیم زاده، خانم علی زاده وتعدادی دیگر از اعضا جمعیت دفاع از کودکان بودند که در این گلگشت کودکان را همراهی کردند وتمام تلاش وسعی خودشان را کردند که يك روز خوشرا برای این کودکان که کودکي شان با کار همرنگ شده فراهم کنند واز زیباییهای طبیعت ودریاچه چیتگر لذت ببرند. کودکان جمعیت وقتي به پارک ودریاچهچیتگر رسیدند از شور وشادی واز اینکه توانستند يك روز ازادانه ودر کنار اعضا جمعیت باشند واز کارهرروزه دور باشند خوشحال وسر از پا نمی شناختندچرا که توانسته اند خوش باشند وشادی کنند از کار هرروزه دور باشند اینکودکان شاید در سال تنها بتوانند چند روزي اینگونه انهم با کمک اعضایجمعیت دفاع از کودکان کار وخیابان خوش باشند وشادی ونشاط بکنند. این گلگشت تا ساعت پنج بعد ازظهر ادامه داشت وفعالین این جمعیت با کودکان همبازی شدند تا بیشتر به کودکان خوش بگذرد یکی از تفریحات که دیروز اینکودکان در کنار اعضا از ان لذت بی نهایت بردند اب بازی بود که بهنام ابراهیم زاده از فعالین کودک ساعت ها در این بازی هم بازی کودکان بود بهنام در این گلگشت برای کودکان کار و خیابان از تجربیات خود در جمعیتواز کارها وفعالیت های دیگراعضای فعال جمعیت کودکان کاروخیابان واینکهچگونه در طی این سالها همواره تحت فشار وتهدید بوده اند اما هرگز عقبنکشیدند و در راستای لغو کار کودک قدم برداشته اند و برای نمونه به پلمبشدن درهای جمعیت جهان

شایسته برای کودکان در شهرری توسط نیروهای دولتی اشاره کرد وگفت قطعا اینگونه اقدامات و تهدیدها نمی تواند ما را از ادامهراهمان وهدفمان که هما نا تلاش برای لغو کار کودکان ودنیای بهتر برایشما عزیزان است باز دارد من امروز به خاطر همین فعالیت ها وبه خاطر تلاش برای لغو کار شما کودکان ودیگر فعالیت ها به حبس وزندان محکوم شده ام این در حالی است که من در این راستا دراین مدت بیشترین هزینه ها رامتحمل شده ام وتنها فرزند عزیزم نیما بیش از چهار ماه است در بستر بیماریاست پس بار دیگر در حضور شما یاد اوری وتاکید می کنم که همچنان با وجودتمام موانع ها وهزینه ها صدای شما کودکان وکارگران باشم وی همچنین از وضعیت کودکان کار در ایران نکاتی را برای کودکان گفتند وخطاب به مسئولانگفتند که اگر تنها چند دقیقه ای مسئولان ودست انداز کاران کشورمان ازماشین های مدل بالای خود پائین بیایند وخیا بانها وكوچه های شهر را بنگرندبه وضوع کودکان کار را می بینند واثر درد ورنج هرروزه را در چهره این کودکان معصوم می توانند مشاهده کنند وی با توجه به گرانی وتورم بالاوگسترش فقر وفلاکت وافزایش امار کودکان کار به مسئولان کشور هشدار دادندکه در این زمینه باید چاره اندیشی کنند وقدمی برای این کودکان در جهتسازماندهی ووضعیتهای بهتر آنان بردارند بهنام ابراهیم زاده همچنین به ماده 79 قانون کار و قانون اساسی اشاره کرد که چگونه در آن ذکر شده است که هیچکودکی نباید کار کند اما در جامعه می بینیم نه تنها مسئولی ونهادی وسازمانی مانع کار کودک نمی شود وبرای بهبود این وضعیت کودکان قدمی برنمیدارند بلکه این کودکان را به بدترین شکل ممکن به کار می کشند واستثمار میکنند وحال این کودکان هستند ویک قانون کار که هیچ دفاعی از آنها نمی شود

بهنام در ادامه افزودند ما در دنیای زندگی می کنیم که هرروزه سردمداران حاکم حرف از پیشرفتهای بزرگ د رعلم ؛ وتکنولوژی وصنایع میزنند که همواره سودهایی کلان برایشان به ارمغان می آورد ولی هنوز تعدادکودکانی که در فقر ونداری زندگی می کنند بالغ بر یک میلیارد نفر است ایندنیای با انسانیت بیگانه است زیرطبق امار هر ثانیه یک کودک بر اثر فقر ونبود غذا وامکانات بهداشتی جان خود را از دست می دهد در شرایطی کهکودکان از نابرابری ؛ وفلاکت وتبعیض رنج می برند وهزاران کودک به دلیلفقر روز افزون خانواده ها مجبور به کار می شوند د ر دنیای زندگی می کنیمکه هزاران کودک بی پناه وخیابانی شبها در کارتن ها سپری می کنندکودکانبسیاری به جرم بزهکاری روانه زندانها شده اند وبعد از سپری کردن سالهاحبس ؛سرانجام اعدام می شوند کودکان زیادی در معرض آزار وشکنجه وتحقیر

هستند این کودکان جرمی مرتکب نشده اندبلکه قربانیان شرایط موجود هستندوهمه آنها واقعیتهای تلخ وانکار ناپذیر ؛ نباید نسبت به این شرایط سکوتکرد وتمامی کودکان باید فارخ از هرگونه قیود جنسیتی ونژادی وفرهنگی ازتمامی حقوق انسانی خود برخوردار باشند در پایان بهنام با چند تن از کودکان این مرکز مصاحبه تصویری کردند که در روزهای آینده این مصاحبهمنتشر خواهد شد کودکان این مرکز در پایان سخنرانی بهنام بارها درود برشما عمو بهنام عمو بهنام متشکریم و عمو بهنام ما را ازاد کنید را سردادند .و برای نیما فرزند بیمار این فعال کودک وکارگری ارزو کردند که هرچه زودتر بهبود یابد وبه اغوش گرم خانواده برگردد. گفتنی است که اعضاءاین جمعیت نیز برای چندمین بار از زحمات وتلاشهای بهنام ابراهیم زاده کهحتی در درون زندان هم در راستای دفاع از کودکان وجمعیت دفاع از کودکان کاروخیابان فعالیت داشته واز پای ننشسته تشکر وقدر دانی کردند.

دوستان ورفقای بهنام ابراهیم زاده 25 اردیبهشت

behnamebrahimzadh.rozblog.com

در تهران پارس رخ داد: مصدومیت کارگری بر اثر آتش سوزی کارگاه نجاری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 92 آمده است : آتش سوزی گسترده در یک کارگاه نجاری در منطقه تهران پارس، کارگری را به شدت مجروح کرد.

به گزارش ایلنا، عصر روز گذشته سانحه آتش سوزی در یک کارگاه نجاری در منطقه تهران پارس تهران باعث شد یک کارگر شاغل در این کارگاه از ناحیه دست و صورت دچار سوختگی شود.

گفتنی است بر اساس این گزارش، نشت گاز از اتصالات یک سیلندر 11 کیلویی مقدمات اولیه آتش سوزی در این کارگاه را فراهم کرده بود که بررسی‌ها برای مشخص شدن علت اصلی حادثه از سوی کارشناسان ادامه دارد.

پایان پیام

اعتصاب رانندگان تاکسی در شیروان

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: شمار زیادی از رانندگان تاکسی در شهرستان شیروان در خراسان شمالی در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت کاری و پایین بودن کرایهها 2 ماه بعد از سال جدید اعتصاب کردند. این اعتصاب درمقابل دفترتاکسیرانی این شهر و در روز 23 اردیبهشت صورت گرفت. رانندگان گفتند تا رسیدن به خواسته‌هایشان به اعتراضات ادامه خواهند داد.

نقش مزد در زندگی کارگران و حیات اجتماعی انسانها - شاپور احسانی راد

سهم کارگر و همسرش و فرزندانش از زندگی به اندازه ای مزدیست که می گیرد. میزان مزد، سهم حقوق بگیران را از نان، مسکن، پوشاک، بهداشت، سلامت، شادی، عشق و آزادی تعیین می کند و بدین ترتیب "دستمزد"، چگونگی تفکر، سطح زندگی و بقا و هستی کارگران را شکل می دهد. دستمزد، این قرار داد اجتماعی ناعادلانه، خواسته های بدیهی طبقه کارگر را به شکل "گرفتاری" و یا "آرزو" بروز می دهد. گرفتار معالجه بیماری، سیرکردن شکم، یافتن سرپناه و...، آرزوی داشتن یک خانه، آرزوی تحصیل در دانشگاه، حتی آرزوی کودک برای کیف، کفش و دوچرخه .

برای سرمایه داران که کل ثروتشان از دستمزد کارگران است این گرفتاریها و آرزوها معنایی ندارند و جزء مسائل پیش پا افتاده و معمولی زندگی آنهاست. بنابر این اگر آحاد طبقه مزدبگیر ناتوان از حل گرفتاریها و تحقق آرزوهایشان به اوهام و خرافات پناه می برند این مزد است که نقش اساسی و بازدارنده ای در سطح پیشرفت، سواد و آگاهی و دانش آنان ایفا می کند و در مقابل همه مزایای ثروت و قدرت فردی و اجتماعی و استفاده از سرمایه اجتماعی را برای مالکان ابزار تولید فراهم می سازد. از این رو مکانیسم مزد، اجتماع را به دو قطب فرا دست و فرو دست متمایز می کند. منافع سرشار طبقه سرمایه دار از مزد کارگران ایجاب می کند که مالکیت را تاریخی و مقدس جا بزنند و از همه ابزار قدرتشان، از دولت، ارتش و قانون برای حفظ مالکیت، تعیین مزد و تقلیل آن سود ببرند. از طرف دیگر طبقه کارگر هیچگاه به سیادت اربابان سرمایه و نظام مزدوری تن نداده است و این کشمکش به قدمت تاریخ جریان دارد. در طول تاریخ کارگران، با اعتراض، اعتصاب و... برای کم شدن ساعات کار، سختی کار و برای افزایش ایمنی کار و برای تامین اجتماعی، آزادی و افزایش دستمزد مبارزه ای مداوم داشته اند. تعیین حداقل مزد به میزانی که یک خانواده کارگری بتواند شرافتمندانه زندگی کند حاصل همین مبارزات است.

میزان مزد در زندگی کارگران نقشی بنیادی دارد و تاثیری مستقیم بر کل حیات اجتماع می گذارد بطوریکه که سطح مناسبی از مزد و رفاه و اسایش برای کارگران، تاثیری مستقیم بر رفاه و اسایش کل آحاد یک جامعه دارد. بدون تردید ارتقا مزد و سطح زندگی کارگران در یک جامعه و کشمکش بر سر آن، نشانگر حد و حدود آزادی بیان، تشکل و آزادی احزاب و مطبوعات در آن جامعه است و به هر درجه ای این کشمکش به نفع کارگران و ارتقا سطح زندگی آنها بیانجامد یک جامعه با آزادیهای بیشتری سازمان خواهد یافت. از اینرو هم است که کشمکش بر سر مزد کشمکشی بنیادین بین کار و سرمایه است و تا لغو کار مزدی ادامه خواهد داشت و تعیین تکلیف بر سر آن کل حیات اجتماعی را دگرگون خواهد کرد.

منبع:سایت اتحادیه آزادکارگران ایران

قاضی پور با اخطار قانون اساسی مطرح کرد: درخواست کاهش مالیات 25 درصدی کارگران به 10 درصد

به گزارش خبرنگاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 92 آمده است: نماینده ارومیه با اشاره به اینکه نمایندگان به فکر افسار آسب پذیر جامعه باشند گفت: در بند 37 لایحه بودجه، نرخ مالیات بر درآمد کارمندان وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی طبق قانون مدیریت خدمات کشوری 10 درصد است اما کارگران باید 25 درصد از حقوق‌شان را پرداخت کنند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «نادر قاضی پور» در صحن علنی امروز مجلس شورای اسلامی در بررسی لایحه بودجه بخش درآمدی در اخطار اصل 19 قانون اساسی گفت: طبق این اصل تمامی مردم از حقوق مساوی در کشور برخوردارند، در حالی که در بند 37 لایحه بودجه سقف مالیاتی کارمندان، وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی از 72 میلیون ریال به صد میلیون ریال کاهش یافته و حتی به میزان 10 درصد طبق خدمات مدیریتی در سال‌های 90-91-92 تعیین شده است؛ ولی برای کارگران چنین مزیتی در نظر گرفته نشده است. ما از نمایندگان هیات رئیسه درخواست داریم که مالیات 25 درصدی کارگران را نیز همچون کارمندان به 10 درصد تقلیل دهیم.

پایان پیام

چند خبر از شهر کرد در رابطه با عدم پرداخت حقوق کارگران و وضعیت تعاونی‌ها

برپایه خبردریافتی آمده است: بیش از 1500 نفر از فروردین در شهرکرد حقوق نگرفته اند- بیش از یک هزار و پانصد نفر از بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرکرد و شهرهای تابعه دو ماه است حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. این افراد همانهایی هستند که قرار بود سال گذشته مابه التفاوت حقوق بعد از سال 78 نیز به آنها پرداخت شود که نشد حالا سازمان تامین اجتماعی اعلام کرده است بعلت پاره ای از مشکلات یارانه ای نتوانسته حقوق این افراد را پرداخت کند.

شرکت تعاون مصرف آموزش و پرورش شهرکرد تعطیل شد- شرکت تعاونی مصرف فرهنگیان در شهرکرد بعلت بدهی‌های سنگین و نداشتن توان باز پرداخت بدهی تعطیل شد این شرکت تعاونی که سهامداران آن پرسنل آموزش و پرورش و فرهنگیان شهرکرد هستند اعلام ورشکستگی کرد.

خصوصی‌سازی یا منفعت‌طلبی وحید فریدونی

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/05/blog-post_5579.html

پس از پیروزی انقلاب با وجود فشارهای موجود از جو انقلاب و افکار چپ که رنگ و بوی اسلامی را نیز یدک می‌کشید، دولت تمام اقتصاد را به سمت مدیریت خود پیش برد. با شروع جنگ و وضعیت فوق‌العاده حاکم بر کشور بهانه‌ای همه‌جانبه جهت دولتی کردن اقتصاد را به دست داد، (که بخشی از آن در قانون اساسی آمده بود). حتی اقتصاد خرد از این ایده در امان نماند. اما پس از چندین سال به خصوص با فروکش کردن تب اولیه انقلاب و خوابیدن جنگ زمزمه‌هایی در راستای خصوصی‌سازی صنایع، معادن، بانک‌ها، حمل‌ونقل عمومی و ریلی، خطوط هوایی، پست و تلگراف و مخابرات و در کل بخش بزرگی از اقتصاد توسط حاکمیت به گوش می‌رسید. و در این راستا سازمانی نیز برای اعمال سیاست‌هایی جهت آزادسازی اقتصاد تأسیس شد و با ابلاغ اصل 44 قانون اساسی از جانب جانشین رهبر انقلاب، واگذاری شرکت‌ها، معادن صنایع مادر، بانک‌ها و حمل‌ونقل عمومی و ریلی، پست و مخابرات و در

کل اموالی که به واسطه‌ی بودجه‌ی عمومی دولت حاصل از فروش نفت به مدت بیش از 30 سال و مشارکت بالای مردم ایجاد شده بود، (مانند مخابرات که با مزایده صوری و دستور ریاست جمهوری به نهادهای خاص واگذار شد.) تحت نام خصوصی‌سازی با عنوان کوچک کردن دولت اقدام شد.

اگر آمار دقیقی از واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی در اختیار باشد، مشخص می‌شود اکثر شرکت‌های فعال سود ده را با مبالغ بسیار ناچیز با عنوان زیان‌ده یا در آستانه‌ی ورشکستگی و تعطیلی، بدون مطالعه در بخش واگذاری به افراد حقیقی و حقوقی خاص واگذار کرده‌اند..

خصوصی‌سازی، زمانی که ایران خواستار عضویت در سازمان تجارت جهانی شد و اصلاحات مد نظر بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی مورد قبول واقع شد، شتاب بیشتری گرفت و لذا بدون برنامه‌ای دقیق و بلندمدت که آثار زیان‌بار آن کمترین حد ممکن را داشته باشد و فقط برای منفعت‌طلبی عده خاص از کسانی که سهم خواهی از انقلاب داشتند واگذاری‌ها انجام پذیرفت. اما در برخی شرکت‌ها که هنوز رنگ و بوی دولتی می‌دهد،

خصوصی‌سازی تابویی شده جهت اعمال فشار به کارگران آن مجموعه برای استثمار بیشتر زیرا که مدیران برای فرار از قوانین حمایتی قانون کار، که به اعتقاد نگارنده سهم کارگر از قانون کار بسیار ناچیز است، همانند تشکل مستقل، در جهت پرداخت کمترین دستمزد و بهره‌کشی از کارگر از این تابوی خصوصی‌سازی استفاده می‌کنند و کارگر را بر سر دو راهی امنیت شغلی و بهره‌کشی قرار می‌دهند. با عنوان اینکه اگر کارگران خواستار پیگیری حداقل حقوق قانونی مطابق قوانین موجود باشند، شروع به تبلیغات سوء و ترساندن کارگر که : شرکت را به سمت خصوصی‌سازی سوق می‌دهیم و کارگران اخراج می‌شوند و لذا کارگران نیز از ترس بیکار شدن در زمانی که تورم جامعه روزانه چندین درصد اضافه می‌شود و نبود کار در سطح کشور، تن به خواسته‌های مدیران می‌دهند. در بیشتر مواقع مدیران با این حربه موفق می‌شوند که کارگران را بترسانند زیرا هیچ تشکل مستقل کارگری که از طرف کارگران حمایت شود جهت جانبداری و حمایت از حقوق کارگر در ایران وجود ندارد، تنها سندیکای رانندگان و کارگران اتوبوس‌رانی تهران و حومه با تمام قوا جلوی بی‌قانونی و بی‌اخلاقی‌ها مقاومت کرده و هزینه‌های هنگفتی اعم از اخراج و بیکاری و زندان را داده است.

اگر با دقت بیشتری به اصل 44 قانون اساسی نظر کنیم خواهیم دید که اموال عمومی همچنان باید در اختیار دولت بماند مانند صنایع مادر، مخابرات، بانک‌ها و راه و آهن و غیره... اما با تفسیرهای غلط جهت منفعت‌طلبی عده‌ای هر آنچه را که به عموم مردم تعلق داشت یا به نوعی مالکیت آن دولتی بود و تحت لوای مدیریت دولت بود، به تدریج واگذار کردند. مانند سازمان تأمین اجتماعی که حاصل دست رنج میلیون‌ها کارگر طی 70 الی 80 سال پیش بوده و بدون برنامه واگذار به عده‌ای خاص شد. در بخش حمل‌ونقل درون‌شهری، که نگارنده سال‌ها به عنوان راننده اتوبوس مشغول به کار است، با کمی درنگ درمی‌یابیم شرکت‌هایی که مثل قارچ در سطح شهر تهران سر به آسمان کشیده‌اند، که برخی بعد از چند ماه اقدام به جمع‌آوری کرده و فقط از اعتبارات مورد نظر نهایت سوءاستفاده را می‌کنند. جملگی متعلق به افراد خاص می‌باشند. به عنوان نمونه: «تعاونی همکار واحد» که دفتر مرکزی آن در میدان «رسالت»، خیابان «هنگام» است تمام مدیران ارشد آن، روزی از مدیران رده‌بالای شرکت اتوبوس‌رانی تهران بوده و پس از بازنشستگی در «تعاونی همکار» سهام‌دار می‌باشند. حال آن که اتوبوس را با شرایطی به رانندگان و کارگران به صورت 4 دانگ از 6 دانگ و اجاره به شرط تملک واگذار کرده‌اند که در هر ماه مبلغ قابل‌توجهی از رانندگان بابت امتیاز خط و اتوبوس دریافت می‌کنند. همچنین اکثر ایستگاه‌های «بی آر تی» را نیز در اختیار دارند. اگر برآورد مالی دقیق صورت پذیرد با مبالغ بسیار زیادی روبرو می‌شویم که نصیب «تعاونی همکار» می‌شود.

بنابراین خصوصی‌سازی، حداقل در بخش حمل‌ونقل درون‌شهری کاملاً به ضرر کارگر و به کام مدیران ارشد شرکت، شهرداری و سازمان‌های خاص شده است و اگر یک واکاوی در بخش مسافران نیز انجام دهیم کاملاً با نظر من موافق خواهید شد که تمام هزینه‌های کلان حمل‌ونقل شهری که مطابق قانون از وظایف دولت است، از جیب شهروندان و مسافران تأمین می‌شود و رانندگانی که اقدام به تحویل اتوبوس کردند همگی معترف به زیان می‌باشند زیرا اتوبوس‌رانی و شهرداری به تعهد خود عمل نکرده و تمام هزینه‌های کمرشکن را باید راننده‌ها متقبل شوند. مانند کارواش، لاستیک، قطعات یدکی و پارکینگ جهت پارک اتوبوس. که ابتدا با یارانه دولتی به رانندگان وعده داده شده بود.

نگارنده معتقد است که خصوصی‌سازی فقط برای افراد خاص سود داشته و برای عموم جامعه باعث ضرر است و همچنین تابویی برای کارگران است برای استثمار بیشتر.

در اتوبوس‌رانی با ورود اتوبوس‌های دو کابین که مطابق قوانین راهنمایی و رانندگی، خودرو فوق سنگین و مفصل دار است، شرکت مکلف است که با تغییر اتوبوس‌ها حقوقی متناسب در نظر بگیرد اما در عمل حقوقی اضافه نشد بلکه فشار مضاعفی برای بهره‌کشی بیشتر به رانندگان اعمال شد و مدیران ارشد، همچون آقایان «سندجی»، «مدیرعامل»، «صادقی پیروز» معاونت منابع انسانی، «مالکی» معاونت اجرایی و «یحیی عظیمی» معاون مدیر، نماینده مدیر در شوراها و رییس کمیته‌ی انضباطی کار، که سه نفر آخری همگی از بازنشستگان ارگان‌ها و سازمان خاص می‌باشند، با بی‌اعتنایی به قانون در شرکت اتوبوس‌رانی با حقوق و مزایای زیاد مشغول می‌باشند که بارها عنوان داشته‌اند «اگر کارگران پیگیر احقاق حق قانونی خود باشند، باقی مانده شرکت واحد را نیز خصوصی کرده» و هرازگاهی طرحی را به شورای شهر ارائه می‌دهند و این تابویی برای رانندگان شده برای بهره‌کشی هر چه بیشتر آقایان مذکور از کارگران. رانندگانی که پیگیر حقوق قانونی باشند، آنها با پرونده‌سازی و سندسازی که از کثیف‌ترین و غیراخلاقی‌ترین اعمال است، مبادرت به اخراج رانندگان معترض می‌کنند. آیا فشار امروزی که بر کارگران وارد می‌شود، ما را به یاد دوران برده‌داری نمی‌اندازد. باورش سخت است اما در قرن 21 برده‌داری رواج دارد حتی بیشتر از گذشته و فقط کلمه‌ی لغوی آن تغییر کرده است: «کارگر»

رئیس انجمن صنفی گچ کاران تهران اعلام کرد: کاهش 10 برابری سهمیه بیمه کارگران ساختمانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 92 آمده است: عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادپاران ساختمانی استان تهران از کاهش 10 برابری سهمیه ی بیمه ی کارگران ساختمانی استان تهران انتقاد کرد.

«محمد باقری» در این باره به ایلنا گفت: هر سال در استان تهران بیش از 31 هزار و 500 نفر سهمیه برای بیمه ی تامین اجتماعی کارگران ساختمانی اختصاص داده می شد که در سال جاری به 3 هزار نفر کاهش پیدا کرده است. وی با اشاره به قانون «رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی» که سازمان تامین اجتماعی را مکلف می کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند بیان کرد: از سال جاری قرار بود محدودیت سهمیه ی بیمه ی کارگران ساختمانی برداشته شود.

رئیس انجمن صنفی گچ کاران استان تهران گفت: هر فردی که با کارت مهارت و تاییدیه ی انجمن صنفی که در آن شاغل است به سازمان تامین اجتماعی مراجعه می کند باید بیمه شود.

به گفته ی آقای باقری، در دو روز گذشته بیش از 500 کارگر ساختمانی به شعبات سازمان تامین اجتماعی در شرق و غرب تهران مراجعه کرده بودند تا خود را بیمه کنند اما هر شعبه تنها 100 نفر را بیمه کرده است. وی در پایان به عملکرد صدا و سیما در پوشش مشکلات صنفی انتقاد کرد و گفت: دوربین صدا و سیما در دو روز گذشته کجا بود تا مشکلات کارگران ساختمانی را که برای بیمه ی خود در شعب سازمان تامین اجتماعی جمع شده بودند را به تصویر بکشد.

پایان پیام

کارگران شرکت نمک نزدیک به یکسال حقوق معوقه دارند

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: بیش از 500 کارگر شرکت نمک در شادگان که بصورت پیمانی به کار اشتغال دارند، نزدیک به یکسال است که حقوق و مطالبات خود را طلب دارند، یکی از کارگران شرکت مذکور

ضمن برشمردن قیمت سرسام آور برخی از مایحتاج اولیه زندگی به بی توجهی مقامات و دست اندرکاران به وضعیت معیشت کارگران اعتراض کرد.

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه در اعتراض به حقوق معوقه

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است: کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه از ساعات اولیه صبح دیروز دست به اعتصاب زده اند و این اعتصاب امروز نیز ادامه دارد. این اعتصاب بدنال آن آغاز شد که کارفرمای این کارخانه علاوه بر اینکه دستمزد فروردین این کارگران را تاکنون پرداخت نکرده است بلکه در فیشهای حقوقی که صادر شده است ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد برای سالجاری را نیز در آنها اعمال نکرده است. بنا بر گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه با مشاهده این وضعیت از صبح دیروز بطور متحدانه ای دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت دستمزد معوقه خود، اعمال ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد و اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل شدند. بنا بر اظهار کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه کارفرمای این کارخانه در مورد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با دادن وعده و عید بطور مرتب کارگران را سر میدواند و عملاً از اجرای این طرح خودداری میکند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنال این اعتصاب، صبح امروز مدیریت کارخانه در میان کارگران اعتصابی حاضر شد اما نتیجه ای از مذاکراتی که صورت گرفت حاصل نشد و کارگران اعتصابی اعلام کردند تا رسیدن به خواستههایشان بویژه اعمال بی کم و کاست ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

اطلاعیه

برپایه خبر دریافتی به روزشمار کارگری آمده است: از روز 1392/2/25 (دیروز) کارگران نیشکرهفت تپه جهت دستیابی به حقوق و اجرای طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب زده اند. سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران و هیات بازگشایی کارگران نقاش و تزئینات تهران ضمن همبستگی با این کارگران، اعلام می دارد که متأسفانه هنوز قولهای داده شده به رهبران سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه مبنی بر پرداخت 5/2 سال معوقه های آنان به دست فراموشی سپرده شده است. امیدواریم که رهبران اعتصاب ضمن هوشیاری و همبستگی درحین مذاکرات آنچنان تدابیری را اتخاذکنند که به خواستههای خود دست یابند با آرزوی موفقیت برای کارگران اعتصابی نیشکرهفت تپه از کلیه کارگران و سندیکاهای کارگری می خواهیم که به این اعتصابیون در راه تحقق خواستههای کارگیشان کمک کنند.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران

کارگران شهرداری بندر عباس تا 9 ماه حقوق معوقه طلب کارند.

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است: کارگران شهرداری بندر عباس که توسط شرکت های پیمانکاری بکار گرفته شده و کارهای خدماتی این شهر را انجام میدهند اکنون بعضاً تا 9 ماه حقوق معوقه طلب دارند و تا کنون مراجعات و اعتراضات کارگران بی پاسخ مانده است

گزارش خبری/

تلاش کارگر نقص عضو شده برای بازگشت به کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 25 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کارگران کارخانه «سازه آلیاژ البرز» واقع در قزوین با ارسال نامه‌ای به تشریح حادثه‌ای پرداخت که به قطع سه انگشت دست او منجر شده است.

به گزارش ایلنا، «فرشید نجفی» در این نامه مدعی شده است که در اولین روز کاری‌اش در کارخانه «سازه آلیاژ البرز» در تاریخ 25 دی ماه 91 هنگام کار با دستگاه پرس سه انگشت دست چپ خود را از دست داده و این در حالی است که کارفرما بدون ارائه آموزش مهارتی لازم او را به کار با دستگاه پرس گمارده است.

خبرنگار ما در تماس با این کارگر شرح روز حادثه را جویا شد. فرشید نجفی گفت: در روز اول کاری‌ام در این کارخانه و ساعات اولیه کار با این دستگاه (پرس)، بدلیل آنکه مهارتی نداشتم، ناگهان دست چپ‌ام زیر دستگاه پرس ماند و سه انگشت‌ام در زیر این دستگاه له شد.

این کارگر در ادامه افزود: همکارانم من را به بیمارستان انتقال دادند و بعد از مراحل درمانی که یک هفته به طول انجامید به دستور پزشک معالجم سه ماه استراحت پزشکی دریافت کردم.

او اضافه کرد: بعد از بهبودی از حادثه ای که حین کار در کارخانه سازه آلیاژ البرز برایم ایجاد شده بود، وقتی برای ادامه کار به کارخانه بازگشتم کارفرما کار من جلوگیری کرد.

نجفی با غیر قانونی خواندن این عمل کارفرمای کارخانه سازه آلیاژ البرز، گفت: با وجود اینکه من در حین انجام کار در این کارخانه نقص عضو شده‌ام، کارفرما حق نپذیرفتن من را ندارد با این حال به هر واحد دیگری برای اشتغال مراجعه می‌کنم به بهانه نقص عضو مرا نمی‌پذیرند.

این کارگر که نگران آینده شغلی و معاش خود است در خاتمه می‌افزاید: با آنکه کارفرما می‌گوید دیه نقص عضو و سایر هزینه‌های درمان من را متقبل خواهد شد، اما من هیچ چشم‌داشتی به دریافت دیه ندارم فقط می‌خواهم به کار خود بازگردم چرا که دیه تمام خواهد شد اما من برای ادامه زندگی به کار نیاز دارم.

پایان پیام

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه از صبح دیروز دست به اعتصاب زده اند

بر پایه سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 26 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه از ساعات اولیه صبح دیروز دست به اعتصاب زده اند و این اعتصاب امروز نیز ادامه دارد. این اعتصاب بدنبال آن آغاز شد که کارفرمای این کارخانه علاوه بر اینکه دستمزد فروردین این کارگران را تاکنون پرداخت نکرده است بلکه در فیشهای حقوقی که صادر شده است 25 درصد افزایش حداقل مزد برای سالجاری را نیز در آنها اعمال نکرده است.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه با مشاهده این وضعیت از صبح دیروز بطور متحدانه ای دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت دستمزد معوقه خود، اعمال 25 درصد افزایش حداقل مزد و اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل شدند.

بنا بر اظهار کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه کارفرمای این کارخانه در مورد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با دادن وعده و عید بطور مرتب کارگران را سر میدواند و عملاً از اجرای این طرح خودداری میکند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اعتصاب، صبح امروز مدیریت کارخانه در میان کارگران اعتصابی حاضر شد اما نتیجه ای از مذاکراتی که صورت گرفت حاصل نشد و کارگران اعتصابی اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان بویژه اعمال بی‌کم و کاست 25 درصد افزایش حداقل مزد همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه

به گزارش رسیده در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است : امروز 25 اردیبهشت ماه کارگران نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زدند . این اعتصاب به دلیل عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت نکردن افزایش دستمزدهای سال 92 صورت گرفته است. مدیریت شرکت نیشکر هفت تپه اعلام کرده است که ما توان مالی برای افزایش دستمزد با نرخ 25 درصد را نداریم و تنها می توانیم 10 تا 15 درصد دستمزدها را افزایش دهیم. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

دبیر خانه کارگر نیشابور خبر داد: وجود تبعیض جنسیتی در کارخانه تولید پریز برق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است : يك فعال کارگری در نیشابور از تبعیض جنسیتی در يك واحد تولیدی این شهرستان خبر داد و گفت: کارفرمای کارخانه «صنایع الکترونیکی مهر عطار» در نیشابور با بی اعتنایی به قانون کار در پرداخت دستمزد و سایر مزایای قانونی کارگران زن، از نبود فرصت های شغلی برای زنان کارگر در بازار کار سوءاستفاده می کند.

«محمد عمارلو» دبیر خانه کارگر نیشابور در این باره به ایلنا گفت: در این کارخانه 120 کارگر مشغول به کار هستند که حدود 80 نفر از کارگران را زنان تشکیل می دهند. این زنان بدون محاسبه ساعت کار، در صورتی که نتوانند به میزانی که کارفرما انتظار دارد، تولید داشته باشند بخش قابل توجهی از حقوق شان کاهش می یابد.

او افزود: کارفرمای این کارخانه دستمزد قانونی مطابق آنچه که شورای عالی کار مصوب کرده است را به کارگران خود پرداخت نمی کند.

این فعال کارگری اضافه کرد: در این کارخانه تولید پریز برق، هر ماهه به بهانه ای از سوی کارفرما حقوق کارگران به صورت چشمگیری کاهش می یابد، به طوری که این زنان - که عمدتاً سرپرست خانوار هستند - در تامین معاش خانوار خود با مشکل جدی مواجه می شوند.

این فعال کارگری درباره سایر مشکلات کارگران گفت: علاوه بر حقوق سوابق بیمه کارگران نیز با مشکل روبروست و با فاصله پرداخت می شود. همچنین کارگران این واحد تولیدی مدعی اند بهداشت و ایمنی کار در این واحد تولیدی رعایت نمی شود.

دبیر خانه کارگر در خاتمه متذکر شد: به موجب قانون کار، خودداری کارفرما از اجرای مصوبه حداقل مزد شورای عالی کار و پرداخت مزد کمتر از حداقل تعیین شده تخلف تلقی شده و مستوجب مجازات است.

کسر حقوق به بهانه کار بیشتر جرم است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است : در این زمینه یکی از کارگران این کارخانه نیز اظهار داشت: کارفرمای کارخانه صنایع مهر عطار با بی اعتنایی به قانون کار، در صورت ناتوانی کارگران برای انجام کار بیشتر بخشی از حقوق آنان را کسر می کند.

این کارگر که نخواست نامش فاش شود افزود: با وجود اینکه اکثر کارگران این واحد را زنان تشکیل می دهند، به دلیل شرایط بازار کار ناچار به اطاعت از خواست کارفرما هستند.

این کارگر در پایان اضافه کرد: با وجود آنکه این بی قانونی اکنون در کارخانه باب شده است اما اخیرا با فشارهایی که از سوی کارگران و تشکلات کارگری در این مورد به کارفرما وارد شده است، این مشکل کمتر از گذشته شده است.

شلیک و درگیری پاسداران با خودرو حامل گاز کولر در مرز سقز

به نوشته سایت ایران کارگر 26 اردیبهشت 92 آمده است: در تاریخ 24 اردیبهشت یک خودرو حامل کولرگازی در مرز سقز توسط نیروهای سرکوبگر سپاه به رگبار بسته شد. این در حالی بود که راننده و کمک راننده در خودرو بودند و پاسداران به سمت آنها آتش گشودند. یکی از نفراتی که از نزدیک در خودرو بود و شاهد صحنه بوده می گوید: پاسداران به قصد کشتن و غارت اموال ما به سمت ما شلیک کردند ولی ما توانستیم خودمان را از صحنه خارج کنیم. این در حالی است که مردم مرزنشین از خدمات دولتی و کسب و کار محروم هستند و برای بدست آوردن لقمه نانی، بایستی سینه خود را سپر گلوله های پاسداران کنند.

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور: حذف سهمیه بیمه کارگران ساختمانی تا ریشه کن شدن فساد در سازمان محقق نمی شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران ساختمانی را به دلیل آنچه «فساد در سازمان تامین اجتماعی» می خوانند، دانست.

«اکبر شوکت» در این باره به ایلنا گفت: سازمان تامین اجتماعی بر خلاف ادعای خود، منابع لازم برای اجرای قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی» را در اختیار دارد اما با ادعای کمبود منابع، اقدام به سهمیه بندی غیرقانونی بیمه کارگران ساختمانی کرده است.

قانون رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند.

رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور تصریح کرد: آنچنان که در گزارش های مجلس و سایر نهادهای نظارتی در دوره های مختلف شاهد هستیم، در بخش هایی از مجموعه بزرگ تامین اجتماعی همیشه فسادهایی گزارش شده است.

این فعال کارگری با اشاره به قانون مذکور که به تصویب مجلس رسیده است افزود: شهرداری موظف است به ازای هر متر ساختمان، مبلغی معادل 4 درصد مزد کارگران را از سازندگان هنگام کسب پروانه ی ساخت دریافت کند. با توجه به مزد 487 هزار تومانی سال 92، مبلغ 4 درصدی برای هر متر حدود 19 هزار و 500 تومان می شود که از پیش به تامین اجتماعی پرداخت شده است.

به گفته ی آقای شوکت، شهرداری منابع حاصل از فروش پروانه ی ساخت را به صندوق تامین اجتماعی واریز می کند و سازمان تامین اجتماعی موظف است تمام کارگران ساختمانی را بیمه کند.

بر اساس تبصره ی 3 ماده واحده قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی، در صورت تامین منابع مالی به طریقه مذکور، هرگونه استثناء و اعمال سهمیه که موجب ایجاد محدودیت در اجرای بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی شود ممنوع است.

دبیر اجرایی خانه کارگر قم تصریح کرد: از ابتدای سال جاری دریافت هزینه ی 4 درصدی از سازندگان ساختمان محقق شده است پس اتمام کارگران ساختمانی مطابق قانون بایستی بیمه شوند.

به گفته‌ی آقای شوکت، پروانه‌ی ساخت 120 میلیون متر مربع زمین در کل کشور در سال 91 صادر شده است که این میزان در سال جاری افزایش می‌یابد و با توجه به یک و نیم میلیون کارگر ساختمانی که در کشور داریم درآمد سازمان تامین اجتماعی از طریق فروش پروانه ساخت به بالای 2 هزار میلیارد تومان می‌رسد.

وی ادامه داد: سهمیه‌ای که سازمان تامین اجتماعی برای بیمه‌ی کارگران ساختمانی در کل کشور در نظر گرفته 600 هزار نفر است که از میان 30 هزار نفر سهم تهران است که 10 هزار سهمیه در نوبت فعلی به کارگران داده می‌شود و مابقی در نوبت‌های دیگر در اختیار کارگران قرار می‌گیرد.

رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور در پایان با اشاره به تجمعات اخیر که از سوی کارگران ساختمانی در شعب سازمان تامین اجتماعی استان تهران صورت گرفته است اظهار داشت: کارگران ساختمانی تهرانی، شکایتی را از سازمان تامین اجتماعی در دیوان عدالت اداری تنظیم کرده‌اند تا نسبت به بی‌قانونی‌های مدیران این سازمان اقامه دعوی کنند.

پایان پیام

اعتصاب کارگران راه آهن دورود

برپایه خبر رسیده آمده است: بسیاری از صنوف به بهانه حضور احمدی نژاد و رساندن حرف‌هایشان به گوش رئیس جمهور دست به اعتراض زده‌اند. یکی از این صنوف کارگران راه آهن دورود هستند که به وضع بد دستمزد و عدم تبدیل وضعیتشان اعتراض داشتند و روز صبح 24 اردیبهشت دست به اعتصاب زدند.

تلاش کارگر نقص عضو شده حین کار در کارخانه سازه آلیاژ البرز برای بازگشت به کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کارگران کارخانه «سازه آلیاژ البرز» واقع در قزوین با ارسال نامه‌ای به تشریح حادثه‌ای پرداخت که به قطع سه انگشت دست او منجر شده است. «فرشید نجفی» در این نامه مدعی شده است که در اولین روز کاری‌اش در کارخانه «سازه آلیاژ البرز» در تاریخ 25 دی ماه 91 هنگام کار با دستگاه پرس سه انگشت دست چپ خود را از دست داده و این در حالی است که کارفرما بدون ارائه آموزش مهارتی لازم او را به کار با دستگاه پرس گمارده است. خبرنگار ما در تماس با این کارگر شرح روز حادثه را جویا شد. فرشید نجفی گفت: در روز اول کاری‌ام در این کارخانه و ساعات اولیه کار با این دستگاه (پرس)، بدلیل آنکه مهارتی نداشتم، ناگهان دست چپم زیر دستگاه پرس ماند و سه انگشتم در زیر این دستگاه له شد. این کارگر در ادامه افزود: همکارانم من را به بیمارستان انتقال دادند و بعد از مراحل درمانی که یک هفته به طول انجامید به دستور پزشک معالجم سه ماه استراحت پزشکی دریافت کردم. او اضافه کرد: بعد از بهبودی از حادثه‌ای که حین کار در کارخانه سازه آلیاژ البرز برایم ایجاد شده بود، وقتی برای ادامه کار به کارخانه بازگشتم کارفرما کار من جلوگیری کرد. نجفی با غیر قانونی خواندن این عمل کارفرمای کارخانه سازه آلیاژ البرز، گفت: با وجود اینکه من در حین انجام کار در این کارخانه نقص عضو شده‌ام، کارفرما حق نپذیرفتن من را ندارد با این حال به هر واحد دیگری برای اشتغال مراجعه می‌کنم به بهانه نقص عضو مرا نمی‌پذیرند. این کارگر که نگران آینده شغلی و معاش خود است در خاتمه می‌افزاید: با آنکه کارفرما می‌گوید دیه نقص عضو و سایر هزینه‌های درمان من را متقبل خواهد شد، اما من هیچ چشم‌داشتی به دریافت دیه ندارم فقط می‌خواهم به کار خود بازگردم چرا که دیه تمام خواهد شد اما من برای ادامه زندگی به کار نیاز دارم.

نیمه تعطیل شدن کارخانه گروه صنعتی مه‌رام

برپایه خبر رسیده آمده است : شرکت متعلق به گروه صنعتی مهرام بیش از 600 کالا از حدود 25 تولیدکننده را در کل ایران و همچنین خاورمیانه پخش میکند. انبار حوزه کرمان که وسعتش حدود 2000 متر مربع است تا دو سال قبل حدود 5 میلیارد تومان کالا در آن بود ، اما در حال حاضر کمتر از 100 میلیون تومان جنس درون این انبار وجود دارد. از بین 25 کارخانه ای که کار میکردند ، در حال حاضر فقط سه تا چهار کارخانه با ظرفیت بسیار پایین در حال تولید هستند

مرگ سه کارگر در حال استراحت شبانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است : بامداد امروز بر اثر ریزش ساختمانی سه طبقه در خیابان جیحون تهران سه کارگر کشته شدند. به گزارش ایلنا، در ساعت ۱۲ بامداد امروز ریزش یک ساختمان مسکونی در خیابان جیحون (کوچه ابراهیمی) به نیروهای امدادی اطلاع داده شد و پس از مراجعه، آشنانشانان متوجه شدند ۳ کارگر در زیر ساختمان مانده‌اند که از این ۳ کارگر ۲ نفر ایرانی و یک نفر افغانستانی است. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران در این باره گفت: نیروهای آتش‌نشانی بعد از چند ساعت در نهایت ۳ کارگر را از زیر آوار در آوردند که متأسفانه هر ۳ کارگر به دلیل جراحت شدید فوت کردند. در همین حال، آتش سوزی گسترده در یک کارگاه نجاری در منطقه تهران پارس، کارگری را به شدت مجروح کرد. به گزارش ایلنا، عصر روز گذشته سانحه آتش سوزی در یک کارگاه نجاری در منطقه تهران پارس تهران باعث شد یک کارگر شاغل در این کارگاه از ناحیه دست و صورت دچار سوختگی شود. گفتنی است بر اساس این گزارش، نشت گاز از اتصالات یک سیلندر ۱۱ کیلویی مقدمات اولیه آتش سوزی در این کارگاه را فراهم کرده بود که بررسی‌ها برای مشخص شدن علت اصلی حادثه از سوی کارشناسان ادامه دارد.

معطل ماندن ۲۰ میلیون یورو دارو در گمرک

به گزارش روزنامه بهار در تاریخ 26 اردیبهشت 92 آمده است : عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، از معطل ماندن حجم بالایی دارو به ارزش ۲۰ میلیون یورو، در گمرک به علت شفاف نبودن سیاست‌های دولت در زمینه اختصاص ارز مرجع به دارو خبر داد.

به گزارش روزنامه بهار، عابد فتاحی در این باره گفت: درباره تخصیص ارز مرجع به دارو با وجود تاکیدات ویژه‌ای که تاکنون به دولت شده اما وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هیچ اقدام عملی در این راستا انجام نداده است.

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی، افزود: هم‌اکنون به دلیل تعیین تکلیف نشدن در زمینه ارز، میزان قابل توجهی داروی مورد نیاز کشور به اعتبار بیش از ۲۰ میلیون یورو در گمرک مانده و شرکت‌های دارویی به دلیل جلوگیری از ضرر و زیان خود این اقلام دارویی را در گمرک نگه داشته‌اند.

فتاحی تصریح کرد: علاوه بر این رقمی بالغ بر ۴۰ میلیون یورو تجهیزات پزشکی و آرایشی در گمرک منتظر ترخیص است که معاونت غذا و داروی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در تلاش برای اختصاص ارز مرجع به تجهیزات پزشکی و آرایشی به منظور ترخیص این اقلام از گمرک است. وی همچنین درباره اختصاص ۲۲۰۰ میلیارد تومان رقم ادعایی دولت به واردات دارو برای جبران مابه‌التفاوت نرخ ارز مرجع و مبادله‌ای، گفت: این رقم برای حل مشکل دارو در کشور قابل توجه نیست و نمی‌تواند عاملی برای بازدارندگی از گرانی دارو باشد.

افزایش مردم بی خانمان و فقر در خیابان های ایران

به نوشته سایت ایران کارگر-26 اردیبهشت 92 آمده است : روز 24 اردیبهشت در خیابان های اصفهان بخصوص خیابانهای اصلی شهر، تعداد مردم فقیر و بی خانمان افزایش پیدا کرده است. مردم شهر دلیل افزایش

چشمگیر این نفرات بی خانمان را بی کفایتی دولت می دانند. این نفرات که به این وضعیت افتاده اند از افراد تحصیل کردن میهن هستند ولی بدلیل بیکاری و فشار و گرانی خوابیدن روی نیمکت های خیابان را برگزیدند.

فراخوان سندیکاهاى فرانسوى به تظاهرات در حمايت از فعالين کارگرى زندانى در ايران

تظاهرات ايستاده در روز ۱۳ ژوئن ۲۰۱۲ در برابر دفتر سازمان جهانی
ميدان ملل- ژنو در دفاع از حقوق کارگران و آزادی‌های سندیکایی در ايران

در ايران کارگران از ابتدای ترين حقوق محرومند:

- حق اعتصاب؛
 - حق تظاهرات؛
 - حق ايجاد تشکلات سندیکایی
- هزاران کارگر به اتهام عدم رعایت موارد ممنوعه توسط رژیم دستگیر شده، بسیاری به زندان افکنده شده و در مواردی به مرگ محکوم شده اند.
- ما سندیکاهاى فرانسوى : ث.ژ.ت (CGT)، ث.اف.د.ت (CFDT)، اف.اس.او (FSU)، اونسا (UNSA) و سولیدر (Solidaires) کليه تشکلات کارگرى
- شرکت کننده در اجلاس سال ۲۰۱۲ سازمان بين المللى کار در ژنو را فرا می خوانيم که برای:
- آزادی کارگران زندانى
 - ايجاد سندیکاهاى مستقل
 - حضور نمايندگان واقعی ونه سندیکالیست های قلابی و عوامل و همدست های رژیم

به تظاهرات ايستاده در ميدان ملل بپیوندند

ميدان ملل

از ساعت ۱۲ الی ۱۴ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۲ - ژنو

برای نمايندگان سندیکاهاى شرکت کننده در اجلاس، اين گردهمایی فرصتی است که همبستگی خود را با کارگران و سندیکالیست در ايران اعلام دارند

ترجمه و تکثير از:

"همبستگی سوسیالیستی با کارگران ايران - فرانسه"
"اتحاد بين المللى در حمايت از کارگران در ايران - پاریس"

علی نجاتی در گفتگو با سایت اتحاد افزایش حداقل مزد کارگران نیازمند یک حرکت و اعتراض سراسری است

بر پایه خبر انعکاس یافته در سایت اتحاد آمده است : طی دو ماهی که از آغاز سال 92 میگذرد افزایش هزینه های زندگی هر روز ابعاد تازه ای بر خود میگیرد و گذران زندگی بر میلیونها خانواده کارگری بیش از پیش سخت تر میشود. تازه این اول سال است و موج سرسام آور دیگری از تورم و گرانی با افزایش 38 درصدی حاملهای انرژی و... در راه است. در این میان زندگی و معیشت کارگران چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد دغدغه هیچکس در این مملکت نیست و دولت و دیگر نهادهای اداره کننده جامعه هیچ مسئولیتی در قبال معیشت میلیونها خانواده کارگری برای خود قائل نیستند. از اینرو هم است که وزیر کار از عادلانه بودن حداقل مزد کنونی یعنی تحمیل مرگ و نیستی بر خانواده های کارگری دفاع میکند تا صاحبان سرمایه بی هیچ دغدغه ای سودهای نجومی خود را از گرده کارگران بیرون کشند. دفاع تمام عیار وزیر کار از تحمیل گرسنگی بر میلیونها خانواده کارگری در شرایطی انجام میشود که همین 25 درصدی که بر روی حداقل مزد کارگران گذاشتند با توجه به

گرانی های دو ماه گذشته عملاً ذره ای در حتی حفظ قدرت خرید کارگران به میزان سال گذشته نیز نقشی نداشته است و از سوی دیگر بسیاری از کارفرمایان با صراحت از اعمال این افزایش در حداقل مزد کارگران خودداری میکنند و برخی از آنان در کمال وقاحت و شقاوت و سودجویی که تماماً حاصل تحمیل شرایط قرون وسطائی از سوی سیستم موجود بر طبقه کارگر ایران است اعلام میدارند چنانچه علاوه بر این 25 درصد افزایشی در حداقل مزد کارگران صورت بگیرد، دست به اعتراض میزنند!!؟؟

در این زمینه علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به سایت اتحاد اظهار داشت:

حالا همین 25 درصد را هم به کارگران نمی دهند، دیروز که فیش حقوقی کارگران کشت و صنعت هفت تپه را دادند، حقوق کارگران با سال قبل محاسبه شده بود و 25 درصد را به حقوق آنها اضافه نکرده بودند، وقتی هم با اعتراض شدید کارگران مواجه شدند، گفتند هرکاری که می خواهید بکنید و هرچا می خواهید شکایت کنید، شرکت 25 درصد اضافه نمی کند اگر هم اضافه کند 11 تا 15 درصد!، وی افزود برخی پیمانکارهای همین اطراف نیز حاضر نیستند 25 درصد را اضافه کنند و حتی قراردادهایی را با کارگران می بندند که مبلغ مزدی کارگران در آن قید نمیشود.

وی درباره تناسب مزد با تورم کنونی اظهارداشت: حتی اگر دستمزد بر اساس تورم نیز افزایش یابد هیچ فایده ای برای کارگران ندارد چون قیمت اجناس در بازار ثابت ندارد و هرکس هر طور دلش بخواهد قیمت اجناس را بالا می برد گرانی یکسال یکدفعه، شش ماه یکدفعه که نیست. اجناس روزانه و ساعت به ساعت بالا می روند. وی در ادامه در باره افزایش 25 درصدی حداقل مزد و احتمال افزایش حق مسکن و بن کارگری افزود: من شخصا با 25 درصد موافق نیستم، چون اصلاً با سبب هزینه خانوار کارگری مطابقت ندارد و مخارج خانواده را پوشش نمی دهد، مسکن هایی مثل معافیت مالیات زیر حقوق 830 هزار تومان، افزایش حق مسکن و بن کارگری و دادن یک کیلو قند و شکر و برنج حتی گوشه ای از درد کارگر را دوا نمی کند، اینها مسکن های لحظه ای هستند. مثل کسی که دچار بیماری سخت و صعب العلاجی شده و مسکنهای موقت نمیتوانند در بهبودی بیمار موثر باشد. اینگونه اقدامات نیز دردی از درد کارگران را دوا نخواهد کرد.

علی نجاتی در ادامه این گفتگو در باره میزان حداقل مزدی که امروزه تا حدودی میتواند زندگی کارگران را بهبود دهد گفت:

بسیاری مراجع رسمی، سبب هزینه خانوار کارگری را یک میلیون و هشتصد تا دو میلیون و پانصد هزار تومان اعلام می کنند، من می گویم کارگر زیر 3 میلیون تومان نمی تواند زندگی کند چون نتوانند هزینه تحصیل، معالجه، خوراک، پوشاک، و مسکن خود را تامین و پس اندازی هم برای تنگناهای آینده زندگی خودشان داشته باشند. تازه همین مقدار نیز در شرایطی میتواند موثر باشد که جلوی گول تورم و گرانی سد شود.

وی در پایان این گفتگو در باره چگونگی تحقق خواست کارگران مبنی بر افزایش حداقل مزد اظهار داشت: بنید در شرایط حاضر در ایران و برخلاف خواست ما کارگران، حداقل مزد کارگران نه توسط آنان و نماینده های تشکلهای مستقل شان بلکه توسط دولت و در یک بعد ملی تعیین میشود بنا بر این کارگران یک کارخانه نمیتوانند جدا از کارگران سایر نقاط کشور موفق به افزایش حداقل مزد خود شوند به همین دلیل افزایش حداقل مزد کارگران نیازمند یک حرکت و اعتراض سراسری است و در این رابطه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برای تحقق یک مبارزه سراسری نقش بسیار کلیدی دارد.

ابرای اعتراضات کارگری برای مشکلات اقتصادی و وضعیت رفاهی و بهداشتی

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: اعتراض به عدم رسیدگی به مشکلات شهری- جمعی از ساکنان تهران در خیابان انقلاب به خراب بودن پل برقی اعتراض داشتند؛ حدود 1 ماه است که این پل که در مسیر پر رفت و آمدی است خراب شده و اقدامی برای رفع خرابی صورت نگرفته است.



اعتراض تهرانی‌ها به بی‌برنامگی مسکن مهر پردیس - جمعی از ثبت نام‌شدگان در مسکن مهر پردیس به ساختمان اداره عمران این شهر رفته و اعتراض کردند. به گفته یکی از معترضین بسیاری از ثبت نام‌شدگان بعد از گذشت چند ماه هنوز درخواستشان در دست بررسی است و کسی پاسخگو نیست. اعتراض مردم به مسکن مهر شهرمردن - پنج سال از ارسال و تحویل پول برای مسکن مهر مرند میگذرد اما هنوز شرکتهای مربوطه هیچ اقدامی جهت واگذاری و حتی ساخت تعدادی از این مسکنها نکرده اند. در اعتراض به همین موضوع صبح روز 28 اردیبهشت تعداد زیادی از اهالی مرند مقابل ساختمان عمران این شهر با پلاکاردهای خانه‌های ما چه شد و پول ما را پس بدهید تجمع کردند.

تلاش کارگر نقص عضو شده حین کار در کارخانه سازه آلیاژ البرز برای بازگشت به کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کارگران کارخانه «سازه آلیاژ البرز» واقع در قزوین با ارسال نامه‌ای به تشریح حادثه‌ای پرداخت که به قطع سه انگشت دست او منجر شده است. «فرشید نجفی» در این نامه مدعی شده است که در اولین روز کاری‌اش در کارخانه «سازه آلیاژ البرز» در تاریخ 25 دی ماه 91 هنگام کار با دستگاه پرس سه انگشت دست چپ خود را از دست داده و این در حالی است که کارفرما بدون ارائه آموزش مهارتی لازم او را به کار با دستگاه پرس گمارده است. خبرنگار ما در تماس با این کارگر شرح روز حادثه را جویا شد. فرشید نجفی گفت: در روز اول کاری‌ام در این کارخانه و ساعات اولیه کار با این دستگاه (پرس)، بدلیل آنکه مهارتی نداشتم، ناگهان دست چپم زیر دستگاه پرس ماند و سه انگشتم در زیر این دستگاه له شد. این کارگر در ادامه افزود: همکارانم من را به بیمارستان انتقال دادند و بعد از مراحل درمانی که یک هفته به طول انجامید به دستور پزشک معالجم سه ماه استراحت پزشکی دریافت کردم. او اضافه کرد: بعد از بهبودی از حادثه ای که حین کار در کارخانه سازه آلیاژ البرز برایم ایجاد شده بود، وقتی برای ادامه کار به کارخانه بازگشتم کارفرما کار من جلوگیری کرد. نجفی با غیر قانونی خواندن این عمل کارفرمای کارخانه سازه آلیاژ البرز، گفت: با وجود اینکه من در حین انجام کار در این کارخانه نقص عضو شده‌ام، کارفرما حق نپذیرفتن من را ندارد با این حال به هر واحد دیگری برای اشتغال مراجعه می‌کنم به بهانه نقص عضوم مرا نمی‌پذیرند. این کارگر که نگران آینده شغلی و معاش خود است در خاتمه می‌افزاید: با آنکه کارفرما می‌گوید دیه نقص عضو و سایر هزینه‌های درمان من را متقبل خواهد شد، اما من هیچ چشم‌داشتی به دریافت دیه ندارم و فقط می‌خواهم به کار خود بازگردم چرا که دیه تمام خواهد شد اما من برای ادامه زندگی به کار نیاز دارم.

مرگ سه کارگر در زیر آوار ساختمان قدیمی

به گزارش پایگاه خبری 125، در 26 اردیبهشت 92 آمده است: امروز ریزش ناگهانی ساختمان دو طبقه قدیمی در حال تخریب در خیابان جیحون کوچه ابراهیم، بن بست سلطان آبادی مرگ سه کارگر را رقم زد. براساس این گزارش، 3 کارگر ایرانی و افغانی در طبقه اول در حال استراحت بودند که بر اثر ریزش ساختمان در زیر آوار گرفتار شده بودند، آتش نشانان پس از سه ساعت عملیات آوار برداری، سه کارگر که يك نفر آنها نیز از

تبعه افغان بود را خارج و تحویل امدادگران اورژانس دادند. مرگ سه کارگر 21، 25 و 40 ساله توسط امدادگران اورژانس اعلام شد.

گزارشی از وضعیت نیروی کار پروژه ای

به گزارش وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است: انسان برای تامین نیازمندی‌های حیاتی خود و برای تداوم زندگی‌اش وابسته به همیاری اجتماعی است. بدون این گونه مناسبات، زندگی بشر و تداوم آن، امکان پذیر نیست. انسان برخلاف دیگر موجودات با فرد گرایی و زندگی بدون ارتباطات اجتماعی، بدون کار و تولید نعمات مادی نمی‌توانست در موقعیت برتر امروزش قرار گیرد. تکنولوژی‌های مدرن و دانش بالنده، نانو تکنولوژی، کوانتوم و ... و ... برآیند مناسبات کارو تولید است.

ولی بشر در رابطه با خود، با هم نوعش، نتوانسته بر کاستی‌های مناسبات اجتماعی‌اش، بر فاصله‌ی طبقاتی، فقر و بیداد و عدم وجود آزادی اندیشه در اکثریت کشورهای در حال توسعه دست یابد. این نابهنجاری‌ها در رابطه با مناسبات کار و حقوق قانونی نیروی کار، بیشتر از همه جنبه‌های دیگر نمود دارد. اردوگاه کار پروژه‌های نفتی

قبل از مناسبات اقتصادی دولت رفاه یا اقتصاد کنیزی، مناسبات اقتصادی جهان با اعتقاد به اصول لیبرالیسم، به عدم دخالت دولت در امور اقتصادی باور داشت و عمل می‌نمود، همراه با آزادی رقابت و آزادسازی اقتصاد و بازار. عوارض چنین عملکرد اقتصادی، بزرگ‌ترین جنایات تاریخ بشر را (استفاده از گازهای مرگبار و بمباران هسته‌ای) در جنگ‌های اول و دوم جهانی در پی داشت. جنگ‌هایی که میلیون‌ها کشته و معلول از میان زحمت‌کشان به جا گذاشت. ساختار سرمایه‌داری به این گونه چهره راستین و بدون ماسک خود را به نمایش درآورد. در حقیقت اقتصاد کنیزی برای حل بحران‌ها و نابهنجاری‌های دوره‌ای این ساختار کاربردی گردید. پس از سپری شدن مدت زمانی، بحران‌ها در اشکال نوینی بروز کردند و سرمایه‌داری را به چالش گرفتند. با این شرایط سرمایه‌داری به سوی نئولیبرالیسم گرایش یافت.

این بار به جای لشکریان استعمارگر، کارخانه‌های تولیدی را از آمریکا و اروپا به سرزمین‌های فقرزده‌ای فرستادند که در آن یا قانون کاری برای دفاع از حقوق نیروی کار وجود ندارد، یا اگر داشته باشد، اجرا نمی‌شود. در دوران استعمار با اسلحه ثروت‌های مردم جهان را غارت می‌کردند، اینک با صدور کارخانه، بدون حقوق مناسب و تامین اجتماعی نیروی کار و به این صورت کار و جانیشان را می‌ربایند. پس از چند دهه، با وجود معیار ارزش‌های سرمایه‌داری ((کسب سود هر چه بیشتر، به هر قیمتی)) باز بحران‌ها تشدید شدند. آن هم به خصوص در آمریکا و اروپا، ولی تئوریسین‌های نئولیبرالیسم وطنی به رغم تداوم این بحران‌ها هنوز نئولیبرالیسم را تبلیغ می‌کنند. برآیند این تبلیغات پذیرش این مناسبات اقتصادی در ایران پس از جنگ است. ما امروز شاهد شکل‌گیری عوارض این پذیرش هستیم:

بیکاری فزاینده، گرانی و فاصله بزرگ طبقاتی.

وضعیت امروزی کارگران پروژه‌ای

امروزه، نه دولت و نه بخش خصوصی نیروی کار پروژه‌ای صنایع نفت و پتروشیمی ایران را آموزش فنی نمی‌دهند و در این راه هیچ هزینه‌ای صرف نمی‌کنند. جوشکاران دارای کد تخصص که امروزه در این صنایع تکنیکی‌ترین عملیات جوشکاری را انجام می‌دهند، با سخت کوشی و هزینه و استعداد‌های خود در این موقعیت قرار دارند. جوشکاران استنلس، کاپرنیکل، GR6 و آلومینیوم و جوش CO2 و فیترها که می‌باید ریاضیات را تا حدود پایان دوره‌ی دبیرستان به خوبی بدانند و به صورت کار بردی بتوانند از آن استفاده کنند و به این ترتیب بتوانند واحدهای کوچک و بزرگ پالایشگاه‌ها را بسازند، همگی نسبت به کارگران کره‌ای، چینی و فیلیپینی که به جای کارگران فنی و بیکار ایرانی در پارس جنوبی با حقوق‌های 4 میلیون تومانی کار می‌کنند، در استانداردهای جهانی، کیفیت کاری بالاتر و تجربه‌ی بیشتری دارند. بی تردید در جوامعی که انسان و رفع نیاز انسان محور فعالیت اقتصادی باشد در کنار تولید و تکنولوژی پیشرفته درک شایسته‌ای از کار و نیروی کار نیز ایجاد می‌شود و سرمایه‌های انسانی را در چنین جوامعی با هیچ یک از منابع طبیعی یا طلا و .. قابل مقایسه نمی‌دانند. در چنین جوامعی نیروی کار صنعتی، سرمایه‌ی بی‌بدیل محسوب می‌شود. با تاسف بسیار اما این سرمایه‌های انسانی در ایران نه فقط سرمایه محسوب نمی‌شوند بلکه مشتری ((عمله‌جات)) خوانده می‌شوند که وجود یا

عدم وجودشان برای ساختار دلالی - نتولیرالیسم بی ارزش است. زیرا با دلارهای نفتی می‌توانند "عمله جات" مورد نیاز را از چین و فیلیپین و ... وارد کنند. لذا تعجب آور نیست که با مصوبات، هر روز کارگران را از یکی از حقوق‌شان محروم می‌کنند. با تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی علاوه بر بیکاری گسترده، کارگاه‌های زیر ده نفر از قانون کار معاف شدند. این یعنی میلیون‌ها خانوار کارگری نه بازنشستگی دارند نه تامین اجتماعی و نه امنیت شغلی و خانم‌هایی با مدرک فوق لیسانس که در واحدهای زیر ده نفر، مانند آژانس‌ها کار می‌کنند، باید حقوق 150 هزار تومانی دریافت کنند و با بند "ز" مصلحت نظام، کارفرماها، هر کارگری را که اراده کنند، می‌توانند اخراج نمایند. با کارمزد پیشنهادی دولت، کارمزد منعطف، برای همیشه حداقل حقوق از میان می‌رود. در حقیقت این قوانین تصویب شده و در حال تصویب، سرمایه‌های ملی انسانی ما را به تدریج با گرسنگی به کام فقر و اعتیاد و فساد و مرگ می‌کشاند.

تاثیر نگرش نتولیرالیسم بر کار و زندگی یک نیروی کار پروژه‌ای

یک نیروی کار پروژه‌ای در اردوگاه کارش، 23 روز و برای کارگران 24 روز با بدترین شرایط بهداشتی، غذایی و وسایل خواب به سر می‌برد. با روزی 12 ساعت کار برای ساخت پالایشگاه یا پتروشیمی‌ها. به دلیل این که پروژه در حال ساخت می‌باشد، امکانات ایمنی برای حفظ جان نیروی کار بسیار محدود است و به دلیل زمان بندی کار، کار با سرعت و شتاب صورت می‌گیرد که این نیز ایمنی شرایط کار را به شدت کاهش می‌دهد. از سوی دیگر آلودگی‌های صوتی، گازی، شیمیایی بسیار بالا همراه با فشار روزی 12 ساعت کار ممتد. پیمانکاران بی‌توجه به توان متوسط نیروی کار مقدار کار هر فرد را در روز مشخص می‌کنند و کارگران مجبورند، سرعت و شتاب را به کار بیفزایند. این شیوه‌ی کار از نظر روحی نیروی کار را فرسوده می‌کند. وجود اوضاع جغرافیایی خاص مانند پارس جنوبی مزید بر علت است. گرما، شرجی بودن هوا و آلودگی‌های شدید گازی به گونه‌ای که در روزهایی که هوا وارونه می‌شود، با تنفس بوی ادرار (آمونیاک) را استشمام می‌شود و گوشه‌های لب و چشم به سوزش می‌افتد. در این شرایط افرادی که حساسیت دارند دچار مشکل جدی می‌شوند. عوارض دراز مدت این آلودگی‌ها، سوی دیگر این واقعیت است.

حالا چنین فردی می‌خواهد برای 6 روز به مرخصی برود که یک روز آن در راه رفت و یک روز در راه برگشت هدر می‌رود. این انسان باید در هر ماهی تنها 4 روز به تربیت فرزندان و همیاری با همسرش بپردازد. آن هم در صورتی که به این واقعیت توجه نکنیم که او یک جسد خسته را به خانه می‌رساند، نه یک انسان شاد و سرحال که 4 روز حق دارد به خانواده‌اش رسیدگی کند. در سوی دیگر، همسر این نیروی کار پروژه‌ای پس از 23 روز تنهایی و سرکله زدن با گرانی و تورم انتظار دارد همسرش بیاید و کمی از مشکلات خانه را سبک کند. ولی با کسی روبرو می‌شود که تنها قادر است بخوابد و خستگی و فرسودگی را برای خانواده‌اش به ارمغان آورده است. این شرایطی غیرقابل تحمل و نابهنجار است که در عمل به اختلافات و درگیری‌های خانوادگی و در نهایت به جدایی و متارکه می‌انجامد. هر دو هم حق دارند. هیچ یک مقصر نیستند. این وضعیت نابهنجار کار و اجتماع نتولیرالیسم زده است که زندگی آن‌ها را به چالش گرفته و از هم می‌پاشد. ولی هردو از این واقعیت بی‌خبرند و از آن بیگانه. از این رو در جستجوی گناه یکدیگر، اختلافات‌شان تشدید می‌گردد.

با روند نتولیرالیستی حاکم این روند هر روز بیشتر تشدید می‌شود، در حالی که شرایط کار و درآمد یک نیروی کار باید به گونه‌ای باشد که بتواند از مسکن، بهداشت، آموزش و پرورش، تامین اجتماعی و بازنشستگی بهره‌مند گردد و اوقات فراغتی داشته باشد، که بتواند نیروی کار آینده را باز تولید نماید. در این صورت بازده کار او، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی بسیار بالا خواهد رفت و پرت تولید، به شدت کاهش می‌یابد. عدم امنیت شغلی، عدم تامین نیازهای اولیه و حیاتی، نیروی کار را نسبت به کار بی‌تفاوت و کارگزی می‌کند. پیشنهاد اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای به این نارسائی‌های قانونی

طبق قانون کار جمهوری اسلامی و طبق مقوله نامه‌های بین المللی که جمهوری اسلامی آنها را تأیید نموده است، روزانه کار 8 ساعت است و در روز نباید بیش از دو ساعت اضافه کاری وجود داشته باشد، آن هم نه هر روز، زیرا از نظر بهداشت جهانی کار، اضافه کار ممتد عوارض دراز مدت روانی را در پی دارد. در حالی که کارگر پروژه‌ای روزی 12 ساعت کار می‌کند، یعنی هر روز 4 ساعت اضافه کاری. میزان کار کارگر در 2 هفته برابر 168 ساعت می‌شود که 56 ساعت آن اضافه کاری است. محاسبه این 56 ساعت اضافه کار بر اساس ضریب قانونی‌اش برابر با 78/4 ساعت کاری است که در این صورت جمع کارکرد 2 هفته‌ای یک کارگر پروژه‌ای 190/4 ساعت کاری می‌شود که نسبت به 176 ساعت کاری ماهانه‌ی کارهای سخت (که کار پروژه‌ای هم جزو

آنهاست) 14 ساعت بیشتر است و نسبت به 192 ساعت کاری کارهای معمولی تنها 1/6 ساعت کمتر است. اگر تعطیلات رسمی سالانه را محاسبه کنیم که کارگران دیگر از آنها استفاده می‌کنند ولی کارگر پروژه‌ای تمام آن روزها را کار می‌کند، می‌بینیم یک نیروی کار پروژه‌ای طی دو هفته کار بیش از ساعات کار موظف در یک ماه کاری را کار کرده است، آن هم با توجه به سختی و آلودگی‌های کارش. از این رو ما نیروی کار پروژه‌ای پیشنهاد می‌دهیم که کار ماهانه ما می‌باید دو هفته کار و دو هفته مرخصی (با روزانه 12 ساعت کار) باشد تا این حالت اردوگاهی کار ازمیان برود. با توجه به پرشدن ساعت کاری یک ماه کارگران پروژه‌ای، باید کلیه حقوق و مزایا و سختی کار یک ماه کامل به نیروی کار پروژه‌ای پرداخت گردد. ما بابت ارزش بسیار بالای کارمان (تکنیک تولید کارخانه تولیدی) و بابت سختی‌ها و دشواری‌های آن تقاضایی نداشته‌ایم، بلکه تنها انتظار داریم به این موارد قانونی کار نیروی کار پروژه‌ای توجه شود و انتظار داریم، با توجه به این موارد اعلام شده، به این موارد نقض صریح قانون رسیدگی شود.

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای-92/2/15

کشته و زخمی شدن دو کارگر جوان در پی ریزش دیوارکارگاه

به گزارش پایگاه خبری 125، در 27 اردیبهشت 92 آمده است: امروز ریزش ناگهانی دیوار موجب کشته و زخمی شدن دو کارگر جوان در جریان عملیات تخریب ساختمانی در شرق تهران در خیابان وفادار شرقی، بین خیابان 131 و 133 شد. به گفته رمضان بشیریان فرمانده آتش نشانان اعزامی، در محل مشاهده کردیم که دو کارگر از اتباع افغانستان در زیرآوار دیوار مدفون شده بود. وی تصریح کرد: طبق اظهار افراد حاضر در محل، این حادثه به هنگام تخریب دیوارهای یک کارگاه دو طبقه توسط کارگران اتفاق افتاد و منجر به ریزش ناگهانی یکی از دیوارها بر روی این افراد شد. بشیریان افزود: در جریان این حادثه یکی از کارگران کاملاً در زیر دیوار مدفون شد اما کارگر دیگر بنام عزیز 26 ساله نیمی از بدنش گرفتار این آوار شد و جان سالم بدر برد. این فرمانده آتش نشانی مشخصات کارگرفوتی را "ولی 20 ساله" اعلام کرد و افزود: متأسفانه این کارگرافغانی بر اثر ماندن در زیر آوار دیوار و وارد آمدن صدمات زیاد در همان لحظات اولیه جان خود را از دست داد.

یادداشت کارگری کارگران و انتخابات رضا سپردودی

یک ماه مانده به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، با نامزدی رفسنجانی و مشایبی، قطب بندی‌ها و روبرویی‌های جناح‌های رژیم تشدید شده است. مسایل "انتخابات" که تا پیش از ورود این دو نفر در چهارچوب رقابت مهره‌های نزدیک به دستگاه ولایت فقیه تحلیل می‌شد با ورود آنان وضعیت پیچیده‌تری پیدا کرده و "مهندسی" آن را برای خامنه‌ای و سپاه دشوارتر و احیاناً پرهزینه‌تر کرده است. اما صرفنظر از این که شورای نگهبان که سیاست خامنه‌ای را بیان می‌کند چه تصمیمی در مورد نامزدی این دو نفر بگیرد، تا جایی که به کارگران و زحمتکش‌شان برمی‌گردد توجه به سه نکته در لحظه حاضر اهمیت اساسی دارد.

اولاً: کارگران هیچ نفعی در شدیدتر شدن تحریم‌های اقتصادی، افزایش تورم، ادامه تعطیلی کارخانه‌ها و گسترش بیکاری ندارند. قربانیان اصلی سیاست ریاضت اقتصادی و برجیدن یارانه‌ها هم لایه‌های فقیر و محروم جامعه و کارگران و زحمتکش‌شان هستند. در طول هشت سال ریاست جمهوری احمدی‌نژاد ایران به لبه پرتگاه رسیده است. در طول این دوران سیاستی که عملاً پیش رفته سیاست دستگاه ولایت فقیه بوده است. حاصل این سیاست نابودی 70 درصد صنایع کشور، رشد روزافزون بیکاری و تورم بی سابقه، کاهش 50 درصدی ارزش پول و سقوط وحشتناک سطح زندگی مردم است. سیاستی که دستگاه ولایت فقیه از طریق احمدی‌نژاد پیش برد، هست و نیست طبقه کارگر را هدف گرفته است. تعیین حداقل دستمزدی که سه تا چهار برابر زیر خط فقر تعیین شده و تازه همان هم به کارگران کارگاه‌های کوچک پرداخت نمی‌شود، تنها یک نمونه از اثرات این

سیاست هاست. اگر همین سیاست باز هم ادامه پیدا کند، و بویژه در شرایطی که عملاً به سمت معادله نفت در برابر غذا می‌رویم، تحریم‌ها، فاجعه‌ای به مراتب بزرگ‌تر از قتل عام خاموش نیم‌میلیون انسان در دوره تحریم‌های عراق در کشور ما به بار خواهد آورد. بنابراین برای لایه‌های فقیر و محروم، برای کارگران و زحمتکشان، اصلی‌ترین و محوری‌ترین مسأله در انتخاباتی که پیش‌روست تضعیف هر چه بیشتر دستگاه ولایت فقیه و درهم‌شکستن آن است. هر چه این دستگاه ضعیف‌تر شود، شرایط و موقعیت برای طرح مستقل خواست‌های کارگران و زحمتکشان و سازماندهی مستقل آنها بیشتر فراهم می‌شود. برعکس اگر سیاستی که این دستگاه بویژه در 8 سال گذشته به اجرا گذاشت، ولو با عقب‌نشینی‌های جزئی و موردی بخواهد از طریق یک مهره دست‌آموز و این‌بار امتحان‌پس‌داده‌تر خامنه‌ای، چهار سال دیگر ادامه یابد، شرایط برای کارگران و جنبش کارگری دشوارتر و فشارها بیشتر خواهد شد.

ثانیا: اگر چه شکاف‌های جناحی همیشه وجود داشته و باندهای مختلف حکومتی بر سر سهم از قدرت غالباً به‌جان‌هم‌افتاده‌اند، اما فرق مهم شکاف‌های درون‌رژیم در دوره انتخابات با شکاف‌های آن در دوره‌های دیگر این است که در دوره‌های انتخابات بالقوه این امکان وجود دارد که معادلات حکومت از طریق دخالت مردم درهم‌بریزد و لرزش‌های سیاسی مهمی ایجاد کند. بی‌دلیل نیست که حداقل در بیست سال گذشته مهم‌ترین تکان‌های سیاسی با انتخابات‌های رژیم مربوط بوده و بر توازن قوا و آرایش نیروهای درون و حاشیه رژیم تأثیر گذاشته است. درست به همین دلیل رصد حوادث به منظور بهره‌برداری مستقل از فضای حرکتی که می‌تواند از درون این شکاف پدید آید حائز اهمیت است. طرح مطالبات اساسی کارگران و بهره‌برداری از همه‌شکل‌های ممکن روشنگری و اعتراض در بیان این مطالبات و تشکل‌یابی بر محور آن و همسویی با مطالبات عمومی دمکراتیک و ضد دیکتاتوری سایر قشرها و لایه‌های ناراضی در جهت منزوی‌تر کردن دستگاه ولایت فقیه و همدستان آن، در وضعیت مشخص کنونی می‌تواند بخشی از شکل دادن به همین فضا باشد.

ثالثا: انتخابات اگر چه بالقوه می‌تواند معادلات رژیم را درهم‌بریزد و نیروهای زاویه‌داری را به دستگاه اصلی قدرت تحمیل کند و این خود فضای حرکت مستقل برای مردم پدید آورد، اما به‌عنوان سازوکاری برای حق تعیین سرنوشت مردم در نظام جمهوری اسلامی معنا نداشته و ندارد. با وجود ولایت فقیه، شورای نگهبان و نظارت استصوابی، با ممنوعیت احزاب و سازمان‌ها و تشکل‌های مخالف، حق رای مردم همواره لگدمال می‌شود و شده است. اساساً موجودیت نظام جمهوری اسلامی نماد موهن و تهوع آور سلب حق رای عمومی و حق تعیین سرنوشت مردم است. بنابراین حتی اگر در اثر مجموعه‌ای از فشارها و ضروت‌های اجتناب‌ناپذیر ناشی از مقابله با فروپاشی، نامزد زاویه‌داری هم به‌خامنه‌ای و امنیتی‌هایش تحمیل شود، کارگران و زحمتکشان توهمی به هیچ‌کدام از نامزدهای انتخاباتی ندارند. رای واقعی کارگران مخالفت با ولایت فقیه و تحریم قاطع نامزدهای مورد نظر این دستگاه جهنمی، رای به برخورداری از دستمزدهای منطبق با نرخ تورم، رای به پایان فقر و فلاکت، حذف تحریم اقتصادی، حق ایجاد تشکل مستقل و رای به یک زندگی شایسته و انسانی است. بیست و هفتم اردیبهشت ماه نود و دو

دبیر خانه کارگر نیشابور از وجود تبعیض جنسیتی در کارخانه تولید پرز برق خبر داد

به گزارش سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال کارگری در نیشابور از تبعیض جنسیتی در یک واحد تولیدی این شهرستان خبر داد و گفت: کارفرمای کارخانه «صنایع الکترونیکی مهر عطار» در نیشابور با بی‌اعتنایی به قانون کار در پرداخت دستمزد و سایر مزایای قانونی کارگران زن، از نبود فرصت‌های شغلی برای زنان کارگر در بازار کار سوءاستفاده می‌کند.

به گزارش ایلنا محمد عمارلو دبیر خانه کارگر نیشابور در این باره گفت: در این کارخانه 120 کارگر مشغول به کار هستند که حدود 80 نفر از کارگران را زنان تشکیل می‌دهند. این زنان بدون محاسبه ساعت کار، در صورتی که نتوانند به میزانی که کارفرما انتظار دارد، تولید داشته باشند بخش قابل توجهی از حقوق‌شان کاهش می‌یابد. او

افزود: کارفرمای این کارخانه دستمزد قانونی مطابق آنچه که شورای عالی کار مصوب کرده است را به کارگران خود پرداخت نمی‌کند.

این فعال کارگری اضافه کرد: در این کارخانه تولید پریز برق، هر ماهه به بهانه‌ای از سوی کارفرما حقوق کارگران به صورت چشمگیری کاهش می‌یابد، به طوری که این زنان - که عمدتاً سرپرست خانوار هستند - در تأمین معاش خانوار خود با مشکل جدی مواجه می‌شوند.

این فعال کارگری درباره سایر مشکلات کارگران گفت: علاوه بر حقوق سوابق بیمه کارگران نیز با مشکل روبروست و با فاصله پرداخت می‌شود. همچنین کارگران این واحد تولیدی مدعی‌اند بهداشت و ایمنی کار در این واحد تولیدی رعایت نمی‌شود.

دبیر خانه کارگر در خاتمه متذکر شد: به موجب قانون کار، خودداری کارفرما از اجرای مصوبه حداقل مزد شورای عالی کار و پرداخت مزد کمتر از حداقل تعیین شده تخلف تلقی شده و مستوجب مجازات است.

کسر حقوق به بهانه کار بیشتر جرم است

در این زمینه یکی از کارگران این کارخانه نیز اظهار داشت: کارفرمای کارخانه صنایع مهر عطار با بی‌اعتنایی به قانون کار، در صورت ناتوانی کارگران برای انجام کار بیشتر بخشی از حقوق آنان را کسر می‌کند. این کارگر که خواست نامش فاش شود افزود: با وجود اینکه اکثر کارگران این واحد را زنان تشکیل می‌دهند، به دلیل شرایط بازار کار ناچار به اطاعت از خواست کارفرما هستند.

این کارگر در پایان اضافه کرد: با وجود آنکه این بی‌قانونی اکنون در کارخانه باب شده است اما اخیراً با فشارهایی که از سوی کارگران و تشکلات کارگری در این مورد به کارفرما وارد شده است، این مشکل کمتر از گذشته شده است.

روایتی از مونتاژکاران کلیس و گل سر هاله صفرزاده

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/05/blog-post_9655.html

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در 27 اردیبهشت 92 آمده است: در کنار کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ صنعتی که هزاران کارگر را در استخدام خود دارند، کارگاه‌های کوچکی در کوچه پس کوچه‌های شهر، یا شهرک‌های اطراف، وجود دارند. کارگرانی که در این کارگاه‌ها کار می‌کنند از حداقل دستمزد هم محرومانند. هیچ حمایت قانونی از آنان نمی‌شود و هیچ نظارتی بر آنان نیست.

تولید یا اقتصاد خرد، یکی از مشخصه‌های مناسبات اقتصادی کشورهای پیرامونی است، امکانی را فراهم می‌کند تا کسانی که سرمایه‌ی اندکی دارند بتوانند با راه‌اندازی چنین کارگاه‌هایی درآمدی داشته باشند و بتوانند زندگی را بگذرانند. معمولاً این افراد یکی دو نفر کارگر یا خانه‌شاگرد را در استخدام خود دارند که خود نیز پایه‌ی آن‌ها کار می‌کنند. این همراهی در کار سبب می‌شود که رابطه‌ی خاصی بین کارفرما و کارگر به وجود آید. بعد هم به تدریج خود تبدیل به سرپرست تولید می‌شوند و حقوق‌بگیر فرد دیگری که سرمایه‌ی بیشتری دارد. و این‌گونه در رقابت با سرمایه‌های بزرگ از گردونه خارج می‌شوند. بیشترین کسانی که در اقتصاد غیررسمی مشغول به کارند، زنان هستند.

مصاحبه‌ی زیر آن‌چنان گویاست که نیازی به هیچ تحلیل و تفسیری ندارد و ما را با زندگی گروهی از کسانی که در این بخش مشغول به کارند آشنا می‌کند.

در یکی از شهرک‌های کوچک و دورافتاده‌ی اطرافِ یکی از شهرک‌های بزرگ‌تر اطراف کرج، سراغ از زنانی گرفتم که برای کسب درآمد و کمک به درآمد خانواده مشغول به کارند و این کار را در محیط زندگی خود یافته‌اند. هر چند درآمدش بسیار اندک است، اما برای آن‌ها بهتر از هیچ است و غنیمتی است که حاضر نیستند آن را از دست بدهند.

وارد شهرک که شدیم، همه چیز گواه از فقری می‌داد که ساکنانش با آن دست به گریبان‌اند. فضاهای عمومی شهرک ناقص و تکمیل‌نشده رها شده است. انگار گردی از خمودگی و ... بر روی ساختمان‌ها پاشیده‌اند. همه چیز خاکی رنگ به نظر می‌رسد حتی گیاهان سبز نیز از شفافیت و طراوت گیاهان فضاهای سبز بالای شهر محروم‌اند.

زن جوان تحصیل کرده‌ای که بیکاری و فقر او را نیز به همراه همسرش به این شهرک پرتاب کرده، ما را با این زنان آشنا کرد. بیکاری او را هم وادار کرده بود زمان‌های خالی وقتش را با ساختن کلیپس در منزل پر کند و درآمد اندکی کسب کند. به دنبال کار بود. دور بودن شهرک از مناطق اصلی که می‌توان در آن کار یافت، دلیل دیگری است که فرصت دست‌یابی به شغل مناسب را برای او و دیگرانی که شرایط مشابه با او دارند، کمتر کند. محل کارشان آپارتمانی بود در طبقه‌ی اول یکی از ساختمان‌های نیمه‌تمام شهرک. هنگام بالا رفتن از پله‌ها سرم محکم به طاق خورد. امکان نداشت کسی برای بار اول از پله‌ها بالا برود و سرش به طاق نخورد، باید سر را کاملاً خم می‌کردی و از پله‌ها بالا می‌رفتی. مشخص بود که پله‌ها و طبیعتاً کل ساختمان مهندسی‌ساز (!؟) است نقشه‌اش حرف نداشت! نیاز به ابتکار و خلاقیت زیادی داشت تا بتوان چنین شاهکاری درست کرد.

خندیدیم و گفتیم: «دستش درد نکند با این نقشه، دزدگیر رایگان ساخته است.»
آپارتمان یک‌خوابه و 50 متر بود و با موکت فرش شده بود. در آشپزخانه‌ی اوپن آن بسته‌ها و کیسه‌های حاوی کلیپس‌های ساخته شده انبار شده بود. در وسط حال طاقه‌ی پارچه‌ای باز بود و خانمی مشغول برش بود. گوشه کنار هال پر بود از طاقه‌های پارچه. میز کوچکی هم در زیر پنجره قرار داشت که روی آن پارچه‌های بریده‌شده به ترتیب رنگ و اندازه چیده شده بود. روی دیوار نیز تابلویی نصب شده بود که رویش انواع مختلف کلیپس و گل‌های پارچه‌ای به صورت تابلویی خودنمایی می‌کرد. برای جلب اعتماد و گرفتن اجازه برای صحبت با سایر خانم‌ها مصاحبه را با کارفرما شروع کردیم.

کارفرمایشان نیز زنی از جنس خودشان است. سرمایه‌ای داشته و کمی زرنگی و همسری که به دلیل بیکاری همراهش شده تا به اینجا رسیده است. این‌ها تنها تفاوت‌هایی است که میان آن‌ها می‌توان مشاهده کرد. با اکراه پذیرفته بود مصاحبه کند. ترس و نگرانی از چهره‌اش موج می‌زد. نگرانی‌ای که نیم ساعت پس از شروع مصاحبه رنگ باخت و کم کم به اعتماد تبدیل شد. در انتها نیز احساس امنیتش را با دعوت صمیمانه برای نهار نشان داد.

چهل و پنج ساله بود و یک سالی می‌شد که به اصطلاح کارفرما شده بود. به اصطلاح به این زنان می‌گویند خوداشتغال یا کارآفرین. صحبت را این‌گونه آغاز کرد: «قبلش من خودم مونتاژ کار بودم. در منزل خودم کارها رو می‌گرفتم و پخش می‌کردم. الان یک‌سالی است که اینجا رو اجاره کردم.»
می‌گفت بعد از بزرگ شدن بچه‌ها، برای اینکه پس‌اندازی برای خودش درست کند، کار را شروع کرده بود: «اول فکر می‌کردم خیلی خوبه که هم من کار می‌کنم و هم شوهرم. می‌توانم کمک خرجی باشم. بعد از بدشانسی یا شاید شانس، شوهرم کارش تق و لقی شد. شوهرم پیمان‌کار بود. الان همه‌ی کارهای پیمان‌کاری را بیشتر سپاه و ارگان‌های دیگر می‌گیرند. آدم‌های بدون رابطه مثل شوهر من شدند اولویت‌های چندمی که در مناقصه‌ها کنار گذاشته می‌شوند. کارشان که اینجوری شد، تأمین زندگی افتاد روی دوش من. شاید اولش کارم به‌عنوان یک تفریح و کمک بود ولی بعد جدی شد و به اجبار تبدیل شد. اولش خیلی خوشم می‌اومد اما الان دیگه خسته‌کننده شده است. این کار را با یک میلیون سرمایه هم می‌توان شروع کرد، در نتیجه دست توی بازار زیاد شده. رقابت بیشتر شده و باید تولید را با قیمت پایین‌تر زیاد کنیم. الان تنوع کار مهم است.

اولین بار که با این کار آشنا شدید چطور بود؟

اولین بار یکی از دوستانم که شوهرش در کار دچار مشکل شده بود، این کار را در بازار تهران شروع کرده بود و آورد اینجا. آن موقع می‌گفتم من این جور کارها را دوست ندارم. این کارها بیگاری است. بیشتر بازاری سود می‌برد. ولی وقتی خودم شروع کردم و آوردمش در خانه، کم کم دیدم نبودنش برایم سخت بود، با اینکه

می‌دانستم در روز 1000 تومان بیشتر نمی‌توانم کار کنم. البته این مال دو سال پیشه. فکر می‌کردم بهش علاقه‌مند شده‌ام. اینجوری شد که کار را شروع کردم و بعد هم که مسأله بیکاری شوهرم بوجود آمد، مجبور شدم که سرمایه هم بگذارم.

شوهرتان چه دیدی نسبت به کار شما داشت؟

اوایل می‌گفت اصلاً کار نکن. چقدر در روز درآمدی من بهت میدم؛ بمان و خانه‌داری کن. من چون علاقه پیدا کرده بودم می‌گفتم نه. من کارم را می‌کنم و سعی می‌کنم به کار خانه لطمه نزنم ولی بعد که اجبار شد، این اولویت ما شد و کار خانه کم‌رنگ شد. یعنی الان دیگه من در خانه کار را سرهم‌بندی می‌کنم و رسیدگی به بچه‌ها مثل قبل نیست.

چند تا بچه دارید؟

دو تا. یکی شون 20 سالشه و یکی 12 ساله.

بچه‌ها نظرشان درباره کار چیست؟

پسر بزرگ من که شرایط را بیشتر درک می‌کند. خیلی دوست ندارد ولی به حالت اجبار قبول کرده که فعلاً باید زندگی اینطور باشد تا چرخ زندگی بچرخد. پسر کوچکترم اوایل برایش مهم نبود ولی الان دوست داره من بیشتر در خانه باشم و بیشتر بیرون برویم، مخصوصاً تابستان‌ها برایش سخت‌تر می‌شود. مخصوصاً این کار، کاری است که ساعت کاری ندارد. انگار طوری می‌شه که آدم همیشه وقف کاره. مثلاً روزهای تعطیل هم بعدازظهرها سعی می‌کنم بیایم.

حداقل روزی چند ساعت کار می‌کنید؟

من 9 صبح کار رو شروع می‌کنم تا 1/5 و از بعد از ظهر 4 شروع می‌کنیم تا نه و ده شب. تقریباً ده ساعت می‌شود.

روزی ده ساعت کار چقدر درآمد دارد؟

الان یه آقایی که تو بازار مغازه دارد گفته سرمایه خودت را از کار بیرون بکش سرمایه و اجاره و تدارکات اینجا را خودم می‌دهم و جنس رو هم خودم می‌آورم و می‌برم و شما مدیریت کارگاه را داشته باش، قرار شده اگر 1000 جین رو تحویل بدهم، ماهی یک میلیون تومان و اگر 500 جین بدهم پانصد هزار تومان به من بدهد. یعنی بستگی به کار داره و حقوق ثابتی برایمان نگذاشته. چون من قبلاً کار می‌کردم مونتاژکارها من را می‌شناسند و به خاطر من و اعتمادی که به من دارند برای کار می‌آیند. آن‌ها هر موقع با من کار کردند، پول‌های‌شان به موقع داده شده است. در واقع هم تجربه و هم اعتماد دیگران و به نوعی اعتبار کار را من گذاشتم و سرمایه از آن آقا هست.

یعنی الان شما با این حقوق راضی هستید؟

من یک ماه می‌خواهم با این روش کار کنم. بعد مقایسه کنم با وقتی که با سرمایه‌ی خودم کار می‌کردم و بعد تصمیم می‌گیرم. من با سرمایه‌ی خودم که بودم اینقدر سفارش نداشتم. ولی الان سفارش زیاد است و مونتاژکار می‌داند کار همیشه هست و می‌آید. چون الان اینجور تولیدی‌ها زیاد است. مونتاژکار اگر بینه کار نیست، سریع به تولیدی دیگری می‌رود. ولی اگر این آقا کارش پیوسته باشد مونتاژ کار اینجا ثابت می‌شود و می‌داند اینجا دائمی است و این بهتر است.

با چند نفر کار می‌کنید؟

تعداد متغیر است. تابستان مونتاژکار زیاد است و تعداد به 50 نفر می‌رسد، ولی زمستان که هوا سرد است و مدارس هم باز می‌شود، حدود 25 نفر است. به طور متوسط 40 نفر. یک نفر برش‌کار هست که ثابت. از وقتی این آقا سرمایه گذاشته و کار زیاد شده، ما تصمیم گرفتیم یک نفر را ثابت نگه داریم. ولی قبلش من خودم کارها را آماده می‌کردم. زمستون کار اینجا خیلی سخته چون وسیله‌ی گرمایشی بخاری برقیه.

اگر کسی تازه و ناآشنا باشد چگونه با او کار می‌کنید؟

اگر تازه اینجا ساکن شده باشند که آدرس و شماره‌ی تلفن می‌گیریم و اگر کسی معرفی کرده باشد که بیشتر رغبت داریم به خاطر اعتمادی که به طرف داریم. به او کار را آموزش می‌دهیم و بابت آن مبلغی نمی‌گیریم. بابت جنسی هم که می‌دهیم، مبلغی نمی‌گیریم. ولی جاهایی هستند که بابت آموزش بیست هزار تومان می‌گیرند سه مدل آموزش می‌دهند به شرط کار.

چند تا کارگاه مثل شما الان هست؟

خیلی زیادند. الان تو همین محدوده دو تا هست. بعضی هستن که کار کم دارند. از همان اتاق خودشون شروع می‌کنند. توی مجتمع‌ها که باشی ایراد زیاد می‌گیرند. صاحبخانه‌ی ما خودش مشکلی نداره، اما ساکنین مجتمع ایراد می‌گیرند که هرکسی میاد اینجا و رفت و آمد زیاده.

چقدر اجاره می‌دهید؟

پارسال با همه‌ی مشکلات اینجا که گاز نبود و ... یک میلیون پول پیش و صد و بیست هزار تومان اجاره. الان می‌گه دو میلیون و دویست تومان. [1]

خانمی که اینجا مشغول بشود، چقدر می‌تواند درآمد داشته باشد؟

اگر حالت سرگرمی داشته باشن، در ماه روی صد هزار تومان می‌شود حساب کنند. اگر جدی باشن و نیاز داشته باشن دویست تا 250 تومان.

بابت هر کار چقدر می‌گیرند؟

مثلاً این مدل که گران‌ترین هم هست، دویست تومان برای دوخت و دویست تومان برای مونتاژ می‌گیرند.

چقدر زمان می‌برد همین مدل؟

ان الان یکی هست که در طول یک ساعت یک جین می‌دوزد. فقط برای دوختش ساعتی 2400 تومان می‌گیرد. در روز برای دوخت 5 تا 6 هزار تومان درآمد دارد.

کار به شکلی هست که یکی فقط دوخت انجام بدهد و یکی مونتاژ؟

بله این کار اینجوری هست. امکانات دوخت را همه ندارند. ما جدا کردیم. من همیشه دوست دارم افرادی که با من کار می‌کنند راضی باشن. شخصی که کارش رو می‌کنه سریع بهش پول پرداخت بشه تا با رغبت بیشتری کار کند.

یعنی اگر من الان دو جین کار را بیاورم و تحویل بدهم، پول دو جین رو می‌گیرم؟

بعضی‌ها نیاز مالی دارند و خودشون می‌گویند زمانی که کار را تحویل می‌دهیم پول رو می‌خواهیم و من برای این افراد، سریع پولشان را پرداخت می‌کنم، البته اگر از بازار پول را بگیرم و برای بقیه یک مقدار را می‌دهم و به مقداری مثلاً ده تومان می‌ماند برای کار بعدی.

من آدمی بودم که به کارهای هنری هیچ علاقه‌ای نداشتم و کسی بودم که همه‌ی کارهای هنری و کاردستی مدرسه‌ام را می‌دادم بچه‌های دیگر انجام بدهند. فکر می‌کنم این اتفاق عجیبی توی زندگی من بوده. اما تو ذهنم همیشه این بود که مدیریت جایی رو به عهده بگیرم. اما تصور نمی‌کردم به تولیدی داشته باشم. چون نه کاری بلد بودم و نه ارث پدری داشتم که بگم کاری راه می‌اندازم. حالا امیدوارم کار به جای بهتری برسد تا من واقعاً مدیر باشم و درآمدش خوب‌تر باشد و من فقط نظارت کار را داشته باشم.

در این صورت مدیر برای کار آدم دیگر می‌شوی و حقوق بگیر هستی و استقلال رو نداری؟

آره ولی اینجوری به سرمایه بزرگ می‌خواد. این کاری که الان شما می‌گی 30 یا 40 میلیون سرمایه می‌خواد. الان این آقا 20 تومان پارچه و چسب و بقیه‌ی چیزها خریده برای کارگاه. (بیست میلیون منظوره) او سودش رو می‌بره، چون خودش در بازار است. اما من تولید کننده هر چقدر هم بخوام نمی‌توانم. همین جنس را چون بازار دست خودش است هر چقدر بخواهد به شهرستان می‌فرستند، اما من تولیدکننده که جنس را برای بازاری ببرم، با اینکه می‌داند چقدر برام تمام شده اما قیمت پایین برای خرید می‌دهد و من اگر نخوام جنس رو دستم بماند، مجبورم به او بدهم.

اگه خودت بخوای تولید کنی، هر کدوم چقدر برایت هزینه می‌شود با دستمزد؟

برای خودم هر جینی ۱۸ هزار تومان در میاد و من 24 هزار تومان می‌فروختم یعنی با شش هزار تومان سود. با مغازه‌ها کار می‌کردم و با بازار کار نمی‌کردم چون بازاری‌ها اغلب پول نقد به آدم نمی‌دهند اگه هم پول نقد بدهند به جین کار بهت میدن با یک تومان سود. می‌گویند چون مدام بهت کار می‌دهیم یک تومان استفاده است. (الان همین جینی که آقای ... همان کسی که الان باهاشون کار می‌کنم به ما می‌دهند. او می‌گوید سرمایه از من ولی در هر جین تو یک تومان استفاده بپر. ولی قبلاً من همین رو به عنوان تولیدکننده می‌بردم بازار می‌گفت من 50 یا 60 جین بهت سفارش میدم. صد جین را شما با یک تومان سود حساب کن.

تو این مدت که کار کردی با چه مشکلاتی مواجه بودی؟

من به مشکل خاصی برخورددم. شاید به خاطر رضایتی که کسانی که با من کار می‌کنند دارند. مثلاً من یکی از دوستانم کار می‌کرد ولی کارش بهم خورد. شاید به خاطر بی‌برنامه‌گی کار بود. چون این کار علیرغم ظاهر

ساده‌اش باید برایش برنامه‌ریزی داشته باشی تا پارچه‌ات هدر نرود. من نظرم این است اگه مونتازکارم راضی باشد، مواظب جنس من خواهد بود. چون من هیچ تضمینی ندارم بابت جنسی که می‌دهم. مثلاً به وقت پنج جین کارم در خانه کسی می‌ماند. اگر تحویل ندهد من نمی‌توانم بروم در خانه‌شان و داد و بیداد کنم. ولی همیشه کارها را راحت و تمیز برایم می‌آورند. به نظرم اگر طرف رغبت داشته باشد، کار را خوب انجام می‌دهد. ولی این دوستم پول را از بازار گرفت و برای دادن به مونتازکار تعلل کرد و مثلاً یک ماه به مونتازکار بدهکار بود. شما به مونتازکارهایت پول به موقع می‌دادی، آیا کسانی که در بازار به آنها کار می‌دادی هم پول شما رو به موقع می‌دادند؟

من همیشه به پولی جدا می‌گذاشتم تا مونتازکارها راضی باشند. مغازه‌دار اول 50 جین سفارش می‌ده و پول 30 جین را پرداخت می‌کنه. دفعه‌ی بعد 70 جین سفارش می‌ده. ما باید پول 70 جین را داشته باشیم تا بتوانیم برایش تولید کنیم. سعی می‌کردم برای 70 جین بعدی پولی داشته باشم که به مونتازکار بدم. همه‌ی مغازه‌ها اینطور نیستند. بعضی‌ها کم سفارش می‌دن و پول رو هم به موقع می‌رسونن. الان صاحب‌کارم جینی هزار تومان می‌دهد و هزینه‌ای هم نمی‌پردازم. اگر همسرم دوباره کار شروع کنه و درآمد خوبی داشته باشه، از کار خداحافظی می‌کنم.

خب اینایی که به شما وابسته شدن چطور می‌شوند؟ از اول هم انگار یکی هلم داد در کار. سرمایه هم یکی به من داد تا من را توی کار بیاورد. اگه دو سه نفر در کار باشند و حالت نظارتی باشد، شاید بتوانم بمانم و وقت بیشتری داشته باشم. مدل‌ها رو خودتون طراحی می‌کنید؟ بعضی‌ها بله و بعضی هم کپی است.

مونتازکارهایی که کار می‌کنند چه طیف خانم‌هایی هستند؟ بیشتر اون‌هایی هستند که می‌خواهند به کمکی به خانواده بکنند. خیلی نمی‌خواهند خودش را اذیت کنه. به چیز کوچیک که برای بچه‌هاشون خرج کنند. مثلاً این خانم می‌گفت می‌خواهم 50 تومان هزینه‌ی فلان کلاس پسرم را بدهم. شوهرشون سر کار می‌ره و خونشون رو دارند. به سری وام‌های خانوادگی دارند که نمی‌خواهند از شوهرشون بگیرند. مثلاً وامشون 50 هزار تومانه. میان کار می‌کنند و وامشون رو می‌دن و اون وام رو هم مثلاً طلا برای خودشون می‌خرند. یا وسایل خانه را عوض می‌کنند. ولی اون طیفی که شما مدنظرتون هست و نیاز به این پول دارند اصلاً تو کار هم ضعیف‌تراند. انگار عادت کردند پول بهشون برسد. این‌ها یاد گرفتند پول رو بگیرند... رفتند خودشون را به امداد و خیریه معرفی کردند و تن به کار نمی‌دهند. می‌ره داد و بیداد راه می‌اندازه و وام می‌گیره. ما خودشیان تیل‌شان می‌کنیم. خانمی هست که بیماری داره؛ توی استخرها را تمیز می‌کرده ولی این خانم تعهد کاری نداشت. دلم می‌خواست بهش کمک کنم. دخترهای دانشجو هم هستند؟

دخترهای دانشجو بعضی‌شون تابستان آمده بودند و کار را دیده بودند و خوششان آمده بود برای کار. اغلب‌شون هم چون دانشگاه آزاد بودند و می‌گفتند ما هزینه‌ها رو گردن خانواده‌هامون می‌اندازیم می‌خواستن تابستان به کمکی باشه برای ترم جدیدشون یا خرج روزانه‌شان را در آورند. در کار شما چه برخوردهایی با یک زن می‌شه؟

اوایل چون خودم به بازار نمی‌رفتم، فکر می‌کردم بازاری‌ها خیلی دیدشون تغییر کرده نسبت به زن‌های شاغل. اما دیدم نه اینطور نیست و مردها همون دید منفی قدیمی را دارند. برای من نسبت به سنم برخوردها با من فرق داشته، اما می‌بینم دخترهای جوانی که می‌یان، بازاری‌ها به جور دیگه فکر می‌کنند. فقط دو یا سه بار اول، فرد رو به خاطر کارش قبول دارن، ولی دفعه‌ی چهارم فقط به خاطر لحظاتی که با هم باشند، قبولش دارند، حتی اگر کارش بد باشه. فقط واسه اینکه طرف دو ساعتی تو مغازه باشه. همین که شماره‌ی تماس طرف رو داشته باشه، کافیه؛ حالا اگر کار را هم نرسوند ایرادی نداره. بعضی زن‌ها هم از این قضیه سوء استفاده می‌کنند.

فقط گفت‌وگو شکل می‌گیره یا رابطه هم هست؟ نه خب فقط گپ نیست و پیش می‌ره. حتی اینکه طرف همسر هم داشته باشه. انگار دیگه مهم نیست. تعهدها اصلاً برای مردها و زن‌ها مهم نیست.

این مسأله هست که کسی به خاطر اینکه کار داشته باشد به این درخواست‌ها پاسخ مثبت بدهد؟

خودتون شخصیت مردها رو می‌شناسید. تا زمانی که بخواهند استفاده می‌برند، وقتی ببینند که منفعت و حالت قبل رو برایشان ندارد، همه‌چیز رو تمام می‌کنن. به خاطر همین پسر بزرگم را وارد کار کردم تا کار بازاریابی و... را انجام دهد. من خودم شخصاً دوست ندارم با یک مرد به عنوان صاحب‌کار صحبت کنم. تا حالا تجربه‌ی سوءاستفاده‌های اینچینی را در کارتان داشته‌اید؟

نه. همیشه ما باید اجازه ندهیم طرف طور دیگری با ما برخورد کند. من اعتقاد دارم که رفتارهای ما باعث بازخورد رفتار دیگری می‌شود. شخصی که بازار می‌ره باید پوشش اون مناسب کارش باشه. نظر شما در مورد این که خانم‌ها کار کنند و درآمد داشته باشند چیست؟

من شخصاً قبل از اینکه کار رو شروع بکنم، رویای دختری‌ام این بود که زنِ خانه باشم. من خانه را جای بدی نمی‌دانم که زن به تربیت بچه‌ها و آسایش شوهرش هم برسد. خودش هم آرامش پیدا می‌کند. این هم نیست که فقط بشور و بساب باشد. من که خانه بودم ۹ صبح که از خواب بیدار می‌شدم و خانه هم خلوت بود. تلویزیون روشن بود و شبکه‌هایی که آموزش خانواده و روان‌شناسی بود را گوش می‌کردم در ضمن کار هم می‌کردم وقتی بچه‌هایم می‌آمدند با بچه‌ها صحبت می‌کردم. ولی الان که به خانه می‌روم، اصلاً از بچه‌ام نمی‌پرسم تو مدرسه چیکار کردی. چون اینقدر که ذهنم درگیر شده، الان من حتی با همسر هم صحبت نمی‌توانم بکنم. تا می‌خواهم حرف بزنم می‌بینم چقدر کار دارم. نه اجازه می‌دم او حرف بزنه نه خودم سعی می‌کنم هم‌کلام بشوم.

شخصاً دوست دارم یک زن در خانه باشد که از لحاظ مالی مشکل نداشته باشه. چون حس می‌کردم ممکن است به بچه‌هایم از لحاظ روانی ضربه بخورد. اصلاً به شوهرم و خودم فکر نمی‌کردم. فکر می‌کنی کار در کدام حوزه‌ها مناسب خانم‌هاست؟

من شخصاً دوست داشتم تحصیلات عالی داشتم. هم شخصیت زن بهتر می‌شد و کارهای سطح بالا می‌گرفت. البته من باهاشون صحبت نکردم آیا وقتی کلاس و سطح کار بالا است، دغدغه کمتر می‌شود یا نه؟ چون من خیلی خسته‌ام هم دغدغه‌ی فکری دارم چون حساب همه رو نگه می‌دارم و هم خستگی جسمی. من خودم اگر تحصیلات عالی داشتم شاید قبول می‌کردم.

از وقتی رفتی سر کار، میزان همکاری شوهرت در کار خونه چطور بود؟

وقتی خودم باشم و دارم کار می‌کنم، در کار خانه کمک می‌کنه ولی الان او مدم اینجا و اون تا ظهر خونه است، چون من نیستم کار نمی‌کند. البته بستگی به حالش داره و یه وقت‌هایی کار می‌کند. البته مرد که بیکار شود خیلی به مرد ضربه می‌خورد. یک بار که رسیدم خانه پسرم گفت مامان او مد و من گفتم نه بابا او مد. خیلی بهش برخورد و گفت هنوز جای بابا را نگرفتی. دو سال پیش که درآمدش خوب بود ما خیلی خوب خرج می‌کردیم. ولی الان که من هستم باز مثل قبل نشده. حس می‌کنم مردها پول‌هاشون برکتش بیشتر است. البته گرانی هم نسبت به دو سال پیش بدتر شده است.

شوهرتون رو این درآمد نظارتی داره؟

نه. از اول هم دوست نداشتم دخالت کنه چون سرمایه هم از خودش نبود. شاید اگه یک میلیون سرمایه‌ی اولیه از خودش بود پیگیر می‌شد. روز اول هم که کارم را شروع می‌کردم، می‌گفت مطمئن باش که کارت نمی‌گیرد. بهم موج منفی می‌داد که تنها کسی که از کار تو سود می‌بره، کلیپس فروش و پارچه‌فروش و بقیه هستند. ولی ظرف یک سال 4 تا 5 میلیون سود داشتم. که همه را خرج کردم و سرمایه‌ی اولیه را هم می‌توانم برگردانم. می‌شود ماهی 500 یا 600 تومان.

حالا شوهرت خوشحاله از اینکه کارتون گرفته؟

هنوز نه. همیشه یه جو ناامیدی بوده در خانه‌ی ما. تازه تازه دارم خودم را باور می‌کنم. شاید به خاطر جو منفی خانه بوده. اگر شوهرم بگه این کار داره راه می‌افته.

فکر می‌کنید چقدر امکانش هست یه زن در جامعه کار را شروع کند؟

اول که کار رو شروع کردم گفتم چه خوب که می‌شه با یه تفنگ چسبی و مقدار کمی پول کار را شروع کرد که درآمد داشته باشه. به نظرم کسانی که فکر کارآفرینی دارند می‌توانند مثلاً توی همین بازار تهران که آدم می‌ره می‌تونه ایده‌ی کار پیدا کنه. ولی متأسفانه کارهای دلالی خیلی راحت‌تر از تولیدی است. یه سری پخش‌کننده هستند که کار را ارزان‌تر اما نقدی می‌خرند 50 جین را با دو تومان استفاده می‌خرند ولی همون کار را با سود بیشتر می‌فروشند. یعنی تولیدکننده را در بازار له می‌کنند. کاری را که از من می‌خرند 20 تومن به شهرستان‌ها

می‌فروشند 30 تومن. ده تومن استفاده می‌کند در حالی که من تولیدکننده فقط 5 تومن سود کرده ام. این کار دیگر دولت باید باشد حمایت هم بکند. تولیدکننده هر چه بدود نمی‌تواند خودش را بکشد بالا. یعنی هیچ کس از شما تولیدکننده‌ها حمایت نمی‌کند؟

نه.
این گرانی‌ها و حذف یارانه‌ها چقدر روی کارتان تأثیر داشت؟ خیلی تأثیر نداشت. چون کلیپس خیلی چیز ضروری زندگی نیست. الان خریداری که از من جنس می‌خره، بازار این را از من دو هزار تومن می‌گیرد این جنس رو 5 هزار تومن می‌فروشد و الان 5 هزار تومن خیلی به چشم نمیاد ولی اگر به دفعه دو برابر می‌شد به چشم میومد. پارچه خیلی گرون شد؟

قبل عید یک بار گرون شد که ما قیمت‌ها رو کشیدیم بالا. مونتاژکارها می‌گفتند کار را گران کن. دستمزد را گران کن. گفتم نه قبل از عید به خاطر پارچه هزار تومن گران کردیم. بعد عید هم هزار تومن دستمزد شماها را می‌کشیم بالا.

در این یک سال چقدر افزایش پیدا کرد؟ افزایش زیاد نبود. حساب کن تقریباً صد تومن در هر کار اضافه‌تر شده. کاری را که پارسال دونه‌ای دویست تومن می‌دوختند امسال 300 تومن می‌دوزند. بیشتر به این کار عادت کردند چون کار سلیقه‌ای است. یعنی نمی‌توانند روی 500 هزار تومن درآمد ماهانه حساب کنند. ماهیانه حداکثر درآمدشون 200 هزار تومن و یا 250 هزار تومن می‌شه.

این که اصلاً چیزی نمی‌شه! نه؟

می‌دونم ولی کاجی به از هیچیه.

چند درصد از این خانم‌ها که کار می‌کنند سرپرست‌اند و خرج زندگی رو می‌دهند؟ چون مبلغ قابل‌توجهی نیست شاید آن‌ها یک مدتی بیایند. ولی بیشترشون زود این کار رو رها می‌کنند و می‌رن مثلاً سراغ نظافت‌چی‌شدن. سراغ کاری که بدانند که هر ماه 400 تومن می‌گیرند. من فکر می‌کنم که ما مثل آهن‌های گداخته‌ای هستیم که با چکش به‌شان شکل می‌دهند...

[دختر جوانی وارد شد و در مورد سهمیه‌ی یکی از خانم‌های مونتاژکار سوال کرد و مکالمه‌ی ما نیمه‌تمام ماند.]

- پس چه کار کنیم؟

- باید صبر کنیم آقای ر... بیاید.

- برای مریم برش زدی.

- دوحین برایش گذاشتم.

- نه برایش 5 تا بگذارید. نداریم.

- از این دو رنگه‌ها می‌زنیم، ساتن دو رنگه‌ها ...

- چه اندازه برش بزوم؟

- پایه‌ها 16 رویش نصف بشه... گل‌هاش هم 8 سانت از مشکی.

...

بیخشید تا شما کارتان را انجام دهید، می‌شود با این خانم‌ها هم صحبت کنیم؟

اعظم خانم تازه اومده با ما همکاری می‌کنه. آرایش‌گر هم هست.

کار آرایش‌گری را داری این کار را هم انجام می‌دی؟ کدام یک را بیشتر دوست داری؟

آرایش‌گری درآمدش بیشتره راحت‌تره.

پس چرا اومدی این کار را انجام می‌دی؟

چون کار هنری را دوست دارم. نه! راستش توی این منطقه مشتری آرایش‌گری هم کمه. درآمد کمه باید بیکار بشینم تا شاید یک مشتری بیاد. خب می‌آیم اینجا. یک سالی هست که مرتب می‌آیم. من کار را می‌برم برای

این و اون. پخش‌کننده‌ی کار هستم.

می‌تونی از مشکلات کار بگی؟ از خانم‌هایی که برایشان کار می‌بری؟

اکثراً قشر کم‌درآمد هستند که مجبوراند کار کنند. من جایی که می‌برم از اینجا محروم‌ترند. اکثراً شوهران‌شان

معتاده، بیکاره، بچه زیاد دارند. یک جوری باید خرج زندگی‌شون را در بیارن. زنا‌ی آنجا خیلی بیچاره‌اند.

[در اینجا خانم‌های دیگر هم ساکت نشستند و وارد صحبت شدند.]

فاصله‌ی آنجا تا اینجا چقدر است؟

- ده دقیقه با ماشین. باور می‌کنی اینجا نزدیک استان تهران هستیم، ولی از دهات بدتره. مرده معتاده زنش کار می‌کنه ولی باز سرش غر می‌زنه.

- مرداشون هیچ کار نمی‌کنن حرف هم برای همسران‌شان در می‌آورند.

- توی این منطقه کلاً خانم‌ها کار می‌کنن. آقایون کلاً بیکارند.

- ما زندگی‌مون این جور شده، پسر غر می‌زنه که خودت باعث شدی.

- خداییش شوهرم دبیر بازنشسته است. از اول من چیز زیادی ازش نخواستم. با همان شغل دبیری من خودم کار کردم تمام پولش را کتاب چاپ کرد بعد ماشین خرید. و هر چه من کار کردم شوهرم از بین برد. دخترهایم می‌گویند خودت از اول کار کردی بابا عادت کرد. باید می‌نشستی.

چند تا بچه داری؟

- سه تا دختر

دخترات هم کار می‌کنن؟

- دختر بزرگم مربی آموزشگاه است. دختر دومم طلاق گرفته شوهرش معتاد بود. رفته مارلیک آنجا هم

آموزشگاه دارد و هم درس می‌خواند. بنده‌خداها برای مردها کار نیست. همه‌اش کارهای سنگین است.

نمی‌تونی که جایی را بگیری که درآمد بیشتری داشته باشد؟

برای آرایشگاه باید سی چهل میلیون داشته باشی یه جای شیک بگیری تا درآمد داشته باشی.

شوهرتان با کارکردنشان مشکل نداشته؟

چرا هنوز هم مشکل داره. ماشا الله که خودشان که کار نمی‌کنند با کار کردن ما هم مشکل دارند. می‌گویند

باید ساعت 6 توی خونه باشی ... می‌گویند کار نکن ولی نمی‌گویند چیزهایی را که لازم داریم چگونه باید تهیه

کنیم. با کدام پول زندگی باید کرد؟ می‌گویند نخور نپوش و هیچ کار هم نکن. وقتی دختر من جوان است

نمی‌توانم به آنها بگویم که نپوش. دخترام را طوری بار آوردم که دستشان توی جیب خودشان باشد.

فکر می‌کنید که مهمه که زن‌ها دستشان توی جیبشان باشد؟

موقعی که ازدواج کردیم پول را می‌گذاشت توی کشو. یک بار گفت چرا پول‌ها زودتمام شده. من بهم برخورد.

تمام قرون قرون خرج‌ها را نوشتم. از آن روز من از شوهرم پول نگرفتم. نگفتم به من پول بده. بعد خودم رفتم

دنبال کار. خواهرم طلاق گرفته بود که ...

- خیلی مفیده که دستش توی جیب خودش بره

- من از شوهرم جداشدم. مجبورم که کار کنم.

- کمیته‌ی امداد کمک کرده ولی حالا شروع کردم خودم کار کنم. دوس داشتم خودم هم یک کمی پول داشته

باشم. می‌خواهم برای بچه‌ام چیزی بخرم.

در حد یک آب باریکه بوده. من اگر این پول را ...

کمیته امداد چقدر کمک می‌کنه. ماهی 32 تومان. وقتی یارانه‌ها آمده دیگه کمک غیرنقدی نمی‌دهند...

شوهرم معتاد بود. با خواهرم زندگی می‌کنم. او آرایش‌گر است. من توان کار زیادی ندارم. پایم را تعویض مفصل

کردم. این کار را با عشق انجام می‌دهم...

من آرتوروز دارم سرم گیج می‌رود. آنقدر نقش بازی می‌کنم که شوهرم کمک کند...

یک جین می‌برم تا ساعت 5 تمام می‌کنم می‌آورم و بعد یک جین دیگر. اگر دو جین را باهم ببرم استرس

می‌گیرم و نمی‌توانم کار کنم.

من یک ماهه کار می‌کنم. برش می‌زنم. شوهرم نمی‌گذاشت کار کنم ولی الان بیکاره. دیگه اعتراضی نمی‌کنه.

کارش چی بود؟

توی موسسه سرویس رفت و آمد می‌داد. صاحب‌کارش دو ماه حقوق نداد. حالا اومده بیرون. دو ماهه توی خونه

نشسته. یا اون باید توی خونه بشینه یا من. دعوا مون می‌شه.

راضی هستی؟

- از توی خونه ماندن بهتره.

- من جمعه‌ای هم توی خونه نتونستم بمانم. به شوهرم گفتم. نمی‌خواهی دنبال کار بری؟ گفتم نه توی سن

من دیگه چه کاری هست؟

- توی این سی سال زندگی این را فهمیده‌ام که باید همه چیز را از شوهرت بخوای. وقتی قانع باشی به هیچ چیز نمی‌رسی...

(اینها برای چندتا کار است؟ اینها را دوتا دوتا بشمریم برای یک کار...)

- من همه چیز می‌خواهم هیچ چیز هم بهم نمی‌رسه

- وقتی می‌گویی همینه که هست، چه کار کنیم با آنها درگیر شویم و کتک کاری کنیم؟

- وقتی می‌بینم شوهرم توانایی درآوردن پولش همینقدره. چقدر ازش بخوام...؟

- خدا پدر خانم ... را بیامرزد. اینجا دور هم جمع می‌شویم. هم کاری می‌کنیم و کمی درآمد داریم و هم مدتی از جار و جنجال‌های خانه دوریم.

- راست می‌گویی. زن خوبی است. پولمان را به موقع می‌دهد.

...

دل‌هایشان پر درد بود از بیکاری و فقری که هر روز درگیری و کتک‌کاری و دعوا را در خانه‌هایشان دامن می‌زند. از اعتیاد که پی‌آمد بیکاری است، از همسرانی که درک‌شان نمی‌کردند. پذیرفته بودند که کار همین است و درآمد اندک کار را پذیرفته بودند؛ چرا که گزینه‌ی دیگری نداشتند.

اعتراض کارگران شرکت بسته بندی

بر پایه خبر دریافتی آمده است: شرکت صنایع بسته بندی تهران که تولید کننده کارتن و انواع بطری‌ها بود، در آستانه تعطیلی کامل قرار گرفته است. یکی از کارگران این شرکت گفت: بدلیل سیاستهای ضدکارگری و ضد تولیدی که عملاً تصمیم به تعطیلی کامل این کارخانه گرفته اند، اکنون تنها 400 کارگر رسمی و قراردادی و پیمانی در این شرکت حضور دارند، اما تولید کارتن بطور کامل تعطیل شده و تنها تولید قوطی با کارگران باقیمانده ادامه دارد. این کارخانه نه در تامین مواد اولیه و نه در تولید و نه در فروش مشکلی ندارد، اما بدلیل سیاستها و تصمیماتی که برای منافع اقتصادی مشخص اتخاذ شده شرکت بسته بندی مسیر تعطیلی کامل طی میکند.

مصدومیت شدید دو کارگر فاضلاب شهری تهران در چاه فاضلاب بدون حفاظ

به گزارش پایگاه خبری 125، در 27 اردیبهشت 92 آمده است: دیروز در 20 متری جوادیه، جنب مدرسه فجر، فقدان حفاظ در اطراف چاه حفاری شده برای فاضلاب شهری در جنوب تهران، موجب سقوط دو کارگر به داخل این چاه شد.

جعفر محرابی فرمانده همراه آتش‌نشانان گفت: در محل مورد نظر کارگران در حال احداث کانال و چاه برای فاضلاب شهری بودند که ناگهان دوکارگر افغانی بنام های کبیر - ت 24 ساله و عبدالحق - ت 25 ساله به داخل چاه سقوط کردند.

وی ادامه داد: آتش‌نشانان با استفاده از تجهیزات نجات هر دو نفر را که به شدت دچار مصدومیت شده بودند از عمق 6 متری چاه بیرون کشیدند و برای انتقال به مرکز درمانی، داخل آمبولانس اورژانس قرار دادند. این فرمانده آتش‌نشانی علت بروز این حادثه را نداشتن حفاظ و علائم هشدار دهنده مناسب بر روی چاه حفر شده اعلام کرد.

کشته و زخمی شدن دو کارگر جوان در پی ریزش دیوارکارگاه

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ 27 اردیبهشت 92 آمده است: ریزش ناگهانی دیوار موجب کشته و زخمی شدن دو کارگر جوان - "ولی ۲۰ ساله" - عزیز ۲۶ ساله - در جریان عملیات تخریب ساختمانی در شرق تهران در خیابان وفادار شرقی، بین خیابان ۱۲۱ و ۱۳۳ شد.

بر شمار کودکان کار اضافه شده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 اردیبهشت 92 آمده است: یک فعال اجتماعی کودکان کار و خیابان می‌گوید: در نتیجه وخامت اوضاع اقتصادی تعداد بیشتری از کودکان روانه بازارهای غیر رسمی کار شده اند.

حسین میربهراری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به دلیل افزایش غیر متعارف هزینه‌های زندگی و نا کافی بودن دستمزدهای تعیین شده، از ابتدای سال جاری عرضه و تقاضا برای اشتغال کودکان افزایش یافته است.

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افزود: برهمن اساس ابتدای امسال شمار بیشتری از کودکان خانواده‌های مستمند و نیازمند برای تامین معاش خانواده از مدارس راهی محیط‌های کاری شده‌اند بطوری که در برخی موارد شمار کودکان کار در خانواده‌های کم درآمد افزایش یافته است.

این فعال اجتماعی بابیان اینکه این کودکان به دلیل کم توانی یا ناتوانی سرپرست خانواده به عنوان کمک خرج وارد مناسبات اقتصادی می‌شوند، گفت: بصورت عرفی درآمد کودکان کار از یک سوم تا یک دوم درآمد یک کارگر بالغ و معمولی متغیر است.

وی گفت: براین اساس و با توجه به حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی مصوب شورایی عالی کار، درآمد هر کودک کار بسته به نوع کار بطور متوسط از ۱۶۰ تا ۲۵۰ هزار تومان متغیر است که این پول در بیشتر مواقع به سرپرست کودک پرداخت می‌شود.

به گفته این عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان هرچه کار کودکان سخت‌تر باشد درآمد آنها نیز بیشتر خواهد بود اما هیچگاه درآمد آنها با کارگران بالغ برابری نمی‌کند و این درحالی است که این کودکان در محیط‌های کار پا به پای کارگران بالغ فعالیت می‌کنند.

وی افزود: برخلاف تصور عامه مردم حرفه بیشتر کودکان کار نه دست فروشی در کنار خیابان که انجام کارهای طاقت فرسا و سخت در کارگاه‌های غیر رسمی و دورافتاده است.

این فعال اجتماعی با بیان اینکه چون طبق قوانین جاری اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال عملی مجرمانه تلقی می‌شود گفت: به همین دلیل کودکان کار در زمان کار از هیچ حق بیمه‌ای و حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.

وی یادآور شد: از آنجا که کودکان کار در حکم نیروهای ارزان قیمت تلقی می‌شوند، در بیشتر مواقع کارفرمایان به تخصص و مهارت تجربی آنها توجهی ندارند و پس از رسیدن به سن قانونی آنها را از محیط کار طرد می‌کنند.

به گفته میربهراری تنها در مواقعی که سودجویان قصد دارند از کودکان کار به عنوان سرپوشی برای پنهان کردن اعمال مجرمانه خود استفاده کنند درآمد این کارگران کوچک بصورت غیرعادی افزایش چشمگیری پیدا می‌کند.

کارگران شرکت صنایع فلزی 6 ماه حقوق خود را نگرفته اند

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: کارگران شرکت صنایع فلزی 6 ماه حقوق معوقه خود را مطالبه میکنند، کارگران صنایع فلزی که تعداد آنها به حدود 600 نفر میرسد، بارها در اعتراض به عدم دریافت

حقوق و مطالبات خود دست از کار کشیده و به بی توجهی مقامات حکومتی و مدیریت این شرکت در مقابل این کارخانه دست به اعتراض و تجمع زدند . یکی از کارگران گفت به تجربه دریافتیم که تا اعتراض نکنیم کسی به فکر ما کارگران و پرداخت مطالبات ما نیست.

همان حداقل دستمزد سال ۹۲ هم به کارگران واحدهای کوچک پرداخت نمی شود.

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 اردیبهشت 92 آمده است : علی اصلانی مسوول کانون شوراهای اسلامی کار از استان البرز گفت: به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی حداقل مزدی که توسط شورای عالی کار برای تمامی واحدهای تولیدی در سراسر ایران تعیین شده است، به ویژه در کارگاههای کوچک دارای کمتر از ۵ کارگر اجرا نمی شود...

به گفته وی دستمزد کارگران شاغل در کارگاههای کوچک صنفی حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار تومان کمتر از حداقل دستمزد قانونی است و این در حالی است که دستمزدهای مصوب شورای عالی کار حتی در صورت پرداخت کامل کفاف تامین حداقل مخارج معیشتی کارگران را نمی دهد . کارگران واحدهای کوچکی نظیر فروشگاههای سوپرمارکت، مطب های پزشکی، دفاتر ثبت اسناد که اغلب کارکنان آنها دختران و پسران جوان مجرد و تحصیل کرده هستند که برای کمک به معاش خانواده کار می کنند به خاطر شرایط وخیم اقتصادی به شرایط کارفرمایان تن می دهند. به گفته اصلانی این کارگران در صورت شکایت از میزان دستمزدشان از سوی کارفرمایان اخراج خواهند شد. خودداری از پرداخت حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار در واحدهای تولیدی کوچک در حالی است که گروهی از کارفرمایان نیز تهدید کرده اند در صورت ابطال مصوبه حداقل دستمزد شورای عالی کار تمام یا بخشی از کارگران خود را تعدیل و اخراج خواهند کرد.

با عقب نشینی کارفرما، کارگران اعتصابی کارخانه نیشکر هفت تپه بر سر کارهایشان باز گشتند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 28 اردیبهشت ماه 1392 آمده است : بدنبال اعتصاب متحدانه کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه که از روز چهارشنبه 25 اردیبهشت آغاز شد دیروز جمعه حقوق فروردین ماه این کارگران به حساب آنان واریز شد و در رابطه با اعمال 25 درصد افزایش حداقل مزد نیز کارفرمای این کارخانه متعهد شد 25 درصد افزایش حداقل مزد را در فیش حقوقی اردیبهشت ماه کارگران منظور کند بعلاوه اینکه 25 درصد فروردین ماه نیز همراه با دستمزد اردیبهشت ماه به آنان پرداخت شود. همچنین در رابطه با بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل که یکی از خواستههای مهم کارگران بود کارفرما تا روز چهارشنبه از کارگران مهلت خواست و مقرر شد این مسئله تا آئروز توسط وی در تهران پیگیری شود و نتیجه آن به کارگران اعلام گردد. لازم به یادآوری است از سال 1368 به این سو طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه نیشکر هفت تپه بازنگری نشده است. این در حالی است که در نتیجه پیگیریهای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه دستور بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه از سال 1387 به مدیریت نیشکر هفت تپه و اداره کار شهرستان شوش ابلاغ شده است.

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه بدنبال عدم پرداخت دستمزد فروردین ماه و عدم اعمال افزایش 25 درصدی حداقل مزد در فیشهای حقوقی شان و همچنین عدم بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه، از روز 25 اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند که در پی آن کارفرما تلاش کرد بدون توجه به خواست کارگران، آنان را مجبور به پایان دادن به اعتصاب کند اما کارگران با پافشاری بر تحقق خواستههایشان بطور متحدانه ای به اعتصاب ادامه دادند و نهایتا موفق شدند کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند.

بنا بر اظهار برخی کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه این اعتصاب چنان کارساز بود که کارفرما در اقدامی کم سابقه دستمزد معوقه فروردین ماه آنان را روز جمعه به حسابهای شان واریز کرد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

رئیس تعاونی مسکن این کارگران اعلام کرد:

نقض قرارداد و گران‌فروشی مسکن به کارگران فلزکار مکانیک

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران «فلزکار و مکانیک» مسئولان شرکت «عمران پرنده» را به گرانفروشی و نقض قرارداد متهم کرد.

«مازیار گیلانی نژاد» با اعلام اینکه کارگران عضو این تعاونی تاکنون طبق قرارداد به تعهدات خود عمل کرده و 70 درصد هزینه ساخت ساختمان را پرداخت کرده اند، گفت: در مقابل مسئولان شرکت عمران پرنده به جای انجام دادن تعهدات قانونی خود مبنی بر تحویل واحدهای مسکونی از کارگران طلب پول بیشتر کرده‌اند.

به گفته این فعال صنفی کارگری در شرایطی که به زمان تحویل این واحدهای مسکونی نزدیک می‌شویم مسئولان شرکت عمران پرنده با ارائه قراردادی اقدام به افزایش 50 درصدی آورده کارگران کرده است.

وی افزود: شرکت عمران پرنده در قرارداد جدید در حالی بابت هزینه ایجاد تسهیلات زیر بنایی مبلغ 6 میلیون ریال مطالبه کرده است که نه مسئولان شرکت عمران در این خصوص اطلاعی دارند و نه در قرارداد قبلی به چنین هزینه‌ای اشاره شده بود.

وی یادآور شد: پیشتر زمان واگذاری این واحدهای مسکونی با شش ماه تاخیر از پایان پاییز سال 91 به پایان بهار سال 92 موکول شده بود.

به گفته گیلانی نژاد در حالی که پیشتر قرار بود اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک بابت ساخت و تحویل واحدهای مسکونی 74 متری بلوک‌های 237 و 232 پروژه پرنده مبلغی در حدود 35 میلیون تومان پرداخت کنند در حال حاضر این مبلغ به حدود 41 میلیون تومان افزایش یافته است.

پایان پیام

تخلیه و در معرض فروش گذاشته شدن فروشگاههای کفش بلا

برپایه خبر رسیده آمده است: در ادامه نابودی شرکت کفش بلا، فروشگاههای کفش بلا در منطقه قلهک، راه آهن و در منطقه پیروزی هم در حال تخلیه و فروش می‌باشد. شرکت کفش بلا از معتبرترین کفشهای ایران است که بیش از 450 فروشگاه در کشور محصولات این شرکت را به مشتریان عرضه میکردند، اکنون از این شرکت کمتر از 40 فروشگاه باقی مانده و هر روز فروشگاه جدیدی تعطیل و کارگزارانش اخراج میشوند.



از فراخوان کلکتیو سندیکاهای فرانسه حمایت کنیم.

برپایه خبر دریافتی آمده است: از فراخوان سندیکاهای فرانسوی پشتیبانی کنیم و برای دفاع از جنبش

کارگری ایران در ژنو گرد هم آییم!

پنج سندیکای فرانسوی ت.ژ.ت (CGT) ، ت.ا.ف.د.ت (CFDT) ، اف.اس.او (FSU) ، اونسا (UNSA) و سولیدر (Solidaire) برای دومین بار همزمان با یکصد و دومین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در همبستگی با کارگران در ایران طی فراخوانی خواستار یک حرکت ایستاده اعتراضی نسبت به موارد متعدد نقض حقوق کارگران در ایران شده اند.

آنها بطور مشخص اعتراض خود را نسبت به زندانی نمودن فعالین کارگری در ایران و اینکه کارگران از ابتدایی ترین حقوق خود مانند حق اعتصاب، حق تظاهرات آزاد، حق ایجاد تشکلات مستقل سندیکایی به شدت محرومند، از تمامی فعالین کارگری و اجتماعی در خواست نموده اند که در روز پنجشنبه 13 ژوئن در مقابل سازمان ملل حضور بهم رسانده و با صدای بلند اعتراض خود را به گوش نمایندگان کشورهای شرکت کننده از سراسر جهان برسانند.

آن چیزی که فعالین کارگری، فعالین سیاسی، اجتماعی و آزادیخواهان ایرانی در تبعید! بخوبی میدانند وجود یک رژیم جنایتکار، سرکوبگر و غارتگر بنام حکومت جمهوری اسلامی در ایران است، رژیمی که همه فعالین عدالتخواه و آزادی طلب خواهان نابودی آن میباشند که بدون این مهم کشور ما آزاد نخواهد شد و مساوات و آزادی تحقق نخواهد یافت.

دست بدست هم داده یکصد ضمن قدردانی از همبستگی سندیکاهای فرانسوی با کارگران ایران:

1- به حضور نمایندگان قلابی رژیم اسلامی ایران بجای نمایندگان واقعی کارگران ایران اعتراض و خواهان اخراج آنان از سازمان جهانی کار شویم!

2- خواهان آزادی کارگران زندانی و فعالین سیاسی اجتماعی در ایران شویم.

3- خواهان آزادی تشکلات کارگری، معلمان و دیگر زحمتکشان در ایران شویم.

4- حق اعتراض، اعتصاب، تجمعات کارگری، امکان در تصمیم گیری تعیین مزد عادلانه، قراردادهای دسته جمعی و دایمی از ابتدایی ترین حقوق کارگران است که در ایران به هیچ وجه رعایت نمیشود باید با اعتراضات مکرر، حکومت غارتگر سرمایه داران اسلامی ایران را وادار به رعایت آن نمود.

به تظاهرات ایستاده در میدان ملل پیوندید

میدان ملل - از ساعت ۱۲ الی ۱۴ - ۱۳ ژوئن ۲۰۱۳ - ژنو

جمعی از کارگران ایرانی عضو سندیکاهای سوییس

اتحادین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سوییس

مجله کارگری رادیو راه کارگر

گردد هم آنی اعتراضی فعالان سیاسی ایرانی در ژنو در مقابل سازمان جهانی کار

گزارشی از امیر جواهری

در این گزارش امیر جواهری با بهروز فراهانی از فعالین «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه» و علیرضا نوایی از فعالان «تحد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس» و همچنین با رفیق بهروز عارفی فعال سیاسی و از اعضای «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه» از جمعی نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور که امسال موفق شدند به نمایندگی از جانب فعالان سیاسی ایرانی با همکاری و هماهنگی سندیکاهای فرانسوی به درون اجلاس راه یابند ، گفتگو داشته اند

📌 فایل صوتی در فورمات ام پی 3

در جوادیه تهران رخ داد:

سقوط دو کارگر مقنی در چاه 6 متری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است : دو کارگر مقنی بر اثر سقوط از ارتفاع 6 متری چاه فاضلاب شهری واقع در خیابان 20 متری جوادیه تهران به شدت مصدوم شدند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، دو کارگر مقنی 24 و 26 ساله، بنام‌های «کبیر-ت» و «عبدالحق-ت» هنگام حفر کانال و چاه فاضلاب شهری، از ارتفاع 6 متری سقوط کرده و به شدت مجروح شده‌اند.

به گفته کارشناسان گروه های امداد و نجات علت بروز این حادثه فقدان حفاظ و علائم هشدار دهنده مناسب بر روی چاه حفر شده عنوان شده است.

پایان پیام

بافت فرش در استان چهارمحال بدست سپاه افتاده است

بر پایه خبر رسیده آمده است: شهرکرد و برخی از شهر های استان چهار محال از دیرباز در بافت فرش شهره بوده اند، بعنوان مثال نقشه زیبای قالی خشت چالستر یکی از زیباترین فرش های دست بافت ایران است که از رونق صادراتی خوبی هم برخوردار است. جدا از آنکه طی سالیان گذشته صنعت فرش با رکود سنگینی دست و پنجه نرم میکند اما باز هم صادرات فرش درآمد خوبی نصیب برخی از تجار میکرد، تا اینکه در ابتدای سال 92 اعلام شد کلیه شرکت های تعاونی قالی دست باف شهرکرد را شرکتی به نام قالیپان انصار خریده است و از آن پس هر کس خواهان آن بود که با شرکتهای فرش همکاری کند و فرشی بافته شود باید با این شرکت قرارداد می بست، شرکت مذکور متعلق به سپاه است و مدیر عامل آن فردی بنام سرهنگ مولائی از بازنشسته سپاه پاسداران است

تعویق سه ماه حقوق کارگران شهرداری یزد و تجمعشان دراستاننداری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است : در پس تعویق سه ماه حقوق کارگران شهرداری یزد، جمعی از کارگران شهرداری یزد با حضور در استاننداری به طرح مشکلات خود پرداختند. براساس این گزارش، تعدادی از کارگران حضور یافته در این مراسم اعلام کردند 420 هزار تومان بعنوان حقوق ماهانه دریافت می کنند که پرداخت این حقوق 3 ماه به تعویق افتاده است. یکی از کارگران در این رابطه گفت: روزانه از ساعت 4 صبح تا ساعت 12 ظهر در محل کار خود حاضر می شویم و حتی در روزهای جمعه و تعطیل هم بکار مشغولیم.

ناروشنی وضعیت اضافه حقوق کارکنان صنعت نفت با گذشت دو ماه از سال جدید

به گزارش پانا نیوز با گذشت دو ماه از سال جدید و نیز تجربه تلخ افزایش اضافه حقوق کارکنان صنعت نفت در نیمه دوم سال، نفتی ها را از تکرار روند سال گذشته و تاخیر در اعمال اضافه حقوق در شرایط تورم بالای اقتصادی نگران کرده است. به گزارش 28 اردیبهشت پانانیوز، با گذشت دو ماه از سال جدید، کاربران با اشاره به نهای نشدن وضعیت اضافه حقوق کارکنان صنعت نفت، خواستار رسیدگی سریع تر مسئولان به این موضوع شده اند. هر ساله به منظور اصلاح حقوق کارمندان و بازنشستگان، به تناسب نرخ تورم در کشور، ضریبی برای افزایش حقوق کارکنان دولت در نظر گرفته می شود؛ در همین راستا هیئت دولت، میزان افزایش حقوق کارکنان و مستمری بگیران دولتی را برای سال جاری 25 درصد تعیین کرده است. از سویی از آنجا که صنعت نفت به دلیل شرایط خاص کاری شامل عملیاتی بودن و فعالیت در مناطق دور دست و بد آب و هوا همواره از قوانین خود پیروی کرده است، در این باره نیز شرایط پرداخت حقوق و افزایش حقوق کارکنان آن متفاوت است. به طوری که این افزایش حقوق هر ساله در قالب دو نوع پرداخت اضافه حقوق و اضافه حقوق شایستگی اعمال می شود.

علاوه بر شیوه پرداخت اضافات حقوق، زمان اعمال آن نیز مسئله ای دیگر است به طوری که افزایش حقوق کارکنان این صنعت تا آنجا که مطابق با مصوبه دولت باشد مجاز است ولی ایجاد هر تغییری برای پرداخت بیشتر نیاز به مصوبه دولت داشته که به طور معمول تلاش‌ها برای کسب این مجوز، افزایش حقوق کارکنان این صنعت را به ماه‌های میانی سال و حتی گاهی به ماه‌های پایانی سال کشانده است.

مرگ یک کارگر متخصص در پالایشگاه نفت تهران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: یک کارگر متخصص در پالایشگاه نفت شهید تندگویان تهران روز گذشته در حین کار دچار گازگرفتگی شدید شد و جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، روز گذشته یک نیروی کار متخصص بنام «قاسم خدوم» در زمان انجام تعمیرات فنی در راکتورهای واحد آیزوماکس شمالی پالایشگاه تهران بر اثر گازگرفتگی (گاز نیتروژن) دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

بر اساس این گزارش، مسئولان شرکت پالایش نفت شهید تندگویان تهران علت مرگ این کارگر را ورود او به یکی از ظروف واحد که تحت فشار گاز مثبت ازت قرار داشته عنوان کرده‌اند.

گفتنی است، هم اکنون علت حادثه توسط کارشناسان پالایشگاه شهید تندگویان تهران در حال بررسی است.

پایان پیام

به دستور دادستانی بهنام ابراهیم زاده و ... باید به زندان برگردد

بر پایه خبردریافتی آمده است: در آستانه انتخابات دور یازدهم ریاست جمهوری بهنام ابراهیمزاده و دیدار رئوفی با عدم تمدید مرخصی خود و بدستور دادستان باید به زندان‌های مربوطه

خود بازگردند. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، بهنام ابراهیمزاده فعال کارگری زندانی در بند ۲۵۰ زندان اوین که پس از مبتلا شدن فرزند خود به سرطان خون و برای پیگیری روند درمان وی در مرخصی بسر میبرد، بدستور دادستان باید به زندان اوین بازگردد. کی از نزدیکان این فعال کارگری زندانی به گزارشگر هرانا گفت: "امروز از دادستانی به بهنام ابراهیم زاده زنگ زدند و از وی خواستند که خودش را به زندان معرفی کند و این در حالی است که به خاطر وضعیت نیما پسرش دادستانی نامه داده بود که برای ۵ خرداد پزشکی قانونی نیما را معاینه کند و برای تمدید یا عدم تمدید مرخصیش تصمیم بگیرد ولی با این حال ازش خواستند که خودش را معرفی کند." دیدار رئوفی شهروند بهایی زندانی که به ۳ سال حبس محکوم شده است و ۱۵ مرداد ماه سال گذشته از زندان اوین به زندان رجایی شهر کرج تبعید شد نیز با عدم تمدید مرخصی خود و بدستور دادستان باید به زندان رجایی شهر کرج مراجعه نماید.

گفتنی است، شیوا نظراهاری، مسعود باستانی، حسین رونقی‌ملکی، بهاره هدایت، احمدی زید آبادی، بهمن احمدی امویی دیگر زندانیانی هستند که در مرخصی بسر میبردند و به دستور دادستانی باید به زندان‌های مربوطه خود بازگردند

در دیدار با فلاح زاده عنوان شد:

واکنش استاندار به تعویق سه ماه حقوق کارگران شهرداری یزد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: در پس تعویق سه ماه حقوق کارگران شهرداری یزد، استاندار از شهردار این شهر خواست «هرکاری دارید رها کنید، به مشکلات کارگران شهرداری یزد رسیدگی کنید».

به گزارش ایلنا از یزد، جمعی از کارگران شهرداری یزد با حضور در استانداری به طرح مشکلات خود با استاندار پرداختند.

«محمدرضا فلاح زاده»، استاندار یزد در این جلسه که در سالن شهید منتظر قائم استانداری یزد برگزار شد، بر پرداخت فوری حقوق معوقه این کارگران تأکید کرد.

استاندار یزد در این جلسه خطاب به شهردار یزد گفت: هرکاری دارید رها کنید، به مشکلات کارگران شهرداری یزد رسیدگی کنید.

تعدادی از کارگران حضور یافته در این مراسم اعلام کردند 420 هزار تومان بعنوان حقوق ماهانه دریافت می کنند که پرداخت این حقوق 3 ماه به تعویق افتاده است.

یکی از کارگران در این رابطه به ایلنا گفت: روزانه از ساعت 4 صبح تا ساعت 12 ظهر در محل کار خود حاضر می شویم و حتی در روزهای جمعه و تعطیل هم بکار بشغولیم.

پایان پیام

محاسبه نرخ اجاره بهای مسکن دلاری شد!

به گزارش پایگاه خبری قانون در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: در حالی که خرید و فروش مسکن در رکود به سر می برد، خبرهایی از این بازار می رسد که قیمت ها در بازار اجاره به شکل کاذب افزایش یافته و حتی بعضا در نقاط شمالی شهر تهران نرخ های اجاره به صورت دلاری مطالبه می شود.

به گزارش فارس، اگرچه اجاره بهای مسکن در فصل بهار باید به سیاق سال های قبل یک رشد حداقل همپا با نرخ تورم را طی کند، ظاهرا امسال نه تنها این طور نبوده بلکه فراتر از آن بوده است.

یکی از تفاوت ها در بازار اجاره مسکن در سال جاری این است که علی رغم رکود خرید و فروش مسکن نرخ های اجاره بها به گونه ای بی ضابطه افزایش یافته است.

برخی از بنگاه داران مسکن دلیل رشد بی ضابطه اجاره بهای مسکن در دو ماه ابتدایی سال جاری را نبود یک برنامه مدون و قوی برای کنترل و نظارت بر نرخ های اجاره بها و تبدیل شدن اجاره داری به شغل می دانند.

هر چند که برخی از کارشناسان با تعیین قیمت اجاره از سوی دولت و برخورد تعزیراتی اجاره بهای مسکن مخالف هستند اما بسیاری از کارشناسان و حتی مستأجران برخورد تعزیراتی با اجاره بهای مسکن را که در دو سال گذشته اجرا شده است را بسیار مفید ارزیابی می کنند.

گزارش ها از برخی نقاط تهران حاکی است که نرخ اجاره بها از نرخ تورم نیز عبور کرده است، موضوعی که اتفاقا رئیس اتحادیه املاک هفته گذشته در گفت و گو با فارس بر آن تأکید داشت.

بهرامیان یکی از بنگاه داران قصرالدشت گفت: این روزها اظهار نظر در خصوص پیش بینی قیمت مسکن سخت است اما چون فصل نقل و انتقال نزدیک است می توان گفت که وضعیت چگونه خواهد بود. وی افزود: نرخ های

اجاره بها این روزها بسیار کاذب است و متأسفانه هر مالکی که وارد بنگاه مسکن می‌شود بدون هیچ نگرانی از دادن قیمت سعی دارد قیمت‌های مد نظر خود را بر ما تحمیل کند.

چشم و هم چشمی مالکان و تبدیل رهن به اجاره بعد از وقفه کوتاه محمدیان بنگاه دار منطقه شهرک غرب گفت: دادن نرخ‌های کاذب از سوی مالکان ظاهراً به نوعی به عادت تبدیل شده است و مالکان با عنوان اینکه واحد مسکونی پائین‌تر از واحد مسکونی خود با نرخ بالاتری به اجاره رفته است به نوعی با چشم و هم چشمی نرخ خود را بالاتر می‌برند. وی ادامه داد: اگرچه تبدیل شدن رهن به اجاره نیز ظاهراً باز هم بعد از مدتی وقفه باب شده است.

وی در پاسخ به این سؤال که دلیل اینکه مالکان به جای رهن کامل به سمت گرفتن اجاره رفته‌اند چیست؟ گفت: مطمئناً این موضوع به دلیل مشکلات اقتصادی است چرا که به عنوان مثال برخی از مالکان به دلیل داشتن فرزندان دانشجوی و بالا بودن هزینه‌های تحصیل سعی می‌کنند به جای رهن کامل، اجاره مسکن بگیرند.

رواج توافق مالک و مستأجر / طرح تعزیرات اجاره بها مفید است ابراهیمی بنگاه دار خیابان اشرفی اصفهانی گفت: رواج توافق بین مالک و مستأجر برای تمدید قرارداد اجاره مسکن این روزها به قدری گسترش یافته که از ابتدای سال جاری تاکنون حتی یک مورد قرارداد اجاره مسکن در این بنگاه تنظیم نشده است. وی ادامه داد: امیدواریم که هر چه زودتر این ماه خرداد نیز سپری شود تا بازار مسکن از این حالت رکود و انتظار خارج شود.

ابراهیمی ادامه داد: نرخ‌های اجاره بهای مسکن به صورت کاذب ارائه می‌شود، بنابراین اگر دولت هر چه زودتر طرح برخورد تعزیرات اجاره بها را اجرا کند بهتر است.

محاسبه نرخ اجاره بها دلاری شد پوراسدی یکی از بنگاه داران شهرک غرب نکته جالبی را مطرح کرد و آن هم این بود که برخی از مالکان برای اینکه در طول یک سال از اجاره دادن واحد مسکونی خود متضرر نشوند نرخ اجاره بها را به صورت دلاری دریافت می‌کنند. وی ادامه داد: به تازگی در شهرک غرب باب شده است که مالکان نرخ اجاره بها را به صورت دلاری از مستأجر دریافت کند.

پور اسدی : افرادی که اجاره بها را به صورت دلاری پرداخت می‌کنند عوامل شرکتهای خارجی هستند که در تهران زندگی می‌کنند. وی ادامه داد: به تازگی یک شرکت مجارستانی برای اجاره یک باب واحد مسکونی حاضر به پرداخت ۳ هزار دلار در ماه شده بود. به گفته وی، نرخ‌هایی که به گوش ما برای اجاره مسکن به صورت دلاری می‌رسد ارقام ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ دلار و ۵ هزار تا ۷ هزار دلار است.

اجاره داری شغل شده است ابن بنگاه دار منطقه شهرک غرب گفت: این روزها اجاره داری به یک شغل تبدیل شده است و منبع درآمد خیلی از افراد است. وی افزود: برخی از سرمایه داران بزرگی که تا دیروز صاحب کارخانه و یا تولیدی بودند به دلیل مشکلات اقتصادی از این کار دست شسته، واحد مسکونی خریده و یا احداث کرده‌اند تا آنها را در فصل نقل و انتقالات با نرخ‌های بالاتری اجاره دهند.

اجاره یک واحد مسکونی ۷۰ متری نوساز در شهرک غرب در حال حاضر ۹۰ میلیون تومان است که نسبت به پارسال حدود ۳۰ میلیون تومان افزایش یافته است.

اجاره یک واحد مسکونی ۷۰ متری نوساز در اشرفی اصفهانی ۱۰ میلیون تومان با اجاره ماهانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان عنوان می‌شود.

یک واحد مسکونی ۸۰ متری نوساز در زعفرانیه ۱۰۰ میلیون تومان رهن کامل، یک واحد ۷۰ متری چند سال ساخت در سعادت آباد ۶۵ میلیون تومان رهن کامل، یک واحد مسکونی ۱۰۵ متری در بلوار ارتش ۲۰ میلیون تومان ودیعه و حدود ۲ میلیون تومان اجاره و یک واحد ۵۵ متری در خیابان دیباجی با ۱۰ میلیون تومان ودیعه و یک میلیون تومان اجاره گزارش می‌شود.

بر اساس این گزارش در مناطق مرکزی شهر تهران نیز نرخهای اجاره رشد چشمگیری یافته است، به گونه‌ای که برای یک واحد ۷۰ متری ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان به اضافه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان اجاره مطالبه می‌شود، در مناطق جنوبی تهران نیز افزایش اجاره بها همزمان با آغاز فصل نقل و انتقالات مسکن مشهود است.

تهدید امنیت شغلی کارگران «نی بر» با واردات ماشین‌آلات درو

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از کارگران مجتمع صنعتی کارون شوشتر که به کار تخصصی بریدن نی‌شکر اشتغال دارد، با انتقاد از بلا تکلیفی کارگران در فصل‌هایی از سال که برداشت محصول صورت نمی‌گیرد، از تهدید امنیت شغلی این کارگران با خرید ماشین‌آلات جدید درو ابراز نگرانی کرد.

این کارگر که خواست نامش فاش نشود گفت: مسئولان مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با افزایش تعداد ماشین‌آلات برداشت نی شکر سعی دارد به مرور 2 هزار کارگر نی بر را از چرخه برداشت مزارع نی شکر خارج کند.

او این عمل مسئولان مجتمع کشت صنعت کارون را غیر اخلاقی دانست و افزود: در سال جاری با وجود اینکه دو هزار هکتار از مزارع بدون برداشت باقی مانده و قرار داد کاری کارگران نیز تا پایان خرداد ماه مهلت دارد، از تاریخ 15 اردیبهشت ماه به کارگران گفته شده است بر سر کار خود حاضر نشوند.

این کارگر با بیان اینکه این بیکاری ممکن است تا فصل برداشت بعدی (آبان ماه) به طول انجامد، اضافه کرد: چند سالی است مدیران کشت صنعت کارون شوشتر تنها فصولی به سراغ کارگران «نی بر» می‌روند که این ماشین‌آلات به علت بارندگی‌های زیاد قادر نیستند محصولی درو کنند.

به گفته وی هم اکنون در مزارع نی‌شکر، ماشین‌آلات بجای کارگران در حال برداشت محصول هستند و کارگرانی که در طول سال‌های عمر خود با نگرانی در این مزارع کار کرده‌اند، از چرخه تولید کنار گذاشته شده‌اند.

این کارگر در خاتمه با ابراز نگرانی از وضعیت شغلی کارگران نی بر افزود: وقتی در این مورد به مدیران مجتمع ابراز نگرانی می‌کنیم در جواب به ما گفته می‌شود با خرید این ماشین‌آلات دیگر نیازی به کارگران نی بر نیست.

موج جدید قراردادهای سفید در بازار کار- 30 درصد شاغلان پروژهای هستند!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: 20 تا 30 درصد کل مشمولان قانون کار در مشاغل پروژه‌ای و پیمانکاری فعالیت دارند، با این حال موج جدید قراردادهای سفیدامضا به دلیل انجام نشدن بازرسی کار و سوء استفاده برخی کارفرمایان، باعث افزایش پرونده‌های شکایت در هیئت‌های تشخیص شده است.

امضای قراردادهای یکطرفه به همراه تحمیل کامل شرایط کارفرما به کارگر؛ مدتهاست بازار کار کشور را می‌آزارد و به عنوان یک پدیده زشت و واقعیتی تلخ در بازار کار ایران وجود دارد. اقدامی که در راستای آن، کارفرما تنها شرایط و منافع خود را به عنوان مفاد قرارداد همکاری با کارگر قرار می‌دهد و منافع کارگران به هیچ وجه دیده نمی‌شود.

کارشناسان بازار کار می‌گویند، از بین رفتن تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار و بالا رفتن تعداد تقاضا برای کار در کشور به این مسئله دامن زده و باعث شده تا کارفرمایان در مقابل سیل تقاضای کارجویان نه تنها امکان انتخاب بهترین نیروها را به دست بیاورند؛ بلکه شرایط نیز فراهم شود تا برخی کارفرمایان پا را از این نیز فراتر بگذارند و نیروی کار را مجبور به پذیرش شرایط خود در قبال کار نمایند.

هرچند در قانون کار مقرراتی در این زمینه وجود دارد و نیروی کار می تواند از طریق مراجع قانونی احقاق حق کند، اما از زمانی که فکر سوء استفاده از نیروی کار در بین برخی کارفرمایان رواج پیدا کرد، آنها به سرعت روش های مختلفی را برای دورزدن قانون و فرار از مجازات طراحی و به اجرا گذاشته اند. دریافت تسویه های سفیدامضاء و گرفتن اختیار کامل از کارگر برای پرداخت میزان حقوق، زمان قطع همکاری، تعیین ساعت کار، نوع کاری که فرد باید انجام دهد و مسائلی از این دست؛ نه تنها در ایران بلکه از نظر سازمان جهانی کار نیز از بدترین اشکال کار و سوء استفاده کامل از متقاضیان کار تلقی می شود. متأسفانه ابداع روش های سوء استفاده از نیروی کار باعث شده تا افراد نتوانند حتی با مراجعه به مراجع قانونی نیز احقاق حق کنند. به عنوان نمونه برای پذیرش متقاضی کار در بنگاه، کارفرما از وی می خواهد تسویه ای را قبل از شروع همکاری امضاء و در اختیار کارفرما تحت عنوان "حسن انجام کار" قرار دهد، بدینوسیله کارفرما می تواند هرگونه دخل و تصرفی را در قرارداد انجام دهد و هر زمانی هم که فکر می کند باید نیرو را از کار بیکار کند، اقدام نماید.

فشار به کارگران برای بازگرداندن بخشی از دستمزد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: مسئول کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان زنجان از تخلف برخی کارفرمایان این استان برای نپرداختن حداقل مزد قانونی به کارگران خبر داد.

«علیرضا آشیان» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: این گروه از کارفرمایان در ظاهر طبق مصوبه شورای عالی کار، دستمزد را از طریق بانک پرداخت می کنند و حتی برای کارگر فیش حقوقی نیز صادر می کنند اما در نهایت کارگران خود را برای بازگرداندن بخشی از دستمزد تحت فشار می گذارند.

این مقام کارگری گفت: کارگران شاغل در این واحدها از ترس بیکار شدن به خواسته کارفرما تن می دهند و به عنوان مثال ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان از مزد دریافتی را به کارفرما پس می دهند.

مسئول کانون همahنگی شوراهای اسلامی کار استان زنجان با بیان اینکه اغلب این تخلفها در واحدهای تولیدی و صنعتی کوچک رخ می دهند گفت: متأسفانه تعداد این واحدها کم نیست و در حال حاضر نزدیک به ۷۰۰ کارگر در زنجان به این شیوه کار می کنند.

به گفته آشیان هرچند برای بازرسان کار و فعالان صنفی کارگری اثبات این تخلف تاکنون ناممکن بوده است اما با این حال کارفرمایان متخلف تاکنون نتوانسته اند از پرداخت حق بیمه کارگران شاغل طفره بروند.

به گفته آشیان بیشتر کارگرانی که در این واحدها کار می کنند افراد کم اطلاع و نیازمندی هستند که برای اولین بار جذب بازار کار می شوند.

وی بایان اینکه بطور معمول بیشتر این کارگران در اولین فرصت و با یافتن شغلی دیگر از این کارگاه ها خارج می شوند گفت: در برخی از موارد این کارگران بطور علنی گفته اند که مجبورند به دلیل «نداری» و مشکلات مالی با این شرایط کار کنند.

این مقام کارگری در استان زنجان افزود: هرچند برخی از این کارگران بعد از تغییر شغل برای استیفای حقوق از دست رفته خود اقدام می کنند اما مادامی که با این شرایط کار می کنند جرئت شکایت و اعتراض را ندارند.

وی گفت: در این کارگاهها کارفرمایان چنان تسلطی دارند که حتی در غیاب آنها نیز کارگران جرئت بیان واقعیت را ندارند.

این مقام کارگری بایان اینکه در حال حاضر حدود ۱۱۰ هزار کارگر بیمه شده در استان زنجان مشغول کار هستند گفت: با وجود این تخلفات در سایر واحدهای تولیدی استان حداقل‌های قانونی اجرا می‌شود.

وی گفت: به عنوان مثال در اواخر سال گذشته کارخانه ایران خودروی زنجان که سازنده انواع قطعات خودرو است؛ حقوق ۱۸۰۰ کارگر خود را ۸ درصد افزایش داد

یک نماینده مجلس به وزیر کار تذکر داد:

اخراج کارگران قدیمی برای صرفه‌جویی در هزینه کارگاه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: یک نماینده مجلس از وزیرکار خواست تا اخراج اجباری کارگران از محل کارشان را بررسی کند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، «احمد آریایی‌نژاد» در تذکر شفاهی خود به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی نسبت به اخراج کارگران از محل کار و استخدام نیروی جدید برای صرفه‌جویی در هزینه‌های کارگاه‌ها، اعتراض کرد.

آریایی‌نژاد همچنین با بیان اینکه گزارش بیمه‌هایی که کارگاه‌ها ارائه می‌کنند، با تعداد روزهای کاری کارگران هماهنگی ندارد، گفت: وزیر کار باید به این مساله رسیدگی کند.

پایان پیام

جزئیات یک حادثه در پالایشگاه تهران- مهندس با سابقه نفت کشته شد

باز هم نادره‌ای در صنعت نفت رخ داد. ایمنی و محیطی زیست موجب شد تا یکی از قدیمی‌ترین مهندسان پالایشگاه نفت شهید تندگویان تهران به دلیل گاز گرفتگی کشته شود.

به گزارش 28 اردیبهشت پانا نیوز، به دنبال یک حادثه فنی در پالایشگاه نفت شهید تندگویان تهران یکی از مهندسان این پالایشگاه قدیمی نفت حاشیه پایتخت دچار گاز گرفتگی شدید شده و دار فانی را وداع گفت. پیگیری‌ها حاکی از آن است که این حادثه در زمان انجام یکسری تعمیرات فنی در راکتورهای واحد آیزوماکس شمالی پالایشگاه تهران حاصل شده است که گاز گرفتگی (گاز نیتروژن) منجر به فوت یکی از مهندسان با سابقه این پالایشگاه نفت شده است.

برپایه این گزارش، شرکت پالایش نفت شهید تندگویان تهران درباره جزئیات بیشتر از این حادثه، اعلام کرد: روز گذشته در زمان تعمیرات اساسی واحد آیزوماکس (2) مرحوم مهندس قاسم حافظی یکی از کارشناسان خدمت و پرتلاش پالایشگاه شهید تندگویان به علت ورود به یکی از ظروف واحد که تحت فشار گاز مثبت ازت قرار داشته دچار گاز گرفتگی می‌شود و فوت شد.

پالایشگاه تهران یکی از قدیمی‌ترین پالایشگاه‌های قدیمی نفت ایران است که در سال ۱۳۴۷ با ظرفیت ۸۵ هزار بشکه در روز راه اندازی شد.

بر این اساس سال گذشته طرح توسعه، بهینه‌سازی و بهبود فرآیند تولید این واحد پالایشگاهی با هدف تولید محصولات نفتی با استاندارد یورو 4 و 5 اتحادیه اروپا در مدار بهره برداری قرار گرفت.

تفاوت 4 درصدی نرخ بیکاری در گزارش مرکز آمار و اکونومیست

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 اردیبهشت 92 آمده است: در حالی که مرکز آمار ایران دیروز با انتشار نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در پاییز نرخ بیکاری جمعیت 10 ساله و بیشتر را 2/11 درصد برآورد کرد، تازه‌ترین گزارش واحد اطلاعات اکونومیست از نرخ بیکاری 3/15 درصدی در سال جاری خبر می‌دهد.

به گزارش ایلنا، واحد اطلاعات اکونومیست در گزارش ماه آوریل 2013 خود نیروی کار ایران در سال گذشته را 27 میلیون نفر و نرخ بیکاری را 5/15 درصد اعلام و پیش‌بینی کرد که این شاخص‌ها در سال جاری به ترتیب 27 میلیون و 700 هزار نفر و 3/15 درصد خواهد بود.

بر اساس گزارش اکونومیست انتظار می‌رود طی سال آینده نیروی کار ایران معادل 28 میلیون و 400 هزار نفر باشد و این در حالی است که نرخ بیکاری در این سال برابر با 15 درصد پیش‌بینی شده است.

بر این اساس در سال 1394 شمار افراد دارای شغل ایران به 29 میلیون و 100 هزار نفر خواهد رسید که این میزان برای سال 1395 معادل 29 میلیون و 700 هزار نفر پیش‌بینی شده است.

پایان پیام

حماسه اقتصادی یا طمع به نان خشک سفره های خالی مردم

در فرهنگ مردم ما مثلی هست که «به کور می‌گویند عین علی». اما این مثلها امروز تازه و نو شده است. حالا



اقتصادی. این حرف ولی فقیه در به نابودسازی اقتصادی می‌گویند حماسه نوروژ امسال را حتما شنیده‌اید. این ادعاها البته آنقدر دروغ است که از فردای همانروز حتی عوامل حکومتی هم به بی پایه بودن آن اشاره کردند. آخرین نمونه را در صحبت‌های یک عضو مجلس ارتجاع به نام جعفر قادری می‌بینیم. او از تخریب 20 مورد از ساختارهای اقتصادی کشور را نام میبرد

تلوویزیون دولتی نظام روز 24 اردیبهشت 92: «ترجیح اینه که توی مرحله اول تیتروار حالا حداقل بیست مورد از ایرادات و اشکالاتی که از نظر اقتصادی در عملکرد دولت وارده تیتروار، فقط اشاره بکنم در ادامه بحث سعی می‌کنم اینها روتوضیح بدم. مورد اولش بی‌توجهی به اسناد بالادستی و قوانین مادر، مورد دوم نرخ بالای بیکاری در دولتهای نهم و دهم، جهش مطالبات معوق بانکی، رشد بالای نقدینگی، کاهش شدید قدرت خرید پول ملی، افزایش شدید واردات و شدت منفی شدن تراز تجاری بدون نفت، استفاده بی‌رویه از حساب ذخیره ارزی، اتخاذ سیاست‌های ضدتولیدی و منافع ملی از سیاست‌های اشتباه این دولت بود. تأکید بر اشتغال زایی از طریق ارائه تسهیلات، ضعف نظارت پولی، ناسازگاری سیاست‌های اقتصادی، جهت‌گیریهای سیاست خارجی، نداشتن الگوی روشن در اقتصاد، بی‌ثباتی در مدیریت‌ها و وخامت محیط کسب و کار، عدم استفاده از ظرفیت نخبگان، رویه شدن مکرر قانون‌گریزی، کاهش شفافیت و عدم ارائه آمار و اطلاعات، نداشتن تعامل با قوا، عدم استفاده از ظرفیتهای توسعه‌ای و نهادهای عمومی غیردولتی، شروع بی‌رویه طرح‌های عمرانی و بی‌توجهی به بخش‌های تولیدی»

این از حماسه اقتصادی، اما وجه دیگر این افتضاح اقتصادی را حداد عادل در توضیح اقتصاد مقاومتی لو داد. حداد عادل خطاب به دانشجویان گفت: سبک زندگی اسلامی رو ایشون پیشنهاد کردند از این امور متعارفی که

درزندگی شما رو محتاج میکنه، پرهیز بکنید. این زندگی که ما داریم که غریبها برامون ترسیم کردند ما اگه بخوایم اینجور زندگی بکنیم هیچوقت به اقتصاد مقاومتی نمیتونیم برسیم... ما نمیتوانیم مستقل باشیم و بخواهیم مثل مردم دوبي، زندگی بکنیم. یعنی بریم اونجا هي نگاه کنیم تو این فروشگاهها، نگاه کنیم به این آسمون خراشها، بگیم به به به ما باید اینجوري زندگی بکنیم. بنابراین ما باید سبک زندگی رو عوض کنیم. ... نگاه بکنید چه بسیار مصرفهای غیر ضروري است که با سبک زندگی اسلامي اصلا نمي خونه و ميشه با يك همت و با يك بينش اونا رو حذف کرد

معلوم شد بر طبق آن حماسه اقتصادي مردم ايران که وقت کلاني را در صفهای تهیه ارزاق صرف میکنند، باید از همان نان گراني که به زحمت به دست میآورند هم صرف نظر کنند. اما آنچه نامعلوم است این است که خود سران این نظام چپاولگر چرا از آنهمه ثروتهای نجومی و ویلاها و آسمانخراشها که دارند دست نمی کشند؟ اقتصاد مقاومتی خوب است اما برای مردم. آقایان و آقازاده هایشان می توانند در فرنگ بچرخند و بچرند، در ویلاهای آنچناني در آمریکا و کانادا زندگی کنند، در دوبي به گردش و تفریح بروند اما اقتصاد مقاومتی بر عهده !!مردمی است که حتي حقوق زحمت خود را هم ماهانه دریافت نمی کنند. ننگ بر این نظام و ولایت یزیدی

سیمین حیدری

زخمی شدن 6 کارگردان انفجار دیگ بخار کارخانه قند ریزی زرین میاندوآب

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 28 اردیبهشت 92 آمده است : انفجار دیگ بخار ساعت 14 و 45 دقیقه ظهر روز پنجشنبه 26 اردیبهشت در کارخانه قندریزی زرین میاندوآب واقع در شهرک صنعتی این شهرستان رخ داد و شدت انفجار در آن به حدی بود که موجب ترس و وحشت کارگران کارخانجات اطراف شد که علاوه بر مجروح شدن شش نفر از کارگران در حال کار، موجب تخریب بخش عظیمی از ساختمان این کارخانه و از بین رفتن بسیاری از تجهیزات و تولیدات آن شد.

بنا بهمین گزارش، رئیس سازمان آتش نشانی شهرداری میاندوآب در خصوص علت انفجار دیگ بخار کارخانه قند بخش خصوصی واقع در شهرک صنعتی میاندوآب گفت: علت دقیق حادثه که به تخریب بخشی از ساختمان منجر شد به طور دقیق مشخص نیست.

شمس الدین نجفیان اظهار داشت: این در حالی است که طی بازدید پیش از ظهر امروز کارشناسان آتش نشانی و بیمه دلیل احتمالی انفجار دیگ درست عمل نکردن شیر اطمینان، خارج نشدن بخار و در نتیجه وارد آمدن فشار بالغ بر 10 باری بر این دیگ عنوان شد.

وی با اشاره به اینکه در پی وقوع این حادثه 6 تن مجروح و توسط تیم های امدادی به یکی از مراکز درمانی منتقل شدند، اعلام کرد: از این تعداد 5 تن به صورت سرپایی مداوا و مرخص شدند ولی یکی از مجروحان به دلیل شکستگی هنوز در بیمارستان بستری است.

بهنام ابراهیم زاده از جانب مقامات قضایی به زندان احضار شد

به دستور مقامات قضایی با وجو اینکه نیما در روزهای آینده بستری خواهد شد بهنام ابراهیم زاده باید به زندان برگردد.

امروز یکشنبه از دفتر دایار قاضی ناظر بر زندان آقای خدا بخشی با خانواده بهنام ابراهیم زاده تماس گرفتند که بهنام باید ظرف این چند روز حتما به زندان برگردد.

این در حالی است نیما چهارم خرداد باز در بیمارستان محک کودکان بستری خواهد شد؛ با پیگیری های بهنام برای تمدید شدن مرخصی اشقاصی ناظر بر زندان پرونده پزشکی نیما را به مقامات پزشکی ارجاع داده تا پزشکان قانونی تشخیص بدهند که بهنام لازم و ضروري است در کنار فرزند

بیمارش بماند و قرار بر این شد که چهارم خرداد پزشک قانونی در بیمارستان نیما را از نزدیک ببیند اما مقامات قضایی منتظر دستور پزشک قانونی نماندند و با بهنام تماس گرفتند که باید به زندان برگردد. بهنام ابراهیم زاده نیز امروز تاکید کردند که بعد از اینکه با دوستان و رفقا و فعالین کارگري عضو در کمیته پیگیری و جمعیت دفاع از

کودکان مشورت و صحبت کنم بعد از چند روز غیبت به زندان بر می گردم. دیگر بیش از این نمی خواهم هر لحظه و هرروز به مقامات قضایی پاسخگو باشم. با اینکه نیمی طی روز های آینده باردیگر طول درما نش شروع ودر بیمارستان بستری خواهد شد اما دیگر بر می گردم. با این حال این خانواده در حال حاضر به شدت تحت فشار و استرس قرار دارند. مرضی نیما و پیدا کردن داروهای نیما برای این خانواده در نبود بهنام مطمئن بسیار سخت و نگران کننده خواهد بود باید این خانواده را مورد حمایت های همه جانبه قرار داد و نگذاریم بهنام را به زندان برگردانند.

آزادی حامد محمود نژاد از زندان سنندج

بنابه گزارشات رسیده از منابع موثق، امروز یکشنبه 29 اردیبهشت، حامد محمود نژاد از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری با وثیقه 50 میلیون تومانی از زندان سنندج آزاد شد و مورد استقبال خانواده، دوستان و فعالین کارگری قرار گرفت. لازم به ذکر است حامد محمود نژاد به همراه جلیل محمدی روز پنج شنبه 12 اردیبهشت توسط نیروهای حفاظت اطلاعات بازداشت شده بودند.

تجمع کارگران کاشی گیلانا منجیل مقابل درب ورودی کارخانه و مسدود کردن جاده اصلی با آتش زدن لاستیک در اعتراض به عدم پرداخت 9 ماه حقوقشان

به گزارش زیتون خبر، در 28 اردیبهشت 92 آمده است: کارگران شرکت کاشی گیلانا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق نه ماهه خود و همچنین عدم تحقق وعده مسئولین مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. بنا به همین گزارش، یکی از کارگران کارخانه کاشی گیلانا می گوید: عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران علت اصلی تجمع کارگران مقابل کارخانه است. رضا احمدی شهربیجاری، افزود: نماینده، فرماندار و مسئولان شهرستان قول داده اند که دو ماه بعد از عید کلیه حقوق های معوقه پرداخت شود اما تاکنون این وعده ها محقق نشده اند. وی با بیان اینکه کارگران کارخانه قریب 9 ماه حقوق معوقه دارند، ادامه داد: کارفرما هیچ گونه مواد برای تولید کارخانه خریداری نمی کند و آنچه که تولید می شود استفاده از موادی است که در کارخانه بلا استفاده است. احمدی، متذکر شد: مسئولان شهرستان بارها برای رفع این مشکل قول دادند و آقای حکیمی نماینده رودبار هفته گذشته قول دادند که مشکل کارگران طی یک هفته رفع خواهد شد. وی، با بیان اینکه با تورم و گرانی جامعه کارگران قادر به زندگی نیستند، گفت: کارگران کارخانه کاشی گیلانا حتی قادر به خرید یک نان نیستند. این کارگر، ادامه داد: کارگران و بازنشستگان کارخانه که تعدادشان به 250 نفر می رسد با چنین مشکلی مواجه هستند. نماینده کارگران کارخانه کاشی گیلانا، می گوید: از نیمه دوم سال 89 مشکلات کارگری به علت سوء مدیریت در اداره کارخانه و به دنبال آن عدم پرداخت حقوق کارگران آغاز شد. ایرج شیری ادامه داد: عدم پرداخت، حقوق، دستمزد و معوقه و عدم پرداخت لیست بیمه، مشکلاتی حقوقی و معیشتی را برای کارگران این کارخانه به وجود آورد. وی خاطر نشان کرد: تا کنون نشست های متعددی برای رفع این مشکل با حضور مسئولان برگزار شده است اما مدیریت کارخانه به عنوان نماینده حقیقی و حقوقی و با دارا بودن بیش از 50 درصد از سهام کارخانه اما تا کنون تعهدات خود را عملی نکرده است. نماینده کارگران کارخانه کاشی گیلانا، ابراز داشت: کارگران کارخانه کاشی گیلانا طی سال های اخیر چندین بار جلوی کارخانه و فرمانداری تجمع کرده اند تا بتوانند مشکلاتی که با آن روبرو هستند را رفع کنند. وی ادامه داد: برخی کارگران دختران دم بخت دارند، دارای دانشجو هستند که عدم پرداخت حقوق طی 8 ماه شرایط معیشتی آنان را به وضعیت بحرانی رسانده است.

شیری با بیان اینکه، مشکل معیشتی کارگران این کارخانه را آزار می دهد، گفت: کسی به داد کارگران کارخانه کاشی گیلانا نمی رسد. برخی کارگران می گویند در خانه نون نداریم، بچه ام از دانشگاه اخراج شده کی باید به داد کارگران برسد.

وی ادامه داد: اینکه کارگران جلوی درب کارخانه که در حاشیه جاده اصلی قرار گرفته است تجمع کنند و لاستیک آتش بزنند باعث ناراحتی کارگران است، این تجمع ها در اعتراض به مدیریت کارخانه و بی توجهی به رفع مشکلات است.

برخی کارگران هم که خود را معرفی نکردند در خصوص مشکلات کارگرانی گفتند که بیمار سرطانی دارند، حتی کرباه رفت و آمد به کارخانه را ندارند و جلوی زن و بچه شرمنده هستند.

کارگران این کارخانه در ادامه اعتراض خود مدتی جاده ارتباط رشت - قزوین را مسدود نمودند که با حضور فرمانده نیروی انتظامی رودبار این مسیر بازگشایی شد. فرمانده نیروی انتظامی و بخشدار مرکزی رودبار در ادامه با حضور در جمع کارگران و شنیدن مشکلات، آنان را به آرامش دعوت نمودند و به این تجمع پایان دادند. به گزارش وبلاگ دردنامه های یک خبرنگار، عارفی یکی از کارگران کاشی گیلانا با بیان اینکه تاکنون حقوق 9 ماه را دریافت نکرده است، گفت: شرکت کاشی گیلانا معوقات زیادی داشته و مسئولین این شرکت اصلاً به فکر کارخانه و کارگران زحمت کش این کارخانه نیستند. نه تنها حقوق دریافت نمی کنیم، بلکه از لحاظ بیمه هم بلامتکلیف هستیم. تمام آهن آلات شرکت را به بهانه پرداخت کردن حقوق و معوقات فروختند و مبلغی به کارگران پرداخت نکردند. اگر این شرکت با این وضع مدیریت شود، نمی توان به ادامه حیاتش امیدوار بود. همه مسئولین از بحران شرکت کاشی گیلانا مطلع هستند، اما هیچ واکنشی نشان نمی دهند. مقصودی یکی دیگر از کارگران کاشی گیلانا با ابراز گله مندی از مسئولین شرکت، اظهار داشت: به طور قانونی فرودین ماه 91، 20 سال خدمت من در این شرکت به پایان می رسد، اما در این 20 سال خدمت، فقط سه روز کسری داشتم. بابت سه روز کسری تاکنون بلامتکلیف هستم و امثال من در این شرکت زیاد هستند، که با این مشکل دست و پنجه نرم می کنند. بیش از 7 ماه معوقات حقوق داریم. مشکلات در این شرکت زیاد است، اما چه کسی پاسخگوست؟

یکی از بانوان شاغل در شرکت کاشی گیلانا نیز با بیان اینکه شرکت با کمبود مواد اولیه روبه رو می باشد، اذعان کرد: مسئولین شرکت حتی مواد اولیه شرکت را نیز تهیه نمی کنند، اگر مواد اولیه در شرکت باشد، کارگران با همین وضع نابه سامان اقتصادی، چرخه تولید را راه می اندازند. اکنون نه تنها مواد اولیه نیست، بلکه برق شرکت هم به علت پرداخت نشدن هزینه ی برق، قطع شده است. کارگران شرکت کاشی گیلانا با جان و دل کار می کنند و وجدان کاری دارند، اما مسئولین شرکت هیچ وقت رضایت کارگر را جلب نکرده و نمی کنند. یکی دیگر از کارگران کاشی گیلانا که خودش را معرفی نکرد، گفت: در این آشفته بازار گرانی و تورم، که اجناس به صورت موشکی بالا می رود، چطور می توان 9 ماه بدون دریافت حقوق زندگی کرد؟ از مسئولین شهرستان می خواهیم که مسئله شرکت کاشی گیلانا را جدی گرفته و در صدد رفع آن باشند. یکی دیگر از کارگران کاشی گیلانا نیز گفت: ما چیز خاصی از مسئولین شرکت نمی خواهیم، فقط خواستار حق و حقوق مان هستیم. مسئولین فقط وعده وعید می دهند.

یکی دیگر از کارگران که به شدت از وضع موجود ناراضی بود، اظهار داشت: بیش از 7 ماه حقوق دریافت نکرده ایم. با دست خالی چطور پاسخگوی نیازهای خانواده باشیم. هر کدام در خانواده حداقل یک دانشجو، محصل، حتی بیمار و... داریم، وقتی حقوقی دریافت نکرده چطور می توانیم از مخارج آنها برآیم.

برپایه این گزارش، کارگران کاشی گیلانا منجیل برای چندمین بار به منظور خواستار حقوق خود، در جلوی شرکت کاشی گیلانا گرد هم جمع شده و با آتش زدن چند حلقه لاستیک اعتراض خود را نسبت به بی عدالتی در شرکت کاشی گیلانا نشان دادند. همین کارگران زحمتکش چند ماه قبل نیز به همین منظور در جلوی اداره کار شهرستان رودبار تجمع نموده و حتی با مسئولین شهرستان نیز ملاقات نمودند، اما تنها چیزی که از آن روز به یادگار ماند، وعده وعیدهای مسئولین ذیربط بود.

عقب نشینی کارفرما و پایان اعتصاب کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 28 اردیبهشت 92 آمده است: بدنبال اعتصاب متحدانه کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه که از روز چهارشنبه 25 اردیبهشت آغاز شد دیروز جمعه حقوق فروردین ماه این

کارگران به حساب آنان واریز شد و در رابطه با اعمال ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد نیز کارفرمای این کارخانه متعهد شد ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد را در فیش حقوقی اردیبهشت ماه کارگران منظور کند بعلاوه اینکه ۲۵ درصد فروردین ماه نیز همراه با دستمزد اردیبهشت ماه به آنان پرداخت شود. همچنین در رابطه با بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل که یکی از خواسته‌های مهم کارگران بود کارفرما تا روز چهارشنبه از کارگران مهلت خواست و مقرر شد این مسئله تا آنگاه توسط وی در تهران پیگیری شود و نتیجه آن به کارگران اعلام گردد. لازم به یادآوری است از سال ۱۳۶۸ به این سو طرح طبقه بندی مشاغل در کارخانه نیشکر هفت تپه بازنگری نشده است. این در حالی است که در نتیجه پیگیریهای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه دستور بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه از سال ۱۳۸۷ به مدیریت نیشکر هفت تپه و اداره کار شهرستان شوش ابلاغ شده است.

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه بدنبال عدم پرداخت دستمزد فروردین ماه و عدم اعمال افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد در فیشهای حقوقی شان و همچنین عدم بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه، از روز ۲۵ اردیبهشت ماه دست به اعتصاب زدند که در پی آن کارفرما تلاش کرد بدون توجه به خواست کارگران، آنان را مجبور به پایان دادن به اعتصاب کند اما کارگران با پافشاری بر تحقق خواسته‌هایشان بطور متحدانه ای به اعتصاب ادامه دادند و نهایتاً موفق شدند کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند.

بنا بر اظهار برخی کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه این اعتصاب چنان کارساز بود که کارفرما در اقدامی کم سابقه دستمزد معوقه فروردین ماه آنان را روز جمعه به حسابهای شان واریز کرد.

این اعتصاب بدنبال آن آغاز شد که کارفرمای این کارخانه علاوه بر اینکه دستمزد فروردین این کارگران را تاکنون پرداخت نکرده است بلکه در فیشهای حقوقی که صادر شده است ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد برای سالجاری را نیز در آنها اعمال نکرده است.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه با مشاهده این وضعیت از صبح دیروز بطور متحدانه ای دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت دستمزد معوقه خود، اعمال ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد و اجرای فوری طرح طبقه بندی مشاغل شدند.

بنا بر اظهار کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه کارفرمای این کارخانه در مورد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل با دادن وعده و عید بطور مرتب کارگران را سر میدواند و عملاً از اجرای این طرح خودداری میکند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اعتصاب، صبح امروز مدیریت کارخانه در میان کارگران اعتصابی حاضر شد اما نتیجه ای از مذاکراتی که صورت گرفت حاصل نشد و کارگران اعتصابی اعلام کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان بویژه اعمال بی کم و کاست ۲۵ درصد افزایش حداقل مزد همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

علی نجاتی در گفتگو با سایت اتحاد: افزایش حداقل مزد کارگران نیازمند یک حرکت و اعتراض سراسری است

طی دو ماهی که از آغاز سال ۹۲ میگذرد افزایش هزینه های زندگی هر روز ابعاد تازه ای بر خود میگیرد و گذران زندگی بر میلیونها خانواده کارگری بیش از پیش سخت تر میشود. تازه این اول سال است و موج سرسام آور دیگری از تورم و گرانی با افزایش ۲۸ درصدی حاملهای انرژی و... در راه است. در این میان زندگی و معیشت کارگران چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد دغدغه هیچکس در این مملکت نیست و دولت و دیگر نهادهای اداره کننده جامعه هیچ مسئولیتی در قبال معیشت میلیونها خانواده کارگری برای خود قائل نیستند. از اینرو هم است که وزیر کار از عادلانه بودن حداقل مزد کنونی یعنی تحمیل مرگ و نیستی بر خانواده های کارگری دفاع میکند تا صاحبان سرمایه بی هیچ دغدغه ای سودهای نجومی خود را از گرده کارگران بیرون کشند. دفاع تمام عیار وزیر کار از تحمیل گرسنگی بر میلیونها خانواده کارگری در شرایطی انجام میشود که

همین ۲۵ درصدی که بر روی حداقل مزد کارگران گذاشتند با توجه به گرانی های دو ماه گذشته عملاً ذره ای در حفظ قدرت خرید کارگران به میزان سال گذشته نیز نقشی نداشته است و از سوی دیگر بسیاری از کارفرمایان با صراحت از اعمال این افزایش در حداقل مزد کارگران خودداری میکنند و برخی از آنان در کمال وفاحت و شقاوت و سودجویی که تماماً حاصل تحمیل شرایط قرون وسطائی از سوی سیستم موجود بر طبقه کارگر ایران است اعلام میدارند چنانچه علاوه بر این ۲۵ درصد افزایشی در حداقل مزد کارگران صورت بگیرد، دست به اعتراض میزنند!!؟؟

در این زمینه علی نجاتی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به سایت اتحاد اظهار داشت:

«حالا همین ۲۵ درصد را هم به کارگران نمی دهند، دیروز که فیش حقوقی کارگران کشت و صنعت هفت تپه را دادند، حقوق کارگران با سال قبل محاسبه شده بود و ۲۵ درصد را به حقوق آنها اضافه نکرده بودند، وقتی هم با اعتراض شدید کارگران مواجه شدند، گفتند هرکاری که می خواهید بکنید و هر جا می خواهید شکایت کنید، شرکت ۲۵ درصد اضافه نمی کند اگر هم اضافه کند ۱۱ تا ۱۵ درصد!، وی افزود برخی پیمانکارهای همین اطراف نیز حاضر نیستند ۲۵ درصد را اضافه کنند و حتی قراردادهایی را با کارگران می بندند که مبلغ مزدی کارگران در آن قید نمیشود.»

وی درباره تناسب مزد با تورم کنونی اظهار داشت: «حتی اگر دستمزد بر اساس تورم نیز افزایش یابد هیچ فایده ایی برای کارگران ندارد چون قیمت اجناس در بازار ثبات ندارد و هرکس هر طور دلش بخواهد قیمت اجناس را بالا می برد گرانی یکسال یکدفعه، شش ماه یکدفعه که نیست. اجناس روزانه و ساعت به ساعت بالا می روند.»

وی در ادامه در باره افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد و احتمال افزایش حق مسکن و بن کارگری افزود:

«من شخصا با ۲۵ درصد موافق نیستم، چون اصلاً با سبب هزینه خانوار کارگری مطابقت ندارد و مخارج خانواده را پوشش نمی دهد، مسکن هایی مثل معافیت مالیات زیر حقوق ۸۳۰ هزار تومان، افزایش حق مسکن و بن کارگری و دادن یک کیلو قند و شکر و برنج حتی گوشه ای از درد کارگر را دوا نمی کند، اینها مسکن های لحظه ای هستند. مثل کسی که دچار بیماری سخت و صعب العلاجی شده و مسکنهای موقت نمیتوانند در بهبودی بیمار موثر باشد. اینگونه اقدامات نیز دردی از درد کارگران را دوا نخواهد کرد.»

علی نجاتی در ادامه این گفتگو درباره میزان حداقل مزدی که امروزه تا حدودی میتواند زندگی کارگران را بهبود دهد گفت: «بسیاری مراجع رسمی، سبب هزینه خانوار کارگری را یک میلیون و هشتصد تا دو میلیون و پانصد هزار تومان اعلام می کنند، من می گویم کارگر زیر ۳ میلیون تومان نمی تواند زندگی کند چون نخواهند توانست هزینه تحصیل، معالجه، خوراک، پوشاک، و مسکن خود را تامین و پس اندازی هم برای تنگناهای آینده زندگی خودشان داشته باشند. تازه همین مقدار نیز در شرایطی میتواند موثر باشد که جلوی غول تورم و گرانی سد شود.»

وی در پایان این گفتگو در باره چگونگی تحقق خواست کارگران مبنی بر افزایش حداقل مزد اظهار داشت:

«بنبید در شرایط حاضر در ایران و برخلاف خواست ما کارگران، حداقل مزد کارگران نه توسط آنان و نماینده های تشکلهای مستقل شان بلکه توسط دولت و در یک بعد ملی تعیین میشود بنا بر این کارگران یک کارخانه نمیتوانند جدا از کارگران سایر نقاط کشور موفق به افزایش حداقل مزد خود شوند به همین دلیل افزایش حداقل مزد کارگران نیازمند یک حرکت و اعتراض سراسری است و در این رابطه ایجاد تشکلهای مستقل کارگری برای تحقق یک مبارزه سراسری نقش بسیار کلیدی دارد.»

قانون کار نادیده گرفته می‌شود بهنام ابراهیم راده

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است: تعیین دستمزد کارگران بر اساس ماده چهل و یک قانون کار مهم‌ترین اقدام شورای عالی کار است که هر ساله در نیمه دوم سال در قالب برگزاری نشست‌های مشترک بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان و دولت دنبال می‌شود. تصویب حداقل دستمزد کارگران از آن روی مورد اهمیت است که حداقل 45 درصد شاغلان کشور در بخش‌های مختلف را در بر می‌گیرد. پایین ماندن حداقل دستمزد کارگران در یکی - دو دهه اخیر افزایش فاصله هزینه‌های معیشت کارگران با نرخ تورم و بالا رفتن قیمت اقلام مصرفی خانواده‌ها، از بین رفتن امنیت قراردادهای کار و همچنین بیکاری وسیع، گسترده و اخراج‌های بی‌رویه، تعطیلی گسترده بنگاه‌ها و کارگاه‌ها و سفره تهی کارگران در سال جاری در کنار افزایش تورم؛ اثرات جبران‌ناپذیری بر زندگی کارگران دارد و نیز فشارهای روحی - روانی فراوانی برای کارگران و خانواده‌هایشان پدید آورده است. شعارهای دولت برای رفع مشکلات کارگران با عملکرد دولت مطابقت ندارد. بیکاری و فقدان درآمد کافی و گرانی‌ها به خوبی لمس می‌شود. مهم‌تر از همه، گرانی نان، اصلی‌ترین کالای سبد غذایی، کارگران و کشاورزان و مردم فرودست است. باینکه ماده 41 قانون کار برای افزایش حقوق و دستمزد، یک چارچوبی را تعیین کرده است، ولی افزایش بی‌سابقه فاصله بین حداقل دستمزد و سبد هزینه‌های خانوار و همچنین افزایش بی‌رویه و افسارگسیخته قیمت‌ها در بازار و سود طلبی بی‌حد و حصر صاحبان سرمایه همراه با جلوگیری از ایجاد تشکلهای مستقل کارگری، باعث شده تا دولت هر ساله حرف آخر را در مورد تعیین حداقل دستمزدها بزند. اعلام نرخ تورم از سوی بانک مرکزی که «بیش از 40 درصد» نیز شده است، باید یکی از پایه‌ها و مبانی اساسی تعیین دستمزد سالانه کارگران باشد، به نحوی که در صورت رعایت ماده 41 قانون کار حداقل دستمزد باید به میزان نرخ تورم واقعی در سال افزایش یابد. ولی متأسفانه نه تنها تاکنون این‌چنین نشده بلکه با وجود فاصله زیاد میان نرخ تورم واقعی با نرخ رسمی، نه تنها نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی هرگز در تعیین حداقل دستمزدهای نهایی کارگران لحاظ نشده، بلکه «تأمین معیشت خانوار کارگری به عنوان رکن دوم ماده 41 قانون کار» نیز نادیده گرفته شده و به صورت کلی بین حداقل دستمزد تعیین شده در شورای عالی کار برای سال جاری که به میزان «480 هزار تومان» است و حداقل دستمزد واقعی؛ بیش از صد درصد اختلاف و شکاف وجود دارد. اجرای برنامه موسوم به قانون هدفمندی یارانه‌ها سیاست‌های نادرست افزایش نرخ ارز و تغییر روزه‌روز قیمت‌ها در سبد معیشت خانوار به صورت کلی مسائل جدیدی را در حوزه دستمزد کارگران مطرح کرده است و باعث بروز مشکلات فراوانی برای جامعه کارگران و حقوق‌بگیران شده است. کارگران برای تأمین حداقل معیشت و با توجه به نرخ‌های رسمی و غیررسمی تورم و گرانی ناچارند چند جا کار کنند، زندگی خرج و مخارج دارد. تأمین مسکن و هزینه‌های تحصیلی فرزندان، تأمین هزینه خوردوخوراک، پوشاک و هزینه‌های درمان و... آن هم با خط فقر فعلی که حتی اعلام آن هم شرمندگی به بار می‌آورد. حال این کارگران هستند و یک قانون کار. قانون کاری که باید در جهت منافع کارگران گام بردارد اما متأسفانه در ایران قانون کار کاملاً نادیده گرفته می‌شود و در همه موارد به نفع کارفرمایان تفسیر می‌شود. برخی از اقتصاددانان حکومتی چنین توجیه می‌کنند که افزایش دو برابری حقوق کارگران باعث می‌شود تا همین کارگاه‌هایی که به صورت نیم‌بند با گرانی مواد اولیه تاب آورده‌اند به یک‌باره تعطیل شوند و اقتصاد کشور از حرکت بازایستد اما انگار وضعیت معیشتی کارگران و خانواده‌هایشان چندان مهم نیست. آنها بیشتر به فکر سود سرمایه‌داران هستند و حتی بیشتر به آن فکر می‌کنند که سود سرمایه‌داران افزایش یابد.

زیرا:

اولاً افزایش حقوق به میزان تورم، ذره‌ای از سود کارفرمایان نمی‌کاهد زیرا که با گران شدن کالاها، سرمایه‌داران آن را جبران می‌کنند.

دوم آنکه، حقوق کارگر و مزدبگیر یک بار در اول سال تعیین می‌شود و تا آخر سال ثابت می‌ماند در حالی که کالاها روزه‌روز گران می‌شود و سرمایه‌داران روزه‌روز استفاده بیشتر می‌برند اما دیگر تا آخر سال دستمزد کارگران را افزایش نمی‌دهند. سرمایه‌داران از گرانی کالاها در طول سال از فروردین تا اسفند سود می‌برند، اما کارگران از این سود بهره‌ای ندارند، بلکه تنها مطابق تورم «سال قبل»، حقوق‌شان افزایش یافته است.

و سوم آنکه حقوق کارگر تنها بخش کوچکی از هزینه‌های تولید را شامل می‌شود که تأثیر آن بر سود و زیان کارفرمایان بسیار ناچیز است و به این اقتصاددانان باید گفت: این مقدار حرص سود سرمایه‌داران را نخورید زیرا سرمایه‌داران در همین سال‌های گذشته آن چنان سودهای کلانی برده‌اند که با افزایش اندک حقوق کارگران، کارگاه‌ها را نه تنها تعطیل نمی‌کنند، بلکه با ترفندهای جدید سودهای خود را افزایش هم خواهند داد.

جمع‌ی از بازنشستگان مطرح کردند:

مکان کانون بازنشستگان ماهشهر در شأن جامعه کارگری نیست

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است: جمع‌ی از کارگران بازنشسته تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی شهرستان‌های ماهشهر، امیدیه، هندیجان و بندر امام با مراجعه به دفتر ایلنا در شهرستان ماهشهر، محل تعیین شده برای کانون بازنشستگان این شهرستان را نامناسب و خلاف شأن افرادی که زندگی‌شان را در راه تولید صرف کرده‌اند دانستند.

به گزارش خبرنگار ایلنا از ماهشهر، کانون بازنشستگان این شهرستان که بازنشستگان شهرستان‌های همجوار مانند امیدیه، هندیجان و بندر امام را نیز تحت پوشش خود دارد در یک کانکس در محوطه مرکز بهداشت ماهشهر قرار دارد که زنان و مردان بازنشسته برای مراجعه به این کانون، به ناچار ساعت‌ها در گرمای طاقت فرسای جنوب در زیر تابش مستقیم آفتاب قرار می‌گیرند.

کلاه کج رییس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی ماهشهر در این خصوص گفت: با تلاش‌هایی که صورت داده‌ایم، امیدواریم به‌زودی توسط ریاست کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی استان خوزستان، شرایطی فراهم شود تا محلی در شأن و منزلت این عزیزان فراهم کنیم.

لازم به ذکر است که در شهرستان صنعتی ماهشهر 14695 کارگر بازنشسته تحت پوشش این کانون قرار دارند.

پایان پیام

بیانیه سه سندیکا: کشتار ادامه دارد، به سودجویی کارفرمایان پایان دهیم!

برپایه خبر رسیده آمده است: «سقوط ۲ کارگر مقنی در چاه ۶ متری در جوادیه تهران و کشته شدن یک کارگر متخصص در پالایشگاه نفت تهران» (ایلنا ۲۸/۲/۱۳۹۲)

۲۸ آوریل (۸ اردیبهشت) روز جهانی مبارزه با حوادث شغلی در سراسر جهان است. که متأسفانه نه تنها از طرف وزارت کار جدی گرفته نشد بلکه از طرف کارگران و نهادهای کارگری نیز واکنشی در مورد این روز نشان داده نشد. سندیکاهای کارگری در این روز با برگزاری مراسم ویژه و آموزش‌های سندیکایی کارگران و فعالان سندیکایی را برای مقابله با سودجویی کارفرمایان و جلوگیری از حوادث شغلی آماده می‌کنند. متأسفانه در ایران دلیل محدودیت برای فعالیت‌های سندیکایی، حوادث شغلی هرساله از رشد زیادی برخوردار است. سازمان پزشکی قانونی در روز ۲۷ آذرماه ۱۳۹۱ از کشته شدن یک هزار ۱۰۱ کارگر در هفت ماهه اول سال خبر داد که در مقایسه با سال ۱۳۹۰، از رشد ۱۲ درصدی برخوردار بوده است. و این به معنی مرگ روزانه ۵ کارگر در ایران است (ایلنا) به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی ایران آمار تلفات حوادث ناشی از کار در سال ۱۳۹۱، ۱۷۹۵ نفر بوده که از این تعداد ۲۵ نفر زنان را شامل می‌شده است و نسبت به سال ۱۳۹۰، ۱۹ درصد افزایش داشته است. (به نقل از ایلنا) و این در حالی است که رییس شورای اسلامی کار استان البرز اعتراف می‌کند: «آموزش‌های ایمنی به کارگران به دلیل مشکلات اقتصادی متوقف گردیده است» (ایلنا ۱۰/۱۰/۹۱) این دستور کشتار کارگران و بازکردن راه سودجویی کارفرمایان است. متأسفانه صنعت ساختمان رکورددار حوادث شغلی کشور است که بیشتر از حوادث شغلی در صنعت است. در صنعت معدن در سال گذشته

در آخرین کشتار کارگران در معدن یال شمالی طبس ۸ کارگر جان خود را از دست دادند. این سودجویی تنها به ایران و سرمایه داری ایران ختم نمی شود. در ۲ حادثه پی در پی که در بنگلادش رخ داد بیش از ۴۰۰ کارگر که بیشترشان از زنان جوان بودند طعمه سودجویی سرمایه داری قرار گرفته و جان باختند.

ماضن ناسف از این روند شتاب گیرنده حوادث شغلی در ایران اعلام می کنیم:

- ۱- خواستار فعال تر شدن بخش بازرسی و ایمنی در وزارت کار هستیم.
- ۲- خواستار موظف کردن کارفرمایان به آموزش حین کار به کارگران در صنایع و بخش ساختمان که بیشترین حوادث شغلی و تلفات انسانی را به خود اختصاص داده، هستیم.
- ۳- خواستار مجازات شدید کارفرمایانی هستیم که با صرفه جویی جان انسانها را به خطر انداخته و انسانها را هدف سودجویی خود قرار داده اند.
- ۴- ما همچنین خواستار آزادی فعالیت های سندیکایی و متعاقب آن نظارت شدید سندیکاها برای ایمنی و بهداشت کار هستیم.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران
۲۹/۲/۱۳۹۲

رضا رخشان : خطر تعطیلی نیشکر هفت تپه با خالی ماندن جای بازنشستگان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است : يك فعال کارگری در کارخانه نیشکر هفت تپه گفت: در نتیجه اجرای قوانین بازنشستگی پیش از موعد تعداد کارگران شاغل در این واحد تولیدی تا يك سوم کاهش یافته است.

«رضا رخشان» با اعلام این خبر گفت: در چند سال گذشته با اجرای قوانین مختلف بازنشستگی تعداد زیادی از کارگران شاغل در نیشکر هفت تپه بازنشسته شده اند بدون آنکه کسی جایگزین آنها بشود.

وی گفت: در حال حاضر در کارخانه نیشکر هفت تپه 2500 نفر به عنوان کارگر رسمی، قراردادی، پیمانی و فصلی مشغول کار هستند.

این فعال کارگری تصریح کرد: چنانچه این وضعیت ادامه یابد و هیچ نیرویی جایگزین کارگران بازنشسته نشود باید تا سه سال آینده شاهد تعطیلی کارخانه نیشکر هفت تپه باشیم.

وی با اشاره به پیشینه تاریخی کشت و برداشت نیشکر در منطقه هفت تپه یادآور شد: کارخانه نیشکر هفت تپه نزدیک به نیم قرن سابقه فعالیت دارد و یکی از قطب های صنعتی منطقه محسوب می شود.

حادثه در پالایشگاه نفت بندرعباس

به نوشته کمیته هماهنگی در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است : بنا به خبر رسیده روز دوشنبه 23 اردیبهشت ماه مهندس سعید مسلمی از کارشناسان با سابقه ي شرکت نفت و عبدالرضا میرزایی غواص حرفه ای که 35 سال سابقه کار داشته است، در حالی که تجهیزات کامل به همراه داشته اند، جهت بررسی و فیلمبرداری لوله های آب پالایشگاه نفت بندرعباس به داخل آب رفته اند ولی پس از گذشت 3 ساعت جنازه های آنان را بیرون کشیده اند . باتوجه به سابقه و تجارب آنان ، فوت شان مشکوک ارزیابی شده است.

لازم به ذکر است با توجه به اینکه پالایشگاه بندرعباس از پالایشگاه های مهم و قدیمی کشور می باشد دارای امکانات و تجهیزات پیشرفته می باشد ولی طی یکسال اخیر به علت حذف کارشناسان و برخوردهای سلیقه ای تعداد تلفات این پالایشگاه افزایش یافته و این پنجمین مورد طی یکسال اخیر می باشد.

کمیته ي هماهنگی براي کمک به ایجاد تشکل های کارگری

يك مقام كارگري در سيستان و بلوچستان: حداقل مزد در برخی كارگاه‌های كوچك پرداخت نمی‌شود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان گفت: مصوبه حداقل مزد شورای عالی کار تنها در کارگاه‌های بزرگ اجرا می‌شود.

«محمد گل بامری» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در کارگاه‌های كوچك معيار پرداخت مزد توافق كارگر با كارفرماست. وی گفت: براین اساس ممکن است در شرایط کنونی به يك كارگر شاغل در كارگاه كوچك از 200 تا 400 هزار تومان در ازای هشت ساعت کار روزانه پرداخت شود.

به گفته این مقام کارگری بدلیل ازدیاد جمعیت جویای کار در استان سیستان و بلوچستان، کارفرمایان کارگاه‌های كوچك از موقعیت سوء استفاده می‌کنند و به کارگران خود دستمزدی کمتر از مصوبه شورای عالی کار پرداخت می‌کنند. وی افزود: مشکل کارگاه‌ها برای پرداختن دستمزدهای قانونی کمبود درآمد نیست بلکه نبود نظارت قانونی باعث سوء استفاده کارفرمایان این واحدها شده است.

مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان ادامه داد: به موجب قوانین بازرسی، برای ورود بازرسان به کارگاه باید ابتدا کارگر یا کارگران آن واحد تولیدی شکایت کرده باشند. وی افزود: از آنجایی که فرصت شغلی در این منطقه از کشور بسیار محدود است، کارگران شاغل ترجیح می‌دهند با شرایط تحمیل شده از سوی کارفرما کنار بیایند.

به گفته بامری در حال حاضر تعداد قابل توجهی از کارگران بومی منطقه سیستان و بلوچستان در مطبخانه‌ها، دفترخانه‌ها، داروخانه‌ها، قنادی‌ها، نانواپی‌ها و... مشغول فعالیت هستند که همگی کارگاه كوچك تلقی می‌شوند. وی با بیان اینکه بر اساس آمارها هم اکنون حدود 31 هزار بیمه شده اصلی در این استان مشغول به کار هستند، گفت: بخش قابل توجهی از کارگران استان در کارگاه‌های كوچك مشغول هستند.

این مقام کارگری با بیان اینکه در صورت موافقت کارفرمایان کارگاه‌های كوچك، برای کارگران شاغل در این واحدها پرونده بیمه تشکیل می‌شود گفت: هرچند مزد این کارگران بصورت غیرواقعی پرداخت می‌شود اما حق بیمه آنها بطور کامل پرداخت می‌شود. وی با اشاره به اینکه در کارگاه‌های كوچك برخی کارگران تا 15 سال سابقه کار دارند افزود: بسیاری از این کارگران به امید اینکه در زمان بازنشستگی مستمری آنها از حقوق دریافتی آنها بیشتر می‌شود به وضعیت کنونی ادامه می‌دهند.

پایان پیام

آزادی حامد محمودی‌نژاد با قید وثیقه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .. در 29 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز یکشنبه 29 اردیبهشت حامد محمودی نژاد فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی پس از 17 روز بازداشت در اداره ی اطلاعات، با قید وثیقه ی 50 میلیون تومانی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد . نامبرده مدتی قبل در تاریخ 19 فروردین با وثیقه آزاد شده بود، اما در تاریخ 12 اردیبهشت به همراه جلیل محمدی بار دیگر بازداشت شد. کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی حامد محمودی‌نژاد خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط جلیل محمدی دیگر عضو بازداشتی خود و همچنین تمامی کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی است. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال طرح کرد: پیامد واردات 10 هزار تن چای غیر قابل شرب بر چایکاران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است: نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال با اعلام خبر ورود 10 هزار تن چای «غیر قابل شرب» به بازار که در انبار فومن یکی از کارخانه های چای، نسبت به آثار واردات چای بر زندگی چایکاران هشدار داد.

«پرویز شعبانی» با تاکید بر پیامدهای زیانبار و طولانی مدتی که این مساله برای کارگران صنعت چای رقم میزند، به ایلنا گفت: کارخانه ی طلای کوهپایه 10 هزار تن چای غیر قابل شرب را که مدت بیش از 3 سال از تولید آن می گذرد وارد بازار کرده است. وی تصریح کرد: ورود این حجم از چای به بازار با توجه به گذشت چند سال از زمان تولید آن و کیفیت نامطلوبش، اندک رغبت باقی مانده میان مردم به چای تولید داخل را از بین می برد.

این فعال صنفی افزود: ورود چای انبار شده به بازار موجب می شود تا با پایین آمدن قیمت چای تولیدی سال جاری، کارخانه های تولید چای متضرر شوند و به تغییر کاربری و تعدیل کارگران دست بزنند.

به گفته ی آقای شعبانی، اگر از زمان تولید چای بیش از ۳ سال بگذرد آن را به عنوان کود مزارع استفاده می کنند. این فعال صنفی پیش از این از ورود بیش از ۶۰ هزار تن چای غیر قابل شرب دیگر به بازار که در بازه سالهای ۷۴ تا ۷۶ در داخل کشور تولید شده اند خبر داده بود.

پایان پیام

آخرین دفاعیات غالب حسینی از فعالین کارگری

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .. در 29 اردیبهشت 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز یکشنبه 92/2/29 «غالب حسینی» جهت آخرین دفاعیات خود در شعبه ی 4 بازپرسی دادگاه انقلاب سنندج حاضر شد. وی ضمن رد اتهام واهی وابستگی به احزاب خارج از کشور از فعالیت خود در کمیته ی هماهنگی دفاع نموده و بر عضویت خود در کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پای فشاری کرد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن محکوم کردن اتهامات وارده بر فعالین کارگری، خواهان رفع اتهام از آنان و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی می باشد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

آزادی حامد محمودی نژاد با قید وثیقه

به گزارش رسیده امروز یکشنبه ۲۹ اردیبهشت حامد محمودی نژاد فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی پس از ۱۷ روز بازداشت در اداره ی اطلاعات، با قید وثیقه ی ۵۰ میلیون تومانی از زندان مرکزی سنندج آزاد شد. نامبرده مدتی قبل در تاریخ ۱۹ فروردین با وثیقه آزاد شده بود، اما در تاریخ ۱۲ اردیبهشت به همراه جلیل محمدی بار دیگر بازداشت شد. کمیته ی هماهنگی ضمن تبریک آزادی حامد محمودی نژاد خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط جلیل محمدی دیگر عضو بازداشتی خود و همچنین تمامی کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی است.

کودکان سرطانی در حسرت تخت خالی

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است: سرطان نوعی بیماری است که بیش از ۲۰۰ نوع متفاوت از آن وجود دارد و هر کدام به شیوه های خاص ایجاد می شوند اما آنچه که در همه آنها مشترک است این است که همه آنها به روشی مشابه شروع می شوند و آن تغییر در ساختار طبیعی یک سلول است.

به گزارش مهر، هر ساله بیش از ۱۲ میلیون نفر از مردم سراسر دنیا به این بیماری کشنده مبتلا شده و بیش از هفت میلیون نفر جان خود را از دست می دهند و این یعنی به طور میانگین روزانه ۲۰ هزار نفر به دلیل ابتلا به سرطان می میرند. اما افراد مبتلا به این بیماری از یک سو باید با این بیماری دست و پنجه نرم کنند و از سویی با مشکلات روحی و عاطفی ایجاد شده ناشی از این بیماری برای خود و اطرافیانشان روبرو هستند.

هزینه های سنگین درمان و تهیه دارو را نیز باید به مشکلات این قشر از جامعه افزود، به طوریکه حتی گاهی برخی از این افراد توان و یارای پرداخت هزینه ها را نداشته و به ناچار از طی دوره درمان کامل این بیماری باز می مانند.

۲۵۰ پرونده فعال در محک وجود دارد

یکی از همیاران انجمن حمایت از کودکان سرطانی زیر ۱۴ سال استان همدان در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: محک "انجمن حمایت از کودکان سرطانی زیر ۱۴ سال" تمام کودکان سرطانی زیر ۱۴ سال را تحت پوشش خود دارد و ۱۷ هزار کودک سرطانی در کشور از حمایت این موسسه برخوردار هستند.

همیار انجمن محک استان همدان که تمایلی به ذکر نامش نداشت، ادامه داد: این انجمن در تیر ماه سال ۹۰ در بیمارستان بعثت همدان با هدف حمایت از کودکان سرطانی آغاز به کار کرده است. وی با اشاره به اینکه این انجمن دارای پنج عضو است، افزود: در حال حاضر ۲۵۰ پرونده کودکان سرطانی زیر ۱۴ سال در این موسسه فعال است. همیار انجمن محک همدان عنوان داشت: این موسسه بیماران استان های هم جوار مانند کردستان، اراک و ساوه و قم را نیز تحت حمایت خود قرار داده است.

بهبود یافتگان سرطانی از حمایت محک برخوردار هستند

وی گفت: کودکان و بیمارانی که بهبود یافته و قطع درمان شده اند نیز هر شش ماه یک بار به این موسسه مراجعه کرده و از حمایت محک برخوردار می شوند. وی ابراز داشت: حتی بیمارانی که بهبود یافته و در دوران دانشجویی به سر می برند نیز از حمایت ها و کمک های این موسسه بهره می برند.

گردش مالی محک همدان ۴۰۰ میلیون تومان بوده است

همیار محک با تاکید بر اینکه این موسسه بیماران سرطانی را که سن ابتلا به بیماری آنها زیر ۱۴ سال بوده تحت پوشش قرار می دهد، افزود: در مدت دو سال از تشکیل این انجمن در همدان حدود ۲۵ کودک مبتلا به این بیماری جان خود را از دست داده اند.

وی با اشاره به اینکه موسسه محک علاوه بر پرداخت هزینه درمان، هزینه ایاب و ذهاب، لباس و پوشاک و بستری این افراد را پرداخت می کند، اظهار کرد: گردش مالی این موسسه در دو سال تشکیلش در استان همدان ۴۰۰ میلیون تومان بوده است. وی اضافه کرد: بیشتر هزینه های این موسسه از طریق خیرین در تهران و موسسه مرکزی تهیه می شود.

همیار محک عنوان داشت: کودکان سرطانی استان همدان در بیمارستان بعثت تحت درمان قرار می گیرند و از کمک های این موسسه برخوردار می شوند.

تنها ۱۴ تخت برای بستری کودکان سرطانی در همدان وجود دارد

وی در مورد مشکلات خانواده های این کودکان به خبرنگار مهر گفت: اکثر خانواده های این بیماران روستایی و یا از افرادی که بضاعت مالی مناسبی ندارند، هستند.

همیار محک همدان تاکید کرد: وضع مالی اکثر آنها آنقدر بد است که اگر کمک های این موسسه نبود به دنبال درمان و مداوای کودکان خود نمی آمدند. وی افزود: علاوه بر این، هزینه دارو ها بسیار بالا رفته و این افراد برای تهیه دارو با مشکل روبرو هستند.

همیار موسسه محک در بیمارستان بعثت ادامه داد: برای کودکان زیر ۱۴ سال مبتلا به این بیماری، تنها ۱۴ تخت در بیمارستان وجود دارد و این در حالی است که حدود ۵۰ کودک سرطانی در این بیمارستان شیمی درمانی می شوند.

برای بستری کودکان سرطانی کمبود تخت داریم

وی با تاکید بر اینکه هم اکنون برای بستری این کودکان با کمبود تخت مواجه هستیم، اظهار داشت: چنانچه هر کدام از این کودکان نیاز به بستری داشته باشد، باید منتظر بماند تا تخت خالی برای او پیدا شود. وی گفت: با نبود تخت بیمار به منزل منتقل شده که با این شرایط مراقبت مناسب از وی انجام نمی شود. همیار محک همدان افزود: روز به روز تعداد پرونده های این بیماران افزوده شده و مشکلات نیز بیشتر می شود.

وی با بیان اینکه هزینه درمان هر کودک سرطانی ماهانه ۳۰۰ هزار تومان است، گفت: محک علاوه بر هزینه درمان و دارو برخی هزینه های جانبی این بیماران مانند رفت و آمد، بستری و خوراک و پوشاک را نیز پرداخت می کند. وی اضافه کرد: از طرفی مشکلات روحی و عاطفی این بیماران و خانواده های آنها نیز زیاد بوده چرا که یک کودک مجبور است ماهها محیط بیمارستان را تحمل کند.

همیار محک با بیان اینکه باید فضای مناسب برای تفریح و بازی این کودکان در بیمارستان فراهم شود، افزود: در حال حاضر فضای مناسبی برای این بیماران در بیمارستان وجود ندارد. وی با اشاره به بالا رفتن هزینه های درمان و دارو و بستری این نوع بیماران گفت: موسسه محک برای حمایت از کودکان سرطانی نیازمند کمک خیرین و مسئولان است.

دو هزار بیمار سرطانی بزرگسال در استان همدان پرونده دارند

مدیر عامل موسسه بیماران خاص استان همدان نیز در گفتگو با خبرنگار مهر افزود: بر اساس تعریف دولت بیماران خاص به بیماران کلیوی، ام اس، تالاسمی و هموفیلی اطلاق می شود.

غلامرضا حاج ولیبی با بیان اینکه بیماری سرطان در رده بیماری صعب العلاج قرار دارد، افزود: بیماران سرطانی بزرگسال آن طور که باید تحت حمایت هیچ موسسه ای قرار ندارند. وی اظهار کرد: دو هزار نفر بیمار سرطانی بزرگسال در استان همدان وجود دارد.

حاج ولیبی با اشاره به اینکه این بیماران خاص از دفترچه رایگان و خدمات رایگان برخوردارند، افزود: بیماران سرطانی دفترچه رایگان نداشته و هزینه بستری و یا رادیو تراپی آنها نیز رایگان نیست. مدیر عامل موسسه بیماران خاص همدان ادامه داد: در حال حاضر این موسسه از طریق کمک های خیرین خدمات خیلی محدودی را به این بیماران می کند.

غلامرضا حاج ولیبی اظهار داشت: نزدیک به سه سال است که ماهانه ۱۰۰ هزار تومان به برخی از بیماران سرطانی از طرف این موسسه کمک می شود. وی با تاکید بر اینکه تنها تعداد اندکی از بیماران سرطانی بزرگسال از کمک های این موسسه بر خوردار می شوند، افزود: سال گذشته از طریق انجمن امداد گران عاشورا مبلغ ۲۵ میلیون تومان به این بیماران کمک کردیم.

حاج ولیبی عنوان داشت: این بیماران علاوه بر مشکلات عاطفی و روحی با مشکلات اقتصادی زیادی رو برو هستند.

وی با اشاره به اینکه وقتی سرپرست یک خانوار به این بیماری مبتلا می شود، اقتصاد آن خانواده فلج می شود، افزود: برای حل مشکلات این قشر از جامعه نیازمند کمک هر چه بیشتر خیرین هستیم.

واضح است که درمان سرطان‌ها بار عمده‌ای از هزینه‌های سرانه سلامت را به خود اختصاص می‌دهد و از آنجایی که سرطان هم قابل پیشگیری و هم قابل پیش‌بینی است؛ از این رو مقرون به صرفه است که از این گونه بیماری‌ها پیشگیری و جلوگیری شود.

جزئیات گزارش مرکز آمار: لرستان قهرمان بیکاری کشور شد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است: مقایسه نرخ بیکاری در استان‌های کشور نشان می‌دهد که کمترین نرخ بیکاری معادل ۵,۴ درصد در استان خراسان جنوبی و بیشترین نرخ بیکاری در استان‌های لرستان و کرمانشاه به ترتیب با ۲۰,۶ درصد و ۱۸,۸ درصد بوده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا از خرم‌آباد، مرکز آمار ایران با انتشار گزارش جامع مربوط به وضعیت بیکاری در پاییز ۱۳۹۱، تصویر تازه‌تری از شرایط کار در کشور را نمایش داد که با امار ارائه شده توسط رییس دولت تفاوت بنیادین دارد.

بر اساس این گزارش ۷۰ صفحه‌ای، نرخ بیکاری کلی در کشور در پاییز سال گذشته، ۱۱,۲ درصد بوده است؛ که سهم مردان ۹,۸ درصد و سهم زنان ۱۷,۷ درصد ذکر شده است. همچنین نتایج این آمار بیانگر آن است که نرخ بیکاری در نقاط شهری بیش‌تر از نقاط روستایی است، به طوری که نرخ بیکاری در نقاط شهری ۱۲,۵ درصد و در نقاط روستایی ۸ درصد است. بر پایه این گزارش، چنانچه جمعیت فعال، ۱۵ ساله و بیش‌تر در نظر گرفته شود نرخ بیکاری همان ۱۱,۲ درصد به دست می‌آید.

مطابق نتایج به دست آمده، در فصل پاییز، نرخ مشارکت اقتصادی (یعنی درصد جمعیت فعال - بیکار یا شاغل - در سن کار) در جمعیت ۱۰ ساله و بیش‌تر در کل کشور ۳۷,۵ درصد بوده است که این شاخص در بین مردان ۶۱,۳ درصد و در بین زنان ۱۳,۷ درصد محاسبه شده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که درصد جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیش‌تر در نقاط روستایی بیش‌تر از نقاط شهری است، به طوری که نرخ مشارکت اقتصادی در نقاط روستایی ۳۹,۸ درصد و در نقاط شهری ۳۶,۶ درصد بوده است.

از سوی دیگر مقایسه نرخ بیکاری در گروهی سنی نشان می‌دهد بیش‌ترین نرخ بیکاری در گروه سنی ۲۰ تا ۲۴ ساله با ۲۷,۸ درصد بوده است. بررسی این شاخص در بین مردان و زنان نشان می‌دهد همین گروه سنی در بین مردان با ۲۳,۵ درصد و در بین زنان با ۴۷,۹ درصد بالاترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده است.

در بخش دیگری از گزارش مرکز آمار، تغییرات نرخ بیکاری نسبت به تابستان ۹۱ و پاییز ۹۰ گردآوری شده شده است. بر این اساس، نرخ بیکاری کل در پاییز سال ۹۱ نسبت به تابستان آن سال ۱,۲ درصد کاهش داشته است. همچنین این نرخ نسبت به پاییز سال گذشته‌اش ۰,۶ درصد کاهش یافته که در آن سهم نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری بیش‌تر است.

بررسی میزان اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت نشان می‌دهد، بیش‌ترین درصد شاغلان در بخش خدمات و کمترین درصد شاغلان در بخش کشاورزی مشغول به کار بوده‌اند، به طوری که سهم شاغلان ۱۰ ساله و بیش‌تر در بخش خدمات ۴۷,۱ درصد، در بخش صنعت ۳۴,۸ درصد و در بخش کشاورزی ۱۸,۱ درصد بوده است. بررسی وضع شغلی شاغلان نیز نشان می‌دهد، درصد شاغلان در بخش خصوصی (کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقو قبگیران بخش خصوصی و تعاونی و کارکنان فامیلی بدون مزد) بیش از درصد شاغلان در

بخش عمومی (مزد و حقوق‌بگیران بخش عمومی) است؛ به طوری که سهم اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در بخش خصوصی ۸۳ درصد و در بخش عمومی ۱۷ درصد بوده است.

اما در بُعد استانی، گزارش مرکز آمار حاوی نکات قابل توجهی است. مقایسه نرخ بیکاری در استان‌های کشور نشان می‌دهد که کمترین نرخ بیکاری معادل ۵,۴ درصد در استان خراسان جنوبی و بیشترین نرخ بیکاری در استان‌های لرستان و کرمانشاه به ترتیب با ۲۰,۶ درصد و ۱۸,۸ درصد بوده است. بررسی نرخ مشارکت اقتصادی در بین استان‌های کشور نیز نشان می‌دهد که استان خراسان رضوی با ۴۲,۵ درصد در جایگاه نخست قرار داشته و بعد از آن استان‌های آذربایجان غربی و زنجان با ۴۲,۴ درصد رتبه دوم نرخ مشارکت اقتصادی (نسبت مجموع جمعیت بیکار و شاغل به کل جمعیت بالای ۱۰ سال) را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، استان سیستان و بلوچستان با ۲۶,۹ درصد پایین‌ترین نرخ مشارکت اقتصادی را به خود اختصاص داده و در این در حالی که نرخ مشارکت اقتصادی در کل کشور ۳۷,۵ درصد به دست آمده است.

از سوی دیگر، مقایسه استان‌ها به لحاظ بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد در استان خراسان جنوبی بیشترین شاغلان (۳۸,۶ درصد) در بخش کشاورزی مشغول کار بوده‌اند و در مقابل استان تهران با ۱,۷ درصد کمترین شاغلان بخش کشاورزی را داشته است. در بخش صنعت، استان یزد با ۴۶,۶ درصد بیش‌ترین و استان کرمانشاه با ۲۰,۹ درصد کمترین درصد شاغلان را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در بخش خدمات، استان تهران با ۶۰,۲ درصد بالاترین و استان خراسان شمالی با ۳۴,۲ درصد پایین‌ترین درصد شاغلان را در بخش خدمات به خود اختصاص داده‌اند.

گزارش از کریم داودی نژاد

پایان پیام

بالا بردن دستمزد مستلزم محاسبه تورم و رشد قیمت‌ها است

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا بتاريخ 29 اردیبهشت 92 آمده است:، رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور گفت: تا زمانی که افزایش دستمزدها متناسب با رشد قیمت‌ها و تورم جامعه صورت نگیرد، هر طرحی در راستای افزایش توان خرید حقوق‌بگیران ابتر خواهد بود.

لطف الله بیات در گفت‌وگو با خبرنگار تعاون و اشتغال ایسنا، طرح مجلس مبنی بر بررسی دو بار در سال حقوق کارمندان و کارگران را امکان‌پذیر دانست ولی گفت که در صورت اجرا با پیچیدگی‌های خاصی همراه خواهد بود.

وی ادامه داد: اگر بالا بردن دستمزد با رشد تورم و قیمت‌ها متناسب نباشد هر طرحی که به منظور افزایش قدرت خرید مردم و حقوق‌بگیران ارائه شو، ابتر خواهد ماند.

بیات تصریح کرد: در طول سنوات گذشته شورای عالی کار تنها یکبار در سال موضوع دستمزد را بررسی و تعیین کرده است بنابراین اجرای طرح مجلس به سادگی نیست و باید با رعایت ابعاد و جنبه‌های مختلفی همراه باشد.

به اعتقاد وی چنانچه افزایش قیمت‌ها در سال دوبار اتفاق بیفتد و نرخ تورم افزایش داشته باشد ولی حقوق و دستمزد ثابت بماند، طبعاً حقوق‌بگیر عقب می‌ماند مگر آنکه دستمزدها نسبت به رشد تورم و قیمت کالاها در پایان سال افزایش پیدا کند.

ریس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور تاکید کرد: وقتی که شورای عالی کار بابت حقوق و دستمزد تصمیم گیری می کند می تواند در همان جلسه پایانی سال، مزد را دوبار تعیین کند به گونه ای که دستمزد واقعی را برای طول سال در نظر بگیرد و به تناسب رشد قیمتها، دستمزدها را هم افزایش بدهد.

يك فعال صنفی در این شهرستان خبر داد: کاهش 50 درصدی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی نیشابور

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس هیئت مدیره ی انجمن صنفی کارگران و استاد یاران ساختمانی نیشابور از کاهش بیش از 50 درصد سهمیه بیمه کارگران ساختمانی این شهرستان از سوی سازمان تامین اجتماعی خبر داد.

«عبدالله قدم یاری» در این باره به ایلنا گفت: در حالی که همه ساله 700 نفر کارگر ساختمانی در این شهرستان بیمه می شدند، تا کنون تنها 300 کارگر ساختمانی در شهرستان نیشابور بیمه شده اند.

وی با اشاره به عدم اجرای قانون «رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی» تصریح کرد: قانون مذکور نه تنها اجرا نشده است بلکه سازمان تامین اجتماعی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی شهرستان نیشابور را بیش از 50 درصد کاهش داده است.

گفتنی است در روز های گذشته، گزارش های مشابه ای از سایر نقاط ایران به ایلنا رسیده است. کاهش 10 برابری سهمیه ی بیمه ی کارگران ساختمانی استان تهران یکی از این موارد است.

«محمد باقری» رئیس هیئت مدیره ی انجمن صنفی کارگران و استاد یاران ساختمانی در هفته گذشته به ایلنا گفته بود: هر سال در استان تهران بیش از 31 هزار و 500 نفر سهمیه برای بیمه ی تامین اجتماعی کارگران ساختمانی اختصاص داده می شد که در سال جاری به 3 هزار نفر کاهش پیدا کرده است.

این در حالی است که قانون رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند. فعالان کارگری با استناد به این قانون معتقدند ایجاد نظام سهمیه بندی خلاف قانون و ناعادلانه است.

پایان پیام

تجمع اعتراضی کارگران سد بنیر

بر اساس گزارش دریافتی دیروز یکشنبه 29 اردیبهشت ماه کارگران شاغل در سد بنیر در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه حقوق معوقه و نیز عیدی و پاداش سال گذشته خود از ساعت 9 تا 11 صبح در مقابل دفتر شرکت استراتوس پیمانکار این سد تجمع کردند و خواهان دریافت مطالبات خود شدند. لازم به ذکر است که سد بنیر در 20 کیلومتری جاده سنندج - مریوان واقع شده که بیش از 200 کارگر در دو شیفت در این پروژه مشغول به کار هستند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-30 اردیبهشت 1392

رضا رخشان: کارگران نی بر برای بازنشستگی 40 سال کار می کنند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: یکی از فعالان مستقل صنفی در شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه از شرایط سخت و طاقت فرسای کار کارگران متخصصی که به کار بریدن نی‌شکر (نی‌بر) اشتغال دارند خبر داد.

«رضا رخشان» با اعلام این مطلب گفت: این کارگران که جمعیت آنها در حال حاضر تا حدود 900 نفر می‌رسد، 8 ماه از سال را به این کار طاقت‌فرسا اشتغال دارند و در زیر آفتاب سوزان جنوب کشور با قمه نی‌بری می‌کنند. رخشان بابیان اینکه تا کنون در مزارع نیشکر هفت تپه هیچ دستگاه مدرنی نتوانسته به خوبی کارگران نی‌بری کند، گفت: با این حال این کارگران به لحاظ درآمد و بازنشستگی با مشکل مواجه هستند.

وی افزود: کارگران نی‌بر هم به لحاظ درآمد نسبت به دیگر کارگران هفت تپه دریافتی کمتری دارند و همچنین به دلیل فصلی بودن نوع کارشان، برای رسیدن به شرایط بازنشستگی باید حداقل 40 سال کار کنند. به گفته این فعال کارگری، در حال حاضر هیچ نهاد و دستگاهی پاسخگوی این مشکل کارگران نی‌بر نیست و به همین دلیل این کارگران از دولت و نمایندگان مجلس می‌خواهند که برای ترمیم مزد و تسریع در بازنشستگی آنها تمهیداتی بیاندیشند.

از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: فعالیت يك شرکت تعاونی غیر قانونی اعلام شد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: پس از شش سال از فعالیت شرکت پیشگامان تشریفات خودرو ایرانیان وزارت کار تعاون و رفاه اجتماعی فعالیت این شرکت را به دلیل تخلف از قانون تعاونی، خلاف قانون اعلام کرد.

به گزارش ایلنا مدیر کل دفتر تعاونی های خدماتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی: گفت فعالیت شرکت پیشگامان تشریفات خودرو ایرانیان به نام تعاونی خلاف قانون است

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت کار علی حسین شهریور مدیرکل دفتر تعاونی‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد: شرکتی به نام پیشگامان تشریفات خودرو ایرانیان با سوء استفاده از نام تعاونی اقدام به اخذ وجوه از مردم می‌کند و موضوع تخلفات این شرکت در حال پیگیری است.

این مقام مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: شرکت پیشگامان تشریفات خودرو ایرانیان تحت نظارت این وزارتخانه نیست و فعالیت های این شرکت به نام تعاونی خلاف قانون است و موضوع تخلفات این شرکت در دست پیگیری است.

وی افزود: این شرکت با ره اندازی سایت www.tashrifat_co.com و درج اطلاعات کذب بر روی آن مبنی بر فعالیت تحت نظارت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اقدام به سوء استفاده از نام تعاونی کرده است.

علی حسین شهریور خاطر نشان کرد: این شرکت فاقد مجوز تعاونی است و مجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی صحت اطلاعات و فرایند فعالیت این شرکت را تایید نمی‌کند.

وی در ادامه گفت: بر اینکه سوء استفاده از برند و نام تعاونی معضلی است که سال ها دستاویز سودجویان اقتصادی و گریبانگیر بخش تعاون است.

مدیر کل دفتر تعاونی های خدماتی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تاکید کرد: مردم در این باره باید آگاهانه تصمیم بگیرند و پیش از سرمایه گذاری در شرکت های مورد نظر خود، استعلام کنند.

این درحالی است که در ساست اینترنتی شرکت پیشگامان تشریفات خودرو ایرانیان آمده است: شرکت پیشگامان تشریفات خودرو ایرانیان از سال 1386 فعالیت خود را در زمینه فروش و اجاره اقساطی، نقدی و اعتباری انواع خودروهای داخلی و خارجی خودروآغاز کرد.

در سایت اینترنتی شرکت پیشگامان خودروری ایرانیان همچنین آمده است: این شرکت که با شناسه ملی به شماره 10320276528 در قوه قضاییه به ثبت رسیده است دارای 2 زیر مجموعه ی دیگر با برند های تشریفات پروانه طلائی و پیشگامان تشریفات به شماره های ثبت 377831 و 418331 است که بطور جداگانه در زمینه برگزاری همایش ها و واردات مصالح ساختمانی فعالیت دارند.

پایان پیام

کارگران کارخانه آزمایش فارس یکسال است که حقوق نگرفته اند

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا بتاريخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: طی گزارشی از ادامه بیکاری وعدم دریافت یکسال حقوق 2000 کارگر کارخانه آزمایش وشگردهای صاحبان کارخانه برای دریافت وام میلیاردی وبه تعطیلی کشاندن کارخانه بمنظور بفروش رساندن خط تولید وزمین میلیاردي کارخانه خبرداد. براساس این گزارش، شرکت آزمایش که دو هزار کارگر داشت، واگذار شده است و بعد از واگذاری گردانندگان آن را تعطیل کرده اند، شرکت را در گروی بانک گذاشته اند و با وام میلیاردي از کشور فرار کرده اند. کارگران این شرکت یک سال است که حقوق نگرفته اند و حالا افرادی که خود را مباشران صاحبان کارخانه معرفی می کنند، خط تولیدهای کارخانه را به عنوان آهن قراضه به حراج گذاشته اند تا زمین میلیاردي این کارخانه را هم به فروشند.

بیانه 81

شاهرخ زمانی و خالد حردانی دست به اعتصاب غذا زدند

به دنبال تخریب منزل ۷ شهروند عرب در محله ی "شلنگ آباد" اهواز توسط مأموران شهرداری با بولدوزر، شاهرخ زمانی و خالد حردانی در جهت حمایت از خانواده های فوق و اعتراض به عملکرد ضد انسانی مأموران جمهوری اسلامی از روز شنبه 1392/2/28 دست به اعتصاب غذای تر زده اند. خواسته شاهرخ و خالد از نهادها و تشکلهای داخلی و جهانی حمایت از این خانواده ها و اعتراض به عملکرد جمعی نهادها و مأموران جمهوری اسلامی است با توجه به اینکه تخریب سرپناه این هفت خانواده شهروند اهوازی تنها یک نمونه از کارهای ضد انسانی جمهوری اسلامی است. در خبرها آمده است: "مأموران شهرداری در حالی با بولدوزر اقدام به تخریب این خانه ها کرده اند، که این شهروندان نتوانسته اند وسایل مورد نیاز خود را از خانه هایشان خارج کنند. این ۷ خانوار هم اکنون هر کدام با چندین عائله در چادر در نزدیکی خانه های تخریب شده ی خود بسر می برند و از هرگونه امکاناتی جهت زندگی محروم می باشند. تخریب منازل این شهروندان عرب از سوی مأموران شهرداری حکومت اسلامی ایران در حالی صورت می گیرد که هم اکنون کاندیداهای ریاست جمهوری در ایران شعار انتخاباتی خود را عدالت اجتماعی، ریشه کنی فقر و حل مشکل مسکن برای شهروندان در مناطق فقرنشین عنوان می کنند." ما ضمن محکوم کردن عملکرد شهرداری اهواز در تخریب خانه هفت خانواده اهوازی از تمامی کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و جوانان و تشکلهای و نهادهای اجتماعی داخلی و جهانی می خواهیم درمقابل چنین عملکرد ضد انسانی سکوت نکرده ودست به اعتراضات عملی بزنند. از طریق ارسال نامه های اعتراضی، اعلام در آکسیونهای اعتراضی آتی و خبررسانی گسترده حمایت خود را عملی نماییم

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر
پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار

اخباری از زندان ارومیه

روز دوشنبه، مأموران زندان ارومیه، وارد بند سیاسی شده اند، زندانیان سیاسی را تک تک واریسی بدنی کرده و طی بازرسی بدنی زندانیان را به شدت تحقیر کرده اند؛ سپس همه زندانیان را به حیاط زندان فرستاده و به مدت سه ساعت همه اتاق ها و وسایل شخصی زندانیان این بند را زیر و رو کرده و تمامی کتاب ها، یادداشت ها، خاطرات، عکس های شخصی و خانوادگی زندانیان سیاسی را با خود برده اند. شدت این بازرسی آن چنان بوده که بسیاری از وسایل زندانیان را شکسته و نابود کرده اند.

این بازرسی بر اساس گزارشات دروغ دو زندانی در بند سیاسی زندان ارومیه به وقوع پیوسته، که جرم شان سرقت مسلحانه است؛ یکی از آن ها عضو سپاه پاسداران بوده و دیگری از عوامل اطلاعات در حکومت اقلیم کردستان عراق، که هر دو آن ها دستگیر و به بند سیاسی زندان ارومیه منتقل شده اند و اکنون نقش خیرچین برای اداره اطلاعات و آزار زندانیان سیاسی و پخش آزادانه مواد مخدر در زندان را بر عهده دارند و ماموران و گارد ویژه زندان هم ابداً کاری به کارشان ندارد.

یکی از آن ها به نام مراد عیسایی اهل خوی حدود 34 ساله، عضو سابق سپاه پاسداران است که به اتهام سرقت مسلحانه دستگیر و در دادسرای نظامی به هفت سال زندان محکوم شده است. دیگری فردی به نام ظاهر علی علی اهل قلات دیزه، از ماموران اطلاعات ایران در حکومت اقلیم کردستان بوده، که از آن منطقه اخراج شده و به سبب این که در آن منطقه مأموریت خود را به خوبی انجام نداده، دستگیر و به پنج سال زندان محکوم شده است.

طی چند ماه اخیر این دو نفر از بندهای دیگر زندان ارومیه به بند سیاسی زندان منتقل شده اند و در آن جا با دادن گزارشات دروغین، خیرچینی، و پخش آزادانه مواد مخدر در زندان، برای زندانیان سیاسی آزار و مزاحمت ایجاد کنند و چون برای اداره اطلاعات جاسوسی می کنند، مأمورین زندان کاری به آن ها ندارند. ظاهراً بر اساس گزارش این دو نفر مبنی بر این که در بند سیاسی زندان ارومیه موبایل وجود دارد، گارد ویژه زندان برای بازرسی به این بند آمده بودند، اما بعد از بازرسی چیزی پیدا نکرده اند. افراد دیگری نیز در بند سیاسی زندان ارومیه مرتکب چنین اعمال رذیله و کثیفی می شوند که چنانچه به اقدامات خود پایان ندهند، نام آن ها نیز به زودی منتشر و افشا خواهد گردید.

خبر دیگری از زندان ارومیه حاکی از این امر است که مسعود شمس نژاد وکیل پایه یک دادگستری و مدرس دانشگاه آزاد و پیام نور ارومیه، که از وکلای زندانیان سیاسی به ویژه زندانیان سیاسی محکوم به اعدام، حبیب الله گلپری پور، حبیب الله افشاری و برادر وی علی افشاری است، هفته گذشته به اتهام همکاری با احزاب محارب کرد دستگیر شده است. وی پارسال کاندیدای مجلس شورای اسلامی نیز شده بود، که صلاحیت اش به اتهام بر عهده گرفتن وکالت زندانیان کرد و دفاع از "گروهک های کرد ضد انقلاب" رد شده بود. و آخرین خبر این که یک زندانی سیاسی سابق کرد به نام شیرزاد بیگ زاده، که سابقاً با اتهاماتی یک سال در زندان بوده، از دوم اردیبهشت مجدداً توسط اداره اطلاعات استان ارومیه دستگیر شده و تاکنون خبر دقیقی از وضعیت وی در دست نیست. بنا بر اطلاعی که از طریق یک منبع مطلع حاصل شده است، او در زندان ارومیه و در انفرادی به سر می برد و هم اکنون تحت شدید ترین شکنجه ها قرار دارد.

تکثیر از :

سقوط کارگر آرماتوربند از طبقه سوم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: يك کارگر آرماتور بند بر اثر سقوط از ارتفاع ساختمانی در شهرستان شهریار، به شدت مصدوم شد.

به گزارش ایلنا، کارگر آرماتور بندی به نام «علیرضا دوستی» هنگام کار با میلگرد پس از بر خورد با برق سه فاز از طبقه سوم به طبق دوم سقوط کرد و به شدت مصدوم شد. به گفته عوامل امداد و نجات این کارگر مصدوم برای مداوا به اورژانس تحویل داده شد.

پایان پیام

سقوط مرگبار کارگر جوان به چاله آسانسور

به گزارش پایگاه خبری پلیس، در 30 اردیبهشت 92 آمده است: عصر روز بیست و هشتم اردیبهشت در شهرک قدس کارگر جوانی 30 ساله بنام "محمد. گ" از طبقه پنجم يك ساختمان در حال ساخت به داخل چاله آسانسور سقوط کرد و در دم جان سپرد.

ریزش مواد مذاب جان کارگر کارخانه ذوب فلزات فجر سمنان را گرفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: سرریز شدن مواد مذاب در کارخانه تازه تاسیس ذوب فلزات فجر سمنان، باعث کشته شدن یک کارگر شد. براساس این گزارش، این حادثه که به کشته شدن کارگری به نام «مهدی تالشی» انجامید، در تاریخ عصر روز پنجشنبه 26 اردیبهشت ماه به دلیل انباشت مواد مذاب داخل کوره ذوب فلزات و سپس سرریز شدن این مواد رخ داده است.

همکاران کارگر جان باخته که شاهد حادثه بوده اند گفتند: مهدی تالشی با مشاهده سرریز شدن مواد مذاب قصد فرار داشته است اما بدلیل از دست دادن تعادل بر روی مواد مذاب می افتد و جانش را از دست می دهد. گفتنی است کارخانه ذوب فلزات فجر سمنان با وجود آنکه طی شش ماه گذشته فعال بوده است اما از روز 22 فروردین ماه همزمان با دور چهارم سفرهای استانی ریاست جمهوری و با حضور وزیر صنعت و معدن و تجارت به طور رسمی افتتاح شده بود.

گزارشی از وضعیت زندگی روزانه و اوضاع معیشتی پناهجویان در ترکیه محمد اشرفی

در پاسخ به درخواستی جهت تهیه گزارشی از وضعیت پناهندگان در ترکیه، رفیق محمد اشرفی گزارش زیر را تهیه و ارسال نموده اند. با سپاس و با اجازه ایشان برای اطلاع عموم از وضعیت اسفبار پناهندگان، به انتشار آن مبادرت می کنیم.
کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - کلن

در رابطه با وضع اقتصادی و احتمال کمک های یو ان و دولت ترکیه به پناهندگان ایرانی باید بگویم باتوجه به 28 ماهی که در ترکیه هستم نمی توان از کمک های مالی دولت ترکیه و یو ان حرف چندان به دردیخوری زد. با استثنا به دیده خود به صورت زیر نظرم را اعلام می کنم:

در شهر ادرنه تا زمانی که ادرنه از لیست شهرهای پناه پذیر خارج شود 11 نفر در این شهر بودیم که از 11 نفر فقط به دو نفر از طرف یو ان کمک مالی داده شد که هر ماه نفری 100 لیر بود آن هم پس از یک سال

قبول کردند به آن ها نغری صد لیر کمک کنند و بقیه را قبول نکردند و یک نفر نیز توانست با 5 یا 6 بار غش کردن و خود را به دیوانگی زدن دوبار مبلغ 200 لیر از طرف بنیاد خیریه کیمسه یوخ (بی کسان) کمک بگیرد این کل کمک هایی بود که یو ان و نهادهای خیریه انجام دادند دولت ترکیه که هیچ وقت کاری نکرد. البته ما خودمان توانسته بودیم با همکاری و حمایت سندیکای دیسک ادرنه برای برخی از بچه ها که پول غذا خوردن نداشتند روزی یک وعده غذا از طریق آشپزخانه فرمانداری بگیریم که هیچ ربطی به دولت یا یو ان نداشت بلکه رابطه بین المللی کارگری بود و بس - .

برخی اوقات از طرف فرمانداری در مجموع طی 26 ماه گذشته دوبار اتفاق افتاد مواد غذایی خشک برای برخی از بچه ها گرفتیم. این کل کمک یا حمایت ها در ادرنه بود و وضعیت آنقدر اینجا بد بود که بچه ها تقریباً همگی از این شهر رفته اند و قاچاقی در استانبول یا انکارا و یا شهر های بزرگ دیگر که کار پیدا می شود زندگی می کنند تا

خرج خود شان را دریاورند. همچنین لازم به ذکر است که با توجه به گرانی و تورم در ایران پناهندگان ایرانی دیگر امید به پول هایی که از ایران برایشان در گذشته می فرستادند ندارند چون زمانی هر لیر ترکیه 600 تومان بود و می شد با ماهی 700 لیر که با پول ایران میشد 4206 هزار تومان زندگی کرد ولی حالا هر لیر 2000 تومان است 700 لیر میشود 1400000 تومان که خانواده ها نمیتوانند از ایران چنین پولی را بفرستند.

در حالی که در ترکیه در شهرهای کوچک به طور متوسط کرایه خانه حداقل 250 لیر است و پول آب و برق و تلفن و اینترنت نیز 200 لیر میشود و هر روز یک نفر خوراکش حداقل 15 لیر که ماهانه 450 لیر می شود. در زمستان نیز ماهانه 250 لیر خرج گرمایش است که مجموعاً می شود 1250 لیر که اگر کرایه خانه، هزینه های آب و برق و گرمایش را بین سه نفر تقسیم کنیم هر نفری میشود 270 لیر به اضافه خرج خوراک هر نفر 450 لیر میشود 770 لیر این حداقل خرج یک نفر در شهرهای کوچک ترکیه است که معمولاً کار هم پیدا نمی شود. و حال اگر یو ان 100 لیر هم کمک کند دردی از مشکل حل نمی شود.

اما در شهرهای دیگر که یو ان بیشتر رسیدگی می کند به صورت زیر است از بین 100 نفر که بررسی کردم حدود 10 نفر را قبول کرده است کمک مالی بدهد. که حداکثر هرکدام را ماهی 200 لیر میدهد و در هر سه ماه به بار هم مواد غذایی خشک میدهند که در واقع نه برای سه ماه بلکه برای 20 روز تا یک ماه بس میشود. در شهرهایی که آسام^(*) دارد معمولاً نهادهای خیریه مانند

(*) - آسام دفتر جانبی یوان است برای جوابگویی به پناهجویان، وقتی پناهجویها موفق به ارتباط با یوان نمی شوند به آسام مراجعه می کنند و آنها سئوالات را از یوان می پرسند و به پناهجو می گویند آسام به طور غیر رسمی و دوستانه با یوان ارتباط دارد و مسئولیت قانونی ندارد.

همان کیمسه یوخ با درخواست و ارتباط یو ان برخی وقت ها ماهی 100 لیر نیز آن ها میدهند یعنی از 770 لیر حداقل هزینه یک نفر حدود 300 لیر کمک می کنند.

از طرفی برای برخی نیز که البته به ندرت اتفاق می افتد فرمانداری یا شهرداری ذغال برای سوخت زمستانی یک تن می دهند که برای زمستان به خصوص شهرهای سرد در سال حداقل 4 تن ذغال مصرف میشود در ضمن دیده شده که البته باز به ندرت مثلاً از 100 نفر به 5 نفر الی 10 نفر اشیای منزل نیز از طرف فرمانداری ها داده شده است که آن نیز از طریق روابط خوب با پلیس که به درخواست پلیس فرمانداری قبول می کند.

حداقل کمک های مالی یو ان و نهادهای خیریه برای همه تعلق نمی گیرد حداقل 10 الی 15 درصد را پوشش می دهند بقیه به امان خدا رها می شوند-هم چنین کمک های فوق در مقابل حداقل زندگی بسیار کم هستند و با توجه به این که پناهندگان حق کار ندارند و این باعث می شود استثمار آن ها بسیار مضاعف شود و این جدا از فرسودگی جسمی باعث افسردگی روحی نیز میشود.

بیشتر مواقع حقوق آن ها نیز داده نمی شود چون اجازه کار ندارند امکان شکایت نیز ندارند مثلاً در استانبول کارگاه های خیاطی و کفاشی وجود دارند که تعداد زیاد پناهنده را به کار می گیرند و روزانه غذای آن ها را میدهند و آن ها را حتی شب ها در کارگاه محل کار نگهداری می کنند ولی درب را شبها از بیرون قفل می کنند و در نهایت حقوقشان را نمی دهند بعد از یکی دو ماه استفاده از نیروی کار آنها پلیس را که با هم

همکاری دارند خبر می کنند و پلیس کارگران را که از ایران ، افغانستان ، پاکستان ، عراق و افریقا و... هستند دستگیر کرده و بعد از یک یا دو روز آزادشان می کند ولی صاحب کار دیگر پول آنها را نمی دهد و کسانی دیگر را به جای آنها می آورد و دائما" این کار در حال تکرار است . به هر صورت دولت ترکیه هیچ گونه کمک مالی ، محل زندگی یا غذایی نمی کند . تقریبا" پناهندگان اگر وضعیتشان خوب باشد فقط روزی دو وعده غذا می توانند بخورند و بقیه مجبور شده اند خود را به روزی یک وعده غذا عادت دهند البته برخی هستند که بیشتر مواقع آن یک وعده غذا را هم درست و حسابی نمی توانند بخورند .

تعدادی نیز هستند که چون پول اولیه برای اجاره خانه ندارند دائما" پیش این دوست و آن دوست زندگی می کنند که باعث بی احترامی و توهینهای زیادی می شود و معمولا" دوستی ها هر روز بیشتر از قبل به هم می خورند. به خاطر بی مسکنی برخی مجبور می شوند در ترمینالها ، پارکها و مترو شب را به صبح و صبح را به شب برسانند .

از زمانی که موضوع سوریه پیش آمده است مشکلات صد چندان شده است ، در ضمن افرادی که از طرف یونان کمک مالی می گیرند کاملا" مشخص هستند و در پرونده آنها قید می شود که از طریق اینترنت می توان چک کرد که چه کسی کمک مالی دریافت می کند و چقدر دریافت می کند ، این می تواند یک معیار باشد که چه کسی کمک دریافت نمی کند .

اخیرا" پلیس ترکیه پناهنده ها را به شهرهای بسیار کوچک و دورافتاده می فرستد که حتی برای اهالی خود آن شهرها نیز کار پیدا نمی شود چه برسد برای پناهندگان ، مثلا" در شهر آردهان که اکنون طبق آمار باید 280 پناهنده حضور داشته باشند و این تعداد طی 14 ماه به آردهان فرستاده شده اند بخاطر نبودن مسکن فقط 140 نفر آنجا مانده اند که تمامی آنها در یک کمپ که یک سالن برزنتی در واقع چادر ورزشی است همگی با هم زندگی می کنند و هیچ تسهیلاتی ندارد دقیقا" مانند گوسفند در هم می لولند و هیچ آزادی و امنیت فکری و روحی ندارند و شهر آنقدر کوچک و کثیف است که امکان ندارد دو روز بتوان در آن بدون آزار و اذیت روحی به سر برد و مسلما" آنها که آنجا مانده اند کاملا" افسرده و بیمار روانی شده اند .

این نمونه در تمامی شهرهای کوچک ترکیه است که طبق سیاست جدید دولت ترکیه بر پناهنده ها تحمیل شده است و یونان نیز نمی تواند یا نمی خواهد کاری کند . دولت نه تنها کمکی نمی کند بلکه با فرستادن پناهنده ها به شهرهای کوچک و دورافتاده می خواهد پناهنده ها را مجبور کند از کشورهای دیگر پول آورده و در آن شهرها خرج کنند و اگر هم در آن شهرها زندگی نکنند ضمن اینکه فراری محسوب می شوند و همیشه در خطر هستند بلکه در نهایت موقع خروج از ترکیه باید جریمه های سنگینی بپردازند که این دقیقا" نوعی چپاول پناهندگان توسط دولت ترکیه است و در این مورد نیز یونان هیچ کمکی به پناهنده ها نمی کند . در شهرهای دور و کوچک ماندن پناهنده ها برای یونان هم بسیار خوب شده است چون کرایه ماشین در ترکیه بسیار سنگین است دیگر پناهنده ها نمی توانند خود را به آنکارا برسانند و به وضعیت خود اعتراض نمایند در واقع یونان خوشحال است که دولت

ترکیه پناهنده ها را به جاهایی می فرستد که امکان دسترسی به یونان و آسام نداشته باشند مثلا" اگر یک پناهنده بخواهد فقط یک سؤال از آسام یا یونان بپرسد که معولا" تلفنی جواب نمی دهند مجبور می شود به آنکارا برود فقط یک رفت و برگشت حداقل 300 لیر هزینه دارد و در حالی که یونان نیز جوابی نمی دهد همیشه پلیس خبر می کند . البته گاهی اوقات کرایه اتوبوس را یونان می دهد آن هم زمانی که خودشان پناهنده را بخواهند و در آن صورت نیز می گویند تو بیا اینجا موقع برگشت یک بلیط برگشت به او می دهند یعنی آمدنش پزیده و اگر برای آمدن پول نداشته باشد پرونده اش خواهد ماند و در ضمن موقع آمدن به یونان باید مجوز راه داشته باشد که برای کسانی که مجبور به زندگی در شهرهای غیر از گفته پلیس باشند به مشکل برخورد می کنند باید هزینه بسیار زیادی متحمل شوند و تازه معلوم نیست که پلیس قبول کند یا خیر ؟

علاوه بر این همه اینها و دادن بلیط برگشت برای آن زمانی است که یونان خودش خواسته باشد برای پیگیری بروند اگر پناهنده خودش رفته باشد جوابی نمی دهند و هیچ کمکی هم نمی کنند . مشکل دیگری نیز وجود دارد که در بیشتر شهرها آسام ندارند اگر پناهنده مریض شود درست ده برابر یک شهروند ترکیه باید پول ویزیت و پول دیگر خدمات پزشکی مانند تزریق ، نوار قلب و... بدهد مثلا" در ترکیه 15

لیز حق ویزیت می گیرند یک پناهنده باید 150 لیر بدهد . حال اگر پناهنده برای اینکه بتواند هزینه زندگی خود را تأمین کند و با توجه به نبودن کار در شهرهای کوچک مجبور شود به شهرهای دیگر رود چون کیملیک(*) او به اسم شهر اصلی اش است مشکل بیماری او صد چندان می شود .

برخی پناهنده ها چون مجبور شدند برای پیدا کردن کار شهر اصلی خود را ترک کنند وقتی تاریخ کیملیک آنها تمام می شود پلیس تا مدتها آن را تمدید نمی کند و وقتی تاریخ ان تمدید نشود از هر گونه خدماتی محروم می شوند و این برای اکثریت پناهنده ها که مجبورند در شهرهای کوچک زندگی کنند وجود دارد . در اینجا پناهنده ها حق تحصیل ندارند ، حق کار ندارند ، بهداشت و درمانشان با مشکلات زیادی روبروست فقط در شهرهای بزرگ مانند استانبول و انکارا و برخی از شهرهای بزرگ که اسام دارند پناهندگان می توانند از خدمات پزشکی یوان و نه دولت ترکیه استفاده کنند پس بقیه از همه چیز محرومند .

1392/2/30

(*) - منظور از کیملیک مدرک شناسایی است دفترچه کوچکی مانند شناسنامه ما در ایران که بعد از پذیرش پلیس به عنوان پناهجو یک مدرک شناسایی از طرف دولت ترکیه داده می شود که کیملیک نام دارد (بعد از این که پناهجو خود را به یوان معرفی کرد یوان برگه ای به او می دهد که او باید با آن برگه به پلیس مراجعه کند و بعد از انجام مصاحبه توسط پلیس و قبول او به عنوان پناهجو و البته دادن مبلغی به نام حق خاک به پلیس کیملیک داده می شود)

تکثیر از: کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - کلن

شرایط کارگران دشوارتر شده است . کار بدون بیمه و مزایا

به نوبته روزنامه شرق در 30 اردیبهشت 92 آمده است : استخدام با حداقل حقوق، شرط امروز اکثر کارفرمایان برای استخدام است. در بازار کار تفاوتی بین دستمزد کارگر ساده و کارگر ماهر وجود ندارد و کارفرمایان همه را به یک دید می بینند. به گونه ای که دیگر «اوستا کار» در بازار کار کشور حرمت و احترامی ندارد و حقوق و مزایای کارگر ساده برای او در نظر گرفته می شود. در حالی که قبلا همه دنبال استخدام اهل فن و افراد باتجربه بودند، امروز، دیگر کارفرمایی طالب استخدام افراد ماهر نیست و ترجیح می دهد که به جای کارگر ماهر، کارگر مبتدی یا نیمه ماهر را به کار بگیرد تا حقوق زیادی پرداخت نکند

اتفاق نظری که بین کارفرمایان در دستمزد هم وجود دارد، جالب توجه است. آنها به اتفاق، دستمزد پایه که تازه به ۴۸۰ هزار تومان افزایش یافته، به جوینده کار پیشنهاد می دهند. کارفرمایان اعلام می کنند که دیگر توان پرداخت حقوق های بالا به همراه مزایا را ندارند. حذف بیمه و مزایایی دیگر از شرایط استخدامی، از دیگر شاخصه های مهم بازار کار کشور است. از طرف دیگر برخی از کارفرمایان برای اینکه خود را از پرداخت جرایم بیمه ای هم معاف کنند، دست به ترفندهایی می زنند، از جمله اینکه در برخی مشاغل و حرف که نیاز به نیروی جوان ندارند، افراد مسن و بازنشسته را به کار می گیرند. بعضی از کارفرمایان حتی سیاست های دوران تست و گذار، تعیین می کنند. به گونه ای که دوماه تا سه ماه را به عنوان دوران آموزشی در نظر می گیرند و می گویند که بعد از اتمام زمان آزمایشی، کارگر خود را بیمه می کنند اما پیش از اتمام دوران آموزشی به بهانه ای کارگر خود را اخراج می کنند

این دسته از کارفرمایان که طبق اظهار نظر جویندگان کار، کم نیستند، به بهانه عدم رضایت از کارگر، از پرداخت حقوق توافقی هم سر باز می زنند و دستمزد کمتری را نسبت به آنچه توافق کرده بودند، می پردازند.

کارفرمایانی که کارگران فنی با نیروی بدنی بالا نیاز دارند، کارگران استخدامی خود را بیمه می‌کنند، اما مزایای دیگر چون ناهار، هزینه‌های ایاب و ذهاب، کارانه، اضافه کار و... را پرداخت نمی‌کنند. کارگاه‌های این مشاغل، عموماً در خارج از شهر هستند اما مزیت سرویس در اکثر استخدام‌ها گنجانده نشده است. ساعت کاری که کارفرمایان برای کارگران در نظر می‌گیرند، بیش از هشت ساعت است.

در این طور مشاغل معمولاً تفاوتی میان دستمزد و حقوق کارگران ساده و ماهر در نظر گرفته نمی‌شود. یکی از تراشکاران که آگهی استخدام برای به خدمت گرفتن یک کارگر ماهر داده بود، میزان حقوق در نظر گرفته شده برای کارگرانش را ۴۸۰ هزار تومان اعلام می‌کند و می‌گوید: «طبق قانون وزارت کار ۴۸۰ هزار تومان می‌دهم، بعد از دوماه مشروط بر اینکه مطمئن شوم از عهده کار برمی‌آید و نمی‌رود بیمه هم می‌کنم.» وی در پاسخ به این سوال که چرا برای کارگر ماهر، کف قیمت را در نظر گرفته است، می‌گوید: «کارگر کارگر است، وزارت کار براساس سطح سواد حقوق تعیین می‌کند، اما در شغل ما سواد مهم نیست، مهارت مهم است.» این کارفرما ساعت کاری خود را بین ۷ صبح تا ۶ بعدازظهر اعلام می‌کند. یکی دیگر از کارفرمایانی که به دنبال استخدام یک سرایدار نگهبان است، در توضیحات شرایط کاری که در نظر گرفته می‌گوید: «دنبال یک زوج مسن و بازنشسته می‌گردم که ضمن نگهبانی امور سرایداری هم انجام دهند.» به گفته وی برای چنین زوجی حدود ۸۰۰ هزار تومان، به همراه غذا و محلی برای زندگی کردن در نظر گرفته شده است.

در عین حال یکی از تولیدکنندگان پوشاک هم برای تکمیل کادر خود، متقاضی کارگر ساده است و برای او ۴۵۰ هزار تومان بدون بیمه و دیگر مزایا در نظر گرفته است. این کارفرما عنوان می‌کند که ترجیح می‌دهد یک کارگر زن استخدام کند، وی می‌گوید: «ساعت کاری ما از ۷ صبح تا ۷ عصر است و این کارگر باید ضمن کمک به برشکار و دوزندگان، کارگاه را هم نظافت کند.» از این دست استخدام‌ها در بازار کشور به وفور دیده می‌شود اما دستمزدهایی که برای کارگران ساده در مشاغل انبارداری یا سرایداری در نظر گرفته می‌شود، بیش از سایرین است. حداقل دستمزد در این دو گروه ۶۰۰ هزار تومان و سقف آن یک میلیون تومان در نظر گرفته شده است. آنها در این مشاغل به صورت شبانه‌روزی فعالیت می‌کنند و شاید به همین دلیل حقوق آنها از دیگر کارگران بیشتر است. دسته دیگری از کارگران خانگی که به شغل پرستاری مشغول‌اند هم نسبت به کارگران فنی و حرفه‌ای حقوق بالایی می‌گیرند. هزینه یک کارگر که به عنوان پرستار منزل استخدام می‌شود، بین ۶۰۰ هزار تومان تا ۸۰۰ هزار تومان است. به برخی از مستخدمان در این شغل نیز، جا و مکان برای زندگی به همراه غذا داده می‌شود اما آنها هم از بیمه شدن محروم‌اند. با وجودی که این گروه از جویندگان کار به عنوان پرستار منزل استخدام می‌شوند، معمولاً کارهای دیگری چون رفت و روب و آشپزی کارفرمای خود را هم انجام می‌دهند. ساعت کاری آنها هم از شش تا ۲۴ ساعت متغیر است و براساس ساعت کار، دستمزدشان هم تغییر می‌کند. با وجودی که دستمزد این کارگران بیشتر است اما چون آنها باید از طرف آژانس‌های کاریابی تاییدیه داشته باشند و ضمانت‌نامه‌ای از طرف آنها ارایه کنند، درصدی از حقوقشان کسر و به آژانس‌ها تعلق می‌گیرد. آژانس‌های کاریابی بابت کاریابی و ضمانت آنها پنج تا ۲۵ درصد از حقوق این گروه را مطالبه می‌کنند.

نظارت کافی نیست

برای تحلیل این رفتار در بازار کار با دست‌اندرکاران کارگری و کارفرمایی کشور به گفت‌وگو نشستیم. علی‌اکبر عیوضی مشاور کانون شورای اسلامی کار استان تهران، رفتار کارفرمایان را در برابر کارگران این‌گونه تحلیل می‌کند که به علت عدم نظارت کافی بر بازار کار، کارفرمایان به اجازه خود از قانون عدول می‌کنند. وی در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «نظارت مسوولان اجرایی ضعیف است و از طرف دیگر اطلاعات کارفرمایان در باب قوانین استخدامی کم است.» وی می‌افزاید: «اطلاعات و قوانینی که بین کارگر و کارفرما قرار دارد به اندازه کافی اطلاع‌رسانی نشده است و عدم وقوف افراد به این موارد هم، در این فضا مزید بر علت شده و فضا را برای بروز کارشکنی و تخلفات درخصوص حقوق و مزایا ایجاد می‌کند.» به گفته عیوضی استخدام و به کارگیری افراد بدون بیمه کردن ممنوع است و بیمه تأمین اجتماعی، جرایمی را برای متخلفان اعمال می‌کند. وی عدول از حداقل دستمزد را هم خلاف قانون دانسته و می‌گوید: «اگر کارفرمایی دستمزدی پایین‌تر از حداقل دستمزد هم به کارگرانش بدهد خلاف کرده و طبق قانون مجازات خواهد شد.» وی عنوان می‌کند: «در حالی کارفرمایان از

پرداخت حقوق مکفی و بیمه کردن کارگران خود سر باز می‌زنند و عنوان می‌کنند که امروز کسب و کارشان از رونق لازم برخوردار نیست، شواهد بیانگر این است که امروز صنوف تولیدی و خدماتی از درآمد خوبی برخوردارند.»

رکود در بازار کسب و کار خانه کرده

محمد عطاردیان دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنعتی کارفرمایی ایران نیز در مقام دفاع از رفتار کارفرمایان در بازار کار می‌گوید: «تخلفاتی که در باب کارفرمایی دیده می‌شود، معمولاً در کسبه، حرف و بازاریابی دیده می‌شود که تحت نظارت شورا نیستند.» وی می‌گوید: «این تخلفات در صنوفی رخ می‌دهد که تحت نظارت اتحادیه‌های صنفی کار می‌کنند که در نهایت وزارت بازرگانی بر آنها نظارت دارند و تحت نظارت ما نیستند.» دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنعتی کارفرمایی ایران در تحلیل رفتار این گروه از فعالان بازار می‌گوید: «با افزایش هزینه‌های تولید، رکود کاری در بازار نمود پیدا کرده است. کارفرمایان سعی دارند تا با پایین آوردن هزینه‌های تولیدشان به فعالیت خود ادامه دهند، برای همین در استخدام خود حداقل دستمزد و حقوق را در نظر می‌گیرند.» عطاردیان در آسیب‌شناسی بروز این اتفاقات در بازار کار کشور می‌گوید: «با وجودی که دسته‌ای از کارفرمایان از پرداخت حقوق قانونی به کارگران امتناع می‌کنند و نظارت مراجع دولتی هم در این باره صورت نمی‌گیرد، اختلافات بین کارفرما و کارگر بالا می‌گیرد و دود این اختلافات به چشم همه می‌رود»

ریزش ساختمان در حال تخریب بر سر 4 کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از ریزش آوار بر سر چهار کارگر عصر امروز، در شرق پایتخت واقع در خیابان نبرد جنوبی، خیابان مسلم خیر، داد.

سید جلال ملکی گفت: آتش نشانان پس از حضور در محل مشاهده کردند که کارگران مشغول تخریب دو ساختمان دو طبقه مسکونی در مجاورت یکدیگر بودند که ناگهان بخش‌های از ساختمان ریزش کرده و سبب محبوس شدن چهار تن در زیر آوار شده است.

سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه دو تن از کارگران که نیمی از بدنشان در زیر آوار گرفتار شده بود تا پیش از رسیدن عوامل آتش نشانی توسط دیگر افراد نجات داده شدند، گفت: آتش نشانان دو کارگر دیگر را با انجام اقدامات فنی از زیر آوار خارج کرده و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند.

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهر صنعتی البرز: 2500 کارگر ساختمانی البرزی از سال 88 در انتظار بیمه‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهر صنعتی البرز واقع در استان قزوین با تأکید بر لزوم حذف سهمیه بیمه کارگران ساختمانی، از ناکافی بودن سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در این شهرستان انتقاد کرد.

«محرّم سلیمانی‌فر» با بیان اینکه در سال جاری هنوز تعداد سهمیه بیمه ای کارگران ساختمانی در این شهر مشخص نشده است، به ایلنا گفت: هم اکنون دو هزار و 500 کارگر ساختمانی در شهر صنعتی البرز از سال 88 در انتظار پوشش بیمه ای تأمین اجتماعی هستند.

او با بیان اینکه با وجود تصویب قانون، اقدامی جهت حذف یا افزایش سهمیه بیمه کارگران ساختمانی صورت نمی‌گیرد، افزود: در سال گذشته 5 هزار سهمیه بیمه ای به کل استان قزوین تعلق گرفته بود که از این میزان 478 سهم به شهر البرز اختصاص یافت که در مقایسه با رقم 2 هزار 500 نفری ثبت نام کنندگان بسیار ناچیز است.

او در خصوص حذف سهمیه بیمه کارگران ساختمانی گفت: در حال حاضر با توجه به اینکه سالانه تعداد کمی از کارگران ساختمانی موفق به دریافت بیمه تامین اجتماعی می‌شوند، امیدواریم در صورت حذف سهمیه بندی، همه کارگران ساختمانی بتوانند از امکانات بیمه‌ای تامین اجتماعی بهره‌مند شوند.

به گفته رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی شهرستان البرز در صورت وجود اراده‌ای برای حذف سهمیه طبق قانون رفع موانع اجرایی بیمه کارگران ساختمانی در سازمان تامین اجتماعی، به طور قطع تمامی کارگران می‌توانند از حق بیمه شدن بدون نوبت و سهمیه‌بندی برخوردار شوند.

پایان پیام

مجمع عمومی سالانه نهادهای همبستگی شهر هانوفر آلمان

درودهای گرم به شما عزیزان که در نهادهای همبستگی متشکل گردیده اید. همان طور که اطلاع دارید، سال‌های اخیر یکی از دشوارترین دوره‌ها برای پناهجویان، از جمله پناهجویان ایرانی در سوئد بوده است. اینان با شرایط بسیار سخت و غیرانسانی، دست و پنجه نرم می‌کنند و اغلب از خدمات ضروری همچون آموزش و بهداشت و درمان بی بهره‌اند. دریافتی اندک آنان از مراجع دولتی کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد و اغلب پناهجویان برای گذران زندگی ناچار به انجام کارهای سخت طی ساعات طولانی و با دستمزدی اندک می‌باشند. اینک اما، دغدغه دیگری نیز به ذهن خسته آنان تحمیل گشته است و آن اجرای طرح «روا» (عملیات اخراج موثر و امن) از سوی پلیس سوئد می‌باشد. هرچند که در موارد بسیاری، پرونده‌های پناهجویان یادشده مورد بررسی عادلانه قرار نگرفته است.

کانون پناهجویان ایرانی در سوئد که بنا به وظیفه خود، همواره در دفاع از حقوق پناهجویان فعال بوده است، در این مورد نیز، اقدامات متعددی به عمل آورده است و از جمله تظاهرات بزرگی را علیه طرح اخراج، در دوم مارس سال جاری، در شهر گوتنبرگ سوئد سازمان داده و برگزار نموده است. در عین حال، جلوگیری از اجرای طرح «روا» و عملی ساختن طرح پیشنهادی برخی سازمان‌های حقوق بشری مبنی بر عفو عمومی پناهجویان فاقد مدرک و دارای زندگی مخفی در سال 2014، نیاز به همکاری گسترده فعالان سیاسی و اجتماعی دارد. از این رو، از شما که به دفاع از زحمتکشان و ستمدیدگان برخاسته اید، درخواست می‌نمایم نسبت بدین موضوع توجه خاصی مبذول دارید و با صدور پیام یا اطلاعیه‌ای، علیه طرح اخراج پناهجویان از سوئد و حمایت از طرح عفو عمومی آنان در سال 2014، از پناهجویان در خطر اخراج، پشتیبانی نمایید.

با احترام فراوان

کانون پناهجویان ایرانی در سوئد

16 مه 2013

در بازدید رییس اتاق ایران از شهرک صنعتی اشترجان مطرح شد: کاهش 70 درصدی تولید و شیفت کاری یک روزه در صنایع قطعه‌سازی اصفهان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: در پی کاهش تولید خودرو در کشور و به دنبال آن کاهش سفارشات قطعات، در حال حاضر قطعه‌سازان با 30 درصد ظرفیت مشغول فعالیت‌اند و همچنین شیفت کاری کارگران نیز به یک روز کاهش یافته است.

به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، در حاشیه بازدید رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران به همراه روسای کمیسیون صنعت و معدن اتاق ایران و مسئولان اتاق اصفهان از شهرک صنعتی اشترجان در 35 کیلومتری اصفهان که با هدف بررسی وضعیت واحدهای تولیدی شهرک‌های صنعتی استان اصفهان

صورت گرفت، مدیر شرکت تولیدی قطعه کاران اصفهان با بیان تاریخچه ای از فعالیت این واحد تولیدی با سابقه 20 ساله، اظهار کرد: در شرایطی که تولید خودرو بویژه «پژو» و «تندر» به شدت کاهش یافته است تولید این واحد نیز تحت تاثیر این رویداد به شدت کاهش یافته است.

«بهرز حق پناه» کاهش تولید خودروهای داخلی را موجب بحرانی شدن وضعیت قطعه سازان دانست و افزود: شرکت‌های قطعه ساز در اثر کاهش تولید خودرو با چالش جدی روبرو شده‌اند و تصمیم گیران اقتصادی کشور در این شرایط برای اتخاذ هر تصمیم مراقب تبعات آن باشند. وی ادامه داد: تا سال گذشته روزانه 3 هزار قطعه از این واحد به شرکت‌های خودرو سازی عرضه می‌شد که امروز این رقم به 300 عدد در روز رسیده است.

او در عین حال که تاکید کرد با وجود پایین بودن قیمت خودرو طی یک دهه اخیر صنایع قطعه سازی خودرو با افزایش تولید و کاهش هزینه توانستند در عرصه بازار بمانند، افزود: ولی کاهش تولید خودرو باعث ایجاد ضرر و زیان برای این شرکت‌ها شده است.

حق پناه از تعدیل یکصد پرسنل این شرکت به دلیل کاهش تولید خودرو 206 در کشور طی یک سال اخیر خبر داد.

مجبور به توقف کار شدیم

در ادامه شرکت تعطیل شده صنایع حرارتی ایران مورد بازدید قرار گرفت. «مهدی ابوالقاسمی» مدیر این شرکت در ابتدا از ورود رییس اتاق بازرگانی ایران و هیات همراه به «کشتی به گل نشسته و 300 کارگر غایب این شرکت» ابراز خرسندی کرد و گفت: فعالیت این شرکت از سال 1350 تا 1390 دنبال شد و بخشی از تاسیسات حرارتی برج‌های خنک کننده ذوب آهن، پالایشگاه و نیروگاه‌ها توسط این شرکت ساخته شده است. وی افزود: بیش از چهار دهه در عرصه تولید تاسیسات حرارتی فعالیت کرده و به دلیل مشکلات مجبور به توقف کار شدیم و می‌خواهیم سالن را اجاره بدهیم.

مدیر این شرکت تعطیل شده معوق شدن مطالبات از بخش دولتی و فشار سازمان‌های خدماتی دولت را بویژه در بخش عوارض فروش و تجمیع عوارض را از مهمترین عوامل تعطیلی این شرکت تولیدی عنوان کرد و گفت: برای دریافت معوقات خود بارها به کارفرماهای دولتی مراجعه می‌کردیم ولی هر بار با رفتار و گفتار نامناسبی از سوی آنان روبرو می‌شدم و این در حالیست که خواستار طلب خود بودیم.

مطالبات معوق دولت مهمترین مشکل

در ادامه هیات اتاق ایران و اتاق اصفهان از شرکت تولیدی گلنور بازدید بعمل آوردند. این شرکت که مهمترین تولید کننده چراغ‌های روشنایی در ایران و صادرکننده نمونه استان اصفهان به شمار می‌آید با مسایل و مشکلات متعددی روبروست.

«امینی» مدیر این واحد مطالبات معوق از سازمان‌های دولتی را مهمترین چالش این واحد نام برد و گفت: متأسفانه این واحد برای دریافت طلب خود از سازمان‌های دولتی با مشکلات بسیاری روبرو بوده است که پرداخت یارانه‌ها به عنوان مهمترین عامل پرداخت نشدن این مطالبات عنوان می‌شود. وی طلب این شرکت از دولت را بیش از 5 میلیارد تومان عنوان کرد و گفت: در حال حاضر 25 درصد ظرفیت کارخانه مشغول فعالیت است و در پاسخ به پرسش رییس اتاق ایران مبنی بر میزان تعدیل نیرو طی یک ساله اخیر گفت: تمام تلاش این واحد حفظ نیروی انسانی است ولی با این وجود طی یک سال اخیر 100 کارگر از این واحد به دیگر واحد تولیدی انتقال یافته است.

ناهد خداجو: کارگران افغانی و ایرانی زیر یک آوار دفن می شوند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: مثل همیشه خبر کوتاه، تکان دهنده و غم انگیز بود. بامداد روز پنج شنبه 26 اردیبهست ماه بر اثر ریزش ساختمانی مسکونی در خیابان جیحون سه کارگر جان باختند. سخنگوی سازمان آتش نشانی شهر تهران در این باره گفت: نیروهای آتش نشانی بعد از چند ساعت در نهایت دو کارگر ایرانی و یک کارگر افغانی را از زیر آوار بیرون کشیدند اما متأسفانه هر سه کارگر به دلیل جراحت شدید فوت کرده بودند.

اخبار رسمی و غیر رسمی نشان می دهد طی یک ماه گذشته، انواع حوادث در بخش ساختمان منجر به جان باختن نزدیک به 20 کارگر شده است. این اخبار ضمن اینکه کل حوادث منجر به مرگ را پوشش نمی دهند، اکثر حوادث منجر به قطع عضو، شکستگی، سوختگی، برق گرفتگی و دیگر معلولیت ها و عارضه های شدید جسمی ناشی از سوانح کار در بخش ساختمان را نیز در بر نمی گیرند.

آمار غیر رسمی حاکی از شاغل بودن 3 تا 5 میلیون نفر در بخش ساختمان می باشد که از این تعداد بیش از یک میلیون نفر افغانی هستند. صنعت ساختمان در ایران با بیش از 500 شرکت ثبت شده و 84 رشته ای که در این بخش فعالیت می کنند، فوق سود تضمین شده ای را از بویژه وجود کارگران ارزان افغانی می برد. در تعیین مزد و ساعات کار، کارفرما دست بالا را دارد. بازرسی کار، آموزش کار، ایمنی کار و بطور کلی قانون کار در صنعت ساختمان معنایی ندارند. در اکثریت قریب به اتفاق پروژه های ساختمانی از دستکش، کلاه و کفش ایمنی خبری نیست. ابزار کار غیر استاندارد، عدم رعایت استانداردهای لازم در ساخت و ساز، گودبرداریهای غیر استاندارد، کار در ارتفاع و یا در عمق زمین (چاه) و شدت کار و خستگی مفرط از جمله عوامل اصلی افزایش حوادث ناشی از کار در صنعت ساختمان هستند.

در استان تهران کارگران ساختمانی قربانی 50 درصد حوادث ناشی از کار هستند و در کل کشور نیز 40 درصد کل سوانح ناشی از کار در بخش ساختمان میباشد که 19 درصد مصدومیت و 21 درصد منجر به فوت می شوند. اکثریت قریب به اتفاق این کارگران بیمه نیستند و اغلب کارفرماها نیز هیچ مسئولیتی را متقبل نمی شوند.

اربابان سرمایه به کارگران افغانی مزد کمتری میدهند و از آنها کار سخت تری می کشند، حقوق شان را بالا می کشند یا دیر می پردازند و در برابر سوانح ناشی از کار از هیچ بیمه ای برخوردار نیستند. مطبوعات و رسانه های حکومتی نیز علیرغم همه ستمگری هایی که بر کارگران افغانی روا میشود، افکار عمومی را بر علیه این زحمتکشان تهبیح می کنند و علت بیکاری گسترده (11 میلیونی) و برخی از خشونت های اجتماعی را به آنها نسبت می دهند تا بدین وسیله بذر کینه، نفرت و دو دستگی را بین کارگران بکارند و معضل بیکاری و خشونت های اجتماعی را بر دوش آنان سر ریز کنند.

بطور واقعی همه ی ابعاد درد و رنج کارگران افغانی را نمی توان در قالب کلمات توصیف کرد. زندگانی آنها با هراس از جنگ، ناامنی، گرسنگی و طالبان شروع می شود. آوارگی و مهاجرتشان به سوی مرزها اگر با گلوله های مرگ بار مرزداران مواجه نشود، گرفتار سرکیسه شدن از سوی قاچاقچی های انسان میشود و وقتی نیز به مقصد می رسند در قعر چاهها، در گودبرداری ها و زیر آوار ساختمانی مرگ در انتظارشان نشسته است تا عاقبت طومار یک عمر زندگانی پر از وحشت و درد و رنج را با مرگی عذاب آور تکمیل کنند. آنها زندگانی نمی کنند فاصله تولد تا مرگ را به سرعت می روند.

کارگران افغانی، این سرپناه سازان بی سرپناه که در بخش ساختمانی کار میکنند از بدیهی ترین حقوق انسانی محرومند، توهین، تحقیر، تبعیض و تهدید همواره بر زندگانی شان سایه افکنده است. محرومیت از کار، دستگیری با ضرب و شتم، ضبط اموال و اخراج از کشور همواره دامنگیرشان است. اغلب زنان و کودکان افغانی در اقامتگاههایی فاقد هرگونه امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی زندگی میکنند و از هر گونه حقوق اجتماعی محروم هستند و اما این شرکتهای سرمایه داری هستند که ساختمانی را بر روی محرومیت کودکان، زنان و استخوانهای کارگران افغانی و ایرانی بنا می کنند. کارگران افغانی با علم و یقین از خطر مرگ، برای در آوردن لقمه نانی با وحشت از داربستها بالا میروند، بر روی داربستهای لرزان و سست کار میکنند و در عمق چاهی میروند که خود می دانند شاید دیگر هرگز لبخند کودکانشان را نبینند.

کارگران افغانی حتی هنگام استراحت و خواب شبانه در محل زمین گودبرداری شده گرفتار ریزش آوار میشوند و در خواب جان میدهند اما آنها تنها نیستند آوار سرمایه، کارگر افغانی و ایرانی را با هم دفن می کند.

ناهید خداجو عضو
هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران

در کارخانه ذوب فلزات فجر سمنان: ریزش مواد مذاب جان کارگری را گرفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 اردیبهشت 92 آمده است: سرریز شدن مواد مذاب در کارخانه تازه تاسیس ذوب فلزات فجر سمنان، باعث کشته شدن یک کارگر شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این حادثه که به کشته شدن کارگری به نام «مهدی تالشی» انجامید، در تاریخ عصر روز پنجشنبه 26 اردیبهشت ماه به دلیل انباشت مواد مذاب داخل کوره ذوب فلزات و سپس سرریز شدن این مواد رخ داده است.

همکاران کارگر جان باخته که شاهد حادثه بوده اند به ایلنا گفته اند که مهدی تالشی با مشاهده سرریز شدن مواد مذاب قصد فرار داشته است اما بدلیل از دست دادن تعادل بر روی مواد مذاب می افتد و جانش را از دست می دهد.

گفتنی است کارخانه ذوب فلزات فجر سمنان با وجود آنکه طی شش ماه گذشته فعال بوده است اما از روز 22 فروردین ماه همزمان با دور چهارم سفرهای استانی ریاست جمهوری و با حضور وزیر صنعت و معدن و تجارت به طور رسمی افتتاح شده بود.

پایان پیام

سقوط از داربست مرگ کارگرساختمانی را رقم زد!

پایگاه اطلاع رسانی پلیس بتاريخ 31 اردیبهشت، از مرگ یک کارگرساختمانی در محدوده جنت آباد خبر داد. براساس این گزارش، عصر روز گذشته یک کارگر ساختمانی بنام هاشم، هنگام کار بر روی نمای یک ساختمان از بالای داربست سقوط بر روی یک خودرو سقوط کرد و دردم جان سپرد.

۱۵۰ کارگر نیروگاه حرارتی تبریز با قرارداد کمتر از يك ماه کار می کنند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران نیروگاه حرارتی تبریز در نامه ای به کمیسیون اجتماعی مجلس، از عدم امنیت شغلی کارگرانی که قراردادهايشان ۲۹ روزه است انتقاد کرد.

به گزارش ایلنا، «محمد رضا نودری» در این نامه با اشاره به اشتغال ۲۵۰ کارگر در نیروگاه حرارتی تبریز، نسبت به فقدان امنیت شغلی ۱۵۰ کارگری که به صورت شرکتی قرارداد ۲۹ روزه بسته اند ابراز نگرانی کرد. در بخشی از این نامه آمده است که «قرار داد نفرات ۲۹ روزه در انتهای هر ماه خاتمه می یابد و با توجه به حساس بودن شرایط کاری نیروگاه با کمبود نفر در اتاق فرمان رو به رو می شویم.» آقای نودری در بخشی از این نامه به مذاکرات بی سرانجام خود با مدیریت نیروگاه حرارتی تبریز و شرکت توانیر در رابطه با الغای قراردادهای ۲۹ روزه اشاره کرده است.

پایان پیام

با گذشت دو ماه از سال از اعمال افزایش حقوق بازنشستگان خبری نیست

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است: دزدی آشکار از حقوق حدود یک میلیون و هشتصد هزار نفر مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی اتحادیه آزاد کارگران ایران: پس از افزایش 25 درصدی حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی، از آنجا که طبق ادعای این سازمان حقوق فروردین ماه نیمی از آنان پرداخت شده بود آقای خبازها رئیس کانون بازنشستگان کشور به جای نمایندگی بازنشسته ها، طی مصاحبه هایی از سوی تامین اجتماعی وعده داد حقوق اردیبهشت ماه بر اساس اعمال 25 درصد افزایش حقوق محاسبه خواهد شد و مابه التفاوت حقوق فروردین ماه همراه با آن پرداخت خواهد شد. اما طولی نکشید که آقای خبازها بار دیگر طی مصاحبه ای وعده سر خرمن دیگری را برای اعمال افزایش حقوق بازنشسته ها داد و اعلام کرد از پایان خرداد ماه افزایش 25 درصدی حقوق بازنشسته ها اعمال خواهد شد اما با رسیدن به روزهای پایانی اردیبهشت ماه سعید مرتضوی طی مصاحبه ای با برخی روزنامه ها اعلام کرد امسال نیز مطابق سال گذشته 25 درصد افزایش حقوق بازنشستگان اعمال و پرداخت خواهد گردید.

لازم به یاد آوری است سازمان تامین اجتماعی هر ساله با متوسط تاخیر 5 ماهه ای اقدام به اعمال مصوبه افزایش حقوق مستمری بگیران میکند و مبلغ چندین ماه تاخیر در افزایش حقوق آنان را در طول سال بصورت اقساط به آنان پرداخت میکند. بدین ترتیب و در نتیجه چنین اقدامی از سوی سازمان تامین اجتماعی هر ساله صدها میلیارد تومان حقوق بازنشسته ها و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در اختیار این سازمان باقی می ماند.

برای نشان دادن ابعاد این دزدی آشکار از حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی که در بدترین شرایط مشغول زندگی هستند کافی است تا 25 درصد افزایش امسال حقوق هر مستمری بگیر را در مدت 5 ماه محاسبه کنیم و آنرا ضربدر یک میلیون و هشتصد هزار نفر آمار تقریبی مستمری بگیران در سراسر کشور کنیم. (آمار مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در سال 1382، 1362323 نفر بوده است) بر این اساس چنانچه متوسط حقوق ماهیانه همه بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی را 600 هزار تومان در نظر بگیریم، در این صورت در ماه اول مبلغ 270000000000 تومان از حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران در جیب سازمان تامین اجتماعی می ماند و به ترتیب این مبلغ در ماههای بعدی به ارقام نجومی تری میرسد: ماه دوم: 540000000000 تومان - ماه سوم: 810000000000 تومان - ماه چهارم: 1080000000000 تومان - ماه پنجم: 1350000000000

بعبارتی در پایان ماه پنجم امسال در نتیجه عدم پرداخت 25 درصد افزایش حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران، سرمایه ای بالغ بر هزار و سیصد و پنجاه میلیارد تومان از سفره های خالی میلیونها بازنشسته و مستمری بگیر به جیب صندوق سازمان تامین اجتماعی و چپاول گران آن سرازیر میشود و چنانچه باز پرداخت این مبلغ را که بصورت اقساطی به مستمری بگیران در طول ماههای باقی مانده سال پرداخت میشود را در نظر بگیریم آنوقت سرمایه متوسطی در حدود هشتصد و ده میلیارد تومان به صورت ماهیانه از حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران به جیب سازمان تامین اجتماعی و چپاول گران آن سرازیر میشود و اگر سود این پول را نیز به حساب آوریم آنوقت چپاول از حقوق ناچیز و بخور و نمیر میلیونها بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی سر به فلک میزند. اتحادیه آزاد کارگران ایران

پروین محمدی: دلیلی برای تاخیر در پرداخت مستمری بازنشستگان وجود ندارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است: يك فعال مستقل کارگری گفت: برای کارگران بازنشسته تاخیر سازمان تامین اجتماعی در پرداخت مابه التفاوت مستمری به اندازه تحمیل بیمه تکمیلی درناك و غیر قابل تحمل است.

«پروین محمدی» با اعلام این مطلب گفت: متاسفانه کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی از رسالت اصلی خود باز مانده به بلندگوی تبلیغاتی مدیران سازمان تبدیل شده است. وی با یادآوری اینکه رسالت اصلی کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی دفاع از حقوق کارگران بازنشسته و از کار افتاده است، گفت: متاسفانه مسئولان این نهاد صنفی دفاع از حقوق موکلان خود را فراموش کرده‌اند.

این فعال صنفی کارگری با بیان اینکه در سالهای اخیر همواره مسئولان سازمان تامین اجتماعی با تاخیر نسبت به افزایش مستمری بیمه شدگان بازنشسته و از کار افتاده اقدام کرده‌اند گفت: مسئولان تامین اجتماعی نه تنها بابت این تاخیر خسارتی نپرداخته‌اند که حتی مبلغ مربوط به به مابه التفاوت را بصورت قسطی پرداخت کرده‌اند.

به گفته محمدی مسئولان سازمان تامین اجتماعی در کنار این اهمال و تاخیر از چند سال گذشته بدعت جدیدی را بنا نهادند و با نقض مواد 96 و 111 قانون تامین اجتماعی، مبلغ مستمری‌ها را بدون توجه به مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار افزایش دادند.

این فعال کارگری گفت: با این حال با وجود آنکه سازمان تامین اجتماعی در نخستین روزهای امسال از افزایش 25 درصدی مستمری‌ها خبر داد اما باز هم به بهانه شائبه تبلیغاتی اعمال افزایش به تابستان موکول شد. وی یادآور شد: هرچند در سالهای 91 و 92 سازمان تامین اجتماعی برای تبلیغات سیاسی دوباره مستمری‌ها را بر اساس مواد 96 و 111 قانون تامین اجتماعی و برابر با حداقل مزد مصوب شورای عالی کار تعیین کرده است اما همچنان تاخیر در پرداخت مستمری‌ها ادامه دارد.

این فعال صنفی کارگری گفت: این وضعیت در حالی ادامه دارد که مسئولان دولتی این سازمان کنترل منابع و اموال سازمان را در اختیار گرفته‌اند و حتی سال گذشته اعلام کردند که با ذخیره سازی منابع هیچ مشکلی برای افزایش و پرداخت مستمری‌ها ندارند.

سقوط جوشکار از ارتفاع

به گزارش روزنامه خراسان، در 31 اردیبهشت 92 آمده است: جوشکاری که روز گذشته در حال ساخت اسکلت آسانسوری در خیابان امام رضا بود از ارتفاع 4 متری سقوط کرد. مدیر حوزه ۳ آتش نشانی مشهد با بیان این خبر افزود: پس از اعلام این حادثه گروه نجات ایستگاه ۲ آتش نشانی به محل حادثه اعزام شد. تیموری افزود: آتش نشانان این جوشکار را که ضربه شدیدی به ناحیه سرش وارد شده بود از چاله آسانسور به سطح منتقل و برای اعزام به مراکز درمانی به نیروهای اورژانس حاضر در محل تحویل دادند.

دللی برای تاخیر در پرداخت مستمری بازنشستگان وجود ندارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است: يك فعال مستقل کارگری گفت: برای کارگران بازنشسته تاخیر سازمان تامین اجتماعی در پرداخت مابه التفاوت مستمری به اندازه تحمیل بیمه تکمیلی درناك و غیر قابل تحمل است.

«پروین محمدی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: متاسفانه کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی از رسالت اصلی خود باز مانده به بلندگوی تبلیغاتی مدیران سازمان تبدیل شده است. وی با یادآوری اینکه رسالت اصلی کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی دفاع از حقوق کارگران بازنشسته و از کار افتاده است، گفت: متاسفانه مسئولان این نهاد صنفی دفاع از حقوق موکلان خود را فراموش کرده‌اند.

این فعال صنفی کارگری با بیان اینکه در سالهای اخیر همواره مسئولان سازمان تامین اجتماعی با تاخیر نسبت به افزایش مستمری بیمه شدگان بازنشسته و از کار افتاده اقدام کرده‌اند گفت: مسئولان تامین اجتماعی نه تنها بابت این تاخیر خسارتی نپرداخته‌اند که حتی مبلغ مربوط به به مابه التفاوت را بصورت قسطی پرداخت کرده‌اند.

به گفته محمدی مسئولان سازمان تامین اجتماعی در کنار این اهمال و تاخیر از چند سال گذشته بدعت

جدیدی را بنا نهادند و با نقض مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی، مبلغ مستمری ها را بدون توجه به مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار افزایش دادند. این فعال کارگری گفت: با این حال با وجود آنکه سازمان تامین اجتماعی در نخستین روزهای امسال از افزایش ۲۵ درصدی مستمری‌ها خبر داد اما باز هم به بهانه شائبه تبلیغاتی اعمال افزایش به تابستان موکول شد. وی یادآور شد: هرچند در سالهای ۹۱ و ۹۲ سازمان تامین اجتماعی برای تبلیغات سیاسی دوباره مستمری‌ها را بر اساس مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی و برابر با حداقل مزد مصوب شورایی عالی کار تعیین کرده است اما همچنان تاخیر در پرداخت مستمری‌ها ادامه دارد. این فعال صنفی کارگری گفت: این وضعیت در حالی ادامه دارد که مسئولان دولتی این سازمان کنترل منابع و اموال سازمان را در اختیار گرفته‌اند و حتی سال گذشته اعلام کردند که با ذخیره سازی منابع هیچ مشکلی برای افزایش و پرداخت مستمری‌ها ندارند.

اعتراض به تعویق چند باره افزایش مستمری بازنشستگان

عضو کانون بازنشستگان تامین اجتماعی مشهد با انتقاد از عملی نشدن وعده پرداخت افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان با وجود سپری شدن دو ماه از سال، گفت: تا این لحظه وعده افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی محقق نشده. «حسین رسولی» با بیان اینکه پیش از این وعده داده شده بود افزایش حقوق بازنشستگان در خردادماه به همراه مابه‌التفاوت ماه‌های گذشته پرداخت شود، به ایلنا گفت: اخیراً طبق گفته‌های رئیس کانون عالی بازنشستگان، افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی به دلیل تامین نشدن منابع مالی آن قرار است در تیر یا مرداد پرداخت شود. این فعال کارگری اضافه کرد: با وجود اینکه گفته می‌شود قرار است حقوق کارگران بازنشسته ۲۵ درصد افزایش پیدا کند اما هنوز هیچ گونه حکم حقوقی جدیدی مبنی بر اینکه حقوق بازنشسته‌ها ابلاغ نشده است. او با بیان اینکه افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان در سال جاری در مقایسه با تورم موجود بسیار ناچیز است، افزود: باید مستمری بازنشستگان نیز با لحاظ کردن نرخ تورم ۳۱ درصدی اعلام شده از سوی بانک مرکزی افزایش می‌یافت در صورتیکه اینگونه نشده است. عضو کانون بازنشستگان تامین اجتماعی مشهد در خاتمه اظهار داشت: در شرایطی که کارگران بازنشسته در هنگام کار ۳۰ درصد از حقوق خود را در این صندوق سرمایه‌گذاری کرده‌اند، عادلانه نیست افزایش مستمری آنان متناسب با تورم افزایش نیابد.

دبیر خانه کارگر این استان خبر داد:

14 هزار کارگر ساختمانی کردستان در انتظار بیمه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است: دبیر خانه کارگر استان کردستان ضمن اعلام اینکه هنوز سهمیه بیمه کارگران ساختمانی این استان مشخص نشده است، خواستار حذف سهمیه بیمه این کارگران در سال جاری شد.

«عباسعلی صفری» با بیان اینکه در چند سال اخیر تعداد کارگران ساختمانی که در استان متقاضی دریافت بیمه تامین اجتماعی بوده‌اند بیش از 34 هزار نفر بوده است، به ایلنا گفت: از سال 88 حدود 19 هزار کارگر در صنعت ساختمان تحت پوشش بیمه قرار گرفته و مابقی در انتظار هستند.

این فعال کارگری در کردستان افزود: در سالهای 88,89,90,91 به ترتیب 7 هزار، 5 هزار، 4 هزار و 6 هزار و 100 سهمیه بیمه کارگران ساختمانی به استان کردستان تعلق گرفته است، این در صورتی است که این میزان سهمیه در مقایسه با تعداد ثبت نام کنندگان در هر سال، بسیار ناچیز است.

دبیر خانه کارگر در این باره اضافه کرد: از مجموع کارگران ساختمانی که متقاضی بیمه تامین اجتماعی در استان کردستان، حدود دو سوم آنان تحت پوشش بیمه قرار گرفته اند و سایر کارگران ساختمانی که تعداد آنان به 14 هزار نفر می رسد در انتظار به سر می برند.

این فعال کارگری با اشاره به اینکه هنوز سهمیه بیمه کارگران ساختمانی در استان کردستان برای سال جاری مشخص نشده است، اظهار داشت: با وجود اینکه مجلس قانون حذف سهمیه بیمه کارگران ساختمانی را مصوب کرده، اما هنوز اقدامی جهت حذف یا افزایش سهمیه بیمه کارگران ساختمانی صورت نگرفته است.

پایان پیام

خطر تعطیلی نیشکر هفت تپه با خالی ماندن جای بازنشستگان

یک فعال کارگری در کارخانه نیشکر هفت تپه گفت: در نتیجه اجرای قوانین بازنشستگی بیش از موعد تعداد کارگران شاغل در این واحد تولیدی تا یک سوم کاهش یافته است. «رضا رخشان» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: در چند سال گذشته با اجرای قوانین مختلف بازنشستگی تعداد زیادی از کارگران شاغل در نیشکر هفت تپه بازنشسته شده اند بدون آنکه کسی جایگزین آنها بشود. وی گفت: در حال حاضر در کارخانه نیشکر هفت تپه ۲۵۰۰ نفر به عنوان کارگر رسمی، قراردادی، پیمانی و فصلی مشغول کار هستند. این فعال کارگری تصریح کرد: چنانچه این وضعیت ادامه یابد و هیچ نیرویی جایگزین کارگران بازنشسته نشود باید تا سه سال آینده شاهد تعطیلی کارخانه نیشکر هفت تپه باشیم. وی با اشاره به پیشینه تاریخی کشت و برداشت نیشکر در منطقه هفت تپه یادآور شد: کارخانه نیشکر هفت تپه نزدیک به نیم قرن سابقه فعالیت دارد و یکی از قطب های صنعتی منطقه محسوب می شود.

با پایان مهلت تعیین شده رخ داد: تعهد شکنی وزارت کار در طبقه بندی مشاغل کارگران دریایی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است: یک عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس از عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد کارگران شرکت کشتیرانی با وجود پایان مهلت قانونی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به این شرکت خبر داد.

به گزارش ایلنا، مدیر کل روابط کار و جبران خدمت پیش تر با ارسال نامه ای به آقای «نقوی»، معاون پشتیبانی و سرمایه انسانی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بود در صورت عدم اقدام موثر این شرکت برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اقدامات لازم را بر اساس ماده 50 قانون کار به عمل می آورد.

«اسماعیل ظریفی ازاد» در این نامه آخرین مهلت برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را پایان اردیبهشت ماه اعلام کرده است.

وی پیش تر در نامه ای مورخ 24 فروردین ماه سال جاری، آخرین مهلت قانونی برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را 10 اردیبهشت ماه اعلام کرده بود که بعد تر به دلیل اوضاع و شرایط اقتصادی و تحریم های موجود، این مهلت تا پایان اردیبهشت ماه تمدید شد.

گفتنی است کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مدت ها است خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. این شرکت مطابق سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی از سال 78 به بخش غیر دولتی واگذار و تا کنون طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار در مورد آن اجرا نشده است.

کاهش ۵۰ درصدی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی نیشابور

رئیس هیئت مدیره ی انجمن صنفی کارگران و استاد یاران ساختمانی نیشابور از کاهش بیش از ۵۰ درصدی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی این شهرستان از سوی سازمان تامین اجتماعی خبر داد. «عبدالله قدم یاری» در این باره به ایلنا گفت: در حالی که همه ساله ۷۰۰ نفر کارگر ساختمانی در این شهرستان بیمه می‌شدند، تا کنون تنها ۳۰۰ کارگر ساختمانی در شهرستان نیشابور بیمه شده‌اند. وی با اشاره به عدم اجرای قانون «رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی» تصریح کرد: قانون مذکور نه تنها اجرا نشده است بلکه سازمان تامین اجتماعی سهمیه بیمه کارگران ساختمانی شهرستان نیشابور را بیش از ۵۰ درصد کاهش داده است.

گفتنی است در روز های گذشته، گزارش های مشابه ای از سایر نقاط ایران به ایلنا رسیده است. کاهش ۱۰ برابری سهمیه ی بیمه ی کارگران ساختمانی استان تهران یکی از این موارد است. «محمد باقری» رئیس هیئت مدیره ی انجمن صنفی کارگران و استاد یاران ساختمانی در هفته گذشته به ایلنا گفته بود: هر سال در استان تهران بیش از ۳۱ هزار و ۵۰۰ نفر سهمیه برای بیمه ی تامین اجتماعی کارگران ساختمانی اختصاص داده می شد که در سال جاری به ۲ هزار نفر کاهش پیدا کرده است. این در حالی است که قانون رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند. فعالان کارگری با استناد به این قانون معتقدند ایجاد نظام سهمیه بندی خلاف قانون و ناعادلانه است.

ریزش آوار چهار کارگر ساختمانی را محبوس کرد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 اردیبهشت 92 آمده است : عصر روز گذشته ریزش آوار دو ساختمان دو طبقه که در مجاورت هم قرار داشتند، واقع در خیابان نبرد جنوبی تهران، سبب محبوس شدن چهار کارگر در زیر آوار شد.

بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، دو تن از کارگران که نیمی از بدنشان در زیر آوار گرفتار شده بود تا پیش از رسیدن عوامل آتش نشانی توسط همکارانشان نجات یافتند. نیروهای امدادی پس از حضور در محل حادثه دو کارگر دیگر را با انجام اقدامات فنی از زیر آوار خارج کرده و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند.

سخنگوی سازمان آتش نشانی بی احتیاطی کارگران هنگام تخریب ساختمان را علت وقوع این حادثه اعلام کرد و افزود: مالکان و پیمانکاران باید برای عملیات تخریب از نیروهای ماهر استفاده کنند و تمامی مراحل تخریب نیز تحت نظر افراد متخصص و مهندسان مربوطه انجام شود.

واکنش استاندار به تعویق سه ماه حقوق کارگران شهرداری یزد

در پس تعویق سه ماه حقوق کارگران شهرداری یزد، استاندار از شهردار این شهر خواست «هرکاری دارید رها کنید، به مشکلات کارگران شهرداری یزد رسیدگی کنید.» به گزارش ایلنا از یزد، جمعی از کارگران شهرداری یزد با حضور در استانداری به طرح مشکلات خود با استاندار پرداختند. «محمدرضا فلاح زاده»، استاندار یزد در این جلسه که در سالن شهید منتظر قائم استانداری یزد برگزار شد، بر

پرداخت فوری حقوق معوقه این کارگران تاکید کرد. استاندار یزد در این جلسه خطاب به شهردار یزد گفت: هرکاری دارید رها کنید، به مشکلات کارگران شهرداری یزد رسیدگی کنید. تعدادی از کارگران حضور یافته در این مراسم اعلام کردند ۴۲۰ هزار تومان بعنوان حقوق ماهانه دریافت می کنند که پرداخت این حقوق ۳ ماه به تعویق افتاده است. یکی از کارگران در این رابطه به ایلنا گفت: روزانه از ساعت ۴ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر در محل کار خود حاضر می شویم و حتی در روزهای جمعه و تعطیل هم بکار بشغولیم.

با پایان مهلت تعیین شده رخ داد: تعهد شکنی وزارت کار در طبقه بندی مشاغل کارگران دریایی

يك عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس از عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد کارگران شرکت کشتیرانی با وجود پایان مهلت قانونی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به این شرکت خبر داد.

به گزارش ایلنا، مدیر کل روابط کار و جبران خدمت پیش تر با ارسال نامه ای به آقای « نقوی»، معاون پشتیبانی و سرمایه انسانی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بود در صورت عدم اقدام موثر این شرکت برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اقدامات لازم را بر اساس ماده 50 قانون کار به عمل می آورد.

«اسماعیل ظریفی ازاد» در این نامه آخرین مهلت برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را پایان اردیبهشت ماه اعلام کرده است.

وی پیش تر در نامه ای مورخ 24 فروردین ماه سال جاری، آخرین مهلت قانونی برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در مورد کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را 10 اردیبهشت ماه اعلام کرده بود که بعد تر به دلیل اوضاع و شرایط اقتصادی و تحریم های موجود، این مهلت تا پایان اردیبهشت ماه تمدید شد.

گفتنی است کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مدت ها است خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. این شرکت مطابق سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی از سال 78 به بخش غیر دولتی واگذار و تا کنون طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار در مورد آن اجرا نشده است.

پایان پیام

بر شمار کودکان کار اضافه شده است

یک فعال اجتماعی کودکان کار و خیابان می گوید: در نتیجه وخامت اوضاع اقتصادی تعداد بیشتری از کودکان روانه بازارهای غیر رسمی کار شده اند. حسین میربهراری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به دلیل افزایش غیر متعارف هزینه های زندگی و نا کافی بودن دستمزدهای تعیین شده، از ابتدای سال جاری عرضه و تقاضا برای اشتغال کودکان افزایش یافته است. عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افزود: برهمن اساس ابتدای امسال شمار بیشتری از کودکان خانواده های مستمند و نیازمند برای تامین معاش خانواده از مدارس راهی محیط های کاری شده اند بطوری که در برخی موارد شمار کودکان کار در خانواده های کم درآمد افزایش یافته است. این فعال اجتماعی بایان اینکه این کودکان به دلیل کم توانی یا ناتوانی سرپرست خانواده به عنوان کمک خرج وارد مناسبات اقتصادی می شوند، گفت: بصورت عرفی درآمد کودکان کار از یک سوم تا یک دوم درآمد یک کارگر بالغ و معمولی متغیر است. وی گفت: براین اساس و با توجه به حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی مصوب شورایی عالی کار، درآمد هر کودک

کار بسته به نوع کار بطور متوسط از ۱۶۰ تا ۲۵۰ هزار تومان متغیر است که این پول در بیشتر مواقع به سرپرست کودک پرداخت می‌شود.

به گفته این عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان هرچه کار کودکان سخت‌تر باشد درآمد آنها نیز بیشتر خواهد بود اما هیچگاه درآمد آنها با کارگران بالغ برابری نمی‌کند و این درحالی است که این کودکان در محیط‌های کار پا به پای کارگران بالغ فعالیت می‌کنند.

وی افزود: برخلاف تصور عامه مردم حرفه بیشتر کودکان کار نه دست فروشی در کنار خیابان که انجام کارهای طاقت فرسا و سخت در کارگاه‌های غیر رسمی و دورافتاده است.

این فعال اجتماعی با بیان اینکه چون طبق قوانین جاری اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال عملی مجرمانه تلقی می‌شود گفت: به همین دلیل کودکان کار در زمان کار از هیچ حق بیمه‌ای و حمایت اجتماعی برخوردار نیستند. وی یادآور شد: از آنجا که کودکان کار در حکم نیروهای ارزان قیمت تلقی می‌شوند، در بیشتر مواقع کارفرمایان به تخصص و مهارت تجربی آنها توجهی ندارند و پس از رسیدن به سن قانونی آنها را از محیط کار طرد می‌کنند. به گفته میربهراری تنها در مواقعی که سودجویان قصد دارند از کودکان کار به عنوان سرپوشی برای پنهان کردن اعمال مجرمانه خود استفاده کنند درآمد این کارگران کوچک بصورت غیرعادی افزایش چشمگیری پیدا می‌کند.

نامه به کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری

اتحادیه آزاد کارگران

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری

پیرامون وضعیت تشکلهای کارگری در ایران و اعتراض به حضور نماینده های دست ساز دولتی در نشست سالیانه ILO

از: اتحادیه آزاد کارگران ایران

به: کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری ITUC

با دروهای گرم و فراوان

دوستان و همکاران در کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

همانگونه که خود نیز بخوبی میدانید اندک تشکلهای مستقل کارگری در ایران همیشه تحت شدیدترین فشارها قرار داشته اند و در طول سالهای گذشته بسیاری از اعضا این تشکلهای یا از کار خود اخراج شده اند و یا به زندان افکنده شده و به بهانه های مختلف تحت پیگرد قضائی قرار گرفته اند. با اینحال و علیرغم اعتراضات گسترده ای که از سوی سازمانهای کارگری در سطح جهان نسبت به نقض حقوق پایه ای کارگران در ایران صورت گرفته است، در طول یکسال گذشته اعمال این فشارها بر تشکلهای موجود و فعالین آنها دامنه بسیار بیشتری پیدا کرده است و علاوه بر اخراج و بازداشت و زندان، بسیاری از اعضای این تشکلهای، بویژه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از سوی نهادهای امنیتی و قضائی جهت استعفا از تشکلهای خود بشدت تحت فشار قرار گرفته اند. بطوریکه قضات برخی دادگاهها و مامورین امنیتی پس از احضار و یا بازداشت اعضای اتحادیه ما که به بهانه های کاملا واهی صورت گرفته است استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران را به عنوان شرطی جهت صدور حکم براءت در مقابل آنان گذاشته اند و عدم استعفا از اتحادیه را موجب صدور حکمهای سنگین عنوان نموده اند. اعمال این فشارها بر اعضا موثر اتحادیه ما از زمانی شدت بیشتری پیدا کرد که از اول ماه مه سال گذشته و به مناسبت اینروز، کارگران متشکل در اتحادیه ما با جمع آوری طوماری اعتراضی با امضا نزدیک به چهل هزار نفر از کارگران کارخانه های مختلف در سراسر کشور، خواهان افزایش حداقل مزد بر اساس ماده 41 قانون کار و کنار گذاشتن لایحه ضد کارگری اصلاح این قانون و تحقق دیگر مطالبات پایه ای خود شدند.

این روند و اعلام غیر قانونی بودن تشکل ما و معدود تشکلهای مستقل دیگر از سوی نیروهای امنیتی در شرایطی طی یکسال گذشته شدت پیدا کرده است که ما هر روزه شاهد اعلام ایجاد انواع اتحادیه ها و

انجمنهای صنفی در ایران بوده ایم و بنا بر ادعای وزیر کار تعداد این نوع تشکلهای کارگری با نام اتحادیه و سندیکا وجود ندارد و به همین دلیل هیچیک از این اتحادیهها ثبت نشده اند اما از آنجا که همه آنها زیر مجموعه خانه کارگر هستند دولت و نیروهای امنیتی نه تنها کاری به آنها ندارند بلکه ایجاد این نوع اتحادیهها سیاست خود وزارت کار است تا با گسترش تعمدی این نوع اتحادیهها و انجمنهای صنفی، بتدریج آنها را جایگزین شوراهای اسلامی کنند و از این رهگذر قادر شوند خود را از فشارهای سازمان جهانی کار بدلیل ماهیت ایدئولوژیک شوراهای اسلامی خلاصی بخشند.

این وضعیت در عین حال که نشان میدهد فشارهای سازمانهای بین المللی کارگری و ILO برای بر چیده شدن نهادهای ایدئولوژیک از محیطهای کار مفید بوده است اما از طرف دیگر اتخاذ چنین سیاستی از سوی دولت و وزارت کار نشانگر این است که هیچ تغییر مثبتی در رویکرد دولت ایران که منجر به برسمیت شناخته شدن تشکلهای مستقل کارگری در ایران بشود رخ نداده است و دولت همچنان در تلاش است تا با دور زدن خواست ILO و سازمانهای بین المللی کارگری برای برخورداری کارگران ایران از حق برپائی تشکل مستقل از دولت، همچنان نهادهای دست ساز خود را در محیطهای کار دست نخورده باقی بگذارد.

لذا ما از شما دوستان در کنفدراسیون جهانی اتحادیههای کارگری و همه کنفدراسیونهای عضو آن انتظار داریم تا در نشست سالیانه این سازمان با افشای این سیاست و اعتراض به تشدید اعمال فشار بر فعالین و اندک نهادهای مستقل کارگری موجود، اجازه ندهید تا کسانی که از سوی وزارت کار دولت جمهوری اسلامی به عنوان نماینده کارگران ایران به نشست سالیانه ILO میابند اعتبار نامه حضور در این نشست را دریافت کنند. بی تردید نیازی به تاکید نیست که عوامل کانون عالی شوراهای اسلامی علاوه بر سازماندهی و شرکت مستقیم در سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، در طول سال گذشته نیز در اقدامی هماهنگ با نیروهای امنیتی، امضاهای بخش زیادی از کارگران را حول طومار اعتراضی کارگران صادره کرده و از رسیدن آن بدست هماهنگ کنندگان این طومار جلوگیری نمودند و علاوه بر آن بطور آشکار و در مصاحبههایی تلاش کردند تا با وارد کردن اتهامات واهی به هماهنگ کنندگان این طومار مبنی بر وابستگی آنان به جریانهای خاص، زمینه ارباب کارگران امضا کننده طومار و سرکوب هماهنگ کنندگان آنرا فراهم سازند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

روزشمار کارگری ماه خرداد سال ۱۳۹۲ - ۲۰۱۳

انتخاب محمود صالحی به عنوان سخنگوی بهنام ابراهیم زاده

کارگران رفقا و فعالین کارگری مردم به ستوه آمده برای رسیدن به خواسته های انسانی خودمان باید متحدانه به میدان بیایم و متشکل شویم. باید تشکلهای واقعی خودمان را ایجاد کنیم.

تنها با اتحادمان

با یکپارچگی خودمان می توانیم از این وضع موجود عبور کنیم دیگر نگذاریم حقوق مان را بیشتر از این پایمال کنند دیگر اجازه ندهیم با تعیین دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر شرمنده هسر و فرزندانشان خود باشیم تا کی باید ما رنج و زحمت بکشیم و زندگی از خود و خانواده هایمان را سلب کنیم به عده مفت خور و انسانهایی که هیچ بوی از انسانیت نبرند با رنج و زحمات بی امان ما در رفاه و شادی باشند و بسر کنند دیگر تحمل نکنیم و به میدان بیایم دیگر تنشهای جزئی و بی موردی که در میانما هست کنار بگذاریم چرا باید اجازه بدهیم به عده که قطعا دنبال منافع شخصی خودشان هستند در تشکلهای کارگری نفوذ کنند و این نیروی عظیم پرشور و انقلابی و این توان مبارزه را از ما کارگران بگیرند و نگذارند ما به خواسته های انسانی خود برسیم و برای اینکه علیه وضع موجود به میدان بیایند علیه خودمان کارگران و فعالین کارگری شان تا و رجزخوانی می کنند و مدام دنبال تنش می باشند .

هم اکنون عده ای محدود چند نفری دارند نیروی عظیم شما فعالین واقعی کارگران را در هر تشکلی می گیرند و در مقابل و در مبارزه شما مانع تراشی و سنگ اندازی و انحصارگرایی و قوم گرایی می کنند در مقابل این عده محدود این انسانهای که هرروزه فعالین کارگری را با شیوه های غیر انسانی خود به سخره می گیرند متحدانه به میدان بیاید و اجازه ندهید که بیشتر از این مانع فعالیت های انسانی برحق مان باشند محمود صالحی یکی از چهره های خوشنام و محبوب کارگری است که هر چند گاهی از سوی عده محدود فعال کارگر نما به شیوه های مختلف مورد اذیت و آزار قرار می گیرد خود من بهنام ابراهیم زاده در زمانی که هنگامی که به میان شما دوستان و رفقای عزیزم آمده بودم با تمام توان برای نجات جان تنها فرزندم نیما عزیز که مبتلا به سرطان خون شده تلاش می کردم همین فعال کارگر نما بارها من و خانواده ام را مورد اذیت و آزار قرار دادند اتهامهای ناروا و بی مورد به من زدند به جای آنکه در کنارم باشند بارها سنگ اندازی کردند و موجب برهم زدن آرامش زندگی من و فرزندم و همسرم شدند این نکاتی است که حتی همسرم بارها از زمانی که به مرخصی آمده بودم به من گوشزد می کرد که چگونه اینان وی را اذیت و آزار قرار داده اند و فشار بی حد بهش آورده اند همین آقایان از نبود حضور من از پدرم من سوء استفاده کردند علیه رفیق و همکارم محمود صالحی تکذیبه نوشتند و در سایتها منتشر کردند بی گمان همگان می دانند که پدر من رحمان ابراهیم زاده سواد کافی برای این کار را نداشت و ندارد و من مطمئنم نمی خواست اینگونه توهین امیز و رکیک علیه همکار هم طبقه ام و اکنش نشان بدهد اصلا زمانی که من مرتب می توانستم از درون زندان نامه بدهم بیرون چرا این کار را به من واگذار نکردند اصلا چرا با من و همسرم و فرزندم هماهنگی نکردند. هر انسان لایق و منصفی هر فعال واقعی کارگری بی شک رفیق و همکارم محمود صالحی را به خوبی با فعالیت های انسانی اش در دفاع از طبقه کارگر و با هزینه های که این خانواده تا کنون پرداخته به خوبی می شناسد من زمانی با فشار و اعتراض شما مردم خوب و فعالین کارگری و دیگر سازمانها و نهادها بیرون آمدم که تنها فرزندم به شدت به من نیاز داشت و در بستر بیماری بود و باید برای نجات جان تنها فرزندم تلاش می کردم مریضی فرزندم برای من خیلی ناراحت کننده بود و هست اما این برخورد و تکذیبه نوشتن انهم با تحریک شخصی چند نفری که بیشتر از مریضی نیما مرا ناراحت نکرد کمتر هم نبود در اینجا لازم و ضروری می دانم از رفیق و همکارم آقای محمود صالحی عذر خواهی و معذرت خواهی کنم من به مبارزات به فعالیتها همکارم به صداقت درستی و ایمان واقعی در راه خواست و مطالبات طبقه کارگری آقای صالحی ایمان دارم و بنا به خواست خودم و دیگر دوستان و رفقا ایشان در نبود من به عنوان سخنگوی اینجانب بهنام ابراهیم زاده می باشند و هر اظهار نظر و خبر رسانی ایشان با توانایی های که در ایشان می بینم من آقای محمود صالحی را به عنوان سخنگو انتخاب کردم. بهنام ابراهیم زاده و بلاگ نویس و فعال کارگری و کودک عضو کمیته پیگیری تشکل های آزاد کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان خرداد ماه 92

نامه بهنام ابراهیم زاده به سازمان جهانی کار آی ال او

۴ ژوئن اجلاس سالانه جهانی کار است. من بهنام ابراهیم زاده بخاطر مبارزاتم در دفاع از حقوق کارگر و حقوق کودکان ۵ سال حکم زندان دارم. سه سالش را پشت سر گذاشته ام و الان نیز با وجودیکه تنها فرزندم بدلیل ابتلا به سرطان خونی بستری است، میخواهند من را به زندان بازگردانند. از همه نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان انتظار دارم که در برابر این تصمیم اعتراض کنند. خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوند. از نمایندگان اتحادیه کارگری در اجلاس آی ال او انتظار دارم که از مبارزات کارگران در ایران و از انتظار من حمایت و پشتیبانی کنند.

اما به شما که به عنوان سازمان جهانی کار، آی ال او که به اسم کارگر دارید سخن میگویند، اعتراض دارم که تا کی در برابر این همه بی حقوقی سکوت میکنید. انتظار من کارگر اینست که دولتهای شرکت کننده در اجلاستان را زیر فشار بگذارید که پایه ای ترین حقوق کارگران و انسانها را رعایت کنند. حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بدون قید و شرط بیان همگی مثل نفس کشیدن و حقوق پایه ای انسانی است و نقض آنها یک تخلف آشکار است. بویژه در ایران فقر و گرانی بیداد میکند. دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر زندگی بخش عظیمی از جامعه را به نابودی کشانده است. امروز کارگران در ایران بخاطر اعتراض به این وضعیت و حق و حقوق پایه ای خود در زندانند. باید به این دستگیری ها و به فشار به رهبران و فعالین

کارگری باید اعتراض شود.
من با نوشتن این نامه تلاش کردم صدای اعتراض خودم و خانواده ام و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشم.
بهنام ابراهیم زاده. کارگر زندانی - ۱ خرداد ۹۲ - ۲۲ مه ۲۰۱۳

بیانیه 82 اعتصاب غذای شاهرخ زمانی و خالد حردانی همچنان ادامه دارد

بنا به بیانیه 81، شاهرخ زمانی و خالد حردانی که جهت اعتراض به ویران کردن سرپناه هفت خانواده در شلنگ آباد اهواز توسط مأموران جمهوری اسلامی از روز شنبه 1392/2/28 اعلام اعتصاب غذا کرده بودند، اعتصاب غذای خود را تا پایان روز جمعه 1392/3/3 ادامه خواهند داد.

همچنین آنها نسبت به وضعیت اخیر و تشدید فشارهای جدید علیه زندانیان به شدت اعتراض دارند. طبق اخبار دریافتی قسمت پشت سالن 12 زندان گوهردشت را که معروف به حسینیه است خالی کردند و بنا به اخبار رسیده از زندان معلوم شده است که اخیراً "دستگیری های وسیعی صورت گرفته همچنین طرحی در دست سپاه و وزارت اطلاعات است که در روزهای آتی دستگیری های گسترده تری صورت خواهد گرفت. اخبار غیررسمی دریافتی از دیگر زندانها نیز این خبر را تأیید می کند.

همچنین در بند های مختلف، سازمان زندانها و اداره اطلاعات جاسوسهای فراوانی گمارده اند که با گزارشات آنها زندانیان را هر روز بیشتر تحت فشار قرار می دهند.

از جمله سه نفر جاسوس شناخته شده در سالن 12 زندان گوهردشت با حمایت های علنی مأموران مشغول جاسوسی هستند.

اخبار زندانهای مختلف نشان می دهند که جمهوری اسلامی در انتظار شکست برنامه های مهندسی شده انتخابات پیش رو است و احتمال خیزش توده ای مردم را می دهد لذا خود را برای سرکوب آماده می کند اما خود نیز می داند که دیگر توانایی سالهای قبل را ندارد و حتی درون جناح های مختلفش شکافهای شدیدی ایجاد شده است، و در همین حال دچار دهها بحران حل نشدنی است که او را به سراشیبی هل می دهند. در مقابل چنین وضعیتی خود را برای سرکوب های شدید و انتقام گیری در زندانها آماده می نماید.

کارگران، زنان، معلمان، جوانان، دانشجویان و مردم شریف و آزادیخواه در چنین شرایطی فرزندان قهرمان شما که در زندان آگاهانه و قهرمانانه در مقابل دشمن مردم ایستاده اند برای ادامه مبارزه تا پیروزی احتیاج به کمک و حمایت و اعتراضات متحدانه و گسترده و برنامه ریزی شده ی شما دارند آنها را تنها نگذارید و با ترتیب دادن اعتراضات و گسترش فعالیت علیه جمهوری اسلامی به ارتقاء مبارزه اقدام نمایید.

کارگران، تشکلهای و نهادهای اجتماعی داخلی و جهانی اکنون فرصت بهتری برای گسترش مبارزات متحدانه و میدانی است چرا که جمهوری اسلامی بیشتر از هر زمانی ضربه پذیر است.

برای حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اقدام به اعتراضات متحدانه و برنامه ریزی شده در مقابل دفاتر نهادهای جهانی و سفارت خانه های جمهوری اسلامی کرده و با راه انداختن اعتراضات در دانشگاهها، مدارس، کارخانجات و همچنین با نوشتن نامه های اعتراضی و جلب حمایت از طرف نهادهای مدنی و سیاسی مختلف داخلی و جهانی در جهت آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اقدام نمایید.

پیش به سوی اتحاد بیشتر برای فشار بیشتر
پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
1/3/1392
www.chzamani.blogspot.com

تامین اجتماعی با انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی همکاری ندارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 1 خرداد 92 آمده است: دبیر کانون انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی کشور با تاکید بر مشارکت نهادهای صنفی در امور مربوط به کارگران، از عدم همکاری برخی شعب سازمان تامین اجتماعی با انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی انتقاد کرد.

علی یار محمدی در این باره به ایلنا گفت: متأسفانه برخی شعب سازمان تامین اجتماعی به جای آنکه با انجمن‌های صنفی که نماینده واقعی کارگران هستند ارتباط برقرار کنند، به همکاری با اتحادیه‌ها و تعاونی‌هایی که مسئولیتی در قبال بیمه کارگران ساختمانی ندارند، روی آورده‌اند. او افزود: با وجودی که کارگران ساختمانی برای بیمه شدن در سازمان تامین اجتماعی نیاز به تاییدیه انجمن‌های صنفی دارند و این انجمن‌ها هستند که باید روند احراز صلاحیت و اشتغال آنان را در مشاغل ساختمانی تایید کنند اما متأسفانه این موضوع توسط برخی مسئولان نادیده گرفته می‌شود.

عضو هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی بروجرد با بیان اینکه سازمان تامین اجتماعی در این شهرستان با یک شرکت تعاونی و خدماتی برای احراز هویت و اشتغال کارگران توافقاتی را انجام داده است تصریح کرد: این در حالی است که مطابق قانون، انجمن‌های صنفی، متولی کارگران ساختمانی هستند و فعالیت نهادهای غیر مرتبط غیر قانونی است. این فعال کارگری اضافه کرد: شعبه سازمان تامین اجتماعی در شهرستان بروجرد، کارگران را برای گرفتن تاییدیه شغلی خود به این شرکت تعاونی معرفی می‌کند. این تعاونی نیز از هر کارگر، مبالغی را تحت عنوان حق عضویت دریافت می‌کند تا کارگر ساختمانی بودن فرد مراجعه کننده را تایید کند.

یار محمدی با تاکید به اینکه نهادهای غیر مسوول در این زمینه باید حذف شوند اظهار داشت: با وجود انجمن‌های صنفی در مشاغل ساختمانی سپردن وظایف قانونی آنان به نهاد های غیر مسوول که خود را متولی امور مربوط به کارگران ساختمانی می‌دانند غیر قانونی است.

پایان پیام

اخراج کارگران ایران خودرو در سنندج

بر اساس گزارش رسیده روز سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه نمایندگی کارخانه ایران خودرو در سنندج (نمایندگی حیدری)، به دلیل واهی ورشکستگی کارخانه ۳۷ نفر از کارگران شاغل در این نمایندگی را که هر کدام میانگین ۱۷-۲۰ سال سابقه کار داشتند از کار اخراج کرد. کارگران اخراجی این نماینده در اعتراض به این عمل کارفرما، صبح روز اول خردادماه در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان سنندج تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. لازم به ذکر است که نمایندگی ایران خودرو در سه راه شهرک نایسر سنندج واقع شده است.

۱ خرداد ۱۳۹۲

اخباری درباره وضعیت کارگران جان باخته، مفقود و مجروح حادثه سایت بازیافت زباله شهرداری شیراز

برپایه گزارش دریافتی آمده است: **جمعیت هلال احمر شهرستان شیراز ساعت 14 و 35 دقیقه:**

بر اثر ریزش آوار در سایت بازیافت زباله شهرداری شیراز ، واقع در برمشور (کیلومتر 10 محور شیراز فسا) متأسفانه تعدادی از نیروهای مرکز بازیافت و آتش نشانی زیر انبوهی از زباله گرفتار شدند که **تاکنون آمار دقیقی از تعداد مجروحان و یا کشته شدگان این حادثه در دسترس نمی باشد .** **ایسنا ساعت 14 و 45 دقیقه:**

سخنگوی سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از عملیات 12 امدادگر برای **نجات جان 38 محبوس شده در ریزش آوار سایت بازیافت شیراز** خبر داد.

حسین درخشان در تشریح جزئیات عملیات ریزش آوار در سایت بازیافت زباله، گفت: وقوع یک فقره حادثه ریزش آوار در ساعت 12:10 امروز از طریق آتش نشانی شیراز به مرکز فوریت های 147 اعلام شد.

وی با بیان اینکه با توجه به نحوه گزارش دریافتی، بلافاصله چهار تیم عملیاتی به محل حادثه اعزام شد، گفت: امدادگران با حضور در صحنه حادثه دریافتند که سایت بازیافت زباله «برمشور» شیراز که در محور شیراز به فسا قبل از گردنه گل چهره قرار دارد، ریزش کرده است.

سخنگوی سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر با بیان اینکه طبق گزارش های دریافتی غیررسمی **30 کارگر و هشت تن از عوامل آتش نشانی در زیر آوار محبوس شده اند**، گفت: سایت بازیافت زباله متعلق به شهرداری بوده که در حال حاضر عملیات برای نجات این افراد ادامه دارد.

وی با بیان اینکه با تلاش چند ساعته امدادگران **10 تن از محبوس شدگان این آوار نجات یافتند** و اقدامات برای نجات دیگر محبوس شدگان ادامه دارد به ایسنا گفت: تمامی نجات یافتگان برای انتقال به مراکز درمان تحویل تکنیسین های اورژانس شدند.

باشگاه خبرنگاران ساعت 15 و 12 دقیقه:

30 کارگر و 8 آتش نشان، زیر آوار سایت بازیافت

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر کشور گفت: بر اثر آوار در سایت باز یافت زباله بر مشور در شیراز **30 کارگر و 8 آتش نشان زیر آوار ماندند.**

محمود مظفر با اعلام این خبر گفت: این حادثه در ساعت 12:10 دقیقه روز چهارشنبه از طریق اطلاع رسانی آتش نشانی مورد امداد گری هلال احمر قرار گرفت.

وی با اشاره به اینکه این اتفاق در محور شیراز فسا قبل از گردنه گلچهره سایت بازیافت زباله شهرداری بوده افزود: **تعداد افراد گزارش شده در زیر آوار 40 نفر به طور غیر رسمی و 8 آتش نشان گزارش شده که تا بدین لحظه 5 نفر از آنان توسط تیم امداد و نجات از زیر آوار بیرون کشیده شدند.**

مظفر در ادامه گفت: همچنین 4 تیم، 12 نفره برای امداد رسانی ها اعزام، که یک تیم آنشت (زنده یاب) به همراه سگ های جست و جو گر برای کمک به افراد محبوس در زیر آوار اعزام گردیدند .

وی در خاتمه اظهار داشت: با توجه به اینکه علت ریزش هنوز معلوم نیست، افراد نجات یافته از زیر آوار تحویل اورژانس به مرکز درمانی منتقل شدند.

فارس 17 و 16 دقیقه:

گرفتار شدن 6 تا 7 کارگر خدماتی شهرداری زیر انبوهی از زباله در مرکز بازیافت زباله شیراز بعد از ظهر امروز شش تا هفت کارگر خدماتی شهرداری شیراز در اثر ریزش کوهی از زباله زیر آوار مانده اند که تلاش برای نجات آنان ادامه دارد.

خاموش کردن انبوهی از زباله ها که بعد از ظهر امروز دچار حریق شده و در محل دفن زباله های این شهر واقع در برمشور در حال سوختن بود، در حین انجام وظیفه با ریزش کوهی عظیم از زباله زیر آوار مانده اند.

از این تعداد، تاکنون چهار نفر نجات یافته اند و تلاش برای نجات سایرین، دو امدادگر آتش نشانی، دو نیروی فضای سبز شهرداری، دو کارگر پسماند و یک نفر نیز از کارگران خدماتی، همچنان ادامه دارد.

مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز در حاشیه امداد رسانی به کارگران گرفتار شده زیر آوار، اظهار داشت: این عملیات امداد و نجات حدود شش ساعت است که ادامه دارد.

رامین طالبی افزود: ریزش زباله ها در یک گودال به عمق 30 متر صورت گرفته که همین امر کار امداد و نجات را دشوار کرده است.

وی گفت: ممکن است این عملیات تا دو روز ادامه یابد.

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شیراز اضافه کرد: تلاش برای نجات این کارگران تا حصول نتیجه بی‌وقفه ادامه می‌یابد.

جمعیت هلال احمر شهرستان شیراز ساعت 17 و 22 دقیقه:

بر اساس آخرین آمار بدست آمده تعداد 5 نفر از محبوس شدگان توسط عوامل امدادی رهاسازی شده و به مرکز درمانی انتقال یافتند که از این تعداد 2 نفر آتش‌نشان و 3 نفر دیگر کارگران شهرداری بودند. همچنین 7 نفر دیگر از نیروهای آتش‌نشانی و شهرداری همچنان زیر آوار زباله‌ها حبس شده‌اند که عوامل آتش‌نشانی و هلال احمر مشغول امداد رسانی به آنها می‌باشند.

ایسنا ساعت 17 و 41 دقیقه:

مدیرکل روابط عمومی و ارتباطات مردمی جمعیت هلال احمر با اعلام آمار رسمی تعداد نجات‌یافتگان حادثه ریزش‌آورد در سایت بازیافت شیراز گفت: **در این حادثه از مجموع 11 فرد گرفتار در آوار، تاکنون چهار تن نجات یافته‌اند.**

پویا حاجیان در این باره گفت: دو آتش‌نشان و دو کارگر شهرداری که در این آوار محبوس شده بودند، توسط امدادگران نجات پیدا کردند.

به گفته وی، **در حال حاضر هفت تن در زیر آوار محبوس هستند** و تلاش برای نجات این محبوس شدگان ادامه دارد.

ده‌بزرگی مسئول روابط عمومی مرکز فوریت‌های پزشکی استان فارس با تاکید بر اینکه **شش مصدوم تا زمان تحویل به بیمارستان زنده بوده‌اند**، گفت: چهار مصدوم که از زیرآوار بیرون آورده شدند و دو مصدوم دیگر که در محیط سایت دچار مسمومیت با گازهای ناشی از سوختن زباله شدند، به بیمارستان شهیدرجایی منتقل شده‌اند.

مهر23 و 15 دقیقه:

امید برای زنده ماندن مفقودین سایت دفن زباله شیراز همچنان وجود دارد. مدیرکل حوزه شهرداری شیراز گفت: امید برای زنده خارج شدن مفقودین سایت زباله برمشور شیراز همچنان وجود دارد.

سیروس پاک فطرت شامگاه چهارشنبه در سایت برمشور گفت: تمامی امکانات ما برای نجات مفقودین سایت برمشور به کارگیری شده و ما امیدواریم بتوانیم این افراد را زنده از زیر زباله‌ها خارج کنیم. وی تاکید کرد: البته باید به این موضوع توجه داشت که وجود زباله‌ها کار را برای گروه‌های امداد و کمک رسانی مشکل کرده و از طرفی دیگر نگرانی ما حجم بالا و سنگین زباله‌ها بر روی مفقودین است.

مدیرکل حوزه شهرداری شیراز با بیان اینکه در خصوص تعداد مفقودین اختلاف نظری وجود دارد، گفت: کسانی که مفقود شده‌اند 6 یا 7 نفر هستند اما تا این لحظه نتوانستیم عدد دقیق را مشخص کنیم.

پاک فطرت یادآور شد: ساعت 11.53 دقیقه از وقوع حریق از سایت زباله‌های برم شور مطلع شدیم و به دلیل حضور آتش‌نشانی در خود سایت نیروهای اطفای حریق به منطقه سریع‌ا اعزام شدند اما **پس از دقایقی به دلیل رانش زباله‌ها تعدادی در درون زباله دفن شدند و متأسفانه تا این لحظه هیچکدام از مفقودین پیدا نشده‌اند.**

مهر23 و 21 دقیقه:

مدیر کل مدیریت بحران استانداری فارس گفت: دستگاه‌های مخصوص برای جستجو در اعماق زیاد از بوشهر و هرمزگان به منظور کشف افراد گرفتار در سایت زباله شیراز به این منطقه اعزام می‌شوند.

حسن فیاض پور با بیان اینکه عملیات جستجو برای کشف اجساد ادامه دارد، گفت: در حال حاضر با وجود اینکه نزدیک به 12 ساعت از وقوع این حادثه در سایت زباله شیراز می‌گذرد همچنان عملیات جستجو ادامه دارد.

وی از این حادثه به عنوان یک حادثه نادر یاد کرد و افزود: **در حال حاضر این حادثه فقط سه بار در جهان رخ داده که یک بار در آمریکا، یک بار در کشوری دیگر و هم اکنون در شیراز به وقوع پیوسته است.**

مدیر کل مدیریت بحران استانداری فارس از بکارگیری دستگاه‌های زنده‌یاب برای این عملیات خبر داد و گفت: با وجود استفاده از دستگاه‌های زنده‌یاب از جمله سگ اما به دلیل بوی تعفن زیاد امکان کشف افراد وجود ندارد.

فیاض پور در بخش دیگری از سخنان خود از درخواست اعزام دستگاه های مربوط از نیروی دریایی بوشهر و هرمزگان خبر داد و اظهار داشت: در این راستا قرار است که این دستگاه ها که برای جستجو در اعماق زیاد به کار می روند از این استانها به شیراز اعزام شود. وی گفت: با توجه به عمق زیاد رانش زباله امکان جستجو در اعماق زیاد با لودر و بلدوزر وجود ندارد اما با ارسال این دستگاه ها جستجو در تمام اعماق راحت تر می شود.

نماینده های کارگران تجمع کننده در مقابل مجلس در روز جهانی کارگر خطاب به نایب رئیس مجلس :

وضعیتی که امروز بر کارگران ایران تحمیل شده است

قابل دوام نیست و هیچ سرکوبی نمیتواند مانع اعتراضات کارگری به وضعیت فلاکتبار کنونی شود

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ اول خرداد ماه ۱۳۹۲ آمده است : بدنبال تجمع کارگری که از سوی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی و همکاران این طومار از کارخانه های مختلف به مناسبت روز جهانی کارگر در مقابل مجلس شورای اسلامی برگزار شد بدلیل تعطیل بودن مجلس در همانروز صورتجلسه ای با امضا نماینده های این کارگران و یکی از مشاورین مجلس شورای اسلامی در مورد مطالبات کارگران تنظیم شد و مقرر گردید پس از بازگشائی مجلس نماینده های کارگران تجمع کننده جهت رسیدگی به خواست هایشان به مجلس شورای اسلامی دعوت بشوند .

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرو این توافق ظهر دیروز ۳۱ اردیبهشت ماه، نماینده های این کارگران پروین محمدی، شاپور احسانی راد و اشرف بنائی به مجلس شورای اسلامی دعوت شدند و طی ملاقاتی با نایب رئیس اول مجلس مراتب اعتراض شدید خود را به حداقل مزد ناچیز کارگران و گرانی های سرسام آور اعلام داشتند .

در این ملاقات اشرف بنائی یکی از نماینده های کارگران خطاب به ابوترابی اظهار داشت: شما بگوئید ما چگونه با ۴۸۷ هزار تومان امرار معاش کنیم؟ در جامعه ای که شما ساختید با این مزد، چگونه شرافت و حیثت مان را حفظ کنیم؟ مگر این همه آسیبهای اجتماعی، فقر، بدبختی، تن فروشی، بیکاری، گرانی و تورم را نمی بینید؟ مگر حکومت و مجلس از اینهمه فلاکت و بدبختی خبر ندارند؟ شما به عنوان نماینده مردم تهران و نایب رئیس مجلس تاکنون چه اقدامی برای جلوگیری از این همه گرانی و تورم انجام داده اید و برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم کاری را پیش برده اید؟ ما زنان کارگر دیگر تحمل و صبرمان بسر آمده است ما مردمان مطلقا کفاف زندگیمان را نمی دهد و همین حالا باید مردمان متناسب با تورم اضافه شود .

در ادامه این دیدار پروین محمدی نیز اظهار داشت: آقای ابوترابی، سال پیش هم که ما با ۲۰ هزار امضای کارگران معترض نزد شما آمدیم، گفتید حق با کارگران است و مجلس هم نوا با کارگران و پیگیر مطالبات آنهاست. اما ما تاکنون از مجلس هیچ اقدام عملی به نفع کارگران ندیده ایم. پس از آن دیدار ده هزار امضای دیگر تحویل دادیم و همین الان ده هزار امضای کارگری دیگری در دست مان است. چهل هزار کارگر در این مملکت خواهان افزایش حداقل مزد و پایان دادن به گرانی و تورم شده اند با اینحال برای رسیدگی عملی به خواسته های آنان هیچ کاری انجام نشده است. ۲۵ درصد حقوقی که شب عید اضافه شد با تورم همین یکی دو ماه اول سال دود شد و به هوا رفت. حال هم همین مجلس با تصویب افزایش ۳۸ درصدی حاملهای انرژی راه را برای افزایش چندین برابری هزینه های زندگی باز کرده است .

پروین محمدی در ادامه خطاب به ابوترابی گفت: وزیر کار را به خاطر این همه بیکاری، اخراج، گرسنگی و دزدی از سفره های خالی کارگران استیضاح نمی کنید اما به خاطر اینکه جنگ قدرت دارید وی را بر سر انتصاب یک فرد برکنار می کنید. وزیر کار فعلی هم حاضر نیست جلسه ای را که برای واقعی کردن دستمزد کارگران وعده داده است برگزار کند و مجلس هم هیچ کاری انجام نمی دهد. حرف من این است وقتی قیمت سیب زمینی، روغن، برنج و همه کالاها آزاد میشود چرا نباید مزد کارگر واقعی باشد؟ چرا حقوق بازنشستگان طبق ماده ۹۶ تامین اجتماعی اضافه نمی شود؟ چرا همین ۲۵ درصد را به بازنشستگان پرداخت نمی کنند؟ چرا دست بازار را در غارت سفره های خالی کارگران و مردم کاملا باز گذاشته اید؟ ابوترابی در جواب گفت: ما حالا بودجه ای نداریم ولی شما حق دارید، کارگران حق دارند و باید مزدشان واقعی و

متناسب با تورم باشد، مجلس هم باید بتواند به تدریج تورم را کنترل کند. مجلس در کوتاه مدت باید مشکلات معیشتی کارگران را حل کند و در بلند مدت باید زمینه گسترش تولید و اشتغالزایی را فراهم کند. شاپور احسانی راد یکی دیگر از نماینده های کارگران در پاسخ به ابوتربی اظهار داشت: امکان ندارد تورم به تدریج کنترل شود خود همین مجلس، همین چند روز پیش افزایش ۳۸ درصدی حاملهای انرژی را تصویب کرد آنوقت شما از کنترل تورم صحبت میکنید، کدام کنترل؟ تمام سیاستها و تصمیم گیریهای مجلس و دولت نشان میدهد که گرانی و تورم تشدید می شود اکنون هم اکثر کارخانجات دچار تعطیلی یا ورشکستگی شده اند و یا با ۳۰ تا ۴۰ درصد ظرفیت خود کار میکنند و هر روزه کارگران اخراج میشوند، حقوق ها را دیر می پردازند، در بسیاری از شرکتها حقوق زیر حداقل مزد مصوب را به کارگران پرداخت می کنند، کارگران حق برپائی تشکلهای خود را ندارند و کارفرمایان هر طوریکه دلشان بخواهد با کارگران رفتار میکنند. شاپور احسانی راد در ادامه صحبتهای خود گفت: سوسید کالاهای اساسی را قطع کرده اید و هر روز بیش از پیش دارید این را تشدید میکنید. اما دستمزد کارگران عملاً ثابت مانده است، شما سوسید سود کارفرمایان را با حداقل مزد ناچیزی که به تصویب رسیده است عملاً دارید از سفره های خالی کارگران به سرمایه داران پرداخت میکنید و... در طول این دیدار با صحبتهای بسیار صریحی که از سوی نماینده های کارگران صورت گرفت نایب رئیس مجلس پاسخ قانع کننده ای برای نماینده های کارگران نداشت و در طول صحبتهای آنان سکوت کرده بود. وی در پایان این جلسه اظهار داشت: من در مجلس شورای اسلامی یک رای هستم با اینحال تلاش خواهم کرد همه این صحبتهای را به دیگر نمایندگان منتقل کنم. در پایان این دیدار نماینده های کارگران با هشدار به دولت و مجلس اعلام کردند: وضعیتی که امروز بر کارگران ایران تحمیل شده است قابل دوام نیست و هیچ سرکوبی نمیتواند مانع اعتراضات کارگری به وضعیت فلاکتبار کنونی شود.

حاصل معامله پایای دولت با هند و پاکستان نفت دادند و برنج و گندم آلوده آوردند بهروز صمدیگی

به نوشته سایت روز آنلاین در تاریخ اول خرداد 92 آمده است: رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران از وجود گندم، برنج و چای آلوده در بازارهای کشور خبر داده و حتی توصیه کرده که خانوادهها به کودکانشان برنج ندهند. معصومه ابتکار این موضوع را در جلسه علنی شورای شهر مطرح کرده و گفته است که تعاونیها و صنوف بخشهای مختلف نسبت به واردات گندم آلوده و چای تاریخ گذشته ابراز نگرانی کرده اند. این نماینده پارلمان شهری، به منبع ورود این اقلام آلوده و میزان شیوع آن در بازارها اشاره ای نکرده اما همزمانی این هشدار با واردات گندم از پاکستان و هند که در قالب یکی از برنامه های طرح دوزدن تحریمها صورت می گیرد، قابل توجه است. به ویژه اینکه سازمان حفظ نباتات کشور از تایید سلامت گندم وارداتی از پاکستان و هند خودداری کرده و یک نماینده مجلس هم خبر داده که سال گذشته گندم آلوده به نرخ بالا از هند و پاکستان وارد کشور شده است.

برنج های آلوده ای که وارد و مصرف شد

معصومه ابتکار با تاکید بر علمی بودن گزارشاتی که به او رسیده، مشکل چایها را تاریخ گذشته بودن و ایراد گندمهای آلوده را داشتن فلزات سنگین عنوان کرده است: "سال گذشته هم در مورد برنج این نگرانی ها وجود داشت. هم اکنون مجمع سرطان شناسی جهان معتقدند که برنج آلوده به آرسنیک را در ردیف اول سرطان کودک قرار دارد از این رو پیشنهاد دادند که به کودکان برنج ندهیم چرا که ممکن است آلوده باشد".

او همچنین با اشاره به وفور بروز سرطان، آلودگی محیط زیستی به ویژه در خاک و آب را که منجر به آلودگی فرآورده های غذایی در سفره ایرانی می شود، یکی از علل اصلی بروز سرطان معرفی کرده است.

همزمان سکینه عمرانی عضو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس شورای اسلامی هم اعلام کرده که به دلیل بدهی‌های کشور، گندم آلوده از هند و پاکستان وارد می‌شود و خرید گندم به دو برابر قیمت هشداری برای مسئولان کشور است.

اشاره رییس سابق سازمان محیط زیست در مورد سابقه‌دار بودن آلودگی برنج مربوط به برنج‌های هندی وارداتی است که کمیسیون کشاورزی مجلس هم آلودگی آنها به آرسنیک را تایید کرده بود. مهر ماه سال ۸۸ سازمان استاندارد اعلام کرد که ۱۳ نوع برنج خارجی وارداتی، به فلزات سنگین از جمله سرب، روی و کادمیوم آلوده است و بیش از ۵ نوع برنج، آلودگی شدید دارند. با این وجود گمرک با اتکا به تایید سلامت این اقلام از سوی "ستاد ملی بررسی سلامت برنج" اقدام به ترخیص آنها کرد و برنج‌های آلوده که عموماً از مقصد هند آمده بودند، وارد بازار شدند.

در اسفند ماه همان سال بود که رییس کمیسیون کشاورزی مجلس هم اعلام کرد: آلودگی برنج‌های وارداتی از کشور هند به سم آرسنیک ثابت شده و تایید سالم بودن برنج‌های وارداتی، بدون انجام آزمایش صورت گرفته بوده است.

در بهمن ماه سال گذشته هم به طور رسمی اعلام شد ۲۴۹ شهروند ایرانی بر اثر مصرف برنج آلوده و تنها طی ۹ ماه گذشته از سال، جان خود را از دست داده‌اند. محمود خدادوست، رئیس مرکز تحقیقات سازمان پزشکی قانونی به وبسایت امنیتی تسنیم گفته بود که علت مرگ ۲۴۵ مرد و ۲۰۴ نفر زن طی این مدت مصرف برنج آلوده به "قرص برنج" بوده است. از این قرص وارداتی از هند در انبارها برای جلوگیری از "شته‌زدگی" برنج استفاده می‌شود. این قرص مولد "گاز فسفید" است که استفاده از آن منجر به آلوده شدن برخی انبارهای برنج شده است.

اما امسال نوبت به گندم‌های آلوده رسیده است که به نظر می‌رسد آنها هم پاکستانی و هندی باشند.

هند و پاکستان به دنبال آب کردن گندم آلوده

۲۷ اردیبهشت ماه امسال وزارت بازرگانی پاکستان اعلام کرد که اسلام‌آباد برای دورماندن از خطرات تحریم‌های غرب علیه ایران، در ازای واردات برق از این کشور، ۱۰۰ هزار تن گندم به جمهوری اسلامی صادر می‌کند. این میزان گندم در ازای خرید ۵۳ میلیون دلار برق از ایران، به صورت پایاپای مبادله شد. اما تنها دو روز بعد سازمان حفظ نباتات ایران اعلام کرد که "تاکنون شرایط قرنطینه‌ای برای واردات گندم از هند و پاکستان اعلام نشده و گندم این کشورها مورد تایید این سازمان نیست".

سازمان حفظ نباتات مرجع تاییدکننده سلامت گیاهان وارداتی و صادراتی کشور است اما از آن پس خبر تایید شده‌ای مبنی بر ورود یا جلوگیری از ورود گندم‌های پاکستانی به ایران مخابره نشده است. خبرگزاری ایسنا در همان زمان گزارش داد که مسئولان هندی و پاکستانی خود به آلوده بودن گندم‌هایشان اذعان دارند اما با سوءاستفاده از وضعیت ایران در پی صادرات این گندم‌ها به ایران هستند در حالی که کشورهایی مانند کره جنوبی حتی برای تولید خوراک دام خود هم حاضر به دریافت این گندم‌ها نشده‌اند.

روزنامه خراسان هم در بهمن ماه سال گذشته خبر داد که بیش از ۱۰ هزار تن گندم آلوده توسط دولت در سال زراعی ۸۹-۹۰ خریداری شده است. از سرنوشت این گندم‌های آلوده اما هیچ خبری در دست نیست.

افزایش واردات بدون کنترل کیفی

گزارش گمرک ایران در اولین ماه بهار امسال نشان می‌دهد که در این مدت واردات کالاهای مصرفی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل به شدت افزایش یافته، به طوری که واردات گندم از ۲۸۸ هزار تن در اولین ماه سال گذشته به ۴۴۰ هزار تن در فروردین ماه امسال رسیده، و واردات برنج که در فروردین ماه سال گذشته ۷۲ هزار تن بوده در فروردین امسال به ۱۱۳ هزار تن افزایش پیدا کرده است.

در این میان مشکلات حاصل از تحریم‌های بین‌المللی باعث شده تا جمهوری اسلامی به سوی معامله با کشورهای همچون پاکستان و هند برود که برای دور زدن تحریم‌ها حاضر به همکاری هستند. شاید در این بین، صرف دور زدن تحریم و به ثمر رسیدن معامله بیش از تاکید و دقت بر حداقل استانداردهای لازم اهمیت پیدا کرده باشد. هنوز سندی از شیوع اقلام آلوده حاصل از واردات غلط در دست نیست اما سابقه به واقعیت پیوستن

نگرانی‌ها و اخبار تایید نشده، آن هم پس از مصرف چندین ماهه برنج و گندم آلوده، می‌گوید که باید هشدارها را جدی گرفت.

مشکل ارزی در بین نیست

دارو هست اما در گمرک

نیوشا صارمی

به نوشته سایت روز آنلاین در اول خرداد 92 آمده است: در حالی که بحران دارو مدت هاست از مرز هشدار رد شده، خبرها حاکی از تلبار شدن حجم بالایی از داروها در گمرک جمهوری اسلامی است. عبدالله فضل علی‌زاده، رییس انجمن سرطان در این مورد گفته است: "کمبود دارویی که امروز در برخی از حوزه‌های پزشکی در کشور شاهد آن هستیم با تسهیل در ترخیص داروهای موجود در گمرک‌ها برطرف خواهد شد." اما رئیس گمرک اعلام کرده است: "ترخیص دارو ربطی به گمرک ندارد و مشکل آنجاست که فرد واردکننده نمی‌داند که دارو را با چه ارزی وارد کشور کند، یعنی مشخص نیست که این دارو با ارز مرجع یا مبادله ای باید قیمت گذاری شود."

این اظهار نظرها در حالی مطرح می‌شود که بانک مرکزی تنها چند روز پیش **اعلام کرده بود**: هیچ مشکلی جهت تخصیص ارز برای کالاهای اساسی و مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی وجود ندارد." در این میان بدون توجه به اینکه مسوولان چه می‌گویند و چه چیزی یا چه کسی را مقصر می‌دانند، بحران دارو هر روز بیشتر و بیشتر گریبان‌گیر بیماران می‌شود.

تحریم یا سوءمدیریت

"۶۰ میلیون یورو دارو با ارز مرجع ۱۲۲۶ تومانی در گمرک وجود دارد." این خبری است که عباسعلی شهبازی، رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس اواسط اردیبهشت ماه اعلام کرد. پیش از آن هم شاهین محمدصادقی، عضو هیات رئیسه مجلس با اشاره به ترخیص نشدن ۱۴۰ میلیون دلار دارو از گمرک گفته بود: "واردکنندگان نگرانند که داروها را به قیمت ارزان فروخته و بعد برای خرید دارو هزینه بیشتری را پرداخت کنند و همین نگرانی زمینه را برای انباشت دارو و ترخیص نشدن از گمرک فراهم کرده است."

محمدصادقی افزوده بود: "بانک مرکزی و معاون دارویی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به وظایفشان برای تامین و توزیع دارو به درستی عمل نکرده‌اند و مدیریت نامناسب برخی مسوولان زمینه را برای کمبود دارو و افزایش قیمت آن فراهم کرده است."

البته این نخستین بار نیست که صحبت از سوء مدیریت دولت در حوزه دارو به میان می‌آید. کارشناسان بسیاری معتقدند اگرچه تحریم‌های بین‌المللی بانکی کار خرید دارو و مواد اولیه را برای ایران دشوار کرده ولی آنچه شرایط را تا این اندازه حاد کرده سوء مدیریت مدیران دولتی است. شاید بتوان نقطه اوج این انتقادات را اظهارات مرضیه وحید دستجردی، وزیر پیشین بهداشت دانست که با حکم محمود احمدی نژاد برکنار شد. او در هفته‌های آخر کارش در مقام وزیر بهداشت بارها از عدم اختصاص ارز لازم به واردات دارو انتقاد کرده بود. دستجردی گفته بود که بانک مرکزی فقط یک سوم ارز تخصیص‌یافته به واردات دارو را تامین کرده، که همین یک سوم هم از شهریور ماه امسال در اختیار وزارت بهداشت و واردکنندگان قرار گرفته است. او هشدار داده بود که علت کمبود و نبود دارو همین تاخیر بوده است.

گرانی دارو و ترک درمان

مشکلات حوزه درمان به اینجا ختم نمی‌شود؛ کمبود داروهای حیاتی، افزایش داروهای تقلبی در بازار، چند برابر شدن قیمت دارو و تعرفه‌های پزشکی هم از دیگر مشکلات این حوزه پر التهاب است. قفسه‌های خالی داروخانه‌ها جوا بگوی بیماران خاص نیست و با گران شدن روزافزون قیمت دارو، بیم این می‌رود که با حذف قطعی ارز مرجع برای داروها، قیمت‌ها چند برابر شود.

مهدی سلیمان‌جاهی، سرپرست دفترکل نظارت بر دارو و مواد مخدر سازمان غذا و دارو **پیش‌بینی کرده** بود که قیمت داروهایی که در ایران تولید می‌شوند بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بالاتر می‌رود، اما داروهای وارداتی صد در صد افزایش قیمت خواهند داشت. این در حالی است که برخی از بیماران به توصیه پزشکان شان از مصرف داروهای ساخت داخل منع شده و نمونه خارجی را تهیه می‌کنند و حالا باید خودشان را با گرانی‌های وفق بدهند. پورکاظمی رییس مجمع نمایندگان انجمن داروسازان ایران هم در این خصوص **گفته**: "حذف ارز مرجع دارو در یک کلمه یعنی فاجعه؛ فاجعه برای مردمی که پوشش بیمه‌ای مناسبی ندارند".

همچنین عبدالله فضل‌علی‌زاده رئیس رییس انجمن سرطان با اشاره به افزایش قیمت برخی داروها **گفته است**: "دولت باید از طریق درآمدهای ناشی از هدمندسازی پارانه‌ها، نسبت به پوشش بخش بیشتری از هزینه‌های درمانی و دارویی برنامه‌ریزی عملیاتی داشته باشد چرا که اگر داروها با این روند افزایش قیمت داشته باشند، ممکن است در آینده نزدیک شاهد آن باشیم که برخی بیماران خصوصا در حوزه بیماری‌هایی نظیر سرطان که درمان آنها ذاتا پرهزینه است، به دلیل عدم استطاعت مالی، نسبت به ترک درمان اقدام کنند و این زبینه جامعه ما نیست".

سال سخت حوزه دارو

"در شرایط فعلی علاوه بر فروش نفت با ارزهای رایج، امکان تهاثر نفت خام با دارو و غذا و کالاها فراهم شده است." قلعه‌بانی، مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران چندی پیش با اعلام این خبر کارشناسان و رسانه‌ها را به یاد برنامه "نفت در برابر غذا و دارو" انداخت؛ برنامه‌ای که در سال‌های پایانی حکومت صدام حسین در عراق توسط سازمان ملل اجرا شد. بر اساس این برنامه، کشور عراق می‌توانست از محل صدور نفت تنها به اندازه تأمین نیاز مردم به کالاهای اساسی ارز در اختیار داشته باشد. برخی کارشناسان پیش از این هشدار داده بودند که کار ایران به جایی خواهد رسید که به جای نفتی که به کشورهای می‌دهد می‌تواند تنها غذا و دارو تهیه کند. حالا کار به جایی رسیده که علاوه بر نگرانی از معاوضه نفت و دارو باید از کیفیت پایین داروهای وارداتی هم ترسید.

سال ۹۱ سال سیاهی برای حوزه درمان بود، اخبار نگران کننده هر روز روی خروجی خبرگزاری‌ها قرار می‌گرفت. اگر افزایش قیمت ارز و تحریم‌های بانکی، عدم واردات کافی مواد اولیه، کمبود بودجه و عدم کفایت دولت در حوزه درمان را از عوامل اصلی بحران در سال گذشته بدانیم، باید بپذیریم سال ۹۲ روزهای پر التهاب‌تری را انتظار می‌کشد؛ سالی که هنوز سه ماه از آن نگذشته اتفاقاتی چون "نایابی داروهای بیماران خاص"، "کمبود داروی بیهوشی و تعطیل شدن اتاق‌های عمل"، "حذف ارز مرجع برای دارو"، "چند برابر شدن قیمت دارو و تعرفه‌های پزشکی"، "مرگ پنجمین نفر بر اثر استفاده پنی‌سیلین تقلبی" را در خود داشته است.

شورای دفاع از حق تحصیل: ۵۴ دانشجو از ادامه تحصیل محروم شدند

به نوشته ادواریوز در یکم خرداد ۹۲ آمده است: : شورای دفاع از حق تحصیل اعلام کرده که در میانه‌ی سال تحصیلی جاری تعدادی از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف کشور به شیوه‌ای جدید و به شکلی غیرقانونی ستاره‌دار و از ادامه تحصیل محروم شده‌اند.

در بخشی از این بیانیه که در اختیار ادواریوز قرار گرفته آمده است: چنین رفتار سیاسی و کاملا غیرقانونی در حالی صورت می‌گیرد که طبق آیین‌نامه کمیته انضباطی دانشجویان، اخراج دانشجو از دانشگاه مجازاتی است که به علت سنگین بودن، صدور آن تنها در صلاحیت کمیته مرکزی انضباطی مستقر در وزارت علوم است. هرچند که خود این آئین نامه نیز بر خلاف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی و تعهدات بین‌المللی دولت ایران و ناقض حق اولیه تحصیل است.

متن این بیانیه به شرح زیر است:

شورای دفاع از حق تحصیل مطلع شده است که در میانه‌ی سال تحصیلی جاری تعدادی از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه‌های مختلف کشور به شیوه‌ای جدید و به شکلی غیرقانونی ستاره‌دار و از ادامه تحصیل محروم شده‌اند.

این دانشجویان که سال گذشته پس از قبولی در آزمون ورودی و در برخی موارد با گذراندن مراحل متعدد مصاحبه‌های عقیدتی و تعهدهای غیرقانونی موفق به ثبت نام در مقطع کارشناسی ارشد شده بودند، بعد از یک یا دو ترم تحصیل به اداره‌ی آموزش دانشگاه‌هایشان احضار و با نامه‌هایی مواجه شده‌اند که در آن عنوان شده «طبق دستور سازمان سنجش ثبت نام شما در دانشگاه ملغی و کان لم یکن تلقی می‌گردد.»

بر اساس اطلاع شورا در سال جاری دست کم ۵۴ دانشجو در دانشگاه‌های دولتی و آزاد سراسر کشور و عمدتاً در مقطع کارشناسی ارشد برای اولین بار و با این شیوه جدید، ستاره‌دار و از دانشگاه اخراج شده‌اند. همچنین در طول این سال تحصیلی جمعی از شهروندان بهایی مشغول به تحصیل نیز تنها به دلیل اعتقادات مذهبی به همین روش از دانشگاه اخراج شده‌اند.

این عده افزون بر دانشجویانی است که مشابه روند هر ساله ستاره‌دار کردن دانشجویان، به رغم شایستگی علمی در تابستان گذشته از دریافت کارنامه آزمون کارشناسی ارشد محروم شدند و هرگز نتوانستند در دانشگاه ثبت نام کنند که در اطلاعیه‌های قبلی شورا به آن اشاره شده است. شورای دفاع از حق تحصیل دست کم ۲۰ داوطلب کنکور کارشناسی ارشد سال ۱۳۹۱ را نیز شناسایی کرده است که حائز رتبه‌های ممتاز شده بودند اما نتوانستند در دانشگاه ثبت نام کنند. علاوه بر این موارد، بر مبنای تجربه سال‌های پیشین تعداد محرومان از تحصیل بیش از این تخمین زده می‌شود زیرا که معمولاً عده‌ی زیادی از محرومان از تحصیل به امید حل شدن مشکل و بازگشت به دانشگاه از اعلام عمومی آن خودداری می‌کنند.

این در حالی است که اکثر ۵۴ دانشجویی که در میانه‌ی سال تحصیلی به صورت غیرقانونی از دانشگاه اخراج شده‌اند، از زمان ورود به مقطع کارشناسی ارشد هیچ فعالیت دانشجویی و سیاسی نداشته‌اند و بنا به اظهارات مسئولان در پاسخ به برخی از این دانشجویان، ایشان «تنها به ظن این که ممکن است در آینده و به ویژه در انتخابات فعال شوند» از دانشگاه اخراج شده‌اند. قابل ذکر است که به رغم ارسال نامه اخراج و لغو ثبت نام، به تعدادی از این دانشجویان بعد از پیگیری‌های متعدد قول داده شده که مهر سال ۹۲ و بعد از انتخابات اجازه تحصیل خواهند داشت. امری که هرچند به نظر می‌رسد مانند وعده‌های مشابه مسئولان در سال‌های قبل به دانشجویان ستاره‌دار داد، انجام نخواهد شد، حتی در صورت اجرا نیز به معنی دو ترم محرومیت از تحصیل بدون هیچ‌گونه دلیل محکم‌پسندی است.

چنین رفتار سیاسی و کاملاً غیرقانونی در حالی صورت می‌گیرد که طبق آیین‌نامه کمیته انضباطی دانشجویان، اخراج دانشجو از دانشگاه مجازاتی است که به علت سنگین بودن، صدور آن تنها در صلاحیت کمیته مرکزی انضباطی مستقر در وزارت علوم است. هرچند که خود این آئین نامه نیز بر خلاف نص صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی و تعهدات بین‌المللی دولت ایران و ناقض حق اولیه تحصیل است.

شورا اعلام می‌کند روندی که به ویژه از سال ۸۵ برای ستاره دار کردن و اخراج دانشجویان منتقد از دانشگاه‌ها و محروم کردن ایشان از حق تحصیل آغاز شده، آشکارا خلاف قوانین کشور به ویژه قانون اساسی و همچنین معاهده‌های بین‌المللی ای که ایران به آنها پیوسته شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش است.

شورای دفاع از حق تحصیل از تصمیم گیران نهادهای مسئول می‌خواهد روند غیر قانونی ستاره دار کردن دانشجویان را هرچه سریع‌تر متوقف و راه بازگشت محرومان از تحصیل به دانشگاه‌ها را باز کنند. شورا همچنان بر آزادی دانشجویان محروم از تحصیل زندانی تاکید میکند و به ویژه خواستار آزادی دو عضو در بند خود ضیا نبوی و مجید دری پس از ۴ سال حبس و تبعید ناعادلانه می‌باشد.

شورای دفاع از حق تحصیل
یکم خرداد ۱۳۹۲

نامه بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس وفعال کارگری وکودک

خطاب به همه عزیزانی که من را حمایت کردند
من بهنام ابراهیم زاده کارگر زندانی ای هستم که با حمایت‌های گسترده شما عزیزان از زندان مرخص شدم تا نزد فرزند بیمارم باشم. نیما پسر 14 ساله ام بیماری دشواری دارد و مدتیست که در بیمارستان محک در تهران بستری است.

نزدیک به سه سال در زندان بودن من و بعد هم بیماری دردناک فرزندم همه مشکلات را بر روی دوش همسرم زبیده حاجی زاده آوار کرد. اما او همچون ستون محکمی ایستاد و اتکای من شد. میخواهم همین جا از او بعنوان یک مادر، یک همسر و یک انسان آزاده قدردانی کنم.

اکنون من و زبیده روزهای سختی را پشت سر میگذرانیم. من که بخاطر شکنجه ها و فشارهای داخل زندان 75 درصد شنوایی گوش چپم را از دست داده ام و از درد مهره گردنم درد میکشم حتی فرصت مراجعه به دکتر و درمان برای خودم رانداشته ام و همه مشغله ام نجات جان تنها فرزندم از چنگ بیماری مهلکی است که دچارش شده است. اما اکنون مقامات پافشاری می کنند که به زندان برگردم این در حالی است هنوز فرزندم در بستر بیماری است و به وضعیت پزشکی خودم رسیدگی نکرده ام چرا که وقت کافی به خاطرمریضی فرزند عزیزم نداشته ام .

ولی چه شیرین است وقتی خود را در حمایت وسیع انسانهای آزادیخواه در ایران و در سطح جهان می بینیم. هر روز دوستان بسیاری که هر گز آنها را ندیده بودم و نمی شناختم، زنگ میزنند و جویای حال نیمای عزیزم میشوند. از فعالین کارگری تا تشکلهای و نهادهای مختلفی که سنگرهای مبارزه کارگران و مردم هستند، از دانشجو تا کانون هایی چون کانون نویسندگان و کانون های کارگری و ان جی او های مختلف همه به سراغمان آمدند و با حمایتشان و پشتیبانیشان به ما امید و توانایی بخشیدید. من یک فعال مدافع حقوق کارگر و حقوق کودک هستم. این صدها انسانی که به سراغ ما آمدند در واقع آزادیخواهی و انسانیت را ارج گذاشتند. از تک تک عزیزانی که ما را در حلقه محبت خود قرار دادند. ما را حمایت و پشتیبانی کردند و نگذاشتند در این ایام تلخ تنها بمانیم، از صمیم قلب سپاسگزارم. عزیزان قدردانی میکنم.

آرمان من آزادی و برابری است. آرمان من رفاه و شادی برای همه کودکان است. البته آرزوی همین امروزم نجات جان فرزند دلبندم نیماست. اما من هنوز یک کارگر زندانی ام که به او مرخصی داده شده است و مرخصی اش را چند روز چند روز تمدید میکنند تا فراموش نکند که هر آن به سراغش خواهند آمد و دوباره به خاطر مبارزاتش برای آزادی و دفاع از انسانیت به بندش خواهند کشید. اما با این حال چهارم خرداد تنها فرزندم با اینکه در بیمارستان محک دوباره بستری می شود و طول درمانش شروع می شود مرا به زندان بر می گردانند. امروز از همه شما انسانهای آزادیخواه در ایران و در سراسر جهان میخواهم که همچنان من و خانواده ام و نیمای من را در حلقه حمایت و پشتیبانی خود قرار دهید و خواهان آزادی بدون قید و شرط من از زندان شوید. نیمای من به پدرش نیاز دارد من باید آزاد و در کنار او باشم.

البته این را هم بگویم که من خود را در درد و نگرانی خانواده های بسیاری که عزیزانشان در زندانند شریک میدانم. نگران وضع همکاری محمد جراحی هستم که بیماری سرطان جان او را به خطر انداخته است. و خواهان آزادی فوری او و دیگر همکاران دربندم رضا شهبانی ؛ شاهرخ زمانی، پدram نصراللهی، رسول بداعی، و همه کارگرانی هستم که در همین ماه اخیر دستگیر شده اند.

جای ماکارگران و انسانهای آزادیخواه زندان نیست. من خواستار آزادی همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی از زندان هستم.

بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان خرداد 92

بیکارشدن 300 کارگرواننده در پی تعطیلی بازارچه مرزی "گمشاد" در سیستان و بلوچستان

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در تاریخ اول خرداد 92 آمده است : با وجود گره خوردن معاش تعدادی از مردم مرزنشین با فعالیت در بازارچه های مرزی استان، نزدیک به 20 روز است که بازارچه مرزی گمشاد واقع در شمال سیستان و بلوچستان به دلایل مختلفی که مردم کمبود همکاری مرزبانی را علت اصلی آن می دانند، تعطیل شده و نزدیک به 300 نفر کارگر و راننده بیکار شده اند.

براساس این گزارش، بازارچه مرزی گمشاد یکی از دو بازارچه مرزی شمال سیستان و بلوچستان است که رابطه مستقیمی با اشتغال مردم این منطقه مرزی دارد، سکنه نوار مرزی شمال این استان با وجود خشکسالی های متوالی 14 سال گذشته، با مشکلات اقتصادی فراوانی مواجه بوده اند که این مشکلات عده ای را ناگزیر به مهاجرت کرده است.

با وجود فعالیت بازارچه مرزی گمشاد از سال 86 تا کنون زمینه اشتغال مستقیم و غیر مستقیم تعداد زیادی از مردم بخش قرقری شهرستان هیرمند در این بازارچه فراهم شده و عده زیادی رنج طوفان‌های شن و خشکسالی‌های متوالی را تحمل و زندگی خود را که برخی آن را طاقت فرسا می‌دانند، ادامه دادند تا اینکه درحال حاضر، متأسفانه نزدیک به 20 روز است که این بازارچه به دلایل مختلفی که مردم علت آن را کمبود همکاری نیروهای مرزبانی با تجار می‌دانند، تعطیل است.

جان باختن 3 کارگر مجتمع معدنی گل‌گهر در حادثه تصادف

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ اول خرداد 92 آمده است: احمد حجت‌آبادی فرمانده پلیس راه استان کرمان در حاشیه حضور در صحنه تصادف اظهار داشت: سحرگاه امروز دو کامیون برای مجتمع صنعتی گل‌گهر آب حمل می‌کردند که در کیلومتر 15 این محور تانکری که به سمت گل‌گهر در حرکت بود به علت انحراف به چپ به تانکر مقابل برخورد و پنج سرنشین آن که سه نفر کارگران مجتمع گل‌گهر بودند، جان باختند.

مصدومیت شدید کارگر 20 ساله بدنبال سقوط در چاهک آسانسور ساختمان در حال ساخت

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ اول خرداد 92 آمده است: سقوط بالابر ویژه حمل مصالح در یک ساختمان درحال احداث، در 35 متری گلستان خیابان ایران زمین شمالی، کوچه بهشت دوم، کارگر 20 ساله ای را روانه بیمارستان کرد.

بنابه اظهار محمد مقصودی رئیس ایستگاه 55 آتش نشانی، در یک ساختمان 5 طبقه در حال احداث به دلیل پاره شدن سیم بکسل بالابر که از آن برای جا به جایی مصالح استفاده می شد یک کارگر جوان به سختی مجروح شد.

وی افزود: این کارگر 20 ساله افغانی برای رفتن به طبقات، سوار این بالابر شده بود که سقوط ناگهانی این وسیله از طبقه پنجم به انتهای چاهک موجب مصدومیت شدید وی شد به طوری که در اثر این حادثه کاملاً بی‌هوش شد.

اول خردادماه 1392

علیرغم قول مدیران ایران خودرو به پرداخت سنوات ۴۰ تا ۴۵ روز، کارگران به مدیریت بی اعتمادند

برپایه خبر دریافتی آمده است: در ادامه ی اعتراضات کارگران ایران خودرو، قرار بر آن بود که کارگران، تا انتشار " کارآمد" که بنا بود، قولهای مدیریت مبنی بر (پرداخت حق سنوات) سالیانه 45 روز، برای کارگران در شرف بازنشستگی مکتوب شود، منتظر شوند.

شنبه 21 اردیبهشت، نشریه ی " کارآمد" منتشر شد، اما نه از انتشار اعتراضات کارگری خبری بود و نه از قول و قرارهای مشعلچیان اثری.

بعد از اعتراضات اولیه و اعتراض 200 نفری، چند تجمع کوچکتر در کارخانه ی شمالی و کارگزینی کل صورت گرفت.

مشعلچیان، یکی از مدیران منابع انسانی کارخانه، در گفتگو با معترضان، گفته بود، فرمهای پرداختی سالی یک ماه برای بازنشستگی تعویض شده و پرداختی ها مانند سال قبل، بین 40 تا 45 روز می باشد.

یکشنبه 29 اردیبهشت، بار دیگر، حدود 200 تا 300 نفر، در کارخانه ی شمالی، مجاور دفتر نجم الدین، تجمع کردند. تعدادی از پرسنل حراست، به میان کارگران آمدند و یکی از حراستی ها در سخنرانی برای جمعیت، همان سخنان کلیشه ای را تکرار کرد؛ که ما با شما موافق هستیم، شرایط را درک کنید، بهانه به دست کسی ندهید و تجمع نکنید.

بالاخره با اصرار حراستی ها قرار شد که چند نماینده به دفتر مشعلچیان بروند، بعضی از کارگران مخالف رفتن بودند و میگفتند، همینجا تجمع کنیم و متفرق نشویم، (بالاخره) حدود 10 کارگر به دفتر مشعلچیان رفتند. از قرار در دفتر به کارگران گفته شده که خبر اعتراض شما در سایتها منتشر شده است.

مشعلچیان بار دیگر تاکید کرد که پرداختی‌ها از 40 تا 45 روز می‌باشد، اما به هیچ عنوان حاضر نشده است که این توافق را کتبا به اطلاع برساند.

چنین به نظر می‌رسد، که این دور از مبارزات با روحیه‌ی اعتراض بالای کارگران و با ترس و عقب‌نشینی مدیریت تمام شده است. اما کارگران نگران هستند که مبدا مدیریت قول خود را زیر پا بگذارد، و یا در فرصت بعدی روزهای پرداختی را کم کند. همه منتظر رفتار مدیریت هستند و آتش اعتراض هنوز روشن است.

یک کارشناس کارگری انتقاد کرد سه‌میه‌بندی بیمه‌ی کارگران ساختمانی غیر قانونی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 1 خرداد 92 آمده است: یک کارشناس کارگری، سه‌میه بندی بیمه‌ی کارگران ساختمانی را غیر قانونی خواند و سازمان تامین اجتماعی را به «قصور» در این رابطه متهم کرد.

«علیرضا حیدری» با استناد به قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران» به ایلنا گفت: هر کارگری که از زمان اجرای این قانون، برای دریافت بیمه به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کند می‌تواند زیر پوشش بیمه‌ی تامین اجتماعی قرار بگیرد. قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می‌کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند. فعالان کارگری معتقدند در این قانون هیچ اشاره‌ای به سه‌میه‌بندی بیمه برای کارگران ساختمانی نشده است.

حیدری در ادامه با اشاره به سهم 3 درصدی دولت، سهم 4 درصدی ساختمان سازها و سهم 7 درصدی کارگران ساختمانی در تامین منابع لازم برای اجرای قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» بیان کرد: دولت سهم 3 درصدی‌اش برای اجرای این قانون را به صندوق سازمان تامین اجتماعی واریز نکرده است. اگر دولت از انجام تعهدات خود برای اجرای قانون سر باز می‌زند دعوایی جداگانه است و ربطی به کارگران ساختمانی ندارد.

گفتنی است شهرداری وظیفه دارد به ازای هر متر ساختمان، مبلغی معادل 4 درصد مزد کارگران را از سازندگان هنگام کسب پروانه‌ی ساخت دریافت کند و منابع حاصل از فروش پروانه‌ی ساخت را به صندوق تامین اجتماعی واریز کند. این فعال کارگری با اشاره به تبصره یک ماده 3 قانون «بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی» افزود: اینکه آیین‌نامه‌ای بخواهد اجرای قانون را به پرداخت سهم دولت برای تامین منابع مشروط کند غیر قابل قبول است.

تبصره یک ماده 3 قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی صراحت دارد که «زمان‌بندی، شرایط و ترتیب صدور، تمدید، تعلیق کارت مهارت فنی و نحوه شناسایی کارگران شاغل در کارگاه‌های ساختمانی موضوع این ماده و اشتغال آنها در طول دوره اعتبار کارت، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که مشترکاً توسط وزارتخانه‌های رفاه و تامین اجتماعی، کار و امور اجتماعی، مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید».

به گفته‌ی آقای حیدری، اجرای قانون بیمه‌ی اجتماعی کارگران ساختمانی در آیین‌نامه‌ی مذکور به پرداخت سهم دولت برای تامین منابع مشروط شده است. وی تصریح کرد: آیین‌نامه‌ی فوق با تبصره‌ی 2 از ماده 3 همین قانون در تضاد است. تبصره 2 صراحت دارد هر کسی که کارت مهارت دارد و برای بیمه ثبت نام کند مشمول می‌شود اعم از اینکه شاغل باشد یا نباشد.

بر اساس تبصره 2 از ماده 3 قانون بیمه ی اجتماعی کارگران ساختمانی، کارگران شاغل دارای کارت مهارت فنی معتبر از تاریخ نام نویسی در سازمان تأمین اجتماعی مبتنی بر کد ملی مشمول مقررات این قانون هستند و از تعهدات آن بهره‌مند خواهند شد. این کارشناس مسائل کارگری در پایان با تاکید بر اینکه قانون برای اجرا نوشته شده است اظهار داشت: فرض کنیم دولت سهم سازمان تأمین اجتماعی را در بودجه نداد. یعنی سازمان در آن سال هیچ گونه تعهدی در قبال کارگران ساختمانی ندارد و نباید هیچ کسی را بیمه کند؟

پایان پیام

اخراج کارگران ایران خودرو در سندج

بر اساس گزارش رسیده در تاریخ 1 خرداد 92 آمده است: روز سه‌شنبه ۲۱ اردیبهشت ماه نمایندگی کارخانه ایران خودرو در سندج (نمایندگی حیدری)، به دلیل واهی ورشکستگی کارخانه ۳۷ نفر از کارگران شاغل در این نمایندگی را که هر کدام میانگین ۱۷-۲ سال سابقه کار داشتند از کار اخراج کرد. کارگران اخراجی این نماینده در اعتراض به این عمل کارفرما، صبح روز اول خردادماه در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان سندج تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. لازم به ذکر است که نمایندگی ایران خودرو در سه راه شهرک نایسر سندج واقع شده است.

علیرغم قول مدیران ایران خودرو به پرداخت سنوات ۴۰ تا ۴۵ روز، کارگران به مدیریت بی اعتمادند

برپایه خبردریافتی در 2 خرداد 92 آمده است: در ادامه ی اعتراضات کارگران ایران خودرو، قرار بر آن بود که کارگران، تا انتشار " کارآمد" که بنا بود، قولهای مدیریت مبنی بر (پرداخت حق سنوات) سالیانه 45 روز، برای کارگران در شرف بازنشستگی مکتوب شود، منتظر شوند. شنبه 21 اردیبهشت، نشریه ی " کارآمد" منتشر شد، اما نه از انتشار اعتراضات کارگری خبری بود و نه از قول و قرارهای مشعلچیان اثری. بعد از اعتراضات اولیه و اعتراض 200 نفری، چند تجمع کوچکتر در کارخانه ی شمالی و کارگزینی کل صورت گرفت. مشعلچیان، یکی از مدیران منابع انسانی کارخانه، در گفتگو با معترضان، گفته بود، فرمهای پرداختی سالی یک ماه برای بازنشستگی تعویض شده و پرداختی ها مانند سال قبل، بین 40 تا 45 روز می باشد.

یکشنبه 29 اردیبهشت، بار دیگر، حدود 200 تا 300 نفر، در کارخانه ی شمالی، مجاور دفتر نجم الدین، تجمع کردند. تعدادی از پرسنل حراست، به میان کارگران آمدند و یکی از حراستی ها در سخنرانی برای جمعیت، همان سخنان کلیشه ای را تکرار کرد؛ که ما با شما موافق هستیم، شرایط را درک کنید، بهانه به دست کسی ندهید و تجمع نکنید.

بالاخره با اصرار حراستی ها قرار شد که چند نماینده به دفتر مشعلچیان بروند، بعضی از کارگران مخالف رفتن بودند و میگفتند، همینجا تجمع کنیم و متفرق نشویم، (بالاخره) حدود 10 کارگر به دفتر مشعلچیان رفتند. از قرار در دفتر به کارگران گفته شده که خبر اعتراض شما در سایتها منتشر شده است. مشعلچیان بار دیگر تاکید کرد که پرداختی ها از 40 تا 45 روز می باشد، اما به هیچ عنوان حاضر نشده است که این توافق را کتبا به اطلاع برساند.

چنین به نظر می رسد، که این دور از مبارزات با روحیه ی اعتراض بالای کارگران و با ترس و عقب نشینی مدیریت تمام شده است. اما کارگران نگران هستند که مبدا مدیریت قول خود را زیر پا بگذارد، و یا در فرصت بعدی روزهای پرداختی را کم کند. همه منتظر رفتار مدیریت هستند و آتش اعتراض هنوز روشن است.

در خیمه شب بازی انتخابات شرکت نکنید

بر پایه ایمیل دریافتی در تاریخ 2 خرداد 92 آمده است: پس از 35 سال حاکمیت جمهوری اسلامی که طبق گفته خودشان هر سال یک انتخابات برگزار کرده اند و البته که تمامی انتخاباتها را گزینشی و مهندسی شده

انجام داده ضمن اینکه هیچ گونه آزادی برای کاندید شدن وجود نداشت با این حال بین خودشان نیز هر روز بیشتر گزینشی عمل کرده و می کنند در جمهوری اسلامی سرمایه داری هرگز انتخاباتی صورت نگرفته است که در آن دزدی رأی و تغییر نتایج صورت نگرفته باشد هر چند اگر تخلفهایی هم صورت نمی گرفت فرق نمی کرد چرا که در سرمایه داری بخصوص در سرمایه داری مانند جمهوری اسلامی انتخابات در کلیت خود فریب انسانهاست .

مردم، فراموش نکنید، تمامی حرکتها ی دولت و نهادهای نظام نشان می دهد که انتخابات کاملاً" مهندسی شده و یک خیمه شب بازی است در این خیمه شب بازی حتی نزدیک ترین افراد خود را از شرکت در قدرت حذف می کنند، چه رسد به شما مردم ازادبخواه ، که هدف از گزینشی کردن انتخابات ها در واقع حذف شما از تصمیم گیری در قدرت بوده و هست. جمهوری اسلامی برای جلو گیری از دخالت شما در قدرت، نمایندگان واقعی شما را یک ماه یا بیشتر مانده به برگزاری انتخابات ها به دستور نهاد های مختلف و نیروی انتظامی شروع به دستگیری می کنند، از جمله نمایندگان واقعی شما فعالین کارگری و مدنی ، اجتماعی و سیاسی هستند که بیشتر آنها اکنون در زندانها تحت فشار قرار دارند، یا بسیاری از آنها را در قتل عام های متعددی کشتند و یا مجبورشان کردند برای زنده ماندن ترک وطن کنند، تا شما مردم نتوانید قدرت را بدست بگیرید یا حتی نتوانید اظهار نظر بکنید.

جمهوری اسلامی با بهانه قرار دادن شرکت شما مردم در انتخابات های گزینشی و مهندسی شده، برای عملکرد ضد انسانی گذشته خود و گسترش هر روزه کارهای ضد کارگری و ضد مردمی خود، کسب مشروعیت می کند. (گزینشی و مهندسی کردن انتخابات ها از تحمیل آری یا نه در اولین انتخابات یا همان همه پرسی شروع شد.)

امروز حاصل 35 سال حاکمیت جمهوری اسلامی یا بهتر است بگوییم 35 انتخابات گزینشی و مهندسی شده عبارت است از : اخراجهای فردی و دسته جمعی و بیکاری میلیونی ، 7 میلیون معتاد ، صدها هزار کودکان و زنان خیابانی ، صدها هزار کودک کار ، پایین آمدن سن فحشا به 12 سال ، فروپاشی خانواده ها و تعیین دستمزد یک چهارم زیرخط فقر برای کارگران، باز ماندن کودکان و جوانان از تحصیل، سرکوب تشکل های کارگری و مردمی ، کشتار انقلابیون ، گرفتارشدن مردم بخصوص جوانان در افسردگی و بیماری های روحی و روانی، رشد بی سابقه جرم و جنایت و باز پس گیری تمامی دست آورد های انقلاب 57 به سود سرمایه داران است . حاصل وجود جمهوری اسلامی حذف یارانه ها ، گرانی سوخت ، برق ، تلفن و گاز ، پولی شدن مدارس ، دانشگاهها ، بیمارستانها و خدمات پزشکی و بهداشتی ، بالا رفتن کرایه ها ، سر به فلک کشیدن کرایه خانه است .

حاصل 35 سال حکومت جمهوری اسلامی کمیاب ، گرانتر و گرانتر شدن داروها ، نایاب شدن داروهای بیماریهای خاص ، افزایش بیماریهای خاص دقیقاً" به دلیل کارکردهای ضد بشری حاکمیت جمهوری اسلامی است . همچنین با وجود 35 انتخابات که نمایندگان مجلس یا رئیس جمهور ... انتخاب می شوند و آنگاه پس از انتخاب شدن اقدام به تصویب قوانین ضد کارگری از جمله خروج کارگاههای کمتر از ده نفر از مشمولیت قانون ، تصویب قوانینی که به کارفرما اجازه می دهد هر وقت با بهانه یا بی بهانه کارگران و معلمان ، پرستاران و... اخراج نماید ، آنها اقدام به تصویب قوانینی کردند که استخدام رسمی را ملغی کرده و قراردادهای موقت و سفید امضا را جایگزین کردند.

همچنین نمایندگان مجلس و رئیس جمهورهای انتخاب شده طی 35 انتخابات گزینشی و مهندسی شده در جمهوری اسلامی پس از انتخاب شدن اقدام به تصویب قوانین ضدکارگری، کار آزمایشی و کار استاد و شاگردی کردند، قوانینی تصویب کردند که به کارفرما اجازه می دهد در انتهای سال یا در پایان قرار داد های 3 و 6 ماهه کارگران را اخراج کند تا عیدی و پاداش و بیمه و ... نپردازد و در همین حال در دور جدید قرار دادها ویا اول سال جدید بابت به کار گرفتن کارگران جدید به جای کارگرانی که چند روز قبل اخراج شدند بابت هر کدام وام اشتغال زایی از منابع مالی مردم گرفته در غارت ثروت عمومی شریک باندهای حاکمیت شوند . نمایندگان مجلس و رئیس جمهورها پیش یا پس از انتخاب شدن اقدام به تشکیل باندهای مافیای کرده و یا وارد باند های موجود می شوند و هر روز یک یا چند اختلاس چند صد میلیارد تومانی یا دلاری انجام داده اند که برخی از آنها افشا شده است و...

هر روز کارگران ، معلمان و... را اخراج می کنند، روزنامه ها را می بندند و خبرنگاران ، کارگران ، معلمان ، زنان ، دانشجویان و جوانان حق طلب و اعتصابی را سرکوب و زندانی می کنند.

آنچه گفته شد فقط مشتی نمونه از خروار است.

**ما از کارگران ، زنان ، مردان ، جوانان و دانشجویان و از تمامی مردم شریف ایران می پرسیم :
آیا عاقلانه است با آگاهی و توجه به چنین مواردی که حاصل 35 سال انتخابات گزینشی و
مهندسی شده است باز هم در خیمه شب بازی انتخابات شرکت کنیم ؟**

ما از تمامی کارگران و مردم آزاده می خواهیم در انتخاباتی که به حرکت ها و کارهای ضد انسانی و تصویب قوانین ضد کارگری و عملکردهای تشدید کننده بیکاری و گرانی و تورم و اختلاس و چپاول ثروت عمومی و قتل و کشتار جوانان مشروعیت قانونی می دهد، شرکت نکنند. و در هر فرصت مناسب که به دست آورند دست به اعتراض بزنند. با توجه به وضعیت درونی جمهوری اسلامی سرمایه داری با کمی همت می توانیم آن را به زانو درآورده و به شکست بکشانیم .

اولین قدم برای وادار کردن جمهوری اسلامی به عقب نشینی در مقابل خواسته های مردم و کارگران شرکت نکردن در انتخابات است.

مادر انتخابات شرکت نخواهیم کرد، شما نیز شرکت نکنید.

شاهرخ زمانی و خالد خردانی

زندان گوهردشت

1392/3/2

تجمع اعتراضی کارگران سد استراتوس سندج به عدم دریافت حقوق های معوقه خود

کارگران سد استراتوس در این شهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق شان روز دوم خرداد 92 اقدام به تجمع اعتراضی در محل سد استراتوس در سندج کردند . همه کارگران دست از کار کشیدند ، لازم به ذکر است که حقوق دی ماه سال گذشته این کارگران هنوز پرداخت نشده است ، بعد از این تجمع اعتراضی شش نفر از کارگران این کارخانه اخراج شدند و بقیه کارگران نیز از سوی نیروهای لباس شخصی وابسته به سپاه تهدید شدند که از کار اخراج خواهند شد ، کارگران گفتند ما تا گرفتن حق و حقوقمان دست از اعتراض که حق مسلم ما میباشد بر نخواهیم داشت، قابل توجه این که این کارخانه وابسته به سپاه ضدمردمی میباشد.

اسامی قربانیان حادثه سایت دفن زباله برمشور شیراز اعلام شد

اسامی هفت قربانی حادثه سایت دفن زباله شیراز پس از کشف آخرین جسد اعلام شد.
بر این اساس در این حادثه هفت نفر جان خود را از دست دادند که اسامی آنها به شرح ذیل است:

- 1- حسین بهمن پور از کارمندان سایت دفن زباله
- 2- پرویز بهمن پور از کارمندان سایت دفن زباله
- 3- مهندس محمدرضا جنتی از کارشناسان ارشد فضای سبز شیراز
- 4- مهندس کریم نوربخش از کارشناسان ارشد فضای سبز شیراز
- 5- حسین بهروز از آتش نشانان شیراز
- 6- عبدالله فولادی از آتش نشانان شیراز
- 7- موسی رحیمی از کارمندان سایت دفن زباله

موج تحریم های جدید علیه اقتصاد ورشکسته ایران

سایت خبری راه کارگر می نویسد: گسترش تحریم های همه جانبه علیه جمهوری اسلامی و علیه اقتصاد کشور از سوی دولت آمریکا و مجلس نمایندگان و سنای این کشور با جدید دنبال می شود. در تازه ترین اقدام وزارت خزانه داری آمریکا اعلام کرد که نام ۱۲ شهروند و ۸ شرکت ایرانی دیگر را هم به لیست سپاه تحریم

افزوده است. این افراد و شرکت‌ها به پشتیبانی از برنامه هسته‌ای ایران و کمک به این کشور در دور زدن تحریم‌ها متهم شده‌اند. یک روز پیش از انتشار فهرست جدید تحریمی‌ها از سوی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با تصویب طرحی زمینه‌تشدید تحریم‌ها علیه ایران را فراهم کردند. این طرح با هدف کاهش صادرات نفت ایران و محدودسازی درآمدهای ارزی جمهوری اسلامی تصویب شده و صنعت انرژی و اقتصاد ایران را در وضعیت دشوارتری قرار خواهد داد. گسترش تحریم با توجه به سیاست‌های ماجراجویانه رهبری جمهوری اسلامی و عدم تلاش برای حل این موضوع، اقتصاد کشور را به مرز فروپاشی کشانده است. هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در آخرین سخنرانی خود در جمع اعضای ستاد انتخاباتی اش در زمینه ابعاد تأثیرگذاری تحریم‌ها و بحران اقتصادی گفت: «پولی نمانده و اگر هم باشد قابل انتقال به داخل نیست. پول‌های خارجی را خوشبینانه به چین دادیم و آنها با دریافت هزینه‌ای آن را به یوان تبدیل کردند و بعد هم گفتند به جای پول کالا می‌دهیم و بعد از آن هم گفتند نه هر کالایی، بلکه آنچه خودمان تعیین می‌کنیم می‌دهیم. هند هم آمده نفت ما را با قیمتی خیلی ارزان می‌خرد اما حاضر نیست حتی رویه بپردازد. این گزارش وزیر بازرگانی و رییس کل بانک مرکزی است که در یکی از جلسات تلخ مجمع آمدند و گفتند». پایان نقل قول - در چنین شرایطی رهبر رژیم و باند نظامی - امنیتی حاکم مدام بر طبل رویائی با آمریکا و غرب می‌کوبند و شعار توخالی «اقتصاد مقاومتی» و «حماسه اقتصادی» سر می‌دهند

انتخاب محمود صالحی به عنوان سخنگوی بهنام ابراهیم زاده

کارگران رفقا و فعالین کارگری مردم به ستوه آمده

برای رسیدن به خواسته‌های انسانی خودمان باید متحدانه به میدان بیایم و متشکل شویم. باید تشکلهای واقعی خودمان را ایجاد کنیم. تنها با اتحادمان با یکپارچگی خودمان می‌توانیم از این وضع موجود عبور کنیم دیگر نگذاریم حقوق مان را بیشتر از این پایمال کنند دیگر اجازه ندهیم با تعیین دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر شرمنده هسر و فرزندان خود باشیم تا کی باید ما رنج و زحمت بکشیم و زندگی از خود و خانواده‌هایمان را سلب کنیم به عده مفت خور و انسانهای که هیچ بوی از انسانیت نبردند با رنج و زحمات بی‌امان ما در رفاه و شادی باشند و بسر کنند دیگر تحمل نکنیم و به میدان بیایم دیگر تنشهای جزئی و بی‌موردی که در میانما هست کنار بگذاریم چرا باید اجازه بدهیم به عده که قطعا دنبال منافع شخصی خودشان هستند در تشکلهای کارگری نفوذ کنند و این نیروی عظیم پرشور و انقلابی و این توان مبارزه را از ما کارگران بگیرند و نگذارند ما به خواسته‌های انسانی خود برسیم و برای اینکه علیه وضع موجود به میدان بیایند علیه خودما کارگران و فعالین کارگری شانناژ و رجزخوانی می‌کنند و مدام دنبال تنش می‌باشند.

هم اکنون عده‌ای محدود چند نفری دارند نیروی عظیم شما فعالین واقعی کارگران را در هر تشکلی می‌گیرند و در مقابل و در مبارزه شما مانع تراشی و سنگ اندازی و انحصارگرایی و قوم‌گرایی می‌کنند در مقابل این عده محدود این انسانهای که هرروزه فعالین کارگری را با شیوه‌های غیر انسانی خود به سخره می‌گیرند متحدانه به میدان بیاید و اجازه ندهید که بیشتر از این مانع فعالیت‌های انسانی برحق مان باشند محمود صالحی یکی از چهره‌های خوشنام و محبوب کارگری است که هر چند گاهی از سوی عده محدود فعال کارگر نما به شیوه‌های مختلف مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد.

خود من بهنام ابراهیم زاده در زمانی که هنگامی که به میان شما دوستان و رفقای عزیزم آمده بودم با تمام توان برای نجات جان تنها فرزندم نیمای عزیز که مبتلا به سرطان خون شده تلاش می‌کردم همین فعال کارگر نما بارها من و خانواده ام را مورد اذیت و آزار قرار دادند اتهامهای ناروا و بی‌مورد به من زدند به جای آنکه در کنارمان باشند بارها سنگ اندازی کردند و موجب برهم زدن آرامش زندگی من و فرزندم و همسرم شدند این نکاتی است که حتی همسرم بارها از زمانی که به مرخصی آمده بودم به من گوشزد می‌کرد که چگونه اینان وی را اذیت و آزار قرار داده‌اند و فشار بی‌حد بهش آورده‌اند همین آقایان از نبود حضور من از پدرم من سوء استفاده کردند علیه رفیق و همکارم محمود صالحی تکذیبیه نوشتند و در سایتهای منتشر کردند بی‌گمان همگان می‌دانند که پدر من رحمان ابراهیم زاده سواد کافی برای این کار نداشت و ندارد و من مطمئن نمی‌خواستم اینگونه توهین امیز و رکیک علیه همکار هم طبقه ام و واکنش نشان بدهد اصلا زمانی که من مرتب می‌توانستم از درون زندان نامه

بدهم بیرون چرا این کار را به من واگذار نکردند اصلاً چرا با من وهمسرم وفرزندم هماهنگی نکردند. هر انسان لایق و منصفی هر فعال واقعی کارگری بی شك رفیق وهمکارم محمود صالحی را به خوبی با فعالیت های انسانی اش در دفاع از طبقه کارگر و با هزینه های که این خانواده تا کنون پرداخته به خوبی می شناسد من زمانی با فشار و اعتراض شما مردم خوب و فعالین کارگری و دیگر سازمانها و نهادها بیرون امدم که تنها فرزندم به شدت به من نیاز داشت و در بستر بیماری بود و باید برای نجات جان تنها فرزندم تلاش می کردم مریضی فرزندم برای من خیلی ناراحت کننده بود و هست اما این برخورد و تکذیبه نوشتن انهم با تحریک شخصی چند نفر بهم اگر بیشتر از مریضی نیما مرا ناراحت نکرد کمتر هم نبوددر اینجا لازم و ضروری می دانم از رفیق وهمکارم آقای محمود صالحی عذر خواهی و معذرت خواهی کنم .

من به مبارزات به فعالیتهای همکارم به صداقت درستی و ایمان واقعی در راه خواست و مطالبات طبقه کارگری آقای صالحی ایمان دارم و بنا به خواست خودم و دیگر دوستان و رفقا ایشان در نبود من به عنوان سخنگوی اینجانب بهنام ابراهیم زاده می باشند و هر اظهار نظر و خبر رسانی ایشان با توانایی های که در ایشان می بینم من آقای محمود صالحی را به عنوان سخنگو انتخاب کردم

بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس و فعال کارگری و کودک
عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری و جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان خرداد ماه ۹۲

گزارش محرمانه سازمان ملل درباره تحریم های ایران

به گزارش خبرگزاری رویترز آمده است : با دستیابی به گزارش محرمانه گروهی از کارشناسان سازمان ملل متحد نوشته توافق نامه هایی که ایران برای مبادله فلزات با شرکت های عظیم گلنکور اکستراتا و ترفیگورا عقد کرده است می تواند راهکاری برای دور زدن تحریم های بین المللی باشند.

خبرگزاری رویترز روز اول مارس گزارش کرد که شرکت گلنکور سوئیس طی سال گذشته هزاران تن اکسید آلومینیوم به یک شرکت ایرانی با نام ایرالکو داده و در مقابل، میزان کمتری فلز آلومینیوم از ایران گرفته است. شرکت گلنکور خبر انجام این مبادله را تایید کرد و بعداً هم شرکت ترفیگورای سوئیس اذعان کرد که با شرکت ایرانی ایرالکو مبادلات بازرگانی داشته است.

مقامات سوئیس در آن زمان اعلام کردند که هیچگونه شواهدی در اختیار ندارند که مبادلات تجاری گلنکور با ایران نقض تحریم های سازمان ملل متحد و یا سوئیس باشند، اما کارشناسان سازمان ملل متحد که مسئولیت نظارت و کنترل اجرای تحریم ها علیه حکومت ایران را به عهده دارند، این احتمال را مطرح کرده اند که موافقت نامه های مبادله فلزات این شرکت ها در واقع به معنای تسهیل محدودیت های تجارت با ایران و به نوعی دور زدن تحریم ها است.

در بخشی از گزارش ۴۹ صفحه ای سازمان ملل متحد آمده است «اگر این امر تایید شود، چنین تبادلات بازرگانی می توانند نشان دهنده راهی برای دور زدن تحریم ها و خریداری مواد خام باشند. شرکت های طرف معامله با ایران تاکید کرده اند این قراردادها را به حالت تعلیق درآورده اند».

رویترز روز سه شنبه گزارش داده بود که گری فگل، رئیس دپارتمان آلومینیوم شرکت گلنکور از مقام خود کناره گیری کرده است و اما زمان مشخص و دلیل قطعی برای ترک مقام خود پس از دوازده سال ارائه نکرده است.

در گزارش سالانه کارشناسان سازمان ملل متحد در امور تحریم های ایران آمده است «شواهدی به دست آمده اند که تهران به طور مرتب تلاش می کند تا تحریم ها را دور بزند. ایران هنوز در پی یافتن راه هایی است که با شیوه های پیچیده اقلام مورد نیاز فعالیت های اتمی ممنوعه خود را خریداری کند و جعل اسناد، استفاده از افراد و شرکت های واسطه و یافتن مسیرهای جدید از جمله این شیوه ها است».

کارشناسان سازمان ملل متحد توصیه کرده اند دولت ها و مقامات کشورهای مختلف برای شناسایی معاملات مشکوک توجه و احتیاط بیشتری به خرج دهند.

براساس گزارش کارشناسان سازمان ملل متحد در امور تحریم های جمهوری اسلامی، ایران از ژوئن سال ۲۰۱۲ تاکنون یازده مورد تحریم های این سازمان را نقض کرده است و هنوز تحقیق در باره شش مورد نقض

تحریم‌ها نیز ادامه دارد و صادرات ابزار و ماشین آلات از اسپانیا و صادرات تجهیزات فنی برای استفاده از آن‌ها در فن آوری ماهواره ای از آلمان از جمله این موارد مطرح شده‌اند. در این گزارش خاطرنشان شده است سوئد، بحرین، فرانسه، بریتانیا و کشور دیگری که نام آن با عنوان «کشور ایکس» مطرح شده است موارد نقض تحریم‌های ایران را گزارش کرده‌اند. برپایه این تحقیقات، ایران طی سال گذشته پیشرفت چشمگیری در زمینه توانایی‌های جدید ساخت موشک نداشته اما کماکان با پرتاب موشک، قطعنامه‌های شورای امنیت (سازمان ملل متحد) را نقض کرده است. اعضای کارشناسان سازمان ملل متحد تاکید کرده‌اند «با وجود موفقیت نسبی که ایران در زمینه توسعه برنامه موشک بالستیک در داخل کشور کسب کرده است اما هنوز برای فن آوری و برخی از اجزاء و مواد خام به واردات تجهیزات و اقلام خارجی نیاز دارد و ممانعت از فراهم کردن از واردات این اقلام به ایران برای موفقیت تلاش‌های بین‌المللی که به هدف کند کردن فعالیت‌های ممنوعه موشک بالستیک انجام می‌شوند، بسیار حیاتی و کلیدی هستند».

در بخشی از گزارش، کارشناسان سازمان ملل متحد از انتقال انواع سلاح از مسیر فضای هوایی عراق به سوریه خبر داده‌اند و آن را نقض ممنوعیت صادرات تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران خوانده‌اند. ۸ عضو هیات تحقیق سازمان ملل متحد در مورد توقیف محموله سلاح از کشتی «جهان» در سواحل یمن اختلاف نظر دارند و هنوز اطمینان ندارند این سلاح‌ها متعلق به ایران و در نهایت انتقال آن‌ها نقض تحریم‌های تسلیحاتی ایران باشد. یمن ادعا کرد که ماموران گارد ساحلی این کشور موشک‌ها و راکت‌ها را روز ۲۳ ژانویه توقیف کردند و گمان می‌رود این محموله تسلیحاتی از ایران ارسال شده باشد. ایران هر گونه ارتباط با این سلاح‌ها را رد کرده است. کارشناسان این سازمان بین‌المللی براین باورند کلیه اطلاعات موجود ایران را در بطن عملیات «جهان» قرار می‌دهد و کشتی با دور زدن عملیات تجسس امنیتی و مهاجرت به آب‌های بحرین راه یافته بود.

افزودن ۲۰ شهروند و شرکت ایرانی دیگر به لیست سیاه تحریم آمریکا

به گزارش سایت دوپچه وله آمده است : وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که نام ۱۲ شهروند و ۸ شرکت ایرانی دیگر را هم به لیست سیاه تحریم افزوده است. این افراد و شرکت‌ها به پشتیبانی از برنامه هسته‌ای ایران و کمک به این کشور در دور زدن تحریم‌ها متهم شده‌اند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا روز پنج‌شنبه (۲ خرداد، ۲۳ مه) با انتشار بیانیه‌ای فهرست جدیدی از تحریم‌شدگان را ارائه کرده است. برخی از شرکت‌های حمل‌ونقل، کشتی‌رانی و هواپیمایی، از جمله آبان ایر، اورکس و DFS Worldwide و بعضی از مقامات این شرکت‌ها از جمله کسانی هستند که به تازگی به فهرست بلند تحریم‌شدگان اضافه شده‌اند.

گفته می‌شود این اشخاص و شرکت‌ها به هواپیمایی ملی ایران، ایران ایر، کمک می‌کردند تا از سد تحریم‌هایی که از مدت‌ها پیش با آن روبرو بوده، عبور کند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، شرکت پترو گرین، مستقر در مالزی و حسین وزیری، از مدیران ارشد آن نیز به خاطر همکاری‌هایی که با شرکت‌های زیرمجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشته‌اند به لیست سیاه تحریم‌ها اضافه شده‌اند. سپاه پاسداران از دیرباز تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفته است.

گذشته از این‌ها، رضا مظفری‌نیا، معاون وزارت دفاع جمهوری اسلامی و رئیس دانشگاه مالک اشتر هم به فهرست تحریمی‌ها اضافه شده. گفته می‌شود او در توسعه برنامه موشکی جمهوری اسلامی نقش مهمی دارد.

دو شرکت و یک فرد نیز به خاطر فعالیت و همکاری مستقیم در برنامه هسته‌ای ایران تحت تحریم قرار گرفته‌اند. با قرار گرفتن نام اشخاص و شرکت‌ها در لیست سیاه تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا، همه افراد و نهادهای مستقر در آمریکا از هرگونه مراوده مالی و تجاری با آنها منع می‌شوند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده که «این افراد و شرکت‌ها مسئولیت تامین خدمات و لوازم ضروری و اساسی برای برنامه پنهان هسته‌ای و تسلیحاتی ایران را برعهده داشته‌اند.» بر اساس این بیانیه،

وزارت خزانهداری قصد دارد با افزایش فشارهایی از این دست، شبکه‌های فعال در توسعه برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند.

تحریم‌های جدید علیه ایران در راه است

یک روز پیش از انتشار فهرست جدید تحریمی‌ها از سوی وزارت خزانهداری ایالات متحده، کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان آمریکا با تصویب طرحی زمینه تشدید تحریم‌ها علیه ایران را فراهم کردند. این طرح با هدف کاهش صادرات نفت ایران و محدودسازی درآمدهای ارزی جمهوری اسلامی تصویب شده و صنعت انرژی و اقتصاد ایران را در وضعیت دشوارتری قرار خواهد داد.

در صورت تصویب نهایی این طرح در کنگره، کشورها و شرکت‌هایی که خرید نفت از ایران را کاهش ندهند به «فهرست سیاه» آمریکا افزوده خواهند شد و مجازات‌های اقتصادی در انتظار آنان خواهد بود.

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی با هدف وادار کردن رهبران ایران به تغییر رفتار و رویکرد در قبال برنامه بحث‌برانگیز هسته‌ای این کشور اعمال می‌شود. قدرت‌های جهانی نسبت به اهداف نظامی برنامه هسته‌ای ایران تردیدها و نگرانی‌های جدی دارند، اما ایران همواره با رد کردن همه اتهامات می‌گوید برنامه هسته‌ای این کشور اهداف صلح‌آمیز و غیرنظامی دارد.

بخش اول

مصاحبه با مازیارگیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

پیام فلزکار: با درود به دوست سندیکایی امان، نظر شما در مورد افزایش دستمزدهاست چیست؟

مازیارگیلانی نژاد: همانطوری که اطلاع دارید این مصوبه 25 درصدی مورد اعتراض تمامی کارگران ایران است. که قابل پیش بینی بود. البته خانه کارگری ها با دادن شعارهای دستمزدی بالای یک میلیون تومان افزایش، می خواستند این بار زمین بازی را از سندیکایی ها که سالهاست می گویند: **اگر قرار است قیمت ها جهانی شود باید دستمزدها هم جهانی شود.** شعار می که ما در قبل از هدفمندی یارانه ها در خبرنامه ها و نشریه امان مطرح می کردیم، رابگیرند و با طرح و دادن شعارهای بالای یک میلیون تومان افزایش دستمزد خودی نشان بدهند. در صورتیکه ما از اوایل آذرماه می دانستیم که سرمایه داری ایران نه تنها به افزایش بیش از 15 درصد راضی نیست بلکه معتقد است که چون مبلغی بنام یارانه پرداخت می کند پس لزومی ندارد که افزایش دستمزدی هم صورت بگیرد. به همین خاطر اعتراض های ما از آذرماه به بعد توسط هماهنگ کننده های 30 هزار امضای اعتراضی و سندیکای کارگران شرکت واحد شدت گرفت که در اواسط دی ماه قرار شد برای فشار بیشتر به شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد ها 10 هزار امضای دیگر هم به 30 هزار امضای اعتراضی اضافه شود. در مذاکراتی که با پروین محمدی و عظیم زاده داشتیم دقیقاً این مسئله مطرح شد که اگر بجای 15 یا 18 درصد 20 الی 25 درصد به حداقل حقوق مصوب شود باز هم ما کار خود را تا حدودی انجام داده ایم. بخصوص پیگیری 30 هزار امضای اعتراضی در وزارت کار، تجمع 200 کارگر شرکت واحد در شهرداری و تحصن سندیکای شرکت واحد در وزارت کار و سخنان شورانگیز ابراهیم مددی در این تحصن ضربه آخر را وارد کرد. چون کارفرماها به بیش از 18 درصد راضی نبودند، اما این حرکات تاثیر خود را گذاشت. بهر حال می بینیم که بعد از این مصوبه تحقیرآمیز و روند حداقل 50 درصدی تورم، تشکل های بیشماری با الهام از حرکات اعتراضی نظیر 30 هزار امضای اعتراضی، با اعتراض به دیوان عدالت اداری خواهان بازپس گیری این مصوبه شده اند. هرچند که دولت و کارفرمایان زیر بار نخواهند رفت و توسط نمایندگان بی حال کارگری دست به بازی افزایش حق مسکن زده اند. اما آنچه مسلم است حرکت های کارگری رویه افزایش است. کارگران می بینند که در مورد دستمزدهایشان کارفرماها چگونه مقاومت کردند اما در مورد نرخ گذاری برای محصولاتشان تورم را صد در صد لحاظ می کنند و تازه نازهم می کنند. همین کارخانه های خودروسازی چقدر برای افزایش قیمت چانه می زنند. اما در مورد افزایش دوباره دستمزد اعلام اعتصاب می کنند.

پیام فلزکار: یعنی می گویند که افزایشی در کار نیست؟

مازیارگیلانی نژاد: پیش بینی من این است، چون دولت فعلی که زمان زیادی ندارد و این مشکل را هم خواهد گذاشت که دولت بعدی حل کند. به اضافه اینکه جو فعلی تا چندماه انتخاباتی است و بدون شک کارگران راهم درگیر خواهد کرد. مثلاً همین چند روز پیش 7 کارگر زحمتکش در شیراز زیر زیاله ها مدفون شدند نه تنها خبرگزاری ایلنا بلکه تشکل های کارگری هم چندان به این موضوع نپرداختند.

پیام فلزکار: موضوع انتخابات را مطرح کردید. موضع کارگران آگاه درمقابل این انتخابات چیست؟

مازیارگیلانی نژاد: موضع کارگران در همه جهان معلوم است چه رسد به کشور ما. طبقه کارگر می گوید در این جابجایی چه چیز به نفع من خواهد بود؟ متأسفانه در کشور ما رسم نسیت که کاندیداها برنامه کاری ارائه دهند. که ما کارگران به عنوان مثال بدانیم که رفتارشان با طبقه کارگر چیست تا موضع گیری کنیم. در سراسر جهان احزاب کاندیدامعرفی کرده و برنامه کاری هم می دهند. مثلاً در برزیل حزب کارگران لولا داسیلوا را کاندید می کند و کارگران هم می دانند که لولا یک کارگر فلزکار سندیکایی است و حزب کارگران برزیل هم برنامه اش در مورد مسایل اجتماعی و کارگری چیست. خوب بطور قطع سندیکاهای کارگری درمقابل کاندیدای سرمایه داران از حزب کارگران دفاع خواهد کرد. خوب لولا داسیلوا مدت زمام داریش تمام می شود و حزب کارگران برزیل خانم دیلما روسف را کاندید می کند. طبقه کارگر و سندیکاها با ارزیابی مدت زمام داری حزب کارگران و اینکه چقدر به برنامه ارایه شده اش به نفع کارگران وفادار بوده و آنرا عملی کرده است در مورد دیلما روسف تصمیم گیری کرده و باز هم به او رای می دهند. اما در اینجا از برنامه و احزاب خبری نیست و شما با شتم کارگری خود باید پی ببری که چه خیر است. من در طول چندسال فعالیت سندیکای تنها دو مورد را بخاطر دارم که در یک مورد اصلاح طلبان خواسته بودند که کارگران از مصطفی معین حمایت کنند و یک مورد هم میرحسین موسوی در یک ویدئو و مهدی کروبی هم در اطلاعیه ای در آستانه روز جهانی کارگر به مسایل کارگری پرداختند و آقای موسوی هم به صراحت در منشورش از سندیکاها و تعامل با آنها سخن گفته بود. اما سخن بسیار شنیده ایم و عمل کمتر دیده ایم.

پیام فلزکار: شما چه پیشنهاد می کنید، می گوید کارگران در انتخابات شرکت نکنند یا نکنند؟

مازیارگیلانی نژاد: ببینید دوستان کارگران باید ببینند کاندیداها در مورد مسایل کارگری چه می گویند. حتما همگی به بیکاری و گرانی خواهند پرداخت اما پرسش اینست که چه راهکاری برای این امر می دهند. مثلاً آقایان کاندیداها نظرشان در مورد صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی چیست؟ باز هم نسخه های آنها را برای ایران عملی خواهند کرد؟ یعنی آیا باز هم واردات برعلیه تولید داخلی را سازمان خواهند داد. مثلاً در فروردین ماه امسال رشد واردات آدامس به کشور 540 درصد رشد داشته، یعنی کارگران کارخانه های آدامس سازی منتظر بیکاری باشید. خوب وقتی واردات باشد صنعت، کشاورزی، دامداری ما نابود خواهد شد و بیکاری هم به اوج خواهد رسید. پس اولین قدم برای مهار بیکاری کنار گذاشتن برنامه های تحمیلی صندوق بین المللی پول از جمله واردات سیل آساست. یا برای محدود کردن گرانی چه خواهند کرد آیا ارز مرجع را بر خواهند داشت؟ دلار راثبت نگه خواهند داشت؟ تعاونی های موجود از جمله امکان واتکا و فرهنگیان را قدرت خواهند بخشید؟ یا همین طور تعاونی ها را بی خاصیت می خواهند؟ بارها گفته شده شرکت های پیمانکاری استخدام کارگر غیر قانونی هستند ولی مشاهده می کنیم که این برده داری نوین با شدت و قدرت بکار خود ادامه می دهد. با دستمزد ها چه خواهند کرد؟ با سندیکاها چه رفتاری خواهند داشت آیا مقابله نامه های 98 و 87 امضا شده در سازمان بین المللی کار در مورد آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری را رعایت خواهند کرد؟ یا تشکل های دینی همچون انجمن های اسلامی را نماینده کارگران می دانند؟ نظرشان در مورد اصل 27 قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات و اعتصاب چیست؟ آیا این آقایان هم مانند آیت اله بهشتی اعتصاب را مجاز می دانند؟ اصل 29 قانون اساسی در مورد بیمه تامین اجتماعی را گسترش خواهند داد یا پولی (خصوصی) خواهند کرد؟ و درمانگاههای تامین اجتماعی را به فروش خواهند گذاشت؟ الان باز هم فصل نام نویسی مدارس شروع خواهد شد آیا طبق قانون اساسی آموزش و پرورش را رایگان خواهند کرد یا هر که بیشتر پول بدهد از امکانات بیشتری برخوردار خواهد شد و فرزندان زحمتکش بجای رفتن به مدرسه راهی خیابان و کارگاههای نمودر خواهند شد؟ همین ها را جواب بدهند ما می فهمیم چه آشی برایمان پخته خواهد شد.

اما یک مسئله ای را شما اینجا مطرح کردید که دوست دارم نظرم را بگویم. خوب هر ساله در موسم انتخابات بحث تحریم یا دادن رای بسیار داغ می شود. خوب ما از دید کارگری مسایل را می بینیم. از دیدگاه کارگری برای هر پیشنهادی راهکار عملی هم ارائه باید داد. من می پرسم تحریم کنندگان که از مردم می خواهند از وظیفه شهروندی خود چشم پوشی کنند ، قدم بعدی آنان برای تداوم و ثمربخشی این عمل چیست؟ نمی شود شما به مردم راهکاری را ارائه بدهید ولی از تداوم آن عاجز باشید. از رای دهندگان هم می پرسم شما که می گوید رای بدهید برای صیانت از آرا قدم بعدی تان چیست؟ دوستان! طبقه کارگر طبقه پیشرویی است اگر در سال 57 شعار اعتصاب عمومی می دهد اقدام بعدی اش بستن گلوگاه رژیم یعنی صادرات نفت بود ، و سازماندهی مردمی و هماهنگ شدن با همه کارگران صنایع اعتصابی. پس طبقه کارگر بی گذار به آب نمی زند. در کشورهای خارج طبقه کارگر با تکیه به سندیکاها کارگری و احزاب دوستدار طبقه کارگر با سازماندهی اعتصاب ویا وکلایی که در مجلس دارد از رای خود صیانت می کند و سارکوزی و برلوسکونی را به زیر می کشد. باز دوستان فریاد برنارند که خوب مگر برلوسکونی رفت طبقه کارگر جایگزینش شد؟؟ دوستان هرچقدر پول بدهی آتش می خوری. هرچقدر که طبقه کارگر قوی تر باشد و همبسته تر می تواند برآیند نیروهایش را در جهت منافعش بکارگیرد. سرمایه داری که دو دستی حکومت را تقدیم طبقه کارگر نخواهد کرد. مانند شاه تا بتواند خواهد کشت. پس انتظاری از سرمایه داری نیست اما از خودمان و هر که مدعی است چرا. بهر حال من دوستان را توصیه می کنم به مطالعه و اینکه کاوش کنند و راه را و دلایلش را بیابند. سازمان ها و گروهها و شخصیت ها وزین سیاسی آدم عادی نیستند که همینطوری رای صادر کنند ولی از دادن دلایل و ثمربخشی قدم بعدی عاجز باشند.

احضار تیمور امجدی از بازداشت شدگان روز کارگر

بر پایه گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در اول خرداد 92 آمده است : طبق گزارشات رسیده «تیمور امجدی» فعال کارگری و از بازداشت شدگان 11 اردیبهشت، روز جهانی کارگر، جهت ارائه آخرین دفاعیات خود به شعبه 4 دادپاری سنندج احضار شد.

«اقدام علیه امنیت ملی به نفع گروههای ضد انقلاب و عضویت در آنها»، «حمل پلاکارد در روز کارگر در خیابان غفور» و «سر دادن شعارهای براندازانه علیه حکومت ایران»، اتهامات وارده به «تیمور امجدی» بوده که وی آنها را بی پایه و اساس خوانده و از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر دفاع نموده و آن را حق تمام کارگران جهان دانسته و همچنین بیان نموده که این روز مختص به هیچ حزب و گروه خاصی نیست و متعلق به تمامی کارگران جهان است .

کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

اخراج کارگران ایران خودرو در سنندج

برپایه گزارش سایت هماهنگی ... در تاریخ اول خرداد 92 آمده است : بر اساس گزارش رسیده روز سه شنبه 31 اردیبهشت ماه نمایندگی کارخانه ایران خودرو در سنندج (نماینده هی مدیری)، به دلیل واهی و رشکستگی کارخانه 37 نفر از کارگران شاغل در این نمایندگی را که هر کدام میانگین 17-2 سال سابقه کار داشتند از کار اخراج کرد. کارگران اخراجی این نماینده در اعتراض به این عمل کارفرما، صبح روز اول خردادماه در مقابل اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان سنندج تجمع کردند و خواهان بازگشت به کار شدند. لازم به ذکر است که نمایندگی ایران خودرو در سه راه شهرک نایسر سنندج واقع شده است.

کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

پزشک قانونی تهران نیما ابراهیم زاده را در بیمارستان محک معاینه کرد

طبق قرار قبلی امروز پزشک قانونی در بیمارستان محک با نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر معترض زندانی بهنام ابراهیم زاده دیدار کرد و نیما را مورد معاینه قرار داد هنگامیکه پزشک قانونی به بالین نیما رفت نیما بستری داشت شیمی درمانی می شد نیما از زمانی که بستری شده همچون گذشته از خوردن و آشامیدن خودداری

می کند و این نیز این خانواده را نگران کرده است این در حالی است هنوز پزشکان محک روند درمان نیما راطولانی مدت و بهبودی نیما را نامشخص می دانند با این حال امروز وقتی پزشک قانونی با نیما دیدار کرد خوشحالی و شادمانی به چهره نیما تا حدودی برگشت چرا که پزشک قانونی تاکید داشته که باید و لازم و ضروری است بهنام در کنار فرزند بیمارش بماند و قول داده که حتما و به زودی نامه موافقت با مرخصی بهنام را به دستگاه قضایی تحویل دهد اکنون تصمیم گیری برای حضور اینکه بهنام در کنار نیما بماند یا نماند با دستگاه قضایی است نیما ابراهیم زاده در نبود پدر زندانی اش چهار ماه پیش به سرطان خون مبتلا شد که در حال حاضر در بیمارستان محک کودکان تحت مراقبت های پزشکی است ما برای نیما و دیگر کودکان ارزوی بهبودی و سلامتی می کنیم به این امید که هیچ کودکی لحظه های خود را بدون پدرش سپری نکند.

به امید زندگی سعادتمندانه یکا یک کودکان خصوصا کودکان ایران

بازرسان سابق این تشکل مطرح کردند: تشکیک نسبت به سلامت انتخابات انجمن صنفی کارگران ساختمانی شیراز

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 خرداد 92 آمده است: دو تن از بازرسان سابق انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی شیراز و حومه با تشکیک نسبت به سلامت انتخابات هیات مدیره ی این تشکل کارگری، خواستار ابطال نتایج شده اند.

به گزارش ایلنا، در نامه ای که آقایان «غلامرضا آذرخش» و «عبدالحمید کاویانی» به خبرگزاری کار ارسال کرده اند آمده است: انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی شیراز و حومه برابر اصل 26 قانون اساسی و ماده 131 قانون کار در سال 1373 شروع به فعالیت کرده است و از سال 81 به بعد، افراد خاصی که از اعضای جدید انجمن بوده به عنوان هیات مدیره انتخاب شدند، در هر دوره، شرایط برگزاری انتخابات قانونی برای تعیین اعضای هیات مدیره فراهم نشده است.

در بخشی از این نامه با انتقاد از «شرط غیر قانونی ورود به جلسه ی انتخابات»، آمده است: در یکی از آگهی های انتخاباتی انجمن صنفی، شرط ورود به جلسه ی انتخابات اخذ مجوز ذکر شده است. هر چند این کارت ها به افراد خاصی تحویل داده شده است و سایرین نتوانسته اند در انتخابات شرکت کنند. نکته جالب آنست که در قانون و حتی عرف انتخاباتی ذکر نشده که یک انجمن خصوصی که هرکدام از اعضا سالانه مبلغی بابت حق عضویت پرداخت می کنند در روز انتخاب نماینده ی خود، باید از اعضای هیات مدیره مجوز دریافت کنند.

آقایان آذرخش و کاویانی با اشاره به ثبت نام تعدادی از اعضای با سابقه ی 8 الی 19 سال جهت کاندیداتوری و اطلاع آنان از حذف نام خود در روز رای گیری (17 آذرماه سال 91) آورده اند: به راستی در کدام رویه ی انتخاباتی یا اصول اخلاقی و انسانی و همچنین عقلی پذیرفتنی است که رقیب اختیار حذف نام رقیب را بدون هیچ گونه ابلاغ و اطلاع قبلی و حتی ذکر علت داشته باشد و این چگونه قانونی است که اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی نسبت به آن سکوت اختیار کرده است و حتی عملکرد هیات مدیره را توجیه و تفسیر می کند؟

به گفته ی بازرسان سابق انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی شیراز و حومه، هیات مدیره می بایست در روز انتخابات ضمن تشکیل مجمع و ثبت لیست حاضران، پس از به حد نصاب رسیدن و انجام سایر تشریفات اساسنامه اعم از انتخاب اعضای هیات رئیسه و ارائه بیلان مالی و گزارش عملکرد برای برگزاری انتخابات اقدام کند.

این دو فعال کارگری در ادامه تصریح کرده اند: در روز انتخابات رکن اصلی انجمن یعنی مجمع تشکیل نشد و تنها براساس برنامه ریزی هیات مدیره و مسئولین اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی افرادی که سابقا به صورت خاص

کارت ورود به جلسه انتخابات را دریافت کرده بودند در انتخابات شرکت کردند. جالب تر این که حضور تعداد زیادی از پرسنل نیروی انتظامی عرصه را بر معترضین تنگ کرده بود.

در پایان این نامه با بیان اینکه «در 18 آذرماه سال گذشته معترضین ضمن اعلام اعتراض گروهی و فردی نسبت به نحوه عملکرد هیات مدیره و نماینده اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی خواستار ابطال انتخابات شدند» آمده است: با توجه به اینکه اداره کار، تعاون و رفاه اجتماعی برابر ماده 15 آیین نامه نحوه نظارت بر تشکل های کارگری و کارفرمایی مصوب هیات وزیران مکلف بود ظرف یک ماه نسبت به صحت و سقم انتخابات اظهارنظر کند به علت نبود مستندات کافی اعم از صورت جلسه حاضرین در مجمع و گزارش بیلان مالی و عملکرد و سایر موارد تاکنون نظری ابراز نکرده است.

پایان پیام

رئیس کمیسیون پشتیبانی اتاق بازرگانی اصفهان طرح کرد افزایش قابل تامل کارگرانی که حق بیمه شان پرداخت نشده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 خرداد 92 آمده است: رئیس کمیسیون پشتیبانی اتاق بازرگانی اصفهان، آمار شکایت کارگرانی که طی چندین سال گذشته حق بیمه شان از سوی بنگاه های اقتصادی پرداخت نشده است را قابل تامل خواند و گفت: دولت در بخش مالیات و بیمه از واحدهای تولیدی طلبکار و در بخش خرید کالا و خدمات به آنان بدهکار است و می توان با تهاتر باری از دوش آنان برداشته شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، «سید عبدالوهاب سهل آبادی» در کمیسیون پشتیبانی اتاق اصفهان که با حضور رئیس سازمان تامین اجتماعی استان و معاونان و جمعی از فعالان اقتصادی برای بررسی مسایل و مشکلات واحدهای تولیدی در بخش بیمه تامین اجتماعی برگزار شد، افزود: این کمیسیون تلاش می کند از ظرفیت های قانونی، جهت افزایش تعامل بین سازمان تامین اجتماعی و واحدهای تولیدی استان استفاده کند.

وی رویکرد رئیس و معاونین سازمان تامین اجتماعی در بر طرف کردن مسایل و مشکلات واحدهای تولیدی استان را زمینه ساز حفظ و پایداری تولید در استان و جلوگیری از افزایش بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی دانست و تصریح کرد: صدور رای برای شکایت کارگرانی که حق بیمه آنها از سوی بنگاه های اقتصادی طی چندین سال گذشته پرداخت نشده قابل تامل است بنابراین همانگونه که شرکت ها در هنگام انتقال مالکیت استعلام می شوند باید سازمان نیز نسبت به ارایه تسویه حساب بیمه ای اقدام کند تا شاهد این قبیل رای های سنگین نباشیم.

نایب رئیس اتاق اصفهان، خواستار تهاتر طلب و بدهی واحدهای تولیدی با دولت در بخش مالیات و بیمه شد و گفت: دولت در بخش مالیات و بیمه از واحدهای تولیدی طلبکار و در بخش خرید کالا و خدمات به آنان بدهکار است و می توان با تهاتر باری از دوش آنان برداشته شود.

قانون رفع موانع تولید به تامین اجتماعی ابلاغ نشد

رئیس سازمان تامین اجتماعی استان اصفهان نیز در این جلسه یادآور شد: موسسه حسابرسی سازمان به صورت مستقل در تهران، دارای ساختار مرکزی است و رابطه حقوقی با دفاتر استانی سازمان های تامین اجتماعی ندارد.

علی اصغر دادخواه با اشاره به ابلاغ نشدن قانون رفع موانع تولید و بهبود مستمر محیط کسب و کار به سازمان تامین اجتماعی استان ها ادامه داد: این قانون، بندهای تسهیل کننده ای برای پیمانکاران دارد که در صورت ابلاغ اجرا می شود.

وی از تعامل سازنده این سازمان با واحدهای تولیدی مشکل دار استان در موضوع بخش دریافت حق بیمه کارگران خبر داد و گفت: کمیسیون کارگری استانداری پرونده‌های ارجاع شده واحدهای تولیدی مساله‌دار را بررسی و همکاری‌های لازم برای برطرف کردن مشکلات صورت می‌گیرد.

به گفته وی واحدهای تولیدی مساله دار می‌توانند با ارایه درخواست به کمیسیون فوق از حمایت‌های آن بهره گیرند.

صندوق تامین اجتماعی با مشکل روبرو است

همچنین عضو کانون کارفرمایان استان اصفهان با اشاره به این که صندوق تامین اجتماعی به دلیل هزینه‌های بی‌رویه‌ایی که از سوی دولت به آن تحمیل شده با مشکل روبرو است، اعلام کرد: در بخش‌های مختلف نیز تبعیض‌های بیمه‌ای وجود دارد مثلاً دولت برای قالی بافان، بیمه‌ای با نرخ پایین‌تر از واحدهای تولیدی در نظر گرفته است. در حالی که می‌توانند، بیمه آن‌ها را با هزینه پایین‌تر صادر کنند تا این واحدهای تولیدی به دلیل افزایش هزینه‌ها، توان رقابتی خود را از دست ندهند.

رضا چینی به ممانعت سازمان تامین اجتماعی برای پرداخت حق بیمه، برخی از اصناف اشاره کرد و گفت: کارگران تولید آجر اجازه پرداخت حق بیمه‌ای بالاتر از نرخ مصوب ندارند.

پایان پیام

یادداشت کارگری تحریم‌های مرگبار اقتصادی، گسترش فلاکت نوده ای ، و ضرورت سازمانیابی مریم محسنی

کنگره آمریکا در روز چهارشنبه 22 مه (اول خرداد)، گام دیگری برای تحریم بیشتر ایران برداشت. کنگره می‌خواهد فروش نفت ایران، هرچه بیشتر کاهش یابد و دست یابی جمهوری اسلامی به منابع ارزی محدود شود. به گزارش صدای آلمان، کمیته سیاست خارجی مجلس نمایندگان طرحی را به تصویب رساند که تحریم‌های جدیدی را علیه جمهوری اسلامی ممکن می‌سازد. براساس این طرح، کشورهای و شرکت‌هایی که خرید نفت از ایران را کاهش ندهند به فهرست سیاه افزوده خواهند شد و مجازات‌های اقتصادی در انتظارشان خواهد بود. این اقدام کاهش درآمدهای ارزی ایران را هدف قرار داده است. بنا به این گزارش شرکت‌هایی که به بخش مالی ایران از طریق همکاری در عرصه‌های خودروسازی و معدن پاری می‌رسانند نیز می‌توانند در فهرست سیاه قرار بگیرند. در حالی تحریم‌های بیشتر علیه ایران در دستور کار قرار می‌گیرد، که هم‌اکنون اقتصاد ایران، زیر فشار تحریم‌ها، وضعیت وخیمی دارد و بنا به نظر کارشناسان اقتصادی، تقریباً تمام بخش‌های اقتصاد دچار وضعیت بحرانی است. ارزش ریال نسبت به دلار طی یک سال 50 درصد کاهش یافت و بنا به گزارش مرکز آمار ایران نرخ تورم از مرز 40 درصد هم گذشت. فروش نفت از دو میلیون بشکه در روز طی یک سال از مهر سال 90 تا مهرماه 91، به نهمصد هزار بشکه تقلیل یافت و اکنون تقریباً به یک سوم گذشته رسیده است. طرح نفت در برابر غذا نیز از مدتی پیش با فروش نفت به هند و چین و وارد کردن برنج و سایر محصولات غذایی، اجرا شده و می‌رود که رسمیت بیشتری پیدا کند.

مایحتاج ضروری مردم در زمره کالاهای لوکس و دست نیافتنی قرار گرفته است. سفره کارگران هر روز خالی‌تر شده و هرروز مواد مصرفی بیشتری از سبد خانواده‌های کارگری حذف می‌شود. درماه‌های دی و بهمن 91، به قیمت برنج، مرغ و تخم مرغ 30 درصد افزوده شد. کمبود دارو و گران شدن روزانه قیمت آن هر روز شمار بیشتری از مردم را با مرگ مواجه می‌کند و پر واضح است که بیشترین قربانیان تحریم‌ها از طبقات محروم و

پایین جامعه هستند. در حالی که مردم با چنین فقر و فلاکتی مواجه هستند، بخش عظیمی از درآمدها و ثروت کشور صرف تولید انرژی هسته ای شده و سیاست های ماجراجویانه جمهوری اسلامی در این رابطه تاکنون، هزینه های سنگین و غیرقابل جبرانی را بردوش مردم ایران گذاشته است. درچنین وضعیتی است که پایان دادن به سیاست های ماجراجویانه ی رژیم درعرصه بین المللی، به خواست بخش های مختلف مردم ایران، تبدیل می شود. و شعار نان و آزادی، به شعار پایان سیاست های هسته ای و ماجراجویانه رژیم گره می خورد. جنبش آگاه کارگران نمی تواند نسبت به سیاست هایی که نتیجه اش نابودی طبقه کارگر و از دست رفتن هست و نیست این طبقه است بی تفاوت بماند .

سال هاست که دولت های مختلفی که در جمهوری اسلامی برسرکار آمده اند، چوب حراج به صنعت و اموال و ثروت عمومی کشور زده اند و تحت عنوان خصوصی سازی، کارخانه های ریز ودرشت را میان ایادی خود تقسیم کرده یا با اعلام ورشکستگی و تعطیلی آنها هزاران کارگر را از کار بیکار کرده و خانواده های آنان را در معرض فروپاشی قرارداده اند. اما، در اثر تحریم های اقتصادی، سال گذشته صدمات جبران ناپذیری به صنعت کشور وارد آمد . مثلا صنایع خود رو سازی که در چند دهه گذشته، به غیر از صنعت نفت، از معدود صنایعی بود که رشد داشت، در سال گذشته دچار بحران شده و نزدیک به نیمی از کارگران آن در معرض بیکاری قرار گرفتند و دو کارخانه ی بزرگ خود روسازی کشور، ایران خودرو و سایپا، نسبت به سال نود ، 50 درصد کمتر خودرو فروختند. وهم چنین 70 درصد واحد های تولیدی از کارافتاده اند و بسیاری از واحدهای تولیدی در شهرک های صنعتی تعطیل شده و کارگران آن به خیل بیکاران پیوسته اند.

در چنین شرایطی و درحالی که تحریم های فلج کننده بیش از هر بخش، فشار خود را به طبقات محروم و پایین جامعه می آورد، بیش از هر زمان، امر سازمانیابی توده ای می بایست در دستور کار مدافعان جنبش کارگری قرار گیرد. به طور مسلم، خواسته های بی واسطه توده ای ، می تواند بستری ممکن برای ایجاد تشکل قرار گیرد. و نه تنها این امر امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت می یابد که درعین حال در صورت بی توجهی به امرسازمانیابی توده ای، انفجارات توده ای و شورش های کور، بستری مناسب برای آلترناتیو های ارتجاعی فراهم می آورد. جمعه دوم خرداد نود و دو

یک کارشناس کارگری انتقاد کرد: سه‌میه‌بندی بیمه ی کارگران ساختمانی غیر قانونی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 2 خرداد 92 آمده است : یک کارشناس کارگری، سه‌میه بندی بیمه ی کارگران ساختمانی را غیر قانونی خواند و سازمان تامین اجتماعی را به «قصور» در این رابطه متهم کرد.

«علیرضا حیدری» با استناد به قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه های اجتماعی کارگران» به ایلنا گفت: هر کارگری که از زمان اجرای این قانون، برای دریافت بیمه به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کند می‌تواند زیر پوشش بیمه ی تامین اجتماعی قرار بگیرد.

قانون رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می‌کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند. فعالان کارگری معتقدند در این قانون هیچ اشاره‌ای به سه‌میه‌بندی بیمه برای کارگران ساختمانی نشده است.

حیدری در ادامه با اشاره به سهم 3 درصدی دولت، سهم 4 درصدی ساختمان سازها و سهم 7 درصدی کارگران ساختمانی در تامین منابع لازم برای اجرای قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» بیان کرد: دولت سهم 3 درصدی‌اش برای اجرای این قانون را به صندوق سازمان تامین اجتماعی

واریز نکرده است. اگر دولت از انجام تعهدات خود برای اجرای قانون سر باز می‌زند دعوایی جداگانه است و ربطی به کارگران ساختمانی ندارد.

گفتنی است شهرداری وظیفه دارد به ازای هر متر ساختمان، مبلغی معادل 4 درصد مزد کارگران را از سازندگان هنگام کسب پروانه ی ساخت دریافت کند و منابع حاصل از فروش پروانه ی ساخت را به صندوق تامین اجتماعی واریز کند.

این فعال کارگری با اشاره به تبصره یک ماده 3 قانون «بیمه ی اجتماعی کارگران ساختمانی» افزود: اینکه آیین نامه ای بخواهد اجرای قانون را به پرداخت سهم دولت برای تامین منابع مشروط کند غیر قابل قبول است.

تبصره یک ماده 3 قانون بیمه ی اجتماعی کارگران ساختمانی صراحت دارد که «زمان بندی، شرایط و ترتیب صدور، تمدید، تعلیق کارت مهارت فنی و نحوه شناسایی کارگران شاغل در کارگاههای ساختمانی موضوع این ماده و اشتغال آنها در طول دوره اعتبار کارت، طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که مشترکاً توسط وزارتخانه‌های رفاه و تامین اجتماعی، کار و امور اجتماعی، مسکن و شهرسازی و کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.»

به گفته ی آقای حیدری، اجرای قانون بیمه ی اجتماعی کارگران ساختمانی در آیین نامه ی مذکور به پرداخت سهم دولت برای تامین منابع مشروط شده است.

وی تصریح کرد: آیین نامه ی فوق با تبصره ی 2 از ماده 3 همین قانون در تضاد است. تبصره 2 صراحت دارد هر کسی که کارت مهارت دارد و برای بیمه ثبت نام کند مشمول می شود اعم از اینکه شاغل باشد یا نباشد.

بر اساس تبصره 2 از ماده 3 قانون بیمه ی اجتماعی کارگران ساختمانی، کارگران شاغل دارای کارت مهارت فنی معتبر از تاریخ نام نویسی در سازمان تامین اجتماعی مبتنی بر کد ملی مشمول مقررات این قانون هستند و از تعهدات آن بهره‌مند خواهند شد.

این کارشناس مسائل کارگری در پایان با تاکید بر اینکه قانون برای اجرا نوشته شده است اظهار داشت: فرض کنیم دولت سهم سازمان تامین اجتماعی را در بودجه نداد. یعنی سازمان در آن سال هیچ گونه تعهدی در قبال کارگران ساختمانی ندارد و نباید هیچ کسی را بیمه کند؟

پایان پیام

مرگ کارگر برق‌کار در اثر نبود ایمنی!

به گزارش رسیده روز سوم خرداد ماه کارگری به نام فریدون شهبازی ۲۷ ساله از اهالی روستای قورق، کارگر برق‌کار کارخانه‌ی دانه‌بندی جوجه و مرغ بعلت نبود وسایل و امکانات ایمنی در محیط کارخانه دچار حادثه‌ی برق گرفتگی شد و متأسفانه در دم جان سپرد. وی متأهل و دارای فرزند بود .
کمیته‌ی هماهنگی ضمن تسلیت به خانواده و دوستان فریدون شهبازی، خواهان برقراری استانداردهای ایمنی در محیط‌های کاری برای جلوگیری از بروز این گونه حوادث ناگوار می‌باشد.

تاسیس تعاونی بدون اطلاع 2500 پرسنل شرکت توزیع برق تهران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 92 آمده است : جمعی از پرسنل شرکت «توزیع برق تهران» در نامه‌ای به رئیس اداره تعاون تولید و توزیع شهرستان تهران از تخلف 5 نفر از کارمندان مالی و اداری این شرکت که خود را موسس تعاونی «انرژی گستر توزیع برق تهران» معرفی می کنند خبر داده اند.

به گزارش 4 خرداد ایلنا، در ابتدای این نامه که توسط بیش از 100 نفر از کارکنان شرکت توزیع برق تهران امضا شده است، آمده است: 5 نفر از کارمندان شرکت توزیع برق تهران که از مسئولین مالی و اداری شرکت هستند بدون اطلاع و هماهنگی با 2500 نفر پرسنل دیگر شرکت، خود را موسس تعاونی انرژی گستر توزیع برق تهران معرفی و در تاریخ 18 مردادماه سال گذشته به تاسیس تعاونی به شماره درخواست 1727958 اقدام کرده اند.

کارکنان معترض در ادامه با اشاره به برگزاری «پنهانی» مجمع عمومی تعاونی و انتخاب اعضای هیات مدیره در تاریخ 26 مهر ماه سال 91، آورده اند: اگر مجمع عمومی به صورت قانونی برگزار شده است اطلاعیه تاریخ 15 اردیبهشت ماه سال جاری به شماره 3256/2 به چه معناست؟

اطلاعیه فوق از سوی موسسان تعاونی انرژی گستر توزیع برق تهران به معاونت های ستاد راهبردی، مدیران دفاتر مستقل، معاونت های هماهنگی و نظارت و مدیریت مناطق برق ارسال شده و از آنان خواسته است تا فرم های عضویت در تعاونی که به اطلاعیه پیوست شده اند توسط پرسنل تکمیل و پس از امضا برای اقدام بعدی عودت داده شود.

به گفته ی پرسنل شرکت توزیع برق تهران، اطلاعیه ی مذکور بعد از حدود 9 ماه با اعمال نفوذ مسئولان و سوء استفاده از موقعیت شغلی با سربرگ شرکت توزیع برق صادر شده است. کارکنان معترض در انتهای نامه، هیات مدیره ی تعاونی انرژی گستر توزیع برق تهران را «فاقد وجاهت قانونی» معرفی کرده اند.

برق، جوشکار را به کام مرگ برد

به گزارش روزنامه خراسان، در چهارم خرداد 92 آمده است: جوشکاری که در حال کار روی یک اسکلت ساختمانی در بولوار ۷ تیرمشهد بود بر اثر برق گرفتگی جان سپرد. این در حالی بود که به دلیل رعد و برق و بارندگی راننده جرثقیل و یک نفر دیگر نیز مجروح شدند.

موانع و ضرورت های پیشروی جنبش کارگری محمد عبیدی پور

مقدمه - جنبش رزمنده ی کارگری ایران، طی چند سال گذشته همواره با دو سد بلند تشکل یابی و تحزب مواجه بوده است. این جنبش با تمام فراز و نشیب هایش و به اندازه ی توان وعمق انکشاف مبارزه ی طبقاتی و توازن قوا، علیه جریان های برخاسته از سه جانبه گرایی و رفرمیستی و تشکلهای متکی به جناح های مختلف سرمایه ی داخلی و خارجی (اعم از سندیکا های زرد دولتی، خانه کارگرتا سازمان های وابسته به امپریالیسم مانند سولیداریتی سنتر) ایستاده است. با وجود نقدهای بی پایه و اساسی که اخیرا نفی موجودیت جنبش کارگری را هدف گرفته است، مستقل از نقاط ضعف و قوت و موفقیت دفاعی یا تعرضی واقعیت این است که در جامعه سرمایه داری جنبش کارگری همیشه جاری و در جریان بوده است. این جنبش برخلاف جنبش های موسوم به زنان و دانشجویان، اقوام تحت ستم و غیره بنا به ذات متناقض نظام اجتماعی تولید سرمایه داری و به دلیل تضاد آشتی ناپذیر میان کار - سرمایه به متن جامعه پیوند خورده است. تحلیل های متفاوت از مفهوم جنبش، تشکل و تحزب نمی تواند به دلیل ضعف سازمانیابی و تشتت طبقه از انکار جنبش کارگری سخن بگویند. فقدان تشکل های توده ای کارگری و فقدان یک حزب سیاسی کارگری متکی به فعالان آگاه و پیشروان مبارز دلیل موجهی بر نفی جنبش کارگری نیست.

موانع تشکل یابی

ناگفته پیداست که استبداد سیاسی مهم ترین عامل بازدارنده ایجاد تشکل های کارگری مستقل است. اما به جز مانع مستقیم استبداد می توان به عوامل دیگری که ایجاد تشکل کارگری را به تاخیر می اندازد اشاره کرد. فقر، فلاکت، بیکاری و ضعف شدن قدرت خرید و کاهش توان مالی کارگران از این دلایل مهم است و متأسفانه باید گفت که فشار تحریم ها و فقیر تر شدن کارگران امکان تشکل یابی را دشوار تر کرده است. با وجود خیل

عظیم بیکاران در اقصی نقاط ایران و نبود امکانات معیشتی مناسب در کنار ترس از گرسنگی و خطر بیکاری، قدرت سازمانیابی کارگری به شدت تضعیف شده است. برخلاف نظر افراد و احزاب بی ربط به طبقه کارگر، از درون فشار تحریم و تعمیق خط فقر، هیچ گشایشی در راستای پیشروی جنبش کارگری صورت نمی گیرد. اگر فقر و نارضایتی باعث انقلاب می شد اکنون در تمام کشورهای فقیر باید انقلاب های کارگری شکل می گرفت. همچنین در نتیجه گسترش تحریم ها هزینه های زیستی مردم کارگر و زحمتکش نیز بالاتر رفته است. من به عنوان یک فعال کارگری معتقدم که شرایط وخیم اقتصادی کنونی جنبش کارگری را از حالت مقابله و تعرض به وضعیت تدافعی کشیده است و اگر این روند ادامه یابد کارگران ناگزیر میشوند بخاطر تنازع بقا هم که شده به خیلی از فشارهای کارفرمایان تمکین کنند

تشکل و اتحاد تنها راه...

کارگران در جریان مبارزه طبقاتی آبدیده می شوند و در می یابند که تنها راه مقابله با مشکلات روزمره زندگی (کاهش دستمزد ها اخراج، بیکاری و...) تنها راه مبارزه با استثمار در ایجاد تشکل های مستقل کارگری نهفته است. هیچ کارگری نمی تواند به تنهایی در برابر کارفرما ایستادگی کند. در طول تاریخ، طبقات حاکم از طریق منزوی کردن فروشندگان نیروی کارکوشیده اند به سود بیشتر دست یابند. از یک سو سرمایه داران برای غلبه بر مبارزه کارگران انواع و اقسام اتاق های بازرگانی می سازند و از سوی دیگر از طریق ایجاد سندیکا های زرد و فرمیست و معامله و زد و بند با "رهبران" شناخته شده، جنبش کارگری را مهار کنند. نفوذ در میان تشکل های کارگری و به سازش کشیدن فعالان و پیشروان آنها از جمله اقدامات سرکوبگرایانه سرمایه داران است. همچنین تقلیل یا انحراف مبارزه طبقاتی کارگران به محور مطالبات صرفا صنفی و سطحی از دیگر ترفند های سرمایه داران است. کارگران باید بیاموزند که فقط با تکیه بر نیروی خود و هم طبقه ای هایشان از استثمار آزاد می شوند و در این راه باید از همان ابتدا استقلال مالی داشته باشند. همین استقلال مالی از نهادهای سرمایه سالار و امپریالیستی ضامن تداوم مبارزات جنبش کارگری و جلوگیری از نفوذ خطر فساد است

تشکل سیاسی کارگری

همانطور که گفته مبارزه کارگری در قالب مبارزات صنفی خلاصه نمی شود. کارگران آگاه می دانند برای رفع نهایی استثمار و رهایی کل جامعه باید به ریشه های سرمایه داری حمله کرد. ابزار چنین حمله ای حزب سیاسی طبقه کارگر است. کارگران مبارز می دانند که حزب کارگری از طریق اتحاد فعالان و پیشروان آگاه طبقه کارگر، پشتیبانی توده های کارگر مبارز و متحد شدن تشکل های مستقل و سرمایه ستیز بیرون می آید. اتحاد عمل احزاب و سازمان های بیرون از گود مبارزه که هیچ نفوذی در جنبش کارگری ندارند نمی تواند به ایجاد حزب کارگری کمک کند. اتحاد یا انشعاب گروه های بی ربط به طبقه کارگر قادر نیست افقی برای ایجاد حزب کارگری بگشاید. متحدین طبقه کارگر در میان روشنفکران انقلابی مخالف سرمایه داری، دانشجویان، پرستاران، معلمان و همه فروشندگان نیروی کار وجود دارند. البته مهمترین مسئله برای طبقه کارگر این است که مبارزه طبقاتی وقتی می تواند به قدرت واقعی خود تکیه بزند که به نیروی تعیین کننده خانواده های کارگری و بطور مشخص زنان استوار شود. بدون همراهی و همیاری زنان که بطور مستقیم (زنان کارگر) و غیر مستقیم (زنان خانه دار) با استثمار دست به گریبان هستند جنبش کارگری نمی تواند به اهداف خود دست یابد. حزب طبقه کارگر بایستی از بطن مبارزات و از درون جنبش رزمنده کارگری و عناصر سازماندهنده و تشکل یاب آن ساخته شود. احزابی که در مبارزات کارگری هیچ نقشی ندارند و با سکتاریزم خود در میان فعالان کارگری بذر تفرقه می افشانند نمی توانند داعیه رهبری طبقه کارگر داشته باشند. کارگران فقط با تکیه به قدرت طبقاتی خود و به پشتوانه توان مبارزاتی و نیروی آشتی ناپذیرشان علیه سرمایه داری می توانند از قید و بند استثمار آزاد شوند

محمد عبدی پور

عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

بیانیه ی جمعی از کارگران سنندج و حومه در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری

ما هر روز و هر سال شاهد دستگیری کارگران و فعالین کارگری توسط حافظان سرمایه در ایران هستیم. این کارگران و فعالین کارگری تنها به جرم دفاع از ابتدایی ترین حقوق انسانی کارگران و تلاش برای ساختن زندگی شایسته انسانی برای آنان و کوشش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری و اعتراض به وضعیت ضد کارگری موجود، توسط نیروهای امنیتی تعقیب و دستگیر و زندانی می شوند.

این در حالی است که ایران مقوله نامه های ۸۷ و ۸۹ را در سازمان بین المللی کار امضا نموده است؛ اما همچنان عملاً و با استفاده از ابزارهای مختلف، مانع از ایجاد تشکل های خودساخته ی کارگران می شود و هیچ توجهی به تعهدات خود در این سازمان نمی کند. از طرف دیگر در روز جهانی کارگر که کارگران تمام کشورها به خیابان ها آمده و خواست ها و مطالبات خود را فریاد می زنند، حافظان سرمایه با پلیسی نمودن فضای خیابان های شهرها، مراسم های گرمی داشت روز کارگر را شدیداً سرکوب نموده و کارگران را به جرم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر، ضرب و جرح و بازداشت و محاکمه می کنند!

در حال حاضر ده ها تن از کارگران و فعالین کارگری دوران محکومیت خود را در زندان ها طی می کنند و تعدادی دیگر با قید وثیقه های سنگین منتظر صدور حکم از طرف دادگاه هستند و تعدادی همچنان در بازداشتگاه های اداره ی اطلاعات در بلاتکلیفی به سر می برند.

ما جمعی از کارگران سنندج و حومه ضمن محکوم نمودن تعقیب و تهدید و بازداشت کارگران و فعالین کارگری، از تمامی کارگران، تشکل های کارگری و نهادهای اجتماعی و حقوق بشری داخلی و خارجی خواستاریم که به هر طریق ممکن برای لغو احکام صادره علیه کارگران و فعالین کارگری و آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان تلاش نمایند.

جمعی از کارگران سنندج و حومه
۴ خرداد ۱۳۹۲

نبود سیلو مانع فعالیت کشاورزان هریس

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 92 آمده است: مدیر جهاد کشاورزی شهرستان هریس، نبود سیلو را از عمده مشکلات کشاورزان این منطقه عنوان کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «محمد اسدی» با اشاره به تولید سالانه بیش از 3 هزار تن محصولات کشاورزی در هریس، خاطرنشان کرد: با صدور مجوز احداث سیلو برای بخش خصوصی از سوی کارگروه توسعه بخش کشاورزی شهرستان، این مشکل به زودی برطرف خواهد شد. وی همچنین از شناسایی 394 هکتار از اراضی بخش کشاورزی شهرستان هریس جهت واگذاری به فارغ التحصیلان و فعالان این بخش خبر داد و گفت: از این مزارع 100 هکتار برای اجرای طرح های زراعت، 70 هکتار باغبانی، 90 هکتار امور دام، 70 هکتار پرورش طیور، چهار هکتار شیلات و 60 هکتار برای صنایع تبدیلی در نظر گرفته شده است.

محمد اسدی با اشاره به ظرفیت های موجود در توسعه بخش کشاورزی شهرستان هریس و در کنار آن افزایش اختیارات تصمیم گیری کارگروه های شهرستانی برای تحرک بیشتر در اجرای برنامه های توسعه بخش کشاورزی، افزود: از حداکثر توان بالقوه شهرستان برای توسعه بخشی به کشاورزی با حمایت و تعامل تصمیم گیران شهرستان استفاده خواهد شد.

پایان پیام

عضو کارگری این شورا خبر داد:
برگزاری جلسه ویژه شورای تعیین مزد در 7 خردادماه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 92 آمده است : عضو گروه کارگری شورای عالی کار از برگزاری جلسه ی ویژه ی این شورا برای افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در روز سه شنبه هفتم خرداد ماه خبر داد.

«محمد احمدی» در این باره به ایلنا گفت: گروه کارگری تلاش دارد تا با افزایش قابل توجه حق مسکن و خوار و بار، بخشی از مشکلات معیشتی کارگران را پوشش دهد. وی در ادامه بدون آنکه به مبلغی برای افزایش مزایای جانبی مزد اشاره کند افزود: دولتی ها نسبت به افزایش حق مسکن و حق خوار و بار نگاه مثبتی دارند و ما نیز امیدواریم.

این جلسه شورای عالی کار در حالی در خرداد ماه تشکیل می شود که «اسدالله عباسی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در هفته کارگر، وعده ی برگزاری این جلسه را تا پایان اردیبهشت ماه داده بود. به نظر می رسد تشکیل جلسه ی ویژه شورای عالی کار، واکنشی به اعتراضات هماهنگ و گسترده ی کارگران و تشکل های مستقل و رسمی است که از آن با نام « نهضت شکایت از مزد ناعادلانه » یاد می شود. گفتنی است پس از اعلام مزد سال 92 از سوی شورای عالی کار، بیش از 6 تشکل کارگری ضمن دعوت کارگران به شکایت از مزد در دیوان عدالت اداری، از اقدام خود در این راستا خبر دادند.

پایان پیام

کره نایاب و مرغ و برنج گران شد.

به گزارش روزنامه قانون، در تاریخ 4 خرداد 92 آمده است: در حالی که مقامات وزارت صنعت، معدن و تجارت تأکید کرده اند ذخیره سازی های مناسبی برای انواع کالاهای مورد نیاز صورت گرفته است و نگرانی از بابت کمبود مواد غذایی وجود ندارد، اما قیمت برخی اقلام مورد نیاز مانند مرغ، برنج، روغن، لبنیات در روزهای اخیر افزایش قابل توجهی را تجربه کرده اند.

براساس گزارش های رسیده بهای هر کیلوگرم مرغ در روزهای اخیر افزایشی قابل توجه را تجربه کرده است. مرغ با آغاز خیز افزایش قیمت در هر کیلوگرم به 5800 تومان و هر شانه تخم مرغ به 7600 تومان رسید. همچنین قیمت برنج وارداتی که در آستانه نوروز 3500 تا 4500 تومان عرضه می شد به 5 تا 6 هزار تومان رسید. قیمت روغن نیز 40 درصد افزایش یافت. علاوه بر این کره نایاب شد. علت افزایش قیمت مواد خوراکی حذف ارز مرجع برای واردات برنج و سایر کالاهای اساسی است که حدود دو هفته پیش خبر آن اعلام شده بود.

رییس کمیسیون پشتیبانی اتاق بازرگانی اصفهان طرح کرد: افزایش قابل تامل کارگرانی که حق بیمه شان پرداخت نشده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 4 خرداد 92 آمده است : رییس کمیسیون پشتیبانی اتاق بازرگانی اصفهان، آمار شکایت کارگرانی که طی چندین سال گذشته حق بیمه شان از سوی بنگاه های اقتصادی پرداخت نشده است را قابل تامل خواند و گفت: دولت در بخش مالیات و بیمه از واحدهای تولیدی طلبکار و در بخش خرید کالا و خدمات به آنان بدهکار است و می توان با تهاثر باری از دوش آنان برداشته شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، «سید عبدالوهاب سهل آبادی» در کمیسیون پشتیبانی اتاق اصفهان که با حضور رییس سازمان تامین اجتماعی استان و معاونان و جمعی از فعالان اقتصادی برای بررسی مسایل و مشکلات واحدهای تولیدی در بخش بیمه تامین اجتماعی برگزار شد، افزود: این کمیسیون تلاش می کند از ظرفیت های قانونی، جهت افزایش تعامل بین سازمان تامین اجتماعی و واحدهای تولیدی استان استفاده کند.

وی رویکرد رییس و معاونین سازمان تامین اجتماعی در بر طرف کردن مسایل و مشکلات واحدهای تولیدی استان را زمینه ساز حفظ و پایداری تولید در استان و جلوگیری از افزایش بیکاری و تعطیلی واحدهای تولیدی

دانست و تصریح کرد: صدور رای برای شکایت کارگرانی که حق بیمه آنها از سوی بنگاه‌های اقتصادی طی چندین سال گذشته پرداخت نشده قابل تأمل است بنابراین همانگونه که شرکت‌ها در هنگام انتقال مالکیت استعلام می‌شوند باید سازمان نیز نسبت به ارایه تسویه حساب بیمه‌ای اقدام کند تا شاهد این قبیل رای‌های سنگین نباشیم.

نایب رییس اتاق اصفهان، خواستار تهاتر طلب و بدهی واحدهای تولیدی با دولت در بخش مالیات و بیمه شد و گفت: دولت در بخش مالیات و بیمه از واحدهای تولیدی طلبکار و در بخش خرید کالا و خدمات به آنان بدهکار است و می‌توان با تهاتر باری از دوش آنان برداشته شود.

قانون رفع موانع تولید به تامین اجتماعی ابلاغ نشد

رییس سازمان تامین اجتماعی استان اصفهان نیز در این جلسه یادآور شد: موسسه حسابرسی سازمان به صورت مستقل در تهران، دارای ساختار مرکزی است و رابطه حقوقی با دفاتر استانی سازمان‌های تامین اجتماعی ندارد.

علی اصغر دادخواه با اشاره به ابلاغ نشدن قانون رفع موانع تولید و بهبود مستمر محیط کسب و کار به سازمان تامین اجتماعی استان‌ها ادامه داد: این قانون، بندهای تسهیل کننده‌ای برای پیمانکاران دارد که در صورت ابلاغ اجرا می‌شود.

وی از تعامل سازنده این سازمان با واحدهای تولیدی مشکل دار استان در موضوع بخش دریافت حق بیمه کارگران خبر داد و گفت: کمیسیون کارگری استانداری پرونده‌های ارجاع شده واحدهای تولیدی مساله‌دار را بررسی و همکاری‌های لازم برای برطرف کردن مشکلات صورت می‌گیرد.

به گفته وی واحدهای تولیدی مساله دار می‌توانند با ارایه درخواست به کمیسیون فوق از حمایت‌های آن بهره گیرند.

صندوق تامین اجتماعی با مشکل روبرو است

همچنین عضو کانون کارفرمایان استان اصفهان با اشاره به این که صندوق تامین اجتماعی به دلیل هزینه‌های بی‌رویه‌ایی که از سوی دولت به آن تحمیل شده با مشکل روبرو است، اعلام کرد: در بخش‌های مختلف نیز تبعیض‌های بیمه‌ای وجود دارد مثلاً دولت برای قالی بافان، بیمه‌ای با نرخ پایین‌تر از واحدهای تولیدی در نظر گرفته است. در حالی که می‌توانند، بیمه آن‌ها را با هزینه پایین‌تر صادر کنند تا این واحدهای تولیدی به دلیل افزایش هزینه‌ها، توان رقابتی خود را از دست ندهند.

رضا چینی به ممانعت سازمان تامین اجتماعی برای پرداخت حق بیمه، برخی از اصناف اشاره کرد و گفت: کارگران تولید آجر اجازه پرداخت حق بیمه‌ای بالاتر از نرخ مصوب ندارند.

پایان پیام

کمبود نان در سنجدهی ها

جمع کثیری از مردم در مقابل یک نانوايي در خیابان تکیه و چمن حضور یافته و بعد از اینکه حدود ساعت 13 نانوا گفت کسی برای نان نماند اعتراض مردم شروع شد. شاطر دلیل زود تعطیل کردن را کم شدن سهمیه نان اعلام کرد. مردم سنجدهج از این نابسامانی‌ها خسته شده اند و مطرح میکردند پول‌ها را احمدی نژاد برای خودش جمع کرده است و دسته گل او برای ما کمبود نان شده است.

در آستانه جلسه ویژه شورای عالی کار مطرح شد: پیشنهاد افزایش 120 هزار تومانی کمک هزینه مسکن و بن خرید کالا

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است: دبیر اجرایی خانه کارگر اصفهان هفتم خردادماه را آخرین فرصت برای تشکیل شورای عالی کار و افزایش حقوق کارگران اعلام کرد و گفت: در صورت تعویق دوباره، این جلسه به عمر دولت دهم وصال نمی دهد که این موضوع ظلمی آشکار در حق نیروی کار خواهد بود.

اصغر برشان در گفتگو با ایلنا، با اشاره به قول وزیر کار در هفته کارگر برای جبران کسری حداقل دستمزد کارگران، تاکید کرد: قرار بود تا پایان اردیبهشت ماه، شورای عالی کار به طور ویژه تشکیل جلسه داده و برای افزایش کمک هزینه مسکن و بن خانوارهای کارگری تصمیم گیری کند اما براساس آخرین اخبار رسمی، برگزاری این جلسه به هفتم اردیبهشت ماه موکول شده است.

دبیر خانه کارگر اصفهان خواستار تشکیل هرچه سریع تر این جلسه شد و افزود: با توجه به این که مصوبات این شورا، باید در هیات دولت نیز تصویب و تایید شود، خواسته ما این است که نمایندگان کارفرمایان، کارگران و دولت، گرد هم آیند و با تعامل و همفکری یکدیگر برای رفع تبعیض بین دو قشر مزدبگیر کشور اقدام کنند.

این فعال کارگری پیشنهاد نیروی کار را افزایش 120 هزار تومانی کمک هزینه مسکن و بن خرید کالا در حداقل دستمزد عنوان کرد و ادامه داد: شنیده ها حکایت از آن دارد که دولت نظر مساعدی دارد اما کارفرمایان مخالف هستند و باید دو گروه دیگر آنها را متقاعد کنند که به وضعیت معیشتی این طبقه هر چه زودتر رسیدگی شود. وی با اشاره به در پیش بودن اجلاس ژنو و اعزام اعضای هیات دولت به این اجلاس بین المللی گفت: در صورتی که جلسه شورای عالی کار باز هم به بهانه ای عقب بیفتد، تشکیل این جلسه دیگر به عمر دولت وصال نخواهد داد و این ظلم بزرگی در حق نیروی کار خواهد بود.

کارگران 15 درصد فقیرتر شده اند

برشان با اشاره به آمارهای رسمی که تورم نقطه به نقطه در کشور را بالای 40 درصد و نرخ کلی تورم را بیش از 30 درصد اعلام می کند، تصریح کرد: افزایش 25 درصدی حداقل دستمزد به این معناست که کارگران میانی 15 درصد فقیرتر شده اند و حداقل بگیران نسبت به سال گذشته 7 درصد برشان در پایان این آمار و ارقام را روشن و قانونی ترین استدلال برای گسترش فقر در جامعه کارگری دانست.

پایان پیام

اطلاعیه شماره یک کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

کارگران، مردم آزاده، تشکل های کارگری چنانچه خود اطلاع دارید نظام سرمایه داری برای بقای خود در سراسر جهان حملات گسترده ای را به صفوف کارگران برنامه ریزی کرده و می خواهد به هر شکلی که شده طبقه کارگر را مرعوب کند. اگر تنها یک لحظه به گزارشات و خبرها توجه کرده باشیم متوجه خواهیم شد که نظام گنبدیده سرمایه داری هر روز به بهانه بحرانی مالی به سفره بی رونق طبقه کارگر یورش آورده و می آورد. این نظام چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی دچار بحرانی شده که خود بزرگان آن بدون پرده به آن اعتراف می کنند و برای برون رفت از این بحران به تکاپو افتاده و در کشورهای سرمایه داری می خواهد با ریاضت اقتصادی که زاده نئولیبرالی می باشد خود را نجات دهد. در کشور ما به اضافه بحرانی اقتصادی و بیکاری گسترده، طبقه کارگر از تشکل های خود هم محروم است و اگر کارگری اقدام به تشکیل تشکل کند برابر است

با اخراج از کار، دستگیری، احضار، تهدید و یا زندان بنا بر این صدها کارگر و یا فعال کارگری تنها به جرم تشکیل تشکلهای خود و یا به جرم برگزاری مراسم روز کارگر و یا روز زن با بهانه های واهی به زندان محکومش کردند و حال در زندان بسر می برند.

بهنام ابراهیم زاده یکی از آن فعالان کارگری و حقوق کودک است که در تاریخ ۲/۳/۸۹ به اتهام فعالیت های کارگری دستگیر و بعد از مدتی در چند جلسه که در پشت درهای بسته به نام دادگاه محاکمه شده ایشان را به ۵ سال زندان تعزیری محکومش کردند و حال در حال سپری کردن محکومیت خویش است. کارگران و فعالان کارگری در ایران برای اینکه بتوانند به خود بهنام و خانواده او که پسرش نیما مریض است و در بستر بیماری می باشد کمکی کرده باشند. در سنوات گذشته اقدام به تشکیل کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده کردند. اما به دلیل یک سری مشکلات که زاده سرکوب های موجود است نتوانست فعالیت روز مره خود را ادامه دهد و دچار یک سری مشکلات شد. سرانجام بعد از یک مدت تعدادی از اعضای آن کمیته درخواست کردند که کمیته را فعال کنند. که در نتیجه در تاریخ ۲/۳/۹۲ جلسه ای به این منظور در شهرستان سقز با حضور بهنام ابراهیم زاده تشکیل شد و بعد از بحث و تبادل نظر مصوبات زیر در آن جلسه با اکثریت آرا به تصویب رسید که جهت اطلاع عموم انتشار می یابد.

۱ - فعال کردن وبلاک کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

۲ - انتشار ایمیلی بنام کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

۳ - درخواست از کارگران، فعالان کارگری و مردم آزاده جهت عضویت در کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

۴ - انتخاب محمود صالحی بعنوان سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
جلسه فوق بعد از چند ساعت در یک فضای دوستانه و کارگری به پایان رسید.

منبع: <http://komitehbehnam.blogfa.com/>

پزشک قانونی تهران نیما ابراهیم زاده را در بیمارستان محک معاینه کرد

طبق قرار قبلی امروز پزشک قانونی در بیمارستان محک با نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر معترض زندانی بهنام ابراهیم زاده دیدار کرد و نیما را مورد معاینه قرار داد.

هنگامیکه پزشک قانونی به بالین نیما رفت نیما بستری وداشت شیمی درمانی می شد نیما از زمانی که بستری شده همچون گذشته از خوردن و آشامیدن خوداری می کند و این نیز این خانواده را نگران کرده است. این درحالی است هنوز پزشکان محک روند درمان نیما راطولانی مدت و بهبودی نیما را نامشخص می دانند. با این حال امروز وقتی پزشک قانونی با نیما دیدار کرد خوشحالی و شادمانی به چهره نیما تا حدودی برگشت. چرا که پزشک قانونی تاکید داشته که باید و لازم و ضروری است بهنام در کنار فرزند بیمارش بماند و قول داده که حتما و بزودی نامه موافقت با مرخصی بهنام را به دستگاه قضایی تحویل دهد.

اکنون تصمیم گیری برای حضور اینکه بهنام در کنار نیما بماند یا نماند با دستگاه قضایی است .

نیما ابراهیم زاده در نبود پدر زندانی اش چهار ماه پیش به سرطان خون مبتلا شد که در حال حاضر در بیمارستان محک کودکان تحت مراقبت های پزشکی است.

ما برای نیما و دیگر کودکان آرزوی بهبودی و سلامتی می کنیم .

به این امید که هیچ کودکی لحظه های خود را بدون پدرش سپری نکند.

به امید زندگی سعادت‌مندانه یکا یک کودکان خصوصا کودکان ایران

منبع:

<http://komitehbehnam.blogfa.com>

نایب رییس انجمن همگن مصالح ساختمانی استان:

400 واحد تولید آجر در اصفهان تعطیل شده‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : نایب رییس انجمن همگن مصالح ساختمانی خانه صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان با اشاره به فعالیت 400 واحد تولید آجر که حدود 20 هزار

نفر در آن مشغول به کار هستند گفت: با صنعتی شدن ساختمان‌ها، قسمت زیادی از محصولات کارخانه های آجر بی استفاده می‌ماند که در آینده تعطیلی سایر کارخانه های آجر را به دنبال خواهد داشت.

به گزارش ایلنا از اصفهان، رضا چینی با بیان اینکه 20 درصد آجر تولید استان به خارج صادر می‌شود، افزود: بخش زیادی از صادرات تولیدات کارخانه های آجر به عراق صورت می‌گیرد، آجر نما پلاکی هم به کشورهای آذربایجان، قزاقستان، حاشیه خلیج فارس و آسیای میانه صادر می‌شود. وی همچنین از ارسال 40 تا 50 درصد تولیدات آجر اصفهان به استان های دیگر خبر داد و تصریح کرد: بقیه محصولات در اصفهان مصرف می‌شود.

نایب رییس انجمن همگن مصالح ساختمانی خانه صنعت استان درباره به تولید آجر نما یادآور شد: آجر نما با توجه به کیفیت خوب و امکان جا به جایی آسان تر و قیمت کمتر، نسبت به سایر مصالحی که در نما استفاده می‌شود، آینده خوبی خواهد داشت.

نیاز به تسهیلات برای واردات تکنولوژی جدید

چینی با اشاره به اجرای قانون هدفمندی یارانه ها و افزایش قیمت سوخت و هزینه حمل و نقل، گفت: قیمت تمام شده آجر در ایران افزایش داشته، از سوی دیگر، صنعتی شدن ساختمان ها باعث شده در آنها کمتر از آجر استفاده شود و کاربرد آن، تنها در دیوارکشی کارگاه ها و محوطه هاست، به این ترتیب قسمت زیادی از محصولات کارخانه های آجر بی استفاده می‌ماند که در آینده تعطیلی کارخانه های آجر را به دنبال خواهد داشت. وی راه حل این معضل را صنعتی شدن تولید کارخانه ها و افزایش کیفیت تولیدات بیان کرد و ادامه داد: با تغییر تکنولوژی کارخانه‌ها و استفاده از کوره های جدید، هزینه سوخت کمتر می‌شود و در نتیجه بر قیمت نهایی محصول اثر می‌گذارد.

نایب رییس انجمن همگن مصالح ساختمانی خانه صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان با اشاره به استفاده از این تکنولوژی در حدود 15 واحد تولیدی، بیان داشت: تعدادی از آنها تاکنون به تولید رسیده اند اما با توجه به تحریم ها و مشکلاتی که برای انتقال وجه به خارج از کشور و دریافت ارز مبادلاتی ایجاد شده است، ورود تکنولوژی جدید با مسائل زیادی روبروست.

چینی همچنین با اشاره به گران شدن ناگهانی سوخت در فاز اول هدفمندی یارانه ها و عدم پرداخت یارانه مورد نظر گفت: با این کار به بازار آجر شوک وارد شد که با بالا رفتن قیمت محصول، مشکل حل شده، اما در حال حاضر این نگرانی وجود دارد که بازار نتواند افزایش قیمت ناشی از اجرای فاز دوم هدفمندی را تحمل کند. وی دستورالعمل های روزانه گمرک، کمبود نقدینگی واحدها و نبود تسهیلات کم بهره برای تولیدکنندگان را از دیگر مشکلاتی دانست که واحدهای تولیدی آجر با آن روبرو هستند.

این فعال صنعتی با بیان اینکه نیمی از کارگران کارخانه های آجر اصفهان تبعه های افغان هستند، اظهار کرد: با تغییر قیمت دلار دستمزد آنها چند برابر شد، به طوری که اکنون در بسیاری موارد حقوق کارگرهای افغانی بیشتر از کارگران ایرانی است؛ با این وجود به دلیل سخت بودن کار، کارگرهای ایرانی رغبت کمتری برای کار در این بخش نشان می‌دهند.

بلا تکلیفی طرح جابه جایی کارخانه های آجر

نایب رییس انجمن همگن مصالح ساختمانی خانه صنعت، معدن و تجارت استان اصفهان تاکید کرد: تا زمانی که استراتژی تولید آجر اصفهان تدوین نشده است نمی‌توان به جابه جایی کارخانه های آجر اقدام کرد. چرا که بدون توجه به قیمت حامل های انرژی و نیز سیاست های کلی استان در زمینه حمل و نقل، میزان تولید آجر مشخص نیست و بنابراین نمی‌توان کارخانه ای احداث کرد.

وی با اشاره به مصوبه سال 88 دولت برای جابه جایی کارخانه های آجر گفت: این مصوبه باعث شده است خدماتی مانند تسهیلات بانکی و خاک مرغوب به این واحدها داده نشود که تعطیلی نزدیک به 15 واحد آجر نمای پلاکی در طول 4 سال گذشته را به دنبال داشته است. وی افزود: این در حالی است که دولت همچنان طرح جابجایی را مشخص نکرده است. وی بیان کرد: متأسفانه سازمان حفاظت محیط زیست استان تنها به مصوبه استانی برای جابه جایی کارخانه ها تاکید دارد و اجازه استفاده از آزمایشگاه های سنجش آلاینده را به واحدهای آجر نمی دهد.

چینی خاطرنشان کرد: استفاده از سنگ های شیل و سوخت گاز می تواند تا حد زیادی آلاینده های واحدها را کم کند که این مسئله مستلزم فراهم شدن امکانات برای کاربرد تکنولوژی روز است. وی تاکید کرد: در صورت به روز شدن تکنولوژی واحدهای آجر، آلاینده های آنها به حد معمول می رسد.

پایان پیام

زنای دیگر: نمی گویم «رایم کو؟» رای نمی دهم!

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است که ؛ مسلما در روزهای آینده صف آرایی جناح های حاکمیت - از اصولگرا تا پایداری، میانه رو و اصلاح طلب- در بستر چالش برانگیز «انتخاب» ریاست جمهوری و در مقابل نیروهای مردمی و مطالبات آنان دچار تلاطم و دگرگونی خواهد شد. ابعاد تلاطم امواج پیش رو از یک سو بستگی به واکنش نیروهای درون حاکمیت بعد از حذف رفسنجانی و مشاعی از لیست نامزدها دارد و از سوی دیگر به تقابل مردم و حاکمیت. ماهیت این تقابلها و رویاروییها مسلما از یک جنس نیست. رویای ولی فقیه و رفسنجانی و باند دولت برای کسب قدرت و ماندن براریکه های آن به گواهی تجربه سی و اندی سال حاکمیت استبداد و دیکتاتوری همان رویای یک درصدیها در کل نظام سرمایه داری است. رویای آنان استثمار هرچه بیشتر کارگران، زنان و تمامی اقشار مزدبگیر و انباشتن سرمایه هایشان به بهای جان و زندگی میلیون ها انسان دیگر است.

سهم خواهی هریک از جناح های حاکمیت از قدرت، ارتباطی مستقیم با منافع اقتصادی و جناحی اشان دارد و آنچه در این سهم خواهی در حاشیه قرار دارد یا اساسا نادیده گرفته می شود- به جز در نقش سیاهی لشکر- مردمی هستند که باید با وعده و وعیدهای توخالی به پای صندوق های رای کشانده شوند. سهمبران با نمایش صف های طویل رای دهندگان برای خود کسب آبرو می کنند، چه در مصاف با جناح های رقیب و چه در انظار بین المللی. در هر دوی این عرصه ها «حفظ نظام» اصل فراگیری است که توجیه گر ادامه ی حکومت خودکامه ی سهمبران به بهای نادیده گرفتن بازیگران اصلی صحنه، یعنی مردم می باشد. ولی فقیه به عنوان راس هرم قدرت دیکتاتوری، به همراه بخشی از سپاه و روحانیون ذی نفوذ در مافیای اقتصادی مدت هاست در پی مهندسی «انتخابات» و بیرون آوردن مهره های سربه مهر برای ریاست جمهوری هستند. چالش های هشت ساله ی آنان با احمدی نژاد راه گریزی به جز حذف نامزدهای سهم خواه در قدرت برای ولی فقیه و همراهانش باقی نگذاشت. بنابراین به رغم ادعای آنان مبنی بر اینکه کسانی چون روحانی و عارف غیر خودی اند و اصلاح طلبان از اینجا رانده و از آنجا مانده ممکن است پشت سر ایشان پنهان شوند تا برای رسیدن به خرده ریزی از خوان نعمت قدرت و ثروت روزه ای بیابند، اما صحنه ی نمایش انتخابات به گونه ای چیده شده است که از بین هشت نامزد تایید شده هر کدام که بیرون بیاید آب در دل «رهبر» و حامیانش تکان نخواهد خورد.

اما در سوی دیگر این کارزار صحنه ای دیگر در حال تکوین است. صحنه ای که بازیگران اصلی آن ۹۹ درصدیها هستند. مردمی که در بدترین، کمر شکن ترین و ناهنجارترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تاریخ معاصر ایران به سر می برند. سرمایه داری لجام گسیخته بازاریان، تجار غارتگر حکومتی، رانت خواران فاسد عرصه ی تولید و بازرگانی و ... آنچه را که نمی بینند نابودی اقتصاد و معیشت مردم است. رشد بیکاری، اعتیاد و افسردگی، گسترش فقر و سرکوب و وحشیانه مطالبات اقتصادی مردم، حتی ابتدایی ترین نیازهای آنان، شرایط را لحظه به لحظه برای عصیان و خروش زحمتکشانشان، زنان و ... آماده تر می کند. فشار تحریمها و ترس از تنگ تر شدن محاصره ی اقتصادی و حتی حمله نظامی از یک سو و خفقان سیاسی

جامعه و سرکوب هر نوع حرکت آزادی خواهانه و افشاگرانه‌ی افشار آگاه‌تر جامعه از سوی دیگر، شرایط را برای افشار بینابینی به سمت وسوی خواهد برد که راه گریز را «انتخاب بین بد و بدتر» تصور کنند. دامن زدن به توهم بخش‌هایی از مردم توسط نمایندگان جناح‌های حاکمیت - در داخل یا خارج از کشور- همه در خدمت به میدان کشاندن این افشار و انتخاب بین بد و بدتر است. گرچه ممکن است تعداد متوهمان به «انتخاب بین بد و بدتر»، به ویژه پس از نمایش‌های انتخاباتی سال ۸۸ و سرکوب‌های متعاقب آن، بسیار کمتر شده باشد، اما رژیم دیکتاتوری و کارگزارانش می‌دانند که هنوز این بازی کارکرد دارد، بنابراین نهایت تلاش خود را در این راستا انجام می‌دهند. بنابراین یکی از وظایف مهم نیروهای آگاه جامعه افشاگری در مورد شعار «انتخاب میان بد و بدتر» و دعوت آنان به صحنه‌ی «تحریم گسترده‌ی انتخابات» است.

تاریخ جنبش‌های مردمی نشان داده است که انتخابات به این شیوه و در این‌گونه ساختارها فقط یک بدیل در مقابل خود دارد و آن عدم شرکت در انتخابات و تحریم گسترده‌ی آن است.

تحریم انتخابات «نه» قدرتمندی است به کارگزاران سرمایه و غارت‌گران جمهوری اسلامی که دست کارگران و زحمتکشان را با تصویب صدها قانون ضدبشری بسته‌اند و صدای هرنوع عدالت‌خواهی را با شکنجه و زندان پاسخ می‌دهند. تحریم انتخابات کنشی قدرتمند و نمایش خشم فروخورده‌ی زنانی است که به جرم بیرون بودن چند تار مویشان از خیابان به زندان برده می‌شوند. زنانی که با طرح حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی و ده‌ها قانون ضد زن دیگر بیش از پیش مورد تحقیر مثنی سرمایه‌دار واپسگرا قرار گرفته‌اند. تحریم انتخابات پرچم برافراشته‌ی دانشجویانی است که دانشگاه را مهد علم، جستجو و پرسشگری می‌خواهند نه حجره و حوزه و جولانگاه افکار پوسیده‌ی قرون وسطایی ولایت فقهی. «نه» به انتخابات مرهم قلب مادر کارگران زحمتکشی چون ستار بهشتی است، مرهم قلب مادران و پدران دانش‌آموزانی که زنده زنده در آتش مدرسه سوختند تا مبادا از سرمایه‌ی به غارت رفته مردم پشیزی به نفع آنان هزینه شود. «نه» به انتخابات حرکت مستقل و آگاهانه‌ی صدها روزنامه‌نگار، نویسنده، هنرمند، وکیل و ... است که نمی‌توانند بر دزدی، استثمار و خفقان چشم بریندند و اخراج، بیکاری و زندان را به جان می‌خرند.

بیکاران و حاشیه نشینان محروم جامعه با یک «نه»ی جانانه دیگر اجازه نخواهند داد سیاهی لشکر اصول‌گراها، پایداری‌ها؛ اصلاح‌طلب‌ها، ولایت فقهی‌ها و ... باشند. تحریم انتخابات گامی است که بازماندگان و خانواده‌های اعدامیان و زندانیان را به عدالت‌جویی نزدیک‌تر خواهد کرد. فریبکاری «انتخاب بین بد و بدتر» را افشا کنیم. نگوئیم «رای من کو؟» بگوئیم «من رای نمی‌دهم!»

زنانی دیگر

تجمع کارگران نساجی سیمین مقابل سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به بخشنامه جدید مشاغل سخت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است: جمعی از کارگران کارخانه نساجی سیمین اصفهان، صبح امروز در اعتراض به محروم شدن از مزایای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور در مقابل سازمان تامین اجتماعی تهران تجمع کردند.

بنا بهمین گزارش، این کارگران که در کارخانه نساجی سیمین اصفهان با شرایط سخت و زیان‌آور اشتغال دارند، خواهان بازنشستگی پیش از موعد در چارچوب قانون مشاغل سخت و زیان‌آور هستند. گفته می‌شود دلیل تجمع امروز این کارگران مخالفت سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی پیش از موعد این کارگران بوده است.

قابل یادآوری است، سازمان تامین اجتماعی در تازه‌ترین بخشنامه مربوط به اجرای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور شرایطی را تعیین کرده است که به موجب آن بازنشستگی کارگران نساجی سیمین منتفی شده است.

به موجب قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، کارگران که قصد استفاده از مزایای بازنشستگی پیش از موعد را دارند باید یا بصورت متوالی دارای 20 سال سابقه و یا بصورت متناوب دارای 25 سال سابقه کار در مشاغل سخت و زیان‌آور را داشته باشند.

از آنجا که کارخانه نساجی سیمین اصفهان چند سال پیش برای بازسازی و تغییر ساختار مدتی تعطیل و کارگران به صورت موقت به صندوق بیمه بیکاری معرفی شده بودند، این کارگران با سوابق فعلی خود امروز نمی‌توانند پیش از موعد بازنشسته شوند. بر اساس بخشنامه جدید مدتی که کارگران این کارخانه مقرری بگیر بیمه بیکاری بودند جزء سوابق سخت و زیان آور محسوب نشده و به همین دلیل در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی آنها مخالفت می‌کند.

قیمت‌های سرسام‌آور مسکن و ناتوانی کارگران از خرید آن + جدول

به نوشته سایت آوای کار - ۵ خرداد ۱۳۹۲ آمده است: در استخراج قیمت‌های جدول زیر این نکات ملاحظه شده‌اند:

۱- اکثر محله‌ها از نواحی کارگر و کارمندانشین تهران و شهرک‌های اطراف یا شهرهای نزدیک به تهران انتخاب شده‌اند.

۲- در این استخراج کوچک‌ترین واحدهای به فروش گذاشته شده در نظر گرفته شده‌اند.

۳- واحدهای بزرگتر جدول فوق اکثراً به نواحی اطراف شهر تهران تعلق دارند.

۴- قیمت خانه در برخی از محله‌های متوسط نشین نیز استخراج شده‌اند که محله‌های مورد علاقه کارمندا هستند.

۵- چنان‌که از جدول فوق مشاهده می‌شود، متوسط متراژ خانه یا آپارتمان کوچک ۵۷ متر استخراج شده است. خانه‌های قدیمی کارگری جنوب شهر تهران واحدهایی صد متری بودند که دارای ۶۵ مترمربع مساحت زیرینا هر طبقه و به صورت دو اتاق تودرتو بودند که هنوز هم بافت‌های فرسوده جنوب شهر تهران و حومه را تشکیل می‌دهند. متوسط ۵۷ متری بدست آمده از مساحت بافت‌های فرسوده هم کمتر است.

۶- طبق جدول فوق، متوسط قیمت یک متر مربع خانه، مبلغ باورنکردنی سه میلیون و ۲۴۰ هزار تومان در مناطق زحمت‌کش نشین است!

۷- طبق جدول فوق، متوسط قیمت یک واحد آپارتمان ۵۷ متری، قیمت باورنکردنی و سرسام‌آور ۱۸۰ میلیون تومان است!!

۸- حداقل دستمزد با احتساب کلیه مزایای متعلقه به کارگران یا کارمندان ۶۰۰ هزار تومان در ماه برآورد شده است.

۹- اگر کارگری بخواهد با این حقوق یک خانه ۵۷ متری بخرد و اگر نه غذا بخورد، نه لباس بخرد، نه کرایه ماشین بدهد و خلاصه هیچ خرجی نکند باید ۳۰۰ ماه قسط بدهد که ۲۵ سال می‌شود!

اگر فرض کنیم که چنین کارگری خوشبخت باشد و بتواند نیمی از حقوق و دستمزد خود را پس‌انداز کند در این صورت باید ۶۰۰ ماه یا ۵۰ سال قسط بدهد تا صاحب خانه‌ای ۵۷ متری شود!

۱۰- در نظر داشته باشیم که سالانه ۸۰۰ هزار نفر به سن اشتغال می‌رسند که حداقل نیمی از آنها یعنی ۴۰۰ هزار نفر در سال بطورجدی نیازمند کار و شغل و مسکن هستند. طرح‌های مسکن مهر و تعاونی‌ها تاکنون قادر

به تامین این میزان مسکن حتا در طی چند سال هم نبوده‌اند. طرح‌های مسکن مهر نتوانسته‌اند تا کنون حتی یک چهارم این نیاز را تامین کنند.

واقیت تلخ و دردناک آن است که هزینه کمرشکن مسکن کارگران و حقوق‌بگیران را در کنار سایر گرانی‌ها به زانو در آورده است. داشتن مسکن مناسب حق کارگران است .

* آمار از راهنمای روزنامه همشهری در نیمه اردیبهشت ۱۳۹۲ استخراج شده است.

محلہ	وضعیت	متراژ - مترمربع	قیمت کل - میلیون تومان	قیمت هر مترمربع - تومان
جنوب مولوی	پیش فروش	۵۰	۶۸	۱,۳۶۰,۰۰۰
چهارراه وحدت اسلامی	پیش فروش	۵۲	۱۳۸	۲,۶۵۰,۰۰۰
خادم آباد شهریار	پیش فروش	۶۰	۹۹	۱,۶۵۰,۰۰۰
فلکه اول صادقیه	پیش فروش	۶۵	۳۵۸	۵,۵۰۰,۰۰۰
طرشت	پیش فروش	۸۵	۳۷۴	۴,۴۰۰,۰۰۰
گلبرگ غربی	نوساز	۳۲	۱۲۷	۰۰۰,۴,۰۰۰
نارمک	نوساز	۴۰	۱۳۶	۳,۴۰۰,۰۰۰
دامپزشکی	نوساز	۳۸	۱۲۶	۳,۳۲۰,۰۰۰
مختاری - راه آهن	نوساز	۳۷	۱۱۰	۲,۹۸۰,۰۰۰

انتهای جیحون	نوساز	۳۷	۱۲۸	۲,۴۶۰,۰۰۰
مرتضوی	۱۵ ساله	۳۲	۱۰۰	۲,۱۲۵,۰۰۰
سرباز	نوساز	۳۶	۱۳۲	۲,۶۰۰,۰۰۰
چهارراه لشکر	۱۰ ساله	۳۸	۱۰۶	۲,۷۹۰,۰۰۰
اسکندری	نوساز	۳۴	۱۱۶	۲,۴۱۱,۰۰۰
مرتضوی	۱۲ ساله	۴۰	۱۱۰	۲,۷۵۰,۰۰۰
شکوفه	۳ ساله	۳۵	۱۲۵	۲,۵۷۱,۰۰۰
یادگار امام- حبیب اله	نوساز	۳۰	۱۱۴	۲,۸۰۰,۰۰۰
کاشانی- لاله	نوساز	۴۰	۱۷۹	۴,۴۷۵,۰۰۰
شهرری	۲ ساله	۴۵	۹۵	۲,۱۱۱,۰۰۰
تولیدارو	نوساز	۴۳	۱۲۵	۲,۹۰۰,۰۰۰
مجیدیه شمالی	نوساز	۴۰	۲۲۰	۵,۵۰۰,۰۰۰
خواجه نظام الملک		۴۳	۱۵۲	۲,۵۵۰,۰۰۰

شهرک رضویه		۴۴	۹۸	۲,۲۷۰,۰۰۰
تیموری		۴۳	۱۱۰	۲,۵۵۸,۰۰۰
امام حسین	۱۴ ساله	۴۲	۱۱۰	۲,۶۰۰,۰۰۰
مهرآباد	۸ ساله	۴۲	۱۰۹	۲,۴۰۰,۰۰۰
تسلیمات	۱۲ ساله	۴۴	۱۴۸	۳,۳۶۰,۰۰۰
استاد معین		۴۳	۱۴۸	۲,۳۵۰,۰۰۰
نیروی هوایی	۴ ساله	۴۵	۲۱۵	۴,۷۷۰,۰۰۰
پیروزی		۴۴	۱۱۰	۲,۵۰۰,۰۰۰
فاز یک اندیشه	۶ ساله	۴۴	۷۶	۱,۷۳۷,۰۰۰
نواب بریانک	۴ ساله	۴۳	۱۲۰	۲,۷۹۰,۰۰۰
هاشمی		۴۸	۱۸۰	۳,۷۵۰,۰۰۰
شهرری		۴۶	۱۵۱	۳,۲۸۰,۰۰۰
هلال احمر	پیش فروش	۵۰	۱۲۰	۲,۴۰۰,۰۰۰
سه راه	نوساز	۵۵	۱۴۹	۲,۷۰۰,۰۰۰

آذری				
قصر دشت - مرتضوی		۵۲	۱۶۰	۲,۰۰۰,۰۰۰
رودکی		۵۲	۲۱۵	۴,۱۳۵,۰۰۰
خاوران	نوساز	۵۸	۱۸۰	۲,۱۰۰,۰۰۰
پیچ شمیران		۶۰	۲۸۸	۴,۸۰۰,۰۰۰
ستارخان	۴ ساله	۵۸	۳۴۵	۵,۹۵۰,۰۰۰
آذربایجان		۵۶	۲۱۰	۲,۷۵۰,۰۰۰
امامزاده حسن	۲ ساله	۵۸	۱۲۲	۲,۱۰۰,۰۰۰
کمیل		۶۰	۱۵۷	۲,۶۱۶,۰۰۰
شهرک ولیعصر	۵ ساله	۵۸	۱۵۷	۷۰۰,۰۰۰,۲
کارون		۶۰	۱۲۰	۲,۰۰۰,۰۰۰
پاکدشت		۵۸	۴۸	
گرگان جنوبی		۶۴	۲۴۳	۲,۸۰۰,۰۰۰
میدان سپاه		۶۲	۱۸۰	۲,۹۰۰,۰۰۰
رسالت - نیروی		۶۲	۳۴۱	۵,۵۰۰,۰۰۰

دریایی				
افسریه		۶۱	۱۷۰	۲,۷۸۰,۰۰۰
جیحون		۷۰	۲۷۰	۲,۸۵۰,۰۰۰
یافت آباد	۴ ساله	۶۸	۱۳۶	۲,۰۰۰,۰۰۰
منطقه ۲۲		۶۸	۳۰۰	۴,۴۱۱,۰۰۰
مرزداران		۶۸	۳۶۰	۵,۳۰۰,۰۰۰
گمرک - قلمستان		۷۴	۲۵۰	۲,۳۷۸,۰۰۰
شهرک ولی عصر		۷۱	۱۵۲	۲,۱۵۰,۰۰۰
پونک	۲ ساله	۷۲	۳۶۰	۵,۰۰۰,۰۰۰
پونک	۴ ساله	۷۴	۴۴۴	۶,۰۰۰,۰۰۰
بولوار فردوس		۷۵	۳۲۸	۴,۳۷۰,۰۰۰
وحدت اسلامی	کلنگی	۹۶	۲۷۰	۲,۸۰۰,۰۰۰
میدان گرگان	کلنگی	۸۹	۴۹۰	۵۰۰,۰۰۰,۰۵
۳۰ متری جی	کلنگی	۸۲	۳۲۰	۲,۹۰۰,۰۰۰
شهر جدید	پیش	۸۵	۱۰۷	۱,۲۵۰,۰۰۰

پرديس	فروش			
شهر جديد پرديس	پيش فروش	۸۰	۶۰	۷۵۰،۰۰۰
کرج- شهرک بنفشه		۷۵	۲۹۲	۳،۹۰۰،۰۰۰
مهرشهر		۸۰	۸۰	۱،۰۰۰،۰۰۰
جاجرود	۲ ساله	۹۰	۱۳۵	۱،۵۰۰،۰۰۰
باغستان- کرج		۹۰	۱۶۰	۱،۷۸۰،۰۰۰
ورامين		۸۵	۶۵	۷۶۴،۰۰۰
	متوسط	۵۷	۱۸۰	۲،۲۳۹،۰۱۴

فريدون شهبازی کارگر کارخانه چرم سازی قورق بر اثر برق گرفتگی جان باخت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران پنجم خرداد 92 آمده است : روز جمعه سوم خرداد ماه فريدون شهبازی کارگر کارخانه چرم سازی قورق در حين کار دچار برق گرفتگی شد و پس از انتقال به بیمارستان توحيد سنندج جان باخت. این کارخانه در نزدیکی روستای قورق منطقه کامیاران قرار دارد و مالکیت آن قبلاً متعلق به بنیاد مستضعفان بوده است که با اجرای اصل 44 قانون اساسی، به بخش خصوصی واگذار شد. کارخانه چرم سازی قورق 20 کارگر دارد و آنان مدت شش ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. این در حالی است که کارفرمای این کارخانه از بیمه کردن کارگران نیز سرپاژ میزند. فريدون شهبازی در حالی حين کار دچار برق گرفتگی شد و جان باخت که لیست بیمه اش رد نشده بود و همچون دیگر کارگران این کارخانه از شش ماه پيش دستمزد خود را دریافت نکرده بود وی 25 سال سن داشت و دارای یک فرزند بود که از بیش از یکسال پيش در این کارخانه مشغول کار شده بود. اتحادیه آزاد کارگران ایران با ابراز تاسف عمیق از جان باختن فريدون شهبازی، این ضایعه جانگداز را به خانواده و همکاران وی تسلیت میگوید و بر گسترش و تعمیق مبارزات سراسری کارگران ایران به عنوان تنها راه حل برای پایان دادن به وضعیت مصیبت بار کنونی که سوانح ناشی از کار و مرگ هر روزه کارگران یکی از ابعاد غیر قابل جبران آن است تاکید میکند. اتحادیه آزاد کارگران ایران

مرگ کارگر جوان بر اثر حادثه در پناه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 5 خرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده از شهرستان پاوه کارگر جوانی به نام بختیار شاه ویسی راننده جرثقیل در حین کار دچار حادثه شده و متأسفانه فوت نمود. نامبرده متأهل و دارای دو فرزند بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن عرض تسلیت به خانواده و دوستان این کارگراعلام می‌دارد که در جامعه سرمایه‌داری جان هیچ کارگری در حین کار در امان نبوده و نیست؛ زیرا سرمایه‌داران برای سود بیشتر هیچگونه توجهی به مسائل ایمنی و رفاه اقتصادی کارگران نمی کنند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

در نامه هفت تشکل کارگری تاکید شد: در صورت ادامه سهمیه بندی بیمه کارگران ساختمانی، تجمع می کنیم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : هفت تشکل صنفی کارگران ساختمانی در نامه‌ای به رییس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی نسبت به ادامه‌ی رویه غیر قانونی سازمان تامین اجتماعی در خصوص اعمال سهمیه بندی برای بیمه ی کارگران ساختمانی هشدار دادند.

به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است «در صورتی که توجهی به بیمه ی کارگران ساختمانی صورت نگیرد تا پایان موعد انتخابات صبر می کنیم و پس از آن در مقابل ساختمان مجلس، سازمان تامین اجتماعی و دیوان عدالت اداری تجمع خواهیم کرد»

انجمن صنفی «گچ کاران»، «آسفالت کار و عایق کاران»، «جوشکاران»، «آرما توربندان»، «سنگ کاران» و «کاشی کاران» استان تهران به همراه انجمن صنفی «کارگران ساختمانی» پاکدشت نامه ی مذکور را امضا کرده اند. در این نامه با اشاره به اینکه در سال جاری مقرر شده بود سهمیه ی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی به طور کل برداشته شود، آورده شده است: سالانه از 200 هزار کارگر ساختمانی که واجد شرایط بیمه ی تامین اجتماعی بودند 31 هزار و 500 نفر در تهران بیمه می شدند که این تعداد در سال جاری به 3 هزار نفر رسیده است.

به گفته ی این تشکل های کارگری، کارگران ساختمانی به هر شعبه ای از سازمان تامین اجتماعی مراجعه می کنند از مسئولین بیمه می شنوند که سهمیه ای وجود ندارد و در بعضی از شعبات بیش از 10 دقیقه ثبت نام صورت نمی گیرد و حتی در بعضی از شعبات نام نویسی هم نبوده است.

پایان پیام

روزگار رنگارنگ کارگران فصلی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : روزگار رنگارنگ کارگران فصلی یک روز بازار فروش جوجه های رنگی را داغ می کند و فردا روز بساط کارهای ساختمانی را دو آتشه می سازد؛ امروز هم با آمدن بهار بازار جوجه های رنگی در کارتن های کوچک و بزرگ بر روی دست کارگران یا همان دستفروشان موقت می چرخد.

کارگران فصلی این روزها با آمدن فصل بهار ناامید از کارهای ساختمانی بر روی سنگفرش های پیاده رو و در ایستگاه مترو به فروختن جوجه های رنگی روی آورده اند و با عبور عقربه‌های ساعت امیدوارانه منتظرند تا شاید بچه های قد و نیم قد مدرسه ای با گذر از عرض خیابان جوجه های رنگی را از کارگرانی که با تغییر فصل، شغل ها و روزگار رنگارنگی دارند خریداری کنند.

هر سال همزمان با آغاز فصل بهار و تابستان بازار فروش جوجه های رنگی داغ می شود و جوجه ها در این فصل برای جیب بهار کیسه می دوزند تا شاید در سود جوجه های ماشینی، لقمه ای نان نصیب سفره کارگران شود.

کارگران فصلی اغلب در این ایام با چیدن بساط خود در مترو و پایانه های مسافربری روزگارشان را با فروش جوجه ماشینی یا همان جوجه رنگی می گذرانند.

این کارگران در گوشه ای از خیابان می نشینند و در حالی که بساط جوجه های رنگی را در مقابلشان قرار می دهند از راه فروش جوجه ها تلاش می کنند تا اقتصاد خانواده را تامین و شرمنده فرزندان خود نشوند، آنها از صبح تا پاسی از شب در کنار کوچه و خیابان بساط می کنند تا شاید کودکی با خیره شدن چشم هایش به رنگ های مختلف فکر خرید در سر بپروراند.

یکی از کارگران در این رابطه می گوید: من کارگر فصلی هستم و با آغاز بهار جوجه های رنگی را در کنار خیابان بساط می کنم تا روزگرم بگذرد.

محمد رسولی ادامه می دهد:کارگران فصلی و موقتی همچون من در این ایام باید بساط فروش جوجه های ماشینی و رنگی را در کنار خیابان یا در ایستگاه مترو پهن کنند البته اگر شهرداری ما را به حال خود باقی بگذارد.

به قول این کارگر فصلی خرج خانه با کارگر فصلی بودن در نمی آید و مجبور است از صبح ساعت شش از خانه بیرون بزند تا پاسی از شب چندرغاز پول بخور و نمیری را درآورد و شکم 7 عائله را سیر کند.

رسولی با صدایی آرام و لحنی نگران می گوید، چشمهایم دیر زمانی است که برای امرار معاش روزانه به دنبال هر ماشینی می دود و بر سر چهارراه ها، پایانه ها و ایستگاه مترو انتظار می کشم تا در این فصل با فروش جوجه های رنگی روزگرم سپری شود.

دستهای این کارگر خسته و ترک برداشته و نگاهش پر از اندوه و نگرانی است اما هنوز هم پا برجا و محکم برای تامین معاش خود ایستادگی می کند.

او با بیان اینکه بهار و تابستان هم بازار کار را برای کارگران فصلی کساد کرده است، عنوان می کند: در گذشته امکان جذب کارگران موقت و فصلی در شرایط بهار و تابستان وجود داشت اما در حال حاضر در این فصل ها نیز تمامی کارگران در جمع بیکاران قرار دارند و ناچارند به شغل هایی مانند فروش جوجه ماشینی، بادبادک و اسباب بازی روی آورند.

در روبروی خیابان نیز سکوی پایانه مسافربری پر است از کارگرانی که برای بدست آوردن نان، جعبه جوجه های رنگی را ردیف کرده اند اما این همه ماجرا نیست چرا که بیشتر آنها به غیر از فروش جوجه، گونی، ماله، تیشه و کمچه را هم در کنار خود ردیف کرده اند تا اگر بازار فروش جوجه در یک روز داغ نشد به عنوان کارگر سرگذر، بنایی و کارهای ساختمانی را انجام دهند.

در چهره هر کدام از آنها که نگاه کنی کوله باری از خستگی و مشقت است، آنان همیشه سر چهارراهها و کنار ایستگاه مترو و اتوبوس یا در ساختمانهای نیمه خرابه نخاله ها را جا به جا می کنند یا جوجه و بادبادک می فروشند.

یکی از آنها که نامش محمد است سرش را پایین می اندازد و با دلخوری می گوید: کارگر فصلی بودن هیچ ندارد و از همه بدترش این است که گاه باید با دست خالی راهی خانه شوم.

او بیان می کند: نزدیک ده روز است که از صبح تا ظهر در ایستگاه اتوبوس می ایستم اما دریغ که جوجه های رنگی هم این روزها با وجود بازی های رایانه ای کودکان را برای خرید وسوسه نمی کند.

این مرد آهسته و شمرده می گوید که بی سواد است و به همین دلیل به انجام هر کاری تن می دهد و توقع زیادی هم ندارد و تنها و تنها به فکر سیر کردن شکم زن و بچه اش است.

محمد عنوان می کند: در این شرایط بد کاری اگر غروب 10 تا 15 هزار تومان هم بتوانم به خانه ببرم راضی هستم و خدا را شکر می کنم.

علیرضا باقری نیز یکی دیگر از کارگران فصلی است که بساط فروش جوجه را در کنار خیابان به راه انداخته است، او می گوید: سه سال است که از سربازی برگشته ام اما به هر جا مراجعه کردم نتوانستم کار گیر بیاورم.

او ادامه می دهد: کارفرماهایی بودند که نیاز به کارگر داشتند اما به خاطر اداره ی کار حاضر نبودند که مرا به کارگیری کنند

این جوان معتقد است، اگر در کارگاهی مشغول به کار می شدم، بهتر از دستفروشی بود، من نمی توانم روی دستفروشی و کارگر موقت بودن به عنوان يك شغل نگاه کنم چرا که چهارچوب زندگی با کار موقت و تغییر شغل های مدام و فصلی بنا نمی شود و باید هر طور می شود کاری ثابت را پیدا کنم.

او می گوید: بساط فروش جوجه و بادبادک در همین بهار و تابستان داغ است اما با گذر این فصل باید به فکر یافتن شغل هایی دیگر بود هر چند که در کارهای ساختمانی و بنایی نیز به دلیل به کارگیری کارگران افغانی بازار کاری برای کارگران ایرانی وجود ندارد اما من بازهم امیدوار هستم.

کارگرانی فصلی که این روزها بر سر چهارراه ها و در کنار ایستگاه های اتوبوس و مترو بساط فروش جوراب، گل سر و جوجه رنگی را پهن می کنند آرزو دارند تا در ساخت یک کدام از بناهای شهر سهیم باشند و بازار کاری برای کسب درآمد در گوشه ای از این شهر بزرگ برای خود دست و پا کنند.

دریغ که در شغل های ثابت کارفرما هزار و یک دلیل می آورد و حاضر به بکارگیری دائم یک کارگر نیست و در این میان تنها کسی که آسیب می بیند و در هر فصلی به دنبال شغلی جدید است کارگر فصلی است، کارگری که این روزها برای بدست آوردن لقمه ای نان باید به آب و آتش بزند.

۲ کارگر، قربانی حادثه ی کار در پاوه شدند

به گزارشگر دپا، در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : حوادث ناشی از کار در شهرستان پاوه، سبب جان باختن یک کارگر و زخمی شدن دو تن دیگر شد.

این گزارش حاکیست، روز گذشته، چهارم خردادماه یک کارگر گرد به نام " بختیار شاه ویسی " فرزند "علی"، اهل روستای نیسانه" از توابع شهرستان پاوه در هنگام کار، جان خود را از دست داد.

این کارگر گرد، متأهل و دارای دو فرزند بوده که به دلیل بی توجهی کارفرما و نبود امینی در محل کار، جانش را از دست می دهد.

در همین حادثه، دو کارگر دیگر که هویت آنان نامعلوم است به شدت زخمی شده که جهت مداوا به بیمارستان پاوه منتقل شدند.

مرگ کارگر جوان بر اثر حادثه در پاوه

به گزارش رسیده از شهرستان پاوه کارگر جوانی به نام بختیار شاه ویسی راننده جرثقیل در حین کار دچار حادثه شده و متأسفانه فوت نمود. نامبرده متأهل و دارای دو فرزند بود .

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن عرض تسلیت به خانواده و دوستان این کارگراعلام می دارد که در جامعه سرمایه داری جان هیچ کارگری در حین کار در امان نبوده و نیست؛ زیرا سرمایه داران برای سود بیشتر هیچگونه توجهی به مسائل ایمنی و رفاه اقتصادی کارگران نمی کنند.

۵ خرداد ۱۳۹۲

صبح امروز مقابل سازمان تامین اجتماعی رخ داد: تجمع کارگران نساجی سیمین در اعتراض به بخشنامه جدید مشاغل سخت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : جمعی از کارگران کارخانه نساجی سیمین اصفهان، صبح امروز در اعتراض به محروم شدن از مزایای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور در مقابل سازمان تامین اجتماعی تهران تجمع کردند.

این کارگران که در کارخانه نساجی سیمین اصفهان با شرایط سخت و زیان آور اشتغال دارند، خواهان بازنشستگی پیش از موعد در چارچوب قانون مشاغل سخت و زیان آور هستند. گفته می‌شود دلیل تجمع امروز این کارگران مخالفت سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی پیش از موعد این کارگران بوده است.

به گفته «اصغر برشان» دبیر اجرایی خانه کارگر استان اصفهان هم اکنون حداقل یکصد کارگر کارخانه نساجی سیمین اصفهان دارای شرایط استفاده از قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور هستند.

این مقام کارگری افزود: با این حال سازمان تامین اجتماعی در تازه‌ترین بخشنامه مربوط به اجرای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور شرایطی را تعیین کرده است که به موجب آن بازنشستگی کارگران نساجی سیمین منتفی شده است.

به گفته برشان در بخشنامه جدید سازمان تامین اجتماعی آمده است که کارگران مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور برای استفاده از مزایای بازنشستگی پیش از موعد نباید در سوابق کاری خود دارای وقفه باشند. وی با بیان اینکه در بخشنامه قبلی سازمان به چنین موضوعی اشاره نشده بود گفت: از آنجا که کارخانه نساجی سیمین اصفهان چند سال پیش برای بازسازی و تغییر ساختار مدتی تعطیل و کارگران به صورت موقت به صندوق بیمه بیکاری معرفی شده بودند، این کارگران با سوابق فعلی خود امروز نمی‌توانند پیش از موعد بازنشسته شوند.

دبیر اجرایی خانه کارگر استان اصفهان گفت: بر اساس بخشنامه جدید مدتی که کارگران این کارخانه مقرری بگیر بیمه بیکاری بودند جزء سوابق سخت و زیان آور محسوب نشده و به همین دلیل در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی آنها مخالفت می‌کند. به موجب قانون مشاغل سخت و زیان آور، کارگران که قصد استفاده از مزایای بازنشستگی پیش از موعد را دارند باید یا بصورت متوالی دارای 20 سال سابقه و یا بصورت متناوب دارای 25 سال سابقه کار در مشاغل سخت و زیان آور را داشته باشند. در سالهای اخیر سازمان تامین اجتماعی با کمبود منابع مالی مواجه بوده است و به نظر می‌رسد که بخشنامه جدید سازمان در همین رابطه صادر شده است.

پایان پیام

کشته وزخمی شدن 2 کارگر بر اثر سقوط تیر برق در پایتخت

به گزارش دولتی ایسنا، در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است: مدیر روابط عمومی اورژانس تهران از بروز حادثه مرگبار برای دو کارگر افغان حین کار روی تیر برق، در خیابان نامجو، خیابان سلمان فارسی، خبر داد. براساس این گزارش، حسن عباسی در تشریح جزئیات این خبر گفت: تکنیسین‌های اورژانس پس از حضور در محل متوجه شدند که دو کارگر حین کار روی تیر برق بودند که ناگهان این تیر شکست و این دو همراه با تیر برق روی زمین پرتاب شدند.

مدیر روابط عمومی اورژانس تهران با بیان اینکه یکی از این کارگران افغان که 40 سال سن داشت، در دم جان باخت، گفت: عوامل اورژانس مجروح دیگر این حادثه را که 35 سال سن داشت، به بیمارستان امام‌حسین منتقل کردند.

می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است: مجموعه شعر «می‌ترسم بعد از مرگ هم کارگر باشم»، اثر «سابیر هاکا» در کمتر از دو ماه به چاپ دوم رسید. بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، این کتاب مجموعه اشعار سابیر هاکا، شاعر جوان کرمانشاهی است که از سوی انتشارات نیماژ و در مجموعه

«پازل شعر امروز» منتشر شده است. این کتاب در 72 صفحه و با قیمت 4هزار تومان منتشر شده است. چند نمونه از اشعار این کتاب را در ادامه می خوانیم:

تنها جنگ می تواند قانونها را تغییر بدهد

پدرم
برای لقمه نانی بخور و نمیر شب و روز کار می کرد
و معتقد بود
آبروی یک مرد در گروی این است که خانواده اش
گرسنه نماند
و بدترین کار یک دولت این است
که مردم اش گرسنه باشند!
کاش می شد قانونها را تغییر داد
که کارگرها بتوانند نامزد ریاست جمهوری شوند
*

شاه توت

تا به حال
افتادن شاه توت را دیده ای؟
که چگونه سرخی اش را با خاک قسمت می کند
{هیچ چیز مثل افتادن دردآور نیست}
من کارگرهای زیادی را دیدم
از ساختمان که می افتادند
شاه توت می شدند!
*

حتی مارکس هم از بعضی کارگرها متنفر بود

کارگری شغل شرافتمندانه ای است
انسان نان بازوهایش را می خورد
هرچند خیلی وقتها
گرسنه مانده ام
دروغ و ناسزا شنیده ام
بیکار بوده ام
اما هرگز حاضر نیستم
در ساختمانی کار کنم که قرار است
روزی بر سر در آن بنویسند:
زندان مرکزی

پایان پیام

انفجار دیگ ذوب آهن در بناب 6 کارگرا راهی بیمارستان کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است: مسئول روابط عمومی فوریت‌های پزشکی آذربایجان شرقی گفت: شامگاه دیروز در شهرستان بناب انفجار دیگ ذوب آهن در یک کارخانه شش کارگرا مصدوم و راهی بیمارستان کرد.

برپایه این گزارش، حبیب حسینقلی‌زاده امروز با بیان این خبر، اظهار کرد: 6 نفر کارگر مصدوم شده عمدتاً از ناحیه دست و پا دچار سوختگی ناشی از انفجار شده‌اند.

وی از اعزام چهار نفر از مصدومان به تبریز خبر داد و گفت: چهار نفر از کارگران مصدوم شده به دلیل شدت سوختگی به بیمارستان سینای تبریز برای ادامه مداوا اعزام شدند. حسینقلی‌زاده درصد سوختگی مصدومان اعزامی به تبریز را 50 درصد اعلام کرد.

بدون شرح

کارگران اجازه ادغام تامین اجتماعی در بیمه سلامت را نمی‌دهند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است: رئیس اتحادیه پیشکوسان جامعه کارگری با انتقاد از سخنان روز گذشته مدیرعامل سازمان بیمه سلامت مبنی بر ادغام بخش درمان سازمان تامین اجتماعی در سازمان بیمه سلامت، گفت: بهتر است آقای احمدی‌نژاد در آخرین روزهای عمر دولتش اجازه بیان چنین سخنان عجیبی را به مدیران زیر مجموعه‌اش ندهد.

«حسن صادقی» در گفتگو با ایلنا ضمن اشاره به اینکه طبق شرع، قانون مدنی، قانون اساسی و قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی، بخش درمان سازمان تامین اجتماعی حق الناس بوده و به صاحبان اصلی آن یعنی بیمه شدگان و مستمری بگیران تعلق دارد گفت: بخش درمانی سازمان تامین اجتماعی اعم از مستقیم و غیر مستقیم، حاصل حق بیمه کارگران است و ما اجازه نخواهیم داد که گروهی پزشک بر این اموال کارگران سیطره پیدا کنند.

رئیس اتحادیه پیشکوسان جامعه کارگری در ادامه با استناد به قانون برنامه توسعه پنجم که بخش درمان سازمان تامین اجتماعی را از ادغام در سازمان بیمه سلامت کشور مستثنی کرده است، گفت: معلوم نیست که چرا علیرغم صراحت این قانون، برخی از پزشکان بدنبال دور زدن قانون و تعدی و تجاوز به اموال و املاک بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی هستند. وی با بیان اینکه دولت حق ندارد چنین مجوزی را بدهد، گفت: جامعه کارگری اجازه نخواهد داد که هیچ یک از بخشهای سازمان اعم از درمان مستقیم، غیر مستقیم و سرمایه گذاری از بدنه سازمان جدا شود.

صادقی با انتقاد از برخی مدعیان جامعه کارگری که بجای دفاع از کیان سازمان تامین اجتماعی برای جلب رضایت شاکیان خصوصی یک نفر تلاش می‌کنند، گفت این افراد نان به نرخ روز خور بایستی در آینده پاسخگوی اقدامات دور از شان جامعه کارگری خود باشند. وی با اعلام اینکه ظاهراً دولت فعلی در آخرین روزهای عمر خود چون نیاز به رای جامعه کارگری ندارد و با توجه به اینکه تمامی توجهات (مجلس، قوه قضائیه، دیوان عدالت، رسانه ها و...) به انتخابات معطوف شده است می‌خواهد تپشه به ریشه تامین اجتماعی بزند. به همین خاطر از مقام معظم رهبری استمداد و درخواست می‌کنیم قبل از اینکه جامعه کارگری در مقابل این اقدام بیاستد و ناخواسته هزینه‌ای برای نظام فراهم نمایند با تعیین یک نماینده ویژه در سازمان تامین اجتماعی، اجازه تعدی و تجاوز به حق الناس را به مدیران دولت فعلی ندهند.

پایان پیام

آخرین دفاعیات حامد محمودی نژاد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده روز شنبه 92/3/4 «حامد محمودی نژاد» فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی، جهت ارائه ی آخرین دفاعیات خود در شعبه 4 دادپاری سنندج حضور یافت.

نام برده اتهام واهی وابستگی به احزاب خارج از کشور را تکذیب نموده و از عضویت خود در کمیته ی هماهنگی دفاع کرده است. این فعال کارگری در تاریخ 92/2/12 هنگامی که برای خرید مصالح ساختمانی از منزل خارج شده بود، در حین دیدار با یکی از فعالین کارگری و دوست خود، «جلیل محمدی»، دستگیر و به مدت 15 روز در اداره ی اطلاعات سنندج در بازداشت بود و با قید وثیقه 50 میلیون تومانی آزاد گردید. وی پیش از این نیز در تاریخ 17 اسفند 1391 به مدت 32 روز را به اتهام عضویت در کمیته ی هماهنگی در بازداشت اداره ی اطلاعات به سر برده بود. لازم به ذکر است که «جلیل محمدی» دیگر فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی همچنان در بازداشت اداره اطلاعات است و هیچگونه خبری از وضعیت سلامت و پرونده وی در دست نیست. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

مرگ کارگر جوان بر اثر حادثه در پاوه

به گزارش رسیده از شهرستان پاوه در تاریخ 5 خرداد 92 آمده است : کارگر جوانی به نام بختیار شاه ویسی راننده جرثقیل در حین کار دچار حادثه شده و متأسفانه فوت نمود. نامبرده متأهل و دارای دو فرزند بود . کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن عرض تسلیت به خانواده و دوستان این کارگراعلام می دارد که در جامعه سرمایه داری جان هیچ کارگری در حین کار در امان نبوده و نیست؛ زیرا سرمایه داران برای سود بیشتر هیچگونه توجهی به مسائل ایمنی و رفاه اقتصادی کارگران نمی کنند.

اطلاعیه شماره ۵۲

وضع جسمانی رضا شهابی مجددا و پس از بازگشت به زندان رو به وخامت است!

بنا بر خبرهای رسیده وضعیت جسمانی رضا شهابی پس از احضار مجدد به زندان به این شرح است : حدود ۲۰ روز است که درد شدیدی در ناحیه کمر احساس می کند و این درد به پای چپ او هم سرایت می کند به حدی که حتا نشستن، خوابیدن و راه رفتن عادی هم برایش بسیار دشوار شده است؛ درمان او تنها خلاصه شده است به هفته ی یک عدد آمپول دگزامتازون و ب ۱۳۹۲ - ب کمپلکس! گردن و بازوی چپ او هم به شدت درد می کند. این همه در حالی است که بیش از ۲۰ روز است درخواست متخصص جراح مغز و اعصاب کرده است اما تا کنون خبری نشده و هنگامی که برای پیگیری مراجعه می کند در جواب می شنود: "درخواست کنندگان جراح مغز و اعصاب به حد نصاب نرسیده، ما که نمی توانیم هر لحظه شما بخواهید دکتر فراهم کنیم!" از موارد بالا که بگذریم، دندانهای فک بالای رضا که موقتا ترمیم و به دلیل احضار به زندان به صورت موقتی روکش شده بود، باعث سر درد و چشم دردهای شدیدی شده است. طی پیگیری خانواده ی رضا شهابی به جهت تکمیل ترمیم دندان هایش، قرار بود ۲۸ اردیبهشت به دندانپزشکی اعزام شود اما به دلیل مخالفت دادستان (به این بهانه که مرخصی طولانی مدت داشته است) این امر انجام نشد ! کمیته دفاع از رضا شهابی ضمن اعتراض شدید به عدم رسیدگی به مشکلات حاد جسمی رضا شهابی که توان ادامه حبس را از او سلب کرده است، خواستار رسیدگی سریع و فوری به وضعیت این عضو سندیکا و هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است.

کمیته ی دفاع از رضا شهابی- ۶ خرداد ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی :

رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده - لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی - هه ساره ابراهیمی - شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیل احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی - علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربابه آذریان - حسن آذریان - حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلا آذریان - توفیق اسدی - طیب اسدی - محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسماعیلی - امیر اسلامی - سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه - مهرداد امین وزیری - جلال امینی - عباس اندریانی - ربخانه انصاری - صدیق امجدی - رقیه اصولی - اسماعیل بازافکن - حسین باقری - امیر باقری - امین باقری - فرهاد برنا - فرزاد برنا - سینا برنا - تورج برنا - مریم بختیاری - کوروش بخشنده - هوشیار بهمنی - شادی بهرامی - گلباغ بهمنی - سمیه بهشتی زاد - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبدالله بلواسی - ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیار پورعباد - برهان پیر خضرائی - جلال پیروتی - حسین پیروتی - رحمان تنها - وحید تیطاخی - یوسف جاهدی - قنبر جبارپور - سونیا جبار پور - سحر جبار پور - شبینم جبار پور - محمد چرتاب - سعدی چمنی - فرهاد حاتمی - شوان حبیبی - ایوب حسن زاده - مجید حسن زاده - حسین حسن آبادی - محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمن حسینی - نیشتمان حسینی - همدم حسینی - ناگو حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی - صباح حیدری - غالب حسینی - عبدالله حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی - محسن حسینی تبار - دلیر حشمتی - حسن حقیقی - ابوالفضل حکمتی - غلامعلی حکمتی - علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا خورشیدی - خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا - سوسن رازانی - منیره رحینی - غلام رزمی - افروز رزمی - احمد رزمی - بهمن رزمی - فاطمه رزمی - علیرضا رزمی - فاطمه رفیعی - ربابه رضایی - فریبا رضایی - نوراله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی - فریبرز رئیس دانا - بیژن رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی - ظهیر رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری - حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراز روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی - بیژن زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندی - بهمن زندی - شریف ساعد پناه - سوما ساعد پناه - کیوان ساعد پناه - یعقوب سبک خیز - صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی - حسن سعیدی - هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی - علی سهرابی - نیما سهرابی - طلیعه سلامی - مسعود سلیم پور - خالد ساعدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی - حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی - کیوان شریفی - شهرام شمشیری - زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا - حسن شهابی زکریا - پژمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا - محمد امین شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمن شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا - عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی - بهرام شهابی - شهرام شهابی - مسعود شهابی - محمود شهابی - آریاشهابی - آرینا شهابی - آیتا شهابی - محمد شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی - علی شوقی - عباس شوقی - میناشوقی - سمیه شوقی شندی - بهاره صابری - نظام صادقی - منیژه صادقی - مریم صادقی - نجیبه صالحزاده - محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبدالله صمدی - مهرداد صبوری - یدالله صمدی - مادر صمدی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی - رسول صمدی - مهران صمدی - مهرداد صمدی - منوچهر صمدی - مهدی صمدی - مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی - علی صمدی - شاهو صفیاری - فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی - رها ضیائی - محمد عبدی پور - مرضیه عبدی - سیوان عبدی - فرزاد عبدی - ربیوار عبدالهی - فواد عبدالهی - محمد عزیز - علیرضا عسگری - سروش علیپور - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فاتحی - سیروس فتحی - کوروش فتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی - چینی فیضی - حبیب فتحنائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الهی - کاظم فرج الهی - کژال فاتحی - مریم قاسملو - پژمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور - یداله قطبی - محمود قلی زاده - صالح قهرمانی - عبدالله کاظمی - فهیمه کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیه کمانگر - ناصر کمانگر - مرتضی کمساری - شاهرخ کریمی - رحمان کریمیان - چیمن کیخسروی - علی کریمی - شهناز گلزاری - شعله گودرزی - محمد گویلیان - اقبال لطیفی - شهناز لرکی - بردیا مارابی - افسانه ملا زینل - فرید مجیدی - مینا موحد - جلیل محمدی - علی محمدی - عباس محمودی - مجید محمودی - فیروز محمدزاده - شمس الدین مرادی - زاهد

مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مریوانی - مسعود مریوانی - صباح ملکی - کمال ملکی - مجید ملکی - نادر ملکی - ستار ملایی - سیروان مجیدی - ایوب مجیدی - احد محمودی - جهانگیر محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختاریپور - محمد مولانایی - فردین میرکی - محمد امین میرکی - شریفه محمدی - منیره محمدی - نوشین محمدی - هدی محمدی - مریم میرکی - بهمن محمدی - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فردین مهدی - عمر مینایی - کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا - خبات مرادی - مازیار مهرپور - دیاکو مردوخی - نسرين محمدی - علیرضا موثقی - منیره موحد - سیاوش موحد - نادر نادری - شاپور نادری - جهانگیر نادری - جهانپور نادری - جهانسوز نادری - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامداری - نقشین ناصری - فردین نگهدار - هوشیار نجاری - نامق نیکدل - پدرام نصرالهی - گوهر ناصری - افشین ندیمی پور - علی اکبر نظری - صدیقه نظری - سید رضا نعمتی پور - آرمان نوری زاد - لیلانیکو خصال - محمدعلی نیکوخصال - حسین نظیف کردار - آزاد ورمزیار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی - جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی - پروین یوسفی نژاد

در گفتگوی تفصیلی با رئیس اتحادیه کارگران ساختمانی طرح شد: سقوط از ارتفاع عامل 70 درصد حوادث مشاغل ساختمانی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: طبق گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی، روزانه به طور متوسط بیش از پنج کارگر در سراسر ایران بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند. سازمان پزشکی قانونی در گزارشی که اسفندماه سال گذشته منتشر کرد از کشته شدن یک هزار و ۵۱۷ کارگر در کشور بر اثر حوادث ناشی از کار در ده ماهه نخست سال گذشته خبر داد که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از آن ۱۴ درصد افزایش یافته است.

بر اساس آمارهای پزشکی قانونی مهم‌ترین علت حوادث ناشی از کار به ترتیب سقوط از بلندی، اصابت اجسام سخت، برق‌گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن گزارش شده و تاکید شده است: بیشترین قربانیان حوادث ناشی از کار را «کارگران ساختمانی» تشکیل می‌دهند.

هر چند مشاغل ساختمانی در نقاط دیگر جهان نیز با سهم ۱۷ درصدی از مجموع حوادث شغلی، در زمره حادثه‌خیزترین مشاغل شناخته می‌شوند اما سهم کارگران ساختمانی ایران 29 درصد بیش از همکارانشان در سایر نقاط دنیا است. در سال گذشته ۴۶ درصد از مجموع حوادث شغلی ایران در مشاغل ساختمانی رخ داده است که این آمار تنها یک نما از فاجعه‌ای است که هر روز در کارگاه‌های ساختمانی اتفاق می‌افتند.

زمانی که حادثه شغلی رخ می‌دهد نظرها بیشتر معطوف به شخص حادثه دیده می‌شود و معمولاً هیچ توجهی به علت حادثه و بررسی مشکلات برای جلوگیری از تکرار آن نمی‌شود.

به اعتقاد کارشناسان کارگری، ضعف دولت در انجام بازرسی و کنترل‌های لازم و همچنین تمایل کارفرمایان به کسب بالاترین سود در کارگاه‌های ساختمانی و به تبع حذف هزینه‌های حیاتی ارتقای ایمنی در این کارگاه‌ها باعث وقوع حوادث مرگبار برای کارگران در این بخش شده است.

فعالان صنفی، وزارت کار را به‌عنوان متولی نظارت بر ایمنی محیط‌های شغلی می‌شناسند و معتقدند دولت نتوانسته است از عهده این مسئولیت بر آید، به‌طوری که افزایش وقوع حوادث شغلی در کارگاه‌های ساختمانی نایمن و غیراستاندارد نشان می‌دهد که سلامت شاغلان در این محیط‌ها به طور دائمی در معرض تهدید قرار دارد.

در گفتگوی تفصیلی با «اکبر شوکت» رئیس هیئت‌مدیره کانون انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور، به زوایای پنهان‌تری از فجایعی که روزانه در کارگاه‌های ساختمانی رخ می‌دهند پرداخته‌ایم.

- سهم کارگران ساختمانی از مجموع حوادث کار در کشور چقدر است؟

حوادث رخ داده در حوزه ساختمان در کشور طبق آمار پزشکی قانونی میانگین حدود 46 درصد است که کشورمان از لحاظ پیشگیری حوادث کار در مقایسه با سایر کشورهای دنیا یکی از عقب مانده‌ترین کشورهاست.

کشورهای پیشرفته با رعایت اصول ایمنی در حوزه ساختمان این رقم را به زیر ۱۰ درصد کاهش داده‌اند، این در حالیست که در کشور ما بر خلاف کشورهای پیشرفته هر ساله آمار حوادث کار بویژه در بخش ساختمانی، رو به افزایش است.

بی‌توجهی به افزایش حوادث درحین کار و عدم برنامه ریزی برای جلوگیری از بروز این حوادث در کشور سبب افزایش این حوادث شده است.

- با توجه به تنوع حرفه‌های خطرناک در کشور، وقوع 46 درصد حوادث تنها برای یک حرفه، آمار وحشتناکی است. می‌توان عامل مشخصی را برای چنین آمار وحشتناکی ذکر کرد؟

مهم‌ترین عامل افزایش حوادث کار در بخش ساختمان در چند سال اخیر، در پیش گرفتن سیاست ساخت و ساز بدون توجه به تمامی مختصات این حرفه خطرناک، از سوی دولت بوده است. به عنوان مثال طبق آمار مراجع رسمی رقم ساخت ساز در کشورمان در سال ۹۰ با ۳۰ درصد افزایش حدود ۲۰ میلیون متر مربع افزایش یافته است، این در حالیست که میزان افزایش حوادث در کارگاه‌های ساختمانی به تناسب توسعه ساخت وسازها، افزایش می‌یابد.

- شایع‌ترین حادثه کار بین کارگران ساختمانی چیست؟

هم اکنون ۷۰ درصد از حوادث ناشی از کار که در پروژه‌های ساختمانی اتفاق می‌افتد مربوط به سقوط از ارتفاع است که بخش عمده‌ای از آن مربوط به کارگران «آرماتور بند» و «قالب بند» است که متأسفانه درصد زیادی از آن منجر به مرگ و میر نیروی کار می‌شود.

- عدم رعایت اصول ایمنی در کارگاه‌های ساختمانی تا چه میزان در بروز حوادث ناشی از کار موثر است؟

بر اساس تجربه می‌توان مدعی شد که در کشور ما هیچ کارفرمایی در کارگاه ساختمانی خود مسائل ایمنی را به طور کامل رعایت نمی‌کند و مشخص‌ترین اقدامی که در برخی کارگاه‌ها می‌توان در خصوص رعایت ایمنی کار مشاهده کرد، آویزان کردن چند کلاه ایمنی بر روی میخ‌های دیوار است که آنهم از ترس ورود ناگهانی بازرسان کار آویخته شده است.

روزانه در گوشه و کنار این شهر، ساخت و سازهایی انجام می‌شود که حتی کمترین اصول ایمنی کار در آنها رعایت نمی‌شود. برای مثال داربست‌هایی که در کارگاه‌ها برپا می‌شود همگی غیراصولی و فاقد توری محافظ هستند، در حالی که با اقدام ساده و کم هزینه‌ای مثل نصب اصولی این توری‌ها می‌توان سلامت جان کارگران و حتی عابران پیاده را تضمین کرد.

- آموزش کارگران ساختمانی در کاهش حوادث کار تا چه میزان موثر است؟

متأسفانه آموزش‌هایی که برای ایمنی کار صورت می‌گیرد فقط در حد پوشیدن کفش و کلاه ایمنی است و آموزش‌های تخصصی نه تنها به کارگران که حتی به کارفرمایان نیز ارائه نمی‌شود. ما هنوز هم بحث آموزش را تنها به کلاه ایمنی بر سر گذاشتن و چند مورد کوچک دیگر محدود می‌کنیم، در

حالی که مواردی که به استفاده از کلاه ایمنی تأکید دارد، درصد پائینی از حوادث را شامل می‌شود و مسائل روز دنیا درباره بحث ایمنی در کار بسیار گسترده‌تر است. برای ارائه آموزش‌های تخصصی و به روز دنیا لازم است سازمان فنی و حرفه‌ای علاوه بر تربیت نیروی متخصص که بر تمامی حقوق خود از جمله حق «کار ایمن» آگاه باشد، به شکل جدی «پای کار بیاید» تا کارفرمایان و کارگران شاغل نیز تحت این آموزش‌ها قرار گیرند.

- با این حساب و شناختی که از یک سازمان دولتی (مثل فنی و حرفه‌ای) موجود است نمی‌توان به ارائه آموزش فراگیر و همچنین - به قول شما - تربیت نیروی کار متخصص امیدوار بود. در حال حاضر چه تضمین‌هایی برای «پس از وقوع حوادث» وجود دارد؟

اساسی‌ترین بخش مشکلات کارگران ساختمانی بحث بیمه تامین اجتماعی آنان بود که سال‌ها از خدمات‌اش محروم بودند که این بخش هم با پی گیری کارگران و انجمن‌های صنفی طبق اصل ۲۹ قانون اساسی با مصوبه مجلس مرتفع شد.

قانون مصوب بیمه کارگران ساختمانی یکی از جدیدترین روش‌های بیمه‌ای است که در کل دنیا در حال اجرا شدن است که اولین نمونه این نوع بیمه در کشور علی‌رغم مخالفت‌های بسیار در بخش بیمه کارگران ساختمانی اجرایی شد.

-در حال حاضر چه تعداد کارگر ساختمانی مشمول بیمه قرار گرفته‌اند؟

هم اکنون هشت صد هزار نفر از خانواده یک و نیم میلیونی کارگران ساختمانی بیمه شده‌اند.

-با چه شرایطی؟

در قانون بیمه کارگران ساختمانی ذکر شده است ۷ درصد از حق بیمه را کارگر و ۲۰ درصد مابقی را از طریق عوارض پروانه‌های ساختمانی که از سوی کارفرمایان پرداخت می‌شود وصول کنند.

-مقتضیات کار ساختمانی در بیمه مخصوص این قشر در نظر گرفته شده است؟

حادثه کار در مفهوم کلی خود شامل کلیه حوادثی است که در ضمن کار و نیز در حین رفت و آمد به محل کار برای کارگر به وقوع می‌پیوندد اما آنچه که در بخش ساختمانی حائز اهمیت است این است که این قانون شامل حال کارگران ساختمانی که کارگاه ثابتی ندارند نمی‌شود. به همین بهانه بیمه تامین اجتماعی اجرای قانون در مورد این کارگران را نادیده گرفته و کوتاهی می‌کند.

-به حوادث کار بازگردیم. برای وقوع هر حادثه شغلی می‌توان سه مقصر متصور شد. کارگر، کارفرما و دولت. نقش کدام یک از طرفین پررنگ‌تر است؟

مسئولیت حوادث حین کار با کارفرماست. طبق ماده ۸۷ قانون کار کارفرما موظف است نقشه ساختمانی ایمنی کارگاه خود را مشخص کند.

در ماده ۸۷ قانون کار آمده است که «کارفرما موظف است نقشه‌های ساختمانی و طرح‌های مورد نظر از لحاظ پیش بینی در امر حفاظت فنی و بهداشت کار را برای اظهار نظر و تایید به واحد کار و امور اجتماعی محل ارائه دهد».

متأسفانه بر خلاف تصریح قانون، ۹۰ درصد از کارگاه‌های ساختمانی موارد ایمنی پیش بینی شده را رعایت نمی‌کنند.

-چه کسی باید کارفرمایان را وادار به رعایت ایمنی کار کند؟

طبق قانون وظیفه بازرسی از کارگاه‌ها به عهده بازرسان کار است که واحد بازرسی کار از زیرمجموعه‌های وزارت کار محسوب می‌شود. عدم وجود بازرسی در کارگاه‌ها از مهم‌ترین عامل ایجاد حوادث شغلی به ویژه در بخش مسکن است. متأسفانه هیچ نظارتی از سوی بازرسان بر روی کارگاه‌های ساختمانی وجود ندارد.

- عافانه‌تر نیست که تشکل‌های کارگری به نیابت از کارگران وظیفه بازرسی را بر عهده گیرند؟

با توجه به اینکه بازرسی‌های کار به دلیل کمبود نیروی انسانی حتی فرصت بازرسی از واحدهای ثابت را ندارند، و در حرفه ما ثبات شغلی تقریباً بی‌معناست لازم است این بازرسی‌ها به انجمن‌های صنفی واگذار شوند. بازرسان کار حتی فرصت پی‌گیری گزارشهای آماده از تخلفات کارگاه‌ها را ندارند. بازرسی و نظارت بر کار کارگاه‌های ساختمانی در تخصص انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی است، همانطور که در شناسایی کارگران ساختمانی از سوءاستفاده‌گران برای معرفی به بیمه، تشکلان کارگری به نسبت دولت کمتر دچار مشکل می‌شوند.

- ظاهراً علاوه بر دولت نهادهای دیگری هم برای نظارت بر ایمنی مشاغل ساختمانی وجود دارند .

بله. نظام مهندسی هم مسئول است. متأسفانه مهندسان ناظر این سازمان نیز کمترین توجهی به امر ایمنی در کارگاه‌های ساختمانی ندارند و از هر هزار مورد حتی یک مورد نیز نمی‌بینیم که این ناظران بخواهند مسائل ایمنی را تذکر دهند.

- قصور کارگران در پی‌گیری صدماتی که بر اثر کار متحمل می‌شوند در چه مواردی است؟

اگر در نظر داشته باشیم که در صورت ثبت صحیح و گزارش به مراجع قانونی قابلیت پیگیری و احقاق حق مصدومین وجود دارد، مشکل معمولاً مواقعی بروز می‌کند که حوادث گزارش نمی‌شوند و کارگران سال‌ها بعد و معمولاً وقتی با کارفرما دچار اختلاف می‌شوند به یاد پیگیری مشکل خود می‌افتند که در آن زمان جمع‌آوری مستندات بسیار مشکل خواهد بود.

اما نباید فراموش کرد که افزایش وقوع حوادث شغلی نشان‌دهنده نقص در عملکرد مسئولان دولتی است. مسئولان پس از شناسایی عوامل حادثه سعی نمی‌کنند با اتخاذ سیاستهای پیشگیرانه با رفع نواقص کار، از تکرار حادثه و یا لاقط کاهش آن جلوگیری کنند.

پایان پیام

مرگ کارگر برق‌کار در اثر نبود ایمنی!

به گزارش رسیده روز سوم خرداد ماه کارگری به نام فریدون شهبازی ۲۷ ساله از اهالی روستای قورق، کارگر برق‌کار کارخانهی دانه‌بندی جوجه و مرغ بعلت نبود وسایل و امکانات ایمنی در محیط کارخانه دچار حادثه‌ی برق گرفتگی شد و متأسفانه در دم جان سپرد. وی متأهل و دارای فرزند بود . کمیته‌ی هماهنگی ضمن تسلیت به خانواده و دوستان فریدون شهبازی، خواهان برقراری استانداردهای ایمنی در محیط‌های کاری برای جلوگیری از بروز این گونه حوادث ناگوار می‌باشد.

۶ خرداد ۱۳۹۲

به نیروی کارگران باور دارم

رحمان ابراهیم زاده

"در خرداد ماه اطلاعیه ای جهت معرفی سخنگوی بهنام ابراهیم زاده در سایت ها منتشر شد، متن زیر در ارتباط با آن نوشته جهت افکارعموم تنظیم شده است"

من رحمان ابراهیم زاده عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ، سالیان سال در کوره پز خانه های تبریز و ارومیه کار کرده ام ، جایی که هم محیط کار و هم محیط زندگی بود . در چنین محیطی من مسائل بسیاری را فرا گرفتم . از جمله اینکه در جریان کار و عمل آموختم که منافع طبقاتی کارگران کاملا به هم وابسته است و شرایط زندگی بهتر تنها و تنها از طریق مبارزه و همبستگی طبقاتی امکان پذیر است. از طریق مبارزه دانستم که کارگران باید استقلال طبقاتی خود را در تمام زمینه ها از جمله سیاسی و اقتصادی حفظ کنند و در مواقع دشواری و در کشمکش های طبقاتی تنها به نیروی خود و هم طبقه ای هایشان تکیه کنند. به نظر من کارگران باید تحت هر شرایطی از تمام جناح های سرمایه داری دوری کنند. همه کوشش من در غیاب بهنام در همین راستا بوده است و باید همه بدانند که اگر توانستم در این راه موفق و سربلند باشم تنها به کمک کارگران و هم طبقه ای هایم بوده

من اعتقاد دارم که پیشرو کارگری باید در عمل ثابت کند که اهل مبارزه طبقاتی است. پیشرو کارگری از طریق کار و مبارزه مورد اعتماد مردم و علی الخصوص کارگران قرار می گیرد و از همین طریق می تواند برای خودش جایگاه اجتماعی کسب کند. در صورت عدم جایگاه اجتماعی هیچ مبارزه صنفی و سیاسی به سر انجام نخواهد رسید. پس باید از جنس کارگر و زحمتکش بود و نیروی مردمی را باور داشت. من نمیخواهم انرژی خود را در راهی صرف کنم که مرا از اصل کاری که به آن اعتقاد دارم دور سازد . من در این سال ها هیچ وقت از مسائل کارگری غافل نبوده ام و هر جا که ضرورتی ایجاد کرده باشد حضور داشته ام و می دانم مبارزه کارگری گاها تدریجی و گام به گام است و و برای تغییر باید تلاش کرد.

دوستان کارگر، پیشروان کارگری ، همانطور که اطلاع دارید پسر من بهنام در روز ۲۲ خرداد ۸۸ دستگیر شد. از آن تاریخ به بعد مشکلات من مضاعف شد چون هر ماه می بایست مسافت ۱۰۰۰ کیلومتری را طی می کردم تا به تهران می رسیدم . با وجود کهولت سن باید به همه دادگاه های مربوطه سر می زدم . در همین مسیر چند بار تصادف کردم و تا پای مرگ رفتم اما هر گز نگذاشتم زن و بچه بهنام کمتر بن کمیودی داشته باشند و مثل چشمانم از آنها بر اساس وظیفه ام مواظبت و حمایت کردم . لازم است ذکر کنم که در این مدت دوستان بسیار زیادی با من همراه بودند از جمله اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در سراسر ایران ، که جا دارد از همه آنها صمیمانه تشکر کنم که نگذاشتند بار این همه مشکلات را به تنهایی به دوش بکشم . در این میان دوستانی چندین بار از من شماره حساب خواستند که بنده قبول نکردم که آخرین بار در مجمع عمومی کمیته هماهنگی در کرج قبل از دستگیری بود که عنوان کردم که نیازی به کمک مالی نیست. باید یادآور شوم من به نیرو و توان خود و دوستانم و محبت صمیمانه همه آنها ایمان داشته و دارم که در سخت ترین شرایط در کنارم خواهند بود . در همین اثنا نوه ام نیما ابراهیم زاده به دلیل بیماری سرطان در بیمارستان محک تهران بستری شد.

همان طور که می دانید و بارها گفته شده همه امکانات درمانی در بیمارستان محک رایگان است. با این حال بنده به دلیل حضور مستقیم و تنها در کنار خانواده ی بهنام و نوه بیمارم از لحاظ جسمی و روحی داشتم تحلیل می رفتم که در این بین سیل دوستان و فعالین کارگری از سایر شهر های ایران به سوی تهران روانه شدند ، بنده یک بار دیگر احساس کردم که تنها نیستم که ناگهان آقای محمود صالحی طی یک مصاحبه بیاناتی را ایراد کردند که داغ دل من را تازه کرد من نمودارم چه منظوری داشت ولی هر چه بود صحت نداشت و بیانات ایشان یا مرضی نوه ام تفاوت بسیاری داشت. آقای صالحی که در تمام مدت دستگیری و زندانی شدن بهنام حتی یک بار به من و خانواده بهنام زنگ نزده بود و پس از بستری شدن نوه ام نیما نیز به کلی از وضعیت دشوار ما بی خبر بود در آن مصاحبه جوری وانمود می کند که انگار وکیل ما بوده و در تمام این مدت کنار ما بوده است. البته شاید آقای صالحی برای حفظ موقعیت سابق خود نیازمند این تبلیغات دروغین باشد و برای مطرح شدن بخواهد از کیسه فعالان کارگری هزینه کند که اینهم حتما از خصوصیات ایشان است اما واقعیت همان بود که من در بیانیه تکذیبی سخنان آقای صالحی نوشتم. قصد من در آن بیانیه این بود که جلوی سو استفاده از زندانی شدن بهنام و بیماری نیما گرفته شود و بدین ترتیب آقای صالحی نیز در جای واقعی خود قرار گیرد و جنبش کارگری هم نسبت به واقعیت ها مطلع شود وگرنه من به عنوان فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی و کسی که در جریان برخوردهای فرصت طلبانه آقای محمود صالحی بود خوب می دانستم که ایشان نه از سر

دلسوزی برای خانواده بهنام یا کمک به جنبش کارگری بلکه برای مطرح کردن مجدد خود صحبت می کند. من همان زمان اعلام کردم که هر کس می خواهد از نوه ام خبرداشته باشد با خود من تماس بگیرد و شماره تماس خود را اعلام کردم. نمیخواهم اظهارات من حمل بر توهین باشد اصلا به هیچ وجه قصد چنین کاری را ندارم اما میخواهم بدانم طبق اظهارات پسر من که بیانیه داده و گفته افرادی خانواده اش را اذیت کرده اند این کسانی که خانواده ش را مورد اذیت و آزار قرار داده اند چه کسانی هستند؟ و این آزار و اذیت از چه قرار بوده است؟ و گرنه بیان یک مشت اظهارات گنگ و مبهم در نوشته هیچ پایه و اساسی ندارد و درست مثل این است که در شب دنبال سیاهی بگردید. ایشان اظهار نموده اند که یک عده ای از پدرم سواستفاده کرده اند ، اتفاقا باید بگویم که بنده کاملا استقلال اندیشه دارم و از هیچ احدی خط نمیگیرم و اگر بی سواد خطابم می کنند کاملا درست است ولی تشخیص راست و دروغ، سواد نمی خواهد بلکه شعور می خواهد. به همین آقایانی که سواد! خود را به رخ ما می کشند و در جلسه شهر سقز در زمان تعیین سخنگو (محمود صالحی) به این کشف می رسند که طی یک اطلاعیه رسمی با بیان بی سواد بودن، من را تحقیر کنند ، باید بگویم بر من خرده نگیرید، مقصر دنیایی است که هیچ برابری در آن نیست و من و امثال من برای زنده ماندن ناچار شده ایم بدور از درس و مدرسه کار کنیم ،مدرسه من خاک بود و قالب خشت زنی و گرمای کوره پزخانه ، حقیر نظام سرمایه داری است ، نه من!

در ضمن اگر معیار سواد سواری گرفتن از فعالیت های فعالان جنبش کارگری و تکیه دادن به سندیکاها سازشکار فرانسوی است همان بهتر که من بی سوادم. من قضاوت را به کارگران و فعالین کارگری می سپارم و نه به عنوان پدر بلکه به عنوان یک فعال کارگری و یک همطبقه ای پسر من بهنام را مخاطب قرار می دهم و از او می پرسم:

پسر من! همین افرادی که مورد اتهام شما هستند از دوستان بسیار نزدیک من می باشند همین حالا که شما آزاد هستید با وثیقه همین دوستان است یا همین دوستان بودند که وقتی داروهای نیما نایاب بود با مشقت و تلاش فراوان و بدون تحمیل هیچ هزینه ای به ما تمام داروها را با صداقت تهیه کرده اند و تو می باید در صورت وفاداری به اصل همبستگی طبقاتی به تلاش آنان ارج و احترام بگذاری و به جای این که در کنار آقای صالحی تهمت پراکنی کنی باید به اتحاد کارگران کمک کنی. اما متاسفانه تو و معدود دوستانت از جمله آقای صالحی با فرافکنی می خواهید اذهان عمومی را منحرف سازید. حالا من از مردم ، از همه کارگران تقاضا دارم با این اوصاف قضاوت کنند، آیا من و دوستانم مرتکب قصور و کوتاهی شده ایم ؟ آیا به شما بد کرده ایم، آیا کمک کردن به یک خانواده کارگری محکوم است ؟ اگر اینچنین نیست، کار ما یک کار انسانی بوده و آنرا وظیفه انسانی خود میدانیم.

پسر من، هر کسی در تعیین خط مشی زندگی خود، مختار است. اگر سخنگو تعیین کرده اید کار بسیار خوبی کرده و با این کار مسولیت بزرگی را از دوش من برداشتی .فقط من فکر می کنم که آقای صالحی سخنگوی شماست نه شما سخنگوی ایشان که عده ای را متهم می کنی و نقش سخنگو را بازی می کنی . چون اظهار من الشمس است که روی سخن شما با چه کسانی است. در آخر یک بار دیگر از تمام کسانی که من را از هر لحاظ در این راه پر مشقت یاری داده اند تشکر می کنم و دستشان را به گرمی میفشارم و به خاطر برخورد غیر انسانی بهنام و سخنگوی جدید او از همه عذر خواهی می کنم. امید وارم که صراحت لهجه من کسی را نرنجانده باشد.

رحمان ابراهیم زاده - ششم خردادماه ۱۳۹۲

در حاشیه برنج وارداتی مسموم- قسم حضرت عباس را باور کنیم یا دم خروس را پروین محمدی

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است : چند سالی میشود مسئولین هم زبان به گلایه باز کرده اند و از مسایلی سخن به میان میاورند که گویی هم درد ما کارگران و مردم این جامعه هستند. از اختلاس های میلیاردی و رانت خواربها و خودمانی سازی ها که بگذریم قضیه تغذیه سالم

مسئله حیاتی دیگری است که این روزها در باره برنج وارداتی از زبان کسانی عنوان میشود که گردانندگان این جامعه هستند.

اینان ابتدا کار را در این جامعه به جایی رساندند که میلیونها خانواده کارگری دیگر نتوانستند از برنج سالم استفاده کنند و بناچار به خرید برنج ارزان وارداتی روی آوردند. و اما حال همین ها از نمایندگان مجلس اش تا مسئولین وزارت بهداشت در مقام ناجیانی ظاهر شده اند که فریاد بر میاورند که این برنج مسموم است، آلوده است، سرطان زا است و یا به کودکان ندهید و غیره...

کجای حرفتان را باور کنیم وای و فغان شما در مورد مسموم بودن برنج وارداتی یا رقم زدن آنچنان شرایطی که ما کارگران را به خرید این نوع کالاها سوق داده اید.

اعتراض میکنیم و میگوییم شما راه حل چگونه زندگی کردن با این شرایطی را که بوجود آورده اید نشانمان دهید. سخنی نمی گوئید. یعنی حرفی ندارید که بزیند، چون مسئول هستید و اگر پاسخ دهید باید شرایط را دگرگون کنید که این نیز کار شما نیست. از آن طرف اعلام میکنید جای آلوده وارد کشور شده است، آرد آلوده و نامرغوب توزیع شده است، گوشت مردار و از نظر پزشکی قابل معدوم شدن در صنعت کالباس و سوسیس استفاده میکنند و اکنون برنج مسموم و سرطان زا به فروش میرسد و شما چه دلسوزانه هشدار میدهید نخورید، مصرف نکنید که میمیرید و وجدانتان آسوده میشود که هشدار دادید.

اما انگار فراموش کرده اید که این تاجران بزرگ و قدرتمندی که توان گردش مالی میلیاردی را دارند یکی از خود همین شماهاست. امروز این صنعت و فردا صنعت دیگر را لو میدهید. برای سود بیشترتان حاضر به قربانی کردن اکثریت جامعه هستید. هر صنعتی را نگاه میکنیم به این موضوع به راحتی میشود پی برد که تنها چیزی که برایتان اهمیت ندارد جان و سلامت افراد این جامعه است.

شما نماینده مجلس و دیگر مسئولین برای رنجی که به کارگران ایران به خاطر تحمیل شرایط برده وار با قدرت خرید زیرخط صفر داده اید باید پاسخگو باشید و بدانید که با اینگونه افشاگریها در مورد کالاهای مسموم وارداتی چیزی از مسئولیت شما کم نخواهد شد. ما کارگران از این افشاگریها و اینکه انسانهایی در نتیجه این افشاگری و برای جلوگیری از مسموم شدن برنج وارداتی را نخواهند خرید خوشحالیم اما دیگر رنجی در سفره هایمان نخواهیم داشت. لذا هر طوری بچرخید باز هم همه شما مسئول این زندگی نکبت بار هستید و ما کارگران هرگز قسم حضرت عباس شما را باور نخواهیم کرد.

تجمع جمعی از کارگران نساجی سیمین اصفهان مقابل مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: جمعی از کارگران نساجی سیمین اصفهان، عصر امروز (دوشنبه) با تجمع مقابل مجلس خواستار اجرای بازنشستگی پیش از موعد در مورد کارگران این شرکت شدند.

بنا بهمین گزارش، به گفته تجمعکنندگان 140 نفر از کارگران نساجی سیمین اصفهان خواستار بازنشستگی پیش از موعد با بیش از 20 سال سابقه کار هستند اما تامین اجتماعی قانون بازنشستگی پیش از موعد در مورد آنها اجرا نمی کند.

شهرداری اعلام کرد:

کارگران شهرداری طیس تبدیل قرارداد نشده اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: در پی انتشار خبری مبنی بر تبدیل وضعیت 43 نفر از کارگران پیمانی شهرداری طیس به قرارداد مستقیم، شهردار طیس در اقدام شایسته ای وقوع این رخداد مثبت در مجموعه تحت امرش را تکذیب کرد. اقدام شهرداری طیس از آن جهت شایسته است که همواره اخبار منفی تکذیب می شوند اما این بار خبر مثبت تبدیل قرارداد پیمانی به مستقیم که از خواسته های همیشگی کارگران پیمانی است مورد تکذیب واقع شده است.

متن کامل جوابیه شهردار طیس مطابق قانون مطبوعات به طور کامل در ادامه می آید:

خبرگزاری محترم ایلنا
با احترام به استحضار می‌رساند:

خبر درج شده مذکور با موضوع تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی شاغل در شهرداری طبس به قراردادی غیرموقت بوده و دارای اعتبار نمی‌باشد بدین توضیح که:

کلیه شرکت‌های خدماتی، عمرانی و... طرف قرارداد با شهرداری طبس دارای قرارداد پیمانکاری و به صورت حتمی بوده و نیروهای تحت امر این شرکت‌ها هیچ ارتباطی قراردادی با شهرداری طبس نداشته و شرکت‌های مزبور ملزم به تامین نیروی خود برای انجام موضوع قرارداد می‌باشند فلذا تاکید می‌گردد کلیه شرکت‌های یاد شده به صورت حتمی فعالیت می‌نمایند و شهرداری طبس با هیچ شرکتی به صورت پیمانکار واسطه تامین نیروی انسانی قرارداد ندارد.

ضمناً با بررسی‌های به عمل آمده و نظارت دائمی که بر عملکرد شرکت‌های پیمانکاری حتمی صورت می‌پذیرد کلیه نیروهای این شرکت‌ها از وضعیت حقوق و مزایای خود راضی هستند و هیچ اعتراضی تاکنون به این شهرداری یا مراجع ذیربط ارائه نشده است.
مقتضی است به حذف خبر یا اصلاح آن و یا درجه این جوابیه اقدام نمایید.

پایان پیام

تداوم بحران اقتصادی؛ خرید کفش نیز از سبد خانوار در حال حذف شدن است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: در حالیکه بحران اقتصادی حاکم بر کشور، دسترسی به کالاهای اساسی شهروندان را تحت الشعاع قرار داده، گزارش‌ها حاکی از آن است که "خرید کفش از سبد خانوار در حال حذف شدن است".

به گزارش ایلنا، این سخنان را حسن حسین زاده کاشانی، مسئول اتحادیه کفشان در گفتگو با خبرگزاری کار ایران عنوان داشته و با بیان اینکه فشار اقتصادی بر روی همه اصناف تاثیر گذاشته، گفته است: هر چند در ماه‌های اول سال، تولید کفش نیز کاسته می‌شود اما به نظر می‌رسد خرید کفش از سبد خانوار در حال حذف شدن است.

وی افزود: در حال حاضر واردات کفش از چین و سایر کشورها کاهش یافته اما مواد اولیه خارجی که عمدتاً از ترکیه، آلمان، ایتالیا و چین با ارزی خریداری می‌شود که دائم در نوسان است و بر روی قیمت‌ها هم تاثیر گذار بوده است.

حسین زاده خاطر نشان کرد: افزایش قیمت کفش باعث شده تا مردم نسبت به سال‌های گذشته رغبت کمتری برای خرید آن داشته باشند و به قلب دوشان توجه کمتری نشان دهند.

وزیر کار مطرح کرد:

وعده بیمه 200 هزار کارگر ساختمانی در زمانی نامعلوم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بدون ذکر زمانی مشخص وعده داد: ۲۰۰ هزار نفر از کارگران ساختمانی که موفق به گذراندن دوره‌های آموزش مهارت شده‌اند به زودی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار می‌گیرند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دولت، «اسدالله عباسی» افزود: افزایش گستره پوشش بیمه‌ای کارگران ساختمانی یکی از برنامه‌هایی است که به جد پیگیری می‌شود و به زودی 200 هزار نفر از کارگران ساختمانی که موفق به گذراندن دوره‌های آموزش مهارت در سازمان فنی و حرفه‌ای شده‌اند، تحت پوشش بیمه‌ای قرار خواهند گرفت. به گفته وی، پیش از این نیز 600 هزار نفر تحت پوشش قرار گرفته‌اند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به برنامه جدید دولت برای پوشش بیمه تکمیلی خانواده بازنشستگان اشاره کرد و افزود: یک میلیون و ۵۰ هزار نفر از بازنشستگان تحت پوشش بیمه تکمیلی قرار گرفته بودند که بنا داریم در روزهای آینده افراد تحت تکفل آنها نیز تحت پوشش این نوع بیمه قرار بگیرند. وی ادامه داد: سازمان فنی و حرفه‌ای و صندوق تامین اجتماعی برای سرعت بخشی به این موضوع تلاش می‌کنند و بحث احراز صلاحیت شغلی و مهارت توسط سازمان فنی و حرفه‌ای انجام می‌شود.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین به پرداخت مطالبات بازنشستگان سال 86 و 87 که در قالب سهام به سازمان بازنشستگی داده شده بود، اشاره کرد و افزود: این مطالبات الان در بورس و فرا بورس در حال واگذاری است تا بتوانیم سریع‌تر این کار را انجام دهیم و بقیه مطالبات را نیز پرداخت کنیم.

پایان پیام

تحصن کارگران کارخانه فارسیت دورود مقابل ساختمان فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: صبح امروز (دوشنبه) کارگران این کارخانه جهت اعتراض به عدم دریافت مطالبات و حقوق شش ماهه خود در مقابل فرمانداری شهرستان دورود تحصن کرده تا فریاد مشکلات خود را به گوش مسئولان برسانند. این دومین تجمع اعتراض‌آمیز در یک ماه گذشته است که جهت دریافت مطالبات و برطرف شدن مشکلات کارخانه فارسیت دورود از سوی کارگران این کارخانه صورت می‌گیرد. یکی از نکات بسیار تأمل برانگیز این تجمع حضور تعدادی از کارگران به همراه کودکان خردسال خود بود که خطاب به مسئولان اظهار داشتند: چه کسی جوابگوی گرسنگی کودکان ما است؟ پس از کنش و قوس‌های فراوان سرپرست فرمانداری دورود، رئیس کارخانه فارسیت همچنین رئیس اداره کار شهرستان دورود در میان کارگران حاضر شدند و مشکلات کارگران این کارخانه را شنیدند. کارگران اعتراض کننده یکی دیگر از مشکلات خود را مشخص نبودن وضعیت خود بیان کردند و از عدم پاسخگویی مدیرعامل کارخانه به شدت ناراحت بودند.

تاثیر وقایع ۸۸ بر جنبش مطالباتی طبقه کارگر، موانع، موقعیت و چشم اندازها

جعفر عظیم زاده

مقدمه - اخیراً مصاحبه‌هایی از نشریه آرش با چند تن از فعالین کارگری بر روی برخی سایتها درج شده است. هر خواننده‌ای که این مصاحبه‌ها را مطالعه کرده باشد

قبل از هر چیز متوجه یک نقطه در همان سوال اول و دوم این مصاحبه می‌شود. این نکته عبارتست از عقب نشینی در جنبش کارگری با استناد به تعداد اعتصابات و اعتراضات کارگری. به عبارتی مصاحبه کننده سوالاتی را با این ذهنیت که جنبش کارگری عقب نشینی کرده است با استناد به تعداد اعتصابات و اعتراضات کارگری و شرایط اقتصادی موجود مطرح میکند و اغلب مصاحبه شونده‌ها نیز با قبول ضمنی نفس سوال (عقب نشینی و افت مبارزات کارگری)، هر کدام از زوایای مختلفی پاسخهای خود را میدهند. این مصاحبه در بهمن ماه سال گذشته انجام گرفته است.

گذشته از نفس سوال نشریه آرش، باید گفت این سوال به خودی خود بر روی میز مصاحبه کننده این نشریه قرار نگرفته است. اساس این سوال را باید در تبیین و طرح مسائلی در جنبش کارگری جستجو کرد که در پی وقایع سال 88 و از آن تاریخ به این سو، بویژه طی ماههای گذشته در میان طیفی از فعالین چپ جنبش کارگری صورت گرفته است. بر این اساس عده‌ای با خیزی که جریان‌ات راست در پی وقایع سال 88 به سوی جنبش کارگری برداشته اند مقابله با این خطر را بر جسته کرده اند. آن دیگری با قرار دادن اعتصاب در مقابل طومار اعتراضی، اعتصاب را تقدیس و طومار اعتراضی را تقلیل میدهد. دهها مقاله در باره منصور اسالو و سندیکای

واحد آذین بخش صفحات سایتها شده و بار دیگر بحث دو قطبی سندیکا و شورا داغ شده است. برخی دیگر با سر هم کردن توهماتی خیره کننده صحبت از صف آرائی های جدید در جنبش کارگری میکنند. فعالین کارگری داخل کشور و رویکرد و پراتیک روزمره آنها و تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری دستمایه برخی دیگر برای ایفای نقشی در جنبش کارگری شده است. دیگرانی سرکوب و به موازات آن فعالیت علنی را عامل قانونگرا شدن فعالین و نهادهای کارگری مستقل میدانند. برخی دیگر کمیته پیگیری را زمین گیر، کمیته هماهنگی را جریان مجازی و فعالیتهای اتحادیه آزاد کارگران ایران را در سطح خانه کارگر میدانند. عده ای تقدیس سندیکای کارگران شرکت واحد و هفت تپه را همچنان وظیفه ای مهم برای خود می بینند و در نقطه مقابلش برخی دیگر با کمی احتیاط، کار این سندیکاهای را تمام شده تلقی میکنند. بسیار کسان دیگری اتحاد عمل تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری موجود را یک راه حل کلیدی برای پیشروی مبارزات کارگران میدانند و دیگرانی نیز فرقه گرایی در جنبش کارگری را یک عامل اصلی عدم پیشروی در این جنبش ارزیابی میکنند و...

تصویر فوق با همه سایه روشنهایی که در آن دیده میشود منظره ای تمام نما از همه آن دغدغه ها و مباحثی است که امروزه در میانطیفی از فعالین چپ جنبش کارگری خود نمائی میکند. تصویری که در آن، ذره ای دخالت گری فعال در جنبش مطالباتی کارگران و درک رابطه معادلات سیاسی اجتماعی با افت و خیزهای موجود در جنبش کارگری قابل مشاهده نیست.

با اینحال هیچیک از دغدغه هایی که در تصویر فوق دیده میشوند بی ارتباط با جنبش کارگری نیستند و اگر کسی جنبش کارگری ایران را جنبشی در خود و خارج از چهارچوب معادلات سیاسی اجتماعی در ایران ببیند آنوقت تک تک مسائلی که این دوستان مطرح میکنند به واقعیتی انکار ناپذیر و به اصلی ترین مسائل جنبش کارگری بدل میشوند. مهم تر اینکه همه آنها با استثناهایی اندک و با سایه روشنهایی (منجمله سوال نشریه آرش)، یک نقطه حرکت مشترک نیز دارند و آن تدافعی بودن جنبش کارگری، عقب نشینی آن، زمین گیر شدن این جنبش و مسائلی از این دست است.

اینکه فعالین جنبشی، چنین رویکردی را در مقابل خود بگذارند و نکته تیز بحث هایشان تلاش برای ثابت کردن عقب نشینی آن جنبش و یا خرده گیری از این تشکل و آن تشکل و یا ثابت کردن تقلیل مبارزات کارگری باشد راستش برای من قابل فهم نیست. این را می فهمم که نقد یک پایه دائمی پیشروی در هر جنبشی است اما درز گرفتن اخبار کارگری و بر این اساس ارائه تحلیلی کاملا مغشوش از یک جنبش بزرگ اجتماعی را، چه در قالب سوال و چه در قالب پاسخ نمی فهمم.

سوال نشریه آرش به نظر من از این جنس است. لذا در نوشته حاضر تلاش خواهم کرد با نگاهی به سوال نشریه آرش، جنبش کارگری ایران را بر بستر کل معادلات اجتماعی سیاسی پس از وقایع سال 88 مورد کنکاش قرار دهم و از اینجا، استنتاجی از موانع، موقعیت و چشمندازهای این جنبش ارائه کنم.

سوال نشریه آرش

سوال این نشریه با بیان تاثیر اعتراضات جهانی کارگران بر اعتراضات کارگری در ایران و افزایش فشارهای ناشی از گرانی های سرسام آور بر زندگی و معیشت کارگران آغاز میشود و در ادامه با توجه به این فاکتورها، مصاحبه کننده با ذکر این نکته که اعتصابات کارگری با این وضعیت قاعدتا باید افزایش پیدا میکرد، اعلام میکند نه تنها اعتصابات کارگری نسبت به سال قبل (90) افزایش پیدا نکرده است بلکه بسیار کمتر شده و در عوض اعتراضات کارگری بیشتر به نوشتن نامه و طومار تقلیل پیدا کرده است.

گذشته از اینکه عقب نشینی و پیشروی یک جنبش اجتماعی نمیتواند بطور بلاواسطه ای از تعداد اعتصابات و یا اعتراضات آن استنتاج شود، باید گفت اساس سوال نشریه آرش بر ذهنیت از پیشی استوار است که وجه مشخصه آن عقب نشینی و به محاق رفتن جنبش کارگری است. به همین دلیل نیز مصاحبه کننده بطور خیره کننده ای اخبار اعتراضات کارگری را منطبق با ذهنیت خود کرده و مسائلی را مطرح نموده است که حتی از یک پایه خبری درستی نیز برخوردار نیستند.

مصاحبه کننده نشریه آرش در حالی با قاطعیت صحبت از "بسیار کمتر شدن اعتصابات کارگری در سال 1391 نسبت به سال 1390" میکند که در پی وقایع سال 88، سال گذشته یکی از معدود سالهایی بود که نه تنها اعتصابات و اعتراضات کارگری دامنه بیشتری پیدا کرد بلکه پس از گذشت چند سال از وقایع سال 88، برای اولین بار کارگران شرکت واحد تهران (بخوانید سندیکای کارگران شرکت واحد) دست به چندین تجمع اعتراضی

زدند و برخی از فعالین موثر این سندیکا بار دیگر به صحنه فعالیت پا گذاشتند. صفی از زنان کارگر در تجمعات هر چند کوچک اما با خواستی سراسری حول طومار اعتراضی در مقابل مجلس و وزارت کار نقش رهبری این تجمعات را ایفا نمودند. مجلسی ها و وزارت کار به ناچار پای صحبت فعالینی از جنبش کارگری نشستند که در مورد آنها گفته شده بود: این طومار سر دارد و این سر قابل معامله نیست. نزدیک به چهل هزار کارگر در اقدامی کم سابقه با ذکر اسم و رسم و محل کارشان امضای خود را بر پای طوماری گذاشتند که در رأس آن فعالینی مستقل و شناخته شده از جنبش کارگری قرار داشتند که تا دیروز بسیاری از همین کارگران بدلیل فضای امنیتی و خطر اخراج و سرکوب و علیرغم میل باطنی شان تمایلی به همکاری و نزدیکی با آنان نشان نمیدادند. در شرایطی که سیاست دولت و وزارت کار از چند سال پیش بر انجماد حداقل مزد استوار شده بود طومار اعتراضی سی هزار نفری و اعتراضات کارگران شرکت واحد در سال گذشته، کار را بجایی رساند که علیرغم بسته شدن افزایش حداقل مزد به میزان 15 درصد، در آخرین لحظات ناچار شدند آنرا به میزان 25 درصد افزایش دهند. بطور کم سابقه ای در جنبش کارگری ایران دو فعال این جنبش رضا شهبابی و بهنام ابراهیم زاده از داخل زندان حرفهایشان را زدند و تحت فشارهای بین المللی کارگری به مرخصی آمدند. فعالین کارگری در شهر سنج بویژه اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری پر شورتر از همیشه به میدان آمدند. جنب و جوشی در سندیکای کارگران هفت تپه آغاز شد و در ادامه این سطح از تعرضات از سوی فعالین و نهادها و تشکلهای شناخته شده کارگری در سال گذشته بود که مراسم اول ماه مه امسال نیز گسترده تر و پر شورتر از هر سالی در پس وقایع سال 88 برگزار گردید.

اما گذشته از این تعرضات از سوی فعالین و نهادهای شناخته شده کارگری که در نوع خود در پس وقایع سال 88 و نسبت به سال 1390 کم نظیر بود تا آنجا که به اعتصابات و اعتراضات محلی و کارخانه ای کارگران نیز مربوط میشود با استناد به اخبار منتشره باید گفت اگر چه تعداد اعتصابات و اعتراضات کارگری این چینی در سال گذشته بیشتر از سال 1390 نبوده باشد کمتر از آن نیز نبوده است.

اما مصاحبه کننده نشریه آرش در وفاداری به ذهنیت خود مبنی بر عقب نشینی و به محاق رفتن جنبش کارگری، دانسته و نادانسته دست به مخدوش کردن دو سطح از مبارزات کارگری نیز میزند و با یکی قرار دادن مبارزات محلی و کارخانه ای با مبارزات سراسری کارگران، ادامه سوال خود را چنین تبیین میکند: شکل اعتراضات کارگری در سال 1391 نسبت به سال 1390 از اعتصاب به طومار تقلیل پیدا کرده است. یک چیز در این میان تا آنجا که به نفس خبر مبنی بر طومار نویسی کارگران مربوط میشود درست است و آن اینکه در سال 91 کارگران ایران در سطحی سراسری طوماری سی هزار نفری را برای افزایش حداقل مزد و دیگر مطالباتی که در فقط یک بعد ملی قابل دست یابی هستند به پیش بردند و این حرکت در صدر اخبار کارگری قرار گرفت. اما به نظر میاید برای مصاحبه کننده و برخی مصاحبه شونده های این نشریه کافی بوده است تا طوماری اعتراضی در میان کارگران شکل بگیرد و آنان از اینجا با مخدوش کردن و یکی انگاشتن دو سطح از مبارزات کارگری یعنی سطح محلی و کارخانه ای با سطح سراسری، به این نتیجه دلخواه برسند که گویا اعتصابات کارگری جای خود را به طومار نویسی داده است.

لذا لازم است مصاحبه کننده نشریه آرش به این سوالات پاسخ دهد که سال گذشته کارگران چندین کارخانه در ایران برای دست یابی به مطالبات محلی خود اعتصاب را به کناری گذاشتند و به طومار نویسی روی آوردند؟ و باید پاسخ دهد در کدام تاریخ و در کدام سالی در طول بیش از سی سال گذشته (سال نود پیشکش) کارگران ایران برای افزایش حداقل مزد و دست یابی به مطالباتی با ماهیتی ملی و سراسری دست به اعتصاب زده اند که اینک و در سال 91 طومار سی هزار نفری کارگران در مقابل آن گامی به عقب تلقی شود. نه تنها این، بلکه ایشان باید پاسخ دهد که در طول بیش از سی سال گذشته به جز در سال 87 و در سطحی محدود تر، کارگران ایران کجا و در کدام تاریخ در یک بعد سراسری حتی در سطحی پایین تر از طومار اعتراضی به پای طرح و پیشبرد مطالباتی با ماهیتی سراسری رفته اند که اینک با توجه به کل اوضاع و شرایط فلاکت بار موجود، طومار سی هزار نفری کارگران گامی به عقب تلقی گردد.

متأسفانه باید گفت مصاحبه کننده نشریه آرش در جهت وفاداری به ذهنیت خود مبنی بر عقب نشینی جنبش کارگری تا بدانجا پیش میرود که بین اعتصاب و اعتراض برای خواستی محلی و کارخانه ای و اعتصاب و اعتراض برای خواستی سراسری فرقی نمیگذارد و از همینجا دو سطح از بروز اعتراضات کارگری در سال گذشته)

اعتراضات محلی و کارخانه ای و اعتراضاتی در بعد سراسری) را یکی میگیرد تا ذهنیت خود مبنی بر عقب نشینی و تقلیل سطح مبارزات کارگری را ساپورت بیشتری دهد. راستش من تعمد چندانی در پرسشهایی که مصاحبه کننده نشریه آرش مطرح کرده است نمی بینم اما یک چیز مهم تری را در اینکه چنین سوالی با پایه های خبری و تحلیلی وارونه ای در نشریه آرش مطرح شده است می بینم و آن بن بست فکری و عملی طیفی از فعالین چپ جنبش کارگری در پس وقایع سال 1388 است.

تاثیر وقایع 88 بر جنبش مطالباتی طبقه کارگر، موانع، موقعیت و چشم اندازها

آنگاه که تلاطمات شدید سیاسی، جامعه ای را در خود فرو می برد همه نگاهها در ابعادی اجتماعی به مسائل حاد و بلافصل سیاسی معطوف میشوند و بر این بستر جنبشهای مطالباتی با به حاشیه رانده شدن، جای خود را در پله دیگری و در چهارچوب کشمکشهای بزرگتری پیدا میکنند. این واقعیت وجودی بر آمدهای سیاسی در هر کشوری و بویژه در کشورهایمانند ایران است که از یک پایه و روندهای اجتماعی متعارفی برخوردار نیستند.

تلاطمات شدید سیاسی در سال 1388 از جمله این نوع وقایع بود و علیرغم اینکه نتوانست در تداوم خود منجر به بر آمد کشمکشهای بزرگتر و تعیین کننده تری بشود اما با التهابات حاد سیاسی که بمدت نزدیک به دو سال بر جامعه حاکم کرد تا حدود نسبتاً چشمگیری تاثیر خود را در به حاشیه رفتن جنبش مطالباتی کارگران ایران بر جای گذاشت.

این وقایع با ایجاد تکانی شدید در کل معادلات اجتماعی سیاسی کشور، مطالباتی فراتر از مطالبات اقتصادی جنبش کارگری را در بطن خود داشت. به این معنا این جنبش مطالباتی کارگران نبود که در پس وقایع سال 88 متوقف شد بلکه جامعه ای که میخواست در تمامی ابعاد اقتصادی و سیاسی اجتماعی تغییراتی را در خود ایجاد کند بمدت نزدیک به دو سال در التهابی سیاسی بسر برد و این پروسه آنچنان شرایطی را پدید آورد که جنبش خود ویژه مطالباتی کارگران، حتی برای خود طبقه کارگر نیز تا حدود نسبتاً زیادی به مسئله درجه دومی تبدیل گردید. لذا به نظر من رانده شدن کارگران به این نقطه را در پی وقایع سال 88 نمیتوان به عقب نشینی در جنبش کارگری تعبیر کرد و عدم بروز میدانی جنبش مطالباتی طبقه کارگر را از استیصال و درماندگی کارگران و یا وجود ضعفها و رویکردهای غلط در این جنبش نتیجه گرفت بلکه و به معنای عینی تری می باید از منظر کل معادلات اجتماعی سیاسی که در دل وقایعی همچون وقایع سال 88 در هر جامعه ای بوقوع می پیوندد این جنبش و موقعیت آنرا مورد ارزیابی قرار داد.

به این معنا و بطور عینی در پی وقایع سال 1388 جنبش کارگری ایران تا آنجا که به بروز اعتصابات و اعتراضات مطالباتی مربوط میشود بدلیل وجود کشمکشهای سیاسی و بر پا شدن بساط بگیر و به بند و زندان در ابعادی وسیع و مهمتر از آن، بدلیل معطوف شدن نگاه کارگران به بحران حکومتی و التهابات عظیم سیاسی ناشی از آن، تا اواخر سال 1389 در حاشیه قرار گرفت و از اوایل سال 1390 با اعتصابات کارگران پتروشیمی های ماهشهر شروع به اوج گیری کرد که تا به امروز، همچنان و با افت و خیزهایی که ویژگی هر جنبش اجتماعی است ادامه دارد.

اما اتفاق بسیار مهمی که در دل این پروسه برای جنبش کارگری ایران افتاد این بود که علیرغم به حاشیه رفتن جنبش مطالباتی کارگری در پس وقایع سال 88، از سوی دیگر انتظارات از این جنبش برای به صحنه آمدن و در صحنه ماندن بیشتر شد و در غیاب ابراز وجود جنبشهای دانشجویی و زنان و مهم تر از آن در نتیجه کل معادلات سال 88 و روندهای اجتماعی سیاسی پس از آن، جنبش کارگری بطور کم سابقه ای در مرکز توجه افکار عمومی خواهان تغییر قرار گرفت. این یک واقعیت عینی در باره موقعیت و جایگاه جنبش کارگری در پس وقایع سال 88 و در دوره حاضر است. بطوریکه نه تنها جریانات راست جامعه بر اساس این واقعیت عینی بر روی این جنبش خم شده اند بلکه موقعیت و جایگاه جنبش کارگری بمثابه یک نیروی عظیم اجتماعی و عینیت تعیین کنندگی آن بر بطن اوضاع جاری، چنان مادیتی در میان افکار عمومی پیدا کرده است که هادی مرزبان کارگردان صاحب نام تئاتر می گوید: "امروز یک حرکت کوچک کارگر هزاران نتیجه دارد".

اما علیرغم این جایگاه و موقعیت برجسته ای که طبقه کارگران ایران در پس وقایع سال 1388 بدست آورده است یک دوگانگی بسیار جدی نیز در این میان وجود دارد و آن، موقعیت برجسته این جنبش و وجود پتانسیل

بالقوه در میان کارگران برای حرکت از این موقعیت از سوئی و عدم بروز گسترده جنبش مطالباتی کارگران علیرغم این موقعیت از سوی دیگر است.

چرائی این دوگانگی را باید در کجا دید؟ آیا این وضعیت همانگونه که طیفی از فعالین چپ جنبش کارگری با سایه روشنهایی بر آن تاکید دارند ناشی از معضلات و سوخت و سازهای درونی این جنبش از قبیل عدم اتحاد تشکلهای، فرقه گرایی، صنفی گری، زمین گیر شدن تشکلهای موجود، قانون گرایی، رو آوری به طومار نویسی و مسائلی از این دست است؟

پاسخ به این سوال از نظر من منفی است چرا که گذشته از کل معادلات اجتماعی سیاسی حاضر در صحنه تحولات امروزی ایران، تا آنجا که به بروز جنبش مطالباتی طبقه کارگر در این کشور مربوط میشود اساسا هیچ شکل اجتماعی شده ای از جنبش مطالباتی در حیات تاکنونی طبقه کارگر ایران بویژه از کودتای 28 مرداد سال 1332 به این سو قابل مشاهده نیست و اگر در مقطعی از انقلاب 57 شاهد شکل گیری تشکلهای کارگری و به میدان آمدن طبقه کارگر هستیم حتی در آنجا نیز به نظر من این به میدان آمدن بطور نسبتا بلاواسطه ای ریشه در مسائل حاد سیاسی آندوره دارد تا در وجود یک جنبش عظیم و قوام یافته مطالباتی در میان کارگران ایران. به این معنا باید گفت جنبش مطالباتی که امروزه در ابعاد و سطوح مختلفی در میان کارگران ایران جاری است یک جنبش جوان است که هنوز به هزار و یک دلیل تاریخی که مجال بحث اش در این مقاله نیست نهادهای اجتماعی خود ساخته اش را بنا نکرده است، هنوز بمثابة یک جنبش مطالباتی از پایه ها و سنتهای تعمیم یافته و قوام گرفته ای برخوردار نشده است و بسیار مهمتر از اینها، تا آنجا که به شرایط داده شده و زنده امروز جنبش مطالباتی کارگران ایران مربوط میشود این جنبش جوان، روند رویکرد مطالباتی و تبدیل شدنش به یک جنبش عظیم اجتماعی را در شرایطی طی میکند که سیر تحولات در ایران بویژه از چندین سال پیش به این سو در مقطع بسیار حساس و تعیین کننده ای قرار گرفته است و باز شدن تمامی مسائل در هم پیچیده و قفل شده اجتماعی و اقتصادی سیاسی و انکشاف عظیم جنبشهای اجتماعی بطور عینی در گرو تحولات بلافصل سیاسی قرار گرفته است. این واقعیت عینی شرایط امروز ایران است و اساس دو گانگی موجود در جنبش کارگری را نیز باید در این انسداد و عینیت یابی بیش از پیش تحولات بلافصل سیاسی دید.

با اینحال و علیرغم این موانع (که اساسش در شرایط حاضر نه در درون جنبش کارگری و ضعفها و رویکردهای آن، بلکه در انسداد کل اوضاع اقتصادی و اجتماعی سیاسی حاکم بر ایران نهفته است) برای چپ زنده ای که جنبش کارگری امرش باشد آنوقت این جنبش بر بستر کل معادلات سیاسی اجتماعی موجود در ایران از چنان فاکتورهای عینی و تعیین کننده ای برای پیشروی و ایفای نقشی تاریخی در صحنه تحولات برخوردار است که بندرت در تاریخ جنبش کارگری کشوری رخ می نماید. این فاکتورها عبارتند از:

1- مادیت یابی بسیار بالای مطالبات کارگری و به این معنا وجود افقی روشن برای انکشاف جنبش مطالباتی طبقه کارگر

2- موقعیت بسیار برجسته، عینی، تاریخی و تعیین کننده جنبش کارگری بر متن کل معادلات سیاسی اجتماعی جاری در صحنه تحولات ایران

3- ماهیت ضد سرمایه داری جنبش مطالباتی طبقه کارگر ایران

4- حضور و وجود صفی از رهبران مصمم، تیزبین و نهادهای شناخته شده در جنبش کارگری

5- وجود بحران اقتصادی و بن بست جهانی سرمایه و گسترش و تعمیق اعتراضات جهانی کارگران به مثابه فاکتوری مهم در تحکیم پایه های افق چپ در میان طبقه کارگر ایران

6- وجود درجه بالائی از آگاهی در میان کارگران ایران و پتانسیل بسیار بالای آنها برای تشکل یابی

7- فاکتورهای تعیین کننده دیگری از قبیل [.....]

اینها آن فاکتورهای عینی و غیر قابل انکاری از واقعیت زنده جنبش کارگری ایران بمثابة تسمه نقاله ای برای یک پیشروی تاریخی هستند که نمیتوان آنها را از طول و عرض و تعداد اعتراضات مطالباتی فی الحال موجود طبقه کارگر ایران نتیجه گرفت بلکه همه آنها ریشه در کل معادلات تاریخی و سیاسی اجتماعی موجود در صحنه تحولات ایران دارند و به نحو بارزی چشمنداز بسیار روشنی را برای پیشروی جنبش کارگری ایران در مقابل آن چپ دخالتگری میگذارند که امرش طبقه کارگر و افق اش، افق این طبقه بزرگ اجتماعی باشد.

جعفر عظیم زاده ششم خرداد ماه 1392

رئیس انجمن صنفی کارگران پیمانکاری پتروشیمی تبریز: جلسه افزایش حقوق ثمره پیگیری رسانه‌های کارگری است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران پیمانکاری پتروشیمی تبریز که اولین تشکل شاکی مزد 92 در دیوان عدالت اداری است معتقد است جلسه ی ویژه ی شورای عالی کار به منظور افزایش حق مسکن و حق خوار و بار با شکایت از مزد در دیوان عدالت اداری مرتبط است.

«ناصر چمنی» با بیان اینکه جلسه فردای شورای عالی کار ثمره ی حساسیت و پیگیری رسانه هایی است که اخبار صنفی کارگران را پوشش می دهند، به ایلنا گفت: شکایت از مزد 92 در دیوان عدالت اداری و حساسیت رسانه های پوشش دهنده ی مسائل صنفی کارگری بر روی اصولی همچون «مزد عادلانه»، منجر به زنده ماندن بحث افزایش مزد تا به امروز شده است.

وی با اشاره به مصوبه ی شورای عالی کار در سال 85 بیان کرد: شورای عالی کار در آن سال تصویب کرد که حقوق کارگران قراردادی از کارگران دائم بیشتر باشد اما این مصوبه پس از 3 ماه به فراموشی سپرده شد و قرار شد حق مسکن کارگران قراردادی را افزایش دهند که این وعده نیز به دلیل عدم پیگیری رسانه ها و فعالان کارگری به فراموشی سپرده شد.

این فعال کارگری با اشاره به ناکافی بودن مزد 487 هزار تومانی برای گذران معیشت خانوار کارگری در سال جاری، افزود: اکثر قریب به اتفاق کارگران صاحب خانه نیستند و نمایندگان کارگری در شورای عالی کار بایستی با آمار گیری در سراسر کشور به يك رقم واقعی و معقول دست پیدا کنند. به گفته ی آقای چمنی، حتی اجاره خانه در حاشیه ی شهر های بزرگ کمتر از 300 هزار تومان نیست که این رقم باید مبنای تعیین کمک هزینه مسکن در جلسه فردای شورای عالی کار باشد. رئیس انجمن صنفی کارگران پیمانکاری پتروشیمی تبریز در پایان بر تصویب رقمی که 60 الی 70 درصد از هزینه های مسکن کارگران را پوشش دهد تاکید کرد.

پایان پیام

بیکاری 78 نفر از کارگران صنایع شیمیایی و دارویی ارسطو

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: 78 نفر از کارگران قرارداد موقت کارخانه «صنایع شیمیایی و دارویی ارسطو» واقع در شهرک صنعتی کاوه ساوه، با عدم تمدید قرارداد بیکار شدند.

برپایه این گزارش، یکی از کارگران تعدیل شده با اعلام این خبر گفت که کارفرمای کارخانه صنایع شیمیایی و دارویی ارسطو قرارداد 78 نفر از نیروهای قراردادی خود را به دلیل آنچه «کمبود منابع مالی در تهیه مواد اولیه تولید» عنوان شده، تمدید نکرده است. این کارگر با اشاره به سوابق گاه تا 12 سال کارگران تعدیل شده، افزود: سابقه کار این کارگران حداقل یک و حداکثر 12 سال بصورت مستمر بوده و هم اکنون با طرح شکایت به اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی این شهرستان پی گیر بازگشت به کار هستند.

او با اشاره به اینکه کارفرمایان خصوصی با افزایش مشکلات تولید سعی می کنند در اولین قدم حقوق نیروی کار خود را نادیده بگیرند، اضافه کرد: با توجه به وضعیت اقتصادی کشور و افزایش مشکلات تولید، کارفرمای این کارخانه نیز مدعی است با توجه به گستردگی مشکلات ناچار شده است قرار داد 78 کارگر خود را تمدید نکند.

مرگ معنی 50 ساله در عمق 7 متری چاه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: يك کارگر مقنی در عمق چاهی 7 متری واقع در جاده قدیم قم، مقابل شرکت نفت بهران، بر اثر بی‌هوشی جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش دریافتی، صبح امروز کارگر 50 ساله ای به منظور حفر چاه در عمق هفت متری زمین در حال کار بود، ناگهان بر اثر عواملی که هنوز مشخص نشده است بی‌هوش شد. بر اساس این گزارش، مرگ این کارگر که توسط گروه‌های امداد و نجات به بیرون از چاه انتقال یافته بود، بعد از گذشت 40 دقیقه توسط عوامل اورژانس تایید شد.

پایان پیام

سقوط از تیر چراغ برق جان کارگری را گرفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: دو کارگر اداره برق تهران بر اثر سقوط یک اصله پایه برق مصدوم شدند که در جریان این حادثه یکی از کارگران جان خود را از دست داد.

بر اساس گزارش دریافتی، ظهر روز گذشته (یکشنبه) دو کارگر اداره برق در خیابان سلمان فارسی که بر روی تیر برق مشغول کار بودند به زمین سقوط کرده و یکی از آنان که به شدت آسیب دیده بود جان خود را از دست داد. بر اساس این گزارش، کارگر دیگر که از ناحیه گردن و کمر دچار آسیب دیدگی شدید شده بود، پس از انجام اقدامات اولیه درمانی توسط امدادگران اورژانس تهران به بیمارستان امام حسین (ع) منتقل شد.

پایان پیام

مرگ کارگر برق‌کار در اثر نبود ایمنی!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: به گزارش رسیده روز سوم خرداد ماه کارگری به نام فریدون شهبازی 27 ساله از اهالی روستای قورق، کارگر برق‌کار کارخانه دانه‌بندی جوجه و مرغ بعلت نبود وسایل و امکانات ایمنی در محیط کارخانه دچار حادثه‌ی برق گرفتگی شد و متأسفانه در دم جان سپرد. وی متاهل و دارای فرزند بود. کمیته‌ی هماهنگی ضمن تسلیت به خانواده و دوستان فریدون شهبازی، خواهان برقراری استانداردهای ایمنی در محیط‌های کاری برای جلوگیری از بروز این گونه حوادث ناگوار می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

مرگ کارگر 50 ساله در اعماق چاه 7 متری در جاده قدیم قم

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: در پی تماس شهروندان با سامانه 125، مینی بر بی‌هوش شدن یک کارگر مقنی در چاه در جاده قدیم قم، روبروی نفت بهران، ستاد فرماندهی آتش نشانی تهران، ساعت 11:32 امروز آتش نشانیان ایستگاه 9 را به محل حادثه اعزام کرد. به گفته داود رضائی فرمانده آتش نشانیان، بنا بر اظهار شاهدان، این کارگر 50 ساله در عمق چاه 7 متری در محوطه يك انبار در حال کار بود که ناگهان بی‌هوش شده و بی حرکت در اعماق چاه افتاده بود. وی افزود: آتش نشانیان بلافاصله پس از ایمن سازی محل حادثه، اقدامات اولیه را بر روی کارگر مصدوم که توسط شاهدان حادثه به بیرون از چاه منتقل شده بود آغاز کردند. رضائی خاطر نشان کرد: آتش نشانیان به همراه امداد گران اورژانس، تلاش نفسگیری را برای احیای مصدوم انجام دادند اما متأسفانه پس از 40 دقیقه تلاش آنها نتیجه بخش نشد و مرگ این کارگر توسط عوامل اورژانس اعلام شد.

کارگر جوان در پروژه قطار شهری مشهد دچار حادثه شد

به گزارش روزنامه خراسان، در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: کارگر جوانی که روز گذشته در پروژه خط دوم قطار شهری مشهد مصدوم شده بود توسط آتش نشانی از محل حادثه خارج و به مأموران اورژانس تحویل شد. مدیر حوزه ۲ آتش نشانی مشهد گفت: ساعت ۱۳ روز گذشته در پی اعلام این حادثه مأموران ایستگاه ۳ و ۴ به محل اعزام شدند. مجید شادی افزود: آتش نشانان مشاهده کردند کارگر جوان هنگام کار در تونل یکی از چهارراه ها به علت نبود دید کافی در چاله ای به عمق یک متر و ۷۰ سانتیمتر سقوط کرده بود. وی افزود: آتش نشانان این کارگر را که از ناحیه کمر صدمه دیده بود به سطح منتقل و با تحویل به مأموران اورژانس حاضر در محل به مأموریت خود پایان دادند. ششم خردادماه 1392

هیچ مقامی حق ندارد معاش نیروی کار را بازیچه اغراض سیاسی قرار دهد

بر پایه خبر رسیده آمده است: «سعید ترابیان» از فعالان مستقل کارگری با اشاره به سخنان وزیر کار که پیش از رسیدن به پست وزارت وعده داده بود «در نیمه دوم اردیبهشت ماه جلسه ویژه شورای عالی کار برای بازبینی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران برگزار می‌شود»، به ایلنا گفت: تنها یک روز تا پایان اردیبهشت و شروع خرداد باقیمانده است و هنوز سخنان وزیر کار مبنی بر بازبینی بخشی از حقوق کارگران در حد وعده باقیمانده است.

وی با ابراز نگرانی از اینکه موضوع بازبینی مزد با آغاز تبلیغات انتخاباتی منتفی شود، گفت: اگر شورای عالی کار در همان جلسه اسفند ماه خود در مورد افزایش مزد سال جدید بطور قانونی عمل می‌کرد، دیگر نیازی به شکایت کارگران و تشکیل مجدد جلسه شورای عالی کار نبود. ترابیان با یادآوری اینکه خردادماه زمان شروع تبلیغات انتخاباتی است، گفت: مسئله دستمزد کارگران موضوعی مستقل بوده و هیچ ارتباطی با مسئله انتخابات ندارد و بنابراین نمی‌توان کارگران را به دلیل اعتراض به نحوه تعیین مزد به سیاسی کاری متهم کرد.

وی با انتقاد از اینکه سازمان تامین اجتماعی به بهانه همزمان شدن با ایام انتخابات، موضوع افزایش مستمری بازنشستگان این سازمان را به فصل تابستان موکول کرده است، گفت: هیچ مقامی حق ندارد معاش نیروی کار را بازیچه اقراض سیاسی قرار دهد.

این فعال صنفی کارگری افزود: حتی اگر طبق گفته‌های وزیر کار شورای عالی کار در جلسه پیشروی خود حقوق خوار و بار و مسکن کارگران را افزایش دهد بازهم خواسته کارگران در خصوص افزایش عادلانه و قانونی مزد برآورده نشده است.

تجمع کارگران نساجی سیمین در اعتراض به بخشنامه جدید مشاغل سخت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: جمعی از کارگران کارخانه نساجی سیمین اصفهان، صبح امروز در اعتراض به محروم شدن از مزایای قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور در مقابل سازمان تامین اجتماعی تهران تجمع کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگران که در کارخانه نساجی سیمین اصفهان با شرایط سخت و زیان‌آور اشتغال دارند، خواهان بازنشستگی پیش از موعد در چارچوب قانون مشاغل سخت و زیان‌آور هستند. گفته می‌شود دلیل تجمع امروز این کارگران مخالفت سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی پیش از موعد این کارگران بوده است. به گفته «اصغر برشان» دبیر اجرایی خانه کارگر استان اصفهان هم اکنون حداقل یکصد کارگر کارخانه نساجی سیمین اصفهان دارای شرایط استفاده از قانون بازنشستگی مشاغل سخت و زیان‌آور هستند.

این مقام کارگری افزود: با این حال سازمان تامین اجتماعی در تازه‌ترین بخشنامه مربوط به اجرای قانون

بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور شرایطی را تعیین کرده است که به موجب آن بازنشستگی کارگران نساجی سیمین منتفی شده است .

به گفته برشان در بخشنامه جدید سازمان تامین اجتماعی آمده است که کارگران مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور برای استفاده از مزایای بازنشستگی پیش از موعد نباید در سوابق کاری خود دارای وقفه باشند .

وی بایان اینکه در بخشنامه قبلی سازمان به چنین موضوعی اشاره نشده بود گفت: از آنجا که کارخانه نساجی سیمین اصفهان چند سال پیش برای بازسازی و تغییر ساختار مدتی تعطیل و کارگران به صورت موقت به صندوق بیمه بیکاری معرفی شده بودند، این کارگران با سوابق فعلی خود امروز نمی‌توانند پیش از موعد بازنشسته شوند. دبیر اجرایی خانه کارگر استان اصفهان گفت: بر اساس بخشنامه جدید مدتی که کارگران این کارخانه مقرری بگیر بیمه بیکاری بودند جزء سوابق سخت و زیان آور محسوب نشده و به همین دلیل در حال حاضر سازمان تامین اجتماعی با بازنشستگی آنها مخالفت می‌کند .

به موجب قانون مشاغل سخت و زیان آور، کارگران که قصد استفاده از مزایای بازنشستگی پیش از موعد را دارند باید یا بصورت متوالی دارای 20 سال سابقه و یا بصورت متناوب دارای 25 سال سابقه کار در مشاغل سخت و زیان آور را داشته باشند .

در سالهای اخیر سازمان تامین اجتماعی با کمبود منابع مالی مواجه بوده است و به نظر می‌رسد که بخشنامه جدید سازمان در همین رابطه صادر شده است .

کارگران ساختمانی کرمانشاه در سال جدید بیمه نشده‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: در حالی که قانون «رفع موانع اجرایی بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی»، سازمان تامین اجتماعی را مکلف می‌کند با دریافت حق بیمه، کارگران شاغل در کارهای ساختمانی را به طور کامل و با نظارت دقیق بیمه کند، رئیس انجمن صنفی برقکاران ساختمانی استان کرمانشاه از عدم بیمه ی کارگران ساختمانی این استان در سال جاری خبر داد .

«اسعد صالحی» در این باره به ایلنا گفت: با وجود گذشت دو ماه از سال 92، هیچ کارگر ساختمانی از استان کرمانشاه توسط سازمان تامین اجتماعی بیمه نشده است .

بدین ترتیب به نظر می‌رسد مشکل بیمه ی کارگران ساختمانی تنها به اعمال سهمیه بندی برای بیمه شان محدود نمی‌شود و سازمان تامین اجتماعی در برخی استانها، اساسا کارگران ساختمانی را بیمه نمی‌کند . گفتنی است در روزهای گذشته، گزارش های مشابه‌ای از سایر نقاط ایران به ایلنا رسیده است. کاهش 10 برابری سهمیه ی بیمه ی کارگران ساختمانی استان تهران و کاهش 50 درصدی سهمیه ی بیمه کارگران ساختمانی نیشابور دو مورد از این گزارش هاست .

این فعال کارگری در ادامه نسبت به افزایش 7 هزار تومانی حق بیمه انتقاد کرد . وی ادامه داد: سازمان فنی و حرفه ای استان کرمانشاه همچنان نظارت درستی بر روی صدور کارت مهارت برای کارگران ساختمانی ندارد .

صالحی پیش تر در اظهاراتی بیان کرده بود: «متأسفانه کارت‌های مهارت بدون هیچ گونه کنترلی برای متقاضیان صادر می‌شود. در اصطلاح عامیانه می‌توان گفت که سازمان فنی و حرفه‌ای کشور به صورت کیلویی کارت مهارت صادر می‌کند. وضعیت به گونه‌ای است که هر فردی از هر صنف و قشری که خود را به این سازمان معرفی می‌کند، کارت مهارت می‌گیرد.»

اسامی قربانیان حادثه سایت دفن زباله برمشور شیراز اعلام شد

اسامی هفت قربانی حادثه سایت دفن زباله شیراز پس از کشف آخرین جسد اعلام شد .
بر این اساس در این حادثه هفت نفر جان خود را از دست دادند که اسامی آنها به شرح ذیل است :
1-حسین بهمن پور از کارمندان سایت دفن زباله

- 2- پرویز بهمن پور از کارمندان سایت دفن زباله
- 3- مهندس محمدرضا جنتی از کارشناسان ارشد فضای سبز شیراز
- 4- مهندس کریم نوربخش از کارشناسان ارشد فضای سبز شیراز
- 5- حسین بهروز از آتش نشانان شیراز
- 6- عبدالله فولادی از آتش نشانان شیراز
- 7- موسی رحیمی از کارمندان سایت دفن زباله

بیانیه 83

جان رسول بداغی در خطر است

رسول بداغی
را آزاد کنید



رسول بداغی معلم آزادیخواه که اکنون در زندان گوهردشت بند چهار سالن 12 محبوس است به سردرد شدیدی دچار شده و به دنبال شدت سردرد حالت تهوع و استفراغ به او دست داده است.

زندانیان هم بند او در رابطه با بیماری رسول بداغی احساس خطر می کنند و گفته اند که ما اعلام می داریم عامل اصلی بیماری رسول بداغی ، سران جمهوری اسلامی و اداره اطلاعات و سازمان زندانها می باشند . آنها می گویند با توجه به افزایش بیماریهای خطرناک در کل ایران بخصوص در زندانها به دلیل امواج خطرناکی که توسط دستگاه های

پارازیت در فضای زندان توسط اداره اطلاعات انتشار داده می شود و سوئغذیه ، فشارهای روحی و روانی ، آب و مواد آلوده و هوای شدیداً "خطرناک به دلیل سوخته های ناسالم و همچنین مواد غذایی آلوده به سموم خطرناک که با واردات از طرف عوامل جمهوری اسلامی در ایران برای کسب سود بیشتر شدیداً" افزایش یافته است ، رسول بداغی نیز مانند بسیاری از شهروندان ایران دچار بیماری شده است ، زندانیان می گویند تا به امروز هیچ زندانی سیاسی نبوده که دچار بیماریهای مختلف نشده باشد .

بررسی وضعیت زندانیان که سالم وارد زندان می شوند ولی پس از دو یا سه سال به بیماریهای گوناگون مبتلا می گردند نشان می دهد که جمهوری اسلامی با نقشه قبلی و برنامه ریزی شده در فکر سربه نیست کردن زندانیان سیاسی است .

همچنین در مقابل اصرار رسول بداغی و هم بندان او برای اعزامش به بیمارستان مأموران اداره اطلاعات گفته اند اگر با ما همکاری کنی تو را به بیمارستان اعزام خواهیم کرد و به جز این راهی نداری . این تهدیدها نیز بخشی از برنامه های سرکوب و شکنجه سیستماتیک جمهوری اسلامی است . زندانیان سیاسی از فعالین کارگری ، جوانان ، نهادها ، احزاب و تشکل های داخلی و جهانی خواسته اند برای جلوگیری از شکنجه و اذیت و آزار رسول بداغی توسط اداره اطلاعات دست به اعتراض بزنند .

پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/3/6

www.chzamani.blogspot.com
freshahrookh@gmail.com

سال گذشته ۲۰ هزار تن انواع خاک حاصلخیز بطور رسمی صادر شد

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا آمده است: درحالیکه خاک کشاورزی از کالاهای ممنوعه صادراتی بوده که بعضاً از برخی کالاهای استراتژیک هم مهمتر است و جزء منافع ملی به شمار می‌رود سال گذشته به کشورهای دیگر رفت اما نه قاچاقی و شبانه بلکه رسمی و قانونی!

به گزارش ایسنا، مدت‌هاست که ممنوعیت صادرات خاک کشاورزی از سوی مسئولان مورد تاکید قرار گرفته و اعلام شده است اما سال گذشته این منبع پایه تولید محصولات کشاورزی از طریق مبادی رسمی به کشورهای مختلف رفت تا کشت و زرع آنها را توسعه دهد.

براساس مطالعات کارشناسان و محققان دانشگاهی، جنس خاک کشورهای همسایه متقاضی خاک ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس معمولاً ماسه‌ای و آهکی است که امکان هیچ رویشی در آن وجود ندارد؛ بنابراین مشتریان به ویژه عرب‌ها به هر قیمتی خواهان خاک حاصلخیز و مرغوب ایرانی هستند تا بتوانند محصولات کشاورزی با کیفیت و مرغوب تولید کنند.

درشرایطی که همه کشورهای کوچک و بزرگ جهان به دنبال افزایش تولیدات کشاورزی و تامین امنیت غذایی هستند و برای تقویت صنایع تبدیلی و تکمیلی و افزایش اشتغال در کشور خود حتی از صادرات مواد اولیه هم پرهیز می‌کنند، طبق آمار گمرک در ۱۲ ماهه سال گذشته حدود ۲۰ هزار تن انواع خاک حاصلخیز اعم از رس، بنتونیتی و ... به ارزش بالغ بر ۱۰ میلیون دلار به کشورهای گرجستان، آذربایجان، ازبکستان، عراق، ترکمنستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس فروخته شده است. این درحالیست که طرح‌هایی مانند طرح جامع خاک با هدف حفاظت از خاک‌های کشاورزی، جلوگیری از آلودگی خاک، افزایش حاصلخیزی و تهیه نقشه خاک با مقیاس مشخص در مجلس تصویب شده و بارها ممنوعیت خروج و صادرات خاک کشاورزی از سوی مسئولان اعلام شده است.

سید رحیم سجادی - معاون آب، خاک و صنایع وزارت جهاد کشاورزی - در این باره به ایسنا گفت: برای حفظ منابع پایه کشاورزی، خاک خروج خاک‌های زراعی و مرتعی از کشور از دو سال گذشته ممنوع شده است. گرچه صادرات خاک برای صادرکنندگان که تنها به فکر سود بوده و منافع ملی را در نظر نمی‌گیرند، راحت‌ترین و پرسودترین نوع صادرات است اما جای سوال است که علیرغم ممنوعیت صادرات خاک کشاورزی، کدام مرجع یا نهادی به صدور منابع پایه کشور مجوز داده و مهر تایید زده است؟ همچنین با وجود اعلام ممنوعیت به گمرک کشور چگونه از مبادی رسمی مانند گمرک شهید رجایی بندرعباس خاک کشاورزی صادر شده است؟

در همایش مدیریت بهداشت و ایمنی حرفه‌ای کار طرح شد:

مرگ سالانه يك ميليون کارگر بر اثر تماس با مواد شیمیایی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: یک کارشناس بهداشت محیط اعلام کرد: طبق آمار جهانی سالانه 68 تا 157 میلیون مورد بیماری شغلی بر اثر تماس‌های شغلی به وجود می‌آید و بر طبق اعلام مرکز سلامت بهداشت محیط کار، وزارت بهداشت سالانه یک میلیون کارگر در دنیا بر اثر تماس با مواد شیمیایی می‌میرند.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، سیاوش آزاد صبح امروز در همایش مدیریت بهداشت و ایمنی حرفه‌ای کار، به مشکلات بهداشت حرفه‌ای در صنعت اشاره کرد و گفت: به استناد آمارهای جهانی، کارگران در مشاغل صنعتی، همه روزه در برابر شمار عوامل شیمیایی زیان‌آور در محیط‌های کار قرار می‌گیرند و هر روز عوامل شیمیایی رو به افزایش است.

این کارشناس بهداشت کار تصریح کرد: از طرف دیگر مصرف سموم و آفت‌کش‌های شیمیایی در بخش کشاورزی زمینه‌ساز بسیاری از بیماری‌ها شده است. به طوری که سالانه میلیون‌ها تن مواد شیمیایی مورد مصرف قرار می‌گیرد که از این رقم 20 هزار تن مربوط به آفت‌کش‌ها در بخش کشاورزی است که برای سلامت انسان‌ها بسیار مضر است.

وی ادامه داد: از طرف دیگر برخی به دلیل هزینه‌های پایین مواد تاریخ گذشته شیمیایی را از خارج وارد کرده و مورد مصرف قرار می‌دهند.

آزاد به آمار میزان آلاینده‌های شیمیایی در محیط کار بر طبق اعلام وزارت بهداشت اشاره کرد و گفت: از مجموع آلاینده‌های محیط کار و کارگاه‌ها 10 درصد مختص به دود و مه، 11 درصد گاز و بخار و 28 درصد آلوده به گرد و غبار هستند. که هر یک می‌توانند زمینه‌ساز ابتلا به بیماری‌های متفاوت از جمله ایجاد سرطان باشند.

به گفته این کارشناس بهداشت حرفه‌ای تنفس، پوست، مخاط و گوارش از جمله راه‌های ورود بدن برای این گونه آلودگی‌ها هستند و بیشترین حجم آسیب‌ها مربوط به بخش تنفسی است و می‌توان گفت ریه بیشترین آسیب را می‌بیند.

آزاد در بخش دیگری از سخنان خود استفاده از لوازم حفاظت فردی را به عنوان یکی از راه‌های تأمین‌کننده ایمنی کارگران در محیط کار عنوان کرد و گفت: اما همین تجهیزات نیز استانداردهای لازم را ندارند و حتی در بازار نمونه‌های تقلبی آن یافت می‌شود. می‌توان گفت نظارتی به لوازم حفاظت فردی که در خارج وارد می‌شوند وجود ندارد. نمونه‌های داخلی نیز استاندارد لازم را ندارند و تنها موردی که دقیق استانداردهایش رعایت می‌شود کفش‌های ایمنی است

عضو کارگری این شورا تاکید کرد:

موافقان افزایش مزد اکثریت شورای عالی کار را در اختیار دارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: در حالی که جلسه ویژه شورای عالی کار به منظور افزایش حقوق مسکن و خواروبار کارگران در غیبت وزیر کار بدون نتیجه مشخصی پایان یافت، عضو کارگری شورای عالی کار با اشاره به قول دولت مبنی بر افزایش مزایای جانبی مزد معتقد است «موافقان افزایش مزد کارگران در جلسه ی شورا در اکثریت قرار دارند»

«محمد احمدی» با اشاره به حضور 3 عضو کارگری و 5 عضو دولت در شورای عالی کار (شورای تعیین مزد) به ایلنا گفت: با توجه به موافقت دولت برای افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران، به نظر نمی‌رسد برای افزایش مزایای جانبی مزد با مشکلی مواجه شویم.

مطابق ماده ۱۶۷ قانون کار، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس شورای عالی کار مشخص شده است. همچنین دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وی و تصویب هیات دولت، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر از نمایندگان کارگران در این شورا حضور دارند.

اما ماده هشت قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تبصره سه ماده ۱۸ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، در سال 86 موجب شده است ۲ نفر دیگر از سوی دولت به اعضای شورای عالی کار اضافه شوند.

لازم به ذکر است در حالی که ۱۱ نفر عضو رسمی در شورای عالی کار حضور دارند، جلسات این شورا مطابق آیین نامه مصوب هیئت دولت با ۷ نفر رسمیت می‌یابد. بنابراین موافقت یا مخالفت گروه کارفرمایی با افزایش

حق مسکن و حق خوار و بار کارگران نه تنها تاثیر گزار نیست بلکه حتی عدم حضور ۳ نماینده کارفرمایی در شورا، تأثیری بر رسمیت یافتن جلسه نخواهد داشت.

به گفته‌ی آقای احمدی، «جلسه‌ی امروز شورای عالی کار بدون رای‌گیری تمام شد و به نتیجه‌ی مشخصی نرسید زیرا مصلحت دولت آن است که افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران با موافقت گروه کارفرمایی صورت گیرد».

این فعال کارگری تصریح کرد: طرف کارگری در این جلسه استدلال‌های خود برای افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران را مطرح کرد که نتیجه‌ی آن در بر نداشت. در حالی که دولت با این افزایش موافق است گروه کارفرمایی سرسختانه با آن مخالفت می‌کند.

وی در پایان مطرح شدن هر گونه رقمی برای افزایش مزد را در جلسه‌ی امروز شورای عالی کار تکذیب کرد.

دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران:

چرا اعتراض؟ نمایندگان کارگری مزد 92 را تصویب کردند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران گفت: به دلیل مخالفت کارفرمایان، جلسه ویژه امروز شورای عالی کار برای بررسی افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران بی‌نتیجه پایان یافت.

«محمد عطاردیان» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: جلسه امروز از ساعت 9 صبح تا دوازده و پانزده دقیقه طول کشید و در پایان آن معاون تنظیم روابط کار وزارت کار اعلام کرد که به زودی جلسه دیگری به همین منظور تشکیل خواهد شد و از نمایندگان کارگری و کارفرمایی خواست تا پیش از برگزاری جلسه جدید در رابطه با موضوع افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران با یکدیگر بطور جداگانه مذاکره کنند.

این فعال بخش خصوصی در خصوص علت بی‌نتیجه ماندن جلسه امروز گفت: به دلیل اینکه از قبل در مورد چگونگی افزایش دستمزدهای سال 92 در شورای عالی کار بصورت رسمی توافق شده‌است، کارفرمایان با هرگونه افزایش حقوق مسکن و خوار و بار مخالفت کردند.

وی در عین حال تأکید کرد که در شرایط فعلی بسیاری از کارفرمایان از نظر اقتصادی با مسئله افزایش مزد کارگران مشکل جدی دارند بطوری که در حال حاضر گروهی از کارفرمایان بابت مطالبات معوقه سال گذشته کارگران خود بدهکار هستند.

این مقام کارفرمایی گفت: در ابتدای جلسه امروز، وزیر کار حضور داشت و اعلام کرد در صورت توافق طرفین با افزایش 10-20 هزار تومانی حق مسکن او نیز به نمایندگی از دولت با تصمیم موافق است.

وی ادامه داد پس از این گفته، وزیر کار جلسه را ترک کرد و اداره این جلسه به معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت کار سپرده شد.

به گفته این مقام کارفرمایی در جلسه امروز شورای عالی کار عنوان شد که که چنانچه حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در مجموع 50 هزار تومان زیاد شود، پرداخت آن به حداقل 9 هزار کارگر بیمه شده تامین اجتماعی مستلزم اعتباری 5 تا 6 هزار میلیارد تومانی در هر سال است.

وی گفت: از آنجا که بخش خصوصی توانایی پرداخت چنین بودجه ای را ندارد در این جلسه از معاون تنظیم روابط کار وزیر کار خواستیم تا از محل اعتبارات دولتی منابعی را برای پرداخت این مبلغ به کارگران بیمه شده تامین اجتماعی اختصاص دهد که در عمل دولت به دلیل هزینه بر بودن این مبلغ از قبول آن خودداری کرد.

وی بایان اینکه دولت مسئول وضعیت نابسامان اقتصادی کنونی است گفت: واگذار کردن چنین مسئولیتی بر عهده بخش خصوصی تنها باعث بدتر شدن شرایط فعالیت بخش خصوصی خواهد شد.

وی افزود: با این حال بخش خصوصی متوجه مشکل معیشتی کارکنان خود هست و برای همین ضمن اعلام همدردی و تایید نارضایتی‌های موجود تا آنجا که بتواند در پرداخت های خود از آنها حمایت خواهد کرد.

عطاردیان افزود: به عنوان نمونه در صنعت و بازار ساختمان که در مقایسه با سایر حرف و صنایع رونق نسبی حاکم است، کارگران ساختمانی روزانه 30 تا 40 هزار تومان دستمزد می‌گیرند که این مبلغ حدود دوبرابر دستمزد روزانه کنونی است.

وی همچنین در پاسخ به انتقاد گروه کارگری که در جلسه امروز مدعی عدم افزایش مزد بر اساس نرخ تورم بانک مرکزی بودند گفت: طبق برآوردها و محاسبات گروه کارفرمایی در سال 92 دریافتی کارگران به نسبت سال 91 حداقل 47 درصد افزایش یافته است.

وی همچنین در خصوص شکایت کارگران به دیوان عدالت اداری گفت: چون شورای عالی کار يك نهاد سه جانبه است، مصوبات آن دولتی نبوده و بنابراین دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به مصوبات این شورا را ندارد و چنانچه شخصی نسبت به مصوبات این شورا معترض است میتواند از طریق دادگستری برای ابطال آن اقدام کند.

وی درعین حال با اظهار تعجب از اینکه «چرا اعتراض می‌کنند» یاد آور شد که از نظر قانونی مصوبه دستمزدهای شواری عالی کار به تایید نمایندگان گروه کارگری رسیده و به همین دلیل اعتراض به آن مبنای قانونی ندارد.

تحصن کارگران کارخانه فارسیت دورود مقابل ساختمان فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: صبح امروز (دوشنبه) کارگران این کارخانه جهت اعتراض به عدم دریافت مطالبات و حقوق شش ماهه خود در مقابل فرمانداری شهرستان دورود تحصن کرده تا فریاد مشکلات خود را به گوش مسئولان برسانند.

این دومین تجمع اعتراض‌آمیز در یک ماه گذشته است که جهت دریافت مطالبات و برطرف شدن مشکلات کارخانه فارسیت دورود از سوی کارگران این کارخانه صورت می‌گیرد.

یکی از نکات بسیار تأمل برانگیز این تجمع حضور تعدادی از کارگران به همراه کودکان خردسال خود بود که خطاب به مسئولان اظهار داشتند: چه کسی جوابگوی گرسنگی کودکان ما است؟

پس از کش و قوس‌های فراوان سرپرست فرمانداری دورود، رئیس کارخانه فارسیت همچنین رئیس اداره کار شهرستان دورود در میان کارگران حاضر شدند و مشکلات کارگران این کارخانه را شنیدند.

کارگران اعتراض کننده یکی دیگر از مشکلات خود را مشخص نبودن وضعیت خود بیان کردند و از عدم پاسخگویی مدیرعامل کارخانه به شدت ناراحت بودند.

سفره‌های کارگری و برنج وارداتی مسموم

به نوشته سایت اتحاد در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: چند سالی میشود مسئولین هم زبان به گلایه باز کرده اند و از مسایلی سخن به میان میاورند که گویی هم درد ما کارگران و مردم این جامعه هستند. از اختلاس های میلیاردی و رانت خوارها و خودمانی سازی ها که بگذریم قضیه تغذیه سالم مسئله حیاتی دیگری است که این روزها در باره برنج وارداتی از زبان کسانی عنوان میشود که گردانندگان این جامعه هستند.

اینان ابتدا کار را در این جامعه به جایی رساندند که میلیونها خانواده کارگری دیگر نتوانستند از برنج سالم استفاده کنند و بناچار به خرید برنج ارزان وارداتی روی آوردند. و اما حال همین ها از نمایندگان مجلس اش تا مسئولین وزارت بهداشت در مقام ناجیانی ظاهر شده اند که فریاد بر میاورند که این برنج مسموم است، آلوده است، سرطان زا است و یا به کودکان ندهید و غیره...

کجای حرفتان را باور کنیم وای و فغان شما در مورد مسموم بودن برنج وارداتی یا رقم زدن آنچنان شرایطی که ما کارگران را به خرید این نوع کالاها سوق داده اید.

اعتراض میکنیم و میگوییم شما راه حل چگونه زندگی کردن با این شرایطی را که بوجود آورده اید نشانمان دهید. سخنی نمی گوئید. یعنی حرفی ندارید که بزنید، چون مسئول هستید و اگر پاسخ دهید باید شرایط را دگرگون کنید که این نیز کار شما نیست. از آن طرف اعلام میکنید جای آلوده وارد کشور شده است، آرد آلوده و نامرغوب توزیع شده است، گوشت مردار و از نظر پزشکی قابل معدوم شدن در صنعت کالباس و سوسیس استفاده میکنند و اکنون برنج مسموم و سرطان زا به فروش میرسد و شما چه دلسوزانه هشدار میدهید نخورید، مصرف نکنید که میمیرید و وجدانتان آسوده میشود که هشدار دادید.

اما انگار فراموش کرده اید که این تاجران بزرگ و قدرتمندی که توان گردش مالی میلیاردی را دارند یکی از خود همین شماهاست. امروز این صنعت و فردا صنعت دیگر را لو میدهید. برای سود بیشترتان حاضر به قربانی کردن اکثریت جامعه هستید. هر صنعتی را نگاه میکنیم به این موضوع به راحتی میشود پی برد که تنها چیزی که برایتان اهمیت ندارد جان و سلامت افراد این جامعه است.

شما نماینده مجلس و دیگر مسئولین برای رنجی که به کارگران ایران به خاطر تحمیل شرایط برده وار با قدرت خرید زیرخط صفر داده اید باید پاسخگو باشید و بدانید که با اینگونه افشاگریها در مورد کالاهای مسموم وارداتی چیزی از مسئولیت شما کم نخواهد شد. ما کارگران از این افشاگریها و اینکه انسانهایی در نتیجه این افشاگری و برای جلوگیری از مسموم شدن برنج وارداتی را نخواهند خرید خوشحالیم اما دیگر رنجی در سفره هایمان نخواهیم داشت. لذا هر طوری بچرخید باز هم همه شما مسئول این زندگی نکبت بار هستید و ما کارگران هرگز قسم حضرت عباس شما را باور نخواهیم کرد.

کارگر جوان در پروژه قطار شهری مشهد دچار حادثه شد

به گزارش روزنامه خراسان، در تاریخ 6 خرداد 92 آمده است: کارگر جوانی که روز گذشته در پروژه خط دوم قطار شهری مشهد مصدوم شده بود توسط آتش نشانی از محل حادثه خارج و به مأموران اورژانس تحویل شد.

مدیر حوزه ۲ آتش نشانی مشهد گفت: ساعت ۱۳ روز گذشته در پی اعلام این حادثه مأموران ایستگاه ۳ و ۴ به محل اعزام شدند. مجید شادی افزود: آتش نشانان مشاهده کردند کارگر جوان هنگام کار در تونل یکی از چهارراه ها به علت نبود دید کافی در چاله ای به عمق یک متر و ۷۰ سانتیمتر سقوط کرده بود. وی افزود: آتش نشانان این کارگر را که از ناحیه کمر صدمه دیده بود به سطح منتقل و با تحویل به مأموران اورژانس حاضر در محل به مأموریت خود پایان دادند.

سخنگوی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران خبر داد حداقل 200 هزار تومان برای مسکن

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: سخنگوی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران از سه سناریو برای افزایش حق مسکن و خواربار کارگری خبر داد و گفت: حداقل کمک هزینه 200 هزار تومانی برای مسکن در نظر گرفته شده است. هادی ابوی با اشاره به جلسه شورای عالی کار به منظور رسیدگی به تعیین حق مسکن و خواربار کارگران، اظهار داشت: پیشنهاد شده که از بانک مرکزی یا مرکز آمار و اتحادیه املاک قیمت متوسط یک منزل اجاره‌ای در هر شهری که مد نظر دارند تهیه کرده و 50 درصد آن را ملاک افزایش حق مسکن قرار دهند. وی ادامه داد: کارگران نیز با این پیشنهاد موافق هستند زیرا قرار است کمک هزینه مسکن پرداخت شود. سخنگوی کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران با بیان این‌که در صورت مخالفت و عدم پذیرش این موضوع از سوی کارفرمایان باز هم پیشنهاد جدید وجود دارد، گفت: در این صورت دولت به عنوان شریک کارگران وام خرید مسکن، رهن و اجاره مسکن با سود کم با اقساط بلندمدت پرداخت کند. وی تاکید کرد: حداقل افزایش پیشنهادی 200 هزار تومان برای کمک هزینه مسکن در نظر گرفته شده است.

به علت آلودگی زیست محیطی؛ جریمه دو واحد صنعتی در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: دو واحد صنعتی مستقر در منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی به دلیل آلودگی زیست محیطی از سوی دادگاه عمومی بخش بندر امام، به مبلغ بیست و سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا از بندر امام، «ابرج سلیمانی»، رئیس اداره حفاظت محیط زیست ماهشهر، ضمن بیان این مطلب گفت: واحدهای صنعتی مذکور به دلیل تخلیه لجن‌های صنعتی در طبیعت، باعث آلودگی محیط زیست منطقه شده بودند، به همین علت از طرف اداره حفاظت محیط زیست ماهشهر برای این واحدها اخطاریه صادر شده بود ولی به دلیل عدم توجه به اخطاریه به مراجع قضایی معرفی و از سوی دادگاه شهر بندر امام محکوم شدند.

پایان پیام

پرداخت یک میلیون تومان از مطالبات ۸۳۰ هزار بازنشسته

مدیر عامل صندوق بازنشستگی کشوری از پرداخت یک میلیون تومان از مطالبات ۸۳۰ هزار بازنشسته کشوری خبر داد. ایران‌دخت عطاریان در جمع کانون‌های بازنشستگی با بیان اینکه در حال حاضر صندوق بازنشستگی کشوری 50 درصد مطالبات را پرداخت کرده است، افزود: حمایت و تلاش‌های اخیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی این امکان را برای صندوق بازنشستگی کشوری فراهم کرد تا بخشی از مطالبات بازنشستگان زودتر از زمان برنامه ریزی شده پرداخت شود. در حال حاضر از 830 هزار بازنشسته مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری مطالبات حدود 150 هزار نفر به طور کامل تسویه شده و مابقی بازنشستگان نیز با پرداخت هر مرحله به تدریج مطالباتشان تسویه می شود. مدیر عامل صندوق بازنشستگی کشوری رویکرد سیاست‌ها و برنامه های جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را در سال 92 ارتقای خدمات رفاهی و درمانی و تسریع در پرداخت مطالبات بازنشستگان عنوان کرد و گفت: با مساعدت و اهتمام ویژه وزیر تعاون و فعالیت‌ها و پیگیری‌های مدیران صندوق بازنشستگی کشوری امسال دامنه پوشش بیمه طلایی برای خانواده بازنشستگان گسترده تر و همچنین اعتبارات خدمات رفاهی در مقایسه با سال گذشته افزایش بیشتری یافته است.

مهلت 48 ساعته برای دفاع از مصوبه مزد

2 روز دیگر مهلت یک ماهه وزارت تعاون، کار و رفاه برای ارائه دفاعیات درباره مصوبه حداقل دستمزد 487125 تومانی امسال به پایان می‌رسد و پس از آن دیوان عدالت اداری جمع‌بندی خود را درباره شکایت کارگران انجام می‌دهد و رای نهایی را صادر می‌کند. در صورت تایید شکایت کارگران، شورای عالی کار موظف به افزایش حداقل دستمزد امسال به میزان نرخ تورم خواهد شد. حسین حبیبی در گفت‌وگو با مهر از آخرین اقدامات صورت گرفته در زمینه شکایت جمعی از نمایندگان کارگری کشور از تخلف شورای عالی کار در تعیین حداقل دستمزد امسال خبر داد و گفت: منتظر ارائه دفاعیات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس شورای عالی کار به دیوان عدالت اداری و صدور رای نهایی از سوی این دیوان هستیم. عضو کمیته دستمزد شورای عالی کار اظهار کرد: طبق روال موجود، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یک ماه مهلت دارد که دفاعیات خود را درباره شکایت کارگران ارائه کند. با این حال، مهلت یک ماهه تا نهم خردادماه یعنی 2 روز دیگر به اتمام می‌رسد و تا آن زمان وزارتخانه باید دفاعیات خود را به دیوان عدالت اداری ارائه کند. حبیبی خاطرنشان کرد: البته به دلیل تبادل اطلاعاتی که ظاهراً در این بخش بین دیوان عدالت اداری و وزارت تعاون، کار و رفاه باید در جریان باشد، مهلت یک ماهه تا 2 ماه نیز قابل تمدید است و پس از آن دیوان عدالت اداری وارد رسیدگی می‌شود. این مقام مسئول کارگری تاکید کرد: با وجود پرونده‌های مختلفی که دیوان عدالت اداری باید به آنها رسیدگی کند، اما به دلیل اهمیت موضوع دستمزد و فراگیری آن به دیوان عدالت اداری اعلام کردیم که این مسئله عمومیت دارد و یک شکایت شخصی نیست؛ بنابراین جا دارد با کمی سرعت مورد بررسی و اظهار نظر قرار گیرد. عضو کمیته دستمزد شورای عالی کار در ارتباط با اظهارات رئیس دیوان عدالت اداری درباره شکایت کارگران از دستمزد امسال تصریح کرد: از سخنان رئیس دیوان عدالت اداری برداشت می‌شود که حق شکایت را برای کارگران قائل هستند. به گفته حبیبی، اما اینکه کارفرمایان می‌توانند مبالغ مربوط به دستمزد را بپردازند یا خیر، موضوع دیگری است و دیوان عدالت اداری باید بر اساس ماده 41 قانون کار رای بدهد. وی در این خصوص که اگر دیوان عدالت اداری در نهایت شکایت کارگران را وارد نداند، گام بعدی نمایندگان کارگران چه خواهد بود؟ گفت: ما حق دادخواهی و پیگیری دوباره موضوع شکایت را برای کارگران قائل هستیم و در صورتی که رای دیوان عدالت اداری به رد شکایت کارگران باشد، موضوع را دوباره دنبال می‌کنیم. عضو کمیته دستمزد شورای عالی کار اظهار کرد: متأسفانه در طول سال‌هایی که شورای عالی کار حداقل دستمزد سالانه را تعیین و تصویب کرده است، کارفرمایان همراهی مناسبی با این موضوع نداشته‌اند و بسیاری از کارگران در سطح دریافت حداقل‌ها هستند. این مقام مسئول کارگری تاکید کرد: اگر کارفرمایان مشکلاتی دارند باید بررسی شود و این دولت است که باید به آنها کمک کند تا بتوانند قیمت تمام شده محصولات خود را کاهش دهند. اگر کارفرمایان این بهانه را دارند که قیمت حامل‌های انرژی افزایش یافته است، باید بگویند دستمزد چند درصد در قیمت تمام شده تولید تاثیر دارد؟

یک مقام کارگری در خراسان رضوی: حق خوار و بار 80 تومانی توهین به کارگران است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: رئیس کانون هم‌هنگی شورای اسلامی کار خراسان رضوی با اعلام تشکیل جلسه ویژه شورای عالی کار درباره دو جزء باقیمانده از بسته دستمزد سال جاری از صبح امروز، گفت: افزایش بن نقدی و حق مسکن دو موضوع مهم و ویژه در دستور کار امروز شورای عالی کار است.

«رحمت الله پور موسی» در این باره به ایلنا گفت: افزایش حق مسکن و بن کارگری به دلیل ناچیز بودن، هیچگونه تاثیری در معیشت و تامین هزینه‌های ماهیانه مسکن و خوار و بار خانوار کارگری نمی‌گذارد، از این رو کارگران نسبت به چنین اجحافی در طول سال‌های گذشته نیز معترض بوده‌اند.

او با تاکید بر غیر نقدی شدن حق خوار و بار کارگری، رقم فعلی حق خواربار (80 تومان) را توهین به کارگر دانست و افزود: اگر به کارگران همانند سال‌های گذشته ارزاق عمومی و خوار و بار تعلق بگیرد، بهتر از این است که مبلغی ناچیز به عنوان حق خواربار در جدول حقوقی آنان در نظر گرفته شود. او در این زمینه اضافه کرد: با

غیر نقدی شدن حق خوار و بار نگرانی ابتدای سال کارگران در خصوص افزایش تورم در طول سال مرتفع خواهد شد.

این فعال کارگری در ادامه با تاکید بر تقویت میزان دریافتی خانوار کارگری در خصوص حق مسکن نیز اظهار داشت: میزان حق مسکن دریافتی در حقوق کارگران متناسب با نرخ تورم و وضعیت اجاره بها نیست و به همین دلیل اکثر کارگرانی که حقوق حداقلی دریافت می کنند نسبت به این موضوع معترض هستند.

پور موسی در خاتمه سخنان خود با اشاره به اینکه دولت با افزایش مبلغ حق مسکن و بن نقدی ماهیانه کارگران موافقت خود را اعلام کرده است گفت: با این حال ما باید منتظر خروجی جلسه امروز شورای عالی کار باشیم.

پایان پیام

آخرین دفاعیات بختیار چتانی از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر

به گزارش رسیده روز دوشنبه ۶/۳/۹۲ «بختیار چتانی»، یکی دیگر از بازداشت شدگان مراسم روز جهانی کارگر جهت ارائه ی آخرین دفاعیات خود در شعبه ی ۴ دادیاری سنندج حضور یافت. وی از سوی دادگاه به «شرکت در مراسم روز جهانی کارگر به نفع احزاب خارج از کشور» متهم شده است .
کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن تعقیب و بازخواست کارگران به بهانه های واهی، بار دیگر تاکید می کند که برگزاری مراسم روز جهانی کارگر حق مسلم تمامی کارگران جهان است که مختص به گروه یا حزب خاصی نیست و هیچ دولتی نمی تواند مانع از برگزاری این روز توسط کارگران شود.

۱۳۹۲ خرداد

از لا به لای روزنامه ها حذف خرید کفش از سبد خانوار

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۷ خرداد ۹۲ آمده است: افزایش قیمت کفش باعث شده تا مردم نسبت به سالهای گذشته رغبت کمتری برای خرید آن داشته باشند و به قلب دومشان توجه کمتری نشان دهند. مسئول اتحادیه کفشان گفت: خرید کفش از سبد خانوار در حال حذف شدن است. حسن حسینزاده کاشانی، در گفت و گو با خبرنگار ایلنا با بیان این که فشار اقتصادی روی همه اصناف تاثیر گذاشته است، اظهار داشت: هرچند در ماههای اول سال، تولید کفش نیز کاسته می شود اما به نظر می رسد خرید کفش از سبد خانوار در حال حذف شدن است. وی افزود: خوشبختانه در حال حاضر واردات کفش از چین و سایر کشورها کاهش یافته، اما مواد اولیه خارجی که عمدتاً از ترکیه، آلمان، ایتالیا و چین با ارزی خریداری می شود که دائم در نوسان است بر قیمت ها هم تاثیرگذار بوده است. حسینزاده خاطر نشان کرد: افزایش قیمت کفش باعث شده تا مردم نسبت به سالهای گذشته رغبت کمتری برای خرید آن داشته باشند و به قلب دومشان توجه کمتری نشان دهند.

مطالبات چایکاران پرداخت نشد

برپایه خبر دریافتی آمده است: در حالی که امروز رییس سازمان چای از پرداخت سه میلیارد تومان چین اول چای کشور خبر داده اما رییس اتحادیه چایکاران گفت: در سال جدید چایکاران ۴۰ هزار تن برگ سبز تحویل داده اما ریالی دریافت نکرده اند. ایرج هوسمی درباره مطالبات چایکاران گفت: در سال جدید چایکاران هیچ پولی از سازمان چای دریافت نکرده اند. رییس اتحادیه چایکاران کشور در پاسخ به این که آقای محرر رییس سازمان چای کشور اعلام کرده سه میلیارد تومان پول چین اول چایکاران پرداخت شده است، گفت: دیروز با آقای محرر صحبت

کردم و قرار بود ایشان نامه‌ای را به امضای معاون اول رییس‌جمهوری برساند و بعد پول چایکاران تحویل داده شود. هوسمی تصریح کرد: در چین اول برداشت 35 تا 40 هزار تن برگ سبز به کارخانه‌ها تحویل داده شده اما هنوز ربالی دریافت نشده است.

معاون بیمه‌ای تامین اجتماعی اصفهان تشریح کرد: اعتراض کارگران به لغو سابقه مشاغل سخت در صورت غیبت بیش از 10 روز

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: معاون بیمه‌ای اداره کل تامین اجتماعی استان اصفهان مهم‌ترین دغدغه کارگران نساجی و دیگر مشاغل سخت و زیان آور برای بازنشستگی پیش از موعد را غیبت بیش از 10 روز در طول سنوات خدمت اعلام کرد و گفت: لایحه بخشودگی این غیبت‌ها در مجلس، مراحل نهایی را می‌گذراند و در صورت ابلاغ، مشکل بیش از 30 هزار کارگر در 4 استان کشور را حل می‌کند.

«سعید وحید» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در اصفهان، از دلیل تجمع روز گذشته کارگران کارخانه نساجی سیمین در برابر مجلس اظهار بی‌اطلاعی کرد و افزود: برای نخستین بار است که می‌شنوم کسی برای بازنشستگی پیش از موعد دچار مشکل شده باشد، ما این کار را برای هر کسی که سوابق کافی و مدارک لازم را داشته باشد در دورترین نقاط استان هم انجام می‌دهیم.

وی با اشاره به تعریف مشاغلی که مشمول استفاده از بازنشستگی پیش از موعد می‌شوند در سامانه تامین اجتماعی، خاطر نشان کرد: تا جایی که من اطلاع دارم مشکل کارگران نساجی سیمین و برخی دیگر از شاغلان در حرفه‌های سخت و زیان آور غیبت‌هایشان بود که این موضوع در حال بررسی و تعیین تکلیف در مجلس است.

معاون بیمه‌ای اداره کل تامین اجتماعی استان اصفهان با تاکید بر این که قانون سختی کار، به قوت خود پابرجاست و اجرا می‌شود، گفت: برخی متقاضیان بازنشستگی پیش از موعد، در سال بیش از 10 روز غیبت داشتند که در مجموع دوران 20 ساله خدمت خود، 200 روز کسری کار داشتند و این مانعی برای موافقت با بازنشستگی آنها به شمار می‌رود اما برای حل مشکل این کارگران، دولت سال گذشته طرحی را به مجلس ارائه کرد که این روزهای غیبت سرکار بخشیده شود. وی با اشاره به این که لایحه مذکور مراحل نهایی خود را در مجلس می‌گذراند، تصریح کرد: با ابلاغ این قانون، به زودی مشکل کارگرانی که غیبت بیش از ده روز در هر سال از دوران خدمت خود داشته‌اند نیز برطرف خواهد شد.

وحید این مشکل را محدود و منحصر به کارگران نساجی یا استان اصفهان ندانست و گفت: کارگران چهار استان مازندران، قزوین، خوزستان و اصفهان با این مشکل روبرو هستند که امیدواریم با مصوبه مجلس، مشکل این جمعیت 30 تا 40 هزار نفری برطرف شود.

جدول قیمت‌های جدید برنج وارداتی

برپایه خبرمنتشره خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا آمده است: سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قیمت‌های جدیدی برای برنج وارداتی در برخی برندها اعلام کرده است.

ایسنا نوشت: هر کیسه برنج وارداتی پنج کیلویی براساس قیمت‌های جدید که از سوی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان اعلام شده است 17 هزار و 750 تومان به فروش می‌رسد. همچنین براساس این قیمت‌های جدید هر کیسه برنج وارداتی 10 کیلویی با قیمت 35 هزار و 500 تومان و هر کیسه برنج وارداتی 50 کیلویی با قیمت 177 هزار و 500 تومان به فروش می‌رسد.

این قیمت‌ها در برخی برندهای خاص از سوی سازمان حمایت اعلام شده است.

پیش از این ارزش مرجع واردات برنج حذف شده و از روزهای آخر سال گذشته برنج با ارزش مبادله‌ای وارد می‌شود.

تاریخ اعلام قیمت	قیمت مصرف کننده	واحد نام محصول	نام شرکت ردیف
92/02/29	177,500 ریال	کیسه برنج وارداتی 5 کیلویی بره نشان	گلستان 1
92/02/29	355,000 ریال	کیسه برنج وارداتی 10 کیلویی بره نشان	گلستان 1 2
92/02/29	1,775,000 ریال	کیسه برنج وارداتی 50 کیلویی بره نشان	گلستان 1 3

با وجود اتمام بی نتیجه اولین جلسه ویژه: امکان تصویب افزایش حقوق علی‌رغم مخالفت کارفرمایان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: جلسه ویژه شورای عالی کار به منظور افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران، مطابق پیش‌بینی‌های انجام شده و اعلام نمایندگان کارفرمایان در این شورا، در غیبت وزیر کار بدون نتیجه مشخصی پایان یافت.

به گزارش ایلنا، منابع آگاه در جلسه امروز شورای عالی کار از توافق نمایندگان کارگری و دولت در خصوص افزایش حقوق و مخالفت نمایندگان کارفرمایان خبر داده‌اند.

کارشناسان کارگری معتقدند با توجه به گفته وزیر کار مبنی بر تشکیل جلسه شورای عالی کار در هفته آینده به منظور بررسی مجدد این موضوع، نمایندگان کارگری علی‌رغم مخالفت کارفرمایان باید درباره انجام رای‌گیری اصرار کنند چرا که اگر سخنان نمایندگان دولت در حمایت از خواسته کارگران صحت داشته باشد، مجموع نمایندگان کارگری و دولت در این شورا برای تصویب افزایش قانونی حقوق کارگران کفایت می‌کند.

گفتنی است، ترکیب شورای عالی کار بنا بر تصریح قانون کار، سه نفر از سه شریک اجتماعی (دولت، کارگر و کارفرما) است اما در سال 87 دولت با تغییر یک طرفه، دو نفر به مجموع نمایندگان خود افزود و به این ترتیب موافقت دولت با هر مصوبه‌ای به طور قطع به تصویب مصوبه مذکور خواهد انجامید. این تغییر ترکیب عالی‌ترین نهاد سه جانبه‌گرایی در کشور اگر چه در اغلب موارد به زیان منافع صنفی کارگران تمام شده است، اما کارگران امیدوارند این بار این تغییر به کمک آنان بیاید.

انکار وزارت بهداشت، اصرار مجلس

برنج‌های خارجی آلوده است؛ به مردم بگویند

بر پایه خبر منتشره در سایت روزنامه بهار آمده است: آلودگی بخشی از برنج‌های وارداتی همچنان بحث داغ این روزهای مجلس است. دیروز هم تعدادی از نمایندگان به دولت برای واردات محموله‌هایی از برنج‌های آلوده به کشور هشدار دادند و گفتند: «دولت سلامت مردم را به شوخی گرفته است». برنج‌هایی که گفته می‌شود به سم آرسنیک آلوده هستند که از عوامل اصلی سرطان است، وزارت بهداشت اعلام کرده موردی از برنج‌های آلوده را تایید نمی‌کند. از سوی دیگر مجلس شورای اسلامی می‌گوید مستنداتش دارد که محموله‌ای از برنج‌های آلوده وارد کشور شده است.

به گزارش بهار، نخستین بار معصومه ابتکار، رییس کمیته محیط‌زیست شورای اسلامی شهر تهران، حدود یک

هفته پیش اعلام کرد گزارش‌هایی از واردات برنج آلوده و چای تاریخ مصرف گذشته دریافت کرده و از مردم خواست با توجه به آثار زیانبار آرسنیک که در برنج‌های آلوده مشاهده شده و این‌که آرسنیک عامل اصلی ایجاد سرطان در کودکان است، به فرزندانشان برنج ندهند. حدود یک سال پیش هم مواردی از آلودگی برنج‌های وارداتی و بالا بودن سم آرسنیک مورد تایید قرار گرفت و مشخص شد میزان فلزات سنگین در این برنج‌ها بالاتر از حد استاندارد است حتی برای مدتی ایران واردات برنج از هندوستان را محدود کرد. این بار اما و در پی خبرهایی که درباره آلودگی برنج‌های وارداتی منتشر شده، مطابق روال مرسوم در همان ساعت‌های اولیه مسئولان وزارت بهداشت اصل ماجرا را تکذیب کردند درست همان سناریو یک سال پیش که مجلس می‌گفت برنج آلوده هستند و وزارت بهداشت می‌گفت آلوده نیستند، هشت ماه گذشت، همه برنج‌های آلوده در بازار توزیع شدند تا سرانجام وزارت بهداشت تحت فشار مجلس اعلام کرد هشت نوع از برنج‌های وارداتی بیش از پنج برابر حد مجاز به سرب آلوده بودند. در روزهای اخیر اما دولت و وزرایش پشت سرهم از مجلس تذکر می‌گیرند و از وزارت بهداشت انکار و از نمایندگان مجلس اصرار. رضا طلایی‌نیک، معاون نظارت مجلس، گفته پیش از این مجلس به وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت درباره واردات برنج‌های آلوده به کشور هشدار داده بود. برنج خارجی در سال‌های اخیر وارد چرخه و برنامه غذایی بسیاری از خانواده‌های ایرانی شده است، عطر و بو ندارد اما بسیاری از خانواده‌ها چنان به برنج‌های دانه‌بلند هندی و پاکستانی عادت کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند برنج ایرانی بخورند. با همه این‌ها برنج خارجی در واقع به این دلیل جایی در سفره‌های ایرانیان باز کرده که از برنج ایرانی ارزان‌تر است و به‌نظر می‌رسد روند فروش برنج خارجی در ایران نسبت مستقیمی با وضعیت اقتصادی گروه‌های مختلف جامعه دارد، هرچه گرانی‌ها بیشتر می‌شود، خریداران برنج خارجی هم بیشتر می‌شوند. حالا در هر مغازه و فروشگاه‌هایی آن‌قدر که برنج‌های دانه‌بلند وارداتی دیده می‌شود، برنج ایرانی در دسترس نیست. تاکنون بحث آلوده بودن این برنج‌ها چندین بار مطرح شده، هر بار عده‌ای تکذیب و انکار و گروهی دیگر تایید کرده‌اند. حالا رضا طلایی‌نیک، جانشین معاونت نظارت مجلس، به خانه ملت گفته که «گزارش‌های مستندی از دستگاه‌های مسئول و نظارتی درباره آلوده بودن بعضی از محموله‌های برنج وارداتی از کشورهای هند و پاکستان دریافت کرده‌ایم.» گزارش‌هایی که به گفته طلایی‌نیک نشان می‌دهد تا پایان سال گذشته برنج آلوده‌ای به کشور وارد نشده است ولی وزارتخانه‌های ذی‌ربط باید برای مراقبت لازم و کامل از وارد نشدن برنج‌های آلوده، اقدامات قانونی را انجام دهند. او با اشاره به این‌که وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و صنعت، معدن و تجارت در جریان هشدارهای معاونت نظارت مجلس برای پیشگیری از واردات برنج آلوده بوده‌اند، تاکید کرد: با توجه به گزارش سازمان حفظ نباتات کشور، به‌طور حتم ورود هرگونه برنج آلوده تخلف از قانون محسوب خواهد شد. در روزهای اخیر نمایندگان دیگر مجلس از جمله مهرداد بائوج لاهوتی، نماینده لنگرود، گفته بود حداقل مسئولان مردم را آگاه کنند که برنج آلوده مصرف نکنند. به گفته نماینده گلپایگان، همین گندم‌ها به کشور کره نیز وارد شده اما آن‌ها حتی این گندم‌ها را خوراک دام‌هایشان نیز نکردند، وزارت بهداشت باید نسبت به سلامت مردم حساسیت داشته باشد. از سوی دیگر عباس رجایی، رییس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس، هم از واردات بی‌رویه برنج به دور از نیاز سنجی بازار انتقاد کرده است. به گفته او آلوده بودن برنج‌های وارداتی نشان از اهمال در وظایف وزارتخانه‌های مسئول دارد که سلامت افراد را به شوخی گرفته‌اند. او روز گذشته با بیان این‌که توجیه منطقی برای واردات برنج در فصل برداشت این محصول وجود ندارد، افزود: متأسفانه در چند سال اخیر حمایت درستی از بخش کشاورزی صورت نگرفته که این خود عاملی برای رشد ویلا در شالیزارها شده است. رییس کمیسیون کشاورزی مجلس آلوده بودن بسیاری از برنج‌های وارداتی را تایید کرده و گفته است: وزارت جهاد کشاورزی، سازمان استاندارد و همچنین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باید پاسخ‌گویی واردات محصولات و کالاهای آلوده باشند.

عضو کارگری این شورا تاکید کرد: موافقان افزایش مزد اکثریت شورای عالی کار را در اختیار دارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: در حالی که جلسه ویژه شورای عالی کار به منظور افزایش حقوق مسکن و خواروبار کارگران در غیبت وزیر کار بدون نتیجه مشخصی پایان یافت، عضو

کارگری شورای عالی کار با اشاره به قول دولت مبنی بر افزایش مزایای جانبی مزد معتقد است «موافقان افزایش مزد کارگران در جلسه ی شورا در اکثریت قرار دارند».

«محمد احمدی» با اشاره به حضور 3 عضو کارگری و 5 عضو دولت در شورای عالی کار (شورای تعیین مزد) به اینها گفت: با توجه به موافقت دولت برای افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران، به نظر نمی رسد برای افزایش مزایای جانبی مزد با مشکلی مواجه شویم.

مطابق ماده ۱۶۷ قانون کار، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس شورای عالی کار مشخص شده است. همچنین دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وی و تصویب هیات دولت، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر از نمایندگان کارگران در این شورا حضور دارند.

اما ماده هشت قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تبصره سه ماده ۱۸ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، در سال 86 موجب شده است ۲ نفر دیگر از سوی دولت به اعضای شورای عالی کار اضافه شوند.

لازم به ذکر است در حالی که ۱۱ نفر عضو رسمی در شورای عالی کار حضور دارند، جلسات این شورا مطابق آیین نامه مصوب هیئت دولت با ۷ نفر رسمیت می یابد. بنابراین موافقت یا مخالفت گروه کارفرمایی با افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران نه تنها تاثیر گزار نیست بلکه حتی عدم حضور ۳ نماینده کارفرمایی در شورا، تاثیری بر رسمیت یافتن جلسه نخواهد داشت.

به گفته ی آقای احمدی، «جلسه ی امروز شورای عالی کار بدون رای گیری تمام شد و به نتیجه ی مشخصی نرسید زیرا مصلحت دولت آن است که افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران با موافقت گروه کارفرمایی صورت گیرد».

این فعال کارگری تصریح کرد: طرف کارگری در این جلسه استدلال های خود برای افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران را مطرح کرد که نتیجه ای در بر نداشت. در حالی که دولت با این افزایش موافق است گروه کارفرمایی سر سخنان با آن مخالفت می کند. وی در پایان مطرح شدن هر گونه رقمی برای افزایش مزد را در جلسه ی امروز شورای عالی کار تکذیب کرد.

پایان پیام

حکایت رییس کل بانک مرکزی، عاقبت آرزوها و برنامه های دولت

کاش تحریم و هدفمندی را نداشتیم؛ تورم 5 درصد می شد

حالا دیگر اثرات تحریمها و هدفمندی یارانه ها نیز بار تورمی داشته و کلید تورم 5/31 درصدی تحریمها و هدفمندی یارانه هاست که کشور این روزها تجربه می کند.

در ماه های گذشته همواره منتقدان به نحوه اجرای هدفمندی یارانه ها بر بار تورمی اجرای این قانون تاکید داشتند، اما این انتقادات هیچ گاه مورد تایید دولتی ها قرار نگرفت، حتی نیمه اردیبهشت ماه سال جاری بود که با وجود تورم 5/31 درصدی سال 91، محمود احمدی نژاد در چهارمین دور از سفرهای استانی خود در جمع مردم آذربایجان غربی، با اشاره به این که می گویند هدفمندی تورم به دنبال دارد، صراحتا اعلام کرد: «دیدید که در نهایت شش درصد تورم ایجاد شد».

اما گویی در ماه های پایانی عمر دولت و زیر سوال رفتن عملکرد اقتصادی آن با افزایش چشمگیر نقدینگی و رشد بی محابای تورم، این صراحت در عدم افزایش تورم خیلی مورد تایید محمود بهمنی نیست و رییس کل بانک مرکزی معتقد است که «اگر تحریمها و یارانه ها نبودند، تورم را به زیر پنج درصد می رساندم».

بهمنی در پاسخ به این سوال که یکی از وعده‌هایی که داده شده کاهش نرخ تورم و تک‌نرخی کردن آن بود، اما نرخ تورم افزایش یافت، یادآور شد: «من پیش از این اعلام کرده بودم که نرخ تورم را از 25 به 8/9 درصد تقلیل دهم که خوشبختانه این اتفاق افتاد. بر همین اساس، نرخ تورم تک‌رقمی شده بود اما چرا بالا رفت؟»
وی ادامه داد که «آیا بخشی از عوامل افزایش نرخ تورم تحریم‌ها نبود؟ کاهش درآمدهای ارزی کاهش واردات، مسائل متفرقه تحریم، کاهش تولید داخلی و کاهش عرضه، تماما عواملی بودند که ناشی از عوامل خاص خود روی افزایش نرخ تورم تاثیر گذاشتند.» رییس‌کل بانک مرکزی، با طرح این سوال که آیا اجرای هدفمندی یارانه‌ها تورم را افزایش نمی‌دهد؟ تصریح کرد: «اگر تمام این شرایط مذکور را نداشتیم به‌طور حتم نرخ تورم کمتر از پنج درصد بود.» بهمنی معتقد است که 90 درصد کارهایی را که مد نظر داشته است در مدتی اجرایی کرده که در بانک مرکزی حضور داشته است، خاطرنشان کرد که «اگر مسائل تحریم و اجرای هدفمندی یارانه‌ها نبود، تورم را به زیر پنج درصد می‌رساندم.»
بگویند پول را برگردانید، برمی‌گردانیم

وی همچنین، درباره برداشت از حساب ارزی بانک‌ها گفت: «اگر بانک مرکزی به این موضوع اعتقادی نداشت از حساب بانک‌ها برداشت نمی‌کرد، این درحالی است که بانک مرکزی گزارش خود را در این باره به سازمان‌های نظارتی ارائه کرده است.» رییس‌کل بانک مرکزی با تاکید بر این که پول برداشت‌شده از حساب بانک‌ها در بخش ارزی به حساب‌های شخصی واریز نشده بلکه به حساب خزانه ریخته شده است، تصریح کرد: «پیش از این خبرنگاران مرتب از ما سوال می‌کردند که مابه‌التفاوت‌های برداشت‌شده از محل ارزهای پرداخت‌شده به بانک‌ها چه شده و به کجا رفته است؟» وی با اشاره به این که 80 بازرسی بانک مرکزی به مدت شش‌ماه موضوع را بررسی کردند و در نهایت 32 هزار میلیارد ریال از حساب بانک‌ها برداشت و به خزانه واریز شد، افزود: «درواقع این مبلغ به بیت‌المال بازگردانده شده، کسی که ارز هزار و 226 تومانی یا هزار و 150 تومانی را در بازار به نرخ هزار و 700 تومان فروخته است، باید مابه‌التفاوت را بازپس دهد. با این وجود اگر همه بگویند باید این پول را به بانک‌ها بازگردانیم، این کار را خواهیم کرد، حتی اگر بگویند پنج برابر آن را نیز بازگردانید، این کار را انجام می‌دهیم.» وی در پاسخ به این سوال که شما معتقدید این برداشت کار درستی بوده است، اظهار داشت: «اگر اعتقاد نداشتیم این برداشت را انجام نمی‌دادیم آن طرف قضیه را باید نگاه کرد؛ کسانی که معتقد به آن نیستند نیز باید ثابت کنند که این کار درست نبوده است.» بهمنی درباره استقلال برپادرفته بانک مرکزی گفت: «بانک مرکزی سعی در کمک به تولید از طریق تزریق ارز به واحدهای تولیدی و جلوگیری از افزایش نقدینگی داشت، ما سعی کردیم واحدهای تولیدی از بین نروند. می‌شد نرخ تورم را بیش از این کاهش داد، می‌شد رکود مطلق ایجاد کرد و درعین حال به بانک مرکزی استقلال داد، اما مفهوم استقلال این نیست باید تمام جوانب را در نظر گرفت.»

وی خاطرنشان کرد: «بانک مرکزی تمام منابع را به سمت تولید هدایت کرده است. سال گذشته 7/31 درصد از منابع به تولید اختصاص یافت. امسال نیز منابع را به سمت تولید و صنعت هدایت خواهیم کرد.»
وی در پاسخ به سوالی درباره کاهش قیمت سکه مبنی بر این که آیا می‌توانیم منتظر کاهش قیمت سکه باشیم؟ عنوان کرد: «دلیل این که بانک مرکزی چهارماه زودتر اقدام به تحویل سکه‌های پیش‌فروشی کرد، این بود که تنش‌های اقتصادی موجب افزایش قیمت سکه نشود.»
رییس‌کل بانک مرکزی ادامه داد: «اما هم‌اکنون می‌بینیم فردی که سکه را به نرخ هزار و 250 تومان خریداری کرده است در صورتی که 70 هزار تومان مالیات بر ارزش افزوده پرداخت کند، با این حساب نرخی که باید برای یک سکه تمام بپردازد، هزار و 325 تومان خواهد بود.»

وی خاطرنشان کرد: «با این نرخ، اگر این فرد بخواهد سکه خود را در بازار بفروشد ضرر خواهد کرد؛ بنابراین اعلام کردیم که این افراد در این مرحله نیز می‌توانند از تحویل سکه‌های خود انصراف دهند.» بهمنی با اشاره به نرخ طلا در بازارهای جهانی در روز پنجشنبه گذشته در حدود هزار و 348 دلار در هر اونس گفت: «پیش‌بینی می‌شود قیمت طلا در بازارهای جهانی کاهش یابد و براساس پیش‌بینی‌های اقتصاددانان نرخ طلای جهانی تا هزار و 200 دلار هم کاهش خواهد یافت.»

وی در پاسخ به این که آیا مسائل سیاسی بر افزایش نرخ سکه می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ گفت: «ممکن است مسائل سیاسی اثر کوتاه‌مدتی بر این مسائل داشته باشد؛ تاثیر سه، پنج و ده‌روزه، اما اقتصاد تابع فرد نیست، اقتصاد کار خود را به پیش می‌برد و به عملکردها حساس است و براساس آن عمل می‌کند.»

دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران: چرا اعتراض؟ نمایندگان کارگری مزد 92 را تصویب کردند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران گفت: به دلیل مخالفت کارفرمایان، جلسه ویژه امروز شورای عالی کار برای بررسی افزایش حق مسکن و حق خوار و بار کارگران بی‌نتیجه پایان یافت.

«محمد عطاردیان» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: جلسه امروز از ساعت 9 صبح تا دوازده و پانزده دقیقه طول کشید و در پایان آن معاون تنظیم روابط کار وزارت کار اعلام کرد که به زودی جلسه دیگری به همین منظور تشکیل خواهد شد و از نمایندگان کارگری و کارفرمایی خواست تا پیش از برگزاری جلسه جدید در رابطه با موضوع افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران با یکدیگر بطور جداگانه مذاکره کنند.

این فعال بخش خصوصی در خصوص علت بی‌نتیجه ماندن جلسه امروز گفت: به دلیل اینکه از قبل در مورد چگونگی افزایش دستمزدهای سال 92 در شورای عالی کار بصورت رسمی توافق شده‌است، کارفرمایان با هرگونه افزایش حقوق مسکن و خوار و بار مخالفت کردند.

وی در عین حال تاکید کرد که در شرایط فعلی بسیاری از کارفرمایان از نظر اقتصادی با مسئله افزایش مزد کارگران مشکل جدی دارند بطوری که در حال حاضر گروهی از کارفرمایان بابت مطالبات معوقه سال گذشته کارگران خود بدهکار هستند.

این مقام کارفرمایی گفت: در ابتدای جلسه امروز، وزیر کار حضور داشت و اعلام کرد در صورت توافق طرفین با افزایش 10-20 هزار تومانی حق مسکن او نیز به نمایندگی از دولت با تصمیم موافق است. وی ادامه داد پس از این گفته، وزیر کار جلسه را ترک کرد و اداره این جلسه به معاونت تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت کار سپرده شد.

به گفته این مقام کارفرمایی در جلسه امروز شورای عالی کار عنوان شد که که چنانچه حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در مجموع 50 هزار تومان زیاد شود، پرداخت آن به حداقل 9 هزار کارگر بیمه شده تامین اجتماعی مستلزم اعتباری 5 تا 6 هزار میلیارد تومانی در هر سال است.

وی گفت: از آنجا که بخش خصوصی توانایی پرداخت چنین بودجه ای را ندارد در این جلسه از معاون تنظیم روابط کار وزیر کار خواستیم تا از محل اعتبارات دولتی منابعی را برای پرداخت این مبلغ به کارگران بیمه شده تامین اجتماعی اختصاص دهد که در عمل دولت به دلیل هزینه بر بودن این مبلغ از قبول آن خودداری کرد. او بایان اینکه دولت مسئول وضعیت نابسامان اقتصادی کنونی است گفت: واگذار کردن چنین مسئولیتی بر عهده بخش خصوصی تنها باعث بدتر شدن شرایط فعالیت بخش خصوصی خواهد شد. وی افزود: با این حال بخش خصوصی متوجه مشکل معیشتی کارکنان خود هست و برای همین ضمن اعلام همدردی و تایید نارضایتی‌های موجود تا آنجا که بتواند در پرداخت های خود از آنها حمایت خواهد کرد.

عطاردیان افزود: به عنوان نمونه در صنعت و بازار ساختمان که در مقایسه با سایر حرف و صنایع رونق نسبی حاکم است، کارگران ساختمانی روزانه 30 تا 40 هزار تومان دستمزد می‌گیرند که این مبلغ حدود دوبرابر دستمزد روزانه کنونی است. وی همچنین در پاسخ به انتقاد گروه کارگری که در جلسه امروز مدعی عدم افزایش مزد بر اساس نرخ تورم بانک مرکزی بودند گفت: طبق برآوردها و محاسبات گروه کارفرمایی در سال 92 دریافتی کارگران به نسبت سال 91 حداقل 47 درصد افزایش یافته است.

وی همچنین در خصوص شکایت کارگران به دیوان عدالت اداری گفت: چون شورای عالی کار يك نهاد سه جانبه است، مصوبات آن دولتی نبوده و بنابراین دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به مصوبات این شورا را ندارد و

چنانچه شخصی نسبت به مصوبات این شورا معترض است میتواند از طریق دادگستری برای ابطال آن اقدام کند. وی درعین حال با اظهار تعجب از اینکه «چرا اعتراض می‌کنند» یاد آور شد که از نظر قانونی مصوبه دستمزدهای شواری عالی کار به تایید نمایندگان گروه کارگری رسیده و به همین دلیل اعتراض به آن مبنای قانونی ندارد.

پایان پیام

دعوی شورای رقابت و خودروسازان بالا می‌گیرد

مافیای خودرو عامل گرانی‌ها

سردرگمی در بازار خودرو همچنان موج می‌زند و خریداران بر سر دوراهی خریدن و نخردن مانده‌اند. تدوین فرمول قیمت‌گذاری از سوی شورای عالی رقابت نیز بازار را به مسیر آرامش بازنگرداند و کماکان اختلاف بر سر قیمت‌گذاری و رعایت‌نکردن استانداردهای تدوین‌شده در راستای افزایش امنیت سرنشینان خودرو پابرجا است. اختلاف شورای عالی رقابت با خودروسازان وارد فصل جدیدی شده است و یکی از اعضای این شورا از کاهش احتمالی تا 15 درصدی قیمت خودرو خبر می‌دهد و دیگری بر این باور است که بعضی پشت پرده‌ها و به خطر افتادن منافع بعضی در خودروسازی‌ها، مانع کاهش قیمت خودرو شده است.

دبیر انجمن خودروسازان اما اعضای شورای رقابت را افرادی ناآگاه می‌داند و معتقد است شرایط کنونی خودروسازان ناشی از اظهارنظرهای کارشناسان و برنامه‌های رسانه ملی است.

دبیر انجمن خودروسازان که دیروز صبح در یک برنامه رادیویی صحبت می‌کرد، نسبت به الزام نصب ایربگ در خودروها از سوی راهنمایی و رانندگی نیز به شدت انتقاد کرد. احمد نعمت‌بخش به دلیل الزام نصب ایربگ در خودروها از راهنمایی و رانندگی به شدت انتقاد کرده و در پاسخ به این سوال که چرا در حال حاضر بعضی از استانداردها از سوی خودروسازان لحاظ نشده و با دور زدن قانون، ایربگ روی خودروها نصب نمی‌شود، گفت: به دلیل تحریم امکان واردات ایربگ به کشور وجود ندارد و به همین دلیل در خودروهایی که نیاز به دو ایربگ دارند تنها یک ایربگ نصب می‌شود.

وی در پاسخ به این سوال که چرا تا زمان حل‌نشدن این مشکل تولید خودرو متوقف نمی‌شود، به تصمیم راهنمایی و رانندگی مبنی بر الزام نصب ایربگ در خودرو به شدت انتقاد کرد و گفت: راهنمایی و رانندگی بی‌خود می‌کند درباره تولید خودرو و نصب ایربگ در خودرو اظهارنظر می‌کند. نعمت‌بخش که در یک برنامه رادیویی صحبت می‌کرد با انتقاد از عملکرد راهنمایی و رانندگی در ملزم کردن خودروسازان به نصب ایربگ در خودروها تاکید کرد هر بلایی که بر سر صنعت خودرو آمده، تقصیر کارشناسان و برنامه‌هایی است که از رسانه‌های ملی پخش می‌شود. براساس این گزارش وی که از عملکرد شورای عالی رقابت و راهنمایی و رانندگی به شدت ناراحت بود در رسانه ملی با توهین به راهنمایی و رانندگی، رسانه ملی و کارشناسان این حوزه تعجب شنوندگان را موجب شد.

حریف خودروسازان نمی‌شویم

براساس این گزارش شورای رقابت قصد ندارد از موضع خود درباره قیمت‌گذاری خودرو کوتاه آمده و بازار را به حال خود رها کند و همین موضوع صدای خودرویی‌ها را بلندتر از هر زمان دیگر کرده است. در همین رابطه عضو شورای رقابت از ثابت‌ماندن تعرفه تلفن ثابت و تورم‌بخشی ۵۲ درصد سایر خودروها در جلسه این شورا خبر داد و گفت: بعضی پشت پرده‌ها و به خطر افتادن منافع بعضی در خودروسازی‌ها، مانع کاهش قیمت خودرو شده است. به گزارش فارس عضو شورای رقابت با تشریح نتایج آخرین جلسه این شورا گفت: در این جلسه، واقعی نبودن نرخ تورم‌بخشی خودروها مطرح و قرار شد این نرخ مورد بررسی دقیق قرار گیرد، از این رو ممکن است قیمت خودروها ۱۰ تا ۲۰ درصد نسبت به نرخ‌های فعلی کاهش یابد. محمدعلی مددی در گفت‌وگو با فارس گفت: نرخ تورمی که بانک مرکزی برای خودروها اعلام کرده، غیرواقعی است و به

همین دلیل قرار شد در جلسه هفته آینده شورای رقابت، مکانیسم تعیین نرخ تورم خودروها از سوی بانک مرکزی برای اعضای شورا تشریح شده تا مشخص شود که نرخ تورم واقعی چقدر است. وی تصریح کرد: بر این اساس، نرخ تورم بخشی همه خودروها بازنگری می‌شود تا قیمت خودرو براساس نرخ‌های واقعی تعیین شود. مددی با بیان این‌که نرخ تورم 52 تا 60 درصدی اعلام‌شده برای خودروهای تندر و مگان نیز غیرواقعی است، گفت: مافیای صنعت خودرو باعث شده تا نرخ تورم واقعی و قیمت واقعی خودروها مشخص نشود. به گفته وی، تا زمانی که نرخ تورم واقعی خودروها مشخص نشود، خودروسازان هر روز محصولاتشان را با یک قیمت متفاوت عرضه خواهند کرد و از فضای موجود سوءاستفاده می‌کنند. وی با اشاره به عدم مطابقت قیمت خودروها با دستورالعمل شورای رقابت گفت: مردم صبر کنند تا قیمت واقعی خودرو مشخص شود.

کاهش مجدد قیمت خودرو

در همین رابطه رییس شورای رقابت نیز با بیان این‌که در این جلسه شورا هیچ بحثی درباره خودرو صورت نگرفته است، گفت: تا زمانی که بانک مرکزی نرخ تورم بخشی خودروهای باقیمانده را اعلام نکند شورا تصمیم جدیدی نخواهد گرفت. جمشید پژویان تصریح کرد: بانک مرکزی برای محاسبه نرخ تورم بخشی خودروهای باقیمانده به اطلاعات جدیدی احتیاج داشت که ما از خودروسازان خواستیم تا این اطلاعات را در اختیارشان بگذارند تا تکمیل شدن بررسی‌ها نرخ تورم بخشی زودتر اعلام شود. وی زمان دقیق مشخص شدن قیمت خودروهای باقیمانده را منوط به پایان یافتن محاسبات بانک مرکزی دانست و اظهار کرد: تا محاسبات بانک به پایان نرسد قیمت‌های جدید مشخص نخواهد شد البته شورا پیش از این تکلیف قیمت بیش از 80 درصد خودروهای موجود در بازار را مشخص کرده است اما با توجه به این‌که خودروهای باقیمانده اکثراً CKD هستند به محاسبات بیشتری نیاز دارند. رییس شورای رقابت درباره بحث نوع ارز دریافتی خودروسازان نیز تصریح کرد: خودروسازان اخیراً ادعا کرده‌اند ارز مبادله‌ای نگرفته‌اند و نیازهای خود را به وسیله ارز آزاد تامین کرده‌اند به همین دلیل شورا درخواست کرده این مسئله نیز بررسی شود تا در صورت لزوم تصمیمات جدید در این زمینه اتخاذ شود. عضو شورای رقابت پیش‌بینی کرد با تعیین نرخ واقعی تورم، قیمت خودروها کاهش یابد که این میزان ممکن است بین 10 تا 20 درصد باشد.

بر اساس قانون شهرداری‌ها؛

۲۰۰ کارگاه ریخته‌گری در اصفهان باید تعطیل شوند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است: عضو شورای اسلامی شهر اصفهان با اشاره به استقرار و فعالیت ۲۰۰ کارگاه ریخته‌گری در محدوده شهر، گفت: براساس معیارهای زیست محیطی این کارگاه‌های ریخته‌گری مشمول بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها بوده و باید تعطیل شوند.

به گزارش ایلنا از اصفهان، وحید فولادگر، مشکلات مالی و دسترسی به بازار کار را مانع اصلی برای انتقال این کارگاه‌ها به شهرک‌های صنعتی دانست و افزود: سازمان حفاظت از محیط زیست این کارگاه‌ها را به عنوان شغل‌های مزاحم و خاص معرفی کرده و بنابراین همکاری و هماهنگی شرکت شهرک‌های صنعتی، مجمع امور صنفی و شهرداری برای انتقال مشاغل مزاحم به خارج از شهر لازم و ضروری است.

وی با تأکید بر این‌که تمام کارگاه‌های ریخته‌گری در محدوده شهر مستقر بوده و سوخت آن‌ها نفت سیاه است، تصریح کرد: تمام کارگاه‌ها با دریافت مجوزهای لازم مشغول به فعالیت هستند و دستگاه‌ها و ادارات ذیربط باید در این زمینه پاسخگو باشند.

عضو شورای اسلامی شهر اصفهان با اشاره به تعیین محل مناسب برای جابه‌جایی کارگاه‌های ریخته‌گری گفت: مشکلات مالی و دسترسی به بازار کار مشکل اصلی مدیران کارگاه‌ها برای انتقال به شهرک‌های صنعتی است؛ از این رو لازم است مسئولان شهرک‌های صنعتی تمهیدات لازم را برای استقرار و فعالیت این کارگاه‌ها اندیشیده و در این زمینه از هیچ تلاشی برای تسریع در این امر دریغ نکنند.

معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

یک‌سوم بزرگسالان ایرانی ناراحتی روحی روانی دارند

فقر، بیماری و انتخابات؛ یک سال از آن زمان که وزیر سابق بهداشت، مرضیه وحیددستجردی، این‌ها را علت نیمی از بیماری‌های روانی دانست، می‌گذرد. حالا عمر وزارت خانم وزیر تمام شده، دولت دهم و رییس آن هم که نتوانست ادامه کار تنها زن کابینه‌اش را تا آخر کار دولتش تحمل کند، روزهای آخرشان را می‌گذرانند و باز از افزایش بیماری‌های روانی در کشور، حرف به میان آمده است؛ البته این‌بار از زبان معاون رفاهی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. این‌بار هم مثل دفعه‌های قبل، درباره ابتلای افراد به بیماری‌های روانی، آمار اعلام شده است: «یک‌سوم بزرگسالان ناراحتی روحی و روانی دارند.» او از پژوهشی حرف به میان آورده که درباره ناراحتی‌های روانی افراد انجام شده است: «پژوهشگران در یک پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که یک‌سوم بزرگسالان ناراحتی‌های عصبی و روانی دارند. از سوی دیگر یکی دیگر از بیماری‌های عصر جدید هم استرس است، این بیماری زاینده تمدن است و باید از آن به‌عنوان بیماری تمدن یاد کرد؛ زیرا هرچه متمدن‌تر می‌شویم این بیماری هم در انسان شایع می‌شود.»

او از وجودداشتن نگاه درست درباره حمایت خانواده‌های آسیب‌پذیر در کشور هم انتقاد کرده است: «نگاهمان در کشور به این خانواده‌ها پرداخت مستمری است و هر زمان که می‌گوییم خانواده‌های آسیب‌پذیر را تحت پوشش قرار دهید، سازمان‌های مربوط می‌گویند که اعتبار نداریم در صورتی که این نگاه اشتباه است.» اگر تا قبل از این کارشناسان و روانشناسان غیردولتی بودند که درباره افزایش بیماری‌های روانی در کشور هشدار می‌دادند، حرف‌هایی که پارسال مرضیه وحیددستجردی، وزیر سابق بهداشت، درباره این بیماری‌ها بر زبان آورد، شد سرآغاز سخنانی از این دست. سخنانی که در آن‌ها آمده بود: «تنها ۲۵ درصد از علل بیماری‌های روانی، دلایل ژنتیکی است و بیش از نیمی از این بیماری‌ها در ایران از عوامل اجتماعی همچون فقر، تبعیض و سکونت جغرافیایی ناشی می‌شوند.» بعد از آن بود که آمارها یکی یکی از راه رسیدند و هشدارها درباره افزایش بیماری‌های روانی در کشور شروع شد. هنوز زمان چندانی از این سخنان خانم وزیر نگذشته بود که باقر لاریجانی، رییس شورای سیاست‌گذاری وزارت بهداشت آن موقع، قبل از آن‌که محمود احمدی‌نژاد نزدیک‌بودنش را به مرضیه وحیددستجردی بهانه‌ای کند برای بیرون‌کردن خانم وزیر از کابینه‌اش، از مشکلات رفتاری و روانی کودکان ایرانی حرف زد و نگرانی‌اش در این‌باره: «۲۰ درصد کودکان ایرانی درگیر مشکلات رفتاری و روانی‌اند و آخرین مطالعات انجام‌شده درباره وضعیت سلامت روانی کودکان در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ نشان می‌دهد در بعضی مناطق ایران، ۵۰ درصد کودکان دچار غمگینی و ناامیدی و ۲۷ درصد کودکان دچار نگرانی و اضطراب‌اند.» قبل از آن هم عباسعلی ناصحی، مدیرکل سلامت روان وزارت بهداشت، گفته بود که «براساس آخرین تحقیق وزارت بهداشت که بعد از ۱۰ سال انجام شده، ۲۶/۵ درصد زنان و ۲۰/۸ درصد مردان در یکسال به یک نوع اختلال روانی مبتلا می‌شوند که رتبه اول بار بیماری‌های زنان را دارد.» بعد از منتشرشدن این سخنان در رسانه‌ها بود که کارشناسان غیردولتی هم نتایج تحقیقاتشان را در این‌باره اعلام کردند. پرویز مظاهری، رییس انجمن روان‌پزشکان ایران، چندی بعد از این سخنان به «خبرآنلاین» گفت که «از هرچهار ایرانی یک‌نفر مبتلا به اختلال روانی است.»

بنا بر آمار وزارت بهداشت و درمان در کل ایران تنها هزار تخت روانپزشکی وجود دارد که ۴۱ درصد آن‌ها نیز در تهران قرار دارند. آمارهای این وزارت نشان می‌دهد که در کل سیستم پزشکی ایران تنها دوهزار و ۳۰۰ متخصص روانپزشکی فعالیت می‌کنند. فرزام پروا، روانشناس، در گفت‌وگو با «بهار» می‌گوید که افزایش بیماری‌های روانی در افراد جامعه، نتیجه شرایط خاص کشور ماست: «در سال‌های گذشته ما چه در سطح فردی، چه در سطح اجتماعی شاهد بوده‌ایم که به‌کارگیری خرد، در سطح معمول نبوده است و خردگرایی در جامعه ما به کمترین حد ممکن رسیده است.» اما آن‌طور که آمارها نشان می‌دهد، وضعیت روحی زنان این روزها از مردان بدتر است. همین دو سال پیش بود که بعد از آن‌که رییس اداره سلامت روان، اجتماعی و اعتیاد وزارت بهداشت، شیوع اختلالات روان‌پزشکی را در زنان ۱۱ درصد بیشتر از مردان اعلام کرد، رییس مرکز پیشگیری از

حوادث وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی حوادث ترافیکی در مردان را اولین علت بیماری‌ها در آن‌ها دانست و بیماری‌های ایسکمیک قلبی و افسردگی مازور را به ترتیب اولین و دومین علت بیماری‌ها در بین آن‌ها اعلام کرد. امان‌الله قزایی مقدم، جامعه‌شناس، در این باره به «بهار» می‌گوید: «وقتی در جامعه زنان باید فشار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، روحی و روانی شوهر و فرزندان را در جامعه تحمل کند، مشخص است که بیشتر در معرض افسردگی قرار می‌گیرد.» این جامعه‌شناس معتقد است: «در بعضی استان‌های کشور به دلیل رفتارهای بد خانواده و سنتی برخورد کردن با زنان، میزان افسردگی بیشتر است. وقتی زن باید با حداقل درآمد شوهر مدیریت خانه را به نحواحسن انجام دهد و هرگونه رفتاری را از سوی شوهر یا فرزندان و اطرافیان را تحمل کند و سنگ صبور همه باشد، در مقابل، کسی به حرف او گوش ندهد، معلوم است که افسردگی در بین این قشر بیشتر می‌شود.»

دختران مجرد بورسیه نمی‌شوند

دانشجویان دختر در صورت مجرد بودن، به خارج از کشور بورس نمی‌شوند. شرطی که این روزها برای دختران داوطلب بورس دکترا در نظر گرفته شده است. مدتی است خبر تصویر تعهدنامه‌ای با مهر دفتر امور حقوقی وزارت علوم مبنی بر ازدواج دانشجویان بورسیه دکترا تا شش ماه پس از دریافت اولین مقرری از سوی منابع خبری منتشر شده است. خبری که به «ازدواج اجباری بورسیه‌ها» معروف شده است.

پیش از این دانشجویان دغدغه‌هایی برای ادامه تحصیل در خارج از کشور و دانشگاه‌های بزرگ دنیا داشتند شاید دغدغه‌های مالی و چگونگی پذیرش بورس، اما دغدغه‌ها عوض شده و دغدغه این روزهای دانشجویان بورسیه، ازدواج است. ازدواجی که شرط پذیرش دانشجویان متقاضی بورس دکتراست. حالا دانشجویان بورس دکترا خارج از کشور، غیر از دغدغه‌های تحصیلی، باید نگران هشدارهای جدی یا شوخی داده شده برای ازدواج هم باشند؛ البته شاید یکی از سیاست‌های تشویقی دولت برای دختران دانشجوی ازدواج است که در نظر گرفته است. چندی پیش گزارشی منتشر شده بود که ۳۷ درصد دختران، بیشتر به ادامه تحصیل علاقه مند هستند تا ازدواج. شاید به همین دلیل است که دانشجویانی که متقاضی دریافت بورسیه هستند، باید تعهد نامه‌ای را امضا کنند مبنی بر این که تا شش ماه بعد از دریافت مقرری بورسیه، باید عقدنامه خود را به سازمان امور دانشجویان بدهند. با این حال، تصویر منتشر شده از فرم تعهدنامه را نمی‌توان تکذیب کرد. حسن مسلمی نائینی، مدیرکل اداره بورس و امور دانشجویان خارج می‌گوید: «اداره کل بورس دانشجویان خارج دخالتی در تعهد این فرم ندارد.» به گفته او، دانشجویان متقاضی بورس بهتر است که متاهل باشند، اما این صحیح نیست که به خاطر بورس، مجبور به ازدواج شوند. ولی اگر دانشجویان بورس دکترا متاهل باشند، ۶۰ درصد مقرری همسر را هم دریافت می‌کنند. البته بحث بورسیه دختران مجرد پیش‌ترها هم مطرح بوده ولی اعمال نمی‌شده است.

حتی در مجلس پنجم هم این کشمکش درباره بورس دانشجویان دختر وجود داشت و شرط تاهل برای دانشجویان زن متقاضی تحصیل در خارج از کشور در نظر گرفته شده بود. ولی به گفته علی عباسپور تهرانی، رییس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس هشتم، این طرح مدتی بعد از اجرا، مورد اعتراض قرار گرفت و لغو شد. این در حالی است که رئیس سازمان امور دانشجویان وزارت علوم در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به شرط تاهل داوطلبان بورس دکترا گفت: بر اساس قانون، دانشجویان مقطع دکترا که بورسیه وزارت علوم هستند، بهتر است که متاهل باشند. درحالی که صحبت‌ها از بهتر بودن متاهلی است ولی موضوعی که داوطلبان می‌گویند، متفاوت است. دختری که دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی از داوطلبان متقاضی بورس دکتراست، به بهار می‌گوید: «چند روز پیش پیامکی از وزارت علوم با این محتوا دریافت کردم که در پذیرش بورس دکترا رد شده‌اید. زمانی که پیگیری کردم و با سازمان تماس گرفتم، در پاسخ گفتند علت این است که مجرد هستیم.» با این حال، ملاباشی هم اولویت را به ازدواج می‌دهد، اما اجباری بر تاهل داوطلب قائل نمی‌شود. او می‌گوید: «تا به حال مقرری هیچ دانشجوی بورسیه‌ای به دلیل مجرد بودن قطع نشده است؛ اما همچنان ترجیحاً باید متاهل باشند.» هرچند همه صحبت از بهتر بودن شرط متاهلی است. شرطی که در هیچ‌یک از بندهای تعهدات دانشجویان بورسیه خارج از کشور در سایت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور نیامده است. البته شرایطی مثل سپردن سند تعهد ملکی و تضمین، تعویض سند به چشم می‌خورد ولی بندی در مورد ازدواج و تاهل وجود ندارد. بر همین اساس، عباسپور تهرانی، می‌گوید: «عدم تاهل نباید مانع ادامه

تحصیل شود؛ چرا که دانشجویان بورسیه، از جمله دانشجویان زنده کشور هستند و نباید چنین دانشجویی از تحصیل در خارج کشور منع شود.» به گفته او، یک دانشجوی دکترا از لحاظ سنی دوران نوجوانی خود را پشت سر گذاشته و از نظر فکری هم به تعقل رسیده است؛ چرا که شاید مجرد بودن این فرد به دلیل مشکلاتی بوده است.

مدیران برای افزایش شهریه‌ها، منتظر آموزش و پرورش نشدند

شهریه 2 تا 8 میلیونی «مدارس غیرانتفاعی» در سال جدید

محمد حسین نجاتی: مدارس غیرانتفاعی در تهران همزمان با پایان امتحانات مدارس، زمزمه‌های افزایش شهریه مدارس را به گوش والدین رسانده‌اند. این درحالی است که رییس سازمان مدارس غیردولتی با رد افزایش شهریه در مدارس غیردولتی می‌گوید: «هیچ‌گونه افزایش شهریه‌ای را به مدارس غیردولتی اعلام نکرده‌ایم.» اما برخلاف اظهار نظر فرشته حشمتیان مدارس غیرانتفاعی با توجه به افزایش میزان هزینه‌های خود و افزایش حقوق کارکنان و معلمان این مدارس، چشم‌انتظار بخشنامه‌های آموزش و پرورش نشده‌اند و هرکدام به نوبه خود اقدام به افزایش میزان شهریه مدارس کرده‌اند. با این حال فرشته حشمتیان، رییس سازمان مدارس غیردولتی عنوان می‌کند: «تیم نظارتی ما برای برخورد با این مدارس در حال انجام وظیفه هستند، به‌ویژه اگر در مدارس غیردولتی شهر تهران افزایش شهریه‌ای هم وجود داشته باشد در مرحله نظارتی با آن برخورد می‌شود و به‌زودی گزارشی از تخلفات را اعلام خواهیم کرد.» هم‌اکنون بررسی‌های میدانی «شرق» نشان می‌دهد، 9/38 درصد مدارس شهر تهران برای ثبت‌نام دانش‌آموزان بین دو تا هشت میلیون تومان پول دریافت می‌کنند. این مدارس که به مدارس غیرانتفاعی مشهور هستند، هم‌اکنون یک‌هزار و 539 از سه‌هزار و 956 مدرسه شهر تهران را به خود اختصاص داده‌اند. طبق جدیدترین آمار ارائه‌شده مربوط به سال تحصیلی 92-91 هم‌اکنون سه‌هزار و 956 مدرسه در شهر تهران فعال است که سهم مدارس دولتی دو هزار و 233 معادل 56 درصد مدارس و سهم مدارس غیردولتی و هیات‌امنائی که اقدام به اخذ شهریه می‌کنند یک‌هزار و 539 مدرسه معادل 9/38 درصد کل مدارس شهر تهران است که باقی را مدارس شاهد، نمونه دولتی، تیزهوشان، ایثارگران و مدارس وابسته به نهادهای مختلف تشکیل می‌دهند.

تفاوت شهریه‌های مصوب با رقم‌های دریافتی از مردم

این موضوع البته با شرایط شهریه‌های مدارس غیردولتی با ایام ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس نیز همراه شده است. هم‌اکنون از نقاط مختلف شهر تهران خبر می‌رسد شهریه‌های اعلام‌شده از سوی مدارس غیردولتی به بهانه‌های مختلف همچون کلاس‌های فوق‌برنامه با رقم مصوب و اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش متفاوت است. بر اساس اطلاعات موجود در سایت سازمان آموزش و پرورش تهران و بررسی‌های «شرق» از شهریه مدارس در سال تحصیلی 91-92، شهریه مصوب صد مدرسه پیش‌دبستانی و پیش‌دانشگاهی که ورودی و خروجی سیستم آموزشی کشور هستند، نشان می‌دهد از بین 50 مدرسه پیش‌دانشگاهی در شهر تهران، شهریه‌های اخذشده از مردم برای حضور فرزندانشان در این مدارس از دو میلیون تومان آغاز می‌شود و به هشت میلیون تومان نیز می‌رسد. از سوی دیگر بررسی شهریه بیش از 50 مدرسه پیش‌دبستانی در شهر تهران نیز نشان می‌دهد شهریه‌ها از مبلغ 500 هزار تومان آغاز می‌شود و تا یک میلیون و 200 هزار تومان می‌رسد. شهریه‌هایی که براساس شهریه‌های مصوب آموزش و پرورش برای این مدارس تعیین شده با شهریه دریافتی از سوی آنان اختلاف معناداری دارد. به‌طوری که بر اساس اطلاعات سازمان آموزش و پرورش شهر تهران در منطقه 2 شهر تهران شهریه یک مدرسه پیش‌دانشگاهی پنج میلیون و 300 هزار تومان تصویب و اعلام شده است در حالی که با تماس تلفنی با مسوولان مدرسه آنها از شهریه هشت میلیون تومانی برای سال تحصیلی جدید خبر دادند. این میزان از قیمت در حالی است که احتمال افزایش 15 تا 25 درصدی شهریه مدارس غیرانتفاعی نیز هنوز ابلاغ نشده است اما مدیران مدارس هم‌اکنون بدون در نظر داشتن بخش‌های آموزش و پرورش اقدام به افزایش شهریه‌های مدارس کرده‌اند.

بالای شهر 8 میلیون، پایین شهر 2 میلیون

مدل حاکم بر مدارس غیرانتفاعی مبنی بر پرداخت پول بیشتر در قبال خدمات آموزشی بهتر و بیشتر، علاوه بر بی‌عدالتی‌ای که همراه با کاهش کیفیت مدارس دولتی به سیستم آموزشی کشور تحمیل می‌کند، در بطن خود نیز تفاوت‌هایی میان پایین شهر و بالای شهر دارد. به طوری که میانگین شهریه‌های مصوب در مدارس غیردولتی مناطق یک تا پنج شهر تهران در مقطع پیش‌دانشگاهی حدود پنج میلیون تومان و در مقطع پیش‌دبستانی یک میلیون و صد هزار تومان است. در حالی که در مناطق جنوبی و جنوب غربی شهر تهران که شامل مناطق 14 تا 19 می‌شود شهریه مدارس پیش‌دانشگاهی به طور میانگین یک تا دو میلیون و شهریه مدارس پیش‌دبستانی حدود 500 هزار تومان است؛ مساله‌ای که با میانگین درآمد و اختلافات طبقه‌ای میان مناطق شمال و جنوب شهر ارتباط معناداری را دارد و به طور قطع میزان خدمات آموزشی و کیفیت آنها با توجه به میزان بالای شهریه‌ها در مناطق شمالی با مناطق جنوبی قابل قیاس نیست.

سهم بالای مدارس غیردولتی از کل فضای آموزشی تهران

برای به دست آوردن کیفیت عدالت آموزشی در کشور و درصد در اختیار قرار گرفتن فضای آموزشی به طور مساوی میان کل دانش‌آموزان، تنها نیاز به بررسی وضعیت دانش‌آموزان مناطق شهری و روستایی یا مناطق محروم و کلانشهرها نیست. در پایتخت کشور وضعیت تعداد دانش‌آموزان و مدارس نشان می‌دهد دانش‌آموزان در مدارس غیرانتفاعی بیش از دانش‌آموزان مدارس دولتی از فضای آموزشی بهره‌مند هستند. بر اساس آمار ارائه شده از سوی سازمان آموزش و پرورش شهر تهران هم‌اکنون سه هزار و 956 مدرسه در تهران فعال است که سهم مدارس دولتی دو هزار و 233 معادل 56 درصد مدارس و سهم مدارس غیردولتی و هیات‌امنائی که اقدام به اخذ شهریه می‌کنند یک هزار و 539 مدرسه معادل 9/38 درصد کل مدارس شهر تهران است که باقی را مدارس شاهد، نمونه دولتی، تیزهوشان، ایثارگران و مدارس وابسته به نهادهای مختلف تشکیل می‌دهند. همچنین در سال تحصیلی 1390-1391، یک میلیون و 80 هزار دانش‌آموز در مدارس شهر تهران حضور داشته‌اند که 791 هزار و 268 نفر معادل 73 درصد کل دانش‌آموزان در مدارس دولتی و 232 هزار و 136 نفر در مدارس غیردولتی حضور دارند که معادل 21 درصد کل دانش‌آموزان تهرانی هستند. این مساله نشان‌دهنده آن است که دانش‌آموزان مدارس غیردولتی تهران با سهم 21 درصدی خود 40 درصد از فضای آموزشی شهر تهران را در اختیار دارند و دانش‌آموزان مدارس دولتی با سهم 73 درصدی خود از کل دانش‌آموزان تنها 56 درصد از کل فضای آموزشی کشور را در اختیار دارند.

تناقض آموزش و پرورش رایگان و سهم بالای مدارس پولی

تناقض پیروی از آموزش و پرورش دولتی رایگان و گسترش مدارس خصوصی و غیردولتی در ایران با استدلال طرفداران مدارس دولتی مبنی بر اجرای عدالت آموزشی و شرایط برابر تحصیلی برای همه کودکان کشور و استدلال طرفداران توسعه مدارس غیردولتی مبنی بر حق اولیای دانش‌آموزان در انتخاب مدرسه و نوع آموزش و پرورش فرزندانشان هم‌اکنون نیز حاکم است. اما نکته قابل توجه کاهش کیفیت آموزش در مدارس دولتی و وضعیت اخذ شهریه‌های نامتعارف از سوی مدارس غیردولتی است. اقبال مدارس غیردولتی در شرایطی است که این مدارس برخلاف مدارس دولتی شهر تهران در مقطع پیش‌دانشگاهی سال تحصیلی خود را از تیرماه آغاز می‌کنند و در کنار برنامه رسمی آموزش و پرورش با ایجاد امکاناتی همچون، برنامه‌ریزی منظم و مدون نحوه شرکت در کنکور، آموزش تست‌زنی، کلاس‌های آموزشی کنکور، مشاوره تحصیلی منظم و شرکت در آزمون‌های هفتگی و ماهانه تا روز برگزاری کنکور سراسری سهم عمده‌ای از رتبه‌های بالا در کنکور را رقم می‌زنند.

شیوع مصرف قرص‌های ریتالین در دانش‌آموزان مقطع راهنمایی

قرص شب امتحان، قرص دانشجو و به تازگی هم قرص دانش آموز، اسامی مستعار ماده‌ای به شدت اعتیاد آور و خطرناک به نام «ریتالین» است که این روزها و به ویژه در ایام امتحانات پایان ترم در دانشگاه‌ها، مصرف آن به میزان نگران‌کننده‌ای افزایش می‌یابد. قرصی که کار را برای دانشجوین شب امتحانی راحت می‌کند و با از بین

بردن احساس نیاز به خواب به آنان کمک می‌کند تا آن شب سرنوشت ساز را بدون برهم گذاشتن پلک به صبح برسانند و از این فرصت برای خواندن چند صفحه بیشتر جزوه و کسب یکی دو نمره بالاتر در امتحان استفاده کنند. غافل از اینکه با مصرف این ماده خطرناک نمره سلامتی خود را به مرز تجدیدی می‌رسانند. مصطفی فروتن آسیب شناس اجتماعی که خود مطالعات بسیاری را در مورد مصرف "ریتالین" انجام داده درباره این ماده می‌گوید: ۶۰ ، ۷۰ سالی هست که از ورود این قرص به عرصه دارویی می‌گذرد. این دارو برای درمان افسردگی و افزایش دوز خلقی استفاده شده و برای درمان بیماران در خود مانده، اوتیسم، بیش‌فعالی و شبیه آن استفاده می‌شود. زیر ساخت ریتالین شبیه داروهای محرکی مانند اکستازی، کوکائین و حشیش عمل می‌کند و مناسفانه اتفاقی که در حال شیوع است، سوءمصرف آن برای درمان چاقی و لاغر کردن به ویژه در باشگاه ورزشی و در بین خانم‌هاست. اما اینکه ریتالین با شخص چه می‌کند که مصرف آن به ویژه در ایام امتحانات افزایش می‌یابد را فروتن اینگونه پاسخ می‌دهد: این قرص که به قرص «شب امتحان» و «قرص دانشجو» معروف شده، یک قرص محرک آزاد کننده آمفتامین است که آمفتامین موجب ترشح دوپامین در بدن می‌شود.

شرایط بهره‌مندی از «بیمه اختیاری» اعلام شد

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا آمده است: مدیرکل فنی و درآمد سازمان تامین اجتماعی شرط پوشش متقاضیان «بیمه اختیاری» را دارا بودن حداقل 30 روز سابقه بیمه اجباری برای آنها خواند و گفت: متقاضیان حداقل باید 30 روز سابقه بیمه اجباری داشته باشند، این در حالیست که تقریباً تمام مزایایی که بیمه‌شدگان اجباری را از سازمان تامین اجتماعی دریافت می‌کنند که شامل بیمه‌شدگان اختیاری نیز می‌شود. محمدحسین زدا افزود: نرخ پرداخت حق بیمه تمامی بیمه‌شدگان اختیاری اعم از متقاضیان جدید و افرادی که قبلاً بیمه اختیاری شده‌اند، معادل 26 درصد مبنای پرداخت حق بیمه مورد قرارداد جهت بهره‌مندی از مزایای بیمه بازنشستگی، از کارافتادگی و فوت است.

گزارشی از کودکانی که معتاد به دنیا می‌آیند؛

تولد در خماری!

نوزاد، اعتیاد، ترک اعتیاد. قرار گرفتن این سه کلمه کنار هم، چندان باور کردنی نیست. اما آنچه در بیمارستان‌ها می‌گذرد، حکایت از واقعیت دیگری دارد؛ اینجا نوزادانی هستند که با درد خماری متولد می‌شوند و از روزهای اول زندگی شان، باید سختی‌های ترک اعتیاد را تحمل کنند. این‌ها معتادهای مادرزادی هستند که مادرانشان در دوران بارداری مواد مخدر مصرف می‌کردند. بدون آن که بدانند جنین شان هم پا به پای آنها شریک دود و دم منقل شان است.

بخش نوزادان بیمارستان امام خمینی (ره)، به طور مشخص و تقریباً ویژه به ترک اعتیاد نوزادان پرداخته است. هرچند که به گفته پرستاران و پزشکان بخش، این درمان به طور عادی و معمول اینجا اجرا می‌شود ولی انجام تحقیقات ویژه درمان نوزادان متولد شده از مادران معتاد، باعث شد که طاهای طاهری قائم مقام دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام کند که برای این نوزادان بخش ویژه‌ای در بیمارستان امام خمینی (ره) در نظر گرفته شده است تا این کودکان تحت درمان قرار گیرند. به گزارش مهر، بخش ویژه همان بخش NICU بیمارستان است. پرستاران تا بخش سوژه گزارش را می‌شنوند، می‌گویند همین حالا یک مورد نوزاد دارند که در بخش بستری است. نوزاد پسر 12 روزه‌ای است که توی دستگاه خوابیده و بالای سرش عروسک کوچک باب اسفنجی آویزان است که بعید می‌دانم بفهمد چیست و حواسش به آن باشد. گریه می‌کند و پیچ و تاب می‌خورد. پرستاران می‌گویند از بی‌قراری است و احتمالاً درد؛ همان علایم ترک. لای ملحفه‌ای پیچیده شده تا شاید کمی آرام بگیرد. می‌گویند این یکی از راه‌های آرام‌تر کردنشان است. مادر هنوز نیامده که به پسرش سر بزند. مادری 20 ساله که به پرستاران گفته از 16 سالگی بی‌سرپرست بوده. می‌گویند بروز نداده که اعتیاد دارد ولی وقتی نوزادش را برای معاینه آورده، علایم ترک را داشته و بستری شده تا درمان شود. نگاهم می‌ماند به سر کوچک پسر با موهای مشکي و پرپشت که از گریه تکان می‌خورد. درد می‌کشد.

سندروم محرومیت نوزادان

دکتر حسین دلیلی، فوق تخصص نوزادان و استادیار دانشگاه علوم پزشکی تهران، یکی از پزشکان بخش نوزادان بیمارستان امام خمینی است و طرح تحقیقاتی ویژه‌ای برای درمان نوزادان متولد شده از مادران معتاد، انجام داده است. البته در مرکز تحقیقات مادر و نوزاد بیمارستان امام خمینی، طرح‌های دیگری هم در این زمینه توسط دکتر فاطمه نیری رئیس بخش نوزادان بیمارستان و رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، انجام شده است. دکتر دلیلی می‌گوید که این نوزادان دچار سندروم محرومیت نوزادان هستند که منظور محرومیت از مواد مخدر است. نوزادانی که از مادران مشکوک به مصرف مواد مخدر متولد می‌شوند یا مادر اطلاع داده که مصرف کننده بوده است، از این نظر بررسی می‌شوند. دکتر دلیلی می‌گوید: «مواد مخدر از جفت رد می‌شوند. در واقع جنین به مواد مخدر تماس دارد و به دنیا که می‌آید دچار این سندروم می‌شود. علایم مختلفی دارد که ما این علایم را بررسی می‌کنیم. مواردی مثل گریه غیر طبیعی، خواب زیاد، لرزش، تشنج، تحریک پذیری، تعریق و تب، دمای پایین بدن، خمیازه‌های زیاد، گرفتگی بینی، نفس‌های تند و اسهال و استفراغ. که گاهی برای این اسهال و استفراغ محبوریم سرم تجویز کنیم.» شدت این علایم در نوزاد بستگی به دوز مصرف مواد مخدر توسط مادر و مدت زمان استفاده دارد. میزان شدت این علایم توسط سیستم نمره دهی خاصی که به فینگان معروف است، بررسی می‌شود و براساس نمره‌ای که نوزاد از این بررسی می‌گیرد، درمان مشخص می‌شود. اگر مادر در زمان بارداری اقدام به ترک مواد مخدر کند، علایم ترک از همان دوره جنینی شروع می‌شود. آنطور که دکتر دلیلی می‌گوید همه نوزادان متولد شده از مادران معتاد، نیاز به درمان دارویی ندارند: «60 درصد از این نوزادان نیاز به دارو ندارند. با مراقبت‌های ویژه آنها را ترک می‌دهیم. نور را کم می‌کنیم، پارچه‌ای دورشان می‌پیچیم و قنداقشان می‌کنیم. در واقع سعی می‌کنیم بی‌قراریشان را کم کنیم و آرامشان کنیم. اما 40 درصد بقیه که علایم شدیدتری دارند، نیاز به دارو پیدا می‌کنند. مورفین خوراکی که به میزان خاصی به نوزاد داده می‌شود و به تدریج و روز به روز میزان آن را کم می‌کنیم تا روند ترک کامل شود. داروی دیگر فنوباریتال است که برای درمان تشنج به کار می‌رود و در مواردی از آن استفاده می‌کنیم. در طول درمان نوزاد نباید از شیر مادر تغذیه کند به خصوص اگر مادر هنوز مصرف کننده است. در واقع اگر بعد از مرخص شدن نوزاد از بیمارستان و ترک، مادر همچنان مصرف کننده مواد باشد و شروع به شیردهی کند، باز نوزاد معتاد خواهد شد.» آنطور که پیداست نمی‌شود گفت که چقدر طول می‌کشد این نوزادان ترک کنند. همه چیز بستگی به میزان مصرف مواد مخدر توسط مادر دارد و بدن نوزاد. مسئله اینجاست که این نوزادان فقط مشکل ترک اعتیاد ندارند و معمولا چند مشکل جسمی آنها را در بیمارستان و بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان نگه می‌دارد. مشکلاتی چون اسهال و استفراغ شدید و نارس بودن. به گفته دکتر دلیلی، مصرف مواد مخدر باعث زایمان زودرس و تولد این نوزادان به صورت نارس می‌شود که این مسئله نیز باید در کنار ترک اعتیادشان، مورد توجه قرار بگیرد و درمان شود. البته این پایان راه نیست. زیرا این نوزادان نسبت به دیگر نوزادان و در آینده نسبت به کودکان دیگر آسیب پذیرترند. دکتر دلیلی می‌گوید: «این نوزادان در آینده معمولا دچار تاخیر تکاملی می‌شوند و از لحاظ نورولوژی مشکلاتی پیدا می‌کنند. اختلالات ذهنی، مشکلاتی در زمینه برقراری ارتباط اجتماعی و ناتوانی در حل مسئله، در زندگی آینده این نوزادان دیده می‌شود. در واقع نوزادانی پرخطر هستند.» به خصوص اینکه این نوزادان نیاز به مراقبت‌های بعد از ترک هم دارند که معمولا این اتفاق نمی‌افتد. مادرانی که چنین نوزادانی دارند، به دلیل مشکلات و شرایط ویژه‌ای که درگیرشان هستند، معمولا آنها را برای بررسی‌های بعدی و چکاپ‌های مداوم، به بیمارستان نمی‌آورند و نمی‌توان مطمئن بود که این نوزاد مدتی دیگر و با مصرف دوباره مواد مخدر توسط مادر و شیردهی همزمان، گرفتار اعتیاد نشود...

کسری یک روزه؛ گرفتار شیشه

بخش اورژانس زایمان بیمارستان امام خمینی، معمولا ویژه زنانی است که زایمان پرخطر و ریسک بالا دارند و به صورت اورژانسی به این بیمارستان منتقل می‌شوند. هزینه‌های کم زایمان هم باعث شده زنانی که دچار آسیب‌های اجتماعی هستند بیشتر برای زایمان به این بیمارستان مراجعه کنند. زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست و زنان معتاد، بسیاری از آنها به دلیل مشکلات مالی نوزادانشان را بعد از زایمان در بیمارستان رها می‌کنند و بیمارستان آنها را به بهزیستی تحویل می‌دهد تا شاید زندگی بهتری در انتظارشان باشد. روی یکی از تخت‌های بیمارستان امام خمینی (ره) یک مادر مشکوک به مصرف مواد مخدر خوابیده. تازه زایمان کرده و نوزادش هم مشکوک به سندروم محرومیت است. بچه را تازه آورده‌اند تا ببیند. کلافه است و مرتب صورت خیس

از عرقش را خشک می‌کند و با گوشی موبایلش سعی می‌کند با کسی تماس بگیرد. می‌گوید 30 ساله است. آرام می‌پرسم مواد مصرف می‌کردی؟ می‌گوید: «شیشه... ولی ترک کردم. نمی‌دانستم حامله‌ام. سه ماه بود که فهمیدم از همان موقع ترک کردم.» می‌پرسم سخت بود توی بارداری؟ می‌گوید: «خیلی... ولی به خاطر بچه ام این کار را کردم.» نوزادش پسر است و می‌خواهد اسمش را کسری بگذارد. کسری پیچیده شده در ملافه سبز بیمارستان چشمانش را باز می‌کند و دستانش را تکان می‌دهد. زود از من می‌پرسد که بچه‌اش مشکل دارد؟ سعی می‌کنم اطمینان بدهم که سالم و سلامت است اما از علایم خودش بعید است که ترک کرده باشد و احتمالاً نوزادش باید درمان شود. دکتر دلیلی بعد می‌گوید که نوزادش بستری شد. چون علایم را داشت... پرستاران بخش اورژانس زایمان می‌گویند که به طور متوسط ماهی 7 تا 8 مورد این چینی دارند. مادران معتاد. آمار مادران معتاد به شیشه از همه بیشتر است. بعد کراکی‌ها و در نهایت تریاک که کم و بیش بینشان پیدا می‌شود.. شیشه یکه تا آمار مصرف مواد است. ارزانی و در دسترس بودنش خیلی‌ها را اسیر کرده و حالا آمارهای رسمی و غیر رسمی می‌گوید که آمار مصرفش روز به روز بین جوانان و زنان بیشتر می‌شود. بسیاری از زنانی که برای زایمان مراجعه می‌کنند بروز نمی‌دهند که اعتیاد دارند یا می‌گویند ترک کرده اند. اما واقعیت چیز دیگری است. درخواست تزریق بیش از حد مورفین هنگام دردها و پس از زایمان، یکی از مواردی است که پرستاران و پزشکان را مشکوک می‌کند و خیلی‌ها هم هنگام دردهای زایمان و بی خود شدن از درد اعتراف می‌کنند که معتاد هستند. پرستار بخش اورژانس می‌گوید تعدادشان خیلی بیشتر شده و به نشانه تاسف سر تکان می‌دهد... کارم تمام شده. سکوت بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان بیمارستان امام خمینی هر از گاهی با گریه یکی از نوزادان می‌شکند. وقت برگشتن دوباره به دستگاہی که نوزاد پسر 12 روزه خوابیده بود نگاه می‌کنم. خوابش برده و آرام شده. چند روز بعد می‌فهمم مرخص شده و مادرش او را برده... روزهای سختی را گذرانده و چه کسی می‌داند روزهای زندگی سخت تر از این است یا آسان تر...

گزارشی از شرکت بومسازان زاگرس

به نوشته سایت کمیته هماهنگی در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده، شرکت بومسازان زاگرس، پیمانکار نهالستان منابع طبیعی سنندج (روستای قار) مدت 7 ماه است که حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. این کارگران به اداره کار شکایت کرده‌اند؛ اما تاکنون نتیجه‌ای نگرفته‌اند. گفتنی است این کارگران که 11 نفر هستند، بین 2 تا 30 سال سابقه‌ی کاری دارند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

طرح فریب کارانه مدیریت شرکت کشت و صنعت هفت تپه

به نوشته وبلاگ شاهرخ زمانی در تاریخ 7 خرداد 92 آمده است : توسط کارفرمای کشت و صنعت هفت تپه نقشه ضد کارگری در حال اجرا است که اگر موفق به انجام آن شوند در یک قلم سه میلیارد تومان از حق کارگران توسط کارفرما دزدیده خواهد شد. این در حالی است که نقشه فوق باعث خواهد شد کارفرما حداقل یک سال کمتر حق بیمه پرداخت نماید که حدود 1/2 میلیارد تومان می شود . همچنین عدم پرداخت یک سال بیمه فوق باعث می گردد حقوق دریافتی کارگران پس از بازنشستگی کمتر از میزان قانونی شود . در همین حال افزایش دستمزد سال 92 در حقوق بازنشستگی کارگران فوق اعمال نخواهد گشت این نیز باعث کسر بزرگی از حقوق کارگران خواهد شد . در تماس با یکی از کارگران کشت و صنعت هفت تپه او بیان کرد که حدود 25 روز قبل مدیریت شرکت به تعدادی از کارگران که فرم بازنشستگی قبل از موعد شامل حال آنها می شود ابلاغ کرده است که سنوات شما براساس سال 91 محاسبه شده است . این ابلاغ در حالی به کارگران گفته می شود که آنها هم اکنون مشغول کار هستند و تا پایان سال 92 باید کار کنند یعنی موعد بازنشستگی آنها پایان سال 92 خواهد بود کارفرما می خواهد آنها این ابلاغ را بپذیرند در حالی که هنوز مشغول به کار هستند . تعداد کارگرانی که شامل این ابلاغ می شوند حدوداً 500 نفر است به طور مثال قرار است هر ماه 40 نفر از آنها طی سال بازنشسته شوند اما طبق نقشه کارفرما آنها تاریخ امضای ترک کار خود را باید سال 91 بنویسند .

در صورت پذیرش این نقشه از طرف کارگران ، سنوات آنها بر پایه سال 91 محاسبه می شود (یعنی یک سال کمتر محاسبه خواهد شد) و همچنین افزایش 25 درصد دستمزدهای مربوط به سال 92 شامل حال آنها نخواهد شد و همانطور که گفته شد به دلیل یک سال کمتر پرداخت شدن حق بینه سابقه بیمه آنها کمتر بوده و در مجموع حقوق بازنشستگی آنها نیز بسیار کمتر خواهد شد (بر پایه سال 91 محاسبه می شود) . اما کارگران این نقشه و ترفند کارفرما را قبول نکردند و اعلام کرده اند که برگه ترک کار را تا زمانی که حق قانونی شان امضا نخواهند کرد و روز امضای ترک کار را نیز تاریخ روز را خواهند نوشت . کارگران با اعلام این موضوع نقشه قانونی کردن دزدی توسط کارفرما را نقش بر آب کردند ، اما کارفرما همچنان به دنبال پیاده کردن طرح ضد کارگری و ضد قانونی خود است . نقل قول از طرف یکی از کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه با کسب آگاهی بیشتر از دوستان کارگر خود می توان نقشه های ضد کارگری را خنثی کرد کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/3/7

www.chzamani.blogspot.com
freshahrookh@gmail.com

این بار کارگر مکانیک کار صنایع فولاد کمال بهاری بر اثر حادثه جان باخت صمد بهادری طولابی

بر اساس ایمیل رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ حوادث و سوانح محیطهای کارگری در ایران زیادتز شده، هرچه بحران سیاسی - اجتماعی و اقتصادی جامعه عمیقتر می شود، میزان حوادث زیادتز شده و جان کارگران بیشتتری در محیطهای کارگری گرفته می شود، صنایع، کارخانه ها، و احداث سدها، پلها و راه آهن و معادن ایران تنها با عرق کارگران و رنج و زحمت آنان ساخته و آباد نشده، بلکه به قیمت نیروی کار و جان کارگران تمام شده، هیچ سد و معدن و صنعت بزرگی نبوده که ساختن آن تلفات جانی کارگران را همراه نداشته باشد. میزان بالای حوادث و تلفات کارگری در ایران همواره موجب نگرانی همقطاران و جامعه کارگری بوده، روز دوشنبه ۶ خرداد ماه کارگران صنایع فولاد اهواز شاهد یکی از حوادث دلخراشی بودند که موجب گرفتن جان یکی از همکارانشان شد، کمال بهاری کارگر مکانیک کار که دارای زن و دو فرزند بود و حدود سی سال سن داشت در این حادثه جان باخت، هوک جرثقیل سقفی از ارتفاعی بیشتز از ده متر بریده و با سقوط آزاد به سر و کتف کمال بهاری اثبات نمود و جابجا موجب مرگ کمال شد، کمال بهاری در قسمت گندله سازی صنایع فولاد مشغول کار بوده، یکی از آلودهترین قسمت های این صنایع، کارگران این واحد در محیطی فوق العاده آکنده از گرد و غبار ناشی از مواد متریال صنایع کار می کنند، کارگران و همکاران کمال با اندوه و نا باوری از حادثه ای که جان همکارشان را گرفت روبرو شدند،

رژیم امنیتی و سرکوبگر جمهوری اسلامی برای استیلاي خودش بر جامعه، تنها در کار پیگرد و تعقیب، و حبس و اعدام و سرکوب نیست، بلکه با تنظیم برنامه و سیاست های بغایت ضد انسانی و ضد کارگری، و بدون اینکه ارزشی برای حقوق مدنی آحاد جامعه قائل باشد، کارگران را از ابتدائیترین حقوق خود، یعنی ایجاد تشکل های کارگری منع کرده، کارگران صنایع فولاد که در سه شیفت مشغول کار هستند، تعدادشان مجموعا بیش از دوازده هزار نفر است، و هیچگونه تشکلی صنفی و اتحادیه ای ندارند.

مزدور محسن رضائی از گماشتگان خود فروخته رژیم جمهوری اسلامی یکی از کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری در سخنان تبلیغاتی اش که از تلویزیون پخش شد، می گوید من خانواده ای در این منطقه و در آغاچاری می شناسم که بر دنیائی از منابع نفت و گاز خوابیده، و سه شهید داده،! این خانواده پنج فرزند بیکار دارد، پدر خانواده گفته چنانچه بچه هایم مشغول کار نشوند خودم را به آتش می کشم! در رژیم ورشکسته و ضد انسانی که با خانواده های قربانی خود این گونه با بیرحمی و با بی تفاوتی برخورد می کند، با خانواده ای کارگری که سرپرستش جان باخته چه رفتاری می کند؟

دستگاه اداری و بوروکراتیک این رژیم برای پرداخت بیمه خانواده کمال بهاری، آنان را سالها سر خواهند دواند.

بخش زیادی از مشکلات و امور کارگران و خانواده‌های آنان از طریق ایجاد تشکل‌های کارگری بر طرف می‌شود، کارگران صنایع فولاد اهواز مستثنی از شرایط موجود و کارگران دیگر واحدهای صنعتی ایران نیستند، برای بهتر زندگی کردن، برای برطرف کردن مشکلات کار و معیشت و نگرانی و اندوه ناشی از دست دادن همکاران خود، باید تشکل‌های کارگری خود را بسازیم. تشکل‌های کارگری نهادهایی هستند که به توده‌ی کارگران سر و سامان می‌دهند، کارگران متشکل در تشکل‌های کارگری بهتر از کارگرانی که فاقد تشکل هستند از عهده امورات خود برخواهند آمد. کارگران و همکاران صنایع فولاد اهواز تلاش کنیم تشکل‌های مستقل کارگری خود را ایجاد کنیم.

هفتم خرداد ماه نود و دو - اهواز

آخرین گزارش از وضعیت بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و مدافع حقوق کودک

بعد از اینکه پزشک قانونی در روز یکشنبه پنجم خرداد در بیمارستان محک با فرزند کارگر معترض بهنام ابراهیم زاده دیدار کرد، وی را مورد معاینه قرار داد. پزشک قانونی پس از معاینه تایید کرد که بهنام باید در کنار فرزند بیمارش بماند. اما در تأییدیه پزشک قانونی به مقامات دادستانی تاریخ معینی مشخص ذکر نشده است. تنها به این مساله اشاره شده که نیما ابراهیم زاده در بیمارستان محک بستری است و تحت درمان و شیمی درمانی قرار دارد و حال عمومی نیما خوب نیست. حالت تهوع و تشنج دارد و از خوردن و آشامیدن نیز خوداری می‌کند و ضروری است که بهنام در کنار فرزند بیمارش بماند.

از این رو بهنام امروز به دادستانی مراجعه کرد و از نزدیک با دادیار ناظر بر زندان، آقای خدابخشی دیدار کرد و گزارشی از وضعیت خود و فرزند بیمارش را در اختیار دادیار زندان قرار داد. بهنام به خدا بخشی یاد آور شد که وضعیت فرزندم وخیم است و مسئولیت این وضعیت و موقیعت جسمی خودم تماما با شما و دستگاه امنیتی است. این شما و دستگاه امنیتی بوده اید که این وضعیت را به من و فرزندم تحمیل کرده اید. بهنام ابراهیم زاده بر ضرورت فوری روشن شدن وضعیت مرخصی اش تاکید کرد. تاکید کرد که در صورت مشخص شدن مساله مرخصی چون منبع درآمدی ندارد باید به سر کار برود و در کنار آن به وضعیت پزشکی خود هم که از آرتروز گردن و درد گوش رنج می‌برد، برسد. خدابخشی در پاسخ گفت که فعلا چند روزی دست نگهدارید تا جواب قطعی از شخص دادستان ارسال شود. بعد به دنبال کارهای پزشکی خودتان بروید، چرا که هر آن امکان دارد شما به زندان برگردانده شوید، پس مراقب باشید و کمتر با رسانه‌ها مصاحبه انجام دهید.

این فعال کارگری از همه انسانهای آزادیخواه و وجدانهای بیدار می‌خواهد که از این خواست حمایت کنند. او می‌خواهد در این دوران سخت و دردناک در کنار فرزندش در بیمارستان باشد. او می‌خواهد فرزندش گرمای وجود پدر و خانواده اش را در کنار خود حس کند. آیا این خواست زیادی است؟ منبع: وبلاگ کمیته ی دفاع از بهنام ابراهیم زاده-هفتم خردادماه

گزارشی از مجالس عروسی «از ما بهتران»

به نوشته روزنامه خراسان - مورخ سه‌شنبه 1392/03/07 شماره انتشار 18415 فآمده است :

تو که چندین ماه است پی گیر وام 5 میلیون تومانی ازدواج هستی، شاید نتوانی با این مبلغ برای شب عروسی ات یک دستگاه "رولزرویس فانتوم کوپه" کرایه کنی ولی می‌توانی یک "لیموزین" را جایگزین آن کنی، البته فقط برای 7 ساعت.

باور کنید اصلا قصد نداشتم این روزها با نوشتن در باره گوشه‌ای از زندگی "از ما بهتران" نمک به زخمتان بپاشم. ولی با دیدن قیمت کرایه برخی به اصطلاح "ماشین های عروس"، دیدم لازم است برایتان بنویسم نه برای سوزاندن دل قشر زحمت کش جامعه، بلکه به عنوان جوال دوزی بر بدن افرادی که با فرهنگ و لخرچی و تظاهر، دنباله روی سراب خوشبختی هستند.

خودروهاي لوکس عروسي

برخي زوج هاي جوان براي ثبت خاطره انگيزترين روز و شب زندگي شان و احتمالاً کور کردن چشم حسود، اقدام به اجاره خودروهاي لوکس و گران قيمت براي چند ساعت يا یک روز در شب عروسي مي کنند. موسساتي نيز با غنيمت شمردن اين فرصت با در اختيار گذاشتن اين خودروها هم پول پارو مي کنند و هم...

همين پاييز سال گذشته بود که گران قيمت ترين و زيباترين ماشين عروس کشور در اصفهان ديده شد. اين خودروي تشريفاتي که به صورت گذر موقت به کشورمان وارد شده بود، در جشن عروسي یک زوج ايراني به عنوان ماشين عروس استفاده شد. جالب است بدانيد که اين "رولزرويس فانتوم کوپه" حدود 411 هزار يورو قيمت داشت.

اما هم اکنون برخي خودروها و هزينه کرايه آن ها از اين قرار است: قيمت اجاره بي ام و X6 و بي ام و X3 در تهران براي یک ساعت ۲۵۰ هزار تومان و براي یک روز ۲ ميليون و 500 هزار تومان. بنز S500 ساعتی ۴۰۰ هزار تومان. بي ام و کروک هر ساعت ۶۰ هزار تومان. پورشه روزي ۲ ميليون و ۵۰۰ هزار تومان. مازاراتي ۱۶ ساعت ۹ ميليون تومان. ليموزين یک روز ۱۲ ميليون تومان. بنز کروک ساعتی ۴۰۰ هزار تومان. لکسوس کروک ساعتی ۵۰۰ هزار تومان و ارزان ترين خودروها هم ماکسيما و سوناتا است با کرايه هر ساعت ۱۰۰ تا 150 هزار تومان. ضمن اين که در صورت کرايه خودرو بدون راننده بايد چکي به ارزش آن خودرو و سند چند صد ميليوني گذاشته شود.

باغ و تالار

متأسفانه برخي جوانان امروزي با توجه به انتظارات شکل گرفته در جامعه، ديگر حاضر به برگزاري جشن ساده و صميمي عروسي در خانه نيستند و براي بستن دهان مردم، خواستار برگزاري مراسم عروسي خود در تالارها و باغ هاي مجلل با صرف ميليون ها تومان هستند و بسياري از آن ها و خانواده هايشان براي برگزاري یک شب مراسم، زير بار بدهي هاي سنگيني مي روند که تا مدت ها بعد از ازدواج بايد با کار بيشتري براي پرداخت اين بدهي ها تلاش کنند. يکي از اين تجملات مکان برگزاري جشن و سرويس هاي ويژه اي است که باعث بالا رفتن کلاس جشن خواهد شد.

مدیر تالاري در خيابان دروازه شميران تهران مي گوید: تالار ما تمام لوازم عروسي مانند کارت دعوت، آرايشگاه عروس، ميوه و شيريني، فيلم برداري، اتاق عقد و خواننده را تأمين مي کند. وي مي افزايد: هزينه شام عروسي با توجه به غذاي انتخابي از 14 هزار تا 100 هزار تومان متغير بوده که غذاهاي 100 هزار توماني بين المللي است.

مدیر يکي از تالارهاي عروسي در مشهد نيز در مورد خدمات ارائه شده اين تالار در شب عروسي اظهار مي کند: گل آرايي، نورپردازي و فيلم برداري خدمات ارائه شده در شب عروسي است که هزينه تمام اين موارد 4 ميليون تومان مي شود. ولي اتاق عقد به صورت مجزا براي یک ساعت اجاره داده مي شود که در قبال آن، 500 هزار تومان دريافت مي شود.

مدیر اين تالار با بيان اين که اين تالار سالن ويژه اي براي اجراي موسيقي دارد، مي گوید: اجراي کنسرت در تالار ممنوع است ولي دستمزد خواننده تالار 250 هزار تومان است. اما اين خواننده را کدام موزيک مي خواهد همراهي کند، خدا مي داند!

مدیر یکی از باغ های مجلل عروسی نیز در باره نرخ خدماتش می گوید: ورودی این باغ 2 میلیون تومان و قیمت غذاها از 20 تا 150 هزار تومان متغیر است. خدمات ویژه این باغ نیز شامل پارکینگ، نورپردازی و آتش بازی است که در صورت درخواست مشتری، این موارد 2 میلیون تومان دیگر هزینه در بر دارد.

وقتی از وی می پرسیم که آیا با این قیمت ها مشتری هم دارد یا خیر؟ می گوید: باغ ما از چند ماه قبل برای مناسبت های ویژه و اعیاد مذهبی رزرو می شود. زیرا باغ برای عروسی باکلاس تر است. در عین حال خانواده ها می توانند برای کاهش هزینه ها خدمات ویژه ای را که ارائه می شود، مثل آتش بازی، درخواست نکنند.

البته می گویند با کلاس تر از این هم هست که من ندیده ام ولی می گویند، برای برگزاری عروسی در تالاری آبرومند که کمتر از هتل های 5 ستاره تهران نیست اگر بخواهید کمترین هزینه را بپردازید باید یک عروسی با 700 نفر مدعو، برای هر کدام از مهمانان نفری 150 هزار تومان و در نهایت 105 میلیون تومان ناقابل دو دستی تقدیم مدیر تالار کنید. البته این هزینه برای منوی شماره 7 و آخرین منوی این تالار با 8 نوع غذا، 6 نوع سالاد، 6 نوع ژله و کارامل، 4 نوع خورش، و 2 نوع ماست به همراه نوشابه و دوغ و بستنی است که به قول مسئولان این تالار معمولاً این منو برای مراسم کوچک استفاده می شود و «به هیچ وجه» مناسب مراسم عروسی نیست.

"تهران امروز" می نویسد: برای مهم ترین و با آبروترین منوی این تالار که منوی شماره یک نام گذاری شده باید نفری 280 هزار تومان به عبارتی 266 میلیون تومان هزینه کنید. این منو شامل بره بریان شده (برای هر 40 نفر یک بره)، خورش فسنجان، شویدباقالا با گوشت گوسفندی، زرشک پلو با مرغ، مرصع پلو با گوشت گوسفندی، جوجه کباب، آلبالو پلو با مرغ و گوشت، کباب کوبیده، کباب بره، بوقلمون (برای هر 20 نفر یک بوقلمون)، خوراک ژیکو، رولت گوشت، خوراک زبان، بیف استروگانف، 5 نوع پیتزای مخصوص، شیرین پلو، خورش قورمه سبزی و قیمه، چندین نوع دلمه، بیش از 8 نوع سالاد، انواع نوشابه و دوغ، ژله و کرم کارامل، انواع ماست های میوه ای، پلمبیر، موس شکلات، بستنی و نسکافه است تا هم بعد از شام حرفی پشت سرتان نباشد و هم مهمانان راضی از تالار بیرون بروند و مراسم تان تا مدت ها نقل محافل باشد. وجود سفره خانه سنتی به همراه مهمانداران خانم و آقا و سرو چندین نوع آش، آجیل 7 مغز اعلا، چندین نوع شیرینی، باقالا، شلغم و لبو در تمام فصول در کنار ارائه قلیان و چای به آقایان در استکان های سنتی و تاریخی از دیگر مزیت های رزرو این تالار است. باور کنید این ارقام افسانه ای نیست. تمام ایام باقی مانده تا شب اول ماه مبارک رمضان، این تالار رزرو شده اما مسئولان این تالار به فکر افطاری دادن در ایام ماه مبارک رمضان نیز هستند.

ولی این همه داستان نیست. برخی باغ داران نیز علاوه بر خدمات مجاز، طبق شناخت و درخواست مشتری اقدام به ارائه خدمات غیر مجازی می کنند که طبیعتاً از نرخ های بسیار بالایی برخوردار است. در واقع برخی از آن ها چنین تبلیغ می کنند: "باغ ما سکرت است و مجالس در امنیت کامل برگزار می شود!". دیگر تو خود بخوان حدیث مفصل از این مجمل.

از حلقه ازدواج تا آرایش داماد!

وقتی پولدار هستید دیگر برایتان معنا ندارد که بخواهید به شعارهایی چون "ازدواج کم خرج" یا چیزی شبیه به این فکر کنید. حتی برای این که این ازدواج را از هر لحاظ نمونه جلوه دهید حاضرید یک انگشتر بخردید با 25 نگین که شامل الماس و برلیان است و کلی با طراح سر این موضوع چانه بزنید که چطور می شود 25 نگین را روی یک انگشتر قرار داد تا مساوی به نظر برسند و البته بزرگ و چشم نواز. چه فرقی می کند؟ 300 میلیون تومان دهان هر جواهرسازی را می بندد. اصلاً شاید در نهایت تصمیم بگیرید به جای یک قطعه برلیان از یاقوت استفاده کنید که سنگ زندگی همسران است. چرا؟ خوب معلوم است چون، "مایکل داگلاس" هنرپیشه مورد علاقه عروس خانم در مراسم ازدواجش برای همسرش "کترین زتا جونز" چنین انگشتری سفارش داده بود.

همه این ها قبل از آن است که عروس خانم برای مرحله آخر آرایش عروس به آرایشگاهی برود که از 6 ماه قبل وقت گرفته است و همان موقع داماد یک چک 3 میلیون تومانی به عنوان بیعانه پرداخت کرده بود. قیمت نهایی هم البته قطعی نبود. چرا؟ خوب معلوم است دیگر؛ نوسان قیمت دلار و حالا باید 5 میلیون تومان دیگر نیز بپردازد. بعد از 2 ماه کار مداوم روی زیبایی عروس خانم، وقتی به ریز صورت حساب نگاه می کنی، هزینه هایی از این قبیل می بینی: 5 بار استفاده از استخر روباز برنزه (واقع در پشت بام آرایشگاه) و کرم های مربوطه، 500 هزار تومان. 5 بار استفاده از "سولاریوم"، 500 هزار تومان. "کرایولیپولیز" 2 میلیون و 500 هزار تومان و ...

در واقع قیمت سالن های زیبایی زنانه بالای شهر، نجومی است. قیمت آرایش عروس در شهرهای کوچک از ۴۵۰ هزار تومان شروع و در نهایت به یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان می رسد. این قیمت در شهرهای بزرگ تر و برخی مراکز استان کمی متفاوت تر و از ۶۰۰ هزار تا ۳ میلیون تومان در نوسان است. اما در مناطق شمالی پایتخت گویی قیمت ها بنا به اسم سالن زیبایی و خانم آرایشگر سر به فلک می زند.

قیمت پایه آرایش عروس در "الهیه"، "دزاشیب"، "پاسداران"، "دولت"، "دیباچی"، خیابان "شیراز"، و "دریند" از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان شروع و در نهایت به 8 و حتی 10 میلیون تومان می رسد. برقراری ارتباط مثبت با عروس خانم ها و تبادل نظر با مشتری برای به دست آوردن سلیقه مشتری از راهکارهایی است که در این سالن ها برای جذب هر چه بیشتر مشتری انجام می شود. در تعدادی از این آرایشگاه ها برای عروس خانم ها توصیه های پزشکی نیز انجام می شود. مسئول یکی از آرایشگاه ها می گوید: برای این که چشم عروس خانم ها خسته نباشد و به آرایش جواب مثبت بدهد به آن ها توصیه می کنیم که بعد از ظهر روز قبل از عروسی حتما آرام بخش ضعیف مصرف کنند تا بتوانند خواب خوبی داشته باشند و برای آرایش مشکلی پیش نیاید.

پس داماد چه؟ اگرچه آن قدیم ها آرایش کردن برای داماد عیب و عار بود و موجب سرافکنندگی خانواده ها می شد اما این روزها آرایش کردن به امری طبیعی تبدیل شده و آرایشگاه های مردانه برای آرایش آقایان وقت قبلی تعیین می کنند. اگر در قشر از ما بهتران باشید برای این که در کنار عروس خانم بتوانید زیباترین داماد سال شوید باید از بسته کامل آرایش داماد استفاده کنید. برآشینگ، گریم صورت، لایه برداری و ویتامینه صورت، کاشت موی موقت، اصلاح رایگان، ترمیم و صاف کردن مو، رنگ کردن مو، مش و ماساژ، برداشتن ابرو، مانیکور ناخن، فرم دادن به بینی و برنزه کردن، برخی از اقداماتی است که برای دامادها در برخی آرایشگاه های مردانه انجام می شود.

برای این که بتوانید از این امکانات استفاده کنید باید حدود 700 تا 800 هزار تومان هزینه کنید. اما تمام این اقدامات ممکن است تا رسیدن داماد به تالار بعد از ساعت ها معطلی در آتلیه و باغ خراب شود. لذا آرایشگران برای این که اختلالی در عکس و فیلم آقا داماد به علت خراب شدن آرایش پیش نیاید راهکار منحصر به فردی ارائه می کنند.

در واقع آن ها با گرفتن هزینه ای جداگانه داماد را از ابتدای صبح تا آخرین ساعات تالار همراهی می کنند. ثابت کردن آرایش داماد و مدل موهای وی در هنگام عکاسی و فیلم برداری و در فواصل مختلف از مهم ترین اقداماتی است که این آرایشگران برای داماد انجام می دهند.

شرکت های خدمات دهنده

در این بین عطش دیوانه وار برخی ها برای خودنمایی و ولخرجی باعث شکل گیری شرکت ها و موسسات ریز و درشتی شده است که در همین راستا فعالیت می کنند. جالب آن که برای رقابت بیشتر، خدمات ارائه شده توسط این شرکت ها روز به روز مفصل تر و عجیب و غریب تر می شود. به منوی خدمات یکی از این شرکت ها که برای 300 مهمان پیش بینی شده است توجه کنید.

نوع خدمات / قیمت: خواننده پاپ میهمان ۲ میلیون، خودروی آخرین سیستم ۳ میلیون، شام و میوه 20 میلیون، سفره عقد ۲ میلیون، فیلم برداری و تدوین در خارج ۵۰ میلیون، مراسم آتش بازی ۲ میلیون، حضور چهره های سینمایی ۷ میلیون، توزیع گل سرخ همراه با عکس عروس و داماد ۲ میلیون، آب میوه یک میلیون، حریر آرایه یک میلیون، مهماندار یک میلیون، هدیه به تمامی میهمانان ۲ میلیون، نورپردازی و پروجکشن ۲ میلیون، مجری برنامه (شو من) ۲ میلیون، عکاس یک میلیون، پارکینگ اختصاصی یک میلیون، لباس عروس همراه با کارت دعوت و آرایشگاه ۵ میلیون، کیک عروسی یک میلیون: جمع کل ۱۰۰ میلیون

مدیر این شرکت خدماتی می گوید: البته این که می گویند عروسی هایی با مبلغ یک میلیارد تومان برگزار شده من هم شنیده ام و حتی برخی از نیروهای خدماتی ما هم دیده اند. معمولاً این عروسی ها بسیار بسیار کم است و شخص برگزار کننده خیلی سوء استفاده کرده و گرنه عروسی بیشتر از ۱۰۰ میلیون تومانی امکان پذیر نیست.

از وی درباره حضور خوانندگان در مراسم عروسی می پرسیم، می گوید: بازار برخی خواننده ها داغ است آن ها با گرفتن یک میلیون تومان به بالا، میهمان عروسی می شوند و یک موسیقی به صورت پلی بک (بازخوانی) اجرا می کنند. البته گروه های خواننده زن هم هستند که در سالن خانم ها اجرا می کنند.

و اما لباس عروس

یادش بخیر. ما که جوان بودیم بهترین لباس عروس 500 هزار تومان بود و کرایه همان لباس برای یک شب 50 یا 60 هزار تومان. اما این روزها باز هم به خاطر حرف مردم، تهیه لباس عروس یکی از سخت ترین کارهایی شده که زوج های جوان مجبور به انجام آن هستند. اگر چه مزون های متعددی از جنوب تا شمال شهرها وظیفه سخت تهیه لباس عروس را به عهده گرفته اند اما گاهی وقت ها مدل لباس های عروس، پسند عروس و دامادها نمی شود و زوج ها مجبورند برای طراحی و تهیه لباس به مزون های مشهور شهر سری بزنند که مطمئناً دست خالی از این مزون ها بیرون نمی آیند.

اگر به این گفته های مدیر یک مزون در شمال غرب تهران توجه کنید می فهمید چرا کسی دست خالی از آن جا بیرون نمی رود: «برای جلوه گری هر چه تمام تر عروس در شب عروسی نباید از خرج کردن پول واهمه داشت. شب عروسی تنها شبی است که عروس همچون نگینی در تالار می درخشد و باید بهترین لباس با بهترین دوخت و حتی بهترین برند را بر تن داشته باشد.»

خیابان "میرداماد" تهران از خیابان هایی است که چند مزون معروف لباس عروس در آن مشغول به کارند. برج های "زعفرانیه" نیز از محل هایی است که می توان لباس های عروس با قیمت هایی از چند میلیون تا چندصد میلیون تومان را در آن دید.

کرایه لباس عروس با اولین تن پوش اگر چه در محل هایی مثل چهار راه "امیر اکرم"، کوچه "مهران"، پاساژ "افسریه" و بازار دوم "نازی آباد" از ۵۵۰ هزار تومان فراتر نمی رود و قیمت خرید همان لباس نیز تفاوتی 2۰۰ تا ۲۵۰ هزار تومانی با قیمت کرایه آن دارد اما برای خرید لباس عروس از مزونی در خیابان های بالای شهر باید حساب میلیونی باز کرد.

در آن جا به شما گفته می شود که طراحی لباس عروس در این مزون هم تراز با مزون های پاریس است و نوع پارچه و تزیینات روی لباس عروس همانند لباس عروس های روز اروپاست. پایین ترین قیمت لباس عروس در این مزون ۳۰ میلیون تومان بوده و نهایتی برای قیمت لباس ها در نظر گرفته نشده است.

مسئول این مزون اشاره می کند که طراحی روی لباس عروس کاملاً به عهده عروس خانم ها گذاشته می شود. به همین دلیل نمی توان نهایتی برای قیمت لباس عروس تعیین کرد چرا که یک عروس ترجیح می دهد

سنگ های یاقوت روی لباسش با سنگ های تاج سر و کفش و کیفش "ست" شود و عروس دیگری دلش می خواهد از "زبرجد" و مروارید اصل خلیج فارس برای لباس عروسش استفاده شود و سنگ های تاجش هم رنگ سنگ هایی باشد که روی کیف و کفشش کار شده است. یک عروس هم اصرار می کند که رنگ سنگ هایی که به عنوان دکمه تزئینی در لباس عروس استفاده شده باید هم رنگ با دکمه های پیراهن آقای داماد باشد تا در تالار جلوه بیشتری داشته باشد، به همین دلیل نمی توان قیمت قطعی برای دوخت لباس عروس تعیین کرد.

دوخت تور عروس با بهترین تورهای اروپایی نیز از جمله کارهایی است که متخصصان این مزون آن را انجام می دهند و قیمت تورها بستگی به طول تور، نوع تزئینات به کار رفته در آن و میزان کاری که روی آن انجام می شود از ۸۰۰ هزار تا ۲ میلیون و ۴۷۰ هزار تومان متفاوت است.

بیرون که می آیم از خودم می پرسم، یعنی این همان لباس سپیدی است که قدیم ها با آن به خانه شوهر می رفتند و با رخت سپید بیرون می آمدند؟

آن روی سکه را دیگر نمی نویسم. نیازی نیست، همه ما به اندازه کافی دیده و شنیده ایم. اصلاً شاید خود تو یکی از همان هایی باشی که به خاطر مشکلات مالی هنوز نتوانسته ای ازدواج کنی.

یادم می آید چند سال پیش یکی از مجلل ترین تالارهای تهران به عنوان یک کار تبلیغاتی اقدام به دعوت و پذیرایی رایگان از همه زوج هایی کرد که طی 5 سال گذشته در آن تالار مراسم گرفته بودند و مشخصاتشان در دفاتر تالار ثبت بود. جالب آن که به گفته مدیران تالار، فقط 25 درصد زوج هایی که با آن ها تماس گرفته شد با هم زندگی می کردند و در این مراسم شرکت کردند و بقیه به هر دلیل جدا شده بودند.

دبیر خانه کارگر ساوجبلاغ؛ حذف کامل این حق مسکن تحقیرآمیز، به سود کارگران است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 خرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در ساوجبلاغ با انتقاد از اتمام بی نتیجه جلسه ویژه شورای عالی کار در خصوص افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران، خواستار تشکیل مجدد این جلسه در سریع ترین زمان ممکن شد.

«کرمعلی سامانی پور» با استناد به ماده 149 قانون کار، به ایلنا گفت: قانون کار، کارفرمایان را مکلف کرده است در جهت تامین مسکن برای کارگران با تعاونی های مسکن همکاری کنند و در صورت عدم وجود این تعاونیها، مستقیماً با کارگران فاقد مسکن جهت تأمین خانه های مناسب همکاری لازم را انجام دهند و همچنین کارفرمایان کارگاه های بزرگ مکلف به احداث خانه های سازمانی در جوار کارگاه و یا محل مناسب دیگر شده اند.

دبیر خانه کارگر ساوجبلاغ با بیان اینکه حق مسکن 10 هزار تومانی کارگران غیر واقعی و تحقیر آمیز است، افزود: شرایط به گونه ای است که کارگران قدرت وادار کردن کارفرمایان به اجرای ماده 149 قانون کار را ندارند و در این شرایط وظیفه شورای عالی کار، به عنوان عالی ترین نهاد سه جانبه کشور است که با تعیین حق مسکن واقعی، کمکی در راه اجرای قانون انجام دهند.

این فعال کارگری اضافه کرد: تا زمانی که حق مسکن ناچیز در جدول حقوقی کارگران وجود دارد راه پی گیری قانونی کارگران بسته است، در غیر این صورت جامعه کارگری با استناد به ماده 149 قانون کار می تواند با شکایت به دیوان عدالت اداری، حق قانونی خود را مطالبه کند. وی در ادامه تصریح کرد: چندین سال است شورای عالی کار بدون توجه به نرخ تورم و سید کالاهای اساسی، نرخ دستمزد و سایر مزایای قانونی کارگران همانند حق مسکن و بن را تعیین می کند، این در حالیست که نرخ واقعی تورم هیچگاه از سوی مراجع رسمی کشور اعلام نشده است.

سامانی‌پور افزود: دولت باید بر اساس 36 قلم کالای اساسی و رقم واقعی تورم، در مورد دستمزد کارگران تصمیم‌گیری کند اما همواره کالاهایی مد نظر قرار می‌گیرند که هیچگاه در لیست واقعی کالاهای مصرفی کارگران قرار نمی‌گیرند اما برای کاهش رقم سبد هزینه خانوار، در لیست اقلام مصرفی کارگران محاسبه می‌شوند. وی تاکید کرد: اگر شورای عالی کار نرخ واقعی تورم را ملاک قرار دهد، باید دستمزد امسال کارگران 42 درصد افزایش می‌یافت.

دبیر خانه کارگر ساوجبلاغ با طرح این پیشنهاد که شورای عالی کار برای افزایش حق مسکن و بن کارگری نیز باید از روش محاسبه عیدی و سنوات در پایان هر سال بهره بگیرد، افزود: در این روش مشخص خواهد شد که هر سال بطور واقعی تا چه میزان بر هزینه‌های مسکن و خوراک خانوار کارگری افزوده شده است.

این فعال کارگری در خصوص بن کارگری که از دیگر موضوعات مورد مناقشه در جلسه اخیر شورای عالی کار بود نیز گفت: بن کارگری باید از نقدینگی خارج شود و در قالب اجناس و به صورت غیر نقدی به کارگران عرضه شود تا علاوه بر کاهش تقاضا (که تا حدی در تقابل با تورم است)، معیشت کارگران دست‌خوش تورم قرار نگیرد.

دبیر خانه کارگر ساوجبلاغ در خاتمه عنوان کرد: خواسته منطقی کارگران از نمایندگان خود در شورای عالی کار این است که مشکلات معیشتی که از نتیجه غیر واقعی بودن حق مسکن و بن کارگری در زندگی آنان حاصل شده است را برای همیشه مرتفع سازند.

پایان پیام

گزارشی از شرکت بومسازان زاگرس

به گزارش رسیده، شرکت بومسازان زاگرس، پیمانکار نهالستان منابع طبیعی سنندج (روستای قار) مدت ۷ ماه است که حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. این کارگران به اداره کار شکایت کرده‌اند؛ اما تاکنون نتیجه‌ای نگرفته‌اند. گفتنی است این کارگران که ۱۱ نفر هستند، بین ۲ تا ۳۰ سال سابقه‌ی کاری دارند.

۸ خرداد ۱۳۹۲

تحصن کارگران فارسیت دورود در مقابل فرمانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ خرداد ۹۲ آمده است: کارگران کارخانه فارسیت دورود برای دومین بار طی یک ماه اخیر در اعتراض به تعویق ۶ ماهه پرداخت حقوق خود مقابل فرمانداری این شهر تحصن کردند.

به گزارش «ایلنا»، در یک ماه اخیر مشکلات کارخانه نیمه ورشکسته فارسیت دورود بیش از پیش خودنمایی می‌کند، چرا که علاوه بر کمبود و گاه فقدان مواد اولیه تولید، قطع آب، برق و گاز کارخانه نیز به مشکلات این واحد تولیدی افزوده شده است.

برپایه این گزارش، کارگران این کارخانه امروز برای دومین بار در ماه اخیر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات و حقوق شش ماهه خود در مقابل فرمانداری شهرستان دورود تحصن کرده‌اند.

طبق مشاهدات خبرنگار ایلنا، یکی از صحنه‌های بسیار تأمل برانگیز این تجمع، حضور تعدادی از کارگران به همراه کودکان خردسال خود بود که خطاب به مسئولان اظهار می‌داشتند: چه کسی جوابگوی گرسنگی کودکان ماست؟

پس از کش و قوس‌های فراوان سرپرست فرمانداری دورود، رئیس کارخانه فارسیت و همچنین رئیس اداره کار شهرستان دورود در میان کارگران حاضر شدند و مشکلات کارگران این کارخانه را شنیدند.

سرپرست فرمانداری دورود پس از شنیدن مشکلات کارگران کارخانه فارسیت در جمع آن‌ها گفت: مشکلات فارسیت مربوط به این یکی دو سال گذشته نبوده و «خیلی‌ها» در این رابطه کم کاری کرده‌اند.

حسن احمدی افزود: از ۲۵ سال پیش بحث حذف آزبست از خط تولید مطرح بوده است که حتی مدارک و اخطارهای کتبی آن موجود است، اما متأسفانه این امر صورت نگرفته است.

احمدی اظهار کرد: کارخانه فارسیت باید چند سال پیش اعلام ورشکستگی می‌کرد، ولی بعضی‌ها این کارخانه را با چنگ و دندان برای شما کارگران نگه داشتند.

سرپرست فرمانداری دورود خاطرنشان کرد: واقعیت آن است که کارخانه فارسیت ورشکسته است و یکی از افرادی که این ضربه مهلک را به این کارخانه وارد کرد، شرکت [...] بود.

احمدی در خصوص راه برون رفت از این مشکل افزود: پیشنهاد شده است که سهام این کارخانه توسط یکی از شرکت‌های سیمان خریداری شود، تا اندکی از مشکلات شما برطرف شود که این مسئله در دست بررسی و کارشناسی است.

با وجود سخنان این مقام دولتی، اما کارگران معترض یکی از مهم‌ترین مشکلات خود را مشخص نبودن وضعیت شغلی‌شان بیان کردند و به عدم پاسخگویی مدیرعامل کارخانه اعتراض کردند.

جدول مقایسه‌ای مهارت انجام کار در 60 کشور- فقط 4 درصد شاغلان ایرانی تکنسین هستند!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 8 خرداد 92 آمده است که ؛ با وجود اینکه بازار کار کشور از فقدان مهارت و کمبود نیروهای متخصص رنج می برد، مقایسه وضعیت سهم تکنسین و نیروی کار ماهر در 60 کشور جهان نشان می دهد که حضور نیروهای ماهر در برخی کشورها تا 5 برابر بازار کار ایران است. یکی از مهم ترین ابزارها و در عین حال اولویت های مورد نیاز در بازار کار کشور این است که افراد جوان و نیروهای تازه نفس دارای مهارت و تخصص تصدی مشاغل گوناگون را بر عهده بگیرند. کمبود نیروی متخصص و تکنسین در بازار کار کشور در شرایط فعلی یکی از مهم ترین ضعف ها محسوب می شود که نه تنها بی توجهی اغلب کارجویان را به این مقوله نشان می دهد، بلکه نواقص و ضعف های نظام آموزشی کشور را نیز خطاب قرار می دهد.

امروز یکی از دلایل اصلی بیکاری جوانان 15 تا 29 ساله در کشور و همچنین علت های پُرشمار بودن بیکاران در این گروه سنی به فقدان مهارت عملی انجام کار در این بخش برمی گردد. این موضوع باعث شده تا بیشتر کارفرمایان از جذب نیروهای جوان و متقاضی کار به دلیل ناتوانی در پذیرش تصدی مشاغل مختلف امتناع کنند. با وجود روشن بودن و وضوح این نقص در نیروهای متقاضی کار کشور، سیستم آموزشی تلاش چندانی برای رفع این نقیصه در سال های حضور افراد در آموزش نکرده و این مسئله همچنان به عنوان یکی از چالش های بازار کار کشور باقی مانده است.

هم اکنون عموماً دانشگاه ها به ارائه مباحث نظری در رشته های مختلف علمی می پردازند و پذیرش سالیانه دانشجویان نیز بدون کمترین توجهی به نیاز بازار کار کشور در رشته های مختلف صورت می گیرد. اینگونه تصور می شود که نظام آموزشی و بازار کار کشور هیچگونه امکان ارتباطی با یکدیگر ندارند و در حالی که یکی مشغول صدور مدارک رنگارنگ نظری برای جوانان است، آن یکی به دنبال افرادی می گردد که بتوانند کارها را بر عهده بگیرند.

جالب است بدانیم با وجود 3 میلیون بیکار در کشور و افرادی که با وجود داشتن مدارک علمی معتبر در مقاطع کارشناسی تا حتی دکترای بیکار مانده اند، بازار کار در برخی رشته ها به دنبال جذب نیروی متخصص و ماهر

است و در حوزه هایی به دلیل نبود مهارت انجام کار؛ برخی بنگاه ها با چالش تامین نیروی کار نیز مواجه هستند!

سال ها است در این زمینه که باید بین دانشگاه ها و بازار کار ارتباط مستقیمی برقرار شود سخن گفته می شود، اما تا به امروز چنین نشده و اگر هم کارهایی صورت گرفته باشد ناچیز بوده و نمی تواند جواب مناسبی برای حل معضل بیکاری جوانان در بعد مهارت آموزی باشد.

هرچند در ایران سازمان فنی و حرفه ای به عنوان متولی آموزش های غیررسمی مهارت در کشور فعالیت دارد، اما عملا ظرفیت ایجاد پوشش مناسب برای رفع نیازهای آموزشی همه متقاضیان کار وجود ندارد. اما نکته مهم تر از اینکه در حال حاضر چه میزان ظرفیت پذیرش نیروی متقاضی دریافت مهارت و تخصص انجام کار در کشور وجود دارد این است که اغلب کارجویان تمایل چندانی به گذراندن دوره های مهارتی برای ورود مطمئن به بازار کار را ندارند و این سوالی است که خود آنان باید به آن پاسخ بگویند.

این گزارش می خواهد با تاکید بر مقوله مهم مهارت آموزی و لزوم تقویت داشته های کارجویان برای ورود به بازار کار و عرصه واقعی تولید این مسئله را یادآوری کند که شاخص سهم تکنسین (دوره کاردانی فنی) در نیروی کار شاخص مناسبی جهت احراز رشد فناوری در سطح جهانی است و باید در کشور ما نیز مورد توجه قرار گیرد.

هرچه میزان حضور و فعالیت تکنسین و افراد مهارت دیده در بازار کار کشور افزایش یابد، علاوه بر فراهم شدن امکان کار برای بیشتر بیکاران؛ امکان اشتغال زایی به دلیل ارتقاء سطح تولید و بهبود بهره وری نیروی کار نیز به وجود خواهد آمد.

با اینکه تاکید این گزارش بر مقوله مهارت آموزی است اما نمی توان سهم بزرگ دولت ها در فراهم کردن زمینه ها و بستر ایجاد اشتغال در کشور را از یاد برد. در واقع این دولت است که باید از طریق منابع و امکاناتی که در اختیار دارد، فضای اشتغال کارجویان را در کشور فراهم نماید. حال که این فضا به صورت مناسبی فراهم نیست، کارجویان نیز در رقابت با یکدیگر برای ورود به عرصه کار و تولید، تلاش چندانی غیر از گذراندن دوره های نظری دانشگاهی نمی کنند و عملا عموماً در زمان تقاضا برای کار دارای شرایط یکسانی هستند و تنها درصد کمی از کارجویان هستند که خود را مجهز به مهارت های دیگری می کنند و آنها از سوی کارفرمایان به آسانی شناسایی و جذب کار می شوند.

طبق گزارش سازمان جهانی کار، متوسط سهم تکنسین در بازار کار حوزه یورو حدود 20 درصد و در ایران تنها 4.64 درصد است. آمارها نشان دهنده این واقعیت است که کشورهای پیشرفته و صنعتی اروپا که از تولید ناخالص داخلی بالاتری برخوردار هستند از سهم نیروی کار تکنسین بیشتری نیز در بازار کار برخوردار هستند. جدول وضعیت اشتغال نیروی ماهر تکنسین در 60 کشور

(ارقام به درصد)

کشور	سهم تکنسین در بازار کار	کشور	سهم تکنسین در بازار کار
ایران	4.64	گرجستان	5.87
عربستان	11.39	مجارستان	14.43
سنگاپور	18.99	ایسلند	16.08
اسلواکی	18.8	اندونزی	1.71
اسلوانی	16.24	ایرلند	6.19
آفریقای جنوبی	9.46	ایتالیا	21.98
اسپانیا	11.9	قزاقستان	8.88
سريلانكا	5.42	پرو	12.10
سوئد	19.57	لبنان	9.66

سوئیس	21.28	لیتوانی	8.73
سوریه	8.57	مالزی	13.29
تایوان	19.62	گرجستان	5.87
تایلند	4.23	فرانسه	17.98
ترکیه	6.76	استرالیا	13.65
اروگوئه	6.11	اتریش	19.77
اوکراین	11.44	آذربایجان	5.39
انگلستان	13.93	بلژیک	11.98
روسیه	14.92	برزیل	7.7
مکزیک	9.5	بلغارستان	9.56
مراکش	4.26	کانادا	15.19
هلند	17.27	کرواسی	14.57
نیوزیلند	11.84	قبرس	11.75
نروژ	25.31	چک	22.33
پاکستان	4.99	دانمارک	21.38
فیلیپین	2.7	مصر	9.08
پرتغال	8.76	استونی	12.71
قطر	8.05	فنلاند	16.09
آلمان	20.2	فرانسه	17.98
یونان	8.71	روسیه	14.92
هنگ کنگ	19.3	لهستان	11.16

۱۰۰ میلیارد دلار برداشت اضافی قطر از حوزه مشترک گازی با ایران

به گزارش روزنامه «شرق» در تاریخ 8 خرداد 92 آمده است: در گزارشی از برداشت اضافه قطر از ۱۰۰ میلیارد دلار برداشت اضافی قطر از پارس جنوبی که حوزه مشترک با ایران است خبر داد.

رستم قاسمی پنجم تیرماه سال گذشته در مجلس به نمایندگان گفت که اختلاف ایران و قطر در برداشت از پارس جنوبی «فاحش» است. این گفته وزیر، آمارها و اعدادهایی را که از سوی کارشناسان مطرح می‌شد به واقعیت نزدیک کرد. مطابق آمار رسمی برداشت روزانه ایران از پارس جنوبی، روزانه ۱۸۵ میلیون مترمکعب است. این در حالی است که اگر ۱۰ فاز پارس جنوبی به بهره‌برداری رسیده بود.

(آنچه نفتی‌ها ادعا می‌کنند) باید برداشت ما از این میدان روزانه ۲۵۰ میلیون مترمکعب بود. برداشت قطر اما روزانه ۲۵۰ میلیون مترمکعب است. تقریباً دو برابر ایران. همچنین این کشور روزانه ۴۵۰ هزار بشکه از لایه نفتی این میدان گازی، نفت برداشت می‌کند. سهم ایران اما روزانه ۲۵ هزار بشکه است.

در واقع در گاز قطر دو برابر و در نفت ۱۲ برابر ایران برداشت می‌کند. بنا بر آخرین قیمت گاز در بازار نیویورک هر هزار مترمکعب گاز در این بازار ۴/۲ دلار است. قطر روزانه ۱۶۵ هزار مترمکعب گاز از ما بیشتر برداشت می‌کند که عموماً از نظر کارشناسان این سهم ایران است و از کم‌کاری ما، قطری‌ها جلو افتاده‌اند. حال اگر این میزان

برداشت زیادی را با قیمت بازار آمریکا در نظر بگیریم روزانه ۲۱ میلیون دلار فقط از این اضافه برداشت سهم قطری‌هاست. در نفت هم قطر ۴۱۵ هزار بشکه بیشتر از ما برداشت می‌کند.

اگر قیمت هر بشکه را ۹۰ دلار در نظر بگیریم، روزانه ۲۷ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار می‌شود. در واقع برداشت اضافی قطر از پارس جنوبی روزانه به ۵۸ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار می‌رسد. ماهانه این مبلغ، یک میلیارد و ۷۰۰ هزار دلار می‌شود، که سالانه آن ۲۱ میلیارد دلار می‌شود. این در حالی است که قطر برنامه‌های رو به توسعه دارد و مصرف داخلی‌اش هم با جمعیت یک میلیون نفری تقریباً ثابت است. اما ما در داخل رشد سالانه ۱۰ درصد مصرف انرژی داریم.

از سوی دیگر قیمت گاز در بالاترین بها، در داخل هر مترمکعب ۷۰ تومان است. اگر مترمکعب را به فوت بدل کنیم هر هزار فوت مکعب گاز در ایران ۲۳۱۰ تومان می‌شود. در مقایسه با قیمت گاز در نیویورک اگر با قیمت ارز مرجع هم حساب کنیم هر هزار فوت مکعب گاز در آمریکا ۵۱۰۰ تومان قیمت دارد. پس در داخل فروش گاز سوددهی ندارد و مانعی است برای توسعه. اینها همه در حالی است که تقریباً در ۱۰ سال گذشته هر وزیر نفتی که سرکار آمده است اولویت خود را توسعه میادین مشترک به خصوص پارس جنوبی اعلام کرده است، اما غیر از توسعه ۱۰ فاز آن هم به شکل ناقص حاصل دیگری برای کشور تحصیل نشده است. این در حالی است که قرار بود در ابتدای دولت دهم ۲۵ ماهه فازهای روی زمین مانده پارس جنوبی به بهره‌برداری برسد.

این روزها البته رسماً از سوی نفتی‌ها اعلام می‌شود که این امر ممکن نیست. دیروز مدیرعامل نفت و گاز پارس باز این را اعلام کرد و بیان داشت: الان که در پایان زمان ۲۵ ماهه هستیم پیشرفت بخشی از این پروژه‌ها از مرز ۵۰ درصد و برخی از ۶۰ درصد عبور کرده است. وی با بیان اینکه «پیش از این تمام فازهای پارس جنوبی توسط شرکت‌های اروپایی و غربی توسعه یافت که تجربه بالایی در این زمینه داشتند»، گفت: «اما برای توسعه فازهای جدید به توانایی‌های شرکت‌های داخلی اعتماد شد که البته برای آنکه آنها بتوانند به تجربه و پختگی در اجرای پروژه‌ها دست یابند توسعه فازهای ۲۵ ماهه با تاخیر مواجه شد.» در واقع مشکل اصلی از نظر این مدیر نفتی، عدم توانایی شرکت‌های داخلی است که موجب تاخیر شدند.

این موارد در حالی است که طرف قطری بدون مشکل با بزرگ‌ترین پیمانکاران دنیا همکاری می‌کند و پروژه‌هایش را یکی بعد از دیگری به بهره‌برداری می‌رساند که در واقع از سهم ایران برداشت می‌کند و کسی را یارای رقابت نیست. قطر تاکنون ۴۵۰ میلیارد دلار در این میدان سرمایه‌گذاری و ۱۰ سال زودتر از ایران برداشت را شروع کرده است. حال اگر متوسط درآمد زیادی این کشور از ایران را سالانه نه ۲۱ میلیارد دلار بلکه ۱۰ میلیارد دلار در نظر بگیریم، تاکنون قطر از سهم ایران صدمیلیارد دلار برداشت کرده است. حال اگر با این رقم در حوزه‌های دیگر بازی کنیم و مثلاً نقش قطر در تحولات فعلی سوریه و عراق را در نظر بگیریم، این صدمیلیارد دلار جدی‌تر می‌شود. در واقع با پول خودمان علیه منافع خودمان توطئه صورت گرفته است.

در ادامه فهرست سرمایه‌گذاری‌های قطر با درآمد حاصل از پارس جنوبی می‌آید. صندوق سرمایه‌گذاری قطر در واقع چیزی شبیه به صندوق ذخیره ارزی ایران است. «شرکت سرمایه‌گذاری قطر» در سال ۲۰۰۵ برای مدیریت سرمایه‌گذاری درآمدهای نفت و گاز قطر تاسیس شد تا با انجام سرمایه‌گذاری خارجی، ریسک جابه‌جایی قیمت‌های انرژی را برای کشور به حداقل برساند و در درازمدت وابستگی به درآمدهای نفتی و گازی را کمتر و کمتر کند.

دولت قطر در دو دهه گذشته در قسمت هیدروکربنی اقتصاد خود سرمایه‌گذاری وسیع انجام داد که نتیجه آن تبدیل شدن کشور به یکی از قطب‌های انرژی جهان بود. قطر هم‌اکنون بزرگ‌ترین صادرکننده گاز جهان و مالک تعداد زیادی پالایشگاه در نقاط مختلف دنیا است.

سرریز دلارهای نفتی و گازی به کشور، دولت قطر را به سرمایه‌گذاری در قسمت‌های مختلف اقتصاد جهان هدایت کرد؛ از آمریکای جنوبی تا آسیا و اروپا؛ از برزیل تا اندونزی و ایتالیا. «شرکت سرمایه‌گذاری قطر» شرکتی

است دولتی. مدیر آن «شیخ حامد بن جاسم بن جابر آل ثانی» است و برای سرمایه‌گذاری به همه جای جهان سر می‌کشد و محدودیتی برای حوزه فعالیتش نمی‌شناسد. در ورزش سرمایه‌گذاری می‌کند. نمونه‌اش خریداری و توسعه باشگاه «پاری سن ژرمن» فرانسه است. به سینما و هنر بی‌اعتنا نیست. یک قلمش خریداری کمپانی «میراماکس» دیزنی است. به فعالیت‌های لوکس و تجملی، از مد و لباس گرفته تا هتل و تفرجگاه علاقه دارد. در ایتالیا و مالزی هتل‌های گرانقیمت و تفرجگاه‌های بزرگ تاسیس یا خریداری می‌کند. کشوری کوچک که در سال ۱۹۷۱ استقلال یافت، اکنون اخبار جهان را از «الجزیره» به گوش جهانیان می‌رساند، میزبان نشست‌های مهم سیاسی خاورمیانه و جام جهانی فوتبال است و جهانیان را با «فطر ابرویز» به مقصد می‌رساند. دلارهای نفتی‌اش را نه مثل عربستان خرج اسلحه می‌کند بلکه سرمایه‌گذاری می‌کند و برای شهروندانش فرصت سرمایه‌گذاری ایجاد می‌کند. از دانش و مشاوره شرکت‌های بزرگ خدمات اقتصادی جهان بهره می‌برد، مدیرانشان را به خدمت می‌گیرد و از تجربه‌شان در تربیت نسل‌های بعدی مدیران خود استفاده می‌کند. نگاهی اجمالی به سرمایه‌گذاری‌های قطر که همگی از کانال «شرکت سرمایه‌گذاری قطر» انجام می‌شود شاهد این مدعا است.

بخشی از سرمایه‌گذاری‌های شرکت سرمایه‌گذاری قطر:

۲۰۰۷: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «۲۰ درصد سهام «ال.اس.ای» (بورس سهام لندن) را خریداری کرد.

۲۰۰۷: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «۹/۹۸ درصد سهام «او.ام. ایکس» را خریداری کرد. «او.ام. ایکس» شرکت بزرگ خدمات مالی دنیا و شرکنی است سوئدی - فنلاندی و دفتر مرکزی آن در استکهلم واقع است.

۲۰۰۹: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «بزرگ‌ترین سهامدار «سانگبرد استیتس» لندن شد. «سانگبرد استیتس» صاحب ۶۱ درصد از سهام «کناری وارف»، دومین مرکز بزرگ مالی لندن و زادگاه بسیاری از مراکز مالی و بانک‌های مهم جهان است.

۲۰۱۰: شرکت سرمایه‌گذاری قطر، فروشگاه «هارودز» لندن را به ارزش دومیلیارد دلار خریداری کرد.

۲۰۱۰: شرکت سرمایه‌گذاری قطر، یک میلیاردد دلار در شرکت کشتیرانی فرانسه، سومین شرکت بزرگ کشتیرانی جهان سرمایه‌گذاری کرد.

۲۰۱۰: شرکت سرمایه‌گذاری قطر، با امضای تفاهمنامه راهبردی بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار «بانک کشاورزی چین» شد. بر اساس تفاهمنامه، قطر متعهد شد در مرحله اول ۲/۸ میلیاردد دلار در پروژه‌های بانک چینی سرمایه‌گذاری کند و راه را برای حضور موثر «بانک کشاورزی چین» در خاورمیانه فراهم کند.

۲۰۱۰: شرکت سرمایه‌گذاری قطر، پنج درصد «بانکو سانتاندر» برزیل را خریداری کرد.

۲۰۱۰: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «۱/۹ درصد از سهام «هاتچیف» آلمان را خریداری کرد. «هاتچیف» بزرگ‌ترین شرکت عمرانی آلمان و یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ساخت‌وساز جهان است.

۲۰۱۱: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «شعبه‌ای با سرمایه اولیه یک میلیاردد دلار در اندونزی احداث کرد. وظیفه این شرکت رصد فرصت‌های سرمایه‌گذاری در قسمت‌های مختلف اقتصادی اندونزی است.

۲۰۱۱: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «۹/۹ درصد از سهام «یورویپ گلدفیلدز» را خریداری کرد. این شرکت با ذخیره ۱۰ میلیون اونس طلا یکی از شرکت‌های بزرگ تولید و توزیع طلا در اتحادیه اروپاست.

۲۰۱۱: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «با امضای تفاهمنامه‌ای در فعالیت‌های شرکت «ایبردرولا» شریک شد.

«ایبردرولا» شرکتی است چندملیتی که در تاسیسات برقی و هسته‌ای و انرژی‌های بادی و خورشیدی فعالیت دارد.

۲۰۱۲: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «یک تفاهمنامه سرمایه‌گذاری مشترک با «کردیت سوییس» یکی از بزرگ‌ترین مراکز خدمات اقتصادی و سرمایه‌گذاری جهان امضا کرد.

۲۰۱۲: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «دفتر «کردیت سوییس» در لندن را خریداری کرد. ساختمانی مجلل در لندن که معماری آن در سال ۱۹۹۱ توسط شرکت معماری «پیه کاب فرید» انجام شد.

۲۰۱۲: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «به همراه «اف.اس.آی» یک بنگاه سرمایه‌گذاری مشترک در ایتالیا احداث کرد؛ هدف این کار سرمایه‌گذاری در قسمت‌های مد و لباس، دکوراسیون و توریسم در ایتالیا است.

۲۰۱۲: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «سه‌درصدی خود در شرکت «رویال داچ شل» را به هفت‌درصد افزایش داد و به بزرگ‌ترین سهامدار این شرکت تبدیل شد.

۲۰۱۲: شرکت سرمایه‌گذاری قطر، «اسمرالدا هولدینگ» ایتالیا را خریداری کرد. این شرکت، مالک چندین هتل مجلل در ایتالیا است.

۲۰۱۲: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «اعلام کرد در «چرنین گروپ» سرمایه‌گذاری راهبردی انجام خواهد داد. «چرنین گروپ» در حوزه رسانه و سرگرمی فعالیت دارد.

۲۰۱۳: شرکت سرمایه‌گذاری قطر «زیرشاخه‌ای با سرمایه اولیه ۱۲ میلیارد دلار تاسیس کرد که نیمی از آن به بخش خصوصی قطر واگذار شد تا برای اشخاص و شرکت‌های قطری فرصت سرمایه‌گذاری ایجاد کند.

عضو کارگري شوراي عالي كار:

پيشنهادهات تكراري كارفرمايان در جلسه ديروز/ به جلسه بعدي خوشبينيم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۸ خرداد ۹۲ آمده است: نماینده گروه کارگری در شورای عالی کار گفت: به دنبال جلسه بی نتیجه روز گذشته منتظر اعلام زمان قطعی برگزاری جلسه بعدی از سوی دبیرخانه شورای عالی کار هستیم.

«محمد احمدی» در پاسخ به سئوالی پیرامون روش جایگزین در صورت شکست مذاکرات شورای عالی کار، به ایلنا گفت: در حال حاضر شورای عالی کار تنها در مورد افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران تصمیم‌گیری می‌کند.

این مقام کارگری با ابراز خوشبینی نسبت به نتیجه جلسه بعدی شورای عالی کار در مورد افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران افزود: برابر قانون شورای عالی کار در حال حاضر تنها می‌تواند در مورد افزایش این مزایا تصمیم‌گیری کند.

احمدی در خصوص پیشنهاد گروه کارفرمایی مبنی بر اینکه «دولت باید پرداخت هزینه‌های مربوط به افزایش حقوق مسکن و خوار و بار را برعهده بگیرد» گفت: در حال حاضر شورای عالی کار تنها می‌تواند به دولت راه‌کار پیشنهاد بدهد اما اجرای آنها منوط به تصویب قوانین لازم در مجلس و دولت است. وی یادآور شد: پیشنهادی که در جلسه دیروز از سوی گروه کارفرمایی مطرح شد در واقع تکرار پیشنهادهای بود که در اواخر سال گذشته بصورت مشترک از سوی گروه‌های کارگری و کارفرمایی به دولت ارائه شد.

احمدی در در واکنش به سخنان کارفرمایان مبنی بر اینکه کارگران در حاضر 47 درصد بیشتر از سال گذشته درآمد دارند و حقوق ماهانه آنها تا 917 هزار تومان می‌رسد گفت: صحت این ادعاها باید توسط کمیته دستمزد شورای عالی کار بررسی شود.

نماینده گروه کارگری در شورای عالی کار بایان اینکه به نظر می‌رسد گروه دولتی در شورای عالی کار با افزایش حقوق مربوط به مسکن و خوار و بار کارگران موافق است، گفت: از اینکه قبل از جلسه بعدی بتوانیم با گروه کارفرمایی در مورد چگونگی افزایش حقوق مسکن و خوار و بار توافق کنیم خوشحال خواهیم شد، اما از هم اکنون منتظر جلسه بعدی هستیم.

پایان پیام

سوختگی یک کارگردانش سوزی تعمیرگاه خودرو

به گزارش پایگاه خبری 125، در 8 خرداد 92 آمده است: صبح امروز، در پی آتش سوزی ناگهانی در یک تعمیرگاه خودرو در بزرگراه محمدعلی جناح، ورودی شیخ فضل ا... نوری، یک کارگر 35 ساله هنگام کار از ناحیه دست و صورت دچار سوختگی شد.

ایالات متحده شرکت توتال را به خاطر پرداخت رشوه در ایران به مبلغ 398 دلار جریمه می کند

به گزارش خبرگزاری فرانسه 92/3/8 آمده است: «مقامات آمریکایی روز چهارشنبه اعلام کردند شرکت عظیم



نفتی توتال فرانسه تحت قوانین فساد خارجی ایالات متحده برای حل و فصل اتهاماتی مبنی بر رشوه دهی به مقامات ایرانی جهت دریافت امتیاز نفت و گاز به میزان 398 میلیون و 200 هزار دلار مورد جریمه قرار گرفته است. توتال توسط وزارت دادگستری به خاطر نقض قانون شیوه‌های فساد خارجی، مبلغ 245 میلیون و 200 هزار دلار جریمه شد، در حالی که کمیسیون اوراق بهادار و مبادلات سهام، توتال را به خاطر سودجویی در این پرونده مبلغ 153 میلیون دلار دیگر جریمه کرد. وزارت دادگستری آمریکا گفت این اتهامات ناشی از پرداخت در حدود 60 میلیون دلار رشوه به مقامات ایرانی توسط واسطه‌های شرکت توتال بین سال 1995 و 2004 برای دریافت حق توسعه چندین منطقه گاز و نفت [در ایران] می‌باشد. مقامات آمریکایی با مقامات فرانسوی در رابطه با این تحقیقات طولانی همکاری کرده‌اند. در همین راستا و همزمان روز چهارشنبه مقامات فرانسوی پیشنهاد کردند که رئیس و مدیر اجرایی شرکت توتال به خاطر نقض قوانین رشوه دهی فرانسه مورد پیگیری قانونی قرار گیرند. شرکت توتال پذیرفته است تا جریمه‌های مشخص شده توسط ایالات متحده را پرداخت نماید... وزارت دادگستری آمریکا گفت پرداخت رشوه به مقامات ایرانی از سال 1995 شروع شد در این تاریخ شرکت توتال تلاش کرد تا از طریق دریافت حق [توسعه منطقه نفت و گاز] از شرکت ملی نفت ایران برای توسعه دو منطقه Sirra A and Sirra E اقدام نماید. وزارت دادگستری گفت شرکت توتال از طریق یک توافقنامه مشاورتی تقلبی، در حدود 16 میلیون دلار به یک مقام ایرانی برای محقق کردن خواست خود پرداخت کرده است. در سال 1997 شرکت توتال از طریق یک توافقنامه مشاورتی دوم شروع به پرداخت 44 میلیون دلار دیگر برای دریافت حق توسعه میدان گازی پارس جنوب کرد. میدان گازی پارس جنوب بزرگترین میدان گازی جهان است... شرکت توتال در پاریس اعلام کرد که اتهامات [مطرح شده از جانب مقامات] فرانسوی را مورد چالش قرار خواهد داد»

سرگردانی بازنشستگان تأمین اجتماعی برای دریافت هزینه‌های درمانی

به گزارش روزنامه «خراسان»، در تاریخ 8 خرداد 92 آمده است: حدود ۲۰ ماه است که بازنشستگان تأمین اجتماعی پس از پیگیری‌های بسیار امکان استفاده از بیمه تکمیلی را پیدا کردند و از آن پس قرار شد بیمه تکمیلی (دی) و بیمه تأمین اجتماعی تمامی هزینه‌های درمانشان را پرداخت کنند. اما طولی نکشید که عمل نکردن بیمه دی به تعهداتش بارقه‌های امید را از بین برد و بیمه تکمیلی را به مشکلی برای روزهای بازنشستگی بازنشستگان تأمین اجتماعی بدل کرد. حالا اما در ساختمانی که از سوی بیمه دی در تهران برای رسیدگی به امور بازنشستگان تأمین اجتماعی و دریافت پرونده‌ها و پرداخت خسارت‌شان در نظر گرفته شده است تعداد زیادی بازنشسته برای دریافت هزینه‌های درمانی‌شان آمده‌اند. آدم‌هایی که چاره‌ای جز نشستن و صبر کردن ندارند. ساختمان بیمه دی در یکی از خیابان‌های فرعی خیابان ایران شهر در مرکز شهر تهران هر روز محل مراجعه تعداد زیادی بازنشسته تأمین اجتماعی است که برای دریافت هزینه‌های درمانی‌شان بین طبقات این ساختمان در تردداند. شلوغی یکی از سالن‌ها، کنجکاو می‌هرم مراجع‌کننده‌ای را بر می‌انگیزد. بالای در ورودی سالن نوشته‌اند؛ سالن تحویل مدارک و دریافت هزینه‌ها. همه‌همه تمام سالن را گرفته و تعداد زیادی از مراجع‌کنندگان مقابل ۵ باجه‌ای که برای پاسخگویی به آنها در نظر گرفته شده است تجمع کرده‌اند و با فریاد می‌خواهند کارشان را پیش ببرند.

این جا فقط تا ساعت ۹ شماره می‌دهند

سعی می‌کنم با بلند صحبت کردن بر شلوغی و سرو صدای سالن غلبه کنم و صدایم را به یکی از بازنشسته‌ها برسانم. می‌پرسم این جا چرا این قدر شلوغ است؟ در جوابم می‌گوید: این جا فقط تا ساعت ۹ شماره می‌دهند و هرکس بعد از ساعت ۹ برسد نمی‌تواند کارش را پیش ببرد. به همین خاطر کسانی که شماره ندارند می‌خواهند مدارکشان را به مسئول باجه بدهند. پیرمرد می‌گوید: ۶ ماه پیش ۵ میلیون تومان برای عمل جراحی همسرم هزینه کرده‌ام ولی هنوز مشخص نیست هزینه‌ها را می‌دهند یا خیر. تا امروز ۷ بار به بیمه مراجعه کرده‌ام و هر بار وعده ماه دیگر را به من می‌دهند. حالا بماند که معلوم نیست چه مقدار از هزینه‌هایم را خواهند داد.

۲ ماه است که برای دریافت هزینه‌هایم به بیمه مراجعه می‌کنم

یکی دیگر از مراجعان که برای عمل کلیه‌اش ۶ میلیون تومان هزینه کرده است می‌گوید: مدارکم را هشتم اسفند تحویل بیمه دادم ولی هنوز جوابی نگرفته‌ام و پولی هم به حسابم واریز نشده است. من این پول را از اقوام و دوستان قرض کرده‌ام و قول بازپرداختش را در کمترین زمان به آنها داده‌ام. ولی الان سه ماه است که برای دریافت هزینه‌هایم به بیمه می‌آیم و جواب درستی نمی‌گیرم. دونفر از بازنشسته‌ها با هم بر سر نوبت جر و بحث می‌کنند و نزدیک است کارشان به دعوا بکشد. بعد از آرام شدن دو طرف به سراغ یکی از آنها که مردی حدود ۶۰ ساله است می‌روم. می‌گوید: می‌بینی چه بساطی برای ما درست کرده‌اند. در این سن و سال باید به جان هم بیفتیم. این جا هیچ کس اعصاب ندارد. الان ۷ ماه است که برای گرفتن هزینه عمل انحراف بینی دخترم بین دفتر بیمه دی و منزلمان در رفت و آمدم. دیگر خسته شده‌ام. کل هزینه عمل جراحی دخترم ۸۰۰ هزار تومان شده است ولی بعد از گذشت ۷ ماه هم حاضر به پرداخت آن نیستند. به تازگی هم خودم آنژیو کرده‌ام و فکر می‌کنم برای پرداخت یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی که هزینه کرده‌ام باید چند سال این طبقات را بالا و پایین بروم.

اگر پول داشتیم چنین خفتی را به جان نمی‌خریدیم

خانم مسنی که برای تحویل مدارکش آمده است با چشمانی گریان می‌گوید: به خدا خسته شده‌ام. ما اگر پول داشتیم و می‌توانستیم هزینه‌هایمان را پرداخت کنیم هیچ وقت چنین خفتی را به جان نمی‌خریدیم. قبل از عمل جراحی برای گرفتن معرفی‌نامه مراجعه کردم ولی بیمارستان میلاد که مربوط به سازمان تأمین اجتماعی است حاضر نشد معرفی‌نامه‌ام را قبول کند. حالا هم دو روز است نمی‌توانم فاکتورهایم را تحویل دهم. هر بار می‌آیم می‌گویند: نوبت تمام شده است و هزار بهانه دیگر می‌آورند. یکی از خانم‌ها در تکمیل صحبت

دوستش می گوید: شاید باورتان نشود، به خاطر ۴۰ هزار تومان هزینه آزمایش دو ماه ونیم است که در این طبقات سرگردانم.

حق بیمه افزایش یافته اما بسیاری از خدمات را حذف کرده اند

یکی از بازنشسته ها که سن و سالش از بقیه کمتر است به سراغم می آید و می گوید: سال گذشته برای بیمه هر نفر ۶ هزار و ۷۰۰ تومان از حقوقمان کم می شد ولی امسال هزینه بیمه هر نفر را به ۱۰ هزار و ۴۵۰ تومان افزایش داده اند. ولی با وجود افزایش حق بیمه نه تنها وضعیت خدمت رسانی بهتر نشده است، بلکه بسیاری از خدمات را هم حذف کرده اند و به صورت دست و پا شکسته خدمت رسانی می کنند.

پرداخت ۲۵۰ هزار تومان از عمل ۲ میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی بعد از ۷ ماه

متاسفانه بیمه دی هزینه های مربوط به ویزیت، عینک، سمعک و دندان پزشکی را پرداخت نمی کند و برای پرداخت مواردی که جزو تعهداتش است نیز بازنشسته هایی را که تنها منبع درآمدی شان حقوق بازنشستگی است چندین ماه معطل می کند. من ۸ ماه پیش مدارک و هزینه های عمل جراحی قلبم را که ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان شده بود به بیمه دادم. فکر می کنید چقدر به من پرداخت کردند. بعد از ۷ ماه ۲۵۰ هزار تومان به کارتم ریختند و این شد بیمه تکمیلی ما. من حتی می خواستم از این بیمه انصراف دهم ولی گفتند تا اول مهر قرار داد دارید و نمی توانید انصراف دهید.

بدهی بیمه دی به مراکز درمانی به ۸۰ میلیارد تومان رسیده است

علی اکبر خبازها رئیس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی در گفت و گو با خراسان از پیگیری وضعیت بیمه دی و نحوه خدمت رسانی این بیمه از طریق مراجع ذی صلاح مانند بیمه مرکزی و بنیاد شهید و امور ایثارگران، که بیمه دی وابسته به آنجاست، خبر داد و گفت: بدهی بیمه دی به بیمارستان ها و مراکز درمانی به ۸۰ میلیارد تومان رسیده است و همین موضوع باعث شده است بسیاری از بیمارستان ها از جمله بیمارستان های میلاد، به آور، محب و نور از ارائه خدمت به بازنشستگان دارای بیمه دی خودداری کنند. وی افزود: کانون عالی بازنشستگان علاوه بر نامه نگاری با مسئولان بیمه دی، پیگیر مشکلات بازنشستگان از طریق بیمه مرکزی و بنیاد شهید است؛ چراکه این بیمه وابسته به بنیاد شهید است. وی اظهار امیدواری کرد با حل مشکلات موجود نیازی به طرح دعوا در مراجع قضایی احساس نشود. وی در پاسخ به این که آیا امکان انصراف بازنشستگان از پوشش بیمه دی وجود دارد یا خیر نیز گفت: فرصت ۳ ماهه ای به بازنشستگان داده شد تا در صورت نیاز انصراف خود را اعلام کنند که در پایان این فرصت سه ماهه تنها ۱۵۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفری بازنشستگان تامین اجتماعی انصراف خود را اعلام کردند.

انفجار پیک نیک دو کارگرا راهی بیمارستان نمود

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مرکز اورژانس تهران، در ۸ خرداد ۹۲ توشه ۹۲/۳/۷ ساعت ۱۹:۰۳ انفجار پیک نیک در داخل اتاق نگهبانی ساختمان در حال ساخت باعث سوختگی ۲ کارگر گردید. با اعلام خبر به مرکز اورژانس تهران سریعاً ۲ دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام و تکنسینهای اورژانس تهران هر دو نفر را با انجام اقدامات درمانی مناسب به بیمارستان شهید مطهری انتقال دادند.

گزارش برگزاری مجمع عمومی سالیانه انجمن صنفی کارگران خباز سقز و حومه

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده است: برابر دعوتنامه ی قبلی از کارگران خباز دعوت شده بود که در روز چهارشنبه مورخ ۸ خرداد ماه ۱۳۹۲ ساعت چهار بعد از ظهر در محل کتابخانه عمومی شماره یک واقع در خیابان ساحلی شهر سقز، حضور به هم رسانند.

در ساعت مشخص شده کارگران در محل جمع شدند. ساعت چهارونیم جلسه باحضور ۱۴۹ نفر رسمیت پیدا کرد. ابتدا مجری برنامه برهان حسینی ریز برنامه هارا اعلام کرد که بدین شرح بود:
۱- گزارش هیات مدیره و بازرسان.

2- اعلام بیلان سالیانه توسط خزانه دار،

3- خط مشی انجمن در سال 92

4- انتخابات برای هیات مدیره و بازرسان

گزارش برگزاری مجمع:

با اعلام اینکه جلسه و مجمع رسمیت پیدا کند از مجمع درخواست شد که هیات رئیسه را انتخاب کنند. مجمع عمومی از بین حضار پنج نفر را به عنوان هیئت رئیسه انتخاب نمود. 1- علیرضا سلیمی 2- امیر صالحی 3- محمد عبدی پور 4- جلال حسینی 5- ایرج محمدی، تقسیم سمت کردند محمد عبدی پور به عنوان ریس مجمع و ایرج محمدی به عنوان نایب ریس و علیرضا سلیمی به عنوان منشی و جلال حسینی و امیر صالحی به عنوان ناظر انتخاب شدند.

در حین برگزاری مجمع رئیس اداره کار و نیروهای امنیتی بانماینده اداره کار، علی موسوی که در مجمع حضور داشت تماس گرفتند و از ایشان خواستند تا به مجمع اعلام کند عبدی پور و جلال حسینی باید از جایگاه رئیس و ناظر مجمع حذف شوند و کسانی دیگر جایگزین آنان شوند در غیر این صورت از ادامه مجمع جلوگیری خواهد شد. نماینده اداره کار علی موسوی این مسولیت را قبول نکرد وگوشی را به رئیس هیات مدیره، محمد احمد پور داد و از ایشان خواستند که به عبدی پور و حسینی اعلام کند که ایشان هم گفت رفقا اینها به شماها حساسیت دارند و به ما اعلام کرده اند اگر از سمتشان حذف نشوند از ادامه مجمع جلوگیری میکنیم ما از رفقا درخواست مینماییم که خودشان تصمیم بگیرند.

محمد عبدی پور و جلال حسینی به نحوه حذف خودشان اعتراض کردند ولی اظهار نمودند با توجه به اینکه نیروهای امنیتی و رئیس اداره کار به حضور ما حساسیت دارند مشکلی نیست ما از سمت خود بنا بر حساسیت مامورین صرف نظر میکنیم چون اونها اسلحه دارند و دست ما خالیست. سپس کارگران خباز از وضع موجود اعتراض کردند با انتخاب هیات رئیسه جدید، مجمع کارخو را شروع کرد، محمد احمد پور رئیس هیات مدیره گزارش سالیانه را به مجمع ارائه داد سپس گزارش مالی قرائت شد. در رابطه با خط مشی جدید انجمن هیات مدیره جدید را مامور یک سری اصلاحات در اساسنامه کردند و در پایان انتخابات برگزار شد که محمد احمد پور و وحید حسینی و رضا اسماعیلی به عنوان هیات مدیره و محمد احمد پور به عنوان بازرس انتخاب شدند.

یکی از شاکیان مزد 92 در دیوان عدالت اداری:

افزایش حقوق جانبی، کارگران را از شکایت علیه مزد منصرف نمی‌کند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 خرداد 92 آمده است: دبیر کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران گفت: حتی اگر در جلسه دیروز شورای عالی کار مسئله افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران قطعی می‌شد، این کانون استانی همچنان پی‌گیر ابطال مصوبه مزدی شورای عالی کار بود.

«حسن حبیبی» با بیان این مطلب به ایلنا گفت: نمایندگان کارگری در مجامع رسمی که به نتیجه جلسه دیروز دل بسته بودند باید در مورد بی‌نتیجه بودن آن اظهار نظر کنند و راه حل جایگزین پیشنهاد دهند.

این مقام صنفی کارگری با اشاره به سخنان دیروز وزیر کار که دیوان را در موضوع شکایت کارگران از دستمزد صاحب صلاحیت ندانسته بود، اظهار کرد: از نظر قانون، دیوان عدالت اداری صلاحیت بررسی دادخواست کارگران معترض را دارد چرا مصوبه دستمزد شورای عالی کار مانند احکام هیات های تشخیص و حل اختلاف اداره کار در چار چوب قانون کار صادر شده است.

وی گفت: این استدلال که چون شورای عالی کار نهادی سه جانبه و غیر دولتی است دیوان عدالت اداری صلاحیت بررسی صحت مصوبات آن را ندارد درست نیست.

حیبی با یادآوری اینکه طبق قانون کار مسئولیت این شورای عالی و شورهای سه جانبه تشخیص و حل اختلاف روابط کار با وزارت کار است، گفت: حتی اگر این استدلال غلط مبنای قانونی داشته باشد نباید فراموش کرد که بیشتر اعضای این شورای سه جانبه را نمایندگان دولت تشکیل می دهند.

دبیر کانون همانگی شوراهای اسلامی کار استان تهران همچنین در خصوص این ادعای رئیس انجمن صنفی کارفرمایان مبنی بر اینکه در سال جاری مزد کارگران 47 درصد افزایش یافته و در حال حاضر دریافتی آنها حداقل 25 درصد بیش از نرخ تورم است، گفت: اگر چنین ادعایی برخلاف نظر تمامی کارشناسان اقتصادی درست باشد، باید گفت که وضع کارگران خیلی خیلی خوب است.

حیبی از مدعیان این قبیل گفته ها خواست تا چنانچه به صحت ادعاهای خود اطمینان دارند، به جای اظهار نظرهای رسانه‌ای، در جلسات تخصصی با کارگران و کارشناسان اقتصادی مناظره کنند.

پایان پیام

لیست اعضای کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

احمد گوهریان، آرمان نوری زاده، امید اسدی؛ آزاد مرادی نیا؛ امید ولی پور؛ احسان گندمی؛ اشکان کیای؛ افشین کیایی؛ اصغر احدی؛ ابراهیم عطایی؛ احسان زمردیان؛ احمد گوهریان؛ بختیار صمدی؛ بیژن رستمی؛ بهمن رادمنش؛ بهزاد فرج اللهی، پریسا ورمزیار؛ پریسا شانه ساز؛ ثریا اسدی؛ سوسن اسدی؛ سعید محمدی؛ شبنم حصاریان، شیرین مهدوی؛ شرکو حسینی؛ شیوا پولادی؛ اعظم پولادی؛ چینی فیضی؛ حاتم صمدی؛ حسن یزدی؛ حبیب پاکدل؛ خالد حسینی، خاطره حسینی، دین محمد محمدی، داود ذاکر؛ زانیار دباغیان؛ زبیده حاجی زاده؛ سیاوش مهدوی؛ ژبان سبحانی؛ ربیوار عبد اللهی؛ ساره ترابیان؛ علی آزادی؛ علانصیری؛ عادل طاهری؛ عرفان گندمی؛ غالب حسینی؛ فرزاد مرادی نیا؛ فردین میرکی؛ فردین قادری؛ فائزه نوری؛ فواد شبکی فرد؛ فرهاد هنرمندی؛ فریدون هنرمندی؛ فواد مهدوی، فواد شمس؛ فرشید مهدوی، فرامرز احمدی، کمال ملکی؛ کورش بخشنده؛ کژال ملکی؛ لیلیا منوچهری؛ محمد عزیزی؛ مهرداد امین، مهری هنرمندی؛ محمد رضا حق جو؛ محمود صالحی؛ معصومه صاحبی؛ محمود مهدوی؛ مریم همدی؛ مرضیه بعنوان؛ مینا عظیمی؛ محمودگوهریان؛ نیما ابراهیم زاده؛ نگار فلاحی؛ نسترن کوشا؛ ندا مولای؛ نسترن محمدی؛ نیره مداعی، ویدا سرفرازی؛ ولی آزادی، وریا اسماعیلی؛ یدی صمدی؛ یدا.. قطبی؛ یونس مظاهری؛ شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده، آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

مصاحبه با مازیارگیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

پیام فلزکار: با درود به دوست سندیکایی امان. نظر شما در مورد افزایش دستمزدهاست چیست؟ مازیارگیلانی نژاد: همانطوری که اطلاع دارید این مصوبه ۲۵ درصدی مورد اعتراض تمامی کارگران ایران است. که قابل پیش بینی بود. البته خانه کارگری ها با دادن شعارهای دستمزدی بالای یک میلیون تومان افزایش می خواستند این بار زمین بازی را از سندیکایی ها که سالهاست می گویند: اگر قرار است قیمت ها جهانی شود باید دستمزدها هم جهانی شود. شعار می که ما در قبل از هدفمندی یارانه ها در خبرنامه و نشریه امان مطرح می کردیم، را بگیرند و با طرح و دادن شعارهای بالای یک میلیون تومان افزایش دستمزد خودی نشان بدهند. در صورتیکه ما از اوایل آذرماه می دانستیم که سرمایه داری ایران نه تنها به افزایش بیش از ۱۵ درصد راضی نیست بلکه معتقد است که چون مبلغی بنام یارانه پرداخت می کند پس لزومی ندارد که افزایش دستمزدی هم صورت بگیرد. بهمین خاطر اعتراض های ما از آذرماه به بعد توسط هماهنگ کننده های ۳۰ هزار امضای اعتراضی و سندیکای کارگران شرکت واحد شدت گرفت که در اواسط دی ماه قرار شد برای فشار بیشتر به شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد ها، ۱۰ هزار امضای دیگر هم به ۳۰ هزار امضای اعتراضی اضافه

شود. در مذاکراتی که با پروین محمدی وعظیم زاده داشتیم دقیقا این مسئله مطرح شد که اگر بجای ۱۵ یا ۱۸ درصد ۲۰ الی ۲۵ درصد به حداقل حقوق، مصوب شود بازهم ما کار خود را تا حدودی انجام داده ایم. بخصوص پیگیری ۳۰ هزار امضای اعتراضی در وزارت کار، تجمع ۲۰۰ کارگر شرکت واحد در شهرداری و تحصن سندیکای شرکت واحد در وزارت کار و سخنان شورانگیز ابراهیم مددی در این تحصن ضربه آخر را وارد کرد. چون کارفرماها به بیش از ۱۸ درصد راضی نبودند، اما این حرکات تاثیر خود را گذاشت. بهرحال می بینیم که بعد از این مصوبه تحقیرآمیز و روند حداقل ۵۰ درصدی تورم، تشکل های بیشماری با الهام از حرکات اعتراضی نظیر ۳۰ هزار امضای اعتراضی، با اعتراض به دیوان عدالت اداری خواهان بازپس گیری این مصوبه شده اند. هرچند که دولت و کارفرمایان زیر بار نخواهند رفت و توسط نمایندگان بی حال کارگری دست به بازی افزایش حق مسکن زده اند. اما آنچه مسلم است حرکت های کارگری روبه افزایش است. کارگران می بینند که در مورد دستمزدهایشان کارفرماها چگونه مقاومت کردند اما در مورد نرخ گذاری برای محصولاتشان تورم را صد در صد لحاظ می کنند و تازه نازهم می کنند. همین کارخانه های خودروسازی چقدر برای افزایش قیمت چانه می زنند. اما در مورد افزایش دوباره دستمزد اعلام اعتصاب می کنند.

پیام فلزکار: یعنی می گویند که افزایشی در کار نیست؟

ما مبارک‌گیلانی نژاد: پیش بینی من این است. چون دولت فعلی که زمان زیادی ندارد و این مشکل را هم خواهد گذاشت که دولت بعدی حل کند. به اضافه اینکه جو فعلی تا چندماه انتخاباتی است و بدون شک کارگران را هم درگیر خواهد کرد. مثلا همین چند روز پیش ۷ کارگر زحمتکش در شیراز زیر زباله ها

مدفون شدند نه تنها خبرگزاری ایلنا بلکه تشکل های کارگری هم چندان به این موضوع نپرداختند.

پیام فلزکار: موضوع انتخابات را مطرح کردید. موضع کارگران آگاه در مقابل این انتخابات چیست؟

ما مبارک‌گیلانی نژاد: موضع کارگران در همه جهان معلوم است چه رسد به کشور ما. طبقه کارگر می گوید در این جابجایی چه چیز به نفع من خواهد بود؟ متاسفانه در کشور ما رسم نیست که کاندیداها برنامه کاری ارائه دهند، که ما کارگران به عنوان مثال بدانیم که رفتارشان با طبقه کارگر چیست تا موضع گیری کنیم. در سراسر جهان احزاب کاندیدامعرفی کرده و برنامه کاری هم می دهند. مثلا در برزیل حزب کارگران لولاداسیلوا را کاندید می کند و کارگران هم می دانند که لولا یک کارگر فلزکار سندیکایی است و حزب کارگران برزیل هم برنامه اش در مورد مسایل اجتماعی و کارگری چیست. خوب بطور قطع سندیکاهای کارگری در مقابل کاندیدای سرمایه داران از حزب کارگران دفاع خواهد کرد. خوب لولا داسیلوا مدت زمان داریش تمام می شود و حزب کارگران برزیل خانم دیلما روسف را کاندید می کند. طبقه کارگر و سندیکاهای ارزیابی مدت زمان داری حزب کارگران و اینکه چقدر به برنامه ارائه شده اش به نفع کارگران و فاداری بوده و آنرا عملی کرده است در مورد دیلما روسف تصمیم گیری کرده و بازهم به او رای می دهند. اما در اینجا از برنامه و احزاب خبری نیست و شما با شرم کارگری خود باید پی ببری که چه خراب است. من در طول چندسال فعالیت سندیکایی تنها دو مورد را بخاطر دارم که در یک مورد اصلاح طلبان خواسته بودند که کارگران از مصطفی معین حمایت کنند و یک مورد هم میرحسین موسوی در یک ویدئو و مهدی کروبی هم در اطلاعیه ای در آستانه روز جهانی کارگر به مسایل کارگری پرداختند و آقای موسوی هم به صراحت در منشورش از سندیکاهای و تعامل با آنها سخن گفته بود. اما سخن بسیار شنیده ایم و عمل کمتر دیده ایم.

پیام فلزکار: شما چه پیشنهاد می کنید، می گویند کارگران در انتخابات شرکت نکنند یا نکنند؟

ما مبارک‌گیلانی نژاد: ببینید دوستان، کارگران باید ببینند کاندیداها در مورد مسایل کارگری چه می گویند.

حتما همگی به بیکاری و گرانی خواهند پرداخت اما پرسش اینست که چه راهکاری برای این امر میدهند. مثلا آقایان کاندیداهانظرشان در مورد صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی چیست؟ بازهم نسخه های آنها را برای ایران عملی خواهند کرد؟ یعنی آیا باز هم واردات برعلیه تولید داخلی را سازمان خواهند داد. مثلا در فروردین ماه امسال رشد واردات آدامس به کشور ۵۴۰ درصد رشد داشته، یعنی کارگران کارخانه های آدامس سازی منتظر بیکاری باشید. خوب وقتی واردات باشد صنعت، کشاورزی، دامداری ما نابود خواهد شد و بیکاری هم به اوج خواهد رسید. پس اولین قدم برای مهار بیکاری کنار گذاشتن برنامه های تحمیلی صندوق بین المللی پول از جمله واردات سیل آساست. یا برای محدود کردن گرانی چه خواهند کرد آیا ارز مرجع را برخواهند داشت؟ دلار را ثابت نگه خواهند داشت؟ تعاونی های موجود از جمله امکان واتکا و فرهنگیان را قدرت خواهند بخشید؟ یا همین طور تعاونی ها را بی خاصیت می خواهند؟ بارها گفته شده شرکت های پیمانکاری استخدام کارگر، غیر قانونی هستند ولی مشاهده می کنیم که این برده داری نوین با شدت و قدرت بکار خود ادامه می دهد. با دستمزد ها

چه خواهند کرد؟ باسندیکاها چه رفتاری خواهند داشت آیا مقاله نامه های ۹۸ و ۸۷ امضا شده در سازمان بین المللی کار در مورد آزادی فعالیت سندیکاها کارگری را رعایت خواهند کرد؟ یا شکل های دینی همچون انجمن های اسلامی را نماینده کارگران می دانند؟ نظرشان در مورد اصل ۲۷ قانون اساسی در مورد آزادی تجمعات و اعتصاب چیست؟ آیا این آقایان هم مانند آیت اله بهشتی اعتصاب را مجاز می دانند؟ اصل ۲۹ قانون اساسی در مورد بیمه تامین اجتماعی را گسترش خواهند داد یا پولی (خصوصی) خواهند کرد؟ و در مانگاها های تامین اجتماعی را به فروش خواهند گذاشت؟ الان باز هم فصل نام نویسی مدارس شروع خواهد شد آیا طبق قانون اساسی آموزش و پرورش را رایگان خواهند کرد یا هر که بیشتر پول بدهد از امکانات بیشتری برخوردار خواهد شد و فرزندان زحمتکشان بجای رفتن به مدرسه راهی خیابان و کارگاههای نمود خواهند شد؟ همین ها را جواب بدهند ما می فهمیم چه آشی برایمان پخته خواهد شد.

اما یک مسئله ای را شما اینجا مطرح کردید که دوست دارم نظرم را بگویم. خوب هر ساله در موسمانتخابات بحث تحریم یا دادن رای بسیار داغ می شود. خوب ما از دید کارگری مسایل را می بینیم. از دیدگاه کارگری برای هر پیشنهادی راهکار عملی هم ارایه باید داد. من می پرسم تحریم کنندگان که از مردم می خواهند از وظیفه شهروندی خود چشم پوشی کنند، قدم بعدی آنان برای تداوم و ثمربخشی این عمل چیست؟ نمی شود شما به مردم راهکاری را ارایه بدهید ولی از تداوم آن عاجز باشید. از رای دهندگان هم میپرسم شما که می گوید رای بدهید برای صیانت از آرا قدم بعدی تان چیست؟ دوستان! طبقه کارگر طبقه پیشرویی است اگر در سال ۵۷ شعار اعتصاب عمومی می دهد اقدام بعدی اش بستن گلوگاه رژیم یعنی صادرات نفت بود، و سازماندهی مردمی و هماهنگ شدن با همه کارگران صنایع اعتصابی. پس طبقه کارگر بی گذار به آب نمی زند. در کشورهای خارج طبقه کارگر با تکیه به سندیکاها کارگری و احزاب دوستدار طبقه کارگر با سازماندهی اعتصاب ویا وکلایی که در مجلس دارد از رای خود صیانت می کند و سارکوزی و برلوسکونی را به زیر می کشد. باز دوستان فریاد برن دارند که خوب مگر برلوسکونی رفت طبقه کارگر جایگزینش شد؟؟ دوستان هرچقدر پول بدهی آش می خوری. هرچقدر که طبقه کارگر قوی تر باشد و همبسته تر می تواند برآیند نیروهایش را در جهت منافعش بکارگیرد. سرمایه داری که دو دستی حکومت را تقدیم طبقه کارگر نخواهد کرد. مانند شاه تا بتواند خواهد کشت. پس انتظاری از سرمایه داری نیست اما از خودمان و هر که مدعی است چرا. بهرحال من دوستان را توصیه می کنم به مطالعه و اینکه کاوش کنند و راه را و دلایلش را بیابند. سازمان ها و گروهها و شخصیت ها وزین سیاسی آدم عادی نیستند که همینطوری رای صادر کنند ولی از دادن دلایل و ثمربخشی قدم بعدی عاجز باشند.

پیام فلزکار: پس از اول ماه مه تحلیل هایی مبنی بر روند جنبش کارگری منتشر شده است، نظر تان چیست؟ مازیا رگیلانی نژاد: در مورد اظهار نظرها می توانم بگویم خوب دوستان هرکسی عقیده ای دارد و ما خوشحال می شویم که این انتقادات و اظهار نظرها از ما می شود. بهرحال باید این اظهارات را به فال نیک بگیریم. امیدوارم که این انتقادات و جوابیه آن بستری را برای گفتگو فراهم کند، تا هم ما سندیکایی ها و هم این دوستان بتوانیم پی به اشتباهات خود برده و در راه گسترش جنبش و اتحاد عمل، به وحدت برسیم. من هم مانند شما، البته کمی بیشتر این انتقادات را دیده و شنیده ام. من همه آنها را از روی خیرخواهی و دغدغه کارگری می دانم. دوستان یک چیز در همه این انتقادات مشترک است و آن این است که این دوستان هیچکدام کارکرد های سندیکایی را نمی دانند چیست و متاسفانه هیچ کوششی هم برای رفع این نقیصه نمی کنند. این دوستان چون تاریخچه و دستاوردهای کارگری را بطور مبهم و کلی شنیده اند، متاسفانه بدون اطلاع وارد حیطه ای می شوند و اظهار نظر هایی می کنند که اگر اساسنامه یک سندیکارا خوانده باشند چنین اظهار نظری نمی کنند. از طرف دیگر چون سندیکایی ها ی قدیمی چه در دوران شاه و چه هم اکنون در موقعیت مطلوبی قرار ندارند، در نتیجه نمی توانند به این دوستان دستاوردهایشان را گفته و از اشتباه بیرون بیاورند. دوستان داخل کشور یک جور دوستان خارج از کشور هم جور دیگر. از دوستان خارج از کشور که ما دستمان کوتاه و خرما برنخیل که موقتا بگذریم، همین دوستان داخل هم به خود زحمت نمی دهند که از این پیشکسوتان بپرسند که آقا این سوال ماست جواب شما چیست؟ من زیاد دور نمی روم در همین تهران دوست ما آقای ثقفی چقدر به حضور این موسیدان کارگری رفته و پرسش نموده نموده که اینچنین در نشریه خود می نویسند از دائمی شدن موقعیت های خاص اتحادیه ای و سندیکایی برای افراد معین جلوگیری کنند ویا می گوید نباید به هیچ عنوان از نظام شورایی در تصمیم گیری ها غافل شدایشان در همین نوشته فریاد می کشند

که چیزی از دمکراسی درون سندیکایی نمی دانند. در چند کیلومتری ایشان آقایان علیرضا فرهادی و علی اکبرخاها رییس هیات مدیره و دبیر سندیکای سابق شرکت واحد در کانون بازنشسته گان تامین اجتماعی از اعضای هیات مدیره کانون هستند تشریف دارند. آیا ایشان رفته اند از این دوستان که گمنام هم نیستند پرسد آیا در سندیکای شما چنین مشکلی بوده یا نبوده؟ چکاری برای رفع این مشکل کرده اید؟ متأسفانه ما در خانه می نشینیم و به نقد هر چیزی می پردازیم. در خارج از کشور هم هستند سندیکالیست های بسیار گرانقدر که هرکسی پرسشی دارد می تواند از تاریخچه سندیکای زمان شاه از طریق آنها باخبر شود. ولی دوستان یکی از مشکلات رفتاری ما همین زانو زدن در مقابل کسانی است که زودتر از ما این راه رفته را رفته اند. و این می شود پیش درآمد مشکل کج فهمی کارکرد سندیکا. این مشکل در گروه پژوهش کارگری هست، در جمعی از فعالین کارگری جافک هست تا گروه های خارج از کشور. متأسفانه به دلیل سرکوب ما از ابتکارات و عملکرد و نحوه اداره اتحادیه مرکزی کارگران در زمان رضا شاه یک جزوه کوچک به یادگار داریم. از شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان یک جزوه کوچک به یادگار مانده که من هم هنوز ندیده ام و از فعالینش کمتر از تعداد انگشتان دست زنده اند. از عملکرد سندیکاهای در زمان شاه هم کاری از نشریه اندیشه جامعه به سردبیری آقای عاشوری که هم اکنون در سوئد هستند باقی مانده که زیاد در دسترس نیست. امیدوارم که اعضای هیات مدیره های باقی مانده سندیکاهای زمان شاه به میدان آمده با بازگویی فعالیت سندیکاهایشان همه ما را به عملکرد و ثمر بخشی آن در زندگی کارگران سندیکایی آشناتر کنند. در این آشفته بازار بی اطلاعی حالا هرکسی از عملکرد سندیکاهای فعلی که در شرایط سختی مبارزه و فعالیت می

کنند شروع به انتقاد به اصل موضوع سندیکا می کنند. اگر آقای ثقفی نوشته مرا در مورد آنچه پیشروان سندیکایی باید بدانند در مورد عملکرد اولین هیات مدیره سندیکا کارگران سندیکای شرکت واحد سال ۱۳۳۸ و «درس هایی از خرد جمعی سندیکای کارگران کفاش» را می خوانند کمی با احتیاط تر اینگونه می نوشتند. برای اینکه مستند صحبت کرده باشم از دوران فعالیت در سندیکای نانوایان واقع در حسن آباد می گویم. در سندیکای کارگران نانوایان که هم هیات موسسان سندیکاهای کارگری و هم سندیکای کارگران شرکت واحد در آنجا فعالیت می کردند، حداقل آقای ثقفی شاهد بود، که هر هفته جمعه ها جلسه عمومی برگزار می شد که در آن ۳۰۰ تا ۵۰۰ کارگر حضور داشته و هر کارگری مشکلی داشت بیان کرده و مسوولین سندیکا جوابگو بودند. هر هفته جلسات هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد برگزار و کمیسیون های مربوطه و رییس و نایب رییس گزارش خود را داده برای هفته بعد برنامه کاری هریک از اعضای هیات مدیره تنظیم می شد. هرگاه هر عضوی اراده می کرد می توانست از اعضای هیات مدیره و رییس و نایب رییس در جلسات عمومی و در حاشیه جلسات هیات مدیره توضیح بخواهد. هر دو سال یکبار مجمع عمومی برای انتخاب اعضای هیات مدیره جدیدی تشکیل می شد، اگر فرصت نفس کشیدن به سندیکالیست ها داده بشود. البته تا یادم نرفته بگویم که رییس کلانتری و پلیس امنیت هم در این جلسات عمومی شرکت می کردند. دوستان حتی آقای ثقفی که شیرینی خریدن هایشان بسیار معروف بود در یکی از کمیسیون های آموزشی هیات موسسان شرکت کردند. اشکال دیگری که همه این دوستان منتقد دارند، این است که این دوستان سندیکا را با حزب طبقه کارگراشتباه می گیرند و دلشان می خواهد که ما وظایف یک حزب را به عهده بگیریم. بخصوص که

اصلا شرایط امروزی ما را در نظر نمی گیرند. بینیم دوستان جافک در «آینه اسانلو» چه نوشته اند. خط فرمیستی قانون گرایی، اصلاح طلبانه، فعالیت علنی - از اصلاح طلبی ها و چانه زنی های رهبران سندیکالیست با سرمایه داران و دولت سرمایه نتیجه نمی شود، بلکه اساسا اعتراضات، شورش های رادیکال و مبارزات انقلابی عمومی و طبقاتی است که نظام رابه عقب نشینی وادار می کند - خطر فرمیستی اسانلو و تبلیغ مقابله نامه های سازمان جهانی کار و پاشیدن خاک توهم به چشم کارگران - ایجاد تشکل انقلابی که سندیکا زیر مجموعه آن باشد. ما هرچه بگویم که سندیکا یک نهاد مبارزاتی اقتصادی اجتماعی است و برای تصرف حاکمیت فعالیت نمی کند و این کار حزب و سازمان های سیاسی است. به گوش این دوستان فرو نمی رود. ما به این دوستان و همه دوستان دیگر می گویم که شما تشکل انقلابی را بوجود بیاورید ما زیرمجموعه اش می شویم. ولی امروز بگذارید ما کار خودمان را بکنیم. هر چند که این دوستان چه ایرادها که به شورای متحده مرکزی به خاطر اینکه اکثر اعضایش عضو حزب توده ایران بودند دهها سال است که می گیرند. بسیاری از دوستان که به نقد دو سندیکای کارگری واحد و هفت تپه می پردازند نه تنها از مشکلات سرراه این دو سندیکا خبر ندارند بلکه آنچنان از دور به این قضایا می پردازند که برای کسی مثل من مایه تأسف

است. اگر بخواهم به این مسئله پردازم مثنوی هفتاد من می شود. امیدوارم که دوستان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی حداقل عملکرد یکساله خود را بنویسند تا دوستان جافک ببینند که در طی همین یک سال، سندیکا برای رانندگان چه دستاورد هایی داشته است. دوستان طبقه کارگر فقیر و بیکار با هزاران مشکل نمی تواند وقت بگذارد تا فکر کند. بلکه کارگری که دغدغه شغلی کمتری داشته باشد و بوقول معروف از آب باریکه ای هم تغذیه کند وقت دارد که خود را ارتقا بدهد و به مسایل دیگر فکر کند. اگر ما همین چانه زنی ها را امسال نمی کریم ۵۰ هزار تومان کمتر به حقوق کارگران اضافه می شد، شما می گوید این کار را نکنیم. آیا طبقه کارگر حرف شما را می پذیرد؟ من از خودم مثال می زنم ۴ ماه است که حقوق نگرفته ام. از ساعت ۵ و ۴ صبح هم که بیدار می شوم تا به سرکار بروم تا زمانی که به خانه برمی گردم ساعت ۸ شب است و من فقط فرصت ۴ ساعته دارم تا هم کار سندیکایی بکنم، هم به مشکلات تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک که رییس هیات مدیره اش هستم برسم هم غذا بخورم و به زندگی شخصی ام برسم، هم مطالعه کنم و ببینم دوستانم چه نقدی بر عملکرد سندیکایی دارند. بقیه دوستانم هم کم و بیش مانند من هستند این وضعیت زندگی ماست که فکر نمی کنم دوستان خارج و داخل کشور یک ماه اش را هم بتوانند تحمل کنند. حالا اگر مازیار گیلانی نژاد ساعت ۴ بعد از ظهر با اعصابی راحت و دریافتی به موقع به خانه بیاید، ببینید چه خواهد کرد. پیام فلزکار: البته این انتقادات تنها به عملکرد سندیکالیست ها منتهی نشده و در مورد اتحادسه سندیکا نیز انتقادات بسیار است.

مازیار گیلانی نژاد: شوربختانه باید اذعان کنم که برخی از دوستان از اتحاد سه سندیکا در مورد اعلامیه اول ماه مه نه تنها خوشحال نشده اند بلکه در امضای دوستان هفت تپه پای بیانیه اول ماه مه هم تعجب کرده اند و هم به این امضا شک کرده اند. اول پرسیم دوستان مگراول ماه مه شعارش اتحاد نیست؟ دوم چرا شما همونوا با دشمنان ما از این اتحاد ناراحت شده اید؟ من فکر می کنم که مشکل جای دیگری ست. دهها سال هاست که ما از این بیانیه ها می نویسیم، اما آنچه مهم است اجرایی شدنش است نه نوشتنش. و مهم تر امضای پای این بیانیه هاست که می تواند ضمانت اجرای اش را بیشتر کند. حال به یکی از این انتقادات در رابطه با اعلامیه مشترک سه سندیکامی پردازم:

۱- تشکیک در امضای سندیکای کارگران هفت تپه در مورد امضای دوستان هفت تپه باید بگویم
دومین اطلاعیه هم با امضای سه سندیکا منتشر شد. و به همین روال باز هم اطلاعیه های دیگر هم در راه است.

۲- حکومت کوبا ویتنام در دست کارگران نیست آیا حکومت ویتنام و کوبا باید از شما اجازه بگیرند
واز فیلتر شما بگذرند تا کارگری باشند؟ اجازه بدهید مردم این کشورها در مورد حکومت شان تصمیم بگیرند.

۳- بیانیه از کارگران می خواهد در مجلس و دولت وکیل و وزیر داشته باشن داشتن وکیل کارگری و وزیر کارگری در مجلس و حکومت از نظر ما مذموم نیست. هر چند که ما چنین چیزی در اطلاعیه به کارگران ایران نگفتم، پس در نقل قول امانت را رعایت کنید.

۴- نویسندگان اطلاعیه به کارگزار سرمایه مفتخر شده اند - رضا رخشان گرایش راست سندیکای هفت تپه -
سندیکای ت ژ ت بورکراتیک است - خرده فرمایشات رویونیستی
اینها تحلیل های شماست نه کارگران سه سندیکا و کارگران فرانسه. دوستان اگر ما به مذاق شما اطلاعیه بنویسیم دیگر انقلابی می شویم و آب تطهیر بر سرمان می ریزد؟

۵- باید با شدت باین گرایش مبارزه کرد. شما هم که مانند سرمایه داری ایران چشم دیدن ما راندارید و به برادران کارگرمایان توصیه می کنید که با ما مبارزه کنند. آیا جبهه نبرد عوض شده؟

۶- یک هسته سرخ ایجاد و تکثیر کنید. کور شود هر که نتواند هسته های سرخ شما را در کارخانه ها ببیند وزیر پرچم شان هم گرد نیاید. ولی به حرف اکتفا نشود.

من فکرمی کنم که این دوستان تاکنون تعامل را تجربه نکرده اند. زمانی که شما وارد روند اتحاد می شوید این اتحادیه معنی این نیست که همه زیر پرچم من به اتحاد برسیم، بلکه وقتی دور یک میز جمع می شویم باید ۳۰ درصد نظرات شما اعمال شود ۳۰ درصد نظرات دیگری و ۳۰ درصد هم نظرات من. آنوقت می توانیم یک اعلامیه مشترک بدهیم که لزوما همه این اعلامیه مورد تایید من شاید نباشد ولی برای اتحاد باید نظرات دیگری را تحمل کنم چرا؟ چون دشمن مشترک که همه ما با آن در یک سنگرمی خواهیم برزمیم تفاوتی

بین گرایش‌ها من و تو دیگری که خواسته های کارگری داریم قایل نیست و خصم همه ماست. اگر قرار باشد که من و تو یک فکر یک گرایش و یک عقیده داشته باشیم خوب می رویم یک حزب تشکیل می دهیم. اما دوستان اینجا سندیکاست و هرکس با هرگرایش می تواند خواسته های کارگری داشته باشد. دوستان شما شکل های مورد نظرتان را بوجود بیاورید ما هم سندیکا را گسترش دهیم و به زحمتکشان اعتماد کنیم تا هرکدام را برگزید، تابع نظرش شویم. نه اینکه ما و کارگران را از این سندیکا هم محروم کنید. من به اندازه تواناییم تاریخچه چند سندیکا را نوشته ام که برای چندمین با از شما خواهش می کنم که به سایت ها بدهید تا دوباره خوانده شود. اگر ما در ایران با اعتصابات عمومی و با تکیه به سندیکاهای کارگری شاه را فراری دادیم امروزه سندیکاهای کارگری تونس بن علی را فراری داد و این سنت کارسندیکایی است. مطلبی را هم بگویم که این دوستان گفته اند که اطلاعیه ما در چند سایت بیشتر منعکس نشده است. دوستان ما نه تنها در ایران تحریم خبری هستیم بلکه در خارج هم سایت های کارگری از زدن اطلاعیه های ما و اظهار نظراتمان وحشت دارند و ما را تحریم خبری کرده اند. چطور می شود سه سندیکا اطلاعیه مشترک برای اول ماه مه بدهند آنوقت سایت های کارگری آنرا منعکس نکنند. واقعا درود به آزاد اندیش یتان!!

بهرحال ما باز هم منتظر نقد شدن هستیم و این مصاحبه هم یک گفتگوی دوستانه بود با دلسوزان جنبش سندیکایی. امیدوارم که این روند دوستانه ادامه داشته باشد و سایت های کارگری هم به وظیفه کارگری خود عمل کنند.
پیام فلزکار: باسپاس از شما

نماینده کارگران عنوان کرد: 230 کارگر کاغذسازی کارون در انتظار بازگشایی کارخانه

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 8 خرداد 92 آمده است: یک عضو شورای اسلامی کار کارخانه کاغذسازی کارون کارخانه کاغذ سازی کارون وضعیت کارگران بیکار شده را «تاسف بار» توصیف کرد و گفت: از سال 89، به دلیل وجود برخی مشکلات تعطیل شده و 230 کارگر قرار دادی شاغل بیکار شدند. به گزارش ایلنا، «جهانبخش میرجانی» با انتقاد از بی توجهی مسئولان دولتی نسبت به سرنوشت کارخانه و کارگران اش، به این خبرگزاری گفت: این کارخانه از سال 80 به سبب مشکلاتی که کارگران از جزئیاتش بی اطلاع اند دچار مشکل شده و در طول این سالها تمامی کارگران به تدریج بیکار شده اند. وی وضعیت کارگران بیکار شده را «تاسف بار» توصیف کرد و افزود: از سال 89 که این کارخانه تعطیل شد، 230 کارگر قرار دادی شاغل بیکار شدند و هم اکنون تنها 20 نگهبان در این کارخانه مشغول بکار هستند. این فعال کارگری درباره معوقات حقوق و سنواتی کارگران نیز گفت: از سال 80 تا 85 سنوات هیچ یک از کارگران پرداخت نشده است و از سال 85 تا 89 نیز با توجه به تعطیلی کارخانه کارگران بیکار و بلا تکلیف بودند. او ادامه داد: در سال 89 این واحد به مدیریت جدید واگذار شد اما متاسفانه بعد از گذشت چندین ماه از ادامه تولید بازماند و مجددا کارگران آن بیکار شدند که تا به امروز این وضعیت ادامه دارد. این نماینده کارگری با بیان اینکه فعالیت مجدد کارخانه زمینه اشتغال بیش از هزار و 100 کارگر را فراهم می کند، افزود: در طول این سالها، کارگران و نمایندگان شان برای بازگشایی کارخانه و از سر گیری تولید پی گیری و تلاش زیادی کرده اند که تا به امروز بی نتیجه مانده است. او همچنین گفت: کالای تولیدی این کارخانه به دلیل وجود تجهیزات خوب و نیروی کار ماهر ار مرغوبیت و بازار خوبی برای فروش بر خوردار است، اما با تعطیلی این کارخانه و سایر تولید کنندگان داخلی، خریداران و مصرف کنندگان به سوی کاغذ های نامرغوب وارداتی روی آورده اند. او با بیان اینکه کارگران کاغذ سازی کارون منتظر بازگشت به کار خود هستند، تصریح کرد: کارگران در شرایطی به سر می برند که تنها و مهم ترین خواسته شان بازگشایی کارخانه و اشتغال است.

نگاهی به خانه کودک شوش در 13 سالگی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 خرداد 92 آمده است: در طول دو دهه گذشته با وجود سیاست‌های متفاوت اقتصادی و فرهنگی دولت‌ها، بنا به اظهارات بسیاری از فعالان حقوق کودکان، نه تنها در وضعیت کودکان کار تغییری ایجاد نشده است بلکه تعداد این کودکان بیش‌تر نیز شده است. فعالان مستقل اجتماعی، عدم تناسب افزایش سطح دستمزدها با تورم و خروج کارگاه‌های کمتر از 10 کارگر از شمول قانون کار را از عوامل موثر بر افزایش تعداد این کودکان به شمار می‌آورند.

19 سال پیش ایران به کنوانسیون جهانی حقوق کودکان پیوست و این زمینه‌ای شد تا برخی از فعالان اجتماعی به فکر تاسیس سازمانی غیردولتی بیافتند که برای ترویج این کنوانسیون و تحقق آن در ایران فعالیت کند، این انجمن در سال 1378 پروژه‌ای اجرایی برای حمایت از کودکان کار و خیابان راه اندازی کرد که بعدها «خانه کودک شوش» نام گرفت و تعداد قابل توجهی از سازمان‌های غیردولتی حامی کودکان کار و خیابان که در حال حاضر فعالیت می‌کنند هسته اولیه شان در این مرکز آموزشی-حمایتی کودکان کار شکل گرفته است یا به نحوی با این مرکز در ارتباط بوده‌اند. به تازگی بزرگداشتی به مناسبت سیزدهمین سال تاسیس این مرکز برگزار شده است.

«شیوا دولت‌آبادی» رییس هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان در این باره گفت: «تجربه تاسیس خانه کودک شوش یک تجربه بدیع و نو بود. به وجود آوردن یک خانه کودک به دنبال شروع توجه به کودکانی که در شرایط دشوار بودند، به طور مردمی و خود جوش صورت گرفت.»

او ضمن اشاره به قابل اعتنا بودن این تجربه به عنوان الگویی که مستقیم به میان مخاطبانش رفت، افزود: «مانند هر کار تازه‌ای خانه کودک نیز افت و خیزهایی داشته مانند مساله جذب نیروهای انسانی، تنوع نیروهای داوطلب، تعامل سرمایه‌های اجتماعی با هم، با کودکان و جامعه. در عمل، ماهیت خودجوش این کار هم اثر گذار بوده و هم فراز و فرودهایی را ایجاد کرده است.

این تجربه بر سازمان‌های دیگر نیز تاثیر گذاشت و هم به هر حال گروه‌های زیادی از کودکان و خانواده‌هایشان از حمایت آن استفاده کرده‌اند»

این روانشناس و استاد دانشگاه علامه طباطبایی درباره چشم‌انداز فعالیت خانه کودک شوش اظهار کرد: «نکته مهم داشتن یک برنامه مدون است که می‌تواند امید بخش اثر بخش باشد. ما در طول این سال‌ها یاد گرفته‌ایم که باید توان داوطلبی و امکاناتمان را بسنجیم. در فعالیت‌هایی این چنینی باید کیفیت را در نظر داشته باشیم و صرفا به کمیت توجه نکنیم»

«پریسا پویان» مدیر خانه کودک شوش نیز درباره نقش خانه کودک گفت: «من از داوطلبان خانه کودک درباره این تاریخ 13 ساله اطلاعاتی گرفته‌ام و می‌دانم که با امکانات محدودی شروع شده است، اما در مورد فعالیت امروز خانه کودک باید بگویم که در این محله خشونت زیادی وجود دارد و ما توانسته‌ایم که خشونت میان کودکان را کاهش دهیم، درگیری‌های قومی که در این محلات وجود دارد میان بچه‌ها هم هست و ما برای حل این موضوع نیز تلاش می‌کنیم و موفق بوده‌ایم.»

او معتقد است که «فعالیت مراکزی مانند خانه کودک شوش به تدریج نگرش مردم را عوض می‌کند، و این فرایند 13 ساله هر روز یک قدم به جلو است.»

پویان درباره چشم‌انداز فعالیت‌های خانه کودک می‌گوید: «ما هدف گذاری درستی داشته‌ایم اما ابزار کافی در اختیار نداشته‌ایم و باید از این نظر خود را تقویت کنیم تا موثرتر باشیم ضمن این که ما باید بتوانیم با اطلاع رسانی در جامعه حساسیت بیش‌تری ایجاد کنیم.»

«حمیدرضا واشقانی فرهنگی» از مدیران سابق خانه کودک شوش نیز درباره فعالیت خانه کودک می‌گوید: «در طول سال‌های گذشته، خانه کودک با تمام فراز و نشیب‌هایی که پشت سر گذاشته، هم توانسته بر کودکان کار محله‌های شوش و دروازه غار تاثیر مثبت بگذارد و هم این که مشکلات آن‌ها را در جامعه انعکاس دهد و البته مایه خوش‌حالی است که با فعالیت این مجموعه و مجموعه‌های فعال دیگر در زمینه کودکان کار و خیابان، در کنار ایجاد امکاناتی حداقلی برای آموزش بخشی از این کودکان، هم در میان فعالان حقوق کودکان کار هم‌افزایی صورت گرفته و هم این که تجاری از کار با این کودکان اندوخته شده که می‌تواند در ادامه تلاش برای لغو کار کودک مفید باشد. البته مشکلاتی هم در هر فعالیت اجتماعی وجود دارد و باید با همدلی، مراجعه مداوم به اصول و اهداف و ارزیابی فعالیت‌ها این مشکلات را کاهش داد. البته تاثیر عوامل بیرونی هم باید در نظر داشت مانند مسائل و مشکلات اقتصادی حاد کشور»

این فعال حقوق کودک بخشی از این مشکلات را ناشی از وضعیت اجتماعی می‌داند و می‌گوید: «مساله این است که در کشور ما کار داوطلبانه تعریفی ندارد، مسئولیت‌های داوطلب در قبال یک سازمان اجتماعی مشخص نیست و البته باید تلاش کرد که با آموزش و ایجاد توانمندی در داوطلبان، به عنوان سرمایه‌های اجتماعی بازده فعالیت‌های مدنی را افزایش داد، در کنار این، افرادی که به فعالیت مدنی می‌پردازند، از مرخص نیامده‌اند، افرادی هستند با خصوصیات عمومی جامعه و متأثر از شرایط اجتماعی. وقتی جامعه مایوس باشد، یاس به فعالان مدنی هم رسوخ می‌کند، منتها در این‌جا نقش سازمان پرنگ می‌شود زیرا که باید تلاش کند تا هم داوطلبان و اعضای خود را حفظ کند و هم با آموزش آن‌ها کیفیت فعالیت مدنی را بالا ببرد، در این صورت با هم‌افزایی تجربه فعالان قدیمی و انرژی و خلاقیت نیروهای جوان تاثیر نهادهایی مانند خانه کودک و دیگر مراکز افزایش می‌یابد.»

فراهانی در ادامه اظهار امیدواری کرد: «در آینده باید با فراهم کردن زمینه‌های بررسی دقیق فعالیت‌های خانه کودک شوش، بتوان هم مبنایی برای ارزیابی فعالیت‌های صورت گرفته به دست آورد و هم با نگاهی صادقانه، قوت‌ها و کاستی‌ها را شناخت که در بهبود فعالیت‌ها مفید باشد و از توانمندی‌های همه افرادی که در طول این 13 سال در این مرکز فعالیت داشته‌اند و تجربه اندوخته‌اند، استفاده کرد.»

یکی از داوطلبان خانه کودک در سال‌های 83 تا 90، تاسیس خانه کودک را یک «رخداد» می‌داند، از نظر او جذب داوطلبان از گروه‌ها و اقشار گوناگون و درگیر شدن جامعه با مساله کودکان کار نکات مثبتی است گرچه اگر منظور ما از تاثیر، لغو کار کودک باشد باید گفت که «متأسفانه در این مورد موثر نبوده‌ایم.»

او در باره نقش خانه کودک معتقد است آغاز به کار این مرکز، توانسته بی‌تفاوتی اجتماعی را تا حدودی از ریخت بیاندازد: «دولت وقت پدیده کار کودکان را به رسمیت نمی‌شناخت، شهروندان با این که در طی زندگی روزمره اشکال مختلفی از کار کودکان را می‌دیدند اما هیچ واکنشی به این موضوع نشان نمی‌دادند یا هنرمندان در تولید آثار هنری به این مسئله‌ی اجتماعی توجهی نداشتند»

او البته می‌گوید که این اثر کمی بوده و کیفیت نیز باید مورد نظر باشد: «هر چند، در مواردی پرداختن به موضوع کودکان کار یا جنبه‌های صرفاً سیاسی پیدا می‌کند، یا دچار نوعی رمانتیسیم عامیانه می‌شود» از نظر او ایجاد میدان پیمایش و تحلیل میدانی نیز از دیگر نکات قابل توجه است، زیرا فعالان اجتماعی از نزدیک با مساله رو به رو می‌شوند.

او در ادامه می‌افزاید: «من فکر می‌کنم در شرایط فعلی که آسیب‌ها و بحران‌های اجتماعی در حال گسترش است، به جای دنباله روی از برخی هیجانات زودگذر سیاسی باید به فکر تقویت سازماندهی عمیق نیروهای اجتماعی بود و با صبوری این موضوع را دنبال کرد.»

او درباره چشم‌انداز فعالیت نهادهای حامی کودکان کار معتقد است: «باید به جای اصرار بر رایه صرف خدمات به کودکان کار در جهت ایجاد جنبشی برای لغو کار کودک از طریق تغییر مناسبات تولید و بازتولید کار کودک تلاش کرد.»

به زعم او در جامعه دغدغه کودکان کار وجود دارد اما این دغدغه از کیفیت و آگاهی کافی برخوردار نیست از همین منظر باید بر دو موضوع تمرکز کرد: «باید بدنه نهادهای مدافع کودکان را تقویت کرد در کنار آن، نگاه‌ها و ادبیاتی که در این حوزه وجود دارد به واسطه تولید ادبیاتی اصولی و مبتنی بر آگاهی اجتماعی اصلاح شود.»

«شهری نجفی»، اولین مدیر پروژه خانه کودک شوش نیز درباره آغار به کار خانه کودک می‌گوید: «سال 78 که این کار شروع شد، وقتی داوطلبان جذب این کار شدند، امیدوار شدم که این مرکز به فعالیت خود ادامه خواهد داد و خوشبختانه بسیاری از همکاران آن روز خانه کودک، امروز در مراکز مختلف فعالیت می‌کنند.»

او تاسیس خانه کودک را در انعکاس مسائل کودکان کار و خیابان و جلب توجه جامعه موثر می‌داند: «مقاله‌ها، مصاحبه‌ها، گزارش‌ها و حضور داوطلبانه و موثر اعضا کمک کرد تا مساله کودکان کار و خیابان در جامعه طرح شود»

نجفی درباره تاثیر این فعالیت می‌گوید: «کودکانی هم که توسط خانه کودک شوش و همین‌طور سایر سازمان‌های غیر دولتی حمایت می‌شوند نیز نسبت به حقوق خود به عنوان کودکان و شهروندان جامعه آگاهی بیشتری پیدا کرده‌اند.»

او درباره ادامه فعالیت‌های اجتماعی در حوزه کودکان کار می‌افزاید: «این فعالیت‌ها گسترش یافته است اما همه می‌دانیم که مشکلات زیربنایی و اقتصادی جامعه افزایش یافته و بر این فعالیت‌ها تاثیر دارد، شاید شرایط

تغییر همه جانبه در وضعیت این کودکان را نداشته باشیم، زیرا فقر یا مسائلی مانند اعتیاد گسترش یافته اند اما من فکر می‌کنم که باید تلاش کنیم، هر تلاشی مطمئناً موثر خواهد بود.»

«رضا ببری» در سال‌های ابتدایی فعالیت خانه کودک تلاش‌های زیادی برای سامان دادن و تدوین برنامه‌های مددکار در خانه کودک کرده است و خود نیز مدتی مسئول کمیته مددکاری خانه کودک بوده است. او درباره نقش سازمان‌های غیر دولتی می‌گوید: «سازمان‌های غیردولتی سه کارکرد دارند، مشاوره به دولت‌ها، ایفای نقش بازوهای اجرایی دولت‌ها و نقش منتقدین دولت‌ها، از این زاویه، انجمنی مانند انجمن حمایت از حقوق کودکان، به نوعی می‌توانند واسطه‌ای میان فرادستان و فرودستان جامعه باشند، امکاناتی را از آن‌ها بگیرند و به فرودستان بدهند، از سوی دیگر این سازمان‌ها می‌توانند نگرش‌های مردم را به دولت‌ها انتقال بدهند، هر سازمان غیر دولتی دست کم یکی از این سه کارکرد را دارد.»

از نظر این مددکار اجتماعی شروع فعالیت خانه کودک شوش و مراکز دیگر، بازگو کننده این است که وقتی در جامعه پدیده‌ای به وجود می‌آید به این معناست که کارکرد دارد. او می‌افزاید: «وقتی خانه کودک شوش احداث می‌شود یعنی بستریهایی برای آن وجود داشته، مثلاً طبقه متوسط رشد کرده، از طرف دیگر هم یعنی که نظام سیاسی یا نظام رفاهی جامعه برای کاهش این آسیب‌ها کارایی ندارد.»

این مدرس دانشگاه افزایش اثربخشی فعالیت‌سازمان‌های مدنی را در این می‌داند که دولت‌ها بپذیرند که باید به سازمان‌های غیردولتی توجه کنند. او همچنین توضیح می‌دهد: «با رشد طبقه متوسط فعالیت‌های نهادهایی مانند خانه کودک رشد می‌کند، اما اگر جامعه دوقطبی باشد، سازمان‌های غیردولتی کارایی کمتری خواهند داشت.»

او می‌گوید: «در یک نگرش کلان، ما وقتی با سازمان غیردولتی سروکار داریم، یعنی با طبقه متوسط هم سروکار داریم» او رشد آگاهی در جامعه در هر دو بخش دولت و ملت را در تحقق اهداف این مراکز و کاهش آسیب‌های اجتماعی موثر می‌داند.

خانم فرهادی مسئول گروه آموزش خانه کودک درباره نقش خانه کودک شوش می‌گوید: «قبل از فعالیت خانه کودک و مراکز دیگر، جامعه نسبت به کودکان کار بی تفاوت بود، در مقیاس خردتر هم خانه کودک توانسته گروه‌هایی از کودکان را در مکانی امن از آسیب‌های اجتماعی دور کند و آموزش دهد. در مقیاس کلان‌تر حوزه قدرت توجهی به این کودکان نداشت و مسائل این کودکان مخفی بود اما امروز وضعیت متفاوت است. من فکر می‌کنم محلات حاشیه‌ای به مراکز مانند خانه کودک نیاز دارند. این مراکز توانسته اند با حضور خود در وضعیت اجتماعی مردم تاثیر بگذارند و این هم قابل توجه است.»

او درباره آینده فعالیت اجتماعی در زمینه کودکان کار و خیابان می‌افزاید: «باید علاوه بر فعالیت‌های جاری بر ریشه‌های کار کودک تمرکز بیشتری کرد، ریشه این مساله اقتصادی است و اگر حل نشود تغییر عمده‌ای شاهد نخواهیم بود.»

"قله های فتح شده و گامهای پیش رو، با نگاهی به اعتراضات اخیر ایران خودرو"

چند کارگر

بر پایه مطلب انعکاس یافته درسایت افق روشن در تاریخ 9 خرداد 92 آمده است: بنا بر اخباری که به تازگی از ایران خودرو منتشر شد، جمعی ۲۰۰ نفری از کارگران در شرف بازنشستگی، در اعتراض به کاهش پرداخت حق سنوات از سالی سه ماه به یک ماه، در مقابل دفتر نجم‌الدین، مدیرعامل کارخانه تجمع کردند. در ادامه اعتراض، ۳۰ نفر از کارگران به نمایندگی از بقیه معترضین به دفتر مشعل‌چیان (یکی از مدیران کارخانه) مراجعه نمودند. این در حالیست که مدیران سرمایه در ایران خودرو می‌خواهند بدون سرو صدا و بر خلاف عرف مرسوم در کارخانه، پرداخت حق سنوات را به یک ماه کاهش دهند. در این برخورد کارگران با مدیران ایران خودرو به وضوح شاهد دو نگاه متفاوت، برخاسته از دو پایگاه طبقاتی متفاوت هستیم. مدیران؛ از منظر هستی منافع طبقه‌ای که نیروی کارگران را در جهت تولید ارزش اضافی به کار می‌گیرد، و کارگران؛ که حامل هستی اجتماعی طبقه‌ایست که تولید کننده ارزش اضافی و فروشنده نیروی کار است. مدیران که تولید ارزش اضافی

را مهندسی می کنند در توجیه اقدام خود ابتدا بحران و تورم و وضع خراب کارخانه را بهانه می کنند و چون در برابر نقل قول کارگران از نجم الدین که در کارآمد از شرایط خوب تولید صحبت کرده بود و بر ملا شدن تناقض گویی خود قرار می گیرند ، در جواب کارگران مدعی می شوند که "همه می دانید که این صحبت ها برای حفظ آبرو بوده است و وضع تولید خراب است." اما، از آنجا که دیگر پاسخی در برابر میلیاردها سرمایه ی انباشت شده حاصل از سالها استثمار کارگران ندارند، بلافاصله، به قدرت و نیروهای سرکوب دولت سرمایه در قالب «اگر تجمع کنید طرف حساب شما کسان دیگری هستند» متوصل می شوند و در واقع قدرت حاکمیت سرمایه را به رخ کارگران می کشند. در مقابل، کارگران که سلاحی جز تعداد زیادشان ندارند در پاسخ به تهدید مشعلچیان می گویند که ما زخمی شدن و کشتار را بارها در جنگ به چشم دیده ایم و از آن هراسی نداریم. در پایان کارگران می خواهند در شماره بعدی نشریه کارآمد، نظر نجم الدین به طور شفاف در مورد کارگران در شرف بازنشستگی منتشر شود و در غیر این صورت، با نیروی بیشتری دست به تجمع خواهند زد.

با وجودی که در گذشته سالی ۲ ماه و در بعضی موارد سالی ۳ ماه به کارگران در شرف بازنشستگی پرداخت می شده است، اکنون مدیریت به کارگران مراجعه کننده، پرداخت سالی یک ماه را اعلام نموده است، بدون اینکه در این رابطه خبررسانی عمومی کند. مدیران ایران خودرو قصد دارند، با زیرکی تمام، کاهش حق سنوات را به مسئله ای فردی تبدیل نمایند. بدیهی است این مسئله، از چاره اندیشی برای مقابله با حرکات جمعی قدرتمند کارگران آسان تر خواهد بود. مدیران با مطرح کردن موضوع حذف بخش قابل توجهی از حق سنوات کارگران ، تنها به افراد مراجعه کننده در این خیال باطل هستند که این تغییر روه را بدون هیچ هزینه ای در کارخانه جا بیاندازند. هراس مدیران سرمایه در ایران خودرو، مشخصا از این است که کلیه ی کارگران در شرف بازنشستگی، همانند روز سه شنبه و چهارشنبه، دست به تجمع بزنند و امید آن ها نیز دقیقا در آگاهی شان نسبت به وضع اسفناک معیشت کارگران است، که خود از همه سو به آن هجوم برده اند و اکنون به این دل بسته اند که بتوانند با وعده و وعید های کوچکی نظیر تسریع بازنشستگی و پرداخت سریع حق سنوات، از پرداخت سالی دو ماه، به کارگران سر باز زنند.

شرایط معیشتی کارگران بر اثر تورم بالا که ناشی از بحران های سرمایه ی جهانی و سیاست گذاری های سرمایه ی داخلی است، روز به روز بدتر شده است. اگر قیمت سبد کالاهای ضروری خانواده های کارگری را با یکی دو سال قبل قیاس کنیم، با یک حساب سر انگشتی به این نتیجه می رسیم که قدرت خرید کارگران ۴۰٪ افت داشته است. حال در شرایطی که بحران و تورمی که محصول مستقیم نظام سرمایه داری است، با بی اعتبار شدن پول، و کاهش قدرت خرید کارگران، در واقع مدام از ارزش واقعی نیروی کار میکاهد، شرکت ایران خودرو نیز در صدد است که همان ارزش اکنون به شدت کاسته شده ی نیروی کار را نیز، تا آنجا که می تواند، پرداخت نکند. و اگر خدعه و نیرنگ کارگر نیفتد، به نیروی قهر حکومتی متوصل خواهد شد. و نقطه ی اوج این رشته این جاست که بخشی از همین ارزش اضافه ای که کارگران تا کنون طی سالها کار، و با افول روز افزون وضع معیشتشان تولید کرده اند، صرف ایجاد نیروهای سرکوبی شده است که برای حفاظت از سرمایه ها و دولت سرمایه و مقابله ی مستقیم با کارگران به کار گرفته می شوند. اکنون رشته ی استثمار کامل است و در واقع هزینه ی نیروهای به اصطلاح ضد شورش نیز، که در اینجا مشعلچیان از آنان با اسم رمز "کسان دیگری" یاد می کند، بر دوش خود کارگران است.

اعمال فشار وحشتناک به سطح معیشت زندگی کارگران از یک طرف و استفاده از تمام ابزارهای مبارزه با تشکل یابی کارگران از سوی دیگر، دو سر رشته ای هستند که سرمایه بی محابا از دو طرف می کشد تا استثمار هرچه شدید تری را بر نیروی کار اعمال کند و در لحظه هایی که تنش ناشی از این کشش در مقاومت کارگران، به سرحد انفجار می رسد، یک سر این رشته را کمی، و تنها کمی شل می کند و یا حتی در صدد برنامه ریزی توطئه ی جدیدی بر می خیزد.

از طرف دیگر، کارگران که پس از سالها کار کردن، هیچ چیزی عایدشان نشده است، جز اینکه در بهترین شرایط، به سختی توانسته اند هزینه های امرار معاش خود و خانواده شان را تامین کنند، و در مقابل هر روزه، افزوده شدن سرمایه های موجود در کارخانه را بر اثر دسترنج خود، در قالب خطوط تولید جدید، گسترش تولید، و افزایش سرمایه ی صاحبان سرمایه، به چشم دیده اند، تضاد کار و سرمایه در زندگی شان رخنه کرده و درونی شده است. بنابراین به درستی و به صورت غریزی، با هر دو سوی این رشته به مقابله بر می خیزند، و مستقیما مطالباتی را پیش روی مدیران سرمایه می گذارند، که با این هر دو راهکار به مقابله بر می خیزد. اول،

آنکه سرمایه حق ندارد با کارگران به صورت فردی به مذاکره بنشیند، و مطالبه ی نخست، آن است که مواضع خود را در خصوص پرداخت حق سنوات کارگران به صورت عمومی منتشر کنند. این مطالبه مستقیماً، حاکی از آن است که کارگران به نیروی جمعی خود متکی شده اند، هر اس سرمایه را از نیروی جمعیشان دریافته اند، و خود را به عنوان بخشی از یک طبقه رویاروی سرمایه قرار می دهند. دوم، آنکه با هجوم مستقیم سرمایه به وضع معیشتشان به مقابله بر می خیزند، و خواهان پرداخت حق خود توسط سرمایه می شوند. هر چند که با در نظر گرفتن کاهش ارزش پول، در واقع کارگران خواهان پرداخت اسمی سالی دو ماه هستند که ارزشش اکنون به نصف یا کمتر کاهش یافته است. با توجه به اعمال فشار روز افزون سرمایه به سطح معیشت کارگران، افزایش مبارزات کوچک و بزرگ و پراکنده ی کارگری، امری اجتناب ناپذیر بوده و آنگاه هر گام از این مبارزه گامی به سوی هرچه آگاهانه تر شدن حرکت آنان خواهد بود.

از نشانه های این حرکت به سوی آگاهی، چهارچوب بروز فعالیت جمعی کارگران در این اعتراض است. در این گردهمایی کارگران ایران خودرو دیدیم که آنان برای طرح مطالبات خود به شکل شورایی تصمیم گرفتند، چگونه و به چه نحوی نامه ی خود را تنظیم کنند، برخلاف دستور مدیران و حراست که تاکید داشتند تنها دو نفر پیگیر مطالباتشان باشند با شور و مشورت به این نتیجه رسیدند که حدود ۳۰ نفر به عنوان نماینده به دفتر مشعلچیان بروند، و بعد از خارج شدن از دفتر وی، باز به طور شورایی تصمیم می گیرند حرکت بعدیشان چگونه باشد و چگونه خبر رسانی کنند. اگر نظام سلسله مراتب سلطه را که سرمایه در پروسه ی تولید اجتماعی به کارگران تحمیل نموده و به عنوان بزرگترین ابزار علیه اتحاد آنان مورد استفاده قرار می دهد، در نظر بگیریم، در می یابیم که این حرکت خود انگیخته ی کارگران از این چهارچوب فراروی کرده و نطفه های ساختار شورایی را در پیش گرفته است.

مبارزات کارگران در راستای تحقق مطالباتشان تنها در صورتی می تواند بر خلاف نظم حاکم بر چهارچوب نظام سرمایه داری حرکت کند که از قواعد بازی آن (که پذیرش مناسبات سلطه، اعم از سلطه ی سرمایه بر کارگر، سلطه ی ابزار بر کارگر، و سلطه ی سلسله مراتبی کارگران بر کارگران است) فراروی کند و از همین روست که مدیران کارخانه، چنین حرکتهایی را نمی پذیرند، و تلاش می کنند حتی اعتراضات و تجمعات اجتناب ناپذیر کارگری را نیز به قیود قوانین خود درآورند. تشکل یابی کارگران باید در ساختاری صورت پذیرد، که گنجایش این ماهیت طبیعی و بی واسطه ی مبارزات کارگران را که در بالا به عنوان نمونه ای به آن پرداخته شد، داشته باشد.

با توجه به این مسائل، کارگران در ایران خودرو، نورد لوله ی صفا و دیگر مکان های کارگری، راهی جز متشکل شدن در شوراهای ضد سرمایه داری ندارند، و این چیزی نیست که کسی بخواهد به کارگران بقبولاند، بلکه این امری زائیده ی مناسبات سرمایه و کار مزدی است که کارگران را به صورت خودانگیخته به رویارویی با سرمایه می کشاند و نطفه های آن در این حرکت جمعی کارگران ایران خودرو به خوبی قابل رویت است. در حالیکه این نوشته در حال اتمام بود، خبر جدیدی از جانب کارگران ایران خودرو منتشر شد، با این مضمون که علاوه بر تجمعات کوچکتری که در طول دو هفته ی اخیر در راستای پیگیری این مطالبات، صورت گرفته بود، پس از انتشار نشریه ی کارآمد در روز شنبه ۲۱ اردیبهشت، که بر خلاف درخواست کارگران، هیچ اشاره ای به موضوع پرداخت حق سنوات نشده بود، کارگران در شرف بازنشستگی، مجدداً در روز یکشنبه، ۲۹ اردیبهشت، در یک جمع ۲۰۰-۳۰۰ نفری در مقابل دفتر نجم الدین تجمع کردند. مطابق این گزارش، در این تجمع بین کارگران، اختلاف نظری میان ماندن در مقابل دفتر نجم الدین، و یا فرستادن چند نماینده به دفتر مشعلچیان، پیش آمد که نهایتاً با رفتن ۱۰ نفر نماینده به دفتر مشعلچیان به پایان رسید. این حرکت و تصمیم گیریهای متعاقب آن، ضرورت فعالیت مستمر و آگاهانه ی یک تشکل را بیش از پیش آشکار می سازد. در عین حال طبق پاسخهای مشعلچیان، هر چند که به صورت شفاهی با پرداخت ۴۰ تا ۴۵ روز حق سنوات سالیانه موافقت گردیده است، اما مدیران به هیچ وجه حاضر به اعلام مکتوب آن نشده اند.

با توجه به قول و قرارهای نجم الدین، پس از حادثه ی خونین ایران خودرو، که هیچگاه متحقق نشد، کارگران اعتمادی به این پاسخهای شفاهی که عموماً فریب هایی برای متفرق کردن و خاموش کردن اعتراضات کارگری هستند ندارند و همچنانکه در گزارش کارگران ایران خودرو قید شده است، " آتش اعتراض هنوز روشن است". برای مبارزه با مناسباتی که هر کجا روش تحمیل و فریب کارگر نشد، به نیروی سرکوب متوسل می شود، ضرورت آگاهی از مناسبات سرمایه و ایجاد تشکلهای منسجم و آگاه و رسته از قوانین و چهارچوبهای سرمایه

داری و برقراری اتحاد و همبستگی با دیگر حلقه های جنبش کارگری است که می تواند، مدیران و نظام سرمایه داری را وادار به تحقق مطالبات کارگری کند. تشکلهای شورایی ضد سرمایه داری بر خلاف آنچه که تصور می شود، به هیچ وجه امری دور از دسترس کارگران نیست بلکه نطفه های آن در تمام مبارزات خود انگیخته ی کارگران مشهود است. ما نیز با این نگاه، به این حرکت اعتراضی پرداختیم که معتقدیم تمام مبارزات روزمره ی کارگری در مقیاس خود، عرصه ی مبارزه ی کار و سرمایه اند و تنها لازم است نسبت به ماهیت آنها آگاهی کسب شود، تا از مرحله ی رویدادگی و واکنش به فشارها، به حرکتی آگاهانه و متشکل و مستمر ارتقا یابد.

یک فعال مستقل کارگری طرح کرد: هشدار نسبت به چند تکه شدن مزد

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 خرداد 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: شورای عالی کار باید در جلسه ویژه خود راجع به افزایش عادلانه دستمزد تصمیم گیری کند.

«کاظم فرج اللهی» با انتقاد از جلسه ویژه شورای عالی کار تنها به منظور افزایش حقوق مربوط به مسکن و خوار و بار کارگران، به ایلنا گفت: در شرایطی که بخش قابل توجهی از کارگران از دریافت حق مسکن و حق خوار و بار محروم هستند این اقدام به منزله تکه تکه کردن مزد کارگران است.

وی با بیان اینکه «اگر مبلغ دستمزد بصورت عادلانه با واقعیت های اقتصادی و اجتماعی افزایش یابد دیگر نیازی به کمک هزینه مسکن و خوار و بار نیست»، یادآور شد: در بسیاری از کارگاه ها کارفرمایان از اجرای بخشنامه دستمزدهای شورای عالی کار طفره می روند.

این فعال کارگری همچنین در واکنش به دیدگاه های کارفرمایان در مورد افزایش مطالبات مزدی کارگران گفت: اینکه بخش صنعتی به دلیل تحمیل هزینه های سربار، توانایی پرداخت هزینه اضافی را ندارد درست است اما با این استدلال نباید نیروی کار را از حقوق قانونی شان محروم کرد.

فرج اللهی با بیان اینکه در سالهای اخیر به دلیل سیاست های غلط اقتصادی شرایط برای سرمایه گذاری در بخش صنعت سخت تر از قبل شده است، گفت: متأسفانه در حال حاضر سرمایه داران صنعتی شرایط خود را با شرایط سرمایه گذاران تجاری و واسطه گران مقایسه می کنند و به همین دلیل در صدد کاستن بیشتر از هزینه های مربوط به نیروی کار هستند. وی گفت: به جای آنکه صنعتگران درصد کاستن از هزینه های نیروی کار باشند باید از دولت بخواهند که هزینه های بی مورد را از چرخه تولید حذف کند.

این فعال کارگری افزود: حذف مالیات ها و عوارض غیر واقعی به مراتب بیشتر از حذف هزینه های مربوط به دستمزد و ایمنی و بهداشت نیروی کار به رونق بخش صنعت کمک می کند.

فرج اللهی ادامه داد: کاستن از هزینه های مربوط به نیروی انسانی تنها باعث افزایش احتمال وقوع آسیب های اجتماعی خواهد شد. وی همچنین با بیان اینکه دلیل اصلی غیر واقعی شدن مزد در سالهای گذشته عدم حضور نمایندگان واقعی کارگری در مراجع تصمیم گیرنده بوده است، گفت: برای رسیدن به این مهم باید کارگران در تشکیل و انجام فعالیت های صنفی آزادی عمل داشته باشند.

پایان پیام

مرگ سه کارگر بر اثر انفجار تانکر سوخت در مشهد

به گزارش واحد مرکزی خبر، در تاریخ 9 خرداد 92 آمده است: انفجار تانکر سوخت در محور مشهد - سرخس مرگ سه کارگر را رقم زد.

براساس این گزارش، معاون عملیات آتش نشانی خراسان رضوی گفت: این حادثه امروز در حوالی روستای ابروان هنگامی رخ داد که سه کارگر در حال جوشکاری مخزن تانکر خالی از سوخت بودند. آقای ظهوریان افزود: انفجار بخارهای ناشی از باقیمانده گازی موجود در تانکر بر اثر جوشکاری، علت این حادثه است.

وی گفت: 2 نفر از مجروحان در دم جان باختند و یک نفر هم در راه انتقال به بیمارستان جان باخت

یک فعال کارگری در تهران: خروج از بحران صنایع مستلزم تغییر ذائقه مصرفی مردم است

به نوشته خبرگزاری کار ایران - ایلنا در تاریخ 9 خرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در تهران معتقد است بخش قابل توجهی از بروز مشکلات تولید و اشتغال در کشور مربوط به تغییر رفتارهای فرهنگی، اجتماعی و ذائقه مصرفی آحاد جامعه است که باید اصلاح شود.

«اسماعیل حق پرستی» با بیان اینکه گرایش مردم به مصرف کالاهای ارزان قیمت خارجی، یکی از عوامل وضعیت بحرانی صنعت است، به ایلنا گفت: در شرایطی که توجهی به تولیدکنندگان داخلی نمی‌شود، برخی کشورها از جمله «چین» با سوءاستفاده از این بی‌توجهی‌ها بازار کشور را در اختیار گرفته و به مرور ذائقه مردم را به خرید اجناس بی‌کیفیت و ارزان سوق داده‌اند.

دبیر خانه کارگر تهران با اشاره به ترویج فرهنگ مصرف کالاهای خارجی، اظهار داشت: زمانی که ذائقه مردم به دلیل فشار اقتصادی و ارزان بودن کالاهای وارداتی تغییر کند، نابود کردن این فرهنگ بسیار سخت و زمان بر خواهد بود و در این بین تولید و به تبع کارگران بیشترین زیان را متحمل می‌شوند.

این فعال کارگری ادامه روند فعلی را موجب تشدید بحران صنایع دانست و ادامه داد: تاکید بر مصرف کالای ایرانی، وظیفه تولیدکنندگان داخلی را نفی نمی‌کنند. صنایع داخلی نیز باید با ارائه کیفیت برتر و قیمت پایین‌تر، اجازه ندهند که مشتریان به کالای خارجی تمایل پیدا کنند چرا که با افزایش کیفیت کالاهای تولید داخلی، فرهنگ غلط بهتر بودن کالاهای خارجی از بین می‌رود.

پایان پیام

علیرغم قول مدیران به پرداخت سنوات ۴۰ تا ۴۵ روز، کارگران به مدیریت بی‌اعتمادند

برپایه خبر دریافتی آمده است: در ادامه ی اعتراضات کارگران ایران خودرو، قرار بر آن بود که کارگران، تا انتشار " کارآمد" که بنا بود، قولهای مدیریت مبنی بر (پرداخت حق سنوات) سالیانه ۴۵ روز، برای کارگران در شرف بازنشستگی مکتوب شود، منتظر شوند.

شنبه ۲۱ اردیبهشت، نشریه ی " کارآمد" منتشر شد، اما نه از انتشار اعتراضات کارگری خبری بود و نه از قول و قرارهای مشعلچیان اثری. بعد از اعتراضات اولیه و اعتراض ۲۰۰ نفری، چند تجمع کوچکتر در کارخانه ی شمالی و کارگزینی کل صورت گرفت. مشعلچیان، یکی از مدیران منابع انسانی کارخانه، در گفتگو با معترضان، گفته بود، فرمهای پرداختی سالی یک ماه برای بازنشستگی تعویض شده و پرداختی‌ها مانند سال قبل، بین ۴۰ تا ۴۵ روز می باشد.

یکشنبه 29 اردیبهشت، بار دیگر، حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر، در کارخانه ی شمالی، مجاور دفتر نجم الدین، تجمع کردند. تعدادی از پرسنل حراست، به میان کارگران آمدند و یکی از حراستی‌ها در سخنرانی برای جمعیت، همان سخنان کلیشه ای را تکرار کرد؛ که ما با شما موافق هستیم، شرایط را درک کنید، بهانه به دست کسی ندهید و تجمع نکنید.

بالاخره با اصرار حراستی‌ها قرار شد که چند نماینده به دفتر مشعلچیان بروند، بعضی از کارگران مخالف رفتن

بودند و میگفتند، همینجا تجمع کنیم و متفرق نشویم، (بالاخره) حدود ۱۰ کارگر به دفتر مشعلچیان رفتند. از قرار در دفتر به کارگران گفته شده که خبر اعتراض شما در سایتها منتشر شده است. مشعلچیان بار دیگر تاکید کرد که پرداختی ها از ۴۰ تا ۴۵ روز می باشد، اما به هیچ عنوان حاضر نشده است که این توافق را کتبا به اطلاع برساند. چنین به نظر می رسد، که این دور از مبارزات با روحیه ی اعتراض بالای کارگران و با ترس و عقب نشینی مدیریت تمام شده است. اما کارگران نگران هستند که مبدا مدیریت قول خود را زیر پا بگذارد، و یا در فرصت بعدی روزهای پرداختی را کم کند. همه منتظر رفتار مدیریت هستند و آتش اعتراض هنوز روشن است.

دیدار خانواده ستار بهشتی و اعضای کمیته پیگیری با نیما ابراهیم زاده

عصر دیروز خانواده ستار بهشتی کارگر معترضی که د ر اثر شکنجه توسط پلیس فتای تهران جان باخت با نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر وزندانی معترض بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند این دیدار بعد از ان صورت گرفت که نیما از بیمارستان محک مرخص شد و به دستور پزشکان باید در خانه تحت مراقبت باشد ماد رخواهر جانباخته ستار بهشتی در این دیدار برای بهبودی نیما ارزو ودعا کردند که هرچه زودتر نیما از این وضعیت رها یابد و بهبودی خود را به دست آورد همچنین مادر ستار بهشتی با ردیگر تاکید کردند که خون فرزندم ستار فروشی نیست و بعد از سی خرداد در جلو بیت رهبری تحسن خواهم کرد بهنام ابراهیم زاده نیز مقاومت و پایداری این ما درخواهر کارگر جانباخته را ستود و به گرمی از ما در وخواهر ما در ستار بهشتی پذیرای کردند لازم به ذکر است که اعضای کمیته پیگیری نیز برای چندمین بار با نیما ابراهیم زاده فرزند بیمار زندانی سیاسی دریند بهنام ابراهیم زاده دیدار کردند و بار دیگر برهنگونه کمک وهر آنچه لازم و ضروری برای بهبودی نیما باشد تاکید کردند یادآوری می کنیم که این دیدار در تهران در منزل بهنام ابراهیم زاده صورت گرفت نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر معترض زندانی بیش از چهار ماه است که به سرطان خون مبتلا شده است بهنام ابراهیم زاده بعد از سپری شدن سه سال حبس ودوری از فرزندش به مرخصی آمد.

دوستان و رفقای بهنام ابراهیم زاده - دهم خرداد ۹۲

شرکت و اعتراض پیمانکاران شرکت نیروی برق البرز

برپایه خبر دریافتی آمده است : روز جمعه 10 خرداد جمعی از پیمانکاران شرکت نیروی برق استان البرز که 9 ماه است حق و حقوق آنها پرداخت نشده ،در مقابل اداره برق این استان برای رسیدگی به حق و حقوقشان تجمع کردند.

کشته وزخمی شدن 3 کارگر بر اثر پارگی تسمه در کارگاه سفالپزی در پیرانشهر

به گزارش کُردپا، در تاریخ 10 خرداد 92 آمده است : در حادثه ی ناشی از کار در روستایی از توابع پیرانشهر، یک کارگر جان سپرد و ۲ تن دیگر نیز زخمی شدند. براساس اینم گزارش، روز هشتم خردادماه بر اثر پارگی تسمه در کارگاه سفالپزی، یک کارگر شاغل به نام "ابوبکر" فرزند علی اهل روستای "خرنج" جان خود را از دست داد. وی متأهل و دارای فرزند می باشد. این گزارش حاکی از آن است که در این حادثه ۲ کارگر دیگر به نامهای "مسعود مردادی" فرزند جعفر و "علی مراد رسولی" فرزند اسماعیل نیز به شدت زخمی شده اند.

در حمایت از حقوق کارگران ایران از فراخوان ۵ سندیکای فرانسه پشتیبانی میکنیم

هر ساله در ماه ژوئن، اجلاس سالانه ی سازمان جهانی کار در ژنو با حضور نمایندگان دولت ها، کارفرمایان و کارگران آغاز می شود. در چنین اجلاسی همواره توازن قوا به نفع نظام سرمایه داری و بر ضد منافع کارگران است. زیرا دولت ها و کارفرمایان منافع مشترکی دارند و با اتحاد یکدیگر، وزنه ی کارگری کاملاً نقصان می یابد. از طرف دیگر در بسیاری از کشورها نمایندگان واقعی کارگری در این اجلاس شرکت ندارند، بلکه بروکرات ها و گماشتگان قلابی کارگری که مورد تأیید دولت ها و کارفرمایان جوامع خویش به عنوان نماینده ی کارگران حضور می یابند و اگر بخواهیم سندیکاها ی زرد کارگری را به این مجموعه بیافزائیم، مشاهده می شود که توازن قوا به نفع کارفرمایان همواره سنگینی می کند و سازمان جهانی کار به طور کامل از رویکرد یاد شده دفاع می نماید، چرا که خود آن را بر اساس منافع دراز مدت سرمایه داری اینگونه ابداع نموده است. ولی در سازمان جهانی کار میلیون ها کارگر از طریق اتحادیه هایشان عضویت دارند و این مسئله ما کارگران را بر آن می دارد که برای دفاع از حقوق کارگری و جهت اعتراض به نابرابری های موجود، در ژنو حضور یابیم و مطالبات هم طبقه ای های خود را به فریاد آوریم و در پی آن با افشاگری سیستمی که در جهت منافع سرمایه داری گام می نهد و حقوق واقعی کارگران ایران را نادیده می گیرد تلاش نمائیم. پدق | از سال ۲۰۱۱، سازماندهی آکسیون مقابل ساختمان اجلاس جهانی کار برای دفاع از منافع طبقاتی کارگران به عهده ی کلکتیو سندیکایی (متشکل از پنج سندیکای فرانسوی) قرار گرفت، پیش از آن حضور هر ساله ی ما در ژنو توسط نهادهای متفاوت کارگری ایرانی در خارج از کشور انجام می گرفت. امسال نیز نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی، نمایندگان تقلبی کارگری را به سازمان جهانی کار گسیل می دارد تا استثمار شدید طبقاتی را علیه کارگران در نزد افکار عمومی جهانی پنهان دارد، زیرا نمایندگان کارگری مورد تأیید دولت و کارفرمایان، مطالبات واقعی را طرح نخواهند کرد و فقدان امنیت شغلی و نیز بیمه های اجتماعی کارگری از جمله جنایت آشکار به کارگران بخش های مختلف، قرار دادهای سفید امضای کار و نیز عدم رسمیت بخشیدن کاری و تقویت هر چه بیشتر قوانین ضد کارگری کار موقت و پیمانی، حقوق های معوقه ی کارگران و استفاده از نیروی کار کودک به ویژه در کارگاه هایی که کمتر از ۱۰ کارگر دارد و تحت پوشش هیچ قانونی قرار نمی گیرد، همه ی اینها مخفی خواهند ماند. در نتیجه وظیفه ی ما کارگران در خارج از کشور، افشای بی امان اینگونه دستگاه های دروغ پراکنی است. بنابراین ما از فراخوان کلکتیو سندیکاها ی فرانسه پشتیبانی می کنیم و در دفاع قاطعانه از جنبش کارگری ایران در ۱۳ ژوئن در ژنو خواهان اخراج نمایندگان دروغین کارگری از اجلاس سازمان جهانی کار هستیم.

همبستگی با جنبش طبقاتی کارگری - پاریس

s.mouvement@gmail.com

۱۰ خرداد ۱۳۹۲ - ۳۱ مه ۲۰۱۳

گزارشی از بحران تولید و وضعیت کارگران ایران خودرو

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است: کارگران ایران خودرو و شرکتهای زیر مجموعه اش تداوم وضعیت مشقت بار موجود را تحمل نخواهند کرد اتحادیه آزاد کارگران ایران: از سال گذشته به این سو خبرها حکایت از قطع مزایا، اضافه کاری و افت شدید دریافتی کارگران کارخانه های خودرو سازی و شرکتهای قطعه سازی دارد. اوایل سال گذشته بود که با اخراج کارگران شهاب خودرو موجی از اعتراضات کارگری در این شرکت آغاز شد. بنا بر برخی شنیده ها بدنبال این اعتراضات، مقامات بالای مملکتی طی حکمی شرکتهای خودرو سازی را برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات کارگری، از اخراج کارگران بر حذر کردند و در مقابل قطع مزایا، اضافه کاری و دیگر دریافتی های کارگران را به آنان توصیه نمودند. بر این اساس هم بود که از سال گذشته با تشدید روند کاهش تولید در ایران خودرو، قطع مزایا، اضافه کاری و افت کیفیت غذا و مسائل مربوط به امور بهداشتی کارگران در این کارخانه آغاز گردید و با شروع سال جدید به اوج خود رسید. بطوریکه در حال حاضر با ادامه روند کاهش تولید در ایران خودرو، تولید در اکثریت سالنهای شرکت ایران خودرو کاهش چشمگیری پیدا کرده است و در بعضی سالنهای سالنهای سالن

پژو 206 به صفر رسیده و در برخی دیگر از سالنها به جز ساعات کوتاهی در روز تولیدی صورت نمیگیرد و مجموعه این شرایط، وضعیت شغلی و معیشتی مشقت باری را بر هزاران کارگران این شرکت معظم خودرو سازی تحمیل کرده است که اهم آنها عبارتند از:

1- شیفت کاری در این شرکت بزرگ خودرو سازی از سه شیفت به دو و گاهی به یک شیفت تقلیل پیدا کرده است و مجموع اضافه کاری کارگران این شرکت که 80 الی 120 ساعت در ماه بود عملا به صفر رسیده و فقط سی ساعت اضافه کاری آنهم در برخی معاونتها اعمال میشود.

2- با شروع سال جدید بن کارگری بر خلاف سالهای گذشته که همان اول سال و به طور کامل پرداخت میشد امسال در نیمه دوم اردیبهشت ماه، آنهم به میزان نصف اش پرداخت گردید و در حال حاضر از پرداخت باقی مانده آن خبری نیست

3- 25 هزار تومان پاداشی که برای روزهای تعطیل و جمعه کاری اعلام شده بود هنوز به حساب کارگران واریز نشده است و هزاران کارگر این کارخانه همچنان چشم انتظار پرداخت آن هستند

4- در این شرکت بزرگ هر سه سال یکبار حواله ای به مبلغ یک میلیون تومان کمک بلاعوض جهت خرید خودرو به کارگران پرداخت میشد که سپس به چهار سال یکبار کاهش پیدا کرد. کارگران در سالهای گذشته هر بار که این حواله ها را دریافت میکردند آنها را با تحویل به صندوق قرض الحسنه شرکت نقد میکردند تا کمک حالی برای زندگی شان باشد. پرداخت این حواله ها در حال حاضر بطور کامل قطع شده است و کارگرانی هم که از قبل این حواله ها را دریافت کرده اند وقتی به صندوق قرض الحسنه شرکت مراجعه میکنند این صندوق از نقد کردن آنها خودداری میکند

5- دادن شیر روزانه به بعضی سالنها را که بدلیل سر و کار داشتن کارگران با مواد سمی و وجود آلودگی بالا در آنها به کارگران تعلق میگرفت بطور کامل قطع کرده اند

6- کیفیت غذا و ظروف آن بسیار پایین آمده است. دیگر نوشابه، ماست و دوغ و دسر نمیدهند و علاوه بر آن تنوع غذا که قبلا سه نوع بود به دو نوع تقلیل پیدا کرده است و این احتمال وجود دارد که همین یک وعده غذا در روز را نیز حذف کنند

7- سرانه بهداشتی تایید و صابون از شروع کار در سال 92 به یک صابون کاهش پیدا کرده است و قرار است آنها نیز از اول تیر ماه قطع کنند

در رابطه با وضعیت کارگران شرکتهای پیمانکاری مستقر در ایران خودرو مانند شرکتهای الماس سبز، خانه ما و... وضعیت از این هم بدتر است و با شرایط موجود اجحاف بر این کارگران شدت بیشتری پیدا کرده است بطوریکه علاوه بر اینکه قرار داد کارگران این شرکتهای دو ماهه و سفید امضاست و مزایایی از قبیل بن کارگری، پاداش کارایی، ایام ولادت، آکورد، عیدی مدیریتی و تسهیلاتی از قبیل وام و... به آنان تعلق نمیگیرد اخیرا دادن دو دست لباس کار به آنان در سال را به یک دست لباس تقیل داده اند و اضافه کاری میانگین 80 ساعت در ماه آنان به 20 ساعت کاهش پیدا کرده است و علاوه بر اینها حقوقهای آنان نیز گاهی با تاخیر پرداخت میشود.

بنا بر اظهار کارگران ایران خودرو شرایط فوق بویژه حذف اضافه کاریها و افت شدید دریافتیهای کارگران، شرایط بسیار سخت معیشتی را برای آنان به بار آورده است بطوریکه اغلب این کارگران از باز پرداخت اقساط وامهای خود عاجز مانده اند و سطح اختلافات خانوادگی و استرس و اضطراب ناشی از درماندگی برای گذران زندگی، شرایط بغایت غیر قابل تحملی را بر هزاران کارگران این شرکت تحمیل کرده است.

شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو

این شرکت در کیلومتر 5 آزاد راه کرج قزوین قرار دارد و حدود 700 نفر کارگر در آن مشغول بکارند که از این تعداد 250 نفر کارگر قراردادی و 450 نفر کارگر پیمانی هستند که با قرارداد سفید امضا طرف قرارداد شرکت پیمانکاری "تارا نام آسیا" می باشند. در این شرکت پیمانکاری در زمان رونق کارخانه حدود 1200 کارگر مشغول بکار بودند که بتدریج بخشی از آنها از کارهایشان اخراج شدند و بخشی دیگر برای یافتن موقعیت کاری بهتر خودشان شرکت را ترک کردند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در این کارخانه زیر مجموعه ایران خودرو نیز، از سال گذشته به این سو دریافتی کارگران با کاهش بسیار زیادی مواجه بوده است. بطوریکه با قطع اضافه کاریها و سایر مزایای این کارگران دریافتی آنان در حال حاضر به نصف کاهش پیدا کرده است و علاوه بر اینکه طی سالهای گذشته بتدریج دادن لباس و کفش کار به کارگران این کارخانه را حذف کرده اند و آکوردی به آنان

پرداخت نشده است از سال گذشته به این سو اضافه کاری و بسیاری از حقوق مسلم این کارگران قطع گردیده و با شروع سال جدید مزایای مهم دیگری نیز از دریافتی این کارگران حذف شده است که اهم آنها عبارتند از:

- 1- حذف نهار از ماه رمضان گذشته 2- حذف سبد کالایی هر 45 روز یکبار از اول سالجاری 3- حذف بیش از 50 درصد سرویس ایاب و ذهاب کارگران 4- قطع کامل شارژ ماهیانه پارسیان به مبلغ 500 هزار تومان از اول سالجاری 5- عدم پرداخت بن کارگری سال گذشته 6- حذف کمک هزینه نقدی مسافرتی سالپانه به مبلغ 200 هزار تومان 7- حذف کمک هزینه تحصیلی فرزندان و کمک هزینه تحصیلی کارگران دانشجو 8- حذف بن استخر 9- حذف شیر و کیک در صبح و عصر 10- ندادن سهمیه دستکش کار و در مضیقه قرار گرفتن شدید کارگران از بابت تجهیزات ایمنی از قبیل گوشی، عینک، ماسک، لوازم کمکهای اولیه و...

بنا بر اظهار کارگران ایران خودرو و کارگران دیگری از شرکتهای زیر مجموعه این کارخانه، علاوه بر شرایطی بسیار سختی که بویژه از اول سالجاری بر دهها هزار کارگر ایران خودرو و شرکت های زیر مجموعه اش تحمیل شده است احتمال تعدیل نیرو نیز پس از انتخابات ریاست جمهوری در این شرکت بسیار بالاست.

تداوم وضعیت موجود در ایران خودرو و زمزمه تعدیل نیرو در آن و سایر شرکتهای زیر مجموعه اش، جو سنگینی را بر کارخانه ایران خودرو حاکم کرده است و اغلب کارگران این کارخانه بزرگ وقوع اعتراضات گسترده کارگری را در صورتی که برای حل مسائل و مشکلات کارگران چاره ای اندیشیده نشود یک احتمال جدی ارزیابی میکنند.

گرانی اجناس در آستانه انتخابات در ایران

به نوشته سایت ایران کارگر- اجناس و مواد غذایی بشدت گران شده اند و قدرت خرید مردم پائین آمده اسرت ، برنج و روغن بسختی گیر میاید...صف های فروشگاهها شلوغ است و...کسی نیست به داد مردم برسد. چشم مردم فقط به پول یارانه هاست..با توجه به این همه گرفتاری های زندگی...دیگر اعصاب و امیدی برای مردم نمانده..

با این وضع پیش آمده چه کار باید کرد؟.....مردم خسته اند...

نیروی کار ارزان شده است یا گران / جدول

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است : موضوع افزایش دستمزد کارگران همانگونه که در ماههای پایانی سال گذشته پیشبینی می شد، به پروسه ای دنباله دار، پرکش و قوس و البته مایوس کننده برای جامعه کارگری بدل شد .

سال 1391 به گواه آمارهای رسمی و غیررسمی یکی از سخت ترین سالها برای قشر مزدبگیر جامعه بود. نوسانات شدید قیمت ارز که البته رویه ای صعودی را دنبال می کرد، فضایی غبارآلود برای اقتصاد پدید آورد که همین موضوع باعث شد تا قیمت کالاها این بار برخلاف سالهای گذشته، افزایش مداوم به خود گیرند؛ به گونه ای که افزایش دو یا سه باره قیمت کالاها در سالهای گذشته که همچون یک بیماری مزمن به عادت اقتصاد ایران بدل شده بود، این بار چند باره و حتی شاید بتوان گفت هفتگی شده بود .

در چنین فضایی چانه زنی ها برای دستمزد کارگران و افزایش مناسب آن آغاز شد. طبق معمول کارفرمایان و دولتی که خود کارفرمایی بزرگ است، موضع بالاتر را در چانه زنی ها داشتند. نیازی نیست تا بار دیگر آنچه در ماههای پایانی سال 91 به خصوص در بهمن و اسفند گذشت را مرور کنیم. نهایت این شد که تورم بالای 31 درصد اعلام شد و مزد افزایش 10 درصدی به علاوه افزایش رقم روزانه 19485 ریالی را تجربه کرد .

طبق معمول سالهای گذشته کارگر از کم شدن قدرت خرید خود ناراضی بود و کارفرما هم ژست ناراضی گرفت تا کسی متعرضش نشود، اما این بار داستان به گونه دیگری رقم خورد و حقوق بگیران به دیوان عدالت اداری پناه بردند؛ همان مرجعی که یک بار حکم به قانونی شدن قراردادهای موقت داد و آتشی بر خرمن کارگران زد که قریب 2 دهه، امنیت شغلی و جسارت فعالیت های واقعی صنفی را از این قشر ربود .

اعضای شورای عالی کار که همان مرجع تصمیم گیری درباره دستمزد بودند، به تکاپو افتادند. نمایندگان کارگری عضو این شورا خبر از توافقی دادند که در همان جلسه شده بود و قرار بود طبق آن، حق مسکن 10 هزار تومانی و حق خواروبار 35 هزار تومانی کارگران را ترمیم کنند. اما کارفرمایان، باز هم با همان حربه قدیمی تهدید به

اخراج و تعدیل به میدان آمدند و اعلام کردند که چنین توافقی وجود خارجی ندارد و اگر بر سر افزایش حق مسکن و خواروبار بحث جدیدی صورت گیرد، کارگران را به تیغ اخراج خواهند سپرد . تا اینجای قضیه هم البته قصه جدیدی نبود. سالها بود که دستمزدها عادت کرده بودند به کرنش در مقابل تورم و هر وقت کارگران قصد اعتراض داشتند، همین حربه اخراج و تعدیل، مهر سکوتی می‌شد بر لبان آنها که بیش از 70 درصدشان قرارداد موقت بودند و بر لبه تیغ و معلوم نیست چند درصدشان سفته و قرارداد سفید برای استخدام امضا کرده‌اند، اما موضوع زمانی جالب‌تر شد که کارفرمایان سعی کردند با ارائه آمار و ارقام به توجیه خود پردازند؛ آماري که پیش‌تر همیشه از سوی کارگران اعلام می‌شد و البته کسی هم به آنها توجه نمی‌کرد.

افزایش دستمزد زیر 25 درصد؛ رشد هزینه کارگر بالای 40 درصد

نخستین مقام کارفرمایی که به آمار متوسل شد تا نشان دهد که افزایش دستمزد کارگران چندان هم غیرقانونی و کمتر از نرخ تورم نبوده است، یکی از نمایندگان کارفرمایان در شورای عالی کار بود که گفت: «امسال هزینه‌های پرداختی کارفریان بیش از 40 درصد افزایش یافته است!» طبق محاسبات «محمود نجفی‌سهی»، افزایش زیر 25 درصدی حداقل دستمزد بین 41 تا 46 درصد افزایش هزینه پرداختی را برای کارفرمایان به دنبال داشته و با توجه به این‌که تورم 31 درصد بوده، اما اکنون حداقل پرداختی به کارگر بیش از 40.6 درصد افزایش داشته است. این عضو شورای عالی کار درباره چگونگی محاسبه اعداد و ارقام هزینه پرداختی به کارگران در سال جاری تصریح کرد: «این عدد حاصل جمع هزینه‌های دو ماه عیدی، یک ماه سنوات، یک ماه مرخصی با حقوق، حق اولاد، 23 درصد هزینه بیمه کارفرما و بن کارگری است که مابه‌التفاوت این نرخ برای سال جاری با رقم دستمزد سال قبل میزان افزایش کنونی بوده و عددی نزدیک به 40.6 درصد افزایش پرداختی می‌شود»

جدول شماره ۱ - روند افزایش هزینه‌های یک کارگر حداقل‌بگیر در پنگاهای اقتصادی

سال	پایه حقوق	بن و حق مسکن	سهم کارفرما از بیمه	مجموع هزینه‌های کارگر در سال جاری	مجموع هزینه‌های کارگر در سال قبلی	درصد تغییر	نرخ تورم سال قبلی (مبتنی محاسبه دستمزد)
۱۳۸۸	۲۶۳۵۲۰	۲۰۰۰۰	۶۵۲۱۰	۳۹۷۵۳۱۵	۳۱۹۵۳۹۶	۱۸،۵۹	۲۵،۴
۱۳۸۹	۳۰۳۰۰۰	۳۰۰۰۰	۷۶۵۹۰	۵۸۳۴۰۸۰	۴۹۷۵۳۱۵	۱۷،۰۶	۱۰،۸
۱۳۹۰	۳۳۰۳۰۰	۳۸۰۰۰	۸۴۷۰۹	۶۴۲۷۰۰۸	۵۸۳۴۰۸۰	۱۰،۳۵	۱۲،۴
۱۳۹۱	۳۸۹۷۰۰	۴۵۰۰۰	۹۹۹۸۱	۷۵۸۵۲۷۲	۶۴۲۷۰۰۸	۱۸،۰۲	۲۱،۵
۱۳۹۲	۴۸۷۱۲۵	۴۵۰۰۰	۱۲۳۳۸۹	۹۳۱۵۵۴۰	۷۵۸۵۲۷۲	۲۲،۸۱	۳۱،۵
شاخص قیمت‌ها مطابق تورم ۲،۴۹۵۲ برابر افزایش پیدا کرده است			شاخص هزینه‌های کارگر حداقل‌بگیر طبق جدول ۲،۲۲ برابر شده است				

همدردی می‌کنیم اما زیر بار افزایش حقوق نمی‌رویم

به فاصله کوتاهی از این اظهارنظر، دبیرکل انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران نیز با تایید این آمار و ارقام گفت: «به دلیل مخالفت کارفرمایان جلسات شورای عالی کار برای بررسی افزایش حق مسکن و حق خواروبار کارگران بی‌نتیجه می‌ماند». محمد عطاردیان گفت: «به دلیل این‌که از قبل در مورد چگونگی افزایش دستمزدهای سال 92 در شورای عالی کار به صورت رسمی توافق شده، کارفرمایان با هرگونه افزایش حقوق مسکن و خواروبار مخالفند». وی افزود: «بخش خصوصی متوجه مشکل معیشتی کارکنان خود هست و برای همین ضمن اعلام همدردی و تایید نارضایتی‌های موجود تا آنجا که بتواند در پرداخت‌های خود از آنها حمایت خواهد کرد». وی در پاسخ به انتقاد گروه کارگری که مدعی عدم افزایش مزد براساس نرخ تورم بانک مرکزی بودند، گفت: «طبق برآوردها و محاسبات گروه کارفرمایان در سال 92 دریافتی کارگران به نسبت سال 91 حداقل 47 درصد افزایش یافته است»

جدول شماره ۲- روند افزایش هزینه‌های کارگری با دستمزد پایه ۳۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۸۷ در بنگاه‌های اقتصادی

سال	پایه حقوق	بن و حق مسکن	سهم کارفرما از بیمه	مجموع هزینه‌های کارگر در سال جاری	مجموع هزینه‌های کارگر در سال قبلی	درصد تغییر	نرخ تورم سال قبلی (مبنای محاسبه دستمزد)
۱۳۸۸	۳۳۷۹۴۰	۲۰۰۰۰	۸۴۶۲۶	۶۳۷۳۶۱۲	۵۶۸۳۲۰۰	۱۳٫۹۲	۲۵٫۴
۱۳۸۹	۳۹۳۳۲۹	۲۰۰۰۰	۹۷۳۶۶	۷۳۲۸۳۲۷	۶۴۷۴۶۱۲	۱۴٫۷۳	۱۰٫۸
۱۳۹۰	۴۲۶۰۳۹	۲۸۰۰۰	۱۰۶۷۳۱	۸۱۲۷۵۱۰	۷۳۲۸۳۲۷	۹٫۴۱	۱۲٫۴
۱۳۹۱	۴۹۲۱۵۱	۴۵۰۰۰	۱۲۲۵۴۵	۹۴۰۴۸۰۲	۸۱۲۷۵۱۰	۱۵٫۷۲	۲۱٫۵
۱۳۹۲	۵۹۹۸۳۱	۴۵۰۰۰	۱۴۸۳۰۹	۱۱۳۱۷۰۴۱	۹۴۰۴۸۰۲	۲۰٫۳۳	۲۱٫۵
شاخص قیمت‌ها مطابق تورم ۲٫۴۹۵۲ برابر افزایش پیدا کرده است			شاخص هزینه‌های کارگر حداقل‌بگیر طبق جدول ۱٫۹۹ برابر شده است				

ابهام جدی در مبنای محاسبات کارفرمایان

می‌توان تمامی اعتراضات کارگران به افزایش دستمزد در سال ۱۳۹۲ را در یک جمله خلاصه کرد: «تورم بیش از ۳۱ درصد افزایش داشته است، اما حقوق کارگران ۱۰ درصد به همراه روزانه ۱۹۴۸۵ ریال که این رقم در کف دستمزدها نیز نهایتاً به ۲۵ درصد می‌رسد؛ یعنی حداقل ۶ درصد کمتر از نرخ تورم». مبنای این حرف کاملاً صحیح است و محاسبات قبلی نیز نشان از صحت این ادعا دارد. برای مثال اگر پایه حقوق کارگری در سال ۱۳۹۱ برابر ۷۰۰ هزار تومان در ماه بود، این پایه حقوق در سال جاری به ۸۲۸ هزار و ۴۵۵ تومان می‌رسد که نشان از افزایش ۱۸٫۳۵ درصدی داشته است. اما مبنای محاسبات کارفرمایان چیست؟ «نجفی‌سهی» به مزایای جانبی کارگران از قبیل ۲ ماه عیدی، یک ماه پایه حقوق به عنوان سنوات، حق مسکن، حق خواروبار، حق عائله‌مندی، سهم کارفرما از بیمه کارگران و مرخصی‌ها اشاره می‌کند و مدعی است که با احتساب این ارقام، هزینه هر کارگر برای کارفرما بیش از ۴۱ درصد افزایش داشته است. به منظور راست‌آزمایی این ادعا و طبق جداول (۱)، (۲) و (۳) هزینه‌های سه کارگر با حقوق پایه گوناگون برای بنگاه را می‌توان مورد سنجش قرار داد. در جدول (۱) و در ردیف سال ۱۳۹۲، نشان داده شده که افزایش دستمزد سال جاری، هزینه یک کارگر حداقل‌بگیر را برای یک بنگاه اقتصادی نسبت به سال گذشته ۲۲٫۸۱ درصد افزایش داده است. نگاهی به جداول بعدی نشان می‌دهد که هر چه پایه حقوق کارگران در سال ۹۱ بیشتر بود، هزینه‌های وی برای بنگاه اقتصادی در سال جاری از رشد کمتری برخوردار خواهد بود، به گونه‌ای که عدد ۲۰٫۳۳ درصد برای یک کارگر با پایه حقوق نزدیک به ۵۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۱ و عدد ۱۶٫۹۷۵ درصد برای کارگری با پایه حقوق حدوداً ۷۴۰ هزار تومانی در سال ۱۳۹۱ به دست می‌آید که نشان می‌دهد اعداد و ارقام اعلام‌شده از سوی مراجع کارفرمایی هیچ مبنای منطقی را پشتیبان خود نکرده‌اند.

جدول شماره ۳- روند افزایش هزینه‌های کارگری با دستمزد پایه ۵۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۸۷ در بنگاه‌های اقتصادی

سال	پایه حقوق	بن و حق مسکن	سهم کارفرما از بیمه	مجموع هزینه‌های کارگر در سال جاری	مجموع هزینه‌های کارگر در سال قبلی	درصد تغییر	نرخ تورم سال قبلی (مبنای محاسبه دستمزد)
۱۳۸۸	۵۵۷۹۴۰	۲۰۰۰۰	۱۳۲۹۲۶	۱۰۲۰۴۲۱۴	۹۱۷۵۲۰۰	۱۱٫۲۳	۲۵٫۴
۱۳۸۹	۶۱۸۰۳۹	۲۰۰۰۰	۱۴۹۰۲۷	۱۱۴۱۸۹۹۵	۱۰۲۰۴۲۱۴	۱۱٫۹	۱۰٫۸
۱۳۹۰	۶۶۴۳۳۱	۲۸۰۰۰	۱۶۱۵۱۳	۱۳۳۵۷۶۲۳	۱۱۴۱۸۹۹۵	۸٫۲۲	۱۲٫۴
۱۳۹۱	۷۷۷۰۰۶	۴۵۰۰۰	۱۸۲۱۶۱	۱۳۹۳۱۰۲۷	۱۳۳۵۷۶۲۳	۱۲٫۷۳	۲۱٫۵
۱۳۹۲	۸۸۰۱۶۱	۴۵۰۰۰	۲۱۳۷۸۷	۱۶۲۹۵۱۵۹	۱۳۹۳۱۰۲۷	۱۶٫۹۷۵	۲۱٫۵
شاخص قیمت‌ها مطابق تورم ۲٫۴۹۵۲ برابر افزایش پیدا کرده است			شاخص هزینه‌های کارگر حداقل‌بگیر طبق جدول ۱٫۷۷۶ برابر شده است				

کاهش هزینه‌های کارگر به نسبت تورم در سال‌های اخیر

در جداول (1)، (2) و (3) هزینه‌های کارگران برای کارفرما در سه سطح متفاوت دستمزدی بررسی شده است. برای دستیابی به هزینه‌های کارگران، متغیرهایی همچون عیدی، سنوات، حق بیمه سهم کارفرما و حق بن و خواروبار در نظر گرفته شده است؛ بر این اساس که پایه حقوق هر فرد به همراه حق بن و مسکن و سهم 23 درصدی کارفرما از بیمه با هم جمع شده و در رقم 12 ماه سال ضرب می‌شود. 3 پایه حقوق نیز (عیدی + سنوات) به مجموع این ارقام اضافه شده و نهایتاً درصد رشد این هزینه‌ها در هر سال برآورد می‌شود. در نهایت نیز برآیندی از مجموع افزایش هزینه‌های کارگران و در مقابل، نرخ تورم رسمی با هم قیاس شده‌اند تا مشخص شود که با همین تورم اعلام شده از سوی مراجع رسمی که خیلی‌ها معتقدند بیشتر از این ارقام است، آیا کارگر در چرخه عوامل تولید، ارزان‌تر شده یا گران‌تر؟

جدول شماره (1) که مختص بررسی کارگران حداقل‌بگیر است نشان می‌دهد طی سال‌های 1387 تا 1392، هزینه یک کارگر حداقل‌بگیر برای بنگاه اقتصادی 2.22 برابر شده است، در حالی که سهم سایر هزینه‌های تولید (با توجه به نرخ تورم رسمی) در همین بازه زمانی 2.4952 برابر شده است که نشان می‌دهد کارگر حداقل‌بگیر که در سال‌های اخیر بیشترین رشد دستمزد را تجربه کرده نیز نه تنها همپای تورم ارزش‌گذاری نشده است، بلکه ارزان‌تر نیز شده است.

جدول شماره (2) که مختص بررسی کارگری متوسط‌بگیر (با پایه حقوق 300 هزار تومانی در سال 1387) است نشان می‌دهد طی سال‌های 1387 تا 1392، هزینه این دست کارگران برای بنگاه اقتصادی 1.99 برابر شده، در حالی که سهم سایر هزینه‌های تولید (با توجه به نرخ تورم رسمی) در همین بازه زمانی 2.4952 برابر شده است که نشان می‌دهد هزینه‌های این طیف از کارگران نیز برای بنگاه‌های اقتصادی کمتر شده است.

جدول شماره (3) مختص بررسی کارگری با پایه حقوق مناسب (پایه حقوق 500 هزار تومانی در سال 1387) است که نشان می‌دهد طی سال‌های 1387 تا 1392، هزینه این دست کارگران برای بنگاه اقتصادی 1.776 برابر شده، در حالی که سهم سایر هزینه‌های تولید (با توجه به نرخ تورم رسمی) در همین بازه زمانی 2.4952 برابر شده است که نشان می‌دهد هزینه‌های این طیف از کارگران نیز برای بنگاه‌های اقتصادی کمتر شده است.

نتایج :

1- برخلاف ادعای کارفرمایان، سهم کارگران از هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی نه فقط همپای تورم افزایش نیافته است، بلکه جز سال 1389، همه ساله کاهش محسوسی داشته است که این موضوع ادعای نمایندگان کارگری مبنی بر کاهش سهم کارگران از هزینه‌های تولید را ثابت می‌کند.

2- قدرت خرید کارگران در 5 سال اخیر به شدت تضعیف شده است و این موضوع تمامی طیف‌های کارگری از حداقل‌بگیر تا دارندگان بالاترین دریافتی‌ها را دربرمی‌گیرد.

3- پروسه دستمزد ترکیبی (افزایش درصدی دستمزد کارگران به همراه رقم ثابت نقدی) که در سال‌های اخیر از سوی شورای عالی کار دنبال شده است، نوعی عدالت در ظلم را به جامعه کارگری تحمیل کرده است، به این مفهوم که قدرت خرید گروه‌هایی از کارگران را که حداقل‌بگیر نیستند، هر ساله کاهش بیشتری داده است. این روند در این جداول به خوبی نمایان است به گونه‌ای که اگر پایه دستمزد کارگری در سال 1387 برابر 300 و 500 هزار تومان بود (به ترتیب 1.3661 و 2.277 برابر حداقل دستمزد)، طی یک پروسه 5 ساله این ارقام به حدوداً 600 و 880 هزار تومان (به ترتیب 1.2314 و 1.807 برابر حداقل دستمزد) رسانده است. به عبارتی با استمرار این رویه برای حدود یک یا دو دهه، تمامی کارگران ایرانی را به صف حداقل‌بگیران اضافه خواهد کرد.

گزارش از حمید سلیمانی

مرگ کارگر ۴۰ ساله بر اثر سقوط از داربست

رعایت نشدن اصول فنی حین کار، منجر به سقوط کارگر ۴۰ ساله از داربست و مرگ او شد. بنا بر گزارش دریافتی ایلنا، در این حادثه که ظهر روز گذشته در منطقه رشدیه تبریز رخ داد، کارگری در حال کار روی داربست بود که ناگهان سقوط کرده و بعلت شدت ضربه وارده به سر، در دم جان باخت.

توسل به ابوالفضل برای خروج از بحران های کشور

برپایه مطلب مندرج در مطبوعات آمده است: محسن رضایی یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری نظام ولایت و 200 هزار فقیه، در در مسجد جامع شهر خورموج طی يك سخنرانی گفت: در سال گذشته از 2 میلیون بشکه در روز فقط یک میلیون بشکه توانستیم صادر کنیم و از آن جا که بانک مرکزی ما نیز تحریم است و مبادلات دلاری نمی‌توانیم انجام دهیم چند میلیارد دلار پول ما در مالزی قابل جابه‌جایی نیست. وی گفت: باید با توسل به ابوالفضل از این آزمون سخت، سربلند بیرون بیاییم و هر چند تحریم‌ها اثر دارد اما همه مشکلات اقتصادی از تحریم‌ها نیست و بخشی از مشکلات مربوط به داخل و سوءمدیریت و منازعات و اختلافات سه قواست. رضایی افزود: ساختمان اقتصادی ایران از زیربنا مشکل دارد و اقتصاد ایران هم چون ساختمانی 77 طبقه است که بجای ده‌ها ستون فقط یک ستون به نام نفت دارد. وی ادامه داد: گرانی و عدم اشتغال روی زندگی مردم اثرگذار است و گفتگوی هر شب خانواده‌ها گرانی و بیکاری فرزندان‌شان است و 45 هزار تومان امروز برابر با 15 هزار تومان خرداد گذشته است. پول ما ارزش خود را از دست داده و جوانان تحصیل کرده از فرط سربار بودن شرمنده خانواده‌هایشان هستند.

تا همین جا روشن می‌شود که مشکلات فعلی در ایران محنت زده يك قلم عبارت است از: ناتوانی در فروش نفت، مشکل مبادلات پولی و ارزی با سایر کشورها، سوء مدیریت و منازعات و اختلافات سه قوه با یکدیگر، مشکل زیربنایی اقتصاد ایران، گرانی، عدم اشتغال، بیکاری و ... آیا کسی هم هست که پاسخ بدهد مسئول این همه مشکلات که امروز بر سر مردم ایران آوار شده و هر روز بر خیل گرسنگان و بیکاران و محرومان افزوده می‌شود، کیست؟ آیا شما نبودید که 34 سال بر ایران و ایرانی حاکمیت کرده‌اید؟ راستی پولهای مردم ایران کجاست؟ چرا وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در ایران به این نقطه از بحران رسیده که حالا هر يك از کاندیداها خود را منجی نظام می‌دانند و می‌گویند برای نجات کشور از بحران به صحنه آمده‌اند!! اما هیچکدام از کاندیداها به صراحت بیان نمی‌کنند، بحرانی که برای حل آن پا به میدان گذاشته‌اند، چیست؟ بحرانی که بر ایران سایه افکنده، حاکمیت 34 ساله نظام واپسگرایی ولایت فقیه است. این بحران بدست توانا و قدرتمند مردم ایران حل می‌شود. مردم بارها و بارها در عرصه‌ها و صحنه‌های مختلف، خواسته خود را که يك جمهوری مبتنی بر رأی آزاد، مستقل و بدون دخالت دین در ارکان قدرت و سیاست باشد بیان کرده‌اند. شعار مردم ایران "همواره این بوده و هست که" مرگ بر اصل ولایت فقیه

ح - هدایت

کشته شدن ۳ کارگر در پالایشگاه بندر عباس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا آمده است: 3 کارگر در پالایشگاه نفت بندر عباس در پی دو حادثه شغلی متفاوت، جان خود را از دست دادند. «عبدالرضا روحی» دبیر خانه کارگر لامرد با تأیید این خبر، درباره حادثه اول که به کشته شدن دو کارگر منجر شد، به ایلنا گفت: دو کارگر بخش تعمیرات پالایشگاه نفت بندر عباس که به قصد تعمیر یکی از پمپ‌های آب به عمق دریا رفته بودند، جان خود را از دست دادند. او تاریخ حادثه را 25 اردیبهشت ماه ذکر کرد و درباره جزئیات حادثه گفت: در پی کشته شدن یکی از کارگران بخش تعمیرات شرکت پالایش نفت بندر عباس بنام «مسلمی» که به برای تعمیر پمپ‌های آب وارد عمق دریا شده و غرق شده بود، کارگر دیگری به قصد نجات او وارد آب شد که متأسفانه او نیز جان باخت. به گفته این فعال کارگری، هفته پیش از این حادثه نیز کارگر دیگری به نام «تاجیکی» که در بخش آتش نشانی پالایشگاه بندرعباس کار می‌کرد در یک حادثه شغلی دیگر جان خود را از دست داده بود. روحی پیرامون جزئیات این حادثه نیز گفت: در روز حادثه به دلیل نشت مواد نفتی در واحد تقطیر پالایشگاه بندرعباس، حریق ایجاد شده بود و کارگر مذکور که برای انجام شغل‌اش مشغول اطفای حریق بود ناگهان بر اثر

حادثه‌ای (که دلیل تایید شده‌ای از آن در دسترس نیست) دچار سوختگی شد، و شدت سوختگی به حدی بود که این کارگر جان باخت.

افزایش 58 درصدی شاخص قیمت خوراکی‌ها

بر اساس آمار مرکز آمار ایران شاخص تورم در اسفندماه گذشته با افزایش بیش از 40 درصدی نسبت به سال 90 همراه بوده است. طبق اعلام مرکز آمار ایران شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور (شاخص تورم) در اسفندماه 91 براساس سال پایه 81 به 601.4 رسید که نسبت به ماه قبل سه و نسبت به ماه مشابه سال قبل 40.6 درصد افزایش داشته است. این درحالی است که میزان رشد شاخص قیمت کالا و خدمات مصرفی در مناطق شهری کشور در 12 ماه منتهی به اسفندماه 91 (نرخ تورم) نسبت به 12 ماه منتهی به اسفندماه 90 به 31.5 درصد رسیده است. افزایش 58.5 درصدی شاخص خوراکی‌ها در اسفندماه سال 91 شاخص خوراکی‌ها، آشامیدنی و دخانیات به 895.6 رسید که نسبت به ماه قبل 6.7 درصد افزایش و نسبت به ماه مشابه سال قبل 58.5 درصد افزایش یافته است. در این گروه شاخص‌های چای، قهوه، کاکائو، نوشابه و آب میوه با 4.5، دخانیات با 4.1، ماهی‌ها و صدف‌دارها با 5.7، نان و غلات با 5.1، روغن‌ها و چربی‌ها با یک، محصولات خوراکی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر با 4.1، قند و شکر و شیرینی‌ها با 1.4 درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آن با 9.4، سبزی‌ها و حبوبات با 11.3، شیر، پنیر و تخم‌مرغ با 1.7، میوه و خشکبار با 2.9 درصد نسبت به ماه قبل با افزایش مواجه بوده است.

افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن، تمسخر جامعه کارگری است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز، احتمال افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن در پاسخ به اعتراض کارگران را تمسخر و توهین به جامعه کارگری دانست.

ناصر چمنی در این باره به ایلنا گفت: افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن، کوچک پنداشتن کارگران ایرانی است. ۱۰ هزار تومان ارزشی ندارد که افزایش آن بخواهد زمان بر شود.

اسدالله عباسی، وزیر کار و رئیس شورای تعیین مزد (شورای عالی کار) پیش‌تر از احتمال افزایش حق مسکن کارگران از ۱۰ هزار تومان به ۲۰ هزار تومان خبر داده بود.

این فعال کارگری ادامه داد: من به تحقق وعده افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن خوشبین نیستم و حتی بهتر است این افزایش صورت نگیرد چرا که با وجود اجاره‌بهای چندصد هزار تومانی، افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن به مضحکه شبیه‌تر است تا یک افزایش واقعی بر اساس معیارهای اقتصادی.

به گفته آقای چمنی، زمانی که وزیر در جلسه تصمیم‌گیری درباره معیشت کارگران حضور پیدا نمی‌کند به نظر می‌رسد وعده‌ها در حد حرف باقی بماند.

وی با اشاره به ترکیب جلسات شورای عالی کار که این بار برخلاف همیشه به سود کارگران است بیان کرد: شورا از ۵ نماینده دولت، ۳ نماینده کارگری و ۳ نماینده کارفرمایی تشکیل شده است. افزایش حق مسکن با رای مثبت نصف به علاوه یک اعضا تصویب می‌شود.

این فعال کارگری ادامه داد: دولت ادعا می‌کند با افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن موافق است که با احتساب نمایندگان کارگری در شورا، نصف به علاوه یک اعضا به افزایش حق مسکن رای مثبت می‌دهند. پس چرا افزایش آن را به تاخیر می‌اندازند؟

چمنی ادعای وزیر کار در تفسیر ماده ۴۱ قانون کار را «تحریف» خواند و گفت: ایشان برخلاف تصریح ماده 41 قانون کار معتقدند نیازی به افزایش مزد به اندازه نرخ رسمی تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی نیست.

شاید آقای عباسی از قانون کار دیگری صحبت می‌کند که در دسترس جامعه نیست.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی هفته گذشته در تفسیر ماده ۴۱ قانون کار مدعی شده بود: «قانون می‌گوید مزد باید با توجه به تورم تعیین شود نه به میزان تورم. این درست نیست که بگوییم چون تورم ۳۱ درصد است پس حقوق هم باید ۳۱ درصد افزایش یابد.»

رئیس انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز در پایان با انتقاد از انفعال نمایندگان کارگری شورای عالی کار، خواستار موضع گیری صریح آنان در مورد اتفاقات اخیر شد. کارشناسان کارگری معتقدند با توجه به گفته وزیر کار مبنی بر تشکیل جلسه شورای عالی کار در هفته آینده به منظور بررسی مجدد این موضوع، نمایندگان کارگری علی‌رغم مخالفت کارفرمایان باید درباره انجام رای‌گیری اصرار کنند چرا که اگر سخنان نمایندگان دولت در حمایت از خواسته کارگران صحت داشته باشد، مجموع نمایندگان کارگری و دولت در این شورا برای تصویب افزایش قانونی حقوق کارگران کفایت می‌کند.

وضعیت تاسف بار صدها کارگر بیکار شده کارخانه کاغذ سازی کارون

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است: یک عضو شورای اسلامی کار کارخانه کاغذسازی کارون وضعیت کارگران بیکار شده را "تاسف‌بار" توصیف کرد و گفت: از سال ۸۹، به دلیل وجود برخی مشکلات تعطیل شده و ۲۳۰ کارگر قرار دادی شاغل بیکار شدند. بنا به گزارش ایلنا، "جهانبخش میرجانی" با انتقاد از بی توجهی مسئولان دولتی نسبت به سرنوشت کارخانه و کارگران‌اش، به این خبرگزاری گفت: این کارخانه از سال ۸۰ به سبب مشکلاتی که کارگران از جزئیاتش بی اطلاع اند دچار مشکل شده و در طول این سالها تمامی کارگران به تدریج بیکار شده اند. وی وضعیت کارگران بیکار شده را «تاسف‌بار» توصیف کرد و افزود: از سال ۸۹ که این کارخانه تعطیل شد، ۲۳۰ کارگر قرار دادی شاغل بیکار شدند و هم اکنون تنها ۲۰ نگهبان در این کارخانه مشغول بکار هستند. این فعال کارگری درباره معوقات حقوق و سنواتی کارگران نیز گفت: از سال ۸۰ تا ۸۵ سنوات هیچ یک از کارگران پرداخت نشده است و از سال ۸۵ تا ۸۹ نیز با توجه به تعطیلی کارخانه کارگران بیکار و بلا تکلیف بودند. او ادامه داد: در سال ۸۹ این واحد به مدیریت جدید واگذار شد اما متاسفانه بعد از گذشت چندین ماه از ادامه تولید بازماند و مجددا کارگران آن بیکار شدند که تا به امروز این وضعیت ادامه دارد. این نماینده کارگری با بیان اینکه فعالیت مجدد کارخانه زمینه اشتغال بیش از هزار و ۱۰۰ کارگر را فراهم می‌کند، افزود: در طول این سالها، کارگران و نمایندگان‌شان برای بازگشایی کارخانه و از سر گیری تولید پی گیری و تلاش زیادی کرده اند که تا به امروز بی نتیجه مانده است. او همچنین گفت: کالای تولیدی این کارخانه به دلیل وجود تجهیزات خوب و نیروی کار ماهر ار مرغوبیت و بازار خوبی برای فروش بر خوردار است، اما با تعطیلی این کارخانه و سایر تولید کنندگان داخلی، خریداران و مصرف کنندگان به سوی کاغذ های نامرغوب وارداتی روی آورده اند. او با بیان اینکه کارگران کاغذ سازی کارون منتظر بازگشت به کار خود هستند، تصریح کرد: کارگران در شرایطی به سر می‌برند که تنها و مهم‌ترین خواسته‌شان بازگشایی کارخانه و اشتغال است.

چهار روایت از کار

کارگری از آبادان

<http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/06/blog-post.html#more>

1

استخدام

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است: - مرد خیس و کوفته از امور مالی خارج می‌شود، با دقت یک بار دیگر پول های داده شده را می‌شمارد و با عجله به طرف در خروجی کارگاه می‌رود. پس از بازرسی شدن، از درحراست خارج می‌شود و چند متر دورتر در زیر سایه نخل کنار خیابان به انتظار سواری های عسلویه می‌نشیند. درهواي شرجی و دم کرده‌ی عسلویه، به کارگری که به نظر می‌رسد مانند او منتظر ماشین است، می‌گوید:

- سواری ها پیدا نمی‌شوند؟

و چون جوابی نمی‌شنود از جیب پیراهن سفید تمیزی که پوشیده است، پاکت سیگارش را بیرون می‌آورد و به آرامی سیگاری روشن می‌کند.

دوست داشت با جیب پر به خانه برود اما حسابداری پس از صد روز کار کردن به او فقط حقوق یک ماه را پرداخت کرد که آن هم با هشتاد ساعت اضافه کار با کسر بیمه و مالیات، مبلغ چهارصد و شصت و دو هزار تومان شده بود. می‌دانست علاوه بر قرض‌هایی که در مدت بیکاری از این و آن گرفته، درخانه همه منتظر حقوق‌اش هستند. به پسر و دخترش قول دوچرخه و عروسک داده و با زن و مادرش که از او توقعات بیشتر و بزرگتر داشتند، قرار‌های دیگر گذاشته بود.

دو دل ماند که بعد از این سه ماه به خانه برود یا بماند تا پول بیشتری دستش را بگیرد.

سه ماه پیش هم که دنبال کار آمده بود، زیر همین درخت نشسته بود. یاد آن روز افتاد. چقدر با اضطراب چهار چشمی همه جا را پاییده بود تا شاید آشنا یا همکار سابقی را ببیند. آن روز هر آدمی را که وارد یا خارج کارگاه می‌شد به دقت نگاه کرده بود تا شاید رد همکاری را پیدا کند، اما تا عصر نتوانسته بود. نزدیک غروب خسته و عصبی کنار درب خروجی کارگاه ایستاده و به ردیف کارگرانی چشم دوخته بود که از سرویس‌ها پیاده و بازرسی می‌شدند که ناگهان چشمش به سیفاله افتاد. انگار دنیایی را به او داده باشند. فریاد زد:

- سیفاله
سیفاله سر برگرداند و او را دید.

علامت داد که به دنبالش بیاید و سوار اتوبوس شود. خوشحال خودش را به صف رساند و با کارگران هل خورد و داخل شد. صندلی‌ها و راهرو اتوبوس پر بود. سیفاله با فشار خودش را به او رساند و در گوشش پیچ‌پیچی کرد. اتوبوس زوزه کشان بعد از نیم ساعت در جاده‌ی خاکی و آسفالت بالای "بیدخون" به در کمپ رسید. همه پیاده شدند. کسانی که کارت بر سینه داشتند به راحتی از در نگهبانی کمپ داخل شدند و چند نفری که کارت نداشتند به همراه او بیرون ماندند. سیفاله با اشاره به او فهماند که باید در انتظار بایستد. او نگران کنار سیم خاردار کمپ به انتظار ایستاد. هوا داشت تاریک می‌شد. یاد پادگان سربازی‌اش افتاد که در "صفرینج" کرمان خدمتش را گذرانده بود. آنجا هم مثل اینجا سیم خاردار و نگهبان و بازرسی بود. حالا یک ساعتی می‌شد که پشت سیم خاردار بود. از صبح تا حالا انتظار کشیده بود. خسته و ناامید پیش خودش گفت: آواز دهل شنیدن از دور خوش است. وقتی در عسلویه کار پیدا کردن این شکلی باشد، وای به مناطق دیگر که پروژه‌هایش راه نیفتاده و این همه کار وجود ندارد. از نگهبانی که کنار در ایستاده بود، ساعت را پرسید و جواب پرتی شنید. دو به شک، به طرف تیر چراغی رفت که کنار سیم خاردار و چند متر مانده به در ورودی کمپ نصب کرده بودند. کیسه‌ی پلاستیکی را از لابلای لباس‌ها در آورد. آن را روی زمین کنار سیم خاردار پهن کرد و خودش را روی آن ول کرد.

یک ساعتی از رفتن سیفاله می‌گذشت. دیگر قطع امید کرده بود که پیدایش بشود. دلخور بود، چرا به سیفاله اعتماد کرده و به دنبال او تا اینجا آمده، اگر همان دور و برهای کارگاه نانی می‌خورد و می‌خواهید راحت‌تر بود تا این بیابان برهوت که به نظرش می‌رسید ته دنیا باشد. سکوت شب او را آزار می‌داد. ماشینی رفت و آمد نمی‌کرد و چند کارگر کنار او دراز کشیده بودند نگران به همه جا نگاه کرد. ناگهان صدایی شنید، در روشنایی کم نور چراغ‌های کنار سیم خاردار سایه‌ای را دید و صدای سوتی که او را به طرف خود می‌خواند.

سیفاله را دید که دارد با روشن کردن فندک به او علامت می‌دهد و او را صدا می‌زند. با زحمت از زیر سیم خاردار رد شد که قسمتی از آن بالا زده شده بود. داخل محوطه خوابگاه شد و پس از چند دقیقه پیاده روی از خیابان‌های کمپ با سیفاله وارد محوطه کوچه‌مانندی شد که از چهار ردیف اتاق سیمانی هم شکل تشکیل شده بود.

از پشت پنجره شیشه‌ای، اتاق‌های بزرگی را می‌دید که با چند ردیف تخت پر شده بودند. با سیفاله وارد اتاق نسبتاً بزرگی شد که ده دوازده نفری در آن بودند و دور تا دورش را تخت‌های سه طبقه چیده بودند.

گوشه‌ای نشست. سیفاله از بالای قفسه‌ی فلزی کنار تخت‌اش، بشقاب سیب زمینی و لوبیایی را که پیدا بود مقداری از آن خورده شده، با تکه‌ای نان جلوی او گذاشت. با اشتها شامش‌اش را خورد و گوشه‌ای نشست. اغلب هم اتاقی‌های سیفاله بی حال دراز کشیده بودند. یک نفر داشت با رادیو ترانزیستوری به اخبار بی بی سی گوش می‌کرد و دونفر دیگر داشتند ورق بازی می‌کردند. سیفاله با مرد میان‌سال لاغراندامی پچ پچی کرد که ظاهراً در ورق بازی شانس به او رو کرده بود. مرد نگاهی به او انداخت و با صدای بلند که او بشنود گفت: مانعی ندارد.

سیفاله با انگشت شصت علامت داد که همه چیز حل شده است. او آن شب کنار تخت سیفاله روی موکت کهنه ای دراز کشید که رنگ خاک گرفته بود. تا ساعت 5 صبح خواب به چشمش نرفت. مدام چهره‌ی زن و بچه‌ها پیش چشمش ظاهر می‌شد که منتظر سرکار رفتن او بودند. می‌دانست دیگر تحمل قرض کردن از این و آن را ندارد. زن تهدید کرده بود باید با دست پر به خانه بیاید وگرنه بازگشت دست خالی او به خانه جز بدبختی چیز دیگری برای آنها در بر ندارد. با روشن شدن چراغ دانست که وقت رفتن است. سیفاله این بار صمیمی‌تر او را جمع و جور کرد. ساکش را زیر تخت جا داد و مدارکش را که شامل شناسنامه و عکس و گواهی پایان خدمت و سابقه کاری را از او گرفت که نشان می‌داد در پروژه‌های قبلی کار می‌کرده است. سیفاله دلش را قرص کرده بود که در نگهبانی موقع خروج از خوابگاه به او گیر نمی‌دهند. سیفاله به او گفته بود تا ساعت دوازده مساله او حل خواهد شد چون به یک نفر داریست بند نیاز دارند و خوشبختانه "فورمن" قسمت از همشهری هاست و او حتماً استخدام خواهد شد. توی اتوبوس بی‌قراری‌اش کمتر بود. اما وقتی جلوی درنگهبانی کارگاه پیاده‌اش کردند، دلشوره‌اش دوباره شروع شد. توی این فکر بود که تیغ سیفاله می‌برد و او را مشغول خواهد کرد و یا دست از پا دراز تر به خانه باز می‌گردد.

بالاخره نزدیکی های ظهر بود که سیفاله با وانت پیکان درب و داغانی روبروی در ظاهر شد و کاغذی را به حراستی ها داد. شناسنامه‌اش را گرو گرفتند و به کارگاه راهش دادند.

سیفاله در کنارش او را جا داد. راننده آنها را در محوطه کارگاه کنار سازه‌ای فلزی که پر از لوله و موتور جوش بود، پیاده کرد. سیفاله کانکس زوار در رفته ای را که رنگ آبی داشت به او نشان داد و گفت:

- رحمان فورمن "اسکافلد بندها"، کارت را درست کرده و منتظرت است.

فورمن با ریش چند روز نتراشیده و چشمانی گود رفته که هم نشان از خستگی داشت و هم نشان می‌داد با دود و دم آشناست، بدون هیچ کلامی کاغذی را به او داد که به امور اداری کارگران برود تا استخدامش کنند. رحمان مجوز استخدام او را از مهندس اجرا گرفته بود و سیفاله چند متر دورتر منتظرش بود، کارهایش را رو به راه کرد. کلاه و کفش و دستکش ایمنی برایش گرفت و با کوپن امور اداری نهارش را از رستوران تحویل گرفت و زیر سایه برجی با او نهار خورد.

مدتی بود چلو مرغ نخورده بود، آن هم یک ران کامل با مخلفات. یاد خانه افتاد. نمی‌دانست چطور به خواب رفته است که متوجه شد با صدای سوت ممتدی از خواب پریده است. سیفاله گفت:

- وقت استراحت تمام شده، ساعت شروع کار است.

او را به محل "اسکافلد بند"ها برد. رحمان منتظرش بود. او را به گروهی سپرد که دو نفر از همشهری هایش جزو گروه بودند. حالا بعد از صد روز با پولی که گرفته بود، دو دل ماند که به خانه برود یا نه. توی همین فکر ها بود که پیکان درب و داغانی کنار او ترمز کرد. سوار شد و نزدیکی های "میدان لنج" پیاده شد. در شهر پاساژهایی که مملو از جنس چینی و مالزی بود، چند تکه لباس هم قد و قواره‌ی زن و دختر و پسرش پیدا کرد و آنها را خرید. فلاکس چای قرمز رنگی چشمش را گرفت ، آن را هم خرید. حساب کرد پنجاه هزار تومانی را از دست داده بود. بیست هزار تومان را در جیب گذاشت و مابقی پول را محکم در پاکتی چسب کاری کرد همراه با لباس ها به طرف ترمینال راه افتاد.

می دانست حمید از هم محلی هایش ساعت یک بعد از ظهر بلیط دارد.

اعتصاب

همگی دور اتاق نشسته ایم. می‌توان گفت چمباتمه زده ایم. 4 ماهی است که حقوق نگرفته‌ایم. بچ بچ و دعوا در کارگاه زیاد شده است. همه دنبال کار دیگری هستند، هر کس خبری از راه افتادن پروژه‌ای می‌دهد. همه فال گوش می‌ایستند. نمی‌دانیم چه می‌شود. رحمان که روی تخت دراز کشیده و دارد بی‌بی‌سی گوش می‌دهد، می‌گوید:

- تحریم دارد جدی می‌شود. همه می‌خندند. تحریم یعنی چه!

- ما همیشه تحریمیم. تحریم پولدارها را می‌ترساند. حسن که سر و زبانش دراز تر از همه‌ی ماست و تخت کنار رحمان است، روی دو پا پایین می‌آید و می‌گوید:

- بیکاری و گرانی اش مال ما می‌شود. هیچ کس حرف نمی‌زند. چند لحظه بعد صدای یکی از بچه‌ها را می‌شنوم که دارد بین اتاق‌ها می‌گردد و خبر می‌دهد که در "اتاق تلویزیون" جمع شویم تا موضوع را می‌پرسم، می‌گوید:

- راجع به حقوق است. همه سلانه سلانه راهی "اتاق تلویزیون" می‌شویم. صبح زود که می‌خواهیم سوار مینی‌بوس‌ها شویم، قادر با صدای بلند می‌گوید:

- قرار دیشب را فراموش نکنید. قیافه‌ها همه خسته و عصبی است. دم کارت زنی پیاده می‌شویم. کسی کارت نمی‌زند. مستقیم می‌رویم روبروی ساختمان کارفرما می‌نشینیم. چند نفری از کارگرها مردد هستند.

سیفاله نگران تر از همه به جمع پیوسته است. او مدت‌هاست که به خانه نرفته و می‌خواهد با دست پر خانه باشد. تا حالا دوبار تقاضای مساعده کرده ولی با تقاضای اوموافقت نشده. به مسوول اجرا هم رو انداخته ولی موفق نشده. رییس امور مالی به او گفته که تا کارفرما پول ندهد، پولی به کارگران پرداخت نخواهد شد.

سیفاله تا دیشب نمی‌دانست چه کار کند. به کارگران معترض بپیوندد یا به انتظار بنشیند.

هدایت لاغر اندام و سیه چهره است. به نظر می‌رسد آبادانی باشد. عصبی و تندخوست. با دعوا توانسته یک ماه حقوقش را زنده کند. او "آرما توریند" است. وقتی در کارگاه داد و بیداد راه می‌اندازد سرپرست اجرا هم از او حساب می‌برد. می‌گوید به خاطر سابقه‌ی جبهه‌ای بودنش به او کاری ندارند. بعضی‌ها هم تجربه کاری او را علت می‌دانند.

هیبت چهارشانه و توپر است. او جوشکار است. در میان کارگران نفوذ دارد. خوش برخورد و شوخ‌طبع است. بالا رو است و همه کارهای در ارتفاع را به او می‌دهند. زن و بچه ندارد. شاید داشته، کسی نمی‌داند ولی حالا با خواهر و مادرش زندگی می‌کند. هیبت حرف‌های رییس کارگاه را مفت می‌داند. می‌گوید:

- آن‌ها آنقدر پول دارند که حقوق ما را بدهند. نمی‌خواهند از سودشان کم شود. حسن خسته و عصبی تر از همه است. او "متریال من" است. شایعه است که زنش را به زندان انداخته، خودش هم گویا مدتی در زندان بوده، از بچ بچ مربوط به زندگی‌اش حسابی عصبانی می‌شود. تا کنون یکی دوبار با هم اتاقی‌هایش درگیر شده است. او دیشب می‌گفت هر طور شده حقوقش را می‌گیرد و از این کارگاه می‌رود.

قادر لوله کش کارگاه است. به نظر می‌رسد پنجاه سالی داشته باشد. اهل اهواز است و از پروژه‌های قدیمی است. سرد و گرم روزگار را چشیده و با گروه‌های سیاسی آشناست. معنای سندیکا را خوب می‌فهمد و همیشه حرف‌هایش را با شعر "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" تمام می‌کند.

مدیر کارگاه مهندسی نعمتی است. می‌گویند از کار فنی سررشته ندارد و بیشتر تدارک‌چی بوده است. لاغر اندام و ریش پرفسوری دارد. دائم با تلفن همراه با کسی که معلوم است باید رییسش باشد، صحبت می‌کند. از چشم چشم گفتنش پیداست که به او دستور داده می‌شود.

رییس حراست با ریش سفید و سیاهش که به دقت شانه خورده کنارمدیر کارگاه ایستاده است. او بلند قد و لاغر اندام است. می‌گویند افسر بازنشسته ارتش است و با لهجی شیرازی غلیظی با بی سیم دارد امر و نهی می‌کند.

هیبت را می‌بینم که روی سکویی رفته و دارد صحبت می‌کند. روی سخنش به رییس کارگاه است. او می‌گوید:

- اگر لازم باشد همه‌ی کارگران را روبروی اداره‌ی کار می‌برم تا آنجا بست بنشینند و اگر نگذاشتند از تیر برق‌ها بالا می‌رویم تا همه‌ی مردم شهر ببینند که ما چه مشکلی داریم. کارگران به حرف‌های رییس کارگاه راجع به "صورت وضعیت" و عدم پرداخت آن گوش نمی‌دهند. کارگری که کنار سیفاله ایستاده است از "معنای صورت" وضعیت و نقش آن در پرداخت حقوق ماهانه اش سوال می‌کند؟
- سیفاله می‌گوید:
- از قادر پیرس او این چیزها خوب می‌فهمد.
- ظاهراً کارگرها معنای حرف‌های هیبت را بیشتر فهمیده اند و با کف زدن این را نشان می‌دهند. سیفاله از حرف‌های هیبت خوشش آمده ولی حاضر نیست آن را انجام دهد رو به قادر که کنارش ایستاده، می‌گوید:
- این کارها باعث حقوق گرفتن نمی‌شود
- و چون جوابی نمی‌شنود به من که کنار قادر ایستاده‌ام می‌گوید:

- آخر سر همه اخراج می‌شویم و باید چند ماه دنبال تسویه حساب و حقوق‌مان سرگردان اینجا و آنجا شویم.

جنب و جوش کارگران دارد بیشتر می‌شود و افراد آتش‌نشانی و حراست و آدم‌های بی سیم دار بیشتر شده اند. حسن را می‌بینم که دارد از تیر برق روبروی کارگاه بالا می‌رود. همه دارند او را نشان می‌دهند و فریاد می‌زنند:

- بالاتر نرو. برق می‌گیرد

حتا سیفاله را می‌بینم که دارد داد می‌زند. رییس حراست کنار رییس کارگاه زیر تیر برق رفته‌اند و دارند حسن را صدا می‌زنند که پایین بیاید اما حسن بالا و بالاتر می‌رود.

به قادر می‌گویم:

- او تا کجا بالا می‌رود؟
- قادر می‌گوید:
- با شناختی که از او دارم تا آخرین پله ای که امکان برق گرفتنش است. او چیزی ندارد از دست بدهد. آب آتش‌نشانی و فرمانده حراستی‌ها کارگران را دارد متفرق می‌کند. ولی تعدادی از کارگران سرجایشان ایستاده اند و بی توجه به آنها دارند به بالا نگاه می‌کنند.

- همه خسته و عصبی هستیم. هرکس دارد وسایلیش را جمع و جور می‌کند. بین بچه‌ها اختلاف افتاده به خصوص بین هیبت و سیفاله. آنها باهم حرف نمی‌زنند. صبح زود موقع کارت‌زنی متوجه شده‌ام که "کارت پانچ معناطیسی" جواب نمی‌دهد. از مسوول کارت‌زنی می‌پرسم:
- بیست نفری هستید که باید بروید امور اداری.
 - اغلب بچه‌ها کنار پنجره امور اداری جمع شده‌اند. سیفاله را می‌بینم که دارد با مسوول اجرا گفت و گو می‌کند. تا هیبت را می‌بیند به او اشاره می‌کند. مسوول اجرا دارد سر تکان می‌دهد. من و قادر و هیبت برگ تسویه حساب را می‌گیریم. ولی بقیه منتظر هستند. سیفاله، رحمان را واسطه کرده است. به قادر می‌گویم:
 - - حال رفتن به انبار را ندارم.
 - قادر می‌گوید:
 - اگر چیز تحولی نداری نیا. امضایش را خودم می‌گیرم.
 - هیبت با صدایی بلند رو به سیفاله می‌گوید:
 - این چهارمین باری است که من اخراج می‌شوم!
 - سیفاله با دلخوری به هیبت نگاه می‌کند و بعد به رحمان که کنار کانکس نشسته است و دارد سیگار پشت سیگار می‌کشد، می‌گوید:
 - هیبت بیکاری و شرایط تعطیلی پروژه را نمی‌بیند. خودش است و تخم هاش.
 - سیفاله اخراج بچه‌ها را ناشی از عملکرد قادر و سخنان هیبت می‌داند. سیفاله می‌گوید:
 - تازه با اخراج ما فکر می‌کنی چه بشود. ما بیکار می‌شویم و کارها دست ترک‌ها وکردها می‌افتد.
 - هیبت می‌خندد و می‌گوید:
 - مشکل تو با کردها و ترک‌هاست یا با رییس کارگاه؟
 - سیفاله سکوت می‌کند و کنار رحمان می‌نشیند. قادر به هیبت که دارد ستون‌های امضای برگه‌ی تسویه حساب را می‌شمارد، نزدیک می‌شود و می‌گوید:
 - به اداره‌ی کار شکایت می‌کند.
 - سیفاله آهی می‌گشود و با خنده‌ی تلخی می‌گوید:
 - تو دیگه چرا؟ تو که باید آنجا را بهتر ازما بشناسی!
 - قادر با اطمینان جواب می‌دهد:
 - تا حالا دوبار بازگشت به کار گرفته‌ام.
 - هیبت دائم به رییس کارگاه فحش می‌دهد. او دستگیری حسن را کار رییس کارگاه و مسوول حراست می‌داند. هیبت که از به زندان افتادن حسن عصبانی است، از جا بلند می‌شود کمر بندش را سفت می‌کند و رو در روی بچه‌ها با فریاد می‌گوید:
 - اگر به قرارمان پایبند بودیم کارمان به اینجا نمی‌کشید.
 - سیفاله به رحمان نگاه می‌کند و زیر لبی می‌گوید:
 - اخراج ما بسش نیست فکر زندان انداختن مان هم هست.
 - رحمان روی تخت طبقه‌ی دوم دراز کشیده و دارد سیگار می‌کشد. سیفاله شام را آورده است، ولی کسی دست نمی‌زند. او سفره را پهن می‌کند و به قادر نگاه می‌کند. هدایت زیر تخت رحمان در طبقه‌ی اول کنار پنجره نشسته، به اخبار بی بی سی گوش می‌کند. وقتی خبرنگار بی بی سی از دستگیری کارگران و

بازداشت کارگران سندیکا ای اتوبوس رانی صحبت می کند، صدای رادیو را بلند می کند. رحمان که عصبانی است با صدای بلند می گوید:

- خفه اش کن.
- اسانلو دیگر کیست؟
سیفاله باعظ جواب می دهد:

- باید ترک باشد. ترک ها همه جا نفوذ دارند. حتا در بی بی سی!
و رو به من می کند و می گوید:

- چرا اخبار زندانی شدن حسن را پخش نمی کند؟
قادر چشمکی می زند:

- اگر رابطه ات را با ترک ها خوب کنی شاید بتوانم در بی بی سی خبرش را پخش کنم.
همه می خندند. سیفاله دم پای دم دستش را به طرف قادر می اندازد. انگار سرحال آمده است. هیبت آرام تر شده و دارد ساکش را می بندد. سیفاله لقمه ای می گیرد و می رود به طرف هیبت. او را می بوسد و لقمه را در دهانش می گذارد. دستش را می کشد و او را کنار سفره می نشاند. قادر سعی می کند همه را دور هم جمع کند. با خنده می گوید:

- به به شام کباب کوبیده است. سور هم گرفته اند. شام اخراج مان را هم بز نیم بینیم فردا چه می شود. شاید تیغ رحمان برید. یک سیب را که هوا بیاندازی هزار چرخ می خورد تا به زمین برسد. هیبت که دارد سر نوشابه ها را با قاشق باز می کند رو به قادر می کند و با خنده می گوید:

- البته اگر رییس کارگاه در هوا سیب را قاپ نزند و سیب به نفع ما بچرخد. شاید ... سیفاله برگردد سرکار.

4

بیکاری

چهار ماهی است که به هر در و دیواری زده ایم، جواب درست و حسابی نشنیده ایم. سیفاله می گوید:

- رحمان هر چه تلاش کرد نتوانست. رییس کارگاه بدجوری شاکی است. تازه فورمنی هم که کنارش گذاشته اند، فکر می کنم همین روزها اخراجش کنند. پشت در کارگاه کلی آدم بیکار خوابیده. در عسلویه پروژه ای جدیدی راه نیافتاده. با این خبرهایی هم که رادیوهای خارجی و ماهواره ها می دهند وضع شاید بدتر هم شود. می گویم:

- با شرایطی هم که ما داریم، امکان کار پیدا کردن مان سخت تر هم شده.
سیفاله دستی به موهایش می کشد و با طمانینه پاکت سیگارش را در می آورد و به هیبت تعارف می کند.

- از قادر خبر داری؟
هیبت سری می جنباند و با لبخند می گوید:

- اتفاقا دیشب که زنگ زدم گفت اونجا هم خبری نیست. شکایتش به اداره ای کار به جایی نرسیده، ظاهرا سر می دوانند. می گفت شاید ماهشهر پروژه ای راه بیافته...
سیفاله با پوزخند دود سیگارش را بیرون می دهد:

- همون روز اول نگفتم. اداره ای کار رفتنش بی خود بود. تک و تنها نمی شود کاری کرد. راه چاره همان شعر معروف قادر است.

هر روز با هیبت و سیفاله تا دم غروب در خیابان ها و پارک ها ول می گردیم تا شاید آشنا و کسی را پیدا کنیم که بتواند دستمان راجایی بند کند. قادر اهواز زندگی می کند و حسین بیست کیلومتری با ما که در زرین شهر هستیم فاصله دارد. سیفاله امروز کسل تر از همیشه است. ریشش را نتراشیده و عصبی است. سرخرج خانه با زنش دعوایش شده و خانه اش پر از مهمان است و از دست زنش شاکی است:

- حساب بیکاری ما را نمی کنه. اگر تا دو ماه دیگر کار پیدا نکنم باید شروع کنم به فروش وسایل ام. راستی سنگ جت قیمتش چقدر شده؟ هیبت شلوارش را که پایین آمده، بالا می کشد و کمر بندش را سفت می کند.
- اگر امریکایی باشد و خوب مانده باشد، شاید دوپست هزار تومانی بخرند. اگر پول نیاز داری وضع من بد نیست. موتور هوندا را هشتصد هزار تومان فروخته ام. سیفاله با لبخندی شرم دار سرش را پایین می اندازد و می گوید:
- الحمداله حالا حالاها دارم. حسن وضعش از من خراب تر است. از زندان که بیرون آمده، شرکت سابقه اش را چون پانزده روز کمتر از یک سال بوده، نداده است. تازه هفته ی پیش دیدمش داغون تر بود. دخترش مینا را می گویم. او در سه ماهی که زندان بوده رفته پیش مادرش. مادری را هم که وضعش را می دانی؟ آهسته زیر لبی به هیبت می گویم:
- مگر مشکلی پیش آمده؟
- یک دختر شانزده ساله تنها می تونست زندگی کنه؟
- مگه بد دلی حسن یادت رفته او زنش را چرا طلاق داد؟
سیفاله آهی می کشد:
- پولی جمع کنیم و سراغش برویم.
می گویم:
- با هیبت جورتر است. پول را به هیبت می دهیم. او از ما پول نمی گیرد.
در پارک چند نفر از گشت ارشاد به دختر و پسری گیر داده اند. هیبت به طرفشان می رود و محکم می گوید:
- خواهرزاده ام با نامزدش. چه کارشان دارید؟
سیفاله واسطه می شود. ماموری که ظاهرا ارشدتر است به ریش سیفاله دستی می کشد! می گوید:
- پارک محل نامزد بازی نیست حاج آقا!
و با افرادش طرف ماشین شان می روند. دختر سرش را پایین انداخته و پسر لبخند زنان از هیبت و سیفاله تشکر می کند. پسرک فال فروش به من نزدیک می شود. سمج و چسبنده. از ما می خواهد فالی بخریم. هیبت قسمتی از بسته ی فال ها را نشان می دهد و پسرک دانه های ارزی را روی آنها می ریزد تا سیره کوچولو خودش دانه ای را از میان کاغذها انتخاب کند. سیفاله ناراحت گرسنگی سیره است و تلاش او را برای پیدا کردن دانه ارزنی در میان این همه. به پسرک می گوید:
- به این زبون بسته چیزی بده بخوره...
برگه ی فال را از هیبت می گیرم. سیفاله می گوید:
- بخوان ببینیم شانس ما چی توش نوشته :
ابیاتی از حافظ و چند جمله که :
- ای صاحب فال اگر چه کنید ، چه می شود. همگی زیر سایه درخت بیدی دراز می کشیم. شعر را با صدای بلند می خوانم:

- حسنت به اتفاق ملاحظت جهان گرفت آری به اتفاق جهان می‌توان گرفت سیفال می‌خندد:

- این حافظ هم مثل اینکه با قادر ما رفیق بوده، حرف های او را می‌زند.

گودبرداری؛ عامل 23 درصد حوادث منجر به فوت کارگران ساختمانی در استان خراسان

به گزارش روزنامه خراسان در تاریخ 11 خرداد 092 آمده است: طی سال های اخیر 23 درصد حوادث منجر به فوت کارگران ساختمانی در استان مربوط به عملیات گودبرداری بوده است. این مطلب را نایب رئیس گروه عمران سازمان نظام مهندسی خراسان رضوی در همایش روش های نوین گودبرداری که پنجشنبه گذشته در مشهد برگزار شد مطرح کرد و افزود: بررسی های انجام شده نشان می دهد که 21 درصد حوادث رخ داده در کارگاه های ساختمانی استان نیز مربوط به گودبرداری ها بوده است. حسن پورحسینی تصریح کرد: در سال های اخیر، گود برداری عملیات ساختمانی حوادث بسیاری در حوزه ساخت و سازها در پی داشته و خسارات جانی و مالی فراوانی به کارگران و دیگر شهروندان وارد شده است. وی با اشاره به این که دستورالعمل اجرایی گودبرداری های ساختمانی توسط وزارت راه و شهرسازی کشور به کلیه دستگاه های اجرایی اعم از شهرداری ها و سازمان های نظام مهندسی ابلاغ و اجرایی شده است گفت: بر اساس این دستورالعمل نحوه گودبرداری باید توسط مهندس مربوطه طراحی و توسط پیمانکار با صلاحیت اجرا و سپس توسط ناظر دارای صلاحیت نظارت شود. پورحسینی همچنین از شیوه نامه اعطای صلاحیت مضاعف گود برداری و ابلاغ آن به مهندسان در آینده نزدیک خبر داد و افزود: در همین راستا امید است یکی از مباحث مقررات ملی ساختمان نیز به مبحث گود برداری اختصاص یابد تا بتوانیم روش های گودبرداری را به صورت اصولی عملیاتی کنیم.

بدون شرح

اشاره به بحران اقتصادی رژیم توسط حسن روحانی

حسن روحانی در يك گفتگوي تلویزیونی به وضعیت بحرانی اقتصادی اشاره کرده و گفت: نرخ رشد نقدینگی ما متأسفانه در سالهای اخیر بسیار بالا بوده. ما از 68 هزار میلیارد تومان در سال 84 امروز به بالای 450 هزار میلیارد تومان رسیدیم. و این معنایش اینه که نقدینگی ما تقریباً به حدود 7 برابر رسیده است. قیمت کالا در طول این هفت سال، هشت سال، 300 درصد افزایش پیدا کرده است.

رئیس کانون بازنشستگان بوشهر:

مستمری بازنشستگان با نرخ تورم تناسبی ندارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است: رئیس کانون کارگران بازنشسته و مستمری بگیر شهرستان بوشهر با انتقاد از عملی نشدن وعده پرداخت افزایش 25 درصدی حقوق بازنشستگان با وجود گذشت دو ماه از سال جدید، گفت: جمع کثیری از بازنشستگان این شهرستان یا مراجعه به این نهاد صنفی اعتراض خود را نسبت به عدم افزایش حقوق اعلام کرده‌اند.

«سیدموسی میرجهانمردی» با انتقاد از محقق نشدن وعده‌های پرداخت افزایش حقوق بازنشستگان، به ایلنا گفت: طبق گفته‌های اخیر مسئولان سازمان تامین اجتماعی، مابه‌التفاوت افزایش حقوق بازنشستگان به دلیل تأمین نشدن منابع مالی در پایان خردادماه پرداخت می‌شود و این در حالی است که اصل افزایش 25 درصدی حقوق بازنشستگان با وجود تورم رسمی بالای 31 درصد بسیار ناچیز است. با این حال بعد از گذشت چندین ماه از سال، همین افزایش حقوق ناچیز که تاثیر چندانی در مقابله با تورك لگام گسیخته ندارد، هنوز پرداخت نشده است.

این فعال کارگری با اشاره به وضعیت نامناسب معیشتی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی این شهرستان گفت: با توجه به اینکه تعداد زیادی از مستمری بگیران تامین اجتماعی همانند از کار افتادها و بازنشستگان «حداقل‌های حقوقی» را دریافت می‌کنند، ضروری است به سرعت نسبت به پرداخت مابه‌التفاوت افزایش مستمری آنان اقدام شود.

جهانمردی در خاتمه اظهار داشت: هزینه زندگی بازنشستگان بر خلاف آنچه برخی افراد تصور می‌کنند، بیش از کارگران است چرا که آنها باید مخارج سنگینی همچون درمان، تحصیل و ازدواج فرزندان و سایر هزینه‌های جانبی را هم متقبل شوند و این در حالی است که بر خلاف کارگران توان کار در چند محیط شغلی را هم ندارند.

پایان پیام

سقوط مرگبار کارگر 40 ساله از داربست در تبریز

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، بنقل از حبیب حسینی زاده مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی استان آذربایجان شرقی در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است: «این حادثه ظهر روز گذشته 10 خردادماه به اتاق فرمان مرکز 115 استان گزارش شد و طی آن تکنیسین‌های پایگاه 103 تبریز به محل اعزام شدند. وی گفت: این کارگر که در منطقه رشديه تبریز در حال کار روی داربست بود، سقوط کرده و بعلت شدت ضربه وارده به سر، در دم جان باخت.

برگزاری دادگاه "واحد سیده، محمد مولانایی و یوسف آب خرابات درمهاباد

برپایه گزارش دریافتی آمده است: روز یکشنبه 12 خردادماه دادگاه سه نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در مهاباد برگزار شد. دادگاه "واحد سیده، محمد مولانایی و یوسف آب خرابات"، سه نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شعبه یک دادگاه رژیم در مهاباد با حضور وکیل مدافع آنان در ساعت 11 صبح برگزار شد. دستگاه قضایی رژیم اتهام این سه فعال کارگری را "ارتباط با احزاب مخالف و عضویت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری" اعلام نموده است. این سه فعال کارگری اتهام ارتباط با احزاب مخالف رژیم را رد و آن را یک اتهام ساختگی اعلام کردند اما از عضویت خود در کمیته هماهنگی دفاع کردند.

یک فعال کارگری در استان خیر داد: تشکیل انجمن صنفی کارگران ساختمانی گیلان در آینده نزدیک

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 خرداد 92 آمده است: انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان گیلان در آینده نزدیک تاسیس خواهد شد.

دبیر خانه کارگر استان گیلان از تشکیل انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان در آینده نزدیک خبر داد و با اشاره به اجرای ماده ۱۳۱ قانون کار به ایلنا گفت: به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و نیز بهبود وضع اقتصادی و ساماندهی کارگران ساختمانی، انجمن صنفی کارگران ساختمانی استان گیلان با همکاری اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی تشکیل می‌شود.

«حسن ایزدی» به فعالیت بیش از ۸ هزار کارگر ساختمانی در سطح استان گیلان اشاره کرد و گفت: با تشکیل انجمن صنفی کارگران ساختمانی، بیمه کارگری، سهام عدالت و سایر منافع و حقوق مشروع کارگران از طریق انجمن پیگیری می‌شود و امیدواریم در کوتاه‌ترین زمان ممکن مشکلات صنفی برطرف شود.

این فعال کارگری یکی از سیاست‌های خانه کارگر استان گیلان را هم‌گرایی و توجه ویژه به سایر تشکلات کارگری و کارفرمایی عنوان کرد و افزود: برای بهبود و تنظیم روابط کار و حل مشکلات کارگران و کارفرمایان، توجه به تشکلات کارگری می‌تواند نقش بسیار مؤثری در بهبود روابط و توسعه کار ایفا کند.

ایزدی در خاتمه با تاکید بر نقش مؤثر تشکلات کارگری در ارتقای بهره‌وری نیروی کار اظهار داشت: با همکاری بیشتر مسئولان استانی در راستای تاسیس تشکل در واحدهای صنفی، در تلاشیم برای دفاع از حقوق صنفی، کارگران به تشکلات نهادهای صنفی مطلوب خود اقدام کنند.

پایان پیام

اعتصاب رانندگان تاکسی در کامیاران

به گزارش رسیده، رانندگان تاکسی در شهر کامیاران در روز شنبه ۱۱ خرداد دست به اعتصاب زدند. رانندگان اعتصابی خواهان افزایش کرایه تاکسی از ۲۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان شدند. این چندمین بار است که رانندگان تاکسی شهر کامیاران دست به اعتصاب می‌زنند. در پی این اعتصاب بسیاری از مسافران مجبور شدند مسیرهای خود را پیاده طی کنند.

۱۳ خرداد ۱۳۹۲

مدیر عامل اتحادیه تعاونی مسکن کارگران خواستار شد: الزام پیمانکاران به جذب کارگران ساختمانی از طریق دفاتر رسمی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ ۱۲ خرداد ۹۲ آمده است: مدیر عامل اتحادیه تعاونی مسکن کارگران ایران گفت: برای ساماندهی کارگران ساختمانی باید دفاتر خدمات ساختمانی در مناطق تهران تشکیل شود و این امر باید اولویت دور چهارم شوراهای باشد.

«محسن سرخو» درباره اقدامات شورای شهر تهران در زمینه ساماندهی کارگران صنوف ساختمانی، به ایلنا گفت: ساماندهی کارگران ساختمانی از سال‌ها قبل در دستور کار مجریان قانون نظام مهندسی ساختمان و همچنین شهرداری تهران بوده است، ولی هیچگاه به طور جدی پیگیری نشده تا به سرانجام برسد.

وی با بیان اینکه به منظور ساماندهی کارگران ساختمانی باید دفاتر خدمات ساختمانی در مناطق تهران تشکیل شود، افزود: همچنین باید سازندگان و پیمانکاران مکلف شوند که تنها از طریق این دفاتر نیروی کار مورد نیاز خود را تامین کنند.

مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره اتحادیه تعاونی مسکن کارگران ایران با تاکید بر اینکه سامان دادن به فعالیت کارگران و صنوف ساختمانی یکی از اقدامات مهمی است که شورای شهر چهارم باید آن را در اولویت کاری خود قرار دهد، اعلام کرد: اگر کارفرما، پیمانکار یا مالکان واحدهای مسکونی برای احداث یا تعمیرات تمامی فعالیت‌های ساختمانی با مراجعه به دفاتر خدمات ساختمانی منطقه، کارگر مورد نیاز خود را بکار گیرند با این کار آن فرد نسبت به تجربیات و مهارت کارگران نیز اطمینان حاصل می‌کند.

به گفته کاندیدای دور چهارم شورای شهر تهران، با این اقدام مشکل امنیت شغلی، بیمه و سایر مزایای این کارگران نیز حل و فصل می‌شود.

سرخو با اشاره به اینکه یکی از شیوه‌های تاسیس دفاتر خدمات ساختمانی در قالب تعاونی است، ادامه داد: با این اقدام همه کارگران واجد شرایط هر منطقه‌ای در این دفاتر عضو خواهند بود. همچنین این شیوه، نظارت‌های مطرح در قانون نظام مهندسی را نیز تسهیل می‌کند. شهرداری‌ها هم با ارائه مجوز به این دفاتر نظارت مناسب‌تری بر روند ساخت و سازهای شهری خواهند داشت. وی درباره بازسازی بافت‌های فرسوده شهری، گفت: از آنجا که در تهران چند گسل زلزله خیز با خطر نسبی بالا وجود دارد، از این رو باید مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی از اولویت شهرداری و شورای شهر باشد چرا که هرگونه کندی و سستی در این زمینه می‌تواند خسارات جانی و مالی جبران ناپذیری را برای شهروندان به بار آورد.

به گفته مدیر عامل اتحادیه تعاونی مسکن کارگران، به کارگیری از تمامی ظرفیت‌های شهرداری‌ها، سیستم بانکی، استفاده از مشورت‌های لازم نظیر تراکم تشویقی و اولویت دادن بودجه به طرح‌های بافت‌های فرسوده، می‌تواند کمک موثری به تسریع در بازسازی بافت‌های فرسوده باشد. وی با اشاره به اینکه ساکنان واحدهای مسکونی واقع در طرح تعریض معابر یا سایر کاربری‌های خدمات شهری، اجازه نوسازی و بازسازی واحد خود را ندارند، تصریح کرد: این واحدها در مقابل زلزله مقاوم نیستند و خدای ناکرده با اولین لرزش فرو می‌ریزند، بنابراین باید با قید فوریت و با اولویت شهرداری، این واحدها را تعیین تکلیف کرد و پس از خریداری طرح‌های مصوب را به اجرا گذارد.

سرخو همچنین تصریح کرد: در مورد بافت‌های فرسوده‌ای که شهرداری در آن طرح خاصی ندارد مناسب‌تر است که مشوق‌هایی برای تعاونی‌های مسکن کارگری و کارمندی گذاشته شود و با همکاری سیستم بانکی این بافت‌ها خریداری و برای افراد فاقد مسکن مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

پایان پیام

اعتصاب کارگران شرکت سانا در سد داریان

به گزارش پایگاه خبری کُردپا، در 12 خرداد 92 آمده است: کارگران شرکت "سانا" در شهرستان پاوه علی‌رغم تهدید کارفرما، به دلیل تأخیر ۵ ماهه دستمزدشان، تجمعی اعتراضی برگزار کردند. بنابراین گزارش، کلیه کارگران شرکت "سانا" در نیروگاه برقی سد "داریان" از توابع شهرستان پاوه به دلیل تأخیر در پرداخت ۵ ماهه دستمزدشان، دست از کار کشیده و تجمعی اعتراضی را در محل کارشان برگزار کردند.

بر اساس این گزارش، کارفرمای این شرکت ۱۲ نفر از کارگران را اخراج کرده و به کارگران دیگر گفته است، در صورت ادامه اعتراضات، آنان نیز اخراج خواهند شد.

همزمان کارگران این شرکت گفته‌اند، تا زمانی که دستمزد معوقه‌ی خود را دریافت نکنند، به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد.

هم‌اکنون شرکت "سانا" تولیدکننده‌ی برق در سد "داریان" به دلیل کمی اعتبار در آستانه‌ی تعطیل شدن قرار دارد.

بیانیه شماره یک

کارگران خبازی های سنندج و حومه

کارگران خبازیهای

بیانیه شماره یک
اهالی محترم شهر سنندج
همان گونه که مستحضر هستید بیش از دو ماه از سال جدید گذشته است و هنوز دستمزد ما کارگران خباز
تغییری به خود ندیده است.
این عدم افزایش دستمزد در حالی است که مطلع شده ایم انجمن صنفی کارگران خباز طی نامه نگاری هایی
که در باره افزایش دستمزد کارگران خباز با نهاد های مربوطه داشته است، بدون پاسخ مانده و تلوچا به
نمایندگان کارگران اعلام گردیده که تنهادر صورتی گران شدن قیمت نان می توانند دستمزد آنها را افزایش
دهند.
بحث در باره گران شدن نان در شرایطی بیان می گردد که فقر و گرانی زندگی احاد مردم علی الخصوص کارگران
را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده است.
ما کارگران خباز ضمن اینکه خواهان عدم افزایش قیمت نان می باشیم ، می خواهیم دستمزدهایمان بر اساس
مواد مندرج در قانون کار افزایش و احراز گردد.
به همین خاطر ما کارگران خباز تا سیزده ام خردادماه به نهاد های مربوطه فرصت خواهیم داد تا نسبت به
افزایش دستمزد کارگران خباز بر اساس آخرین مصوبه شورای عالی کار که در مورخه ۲۱ اسفند ۱۳۹۱ تصویب
شده؛ اقدام نمایند.
در غیر این صورت روز دوشنبه سیزده ام خرداد دست از کارهای خود خواهیم کشید واز مردم شریف شهر
سنندج می خواهیم به دلیل اینکه در این روزها دچار کمبود نان نشوند به ذخیره سازی نان مصرفی خود اقدام
نمایند.

کارگران خبازی های سنندج و حومه

گزارش خبری؛ حوادث شغلی؛ ۱۴ درصد افزایش یا ۲۱ درصد کاهش / تناقض در آمار فاجعه انسانی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است : در حالیکه سازمان پزشکی
قانونی کشور در آخرین آمار منتشره از افزایش ۱۴ درصدی حوادث حین کار در ده ماهه اول سال گذشته نسبت
به مدت مشابه سال ۹۰ خبر داده بود، مدیرکل بازرسی وزارت کار دیروز با ارائه آماری از کاهش ۷/۲۱ درصدی
حوادث شغلی خبر داد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، «محمد اصابتی» در خبری که منتشر شده است، بدون اشاره به بازه زمانی آماری که
ارائه می دهد گفت: ۵۱ درصد حوادث شغلی مربوط به حوزه ساختمان است.

این در حالی است که سازمان پزشکی قانونی کشور اعلام کرده بود که در ده ماهه سال گذشته، یک هزار و
۵۱۷ نفر در کشور بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست داده اند. این آمار در مقایسه با مدت مشابه
سال ۹۰ که تعداد متوفیان حوادث کار یک هزار و ۳۳۱ نفر بودند، ۱۴ درصد افزایش یافته است.

به نظر می رسد آمار امیدوارکننده و رو به بهبودی که توسط این مدیر دولتی در آخرین روزهای دولت بیان شده،
با آمار منتشره از سوی سازمان پزشکی قانونی کشور در تناقض است یا به گونه ای زیرکانه برای ارائه به
مقامات بالادستی در یک بازه زمانی گزینشی تهیه و تنظیم شده است.

به گفته مدیرکل بازرسی وزارت کار، ۳۹ درصد از دلایل بروز حوادث حین کار به عدم نظارت برمی گردد. وی در مورد
عملکرد سازمان بازرسی وزارت کار اظهار داشت: نظارت بر حسن اجرای قوانین کار از وظایف ماست و با توجه
به تعداد بازرسانی که داریم در سال گذشته نزدیک به ۴۰۰ هزار بازرسی ادواری و موردی در سطح کشور
داشته ایم.

آقای اصابتی در خبر مذکور توضیحی نداد در حالی که قانون کار اختیارات گسترده‌ای را برای بازرسان وزارت کار تا حد ضابط قضایی قائل شده است، چه ارگانی و در چه محکمه‌ای باید جوا بگوی مرگ خاموش ۳۹ درصد از کارگرانی باشد که در حوادث حین کار جان می‌بازند.

مطابق ماده ۱۰۱ قانون کار، گزارش بازرسان کار در موارد مربوط به حدود وظایف و اختیاراتشان در حکم گزارش ضابطین دادگستری است و مطابق تبصره ۲ ماده ۹۶، بازرسی باید به صورت مستمر، همراه با تذکر اشکالات و معایب و نواقص و در صورت لزوم تقاضای تعقیب متخلفان در مراجع صالح انجام گیرد.

آمار منتشر شده از سوی پزشکی قانونی به ما نشان می‌دهد که روزانه به طور متوسط ۵ کارگر، جان خود را در حوادث حین کار از دست می‌دهند. به نظر می‌رسد قدم اول برای جلوگیری از این فاجعه انسانی و مرگ خاموش کارگران، تقویت بازرسی برای تامین امنیت محیط کار است. روشن است چنین امری با «ارائه آمار صحیح و برنامه ریزی دقیق» برای آینده امکان پذیر خواهد بود.

پایان پیام

بیانیه شماره یک اهالی محترم شهر سنندج

برپایه خبر رسیده از سنندج به روزشمار کارگری در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است : همان گونه که مستحضر هستید بیش از دو ماه از سال جدید گذشته است و هنوز دستمزد ما کارگران خباز تغییری به خود ندیده است . این عدم افزایش دستمزد در حالی است که مطلع شده ایم انجمن صنفی کارگران خباز طی نامه نگاری هایی که در باره افزایش دستمزد کارگران خباز با نهاد های مربوطه داشته است، بدون پاسخ مانده و تلویحا به نمایندگان کارگران اعلام گردیده که تنهادر صورتی گران شدن قیمت نان می توانند دستمزد انها را افزایش دهند .

بحث در باره گران شدن نان در شرایطی بیان می گردد که فقر وگرانی زندگی احاد مردم علی الخصوص کارگران را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده است .

ما کارگران خباز ضمن اینکه خواهان عدم افزایش قیمت نان می باشیم , می خواهیم دستمزدهایمان بر اساس مواد مندرج در قانون کار افزایش و احراز گردد .

به همین خاطر ما کارگران خباز تا سیزده ام خردادماه به نهاد های مربوطه فرصت خواهیم داد تا نسبت به افزایش دستمزد کارگران خباز بر اساس آخرین مصوبه شورای عالی کار که در مورخه ۲۱ اسفند ۱۳۹۱ تصویب شده؛ اقدام نمایند .

در غیر این صورت روز دوشنبه سیزده ام خرداد دست از کارهای خود خواهیم کشید واز مردم شریف شهر سنندج می خواهیم به دلیل اینکه در این روزها دچار کمبود نان نشوند به ذخیره سازی نان مصرفی خود اقدام نمایند.

کارگران خبازی های سنندج و حومه

مرگ کارگر جوان در اعماق چاه 13 متری

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است : ظهر امروز در خیابان مینی سیتی، ابتدای خیابان خسرو کارگر جوانی دراعماق چاه دچار برق گرفتگی شدوجانش راازدست داد. براساس این گزارش، در محل حادثه یک زمین گودبرداری شده به مساحت 500مترمربع دیده می شد که در وسط آن چاهی به عمق 13متر برای آزمایش خاک حفر شده و کارگری 26 ساله(از تبعه افغان) در آن مشغول کار بود.

در این حادثه کارگر جوان به همراه خود یک روشنایی برق را درون چاه برده بود و بنابر اظهار کارگر دیگری که در بالای چاه ایستاده بود وی لحظاتی قبل از پایین چاه فریاد می کشید که برق را فوری قطع کنید که کارگران پس از چند دقیقه با بدن بیحال وی در اعماق چاه روبرو شده بودند. آتش نشانان بی درنگ برق محل را قطع کرده و با بکارگیری تجهیزات به اعماق چاه رفتند و کارگر را به بیرون انتقال دادند که متأسفانه مرگ وی توسط امدادگران اورژانس تأیید شد. گفتنی است با توجه به عدم ریزش چاه و نبود گازهای سمی در آن احتمال می رود کارگر جوان بر اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داده باشد.

دبیر خانه کارگر تهران: افزایش حقوق در حد صفر بوده است

به نوشته سایت اصلاح طب جرس به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر تهران معتقد است اگر بالا بردن دستمزد با رشد تورم و قیمت‌ها متناسب نباشد هر طرحی که به منظور افزایش قدرت خرید مردم و حقوق بگیران ارائه شود بی تاثیر است. اسماعیل حق پرستی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر افزایش ناچیز دستمزد نیروی کار در مقایسه با رشد چند برابری قیمت محصولات نهایی ناعادلانه است. وی افزود: در این شرایط تورمی حتی افزایش به ظاهر 25 درصدی حقوق کارگران پاسخگوی یک سوم هزینه‌های نیست و همین مسئله باعث نارضایتی کارگران شده است. او با یادآوری اینکه در ماده 41 قانون کار مسئله چگونگی تعیین مزد به بهترین تعیین شده است گفت: تعیین دستمزد کارگر براساس نرخ تورم و تامین سبب معیشت خانوار نباید تعارضی با منافع کارفرمایان داشته باشد. این فعال کارگری افزود: در سبب هزینه خانوار کارگری، مسکن، خوراک و حمل و نقل بخش زیادی از درآمد ماهانه یک کارگر رابه خود اختصاص داده است و این در حالیست که در سالهای گذشته حقوق ریالی مربوط به این مزایای جانبی برای کارگران ثابت مانده است. حق پرستی همچنین با انتقاد از عملکرد اقتصادی دولت، شرایط فعلی اقتصاد کشور را برای معاش کارگران مناسب ندانست و گفت: با افزایش 25 درصدی حداقل مزد کارگران برای سال جاری حتی قادر به تامین معاش خانواده خود نیستند. دبیر اجرایی خانه کارگر تهران گفت: در این شرایط کارگران انتظار دارند که از یکسو دستمزد آنان به طور واقعی افزایش یابد و از سوی دیگر قیمت کالاها ثابت نگهداشته شود. او افزود: نگاهی به روند تغییرات دستمزد در سنوات گذشته نشان می‌دهد که میزان افزایش حداقل دستمزد در حالت سکون و در حد صفر بوده است. وی اظهار داشت: افزایش حقوق و دستمزد زمانی ارزشمند است که قدرت خرید کارگران را در پی داشته باشد و دولت بتواند قیمت‌ها در بازار را کنترل کند.

استمداد کارگران ایران کف رشت

برپایه خبر رسیده آمده است: کارخانه ایران کف رشت واقع در کیلومتر ۵ جاده رشت - تهران در حد فاصل فرعی بین جاده رشت - سنگر قرار دارد. این کارخانه در بهمن سال ۱۳۸۳ پس از برف سنگین تعطیل و کارگرانش بیکار شده اند. کارگران کارخانه از ابتدای بیکار شدن تا کنون به مبارزه علیه کارفرما، "عطاله صدر رفیع" پرداختند. این کارخانه متعلق به بخش خصوصی است. گفتنی است از ۷۰ کارگر باقی مانده ده نفر به تازگی بازنشسته شدند. ۳۰ نفر از کارگران دارای سابقه کار بین ۳۳ تا ۲۵ سال را دارند و ۳۰ نفر الباقی با سابقه در حدود سی سال منتظر دریافت حکم بازنشستگی گفتند "صدر رفیع" کارفرما با اعمال نفوذ در اداره کار و بیمه در جهت عدم پرداخت ۴٪ حق بیمه کار سخت زیان آور مبادرت کرده است و کارگران را تهدید کرده که باید از حق دریافت سنوات خدمتی که حدود ده میلیون تومان بوده و حتی بیست میلیون تومان دستمزد معوقه کارگران که جمعاً ۳۰ میلیون تومان می باشند دست بکشند تا نسبت به بازنشستگی آنان اقدام شود. با توجه به اینکه زمین

کارخانه به مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان جهت پرداخت بدهی به بیمه در سال ۹۱ فروخته شد و بقیه زمین کارخانه در رهن تامین اجتماعی بوده در ضمن بانک صنعت و معدن یک میلیارد و هفتصد میلیون تومان از کارخانه طلبکار است .

این درحالی است که "صدر رفیع" استاد دانشگاه آزاد رشت از طریق رانت خواری حداقل دارای سه کارخانه در شاخه های مختلف صنعت مانند صنایع بهداشت و ... و همچنین مالک سه باب خانه میلیاردری در خیابان پاسداران تهران و منطقه منظره رشت بوده است .
کارگران علیرغم مبارزه طولانی از سال ۸۳ به بعد مانند تجمع اعتراضی در مقابل کارخانه، استانداری و فرمانداری تا کنون نتوانسته اند به مطالبات پایه ای و اولیه خود به علت اعمال نفوذ "صدر رفیع" ضد کارگردست یابند شایان ذکر است کارگران فاقد امکانات مالی جهت به کار گرفتن وکیل در مجراهای اداری و حقوقی می باشند . لذا بدینوسیله دست همیاری به سوی سایر کارگران و همزنجیران خود همفکری و دستیابی به وکیل دراز می کنند.

کارگران یراق سازان رشت همچنان سرگرداند

برپایه خبر رسیده آمده است : این شرکت در جاده لاکان کیلومتر قرار داشت که در برف بهمن سال ۱۳۸۳ تخریب شد . کارگران از تاریخ فوق بیکار شدند. کارخانه به بخش خصوصی متعلق و کارفرمای کارخانه فردی است به نام حسن زاده در این شرکت در سال ۱۳۸۳ بیش از ۱۴۰ نفر کارگر مشغول به کارند که ۱۲۲ نفر قراردادی و ۱۸ نفر استخدامی بودند کارگران قراردادی تسویه حساب نموده اند و هر کدام یک سال بیمه بیکاری دریافت نموده اند .

کارگران استخدامی تا سال ۱۳۸۶ بیمه بیکاری دریافت می کردند . در این زمان اداره کار به کارگران فشار آورد که بیاید تسویه حساب کنید . چون کارخانه کار نمی کند و ماشین آلات آن به تهران و سپس قزوین منتقل شده است و حاضر به پذیرش شما کارگران نمی باشد. در نتیجه باقی مانده کارگران با ۲۷ روز حقوق تسویه حساب کردند. و اداره کار هم طی حکمی آن را محاسبه کرد . در این میان مالک و کارفرمای کارخانه نسبت به رای اداره کار اعتراض کردند که چرا ۱۶ ماه "حق سعی" برای کارگران محاسبه نشد .

اعتراض کارفرما به دیوان اداری ارجاع شده و وی به پرداخت حق سعی محکوم شد . کارفرما دبه در آورده و فرصت طلبانه عنوان کرد که کارخانه خراب است و پول برای پرداخت به شما ندارم دولت باید به من وام بدهد تا من بتوانم به شما پول بدهم از آنجا که وی به بانک بدهی قبلی داشته است بانک حاضر نشد به وی وام بدهد . در نتیجه طی نشست کارفرما و نماینده کارگران در اداره صنایع استان قرار شد چکی به مبلغ ۱۵۵ (صد و پنجاه و پنج میلیون) در وجه نمایندگان کارگران پرداخت شود کارفرما یک چک در وجه شیری که حراست صنایع بود پرداخت کرد که پس از یک سال و نیم در سال ۱۳۸۷ چک مزبور اعتبار نداشت و در نتیجه برگشت خورد . در سال ۱۳۸۹ اداره صنایع استان و استانداری با کارفرما جلسه ای برگزار کرده و قرار شد کارفرما چک دیگری بدهد که کارگران اعتراض کردند و گفتند چک باید به نام کارگران باشد قابل ذکر است نماینده استانداری افلاکی نماینده حراست صنایع استان شیری و رئیس صنایع اصغریان در این جلسه حضور داشتند .

در نتیجه چک هایی به نام کارگران صادر شد و قرار شد که کارفرما ظرف ۳ ماه طبق گفته شیری این چک ها نقد شود ولی کارفرما بهانه آورد که نتوانست وام بگیرد در نتیجه کارگران دستشان خالی ماند در تاریخ کارگران به استانداری رفتند و اعتراض کردند . افلاکی نماینده استانداری گفت بروید چکهایتان را برگشت زدید نمایند صنایع گفت آقای نصیری وکیل صنایع هم پیگیر کار شما می شود. در تاریخ ۱۲/۱۰/۹۰ چک ها برگشت خورد و طی چند جلسه دادگاه حکم محکومیت کارفرما داده شد . کارفرما سه بار پرونده را واخواهی کرد در این مدت کارفرما با چند نفر از کارگران و بطور شخصی تماس گرفت و گفت می تواند در ازای طلب ۸ الی ۹ میلیون تومانی آنها نفری ۵ میلیون داده تا آنها رضایت بدهند از میان کارگران ۹ نفر رضایت داده و الان حدود ۷ نفر دیگر باقی مانده اند و حاضر به اینکار نشده اند و منتظرند تا حکم قطعی صادر شود .

بخشی از اموال حسین زاده کارفرمای کارخانه عبارتست از ۳ هکتار زمین روبروی کارخانه در جاده لاکان اموال حق زاده ، دفتر مرکزی در تهران زمین خود کارخانه ۸ هکتار ماشین آلات کارخانه شهر صنعتی به هشتگرد کرج انتقال یافت است .

فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

دبیر خانه کارگر تهران: افزایش حقوق در حد صفر بوده است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر تهران معتقد است اگر بالا بردن دستمزد با رشد تورم و قیمت‌ها متناسب نباشد هر طرحی که به منظور افزایش قدرت خرید مردم و حقوق بگیران ارائه شود بی‌تاثیر است.

اسماعیل حق پرستی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر افزایش ناچیز دستمزد نیروی کار در مقایسه با رشد چند برابری قیمت محصولات نهایی ناعادلانه است. وی افزود: در این شرایط تورمی حتی افزایش به ظاهر ۲۵ درصدی حقوق کارگران پاسخگوی یک سوم هزینه‌های نیست و همین مسئله باعث نارضایتی کارگران شده است.

او با یادآوری اینکه در ماده ۴۱ قانون کار مسئله چگونگی تعیین مزد به بهترین تعیین شده است گفت: تعیین دستمزد کارگر براساس نرخ تورم و تامین سبد معیشت خانوار نباید تعارضی با منافع کارفرمایان داشته باشد.

این فعال کارگری افزود: در سید هزینه خانوار کارگری، مسکن، خوراک و حمل و نقل بخش زیادی از درآمد ماهانه یک کارگر رابه خود اختصاص داده است و این در حالیست که در سالهای گذشته حقوق ریالی مربوط به این مزایای جانبی برای کارگران ثابت مانده است.

حق پرستی همچنین با انتقاد از عملکرد اقتصادی دولت، شرایط فعلی اقتصاد کشور را برای معاش کارگران مناسب ندانست و گفت: با افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد کارگران برای سال جاری حتی قادر به تامین معاش خانواده خود نیستند.

دبیر اجرایی خانه کارگر تهران گفت: در این شرایط کارگران انتظار دارند که از یکسو دستمزد آنان به طور واقعی افزایش یابد و از سوی دیگر قیمت کالاها ثابت نگهداشته شود. او افزود: نگاهی به روند تغییرات دستمزد در سنوات گذشته نشان می‌دهد که میزان افزایش حداقل دستمزد در حالت سکون و در حد صفر بوده است. وی اظهار داشت: افزایش حقوق و دستمزد زمانی ارزشمند است که قدرت خرید کارگران را در پی داشته باشد و دولت بتواند قیمت‌ها در بازار را کنترل کند.

پایان پیام

مرگ دلخراش مکانیک جوان در بزرگراه امام علی

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است: عصر روز گذشته برخورد شدید یکدستگاه خودرو سواری با خودرو نیسان امداد رسان مرگ دلخراش مکانیک جوان و مصدومیت شدید راننده خودرو سواری را در پی داشت.

مهدی بیاتی رئیس ایستگاه دو در این باره گفت: بنا به گفته شاهدان، یکدستگاه خودرو سواری که از مسیر شمال به جنوب بزرگراه امام علی در حال حرکت بود به شدت با یک خودرو وانت نیسان امداد رسان که در کنار بزرگراه متوقف شده و در حال امداد رسانی به یک خودروی دیگر بود برخورد و در نهایت متوقف شده بود. وی ادامه داد: شدت این حادثه به حدی بود که مرگ مکانیک 31 ساله به تائید امدادگران اورژانس تائید شد و راننده خودرو سواری نیز درون خودرو به شدت دچار آسیب دیدگی شده بود.
دوازدهم خردادماه 1392

رئیس مجمع عالی نمایندگان اعلام کرد: اختلاف بر سر انتخاب رئیس نمایندگان کارگری ایران در ILO

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: رئیس مجمع عالی نمایندگان کارگران از بروز اختلاف میان تشکل متبوعش با دو تشکل رسمی کارگری دیگر درباره شیوه انتخاب رئیس نمایندگان کارگری ایران در اجلاس امسال سازمان جهانی کار خبر داد.

به گزارش ایلنا، «محمد یاراحمدیان» شامگاه یکشنبه در يك نشست خبری، با انتقاد از نحوه معرفی سرپرست هیات اعزامی کارگران ایرانی به اجلاس سازمان بین المللی کار، اظهار کرد: با اینکه انتظار می‌رفت تا توافقی میان سه تشکل کارگری (شوراهای اسلامی کار، انجمن‌های صنفی و مجمع عالی کارگران کشور) برای انتخاب سرپرست هیات اعزامی صورت بگیرد اما متأسفانه دو تشکل دیگر کارگری (شوراها و انجمن‌های صنفی) از امضای صورتجلسه یاد شده خودداری کردند تا توافقی در این خصوص حاصل نشود.

یار احمدیان در ادامه بیان داشت: در صورتی که روش کار به این طریق است که به صورت گردش این مسئولیت میان تشکل‌های کارگری با یک نظم و روال منطقی واگذار شود اما در دوره‌های گذشته این امر محقق نشد و همواره از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دو تشکل دیگر کارگری به شیوه‌ای غیر اخلاقی نادیده گرفته شده‌اند.

رئیس هیات مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور بیان داشت: امسال تصمیم داریم در صورتی که پیش از اجلاس سازمان بین المللی کار، این موضوع حل و فصل نشود اعتراض خود را به شکل مکتوب نسبت به این تبعیض و شیوه غیر اخلاقی در کمیته اعتبار نامه‌های سازمان جهانی کار مطرح کنیم.

یاراحمدیان همچنین از اعزام دو نماینده به اجلاس امسال سازمان جهانی کار از جانب تشکل متبوعش خبر داد.

گفتنی است بروز اختلاف میان تشکل‌های رسمی کارگری بر سر انتخاب «رئیس» در حالی با برگزاری جلسه مطبوعاتی ویژه به سطح رسانه‌ها رسیده است که با توجه به سابقه و عملکرد نمایندگان کارگری در دوره‌های گذشته سازمان جهانی کار، فعالان مستقل کارگری به اصل برنامه‌ریزی و اعزام نمایندگان منتسب به کارگران از جانب دولت اعتراض دارند.

پایان پیام

تماس مقامات قضایی با بهنام ابراهیم زاده برای برگشت فوری به زندان

برپایه خبر رسیده آمده است: امروزدوشنبه سیزدهم خردادماه از دفتر دادیار ناظر بر زندان آقای خدابخشی با بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و کودکان تماس گرفته اند که همین امروز باید خود را به زندان معرفی کند. بهنام ابراهیم زاده در پاسخ به این درخواست به مقامات قضایی تاکید کردند، که تحت هیچ شرایطی امروز نمی توانم به زندان برگردم، مقامات نیز گفته اند، در صورتی که به زندان برنگردید با حکم جلب شما را به زندان بر می گردانیم. این در حالی است که نیما ابراهیم زاده فرزند بیمار این کارگر معترض زندانی در وضعیت خوبی نیست و در منزل بستری و تحت مراقبت می باشد، اما مقامات تاکید دارند که بهنام به زندان برگردد. مسئولین در حالی برای برگشتن بهنام به زندان پافشاری می کنند که به تازگی پزشك قانونی تهران و پزشکان بیمارستان محك نیما را معاینه و وضعیت وی را تایید کرده اند. در این شرایط بهنام باید در کنار فرزند بیمارش و خانواده اش باشد.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده از تمامی تشکلهای کارگری وجدانهای بیدار و انساندوست میخواهد در این شرایط خطیر به کمک و حمایت خانواده ابراهیم زاده بشابند.
13 خرداد ماه 1392
کمیته حمایت از بهنام ابراهیم زاده

بازرس اتحادیه کارگران پتروشیمی بندر امام مطرح کرد: تحریم پتروشیمی توسط آمریکا معیشت هزاران کارگر را هدف گرفته است

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: بازرس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام با اشاره به تحریم ۸ شرکت پتروشیمی فعال در ایران توسط کشورهای غربی، عدم مقابله هوشمندانه با این تحریمها را موجب تهدید امنیت شغلی هزاران کارگر شاغل در این صنعت دانست.

«امید پروین» در این باره به ایلنا گفت: چنانچه در مقابل تحریمها منفعلانه عمل کنیم، شاهد تعدیل گسترده نیروی کار پتروشیمیها و تعویق حقوق کارگران باقی مانده خواهیم بود.

وزارت خزانهداری آمریکا روز جمعه دهم خرداد ماه سال 92، هشت شرکت پتروشیمی بندرامام، پتروشیمی بوعلی سینا، پتروشیمی مبین، پتروشیمی نوری، پتروشیمی پارس، پتروشیمی شهیدتندگویان، پتروشیمی شازند و پتروشیمی تبریز را در فهرست شرکتهای تحریمی قرار داد. وی در بخش دیگری از این گفتگو با انتقاد از خدمات ایمنی ارائه شده به کارکنان کارخانههای پتروشیمی، افزود: برای مثال در کارخانه پتروشیمی کارون (که من در آن شاغل هستم) کارگران از لباس ایمنی مناسب برخوردار نیستند.

آقای پروین در پایان تصریح کرد: تحریمها از یک طرف، مشکلاتی برای مجتمعهای پتروشیمی و مدیریت آنها به وجود می آورد و از طرفی بیشترین ضربه را به کارگران وارد می آورد. تحریمها در واقع معیشت کارگران ایرانی را هدف قرار داده است.

پایان پیام

مرگ کارگر جوان در قم

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 12 خرداد 92 آمده است: مهدی فراهانی معاون مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی استان قم گفت: در حادثه ای که ساعت 9 و 55 دقیقه صبح امروزه وقوع پیوست کارگر جوانی هنگام کار با دستگاه دچار حادثه شد و جان خود را از دست داد.

برق جان کارگری را در عمق ۱۳ متری زمین گرفت

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: ظهر دیروز یک کارگر ۲۶ ساله بر اثر برق گرفتگی در عمق ۱۳ متری چاهی واقع در خیابان خسور منطقه مینی سیتی شهر تهران جان باخت.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، این حادثه زمانی رخداد که کارگر قربانی برای آزمایش خاک در عمق ۱۳ متری زمینی گود برداری شده مشغول کار بود.

علت حادثه برق گرفتگی ناگهانی سیستم روشنایی که این کارگر به همراه خود داشته عنوان شده است. بر اساس این گزارش مرگ این کارگر جوان که توسط گروههای امداد و نجات به بیرون از چاه انتقال یافته بود، تایید شده است.

طبق اظهارات کارشناسان امداد و نجات با توجه به عدم ریزش چاه و نبود گازهای سمی در چاه این کارگر جوان بر اثر برق گرفتگی جان خود را از دست داده است.

پایان پیام

اعتصاب رانندگان تاکسی در کامیاران

به گزارش رسیده، رانندگان تاکسی در شهر کامیاران در روز شنبه 11 خرداد دست به اعتصاب زدند. رانندگان اعتصابی خواهان افزایش کرایه تاکسی از 200 تومان به 400 تومان شدند. این چندمین بار است که رانندگان تاکسی شهر کامیاران دست به اعتصاب می زنند. در پی این اعتصاب بسیاری از مسافران مجبور شدند مسیرهای خود را پیاده طی کنند. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-12 خرداد 1392

اعلام اسامی نمایندگان ایران در اجلاس: ILO ۱۷ نفر به نیابت از کارگران عازم ژنو می‌شوند/ ۲۴ نماینده کارفرمایان دولتی و خصوصی

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: ترکیب اعضای هیات ۳۱ نفره کارگران، کارفرمایان و دولتمردان ایرانی شرکت کننده در کنفرانس پیشروی سازمان جهانی کار مشخص شد و به این ترتیب در این اجلاس که عمدتاً مسائل مربوط به کارگران مورد بحث قرار می‌گیرد، کارگران با ۷ نماینده و دولت و کارفرمایان با ۲۴ نماینده برای شرکت در اجلاس ILO عازم ژنو خواهند شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در حالی که قرار است یکصد و دومین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار از ۵ تا ۱۵ ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی (۱۵ تا ۳۰ خرداد ماه سال ۹۲) در شهر ژنو سوئیس برگزار شود ترکیب اعضای هیات‌های کارگری، کارفرمایی و دولتی شرکت کننده در این اجلاس مشخص شد. بر اساس این گزارش، اعضای گروه کارگری شامل آقایان هادی سعادت، مجید درویش و علی اکبر سیارمه از جانب کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری، سید محمد یاراحمدیان، فیروز عبدی از مجمع عالی نمایندگان کارگری، محمد گل بامری و اولیا علی‌بیگی از کانون عالی شوارهای اسلامی‌کار هستند. در این هیات سمت رئیس و جانشینی به ترتیب با آقایان سعادت و یار احمدیان بوده و سایر اعضا به عنوان مشاور حضور خواهد داشت.

همچنین در ترکیب امسال هیات کارفرمایی آقایان محمد عطاردیان، اصغر آهنی‌ها، محمد زید آبادی، سید حسن افتخاریان، غلامعلی قرائی، مهران نجاتی، شمس الدین شاهرخوا و خانم‌ها شهره تصدیقی و کتایون سپهری از کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران حضور دارند.

در این هیات سمت ریاست برعهده آقای عطاردیان بوده و سایرین با عناوین دیگری از جمله مشاور حضور دارند. در ترکیب هیات دولتی اجلاس پیشروی سازمان جهانی کار نیز آقایان اسد الله عباسی به عنوان وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی ریاست هیات را برعهده دارد.

همچنین سید محمد رضا سجادی نماینده ایران در دفتر سازمان جهانی کار، رضا کریمی‌نژاد مشاور وزیر و مدیرکل دفتر وزارتی، رضا علی صادقی مدیرکل امور مالی، عباس یزدانی کارشناس ارشد وزارت امور خارجه و خانم مریم نیک نام مشاور حوزه زنان و خانواده در قالب اعضای هیات همراه وزیر کار، وی را در این اجلاس همراهی خواهند کرد.

بر این اساس آقایان محمد تقی حسینی قائم مقام وزیر درامور بین الملل، رحیم بهزاد و امیر حسین شاهمیر مدیرکل دفتر امور بین الملل و پیروز سعادت‌ی معاون وقت مدیرکل بین الملل وزارت کار به عنوان نمایندگان و مشاوران دولت در این اجلاس حضور خواهند داشت.

از سوی دیگر آقایان براتعلی حسن‌پور گیلان، مرتضی حسن آبادی، حمید رضا ریاکا و خانم سوسن غلامرضایی به عنوان مشاور هیات دولتی را همراهی خواهند کرد.

پایان پیام

یک فعال کارگری انتقاد کرد: نمایندگان کارگران در ILO تنها تشکل‌های خود را نمایندگی می‌کنند

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: یک کارشناس مسائل کارگری با اشاره به برگزاری اجلاس سازمان جهانی کار از نیمه خردادماه، درباره حضور افراد «توصیه شده» به عنوان نمایندگان جامعه کارگری در این اجلاس انتقاد کرد.

«محمدرضا عمادی» در این باره به ایلنا گفت: افرادی که به عنوان نمایندگان جامعه کارگری در مجامع بین المللی حضور پیدا می‌کنند باید منتخب صد در صدی جامعه کارگری باشند. وی ادامه داد: این در حالی است که نمایندگان فعلی، بیشتر از آنکه نماینده کارگران باشند توسط وزارت کار انتخاب شده‌اند. به گفته این فعال کارگری، اعضای گروه کارگری عازم اجلاس سازمان جهانی کار، حداقل باید درک درستی از مشکلات کارگران داشته باشند. آقای عمادی در پایان تصریح کرد: افراد فعلی، بیش از آنکه نماینده کارگران باشند نمایندگان منافع تشکل‌های خود هستند.

گفتنی است، سازمان بین‌المللی کار یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می‌پردازد. تاکید آن بر سه جانبه‌گرایی و مقر آن در شهر ژنو در کشور سوئیس است. این سازمان هر سال در خرداد ماه، اجلاسی با حضور همه کشورهای عضو از جمله ایران برگزار می‌کند. در این اجلاس که عمدتاً مسائل مربوط به کارگران مورد بحث قرار می‌گیرد، کارگران با 7 نماینده و دولت و کارفرمایان با 24 نماینده برای شرکت در اجلاس ILO عازم ژنو خواهند شد. اعضای گروه کارگری شامل آقایان هادی سعادت، مجید درویش و علی اکبر سیارمه از جانب کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری، سید محمد یاراحمدیان، فیروز عیدی از مجمع عالی نمایندگان کارگری، محمد گل بامری و اولیا علی‌بیگی از کانون عالی شوارهای اسلامی کار هستند.

پایان پیام

مرکز آمار ایران: نرخ تورم اردیبهشت ماه: 31 درصد - نرخ تورم نقطه به نقطه: 38.2 درصد

بر پایه خبر پارسینه در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: مرکز آمار ایران، نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه 92 را 31 درصد و نرخ تورم نقطه به نقطه (ماهانه) را 38.2 درصد اعلام کرد. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش منتشره شاخص بهای کالا و خدمات مصرفی خانوارهای شهری براساس سال پایه 1390 را در دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه سال جاری را 31 درصد و میانگین تورم نقطه به نقطه اردیبهشت ماه را 38.2 درصد اعلام کرد.

بر اساس این گزارش، شاخص قیمت (تورم) خوراکیها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در دوازده ماهه منتهی به اردیبهشت ماه نسبت به دوره مشابه سال قبل 49.6 درصد، خوراکیها 20.48 درصد، نان و غلات 28.8 درصد، گوشت قرمز و سفید و فرآورده‌های آنها 8.52 درصد، شیر، پنیر و تخم مرغ 8.51 درصد، روغن‌ها و چربی‌ها 47.9 درصد، مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوخت‌ها 17.7 درصد، مسکن 6.18 درصد، اجار 4.18 درصد، بهداشت و درمان 24.6 درصد و حمل و نقل 27.6 درصد اعلام شده است.

شاخص کل قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری بر اساس سال پایه 90 در فروردین ماه سال 92 معادل 8.29 درصد، اسفندماه 91 معادل 6.28 درصد، بهمن ماه 27.4 درصد، دی ماه 20.26 درصد، آذرماه

۲۵,۶ درصد، آبانماه ۲۵,۱ درصد، مهر ماه ۸,۲۴ درصد، شهریورماه ۲۴,۷ درصد، مرداد ۱,۲۵ درصد، تیر ۲۵,۵ درصد، خرداد ۸,۲۵ درصد، اردیبهشت ۲,۲۶ درصد و فروردین ماه سال گذشته معادل ۲۶,۵ درصد بود. لینک گزارش کامل :

http://www.amar.org.ir/Portals/0/Files/reports/g_nt_92-02.pdf

بزرگ‌ترین کارخانه کاغذسازی کشور آتش گرفت

به نقل از خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 13 خرداد 92 آمده است: فرماندار شوش گفت: به دنبال آتش سوزی در بزرگ‌ترین کارخانه کاغذسازی کشور که در شوش واقع شده است، چهار تن باگاس (تفاله نیشکر) در آتش سوخت.

این آتش سوزی که از ساعت ۱۶ عصر دیروز رخ داد سرانجام در ساعت ۲ بامداد امروز مهار شد. به گفته علیرضا سعیدنیا فرماندار شوش این حادثه تلفات جانی در بر نداشته و هیچ یک از پرسنل آتش نشانی نیز مصدوم نشده‌اند.

فرماندار شوش تصریح کرد: تیم بحران شهرستان تشکیل شده و هم‌اکنون نیز در محل آتش سوزی حاضر هستند.

وی ادامه داد: همه نیروهای آتش نشان از شهرهای شوش، شوش‌تر، شاور و حر به محل حادثه اعزام شده‌اند و در حال اطفای حریق هستند.

سعیدنیا با اشاره به خسارت مالی به این کارخانه بیان کرد: آتش‌سوزی تاکنون سه تا چهار تن باگاس (تفاله نیشکر) را سوزانده و به انبار این کارخانه خسارت وارد کرده است.

گفته می‌شود وزش باد شدید عصر روز گذشته باعث آتش گرفتن تفاله‌های نیشکر شد چرا که همواره باید روی آن‌ها به مانند آب‌پاش آب ریخته شود که عدم آب‌پاشی به موقع باعث آتش سوزی این انبار شده است.

بر اثر این آتش سوزی مقدار بسیار زیادی از این انبار در آتش سوخته است، به حدی که تا آمدن فصل درو نیشکر که آبان خواهد بود، احتمالاً این شرکت با کمبود تفاله نیشکر مواجه می‌شود.

تفاله نیشکر حدود ۲ و نیم درصد الکل و حدود ۲ درصد هم شکر دارد که این دو باعث می‌شود که بر میزان التهاب آتش افزوده شود، از این رو مدام خصوصا تابستان‌ها باید بر تفاله‌ها آب پاشیده شود؛ اما نکته جالب اینکه سال گذشته روی باگاس مایع پخت خمیر کاغذ ریخته شده که باعث خشکی و اشتعال بیشتر شده است.

گفته می‌شود کارخانه کاغذسازی پارس که در هفت تپه از نواحی شوش دانیال واقع است، بزرگ‌ترین کارخانه کاغذسازی کشور محسوب می‌شود.

پایان پیام

آخرین خبر از وضعیت فعال کارگری جلیل محمدی

بنا به گزارش دریافتی به سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 14 خرداد 92 آمده است: با گذشت بیش از یک ماه از بازداشت جلیل محمدی فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی خانواده و دوستان نام‌برده هنوز از وضعیت وی و مدت بازداشتش بی‌خبرند.

علیرغم اینکه روز جمعه دهم خردادماه از سوی اداره اطلاعات سنندج به خانواده جلیل محمدی اطلاع داده شده بود که روز شنبه جلیل با خانواده‌اش تماس تلفنی خواهد گرفت و از وضعیت خودش آنها را مطلع خواهد کرد ولی روز شنبه نه تنها از تماس تلفنی جلیل خبری نبود بلکه مادر وی نیز که به ستاد خبری اداره اطلاعات سنندج مراجعه کرده بود، با جواب سریالای مامورین مواجه شده و به وی گفته بودند که هنوز پرونده جلیل تکمیل نشده و فعلاً با او کار داریم چون جلیل به تماسهای ما جواب نداده است و می‌بایست پس از آزادی از کرج خودش را به ما معرفی می‌کرد ولی اینکار را نکرده است؛ همچنین در مراسم اول ماه مه و دیگر مراسم‌ها شرکت داشته است. در طول مدتی که جلیل محمدی در بازداشت اداره اطلاعات به سر می‌برد تنها 2 بار تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش داشته است.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم نمودن تداوم بازداشت جلیل محمدی به اتهامات واهی، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط وی و دیگر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی می‌باشد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
۱۴ خرداد ۱۳۹۲

نامه شکایت آمیز و اعتراضی مادر ستار بهشتی

خانم گوهر عشقی مادر شهید ستار بهشتی در يك نامه ي اعتراضی به دست اندرکاران بیت ولي فقيه به خانواده‌هاش اعتراض کرد و خواستار پیگرد قاتل فرزندش شد. خانم اذیت و آزارهای مأموران وزارت اطلاعات علیه عشقی در نامه خود نوشته است: «در این روزگار ما، مأموران امنیتی برای رسیدن به هدف خود که همانا فرار از چنگ عقاب و عدالت است، نه تنها از ارسال پرونده به دادگاه ممانعت به عمل می‌آورند بلکه فشار و تهدید بر علیه ما را مضاعف کرده، دخترم را هدف قهر خود قرار داده‌اند و او را در خیابان و معابر مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند. چنانکه در زندگی روزمره ما نیز اخلال ایجاد کرده‌اند. حاشا که آنان هنوز ایستادگی و غیرت مادری داغ‌دیده را ندیده‌اند و گمان می‌برند با این آزارهای کودکانه و افکار سست می‌توانند مانع از پیگیری خون فرزندم توسط مادر داغدارش شوند». مادر ستار بهشتی قبلا نیز تهدید کرده بود در صورت عدم رسیدگی و پاسخگویی به خواسته اش در برابر دادگستری دست به تحصن خواهد زد

اعتراض کارگران شرکت خدماتی پاک اندیش خان میرزا، وابسته به پالایشگاه پارسیان به رفتار ناشایست پیمانکار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ 14 خرداد 92 آمده است : ، ازاعتراض کارگران شرکت خدماتی پاک اندیش خان میرزا، وابسته به پالایشگاه پارسیان به برخورد ناشایست و ناسزاگویی کارفرما در محیط کار، خبرداد.
بنا بهمین گزارش، هفت نفر از کارگران يك شرکت پیمانکاری در شهرستان مهر واقع در استان فارس به نمایندگی از ۵۰ نفر از کارگران این شرکت به آنچه برخورد ناشایست، توهین آمیز و ناسزاگویی کارفرما در محیط کار می‌خواندند اعتراض کردند.
چهاردهم خردادماه 1392

تجمع مردم نرده به خاطر گرانی نان

به گزارش خبرنگار ایران کارگر از ارومیه، با توجه به سهمیه بندی آرد و ناپایب آن اغلب نانوايي ها در شهر هاي استان آذربایجان غربي تعطیل شده اند، یکی از شهروندان ارومیه در این خصوص خبر داد که روز یکشنبه 12 خرداد شهرهاي مختلف استان از جمله نرده، اشنویه ، پیرانشهر کمبود نان، موجب ایجاد اعتراض و تنش جدیدی شد و بطور مشخص مردم نرده نسبت به این موضوع تجمع اعتراضی برپا کردند. یکی از شهروندان در این خصوص گفت نانوايي ها آرد ندارند که نان پخت کنند، حالا اصلي ترين غذاي محرومترین اقشار جامعه یعنی نان هم از سفره خالي مردم گرفته شده و همین امر موجب بروز تأثرات روحي و رواني در بين مردم گردیده است.

من نیما ابراهیم زاده فرزند بهنام ابراهیم زاده ام و از شما سئوالی دارم؟

برپایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در 14 خرداد 92 آمده است : از شما سئوالی دارم؟ من بکجا باید پناه ببرم، کجا باید فریاد بزنم و بگم به چه جرمی باید اینقدر درد و رنج بکشم؟ شما بگید جرم من چیست؟

آهای: شما انسانها، شما وجدانهای بیدار، شما که سازمان درست کرده اید و میگوئید مدافع حقوق کودکان هستید، شما که میگوئید نهادهایی هستیم که کودکان سرطانی را مورد حمایت قرار میدهیم، شما که مدافع حقوق انسان و انساندوست هستید، شماهایی که مثل پدر من کارگر هستید: من امروز به شما نیاز دارم فردا شاید خیلی دیر باشد. من در این روزهای سخت به شما روی آورده ام، از شما چیزی نمیخواهم جز اینکه خواهان آزادی پدرم باشید. من در این روزهای سخت شیمی درمانی میخواهم پدرم را در کنارم داشته باشم، من در مقابله با سرطان میخواهم پدرم را نیز در کنارم داشته باشم. آیا این خواست زیادی است؟ شما بگوئید؟

نیما ابراهیم زاده هستیم، در تهران زندگی میکنم. تقریباً ۶ ماه پیش طی آزمایشاتی دکترها تشخیص دادند که من مبتلا به سرطان خون هستم. از عواقبش و از مراحل درمانی و غیره تاکنون دکترهای بیمارستان محک برایم بسیار گفته اند معالجه ام سخت سرطان است، سرما خوردگی نیست، شوخی هم نیست. بعضی وقتها از این همه دارو که مصرف میکنم که تماماً بیحالم میکند، خسته میشم. ولی باز پدرم، مادرم و دوستان خوبم من را تشویق میکنند که من میتونم دوباره سلامتی کاملم را بدست بیاورم. توصیه میکنند، آرامش داشته باشم، صبور و قوی باشم.

شما بگوئید من در این شرایط چطور قوی، صبور و آرام باشم؟
نمیدانم دردهای خودم را بازگو کنم یا دردهای پدرم را؟ نمیدانم؟ آیا فرقی هم میکند؟ شاید شما آدمهای بزرگتر و تجربه دارتر بتوانید من را درک کنید که در چه دوران سختی زندگی میکنم و هر لحظه اش چقدر سخت است. احساس میکنم نه دردهایم را پایانی هست، نه رنج و مشقتی که هر روزه به من تحمیل می شود.

من مرتب میرم روی اینترنت و در مورد مریضی خودم مطالعه میکنم. یکی از دلایل گسترش و شروع سرطان را شوک و استرس عصبی بیش از حد تشخیص داده اند، اگر چه مراکز تحقیقی میگویند بطور قطع نمیتوان گفت چه میزان در این بیماری نقش دارند اما میدانند که استرس بیش از حد باعث میشود که مریض روند بهبودیش مخاطره آمیز و طولانی تر شود.

بگذارید رک به شما بگویم، من میخواهم زنده بمانم، میخواهم زندگی کنم. آیا این خواست زیادی است؟ میدانم زندگی کردن در این دنیای که من مبینم سخت و چه بسا برای کودکانی همچون من بسی سخت تر است. ولی تصور اینکه دل مادر و پدرم را بشکنم و این دنیای لعنتی را ترک کنم، برایم سخت تر است. نمیخواهم با غم از دست دادن من شب و روزشان سیاه شود. راستش بعضی وقتها سرم را زیر بالشم میگذارم و پنهانی برای خودم گریه میکنم. برای آنها گریه میکنم که در نبود من چقدر روزها و زندگیشان دردناکتر از امروز خواهد شد.

زندگی در این چند ماه همراه با تحمل مریضی سرطان و همچنین در غیاب پدر عزیزم من را خیلی زودتر بزرگ و با تجربه کرده است! پدرم همیشه به من گفته که حق کسی را نباید پایمال کرد. به من درس انسانیت داده است. پدرم از درد کارگران و مردم فقیر صحبت میکند. پدرم از کودکانی برایم صحبت میکند که سقف پلها، سقف خانه هایشان و تکه های مقوا تخت خوابشان است. بابام همیشه از احترام به انسانها صحبت کرده است. حالا دوست دارم بدانم چرا برای این حرفهای منطقی و این همه دلسوزیها او باید در زندان به سر ببرد و در کنار من نباشد؟ من به پدرم نیاز دارم، واقعا نیاز دارم. هر وقت دلم میگیره میاد سربه سرم میگذاره، باهام کشتی میگیره، هر جوری شده میخواهد شاد باشم. آیا این چنین پدری باید جایش در زندان باشد.

من میدانم در این مدت ما دوستان زیادی پیدا کردیم و ما را به همه لحاظ حمایت کرده اند. من از همه شون تشکر میکنم. چون این حمایتها باعث شد به پدرم مرخصی بدهند و مدتی بر بالینم باشد و دست نوازش او را بر تنم و وجودم احساس کنم.

هر لحظه آرزو میکنم که کسی زنگ بزند و بهم بگن که بابات برای همیشه پشت میماند. آزاد است. اما مگر صاحبان زندان و زندانبانها ما را راحت میگذارند. با هر تلفنی تن هر سه تای ما را میلرزاند. امروز هم یکی از

اون روزها بود. نمیدانم برای خودم ناراحت باشم یا برای بغض پدرم که پشت تلفن داد میزد من به زندان برمیکردم ولی امروز نه! به پسرم قول دادم باهانش به دکتر برم. دلم برای اشکهای مادرم که سرازیر شده و زمین زمان را نفرین میکرد میسوزد من از همه شما که صدای من رو میشنوید و نوشته من را میخوانید میخواهم که من و خانواده ما را حمایت کنید. آهای وجدانهای بیدار بشریت، مگر توقع زیادی است که بخواهی پدرت در کنارت آزاد باشد، شما بگوئید. نیما ابراهیم زاده چهاردهم خرداد ۹۲ باز تکثیر از کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده ، آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

کودکان خیابانی بازماندگان از تحصیل

ثبت نام دانش آموزان در مدارس شروع شده است، اما بسیاری از کودکان میهن ما در خیابانها بجای رفتن به مدرسه، همچنان به دستفروشی، گلفروشی، و کار در خیابان مشغولند. گزارش مرکزآمار ایران نشان می دهد دو میلیون و پانصد هزارکودک کار در ایران صبح را به شب می رسانند . ثبت نام مدارس آغاز می شود درحالی که تبعیض بین مدارس با رتبه بندی مدارس و معلمان قانونی و رسمی شده است. برآستی رتبه بندی معلمان و مدارس چه معنایی دارد؟ آیا معنای آن چیزی جز طبقاتی شدن آموزش و پرورش نیست. ثبت نام مدارس شروع می شود در حالی که بسیاری از مدارس کشور تخریبی اند و یا در مقابل زلزله مقاوم نیستند. رییس سازمان نوسازی مدارس روز چهارم اردیبهشت سال جاری گفت: 150 هزار کلاس درس خشت و گلی در کشور هست که فاقد استاندارد و ایمنی هستند . 41درصد کلاسهای درس استان آذربایجان غربی استاندارد لازم ایمنی را ندارند. تازه این در حالیست که بسیاری از کلاسهای عشایری در کپرها تشکیل می شود. ثبت نام مدارس آغاز می شود در حالی که هزاران دانش آموز بازمانده از تحصیل به خیل کودکان خیابانی می پیوندند. بر اساس اعلام مرکز آمار آموزش و پرورش 141هزار دانش آموز بازمانده از تحصیل در کشور وجود دارد . ثبت نام مدارس شروع می شود با هزار مشکل تازه که بعلت گرانی های دم افزون، برای خانواده ها و اولیای دانش آموزان به وجود می آید. این مشکلات که گوشه ای از وضعیت بحرانی آموزش و پرورش است، بخشی از دردهای روزانه خانواده های ایرانی است که با آن دست و پنجه نرم می کنند و بسیاری مجبور هستند کودکان خود را بخاطر گرانی از ادامه تحصیل باز دارند.

ایلنا گزارش می دهد / خالقان مزد ۲۸۷ هزار تومانی در راه ژنو

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ 14 خرداد 92 آمده است : نمایندگان تشکل های رسمی کارگری فردا عازم ژنو می شوند تا با بیان مشکلات و مطالبات کارگران ایرانی در اجلاس سازمان جهانی کار، راه حلی جهانی و مشترک برای آن پیدا کنند و این در حالی است که برخی فعالان مستقل کارگری معتقدند صدای اعتراضی از این تشکل های رسمی نسبت به پایمال شدن «حقوق بنیادین کار» که مورد تاکید این سازمان جهانی است در داخل ایران شنیده نمی شود.

به گزارش ایلنا، یکصد و دومین کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار از ۵ تا ۱۵ ژوئن سال ۲۰۱۳ میلادی (۱۵ تا ۳۰ خرداد ماه سال ۹۲) در شهر ژنو سوئیس برگزار می شود.

اعضای گروه کارگری شرکت کننده در این اجلاس، شامل آقایان هادی سعادت، مجید درویش و علی اکبر سیارمه از جانب کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری، سید محمد یاراحمدیان و فیروز عبدی از مجمع عالی نمایندگان کارگری و محمد گل بامری و اولیا علی‌بیگی از کانون عالی شوراها اسلامی کار هستند.

فعالان کارگری در آستانه سفر نمایندگان منتسب به خود، عملکرد این سه تشکل رسمی در مسائل روز جامعه کارگری از جمله کاهش چشمگیر امنیت شغلی کارگران با گسترش قراردادهای ناعادلانه پیمانی و موقت، تهدید سرمایه کارگران در سازمان تامین اجتماعی توسط دولت و به تبع کاهش حمایت‌های اجتماعی، افزایش فجایع ناشی از کار، تعطیلی کارخانه‌ها و از بین رفتن فرصت‌های شغلی، مثله کردن مواد حمایتی قانون کار در لایحه ارسالی به مجلس، رشد کار سیاه از جمله سوءاستفاده از نیروی کار کودکان و به ویژه مصوبه مزدی سال جاری که بیش از شش درصد کمتر از نرخ تورم رسمی است را حاصل عملکرد این تشکل‌ها در دفاع از حقوق صنفی کارگران ایرانی می‌دانند.

امضای نمایندگان کارگران در ILO پای مصوبات ضد کارگری

«ناصر چمنی» رئیس انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز با طرح پرسش‌هایی در مورد صلاحیت نمایندگان کارگری عازم به اجلاس سازمان جهانی کار به ایلنا می‌گوید: «آیا کسانی که در اجلاس سازمان جهانی کار حضور می‌یابند پتانسیل دفاع از حقوق کارگران را دارند؟ آیا در چند سال اخیر از حقوق کارگران دفاع کرده‌اند یا اینکه امضای آن‌ها را زیر بنیانه‌ها و مصوبات ضد کارگری مشاهده می‌کنیم؟»

به گفته آقای چمنی، «تشکل‌هایی که مصوبه ناعادلانه مزد سال ۹۲ را با چشم پوشی از ۶ و نیم درصد افزایش مزد کارگران، امضا کردند و حتی توانایی افزایش ۱۰ هزار تومانی حق مسکن را ندارند نمی‌توانند نمایندگان واقعی جامعه کارگری در مجامع بین‌المللی باشند».

«محمد رضا عمادی» کارشناس مسائل کارگری نیز با انتقاد از حضور افراد «توصیه شده» به عنوان نمایندگان جامعه کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار، معتقد است: «نمایندگان فعلی، بیشتر از آنکه نماینده کارگران باشند توسط وزارت کار انتخاب شده‌اند».

او با بیان اینکه اعضای گروه کارگری باید درک درستی از مشکلات کارگران داشته باشند، گفت «افراد فعلی، بیش از آنکه نماینده کارگران باشند نمایندگان منافع تشکل‌های خود هستند».

سرخوردگی کارگران از تشکل‌های رسمی

عملکرد ضعیف تشکل‌های رسمی کارگری در سال‌های اخیر، موجب «سرخوردگی» کارگران شده است. کار به جایی رسیده که رئیس یکی از تشکل‌ها اعتراف می‌کند «تشکل‌های رسمی کارگری، پشتوانه‌ای از سوی کارگران احساس نمی‌کنند».

«فتح الله بیات» رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی، عملکرد تشکل‌های مذکور را اینگونه به تصویر می‌کشد:

«نمایندگان تشکل‌های رسمی کارگری در سال‌های اخیر، نه در بحث مزد به خواسته‌های کارگران جامعه عمل پوشانده‌اند، نه امنیت شغلی برای کارگران فراهم آورده‌اند، و نه در لغو قراردادهای موقت و سفید امضا تحولی ایجاد کرده‌اند».

کارگران امیدوارند نمایندگان انتخاب شده برای آن‌ها، به اجلاس سازمان جهانی کار نه به شکل «سفری توریستی» و «امتیاز تشکیلاتی»، بلکه «فرصتی» برای فریاد مشکلات بیش از ۸ میلیون کارگر ایرانی بنگرند.

پایان پیام

اخراج کارمندان قراردادی استانداری شهر کرد

برپایه خبر رسیده آمده است: در استانداری چهار محال تعدادی کارمند قرار دادی کار میکنند که سابقه ای بیش از 15 سال دارند این کارمندان سالهاست که با وعده استخدام پیمانی و رسمی دلخوش نگهداشته شده اند، اما جالب اینکه روز سه شنبه 7 خرداد بدون هیچ پیشینه و بدون هر گونه اخطار قبلی از این کارمندان خواسته شد تا تسویه حساب کامل کرده و محل کار خود را ترک کنند نکته جالب اینکه 5 نفر از این کارمندان هر چند قرار دادی بودند ولی طی سال های گذشته در ستاد برگزاری انتخابات فعال بودند و جز وکارمندان ارشد قلمداد میشدند، اما الان اینگونه از کار بیکار شده اند

انتصابی بودن نمایندگان در ILO مانع چاره جویی مصائب کارگری است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ 14 خرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در کرمان با اشاره به برگزاری اجلاس سازمان جهانی کار از نیمه خردادماه، انتخاب و معرفی نمایندگان گروه کارگری برای حضور در این کنفرانس بین المللی را عجولانه و غیر کارشناسانه عنوان کرد.

«عباس کاریخش» با بیان مطلب فوق به ایلنا گفت: اصل حضور این افراد در اجلاس جهانی کار برای بیان مشکلات کارگران و ارائه پیشنهادات سازنده در حوزه کار است اما افرادی که به عنوان سفیران حوزه کار کشورمان در این اجلاس حضور پیدا می کنند غالباً فاقد آگاهی های لازم در حوزه روابط کار هستند. او افزود: این افراد که به نمایندگی از کارگران کشور در کنار سایر نمایندگان و فرهیختگان کارگری جهان قرار می گیرند، باید با آگاهی کامل و تسلط به زبان های بین المللی از حقوق کارگران ایرانی دفاع کنند اما تجربه سال های گذشته ثابت کرده است به دلیل انتصابی بودن نمایندگان کارگری، آنان قادر به طرح مشکلات کارگران کشور و مشورت و چاره جویی در این خصوص با سایر کارگران جهان نیستند.

پایان پیام

بحران آرد و نان، به دو استان دیگر نیز کشیده شد

به نوشته سایت جرس به نقل از خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 14 خرداد 92 آمده است: در ادامه بحران آرد و نان در نقاط مختلف کشور، استان های مرکزی و همچنین کهگیلویه و بویراحمد نیز به این معضل دچار شدند. به گزارش پرتال رسمی وزارت کشور، استاندار استان مرکزی اعلام کرد که "بر اساس دستور شورای امنیت کشور از امروز خروج آرد و گندم از استان ممنوع است". علی اکبر شعبانی فرد این سخنان را در نشست ستاد اجرایی توسعه بخش کشاورزی استان مرکزی اعلام کرد. همزمان خبرگزاری فارس روز دوشنبه گزارش کرده که ۳۰۰ هزار نفر از ساکنان روستاهای این استان با کمبود آرد و نان مواجه هستند که همین مسئله باعث بروز نارضایتی ها در میان ساکنان این مناطق شده است. طی هفته های اخیر، استان های اردبیل، کردستان، خوزستان و آذربایجان غربی دچار کمبود و بحران نان شده اند.

در پالایشگاه پارسیان:

کارگران يك شرکت خدماتی به رفتار ناشایست پیمانکار اعتراض کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ 14 خرداد 92 آمده است : هفت نفر از کارگران يك شرکت پیمانکاری در شهرستان مهر واقع در استان فارس در تماس با ایلنا به آنچه «برخورد ناشایست و ناسزاگویی کارفرما در محیط کار» می‌خواندند اعتراض کردند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، هفت نفر از کارگران به نمایندگی از ۵۰ نفر از کارگران شرکت خدماتی «پاک اندیش خان میرزا»، وابسته به پالایشگاه پارسیان در شهرستان مهر طی تماس تلفنی با خبرگزاری ایلنا خواستار پی گیری مشکلاتشان از سوی این رسانه شدند.

بر اساس پی گیری خبر نگار ایلنا در خصوص ادعای کارگران این واحد، دبیر خانه کارگر شهرستانهای لامرد و مهر پس از انجام تحقیقات میدانی، ضمن تایید ادعای این کارگران گفت: با وجود آنکه این کارفرما در پرداخت دستمزد کارگران قصوری نداشته است، اما برخورد توهین آمیز او با کارگران غیر قابل انکار و دور از شأن نیروی کار است.

عبدالرضا روحی پاس داشتن حرمت منابع انسانی در شرکت‌های تولیدی و خدماتی را یکی از مهمترین عوامل رشد و شکوفایی در امر تولید عنوان کرد و افزود: کارگران این واحد علاوه بر اینکه از نحوه بر خورد کارفرمای خود در محیط کار رضایت ندارند در خصوص پرداخت نشدن حق غذا در شیفت‌های شب نیز معترض‌اند.

این فعال کارگری در خاتمه به تقویت نظارت بازرسان کار برای ملزم ساختن کارفرمایان به رفتاری مسئولانه تاکید کرد و گفت: صیانت از نیروی کار و رسیدگی به شکایات این قشر از وظایف وزارت کار است و این کارفرما باید تعامل بیشتری با کارگران خود داشته باشد.

پایان پیام

رانندگان تاکسی در کامپاران دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت هرانا آمده است : رانندگان تاکسی کامپاران در اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه تاکسی در این شهر دست به اعتصاب زدند. بنا به گزارش کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، رانندگان تاکسی در شهر کامپاران در روز شنبه ۱۱ خرداد دست به اعتصاب زدند. رانندگان اعتصابی خواهان افزایش کرایه تاکسی از ۲۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان شدند. این چندمین بار است که رانندگان تاکسی شهر کامپاران دست به اعتصاب می زنند. در پی این اعتصاب بسیاری از مسافران مجبور شدند مسیرهای خود را پیاده طی کنند.

در ادامه تحریم ها، «ریال» و «صنعت خودروسازی ایران» هم تحریم شدند

به نوشته سایت خبری راه کارگر از منابع گوناگون در تاریخ 14 خرداد 92 آمده است : با روشن شدن این که انتخابات ریاست جمهوری در ایران تغییر مورد نظر کاخ سفید در سیاست های رژیم را در زمینه برنامه هسته ای بوجود نمی آورد موج تازه ای از تحریم ها شروع شده است. به فاصله چهار روز دو محور دیگر به تحریم اقتصاد ایران افزوده است. وزارت خزانه داری آمریکا روز شنبه اول ژوئن اعلام کرده بود که هشت شرکت پتروشیمی ایران را که "یا در مالکیت و یا در اختیار دولت هستند" به فهرست تحریم ایران افزوده است.

امروز نیز در بیانیه جدیدی که از سوی کاخ سفید انتشار یافت تاکید شده که بر اساس دستور روز گذشته باراک اوباما تحریم‌های جدیدی بر پول رایج و صنعت خودروسازی ایران وضع شده است. به گزارش بی بی سی دولت آمریکا در بیانیه خود می گوید: در پی تحریم‌های جامع ما، ریال ایران از آغاز سال 2012 میلادی نیمی از ارزش خود را از دست داده است، اما این نخستین بار است که استفاده از پول ایران برای تجارت به صورت مستقیم مورد تحریم قرار می‌گیرد.

همچنین در ادامه آمده که این تحریم‌ها در راستای کاهش یکی از مهمترین منابع درآمد ایران، مبادلات کالا و

ارائه خدمات در زمینه صنعت خودرو و خودروسازی را به این کشور منع می‌کند. طبق تحریم‌های جدید، "فروش، تهیه و ارسال کالا و خدمات مربوط به صنعت خودروسازی و یا سوار کردن قطعات خودرو در ایران شامل تحریم‌ها خواهد بود. خودروهایی سواری، کامیون، اتوبوس، مینی‌بوس، وانت، موتورسیکلت و همچنین ارائه قطعات اصلی این خودروها پس از فروش، خلاف قوانین تحریم‌های آمریکا خواهد بود. گفته شده این تحریم‌ها در ادامه موارد قبلی که صنعت کشتی ایران را هدف قرار داده بود، وضع شده است. علاوه بر این، بر اساس فرمان باراک اوباما، هرگونه کمک مادی به ایرانیانی که در لیست تحریم‌های آمریکا قرار دارند نیز خلاف قوانین تحریم آمریکا خواهد بود.

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به حضور نمایندگان اعزامی از سوی وزارت کار به عنوان نمایندگان کارگران ایران در صدومین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار

از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به: فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ITF

موضوع: شکایت سندیکای کارگران شرکت واحد از عدم اجرای مقررات حقوق بنیادین کار به ویژه مفاد ماده 87 و 98 توسط وزارت تعاون کار و رفاه سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان عضو ITF از آن نهاد کارگری معتبر بین المللی در خواست می نماید که موضوع شکایت این سندیکا را از عدم رعایت حقوق بنیادین کار بویژه مفاد ماده های 87 و 98 در جمهوری اسلامی ایران در نشست سالانه سازمان بین المللی کار مطرح و پی گیری نموده ، با توجه به سابقه پنجاه ساله عضویت کشور ما در آن نهاد بین المللی و الزام مسئولان کشورها به اجرای این حقوق و با توجه به عدم رعایت این مقررات به ویژه حق آزادی تشکیل سندیکا های مستقل کارگری از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران ، افرادی که به عنوان نماینده کارگران ایران به آن مجمع اعزام شده اند نمایندگان واقعی میلیونها کارگر ایران محسوب نشده و نمی توانند آن مجمع اعتبار نامه دریافت نمایند. بطور مثال این نمایندگان در جریان سرکوبی ها و اخراج های اعضای سندیکای شرکت واحد در سالیان گذشته و از جمله : اخراج آقایان ابراهیم مددی ، حسن سعیدی ، حسین کریمی سبزواری ، ناصر محرم زاده ، وحید فریدونی ، علی نوریانی ، خانم فرحناز شیرینی و زندانی شدن آقای رضا شهبابی و نقض حقوق آقایان اکبر پیرهادی و حسن کریمی هیچگونه همکاری و حمایتی از این کارگران انجام نداده اند و بلکه با مراجع دولتی و امنیتی علیه سندیکای شرکت واحد و اعضای فعالیت نموده اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
اردیبهشت 1392

تخریب روزانه 30 هکتار از جنگل های شمال ایران

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در 15 خرداد 92 آمده است: رییس موسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران گفت: روزانه 40 هزار هکتار از جنگل های شمال مورد تخریب کمی و کیفی قرار می گیرد. دکتر محمد امینی در گفت و گو با ایسنا، افزود: در وضعیت فعلی با امکانات کمی که سازمان جنگل ها و سازمان محیط زیست برای حفاظت از جنگل ها دارند، رشد استفاده قاچاقچیان و زمین خواران باعث جنگل زدایی و شدت تخریب جنگل ها شده است و اگر این روند ادامه پیدا کند، دیگر آثاری از جنگل های شمال نخواهد ماند.

رییس موسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران افزود: علاوه بر اینکه این جاده ها برش اکوسیستمی ایجاد می کند، به دلیل عدم حفاظت کافی، ابزار دسترسی سودجویان به سرمایه های ملی بوده و این مسئله مانند این است که در بانکی را بدون هیچ نگرانی باز گذاشته باشیم. امینی تاکید کرد: نمی توانیم موضوعی با این اهمیت را که سرمایه نسل های آینده است، نادیده بگیریم تا افراد فرصت طلب، ملک روستاییان را با قیمت کم خریده و به ویلا تبدیل کنند.

رییس موسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران با بیان اینکه جنگل باید دارای مشخصاتی از جمله قابلیت ترمیم و تجدید حیات بوده و چند لایه ارتفاعی داشته باشد تا به آن جنگل پایدار بگوییم افزود: در حال حاضر تنها ۱۰ درصد جنگل‌های شمال که ۲۰۰ هزار هکتار از جنگل‌های شمال را تشکیل می‌دهد، پایدار محسوب شده و باقی آن بر اثر صدمه، قدرت ترمیم را از دست داده است.

به گفته وی، بریده بریده شدن جنگل‌های شمال در بسیاری از نقاط، فرسایش خاک، بی‌نظمی و گرم شدن اقلیم کشورمان را در پی دارد و همین مسئله باعث شده که طی ۵۰ سال گذشته بین یک تا ۱,۵ درجه افزایش دما داشته باشیم. علاوه بر آن خط برف بالا رفته و مقدار برفی که باید سفره‌های زیرزمینی را تغذیه کند، بسیار کم شده است.

امینی با بیان اینکه ۴۳۰۰ آبادی در جنگل‌های شمال وجود دارد، افزود: زباله‌های این روستاها به دامن طبیعت رفته و مواد شوینده بسیاری وارد آب‌ها می‌شود که قدرت ترمیم طبیعت بر اثر این تخریب‌ها نیز در دست جنگل‌هاست.

به گفته رییس موسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران، میزان دام در جنگل‌های شمال کشور پنج برابر ظرفیت آن است.

بررسی موارد حقوقی نقض شده در این گزارش:

• اصل بیست و سوم بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه: امکان بهره‌برداری از محیط زیست و منابع طبیعی برای انسان محدود است. بنابراین باید این منابع تحت نظارت و حفاظت قرار گیرد.
• ماده ۱۱ پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر: هر فرد حق دارد در محیط زیست سالم زندگی کند.

• اصل اول اعلامیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره محیط زیست (اعلامیه استکهلم): انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به او اجازه ی زندگی با حیثیت و سعادت‌مندان را بدهد، برخوردار است.

• ماده ۱۵ پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی: دولت‌ها موظف اند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی نکنند که به سلامت انسان و بهزیستی جمعی آسیبی وارد کند.

• ماده ۱۴ پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی: هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند، از محیط زیستی سالم و متعادل از نظر زیست محیطی و مساعد برای توسعه ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

• ماده ۲۴ منشور آفریقایی حقوق بشر: کلیه اقوام حق دارند از محیط زیستی رضایت بخش و جامع، مناسب برای توسعه خود، برخوردار باشند.

فرماندار کاشان خبر داد:

بازنشستگی ۵۲۰ نفر و جذب ۲۴۰ کارگر قراردادی در ریسندگی کاشان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ 15 خرداد 92 آمده است: فرماندار کاشان گفت: با مساعدت و همراهی دستگاه‌های مختلف اجرایی، طی دوسال گذشته بالغ بر ۵۲۰ نفر از کارگران ریسندگی کاشان بازنشسته شده‌اند.

«علیرضا جوادی» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در کاشان، تعداد کارگران موجود شرکت ریسندگی کاشان را بالغ بر ۵۶۰ نفر اعلام کرد و گفت: با توجه به سرمایه گذار جدیدی که این کارخانه جذب کرده است بالغ بر ۲۴۰ نفر کارگر جدید به صورت قرار دادی در این شرکت مشغول به کار شده‌اند.

جوادی در خصوص مابقی مطالبات کارگران نیز گفت: مطالبات کارگران ریسندگی کاشان متوجه مالکین این کارخانه است که باید به مرور به کارگران پرداخت کنند.

معاون استاندار و فرماندار کاشان خاطرنشان نمود: در حال حاضر هیچ کارخانه‌ای در شهرستان کاشان وجود ندارد که با مشکل بحران مواجه باشد.

گفتنی است کارخانه ریسندگی و بافندگی کاشان در حال حاضر بالغ بر ۴۰ میلیارد تومان بابت سنوات و حقوق معوقه به کارگران و سایر پرسنل بدهکار است، ضمن اینکه براساس گفته مدیریت این شرکت ۲۵۰ نفر دیگر از کارگران این شرکت باید با مساعدت مسئولین استان اصفهان و شهرستان کاشان با استفاده از قانون بازنشستگی پیش از موعد بازنشسته شوند.

پایان پیام

گرانی در شیراز بیداد می کند

برپایه خبر دریافتی آمده است: قیمت اجناس پایه ای مردم در شیراز متفاوت و بیحساب و کتاب است. مثلاً در حالیکه در یکی از سوپرمارکتها قیمت ۹۰۰ گرم شکر معادل ۲۵۰۰ تومان است. اما جلوی شهرک باهنر در شیراز هر کیلو شکر را ۱۵۰۰ تومان می فروشند. همچنین قیمت پنیر سفید آمل در سوپرمارکتهای شهر شیراز یک روز کیلویی ۳۸۰۰ تومان است و روز بعد همین پنیر کیلویی ۴۰۰۰ تومان به فروش میرسد. مردم شیراز از این وضعیت بستوه آمده اند.

ایلنا گزارش می‌دهد / افزایش حقوق کارگران به بهانه اجلاس جهانی کار منتفی می‌شود؟

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ ۱۵ خرداد ۹۲ آمده است: در حالی که پس از ماه‌ها مقاومت کارگران در پذیرش مصوبه مزدی ۹۲، شورای عالی کار برای نخستین بار به قصد افزایش حقوق جانبی کارگران تن به تشکیل جلسه‌ای مجدد داد و طبق وعده وزیر کار قرار بود جلسه دوم در هفته آینده برگزار شود، رؤسای دو تشکل از سه تشکل رسمی کارگری به همراه رئیس شورای عالی کار برای شرکت در اجلاس جهانی کار عازم ژنو می‌شوند و به این ترتیب علی‌رغم پیش‌بینی ایلنا مبنی بر تلاقی این دو جلسه، سرنوشت جلسه دوم افزایش حقوق در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، با وجود گذشت سه ماه از تصویب دستمزد ۹۲، مسئله تعیین دستمزد بر خلاف معیارهای تصریح شده در ماده ۴۱ قانون کار (نرخ رسمی تورم و سید هزینه خانوار چهار نفره) همچنان دغدغه اصلی میلیون‌ها کارگر ایرانی است. با این وجود تا به امروز نه تنها وعده‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد بازبینی و افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران محقق نشده است بلکه به نظر می‌رسد که در خوشبینانه‌ترین حالت، این مسئله پس از کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار رسیدگی خواهد شد.

یکصد و دومین نشست سالیانه سازمان جهانی کار (ILO) از فردا (چهارشنبه ۵ ژوئن ۲۰۱۳ برابر با ۱۵ خرداد ۹۲) به مدت ۱۵ روز برگزار می‌شود و اعضای هیات ۳۱ نفره متشکل از ۷ نماینده منتسب به کارگران و ۲۴ نماینده کارفرمایان دولتی و خصوصی ایران از جمله شخص وزیر کار و مسئولان ارشد تشکلهای صنفی کارگری و کارفرمایی از هم اکنون سرگرم آماده کردن خود برای شرکت در این نشست جهانی هستند. از آنجا که اعضای شورای عالی کار در جلسه ویژه هفته گذشته خود نتوانستند بدون حضور شخص وزیر کار در مورد افزایش حقوق مسکن و تورم به توافق برسند، بعید به نظر می‌رسد که با سفر مقامات و نمایندگان ارشد گروه‌های سه جانبه ایرانی به مقر سازمان جهانی کار و غیبت دو هفته‌ای آنها، باقیمانده اعضای شورای عالی کار بازهم بتوانند در خصوص موضوع افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران تصمیمی قاطع بگیرند.

وعده‌های بی‌فرجام اما ثبت شده در خاطر کارگران

از ابتدای سال جاری که کارگران و فعالان صنفی کارگری در اقدامی تاریخی و بی سابقه برای نخستین بار بطور فراگیر علیه نحوه افزایش ناچیز دستمزدهای سال ۹۲ واکنش نشان دادند و دامنه اعتراضات بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای نیز داشت، اسدالله عباسی بارها در مقام رئیس شورای عالی کار وعده داده است که بطور قطع شورای عالی کار برای بازبینی مصوبه دستمزدها جلسه ویژه‌ای تشکیل می‌دهد. نخستین بار او در مقام سرپرست وزارت کار در حاشیه برنامه‌های هفته کارگر وعده داد که در نیمه دوم اردیبهشت ماه شورای عالی کار برای افزایش حقوق بن و مسکن کارگران تشکیل جلسه خواهد داد. وعده‌ای که بعدها زمان تحقق آن ابتدا به هفته پایانی اردیبهشت موکول شد و در نهایت با مخالفتی که اعضای کارفرمایی شورای عالی کار در جلسه بی‌سرانجام هفتم خرداد ماه داشتند بی‌فرجام ماند. پس از این ناکامی، اسدالله عباسی این بار در مقام وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بازهم وعده داد و این بار گفت که مسئله بازبینی حقوق مسکن و خوار و بار کارگران منتفی نشده است و شورای عالی کار ظرف مدت یک هفته در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد کرد.

مطابق این وعده اخیر، شورای تعیین مزد می‌بایست حداکثر تکلیف حقوق مسکن و خوار و بار کارگران در تا دیروز (سه شنبه چهاردهم خرداد ماه) مشخص می‌کرد. اما از آنجا که تا این لحظه هنوز خبری در این خصوص منتشر نشده است می‌توان چنین نتیجه گرفت نمایندگان شرکای اجتماعی مشغول آماده کردن خود برای شرکت در کنفرانس پانزده روزه سازمان جهانی کار هستند. هرچند کارگران منتقد و معترض به نحوه تعیین دستمزد سال ۹۲ از ابتدا معتقد بودند که افزایش حقوق مسکن و خوار و بار کارگران دلیلی برای صرف نظر کردن آن‌ها از پیگیری‌های حقوقی نخواهد بود و آن‌ها همچنان به تلاش خود برای ابطال مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار از طریق دیوان عدالت اداری ادامه خواهند داد، اما حتی تاخیر ناخواسته و پیش بینی نشده در تحقق وعده‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان عالی‌ترین مسئول تنظیم روابط کار کشور، هرچند نه چندان غیر منتظره اما از نظر اخلاقی ناپسند است. به عبارت دیگر با توجه به نقش کلیدی‌ای که نمایندگان ارشد گروه‌های سه جانبه به ویژه نمایندگان تشکلهای رسمی کارگری در چگونگی طرح موضوعات مورد بحث در جلسات شورای عالی کار دارند غیب آن‌ها هرچند بصورت موجه، تنها باعث به تاخیر افتادن تحقق وعده‌های داده شده خواهد شد.

پایان پیام

پیام شاهرخ زمانی خطاب به سندیکاهای فرانسه

از: شاهرخ زمانی
 به: سندیکاهای فرانسه (پنج سندیکای فرانسوی ث.ژ.ت CGT ، ث.اف.د.ت CFDT ، اف.اس.او FSU ،
 اونسا UNSA و سولیدر Solidaire



موضوع: تشکر از حمایت‌های بی دریغ شما هم طبقه‌ای‌های عزیز

درودهای گرم و آتشین مرا از زندان جهنمی رجایی شهر کرج بپذیرید. به من اطلاع داده شد که شما برای حمایت از کارگران ایرانی در روز ۱۳ ژوئن در مقابل مقر اروپایی سازمان ملل متحد در شهر ژنو که نشست سازمان جهانی کار در آنجا برگزار خواهد شد، در میدان ملل اقدام به تظاهرات خواهید کرد. از این بابت از شما تشکر کرده و دستان مبارزتان را صمیمانه می‌فشارم. حقیقتاً تلاش‌های شما شایان قدردانی بسیار زیادی است. مرا به دلیل فعالیت‌های سندیکایی اما با اتهامات ساختی و

دروغین به ۱۱ سال زندان محکوم کرده اند و اکنون نزدیک به دو سال است که در زندان‌های جهنمی جمهوری اسلامی مدت حبس خود را می‌گذرانم. بارها مرا از زندانی به زندان دیگر منتقل کردند در حالی که هیچ حکمی از طرف قاضی برای تبعید من صادر نشده بود و در نهایت اکنون مدت ۸ ماه است که در زندان مخوف رجایی شهر کرج هستم. حمل‌بر، قاضی پرونده‌ی من در حالی مرا به ۱۱ سال حبس محکوم کرد که خود در حضور وکیلیم اعتراف کرده بود که تنها یک کارمند در سلسله مراتب پیچیده‌ی موجود است و اختیاری از خود ندارد. البته من تنها کارگر زندانی نیستم، صدها کارگر به دلیل مطالبه حقوق حقه‌ی خود مانند ایجاد تشکل، اقدام به اعتصاب، در خواست افزایش حقوق، داشتن امنیت شغلی و جانی، اعتراض به اخراج‌ها، اعتراض به تصویب قوانین ضد کارگری، در خواست دستمزد های معوقه و... به شدت سرکوب، کشته یا زندانی شدند از جمله کارگران خاتون آباد با تیر اندازی از طرف هلیکوپترهای نظامی کشته شدند یا مانند ستار بهشتی در زندان زیر شکنجه جان باختند و یا هم‌اکنون مانند رضا شهبازی عضو سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری، رسول بداعی و عبدالرضا قنبری از کانون صنفی معلمان، مهدی فراهی شاندیز عضو کمیته پیگیری، جلیل محمدی عضو کمیته هماهنگی، پدرام نصر الهی عضو کمیته هماهنگی، من، شاهرخ زمانی عضو سندیکای نقاشان و عضو کمیته پیگیری... و صدها کارگر شناخته نشده‌ی ای در زندان بسر می‌برند. اکثریت قریب به اتفاق کارگران زندانی نامبرده در زندان با برنامه‌های نقشمندان ماموران که دستورنظام است دچار بیماری‌های خطرناک مختلفی مانند سرطان و... شده‌اند که در این رابطه، محمد جراحی، رسول بداعی، رضا شهبازی، بهنام ابراهیم زاده، شاندیز و... همچنان از بیمارها و عدم اجازه مداوا رنج می‌برند. لازم به بیان است که مسئولین شوراهای اسلامی و خانه کارگر در تمامی سرکوب‌های گفته شده در بالا به صورت‌های مستقیم و غیر مستقیم و پنهان و آشکار شرکت داشتند مثلاً" در حمله به نشست کارگران شرکت واحد، خانه کارگری‌ها شرکت مستقیم داشتند و در بریدن زبان منصور اسانلو یکی از مسئولین خانه کارگر شناخته شده است، یا این افراد مسئولین خانه کارگر و شورا‌های اسلامی طی ۲۴ سال گذشته به طور مداوم از کارگران نا آگاه برای حمله و یا جمع‌آوری گزارشات علیه کارگران و تشکل‌های آنها شرکت داشتند و دولت از طریق آنها برنامه‌های سرکوب علیه کارگران و مبارزات کارگری را سازماندهی کرده و پیش برده است و هر وقت در نهاد‌های بین‌المللی کارگری نیاز به نماینده از طرف کارگران لازم بوده همین مسئولین خانه کارگر یا شوراهای اسلامی را که در واقع ماموران ویژه سرکوب کارگران هستند را بدون اینکه کارگران در انتخاب آنها دخالت داشته باشند به مجامع بین‌المللی فرستاده است درست مانند هم‌اکنون که سرکوب‌گران کارگران به عنوان نماینده کارگران ایران قرار است در نشست آی ال او شرکت کنند، من شاهرخ زمانی کارگر زندانی، نماینده سندیکای نقاشان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری از طرف خود و کارگرانی که مرا به عنوان نماینده خود قبول دارند اعلام می‌کنم این افراد را نه تنها نماینده خود و کارگران ایران نمی‌دانیم بلکه سربعا" اعلام می‌کنیم آنها شرکای جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش کارگری و فریب دادن مجامع بین‌المللی هستند.

در حال حاضر کوچک‌ترین تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری با سرکوب بسیار خشن دولت از طریق عوامل مختلف از جمله خانه کارگری‌ها و شوراهای اسلامی مواجه می‌شود و هیچ اجازه‌ای برای ایجاد تشکل داده نمی‌شود. اخراج‌های فردی و دسته‌جمعی و بیکاری میلیونی، ۷ میلیون معتاد، صدها هزار کودکان و زنان خیابانی، صدها هزار کودک کار، پایین آمدن سن فحشا به ۱۲ سال، فروپاشی خانواده‌ها و تعیین دستمزد یک پنجم زیرخط فقر برای کارگران (بطور مستقیم توسط همین خانه کارگری‌ها و شوراهای اسلامی انجام می‌شود در حالی که خط فقر در ایران امسال از طرف دولت مردان معادل ۵۵۰ دلار اعلام شده است اما خانه کارگری‌ها و شورا‌های اسلامی معادل ۱۱۵ دلار را به عنوان دستمزد تعیین و تایید کردند)، باز ماندن کودکان و جوانان از تحصیل، سرکوب تشکل‌های کارگری و مردمی، کشتار انقلابیون، گرفتارشدن مردم بخصوص جوانان در افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی، رشد بی‌سابقه جرم و جنایت و باز پس‌گیری تمامی دست‌آورد‌های انقلاب ۵۷ به سود سرمایه‌داران، حذف یارانه‌ها، گرانی سوخت، برق، تلفن و گاز، پولی شدن مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و خدمات پزشکی و بهداشتی، بالا رفتن کرایه‌ها، سر به فلک کشیدن اجاره‌ی خانه‌ها، تنها گوشه‌ای از مشکلاتی است که مردم و طبقه‌ی کارگر ایران در سایه‌ی حکومت جمهوری اسلامی و عوامل خانه کارگر و شورا‌های اسلامی با آن روبه‌رو هستند.

از طرف دیگر رواج افسارگسیخته‌ی قراردادهای موقت و سفید امضا، خروج کارگاه‌های کمتر از ده نفر از شمول

قانون کار، عدم پرداخت دستمزد کارگران و نبود امنیت شغلی مصیبت‌هایی است که این حکومت بر سر طبقه کارگر ایران آورده است .

در چنین وضعیتی هرگونه اعتراضی با برخورد خشن و سرکوب شدید حکومت مواجه شده و هر صدای مخالفی بلافاصله با شکنجه و زندان روبه‌رو می‌شود. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی حتی در مدت حبس خود نیز از این آزار و اذیت‌ها مصون نیستند. بازجویی‌های گاه و بی‌گاه و غیرقانونی و کشتار زندانیان زیر شکنجه یا به علت عدم وجود امکانات درمانی در زندان‌ها به امری عادی بدل شده است. ستار بهشتی ، علی‌رضا کرمی خیرآبادی و دهها نفر دیگر نمونه‌ای هستند که به دلیل شکنجه یا عدم رسیدگی به موقع پزشکی در زندان جان خود را از دست داده اند.

دوستان سندیکا های فرانسه :

در چنین وضعیتی طبقه کارگر ایران که امکان برخورداری از کوچک‌ترین حق تشکلیابی را ندارد نیاز به کمک مبرم هم‌طبقه‌ای‌هایش در سراسر جهان دارد. ما از عملکرد شما بخصوص در مورد فراخوان اعتراضی ۱۳ ژوئن در حمایت از کارگران ایرانی صمیمانه تشکر می‌کنیم و می‌خواهیم با استفاده از روابط بین مللی خود در کمک و حمایت‌های بیشتری ما را یاری کنید تا بتوانیم مبارزات خود را به ثمر برسانیم . دوستان، من در نامه‌ای در مارس ۲۰۱۱ که برای شما نوشتم ، پنج پیشنهاد مشخص برای یاری شما به کارگران ایران مطرح کردم. آن پیشنهادات کماکان جای طرح دارند و عبارتند از :

۱- نمایندگانی از میان خود انتخاب کنید تا در رابطه با سرکوب کارگران توسط جمهوری اسلامی تحقیق کنند تا شما به عمق فاجعه پی ببرید .

۲- نمایندگانی از بین خود انتخاب کنید تا مأمور شوند در رابطه با خانه کارگر که همدست پلیس برای سرکوب و فریب کارگران است و طی ۳۳ سال در تمامی کارهای ضدکارگری دست در دست جمهوری اسلامی شریک جرم بوده است تحقیق نمایند، پس از کشف حقایق نسبت به خانه کارگر رابطه خود را با آن قطع کنید و از تمامی تشکل‌های کارگری جهان بخواهید که از ورود خانه کارگر و نمایندگان آن به جوامع کارگری و تحمیل خود به عنوان نماینده کارگران ایران جلوگیری نمایند .

۳- پس از تحقیقات لازم ، کشف حقایق در مورد سرکوب سندیکاها و تشکل‌های کارگری و مخالفین آنها در ایران ن با اتحاد میان تشکل‌های کارگری به صورت جهانی دولت ایران را وادار نمایید تعهدات خود را در قبال کارگران عملی نماید .

۴- در نهایت از شما می‌خواهم اگر پی به حقایق بردید و اگر قبول کردید که ما کارگران ایران بی‌گناه در زندانها عمر خود را از دست می‌دهیم به ما کمک کنید تا آزادی خود را به دست آوریم .

۵- اگر ممکن است برای من وکلایی را تعیین کنید، تا بتوانند شکایت مرا به خاطر شکنجه ، محاکمه و زندان بدون هیچ دلیل و سندی به مراجع قضایی صلاحیت دار ارایه و ادامه بدهند. در کجای دنیا دیده شده که برای یک کارگر عضو سندیکا به خاطر تلاش برای ایجاد سندیکا حکم ۱۱ سال زندان صادر کنند .

بار دیگر دستانتان را به گرمی می‌فشارم واز شما خواهش می‌کنم تا از راه‌های فوق یا از هر راهی که به نظر خودتان می‌رسد به یاری کارگران ستمدیده‌ی ایران بشتابید .

شاهرخ زمانی - زندان رجایی شهر کرج - ۱۵ خرداد ۱۳۹۲
تکثیر از: کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری پیرامون وضعیت تشکلهای کارگری در ایران و اعتراض به حضور نماینده های دست ساز دولتی در نشست سالیانه ILO

از: اتحادیه آزاد کارگران ایران

به: کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری ITUC

با دروذهای گرم و فراوان

دوستان و همکاران در کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

همانگونه که خود نیز بخوبی میدانید اندک تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری در ایران همیشه تحت شدید ترین فشارها قرار داشته اند و در طول سالهای گذشته بسیاری از اعضا این تشکلهای یا از کار خود اخراج شده اند و یا به زندان افکنده شده و به بهانه های مختلف تحت پیگرد قضائی قرار گرفته اند. با اینحال و علیرغم اعتراضات گسترده ای که از سوی سازمانهای کارگری در سطح جهان نسبت به نقض حقوق پایه ای کارگران در ایران صورت گرفته است، در طول یکسال گذشته اعمال این فشارها بر تشکلهای موجود و فعالین آنها دامنه بسیار بیشتری پیدا کرده است و علاوه بر اخراج و بازداشت و زندان، بسیاری از اعضای این تشکلهای، بویژه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از سوی نهادهای امنیتی و قضائی جهت استعفا از تشکلهای خود بشدت تحت فشار قرار گرفته اند. بطوریکه قضات برخی دادگاهها و مامورین امنیتی پس از احضار و یا بازداشت اعضای اتحادیه ما که به بهانه های کاملا واهی صورت گرفته است استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران را به عنوان شرطی جهت صدور حکم برائت در مقابل آنان گذاشته اند و عدم استعفا از اتحادیه را موجب صدور حکمهای سنگین عنوان نموده اند. اعمال این فشارها بر اعضا موثر اتحادیه ما از زمانی شدت بیشتری پیدا کرد که از اول ماه مه سال گذشته و به مناسبت اینروز، کارگران متشکل در اتحادیه ما با جمع آوری طوماری اعتراضی با امضا نزدیک به چهل هزار نفر از کارگران کارخانه های مختلف در سراسر کشور، خواهان افزایش حداقل مزد بر اساس ماده 41 قانون کار و کنار گذاشتن لایحه ضد کارگری اصلاح این قانون و تحقق دیگر مطالبات پایه ای خود شدند.

این روند و اعلام غیر قانونی بودن تشکل ما و محدود تشکلهای مستقل دیگر از سوی نیروهای امنیتی در شرایطی طی یکسال گذشته شدت پیدا کرده است که ما هر روزه شاهد اعلام ایجاد انواع اتحادیه ها و انجمنهای صنفی در ایران بوده ایم و بنا بر ادعای وزیر کار تعداد این نوع تشکلهای به دو برابر افزایش پیدا کرده است. در این زمینه لازم است بگوئیم در ایران هیچ قانونی برای ثبت تشکلهای کارگری با نام اتحادیه و سندیکا وجود ندارد و به همین دلیل هیچیک از این اتحادیه ها ثبت نشده اند اما از آنجا که همه آنها زیر مجموعه خانه کارگر هستند دولت و نیروهای امنیتی نه تنها کاری به آنها ندارند بلکه ایجاد این نوع اتحادیه ها سیاست خود وزارت کار است تا با گسترش تعمدی این نوع اتحادیه ها و انجمنهای صنفی، بتدریج آنها را جایگزین شوراهای اسلامی کنند و از این رهگذر قادر شوند خود را از فشارهای سازمان جهانی کار بدلیل ماهیت ایدئولوژیک شوراهای اسلامی خلاصی بخشند.

این وضعیت در عین حال که نشان میدهد فشارهای سازمانهای بین المللی کارگری و ILO برای بر چیده شدن نهادهای ایدئولوژیک از محیط های کار مفید بوده است اما از طرف دیگر اتخاذ چنین سیاستی از سوی دولت و وزارت کار نشانگر این است که هیچ تغییر مثبتی در رویکرد دولت ایران که منجر به برسمیت شناخته شدن تشکلهای مستقل کارگری در ایران بشود رخ نداده است و دولت همچنان در تلاش است تا با دور زدن خواست ILO و سازمانهای بین المللی کارگری برای برخورداری کارگران ایران از حق برپائی تشکل مستقل از دولت، همچنان نهادهای دست ساز خود را در محیطهای کار دست نخورده باقی بگذارد.

لذا ما از شما دوستان در کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و همه کنفدراسیونهای عضو آن انتظار داریم تا در نشست سالیانه این سازمان با افشای این سیاست و اعتراض به تشدید اعمال فشار بر فعالین و اندک نهادهای مستقل کارگری موجود، اجازه ندهید تا کسانی که از سوی وزارت کار دولت جمهوری اسلامی به عنوان نماینده کارگران ایران به نشست سالیانه ILO میایند اعتبار نامه حضور در این نشست را دریافت کنند. بی تردید نیازی به تاکید نیست که عوامل کانون عالی شوراهای اسلامی علاوه بر سازماندهی و شرکت مستقیم در سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، در طول سال گذشته نیز در اقدامی هماهنگ با نیروهای امنیتی، امضاهای بخش زیادی از کارگران را حول طومار اعتراضی کارگران مصادره کرده و از رسیدن آن بدست هماهنگ کنندگان این طومار جلوگیری نمودند و علاوه بر آن بطور آشکار و در مصاحبه هایی تلاش کردند تا با وارد کردن اتهامات واهی به هماهنگ کنندگان این طومار مبنی بر وابستگی آنان به جریانهای خاص، زمینه ارباب کارگران امضا کننده طومار و سرکوب هماهنگ کنندگان آنها فراهم سازند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - اردیبهشت ماه 1392

حذف دوم راهنمایی در سال تحصیلی جدید

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا آمده است: معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش با اشاره به ادامه اجرای نظام ۶-۶-۳ گفت: از مهر امسال دانش‌آموز پایه دوم راهنمایی نداریم و مدارس راهنمایی در دو پایه اول متوسطه اول جدید و سوم راهنمایی فعالیت خواهند داشت.

ابراهیم سحرخیز در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: برای استقرار نظام جدید آموزشی معروف به ۶-۶-۳ سال گذشته پایه اول راهنمایی به صورت موقت و یک ساله حذف شد تا ششم ابتدایی مستقر شود و دانش‌آموزان پایه پنجم بجای اول راهنمایی در پایه ششم ثبت نام کردند و امسال فارغ‌التحصیلان پایه ششم در دوره اول متوسطه اول ادامه تحصیل خواهند داد.

وی افزود: بر همین اساس از مهر ماه در پایه دوم راهنمایی دانش‌آموزی نداریم و کتابی هم برای این دوره چاپ نخواهد شد.

معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش تصریح کرد: امسال کتاب‌های جدید برای دوره اول متوسطه اول تدوین و چاپ می‌شود و آموزش‌های ضمن خدمت معلمان نیز در طول تابستان بر اساس برنامه استانها برگزار خواهد شد.

به گفته معاون وزیر آموزش و پرورش برای استقرار کامل نظام آموزشی جدید، هر ساله یک پایه در دوره راهنمایی و متوسطه حذف می‌شود تا بتدریج دو دوره متوسطه اول و دوم که هر یک شامل سه پایه تحصیلی است، در نظام آموزشی مستقر شود.

سحرخیز در ادامه عنوان کرد: دانش‌آموزانی که سال تحصیلی گذشته وارد پایه ششم ابتدایی شدند، پیش دانشگاهی نخواهند داشت و با شش ساله شدن دوره متوسطه دانش‌آموزان با مدرک دیپلم از آموزش و پرورش فارغ‌التحصیل خواهند شد.

نامه بهنام ابراهیم زاده به سازمان جهانی کار آی ال او

4 ژوئن اجلاس سالانه جهانی کار است. من بهنام ابراهیم زاده بخاطر مبارزاتم در دفاع از حقوق کارگر و حقوق کودکان 5 سال حکم زندان دارم. سه سالش را پشت سر گذاشته‌ام و الان نیز با وجودیکه تنها فرزندم بدلیل ابتلا به سرطان خونی بستری است، می‌خواهند من را به زندان بازگردانند.

از همه نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان انتظار دارم که در برابر این تصمیم اعتراض کنند. خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوندم. از نمایندگان اتحادیه کارگری در اجلاس آی ال او انتظار دارم که از مبارزات کارگران در ایران و از انتظار من حمایت و پشتیبانی کنند. اما به شما که به عنوان سازمان جهانی کار، آی ال او که به اسم کارگر دارید سخن می‌گویید، اعتراض دارم که تا کی در برابر این همه بی‌حقوقی سکوت میکنید. انتظار من کارگر اینست که دولتهای شرکت کننده در اجلاستان را زیر فشار بگذارید که پایه ای ترین حقوق کارگران و انسانها را رعایت کنند.

حق تشکل، حق اعتصاب، آزادی بدون قید و شرط بیان همگی مثل نفس کشیدن و حقوق پایه ای انسانی است و نقض آنها یک تخلف آشکار است. بویژه در ایران فقر و گرانی بیداد میکند. دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر زندگی بخش عظیمی از جامعه را به نابودی کشانده است. امروز کارگران در ایران بخاطر اعتراض به این وضعیت و حق و حقوق پایه ای خود در زندانند. باید به این دستگیری‌ها و به فشار به رهبران و فعالین کارگری باید اعتراض شود.

من با نوشتن این نامه تلاش کردم صدای اعتراض خودم و خانواده ام و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشم.

بهنام ابراهیم زاده. کارگر زندانی - 1 خرداد 92- 22 مه 2013

کارگران ایرانخودرو مواضع ما در انتخابات چیست

-حق ایجاد تشکلات سندیکایی

هزاران کارگر به اتهام عدم رعایت موارد ممنوعه توسط رژیم دستگیر شده، بسیاری به زندان افکنده شده و در مواردی به مرگ محکوم شده اند.

ما سندیکاهای فرانسوی : ث.ژت.(CGT) ، ث.اف.د.ت.(CFDT) ، اف.اس.او.(FSU) ، اونسا (UNSA) و سولیدر (Solidaires) کلیه تشکلات کارگری شرکت کننده در اجلاس سال 2013 سازمان بین المللی کار در ژنورا فرا می خوانیم که برای :
-آزادی کارگران زندانی
-ایجاد سندیکاهای مستقل

-حضور نمایندگان واقعی و نه سندیکالیست های قلابی و عوامل و همدست های رژیم به تظاهرات ایستاده در میدان ملل بپیوندند.

میدان ملل

از ساعت 12 الی 14

13 ژوئن 2013- ژنو

برای نمایندگان سندیکاهای شرکت کننده در اجلاس، این گردهمایی فرصتی است که همبستگی خود را با کارگران و سندیکالیست در ایران اعلام دارند.

ترجمه و تکثیر از :

"همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه"
"اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس"

از فراخوان کلکتیو سندیکاهای فرانسه حمایت کنیم

از فراخوان سندیکاهای فرانسوی پشتیبانی کنیم و برای دفاع از جنبش کارگری ایران در ژنو گرد هم آییم! پنج سندیکای فرانسوی ث.ژت.(CGT) ، ث.اف.د.ت.(CFDT) ، اف.اس.او.(FSU) ، اونسا (UNSA) و سولیدر (Solidaire) برای دومین بار همزمان با یکصد و دومین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در همبستگی با کارگران در ایران طی فراخوانی خواستار یک حرکت ایستاده اعتراضی نسبت به موارد متعدد نقض حقوق کارگران در ایران شده اند.

آنها بطور مشخص اعتراض خود را نسبت به زندانی نمودن فعالین کارگری در ایران و اینکه کارگران از ابتدایی ترین حقوق خود مانند حق اعتصاب، حق تظاهرات آزاد، حق ایجاد تشکلات مستقل سندیکایی به شدت محرومند، از تمامی فعالین کارگری و اجتماعی در خواست نموده اند که در روز پنجشنبه 13 ژوئن در مقابل سازمان ملل حضور بهم رسانده و با صدای بلند اعتراض خود را به گوش نمایندگان کشورهای شرکت کننده از سراسر جهان برسانند.

آن چیزی که فعالین کارگری، فعالین سیاسی، اجتماعی و آزادیخواهان ایرانی در تبعید ! بخوبی میدانند وجود یک رژیم جنایتکار، سرکوبگر و غارتگر بنام حکومت جمهوری اسلامی در ایران است، رژیمی که همه فعالین عدالتخواه و آزادی طلب خواهان نابودی آن میباشند که بدون این مهم کشور ما آزاد نخواهد شد و مساوات و آزادی تحقق نخواهد یافت.

دست بدست هم داده یکصدا ضمن قدردانی از همبستگی سندیکاهای فرانسوی با کارگران ایران :

1- به حضور نمایندگان قلابی رژیم اسلامی ایران بجای نمایندگان واقعی کارگران ایران اعتراض و خواهان اخراج آنان از سازمان جهانی کار شویم!

2- خواهان آزادی کارگران زندانی و فعالین سیاسی اجتماعی در ایران شویم.

3- خواهان آزادی تشکلات کارگری، معلمان و دیگر زحمتکشان در ایران شویم.

4- حق اعتراض، اعتصاب، تجمعات کارگری، امکان در تصمیم گیری تعیین مزد عادلانه، قراردادهای دسته جمعی و دایمی از ابتدایی ترین حقوق کارگران است که در ایران به هیچ وجه رعایت نمیشود باید با اعتراضات مکرر، حکومت غارتگر سرمایه داران اسلامی ایران را وادار به رعایت آن نمود.

به تظاهرات ایستاده در میدان ملل بپیوندید

میدان ملل - از ساعت ۱۲ الی ۱۴ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۳ - ژنو
جمعی از کارگران ایرانی عضو سندیکاهاى سوییى
اتحادیبن المللى در حمایت از کارگران در ایران - سوییى

درتظاهرات ایستاده 13 ژوئن ژنو شرکت کنیم

انسان های آزادیخواه، متعهد و مترقی!

- برای اعتراض به حضورتشکل های فرمایشی و وابسته به حکومت اسلامی ایران باعنوان تشکل های مستقل کارگری دراجلاس سالیانه سازمان جهانی کار
 - برای اعتراض به اعزام نیروهای امنیتی ودست نشانندگان رژیم سرمایه داری ایران تحت پوشش دروغین نمایندگان کارگری به ژنو
 - برای اعتراض به اذیت وآزار فعالین کارگری وخانواده هایشان ازجانب حاکمیت ضدکارگری ایران منجمله بازداشت ، زندانی کردن و اخراج ازکارفعالین کارگری
 - برای انعکاس جهانی صدای اعتراض تشکل های مستقل کارگری وفعالین کارگری درایران
 - برای حمایت ازحق برپایی آزادانه تشکل های مستقل کارگری درایران
 - برای حمایت از مبارزات کارگران ایران برای احقاق حقوق حقه شان
- متحدانه وهمراه باهم ازفراخوان سندیکاهاى فرانسوی **ث.ژ.ت (CGT)**، **ث.اف.د.ت (CFDT)**، **اف.اس.او (FSU)**،
اونسا (UNSA) و **سولیدر (Solidaires)** حمایت ودرتظاهرات ایستاده 13ژوئن ژنو شرکت کنیم.

زمان: 13ژوئن ساعت 12

مکان: میدان ملل ژنو

انجمن دفاع اززندانیان سیاسی وعقیدتی ایران-پاریس

انجمن کردهای مقیم فرانسه

همبستگی سوسیالیست با کارگران ایران- فرانسه

اتحادیبن المللى درحمایت از کارگران درایران - پاریس

3ژوئن 2013

پانزدهم خردادماه 1392

عدم پرداخت حقوق کارگران سد ژاوه

به گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی ...در 15 خرداد 92 آمده است : کارگران مشغول در سد ژاوه در ۲۰ کیلومتری سنندج بیش از 4 ماه است که حقوق دریافت نکرده اند. در این پروژه بیش از 300 کارگر مشغول کار هستند که عیدی امسال را نیز دریافت نکرده اند.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

فقر و ناامنی در شیراز

برپایه خبر رسیده آمده است : هفته گذشته دو نفر موتورسوار وارد یکی از کوچه ها در یکی از محله های شیراز میشوند. آنها برای پیدا کردن يك آدرس به پیرزنی مراجعه کرده و درخواستکمک میکنند. اما با نزدیک شدن پیرزن آنها دست انداخته و گردنبد طلای پیرزن را کنده و فرار می کنند. پیرزن غش میکند و همسایه ها به کمک او می شتابند

"مظفر بکری" کارگر برق کار و فعال کارگری درشهرستان پاوه، در محل کار دچار حادثه شد و بر اثر ضربه مغزی جانش را از دست داد

بر اساس گزارش رسیده به سایت کمیته هماهنگی در 16 خرداد 92 آمده است: "مظفر بکری" کارگر برق کار و فعال کارگری در شهرستان پاوه، در محل کار دچار حادثه شد و بر اثر ضربه مغزی جانش را از دست داد. این کارگر زحمت کش در حین کار به دلیل خستگی و فشار ناشی از کار، از هوش رفت و با سر به زمین خورد. پیکر نیمه جان این کارگر به بیمارستانی در کرمانشاه منتقل شد که به دلیل نبودن امکانات پزشکی برای بیماران مغزی و قلبی در ساعت 12 شب در تاریخ 15 خرداد جان باخت.

"مظفر بکری"، سال قبل نیز در محل کارش در یک ساختمان سقوط نمود که به مدت یک ماه در بیمارستان در حالت کما به سر برد و پس از چند ماه بستری شدن با وجود اینکه سلامتش را به طور کامل به دست نیاورده بود به دلیل نیاز خانواده اش، مجبور به ادامه فروش نیروی کارش شد.

این کارگر زحمت کش و آگاه که تمام زندگیش با رنج و کار و در عین حال عشق به رهایی کارگران آمیخته بود بارها مورد اذیت و آزار مدافعین سرمایه قرار گرفت. پیکر "مظفر بکری" با حضور انبوه مردم و دوستان و کارگران در روز پنجشنبه به خاک سپرده شد.

عدم امکانات ایمنی در محیط کار سالانه جان تعداد زیادی از کارگران را می گیرد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده و دوستان مظفر بکری، عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیطهای کار که ناشی از سودخواهی سرمایه داری است را عامل بروز این گونه حوادث می داند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

قیمت های بی در و پیکر اجناس در شیراز مردم را کلافه کرده است

بر پایه خبر دریافتی آمده است: قیمت اجناس پایه ای مردم در شیراز متفاوت و بی حساب و کتاب است. مثلا در حالیکه در یکی از سوپرمارکتها قیمت 900 گرم شکر معادل 2500 تومان است. اما جلوی شهرک باهنر در شیراز هر کیلو شکر را 1500 تومان می فروشند.

همچنین قیمت پنیر سفید آمل در سوپرمارکتهای شهر شیراز یک روز کیلویی 3800 تومان است و روز بعد همین پنیر کیلویی 4000 تومان به فروش میرسد. مردم شیراز از این وضعیت بستوه آمده اند.

تعطیلی یک نمایندگی ایران خودرو در سنج و اخراج کارگران

به گزارش خبر گُردپا، در تاریخ 16 خرداد 92 آمده است: چند روز پیش یکی از شعب نمایندگی ایران خودرو در سنج، تعطیل و کلیه کارگران خود را از کار اخراج کرد.

همچنین روز سه شنبه سی و یکم اردیبهشت ماه این نمایندگی به دلیل ورشکستگی، 37 کارگر خود را از کار اخراج کرده بود.

کارگران این نمایندگی (حیدری) در حالی از کار اخراج شده اند که هر کدام از آنان دارای سابقه ی کار 2 تا 17 سال هستند.

پیشتر نیز بنابه دستور ایران خودرو، نمایندگی این شرکت در شهرستان دهگلان، لغو گردید که بیکاری 12 کارگر شاغل را در پی داشت.

جایگاه مطالبات کارگران در برنامه های هشت نامزد انتخابات

به نقل از برنامه کارنامه رادیو فردا آمده است: رقابت های انتخاباتی هشت نامزد ریاست جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است. آیا در سخنان سعید جلیلی، محمد باقر قالیباف، محسن رضایی، محمد رضا عارف، حسن روحانی، محمد غرضی، علی اکبر ولایتی و غلامعلی حداد عادل برنامه مشخصی در مورد کارگران خوانده و یا شنیده اید؟

البته این نکته را باید گفت که نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در سخنان خود بارها قول ایجاد اشتغال و رفع معضل بیکاری را مطرح کرده اند.

اما به جز این، آیا هیچیک از این هشت نامزد ریاست جمهوری به طور مثال، مطلبی در انتقاد از حداقل دستمزد ماهانه ۴۸۷ هزار تومانی گفته و قول داده اند که حقوق آنان را متناسب با نرخ واقعی تورم افزایش خواهند داد؟ بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و حقوق کودکان، با اشاره به تبلیغات محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ در مورد بهبود وضعیت کارگران به رادیو فردا می گوید: «اما در عمل دیدیم که هیچ حرکت عملی برای بهبود وضع کارگران انجام نشد و جز فشار و سرکوب چیز دیگری نصیب کارگران نشد و می توان گفت که بیشترین تعداد بازداشت کارگران در دوره ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد انجام شد.»

او اضافه می کند که برنامه مشخصی در مورد کارگران از نامزدهای انتخابات ندیده است. قبل از سخنان آقای ابراهیم زاده به موضوع حداقل دستمزد ماهانه کارگران اشاره شد. همانطور هم که قبلا در برنامه های کارنامه از سوی فعالان کارگری و یا کارگران شنیده اید، این میزان حقوق با حداقل هزینه ماهانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی یک خانوار چهار نفره برابر نیست. این در حالیست که برخی از اقتصاددانان بر این باورند که حداقل هزینه یک خانوار چهار نفره در سال جاری باز هم افزایش خواهد یافت. جوانمیر مرادی، رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران فلزکار و برق کرمانشاه، با اشاره به افزایش قیمت ها در ماه های اخیر به ویژه در چند هفته اخیر می گوید: «امسال با توجه به این که بحران اقتصادی در ایران شدت بیشتری گرفته و تورم نسبت به سال های پیش چندین برابر شده است، افزایش حداقل دستمزدی که تعیین کرده اند به هیچ وجه کفاف زندگی کارگران را حتی در حد سال گذشته هم نمی دهد.»

اما صرف نظر از این مشکل، آیا میلیون ها کارگر ایرانی با مشکلات دیگری مواجهند یا خیر؟ یکی از مشکلات پیش روی کارگران، افزایش قیمت ها و گرانی اقلام مورد نیاز آنها است. بهروز خباز، فعال کارگری، مقیم سوئد، به رادیو فردا می گوید: «این مشکل در حالی زندگی خانواده های کارگری را تحت تاثیر قرار داده که پس از آغاز سال نو تاکنون، شاهد افزایش بیش از پیش قیمت ها بوده ایم.»

نبود امنیت شغلی، از نگاه آقای خباز، یکی دیگر از مشکلات کارگران در حال حاضر است. او عقیده دارد: «به واسطه تعطیلی کارخانه ها و اخراج کارگران، این موضوع به مشکل حادی برای کارگران تبدیل شده است و این در حالیست که حدود ۶۰ درصد قراردادهای کار سفید امضا هستند.»

در این میان، تشکل های کارگری به مشکلات دیگری اشاره کرده اند. از جمله تبعیض میان کارگران مرد و زن، قراردادهای موقت کار، افزایش تعداد کودکان کار به دلیل اخراج های بی رویه و افزایش مشکلات اقتصادی خانواده ها و افزایش میزان مرگ و میر ناشی از حوادث ضمن کار.

علاوه بر این، فعالان کارگری به خارج بودن کارگاه های کمتر از ۱۰ کارگر از شمول قانون کار و ممنوع بودن اعتصاب و فشارهای امنیتی - قضایی بر تشکل های مستقل کارگری معترضند.

در این میان، باید دید تا زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در روز ۲۴ خرداد، هشت نامزد ریاست جمهوری تا چه اندازه در مورد این مشکلات سخن خواهند گفت.

آقای ابراهیم زاده به این پرسش که مهمترین خواسته های کارگران در این شرایط چیست، پاسخ می دهد: «حذف شرکت های پیمانکاری، برخورداری از یک زندگی انسانی، لغو قراردادهای موقت و سفید امضا، امنیت شغلی و احترام به حق اعتراض و اعتصاب و نیز فعالیت آزادانه تشکل های کارگری.»

او اشاره می کند که کارگران برای رسیدن به این خواسته ها باید به نیروی خود تکیه کنند و متشکل شوند. علیرضا نوایی، از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران، مقیم پاریس، نیز در این مورد به رادیو فردا می گوید: «اولین خواست کارگران، داشتن تشکل های مستقل است» و اضافه می کند: «دریافت دستمزدی متناسب با هزینه زندگی، داشتن شغل، پرداخت به موقع دستمزدها، ممنوع کردن پرداخت حقوق پایین تر از حداقل دستمزد و قراردادهای دائم کار از دیگر خواسته های کارگران هستند.»

بیکاری یکی از مشکلات عمده مردم در آستانه انتخابات

برپایه خبر دریافتی آمده است: این روزها در نمایشهای انتخاباتی همه از گسترش بیکاری به عنوان يك مشکل بزرگ نام می برند بدون اینکه از نظام ولایت فقیه به عنوان بانی آن نام ببرند. حسن روحانی درباره بیکاری گفت: «اشتغال و پایین آوردن نرخ بیکاری مهمترین دغدغه مردم است وقتی در جامعه ایرانی بیش از 3 میلیون نفر بیکار وجود دارد و بیش از 800 هزار نفر نیروی متخصص فارغ التحصیل آماده کار است ولی کار و شغلی ندارند»

نشان می‌دهد این مهمترین موضوع است»

سیاست واردات بی رویه و تعطیلی تولید و بستن کارخانه‌ها که استمرار همان سیاست ساخت بمب اتمی است که به تحریم‌ها منجر شده نتیجه خود را در بیکاری روز افزون داده است. البته دود این سیاستها قبل از همه در چشم مردم محروم می‌رود. روز 6 خرداد علاءالدین بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، به گوشه‌ای از این مشکل گسترده اجتماعی اشاره کرد و گفت: «امنیت شغلی برای کارگران وجود ندارد نه تنها تعداد قابل توجهی از جوانان با مدرک دانشگاهی بیکار و جویای کار هستند بلکه کارگران ساده نیز دچار مشکل شده‌اند.» علیرغم تمام حرفهای خامنه‌ای و احمدی نژاد مبنی بر ایجاد اشتغال، روزنامه بهار روز هشتم خرداد نوشت: «از سال 85 تا 90 شغلی ایجاد نشده است. این روزنامه پیش بینی کرد در سال 95 از 4 تا 8 میلیون بیکار در کشور وجود خواهد داشت». پایگاه اطلاع رسانی تابناک وابسته به محسن رضایی روز 8 خرداد با ارائه یک آمار مقایسه‌ای به گوشه دیگری از عواقب بیکاری اشاره کرد و نوشت: «در ایران هر یک نفر نان‌آور چهار نفر است. در حالی که به‌طور متوسط در دنیا هر فرد شاغل، نان‌آور 2/2 نفر است.» اکنون باید به این اندیشید که با سیاستهای این نظام عقب مانده، روز به روز بر شمار بیکاران و گرسنگان افزوده خواهد شد.

اطلاعیه اتحاد بین المللی در حمایت از فراخوان اعتصاب در ترکیه زنده باد طبقه کارگر و اعتراضات توده‌ای در ترکیه

برپایه اطلاعیه اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران در تاریخ 16 خرداد 92 آمده است :
میدان تقسیم استانبول طی چند دهه سمبل مبارزات کارگری و بزرگداشت اول ماه مه در ترکیه بوده است. کشته شدن 37 نفر از شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه 1977 در میدان تقسیم بخشی از پرونده ننگین بورژوازی ترکیه در سرکوب کارگران این کشور است. اظهارات ضد کارگری طیب اردوغان حول و حوش اول ماه 2013 در مورد جایگاه میدان تقسیم و سرکوب مراسم اول ماه امسال نشان داد که ایشان در دشمنی با کارگران و چپ ترکیه ادامه دهنده سیاست و راه بورژوازی ترکیه علیه کارگران این کشور می باشد. اتحادیه‌های کارگری و کارمندی ترکیه که در اول ماه امسال نتوانستند آزادانه مراسم کارگری اول ماه را برگزار کنند و شدیداً توسط نیروی نظامی و لباس شخصی‌های مزدور دولت سرکوبگر اردوغان مورد محاصره و ضرب و شتم قرار گرفته بودند در پاسخ به اظهارات گستاخانه اردوغان و طرح تبدیل میدان تقسیم به مرکز تجاری همراه با دیگر نیروهای مترقی اعتراضات توده‌ای گسترده‌ای را در روزهای اخیر در این میدان سازمان دادند که به سرعت به دیگر شهرهای ترکیه گسترش پیدا کرد و سراسری گردید. با وجود سرکوب شدید که به کشته شدن دو نفر از معترضین نیز منجر شد این اعتراضات ابعاد سراسری و بسیار وسیعی پیدا کرده است. در ادامه این اعتراضات اتحادیه کارمندان ترکیه فراخوان اعتصاب داد که با حمایت اتحادیه‌های کارگری از جمله دیسک روبرو شده است. حاصل حرص بی پایان نظام سرمایه داری در غارت هرچه بیشتر منابع وامکانات طبیعی و بهره‌وری از نیروی کار اززان در نقاط مختلف جهان، شرایط معیشتی سختی است که به کارگران در سطح بین المللی تحمیل شده است. نتیجه این فشار و نابرابری‌ها اعتراضات و انفجاراتی است که ما روزانه در نقاط مختلف جهان شاهد آن هستیم. اعتراضات توده‌ای و کارگری روزهای اخیر بخشی از اعتراض بین المللی به جهانی است که سرمایه داری بین المللی به ارمغان آورده است.

ما در اتحاد بین المللی این روزها وقایع و اعتراضات ترکیه را با حساسیت و علاقه زیادی دنبال کرده و بنا بر رسالت خود که تقویت اتحاد و همبستگی علیه نظام سرمایه داری و همبستگی و اتحاد با کارگران جهان است حمایت خود را از مبارزات و اعتراضات توده‌ای در ترکیه و فراخوان اعتصاب اتحادیه‌های این کشور اعلام می‌کنیم.

اتحاد بین المللی ضمن محکوم کردن وحشیگری نظامیان و نیروهای سرکوبگر دولت و بورژوازی ترکیه علیه کارگران و زحمتکشان این کشور، اعلام می‌دارد که حکومت سرکوبگر و فاسد بورژوازی ترکیه همانند حکومت جمهوری اسلامی ایران با سرکوب و کشتار در ترکیه نمیتواند جلوی جنبش برابری طلبی و آزادیخواهی کارگران و زحمتکشان و نیروهای مترقی این کشور را بگیرد.

ما ضمن همدردی با خانواده جان باخته گان میدان تقسیم وزخمی شدگان روزهای اخیر از اعتصاب و اعتراضات کارگری آن کشور تا تحقق حقوق آنان دفاع نموده و خود را در کنار این اعتراض برحق و امید بخش می دانیم.
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۶ جون ۲۰۱۳
شانزدهم خردادماه 1392

"مظفر بکری" کارگر برق کار و فعال کارگری

برپایه خبر رسیده آمده است: در شهرستان پاوه، در محل کار دچار حادثه شد و بر اثر ضربه مغزی جانش را از دست داد. بر اساس گزارش رسیده، "مظفر بکری" کارگر برق کار و فعال کارگری در شهرستان پاوه، در محل کار دچار حادثه شد و بر اثر ضربه مغزی جانش را از دست داد.
این کارگر زحمت کش در حین کار به دلیل خستگی و فشار ناشی از کار، از هوش رفت و با سر به زمین خورد. پیکر نیمه جان این کارگر به بیمارستانی در کرمانشاه منتقل شد که به دلیل نبودن امکانات پزشکی برای بیماران مغزی و قلبی در ساعت ۱۲ شب در تاریخ ۱۵ خرداد جان باخت.
"مظفر بکری"، سال قبل نیز در محل کارش در یک ساختمان سقوط نمود که به مدت یک ماه در بیمارستان در حالت کما به سر برد و پس از چند ماه بستری شدن با وجود اینکه سلامتش را به طور کامل به دست نیاورده بود به دلیل نیاز خانواده اش، مجبور به ادامه فروش نیروی کارش شد.
این کارگر زحمت کش و آگاه که تمام زندگیش با رنج و کار و در عین حال عشق به رهایی کارگران آمیخته بود بارها مورد اذیت و آزار مدافعین سرمایه قرار گرفت. پیکر "مظفر بکری" با حضور انبوه مردم و دوستان و کارگران در روز پنج شنبه به خاک سپرده شد.
عدم امکانات ایمنی در محیط کار سالانه جان تعداد زیادی از کارگران را می گیرد. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده و دوستان مظفر بکری، عدم رعایت استانداردهای ایمنی در محیطهای کار که ناشی از سودخواهی سرمایه داری است را عامل بروز این گونه حوادث می داند.
۱۶ خرداد ۱۳۹۲

یک کارشناس مسائل کارگری: مزد ۹۲ نقض حقوق بنیادین کار است / گروه کارگری به ILO گزارش دهد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا بتاريخ 16 خرداد 92 آمده است: یک کارشناس مسائل کارگری، رسالت گروه کارگری که به اجلاس سازمان جهانی کار اعزام شده اند را تهیه و قرائت گزارشی از موارد نقض «حقوق بنیادین کار» در ایران خواند.

«علیرضا حیدری» در این باره به ایلنا گفت: یکی از حقوق بنیادین کار، تضمین پرداخت حداقل مزد به گونه ای است که هزینه معیشت کارگران را پوشش دهد. گروه کارگری باید با تهیه گزارشی نشان دهد که آیا حداقل مزد تعیین شده برای کارگران ایرانی، جوابگوی هزینه های معیشتی آنان است؟

وی در ادامه از گروه کارگری عازم به ژنو خواست تا با تهیه و قرائت گزارشی از نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و مزد سال جاری، بر عدم تناسب این مزد با معیشت کارگران تاکید کنند.

این فعال کارگری در ادامه بر حقوق بنیادین کار تاکید کرد و گفت: «این حقوق در منشور حقوق بشر نیز مورد تاکید قرار گرفته است» به گفته آقای حیدری، حقوق بنیادین کار به ۸ مقاله اساسی سازمان جهانی کار اطلاق می شود که بر صیانت از حقوق نیروی کار تاکید دارند.

گفتنی است، از جمله مهمترین موارد حقوق بنیادین کار اصل برابری و رفع تبعیض قومیتی، جنسیتی، زبان، مذهب، رنگ و نژاد، منع بدترین اشکال کار کودک که برای سلامت جسمی و روحی آنان مضر است، منع به کارگری زنان در کارهای پر زیان، منع تبعیض ارزشی میان نیروی کار و تاکید روی برابری حقوقی افراد در مقابل کار یکسان، حمایت‌های اجتماعی از کارگران در زمان کار، آزادی و استقلال تشکلهای و اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی و حق مذاکره و پیگیری حقوق صنفی نیروی کار است.

پایان پیام

نامه مشترک سه تشکل کارگری به سازمان جهانی کار

ریاست محترم سازمان ILO

با توجه به شرایط بسیار سخت اقتصادی که گریبانگیر کشورمان گشته است، کارگران ایرانی در شرایط مطلوبی کار و زندگی نمی‌کنند. متأسفانه با نقض قوانین داخلی کشورمان، مقاله نامه‌های بنیادین آن سازمان محترم هم زیر پا گذاشته شده است که نظر شمارابه بخشی از آن جلب می‌کنیم

1- دستمزدها در سال جاری مطابق با تورم 35 درصدی اعلام شده توسط بانک مرکزی ایران هم مطابقت نداشته و 10 درصد کمتر یعنی 25 درصد افزایش یافت بطوری که اعتراض احمدی عضو شورای عالی کار را نیز در پی داشت او می‌گوید «در 12 سال گذشته همیشه افزایش حداقل مزد کمتر از نرخ رسمی تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی بوده است» (ایلنا 1392/2/1) که این نقض آشکار ماده 41 قانون کار و بند 12 از اصل 3 قانون اساسی کشورمان و اصل 95 از مقاله نامه‌های بنیادین آن سازمان است.

همچنین در خصوص عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران، اعتراض 100 کارگر نساجی مازندران در مقابل مجلس 1391/8/24 که به نمایندگی از طرف 800 کارگر این کارخانه که 27 ماه است حقوق شان پرداخت نشده است و اعتراض 1300 کارگر لوله سازی صفا در استان ساوه 1391/10/12 به مدت 6 ماه اشاره نمود. محجوب یکی از نمایندگان مجلس در 1392/2/5 اعلام کرد 200 هزار کارگر از تاخیر و عدم پرداخت حقوق رنج می‌برند.

2- در بحث اشتغال زایی نه تنها سیاست آزاد کردن اقتصاد، تولید صنعتی کشورمان دچار نقصان شد، بلکه کارگاههای کوچک قطعه سازی وابسته به صنایع خودرو سازی نیز به تعطیلی کشیده شد. عضو هیات مدیره انون عالی کارفرمایان کشور سید حمزه دروادی می‌گوید: «آمارهای دولت درباره اشتغال و بیکاری قابل اطمینان نیست» (ایلنا 1391/8/12) و دکتر مردوخی اقتصاددان می‌گوید: «اهداف اشتغال زایی محقق نشد و اشتغال ناچیز زنان در جمعیت شاغل کشور از 15 درصد تجاوز نکرد.» (ایلنا 1391/10/5) و همچنین خبرگزاری کار ایران گزارش کرد که در سال گذشته 200 هزار کارگر بیکار و 3000 واحد تولیدی تعطیل شده اند. در آخرین بیکار سازی ها هم می‌توان به اخراج 1000 کارگر جبل بر استان هرمزگان و 550 کارگر لامپ سازی الوند قزوین اشاره کرد (به نقل از ایلنا) که این مواد نقض آشکار بند 2 از اصل 43 قانون اساسی کشورمان و اصل 122 مقاله نامه‌های بنیادین آن سازمان است.

3- تبعیض جنسی، مذهبی، محیط کار را می‌توان در کلیه کارخانه‌های مواد غذایی و پروتئینی مشاهده نمود که از استخدام اقلیت‌های دینی خودداری کرده و این افراد هیچگاه در خط تولید قرار نمی‌گیرند. همچنین در بسیاری از رشته‌های تحصیلی و شغلی زنان با دستوره‌های پیاپی از امکان راهیابی به شغل مورد علاقه خود منع می‌شوند از جمله مهندسی معدن. به گفته اقتصاددان دکتر مردوخی: «اشتغال ناچیز زنان در جمعیت شاغل کشور از 15 درصد تجاوز کرده است.» این مورد ناقض اصول 19 و 20 قانون اساسی کشور و اصل 111 مقاله نامه‌های بنیادین است.

4- در بحث دستمزد مساوی برای کارمساوی بامردان، افشین حبیب زاده عضو هیات مدیره خبرگزاری کار ایران می‌گوید: «در کارگاههای کوچک زیر 10 نفر دستمزد پائینی به کارگران زن پرداخت می‌شود که بعضاً به نصف حداقل مزد مصوب شورای عالی کار هم نمی‌رسد.» (ایلنا 1392/2/9) زنان نه تنها حقوق کمتری نسبت به مردان دریافت می‌کنند بلکه در بسیاری از مواقع مورد تعرض جنسی نیز قرار می‌گیرند که به دلیل روابط اجتماعی تحمیل شده به زنان آنان از ترس آبرو از شکایت صرف نظر کرده و هیچ آمار رسمی در این مورد موجود نیست. زنان اولین دسته

ای هستند که از کار اخراج می شوند. رییس اتحادیه زنان کارگر آذربایجان شرقی می گوید: «زنان اولین قربانیان تعدیل در بازار کار هستند» (ایلنا 1392/2/10)

5- افزایش حوادث شغلی یکی دیگر از مواردی است که زندگی و جان کارگران ایرانی را به مخاطره انداخته است. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی ایران آمار تلفات حوادث ناشی از کار در سال 1391 1795 نفر بوده که از این تعداد 25 نفر زنان را شامل می شده است و نسبت به سال 1390، 19 درصد افزایش داشته است. (به نقل از ایلنا)

6- در حال حاضر فعالان سندیکایی برای فعالیت های صنفی خود در زندان بسر می برند. آقایان رضا شهبابی مسوول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، محمد جراحی و شاهرخ زمانی از هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران، پدram نصرالهی، خالد حسینی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی، رضاقادری، علی آزادی، حامد محمود نژاد، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری هم اکنون در زندان هستند. آقایان ناصر محرم زاده با 14 سال سابقه کار، حسن سعیدی با 13 سال سابقه کار، وحید فریدونی با 9 سال سابقه کار از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در سال گذشته و بهنام خدادادی و نجیم مجیدزاده از انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان شاغل در پارس جنوبی در فروردین امسال به علت فعالیت های صنفی از کار اخراج شده اند. که این نقض مقوله نامه های 87 و 98 آن سازمان محترم است

در حال حاضر جمعی به نمایندگی از کارگران ایرانی در هیات اعزامی به آن نهاد محترم قرار دارند که به هیچ وجه مورد تایید سندیکاهای کارگری ایران نیستند. نهادهایی که این افراد را به عنوان نمایندگان خود به آن اجلاس فرستاده اند نهادهایی هستند که اساسنامه و برنامه اشان توسط وزارت کار ایران برایشان نوشته شده است و حتی نمایندگان به اصطلاح کارگری می باید از فیلتر وزارت کار بگذرند تا سمت نمایندگی را کسب کنند. افرادی که در شورای عالی کار برخلاف نظر 30 میلیون کارگر ایرانی با تصویب حداقل حقوقی 4 برابر زیر خط فقر، سند مرگ خانواده های کارگری را امضا می کنند و نهاد های اعزامی آنان حکم اخراج برادران کارگر خود را تایید می کنند هیچگاه تعلق به زحمتکشان ایران ندارند. ما از شما مصرانه می خواهیم که موارد نقض حقوق انسانی کارگران ایرانی را پیگیری و از پذیرفتن نمایندگان به اصطلاح کارگری خوداری کنید.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

پیام کانون مدافعان حقوق کارگر به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در ژوئن 2013

<http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/06/2013.html#more>

بادردهای فراوان به هیات های نمایندگی کارگران شرکت کننده در این اجلاس

و با تشکر از دوستان در کنفدراسین بین المللی کارگران (ituc) که از کانون مدافعان حقوق کارگر، به عنوان نهاد کارگری مستقل از ایران برای حضور در این اجلاس، دعوت به عمل آورده اند.

متأسفانه امسال نیز همانند سال های قبل کارگران ایران نتوانستند نمایندگان واقعی خود را برای شرکت در این اجلاس انتخاب کنند، در نتیجه کارگران ایران هیچ نماینده ای در این اجلاس ندارند. ما نیز نتوانستیم نمایندگان خود را به این اجلاس بفرستیم، زیرا یکی از نمایندگان ما برای حضور در اجلاس آی ال او، (فریبرز رییس دانا) ممنوع الخروج و پاسپورت وی توقیف شده است. نماینده دیگری (هاله صفرزاده) نیز با انواع تهدیدها و نگرانی برای رفتن و بازگشتن به ایران رو به روست.

ما در سال گذشته، گزارش خود را از وضعیت کار در ایران ارائه دادیم که به عنوان سند در اجلاس سال گذشته مطرح شد. اکنون با تاکید بر همان گزارش، مطالب ذیل را جهت آگاهی از وضعیت کارگران در طی سال گذشته بیان می کنیم:

- 1- سال گذشته اقتصاد ایران تورم با نرخ 45 درصدی را در حوزه‌ی کالاها و خدمات مصرفی شهری تجربه کرده و متوسط نرخ تورم برای کالاها و خدمات اصلی مورد نیاز کارگران ایران، مانند مسکن (در نقاط فقیرنشین) و مواد غذایی عادی مانند حبوبات، لبنیات و گوشت قرمز و سفید، بالاتر از 45 درصد بوده است و هزینه‌ی درمان و دارو با افزایش غیر قابل تصویری روبه رو شد، به گونه‌ای که سهم کارگران برای پرداخت این هزینه‌ها در حدود 70 درصد شد و تنها 30 درصد این هزینه‌ها را سازمان تامین اجتماعی پردازد که در این بخش نیز کارگران ایران با تورم بالاتر از متوسط 45 درصد مواجه بوده‌اند.
- سال گذشته در پی ضربه‌ای که از ژانویه 2013 به خاطر تحریم گسترده‌تر نفتی ایجاد شد، نرخ‌های ارزش بیش از سه برابر شدند. نرخ دلار 1100 تومانی به 3500 تومان بالغ شد. این امر صادرکنندگان را واداشت که کالاهای سنتی را به خارج صادر و از دسترس مردم خارج کنند. دولت به این سیاست یاری رساند. اما کالاهای وارداتی چون دارو، قطعات صنعتی و برخی مواد غذایی گران شدند و بار این گرانی به دوش کارگران افتاد. سیاست‌های واردات با انگیزه‌های سیاسی و پارگیری دیپلماتیک موجب تعطیلی واحدها و گسترش بیکاری شده است. از این سیاست‌ها هم سیاستمداران و هم بازرگانان ایران سود می‌برند.
- فرار سرمایه، فساد و زد و بند در ایران ادامه دارد و این امر موجب رکود و بیکاری (همراه با تشدید تورم شده است. سال گذشته فقط معادل 1000 میلیارد تومان اختلاس در دادگاه‌هایی مورد بررسی قرار گرفت که رسانه‌های دولتی آن را به نمایش گذاشتند. رقم واقعی به چند برابر این مبلغ می‌رسد.
- 2- بالا رفتن نرخ ارزهای خارجی به طور موج‌وار همه‌ی عرصه‌های اقتصاد را در نوردید و موجب گرانی عمومی شد. دستمزدهای واقعی متوسط کارگران به حدود 45 درصد دستمزدهای سال پیش افت کرد و برخی مواقع حتی به 30 درصد نیز رسید. به گونه‌ای که حقوق کارگران در سال گذشته معادل 300 دلار در ماه و امسال نیز علیرغم ده الی 15 درصد افزایش ظاهری به حدود 120 دلار در ماه رسیده است.
- 3- درعین حال برای تعیین حداقل دستمزد هنوز نمایندگان واقعی کارگران همانند گذشته در کمیته‌های تعیین دستمزد حضور ندارند و حتی سه جانبه‌گرایی موجود در قوانین نیز عملاً بی‌معناست. این اتحاد دولت و کارفرمایان است که بر دستمزدها فرمان می‌رانند.
- 4- بیکاری از مرز 5.7 میلیون نفر گذشته است و بیشتر این بیکاران، کارگران جوان هستند. نرخ بیکاری عمومی در حدود 19 درصد و نرخ بیکاری جوانان 27 درصد و نرخ بیکاری کارگران زن بیش از 24 درصد برآورد می‌شود.
- 5- کماکان به اعتراض‌های کارگران بیکار و کارگرانی که از 6 تا 14 ماه حقوقی نگرفته‌اند، بی‌اعتنایی شده است. حق تشکل، تظاهرات و اعتصاب همه و همه نادیده گرفته شده و کارگرانی که به این کارها اقدام می‌کنند، بلافاصله از کار اخراج شده و بسیاری از آنان در رده‌ی خرابکاران، جاسوسان و توطئه‌گران و براندازان نظام قرار می‌گیرند.
- 6- امنیتی بودن و نظامی بودن فضای کار برای مقابله با هر نوع تشکل روز به روز تشدید می‌شود به خصوص در صنایع بزرگ.
- 7- فعالان کارگری همچنان در زندان هستند. از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی و رضا شهبابی دوران زندان خود را می‌گذرانند و بهنام ابراهیم زاده نیز که به خاطر بیماری فرزندش در مرخصی به سر می‌برد، بارها به زندان احضار شده است. علاوه بر آن تعداد زیادی از فعالان کارگری همچنان در زیر احکام سنگین قرار دارند که پرونده آنها در جریان بازرسی است. بسیاری از روزنامه نگاران، معلمان و سایر فعالان اجتماعی و صنفی نیز یا مشغول گذراندن سال‌های حبس خود هستند یا در انتظار نهای شدن حکم دادگاه برای گذران محکومیت خود به سر می‌برند. مانند رسول بوداغی (معلم)، مهدی شاندیز (معلم)، کیوان صمیمی (روزنامه‌نگار)، مسعود باستانی (روزنامه‌نگار)، مهسا امرآبادی (روزنامه‌نگار) و...
- 8- تبعیض جنسیتی و قومیتی هم چنان در محل‌های کار ادامه دارد. این تبعیض‌ها بسیار گسترده و متنوع هستند. بر طبق گزارش‌های موثق منابع مستقل، حقوق زنان در بسیاری موارد بویژه در کارگاه‌های کوچک تا یک سوم حقوق مردان، برای کار برابر است. همچنین برخی از کارگران مهاجر به خصوص کارگران افغان از دستمزدهای بسیار اندک برخوردارند. از طرف دیگر در پروژه‌های نفتی، کارگران خارجی، دستمزدهایی به مراتب بالاتر از کارگران بومی دارند و این وجه دیگری از تبعیض است که در آن به دلائل

سیاسی ، حقوق یک متخصص کشورهای طرف قراردادهای نفتی تا چند برابر حقوق کارگر متخصص داخلی با تخصص یکسان است.

9- حقوق معوقه هم چنان یکی از مسایل مبرم جامعه ی کارگری ایران است که باید هر چه زودتر به آن پرداخته شود. در پروژه های بزرگ پرداخت حقوق هر چند ماه یک بار به امری متداول تبدیل شده است. در این پروژه ها اقدام دسته جمعی برای دریافت حقوق (اعتصاب و اعتراض) ، معمولا تنها منجر به دریافت بخشی از دستمزد و اخراج سردمداران اعتراضات می شود. کارگران بسیاری تنها به خاطر درخواست دریافت حقوق عقب افتاده شان، از کار بیکار شده و در لیست سیاه استخدام مجدد قرار گرفته اند و به این دلیل عملا امکان یافتن مجدد کار برای آنان بسیار کم می شود و از این رهگذر خانواده های آنان دچار مشکلات بیشماری می شوند. معمولا کارفرمایان همیشه بخشی از حقوق و دستمزد کارگران را نگه می دارند. در کارگاه های کوچک و بنگاه ها و شرکت های خصوصی نیز این امر متداول است. حتی در بیمارستان های دولتی ، دستمزد پزشکان نیز با تاخیر پرداخت می شود. دستمزد معلمان حق التدریسی نیز هر چند ماه یک بار پرداخت می گردد. در بسیاری از مدارس خصوصی نیز حقوق معلمان با تاخیرهای چند روزه تا چند ماهه پرداخت می شود.

10- خارج شدن بخش وسیعی از کارگران از شمول قانون کار (کارگاه هایی که زیر ده نفر نیروی کار در استخدام دارند) دست کارفرمایان را در اجحاف هر چه بیشتر به کارگران باز گذاشته و عملا این بخش از کارگران که بخش وسیعی از کارگران را تشکیل می دهند در بی حقوقی کامل به سر می برند.

11- قراردادهای سفید امضا همچنان برقرار بوده و به این وسیله هر زمان که کارفرما اراده کند، می تواند نیروی کار را اخراج کند.

12- آموزش و بهداشت در ایران هر روز بیش از پیش از دسترس کارگران و زحمتکشان خارج می شود، به طوری که بر طبق آمار موثق، بیش از سه میلیون کودک بازمانده از تحصیل در ایران وجود دارد که اینان به دنیای کار وارد شده و هر روزه تعداد کودکان کار افزایش می یابد. این میزان یکی از بالاترین میزان کودک کار در سراسر جهان است و هیچ چشم اندازی برای تغییر آن در کوتاه مدت وجود ندارد.

13- حوادث کار در ایران یکی از خونبارترین حوادث کار در جهان است. به طور متوسط هر ساعت چند کارگر آسیب می بیند که همه ی اینها ناشی از فقدان ایمنی و بهداشت در محیط کار و سودطلبی کارفرمایان است. در پروژه های نفت و گاز یا پروژه های بزرگ، در نظر گرفتن چندین کشته در برنامه ریزی های ابتدایی جزو پیش بینی های عادی است.

14- در خاتمه یادآور می شویم که یکی از خواسته های واقعی کارگران و فعالان کارگری مستقل، همواره این بوده است که در نشست های بین المللی مربوط به کار و کارگر نمایندگان واقعی و مستقل کارگران ایران، جایگزین تشکل های دولتی و غیرمستقلی شوند که به عنوان نماینده ی کارگران ایران در این اجلاس شرکت می کنند. متاسفانه از سوی آی ال او هیچ گاه به این موضوع توجه جدی نشده است و همین مساله باعث شده به جای نمایندگان واقعی کارگران نمایندگان دولتی و خود خوانده در طی سی سال گذشته، همواره در این گونه اجلاس حضور داشته باشند و مطالبات و مسایل کارگران ایران به درستی شنیده نشود. این مساله برای همیشه باید حل شود و نمایندگان واقعی کارگران ایران در این اجلاس حاضر شوند.

15- ضمن حمایت جدی از خواسته کارگران سراسر جهان، به خصوص اعتراضات یک سال گذشته در سراسر اروپا و آسیا و امریکا که خواهان طرد سیاست های ریاضت اقتصادی بوده و هستند، خواهان حمایت کارگران و اتحادیه های کارگری دنیا از مبارزات به حق کارگران ایران هستیم.

با تشکر و درود فراوان

کانون مدافعان حقوق کارگر ایران

ژوئن 2013

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری:
اداره سازمان تامین اجتماعی به شورای عالی بازگردانده شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 16 خرداد 92 آمده است: رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری خواستار آن شد تا طبق قانون صندوق‌های تابع سازمان تامین اجتماعی از شمول قانون جامع نظام رفاه و تامین اجتماعی خارج شوند.

«حسن صادقی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: از زمان تصویب و اجرای قانون جامع نظام رفاه و تامین اجتماعی به اشتباه اداره سازمان تامین اجتماعی به دولت سپرده شده است.

وی با بیان اینکه سازمان تامین اجتماعی یک صندوق بین‌النسلی است که درآمد و دارایی‌های آن از محل واریز حق بیمه کارگران تامین می‌شود، گفت: برابر قانون جامع رفاه و تامین اجتماعی این سازمان باید توسط دولت و زیر نظر شورای عالی سه‌جانبه تامین اجتماعی اداره شود.

این فعال کارگری با بیان اینکه در حال حاضر با اجرای سلیقه‌ای قانون مذکور به غلط در ساختار اداری سازمان تامین اجتماعی تغییراتی ایجاد شده و هیات امنای جایگزین شورای عالی تامین اجتماعی شده است گفت: امروز دیگر ناکارآمدی این شیوه اداره سازمان مشخص شده است.

گفتنی است به موجب قانون جامع تنها صندوق‌هایی که دولت تامین‌کننده منابع آنهاست باید در قالب ساختار هیات امنایی اداره شوند.

صادقی معتقد است دولت نه تنها یک ریال از منابع سازمان تامین اجتماعی را تامین نکرده بلکه خود با چند ده هزار میلیارد تومان بدهی، بزرگ‌ترین بدهکار به این سازمان است.

این فعال کارگری ادامه داد: تاکید قانون جامع رفاه و تامین اجتماعی بر این است که سازمان تامین اجتماعی به همان شیوه قبلی و زیر نظر شورای عالی تامین اجتماعی اداره شوند.

وی از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواست تا پیش از اتمام عمر دولت دهم به وضعیت پیش آمده پایان دهد و مطابق قانون جامع رفاه و تامین اجتماعی دستور انحلال هیات امنای و احیای شورای عالی تامین اجتماعی را صادر کند.

پایان پیام

پیام شاهرخ زمانی خطاب به سندیکاهای فرانسه

از: شاهرخ زمانی

به: سندیکاهای فرانسه (پنج سندیکای فرانسوی: CGT، ث.ژ.ت، ث.ا.ف.د.ت، CFDT، اف.اس.او، FSU، اونسال UNSA و سولیدر Solidaire)

موضوع: تشکر از حمایت‌های بی‌دریغ شما هم‌طبقه‌ای‌های عزیز

درودهای گرم و آتشین مرا از زندان جهنمی رجایی شهر کرج بپذیرید. به من اطلاع داده شد که شما برای حمایت از کارگران ایرانی در روز ۱۳ ژوئن در مقابل مقر اروپایی سازمان ملل متحد در شهر ژنو که نشست سازمان جهانی کار در آنجا برگزار خواهد شد. در میدان ملل اقدام به تظاهرات خواهید کرد. از این بابت از شما تشکر کرده و دستان مبارزتان را صمیمانه می‌فشارم. حقیقتاً "تلاش‌های شما شایان قدرانی بسیار زیادی است."

مرا به دلیل فعالیت‌های سندیکایی اما با اتهامات ساختی و دروغین به ۱۱ سال زندان محکوم کرده اند و اکنون نزدیک به دو سال است که در زندان‌های جهنمی جمهوری اسلامی مدت حبس خود را می‌گذرانم. بارها مرا از زندانی به زندان دیگر منتقل کردند در حالی که هیچ حکمی از طرف قاضی برای تبعید من صادر نشده بود و در نهایت اکنون مدت ۸ ماه است که در زندان مخوف رجایی شهر کرج هستم. حمل‌بر، قاضی پرونده‌ی من در حالی مرا به ۱۱ سال حبس محکوم کرد که خود در حضور وکیل اعتراف کرده بود که تنها یک کارمند در سلسله مراتب پیچیده‌ی موجود است و اختیاری از خود ندارد.

البته من تنها کارگر زندانی نیستم، صدها کارگر به دلیل مطالبه حقوق حقه ای خود مانند ایجاد تشکل، اقدام به اعتصاب، در خواست افزایش حقوق، داشتن امنیت شغلی و جانی، اعتراض به اخراج‌ها، اعتراض به تصویب قوانین ضد کارگری، در خواست دستمزد های معوقه و... به شدت سرکوب، کشته یا زندانی شدند از جمله کارگران خاتون آباد با تیر اندازی از طرف هلیکوپترهای نظامی کشته شدند یا مانند ستار بهشتی در زندان زیر شکنجه جان باختند ویا هم‌اکنون مانند رضا شهابی عضو سندیکا شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری، رسول بداعی و عبدالرضا قنبری از کانون صنفی معلمان، مهدی فراهی شاندیز عضو کمیته پیگیری، جلیل محمدی عضو کمیته هماهنگی، پدram نصر الهی عضو کمیته هماهنگی، من، شاهرخ زمانی عضو سندیکا نقاشان و عضو کمیته پیگیری... و صدها کارگر شناخته نشده ای در زندان بسر می‌برند. اکثریت قریب به اتفاق کارگران زندانی نامبرده در زندان با برنامه های نقشمند ماموران که دستورنظام است دچار بیماری های خطر ناک مختلفی مانند سرطان و... شده اند که در این رابطه، محمد جراحی، رسول بداعی، رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاندیز و... همچنان از بیمارها و عدم اجازه مداوا رنج می‌برند. لازم به بیان است که مسئولین شوراهای اسلامی و خانه کارگر در تمامی سرکوب های گفته شده در بالا به صورت های مستقیم و غیر مستقیم و پنهان و آشکار شرکت داشتند مثلاً در حمله به نشست کارگران شرکت واحد، خانه کارگری ها شرکت مستقیم داشتند و در بریدن زبان منصور اسانلو یکی از مسئولین خانه کارگر شناخته شده است، یا این افراد مسئولین خانه کارگر و شورا های اسلامی طی 34 سال گذشته به طور مداوم از کارگران نا آگاه برای حمله و یا جمع آوری گزارشات علیه کارگران و تشکل های آنها شرکت داشتند و دولت از طریق آنها برنامه های سرکوب علیه کارگران و مبارزات کارگری را سازماندهی کرده و پیش برده است و هر وقت در نهاد های بین المللی کارگری نیاز به نماینده از طرف کارگران لازم بوده همین مسئولین خانه کارگر یا شوراهای اسلامی را که در واقع ماموران ویژه سرکوب کارگران هستند را بدون اینکه کارگران در انتخاب آنها دخالت داشته باشند به مجامع بین المللی فرستاده است درست مانند هم اکنون که سرکوب گران کارگران به عنوان نماینده کارگران ایران قرار است در نشست آی ال او شرکت کنند، من شاهرخ زمانی کارگر زندانی، نماینده سندیکا نقاشان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری از طرف خود و کارگرانی که مرا به عنوان نماینده خود قبول دارند اعلام می‌کنم این افراد را نه تنها نماینده خود و کارگران ایران نمی‌دانیم بلکه سریعاً اعلام می‌کنیم آنها شرکای جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش کارگری و فریب دادن مجامع بین المللی هستند.

در حال حاضر کوچک‌ترین تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری با سرکوب بسیار خشن دولت از طریق عوامل مختلف از جمله خانه کارگری‌ها و شوراهای اسلامی مواجه می‌شود و هیچ اجازه‌ای برای ایجاد تشکل داده نمی‌شود. اخراج‌های فردی و دسته جمعی و بیکاری میلیونی، 7 میلیون معتاد، صدها هزار کودکان و زنان خیابانی، صدها هزار کودک کار، پایین آمدن سن فحشا به 12 سال، فروپاشی خانواده‌ها و تعیین دستمزد یک پنجم زیرخط فقر برای کارگران (بطور مستقیم توسط همین خانه کارگری‌ها و شوراهای اسلامی انجام می‌شود در حالی که خط فقر در ایران امسال از طرف دولت مردان معادل 550 دلار اعلام شده است اما خانه کارگری‌ها و شورا های اسلامی معادل 115 دلار را به عنوان دستمزد تعیین و تایید کردند)، باز ماندن کودکان و جوانان از تحصیل، سرکوب تشکل های کارگری و مردمی، کشتار انقلابیون، گرفتارشدن مردم بخصوص جوانان در افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی، رشد بی‌سابقه جرم و جنایت و باز پس گیری تمامی دست آورد های انقلاب 57 به سود سرمایه داران، حذف یارانه‌ها، گرانی سوخت، برق، تلفن و گاز، پولی شدن مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها و خدمات پزشکی و بهداشتی، بالا رفتن کرایه‌ها، سر به فلک کشیدن اجاره‌ی خانه تنها گوشه‌ای از مشکلاتی است که مردم و طبقه‌ی کارگر ایران در سایه‌ی حکومت جمهوری اسلامی و عوامل خانه کارگر و شورا های اسلامی با آن روبه‌رو هستند.

از طرف دیگر رواج افسارگسیخته‌ی قراردادهای موقت و سفید امضا، خروج کارگاه‌های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار، عدم پرداخت دست‌مزد کارگران و نبود امنیت شغلی مصیبت‌هایی است که این حکومت بر سر طبقه‌ی کارگر ایران آورده است.

در چنین وضعیتی هرگونه اعتراضی با برخورد خشن و سرکوب شدید حکومت مواجه شده و هر صدای مخالفی بلافاصله با شکنجه و زندان روبه‌رو می‌شود. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی حتی در مدت حبس خود نیز از این آزار و اذیت‌ها مصون نیستند. بازجویی‌های گاه و بی‌گاه و غیرقانونی و کشتار زندانیان زیر شکنجه یا به علت عدم وجود امکانات درمانی در زندان‌ها به امری عادی بدل شده است. ستار بهشتی، علی‌رضا کرمی خیرآبادی و دهها نفر دیگر نمونه‌ای هستند که به دلیل شکنجه یا عدم رسیدگی به موقع پزشکی در زندان جان خود را از دست داده‌اند.

دوستان سندیکا های فرانسه:

در چنین وضعیتی طبقه‌ی کارگر ایران که امکان برخورداری از کوچک‌ترین حق تشکل‌یابی را ندارد نیاز به کمک مبرم هم‌طبقه‌ای‌هایش در سراسر جهان دارد. ما از عملکرد شما بخصوص در مورد فراخوان اعتراضی 13 ژوئن در حمایت از کارگران ایرانی صمیمانه تشکر می‌کنیم و می‌خواهیم با استفاده از روابط بین‌المللی خود در کمک و حمایت‌های بیشتری ما را یاری کنید تا بتوانیم مبارزات خود را به ثمر برسانیم. دوستان، من در نامه‌ای در مارس 2011 که برای شما نوشتم، پنج پیشنهاد مشخص برای یاری شما به کارگران ایران مطرح کردم. آن پیشنهادات کماکان جای طرح دارند و عبارتند از:

۱- نمایندگانی از میان خود انتخاب کنید تا در رابطه با سرکوب کارگران توسط جمهوری اسلامی تحقیق کنند تا شما به عمق فاجعه پی ببرید.

۲- نمایندگانی از بین خود انتخاب کنید تا مأمور شوند در رابطه با خانه کارگر که همدست پلیس برای سرکوب و فریب کارگران است و طی 33 سال در تمامی کارهای ضدکارگری دست در دست جمهوری اسلامی شریک جرم بوده است تحقیق نمایند، پس از کشف حقایق نسبت به خانه کارگر رابطه خود را با آن قطع کنید و از تمامی تشکل‌های کارگری جهان بخواهید که از ورود خانه کارگر و نمایندگان آن به جوامع کارگری و تحمیل خود به عنوان نماینده کارگران ایران جلوگیری نمایند.

۳- پس از تحقیقات لازم، کشف حقایق در مورد سرکوب سندیکاها و تشکل‌های کارگری و مخالفین آنها در ایران ن با اتحاد میان تشکل‌های کارگری به صورت جهانی دولت ایران را وادار نمایید تعهدات خود را در قبال کارگران عملی نماید.

۴- در نهایت از شما می‌خواهم اگر پی به حقایق بردید و اگر قبول کردید که ما کارگران ایران بی‌گناه در زندانها عمر خود را از دست می‌دهیم به ما کمک کنید تا آزادی خود را به دست آوریم.

۵- اگر ممکن است برای من وکلایی را تعیین کنید، تا بتوانند شکایت مرا به خاطر شکنجه، محاکمه و زندان بدون هیچ دلیل و سندی به مراجع قضایی صلاحیت دار ارایه و ادامه بدهند. در کجای دنیا دیده شده که برای یک کارگر عضو سندیکا به خاطر تلاش برای ایجاد سندیکا حکم 11 سال زندان صادر کنند.

بار دیگر دستانتان را به گرمی می‌فشارم واز شما خواهش می‌کنم تا از راه‌های فوق یا از هر راهی که به نظر خودتان می‌رسد به یاری کارگران ستمدیده‌ی ایران بشتابید.

شاهرخ زمانی زندان رجایی شهر کرج-۱۵ خرداد ۱۳۹۲

تکثیر از: کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

انتقاد رسولی از روئسای تشکلهای رسمی کارگری: سفر سوئیس را به افزایش حقوق کارگران ایرانی ترجیح دادند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 16 خرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در خراسان رضوی با اشاره به برگزاری کنفرانس بین‌المللی کار، از عزیمت روئسای دو تشکل رسمی کارگری به کشور سوئیس در «این مقطع حساس زمانی که می‌بایست اوج فعالیت و چانه‌زنی آنها در ایران برای افزایش حقوق جانبی کارگران باشد، انتقاد کرد.

«حسین رسولی» تشکیل جلسه‌ی ویژه شورای عالی کار برای افزایش حقوق بن و مسکن کارگری را حاصل سه ماه تلاش مستمر فعالین کارگری و رسانه‌ای خواند و گفت: درست در مقطعی که این تلاش‌های بی‌وقفه در آستانه به ثمر نشستن بود، سفر رؤسای تشکلهای رسمی کارگری که باید تیم مذاکره کننده کارگری را در شورای عالی کار رهبری می‌کردند، بدون شك به این مذاکرات لطمه وارد خواهد کرد.

رسولی با اشاره به امضای مصوبه غیر قانونی مزدی سال 92 توسط نمایندگان رسمی کارگری در شورای عالی کار، اظهار داشت: کسانی که داعیه دار نمایندگی کارگران ایران در مجامع بین‌المللی هستند، ابتدا باید نقش موثر خود در مذاکرات کارگری داخل ایران به اثبات برسانند.

دبیر خانه کارگر استان خراسان رضوی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت آشنایی نمایندگان کارگری با حقوق بنیادین کار تاکید کرد و گفت: در صورتی که این نمایندگان آشنایی کافی با مقابله‌نامه‌های سازمان جهانی کار نداشته باشند و یا به هر دلیلی نتوانند به صورت مستقل از دولت (که بزرگ‌ترین کارفرمای کشور است) مواضع و نظرات جامعه کارگران ایران را تشریح کنند و از سایر همکارانشان در نقاط مختلف جهان مشورت بگیرند، سفر به سوییس تنها جنبه توریستی خواهد داشت.

پایان پیام

اخراج کارگران و کارکنان واحد های کار و تولید اصفهان

برپایه خبر دریافتی آمده است: طی یک هفته اخیر 50 نفر از کارگران خدماتی دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان را اخراج کرده اند، علاوه بر این 35 نفر از کارکنان و کارمندان کارخانه پلی اکلید همدراصفهان اخراج شده اند از جمله موارد اخراج، 20 نفر از کارکنان يك واحد چاپ تبلیغاتی در اصفهان بوده است که بدلیل افت کار و نبودن پول در گردش بوده است.

نامه سرگشاده بهنام ابراهیم زاده به اجلاس سازمان جهانی کار

رونوشت:

اتحادیه ها و سازمانهای کارگری

هم طبقه ایها! در هفته های آتی نشست سالانه سازمان جهانی کار برگزار میشود. این رنج نامه را خطاب به شما و نشست این اجلاس مینویسم.

من بهنام ابراهیم زاده یک فعال کارگری هستم. کارگری که برای تهیه لقمه نانی برای خانواده ام در ایران با مصائب زیادی روبرو هستم. کارگری که نه فردا و نه آینده اش معلوم نیست. من از زمره میلیونها کارگری هستم که هیچوقت امنیت شغلی نداشتیم، با قراردادهای موقت سفید امضا و حقوقهای نازل کار کرده ایم، و در موارد بسیاری کارفرما و پیمانکاران حتی همان حقوق ناچیزمان را هم پرداخت نکردند. من و بیشتر ما کارگران در محلاتی زندگی میکنیم که حتی آب آشامیدنی و قابل مصرف ندارد. در این "زندگی" کودکان ما بجای آموزش مجبور به ترک تحصیل و وارد بازار کار میشوند. وقتی هم بیکار میشویم زندگی سیاهتر است، نه بیمه بیکاری داریم و نه کسی مسئول خانواده مان است. این یک گوشه زندگی من و میلیونها کارگر در ایران است.

مشکل ما اما صرفا تنها معیشتی نیست. شما مطلع هستید که در ایران ما کارگران از حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری محروم هستیم. فعالین کارگری که در تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی طبقه کارگر هستند با تهدید اخراج و سرکوب و زندان روبرو میشوند. من بعنوان یک فعال کارگری و مدافع حقوق کودک سالیان زیادی تنها بدلیل دفاعم از حقوق خود و هم طبقه ای هایم و دفاع از فرزندان کارگران در بدترین شرایط زندانی بودم.

"جرم" دفاع از حقوق کارگران به من حکم 5 سال زندان داده شده است. این تنها سرنوشت من نیست، سرنوشت هر کارگری است که به وضعیت موجود اعتراض میکند. هم اکنون دهها فعال کارگری در زندان بسر میبرند و شیرازه زندگی و خانواده هایشان از هم پاشیده شده است. بحران اقتصادی که دامنگیر دنیا شده است بار سنگینی بر دوش خانواده های کارگری انداخته است و این درد برای خانواده های کارگری که نان

آوران‌شان در زندان هستند هزار بار سنگین تر است.

این اوضاع بویژه برای من، بهنام ابراهیم زاده، اینبار بیش از پیش غیر قابل تحمل است. کودک من سرطان دارد و ماههاست در بستر بیماری با مرگ دست پنجه نرم میکند و در حال حاضر در بیمارستان "محک" تهران بستری است و هر روز باید درد شیمی درمانی را تحمل کند. نیما، فرزند عزیز من در این شرایط خطیر چه به لحاظ مادی و چه معنوی به من نیاز دارد. تنها فرزندم در بستر بیماری است و من طبق دستور زندانبانان باید به زندان برگردم. دنیا باید بداند که من آدم نکشتم، من دزدی نکردم؛ من به جان و مال کسی تعرض نکردم، من فقط گفتم حقم بعنوان یک شهروند و یک کارگر چیست و چرا حق ما کارگران را پایمال میکنید؟ من باید "بجرم" دفاع از حقوق بدیهی انسانی کارگران در شرایطی که کودک بستری است باید روانه زندان شوم. من از تمامی شرکت کنندگان این اجلاس تقاضا میکنم خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی فعالین کارگری شوید و نمایندگان جمهوری اسلامی را ملزم کنید که در اسراع وقت این زندانبانان آزاد شوند. من انتظار دارم این نشست برای زندانی کردن من که هم اکنون کودک ۱۴ ساله ام در بستر بیماری است و به محبت و حمایت پدرش نیاز دارد، اعتراض کند و اقدامات فوری برای آزادی ام انجام دهد. اگر این نشست بدون یک تصمیم در مورد آزادی من و سایر فعالین کارگری زندانی به پایان کار خود برسد، دیگر این اجلاس معنی صلح و انساندوستی و دفاع از حقوق کارگر ندارد. امروز ما کارگران به حمایت و پشتیبانی شما هم طبقه ای هاپمان نیاز داریم. فردا شاید دیر باشد.

با احترام،

بهنام ابراهیم زاده

۱۷ خرداد ۱۳۹۲ برابر با ۸ ژوئن ۲۰۱۳

دستمزد ناچیز کارگران میوه چین زن در باروری کار کشاورزی

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا، در ۱۷ خرداد ۹۲ آمده است: مرکز آمار ایران طی انجام آمارگیری از خدمات کشاورزی، به بررسی هزینه انجام یک بار ارائه خدمات در این بخش به تفکیک زمین‌های آبی و دیم همچنین دستمزد یک روز کارگر کشاورزی در پاییز ۹۱ پرداخت. بنا به همین گزارش، در فصل مورد بررسی دستمزد روزانه یک نفر کارگر میوه چین زن در کل کشور ۱۷۸ هزار و ۶۳۵ ریال بوده است. استان قزوین بیشترین دستمزد را با ۳۱۲ هزار و ۳۱۰ ریال به این نیروی انسانی پرداخت کرده است. این در حالی است که هر مزگانی‌ها تنها ۱۰ هزار ریال به کارگران زن میوه چین خود دستمزد داده‌اند. سطح این دستمزد این گروه نسبت به فصل مشابه سال ۹۰ معادل ۳۵.۷ درصد افزایش داشته است.

بازار، یک هفته پیش از انتخابات

بر پایه نوشته سایت اخبار روز در تاریخ ۱۷ خرداد ۹۲ آمده است: انتخابات ریاست جمهوری ایران نزدیک است و کرکره‌های آهنی دکان‌ها و مغازه‌ها در بازار بزرگ تهران باید پوشیده از پوست‌های انتخاباتی باشد، اما در عوض، به بسیاری از کرکره‌ها برگه‌ی ۴۸ چسبانده شده که بر روی آن اعلام فروش یا تعطیلی مغازه تایپ شده است. این مسئله به اعتراض آرام بازارهای پرنفوذ شهر شهادت می‌دهد. به گزارش سرویس بین‌الملل انتخاب از فایننشال تایمز، دلیل بدیهی این اعتراض به اقدام دولت احمدی نژاد در مورد افزایش مالیات بازاری‌ها است که حرکتی در جهت جبران افت درآمد نفتی ایران است. دولت ایران سال گذشته مالیات را تا ۳۰ درصد افزایش داد و اکنون طرح‌هایی برای افزایش ۲۸ درصدی مجدد آن ارائه کرده است.

بازاری‌ها می‌گویند، نتیجه آن است که عقل حکم می‌کند که مغازه‌ها را به جای ادامه کسب و کار و مواجهه با مأمور مالیات تعطیل کنیم و کرکره‌ها را پایین بکشیم. حسین ۳۲ ساله تاجر آهن که سرپرست یک کسب و کار خانوادگی در بازار است می‌گوید: ما قبل از سال

نو دکان مان را تعطیل کردیم تا مامور مالیات در گزارشش عنوان کند که این دکان تعطیل شده است! بنابراین ما دیگر مجبور به پرداخت مالیات نیستیم!

او که اکنون از منزل فعالیت های اقتصادی خود را دنبال می کند می افزاید: این روزها ما می توانیم به مانند دلالتان خیابانی که برای خرید و فروش دلار مالیاتی نمی پردازند بر روی موبایل هایمان حساب باز کنیم. اما اگر من در دکانم بشینم باید مالیات بپردازم.

این نگرانی ها محدود به بازار تهران نمی شود. اکبر شمشیری رئیس اتحادیه آهن فروشان در اصفهان می گوید: تجارت آهن با توقف مواجه شده چراکه پروژ های داخلی هم متوقف شده است.

در این حین، دولت هم در مقابل اعتراضات بازاری ها محکم ایستاده و می گوید دکان اعتصاب کنندگان مصادره خواهد شد. برای همین بازاری ها به تاکتیک جدیدی متوسل شده اند و سر کار خود حاضر نمی شوند!

در بخشی از بازار در محله ی پامنار، یک مغاز دار گفت، از ۱۱۷ دکان تنها ۳۰ دکان هنوز باز است. در منطقه ی دیگر به نام چهار راه سیروس از ۱۴۰ مغاز تنها ۲۰ مغاز فعالیت می کنند.

یک سرایدار که برای مجموعه ای از مغازه ها کار می کند با اشاره به اینکه ۴ ماه است حقوقی دریافت نکرده می گوید: زمانی این منطقه انقدر شلوغ بود که امکان راه رفتن وجود نداشت اما اکنون تبدیل به شهر ارواح شده است.

در بازار، مسئله ی مالیات، بر انتخابات حساس ریاست جمهوری سایه انداخته است. بازاریان نگران، بیشتر در مورد چک هایشان سخن می گویند تا برنامه های اقتصادی ۸ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری.

نظر اسانلو در باره انتخابات

در برنامه دیگری از مجموعه جامعه، در تب و تاب انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲، نگاهی داریم به مطالبات جامعه مدنی ایران در انتخابات ریاست جمهوری در گفت و گو با منصور اسانلو، رئیس پیشین هیئت مدیره سندیکا ی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، و از چهره های سرشناس جامعه مدنی در ایران.

آقای اسانلو معتقد است که جامعه مدنی، یک جامعه مطالباتی و درخواستی است و نهادهای مدنی، حول و حوش خواسته مشخصی از جامعه شکل می گیرند تا آن خواسته را از روش های «قانونی، مسالمت آمیز، بدون خشونت، آگاهی بخش، و فرهنگی» دنبال کنند و بخشی از جامعه یا تمام آن را تحت تأثیر خودش قرار دهند.

از دیدگاه آقای اسانلو، با پیگیری جامعه مدنی، این مطالبات در دیدگاه ها و برنامه های نامزدهای انتخاباتی هم بازتاب می یابد.

دانشجویان ارومیه همچنان نا ارام است

بنا بر گزارش دریافتی از ایران؛ اعتراض جمعی از دانشجویان دانشگاه ارومیه به تغییر تاریخ امتحانات با واکنش شدید مسوولان دانشگاه مواجه شد؛ بطوریکه نماینده دانشجویان با اتهاماتی نظیر اغتشاش در انتخابات و براندازی محکوم شد این اعتراض زمانی شروع شد که وزارت علوم در راستای تعطیل کردن دانشگاهها در زمان انتخابات؛ بخشنامه تغییر تاریخ امتحانات در دانشگاههای کشور را صادر کرد که با مخالفتی در سایر دانشگاهها نیز مواجه شد.

بر اساس گزارشهای ارسالی به "کمپین صلح فعالان در تبعید"؛ در همین راستا دانشجویان دانشگاه ارومیه در بیانیه ای که با امضای نزدیک به ششصد نفر از دانشجویان همراه بود دست به اعتراض زدند تا این تغییرات اعمال نشود و امتحانات به مانند سال های گذشته در زمان مقرر برگزار شود.

اعتراض گروهی این دانشجویان اما با واکنش مسئولین دانشگاه، به یک پرونده ی سیاسی مبدل شد! و آنها نماینده ی این دانشجویان با نام "جمهور غیابی" را به تشویش اذهان عمومی، اغتشاش در زمان انتخابات و براندازی نظام جمهوری اسلامی متهم نمودند.

یکی از دانشجویان این دانشگاه در تماس با این کمپین می گوید : علیرغم همه تهدیدات و فشارها ؛ دانشجویان این دانشگاه بر سر خواسته های خویش ثابت قدم می باشند و چیزی جز از آنچه که جزو مطالباتشان می باشد نمی خواهند

جایگاه کارگران در مناظره های انتخاباتی منتصین شورای نگهبان

مریم محسنی

مناظره های تلویزیونی بین نامزدهای تایید شده از سوی شورای نگهبان ، اسباب شوخی و خنده و جوک میان مردم و رد و بدل کردن صدها پیامک در این رابطه و اعتراض برخی از کاندیداها شده است. مسوولان ترتیب دهنده این مناظره ها ، در نحوه مناظره ها تغییراتی ایجاد کردند. فضای مناظره ها بالاخره کمی تعدیل شده و باعث شد، دومین بخش از مناظره ها با تفاوتی نسبت به مناظره های اول صورت گیرد. ناصر سراج ، نماینده دادستان کل کشور در کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات اعلام کرد که سوالات تستی ! و تصویری ، دیگر در دو مناظره باقی مانده میان نامزد های انتخاباتی تکرار نمی شود . تا آن چه اسباب مسخرگی و خنده و شوخی و جوک بین مردم شده از میان برود. ترس و وحشت از تکرار وقایع سال 88 موجب شده تا "مناظره های مهندسی شده" ، جهت "انتخابات مهندسی شده" به کار گرفته شود.

نمایش مضحک مناظره های تلویزیونی، قرار است به انتخابات فرمایشی نظام ولایت فقیه، رسمیت بخشیده و از این طریق تنور انتخابات را گرم نگه دارد. در مناظره دوم که دیروزی یعنی چهارشنبه 15 خرداد برگزار شد ، کاندیداها نسبت به مسائل پرسیده شده ، موضع خود را مشخص کرده ، و هرکدام به فراخور حال خویش به دادن وعده و وعید های انتخاباتی پرداختند. اما آن چه از پس پشت و در ورای شعارهایی از قبیل "ایجاد شبکه سلامت" ، " تسهیل ازدواج جوانان" ، " ایجاد شادی در جامعه" و... غیره، مورد توجه قرار نگرفت و اساسا در میان وعده و وعید های داده شده ، هیچ جایی پیدا نکرد، وضعیت زندگی میلیونها نفر متعلق به طبقه کارگر ، و محرومان جامعه است. گویی وضعیت معیشتی میلیونها انسانی که به منتها الیه فلاکت و بدبختی رسیده اند، اصلا ، ربطی به دولت مردان ندارد!! . از میان کاندیداها تنها دو کاندیدا در بخشی از شعارهایشان به موضوعی پرداختند که تا حدودی به وضعیت طبقات محروم جامعه ، ربط پیدا می کند. علی اکبرولایتی، مشاور ارشد خامنه ای، از بازگرداندن شمار فزاینده بیکاران به کارحرف زد و حسن روحانی از وجود سه میلیون بیکار که حدود هشتصد هزار نفر از آنان را فارغ التحصیلان بیکار تشکیل می دهند اظهار تاسف کرده و وعده اشتغال داد ! وعده هایی که در بیست سال اخیر همه نامزدهای انتخاباتی داده اند و نتیجه اش وضعیت انفجاری فعلی است که شاهدیم. شیوه برخورد نامزدهای انتخاباتی نشان می دهد که کارگران با شرکت در انتخابات هیچ چیز به دست نمی آورند و رای شان تنها به سود نظامی است که مایه فلاکت و بیکاری و محرومیت های آنان است. همین برخورد نامزدهای انتخاباتی همچنین نشان می دهد که تنها خود کارگران هستند که در صورت متشکل شدن می توانند امیدی به دستیابی به مطالبات و بهبود وضعیت خود داشته باشند.

بنا به گزارش سازمان آمار، اجاره بهای مسکن طی سالهای 84 تا نیمه اول 91 ، بالغ بر 254 درصد رشد داشته است. این درحالی است که سطح دستمزد اعلام شده توسط شورای عالی کار ، هرساله رقمی در حدود 10 تا 15 درصد نسبت به سال قبل افزایش می یابد . و فقط در سال گذشته که بنا به آمارهای رسمی تورم به بالای 30 درصد رسید ، افزایش دستمزد بالغ بر 25 درصد سال قبل ، اعلام شد. معنای این رقم این است، که بسیاری از کارگران حتی از پس پرداختن اجاره بهای یک اتاق برنمی آیند. در چهار استان اردبیل، آذربایجان غربی، کردستان، خوزستان و اخیرا روستاهای کهگیلویه و بویر احمد، بحران تهیه نان وجود دارد و در بسیاری از مناطق این استانها مردم برای تهیه نان ساعت ها در صف می ایستند و برخی از ناوایی ها تعطیل شده اند. وضعیت معیشت مردم پایین جامعه به گونه ای شده، که بسیاری از پس تهیه نان خالی هم برای خود برنمی آیند. درحالی که رقم های میلیاردی صرف هزینه های انرژی هسته ای و کمک به حزب الله و جریانات اسلامی در کشورهای دیگر می شود، اکثریت مردم برای تهیه نان ، دارو و مسکن خود ، مشکل دارند. سیاست های ویرانگرانه ی هسته ای ولایت فقیه در هشت سال گذشته بیشترین لطمات را به کشور زده است. در این

شرایط است که با استفاده از فضای بوجود آمده انتخاباتی، شعار نان، می تواند در مقابل شعار انرژی هسته ای قرار داده شود و "نه" به انرژی هسته ای، و "نه" به سیاست های ماجراجویانه ی بین المللی که تاکنون لطمات جبران ناپذیری به معیشت مردم، صنعت و اقتصاد کشور زده ، می تواند به گفتمان مطرح جامعه تبدیل شده و حاکمان را به عقب نشینی وادارد. شعارهای مرگ بر دیکتاتور، دیکتاتور خوابت آشفته بادا و زندانی سیاسی آزاد باید گردد ... که در مراسم تشییع جنازه طاهری ، در خیابانهای اصفهان توسط مردم داده شد، و هم چنین شعارهای آزادی، برابری و زندانی سیاسی آزاد باید گردد که در ستاد یکی از کاندیداها داده شد ، فریاد اعتراض مردم است به استبداد حاکم؛ فریادی است نسبت به ادامه سیاست های ویرانگرانه و جهنمی نظام ولایت فقیه که هست ونیست مردم و کشور را درسید حراج و تاراج قرارداده وهرروز که می گذرد صدمات بیشتر و آسیب های جبران ناپذیری، نصیب مردم وکشور کرده و می کند.

جمعه هفدهم خردادماه 92

از خواست برحق کارگران خبازی های سندج حمایت کنیم

برپایه خبر آمده در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 17 خرداد 92 آمده است :

کارگران! مردم آزادیخواه و عدالت طلب!

همانگونه که پیش بینی می شد سال جدید برای کارگران چیزی جز گرانی ، تورم ، سختی و مشقت به همراه نیاورده است. اگرچه بانک مرکزی نرخ تورم را 31 درصد اعلام کرده است که بسیار پایین تر از نرخ واقعی تورم می باشد اما شورای عالی کار برخلاف ماده 41 قانون کار که صراحتا مبنای افزایش دستمزد را نرخ تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی قرارداده است، نرخ 25 درصد را برای افزایش دستمزد کارگران در نظر گرفت.

نکته تاسف برانگیز اینکه همین افزایش دستمزد اندک نیز در بسیاری از کارخانه ها و کارگاهها به بهانه های مختلف اعمال نمی شود. کارگران زحمتکش خبازی های سندج از زمره این کارگران می باشند که هنوز بعد از گذشتن دو ماه از سال جدید دستمزدهایشان هیچ تغییری نکرده است. گویی کارگران خباز که نان مورد نیاز مردم را تهیه می کنند، خود نباید نان بخورند و درخواستشان برای افزایش دستمزد منوط به افزایش قیمت نان می شود. اما کارگران شریف خبازی ها که خود بخشی از همان مردم محروم و تنگدست جامعه به شمار می آیند به خوبی می دانند که این تنها بهانه ای برای ثابت نگه داشتن دستمزدهایشان است و به همین دلیل آگاهانه در مقابل این مسئله ایستادگی می کنند و مخالفت خود را با هرگونه افزایش قیمت نان که بار سنگینی برگرداند مردم خواهد بود اعلام کرده ، تلاش دارند تا با تکیه بر نیروی خود از روش اصولی و مناسبی برای رسیدن به این خواسته به حق خود استفاده کنند و در این راستا روز دوشنبه 13 خرداد ماه را اعلام اعتصاب نموده و برای آنکه برای مردم هیچ مشکلی پیش نیاید این موضوع را از پیش به اطلاع عموم رسانده اند. کارگران در مقابل کارفرمایان که از همه نوع حمایت دولتی و امکانات مالی برخوردارند جز اعتصاب ندارند و تنها با تکیه بر نیروی جمعی خود وهم طبقه ای ها قادر خواهند بود گام به گام به خواسته های به حق خود دست یابند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن حمایت از اعتصاب کارگران خباز سندج از همه مردم زحمتکش تقاضا دارد به هر صورتی که ممکن است از این کارگران شریف حمایت کنند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

طرح صاحبخانه شدن کارکنان نفت منتفی است

به گزارش خبر پانا نیوز، در تاریخ 17 خرداد 92 آمده است : گویا سیاست تمرکززدایی و پراکنده سازی منابع و توانمندی های مالی و تخصصی که تاکنون بیشتر در حوزه های تولیدی همچون پارس جنوبی اجرا می شد، این بار گریبان حوزه رفاهی و خدماتی کارکنان صنعت نفت را هم گرفته و پروژه مسکن مهر صنعت نفت را در ابتدای راه، دست به عصا کرده است.

بر اساس این گزارش،، به نظر می رسد سناریوی توسعه همزمان 8 فاز پارس جنوبی با وعده اجرای 35 ماهه این پروژه ها که نتیجه ای جز پراکنده کردن توان مالی، مدیریت غیر منسجم، از بین بردن هم افزایی توان و دانش نیروی متخصص و در نتیجه محقق نشدن این برنامه ها و بی اعتبار شدن برنامه های کارفرما در حوزه گازی پارس

جنوبی نداشت، درس عبرت نبوده و در حوزه‌های خدماتی و رفاهی همچون پروژه مسکن مهر صنعت نفت نیز تکرار شده و رویای صاحبخانه شدن را از این کارکنان گرفته است.

در کمتر از سه سال گذشته نخستین تفاهم‌نامه حوزه مسکن مهر صنعت نفت با هدف صاحبخانه شدن کارکنان بدون خانه صنعت نفت و با اولویت کارکنان مناطق عملیاتی در شهریور ماه سال 1389 بین سیدمسعود میرکاظمی و علی نیکزاد وزیران وقت وزارتخانه‌های نفت و مسکن امضا شد.

به این ترتیب باوجود آنکه برنامه اولیه برای ساخت 20 هزار واحد بود این رقم برای فاز اول مسکن مهر صنعت نفت به 40 هزار واحد مسکونی افزایش یافت و به عنوان اولین سری از نخستین فاز، کلنگ ساخت 2000 واحد مسکونی در "دامغه اهواز" در اسفند 89 به زمین خورد و مقرر شد در طول دو سال مراحل اجرا تکمیل و منازل مسکونی تحویل کارکنان عملیاتی صنعت نفت شود.

شرایط بهتر مسکن مهر صنعت نفت نسبت به سایر پروژه‌های مسکن مهر کشور از نظر کیفیت ساخت، متراژ، امکانات رفاهی بیشتر، مشاعات و فضای سبز بزرگ‌تر و حتی شرایط پرداختی بهتر از جمله مواردی بود که هر کارمند بدون خانه صنعت نفت را برای ثبت‌نام و حضور در این پروژه‌ها وسوسه می‌کرد.

برای نمونه محمد امیرخانی مدیر پروژه مسکن کارکنان صنعت نفت با تاکید بر اینکه در مجموع مساحت کل در نظر گرفته شده برای 2000 واحد مسکونی اهواز حدود 297 هزار متر مربع است، گفته بود: قرار است این مجموعه در قالب 100 بلوک شش طبقه (پنج طبقه مسکونی و یک طبقه پارکینگ) ساخته شود که در هر طبقه چهار واحد طراحی شده است؛ واحدهای دو خوابه با احتساب مشاعات 137 متر و واحدهای سه خوابه نیز 154 متر خواهند بود.

مشاور وزیر نفت با اشاره به اقلیم خاص منطقه دامغه و نیاز به وجود تسهیلاتی بیشتر، تاکید کرده بود: به همین دلیل نسبت به الگوی مصرف مسکن مهر تغییراتی را در پروژه مهر نفت ایجاد کرده ایم. در این رابطه هزینه ساخت هر متر مربع از این مجموعه مسکن 320 هزار تومان و سایر هزینه‌ها شامل تسهیلاتی چون آسانسور، وسایل گرمایشی و سرمایشی، پارکینگ، فضای سبز، واحد تجاری، کابینت و محوطه سازی به این مبلغ اضافه می‌شود.

براساس همان سناریوی تمرکززدایی توان مالی و تخصصی، هنوز چندماهگی از شکل‌گیری پروژه مسکن مهر صنعت نفت نگذشته بود که برنامه‌ریزی‌ها برای ساخت 5000 واحد مسکونی در استان خوزستان مطرح و تاکید شد: قرار شده به تدریج با همکاری سازمان مسکن استان، چهار پروژه دیگر از واحدهای مسکن مهر در خوزستان آغاز به ساخت کنند؛ این مجموعه شامل 1000 واحد در امیدیه، 1000 واحد در ماهشهر، 600 واحد در مسجد سلیمان و 400 واحد در آبادان خواهد بود.

البته این برنامه‌ریزی محدود به استان خوزستان نبود و در دو سال گذشته فراخوان‌های مختلفی در دیگر شهرها از مهاجران اراک گرفته تا مسکن مهر آبادان، مسکن حافظ برازجان و در نهایت پردیس تهران از سوی مدیریت مسکن مهر صنعت نفت اعلام شد.

این درحالی است که با گذشت بیش از 27 ماه از کلنگ‌زنی نخستین پروژه یعنی دامغه اهواز نه تنها تحویل منازل در اسفند 91 یعنی پایان موعد 24 ماهه محقق نشد و در گام اول به آبان 92 موکول شده است؛ بلکه به گفته شاهدان عینی " تقریباً کار ساخت و ساز متوقف شده و بنظر نمی‌رسد حداقل تا دو سال آینده هم به سرانجام برسد." که همین موضوع موجب ناراحتی مشارکت کنندگانی شده که تاکنون هزینه‌های مورد نظر را پرداخت کرده‌اند و از احتمال افزایش هزینه‌ها با ادامه روند موجود نگرانند.

بنابراین تجربه به‌کارگیری همزمان و کم نتیجه جذب 46 میلیارد دلار در 8 فاز در طول سه سال گذشته بدون آنکه در پایان مهلت 35 ماهه حتی منجر به راه‌اندازی یک فاز شده باشد بار دیگر در حوزه مسکن مهر تکرار شده و با وجود آنکه وزارت نفت می‌توانست این پروژه را به‌جای 2000 واحد در سری نخست، با تعداد واحدهای کمتر شروع کند تا بتواند از منابع مالی و توان تخصصی محدود حداکثر استفاده را کرده و با سرمایه‌ای که از خود متقاضیان گرفته، پروژه‌ها را در زمان مقرر به کارکنان تحویل دهد، ترجیح داد باز هم قصه ناسرانجام پارس جنوبی را تکرار کرده و به بن‌بست بخورد.

شرکت های زیر مجموعه نایت واتر حقوق های معوقه کارگران خود را پرداخت نکرده اند

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : کارگران تعدادی از شرکتهای تحت پوشش شرکت تایت واتر در بندر عباس که اکثرا بکارهای خدماتی و تخلیه بار و یا بارگیری کشتی ها در اسکله میپردازند، هرکدام از يك تا حتی شش ماه حقوق ماهیانه خودشان را دریافت نکرده اند. گفته میشود که شرکت تایت واتر به پیمانکاران شرکتهای کوچکتر حقوق و مزدشان را نمیپردازد و صاحبان این شرکتهای نیز گفته اند که ما پولی دریافت نکرده ایم که بتوانیم مزد شما را پرداخت کنیم. از جمله این شرکتهای شرکت ساحل دریای بندر و همچنین شرکت ساحل دریای آرام هستند. حداقل 60 نفر از کارگران شرکت ساحل دریای آرام چندین ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. این کارگران به تخلیه کود شیمیایی در بندر مشغول کار بوده اند

تعرض به منابع تامین اجتماعی ریشه در عملکرد ضعیف اشخاصی دارد که مدعی فعالیت صنفی کارگری و بازنشستگی هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است : یک فعال مستقل کارگری معتقد است در شرایطی که اشخاص مدعی فعالیت صنفی کارگری و بازنشستگی، قادر به دفاع از مزد واقعی کارگران نیستند، دست اندازی مسئولان دولتی به سازمان تامین اجتماعی امری طبیعی است. مازیار گیلانی نژاد با اعلام این مطلب گفت: تلاش مسئولان دولتی برای ادغام بخش درمانی سازمان تامین اجتماعی در نظام بیمه سلامت ریشه در عملکرد ضعیف اشخاصی دارد که مدعی فعالیت صنفی کارگری و بازنشستگی هستند.

وی با بیان اینکه وقتی این اشخاص نتوانند در زمان تعیین مزد از حقوق موکلان خود دفاع کنند و یا بطور جدی در مقابل تلاشهای دولت برای اصلاح قوانین کار و تامین اجتماعی ایستادگی کنند، به طبع نمیتوان در مقابل تهدید منابع و دستاوردهای جامعه کارگری انتظار وضعیت دیگری را داشت.

این فعال صنفی کارگران فلزکار و مکانیک با اشاره به اینکه اموال و امکانات سازمان تامین اجتماعی از محل پرداخت سالها حق بیمه شدگان به ویژه کارگران تامین شده است گفت: حتی اگر نهادهای صنفی کارگری عملکرد ضعیفی داشته باشند بازهم دولت نمیتواند از اموال سازمان استفاده غیر قانونی کند. وی گفت: نظام بیمه سلامت بخشی از تعهدات دولت در اصل ۲۹ قانون اساسی است که باید هزینههای آن از محل اموال دولتی تامین شود.

شدت فقر و فضای اعتراضی مردم

برپایه خبر دریافتی آمده است : در شهرهای بندری بوشهر و خوزستان شدت فقر و کمبود نقدینگی مردم به حدی رسید که دیگر مردم گوجه و سیب زمینی را نه به صورت کیلویی ، بلکه بصورت عددی خرید میکنند . بعنوان مثال زدآلو کیلویی 8 هزار تومان هست در حالیکه يك کارگر روزی 12 هزار تومان هم نمیکرد و کار برای اینکه روزانه منبع درآمدی داشته باشد وجود ندارد، لذا مردم بخصوص اقشار تهیدست بشدت در رنج هستند و از این بابت يك فضای ملتهب و اعتراضی در بوشهر مشهود است

نماینده کارگران خبر داد:

توقف بازنشستگی ۶۰ کارگر البرز غربی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است : عضو شورای اسلامی کار کارگران معادن زغال سنگ البرز غربی ضمن اعلام پرداخت نشدن حدود سه ماه از حقوق ۴۰۰ کارگران شاغل در این معادن، از بازنشسته شدن بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران این معادن خبر داد.

«علی اصغر کوچکی» تعداد کارگران شاغل در معادن البرز غربی را بیش از ۵۰۰ نفر اعلام کرد و گفت: از اول دی ماه سال گذشته بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران در شرف بازنشستگی با قانون مشاغل سخت و زیان آور بازنشسته شده و هم اکنون ۶۰ نفر از مشمولین در انتظار بازنشستگی هستند.

اوبا بیان اینکه بازنشستگی این ۶۰ نفر به بهانه کمبود منابع مالی در حال حاضر متوقف شده است، افزود: اعتباری بالغ بر ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان برای بازنشسته شدن این صد کارگر تخصیص یافته است که حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان سهم تامین اجتماعی بوده و مابقی برای پرداخت معوقات حقوقی و فواصل بیمه‌ای کارگران پرداخت شده است. او در خصوص پرداخت نشدن معوقات حقوقی کارگران شاغل نیز گفت: حدود ۴۰۰ نفر از کارگران شاغل در معادن زغال سنگ البرز غربی (سنگرود) از آغاز سال جدید هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند.

نماینده سابق کارگران معادن زغال سنگ البرز غربی وضعیت تولید در این معادن را نامناسب توصیف کرد و گفت: با وجود اینکه این معادن دارای ذخایر غنی زغال سنگ است و در گذشته بیش از ۴ هزار نفر در این معادن فعال بوده و کار می‌کردند چرا امروزه از سوی مسئولان عنوان می‌شود تولید زغال سنگ در این معادن به صرفه نیست و باید تعداد نیروی کار آن به حداقل برسد.

او افزود: سیاست‌گذارهای مدیریتی این معادن به سمت و سویی است که با بازنشسته شدن این تعداد کارگر سعی ندارند نیروی جدیدی را وارد چرخه کار کنند و گفته می‌شود مدیران در تلاش‌اند برای کم کردن هزینه‌ها و به بهانه اینکه این معادن توان اشتغال نیروی جدید و مخارج آنان را ندارد باید به مرور تعداد کارگران آن به حداقل برسد.

پایان پیام

تعطیلی ماندن کارخانه قند شوش علی‌رغم وعده و وعیدها و عدم پرداخت حقوق و مطالبات کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ ۱۸ خرداد ۹۲ آمده است: با گذشت چند سال از ورشکستگی کارخانه قند شوش، هنوز بسیاری از کارگران مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند و از دیگر سو مسئولان وعده راه اندازی مجدد این کارخانه را می‌دهند.

این کارخانه در زمان فعالیت خود بیش از ۶۰۰ کارگر داشت که بیکاری این ۶۰۰ نفر موجب از دست رفتن فرصت شغلی این تعداد نفر از مردم این شهرستان شد. این در حالی است که چغندر قند در مقایسه با دیگر محصولات، بیشترین سودآوری را داشت. علاوه بر بیکاری ۶۰۰ نفر، کشاورزان این شهرستان نیز محصول پر درآمد چغندر قند را از دست داده و به کشت محصولات کم درآمد و پرهزینه مثل ذرت روی آوردند.

حتی بسیاری از نگهبانان این کارخانه نیز مدت‌ها است که بدون حقوق مشغول به کار هستند. اخراج شدن نزدیک به ۶۰۰ شاغل رسمی و حدود یک هزار و ۲۰۰ نفر قراردادی ضربه جبران ناپذیری را به اقتصاد شهرستان شوش و خانواده‌های شاغلان وارد کرد.

بسیاری از کارکنان پس از سالها همچنان بیکار هستند یا تبدیل به کارگران فصلی شده‌اند که در هر فصل مجبورند شغل عوض کنند.

کاشت چغندر قند زمانی اقتصادی‌ترین نوع کشت در کشاورزی به حساب می‌آمد و در حالی که این کشت به سطح ۹ هزار هکتار در شوش هم رسیده بود، اکنون بعد از تعطیلی کارخانه قند، نزدیک به صفر شده است. شرکت سهامی قند و تصفیه شکر دزفول (سهامی خاص) در تاریخ ۱۳۵۴ تاسیس شد که در سال ۱۳۶۳ شروع به بهره برداری کرد. این شرکت ظرفیت پنج هزار تن چغندر قند و تصفیه ۵۰۰ تن شکر خام و تولید ۳۰۰ تن تفاله خشک و همچنین ظرفیت ۲۰۰ تن قند گیری ملاس را در روز دارد.

۶۷ درصد از سهام این شرکت متعلق به بخش خصوصی و ۳۳ درصد متعلق به بخش دولتی است. این کارخانه در هفت کیلومتری جاده شوش - دزفول قرار دارد که ویژگی تمام اتوماتیک بودن، آن را در ایران و خاورمیانه کم نظیر می‌کند.

در سال ۱۳۸۲ این شرکت تعطیل و سپس ورشکست شد. ورشکستگی این کارخانه ضربات اقتصادی سخت و جبران ناپذیری به مردم شهرستان شوش وارد کرده است.

احمد ناصر یکی از کارگران بازنشسته کارخانه قند می‌گوید: در سفر اول هیئت دولت وعده‌هایی برای بهبود اوضاع شرکت و ریشه کن شدن بیکاری داده شد.

ناصر افزود: متأسفانه این طرح همچون سایر طرح های اجرا نشده مثل ساخت «پالایشگاه خوزستان» در شهر آبادان تنها در حد یک سخنرانی ماند.

این در حالی است که اخیراً گفته می شود معاون وزیر کشور در بازدید اخیرش از شهرستان شوش وعده راه اندازی خط تصفیه این کارخانه را داد. گویا قرار است شکر خام وارد کشور شود و در این واحد تصفیه شود. اما آیا این وعده نیز همچون وعده های پیشین مسئولان تنها در حد سخن می ماند؟ به قول قدیمی ها سخن شب با روشنایی روز از بین می رود...

کارگران ایران خودرو وضعیت اسفبار خود را تحمل نخواهند کرد

بر پایه خبر رسید به روز شمار کارگری آمده است : از سال گذشته به این سو خبرها حکایت از قطع مزایا، اضافه کاری و افت شدید دریافتی کارگران کارخانه های خودرو سازی و شرکتهای قطعه سازی دارد. اوایل سال گذشته بود که با اخراج کارگران شهاب خودرو موجی از اعتراضات کارگری در این شرکت آغاز شد. به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنال این اعتراضات، مقامات بالای مملکتی طی حکمی شرکتهای خودرو سازی را برای جلوگیری از گسترش دامنه اعتراضات کارگری، از اخراج کارگران بر حذر کردند و در مقابل قطع مزایا، اضافه کاری و دیگر دریافتی های کارگران را به آنان توصیه نمودند. بر این اساس هم بود که از سال گذشته با تشدید روند کاهش تولید در ایران خودرو، قطع مزایا، اضافه کاری و افت کیفیت غذا و مسائل مربوط به امور بهداشتی کارگران در این کارخانه آغاز گردید و با شروع سال جدید به اوج خود رسید. بطوریکه در حال حاضر با ادامه روند کاهش تولید در ایران خودرو، تولید در اکثریت سالنهای شرکت ایران خودرو کاهش چشمگیری پیدا کرده است و در بعضی سالنها مانند سالن پژو ۲۰۶ به صفر رسیده و در برخی دیگر از سالنها به جز ساعات کوتاهی در روز تولیدی صورت نمیگیرد و مجموعه این شرایط، وضعیت شغلی و معیشتی مشقت باری را بر هزاران کارگران این شرکت معظم خودرو سازی تحمیل کرده است که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- شیفت کاری در این شرکت بزرگ خودرو سازی از سه شیفت به دو و گاهی به یک شیفت تقلیل پیدا کرده است و مجموع اضافه کاری کارگران این شرکت که ۸۰ الی ۱۲۰ ساعت در ماه بود عملاً به صفر رسیده و فقط سی ساعت اضافه کاری آنهم در برخی معاونتها اعمال میشود.
- ۲- با شروع سال جدید بن کارگری بر خلاف سالهای گذشته که همان اول سال و به طور کامل پرداخت میشد امسال در نیمه دوم اردیبهشت ماه، آنهم به میزان نصف اش پرداخت گردید و در حال حاضر از پرداخت باقی مانده آن خبری نیست.
- ۳- ۲۵ هزار تومان پاداشی که برای روزهای تعطیل و جمعه کاری اعلام شده بود هنوز به حساب کارگران واریز نشده است و هزاران کارگر این کارخانه همچنان چشم انتظار پرداخت آن هستند.
- ۴- در این شرکت بزرگ هر سه سال یکبار حواله ای به مبلغ یک میلیون تومان کمک بلاعوض جهت خرید خودرو به کارگران پرداخت میشد که سپس به چهار سال یکبار کاهش پیدا کرد. کارگران در سالهای گذشته هر بار که این حواله ها را دریافت میکردند آنها را با تحویل به صندوق قرض الحسنه شرکت نقد میکردند تا کمک حالی برای زندگی شان باشد. پرداخت این حواله ها در حال حاضر بطور کامل قطع شده است و کارگرانی هم که از قبل این حواله ها را دریافت کرده اند وقتی به صندوق قرض الحسنه شرکت مراجعه میکنند این صندوق از نقد کردن آنها خودداری میکند.
- ۵- دادن شیر روزانه به بعضی سالنها را که بدلیل سر و کار داشتن کارگران با مواد سمی و وجود آلودگی بالا در آنها به کارگران تعلق میگرفت بطور کامل قطع کرده اند.
- ۶- کیفیت غذا و ظروف آن بسیار پایین آمده است. دیگر نوشابه، ماست و دوغ و دسر نمیدهند و علاوه بر آن تنوع غذا که قبلاً سه نوع بود به دو نوع تقلیل پیدا کرده است و این احتمال وجود دارد که همین یک وعده غذا در روز را نیز حذف کنند.
- ۷- سرانه بهداشتی تایید و صابون از شروع کار در سال ۹۲ به یک صابون کاهش پیدا کرده است و قرار است آنها نیز از اول تیر ماه قطع کنند.

در رابطه با وضعیت کارگران شرکتهای پیمانکاری مستقر در ایران خودرو مانند شرکتهای الماس سبز، خانه ما و... وضعیت از این هم بدتر است و با شرایط موجود اجحاف بر این کارگران شدت بیشتری پیدا کرده است بطوریکه علاوه بر اینکه قرار داد کارگران این شرکتهای دو ماهه و سفید امضاست و مزایایی از قبیل بن کارگری، پاداش کارایی، ایام ولادت، آکورد، عیدی مدیریتی و تسهیلاتی از قبیل وام و... به آنان تعلق نمیگیرد اخیراً دادن دو دست لباس کار به آنان در سال را به یک دست لباس تقیل داده اند و اضافه کاری میانگین ۸۰ ساعت در ماه آنان به ۲۰ ساعت کاهش پیدا کرده است و علاوه بر اینها حقوقهای آنان نیز گاهی با تاخیر پرداخت میشود.

بنا بر اظهار کارگران ایران خودرو شرایط فوق بویژه حذف اضافه کاریها و افت شدید دریافتیهای کارگران، شرایط بسیار سخت معیشتی را برای آنان به بار آورده است بطوریکه اغلب این کارگران از باز پرداخت اقساط وامهای خود عاجز مانده اند و سطح اختلافات خانوادگی و استرس و اضطراب ناشی از درماندگی برای گذران زندگی، شرایط بغایت غیر قابل تحملی را بر هزاران کارگران این شرکت تحمیل کرده است.

شرکت قالبهای صنعتی ایران خودرو

این شرکت در کیلومتر ۵ آزاد راه کرج قزوین قرار دارد و حدود ۷۰۰ نفر کارگر در آن مشغول بکارند که از این تعداد ۲۵۰ نفر کارگر قراردادی و ۴۵۰ نفر کارگر پیمانی هستند که با قرارداد سفید امضا طرف قرارداد شرکت پیمانکاری "تارا نام آسیا" می باشند. در این شرکت پیمانکاری در زمان رونق کارخانه حدود ۱۲۰۰ کارگر مشغول بکار بودند که بتدریج بخشی از آنها از کارهایشان اخراج شدند و بخشی دیگر برای یافتن موقعیت کاری بهتر خودشان شرکت را ترک کردند.

در این کارخانه زیر مجموعه ایران خودرو نیز، از سال گذشته به این سو دریافتی کارگران با کاهش بسیار زیادی مواجه بوده است. بطوریکه با قطع اضافه کاریها و سایر مزایای این کارگران دریافتی آنان در حال حاضر به نصف کاهش پیدا کرده است و علاوه بر اینکه طی سالهای گذشته بتدریج دادن لباس و کفش کار به کارگران این کارخانه را حذف کرده اند و آکوردی به آنان پرداخت نشده است از سال گذشته به این سو اضافه کاری و بسیاری از حقوق مسلم این کارگران قطع گردیده و با شروع سال جدید مزایای مهم دیگری نیز از دریافتی این کارگران حذف شده است که اهم آنها عبارتند از:

- ۱- حذف نهار از ماه رمضان گذشته ۲- حذف سبد کالایی هر ۴۵ روز یکبار از اول سال جاری ۳- حذف بیش از ۵۰ درصد سرویس ایاب و ذهاب کارگران ۴- قطع کامل شارژ ماهیانه پارسیان به مبلغ ۵۰۰ هزار تومان از اول سال جاری ۵- عدم پرداخت بن کارگری سال گذشته ۶- حذف کمک هزینه نقدی مسافرتی سالیانه به مبلغ ۲۰۰ هزار تومان ۷- حذف کمک هزینه تحصیلی فرزندان و کمک هزینه تحصیلی کارگران دانشجو ۸- حذف بن استخر ۹- حذف شیر و کیک در صبح و عصر ۱۰- ندادن سهمیه دستکش کار و در مزیقه قرار گرفتن شدید کارگران از بابت تجهیزات ایمنی از قبیل گوشی، عینک، ماسک، لوازم کمکهای اولیه و...

بنا بر اظهار کارگران ایران خودرو و کارگران دیگری از شرکتهای زیر مجموعه این کارخانه، علاوه بر شرایطی بسیار سختی که بویژه از اول سال جاری بر دهها هزار کارگر ایران خودرو و شرکت های زیر مجموعه اش تحمیل شده است احتمال تعدیل نیرو نیز پس از انتخابات ریاست جمهوری در این شرکت بسیار بالاست.

تداوم وضعیت موجود در ایران خودرو و زمزمه تعدیل نیرو در آن و سایر شرکتهای زیر مجموعه اش، جو سنگینی را بر کارخانه ایران خودرو حاکم کرده است و اغلب کارگران این کارخانه بزرگ وقوع اعتراضات گسترده کارگری را در صورتی که برای حل مسائل و مشکلات کارگران چاره ای اندیشیده نشود یک احتمال جدی ارزیابی می کنند.

عدم پرداخت حقوق 400 نفر از کارگران شاغل در معادن ذغال سنگ البرز غربی (سنگرود) از آغاز سال جدید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است: طی گزارشی از عدم پرداخت حقوق 400 نفر از کارگران شاغل در معادن ذغال سنگ البرز غربی (سنگرود) از آغاز سال جدید خبر داد. بنا به همین گزارش، کارگران شاغل در معادن البرز غربی بیش از 500 نفر هستند. از اول دی ماه سال گذشته بیش از 100 نفر از کارگران در شرف بازنشستگی با قانون مشاغل سخت و زیان آور بازنشسته شده و هم اکنون بازنشستگی 60 نفر از مشمولین در بهانه کمبود مالی متوقف شده است.

علت کمبود آرد، کمبود آرد به سوریه است

بر پایه خبر دریایی آمده است: در هفته های اخیر در اکثر شهرهای ایران از جمله سنندج، اصفهان، کرمانشاه، نقره و... نانوائی ها با کمبود آرد مواجه شده اند و دولت میزان سهمیه آرد این نانوائی ها را کم کرده است از جمله در اصفهان گفته شده است که سهمیه آرد نانوائی ها 60 درصد کم شده است. این وضعیت موجب بسته شدن برخی نانوائی ها و پخت محدود سایر نانوائی ها در طول هفته شده است که باعث صفهای طولی در جلوی نانوائی ها شده و نارضایتی در بین مردم ایجاد کرده است. مردم در بین خودشان علت این کمبود آرد را فرستادن آرد توسط دولت به سوریه بیان میکنند.

جان باختن یکی از کارگران شرکت پیمانکاری راه و شهرسازی کهگیلویه و بویر احمد

به گزارش واحد مرکزی خبر، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است: واژگونی یک دستگاه خودروی سواری پیکان در محور ارتباطی یاسوج - بابا میدان 3 کشته بر جا گذاشت. فرمانده پلیس راه کهگیلویه و بویر احمد گفت: این تصادف دیشب در کیلومتر 15 این محور ارتباطی رخ داد.

سرهنگ سیاهپور افزود: این تصادف در حالی رخ داد که کارگران شرکت پیمانکاری راه و شهرسازی در حال ساخت پل 4 خطه این محور بودند که خودرو پس از واژگونی به یک کارگر در کنار پل برخورد کرد و راننده و سرنشین و کارگر کنار پل هر سه جان باختند. وی توجه نکردن راننده خودرو به جلو، نبود تابلوهای هشداردهنده، رعایات نکردن نکات ایمنی پیمانکار راه و شهرسازی را علت حادثه بیان کرد.

گرانی دخانیات را هم فرا گرفت

بر پایه خبر دریافتی آمده است: این روزها گرانی همه اقلام عادی شده اما گرانی روز بروز سیگار هم جالب و عجیب است بطوریکه یک بسته سیگار وینبستون که هفته گذشته 5 هزار تومان بود امروز به 7500 تومان افزایش پیدا کرد، در هرچه تحریم ها بیشتر می شود و وضعیت انتخابات خرابتر می شود روی قیمت کالا ها هم اثرش را میگذارد کسی هم هیچ کنترلی به این بالا رفتن قیمت ها ندارد.

عضو کارگری شورای عالی کار:

منتظر اعلام زمان برگزاری جلسه دوم افزایش حقوق هستیم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است عضو کارگری شورای عالی کار با بیان اینکه وزیر کار هنوز عازم ژنو برای شرکت در اجلاس جهانی کار نشده است، گفت: منتظریم تا دبیر خانه زمان برگزاری جلسه بعدی شورای عالی کار را اعلام کند.

«محمد احمدی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: برای بازبینی حقوق خواروبار و مسکن کارگران آماده مذاکره با شرکای دولتی و کارفرمایی هستیم اما بعید است بتوان از طریق گفتگوهای دوجانبه کارگری و کارفرمایی در این خصوص به نتیجه رسید.

او افزود: با این حال گروه کارگری برای ادامه مذاکرات خود هیچ مشکلی ندارد. وی در پاسخ به این پرسش که «آیا ممکن است به دلیل برگزاری کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار، نشست اعضای شورای عالی کار به تعویق بیفتد؟» گفت: برگزاری اجلاس سازمان جهانی کار با جلسه شورایی عالی کار تداخلی ندارد.

این مقام کارگری گفت: در حال حاضر وزیر کار در ایران است و با توجه به اینکه هم اکنون جلسات سازمان جهانی کار در سطح کارشناسی مطرح است وزیر کار تا چند روز پایانی اجلاس سازمان جهانی کار در ایران خواهد ماند. وی همچنین در خصوص وضعیت گروه کارگری شورای عالی کار گفت: اعضای اصلی گروه کارگری شورای عالی کار در ایران حضور دارند و از بابت برگزاری جلسه دوم هیچ مشکلی وجود ندارد. احمدی افزود: حتی اگر اعضای یکی از سه گروه در زمان برگزاری جلسات شورای عالی کار غایب باشند طبق قانون اعضای علی البدل در جلسات شورای عالی کار شرکت خواهند کرد. وی ابراز امیدواری کرد که جلسات شورای عالی کار هرچه زودتر برگزار شود.

احمدی با یادآوری اینکه در این جلسه قرار است تنها به مسئله افزایش حقوق خوار و بار و مسکن کارگران توجه شود گفت: در حال حاضر حق خواروبار هر کارگر مجرد و متاهل به ترتیب ۴۰ و ۸۰ تومان است که با توجه به واقعیت‌های اقتصادی موجود رقم درستی نیست.

این مقام کارگری با اشاره به اینکه حتی آمار تازه منتشر شده مرکز آمار ایران در خصوص افزایش تورم صحت ادعای کارگران را تایید می‌کند گفت: مخالفان بازبینی حقوق خوار و بار و مسکن کارگران بهتر است مفهوم خواروبار را براساس واقعیت‌های اقتصادی تعریف کنند و سپس به موضع گیری و مخالفت خود ادامه دهند.

پایان پیام

اطلاعیه آغاز به کار شبکه تلویزیونی "کارگر"

کارگران، فعالین کارگری و علاقه مندان برنامه های شبکه کارگر تی وی!

همانطور که به سمع و اطلاع شما رسید، دوستان و رفقای شورای کارگر تی وی که از آغاز تأسیس این شبکه، هدایت و سرپرستی برنامه های آن را برعهده داشتند، بعد از حدود چهار سال که از تأسیس این شبکه مستقل کارگری می گذرد زیر بار فشار و مشکلاتی که برایشان پیش آمده است، پایان فعالیت شبکه تلویزیونی کارگر تی وی را اعلام کردند.

بدون شک شنیدن خبر تعطیلی شبکه کارگر تی وی برای کارگران، خصوصا برای فعالین کارگری و علاقه مندان این شبکه، خبر خوشایندی نیست و دل بینندگان و بویژه دوستان و همکارانی را که طی این سال ها صمیمانه با این شبکه همکاری می کردند را به درد می آورد. شورای کارگر تی وی در شرایطی تحت فشارها و محدودیت های متعدد پایان کار این شبکه را اعلام میکند، که تحولات مربوط به جنبش کارگری ایران، گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری و ادامه فشار بر فعالین و دلسوزان جنبش کارگری، نیاز به یک رسانه مستقل کارگری که خبر رسانی و منعکس کردن اخبار مبارزات کارگران در بخش های مختلف و جمع بندی تجارب و درس های این مبارزات و انعکاس دیدگاه و نقطه نظرات فعالین کارگری را امر خود بداند بیش از هر زمانی ضرورت و مبرمیت پیدا کرده است.

از اینرو ما جمعی از فعالین کارگری تصمیم گرفتیم که کار و فعالیت خودمان را در پیشبرد یک شبکه تلویزیونی در این زمینه بدون وقفه ادامه دهیم.

عزم راسخ ما به فعالیت در این زمینه از این واقعیت ناشی می شود، که جنبش کارگری ایران در شرایط متحول کنونی، رسانه ای که درد و رنج و صدای اعتراض آنها و فعالین جنبش کارگری را مستقیماً و از زبان خودشان منعکس کند در اختیار ندارند و از همه این امکانات محروم است.

بنابراین همینجا به اطلاع کارگران، فعالین کارگری و علاقه مندان می رسانیم که فعالیت ما در این زمینه و برای تضمین ادامه ی حیات یک شبکه مستقل کارگری تحت نام "شبکه کارگر" ادامه خواهد داشت.

"شبکه کارگر" ، یک شبکه تلویزیونی مستقل کارگری است که هر هفته از فرکانس 11642 مگا هرتز افقی هاتبرد (جمعه ها از ساعت 5.30 به مدت یک ساعت و تکرار آن جمعه شب ساعت 10 و شنبه ساعت 5.30 به وقت ایران کار و فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

در پایان با تشکر از دست اندر کاران کومله تی وی که بدون هیچ چشمداشت ، ساعاتی از تلویزیون خود را در اختیار ما قرار داده اند تا فعالیت خودمان در این زمینه آغاز کنیم، از همه کارگران و خصوصاً فعالین کارگری می خواهیم که "شبکه کارگر" را رسانه مستقل خودتان بدانید و با آن همکاری کنید. شبکه کارگر امر خود را انعکاس شرایط کار و زندگی و اخبار مبارزات کارگران، جمع بندی درس ها و تجارب این مبارزات و کمک به ارتقای آگاهی طبقاتی کارگران می داند.

کارگران، فعالین کارگری و انسانهای عدالت طلب؛
ما برای پیشبرد هر چه بهتر برنامه ها، به کمک و یاری شما عزیزان نیازمندیم، در ارسال اخبار و گزارشات کارگری، مصاحبه ها و برنامه های آموزشی ما را یاری رسانید و "شبکه کارگر" را از آن خود بدانید.

شبکه کارگر

shabake.kargar@gmail.com

خلاصه گزارش سالانه سازمان جهانی کار در رابطه با وضعیت کارگران ایران

خبری از کارگر فلز کار در باره سازمان جهانی کار

در زیر خلاصه گزارش سالانه سازمان جهانی کار در رابطه با وضعیت کارگران ایران که چند ساعت پیش بررسی شد از آنجایی که تا بحال شاهد بوده ایم بعد از چند روز روزنامه های ایران گزارش وارونه ای از نشست میدهند این گزارش را می فرستیم لطف کنید در صورت امکان آنرا انعکاس بدهید.

بر اساس شکایات امسال تشکلات کارگری ایران از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، کانون مدافعان حقوق کارگر، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کنفدراسیون های حمل و نقل، کنفدراسیون معلمان، کنفدراسیون روزنامه نگاران و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که امسال به آی ال او فرستاده شده است و شکایات تشکلات کارگری ایران در سایتها می باشد و درغیاب نمایندگان واقعی تشکلات کارگری ایران در کنفرانس سازمان جهانی کار، دیگر تشکلات کارگری جهانی هنوز در انعکاس وضعیت کارگران ایران کوشا هستند ، امروز صبح هفتم ژوئن 2013 در شهر ژنو، کمیته آزادی تشکلات کارگری در رابطه با مقاله نامه سی 111 (تبعیض در محیط کار که ایران این مقاله نامه را امضا کرده است) خواستار جوابگویی رژیم جمهوری اسلامی در رابطه با تبعیض در محیط کار شد که از سالهای قبل جزو شکایت بخش کارگری است و ایران باید جوابگو باشد. (در ضمیمه گزارشات قبلی آمده است که از صفحه 480 شروع میشود).

در این بخش نماینده حکومت ایران با دادن آمار و ارقام به سبک گذشته میخواست نشان دهد که تبعیض در محیط کار کم شده است و بطور مشخص قوانینی در مجلس طرح شده که در شورای عالی در حال بررسی است.

سپس نمایندگان اتحادیه‌های کارگران فرانسه و کانادا با سخنرانی‌های خودشان این موضوع را برجسته کردند که وضعیت تبعیض در محیط کار نه تنها کم نشده است بلکه افزایش یافته و این تبعیض در رابطه با زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند می‌بینیم که حتی با داشتن مدارک دانشگاهی تنها زیر بیست درصد کار میکنند، اخراج آنها، و حتی حقوقشان کمتر از مردان میباشد حتی در پرداخت حقوق، وضعیت تبعیض نسبت به زنان در بسیاری از موارد بسیار وخیم تر شده است، سخن گفته شد، در دیگر بخش‌ها از جمله قوانینی که در حال تصویب است کم کردن ساعات کار زنان و بیشتر بیکار سازی است و برجسته شدن این قوانین که از قوانین شرعی میباشد حتی دست زنان را از داشتن بسیاری از کارها کوتاه میکند. در رابطه با بهائیه‌ها و اقلیتهای مذهبی و ملی هم همین روال وجود دارد.

در انتها مسئولین بخش کارگری و کارفرمایی با پذیرفتن پیشنهاد رفتن یک هیئت عالی رتبه از سازمان جهانی کار [به ایران، این پیشنهاد را] در دستور کار قرار دادند (نه هیئت سه جانبه که در گذشته به ایران رفته است - بلکه عالی ترین هیئتی که بتواند از زوایای تکنیکی به این مسئله پردازد که در آن متخصصین حضور دارند) که برای تصویب فرستاده شده است.

منبع خبر : "کارگر فلزکار"

2013/6/8

در جاده ملارد رخ داد:

سقوط کارگر ساختمانی بر روی میلگرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است : کارگر ۲۵ ساله‌ای با سقوط از طبقه سوم یک کارگاه ساختمانی دچار حادثه شد و میلگردهای قرارداده شده در محل احداث ساختمان، در بدن وی فرو رفت.

بر اساس اخبار دریافتی ایلنا، امروز بر اثر این حادثه که در خیابان یاسمن واقع در گلستان یکم جاده ملارد به وقوع پیوست، نیروهای عملیاتی ایستگاه ۱۱۱ آتش نشانی کرج با برش بخشی از میلگردهای فرو رفته در بدن کارگر، او را برای معاینه و درمان به اورژانس کرج تحویل دادند.

پایان پیام

دبیرخانه کارگر استان کردستان:

مشکلات معیشتی بازنشستگان، انگیزه کارگران را از بین می‌برد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است : دبیر خانه کارگر کردستان از بدقولی مسئولان سازمان تامین اجتماعی در پرداخت مابه‌التفاوت افزایش حقوق بازنشستگان انتقاد کرد و گفت: برخوردی که با کارگران بازنشسته می‌شود، انگیزه کارگران شاغل را در ادامه کار تولیدی تا رسیدن به سن بازنشستگی از بین می‌برد.

«عباسعلی صفری» با بیان اینکه پی گیری افزایش مستمری وظیفه کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی است به ایلنا گفت: هرچند افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران بازنشسته همانند کارگران شاغل تامین کننده مایحتاج روزانه آنان نیست، اما سازمان تامین اجتماعی در پرداخت همین مبلغ اندک نیز قصور کرده است.

به گفته آقای صفری، با وجود افزایش روزانه قیمت مواد مصرفی، کارگران بازنشسته طی دو ماه گذشته همان حقوق ناچیزی را دریافت کرده‌اند که سال گذشته می‌گرفتند.

او با اشاره به وضعیت نامناسب اقتصادی کارگران بازنشسته افزود: هزینه درمان و معیشت بازنشستگان نه تنها کمتر از کارگران نیست بلکه به دلیل کهنولت سن می‌توان ادعا کرد که بیش از کارگران درگیر مشکلات معیشتی هستند.

دبیر خانه کارگر کردستان در خاتمه گفت: کارگران بازنشسته در طول همه سال‌های خدمت همواره دغدغه معیشتی داشته‌اند و شایسته نیست در سال‌های بازنشستگی نیز برای افزودن قانونی مبلغ اندکی به مستمری‌شان چشم به دست دولت باشند.

پایان پیام

دستور به بازگشت بهنام ابراهیم زاده به زندان



به نوشته سایت خبرگزاری هرانا آمده است: علی رغم بیماری سرطان خون فرزند بهنام ابراهیم‌زاده و نیاز به بستری شدن مجدد وی در بیمارستان محک، این فعال کارگری به زندان اوین فراخوانده شد بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، بهنام ابراهیم‌زاده فعال کارگری و فعال حقوق کودک در بند، که پس از ابتلای فرزندش به بیماری سرطان خون در مرخصی بسر میبرد باید ظهر فردا، یکشنبه ۱۹ خرداد ماه خود را به زندان اوین معرفی

دلیل تعریف نشدن استاندارد در فنی و حرفه‌ای:

دربست‌کاران و چاه‌کن‌ها از بیمه تامین اجتماعی محروماند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، در تاریخ 18 خرداد 92 آمده است عضو هیئت رئیسه انجمن صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی استان تهران از حضور ۸۰۰ نفری روز گذشته کارگران ساختمانی به منظور اعتراض و هم‌اندیشی در خصوص مشکلات بیمه‌ای کارگران ساختمانی خبر داد.

«محمد باقری» در این باره به ایلنا گفت: این تجمع در حسینیه بقیه الله الاعظم شهرک رضویه در جنوب تهران برگزار شد و کارگران اعلام کردند در صورت ادامه سهمیه بندی بیمه‌شان از سوی سازمان تامین اجتماعی، بعد از انتخابات ریاست جمهوری اعتراضات خود را به صورت جدی‌تری پی‌گیری خواهند کرد و به مقابل سازمان تامین اجتماعی و مجلس شورای اسلامی خواهند رفت.

رئیس انجمن صنفی گچ کاران استان تهران افزود: برای داربست کاران و چاه کن‌ها (کارگران مقنی) در سازمان فنی و حرفه‌ای استاندارد تعریف نشده است و سازمان تامین اجتماعی آن‌ها را مشمول بیمه قرار نمی‌دهد در حالی که این دو حرفه از سخت‌ترین و پر خطرترین مشاغل کارگران ساختمانی محسوب می‌شوند.

پایان پیام

اطلاعیه شماره ۲ ، بازگشت بهنام ابراهیم زاده به زندان

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و حقوق کودک که برای حضور در کنار تنها فرزند بیمارش نیما در مرخصی به سر میبرد در پی تمدید نشدن مرخصی و تماس مقامات قضایی امروز یکشنبه نوزدهم خرداد ۱۳۹۲ با همراهی و بدرقه خانواده ، دوستان و آشنایان خود را به زندان اوین معرفی کرد.

قابل ذکر است که چند روز پیش پزشکان بیمارستان محک و همچنین پزشکی قانونی اعلام کرده بودند که بهنام باید در طول مدت درمان در کنار نیما باشد اما مقامات قضایی با این امر مخالفت کردند و بهنام را به زندان فرا خواندند ، این در حالیست که بهنام خود از ناحیه گوش و گردن دچار آسیب‌های فراوانی شده و خودش نیز باید تحت درمان قرار گیرد.

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده -نوزدهم خرداد ۱۳۹۲
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده : آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

نوشته‌ای از بهنام ابراهیم زاده دقیقی قبل از بازگشت به زندان

عزیزان

در لحظات و دقائق بازگشتم به زندان بغض گلویم را گرفته و احساس غیر قابل وصفی دارم. بجا گذاشتن نیما و همسرم در لحظاتی که بیشترین نیاز به اینکه در کنارشان باشم را با تمام وجودم احساس میکنم بطرزغیر قابل تصویری سخت و سهمگین است . صدای ضریان قلبت را میشنوئی اما نفس کشیدن بسیار دشوار است. کلامی برای گفتن نمیایی. تلاشی دشوار برای لبخندی به هر بهانه ایی بخصوص وقتی نیمای عزیزم هم تلاش میکند از ناراحتی و نگرانی من بکاهد کاری

دشوار است. درحالیکه لحظات باهم بودن بس کوتاه است و باید تنهائیش بگذارم. صحبت کردن برایم در این لحظات بسیار سخت است.

اجازه میخواهم در دقائق آخر مرخصیم با شما انسانهای آزادیخواه و شریف سخن بگویم و این لحظات سخت را با شما همسرنوشتهایم شریک شوم.

تصاویرانبوهی در مقابل چشمم است نمیتوانم از نیمای عزیزم چشم بردارم. عمق نیازش در این لحظات به بودن من در کنارش را میشود از هر حرکت وهر کلمه اش خواند، دردآور است برای هر پدری. همسرم تاب نگاه کردن در چشمان نیما و مشاهده این لحظات را ندارد. چه روز سخت چه لحظات سنگینی است چه دشوار و تلخ روبه پایان است. این خانه از پایه ویران است باید از نو ساخت.

سوالی که بلافاصله به ذهن میرسد این است، چه جرم سنگینی یک فعال کارگری و حقوق کودک مرتکب شده است که سزایش سپری کردن عمر و زندگی پشتم میله های زندان است؟

دقایق بسرعت میگذرند و من نمیتوانم منسجم صحبتیم را با شما در میان بگذارم. فریاد میزنم من جرمی مرتکب نشده ام که این چنین باید خودم و خانواده ام تحت بدترین شرایط جسمی روحی و راونی قرار بگیریم.

دیروز در سالن شیروودی جوانان فریاد برآوردند زندانی سیاسی آزاد باید گردد. سخنم خطاب به جوانان به کارگران و به زنان و مردم ایران این است این شعار باید محور هر تجمع وگردهمایی باشد. میدانید همبندان من در زندان چه کسانی هستند؟ کسانی که خواستشان آزادی و برابری و رفاه مردم بوده است. کسانی که بهترین سالهای زندگیشان را در سلولهای افرادی در بندهای زندانهای اوین، رجائی شهر، گوهردشت و دیزل آباد سپری میشود ، حرفشان چیست و چه میگویند؟ آنها صدای انسانیت و یک زندگی انسانی هستند. کارگران و فعالینی که گفتند ما کارگران حق داریم شکل مستقل خود را داشته باشیم. مادر مقابل عرق ریخته برای گذران زندگیمان باید حقوقهایمان پرداخت شود.

جوانان و دانشجویانی که در زندان بسر میبرند آنهایی هستند که خواهان شرایط آزاد برای جوانان و دانشجویان بودند و اعلام کردند دانشگاه پادگان نیست. زنانی در زندان هستند که در تجمعات مختلف سینه سپر کردند و خواهان حقوق برابر برای شهروندان این جامعه شدند و علیه بی حقوقی همسران، خواهران، دختران و مادران ما لب به اعتراض گشودند. زندان جای هیچکدام از آنها و پاسخ خواسته های برحق آنان نیست. در این لحظات فقط میتوانم بگویم وجدانهای بیدار انسانهای مبارز و همسرنوشتانم شعار؛ زندانی سیاسی آزاد باید گردد؛ را باید وسیعاً اجتماعی کرد و خواهان آزادی بی قید شرط و فوری تمامی زندانیان سیاسی شد. بهترین انسانها، شریفترین انسانها و عزیزترین فرزندان این جامعه در زندانها اسیر هستند. دوستان و همسرنوشتان ما؛

در این لحظات بسیار دشوار لازم میدانم از تمامی شما عزیزانم از شما فعالین کارگری، زنان و جوانان فعالین جنبش کودکان و از تشکلهای کارگری درسراسر دنیا که من و خانواده ام را حمایت کردند صمیمانه تشکر و قدردانی کنم. و همچنان خواهان ادامه و گسترش این حمایتها باشم. هر انسان آزادیخواه میتواند صدای ما زندانیان در بند باشد. جای کارگر زندان و بند و اسارت نیست. بهنام ابراهیم زاده فعال حقوق کارگر و حقوق کودکان

نوزدهم خرداد ۱۳۹۲

تماس با خانواده بهنام ابراهیم زاده: 09124208141 === 09147296294

شماره حساب: بانک کشاورزی نیما ابراهیم زاده کارگر زندانی در بند بهنام ابراهیم زاده 662419166 منبع: وبلاگ کمیته ی دفاع از بهنام ابراهیم زاده

کارخانه گونی بافی رشت هم تخریب شد

برپایه خبر رسیده آمده است: یکی از ابنیه تاریخی گیلان، کارخانه گونی بافی (منبع آب) می باشد که در رشت، میدان فرهنگ، خیابان پرستار، داخل محوطه سازمان جهاد کشاورزی استان، جنب پارکینگ در حال احداث خودروی این نهاد واقع شده است. کارخانه گونی بافی (منبع آب) رشت، به جهت حفظ و حراست و به ارث رسیدن برای آیندگان ما، در سیزدهم بهمن ماه ۱۳۸۸ به شماره ۲۹۳۱۷ توسط سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

کارخانه گونی بافی (منبع آب) رشت، یکی از اولین مراکز سرمایه گذاری صنعتی این شهر محسوب می شود که از نظر تاریخی و معماری به عنوان پیشینه معماری استان گیلان از اهمیت بسیار خاصی برخوردار است. متأسفانه، کارخانه گونی بافی (منبع آب)، هم اکنون به دلیل بی توجهی، عدم سرکشی و ارائه ندادن گزارش کارشناسی به جهت مرمت در معرض تخریب قرار دارد و بخشی از سازه کنار آن نیز برای ساخت پارکینگ خودروهای کارکنان و مراجعین به سازمان جهاد کشاورزی گیلان تخریب شده است. تخریب بخشی از سازه کناری کارخانه گونی بافی (منبع آب) رشت، نمونه دیگری از بی توجهی اداره کل میراث فرهنگی گیلان برای حفظ و حراست درست از آثار تاریخی ثبت شده این استان در فهرست آثار ملی ایران را نمایان می سازد.

هم اکنون در چهار ضلع این بنا به خصوص در قسمت تحتانی کارخانه گونی بافی (منبع آب) رشت، آثار تخریب به خوبی مشاهده می شود.

لازم به ذکر است کارخانه گونی بافی (منبع آب) رشت، تنها نمونه ثبت شده معماری استان گیلان در زمینه صنعت این استان می باشد و برای عدم تخریب آن باید هر چه سریع تر آن اقدام عاجلی کرد. گفتنی است در طی حدود سه سال اخیر برخی از آثار ثبت شده استان گیلان مورد دخل و تصرف و یا تخریب توسط افراد متجاوز به این قبیل ابنیه و محوطه ها قرار گرفته و مورد اعتراض دوست داران آثار میراث فرهنگی نیز قرار گرفته است.

از جمله این آثار می توان به تخریب ابنیه تاریخی؛ هتل ساروی (رشت)، پاک سرشت صوفی (املش)، بازرگانی (رشت)، دکنر کاشانی (رشت)، دیوار جنوبی مسجد حاج سمیع (رشت)، دریا بیگی (لنگرود)، ریزش بخشی از بقعه نصیر علی کیا (رودسر)، آتش سوزی در سه مغازه ماسوله، عبور جاده از تپه باستانی پنجه پیران

(لاهیجان)، سرقت کاشی‌های واقع در دیوار بیرونی حمام حاجی (رشت) و عدم توجه به حالت وخیم سقف درب ورودی حمام گلزار (رشت)، اشاره داشت

تاخیر سه ماهه در پرداخت حقوق ۴۰ کارگر نساجی تابان

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران/ایلنا در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است: رئیس شورای اسلامی کار کارخانه تابان یزد اعلام کرد: کارگران این کارخانه که تعدادشان ۴۰ نفر است به علت مشکلات مالی کارخانه، سه ماه متوالی حقوق دریافت نکرده‌اند.

«علیرضا جعفری‌پور» با اعلام خبر فوق به ایلنا گفت: کارخانه نساجی تابان یزد با سابقه طولانی که در حوزه تولید دارد به سبب مشکلات نقدینگی، از عهده پرداخت سه ماه از حقوق کارگران خود بر نیایده است و تنها به صورت علی‌الحساب مبالغ ناچیزی را به حساب کارگران واریز کرده است.

او با بیان اینکه وعده‌های پی در پی مسئولان کارخانه در پرداخت معوقات حقوقی کارگران تا به امروز محقق نشده است، اظهار کرد: هم اکنون ۴۰ کارگر با سابقه و ماهر در این کارخانه، منتظر دریافت معوقات حقوقی برای تامین مایحتاج روزانه خانواده‌هایشان هستند.

نماینده کارگران کارخانه تابان یزد تعداد کارگران شاغل را تا چند ماه گذشته ۶۰ نفر عنوان کرد و افزود: طی چند ماه گذشته تعداد ۲۰ نفر از کارگرانی که شرایط بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور را داشتند، بازنشسته شده‌اند.

این فعال کارگری با ابراز نگرانی از تهدید امنیت شغلی کارگران واحدهای نساجی کشور، اظهار داشت: اگر مشکلات فعلی واحدهای نساجی همانند نساجی تابان یزد پی‌گیری و رفع نشود با افزایش مشکلات راه برگشتی برای ادامه فعالیت کارگران و تولید نخواهد بود.

رئیس شورای اسلامی کار کارگران کارخانه تابان یزد در خاتمه تعداد کارگران کارخانه نساجی تابان یزد را در سالهای گذشته ۳۲۰ نفر اعلام کرد و گفت: با بازنشسته شدن و خارج شدن تعداد زیادی از نیروهای کار این کارخانه، هم اکنون این رقم به ۴۰ کارگر رسیده است.

تجمع و تظاهرات در کرمانشاه

برپایه خبر رسیده آمده است: روز 19 خرداد مردم کرمانشاه تجمع بزرگی در اعتراض به فشار روی هموطنان سنی مذهب در مقابل استانداری به پا کردند. معاون فرماندار کرمانشاه تلاش می‌کرد تا مردم را آرام کند. اما مردم به حرفهای او توجهی نمی‌کردند و خواستار رسیدگی به این وضعیت بودند. نیروی انتظامی از ترس واکنش بعدی مردم، هیچ حرکتی نکرد اما اقدام به دستگیری 50 نفر نمود.

یک فعال صنفی کارگران دریایی:

کارگران دریایی از حمایت قانون کار محروماند

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران/ایلنا در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است: عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس با اشاره به خصوصی بودن شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، خواستار تحت پوشش قانون کار قرار گرفتن این کارگران شد.

«غلامرضا زنگی اهرمی» در این باره به ایلنا گفت: شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، سهامی عام است و مشمول قانون کار می‌شود اما در حال حاضر این کارگران از حمایت‌های قانون کار محروماند. وی ادامه داد: مدیران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی مدعی‌اند این شرکت دولتی است و کارگرانش دولتی محسوب شده و به این ترتیب مشمول قانون کار نمی‌شوند. وی با اشاره به بیش از ۱۹۰۰ کارگر شاغل در شرکت جمهوری اسلامی بیان کرد: این شرکت به ۱۴ کشتیرانی با نام‌های مختلف تقسیم شده که تنها ۳ شرکت

دارای کشتی است. به گفته آقای زنگی، ۱۱ شرکت دیگر در حالی نامشان را کشتیرانی گذاشته‌اند که صاحب یک شناور نیز نیستند.

به گفته آقای زنگی، اگر شرکت مذکور دولتی هم بود بخش کارگری‌اش، مشمول قانون کار قرار می‌گرفت.

این فعال کارگری، آرای صادر شده از سوی هیئت تشخیص و هیئت حل اختلاف استان هرمزگان که در آن، شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، دولتی اعلام شده بود را خلاف قانون خواند و با اشاره به ابلاغیه مقام رهبری در خصوص سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های دغیر دولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها ی بنگاه‌های دولتی، بر تحت پوشش قانون کار قرار گرفتن این کارگران تاکید کرد.

گفتنی است در ابلاغیه مذکور آمده است: «شرکت‌های کشتیرانی به استثنای سازمان بنادر و کشتیرانی، مشمول واگذاری ۸۰ درصد از سهام‌شان به بخش خصوصی می‌شوند»

پایان پیام

بیانیه شماره یک- کارگران خبازی های سنندج و حومه

اهالی محترم شهر سنندج همان گونه که مستحضر هستید بیش از دو ماه از سال جدید گذشته است و هنوز دستمزد ما کارگران خباز تغییری به خودنیده است.

این عدم افزایش دستمزد در حالی است که مطلع شده ایم انجمن صنفی کارگران خباز طی نامه نگاری هایی که در باره افزایش دستمزد کارگران خباز با نهاد های مربوطه داشته است، بدون پاسخ مانده و تلویحا به نمایندگان کارگران اعلام گردیده که تنهادر صورتی گران شدن قیمت نان می توانند دستمزد انها را افزایش دهند. بحث در باره گران شدن نان در شرایطی بیان می گردد که فقر وگرانی زندگی احاد مردم علی الخصوص کارگران را به شدت تحت تاثیر خود قرار داده است.

ما کارگران خباز ضمن اینکه خواهان عدم افزایش قیمت نان می باشیم , می خواهیم دستمزدهایمان بر اساس مواد مندرج در قانون کار افزایش و احراز گردد.

به همین خاطر ما کارگران خباز تا سیزده ام خردادماه به نهاد های مربوطه فرصت خواهیم داد تا نسبت به افزایش دستمزد کارگران خباز بر اساس آخرین مصوبه شورای عالی کار که در مورخه ۲۱ اسفند ۱۳۹۱ تصویب شده؛ اقدام نمایند.

در غیر این صورت روز دوشنبه سیزده ام خرداد دست از کارهای خود خواهیم کشید واز مردم شریف شهر سنندج می‌خواهیم به دلیل اینکه در این روزها دچار کمبود نان نشوند به ذخیره سازی نان مصرفی خود اقدام نمایند.

کارگران خبازی های سنندج و حومه

وضعیت وخیم اقتصادی کشور

برپایه مطلب منتشره در مطبوعات رژیم آمده است : شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد در دولت احمدی نژاد درباره دلایل نوسان شدید بهای ارز که قیمت دلار را به 4هزار تومان در سال گذشته رساند گفت: کاهش شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های پتروشیمی علت اصلی افزایش و نوسانات شدید بهای ارز در ایران در این مدت بود. حسینی گفت: کلیه اقدامهای صورت گرفته برای جلوگیری از سقوط ارزش ریال در برابر دلار عملاً بی‌نتیجه بوده‌اند، زیرا کاهش 50 درصدی درآمدهای ارزی و مشکلات ناشی از نقل‌وانتقال ارز، نقش بسیار سنگینی در افزایش بهای دلار در بازار داشته‌اند. محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی همین نظام هم به ناتوانی دستگاههای اقتصادی در مهار تورم اشاره کرد و گفت: تورم در پایان سال به 30 و نیم درصد رسید و بانک مرکزی به‌رغم همه‌ی تلاشهایش نتوانست مانع از افزایش نرخ تورم شود.

رئیس کل بانک مرکزی گفت: حدود ده میلیارد دلار از منابع ارزی کشور صرف پرداخت بدهی‌های خارجی شده است.

با وجود گذشت ۲۹ ماه از مصوبه هیات دولت:

۴۲۲ کارگر مه نخ، ناز نخ، فرنخ و پوشینه بافت در انتظار بازنشستگی

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران/ایلنا در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است رئیس شورای اسلامی کار کارخانه‌های فرنخ و مه نخ با انتقاد از اجرا نشدن مصوبه هیات دولت در خصوص رفع مشکلات کارگران این کارخانه‌ها، خواستار تسریع مسئولان دولتی در اجرای این مصوبه شد.

«سعید نعمت‌نیا» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: با گذشت بیش از ۲۹ ماه از مصوبه هیات دولت در سفر آقای احمدی‌نژاد و هیئت همراه به استان قزوین، هنوز وعده‌های دولت در خصوص رفع مشکلات کارگران عملی نشده است. او با تأکید بر رفع مشکلات کارخانه‌های فرنخ، ناز نخ و مه نخ و پوشینه بافت تا پایان عمر دولت دهم، افزود: شخص رییس دولت بارها وعده پی گیری مشکلات کارگران این کارخانه‌ها را صادر کرده است اما متأسفانه مسئولان ذی‌ربط به بهانه تامین نشدن بار مالی این دستور را اجرا نمی‌کنند.

این فعال کارگری افزود: هم اکنون ۴۲۲ کارگر کارخانه‌های مه نخ، ناز نخ و فرنخ و همچنین پوشینه بافت قزوین در شرف بازنشستگی بوده و منتظر اجرای مصوبه هیئت دولت هستند. وی در تشریح جزئیات مشکلات کارگران گفت: از سال ۸۴ با خصوصی سازی این کارخانه‌ها، مشکلات کارگران آغاز و در بدلیل سیاست گذاری‌های اقتصادی مسئولان و باز کردن دروازه‌های ورودی کشور برای ورود محصولات خارجی به خصوص منسوجات، مشکلات این واحدها دو چندان شد و در نهایت این کارخانه‌ها تعطیل و تعداد زیادی از کارگران آن بیکار شدند. او در این باره اضافه کرد: با حمایت و همکاری مدیران داخلی کارخانه و اعضای شورای کارگری و به خصوص تمامی کارگران، با انعقاد قراردادهایی با عرضه کنندگان پنبه جهت خرید مواد اولیه، بخش‌هایی از کارخانه فعالیتش را به طور مجدد آغاز کرد و در حال حاضر حدود ۲۵۰ کارگر با مدیریت کارگران و اعضای شورای کارگری فعالیت می‌کنند.

پایان پیام

من رای نمی دهم! - زنانی دیگر

مضحکه انتخابات فرمایشی، انتصابات رهبر فرموده

من رای نمی دهم!

تحریم انتخابات یک «نه» بزرگ به دیکتاتوری اسلامی

زمان زیادی به برگزاری انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری باقی نمانده، فضای سنگین یاس و مردگی برکشور حاکم شده است. گویی باور دیکتاتوری‌ای چنین لجام گسیخته، برای کسانی که هنوز اندک امیدی به رحمت جمهوری اسلامی داشتند، سخت است. اما شفاف شدن ماهیت سپاه استبداد نظامی- امنیتی - مذهبی ولایت فقیه دیگر هر گونه توهمی را در مورد ماهیت رژیم از بین برده است.

این انتخابات و چگونگی واکنش به آن، مدتهاست ذهن مردم را درگیر کرده است. تا قبل از تایید صلاحیت کاندیدها از جانب شورای نگهبان، حضور کاندیداهایی از سه جبهه‌ی اصولگرا، اصلاح طلب و دولت، رنگ و لعابی به انتخابات داده و ذوق و شوق کاذبی ایجاد کرده بود ولی با تصمیم یک پارچه کننده‌ی شورای نگهبان بار دیگر ماهیت نظام آشکار شده و بی معنا بودن انتخابات در این سیستم عیان شد. رهبری دست در دست سپاه و اطلاعات فضا را کاملاً بسته و امنیتی می خواست و حتی اجازه‌ی ورود چهره‌ای چون رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظامش را هم نداد. اینک صحنه‌ی سیاسی کشور یکبارچه شده و کاملاً به

دست ولی فقیه و اعوان و انصارش افتاده است و تنها هشت مهره سرسپرده رهبری اجازه پیدا کرده اند درگود باقی بمانند. رهبری، خواهان رئیس جمهوری مطیع و کم حاشیه و دولتی مرکب از طیف های اصول گراست و برای اجرای نمایش آرام انتخاباتش، ضمن سرکوب گسترده داخلی از اهرم دیپلماسی برای کاهش فشارهای خارجی استفاده می کند. در این دوره با توجه به بحران های بزرگ موجود و آگاهی حاکمیت بر فاصله بیشترش با مردم، شکاف غیر قابل جبرانی بین مردم و حاکمیت ایجاد شده و حاکمیت به خوبی می داند که ادامه این وضعیت فاجعه بار اقتصادی سیاسی به فروپاشی وحشتناکی خواهد انجامید، از این روی سعی می کند انتخابات را بدون مسئله و مشکل و بدور از هر گونه تنش که چون جرقه ای به اعتراضات مردم به جان آمده دامن خواهد زد، به انجام برساند. مردمی که مطالباتشان بیشتر و رادیکال تر از گذشته شده واز چارچوب نظام بسی فراتر رفته است.

انتخابات این دوره در شرایطی بحرانی انجام می شود. بحران اقتصادی وحشتناک، تورم، گرانی و بیکاری از یک سو و سرکوب وحشیانه، کشتار، اعدام، دستگیری های گسترده و زندان، از سوی دیگر. شرایطی که هیچ صدای مخالفی، حتی از درون حکومت را تاب نمی آورد. گسترش خط فقر، تشدید نفرت مردم از رژیم به دلیل تشدید وخامت در همه حوزه های زندگی، تکه تکه شدن حاکمیت، تداوم سیاست های تنش آفرین خارجی، تشدید سرکوب در عرصه های گوناگون، قرار گرفتن رژیم در سرازیری انحطاط، بحرانهای همه جانبه و فراگیری که زاینده ماهیت سرمایه داری اسلامی است؛ چه احمدی نژاد رئیس جمهور باشد چه رفسنجانی و یا هر کدام از این هشت نفر سیاهی لشکری که امروز در میدان مانده اند. در هر صورت مشکلات مردم تعویض مهره ها حل نخواهد شد.

این انتخابات فرمایشی، انتصاباتی است که طبق روال همه این سال ها، با بیرون آمدن مهره مورد نظر رهبر پایان خواهد یافت. انتصاباتی که در آن به آگاهی و نظرات مردم توهین شده و در نهایت رئیس جمهور، رئیس جمهور رهبری خواهد بود. می دانیم که شیوه انتخابات و نمایندگی سرمایه داری اساسا یک شیوهی غیردموکراتیک است و تنها مسئله ای که در آن مطرح نیست خواست و نظرات مردم می باشد. انتخابات بخشی از چرخه بازتولید نظام های دیکتاتوری برای فریب مردم و کشاندن آنان به درون ساز و کارهای سیستم و مناسبات درونی عناصر قدرت است. مسئله ی قدرت، عدم شناخت ماهیت آن، عدم آگاهی از کارکرد و بروزات آن، آشکار نبودن منابع قدرت، روشن نبودن چگونگی نقش قدرت در کنترل افکار و احساسات مردم، نابرابری های فاحش توزیع قدرت سیاسی، بی قدرتی مردم، عدم آگاهی به چگونگی نقش و توزیع قدرت در رابطه با نهادهای رسمی تصمیم گیری، و عدم درک این نکته که بین قدرت اقتصادی و سیاسی تمایزی وجود ندارد از عوامل مهمی هستند که در توهم مردم و کشیده شدن آنان به عرصه ی انتخابات نقش دارند. قدرت اگر از پایین و از میان مردم سرچشمه نگرفته باشد برای مردم کارآیی ندارد و تنها در جهت حفظ سیستم کهنه به کار می رود.

شیوه انتخابات بویژه در جمهوری اسلامی با توجه به قوانین ارتجاعی حاکم بر آن، تایید شورای نگهبان و رهبری و حتی شرایطی که برای کاندیدا شدن گذاشته شده تنها نمایشی فرمایشی است که چند تن از افراد مورد تایید و از فیلتر گذشته ی نظارت استصوابی که به اسلام، قانون اساسی، ولایت فقیه اعتقاد داشته باشند، به عرصه می آیند و کسی انتخاب خواهد شد که سرسپرده تر باشد. وقتی که آزادی نیست، عدالت اجتماعی نیست، آزادی بیان و اجتماعات نیست، سرکوب هست، اعدام هست، زندان هست، سانسور هست، چگونه می تواند انتخابات دموکراتیک برگزار شود؟ این مسئله بارها و بارها در تاریخ انتخابات ایران و جهان به اثبات رسیده است. آزادی در رای دادن بر مبنای برابری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی استوار است. نابرابری در قدرت اقتصادی، شکلی از نابرابری سیاسی ایجاد می کند. نابرابری و در نتیجه عدم وجود آزادی و بی قدرتی مردم همواره مانع تحقق اراده ی اکثریت می شود. فراتر از آن یکسان دانستن اراده ی مردم با رای اکثریت غالبا توجیهی برای محدودیت حقوق سیاسی است. مردم را نمی توان تنها با اکثریتی از آنها معادل دانست گروه های اقلیت نیز بخشی از مردم هستند، گروه های اقلیت و در حاشیه که هیچگاه در گفتمان غالب شرکت داده نمی شوند و خارج از روند مسلط حاکم جای دارند.

راهکار انتخاباتی و اساسا دموکراسی انتخاباتی در نظام سرمایه داری یکی از ابزارهای ایدئولوژیک برای حفظ و باز تولید نظام سرمایه داری است و ماهیتی بورژوازی دارد. چهره ی نخ نما ی دموکراسی انتخاباتی دیگر نه تنها در دیکتاتوری اسلامی که دیگر در هیچ کجای جهان رنگ و لعابی، هر چند دروغین ندارد. دیگر زمان این

گونه انتخابات فرمایشی و فریب مردم به سر رسیده است. مردم می خواهند مستقیماً در تعیین وضعیت خود حضور داشته باشند و این امر اساساً با ماهیت دیکتاتوری اسلامی در تناقض است. قبل از رد صلاحیت ها، این نگاه مطرح بود که از فضای ایجاد شده ناشی از اختلافات جناح های رژیم، می توان در جهت فعال کردن جنبش اعتراضی مطالباتی استفاده کرد، اکنون دیگر امکان استفاده از اختلافات درونی رژیم بسیار کم رنگ شده، در واقع با توجه به بسته شدن و یکسره کردن فضای انتخاباتی دیگر صف آراییی و حرکات مردم نباید بر اساس اختلافات درون حکومت انجام شود بلکه زمان آن است که مردم بر اساس مطالبات خود اعم از معیشتی و سیاسی و اجتماعی و در پیوند با هم حرکت کنند. اکنون که شکاف طبقاتی تشدید شده، پیوند تنگاتنگ مطالبات سیاسی با مطالبات اقتصادی عاملی است برای پیش بردن مبارزات.

شرایط زیستی - معیشتی - سیاسی آنچنان نا به سامان و بحرانی است که دیگر کمتر کسی به جمهوری اسلامی و کاندیداهایش امید بسته است، مگر برخی از متوهمین و یا آنانی که از این نمد کلاهی خواهند ساخت. مردم در انتخابات برنامه ریزی شده جمهوری اسلامی شرکت نمی کنند چرا که می دانند با این کار به رژیم مشروعیتی دوباره می بخشند مشروعیتی که اکنون آن را در داخل و خارج از کشور از دست داده است. مردم می دانند که با شرکت در این انتخابات در واقع جانی دو باره به کالبد بی جان جمهوری اسلامی می دهند، در حالیکه می توانند فرصت را غنیمت شمرده، معترضانه وارد میدان شده و خواهان مطالبات خود گردند. در این شرایط، حداقل کنش اعتراضی، رای ندادن است تا بدین وسیله عدم مشروعیت رژیم و انزجار مردم از آن در پیش روی جهانیان به نمایش گذاشته شود.

تاریخ درستی آنچه را که تا کنون تفکر رادیکال مطرح می کرد، تحریم انتخابات، به اثبات رسانده است. شرکت در انتخابات با هر بهانه ای به معنی نادیده گرفتن مقاومت و مبارزه مردم طی این سالهاست. شرکت در انتخابات با هر توجیهی به معنی به رسمیت شناختن رژیم منفور اسلامی است، آن هم در شرایطی که حتی اصلاح طلب های درون حکومتی نیز از تحریم سخن می گویند. هر رای در این انتخابات، چماقی خواهد شد برای سرکوب بیشتر مردم و عاملی برای به تاخیر انداختن سرنگونی رژیم، هر رای به معنی «آری» است به کلیت جمهوری اسلامی.

ما رای نمی دهیم و تحریم فعال انتخابات کنش انتخابی ماست. تحریم فعال انتخابات یعنی افشاگری در مورد ماهیت این در واقع انتصابات، استفاده از تقابل های درونی حاکمیت برای پیشبرد جنبش های مردمی، تمرکز بر روی مشکلات توان فرسای مردم و ارائه راهکار، هشپاری و آگاهی در تحلیل تحولات و آمادگی برای بهره برداری از موقعیت ها و حتی فراتر رفتن از تحریم انتخابات و بالا بردن سطح مبارزه. تحریم فعال انتخابات یعنی مقابله با توهومات و استفاده از زمینه های مناسب برای شکل گیری جنبش های مستقل مردمی. تشکل و گردهم جمع شدن مردم و ایجاد شوراهایی از پایین، مستقل از حاکمیت و دولت تا بتوانند مستقیماً مطالبات خود را مطرح نمایند. تحریم فعال انتخابات یعنی به جای شرکت در انتخابات فرمایشی به دنبال کسب خواسته های اقتصادی سیاسی خود بودن. ما باور داریم که در هر شرایطی خود ما هستیم که تعیین می کنیم چه می خواهیم، چه باید بکنیم و چگونه به اهداف و رویاهای خود دسترسی خواهیم یافت.

زنانی دیگر
خرداد ۱۳۹۲

وعده بازگشایی فولاد زاگرس محقق نشد

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا، د رتاریخ 19 خرداد 92 آمده است: نماینده کارگران کارخانه فولاد زاگرس از ادامه بیکاری و بلا تکلیفی ۲۷۰ کارگر این کارخانه علی رغم وعده های مسئولان استانی مبنی بر بازگشایی کارخانه خبر داد.

نماینده منتخب کارگران گفت: با اتمام قرارداد کاری کارگران فولاد زاگرس با شرکت پیمانکاری «خوان گل» در پایان سال 91، به کارگران وعده داده شده بود پس از مدت کوتاهی به طور مجدد دعوت به کار شوند اما با وجود

گذشت سه ماه از سال و بیکاری در این شرایط سخت اقتصادی، کارگران با ناامیدی مجبور به انتظار کشیدن برای بازگشایی کارخانه‌اند.

این کارگر که نخواست نامش ذکر شود، با اشاره به سوابق ۱۰ تا ۲۰ ساله کارگران افزود: این کارخانه از معدود واحدهای بزرگ صنعتی استان است که زمینه اشتغالزایی بالایی در استان محروم کردستان دارد و معلوم نیست کارگران ماهر صنعتی که برای به دست آوردن مهارت‌شان سرمایه‌گذاری شده است، از این پس در چه کارگاهی می‌توانند از مهارت‌شان استفاده کنند.

به گفته این کارگر بی‌توجهی و عدم پی‌گیری کارفرما و مسئولان استانی به امنیت شغلی و معاش کارگران، نگرانی کارگران را دوچندان کرده است.

او با بیان اینکه مسئولان در پاسخ به اعتراض کارگران بارها قول داده‌اند که مشکلات آنان را پی‌گیری می‌کنند، افزود: آنان بارها قول داده‌اند که بعد از پایان سال مجدداً با کارگران با سابقه که به صورت مستمر در این واحد کار کرده‌اند قرار داد امضاء کنند اما تا کنون هیچ اتفاقی نیافتاده است.

نماینده کارگران افزود: کارگران معتقدند مدیریت کارخانه فولاد زاگرس نسبت به وضعیتی که پیمانکار برای کارگران به وجود آورده مسئول است و به دلیل مستمر بودن نوع کار در این کارخانه، طبق قانون کار وظیفه مدیریت این واحد است که با کارگران قرار داد مستقیم امضاء کند.

او افزود: با وجود آنکه این کارخانه از مرداد ماه سال گذشته فعالیت تولیدی ندارد، اما کارگران از سر ناچاری هر روز برای حضور و غیاب در کارخانه حضور پیدا می‌کنند.

او افزود: با وجود اینکه اعضای جدید هیئت مدیره انتخاب شده‌اند اما هنوز وعده‌های مسئولان محقق نشده است.

او در خاتمه اضافه کرد: پاسخ قطعی کارفرمای کارخانه به کارگران این است که تا آمدن سرمایه‌گذار جدید باید منتظر باشید و سرنوشت کار و زندگی شما به ما (کارفرما) مربوط نیست.

هدر دادن میلیارد ها دلار در پارس جنوبی

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 19 خرداد 92 آمده است: خرداد سال 1389 شرکت نفت حکومت ایران طرحی ارائه داد که براساس آن قرار شد 8 فاز میدان گازی پارس جنوبی ظرف 35 ماه به بهره برداری برسد. حالا که این موعد سرآمده است، خبرگزاری مهر اعلام کرده که پیشرفت اجرایی هیچ یک از این فازها حتی به 65 درصد هم نرسیده است. این در حالی است که از سه سال پیش تاکنون 46 میلیارد دلار برای بهره برداری از 8 فاز پارس جنوبی هزینه شده است. با توجه به این که این پروژه‌ها اساساً در اختیار سپاه پاسداران است، بخش اعظم این مبالغ نجومی توسط این ارگان، غارت شده است. بخش دیگری از این مبلغ نجومی به دلیل سیاستهای بی پایه هدر رفته است. مثلاً 4 ماه پیش سکوی نفتی فاز 13 پارس جنوبی در حین نصب سقوط کرد و به این ترتیب 40 میلیون دلار یکجا در آبهای خلیج فارس غرق شد. شرکت صدرا وابسته به سپاه پاسداران که مسئولیت اجرایی این پروژه را به عهده داشت نه تنها نتوانست این سکو را بیرون بکشد بلکه از آن تاریخ تاکنون به علت این که امکان حفاری در دیگر چاههای نفت را از دست داده است روزانه 700 میلیون تومان از شرکت ملی نفت خسارت دریافت می‌کند.

انفجار دیگ بخار باعث سوختگی سه کارگر شد

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران/ایلنا در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است: انفجار دیگ بخار در یک کارگاه تولیدی شهرستان ورامین باعث سوختگی سه کارگر شد.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، شامگاه روز گذشته (۲۰ خرداد ماه) بر اثر انفجار دیگ بخار در یک کارگاه تولیدی «فوم ویونیلیت» واقع در جاده ترخان شهرستان ورامین سه کارگر دچار سوختگی شدید شدند و با تلاش نیروهای مردمی این کارگران نجات یافتند.

بنا بر این گزارش، با انفجار این دیگ آهنی و پرتاب قطعات آن به اطراف، علاوه بر سوختگی سه کارگر این کارخانه، کارگاههای مجاور نیز متحمل خسارت زیادی شده‌اند. بنابراین گزارش، کارگران مصدوم پیش از رسیدن

گروه‌های امداد و نجات، توسط سایر کارگران و اهالی منطقه به بیرون از کارگاه انتقال یافته و تحویل عوامل اورژانس شده‌اند.

تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه پارسیان

برپایه خبر دریافتی آمداست : کارگران شرکت خدماتی «پاک اندیش خان میرزا»، وابسته به پالایشگاه پارسیان در شهرستان مهر، روز 17 خرداد به رفتارهای بردهوار کارگزاران نظام اعتراض کردند. یکی از کارگران گفت: کارفرمای این شرکت برای چندرغاز حقوق، برخوردهای توهین آمیز و دور از شأن کارگران میکند، در حالی که ما مزد کارمان را میگیریم نه صدقه.

کارگر معدن 18 ساله در استخری در شهریار غرق شد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است : صبح امروز، جوان 18 ساله ای که کارگر معدن بود، در استخری واقع در شهرستان شهریار غرق شد. براساس این گزارش، صبح امروز 19 خردادماه سال جاری یک جوان 18 ساله که کارگر معدن بود، در داخل استخری واقع در شهریار غرق شد. این استخر در جاده شهریار، به طرف کرج، بعد از سازمان موتور شهریاری، معدن رضا واقع شده است. پس از وقوع این حادثه، نیروهای آتش نشانی به محل اعزام شدند و مشاهده کردند که این جوان به علت نامعلوم در استخر غرق شده است. علت غرق شدن این جوان کارگر هنوز مشخص نشده است. نوزدهم خردادماه 1392

۷ میلیون کودک ایرانی را چطور به مدرسه‌ها باز می‌گردانید؟

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران/ایلنا در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است : جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و جمعی از فعالان حقوق کودک در آستانه روز جهانی منع کار کودک، با انتشار نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور آینده کشور، خروج کارگاه‌های زیر ده نفر و مشاغل خانگی از شمول قانون کار را با اصل ۷۹ قانون اساسی که بر ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۵ سال صراحت دارد در تناقض دانسته‌اند. به گزارش ایلنا، در بخشی از این نامه که در آستانه ۲۲ خردادماه، روز جهانی منع کار کودک منتشر شد با تاکید بر مسئولیت دولت در رفع معضلات و مشکلات زندگی کودکان از رئیس جمهور آینده کشور پرسیده شده است: «برنامه شما برای بازگرداندن بیش از هفت میلیون کودک در سن آموزش و دور مانده از تحصیل به چرخه آموزش چیست؟»

در ادامه تصریح شده است: «این کودکان جهت بازی و تفریح و توسعه اوقات فراغت خویش از تحصیل باز نمانده‌اند بلکه علت اصلی ریزش این کودکان از این چرخه، فقر و کم درآمدی خانواده‌ها است و متأسفانه درصد بالایی از این کودکان جذب بازار کار می‌شوند.»

فعالان حقوق کودک در این نامه با اشاره به محرومیت عمده‌ای از کودکان ایرانی از ابتدایی‌ترین حقوق و ضروریات زندگی آورده‌اند: «این معضل از محلات حاشیه‌ای شهرهای بزرگ تا شهرهای دور و محروم نظیر شهرهای مرزی و روستاهای دورافتاده مشاهده می‌شود که بسیاری از ساکنین آن‌ها نه تنها از آموزش و بهداشت بلکه از حداقل نیازهای اساسی مانند تغذیه و آب آشامیدنی سالم نیز محروم‌اند.»

جلوگیری شهرداری از تعمیر سکونت‌گاه کارگران کوره‌پزخانه‌ها

برپایه گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران/ایلنا در تاریخ 19 خرداد 92 آمده است : رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های شمس آباد از ممانعت شهرداری برای تعمیرات اتاق‌های محل سکونت کارگران کوره پزخانه‌های این

منطقه انتقاد کرد .

«علیرضا رمضان‌پور» در این باره به ایلنا گفت: شهرداری مدعی است برای تعمیرات اتاق‌های محل سکونت کارگران کوره پزخانه‌های شمس آباد باید مجوز گرفته شود و زمانی که کوره داران برای اخذ مجوز اقدام می‌کنند نسبت به پایان کار اتاق‌های ساخته شده و ساخت و سازهای غیر قانونی ایراد گرفته می‌شود . وی در ادامه با انتقاد از وضعیت بهداشت کوره پزخانه‌های شمس آباد افزود: ۲۵ خانوار در هر کارخانه زندگی می‌کنند که برای هر ۵ خانوار یک سرویس بهداشتی و حمام وجود دارد . به گفته این فعال صنفی، هیچگونه نظارت و محدودیتی برای کار کردن کودکان کارگران در کوره پزخانه‌های شمس آباد وجود ندارد . رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های شمس آباد در پایان به موارد متعددی از کار مشهود کودکان ۱۱ ساله در کوره پزخانه‌های شمس آباد اشاره کرد که از چشم بازرسان کار به دور است .

اجماع جهان کارگری علیه تحریم ایران با حضور نمایندگان مستقل در ILO

یک فعال مستقل کارگری گفت: حضور نمایندگان واقعی جامعه کارگری در کنفرانس سازمان جهانی کار (ILO) می‌توانست از شدت تبعات مخرب و غیر انسانی تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه طبقات محروم ایران بکاهد .

«کاظم فرج‌اللهی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: امروز در نتیجه تشدید تحریم‌های اقتصادی وضع شده علیه ایران فشار زیادی به طبقات کم درآمد و مزد بگیر کشور وارد شده است . وی باینکه در نتیجه اعمال این تحریم‌های غیر انسانی فعالیت بنگاه‌های اقتصادی با مشکل روبرو شده است، گفت: در نتیجه ادامه این وضع بخش مولد اقتصاد کشور با مشکل تامین مواد اولیه، دسترسی به دانش نوین مواجه شده است و بسیاری از کارگران شغل خود را از دست داده‌اند . به گفته فرج‌اللهی، در شرایط تحریمی ادامه فعالیت اقتصادی در بخش صنعت به ویژه صنایع بالادستی و پایین دستی نساجی، فلزی، مواد غذایی و دارویی با مشکل روبرو شده است که در نتیجه به امنیت اقتصادی و اجتماعی نیروی انسانی شاغل در این قسمت از اقتصاد کشور نیز لطماتی وارد شده است . این فعال صنفی کارگری افزود: هرچند اشخاص فرصت طلب از تحریم‌ها به نفع منافع اقتصادی خود بیشترین استفاده را کرده‌اند، اما در نهایت تاثیر اجتماعی این محدودیت‌های اقتصادی در قالب کاهش و حتی توقف فعالیت بنگاه‌های اقتصادی، پایین آمدن سطح درآمد مزدبگیران، افزایش بیکاری موقت و دائمی نیروی کار و افزایش بهای کالاهای مصرفی در جامعه نمایان شده است .

این فعال اقتصادی گفت: هرچند از بعد سیاسی و اقتصادی این وظیفه نمایندگان بخش دولتی و کارفرمایی است که از فرصت نشست سازمان جهانی کار برای بهبود وضعیت کشور استفاده کنند، اما در بخش اجتماعی این وظیفه بر عهده تشکلهای مستقل صنفی کارگری گذاشته شده است . وی گفت: چنانچه نمایندگان گروه کارگری ایران در اجلاس سازمان جهانی کار، خاستگاه صنفی داشته باشند می‌توانند با انعکاس واقعیت‌های اجتماعی تبعات غیر انسانی تحریم‌های اقتصادی وضع شده بر علیه ایران را منعکس کنند و از موضع انسانی هیات‌های شرکت کننده در اجلاس را با خود همراه کنند . وی گفت: تشکلهای واقعی کارگری چون بطور مستقیم با بدنه کارگری در تماس هستند می‌توانند آمار دست اولی را از اخراج کارگران، تعطیلی کارخانه‌ها، کاهش قدرت خرید مزدبگیران و افزایش آسیب‌های اجتماعی در میان قشر آسیب پذیر تهیه کنند .

قانون بودجه، ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی را از بیمه محروم کرد

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور، بودجه مصوب کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی مبنی بر اختصاص ۹ هزار میلیارد ریال به سازمان تامین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی را مخالف اصول ۲۹ و ۷۵ قانون اساسی و همچنین خلاف نص صریح قانون «رفع موانع اجرایی بیمه کارگران ساختمانی» خواند .

«احمد شوکت» در این باره به ایلنا گفت: کمیسیون تلفیق، بودجه ۹ هزار میلیارد ریالی را از محل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای بیمه کارگران ساختمانی اختصاص داده است که جایگزین پول پروانه‌های ساختمانی شود. در این صورت تنها ۸۰۰ هزار کارگر بیمه می‌شوند در حالی که بیش از یک و نیم میلیون کارگر ساختمانی متقاضی بیمه در سطح کشور وجود دارند.

مطابق قانون بودجه سال جاری که دیروز به تایید شورای نگهبان رسید، سازمان مالیاتی مکلف است معادل عملکرد ۹ هزار میلیارد ریال از کل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده ۲۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کند.

این در حالی است که قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» که در دی ماه سال گذشته به تصویب رسیده بود، سازمان تأمین اجتماعی را موظف می‌کرد با منابع حاصل از فروش پروانه ساخت که از طریق شهرداری‌ها به صندوق تأمین اجتماعی واریز می‌شد، تمام کارگران ساختمانی را بیمه کند.

وی با اشاره به برگشت ابتدایی بودجه مصوب مجلس توسط شورای نگهبان به دلیل عدم جوابگویی این بودجه برای بیمه کردن همه کارگران ساختمانی بیان کرد: کمیسیون تلفیق گفته با ۹ هزار میلیارد ریال اختصاص داده شده، ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه شوند و دوباره آن را برای شورای نگهبان ارسال کرده است. به گفته آقای شوکت، با تایید قانون بودجه از سوی شورای نگهبان که دیروز رخ داد، رفع سهمیه بندی بیمه کارگران ساختمانی منتفی است که نفس سهمیه بندی بر خلاف اصل ۲۹ قانون اساسی که بیمه را حق همگانی می‌داند و اصل ۷۵ همان قانون که می‌گوید بار مالی روی دوش دولت نگذارید و همچنین قانون رفع موانع اجرایی است.

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور در پایان از شورای نگهبان خواست تا با رد بودجه مصوب مجلس، از قانون اساسی پاسداری کند.

مسئول کانون شوراهاى اسلامى کار استان فارس:

نمی‌توان به بهانه تخلف کارفرمایان، از تعیین مزد قانونی چشم‌پوشی کرد

برپایه خبرسایت دولتی کارایران- ایلنا در تاریخ ۱۹ خرداد ۹۲ آمده است: مسئول کانون شوراهاى اسلامى کار استان فارس گفت: نمی‌توان به این بهانه که مصوبه حداقل مزد به طور کامل در تمامی کارگاه‌های کشور رعایت نمی‌شود، از تعیین مزد واقعی چشم‌پوشی کرد.

«مهزارد مویدی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: طبق قانون کار در پرداخت مزد به کارگران هیچ تبعیضی وجود ندارد و همه کارگران باید در برابر انجام کار مساوی مزد مساوی دریافت کنند. به گفته این مقام کارگری، با وجود تصریح قانون، همواره در بخشی از محیط‌های کار به کارگران براساس معیارهایی خارج از قانون دستمزد پرداخت می‌شود، اما اینکه قانون نقض می‌شود مشکلی است که ربطی به چگونگی تعیین مزد ندارد.

مویدی افزود: به عنوان مثال در استان فارس نیز مانند همه استانهای کشور به کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک صنعتی و خدماتی به ندرت طبق مصوبه مزدی شورای عالی کار مزد پرداخت می‌شود و در بیشتر مواقع این کارگران واحدها براساس معیارهایی جداگانه دستمزد می‌گیرند.

به گفته مویدی در کارگاه‌های صنعتی کوچک دلیل رعایت نشدن مصوبات شورای عالی کار، مشکلات تولید و درآمد پایین کارگاه است بطوری که درآمد کارگران بطور غیر قانونی براساس میزان تولید و فروش محاسبه و پرداخت می‌شود. وی افزود: در مقابل در کارگاه‌های خدماتی، مصوبات شورای عالی کار بیشتر به دلیل اعمال نفوذ کارفرما اجرا نمی‌شوند.

موبدی ادامه داد به عنوان مثال کارگران شاغل در مطلب‌های پزشکان یا دفترخانه‌ها با وجود درآمد بالای بنگاه کمتر از مزد مصوب دریافت می‌کنند که این مسئله به سوء استفاده کارفرمایان این واحدها باز می‌گردد.

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان فارس گفت: با این حال در واحدهای تولیدی بزرگ دستمزد کارگران طبق مصوبه شورای عالی کار پرداخت می‌شود بطوری که با وجود تاخیرهایی که تا 6 ماه هم می‌رسد تمامی کارگران طبق قانون دستمزد می‌گیرند.

پایان پیام

انعقاد قرار داد سفید امضا با ۲۰۰ کارگر اداره مولد بخار

رئیس انجمن صنفی کارگران تعمیر کار مولد بخار قطار راه آهن تهران از قرار داد سفید امضای شرکت‌های پیمانکاری رجا با ۲۰۰ کارگر اداره مولد بخار خیر داد .

«عباس علی حسین‌زاده» در این باره به ایلنا گفت: شرکت‌های جهان صنعت کاران، گستران ریلی، گستره یاس، عمران تهویه شمس و مه ریل که پیمانکار شرکت رجا در اداره مولد بخار هستند با ۲۰۰ کارگر این اداره، قرارداد سفید امضا منعقد کرده‌اند .

وی در ادامه افزود: این شرکت‌ها برخلاف قانون، نسخه‌های قرارداد را در اختیار کارگران و انجمن صنفی قرار نمی‌دهند .

مطابق تبصره یک ماده ۱۰ قانون کار، در مواردی که قرارداد کار کتبی باشد قرارداد در چهار نسخه تنظیم می‌گردد که یک نسخه از آن به اداره کار محل و یک نسخه نزد کارگر و یک نسخه نزد کارفرما و نسخه دیگر در اختیار شورای اسلامی کار و در کارگاه‌های فاقد شورا در اختیار نماینده کارگر قرار می‌گیرد .

به گفته آقای حسین‌زاده، شرکت پیمانکاری مه ریل محدودیت‌هایی را برای اعضای انجمن صنفی کارگران تعمیر کار مولد قطار راه آهن بخار تهران ایجاد می‌کند .

رئیس انجمن صنفی کارگران تعمیر کار مولد بخار قطار راه آهن تهران در پایان تصریح کرد: کارگران شرکت پیمانکاری مه ریل با جریمه‌های پی در پی تحت فشار شدید قرار دارند تا نسبت به نقض حقوق صنفی خود اعتراض نکنند.

۲۸ درصد جمعیت فعال اصفهان بیکارند / کاهش امید یافتن کار

برپایه خیرسایت دولتی کارایران- ایلنا در تاریخ 20 خرداد 92 آمده است: آخرین آمار رسمی از نرخ بیکاری و «اشتغال ناقص زمانی» نشان می‌دهد ۲۸ درصد جمعیت فعال استان اصفهان بیکارند .

به گزارش خبرنگار ایلنا، تعهد دولت دهم برای ایجاد ۶۷۵ هزار شغل جدید در اصفهان نیز نتوانسته آمار بیکاران در استانی که بیشترین همکاری برای اجرای طرح اشتغال زایی دولت را داشته، کاهش دهد و دو سال مانده به پایان برنامه پنجم توسعه که باید نرخ بیکاری به ۷ درصد کاهش یابد، هنوز آمار بیکاری بین ۱۲ و ۱۴ درصد متغیر مانده است.

باید مشکلات ساختاری اصلاح شود

دبیر اجرایی خانه کارگر استان اصفهان با اشاره به افزایش تعداد واحدهای بحرانی در این استان می‌گوید: به دلیل عدم اجرای کامل بسته‌های حمایتی پس از اجرای هدفمندی یارانه‌ها بسیاری از واحدهای تولیدی حتی با وجود اجازه افزایش قیمت با بحران کمبود نقدینگی روبرو هستند .

اصغر برشان وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی، افزایش بی‌رویه واردات کالا و افزایش حضور اتباع بیگانه در کشور را از دلایل افزایش نرخ بیکاری بیان کرد و ادامه داد: دولت به منظور ایجاد 5/2 میلیون فرصت شغلی باید مشکلات ساختاری کشور را اصلاح کند .

وی کار پایدار و مستمر، میزان ساعات استاندارد فعالیت و درآمد حداقلی تامین زندگی خانوادگی را از ملاک‌های

تشخیص یک شغل تعریف کرد و گفت: آمارهایی که در مورد نرخ شاغلان کشور در سال‌های اخیر عنوان می‌شود، هیچ‌گونه قطعیت و صحتی ندارد، چرا که مسولان دولتی در این سال‌ها افرادی که حتی یک ساعت در هفته کار می‌کنند را شاغل حساب کرده‌اند.

جایابی نیروی کار به حساب نمی‌آید

این فعال کارگری یکی دیگر از ملاک‌های بی‌اساس بودن آمارهای اشتغال سالانه را آمار بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی دانست و تصریح کرد: افراد زیادی قبلاً دارای شغل بوده‌اند، اما بیمه این سازمان نبودند و دولت این افراد را به عنوان چند میلیون فرد شاغل جدید در هر سال اعلام می‌کند. وی از عدم ارایه جمع جبری در آمارها انتقاد کرد و گفت: به فرض وقتی در سال در منطقه‌ای برای ۲۰۰ نفر شغل ایجاد شود، شاید تعداد ۵۰ نفر از آنان به بیکاران اضافه گردند که مجموع واقعی آن ۱۵۰ شاغل است، اما متأسفانه در ارایه آمارها جمعیت بیکاران از شاغلان جدید کسر و اعلام نمی‌شود.

نرخ بیکاری ۱۳/۸ درصد، مشارکت اقتصادی ۴۰ درصد

سرپرست دفتر آمار و اطلاعات استانداری اصفهان در گفتگو با ایلنا، نرخ مشارکت اقتصادی سال ۹۰ در استان اصفهان را ۳۹/۶ درصد اعلام کرد و گفت: سال گذشته این رقم به ۴۰ درصد رسید در حالی که وضعیت نرخ مشارکت اقتصادی در کشور به ترتیب ۲۶/۹ درصد و ۳۷/۷ درصد در سال‌های ۹۰ و ۹۱ بوده است. قاسمی همچنین نرخ بیکاری افراد ۱۰ سال و بیشتر استان در سال گذشته را ۱۳/۸ درصد دانست و افزود: این رقم در مقایسه با سال ۹۰ که ۱۳/۲ درصد بوده کمتر از یک دهم درصد افزایش نشان می‌دهد، همین نرخ در کشور ۱۲/۳ درصد در سال ۹۰ و ۱۲/۲ درصد در سال گذشته بوده است. وی کمترین نرخ بیکاری را مربوط به استان خراسان جنوبی با ۶/۲ درصد دانست و تصریح کرد: استان‌های خراسان رضوی با ۸/۷ درصد، کرمان ۷/۸ درصد، سمنان ۶/۴ درصد، همدان ۹/۷ و مازندران با ۹/۸ درصد در جدول نرخ بیکاری کشور کمترین ارقام را ثبت کرده‌اند.

رشد لاک پشتی بخش کشاورزی، افزایش ۳ درصدی شاغلان صنعت

سرپرست دفتر آمار و اطلاعات استانداری اصفهان به علاوه بالاترین نرخ بیکاری را با ۲۰/۲ درصد مربوط به استان‌های لرستان، کرمانشاه با ۱۶/۲ درصد، فارس با ۱۶/۸ و ایلام ۱۷/۳ درصد عنوان کرد و گفت: همانگونه که می‌بینید اصفهان در میانه جدول بیکاری کشور قرار گرفته، بر اساس همین آمار، سهم اشتغال بخش کشاورزی کشور در سال ۹۰ حدود ۱۸/۶ درصد بوده که سال گذشته به ۱۸/۹ درصد رسید اما این رقم در استان اصفهان به ترتیب در سال‌های ۹۰ و ۹۱ اعداد ۱۰/۷ و ۱۱/۱ درصد بوده که حکایت از یک رشد لاک پشتی در بخش کشاورزی اصفهان دارد.

وی شاغلان بخش صنعت در سال ۹۰ را ۳۹/۹ درصد و در سال ۹۱ این رقم را ۴۲/۸ درصد برشمرد و تأکید کرد: این رشد قابل توجه با وجود مشکلات اقتصادی، تحریم‌ها و تنگنانهایی است که برای واردات مواد اولیه و ماشین آلات مورد نیاز بخش تولید وجود دارد اما در عمل بخش صنعت در حال رشد است و آمار شاغلان آن افزایش نشان می‌دهد.

برابری نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری نگران کننده است

قاسمی با اشاره به اینکه نرخ ۲۸/۵ درصدی مشارکت اقتصادی استان اصفهان حدود ۲ درصد از کشور بیشتر است، بیان داشت: در آخرین نرخ بیکاری فصلی در کشور که مربوط به زمستان ۹۱ است، این عدد در کشور ۱۲/۴ درصد و در اصفهان ۱۳/۴ درصد به ثبت رسیده است به عبارت دیگر در این آمار، بیکاری استان ما یک درصد از میانگین کشوری بیشتر است.

متولی دفتر آمار و اطلاعات استانداری اصفهان برای مقایسه این آمار با مدت مشابه، یادآور شد: در زمستان ۹۰ نرخ مشارکت اقتصادی کشور ۲۵/۹ و نرخ بیکاری ۱۴/۱ درصد بوده و این ارقام در اصفهان به ترتیب ۳۹/۹ و ۱۲/۶ درصد بود، در بهار ۹۱ نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری استان اصفهان به ۱۴/۸ و ۱۴/۲ درصد رسیده‌اند. وی درباره وضعیت بیکاری بهار امسال تأکید کرد: این آخرین ارقام رسمی است که از سوی مرکز آمار منتشر

شده البته عملیات می‌دانی آمارگیری نرخ بیکاری در بهار ۹۲ نیز به تازگی انجام و نتایج به مرکز آمار اعلام شده و تا یکی دو ماه آینده آنرا اعلام خواهد کرد.

بیکاری شاغلان و کاهش امید یافتن کار در شرایط بد اقتصادی

البته در یک اقتصاد سالم، نرخ مشارکت اقتصادی با بیکاری رابطه معکوس دارد یعنی هرچه میزان مشارکت اقتصادی مردم افزایش یابد باید جمعیت بیکاران کمتر شود اما در استان اصفهان این رابطه برقرار نیست. نرخ مشارکت اقتصادی را کارشناسان به معنای مجموعه جمعیت فعال به اضافه جمعیت بیکار جویای شغل تعریف می‌کنند و در این چارچوب مهم‌ترین دلیل به هم خوردن ارتباط منطقی بین نرخ مشارکت اقتصادی و بیکاری، شرایط بد اقتصادی است که باعث می‌شود شاغلان بیکار شده و بیکاران امید خود را برای یافتن کسب و کار از دست بدهند. در شرایط بحرانی‌تر اما، بیکاری افزایش می‌یابد و متقاضیان ورود به بازار کار نیز کمتر می‌شوند و در این وضعیت اضافه کردن نرخ بیکاری به تورم، شاخص فلاکت در جامعه را نشان می‌دهد.

با یک ساعت کار در هفته نمی‌توان یک زندگی را اداره کرد

در ادامه این گفتگو، سرپرست دفتر آمار و اطلاعات استانداری اصفهان در واکنش به انتقاداتی که درباره نحوه تعیین نرخ بیکاری مطرح می‌شود، گفت: اینکه فرد با یک ساعت کار کردن در هفته شاغل تعریف می‌شود بر اساس استاندارد سازمان بین‌المللی کار است که به همه کشورها اعلام شده اما با توجه به محدودیت‌های همین تعریف بوده که در کنار نرخ بیکار، نرخ اشتغال ناقص نیز در نظر گرفته می‌شود. وی با تأکید بر اینکه یک فرد برای تأمین نیازهای رفاهی یک خانواده متوسط جمعیتی، باید حداقل ۴۴ ساعت در هفته کار کند، بیان داشت: بر همین اساس است که برنامه ریزان و تصمیم‌گیران کلان کشور، هر دو نرخ بیکاری و اشتغال ناقص را با یکدیگر در نظر می‌گیرند. قاسمی آمار اشتغال ناقص زمانی کشور در سال ۹۰ را ۸/۶۱ و در اصفهان ۱۰/۲ درصد اعلام کرد و گفت: این نشان می‌دهد ۱۰ درصد شاغلان، قادر به اداره زندگی خود نیستند چون کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند و این رقم باید به نرخ بیکاری اضافه شود. وی با اشاره به سهم ۹/۳ درصدی مردان کشور در اشتغال ناقص زمانی و ۴/۴ درصدی زنان، خاطر نشان کرد: شاخص اشتغال ناقص استان اصفهان در سال گذشته ۱۴ درصد بوده که زنان در آن ۶/۵ درصد سهم داشته‌اند.

نرخ بیکاری بر اساس آمارگیری است نه سرشماری

با توجه به رشد آمار بیکاری و اشتغال ناقص زمانی از مدیر کل هماهنگی امور اقتصادی استانداری اصفهان موضوع تأثیر ایجاد ۶۷۵ هزار نفر اشتغال ایجاد شده از سوی دولت در دو سال گذشته در بازار کار را جویا شدیم و مسعود صفاری پورتاکید کرد: نرخی که درباره بیکاری اعلام می‌شود بر اساس آمارگیری است نه سرشماری در حالی که اطلاعات مربوط به ایجاد مشاغل جدید، از طریق اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان و شهرستان‌ها، دستگاههای اجرایی و فرمانداری‌ها، به کارگروه اشتغال استان فرستاده می‌شود. وی افزود: این آمار هم ممکن است دوبار شماری یا مشکلات دیگر داشته باشد به همین دلیل بعد از دو سه ماه پالایش در وزارت کار، دوباره آمار و ارقام ایجاد اشتغال جدید اعلام می‌شود و اگر فرض کنیم ارقامی که اعلام شده، همان ارقام مطرح شده در کارگروه اشتغال استان بوده باید به موضوع ریزش نیرو در بنگاههای اقتصادی استان توجه بیشتری کنیم.

گزارش از ناهید شفیعی

وضعیت وخیم اقتصادی کشور

بر پایه گزارش مطبوعات رژیم آمده است: شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد در دولت احمدی نژاد درباره دلایل نوسان شدید بهای ارز که قیمت دلار را به ۴ هزار تومان در سال گذشته رساند گفت: کاهش شدید درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های پتروشیمی علت اصلی افزایش و نوسانات شدید بهای ارز در

ایران در این مدت بود. حسینی گفت: کلیه اقدامهای صورت گرفته برای جلوگیری از سقوط ارزش ریال در برابر دلار عملاً بی نتیجه بوده‌اند، زیرا کاهش 50 درصدی درآمدهای ارزی و مشکلات ناشی از نقل و انتقال ارز، نقش بسیار سنگینی در افزایش بهای دلار در بازار داشته‌اند. محمود بهمنی، رئیس کل بانک مرکزی همین نظام هم به ناتوانی دستگاههای اقتصادی در مهار تورم اشاره کرد و گفت: تورم در پایان سال به 30 و نیم درصد رسید و بانک مرکزی به‌رغم همه‌ی تلاشهایش نتوانست مانع از افزایش نرخ تورم شود. رئیس کل بانک مرکزی گفت: حدود ده میلیارد دلار از منابع ارزی کشور صرف پرداخت بدهی‌های خارجی شده است.

کنفرانس سازمان بین‌المللی کار در ژنو

به نوشته کمیته هماهنگی برای کمک ایجاد تشکل‌های کارگری

یکصد و دومین کنفرانس سالانه سازمان بین‌المللی کار از پنجم ژوئن (۱۵ خرداد) در ژنو آغاز شد. در این کنفرانس که تا پانزدهم ژوئن (۳۰ خرداد) ادامه خواهد یافت، ظاهراً قرار است مسائل و مشکلات کارگران جهان مورد بررسی قرار گیرد. از ایران نیز هیأتی انتصابی از جانب به اصطلاح "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری"!!، "مجمع عالی نمایندگان کارگری"!! و "کانون عالی شوراهای اسلامی کار"!! با نام "نمایندگان کارگران"، در این کنفرانس حضور دارند که مثلاً قرار است مشکلات و مصائب کارگران ایران را در آن جا طرح و مورد بررسی قرار داده، ضمن جلوگیری از تعرض به حقوق بنیادین کارگران، متعرضین به این حقوق را مورد بازخواست قرار دهند. !!!

"حقوق بنیادین کارگران" در ایران چیزی نیست که پوشیده باشد و کارگران از آن‌ها بی اطلاع باشند. برخورداری از حق اعتصاب و حق ایجاد تشکل‌های مستقل و متکی به خود کارگران، و نه تشکل‌های وابسته به دولت و کارفرمایان؛ حق برگزاری روز جهانی کارگر، لغو "سه‌جانبه‌گرایی" و تعیین حداقل دستمزد، با دخالت نمایندگان واقعی و منتخب کارگران، متناسب با تورم واقعی؛ لغو قراردادهای موقت و سفید امضا؛ قطع فوری و بدون قید و شرط اخراج و بیکارسازی کارگران و پرداخت بیمه بیکاری به تمامی بیکاران و افراد آماده به کار، تا زمان اشتغال به کار آنان و... تماماً جزء "حقوق بنیادین کارگران" هستند که سالیان درازی است از جانب سرمایه و عوامل آن در ایران مورد تعرض قرار گرفته و کارگران برای احقاق آن‌ها با صاحبان سرمایه و کارفرمایان - از هر دو جناح خصوصی و دولتی آن - جدال و مبارزه کرده و هزینه‌های زیادی نیز بابت آن‌ها پرداخته‌اند. آیا هیأت اعزامی به کنفرانس ILO از این مطالبات و خواست‌ها و مبارزات کارگران در این رابطه بی اطلاع است؟ یا به خوبی در جریان همه‌ی این مسائل و موضوعات قرار داشته و خود به نحوی از انحاء شریک جرم سرمایه و سرمایه‌داران در اعمال تمامی این تضییقات و فشارها نسبت به کارگران هستند؟ هیأت اعزامی به کنفرانس ILO که خود را نماینده‌ی کارگران می‌داند غافل از این است که خط فقر اعلام شده توسط کارشناسان دولتی سرمایه حتی بیش از یک میلیون و پانصد هزار تومان و تورم موجود به ویژه در مناطق شهری بیش از ۴۵ درصد است که به اصطلاح "شورای عالی کار" با کمک همین نمایندگان انتصابی و نمایندگان دولت و کارفرمایان (سه‌جانبه‌ی "شورای عالی کار") آن را به میزان چهارصد و هشتاد و هفت هزار تومان تعیین کرده است؟ هیأت نمایندگی دولتی - کارفرمایی کارگران، اعزامی به کنفرانس ILO، از نرخ بیکاری در ایران بی‌خبر است؟ و اطلاع ندارد که قراردادهای قرون وسطایی و ذلت‌بار کار، با نام "قراردادهای موقت و سفید امضا"، چه به روزگار کارگران آورده و چگونه دست کارفرمایان و صاحبان سرمایه را در اخراج و بیکارسازی آحاد این طبقه باز گذاشته و امنیت شغلی کارگران را به بازی گرفته است؟ این هیأت اطلاع ندارد که کارگران در ایران از حق ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری محرومند و معدود تشکل‌های ایجاد شده توسط خود کارگران، در برخی از مراکز کار و تولید نیز به شکل وحشیانه‌ای مورد تهاجم و سرکوب قرار گرفته و از فعالیت‌های آن‌ها جلوگیری می‌شود؟ هیئت مزبور و همپالکی‌های آنان نمی‌دانند که بسیاری از کارگران و فعالان کارگری صرفاً برای پیگیری همین خواست‌ها و مطالبات به دفعات احضار، بازجویی، تهدید و بعضاً دستگیر و روانه زندان‌ها شده‌اند و تعدادی از آن‌ها نیز هم اکنون در زندان به سر می‌برند؟ هیأت به اصطلاح نمایندگی کارگران ایران آیا تا به امروز نسبت به این همه بی‌حقوقی و اجحاف که در حق کارگران روا داشته می‌شود اعتراضی کرده و حرفی حتی زده است؟ آیا این هیأت و اساساً چنین هیأت‌هایی اساساً قادرند که نسبت به این بی‌حقوقی‌ها و تعرضات (اعتراض پیش کش‌شان

(حتی حرفی برای گفتن داشته باشند ؟

نه ! این ها نمایندگان کارگران نیستند . بلکه عوامل و نمایندگان سرمایه داران هستند که از جانب دولت ها و سرمایه داران، صرفاً برای لاپوشانی تمامی این قبیل فجایع و تعرضات به این قبیل مجامع و اجلاس ها می روند و سازمان جهانی کار نیز با پذیرش چنین نمایندگانی، بیش از پیش خود را بی اعتبار می کند. سازمان جهانی کار، مثل سالهای گذشته با پذیرفتن نمایندگان فرمایشی به جای نمایندگان واقعی نشان می دهد که جانبدار چه کسانی است. کنفرانسی که از کارگران واقعی در آن خبری نباشد، کنفرانسی که بر وضعیت کارگران در بند در ایران چشم فرو بندد، کنفرانسی که نمایندگان دولتی را به جای نمایندگان واقعی کارگران بپذیرد مشخص است که ره به کجا خواهد برد. این به اصطلاح نمایندگان کارگران نه غم نان دارند و نه غم کارگر. واقعیت این است که کارگران در زندانند و عوامل سرمایه در کنفرانس! این نمایندگان ساختگی باید از کنفرانس اخراج شوند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از نمایندگان واقعی کارگران در سراسر جهان تقاضا می کند که از این تربیون برای دفاع از حقوق کلیه هم طبقه ای های خود در ایران که در این کنفرانس جای نمایندگان آنها خالی است استفاده کنند.

واقعیت اینست که در کنار برگزاری این کنفرانس که در سالنهای سازمان جهانی کار برگزار می شود تربیون دیگری نیز در بیرون از سالن کنفرانس و در خیابانها و میدانی شهر ژنو برپاست که صدای کارگران را به گوش جهانیان می رساند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری
۱۹/۰۳/۹۲

اطلاعیه شماره 53- صدور قرار 4 میلیون تومانی برای رضا شهابی و بازجویی از همسر وی!

بنا بر گزارش رسیده روز شنبه 19 خرداد، رضا شهابی را به شعبه ی 4 بازپرسی دادسرای اوین برده اند و به او اعلام کرده اند که 12 روز غیبت داشته ای و به همین دلیل برای او 4 میلیون تومان قرار صادر کرده اند! البته رضا شهابی به آنها گفته است: من غیبتی نداشته ام و مأموران امنیتی و دادستانی طی تماس های تلفنی به من گفته بودند که هر وقت قرار شد به زندان بازگردی ما خودمان زنگ می زنیم و آن وقت بیا و خودت را معرفی کن؛ طبیعتاً رضا هم بر این اساس عمل کرد و هنگامی که با وی تماس گرفته شد راهی زندان اوین شد. اکنون قرار شده است که این موارد را از دادستانی استعلام کنند.

همچنین لازم به ذکر است چند روز پیش ربابه رضایی، همسر رضا شهابی، به اداره ی پیگیری وزارت اطلاعات احضار شد و مورد بازجویی قرار گرفت. در این بازجویی ربابه رضایی برای انعکاس شرایط همسر زندانی خود مورد بازخواست قرار گرفت و در جواب این بازخواست ها عنوان کرد که: من تنها به تماس هایی که با من در رابطه با احوال پرسشی همسر می شود جواب داده ام و هیچ عمل خلافی انجام نداده ام.

کمیته ی دفاع از رضا شهابی ضمن محکوم نمودن صدور قرار نابجا برای رضا شهابی و همچنین بازجویی از همسر این کارگر زندانی، خواستار پایان دادن این برخوردهای ضدکارگری مأموران امنیتی و قضایی است.

کمیته ی دفاع از رضا شهابی- 20 خرداد 1392

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

دروغجویی جدی خامنه ای

برپایه گزارش مطبوعات رژیم آمده است : خامنه ای روز 14 خرداد سر قبر خمینی به دروغ از این دم زد که مردم سرتاسر کشور گسترده در مناطق دور دست از امکانات برخوردار هستند. او گفت: " امروز خدمات گوناگون در است. در شهرهای دوردست در روستاهای گوناگون، امروز معنا ندارد که کسی بگه فلان جا از نیروی برق یا از

فرض کنید زیرساختهای جاده و امثال اینها محروم مانده است. اینجور چیزی اونروز اگر يك نقطه‌يي برخوردار بود." در نقاط دور دست، مایه تعجب بود. امروز عکسش مایه تعجب است

در همین رابطه خوب است به حرفهای غرضی در مناظره اش اشاره کنیم که گفت: "تهران خفه شده تهران بزرگ شده، ولی کارتن خواب داره، این چه شهریه که بایستی ام القرا باشد کارتن خواب داشته باشه، برای اینکه سیاست داخلیمون به سیاست منظمی نیست به جوانی رو از کنج روستایی بر میداریم تهران هیچ تخصصی نداره تا جوونه به فعالیت می‌کنه به سن 40-50 سال که میرسه کارتن خواب میشه این تقصیر دولته تقصیر نظام حکومتیه

دیدار جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی با خانواده ی فعال کارگری

بر اساس خبر دریافتی روز یکشنبه ۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۲، خانواده جلیل محمدی، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به ستاد خبری سنندج، محل بازداشت جلیل محمدی مراجعه نمودند.

مسئولین ستاد خبری بر روال هفته های گذشته ازارته روند پرونده جلیل محمدی خود داری کردند. خانواده نامبرده از ادامه بازداشت جلیل ابراز نگرانی کرده اما مامورین و مسئولین اداره اطلاعات سنندج جوابگوی تقاضای مادر سالخورده نامبرده نشده اند.

در پی این مراجعه، جلیل محمدی طی یک تماس تلفنی کوتاه، خانواده را از وضعیت خود مطلع کرد.

همچنین جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی در دیداری با خانواده ی این فعال کارگری، ضمن محکوم کردن ادامه ی بازداشت وی و اعلام حمایت خود از این خانواده، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط جلیل محمدی شدند. آنان در این دیدار یادآور شدند که از هر گونه پشتیبانی و تلاش در جهت آزاد نمودن این فعال کارگری دریغ نخواهند نمود.

ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ادامه بازداشت جلیل محمدی را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط نامبرده هستیم

شریف ساعدپناه به دادگاه احضار شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایرانآمده است: دیروز مورخه 19 خرداد ماه 92 شریف ساعد پناه یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی 30 هزار نفری به دادگاه احضار گردید.

شریف ساعدپناه دیروز ساعت 11 صبح به شعبه 1 دادگاه انقلاب اسلامی سنندج جهت محاکمه احضار گردید و به مدت 40 دقیقه مورد بازجویی قرار گرفت و در پایان جلسه، اقدام علیه امنیت ملی را به وی نسبت دادند.

ضمنا در تاریخ 22 فروردین ماه 1392 نیز حکم محکومیت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه اول دادگاه بدوی انقلاب سنندج به وکیل این کارگران ابلاغ شد. بر اساس این حکم شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا هر کدام به اتهام واهی توهین به نظام به شش ماه حبس تعزیری محکوم شده اند.

شریف ساعدپناه از 15 دی ماه 1390 تا کنون مکررا مورد بازجویی و احضار و بازداشت قرار گرفته است در صورتی که هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی خود و همکارانش مرتکب نشده است

اتحادیه آزاد کارگران ایران احضار و محاکمه شریف ساعد پناه را اعمال فشاری علنی بر فعالین و رهبران کارگری برای به سکوت واداشتن آنان ارزیابی میکند و با محکوم کردن آن اعلام میدارد اعمال فشار برای به تمکین واداشتن کارگران معترض از طریق وارد کردن اتهامات واهی و به زندان افکندن آنان نه تنها ذره ای از صورت مسئله تحمیل شرایط غیر انسانی بر کارگران ایران و تلاش آنان برای دستیابی به یک زندگی انسانی را پاک نخواهد کرد بلکه بر عمق و دامنه نفرت و انزجار کارگران از وضعیت موجود خواهد افزود.

به منظور تأمین نظر شورای نگهبان انجام شد:

لغو پرداخت مستمری به خانواده بیمه شده متوفی با ۱۰ سال سابقه

به گزارش سایت دولتی ایلنا در 19 خرداد 92 آمده است: با نظر موافق نمایندگان، مجلس تبصره الحاقی بند ۶۱ لایحه بودجه که سازمان تأمین اجتماعی را مکلف به پرداخت مستمری به فرزندان و همسران بیمه شده متوفی که زیر ده سال سابقه دارند را حذف کرد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، نمایندگان در جریان بررسی بندهای بودجه سال ۹۲ کل کشور اعاده شده از شورای نگهبان تبصره الحاقی به بند ۶۱ را حذف کردند.

در تبصره الحاقی بند ۶۱ لایحه بودجه آمده بود سازمان تأمین اجتماعی مکلف است مستمری به فرزندان و همسر بیمه شده متوفی که زیر ده سال سابقه دارد به نسبت سنوات پرداخت نمایند.

این تبصره با ۱۱۶ رأی موافق، ۲۷ مخالف و ۹ ممتنع از ۲۲۸ رأی مأخوذه حذف شد.

پایان پیام

مردانه و زنانه کردن حوزه های انتخاباتی و صندوق های رای در بروجرد

مطبوعات رژیم خبر می دهند: پس از اتوبوس زنانه و مردانه، بعد از ایجاد فضای سبز زنانه و مردانه، بعد از تفکیک جنسیتی در دانشگاهها به شکل زنانه و مردانه، بعد از ایجاد قهوه خانه های زنانه و مردانه، حالا چشم همه به شعب اخذ رأی زنانه و مردانه روشن شد. با این روندی که نظام ولایت فقیه پیش گرفته است، دور نیست که یک روز خانه های مردم را هم به شکل اتاقهای زنانه و مردانه در بیاورند. به خبر زیر توجه کنید: معاون سیاسی فرمانداری ویژه بروجرد گفت: 18 شعبه اخذ رای ویژه خواهران و 17 شعبه ویژه برادران در بروجرد در نظر گرفته شده است.

در محکومیت بازگرداندن بهنام ابراهیمزاده به زندان

بر اساس گزارش کمیته دفاع از بهنام ابراهیمزاده، روز یکشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۲، بهنام ابراهیمزاده، فعال کارگری و حقوق کودک که برای حضور در کنار تنها فرزند بیمارش نیما در مرخصی به سر می برد در پی تمدید نشدن مرخصی و تماس مقامات قضایی، با همراهی و بدرقه خانواده، دوستان و آشنایان، خود را به زندان اوین معرفی کرد. قابل ذکر است که چند روز پیش پزشکان بیمارستان محک و همچنین پزشکی قانونی اعلام کرده بودند که بهنام باید در طول مدت درمان در کنار نیما باشد اما مقامات قضایی با این امر مخالفت کردند و بهنام را به زندان فرا خواندند، این در حالیست که بهنام خود از ناحیه گوش و گردن دچار آسیب های فراوانی شده و خودش نیز باید تحت درمان قرار گیرد.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن احضار مجدد بهنام ابراهیمزاده و ادامه زندان او، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و کلیه فعالین کارگری زندانی است.

۲۰ خرداد ۱۳۹۲

نامه سرگشاده نیما ابراهیمزاده به دادستان

برگشت پدر و خواست من و کودکان زندانیان سیاسی دیروز بود که پدرم را برای برگشتن به زندان بدرقه کردم. مثل این که آقای دادستان حرف کسی را گوش نمیدهد و تاکید پزشکی قانونی و پزشکان بیمارستان محک را مبنی بر بودن پدر در کنار من را نادیده گرفته است حال دیگر چکار کنم دلم بر این خوش بود که پدرم در کنارم هست و مرا در شکست دادن بیماریم کمک خواهد کرد اما جناب دادستان بازهم دست بکار شد و پدرم را به زندان احضار کرد من نمیدانم که جدا کردن پدری از فرزندش که مبتلا به سرطان است چه نفعی برای آن ها دارد! هنوز با بیماریم سازگار نشده ام که عده ای پدرم را از من جدا

کرده اند حال علاوه بر مبارزه با بیماری باید چشم انتظار آزادی پدر هم باشیم شما که در بهترین دوران زندگی ام که ده یازده ساله بودم حق داشتن پدری در خانه را از من گرفته بودید و شما که کودکی من را مثل هزاران کودک دیگر از من گرفته اید حداقل حال که به این بیماری مبتلا هستم پدرم را به من باز گردانید. حال که بیشتر فکر میکنم این سوال در ذهنم پدید آمد که آن هزاران کودک دیگر چکار میکنند جناب دادستان آیا شما هم مثل ما فرزندان زندانیان سیاسی درد چشم انتظار پدر بودن را کشیده اید آیا شما هم صبح و شب در این فکر بوده اید که الان پدرتان در چه وضع و حالی است آیا زنده است و آیا به خانه باز خواهد گشت! حتما نه! چون اگر یک روز این درد را میکشیدید دلتان نرم میشد و به سختی سنگ نبود من از زبان آن هزاران کودک میگویم که پدرانمان را به ما باز گردانید و کودکی که از ما گرفته اید به ما باز گردانید آن خاطراتی را که قرار بود به شیرین ترین لحظه های زندگی ما تبدیل شود به تاریک ترین روز هایمان بدل کردید. به ما باز گردانید. نیما ابراهیم زاده فرزند زندانی سیاسی در بند بهنام ابراهیم زاده بیستم خرداد ۱۳۹۲

تا حالا فکر کردید هزینه یک خانواده زحمتکش چگونه تامین می گردد؟

روزنامه حکومتی در گزارشی نوشت: هزینه ماهانه يك خانواده چهار نفره در تهران تنها از بابت حداقل مواد



غذایی ضروری و نه حداقل مواد غذایی مصرفی و دیگر 700 هزار تومان است. در این 700 هزار تومان هزینه ماهانه، نه تنها هزینه های بالای اجاره بهای مسکن، حمل و نقل، آب، برق، گاز، بنزین، بهداشت و درمان، آموزش، پوشاک، لوازم منزل، تفریح و کالاها و خدمات متفرقه و انواع و اقسام هزینه هایی که خانواده ها روزانه با آن درگیرند، در نظر گرفته نشده است، بلکه اساسا بسیاری مواد غذایی مصرفی خانواده ها نیز به حساب نیامده است. در نظر گرفتن میزان ضروری هر ماده غذایی مورد نیاز برای زنده ماندن براساس این برنامه و با احتساب حداقل قیمت فعلی مواد غذایی در بازارهای میوه و تره بار و نه قیمت های متنوع مغازه ها و دیگر مراکز خرید هر شهروند تهرانی باید روزانه به طور متوسط 5600 تومان هزینه کند. با این حساب يك خانواده چهار نفره بدون اینکه هیچ ماده غذایی تفننی مصرف کند و با حذف بسیاری از مواد خوراکی مصرفی روزانه، تنها برای اینکه حداقل مواد غذایی را بر اساس گزارش سلامت در برنامه پنجم توسعه، در سبد غذایی خود برای زنده و سلامت ماندن داشته باشد، باید روزانه 22 هزار و 400 تومان و ماهانه نزدیک به 700 هزار تومان هزینه مواد غذایی کند. هزینه سالانه مواد غذایی يك نفر، دو میلیون و 44 هزار تومان و يك خانواده چهار نفره بیش از هشت میلیون تومان خواهد بود. این در حالی است که هر کارگر مشمول قانون کار در سال جاری بر اساس پنج مولفه اصلی و جانبی حداقل مزد، بن نقدي، سنوات، حق اولاد و حق مسکن؛ بدون اضافه کاری، پاداش، حق پست و موارد مشابه آن؛ ماهیانه بین 541 تا 638 هزار تومان دریافت خواهد کرد

ایران: گسترش فقر، کاهش حقوق کارگری

پاریس، ژنو، 20 خرداد 1392 (10 ژوئن 2013) - در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در ایران در روز 24 خرداد، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران گزارشی با عنوان «ایران:

گسترش فقر، کاهش حقوق کارگری» منتشر می کنند که نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی در ایران را مستند کرده است.

وضعیت اقتصادی و اجتماعی در ایران رو به وخامت می رود و تاثیر آن بر شرایط زندگی مردم بلافاصله است. بیکاری رو به رشد است، تورم به سطح بی سابقه ای رسیده است و بیشتر مردم ناگزیر از اشتغال به چند شغل هستند زیرا مزد حداقل برای خنثا کردن تورم کافی نیست. شکاف بین درآمد ثروتمندان و فقرا رو به گسترش است.

در چنین وضعیتی، کارگران از حق سازمان دهی آزاد برخوردار نیستند. عبدالکریم لاهیجی، رییس فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و رییس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران، گفت: «سازمان های رسمی کارگری ابزاری در دست دولتمردان برای اعمال کنترل بر کارگران هستند. تلاش برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری در سالهای اخیر با سرکوب خشن روبرو بوده و رهبران کارگران به اتهام «اقدام علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام» زندانی شده اند».

نقض گسترده حقوق کار، در عمل و قانون، به ویژه علیه زنان و نیز به دلایل ناشی از دین، قومیت و عقیده سیاسی کاملاً آشکار است.

عبدالکریم لاهیجی افزود: «سیاست های دولت در مغایرت کامل با اصل جهانی برابری زن و مرد، زنان را به حاشیه می راند. اقدامات اخیر برای برچیدن سیاست های کنترل جمعیت به منظور افزایش میزان باروری تبعیض علیه زنان را بیشتر می کند».

روزنامه نگاران، مدافعان حقوق بشر، منتقدان دولت به خاطر عقاید سیاسی خود در محل کار مورد تبعیض قرار می گیرند. مسئولان علاوه بر زندانی کردن آنها، اغلب آنها را از کار در سازمان های دولتی اخراج می کنند یا باعث اخراج آنها از شرکت های خصوصی می شوند. خویشاوندان آنها نیز با آزار و اخراج از کار روبرو هستند. تعدادی از وکلای دادگستری و روزنامه نگاران علاوه بر زندان به محرومیت از اشتغال به حرفه محکوم شده اند.

با وجود پنهانکاری دولتی و نبود اطلاعات معتبر رسمی، فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر و جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران با استفاده از منابع معتبر و داخلی به این نتیجه رسیده اند که بیش از 50% از جمعیت بیشتر از 75 میلیون نفری ایران در زیر خط فقر زندگی می کنند. گزارش های تحقیقی اخیر نشان می دهند که قدرت خرید مردم در ظرف هشت سال از سال 1384 تا 1392 به میزان 72% کاهش پیدا کرده است.

عبدالکریم لاهیجی این طور نتیجه گیری کرد: «در شرایطی که فقر و بیکاری گسترش می یابد، کارگران از هیچ راه قانونی برای طرح خواسته های خود و از حق مذاکره دسته جمعی برخوردار نیستند».

انتخابات 1392 تغییراتی را که بسیار هم ضروری است به بار نخواهد آورد. باوجود این، در صورت ادامه رکود اقتصادی، خواست های اجتماعی و مطالبه حقوق کارگری نیز می تواند رشد کند و سرانجام این رژیم را به چالش بطلید.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل در ماه مه 2013 (اردیبهشت 1392) دومین گزارش ادواری جمهوری اسلامی ایران را مورد رسیدگی قرار داد. ملاحظات پایانی این کمیته به طور عمده یافته های مشترک «فدراسیون بین المللی جامعه های حقوق بشر» و «جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران» را تایید کرده اند.

<http://www.fidh.org/iran-rising-poverty-declining-labour-right-per-13400>

بیکاری و بلامتکلیفی 270 کارگر قراردادی فولاد زاگرس

بر پایه خبر رسیده آمده است: با اتمام قرارداد کاری کارگران فولاد زاگرس با شرکت پیمانکاری «خوان گل» در پایان سال ۹۱، به کارگران وعده داده شده بود پس از مدت کوتاهی به طور مجدد دعوت به کار شوند اما با وجود گذشت سه ماه از سال و بیکاری در این شرایط سخت اقتصادی، کارگران با ناامیدی مجبور به انتظار کشیدن برای بازگشایی کارخانه اند. کارگران معتقدند مدیریت کارخانه فولاد زاگرس نسبت به وضعیتی که پیمانکار برای کارگران به وجود آورده مسئول است و به دلیل مستمر بودن نوع کار در این کارخانه، طبق قانون کار وظیفه مدیریت این واحد است که با کارگران قرار داد مستقیم امضاء کند.

انعقاد قرار داد سفید امضا با ۲۰۰ کارگر اداره مولد بخار قطار راه آهن

برپایه خبر منعکس شده از طریق خبرگزاری دولتی کا رایران-ایلنا در 20 خرداد 92 آمده است : طی گزارشی از قرار داد سفید امضای شرکت‌های پیمانکاری رجا با ۲۰۰ کارگر اداره مولد بخار خبر داد. براساس این گزارش، شرکت‌های جهان صنعت کاران، گستران ریلی، گستره پاس، عمران تهویه شمس و مه ریل که پیمانکار شرکت رجا در اداره مولد بخار قطار راه آهن هستند با ۲۰۰ کارگر این اداره، قرارداد سفید امضا منعقد کرده‌اند.

گرانی 70 در صدی قیما دارو در ایران

برپایه خبر انکاس یافته در مطبوعات رژیم آمده است : رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس به گرانی دارو تا 70 درصد اذعان کرد و روز 18 خرداد گفت: دارو تاکنون ۳۰ تا ۷۰ درصد افزایش یافته است و این مسئله صحت دارد. شهریاری در مورد چشم انداز کاهش قیمت داروها آب پاکی را روی دست مردم ریخت و گفت: "اینکه فکر کنیم در مدت یک تا دو سال می‌توانیم این هزینه‌ها را کاهش دهیم به هیچ وجه درست نیست" مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان گلستان:

پرداخت دستمزد غیر قانونی حاصل فقدان اتحاد صنفی است

برپایه خبر گزارش خبرگزاری دولتی کا رایران-ایلنا در 20 خرداد 92 آمده است مسئول کانون شوراهاس اسلامی کار استان گلستان با انتقاد از رعایت نشدن حداقل‌های مصوب قانونی در کارگاه‌های کوچک تولیدی، گفت: با توجه به اینکه در این محیطها اتحاد صنفی میان معدود کارگران شاغل وجود ندارد، کارفرمایان از بی‌اطلاعی و ضعف نیروی کار سوء استفاده می‌کنند و از پرداخت حداقل مزد قانونی و حتی پرداخت حق بیمه خودداری می‌کنند.

«غلامرضا سلطانی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در این محیطها تا زمانی که میان کارگر و کارفرما توافق برقرار است به ظاهر هیچ مشکلی وجود ندارد اما زمانی که طرفین بر سر موضوعی دچار اختلاف شوند و کارگری به اداره کار مراجعه کند آنگاه تخلف کارفرما آشکار می‌شود. وی افزود: از آنجا که کارفرمایان این واحدها باید برای اثبات صحت ادعای خود لیست سازمان تامین اجتماعی را به مراجع تشخیص و حل اختلاف ادامه می‌دهند، در بیشتر موارد صحت ادعای کارگر تایید شده و کارفرمای خاطی محکوم به پرداخت مطالبات کارگر خود می‌شود. سلطانی ادامه داد: به غیر از واحدهای کوچک تولیدی، در سایر محیطهای کارگری حقوق و مطالبات کارگران بر مبنای حداقل‌های تعیین شده در شورای عالی کار پرداخت می‌شود. این مقام کارگری با بیان اینکه در حال حاضر حدود ۵۲ واحدهای تولیدی این استان داری شورای اسلامی کار هستند گفت: در واحدهای بزرگ بطور معمول مطالبات کارگران بر مبنای قانون پرداخت می‌شود.

سلطانی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه بیشتر بنگاههای تولیدی استان گلستان در ارتباط با کشاورزی فعالیت می‌کنند، گفت: با توجه به اینکه بخش صنعت کشاورزی در ارتباط با تامین نیازهای اولیه مردم به تولید مشغول است، تا زمانی که عامه مردم قدرت خرید محصولات کشاورزی را داشته باشند فعالیت صنایع مرتبط با بخش کشاورزی با مشکل جدی روبرو نخواهد بود.

پایان پیام

در محکومیت بازگرداندن بهنام ابراهیمزاده به زندان

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 20 خرداد 92 آمده است : بر اساس گزارش کمیته دفاع از بهنام ابراهیمزاده، روز یکشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۲، بهنام ابراهیمزاده، فعال کارگری و حقوق کودک که برای حضور در کنار تنها فرزند بیمارش نیما در مرخصی به سر می‌برد در پی تمدید نشدن مرخصی و تماس مقامات قضایی، با همراهی و بدرقه خانواده، دوستان و آشنایان، خود را به زندان اوین معرفی کرد. قابل ذکر است که چند روز پیش پزشکان بیمارستان محک و همچنین پزشکی قانونی اعلام کرده بودند که بهنام باید در طول مدت درمان در کنار نیما باشد اما مقامات قضایی با این امر مخالفت کردند و بهنام را به زندان فرا خواندند، این در حالیست که بهنام خود از ناحیه گوش و گردن دچار آسیب‌های فراوانی شده و خودش نیز باید تحت درمان قرار گیرد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری ضمن محکوم کردن احضار مجدد بهنام ابراهیمزاده و ادامه زندان او، خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و کلیه فعالین کارگری زندانی است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

پیام همبستگی تشکل های کارگری با کارگران وزحمتکشان ترکیه

خواهران و برادران زحمتکش ترکیه ای ده روز از اعتراضات شما در شهرهای کشورتان نسبت به تصمیم غیرمعتقول دولت اردوغان با بازداشت و سرکوب روبرو شده است. با توجه به نقض حقوق ابتدایی انسانی و کارگری توسط دولت اردوغان در آتش گشودن به روی مردم غیرمسلح و تظاهرات آرامتان، ما کارگران ایرانی نه تنها خواستار عقب نشینی دولت اردوغان از تصمیم گرفته شده در مورد میدان تقسیم هستیم، بلکه مجازات کلیه افرادی که دستورآتش و ضرب و جرح و کشتن معترضان را داده اند نیز خواهیم. همه دولت های سرمایه داری، معترضین را افرادی آشوبگر می خوانند و این در مورد دولت ضدکارگری اردوغان نیز به اثبات رسید.

ما ضمن همبستگی با شما، خواستار عذرخواهی دولت از بازداشت اعضا و رهبران اتحادیه کارکنان بخش عمومی ترکیه KESK و اتحادیه معلمان EGITIM SEN در 19 فوریه 2013 به بهانه قوانین ضد تروریستی و همچنین معترضین کنونی که بخش بزرگ بازداشتی ها را کارگران وزحمتکشان را شامل می شود، شده و خواهان آزادی کلیه بازداشتی های اخیر هستیم.

بگذار همکاری، تبادل نظر و اتخاذ مواضع مشترک ما پیام امیدی باشد برای جنبش کارگری ترکیه و ایران. گسترده تر با دهمبستگی کارگری بین سندیکاهاى ایران و ترکیه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات 1392/3/20

رئیس انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز:

صدای اعتراض نمایندگان مستقل کارگری به تحریمها در ILO رسا تر بود

برپایه خبر گزارش خبرگزاری دولتی کا رایران - ایلنا در 20 خرداد 92 آمده است : رئیس انجمن صنفی کارگران پیمانکاری پتروشیمی تبریز با انتقاد از تحریمهای ضد انسانی غرب علیه ایران، حضور نمایندگان مستقل کارگری در اجلاس سازمان جهانی کار و موضع گیری آنان علیه تحریمها را از اقدامات نمایندگان تشکلهای رسمی کارگری موثرتر دانست.

«ناصر چمنی» در این باره به ایلنا گفت: اجلاس سازمان جهانی کار بهترین مکان برای موضع گیری علیه تحریمهای ضد انسانی کشورهای استعمارگر است که در صورت حضور نمایندگان مستقل کارگری، این اعتراض می‌توانست به صورت موثرتری صورت گیرد. وی در ادامه نسبت به دفاع صحیح نمایندگان رسمی کارگران ایرانی در اجلاس سازمان جهانی کار از حقوق جامعه کارگری ابراز امیدواری کرد.

به گفته آقای چمنی، اجلاس سازمان جهانی کار مکان مناسبی برای دفاع از حقوق کارگران ایرانی در برابر قدرت‌های جهانی است که باید به بهترین شکل از آن استفاده کرد.

رئیس انجمن صنفی کارگران پیمانکاری پتروشیمی تبریز در پایان با انتقاد از مواضع دوگانه ی کشور های غربی در دفاع از حقوق بشر اظهار داشت: تحریم ها، به خصوص تحریم پتروشیمی با هدف فشار بر معیشت کارگران ایرانی وضع شده است.

پایان پیام

کارگران شرکت اندیشمندان حقوقی دریافت نداشته اند

یک فعال خبری در اهواز خبر داد ، نزدیک به 700 کارگر در شرکت پیمانکاری اندیشمندان 3 ماه است حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده اند ، وی افزود وقتیکه کارگر حتی قدرت خرید یک کیلو سیب زمینی را ندارد دیگر چه جای بحث و وعده های انتخاباتی و آینده زیبا دادن هست ؟ مردم همه دلسرد و معترض هستند

جای بهنام ابراهیم زاده در زندان نیست!

بهنام ابراهیم زاده، علی رغم تایید پزشکان بیمارستان محک و همچنین پزشکی قانونی مبنی بر اینکه که او باید در طول مدت درمان در کنار تنها فرزندش، نیما که مبتلا به سرطان خون است، باشد با مخالفت مقامات قضایی با این امر و به دنبال تمديد نشدن مرخصی و تماس مقامات قضایی امروز یکشنبه نوزدهم خرداد ۱۳۹۲ به زندان اوین برگردانده شد.

بهنام ابراهیمزاده، عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و ویلاگ نویس در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۸۹ در تهران بازداشت و در بند ۲۰۹ زندان اوین مورد ضرب و شتم قرار گرفت، وهفتاد درصد از شنوایی گوش چپ خود را بر اثر شکنجه و ضربات وارده در زندان از دست داده است، از آرتروز گردن در عذاب است و طبق تایید پزشک اوین مهره های 5 و 6 وی از هم فاصله گرفته اند. بهنام از تاریخ ۷ مهر در اعتراض به وضعیت خود دست به ۱۵ روز اعتصاب غذا زد، او پس از اتمام اعتصاب غذا به بند ۲۵۰ زندان اوین منتقل گردید. بهنام ابراهیم زاده در دادگاه تجدید نظر به پنج سال زندان محکوم شد.

وضعیت جسمانی نیمای 13 ساله، فرزند این فعال کارگری و حقوق کودکان که در بیمارستان "محک" تهران بستری و تحت مراقبت است، بسیار وخیم گزارش شده است. بهنام در تلاش برای تهیه دارو، به دلیل تحریمها و قیمت گزاف داروهای فرزندش، با زحمت زیادی مواجه میباشد.

رژیم جمهوری اسلامی بیشتر از هر زمان دیگر از فعالین کارگری، فعالینی که حرفی به جز دفاع از حقوق اولیه کارگران نمی زنند، به وحشت افتاده است. بهنام ابراهیم زاده هیچ جرمی به جز دفاع از حقوق انسانی خود و هم طبقه ای هایش مرتکب نشده است. رژیم حتی ویلاگ خانواده بهنام ابراهیم زاده را به دلیل واهی "عدم رعایت قوانین کشوری" مسدود کرده است. این فعال کارگری جایش در زندان نیست. رژیم حق اولیه و انسانی در کنار خانواده بودن را در شرایطی از او سلب کرده است که فرزندش بیشتر از هر زمان دیگری به محبت، همیاری، کمک، و دلگرمی های پدر در مبارزه برای زنده ماندن نیاز دارد.

بهنام صدای مردم به ستوه آمده، کارگران و محروم جامعه که از ابتدایی ترین نیازهای خویش محرومند است. او در دفاع از مردم، کارگران و کودکان حتی در داخل زندان هم یک لحظه از پای ننشسته است. بهنام در دفاع از کارگران و کودکان زنان و تلاش برای لغو اعدام، شهامت و مقاومت و پایداری کرده است.

امروز نباید در مقابل وضع موجود بهنام بی تفاوت باشیم. بهنام و فعالین حقوق کارگری که اکنون در زندان های رژیم بسر می برند را باید با تلاش و همبستگی همه انسان های آزاده، برابری طلب و آزادی خواه به آغوش خانواده و جامعه برگردانیم.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

۱۰ جون ۲۰۱۳

چهار ماه حقوق معوقه کارگران شرکت هرمزگان

بیش از 70 نفر از کارگران شرکت تخلیه بار و بارگیری هرمزگان کاران بندر در بندر عباس هم اکنون بیش از 4 ماه است که حقوق ماهیانه خودشان را دریافت نکردند. صاحب این شرکت پیمانکاری، به کارگران گفته که ما هنوز خودمان از شرکتهای بزرگ مانند تایت واتر که برای وی کار میکنند حق کارمان را دریافت نکرده ایم، که بتوانیم حقوق شما را پرداخت کنیم. این هم پاسخ چپاولگران است. به یقین تنها با وحدت کارگران و ادامه دادن این اعتراضات است که میتوانیم به حقوق حقه خود برسیم

عدم پرداخت 3 ماه حقوق ۲۰ کارگر نساجی تابان یزد

برپایه خبر گزارش خبرگزاری دولتی کا رایران - ایلنا در 21 خرداد 92 آمده است: از عدم پرداخت 3 ماه حقوق 40 کارگر نساجی تابان یزد خبرداد. براساس این گزارش، طی این مدت به صورت علی الحساب مبالغ ناچیزی به حساب کارگران واریز شده است. برپایه این گزارش، تعداد کارگران شاغل تا چند ماه گذشته ۶۰ نفر بوده است و طی چند ماه گذشته تعداد ۲۰ نفر از کارگرانی که شرایط بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور را داشتند، بازنشسته شده اند.

در محکومیت ادامه ی بازداشت فعال کارگری جلیل محمدی

کارگران، مردم زحمتکش و آزادی خواه!

بحران کنونی سیستم سرمایه داری در سراسر جهان، کارگران و توده های تحت ستم و محروم جامعه را دچار معضل نموده و هر روز نیز دامنه ی این بحران با تشدید فقر، بیکاری، گرانی و ... رو به فزونی می رود. دستمزدهای کم و تورم زیاد گلوی کارگران را می فشارد و ما برای دفاع از خود چاره ای جز متشکل شدن و ایجاد تشکل های خود ساخته ی طبقاتی و مستقل نداریم. همچنانکه مطلع هستید اعضای کمیته ی هماهنگی و فعالین دیگر تشکل های کارگری در اعتراض به وضعیت بحرانی موجود و دفاع از حقوق کارگران بارها و بارها مورد تعقیب، بازداشت و ضرب و شتم قرار گرفته که آخرین مورد آن جلیل محمدی فعال کارگری می باشد که در مورخه ۱۲/۲/۹۲ توسط نیروهای امنیتی دستگیر و تا کنون در بازداشت اداره اطلاعات به سر می برد که بعد از گذشت یک ماه طی تماس تلفنی کوتاه خانواده را از وضعیت خود مطلع کرد.

کارگران و نهادهای کارگری در سراسر جهان!

بباید برای جلوگیری از ادامه بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری خصوصا ادامه بازداشت جلیل محمدی به هر طریق ممکن اعتراض نماییم. ما اعضای کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت جلیل محمدی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی و دیگر کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم.

۲۱ خرداد ۱۳۹۲

کارگران و انتخابات و نقش خانه کارگری ها برای بهره برداری از مطالبات کارگران در بازی های سیاسی

به نوشته سایت خبری راه کارگر در 21 خرداد 92 آمده است: تجربه سالهای اخیر بخوبی بر شکست اصلاح طلبی حکایت دارند و دوره های هشت ساله ریاست جمهوری رفسنجانی و خاتمی به عنوان دو تن از حامیان این سیاست بخوبی سازشکاری و عدم پیگیری خواستههای مردم از سوی آنان را به نمایش گذاشته است. روز گذشته خانه کارگر با انتشار بیانیه ای از کاندیداتوری حسن روحانی برای انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرد

این حمایت در حالی صورت می گیرد که بحث عدم شرکت در انتخابات و استفاده همزمان از فرصتهای بوجود آمده برای طرح مطالبات مردم و بویژه مطالبات کارگران و زحمتکشان و عقب نشینی از سیاستهای ماجراجویانه و جنگ طلبانه اتمی در بین فعالین سیاسی، کارگری و مردم روزبروز طرفداران بیشتری پیدا می کند. خانه کارگری ها در بیانیه حمایتی خود ضمن پشت کردن به منافع کارگران و زحمتکشان و درخواست شرکت در انتخابات از آنان به خاطر دل رهبر می گوید از شما کارگران عزیز دعوت می نمایم ضمن شرکت در انتخابات همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند حماسه سیاسی بیافرینید و تمام تلاش خود را جهت پیروزی کاندیدای مورد نظر به کار گیرید

با انتشار بیانیه ای صورت گرفت؛ حمایت رسمی خانه کارگر از حسن روحانی
ایلنا / خانه کارگر با انتشار بیانیه ای به طور رسمی حمایت خود را از کاندیداتوری حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد

به گزارش ایلنا، در بخشی از این بیانیه درباره دلیل تاخیر ورود خانه کارگر به انتخابات ریاست جمهوری آمده است: «این تشکل برای معرفی و حمایت از فردی که دارای ویژگی هایی همچون علاقمندی به جامعه کارگری، آشنایی با مشکلات این بخش از جامعه، توانایی در رفع نگرانی کارگران عزیز، پاسداری از امنیت شغلی کارگران، حفاظت از حقوق شاغلین و بازنشستگان عزیز، تامین اشتغال برای بیکاران و جوانان و ایمان به ارزش های انقلابی (از جمله آنکه مستضعفان را «نیروی اصلی انقلاب و وارثان زمین» بداند) باشد، در میان نامزدهای موجود به جستجو پرداخت و این روند باعث گردید که معرفی کاندیدای مورد نظر مقداری بیشتر از حد معمول به طول بیانجامد

متن کامل «بیانیه خانه کارگر در حمایت از حجت الاسلام حسن روحانی به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری» در ادامه می آید:

خانه کارگر از ماه ها قبل تلاش های خود را برای اعلام کاندیدای مورد حمایت و مورد وثوق جامعه کارگری آغاز نمود و در طول این ماه ها بررسی دقیق و کارشناسانه در خصوص کاندیداهای مطرح را در دستور کار خود قرار داد و در مراحل اولیه با توجه به عدم موافقت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی جهت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، و با عنایت به خدمات جناب آقای دکتر حسین کمالی در خصوص جامعه کارگری، این تشکل از ایشان جهت شرکت در انتخابات دعوت نمود.

اما ایشان نیز با توجه به پاسخ مثبت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی در لحظات آخر ثبت نام، از حضور در عرصه انتخابات صرف نظر و حمایت خود را از کاندیداتوری حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی اعلام نمودند. اما متأسفانه به طور ناباورانه ای شاهد بازماندن ایشان از این عرصه بودیم [...]

با همه این تفاسیر این تشکل برای معرفی و حمایت از فردی که دارای ویژگی هایی همچون علاقمندی به جامعه کارگری، آشنایی به مشکلات این بخش از جامعه، توانایی در رفع نگرانی کارگران عزیز، پاسداری از امنیت شغلی کارگران، حفاظت از حقوق شاغلین و بازنشستگان عزیز، تامین اشتغال برای بیکاران و جوانان و ایمان به ارزش های انقلابی (از جمله آنکه مستضعفان را «نیروی اصلی انقلاب و وارثان زمین» بداند) باشد در میان نامزدهای موجود به جستجو پرداخت و این روند باعث گردید که معرفی کاندیدای مورد نظر مقداری بیشتر از حد معمول به طول بیانجامد و سرانجام اعلام می کنیم جناب حجت الاسلام حسن روحانی بلحاظ سوابق انقلابی و اهتمام به ارزش های ذکر شده از نظر خانه کارگر کاندیدای مطلوب جامعه کارگری می باشند و امیدواریم ایشان نیز در هیچ هنگام کارگران را فراموش نکنند و در نطق ها و گفته ها از جمعیت ۴۰ میلیونی کارگران و خانواده های ایشان و معضلات و مشکلاتشان یاد کنند و عدالت خواهی را مشی اصلی خود قرار دهند و همان گونه که امام راحل یک تار موی کوخ نشینان را با کاخ نشینان عوض نمی کردند، ایشان نیز این مهم را نصب العین فعالیت های خود قرار دهند.

از شما کارگران عزیز نیز دعوت می نمایم ضمن شرکت در انتخابات همان گونه که مقام معظم رهبری فرمودند حماسه سیاسی بیافرینید و تمام تلاش خود را جهت پیروزی کاندیدای مورد نظر به کار گیرید.
خانه کارگر

کارفرمایان واحدهای کوچک از پرداخت مزایای نقدی اظهار ناتوانی می کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: عضو هیات مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: به دلیل وخامت شرایط اقتصادی هم اکنون در برخی از واحدهای تولیدی کوچک، کارفرمایان قادر به پرداخت تمامی مزایای نقدی کارگران خود نیستند.

«حمیدرضا بهراد» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در نتیجه اوضاع نامساعد اقتصادی از میزان فعالیت واحدهای تولیدی کاسته شده است. وی افزود: به عنوان مثال تا سال گذشته در کارخانه‌های کوچک قطعه سازی حداقل ۶۰ کارگر کار می‌کردند که این تعداد در حال حاضر به حداکثر ۳۰ کارگر رسیده است. این مقام کارگری گفت: به دلیل همین مشکلات در حال حاضر کارفرمایان این واحدها قادر به پرداخت مزایای نقدی چون حق مسکن، خوار و بار، بن و... نیستند. وی افزود: از آنجا که وضعیت اشتغال نیز تحت تاثیر شرایط اقتصادی موجود وخیم است، کارگران این واحدها نیز اصرار چندانی به دریافت همه مطالبات خود ندارند و با شرایط فعلی کارفرما بصورت توافقی کار می‌کنند. وی افزود: در عین حال کارفرمایان این واحدها خود را ملزم به پرداخت حق بیمه، مزد بر مبنای حداقل و تمام یا نیمی از عیدی و پاداش کارگران خود می‌دانند. بهراد بابیان اینکه در واحدهای بزرگ چنین مسئله‌ای وجود ندارد و تمامی مطالبات کارگران براساس قانون پرداخت می‌شود گفت: با این همه وضعیت کارگران شاغل در واحدهای کوچک صنفی از نظر رعایت حداقل‌های قانونی مناسب نیست. وی گفت: صرف نظر از اینکه درآمد برخی از این واحدها جوابگوی پرداخت همه مطالبات کارگران نیست گفت: در محیط‌هایی مانند مطلب پزشکان و دفترهای اسناد رسمی به برخی کارفرمایان از کم بودن تعداد نیروهای شاغل سوء استفاده می‌کنند. وی گفت: پرداختن دستمزد قانونی، عدم پرداخت حق بیمه از جمله سوء استفاده‌های این کارفرمایان است که به دلیل عدم مراجعه کارگران به هیات‌های تشخیص و حل اختلاف قابل پی‌گیری نیست. وی گفت: کارگران شاغل در این واحدها به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی خود این وضعیت را تحمل می‌کنند و می‌دانند در صورت مراجعه به مراجع قانونی از کار اخراج خواهند شد.

پایان پیام

سوختگی 3 کارگر بر اثر انفجار دیگ بخار در جاده ورامین

به گزارش پایگاه خبری 125، در 21 خرداد 92 آمده است: عصر دیروز انفجار دیگ بخار در کارگاه تولیدی فوم و یونولیت در جاده ورامین، چال ترخان، روبروی شهرک موزاییک سازی موجب سوختگی 3 کارگر از ناحیه تمام بدن شد.

میرزایی فرمانده نیروهای اعزامی در این باره گفت: در یک کارگاه تولیدی فوم و یونولیت به مساحت تقریبی 1000 متر مربع انفجار دیگ بخار 2 تنی که برای ذوب مواد اولیه تولید فوم و یونولیت استفاده می شد منجر به وقوع خسارت و صدمات زیادی شده بود.

وی افزود: با انفجار این گول آهنی و پرتاب قطعات آن به اطراف، کارگاه‌های مجاور متحمل خسارت زیاد و نیز 3 نفر از پرسنل این کارگاه نیز از ناحیه تمام بدن دچار سوختگی شدند که قبل از رسیدن نیرو توسط اهالی حاضر در محل به بیرون از سوله منتقل شدند.

فرمانده آتش نشانان خاطرنشان کرد: آتش نشانان بی درنگ پس از رسیدن به محل حادثه اقدام به ایمن سازی، قطع گاز و برق محل کرده و مصدومین را برای انتقال به مراکز درمانی تحویل امدادگران اورژانس دادند.

نایاب شدن شیر خشک در تهران

برپایه خبر انعکاس یافته رمطبوعات رژیم آمده است : طی هفته گذشته شیرخشك هم به صف کمبودهای مواد غذایی پیوست. در بسیاری از فروشگاهها شیرخشك نایاب شده و در فروشگاههایی هم که هست با قیمت چند برابر به فروش میرسد. يك هموطن مادر میگفت 3روز است که درصف شیر خشك براي بچه ام هستم. بنظر شما این همه بودجه کشور کجا رفته است چه کسی به فریاد این مادران می رسد؟

شامگاه گذشته رخ داد: انفجار دیگ بخار باعث سوختگی سه کارگر شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است : انفجار دیگ بخار در یک کارگاه تولیدی شهرستان ورامین باعث سوختگی سه کارگر شد .
بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، شامگاه روز گذشته (۲۰ خرداد ماه) بر اثر انفجار دیگ بخار در یک کارگاه تولیدی «فوم ویونیلیت» واقع درجاده ترخان شهرستان ورامین سه کارگر دچار سوختگی شدید شدند و با تلاش نیروهای مردمی این کارگران نجات یافتند .
بنا بر این گزارش، با انفجار این دیگ آهنی و پرتاب قطعات آن به اطراف، علاوه بر سوختگی سه کارگر این کارخانه، کارگاههای مجاور نیز متحمل خسارت زیادی شده‌اند .
بنابراین گزارش، کارگران مصدوم پیش از رسیدن گروه‌های امداد و نجات، توسط سایر کارگران و اهالی منطقه به بیرون از کارگاه انتقال یافته و تحویل عوامل اورژانس شده‌اند.

پایان پیام

قطع پای کارگر کارگاه ریخته گری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی مرکز اورژانس تهران، صبح امروز سه شنبه 92/3/21 به علت حادثه ای در یک کارگاه ریخته‌گری واقع در شریف آباد، کارگر این واحد صنعتی دچار قطع پا از ناحیه زانو گردید.
اورژانس شریف آباد در ساعت 8:40 جهت اعزام سریع این مجروح به مرکز درمانی مورد نیاز از اورژانس تهران درخواست امداد هوایی نمود که بلافاصله مرکز هدایت اورژانس تهران بالگرد را به محل حادثه اعزام و کارشناسان امداد هوایی مجروح را تحویل گرفته و با انجام اقدامات مناسب پزشکی و حمایتی از اندام قطع شده، مجروح را به بیمارستان امام خمینی انتقال دادند.
بیست و یکم خردادماه 1392

شعار های امروز بعد از پایان بازی فوتبال ایران لبنان در استادیوم آزادی

گرانی، تورم؛ بلای جان مردم!
پس از نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران می‌تواند بهترین شعار برای بیست و یکم خرداد باشد.
بسیاری مردم مشکلات اقتصادی و معیشتی دارند، هیچکس هم نمی‌تواند ایراد بگیرد که چرا شعار معیشتی سر می‌دهید! آن نیروی امنیتی و انتظامی هم مطمئناً با همین مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند.
نه غزه نه لبنان، گرانی، ۲۱ خرداد، ایران - لبنان، بلای جان مردم، تورم، جانم فدای ایران،

سرمایه داری و کار کودکان - به مناسبت 12 ژوئن روز جهانی مبارزه با کار کودکان

بر پایه خبر انعکاس یافته در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است : درباره کودکان کار بسیار شنیده ایم. اینک چگونه از فرصت بازی و تحصیل محروم می شوند و چه طور مورد سوءاستفاده و بهره کشی قرار می گیرند اما آنچه کمتر به آن پرداخته شده علت وریشنه این پدیده است.
باید از خود پرسید با وجود قوانینی که در قانون کار کشورهای مختلف وجود دارد و شعارهایی که در این زمینه داده می شود چرا این پدیده نه تنها از بین نمی رود بلکه روز به روز بیشتر گسترش می یابد.

246 میلیون کودک کار در جهان وجود دارد. این کودکان در کارهای کشاورزی، معدن، کارخانگی، کارگاههای تولیدی رستوران ها، مکانیکی و تعمیر اتوموبیل، زباله گردی، گل فروشی، واکسی، باربری و تجارت سکس و غیره مورد بهره کشی قرار می گیرند. اگر سهم هر یک از کودکان را در تولید محصولات یا ارائه خدمات ارزان را در این عدد ضرب کنیم متوجه خواهیم شد که چگونه سرمایه داری با تکیه به چنین منبعی قادر است دستمزدها را پایین نگه دارد و بخصوص در هنگام مواجهه با بحرانهای اقتصادی با گذاشتن بار بر دوش این کارگران کوچک، جان سالم به در ببرد. کودکان به دلایل مختلف از قبیل بیکاری والدین، بی خانمانی و نداشتن امکانات مالی برای ادامه تحصیل به اجبار به کار روی می آورند. آنها به حقوق خویش آگاهی ندارند و به راحتی مورد سوء استفاده قرار می گیرند.

طبق ماده 79 قانون کار، گماردن کودکان کمتر از 15 سال به کار، غیر قانونی است. و طبق ماده 80 و 81 همین قانون نه تنها کارگر نوجوان در بدو استخدام باید مورد معاینات پزشکی قرار گیرد بلکه این آزمایشات حداقل سالی یک بار باید تجدید شوند و پزشک در مورد تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان اظهار نظر کند و چنانچه کار مربوط را نامتناسب تشخیص دهد کارفرما مکلف است در حدود امکانات خود شغل کارگر را تغییر دهد. طبق ماده 82 قانون کار ساعات کار روزانه نوجوان شاغل باید نیمساعت کمتر از کارگران دیگر باشد. طبق ماده 83 ارجاع هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب و نیز ارجاع کارهای سخت و زیان آور و خطرناک و حمل بار با دست، بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است. و طبق ماده 84 در مشاغل و کارهایی که به علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می شود برای سلامتی یا اخلاق کار آموزان و نوجوان زیان آور است، حداقل سن کار 18 سال تمام خواهد بود. تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

واقعیت اینست که همه این قوانین غالباً تنها به روی کاغذ وجود دارند. ما همه روزه به چشم می بینیم که چگونه تعداد کارگران زیر 15 سال افزایش پیدا میکند. این کودکان که عمدتاً در کارگاهها و رستورانها و غیره به صورت روز مزدی و غیررسمی مشغول به کار هستند عملاً تحت پوشش هیچیک از این قوانین نیستند. آنها در محیط های غیر بهداشتی و ناامن ساعات طولانی در مقابل دستمزد اندک بدون برخورداری از امکانات بیمه ای به کار مشغولند. امروزه با تعطیل سازی کارخانه ها و گسترش بخش غیررسمی و انتقال تولیدات به کارگاههای کوچک و استفاده از کارگران روز مزد نه تنها کارگران کودک و نوجوان بلکه کارگران بالغ نیز عملاً از شمول قانون کار خارج شده اند.

از این گذشته وجود مواد قانونی به خودی خود نمی تواند هیچ دردی را درمان کند و کودک تنها زمانی می تواند به جای کار، به تحصیل و بازی که نیاز جسمی و روحی اوست بپردازد که خود و خانواده اش در رفاه و آسایش باشند.

کار کودکان نیز نظیر کار زنان بخش جدایی ناپذیر سیستم سرمایه داری بوده و تنها در صورت استفاده از چنین منابع ارزان کار و چنین کارگران کم توقعی هست که سرمایه داری قادر به ادامه حیات و حفظ، بقا و گسترش خویش می باشد. در جامعه سرمایه داری کارگران تنها در صورت داشتن تشکلهای مستقل کارگری قادر خواهند بود تا حدی بر شرایط کار کودکان نظارت کنند و از این کارگران کوچک و بی دفاع که استثمار می شوند و زندگی شان برباد می رود حمایت کنند. به امید روزی که هیچ کودکی مجبور نباشد کار کند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت روز جهانی لغو کار کودک

بیهوده نیست این ادعا که رهایی طبقه کارگر از بند بهره کشی به مثابه رهایی بشریت است از قید هر نوع ستم، مبارزه با تبعیض و ستم سنت دیرینه طبقه کارگر است و جنبشهای اجتماعی موجود شاهدهی بر این مدعاست. جنبش کارگران زن که تلاش برای رفع تبعیض و دفع بی حقوقی خود علیه نظام مرد سالار سرمایه داری بود همزمان فرزند دیگری را نیز به جنبشهای اجتماعی معرفی کرد و جنبش لغو کار کودک زاده شد. اینک مثلث جنبشهای اجتماعی که ریشه در مبارزات کارگری دارد، می تواند راهنمای عمل تمام نیک اندیشان نوع بشر باشد. مبارزه طبقه کارگر بر ضد استثمار، مبارزه زنان علیه تبعیض جنسیتی و مبارزه عمومی برای رفع زشت ترین نوع ستم علیه بی دفاع ترین موجودات یعنی کودکان می تواند قطب نمای مبارزان راستین اجتماعی

باشد برای برون رفت از همه‌ی گونه‌های ستم. کانون مدافعان حقوق کارگر با توجه به همین اصل از تمام نیروهای اجتماعی، آزادی‌خواهان، عدالت‌طلبان و عموم مردم نیک‌اندیش می‌خواهد که علیه شرایطی که منجر به بهره‌کشی از کار کودکان می‌شود اقدام نموده و اجازه ندهند این استثمار وحشیانه تا بدین حد چهره‌ی انسان امروز را کریه بنماید.

در شرایطی که در بیشتر کشورهای جهان ممنوعیت کار کودکان زیر 18 سال قانونی شده، متأسفانه این اقدام جهانی هنوز نتوانسته تاثیری بر بی‌حقوقی کودکان کشور ما بگذارد و صاحبان سرمایه به صورت قانونی این مجوز را دارند که از کودکان ما پس از پانزده سالگی بهره‌کشی کرده و از کار این گروه بی‌پناه سود ببرند. در عصری که مدعیان حقوق بشر و دموکراسی به هر بهانه‌ای نظامیان خود را تجهیز کرده و به اقصی نقاط جهان گسیل می‌دارند و به‌رغم امضای بسیاری از کشورها در پای مقاله‌نامه‌های بین‌المللی لغو کار کودک، هنوز 400 میلیون کودک در جهان از تحصیل بازمانده و مجبورند که کودکی خود را به بهایی ارزان به فروش رسانند. در کشور ما نیز با توجه به آمار کودکان زیر 18 سال که حدود 18 میلیون و کودکان محصل که 14 میلیون ارزیابی می‌شوند، 4 میلیون کودک بازمانده از تحصیل داریم که به صورت رسمی یا غیر رسمی مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

شرایط کار و میزان دستمزدهای اندک، بیکاری گسترده‌ی سرپرستان خانواده و نیز نظام آموزشی کودک ستیز در محیطی پر از خشونت و انواع تنبیه‌های بدنی ناشی از به کار گماردن افراد نالایق در آموزش و پرورش از عوامل اصلی این ستم ضدبشری به کودکان است. از این رو از مردم صاحب‌عاطفه و ستم‌ستیز می‌خواهیم اجازه ندهند درآمدهای جامعه صرف نظامی‌گری و امنیتی کردن زندگی اجتماعی شود. درآمدهای ناشی از فروش منابع و معادن، مالیات و عوارض، صادرات غیرنفتی و ... که ارقامی نجومی را شامل می‌شود باید صرف ایجاد اشتغال و رفاه عمومی و به‌ویژه صرف آموزش و بهداشت و سلامتی کودکان گردد و این هم‌تی اجتماعی و متشکل را می‌طلبد. لغو کار کودکان را باید تبدیل به هم‌تی عمومی کرد.

کانون مدافعان حقوق کارگر- 12 ژوئن 2013

انهدام فلاکت بار تولید

برپایه خبر آمده در سایت ایران کارگر: صدای قلبی که می‌ایستد. عوامل نظام حاکم تنها انسانها را نکشته اند. بلکه هزاران قلب دیگر، غیر از قلب فرزندان ایران را از کار انداخته اند. یکی از بزرگترین قلبها که در این میهن از کار افتاده، نامش تولید است. تولید و صنعت داخلی، یک هموطن می‌گوید: «چند تا از بستگان درجه یک خودم رفته اند. مهندس نفت بودند، انرژی بود. همه رفته اند.؟؟؟ فوق لیسانس همون حقوقی رو میگیره که یکی دیگه. امنیت شغلی وجود نداره چون خود من نمی دونم فردا این کارخونه وجود داره یا نه. برای اونها هم همین امنیت شغلی هستش. وعده دادند آقا بیایید سرمایه گذاری کنید قول دادند گاز برق آب، شیش ماهه اما نشده. پول را من در سال 90 دادم کنتور خریدم هنوز بهم ندادند. برق را که به من فروختند با نوسان 350 تا 420 به من میدن. هر روز دچار این نوسانات و سوختگی اینورتور و و و و الی آخر» .

روز به روز خبر از تعطیلی کارخانه و شرکتی بزرگ می‌رسد. به چند خبر توجه کنید:

در محکومیت ادامه ی بازداشت فعال کارگری جلیل محمدی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: کارگران، مردم زحمتکش و آزادی خواه! بحران کنونی سیستم سرمایه داری در سراسر جهان، کارگران وتوده های تحت ستم ومحرورم جامعه را دچار معضل نموده و هر روز نیز دامنه ی این بحران با تشدید فقر، بیکاری، گرانی و ... رو به فزونی می رود. دستمزدهای کم و تورم زیاد گلوی کارگران را می فشارد و ما برای دفاع از خود چاره ای جز متشکل شدن و ایجاد تشکل های خود ساخته ی طبقاتی و مستقل نداریم.

همچنانکه مطلع هستید اعضای کمیته ی هماهنگی و فعالین دیگر تشکل های کارگری در اعتراض به وضعیت بحرانی موجود ودفاع از حقوق کارگران بارها و بارها مورد تعقیب ،بازداشت و ضرب وشتم قرار گرفته که آخرین مورد آن جلیل محمدی فعال کارگری می باشد که در مورخه 92/2/12 توسط نیروهای امنیتی دستگیر و تا کنون

در بازداشت اداره اطلاعات به سر می برد که بعد از گذشت یک ماه طی تماس تلفنی کوتاه خانواده را از وضعیت خود مطلع کرد .

کارگران و نهادهای کارگری در سراسر جهان!

بیاید برای جلوگیری از ادامه بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری خصوصا ادامه بازداشت جلیل محمدی به هر طریق ممکن اعتراض نماییم . ما اعضای کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت جلیل محمدی خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط وی و دیگر کارگران و فعالین کارگری در بند می باشیم. کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اخراج بیرویه کارگران بندرعباس و اعتراضات کارگری

برپایه خبر دریافتی آمده است : شرکت بازرگانی مواد معدنی خون سرخ بندر عباس که تعداد زیادی پیمانکار نیز برای این شرکت کار میکنند، تعداد زیادی از کارگران خود را اخراج نموده است. این شرکت به حمل و نقل و تخلیه بار در اسکله موسوم به رجایی مشغول به کار است .یکی از کارگران این شرکت گفت حداقل 200 کارگر این شرکت بیش هر کدام بین سه الی شش ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اندکارگران شرکت خلیج پژم در بندر عباس دست به اخراج کارگران زده است. تعدادی از کارگران شرکت خلیج پژم بندر عباس توسط مدیریت این شرکت اخراج و از کار بیکار شده اند. این شرکت همچنین حقوق حد اقل يك الی سه ماه از کارگران خود را پرداخت نکرده است. این شرکت به حمل و نقل کالا و بار از اسکله رجایی بندر عباس میپردازد

در آستانه روز جهانی منع کار کودک از رئیس جمهور آینده پرسیده شد: ۷ میلیون کودک ایرانی را چگونه به مدرسه ها باز می گردانید؟

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است : جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و جمعی از فعالان حقوق کودک در آستانه روز جهانی منع کار کودک، با انتشار نامه ای خطاب به رئیس جمهور آینده کشور، خروج کارگاه های زیر ده نفر و مشاغل خانگی از شمول قانون کار را با اصل ۷۹ قانون اساسی که بر ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۵ سال صراحت دارد در تناقض دانسته اند.

به گزارش ایلنا، در بخشی از این نامه که در آستانه 22 خردادماه، روز جهانی منع کار کودک منتشر شد با تاکید بر مسئولیت دولت در رفع معضلات و مشکلات زندگی کودکان از رئیس جمهور آینده کشور پرسیده شده است: «برنامه شما برای بازگرداندن بیش از هفت میلیون کودک در سن آموزش و دور مانده از تحصیل به چرخه آموزش چیست؟»

در ادامه تصریح شده است: «این کودکان جهت بازی و تفریح و توسعه اوقات فراغت خویش از تحصیل باز مانده اند بلکه علت اصلی ریزش این کودکان از این چرخه، فقر و کم درآمدی خانواده ها است و متأسفانه درصد بالایی از این کودکان جذب بازار کار می شوند.»

فعالان حقوق کودک در این نامه با اشاره به محرومیت عمده ای از کودکان ایرانی از ابتدایی ترین حقوق و ضروریات زندگی آورده اند: «این معضل از محلات حاشیه ای شهرهای بزرگ تا شهرهای دور و محروم نظیر شهرهای مرزی و روستاهای دورافتاده مشاهده می شود که بسیاری از ساکنین آنها نه تنها از آموزش و بهداشت بلکه از حداقل نیازهای اساسی مانند تغذیه و آب آشامیدنی سالم نیز محروم اند.»

پایان پیام

دیدار جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی با خانواده ی فعال کارگری

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است : بر اساس خبر دریافتی روز یکشنبه 19 خرداد ماه 1392، خانواده جلیل محمدی ، فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری به ستاد خبری سنندج ، محل بازداشت جلیل محمدی مراجعه نمودند. مسئولین ستاد خبری بر روال هفته های گذشته ازارانه روند پرونده جلیل محمدی خود داری کردند. خانواده نامبرده از ادامه بازداشت جلیل ابراز نگرانی کرده اما مامورین و مسئولین اداره اطلاعات سنندج جوابگوی تقاضای مادر سالخورده نامبرده نشده اند. در پی این مراجعه ، جلیل محمدی طی یک تماس تلفنی کوتاه ، خانواده را از وضعیت خود مطلع کرد . همچنین جمعی از فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی در دیداری با خانواده ی این فعال کارگری، ضمن محکوم کردن ادامه ی بازداشت وی و اعلام حمایت خود از این خانواده، خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط جلیل محمدی شدند. آنان در این دیدار یادآور شدند که از هر گونه پشتیبانی و تلاش در جهت آزاد نمودن این فعال کارگری دریغ نخواهند نمود. ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ادامه بازداشت جلیل محمدی را محکوم کرده و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط نامبرده هستیم. "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

یادداشت ضرور؛ پیرامون تجمع اعتراضی در 13 ژوئن در ژنو و در برابر دفتر سازمان جهانی کار در برابر هیئت ایرانی و نمایندگان قلابی شبه کارگری در این اجلاس سالیانه :



امسال نیز همچون دو سال پیش کلکتیو سندیکاهای کارگری در فرانسه ، از اجلاس سالیانه اعضا سازمان جهانی کار بهره گرفته و با فراخوانی همه فعالین کارگری، تشکل ها و گروهبند هیا مختلف موافع کارگران ایران را فراخوانده که در حرکت اعتراضی به حضور نمایندگان قلابی کارگری دولت جمهوری اسلامی، در تاریخ 13 ژوئن در ژنو گرد هم آیم . امسال از داخل کشور تشکل ها و نهاد های کارگری و همینطور فعالان کارگری داخل زندان های ایران به همراه فعالان عرصه مسائل کارگری در خارج از کشور از حضور اعرضی در ژنو جانبداری نمایند . اسناد زیر فعالیت در این زمینه از درون و برون ایران در امر دفاع از خواست ها و مطالبات کارگران ایران باز تاب می دهد

فراخوان سندیکاهای فرانسوی به تظاهرات در حمایت از فعالین کارگری زندانی در ایران

تظاهرات ایستاده در روز ۱۳ ژوئن ۲۰۱۳ در برابر دفتر سازمان جهانی میدان ملل- ژنو در دفاع از حقوق کارگران و آزادی های سندیکایی در ایران در ایران کارگران از ابتدایی ترین حقوق محرومند:

- حق اعتصاب؛
 - حق تظاهرات؛
 - حق ایجاد تشکلات سندیکایی
- هزاران کارگر به اتهام عدم رعایت موارد ممنوعه توسط رژیم دستگیر شده، بسیاری به زندان افکنده شده و در مواردی به مرگ محکوم شده اند.
- ما سندیکاهای فرانسوی : ث.ث.ت (CGT)، ث.اف.د.ت (CFDT)، اف.اس.او (FSU)، اونسا (UNSA) و سولیدر

(Solidaires) کلیه تشکلات کارگری

شرکت کننده در اجلاس سال ۲۰۱۳ سازمان بین المللی کار در ژنو را فرا می خوانیم که برای:

- آزادی کارگران زندانی

- ایجاد سندیکاهاى مستقل

- حضور نمایندگان واقعی ونه سندیکالیست های قلابی و عوامل و همدست های رژیم

به تظاهرات ایستاده در میدان ملل پیوندند

میدان ملل

از ساعت ۱۲ الی ۱۴ - ۱۳ ژوئن ۲۰۱۳ - ژنو

برای نمایندگان سندیکاهاى شرکت کننده در اجلاس، این گردهمایی فرصتی است که همبستگی خود را با

کارگران و سندیکالیست در ایران اعلام دارند

ترجمه و تکثیر از:

"همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه"

"اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس"

3 ژوئن 2013 همبستگی با جنبش کارگری

روزاعتراض به حضورمزدوران رژیمجمهوری اسلامی

در اجلاس سازمان جهانی کار

اعتراض علی نمایندگان سه جانبه گرا و دروغین کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

از حقوق کارگران در سازمان جهانی کار دفاع نماییم!

طبقه کارگر ایران چون همیشه با تهاجمات گسترده سیستم سرمایه داری روبرو است و در فقدان حقوق مسلم

و ابتدایی خود در مبارزه ای مستمر با کارفرمایان و رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی قرار دارد. هر روزه در

گوشه و کنار ایران اعتراضات کارگری در جریان است، اعتراضاتی علیه حقوق معوقه، پیمانکاری، برگه های

سفید امضا، اخراج های دسته جمعی، فقر و تنگدستی ناشی از افزایش تورم و پائین ماندن سطح دستمزدها،

فقدان بیمه های اجتماعی، بیمه بیکاری و ...، معضلات اولیه ی کارگران را تشکیل میدهد و آنها را از حقوق

ابتدایی خویش محروم میسازد. تعیین حقوق حداقلی که به میزان زیادی زیر خط فقر قرار دارد آخرین "هدیه"

دولت سرمایه در ایران است.

کارگران، فعالین کارگری و دیگر فعالین اجتماعی بیشماری در زندانهای این رژیم قرون وسطائی اسیرند و در

بدترین شرایط جسمی و روحی به سر میبرند.

کارگران در شرایطی اعتراضات فوق را علیه نظام ستمگر سرمایه داری به پیش میرانند که فاقد تشکلات

مستقل کارگری اند. ولی طبقه کارگر ایران در مبارزه و در مصاف با ظلم و استثمار طبقاتی، تنها نیست بلکه از

پشتیبانی هم طبقه ای هایش در سطح جهانی برخوردار است. طبقه کارگر ایران بمثابه بخشی از طبقه کارگر

جهانی به همبستگی بین المللی نیاز وافر دارد.

در دفاع از جنبش کارگری و با خواست اخراج مزدوران جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار، آکسیون

اعتراضی در ژنو، به دعوت کلکتیو سندیکاهاى فرانسوی و حمایت سندیکاهاى سوئیسى، در روز 13 ژوئن

ساعت 12-14 مقابل دفتر سازمان ملل

Place des Nations

1202 Genève, Suisse

برگزار خواهد شد.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور از همه ی کارگران و فعالین کارگری، نیروهای

سیاسی و ایرانیان مترقی میخواهد که در چنین روزی در ژنو حضور به هم رسانیم و علیه نمایندگان سه جانبه

گرا و دروغین کارگری جمهوری اسلامی در سازمان جهانی کار اعتراض کنیم، از حقوق طبقه کارگر دفاع نموده و با افشای رژیم سرمایه داری اسلامی، صدای حق طلبانه کارگران را به گوش جهانیان برسانیم و خواهان محکومیت رژیم اسلامی سرمایه شده و آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی را خواستار شویم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!
بخشی از نمایندگان واقعی کارگران در زندانهای رژیم ضد کارگر اسلامی ایران هستند!
کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی را آزاد کنید!
نمایندگان مزدور ایران از اجلاس جهانی کار اخراج باید گردند!
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>

درتظاهرات ایستاده 13 ژوئن ژنو شرکت کنیم

انسان های آزادیخواه، متعهد و مترقی!
- برای اعتراض به حضورتشکل های فرمایشی و وابسته به حکومت اسلامی ایران با عنوان تشکل های مستقل کارگری در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار
- برای اعتراض به اعزام نیروهای امنیتی و دست نشانندگان رژیم سرمایه داری ایران تحت پوشش دروغین نمایندگان کارگری به ژنو
- برای اعتراض به اذیت و آزار فعالین کارگری و خانواده هایشان از جانب حاکمیت ضدکارگری ایران منجمله بازداشت، زندانی کردن و اخراج از کار فعالین کارگری
- برای انعکاس جهانی صدای اعتراض تشکل های مستقل کارگری و فعالین کارگری در ایران
- برای حمایت از حق برپایی آزادانه تشکل های مستقل کارگری در ایران
- برای حمایت از مبارزات کارگران ایران برای احقاق حقوق حقه شان
متحدانه و همراه باهم از فراخوان سندیکا های فرانسوی **ث.ژ.ت (CGT)**، **ث.ا.د.ت (CFDT)**، **ا.ا.س.او (FSU)**، **اونسا (UNSA)** و **سولیدر (Solidaires)** حمایت و درتظاهرات ایستاده 13 ژوئن ژنو شرکت کنیم.

زمان: 13 ژوئن ساعت 12

مکان: میدان ملل ژنو

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران-پاریس

انجمن کردهای مقیم فرانسه

همبستگی سوسیالیست با کارگران ایران- فرانسه

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

3 ژوئن 2013

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به حضور نمایندگان اعزامی از سوی وزارت کار به عنوان نمایندگان کارگران ایران در صد و دومین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار

از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به: فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ITF

موضوع: شکایت سندیکا ی کارگران شرکت واحد از عدم اجرای مقررات حقوق بنیادین کار به ویژه مقاله نامه 87 و 98 توسط وزارت تعاون کار و رفاه سندیکا ی کارگران شرکت واحد به عنوان عضو ILO از آن نهاد کارگری معتبر بین المللی در خواست می نماید که موضوع شکایت این سندیکا را از عدم رعایت حقوق بنیادین کار بویژه مقاله نامه های 87 و 98 در جمهوری اسلامی ایران در نشست سالانه سازمان بین المللی کار مطرح و پی گیری نموده ، با توجه به سابقه پنجاه ساله عضویت کشور ما در آن نهاد بین المللی و الزام مسئولان کشورها به اجرای این حقوق و با توجه به عدم رعایت این مقررات به ویژه حق آزادی تشکیل سندیکا های مستقل کارگری از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران ، افرادی که به عنوان نماینده کارگران ایران به آن مجمع اعزام شده اند نمایندگان واقعی میلیونها کارگر ایران محسوب نشده و نمی توانند آن مجمع اعتبار نامه دریافت نمایند. بطور مثال این نمایندگان در جریان سرکوبی ها و اخراج های اعضای سندیکا ی شرکت واحد در سالیان گذشته و از جمله : اخراج آقایان ابراهیم مددی ، حسن سعیدی ، حسین کریمی سبزواری ، ناصر محرم زاده ، وحید فریدونی ، علی نوریانی ، خانم فرحناز شیرینی و زندانی شدن آقای رضا شهبابی و نقض حقوق آقایان اکبر پیر هادی و حسن کریمی هیچگونه همکاری و حمایتی از این کارگران انجام نداده اند و بلکه با مراجع دولتی و امنیتی علیه سندیکا ی شرکت واحد و اعضای فعالیت نموده اند.

سندیکا ی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
اردیبهشت 1392

نامه مشترک سه شکل کارگری به سازمان جهانی کار

ریاست محترم سازمان ILO
با توجه به شرایط بسیار سخت اقتصادی که گریبانگیر کشورمان گشته است، کارگران ایرانی در شرایط مطلوبی کار زندگی نمی کنند. متأسفانه با نقض قوانین داخلی کشورمان، مقاله نامه های بنیادین آن سازمان محترم هم زیر پا گذاشته شده است که نظر شمارابه بخشی از آن جلب می کنیم

1- دستمزدها در سال جاری مطابق با تورم 35 درصدی اعلام شده توسط بانک مرکزی ایران هم مطابقت نداشته و 10 درصد کمتر یعنی 25 درصد افزایش یافت بطوری که اعتراض احمدی عضو شورای عالی کار را نیز در پی داشت او می گوید «در 12 سال گذشته همیشه افزایش حداقل مزد کمتر از نرخ رسمی تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی بوده است» (ایلنا 1392/2/1) که این نقض آشکار ماده 41 قانون کار و بند 12 از اصل 3 قانون اساسی کشورمان و اصل 95 از مقاله نامه های بنیادین آن سازمان است.

همچنین در خصوص عدم پرداخت به موقع حقوق کارگران ، اعتراض 100 کارگر نساجی مازندران در مقابل مجلس 1391/8/24 که به نمایندگی از طرف 800 کارگر این کارخانه که 27 ماه است حقوق شان پرداخت نشده است و اعتراض 1300 کارگر لوله سازی صفا در استان ساوه 1391/10/12 به مدت 6 ماه اشاره نمود. محجوب یکی از نمایندگان مجلس در 1392/2/5 اعلام کرد 200 هزار کارگر از تاخیر و عدم پرداخت حقوق رنج می برند.

2- در بحث اشتغال زایی نه تنها با سیاست آزاد کردن اقتصاد، تولید صنعتی کشورمان دچار نقصان شد، بلکه کارگاههای کوچک قطعه سازی وابسته به صنایع خودرو سازی نیز به تعطیلی کشیده شد. عضو هیات مدیره کانون عالی کارفرمایان کشور سید حمزه دروادی می گوید: «آمارهای دولت درباره اشتغال و بیکاری قابل اطمینان نیست» (ایلنا 1391/8/12) و دکتر مردوخی اقتصاددان می گوید: «اهداف اشتغال زایی محقق نشد و اشتغال ناچیز زنان در جمعیت شاغل کشور از 15 درصد تجاوز نکرد.» (ایلنا 1391/10/5) و همچنین خبرگزاری کار ایران گزارش کرد که در سال گذشته 200 هزار کارگر بیکار و 3000 واحد تولیدی تعطیل شده اند. در آخرین بیکار سازی ها هم می توان به اخراج 1000 کارگر جبل بر استان هرمزگان و 550 کارگر لامپ سازی الوند قزوین اشاره کرد (به نقل از ایلنا) که این مواد نقض آشکار بند 2 از اصل 43 قانون اساسی کشورمان و اصل 122 مقاله نامه های بنیادین آن سازمان است.

3- تبعیض جنسی ، مذهبی، محیط کار را می توان در کلیه کارخانه های مواد غذایی و پروتئینی مشاهده نمود که از استخدام اقلیت های دینی خودداری کرده و این افراد هیچگاه در خط تولید قرار نمی گیرند. همچنین در بسیاری از رشته های تحصیلی و شغلی زنان با دستوره های پیاپی از امکان راهیابی به شغل مورد علاقه خود منع می شوند از جمله مهندسی معدن. به گفته اقتصاددان دکتر مردوخی: «اشتغال ناچیز زنان در جمعیت شاغل کشور

از 15 درصد تجاوز نکرده است.» این مورد ناقض اصول 19 و 20 قانون اساسی کشور و اصل 111 مقوله نامه های بنیادین است.

4- در بحث دستمزد مساوی برای کارمساوی بامردان، افشین حبیب زاده عضو هیات مدیره خبرگزاری کار ایران می گوید: «در کارگاههای کوچک زیر 10 نفر دستمزد پائینی به کارگران زن پرداخت می شود که بعضا به نصف حداقل مزد مصوب شورای عالی کار هم نمی رسد.» (ایلنا 1392/2/9) زنان نه تنها حقوق کمتری نسبت به مردان دریافت می کنند بلکه در بسیاری از مواقع مورد تعرض جنسی نیز قرار می گیرند که به دلیل روابط اجتماعی تحمیل شده به زنان آنان از ترس آبرو از شکایت صرف نظر کرده و هیچ آمار رسمی در این مورد موجود نیست. زنان اولین دسته ای هستند که از کار اخراج می شوند. رییس اتحادیه زنان کارگر آذربایجان شرقی می گوید: «زنان اولین قربانیان تعدیل در بازار کار هستند» (ایلنا 1392/2/10)

5- افزایش حوادث شغلی یکی دیگر از مواردی است که زندگی و جان کارگران ایرانی را به مخاطره انداخته است. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان پزشکی قانونی ایران آمار تلفات حوادث ناشی از کار در سال 1391 تا 1795 نفر بوده که از این تعداد 25 نفر زنان را شامل می شده است و نسبت به سال 1390، 19 درصد افزایش داشته است. (به نقل از ایلنا)

6- در حال حاضر فعالان سندیکایی برای فعالیت های صنفی خود در زندان بسر می برند. آقایان رضا شهبابی مسوول مالی سندیکای کارگران شرکت واحد توپوسرانی تهران، محمد جراحی و شاهرخ زمانی از هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران، پدرام نصرالهی، خالد حسینی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی، رضا قادری، علی آزادی، حامد محمودنژاد، رسول بداعی، عبدالرضا قنبری هم اکنون در زندان هستند. آقایان ناصر محرم زاده با 14 سال سابقه کار، حسن سعیدی با 13 سال سابقه کار، وحید فریدونی با 9 سال سابقه کار از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد توپوسرانی تهران در سال گذشته و بهنام خدادادی و نجیم مجیدزاده از انجمن کارگری برق و ساختمان اصفهان شاغل در پارس جنوبی در فروردین امسال به علت فعالیت های صنفی از کار اخراج شده اند. که این نقض مقوله نامه های 87 و 98 آن سازمان محترم است

در حال حاضر جمعی به نمایندگی از کارگران ایرانی در هیات اعزامی به آن نهاد محترم قرار دارند که به هیچ وجه مورد تایید سندیکاهای کارگری ایران نیستند. نهادهایی که این افراد را به عنوان نمایندگان خود به آن اجلاس فرستاده اند نهادهایی هستند که اساسنامه و برنامه اشان توسط وزارت کار ایران برایشان نوشته شده است و حتی نمایندگان به اصطلاح کارگری می باید از فیلتر وزارت کار بگذرند تا سمت نمایندگی را کسب کنند. افرادی که در شورای عالی کار برخلاف نظر 30 میلیون کارگر ایرانی با تصویب حداقل حقوقی 4 برابر زیر خط فقر، سند مرگ خانواده های کارگری را امضا می کنند و نهاد های اعزامی آنان حکم اخراج برادران کارگر خود را تایید می کنند هیچگاه تعلق به زحمتکشان ایران ندارند. ما از شما مصرانه می خواهیم که موارد نقض حقوق انسانی کارگران ایرانی را پیگیری و از پذیرفتن نمایندگان به اصطلاح کارگری خوداری کنید.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش

رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه های شمس آباد: جلوگیری شهرداری از تعمیر سکونت گاه کارگران کوره پزخانه ها

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه های شمس آباد از ممانعت شهرداری برای تعمیرات اتاق های محل سکونت کارگران کوره پزخانه های این منطقه انتقاد کرد.

«علیرضا رمضان پور» در این باره به ایلنا گفت: شهرداری مدعی است برای تعمیرات اتاق های محل سکونت کارگران کوره پزخانه های شمس آباد باید مجوز گرفته شود و زمانی که کوره داران برای اخذ مجوز اقدام می کنند نسبت به پایان کار اتاق های ساخته شده و ساخت و سازهای غیر قانونی ایراد گرفته می شود.

وی در ادامه با انتقاد از وضعیت بهداشت کوره پزخانه‌های شمس آباد افزود: ۲۵ خانوار در هر کارخانه زندگی می‌کنند که برای هر ۵ خانوار یک سرویس بهداشتی و حمام وجود دارد.

به گفته این فعال صنفی، هیچگونه نظارت و محدودیتی برای کار کردن کودکان کارگران در کوره پزخانه‌های شمس آباد وجود ندارد.

رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های شمس آباد در پایان به موارد متعددی از کار مشهود کودکان ۱۱ ساله در کوره پزخانه‌های شمس آباد اشاره کرد که از چشم بازرسان کار به دور است.

پایان پیام

پیام کانون مدافعان حقوق کارگر به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در ژوئن ۲۰۱۳

<http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/06/2013.html#more>

با دروذهای فراوان به هیات‌های نمایندگان کارگران شرکت‌کننده در این اجلاس و با تشکر از دوستان در کنفدراسیون بین‌المللی کارگران (ituc) که از کانون مدافعان حقوق کارگر، به عنوان نهاد کارگری مستقل از ایران برای حضور در این اجلاس، دعوت به عمل آورده‌اند. متأسفانه امسال نیز همانند سال‌های قبل کارگران ایران نتوانستند نمایندگان واقعی خود را برای شرکت در این اجلاس انتخاب کنند، در نتیجه کارگران ایران هیچ نماینده‌ای در این اجلاس ندارند. ما نیز نتوانستیم نمایندگان خود را به این اجلاس بفرستیم، زیرا یکی از نمایندگان ما برای حضور در اجلاس آی ال او، (فریبرز رییس دانا) ممنوع الخروج و پاسپورت وی توقیف شده است. نماینده‌ی دیگر (هاله صفرزاده) نیز با انواع تهدیدها و نگرانی برای رفتن و بازگشتن به ایران رو به روست. ما در سال گذشته، گزارش خود را از وضعیت کار در ایران ارائه دادیم که به عنوان سند در اجلاس سال گذشته مطرح شد. اکنون با تأکید بر همان گزارش، مطالب ذیل را جهت آگاهی از وضعیت کارگران در طی سال گذشته بیان می‌کنیم:

- 1- سال گذشته اقتصاد ایران تورم با نرخ 45 درصدی را در حوزه‌ی کالاها و خدمات مصرفی شهری تجربه کرده و متوسط نرخ تورم برای کالاها و خدمات اصلی مورد نیاز کارگران ایران، مانند مسکن (در نقاط فقیرنشین) و مواد غذایی عادی مانند حبوبات، لبنیات و گوشت قرمز و سفید، بالاتر از 45 درصد بوده است و هزینه‌ی درمان و دارو با افزایش غیر قابل تصویری روبه رو شد، به گونه‌ای که سهم کارگران برای پرداخت این هزینه‌ها در حدود 70 درصد شد و تنها 30 درصد این هزینه‌ها را سازمان تامین اجتماعی می‌پردازد که در این بخش نیز کارگران ایران با تورم بالاتر از متوسط 45 درصد مواجه بوده‌اند. سال گذشته در پی ضربه‌ای که از ژانویه 2013 به خاطر تحریم گسترده‌تر نفتی ایجاد شد، نرخ‌های ارزش بیش از سه برابر شدند. نرخ دلار 1100 تومانی به 3500 تومان بالغ شد. این امر صادرکنندگان را واداشت که کالاهای سنتی را به خارج صادر و از دسترس مردم خارج کنند. دولت به این سیاست یاری رساند. اما کالاهای وارداتی چون دارو، قطعات صنعتی و برخی مواد غذایی گران شدند و بار این گرانی به دوش کارگران افتاد. سیاست‌های واردات با انگیزه‌های سیاسی و پارگیری دیپلماتیک موجب تعطیلی واحدها و گسترش بیکاری شده است. از این سیاست‌ها هم سیاستمداران و هم بازرگانان ایران سود می‌برند. فرار سرمایه، فساد و زد و بند در ایران ادامه دارد و این امر موجب رکود و بیکاری (همراه با تشدید تورم شده است. سال گذشته فقط معادل 1000 میلیارد تومان اختلاس در دادگاه‌هایی مورد بررسی قرار گرفت که رسانه‌های دولتی آن را به نمایش گذاشتند. رقم واقعی به چند برابر این مبلغ می‌رسد.
- 2- بالا رفتن نرخ ارزهای خارجی به طور موج‌وار همه‌ی عرصه‌های اقتصاد را در نوردید و موجب گرانی عمومی شد. دستمزدهای واقعی متوسط کارگران به حدود 45 درصد دستمزدهای سال پیش افت کرد و برخی مواقع حتی به 30 درصد نیز رسید. به گونه‌ای که حقوق کارگران در سال گذشته معادل 300 دلار در ماه و امسال نیز علی‌رغم ده الی 15 درصد افزایش ظاهری به حدود 120 دلار در ماه رسیده است.

- 3- در عین حال برای تعیین حداقل دستمزد هنوز نمایندگان واقعی کارگران همانند گذشته در کمیته‌های تعیین دستمزد حضور ندارند و حتا سه جانبه‌گرایی موجود در قوانین نیز عملاً بی معناست. این اتحاد دولت و کارفرمایان است که بر دستمزدها فرمان می‌راند.
- 4- بیکاری از مرز 5.7 میلیون نفر گذشته است و بیشتر این بیکاران، کارگران جوان هستند. نرخ بیکاری عمومی در حدود 19 درصد و نرخ بیکاری جوانان 27 درصد و نرخ بیکاری کارگران زن بیش از 24 درصد برآورد می‌شود.
- 5- کماکان به اعتراض‌های کارگران بیکار و کارگرانی که از 6 تا 14 ماه حقوقی نگرفته‌اند، بی‌اعتنایی شده است. حق تشکل، تظاهرات و اعتصاب همه و همه نادیده گرفته شده و کارگرانی که به این کارها اقدام می‌کنند، بلافاصله از کار اخراج شده و بسیاری از آنان در رده‌ی خرابکاران، جاسوسان و توطئه‌گران و براندازان نظام قرار می‌گیرند.
- 6- امنیتی بودن و نظامی بودن فضای کار برای مقابله با هر نوع تشکل روز به روز تشدید می‌شود به خصوص در صنایع بزرگ.
- 7- فعالان کارگری همچنان در زندان هستند. از جمله شاهرخ زمانی، محمد جراحی و رضا شهابی دوران زندان خود را می‌گذرانند و بهنام ابراهیم زاده نیز که به خاطر بیماری فرزندش در مرخصی به سر می‌برد، بارها به زندان احضار شده است. علاوه بر آن تعداد زیادی از فعالان کارگری همچنان در زیر احکام سنگین قرار دارند که پرونده آنها در جریان بازرسی است. بسیاری از روزنامه نگاران، معلمان و سایر فعالان اجتماعی و صنفی نیز یا مشغول گذراندن سال‌های حبس خود هستند یا در انتظار نهای شدن حکم دادگاه برای گذران محکومیت خود به سر می‌برند. مانند رسول بوداغی (معلم)، مهدی شاندیز (معلم)، کیوان صمیمی (روزنامه‌نگار)، مسعود باستانی (روزنامه‌نگار)، مهسا امرآبادی (روزنامه‌نگار) و...
- 8- تبعیض جنسیتی و قومیتی هم چنان در محل‌های کار ادامه دارد. این تبعیض‌ها بسیار گسترده و متنوع هستند. بر طبق گزارش‌های موثق منابع مستقل، حقوق زنان در بسیاری موارد بویژه در کارگاه‌های کوچک تا یک سوم حقوق مردان، برای کار برابر است. همچنین برخی از کارگران مهاجر به خصوص کارگران افغان از دستمزدهای بسیار اندک برخوردارند. از طرف دیگر در پروژه‌های نفتی، کارگران خارجی، دستمزدهایی به مراتب بالاتر از کارگران بومی دارند و این وجه دیگری از تبعیض است که در آن به دلایل سیاسی، حقوق یک متخصص کشورهای طرف قراردادهای نفتی تا چند برابر حقوق کارگر متخصص داخلی با تخصص یکسان است.
- 9- حقوق معوقه هم چنان یکی از مسایل مبرم جامعه‌ی کارگری ایران است که باید هر چه زودتر به آن پرداخته شود. در پروژه‌های بزرگ پرداخت حقوق هر چند ماه یک بار به امری متداول تبدیل شده است. در این پروژه‌ها اقدام دسته‌جمعی برای دریافت حقوق (اعتصاب و اعتراض)، معمولاً تنها منجر به دریافت بخشی از دستمزد و اخراج سردمداران اعتراضات می‌شود. کارگران بسیاری تنها به خاطر درخواست دریافت حقوق عقب افتاده شان، از کار بیکار شده و در لیست سیاه استخدام مجدد قرار گرفته‌اند و به این دلیل عملاً امکان یافتن مجدد کار برای آنان بسیار کم می‌شود و از این رهگذر خانواده‌های آنان دچار مشکلات بیشماری می‌شوند. معمولاً کارفرمایان همیشه بخشی از حقوق و دستمزد کارگران را نگه می‌دارند. در کارگاه‌های کوچک و بنگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی نیز این امر متداول است. حتا در بیمارستان‌های دولتی، دستمزد پزشکان نیز با تاخیر پرداخت می‌شود. دستمزد معلمان حق‌التدریسی نیز هر چند ماه یک بار پرداخت می‌گردد. در بسیاری از مدارس خصوصی نیز حقوق معلمان با تاخیرهای چند روزه تا چند ماهه پرداخت می‌شود.
- 10- خارج شدن بخش وسیعی از کارگران از شمول قانون کار (کارگاه‌هایی که زیر ده نفر نیروی کار در استخدام دارند) دست کارفرمایان را در اجحاف هر چه بیشتر به کارگران باز گذاشته و عملاً این بخش از کارگران که بخش وسیعی از کارگران را تشکیل می‌دهند در بی حقوقی کامل به سر می‌برند.
- 11- قراردادهای سفید امضا همچنان برقرار بوده و به این وسیله هر زمان که کارفرما اراده کند، می‌تواند نیروی کار را اخراج کند.
- 12- آموزش و بهداشت در ایران هر روز بیش از پیش از دسترس کارگران و زحمتکشان خارج می‌شود، به طوری که بر طبق آمار موثق، بیش از سه میلیون کودک بازمانده از تحصیل در ایران وجود دارد که اینان به دنیای

- کار وارد شده و هر روزه تعداد کودکان کار افزایش می یابد. این میزان یکی از بالاترین میزان کودک کار در سراسر جهان است و هیچ چشم اندازی برای تغییر آن در کوتاه مدت وجود ندارد.
- 13- حوادث کار در ایران یکی از خونبارترین حوادث کار در جهان است. به طور متوسط هر ساعت چند کارگر آسیب می بینند که همه ی اینها ناشی از فقدان ایمنی و بهداشت در محیط کار و سودطلبی کارفرمایان است. در پروژه های نفت و گاز یا پروژه های بزرگ، در نظر گرفتن چندین کشته در برنامه ریزی های ابتدایی جزو پیش بینی های عادی است.
- 14- در خاتمه یادآور می شویم که یکی از خواسته های واقعی کارگران و فعالان کارگری مستقل، همواره این بوده است که در نشست های بین المللی مربوط به کار و کارگر نمایندگان واقعی و مستقل کارگران ایران، جایگزین تشکل های دولتی و غیرمستقلی شوند که به عنوان نماینده ی کارگران ایران در این اجلاس شرکت می کنند. متأسفانه از سوی آی ال او هیچ گاه به این موضوع توجه جدی نشده است و همین مساله باعث شده به جای نمایندگان واقعی کارگران نمایندگان دولتی و خود خوانده در طی سی سال گذشته، همواره در این گونه اجلاس حضور داشته باشند و مطالبات و مسایل کارگران ایران به درستی شنیده نشود. این مساله برای همیشه باید حل شود و نمایندگان واقعی کارگران ایران در این اجلاس حاضر شوند.
- 15- ضمن حمایت جدی از خواسته کارگران سراسر جهان، به خصوص اعتراضات یک سال گذشته در سراسر اروپا و آسیا و آمریکا که خواهان طرد سیاست های ریاضت اقتصادی بوده و هستند، خواهان حمایت کارگران و اتحادیه های کارگری دنیا از مبارزات به حق کارگران ایران هستیم.
- با تشکر و درود فراوان
 کانون مدافعان حقوق کارگر ایران
 ژوئن 2013

پیام شاهرخ زمانی خطاب به سندیکاهای فرانسه

از : شاهرخ زمانی
 به : سندیکاهای فرانسه (پنج سندیکای فرانسوی ت.ژ.ت. CGT ، ت.اف.د.ت. CFDT ، اف.اس.او. FSU ،
 اونسال UNSA و سولیدر Solidaire)
 موضوع : تشکر از حمایت های بی دریغ شما
 هم طبقه ای های عزیز

درودهای گرم و آتشین مرا از زندان جهنمی رجایی شهر کرج بپذیرید. به من اطلاع داده شد که شما برای حمایت از کارگران ایرانی در روز ۱۲ ژوئن در مقابل مقر اروپایی سازمان ملل متحد در شهر ژنو که نشست سازمان جهانی کار در آنجا برگزار خواهد شد. در میدان ملل اقدام به تظاهرات خواهید کرد. از این بابت از شما تشکر کرده و دستان مبارزتان را صمیمانه می فشارم. حقیقتاً تلاش های شما شایان قدردانی بسیار زیادی است.

مرا به دلیل فعالیت های سندیکایی اما با اتهامات ساختی و دروغین به ۱۱ سال زندان محکوم کرده اند و اکنون نزدیک به دو سال است که در زندان های جهنمی جمهوری اسلامی مدت حبس خود را می گذرانم. بارها مرا از زندانی به زندان دیگر منتقل کردند در حالی که هیچ حکمی از طرف قاضی برای تبعید من صادر نشده بود و در نهایت اکنون مدت ۸ ماه است که در زندان مخوف رجایی شهر کرج هستم. حمل بر، قاضی پرونده ی من در حالی مرا به ۱۱ سال حبس محکوم کرد که خود در حضور وکیل اعتراف کرده بود که تنها یک کارمند در سلسله مراتب پیچیده ی موجود است و اختیاری از خود ندارد.

البته من تنها کارگر زندانی نیستم، صدها کارگر به دلیل مطالبه حقوق حقه ای خود مانند ایجاد تشکل، اقدام به اعتصاب، در خواست افزایش حقوق، داشتن امنیت شغلی و جانی، اعتراض به اخراج ها، اعتراض به تصویب قوانین ضد کارگری، در خواست دستمزد های معوقه و... به شدت سرکوب، کشته یا زندانی شدند از جمله کارگران خاتون آباد با تیر اندازی از طرف هلیکوپترهای نظامی کشته شدند یا مانند ستار بهشتی در زندان زیر شکنجه جان باختند و یا هم اکنون مانند رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده

عضو کمیته پیگیری ، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری ، رسول بداغی و عبدالرضا قنبری از کانون صنفی معلمان ، مهدی فراهی شاندیز عضو کمیته پیگیری ، جلیل محمدی عضو کمیته هماهنگی ، پدram نصر الهی عضو کمیته هماهنگی ، من ، شاهرخ زمانی عضو سندیکای نقاشان و عضو کمیته پیگیری ... و صدها کارگر شناخته نشده ای در زندان بسر می برند. اکثریت قریب به اتفاق کارگران زندانی نامبرده در زندان با برنامه های نقشمند ماموران که دستورنظام است دچار بیماری های خطرناک مختلفی مانند سرطان و... شده اند که در این رابطه ، محمد جراحی ، رسول بداغی ، رضا شهبابی ، بهنام ابراهیم زاده ، شاندیز و... همچنان از بیمارها و عدم اجازه مداوا رنج می برند. لازم به بیان است که مسئولین شوراهای اسلامی و خانه کارگر در تمامی سرکوب های گفته شده در بالا به صورت های مستقیم و غیر مستقیم و پنهان و آشکار شرکت داشتند مثلاً در حمله به نشست کارگران شرکت واحد، خانه کارگری ها شرکت مستقیم داشتند و در بریدن زبان منصور اسانلو یکی از مسئولین خانه کارگر شناخته شده است ، یا این افراد مسئولین خانه کارگر و شورا های اسلامی طی 34 سال گذشته به طور مداوم از کارگران نا آگاه برای حمله و یا جمع آوری گزارشات علیه کارگران و تشکل های آنها شرکت داشتند و دولت از طریق آنها برنامه های سرکوب علیه کارگران و مبارزات کارگری را سازماندهی کرده و پیش برده است و هر وقت در نهاد های بین المللی کارگری نیاز به نماینده از طرف کارگران لازم بوده همین مسئولین خانه کارگر یا شوراهای اسلامی را که در واقع ماموران ویژه سرکوب کارگران هستند را بدون اینکه کارگران در انتخاب آنها دخالت داشته باشند به مجامع بین المللی فرستاده است درست مانند هم اکنون که سرکوب گران کارگران به عنوان نماینده کارگران ایران قرار است در نشست آی ال او شرکت کنند، من شاهرخ زمانی کارگر زندانی، نماینده سندیکای نقاشان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری از طرف خود و کارگرانی که مرا به عنوان نماینده خود قبول دارند اعلام می کنم این افراد را نه تنها نماینده خود و کارگران ایران نمی دانیم بلکه سرعاً" اعلام می کنیم آنها شرکای جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش کارگری و فریب دادن مجامع بین المللی هستند.

در حال حاضر کوچکترین تلاش برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری با سرکوب بسیار خشن دولت از طریق عوامل مختلف از جمله خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی مواجه می شود و هیچ اجازه ای برای ایجاد تشکل داده نمی شود. اخراجهای فردی و دسته جمعی و بیکاری میلیونی، 7 میلیون معتاد، صدها هزار کودکان و زنان خیابانی، صدها هزار کودک کار، پایین آمدن سن فحشا به 12 سال، فروپاشی خانواده ها و تعیین دستمزد یک پنجم زیر خط فقر برای کارگران (بطور مستقیم توسط همین خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی انجام می شود در حالی که خط فقر در ایران امسال از طرف دولت مردان معادل 550 دلار اعلام شده است اما خانه کارگری ها و شورا های اسلامی معادل 115 دلار را به عنوان دستمزد تعیین و تایید کردند)، باز ماندن کودکان و جوانان از تحصیل، سرکوب تشکل های کارگری و مردمی ، کشتار انقلابیون، گرفتارشدن مردم بخصوص جوانان در افسردگی و بیماری های روحی و روانی، رشد بی سابقه جرم و جنایت و باز پس گیری تمامی دست آورد های انقلاب 57 به سود سرمایه داران، حذف یارانه ها، گرانی سوخت، برق، تلفن و گاز، پولی شدن مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها و خدمات پزشکی و بهداشتی، بالا رفتن کرایه ها، سر به فلک کشیدن اجاره های خانه تنها گوشه ای از مشکلاتی است که مردم و طبقه کارگر ایران در سایه حکومت جمهوری اسلامی و عوامل خانه کارگر و شورا های اسلامی با آن روبه رو هستند.

از طرف دیگر رواج افسارگسیخته قراردادهای موقت و سفید امضا، خروج کارگاه های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار، عدم پرداخت دستمزد کارگران و نبود امنیت شغلی مصیبت هایی است که این حکومت بر سر طبقه کارگر ایران آورده است.

در چنین وضعیتی هرگونه اعتراضی با برخورد خشن و سرکوب شدید حکومت مواجه شده و هر صدای مخالفی بلافاصله با شکنجه و زندان روبه رو می شود. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی حتی در مدت حبس خود نیز از این آزار و اذیت ها مصون نیستند. بازجویی های گاه و بی گاه و غیرقانونی و کشتار زندانیان زیر شکنجه یا به علت عدم وجود امکانات درمانی در زندان ها به امری عادی بدل شده است. ستار بهشتی ، علی رضا کرمی خیرآبادی و دهها نفر دیگر نمونه ای هستند که به دلیل شکنجه یا عدم رسیدگی به موقع پزشکی در زندان جان خود را از دست داده اند.

دوستان سندیکا های فرانسه:

در چنین وضعیتی طبقه‌ی کارگر ایران که امکان برخورداری از کوچک‌ترین حق تشکلیابی را ندارد نیاز به کمک مبرم هم‌طبقه‌ای‌هایش در سراسر جهان دارد. ما از عملکرد شما بخصوص در مورد فراخوان اعتراضی 13 ژوئن در حمایت از کارگران ایرانی صمیمانه تشکر می‌کنیم و می‌خواهیم با استفاده از روابط بین‌المللی خود در کمک و حمایت‌های بیشتری ما را یاری کنید تا بتوانیم مبارزات خود را به ثمر برسانیم. دوستان، من در نامه‌ای در مارس 2011 که برای شما نوشتم، پنج پیشنهاد مشخص برای یاری شما به کارگران ایران مطرح کردم. آن پیشنهادات کماکان جای طرح دارند و عبارتند از:

۱- نمایندگانی از میان خود انتخاب کنید تا در رابطه با سرکوب کارگران توسط جمهوری اسلامی تحقیق کنند تا شما به عمق فاجعه پی ببرید.

۲- نمایندگانی از بین خود انتخاب کنید تا مأمور شوند در رابطه با خانه کارگر که همدست پلیس برای سرکوب و فریب کارگران است و طی 33 سال در تمامی کارهای ضدکارگری دست در دست جمهوری اسلامی شریک جرم بوده است تحقیق نمایند، پس از کشف حقایق نسبت به خانه کارگر رابطه خود را با آن قطع کنید و از تمامی تشکل‌های کارگری جهان بخواهید که از ورود خانه کارگر و نمایندگان آن به جوامع کارگری و تحمیل خود به عنوان نماینده کارگران ایران جلوگیری نمایند.

۳- پس از تحقیقات لازم، کشف حقایق در مورد سرکوب‌سندیکاها و تشکل‌های کارگری و مخالفین آنها در ایران ن با اتحاد میان تشکل‌های کارگری به صورت جهانی دولت ایران را وادار نماید تعهدات خود را در قبال کارگران عملی نماید.

۴- در نهایت از شما می‌خواهم اگر پی به حقایق بردید و اگر قبول کردید که ما کارگران ایران بی‌گناه در زندانها عمر خود را از دست می‌دهیم به ما کمک کنید تا آزادی خود را به دست آوریم.

۵- اگر ممکن است برای من وکلایی را تعیین کنید، تا بتوانند شکایت مرا به خاطر شکنجه، محاکمه و زندان بدون هیچ دلیل و سندی به مراجع قضایی صلاحیت‌دار ارایه و ادامه بدهند. در کجای دنیا دیده شده که برای یک کارگر عضو سندیکا به خاطر تلاش برای ایجاد سندیکا حکم 11 سال زندان صادر کنند.

بار دیگر دستانتان را به گرمی می‌فشارم واز شما خواهش می‌کنم تا از راه‌های فوق یا از هر راهی که به نظر خودتان می‌رسد به یاری کارگران ستمدیده‌ی ایران بشتابید.

شاهرخ زمانی زندان رجایی شهر کرج-۱۵ خرداد ۱۳۹۲

تکثیر از: کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

نامه اتحادیه آزاد کارگران ایران به کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های آزاد کارگری پیرامون وضعیت تشکلهای کارگری در ایران و اعتراض به حضور نماینده‌های دست‌ساز دولتی در نشست سالیانه ILO

از: اتحادیه آزاد کارگران ایران

به: کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری ITUC

با دروهای گرم و فراوان

دوستان و همکاران در کنفدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری

همانگونه که خود نیز بخوبی میدانید اندک تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری در ایران همیشه تحت شدیدترین فشارها قرار داشته‌اند و در طول سالهای گذشته بسیاری از اعضا این تشکلهای یا از کار خود اخراج شده‌اند و یا به زندان افکنده شده و به بهانه‌های مختلف تحت پیگرد قضائی قرار گرفته‌اند. با اینحال و علی‌رغم اعتراضات گسترده‌ای که از سوی سازمانهای کارگری در سطح جهان نسبت به نقض حقوق پایه‌ای کارگران در ایران صورت گرفته است، در طول یکسال گذشته اعمال این فشارها بر تشکلهای موجود و فعالین آنها دامنه بسیار بیشتری پیدا کرده است و علاوه بر اخراج و بازداشت و زندان، بسیاری از اعضای این تشکلهای، بویژه اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران و کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از سوی نهادهای امنیتی و قضائی جهت استعفا از تشکلهای خود بشدت تحت فشار قرار گرفته‌اند. بطوریکه قضات برخی دادگاهها و مامورین امنیتی پس از احضار و یا بازداشت اعضای اتحادیه ما که به بهانه‌های کاملاً واهی صورت گرفته است استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران را به عنوان شرطی جهت صدور حکم برائت در مقابل آنان

گذاشته اند و عدم استعفا از اتحادیه را موجب صدور حکمهای سنگین عنوان نموده اند. اعمال این فشارها بر اعضا موثر اتحادیه ما از زمانی شدت بیشتری پیدا کرد که از اول ماه مه سال گذشته و به مناسبت اینروز، کارگران متشکل در اتحادیه ما با جمع آوری طوماری اعتراضی با امضا نزدیک به چهل هزار نفر از کارگران کارخانه های مختلف در سراسر کشور، خواهان افزایش حداقل مزد بر اساس ماده 41 قانون کار و کنار گذاشتن لایحه ضد کارگری اصلاح این قانون و تحقق دیگر مطالبات پایه ای خود شدند.

این روند و اعلام غیر قانونی بودن تشکل ما و معدود تشکلهای مستقل دیگر از سوی نیروهای امنیتی در شرایطی طی یکسال گذشته شدت پیدا کرده است که ما هر روزه شاهد اعلام ایجاد انواع اتحادیه ها و انجمنهای صنفی در ایران بوده ایم و بنا بر ادعای وزیر کار تعداد این نوع تشکلهای به دو برابر افزایش پیدا کرده است. در این زمینه لازم است بگوئیم در ایران هیچ قانونی برای ثبت تشکلهای کارگری با نام اتحادیه و سندیکا وجود ندارد و به همین دلیل هیچیک از این اتحادیه ها ثبت نشده اند اما از آنجا که همه آنها زیر مجموعه خانه کارگر هستند دولت و نیروهای امنیتی نه تنها کاری به آنها ندارند بلکه ایجاد این نوع اتحادیه ها سیاست خود وزارت کار است تا با گسترش تعمدی این نوع اتحادیه ها و انجمنهای صنفی، بتدریج آنها را جایگزین شوراهای اسلامی کنند و از این رهگذر قادر شوند خود را از فشارهای سازمان جهانی کار بدلیل ماهیت ایدئولوژیک شوراهای اسلامی خلاصی بخشند.

این وضعیت در عین حال که نشان میدهد فشارهای سازمانهای بین المللی کارگری و ILO برای بر چیده شدن نهادهای ایدئولوژیک از محیط های کار مفید بوده است اما از طرف دیگر اتخاذ چنین سیاستی از سوی دولت و وزارت کار نشانگر این است که هیچ تغییر مثبتی در رویکرد دولت ایران که منجر به برسمیت شناخته شدن تشکلهای مستقل کارگری در ایران بشود رخ نداده است و دولت همچنان در تلاش است تا با دور زدن خواست ILO و سازمانهای بین المللی کارگری برای برخورداری کارگران ایران از حق برپائی تشکل مستقل از دولت، همچنان نهادهای دست ساز خود را در محیطهای کار دست نخورده باقی بگذارد.

لذا ما از شما دوستان در کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و همه کنفدراسیونهای عضو آن انتظار داریم تا در نشست سالبانه این سازمان با افشای این سیاست و اعتراض به تشدید اعمال فشار بر فعالین و اندک نهادهای مستقل کارگری موجود، اجازه ندهید تا کسانی که از سوی وزارت کار دولت جمهوری اسلامی به عنوان نماینده کارگران ایران به نشست سالبانه ILO میآیند اعتبار نامه حضور در این نشست را دریافت کنند. بی تردید نیازی به تاکید نیست که عوامل کانون عالی شوراهای اسلامی علاوه بر سازماندهی و شرکت مستقیم در سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد تهران، در طول سال گذشته نیز در اقدامی هماهنگ با نیروهای امنیتی، امضاهای بخش زیادی از کارگران را حول طومار اعتراضی کارگران صادره کرده و از رسیدن آن بدست هماهنگ کنندگان این طومار جلوگیری نمودند و علاوه بر آن بطور آشکار و در مصاحبه هایی تلاش کردند تا با وارد کردن اتهامات واهی به هماهنگ کنندگان این طومار مبنی بر وابستگی آنان به جریانهای خاص، زمینه ارباب کارگران امضا کننده طومار و سرکوب هماهنگ کنندگان آنرا فراهم سازند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - اردیبهشت ماه 1392

يك فعال کارگری در استان تشریح کرد: خطر بیکاری کارگران واحدهای کوچک اردبیل با انتقال صنایع بالا دستی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر اردبیل با بیان اینکه بهره برداری از واحدهای تولیدی در این استان به حداقل رسیده است، نسبت به افزایش ورشکستگی واحدهای تولیدی در این استان هشدار داد.

«مرتضی مقدم» با اشاره به تعطیلی و کاهش حجم تولید در واحدهای تولیدی فعال، به ایلنا گفت: تعدیل نیرو و تعطیلی واحدهای اقتصادی از کارگاههای کوچک فراتر رفته و به مراکز مهم صنعتی استان اردبیل نیز سرایت کرده است.

او افزود: اگر چه بدیل بنیه قوی‌تر اقتصادی و همچنین امکانات انبارداری تاثیر شرایط فعلی اقتصادی بر واحدهای بزرگ و متوسط به اندازه واحدهای کوچک مشهود نیست اما می‌توان پیش‌بینی کرد که در صورت مقابله اصولی و هدفمند با تحریم‌های ناعادلانه غرب، این بحران به طور مشهودتری دامن صنایع بزرگ را هم بگیرد.

این فعال کارگری با اشاره به اینکه واحدهای کوچک اقتصادی استان اردبیل در مقابل نرخ بالای تورم و هم‌زمان ورود کالاهای خارجی توان مقاومت ندارند، رکود تولید و تعدیل گسترده نیرو در این واحدها را حاصل تحریم‌های داخلی و خارجی دانست.

او با اشاره به نام چند واحد تولیدی بحران‌زده یا در آستانه بحران همچون کارخانه چرم مغان، شرکت فراوردهای سیب زمینی، نساجی اردبیل و... گفت: در حال حاضر تولید این کارخانه‌ها به حداقل رسیده است.

مقدم با ذکر مثالی ادامه داد: از کارخانه چرم مغان که در گذشته رونق بسیاری داشت و محصولات آن به کشور ایتالیا و سایر کشورهای اروپایی صادر می‌شد، اکنون چیزی باقی نمانده است.

دبیر خانه کارگر اردبیل ادامه داد: شرکت فراوردهای تولیدی سیب زمینی نیز که در گذشته حرف اول تولید در کشور را می‌زد هم اکنون به سبب نداشتن صنایع تبدیلی دچار مشکل شده و ظرفیت تولیدش را به حداقل رسانده است.

این فعال کارگری با انتقاد از اینکه در استان اردبیل صنایع مادر و بالادستی وجود ندارد، از انتقال واحدهای مولد به استان‌های هم‌جوار انتقاد کرد و گفت: در شرایطی که کارگران استان اردبیل همچون سایر کارگران کشور با مشکل امنیت شغلی مواجه‌اند، انتقال صنایع مادر به سایر استان‌ها کارفرمایان صنایع پایین دستی را به تعدیل نیروی کار ترغیب می‌کند.

مقدم در ادامه درباره پروژه‌های نیمه کاره و رها شده دولت در بخشهای مختلف تولیدی گفت: نساجی اردبیل یکی از پروژه‌های نیمه رها شده دولت است که با هدف اشتغال ۱۰ هزار نیروی کار احداث شد اما در بدو تاسیس تعطیل شد و مدیران آن مجدداً با دریافت تسهیلات بانکی این کارخانه را با ظرفیت هزار کارگر و به صورت نیمه فعال راه اندازی کردند.

دبیر خانه کارگر اردبیل در خاتمه همچنین با اشاره به رها شدن واحد پتروشیمی اردبیل و ناتمام ماندن پروژه راه سازی قطار اردبیل گفت: ساخت کارخانه پتروشیمی اردبیل و همچنین انجام پروژه محور قطار بین شهری اردبیل که پل ارتباطی انتقال صنعت در این استان است همچنان نیمه کاره باقی مانده و سرمایه ملی کشور در بیابان‌ها رها شده است.

پایان پیام

نامه بهنام ابراهیم زاده به سازمان جهانی کار آی ال او

4 ژوئن اجلاس سالانه جهانی کار است. من بهنام ابراهیم زاده بخاطر مبارزاتم در دفاع از حقوق کارگر و حقوق کودکان 5 سال حکم زندان دارم. سه سالش را پشت سر گذاشته ام و الان نیز با وجودیکه تنها فرزندم بدلیل ابتلا به سرطان خونی بستری است، میخواهند من را به زندان بازگردانند. از همه نهادهای کارگری و انساندوست در سراسر جهان انتظار دارم که در برابر این تصمیم اعتراض کنند. خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوند. از نمایندگان اتحادیه کارگری در اجلاس آی ال او انتظار دارم که از مبارزات کارگران در ایران و از انتظار من حمایت و پشتیبانی کنند.

اما به شما که به عنوان سازمان جهانی کار، آی ال او که به اسم کارگر دارید سخن میگوید ، اعتراض دارم که تا کی در برابر این همه بی حقوقی سکوت میکنید. انتظار من کارگر اینست که دولتهای شرکت کننده در اجلاس را زیر فشار بگذارید که پایه ای ترین حقوق کارگران و انسانها را رعایت کنند.

حق تشکل ، حق اعتصاب، آزادی بدون قید و شرط بیان همگی مثل نفس کشیدن و حقوق پایه ای انسانی است و نقض آنها یک تخلف آشکار است. بویژه در ایران فقر و گرانی بیداد میکند. دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر زندگی بخش عظیمی از جامعه را به نابودی کشانده است. امروز کارگران در ایران بخاطر اعتراض به این وضعیت و حق و حقوق پایه ای خود در زندانند. باید به این دستگیری ها و به فشار به رهبران و فعالین کارگری باید اعتراض شود.

من با نوشتن این نامه تلاش کردم صدای اعتراض خودم و خانواده ام و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باشم.

بهنام ابراهیم زاده. کارگر زندانی – 1 خرداد 92- 22 مه 2013

درتظاهرات ایستاده 13 ژوئن ژنو شرکت کنیم

انسان های آزادیخواه، متعهد و مترقی!

- برای اعتراض به حضورتشکل های فرمایشی و وابسته به حکومت اسلامی ایران با عنوان تشکل های مستقل کارگری در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار
 - برای اعتراض به اعزام نیروهای امنیتی و دست نشانندگان رژیم سرمایه داری ایران تحت پوشش دروغین نمایندگان کارگری به ژنو
 - برای اعتراض به اذیت و آزار فعالین کارگری و خانواده هایشان از جانب حاکمیت ضدکارگری ایران منجمله بازداشت ، زندانی کردن و اخراج از کار فعالین کارگری
 - برای انعکاس جهانی صدای اعتراض تشکل های مستقل کارگری و فعالین کارگری در ایران
 - برای حمایت از حق برپایی آزادانه تشکل های مستقل کارگری در ایران
 - برای حمایت از مبارزات کارگران ایران برای احقاق حقوق حقه شان
- متحدانه و همراه با هم از فراخوان سندیکاهای فرانسوی **ث.ژ.ت (CGT)** ، **ث.اف.د.ت (CFDT)** ، **اف.اس.او (FSU)** ، **اونسا (UNSA) و سولیدر (Solidaires)** حمایت و در تظاهرات ایستاده 13 ژوئن ژنو شرکت کنیم.

زمان: **13 ژوئن ساعت 12**

مکان: **میدان ملل ژنو**

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران-پاریس

انجمن کردهای مقیم فرانسه

همبستگی سوسیالیست با کارگران ایران- فرانسه

اتحادیه بین المللی در حمایت از کارگران در ایران – پاریس

3 ژوئن 2013

پانزدهم خرداد ماه 1392

از فراخوان کلکتیو سندیکاهای فرانسه حمایت کنیم

از فراخوان سندیکاهای فرانسوی پشتیبانی کنیم و برای دفاع از جنبش کارگری ایران در ژنو گرد هم آییم!

پنج سندیکای فرانسوی **ث.ژ.ت (CGT)** ، **ث.اف.د.ت (CFDT)** ، **اف.اس.او (FSU)** ، **اونسا (UNSA)** و **سولیدر (Solidaire)** برای دومین بار همزمان با یکصد و دومین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار در همبستگی با کارگران در ایران طی فراخوانی خواستار یک حرکت ایستاده اعتراضی نسبت به موارد متعدد نقض حقوق کارگران در ایران شده اند.

آنها بطور مشخص اعتراض خود را نسبت به زندانی نمودن فعالین کارگری در ایران و اینکه کارگران از ابتدایی ترین حقوق خود مانند حق اعتصاب، حق تظاهرات آزاد، حق ایجاد تشکلات مستقل سندیکایی به شدت محرومند

، از تمامی فعالین کارگری واجتماعی در خواست نموده اند که در روز پنجشنبه 13 ژوئن در مقابل سازمان ملل حضور بهم رسانده و با صدای بلند اعتراض خود را به گوش نمایندگان کشورهای شرکت کننده از سراسر جهان برسانند.

آن چیزی که فعالین کارگری، فعالین سیاسی، اجتماعي و آزادیخواهان ایرانی در تبعید! بخوبی میدانند وجود یک رژیم جنایتکار، سرکوبگر و غارتگر بنام حکومت جمهوری اسلامی در ایران است، رژیمی که همه فعالین عدالتخواه و آزادی طلب خواهان نابودی آن میباشند که بدون این مهم کشور ما آزاد نخواهد شد و مساوات و آزادی تحقق نخواهد یافت.

دست بدست هم داده یکصدا ضمن قدردانی از همبستگی سندیکاهاى فرانسوی با کارگران ایران:

1- به حضور نمایندگان قلابی رژیم اسلامی ایران بجای نمایندگان واقعی کارگران ایران اعتراض و خواهان اخراج آنان از سازمان جهانی کار شویم!

2- خواهان آزادی کارگران زندانی و فعالین سیاسی اجتماعي در ایران شویم.

3- خواهان آزادی تشکلات کارگری، معلمان و دیگر زحمتکشان در ایران شویم.

4- حق اعتراض، اعتصاب، تجمعات کارگری، امکان در تصمیم گیری تعیین مزد عادلانه، قراردادهای دسته جمعی و دایمی از ابتدایی ترین حقوق کارگران است که در ایران به هیچ وجه رعایت نمیشود باید با اعتراضات مکرر، حکومت غارتگر سرمایه داران اسلامی ایران را وادار به رعایت آن نمود.

به تظاهرات ایستاده در میدان ملل بپیوندید

میدان ملل - از ساعت ۱۲ الی ۱۴ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۳ - ژنو

جمعی از کارگران ایرانی عضو سندیکاهاى سوئیس

اتحادیه ملی در حمایت از کارگران در ایران - سوئیس

<'Jmily:"Times New Roman"; color:#454545-J--es-mso;

اتحادیه ملی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس

3 ژوئن 2013

یک فعال کارگری طرح کرد:

اجماع جهان کارگری علیه تحریم ایران با حضور نمایندگان مستقل در ILO

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری گفت: حضور نمایندگان واقعی جامعه کارگری در کنفرانس سازمان جهانی کار (ILO) می توانست از شدت تبعات مخرب و غیر انسانی تحریمهای اقتصادی وضع شده علیه طبقات محروم ایران بکاهد.

«کاظم فرج اللهی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: امروز در نتیجه تشدید تحریمهای اقتصادی وضع شده علیه ایران فشار زیادی به طبقات کم درآمد و مزد بگیر کشور وارد شده است.

وی بایان اینکه در نتیجه اعمال این تحریمهای غیر انسانی فعالیت بنگاههای اقتصادی با مشکل روبرو شده است، گفت: در نتیجه ادامه این وضع بخش مولد اقتصاد کشور با مشکل تامین مواد اولیه، دسترسی به دانش نوین مواجه شده است و بسیاری از کارگران شغل خود را از دست داده اند.

به گفته فرج اللهی، در شرایط تحریمی ادامه فعالیت اقتصادی در بخش صنعت به ویژه صنایع بالادستی و پایین دستی نساجی، فلزی، مواد غذایی و دارویی با مشکل روبرو شده است که در نتیجه به امنیت اقتصادی و اجتماعی نیروی انسانی شاغل در این قسمت از اقتصاد کشور نیز لطماتی وارد شده است.

این فعال صنفی کارگری افزود: هرچند اشخاص فرصت طلب از تحریمها به نفع منافع اقتصادی خود بیشترین استفاده را کرده اند، اما در نهایت تاثیر اجتماعی این محدودیت های اقتصادی در قالب کاهش و حتی توقف فعالیت بنگاههای اقتصادی، پایین آمدن سطح درآمد مزدگیران، افزایش بیکاری موقت و دائمی نیروی کار و افزایش بهای کالاهای مصرفی در جامعه نمایان شده است.

این فعال اقتصادی گفت: هرچند از بعد سیاسی و اقتصادی این وظیفه نمایندگان بخش دولتی و کارفرمایی است که از فرصت نشست سازمان جهانی کار برای بهبود وضعیت کشور استفاده کنند، اما در بخش اجتماعی این وظیفه بر عهده تشکلهای مستقل صنفی کارگری گذاشته شده است.

وی گفت: چنانچه نمایندگان گروه کارگری ایران در اجلاس سازمان جهانی کار، خاستگاه صنفی داشته باشند می‌توانند با انعکاس واقعیت‌های اجتماعی تبعات غیر انسانی تحریم‌های اقتصادی وضع شده بر علیه ایران را منعکس کنند و از موضع انسانی هیات‌های شرکت کننده در اجلاس را با خود همراه کنند.

وی گفت: تشکلهای واقعی کارگری چون بطور مستقیم با بدنه کارگری در تماس هستند می‌توانند آمار دست اولی را از اخراج کارگران، تعطیلی کارخانه‌ها، کاهش قدرت خرید مزدگیران و افزایش آسیب‌های اجتماعی در میان قشر آسیب پذیر تهیه کنند.

پایان پیام

در حمایت از حقوق کارگران ایران از فراخوان ۵ سندیکای فرانسه پشتیبانی میکنیم

هر ساله در ماه ژوئن، اجلاس سالانه ی سازمان جهانی کار در ژنو با حضور نمایندگان دولت ها، کارفرمایان و کارگران آغاز می شود. در چنین اجلاسی همواره توازن قوا به نفع نظام سرمایه داری و بر ضد منافع کارگران است. زیرا دولت ها و کارفرمایان منافع مشترکی دارند و با اتحاد یکدیگر، وزنه ی کارگری کاملا نقصان می یابد. از طرف دیگر در بسیاری از کشورها نمایندگان واقعی کارگری در این اجلاس شرکت ندارند، بلکه بروکرات ها و گماشتگان قلابی کارگری که مورد تأیید دولت ها و کارفرمایان جوامع خویش به عنوان نماینده ی کارگران حضور می یابند و اگر بخواهیم سندیکاهای زرد کارگری را به این مجموعه بیافزائیم، مشاهده می شود که توازن قوا به نفع کارفرمایان همواره سنگینی می کند و سازمان جهانی کار به طور کامل از رویکرد یاد شده دفاع می نماید، چرا که خود آن را بر اساس منافع دراز مدت سرمایه داری اینگونه ابداع نموده است. ولی در سازمان جهانی کار میلیون ها کارگر از طریق اتحادیه هایشان عضویت دارند و این مسئله ما کارگران را برآن می دارد که برای دفاع از حقوق کارگری و جهت اعتراض به نابرابری های موجود، در ژنو حضور یابیم و مطالبات هم طبقه ای های خود را به فریاد آوریم و در پی آن با افشاگری سیستمی که در جهت منافع سرمایه داری گام می نهد و حقوق واقعی کارگران ایران را نادیده می گیرد تلاش نمائیم. پدق| از سال ۲۰۱۱، سازماندهی آکسیون مقابل ساختمان اجلاس جهانی کار برای دفاع از منافع طبقاتی کارگران به عهده ی کلکتیو سندیکایی (متشکل از پنج سندیکای فرانسوی) قرار گرفت، پیش از آن حضور هر ساله ی ما در ژنو توسط نهادهای متفاوت کارگری ایرانی در خارج از کشور انجام می گرفت. امسال نیز نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی، نمایندگان تقلبی کارگری را به سازمان جهانی کار گسیل می دارد تا استثمار شدید طبقاتی را علیه کارگران در نزد افکار عمومی جهانی پنهان دارد، زیرا نمایندگان کارگری مورد تأیید دولت و کارفرمایان، مطالبات واقعی را طرح نخواهند کرد و فقدان امنیت شغلی و نیز بیمه های اجتماعی کارگری از جمله جنایت آشکار به کارگران بخش های مختلف، قرار دادهای سفید امضای کار و نیز عدم رسمیت بخشیدن کاری و تقویت هر چه بیشتر قوانین ضد کارگری کار موقت و پیمانی، حقوق های معوقه ی کارگران و استفاده از نیروی کار کودک به ویژه در کارگاه هایی که کمتر از ۱۰ کارگر دارد و تحت پوشش هیچ قانونی قرار نمی گیرد، همه ی اینها مخفی خواهند ماند. در نتیجه وظیفه ی ما کارگران در خارج از کشور، افشای بی امان اینگونه دستگاه های دروغ پراکنی است. بنابراین ما از فراخوان کلکتیو سندیکاهای فرانسه پشتیبانی می کنیم و در دفاع قاطعانه از جنبش کارگری ایران در ۱۳ ژوئن در ژنو خواهان اخراج نمایندگان دروغین کارگری از اجلاس سازمان جهانی کار هستیم.

همبستگی با جنبش طبقاتی کارگری - پاریس

s.mouvement@gmail.com

۱۰ خرداد ۱۳۹۲ - ۳۱ مه ۲۰۱۳

حمایت از تظاهرات اعتراضی ۱۳ یونی سندیکاهای کارگری و کانون های دموکراتیک ایرانی

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - سویس
مادران راه آزادی- زوریخ

برپایه اطلاعاتی رسیده به روزشمار کارگری در تاریخ 19 اردیبهشت 92 آمده است : سی و پنج سال است که مردم ایران اسیر رژیمی هستند که کمترین حقوق سیاسی، اجتماعی و فردی آنها را رعایت نمی کند. سرکوب گسترده، قطع عضو، سنگسار، اعدام و شکنجه در این سی و پنج سال نشان دهنده عجز بودن نقض حقوق بشر با تار و پود رژیم جمهوری اسلامی ایران است. نقض گسترده حقوق زنان، نابرابری سیاسی اجتماعی بر علیه اقلیتهای دینی، قومی و ملی و همچنین محروم کردن کارگران و معلمان از داشتن حداقل های حقوقی خود، ما را بر این میدارد که از هرفرصتی استفاده کنیم و فریاد اعتراضی خود و ملت ایران را به گوش جهانیان برسانیم. لذا بدین وسیله حمایت خود را از اکسیون اعتراضی سندیکاهای فرانسوی در اعتراض به وضعیت کارگران در ایران و همچنین تظاهرات اعتراضی همگامی کانون ها و نهاد های ایرانی خارج از کشور در همبستگی و دفاع از مبارزات مردم ایران در اعتراض به نقض گسترده حقوق بشر در ایران، اعلام میداریم واز همه آزادیخواهان دعوت می کنیم با شرکت گسترده خود در این تظاهرات صدای فریاد مردم ایران، علیه نقض حقوق بشر توسط رژیم جمهوری اسلامی ایران باشند.

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - سوئیس
مادران راه آزادی- زوریخ

به تظاهرات ایستاده در میدان ملل پیوندند
۱۳ ژوئن ۲۰۱۲- ژنو- میدان ملل- از ساعت ۱۲ الی ۱۴

تلفن جهت اطلاعات بیشتر

رویا: ۰۷۶۳۴۲۳۱۱۹۰

حسین: ۰۷۶۵۷۳۱۴۱۵

خسرو: ۰۷۸۹۱۰۹۷۸۹

در حمایت از مبارزات کارگران در ایران

تلاش کانون حمایت از مبارزات مردم ایران- کلن

کانون تلاش کلن از فراخوان سندیکاهای فرانسوی به تظاهرات در حمایت از فعالین کارگری زندانی در ایران پشتیبانی کرده و شرکت وسیع در این تظاهرات را نشانه همبستگی با مبارزات کارگران در ایران میداند
تظاهرات ایستاده در مقابل دفتر سازمان جهانی کار سازمان ملل در ژنو
زمان- پنجشنبه ۱۳ ژوئن- ساعت ۱۲ تا ۱۴
برگزارکنندگان- سندیکاهای فرانسوی

ثابت کنیم که : کارگران ایران تنها نیستند

روز ۵شنبه ۱۳ ژوئن
روز اعتراض به حضور مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار و در دفاع از جنبش کارگری ایران
اکسیون اعتراضی در ژنو ، به دعوت کلکتیو سندیکاهای فرانسوی و حمایت سندیکاهای سوئیسی،
در روز 13 ژوئن ساعت 12 الی 14 مقابل دفتر سازمان جهانی کار

رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور: قانون بودجه، ۷۰۰ هزار کارگر ساختمانی را از بیمه محروم کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور، بودجه مصوب کمیسیون تلفیق مجلس شورای اسلامی مبنی بر اختصاص ۹ هزار میلیارد ریال به سازمان تامین اجتماعی برای بیمه کارگران ساختمانی را مخالف اصول ۲۹ و ۷۵ قانون اساسی و همچنین خلاف نص صریح قانون «رفع موانع اجرایی بیمه کارگران ساختمانی» خواند.

«احمد شوکت» در این باره به ایلنا گفت: کمیسیون تلفیق، بودجه ۹ هزار میلیارد ریالی را از محل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها برای بیمه کارگران ساختمانی اختصاص داده است که جایگزین پول پروانه‌های ساختمانی شود. در این صورت تنها ۸۰۰ هزار کارگر بیمه می‌شوند در حالی که بیش از یک و نیم میلیون کارگر ساختمانی متقاضی بیمه در سطح کشور وجود دارند.

مطابق قانون بودجه سال جاری که دیروز به تایید شورای نگهبان رسید، سازمان مالیاتی مکلف است معادل عملکرد ۹ هزار میلیارد ریال از کل عوارض ارزش افزوده شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل منابع مندرج در بندهای (ج) و (د) ماده ۲۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده متمرکز نزد سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های کشور را برای بیمه کارگران ساختمانی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند.

این در حالی است که قانون «رفع موانع اجرایی قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی» که در دی ماه سال گذشته به تصویب رسیده بود، سازمان تامین اجتماعی را موظف می‌کرد با منابع حاصل از فروش پروانه ساخت که از طریق شهرداری‌ها به صندوق تامین اجتماعی واریز می‌شد، تمام کارگران ساختمانی را بیمه کند.

وی با اشاره به برگشت ابتدایی بودجه مصوب مجلس توسط شورای نگهبان به دلیل عدم جوابگویی این بودجه برای بیمه کردن همه کارگران ساختمانی بیان کرد: کمیسیون تلفیق گفته با ۹ هزار میلیارد ریال اختصاص داده شده، ۸۰۰ هزار کارگر ساختمانی بیمه شوند و دوباره آن را برای شورای نگهبان ارسال کرده است.

به گفته آقای شوکت، با تایید قانون بودجه از سوی شورای نگهبان که دیروز رخ داد، رفع سهمیه بندی بیمه کارگران ساختمانی منتفی است که نفس سهمیه بندی بر خلاف اصل ۲۹ قانون اساسی که بیمه را حق همگانی می‌داند و اصل ۷۵ همان قانون که می‌گوید بار مالی روی دوش دولت نگذارید و همچنین قانون رفع موانع اجرایی است.

رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و استادکاران ساختمانی کشور در پایان از شورای نگهبان خواست تا با رد بودجه مصوب مجلس، از قانون اساسی پاسداری کند.

پایان پیام

اقتصاد باعث تغییر رژیم می‌شود

به نوشته یورو نیوز در گفتگوی این روزنامه با یک اقتصاد دان ایرانی در چهارشنبه 22 خرداد 92 آمده است: سقوط شاخص‌های اقتصادی، افزایش فقر و بیکاری و سقوط ارزش واحد پولی تنها بخشی از پرونده منفی اقتصادی محمود احمدی‌نژاد در دو دوره ریاست جمهوری ایران است. به رغم این شاخص‌ها آیا اقتصاد ایران

می‌تواند بهبود یابد؟ شاهین فاطمی استاد اقتصاد در دانشگاه آمریکایی پاریس در گفتگو با یورونیوز به سئوال‌هایی در این رابطه پاسخ داده است. اما نخست نگاه مختصری به پرونده اقتصادی دولت احمدی‌نژاد می‌اندازیم.

محمود احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۳ به قدرت رسید و قول عدالت اجتماعی و آوردن پول نفت سر سفره مردم عادی را داد. در ماه‌های آخر دور اول ریاست‌جمهوری خود اعلام کرد که یارانه‌ها را هدف‌مند می‌کند و این تصمیم را "جراحی اقتصاد ایران" نامید. هدف کمک به فقرا و کم‌درآمدها بود.

وقتی دولت احمدی‌نژاد آغاز به کار کرد، ایران به عنوان دومین تولید کننده نفت اوپک، درآمد نفتی بسیار زیادی داشت. پول نقد در گردش در اقتصاد در طول هشت سال شش برابر شد اما به همراه آن تورم هم بالا رفت. نرخ رسمی تورم در آخرین سال احمدی‌نژاد ۴۰ درصد بوده است. اما برخی اقتصاددانان رقم واقعی را ۷۰ درصد می‌دانند.

بیکاری افزایش پیدا کرد. طبق آمار رسمی ایران، در پنج سال گذشته، بیش از ۷۰۰ هزار نفر به بازار کار پیوسته‌اند و نزدیک یک چهارم کل نیروی کار بیکار شده‌اند.

در هشت سال گذشته، تولید اقتصادی و صادرات کاهش یافته است. این شامل نفت هم می‌شود که فروش آن تحت تحریم‌های آمریکا و اروپا بسیار کم شده است. پیش از تحریم‌ها، ایران روزانه ۲/۲ میلیون بشکه نفت صادر می‌کرد ولی در ماه‌های گذشته کمتر از یک سوم آن را می‌تواند بفروشد.

چیزی که برای رئیس‌جمهور بعدی پس از هشت سال ریاست احمدی‌نژاد بر جای می‌ماند، یک اقتصاد شدیداً فرسوده است که به این زودی‌ها نشانی از بهبود ندارد.

یورونیوز: طبق آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول، رشد اقتصادی ایران سال گذشته از دو درصد به ۰,۰۹ درصد رسیده است. با توجه به شاخص‌های اقتصادی در هشت سال گذشته ارزیابی شما از اقتصاد کشور در دو دوره احمدی‌نژاد چیست؟

فاطمی: به نظر من رویه بسیار منفی بوده است. جو بین‌المللی و وضعیت داخلی تمام ملزومات برای ادامه رشد اقتصادی را به حداقل رسانده یا کلاً از بین برده است. با توجه به اینکه احمدی‌نژاد ۷۰۰ میلیارد دلار درآمد نفتی در اختیار داشته ریاست‌جمهوری او یکی از بدترین‌ها در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است.

یورونیوز: تحریم‌ها باعث رشد تورم شده و واحد پول هم هدف قرار گرفته. سال گذشته ریال به میزان زیادی ارزش خود را از دست داد. آینده ریال را چگونه می‌بینید؟

فاطمی: بین تورم و ارزش پول ارتباط معکوس وجود دارد. وقتی تورم بالا برود ارزش پول کاهش می‌یابد و وابسته به عوامل بین‌المللی می‌شود. وقتی اقتصاد کشوری مثل ایران تنها به نفت وابسته است و نفت هم مورد تحریم قرار گرفته، انتظار می‌رود در سال آینده ارزش ریال باز هم سقوط کند. تحریم‌ها به طور خاص روی واحد پولی تأثیر می‌گذارد. تورم باز هم بالا می‌رود و چنین مشکلاتی فقط با حرف زدن حل نمی‌شود.

یورونیوز: متخصصان اقتصادی به هشت سال گذشته به عنوان دوران فقر و بیکاری نگاه می‌کنند. فکر می‌کنید جامعه ایران چقدر می‌تواند فشار اقتصادی را تحمل کند؟

فاطمی: اگر ایران کشور آزادی بود این رویدادها اتفاق نمی‌افتاد. چون در یک جامعه آزاد مردم با رای‌شان دولت را مجبور می‌کنند سیاست‌هایش را تغییر دهد و اگر این اتفاق نیفتد دولت را تغییر می‌دهند. اما در غیاب آزادی در ایران، مردم سهمی در دولت ندارند. تا وقتی زور و فشار دولت بیشتر از مردم است این رویه ادامه دارد. به

طور کلی می‌توانیم بگوییم اقتصاد ایران پاشنه آشیل رژیم است. این اقتصاد است که در آخر موجب تغییر رژیم می‌شود.

یورونیوز: نامزدهای انتخابات سعی کرده‌اند برای جلب آرا وعده‌های اقتصادی بدهند. برنامه‌های آنها را چطور می‌بینید؟ آیا هیچ راه‌حلی بین برنامه‌های آنها می‌بینید؟

فاطمی: همه آنها کلی حرف می‌زنند. اقتصاد ایران در حال حاضر در متن بین‌المللی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و شرایط بین‌المللی چیزی نیست که نامزدها بتوانند در موردش تصمیم بگیرند. تا وقتی کشور روابطش را با جهان عادی‌سازی نکند نمی‌توانیم انتظار تغییری داشته باشیم. آنها فقط نسخه می‌پیچند بدون اینکه راه‌حلی برای مشکل داشته باشند، چون می‌دانند قدرتی در مورد سیاست‌های کلان ندارند. خیلی خوب می‌دانند که مشکل بنیادی اقتصاد ایران سیاسی است، راه‌حل در حل مشکلات با جامعه بین‌المللی است.

مسئول کانون شوراهاى اسلامى کار کرمان: کارگران واحدهاى کوچک تضمینی برای دریافت حداقل مزد قانونی ندارند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 21 خرداد 92 آمده است: مسئول کانون شوراهاى اسلامى کار استان کرمان از محرومیت بخش عمده‌ای از کارگران شاغل در کارگاه‌های کوچک صنفی این استان از عمده مزایای قانون کار از جمله دریافت حداقل دستمزد شورای عالی کار خبر داد.

«علی اکبر رواقی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر در کارگاه‌های بالای ۵۰ نفر، مطالبات کارگران در حد و اندازه حداقل‌های قانونی پرداخت می‌شود. با این حال مشاهده می‌شود که در محیط‌های کوچک صنفی و کشاورزی مطالبات کارگران براساس معیارهایی خارج از قانون تعیین و پرداخت می‌شود.

این مقام صنفی کارگری گفت: در محیط‌های کوچک صنفی به دلیل درآمد پایین کارگاه و سوءاستفاده برخی کارفرمایان، قوانین کار و تامین اجتماعی بصورت سلیقه‌ای اجرا می‌شود.

مسئول کانون شوراهاى اسلامى کار استان کرمان افزود: با این حال به دلیل پی‌گیری‌های بازرسان سازمان تامین اجتماعی امروز شاهد آن هستیم که تا ۸۰ درصد کارگران شاغل در محیط‌های کوچک صنفی از پوشش بیمه‌های اجتماعی برخوردارند. وی گفت: در زمان مراجعه بازرسان تامین اجتماعی به کارگاه‌های کوچک تنها کارگرانی از مزایای بیمه اجباری محروم می‌شوند که با توافق و یا با تهدید حاضر به افشای هویت صنفی خود نیستند.

رواقی همچنین در خصوص عدم اجرای مصوبات مزدی شورای عالی کار در واحدهای کوچک تولیدی گفت: رعایت این مسئله از یکسو به وضعیت مالی بنگاه و از سوی دیگر به قانونمندی کارفرما بستگی دارد.

این مقام کارگری در استان کرمان معتقد است تا زمانی که کارگران این واحدها به هیات‌های تشخیص و حل اختلاف مراجعه نکرده باشند نمی‌توان در خصوص احقاق حقوق‌شان اقدامی کرد. وی در این باره گفت: البته در مواردی که کارفرمایان خاطی بصورت غیر قانونی از کارگران خود بابت مطالبات مزدی اسناد ثبتی و مالی سفید امضا اخذ کرده باشند، بعید است بتوان به نفع کارگر اقدامی انجام داد.

رزاقی گفت: البته چنانچه بتوانیم تمامی کارفرمایان را بصورت قانونی وادار سازیم که مطالبات کارگران خود را از طریق شبکه بانکی پرداخت کنند می‌توانیم شاهد بهبود وضعیت حقوق صنفی کارگران شاغل در محیط‌های کوچک باشیم.

پایان پیام

اطلاعیه شماره ۲ نهادهای سازمانهای متولی کودکان کار را فراموش کرده اند! به مناسبت ۱۲ ژوئن روز جهانی مبارزه علیه کار کودک

در شرایطی که سازمانهای بین المللی پی در پی کار کودکان را غیر قانونی اعلام می کنند و از کشورهای می خواهند با تمام قوا این پدیده شوم را از میان بردارند همچنان امار کودکان کار و خیابان روبه افزایش است؛ افزایش این کودکان نگران کننده است؛ نگران کننده برای جامعه ای که ما به عنوان مدافعان این کودکان در آن زندگی می کنیم؛ در کشور ما ایران طرح های نظیر استاد و شاگردی از سوی نهادهای رسمی مطرح می شود و هیچ اراده ای از سوی مسئولان برای حذف یا حداقل سازمان دهی کار کودک به چشم نمی خورد!

کودکان کار: در اصطلاح رایج کودکان کار به کودکانی گفته می شود که بنا به ضرورت هایی به صورت مداوم به کار گرفته می شوند چنین شکلی از کار در عرف بین المللی خلاف قانون است و اگر در کشورهایی این پدیده رایج شود سازمان جهانی کار می تواند وارد شود و با این تخلف مقابله کند که متأسفانه کشور ما سالهای سال است که از شیوع پدیده کودک کار رنج می برد اما همیشه دستگاههای نظارتی از پرداختن صریح به این مقوله خودداری کرده اند؛ در سایه همین بی اعتنائی پدیده کودکان کار هر روز ابعاد تازه تری پیدا می کند؛ ۲۵۰ میلیون کودک ۵ تا ۱۵ ساله در جهان کودکی شان با کار هم رنگ شده است و با ورود زود هنگام به بازار کار شکل جدیدی از کودکی و نوجوانی را تجربه می کنند

کار کودک غیر قانونی است اما تعریف دارد و اتفاقاً آنقدر محسوس است که هیچ کس انکارش نمی کند؛ متولی دارد اما به دلایلی و شاید مصلحتی نقش خود را از این پدیده شوم نادیده می گیرند غیر قانونی است و نمی تواند علاوه بر رسوایی در سطح بین المللی بنیان های اجتماعی آینده ی ما را هم متزلزل می کند متأسفانه هیچ کس کاری نمی کند؛ آنها که نقش خود را در سازمان دهی وضعیت اشتغال انکار می کنند و از رسانه ها می خواهند چشمان خود را بر روی پدیده ای به نام کودکان کار ببندند؛ اما نمی شود؛ ساده تر بنویسم رسانه ها نمی توانند و حق ندارند دیده ها را ندیده و شنیده ها را نشنیده فرض کنند؛ ما فعالان و دوستداران کودک دستهای تاول زده و پاهای لاغر و خسته و ذهن بیمارشان را می بینیم و حس می کنیم وهم صدا با وجدانهای بیدار و انسانهای دیگر فریاد می زنیم کودک کارگر نیست چرا که کار کودک فقط تحصیل و درس خواندن است!

بهنام ابراهیم زاده عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان
زندان اوین ، خرداد ۱۳۹۲

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

آقای محمود صالحی ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.behnam.ebrahimzadeh@gmail.com

<http://komitehbehnam.blogfa.com>

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار قزوین: زنان اصلیتین قربانیان نقض قانون کار در کارگاههای کوچک

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است : مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوین گفت: در کارگاههای کوچک همچنان اخذ چک و برگه تسویه سفید امضا از کارگر برای ساختن او در مقابل تضییع حقوق صنفی اش امری متداول است.

محمد احمدی با بیان این مطلب به ایلنا گفت: پیمانکاران فاقد مجوز و عمده کارفرمایان کارگاههای کوچک (کمتر از ۱۰ کارگر) مطالبات کارگران خود را بدون توجه به حداقلهای قانونی پرداخت می کنند.

او افزود: کارگران زن یکی از اصلی‌ترین گروه‌هایی هستند که حقوق صنفی‌شان در چنین محیط‌هایی بیشتر در معرض تهدید قرار دارد بطوری که برخی کارفرمایان از این کارگران روزانه ۱۲ ساعت کار می‌کشند اما حاضر به پرداخت مطالبات نیستند.

احمدی درباره کارگاه‌های متوسط و بزرگ استان قزوین گفت: به دلیل نظارت بر نحوه اجرای قانون در بیشتر کارگاه‌های بزرگ و صنعتی استان قزوین مطالبات مزدی و غیر مزدی کارگران بر اساس قوانین کار و تامین اجتماعی پرداخت می‌شود.

این مقام کارگری ادامه داد: خوشبختانه بیشتر پیمانکاران نیروی انسانی از ترس عدم تمدید پروانه فعالیت خود سعی می‌کنند تا مطالبات کارگران را بر اساس قوانین کار و تامین اجتماعی و بر مبنی طرح طبقه بندی مشاغل پرداخت کنند، اما با وجود شرایط به نسبت سخت گیرانه‌ای که امروز بر فعالیت موسسات پیمانکاری نیروی انسانی حاکم است متأسفانه همچنان برخی از پیمانکاران خود را ملزم به رعایت قانون نمی‌دانند. وی ادامه داد در چنین محیط‌هایی کارفرمایان سود جو با سوءاستفاده از بی‌اطلاعی کارگر و یا سایر مشکلات اقتصادی و اجتماعی وی درصدد گریز از اجرای قانون کار هستند.

پایان پیام

جمعی از جوانان آزادیخواه و برابری طلب در شهر سنندج : سرنگونی جمهوری اسلامی انتخاب ماست!

هنوز بر دیوارهای این شهرجای خمپاره‌ها و گلوله‌هایان نقش بسته است هنوز جای پای چکمه‌های خون آلودتان که برای خاموش کردن صدای آزادیخواهی و برابری طلبی به پا کرده بودید را میتوان بر روی خیابانهای که جنازه رفقایمان را میزبان شده بود دید. و هنوز آن مقاومت ، مقاومتی که به درازای عمرتان در این شهر حضور دارد پا برجاست مضحکه انتخاباتی شما در این شهر جایی ندارد!

ما جمعی از جوانان در شهر سنندج از چند روز گذشته در محلات مختلف شهر سنندج کمپینی را علیه جمهوری اسلامی و مضحکه انتخاباتی سازمان دادیم به مردم در محلات مختلف گفتیم که نباید اجازه داد جمهوری اسلامی در این شهر بساط انتخاباتش را پهن کند، یادآور شدیم که جمهوری اسلامی مسئول تمام فقر و فلاکت و رنج مشقتی است که بر جامعه ایران حاکم است و اینها زندانبانان و قاتلان صدها هزار انسانی هستند که در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی جانیشان را در راه آرمانهای انسانی از دست داده اند . تلاش کردیم این دوره را به دوره ای برای تعرض به جمهوری اسلامی با شاخه های رنگارنگش تبدیل کنیم بر در و دیوار این شهر نوشتیم "سرنگونی جمهوری اسلامی انتخاب ماست"

مرگ بر جمهوری اسلامی

جمعی از جوانان آزادیخواه و برابری طلب در شهر سنندج

چهارشنبه ۲۲ خرداد۱۳۹۲

چند خبر کارگری از ایران خودرو و ... :

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری در 22 خرداد 92 آمده است : در این شرکت پیمانکاری در زمان رونق کارخانه حدود ۱۲۰۰ کارگر مشغول بکار بودند که بتدریج بخشی از آنها از کارهایشان اخراج شدند و بخشی دیگر برای یافتن موقعیت کاری بهتر خودشان شرکت را ترک کردند.

ایران خودرو: تولید در اکثریت سالنهای شرکت ایران خودرو کاهش چشمگیری پیدا کرده است و در بعضی سالنها مانند سالن پژو ۲۰۶ به صفر رسیده و در برخی دیگر از سالنها به جز ساعات کوتاهی در روز تولیدی صورت نمیگیرد. کارخانه ایران خودرو تهران نیز تعداد زیادی از کارگران خود را بدلیل نداشتن تولید اخراج کرده است.

ایران خودرو سندج:

کارخانه ایران خودرو در سندج بدلیل نداشتن مواد اولیه برای خط تولید خود کاملاً تعطیل شده و کارگران خود را اخراج کرده است

رئیس کانون شورای اسلامی کار یزد: بیکاری ۳۲ نفر و تعویق سه ماه حقوق کارگران فرش باستان یزد

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است: رئیس کانون هم‌هنگی شورای اسلامی کار استان یزد از بیکاری ۳۲ کارگر کارخانه فرش باستان خبر داد و گفت: این کارگران به سبب افزایش مشکلات کارخانه بعد از اتمام قرارداد کاری‌شان تعدیل شده‌اند.

«حسین خلیلی» با اشاره به توقف تولید در کارخانه فرش باستان، به ایلنا گفت: کارخانه فرش ماشینی باستان که یکی از اولین تولیدکنندگان فرش ماشینی در کشور به شمار می‌رود، به سبب کمبود نقدینگی و افزایش قیمت مواد اولیه دچار بحران شده و هم‌اکنون ناچار شده است تعداد کارگران خود را به حداقل برساند.

او با بیان اینکه فرش باستان در آستانه تعطیلی است، در خصوص معوقات حقوقی کارگران این کارخانه افزود: علاوه بر بیکاری ۳۲ کارگر با سوابق ۳ تا ۱۲ سال، سه ماه از حقوق بیش از ۷۰ کارگر این کارخانه از آغاز سال جدید پرداخت نشده است.

خلیلی با اشاره به معضل تولیدکنندگان فرش ماشینی و گرانی مواد اولیه ادامه داد: این کارخانه که به سبب کمبود و افزایش قیمت مواد اولیه تولید دچار بحران منابع مالی است و توانایی خرید مواد اولیه برای تولید را به دلیل نوسانات قیمت ارز ندارد، عملاً تولیدی ندارد و کارگران باقی مانده تنها برای انجام حضور و غیاب در کارخانه حضور پیدا می‌کنند.

این فعال کارگری با بیان اینکه نداشتن امنیت شغلی در این کارگاه بیش از هر زمان دیگری تهدید می‌شود، گفت: این کارگران که عمدتاً در سنین میان سالی قرار دارند نگران آن هستند که بعد از اخراج از کارخانه همانند همکاران تعدیل شده‌شان، توانایی جذب مجدد در بازار کار را نداشته باشند.

خلیلی در خاتمه ضمن تأکید بر رفع مشکلات واحدهای تولیدی فرش ماشینی و کمک دولت برای به نتیجه رسیدن به اهداف مطلوب‌تر، تصریح کرد: با توجه به اینکه نرخ الیاف و مواد اولیه در نوسان است دولت باید با واحد تولیدکنندگان فرش ماشینی همکاری کرده و تعادلی در قیمت مواد اولیه فرش ماشینی برای تولیدکنندگان ایجاد کند.

پایان پیام

شرکتهای خدماتی اصفهان:

طی يك هفته اخير 50 نفر از کارگران خدماتی دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان را اخراج کرده اند. 35 نفر از کارکنان و کارمندان کارخانه پلی اکلید نیز اخراج شده اند. از جمله، 20 نفر از کارکنان يك واحد چاپ تبلیغاتی در اصفهان بعثت افت کار و نبودن پول در گردش اخراج شده اند.

مسئول کانون هم‌هنگی شوارهای اسلامی کار استان البرز: مزد ناچیز کارگران صنایع غذایی با تاخیر پرداخت می‌شود

مسئول شورای اسلامی کار استان البرز در حال حاضر به دلیل مشکلات مالی واحدهای تولیدی صنعتی به ویژه واحدهای تولید کننده مواد غذایی مطالبات حداقلی کارگران خود را با تاخیر پرداخت می‌کنند.

علی اصلانی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر تولیدکنندگان صنعتی با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند و به همین دلیل هم برای پرداخت مطالبات کارگران هم برای تامین مواد اولیه با مشکل جدی مواجه هستند. وی بایان اینکه مطابق عرف جاری بازار از زمان عرضه محصول نهایی به بازار فروش تا زمان وصول کامل درآمد حاصل از فروش محصول فاصله زمانی 8 ماهه تا يك ساله وجود دارد، گفت: در طول این بازه زمانی تولید کنندگان با مشکل جدی کمبود نقدینگی مواجه هستند.

این مقام کارگری بایان اینکه درکنار مطالبات ناچیزی کارگران که کارفرمای تولیدکننده متعهد به پرداخت آن است؛ هزینه‌های دیگری چون هزینه انرژی و مواد اولیه نیز وجود دارند، گفت: در جریان نوسانات اقتصادی چند سال گذشته این هزینه‌های اخیر به نسبت درآمد کارگاه رشدی چندصد درصدی داشته‌اند بطوری که پرداخت آنها به مانند گذشته ممکن نیست. وی یادآور شد: از زمان اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها تنها هزینه سوخت مصرفی يك واحد تولیدی از 800 هزار تومان به 12 میلیون تومان افزایش یافته است.

اصلانی بایان اینکه قرار بود حداقل 30 درصد از درآمدهای ناشی از اجرای قانون هدفمند سازی یارانه‌ها بابت پرداخت یارانه به واحدهای تولیدی اختصاص یابد گفت: در چند سال گذشته حتی يك ریال یارانه به تولیدکنندگان پرداخت نشده است.

مسئول شوراهای اسلامی استان البرز همچنین در خصوص افزایش هزینه‌های مربوط به تامین مواد اولیه گفت: از زمان گران شدن دلار تاکنون بهای مواد اولیه به ویژه در بخش مواد غذایی رشدی چندین برابری را تجربه کرده است و شرایط کار و درآمد برای کارگران این بخش به هیچ وجه رضایت بخش نیست. وی گفت: نتیجه این وضعیت افزایش بهای عمومی کالاهای مصرفی، کاهش بهره‌وری و گران شدن هزینه‌های جاری است.

این مقام کارگری بایان اینکه وضعیت تولید امروز به هیچ وجه رضایت بخش نیست گفت کارگران صنعتی خصوصا آنهایی که در صنایع غذایی مشغول به کار هستند اکنون به دلیل کاهش فعالیت بنگاه‌های اقتصادی در یافتی کمتری می‌گیرند و تازه همین مبلغ ناچیز را با تاخیر دریافت می‌کنند.

پایان پیام

آجرسازی شهر کرد:

99 درصد کارخانه های آجر سازی تعطیل شده است ، یکی از تولیدکنندگان گفت کارخانه او بیش از 200 واحد تولیدی آجر داشته که هم اکنون تمامی واحدهای تولیدی آن تعطیل شده. شهرداری قصد خرید این کارخانه‌ها را به قیمت بسیار نازل دارد قلبهایی که از کار می‌ایستند، امواجی از خشم کارگران و زحمتکشان را در پیکر جامعه جاری میکنند. شعله‌هایی که هیچگاه فروکش نخواهد کرد.

مدیرعامل ریسندگی و بافندگی کاشان:

۲۵۰ کارگر ریسندگی کاشان در انتظار بازنشستگی / قانون اجرا نمی‌شود

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است: مدیرعامل شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان گفت: اگر دولت تسهیلات لازم را برای پرداخت حق سنوات، حقوق معوقه و خرید مواد اولیه

شرکت ریسندهی، بافندگی و نساجی کاشان فراهم نماید این شرکت مجدداً پویایی خود را به دست خواهد آورد.

«سعید ربانی» در گفتگو با خبرنگار ایلنا در کاشان با اعلام این مطلب، کمبود نقدینگی، نبود مواد اولیه، بدهی بسیار زیاد بابت حقوق معوقه و سنوات کارگران وعدم بازنشستگی پیش از موعد ۲۵۰ نفر از کارگران با استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان‌آور را مهم‌ترین مشکل شرکت ریسندهی و بافندگی کاشان ذکر کرد و گفت: اگر مصوبات سال ۸۳ و ۹۰ دولت مبنی بر احتساب ایام بیمه بیکاری به عنوان سابقه کار در مشاغل سخت و زیان‌آور (در بخش نساجی) اجرایی شود تا پایان سال جاری بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران این شرکت خواهند توانست با استفاده از مصوبات این ماده قانونی بازنشسته شوند.

مدیرعامل شرکت ریسندهی و بافندگی کاشان ادامه داد: اگر دولت نقدینگی مورد نیاز جهت خرید مواد اولیه این شرکت را فراهم کند این کارخانه با استفاده بهینه از امکانات بالقوه و ماشین آلات موجود خود خواهد توانست سود دهی بسیار خوبی را به همراه داشته باشد.

ربانی از بدهی ۴۰ میلیارد تومانی این شرکت بابت حقوق معوقه بیش از ۶۰۰ کارگر شاغل و حق سنوات و حقوق معوقه ۲۵۰۰ کارگر بازنشسته این شرکت خبر داد و گفت: از مسئولین انتظار داریم همانطور که تاکنون همکاری‌های لازم را برای رفع مشکلات این شرکت به کار گرفته‌اند، نسبت به اعطای تسهیلات یاد شده و استمهال بدهی‌های این شرکت به سیستم بانکی و دواير دولتی مساعدت کنند.

مدیرعامل شرکت ریسندهی و بافندگی کاشان در خاتمه گفت: رئیس جمهور در اولین سفر به شهرستان کاشان قول داد که به محض اینکه به تهران برود مشکل شرکت ریسندهی و بافندگی کاشان را به نفع کارگران حل کند، ولی متأسفانه هنوز عمده مشکلات این شرکت لاینحل باقی مانده است.

پایان پیام

اعتراض زنان از محرومیت استخدام در بانک کشاورزی لرستان

برپایه خبر دریافتی آمده است: تبعیض جنسیتی به استخدام دربانکها کشیده شد. بانک کشاورزی در جریان استخدام کارمندان جدید در استان لرستان تبعیض جنسیتی اعمال کرده است و برخی از مدیران این بانک به زنان و دختران فارغ التحصیل در رشته های اقتصاد، حسابداری و مدیریت به رغم داشتن مدرک تحصیلی مورد نظر گفته اند: "کار در بانک برای یک زن مشقت بار است" و از عهده زنان و دختران خارج است. این تبعیض جنسیتی باعث انتقاد و اعتراض برخی از زنان و دختران در استان لرستان شده است

مدیرکل استاندارد خوزستان خبر داد: محکومیت یک واحد تولید کننده آجر در اهواز

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است: مدیرکل استاندارد استان خوزستان گفت: مدیرعامل یک واحد تولید کننده آجر در شهرستان اهواز بدلیل تولید و توزیع محصولات مغایر با استانداردهای ملی مربوطه در بازار و عدم دریافت پروانه کاربرد علامت استاندارد اجباری به جزای نقدی محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از خوزستان، رضا دهدشتی‌زاده گفت: به دنبال توقیف یک میلیون و ۲۰۰ هزار عدد آجر از سوی کارشناسان این اداره کل موضوع از سوی دایره حقوقی این اداره کل جهت رسیدگی به مراجع قضایی ارجاع شد که پس از طی مراحل رسیدگی متهم به پرداخت ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم گردید.

سایه شوم فقر برزندگی معلمان / کودکان کار اولین قربانیان گسترش فقر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 23 خرداد 92 آمده است: به گفته مهدی بهلولی از ثابت ماندن ۴ ساله سهم دندانپزشکی، عینک و زایمان معلمان به ترتیب روی ۲۰۰ هزار، ۵۰ هزار و ۱ میلیون تومان انتقاد کرده و گفته است که در یک سال گذشته حق مدیریتی معاونان و مدیران مدارس را که ماهانه بین ۸۰ تا ۱۲۰ هزار تومان می‌شود پرداخت نکرده‌اند.

بر اساس این گزارش، نابسامانی های مالی در وزارت آموزش و پرورش تنها به موارد ذکر شده ختم نمی شود. این وزارت خانه حتی سهم بیمه معلمان را نیز پرداخت نمی کند و در این زمینه معلمان بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان از آموزش و پرورش طلب دارند. بهلولی در این زمینه ضمن انتقاد از نحوه اجرای طرح بیمه طلایی فرهنگیان گفت: هر ماه مبلغی معادل ۱۲ هزار و ۵۰۰ تومان برای بیمه طلایی از حقوق معلمان کسر می‌کنند که نصف این مبلغ (سهم وزارت آموزش و پرورش) بعد از یکی دوماه به حساب آنان بازگردانده می‌شود اما یک سال است که آموزش و پرورش سهم خود را به حساب معلمان باز نمی‌گرداند.

این فعال صنفی در ادامه با انتقاد از عدم پرداخت سرانه مدارس که برای هر دانش آموز ۳۰ هزار تومان است، گفت: سرانه مدارس در بسیاری از مدارس پرداخت نشده است و در معدود مدرسی که پرداخت شده، یک یا دو میلیون تومان بوده است. بنابراین به یک مدرسه ۵۰۰ دانش آموزه که باید ۱۵ میلیون تومان سرانه اختصاص بگیرد در بهترین حالت یک یا دو میلیون پرداخت شده است. این مساله موجب شده است تا مدیران مدارس برای تامین هزینه‌های جاری به روش‌های گوناگون از والدین دانش آموزان پول دریافت کنند.

این فعال صنفی در ادامه از نحوه اجرای طرح هوشمند سازی مدارس انتقاد کرد و گفت: یک اتاق را در هر مدرسه به این طرح اختصاص داده‌اند، کامپیوتری قدیمی را تعمیر کرده و به همراه یک ویدیو پروژکتور آنجا قرار می‌دهند. سپس مدعی می‌شوند سالانه ۷ هزار مدرسه را هوشمند کرده‌اند. این معلم معتقد است که آموزش متمرکز، قدرت خلاقیت و نو آوری را از فرهنگیان گرفته است. بهلولی با انتقاد از بی‌توجهی وزارت آموزش و پرورش به تشکلهای صنفی فرهنگیان و شوراهای آموزگاران خواستار رفع محدودیت‌ها و مشارکت آنان در تصمیم گیری‌ها شد.

فعالان صنفی معلمان سال هاست که به بهانه های مورد آزار و اذیت حاکمیت واقع می شوند و دستگاه های امنیتی و قضایی مانع از فعالیت صنفی آنها برای احقاق حقوق شان و پیشبرد امر تعلیم و تربیت در جامعه می شوند. معلمان در این راه تا کنون هزینه های سنگینی پرداخت کرده اند که آخرین نمونه آن محکومیت پنج ساله محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی پیشین کانون صنفی معلمان ایران است. این حکم در هفته گذشته در حالی به این معلم ابلاغ شد که او هم اکنون به قید وثیقه صد و پنجاه میلیون تومانی آزاد است. بهشتی لنگرودی حکم محکومیت ۵ سال (علاوه بر ۴ سال حبس تعلیقی پیشین) زندان خود را که از سوی قاضی صلواتی، قاضی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب، دریافت کرده بود.

کودکان اولین قربانیان فقر

گسترش فقر نه تنها معلمان را برای گذران زندگی شان دچار مشکل کرده است بلکه این روند بر روی شاگردان آنها نیز تاثیر مخربی گذاشته است. به باور فعالان حقوق کودکان کار، به دلیل افزایش شکاف میان درآمد و هزینه‌های زندگی خانواده‌های فقیر کارگری، بر شمار کودکانی که ترک تحصیل می کنند و برای سیر کردن شکم شان به کار کردن روی می آورند، افزوده شده است.

«علی هاشمی» عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، در روز جهانی منع کار کودک با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: هرچه قدرت اقتصادی خانواده‌های آسیب پذیر کاهش بیشتری پیدا کند احتمال ورود کودکان بیشتری به بازارهای کار وجود دارد. امروز در میان اقشار آسیب پذیر، روابط عاطفی و انسانی به تابعی از قدرت اقتصادی خانواده‌ها تبدیل شده است، بطوری که با تشدید فشارهای اقتصادی خانواده‌های آسیب پذیر بیشتر در آسیب‌های اجتماعی فرو می‌روند. ورود کودکان به بازارهای کار یکی از همین آسیب‌های اجتماعی است

بطوری که با وخامت اوضاع اقتصادی کودکان بیشتری مجبور می‌شوند تا برای مشارکت در تامین هزینه های معاش و سرپناه خانواده با دنیای کودکی خداحافظی کنند.

به گفته هاشمی، در حال حاضر به دلیل بدتر شدن قدرت اقتصادی خانواده‌های کم درآمد، هزینه‌های مربوط به آموزش، بهداشت و تغذیه سالم کودکان به نفع هزینه های مربوط به پرداخت کرایه خانه و رفع گرسنگی همه اعضای خانواده حذف می‌شوند. در ماه‌های اخیر تعداد بیشتری از کودکانی که از خدمات این جمعیت استفاده می کردند برای کمک به اقتصاد خانواده از محیط‌های آموزشی راهی کارگاه‌ها شده‌اند بطوری که حتی این کودکان در ایام امتحانات پایان سال تحصیلی نمی توانند کار خود را بصورت موقت ترک کنند.

این فعال اجتماعی افزود: تا پیش از این کودکان کار بیشتر در مواقع خاصی از سال مانند روزهای پایان سال و تعطیلات تابستانی که تقاضا در بازار کار افزایش پیدا می‌کرد بصورت موقت در کارگاه‌ها، خیابان‌ها و حتی محیط‌های خانگی مشغول فعالیت اقتصادی می‌شدند که در حال حاضر این مسئله به پدیده ای عادی و مستمر تبدیل شده است.

عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان بایان اینکه تا چندی پیش «امکانات آموزشی و فرهنگی» مانند نوشت افزار، کلاس درس و خدمات آموزشی نیاز اصلی کودکان مراجعه کننده به این نهاد اجتماعی بود گفت: متأسفانه امروز تغذیه سالم و بهداشت مناسب نیاز اصلی کودکان مراجعه کننده به این مرکز را تشکیل می‌دهد و نیازهای آموزشی و فرهنگی این کودکان به اولویت‌های بعدی تبدیل شده است.

این فعال اجتماعی کار کودکان بایان اینکه در حال حاضر هیچ آمار رسمی درمورد وضعیت کودکان کار و خیابان وجود ندارد، گفت: امیدواریم که رئیس جمهور آینده فارغ از تعلقات سیاسی و جناحی آمار روشنی را در مورد کودکان کار و خیابان منتشر کند و برای حل این معضل چاره اندیشی کند.

روز 22 خرداد سالروز دستگیری فعال کارگری و کودک بهنام ابراهیم زاده است!

در اعتراض به ادامه بازداشت زندانی سیاسی دربند بهنام ابراهیم زاده و تمامی فعالین کارگری دربند اعتراض کنیم!

مردم ایران و جهان کارگران و زحمتکشان! تمام کسانیکه بهنام نیز مانند شما يك زحمتکش بود؛ اتحادیه های کارگری که بهنام نیز مانند یکی از اعضای کارگران شما بود نهادهای مدافع کودکان که بهنام نیز مانند شما دوستدار کودکان بود؛ مردم ازادخواه و جوانان و دانشجویان کارگران و زنان و مردان سازمانها و نهادهای حقوق بشری و انساندوست تمامی کسانی که به ازادی و برابری و انسانیت و رفاه انسانی به دمکراسی ارج می گذارید.

بهنام ابراهیم زاده دوست بزرگ کودکان یارو یاور دهها خانواده کارگری در 22 خرداد 89 سوار اتوبوس شرکت واحد در مسیر میدان انقلاب و ازادی توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر شد چها رماه وي را در بند انفرادي 209 زیر سخت ترین فشارها و اذیت و آزارها نگه داشتند بهنام بارها دست به اعتصاب غذا زد که در نتیجه دچار بیماری شدید و در حال حاضر بر اثر ضرب و شتم های وارده از ناراحتی های گوی و گوردن رنج می برد. در دادگاهی که هیچ شباهتی به به دادگاه و عدالت نداشت اورا به بیست سال حبس ناعادلانه محکوم کردند که در نهایت این حکم به پنج سال حبس تعزیری کاهش یافت.

او با فشار بی وقفه شما مردم ازادخواه شما سازمانها و نهادهای حقوق بشری تشکلهای و اتحادیه های کارگری مدتی پیش به مرخصی و بر بالین تنها فرزند بیمارش نیما قرار گرفت اما با وجود اینکه پزشکان بیمارستان محک و پزشکی قانونی تهران تایید کرده بودند که بهنام باید در کنار فرزند بیمارش بماند این را ندادند که در کنار تنها فرزندش که هم اکنون مرتب شیمی درمانی می شود بماند و به وضعیت پزشکی خودش رسیدگی کند بهنام را به زندان برگرداندند؛ نیما ابراهیم زاده که بیش از چها رماه است به سرطان خون مبتلا شده است نیاز فوری به حضور پدرش دارد نبودن بهنام در کنار نیما یعنی قطع داروهای نیما!

روز 22 خرداد روز دستگیری این فعال کارگری و کودک بهنام ابراهیم زاده است ما دوستان و رفقای بهنام اکنون رو به تمامی انسانهای شریف و ازادخواه جهان؛ تشکلهای کارگری و سازمانهای مدافع حقوق بشری رو آورده ایم؛ ما از همه کارگران و نهادهای کارگری می خواهیم که برای ازادی این زندانی سیاسی دربند که پدر فرزند است که در بستر بیماری است و همسری تنها که چشم به راه وي هست تلاش کنند ما برای ازادی بهنام

ابراهیم زاده با کمک شما انسان دوستان وازاديوخواهان امیدواریم وچشم انتظار کمک برای او ودیگر زندانیان سیاسی هستیم .
دوستان ورفقای بهنام ابراهیم زاده نوزدهم خرداد 92

مدیرکل استاندارد خوزستان خبر داد: محکومیت یک واحد تولید کننده آجر در اهواز

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است : مدیرکل استاندارد استان خوزستان گفت: مدیرعامل یک واحد تولید کننده آجر در شهرستان اهواز بدلیل تولید و توزیع محصولات مغایر با استانداردهای ملی مربوطه در بازار و عدم دریافت پروانه کاربرد علامت استاندارد اجباری به جزای نقدی محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از خوزستان، رضا دهدشتی‌زاده گفت: به دنبال توقیف یک میلیون و ۲۰۰ هزار عدد آجر از سوی کارشناسان این اداره کل موضوع از سوی دایره حقوقی این اداره کل جهت رسیدگی به مراجع قضایی ارجاع شد که پس از طی مراحل رسیدگی متهم به پرداخت ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی محکوم گردید.

پایان پیام

ویژه‌نامه‌ی لغو کار کودک

در این ویژه‌نامه، کار کودک از جنبه‌های مختلف در قالب مقاله، مصاحبه و میزگرد مورد بحث قرار گرفته است. همچنین اشعار و نوشته‌هایی از کودکان کار دیروز و امروز، ما را با زندگی واقعی آنان بیشتر آشنا می‌کند. کار کودکان جنایت علیه بشریت است و لغو کار کودک یک مسوولیت جمعی؛ که نیازمند تلاش بی‌وقفه‌ی تمام انسان‌های آگاه است.

در این ویژه‌نامه می‌خوانیم:

Ø سرمایه‌داری و تناقض‌های کار کودک

Ø دنیای کودکان کار

Ø چرا کودک کار؟

Ø کالا شدن نیروی کار

Ø نقش نظام آموزشی در بازتولید کار کودک

Ø خشونت، چرخه‌ای که پنهان نمی‌ماند!

Ø برزیل تجربه‌ای موفق در کاهش کار کودکان

Ø گفت وگویی خودمانی با کودک کار دیروز

Ø دختر بچه‌های متاهل

Ø دیگر نمی‌خواهم ازدواج کنم

Ø چگونه کودکان در جنگ‌ها تبدیل به ماشین کشتار می‌شوند

Ø اشعار: بهار زودرس، دخترک فال فروش، بازیافت، ایستگاه بی‌تابی

Ø قصه: به همین سادگی، یکی از 400 میلیون کودک کار، مراببخش

Ø ...

این ویژه‌نامه را می‌توانید از اینجا دانلود کنید.

<http://www.2shared.com/complete/vUZ0tNj0/kar.html>

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/06/blog-post_13.html#more

دبیر خانه کارگر این شهرستان مطرح کرد: تهدید سلامت جامعه کارگری اسلامشهر در پی کمبود خدمات درمانی تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر اسلامشهر اعلام کرد: این شهرستان با بیش از ۷۰ هزار کارگر فعال و ۲۵ هزار کارگر بازنشسته، فاقد امکانات مناسب درمانی تامین اجتماعی است.

«حسن پور طالبیان» با انتقاد از کاهش خدمات تنها بیمارستان تامین اجتماعی شهرستان اسلامشهر، به ایلنا گفت: با وجود آنکه بیمارستان امام رضا تنها بیمارستان تامین اجتماعی در این شهرستان است، اما بدلیل فقدان تجهیزات و امکانات درمانی درخور جمعیت عظیم کارگری این شهرستان، از ارائه خدمات مناسب ناتوان است.

این فعال کارگری با بیان اینکه بیمه شدگان و مستمری بگیران شهرستان اسلامشهر از نحوه خدمات و مدیریت درمان تامین اجتماعی شکایت دارند، اظهار داشت: بیمه شدگان شاغل و بازنشسته تامین اجتماعی با مراجعه به خانه کارگر و سایر تشکلات کارگری از کاهش خدمات درمانی بیمارستان تامین اجتماعی اسلامشهر گلهمند بوده و خواستار پی گیری مسئولان در این زمینه شده‌اند.

دبیر خانه کارگر اسلامشهر در بخش دیگری از سخنان خود به وضعیت نابسامان نوبت دهی در بیمارستان امام رضا اشاره کرد و گفت: با وجود تاخیر و انتظارهای طولانی در صف دریافت خدمات درمانی، صف‌های طولیل نوبت پزشک و شلوغی بیمارستان، سبب می شود که بسیاری از بیمه شدگان از دریافت خدمات درمانی منصرف شوند.

پور طالبیان کاهش خدمات درمانی تامین اجتماعی این شهرستان را عامل تهدید کننده سلامت جامعه کارگری دانست و گفت: این درحالی است که کارگران و بازنشستگان هر ماه بخشی از دستمزدشان را جهت دریافت خدمات درمانی از سازمان تامین اجتماعی پیش خرید می‌کنند.

این فعال کارگری در خاتمه کمبود پزشکان متخصص و کاهش تجهیزات پزشکی را از دیگر عوامل نارضایتی بیمه شدگان عنوان کرد و گفت: ساماندهی، تجهیز و نظارت بر این بیمارستان، مشکلات درمانی بسیاری از بیمه شدگان و بازنشستگانی را که به کاهش امکانات درمانی معترض‌اند را بهبود می‌بخشد.

پایان پیام

اطلاعیه مشترک احزاب، سازمان ها و نهادهای چپ و کمونیست نه به خیمه شب بازی انتخاباتی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

کارگران وزحمتکشان برآند تا متشکل شوند و جمهوری اسلامی سرمایه داری را براندازند و قدرت سیاسی را تسخیر کنند!

زیرا که: رسالت این حکومت، سرکوب کارگران وزحمتکشان وپرشورترین جوانان کمونیست وآزادیخواه بوده است. کاری که شاه با همه خونریزیها آپس اش برنمی آمد. پنهان کردن دستها میسر نیست این حکومت درتاریخ با حمام خون تداعی می شود.

زیرا که: حیات این حکومت ازطریق استثماروچپاول هستی وثمره کارکارگران تامین می شود. حداقل حقوق کارگران سه برابر زیر خط فقر است و حتی حقوق ناچیزماهیهانه آنها را پس ازکارطافت فرسا، ماهها به تعویق می اندازند. کودکان گرسنه ویغما شده بی هیچ حمایتی درکوچه رها می شوند. آنها به تن فروشی وکارتن

خواهی مبتلا بند و نیروی کار ارزانشان به جیب سرمایه داران سرازیری شود . کافیت به امکانات بی حساب و زندگی غرق درناز و نعمت و شادی این انگل های اجتماعی در حکومت نگاه شود تا معنای غارت مردم، دستگیرمان گردد. آنها چیزی جز شلاق و گلوله و جسد عزیزانمان برسفره های غارت شده نمی گذارند و نگذاشته اند. آنها خود منشا دردند . برای درمان کدام درد باید به همدستانشان رای داد؟ صدای قدمهای استوار بسوی کاخ هایشان شنیده می شود و درمیانشان ولوله انداخته است. زیرا که هیچ بودگان درراهند و برآند تا قدرت را از آنها بستانند و خود برسرنوشت خویش حاکم شوند.

زیرا که: آنها با نیمی از مردم، یعنی زنان ، چون بردگان رفتار می کنند و آنها را جزو مایملک مردان به حساب می آورند. حتی رنگ لباس و آرایش آنها رابزورشلاق تغییرمی دهند . تحقیرشان می کنند و نیمه انسان به حسابشان می آورند. درهای جامعه را برویشان می بندند و درپستوی خانه حبس شان می کنند. این نیمه دیگر. این بردگان کارخانگی ، این محرومان از حقوق اجتماعی ، تصمیم دارند آنها را از قدرت بزیرآورند . انتخابشان قطعی و خشم شان چاره ناپذیر است .

آنها که دولت طبقه حاکم هستند آزادی را برنمی تابند و قلم هارا شکسته و جهنم آزادیخواهان و روزنامه نگاران، هنرمندان و نویسندگان را پدید آورده اند . دهها و صدها نفر از آنها را به جوخه های اعدام سپرده اند و همچنان ادامه می دهند. زیرا که برای حفظ قدرت و منفعت سرمایه ، چاره ای جز سرکوب آزادی ها ندارند . برای آزادی نخستین قدم سرنگونی این حکومت است . تنها راه کارگران و زحمتکشانشان تدارک این مهم است و برای سرنگونیشان باید متشکل شد.

زیرا که: تقاضای کاریبیشتر و مزد کمتریبشت تمام اظهاراتشان موج می زند. هرگونه رفاه اجتماعی را کاهش سود خود به حساب می آورند . مردم رفاه و کارو آزادی می خواهند و طبقه حاکم دشمن این خواسته ها است. می گویند نه ؟ به « جرائم» زندانیان سیاسی نگاه کنید . آنها به خاطر همین خواسته ها در زندانهای مخوف شکنجه می شوند. جرم شاهرخ زمانی و رضا شهابی و خالد خردانی و.... دیگران چیست ؟ جز این خواسته ها؟!.

زیرا که: ترکیب فاجعه بارمذهب و دولت و سرمایه، یعنی فریب و استثمار و سرکوب، حد اعلاای جنایتکاری است . اینکه امروز حتی برخی از اصلاح طلبان هم پی برده اند که این سیستم اصلاح ناپذیر است، نشانه تکاملشان نیست و مانع از تدارک حکومتی دیگر و منجلاپی دیگر از جنس سرمایه داری از سوی آنان نمی شود. آنها می خواهند کاندیدای بعدی سرمایه برای سرکوب و تخلیه خشم متراکم در اثر جنایات جاری باشند. درست همانگونه که با انقلاب ۵۷ و حکومت پادشاهی کردند. اینان ایران سال ۵۷ را از کشوری مستعد مقابل با سرمایه جهانی و امپریالیسم با سرکوب انقلاب مردم به زمین بگری برای مانور امپریالیستی تبدیل کردند. صف مجیزگویان امپریالیسم را بنگرید ! بی هیچ شرمی و علنا همکار سرمایه جهانی شده اند . اینها محصول بذرها ی خونینی است که سال ۵۷ کاشته شد . این همه رقیب پیدا شده است . بیهوده نیست که تحریم های گسترده و احتمال حمله نظامی و تغییر از بالا، نیروهای انقلابی را به صف آراییی در مقابل رژیم ازیکسو و آلترناتیوهای بورژواپی و دخالت امپریالیستی ازسوی دیگر موظف می کند . در چنین شرایطی هرچهار سال یکبار از کارگران و زحمتکشانشان می خواهند میان سرکوبگران خود یکی را انتخاب کنند. تنها به عدم شرکت در چنین انتخاباتی نباید دلخوش بود ، باید به تکرار شوم بیش از سه دهه حکومت اسلامی نه گفت. کارگران و زحمتکشانشان ایران نان، کار و آزادی می خواهند نه سقوط اقتصادی، استبداد و سرکوب ، قمارهسته ای و تحریم های ویرانگر. باید انتخابات را به هر شکل ممکن و موثر به فرصتی برای گسترش اعتراضات توده ای درسراسر کشور، در مسیر مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و بی اثر ساختن سناریوهای امپریالیستی و به دست گرفتن سرنوشت سیاسی توسط اکثریت مردم ایران، کارگران و زحمتکشانشان، مبدل ساخت.

برپراکندگی باید فایق آمد، خودرا متشکل نمود و در صفوف مستقل برای نان و آزادی جنگید. هرکس به اندازه کارونیز واقعییش باید دریافت نماید. نجات بخشی، نه خدا نه شاه و نه قهرمانی درکار نیست. اینست انتخاب کارگران و زحمتکشان.

نه! به مضحکه انتخابات

سرنگون باد رژیم سرمایه داری اسلامی ایران

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست

2013-06-10

اسامی امضا کنندگان:

۱- اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور

۲- اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان

۳- اتحاد فدائیان کمونیست

۴- پیوند در خدمت کمونیست های ایران

۵- هسته اقلیت

۶- حزب رنجبران ایران

۷- نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان

۸- نشست زنان چپ و کمونیست

۹- سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) - کمیته مرکزی

۱۰- سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) -هیئت اجرایی

۱۱- شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران-استکهلم

۱۲- کمیته خارج کشور سازمان فدائیان(اقلیت)

۱۳- شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه-هامبورگ

۱۴- کانون همبستگی با کارگران ایران-گوتنبرگ

۱۵- کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران-ناظر

۱۶- کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ در ایران - مونترال ،کانادا

۱۷- میز کتاب دانمارک

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان: ۵۱ درصد شکایات کارگری کردستان به سازش منجر شد

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 22 خرداد 92 آمده است : مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان گفت: ۵۱ درصد شکایات‌های کارگری رسیده به شوراهای سازش اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان در سال گذشته به سازش منجر شد.

«مصطفی باغبانیان» در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در سنندج، تصریح کرد: رفع مشکلات کارگری و کارفرمایی از طریق صلح و سازش جزو مهم‌ترین رسالت‌های اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان است که در این راستا ۱۶۷ شورای سازش و پنج هیئت حل اختلاف در سطح استان تاسیس شده و مشغول فعالیت هستند. باغبانیان اظهار داشت: از مجموع ۳ هزار و ۹۳۱ شکایت واصله به این اداره کل، هزار و ۵۹۸ فقره آن به سازش و هزار و ۱۸۲ مورد هم به هیئت حل اختلاف ارجاع داده شده و در مجموع ۵۱ درصد از موارد به سازش بین کارگر و کارفرما ختم شده است.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان با بیان اینکه ۹ هزار و ۶۶۰ مورد بازرسی در خصوص نظارت بر مقررات حمایتی قانون کار در کارگاه‌های کردستان در سال گذشته انجام شده است، افزود: در همین راستا ۲۳۹ جلسه در قالب کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار با حضور بازرسان کار این اداره کل برگزار شد. وی ادامه داد: در این بازرسی‌ها ۴۶ واحد صنعتی از لحاظ عوامل زیان‌آور اندازه‌گیری و چهار نمونه بررسی حفاظت فنی دستگاه‌ها و تجهیزات در محیط کار انجام شده است. باغبانیان همچنین در خصوص اشتغال به کار اتباع خارجی در کارگاه‌های مشمول قانون کار در کردستان یادآور شد: سال گذشته ۵۵۲ مورد بازرسی و تهیه گزارش از اشتغال اتباع خارجی در کارگاه‌های استان صورت گرفته است که منجر به صدور ۱۵ فقره پروانه کار، ۶ فقره تمدید و ابطال ۵ پروانه کار اتباع خارجی شده است. این مسئول در خصوص مقرری بگیران بیمه بیکاری در استان نیز خاطرنشان کرد: سال گذشته برای هزار و ۹۲۱ نفر مشمول مقرری بیمه بیکاری برقرار شد و ضمن اشتغال مجدد ۲۴۱ نفر از طریق واحدهای متقاضی تسهیلات کارفرمایی و واحدهای کار، ۵۸ واحد مشکل‌دار به منظور حفظ و تثبیت اشتغال ۲ هزار و ۲۹۸ کارگر مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفتند.

باغبانیان تصریح کرد: در همین راستا ۳۴۰ نفر از مقرری‌بگیران نیز به منظور فراگیری آموزش‌های کاربردی به آموزشگاه‌های اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای معرفی شدند. وی ابراز داشت: تاسیس یک واحد شورای اسلامی کار، دو انجمن صنفی کارگری، هفت نمایندگی کارگری در کارگاه‌ها، هفت انجمن صنفی کارفرمایی و نیز تجدید انتخابات ۲۶ تشکل کارگری و کارفرمایی از جمله اقدامات صورت گرفته در حوزه معاونت کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان در سال گذشته بوده است. مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کردستان در پایان صیانت از نیروی کار مولد استان را در راستای پایداری بنگاه‌های اقتصادی به عنوان یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های این اداره کل برشمرد و بر ضرورت نظارت بر آن تأکید کرد.

پایان پیام

نامه «جمعیت دفاع از حقوق کودکان کار و خیابان»



جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و جمعی از فعالان حقوق کودک در آستانه روز جهانی منع کار کودک، با انتشار نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور آینده کشور، خروج کارگاه‌های زیر ده نفر و مشاغل خانگی از شمول قانون کار را با اصل ۷۹ قانون اساسی که بر ممنوعیت کار کودکان زیر ۱۵ سال صراحت دارد در تناقض دانسته‌اند.

به گزارش «ایلنا»، در بخشی از این نامه که در آستانه ۲۲ خردادماه، روز جهانی منع کار کودک منتشر شد با تاکید بر مسئولیت دولت در رفع معضلات و مشکلات زندگی کودکان از رئیس جمهور آینده کشور پرسیده شده است: «برنامه شما برای بازگرداندن بیش از هفت میلیون کودک در سن آموزش و دور مانده از تحصیل به چرخه آموزش چیست؟»

در ادامه تصریح شده است: «این کودکان جهت بازی و تفریح و توسعه اوقات فراغت خویش از تحصیل باز مانده‌اند بلکه علت اصلی ریزش این کودکان از این چرخه، فقر و کم درآمدی خانواده‌ها است و متأسفانه درصد بالایی از این کودکان جذب بازار کار می‌شوند.»

فعالان حقوق کودک در این نامه با اشاره به محرومیت عمده‌ای از کودکان ایرانی از ابتدایی‌ترین حقوق و ضروریات زندگی آورده‌اند: «این معضل از محلات حاشیه‌ای شهرهای بزرگ تا شهرهای دور و محروم نظیر شهرهای مرزی و روستاهای دورافتاده مشاهده می‌شود که بسیاری از ساکنین آنها نه تنها از آموزش و بهداشت بلکه از حداقل نیازهای اساسی مانند تغذیه و آب آشامیدنی سالم نیز محروم‌اند.»

اجرای حکم چهل ضربه شلاق برای اتهام توهین به رییس جمهور

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/06/blog-post_3393.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگزار آمده است: حکم چهل ضربه شلاق امیر چمنی، فعال دانشجویی، در زندان تبریز اجرا شد. این حکم، برای اتهام توهین به رییس جمهور صادر شده بود. امیر چمنی، که به اتهام توهین به رهبر و تبلیغ علیه نظام، جمعا به نه ماه زندان محکوم شده بود، تا کنون پنج ماه را در زندان تبریز گذرانده است. هفته پیش، آزادی مشروط امیر، به علت نظر منفی بازجوی پرونده، با مخالفت قاضی شعبه ۱۰۴ تبریز، "شکوه تازه"، مواجه شده و رد شد. از سوی دیگر، خبر می‌رسد که اعتراضات زندانیان سیاسی بند هشت کار درمانی زندان تبریز، به نتیجه رسیده است. پس از آنکه مشخص شد تعدادی از زندانیان غیر سیاسی این بند، برای مقامات زندان خبرچینی می‌کنند، اعتصاب غذای زندانیان سیاسی آغاز شد. رییس زندان بلافاصله با خواست تفکیک زندانیان سیاسی و غیر سیاسی موافقت کرد و خواست بهبود وضعیت غذا نیز به نتیجه رسید.

سازمان بین المللی کار ابراز نگرانی کرد: اشتغال بیش از ۱۵ میلیون کودک به عنوان خدمتکار

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 23 خرداد 92 آمده است: سازمان بین المللی کار (ILO) در روز جهانی منع کار کودک با انتشار گزارشی شمار کودکان بین هفت تا ۱۵ سال که در سراسر جهان به عنوان خدمتکار خانگی کار می‌کنند را نگران کننده دانست.

بر اساس گزارش دریافتی ایلنا، حدود ۵/۱۵ میلیون کودک در سراسر جهان به عنوان کارگر خانگی در وضعیت دشوار و اغلب شرایط برده وار در خانه‌های مردم کار می‌کنند.

بر اساس جدیدترین آمار که در گزارش ILO با عنوان «پایان دادن به کار خانگی کودک» منتشر شده، کودکان و نوجوانان در خارج از خانه خود کار می‌کنند و وظایفی مانند نظافت، اتوکشی، آشپزی، باغبانی، نگهداری از کودکان یا مراقبت از سالمندان را انجام می‌دهند.

برخی از این کودکان اصلا دستمزدی دریافت نمی‌کنند و به گفته برخی از نوجوانان، کارفرمایانشان به آنها گفته‌اند که در حقشان لطف می‌کنند. بیش از ۵۹ درصد این کارگران دختر هستند.

آمارهای اخیر سازمان‌های غیرانتفاعی مانند ILO نشان داد که بیش از یک چهارم (۶/۲۶ درصد) از کل کارگران زن در آمریکای لاتین و کارائیب و ۶/۱۳ درصد در آفریقا کارگر خانگی هستند. در منطقه آسیا اقیانوسیه بیش از ۲۰ میلیون نفر به عنوان خدمتکار مشغول به کارند که ۸۰ درصد آنها زن هستند.

بر اساس تحقیقات ILO، گروه‌های سنی به طور یکسان تقسیم شده‌اند. حدود ۳۰ درصد بین پنج تا ۱۱ سال، ۱۲ و ۱۴ سال و ۲۸ درصد نوجوانان بین ۱۵ تا ۱۷ سال هستند.

گزارش ILO سیاست گذاران را به تصویب معاهده‌هایی به منظور حذف نیروی کار کودک دعوت کرده است.

به گزارش فوربز، در کشورهایمانند برزیل، حدود ۲۵۰ هزار کودک که بیشتر آنها در ایالت‌های فقیر شمال این کشور زندگی می‌کنند، به عنوان خدمتکار می‌کنند.

پایان پیام

اعتراضات کارگری بخاطر حقوق معوقه

برپایه خبردریافتی آمده است: بیش از 600 کارگر شاغل در شرکت پیمانکاری "پتاب ساز ایران" 5 ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند و پیمانکار شرکت مربوطه از پرداخت این حداقل دستمزد کارگران امتناع می کند، در ماه گذشته 6 کارگر معترض بعدم پرداخت حقوقشان، بلافاصله از شرکت اخراج شدند. کارگران شرکت ارمغان درنای هرمزگان حقوق معوقه دارند تعداد 120 نفر از کارگران شرکت ارمغان درنای هرمزگان، حدود 4 ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند. این شرکت به کار تخلیه گندم، کود شیمیایی و واردات فله ای در اسکله موسوم به رجایی در بندرعباس مشغول میباشد

بنایه کانون مدافعان حقوق کارگر به مناسبت روز جهانی لغو کار کودک

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/06/blog-post_12.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر آمده است : بیهوده نیست این ادعا که رهایی طبقه کارگر از بند بهره کشی به مثابه رهایی بشریت است از قید هر نوع ستم. مبارزه با تبعیض و ستم سنت دیرینه‌ی طبقه کارگر است و جنبش‌های اجتماعی موجود شاهده‌ی بر این مدعاست. جنبش کارگران زن که تلاش برای رفع تبعیض و دفع بی‌حقوقی خود علیه نظام مرد سالار سرمایه داری بود همزمان فرزند دیگری را نیز به جنبش‌های اجتماعی معرفی کرد و جنبش لغو کار کودک زاده شد. اینک مثلث جنبش‌های اجتماعی که ریشه در مبارزات کارگری دارد، می‌تواند راهنمای عمل تمام نیک‌اندیشان نوع بشر باشد. مبارزه‌ی طبقه کارگر بر ضد استثمار، مبارزه زنان علیه تبعیض جنسیتی و مبارزه‌ی عمومی برای رفع زشت‌ترین نوع ستم علیه بی‌دفاع‌ترین موجودات یعنی کودکان می‌تواند قطب‌نمای مبارزان راستین اجتماعی باشد برای برون‌رفت از همه‌ی گونه‌های ستم. کانون مدافعان حقوق کارگر با توجه به همین اصل از تمام نیروهای اجتماعی، آزادی‌خواهان، عدالت‌طلبان و عموم مردم نیک‌اندیش می‌خواهد که علیه شرایطی که منجر به بهره‌کشی از کار کودکان می‌شود اقدام نموده و اجازه ندهند این استثمار وحشیانه تا بدین حد چهره‌ی انسان امروز را کریه بنماید.

در شرایطی که در بیشتر کشورهای جهان ممنوعیت کار کودکان زیر 18 سال قانونی شده، متأسفانه این اقدام جهانی هنوز نتوانسته تأثیری بر بی‌حقوقی کودکان کشور ما بگذارد و صاحبان سرمایه به صورت قانونی این مجوز را دارند که از کودکان ما پس از پانزده سالگی بهره‌کشی کرده و از کار این گروه بی‌پناه سود ببرند. در عصری که مدعیان حقوق بشر و دموکراسی به هر بهانه‌ای نظامیان خود را تجهیز کرده و به اقصای نقاط جهان گسیل می‌دارند و به‌رغم امضای بسیاری از کشورها در پای‌مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی لغو کار کودک، هنوز 400 میلیون کودک در جهان از تحصیل بازمانده و مجبورند که کودکی خود را به بهایی ارزان به فروش رسانند. در کشور ما نیز با توجه به آمار کودکان زیر 18 سال که حدود 18 میلیون و کودکان محصل که 14 میلیون ارزیابی می‌شوند، 4 میلیون کودک بازمانده از تحصیل داریم که به صورت رسمی یا غیر رسمی مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند.

شرایط کار و میزان دستمزدهای اندک، بیکاری گسترده‌ی سرپرستان خانواده و نیز نظام آموزشی کودک ستیز در محیطی پر از خشونت و انواع تنبیه‌های بدنی ناشی از به کار گماردن افراد نالایق در آموزش و پرورش از عوامل اصلی این ستم ضدبشری به کودکان است. از این رو از مردم صاحب‌عاطفه و ستم‌ستیز می‌خواهیم اجازه ندهند درآمدهای جامعه صرف نظامی‌گری و امنیتی کردن زندگی اجتماعی شود. درآمدهای ناشی از فروش منابع و معادن، مالیات و عوارض، صادرات غیرنفتی و ... که ارقامی نجومی را شامل می‌شود باید صرف ایجاد اشتغال و رفاه عمومی و به‌ویژه صرف آموزش و بهداشت و سلامتی کودکان گردد و این هم‌متی اجتماعی و متشکل را می‌طلبد. لغو کار کودکان را باید تبدیل به هم‌متی عمومی کرد.

کانون مدافعان حقوق کارگر

12 ژوئن 2013

ریزش چاه جان کارگر مقنی را گرفت

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 24 خرداد 92 آمده است بامداد امروز بر اثر ریزش دیواره چاهی در خیابان آیت تهران، یک کارگر مقنی کشته شد.

به گزارش ایلنا، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با بیان اینکه در ساعت ۲۷ دقیقه بامداد جمعه وقوع یک فقره ریزش چاه در خیابان دماوند تقاطع آیت به مرکز فوریت‌های امدادی ۱۲۵ اطلاع داده شد، افزود: در پی این حادثه سه ایستگاه آتش‌نشانی به همراه تجهیزات کامل به محل حادثه اعزام شدند.

وی با بیان اینکه با حضور آتش‌نشانان در صحنه حادثه مشخص شد که این حلقه چاه متعلق به پیمانکار یکی از ادارات دولتی است که در عمق هفت متری چاه به یکباره دیواره دچار ریزش شده، سه تن از کارگرانی که

مشغول کار بودند در زیر خاک مدفون شدند، گفت: در این حادثه یک کارگر به طور کامل در زیر خاک مدفون و صورت دو کارگر دیگر مشخص بود که عملیات آتش‌نشانی با محوریت نجات این دو کارگر آغاز شد.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران افزود: به دلیل سستی خاک و دیواره‌ها ریزش چاه شدت گرفت اما آتش‌نشانی پس از ساعت‌ها توانستند دو کارگر ۲۵ و ۳۲ ساله که از اتباع افغانستان بودند را زنده از زیرآوار خارج کرده و تحویل تکنیسین‌های اورژانس دهند.

ملکی با اشاره به اینکه پس از این عملیات آتش‌نشانی برای نجات کارگر دیگری که در زیر خاک مدفون شده بود متمرکز شدند، گفت: سرانجام علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته پس از حدود ۱۰ ساعت، جسد کارگر ۲۲ ساله‌ای تبعه افغانستان که در زیر تله‌ای از خاک مدفون شده بود، خارج شد.

پایان پیام

بازداشت یک فعال کارگری در صبح انتخابات

به نوشته سایت هرانا در تاریخ 24 خرداد 92 آمده است: علی رئوف فعال کارگری صبح روز جاری در منزل مسکونی خود بازداشت شد. بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، این فعال کارگری ساعت ۷ صبح روز جاری توسط ماموران امنیتی در منزل شخصی خود، واقع در تهران بازداشت شد.

مامورین امنیتی که منزل علی رئوف را تفتیش کردند، لب‌تاپ، کتابها، جزوات و لوازم شخصی وی را ضبط کرده و با خود بردند.

یکی از نزدیکان وی به گزارشگر هرانا گفت: "ساعت ۷ صبح ماموران وزارت اطلاعات وارد خانه شدند و علی را که در بستر خواب بود، دستگیر کردند. ماموران حتی اجازه ندادند که علی لباسشو عوض کند و به وی دستبند زدند و با خود بردند. ایشان حتی به گریه و زاریهای مادر علی نیز توجه نکردند." وی همچنین ادامه داد: "مامورین خانواده رئوف را تهدید کرده اند که در مورد وضعیت وی اطلاع رسانی نکنند و گرنه دیگر علی را نخواهند دید."

باز نمایش انتخاباتی دیگر بدون پاسخ گویی به مردم! - مادران پارک لاله

برپایه اطلاعاتی رسیده به روزشمار کارگری در 24 خرداد 92 آمده است: خرداد سال ۹۲ را در شرایطی سپری می کنیم که هنوز درد و رنج آسیب های وارده به مردم در سال ۸۸ و پس از آن التیام نیافته است و بر روی قلب مان سنگینی می کند. هر روز می گوئیم دریغ از دیروز، حکومت جمهوری اسلامی تنها زمانی مردم را به حساب می آورد که به رای آنها و در حقیقت نه به رای آنها، بلکه به سیل جمعیتی نیاز دارد که بتواند مشروعیت خود را با بوق و کرنا به تمام دنیا مخابره کند و به نمایش بگذارد. چهار سال پیش را همه به خاطر داریم. روزهایی که مردم معترض ایران به خیابان آمدند و صدها نفر از زنان و مردان آزادی خواه کشورمان برای ساده ترین خواست خود به خیابان آمدند و به دست نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کشته شدند. حال بدون آنکه بپرسیم بر سر مردمی که چهار سال پیش به خیابان آمدند و کشته شدند، چه آمد، خواست شان چه شد و چه کسانی پاسخ گوی این همه جنایت و آسیب اجتماعی شدند، باز سرگرم نمایشی دیگر می شویم؟! این گونه است که فراموشی و عدم پاسخ گویی به دیکتاتورها کمک می کند تا سرکوب گری و بی عدالتی و بیدادگری را ادامه دهند و مردم را مجبور به سکوت کنند. همان گونه که با دروغ های ابتدای انقلاب ما را فریب دادند و با استفاده از رای مان، زدند و کشتند و هر روز وضعیت زندگی مان بدتر و بدتر شد، بدون اینکه هیچ مقام مسوولی پاسخی به مردم دهد. در شرایطی که تنها یک پرونده از جنایت های سال ۸۸ به رسمیت شناخته شده است و هنوز هیچ مقام مسوولی محکوم نشده است و شاکیان را پس از چندین سال پیگیری، یکی یکی مجبور به انصراف از شکایت می کنند؛ هنوز پاسخ خانواده های کشته شده و آسیب دیده تیر ۱۳۷۸ را نداده اند؛ هم چنان پرونده قتل های زنجیره ای در ابهام است و پاسخی به

خانواده های آنان نداده اند و اسف بار تر اینکه پس از ۲۵ سال هنوز هیچ مقام مسوولی به چرایمی و چگونگی کشتار گروهی زندانیان سیاسی در سال ۶۷ پاسخی نداده است و ...

در شرایطی که زندان ها هر روز پر و پرتر می شود و بسیاری در زندان هایی گمنام شکنجه و محبوس می شوند و تعداد زیادی از انسان های آزادی خواه در شرف اعدام هستند. در شرایطی که هنوز حکم قرون وسطایی سنگسار در قوانین ما موجود است و زنان را هر روز به اشکال مختلف تحقیر و از عرصه اجتماعی و سیاسی حذف می کنند. در شرایطی که تورم و گرانی، فقر و بیکاری، فساد و اعتیاد بیداد می کند و بحران اقتصادی سراپای جمهوری اسلامی را گرفته است و وضعیت معیشتی مردم هر روز بدتر و بدتر می شود و زندگی مردم را جهنم کرده اند. در شرایطی که آزادی یافت نمی شود و سانسور و حذف دگراندیشان و محدود کردن رسانه های آزاد بیداد می کند و هر صدای مخالفی را خفه می کنند و هیچ شرایط دموکراتیکی برای انتخاب کردن و انتخاب شدن وجود ندارد، چگونه می توان از شرکت در انتخابات و ایجاد تغییر از این طریق سخن گفت!؟

ما مادران پارک لاله به مردم شریف و آزاده ایران تاکید می کنیم، اگر می خواهیم در سرنوشت خود مشارکت داشته باشیم و ما را به بازی نگیرند، رای دادن یا ندادن در شرایط کنونی اهمیت چندانی ندارد، مهم این است که ما همواره مطالبات خود را طرح و پیگیری کنیم و مسوولان جمهوری اسلامی را به چالش بکشیم تا پاسخ گوی جنایت های خود باشند تا شاید بتوانیم از تکرار سرکوب و خشونت و جنایت جلوگیری کنیم. ما از تمامی دادخواهان و خانواده های آسیب دیده می خواهیم که در پیگیری این خواسته ها با ما هم صدا باشند.

- ۱- ما خواهان لغو مجازات اعدام و کشتار انسانها به هر شکلی هستیم.
- ۲- ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.
- ۳- ما خواهان محاکمه عادلانه و علنی آمران و عاملان تمامی جنایت های صورت گرفته توسط حکومت جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل آن تا کنون هستیم.

مادران پارک لاله
۲۴ خرداد ۱۳۹۲

علی رغم پیش بینی ها؛ پرواز وزیر کار به ژنو/ افزایش مزد تا بازگشت عباسی معطل می ماند

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 24 خرداد 92 آمده است: درحالی که طبق وعده های مکرر «اسدالله عباسی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که ریاست شورای عالی کار را برعهده دارد، قرار بود جلسه ویژه این شورا به منظور افزایش حقوق بن و مسکن کارگران برگزار شود، با سفر صبح روز گذشته این مقام دولتی به ژنو وعده افزایش حقوق مسکن و خواروبار کارگران بازهم بی سرانجام باقی ماند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد اسدالله عباسی صبح روز گذشته (سه شنبه ۲۱ خرداد ماه سال ۹۲) عازم سوئیس شد تا در راس هیات ۳۱ نفره نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولتی در یکصد و دومین کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار شرکت کند.

غیبت دو هفته ای عالیترین عضو شورای عالی تعیین دستمزد در کشور درحالی است که بنابر وعده های مکرر وی قرار بود شورای عالی کار در فاصله یک ماه گذشته طی نشست ویژه در خصوص افزایش مبالغ مربوط به حقوق مسکن و خوار و بار کارگران تصمیم گیری کند.

با وجود آنکه وزیر کار هفتم خرداد ماه در آخرین اظهارتش در خصوص همزمانی جلسه ویژه شورایی عالی کار با نشست ویژه سازمان جهانی کار به خبرنگار ایلنا اطمینان داده بود که این همزمانی تأثیری بر تصمیم گیری در خصوص افزایش دستمزدها ندارد اما با این حال این امر محقق نشد.

به باور فعالان کارگری، دلیل این وعده بی سرانجام اسدالله عباسی از ابتدا تنها کوششی برای فرونشاندن واکنش اعتراضی بی سابقه‌ای بوده است که امسال جامعه کارگرای ایران با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری علیه افزایش ناچیز و غیر قانونی دستمزدها نشان داد.

هرچند فعالان کارگری پیش از این نیز اعلام کرده بودند که افزایش حقوق خوار وبار و مسکن کارگران نمی‌تواند آن‌ها را از ادامه پیگیرهای حقوقی در دیوان عدالت اداری بازدارد، اما انکار سفر پیش بینی شده وزیر کار به اجلاس ژنو در نوع خود قابل تأمل و مطالعه است.

پایان پیام

فریبرز رئیس دانا ایران به تغییرات اقتصادی نیازمند است

به گزارش رادیو فرانسه، ناصر اعتمادی در تاریخ 24 خرداد 92 آمده است: فریبرز رئیس دانا، اقتصاددان، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران، در گفتگوی با رادیو بین المللی فرانسه گفته است که راه حل مشکلات ایران نه "این" انتخابات مضحک"، بلکه "تغییرات اساسی، استقرار دموکراسی واقعی و جدایی دین از دولت است

رئیس دانا که به تازگی از زندان اوین آزاد شده از دشواری های وضعیت خود در زندان در جمهوری اسلامی گفته و افزوده است که در جریان اقامت اخیرش در زندان با بسیاری از جوانان و حتا دانشجویانش ملاقات کرده که همگی مصمم به تغییر وضع موجود در کشورشان هستند

فریبرز رئیس دانا گفته است در جریان یک سال اقامتش در زندان اوین تنها یک وعده و آنهم تنها بیست گرم گوشت خورده است. او وضعیت بهداشت در زندان های کشور را وخیم و نگران توصیف کرده و افزوده است که زندانیان بیمار امکان دسترسی به بیمارستان و درمان را ندارند. فریبرز رئیس دانا همچنین با اشاره به وضعیت وخیم اقتصادی کشور تأکید کرده است که منشاء اصلی مشکلات اقتصادی ایران ساختار خود جامعه است که در آن بازار، روحانیت و نیروهای نظامی بر منابع اقتصادی کشور مسلط هستند و به همین دلیل حاضر به تقسیم عادلانه ثروت های و در نتیجه بهبود وضعیت عمومی جامعه نیستند

فریبرز رئیس دانا سپس افزوده است که مجازات های بین المللی و بحران اقتصاد جهانی تنها وضعیت فاجعه بار اقتصادی کشور را تشدید کرده اند. او در ادامه افزوده است که راه حل حقیقی مشکلات جامعه ایران انتقال قدرت به مردم است و اینکه او هرگز معتقد نبوده که اصلاحات از جمله "انتخابات مضحک" کنونی ریاست جمهوری بتوانند مشکلات جاری کشور را حل کنند

فریبرز رئیس دانا در ادامه افزوده است که اکثریت بالای مردم ایران در انتخابات امروز شرکت نخواهند کرد. اقتصاددان ایرانی تصریح کرده است که مقامات جمهوری اسلامی ایران اینبار او را تهدید کرده اند که مبادا در حمایت از تحریم انتخابات سخنی بگوید. عضو کانون نویسندگان ایران در ادامه با استناد به سخن "مارک توآن" تصریح نموده که در جامعه ای که آزادی نیست، رهبران اجازه رأی دادن و انتخاب کردن حقیقی را به مردم نمی دهند و اگر آنان در نبود آزادی انتخابات برگزار می کنند، علتش این است که می دانند انتخابات تغییری در وضعیت مردم به بار نمی آورد و اگر غیر از این بود هرگز اجازه انتخاب کردن به مردم را نمی دادند. در پایان فریبرز رئیس دانا گفته است که به آینده ایران برغم همه مشکلاتش خوش بین است و بسیاری از جوانانی که او در زندان با آنان ملاقات کرده خواستار تغییرات اساسی و استقرار دموکراسی حقیقی در کشورشان هستند

می دانید خاک وطن را به حراج گذاشته اند ؟

برپایه خبر دریافتی آمده است: یکی از هموطنان به گزارشگر ایران کارگر می گفت؛ فعالترین قسمت اسکله رجایی در بندر عباس صادرات خاک معدن به خارج است. سایر کارخانه ها یا تعطیل شده است یا به کارگران ماهها است که حقوق نداده اند. علیرغم این همین کارگران میگفت فعالترین قسمت در اسکله همان منطقه 30 هکتاری است که محل مربوط به سپاه پاساران است و بطور مستمر به صادرات خاک معدن و مواد معدنی به کشورهای نظیر چین و .. میبردازند. وپولش هم معلوم است به کدام جیب و به سفره چه کسی می ریزد!!

بیماران سرطانی از کمک هزینه محروم شدند

برپایه خبر دریافتی آمده است: قطع پرداخت کمک هزینه دولتی به بیماران سرطانی در خراسان شمالی، انجمن بیماران سرطانی در استان خراسان شمالی به بهانه اینکه هزینه بیماران سرطانی بسیار بالاست و از آنجائیکه بیماران سرطانی روز بروز در استان افزایش پیدا میکنند اعلام کرده است که پرداخت کمک هزینه دولتی به این بیماران در توانایی این انجمن نیست و با همین بهانه کمک هزینه به این بیماران قطع گردیده است و بیچاره بیماران که دلیل نداشتن هزینه درمان محروم به مرگ هستند از ادامه درمان منصرف شده اند

مرگ کارگرمقنی در عمق چاه

به گزارش پایگاه خبری 125، در 24 خرداد 92 آمده است: در تاریخ 24 خرداد 92 آمده است: سه کارگرمقنی که در عمق چاه زیرآوار خاک گرفتار شده بودند سرانجام پس از 9 ساعت تلاش مستمر و نفسگیر آتش نشانان خارج شدند.

براساس این گزارش، این حادثه بامداد روز 24 خرداد به دنبال ریزش دیواره چاه خیابانی در خیابان دماوند و گرفتار شدن این سه کارگر مقنی اتفاق افتاد.

علی امینی معاون عملیات منطقه 3 سازمان آتش نشانی تهران که در محل حادثه حضور یافته بود، در این باره اظهار داشت: سه کارگرافغانی در عمق 7 متری چاه مشغول کار بودند که ناگهان دیواره چاه بر روی آنها فروریخت به طوری که یک نفر از آنان به طور کامل در میان خروارها خاک مدفون شد و دو نفر دیگر تا گردن در میان آوار خاک گرفتار شدند.

وی افزود: خاک چاه به علت دستی بودن آن به شدت سست بوده و دیواره های چاه استحکام لازم را نداشت به این خاطر هر لحظه احتمال می رفت با ریزش های مداوم خاک، این دو نفر هم در زیر خاک دفن شده و جان شان به خطر افتد.

وی با اعلام این که نیروهای آتش نشانی سرانجام پس از تلاش بسیار توانستند دو کارگر 25 و 32 ساله افغانی را زنده از عمق چاه خارج کنند، افزود: پیکر کارگر سوم را هم در زیر خرواری خاک یافتند که با اجرای عملیات آزادسازی سرانجام وی را از زیر خاک و درون چاه بیرون آورده و تحویل عوامل اورژانس حاضر در محل حادثه دادند که آنان پس از انجام معاینات اولیه فوت وی را بر اثر ماندن در زیر خاک و نبود اکسیژن تأیید کردند

مرگ یک کارگر در پی ریزش چاه در خیابان آیت

سرخنگوی سازمان آتش نشانی تهران از مرگ یک کارگر در پی ریزش چاهی در خیابان آیت خبر داد. سید جلال با بیان اینکه در ساعت ۲۷ دقیقه بامداد جمعه وقوع یک فقره ملکی، سرخنگوی سازمان آتش نشانی تهران، ریزش چاه در خیابان دماوند تقاطع آیت به مرکز فوریت های امدادی ۱۲۵ اطلاع داده شد، " در صحنه حادثه مشخص شد که این حلقه چاه متعلق به پیمانکار یکی از ادارات دولتی است که در عمق هفت متری چاه به یکباره دیواره دچار ریزش شده، سه تن از کارگرانی که مشغول کار بودند در زیر خاک مدفون شدند، گفت: " در این حادثه یک کارگر به طور کامل در زیر خاک مدفون و صورت دو کارگر دیگر مشخص بود. " به دلیل سستی خاک و دیواره ها ریزش چاه شدت گرفت، پس از ساعت ها دو کارگر ۲۵ و ۳۲ ساله که از اتباع افغانستان بودند زنده از زیرآوار خارج شدند. " پس از حدود ۱۰ ساعت، جسد کارگر ۲۲ ساله ای تبعه افغانستان که در زیر تله ای از خاک مدفون شده بود، خارج شد

گزارش ۱۲ ژوئن ژنو در حمایت از مبارزات کارگران ایران

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 24 خرداد 92 آمده است: روز سیزدهم ماه ژوئن ۲۰۱۳، در حمایت از مبارزات کارگران ایران، حدود ۱۳۰ نفر از فعالین سندیکایی فرانسه، سنگال... و فعالین کارگری، اجتماعی و سیاسی ایران، در پاسخ به فراخوان سندیکاهای فرانسوی، در تظاهرات ایستادهای در "میدان ملل" شهر ژنو در حمایت از مبارزات کارگری ایران برای احقاق حقوق حقپشان، شرکت کردند.

در این مراسم، نمایندگان سندیکاهای فرانسه، از جمله فیلیپ ریو به نمایندگی از ث.اف.د.ت، خانم اوزلم و آقای پیر کوتاز به نمایندگی از ث.ژ.ت، آلن بارون و کریستیان مایو به نمایندگی از سولیدر، دومینیک گیانوتی به نمایندگی از اف.اس.یو، و خانم تون تودیاکیته دبیر بخش زنان و آقای ممدو دیوف دبیر بخش سندیکای مستقل سنگال، سخنرانی کردند.

سخنرانان در این مراسم، ضمن تاکید برهمبستگی با کارگران ایران، اعلام کردند که: ما با حضور در این تظاهرات اعتراض خود را نسبت به نبودن آزادی فعالیت سندیکایی در ایران اعلام میکنیم. آنها اضافه نمودند که ما آزار و سرکوب فعالین کارگری و سندیکایی ایران و خانوادههایشان، از جمله بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری، خبرنگاران، معلمان و اخراج از کار را، که از معدود موارد این سرکوبها هستند، به شدت محکوم میکنیم.

آنها در گفتههایشان ایراد کردند که ما به خوبی آگاهییم کسانی که به نام کارگران ایران در صد و دومین اجلاس سالیانهی سازمان جهانی کار شرکت دارند، نمایندگان واقعی کارگران ایران نیستند و ما ضمن اعتراض به حضور چنین افرادی، خواستار حضور نمایندگان راستین کارگران ایران در چنین نشستهایی هستیم.

در رابطه باموردبازخواست قرارگرفتن جمهوری اسلامی ازطرف کمیسیون کاریست مقابله نامه ها، در رابطه با مقابلهنامهی شماره ۱۱۱ تبعیض در اشتغال که یکی از هشت مقابلهنامهی بنیادین کار است، فیلیپ ریونمایندگی ث.اف.د.ت، و پیر کوتاز نمایندهی ث.ژ.ت، گزارش کوتاهی ارائه دادند. این کمیسیون، روز هشتم ماه ژوئن ۲۰۱۳ گزارشهای دریافتی از طرف حکومت ایران راناروشن و غیر واقعی تشخیص داد. این کمیسیون اعلام کرد که به دلیل نبودن آزادی فعالیت سندیکایی در ایران گزارشها یک طرفه و دولتی است. این کمیسیون افزود که لازم است با این مسئله به گونهای جدی برخورد شود و خواستار شد که کمیتهای از طرف سازمان جهانی کار بررسی این مسئله را در دستورکارش قراردهد. فیلیپ ریو، تصمیم کمیسیون را آغاز روندی دانست که میتواند طی فرایندی جمهوری اسلامی را در لیست سیاه پایمالکنندگان حقوق بنیادین کار قرار دهد. بنا به گزارشهایی از دیگر منابع حاضر در این نشست، خانم مارژوری الکساندر از هیات کارگری فرانسه و آقای رویر از هیات کارگری کانادا در حمایت از کارگران ایران به مسئلهی تبعیض در اشتغال، پرداخت حقوق، تبعیض جنسیتی در استخدام و مزد در جمهوری اسلامی پرداختند و این نظام را ناقص مفاد این مقابلهنامه اعلام نمودند.

خانم اوزلم بنمایندگی از طرف سندیکای ث.ژ.ت افزود که ث.ژ.ت سال هاست که از مبارزات کارگران ایران حمایت می کند و در همین راستا امسال محمود صالحی را برای شرکت در پنجاهمین کنگره اش دعوت کرد و حضور محمود در این کنگره موجهی از شوردرین شرکت کنندگان کنگره را برانگیخت.

پیر کوتاز در سخنانش گفت: از این فرصت می خواهم استفاده کنم و همبستگی خودم و سندیکای ث.ژ.ت را با کارگران ایران و بویژه با محمود صالحی اعلام کنم.

دومینیک گیانوتی نیز افزود که کارگران ایران مجاز به برگزاری آزادانه مراسم روز جهانی کارگرنیستند، معلمان ایران نیز از حق برگزاری مراسم روز معلم محروم هستند.

ایشان نسبت به ز ندانی کردن رسول بداعی و محمد باقری و بویژه حکم اعدام باقری شدیداً اعتراض کردند. در حاشیهی این تظاهرات، صبح ۱۳ ژوئن، صد هانسخه اعلامیه، از طرف ۵ سندیکای فرانسوی در رابطه با وضعیت کارگاران ایران و دعوت به شرکت در این تظاهرات، بولتن اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران با عنوان " پایمال شدن حقوق بنیادین کارگران در ایران" به دو زبان فرانسوی و انگلیسی در مقابل درب ورودی سالن کنفرانس بین شرکت کنندگان نشست توزیع شد.

در همین رابطه، هیاتی متشکل از نمایندگان " اتحاد بین المللی در حمایت از کارگاران در ایران" و "

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران- فرانسه" با خانم کارولین دونیس، مسئول کمیتهی بین‌المللی استانداردهای سازمان جهانی کار ملاقات کردند. در این جلسه مبنای مطالب منتشره از طرف تشکلهای مستقل و فعالین کارگری و کارگران زندانی از جمله (سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، هیات بازگشایی سندیکایی کارگران نقاش، اتحادیهی آزاد کارگران ایران، کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، کانون مدافعان حقوق کارگر، شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیم زاده) در رابطه با اعتراض به حضور نمایندگان دروغین کارگری در اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار، و نیز اسامی فعالین کارگری و سندیکایی زندانی (از جمله رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، محمدجراحی، پدram نصراللهی، جلیل محمدی، منصور بداعی، محمود باقری، مهدی فراخی شاندیز و...) در اختیار ایشان قرار گرفت. در همین راستا، آخرین اطلاعات مرتبط با وضعیت کارگران ایران، معیشت آنها، وضعیت زنان کارگر، کودکان کار، کارگران مهاجر و ... به ایشان منتقل گردید.

اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران- پاریس
همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران- فرانسه

کار ارزان ترین کالای اقتصادی است

برپایه گزارش رسیده به روزشمار کارگری آمده است : موضوع افزایش دستمزد کارگران همان‌گونه که در ماه‌های پایانی سال گذشته پیش‌بینی می‌شد، به پروسه‌ای دنباله‌دار، پرکش‌وقوس و البته مایوس‌کننده برای جامعه کارگری بدل شد. سال 1391 به گواه آمارهای رسمی و غیررسمی یکی از سخت‌ترین سال‌ها برای قشر مزدبگیر جامعه بود. نوسانات شدید قیمت ارز که البته رویه‌ای صعودی را دنبال می‌کرد، فضای غبارآلود برای اقتصاد پدید آورد که همین موضوع باعث شد تا قیمت کالاها این‌بار برخلاف سال‌های گذشته، افزایش مداوم به خود گیرند؛ به‌گونه‌ای که افزایش دو یا سه‌باره قیمت کالاها در سال‌های گذشته که همچون یک بیماری مزمن به عادت اقتصاد ایران بدل شده بود، این‌بار چندباره و حتی شاید بتوان گفت هفتگی بود. در چنین فضایی چانه‌زنی‌ها برای دستمزد کارگران و افزایش مناسب آن آغاز شد. طبق معمول کارفرمایان و دولتی که خود کارفرمایی بزرگ است، موضع بالاتر را در چانه‌زنی‌ها داشتند. نیازی نیست تا بار دیگر آنچه در ماه‌های پایانی سال 91 به‌خصوص در بهمن و اسفند گذشت را مرور کنیم. نهایت این شد که تورم بالای 31 درصد اعلام شد و مزد افزایش 10 درصدی به علاوه افزایش رقم روزانه 19 هزار و 485 ریالی را تجربه کرد. طبق معمول سال‌های گذشته کارگر از کم شدن قدرت خرید خود ناراضی بود و کارفرما هم ژست ناراضی گرفت تا کسی متعرضش نشود، اما این‌بار داستان به گونه دیگری رقم خورد و حقوق‌بگیران به دیوان عدالت اداری پناه بردند؛ همان مرجعی که یک‌بار حکم به قراردادهای موقت داد و آتشی بر خرمن کارگران زد که قریب دوده، امنیت شغلی و جسارت فعالیت‌های واقعی صنفی را از این قشر ربود. اعضای شورای عالی کار که همان مرجع تصمیم‌گیری درباره دستمزد بودند، به تکاپو افتادند. نمایندگان کارگری عضو این شورا خبر از توافقی دادند که در همان جلسه شده بود و قرار بود طبق آن، حق مسکن 10 هزارتومانی و حق خواربار 35 هزارتومانی کارگران را ترمیم کنند، اما کارفرمایان، باز هم با همان حربه قدیمی اخراج و تعدیل به میدان آمدند و اعلام کردند که چنین توافقی وجود خارجی ندارد و اگر بر سر افزایش حق مسکن و خواربار بحث جدیدی صورت گیرد، کارگران را به تیغ تعدیل خواهند نواخت. تا اینجای قضیه هم البته روایت جدیدی نبود. سال‌ها بود که دستمزدها عادت کرده بودند به کرنش در مقابل تورم و هر وقت کارگران قصد اعتراض داشتند، همین حربه اخراج و تعدیل، البته مهر سکوتی می‌شد بر لبان آن‌هایی که بیش از 70 درصدشان قرارداد موقت بودند و بر لبه تیغ و معلوم نیست چند درصدشان سفته و قرارداد سفید برای استخدام امضا کرده‌اند، اما موضوع زمانی جالب‌تر شد که کارفرمایان سعی کردند با ارائه آمار و ارقام به توجیه خود بپردازند؛ آماری که پیش‌تر همیشه از سوی کارگران اعلام می‌شد و البته کسی هم به آن‌ها توجه نمی‌کرد.

افزایش دستمزد زیر 25 درصد؛ رشد هزینه کارگر بالای 40 درصد! نخستین مقام کارفرمایی که به آمار متوسل شد تا نشان دهد که افزایش دستمزد کارگران چندان هم غیرقانونی و کمتر از نرخ تورم نبوده است، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار بود که گفت: «امسال بیش از 40 درصد هزینه‌های پرداختی کارفرمایان افزایش یافته است!» طبق محاسبات محمود نجفی‌سپه‌ی، افزایش زیر 25 درصدی حداقل دستمزد بین 41 تا 46 درصد افزایش هزینه پرداختی را برای کارفرمایان به دنبال داشته و با توجه به این که تورم 31 درصد بوده، اما اکنون حداقل پرداختی به کارگر بیش از 6/40 درصد افزایش داشته است. این عضو شورای عالی کار درباره چگونگی محاسبه اعداد و ارقام هزینه پرداختی به کارگران در سال جاری تصریح کرد: «این عدد حاصل جمع هزینه‌های دو ماه عیدی، یک ماه سنوات، یک ماه مرخصی با حقوق، حق اولاد، 23 درصد هزینه بیمه کارفرما و بن کارگری است که مابه‌التفاوت این نرخ برای سال جاری با رقم دستمزد سال قبل میزان افزایش کنونی بوده و عددی نزدیک به 6/40 درصد افزایش پرداختی می‌شود.»

همدردی می‌کنیم اما زیر بار افزایش حقوق نمی‌رویم به فاصله کوتاهی از این اظهارنظر، دبیرکل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران نیز با تایید این آمار و ارقام گفت: «به دلیل مخالفت کارفرمایان جلسات شورای عالی کار برای بررسی افزایش حق مسکن و حق خواربار کارگران بی‌نتیجه می‌ماند.» محمد عطاردیان گفت: «به دلیل این که از قبل درباره چگونگی افزایش دستمزدهای سال 92 در شورای عالی کار به صورت رسمی توافق شده، کارفرمایان با هرگونه افزایش حقوق مسکن و خواربار مخالفند.» وی افزود: «بخش خصوصی متوجه مشکل معیشتی کارکنان خود هست و برای همین ضمن اعلام همدردی و تایید نارضایتی‌های موجود تا آنجا که بتواند در پرداخت‌های خود از آن‌ها حمایت خواهد کرد.» وی در پاسخ به انتقاد گروه کارگری که مدعی عدم افزایش مزد براساس نرخ تورم بانک مرکزی بودند، گفت: «طبق برآوردها و محاسبات گروه کارفرمایی در سال 92 دریافتی کارگران به نسبت سال 91 حداقل 47 درصد افزایش یافته است»

ابهام جدی در مبنای محاسبات کارفرمایان می‌توان تمامی اعتراضات کارگران به افزایش دستمزد در سال 1392 را در یک جمله خلاصه کرد: «تورم بیش از 31 درصد افزایش داشته است، اما حقوق کارگران 10 درصد به همراه روزانه 19 هزار و 485 ریال که این رقم در کف دستمزدها نیز در نهایت به 25 درصد می‌رسد؛ یعنی حداقل شش درصد کمتر از نرخ تورم.» مبنای این حرف کاملاً صحیح است و محاسبات قبلی نیز نشان از صحت این ادعا دارد. برای مثال اگر پایه حقوق کارگری در سال 1391 برابر 700 هزار تومان در ماه بود، این پایه حقوق در سال جاری به 828 هزار و 455 تومان می‌رسد که نشان از افزایش 35/18 درصدی داشته است. اما مبنای محاسبات کارفرمایان چیست؟ نجفی‌سپه‌ی به مزایای جانبی کارگران از قبیل دوماه عیدی، یک ماه پایه حقوق به عنوان سنوات، حق مسکن، حق خواربار، حق عائله‌مندی، سهم کارفرما از بیمه کارگران و مرخصی‌ها اشاره می‌کند و مدعی است که با احتساب این ارقام، هزینه هر کارگر برای کارفرما بیش از 41 درصد افزایش داشته است. به منظور راست‌آزمایی این ادعا و طبق جداول (1)، (2) و (3) هزینه‌های سه کارگر با حقوق پایه گوناگون برای بنگاه را می‌توان مورد سنجش قرار داد. در جدول (1) و در ردیف سال 1392، نشان داده شده که افزایش دستمزد سال جاری، هزینه یک کارگر حداقل بگير را برای یک بنگاه اقتصادی نسبت به سال گذشته 81/22 درصد افزایش داده است. نگاهی به جداول بعدی نشان می‌دهد که هرچه پایه حقوق کارگران در سال 91 بیشتر بود، هزینه‌های وی برای بنگاه اقتصادی در سال جاری از رشد کمتری برخوردار خواهد بود، به گونه‌ای که عدد 33/20 درصد برای یک کارگر با پایه حقوق نزدیک به 500 هزار تومان در سال 1391 و عدد 975/16 درصد برای کارگری با پایه حقوق حدوداً 740 هزار تومانی در سال 1391 به دست می‌آید که نشان می‌دهد اعداد و ارقام اعلام‌شده از سوی مراجع کارفرمایی هیچ مبنا و منطقی را پشتوانه خود نکرده‌اند.

کاهش هزینه‌های کارگر به نسبت تورم در سال‌های اخیر در جداول (1)، (2) و (3) به بررسی هزینه‌های کارگران در سه سطوح متفاوت دستمزدی پرداخته شده است. برای دستیابی به هزینه‌های کارگران، متغیرهایی همچون عیدی، سنوات، حق بیمه سهم کارفرما و

حق بن و خواربار در نظر گرفته شده است؛ بر این اساس که پایه حقوق هر فرد به همراه حق بن و مسکن و سهم 23 درصدی کارفرما از بیمه با هم جمع شده و در رقم 12 ماه سال ضرب می‌شود. سه پایه حقوق نیز (عیدی + سنوات) به مجموع این ارقام اضافه شده و در نهایت درصد رشد این هزینه‌ها در هر سال برآورد می‌شود. در نهایت نیز برآیندی از مجموع افزایش هزینه‌های کارگران و در مقابل، نرخ تورم رسمی با هم قیاس شده‌اند تا مشخص شود که با همین تورم اعلام شده از سوی مراجع رسمی که خیلی‌ها معتقدند بیشتر از این ارقام است، آیا کارگر در چرخه عوامل تولید، ارزان‌تر شده یا گران‌تر؟ جدول شماره (1) که مختص بررسی کارگران حداقل‌بگیر است نشان می‌دهد طی سال‌های 1387 تا 1392، هزینه یک کارگر حداقل‌بگیر برای بنگاه اقتصادی 22/2 برابر شده است، در حالی که سهم سایر هزینه‌های تولید (با توجه به نرخ تورم رسمی) در همین بازه زمانی 4952/2 برابر شده است که نشان می‌دهد کارگر حداقل‌بگیر که در سال‌های اخیر بیشترین رشد دستمزد را تجربه کرده نیز نه تنها همپای تورم ارزش‌گذاری نشده است، بلکه ارزان‌تر نیز شده است. جدول شماره (2) که مختص بررسی کارگری متوسط‌بگیر (با پایه حقوق 300 هزار تومانی در سال 1387) است نشان می‌دهد طی سال‌های 1387 تا 1392، هزینه این دست کارگران برای بنگاه اقتصادی 99/1 برابر شده، در حالی که سهم سایر هزینه‌های تولید (با توجه به نرخ تورم رسمی) در همین بازه زمانی 4952/2 برابر شده است که نشان می‌دهد هزینه‌های این طیف از کارگران نیز برای بنگاه‌های اقتصادی کمتر شده است. جدول شماره (3) مختص بررسی کارگری با پایه حقوق مناسب (پایه حقوق 500 هزار تومانی در سال 1387) است که نشان می‌دهد طی سال‌های 1387 تا 1392، هزینه این دست کارگران برای بنگاه اقتصادی 776/1 برابر شده، در حالی که سهم سایر هزینه‌های تولید (با توجه به نرخ تورم رسمی) در همین بازه زمانی 4952/2 برابر شده است که نشان می‌دهد هزینه‌های این طیف از کارگران نیز برای بنگاه‌های اقتصادی کمتر شده است.

نتایج

1- برخلاف ادعای کارفرمایان، سهم کارگران از هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی نه فقط همپای تورم افزایش نیافته است، بلکه جز سال 1389، همه‌ساله کاهش محسوسی داشته است که این موضوع ادعای نمایندگان کارگری مبنی بر کاهش سهم کارگران از هزینه‌های تولید را ثابت می‌کند.

2- قدرت خرید کارگران در پنج سال اخیر به شدت تضعیف شده است و این موضوع تمامی طیف‌های کارگری از حداقل‌بگیر تا دارندگان بالاترین دریافتی‌ها را دربرمی‌گیرد.

3- پروسه دستمزد ترکیبی (افزایش درصدی دستمزد کارگران به همراه رقم ثابت نقدی) که در سال‌های اخیر از سوی شورای عالی کار دنبال شده است، نوعی عدالت در ظلم را به جامعه کارگری تحمیل کرده است، به این مفهوم که قدرت خرید گروه‌هایی از کارگران را که حداقل‌بگیر نیستند، هر ساله کاهش بیشتری داده است. این روند در این جداول به خوبی نمایان است به گونه‌ای که اگر پایه دستمزد کارگری در سال 1387 برابر 300 و 500 هزار تومان بود (به ترتیب 3661/1 و 277/2 برابر حداقل دستمزد)، طی یک پروسه پنج‌ساله این ارقام به حدود 600 و 880 هزار تومان (به ترتیب 2314/1 و 807/1 برابر حداقل دستمزد) رسانده است. به عبارتی با استمرار این رویه برای حدود یک یا دو دهه، تمامی کارگران ایرانی را به صف حداقل‌بگیران اضافه خواهد کرد.

گروه پژوهش کارگری

رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان پذیر است

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 24 خرداد 92 آمده است: مارکس در مقابل گرایش‌های متعدد سوسیال دموکراسی که در سطح انجمن بین الملل کارگران رواج یافته بود، جمله مشهور خود را چنین بیان نمود: «رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان پذیر است». مارکس در همان زمان نیز آگاه بود که چگونه سوسیال دموکراسی تلاش دارد در قالب گرایش‌های مختلف مبارزات کارگران را به انحراف بکشاند، وی از

طرف دیگر آگاه بود که مبارزات صرف اقتصادی اتحادیه های کارگری نیز به لغو استثمار نخواهد انجامید . مارکس و انگلس هم خود را براین گذاشتند تا به کارگران بفهمانند که مبارزات آنها ابعاد بسیار وسیع تری از برخورد با سرمایه داران بومی داشته و این مبارزه باید در مقابله با دولت نیز انجام گیرد . آنان بیان کردند ضرورت وجود انجمن بین الملل کارگران نشان از مبارزات طبقاتی بعنوان یک موضوع اجتماعی حتی فراتر از مساله ملی بوده و باید در سطح بین المللی نیز تداوم داشته و بتواند انقلاب را تحقق بخشد .

در پی این تفکر بود که مارکس و انگلس پایه های بین الملل اول را محکم ریخته و در مقابل گرایشات انحرافی اعلام کردند که رهایی اجتماعی کارگران تنها با رهایی سیاسی آنها بعنوان ابعاد جدا نشدنی ، امکان پذیر است . همه تلاش آنها در این جهت بود که کارگران باید بمثابه یک طبقه با ایجاد سازمان و حزب سیاسی موجب تحول کیفی در جامعه شده و استثمار که بدلیل وجود طبقات است لغو تا سوسیالیسم قابل تحقق گردد . اما مارکس و انگلس نتوانستند باوجود اتحادیه های قدرتمند کارگری و احزاب رنگارنگ سیاسی سوسیال دموکراسی در چند کشور مهم اروپا که منجر به ایجاد انجمن بین الملل اول با شرکت بسیاری از کارگران آگاه نیز گردیده بود ، به انقلاب سوسیالیستی موفق گردند . گرچه مسایلی همچون علاقمندی اتحادیه های کارگری به مبارزات اقتصادی ، وجود گرایشات انحرافی که تشکلات کارگران را بجهت مختلف می کشاندند ، مقابله دولتهای قدرتمند اروپایی از طریق سرکوب نیز موثر بودند ، اما باید گفت که خود طبقه کارگر نیز هنوز بمثابه یک طبقه آماده مقابله با نظام سرمایه داری نبود . در زمان مارکس و لنین آزادی در حدی بود که بسیاری از احزاب سوسیال دموکراسی و اتحادیه های کارگری به فعالیت علنی می پرداختند و بستر کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی آنچنان مهیا بود که به ساخت سازمانهای نیمه مخفی و مخفی نیز روی آورده بودند . حال چگونه است برخی تلاش دارند با چسبیدن به جمله ای از مارکس ، لنین ویا دیگران بدون درک واقعیتها دو برهه از تاریخ شرایط را توجیه و کپی سازی نمایند ! چرا برخی بدون توجه به واقعیت امروزی و تنها با تکیه بر فاکتی به رد سندیکا یا تایید شورا و مجمع پرداخته و توجه نمی کنند که مهم درک ضرورت زمانه است .

مارکس و انگلس در پروسه مبارزه با گرایشات مختلف که کارگران را شقه شقه می کرد ، هیچگاه اهمیت مبارزات اقتصادی کارگران را نفی نکردند ، اما همواره تاکید داشتند که کارگران از طریق مبارزات سیاسی قادر به انقلاب هستند . آنان هیچگاه نخواستند رهبری خود را بر انجمن بین الملل اول و دیگر سازمانهای کارگری دیکته کرده و همواره تلاش داشتند تا با ارتقای دانش مبارزاتی ، انحرافات را بیان نموده و کارگران را از نتیجه تاکتیکی و استراتژی برگزیده آگاه نمایند . مارکس و انگلس همواره نقش روشنفکران انقلابی که باید از درون واقعیتها و نگاه به آرمانی که باور داشتند ، دانش مبارزاتی را تئوریزه نموده و در اختیار طبقه کارگر قرار دهند را فراموش نکردند . برای آنها دانش مبارزه طبقاتی که خود تدوین می نمودند نه برای رهبری کارگران ، بلکه برای تبدیل طبقه از بالقوه به بالفعل بکمک تئوری مفهوم داشت ، در حالیکه بخشی از سوسیال دموکراسی چه در آنزمان و چه تاکنون همواره تلاش دارد بکمک توجیه تئوری ای که دیگران تدوین نموده اند ، بر بخشی از کارگران و دیگر اقشار حکومت نمایند .

بدیهی است در حال حاضر بسیاری از تاکتیکیهای مبارزاتی که توسط مارکس و انگلس و در ادامه توسط لنین و دیگران در مبارزات روزمره اتخاذ می شد ، اکنون کاربرد ندارند ، درحالیکه اصول فلسفی مارکس همچنان دارای اعتبارند . همچنین گفته وی مبنی بر تلفیق آنتاگونیسم طبقه کارگر با دانش مبارزاتی به نفی استثمار و برقراری سوسیالیسم منجر می گردد نیز هنوز بعنوان تنها استراتژی ، معتبر است . اما مارکس باور داشت که رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان پذیر است ، مفهوم این جمله محدود به انقلاب توسط تعدادی کارگر آگاه و روشنفکر انقلابی نیست ، بلکه تحول و انقلاب زمانی صورت می گیرد که شرایط بالفعل برای بخش مهمی از طبقه ایجاد شده باشد . بحث برسر وجدان آگاه تعدادی کارگر آگاه و روشنفکر انقلابی نیست که باید حزب سیاسی کارگران را رهبری کرده و سپس آگاهانه این رهبری را به سایر کارگران انتقال دهند ، گرچه تجربه انقلابات سوسیالیستی ثابت کرده که این امر هرگز پیاده نشده است . جامعه طبقاتی شامل دو طبقه است که هر طبقه خود از اقشار گوناگون و بنوبه خود هر قشر از گروههای مختلف تشکیل شده است ، بالفعل شدن طبقه کارگر به چگونگی پراتیک کارگران آگاه و روشنفکران انقلابی بعنوان سنتز جوامع سرمایه داری در درون اقشار طبقه بستگی دارد .

با نگاهی به طبقه گسترده کارگران ایران از نظر نوع آگاهی که دارند ، بسیار روشن است که هنوز راه درازی درپیش است تا بخش کوچکی از طبقه آماده شوند تا خود را به دانش مبارزه طبقاتی مجهز نمایند . وجود تعداد

محدود کارگران آگاه و فعالین کارگری یکی از عوامل مهمی است که نیروهای امنیتی را میسر به سرکوب حرکت‌های کارگری نموده تا اعتراضات پراکنده کارگران به تشکلات مستقل منتهی نگردد. مشکلات روزمره کارگران فراوان است؛ هنوز بیشتر کارگران بدنبال یافتن کاری حتی موقت با تمکین به قرارداد سفید امضا هستند تا بتوانند چند صباحی خانواده خود را سیر نمایند، هنوز هستند خیل کارگرانی که بر سر کاری بوده اما ماهها است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. آمار دولتی از زنان کارگرزبانی صحبت می‌کند که با کمتر از نصف حداقل حقوق مصوب و حتی کمتر و بدون هیچ بیمه و مزایایی کار می‌کنند و گاهی تحت آزار جنسی نیز قرار دارند. در آستانه روز جهانی منع کار کودک آمار رسمی همچنین از ۷ میلیون کودک سخن دارد که برطبق همین قانون اساسی جمهوری اسلامی باید به آموزش رایگان پردازند. اما آنها نیز همانند زنان کارگر در خطر آزار جنسی قرار داشته و مجبورند در شرایط بسیار سختی کار کنند تا بخشی از هزینه زندگی خانواده جبران گردد. باوجود درآمد سرشار نفت، بودجه‌ای برای بیمه کردن کلیه کارگران ساختمانی تصویب نمی‌شود تا طبق آمار رسمی حداقل ۷۰۰،۰۰۰ آنها بلا تکلیف بمانند.

با وجود بیکاری فراوان، قراردادهای موقت، تصویب اضافه‌حقوقی که بسیار کمتر از تورم رسمی اعلام شده و موارد دیگر، بازهم این سرمایه‌داران بومی سیری ناپذیرند که به امکانات بیمه قانونی نیز حمله کرده و از کارگران سهم بیشتری برای بیمه‌های تکمیلی خواسته‌اند، درحالی‌که می‌بایست با همان بیمه اصلی همه امکانات پزشکی و دارویی را در اختیار بیمه شده بگذارند. هنوز بهنام ابراهیم زاده با وجود فرزند بیمار خود باید به زندان برای جرمی که نکرده برگردد، هنوز رضا شهبابی باید با گردن معیوب خود قید بیمارستان و معالجه را بزند و هنوز شاه‌رخ‌های و دیگر کارگران باید با بدترین شرایط در زندانها باشند. هنوز بی‌شمار کارگران ناآگاهی که بدلیل باور مذهبی و تبلیغات وسیع از تفکر سوسیالیسم وحشت داشته و برخی از آنها در نبود تشکلات مستقل کارگری، برای رسیدن به حداقل خواسته‌های خود تن به تشکیلات زرد کارگری می‌دهند که زیر نفوذ جناح‌های حکومت قرار داشته و تلاش دارند کارگران را حداکثر با اعتراضات محدود به وضع موجود راضی نمایند.

پس از سالها هنوز برای کارگرانی روشن نشده که فضای باز سیاسی موهوم اصلاح‌طلبی تنها به تشکیلات زرد کارگری وابسته به رفسنجانی و اصلاح‌طلبان اجازه فعالیت داده و آنها را به اتحادیه‌های بین‌المللی معرفی نموده که در ۸ سال اخیر تشکیلات وابسته به دولت و دیگر جناح‌های اصولگرا جانشین آنها گردیده‌اند؟ هنوز برای کسانی فضای باز سیاسی به اصلاح‌طلبان نسبت داده می‌شود، درحالی‌که این فضا از طرفی تحت فشار کارگران و دیگر اقشار ایجاد شده و از طرف دیگر برای تثبیت قدرت اصلاح‌طلبان در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفت. آیا خاتمی و وزیر کار منتسب پس از بهبود موقعیت جناح خود در بین قدرتهای بزرگ و سازمانهای بین‌المللی در زمینه کارگری، مطبوعات، دانشجویی، زنان، مذاهب، نژادی و غیره حاضر شدند این آزادیها را برای مخالفان نیز تامین کنند؟ آیا آنها که بطور رسمی همین مقاوله‌نامه‌های نیم‌بند را پذیرفته بودند اجازه دادند تا تشکلات مستقل کارگری پا بگیرند و اینکه در آن سالها کدام قانون ضد کارگری کار بسود کارگران تغییر یافت؟ در همان فضای بقول باز سیاسی که مسولان وزارت کار سرگرم بحثهای قلمبه و سلمبه تمدن بشری با اتحادیه‌های بین‌المللی بودند نیز سالها طول کشید تا با همت کارگران آگاه و فعالین برخی از تشکلات مستقل پا گرفت. هنوز سرکوب شدید نمایندگان کارگری توسط مسولین تشکیلات زرد و نیروهای امنیتی از خاطره‌ها محو نشده، درحالی‌که سران اصلاح‌طلب سرکوب کارگران معادن و کشتار قتل‌های زنجیره‌ای و سرکوب دانشجویان را به جناح تندرو نسبت داده و خود را در پناه ظاهرسازیه‌ها پنهان نمودند. مگر انتخابات بقول آنها آزاد در فضای باز سیاسی تنها موکول به راه یافتن اصلاح‌طلبان در مجلس و دولت نگردید و در زیر سایه همین قدرت چپاولهای منابع طبیعی صورت نگرفت، پس چرا هیچ‌گونه آزادی برای کارگران و سایر اقشار غیروابسته تحمل نگردید؟

بدلیل همین عدم وجود جنبش کارگری است که حتی برخی از فعالین بامید گرفتن امتیاز وارد درگیریهای جناحی طبقه سرمایه‌دار در زمان انتخابات می‌گردند، اما پس از تثبیت یک جناح همواره قوانین بیشتری برضد کارگران تصویب می‌گردید. متأسفانه بازهم برخی از این فعالین مدعی می‌گردند که تنها با ایجاد فضای باز است که امکان ایجاد تشکلات مستقل کارگری فراهم می‌گردد، که این فضا را معمولا به درگیری جناحی و افشاگری مسولان حکومتی نسبت بیکدیگر تلقی می‌نمایند. اما آنها توجه ندارند در تمام تغییراتی که در جناح‌های حکومت پیش آمده، نه تنها هیچ جناحی هرگز درگیری را به نقطه‌ای نمیکشاند تا حفظ نظام زیر

سوال رود ، بلکه در تمام این سالها هیچ جناحی قانونی بسود کارگران وضع نشده است . زمانیکه هنوز تعداد تشکل مستقل کارگری با فعالیت محدود درحد انگشتان دو دست است ، ساده اندیشی است که تصور گردد با حمایت جناحی می توان به امتیازاتی بسود کارگران دست یافت . قدرت تنها در مقابل قدرت بیشتر سر خم می کند و قدرت بیشتر کارگران تنها در ایجاد تشکلات مستقل بیشمار در اقشار مختلف طبقه کارگر نمود پیدا می کند . تنها در پروسه قدرت یابی طبقه کارگر و نه محدود به فعال شدن تعدادی کارگر و روشنفکر انقلابی است که کارگران قادر خواهند بود تا درگیری جناحی طبقه سرمایه دار را بسود خود بچرخانند و تا آزمان شرکت در انتخابات و درگیریهای جناحی تنها منجر به نقش سیاهی لشکر برای کارگران خواهد بود که هم اکنون تشکیلات زرد کارگری چنین نقشی را بخوبی انجام می دهند .

برای روشن شدن اینکه استفاده از فضای باز سیاسی بیشتر بسود چه کسانی بوده لازم نیست به سخنان سالهای دور که قدرت دست رفسنجانی و اصلاح طلبان بود ، برگشت و کافیسست به سخنان اخیر همان مسولان توجه نمود که چگونه تنها از گذشته ای دفاع می کنند که جز کشتار و سرکوب برای هر صدای مخالف نتیجه دیگری نداشت . تنها تغییر صدایی که در انتخابات اخیر نسبت به انتخابات گذشته بگوش می رسد ، بدلیل کثرت اعتراضات گسترده کارگران است که وادار کرده برخی از کاندیدها از بهبود زندگی کارگران در صورت انتخاب سخن گویند . اگر ولایتی و جلیلی و حداد که گوش بفرمان ولایت فقیه اند ، تنها از بهبود اقتصاد و تولید داخلی سخن می گویند ، عارف و روحانی و حتی رضایی فرمانده سابق سپاه از جبران تورم برای زندگی کارگران سخن گفته تا آرای بیشتری را جذب کنند . هر مسولی در این نظام می داند که برای هر هزینه ای باید سال پیش از آن بودجه اش مشخص گردد ، حال چگونه است که روحانی بعنوان شعار انتخاباتی مدعی است که مشکل افزایش حقوق کارگران را حل می کند ؟ مگر این وابستگان ولایت فقیه ، فرماندهان سپاه و دیگر مسولین اصولگرا و اصلاح طلب که همه منابع اقتصادی را مالک گردیده اند ، بکسی اجازه افزایش حقوق بیشتر از این حداقلها را خواهند داد ! اینجا سوال پیش می آید که بدهی بیش از ۲۰۰،۰۰۰ میلیارد تومانی دولت به بانکها در کجا هزینه شده و میلیاردها وام بانکی نصیب چه کسانی شده است ؟ وقاحت طبقه سرمایه دار بومی در حدی است که سخنگوی جبهه پایداری اعلام کرده آب و نان الویت مردم ایران نیست ، انگار که خودشان با سنگ و آجر تغذیه می کنند !

سالهاست که مسولان خانه های کارگر درحال القا هستند که اگر وامهای بانکی و رانتهای در اختیار تولید کننده ها (سرمایه داران) قرار گیرند بیکاری نیز کمتر خواهد شد ، انگار که اقتصاد یک کشور که در اختیار دولت است به اکثریت بیش از ۷۰ درصدی کارگران و سایر حقوق بگیران تعلق ندارد ! بی جهت نیست که خانه کارگر چنانچه از اسمش بر می آید بجای اینکه بفرآیند افزایش حداقل حقوق و دیگر نیازهای کارگران باشد ، همچون هر تشکیلات وابسته بفرآیند درگیری جناحی شده و حمایت از روحانی را محور فعالیت خود قرار داده است . حال باید سوال کرد کارگرانی که بدلیل نبود تشکلات مستقل قادر نیستند حتی حقوق عقب افتاده خود را بگیرند ، چگونه توانایی امتیاز گرفتن از سپاه و دیگر اصولگرایان در انتخابات را دارند که حتی صلاحیت رفسنجانی را نیز تایید نکردند ؟ آیا روشن نیست که پس از عملیات حذفی شورای نگهبان که به حقیقت نگهبان رژیم است ، نوبت تقلب آرا توسط فرماندهان سپاه برای تایید یکنفر که میان حلقه بگوشانی همچون جلیلی ، ولایتی ویا قالیباف انجام خواهد گرفت . اصولا اگر عارف ، روحانی و یا رفسنجانی و خاتمی هم انتخاب شود ، مگر چه تحولی برای کارگران صورت خواهد گرفت ؟ مارتین لوترکینگ می گوید ؛ گرفتن آزادی از مردمی که نمی خواهند برده بمانند سخت است ، اما دادن آزادی به مردمی که می خواهند برده بمانند سخت تر است !

پس از گذشت ۳ ماه از سال و با وجود گردآوری ۳۰،۰۰۰ امضا ، کارگران چگونه می خواهند شورایعالی را وادار کنند که حداقل نرخ تورم را در افزایش حقوق مورد توجه قرار دهند ، زمانیکه وزیر کار و دیگر اعضای آن به دعوت آی ال او که شعار حضور تشکل مستقل را می دهد ، به ژنو رفته اند ! نماینده کارفرماها در سه جانبه گرایی اسلامی که خود نیز رهسپار ژنو گشته ، بروشنی اعلام کرده که با وجود حضور نمایندگان کارگری (؟) و تایید شورایعالی کار ، دیگر سخن از افزایش حقوق چه مفهومی دارد ! کسی منکر استفاده از سازمانهای کارگری و حقوقی بین المللی نیست ، ولی آنها همچون مسولان دولتی و حکومتی زمانی به سخن کارگران گوش می دهند ، اگر کارگران آگاه و فعالین همه قدرت خود را برای ایجاد تشکلات مستقل بکار ببرند . در یکسال اخیر باوجود شدت سرکوب و نبود فضای سیاسی باز کارگران با اعتراضات گسترده ، تجمع در مقابل مجلس و ادارات دولتی ناراضیتی خود را از اوضاع نشان داده اند و تنها همت بیشتر کارگران آگاه و فعالین را بدور از اختلافات

گروهی برای ایجاد تشکل ، طلب می کنند .

آری چنانکه مارکس گفته ، رهایی طبقه کارگر تنها توسط خود طبقه کارگر امکان پذیر است ، اما بشرطیکه این طبقه توانایی رهایی اش را فراهم کرده باشد . نتیجه سالها همت پیشروان طبقه و برخی فعالین منجر به تعداد محدودی تشکل مستقل گشته که باوجود تحت سرکوب بودن ، باید به فعالیت گسترده تر دست زده و در این شرایط سخت زندگی کارگران ، آنها را به ایجاد تشکل مستقل فراخوانند . این تشکلات ضمن پراتیک درون طبقه باید به پالایش خود نیز پرداخته و واگذاری رهبری را با کارگرانی که اضافه می شوند ، نهادینه کنند . باید تشکلات مستقل علنی که بیشتر حول مبارزات اقتصادی شکل می گیرند به جذب کارگران بیشتری پرداخته و به آنها تفهیم کنند که جز تشکل مستقل راه دیگری برای گرفتن خواسته های خود ندارند . گرچه توسط برخی از فعالین تلاش فراوانی می گردد تا نشان دهد تشکلات مستقل موجود همچون نامهای گوناگون ازهم دیگر تفاوت کیفی دارند ، اما حقیقت آنستکه چنین نبوده و ماهیت کار بیشتر آنها مشابه است و اگر اینرا بپذیرند بسیاری از اختلافات که منجر به کاهش گسترش تشکلات گشته ، منتفی خواهند گردید . نگاهی به کارگران آگاه و فعالین کارگری این تشکلات چه در زندانها و چه در بیرون همه حاکیست که همه آنها افراد شایسته ای را به جامعه کارگری تحویل داده اند که بیشتر آنها ضد نظام سرمایه داری و خواهان استقرار سوسیالیسم می باشند .

اگر مارکس و لنین و دیگران تلاش داشتند تا کارگران را از حوزه مبارزات اقتصادی به حوزه مبارزه سیاسی بکشانند ، خاصیت دیکتاتوری صرف در کشورهای عقب مانده ، هر اعتراض اقتصادی و صنفی کارگران را در ایران به یک حرکت سیاسی تبدیل کرده است . ترس تعدادی سوسیال دموکرات گوشه نشین از مبارزات صرف اقتصادی که بی پراتیکی خود را در تبلیغات وسیع ضد نهادهای اقتصادی قرار داده اند ، در آینده با ایجاد تشکلات بیشتر خواهند دید که بچه سرعتی کارگران به مبارزات سیاسی روی خواهند آورد . گرچه اکنون نیز شعارهای سیاسی تغییر قانون کار و شعارهای ضد دولتی در کارگران کم نیست ، منتهی بدلیل زندگی سخت مبارزات اقتصادی در الویت آنها قرار دارد . در همین نهادهای علنی که کارگران خواهند ساخت و با عملی نشدن بیشتر خواسته ها و فرورفتن بیشتر بزرگ فقر ، کارگران بتدریج به ماهیت نظام طبقاتی پی برده و بتدریج درک خواهند کرد که باید به دانش مبارزاتی مسلط گردند . در این پروسه است که کارگران آموزش می یابند که چگونه رهبران بیشتری را برای ایجاد تشکلات بیشتر بسازند تا با تجاربی که از انتخابات دموکراتیکی خود بدست می آورند درک کنند که چگونه در آینده مشکل سانترالیسم حزب سیاسی خود را حل نموده و اجازه ندهند تا تجارب تلخ گذشته انقلابات سوسیالیستی تکرار گردند . بنابراین ضرورت همچنانکه بارها گفته شد ، گسترش سازماندهی اعتراضات گسترده کارگران بدون توجه به فضای باز ویا بسته سیاسی است تا امکان رهایی طبقه کارگر میسر گردد .

گروه پژوهش کارگری خرداد ۹۲

قطعنامه کنگره اتحادیه کمونال سوئد، 31 مه 2013: کارگران زندانی در ایران به حمایت بین المللی نیاز دارند!

رضا شهابی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و حومه تهران پس از مرخصی کوتاه پزشکی به زندان ننگین اوین بازگشت داده شده است. شهابی پس از اعتصاب رانندگان شرکت واحد در سال 2007 بکرات زندانی شده، مورد ضرب و جرح قرار گرفته و شکنجه شده است. ایشان در حال حاضر حبس چهار سال به اتهام "اقدام علیه دولت (امنیت ملی)" را می گذرانند. اتهام واهی به تلاش برای سازماندهی اتحادیه مستقل.

همین امر در مورد بهنام ابراهیم زاده، فعال اتحادیه ای (کارگری) و حقوق کودک، که پس از یک کمپین بین المللی اجازه یافت مدتی با پسر بیمار سرطانی اش باشد اما اکنون باید پسر بیمارش را در بستر بیماری رها کرده و به پشت میله های زندان برگردد، صدق می کند.

این ها نمونه هایی از فعالین کارگری زندانی هستند که در آستانه انتخابات رئیس جمهوری در ایران تحت محدودیت ها و اقدامات امنیتی قرار گرفته اند. این اقدامات به دلیل ترس رژیم از اعتراضات و قیام انجام می گیرد. در شرایط حاضر طبقه کارگر ایران از نظر معیشتی و بیکاری بالا بشدت تحت فشار قرار دارد.

بدین وسیله کنگره اتحادیه کمونال ضمن اعلام همبستگی با کارگران ایران خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همه فعالین کارگری و سیاسی می باشد.

اتحادیه کمونال از مبارزه کارگران و مردم ایران برای آزادی، حق تشکل و اعتصاب، و حق فعالیت آزاد بدون تهدید زندان و شکنجه و اعدام برای رفاه، برابری، عدالت و زندگی ارزشمند حمایت می کند.
ترجمه از: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سوئد
منبع: سایت اتحادیه کمونال، اخبار کنگره
www.kommunal.se

دولت حقوق کارگران را پامال می کند

به نوشته سایت کارگر ایران در 25 خرداد 92 آمده است: (بیروت) - سازمان دیده بان حقوق بشر امروز اعلام کرد دولت ایران به طور فزاینده ای حقوق کارگران را در برگزاری تجمعات و تشکل های صلح جویانه، نقض می کند. تعداد بیشماری از فعالان سندیکاهای کارگری و اتحادیه های مستقل صنفی به دلیل دفاع علنی خود از کارگران، در زندان به سر می برند. سازمان دیده بان حقوق بشر به عنوان بخشی از تلاش های مشترک گروه های ایرانی و بین المللی جهت پشتیبانی از «کمپین بین المللی حمایت از حقوق کارگران ایران»، از دولت ایران می خواهد به سرکوب خود خاتمه داده و پیشاپیش با فرا رسیدن روز جهانی کارگر، اول ماه مه، مدافعان حقوق کارگران را از زندان آزاد سازد.

گروه های مدافع حقوق کارگران می گویند که با به روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، حقوق کارگران ایرانی به صورت فزاینده ای ضایع شده است. نیروهای امنیتی ضمن ایجاد مزاحمت برای تعداد زیادی از کارگران، اعتصاب کنندگان را به شکل خودسرانه بازداشت کرده و یا به علت انگیزه های سیاسی آنها را تحت تعقیب قانونی و محاکمات غیر عادلانه قرار می دهند.

سارا لی ویتسون، رئیس بخش خاورمیانه سازمان دیده بان حقوق بشر گفت: «کارگران ایرانی در خط مقدم مبارزه برای به دست آوردن حقوقی بسیار ابتدائی از قبیل حق آزادی تجمع و انجمن قرار دارند. ایشان اغلب نخستین قربانیان سرکوب های نظام سیاسی ایران در جهت سرکوب انتقاد هستند»
سازمان دیده بان حقوق بشر معتقد است سلطه و کنترل دولت ایران بر روی تشکیل اتحادیه ها و سرکوب فعالان سندیکایی، سبب شده کارگران نتوانند هیچگونه نقشی در تأثیر بر سیاست های دولت و شرایط کارگران داشته باشند، حال آنکه بدتر شدن شرایط اقتصادی ایران، تعداد کثیری از افراد جامعه را دچار فقر مالی فزاینده کرده است.

فعالیت اتحادیه های مستقل کارگری در ایران عملاً ممنوع است. بیش از دوازده فعال کارگری به دلیل آنکه می خواهند از حق خود برای آزادی تجمع و فعالیت های سندیکایی بهره مند شوند، در زندان به سر می برند. بسیاری دیگر با سپردن وثیقه آزاد شده اند، در حالی که پرونده های ایشان در دادگاه های انقلاب در دست رسیدگی است.

اخیراً مقامات قضایی و امنیتی ایران در روز 15 آوریل 2013، رضا شهابی، یکی از رهبران اتحادیه کارگران شرکت واحد را پس از آنکه برای دریافت مراقبت های پزشکی از زندان مرخص کرده بودند، دوباره به زندان اوین در تهران فرا خواندند تا دوره حبس شش ساله خود را به اتهام «تبلیغ علیه نظام» و «اقدام علیه امنیت ملی» سپری کند. شهابی صندوقدار و عضو یک اتحادیه مستقل صنفی با عنوان «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» بود، که تاکنون بارها توسط مقامات کشور هدف قرار گرفته است.
در اوایل ماه مارس نیز، مقامات امنیتی ایران حداقل هفت فعال برجسته حقوق کارگری در سنندج را با اتهامات ساختگی موسوم به «امنیت ملی»، بازداشت کرده اند.

در ابتدای سال 2013، شورای عالی کار ایران، نهادی دولتی که مسئول ابلاغ مقررات کارگری است، برای سال آتی حداقل دستمزد را 25 درصد افزایش داد (487,000 تومان در ماه، معادل تقریباً 140 دلار آمریکا). گروهی که نماینده کارگران تهران در شورای اسلامی کار (به عنوان یک نهاد تحت حمایت دولت) هستند، و ظاهراً به جای اتحادیه های مستقل کارگری، در حمایت از حقوق کارگران عمل می کند، رسماً شکایتی را به این ارگان تحویل داده که در آن خواستار افزایش بیشتر دستمزد شده است. براساس ماده 41 قانون کار ایران مسئولان باید در تعیین حداقل دستمزد، نرخ تورم را در محاسبات خود در نظر گیرند. به گفته نهادهای رسمی، نرخ تورم نزدیک به 32 درصد برآورد شده، اما بسیاری از اقتصاد دانان معتقدند نرخ واقعی تورم ممکن است بیش از 50 درصد باشد.

قانون کار ایران حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری را که مستقل از گروه‌های تحت حمایت دولت از قبیل شورای اسلامی کار، عمل کنند، به رسمیت نمی‌شناسد. با وجود این، کارگران، اتحادیه‌های بزرگ و مستقلی مانند سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکا کارگران نیشکر هفت تپه، و اتحادیه آزاد کارگران ایران را تشکیل داده‌اند. مقامات ایران از سال 2005 تاکنون برای کارگرانی که به این اتحادیه‌ها و اتحادیه‌های مستقل صنفی دیگر وابسته بوده‌اند، ضمن ایجاد مزاحمت برای آنها و خانواده‌هایشان، کارگران معترض را احضار، بازداشت، محکوم و مجازات سنگینی برای آنها صادر کرده‌اند.

اغلب این بازداشت‌ها طی برگزاری جشن‌های روز جهانی کارگر یا اعتصاب‌هایی که اتحادیه‌ها، کارگران را به آن دعوت کرده‌اند و اغلب به دلیل عدم پرداخت چندین ماهه دستمزدهای معوقه بوده، اتفاق افتاده است. برای مثال فعالان به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفتند شرکت نورد و لوله صفا و ساوه در پایان سال شمسی، یعنی مارس 2013، پرداخت دستمزد 2300 تن از کارگران را به مدت سه ماه به تعویق انداخته است و نیز اینکه کارگران مشغول به کار در یک پروژه جاده سازی در استان کهگیلویه و بویر احمد نیز در يك وضعیت مشابه، هفت ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

فعالان حقوق کارگر اظهار می‌کنند حدود 80 درصد از کارگران براساس قراردادهای کاری موقت، کوتاه مدت یا مدت نامعلوم کار می‌کنند که شدیداً منافع آنان را تحت الشعاع قرارداده و امنیت آنها را در برابر اخراج‌های شتابزده توسط کارفرماهایشان، از بین برده است.

موقعیت به ویژه برای کارگرانی که بیش از دیگران آسیب‌پذیر هستند، حاد و بحرانی است: زنان سرپرست خانوار، کودکان کار و مهاجران افغانی. فعالان می‌گویند زنان اغلب نخستین قربانیان اخراج‌های جمعی توسط شرکت‌ها و کارخانجات هستند، که بخش عمده‌ای از این مشکلات از عدم تحمل تأمین هزینه‌های بیمه درمانی و مرخصی استحقاقی بارداری توسط کارفرمایان‌شان ناشی می‌شود. فعالان حقوق کارگر می‌گویند برخی از شرکت‌ها سعی داشته‌اند با تحت فشار قرار دادن کارگران زن برای دادن تعهد مبنی بر اینکه مادامیکه برای آن شرکت‌ها کار می‌کنند نباید باردار شوند، سعی داشته‌اند از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی کنند.

طبق خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا، علیرغم ماده 79 قانون کار ایران که به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال را ممنوع می‌کند، تعداد کودکان کارگر افزایش یافته است. بر طبق آمار منتشره مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سپتامبر 2012، بیش از 90 درصد از 3/25 میلیون کودک که از تحصیلات بازمانده اند به کارگری می‌پردازند.

به گفته فعالان حقوق کارگر، تحریم‌های اقتصادی و مالی تحمیل شده توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه ایران (به دلیل برنامه سلاح‌های اتمی که به این کشور منتسب شده است) شرایط زندگی کارگران را دشوارتر ساخته است. در طی چند سال گذشته و از زمانی که تحریم‌ها تشدید شده، بسیاری از کارخانه‌ها کارگران خود را تعدیل کرده‌اند. بر طبق آمار رسمی، در حدود 50 درصد کارگاه‌های تولیدی در ایران تولیدات خود را متوقف ساخته‌اند یا در شرف تعطیلی قرار دارند، و بسیاری از کارخانجات بزرگ نیز با حدود 30 درصد ظرفیت خود، کار می‌کنند. بر طبق اظهارات رئیس خانه کارگر، که یک نهاد دولتی است، بین ماه‌های مه 2011 و مه 2012 بیش از 100/000 کارگر شغل‌های خود را از دست داده‌اند.

تاکنون بسیاری از فعالان کارگری که به علت فعالیت‌های صلح‌طلبانه حق خود برای داشتن تجمع و تشکل‌های آرام، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و در حال حاضر در زندان به سر می‌برند. از این فعالان می‌توان به رضا شهبابی، افشین اسانلو، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، بهروز علامه‌زاده، بهروز نیکوفرد، علیرضا سعیدی، غالب حسینی، علی آزادی، پدرام نصراللهی، رسول بداقی، عبدالرضا قنبری، مهدی فراخی شاندریز، شریف ساعدپناه و مظفر صالح‌نیا اشاره کرد. افشین اسانلو بیش از سه سال است که به اتهامات واهی در زندان به سر برده و با وجود اینکه از عارضه‌های ناشی از دوران بازجویی و شکنجه در زندان‌های اوین و سنندج رنج می‌برد تاکنون به مرخصی نیامده است. افراد دیگر مانند بهنام ابراهیم‌زاده، بهزاد فرج‌اللهی، خالد حسینی، وفا قادری و خلیل کریمی در حال حاضر به دلیل مرخصی پزشکی یا سپردن وثیقه در خارج از زندان به سر می‌برند.

ماده 22 معاهده بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز ماده 8 میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حق تشکیل و پیوستن به اتحادیه‌های کارگری را مورد محافظت قرار می‌دهد. دولت ایران با وجود اینکه از امضاء کنندگان هر دوی این معاهدات به‌شمار می‌آید و یکی از اعضای سازمان جهانی کار محسوب می‌شود، تاکنون از امضاء کنوانسیون شماره 87 (کنوانسیون حق آزادی انجمن و حمایت از حق سازماندهی) و

کنوانسیون شماره 98 (کنوانسیون حق سازماندهی و مذاکره جمعی) که هر دو از معاهدات سازمان جهانی کار هستند، امتناع ورزیده است. در ضمن ایران امضاء کننده کنوانسیون کودک و نیز کنوانسیون شماره 182 سازمان بین‌المللی کار در خصوص ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک می‌باشد، هرچند هنوز کنوانسیون شماره 183 در خصوص حداقل دستمزد را تصویب نکرده است.

به اعتقاد خانم ویتسون «صرف نظر از تحریم‌ها و دیگر فشارهای اقتصادی ایران، کارگران باید از حق سازماندهی، اعتصاب، و برگزاری تحصن، و اعتراض علنی نسبت به آن دسته از سیاست‌های دولت که به نظر ایشان مضر است، برخوردار باشند. تشدید سرکوب کارگرانی که سعی دارند از حقوق خود بهره‌مند شوند، نقض آشکار تعهدات دولت ایران نسبت به مردم خود محسوب می‌شود»

عضوهای مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی: تامین اجتماعی در لرستان به کارگران ساختمانی اجازه فعالیت صنفی نمی‌دهد

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 25 خرداد 92 آمده است: عضوهای مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی در شهرستان بروجرد، با انتقاد از صدور بخشنامه‌های اخیراداره کل تامین اجتماعی استان لرستان در خصوص تخصیص بیمه به کارگران ساختمانی گفت: این بخشنامه‌ها نقش انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی را در این استان محدود کرده است.

علی یار محمدی در این باره به ایلنا گفت: به تازگی اداره کل تامین اجتماعی استان لرستان با صدور چندین بخشنامه، فعالیت انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی را در شهرستانهای بروجرد، خرم‌آباد، کوه‌دشت محدود کرده است.

او با بیان اینکه حمایت تامین اجتماعی از انجمن‌های صنفی بسیار محدود شده است، افزود: اداره کل تامین اجتماعی این استان حتی در بسیاری از جلساتی که با موضوع کارگران ساختمانی تشکیل می‌شوند به اعضای انجمن‌های صنفی بیان مشکلات کارگران ساختمانی را نمی‌دهند.

این فعال صنفی در بخش دیگری از سخنان خود درباره اهراز هویت کارگران ساختمانی برای دریافت بیمه تامین اجتماعی اظهار داشت: با رایزنی‌های صورت گرفته قرار بر این شد که در روند احراز اشتغال متقاضان بیمه‌های اجتماعی کارگران ساختمانی، انجمن‌ها نقش آفرینی کنند اما هم‌چنان موضوع مشکل سهمیه‌ها به قوت خود باقی است و هنوز تامین اجتماعی بر این موضوع نظارت دارد.

یار محمدی در خاتمه با اشاره به کاهش نظارت بازرسی تامین اجتماعی برای اهراز هویت کارگران ساختمانی افزود: امروزه بسیاری از کسانی که در مشاغل غیر ساختمانی فعالیت دارند توانسته‌اند با استفاده از سهمیه بیمه‌ای که برای کارگران ساختمانی در نظر گرفته شده است خود را بیمه کنند.

پایان پیام

بهنام ابراهیم زاده را آزاد کنید

برپایه خبررسیده در تاریخ 25 خرداد 92 آمده است: بهنام ابراهیم زاده کارگر و عضو کمیته پیگیری که 3 سال پیش دستگیر و به اتهام‌های واهی 5 سال حکم زندان گرفت. که در یکسال اخیر متأسفانه تنها فرزندش نیما به بیماری سرطان دچار شده است با نامه مسولین بیمارستان خواهان ملاقات و مرخصی بهنام را کرده بودند. زندان موافقت و با قید و صیغه به مرخصی آمده بود. در هفته اخیر به زندان بازگردانده شد. با توجه به بیماری تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده لازم و ضروری است که وی در کنار فرزند بیمارش باشد و این حضور پدر در کنار فرزند بیمار نه تنها لازم و ضروری است بلکه جهت تهیه هزینه‌های بیماریش و تهیه داروهای لازم حضور و در بیرون زندان امری اجتناب ناپذیر است. ما اعضای کمیته پیگیری و هم‌چنین خانواده اش و همکارانش از دولت می‌خواهیم که این زندانی را فوری و بدون قید و شرط آزاد کند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری

25/3/92

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

اطلاعیه شماره 54- شرایط جسمی بسیار وخیم رضا شهابی در زندان اوین!

هفته گذشته فشار درد کمر رضا شهابی که به پای چپ اش سرایت کرده بود باعث شد تا او را در درمانگاه زندان اوین بستری کنند؛ اما به دلیل نبود امکانات پزشکی، بهداشتی و تغذیه‌ی مناسب و همچنین برخورد نامناسب و توهین آمیز مسئول بهداری و پزشک بهداری زندان اوین، با درخواست شخصی مجدداً به زندان منتقل شد. در حال حاضر رضا شهابی در شرایط بسیار بدی به سر می‌برد و تنها با کمک هم اتاقی‌هایش قادر به کمترین جابجایی است. درد کمر و پای چپ رضا تنها با تزریق آمپول مورفین، کورتون و مسکن‌های دیگر ساکت می‌شود و امان این کارگر زندانی را بریده است.

مسئولان زندان به بهانه‌ی شرایط انتخابات از انتقال رضا به بیرون از زندان جهت انجام ام.آر.آی هم سرباز زده‌اند و این کارگر زندانی را متهم به بزرگ‌نمایی و اغراق در وضعیت وخیمی می‌کنند که خودشان بر سر او آورده‌اند!

کمیته‌ی دفاع از رضا شهابی باز هم اعلام می‌کند که بنا بر اعلام پزشکان معالج رضا وضعیت جسمی او به گونه‌ای است که به هیچ وجه توان تحمل زندان را ندارد و باید به سرعت از زندان آزاد شود. این کمیته مسئولان قضایی و امنیتی را، که علیرغم دستور اکید پزشکان معالج رضا را در شرایط نامناسب و بعد از عمل جراحی حساس به زندان منتقل کردند، مسئول شرایط بسیار وخیم وی می‌داند و از تمامی تشکل‌ها و فعالان کارگری ایران و جهان می‌خواهد که اکنون نیز مانند دفعات پیش به هر شکل ممکن اعتراض خود را به تداوم حبس این کارگر زندانی و عضو هیئت مدیره‌ی سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام کنند.

کمیته‌ی دفاع از رضا شهابی - 26 خرداد 1392

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

يك فعال صنفی کارگران دریایی: وزارت کار، طبقه بندی مشاغل در کشتیرانی جمهوری اسلامی را منتفی کرد

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 25 خرداد 92 آمده است: عضو انجمن صنفی کارگران دریایی شرکت جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس از نامه‌ی «اسماعیل ظریفی آزاد» مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت کار که در آن نسبت به خصوصی یا دولتی بودن شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی استعلام شده است انتقاد کرد.

«غلامرضا زنگی اهرمی» در این باره به ایلنا گفت: استعلام درباره‌ی خصوصی یا دولتی بودن شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی با دستور قبلی آقای ظریفی آزاد مبنی بر لزوم اقدام موثر این شرکت برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بر اساس ماده 50 قانون کار در تناقض است.

وی ادامه داد: این استعلام برای به تعویق انداختن اجرای طرح طبقه بندی مشاغل صورت گرفته است.

مدیرکل روابط کار و جبران خدمت وزارت کار در 24 فروردین ماه سال 92 با ارسال نامه ای به آقای « نقوی»، معاون پشتیبانی و سرمایه انسانی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران اعلام کرده بود که در صورت عدم اقدام موثر این شرکت برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اقدامات لازم را بر اساس ماده 50 قانون کار به عمل می آورد.

حداکثر مهلتی که مطابق این نامه برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل به شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی داده شده تا تاریخ 10 اردیبهشت ماه سال جاری بوده است.

اما با گذشت مهلت قانونی و عدم اقدام موثر از جانب شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، مشاور وزیر و مدیر کل دفتر مدیریت عملکرد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نامه ای به آقای ظریفی آزاد خواسته است تا اقدامات لازم در ارتباط با ماده 50 قانون کار در خصوص شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی انجام شود.

گفتنی است کارگران شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مدتهاست خواستار اجرای طرح طبقه بندی مشاغل هستند. این شرکت مطابق سیاست‌های ابلاغی اصل 44 قانون اساسی از سال 78 به بخش غیر دولتی واگذار و تا کنون طرح طبقه بندی مشاغل قانون کار در مورد آن اجرا نشده است.

پایان پیام

کاهش 5 درصدی سهم کشاورزی از اشتغال در 16 سال

برپایه نوشته روزنامه دولتی بهار آمده است: گزارش‌های مرکز آمار از خالی شدن زمین‌های کشاورزی و اضافه شدن نیروی کار به بخش خدمات حکایت می‌کند. بر اساس گزارشی که این مرکز چندی پیش اعلام کرد اما چندان به آن پرداخته نشد، از سال 76 تا 91، سهم بخش کشاورزی در اشتغالزایی کشور از 2/25 درصد به 9/18 درصد کاهش یافته است. این روند نزولی در هشت ساله دولت اصلاحات یعنی طی سالهای 76 تا 84 تنها 5/0 درصد کاهش داشت، این نرخ که در سال 76 معادل 2/25 درصد بود در سال 84 به 7/24 درصد کاهش یافت و از آن سال به بعد شدت گرفت، در دو دولت محمود احمدی‌نژاد کاهش 5/8 درصدی را تجربه کرد، در سال 91 به 18/9 درصد رسید و نشانی شد بر تسریع روند خالی شدن زمین‌های کشاورزی از حضور جوانان کشاورز. این در حالی است که در این 16 سال، سهم بخش خدمات در اشتغال کشور رشدی 4/3 درصدی را تجربه کرده است. به نظر می‌رسد عدم حمایت از بخش‌های تولیدی دلیل قانع کننده‌ای برای کوچ کشاورزان از زمین‌های کشاورزی و فعالیتهای تولیدی باشد، هرچند که از این کاهش سهم 8/5 درصدی یا به عبارتی شش درصدی بخش کشاورزی، بخشی هم سهم صنعت شده است و این بخش نیز رشد دودرصدی را تجربه می‌کند، اما رشد 3/4 درصدی سهم خدمات گویای توفیق اندک بخش‌های تولیدی از حمایت‌های لازم و سودی است که باید نصیب فعالانش کند تا جذب شوند و به ادامه راه امیدوار. در سالهای گذشته، تسهیلات بسیاری برای اشتغالزایی پرداخت شد، طرحهایی همچون خوداشتغالی، بنگاههای زودبازده و مشاغل خانگی، از جمله طرحهایی بودند که دولتی‌ها برای اشتغالزایی و کاهش نرخ بیکاری به اجر درآوردند و بخش عمده‌ای از تسهیلاتی که می‌توانست صرف ایجاد اشتغال پایدار شود، صرف ایجاد اشتغالی شد که به گفته فعالان اقتصادی به بیراهه رفت و سر از بازارهای واسطه‌ای برای سوددهی درآورد. از همان ابتدا کارشناسان اقتصادی با پرداخت این تسهیلات مخالفت کرده و اعلام کردند که پرداخت این تسهیلات، شغل تولیدی که می‌تواند پایدار باشد را رقم نخواهد زد و در نهایت این تسهیلات صرف اشتغال در بخش خدمات می‌شود. هرچند که بعضی انتقادات را گسترده‌تر کردند و گفتند این تسهیلات چندمیلیونی خرج خرید طلا و لوازم خانه یا راه‌اندازی آرایشگاه شده است و بیکاران را به بیکاران بدهکار تبدیل می‌کند، اما این طرحها و در نهایت پرداخت این تسهیلات ادامه‌دار شد، از طرحی به طرح نسبتاً مشابه دیگری رسید و نه تنها مشکل بیکاری را حل نکرد بلکه بسیاری را به ورود به بخش خدمات تشویق کرد. طرح مشاغل خانگی که می‌تواند مصداقی از مشاغل خدماتی باشد، آخرین طرح اشتغالزایی دولت محمود احمدی‌نژاد بود که به نظر می‌رسد در نهایت باز هم به افزایش سهم بخش خدمات در

اشتغالزایی منجر شود. به گزارش ایسنا، در انجام بررسیهای نیروی کار و سهم اشتغال بخش‌های مختلف، فعالیت اصلی محل کار افراد شاغل بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی به سه گروه کشاورزی، صنعت و خدمات تقسیم‌بندی می‌شود که بر این اساس کشاورزی کمترین و خدمات بیشترین تأثیر را در ایجاد شغل در کشور در سال‌های گذشته داشته‌اند. با وجود اینکه بیش از 25 درصد شاغلان کشور در سال 76 در بخش کشاورزی مشغول فعالیت در بخش زراعت، باغداری، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهیگیری بوده‌اند اما امروزه و تا پایان سال 91 اشتغال در این بخش به 9/18 درصد کاهش یافته است. بر این اساس با توجه به در پیش گرفتن روندی نزولی ایجاد اشتغال در کشاورزی از 16 سال گذشته تاکنون، نزدیک به هفت درصد از شاغلان در این بخش کاسته و بر بیکاران آن افزوده شده است.

این در حالی است که سال 76 با اختصاص بیش از 27 درصد اشتغال بیشترین حد را در بخش کشاورزی در این سالها داشته است.

همچنین آمار و ارقام بیانگر آن است که از سال 84 تاکنون بیش از پنج درصد از فعالان در کشاورزی بیکار شده‌اند به گونه‌ای که در این سال نزدیک به

5/24 درصد از شاغلان کشور در این بخش بوده‌اند اما اکنون و تا پایان سال 91 کمتر از 19 درصد اشتغال در کشاورزی وجود دارد.

اشتغالزایی نامحسوس بخش صنعت

سال 91 دوره‌ای است که صنعت بیشترین تأثیر خود را در ایجاد اشتغال در 16 سال گذشته داشته به طوری که حدود 6/33 درصد شاغلان کشور در معدن، صنعت، ساختمان، تأمین آب و برق و گاز مشغول به کار بوده‌اند. اما صنعت کشور همواره آماری بین 29 تا 32 درصد از شاغلان کشور را پوشش داده و تنها در دو سال اخیر به کمی بیشتر از 33 درصد نیز افزایش یافته است. با وجود کاهش اشتغال در بخش کشاورزی و ثبات نسبی در اشتغالزایی صنعتی در کشور بخش خدمات بار اصلی اشتغال کشور را بر دوش می‌کشد.

بنابراین گزارش بیش از 48 درصد نیروی کار کشور در بخش‌های خدماتی شامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری، موتوسیکلت و کالاهای شخصی و خانگی، هتل و رستوران، حمل‌ونقل، انبارداری، ارتباطات، واسطه‌گریهای مالی، مستغلات، اجاره و فعالیت‌های کسب و کار، آموزش، بهداشت و مددکاری اجتماعی، سازمانها و هیأت‌های برون‌مرزی، دفاتر و ادارات مرکزی، خانوارهای معمولی دارای مستخدم، اداره امور عمومی، دفاع و تأمین اجتماعی مشغول به کارند.

همچنین سهم 2/43 درصدی در سال 76 و 5/47 درصدی خدمات در سال 91 از اشتغال کشور بیانگر افزایش بیش از پنج درصدی ایجاد شغل در این بخش طی این سالهاست.

امید است دولت آینده بخش‌های تولیدی را برای رشد هرچه بیشتر ارزش افزوده دریابد و بخش خدمات تنها محور اشتغالزایی کشور نباشد.

سرمایه‌داری و تناقض کار کودک

فریبرز رییس‌دانا

نظام سرمایه‌داری تناقض‌های عجیب و حل‌ناشدنی‌ای دارد. شماری از آنها جهان شمول‌اند و شماری به کشورهای مختلف در رده‌های مختلف توسعه، گروه‌های فرهنگی و مناطق اجتماعی تعلق دارند. یکی از این تناقض‌ها حضور زنان در بازار کار است. سرمایه‌داری بی‌تردید نسبت به نظام‌های پیشین در خود امکانات بیشتری برای آزادی و فعالیت زنان دارد زیرا به نیروی کار مزدوری وابستگی اساسی دارد و ضمناً در فضای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که با آن عجین است، واکنش دیالکتیکی مبارزه‌ی زنان برای رهایی واقعی شکل می‌گیرد. این تناقض به این صورت بروز می‌کند که وقتی زنان به زبان اقتصاد بورژوازی که در این جا زبانی ناگزیر است، به «بازار کار» وارد می‌شوند با افزودن بر عرضه‌ی نیروی کار موجب کاهش دستمزد پولی می‌شوند. اگر وارد این بازار نشوند با روال دگرگونی تاریخی جامعه ناسازگاری کرده‌اند. این به جای خود اما فشار هزینه‌های زندگی و ضرورت یافتن شماری از کالاها و خدمات مصرف و نیازهای رفاهی و خدماتی آموزشی و بهداشتی که اقتصاد سرمایه‌داری با کالایی کردن همه چیز آن را از مردم دریغ می‌دارد، موجب

می‌شود که زنان راهی بازار کار شوند و با شرایط نامناسب‌تر مربوط به دستمزد ساعات کار محیط کار و شرایط اجتماعی فرهنگی آن ناگزیر کنار بیایند. به این ترتیب آن‌ها از حیث فردی منافع خود را در می‌یابند اما از حیث جمعی آن را تخریب می‌کنند. چه بسا بر اثر کار زنان هزینه‌های ناخواسته‌ی تحمیل شده به خانواده مانند هزینه‌های نگهداری کودک، درمان بیماری‌ها، هزینه‌های کمک خانه‌دار برای شست‌وشو و خدمات خانه، هزینه‌های ناشی از بی‌توجهی به امور منزل بخش قابل‌توجهی از دریافت زنان را به خود اختصاص می‌دهد. راه‌حل این تناقض سهیم شدن به ستم ناشی از تناقض سرمایه‌داری یا دل دادن به قواعد و مقررات و سوخت و ساز بازار نیست. راه حل روی گرداندن از حضور اجتماعی زنان نیز نیست. راه‌حل نهایی در تدبیرجویی‌های سطحی رایج هر چند آثار مثبتی از حیث «اقتصاد خانواده» - که از مقوله‌های اقتصاد خرد و بورژوازی است - بتوان در آن یافت، نیز نهفته نیست. راه‌حل واقعی عمل‌گرایانه به‌رغم هر انتخاب مناسب در صحنه‌های زندگی، در مبارزه علیه نظامی است که یا ستم می‌آفریند یا تناقض. راه‌حل مبارزه‌ی رهایی‌جویانه‌ی زنان در متن مبارزات دموکراتیک و طبقاتی است.

اگر می‌توانیم با زنان در جامعه این‌گونه سخن بگوییم، با کودکان نمی‌توانیم. در اینجا سرشت تناقض‌آمیز برای کودکان قربانی شده در نظام سرمایه‌داری ابعادی هولناک به خود می‌گیرد. کودکان وقتی کار می‌کنند، حتی اگر کارشان توأم با تکدی‌گری و جلب ترحم کمتر موفق در این شهرهای بی‌ترحم باشد، درآمدی به دست می‌آورند. بخشی از این درآمد به جیب مراقب‌ها و سرگروه‌های سازمان‌دهی کودکان خیابان و بی‌پناه می‌رود؛ اما بخشی از آن برای زنده ماندن و رفع گرسنگی شکمی و احیانا کفش و لباس و اسباب‌بازی محقرانه او به کار می‌رود. در میان حدود 700 هزار کودک کار و خیابان تمام‌وقت و نیمه‌وقت در ایران البته سهم مهمی نیز مرکب از کودکانی‌اند که باید حاصل کار خود را به کمک به معیشت خانواده‌ی خود اختصاص دهند. بعضی از آن‌ها واقعا سرپرست خانواده‌اند. من آمار دقیق و برآوردهای آماری خود را در این مورد گم کرده‌ام، اما شمار آنان قابل‌توجه است. آن‌ها از پدر و مادر یا خواهر و برادر سالمند، از کار افتاده، معلول یا معتاد خود نگهداری می‌کنند. آن‌ها راهی جز این کار ندارند: «به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد.»

بدیختی نهفته در تناقض از همین جا ناشی می‌شود. این کودکان، این «گنجشکان خیابان» به واقع قربانی هیچ چیز نیستند مگر هم‌دستی ستم سرمایه و بی‌اعتقادی دولت‌ها به فعالیت‌های رفاهی و خدماتی بی‌بازده اما انسانی؛ اما نه دولت و نه سرمایه‌داری‌ای که به نوبت از پشتیبانی و شرکت این و آن دولت بهره‌مند می‌شود، حاضر نیستند نتایجی ناشی از حیات اقتصادی خود را که منجر به تولید و ثروت‌اندوزی بر مبنای کار کودکان شده است، برعهده گیرند. اکثر آن‌ها وجود چنین پرنده‌های بی‌بال و پر معصوم را انکار می‌کنند. بارها شنیده‌اید که می‌گویند: «متکدیان هر یک چند خانه دارند طلا و جواهر جمع می‌کنند»، «کودکان ریاکارند و پول‌های زیادی را به اتفاق سردسته‌ها یا پدر و مادر واقعی یا ناواقعی‌شان به جیب می‌زنن»، این حرف‌ها فقط گمراه‌کننده نیستند، بلکه بی‌شرمانه‌اند. حتی اگر بتوانند چند موردی هم متکدی موفق را نشانه کنند.

تناقض وقتی ظاهر می‌شود که بازداشتن کودکان از کار کردن، چنان که روز لغو کار کودک تبلور انسانی آن است، به منزله‌ی بیچاره کردن اعضای نیازمند خانواده است؛ اما اجازه دادن به کار کودکان (این‌که کودک را زیر 15 سال، یا زیر 18 سال می‌گیریم؟ بستگی به شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دارد) یعنی اجازه دادن به رواج ناانسان‌گرایی روابط ناسالم، خطرهای جنسی و جسمی و روحی برای کودکان و چشم بستن به روش‌های سنگدلانه‌ی سوداندوزی سرمایه‌داری. در ایران کارگاه‌های زیادی هستند که از کار سازمان یافته‌ی کودکان استفاده می‌کنند که شامل قالی‌بافی، رنگ‌رزی، صنایع دستی، جوراب‌بافی، نجاری، آجرپزی، نانوایی، ساختمان‌سازی، کار در مزرعه و باغ و نگهداری حیوانات و جز آن می‌شود. همه‌ی آن‌ها سنگدلانه‌اند، اما لزوماً مبتنی بر کار مزدوری کودکان توسط سرمایه‌داران نیستند، چه بسا کودکان در کنار والدینشان کار می‌کنند؛ اما این ستم سرمایه‌داری در شکل توسعه‌ی ناموزون آن است که به هر حال بر همه‌ی شکل‌های کار، حتی شکل‌های سنتی و خانوادگی آن، سایه‌ی شوم خود را می‌اندازد.

ورود کودکان به بازار کار به ویژه بازاری که به دست‌های ظریف و ظرفیت‌پذیری محدود آنان نیاز دارد به هر حال بنا به قانون ستمگرانه‌ی بازار عرضه و تقاضا، موجب افت دستمزدهای پولی می‌شود؛ اما عدم ورود آنان به این بازار خانواده‌ها را بیچاره می‌کند. در جهان 270 میلیون کودک کار وجود دارند هم سرمایه‌داری و هم خرده فرهنگ‌های به جا مانده از دوران پیش‌سرمایه‌داری و هم خانواده‌های قربانی شده به کار اینان نیاز دارند. اگر از زنان می‌توانیم بخواهیم به جای این در و آن در زدن و تسلیم شدن و خود را پایین دیدن باید به‌رغم دل دادن به

واقعیت معیشتی علیه نظام سیاسی و اقتصادی متحد شوند و وجدان جمعی خود را تحکیم بخشند، این را از کودکان نمی‌توانیم بخواهیم. آن‌ها نیاز به شنیدن موعظه‌های ما ندارند. بیشتر از موعظه لازم دارند از سر و کولمان بالا بروند و بازی کنند. حتی زنان نیز به تنهایی نمی‌توانند پندهای روشنفکرانه و فیلسوف‌مآب را بشنوند و عمل کنند. آن‌ها در حصار تحجر و تعصب و خرافه، زور و سرکوب و نیرنگ گیر افتاده‌اند. وضع کودکان که روشن است. همه‌ی آن‌ها به ویژه گنجشگان خیابان نیاز به یاری عملی ما دارند. تدوین نظریه‌ها بر مبنای تجربه و نظریه و برای آزمون شدن در عرصه‌ی خیابان، در حوزه‌های مسایل کودک، خود بخشی از پراکسیس است.

۲۶ خرداد ۱۳۹۲

کانون مدافعان حقوق کارگر

http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2013/06/blog-post_16.html

ایان خرداد هم فرارسید / کارگران بازنشسته هنوز منتظر افزایش مستمری هستند

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 26 خرداد 92 آمده است: عضو هیئت مدیره اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور با انتقاد از بی‌توجهی کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی به معیشت کارگران بازنشسته از تاخیر سه ماهه‌ای که در پرداخت افزایش مستمری‌های این کارگران ایجاد شده است انتقاد کرد. سهراب قنبری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی پیشتر وعده داده بود که تا پایان خردادماه مابه‌التفاوت مستمری کارگران بازنشسته پرداخت می‌شود. وی افزود: با وجود فرارسیدن ایام آخر خرداد هنوز مابه‌التفاوت مربوط به افزایش مستمری‌های سال 92 به کارگران بازنشسته پرداخت نشده است. او با بیان اینکه در حال حاضر بازنشستگان از وضعیت فعلی خود گله‌مند هستند، افزود: به نظر می‌رسد پرداخت مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگان به ماه‌های بعد موکول خواهد شد چرا که بانک‌ها به عنوان متولی پرداخت حقوق، طبق مقررات خود بعد از بیست و پنجم هر ماه دیگر هیچ گونه محاسباتی برای پرداخت حقوق ندارند.

دبیر خانه کارگر غرب تهران با بیان اینکه در شرایط اقتصادی کنونی بازنشستگان نگران تامین معاش خانواده خود هستند، افزود: دادن وعده‌های غیرواقعی در خصوص پرداخت مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی اجحاف به حقوق آنان است.

این فعال کارگری در ادامه با تأکید بر اینکه کانون عالی باید پاسخگو حقوق از دست رفته بازنشستگان خود باشد، گفت: بسیاری از بازنشستگان معتقد هستند که به دلیل ضعف عملکرد مسئولان کانون عالی بازنشستگان باید خود برای پیگیری حقوق خود چاره‌اندیشی کنند.

قنبری در خاتمه با بیان اینکه هیچگاه بازنشستگان به مستمری واقعی خود دست پیدا نکرده‌اند اظهار داشت: دولت باید با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشور که امرار معاش همه اقشار جامعه بویژه بازنشستگان را تحت شعاع قرار داده است برنامه ریزی مدونی را ترتیب می‌داد تا اقشار آسیب پذیر صدمات کمتری را متحمل می‌شدند.

پایان پیام

محاكمه‌ی وفا قادری فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی

به نوشته کمیته هماهنگی ... در تاریخ 26 خرداد 92 آمده است: به گزارش رسیده امروز یکشنبه 92/3/26 «وفا قادری» فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، در شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب سنندج حضور یافت و محاکمه شد. لازم به ذکر است که «وفا قادری» در تاریخ 91/12/17 توسط نیروهای اداره‌ی اطلاعات دستگیر و پس از یک ماه با قرار وثیقه‌ی 50 میلیون تومانی آزاد شده بود.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن محاکمه‌ی وفا قادری، خواهان رفع اتهام از وی و همچنین آزادی سایر کارگران و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

بندرعباس فعالترین شهر برای زباله های بازیافتی در خیابان

برپایه خبررسیده آمده است: طی دو هفته اخیر و بعد از شروع نصب تراکت و پلاکارد و پوستره‌های تبلیغاتی فضای شهر و خیابانهای شهر بندرعباس به کلی دگرگون شده و مردم و جوانان مستمراً به پاره کردن پوسترها و پلاکاردهای تبلیغاتی نصب شده بر درو دیوار شهر اقدام میکنند و داخل خیابانها مملو از کاغذ های تبلیغاتی است. بطور خاص افرادی که برای مواد بازیافتی بر سر زباله ها در خارج شهر اقدام میکردند، هم اکنون در داخل شهر به جمع آوری کاغذها و مواد تبلیغاتی کاندیداهای انتخابات پرداخته اند و مردم به تمسخر میگویند که فقط بازار کارگران جمع آوری زباله بازیافتی رونق گرفته است

رئیس انجمن صنفی جوشکاران و اسکلت سازان استان تهران: کارفرمایان عامل حوادث مشاغل ساختمانی را بی احتیاطی کارگر معرفی می‌کنند

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 26 خرداد 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی جوشکاران و اسکلت سازان استان تهران از عدم رسیدگی مناسب به کارگران ساختمانی از کار افتاده انتقاد کرد.

«مراد حسین مرادی» در این باره به ایلنا گفت: کارگران اسکلت سازی به طور دائمی در معرض حوادث شغلی قرار دارند. برق زدگی، دیسک کمر، سقوط از ارتفاع و... بخشی از خطرات اسکلت سازی است اما به کارگران ساختمانی که دچار حادثه شغلی می‌شوند رسیدگی مناسبی صورت نمی‌گیرد.

وی ادامه داد: اگر برای کارگری در حین کار حادثه‌ای اتفاق بیافتد، کارفرما، مهندس ناظر و پیمانکار سعی می‌کنند تا آن را به بی احتیاطی کارگر مرتبط کنند.

این فعال کارگری در ادامه به چند نمونه از حوادثی که برای کارگران اسکلت سازی رخ داده است اشاره کرد که یادگاری که برای آنها تشکیل شده علیه آنان حکم داده است.

رئیس انجمن صنفی جوشکاران و اسکلت سازان استان تهران در پایان با اشاره به کارگرانی که بعد از گذشت بیش از ۲ سال از دریافت کارت مهارت، هنوز بیمه نشده‌اند نسبت به کندی روند بیمه شدن کارگران ساختمانی انتقاد کرد.

پایان پیام

پیام سندیکای س.ژ.ت برای تجمع همبستگی با کارگران ایران در ژنو روز 13 ژوئن

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است: امسال هم، یک بار دیگر به مناسبت صدودومین اجلاس سالیانه سازمان جهانی کار، س.ژ.ت مراتب ناراضیتی و نگرانی عمیق خود را نسبت به نقض مکرر آزاد یهای سندیکایی و هم چنین سرکوب دائمی تشکل های مستقل سندیکائی توسط رژیم ایران، ابراز می دارد. س.ژ.ت رفتار مقامات ایرانی را برای خفه کردن فعالیتهای مستقل اتحادیه های کارگری با سوء استفاده از قدرت دولتی، با قاطعیت محکوم می کند. ضروری است که هر چه سریعتر برای حمایت از 30 میلیون کارگر ایرانی بطور موثر تلاش کنیم. تبعیض مذهبی و یا تبعیض جنسی نسبت به زنان که گاهی پنجاه درصد از

حداقل حقوق را به آنان می پردازند تنها یک نمونه دردناک از وضعیت اسفبار کارگران است که ما را نگران می کند.

از سالها قبل س.ژ.ت برای حمایت از کارگران اقدام کرده و امروز نیز تا زمانی که ضروری باشد از حمایت خود دست بر نخواهد داشتند. در اوایل سال جاری محمود صالحی به پنجامین کنگره س.ژ.ت دعوت شده بود و در نشست با حضور 1000 نماینده کارگری، سخنرانی کرد. لحظه بسیار با شکوهی بود. س.ژ.ت مجدداً همبستگی کامل خود را نسبت به کارگران ابراز داشته و به فعالین کارگری از جمله رضا شهابی و شاهرخ زمانی که هم اکنون در زندان هستند، ادای احترام می کند، هم چنین به کارگرانی که به خاطر فعالیتهاى سندیکایی از کار اخراج شده اند، نیز ادای احترام می کند.

زنده باد همبستگی بین المللی

ژنو 13 ژوئن 2013

ترجمه و تکثیر:

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران- فرانسه
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران- پاریس

مسئول کانون شوراهای اسلامی کار گیلان: قراردادهای یکسویه، کارگران را وادار به سکوت کرده است

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 26 خرداد 92 آمده است: اسلامی کار استان گیلان گفت: نیمی از کارفرمایان این استان با سوء استفاده از وضعیت نامناسب تولید از پرداخت مطالبات قانونی کارگران خودداری می کنند و کارگران نیز به دلیل این شرایط اقتصادی قدرت ایستادن در مقابل آنان را ندارند.

فلاحتی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر به دلیل تورم اقتصادی و تاثیر تحریم های اقتصادی بر واردات مواد اولیه، عموم واحدهای تولیدی این استان با مشکلاتی مواجه اند. وی افزود: نتیجه این وضعیت افت بهره‌وری، کاهش تولید، تعدیل نیرو، پایین آمدن درآمد و قدرت خرید کارگران بوده است.

این مقام کارگری افزود: در این میان برخی کارفرمایان با سوء استفاده از موقعیت پیش آمده به عمد از اجرای قانون سرباز می زنند.

به گفته مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان این گروه از کارفرمایان بیشتر در محاسبه مزد و ساعات کار، کارگران خود مرتکب تخلف می شوند اما حق بیمه آنها را طبق لیست بطور کامل به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می کنند.

فلاحتی افزود: بطور دقیق نمی توان گفت که کارفرمایان مختلف از پرداخت کدام يك از حقوق نقدی کارگران خود طفره می روند اما واضح و مشخص است که دریافتی کارگران آنها به مراتب کمتر از حقوق يك کارگر عادی و معمولی است.

به گفته فلاحتی کارگرانی که از حقوق آنها کاسته می شود، واقعیت را می دانند اما از یکسو به دلیل شرایط اقتصادی و از سوی دیگر به دلیل شرایط یکسویه قرار داد کار، وضعیت را با سکوت تحمل می کنند.

پایان پیام

یک میلیون نفر از پرسنل و کارگران ایران خود رو رد سراسر ایران در انتظار اخراج اجباری

برپایه خبر رسیده آمده است: مجموعه پرسنل و کارگران و کارکنان ایران خودرو در سراسر ایران نزدیک به 8 میلیون نفر هستند که بنابه اخبار رسیده بدلیل ورشکستگی صنعت خودرو سازی، قرار است که در اوایل تیرماه از بین کارکنان و کارمندان و کارگران ایران خودرو در سراسر ایران يك میلیون نفر اخراج بشوند.

آخرین گزارش از وضعیت بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری و مدافع حقوق کودک

بعد از اینکه پزشک قانونی در روز یکشنبه پنجم خرداد در بیمارستان محک با فرزند کارگر معترض بهنام ابراهیم زاده دیدار کرد، وی را مورد معاینه قرار داد. پزشک قانونی پس از معاینه تایید کرد که بهنام باید در کنار فرزند بیمارش بماند. اما در تائیده پزشک قانونی به مقامات دادستانی تاریخ معینی مشخص ذکر نشده است. تنها به این مساله اشاره شده که نیما ابراهیم زاده در بیمارستان محک بستری است و تحت درمان و شیمی درمانی قرار دارد و حال عمومی نیما خوب نیست. حالت تهوع و تشنج دارد و از خوردن و آشامیدن نیز خوداری می کند و ضروری است که بهنام در کنار فرزند بیمارش بماند.

از این رو بهنام امروز به دادستانی مراجعه کرد و از نزدیک با دادیار ناظر بر زندان، آقای خدابخشی دیدار کرد و گزارشی از وضعیت خود و فرزند بیمارش را در اختیار دادیار زندان قرار داد. بهنام به خدا بخشی یاد آور شد که وضعیت فرزندم وخیم است و مسئولیت این وضعیت و موقیعت جسمی خودم تماما با شما و دستگاه امنیتی است. این شما و دستگاه امنیتی بوده اید که این وضعیت را به من و فرزندم تحمیل کرده اید. بهنام ابراهیم زاده بر ضرورت فوری روشن شدن وضعیت مرخصی اش تاکید کرد. تاکید کرد که در صورت مشخص شدن مساله مرخصی چون منبع درآمدی ندارد باید به سر کار برود و در کنار آن به وضعیت پزشکی خود هم که از آرتروز گردن و درد گوش رنج می برد، برسد. خدابخشی در پاسخ گفت که فعلا چند روزی دست نگهدارید تا جواب قطعی از شخص دادستان ارسال شود. بعد به دنبال کارهای پزشکی خودتان بروید، چرا که هر آن امکان دارد شما به زندان برگردانده شوید، پس مراقب باشید و کمتر با رسانه ها مصاحبه انجام دهید.

این فعال کارگری از همه انسانهای آزادیخواه و وجدانهای بیدار میخواهد که از این خواست حمایت کنند. او میخواهد در این دوران سخت و دردناک در کنار فرزندش در بیمارستان باشد. او میخواهد فرزندش گرمای وجود پدر و خانواده اش را در کنار خود حس کند. آیا این خواست زیادی است

پیمانکاران مناقصه شرکت رجا را تحریم کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 26 خرداد 92 آمده است: یک فعال صنفی کارگران راه آهن از تحریم هماهنگ مناقصه شرکت رجا توسط شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی خبر داد.

این فعال صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران که نخواست نامش فاش شود در این باره به ایلنا گفت: این مناقصه که قرار بود در تاریخ ۲۲ خرداد برگزار شود و متن قرارداد آن به سود کارگران تنظیم شده بود با تحریم همه جانبه شرکت های پیمانکاری نیروی انسانی مواجه شد.

به گفته این فعال کارگری، در صورت انجام مناقصه مذکور به مزد هر یک از کارگران اداره مولد بخار استان تهران ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تومان اضافه می شد.

او با اشاره به تمدید قراردادهای کارگران پیمانی شرکت رجا تا آخر تیر ماه سال جاری اظهار داشت: در صورت به تعویق افتادن دوباره مناقصه، قرارداد سابق کارگران تا دو ماه دیگر تمدید می شود که به زیان کارگران است.

شورای شهر اراک، شورای زمین خواری است

برپایه خبر رسیده آمده است: مردم اراک در ایام انتخابات میگویند که هیچکس در این انتخابات که فقط انتخاب دزدان اموال مردم هستند شرکت نخواهد کرد. مردم میگفتند که میزان زیادی از زمینهای ما توسط شورای شهر به تصرف درآمده و یا کلا ضبط گردیده است. ما به هیچکس رأی نخواهیم داد بخصوص که اکثر دست اندرکاران شورای شهر همگی دزد و زمینخوار مردم بوده اند

رئیس انجمن صنفی سازندگان طلای تهران خبر داد:
کاهش فرصت های شغلی در کارگاه های طلاسازی

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 26 خرداد 92 آمده است: رئیس انجمن صنفی سازندگان طلای شهر تهران نسبت به از میان رفتن فرصت شغلی برای کارگران طلا ساز به دلیل اعمال سیاست‌های نادرست دولت در بازار طلا هشدار داد.

«احمد حبیبی» در این باره به ایلنا گفت: بین ۷۰ تا ۷۶ هزار کارگاه طلاسازی در کشور وجود دارد که تا سال ۸۲ به صورت متوسط، ۱۲ نفر در هر کارگاه شاغل بودند که این تعداد در سال ۹۲ به ۳ نفر در هر کارگاه رسیده است.

وی در ادامه با اشاره به اجبار دولت به طلا فروشی‌ها برای فروش طلای ۱۸ عیار به مشتری، افزود: افزایش قیمت جهانی طلا و افزایش ارزش دلار باعث شده است تا قیمت هر گرم طلا به صورت جهشی افزایش پیدا کند که این مساله، گردش مالی طلا فروشی‌ها را کاهش داده که به تبع آن، تولید کارگاه‌های طلاسازی نیز کم شده است.

به گفته آقای حبیبی، راهکار مناسب برای برخورد با مشکل آن است که فروش طلا با عیارهای پایین مانند ۱۴، ۹ و... در ایران قانونی شود که نیازمند نظارت قوی دولت بر بازار است.

این فعال صنفی در ادامه نسبت به رعایت نشدن پایه حقوق و ساعت کاری کارگران کارگاه های طلاسازی انتقاد کرد.

پایان پیام

فردا دیر است همین الان- به بهانه 12 ژوئن روز مبارزه علیه کار کودک
بهنام ابراهیمزاده

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/06/blog-post_2215.html#more

به نوشته ویلاگ کانون کدفاعان حقوق کارگردر تاریخ 26 خرداد 92 آمده است: امروزه پدیده‌ی «کودکان خیابانی» به عنوان یک معضل اجتماعی زمینه ساز افزایش آسیب‌های اجتماعی دیگر در جوامع گوناگون است کودکان خیابانی بخشی از جمعیت عظیم کودکان هستند که در فقر شدید به سر می‌برند. این کودکان تحت تأثیر فشارها و ناملایمات زندگی به کار در خیابان روی می‌آورند و فرآیند رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی‌شان، در معرض خطر قرار می‌گیرد. این کودکان یا برای یاری رساندن به خانواده‌هایشان کار می‌کنند و یا تنها نان‌آوران آنان هستند که اگر کار نکنند خانواده‌هایشان دچار مشکلات جدی می‌شوند. بر اساس آخرین یافته‌ها 250 میلیون کودک کار در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کنند در مقاطع سنی 5 تا 15 سال قرار دارند و شمار پسران سه برابر دختران است بنابر آمارهای موجود 61 درصد آنان در آسیا، 32 درصد در آفریقا 7 درصد در امریکای لاتین و یک درصد در اقیانوسیه زندگی می‌کنند. اما آمار دقیقی از کودکان کار در ایران نداریم اما واقعیت غیر قابل انکار است که روزانه دهها و صدها کودک بدون حمایت بزرگسالان و نهادهای مسئول ودر معرض انواع آسیب‌های جسمی و روانی بر اثر تصادف، آلودگی‌های محیطی، سوء رفتار، سوء استفاده جنسی و امراض مقاربتی قرار دارند. کودکان خیابانی از هیچ نوع حمایت قانونی برخوردار نیستند و ارتباط محدود با خانواده و یا قطع دائمی این ارتباط می‌تواند از آنان یا لغوه بسازد؛ اما مسئول کیست؟

تعداد کودکان خیابانی کار در حال افزایش است، واقعیتی که نمی‌توان آن را انکار کرد. حضور آنان در جای جای شهر دیده می‌شود و به بخشی از هویت شهرنشینی تبدیل شده‌اند. نگاه جامعه نیز به این کودکان متفاوت است. ترحم، بی‌اعتنایی و خشونت، برخوردهایی است که هر روزه در مورد این کودکان تکرار می‌شود. چرا پدیده‌ای به نام کودکان کار خیابان در جامعه رو به افزایش است؟ راه‌های برخورد با این پدیده چیست؟ دلیل شکل‌گیری پدیده‌ای به نام کودکان کار خیابان، فقر اقتصادی است. اکثریت قریب به اتفاق این کودکان

نان‌آور خانواده‌هایشان هستند و تا زمانی که آمار فقر اقتصادی در جامعه بالاست، درصد آسیب‌های اجتماعی رو به افزایش است. ما نمی‌توانیم مانع کار این کودکان کار در خیابان‌ها، کوره‌های آجرپزی و کارگاه‌های سیاه و نمور باشیم. چرا که اگر کار نکنند، نمی‌توانند زندگی کنند. برای حذف کار کودک به جای این کودکان باید بر روی مسایل زندگی خانواده‌های آنان متمرکز شویم. با سپردن این کودکان به خانواده‌های مسأله‌دار، مشکلی حل نمی‌شود، بلکه باید با تأمین نیازهای ابتدایی خانواده مسأله را حل کرد. نظارت بر آن، مانع از کار دوباره‌ی این کودکان شویم.

این تغییر به عواملی مانند شرایط اجتماعی و اقتصادی هر جامعه بستگی دارد. در جوامع توسعه‌یافته به دلیل رفاه نسبی و حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی، کودکان کم‌تری به کار در خیابان مشغولند و اگر هم وجود داشته باشند از آنان حمایت می‌شود؛ اما بد نیست که بدانید اخیراً در پاریس تجربه‌ای برای کودکان کار در خیابان‌ها اجرا شد.

در این شهر که کودکان به کار مشغولند، گروه‌های سیار در خیابان‌ها حضور دارند تا به این کودکان خدمت‌رسانی کنند. تغذیه، حمام، آموزش و ... از جمله خدماتی است که توسط گروه‌های مدافع کودکان کار ارائه می‌شود. حداقل دو مددکار برای رسیدگی به امور این کودکان حضور فعال دارند. نخست مددکار اجتماعی فرانسوی و دوم مددکار اجتماعی از کشور مبدأ. مددکار فرانسوی برای انطباق این کودکان با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور فرانسه تلاش می‌کند و مددکار دیگر برای برقراری ارتباط با کودک و موفقیت این پیوند فرهنگی همکاری دارد. بیشتر کودکان کار در فرانسه به اروپای شرقی تعلق دارند.

اما سؤال اینجاست که ما برای کودکان کار ایرانی و غیرایرانی که بیشتر عراقی و افغانی هستند، چه کارهایی را کرده‌ایم؟ این درحالی است که این کودکان از حقوق اولیه مانند داشتن شناسنامه، تحصیل و حق اقامت هم محرومند. درحالی که آموزه‌های دینی و ملی ما همواره بر حمایت از هم‌نوع تأکید می‌کند

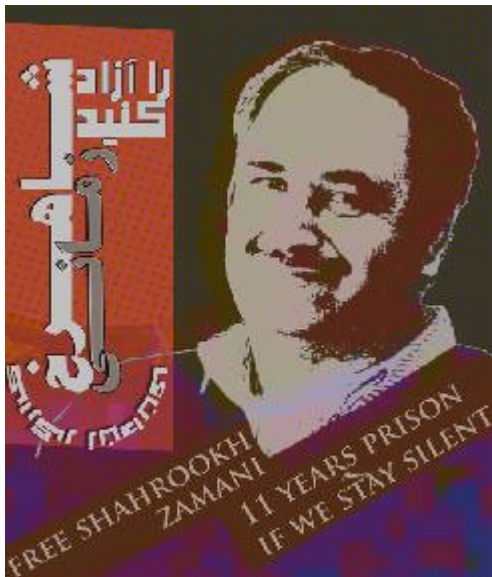
یک خبر کارگری

روز یکشنبه ۲۶/۳/۱۳۹۲ مأموران در زندان رجایی شهر سعی داشتند شاهرخ زمانی را با لباس زندان به دادگاه ببرند که با مقاومت شدید او روبرو شدند. با مقاومت شاهرخ و امتناعش از رفتن با لباس زندان به دادگاه، او را به انفرادی منتقل کردند.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

پیام به مناسبت ۲۰ و ۲۶ ژوئن به تمامی کارگران و نهاد های داخلی و جهانی

از : شاهرخ زمانی
به : کارگران ایران و جهان
موضوع: پیام به مناسبت ۲۰ و ۲۶ ژوئن به تمامی کارگران و نهاد های داخلی و جهانی
بر قرار باد همبستگی جهانی کارگران



درودهای گرم مرا از زندان‌های جهنمی حکومت ضدکارگری جمهوری اسلامی پذیرا باشید. من شاهرخ زمانی عضو هیئت بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاشان و عضو شورای نمایندگان کمیته‌ی پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری به جرم فعالیت‌های سندیکایی به ۱۱ سال زندان محکوم شده‌ام و هم‌اکنون نزدیک به دو سال است که در زندان‌های مختلف ایران محبوس هستم.

کارگران مبارز جهان از زندان رجایی شهر با قلبی اکنده از مهر و صمیمیت با شما سخن می‌گوییم و دستانتان را به گرمی می

فشارم .

پیروز باد مبارزه متحدانه جهانی کارگران !

چند روز قبل یک‌صد و دومین اجلاس سازمان جهانی کار در ژنو در حالی برگزار شد که کارگران ایران در وضعیتی اسفبار به سر می‌برند. صدها کارگر به دلیل مطالبه حقوق حقه ای خود مانند ایجاد تشکل، اقدام به اعتصاب، در خواست افزایش حقوق، داشتن امنیت شغلی و جانی، اعتراض به اخراج ها، اعتراض به تصویب قوانین ضد کارگری، در خواست دستمزد های معوقه و... به شدت سرکوب، کشته یا زندانی شدند از جمله کارگران خاتون آباد با تیر اندازی از طرف هلیکوپترهای نظامی کشته شدند یا مانند ستار بهشتی در زندان زیر شکنجه جان باختند ویا هم‌اکنون مانند رضا شهبابی عضو سندیکای شرکت واحد و بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری ، محمد جراحی عضو کمیته پیگیری ، رسول بداعی و عبدالرضا قنبری از کانون صنفی معلمان ، مهدی فراهی شاندیز عضو کمیته پیگیری ، جلیل محمدی عضو کمیته هماهنگی ، پدram نصر الهی عضو کمیته هماهنگی ، من ، شاهرخ زمانی عضو سندیکای نقاشان و عضو کمیته پیگیری ... و صدها کارگر شناخته نشده ای در زندان بسر می‌برند. اکثریت قریب به اتفاق کارگران زندانی نامبرده در زندان با برنامه های نقشمند ماموران که دستورنظام است دچار بیماری های خطر ناک مختلفی مانند سرطان، درد های فلج کننده کمر و پا و... شده اند که در این رابطه ، محمد جراحی ، رسول بداعی ، رضا شهبابی ، بهنام ابراهیم زاده ، شاندیز و... همچنان از بیمارها و عدم اجازه مداوا رنج می‌برند. بهنام ابراهیم‌زاده در حالی امروز به زندان اوین بازگشت که پسر نوجوانش از بیماری سرطان رنج می‌برد و پزشکان وجود پدر در کنار وی را برای طی دوره‌ی درمان ضروری تشخیص داده‌اند.

این‌ها همه در حالی اتفاق می‌افتد که جمهوری اسلامی تمام مقاله‌نامه‌های سازمان جهانی کار و بسیاری از میثاق‌های حقوق بشری ملل متحد را امضا کرده و ملزم به رعایت قوانین بین‌المللی است. با وجود این التزام هرگونه تلاش برای ایجاد سندیکاها و تشکل‌های مستقل کارگری که بدیهی‌ترین حق طبقه‌ی کارگر در تمام جهان است با وحشیانه‌ترین روش‌ها سرکوب می‌شود. البته رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی برای فریب جهانیان تشکل‌های خودساخته و وابسته به حکومت را به عنوان تشکل‌های کارگری در ویتربین خود به تماشای جهانیان گذاشته است. تشکل‌هایی مثل شورای اسلامی کار و خانه‌ی کارگر که از ابتدای انقلاب توسط حزب جمهوری اسلامی و افرادی مانند بهشتی که رئیس مجلس خبرگان و رئیس قوه قضائیه و... نظام و یکی از تدوین کنندگان اصلی قانون اساسی بود، برای سرکوب و از بین بردن هرگونه تشکل مستقل کارگری ایجاد شده بودند همچنان در مجامع بین‌المللی به عنوان نمایندگان کارگران ایران به ایراد سخن می‌پردازند، حال آن‌که هیچ یک از این‌ها هدفی جز تسهیل سرکوب کارگران ایران و توجیه زندانی کردن فعالین سندیکایی نداشته و ندارند، و متأسفانه سازمان جهانی کار نیز با قبول آنها و عدم اعتراض عملی به جمهوری اسلامی ، مستقیم و غیر مستقیم اعمال ضد کارگری جمهوری اسلامی و عوامل آن را تایید می‌کند. مسئولین شوراهای اسلامی و خانه کارگر در تمامی سرکوب های گفته شده در بالا به صورت های مستقیم و غیر مستقیم و پنهان و آشکار شرکت داشتند مثلاً" در حمله به نشست کارگران شرکت واحد، خانه کارگری ها شرکت مستقیم داشتند و در بریدن زبان منصور اسانلو یکی از مسئولین خانه کارگر به طور مستقیم دخالت داشته است، یا این افراد مسئولین خانه کارگر و شورا های اسلامی طی 34 سال گذشته به طور مداوم از کارگران نا آگاه برای حمله و یا جمع آوری گزارشات علیه کارگران و تشکل های آنها شرکت داشتند و دولت از طریق آنها برنامه های سرکوب علیه کارگران و مبارزات کارگری را سازماندهی کرده و پیش برده است.

من شاهرخ زمانی کارگر زندانی، عضو هیات باز گشایی سندیکای نقاشان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری از طرف خود و کارگرانی که مرا به عنوان نماینده خود قبول دارند اعلام می‌کنم این افراد را نه تنها نماینده خود و کارگران ایران نمی‌دانیم بلکه صریح اعلام می‌کنیم آنها شرکای جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش کارگری و فریب دادن مجامع بین‌المللی هستند.

هم طبقه‌ای ها :

در حال حاضر کوچک‌ترین تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری با سرکوب بسیار خشن دولت از طریق عوامل مختلف از جمله خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی که مهره های اصلی آنها بخشی از همان لباس شخصی ها هستند، مواجه می‌شود و هیچ اجازه‌ای برای ایجاد تشکل داده نمی‌شود. اخراج‌های فردی و دسته

جمعی و بیکاری میلیونی، 7 میلیون معتاد، صدها هزار کودکان و زنان خیابانی، صدها هزار کودک کار، پایین آمدن سن فحشا به 12 سال، فروپاشی خانواده ها و تعیین دستمزد یک پنجم زیرخط فقر برای کارگران (بطور مستقیم توسط همین خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی انجام می شود در حالی که خط فقر در ایران امسال از طرف دولت مردان معادل 550 دلار اعلام شده است اما خانه کارگری ها و شورا های اسلامی معادل 115 دلار را به عنوان دستمزد تعیین و تایید کردند).

باز ماندن کودکان و جوانان از تحصیل، سرکوب تشکل های کارگری و مردمی، کشتار انقلابیون، گرفتار شدن مردم بخصوص جوانان در افسردگی و بیماری های روحی و روانی، رشد بی سابقه جرم و جنایت و باز پس گیری تمامی دست آورد های انقلاب 57 به سود سرمایه داران، حذف یارانه ها، گرانی سوخت، برق، تلفن و گاز، پولی شدن مدارس، دانشگاه ها، بیمارستان ها و خدمات پزشکی و بهداشتی، بالا رفتن کرایه ها، سر به فلک کشیدن اجاره های خانه تنها گوشه ای از مشکلاتی است که مردم و طبقه کارگر ایران در سایه حکومت جمهوری اسلامی با استفاده از عواملی مانند خانه کارگر و شورا های اسلامی با آن روبه رو هستند.

از طرف دیگر رواج افسارگسیخته قراردادهای موقت و سفید امضا، خروج کارگاه های کمتر از ده نفر از شمول قانون کار، عدم پرداخت دستمزد کارگران و نبود امنیت شغلی مصیبت هایی است که این حکومت بر سر طبقه کارگر ایران آورده است.

در چنین وضعیتی هرگونه اعتراضی با برخورد خشن و سرکوب شدید حکومت مواجه شده و هر صدای مخالفی بلافاصله با شکنجه و زندان روبه رو می شود. کارگران زندانی و زندانیان سیاسی حتی در مدت حبس خود نیز از این آزار و اذیت ها مصون نیستند. بازجویی های گاه و بی گاه و غیرقانونی و کشتار زندانیان زیر شکنجه یا به علت عدم وجود امکانات درمانی در زندان ها به امری عادی بدل شده است. ستار بهشتی، علی رضا کرمی خیرآبادی و دهها نفر دیگر نمونه ای هستند که به دلیل شکنجه یا عدم رسیدگی به موقع پزشکی در زندان جان خود را از دست داده اند.

به طور مثال 4 هدف اصلی سازمان جهانی کار ارتقای حقوق بنیادین کار، اشتغال، حمایت های اجتماعی و گفتگوی اجتماعی را در برمی گیرد، هیچ یک از این حقوق از طرف جمهوری اسلامی رعایت نشده و بلکه هرگونه تلاش برای احقاق این حقوق به شدت سرکوب می شود.

خواسته های کارگران ایران از سازمان جهانی کار و دیگر نهاد های بین المللی اخراج هر چه سریع تر نمایندگان جمهوری اسلامی از این نهاد هاست و فرستادن کمیته ای حقیقت یاب به ایران برای نظارت و تهیه گزارشی از وضعیت کارگران ایران است.

کارگران ، سازمانها ، احزاب ، نهادهای داخلی و جهانی و تمامی انقلابیون :

من بعنوان کارگر زندانی ضمن اعلام حمایت از مناسبت های روز 20 ژوئن "روز جهانی حمایت از کارگران و زندانیان سیاسی" و روز بیست شش ژوئن "روز حمایت جهانی از حقوق پایه ای کارگران ایران و مبارزات آنان" از تمامی شما می خواهم، ضمن پیش برد در خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار که اولین گام در جهت حمایت از کارگران ایران است، اعتراضات روز 20 و 26 ژوئن را با همبستگی گسترده تری پیش ببرید، در این حرکت انترناسیونالیستی هرچه گسترده تر شرکت کنید من نیز با دلی مملو از محبت خود را در کنار شما می دانم، در همین حال می خواهم به فکر سازماندهی مبارزات کارگران در داخل از جهات مختلف و متحدانه باشید که تنها راه نجات : " **وحدت و تشکیلات است**"

کارگران ایران گردانی از اردوی میلیاردری طبقه کارگر جهانی است

شاهرخ زمانی

زندان گوهر دشت کرج

1392/3/26

یک فعال صنفی خبر داد:

پیمانکاران نیروی انسانی، مناقصه شرکت رجا را تحریم کردند

به گزارش خبرگزاری کار دولتی ایران - ایلنا در 26 خرداد 92 آمده است: یک فعال صنفی کارگران راه آهن از تحریم هماهنگ مناقصه شرکت رجا توسط شرکت‌های پیمانکاری نیروی انسانی خبر داد.

این فعال صنفی کارگران تعمیرکار مولد بخار قطار راه آهن شهر تهران که نخواست نامش فاش شود در این باره به ایلنا گفت: این مناقصه که قرار بود در تاریخ ۲۲ خرداد برگزار شود و متن قرارداد آن به سود کارگران تنظیم شده بود با تحریم همه جانبه شرکت‌های پیمانکاری نیروی انسانی مواجه شد.

به گفته این فعال کارگری، در صورت انجام مناقصه مذکور به مزد هر یک از کارگران اداره مولد بخار استان تهران ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تومان اضافه می‌شد.

او با اشاره به تمدید قراردادهای کارگران پیمانی شرکت رجا تا آخر تیر ماه سال جاری اظهار داشت: در صورت به تعویق افتادن دوباره مناقصه، قرارداد سابق کارگران تا دو ماه دیگر تمدید می‌شود که به زیان کارگران است.

پایان پیام

برق، جان کارگر جوان را گرفت

به گزارش روزنامه خراسان، در تاریخ 26 خرداد 92 آمده است: یکی از کارکنان یک شرکت پیمانکار برق روز گذشته دچار برق گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. براساس این گزارش، مدیر حوزه یک آتش نشانی مشهد با بیان این خبر افزود: روز گذشته حدود ساعت ۱۱ بروز این حادثه به آتش نشانی اعلام شد که بلافاصله گروه امداد و نجات ایستگاه ۷ به فرماندهی علی اخلاقی عازم محل حادثه در قاسم آباد شد. مهدی رضایی افزود: ماموران آتش نشانی در محل مشاهده کردند جوان تعمیرکار شبکه برق دچار برق گرفتگی شده و در ارتفاع بی هوش توسط همکارانش کنترل شده است که بلافاصله توسط آتش نشانیان در محل مهار و با کمک نردبان جدید آتش نشانی به سطح منتقل شد. وی افزود: این جوان حدود ۳۰ ساله به ماموران اورژانس حاضر در محل تحویل و به مرکز درمانی اعزام شد که متأسفانه در بیمارستان درگذشت.

محاکمه وفا قادری فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی

به گزارش رسیده امروز یکشنبه 92/3/26 «وفا قادری» فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، در شعبه‌ی یکدادگاه انقلاب سنندج حضور یافت و محاکمه شد. لازم به ذکر است که «وفا قادری» در تاریخ 91/12/17 توسط نیروهای اداره‌ی اطلاعات دستگیر و پس از یک ماه با قرار وثیقه‌ی 50 میلیون تومانی آزاد شده بود. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن محاکمه‌ی وفا قادری، خواهان رفع اتهام از وی و همچنین آزادی سایر کارگران و زندانیان سیاسی می‌باشد. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

روحانی تعهداتش به کارگران را فراموش نکند / تشکل‌های مستقل و مزد عادلانه



به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 26 خرداد 92 آمده است: یک فعال مستقل کارگری با یادآوری اینکه اظهارات مستقیم آقای روحانی در خصوص پایین بودن مزد کارگران در انتخاب شدن او به عنوان رئیس جمهور موثر بوده است، گفت: کارگران از دولت آینده انتظار دارند که بصورت جدی به مطالبات قانونی آنها پاسخ داده شود.

به گزارش «ایلنا»، «کاظم فرج اللهی» گفت: امروز کارگران در شرایطی هستند که حقوق قانونی آنها تحت تاثیر اوضاع اقتصادی نادیده گرفته می‌شود.

وی افزود: از یکسو کارفرمایان دولتی و خصوصی به عناوین مختلف به نفع خود از اجرای مواد کلیدی قوانین کار و تامین اجتماعی خود داری می‌کنند و از سوی دیگری نهادهای مجری و نظارتی درصد هستند تا با اصلاح قوانین حمایتی از تعهدات و وظایف قانونی خود بکاهند.

این فعال مستقل کارگری با بیان اینکه تمامی این اقدامات در غیاب تشکلهای مستقل و واقعی کارگری اتفاق می‌افتد، گفت: مهمترین خواسته کارگران از دولت آینده اجرای کامل مقابله نامه‌های بنیادین حقوق کار در خصوص تشکیل و فعالیت آزادانه نهادهای صنفی است.

فرج اللهی یادآور شد: پیشتر در تابستان سال ۸۳، دولت دوم اصلاحات در حضور نمایندگان وقت تشکلهای صنفی کارگری و کارفرمایی به با امضاء توافق نامه‌ای به سازمان جهانی کار (ILO) متعهد شده بود که شرایط را برای فعالیت آزادانه نهادهای صنفی کارگری فراهم کند.

این فعال کارگری در ادامه افزود: چنانچه دولت آینده خود را به جامعه کارگری متعهد می‌داند باید به تعهد زمان انتخابات عمل کند. وی همچنین در خصوص وعده ای که آقای روحانی در زمان تبلیغات ریاست جمهوری در خصوص ضرورت افزایش دستمزد کارگران بر اساس نرخ تورم داده بود، گفت: آقای روحانی تنها نامزدی بود که در زمان تبلیغات به صراحت در خصوص یک مطالبه روشن کارگری صحبت کرد. وی ادامه داد: بنابر این می‌توان مدعی شد که به دلیل اهمیتی که مسئله مزد برای کارگران ایران دارد یکی از عوامل پیروزی روحانی جذب آرای جامعه کارگری بود.

به گفته این فعال کارگری اکنون که نتیجه انتخابات مشخص شده است دیگر وقت عمل است و دولت یازدهم باید نشان دهد که چگونه می‌خواهد دستمزد کارگران را متناسب با نرخ تورم افزایش دهد.

فرج اللهی با اشاره به مخالفت‌هایی که کارفرمایان تاکنون در مقابل افزایش دستمزدها نشان داده‌اند گفت: در اقتصاد بیمار ایران تصمیم‌گیری در خصوص تعیین دستمزدها امری مهم و پیچیده است. وی با بیان اینکه شریط

اقتصادی کنونی آنقدر نامناسب است که بسیاری از ترس بیکاری به «بیگاری» داوطلبانه روی آورده اند و حاضرند تا با دریافت دستمزدهایی کمتر از حداقل نیز کارکنند، یادآور شد: حتی در زمان تبلیغات انتخاباتی سایر نامزدها نیز بی آنکه راهکاری ارائه کنند بصورت سر بسته و اجمالی در خصوص تورم، بیکاری صحبت کردند.

این فعال مستقل کارگری گفت: هیچ دولتی نمی‌تواند بدون به رسمیت شناختن حق آزادی تشکل‌های صنفی برای کارگران در خصوص حل معضل تورم، بیکاری و پایین بودن مزد تصمیم‌گیری کند.

اعتراض و جمع شدن کارگران پیمانی در شهر رشت

بر پایه خبر رسیده آمده است: اعتراض و جمع شدن کارگران پیمانی شهر رشت در مقابل یکی از شعبه های اخذ رای شهر رشت که قرار بوده از تلویزیون برای فیلمبرداری بیابند. کارگرانه تبدیل وضعیت نشدن خودشان جمعه به نمایندگی از بقیه همکاران در مقابل حوزه تجمع کردند وخواستار رسیدگی به این مشکل شدند. یکی از کارگران در این زمینه گفت: از کارگران پیمانی شرکت گاز رشت هستیم که بعد از سالها هنوز نتوانسته ایم با شرکت گاز به صورت مستقیم قرار داد ببندیم.

شهناز سگوند جهت محاکمه به شعبه 13 دادگاه تجدید نظر استان خوزستان احضار شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگزان ایران در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است: شهناز سگوند همسر علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه جهت محاکمه مجدد به دادگاه تجدید نظر استان خوزستان احضار شد بر اساس این احضاریه خانم سگوند می باید فردا 28 خرداد ماه در این دادگاه حاضر شود. احضار شهناز سگوند به دادگاه تجدید نظر استان خوزستان در حالی صورت می‌گیرد که وی در تاریخ 91/9/25 به اتهام تبلیغ بر علیه نظام از طریق گرفتن عکس و فیلم از علی نجاتی حین انتقال از زندان به پزشکی قانونی در دادگاه انقلاب شهرستان شوش مورد محاکمه قرار گرفته بود و از آنجا که عکسها و فیلم های مربوطه در همان محل پزشک قانونی توسط مامور همراه از روی گوشی وی پاک شده بود لذا دادگاه حکم برائت خانم سگوند را صادر کرد اما این حکم توسط دادستانی مورد اعتراض قرار گرفت و به همین دلیل وی می باید بار دیگر جهت محاکمه در دادگاه تجدید نظر استان خوزستان حاضر شود.

شهناز سگوند در حالی به اتهام گرفتن عکس و فیلم از همسرش برای چندمین بار مورد محاکمه قرار می‌گیرد که هزاران پرونده فساد مالی و جنایی در دادگاههای سراسر کشور بر روی هم انباشته شده است اما برخورد با رهبران کارگری و خانواده های آنان برای به تمکین واداشتن کارگران به شرایط فلاکت بار موجود در اولویت اول دادگاه ها قرار دارد. بدون تردید ادامه چنین سیاستهایی در برخورد به کارگران ایران همانگونه که تاکنون شاهد آن بوده ایم راه به جایی نخواهد برد و طبقه کارگر ایران در دفاع از حقوق انسانی خود مرعوب چنین سیاستهایی نخواهد شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران

ك فعال کارگری در سقز خبر داد:

توقف تولید کارخانه دخانیات نیم کوب و توتون چپق سقز

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: يك فعال کارگری در سقز از توقف تولید کارخانه «دخانیات نیم کوب و توتون چپق» خبر داد و گفت: تولید در این واحد تولیدی به سبب فرسودگی ماشین آلات و فقدان بازار فروش هم اکنون متوقف شده است.

«سید محمد صالح حسینی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: حدود 220 نفر از مجموع 300 نفر کارگر این واحد تولیدی با سوابق بیش از 25 سال بازنشسته شده‌اند و هم اکنون 80 کارگر باقی منتظر احیا و فعالیت مجدد کارخانه هستند.

دبیر خانه کارگر سقز با اعلام اینکه قرار است با مشارکت یک سرمایه گذار چینی، تجهیزات این کارخانه به روز شده و مجدداً فعالیت خود را از سر گیرد، افزود: شرایط سرمایه گذاری این شرکت چینی در نوسازی و احیای خطوط تولید کالاهای دختانی در مجموعه کارخانه دختانیات شهرستان سقز فراهم شده است.

این فعال کارگری اضافه کرد: در صورت نوسازی و احیای خطوط تولید این کارخانه قدیمی در سقز، شرایط اشتغال مستقیم برای ۳۰۰ نفر و غیر مستقیم برای ۲۰۰ نفر در این مجموعه تولیدی مهیا خواهد شد.

صالح حسینی، در خاتمه با اشاره به زمین‌های زیر کشت توتون در کردستان افزود: حدود هزارخانوار کردستانی با همکاری شرکت دختانیات کردستان در تولید توتون فعالیت دارند.

گفتنی است شرکت دختانیات سقز در سال ۱۳۱۶ با خرید و فروش فرآورده‌های موسسه دختانیات شروع به کار کرد که به دلیل مجاورت با مناطق کشت توتون چق، در سال ۱۳۳۷ کارخانه تولید توتون نیمکوب و توتون چق در این شهرستان احداث شد.

پایان پیام

کارگران اصفهان : ما چیزی برای از دادن نداریم تا بترسیم ، آن بالای ها بترسند.

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : یکی از کارگران اصفهانی از وضعیت اسفناز جامعه کارگری گفت ما در شرایط خیلی سختی زندگی میکنیم البته زندگی نمیکنیم بلکه کار میکنیم که زنده بمانیم. همانند برده ها که فقط به آنها غذا میدادند که فردا برای کار بیایند. وی در باره انتخابات جدید گفت : همه اینها سی سال است که می‌آیند و میگویند قبلی ها دزد بودند . قبل از انتخابات وعده و وعید دادند که رای مردم را جمع کنند. هیچکدام از این آقایان برنامه اقتصادی نداشت مثلاً همین روحانی یک کلیدی در دست داشت که معلوم نبود برای چه کاری دستش گرفته است. وی گفت در واقع این رییس جمهور و نخست وزیر هیچ کاره اند . فقط همه کارها را خامنه ای میکند و اون هم که در آخرین روزها از خودش ضعف نشان داد و گفت هرکس با نظام هم مخالف است برای مملکتش رای بدهند وی در خاتمه گفت وضعیت اقتصادی جامعه کارگری خیلی خراب است این وضعیت نمیتونه بیش از ششماه دوام بیاورد حتما وارونه میشه . این ما نیستیم که میتوسیم اون بالاییها باید بترسند که چندین میلیون حقوق میگیرند و اگر چیزی بالا و پایین بشه ضرر میکنند جامعه ایران پتانسیل اش را دارد که همه چیز را تغییر بدهد ما مثل کره شمالی نیستیم که به بدبختی رضایت بدهیم ما قبلاً داشتیم و الان نمیتونیم صبر کنیم مردم کره شمالی از قبل نداشتند و الان هم به همان راضی اند وی گفت وقتی من زن و بچه ام گرسنه اند بیرون می‌آیم چیزی برای از دست دادن ندارم که محافظه کار باشم. آنهایی که دائم چپاول کردند و جمع کردند دنبال قدرت هستند باید بترسند که مبادا همه چیز را که جمع کردند از دست بدهند. برای همین مجبورند چند چهره باشند یک روز محافظه کار و اصلاح طلب یک روز هم...

دل نوشته های کودکان کار

روز جهانی مبارزه علیه کار کودک
شکیلا احمدی

امروز روز ماست، روزی پر شور...

روز مبارزه با هر گونه کار کودک در جهان توسعه یافته بشری.

امروز روز حرف‌ها و دل گفته‌های من وتوست...

آری! گفته‌هایمان آن قدر زیاد است که در یک روز نمی توان آنها را بیان کرد، اما ما ایستاده ایم تا به دنیا و بشریت بگوییم: «ما» کار نمی خواهیم رنج و سختی و کشیدن بار را نمی خواهیم...

ما کودکیمان همراه با بازی‌هایش، خنده‌هایش و قهر قهر گفتن تا روز قیامت‌هایش که دمی بیش نبود را می‌خواهیم...

کودکی که هم بار می‌کشد و هم رنج در دنیای من و تو هنوز هم وجود دارد...

گویا هنوز روز جهانی معنایی ندارد...

هنوز آدم‌هایی هستند که این روز حتی از خاطرشان هم گذر نمی‌کند...

گویا هنوز نام کودک کار در عمق وجودمان ریشه ندوانده تا برای محو یا محدود کردنش گام‌هایمان را استوارتر و راسخ تر از دیروز برداریم.

من و تو گواه این روزیم برای خواستن خواسته‌ها و آرمان‌هایمان، برای جشن لحظه‌هایی پر از اشک و لبخند و

ریشه کردن در عمق قلب بشریت...

روز جهانی مبارزه علیه کار کودک گرامی باد!...

مرا ببخش...

کودکی دوان‌دوان به سمتم آمد. نفس نفس می‌زد و قلب کودکی‌اش به سرعت نور می‌تپید. قادر به صحبت

نبود، اما دستش را دراز کرد و نگاهم به چشمانش دوخته شد که پر از تردید و شک و اندکی امید بود.

دستان کوچکش سرد بود خیلی سرد ... حس‌شان کردم اما هنوز نگاهم به نگاهش دوخته بود و نفس‌نفس

می‌زد.

نگاهی با بغض به من کرد و باز هم خیرگی و درماندگی ...

همچنان که سرفه می‌کرد، چشمانش را از من برداشت و با صدای کودکیانه پراز دردش گفت: کبریت، کبریت

نمی‌خرید؟ اما من هنوز در پیچ و خم خیرگی‌ام غرق بودم و صدایش در گوشم پیچید. لحظه‌ای در ذهنم به

پسرک فکر کردم و به او گفتم: آره، آره همشو می‌خوام. چشمان غم‌زده‌اش رنگی دیگر گرفت. به من نگاه کرد و

با لبخندی تلخ گفت: راست می‌گویید؟ همه را؟ من جلوتر رفتم و پیشانی‌اش را بوسه‌ای زدم و گفتم: حتی اگر

تمام کبریت‌هایت را هم که بخرم؛ باز هم قادر به گرم کردن دستان کوچک سرمازده‌ات نیستم! مرا ببخش...

منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر

کارگران کارخانه آزمایش ۹ ماه حقوق نگرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است: طی گزارشی از عدم پرداخت

9 ماه حقوق 100 کارگر کارخانه آزمایش در شرق تهران و در آستانه بیکاری قرار گرفتنشان، خبر داد.

بنا بهمین گزارش از کارخانه آزمایش که یکی از برندهای با سابقه و قدیمی در صنعت لوازم خانگی کشور است،

از مجموع یک هزار و صد کارگری که در سال‌های گذشته در این کارخانه فعال بوده‌اند، امروزه فقط صد کارگر در

این کارخانه باقی مانده‌اند و پنجاه درصد از مشکلات این کارخانه مربوط به مشکلات اقتصادی حاصل از تورم است

و مابقی آن از سوء مدیریت و ناسازگاری شرکا، نشأت می‌گیرد.

جزئیات افزایش ۵.۵ میلیون نفری بیکاران کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است: مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال

وزارت تعاون، کار و رفاه با اعلام اینکه دولت در ۷ سال گذشته ۵,۲ میلیون فرصت شغلی جدید ایجاد کرده است

گفت: در این مدت ۵,۵ میلیون نفر نیز وارد بازار کار شده‌اند.

محمد اکبرنیا گفت: بر اساس آمار و اطلاعات مندرج در سامانه بنگاه‌های اقتصادی حدود ۶۲۹ هزار و ۲۶۷ طرح

در کشور در مدت اجرای طرح زودبازده‌ها به انعقاد رسیده و این تعداد طرح بیش از یک میلیون اشتغال جدید و

تثبیت اشتغال را به دنبال داشته است.

مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اظهار داشت: طرح بنگاه‌های اقتصادی

کوچک و کارآفرین، طرحی منطبق بر سیاست‌های جهانی با رویکرد ایجاد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی و حفظ

بنگاه‌های اقتصادی موجود است.

وی افزود: این طرح اولین طرح نظارت شده توسط دستگاه های اجرایی صادر کننده مجوز و بانک های پرداخت کننده تسهیلات بود که در قالب ساز و کار اجرایی، فرآیند معرفی، پذیرش، پرداخت مرحله ای و نظارت های بعد از آن به دقت انجام می شد که در هیچ یک از سال های قبل در سیستم دولتی و بانکی اینگونه فرآیندی پیش بینی نشده بود، هر چند با همه توجه و پیگیری های صورت گرفته بانک ها حدود ۵۷ درصد تعهد خودشان را اجرایی کردند اما در مجموع این طرح یکی از موفق ترین طرح های ملی بوده است.

اکبرنیا ادامه داد: کلیه اقدامات مربوط به طرح ها در سامانه اس ام ای ۸۶ درج شده و قابل مشاهده است. در شرایط بحران اقتصادی و فشار دنیای استکبار، مشکلاتی برای بنگاه های اقتصادی به وجود آمد اما این طرح یکی از موفق ترین طرح های ملی و اثرگذار بود که در دولت نهم و دهم با همت دولت، وزارتخانه ها، استانداری ها و دستگاه های مختلف و بخصوص کارآفرینان کشور اجرایی شد و هم اکنون نه تنها به اتمام نرسیده، بلکه در حال اجرا است.

مدیرکل دفتر سیاستگذاری و توسعه اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه در پاسخ به انتقاداتی درباره اولویت مشاغل خانگی در مقایسه با طرح بنگاه های زودبازده گفت: توسعه بخش مشاغل خانگی که در چارچوب قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی صورت گرفته مرتبط با موفقیت یا عدم موفقیت بنگاه های اقتصادی نیست بلکه در دنیا مجموعه بسته های مختلف اشتغال وجود دارد که ترکیبی از بنگاه های اقتصادی، خوداشتغالی، مشاغل خرد، خانگی و خویش فرمایی است که کمک به ایجاد هر مورد دلیل بر عدم توفیق طرح قبلی نیست.

این مقام مسئول در وزارت تعاون، کار و رفاه افزود: بر اساس آمارهای منتشر شده مرکز آمار ایران طی سال های ۸۴ لغایت ۹۰ سالانه ۷۸۳ هزار نفر به طور متوسط وارد بازار کار شده اند. به عبارت دیگر در طول این دوره حدود ۵،۵ میلیون نفر نیروی کار جدید به جمعیت متقاضیان کار اضافه شده است. در حالی که تعداد بیکاران در طی حدود ۷ سال تقریباً ۳۰۰ هزار نفر افزایش یافته است و در طول این مدت حدود ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار فرصت شغلی جدید در کشور ایجاد شده است.

یک فعال صنفی کارگران دریایی انتقاد کرد: اعزام نماینده وزارت کار به جای منتخب صنفی کارگران دریایی به ILO

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در ۲۷ خرداد ۹۲ آمده است: عضو انجمن صنفی کارگران دریایی کشتیرانی جمهوری اسلامی مرکز خلیج فارس از حضور نماینده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به جای نماینده صنفی کارگران دریایی در اجلاس سازمان جهانی کار انتقاد کرد.

«غلامرضا زنگی» با اعلام این خبر به ایلنا گفت: در حالی که هیچگونه درخواستی به تشکل های صنفی کارگران دریایی مبنی بر معرفی نماینده برای اجلاس سازمان جهانی کار ارسال نشده است، آقای هاشمی نژاد نماینده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به جای نماینده صنفی کارگران دریایی به ژنو سفر کرده است.

به گفته این فعال کارگری، انتصابی بودن نماینده کارگران دریایی باعث می شود تا وی از طرح مشکلات کارگران و چاره جویی در این خصوص با سایر نمایندگان کارگری جهان عاجز باشد. وی در پایان تصریح کرد: فردی که به عنوان نماینده کارگران دریایی در مجامع بین المللی حضور پیدا می کند باید منتخب جامعه کارگری باشد.

گفتنی است یکصد و دومین کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار از ۵ تا ۱۵ ژوئن سال ۲۰۱۲ میلادی (۱۵ تا ۳۰ خرداد ماه سال ۹۲) در شهر ژنو برگزار می شود.

سازمان جهانی کار یکی از موسسات تخصصی سازمان ملل متحد است که به امور مربوط به کار و کارگران می پردازد. تاکید این نهاد بر سه جانبه گرایی و مقر آن در شهر ژنو در کشور سوئیس است. این سازمان هر سال در خرداد ماه، اجلاسی با حضور همه کشورهای عضو از جمله ایران برگزار می کند.

حادثه در محل کار، جان دانش‌آموز سنجی را گرفت

به گزارش کُردپا، در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است: یک دانش‌آموز کُرد در شهر سنندج بر اثر سقوط از ساختمان درحال ساخت، جان خود را از دست داد. طبق این گزارش، روز گذشته دانش‌آموزی ۱۷ ساله به نام "سیروان احمدی" فرزند علی به هنگام کار در یک ساختمان در حال احداث، دچار حادثه شد و جان سپرد. حادثه زمانی روی می‌دهد که وی مشغول آرماتوربندی در طبقه‌ی پنجم ساختمان درحال ساخت بوده که به پایین سقوط می‌کند. این دانش‌آموز مقطع دوم دبیرستان به سبب وضعیت نامناسب معیشتی و کمک خرج خانواده اقدام به کار طاقت‌فرسا و سخت آرماتوربندی در ساختمان کرده است. بروز چنین حادثه‌ای در سنندج درحالی است که طبق قانون کار ایران؛ کار کودک کمتر از ۱۸ سال ممنوع است و کار کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال، مشروط و منوط به شرایطی همچون آزمایش پزشکی سالانه، ساعت کمتر از کارگران بزرگسال و ممنوعیت انجام کار سخت و زیان‌بار می‌باشد.

رئیس جمهوری منتخب در پاسخ به ایلنا: افزایش دستمزد متناسب با تورم، اجرای قانون است

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: رئیس جمهوری منتخب مردم ایران در اولین نشست مطبوعاتی خود با تاکید بر تلاش دولت یازدهم برای افزایش دستمزد کارگران متناسب با نرخ تورم، افزایش دستمزد کارگران بر اساس نرخ تورم را نه تنها یک وعده انتخاباتی که حق قانونی کارگران دانست.

«حسن روحانی» که کمتر از دو روز پس از انتخابش با اکثریت قاطع آرا در پیک نشست مطبوعاتی حاضر شده بود در پاسخ به این سؤال خبرنگار ایلنا که از او پرسید: «بر اساس مصوبه شورای عالی کار، امسال دستمزد کارگران ۶ درصد کمتر از نرخ رسمی تورم تعیین شد و این در شرایطی است که کارگران و به طور کلی جامعه مزدبگیر به دلیل سقوط ارزش پول ملی شرایط سختی را می‌گذرانند. برنامه فوری شما برای تحقق وعده‌ای که پیش از انتخابات در خصوص تعیین دستمزد متناسب با نرخ تورم مطرح کردید چیست؟» گفت: این وعده من نیست، قانون می‌گوید که حقوق مزدبگیران باید بر مبنای نرخ تورم تعیین شود.

رئیس جمهوری منتخب مردم ایران ادامه داد: در حال حاضر برابری دستمزد و تورم وجود ندارد و دستمزدها از نرخ تورم کمتر است و بنابراین باید این فاصله برطرف شود.

حسن روحانی تاکید کرد: دولت یازدهم تلاش می‌کند تا اجرای این قانون را عملیاتی کند.

اشاره رئیس دولت یازدهم به قانونی بودن افزایش دستمزد کارگران متناسب با نرخ تورم، به ماده ۴۱ قانون کار است که معیارهای تعیین دستمزد کارگران در شورای عالی کار را نرخ رسمی تورم و سید هزینه یک خانوار چهار نفره تعیین کرده است. هر چند این دو معیار قانونی در دوره‌های نهم و دهم ریاست جمهوری مورد توجه دولت قرار نگرفت اما بی‌توجهی دولت به این معیارها طی سال گذشته که ارزش پول ملی دچار سقوط شد بیش از هر زمان دیگر اعتراض کارگران را به همراه داشت و حرکتی به نام «جنبش مزد عادلانه» را به همراه داشت، به طوری که فعالین کارگری از دو راه شکایت علیه شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری و تلاش جهت تشکیل مجدد شورای عالی کار برای بازنگری در رقم حقوق مسکن و خوار و بار کارگران، برای اولین بار در تاریخ روابط کار ایران در مقابل مصوبه مزدی این شورای که در زمان ریاست محمود احمدی‌نژاد از حالت سه جانبه به شورایی که دولت اکثریت آرا را در اختیار دارد تبدیل شده است، مقاومت کردند.

تشکر و قدردانی از خانواده عزیزم

چهار ماه پیش وقتی تنها فرزندم به مریضی سرطان دچار شد نه تنها من بلکه خانواده و دوستان و رفقای که واقعا نگران فرزندم بودند این وضع برایشان خوشایند نبود در تمام این مدت در کنارم بودند در نبود سه ساله من پدرم همواره در کنار همسر و فرزندم بود هیچگاه آنها را تنها نگذاشت اما در این میان چند نفری از همان کسائی که به نام فعال کارگری فعالیت می کنند اما واقعا رفتار ضد کارگری دارند همیشه تمام تلاششان بر این بود که بین من و خانواده ام این رابطه را خدشه دار کنند در زمان مرخصی ام از وضعیت پیش آمده برای فرزندم بیمارم سوء استفاده کردند و چه کارهای که نکردند که اگر لازم باشد به موقع و در زمان لازم به آگاهی می رسانم در نبود من اقدامی علیه دوست و همکارم محمود صالحی انجام دادند تکیه بر نوشتن این نامه ای و بیانیه ای از من چون روی سایت های دیگری همچون کلمه و چرس یا هر جای دیگری رفته همسرم را تحت فشار قرار دادند یا فشار آوردند به همسرم چرا فلان اقا با این گرایش فکری به خانه شما آمده و سر زده و شما را کمک کرده این نکاتی است که بارها همسرم و فرزندم نیما به ان اشاره داشته اند و عاجزانه از من خواسته اند که نگذارم در نبود من برایشان مزاحمت ایجاد کنند اما چرا؟ چون محمود صالحی به همسر و فرزندم مدام سر می زد عصبانی بودند همین آقایان آمدند و بر علیه من و خانواده هم سخن پراکنی ها و رجز خوانی ها کردند چرا چون زیر بار سیستم فکری کثیفشان نرفتم و تحت اوامر آنها عمل نکردم و به یار گیری آنها که علیه دوستانم و مدام به جای اینکه علیه دشمنان طبقه کارگر اقدام کنند تن ندادم چون جلو سوء استفاده های که در زمانی که درون زندان بودم انجام میدادند گرفتم اکنون بار دیگر هر جا که جمع چند نفره شان گرد هم جمع می شوند باز رجز خوانی و توهین امیز علیه من و همکارانم حرف می زنند گویی طبقه کارگر دشمنی به نام سرمایه ندارد و مدام باید هرروز علیه طبقه کارگر بنویسند و بگویند و مانع تراشی کنند من در اینجا برای چندمین بار از خانواده عزیزم خصوصا پدرم رحمان ابراهیم زاده نهایت تشکر و قدر دانی می کنم و هرگز زحمات بی شایان و بی دریغ پدرم و خانواده ام را فراموش نخواهم کرد از پدرم می خواهم که گول حرفهای نسنجیده و ضد کارگری این محدود کسانی که هیچ جایگاهی در بین طبقه کارگر ندارند نخورند چرا که اینان همیشه دنبال این بوده اند که از فعالین کارگری زندانی سوء استفاده کنند کما که در مورد من و دیگر همکارانم همین رفتارها را کردند حتی به نیما عزیز من هم رحم نکردند. پدر عزیزم من بار دیگر از زحمات بی شایان شما در زمان نبودنم که نسبت به خانواده همسر و فرزندم داشته اید قدر دانی می کنم آقایان فعال کارگر نما دوستان من و شما نیستند این ها کسانی هستند در صف وزارت و در راستای اهداف وزارت اطلاعات قدم بر می بردارند به جای اینکه دنبال زندگی شرافتمندانه و انسانی و آوردن نانی برای سر سفره برای طبقه کارگر باشند دنبال ضربه زدن به این طبقه هستند و حتی رابطه پدر و فرزند ی را هم بهم می زنند حتی به جای اینکه پدر خانواده ای که در زندان بسر میبرد مورد حمایت قرار دهند موجبات اذیت و آزار آنها را فراهم می کنند همانگونه که با خانواده من این کار را کردند در اینجا لازم می دانم بار دیگر از خانواده ام پدرم برای تمام این زحمات تشکر و قدر دانی کنم و هیچگاه و در هیچ جای این را رد نکرده ام که پدرم در کنار همسر و فرزندم نبوده است پدرم همچون کوهی محکم در کنار خانواده ام بوده است. اما اینکه من با تمامی جریا نها و گروهها در زندان هم بند و هم سلول بوده ام شکی دران نیست من برای تك تك این انسانهای شریفی که از عمرشان و زندگی در کنار خانواده شان گذشتند و در صف انسانهای مبارز قرار گرفتند متشکرم

بهنام ابراهیم زاده زندانی سیاسی در بند خرداد ۹۲

مرگ کارگر میانسال در چاهک آسانسور

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است : صبح امروز کارگر میانسالی به چاهک آسانسور در غرب به شرق میرداماد، روبروی پمپ بنزین سقوط کرد و جاننش را از دست داد.

بر اساس این گزارش، در محل حادثه یک ساختمان 6 طبقه اداری به همراه 3 طبقه منفی رویت می شد که در طبقه همکف آن کارگر 42 ساله ای که در حال نظافت بود به درون چاهک آسانسور سقوط کرده و در طبقه منفی سه نقش بر زمین شده بود.

در این حادثه آتش نشانان بلافاصله برق ساختمان را قطع کرده و با بکارگیری تجهیزات امداد و نجات کارگر میانسال را از درون چاهک آسانسور خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند. بر اساس نظر امدادگران اورژانس، متاسفانه مرگ کارگر نظافتچی بر اثر شدت جراحات وارده اعلام شد.

مرگ یک کارگر در عمق ۲۰ متری چاه در شهرستان جم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است: یک کارگر جوان افغان که به لایروبی چاهی عمیق مشغول بود ساعت ۱۱ ظهر امروز و بر اثر ریزش دیواره چاه جان خود را از دست داد. برپایه این گزارش، کارگر جوان افغان که مشغول لایروبی یک چاه عمیق ۲۰ متری در یکی از باغ‌های روستای علی آباد جم بود بر اثر ریزش دیواره‌های چاه جان باخت. وی در حال لایروبی بستر چاه بود که حادثه رخ می‌دهد، ولی به دلیل عمق زیاد و محل نامناسب چاه عملیات بیرون کشیدن جسد این کارگر افغانی تا ساعت ۱۴ به طول انجامید. جسد این کارگر تبعه افغانستان نهایتاً با کمک یک جرثقیل و ورود یک کارگر افغان دیگر از چاه بیرون کشیده شد.

احتمال دریافت شهریه اجباری در مدارس

با کسری بودجه در آموزش و پرورش رخ می‌دهد

به گزارش روزنامه شرق، در تاریخ 27 خرداد 92 آمده است: این مساله باعث شده که نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز نسبت به این مساله ابراز نگرانی کنند. به طوری که عبدالوحد فیاضی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در این باره می‌گوید: برطرف کردن و تامین این کسر بودجه بستگی به منابع درآمدی دارد و جبران این کسری نباید با دریافت وجه از خانواده‌ها در مدارس تامین شود. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس همچنین گفت: این بودجه از چند جهت مورد بررسی قرار گرفت که از جمله می‌توان به بهبود وضعیت فضاهای آموزشی و افزایش بودجه عمرانی اشاره کرد. وی افزود: از دیگر موارد بررسی در کمیسیون تلفیق تکمیل پروژه‌های نیمه مشارکتی وزارت آموزش و پرورش بود که البته تامین بودجه این بخش بستگی به میزان تحقق درآمدهای نفتی یا غیرنفتی و مالیاتی دارد. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با بیان اینکه سال 92 سال خوبی برای بودجه آموزش و پرورش است، گفت: در بخش پژوهشی نیز در لایحه دولت، اثری از افزایش بودجه در این بخش نبود که اعضای کمیسیون تلفیق و نمایندگان مجلس با بررسی بیشتر، با افزایش بودجه این بخش موافقت کردند. فیاضی درخصوص کسری بودجه آموزش و پرورش در سال گذشته، اظهار کرد: اکنون نیز برخی از مطالبات آموزش و پرورش پرداخت نشده است یا این مطالبات که شامل حقوق پرسنل و سرانه مدارس و موارد دیگر است با کمترین میزان آن پرداخت شده است.

این عضو مجلس اضافه کرد: اینگونه پرداخت مطالبات باعث ایجاد مشکلاتی برای مدیران مدارس شده است و در بودجه سال 92 سعی در برطرف کردن و رفع این کسر بودجه است. وی با بیان اینکه عدم تحقق منابع درآمدی کسری بودجه را به همراه دارد، گفت: برطرف کردن و تامین این کسری بودجه بستگی به منابع درآمدی دارد و جبران این کسری نباید با دریافت وجه از خانواده‌ها در مدارس تامین شود. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس درخصوص دریافت وجه از والدین در مدارس، عنوان کرد: یکی از عملکردهای نامناسب در مدارس دریافت هزینه از والدین به هنگام ثبت نام دانش آموزان یا آغاز سال تحصیلی جدید است و سال گذشته نیز آموزش و پرورش برای هوشمندسازی مدارس با دریافت کمک مالی از والدین باعث ناراضی‌تانی خانواده‌ها شده بود.

وی ادامه داد: در اولین جلسه بعد از انتخابات، کمیسیون آموزش مجلس در این خصوص بررسی‌های لازم را

انجام می دهد تا مانع پرداخت اینگونه هزینه ها در مدارس شود که خلاف قانون بوده و هزینه مضاعفی را برای خانواده ها فراهم می کند.

اگر رئیس کانون نمی تواند حقوق بازنشستگان را بگیرد، استعفا دهد

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: عضو هیئت مدیره کانون بازنشستگان شهرستان البرز گفت: کانون عالی بازنشستگان هر چه سریع تر باید تکلیف نهایی خود را با افزایش حقوق و سایر مطالبات و مشکلات بازنشستگان مشخص کند.

«عیدعلی کریمی» در انتقاد به سخنان اخیر رئیس کانون عالی بازنشستگان که مخالفت یکی از اعضای هیئت امنای تامین اجتماعی را عامل به تعویق افتادن افزایش حقوق بازنشستگان در سال جاری عنوان کرده بود، به ایلنا گفت: وظیفه کانون عالی بازنشستگان است که در مقابل موضعی که برخی اشخاص در هیئت امنا دارند ایستادگی کند و مقابله با این افراد را به گلايه های رسانه ای محدود نکند.

او با اشاره به مصوبه افزایش ۲۵ درصدی حقوق مستمری بگیران، پرسید: چطور ممکن است با وجود موافقت وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، و مدیر عامل و اعضای هیات مدیره و هیات امنای تامین اجتماعی، مشاور رئیس جمهور و همچنین آمادگی معاونت مستمری های سازمان برای پرداخت افزایش حقوق بازنشستگان، فقط یک فرد در هیات امنا سازمان مانع اجرای پرداخت افزایش حقوق کارگران شده است.

او با بیان اینکه کانون عالی باید هر چه سریع تر نسبت به مواضع این اشخاص عکس العمل نشان دهد، افزود: اگر رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی نمی تواند نسبت به احقاق حقوق بازنشستگان اقداماتی را انجام دهد و احساس عجز و ناتوانی می کند، باید ضعف خود را بپذیرد و از این سمت استعفا دهد.

کارگران نانوایی ها در محدوده مصوبه حداقل مزد قرار ندارند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان کردستان گفت: کارگران خباز (نانوا) در این استان بصورت کارمزدی و بر مبنای غیر از مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار حقوق می گیرند.

«شاکر ابراهیمی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: مبنای محاسبه و پرداخت دستمزد کارگران خباز توافق سه جانبه ای است که هر ساله در استانداری میان انجمن صنفی کارگران خباز، انجمن صنفی کارفرمایان خباز و مسئولان دولتی استان می شود.

وی با بیان اینکه اساس این توافق قیمت تمام شده آرد و گندم و نان، سهمیه نانواخانه ها، میزان پخت و فروش نان است، گفت: متأسفانه نتیجه این توافق که همواره با چند ماه تاخیر اعلام می شود کمتر از مصوبه دستمزدهای شورای عالی کار است.

این مقام کارگری گفت: با وجود اصراری که انجمن صنفی کارگران خباز بر اجرای مصوبه دستمزد شورای عالی کار دارد، در جلسات مذاکره در خصوص محاسبه مزد کارگران خباز هیچ کدام از مطالبات قانونی کارگران از جمله حقوق خوار و بار، مسکن و اولاد لحاظ نمی شود.

وی افزود: بر این اساس در حال حاضر در استان کردستان دستمزد کنونی کارگران خباز معادل دستمزدهای دوسال پیش است.

به گفته مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان کردستان هر چند کارگران خباز تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی هستند اما از آنجایی که ملاک پرداخت دستمزد این کارگران متفاوت است، کارگران خباز همواره برای بازنشستگی و دریافت مستمری مکفی با مشکل مواجه اند.

ابراهیمی با بیان اینکه سالهاست که چنین وضعی در نانواخانه های استان کردستان حاکم است، گفت: در خصوص اجرای قانون هدفمندی یارانه ها که به گران شدن قیمت نان منجر شد، توافق بر سر تعیین و افزایش دستمزد کارگران خباز سخت تر شده است.

فقدان امکانات نگهداری از فرزندان کارگران زن در بسیاری از واحدهای تولیدی

عضو کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی در بسیاری از کارگاه‌ها قوانین حمایتی از «کارگران مادر» عمل کنند.

«حمید بهراد» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به موجب ماده ۷۸ قانون کار در کارگاه‌هایی که کارگران زن دارای کودک نوزاد یا خردسال هستند کارفرما مکلف است برای نگهداری فرزندان این کارگران، شیرخوارگاه و یا مهد کودک دایر کند.

وی افزود: بدلیل وجود وجود این ماده، قانون کار به کارفرمایان مشمول اجازه نمی‌دهد که تحت هیچ شرایطی (حتی اوضاع نامناسب اقتصادی) به این تعهد قانونی خود در برابر کارگران مادر عمل نکنند.

به گفته این مقام کارگری، امروز کارفرمایان مشمول ماده ۷۸ قانون کار براساس وضعیت درآمدی خود و همچنین تعداد کارگران مادری که استخدام کرده‌اند، باید نسبت به راه اندازی شیرخوارگاه یا مهدکودک اقدام می‌کنند.

عضو کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سمنان تصریح کرد: در حال حاضر حتی در برخی کارگاه‌های دولتی برای نگهداری کودکان نوزاد و خردسال کارگران مادر هیچ امکاناتی وجود ندارد و والدین این کودکان مجبوراند تا در طول ساعات کار با هزینه شخصی از فرزندان خود مراقبت کنند.

وی بابیان اینکه هم اکنون در استان سمنان هزینه یک مهدکودک در کمترین حالت سالانه ۸۰۰ هزار تومان است افزود: این درحالی است در سال ۹۲ صرفه نظر از دستمزد ناچیز کارگران، مبلغ حق اولاد در ماه کمتر از ۵۰ هزار تومان است.

این مقام کارگری گفت: حتی مجموع حق اولاد یک سال کارگر برای پرداخت هزینه مهدکودک کافی نیست.

تهدید به اخراج مربیان توسط اداره آموزش رهنمایی و رانندگی

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در ۲۷ خرداد ۹۲ آمده است: رئیس انجمن صنفی مربیان آموزشگاه‌های رانندگی استان فارس از عدم وجود امنیت شغلی در این صنف انتقاد کرد.

«حسن روستا» در این باره به ایلنا گفت: مربیان آموزشگاه‌های رانندگی در حالی که خط مقدم فرهنگ ترافیک هستند از امنیت شغلی کافی برخوردار نیستند.

وی با اشاره به عدم حمایت‌های شغلی و اجتماعی از مربیان آموزشگاه‌های رانندگی تصریح کرد: یارانه دولت برای بیمه‌ی مربیان آموزشگاه‌های رانندگی در قوانین لحاظ نشده است و در حالی که این مربیان جزء اصناف کارگری به شمار می‌آیند کل هزینه‌ی بیمه بر دوش خودشان است.

این فعال صنفی در ادامه از تهدید به اخراج مربیانی که برای تشکیل انجمن صنفی در استان خود اقدام می‌کنند توسط اداره آموزش رهنمایی و رانندگی انتقاد کرد.

به گفته‌ی آقای روستا، تجمعات صنفی مربیان آموزشگاه‌های رانندگی از سوی نهادهای نظارتی اغتشاش خواند می‌شود که تاسف‌آور است.

رئیس انجمن صنفی مربیان آموزشگاه‌های رانندگی استان فارس در پایان افزود: بیش از ۴۰۰ مربی در استان فارس از کارت سوخت برخوردار نیستند و بدون سهمیه بندی به آموزش هنجرویان ادامه می‌دهند و تلاش ما تا به امروز برای رایزنی با ستاد سوخت به منظور حل مشکل مذکور به جایی نرسیده است.

مرگ کارگر افغان در عمق ۳۰ متری چاه

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در ۲۷ خرداد ۹۲ آمده است: یک کارگر جوان افغان که به لایروبی چاهی عمیق مشغول بود ساعت ۱۱ ظهر امروز و بر اثر ریزش دیواره چاه جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، کارگر جوان افغان که مشغول لایروبی یک چاه عمیق ۳۰ متری در یکی از باغ‌های روستای علی آباد جم بود بر اثر ریزش دیواره‌های چاه جان باخت.

بر اساس این گزارش، وی در حال لایروبی بستر چاه بود که حادثه رخ می‌دهد، ولی به دلیل عمق زیاد و محل نامناسب چاه عملیات بیرون کشیدن جسد این کارگر افغانی تا ساعت ۱۴ به طول انجامید.

جسد این کارگر تبعه افغانستان نهایتاً با کمک یک جرثقیل و ورود یک کارگر افغان دیگر از چاه بیرون کشیده شد.

کارگران کارخانه آزمایش ۹ ماه حقوق نگرفته‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر شرق تهران از تعویق ۹ ماه حقوق کارگران کارخانه آزمایش خبر داد و گفت: این واحد تولیدی به دلیل آنکه تولیدات آن در یکسال گذشته به حداقل رسیده است توانایی پرداخت حقوق کارگران خود را ندارد.

«علی اکبر عیوضی» با اعلام خبر فوق به ایلنا گفت: کارخانه آزمایش در شرق تهران که یکی از برندهای با سابقه و قدیمی در صنعت لوازم خانگی کشور است ۹ ماه از حقوق ۱۰۰ کارگر خود را پرداخت نکرده است. او مشکلات این واحد تولیدی را ناشی از سوء مدیریت عنوان کرد و افزود: پنجاه درصد از مشکلات این کارخانه مربوط به مشکلات اقتصادی حاصل از تورم است و مابقی آن از سوء مدیریت و ناسازگاری شرکا، نشأت می‌گیرد.

به گفته وی از مجموع یک هزار و صد کارگری که در سالهای گذشته در این کارخانه فعال بوده‌اند، امروزه فقط صد کارگر در این کارخانه باقی مانده‌اند.

این فعال کارگری در خاتمه، با بیان اینکه این کارگران با سوابق ۲۰ سال خدمت در آستانه بیکاری هستند افزود: حمایت دولت از این بخش خصوصی می‌تواند مانع تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران‌اش شود.

سقوط مرگ آور کارگر نوظافتچی در چاه آسانسور

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: یک کارگر نوظافتچی در حین انجام کار در خیابان «میرداماد» تهران به چاه آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه صبح امروز (۲۷ خرداد ماه) در خیابان میر داماد هنگامی رخ داد که کارگر نوظافتچی در طبقه همکف يك ساختمان شش طبقه مشغول نوظافت بود.

گفته می‌شود این کارگر ۴۲ ساله به دلیل سقوط در چاه آسانسور و افتادن در در طبقه منفی سه ساختمان جان باخت.

پس از این حادثه با حضور گروه‌های امداد و نجات، جسد این کارگر از چاهك آسانسور خارج و منتقل شد.

پایان خرداد هم فرارسید / کارگران بازنشسته هنوز منتظر افزایش مستمری هستند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: عضو هیئت مدیره اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور با انتقاد از بی‌توجهی کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی به معیشت کارگران بازنشسته از تاخیر سه ماهه‌ای که در پرداخت افزایش مستمری‌های این کارگران ایجاد شده است انتقاد کرد.

سهراب قنبری با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی پیشتر وعده داده بود که تا پایان خرداد ماه مابه التفاوت مستمری کارگران بازنشسته پرداخت می‌شود.

وی افزود: با وجود فرارسیدن ایام آخر خرداد هنوز مابه التفاوت مربوط به افزایش مستمری‌های سال 92 به کارگران بازنشسته پرداخت نشده است.

او با بیان اینکه در حال حاضر بازنشستگان از وضعیت فعلی خود گله‌مند هستند، افزود: به نظر می‌رسد پرداخت مابه التفاوت حقوق بازنشستگان به ماه‌های بعد موکول خواهد شد چرا که بانک‌ها به عنوان متولی پرداخت

حقوق، طبق مقررات خود بعد از بیست و پنجم هر ماه دیگر هیچ گونه محاسباتی برای پرداخت حقوق ندارند.

دبیر خانه کارگر غرب تهران با بیان اینکه در شرایط اقتصادی کنونی بازنشستگان نگران تامین معاش خانواده خود هستند، افزود: دادن وعده‌های غیرواقعی در خصوص پرداخت مابه التفاوت حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی

اجحاف به حقوق آنان است.

این فعال کارگری در ادامه با تاکید بر اینکه کانون عالی باید پاسخگو حقوق از دست رفته بازنشستگان خود باشد، گفت: بسیاری بازنشستگان معتقد هستند که به دلیل ضعف عملکرد مسئولان کانون عالی بازنشستگان باید خود برای پیگیری حقوق خود چاره اندیشی کنند.

قنبری در خاتمه با بیان اینکه هیچگاه بازنشستگان به مستمری واقعی خود دست پیدا نکرده‌اند اظهار داشت: دولت باید با توجه به شرایط سخت اقتصادی کشور که امرار معاش همه اقشار جامعه بویژه بازنشستگان را تحت شعاع قرار داده است برنامه ریزی مدونی را ترتیب می‌داد تا اقشار آسیب پذیر صدمات کمتری را متحمل می‌شدند.

حذف نام دو هزار و ۵۰۰ کارگر ساختمانی سمنانی از سامانه سهام عدالت

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر سمنان از حذف اسامی دو هزار و ۵۰۰ کارگر ساختمانی که برای دریافت سهام عدالت در این استان اقدام کرده و متحمل هزینه‌هایی شده بودن، انتقاد کرد.

«حبیب الله محقق» با اعلام مطلب فوق به ایلنا گفت: طی دو سال گذشته با فراخوان دولت تنها در عرض ۵ روز، دو هزار ۵۰۰ کارگر ساختمانی جهت دریافت سهام عدالت به صورت اینترنتی در سمنان ثبت‌نام کردند اما اسامی آنان در سامانه سهام عدالت وجود ندارد.

این فعال کارگری با بیان اینکه کسی جوابگوی کارگرانی که در شرایط سخت اقتصادی طی دو سال گذشته برای ثبت نام سهام عدالت خود هزینه کرده‌اند نیست، افزود: این تعداد کارگر باید علاوه بر پرداخت هزینه مجدد، یک روز از فعالیت کاری خود را برای ثبت نام در سهام عدالت تلف کنند و در این زمینه دچار خسارت می‌شوند. او در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از کارکنان مرکز ثبت نام سهام عدالت در شهر دامغان اضافه کرد: با وجود اینکه مرکز ثبت نام سهام عدالت کارگران استان در شهر دامغان است کارکنان آن هیچ گونه همکاری و مشاوره‌ای به کارگران در زمینه مشکلات ایجاد شده نمی‌دهند.

این مقام کارگری با انتقاد از عملکرد نامناسب دولت در واگذاری سهام عدالت به کارگران اظهار داشت: با وجود اینکه کارگران ساختمانی از دهک‌های پایین اقتصادی و در اولویت دریافت سهام عدالت قرار دارند، متأسفانه امکان دریافت سهام عدالت را پیدا نکرده‌اند.

کارگران زن در کردستان از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی محروماند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 27 خرداد 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان کردستان گفت: بیشتر کارگران زنی که در کارگاه‌های این استان مشغول کارند از ابتدایی‌ترین حقوق قانونی خود محروماند.

«سید شاکر ابراهیمی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: بیشتر زنانی که در استان کردستان به عنوان کارگر کار می‌کنند زنان سرپرست خانوار یا بد سرپرستی هستند که تنها محل درآمد آنها همین دستمزد است.

این مقام کارگری افزود: از آنجایی که استان کردستان یک استان غیر صنعتی است و واحدهای تولیدی آن بیشتر به شیوه سنتی اداره می‌شود، کمتر کارگری را می‌توان سراغ داشت که تمامی مطالبات خود را مطابق قانون دریافت کند.

وی افزود: در شرایط امروز که اصل روابط کار بر سکوت مطلق کارگر در برابر پایمال شدن حقوقش استوار است، وضعیت کارگران زن به مراتب از کارگران مرد بدتر است.

ابراهیمی افزود: در حالی که به موجب قانون کار زنان از انجام مشاغل طاقت فرسا و خطرناک معاف هستند، در استان کردستان به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی کارگران زن چه در کارگاه‌های زنانه و چه در محیط‌های مردانه مجبور به انجام هر کاری هستند.

وی گفت: در واحدهای تولیدی این استان شرایط کار برای کارگران زن به حدی طاقت فرساست که حتی ممکن است این کارگران از حقوق مادرانه خود در ایام بارداری، زایمان و شیردهی محروم شوند.

به گفته این مقام کارگری در واحدهای تولیدی مختلف این استان کارگر زن و کارگران مرد روزانه ۱۰ تا ۱۴ ساعت کار می‌کنند اما در بهترین حالت دریافتی آنها بر مبنای هشت ساعت کار روزانه پرداخت می‌شود.

مسئول کانون‌هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان کردستان گفت: این کارگران در بهترین حالت با «منت» کارفرما درآمدی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند و این درحالی است که حق واقعی آنها به مراتب

بیشتر از این مبلغ است .
وی گفت: این کارگران می‌دانند که با توجه به برگه‌های تسویه‌حسابی که پیشاپیش بطور سفید امضا در اختیار کارفرما گذاشته‌اند نمی‌توانند در هیچ دعوای حقوقی برنده شوند.

انتقال شاهرخ زمانی به انفرادی!

به گزارش کمیته حمایت از شاهرخ زمانی، روز یکشنبه 1392/3/26 مأموران در زندان رجایی شهر سعی داشتند شاهرخ زمانی را با لباس زندان به دادگاه ببرند که با مقاومت شدید او روبرو شدند .
با مقاومت شاهرخ و امتناعش از رفتن با لباس زندان به دادگاه ، او را به انفرادی منتقل کردند.

آقای روحانی، کارگران ایران 35 سال غرامت طلبکارند جنابعالی توان پرداختش را ندارید!
آقای حسن روحانی، این نامه بی پرده و سرگشاده کارگری است که 25 سال در مملکت (درسخت ترین مشاغل، تعمیرات دستگاه‌های سنگین صنعتی مکانیک، هیدرولیک و جرثقیل و در بدترین شرایط آب وهوا دربندرعباس و ساوه) زحمت کشیده است و بیش از 5 سال (از فروردین سال 87 تا کنون) در بدترین شرایط اقتصادی، بیکار می باشد. بیش از 5 سال است که بارها مرگش را آرزو کرده است، کورسوی روزنه امید، خفت زنده ماندن را بر او تحمیل کرد و گرنه امروز مرگ و زندگی برایش یکسان است.

آقای حسن روحانی
اگر چه بزرگوارانه به کارگران وعده دادید که غرامت کاهش دستمزد سال 92 را پرداخت می کنید! باید بدانید این غرامت، کمترین مطالبه طبقه کارگر است. غرامت و مابه تفاوت 12 سال عدم تناسب دستمزد با تورم رسمی اعلام شده. غرامت میلیونها کارگر جوان بیکار و اخراجی. غرامت و تاوان حقوقهای معوقه. غرامت و خون بهای هزاران کارگر افغانی و ایرانی مجروح، معلول و کشته شده. غرامت به کارگرانی که فقط به جرم دفاع از حقوق شان زندانی شدند. غرامت به کارگرانی که قانون و طرح مشاغل سخت و زیان آوردر مورد آنها اجرا نشد. غرامت به کارگران ساختمانی به علت عدم بیمه آنها. غرامت به بازنشستگان به علت دیرکرد اضافه حقوق و عدم تناسب حقوق آنها با تورم واقعا موجود. غرامت به کارگران و خانواده های کارگری که در این 35 سال در اثر سیاستهای حاکم آبرو، حیثیت و شرافت آنها صدمه دیده است و... این غرامتها باید توسط دولت و نظام جمهوری اسلامی به کارگران پرداخت شود.

آقای حسن روحانی
شما به خوبی می دانید درسایه نظام جمهوری اسلامی بیش از 35 سال است که از استثمار و غارت دسترنج کارگران و زحمتکشان عده ایی سرمایه دار مفت خور، به خدایگانی قدرتمند تبدیل شده اند که هیچ حقی برای انسانها قائل نبوده و نیستند ودر این مدت با استثمار وحشیانه خود، با گرانی و تورم افسارگسیخته، طبقه کارگر و جامعه را به نابودی کشانده اند به نحوی که امروز خشم و انزجار کارگران از وضعیت موجود بر کسی پوشیده نیست. کارگران می دانند وعده های شما در حد شعارهای عوام فریبانه دولتهای موسوی، رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد باقی خواهد ماند. 35 سال کار و زندگی نکبت بار، در جامعه ایی سراسر از ابتذال، دروغ و ریاکاری به کارگران آموخته است به قدرت حاکم اعتماد نکنند و فقط با مبارزات متحدانه، پیگیر و سراسری می توانند غرامتها، لغو قرارداد ننگین موقت و مطالبات اولیه و بدیهی خود شامل، حقوق معوقه، حق دستمزد عادلانه، حق بیمه بیکاری، حق کارهای سخت و زیان آور، حق تجمع، اعتراض، اعتصاب و تشکل، حق داشتن آزادی بیان و مطبوعات و بطور کلی حق داشتن یک زندگی شرافتمندانه انسانی را بدست بیاورند. شما بازی بزرگ انتخابات را برده اید اما خوب می دانید بحران بیکاری، بحران گرانی، بحران تورم و بطور کلی بحران عمیق اقتصادی اجتماعی در چهارچوب وضعیت موجود نقطه پایانی ندارد. نفرت اجتماعی به اوج خود رسیده و آستانه تحمل کارگران را به مرز انفجار رسانده است، فریب و سرکوب کارگران نیز دیگر چاره ساز نیست. شاید پیام شادی هزاران جوان طلبکار و خواهان تغییر را درمرکز شهر گرفته باشید، اما سکوت و خاموشی مطلق محله های کارگر نشین حومه تهران پیام روشنی دارد این پیام آشکارا می گوید تاحالا کسی نیامده است دردی از ما درمان کند یا گرهی از کار ما بگشاید ما کارگران باید دست در دست هم بگذاریم و به نیروی قدرتمند اجتماعی خود تکیه کنیم و یکپارچه و مصمم،

مبارزات پیگیر خود را برای معیشت و شرافت، قاطعانه ادامه دهیم و منتظر وعده های سرخرمن نباشیم این وعده ها هرگز سبز نخواهند شد.
شاپور احسانی راد - نماینده اخراجی کارگران نورد پروفیل ساوه و عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران -
28 خرداد 92

دخترچه‌های متاهل: کارگرانی بی‌مزد، بی‌امنیت، بی‌حمایت

الهام هومین‌فر

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/06/blog-post_18.html

به نوشته وبلاگ کانون مافعان حقوق کارگر در 28 خرداد 92 آمده است: سالانه میلیون‌ها دخترچه به دلیل فقر و مسایل مذهبی مجبور به ازدواج می‌شوند و عملاً به صورت بردگان جنسی و کاری مورد سوءاستفاده‌های بسیاری قرار می‌گیرند. بر اساس تعریف بین‌المللی، ازدواج دخترچه‌ها یا ازدواج زود هنگام عبارت است از «هر ازدواجی که در سنین زیر 18 سال صورت می‌گیرد. دختران در این سنین از نظر جسمی، فیزیولوژی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری مناسب نیستند» (UNFPA, 2006, 6). « این ازدواج‌ها که اغلب در کشورهای فقیر و در حال توسعه آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین رخ می‌دهند؛ روز به روز بیشتر شده و قوانین و راهکارهای بین‌المللی همچنان در توقف یا کنترل آن ناتوان بوده‌اند.

سال 2002 حدود 52 میلیون دختر زیر 18 سال که بسیاری از آنها کمتر از 10 سال داشتند، ازدواج کرده بودند. این رقم در سال 2012 به بیش از 100 میلیون نفر رسید. طبق آمار رسمی در جنوب آسیا 48 درصد ازدواج‌ها، در آفریقا 42 درصد و در آمریکای لاتین 29 درصد ازدواج‌ها، زیر 18 سال بوده است (Nour, 2006; Vogelstein, 2013). در نپال 7 درصد دختران زیر 10 سال ازدواج می‌کنند و 40 درصد دختران تا 15 سالگی تن به ازدواج می‌دهند (لطفی، 89). آمار سال 2006 نشان می‌دهد 77 درصد دختران در نیجریه، 71 درصد در چاد، 63 درصد در کامرون و 57 درصد در موزامبیک زیر 18 سال مجبور به ازدواج شده‌اند (Nour, 2006). آمار سال 2009 می‌گوید در هندوستان حدود 44.5 درصد زنان زیر 18 ازدواج کرده‌اند که 26 درصد آنها زیر 13 سال بوده‌اند (Raj et al., 2009). در این کشور سال 1929 سن قانونی ازدواج 12 سال بوده است و پس از آن سن قانونی ازدواج به 18 سال رسیده است. این در حالی است که در سال 6-2005 نیمی از زنان 20 تا 24 ساله عنوان کرده‌اند که قبل از سن قانونی ازدواج کرده‌اند (Nour, 2006; Raj et al., 2009). در ایران نیز تحقیقات نشان می‌دهد 20 درصد ازدواج‌ها در سنین کودکی صورت می‌گیرد که از 7.7 درصد در تهران تا 40 درصد در مناطق روستایی سیستان و بلوچستان را شامل می‌شود (احمدی، 84).

از سال 1948 سازمان‌های جهانی سعی در توقف این مساله داشته‌اند. طبق ماده 3 اعلامیه حقوق کودک، حفاظت از رفاه و سلامت کودکان به عنوان یک وظیفه برای والدین و جامعه شناخته شده است. ماده 19 حق محفوظ ماندن از همه انواع خشونت فیزیکی، ذهنی، سوءاستفاده جنسی، رفتاری و ماده 24 حق سلامتی دسترسی به بهداشت و حفاظت در برابر رسوم و سنت‌های مضر را خاطر نشان کرده است. (convention on the rights of the child, 2009) اما به نظر می‌رسد این قوانین بین‌المللی به دلایل اقتصادی، فرهنگی و مذهبی توان اجرایی شدن را ندارند و تنها روی کاغذ مانورهای حقوق بشری می‌دهند. ماه گذشته قانون منع خشونت علیه زنان که یک بند آن ازدواج کودکان را نشانه رفته بود، به دلیل تناقض با دستورات مذهبی در افغانستان مورد تصویب مجلس واقع نشد. (بی‌بی‌سی فارسی، 92/2/8) طبق ماده 1041 قانون مدنی ایران عقد نکاح دختران قبل از 13 سالگی منوط به اذن ولی و شرایط مصلحت یا تشخیص دادگاه صالح است. بنابراین طبق قانون ایران به‌رغم قوانین جهانی 13 سالگی برای ازدواج قانونی قلمداد می‌شود. همچنین طبق قانون کیفری پدر می‌تواند دختر بچه زیر 13 سال را نیز به عقد دیگری در بیاورد. از این روست که طبق گزارش خبرگزاری فارس (92/2/29)، تنها در استان هرمزگان در سال 89، 458 مورد ازدواج زیر 14 سال در 8 ماهه اول سال ثبت شده که 5 مورد آن زیر 10 سال بوده است. در 10 ماهه اول سال 90، 6 مورد ازدواج زیر 10 سال در این استان ثبت شده است که البته این آمار، رسمی است و شرایط جوامع روستایی ایران گواه آماری بیش از

این در ازدواج‌های غیررسمی و ثبت نشده در بقیه نقاط ایران را دارد. علت اصلی این مساله فقر اقتصادی است که با گسترش آن، این پدیده به جای کنترل، در حال گسترش است و قوانین بین‌المللی چندان راهگشای آن نبوده است. بیشتر این دختران از طبقات پایین جامعه هستند که پس از ازدواج محکوم به کار دائم روزانه در خانه شوهر یا خانواده او، بدون دریافت مزد یا هرگونه حمایت اجتماعی هستند. این کارگران خردسال، بار کار بی‌مزد خانگی را از دوران کودکی و نوجوانی بر دوش می‌کشند. درواقع این دختران متاهل، بچه‌هایی هستند که مجبور به آوردن بچه می‌شوند، از این رو در معرض آسیب‌های فیزیکی و روانی بسیاری قرار می‌گیرند. ازدواج دختر بچه‌ها مصداق کامل خشونت خاموش و مانع بزرگ آموزش و سلامت فیزیکی و روانی آنهاست. برای مثال، طبق مطالعه‌ای در ایران 61 درصد دختران علت ترک تحصیل خود را ازدواج عنوان کرده‌اند (احمدی، 84). همچنین بررسی‌ها در سطح جهانی نشان می‌دهد، این ازدواج‌ها عامل مهم بیماری‌های مقاربتی برای دختران، به ویژه ایدز، سرطان گردن رحم، مرگ و میر هنگام زایمان، نقص عضو جنسی به صورت مادام‌العمر هستند. 67 درصد دخترانی که در 15 سالگی ازدواج کرده‌اند، دچار سوءتغذیه و دارای حداقل یکی از 4 عارضه زایمانی شامل زایمان طولانی، خونریزی شدید، تب و تشنج و همچنین پارگی اندام داخلی جنسی هستند. (لطیفی 1389، Nour, 2006) از پیامدهای دیگر این نوع ازدواج‌ها خشونت آشکار و ضرب و شتم این دخترچه‌ها در خانواده‌ی جدید است که همراه دیگر خشونت‌های آشکار و پنهان راهی به جز خودکشی برای این کودکان باقی نمی‌گذارد. (Arango, 2012, Hasrat-Nazimi, 2013) ایجاد برنامه‌هایی مانند توانمندسازی زنان، تاکید بر قانون، ایجاد برنامه‌های آموزشی و کمک گرفتن از جامعه محلی و توسعه فرهنگی آن، اگر چه بسیار ضروری است، اما کافی نیست و عملاً بدون تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی بی‌فایده است. این خشونت آشکار علیه دخترچه‌ها که به بیگاری جسمی و جنسی کشیده می‌شوند، خشونت‌ی ساختاری است که تنها با تغییر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که عامل ایجاد آن هستند، پاسخ مناسب می‌گیرد. این دخترچه‌ها متعلق به خانواده‌های فقیری هستند که یا به دلیل نیاز مالی و ناتوانی در پرداخت هزینه‌های زندگی دختران‌شان، آن‌ها را مجبور به ازدواج می‌کنند یا به دلیل فرهنگی و نگرانی بابت دوشیزه نماندن دختران‌شان، تن به چنین ضمانت اجتماعی می‌دهند. بی‌شک این دختران که از سنین بسیار کم، وادار به کار خانگی، کار در مزرعه یا دیگر کارگاه‌های خانگی می‌شوند، مورد سوءاستفاده‌های جنسی مادام‌العمر، در لفافه همسری، قرار می‌گیرند. این کودکان که کار آن‌ها نادیده گرفته شده است بیگاری سنگینی را متحمل می‌شوند که از چشمان بسیاری از مدافعان حقوق کودکان کار، به دلیل زورق ازدواج و حضور در یک خانه از نظر دور مانده است.

منابع و ماخذ

احمدی، علی یار (1384) بررسی تاثیر ازدواج زود هنگام بر ترک تحصیل زنان نوجوان در ایران با رویکرد چند سطحی، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
لطیفی، راضیه (1389) پیامدهای ازدواج زودرس در زنان. فصلنامه زن و بهداشت. 2(1): 67-79. مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی:

<http://www.sid.ir/fa/ViewPaper.asp?ID=171375>

varStr=5;%D9%84%D8%B7%D9%81%D9%8A%20%D8%B1%D8%A7%D8%B6%D9%8A%D9%87;%D8%B2%D9%86%20%D9%88%20%D8%A8%D9%87%D8%AF%D8%A7%D8%B4%D8%AA;%D8%AA%D8%A7%D8%A8%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%201389;1;2;67;79
بی بی سی فارسی (92/2/28). جلوگیری محافظه کاران از تصویب قانون منع خشونت با زنان در افغانستان:

سالانه میلیون‌ها دخترچه به دلیل فقر و مسایل مذهبی مجبور به ازدواج می‌شوند و عملاً به صورت بردگان جنسی و کاری مورد سوءاستفاده‌های بسیاری قرار می‌گیرند. بر اساس تعریف بین‌المللی، ازدواج دخترچه‌ها یا ازدواج زود هنگام عبارت است از «هر ازدواجی که در سنین زیر 18 سال صورت می‌گیرد. دختران در این سنین از نظر جسمی، فیزیولوژی و روانی برای ازدواج و فرزندآوری مناسب نیستند» (UNFPA, 2006, 6). این ازدواج‌ها که

اغلب در کشورهای فقیر و در حال توسعه آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین رخ می‌دهند؛ روز به روز بیشتر شده و قوانین و راهکارهای بین‌المللی همچنان در توقف یا کنترل آن ناتوان بوده‌اند.

يك فعال کارگری در این استان خبر داد: حذف نام دو هزار و ۵۰۰ کارگر ساختمانی سمنانی از سامانه سهام عدالت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است دبیر خانه کارگر سمنان از حذف اسامی دو هزار و ۵۰۰ کارگر ساختمانی که برای دریافت سهام عدالت در این استان اقدام کرده و متحمل هزینه‌هایی شده بودن، انتقاد کرد.

«حبیب الله محقق» با اعلام مطلب فوق به ایلنا گفت: طی دو سال گذشته با فراخوان دولت تنها در عرض ۵ روز، دو هزار ۵۰۰ کارگر ساختمانی جهت دریافت سهام عدالت به صورت اینترنتی در سمنان ثبت‌نام کردند اما اسامی آنان در سامانه سهام عدالت وجود ندارد.

این فعال کارگری با بیان اینکه کسی جوابگوی کارگرانی که در شرایط سخت اقتصادی طی دو سال گذشته برای ثبت نام سهام عدالت خود هزینه کرده‌اند نیست، افزود: این تعداد کارگر باید علاوه بر پرداخت هزینه مجدد، یک روز از فعالیت کاری خود را برای ثبت نام در سهام عدالت تلف کنند و در این زمینه دچار خسارت می‌شوند. او در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از کارکنان مرکز ثبت نام سهام عدالت در شهر دامغان اضافه کرد: با وجود اینکه مرکز ثبت نام سهام عدالت کارگران استان در شهر دامغان است کارکنان آن هیچ گونه همکاری و مشاوره‌ای به کارگران در زمینه مشکلات ایجاد شده نمی‌دهند.

این مقام کارگری با انتقاد از عملکرد نامناسب دولت در واگذاری سهام عدالت به کارگران اظهار داشت: با وجود اینکه کارگران ساختمانی از دهک‌های پایین اقتصادی و در اولویت دریافت سهام عدالت قرار دارند، متأسفانه امکان دریافت سهام عدالت را پیدا نکرده‌اند.

پایان پیام

دردنامه دوم کارگران شهرداری چالدران (سیه چشمه)

این دردنامه جمعی از کارگران شهرداری است که جوانی و انرژی خود را در شهرداری گذرانند

به گزارش نوای چالدران ، در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است : در گوشه و کنار این شهر نارنجی پوشانی را می بینیم که با جان و دل ، شب و روز کار میکنند تا مبدا بوي تعفن زیاله ها به مشاممان نرسد . آن هایی که همیشه سینه را سپر کرده و برای زیبایی و پاکی شهرمان تلاش های وافری نموده اند.

به گفته یکی از کارگران شهرداری عقب افتادن حقوق و دستمزد کارگران، اجاره مسکن و سایر مایحتاج زندگی را تحت الشعاع قرار داده تا جایی که برخی از نان شب خود گذشته اند تا شاید بتوانند اجاره خانه خود را پرداخت کنند. دستمزد پایین کارگران با تورم موجود هیچ‌گونه همخوانی ندارد و کارگران در فاصله فقر و غنا گرفتار شده‌اند.

یکی دیگر از کارگران شهرداری گفت: از این وضعیت راضی نیستیم و اگر شکایت یا گلایه ای کنیم می ترسیم موجب اخراجمان شود. این در حالی است که با بیشترین زحمت و با کمترین حقوق و مزایا کار می کنیم.

رئیس انجمن مربیان آموزشگاه های رانندگی فارس خبر داد: تهدید به اخراج مربیان توسط اداره آموزش راهنمایی و رانندگی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است رئیس انجمن صنفی مربیان آموزشگاه های رانندگی استان فارس از عدم وجود امنیت شغلی در این صنف انتقاد کرد.

«حسن روستا» در این باره به ایلنا گفت: مربیان آموزشگاه های رانندگی در حالی که خط مقدم فرهنگ ترافیک هستند از امنیت شغلی کافی برخوردار نیستند.

وی با اشاره به عدم حمایت های شغلی و اجتماعی از مربیان آموزشگاه های رانندگی تصریح کرد: پارانه دولت برای بیمه ی مربیان آموزشگاه های رانندگی در قوانین لحاظ نشده است و در حالی که این مربیان جزء اصناف کارگری به شمار می آیند کل هزینه ی بیمه بر دوش خودشان است.

این فعال صنفی در ادامه از تهدید به اخراج مربیانی که برای تشکیل انجمن صنفی در استان خود اقدام می کنند توسط اداره آموزش راهنمایی و رانندگی انتقاد کرد.

به گفته ی آقای روستا، تجمعات صنفی مربیان آموزشگاه های رانندگی از سوی نهادهای نظارتی اغتشاش خواند می شود که تاسف آور است.

رئیس انجمن صنفی مربیان آموزشگاه های رانندگی استان فارس در پایان افزود: بیش از 400 مربی در استان فارس از کارت سوخت برخوردار نیستند و بدون سهمیه بندی به آموزش هنرجویان ادامه می دهند و تلاش ما تا به امروز برای رایزنی با ستاد سوخت به منظور حل مشکل مذکور به جایی نرسیده است.

پایان پیام

گزارشی از میزان تورم ایران در ۷۳ سال

به نوشته سایت خبر آنلاین در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است: بررسی نمودار تورم 73 ساله در ایران نشان می دهد که در هیچ دوران تاریخ معاصر وضعیت تورم همانند سال های 1340 تا 1351 نبوده است. به گزارش خبرآنلاین، اگرچه برخی کارشناسان اقتصادی همواره بر این تاکید دارند که باید میان « تورم » و « گرانی » تفاوت قائل شد اما حقیقت این است که ترکیب « تورم و گرانی » این روزها به طور عجیبی در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. ترکیبی که به عنوان یکی از اصلی ترین دغدغه های شهروندان این روزها دهان به دهان می چرخد و بسیاری از شهروندان گرانی را همان تورمی عنوان می کنند که رقم آن این روزها سختی هایی برای اقتصاد ایران رقم زده است. بر اساس آخرین اعلام مرکز آمار ایران تورم اردیبهشت ۳۱ درصد اعلام شده و در گروه های کالایی مختلف به طور میانگین کالاهای اساسی تورم ۵۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته داشته است. این میزان « تورم » گلایه های پی در پی شهروندان از این شاخص اقتصادی را طبیعی جلوه می دهد. هرچند برخی کارشناسان اقتصادی اعتقاد دارند این میزان تورم به طور متوسط در نظر گرفته می شود و تورم واقعی رقمی بیش از آن چیزی است که مرکز آمار اعلام می کند. تورم در جامعه امروز در حالیکه دو رقمی است و از 30 درصد نیز فرا تر رفته که بررسی میزان تورم در تاریخ 73 سال گذشته ایران نشان می دهد این شاخص اقتصادی در میان سال های 1340 تا 135 بهترین وضعیت ممکن را داشته است. بررسی نمودار تورم 73 ساله در ایران نشان می دهد که در هیچ دوران تاریخ معاصر وضعیت تورم همانند سال های 1340 تا 1351 نبوده است.

متوسط تورم در شرایطی در میان سال های 1340 تا 1351 در سطح 2.3 درصد تعریف شده است که علیبنقی عالیخانی، وزیر اقتصاد ایران در سال های 1341 تا 1348 در بخشی از کتاب خاطرات شفاهی خود روایت آن روزهای اقتصاد ایران را اینگونه مطرح کرده است: « در مرحله اول در ضمن اینکه هدف های کلی خودمان را می دانستیم اما برای اجرای آن می بایست کورمال کورمال راه می رفتیم. ایراد خیلی زیادی هم نداشت. به خاطر اینکه اگر کسی دنبال وضع ایده آل بخواهد بگردد و منتظر فرا رسیدن وضع آرمانی بشود، هیچ وقت هیچ کاری را به سامان نخواهد رساند، بهتر است که انسان یک کاری را هر چند ناقص، انجام بدهد تا اینکه به بهانه اینکه هنوز آمار ندارد و یا کارشناس به اندازه کافی ندارد دست به هیچ کاری نزند. خواه ناخواه، این رفتار کورمال ما همراه با اشتباهات و در حقیقت زیگزاگ هایی بود که به تدریج سعی می کردیم آنها را اصلاح کنیم. ولی درفرآیند توسعه به هر حال به فرض اینکه شما در یک مورد بتوانید اشتباهتان را تصحیح بکنید، خود پیشرفت

برایتان مسائل تازه و اشتباهات تازه پیش می‌آورد، بنابراین می‌بایست همیشه این را به عنوان یکی از عامل‌های کارتان بپذیرد. نه اینکه خوشحال باشید که اشتباه می‌کنید. منظورم این است که اگر کسی بگوید که از روز اول دقیق بوده و می‌دانسته چه کار می‌خواهد بکند و همه کارهایش را بدون هیچ عیب و نقص اجرا کرده یک مقداری تعارف است.»

وزیر کار در ژنو مدعی شد: پیش از 8 هزار تشکل کارگری و کارفرمایی داریم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با ارائه گزارشی از وضعیت حوزه کار، تعاون و رفاه ایران در یکصد و دومین اجلاس جهانی کار گفت: 8 هزار تشکل کارگری و کارفرمایی به موازت دولت در ایران فعال‌اند.

به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، اسدالله عباسی در یکصد و دومین اجلاس بین‌المللی کار گفت: تحقق سیاست‌های اجتماعی منوط به هم‌افزایی برنامه‌های توسعه پایدار است.

عباسی در یکصد و دومین اجلاس سازمان بین‌المللی کار تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران موفق شده است ضمن اجرای وسیع سیاست‌های اجتماعی و اصلاحی در حوزه اقتصاد ملی و بین‌المللی، رویکرد اصلاحی و ارزشمند سازمان بین‌المللی کار را مورد پیگیری قرار دهد. وی با بیان اینکه در حال حاضر بیش از 80 درصد جمعیت کشور تحت پوشش حمایت‌های اجتماعی قرار دارد، افزود: همچنین به منظور بستر سازی افزایش توانمندی‌آحاد جامعه هم‌اکنون در ایران بیش از 180 هزار تعاونی در زمینه تولید، توزیع و سرمایه‌گذاری تأسیس شده‌اند.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: در حوزه روابط کار و توسعه 3 جانبه‌گرایی، 8 هزار تشکل کارگری و کارفرمایی به موازات دولت در عرصه پایدار سازی اشتغال مولد تلاش می‌کنند.

عباسی گفت: هم‌اکنون در ایران به منظور رفع فقر و حمایت مستقیم از زنان و جذب آنان به فرآیند توسعه ملی و نیز گسترش چتر حمایت‌های اجتماعی به مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی و حمایت از زنان سرپرست خانوار، 1 میلیون و 200 هزار خانوار از تسهیلات رایگان حمایت‌های اجتماعی برخوردار شده‌اند. وی در تشریح مواضع و دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران می‌پرداخت، گفت: همانگونه که مدیرکل در سخنرانی افتتاحیه خود اشاره کردند جهان کار هرگز با این سرعت و عمق از تغییرات جمعیتی، فن‌آوری و همچنین افزایش نابرابری، تعمیق فقر و رکود اقتصادی متاثر نشده است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی افزود: خیزش‌های مردمی در بخش وسیعی از جهان نیز متاثر از تداوم رکود اقتصادی و فقدان عدالت اجتماعی و تلاش برای دستیابی به زندگی و کار شایسته است. وی ادامه داد: در همین حال چالش‌های حاصله و بروز بحران‌های پیاپی، روند توسعه‌ای کشورهای مختلف جهان را صرفنظر از طح توسعه یافتگی آنها دچار رکود، بی‌ثباتی شکننده و رشد وسیع بیکاری نموده است. وی بیان داشت: در آستانه ورود به سده دوم عمر سازمان بین‌المللی کار، دولت‌ها و شرکای اجتماعی آنان برای مقابله موثر با چالش‌های جهان نو نیازمند رهیافت‌های مبتکرانه و اعتماد ساز هستند. غلبه بر این مشکلات هم‌اندیشی، همکاری متعهدانه اعضاء سازمان بر مبنای یک استراتژی یکپارچه و همگرا را ضروری نموده است.

عباسی گفت: برای آفرینش دنیای انسانی‌تر، منصفانه‌تر و شایسته‌تر که در آن تمامی آحاد ملت‌ها از فرصت برابر و عادلانه برای عینیت بخشیدن به آرمان‌های حیاتی و عدالت خواهانه خود برخوردار شوند، معطوف ساختن سیاست‌های ملی و بین‌المللی آنها به سمت مدیریت بهینه منابع و کاهش آلاینده‌ها، تعمیق عدالت اجتماعی و پیوند اهداف سازمان بین‌المللی کار در امحای فقر مفرط و بیکاری با اهداف اصلی برنامه هزاره سوم بعد از سال 2015 ضروری است.

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: جمهوری اسلامی ایران به همین دلیل از ابتکار مدیرکل سازمان در

اصلاح ساختار و تمهیدات نوین مدیریتی آن منجمله امتزاج و تعادل بین برنامه ها و اهداف کاری، توسعه سیاست های اجتماعی، اقتصاد سبز، تعمیق عدالت اجتماعی، اشتغال و توسعه پایدار استقبال می نماید.

در این میان مشارکت اجتماعی به عنوان موتور توسعه پایدار از اهمیت بیشتری برخوردار است. وی ضمن اشاره به اینکه انسجام سیاست های اجتماعی و اقتصادی و مشارکت شرکای اجتماعی برای مقابله با بحران های موجود بسیار حائز اهمیت است افزود: جمهوری اسلامی ایران با چنین بینشی توسعه و تعمیق نظامات تامین اجتماعی در تمامی سطوح جامعه و ترویج ساز و کار های حمایتی، توسعه آموزش عمومی، کارآفرینی و توسعه بنگاه های کوچک و متوسط را با مشارکت شرکای اجتماعی تعقیب می کند. وی با اشاره به اینکه تضمین عزت نفس و کرامت میلیون ها انسان که از فرصت برابر تامین معاش، بهداشت و آموزش محروم است، بدون ایجاد اجماعی جهانی برای توسعه حمایت های اجتماعی، دشوار خواهد بود گفت: تحقق آرمان های توسعه سیاست اجتماعی در گروی گفتگوهای صادقانه و تعامل مسئولانه تمامی دولت ها و سازمان های نمایندگی کارگری و کارفرمایی است. در جمهوری اسلامی ایران اقداماتی از قبیل توسعه مراقبت های بهداشتی و درمانی، بازنشستگی، گسترش ساز و کارهای تعدیل تورم و بیکاری، حمایت از اقشار آسیب پذیر، زنان، سالمندان و در نهایت صیانت از محیط زیست به جدیت در حال پیگیری است. عباسی تصریح کرد: باید اذعان داشت که تحقق سیاست های اجتماعی منوط به هم افزایی برنامه های توسعه پایدار و بسط حمایت های اجتماعی و همچنین تاکید بیشتر بر همکاری های فنی است. وی افزود: گزارش مدیرکل از وضعیت اسفبار و غم انگیز سرزمین های اشغالی و محاصره ملت ستم دیده فلسطین مبین نادیده انگاشتن آمال و خواست های انسانی و به حق یک ملت توسط اشغالگران است، جمهوری اسلامی ایران ضمن تقدیر از مساعی سازمان و انتشار گزارش مدیرکل از تمامی دولت ها و تشکل های کارگری و کارفرمایی آزاده می خواهد با حمایت از ملت مظلوم فلسطین نسبت به نقض آشکار تمامی مقاوله نامه های بنیادین کار و منشور سازمان ملل متحد و سرکوب حریت و کرامت انسانی توسط رژیم اشغالگر فلسطین انزجار خود را از این بی عدالتی آشکار اعلان دارند .

پایان پیام

کارگران خدماتی بیمارستانها از شمول قانون کار محروماند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است : کارگران مشاغل خدمات عمومی بیمارستان های تبریزمشمول قانون کار نمی شوند. براساس این گزارش، کارکنان مشاغل خدمات عمومی بیمارستان های تبریز از سوی دانشگاه علوم پزشکی این شهر، کارگر به شمار نمی آیند و مشمول قانون کار نمی شوند. این کارگران از بیمه ی بیکاری و مزایایی که در قانون کار آمده است برخوردار نیستند.

قیمت نفت به بالاترین سطح ده هفته اخیر رسید

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در 28 خرداد 92 آمده است : بهای نفت برنت در بازارهای جهانی به دلیل افزایش تنش ها در خاورمیانه به بالاترین نرخ 10 هفته اخیر و مرز 107 دلار در هر بشکه رسید. به گزارش ایسنا، بهای نفت آمریکا در شرایطی به 99 دلار در هر بشکه نزدیک شد (بالاترین رقم 9 ماه اخیر) که سرمایه گذاران منتظر شروع نشست دو روزه کمیته سیاستگذاری بانک مرکزی آمریکا در روز سه شنبه هستند. در این جلسه اطلاعات بیشتری از زمان کاهش برنامه محرک اقتصادی بانک مرکزی آمریکا مشخص خواهد شد.

بهای نفت برنت با 46 سنت کاهش به 105 دلار و 47 سنت و نفت آمریکا با هشت سنت کاهش 97 دلار و 77 سنت در هر بشکه معامله شد. مارک واگونر تحلیلگر نفتی گفت: مردم منتظر نتیجه نشست جی هشت و نشست بانک مرکزی آمریکا هستند. بازار همچنین نظاره گر تحولات سوریه همزمان با دیدار اوباما و پوتین برای پیدا کردن راهی برای این ناآرامی ها

در نشست جی هشت در ایرلند شمالی است. سوریه برای تامین جهانی نفت عامل چندان کلیدی نیست اما سرمایه گذاران نگران این هستند که جنگ داخلی در این کشور روی کشورهای تولیدکنندگان در خاورمیانه تاثیر بگذارد. بهای نفت آمریکا از شروع ماه ژوئن حدود 7.5 درصد افزایش یافته است. نفت برنت نیز از ماه آوریل که قیمت آن به 96 دلار و 75 سنت رسیده بود 9 درصد افزایش قیمت داشته است. نفت برنت از شروع ماه می بین 99 دلار تا 105 دلار معامله شده است. انتخابات ریاست جمهوری ایران در روز جمعه که در پی آن حسن روحانی در آن پیروز شد باعث کاهش نگرانی‌های بازار نفت شده است. سرمایه گذاران منتظر این هستند که ببینند آیا روحانی که در انتخابات رقبای خود را شکست داد می تواند به حل مسئله هسته‌یی ایران کمک کند یا خیر. ناظران همچنین به دقت نظاره گر اخبار میدان نفتی اوزبرگ نروژ و چند میدان دیگر در دریای شمال هستند که روز دوشنبه تعطیل شدند شرکت استات اوپل به عنوان مجری این میدان اعلام کرد که مشخص نیست که فعالیت این میادین از چه از زمان از سرگیری خواهد شد. این میادین روزانه حدود 120 هزار بشکه نفت تولید می کنند. بررسی‌های رویترز در روز دوشنبه نشان داد موجودی نفت آمریکا هفته گذشته به دلیل کاهش واردات کاهش یافت.

عدم پرداخت مزایای سختی کار به کارگران اداره مولد بخار استان تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است: طی گزارشی از اجرا نشدن قانون «مشاغل سخت و زیان آور» برای کارگران پیمانکاری اداره مولد بخار استان تهران خبرداد. بنا بهمین گزارش، سازمان تامین اجتماعی از به سرانجام رسیدن قانون مشاغل سخت و زیان آور در اداره مولد بخار استان تهران به دلیل بار مالی اش جلوگیری می کند و آن را به تعویق می اندازد.

اطلاعیه شماره یک کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده

کارگران، مردم آزاده، تشکل های کارگری
چنانچه خود اطلاع دارید نظام سرمایه داری برای بقای خود در سراسر جهان حملات گسترده ای را به صفوف کارگران برنامه ریزی کرده و می خواهد به هر شکلی که شده طبقه کارگر را مرعوب کند. اگر تنها یک لحظه به گزارشات و خبرها توجه کرده باشیم متوجه خواهیم شد که نظام گنبدیده سرمایه داری هر روز به بهانه بحرانی مالی به سفره بی رونق طبقه کارگر یورش آورده و می آورد. این نظام چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی دچار بحرانی شده که خود بزرگان آن بدون پرده به آن اعتراف می کنند و برای برون رفت از این بحران به تکاپو افتاده و در کشورهای سرمایه داری می خواهد با ریاضت اقتصادی که زاده نئولیبرالی می باشد خود را نجات دهد. در کشور ما به اضافه بحرانی اقتصادی و بیکاری گسترده. طبقه کارگر از تشکل های خود هم محروم است و اگر کارگری اقدام به تشکیل تشکل کند برابر است با اخراج از کار، دستگیری، احضار، تهدید و یا زندان بنا بر این صدها کارگر و یا فعال کارگری تنها به جرم تشکیل تشکلهای خود و یا به جرم برگزاری مراسم روز کارگر و یا روز زن با بهانه های واهی به زندان محکومش کردند و حال در زندان بسر می برند.
بهنام ابراهیم زاده یکی از آن فعالان کارگری و حقوق کودک است که در تاریخ ۲/۳/۸۹ به اتهام فعالیت های کارگری دستگیر و بعد از مدتی در چند جلسه که در پشت درهای بسته به نام دادگاه محاکمه شده ایشان را به ۵ سال زندان تعزیری محکومش کردند و حال در حال سپری کردن محکومیت خویش است.
کارگران و فعالان کارگری در ایران برای اینکه بتوانند به خود بهنام و خانواده او که پسرش نیما مریض است و در بستر بیماری می باشد کمکی کرده باشند. در سنوات گذشته اقدام به تشکیل کمیته دفاع از بهنام ابراهیم

زاده کردند. اما به دلیل یک سری مشکلات که زاده سرکوب ها ی موجود است نتوانست فعالیت روز مره خود را ادامه دهد و دچار یک سری مشکلات شد. سرانجام بعد از یک مدت تعدادی از اعضای آن کمیته درخواست کردند که کمیته را فعال کنند. که در نتیجه در تاریخ ۲/۳/۹۲ جلسه ای به این منظور در شهرستان سقز با حضور بهنام ابراهیم زاده تشکیل شد و بعد از بحث و تبادل نظر مصوبات زیر در آن جلسه با اکثریت آرا به تصویب رسید که جهت اطلاع عموم انتشار می یابد.

- ۱ - فعال کردن وبلاک کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
 - ۲ - انتشار ایمیلی بنام کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
 - ۳ - درخواست از کارگران، فعالان کارگری و مردم آزاده جهت عضویت در کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
 - ۴ - انتخاب محمود صالحی بعنوان سخنگوی کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
- جلسه فوق بعد از چند ساعت در یک فضای دوستانه و کارگری به پایان رسید

کمیته دفاع از بهنام ابراهیم زاده
<http://komitehbehnam.blogfa.com>

رئیس انجمن صنفی کارگری پتروشیمی تبریز: وزارتخانه تمایلی به حذف پیمانکاران از بدنه صنعت نفت ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 28 خرداد 92 آمده است رئیس انجمن صنفی کارگری پتروشیمی تبریز از عدم تمایل وزارت نفت به حذف پیمانکاران از بدنه صنعت نفت و پتروشیمی به دلیل آنچه «سود فراوانی که از این راه عاید عده‌ای خاص می شود» خواند انتقاد کرد.

« ناصر چمنی» در این باره به ایلنا گفت: اقدام وزارت نفت در استفاده از شرکت‌های پیمانکاری به جای تعاونی‌ها غیر قانونی است. کارگران با صرف هزینه سنگین، تعاونی تشکیل داده‌اند اما کار را به تعاونی کارگران نمی سپارند.

اشاره‌ی آقای چمنی به نامه ارسالی به آقای احمدرضا حراف (مدیر توسعه منابع انسانی شرکت ملی صنایع پتروشیمی) در ۱۳ آذر ماه سال گذشته است که مجوز سپردن کار از پیمانکاری‌ها به تعاونی‌ها را برای مدت ۳ سال متوالی از دولت داده شده بود. این نامه به این موضوع اشاره می‌کرد که با کارگرانی که قرارداد مستقیم نشده‌اند به صورت تعاونی قرارداد بسته شود. وی در ادامه با اشاره به تبعیض میان کارکنان پتروشیمی تبریز بیان کرد: گروهی از کارکنان، حقوق وزارتی دریافت می کنند و مابقی مطابق قانون کار در پتروشیمی تبریز شاغل هستند.

این فعال صنفی در پایان با انتقاد از بدتر شدن وضعیت مزدی کارگرانی که قراردادشان با پتروشیمی تبریز مستقیم افزود: به کارگرانی که پس از مدتها دوندگی با وزارت نفت قرارداد مستقیم امضا کرده‌اند نه تنها هیچ گونه مزایایی پرداخت نشد بلکه مشمول عیدی کارمندی شدند که نصف عیدی کارگری است.

گفتنی است عیدی کارمندی ۴۵۰ هزار تومان است در حالی که کف عیدی کارگری ۲ برابر حداقل دستمزد تعیین شده است.

پایان پیام

محاکمه‌ی مجدد شهناز سگوند

به نوشته سایت کمیته هماهنگی در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است : به گزارش رسیده، شهناز سگوند (همسر علی نجاتی) در تاریخ 28 خرداد در شعبه سیزده دادگاه تجدید نظر خوزستان در اهواز محاکمه شد.

جلسه دادگاه از ساعت ده و سی دقیقه تا دوازده ظهر طول کشید و مقرر شد که نامبرده در تاریخ 30 آذر 92 در همین شعبه حضور داشته باشد.

لازم به ذکر است که شهناز سگوند در تاریخ 25 آبان 91 در دادگاه انقلاب دزفول محاکمه شده و توسط قاضی این شعبه تبرئه شده بود که با اعتراض دادستان مجدداً پرونده وی به دادگاه تجدید نظر ارجاع شده است. اتهام شهناز سگوند گرفتن عکس از همسرش در هنگام انتقال از زندان دزفول به پزشکی قانونی جهت معاینه بود؛ در آن زمان مامورین هنگام انتقال علی نجاتی به پزشکی قانونی به دست و پای وی دست بند و پا بند زده بودند. کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

سرمایه داری و تناقض کار کودک

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری در 29 خرداد 92 آمده است: بخشی از این درآمد به جیب مراقب‌ها و سرگروه‌های سازمان‌دهی کودکان خیابان و بی‌پناه می‌رود؛ اما بخشی از آن برای زنده ماندن و رفع گرسنگی شکمی و احیاناً کفش و لباس و اسباب‌بازی محقرانه او به کار می‌رود. در میان حدود 700 هزار کودک کار و خیابان تمام‌وقت و نیمه‌وقت در ایران البته سهم مهمی نیز مرکب از کودکانی‌اند که باید حاصل کار خود را به کمک به معیشت خانواده‌ی خود اختصاص دهند

نظام سرمایه‌داری تناقض‌های عجیب و حل‌ناشدنی‌ای دارد. شماری از آن‌ها جهان شمول‌اند و شماری به کشورهای مختلف در رده‌های مختلف توسعه، گروه‌های فرهنگی و مناطق اجتماعی تعلق دارند. یکی از این تناقض‌ها حضور زنان در بازار کار است. سرمایه‌داری بی‌تردید نسبت به نظام‌های پیشین در خود امکانات بیشتری برای آزادی و فعالیت زنان دارد زیرا به نیروی کار مزدوری وابستگی اساسی دارد و ضمناً در فضای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که با آن عجین است، واکنش دیالکتیکی مبارزه‌ی زنان برای رهایی واقعی شکل می‌گیرد. این تناقض به این صورت بروز می‌کند که وقتی زنان به زبان اقتصاد بورژوازی که در این جا زبانی ناگزیر است، به «بازار کار» وارد می‌شوند با افزودن بر عرضه‌ی نیروی کار موجب کاهش دستمزد پولی می‌شوند. اگر وارد این بازار نشوند با روال دگرگونی تاریخی جامعه ناسازگاری کرده‌اند.

این به جای خود اما فشار هزینه‌های زندگی و ضرورت یافتن شماری از کالاها و خدمات مصرف و نیازهای رفاهی و خدماتی آموزشی و بهداشتی که اقتصاد سرمایه‌داری با کالایی کردن همه چیز آن را از مردم دریغ می‌دارد، موجب می‌شود که زنان راهی بازار کار شوند و با شرایط نامناسب‌تر مربوط به دستمزد ساعات کار محیط کار و شرایط اجتماعی فرهنگی آن ناگزیر کنار بیایند. به این ترتیب آن‌ها از حیث فردی منافع خود را در می‌یابند اما از حیث جمعی آن را تخریب می‌کنند. چه بسا بر اثر کار زنان هزینه‌های ناخواسته‌ی تحمیل شده به خانواده مانند هزینه‌های نگهداری کودک، درمان بیماری‌ها، هزینه‌های کمک‌خانه‌دار برای شست‌وشو و خدمات خانه، هزینه‌های ناشی از بی‌توجهی به امور منزل بخش قابل‌توجهی از دریافت زنان را به خود اختصاص می‌دهد. راه‌حل این تناقض سهیم شدن به ستم ناشی از تناقض سرمایه‌داری یا دل دادن به قواعد و مقررات و سوخت و ساز بازار نیست. راه حل روی گرداندن از حضور اجتماعی زنان نیز نیست. راه‌حل نهایی در تدبیرجویی‌های سطحی رایج هر چند آثار مثبتی از حیث «اقتصاد خانواده» - که از مقوله‌های اقتصاد خرد و بورژوازی است - بتوان در آن یافت، نیز نهفته نیست. راه‌حل واقعی عمل‌گرایانه به‌رغم هر انتخاب مناسب در صحنه‌های زندگی، در مبارزه علیه نظامی است که یا ستم می‌آفریند یا تناقض. راه‌حل مبارزه‌ی رهایی‌جویانه‌ی زنان در متن مبارزات دموکراتیک و طبقاتی است.

اگر می‌توانیم با زنان در جامعه این‌گونه سخن بگوییم، با کودکان نمی‌توانیم. در اینجا سرشت تناقض‌آمیز برای کودکان قربانی شده در نظام سرمایه‌داری ابعادی هولناک به خود می‌گیرد. کودکان وقتی کار می‌کنند، حتی اگر کارشان توأم با تکدی‌گری و جلب ترحم کمتر موفق در این شهرهای بی‌ترحم باشد، درآمدی به دست می‌آورند. بخشی از این درآمد به جیب مراقب‌ها و سرگروه‌های سازمان‌دهی کودکان خیابان و بی‌پناه می‌رود؛ اما بخشی از آن برای زنده ماندن و رفع گرسنگی شکمی و احیاناً کفش و لباس و اسباب‌بازی محقرانه او به کار می‌رود. در

میان حدود 700 هزار کودک کار و خیابان تمام وقت و نیمه وقت در ایران البته سهم مهمی نیز مرکب از کودکانی اند که باید حاصل کار خود را به کمک به معیشت خانواده‌ی خود اختصاص دهند. بعضی از آنها واقعا سرپرست خانواده‌اند. من آمار دقیق و برآوردهای آماری خود را در این مورد گم کرده‌ام، اما شمار آنان قابل توجه است. آنها از پدر و مادر یا خواهر و برادر سالمند، از کار افتاده، معلول یا معتاد خود نگهداری می‌کنند. آنها راهی جز این کار ندارند: «به کجا رود کیوتر که اسیر باز باشد»

بدبختی نهفته در تناقض از همین جا ناشی می‌شود. این کودکان، این «گنجشکان خیابان» به واقع قربانی هیچ چیز نیستند مگر هم‌دستی ستم سرمایه و بی‌اعتقادی دولت‌ها به فعالیت‌های رفاهی و خدماتی بی‌بازده اما انسانی؛ اما نه دولت و نه سرمایه‌داری‌ای که به نوبت از پشتیبانی و شرکت این و آن دولت بهره‌مند می‌شود، حاضر نیستند نتایجی ناشی از حیات اقتصادی خود را که منجر به تولید و ثروت‌اندوزی بر مبنای کار کودکان شده است، برعهده گیرند. اکثر آنها وجود چنین پرنده‌های بی بال و پر معصوم را انکار می‌کنند. بارها شنیده‌اید که می‌گویند: «متکدیان هر یک چند خانه دارند طلا و جواهر جمع می‌کنند»، «کودکان ریاکارند و پول‌های زیادی را به اتفاق سردسته‌ها یا پدر و مادر واقعی یا ناواقعی‌شان به جیب می‌زنند»، این حرف‌ها فقط گمراه‌کننده نیستند، بلکه بی‌شرمانه‌اند. حتما اگر بتوانند چند موردی هم متکدی موفق را نشانه کنند.

تناقض وقتی ظاهر می‌شود که بازداشتن کودکان از کار کردن، چنان که روز لغو کار کودک تبلور انسانی آن است، به منزله‌ی بیچاره کردن اعضای نیازمند خانواده است؛ اما اجازه دادن به کار کودکان (این‌که کودک را زیر 15 سال، یا زیر 18 سال می‌گیریم؟ بستگی به شرایط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دارد) یعنی اجازه دادن به رواج ناانسان‌گرایی روابط ناسالم، خطرهای جنسی و جسمی و روحی برای کودکان و چشم بستن به روش‌های سنگدلانه‌ی سوداندوزی سرمایه‌داری. در ایران کارگاه‌های زیادی هستند که از کار سازمان یافته‌ی کودکان استفاده می‌کنند که شامل قالی‌بافی، رنگ‌رزی، صنایع دستی، جوراب‌بافی، نجاری، آجرریزی، نانواپی، ساختمان‌سازی، کار در مزرعه و باغ و نگهداری حیوانات و جز آن می‌شود. همه‌ی آنها سنگدلانه‌اند، اما لزوما مبتنی بر کار مزدوری کودکان توسط سرمایه داران نیستند، چه بسا کودکان در کنار والدینشان کار می‌کنند؛ اما این ستم سرمایه‌داری در شکل توسعه‌ی ناموزون آن است که به هر حال بر همه‌ی شکل‌های کار، حتی شکل‌های سنتی و خانوادگی آن، سایه‌ی شوم خود را می‌اندازد.

ورود کودکان به بازار کار به ویژه بازاری که به دست‌های ظریف و ظرفیت‌های مزدپذیری محدود آنان نیاز دارد به هر حال بنا به قانون ستمگرانه‌ی بازار عرضه و تقاضا، موجب افت دستمزدهای پولی می‌شود؛ اما عدم ورود آنان به این بازار خانواده‌ها را بیچاره می‌کند. در جهان 270 میلیون کودک کار وجود دارند هم سرمایه‌داری و هم خرده فرهنگ‌های به جا مانده از دوران پیشاسرمایه‌داری و هم خانواده‌های قربانی شده به کار اینان نیاز دارند. اگر از زنان می‌توانیم بخواهیم به جای این در و آن در زدن و تسلیم شدن و خود را پایین دیدن باید به‌رغم دل دادن به واقعیت معیشتی علیه نظام سیاسی و اقتصادی متحد شوند و وجدان جمعی خود را تحکیم بخشند، این را از کودکان نمی‌توانیم بخواهیم. آنها نیاز به شنیدن موعظه‌های ما ندارند. بیشتر از موعظه لازم دارند از سر و کولمان بالا بروند و بازی کنند. حتی زنان نیز به تنهایی نمی‌توانند پندهای روشنفکرانه و فیلسوف‌مآب را بشنوند و عمل کنند. آنها در حصار تجر و تعصب و خرافه، زور و سرکوب و نیرنگ گیر افتاده‌اند. وضع کودکان که روشن است. همه‌ی آنها به ویژه گنجشکان خیابان نیاز به یاری عملی ما دارند. تدوین نظریه‌ها بر مبنای تجربه و نظریه و برای آزمون شدن در عرصه‌ی خیابان، در حوزه‌های مسایل کودک، خود بخشی از پراکسیس است.

آغازینگ پنگ در رابطه با عدم پرداخت افزایش مستمری بازنشستگان با گذشت سه ماه از سال جاری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است : حدود سه ماه از اعلام تصمیم دولت در خصوص افزایش 25 درصدی مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی و تأکید بر اینکه حداقل مستمری کارگران بازنشسته برای سال 92 از 700 هزار تومان کمتر نخواهد شد می‌گذرد بدون آنکه زمان قطعی پرداخت این مستمری‌ها مشخص شود.

در حالی که بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی همچنان به نرخ سال گذشته مستمري دریافت می‌کنند، مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی هیات امنای این سازمان را مسئول پرداخت نشدن مستمري‌های جدید دانست.

با این حال مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی در تازه‌ترین سخنان خود گفت: پرداخت مابه‌التفاوت مربوط به افزایش مستمري بازنشستگان تامین اجتماعی منوط به موافقت هیات امنای این سازمان است.

بنا به گزارش همین منبع، با توجه به اینکه ۶۰ درصد از بازنشستگان تامین اجتماعی، مستمري حداقلی (۴۰۰ هزار تومان) را دریافت می‌کنند و حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد نیز کمتر از حداقل (حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان) دریافتی دارند، در این شرایط اقتصادی منصفانه نیست مسئولان تامین اجتماعی در مورد افزایش حقوق بازنشستگان سنگ اندازی کنند.

برپایه گزارش این منبع بنقل از یکی از کارگران بازنشسته، قرار بود افزایش ۲۵ درصدی حقوق بازنشستگان و مستمري‌بگیران از ابتدای فروردین ماه اعمال شود و اردیبهشت نیز تمام معوقه‌ها به مستمري‌بگیران پرداخت شود اما در آخرین روزهای سومین ماه سال هنوز قانون عالی بازنشستگان که باید مدافع حقوق صنفی کارگران بازنشسته باشد نتوانسته است حق قانونی ما را از سازمان تامین اجتماعی بگیرد و تنها نقش سخنگویی سازمان را ایفا می‌کند.

دلار آزاد روز سه شنبه تا ظهر در بازار آزاد

بر پایه خبر دریافتی آمده است: دلار آزاد روز سه شنبه تا ظهر در بازار فردوسی 3500 تومان بفروش رفت. يك صراف در خیابان فردوسی امروز میگفت: اینجا ارزیابی اینست که دلار ممکناست تا 3200 تومان هم در طی روزهای آینده برسد ولي بعد از آن ثابت خواهند ماند تا این که سیاست خارجی روحانی چگونه باشد؟ و مذاکرات اتمی و ... به کجا برسد.

نقش نظام آموزشی در بازتولید کودکان کار چیست؟

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/06/blog-post_19.html#more

به نوشته وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: نظام آموزشی در به وجود آوردن و افزایش تعداد کودکان کار نقش مهمی دارد که این نقش از جهات مختلف قابل بررسی است. برای شکافته شدن این بحث و برای اینکه اقدامات عملی واقعی در راه اجرایی کردن منع کار کودک برداشته شود، این بحث را با یکی از معلمان و یکی از فعالان کارگری طرح کردیم. نظرات آنان را در تاثیر نظام آموزشی بر مساله کار کودک در زیر می‌خوانیم. ابعاد مختلف کار کودک و ضرورت برون رفت از این بن‌بستی که هیچ راه‌حلی برای لغو کار کودک نمی‌یابد، در این نظرات آمده است.

به نظر شما نقش نظام آموزشی در لغو کار کودک چیست؟

جعفر ابراهیمی (معلم): جامعه‌شناسان محافظه‌کار با نگاهی کارکردی به ساختار نظام آموزشی، معتقدند اصلی‌ترین وظیفه‌ی این نهاد جامعه‌پذیری افراد جامعه است، در نگاه ایستای این نظریه‌پردازان از طریق آموزش و پرورش انسان ایده آل در ابعاد مختلف ساخته می‌شود. نظریه‌پردازان تعلیم و تربیت در این سنت فکری بر ضرورت نظام آموزشی برای حفظ شرایط موجود تاکید می‌کنند، آنها بر نظام آموزش تاکید می‌کنند که در آن شرایط و مناسبات طبقه مسلط تداوم می‌یابد. از دورکیم تا پارسونز و ... از نظام آموزشی تلقی فوق را دارند. در مقابل نظریه‌پردازان محافظه‌کار، اندیشمندانی قرار دارند که تحت تاثیر سنت مارکسیستی و ایده‌های مارکس، نظریه‌ی فوق را به چالش کشیده‌اند، آنها وظیفه و کارکرد نظام آموزشی در ساختار اجتماعی نظام سرمایه‌داری را طبیعی و مثبت تلقی نمی‌کنند و معتقدند نظام آموزشی در اصل از طریق بازتولید مناسبات و شرایط طبقه مسلط، فرادستی این طبقه و نظام سرمایه‌داری را تداوم می‌بخشد. فریره، آلتوسر، گرامشی، بوردیو و از جمله کسانی هستند که با تاثیر از این ایده کلی مارکس که نظام‌های آموزشی ساختار طبقاتی را تداوم می‌بخشند به نقد نظریه‌های کارکردی و محافظه‌کاران پرداخته‌اند.

نظریه پردازان مارکسیست با طرح نظریه بازتولید، از نظام آموزشی جامعه، سرمایه‌داری رونمایی می‌کنند تا نحوه حفظ ارزش‌ها و ایدئولوژی طبقه مسلط در قالب سودمندی ایده‌ی جامعه پذیرای افراد را نشان دهند. آنها با آشکارسازی ابعاد پنهان نظام آموزش تحت عنوان فرصت برابر و شایسته‌سالاری، نابرابری این ساختار را در ابعاد مختلف نشان می‌دهند. در این بین لویی آلتوسر با تأکید بر این نکته که واپسین شرط تولید، بازتولید شرایط تولید است به چگونگی بازتولید ابزار تولید و نیروی کار می‌پردازد وی نظام آموزشی را اصلی‌ترین ساز و برگ ایدئولوژیک دولت می‌داند و معتقد است اصلی‌ترین وظیفه نظام آموزشی بازتولید شرایط تولید و به تبع آن سلطه سرمایه‌داران است. پیرو دیو نیز در بحث نظری خود درباره نظام آموزشی، به بازتولید فرهنگی اشاره می‌کند و اینکه نظام آموزشی نظم از پیش موجود را از طریق بازتولید فرهنگی تداوم می‌بخشد. پائولو فریره نیز بر این نکته تأکید می‌کند مدرسه فرآیندی خنثی و بی‌طرف نیست و در پی تعمیق ایده‌های طبقه مسلط است. همچنین ایوان ایلچ بر مدرسه‌زدایی تأکید می‌کند چرا که کارکرد مدرسه را رهایی بخش نمی‌داند. همانطور که ملاحظه می‌شود به لحاظ تئوری نظریه‌های منتقد و مخالف نظریه‌پردازان محافظه کار و لیبرال از غناک بالایی برخوردار است، اما همچنان مدارس در اکثر نقاط دنیا به خاطر هژمونی نظام سرمایه‌داری در پی هم‌نو کردن دانش‌آموزان با نظام سرمایه‌داری هستند. تأثیر منتقدان مارکسیست در ساختار نظام آموزشی باعث شده است که امروزه شاهد آن باشیم که کشورها به سمت آموزش و پرورش با رویکرد مشارکتی و خلاقانه و برخوردار از ساختار دموکراتیک حرکت نمایند.

بنابراین بازتولید نیروی کار در تحلیل مارکسیستی و سنت آلتوسری جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد، در نظام سرمایه‌داری نیروی کار در ابعاد مختلف برای ادامه چرخ تولید بازتولید می‌شود در این منظر نظام آموزشی و مدرسه برای بازتولید نیروی کار آموزش دیده و ماهر ضروری است پس کودکان را باید در مدرسه حفظ نمود آنها را با مکانیسم‌های بازار سرمایه‌داری جامعه‌پذیر کرد تا چرخ تولید نیروی کار لازم را داشته باشد، اما در کشورهای فقیر یا در حال توسعه- که بر مبنای الگوی کشورهای سرمایه‌داری برنامه‌ریزی می‌کنند- وضعیت بازتولید نیروی کار به شکل فوق با مشکلاتی روبرو می‌گردد تا تو خالی بودن برخی برنامه‌ها و شعارها عریان تر شود. در این کشورها همان برنامه‌ها و ایده‌های لیبرالی در حد دستورالعمل می‌ماند و جنبه اجرایی پیدا نمی‌کند. بازار سرمایه در این کشورها در پی جذب نیروی کار ارزان‌قیمت از یک سو و نیز مشکلات خانواده‌های فقیر علاقه‌ای به پابند نمودن دانش‌آموزان در مدارس ندارد آنها پیش از آن که به نیروی کار نیاز داشته باشند کودکان کار تولید می‌کنند.

در ایران دانش‌آموزانی وجود دارند که من به آنها دانش‌آموز کارگر می‌گویم، دانش‌آموزند چون به نوعی به سیستم مدرسه تعلق خاطر دارند و تحت القائات و ارزش‌ها طبقه مسلط نمی‌توانند از مدرسه دل بکنند و به دنبال روزه‌ی تغییر و تحول در زندگی خود هستند، کارگر به واسطه کار مزدی که انجام می‌دهند و ساعاتی که بیشتر از مدرسه در کارخانه‌ها و محیط‌های کارگری سپری می‌کنند، این دانش‌آموز کارگرها پیش از آن که مدرسه را به پایان برسانند به محیط کار راه پیدا کرده‌اند به واسطه همین شرایط سنی کودک کار نیز محسوب می‌شوند. این بخش از کودکان کار را به تعداد کودکانی اضافه نمایید که از مدرسه کاملاً جدا شده و در ارتباط با شرایط و زندگی کارگری قرار دارند، بی‌شک جمعیت زیادی خواهد شد، در ایران این کودکان در یک پروسه از مدرسه به بازار منتقل می‌شوند اما این شرایط جدید برای کودکان چگونه غیرقابل اجتناب می‌گردد. به عبارتی چرا مدرسه نمی‌تواند کودکان را حداقل تا گرفتن دیپلم حفظ کند و آموزش دهد؟

از چند منظر می‌توان به این قضیه نگاه کرد، اول اینکه کودکانی که به بازار کار می‌پیوندند در کنار آن دانش‌آموز کارگرها که به صورت نیمه‌وقت یا تمام وقت در کنار درس کار می‌کنند از کدام طبقه اجتماعی می‌آیند. پر مسلم بسیاری از آنها از خانواده‌های کارگری و طبقات تحت ستم جامعه هستند این دانش‌آموزان قادر نیستند فقط درس بخوانند، لذا مجبورند کار کنند، پس نمی‌توانند از پس مدرسه با وظایف و تکالیف سنگین و غیرواقعی‌اش کنار بیایند پس موفقیت تحصیلی ندارند، پس به ناچار از مدرسه کاملاً منفک می‌شوند. من به استثنای کاری ندارم. به دانش‌آموزانی که هم کار کرده‌اند و هم موفق بوده‌اند. به نظرم این نوعی عادی‌سازی نابرابری‌هاست و هدف، فروکاستن نابرابری‌های ساختاری به عامل فردی است.

عامل تعیین‌کننده دیگری که مدرسه و دانش‌آموزان را در همین مرحله با کار پیوند می‌زند، گران بودن هزینه تحصیل برای خانواده‌های کم‌درآمد است. در ایران روزانه با عناوین مختلف دولت در حال کاستن هزینه‌ی عمومی آموزش است. تحصیل رایگان تا مقطع متوسطه فقط یک ادعای غیرواقعی است. دولت در قالب مدارس

خاص و اخیرا با ساختار مدارس شبانه و حذف مردودی در مقطع متوسطه هزینه‌ی تحصیل دانش آموزان را به خانواده‌ها محول کرده است.

نکته دیگر که به نظر خیلی مهم است، ساختار برنامه درسی پنهان در مدارس است که در جهت‌دهی و دلسرده کردن دانش‌آموزانی که سرمایه‌ی اقتصادی و اجتماعی پایین دارند، بسیار موثر است. در برنامه‌های درسی آشکار در نظام آموزشی بازتولید شرایط حاکم به صورت آشکار بازنمایی می‌شود. مثلا در ارتباط با نیروی کار شما ملاحظه می‌کنید که کودکان خانواده‌های کارگری به سمت رشته‌های خاص هدایت می‌شوند. مشاوران در مدرسه، که خود محصول یک نظام آموزشی طبقاتی هستند، این وظیفه خطیر را به عهده دارند و اغلب کودکانی را که در قالب نمره‌ها و تست‌های هوش غیرواقعی تقسیم‌بندی کرده‌اند، به سمت رشته درسی و آینده شغلی خاص هدایت می‌کنند. رشته‌های کار و دانش طی یک دهه اخیر در همین راستا تشکیل و راه‌اندازی شدند. بسیاری از دانش‌آموزان این مدارس می‌خواهند از پدران‌شان کارگرهای بهتر و باسوادتری باشند، چون به آنها چنین القا می‌گردد. اما پیچیده‌تر از برنامه‌های درسی آشکار، برنامه‌های درسی پنهان در جهت‌دهی و نظم بخشی دانش آموزان نقش دارند. نحوه‌ی تعامل معلمان با دانش آموزان، ساختار فیزیکی مدرسه، ساختار سازمانی مدرسه و ... از عوامل مهمی است که در برنامه‌ی درسی پنهان نقش دارند. برنامه‌ای که هیچ جا به صورت رسمی و مکتوب از آن سخن به میان نمی‌آید در دل این برنامه درسی پنهان امید به آینده برای طبقات محروم جامعه بسیار پایین است تاثیر هولناک این وجوه پنهان به کودک را در نظر بگیرید که از یک خانواده کارگری می‌آید توان رقابت با دانش‌آموزان متمول و برخوردار از امکانات را ندارد و کار هم می‌کند، آیا چاره‌ای جز گسستن از مدرسه وجود دارد؟ دانش آموزی با این شرایط تا وقتی در مدرسه است هر روز مقایسه می‌شود، تحقیر می‌شود و در معرض توهین و تنبیه است و چشم‌اندازی برای فردا هم ندارد. این دانش‌آموز کارگرها به زودی کارگر می‌شوند و این کارگر در آینده فرزندی خواهد داشت که به احتمال زیاد همین مسیر را طی خواهد کرد.

علیرضا ثقفی: اولین نقشی که نظام آموزشی در گسترش نیروی کار کودک دارد، آن است که هر چه نظام آموزشی به سمت خصوصی شدن پیش می‌رود و آموزش و پرورش کالایی می‌شود به همان میزان اقشار پایین اجتماعی به خصوص کارگران و زحمتکشانشان، دهقانان و اقشاری با درآمد پایین از دسترسی به نظام آموزشی محروم می‌شوند.

هر چند کار کودک و استفاده از آن از ابتدای ظهور سرمایه درای در قرن 17 و 18 و حتی قرن 19 در بدترین شکل وجود داشت، اما بر اثر مبارزات بی‌وقفه کارگران و زحمتکشانشان و طرف‌داران حقوق انسانی کودک در قرن بیستم این امر تا حدی به خصوص در کشورهای متروپل سرمایه‌داری محدود شد و در نیمه‌ی دوم قرن بیستم نیز مقابله‌نامه‌هایی در جهت محدود و ممنوع کردن کار کودک در بسیاری از کشورها به اجرا در آمد. اما با گسترش جهانی سازی، به خصوص پس از فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم که در آنجا کار کودک به طور کلی ممنوع بود، کار کودک در کشورهای سرمایه‌داری و هم چنین کشورهایی مانند چین، هند، ایران و... از گسترش زیادی برخوردار شده است. گسترش فرایند نیروی کار کودک در دو دهه‌ی اخیر از یک طرف نتیجه گسترش سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای تحت سلطه و استفاده از نیروی کار ارزان است و از طرف دیگر محصول خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و برداشتن حمایت‌های دولتی از آن است. با گران‌تر شدن هر چه بیشتر وسایل آموزشی، مکان‌های آموزشی هم چنین خصوصی‌تر شدن آموزش و کالایی شدن آن، در وجه اول کودکانی از تحصیل محروم می‌شوند که خانواده‌ی آنها توانایی کمتری دارند. درحالی که در قانون اساسی کشور خودمان و در بسیاری از کشورها در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم تصریح شده است که آموزش و پرورش باید رایگان باشد و حتی در برخی کشورها آموزش و پرورش تا مقطع دبیرستان اجباری است. اما با جهانی شدن سرمایه از دهه‌ی 1990 به بعد در روز بر خلاف قوانین پذیرفته شده دولت‌ها از تامین هزینه‌های آموزش و پرورش سرباز زده‌اند و به این ترتیب هر روز بر تعداد کودکان کار افزوده شده است. در حقیقت اگر بخواهیم اولین عامل در وجود کودکان کار را در دو دهه‌ی اخیر بررسی کنیم هماهنگی نظام آموزشی با سودپرستی سرمایه‌داری است. زیرا با خصوصی شدن نظام آموزشی در حقیقت زمینه را برای آن فراهم می‌کنند که عده‌ای از کودکان اصلا نتوانند به مدرسه بروند و به نیروی کار ارزان سرمایه داری تبدیل شوند. زیرا که گسترش سرمایه‌ها نیاز به کار ارزان دارد و در همین راستاست که نظام سرمایه داری تمام تلاش خود را به کارمی برد و تا حداقل دستمزدها به گونه‌ای نباشد تا کارگران بتوانند هزینه‌های تحصیل فرزندانشان را فراهم

کنند. وجود نظام سرمایه داری نیز هر روز از زیر بار مسوولیت آموزشی، با خصوصی کردن آموزش شانه خالی می‌کند. در نتیجه تمام نظام سرمایه داری پشت در پشت به طور هم بسته تلاش می‌کنند تا کودک کار بوجود آید و عده‌ای از کودکان را با بی‌رحمانه‌ترین وجه راهی کار می‌کنند تا نیروی کار ارزان برای سرمایه داری فراهم آورند.

دومین مساله‌ای که آن هم به نوعی تابع خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و قطع کمک‌های دولتی به آن است، مساله‌ی جوخشن حاکم بر نظام آموزشی است. معلم‌های آموزش ندیده و عمدتاً کم‌سواد و بی‌سواد که به نظام آموزشی تنها به صورت مرکز تاملین زندگی خود نگاه می‌کنند و هر روز با حقوق‌های ثابت بیشتر خود را از قافله‌ی ثروتمندشدگان دور می‌بینند و اغلب عصبی و تحت فشار زندگی هستند. از آن جهت در نظام آموزشی به خصوص در آن بخش از آموزش عمومی که وظیفه‌ی دولت است، به کار گرفته می‌شوند که با ارزان‌ترین و پایین‌ترین حقوق مجبور به کار باشند. این چنین معلم‌های آموزش ندیده که خود قربانی همان نظام سرمایه‌داری هستند، تمام فشارهای زندگی را بر سر دانش‌آموزان تخلیه کرده و با تنبیهات بدنی در حقیقت نادانی و ناتوانی خود را در آموزش کودکان به نمایش می‌گذارند و این جو خشن مدارس امر دیگری است که کودکان را از محیط آموزشی هر چه بیشتر دور می‌کند. جو خشنی که محصول همان سودپرستی سرمایه‌داری است و می‌خواهد با کم‌ترین هزینه وظایف خود را از سر باز کند، در حقیقت همان بودجه‌ی اندک آموزش و پرورش را هم در اختیار نورچشمی‌های خصوصی بگذارد و هر چه در توان دارد صرف حیف و میل یا سوداگری در آموزش و پرورش قرار دهد تا سودهای کلان را نصیب همان مدیران کند.

انگیزه‌ی کودک برای آموزش با حس کنجکاوی ضرورت حیات انسانی است. به صورتی که تنها لازم است یک جو دوستانه و محبت‌آمیز نظام آموزش کودک برقرار باشد تا انگیزه‌ی کودک برای یادگیری بارور شود و اصولاً در نظام آموزشی علمی برای تلاش خودانگیزه‌ی کودک جهت یادگیری هیچ نیازی به خشونت نیست. بلکه خشونت تنها کودک را از محیط آموزشی دور می‌کند و آن شعر معروف آموزشی قدیمی که می‌گفت: "درس معلم از بود زمزمه‌ی محبتی - جمعه به مکتب آورد طفل گریزای را"، ناظر به همین مساله است که از تجربیات آموزشی قرن‌های گذشته است و امروزه این مساله که در آموزش و پرورش علمی نیز ثابت شده است. اما از آنجا که نظام آموزشی کشورهایی که تلاش می‌کنند، آموزش و پرورش را خصوصی کرده و به هر ترتیب گریبان دولت را از این امر ضروری خلاص کنند، اولین گام‌ها را در این زمینه حذف آموزش معلمان می‌دانند تا به نفع خصوصی‌سازی صرفه جویی شود. به همین جهت معلمان ارزان قیمت و آموزش ندیده و ناآگاه استخدام می‌کنند و آن معلمان که تمام بار فشار زندگی را با حقوق‌های کم بر دوش خود احساس می‌کنند، تمام آن فشارها و محرومیت‌های خود را به کودکان منتقل می‌کنند و در نتیجه فشار اقتصادی بر خانواده‌ها و ناتوانی از تأمین مخارج تحصیل همراه با دافعه‌های محیط‌های آموزشی به گونه‌ای می‌شود که هر چیز برای فرستادن کودکان به خیابان و محل‌های کار خشن تر نیز آماده می‌شود. البته حساب معلم‌های آگاه متعهد و دلسوز از اینها جداست.

سومین مساله این است که نظام سرمایه داری در ایجاد این کودکان به طور کامل چشم خود را به هم می‌گذارد. در حقیقت برنامه‌های خصوصی‌سازی نظام آموزش و پرورش با حرص و آز و طمع‌کاری نظام سرمایه‌داری دست به دست هم می‌دهد و کودکان کار را که ارزان‌ترین و کم‌توقع‌ترین نیروی کار هستند جهت سودطلبی به کار می‌گیرد...

این کودکان که باید سود سرمایه را تأمین کنند به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار می‌گیرند تا هر چه بیشتر کالای ارزان تولید کنند و سود سرمایه افزایش یابد. استفاده از نیروی کار ارزان منبع لایزال ثروت و قدرت برای نظام سرمایه‌داری است تا آنها بتوانند تداوم سودهای کلان خود را تضمین کنند.

به نظر شما چگونه می‌شود از این چرخه معیوب بیرون رفت؟

جعفر ابراهیمی: با نگاهی اجمالی به آمار دانش‌آموزان ترک تحصیلی و وضعیت اقتصادی خانواده‌هایشان به سادگی می‌توان رد پای فقر و نابرابری اقتصادی را مشاهده نمود. هرچند عوامل دیگر هم تأثیرگذار هستند. نمی‌شود که از یک طرف یارانه‌ها را حذف کنیم، هزینه آموزش عمومی را به دوش خانواده‌ها بیاندازیم و از طرف دیگر انتظار داشته باشیم دانش‌آموزان در مدرسه بمانند و ترک تحصیل نکنند. برای کاهش کودکانی که از مدرسه به بازار کار می‌پیوندند، چاره‌ای جز حرکت به سمت یک نظام آموزشی برابر نیست و با همین مبنا باید

ساختار آموزشی را متحول نمود. هر نوع تحول در نظام آموزشی باید مبتنی بر تحول زیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی باشد. یک سری از این مشکلات در گرو تغییر این زیرساخت‌ها در جامعه است. حل بسیاری از معضلات در نظام آموزشی منوط به حل برخی تضادهای در سطوح دیگر است نمی‌توان در یک ساختار نابرابر اقتصادی و اجتماعی از فرصت برابر صحبت کرد. هر ادعایی حول این ایده یک دروغ محض است. تا پایه‌های مادی تحول و تغییر محقق نشود، نمی‌توان از تحول آن هم در نظام آموزشی صحبت کرد. در این صورت تحول مساله‌ای ذهنی و در حد آیین‌نامه و دستورالعمل باقی می‌ماند. در صورتی که زمینه‌های عینی و ذهنی تغییر در جامعه محقق گردد و هم‌زمان با آن می‌توان به تحول در نظام آموزشی و حرکت به سوی یک نظام آموزشی برابر امیدوار شد. اگر سمت و سوی جامعه به سمت این تغییر باشد ذی‌نفعان اصلی نظام آموزشی، یعنی معلمان و دانش آموزان (والدینشان) در این راستا نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. معلمان وقتی می‌توانند به صورت اصولی در تحول نظام آموزشی و برابر کردن شرایط نقش داشته باشند که از نگاه انتقادی به مساله آموزش برخوردار باشند. ضمناً وجود معلمان منفرد، بی‌شکل و فاقد طرح و برنامه تشکیلاتی عملاً به ناکجاآباد منتهی می‌گردد. من بر وجه انتقادی معلمان به صورت خاص تاکید می‌کنم. چرا که در برهه‌هایی معلمان در ایران از ظرف تشکیلاتی به صورت حداقلی برخوردار بودند، ولی به نظرم جهت‌گیری کلی آنها متأسفانه فراتر از مساله‌ی معیشت معلمان نبوده است. این‌که معلمان در قالب تشکیلات منسجم با استراتژی و برنامه مشخص بتوانند نظام آموزشی را جهت دهند، از اولویت‌ها و ضرورت‌های معلمان ایران است. البته این مسیر بدون مشکل و هزینه نیست، اما برای هر تحولی ضروری است در همین راستا پیوند خوردن با اصلی‌ترین ذینفعان آموزش یعنی دانش آموزان و به تبع آن جامعه بسیار مهم و تعیین‌کننده است.

علیرضا ثقفی: اگر بخواهیم در شرایط کنونی راه‌حلی ارائه دهیم که در آن کودکان مجبور به کار کردن نباشند، باید در درجه‌ی اول جلوی سودطلبی و منفعت پرستی سرمایه‌دارانه را بگیریم تا زمانی که عده‌ای حاضرند برای سود خود در حقیقت نانشان را به خون کودکان آغشته کنند و با کمال تأسف این عده مصدر کارها هم هستند، راه چاره‌ای نمی‌توان یافت. باید آن قدر این پدیده‌ی غیرانسانی و زشت را بازگو کرد تا وجدان اجتماعی در برابر آن موضع‌گیری کند و سودطلبان و منفعت‌پرستان را وادار کند تا آزمندی را کنار بگذارند و درآمد خودشان را با نابودی جسم و جان کودکان تامین نکنند. هر چند که چنین آزمندانی با نصیحت این امر را نخواهند پذیرفت. پس بر جامعه است که با تمام وجود در برابر چنین ظلم و ستم و استثمار وحشیانه‌ای بایستد و پس از برطرف کردن این مانع بزرگ از برابر کردن کودکان است که می‌توان راه‌حل‌های ارائه شده در این زمینه را اجرا کرد. نظام آموزشی سراسر کشور امکان‌پذیر باشد و همچنین با ایجاد مدارس شبانه روزی و تامین زندگی کودکان در این شبانه‌روزی‌ها آنها را با محیط آموزشی همراه کرد.

به جای صرف هزینه‌های گزاف نیروهای نیروهای پلیسی و امنیتی برای مقابله با این کودکان که بخش وسیعی از آنها به دام باندهای بزهکار و قاچاقچی و دیگران می‌افتند، با صرف هزینه‌های کمتری به تاسیس مدارس شبانه‌روزی برای نگهداری کودکانی پرداخت که خانواده‌ها به هر دلیل امکان نگهداری آنان را ندارند و یا اگر خانواده‌ها مسوولیت آموزشی را دارند، باید تخصیص سرانه‌ی آموزشی برای مزد و حقوق‌بگیرانی که دارای فرزند در سن تحصیل هستند، به حل این مشکل کمک کرد. این امر در بسیاری از کشورها معمول است. یا آنکه راه‌حل‌های تلفیقی را در پیش گرفت. حتا اگر کسانی باشند که به قوانین موجود پایبندی نداشته باشند، حداقل می‌توان از گسترش روزافزون کودک خیابانی جلوگیری کرد...

کشاورزان زن با وجود کار طاقت فرسا ، بیمه نیستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است : مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان گفت: باوجود آنکه حدود 60 درصد کشاورزی این استان بر دوش زنان است اما زنان کشاورز از هیچ حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.

غلامحسین فلاحتی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در استان گیلان کشتزارها همچنان به شیوه سنتی اداره می‌شوند و بنابراین کارگران کشاورز که بیشتر زن هستند از حقوق قانونی خود محروم هستند.

وی یادآور شد: در کشاورزی به شیوه مکانیزه که در حدود 40 درصد از کشتزارهای گیلان اعمال می‌شود مردان به عنوان نیروی فنی ماهر پشت دستگاه‌ها حضور دارند اما در سایر کشتزارها زنان هنوز با دست مشغول کار هستند. وی با یادآوری اینکه کارگران کشاورز دارای مشاغل فصلی هستند افزود: از جمله موارد محرومیت‌های کارگران کشاورز به ویژه کشاورزان زن عدم برخورداری از پوشش‌های بیمه تامین اجتماعی است.

این مقام کارگری با یادآوری اینکه کار کشاورزی از نظر سخت و طاقت فرسا بودن در ردیف مشاغل سخت و زیان‌آور قرار دارد گفت: به دلیل نبود بسترهای فرهنگی لازم کارگران و کارفرمایان کشاورز هیچکدام از اهمیت پوشش بیمه تامین اجتماعی بی‌خبر هستند. به گفته مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان فارس شدت این بی‌اطلاعی در میان کشاورزان زن به حدی است که این کارگران ترجیح می‌دهند برای حفظ درآمد خود از حقوق قانونی خود چشم‌پوشی کنند.

فلاحتی بابیان اینکه در حال حاضر در آمد روزانه کشاورزان زن بالغ بر 40 هزار تومان است، گفت: دلیل این پرهیز از بی‌اطلاعی نمی‌تواند ریشه اقتصادی داشته باشد زیرا در صورتی این کارگران بیمه باشند هزینه روزانه آنها در نهایت حدود 10 هزار تومان گرانتر خواهد شد.

این فعال کارگری گفت: محرومیت کارگران کشاورز به ویژه کشاورزان زن از پوشش‌های بیمه‌ای درحالی است که مطابق قوانین کار و تامین اجتماعی تمامی کارگران فصلی از حق دسترسی به خدمات بیمه‌ای برخوردار هستند.

نرخ بیکاری در ایران 20.5 درصد - جدول نرخ بیکاری در 43 کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: جدیدترین تغییرات نرخ بیکاری در 43 کشور جهان نشان دهنده ثبت بهترین وضعیت در کشور تایلند به میزان 8 دهم درصد و بدترین وضعیت در یونان به میزان 26.4 و اسپانیا 26.3 درصد است. بیکاری در ایران نیز به میزان 20.5 درصد برآورد شد. بررسی جدیدترین نرخ‌های بیکاری در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که با وجود بهبود اوضاع بازار کار در برخی کشورها، در نقاطی دیگر اوضاع بازار کار و اشتغال کارجویان مناسب نیست و برخی کشورها در این بخش چالش‌های جدی‌ای را تجربه می‌کنند.

کشور اورپایی اسپانیا در یکی دو سال اخیر با موضوع بیکاری و افت شدید فرصت‌های شغلی مواجه شده و هم‌اکنون نرخ بیکاری در این کشور به 26.3 درصد رسیده است. همچنین این وضعیت در مورد کشور یونان نیز دیده می‌شود و در این کشور نیز به دلیل بروز مسائل مختلف اقتصادی و مشکلات بحران‌های مالی نرخ بیکاری به 26.4 درصد رسید.

در آمریکا نرخ بیکاری 7.6 درصد، در چین 4.1 درصد و در ژاپن نیز 4.3 درصد است. بریتانیا دارای نرخ بیکاری 7.8 درصد و کانادا نیز نرخ 7.2 درصدی است. در حوزه یورو نرخ بیکاری 12 درصد، اتریش 4.8 و در بلژیک نیز 8.1 درصد است.

فرانسه در اروپا نرخ بیکاری دورقمی 10.8 درصدی را تجربه می‌کند و آلمان نیز 6.9 درصد بیکاری دارد. همچنین ایتالیا دارای 11.6 درصد نرخ بیکاری و هلند 7.7 درصد بیکاری است. نرخ بیکاری در جمهوری چک 8 درصد و در دانمارک 6 درصد است.

کشور مجارستان 11.6 درصد و نروژ دارای 3.6 درصد بیکاری است. در لهستان نرخ بیکاری 14.3 درصد و در روسیه نیز 5.8 درصد است، این نرخ در کشور سوئد 8.5 درصد، سوئیس 3.1 درصد و ترکیه نیز نرخ بیکاری 10.1 درصدی را تجربه می‌کند.

استرالیا 5.6 درصد، هنگ کنگ دارای 3.4 درصد نرخ بیکاری و هندوستان نیز 9.9 درصد بیکاری است. اندونزی 6.1 درصد بیکاری را تجربه می‌کند و این نرخ در مورد کشور مالزی 3.3 درصد و پاکستان نیز 6 درصد است، تجربه سنگاپور در حال حاضر 1.8 درصد را نشان می‌دهد.

کره جنوبی نرخ بیکاری 3.5 درصدی و تایوان نرخ بیکاری 4.2 درصدی دارد. تایلند نرخ بیکاری 8 دهم درصدی و آرژانتین 6.9 درصد بیکاری دارد، برزیل 5.6 درصد بیکاری و شیلی نیز 6.2 درصد بیکاری را تجربه می کند. کلمبیا دارای نرخ بیکاری 11.8 درصدی و مکزیک نیز 4.8 درصدی است. ونزوئلا در آمریکای لاتین 7.6 درصد بیکاری و مصر دارای 13 درصد بیکاری است. همچنین در عربستان نرخ بیکاری 5.5 و در آفریقای جنوبی نیز 24.9 درصد اعلام شده است. در مورد ایران نرخ بیکاری اعلام شده 20.5 درصد است، با این حال طبق آخرین اعلام مرکز آمار ایران نرخ بیکاری کشور در پایان سال گذشته به میزان 12.2 درصد بوده است.

جدول نرخ بیکاری در 43 کشور جهان

کشور	نرخ بیکاری - درصد
ایران	20.5
آمریکا	7.6
چین	4.1
ژاپن	4.3
بریتانیا	7.8
کانادا	7.2
حوزه یورو	12
اتریش	4.8
بلژیک	8.1
فرانسه	10.8
آلمان	6.9
یونان	26.4
ایتالیا	11.6
هلند	7.7
اسپانیا	26.3
چک	8
دانمارک	6
مجارستان	11.6
نروژ	3.6
لهستان	14.3
روسیه	5.8
سوئد	8.5
سوئیس	3.1
ترکیه	10.1
استرالیا	5.6
هنگ کنگ	3.4

هندوستان	9.9
اندونزی	6.1
مالزی	3.3
پاکستان	6
سنگاپور	1.8
کره جنوبی	3.5
تایوان	4.2
تایلند	0.8
آرژانتین	6.9
برزیل	5.6
شیلی	6.2
کلمبیا	11.8
مکزیک	4.8
ونزوئلا	7.6
مصر	13
عربستان	5.5
آفریقای جنوبی	24.9

کارگران منتظر تحقق وعده‌های دولت جدید هستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در سمنان با انتقاد از فضای نامساعد کسب و کار و رکود حاکم بر بخش صنعت در این استان، خواستار تحقق برنامه دولت جدید برای حمایت از تولید و اشتغال و مبارزه با بیکاری شد.

حبيب الله محقق با بیان اینکه بخش عمده ای از صنعت استان دچار رکود کسب کار شده است به ایلنا گفت: به دلیل کمبود نقدینگی واردات بی رویه و بالا بودن قیمت کالای نهایی وضعیت کنونی واحدهای تولیدی در استان مناسب نیست.

به گفته این فعال کارگری، استمرار و تشدید شرایط سخت سالهای گذشته باعث شده است تا فعالیت واحدهای تولیدی محدودتر از گذشته شود.

دبیر خانه کارگر بایادآوری اینکه هم اکنون انبارهای واحدهای تولیدی انباشته از محصولات نهایی است افزود: استقبال عمومی مردم از کالاهای خارجی باعث شده است تا روند فروش در واحدهای تولیدی داخلی کساد شود.

محقق با بیان اینکه دولت هیچ‌گونه حمایتی از تولیدکنندگان داخلی ندارد تصریح کرد: با توجه به بحران حاکم بر واحدهای صنعتی و نیز بی توجهی که دولت به تولیدکنندگان داخلی داشته است؛ ادامه این روند برای آینده

اقتصادی کشور مناسب نیست. این فعال کارگری گفت: در این شرایط کارگران از دولت جدید انتظار دارند تا هرچه زودتر به برنامه‌های خود برای پایان دادن به وضعیت نامناسب اقتصادی جامعه عمل بپوشاند.

پایان پیام

بررسی سیمای فقر کودکان در مناطق 22گانه شهر تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران - ایسنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: فقر کودکان به شدت وابسته به ویژگی‌های سرپرست خانوار آنها است. حال آن‌که ارتباط بین درآمد خانوار، هزینه‌ی زندگی و ایجاد شرایط امن اقتصادی برای خانوارها، گام حیاتی برای رفاه کودکان است. بنابراین سیاست‌های کاهش فقر کودکان باید معطوف به ارتقای سطح رفاه سرپرست خانوارها از طریق حمایت قانونی از دستمزد سرپرست خانوارهای محروم با تأکید بر اصلاح سطح دستمزدهای حداقلی و بیمه‌های بیکاری باشد.

پژوهشی در کشور به بررسی سیمای فقر کودکان در مناطق 22گانه شهر تهران در سال 87 پرداخته است. گستردگی پژوهش شامل 22 هزار خانوار تهرانی بوده است. این مطالعه درحالی‌که به موضوع فقر کودکان تمرکز دارد، به بررسی ارتباط بین ویژگی‌های خانوار و فقر کودکان نیز اشاره می‌کند چراکه در واقع اغلب محرومیت‌های اجتماعی و اقتصادی کودکان فقیر، انعکاس محرومیت خانوادگی آنهاست و این موضوع اهمیت پرداختن به فقر کودکان را برجسته‌تر می‌کند. پژوهش حاضر فقر کودکان را براساس رویکرد نیازهای اساسی خط فقر محاسبه و بررسی کرده است. تحقیق پیش‌رو به عوامل متعددی در شکل‌گیری فقر کودکان اشاره می‌کند که از آن جمله رشد اقتصادی پایین و نابرابری در توزیع درآمد، سلامت کودکان، فرسایش خانوار (اعتیاد، طلاق، مشکلات عاطفی، محرومیت مالی، کاهش امید به زندگی، کاهش عزت نفس، بروز جرم و جنایت و بزهکاری در کودکان و ...) و عوامل جمعیتی است.

در این مطالعه برای تعیین خط فقر، ارزش پولی سبد غذایی تعیین شده توسط انستیتو تغذیه برای یک فرد بزرگسال برحسب دو هزار کالری در روز محاسبه شد. سپس با محاسبه نسبت مخارج غذا به کل مخارج که از مخارج خانوارهای نمونه محاسبه شد، این میزان به عنوان خط فقر یک فرد بزرگسال در نظر گرفته شد و سپس با استفاده از روش مقیاس معادل، حداقل مخارج مورد نیاز برای خانوارهای دو نفر و بیشتر با توجه به خط فقر خانواده یک نفره محاسبه شد. در ادامه خانوارهای فقیر از غیرفقیر متمایز شد و پس از شناسایی خانوارهای فقیر به تفکیک بعد آنها، تعداد کودکان در خانوارهای فقیر محاسبه شده و نرخ فقر کودکان در شهر تهران به دست آمد.

بررسی توزیع فقر در مناطق 22گانه شهر تهران در این تحقیق نشان داد: 10.9 درصد از کودکان فقیر، در منطقه 19 و 0.7 درصد در منطقه 3 ساکن هستند و بنابراین منطقه 19 تهران دارای بیشترین و منطقه سه دارای کمترین کودکان فقیر است.

طبق این یافته‌ها 65.6 درصد کودکان منطقه 19 فقیر هستند که این معادل 10.9 درصد کل کودکان فقیر شهر تهران است اما تنها حدود 15 درصد کودکان منطقه 3 معادل 0.7 درصد کل کودکان فقیر شهر تهران در فقر به سر می‌برند.

یافته‌های پژوهش تعداد کودکان فقیر را نیز به ترتیب مناطق 22گانه چنین نشان می‌دهد: منطقه یک 0.9 درصد، منطقه دو 0.9 درصد، منطقه سه 0.7 درصد، منطقه چهار 5.1 درصد، منطقه پنج، 3.6 درصد، منطقه شش 1.6 درصد، منطقه هفت 3.1 درصد، منطقه هشت 3 درصد، منطقه نه 4.2 درصد، منطقه ده 3.6 درصد، منطقه یازده 3.6 درصد، منطقه دوازده 6.6 درصد، منطقه سیزده 3.9 درصد، منطقه چهارده 5.6 درصد، منطقه پانزده 7.2 درصد، منطقه شانزده 6.7 درصد، منطقه هفده 5.2 درصد، منطقه هجده 6.9 درصد، منطقه نوزده 10.9 درصد، منطقه بیست 7.9 درصد، منطقه بیست و یک 5.2 درصد، منطقه بیست و دو 4.1 درصد. همین نتایج حاکیست: بیشترین درصد نرخ فقر، شکاف فقر و شدت فقر مربوط به منطقه 19 و کمترین مربوط به منطقه 3 است.

این پژوهش در ادامه به بررسی شاخص‌های فقر در مناطق شهر تهران با ویژگی‌های سرپرستان خانوار پرداخته است. در این شاخص، سن، جنسیت خانوار، تحصیلات، نوع شغل سرپرست خانوار و نیز بعد خانوار مورد توجه قرار گرفته است.

بیشترین کودکان فقیر در چه خانواده‌هایی هستند؟

نتایج بررسی نشان داد: 38 درصد کودکان فقیر در خانوارهای چهار نفره به سر می‌برند و شدت فقر در خانوارهای چهار نفره 10.57 درصد و شکاف فقر 3.7 درصد است.

یافته‌های تحقیق حاضر درباره نرخ فقر کودکان و خانوارهای فقیر با توجه به نوع شغل سرپرست خانوار حاکیست: نرخ فقر کودکان در خانوارهای با شغل رسمی در شهر تهران نزدیک به 38 درصد و در خانوارهای با مشاغل غیررسمی 45 درصد است.

همچنین شکاف و شدت فقر در خانوارهایی که مشاغل غیررسمی دارند، بالاتر از مشاغل رسمی به دست آمده است.

این تحقیق خانوارها را براساس تحصیلات سرپرست خانوار به دو گروه دارای تحصیلات عالی (فوق‌دیپلم یا بالاتر) و فاقد تحصیلات عالی (دیپلم و کمتر) تقسیم کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داد نرخ فقر کودکان در خانوارهای با تحصیلات عالی سرپرست خانوار 26.26 درصد و در خانوارهای فاقد تحصیلات عالی دو برابر این رقم است. همین‌طور شکاف فقر و شدت فقر در خانوارهایی با سرپرست فاقد تحصیلات عالی دو برابر خانوارهای با تحصیلات عالی است.

بررسی جنسیت سرپرست خانوار کودکان فقیر هم حاکی از آن است که نرخ فقر کودکان خانواده‌های مرد سرپرست 43.84 و خانواده‌های زن سرپرست 47.32 درصد است که نشان می‌دهد کودکان خانواده‌های زن سرپرست آسیب‌پذیرند.

پژوهش حاضر در ادامه‌ی بررسی نرخ فقر کودکان مناطق 22 گانه شهر تهران با توجه به سن سرپرستان خانوار پرداخته است. براساس یافته‌های این بخش از پژوهش، در گروه سنی سرپرستان خانوار 45-54 سال نرخ فقر کودکان 46.34 درصد است، درحالی‌که در گروه سنی 65 سال نرخ فقر کودکان 60.5 درصد و بالاترین نرخ فقر کودکان در این پژوهش است.

براساس این تحقیق، این مساله می‌تواند ناشی از فقر فرهنگی در خانوارهای با سرپرستان 65 سال و بیشتر باشد که علی‌رغم بعد بالای خانوار و سن بالای سرپرستان خانوار، فرزند زیر 18 سال دارند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که احتمال وقوع فقر کودکان در چنین خانوارهایی بیشتر باشد.

یافته‌های این مطالعه تاکید می‌کند: فقر کودکان به شدت وابسته به ویژگی‌های سرپرست خانوار آنها است. حال آن‌که ارتباط بین درآمد خانوار، هزینه زندگی و ایجاد شرایط امن اقتصادی برای خانوارها، گام حیاتی برای رفاه کودکان است. بنابراین سیاست‌های کاهش فقر کودکان باید معطوف به ارتقای سطح رفاه سرپرست خانوارها از طریق حمایت قانونی از دستمزد سرپرست خانوارهای محروم با تاکید بر اصلاح سطح دستمزدهای حداقلی و بیمه‌های بیکاری باشد.

تعطیلی بیش از 70 درصد کارخانه های تولیدی نایلون و نایلکس

برپایه خبر دریافتی آمده است : بیش از 70 درصد کارخانه های تولیدی نایلون و نایلکس تعطیل شدند و ناچار به اخراج کارگران خود شدند. علت تعطیلی این کارخانه ها نداشتن مواد اولیه برای

تولید میباشد که چون از کشورهای خارجی امکان وارد کردن مواد مد نظر بخاطر تحریم امکان وارد شدن را ندارد و از طرفی دولت هم از طریق کانالهایی که این مواد را وارد میکند با آن تنها عناصر مطلوب خود را تامین میکند.

تجمع کارگران پیمانی رشت برای رسیدگی به مشکلات خویش

بر پایه خبر دریافتی ، آمده است : کارگران پیمانی شهر رشت در مقابل یکی از شعبه های اخذ رای در روز انتخابات تجمع کردند وخواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. یکی از کارگران دراین زمینه گفت: ازکارگران

پیمانی شرکت گاز رشت هستیم که بعد از سالها هنوز نتوانسته ایم با شرکت گاز به صورت مستقیم قرار داد ببندیم.

مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان گیلان: کشاورزان زن با داشتن کاری طاقت فرسا، بیمه نیستند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان گیلان گفت: باوجود آنکه حدود 60 درصد کشاورزی این استان بر دوش زنان است اما زنان کشاورز از هیچ حمایت اجتماعی برخوردار نیستند.

غلامحسین فلاحتی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در استان گیلان کشتزارها همچنان به شیوه سنتی اداره می‌شوند و بنابراین کارگران کشاورز که بیشتر زن هستند از حقوق قانونی خود محروم هستند. وی یادآور شد: در کشاورزی به شیوه مکانیزه که در حدود 40 درصد از کشتزارهای گیلان اعمال می‌شود مردان به عنوان نیروی فنی ماهر پشت دستگاه‌ها حضور دارند اما در سایر کشتزارها زنان هنوز با دست مشغول کار هستند.

وی با یادآوری اینکه کارگران کشاورز دارای مشاغل فصلی هستند افزود: از جمله موارد محرومیت‌های کارگران کشاورز به ویژه کشاورزان زن عدم برخورداری از پوشش‌های بیمه تامین اجتماعی است.

این مقام کارگری با یادآوری اینکه کار کشاورزی از نظر سخت و طاقت فرسا بودن در ردیف مشاغل سخت و زیان‌آور قرار دارد گفت: به دلیل نبود بسترهای فرهنگی لازم کارگران و کارفرمایان کشاورز هیچکدام از اهمیت پوشش بیمه تامین اجتماعی بی‌خبر هستند.

به گفته مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان فارس شدت این بی‌اطلاعی در میان کشاورزان زن به حدی است که این کارگران ترجیح می‌دهند برای حفظ درآمد خود از حقوق قانونی خود چشم‌پوشی کنند.

فلاحتی با بیان اینکه در حال حاضر در آمد روزانه کشاورزان زن بالغ بر 40 هزار تومان است، گفت: دلیل این پرهیز از بی‌اطلاعی نمی‌تواند ریشه اقتصادی داشته باشد زیرا در صورتی این کارگران بیمه باشند هزینه روزانه آنها در نهایت حدود 10 هزار تومان گرانتر خواهد شد.

این فعال کارگری گفت: محرومیت کارگران کشاورز به ویژه کشاورزان زن از پوشش‌های بیمه‌ای درحالی است که مطابق قوانین کار و تامین اجتماعی تمامی کارگران فصلی از حق دسترسی به خدمات بیمه‌ای برخوردار هستند.

پایان پیام

ریزش ساختمان قدیمی با مرگ کارگر پایان یافت

به گزارش پایگاه خبری 125، در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: عدم رعایت اصول ایمنی در امر تخریب ساختمان قدیمی در خیابان ظفر، ریزش آوار و مرگ کارگر جوان را در پی داشت. بر اساس گزارش این حادثه، بر اثر عدم رعایت اصول ایمنی در امر تخریب ساختمان سقف طبقه دوم پیش از تخریب کامل فرو ریخته و یکی از کارگران در زیر انبوهی از خاک و آوار گرفتار شده بود. در این عملیات، آتش نشانان عملیات آواربرداری را از چندین جهت آغاز کرده و موفق شدند کارگر 35 ساله را از زیر آوار نجات و تحویل امدادگران اورژانس دادند که متأسفانه مرگ وی توسط عوامل اورژانس اعلام شد.

ریزش آوار جان کارگر 35 ساله را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است : بعد از ظهر روز گذشته يك کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار یک ساختمان قدیمی دو طبقه جان خود را از دست داد.

به گزارش ایلنا، این حادثه در خیابان ظفر، انتهای خیابان گوی آبادی زمانی رخ داد بودند که در حین تخریب طبقه دوم ساختمان ناگهان بخش‌هایی از سقف طبقه ریزش کرد.

بنا بر این گزارش، آتش نشانان پس از حضور در محل بدن این جوان 35 ساله را از زیر آوار خارج کردند و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تایید شد.

پایان پیام

پنج سال حقوق پانصد کارگر به جیب چه کسی رفته است ؟

به نوشته سایت ایران کارگر آمده است : پانصد نفر از کارگران لوله سازی خوزستان 5 سال است که حقوق نگرفته اند. نزدیک به 500 نفر از کارگران محروم شرکت لوله سازی خوزستان الان 5 سال است که حقوق نگرفته اند و با وجود چند بارتجمع اعتراضی در مقابل استانداری خوزستان در اهواز و سایر اقدامات تاکنون جوابی به آنها داده نشده و باندهای دولتی دستمزد ناچیز این کارگران محروم را بالا کشیده اند.

پزشک قانونی تهران نیما ابراهیم زاده را در بیمارستان محک معاینه کرد

طبق قرار قبلی امروز پزشک قانونی در بیمارستان محک با نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر معترض زندانی بهنام ابراهیمزاده دیدار کرد و نیما را مورد معاینه قرار داد هنگامیکه پزشک قانونی به بالین نیما رفت بستری وداشت شیمی درمانی می شد نیما از زمانی که بستری شده همچون گذشته از خوردن و آشامیدن خوداری می کند و این نیز از این خانواده را نگران کرده است این درحالی است هنوز پزشکان محک روند درمان نیما را طولانی مدت و بهبودی نیما را نامشخص می دانند با این حال امروز وقتی پزشک قانونی با نیما دیدار کرد خوشحالی و شادی به چهره نیما تا حدودی برگشت چرا که پزشک قانونی تاکید داشته که باید و لازم و ضروری است بهنام در کنار فرزند بیمارش بماند و قول داده که حتما و به زودی نامه موافقت با مرخصی بهنام را به دستگاه قضایی تحویل دهد اکنون تصمیم گیری برای حضور اینکه بهنام در کنار نیما بماند یا نماند با دستگاه قضایی است نیما ابراهیم زاده در نبود پدر زندانی اش چهار ماه پیش به سرطان خون مبتلا شد که در حال حاضر در بیمارستان محک کودکان تحت مراقبت های پزشکی است ما برای نیما و دیگر کودکان ارزوی بهبودی و سلامتی می کنیم به این امید که هیچ کودکی لحظه های خود را بدون پدرش سپری نکند.

به امید زندگی سعادتمندانه یکا يك کودکان خصوصا کودکان ایران

عضو انجمن قطعه سازان خودرو خبر داد:

تعطیلی 137 واحد قطعه سازی و تعدیل 50 درصدی کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است : عضو انجمن قطعه سازان خودرو از تعطیلی 137 واحد تولیدی قطعات خودرو و تعدیل 50 درصدی نیروی کار کارگاه های فعال خبر داد.

محمد رضا نجفی منش، عضو انجمن قطعه سازان خودرو در گفتگو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه دخالت های شورای رقابت در قیمت گذاری باعث رکود در صنعت خودرو شد اظهار داشت: هیچ نقطه ای در دنیا دولت در بحث قیمت گذاری خودرو دخالت نمی کند برای حل يك موضوع نباید صورت مسئله را پاک کرد. وی با اشاره به

وضعیت نابسامان قطعه سازان خاطر نشان کرد: صنف قطعه ساز خواستار حمایت بیشتر تولید از سوی رییس جمهور منتخب است و اینکه دخالت دولت در امر قیمت گذاری را تا حد امکان کاهش دهد.

نجفی منش با اشاره به آمار کاهش تولید خودرو طی سال گذشته و دو ماهه ابتدای سال جاری افزود: دخالت های بی مورد دولت باعث کاهش 46 درصدی تولید خودرو در سال 91 و کاهش 50 درصدی تولید خودرو طی 2 ماهه ابتدای سال جاری شد. وی خاطر نشان کرد: تاکنون بیش از 137 واحد تولید قطعه سازی تعطیل شده و بین 30 تا 50 درصد از کارگاههای تولیدی نیز یا تعدیل نیرو داشته اند و یا به صورت نیمه وقت فعالیت می کنند.

نجفی منش با بیان اینکه در بحث صادرات قطعه نیز با مشکل مواجه هستیم گفت: در گذشته به کشورهای که خودرو صادر می شد قطعه آن خودرو نیز صادر می شد اما با گسترش تحریم ها این موضع نیز منتفی شد. وی با انتقاد از بی تدبیری مسئولین در داخل کشور گفت: تبلیغات منفی داخلی در خصوص بی کیفیتی خودرویی نظیر پراید باعث شد بازار این خودرو در عراق را از دست بدهیم.

پایان پیام

کارگران محروم شهرداری اهواز پنج ماه از دریافت حقوق خود محروم اند

برپایه خبر دریافتی آمده است: نزدیک به 300 یا 400 نفر از کارگران محروم شهرداری اهواز الان نزدیک به 5 ماه است که حقوق ناچیز خودشان را نگرفته اند و کسی هم نیست که به حرف آنها گوش بدهد. البته کسی هم نیست بپرسد این پولها که بودجه به تصویب شده دولت بود درجیب کیست؟ در کدام بانک به حساب چه کسی ریخته شده است

عضو کارگری شورای عالی کار: کارفرمایان به تنهایی نمی توانند جلوی افزایش حقوق کارگران را بگیرند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: دبیر خانه کارگر اصفهان از دولت خواست در روزهای باقی مانده از عمر خود، کار ناتمام خود را برای افزایش کمک هزینه مسکن و بن خانوار به سرانجام برساند.

اصغر برشان با اعلام این مطلب به ایلنا، گفت: موضوع کاهش فاصله دستمزد با تورم يك خواسته قدیمی کارگران از دولت دانست.

این مقام کارگری گفت: در آخرین جلسه شورای عالی کار قرار شد فقط 10 هزار تومان به کمک هزینه مسکن خانوارهای کارگری اضافه شود که پرداخت این مبلغ ناچیزی هنوز هم تصویب و ابلاغ نشده است. وی با تاکید بر این که هنوز فرصت کافی برای تصویب نهایی و ابلاغ این مصوبه وجود دارد، افزود: درخواست کارگران از اعضای شورای عالی کار این است که کار نیمه کاره خود را به نتیجه برسانند.

بیان این اظهارات در حالی است که احمد رضا معینی، رییس کانون همآهنگی شوراهای اسلامی کار استان اصفهان به عنوان یکی از اعضای گروه کارگری شورای عالی کار در این باره گفت: در آخرین جلسه ای که هفتم خرداد ماه برگزار شد وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی با افزایش حق مسکن و بن کارگران موافق بود اما کارفرمایان نظر مساعدی به این تصمیم نداشتند.

معینی گفت: اگر جلسه نهایی تشکیل شود حتی در صورت مخالفت کارفرمایان با افزایش حداقل حقوق کارگران، مصوبه با دو امضای نماینده کارگران و دولت ابلاغ خواهد شد.

این مقام کارگری همزمانی جلسه نهایی و ابلاغ این افزایش با انتخابات و برگزاری اجلاس جهانی کار LO را دلیل اصلی به تاخیر افتادن ابلاغ مصوبه جدید شورای عالی کار دانست و گفت: بیشتر مشکلاتی که در حوزه کارگری وجود دارد به دلیل کمبود نقدینگی است که بر تولید و اقتصاد نیز بی تاثیر نبوده اند.

پایان پیام

اوضاع بازار بعد از انتخابات بی رونق است

بر پایه خبر دریافتی آمده است: وضع بازار بعد از انتخابات همچنان کساد است. بازار تهران بعد از گذشت 4 روز از انتخابات همچنان کساد و بی رونق است. يك مغازه دار در بازار کیلویی تهران در این رابطه امروز گفت: وضع بازار و کسب و کار هیچ تغییری نکرده. ولی مردم نسبت به گذشته اشتیاق بیشتری برای خرید نشان میدهند اگر چه توان خرید را با توجه به گرانی کالاها همچنان ندارند. این مغازه دار افزود: مردم بنظر میرسند که از آن سکوت درآمده اند و انتظارات زیادی از دولت جدید و رییس جمهور دارند. اصلی ترین انتظار مردم پایان دادن به گرانی و تورم افسار گسیخته است



مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان: منع ورود مواد اولیه توأمان با ورود کالای خارجی، تولید داخلی را نابود می کند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 خرداد 92 آمده است: مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان گفت: در شرایطی که بیشتر واحدهای تولیدی برای ادامه تولید با مشکل تهیه مواد اولیه خارجی مواجه اند، ورود بی رویه کالاهای مصرفی خارجی همچنان برای گروهی دیگر از تولید کنندگان به دغدغه اصلی تبدیل شده است.

«علیرضا برهانی» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: تا پیش از نوسانات نرخ ارز و تشدید تاثیر تحریمهای اقتصادی، واحدهای تولیدکننده کاشی و سرامیک این استان از پر رونق ترین بنگاه های صنعتی بودند.

وی با بیان اینکه بخش قابل توجهی از کارگران سمنانی در واحدهای تولید کننده کاشی و سرامیک مشغول کار بودند افزود: کیفیت محصول این واحدها در حدی بود که بخشی از محصولات این کارگاهها به خارج صادر می شد.

این مقام کارگری افزود: با این حال از زمان نوسانات نرخ ارز و تشدید محدودیت برای خرید مواد اولیه خارجی فعالیت کارخانه های سازنده سرامیک و کاشی نیز با مشکل روبرو شده است.

به گفته برهانی هم اکنون به دلیل سخت شدن شرایط خرید رنگ و سایر مواد اولیه شیمیایی از خارج کشور، تولید کنندگان کاشی و سرامیک با مشکل مواجه شده اند. وی افزود ادامه این مشکل در نهایت باعث تعدیل کارگران و تعطیلی کارخانه های سازنده کاشی و سرامیک خواهد شد.

به گفته مسئول کانون شوراهای اسلامی کار استان سمنان این رفتاری در حالی در واحدهای تولید کننده سرامیک و کاشی ادامه دارد که هنوز واحدهای نساجی برای ادامه فعالیت خود با مشکل واردات کالاهای چینی مواجه هستند.

این مقام کارگری ادامه داد: با وجود گران شدن بهای ارز، هنوز واردات انبوه منسوجات بی کیفیت چینی ادامه دارد.

برهانی گفت: ادامه این شرایط باعث شده تا در این اوضاع نامناسب اقتصادی کارگران نساجی بیش از گذشته با مشکل تامین معاش و امنیت شغلی مواجه شوند. وی گفت: در صورت تهرگونه تعدیل یا تعطیلی واحدهای نساجی بازهم این کارگران هستند که مرتکب زیان می‌شوند.

این مقام کارگری گفت: در مجموع شرایط دوگانه برای واردات باعث شده تا امنیت شغلی و تameni معاش کارگران در معرض تهدید قرار بگیرد.

پایان پیام

به نام خداوند جان و خرد

نامه سرگشاده کانون صنفی معلمان به ریاست محترم قوه قضائیه

با سلام و احترام

گرچه ملال تکرار سخنان زیر خاطر ما را نیز همانند شما می‌آزارد، لیکن صبورانه این تألم را به جان خریداریم و حدیث تظلم خواهی خود را مکرر می‌کنیم. شاکریم خداوند را که چنین صبری را در وجود ما به ودیعت نهاده است. باشد که این سخنان خوانده یا شنیده شود و شاید اثری هرچند اندک در تغییر روش های جاری داشته باشد.

ریاست محترم!

متأسفانه روند نامطلوب صدور احکام قضایی سنگین علیه فعالان صنفی در جامعه ی معلمین همچنان ادامه دارد. پس از صدور و اجرای ناپاورانه ی حکم حبس طولانی برای رسول بداغی و سید محمود باقری و صدور احکامی سنگین مانند 6 سال حبس و 10 سال تبعید در دادگاه بدوی برای علی اکبر باغانی و یا صدور حکم 10 سال حبس تعلیقی برای اسماعیل عبدی، اینک شاهد صدور حکمی عجیب مبنی بر 5 سال حبس تعزیری برای محمود بهشتی هستیم که در صورت احتساب 4 سال حبس تعلیقی قبلی به 9 سال افزایش خواهد یافت. از شیوه نگارش غیر حقوقی این حکم که بگذریم؛ در آن ضمن بیان اتهاماتی اثبات نشده علیه کانون صنفی معلمان به عنوان احکامی مسلم، انگشت اتهام را متوجه شخص محمود بهشتی نموده و او را صحنه گردان اصلی اقدامات نه تنها کانون صنفی تهران، بلکه اثر گذار بر تصمیمات شورای هماهنگی تشکل ها در سطح کشور معرفی می کند. بی توجه به جمعی بودن تصمیمات و اقدامات تشکل هایی مانند کانون صنفی معلمان و یا شورای هماهنگی.

در شرح مفصل حکم صادره، همه جا از کانون صنفی معلمان به عنوان تشکلی غیرقانونی یاد شده است در حالی که هیچگونه حکم دادگاه یا مستند حقوقی برای اثبات این ادعا وجود ندارد و اصولاً کانون صنفی معلمان در هیچ دادگاهی محکوم نگردیده است. بالاتر اینکه برای هیچ حکومتی فخر و فضیلتی نیست که فرهنگیان و فرهیختگانش به دلیل ابراز نظرات غیرسیاسی خود در هراس و ناامنی از اتهاماتی این چنین سنگین به سر برند. آن هم در حکمی که به لحاظ مرجع صدور قرار است قانونی ترین احکام باشد.

مطلب دیگر برگزاری مراسم در روز جهانی معلم (13 مهر هرسال) و هفته ی معلم (اردیبهشت هرسال) است. اولی مربوط به تمامی معلمان جهان است و توسط وزارت آموزش و پرورش ایران نیز به رسمیت شناخته شده است؛ دومی نیز مراسمی ملی است. در این دو مناسبت چنانچه مراسمی بوده است، برگزار کننده آن کانون

صنفي معلمان بوده است نه فردي خاص. دوم اينكه اگر حضور تعداد اندكي معلم برسر مزار استاد مطهري و دكتر خانعلی جرم است، شامل حال تمامی شرکت کنندگان می گردد نه برخی از آنان. نکته مهمتر اما این است كه چگونه می توان پذیرفت اجرای چنین مراسمی كه معمولاً فاقد هرگونه بازتاب خیری و اجتماعی است، بتواند امنیت ملی کشور را دچار مخاطره كند یا فعالیت تبلیغی علیه نظام محسوب شود. آیا بیان چنین اتهاماتی خود زیر سؤال بردن اقتدار جمهوری اسلامی نیست؟

نكته ی شایان ذكر دیگر، تندرو و افراطی خواندن باقیمانده اعضای كانون و براندازانه خواندن فعالیت های آنان است. مانده ایم به طنز موجود در این جملات به تلخی لبخند زنیم یا از درك نادرست ماهیت فعالیت های صنفي مغموم و هراسان باشیم. جمع فعالیت صنفي و اقدامات براندازانه مصداق همان جمع نقیضینی است كه تا پیش از این محال بود!

برخلاف ادعای متن حكم، كانون صنفي معلمان به منظور اثبات حسن نیت و رفتار منطبق بر قانون خود، جلسات هفتگی خود را از مهر 1388 به حالت تعلیق در آورد و با تکمیل نمودن چندباره مدارك خود در وزارت کشور خواهان رسیدگی کمیسیون ماده 10 احزاب به وضعیت این تشكیل شد. به دنبال عدم پاسخ گویی کمیسیون در پایان مهلت قانونی مندرج در قانون احزاب و پس از مراجعات مكرر نمایندگان این تشكیل به وزارت کشور و با توجه به عدم پاسخ گویی کمیسیون در مهلت مقرر، با گذشت حدود هشت ماه و پس از اعلام به وزارت کشور جلسات هفتگی از سر گرفته شد. خروجی این جلسات نیز تنها صدور بیانیه هایی به مناسبت روز و هفته ی معلم و یا اعلام موضع نسبت به اقدامات انجام شده در وزارت آموزش و پرورش بوده است. در این مدت كانون صنفي معلمان به رغم نارضایتی و انتقادات بخش هایی از معلمان مبنی بر ضعف كانون؛ خوشبختانه یا متأسفانه با توجه به شرایط کشور و به رغم اوضاع نابسامان وزارت آموزش و پرورش و تحمل فشار سنگین تورم توسط معلمان و عدم اجرای کامل قانون مدیریت خدمات کشوری به هیچ عنوان اعلام تجمع یا تحصن نداشتند و حتی فراخوان اعتصاب غذای ادعایی - مندرج در حكم- به استناد بیانیه های كانون فقط مخصوص اعضای هیئت مدیره بوده و نه معلمان دیگر.

ما به عنوان یک تشكیل صنفي مدافع حقوق معلمان، از آن مقام محترم انتظار جدی داریم كه به پشتوانه اختیارات قانونی و مسئولیت های دینی از کنار صدور چنین احكامی بی اعتنا نگذشته و مشفقانه در زدودن نگاه گمراه كننده امنیتی نسبت به نهادهای صنفي كوشا باشند. صدور چنین احكامی نه به مصلحت کشوری است كه اینك بیش از هر زمان دیگر نیازمند وحدت ملی است و نه سازگار با حقوق و آزادی هایی است كه قوانین کشور ما آن ها را برای تمامی شهروندان به رسمیت شناخته است.

به باور ما حق این است كه تشكیل هایی مانند كانون صنفي معلمان و افرادی نظیر سید محمود باقری، رسول بداعی، علی اكبر باغانی، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی و... كه همچون آینه نقاط تیره و روشن عملكرد مسئولان دولتی را پیش روی آنان نهاده اند، قدر بینند و بر صدر نشینند نه آن كه درگیر احكامی گردند كه با فضائل كهن فرهنگی و سنت های نیکوی دینی این دیار سازگار نیست. خدای را به میم شست و شوی خرقه كنید كه من نمی شنوم بوی خیر از این اوضاع

متن دفاعیه محمود بهشتی لنگرودی

بسمه تعالی

ریاست محترم دادگاه تجدید نظر

باسلام و احترام

همانگونه كه در آخرین دفاعیات خود تاکید نموده ام، بخش های قابل توجهی از محتویات پرونده و متن بازجویی ها را به دلیل غیرقانونی بودن روند بازجویی و نقض آشكار قانون حقوق شهروندی فاقد وجاهت قانونی، حقوقی و شرعی دانسته و استناد به آن ها را خلاف قوانین مصوب می دانم و بر این اساس معتقدم كه ملاك قضاوت قاضی محترم، می بایست اظهاراتی باشد كه در دادگاه و در آخرین دفاعیات مطرح گردیده است. اما روند برگزاری دادگاه بدوی و استناد قاضی محترم به گزارش طولانی سازمان آستان تهران این نگرانی را

ایجاد نموده است که نکند دفاعیات و مستندات اینجانب در دادگاه تجدید نظر نیز مورد توجه قرار نگیرد. با این وصف موارد زیر را به عرض ریاست محترم دادگاه تجدید نظر می رسانم و قضاوت را به وجدان های بیدار می سپارم:

1- در حکم بدوی، از کانون صنفی معلمان ایران به عنوان تشکلی غیرقانونی یاد شده است، در حالی که این تشکل، پروانه فعالیت خود را از کمیسیون ماده 10 احزاب دریافت نموده و لغو پروانه فعالیت آن طبق قوانین تنها در صورت تشکیل دادگاه و صدور حکم امکانپذیر است و از آن جایی که تاکنون هیچ دادگاهی در هیچ کجای کشور حکمی مبنی بر غیر قانونی بودن این تشکل صادر نکرده است، ادعای غیرقانونی بودن این تشکل و جرم بودن شرکت در جلسات آن هیچگونه مستند قانونی ندارد و مجرم شناختن اینجانب به اتهام حضور در جلسات آن نیز فاقد وجاهت قانونی است.

2- در حکم مذکور از حضور محدود فعالان صنفی بر مزار آقایان دکتر خانعلی معلم شهید در نظام گذشته و استاد مطهری به عنوان اقدامی به منظور برهم زدن امنیت کشور یاد شده است و اینجانب به دلیل نگاشتن و ویرایش بیانیه ای در همین رابطه مسئول و محکوم قلمداد شده ام. در حالی که :

اولاً این بیانیه در شهر یزد صادر شده و بنده در جلسه صدور این بیانیه حضور نداشته ام.

ثانیاً اعضای کانون یزد که به عنوان میزبان نشست در صدور بیانیه ی مذکور سهیم بوده اند تبریته گشته اند.

ثالثاً حضور محدود بر مزار دو شهید و ذکر فاتحه برای آن دو مرحوم چگونه می تواند از مصادیق بر هم زدن امنیت کشور باشد؟ لازم به ذکر است که این مراسم هرگز برگزار نگردید و اینجانب نیز در روز 12 اردیبهشت یعنی موعد برگزاری مراسم در حبس بوده ام.

3- اینکه بنده تحت عنوان همدردی با خانواده های برخی همکاران زندانی خود به مدت 4 روز از خوردن و

آشامیدن دست کشیده ام و خبر آن را شخصاً در هیچ سایت و یا خبرگزاری داخلی و یا خارجی منعکس نکرده ام چگونه می تواند از مصادیق مجرمیت بنده محسوب شود؟ من در پاسخ به ندای وجدان خود و در شرایطی که هیچ کار دیگری از من بر نمی آمد دست به این اقدام زده ام و این حداقل کاری بود که می توانستم در اعتراض به روند برخورد با همکاران و خانواده هایشان صورت می گرفته و می گیرد انجام دهم و هنوز هم درک نمی کنم که چرا این رفتار شخصی و انسان دوستانه می بایست به صدور حکم قضایی منجر شود؟

4- مصاحبه هایی که اینجانب با برخی شبکه های خارجی داشته ام تماماً با تصویب هیات مدیره کانون و در زمانی صورت گرفته است که هنوز مصاحبه با این رسانه ها ممنوع اعلام نگردیده بود. با این وصف از آن جایی که در پرونده قبلی اینجانب تمامی مصاحبه ها مورد بررسی قرار گرفته و در این رابطه حکم صادر گردیده بود، طرح مجدد آن در پرونده اخیر چه توجیهی می تواند داشته باشد؟

5- دیدار با آقایان موسوی، کروی و خاتمی و همچنین خانواده های برخی جانبختگان پس از انتخابات در فضایی کاملاً عمومی، رسمی و آزاد صورت گرفته و در این دیدارها تعداد زیادی از همکاران فرهنگی حضور داشته اند. لذا در صورت جرم بودن اینگونه دیدارها، می بایست تمام کسانی که در آن حضور داشته اند خصوصاً دعوت کنندگان و مجریان بازداشت و مجازات می شدند. اما هرگز چنین اتفاقی نیفتاده است و از طرفی پرسش این است که مجرمانه تلقی کردن این دیدارها تابع کدامیک از قوانین حقوقی و قضایی جمهوری اسلامی ایران محسوب می گردد؟

6- بیانیه های کانون صنفی معلمان و هر تشکل گروهی دیگری بر اساس رای جمعی و تصویب هیات مدیره صادر می گردد لذا اتهام "نقش موثر اینجانب در تهیه و ویرایش بیانیه های جنجالی و تحریک آمیز" باید متوجه تمامی اعضای هیات مدیره و صادرکنندگان بیانیه باشد بر این اساس این اتهام نیز همانند سایر اتهامات مطرح شده غیر موجه و حکایت از عدم شناخت نگارنده از ماهیت و فعالیت های جمعی و کار گروهی دارد.

7- در حکم صادر شده، نکته ای درباره درج مطالب و مقالات متعدد در وبلاگ شخصی و سایت اینترنتی به حمایت از ضدانقلاب و فتنه گران و ایجاد فضای تبلیغاتی مسموم علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران آورده شده است که متأسفانه هیچ مستندی در این رابطه ارائه نگردیده و لذا طرح عناوین مبهم و کلی غیرقابل پاسخگویی و تبعاً غیرقابل اعتنا می باشد. بدیهی است چنانچه مصادیق ذکر شود پاسخ های مقتضی نیز ارائه خواهد شد.

در خاتمه اینجانب ضمن تذکر خود و دادگاه محترم به خداوند و روز قیامت و محکمه عدل الهی، یادآور می شود که تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر استقلال قوه قضاییه از سایر قوا تأکید داشته اند تا

شاید در مواجهه بین حاکم و محکوم حق ملت تضییع نشود و قطعاً حفظ حیثیت قوه قضاییه ایجاب می کند که قضاوت محترم در هنگام صدور رای این اصل مهم قانون اساسی را از یاد نبرند. بدون شك تاریخ و افکار عمومی جامعه به ویژه فرهنگیان آگاه به دقت نظاره گر اینگونه پرونده ها و قضاوت قضات محترم خواهند بود.

امیدوارم قاضی محترم پرونده هنگام صدور رای و نظر خویش، حقیقت را خدای مصلحت ننموده و اجازه ندهند دفاع از قوه مجریه و نیروهای امنیتی به تضییع حقوق اینجانب و صدور حکمی ناعادلانه منجر گردد. آنچه ما طی سال های گذشته و در اعتراض به ناکارآمدی دولت بیان می کردیم امروز در رسانه های گروهی و در تریبون های مختلف و در سطحی بسیار گسترده تر توسط دلسوزان کشور فریاد می شود. آیا جرم ما این بود که چند سال زودتر اقدام کرده ایم؟
باسپاس
محمود بهشتی لنگرودی

کمدود مواد پولی اتلین برای کارخانه وله سازی خوزستان

بر پایه خبر دریافتی ، آمده است : مواد اولیه که برای پوشش لوله در کارخانه لوله سازی خوزستان بکار میرفت به پایان رسیده و کارخانه از تولید لوله باز مانده است. این مواد اولیه قبلاً از اماراتکه از کشورهای کره جنوبی و ژاپن و فرانسه وارد می شد. اما اخیراً بدلیل تحریم ها این کشورها این مواد پوشانده لوله را به ایران تحویل نمیدهند که فعلاً تولیدکارخانه متوقف شده است و 170 کارگر این بخش بیکار شدند

مصاحبه با یکی از فعالان حقوق کودکان (حسن)

http://kanoonmodafean1.blogspot.fr/2013/06/blog-post_6153.html

چه سنی را سن کودک می شناسید؟

بر اساس ماده یک پیمان نامه ی جهانی حقوق کودک تمامی افراد زیر 18 سال ، کودک تلقی می شوند. البته این سنی است که در حال حاضر مطرح است و با توجه به تغییرات و سازوکارها و شرایط اجتماعی، اقلیمی، خانوادگی و جغرافیایی تاثیرگذار بر رشد و بالندگی کودکان و نیز با توجه به اینکه در جوامع امروز که افراد 18 ساله، هنوز هم از فرایند آسیب پذیری مضاعف خارج نگردیده اند، به نظر می رسد مساله افزایش سن کودکی در آینده ای نه چندان دور باید مورد بحث مجدد قرار گیرد و گستره ی این دایره افزایش یابد.

کودک کار و کودک خیابان چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟

اگر بخواهیم کودکان را با توجه به تفکیک و تبارشناسی دقیق گروه های تشکیل دهنده اش شناسایی کرده و همچنین به آنچه که در ادبیات متداول جهانی آمده، توجه نماییم آنگاه به این نتیجه می رسیم که کودکان کار به جمعیت نسبتاً بزرگی از کودکان اطلاق می شود که به دلیل نابسامانی های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ناپایداری ها و منازعات قومی و بین المللی و حتا سوانح طبیعی از حقوق طبیعی دوران کودکی محروم مانده و ناگزیر مجبور به کار شده اند. هرگاه سخن از کودکان خیابان به میان می آید از نظر شنونده و حتا گوینده ی آن، کودکانی مطرح می شوند که به دلیل شدت آسیب های وارده، در رابطه ی کودک و خانواده گسست ایجاد شده و خیابان به عنوان محل کار و زندگی ، تنها ماوا ی اوست. (ناگفته نماند بعضاً در کشورهای از جمله هند و برخی کشورهای دیگر، کودکان خیابان از چند نسل قبل در خیابان متولد شده و زندگی کرده اند و اگر چه زندگی در خیابان موجب گسست رابطه ی او و خانواده اش نگردیده است، اما تاثیر آسیب های وارد شده به ایشان، همانند دیگر کودکان، به قوت خود باقی است. اما در فهم اساسی مساله کودکان خیابان بخشی از جمعیت کودکان کار می باشند که صد البته آسیب دیدگی بسیار شدیدتر را می توان از ویژگی های این گروه برشمرد. این در حالی است که گروه های بسیاری از کودکان کار ممکن است هرگز پا به خیابان ننهادند و در نگاه

اول حساسیت جامعه را برنیا نگیرند؛ مانند کودکان بسیاری که در مزارع معادن و کوره‌پزخانه‌ها، در شرایط بسیار دشوار به کار مشغولند و یا به مشاغلی مانند کولبری و قاچاق کالا در شهرهای مرزی اشتغال دارند و یا به چوپانی مشغولند و هم چنین گروه‌های بیش شماری از این کودکان که به مشاغل خانگی اشتغال دارند و حتی پای خود را از خانه بیرون نمی‌نهند که موضوع بحث‌های جدی اجتماعی شوند. آن چه مهم است همه‌ی این اشکال و اشکال دیگری از کار کودکان که به آن اشاره نشد، از جمله زباله‌گردی و حمل موادمخدر، تجارت جنسی و کودک سرباز و غیره همه و همه اشکال مختلف کار کودک هستند و محرومیت، آسیب‌زایی و بهره‌کشی از ویژگی‌های بارز همه‌ی انواع کار کودک در ایران و در تمامی کشورهای است که با پدیده‌ی کار کودکان مواجه اند.

در شرایطی که گرسنگی گروه بزرگی از کودکان را تهدید می‌کند، آیا لغو کار کودک می‌تواند کمک به رفع گرسنگی این کودکان تلقی شود؟

این سوالی است که پاسخش درخود سوال نهفته است. اساساً صحبت هم‌زمان از گرسنگی کودکان و لغو کار کودک مصداق بارز جمع اضداد است. اگر کودکان راهی کار و خیابان می‌شوند، نه از روی تفریح و تنگن است و نه از این روی که بخواهند به قانون گذاران دهن‌کچی نمایند. در واقع آن چه بوجود آورنده‌ی اصلی کار کودک است، خطر گرسنگی کودک و خانواده اوست. هر گاه کودکی به عنوان ابزاری برای سوءاستفاده و بهره‌کشی راهی بازار کار می‌شود، قطعاً یا خانواده‌ای را در معرض فقر و گرسنگی پشت سر دارد و یا شدت فقر و گرسنگی و آسیب، نهاد خانواده‌ی او را آن چنان ویران ساخته که به هیچ وجه قادر به حمایت از کودک خود نبوده و به دلیل فقدان نهادها و قوانین حمایتی کافی تنها پناه کودک باندهایی است که کودک را به ابزاری برای پول در آوردن تبدیل می‌کنند. از این رو اولین پیش شرط لازم برای سخن گفتن از لغو کار کودکان، مساله‌ی از بین بردن گرسنگی و آسیب و نیز ایجاد بنیادهای حمایتی لازم و کافی برای حمایت موثر از کودک و خانواده‌ی در معرض خطر اوست.

چه عوامل و مناسباتی سبب می‌شود که کودکان به جای مدرسه و محیط‌های آموزشی و تفریحی سر از محیط کار در آورند؟

همه‌ی فعالین حوزه‌ی مبارزه با کار کودک به خوبی می‌دانند که کار کودک پدیده‌ای تک سببی نیست. اگر چه فقر و نابرابری مهم‌ترین و تاثیرگذارترین عوامل در پیدایش شرایط اجبار به کار برای کودکان هستند و همان‌گونه که در تعریف کودکان کار اشاره شد، مجموعه‌ای از نابسامانی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جنگ و ناپایداری‌های سیاسی و همچنین درگیری‌های قومی و غیره را که منجر به مهاجرت و در معرض خطر قرار گرفتن کودک و خانواده‌ی او هستند، می‌توان به عنوان مجموعه‌ی شرایطی ذکر کرد که منجر به کار کودکان می‌شوند.

آیا قانون ممنوعیت کار کودک برای نجات کودکان از شرایط غیرانسانی کافی است؟

قطعاً خیر. قانون گذاران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی‌های اجتماعی به خوبی می‌دانند که اجرای صحیح و کامل هر قانون مصوب، علاوه بر واقع‌بینانه و عملیاتی بودن و ضمانت‌های اجرایی کافی و موثر در نظر گرفته شده، پیش و بیش از هر امری مستلزم ایجاد بستر مناسب برای اجرای دقیق آن قانون است. چنانچه این پیش نیاز و بستر لازم حداقل به قدر نیاز تامین نگردد، قانون مصوب می‌تواند خود بوجود آورنده‌ی قانون گریزی‌های متعدد دیگری گردد و از آن جمله به عنوان مصداقی بارز می‌توان به قوانین تصویب شده در حوزه‌ی ممانعت از کار کودکان (چه در عرصه‌ی داخلی و چه در عرصه‌ی بین‌المللی) اشاره کرد. در مسیر پشت سر، ما با بیش از یک صد سال تلاش انسانی و فداکارانه‌ی انسان‌های ارزشمند و از خود گذشته‌ای مواجه هستیم که همواره آرمان محو کار کودک اصلی‌ترین انگیزه برای اقدام و ایستادگی آنان بوده است و حاصل تمامی این تلاش‌ها، علاوه بر کودکانی که از چرخه‌ی استثمار رها شده‌اند؛ تصویب قوانینی است که به عنوان دستاوردهای ارزشمند و قابل اتکا و استناد، امروزه در دست ماست و قطعاً وظیفه‌ی همه‌ی ماست که باید علاوه بر صیانت از این دست‌آوردها به ترویج و گسترش حوزه‌ی اختیارات و تاثیرگذاری این قوانین پای بفشاریم. اما همان‌گونه که اشاره شد حسن اجرای این قوانین نیز مانند دیگر مصوبات قانونی قبل از هر چیز مستلزم بوجود آوردن شرایط و

تامین پیش‌نیازهای لازم برای اجرای موثر این قوانین است و همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد تا زمانی که شرایط عدم اجبار به کار و ایجاد چتر حمایتی لازم برای تمام کودکان فراهم نشود و تا زمانی که مادر و پدر تهی‌دست او از حقوق صنفی، انسانی و اجتماعی لازم و نیز برخورداری از حق هم‌اندیشی و عکس‌العمل جمعی به عنوان ابزاری کارآمد در مقابل یغماگری و چپاول زورمندان برخوردار نباشند، صرف تصویب قوانین ممنوعیت کار کودکان نه تنها مانع از کار او نخواهد شد، بلکه موجب می‌شود کودک به دور از چشم بازرسی، به مشاغل پست، مخفی و پرخطری مانند کار در کارگاه‌های مخفی و زیرزمینی و یا کارهای شبانه و یا دیگر انواع بهره‌کشی‌های غیرانسانی در مقابل دستمزدی ناچیز همراه با آسیبی به مراتب بیشتر تن دهد و در این شرایط است که قانونی که قرار بود پناه کودک باشد، خود تبدیل به ابزاری برای بهره‌کشی هر چه بیشتر از او گردیده است.

برای حذف کار کودک چه پیش‌نیازهایی لازم است؟

ما همواره و همه جا می‌شنویم که: کودکان اصلی‌ترین سرمایه‌های ما هستند. به واقع تا چه قدر به آن چه می‌گویند باور دارند؟ اگر برای گندم و نفت به عنوان انواعی از ثروت و یا هر کالای دیگری برای حفظ تعادل در بازار آن‌ها و صیانت از اصل و بهای آن مطالعات و رایزنی‌های فراوان کرده و کارشناسان آزموده و خیره تربیت نموده و برای حفظ آن ثروت‌ها بوروکراسی عریض و طولیلی ایجاد کرده‌اند، برای حفظ کودکان که سرمایه‌های بی‌بدیل ادعایی هستند، چه اقدامی انجام شده است؟؟؟

هر کودک به محض تولد، صرف نظر از این که در کدام خانواده و کدام خواستگاه اجتماعی و طبقاتی متولد می‌گردد و هم‌زمان با اعلام عضویت در محیط کوچک خانواده‌ی خود عضوی است بلاانفصال از نهاد بزرگتر یعنی جامعه. بی‌تردید سعادت یا شقاوت او تأثیری مستقیم و غیرقابل انکار دارد بر سرنوشت جامعه و هیچ عقل سلیمی نمی‌تواند اطمینان حاصل کند که خود و خانواده‌اش برای همیشه از آسیب حتی یک فرد آسیب دیده‌ی موجود در جامعه مصون خواهد ماند و حتماً سرنوشت آن کودک در سرنوشت دیگران و وضعیت دیگران در سرنوشت آن کودک اثر خواهد گذاشت. خلاصه‌ی کلام این که برای حذف کار کودک، به رسمیت شناختن حقوق انسانی و اجتماعی و طبقاتی خانواده‌ی او، باید در دستور کار قرار گرفته و نهاد جامعه خود را موظف بداند برای تمامی کودکان شرایط برخورداری از همه‌ی فرصت‌های لازم برای رشد و بالندگی و زندگی انسانی را تأمین نماید، به نحوی که تنگدستی، بیکاری، مرگ، اعتیاد، عدم آگاهی والدین و هیچ عامل دیگری نتواند سرنوشت یک کودک را از دیگر کودکان متمایز سازد و اگر بخواهیم به مصداق‌های عینی و اجرایی بپردازیم، می‌توان به موارد زیر و تمامی موارد دیگری اشاره نمود که سایر فعالین این حوزه لازم می‌دانند. اولاً: ایجاد نهاد متولی و ناظر بر حقوق کودکان، به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نحوی که بتواند با در دست داشتن ابزارهای اجرایی لازم و کافی، علاوه بر تعریف چشم‌انداز و تدوین برنامه‌های فراسازمانی برای صیانت از حقوق کودکان به مثابه‌ی دیده‌بان و ناظری فرادست، علمکرد تمام سازمان‌های متولی در حوزه‌های مختلف نیازهای کودکان از جمله آموزش، بهداشت، تغذیه، سلامت، امنیت و غیره را رصد نموده و هر زمان که خللی مشاهده نمود، بتواند با استناد به اختیارات تعریف شده‌ی خود تا رفع کامل خلل بوجود آمده، مداخله و موضوع را پیگیری نماید.

دوم: ایجاد بیمه‌ی همگانی، کارآمد و موثر برای تمامی کودکان با در نظر گرفتن پوشش‌های حمایتی کافی به نحوی که کوتاهی یا ناتوانی خانواده حتی المقدور منجر به محرومیت و آسیب کودک نگردد.

سوم: پایبندی دولت‌ها نسبت به امضاء خود و تلاش برای اجرای کامل تعهدات ناشی از برنامه‌ی جهانی "آموزش برای همه EFA" به نحوی که تمامی کودکان بدون هیچ‌گونه منع یا محدودیتی بتوانند به آسانی به آموزش رایگان و با کیفیت دسترسی داشته باشند.

چهارم: توجه و اقدام در حوزه‌ی تأمین و صیانت از حقوق زنان، به عنوان اصلی‌ترین گروه تأثیرگذار بر زندگی کودکان. همه‌ی ما با کمی تأمل به خوبی می‌بینیم هر جا که مادری قوی و کارآمد حضور دارد، آسیب‌های کودک به شدت کاهش می‌یابد و هر جا که مادری در معرض خشونت، بی‌حقوقی، رنج و محرومیت قرار دارد، بی‌تردید کودک او نیز در شرایطی مشابه قرار می‌گیرد و از این رو توجه به حقوق زنان و ایجاد فرصت‌های شغلی، صنفی، اجتماعی و سیاسی لازم برای حضور فعالانه یکایک آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و خانوادگی،

منجر به کارآمدی آنان و در نتیجه تاثیرگذاری بر سرنوشت خود و کودکانشان خواهد شد. پنجم:

ایجاد شرایط لازم برای تامین حقوق صنفی، اجتماعی، مدنی و سیاسی گروه‌های مختلف اجتماعی به ویژه گروه‌های فرودست که قدرت و فرصت فرستادن نماینده به مجلس را ندارند و فراهم نمودن فرصتی که آنان بتوانند با دیگر هم‌صنفان خود هم‌فکری نموده و شرایط خود را تغییر دهند. چرا که تا وقتی پدر خانواده ناگزیر است صرفاً در ازای مزدی بسیار اندک که در بسیاری از موارد حتی کفاف اجاره‌ی خانه‌ی او را نمی‌دهد، روزانه حداقل 15 ساعت را صرف رفت و آمد و حضور در محل کار نماید، دیگر فرصتی برای پرداختن به خود، یادگیری، نشاط و در نتیجه تامین نشاط و ارتقا سطح آگاهی و کارآمدی همسر و فرزندان خود نمی‌یابد و همان‌گونه که تجربه‌ی تاریخی تا کنون همواره ثابت نموده عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر برای زندگی، هرگز کالایی نبوده که بخواهد از سوی گروهی از مدیران جوامع میان گروه‌های فرودست تقسیم گردد و دل بستن به این که جناحی از مدیران با یک تئوری مدیریتی خواهند آمد و عدالت را میان تھی‌دستان تقسیم خواهند نمود، امری است که به جز ائتلاف پرهزینه‌ی زمان و قربانی نمودن سرنوشت زنان و کودکان و پدران خانواده‌های تھی‌دست را در بر نخواهد داشت. بنابراین تلاش و آگاهی و متشکل شدن نیروی کار و گروه‌های فرودست، خود اصل مهم دیگری است که می‌تواند مستقیماً بر سرنوشت کودکان تاثیر گذارد و شرایط عدم اجبار به کار را برای آنان فراهم نماید.

حالا که کار کودک واقعیتی انکارناپذیر است آیا بهتر نیست که نسبت به حقوق کودک کار تلاش کنیم و نسبت به استثمار وحشیانه که با حداقل‌های قابل قبول فاصله‌ی بعیدی دارد از محرومیت مضاعف این کارگران کوچک جلوگیری کنیم؟

اساساً صحبت از حقوق کودک کار، جمع اضداد است. چرا که کودک کار خود نماد بی‌حقوقی کودک است. توجه بفرمایید. "دخالت دادن کودکان در فعالیت‌های اقتصادی که موجب بهره‌کشی، آسیب و محرومیت آنان از ابتدایی‌ترین حقوق طبیعی می‌شود، را کار کودک می‌گوییم" بنابراین محرومیت از حقوق بی‌بدیل و ارزشمند دوران کودکی با هیچ قیمتی قابل جبران نیست، به طوری که حتی در میان طبیعت وحشی نیز این نوع محرومیت برای خردسالان دیده نمی‌شود."

پس، آنجا که کار کودک خود نماد محرومیت کودک از حقوق خود است، نمی‌توانیم صحبت از حقوق کودک کار کنیم. اما چنانچه نظر شما اولویت‌بندی در اقدام است، مناسبانه باید بگویم گریزی از این نیست؛ چرا که افکار جوامع را یک شبه نمی‌توان تغییر داد. از سوی دیگر در انتظار تغییر بنیادین رفع اساسی مشکلات کودکان کار نیز نمی‌توان نشست و به ناچار، در عمل، ناگزیریم به آن چه که از دست‌مان بر می‌آید و یا آن چه را که اجرای آن عملیاتی‌تر است را در اولویت قرار داده و اما برای لحظه‌ای از ریشه‌های اساسی پیدایش کودک کار و ضرورت حل بنیادین آن غافل نشویم.

آیا پیگیری حقوق کودکان کار به معنی به رسمیت شناختن کار کودک و از یاد بردن حقوق عمومی کودکان تلقی نمی‌شود؟

همان‌طور که اشاره شد ما هرگز سخن از حقوق کودکان کار نکرده‌ایم. چرا که اساساً کار کودک را نماد بی‌حقوقی می‌دانیم. به زعم این جانب، آنچه امروز توسط فعالین این حوزه صورت می‌گیرد، حداقل تلاشی است که از دست‌شان برمی‌آید و فکر نمی‌کنم نزد هیچ‌یک از این دوستان، این اقدام به معنای به رسمیت شناختن کار کودک باشد. ضمن این که تا آن جا که می‌دانم و اساساً قابل فهم است تمامی این دوستان می‌دانند که حق کودک یک حق عمومی است. نه تنها هیچ گروهی از کودکان را نمی‌توان در تامین حق از دیگران جدا کرد، بلکه همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره شد، در کلامی وسیع‌تر می‌توان به این نکته اشاره نمود که حق کودک، یک حق فراگروهی است، یعنی تا زمانی که والدین کودک در مناسبات اجتماعی تبعیض‌آمیز و نابرابر توأم با حس حقارت و خودکمترینی تحمیل شده زندگی می‌کنند، چگونه می‌توانند به حقوق کودک خود و رشد و بالندگی او در یک شرایط انسانی و آزاد بیاورند؟ وقتی که پدر در هزارتوی زندگی هرگز نتوانسته فهمی یا تصویری از یک زندگی آزاد، بالنده و بانشاط داشته باشد، چگونه می‌تواند این افق را برای کودک خود ترسیم نماید و حقوقش را ولو این که کودکش ناچار به کار نباشد، تامین و رعایت نماید؟ یا وقتی مادری کتک می‌خورد، تحقیر می‌شود و با تضرع زندگی می‌کند، چگونه می‌تواند فهم درستی از نیاز کودک خود داشته و او را به مثابه‌ی یک انسان آزاد و صاحب اندیشه به رسمیت شناخته و پرورش دهد؟ بنابراین

همان‌گونه که گفته شد نه تنها پیگیری مطالبات گروهی کودکان (کودکان کار) نباید ما را از حقوق عمومی کودکان غافل نماید، بلکه پیگیری نهایی برای تحقق حقوق عمومی کودکان همبستگی بسیار شدیدی دارد با مطرح شدن و تحقق حقوق انسانی، اجتماعی و صنفی همه ی اقشار جامعه و اولویت بخشیدن بخشی از این حقوق هرگز نباید ما را از کلیت مساله غافل نماید.

کودکان کار و کودکان خیابان متعلق به کدام گروه‌های اجتماعی هستند و از چه فرایندها و عواملی آسیب می‌بینند؟

همانطور که اشاره شد، صرف نظر از شدت و نوع آسیب‌ها، کودکان خیابان خود بخشی از جمعیت چند صد میلیونی کودکان کار هستند که متاسفانه در کارگاه‌ها، مزارع، خیابان‌ها، منازل، اسکله‌ها و غیره مشغول به کارند و به طور عمده این کودکان برآمده از خانواده‌های فرودست بوده که به دلیل عدم دسترسی به آموزش و فرصت‌های اقتصادی و شغلی مناسب، معمولاً در مشاغل پست و با درآمدی اندک به کار مشغولند و حتی هر گاه موفق به کسب درآمدی مناسب نیز گردند، به دلیل شدت آسیب‌ها و فقدان مهارت‌های لازم، این درآمد منجر به تغییر شرایط آنان نمی‌گردد. در خصوص فرایند و عوامل آسیب اگر بخواهیم خیلی وسیع صحبت نکنیم، ذکر این نکته که هر روز صبح، هنگامی که کودکی به جای حضور در کلاس درس ناچار در محل کار حضور می‌یابد، از همین نقطه، آسیب به او آغاز می‌شود. بخشی از این آسیب‌ها، آسیب‌های جسمانی است که ناشی از عدم برخورداری از تغذیه مناسب، بهداشت، استراحت و نیز فشارهای جسمانی ناشی از ساعات طولانی کار و یا کار با ابزارهای سنگین و پرخطر می‌باشد و متاسفانه بخش زبان‌بار و پنهان مساله آسیب‌های روانی و فکری کودک در کنار عدم برخورداری از فرصت کسب مهارت‌های لازم برای بزرگسالی می‌باشد.

به عنوان مثال کافی است در نظر بگیریم هنگامی که کودکی در یک مدرسه می‌خواهد ثبت نام کند، حتما رده ی سنی او را در نظر می‌گیرند. و به طور مثال یک کودک هفت ساله را در مدرسه‌ای ثبت نام نمی‌کنند که کودکان 17 ساله درس می‌خوانند. به همین دلیل مقاطع مختلف تحصیلی تعریف و تعیین شده‌اند. پس چگونه است آن جا که کودکی شانزده ساله یا دوازده ساله و حتا ده ساله ناگزیر است در جمع همکاران بالای 30 سال کار کند، هیچ کس مدعی نیست و خوب می‌دانیم که شدت آسیب‌ها در این گونه محیط‌های کاری که معمولاً محیط‌های زیرزمینی و مخفی می‌باشند، تا چه حد بالاست. متاسفانه جامعه و بزرگسالان زمانی از حال کودک با خبر می‌شوند که ناچارند او را اراذل و اوباش بنامند و راهی جز اعدام او پیش روی خود نمی‌یابند.

آیا بزه‌های منتسب به کودکان خیابان واقعی است و در صورت مثبت بودن جواب چه عواملی را در به وجود آمدن آن بزهکاری مقصر دیده‌اید؟

می‌دانیم که کودکان نه از روی تفریح و تفنن و نه از روی لجبازی و دهن کجی به مسوولان یک جامعه راهی بازار کار نمی‌شوند. حضور هر کودک در کار و خیابان نمایش يك نقطه سیاه بی‌پناهی و بی‌حمایتی است. روز آغازین هر کودک مثل تمامی کودکان با خلق و خویی فرشته‌وار و پاک و دنیایی از صمیمیت و سادگی‌ست. آن چه از او به اصطلاح بزهکار می‌سازد شرایط اوست نه ذات و فطرت او. در واقع رفتار او بازتاب هنجار حاکم بر زندگی اوست. این ما هستیم که ناهنجاریم و هنجار او را درک نمی‌کنیم. ابتدا باید از خود بپرسیم به او چه داده ایم که از او انتظار داریم مثل ما حرف بزند، مثل ما فکر کند و مثل ما رفتار نماید. مگر آنچه را که ما فرصت آموختنش را تحت هر شرایطی داشته ایم، او هم داشته است؟ بله ممکن است در شرایطی این کودکان یا بعداً در بزرگسالی مرتکب جرایمی هم بشوند که از منظر عمومی بسیار خشن و غیرانسانی باشد، اما آیا هرگز از خود پرسیده‌ایم که هنگامی که او فقط دخترچه یا پسرچه‌ای بود و با التماس می‌خواست فالی به ما بفروشد، کفش‌هایمان را واکس بزند و یا شیشه‌ی ماشین‌مان را پاک کند، آیا به او و آینده‌اش اندیشیدیم؟ چرا انتظار داریم او به اصطلاح ما بزه نکند؟

برخی روشنفکران، اولیای کودکان و باندها و دسته‌های حرفه‌ای را عامل گسترش کودکان خیابان معرفی می‌کنند و حکم صادر می‌کنند که با حذف این باندهای حرفه‌ای از چرخه‌ی حیات اجتماعی، می‌توان کودک خیابان را به مدرسه فرستاد. چقدر این ارزیابی را درست می‌دانید؟

این سطحی‌ترین برخوردی است که با این پدیده می‌شود. اولاً که مساله‌ی باند‌ها و یا دسته‌های حرفه‌ای، مساله‌ای همسان برای تمامی کشورهای درگیر با مساله کار کودکان نیست. به طور مثال آن چه پیش‌تر در برزیل وجود داشت با آن چه در هندوستان وجود دارد یا با آن چه که در ایران وجود دارد، یک سان نیست. بلکه در مواردی این کودکان متأسفانه به دسته‌ها و باندهای تبهکار می‌پیوندند. اما آن چه همواره بر آن باید تأکید کرد، چرایی نقطه‌ی عزیمت کودک به سمت بزه و آسیب است. می‌دانیم که قطعاً وقتی کودکی از حمایت‌های اجتماعی لازم برخوردار نباشد و جامعه در ابعاد وسیع برنامه‌های کلان خود هیچ تمهیدی برای صیانت از حقوق کودکان خود نپنداشده باشد، طبیعی است که با کمترین خللی که در وضعیت کودک بوجود آید، ممکن است او در ابتدا راهی محیط‌های کار و خیابان گردد و از آن جا که کودکان، چه در قالب مشاغل مشروع و تعریف شده و چه در قالب نیروی کاری مطیع و ارزان قیمت در خدمت بزهکاران زیرزمینی باشند، بهترین طعمه برای سوءاستفاده‌کنندگان از نیروی کار ارزان قیمت‌اند. در واقع این نهاد جامعه است که با کوتاهی نسبت به حمایت از کودک زمینه‌ی سوءاستفاده از او توسط هر کسی را فراهم نموده است و تا زمانی که این کوتاهی و فقدان حمایت اجتماعی از کودک برطرف نگردد، صدها باند هم که از میان بروند، باز هم کسانی پیدا خواهند شد که متقاضی نیروی کار ارزان و برده وار کودکان باشند.

کدام آسیب‌ها را برای کودکان کار و خیابان جبران‌ناپذیر می‌دانید و برای حذف همین آسیب‌ها از زندگی کودکان چه پیشنهادی دارید؟
احساس بی‌پناهی و فقدان حمایت، اولین آسیب به کودکان و نقطه‌ی آغاز تمامی آسیب‌ها و سوءاستفاده‌ها و بهره‌کشی از آنان است و تغییر نگرش و به رسمیت شناختن حقوق آنان و پایبندی به تعهدات و وظایفی که در قبال آنان داریم، می‌تواند نقطه‌ی پایانی باشد بر این بی‌حمایتی. همه باید فارغ از هر گونه تفکر جناحی و گروهی بپذیریم که هر کودک به محض تولد عضوی از جمعیت بیش از 7 میلیاردی روی زمین است و چگونگی شرایط او به همان میزان به سرنوشت این 7 میلیارد نفر تأثیر می‌گذارد.

ریزش آوار جان کارگر 36 ساله را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 29 خرداد 92 آمده است: بعد از ظهر روز گذشته يك کارگر ساختمانی بر اثر ریزش آوار یک ساختمان قدیمی دو طبقه جان خود را از دست داد. به گزارش ایلنا، این حادثه در خیابان ظفر، انتهای خیابان گوی آبادی زمانی رخ داد بودند که در حین تخریب طبقه دوم ساختمان ناگهان بخش‌هایی از سقف طبقه ریزش کرد.

بنا بر این گزارش، آتش نشانان پس از حضور در محل بدن این جوان 35 ساله را از زیر آوار خارج کردند و مرگ وی توسط عوامل اورژانس تأیید شد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه: اعزام رضا شهبانی به بیمارستان

در تاریخ چهارشنبه 29 خرداد 92 رضا شهبانی به علت درد شدید کمر و بی‌حسی بخشی از سمت چپ بدن از زندان اوین به بیمارستان جهت ام‌آر‌آی اعزام گردید. طبق اظهارات همسر رضا شهبانی مشکل جسمی رضا در حدی است که بدون کمک دیگران قادر به راه رفتن نیست.

سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن آرزوی سلامتی برای این عضو هیئت مدیره سندیکا از مسئولین می‌خواهد هر چه زودتر نسبت به آزادی این کارگر زندانی بدون هیچ قید و شرطی اقدام نمایند.

اطلاعیه شماره 55 - رضا شهبانی برای عکسبرداری ام‌آر‌آی از کمر به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد

روز چهارشنبه 29 خردادماه رضا شهبانی در نتیجه‌ی پیگیری‌های مکرر خانواده اش جهت انجام عکسبرداری ام‌آر‌آی از مهره‌های کمر از زندان اوین به بیمارستان شهدای تجریش تهران منتقل شد. پس از انجام

ام.آر.آی و حصول نتیجه، تشخیص ابتدایی تکنسین و متخصص عکسبرداری این بود که مهره های کمر رضا جابجا شده و به دیسک ها فشار می آورد که این امر باعث فشار آمدن به عصب سیاتیک و درد شدید در ناحیه ی کمر و پای چپ می شود که البته این نظر باید توسط پزشک متخصص تأیید شود. بنا بر مشاهدات عینی وضعیت رضا شهبابی به گونه ای بوده است که لنگ لنگان راه می رفته و بدون کمک دیگران قادر به راه رفتن عادی نبوده است.

مشکلات کنونی رضا شهبابی عارضه هایی است که در زمان دستگیری، بازجویی و حبس دچار او شده است و بنا بر نظر پزشکان متخصص توان تحمل حبس را از وی سلب کرده است. کمیته ی دفاع از رضا شهبابی خواستار آزادی فوری این عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از زندان به جهت درمان های اساسی و مستمر مشکلات وخیم جسمی اش است.

کمیته ی دفاع از رضا شهبابی- 26 خرداد 1392
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهبابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

تعطیلی 90 در صد سنگبری ها در همدان

بر پایه خبر سایت ایران کارگر یکی از دست اندرکاران سنگبری در شهرک صنعتی همدان به خبرنگار ایران کارگرفت: وضعیت واحدهای تولیدی و صنعتی بحرانی و خیلی خراب است، بعنوان نمونه 90% از کارگاههای سنگبری در این شهرک تعطیل شده اند، وی در ادامه صحبتهايش گفت در این شهرک 40 کارگاه سنگبری فعال بود، اما در حال حاضر 6-7 سنگبری کار میکند مابقی بدلیل گرانی سنگ، توان تامین مواد اولیه را ندارند تعطیل شده اند.

فرا خوان برای حضور زنان در استادیوم آزادی

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: در حالی که مسئولان اعلام کرده اند، زنان فردا اجازه ی حضور در ورزشگاه آزادی را به منظور شرکت در جشن صعود تیم ملی به جام جهانی نداده اند، برخی از تشکل های زنان، از زنان علاقمند دعوت کرده اند که فردا در استادیوم آزادی حضور یابند...



اخبار روز: فردا از ساعت چهار و نیم بعد از ظهر درهای ورزشگاه آزادی به روی علاقمندان فوتبال باز خواهد شد تا در جشن صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی شرکت کنند. به گفته ی مسئولین حضور بانوان در استادیوم ممنوع خواهد بود. عده ای از تشکل های زنان اعلام کرده اند که فردا برای سهیم شدن در این جشن در استادیوم حضور خواهند یافت.

یکی از پوستره های پخش شده که زنان را دعوت به حضور در استادیوم آزادی کرده است، از سوی سایت «مدرسه ی فمینیستی» ایران است.

خبر فوری

تعدادی از زندانیان سیاسی سالن 12 بند چهار زندان گوهر دشت تصمیم دارند در 3/31 و 1392/4/1 دست به اعتصاب غذای تر بزنند. آنها ضمن اعلام اعتصاب غذای در روز های فوق جهت اعتراض به وضعیت موجود و افزایش روز افزون فشار و اذیت و آزار علیه زندانیان سیاسی از مردم و کلیه نیروها انقلاب و فعال خواسته اند از هر طریقی که می توانند از زندانیان سیاسی حمایت نمایند بخصوص در رابطه با تصمیم اخیر آنها هر چه بیشتر اطلاع رسانی و جلب حمایت نمایند.

پیش به سوی اتحاد بیش‌تر برای فشار بیش‌تر
پیش به سوی اعتراضات گسترده‌تر با شعار
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
1392/3/30

www.chzamani.blogspot.com
freshahrookh@gmail.com

اطلاعیه اتحاد بین المللی در حمایت از اعتصاب کارگران بخش حمل و نقل شهری سوئد

15 سال قرار داد استخدامی موقت در قرن بیست و یکم شرم آور است! در اولین ساعت روز 20 ژوئن 2013، اتحادیه کمونال سوئد مرحله اول اعتصاب کارگران حمل و نقل شهری را آغاز کرد. این اعتصاب در اعتراض به شرایط و افزایش اضطراب کاری، افزایش دستمزد مشابه اتحادیه های کارگری دیگر در سوئد، کاهش کیفیت قرارداد استخدامی، بویژه در مواقع جایجایی کارفرما و صاحب شرکت انجام گرفته است شرایط بد کاری رانندگان بخش اتوبوس و قطار شهری نه فقط کارکنان این بخش را تحت تاثیر منفی قرار می دهد بلکه سطح و کیفیت خدمات ارائه شده به مردم را نیز بشدت پایین می آورد. تاخیر مکرر در جدول ساعات اعلام شده، راننده مضطرب و ناراضی، شقه شقه کردن ریل و سرویس میان شرکت های متعدد و کاهش هزینه های نگهداری و خدمات ریسک سوانح شهری را افزایش می دهد. از همین رو اعتصاب کارگران اتوبوس رانی و قطار سوئد با سمپاتی قلبی عمومی مردم، به عنوان مشتریان این خدمات روبرو است. کنگره کمونال سوئد در 31 مه 2013 با شجاعت حمایت خویش از آزادی کارگران زندانی در ایران اعلام کرد. اتحاد بین المللی ضمن قدردانی از این حمایت پشتیبانی خود را از این اعتصاب اعلام کرده و به سهم خود در جلب همبستگی کارگران و مردم سوئد از این اعتصاب تلاش می کند.

20 ژوئن 2013

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سوئد

اخبار کارگری فلزکار

* امروز مورخ 92/3/29 چهارشنبه رضا شهبابی به علت درد شدید کمر و بی حسی بخشی از سمت چپ بدن از زندان اوین به بیمارستان جهت ام آر ای اعزام گردید. طبق اظهارات همسر رضا شهبابی مشکل جسمی رضا در حدی است که بدون کمک دیگران قادر به راه رفتن نیست بعد از حدود سه ساعت در بیمارستان و معاینات لازم قرار شد تا هفته دیگر جواب ام آر ای را بدهند از طرفی هم همسر شهبابی در تلاش است تا بتواند مسئولان قضائی را متقاعد کند که رضا بتواند از مرخصی پزشکی برای درمان خود بیرون از زندان اقدام کند.

* با توصیه های صندوق بین المللی پول و سرمایه داری انگل تجاری کارخانه جات نیشکرهفت تپه که در خاورمیانه حرف اول را در تولید نیشکر و قند و کمپوست مزد و 7000 کارگر داشت ، امروز با 2000 کارگردر حال فعالیت است.

* کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین که در تملک بانک ملی است 11 ماه حقوق عقب افتاده دارند.

* کارگران دقت خودرو از کارخانه های قطعه سازی ایران خودرو 9 ماه حقوق طلب کارند.

بانک مرکزی: نرخ تورم سالانه فروردین ماه به 32.3 و نرخ تورم نقطه به نقطه فروردین ماه به 42.2 درصد رسید

بانک مرکزی با انتشار آمارهای جدید درباره قیمت ها اعلام کرد: نرخ تورم سالانه فروردین ماه به 32.3 و نرخ تورم نقطه به نقطه فروردین ماه به 42.2 درصد رسید.

بر اساس گزارش پایگاه اینترنتی بانک مرکزی نرخ تورم ۱۲ ماه منتهی به فروردین امسال نسبت به ۱۲ ماه پیش از آن به 32.3 درصد رسید. این نرخ در پایان سال گذشته 30.5 درصد بود. همچنین نرخ تورم نقطه به نقطه فروردین امسال نسبت به فروردین سال قبل با صعود به بالاترین حد در چند سال اخیر، به 42.2 درصد افزایش یافت. بر اساس این گزارش شاخص قیمت کالاها در فروردین امسال نسبت به فروردین سال گذشته ۵۸ درصد و شاخص قیمت خدمات 22.4 درصد افزایش یافت. بر اساس این گزارش شاخص قیمت خوراکی ها و آشامیدنی ها (به عنوان ملموس ترین بخش شاخص قیمت ها) در همین مدت افزایش 57.9 درصدی را نشان می دهد. همچنین گزارش بانک مرکزی نشان دهنده روند افزایشی هزینه های تولید است، چنان که شاخص بهای تولید کننده (شاخص هزینه های تولید) در ۱۲ ماه منتهی به فروردین امسال نسبت به ۱۲ ماه قبل از آن 31.5 درصد افزایش یافت. در همین حال نرخ نقطه به نقطه این شاخص در فروردین امسال نسبت به فروردین سال گذشته 41.1 درصد افزایش یافت. بانک مرکزی همچنین آمار جدیدی درباره قیمت خرده فروشی مواد خوراکی در تهران منتشر کرد. بر اساس این آمار به ترتیب چای، حبوبات و تخم مرغ با افزایش 100.5، 95.9 و 95.6 درصدی در اواخر خرداد نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیشترین افزایش قیمت را داشته است. سبزی های تازه، برنج، روغن نباتی و گوشت قرمز در همین مدت به ترتیب با افزایش ۶۳، 60.7، 58.2 و 53.5 درصدی مواجه بوده است. مرغ، میوه های تازه، قند و شکر و لبنیات به ترتیب با افزایش 9.3، 34.2، 40.5 و 43.4 درصد کمترین افزایش قیمت را در بین مواد خوراکی در تهران داشته است.

منبع: خراسان

مصدومیت شدید ۲ کارگر جوان در پی سقوط از اسکلت ساختمان در حال احداث

به گزارش خراسان، ۲ جوشکار جوان هنگام کار بر روی نمای اسکلت ساختمانی دچار حادثه شدند و توسط نیروهای امدادی به مرکز درمانی منتقل شدند. مدیر حوزه یک آتش نشانی مشهد در توضیح این خبر افزود: روز گذشته هنگامی که کارگر جوان در حال سقوط از اسکلت ساختمانی بود، کارگر دیگر قصد کمک به او را داشت که او نیز سقوط کرد. مهدی رضایی افزود: پس از اعلام این حادثه ماموران امداد و نجات آتش نشانی بلافاصله به محل حادثه در بلوار وکیل آباد اعزام شدند. وی افزود: ماموران کارگران را که از ناحیه کمر، دست و پا دچار شکستگی شده بودند با استفاده از وسایل امدادی از محیط نامناسب کارگاه ساختمانی خارج و به ماموران اورژانس حاضر در محل برای اعزام به مراکز درمانی تحویل دادند.

بیانیه 84

اذیت و آزار شاهرخ زمانی ادامه دارد

در ادامه آزار و اذیت زندانیان سیاسی شاهرخ زمانی فعال کارگری در تاریخ 26 خرداد به علت اجبار پوشیدن لباس زندان و زدن پابند از رفتن به دادگاه خودداری نمود. ضمن محکوم کردن اعمال ضد انسانی و غیر قانونی مسئولین زندان لازم به یادآوری است دادگاه فرمایشی جدیدی در پی پرونده سازی اداره اطلاعات تبریز علیه شاهرخ زمانی با اتهام "توهین به رهبری" که نقل و نبات مشترک همه ی پرونده های دروغین علیه زندانیان سیاسی است و ظاهراً "رهبری به هیچ کاری و بدر نمی خورد جز استفاده برای محکوم کردن انسانها"، ساخته شده است این اداره از دو نفر جاسوس و خبرچین به نامهای امیر روشنی و نادر الله دری که جرم نامبردگان عبارت است: اولی اسید پاشی به صورت زنی و دومی تجاوز به همسر مالباخته مقابل چشمان او در حین سرقت مسلحانه است، اداره اطلاعات و دیگر ماموران و نهاد های جمهوری اسلامی طبق روال عمومی و عرف این نظام برای پیش برد اهداف ضد انسانی خود و پرونده سازی علیه زندانیان از چنین افرادی استفاده کرده و آنها را با وعده و وعید و تهدید وادار به دروغ گویی و ... میکنند .

متن نامه اخیر شاهرخ زمانی به مسئولین زندان به صورت زیر است :

جهت اطلاع مسئولین به طوری که قبلاً" نیز طی نامه ای در روز 27 متذکر شده ام به علت برخورد غیر قانونی، غیر انسانی، خودسرانه و غیر قانونی بودن شکنجه که اعمال رئیس و مسئولان زندان رجایی شهر از جمله ضرب و شتم زندانیان سیاسی و پوشاندن لباسهای غیربهداشتی که موجب بیماریهای گال و دیگر بیماریهای

واگیردار همچنین شپش زدگی می شود و ادامه اینکه وقاحت و بی شرمی را به جای رساندند که هر روز برای پنهان کردن اعمال خودمانند وارد و پخش مواد مخدر در زندان را می خواهند با لخت مادرزاد کردن زندانی هنگام وارد شدن به زندان پوشش بدهند و من با توجه به موارد فوق از رفتن به دادگاه خودداری می کنم . در کنار دهها حق و حقوق ضایع شده زندانی در این زندان جهنمی بدون هواخوری ، فضای مناسب زندگی ، مرخصی ، تلفن ، تغذیه با سویای حیوانی و ندادن ملاقات حضوری توسط مسئولین زندان رجایی شهر توجه همه از جمله نهادهای داخلی و خارجی و مدافع حقوق انسانها را به این موارد جلب می کنم :

اصل 39 قانون اساسی : هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر ، بازداشت ، زندانی یا تیرئه شده باشد به هرصورت ممنوع بوده و خاطی باید مجازات شود .

تبصره ماده 235 آیین نامه زندانها : استفاده از دستبند در مواقع اعزام برای محکومان مجاز نیست مگر در موارد ضرورت .

حالا همه قضاوت کنید که قانون مصوب خود را نیز زیر پا می گذارند در ماده فوق و دیگر مواد قانونی فقط دستبند را نام برده است آن هم در صورت لزوم و از پابند و لباس اجباری و دیگر موارد که مسئولین زندان به صورت سلیقه ی و من در آوردی به زندانیان تحمیل می کنند هیچ اسمی برده نمی شود . بنا براین غیر قانونی است ، اعمال مسئولین زندان رجایی شهر نفی قانون خودشان است .

لازم به یاد اوری است که طی سه روز گذشته شاهرخ زمانی تحت فشار برای اعزام به دادگاه است و او به دلیل غیر قانونی و ضد انسانی بودن اعمال رئیس زندان (مردانی) و دیگر مسئولان زندان از رفتن به دادگاه با شرایط غیر قانونی مقاومت می ورزد در مقابل مسئولین زندان به اعمال ضد قانونی خود ادامه داده و او را مورد ضرب و شتم قرار می دهند . همچنین شاهرخ را به عنوان تنبیه به انفرادی فرستاده بودند با اعتراضات دیگر زندانیان سیاسی مجبور شدند به بند بر گردانند، در همین حال او را رئیس زندان رو در رو تهدید به ادامه و افزایش شدت اعمال ضد انسانی و غیر قانونی و حتی شکنجه نموده است . برای نجات شاهرخ از فشار های اخیر لازم است نیروهای انقلابی ، نهادهای مدافع حقوق انسانی و تشکل های داخلی و جهانی هر چه بیشتر و مشخص تر دست به اعتراضات گسترده و متحدانه بزنند بخصوص در اعتراضات 20 و 26 ژوئن فشار به شاهرخ زمانی بیشتر پوشش داده شود در این صورت می توانیم از جان و حقوق این زندانی مقاوم و مبارز دفاع کنیم.

مشخصاً " مردانی رئیس زندان گوهر دشت باید مورد اعتراض شدید و افشا قرار بگیرد

ما از تمامی فعالین و نهاد ها و تشکیلات های موجود می خواهیم در مقطع کنونی و برای نجات شاهرخ از وضعیت گفته شده اعتراضات منظم و گسترده ای را سازماندهی کنند و در این جهت از روابط و کمک های بین المللی خود که به دلیل مناسبت های 20 و 26 ژوئن آمادگی بالفعلی دارند بیشتر استفاده کنند.

پیش به سوی اتحاد پیش تر برای فشار پیش تر
پیش به سوی اعتراضات گسترده تر با شعار
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/3/30

www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

در تهران رخ داد:

مسمومیت سه کارگر ساختمانی بر اثر مصرف غذای آلوده

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 خرداد 92 آمده است : تعداد سه کارگر ساختمانی که بر اثر مصرف غذای آلوده در خیابان مدنی تهران دچار مسمومیت غذایی شده بودند نجات یافتند.

به گزارش ایلنا، سه کارگر ساختمانی که در یک ساختمان در حال ساخت بر اثر مصرف مواد غذایی آلوده دچار مسمومیت شدید شده بودند با اطلاع عوامل اورژانس نجات یافته و به بیمارستان الغدیر انتقال یافتند.

بر اساس این گزارش، این کارگران که شب گذشته پس از استفاده از غذایی که فردی ناشناس به آنان داده بود دچار خواب آلودگی و کاهش هوشیاری شده بودند، با تماس نگرهبان ساختمان به عوامل اورژانس نجات یافتند.

احتمال می‌رود مسمومیت کارگران و بیهوش کردن آنان برای سرقت لوازم موجود در ساختمان نیمه کاره بوده باشد.

پایان پیام

انکار بازنشستگان معترض توسط مدیریت جدید بیمه دی / گزارش خبری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 خرداد 92 آمده است: در حالی که همه روزه صدها نفر از کارگران بازنشسته‌ی سراسر کشور با مراجعه به دفتر کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی یا مراکز درمانی، نسبت به عدم دریافت هزینه‌ی درمان سال گذشته‌ی خود معترضند، روز گذشته «مرتضی علی حسینی» مدیر عامل جدید «بیمه دی» از تسویه بدهی‌های بیمه تکمیلی به مستمری بگیران تا آخر سال 91 خبر داد.

به گزارش ایلنا، آقای علی حسینی که شرکت متبوعش طرف قرارداد بیمه تکمیلی بازنشستگان تأمین اجتماعی است گفت: بدهی‌های بیمه تکمیلی به مستمری بگیران تا آخر سال گذشته تسویه شده و از اردیبهشت ماه نیز به صورت دیجیتال به حساب آن‌ها واریز می‌شود. وی در ادامه علت برکناری مدیرعامل و هیات مدیره سابق شرکت بیمه دی را پاسخگو نبودن آنان به بازنشستگان اعلام کرد.

اما بسیاری از بازنشستگان معتقدند از زمان برکناری مدیر عامل سابق بیمه دی، بهبودی در روند خدمات این شرکت به کارگران بازنشسته ایجاد نشده است.

عدم پاسخگویی و بدتر از آن، انکار صدها بازنشسته و مستمری بگیر تأمین اجتماعی که به دنبال دریافت هزینه‌های درمان خود از بیمه‌ی دی هستند به معنای در پیش گرفتن رویه سابق این بیمه توسط مدیر عامل و هیات مدیره جدید است.

مدیر عامل بیمه‌ی دی در بخشی از سخنانش به قطع شدن کارت اعتباری بانک دی که به بازنشستگان ارائه شده بود تا هزینه بیمه تکمیلی به آن کارت‌ها واریز شود اشاره کرد و مدعی شد «به درخواست خود بازنشستگان، این کارت‌ها را حذف کرده‌ایم و مقرر شد هزینه‌های درمان مستقیماً به حساب بازنشستگان که در بانک رفاه است واریز شود».

این همه در شرایطی است که بیمه‌ی دی از طریق بازنشستگان، بزرگترین تبلیغات را با کمترین هزینه‌ی ممکن برای بانک دی انجام داد. شعبه‌های بانک دی، مبلغی را به منظور صدور کارت از بازنشستگان دریافت می‌کردند تا به حسابشان واریز کنند. حال علت حذف کارت‌های اعتباری بانک دی برای بسیاری از بازنشستگان، سوال ایجاد کرده است.

به نظر می‌رسد کارگران بازنشسته‌ی تأمین اجتماعی، صحبت‌ها و وعده‌های دیروز مدیر عامل بیمه‌ی دی را در حالی که تغییری ملموس در رویه این شرکت بیمه اتفاق نیافتاده است تبلیغی برای شرکت در دور جدید مناقصات کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی با شرکت‌های بیمه ارزیابی کنند.

هر چند با توجه به سابقه يك ساله این شرکت بیمه‌گزار، در صورتی که معجزه‌ای رخ ندهد بعید است بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی زیر بار قرارداد جدیدی میان کانون عالی شان و این شرکت بیمه بروند.

پایان پیام

چهار گزارش از زندان رجایی شهر،

این کشتارگاه تدریجی ۲۵۰ زندانی عقیدتی- سیاسی



۱- نامق محمودی، پیرمرد مبارز گرد، که بیش از ۱۵ ماه است علی رغم عدم ارتکاب هیچ جرمی، هم چنان بدون توجیه و تفهیم اتهام در بازداشت غیر قانونی به سر می برد، اوایل خرداد هنگام اعزام به بیمارستان، توسط ماموری به نام مهدی مختاری فر به دستور مردانی، رئیس زندان، مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفت و در همان روزها نسبت به این مسئله شکایت نمود و در روزهای ۱۰ و ۱۱ خرداد از طرف حفاظت و حراست زندان مورد بازجویی برای پرونده سازی قرار گرفت. در حکومت امام زمان جای متهم و شاکی عوض شده است. نامق محمودی که هم از مردانی رئیس زندان به علت اتهام دروغ داشتن ۲۵ کیلو بمب و هم از مهدی مختاری فرد به

علت ضرب و شتم خود و بستری شدن ۲ روزه پیامد آن در بهداری زندان شاکی بود؛ او رسماً شکایت کرده و شکایت مکتوب خود را به مسئولین داده است. اما آنان به جای رسیدگی، علیه وی پرونده سازی می کنند. هم چنین یکی دیگر از زندانیان سیاسی که پیش از دستگیری در بیمارستان میلاد تهران وقت پزشکی داشته است، با ممانعت اداره اطلاعات و مسئولین زندان رجایی شهر از انتقال او به بیمارستان جلوگیری شده و عملاً در معرض کوری اجباری قرار دارد.

0- سومین مراسم سالگرد هدی صابر و عزت الله سبحانی در پانزده خرداد در بند ۱۲ سیاسی در ساعت ۹:۳۰ شب برگزار شد. اصلاح طلبان حکومتی که فعلاً مورد غضب پدر ولایتی خود قرار دارند، ضمن تعریف خاطرات خود از جانب‌باختگان خودشان، آقایان صمیمی، باستانی و فیض زاده بیشتر از آن که به تحلیل ابعاد شخصیت و افکار جان باختگان بپردازند، به ارائه بحث خود پرداختند. شاهرخ زمانی که از دو روز قبل قول ارائه مقاله ای در مورد شهدای کل تاریخ در آن مراسم را گرفته بود، تنها دو ساعت مانده به مراسم مطلع شد که زمان مراسم محدود بوده و او نمی تواند مقاله را بخواند. آنان به شاهرخ زمانی اجازه ندادند که مقاله اش را بخواند در حالی که مراسم نزدیک به دو ساعت طول کشید و آقایان فرصت کردند به بزرگ نمایی خود و نمایش کیش شخصیت پرستی خود بپردازند بدون آن که کوچکترین اشاره ای به ابعاد جنایات بنمایند.

برخلاف تعریف و تمجید این وردستان ولایت فقیه، شاهرخ زمانی در مقاله مذکور با توضیح ماهیت مبارزه و علل واقعی سرکوب و مقام شهدای تاریخ، مردم و مبارزین را دعوت به ادامه مبارزه برای آرمان های آن ها نموده بود. این مقاله با سخن همیشه جاوید خسرو روزبه شروع می شد که "نمیرم و نمیرند کسانی که ره خلق بگیرند." وی ضمن تحلیل این که تاریخ، تاریخ مبارزه طبقاتی بین ظالم و مظلوم بوده و به قول مارکس انقلاب لوکوموتیو

حرکت و تکامل تاریخی می‌باشد، به نقش شهدا به عنوان سمبل و اسطوره مقاومت، آگاهی و تشکیل و مبارزه مردم برای رهایی از ستم و استثمار تاکید نموده و به نمونه‌های تاریخی از اسپار تاکوس و مبارزین ضد برده داری، ژاندارک و زاپاتا و مبارزین ضد فئودالیسم، تا چه گوارا، جو هیل، روزا لوکزامبورگ، و تمام شهدای مبارزه ضد سرمایه داری اشاراتی را آورده بود. وی هم چنین بر شهدای تاریخی ایران از مزدک و بابک خرمدین تا دوره پهلوی، ارانی، روزبه، جزنی، همایون کتیرایی تا دوره ولایت خونین فقیه، ده‌ها هزار شهید مبارز و سوسیالیست از جمله سعید سلطان پور، اسماعیل یگانه دوست، علیرضا شکوهی، خدیجه ارفع، علیرضا سیاسی آشتیانی، صارمی و فرزاد کمانگر و حجت اشاره کرده و بر استقلال راه آن‌ها تاکید نموده بود. این مقاله توضیح داده است که بدون خنثا کردن و افشای ماهیت فریب و سازشکاری و دودلی مصلحین اجتماعی و اصلاح‌طلبان هیچ انقلابی به سرانجام نمی‌رسد و اگر بشریت ستمکش به گفته این وردستان استبداد و بهره‌کشی، تمکین کرده و از مبارزات رادیکال و انقلابی دوری می‌کردند، ما هنوز در نظام برده داری در جا می‌زدیم.

به دنبال این برخورد و عدم اجازه به خواننده شدن مقاله، توسط هم دستان ولایت فقیه و به اصطلاح اصلاح‌طلبان، عده‌ای از مبارزین از جمله خالد حردانی رزمنده مبارز خلق عرب و شاهرخ زمانی مراسم را تحریم کردند. اما متأسفانه علی‌رغم تحریم مراسم سالگرد شهادت علی صارمی و بزرگداشت روز کارگر، اول ماه مه، اصلاح‌طلبان کمکی و دوستان مجاهد در این مراسم شرکت کرده و محمد امیرخیزی ابتدا با خواندن قرآن مراسم را افتتاح کرد و در پایان مراسم و اختتام، احمد زیاد آبادی مغز متفکر اصلاح‌طلب‌ها در نقد و توضیح این که چرا به آن‌ها می‌گویند ملی مذهبی، در مورد مذهب صحبت کرد، و ضمن چراغ سبز کامل به رژیم جنایتکار و دفاع از مذهب در اشکال گوناگون گفت که مذهب عامل وحدت اجتماعی و سلامت اخلاقی در خلأ جامعه مدرن می‌باشد که بر پیوند مشترک این کاسه لیسان با ولایت فقیه صحنه گذشت.

توضیحات ایشان در توجیه حکومت مذهبی و فاشیستی دینی در پایان با دعا و آرزوی قرین رحمت و محشور شدن جانب‌باختگان با ائمه اطهار و شهدای اسلام و انبیا توسط ایشان پایان یافت. باید ذکر کرد که زیادآبادی در اواخر سال گذشته که در مرخصی به سر می‌برد چنین سخنان گوهر باری را در دوره مرخصی فرموده بود که مورد ستایش ستون ویژه کیهان یعنی از زبان کرباسچی شده بود (منظور مقاله ای است که گفته های غلامحسین کرباسچی را در روز نامه کیهان مورخ 1391/11/1 ستون ویژه با کد خبری 19089 چاپ کرده است و از مطالبه آزادی زندانیان سیاسی صرف نظر کردند تا بتوانند در کنار اصول گرایان امکان همکاری داشته باشند که زید آبادی نیز موارد کاملاً مشابه را بیان کرده است که نشان می‌دهد اصلاح طلبان به صورت متمرکز و سازمان یافته اقدام به سازش کرده و می‌کنند.)

3- قتل و ارباب و تهدید به مرگ و پرونده سازی علیه انقلابیون همچنان ادامه دارد. خالد حردانی تهدید به مرگ شد. زندان رجایی شهر به عنوان محل مرگ تدریجی و تبعیدگاه انقلابی ترین، مقاوم ترین و مبارزترین انسان ها از سراسر ایران دارای ۲۵۰ نفر زندانی عقیدتی، سیاسی با ۲۸ اعدامی از جمله دانیال و لقمان و شهرام احمدی و نزدیک به ۶۰ نفر با حکم حبس ابد و الباقی با حبس‌های طویل‌المدت از ۱۰ تا ۷۰ سال می‌باشد. این زندان نسبت به زندان های دیگر از کوچک ترین امکانات قانونی مصوب خود رژیم نیز محروم می‌باشد؛ از جمله هواخوری دو ساعت و نیمه به جای ۱۲ ساعت، فضای زندگی ۲ متری به جای ۱۵ متر، تغذیه با سوغای غیر قانونی، نبود کامل بهداشت و درمان به صورتی که در هر ماه ۱۸ نفر در این زندان می‌میرند. نبود کامل مرخصی، نبود کار در زندان و بیرون و ملاقات حضوری، نبود تلفن، و آزادی های موردی و مشروط عمومی، تهدید، توهین و شکنجه روحی و جسمی؛ که شامل قرار دادن زندانیان به شکل کاملاً عربان در مقابل ۲ دوربین به هنگام ورود به زندان از دادگاه یا بیمارستان، زدن غیر قانونی پای بند و پوشاندن لباس اجباری می‌باشد. در چنین محیطی می‌خواهند زندانیانی با حبس‌های طویل‌المدت را بکشند. خالد حردانی مبارز دلیر خلق عرب دارای حکم حبس ابد، به مدت ۱۴ سال است که تحت جهنمی‌ترین اوضاع ممکن در بدترین شرایط و تحت شکنجه‌های روحی و جسمی مثل کوه استوار مقاومت و پایداری می‌کند. اداره جهنمی اطلاعات این ماشین آدم‌کشی ولایت قرون وسطایی فقها، این دشمن قسم خورده مردم پس از دادن حکم‌های سنگین توسط مهره‌های ددمنشی به نام قاضی در دادگاه‌های فرمایشی، دست از سر زندانیان سیاسی برنمی‌دارند. آنان مبارزینی تسلیم‌ناپذیر مانند حردانی از اهواز، ارزنگ داودی از تهران، شاهرخ زمانی از آذربایجان و ناصر یوسفی از کردستان را با تهدید و پرونده سازی و انداختن به بدترین سلول‌های انفرادی، مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند. خالد (حردانی) چندین بار حکم سفارشی این اداره را گرفته است. وی در روز ۱۳ خرداد ساعت ۱۴ عصر توسط اداره اطلاعات به بند سپاه فرا خوانده شد و

تهدید به دادن حکم اعدام و حذف فیزیکی شد. به علت ماهیت جنایتکارانه این اداره که کشتن علیرضا کرمی خیر آبادی و علی شهبازی در ۲ ماه اخیر رادر سابقه خود دارد.

ما از تمامی نهادهای حقوق بشری و مردم آزادیخواه جهان می‌خواهیم جمهوری اسلامی را به صورت عملی مورد محکومیت قرار دهند و از کارگران و زحمتکشان می‌خواهیم علیه اعدام و شکنجه برای آزادی زندانیان سیاسی بپا خیزند.

4- گزارش جلسه عمومی بند ۱۲ سیاسی زندان رجایی شهر:

روز ۱۵ خرداد شب ساعت ۹، مجمع عمومی به درخواست عده‌ای از اعضا و جهت رسیدگی به مسئله فروشگاه، مسئله حسینی و مسئله پابند و لباس اجباری تشکیل شد. حمید برهانی ضمن توضیح حساب‌ها، به شدت از شورا به جهت ضرب و شصت نامق محمودی توسط مامور مهدی مختاری فر به دستور مردانی و عدم دفاع شورا از وی انتقاد کرد. در مورد پابند و لباس اجباری، اکثریت نزدیک به مطلق زندانیان اتفاق نظر داشتند که همگی باید به هر قیمتی با پوشیدن لباس اجباری مخالفت کرده و از پوشیدن آن خودداری کنند. ناصر یوسفی نیز گفت که علی رغم داشتن عمل ضروری، ولی در احترام به نظر جمع از رفتن به بیمارستان خودداری نموده است تا مجبور به پوشیدن لباس اجباری نشود و در ملاقات حضوری با مردانی (رئیس زندان)، مردانی به وی گفته است که پابند را شما نزنید، کی بزند؟ لباس اجباری را شما نپوشید، کی بپوشد؟ این جا هم اصلاح‌طلبان حکومتی به داد مردانی رئیس زندان رسیدند. زیدآبادی و مسعود باستانی به حمایت از قانونی بودن اقدام زندانبانان، این مسئله را شخصی تلقی کردند. زیدآبادی تاکید کرد که مقامات در رابطه با پابند و لباس اجباری تا حالا هر چه فرمان داده‌اند، وی تن داده است. مسئله حسینی از ۶ ماه قبل از آن جا شروع شد که به علت فضای تنگ و نمود در سلول‌های انفرادی که فقط ۲ نفر در این سلول‌های انفرادی زندگی می‌کنند، زندانیان خواستند که این قسمت به نام حسینی در آخر بند ۱۲، به این بند اضافه و ضمیمه بشود که با اعتصاب غذای یک روزه در آن زمان، یعنی ۶ ماه قبل، مدیریت زندان بلافاصله عقب‌نشینی کرد و قول داد آن را در عرض ۲ ماه عملی کند، ولی به علت مماشات و سازش کاری اعضای شورا، مخصوصا لیبرال‌های وطنی در آن وعده کوتاهی کرده و با وعده سرخرمن ۶ تن از شورا را فریب دادند. اکثریت زندانیان از مماشات و سازش کاری شورا انتقاد کرده و یکی از دوستان تاکید کرد اگر با وعده و وعید است، این ها ۴ سال است که قول داده‌اند که تلفن بدهند ولی تا حالا خبری نشده است. همه به این نتیجه رسیدند که اگر مسئولین زندان به شورا جواب رد بدهند و امروز و فردا بکنند، ۲۰ تا ۳۰ نفر دسته جمعی به بالا پیش مسئولین رفته و قاطعانه با آن‌ها برخورد کنند. در مقابل این پیشنهاد واحد (قاطع)، اصلاح‌طلبان حکومتی بر سیاست مماشات تاکید کردند. آقای زیدآبادی در مقابل سیاست واحد جمعی زندانیان فرمودند هر چه به ما می‌گویید، بگویید، ما اصلاح‌طلب هستیم. اگر ۹۹،۹ درصد از رژیم فاسد و سرکوبگر باشند، باز هم ما طرفدار اصلاح رژیم هستیم. خالد حردانی ضمن حمله شدید به سازشکاری اصلاح‌طلبان، همچنان تاکید کرد که بدون مبارزه و اتحاد کاری از پیش نخواهیم برد و همه را به اتحاد و همکاری دعوت کرد. رسول بداعی، از کانون صنفی معلمان نیز ضمن حمله شدید به اصلاح‌طلبان گفت، من طرفدار برخورد انقلابی و قاطع مثل موسوی و کروبی هستم.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1392/3/30

پیش به سوی اتحاد بیش‌تر برای فشار بیش‌تر
پیش به سوی اعتراضات گسترده‌تر با شعار
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

www.chzamani.blogspot.com

freshahrookh@gmail.com

نایب رییس اتحادیه چای شمال در گفتگو با ایلنا:
کشاورزان بین کارخانه و سازمان چای پاسکاری می‌شوند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 30 خرداد 92 آمده است: نایب رییس اتحادیه چای کاران اعلام کرد: با شروع چین دوم برگ سبز چای و علی‌رغم قول های استاندار گیلان در خصوص پرداخت سریع مطالبات چای کاران، کشاورزان همچنان بین کارخانه و سازمان چای «پاسکاری» می‌شوند.

«پرویز شعبانی» در گفت و گو با خبرنگار ایلنا در خصوص «روش عجیب پرداخت مطالبات چای کاران» اظهار داشت: سازمان چای مقداری از پول پس اندازش را به پولی که هر 3، 2 روز در میان از کارخانه‌ها می‌گیرد می‌افزاید و مبلغی را برای امرار معاش به چایکاران می‌پردازد. وی با اشاره به مذاکره نماینده املش در مجلس با استاندار گیلان، اظهار داشت: معاون اول رییس جمهور قول واریز 30 میلیارد تومان از 60 میلیاردی که قرار است به صنعت اختصاص یابد را تا اول تیر ماه داده است که در صورت تحقق این وعده حداقل مطالبات بهار چایکاران پرداخت می‌شود.

شعبانی افزود: در حالی که بهای برگ سبز درجه یک چای 1200 تومان و برگ سبز درجه دو 650 تومان تصویب شده است اما هنوز پرداختی به چایکاران با قیمت قبل یعنی 900 تومان و 500 تومان است و پرداخت با قیمت های جدید صورت نمی‌گیرد.

پایان پیام

کارگران اداره راه لنده 9 ماه بدون حقوق

به گزارش 31 خرداد فارس، قریب به 9 ماه است که حقوق و مزایای کارگران (طرح پیمانکاران) اداره راه لنده پرداخت نشده است.

براساس این گزارش، کارگران اداره راه لنده که از طریق پیمانکاران جهت انجام امور در اداره راه به کارگیری شدند قریب به 9 ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکردند. یکی از کارگران، با بیان این‌که ما نیروهای پیمانکاران در اداره راه می‌باشیم افزود: هیچ‌گونه مزایا و خدماتی از مهر ماه گذشته تاکنون به ما تعلق نگرفته است. وی افزود: حتی پاداش و عیدی که به سایر کارگران پرداخت شده برای ما لحاظ نشده است.

یک فعال کارگری در شهرستان ری: دولت یازدهم سه جانبه گرایی را به شورای تعیین مزد بازگرداند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 31 خرداد 92 آمده است: یک فعال کارگری در شهرستان ری با تاکید بر ناکارآمدی ساز و کار تعیین مزد، خطاب به رئیس دولت یازدهم گفت: اگر مکانیزم تعیین دستمزد کارگران با رجعت به اصل سه جانبه گرایی اصلاح نشود، مشکلات معیشتی کارگران همچنان باقی خواهد ماند و موفقیتی در زمینه ارتقاء تولید و رونق اقتصادی حاصل نمی‌شود.

علی ترکاشوند، دبیر خانه کارگر شهرستان ری در این باره به ایلنا گفت: دولت دهم با ایجاد تغییر در ترکیب اعضای شورای عالی کار و افزودن دو نماینده به جمع نمایندگان دولتی، عالی ترین نهاد سه جانبه (دولت، کارگر، کارفرما) کشور را به شورایی که دولت به نسبت دو شریک اجتماعی اش اکثریت آراء را در اختیار دارد تبدیل کرده است. این فعال کارگری در شهرستان ری، اجرای دقیق اصل سه جانبه گرایی در قوانین کار و تامین اجتماعی را از مهمترین خواسته‌های جامعه کارگری از دولت جدید خواند و گفت: امیدواریم دولت جدید در راستای واقعی کردن دستمزد در سریع‌ترین زمان ممکن پس از استقرار ترکیب شورای عالی کار را به روال قانونی سابق بازگرداند.

پایان پیام

